



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

علم مفاهیم شناسی
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصغرنانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و چهارم- حرف ک
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۲۴	کاتب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۶	کاخ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۵	کار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۴	کارگر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۸	کارگزاران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۰	کاروان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۶	کافر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۵۲۶	کتابت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۵۴۸	کتب آسمانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۷۹۰	کتمان حق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۸۳۵	کرامت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۸۶۴	کری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۸۷۵	کشاورزی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۸۹۲	کشتزار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۹۰۰	کشتی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۹۹۳	کشیشان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۹۹۷	کعبه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۰۷۰	کناره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۱۰۹	کنالت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۱۲۲	کنایت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

۳۱۲۸	کفر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۸۶۶	کفران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۱۰۷	کلاغ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۱۱۱	کلمه الله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۱۱۸	کم فروشی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۱۳۸	کمال از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۱۸۷	کمبود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۲۰۰	کنترل اجتماعی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۲۱۲	کنز از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۲۱۴	کنیز از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۲۳۸	کودک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۲۶۸	کور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۳۲۱	کوه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۵۱۶	کهنانت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۵۱۹	کیفر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۴۷۵	کینه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۴۹۴	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و چهارم - حرف ک / رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی : ۱۳۹۰۲۵۷۷۴ ۳۷۲/۲۱

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است . که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف، هدف،

فایده، پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: ۱) مبانی تفسیر؛ ۲) قواعد تفسیر؛ ۳) منابع تفسیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنج‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش‌های تفسیری؛ ۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانش‌های نوین زبان‌شناسی است می‌باشد. زبان‌شناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبان‌شناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک

و متودولوژی می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را بر اساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن بر اساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این زمینه

مراکز قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله

بینات شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصورات اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن را

در منظومه این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مینا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش

آن در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه در حیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم و اعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن و

صدها نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست و

یکم سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه

فرو فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هر آیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانی که خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات

است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتنای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبانی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت

بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآوردند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف

آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلاّی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فروبسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق

ظاهر که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل در آوردن استعداد های معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکان پذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ پردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) - وجود

لفظی (علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مباحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می کند

و حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر بخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی و

کسانیکه می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

کتاب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کاتب

خیانت کاتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۵،۴۹

۴۵ حرمت زیان رساندن و خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، بر طرفین قرارداد

و لا یضارّ کاتب و لا شهید

در صورتی که <لا- یضارّ> معلوم باشد و نه مجهول، متعلق آن، متعاملین خواهند بود. یعنی: لا- یضارّ کاتب و لا- شهید المتبایعین.

۴۹ خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفاعلوا فانه فسوق بکم

بر مبنای معلوم بودن <لا یضار>

شرایط کاتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۵۳

۵۳ لزوم رعایت تقوای الهی از جانب نویسنده ، گواهان و طرفین قرارداد ها و مبادلات

اذا تداینتم .. و لا یأب کاتب ... و استشهدوا شهیدین ... و اتقوا الله

متعاملین، کاتب و گواه در مبادلات، از مصادیق مورد نظر در خطاب <واتقوا الله> می باشند.

مسئولیت کاتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۵۳

۵۳ لزوم رعایت تقوای الهی از جانب نویسنده، گواهان و طرفین قراردادها و مبادلات

اذا تداینتم... و لا یأب کاتب... و استشهدوا شهیدین... و اتقوا الله

متعاملین، کاتب و گواه در مبادلات، از مصادیق مورد نظر در خطاب <واتقوا الله> می باشند.

نقش ملائکه کاتب عمل

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۱۵،۱۶

۱۵ اعمال انسان ها توسط فرشتگان مراقب ، ثبت می شود .

إن رسلنا یکتبون ما تمکرون

۱۶ فرشتگان مراقب اعمالِ مردمان ، از نوشتن هیچ عملی هر چند که کوچک و اندک باشد فرو گذاری نمی کنند .

إن رسلنا یکتبون ما تمکرون

کلمه <ما> در <ما تمکرون> افاده عموم می کند.

کاخ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کاخ

احضار دایه ها به کاخ فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۱

۱ - احضار دایگان به کاخ فرعون ، برای شیر دادن به موسی (ع)

و حرّمنا علیه المراضع من قبل فقالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم

ارزش های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۷

۷ باغ ها و قصر های بهشتی در قیامت ، بهتر از نوع دنیایی آنها است .

إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّت .. و یجعل لک قصورًا

ارزش های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۷

۷ باغ ها و قصر های بهشتی در قیامت ، بهتر از نوع دنیایی آنها است .

إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ .. وَيَجْعَلُ لَكَ قَصْرًا

امکان کاخ برای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۵

۵ خداوند ، توانا بر مهتیا ساختن قصرهایی با عظمت برای پیامبر (ص) به

مراتب بهتر از آنچه که مشرکان توقع آن را برای پیامبر (ص) داشتند .

تبارک الذی إن شاء .. یجعل لک قصورًا

بیهودگی کاخ سازی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۸ - ۲،۳

۲ - برج های برپا شده بر بلندی ها به وسیله قوم عاد ، کاری بیهوده و خارج از نیاز آنان بود .

أُتِنُونُ بِكُلِّ رِيحٍ ءَايَهُ تَعْبَثُونَ

فعل <تبعثون> از ریشه <عبث> (بیهوده کاری)، حال از ضمیر فاعل <تبنون> است؛ یعنی، شما در حالی به ساختن برج ها می پردازید که به آن نیاز ندارید و در نتیجه کاری عبث و بیهوده انجام می دهید.

۳ - سرزنش عادیان توسط هود (ع) به خاطر ساختن بناهایی بی فایده و بازیگرانه

أُتِنُونُ بِكُلِّ رِيحٍ ءَايَهُ تَعْبَثُونَ

استفهام در <أُتِنُونُ> برای توبیخ و سرزنش است.

ترک کاخ فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۸ - ۲

۲ - موسی (ع) ، پس از حادثه قتل مرد قبطی به کاخ فرعون بازنگشت .

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ

تعدد درهای کاخ یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۳

۳ دربار یوسف (ع) ، دارای دربهایی متعدد برای ورود و خروج مراجعه کنندگان *

لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبواب متفرقه

در اینکه مراد از مفعول <ادخلوا> چیست ، آیا مصر است و یا بارگاه یوسف؟ دو نظر ابراز شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است. قابل ذکر است که تکرار <لما دخلوا> در آیه ۶۹

مؤید احتمال اول می باشد.

دربهای کاخ زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۶،۷

۶ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و رسیدن به وصال او، درب های قصرش را قفل کرد و او را به سوی خویش فرا خواند.

رودته ... و غَلَّتْ الأبواب و قالت هیت لک

<تغلیق> (مصدر غَلَّتْ) به معنای قفل کردن است. <هیت لک> اسم فعل امر و به معنای <بیا> می باشد.

۷ قصر زلیخا، قصری مجلل و دارای درب های فراوان و متعدد بود.

و غَلَّتْ الأبواب

به کارگیری باب تفعیل، برای بیان قفل زدن دربها (غَلَّتْ الأبواب) می تواند حاکی از شدت مبالغه باشد؛ یعنی، دربها را با قفلها و پشت بندها محکم بست، و می تواند بر کثرت دربها دلالت داشته باشد. برداشت فوق، ناظر به دومین معناست.

شیشه های کاخ سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۳،۴،۶

۳ - قصر سلیمان، قصری مجلل و باشکوه، با صحنی مفروش از آبگینه های آب نما

قال إِنَّه صرح ممرّد من قواریر

<ممرّد> معادل صاف و <قاروره> (مفرد <قواریر>) مرادف شیشه و آبگینه است؛ یعنی، این صحن از آبگینه صاف، مفروش شده است.

۴ - بلقیس، برای عبور از آبگینه های آب نما، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد.

فلما رأتَه حسبته لجه و كشفت عن ساقیها

۶- اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجه .

.. قال إنه صرح ممرد من قوارير

عظمت کاخ سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۳

۳ - قصر سلیمان ، قصری مجلل و با شکوه ، با صحنی مفروش از آبگینه های آب نما

قال إنه صرح ممرد من قوارير

<ممرد> معادل صاف و <قاروره> (مفرد <قوارير>) مرادف شیشه و آبگینه است؛ یعنی، این صحن از آبگینه صاف، مفروش شده است.

عوامل سازی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۵

۵ - غفلت از مرگ و پندار جاودانگی در دنیا ، عامل روی آوری عادیان به کاخ سازی ، تجمل گرایی و بیهودگی

أتبنون .. تعبثون . و تتخذون مصانع لعلکم تخلدون

تعبیر <لعلکم تخلدون> بیانگر این معنا است که: کار شما طوری است که گویا از مرگ و ناپایداری زندگی دنیوی، غافل شده اید و می پندارید که همیشه در این دنیا خواهید ماند.

کاخ بلورین سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۲۸

۲ - جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبگیری ژرف در نظر بلقیس

فلما رأت حسته لجة

<لجة> معادل برکه، آبگیر و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون

نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبگیری است پر از آب.

۸ - صحن شیشه ای آب نما ، یکی دیگر از نشانه های شگفت سلیمان (ع) برای بلقیس

قیل لها ادخلی الصرح . . . و کشفتم عن ساقیها

قال إنه صرح ممرد من قوارير

کاخ سازی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۲

۲ - جَنِيَانِ برای سلیمان (ع) ، طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

يعملون له ما يشاء من محريب

<محارِب> جمع <محراب> (از ریشه <حرب>) است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

کاخ سازی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۵

۱۵ فرعون و مردمانش در طول حکومتشان ، همواره در پی ساختن کاخ ها و خوش نشین های سایه افکن بودند .

و دمرنا ما كان يصنع فرعون و قومه و ما كانوا يعرشون

<ما> در <ما كانوا> موصول است و مراد از آن به دلیل <يعرشون>، عرش و عریش (سایبان) است. بنابراین <ما كانوا يعرشون> یعنی سایبانهایی که آنها را ساخته بودند. فعل <يصنع> و <يعرشون> که به همراه <كان> و <كانوا> آمده، دلالت می کند که فرعونیان پیوسته کاخ و سایبان می ساختند ؛ یعنی دارای کاخها و خوش نشینهای فراوان بودند.

کاخ سازی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۵

۱۵ فرعون و مردمانش در طول حکومتشان ، همواره در پی ساختن کاخ ها و خوش نشین های سایه افکن بودند .

و دمرنا ما كان يصنع فرعون و قومه و ما كانوا يعرشون

<ما> در <ما كانوا> موصول است و

مراد از آن به دلیل <یعرشون>، عرش و عرش (سایبان) است. بنابراین <ما کانوا یعرشون> یعنی سایبانهایی که آنها را ساخته بودند. فعل <یصنع> و <یعرشون> که به همراه <کان> و <کانوا> آمده، دلالت می کند که فرعونیان پیوسته کاخ و سایبان می ساختند، یعنی دارای کاخها و خوش نشینهای فراوان بودند.

کاخ سازی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۸ - ۱

۱ - قوم عاد، برپا کننده برج های عظیم بر فراز بلندی ها و ارتفاعات

أُتْبِنُونَ بَکَلِّ رِیْعٍ ءَآیَةَ تَعْبَثُونَ

<بناء> (مصدر <تبنون>) مقابل <هدم> (خراب کردن) است، یعنی، درست کردن و ساختن. <با> در <بکَلِّ رِیْعٍ> مرادف <علی> (بر روی) می باشد. <ریع> به هر جای بلند و مرتفع (تپه) گفته می شود. <آیه> در اصل به معنای نشانه است و نکره آمدنش برای بیان عظمت آن است و در این جا مراد از آن به قرینه <أُتْبِنُونَ...>، برج های عظیم و بلند است.

کاخ نشینی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۴

۴ - سرزنش عادیان از سوی هود (ع)، به خاطر احداث قصرها و روحیه کاخ نشینی آنان

و تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۷ - ۴

۴ - عادیان شیوه زندگی خویش (برج سازی، کاخ نشینی و...) را، سنتی برجای مانده از پیشینیان خود اعلام کردند.

إِن هَذَا إِلَّا خَلْقُ الْأَوَّلِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است

که کلمه <هذا> اشاره به رفتار عادیان داشته باشد. بر این اساس مراد از <خلق الأولین>، شیوه نیاکان خود آنان است.

محمد(ص) و کاخ نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۸،۹

۸ تعلق نگرفتن مشیت خداوند بر برخورداری پیامبر (ص) از زندگی مرفه و کاخ نشینی

تبارك الذی إن شاء جعل لك خیرًا من ذلك جنت تجرى من تحتها الأنهر و يجعل لك قصور

۹ زندگی مرفه و کاخ نشینی، دور از شأن پیامبر (ص) و برخلاف مصلحت او بود.

تبارك الذی إن شاء جعل لك خیرًا من ذلك جنت .. و يجعل لك قصورًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که خداوند با آن که فرمود: من قادر به اعطای بوستان های آباد و کاخ های متعدد به پیامبر(ص) هستم در عین حال به آن حضرت اعطا نفرمود و این می رساند که چنین کاری درخور شأن پیامبر(ص) آن گونه که مشرکان و کافران فکر می کردند و یا به مصلحت آن حضرت نبود.

ملکه سبا در کاخ سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۱

۱ - ورود ملکه سبا به بارگاه سلیمان

فلما جاءت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱،۲،۴،۵

۱ - اذن یافتن ملکه سبا برای ورود به صحن و سرای قصر سلیمان

قیل لها ادخلى الصرح

<صرح> به معنای قصر و نیز به معنای صحن و ساحت می آید. در آیه یاد شده به قرینه

جمله بعد (حسبته لَجَه) معنای دوم (صحن) مراد است؛ زیرا اطلاق <لَجَه> بر قصر درست نمی نماید.

۲ - جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبیگری ژرف در نظر بلقیس

فلما رأته حسبته لَجَه

<لَجَه> معادل برکه، آبیگری و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبیگری است پر از آب.

۴ - بلقیس، برای عبور از آبیگینه های آب نما، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد.

فلما رأته حسبته لَجَه و کشف عن ساقیها

۵ - سلیمان (ع)، ناظر عکس العمل بلقیس، در مواجهه با آبیگینه های آب نما

و کشف عن ساقیها قال إنه صرح

مراد از ضمیر فاعل در <قال> سلیمان(ع) می باشد.

موانع کاخ نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۶

۶ - گرایش به کاخ نشینی، ناسازگار با اعتقاد دینی و پیروی از مکتب پیامبران

و تتخذون مصانع لعلکم تخلدون

موسی(ع) در کاخ فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۲

۲ - واقع شدن کاخ فرعون و محل زندگی موسی (ع) در نقطه ای خارج از شهر مصر

و دخل المدینه

با توجه به این که موسی(ع) در آن زمان پیش فرعون و در کاخ وی زندگی می کرد، تعبیر <دخل المدینه> نشان می دهد که قصر فرعون در محلی بیرون از شهر مصر واقع شده بود.

موقعیت جغرافیایی کاخ فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - کاخ فرعون ، مشرف و مسلط بر جریان رود نیل *

و هذه الأنهر تجري من تحتي

موقعیت کاخ فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۲

۲ - واقع شدن کاخ فرعون و محل زندگی موسی (ع) در نقطه ای خارج از شهر مصر

و دخل المدینه

با توجه به این که موسی (ع) در آن زمان پیش فرعون و در کاخ وی زندگی می کرد، تعبیر <دخل المدینه> نشان می دهد که قصر فرعون در محلی بیرون از شهر مصر واقع شده بود.

ویرانی کاخ فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۶

۱۶ خداوند پس از هلاکت فرعونیان ، کاخ ها و خوش نشین های آنان را بکلی ویران کرد .

و دمرنا ما کان یصنع فرعون و قومه و ما کانوا یعرشون

<تدمیر> (مصدر دمرنا) به معنای نابودن کردن است.

ویژگیهای کاخ زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۷

۷ قصر زلیخا ، قصری مجلل و دارای درب های فراوان و متعدد بود .

و غلقت الأبواب

به کارگیری باب تفعیل ، برای بیان قفل زدن دربها (غلقت الأبواب) می تواند حاکی از شدت مبالغه باشد ؛ یعنی ، دربها را با قفلها و پشت بندها محکم بست ، و می تواند بر کثرت دربها دلالت داشته باشد. برداشت فوق ، ناظر به دومین معناست.

ویژگیهای کاخ سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - قصر سلیمان ، قصری مجلل و با شکوه ، با صحنی مفروش از آبگینه های آب نما

قال إنّه صرح ممرد من قواریر

<مرد> معادل صاف و <قاروره> (مفرد <قواریر>) مرادف شیشه و آبگینه است، یعنی، این صحن از آبگینه صاف، مفروش شده است.

ویژگیهای کاخ فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۹،۱۰

۹ - آب های زراعی و آشامیدنی مردم مصر ، از قصر و اراضی فرعون عبور می کرده است . *

و هذه الأنهر تجری من تحتی أفلاتبصرون

۱۰ - کاخ فرعون ، مشرف و مسلط بر جریان رود نیل *

و هذه الأنهر تجری من تحتی

ویژگیهای کاخ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۳

۳ دربار یوسف (ع) ، دارای دربهایی متعدد برای ورود و خروج مراجعه کنندگان *

لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبواب متفرقه

در اینکه مراد از مفعول <ادخلوا> چیست ، آیا مصر است و یا بارگاه یوسف؟ دو نظر ابراز شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است. قابل ذکر است که تکرار <لما دخلوا> در آیه ۶۹ مؤید احتمال اول می باشد.

کاخ نشینی

کاخ نشینی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۴

۴ - سرزنش عادیان از سوی هود (ع)، به خاطر احداث قصرها و روحیه کاخ نشینی آنان

و تتخذون مصانع لعلکم تخلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء

۴ - عادیان شیوه زندگی خویش (برج سازی ، کاخ نشینی و ...) را ، سنتی برجای مانده از پیشینیان خود اعلام کردند .

إِن هَذَا إِلَّا خَلْقُ الْأَوَّلِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه <هذا> اشاره به رفتار عادیان داشته باشد. بر این اساس مراد از <خلق
الأولین> ، شیوه نیاکان خود آنان است.

محمد(ص) و کاخ نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۸،۹

۸ تعلق نگرفتن مشیت خداوند بر برخورداری پیامبر (ص) از زندگی مرفه و کاخ نشینی

تبارك الذی إن شاء جعل لك خیرًا من ذلك جنت تجرى من تحتها الأنهر و يجعل لك قصور

۹ زندگی مرفه و کاخ نشینی ، دور از شأن پیامبر (ص) و برخلاف مصلحت او بود .

تبارك الذی إن شاء جعل لك خیرًا من ذلك جنت .. و يجعل لك قصورًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که خداوند با آن که فرمود: من قادر به اعطای بوستان های آباد و کاخ های متعدد
به پیامبر(ص) هستم در عین حال به آن حضرت اعطا نفرمود و این می رساند که چنین کاری درخور شأن پیامبر(ص) آن گونه
که مشرکان و کافران فکر می کردند و یا به مصلحت آن حضرت نبود.

موانع کاخ نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۶

۶ - گرایش به کاخ نشینی ، ناسازگار با اعتقاد دینی و پیروی از مکتب پیامبران

و تتخذون مصانع لعلکم تخلدون

کار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کار

آثار بسمله در کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۸

۸ - انجام کارها با نام خدا، مایه جلب رحمت اوست.

بسم الله الرحمن الرحيم

توصیه به انجام دادن کارها با نام خدا و تذکر به رحمانیت و رحیمیت او به عنوان حکمت این توصیه، گویای این است که نام خدا در کارها، موجب جلب رحمت الهی و در نتیجه به کمال رسیدن آن کارهاست.

آثار تقسیم کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۲

۲ - سامان یافتن نظام جهان، در پرتو تقسیم و دسته بندی امور، به دست کارگزاران الهی (فرشتگان)

فالمقسّمت أمراً

آثار کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۶

۶ - وجود خطر غافل شدن از یاد خدا، در کسب و کار و خرید و فروش

و ابتغوا من فضل الله و اذكروا الله كثيرا

آداب کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۳

۳ - لزوم آغاز کردن کارها با نام خدا و گفتن < بسم الله >

بسم الله

از آنجا که قرآن کتاب هدایت است و سخن خویش را با < بسم الله > آغاز کرده این نکته را به مخاطبانش القا می کند که کارهای خود را با < بسم الله > شروع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۲۹

۲۹ لزوم توجه به نقش تعیین کننده

خداوند برای موفقیت در امور ، حتی پس از مشورت و تصمیم گیری نهایی بر انجام کارها

و شاوَرهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۲۲

۲۲ ضرورت توأم بودن حرکت و تلاش با توکل بر خدا

ادخلوا علیهم الباب . . . و علی الله فتوکلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ خداوند ، همواره باید محور حرکت ها و برنامه های مؤمنان باشد .

اتقوا الله و ابتغوا إليه الوسيلة و جهدوا فی سبيله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۲

۲ - تبرک جستن به نام خداوند در همه امور ، امری شایسته و پسندیده

تبرک اسم ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۵

۵ - ذکر و یاد فراوان خدا ، به هنگام کسب و کار و خرید و فروش ، توصیه الهی به مؤمنان

و ابتغوا من فضل الله و اذکروا الله کثیرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۸ - ۲

۲- لزوم ذکر و یادکردن پروردگار در ضمن تلاش گسترده روزانه

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْعًا طَوِيلًا . و اذکر اسم ربِّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۵

۵ - آغاز کارها با نام خدا ، شایسته و مطلوب است .

اقراً باسم ربِّک

توصیه به آغاز قرائت قرآن با

نام خدا و مطرح شدن ذکر نام او در اولین خطاب الهی به پیامبر(ص)، نشانگر اهمیت آن است و این نکته را به مخاطب القا می کند که نام خداوند، باید سرآغاز هر کاری قرار گیرد.

اجرت کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۱۷

۱۷ عرف ، میزانی در تعیین مقدار مزد کارها

اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۹

۹ کاستن از اجر و مزد کار دیگران ، حتی به کمترین مقدار ستم است .

و من يعمل من الصلحت . . . یدخلون الجنة و لایظلمون نقیراً

خداوند، کاستن از پاداش را هر چند بسیار اندک باشد، ظلم دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۹

۱۹ پرداخت مزد کارها به کمتر از مقدار استحقاق ، ستمکاری است .

یوف إلیکم و أنتم لاتظلمون

<توفیه> مصدر <یوف> به معنای پرداخت کامل و تمام است و جمله <أنتم لاتظلمون> حال برای ضمیر در <إلیکم> است. مفهوم این دو جمله همان است که در برداشت فوق آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۰،۱۱

۱۰ کارگزاران حکومت و ارائه کنندگان خدمات به جامعه اسلامی ، دارای استحقاق دریافت اجرت در قبال عمل خویش

إنما الصدقة للفقراء .. و العملین علیها

برداشت فوق بدین احتمال است که استحقاق اجرت در برابر کار، اختصاص به کار جمع آوری صدقات نداشته باشد؛ بلکه تمامی کارگزاران حکومت، مستحق

دریافت اجرت باشند.

۱۱ کار، دارای بها و ارزش است و کارکنان مستحق مزد در برابر کار خویشند.

و العملین علیها

با توجه به اینکه برای کارگزاران امور صدقات، سهمی از آن قرار داده شده و این سهم در برابر کار آنان است چه نیازمند باشند چه بی نیاز برداشت فوق استفاده می شود.

ارزش کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۳

۳ ارزش و اهمیت کسب و کار

ان تبتغوا فضلا من ربکم

به کار بردن کلمه <فضلا من ربکم> برای سود کسب و کار، حاکی از اهمیت و ارزش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۳

۳ ارزش اقدام به فعالیت های روزانه از آغاز صبح *

و اذ غدوت من اهلک تبویء المؤمنین مقاعد للقتال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۳

۱۳ اعتبار عرف، در تعیین مقدار ارزش کار

فلیاکل بالمعروف

کلمه <بالمعروف>، یعنی متعارف و مورد پسند مردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۱

۱۱ کار، دارای بها و ارزش است و کارکنان مستحق مزد در برابر کار خویشند .

و العملین علیها

با توجه به اینکه برای کارگزاران امور صدقات، سهمی از آن قرار داده شده و این سهم در برابر کار آنان است چه نیازمند باشند چه بی نیاز برداشت فوق استفاده می شود.

امیدواری در کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۲۱

۲۱ ضرورت امیدواری به فضل خدا، در کنار کار و کوشش

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَكُمُ الْمَالَ وَاللِّنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَكُمُ الْمَالَ مِمَّا كَسَبْتُمْ وَرَبُّكُمُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

جمله <لِّلرِّجَالِ...> تعلیل جمله سابق است؛ یعنی آرزوی نعمت دیگران نکنید، بکله خود در به دست آوردن مال و منال تلاش کرده و به فضل خدا نیز امیدوار باشید.

اهمیت تقسیم کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۵

۵ لزوم تقسیم کار و مسؤولیت ها در جامعه

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ

اهمیت مزد کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ لزوم پرداخت دستمزد و ثمره کار افراد، بدون هیچ کم و کاست

نُوفَّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ وَهُمْ فِيهَا لَآيِبِخْسُونَ

جمله حالیه <و هم فيها لایببخسون> بیانگر علت التزام خداوند بر اعطای کامل ثمره کارها و تلاشهاست؛ یعنی، چون روا نیست که در اعطای حق دیگران کم و کاست شود، خداوند نتیجه اعمال انسانها را به طور کامل به آنها ادا می کند.

بسمله در کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۳

۳- لزوم آغاز کردن کارها با نام خدا و گفتن < بسم الله >

بسم الله

از آنجا که قرآن کتاب هدایت است و سخن خویش را با < بسم الله > آغاز کرده این نکته را به مخاطبانش القا می کند که کارهای

خود را با <بسم الله> شروع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۲

۲ - تبرک جستن به نام خداوند در همه امور ، امری شایسته و پسندیده

تبرک اسم ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۵

۵ - آغاز کار ها با نام خدا ، شایسته و مطلوب است .

اقراً باسم ربّک

توصیه به آغاز قرائت قرآن با نام خدا و مطرح شدن ذکر نام او در اولین خطاب الهی به پیامبر(ص)، نشانگر اهمیت آن است و این نکته را به مخاطب القا می کند که نام خداوند، باید سرآغاز هر کاری قرار گیرد.

تشویق به کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۱

۲۱ تلاش برای تجارت و امرار معاش ، امری پسندیده و مورد ترغیب خداوند

یبتغون فضلا من ربهم

از اینکه تجارت و به دست آوردن درآمدهای مادی در ردیف جلب رضایت الهی قرار گرفته است، برداشت فوق به دست می آید.

حرمت کار در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۱

۱ - کار و فعالیت در روز شنبه برای بنی اسرائیل حرام بود .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

<سبت> به معنای قطع عمل، سکون و استراحت است که از آن به تعطیلی تعبیر می کنیم. <اعتداء> (مصدر اعتدوا) به معنای تجاوز و تخلف می باشد.

زمینه ذکر بسمله در کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق

۱۴ - توجه به خالقیت خداوند و ربوبیت او ، برانگیزاننده انسان به همراه ساختن کارها با ذکر نام او است .

اقرأ باسم ربك الذي خلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۲ - ۴

۴ - آگاهی از قدرت خداوند بر آفرینش انسان از خون لخته ، زمینه ساز توجه به او در آغاز هر کار است .

اقرأ باسم ربك .. خلق الإنسان من علق

فلسفه بسمله در کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۷

۷ - رحمت گسترده خداوند و مهربانی او به بندگان ، دلیل لزوم انجام کارها با نام او

بسم الله الرحمن الرحيم

توصیف <الله> به رحمان و رحیم پس از اشاره به لزوم انجام کارها با نام خدا، گویای حکمت این دستور است ؛ یعنی، چون خدا رحمان و رحیم است، کارها را با نام او آغاز کنید.

کار انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۴

۴ - کار و تبلیغ ، آمیخته به یکدیگر در زندگی پیامبران

أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که حضرت نوح(ع) شخصاً مأمور ساختن کشتی شد.

کار در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱

۱ جواز کسب و کار، در هنگام انجام مناسک حج

الحج اشهر معلومات .. لیس علیکم جناح ان تبغوا فضلا

جمله <لیس علیکم ..>، ناظر به

کسب و کار در حج و هنگام انجام مناسک است؛ به دلیل وقوع آن در بین احکام حج. علاوه بر اینکه کسب و کار در زمانهای دیگر، محل شبهه نیست تا نفی و یا اثبات شود.

مالک کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۹ - ۴

۴ - انسان ، مالک عمل و دستاورد تلاش خویش *

و أن لیس للإنسن إلا ما سعی

لام در <للإنسان> برای ملکیت است و <سعی> تمامی فعالیت های آدمی را شامل می شود.

مزد کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۱۶، ۱۵

۱۵- تعیین مقدار اجرت ، پس از انجام کار صحیح و نافذ است .

لو شئت لتخذت علیه أجرًا

۱۶- دریافت اجرت در برابر کاری که بدون درخواست کارفرما انجام گیرد ، جایز است .

لو شئت لتخذت علیه أجرًا

مزد کار در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۱۴

۱۴- نظام کارمزدی ، در زمان موسی (ع) وجود داشته است .

قال لو شئت لتخذت علیه أجرًا

مقدار کار در جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۳

۱۳ در صحت جعاله ، معین بودن مقدار عملیاتی که برای انجام کار مورد جعاله لازم است ، شرط نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

از آن جا که مشخص نبود پیدا کردن جام مفقود شده چه مقدار کار خواهد برد ، می توان گفت: در قرارداد <جعاله> جهل به مقدار کار به

صحت آن ضرر نمی زند.

وقت کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۷ - ۱

۱ - شب ، فرصتی مناسب برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی و روز ، زمانی شایسته برای تلاش و رسیدگی به امور زندگی

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا

<سبح> در معانی متعددی به کار می رود؛ از جمله سعی و تلاش برای معاش (قاموس المحيط). جمله <إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ>، تعلیل دیگری برای <قم الليل> است؛ یعنی، چون در روز به خاطر تلاش طولانی برای معاش، فرصت و فراغت برای مناجات و عبادت نیست، شب را برای این کار اختصاص بده.

کسب

احکام کسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۹

۱۹ - کسب در آمد از راه های نامشروع ، حرام و موجب عذاب الهی است .

و یثرون به ثمنًا قليلاً أولئك .. لا يكلمهم الله ... و لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۸

۸ حرمت روش کسب مال ، همواره ملازم حرمت تصرف در مال به دست آمده نیست . *

ما كان لنبی أن یكون له أسرى .. فلكوا مما غنمتم حللاً طیباً

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۲،۲۳

۲۲ - سود و درآمد به دست آمده از راه واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی ، حرام است .

ولا تکرهوا فیتیکم علی البغاء إن أردن

تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

نهی از واداشتن کنیزان به فحشا برای به دست آوردن سود و متاع دنیوی، دلیل حرمت چنین سودی است.

۲۳ - سود و درآمد به دست آمده از راه اشاعه فحشا و خودفروشی ، حرام است .

و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصنًا لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

برداشت یاد شده از انتزاع از مورد آیه (کنیزان) به دست می آید؛ زیرا از ظاهر آیه شریفه چنین به دست می آید که مورد آن خصوصیتی ندارد.

ارزش کسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۸

۸ - شرکت در نماز جمعه و پرداختن به ذکر خدا ، بسی ارزشمندتر از کسب مال و سایر منافع دنیوی

فاسعوا إلی ذکر اللّٰه و ذروا البیع ذلکم خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۸

۸ - ثواب نماز جمعه ، بسی برتر و بالاتر از درآمد های مادی و لذت های دنیوی است .

قل ما عند اللّٰه خیر من اللّٰهو و من التجره

حرمت کسب نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۹

۱۹ - کسب در آمد از راه های نامشروع ، حرام و موجب عذاب الهی است .

و یشترون به ثمنًا قلیلًا أولئکک .. لا یکلمهم اللّٰه ... و لهم عذاب الیم

راههای کسب در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۴

۲۴ - واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی جهت کسب در آمد و رفاه

بیشتر ، امری رایج در جاهلیت

و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء .. لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

زمینه کسب قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۸

۸ - کعبه وسیله اتحاد ، امنیت ، اعتبار و تحصیل مال قریش

لایلف قریش

اگر <ایلاف> در این آیه، عام و در آیه بعد خاص باشد؛ می توان گفت که در این آیه، ائتلاف قریش با یکدیگر نیز مورد نظر بوده است.

کسب با بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۲، ۱۱

۱۱ - درآمد های به دست آمده از راه دین سازی و بدعتگذاری ، حرام و موجب عذاب الهی خواهد شد .

و ویل لهم مما یکسبون

مراد از <ما>ی موصوله در <مما یکسبون> می تواند درآمدهایی باشد که عبارت <لیشتروا به ثمناً قليلاً> آن را بیان داشت و نیز می تواند منظور از آن مطلق اعمال و رفتار ناپسند باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۱۲ - هر درآمدی که از طریق بدعتگذاری و دین سازی به دست آید - هر چند فراوان باشد - ناچیز و بی ارزش است .

لیشتروا به ثمناً قليلاً

ظاهر این است که <قلیلاً> صفت توضیحی برای <ثمناً> باشد. بنابراین <ثمناً قليلاً> به این معناست که: هر ثمنی در قبال دین سازی گرفته شود، ناچیز است هر چند به ظاهر فراوان باشد.

کسب با دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۵

۱۵ - > روی عن ابی جعفر (ع) انه یعنی بالباطل الیمین الکاذبه

يقتطع بها الأموال ؛

از امام باقر(ع) درباره <باطل> در آیه فوق روایت شده که: مراد، سوگند دروغ است که موجب به دست آوردن مال می شود (یعنی تحصیل مال باقسم دروغ اکل مال به باطل است).<

کسب با دین سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - درآمدهای به دست آمده از راه دین سازی و بدعتگذاری ، حرام و موجب عذاب الهی خواهد شد .

و ویل لهم مما یکسبون

مراد از <ما>ی موصوله در <مما یکسبون> می تواند درآمدهایی باشد که عبارت <لیشتروا به ثمناً قليلاً> آن را بیان داشت و نیز می تواند منظور از آن مطلق اعمال و رفتار ناپسند باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۱۲ - هر درآمدهای که از طریق بدعتگذاری و دین سازی به دست آید - هر چند فراوان باشد - ناچیز و بی ارزش است .

لیشتروا به ثمناً قليلاً

ظاهر این است که <قليلاً> صفت توضیحی برای <ثمناً> باشد. بنابراین <ثمناً قليلاً> به این معناست که: هر ثمنی در قبال دین سازی گرفته شود، ناچیز است هر چند به ظاهر فراوان باشد.

کسب با زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۳

۲۳ - سود و درآمدهای به دست آمده از راه اشاعه فحشا و خودفروشی ، حرام است .

ولا تکرهوا فتیکم علی البغاء إن أردن تحصناً لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

برداشت یاد شده از انتزاع از مورد آیه (کنیزان) به دست می آید؛ زیرا از ظاهر آیه شریفه چنین به دست می آید که مورد آن

خصوصیتی ندارد.

کسب با محرّمات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۴

۱۴ - حرمت درآمد ها و اموال به دست آمده در مقابل انجام کار های حرام

و ویل لهم مما یکسبون

کسب بی ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۲

۱۲ - هر درآمدی که از طریق بدعتگذاری و دین سازی به دست آید - هر چند فراوان باشد - ناچیز و بی ارزش است .

لیشتروا به ثمناً قليلاً

ظاهر این است که <قلیلاً> صفت توضیحی برای <ثمناً> باشد. بنابراین <ثمناً قليلاً> به این معناست که: هر ثمنی در قبال دین سازی گرفته شود، ناچیز است هر چند به ظاهر فراوان باشد.

کسب حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۱،۱۴

۱۱ - درآمد های به دست آمده از راه دین سازی و بدعتگذاری ، حرام و موجب عذاب الهی خواهد شد .

و ویل لهم مما یکسبون

مراد از <ما>ی موصوله در <مما یکسبون> می تواند درآمدهایی باشد که عبارت <لیشتروا به ثمناً قليلاً> آن را بیان داشت و نیز می تواند منظور از آن مطلق اعمال و رفتار ناپسند باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۱۴ - حرمت درآمد ها و اموال به دست آمده در مقابل انجام کار های حرام

و ويل لهم مما يكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - نساء - ٤ - ١٦١ - ٦

٦ حرمت به دست آوردن مال با اسباب باطل و غير مشروع

و أكلهم أموال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۸

۸ حرمت روش کسب مال ، همواره ملازم حرمت تصرف در مال به دست آمده نیست . *

ما كان لنبی أن یكون له أسرى .. فلکوا مما غنمتم حللاً طیباً

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۲، ۲۳

۲۲ - سود و درآمد به دست آمده از راه واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی ، حرام است .

ولا تکرهوا فیتیکم علی البغاء إن أردن تحصناً لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

نهی از واداشتن کنیزان به فحشا برای به دست آوردن سود و متاع دنیوی، دلیل حرمت چنین سودی است.

۲۳ - سود و درآمد به دست آمده از راه اشاعه فحشا و خودفروشی ، حرام است .

ولا تکرهوا فیتیکم علی البغاء إن أردن تحصناً لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

برداشت یاد شده از انتزاع از مورد آیه (کنیزان) به دست می آید زیرا از ظاهر آیه شریفه چنین به دست می آید که مورد آن خصوصیتی ندارد.

کسب روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ - قال رسول الله (ص) : . . . یابن مسعود قول الله . . . < و لنبلونکم بشيء من الخوف . . . و بشر الصابرين > قلنا یا رسول الله فمن الصابرون ؟ قال : الذین یصبرون علی طاعه الله واجتنبوا معصیه ، الذین کسبوا طیباً و انفقوا قصداً و

قدموا فضلا فافلحوا... ;

از رسول خدا(ص) روایت شده .. که فرمود: ای پسر مسعود ... سخن خداوند است: <و لنبلونکم بشیء من الخوف ... و بشر الصابرين>، به آن حضرت عرض کردیم: صابران چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که بر اطاعت خدا صبر می نمایند و از گناهان دوری کرده اند، کسانی که روزی پاکیزه کسب کرده و در انفاق میانه رو هستند و زیادی درآمد خود را انفاق نموده اند، پس آنان رستگار گشته اند.

کسب مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۷، ۱۵

۱۵ کسب مال و تجارت به هنگام سفر بسوی خانه خدا، امری مشروع و مجاز بر حاجیان و معتمران

ء آمین البیت الحرام یتغون فضلا من ربهم

چنانچه مراد از <فضلا> رزق و روزی و درآمدهای مادی باشد، ابتغاء فضل به معنای کسب درآمد به وسیله تجارت و مانند آن است.

۱۷ دستیابی مردم به روزی و درآمد های مادی، پرتوی از ربوبیت خداوند نسبت به آنان

یتغون فضلا من ربهم

کسب مال حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲، ۳، ۴

۲ دنیاگرایان یهود، علی رغم ادعای اعتقاد به تورات و دسترسی به آن، از راه های نامشروع به مال و منال دنیا چنگ می زدند.

ورثوا الکتب یاخذون عرض هذا الأذنی و یقولون سیغفر لنا

جمله <ورثوا الکتب> (تورات را به ارث بردند) اشاره به دو معنا دارد که هر دو در سرزنش دنیاگرایان یهود دخیل است: دسترسی به تورات داشتند؛ مدعی اعتقاد به آن

بودند.

۳ دنیاگرایان یهود خود به گناه دنیاگرایی و کسب مال و منال از راه های ناروا معترف بودند .

يأخذون عرض هذا الأذنى و يقولون سيغفر لنا

جمله <سیغفر لنا> (آمرزیده خواهیم شد)، اعتراف یهودیان دنیاگرا به گنهکاری خویش و بیانگر این است که جمله <یأخذون .. > ناظر به کسب مال از راههای نامشروع است.

۴ دنیاگرایان یهود به گناه خویش (دستیابی به مال و منال دنیا از راه های نامشروع) ، اصرار میورزیدند .

و إن يأتهم عرض مثله يأخذوه

جمله <و إن يأتهم .. > (اگر مال و منال دنیا در مرتبه و زمانی دیگر به آنان روی می آورد از گرفتن آن دریغ نداشتند)، اشاره به اصرار یهودیان دنیاگرا به گناه کسب درآمدهای نامشروع دارد.

کسب نور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۹

۹ - کسب کردن نور از دیگران در قیامت ، در صورتی که انسان نور نداشته باشد ، ممکن نیست .

يوم يقول المنفقون .. قیل ارجعوا وراءكم فالتمسوا نورًا

کیفر کسب نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۹

۱۹ - کسب در آمد از راه های نامشروع ، حرام و موجب عذاب الهی است .

و یشترون به ثمنًا قليلاً أولئك .. لا یکلمهم الله ... و لهم عذاب الیم

منابع کسب در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- كشتی و حمل و نقل دریایی ، در زمان حضرت موسی (ع

(از منابع درآمد بود .

فكانت لمسكين يعملون في البحر

منابع کسب مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۴

۴ - کشاورزی و دامداری ، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

متعًا لكم ولأنعمكم

کارگر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کارگر

امانتداری کارگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۸

۸ - لزوم معیار قرار دادن توانایی و امانت در گزینش و استخدام کارگران ، مدیران و کارگزاران

إن خير من استئجرت القوي الأمين

جمله <إن خير من استئجرت..> تعلیل برای <استأجره> می باشد و با توجه به این که تعلیل مفید تعمیم است، مطلب یاد شده از آن استفاده می شود.

پرداخت مزد کارگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ لزوم پرداخت دستمزد و ثمره کار افراد ، بدون هیچ کم و کاست

نوفّ إليهم أعمالهم و هم فيها لا يبخسون

جمله حالیه <و هم فيها لا يبخسون> بیانگر علت التزام خداوند بر اعطای کامل ثمره کارها و تلاشهاست / یعنی ، چون روا نیست که در اعطای حق دیگران کم و کاست شود ، خداوند نتیجه اعمال انسانها را به طور کامل به آنها ادا می کند.

حقوق کارگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱۵

۱۵ ندادن اجر کامل در برابر عمل ، ظلم است .

و الله لا يحبّ الظالمين

بنابراینکه جمله <و الله لا يحبّ الظالمين>، تعلیل برای جمله <فيوفّهم اجورهم> باشد.

روش برخورد با کارگر

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۴

۱۴ - لزوم مدارا کردن با اجیر و پرهیز از سخت گرفتن بر وی در کار

و ما أريد أن أشقَّ عليك

شرایط استخدام کارگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۸

۸ - لزوم معیار قرار دادن توانایی و امانت در گزینش و استخدام کارگران ، مدیران و کارگزاران

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينِ

جمله <إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ..> تعلیل برای <استأجره> می باشد و با توجه به این که تعلیل مفید تعمیم است، مطلب یاد شده از آن استفاده می شود.

قدرت کارگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۸

۸ - لزوم معیار قرار دادن توانایی و امانت در گزینش و استخدام کارگران ، مدیران و کارگزاران

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينِ

جمله <إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ..> تعلیل برای <استأجره> می باشد و با توجه به این که تعلیل مفید تعمیم است، مطلب یاد شده از آن استفاده می شود.

مدارا با کارگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۴

۱۴ - لزوم مدارا کردن با اجیر و پرهیز از سخت گرفتن بر وی در کار

و ما أُرید أن أشقَّ علیک

کارگران

اجرت کارگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۱

۱۱ کار، دارای بها و ارزش است و کارکنان مستحق مزد در برابر کار خویشند.

و العملین علیها

با توجه به اینکه برای کارگزاران

امور صدقات، سهمی از آن قرار داده شده و این سهم در برابر کار آنان است چه نیازمند باشند چه بی نیاز برداشت فوق استفاده می شود.

کارگزاران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

اجرت کارگزاران جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ کارگزاران حکومت و ارائه کنندگان خدمات به جامعه اسلامی، دارای استحقاق دریافت اجرت در قبال عمل خویش

إنما الصدقات للفقراء... و العملین علیها

برداشت فوق بدین احتمال است که استحقاق اجرت در برابر کار، اختصاص به کار جمع آوری صدقات نداشته باشد بلکه تمامی کارگزاران حکومت، مستحق دریافت اجرت باشند.

اذیتهای کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - همسر فرعون، افزون بر آزار دیدن از او، از سوی کارگزاران نظام وی نیز تحت آزار و شکنجه قرار داشت.

نَجْنی من فرعون و عمله و نَجْنی من القوم الظلمین

تکرار درخواست نجات (و نَجْنی) درباره قوم ستمگر، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

استقامت کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۲

۲ - مخالفان نماز و تکذیب گران دین، هر چند فراوان و سازمان یافته باشند، از مقاومت در برابر مأموران الهی عاجزانند.

ینهی . عبداً إذا صلی ... کذب و تولی ... فلیدع نادیه. سندع الزبانیه

استهزاهای اخروی کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۳

۳ - سخن ملامت بار و استهزا آمیز

مأموران الهی نسبت به تکذیب گران ، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کتّم بها تکذّبون

جمله <هذه النار..>، می تواند گفتار الهی و یا سخن مأموران خداوند (همانان که تکذیب گران را به عنف و قهر به سوی دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

امانتداری کار گزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ واگذار کننده منصب ، باید توانمندی و امانت داری منصب پذیر را احراز کند .

قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی . . . مکین آمین

بازدید از کار گزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۸

۸ - بازدید از نیرو های تحت فرمان و کار گزاران ، جستوجو از احوال آنان ، نظارت دقیق بر کارهایشان و خویشتن داری در برخورد با آنها ، از اوصاف و وظایف فرماندهان سپاه و رهبران جامعه اسلامی .

و تفقّد الطیر فقال ما لی لأری الهدهد أم کان من الغائبین

برادران یوسف و کار گزاران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱

۱ فرزندان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کار گزارانش ، بر منزله بودنشان از سرقت و نداشتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر ، سوگند یاد کردند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه <لقد علمتم> است ؛ ولی در حقیقت <ما جننا .
<..

مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

برخورد اخروی کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۴

۴ - دروغ گویان و گنه کاران ، در آخرت با برخورد شدید مأموران الهی مواجه شده و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

نصیه کذبہ خاطئه . . . سندع الزبانیه

بی شماری کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۲۰

۲۰ - خداوند ، دارای لشکریان و کارگزارانی بی شمار

و ما يعلم جنود ربك إلا هو

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که ندانستن لشکریان خداوند، به تعداد بی شمار آنان اشاره داشته باشد، یعنی، بر اثر کثرت تعداد آنان، قابل شناخت برای کسی نیست.

پرسش از کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۱ - ۲

۲ فرزندان یعقوب از کارگزاران یوسف پرسیدند : کالای مفقود شده تان چیست ؟

قالوا . . . ماذا تفقدون

تحلیل کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ به قدرت رساندن بنی اسرائیل برای برچیدن نظام فرعونى ، تحلیل اشراف دربار از پیشنهاد موسى (رهاسازی بنی اسرائیل)

فأرسل معى بنى إسرائيل . . . يريده أن يخرجكم من أرضكم

تصميم کارگزاران عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ تصمیم قاطع دولت مردان مصر بر زندانی ساختن یوسف (ع) ، جهت رهایی از بحران و حفظ حیثیت دربار

ثم بدا لهم .. لیسجننه

تعداد کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - شمار لشکریان و کارگزاران پروردگار و ویژگی های آنان را ، کسی جز خدا نمی داند .

و ما يعلم جنود ربك إلا هو

مقصود از <جنود> مطابق نظر مفسران فرشتگان اند که نقش کارگزاری و امر بری نسبت به خدا را دارند.

تکریمهای کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۵

۵ - واگذار کنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت .

فأما من أوتى كتبه بيمينه .. و أما من أوتى كتبه وراء ظهره

تهمت‌های کارگزاران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۵،۶

۵ کارگزاران یوسف (ع) بر اثر نیافتن آبخوری مخصوص ، فرزندان یعقوب را به دزدیدن آن متهم کردند .

جعل السقايه فى رحل أخيه ثم أذن مؤذن أيتها العير إنكم لسرقون

۶ یکی از کارگزاران یوسف با مخاطب قرار دادن قافله فرزندان یعقوب ، اتهام سرقت را به آنان اعلام کرد .

ثم أذن مؤذّن أيتها العير إنكم لسرقون

<عیر> به مجموعه افراد قافله و شترانی که بار و بنه آنان را حمل می کنند، گفته می شود. این کلمه

مرادف کاروان و قافله در فارسی است. <اذان> به معنای اعلام کردن است و <تأذین> مصدر <أذن> به معنای کثرت اعلام می باشد. بنابراین <أذن مؤذن...> یعنی، اعلام کننده ای چندین بار اعلام کرد.

خواسته های کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۱ - ۵

۵ سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل فی المدائن حشرین

<حشرین> به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد <ساحرین> می باشد و خود <حشرین> مفعول برای <أرسل> است. بنابراین جمله <أرسل...> یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۳

۳ احضار همه ساحران زبردست برای مبارزه با موسی (ع) ، درخواست اشرافیان دربار فرعون از فرعون

يأتوك بكل سحر عليم

خواسته های کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۲

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

درخواست نجات از کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱

۱۰ - همسر فرعون ، از خداوند خواستار نجات خود از شرّ مردم ستمگر (قبطیان و کارگزاران فرعون)

و نَجْنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

دشمنی کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۶

۶ رؤسا و اشراف قوم موسی ، دشمنان او و وابسته به حکومت فرعون بودند .

عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِمْ

روش برخورد با کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۸

۸ - بازدید از نیروهای تحت فرمان و کارگزاران ، جستوجو از احوال آنان ، نظارت دقیق بر کارهایشان و خویشتن داری در برخورد با آنها ، از اوصاف و وظایف فرماندهان سپاه و رهبران جامعه اسلامی .

و تَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهَدْيَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ

روش برخورد کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشاق - ۸۴ - ۱۰ - ۵

۵ - واگذارکنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ .. وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

سخت کوشی کارگزاران خدا

۱ - خداوند ، دارای مأمورانی سرسخت برای خشتی ساختن تلاش مخالفان دین و راندن آنها به سوی جهنم

سندع الزبانیہ

<زَبِيَّيْه> (مفرد <زبانیہ> از ریشه <زَبَّيْن> به معنای <دفع>); به معنای <شدید> و <پلیس> (یاور سلطان) است (قاموس).

اطلاق <زبانیه> بر مأموران الهی، به این جهت است که آنها اهل آتش را به سوی آن سوق می دهند. (مصباح)

سرزنشهای کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۳

۳ - سخن ملامت بار و استهزاآمیز مأموران الهی نسبت به تکذیب گران ، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار التي كنتم بها تكذبون

جمله <هذه النار..>، می تواند گفتار الهی و یا سخن مأموران خداوند (همانان که تکذیب گران را به عنف و قهر به سوی دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

سرزنشهای کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۷ - ۲

۲ - مأموران الهی ، با به رخ کشیدن تکذیب گری ها و ناباوری های جهنمیان ، آنان را بر آن موضع گیری ، سرزنش خواهند کرد .

ثمّ يقال هذا الذي كنتم به تكذبون

سرزنشهای کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۵

۵ - واگذار کنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفت بار خواهند داشت .

فأما من أوتي كتبه يمينه .. و أما من أوتي كتبه وراء ظهره

شرایط گزینش کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ واگذار کننده منصب ، باید توانمندی و امانت داری منصب پذیر را احراز کند .

قال الملك ائتونی به

أستخلصه لِنفسی . . . مَکین أَمین

شکَنجِه های کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - همسر فرعون ، افزون بر آزار دیدن از او ، از سوی کارگزاران نظام وی نیز تحت آزار و شکنجه قرار داشت .

نَجْنی من فرعون و عمله و نَجْنی من القوم الظلمین

تکرار درخواست نجات (و نَجْنی) درباره قوم ستمگر، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

شورای کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۵

۵ انتخاب روش مبارزه با موسی پس از تصمیم به ساحر خواندن وی و تحلیل اهداف او (برچیدن حکومت فرعونى) ، از مسائل مطرح شده در جلسه مشورتی بزرگان دربار فرعون

فماذا تأمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۱ - ۱،۲،۴

۱ مجازات موسی (ع) و برادرش هارون از پیشنهاد های ارائه شده در جلسه مشورتی اشراف و سران حکومت فرعونى

قالوا أَرَجِه و أخاه

پیشنهاد تأخیر در مجازات موسی و هارون حکایت از آن دارد که فرعون و یا برخی از اشراف دربار مجازات موسی و هارون را مطرح کرده بودند.

۲ تأخیر در مجازات موسی (ع) و برادرش هارون از مصوبات جلسه مشورتی سران و بزرگان دربار فرعون

قالوا أَرَجِه و أخاه

<ه> در <أرجه> ضمیری است که به صورت ساکن قرائت شده و مفعول <ارج> می باشد. <ارج> فعل امر از مصدر <ارجاء> (به تأخیر انداختن) است. مشتقات کلمه <ارجاء> گاهی با همزه استعمال می گردد و گاهی

همزه آن تبدیل به یاء می شود. گفته می شود: اَرْجاً يُرْجَى يُرْجَى. قابل ذکر است که مراد از تأخیر انداختن، تأخیر در مجازات است.

۴ خنثی سازی معجزه موسی (ع) با استمداد از ساحران زبردست ، از آرای تصویب شده از جلسه سران و بزرگان حکومت فرعونیان

و أرسل فی المدائن حشرین

ظلم کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - قبطیان و کارگزاران فرعون ، مردمی ستمگر بودند .

و نَجْنَى مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

غضب کارگزاران جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۴

۴ - مأموران دورخ ، آکنده از خشم و نفرت نسبت به دوزخیان

كَلَّمَا أَرَادُوا . . . وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

فرعون و کارگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۳

۱۳ فرعون به اشراف دربارش اطمینان داد که نظامش از تسلط کامل بر موسی (ع) و قومش برخوردار است .

إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ

<قاهر> به معنای غالب است و کلمه <فوقهم> متعلق به <قهرون> می باشد. یعنی ما از جهت بالا بر آنها مسلط هستیم. و

این کنایه از سلطه کامل است.

قدرت کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ واگذار کننده منصب ، باید توانمندی و امانت داری منصب پذیر را احراز کند .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی . . . مکین أمين

کارگزاران جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲۰

۲ - جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص)، تنها نبود و مأمورانی فرمان پذیر در اختیار داشت .

لقول رسول .. مطاع

کار گزاران جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۳

۳ - وجود مأمورانی با گرزهای آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حدید . کَلِّمًا أَرَادُوا... أُعِيدُوا فِيهَا

<اعیدوا> فعل مجهول و فاعل آن محذوف است و تقدیر آن با توجه به آیه پیش (لهم مقامع من حدید) چنین می شود:
<کَلِّمًا أَرَادُوا أَنْ يَرْجُوا.. اعادتهم الخزنه بالمقامع فيها> اهل دوزخ هر وقت خواستند از دوزخ بیرون آیند مأموران دوزخ با گرزهای آهنین، آنان را به داخل دوزخ بازمی گردانند.<

کار گزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ ملائکه، مجریان دقیق اراده قاهر خداوند هستند.

و يرسل عليكم حفظة .. توفته رسلنا و هم لا يفرطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۱۴

۱۴ گروهی از فرشتگان، کار گزاران خداوند در گرفتن جان آدمیان هستند.

و لو ترى إذ الظلمون في غمرت الموت و الملائكة باسطوا أيديهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۷ - ۵

۵- برخی از ملائکه ، پیام آوران و مجریان فرمان خداوندند .

فما خطبکم أئبها المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۸ - ۲

۲- اجرای فرمان های خداوند از وظایف و مسؤولیت های

فرشتگان

قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۲

۲- مأموران الهی ، خاندان لوط (ع) را از عذاب نازل شده بر قوم وی نجات دادند .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا لوط إنا لمنجّوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۶

۶- فرشتگان ، مجریان و کارگزاران اوامر و مقدرات الهی اند .

إلا امرأته قدّرتنا إنها لمن الغبرين

با آنکه بی تردید مقدرات امور به دست خداست، در عین حال خداوند آن را به فرشتگان نسبت داد (قالوا .. قدّرتنا) و این می رساند که فرشتگان کارگزاران و مجریان اوامر و مقدرات الهی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۲،۶

۲- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان ، خود را مأموران الهی معرفی کردند .

قال إنكم قوم منكرون . قالوا بل جنّك بما كانوا

۶- فرشتگان ، مجریان عذاب الهی بر قوم لوط بودند .

قالوا بل جنّك بما كانوا فيه يمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۴ - ۲

۲- فرشتگان وارد شده بر حضرت لوط (ع)، حامل پیام حق و دستوری تحقق یافتنی بودند.

و أتینک بالحقّ و إنا لصدقون

مراد از <بالحق> به قرینه ذیل آیه که تأکید بر راستگویی است می تواند خبر و پیام حق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- فرشتگان ، کار گزاران خداوند هستند .

و هم بأمره یعملون

نظر به این که بسیاری از کارهای خداوند به وسیله فرشتگان انجام می گیرد (مانند قبض روح، عذاب، ابلاغ وحی به پیامبران و...) می توان گفت که مراد از <أمره> در رابطه با چنین کارهایی می باشد.

کار گزاران خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۴

۴ - جهنم ، مقهور کار گزاران صحنه قیامت و عرضه آن بر اهل محشر بر عهده آنان است .

و جایء

مجهول آوردن فعل <جیء>، بر وجود مأمور برای آوردن جهنم دلالت دارد.

کار گزاران خدا و مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۵

۵ - یاد آوری مواضع انکار آمیز تکذیب کنندگان قیامت از سوی مأموران الهی ، به هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

کار گزاران شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۱۲

۱۲ - افترا زندگان به خدا ، پیروان شیطان و کار گزاران او هستند .

لا تتبعوا خطوات الشيطان . . . إنما يأمركم ... أن تقولوا على الله ما لا تعلمون

کار گزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۱ - ۶

۶ بسیج نیرو های حکومتی به تمامی شهر های تحت نفوذ فرعون ، طرح کار گزاران دربار برای گردآوری و احضار ساحران زبردست

و أرسل فی المدائن حشرین

<ال> در <المدائن> عهد ذهنی است و اشاره به شهر های تحت نفوذ حکومت فرعون دارد.

زیرا معهود بین فرعون و اشراف دربار همان شهرهای کشور خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۰ - ۱

۱ مأموران حکومت ، پس از دستور فرعون ، تمام ساحران چیره دست و ماهر را از اطراف و اکناف کشور فراخوانده و در پایتخت گرد آوردند .

و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم. فلما جاء السحره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۶ - ۳

۳ - هامان ، از کارگزاران و دستیاران اصلی دربار فرعون بود .

و قال فرعون یهمن ابن لی صرْحًا

فرمان فرعون به هامان و انتخاب کردن او برای امر مهمی چون احداث بنای بلند و یا رصدخانه، می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

کارگزاران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۹

۹ اصحاب اعراف دارای مرتبه ای والا در پیشگاه خداوند و از کارگزاران صحنه قیامت هستند .

قالوا .. ادخلوا الجنة لا خوف علیکم و لا أنتم تحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ گواهان اعمال ، از کارگزاران صحنه قیامتند .

و یقول الأشهد .. ألا لعنه الله علی الظلمین

کارگزاران یوسف و تدبیر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۴

۴ بی اطلاعی کارگزاران یوسف (ع) از طرح و نقشه وی (جاسازی کردن پیمانان در محموله بنیامین) برای جلوگیری از بازگشت بنیامین

جعل السقایه

فی رحل أخیه ثم أذن مؤذّن

چنان چه کار گزاران یوسف (ع) از نقشه وی مطلع بودند، به سارق بودن فرزندان یعقوب تصریح و تأکید نمی کردند (انکم لسارقون). همچنین از اینکه یوسف (ع) خود جام را در محموله بنیامین قرار داد، این معنا استفاده می شود که او نمی خواست دیگران از نقشه وی مطلع باشند.

کار گزاران یوسف (ع) و برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۳

۳ فرزندان یعقوب نزد کار گزاران یوسف به حسن سابقه و منزّه بودن از فساد و سرقت شناخته شده بودند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱،۲

۱ کار گزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق ، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبین

۲ کار گزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذبین

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

کار گزاران یوسف (ع) و ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) و کار گزارانش به هنگام اقتدار و حکومت در مصر ، از هر \$ گونه ظلم و ستم اجتناب می کردند .

قال معاذ الله ان .. . إنا إذا لظلمون

مقصود یوسف از ضمیرهای متکلم مع الغیر <نا> و <نحن> در حقایقی که مطرح

کرد (أَنْ نَأْخُذَ... إِنْ أِذَا لظالمون) خود او و کارگزارانش می باشد.

گفتگوی کارگزاران خدا با مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۳

۳ - سخن ملامت بار و استهزا آمیز مأموران الهی نسبت به تکذیب گران ، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کتّم بها تکذّبون

جمله <هذه النار..>، می تواند گفتار الهی و یا سخن مأموران خداوند (همانان که تکذیب گران را به عنف و قهر به سوی دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

مسوول عمل کارگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ - فرمان روایان ، مسوول کردار زبردستان خود هستند .

لا تعذبهم

تردیدی نیست که فرعون، در شکنجه کردن بنی اسرائیل مباشرت نداشته است؛ ولی در عین حال خداوند عذاب کردن بنی اسرائیل را به او نسبت داده است؛ زیرا فرعون سردمدار حکومت بوده و فرمان شکنجه را صادر می کرده است.

مسؤولیت کارگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ - مجریان احکام الهی ، در صورت زیاده روی از حد عدالت و مقابله به مثل ، خود ستمگر و محروم از محبت خدا خواهند بود .

جزؤا سیئه سیئه مثلها... إنّه لایحبّ الظلمین

ممکن است <إِنَّه لَا یُحِبُّ الظَّالِمینَ > ناظر به قانون مقابله به مثل باشد.

مسئولیت کار گزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۲۳ - ۴

۴ - جهنم ، مقهور

کار گزاران صحنه قیامت و عرضه آن بر اهل محشر بر عهده آنان است .

و جایء

مجهول آوردن فعل <جىء>، بر وجود مأمور برای آوردن جهنم دلالت دارد.

مشاوره کار گزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۹ - ۳

۳ اشراف و بزرگان قوم فرعون پس از تبادل نظر در جلسه مشورتی به این نتیجه رسیدند که موسی (ع) بدون هیچ تردید ساحری زبردست و معجزه وی سحر است .

قال الملائم من قوم فرعون إن هذا لسحر علیم

برداشت فوق بر اساس اولین احتمالی است که در توضیح فیش قبل درباره جمله <إن هذا .. > بیان شد.

مغضوبان کار گزاران جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۴

۴ - مأموران دورخ ، آکنده از خشم و نفرت نسبت به دوزخیان

كلما أرادوا .. و ذوقوا عذاب الحریق

نظارت بر کار گزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۸

۸ - بازدید از نیرو های تحت فرمان و کار گزاران ، جستوجو از احوال آنان ، نظارت دقیق بر کارهایشان و خویشتن داری در برخورد با آنها ، از اوصاف و وظایف فرماندهان سپاه و رهبران جامعه اسلامی .

و تفقد الطیر فقال ما لی لأری الهدهد أم کان من الغائبین

نظارت کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۲،۱۰

۲ - دسته های بازگردانده شده به دنیا ، تحت نظارت و کنترل مأموران الهی

و یوم نحشر. .. فهم یوزعون

<وزع>

(مصدر مجهول <یوزعون>) به معنای ممنوع شدن است. بنابراین عبارت <فهم یوزعون> اشاره دارد به این که: گروه های محشور شده، نمی توانند به میل خود هر طور خواستند عمل کنند. مأموران آنان را از متفرق شدن بازمی دارند.

۱۰ - جدا شدن سردمداران کفر از میان هر امت در قیامت ، به صورت نظام یافته و تحت نظارت و کنترل مأموران الهی است .

*

و یوم نحشر .. فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۶،۷

۶ - رفتار پنهان و آشکار دین ستیزان ، تحت نظارت مستقیم خداوند و نیز در نظرگاه کاتبان و مأموران الهی

أم یحسبون أنا لانسمع سرهم و نجویهم بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

۷ - مأموران الهی برای ثبت اعمال ، همیشه در کنار انسان و ناظر بر اعمال او

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

نقش کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۸

۸ - ثبت اعمال خلق ، به وسیله مأموران الهی

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

با الغای خصوصیت از مورد آیه شریفه، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۹ - ۹

۹ - نقش کارگزاران الهی ، در ثبت و ضبط اعمال آدمیان *

کتبنا .. إنا کنا نستسخ

ضمایر متکلم مع الغیر در این آیه، ممکن است از آن جهت به کار رفته باشد که خداوند، برنامه های خویش را در نظام تکوین، از طریق عوامل و کارگزارانش عملی می سازد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۵

۵ - نقش عوامل الهی، در مهیا شدن دوزخ برای کافران *

فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

ضمیر متکلم مع الغیر، در <إِنَّا> و <أَعْتَدْنَا> را می توان بیانگر نقش عوامل و کارگزاران الهی در تحقق اراده او دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۲

۲ - سامان یافتن نظام جهان، در پرتو تقسیم و دسته بندی امور، به دست کارگزاران الهی (فرشتگان)

فَالْمَقْسَمَاتِ أَمْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۰ - ۲

۲ - کردار هر انسان، به وسیله مأموران الهی نگه داری می شود.

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَفَظِينَ

مراد از <حفاظت> به قرینه آیات بعد نگهداری اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند، دارای مأمورانی سرسخت برای خشی ساختن تلاش مخالفان دین و راندن آنها به سوی جهنم

سندع الزبانیه

<زَبِيَّيْهٍ> (مفرد <زبانیه> از ریشه <زَبَيْنَ> به معنای <دفع>); به معنای <شدید> و <پلیس> (یاور سلطان) است (قاموس). اطلاق <زبانیه> بر مأموران الهی، به این جهت است که آنها اهل آتش را به سوی آن سوق می دهند. (مصباح)

نقش کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۴

۴ غلامان و کارگزارانی فراوان در استخدام یوسف (ع) برای توزین و توزیع آذوقه ها و دریافت بهای آنها

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

<فتیان> جمع فتی و

به معنای غلامان و جوانان است.

کارگزاران خدا

{کارگزاران خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۴

۴ جنگاوران مؤمن ، در عرصه نبرد ، مجاری تحقق اراده خدا (پیروزی قوای اسلام و مرگ و ذلت دشمنان) هستند .

يعذبهم الله بأيديكم و يخزهم و ينصركم عليهم

خداوند پس از فرمان جنگ با دشمنان، نابودی و شکست آنان و پیروزی مؤمنان را به خود نسبت داد با آنکه همه آنها نتیجه همان جنگ بود از این مطلب استفاده می شود که اراده خدا در مورد انسانها، از راه افعال خود آنان تحقق می پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۵

۵ نیرو و قدرت مؤمنان ، وسیله تحقق اراده الهی در نابودی و عذاب منافقان

أن يصيبكم الله بعذاب من عنده أو بأيدينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۱۴

۱۴ وجود وسایط و عوامل (شفیعان) برای خدا در تدبیر امور نظام هستی

يدبر الأمر ما من شفيع إلا من بعد إذنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ فرشتگان ، از عوامل و وسایط خداوند در تحقق خواست ها و مشیت های او در عالم طبیعتند .

و لقد جاءت رسلنا إِبْرَاهِيمَ بالبشرى. .. فبشّرنها

ظاهر آن است که فرشتگان به همسر ابراهیم خبر دادند که: وی دارای فرزند خواهد شد. ولی خداوند با جمله <فبشّرنها> (ما به وی بشارت دادیم) آن را

به خود نسبت می دهد تا به این نکته اشاره کند که: اولاً، کار فرشتگان در حقیقت کار خداست و ثانیاً، خداوند از طریق عوامل و وسایط، مشیتهای خویش را در جهان عملی می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵ - ۱

۱- انتقام خداوند از بنی اسرائیل ، به وسیله نیروهایی توانمند و جنگاور ، در پی نخستین فسادانگیزی آنان

فَإِذَا جَاء وَعْدُ أُولَاهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ

<بأس> در لغت به معنای شدت در جنگ است و <أولی بأس> توانمندی و جنگاوری را معنا می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۵

۵- باد های کوبنده و درهم شکننده ، از عوامل خداوند در کیفر اعراض کنندگان از او

يَعِيدُكُمْ .. فَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقُكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ

<قاصف> از مصدر <قصف> به معنای شکننده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۰ - ۸

۸- خضر (ع) کار گزار اوامر الهی بود و نه مجری خواسته های شخصی خود .

فَخَشِينَا أَن يُرْهَقَهُمَا

ضمیر <نا> در <خشینا> می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد. جمله <و ما فعلته عن أمری> در آیات بعد نیز بر این نکته تصریح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۷

۷- پی بردن انسان در هنگام مرگ ، به دست اندر کاری عوامل و کار گزاران الهی (ملائکه) در مرگ و حیات او

حتى إذا جاء أحدهم

الموت قال ربّ ارجعون

کلمه <ارجعون> می تواند خطاب به خداوند بوده و جمع آمدن آن از باب تعظیم باشد. هم چنین می تواند بدان جهت باشد که انسان، در آن لحظه حضور ملائکه و کارآیی آنان را مشاهده می کند و با التجا به خدا، از آنان می خواهد که او را به دنیا بازگردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۴

۴ - هشدار خداوند به کافران به عالم آخرت ، مبنی بر این که آنان در احاطه کامل مأموران الهی اند .

الذین لایؤمنون بالأخره .. أفلم یروا إلی ما بین أیدیهم و ما خلفهم

<فا> در <أفلم یروا> تفریع بر <بل الذین لایؤمنون..> است. توجه دادن به این که پشت سرشان آسمان و زمین است، کنایه از احاطه مأموران الهی (آسمان زمین) بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۸

۸ - ملائکه ، رسولان و کارگزاران خداوند در امور تکوین و تشریح جهان اند .

جاعل الملائکه رسلاً

اطلاق کلمه <رُسلاً> می رساند که قلمرو رسالت فرشتگان، شامل تمامی امور تکوین و تشریح می شود و اختصاص به امور تشریحی (همچون ابلاغ وحی و دین به پیامبران) ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۲

۲ - تنها خداوند جان ستان حقیقی انسان ها است و عوامل دیگر (چون عزرائیل) واسطه و مأمور او هستند .

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها

تقدم اسم جلاله (اللّه) بر خبر فعلی مقید، تخصیص مضمون خبر است.

بنابراین اختصاص جان ستاندن به خداوند در حالی که در آیات دیگر این عمل به فرشته مخصوص (ملک الموت) نسبت داده شده گویای حقیقت بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۵

۵ - برخی از فرشتگان ، کارگزاران الهی در جهان اند .

الذین یحملون العرش

عرش در آیه شریفه، به معنای مرکز اداره و فرمان روایی خدا بر جهان هستی است. بنابر این حمل این مرکز از سوی فرشتگان، می تواند به معنای کارگزاری آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۶

۶ - مأموران الهی ، خدمت گذاران اهل تقوا و همسران آنان در بهشت

ادخلوا الجنة أنتم و أزواجکم .. یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أكواب

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) به قرینه آیه قبلی می توان استفاده کرد که مرجع ضمیر <علیهم> پرهیزگاران و همسران آنانند. ب) از صیغه مجهول <یُطاف> می توان استفاده کرد که خدمت گذاران بهشتیان، مأموران الهی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۱۹، ۱۶

۱۶ - آرامش و اطمینان روحی ، خود نیرویی از نیروهای الهی است . *

أنزل السکینه .. و لله جنود السموت و الأرض

بیان <لله جنود> بعد از <أنزل السکینه>، می تواند اشاره به این باشد که آرامش (السکینه) خود از جنود الهی است.

۱۹ - علم و حکمت ازلی خداوند ، پشتوانه آفرینش قوای هستی و به کارگیری بهینه آن

وَلِلّٰهِ جُنُودَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ

كان الله عليماً حكيماً

تعبیر <و كان الله عليماً حكيماً> در پایان آیه شریفه، می‌رساند که فتح مؤمنان و انزال سکینه بر آنان و بهره‌گیری از جنود آسمان‌ها و زمین، در پرتو علم و حکمت ازلی صورت می‌گیرد؛ زیرا نفس تکون جنود و نیز بهره‌گیری از آنها در موارد مختلف، نیازمند علم و حکمت گسترده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۳ - ۳

۳ - فرشتگان، مجریان اراده الهی در تحولات تاریخ

لنرسل علیهم حجاره من طین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۶ - ۳

۳ - فرشتگان، کارگزاران الهی در آسمان برای اجرای فرمان‌های الهی نسبت به انسان‌ها

ءأمتتم من فی السماء أن یخسف بکم الأرض

برخی از مفسران، بر این عقیده‌اند که مقصود از <من فی السماء>، فرشتگان است که در آسمان‌ها قرار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۳

۳ - فرشتگان، کارگزاران الهی در آسمان، آماده برای اجرای فرمان‌های الهی نسبت به انسان‌ها

أم أمتتم من فی السماء أن یرسل علیکم حاصباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۷ - ۶

۶ - فرشتگان، کارگزاران الهی در جهان هستی

و الملك علی أرجائها و یحمل عرش ربک فوقهم یومئذ ثمنیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۱،۲

۱ - عروج و صعود ملائکه و جبرئیل به سوی خدا

(به صعودگاه ها و جایگاه های بلند مرتبه) در قیامت برای دریافت فرامین الهی و اجرای آن

تعرج الملئکه و الروح إلیه

مقصود از <روح> روح الامین و جبرئیل است. ضمیر در <إلیه> به <الله> بازمی گردد؛ به این اعتبار که خداوند که صاحب معارج است. بر این اساس مقصود آیه شریفه، این حقیقت است که فرشتگان برای دریافت فرمان های الهی، به صعودگاه و جایگاه دریافت آنها عروج می کنند و چون خداوند صاحب این جایگاه ها و صعودگاه ها است، فرشتگان در حقیقت به سوی او عروج خواهند کرد.

۲- فرشتگان و جبرئیل ، کارگزاران الهی در عرصه قیامت

تعرج الملئکه و الروح إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۵

۵- خداوند ، برای حفاظت از وحی ، نگهبانانی را در اطراف پیامبر (ص) گماشته است .

فإنه یسلک من بین یدیه و من خلفه رصداً

<رصد> اسم جمع <راصد> (مراقب و نگهبان) است و مقصود از آن در این آیه، فرشتگانی است که خداوند بعد از نزول وحی، به آنها دستور داده بود پیامبرش را از هر سو احاطه کنند و آن حضرت از شرّ شیاطین جن و انس و وسوسه های آنها و آنچه اصالت وحی را خدشه دار می کند، محافظت و پاسداری نمایند؛ تا پیام الهی بی کم و زیاد و بدون کمترین خدشه ای به بندگان ابلاغ گردد. این خود یکی از دلایل معصوم بودن پیامبر(ص) در امر رسالت و مصونیت وحی از دستبرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸

۴ - عملکرد عوامل طبیعی ، مستند به خداوند است .

و أنزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۳

۳ - روح و فرشتگان ، کارگزاران رسیدگی به کیفر و پاداش بندگان در قیامت

یوم یقوم الروح و الملائکه صفاً

صفّ بستن <روح> و <ملائکه>، حاکی از آمادگی آنان برای اجرای دستورات است. به قرینه آیات پیشین که سخن از کیفر و پاداش بندگان بود محدوده مأموریت آنان، رسیدگی به امور بهشتیان و دوزخیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۴

۴ - فرشتگان عازم به اجرای فرمان های الهی و ترک کننده مقر خود برای تدبیر امور جهان ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

و النشاط نشطاً

<ناشط>، ممکن است به معنای چیزی باشد که از مکانی خارج و به مکان دیگر انتقال پیدا می کند (قاموس). سوگند خداوند به فرشتگان <ناشط>، نشانه تحسین خروج و انتقال آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳ - ۳

۳ - فرشتگان پی گیر فرمان های الهی ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

و السبحت سبحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - > عن علي بن أبي طالب (ع) أنّ ابن الكوّاء سأله عن < و المدبرات أمراً > قال: الملائكة يدبّرون ذكر الرحمن و أمره /

از علی بن ابی طالب(ع) روایت شده که در پاسخ ابن کوّاء که از او

درباره <فالمدبرّات أمراً> سؤال کرده بود فرمود: مراد فرشتگانی اند که ذکر خدای رحمان و فرمان او را تدبیر می کنند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۰ - ۱

۱ - مأموران الهی ، انسان ها را زیر نظر داشته ، و مراقب کردار اویند .

و إنّ علیکم لحفظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۵ - ۴

۴ - وجود کار گزارانی چند ، در مرحله حضور مردم در پیشگاه خداوند در قیامت *

إنّ إلینا إیابهم

ضمیر جمع (نا) در <إلینا>، می تواند بیانگر رجوع مردم به مجموعه ای از کار گزاران صحنه قیامت باشد که به فرمان خداوند در آن مقام قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۵

۵ - وجود کار گزارانی چند ، برای حسابرسی اعمال مردم در قیامت

ثمّ إنّ علینا حسابهم

برداشت یاد شده، از ضمیر <نا> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۷

۷ - فرشتگان و روح ، تسلیم خداونداند و کار های آنان به اذن او انجام می گیرد .

تنزل الملائکه و الروح فیها یاذن ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۶

۶ - وجود مأمورانی الهی ، برای برافروختن آتش جهنم

الموقده

<موقده> اسم مفعول و حاکی از وجود فاعلی است که آتش را شعلهور ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۳ -

۲ - پرنندگان ، مطیع فرمان خداوند و در خدمت اهداف او هستند .

و أرسل عليهم طيرًا أبابيل

استقامت کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۲

۲ - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، هر چند فراوان و سازمان یافته باشند ، از مقاومت در برابر مأموران الهی عاجزانند .

ينهى . عبداً إذا صلى ... كذب و تولّى ... فليدع ناديه . سندع الزبانية

استهزاهای اخروی کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۳

۳ - سخن ملامت بار و استهزاآمیز مأموران الهی نسبت به تکذیب گران ، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار التي كنتم بها تكذبون

جمله <هذه النار..>، می تواند گفتار الهی و یا سخن مأموران خداوند (همانان که تکذیب گران را به عنف و قهر به سوی دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

برخورد اخروی کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۴

۴ - دروغ گوینان و گنه کاران ، در آخرت با برخورد شدید مأموران الهی مواجه شده و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

ناصیه کذبہ خاطئه . . . سندع الزبانية

بی شماری کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۲۰

۲۰ - خداوند، دارای لشکریان و کارگزارانی بی شمار

و ما يعلم جنود ربِّک إلاّ هو

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که ندانستن لشکریان

خداوند، به تعداد بی شمار آنان اشاره داشته باشد؛ یعنی، بر اثر کثرت تعداد آنان، قابل شناخت برای کسی نیست.

تعداد کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - شمار لشکریان و کارگزاران پروردگار و ویژگی های آنان را، کسی جز خدا نمی داند .

و ما يعلم جنود ربك إلا هو

مقصود از <جنود> مطابق نظر مفسران فرشتگان اند که نقش کارگزاری و امر بری نسبت به خدا را دارند.

سخت کوشی کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند، دارای مأمورانی سرسخت برای خنثی ساختن تلاش مخالفان دین و راندن آنها به سوی جهنم

سندع الزبانیه

<زَبَّيْتِه> (مفرد <زبانیه> از ریشه <زَبَّيْن> به معنای <دفع>)؛ به معنای <شدید> و <پلیس> (یاور سلطان) است (قاموس). اطلاق <زبانیه> بر مأموران الهی، به این جهت است که آنها اهل آتش را به سوی آن سوق می دهند. (مصباح)

سرزنشهای کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۳

۳ - سخن ملامت بار و استهزاآمیز مأموران الهی نسبت به تکذیب گران، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار التي كنتم بها تكذبون

جمله <هذه النار..>، می تواند گفتار الهی و یا سخن مأموران خداوند (همانان که تکذیب گران را به عنف و قهر به سوی دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

سرزنشهای کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۷ - ۲

۲ - مأموران الهی ، با به رخ کشیدن تکذیب گری ها و ناباوری های جهنمیان ، آنان را بر آن موضع گیری ، سرزنش خواهند کرد .

ثمّ يقال هذا الذى كنتم به تكذبون

کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ ملائکه، مجریان دقیق اراده قاهر خداوند هستند.

و يرسل عليكم حفظة . . . توفته رسلنا و هم لا يفرطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۱۴

۱۴ گروهی از فرشتگان، کارگزاران خداوند در گرفتن جان آدمیان هستند.

و لو ترى إذ الظلمون فى غمرت الموت و الملائكة باسطوا أيديهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۷ - ۵

۵- برخی از ملائکه ، پیام آوران و مجریان فرمان خداوندند .

فما خطبكم أئها المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۸ - ۲

۲- اجرای فرمان های خداوند از وظایف و مسؤولیت های فرشتگان

قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۲

۲- مأموران الهی ، خاندان لوط (ع) را از عذاب نازل شده بر قوم وی نجات دادند .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا لوط إنا لمنجّوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۶

۶- فرشتگان ، مجریان و کارگزاران اوامر و مقدرات الهی اند

إلا امرأته قدّرتنا إنها لمن الغبرين

با آنکه بی تردید مقدرات امور به دست خداست، در عین حال خداوند آن را به فرشتگان نسبت داد (قالوا .. قدّرتنا) و این می رساند که فرشتگان کارگزاران و مجریان اوامر و مقدرات الهی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۲،۶

۲- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان، خود را مأموران الهی معرفی کردند.

قال إنکم قوم منکرون . قالوا بل جنکک بما کانوا

۶- فرشتگان، مجریان عذاب الهی بر قوم لوط بودند.

قالوا بل جنکک بما کانوا فیه یمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۴ - ۲

۲- فرشتگان وارد شده بر حضرت لوط (ع)، حامل پیام حق و دستوری تحقق یافتنی بودند.

و أتینک بالحقّ و إنا لصدقون

مراد از <بالحق> به قرینه ذیل آیه که تأکید بر راستگویی است می تواند خبر و پیام حق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۷ - ۵

۵- فرشتگان، کارگزاران خداوند هستند.

و هم بأمره یعملون

نظر به این که بسیاری از کارهای خداوند به وسیله فرشتگان انجام می گیرد (مانند قبض روح، عذاب، ابلاغ وحی به پیامبران و ..) می توان گفت که مراد از <أمره> در رابطه با چنین کارهایی می باشد.

کارگزاران خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۴

۴ - جهنم ، مقهور

کار گزاران صحنه قیامت و عرضه آن بر اهل محشر بر عهده آنان است .

و جایء

مجهول آوردن فعل <جىء>، بر وجود مأمور برای آوردن جهنم دلالت دارد.

کار گزاران خدا و مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۵

۵ - یادآوری مواضع انکارآمیز تکذیب کنندگان قیامت از سوی مأموران الهی ، به هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

گفتگوی کار گزاران خدا با مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۳

۳ - سخن ملامت بار و استهزاآمیز مأموران الهی نسبت به تکذیب گران ، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <هذه النار..>، می تواند گفتار الهی و یا سخن مأموران خداوند (همانان که تکذیب گران را به عنف و قهر به سوی دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

مسؤولیت کار گزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۴

۴ - جهنم ، مقهور کار گزاران صحنه قیامت و عرضه آن بر اهل محشر بر عهده آنان است .

و جایء

مجهول آوردن فعل <جیء>، بر وجود مأمور برای آوردن جهنم دلالت دارد.

نظارت کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۲،۱۰

۲ - دسته های بازگردانده شده به دنیا ، تحت نظارت و کنترل مأموران الهی

و یوم نحشر.. فهم یوزعون

<وزع> (مصدر مجهول <یوزعون>) به معنای ممنوع شدن است. بنابراین عبارت <فهم

یوزعون < اشاره دارد به این که: گروه های محشور شده، نمی توانند به میل خود هر طور خواستند عمل کنند. مأموران آنان را از متفرق شدن باز می دارند.

۱۰ - جدا شدن سردمداران کفر از میان هر امت در قیامت ، به صورت نظام یافته و تحت نظارت و کنترل مأموران الهی است .

*

و یوم نحشر .. فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۶،۷

۶ - رفتار پنهان و آشکار دین ستیزان ، تحت نظارت مستقیم خداوند و نیز در نظرگاه کاتبان و مأموران الهی

أم یحسبون أنا لانسمع سرهم و نجویهم بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

۷ - مأموران الهی برای ثبت اعمال ، همیشه در کنار انسان و ناظر بر اعمال او

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

نقش کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۸

۸ - ثبت اعمال خلق ، به وسیله مأموران الهی

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

با الغای خصوصیت از مورد آیه شریفه، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۹ - ۹

۹ - نقش کارگزاران الهی ، در ثبت و ضبط اعمال آدمیان *

کتبنا .. إنا کنا نستسخ

ضمایر متکلم مع الغیر در این آیه، ممکن است از آن جهت به کار رفته باشد که خداوند، برنامه های خویش را در نظام تکوین، از طریق عوامل و کارگزارانش عملی می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ -

۵ - نقش عوامل الهی، در مهیّا شدن دوزخ برای کافران *

فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

ضمیر متکلم مع الغیر، در <إِنَّا> و <أَعْتَدْنَا> را می توان بیانگر نقش عوامل و کارگزاران الهی در تحقّق اراده او دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۲

۲ - سامان یافتن نظام جهان، در پرتو تقسیم و دسته بندی امور، به دست کارگزاران الهی (فرشتگان)

فَالْمَقْسَمَتِ امْرَأًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۰ - ۲

۲ - کردار هر انسان، به وسیله مأموران الهی نگه داری می شود.

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَفَظِينَ

مراد از <حفاظت> به قرینه آیات بعد نگهداری اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند، دارای مأمورانی سرسخت برای خنثی ساختن تلاش مخالفان دین و راندن آنها به سوی جهنم

سندع الزبانیه

<زَبَّيْتِيَه> (مفرد <زبانیه> از ریشه <زَبَّيْن> به معنای <دفع>); به معنای <شدید> و <پلیس> (یاور سلطان) است

(قاموس). اطلاق <زبانیه> بر مأموران الهی، به این جهت است که آنها اهل آتش را به سوی آن سوق می دهند. (مصباح)

کاروان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

اُتراق کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ اُتراق کاروانیان در اطراف چاه کنعان ، نجات دادن یوسف (ع) از آن چاه و به همراه خویش بردن او ، به تقدیر خداوند و تحت نظارت دقیق او انجام می گرفت .

و جاءت سیاره .

.. والله عليم بما يعملون

مراد از <ما> در <ما يعملون> می تواند کالا قرار دادن یوسف(ع) باشد (أَسْرُوه بضاعه). و نیز محتمل است همه داستان کاروان، در رابطه با یوسف(ع) باشد. بنابر فرض نخست، علم خدا به رفتار آنان (کالا قرار دادن) کنایه از کیفردهی است و بنابر فرض دوم، علم خدا کنایه از تقدیر و تدبیر اوست / یعنی، تمام مقدماتی که مایه نجات یوسف(ع) از چاه شد (گذر کردن کاروان در اطراف کنعان، منزل کردن در اطراف چاه و ...) همه به نظارت خدا و تدبیر او بود.

ادعای کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۲

۲ همه اهل کاروان ، خود را نسبت به یوسف (ع) ذی نفع می پنداشتند و خویشان را مالک او می شمردند .

أَسْرُوه بضعه ... و شروه بئمن

از آن جایی که کالا قرار دادن و نیز فروختن یوسف(ع) به کاروان نسبت داده شده است ، برداشت فوق استفاده می شود.

بشارت به کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۴

۴ آب آور کاروان ، از یافتن یوسف (ع) شادمان و شگفت زده شد و آن را به همسفران خویش بشارت داد .

قال یبشری هذا غلم

بشارت ساقی کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۴

۴ آب آور کاروان ، از یافتن یوسف (ع) شادمان و شگفت زده شد و آن را به همسفران خویش

بشارت داد .

قال یبشری هذا غلم

بینش کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ کاروانیان بردن یوسف (ع) را به بردگی ، کاری نامشروع و غیرقانونی می دانستند .

و أسرّوه بضعه والله علیم بما یعملون

چنان چه برده قرار دادن و فروش کودکی که پیدا شده امری مجاز و قانونی بود ، مخفی ساختن یوسف (ع) (أسرّوه بضعه) وجهی نداشت.

ساقی کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱

۱ کاروانی در اطراف چاهی که یوسف (ع) در آن بود ، منزل گزیدند و مأمور تهیه آب را به سوی آن چاه روانه کردند .

و جاءت سیّاره فأرسلوا واردهم

<وارد> به کسی که برای تهیه آب بر سر چاه ، نهر و مانند آن می رود ، گفته می شود.

سرور ساقی کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۴

۴ آب آور کاروان ، از یافتن یوسف (ع) شادمان و شگفت زده شد و آن را به همسفران خویش بشارت داد .

قال یبشری هذا غلم

کاروان یابنده یوسف و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۱، ۱۰، ۶، ۵

۵ کاروانِ یابنده یوسف (ع) ، او را به عنوان کالای تجاری به همراه خود بردند .

و أسزوه بضعه

<بضاعه> به مال و کالایی اطلاق می شود که برای تجارت قرار داده شده است.

۶ کاروانِ یابنده یوسف (ع)

(به منظور کالای تجارتي قرار دادن او ، سعی در مخفی ساختن وی داشتند .

و أسزوه بضعه

در فعل <أسزوا> (پنهان ساختند) معنای جعل و قرار دادن اشراب شده است ؛ از این رو <بضاعه> را به عنوان مفعول دوم نصب داده است. معنای جمله نیز چنین می شود: یوسف(ع) را کالای تجارتي قرار دادند و او را پنهان ساختند.

۱۰ کاروانیان بردن یوسف (ع) را به بردگی ، کاری نامشروع و غیرقانونی می دانستند .

و أسزوه بضعه والله عليم بما يعملون

چنان چه برده قرار دادن و فروش کودکی که پیدا شده امری مجاز و قانونی بود ، مخفی ساختن یوسف(ع) (أسزوه بضاعه) وجهی نداشت.

۱۱ کاروان یابنده یوسف (ع) به خاطر کالا قرار دادن او ، گنه کار و مستحق کیفر الهی شدند .

و أسزوه بضعه والله عليم بما يعملون

یادآوری علم خدا به اعمال بندگان ، می تواند کنایه از کیفردهی او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۲،۳،۴

۱ کاروانیان ، یوسف (ع) را به درمهایی اندک و بهایی ناچیز فروختند .

و شروه بثمان بخرم معدوده

<شراء> (مصدر شروا) به معنای فروختن است و ضمیر فاعلی در <شروه> به <سیاره> باز می گردد. <بخرم> مصدر به معنای اسم مفعول (مبخرم = ناقص و کم ارزش) می باشد. <ثمان بخرم> ؛ یعنی ، بهایی که نسبت به چیز خریداری شده کم ارزش تر باشد. <معدوده> به معنای شمرده شده و کنایه از اندک بودن است.

۲ همه اهل کاروان ، خود را نسبت به یوسف (ع) ذی نفع می پنداشتند و

خویشتن را مالک او می شمردند .

أسرّوه بضعه .. و شرّوه بئمن

از آن جایی که کالا قرار دادن و نیز فروختن یوسف(ع) به کاروان نسبت داده شده است ، برداشت فوق استفاده می شود.

۳ کاروانیان یابنده یوسف (ع) ، به نگه داشتن او در نزد خویش ، رغبتی نداشتند .

شرّوه .. و کانوا فیه من الزهدین

<زهد> رغبت نداشتن به چیزی به خاطر بی مقدار دانستن آن است. به نظر می رسد کاروانیان ، بیم آن داشتند که کار ناروایشان یعنی برده ساختن انسان یافت شده فاش شود. از این رو قیمتی ارزان برای او تعیین کردند ، تا هرچه زودتر به فروش رسد.

۴ تعجیل کاروانیان در فروش یوسف (ع) و بی رغبتی آنان در نگه داشتن وی ، دلیل فروختن او به بهایی ناچیز

و شرّوه بئمن بخس .. و کانوا فیه من الزهدین

جمله <و کانوا ..> به منزله تعلیل برای <شرّوه بئمن بخس> است ؛ یعنی ، چون رغبتی به [نگه داری] یوسف(ع) نداشتند ، او را به بهایی ناچیز فروختند.

کیفر کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ کاروان یابنده یوسف (ع) به خاطر کالا قرار دادن او ، گنه کار و مستحق کیفر الهی شدند .

و أسرّوه بضعه والله علیم بما یعملون

یادآوری علم خدا به اعمال بندگان ، می تواند کنایه از کیفردهی او باشد.

کافر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کافر

آثار تحجر مرفهان کافر

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۱

۱ - واپس

گرایی رفاهمندان کافر و تأثیر ناپذیری در برابر آیات الهی ، عامل محرومیت آنان از نصرت خداوند

لا تَجْرُوا الْيَوْمَ .. . قَدْ كَانَتْ ءَايَتِي ... عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنْكُصُونَ

آیه فوق، خطاب به مرفهان گرفتار عذاب و تعلیل برای ردّ استغاثه آنها است. فعل های <تتلی> و <تنکصون> به دلیل همراه شدن با <کانت> و <کنتم>، ماضی استمراری است. <نکوص> (مصدر <تنکصون>) به معنای بازگشت به قهقرا است. بنابراین قید <علیٰ أعقابکم> که آن نیز به معنای قهقرا است برای تأکید معنای <تنکصون> می باشد.

آثار تکبر مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۲

۲ - کبرورزی مرفهان کفرپیشه ، در برابر آیات الهی (قرآن) و تکذیب آن ، عامل محرومیت آنان از نصرت خداوند در قیامت

لا تَجْرُوا الْيَوْمَ .. . قَدْ كَانَتْ ءَايَتِي تَتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ... تَنْكُصُونَ . مستکبرین به

اباحه غنیمت زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - به غنیمت گرفتن زنان کافر ، در شرایطی خاص ، مباح است .

إِنَّا أَهْلَلْنَا لَكَ .. . مَا مَلَكَ يَمِينِكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ

مراد از <ملک یمین> کنیزانی بوده اند که از دشمن به اسارت درمی آمدند. این که خداوند آنان را برای پیامبر(ص) حلال دانسته، فرع بر جایز بودن اصل آن است.

احزاب کافر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۱،۲،۳

۱ احزاب کفرپیشه و مستکبر دارای علامت و نشانهایی مخصوص به خود در قیامت

و نادى اصحاب الاعراف

رجالاً يعرفونهم بسيمهم

۲ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

يعرفونهم بسيمهم

۳ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را مخاطب ساخته و از فاصله ای دور با آنان سخن می گویند .

و نادى اصحاب الاعراف رجالاً

احكام زنان كافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۶

۲۶ - احكام مربوط به زنان مهاجر و زنان كافر ، احكامى الهى و لازم الاجرا است .

ذلکم حکم الله یحکم بینکم

مشارالیه <ذلک>، مجموع احكام مطرح شده در آیه شریفه است که مربوط به زنان مهاجر و كافر می باشد.

احكام كافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۸

۸ - كافران ستیز كننده با خدا و پیامبر (ص) ، فاقد حق مالکیت نسبت به اموال و دارایی خویش *

و ما أفاء الله على رسوله منهم

واژه <أفاء> که از <فأى> به معنای رجوع گرفته شده نشانگر آن است که یهودیان محارب، حق مالکیتی نسبت به اموال و دارایی شان ندارند و در حقیقت به مالک اصلی آن، باز گردانیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ - حق مالکیت کافران غیر محارب ، محترم و رعایت عدل درباره ایشان ضروری است .

و ءاتوهم ما أنفقوا

از شأن نزول آیه، استفاده می شود که حکم پرداخت مهریه و نیز احترامی که اسلام برای مالکیت کافران قائل است، مربوط به کافران غیر محارب است؛ چنان

که آیه شریفه مسائل پس از صلح حدیبیه را بیان می کند. بنابراین رعایت این عدل با آنچه از مفهوم <أن تبرؤهم و تقسطوا...> که نهی از قسط درباره کافران حربی بود منافات ندارد.

ازدواج با کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ جواز ازدواج زنان مؤمن با مردان کافر در شریعت حضرت لوط (ع)

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لكم

جمله <فأسر بأهلك .. إلا امرأتك> حاکی است که دختران حضرت لوط(ع) از مؤمنان به او بوده اند.

اشراف کافر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۲،۶

۲ گروهی از اشراف و بزرگان قوم صالح رسالت وی را پذیرفتند و به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر از آنان به وی کافر شدند .

قال الملائکة الذین استکبروا

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الذین ..> وصفی احترازی باشد. یعنی ملا قوم ثمود در برابر رسالت صالح دو طایفه شدند: مستکبران و غیر مستکبران.

۶ اشراف کفر پیشه قوم ثمود برای ایجاد تردید در مؤمنان ، از باور و اطمینان آنان به رسالت صالح پرسش کردند .

قال الملائکة .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

اشراف کافر مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۳،۴،۸،۹

۳ اشراف کفرپیشه قوم مدین ، سردمداران مبارزه با شعیب و رسالت های وی

قال المأ الذین استکبروا من قومه لنخرجنک

۴ کبرورزی و خودبرتربینی اشراف کفرپیشه مدین ، ریشه مبارزه آنان با شعیب

قال المأذون الذین استکبروا من قومه لنخرجنک

۸ اشراف کفرپیشه مدین بازگشت به آیین ملی آن سامان را شرط رهایی شعیب و همگامانش از خطر تبعید اعلان کردند .

لنخرجنک .. او لتعودن فی ملتنا

۹ اشراف کفرپیشه مدین در تلاشی پیگیر برای تحمیل آیین خویش بر شعیب و مؤمنان به وی

او لتعودن فی ملتنا

جمله <او لتعودن> می رساند که هدف از تصمیم قوم مدین بر تبعید شعیب و همگامانش بازگرداندن آنان به آیین شرک است. بنابراین همه تهدیدات به سبب تحمیل این عقیده باطل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۷، ۵، ۴، ۱

۱ اشراف کفرپیشه مدین در تلاش برای بازداشتن مردم از ایمان به رسالت شعیب و پیروی از فرمان های او

و قال المأذون الذین کفروا من قومه لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذأ لخسرون

مراد از متابعت در <اتبعتم> می تواند پیروی از آیین و دستورات شعیب باشد. در این صورت مخاطبان این کلمه (اتبعتم) عموم مردم هستند. همچنین می تواند مراد از آن پیروی از شعیب در خروج از شهر مدین باشد. در این صورت مؤمنان به شعیب مخاطبان <اتبعتم> خواهند بود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۴ گرایش به توحید و رعایت عدل در خرید و فروش و امور اقتصادی ، مایه خسارت در دیدگاه اشراف کفرپیشه قوم مدین

لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذأ لخسرون

برداشت فوق با توجه به آیه ۸۵، که بیانگر پیامهای شعیب است، به دست می آید.

۵ شعیب (ع) پس از اعلان پایداریش بر توحید و رد پیشنهاد اشراف کفرپیشه (بازگشت

به آیین شرک) ، خروج از دیار مدین را برگزید .

لئن اتبعتم شعیباً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <اتبعتم شعیباً>، پیروی از شعیب(ع) در خروج از شهر مدین باشد.

۷ اشراف کفرپیشه مدین با تأکید بر خسارتبار بودن همراهی شعیب (ع) ، در تلاش برای بازداشتن مؤمنان از متابعت او و خارج شدن از شهر مدین

و قال المأء... لئن اتبعتم شعیباً إنكم إذا لخسرون

اعراض مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۲

۲ - روی گردانی کافران و مرفهان از پیامبر (ص) ، علی رغم عدم درخواست کمترین مزد از ایشان

أم تسئلهم خرءاً

ضمیر <هم> به کافران و رفاپیشگان که در آیات پیش از آنان یاد شده است باز می گردد. گفتنی است که استفهام در جمله فوق، استفهام انکاری است یعنی، <ما تسئلهم خرءاً>. بنابراین <خرءاً> نکره در سیاق نفی و مفید عموم است. در نتیجه معنا چنین می شود: تو با این که از آنان کمترین مزدی درخواست نمی کنی، از تو روی برمی گردانند.

اقرار جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۹

۹ کافران جن و انس در قیامت با اعتراف به آمدن رسولان الهی، علیه خود شهادت خواهند داد.

ألم یأتکم رسل منکم .. قالوا شهدنا علی أنفسنا

امت های کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ از موانع نزول عذاب استیصال بر امت های

گنهکار و کافر ، علم خداوند به ایمان آوردن آنان در آینده است .

و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون

امت های کافر پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۱

۱ برخی از امت های گذشته حتی پس از پیدایش سختی های بیدارکننده همچنان بر کفرپیشگی و بی تقوایی خویش اصرار ورزیدند .

لعلهم يضرعون. ثم بدلنا مكان السيئه الحسنه

اهتمام به ثروتمندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۷

۷- امکان بهره گیری از ثروت چشمگیر کافران ، نباید توجه رهبران دینی را به توانگران کافر معطوف سازد .

و لا تمدن عينيك إلی ما متعنا به أزوجاً منهم

نهی خداوند از توجه پیامبر(ص) به ثروت کافران، ممکن است برای بیان این نکته باشد که جهت بهبود زندگی مؤمنان، نباید به سرمایه های کافران چشم داشت و به این منظور نیز، مسلمان شدن آنان را آرزو کرد.

بدکاران کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۱

۱ زشتکاران بی ایمان، پیروی از شیوه پدرانشان را توجیه کننده کردار خویش می شمردند.

للذین لا يؤمنون. و إذا فعلوا فحشه قالوا وجدنا علیها ءاباءنا

بردگی اسیران کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ - کافرانی که به دست مسلمانان اسیر می شوند ، مملوک اند .

و ما ملکت یمنک ممّا أفاء الله علیک

بی پناهی اخروی مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲

- مؤمنون - ۲۳ - ۶۵ - ۴

۴ - قیامت ، روز بی پناهی و درماندگی کامل مرفهان کفرپیشه

لا تَجْرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِّنَّا لَا تَنْصُرُونَ

بی تقوایی یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ بی پروایی یهودیان کفرپیشه از پیمان شکنی های مکرر

و هم لایتقون

تحقیر زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۷

۷ - جواز تحقیر زنان کافر و مؤذی و به کار بردن کلمات ناهنجار درباره آنان

حَمَّالَةَ الْحَطَبِ

تشبیه موضعگیری مرفهان کافر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۱ - ۱

۱ - موضع گیری کافران رفاه زده عصر بعثت ، در برابر رهنمود های پیامبر (ص) ، همانند موضع گیری کافران پیشین در

برابر رهنمود های پیامبرانشان

بل قالوا مثل ما قال الأولون

تکذیبگری جن کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۱

۱ - گروهی از جن ، منکر قیامت و رستاخیزاند .

و أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

توقعات بیجای مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۶

۶ - رفاه زدگان کافر ، متوقع انعطاف پذیری دین در برابر هوس ها و منافع ناحق آنان

و أَكثَرَهُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ . و لو اتبع الحق أهواءهم

تولّد کافر از مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۱۰

عن أبي عبد الله (ع): ... قال الله عز وجل: <يخرج الحي من الميت و مخرج الميت من الحي> فالحي المؤمن الذي تخرج طينته من طينه الكافر و الميت الذي يخرج من الحي هو الكافر الذي يخرج من طينه المؤمن ...

از امام صادق (ع) درباره آیه <يخرج الحي .. > روایت شده است: <حي>، مؤمنی است که از کافر متولد شود. و <میت> که از <حي> بیرون می آید، کافری است که از مؤمن متولد شود ...

تولد مؤمن از کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ عن أبي عبد الله (ع): ... قال الله عز وجل: <يخرج الحي من الميت و مخرج الميت من الحي> فالحي المؤمن الذي تخرج طينته من طينه الكافر و الميت الذي يخرج من الحي هو الكافر الذي يخرج من طينه المؤمن ...

از امام صادق (ع) درباره آیه <يخرج الحي .. > روایت شده است: <حي>، مؤمنی است که از کافر متولد شود. و <میت> که از <حي> بیرون می آید، کافری است که از مؤمن متولد شود ...

ثروتمندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۴

۴ قیامت ، صحنه بروز کارساز نبودن ثروت دنیا برای زراندوزان بی ایمان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِثْلَ مَعِهِ .. مَا تَقْبَلُ مِنْهُمْ

ثروتمندان کافر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، کیفر

زراندوزان کافر

و جمع فأوعی

جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱

۱ جوامع کفرپیشه همواره مهیای صرف دارایی های خویش برای جلوگیری از گسترش اسلام

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدَّوْا

انفاق مال به معنای مصرف کردن دارایی و هزینه کردن آن است و مراد از <ینفقون>، به قرینه <سینفقونها>، که اخبار از تحقق سرمایه گذاری است، بیان حالت کافران می باشد. یعنی کافران برای جلوگیری از انتشار اسلام آماده سرمایه گذاری هستند و از انفاق مال دریغی ندارند.

جبران مهریه زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۸

۸ - > عن یونس عن أصحابه عن أبی جعفر (ع) و أبی عبد الله (ع) قال : قلت : . . . و قد قال الله عزوجل فی کتابه > و إن فاتکم شیء من أزواجکم إلی الکفار فعاقبتم . . . < ما معنی العقوبه هانها ؟ قال : إن الذی ذهبت إمرأه فعاقب علی إمرأه أخرى غیرها یعنی تزوجها [بعقب] . . . فعلى الإمام أن يعطيه مهر إمرأه الذاهبه ;

از یونس از اصحابش از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) روایت شده که گفت: به امام(ع) عرض کردم: . . . خداوند عزوجل فرموده است: <و إن فاتکم شیء من أزواجکم إلی الکفار فعاقبتم> مراد از این عقوبت در این جا چیست؟ امام فرمود: مردی که همسرش از دست او رفته [و به کفار ملحق شده] و در پی آن همسر دیگری اختیار کرده ... برعهده امام است که

مهر زنی را که رفته به آن مرد بپردازد [و معنای] <عاقبتم> یعنی پس از رفتن آن زن، همسر دیگری گرفته باشد.<

جبران مهریه همسر کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۲،۳

۲ - مخارج و مهریه ای که مرد مؤمن برای همسر کافر خویش ، صرف کرده و اکنون به حکم اسلام از او جدا شده است ، باید از بیت المال و غنایم جنگی ، به مرد مؤمن پرداخت شود .

و إن فاتکم شیء من أزواجکم إلی الکفار فعاقبتکم

واژه <عاقبتکم>، به معنای <اصبتم منهم غنیمه> دانسته شده است.

۳ - جبران مخارج مردان مؤمن ، به مقدار اموالی که برای همسر کافر خود صرف کرده اند ؛ نه کمتر و نه فزون تر .

و إن فاتکم . . . فاتوا ... مثل ما أنفقوا

جبران نفقه همسر کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۲

۲ - مخارج و مهریه ای که مرد مؤمن برای همسر کافر خویش ، صرف کرده و اکنون به حکم اسلام از او جدا شده است ، باید از بیت المال و غنایم جنگی ، به مرد مؤمن پرداخت شود .

و إن فاتکم شیء من أزواجکم إلی الکفار فعاقبتکم

واژه <عاقبتکم>، به معنای <اصبتم منهم غنیمه> دانسته شده است.

جن کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - جنیان ، مکلف به تکالیف الهی و مستحق کیفر در صورت کفر و حق ستیزی

وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ

قبلهم من الجنّ و الإنس

جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۵

۵ - وجود عناصری کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

در صورتی که آیه شریفه خطاب به جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۶

۶ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۵

۵ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر ، در میان جن همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تثنيه آمدن <کما> و

<تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ آلاء ربکما تکذّبان

تشبیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ آلاء ربکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ آلاء ربکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ آلاء ربکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۳

۳- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۳

۳- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیبگر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیءالآء ربکمما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیءالآء ربکمما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان

جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۴

۴ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ .. و أَنَا مِّنَّا الْمُسْلِمُونَ و مِّنَّا الْقَاسِطُونَ

<قَسِطٌ> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقایس اللغه)

جنیان کافر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۶

۶ انسانهایی که به خدا و پیامبرانش کافر شوند و نیز جنیان کفرپیشه ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

لَأْمَلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

چون بحث در آیات گذشته درباره فساد و صلاح امتهای بود و مصداق بارز و مورد نظر برای صلاح و فساد به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۱۲۱ توحید، شرک، ایمان و کفر است، مقصود از <الجنه> و <الناس> کافران و مشرکان جنی و انسی است. بر این اساس کلمه <أجمعین> تأکید بر عمومی است که از کلمه <الجنه> و <الناس> فهمیده می شود.

جوامع کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۹

۹ - عناصر قدرتمند و مرفّه ، سردمداران انحراف و کفر در جوامع کافر و شرک پیشه

قال مترفوها .. قالوا إنا بما أرسلتم به كفرون

از این که در جوامع شرک پیشه، تنها سخن مرفهان ذکر گردیده با آن که اندیشه شرک مختص آنان نبوده است می توان استفاده کرد که آنان، نقش اصلی را در تعیین گرایش های جامعه داشته اند.

حتمیت عذاب جن کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۳

۳- گروه های بسیاری از کافران جن و انس ، محکوم به عذاب حتمی الهی در گذشته تاریخ

حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

حق ناپذیری اقوام کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ نزول عذاب بر امت های کافر پیشین ، پس از اصرار و مداومت آنان بر ظلم و حق ناپذیری

و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

فعل <كانوا> به همراه <يظلمون> افاده استمرار می کند.

حقوق کافر ذمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۸

۸ - کافران غیرحربی ، برخوردار از حقوق اجتماعی در جامعه اسلامی

لا ینهیکم اللہ عن الذین لم یقتلوکم

خویشاوندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ اندوهناک شدن بر هلاکت کفرپیشگان لجوج ، حتی در صورت خویش و هموطنی با آنان ، امری نکوهیده و ناروا

فکیف ءاسی علی قوم

خویشاوندان کافر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۷ - ۲

۲ - موضع گیری پیامبر (ص) در قبال کفرورزی و عصیان خویشاوندان ، دارای پی آمد های دشوار و نگران کننده

و أنذر عشیرتک .. فإن عصوک فقل إئی بریءٌ ... و توکل علی العزیز الرحیم

دستور <توکل علی الله> پس از <فقل إئی بریءٌ مما تعملون> بیانگر مطلب یاد شده است.

دشمنی اخروی دوستان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ - > عن علی (ع) قال : فی ... خلیلین کافرین ... أمّیا الکافران فتخالاً- بمعصیه الله و تبادلاً- علیها و تواداً علیها فمات أحدهما قبل صاحبه فأراه الله تبارک و تعالی منزله فی النار فقال یا ربّ فلان خلیلی کان یأمرنی بمعصیتک و ینھانی عن طاعتک فثبته علی ما ثبتنی علیه من المعاصی حتی تُریه ما أریتنی من العذاب فیلتقیان عند الله یوم القیامه یقول کلّ واحد منهما لصاحبه جزاک الله من خلیل شرّاً کنت تأمرنی بمعصیه الله و تنھانی عن طاعه الله قال ثمّ قرأ (ع) > الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلاّ المتّقین < ... ;

از امام علی(ع) روایت شده که درباره دو دوست کافر فرمود: .. اما آن دو کافر، دوستی آنان در نافرمانی خداوند بوده و در این نافرمانی به یکدیگر کمک کرده و دوستی نموده بودند یکی از آنان قبل از دوست دیگری مرده و جایگاهش را در آتش به او نشان می دهند؛ پس

الذین ءامنوا لا تتخذوا ءاباءکم و إخوانکم أولیاء إنا استحبوا الکفر علی الایمن

رابطه با خویشاوندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۷

۷ نگرانی برخی از مسلمانان صدر اسلام، از قطع روابط خویشاوندی، کسادی تجارت و از دست دادن خانه های دلپسندشان بر اثر ممنوع شدن از برقراری روابط با کافران

یأیها الذین ءامنوا لا تتخذوا .. قل إنا کان ءاباؤکم و أبناؤکم

رد استغاثه مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۵ - ۱

۱ - پاسخ منفی خداوند به فریاد استغاثه مرفهان کفرپیشه، در روز کیفر

لا تجئروا الیوم إناکم منا لاتنصرون

عبارت <لا-تجئروا الیوم> در محل نصب و مقول قول محذوف است یعنی: <قلنا لهم لا-تجئروا الیوم ..> به آنها خواهیم گفت: امروز زاری نکنید، قطعاً از جانب ما یاری نخواهید شد.>

روش برخورد با زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۷

۷ - جواز تحقیر زنان کافر و مؤذی و به کار بردن کلمات ناهنجار درباره آنان

حمّاله الحطب

سرزنش جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۳

۳ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس ، از سوی خداوند به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

استفهام در <فَبَأَيِّ> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران

و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل .. فبأئء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فبأئء الآء ربكما تكذبان

تشبه آمدن <کما> و <تکذبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۴

۴ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأئء الآء ربكما تكذبان

استفهام در <فبأئء الآء> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت فراگیر

الهی

فبأئء الآء ربكما تكذبان

استفهام در <فبأئء الآء> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۵

۵- سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تشبیه آمدن <کما> و <تکذِّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن

۵ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تشبیه آمدن <کما> و <تکذِّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله . . . کلّ یوم هو فی شأن . فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تشبیه آمدن <کما> و <تکذِّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم آیه الثقلان . فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

استفهام در <فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ> توییخی است و تشبیه آمدن <کما> و <تکذِّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران

و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إِن اسْتَطَعْتُمْ .. لَا تَنْفِذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنٍ . فَبَأَىٰ ءِالَاءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانَ

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، از استفهام توییخی در <فبأی..> مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۴

۴ سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَىٰ ءِالَاءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۲

۲ - توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی اعتنایی به نعمت های الهی و غفلت از قدرت قاهر او بر نظام جهان

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ .. فَبَأَىٰ ءِالَاءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانَ

عبارت <انشقَّت السَّماء..> نشانگر قدرت قاهر خداوند بر جهان است و از این که پس از تذکر قدرت، تکذیب گران را به محاکمه نشانده، مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران جن و انس به خاطر تکذیب نعمت های خداوند و نادیده گرفتن فرجام گناه کاران

فیومئذ لا یسل عن ذنبه

.. فَبَأَىءِ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

تثنيه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن فرجام فصاحت بار و ذلیلانه مجرمان

يعرف المجرمون .. فَبَأَىءِ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی توجهی و نادیده انگاشتن نعمت های خداوند

فَبَأَىءِ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس به خاطر نیندیشیدن به نعمت بهشت ، بیم نداشتن از مقام پروردگار و تکذیب نعمت های او

و لمن خاف مقام ربّه جنتان . فَبَأَىءِ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

لحن توبیخی آیه شریفه و تقابل تکذیب گران با بیم دارندگان از مقام پروردگار، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَىءِ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و

جلوه های ربوبیت حق

فیهما عینان تجریان . فبأی ءالآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأی ءالآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

متکین علی . . فبأی ءالآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها

فبأی ءالآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های او

فبأی ءالآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۳

۳- سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۳

۳- توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی و

محروم ساختن خویش از آن

و من دونهما جنتان . فبأئىء الاء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأئىء الاء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت الهی

فبأئىء الاء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأئىء الاء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۳

توییح شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت
پروردگار خویش

فبأی ءالآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های
ربوبیت او

فبأی ءالآء ربکما تکذبان

شب نشینیهای مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۴

۴ - یاوه سرایی در شب نشین ها ، خصلت رفاه زدگان کافر

سمراً تهجرون

صفات مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۴

۴ - یاوه سرایی در شب نشین ها ، خصلت رفاه زدگان کافر

سمراً تهجرون

ظلم اقوام کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ نزول عذاب بر امت های کافر پیشین ، پس از اصرار و مداومت آنان بر ظلم و حق ناپذیری

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

فعل <کانوا> به همراه <یظلمون> افاده استمرار می کند.

عذاب اقوام کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ نزول عذاب بر امت های کافر پیشین ، پس از اصرار و مداومت آنان بر ظلم و حق ناپذیری

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

فعل <کانوا> به همراه <یظلمون> افاده استمرار می کند.

عذاب پیشینیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۶- اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۱

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و توان درک معارف دینی از آنان سلب شد .

أو لم یهد للذین یرثون . . . أن لو نشاء أصبٰنهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

عذاب یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ - یهودیان کافر به پیامبر (ص) و استهزا کننده او ، مستحق عذابی دردناک هستند .

و للکفرین عذاب ألیم

عقیده اقوام کافر پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۹

۹ امت های کفرپیشه و تکذیب کننده انبیا در تاریخ گذشته ، اهل ایمان و گرایش به معارف دین نبودند .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا من قبل

<ما> در <ما کانوا> برای نفی و <لام> در <لیؤمنوا> لام جحدود و تقویت کننده نفی است. بنابراین جمله <فما کانوا> با تأکید فراوان گرایش امتهای گذشته را به ایمان نفی می کند و آنها را اهل باور به دین نمی داند.

عوامل محرومیت مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۱

۱ - واپس گرایی رفاهمندان کافر و تأثیر ناپذیری در برابر آیات الهی ، عامل محرومیت آنان از نصرت خداوند

لا تَجْرُوا الْيَوْمَ .. . قَدْ كَانَتْ ءَايَتِي ... عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنْكُصُونَ

آیه فوق، خطاب به مرفهان گرفتار عذاب و تعلیل برای ردّ استغاثه آنها است. فعل های <تتلی> و <تنکصون> به دلیل همراه شدن با <کانت> و

<کنتم>، ماضی استمراری است. <نکوص> (مصدر <تنکصون>) به معنای بازگشت به قهقرا است. بنابراین قید <علی أعقابکم> که آن نیز به معنای قهقرا است برای تأکید معنای <تنکصون> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۲

۲ - کبرورزی مرفهان کفرپیشه ، در برابر آیات الهی (قرآن) و تکذیب آن ، عامل محرومیت آنان از نصرت خداوند در قیامت

لا تجنروا الیوم .. قد کانت ءایتی تتلی علیکم ... تنکصون . مستکبرین به

فهم جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۹

۹ جوامع کفرپیشه ، جوامعی به دور از درک حقایق دین و معارف الهی

بأنهم قوم لایفقهون

با توجه به اینکه ایمان و کفر تعیین کننده توانایی و ناتوانی دانسته شده، معلوم می شود مفعول حذف شده از <لایفقهون> همان حقایق و معارف است که اهل ایمان بدان باور دارند.

قیاس مؤمن با کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۲

۲ همسنگ قرار دادن کافر و مشرک نیک کردار با مؤمن مجاهد ، عملی ناصواب و شایسته ملامت و توبیخ است .

أجعلتم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام کمن ءامن بالله و الیوم الآخر و جهد فی

کیفر جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فى أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فى النار

کیفر یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۷

۷- یهودیان ، در صورت انکار رسالت پیامبر (ص) ، برای همیشه به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

لعن بر یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه الله على الکفرین

مرفهان کافر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۵ - ۴

۴ - قیامت ، روز بی پناهی و درماندگی کامل مرفهان کفرپیشه

لا تجنروا اليوم إنکم منّا لاتنصرون

مرگ جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۸

۸ خداوند جوامع کفرییشه را به اندیشه در امکان نزدیک بودن مرگ و هلاکتشان فراخواند .

أولم ينظروا في .. أن عسى أن يكون قد اقترب أجلهم

مستضعفان کافر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۴

۴ گروهی از مستضعفان قوم ثمود رسالت

صالح (ع) را تصدیق کرده و به وی ایمان آوردند .

لذین استضعفوا لمن ءامن منهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <منهم> به <الذین> در <لذین استضعفوا> برگردد، نه به <قومه>. در این صورت <لمن ءامن> بدل بعض از کل برای <لذین استضعفوا> است و مفاد آن تقسیم مستضعفان به دو طایفه مؤمنان و غیر مؤمنان خواهد بود.

مسیحیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۴

۱۴ مسیحیان معتقد به الوهیت مسیح (ع) مردمی کافر و مشرک

لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مريم .. انه من يشرك بالله

مؤمنان صدر اسلام و بادیه نشینان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۴

۱۴ تذکر خداوند به لزوم غافل نشدن مؤمنان از خطر اعراب کفرپیشه همجوار خویش ، پس از پایان یافتن پیروزمندانه جنگ با دشمنان خارجی (رومیان در جنگ تبوک) *

الأعراب أشد كفراً ونفاقاً

با توجه به اینکه آیات قبل در مورد بازگشت پیروزمندانه مؤمنان از جنگ تبوک است، احتمال دارد که این آیه هشدار به مؤمنان مجاهد باشد که پس از آن پیروزی، احساس امنیت نکنند و توجه کنند که در اطرافشان، بادیه نشینان جاهل و متعصب در کفر نیز، خطری جدی به شمار می روند.

مهریه زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۷

٧ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > و إن فاتكم شيء

من أزواجكم ... < فلحق بالكفار من أهل عهدكم فأسألوهم صداقها و إن لحقن بكم من نسائهم شيء فأعطوهم صداقها 7

از امام باقر(ع) در توضیح قول خدا <وإن فاتكم شيء من أزواجكم...> روایت شده: هرگاه [برخی از] زنان شما به کفاری که با آنها معاهده دارید ملحق شدند، مهر او را از آنان مطالبه کنید و اگر زنانی از آن کفار به شما ملحق شدند، مهر او را به آنان بپردازید.

مهریه همسر کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۳

۲۳ - مرد مؤمن ، دارای حق مطالبه مهر همسرش از کافران ، در صورت پیوستن همسرش به جمع کافران

و سئلوا ما أنفقتم

چنان که از سیاق آیه استفاده می شود، مؤمن در صورتی مهریه همسر خویش را از کافران طلب می کند که همسر وی به جمع آنان پیوسته و در جامعه آنان پذیرفته شده باشد.

مهلت به امت های کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۵

۵ مهلت دادن به امت های کفرپیشه و تکذیب گر و تأخیر در نزول عذاب بر ایشان ، از سنت های خداوند است .

حتّى إذا استئس الرسل و ظنوا أنهم قد كذبوا

از آن جا که تأخیر عذاب برای همه امتها و تکذیب کنندگان تمامی پیامبران بوده زیرا <رسل> جمع و دارای الف و لام می باشد و شامل همه رسولان است استفاده می شود که: مهلت دادن به تکذیب گران و تعجیل نکردن در عذاب آنان، شیوه ای مستمر و از سنتهای خداوند

است.

ویژگی جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۹

۹ جوامع کفرپیشه ، جوامعی به دور از درک حقایق دین و معارف الهی

بأنهم قوم لا یفقهون

با توجه به اینکه ایمان و کفر تعیین کننده توانایی و ناتوانی دانسته شده، معلوم می شود مفعول حذف شده از <لا یفقهون> همان حقایق و معارف است که اهل ایمان بدان باور دارند.

هلاکت اقوام کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۶، ۱۲، ۵، ۷

۵ هلاکت امت های کفرپیشه گذشته تاریخ ، از حوادث مهم و اخبار سازنده و پرفایده است .

ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح . . . و المؤمنتک

<نبأ> به معنای خبر مهم و بسیار سودمند است.

۷ هلاکت امت های کفرپیشه گذشته تاریخ ، نمودی از قدرت خدا بر کیفر دنیوی منافقان و کافران هر عصر

ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح . . . و المؤمنتک

۱۲ هلاکت اقوام کافر پیشین ، پس از اتمام حجت رسولان الهی بر آنان بود .

ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم . . . أتتهم رسلهم بالبینت

۱۶ هلاکت اقوام کافر ، بازتاب عملکرد خود آنان است نه ظلمی از ناحیه خداوند بر آنها .

فما کان الله لیظلمهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

هلاکت امت های کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۹

۱۹ پابرجایی زندگی انسانها در زمین، در عین انقراض امتهای متمدن کافر

فأهلكنهم بذنوبهم و أنشأنا من بعدهم قرناً اخرین

یهود کافر

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲۰

۲۰ - یهودیان منکر رسالت پیامبر (ص) ، از زمره کافرانند و به عذابی خفت آور گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۹،۱۰

۹ یهودیان اعراض کننده از حکم تورات ، مردمی بی ایمان

ثم یتولون من بعد ذلک و ما أولئک بالمؤمنین

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره به حکم الهی در تورات باشد. قابل ذکر است که بر این مبنا، <یتولون> عطف بر جمله <فیها حکم الله> است و <ثم> برای ترتیب در خبر است، نه برای ترتیب حکم.

۱۰ یهودیان اعراض کننده از حکم رسول خدا (ص) ، مردمی بی ایمان

ثم یتولون من بعد ذلک و ما أولئک بالمؤمنین

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره باشد به حکم رسول خدا که از <یحکمونک> به دست می آید. گفتنی است که بر این مبنا، <یتولون> عطف بر <یحکمونک> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۶

۶ پندار غلبه بر خدا با کفرورزی و تمرد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر (ص) ، پندار یهودیان کفرپیشه و اندیشه ای ناصواب

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا

چنانچه در آیه ۵۶ گذشت، مشهور مفسران بر آنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان مصداق مورد نظر از <الذین کفروا> هستند.

كافران

{كافران}

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - منکران قرآن ، به خدا و قیامت ایمان نخواهند آورد .

إن الذين كفروا .. لا يؤمنون

متعلق <لا يؤمنون> به دلیل آیه هشت و نیز آیات قبل، خدا و قیامت است؛ یعنی: لا يؤمنون بالله و لا باليوم الآخر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸ - ۱

۱ - تقسیم انسان ها به : تقوایندگان ، کافران و منافقان ، از طبقه بندی های مردم در قرآن

هدى للمتقين .. إن الذين كفروا ... و من الناس من يقول ءامنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۶

۶ - منافقان در زمره کفرپیشگانند .

والله محيط بالكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۸، ۱۹، ۱۰

۱۰ - ابلیس به خاطر خود بزرگ بینی و سرپیچی از فرمان خدا ، از زمره کافران شد .

أبى و استكبر و كان من الكافرين

۱۸ موسی بن بکر واسطی گفت : > سألت أبا الحسن موسى (ع) عن الكفر و الشرك أيهما أقدم ... فقال لى : الكفر أقدم و

هو الجحود قال لابليس > أبى و استكبر و كان من الكافرين < ;

از امام کاظم (ع) سؤال کردم: کفر قدیمی تر است یا شرک؟ امام فرمود: کفر قدیمی تر است و آن به معنای انکار است.

خداوند درباره ابلیس فرمود: نافرمانی و تکبر کرد و از کافران بود.<

۱۹ از امام سجاد (ع) روایت شده : > ... فأول ما عصى الله بالكبر و

هی معصیه ابلیس حین اُبی و استکبر و کان من الکافرین ... ;

.. اولین سبب نافرمانی از خدا کبر بوده و این نافرمانی ابلیس بود به هنگامی که تکبر و نافرمانی کرد و از کافران گشت ...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲۰

۲۰ - یهودیان منکر رسالت پیامبر (ص) ، از زمره کافراند و به عذابی خفت آور گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۶،۷،۹

۶ - دشمنان خدا و پیامبران و فرشتگان ، کافرند .

من کان عدواً لله .. فإن الله عدو للکفرین

مقتضای کلام آن بود که به جای <الکافرین> ضمیر <هم> آورده شود. این جا به جایی حاوی دونکته است: ۱ تصریح به اینکه توصیف شدگان کافرند. ۲ علت دشمنی خدا با آنان، کفر ایشان است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: کسانی که با خدا و ... دشمنند خدا دشمن آنهاست؛ زیرا آنان کافرند.

۷ - دشمنان جبرئیل و میکائیل کافرند .

من کان عدواً لله .. و جبریل و میکائیل فإن الله عدو للکفرین

۹ - یهودیان ، به دلیل عداوتشان با جبرئیل کافرند و خداوند دشمن آنان است .

من کان عدواً لله .. و جبریل و میکائیل فإن الله عدو للکفرین

از مصداقهای <الکافرین> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۵

۵ - تنها فاسقان (منحرفان) ، قرآن و دلایل

روشن آن را نپذیرفته و بدان کافر می شوند .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۳

۱۳ - یهودیان عصر بعثت ، مردمی کفرپیشه بودند .

و للكفرین عذاب أليم

از مصداقهای <الكافرين> به قرینه آیات پیشین، یهودیانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۱

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) و مشرکان ، مردمی کفرپیشه اند .

ما یودّ الذین کفروا من اهل الکتب و لالمشرکین

<من> در <من أهل ..> به دلیل عطف <المشركين> بر <اهل الكتاب> بیانیه است. بنابراین <ما یود الذین کفروا ...> یعنی، آنان که کافر شدند - مقصود از کافران، اهل کتاب و مشرکانند - دوست ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۵

۵ جالوت و سپاهیان وی از زُمره کافران

و لَمَّا بَرَوْا الْجَالُوتَ وَ جَنُودَهُ .. وَ انصَرْنَا عَلَی الْقَوْمِ الْکَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۱۲

۱۲ کافران ، مصداق کامل ظالمان هستند .

و الكافرون هم الظالمون

مسلماً تنها کافران ظالم نیستند؛ بنابراین مراد از حصر در جمله فوق، می تواند اشاره به مصداقی کامل از ظلم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۱۸، ۱۹

۱۸ سُستی و تزلزلِ مبانیِ اعتقادی و رفتاریِ اهل کفر

فمن یکفر بالطَّاعوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی

چون ایمان به خداوند، توصیف به تمسک به عروه

الوثقی شده است، به قرینه مقابله فهمیده می شود که پیوند کافران با عقاید و رهبران خویش دارای بنیادی سُستی و گسستگی است.

۱۹ سُستی و آسیب پذیری پیوند با کفر و رهبران طغیانگر آن

فمن یکفربالطَّاعوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۵، ۱۴، ۸

۸ مؤمنان از ولیّ واحد (خداوند) برخوردار هستند و کافران از اولیای متعدد

الله ولیّ الذّین امنوا .. و الذّین کفروا اولیاءهم الطّاعوت

۱۴ اتحاد اهل ایمان به علّت ولایت واحد الهی و تشتت صفوف اهل کفر، به لحاظ حاکمیت اولیای متعدد طاغوتی بر آنان

الله ولیّ الذّین امنوا .. و الذّین کفروا اولیاءهم الطّاعوت

چون مؤمنان از یک <ولی> برخوردارند، پس به وحدت می رسند، و در مقابل، کافران دارای اولیایی متعددند و در نتیجه متشتت خواهند شد.

۱۵ کافران، اهل آتش و ماندگار در آن برای همیشه

اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۲۵، ۲۱

۲۱ عجز و واماندگی کافران و ستمگران، در استدلال بر ربوبیت غیر خداوند

فبئذ الذّی کفر و الله لا یهدی القوم الظّالمین

توصیف نمرود به <الذّی کفر> اشاره به علت بهت است / یعنی نه تنها نمرود در انکار ربوبیت خداوند وامانده شد، بلکه هر کافری در مقابل برهان ابراهیم (ع) و متمسکان به قرآن، عاجز می گردد.

۲۵ پادشاه عصر ابراهیم (ع) (نمرود)، حاکمی کافر و ستمگر

فبهِت الَّذِي كَفَرُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

القوم الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۸، ۹، ۱۰

۸ تنها کافران ، آتشگیره دوزخند .

اولئك هم وقود النار

حصر، از ضمیر فصل <هَمْ> استفاده شده است. و <وقود>، به چیزی گویند که آتش به وسیله آن شعله‌ور می شود.

۹ هشدار الهی به کافران در مورد عاقبت بد آنان

انّ الذین کفروا .. و اولئک هم وقود النار

۱۰ آتش دوزخ ، از درون کافران زبانه می کشد .

اولئك هم وقود النار

با توجه به معنای لغوی <وقود>: هو الحطب المجعول للوقود. یعنی وقود، هیزمی است برای روشن کردن آتش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۴

۴ کافران در دنیا ، مغلوب مؤمنان و در آخرت ، مقهور خدا هستند . *

قل للذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۴، ۷، ۱۲

۴ رویارویی مجاهدان در راه خدا و کافران ، در بدر

فته تقاتل فی سبیل الله و اخری کافره

۷ کافران در جنگ بدر ، نیرو های رزمنده مسلمان را دو برابر نیرو های خودشان می دیدند .

یرونهم مثلیهم رأی العین

بنابراینکه ضمیر فاعلی در <یرون> به مشرکین برگردد و ضمیر مفعولی <هم> به مسلمین و ضمیر مجرور <هم> در <مثلیهم> به مشرکین برگردانده شود.

۱۲ - غلبه مسلمانان در جنگ بدر، علی رغم توان برتر کافران

قد کان لکم ایه . . . یرونهم مثلیهم

زیرا در صورتی جنگ بدر، آیه و عبرت است که بر حسب شرایط طبیعی، تحصیل

پیروزی برای مسلمانان میسر نباشد و کافران، توان برتری داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۱۶، ۱۰

۱۰ پیامبر (ص)، نگران رویگردانی کافران، از تسلیم در برابر خدا (هدایت)

و ان تولّوا فانّما علیک البلاغ

از منحصر کردن وظیفه پیامبر (ص) به تبلیغ پیام الهی چنین برمی آید که گویا پیامبر (ص) علاوه بر ابلاغ پیام، خود را موظف می دانست که مردم را در برابر خداوند، تسلیم کند.

۱۶ کافران نیز همچون مؤمنان، تحت حاکمیت و نظارت خدا هستند.

و الله بصیر بالعباد

از کاربرد کلمه عبد بر کافران، حاکمیت استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱۱، ۱۰، ۲، ۱

۱ آنان که از تسلیم در برابر خدا روی گردانند، کافرند.

و ان تولّوا .. انّ الذّین یکفرون بایات الله

۲ کافران به آیات الهی، مستحق عذابی دردناک

انّ الذّین یکفرون بایات الله .. فبشّرهم بعذاب الیم

۱۰ کافران با توجیه و تظاهر به حق، انبیای الهی و عدالتخواهان را به قتل می رساندند.

انّ الذّین یکفرون .. و یقتلون النّبیین بغير حق و یقتلون الذّین یأمرون بالقسط

تأکید و تصریح به <بغیر حق>، بیانگر توجیه و حق نمایی کافران است.

۱۱ بسیاری از پیامبران و عدالتخواهان، به دست کافران به قتل رسیدند.

انّ الذين يكفرون .. و يقتلون النّبیین بغير حق و يقتلون الذين يأمرون بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فيش

٢ - آل عمران - ٣

۹ کافران و قاتلان انبیا و عدالتخواهان ، راه نجاتی ندارند .

انّ الذین یکفرون .. و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ خداوند ، چه بسا مؤمنی را از کافر و کافری را از مؤمن پدید می آورد .

و تخرج الحی من المیت و تخرج المیت من الحی

امام صادق (ع): .. انّ الله عز و جل يقول: <يخرج الحی من المیت و يخرج ... > یعنی المؤمن من الکافر و الکافر من المؤمن .

معانی الاخبار، ص ۲۹۰، ح ۱۰؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ لزوم تشکّل و جبهه گیری مؤمنان ، در قبال جبهه کفر

من انصارى الى الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۸

۸ آلودگی کافران بنی اسرائیل و منکران عیسی و جامعه آنان

و مطهّرك من الذین كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱۲

۱۲ کفر (انکار پیامبر) ، ظلم است و کافران ، ظالم هستند .

فاما الذين كفروا .. و الله لا يحب الظالمين

بنابراینکه جمله < و الله لا يحب الظالمين >، تعلیل برای کیفر کافران باشد یعنی چون کافران ظالم هستند، مستحق کیفرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۵،۶

۱ کسی که

در حال کفر بمیرد ، اگر به اندازه تمامی زمین برای رهایی خود طلا فدیة دهد ، پذیرفته نخواهد شد .

انّ الذین کفروا .. و لو افتدی به

۵ ایمان ، ارزشی فراتر از سنجش و مقایسه با تمامی مادیات

انّ الذین کفروا .. فلن یقبل من احدهم ملء الارض ذهباً

۶ کافران ، محروم از هر گونه یار و یاور در قیامت

و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۵

۲۵ منکر وجوب حج ، کافر است .

و من کفر

امام کاظم (ع) در پاسخ این سؤال که آیا اگر کسی حج بجا نیارد کافر است؟ فرمود: لا و لکن من قال لیس هذا هکذا فقد کفر.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۲ - ۲

۲ پرهیز از اطاعت کافران و بر حذر بودن از نزاع و تفرقه ، نشانه تقوای اهل ایمان

ان تطیعوا فریقاً من الذین اوتوا الكتاب .. اتقوا الله حق تقاته

پرهیز از تفرقه و نزاع، از شأن نزول آیه <ان تطیعوا .. > استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ کافران ، مُلازمان آتش دوزخ و جاودان در آن

انّ الذّین کفروا .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ -

۴ رباخواران ، هر چند مدّعی ایمان باشند ، در حقیقت از زمره کفرپیشگان هستند .

لا تاكلوا الرّبوآ .. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للكافرین

مقتضای جمع میان خطاب <یا ایّها الّذین آمنوا لا تاكلوا الرّبوآ .. > و تهدید این گروه از رباخواران به آتش مهیا شده برای کافران، قرار دادن رباخواران مدّعی ایمان است به منزله کافران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۹، ۳، ۱

۱ جراحت و آسیب همگون دو جبهه کفر و ایمان در پیکار اُحد

ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله

۳ برابری آسیب و جراحت های وارده به مؤمنان پیکارگر احد ، با آسیب های وارد شده به کافران در جنگ بدر

ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله

برخی برآنند که <ان یمسسکم>، درباره جراحتهای مسلمانان در جنگ احد است و جمله <فقد مسّ القوم>، اشاره به جراحات مشرکان در جنگ بدر دارد.

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران ، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلک الایام .. و لیعلم الله الذّین امنوا و یتخذ منکم شهداء

ترک لام در <و یتخذ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیدن، در پی مشخص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق، متعلق حذف شده <شهداء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۷، ۱

۱ شکست و پیروزی مؤمنان در جنگ

با کافران ، عاملی برای خالص سازی مؤمنان

و تلك الايام نداولها .. و ليمحص الله الذين امنوا

فعل <يَمْحِصُ> از مصدر <تَمْحِصُ> به معنای خالص کردن از ناخالصیها و نقصهاست.

۷ خداوند ، کوبنده اهل کفر و از بین برنده آنان به صورت تدریجی

و يمحق الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۲

۲ تلاش کفرپیشگان برای واداشتن جامعه ایمانی به پیروی از خویش

ان تطيعوا الذين كفروا يردوكم على اعقابكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱۰

۱۰ کافران ، مشرک هستند .

سنلقى في قلوب الذين كفروا الرعب بما اشرکوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۲

۲ ضربه و مصیبت وارده بر کافران در جنگ بدر ، دو برابر مصیبتی که بر پیکارگران مؤمن در جنگ احد وارد شد .

اولمّا اصابتم مصیبه قد اصابتم مثلها

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از <اصابتم مثلها> (دو چندان مصیبتی که دیدید، بر کافران وارد کردید) مصیبتی است که مؤمنان در پیکار بدر بر مشرکان تحمیل کردند. این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۲

۲ کارزار احد ، صحنه رویارویی و درگیری دو جناح کفر و ایمان

و ما اصابکم يوم التقى الجمعان فباذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۶۷ -

۷ ضرورت بسیج تمامی نیروهای مؤمن و غیر مؤمن از سوی رهبری جامعه دینی برای رویارویی با هجوم کافران

و قيل لهم تعالوا قاتلوا في سبيل الله او ادفعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، یک دعوت موردی و خاص باشد، نه بیانگر اصل وجوب جهاد و دفاع، الزاماً مخاطبان در آیه دو گروه خواهند بود: گروهی که <لله> و <فی سبیل الله> در صحنه پیکار حاضر می شوند و گروهی که برای دفاع از کیان و ملیت خود و... نبرد می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۷

۷ لشگریان کفر و شرک و دشمنان اسلام، دوستان شیطانند.

انّ الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم .. انما ذلكم الشيطان يخوف اولياءه

برداشت فوق بر این اساس است که <کم> از <يخوف اولياءه> حذف شده باشد، یعنی <يخوفكم اولياءه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۵،۶،۷

۵ شایعه پراکنانی که در صدد تضعیف روحیه مجاهدان اسلام هستند، شتابگران در کفرند. *

و لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر

به مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث و آیات قبل، جمله <الذين يسارعون في الكفر> می تواند اشاره به کسانی باشد که با تبلیغات سوء و شایعات ترس آفرین، در صدد بازداشتن مؤمنان از جهاد بودند.

۶ هرگز شتابگران در کفر هیچگونه ضرری به خدا نمی رسانند.

انهم لن يضرّوا الله شيئاً

۷ آسیب ناپذیری جبهه حق در برابر شتابگران در کفر

انهم لن يضرّوا الله شيئاً

در برداشت فوق، ضرر زدن به

خدا کنایه از ضرر زدن به دین او گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۱

۱ کافران ، هرگز کوچکترین ضرری به خداوند نمی رسانند .

انّ الذّین اشتروا الکفر بالایمان لن یضروا الله شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۶

۶ گروهی از اهل کتاب علی رغم ادعای ایمان ، نه به خداوند ایمان دارند و نه به کتب آسمانی خویش

انّ من اهل الکتاب لمن یؤمن بالله و ما انزل الیکم و ما انزل الیهم

مفهوم جمله <انّ من اهل الکتاب .. >، دلالت می کند که گروهی از اهل کتاب، علی رغم ادعای ایمان به کتب آسمانی خویش، نه به خدا ایمان دارند و نه به تورات و انجیل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۱، ۱۰

۱۰ بخلورزی و دعوت دیگران به بخل و پنهان نمودن نعمت های خدادادی ، زمینه کفرورزی

الذّین یبخلون .. اعتدنا للکافرین

اطلاق کافر بر بخیل و .. یا بدین جهت است که بخیل در حقیقت کافر است، و یا هشدار به این است که سرانجام بخلورزی کفر است.

۱۱ کسانی که به جهت ترک احسان نعمت های الهی را پنهان می سازند ، کافر هستند .

الذّین یبخلون .. ما اتیهم الله ... و اعتدنا للکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۱

۱ تأکید و سوگند خداوند بر بی ایمانی کسانی

که حاکمیت پیامبر (ص) را در اختلافات نپذیرند .

فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۲

۲ مسلمانان بریده از جامعه اسلامی و رویگردان از هجرت ، منافق و کافرند .

فما لكم في المنافقين .. كما كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۶

۶ استهزا کنندگان آیات الهی ، کافرند .

إذا سمعتم آيات الله يكفر بها ويستهزا بها

ظاهراً جمله <یستهزأ بها> توضیح و تفسیر برای جمله <یکفر بها> است، بازگشت ضمیر مفرد در <غیره> به این دو جمله، دلالت بر وحدت کفر و استهزا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۶

۶ منافقان در زمره کافرانند *

إنّ المنافقين .. يأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین

با توجه به آیات قبل و بعد که درباره منافقان است، می توان گفت مراد از <الکفرین> همان منافقان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۱

۱ یهود ، مردمی کفرپیشه

و بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۲

۲ یهود ، مردمی کفرپیشه و طغیانگر علیه عیسی (ع) ، علی رغم اذعان به رسالت الهی وی

و قولهم إنا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله

بر این مبنا که <رسول الله> دنباله سخن یهودیان <انا قتلنا ..> باشد می توان گفت اعتراف

آنان به رسالت عیسی اعترافی واقعی و حقیقی بوده ولی در عین حال اقرار به کشتن وی داشته و این حکایت از شدت خباثت آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲

۲ ادعای الوهیت برای مسیح (ع)، کفر است و مدعیان آن کافرند .

لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۳

۴۳ آنان که حکم و داوری خویش را بر پایه مقررات و قوانین الهی بنا نکنند، کافرند .

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

با توجه به آیات گذشته که درباره قضاوت بود، معلوم می شود که جمله <و من لم يحكم ..> ناظر به مسأله قضاوت و داوری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من يتولهم منكم فانه منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۳

۱۳ یهودیان عصر پیامبر (ص)، دارای پیشینه طغیانگری و کفرورزی

و ليزيدن كثيراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغياناً و كفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ منکران و مخالفان پیام ویژه خداوند در < آیه تبلیغ > ، مردمانی کافر

بلغ ما أنزل

إليك . .. إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

از مصادیق مورد نظر برای کافران به قرینه صدر آیه کسانی هستند که آن پیام ویژه را که به منزله تمامی رسالت الهی است، منکر شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۵، ۱۴، ۲

۲ کسانی که مسیح (ع) را خدا می پندارند ، بدون تردید کافرند .

لقد كفر الذين قالوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ

۱۴ مسیحیان معتقد به الوهیت مسیح (ع) مردمی کافر و مشرک

لقد كفر الذين قالوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ . .. انه من يشرك بالله

۱۵ متعقدان به الوهیت و ربوبیت غیرخدا ، کافر و مشرکند .

لقد كفر الذين قالوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ . .. انه من يشرك بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۲

۲ معتقدان به تثلیث بدون هیچ تردید ، مردمی کافرند .

لقد كفر الذين قالوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثٌ ثَلَاثَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۲

۲ مشرکان و یهودیان ، مردمانی کفر پیشه و تکذیب کننده آیات الهی

و الذين كفروا و كذبوا بآياتنا

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود مصداق بارز از <الذين كفروا و كذبوا...> مشرکان و یهودیان منکر قرآن و رسالت پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۰

۱۰ اعتقاد به خداوند کافی برای خارج ساختن آدمی از زمره کافران

نخواهد بود .

و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

افترا بر خداوند مستلزم اعتقاد به وجود اوست، و جمله <و لكن الذين كفروا ..> می رساند که بدعتگذاران با اینکه معتقد به خداوند می باشند، کافر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۳۷

۳۷ گروهی از بنی اسرائیل عصر عیسی (ع)، رسالت وی را منکر و در زمره کافران بودند .

فقال الذين كفروا منهم ان هذا الا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۷

۷ آنان که برای خداوند همتایی بیندارند، کافرند.

ثم الذين كفروا بربهم يعدلون

در این برداشت <بربهم> متعلق به يعدلون و <يعدلون> نیز از عدل، به معنی برابر و همسان، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۵، ۲۳

۲۳ بازیچه قرار دادن دین، کفر است و بازیچه قرار دهندگان آن کافرند.

و ذر الذين اتخذوا دينهم لعبا و لهوا .. بما كانوا يكفرون

۲۵ کسانی که بازی و سرگرمی دنیا را دین خود قرار داده اند، کافرند.

و ذر الذين اتخذوا دينهم لعبا و لهوا .. بما كانوا يكفرون

بنابراین که <اتخذوا دينهم لعبا>، به معنای <اتخذوا اللعب دینا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۳

۳ مشرکان حاضر در کارزار بدر ، مردمی کفرپیشه و مستحق عذاب با آتش دوزخ

و أن للكافرين عذاب النار

از مصادیق مورد نظر برای <للكافرين> مشرکان حاضر در کارزار بدر

می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۳،۴

۳ آل فرعون از مظاهر بارز کافران به آیات الهی

كدأب ءال فرعون .. كفروا بآیت الله

۴ فرعونیان و امت های قبل از ایشان مردمی کفرپیشه و گنهگار

كدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم كفروا بآیت الله فأخذهم الله بذنوبهم

ضمیر در < كفروا > به < آل فرعون > و < الذین من قبلهم > برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۷،۸

۷ اندیشه < فرزند داشتن خدا > اندیشه ایست کفرآمیز و معتقدان به آن ، کافرند .

یضهئون قول الذین كفروا من قبل

۸ یهود و نصارا به دلیل فرزند خدا خواندن < عزیز > و < مسیح > کافرند .

یضهئون قول الذین كفروا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، مردمانی کفرپیشه

یریدون أن یطفئوا نور الله .. و یأبى الله ... و لو کره الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۱۲

۱۲ منافقان ، گروهی کفرپیشه اند .

و منهم من يقول ائذن لى . . . ألا فى الفتنه سقطوا و إن جهنم لمحيطه بالكفرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۲

۲ منافقان ، گروهی کفرپیشه و منکر رسالت پیامبر (ص)

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم كفروا بالله و برسوله

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۶،۷

۶ منافقان ، کافر به خدا و پیامبر (ص)

ذلك بأنهم كفروا بالله و رسوله

۷ کفر منافقان به خدا و رسول او ، مانع آمرزش آنان

فلن يغفر الله لهم ذلك بأنهم كفروا بالله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۸ - ۱۸

۱۸ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: >... قالت بنو اسماعيل : > هؤلاء شفعاونا عند الله < فكفرت و لم تعبد الأصنام ;

فرزندان اسماعیل می گفتند: بتها شفیعان ما نزد خدا هستند پس کافر شدند ; ولی بت را پرستش نکردند <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۳

۳ فرعون و اشراف پیرامون او ، مردمانی کافر بودند .

على خوف من فرعون و ملايهم .. و نجنا برحمتك من القوم الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ طبقه سران و اشراف ملتها ، پیشتاز در کفر و انکار پیامبران الهی هستند .

فقال الملاء الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ برخی از افراد خانواده نوح (همسر و فرزندش) در زمره کافران و تکذیب کنندگان رسالت او بودند . *

و أهلك إلا من سبق عليه القول

<ال> در <القول> عهد ذکری و یا ذهنی است و اشاره به جمله <لاتخاطبني في الذين ظلموا إنهم

مغروقون/۳۷ > دارد. بنابراین <إلا من...> یعنی، مگر آن کس که از پیش به خاطر کفر و ظلمش، حکم غرق شدن را برای او مقدر ساخته ایم. مفسران بر آنند که مراد از <من سبق> همسرنوح به نام <واعله> و فرزندش به نام <یام> و یا <کنعان> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۳ - ۷

۷ تأکید قوم عاد، بر ایمان نیاوردن به هود (ع) و تصدیق نکردن پیام ها و رسالت های او

و ما نحن لك بمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۱

۱ قوم عاد، رسالت هود (ع) را نپذیرفتند و به شرک و کفر اصرار ورزیدند.

فإن تولوا... يستخلف ربى قوماً غيركم... و لما جاء أمرنا نجينا هوداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۰ - ۵

۵ قوم عاد، بر اثر کفر و نافرمانی خدا و پیامبران، سزاوار هلاکت و دوری از رحمت الهی شدند.

ألا بُعِداً لعاد قوم هود

<بُعِداً> (هلاک گشتن یا دور شدن) مفعول مطلق برای فعل محذوف (لیبعد) است: ألا لیبعد قوم عاد بعداً. و از آن جا که قوم عاد به هلاکت رسیدند و از رحمت او محروم شدند می توان گفت، مراد عذاب در آخرت و دوری از رحمت او در آن سراسر است و نیز محتمل است <ألا بُعِداً...> چنان چه زمخشری گفته بیانگر استحقاق دوری و هلاکت باشد، یعنی، [قوم عاد هلاک گشتند و از رحمت

او محروم شدند [بدانید آنان مستحق آن کیفر و سزاور چنین عقوبتی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۷

۱۷ مصریان عصر یوسف (ع) ، به خداوند ایمان نداشتند و سرای آخرت را انکار می کردند .

إني تركت مله قوم لا يؤمنون بالله و هم بالأخره هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ مشرکان از زمره کافران و موحدان از زمره تقوایندگانند .

تلک عقبی الذین اتقوا و عقبی الکفرین النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - > قال هارون لأبى الحسن موسى (ع) نحن كفار؟ قال : لا و لكن كما قال الله : > ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً و أحلّوا قومهم دار البوار < . . . ;

هارون به امام کاظم (ع) گفت [آیا] ما کافریم؟ آن حضرت فرمود: خیر بلکه آن گونه [هستید] که خدا می فرماید: > ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً < . . . < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ - مشرکانی که آیات قرآن را اسطوره می خوانند ، و نیز کسانی که علیه دین خدا توطئه می کنند ، در زمره کافرانند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولین . . . قد مکر الذین من قبلهم ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۳ - ۲،۳،۴

صدراسلام ، با وجود آگاهی از نعمت های الهی ، راه ناسپاسی پیمودند و کافر شدند .

يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها و أكثرهم الكفرون

۳- بیشتر مشرکان صدراسلام ، علاوه بر انکار عملی نعمت های الهی ، به زبان نیز کفر میورزیدند .

يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها و أكثرهم الكفرون

انکار و ناسپاسی نعمتهای الهی یا با زبان است و یا با عمل. جمله <ثم ينكرونها> می تواند گویای کفران عملی و جمله <و أكثرهم الكفرون> بیانگر ناسپاسی با زبان باشد.

۴- اکثر انکار کنندگان نعمت های الهی ، مصداق و مجسمه کامل کفرند .

يعرفون نعمت الله .. و أكثرهم الكفرون

برداشت فوق، بنابراین نکته است که ضمیر <هم> به فاعل <يعرفون> باز گردد و الف و لام در <الكافرون> برای استغراق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۲

۱۲- فسادانگیزان سرکش ، کافرند .

لتفسدن فی الأرض .. و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنم للكافرين حصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۶ - ۷

۷- ساحل نشینان غرب سرزمین ذی القرنین ، مردمی کفرپیشه و ستم کار بودند .

قلنا یذا القرنین إِمَّا أَنْ تَعَدَّبَ

تعبیر <تعذب> نشانگر آن است که آنان مستحق کیفر بوده اند و دلیل آن به قرینه آیات بعد ستم گری و کفر آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- آنان که عیسی (ع) را فرزند مریم (س) ، بنده خدا و پیامبر او نمی دانند ، کافراند

فاختلف الأحزاب من بينهم فويل للذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۷

۷- کافران از زمره ستم کاران و گمراهان اند .

فويل للذين كفروا .. لكن الظلمون اليوم في ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۲

۲- انسان ها در برابر انذار ها و اخطار های پیامبران دو دسته اند : مؤمن و یا کافر

يأيتها الناس إنما أنا لكم نذير مبين . فالذين ءامنوا ... و الذين سعوا في ءايتن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۷ - ۸

۸ - کسانی که از خدا و رسول او ، روی برتابند و از فرمان هایشان سرپیچی کنند ، مؤمن نیستند .

و يقولون ءامنّا بالله .. ثم يتولّى فريق منهم من بعد ذلك و ما أولئك بالمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۷

۷ پرستش غیر خدا ، کفر است و مشرکان کافرانند .

و يعبدون من دون الله .. و كان الكافر على ربّه ظهیرًا

برداشت فوق، از به کار بردن واژه <کافر> بر عبادت کنندگان غیر خدا که همان مشرکان اند استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - همسر لوط ، از زمره کافران بود و به او ایمان نیاورد .

لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ - همسر لوط (ع) از زمره کافران بود و به او ایمان نیاورد .

إِنَّا مَنْجُوكَ .. إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۹

۹ - افترازنندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق ، کافرند و جایشان در جهنم است .

و من أظلم ممن افترى على الله .. أو كذب بالحقّ... أليس في جهنم مثوى للكفر

<ال> در <الكافرين> برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۲

۲ - احزاب متحد محاصره کننده مسلمانان در مدینه ، همگی ، کافر بودند .

و ردّ الله الذين كفروا

طبق آنچه در آغاز سوره آمد، احزاب گرد آمده برای جنگ با مسلمانان مدینه، از مشرکان و منافقان و یهودیان بودند، ولی خداوند از همه آنان، به <الذين كفروا> تعبیر کرده است و این، حکایت از کفر همگی آنان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۷

۱۷ - مشرکان ، مردمانی کافراند .

إذ تأمروننا أن نكفر بالله و نجعل له أندادًا .. و إذا تتلى عليهم آيتنا ... و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۱

۱ - منکران قرآن ، کافراند .

ثم أورتنا الكتب . . . و الذين كفروا

مقصود از کفر در این آیه به قرینه آیات پیشین

که درباره قرآن کریم بود انکار قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۳

۳ - شرک ، کفر است و مشرکان ، کافراند .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا .. ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در این آیات، مشرکان با عنوان کافران معرفی شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ - فرعون ، هامان و قارون ، از کافران بودند .

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهُمَّنْ وَقَوْمٌ فَجَالُوا سِحْرَ كَذَّابٍ .. وَ مَا كِيدَ الْكٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلٰلٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۶

۶ - تحریف گران آیات الهی ، کافراند .

إِنَّ الَّذِينَ يَلْحَدُونَ فِي ءَايَاتِنَا .. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۸

۸ - کافران و روی گردانان از عبادت خداوند ، دور ماندگان از هدف آفرینش و عنایت حق *

و ما خلقت .. إِلَّا لِيَعْبُدُونَ

از این که هدف الهی از آفرینش انسان، پرستشگری حق دانسته شده، استفاده می شود که کافران از هدف عالی خلقت که مورد نظر حق بوده دور مانده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۹

۹ - منکران حدود الهی در حکم کافران اند .

و تلك حدود الله و للكافرين عذاب أليم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۸

۸ - اهل کتاب (یهود و نصارا) ، در صورت توطئه علیه اسلام و مسلمانان ، در زمره کافران اند .

الذین کفروا من أهل الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۳

۳ - انسان ها از نظر جهان بینی و باور های دینی یا کافراند و یا مؤمن .

فمنکم کافر و منکم مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۰ - ۱

۱ - کسانی که به کفر و تکذیب آیات الهی پردازند ، اهل دوزخ اند .

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا أولئک أصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۱ - ۸

۸ - کفر و نپیمودن راه خدا ، ظلم است و کافران ظالم اند .

و الظلمین أعد لهم عذاباً أليماً

مقصود از <ظالمین> به قرینه آیات گذشته کافرانی هستند که راه خدا را نمی پیمایند .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۷

۷ - کسانی که خود را از رهنمود های خداوند و تذکرات قرآن بی نیاز می پندارند ، کافر و سزاوار سخت ترین کیفرهایند .

قتل الإنسان ما أكفره

این آیه و آیات بعد را می توان با آیات پیشین، مرتبط دانست؛ در این صورت حرف <ال> در <الإنسان> عهد ذکرى بوده و اشاره به <من استغنى> در آیات قبل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۲

۲ - منکران معاد ، کافراند .

لترکبنّ طبقاً عن طبق .. بل الذین کفروا یکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۴

۴ - منکران اسلام چه از اهل کتاب باشند و چه مشرک کافراند .

الذین کفروا من أهل الكتب و المشرکین

حرف <من> برای تبیین است و مصداق <الذین کفروا> را، اهل کتاب و مشرکان معرفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۴،۵

۴ - منکران اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک کافراند .

إنّ الذین کفروا من أهل الكتب و المشرکین

۵ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت خودداری از پذیرش اسلام ، از عبادت خالصانه خداوند محروم مانده و خود را از برکات نماز و زکات دور ساخته اند .

و ما أمرُوا إِلَّا ليعبدوا الله مخلصین له الدین حنفاء و یقیموا الصلوه و یؤتوا الز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۲

۲ - گروهی از کافران در عصر پیامبر (ص) ، بی خبر از موضع قاطع آن حضرت در برابر کفر و امیدوار به تنزل او در برابر شرک

قل یا ایها الکفرون

ادامه سوره، قرینه است بر این که مراد از <الكافرون>، همه کافران نیستند؛ بلکه تنها آن گروه مخاطب اند که امیدی به ایمان آنان نمی رفت. سخن گفتن با آنان در این باره که پیامبر(ص) اهل سازش نیست بیانگر آن است که آنان

تسامح و تساهل را برای آن حضرت، امکان پذیر می پنداشتند.

آبروریزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۱۱

۱۱- استفاده از تهمت و شخصیت شکنی ، از روش های مبارزه کافران با پیامبر (ص) و تعالیم او

إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

آتش بس با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۱،۲

۱ - نباید با کفرپیشگانی که از جنگ و فتنه انگیزی دست کشیده اند ، نبرد کرد و آنان را به قتل رساند .

فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

متعلق <إنتهوا> به قرینه آیات قبل، جنگیدن و فتنه انگیزی است. جمله <فإن الله...> جانشین جواب شرط می باشد و تقدیر کلام چنین است: فإن انتهوا عن القتال و الفتنة فلا تقتلوهم و لا تقتلوهم إن الله غفور رحيم <.

۲ - مسلمانان ، باید آتش بس اعلام شده از سوی کافران را بپذیرند . *

فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

آثار آخرت گریزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - دنیاگرایی و آخرت گریزی گنه پیشگان و کافران ، فلسفه منع شدن پیامبر (ص) از پیروی از آنان

و لا تطع منهم ءائماً أو كفوراً .. إن هؤلاء يحبون العاجله و يذرون وراءهم يوم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تعلیل برای منع از اطاعت از گنه پیشگان و کافران (ولانطع منهم آثماً أو کفوراً) است.

آثار اتحاد با کافران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۷

۷ - نفاق و همسویی با کافران ، نمودی از ظلم

فكان عقبتهما أنّهما فى النار .. و ذلك جزؤا الظلمين

چنانکه گفته شد آیه بر منافقان و کافران نیز تطبیق شود.

آثار اتمام حجت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۲

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم يخوضوا و يلعبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۳

۳ - کافران ، پس از ابلاغ برهان آشکار و رسیدن پیام اسلام به آنان ، به حال خود رها خواهند شد .

لم يكن .. منفکين حتى تأتيم البينه

قید <حتى تأتيم البينه> مفهومی دارد که برداشت یاد شده، ناظر به آن است.

آثار اتمام حجت بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۳

۱۳- پیامبر (ص) ، مأمور به ترک مناظره و محاجه با کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان *

قل إن افتریته فلا تملکون .. کفی به شهیداً بینی و بینکم

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که تعبیر <کفی به شهیداً> به معنای ترک محاجه باشد، یعنی، پس از اتمام حجت، کار داوری درباره کافران را به خدا واگذار.

آثار اجابت خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۵

۵- در

صورت تحقق درخواست کافران برای نزول ملائکه ، تمامی آنان هلاک می شوند و مهلتی برای ایمان نخواهند داشت .

ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرین

انظار مصدر <منظر> به معنای تأخیر انداختن است و حصر در آیه، نشان می دهد که با آمدن ملائکه، اجل هیچ کدام از کفار به تأخیر نخواهد افتاد و به هلاکت خواهند رسید.

آثار اختلاف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳ - ۲

۲ - اختلاف نظر کافران درباره معاد ، دلیل نابه جا بودن موضع گیری استهزاآمیز آنان است .

عمّ يتساءلون . .. الذی هم فیه مختلفون

توصیف منکران معاد به کسانی که با هم اختلاف نظر دارند، اشاره به این است که نباید آنان درباره چیزی که خود درباره آن آرای گوناگون دارند، موضع انکارآمیز برگزینند؛ بلکه باید آن را محتمل دانسته و از استهزای معتقدان به آن دست بردارند.

آثار استکبار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - روحیه استکباری ، عامل اصلی مخالفت کافران با قرآن و نه شبهات اصولی و تردید در ارزش آن

و شهد شهد .. فامن و استکبرتم

تصریح خداوند بر استکبار کافران، علی رغم ایمان حق گرایان به قرآن، اشاره به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۲

۲ - برخورد تحقیرآمیز کافران ، با گرایش محرومان به دین ، نمودی از روحیه استکباری آنان است .

و استکبرتم .. و قال الذین کفروا للذین ءامنوا لو کان

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۷

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لَجُوا فِي عَتْوٍ وَ نَفُورٍ . . . وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

آثار اسلام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۶ - ۳

۳ - کافران ، در صورت پذیرش اسلام ، هیچ غرامتی نمی پرداختند و از این بابت تحت فشار نبودند .

فَهُمْ مِنْ مَّغْرَمٍ مَثْقُلُونَ

آثار اطاعت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۸ - ۳

۳- پیروی از فریب ها و زیانمایی های شیطان و اطاعت از کافران ، مایه خشم الهی و عذاب

الشَّيْطَانِ سَوَّلَ لَهُمْ . . . سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ ... ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهُ

برداشت بالا- بنابراین نکته است که <اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهُ> به آنچه در آیات پیشین تحت عنوان <الشَّيْطَانِ سَوَّلَ لَهُمْ> و

<قَالُوا . . . سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ> آمده است، نظر داشته باشد.

آثار افساد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۸

۸- عذاب اخروی کافران ، بازتاب فسادگری مستمر خود آنان است .

زدنهم عذاباً .. بما كانوا يفسدون

آثار امکانات مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۸

۸ - مؤمنان مجاهد ، در معرض قرار گرفتن در موضع انفعالی و متأثر شدن

در برابر قدرت و مکنّت بسیار دشمنان و کافران مخالف

فلا یغررک تقلّبهم فی البلد

برداشت یاد شده از هشدار خداوند، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۱۰

۱۰- واگذاری مزایا، امکانات و بهرهوری های زندگی دنیایی به کافران، امری نادرست و زمینه گرایش نسل ها به کفر

و لولا أن یكون الناس أمّه وحده لجعلنا لمن یکفر

آثار انعطاف پذیری در برابر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ انعطاف پذیری در برابر کافران و منکران دین، سست کننده بنیان رحمت و مودت میان مؤمنان

أشداء علی الکفار رحماء بینهم

این برداشت، وجه دیگر برداشت قبل است.

آثار ایمان به شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲

۲- ایمان به پیروزی راه ایمان و شکست نهایی کافران، مقتضی صلابت و جدیت مؤمنان در نبرد با جبهه کفر

الذین کفروا .. أضلّ أعمالهم ... فإذا لقیتم الذین کفروا فضرّب الرقاب

فاء در <فإذا لقیتم> مفید ترتب و نتیجه است، یعنی، اکنون که دانستید تلاش کافران بی ثمر خواهد ماند (أضلّ أعمالهم) و فرجام مؤمنان به صلاح خواهد گرایید (أصلح بالهم) پس دلگرم باشید و با یقین به پیروزی نبرد کنید (فإذا لقیتم) .. فضرّب الرقاب).

آثار ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۲۴

۲۴ - عدم زدایش تمامی آثار گناهان کافران ، به صرف روی آوردن آنان به ایمان

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا

جاءك .. فبايعهنّ و استغفر لهنّ الله

از این که پس از پذیرش بیعت مؤمنان، باز هم خداوند از پیامبر(ص) خواسته است تا برای ایشان استغفار کند. معلوم می شود که به صرف ایمان، تمامی آثار گناهان گذشته محو نشده و نیاز به استغفار است.

آثار باطل گرای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۲ - ۶

۶- رسوخ باطل در روح کافران ، مایه به تمسخر گرفتن جدی ترین هشدارها

قالوا .. فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصدقین

تعبیر <لأتأفکنا عن آلهتنا>، نشانگر رسوخ بت پرستی و شرک در روح قوم عاد و درخواست عذاب، در حقیقت سخنی از روی استهزا و ناباوری است.

آثار بینایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۸

۸- شنوایی و بینایی کافران در قیامت ، موجب نجات آنان نمی گردد .

أسمع بهم و أبصر یوم یأتوننا لکن الظلمون الیوم فی ضلل مبین

<ال> در <الیوم> چنانچه عهد ذکری باشد، مراد روز قیامت است که در <یوم یأتوننا> مطرح شده است و <لکن> استدراک از توهم نجات است که جمله <أسمع بهم و أبصر> آن را پدید آورده است.

آثار پیروی از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۱۸

۱ ارتداد ، پیامدی برای اطاعت و پیروی از کافران

يا ايها الذين امنوا ان تطيعوا الذين كفروا يردوكم على اعقابكم

۸ از دست دادن ارزش های اصیل ایمانی ، از پیامد های تبعیت از کفرپیشگان

ان تطيعوا . . . فتقلبوا خاسرين

از

مصادیق روشن خسارت جامعه ایمانی، از دست دادن ارزشهای اسلامی و ایمانی است.

آثار تأخیر عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۶ - ۶

۶ تأخیر افتادن عذاب کافران نه به سود آنان بلکه باعث تشدید عذاب اخروی آنان خواهد شد .

ثم الله شهيد على ما يفعلون

همان گونه که تأخیر عذاب باعث نگرانی پیامبر اکرم (ص) بود، برای کافران نیز به قرینه آیه بعد (يقولون متى هذا الوعد) دستاویز قرار گرفته بود تا به استهزای مؤمنان پردازند، از این رو جمله <ثم الله شهيد على ما يفعلون> (خداوند پس از ستاندن جان تو، به دقت تمام اعمال آنان را زیر نظر دارد)، چنان که در برداشت فوق آمده، می تواند بیانگر حکمت تأخیر عذاب باشد.

آثار تکبر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۵

۵ - کبر و خودبرتربینی ، عامل جدال و ستیزه جویی کافران و مشرکان با آیات الهی و پیامبر اسلام (ص)

إِنَّ الَّذِينَ يَجْدُلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ .. . إِنَّ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۴

۴ - کافران مغرور و خودخواه دنیا ، محکوم به ذلت و خواری در آخرت

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرُونَ .. . يَوْمَ يَسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۴

۴- غرور و خودخواهی کافران ، عامل مخالفت آنان با قرآن

و پیامبر (ص)

بل یرید کل امریء منهم أن یوتی صحفًا منشره

آثار تکبیر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۲ - ۱۱

۱۱ - مخالفت کافران و مشرکان صدر اسلام با پیامبر اسلام، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار نسبی خویش بود.

کانوا اکثر منهم و أشد قوه و ءاثارًا فی الأرض

نکوهش مخالفان پیامبر اسلام، بر عبرت نگرفتن آنان از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، می رساند که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دلخوشی آنان به امکانات و اقتدار نسبی خود بوده است.

آثار تکذیبگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۴ - ۶

۶ - مداومت کافران بر تکذیب، طغیان و گناه، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است.

بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

مراد از <ما کانوا یکسبون>، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۵

۵ - احاطه تکذیب گری بر اندیشه کافران، موجب احاطه غافلگیرانه عذاب الهی بر آنان است.

فی تکذیب . و الله من ورائهم محیط

تعبیر <فی تکذیب>، بر احاطه تکذیب گری بر کافران دلالت دارد و جمله <و الله .. محیط>، کافران را به احاطه خداوند تهدید کرده است؛ که حاصل آن بسته بودن راه فرار از عذاب فراگیر است.

آثار تمايلات كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ -

۱ - تنظیم نظام تشریح و تکوین بر اساس تمایلات و هوس های کافران ، مایه تباهی نظام هستی

و لو اتبع الحق أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

این آیه، ادامه آیه پیشین است. در آیه قبل بیان شد که مخالفت کافران و رفاهمندان با پیامبر(ص) و قرآن، از آن جهت نبود که آن دو برای آنها ناشناخته بود؛ بلکه از آن رو بود که پیام های قرآن که آورنده آن پیامبر(ص) می باشد سراسر حق است و حق در ذائقه آنها ناخوشانید بود. بنابراین آنها در صورتی پیامبر(ص) را می پذیرفتند که سخنانی مطابق هوس های آنها می آورد. در این آیه نیز می فرماید: اما هرگز حق نمی تواند تابع هوس های آنها شود؛ زیرا در آن صورت با توجه به نامحدود و متناقض بودن خواسته ها همه چیز از هم می پاشید؛ نه آسمان باقی می ماند، نه زمین و نه موجودات ساکن در آنها.

آثار توبه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۲

۲- امکان شمول عفو الهی ، نسبت به کافران حق ستیز ، به شرط توبه و پشیمانی قبل از مرگ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... ثُمَّ مَاتُوا و هُمْ كَفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر کافر معاند در حال کفر نمیرد و قبل از مرگ توبه کند، مشمول <لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ> نخواهد بود.

آثار توجیه گری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۲

- سطحی نگری و توجیه گری کافران ، نسبت به آیات هشداردهنده الهی ، مانع عبرت آموزی آنان است .

و إن یروا کسفاً من السماء ساقطاً یقولوا سحاب مرکوم

از این که کافران، با وجود مشاهده نشانه های عینی عذاب، آن را پدیده ای طبیعی و بی خطر می انگارند؛ استفاده می شود که حتی نمایاندن نمودهای اعجازی، مایه عبرت آنان نخواهد بود.

آثار توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۷

۷- رهبران دینی ، در معرض خطر عقب نشینی از برخی مواضع اصولی خویش ، در برابر کافران

و لولا أن ثبتنک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۴

۴- مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (ص) ، شکست پذیر و گریبانگیر خود آنان

فالدین کفروا هم المکیدون

آثار تهدیدهای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۴

۴- برخی از مسلمانان صدراسلام (مانند عمار یاسر) به خاطر فشار های شدید کافران علی رغم ایمان باطنی خود الفاظ کفرآمیز بر زبان جاری کردند .

من کفر بالله من بعد إیمنه إلا من أکره و قلبه مطمئن بالإیمن

طبق شأن نزولی که درباره آیه آمده است، قضیه مربوط به عمار یاسر است که از شدت شکنجه، سخنان کفرآمیز بر زبان جاری کرد.

آثار ثروت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۱۷

۱۷ - ثروت انبوه برای کافران

، عذاب آور و سختی آفرین است .

لنفتنهم فيه

از معانی <فتنه> عذاب و مشقت است (قاموس). لام در <لنفتنهم> لام عاقبه و بیانگر بازتاب پیش بینی نشده ثروت مندی است.

آثار ثروت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۴

۴ - ثروت و جمعیت بسیار کافران در صدر اسلام ، عامل تکذیب دین و مانع آنان از پذیرش ایمان

أن كان ذا مال و بنين

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <أن كان ذا..> متعلق به فعل محذوفی (مانند <كذب>) باشد که جمله شرطیه <إذا تتلى...> در آیه بعد بر آن دلالت دارد. تقدیر آن چنین است: <لكونه ذا مال و بنين كذب بآياتنا...>.

آثار جهل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۴

۴- بی دقتی و جهل کافران به عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، زمینه ساز انکار حیات دوباره انسان از سوی آنان است .

أو لم يروا أن الله الذي خلق السموت والأرض قادر على أن يخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۹ - ۳

۳- جهل کفار به سختی و شدت عذاب الهی ، عامل تعجیل آنان برای تحقق عذاب است .

و يقولون متى هذا الوعد .. لويعلم الذين كفروا حين لا يكفون عن وجوههم النار ...

برداشت یاد شده بر این اساس است که جواب مقدر <لو> جمله <لما استعجلوا العذاب أو قيام الساعة> (در نزول عذاب و

یا در برپایی قیامت عجله نمی کردند) باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۹

۹ - استبعاد معاد از سوی کافران ، ناشی از ناآگاهی آنان از قدرت مطلقه خداوند است .

خلق السموت ... زعم الذين كفروا أن لن يبعثوا قل بلى و ربى لتبعثن ... و ذلك عل

آثار جهل کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۶ - ۷

۷ - تکذیب رسالت پیامبر اسلام از جانب کافران ، برخاسته از ناآگاهی و غفلت آنان ، از سرنوشت شوم تکذیب کنندگان بود

فأذاقهم الله الخزی ... لو كانوا يعلمون

آثار حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱

۱- کافران ، با کفر و حق ستیزی و مخالفتشان با پیامبر (ص) ، ناتوان از رسانیدن کمترین زیان به خداوند

إن الذين كفروا و ... لن يضرّوا الله شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۱

۱ شبهات کافران درباره معاد ، ناشی از روحیه حق ستیزی آنان است ، نه نامعقول بودن آن .

بل كذبوا بالحقّ لما جاءهم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <الحقّ> ، حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد ، یعنی، اینان در همان آغاز نشانه های حق را دیدند و به تکذیب آن پرداختند. این حق ستیزی، بسیاری از حقایق معقول را برای آنان، ناممکن جلوه داده

است.

آثار حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳

۱۱ - حق ناپذیری کافران ، تنها مایه محرومیت آنان از رهنمود های بیدار کننده قرآن

بل أتینهم بذکرهم ... معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۲

۲ - رسوخ روحیه حق ناپذیری در بیشتر کافران ، عامل بی تأثیری آیات الهی در آنان

و ما کان اکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۶

۶- به کارگیری تهدید از سوی خداوند ، پس از ارائه منطق و برهان و تأثیرناپذیری کافران از آن

فارتقب یوم تأتي السماء بدخان مبین

<فء> تفریح، تهدید را متفرع بر حق ستیزی کافران و عدم تأثیر منطق و برهان بر آنان کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۶

۶- سحر خواندن قرآن ، نتیجه تضاد و بحران درونی کافران ، در انکار حق و مشاهده نفوذ آیات وحی *

قال الذین کفروا للحقّ لَمَّا جاءهم هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۰

۱۰- حق ناپذیری و هدایت گریزی کافران ، منتهی به دروغ شمردن پیام راستین وحی

و إذ لم یهدوا به فسیقولون هذا إفکّ قدیم

<فاء> در <فسیقولون>، بیانگر ترتب و نتیجه است؛ یعنی، اتهام آنان به قرآن، نتیجه حق ناپذیری و هدایت گریزی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۷

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران، درباره زمان برپایی قیامت، ناشی از خوی لجاجت،

استکباری و حق‌گریزی آنان بوده است .

بل لَجَوَا فِي عَتْوٍ وَ نَفُورٍ .. و يقولون متي هذا الوعد ان كنتم صدقين

آثار حق‌ناپذیری کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۳

۳ - خوی سرکشی و حق‌ناپذیری کافران در آغاز بعثت ، مانع پذیرش اسلام از سوی آنان گردید .

و القرآن ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عَزَّةٍ و شقاق

<بل> در <بل الذین..> برای اضراب انتقالی است؛ بدین معنا که خداوند پس از آن که خاصیت بیدارگری و ذکر بودن قرآن را مطرح فرمود، به پاسخ این سؤال پرداخت که: چرا کافران چنین کتاب آگاهی بخش را نپذیرفتند؟ در جواب می‌فرماید: نپذیرفتن آنان به دلیل وجود روح سرکشی و حق‌ناپذیری در آنها است.

آثار دروغگویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - عامل بازداشتن کافران از رویکرد به حق ، دروغ پردازی آنان است .

کذلک کانوا یؤفکون

<کذلک> اشاره به دروغ پردازی و افترا زدن کافران مجرم است؛ یعنی، همان طور که در قیامت دروغ می‌گویند در دنیا نیز عمل می‌کردند. لازم به ذکر است که ریشه <یؤفکون> <إفک> است و به معنای <هر نوع باز داشته شدن از جهت و موقعیتی است که شایسته بوده در آن موقعیت باشد> (مفردات راغب). بنابراین، مراد از <یؤفکون>، منصرف شدن از عقیده حق و گرایش یافتن به باطل است.

آثار دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ -

۳- مخالفت و عنادورزی کافران با پیامبر (ص) ، با تمثیل و توصیف های ناروا ، در پی دارنده گمراهی علاج ناپذیر برای آنان

کیف ضربوا لک الأمثال فضلوا فلا يستطيعون سبیلاً

برداشت فوق بنابراین است که مراد از <سبیلاً> راه هدایت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۵

۵ - مخالفت عمدی و ستیزه جویانه کافران با پیامبران ، موجب دوزخی شدن و محرومیت آنان از تخفیف در عذاب الهی

قالوا أَو لَمْ تَك تَأْتِيكُمْ رَسَلِكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا و ما دَعُوا الْكُفْر

اعتراف کافران دوزخی به این که به پیامبران و دلایل روشن آنان دست یافته بودند، نشان می دهد که مخالفت آنان با تعالیم آسمانی، از روی عمد و ستیزه جویانه بوده است و همین موجب دوزخی شدن و محرومیت آنان از تخفیف در عذاب گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۲

۱۲- عناد شدید کافران ، زمینه ساز گرایش پیامبر (ص) به درخواست عذاب ، برای آنان

و لاتستعجل لهم

از نهی <لاتستعجل> اگر استفاده نشود که پیامبر(ص) درخواست عذاب کرده است، می توان استفاده کرد که عناد کافران تا بدان جا شدید بوده که زمینه چنین درخواستی را فراهم می کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۴

۴ - لجاجت و عناد ، مانع درس آموزی کافران از آفرینش هستی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لا یوقنون

عبارت <بل لایوقنون> بیانگر این نکته است که موضع گیری ناباورانه کافران درباره

قرآن و پیامبر(ص) برخاسته از یقین علمی آنان نیست؛ بلکه صرفاً از روی ستیزه جویی و لجبازی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۹

۹ - ممنوعیت دوستی و ارتباط با کافران ، منوط به وجود درگیری و عداوت میان ایشان و مسلمانان *

لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ .. يَخْرُجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ

برداشت بالا، بدان احتمال است که تعبیر <قد كفروا .. يخرجون الرسول...> که فلسفه نهی در <لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي> را بیان می کند در عین حال قلمرو نهی را نیز مشخص سازد.

آثار دشنام به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۵

۵ دشنام علیه کافران موجب دشمنی و کینه توزی جاهلانه و بدون توجه آنان علیه خداوند می گردد.

و لَا تَسْبُوا الَّذِينَ .. فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوا بغير علم

آثار دنیاطلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۱۱

۱۱- روی گردانی کافران از ارزش های نو قرآن ، معلول دنیاطلبی آنان است .

لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ .. مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةٌ لَهَا لَنْبَلُوهُمْ

جمله <إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا> می تواند به عنوان تعلیلی برای اعراض کافران مطرح باشد؛ یعنی، زیبایی دنیا، باعث شده که ایشان به آن، دل خوش کنند و به قرآن ایمان نیاورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- دنیاگرایی و آخرت گریزی گنه پیشگان و کافران ، فلسفه منع شدن

پیامبر (ص) از پیروی از آنان

و لاتطع منهم آئماً أو كفوراً .. إِنَّ هَؤُلَاءِ يَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تعلیل برای منع از اطاعت از گنه پیشگان و کافران (و لاتطع منهم آئماً أو كفوراً) است.

آثار دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۳

۳ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار، در پی دارنده عذابی دردناک

بَشَرِ الْمُنْفِقِينَ بَأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱۰

۱۰ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار، خیانت در جنگ، خدعه با خدا، سستی در عبادت، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن، موجب گمراهی و محرومیت دائمی از هدایت الهی است.

و من يضلل الله فلن تجد له سبيلا

از مصادیق مورد نظر برای (من يضلل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از ۱۳۸ تا ۱۴۳) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۳

۱۳ برقراری پیوند های دوستی با کافران از سوی اهل ایمان، تباه کننده اعمال نیک آنان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۵، ۱۰

۱۰ محرومیت مسلمانان از محبت خداوند ، در صورت ایجاد روابط دوستانه با کافران

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی اللّٰه بقوم یحبهم

دوستی با کافران (یهود ، نصارا و ...) ، موجب فروتنی در مقابل آنان و گردنفریزی در مقابل اهل ایمان

من یرتد منکم عن دینه .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۷، ۱۴

۱۴ پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان ، موجب غضب خداوند بر بنی اسرائیل

تری کثیراً منهم يتولون .. لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله عليهم

۱۷ غضب الهی و عذاب همیشگی ، دستاور پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان

يتولون الذین كفروا لبئس .. ان سخط الله عليهم و فی العذاب هم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۵

۵ مسلمانانی که با کفار و دشمنان اسلام پیوند دوستی و موالات می بندند ، مردمانی ستم پیشه اند .

إن استحبوا الکفر علی الایمن و من يتولهم منکم فأولئک هم الظلمون

آثار ذکر دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۴

۴ - توجه مسلمانان به عمق دشمنی ها و تعارض های جبهه کفر با اسلام ، مانع برقراری روابط دوستانه با آنان

تسرون إليهم بالموّده .. إن یتفقوکم یکنونوا لکم أعداء

از بیان دشمنی کافران با مؤمنان در پی خبر دادن از رابطه دوستی با کافران استفاده می شود که توجه به این امر بازدارنده مسلمانان از ارتباط با آنان است.

آثار ذکر فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف

۱۳- توجه به فرجام مؤمنان و کافران ، نقشی تعیین کننده در گرایش انسان به ایمان یا کفر دارد .

فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر إنا أعتدنا للظالمين نارا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۲

۲- توجه به نافرجامی خط کفر ، مقتضی مصمم بودن مؤمنان در نبرد با کافران بدون هیچ سستی و سازش

فلن يغفر الله لهم . فلاتهنوا و تدعوا إلى السلم

<فا> در <فلاتهنوا> ترتب و تفریع را می رساند و از ترتب این آیه بر مفاد آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۵ - ۶

۶- توجه به فرجام بسیار متفاوت مؤمنان و کافران ، زمینه ساز گرایش انسان به ایمان

إنّ المجرمين في ضلل و سرع .. إنّ المتقين في جنّ و نهر . في مقعد صدق عند مل

آثار ذکر کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۵

۵- توجه به کیفر حتمی کافران در قیامت ، زمینه ساز صبر و شکیبایی رهبران الهی در برابر عنادورزی های مخالفان

يعرض الذين كفروا على النار .. فاصبر كما صبر أولوالعزم من الرسل

<فاء> در <فاصبر>، تفریع را افاده می کند و ارتباط این آیه با آیه قبل، صبر را فرع و نتیجه توجه به عذاب کافران قرار داده است.

آثار ذکر هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۶

۱۶ - توجه

به تاریخ هلاکت بار کفرپیشگان و سنت های جاری الهی ، زمینه ساز ایمان به رهنمود های الهی و پوزش از لغزش ها است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا .. و يستغفروا ربهم إلا أن تأتيهم سنه الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۳

۳- تذکر به هلاکت اقوامی کافر در اطراف مکه ، هشدارى به مکيان حق ناپذیر

و لقد أهلكنا ما حولكم من القرى

مخاطب <کم> مشرکان مکه اند.

آثار رشد اقتصادی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۳

۳- وضعیت بهتر اقتصادی و معیشتی کافران عصر بعثت ، زمینه ساز گرایش عده ای از مردم به کفر بود .

كفر بآيتنا و قال لأتین مالا

بینش مطرح شده در این آیه، از اندیشه ای سرچشمه می گیرد که در آیات پیشین با جمله <قال الذین كفروا.. أى الفریقین خیر مقاماً> به آن اشاره شده بود.

آثار رفاه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۳

۳ - رفاه و برخورداری کافران ، سبب ساز هلاکت و نگون بختی آنان است ، نه نشان سعادت و نیکبختی .

أیحسبون .. نسارع لهم فی الخیرت ... حتی اذا أخذنا مترفیهم بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - گرایش تمامی انسان ها به کفر ، در صورت برخورداری همه کافران از رفاه و نعمت

و لولا أن یکون الناس أمه وحده لجعلنا .. سقفاً

مراد از <أمّه واحده> ممکن است کافر شدن تمام انسان ها باشد.

آثار سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۱،۲

۱- همدلی و سازش نهانی با کافران ، دلیل ارتداد بیماردلان منافق

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا .. ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ ... سنطيعكم في بعض الأمر

برداشت بالا بنابراین نکته است که <ذلك> اشاره به ارتداد باشد که از آیه قبل (إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا) استفاده می شود و با توجه به این که مراد از <الذین کرهوا..> کافران معانداند.

۲- سازش با کافران و همکاری با آنان علیه دین ، مایه ارتداد است .

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا .. ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا ... سنطيعكم في بعض الأمر

آثار سخنان باطل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۳

۳ - گفتار ناروای کافران علیه دین ، مایه رنج و اذیت پیامبر (ص)

فاصبر علی ما یقولون

آثار سرمستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۱

۱ - شادمانی ناحق و سرمستی گسترده در جامعه از سوی کافران و مشرکان ، سبب گرفتار شدن آنان به انواع عذاب ها در

ذلكم بما كنتم تفرحون في الأرض بغير الحقّ و بما كنتم تمرحون

<با> در <بما كنتم> برای سببیت است. <فرح> (مصدر <تفرحون>) به معنای سرور و شادمانی است و <مرح> (مصدر <تمرحون>) به معنای سرور و شادمانی افراطی و بیش از حد است آن گونه که سبب غرور و سرمستی می گردد.

گفتنی

است در این برداشت ، مشار الیه <ذلکم> عذاب های یاد شده در آیات پیشین، دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۶

۶ - سرخوشی و هواپرستی کافران در دنیا ، در پی دارنده دشواری های دیرپای قیامت

و اتَّبِعُوا أهواءهم .. . يقول الكفرون هذا يوم عسر

<عسر> (صفت مشبهه) دال بر ثبات و دوام وصف است.

آثار سطحی نگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۷

۷ - استهزا و ریشخند کردن مسأله معاد از سوی کافران ، معلول سطحی نگری آنان به مظاهر با ارزش حیات

أنبؤا ما كانوا به يستهزءون . أولم يروا إلى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۹ - ۱

۱ - آگاهی اندک و سطحی کافران از قرآن ، دستمایه آنان برای تمسخر آیات الهی

و إذا علم من ءايتنا شيئاً اتخذها هزواً

کلمه <شيئاً>، اندک و ناچیز بودن اطلاعات کافران را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۲

۲ - سطحی نگری و توجیه گری کافران ، نسبت به آیات هشداردهنده الهی ، مانع عبرت آموزی آنان است .

و إن يروا كسفاً من السماء ساقطاً يقولوا سحاب مرکوم

از این که کافران، با وجود مشاهده نشانه های عینی عذاب، آن را پدیده ای طبیعی و بی خطر می انگارند؛ استفاده می شود که حتی نمایاندن نمودهای اعجازی، مایه عبرت آنان نخواهد بود.

آثار سلطه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۶

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلَّا و لاذمه

آثار شبهه افکنی کافران مکة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۹ - ۳

۳ - تأثیرپذیری مردمان کم عقل و ضعیف الرأی ، از سخنان انکارآمیز کافران مکة علیه موضوع رستاخیز و روز جزا

إنکم لفی قول مختلف . یؤفک عنه من أفک

ضمیر در <عنه> می تواند به <قول مختلف> بازگردد. در این صورت <عن> تعلیلیه بوده و جمله <یؤفک...> صفت برای <قول> می باشد؛ یعنی، <یؤفک بسببه...>.

آثار شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۳

۳ - شکست کافران و مشرکان در پیکار با اسلام و مسلمانان ، جلوه عذاب الهی

من یأتیة عذاب یخزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۹، ۶

۶- اسیر کردن نیروهای دشمن در میدان جنگ ، امری مجاز پس از متلاشی کردن سپاه کفر و زمین گیر ساختن آنان

حتی إذا أختتموهم فشدوا الوثاق

۱۹- امت اسلامی ، موظف به نبرد بی امان با جبهه کفر تا فرونشاندن شعله های شرارت آنان

فشدوا الوثاق .. حتی تضع الحرب أوزارها

خطاب آیه، می تواند به امت اسلامی در همه زمان ها باشد؛ یعنی، هرگاه جبهه کفر با اسلام به ستیز برخاست، مسلمانان موظف اند تا مرحله خلع سلاح جبهه کفر به مبارزه ادامه دهند.

این مطلب از ملاک‌هایی که آیه به دست داده است (أثختموهم ... تضع الحرب) استفاده می‌شود.

آثار شنوایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۸

۸- شنوایی و بینایی کافران در قیامت ، موجب نجات آنان نمی‌گردد .

أسمع بهم و أبصر يوم يأتوننا لكن الظلمون اليوم في ضلل مبين

<ال> در <اليوم> چنانچه عهد ذکری باشد، مراد روز قیامت است که در <يوم يأتوننا> مطرح شده است و <لكن> استدراک از توهم نجات است که جمله <أسمع بهم و أبصر> آن را پدید آورده است.

آثار طغیانگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۳ - ۲

۲ - روحیه طغیان و سرکشی ، ریشه اصلی مواضع همگون کافران علیه پیامبران

أتواصوا به بل هم قوم طاغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۴

۴ - طغیان و سرکشی ، عامل اصلی رویارویی کافران علیه پیامبر (ص) و آرزوی خاموشی پیام وحی

نترّص به ريب المنون .. أم هم قوم طاغون

آثار ظلم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من يستمعون إليك .. و منهم من ينظر إليك ... و لكن الناس أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۷

۷ - عذاب

دوزخ ، ستمی از سوی کافران به خویش و نه از جانب خداوند

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

آثار عبرت ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر عبرت نگرفتن از سرنوشت شوم کافران گذشته تاریخ

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

آثار عجب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۱

۱۱ - خودپسندی و زیبا دیدن رفتار زشت خویش ، جلوه گمراهی کافران

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ... فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ...> در مقام تعلیل برای <أَفَمَنْ زُيِّنَ...> است؛ یعنی، از آن جایی که آنان رفتار زشت خود را زیبا می دیدند و به خود پسندی گرفتار آمدند؛ خداوند هر کسی را که بخواهد مانند این دسته گمراه خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۴

۴ - غرور و خودخواهی کافران ، عامل مخالفت آنان با قرآن و پیامبر (ص)

بَلْ يَرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُوتَىٰ صُحُفًا مَنشُورَةً

آثار عدم تعقل در فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- ناخشنودی از دین و پیام های الهی ، معلول نیندیشیدن به عاقبت کفر و کافران *

کرهوا ما أنزل الله .. أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا

از

ارتباط <أفلم یسیروا> با <کرهوا ما أنزل الله>، می توان استفاده کرد که اگر کافران عصر بعثت به فرجام شوم پیشینیان کافر می اندیشیدند، این چنین از پیام های دین، گریزان و ناخشنود نبودند.

آثار عدم تعقل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۲

۲ - گوش دل نسپردن به سخنان پیامبران و تعقل نکردن درباره آنها، عامل دوزخی شدن کافران

وقالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في أصحاب السعير

آثار عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵ - تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غناء

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا، به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غناء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۴

۴ - فریاد و ضجه رفاهمندان کافر، به هنگام لمس عذاب الهی

حتى إذا أخذنا مترفيهم بالعذاب إذا هم يجثرون

ضمیر <هم> در جمله <إذا هم يجثرون>، می تواند به <مترفين> باز گردد. در این صورت معنای <إذا هم يجثرون> چنین می شود: <مترفان به هنگام لمس عذاب الهی، فریاد و ضجه سر می دهند>. هم چنین می تواند به غفلت زدگان کافر باز گردد. در این صورت معنای جمله فوق چنین می شود: <کافران (پیروان مترفين) وقتی جلوداران خود را گرفتار عذاب دیدند، فریاد استغاثه سر می

دهند<. برداشت فوق، بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۷

۷ - کافران و حق ستیزان ، تنها به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی متنبه شده و به ارزش تعالیم پیامبران پی می برند .

أَن تَصِيْبَهُمْ مَّصِيْبَةٌ... فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا

آثار عصیان کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۳

۳ - خوی سرکشی و حق ناپذیری کافران در آغاز بعثت ، مانع پذیرش اسلام از سوی آنان گردید .

و القراء ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

<بل> در <بل الذین...> برای اضراب انتقالی است؛ بدین معنا که خداوند پس از آن که خاصیت بیدارگری و ذکر بودن قرآن را مطرح فرمود، به پاسخ این سؤال پرداخت که: چرا کافران چنین کتاب آگاهی بخش را نپذیرفتند؟ در جواب می فرماید: نپذیرفتن آنان به دلیل وجود روح سرکشی و حق ناپذیری در آنها است.

آثار عقیده باطل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۱

۱- ناکامی و پوجی اعمال کافران بازتاب طبیعی باطل گرایی آنان

الذین کفروا... أضلّ أعمالهم... ذلك بأنّ الذین کفروا اتّبعوا البطل

<ذالك> اشاره به فرجام پوج و اعمال بی ثمر کافران است (أضلّ أعمالهم).

آثار عمل صالح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - کافران ، در روز رستاخیز به جای نیل به ثمره اعمال نیک

خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئاً و وجد اللّٰه ع

آثار عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۶

۶ - هلاک و عذاب کافران ، نتیجه عملکرد خود ایشان

و ما أهلكنا من قریه .. و ما کنا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۶

۶ - مصیبت ها و رنج های کافران ، پی آمد عملکرد خود آنان

و لولا أن تصیبهم مصیبه بما قدّمت أیدیههم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۷

۷ - مجازات و عقوبت کفرپیشگان ، بازتاب و تجسم عملکرد بد خود آنان است .

و لنجزینّهم أسوأ الذی کانوا یعملون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <أسوء الذی..> خود جزا و کیفر باشد.

آثار عمل ناپسند کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۶

۶ - آتش دوزخ ، تجسم و عینیت اعمال ناروای خود کافران برای ایشان *

إنّما تجزون ما كنتم تعملون

تعبیر <تجزون ما> به جای <تجزون بما> بیانگر این معنا است که خود عمل، جزا واقع می شود و این در صورتی است که عمل ناروا تجسّم پیدا کند.

آثار غفلت از هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۸

۸ - تعجیل کافران در نزول عذاب ،

ناشی از بی توجهی آنان به نابودی یاران گذشته خویش

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ

از <فلايستعجلون> استفاده می شود که کافران، ناباورانه تقاضای عذاب می کردند و آنها اگر آنان به راستی در سرنوشت یاران گذشته خویش تأمل می کردند، هرگز چنین ناباورانه مجازات الهی را به استهزا نمی گرفتند.

آثار غفلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۵

۵ - غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فی غمره من هذا .. هم لها عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۸

۸ - تعجیل کافران در نزول عذاب ، ناشی از بی توجهی آنان به نابودی یاران گذشته خویش

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ

از <فلايستعجلون> استفاده می شود که کافران، ناباورانه تقاضای عذاب می کردند و آنها اگر آنان به راستی در سرنوشت یاران گذشته خویش تأمل می کردند، هرگز چنین ناباورانه مجازات الهی را به استهزا نمی گرفتند.

آثار غفلت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۶ - ۷

۷ - تکذیب رسالت پیامبر اسلام از جانب کافران ، برخاسته از ناآگاهی و غفلت آنان ، از سرنوشت شوم تکذیب کنندگان بود

فأذاقهم الله الخزي . . لو كانوا يعلمون

آثار قاطعیت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح -

۲۰- صلابت در برابر کافران ، مهرورزی با مؤمنان و استمرار بر عبادت ، زمینه برخوردارى جامعه اسلامى از فضل و رضای الهی

أشداء .. رحماء ... رَكْعًا سَجْدًا يَبْتَغُونَ

می توان گفت: <بیتغون..> نتیجه و حاصل سه برنامه مؤمنان (۱ أشداء، ۲ رحماء، ۳ رَكْعًا سَجْدًا) است.

آثار قبول ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۴

۱۴ پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان ، موجب غضب خداوند بر بنی اسرائیل

تری كثيراً منهم يتولون . . . لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله عليهم

آثار قدرت طلبی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - مخالفت کافران و مشرکان صدر اسلام با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار خویش بود .

كانوا هم أشدّ منهم قوّه وءاثارًا فى الأرض فأخذهم الله بذنوبهم

نکوهش شدن مخالفان پیامبر اسلام(ص) بر عبرت نگرفتن آنان از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، بیانگر این نکته است که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دلخوشی آنها به امکانات و اقتدار نسبی خود بوده است.

آثار قدرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۸

۸ - مؤمنان مجاهد ، در معرض قرار گرفتن در موضع انفعالی و متأثر شدن در برابر قدرت و مکتب بسیار دشمنان و کافران

مخالف

فلا يغررك تقلبهم في البلد

برداشت یاد شده از هشدار خداوند، به دست می آید.

آثار کثرت کافران صدر اسلام

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۴

۴ - ثروت و جمعیت بسیار کافران در صدر اسلام ، عامل تکذیب دین و مانع آنان از پذیرش ایمان

آن کان ذا مال و بنین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <آن کان ذا..> متعلق به فعل محذوفی (مانند <کذب>) باشد که جمله شرطیه <إذا تتلی...> در آیه بعد بر آن دلالت دارد. تقدیر آن چنین است: <لکونه ذا مال و بنین کذب بآیاتنا...>.

آثار کفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۳ - ۱

۱ - ایمان نیاوردن کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) به خدای بزرگ ، سبب عذاب شدن آنان در قیامت

إنه کان لایؤمن بالله العظیم

آیه شریفه، در مقام تعلیل عذاب کافران دارای زورور است که در آیات پیشین از آنان یاد شده است.

آثار کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۶

۶ - کور باطنی ، ریشه تردید ها و حیرت کافران در مورد قیامت و مسائل آن

بل هم فی شک منها بل هم منها عمون

<عمون> نظر به چشم ظاهر ندارد؛ بلکه عدم بینش و بصیرت کافران را می رساند که در نتیجه آن، آنها گرفتار شک و تردید و حیرت و سرگردانی اند.

آثار کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - تماشای کیفرهای کافران در قیامت ، برای مؤمنان لذت بخش است

علی الأرائك ينظرون

آثار کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۲

۲ مجازات کفار و منکران قیامت (از میان برداشتن ایشان) منجر به انقراض نسل بشر خواهد شد .

و لو يعجل الله للناس الشر .. لقضى إليهم أجلهم

<ال> در <الناس> ال جنسیه و مفید استغراق است یعنی، اگر سنت الهی درباره جوامع بشری این بود که هر انسان کفرپیشه را در دنیا بی درنگ مجازات کند، هر آینه تا کنون زمین از وجود انسان تهی شده و نسل بشر منقرض گشته بود. در حالی که این با فلسفه آفرینش انسان (و لكم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین. بقره / ۳۶) ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلای خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

آثار گرایش به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۱۲

۱۲- تمایل به کافران ، مایه تنها ماندن انسان و محروم شدن از نصرت خداوند

تركن إليهم شيئاً قليلاً. إذا لأذقنك ... ثم لاتجد لك علينا نصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۳

۳- تسلط شیطان بر روح

منافقان ، معلول گرایش آنان به کافران و اظهار همدلی با ایشان

الشیطن سؤل لهم .. ذلک بأنهم قالوا... سنطیعکم

<ذلک> می تواند اشاره به تسلط شیطان باشد که از آیه قبل (الشیطان سؤل لهم) استفاده می شود و تعبیر <بأنهم..> در مقام تعلیل است.

آثار گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۸

۸- گرفتاری کافران به وسوسه ها و تحریکات شیطانی ، نمودی از <استدراج> و رهاشدن آنان در کفر و گمراهی است .

الرحمن مدًا .. ألم تر أننا أرسلنا الشیطن

این آیه با آیه <من كان فى الضلاله فليمدد له الرحمن مدًا> که بیانگر سنت <امهال> بود در ارتباط است و بیانگر نمونه و گواه دیگری بر جریان سنت <فليمدد.. مدًا> است که همان <امهال> و <استدراج> می باشد.

آثار گناهکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۶

۶- مداومت کافران بر تکذیب ، طغیان و گناه ، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است .

بل ران على قلوبهم ما كانوا یکسبون

مراد از <ما كانوا یکسبون>، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

آثار لجاجت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۳ - ۲

۲- کافران لجوج انداز شده از سوی رسولان الهی ، به سرنوشت شومی دچار شدند .

فانظر كيف كان عقبه المنذرین

توصیه خداوند به نگرستن در سرنوشت کافرانِ لَجُوجِ انذار شده از سوی پیامبران، گویای این

حقیقت است که سرنوشت آنان، چنان شوم بوده که می تواند مایه درس آموزی و شایسته دقت و مطالعه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۳

۳ - لجاجت و پافشاری بر کفر ، ریشه مبارزه کافران علیه قرآن

أم یقولون تقوله بل لا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۴

۴ - لجاجت و عناد ، مانع درس آموزی کافران از آفرینش هستی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لا یوقنون

عبارت <بل لا یوقنون> بیانگر این نکته است که موضع گیری ناباورانه کافران درباره قرآن و پیامبر(ص) برخاسته از یقین علمی آنان نیست؛ بلکه صرفاً از روی ستیزه جویی و لجبازی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۷

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است

بل لَجوا فی عتو و نفور .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۶

۶ - مداومت کافران بر تکذیب ، طغیان و گناه ، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است .

بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

مراد از <ما کانوا یکسبون>، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۴

۴ - اصرار

کافران بر تکذیب تهدید های الهی ، مانع عبرت گیری آنان از فرجام هلاکت بار پیشینیان

هل أتیک .. بل الذین کفروا فی تکذیب

آثار لجاجت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۳

۳ - تصمیم لجوجانه بیشتر کافران و مشرکان صدراسلام بر ایمان نیاوردن ، سبب مقرر شدن عذاب الهی بر آنان بود .

لقد حقّ القول علی اکثرهم فهم لایؤمنون

برداشت یاد شده مبتنی بر این مطلب است که <فاء> در <فهم لایؤمنون> تعلیلیه است و جمله برای بیان علتِ مضمونِ جمله <لقد حقّ القول علی اکثرهم> می باشد؛ یعنی، چون دانسته شد آنان ایمان نمی آورند، عذاب بر آنان مقرر شد.

آثار مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۱

۱ - لحظه مرگ ، لحظه پایان یافتن شرارت ها و حق ستیزی های کافران و ستمگران

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

<حتّی> برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

آثار مسخ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۷ - ۱

۱ - توانایی خداوند بر مسخ کردن کافران ، به گونه ای که آنان آن چنان زمین گیر شوند که از برخاستن از جای خود و حرکت به پیش و عقب ناتوان شوند .

و لو نشاء لمسخنهم علی مکانتهم فما استطعوا مضیّاً و لایرجعون

آثار مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - مکرها و توطئه های

سوء کافران ، موجب عذاب شدید آنان است .

و الذین یمکرون السیئات لهم عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۱،۴

۱ - اتهام های کافران ، علیه دین و پیامبر (ص) ناشی از مکر و حلیه آنان

أم تریدون کیدًا

۴ - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (ص) ، شکست پذیر و گریبانگیر خود آنان

فالذین کفروا هم المکیدون

آثار موضعگیری علیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۷ - ۲

۲ - موضع گیری پیامبر (ص) در قبال کفرورزی و عصیان خویشاوندان ، دارای پی آمد های دشوار و نگران کننده

و أنذر عشیرتک .. فإن عصوک فقل إئی بریء .. و توکل علی العزیز الرحیم

دستور <توکل علی الله> پس از <فقل إئی بریء مما تعملون> بیانگر مطلب یاد شده است.

آثار نعمتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۱

۱ - گرایش تمامی انسان ها به کفر ، در صورت برخورداری همه کافران از رفاه و نعمت

و لولا أن یکون الناس أمه وحده لجعلنا .. سقفاً من فضّه

مراد از <أمه واحده> ممکن است کافر شدن تمام انسان ها باشد.

آثار ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۰۳

۱ مدعیان ایمان ، در صورت پذیرش سرپرستی و دوستی کافران ، در زمره اهل نفاقند .

بَشْرُ الْمُنْفِقِينَ بَأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

<أولياء> جمع <ولی> می

تواند به معنای دوست و یا سرپرست باشد. گفتنی است که در برداشت فوق، <الذین>، وصف برای منافقان گرفته شده است.

۳ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار، در پی دارنده عذابی دردناک

بَشْرُ الْمُنْفِقِينَ بِأَنْ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱۰

۱۰ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار، خیانت در جنگ، خدعه با خدا، سستی در عبادت، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن، موجب گمراهی و محرومیت دائمی از هدایت الهی است.

و من يضلل الله فلن تجد له سبيلا

از مصادیق مورد نظر برای (من يضلل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از ۱۳۸ تا ۱۴۳) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۱،۱۶

۱۱ مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من يتولهم منكم فانه منهم

۱۶ مسلمانان پذیرای ولایت یهود و نصارا، گمراه و از زمره ستمگرانند.

و من يتولهم منكم فانه منهم إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۸

۸ ناکامی و شکست، سرنوشت حتمی پذیرندگان ولایت یهود، نصارا و دیگر کافران

و من يتول الله ورسوله و الذين ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

حصر در جمله <فان حزب الله...> می تواند ناظر به پندار غلط کسانی باشد که برای مصون ماندن از شکست

احتمالی مسلمانان (نخشی ان تصینا دائره) در صدد ایجاد روابط دوستی و ولایی با کافران بودند.

آثار هدایت ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۰

۱۰- حق ناپذیری و هدایت گریزی کافران ، منتهی به دروغ شمردن پیام راستین وحی

و إذ لم یهدوا به فسیقولون هذا إفک قدیم

<فاء> در <فسیقولون>، بیانگر ترتب و نتیجه است، یعنی، اتهام آنان به قرآن، نتیجه حق ناپذیری و هدایت گریزی آنان است.

آثار هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۲

۲- فرجام هلاکت بار امت های کفرپیشه تاریخ ، به رغم شوکت مندی آنان ، هشدارى به همه ملت های حق ستیز

و کم أهلكنا قبلهم من قرن هم أشد منهم بطشاً

آثار همکاری با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۱۳

۱۳- ضربات شکنجه بر صورت و پشت منافقان ، بازتاب روی آوری به کافران و اعراض از اهل ایمان *

قالوا... سنطیعکم... یضربون وجوههم و أدبرهم

ضمیر <هم> احتمالاً به منافقانی بازمی گردد که در آیه قبل، روی آوری پنهانی آنان به کافران مطرح شده است. با توجه به این نکته، احتمال می رود که وجود شکنجه برای آنان از دو سو، از آن جهت باشد که اولاً- رو به کفر کرده و ثانیاً پشت به ایمان و مؤمنان کرده اند.

آثار همنشینی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۵۶ - ۵۷

۵ - تأثیر

سوء هم نشینی با کافران و بدان ، تا آستانه هلاکت و سقوط کامل

قال تالله إن كدت لتردين

۷- رهایی از آثار سوء هم نشینی با کافران و بدکاران و حفظ عقاید دینی با داشتن ارتباط با آنان ، امری مشکل ولی ممکن است .

قال تالله إن كدت لتردين

هم نشینی با کافران، انسان را تا آستانه هلاکت می برد؛ ولی در عین حال عده ای از مردم خود را از آثار هلاکت بار آن نجات می دهند و در نتیجه تهستی می شوند. از این مطلب می توان استفاده کرد که رهایی از مشکل هم نشینی با کافران و بدکاران هر چند مشکل است؛ ولی محال نیست و امری ممکن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۷ - ۱

۱- بهشتیان ، رهایی خود از پیامد های هلاکت بار هم نشینی با کافران دوزخی را ، مدیون لطف خدا و به توفیق او می دانند .

و لولا نعمه ربی لكنت من المحضرين

آثار هواپرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۱

۱- تکذیب آیات الهی و معجزات پیامبر (ص) از سوی کافران ، معلول هواپرستی آنان

و کذبوا و اتبعوا أهواءهم

آمدن عبارت <و اتبعوا أهواءهم> پس از <کذبوا>، این نکته را می رساند که خواهش های نفسانی کافران، بازدارنده ایشان از تصدیق به آیات و معجزات می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۶

، در پی دارنده دشواری های دیرپای قیامت

و اتَّبِعُوا أَهْوَاءَهُمْ .. . يَقُولُ الْكُفْرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسْرٍ

<عسر> (صفت مشبهه) دال بر ثبات و دوام وصف است.

آثار هواپرستی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۳

۳ - اتهام بی دلیل سحر به قرآن و تورات از سوی کافران صدراسلام ، برخاسته از هواپرستی آنان بود .

قالوا سحران تظهدرا .. فاعلم أنما يتبعون أهواءهم

آخرت فروشی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۱

۱- کافران ، زندگی دنیوی را محبوب خود دانسته و آن را به جای حیات اخروی برمی گزینند .

ويل للكافرين من عذاب شديد . الذين يستحبون الحيوه الدنيا على الآخرة

برداشت فوق بنابرین اساس است که <الذين يستحبون الحياه .. > جمله وصفی برای <للكافرين > باشد.

آخرین مهلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۹

۹- برانگیخته شدن شاهدان در قیامت ، پایان فرصت کافران برای دفاع از خویش است . *

و یوم نبعث من کل أمه شهیداً ثم لا يؤذن للذین کفروا

واژه <ثم > که برای ترتیب است، ممکن است بدین نکته اشاره داشته باشد که پس از اقامه شهود و نه قبل از آن دیگر

کافران رخصت نمی یابند.

آرزوهای اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۷ - ۱

۱ - کافران دوزخی در قیامت ، از زنده شدن مجدد خود به شدت ناخرسند بوده و آرزوی مرگ می کنند .

یلبتها کانت

مرجع ضمیر <یالیتها> امری مقدر است که از سیاق آیه شریفه به دست می آید (مانند <الموته>). <قاضیه> نیز به معنای <قاطعه> است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: ای کاش مرگ نخستین پایان بخش حیاتم می بود و دیگر بار زنده نمی شدم!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۷، ۱۵

۱۵ - آفریده شدن به صورت خاک و محرومیت از شعور و تکلیف از آغاز پیدایش ، آرزوی کافران در قیامت

و يقول الكافر یلینى كنت ترابًا

۱۷ - کافران در قیامت ، حیات اخروی را سرآغاز سختی ها دیده و باقی ماندن به صورت خاک را آرزو خواهند کرد .

یلینى كنت ترابًا

آرزوی خاک بودن، ممکن است به این معنا باشد که کاش دوباره زنده نشده بودم و به همان حالت پس از مرگ که خاک شده بودم باقی می ماندم.

آرزوهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۲، ۱

۱ - آرزوی کافران و گنه کاران ، هنگام مشاهده عذاب الهی ، به بازگشت دوباره به دنیا

أو تقول حين ترى العذاب لو أن لی كره

<لو> در آیه شریفه، برای تمنی است.

۲ - احسان (نیک کرداری و نیکی کردن به دیگران) ، هدف و فلسفه درخواست کافران از بازگشت دوباره به زندگی

دنیايي

لو أن لی كره فأكون من المحسنين

<إحسان> هم شامل نیکی به خود می باشد و هم نیکی به دیگران (لسان العرب). این واژه در آیه شریفه ممکن است به هر دو معنا باشد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۹

۳۹- کافران ، آرزومند ضعف و وابستگی امت اسلامی و نگران از قدرت و استقلال آنان

كز رِعْ اُخْرَج ... لِغِيْظِ بَهِمِ الْكُفَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۳

۳ - کافران ، آرزومند مرگ پیامبر (ص) یا حادثه ای ناگوار که آن حضرت را زمین گیر کرده و از دعوت باز دارد .

أَمْ يَقُولُونَ .. نَتْرَبُّصَ بِهِ رِيْبَ الْمُنُونِ

<ترَبُّصَ> (مصدر <نتربص>) به معنای انتظار کشیدن و <ریب> به معنای حادثه است. <منون> در معنای روزگار و مرگ بد، به کار می رود. بنابراین <ریب المنون> یا به معنای حوادث روزگار است و یا به معنای حادثه مرگ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۹

۹ - آرزو و هدف نهایی کافران ، به کفر و ارتداد کشاندن مؤمنان است .

وَدَّوْا لَوْ تَكْفُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۳

۳ - کافران ، در آرزوی نابودی و شکست پیامبر (ص) به سر می بردند .

الذِّينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ

آرزوی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ کافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در زمره مؤمنان هستند.

فقالوا يلبتنا نرد و لا نكذب بأيت ربنا و نكون من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره

۷- > عن عبدالله بن عطاء المکی قال : سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله : > ربما يؤدّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین < قال : ینادی منادی یوم القیامه یسمع الخلائق : انه لا یدخل الجنه إلا مسلم ثمّ یؤدّ سائر الخلق أنهم کانوا مسلمین ;

عبدالله عطاء مکی گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند >ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین < سؤال کردم، حضرت فرمود: منادی در روز قیامت به گونه ای که همه خلائق بشنوند ندا می کند: همانا داخل بهشت نمی شود مگر مسلمان، آن جاست که سایر خلق آرزو می کنند که ای کاش مسلمان می بودند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - کافران در روز قیامت ، در آرزوی گریختن از صحنه محشر خواهند بود .

یقول الإنسن یومئذ أین المفّر

>مفّر< (مصدر میمی از <فّر>) به معنای گریختن و استفهام در <أین المفّر> برای <تمنی> است. مقصود از <الإنسان> به قرینه <أیحسب الإنسان...> کافران اند.

آرزوی باطل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- خوردن ، لذت بردن و برخوردار شدن از متاع ها و لذت های دنیوی و غوطهور شدن در آرزو های واهی ، هدف و مقصد اعلای کافران است .

ذرههم یا کلاوا و یتمتّعوا و یلههم الأمل

آرزوی باطل کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

، سرگرم آرزوهای واهی بودند .

ذره‌م ... و یلههم الأمل

آرزوی بیجای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۹ - ۱

۱- ورود کافران به بهشت ، امری ناممکن و آرزویی بی جا

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّہ نعیم . کلاً

آرزوی سلب نعمت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۰ - ۹

۹- آرزوی سلب نعمت از کافرانی که بر مؤمنان فخرفروشی می کنند ، آرزویی شایسته و مطلوب است .

فعسی ربّی أن .. یرسل علیها حساباً

آرزوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱

۱ نیستی و نابودی ، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (ص) ، در قیامت

یومئذ یوّد الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

<لو> در <لو تسوّی> به معنای لیت (ای کاش) است، و جمله <لو تسوّی ...> کنایه از هیچ و پوچ شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۳، ۲، ۱

۱- آرزو و علاقه فراوان کافران به مسلمان بودن ، آن گاه که فرصتِ اسلام آوردن را از دست بدهند .

ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین

مراد از <یوّد> به قرینه فعل ماضی <کانوا> مطلق دوست داشتن نیست، بلکه به معنای تمنا و آرزوست. و <ربما> در آیه به معنای تکثیر استعمال شده است.

۲- آرزوی عمیق کافران به تسلیم شدن در برابر قرآن ، به هنگام مواجهه با عذاب الهی

تلك آیت الکتب و قرآن مبین . ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین

محتمل است که متعلق <کفروا> قرآن باشد که در آیه قبل آمده است و آرزوی کفار به تسلیم بودن، بنابر قاعده، باید پس از مواجهه با حادثه ای باشد که رهایی از آن ممکن نیست و آن همانا عذاب می باشد.

۳- آرزوی کافران برای پذیرش اسلام ، بسیار کم است . *

ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <ربما> همان گونه که رایج است در قَلت و <یوّد> در همان معنای خودش (یحِبّ) استعمال شود. آیه بعد (ذرهم یا کلوا و یتمتعوا...) قرینه و تأییدی است بر برداشت فوق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۶۸

۶ - ندامت کافران در هنگام مرگ و تمنای آنان از خدا ، برای بازگشت به دنیا

حَتّٰی إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

۸ - > عن الصادق (ع) . . . إِذَا مَاتَ الْكَافِرُ شِيعَهُ سَبْعُونَ أَلْفًا مِنَ الزَّبَانِيَةِ إِلَى قَبْرِهِ وَ أَنَّهُ لَيُنَاشِدُ حَامِلِيَهُ بِصَوْتٍ يَسْمَعُهُ كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا الثَّقَلَانِ . . . و يقول : > رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ > فتجيبه الزبانية كلاً إنَّها كلمة أنت قائلها ;

از امام صادق(ع) روایت شده است : هنگامی که کافری می میرد، هفتاد هزار فرشته عذاب او را به سوی قبرش می برند و آن کافر با صدای بلند که تمام موجودات غیر از انس و جن می شنوند تشییع کنندگان را قسم می دهد . . . و می گوید: >رَبِّ

ارجعون لعلی أعمل صالحاً فیما ترکت >. پس فرشتگان عذاب به او جواب می دهند: هرگز! این کلامی است که تو گوینده آنی >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۲،۳

۲ - کافران در هنگام مرگ ، آرزومند یافتن فرصتی دو باره ، برای تدارک فرصت های از دست رفته و جبران بدی های گذشته خود ، با انجام اعمال نیک

قال ربّ ارجعون . لعلی أعمل صالحاً فیما ترکت

۳ - آرزوی کافران در هنگام مرگ ، برای بازگشت به دنیا و استفاده از امکانات و اموال خود در راه خیر *

قال ربّ ارجعون . لعلی أعمل صالحاً فیما ترکت

برداشت فوق، بدان احتمال است که مراد از <ما ترکت> اموال و امکاناتی باشد که فرد، پس از مرگ خویش بر جای می گذارد؛ نه فرصت های از دست رفته؛ چنان که در برداشت پیشین بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۴،۷

۴ - کافران ، در آرزو و انتظار نتیجه اعمال نیک خویش اند .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمآن ماء حتّی إذا جاءه لم یجدہ شیئاً

این برداشت، از تشبیه سراب به دست می آید؛ زیرا همان گونه که فرد تشنه در انتظار آب به سر می برد و هر چه تلاش می کند، جز شبه آب (سراب) چیزی نمی بیند؛ کافران نیز در انتظار نتیجه اعمال خود به سر می برند؛ هر چند به آن نخواهند رسید.

۷ - یأس و ناامیدی کافران از دستیابی به اهداف و آرمان های خود

و الذین کفروا أعملهم

كسراب بقيعه يحسبه الظمآن ماء حتى إذا جاءه لم يجده شيئاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <يحسبه الظمآن..لم يجده شيئاً> مربوط به دنیا باشد یعنی، در همین دنیا است که کافران همچون تشنگان، به نتیجه اعمال خود و در پی نیل به اهداف خویش اند و ولی به آن دست نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۸ - ۳

۳ - کافران ، در آرزوی مرگ پیامبر (ص) و مؤمنان و شکست اسلام به سر می بردند .

قل أرى يتم إن أهلكني الله و من معي

مفسران (صاحب مجمع البيان، تفسیر کبیر و ..) نوشته اند: این آیه و آیات مشابه آن (مانند آیه ۳۰ سوره <طور> و آیه ۱۲ سوره <فتح>)، اشاره به این حقیقت تاریخی دارد که کافران و مشرکان، پیوسته در آرزوی مرگ پیامبر(ص) و مؤمنان و در نتیجه شکست کامل اسلام، به سر می بردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۸ - ۹

۹ - قدرتمندان کافر ، به چیزی جز کافر شدن مؤمنان ، رضایت نمی دهند .

أصبح الأخدود .. و ما نقموا منهم إلا أن يؤمنوا بالله

آزادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۲

۲- فراهم بودن زمینه های حضور آزادانه کافران در مجلس پیامبر (ص) ، برای استماع وحی

و منهم من يستمع إليك حتى إذا خرجوا من عندك

آغاز عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - خداوند ، عذاب کافران را در جهان آخرت ، آغاز کرده و آن را تکرار خواهد کرد . *

إنه هو يبدىء و يعيد

به قرینه آیه قبل ، مصداق مورد نظر در این آیه ، آغاز و تکرار عذاب کافران است ؛ به این بیان که آنچه کافران به آن تهدید شده اند ، گرچه از توان جسمی آنان فراتر است ؛ ولی برای خداوند نه در آغاز و نه در تکرار مشکلی ایجاد نخواهد کرد .

آگاهی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۸

۸- آگاهی یافتن کافران بر دروغ گویی خویش ، از جمله دلایل احیای مجدد انسان ها در قیامت

بلى وعدًا عليه حقًا . . . و ليعلم الذين كفروا أنهم كانوا كذابين

آگاهی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۳

۳ آگاهی کافران عصر پیامبر (ص) از سرنوشت امتهای پیشین

ألم يروا كم أهلكننا من قبلهم من قرن مكنهم فى الأرض

از اینکه می فرماید <ألم يروا> ، معلوم می شود تاریخ گذشتگان در دسترس کافران بوده و از آن اطلاع داشته اند .

آلودگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۸

۸ آلودگی کافران بنی اسرائیل و منکران عیسی و جامعه آنان

و مطهّرك من الذين كفروا

آمزش كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ كفريشگان اكر ايمان آورند ، حتى در صورتى كه عليه پيامبر (ص

(جنگیده باشند ، مشمول رحمت و مغفرت الهی خواهند شد .

إِن يَعْلَمَ اللَّهُ ... يَغْفِرْ لَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۱۲

۱۲ تعجیل نکردن خداوند در نزول عذاب بر کفرپیشگان ، برخاسته از شمول مغفرت او بر آنان است .

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ ... إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظَلْمِهِمْ

جمله <يستعجلونك...> اشاره به این معنا دارد که خداوند در عذاب کردن کفرپیشگان تعجیل نمی کند و به آنان مهلت می دهد و جمله <إن ربك...> به منزله دلیل و علت این معناست ؛ یعنی ، بخشاینده بودن خدا موجب تعجیل نکردن و مهلت دادن اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۲۴

۲۴ - عدم زدایش تمامی آثار گناهان کافران ، به صرف روی آوردن آنان به ایمان

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ ... فَبَايَعَهُمْ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ اللَّهُ

از این که پس از پذیرش بیعت مؤمنان، باز هم خداوند از پیامبر(ص) خواسته است تا برای ایشان استغفار کند؛ معلوم می شود که به صرف ایمان، تمامی آثار گناهان گذشته محو نشده و نیاز به استغفار است.

آمزش کافران ذمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۳

۳- حکم کافران غیر معاند ، متمایز از کافران ستیزه جو ، در برخورداری از عفو الهی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا ... فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

بنابراین که قید <و صدّوا عن سبيل الله> احترازی باشد؛ مفهوم آیه این می شود که اگر شخص کافر، ستیزه

جویی با دین نداشته باشد، محکوم به <لن یغفر الله> نخواهد بود.

آمزش کافران متنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۹

۹ پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ رحمت و مغفرت الهی نسبت به کافران تنبه یافته

قل للذین کفروا إن ینتهوا یغفر لهم

برداشت فوق بر این اساس است که متعلق <إن ینتهوا> کفر باشد یعنی اگر از کفر دست کشیدند . . .

آمزش کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۷

۷ - آمزش گناهان کافران محارب ، پس از ایمان آوردن آنان ، پرتوی از مغفرت و رحمت الهی است .

فإن انتهوا فإن الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان اگر ایمان آورند ، حتی در صورتی که علیه پیامبر (ص) جنگیده باشند ، مشمول رحمت و مغفرت الهی خواهند شد .

إن یعلم الله . . . یغفر لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۳

۳ - حکم کافران غیر معاند ، متمایز از کافران ستیزه جو ، در برخورداری از عفو الهی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا .. فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

بنابراین که قید <وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ> احترازی باشد، مفهوم آیه این می شود که اگر شخص کافر، ستیزه جویی با دین نداشته باشد، محکوم به <لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ> نخواهد بود.

آینده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- کافران و عناصر سست ایمان ، دارای آینده ای پر بیم و هراس

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَاخُوفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که دو گروه در معرض بیم و هراس اند: ۱ کافران، ۲ آنان که اظهار ایمان کرده ولی در طریق ایمان استقامت نورزند.

ابتلای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۴

۴ - ابتلای کافران مکه به گرفتاری و سختی ، از رخداد های دوران پیش از هجرت

و لو رحمناهم و كشفنا ما بهم من ضرّ

ابتلائات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۶

۶ روی آوردن رفاه و آسایش بر کافران مبتلا- به سختی ها و محنت ها ، در پی دارنده تحلیلهایی نادرست درباره پیدایش شداید و اسباب رفاه و آسایش

ثم بدلنا .. حتى عفوا و قالوا قد مسءاباءنا الضراء و السراء

ابراهیم(ع) و کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۴،۲۰

۴ - ابراهیم (ع) ، کفرپیشگان مکه را شایسته بهره مند شدن از روزی های الهی نمی دانست .

و ارزق .. من ءامن منهم باللّٰه و الیوم الآخر

۲۰ - دلجویی خداوند از ابراهیم (ع) به خاطر اجابت نکردن دعای او علیه کافران مکه

و ارزق .. من ءامن منهم ... قال و من كفر فأتعته قليلا ثم أضطره إلى عذاب النار

از هدفهای بیان اندک

بودن متاع دنیا و زمان بهره گیری از آن و نیز بیان فرجام شوم کفرپیشگان پس از رد کردن تقاضای ابراهیم علیه آنان، دلجویی از ابراهیم است.

ابزار عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ کثرت مال و اولاد، مایه رنج و گرفتاری برای بی ایمانان

فلا تعجبک أموالهم و لا أولادهم .. ليعذبهم بها فی الحیوه الدنیا

ابلاغ آیات خدا بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳ - ۴

۴ - نگرانی برای کافران، پس از ابلاغ آیات روشن الهی به آنان موردی ندارد.

تلک ءایت الکتب المبین . لعلک بخع نفسک ألا یكونوا مؤمنین

ابلیس از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - ابلیس به خاطر خود بزرگ بینی و سرپیچی از فرمان خدا، از زمره کافران شد.

أبی و استکبر و کان من الکفرین

اتحاد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱،۴

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . . . اولئك الذين لعنهم الله

۴ همسویی با کافران علیه مسلمانان ، از موجبات لعن الهی است .

يقولون . . . هؤلاء اهدى من الذين امنوا سييلا. اولئك الذين لعنهم الله

اتحاد ظاهری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۴، ۱۱

جبهه کفر و نفاق، به ظاهر مجتمع و متحد؛ اما در درون، آکنده از تشتت و تفرقه

تحسبهم جميعاً و قلوبهم شتى

۱۴ - اعتماد کافران به استحکامات مادی و همبستگی های صوری و ناپایدار، نشانه بی خردی آنان است.

لا يقتلونکم جميعاً إلا فی قرى محصنه . . . ذلک بانهم قوم لا یعقلون

اتحاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ اتحاد و همگونی کافران، در دشمنی با مسلمانان

ان الکفرین کانوا لکم عدواً مبیناً

خبر <کان> با اینکه طبق قواعد ادبی باید جمع آورده می شد، به صورت مفرد (عدواً) آورده شده و اشاره به این است که کافران در دشمنی با اسلام، یکپارچه و گویا فردی واحد هستند.

اتکای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۵

۵ - اهل کفر و نفاق، تنها متکی بر موانع و استحکامات فیزیکی و مادی در جنگ و نبرد

لا يقتلونکم جميعاً إلا فی قرى محصنه أو من وراء جدر

در صورتی که فاعل در <لا یقاتلونکم..> کافران و منافقان باشند، به دست می آید که اهل کفر و نفاق، هیچ انگیزه معنوی برای حرکت های خود ندارند و تنها اطمینان از استحکامات مادی است که به آنان جرئت مبارزه می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۵

۵ - تکیه غرورآمیز کافران دین ستیز، بر مال و منال و نیروی انسانی خویش

فسيعلمون من أضعف ناصراً و أقلّ عدداً

اتمام حجت با كافران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۲

۲ خداوند در پی ارسال هر یک از پیامبران در شهرها و آبادانیها، کفرپیشگان را به سختی تنگدستی و رنج و اندوه گرفتار ساخت.

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء

با توجه به دو آیه بعد (و لو أن أهل القری ..) معلوم می شود گرفتار ساختن امتهای گذشته به بلاها و سختیها در صورتی بوده که آنان با تبلیغ و ارشاد پیامبران خویش ایمان نمی آوردند و همچنان بر کفرورزی پافشاری داشتند. در این مرحله آنها را گرفتار می ساخت تا شاید متنبه شوند. بنابراین جمله <أخذنا أهلها ... > مقید می شود به <إذا لم يؤمنوا و لم يتقوا >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۹

۱۹- نزول عذاب بر کفر پیشگان، پس از اتمام حجت است.

و ما منع الناس أن يؤمنوا إذ جاءهم الهدی .. أو یأتیهم العذاب قبلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۴

۴ - هلاکت جوامع کفرپیشه و تکذیب گر تاریخ، نتیجه عملکرد خود آنها و پس از اتمام حجت الهی بر آنان

ثم أرسلنا .. بأیتنا و سلطن مبین ... فکذبوهما فکانوا من المهلکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۵

۵ - عذاب ابدی دوزخ دامنگیر کافران، پس از اتمام حجت های الهی بر آنان

الم تکن ءایتی تتلی علیکم

فکنتم بها تکذّبون

آیه یاد شده، بیانگر این حقیقت است که خداوند، کافران را بی دلیل محکوم به عذاب ابدی دوزخ نکرده؛ بلکه ابتدا با بیان آیات خود، حجت را بر آنان تمام نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در مورد کافران، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... من بعد ما تبين لهم الهدى ... و سيحبط أعمالهم

در صورتی که <سیحبط...> عنوان کیفر داشته باشد؛ تعبیر <من بعد ما تبين...> بیانگر اتمام حجتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر، باطل گرا و بازیگر به حال خود، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم يخوضوا ويلعبوا

<خوض> (مصدر <يخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است؛ ولی در مواردی به کار می رود که انسان، غوطه‌ور در مسائل باطل و ناپسند می شود؛ مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۲

۱ - کافران، چه اهل کتاب باشند و چه مشرک، بدون اتمام حجت رها نخواهند شد.

لم يكن الذين كفروا من أهل الكتب و المشركين منفكين حتى تأتيمهم البینه

<منفك>، به معنای منفصل است. مفاد آیه شریفه، کنار نبودن کافران از قانون

فراگیر < اتمام حجت > و < آمدن بیینه > است.

۲- اتمام حجت بر تمام کافران (یهود ، نصارا ، مجوس و مشرکان) و رساندن برهان آشکار به آنان ، سنتی الهی است .

لم یکن . . . منفکین حتی تأتیمم البینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بیینه - ۹۸ - ۴ - ۹

۹- جدایی کافران اهل کتاب و مشرکان از حرکت اسلام گرایانه دیگر هم کیشان خود ، پس از اتمام حجت بر آنان بود .

و ما تفرّق الذین أوتوا الکتب إلا من بعد ما جاءتهم البینه

در برداشت یاد شده <الذین أوتوا الکتب> همان <الذین کفروا> در آیه اول، دانسته شده است؛ با این فرض که مراد از آنان، کسانی اند که پس از ظهور اسلام، به آن کافر شدند.

اتمام حجت بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۶

۶ خداوند ، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

کفروا بایت الله فأخذهم الله بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ وجود دلایل روشن بر توحید و حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، مانع هر گونه بهانه ای برای انکار آنها و موجب استحقاق کافران و مشرکان به عذاب های الهی است .

و ما اکثر الناس . . . بمؤمنین . . . و ما یؤمن اکثرهم بالله إلا و هم مشرکون. أفأمنو

حرف <فاء> در <أفأمنوا> استحقاق عذاب را بر آیه <ذلک من أنباء الغیب .

.. < که حاوی برهان بر حقیقت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است و آیه <و کأین من آیه...> که در بردارنده دلیل بر توحید می باشد مترتب کرده است / یعنی، چون اتمام حجت شده، عذر و بهانه ای در کار نیست و کفرپیشگان مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، کفرپیشگان را پس از اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند .

فإنما عليك البلق و علينا الحساب

وقوع جمله <و علينا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما عليك البلق> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت ، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳ - ۴

۴ - نگرانی برای کافران ، پس از ابلاغ آیات روشن الهی به آنان موردی ندارد .

تلک ءایة الکتب المبین . لعلک بخع نفسک ألا یكونوا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۶ - ۲

۲ - کیفر کافران ، به دنبال اتمام حجت های مکرر بر آنان

ثم جاءهم ما كانوا یوعدون

<کانوا یوعدون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که خداوند، حجت خویش را بر کافران بارها تمام کرده و مرتباً آنان را به فرجام شوم کفرورزی هشدار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۲

۲ - کیفر جوامع کفرپیشه

، پس از انذار های متعدد و یادآوری مکرر ارزش ها است .

و ما أهلكنا من قرية إلا لها منذرون . ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۷

۷ - اقدام خداوند به اتمام حجت بر کافران ، پیش از فرستادن عذاب بر آنان

أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم

ارائه معجزه به کافران، پیش از هلاک ساختن آنان با <عذاب استیصال>، می تواند برای این باشد که حجت خدا بر آنان تمام شود و آنان هیچ عذری نداشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۱،۲

۱ - بستن راه بهانه جویی کافران و حق ستیزان (به این که چرا برای مارسولی نفرستادی) به هنگام گرفتار شدن به عذاب ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

و لولا أن تصيبهم مصيبة بما قدمت أيديهم فيقولوا ربنا لولا أرسلت إلينا رسولا

جواب <لولا> در <لولا- أن تصيبهم مصيبة..> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لولا- أن تصيبهم مصيبة... لَمَا أرسلناك إليهم>. گفتنی است که آیه پیش، هدف از بعثت پیامبر(ص) را تَبَّه و بیداری مردم بیان کرده است. بنابراین آیه یاد شده بیانگر یکی دیگر از هدف های رسالت پیامبر(ص) می باشد.

۲ - فرستادن رسولان ، اتمام حجت الهی بر کافران

و لولا أن تصيبهم مصيبة... و نكون من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران تکذیب گر پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و دلایل آشکار و

کتاب های روشنگر بوده است .

كذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ .. ثُمَّ أَخَذَتِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَتْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۷

۷ - مجازات الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت و دادن فرصت مناسب و عمر کافی برای شناخت و پذیرش دین و تعالیم آسمانی خواهد بود .

أَوَّلَمْ نَعْمَرِكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مِنْ تَذَكَّرٍ وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، وسیله اتمام حجت بر کافران و تحقق بخش وعده الهی درباره آنان است .

و قرآن مبین . لینذر ... و يحقّ القول على الكافرين

از عطف جمله <و يحقّ الحقّ ..> بر جمله <لینذر> که لام در این جمله برای تعلیل است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۳

۳ - کافران و مشرکان تهدید شده به عذاب الهی ، از پیش انذار و اخطار شده و اتمام حجت شده بودند .

فساء صباح المنذرين

منظور از <منذرين> (اخطار شدگان) کافران و مشرکان اند. این تعبیر می رساند که آنان از سوی پیامبر اسلام و قرآن، انذار و اخطار شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۲

۲- با شناخت آیات و نشانه های خداوند ، هیچ عذری از کافران و منکران خداوند پذیرفته نیست .

لو أنّ الله هدّيني لكنت من المتقين . . .

بلی قد جاء تک ءایتی فکذبت بها

آیه شریفه، پاسخی است به ادعای کافران که می گفتند: اگر خداوند ما را هدایت می کرد، ما با تقوا می شدیم و قهراً گرفتار عذاب نمی گشتیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ - عذاب کافران ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان خواهد بود .

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربکم .. قالوا بلی و لکن حقت کلمه العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۴

۴ - عذاب کافران ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان خواهد بود .

ما یجدل فی ءایت الله إلا الذین کفروا .. کذبت قبلهم قوم نوح ... و کذک حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۶

۶ - بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و دعوت مکرر آنان به ایمان است .

لمقت الله أكبر .. إذ تدعون إلى الإیمن فتکفرون

آمدن فعل های مضارع <تدعون> و <تکفرون> بر استمرار دلالت دارد یعنی، شما همواره به ایمان فراخوانده می شدید ولی به جای ایمان آوردن، به طور مستمر کفر میورزیدید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت ، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان به ایمان از سوی خداوند

ذکم بآنه إذا دعی الله وحده کفرتم و إن یشرک به

تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۶

۶ - کیفر الهی کافران دوزخی ، پس از ابلاغ پیام الهی و اتمام حجت از سوی رسولان است .

أولم تک تأتیکم رسلکم بالبینت قالوا بلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۲

۲ - انتقام الهی از کافران ، پس از احتجاج و اتمام حجت بر آنان

و کذلك ما أرسلنا .. قل أولو جئتکم ... فانتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۵

۵ - مهلت الهی به کافران و مشرکان ، برای اتمام حجت بر آنان

بل متعت هؤلاء و ءاباءهم حتی جاءهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۸

۸ - عذاب های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه آیات به ایشان

و ما نریهم من ءایه .. و أخذنهم بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۷

۷ - نزول عذاب بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان با دلایل روشن

یغشی الناس هذا عذاب أليم .. و قد جاءهم رسول مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۲

۲ پیامبر (ص) ، مأمور به برگزیدن شیوه صبر و انتظار در برابر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان *

فإنما یسرنه .. فارتقب

با توجه به شرایط دشوار

پیامبر(ص) در مکه، چه بسا تعبیر <فارتقب> بیانگر لزوم صبر و انتظار تا لحظه تغییر شرایط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۸ - ۳

۳ - کیفر الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

تتلی علیه .. فبشّره بعداب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۱ - ۴

۴ - کیفر کافران ، پس از اتمام حجت پروردگار بر ایشان

هذا هدی و الذین کفروا بایت ربهم لهم عذاب

از این که خداوند پس از بیان هدایتگری قرآن، عذاب کافران را مطرح می کند، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۱ - ۴

۴ - اتمام حجت الهی بر کافران در دنیا ، با تلاوت مداوم آیات وحی بر آنان

أفلم تکن ءایتی تتلی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۸

۱۸- مجازات و نابودی کافران ، پس از ابلاغ پیام حق و اتمام حجت بر آنان است .

بلغ فهل یهلك إلا القوم الفسقون

با توجه به فای <فهل> که می تواند بیانگر تفریع باشد استفاده می شود که بلاغ و اتمام حجت، همواره قبل از مجازات و کیفر کافران صورت گرفته و می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۴ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، موظف به اتمام حجت بر کافران ، و نه مجبور ساختن آنان به پذیرش دین

فتولّ عنهم

<فاء>

می رساند که علت سلب مسؤولیت از پیامبر(ص) این است که بر کافران حجت تمام گشته و آنان از سر طغیان کفر میوززند و نه به خاطر نادانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۶

۶ - کیفر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان با هشدار های مکرر

فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

تعبیر <یوعدون> (با فعل مضارع) بیانگر وعیدهای مستمر و مکرر است که قبل از مجازات و کیفر کافران، به ایشان داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند از طریق کتاب های آسمانی ، هموارکننده راه مجازات کافران *

و کتب مسطور .. . إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوْع

در آیات پیشین سخن از <کتاب مسطور> (تورات یا کتاب های آسمانی) به میان آمده است. ارتباط <إِنَّ عَذَابَ...> با <کتاب مسطور>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۳

۳ - وظیفه پیامبر (ص) ، اتمام حجت بر کافران لجوج و حق ناپذیر است و نه پافشاری بر هدایت آنان .

فذرهم .. فذرهم

در آیات پیشین، پیامبر(ص) موظف به تذکر و تبلیغ شد و ولی پس از بیان حقایق، فرمان <فذرهم> پایان وظیفه تبلیغ را به آن حضرت اعلام می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اتمام حجت خداوند بر کافران ، با ابلاغ اخبار هشداردهنده و عبرت آمیز

به آنان

و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

<مزدجر> مصدر میمی و به معنای اتعاض و پندپذیری است. <مافیہ مزدجر>؛ یعنی، اخباری که برای بیدار شدن و پندآموزی کافی است.

۵ - تحقق مجازات های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

و کلّ أمر مستقرّ . و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

در صورتی که تعبیر <و کلّ أمر مستقرّ> کنایه از عذاب و کیفر حتمی کافران باشد، در پی آمدن <و لقد جائهم..>، توضیحی است بر این که کیفر آنان، بدون اتمام حجت صورت نگرفته و نمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۲

۲ - عذاب و کیفر خداوند درباره کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه دلایل روشن بوده است .

تأتیهم رسلهم بالبینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۲

۲ - کافران دوزخی ، از کسانی اند که پس از اتمام حجت و از روی عمد ، راه کفر و انکار را در پیش گرفته و به تکذیب دین پرداختند .

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۴

۴ برخی از کافران در برابر آیات و معجزات، در عین اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختی نشان داده و لجاجت میورزند.

و ما تأتیهم من ءایه... إلا کانوا عنها معرضین

آمدن آیات و معجزات متعدد، گویای قطع عذر و اتمام حجت است.

اتمام حجت بر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۱

۱- کافران مکه با انکار آیات الهی پس از اتمام حجت بر ایشان مستحق نابودی و عذاب بودند .

و لو أَنَا أَهْلُكُمْ... فستعلمون من أصحاب الصراط السويّ و من اهتدى

اتمام حجت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۷

۷- احیای مردگان و بازگرداندن آنان به دنیا ، آیتی دیگر برای اتمام حجت با کافران زمین است .

أخرجنا لهم دابة من الأرض... و يوم نحشر من كل أمّة فوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۶

۶- عذاب شدن کافران ، پس از اتمام حجت با آنان است .

و إذا أخذنا من النّیین میثقمهم .. لیستل ... و أعدّ للكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۹

۹- مشرکان و کفرپیشگان ، پس از اتمام حجت بر آنان ، در معرض گرفتار آمدن به عذاب استیصال اند .

فإن أعرضوا فقل أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

اجابت خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۸

۸- در صورت تحقق خواسته کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، آنان گرفتار عذابی مرگبار می شدند .

ما ننزل الملائکه إلاّ بالحقّ و ما كانوا إذا منظرین

یکی از احتمالاتی که برای آیه داده شده، این است که ملائکه، در صورتی که بخواهند برای کافران نازل شوند، برایشان

عذاب به ارمغان خواهند آورد؛ عذابی که هیچ کدام از آنان را زنده نخواهد گذاشت.

اجبار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۴

۴ - پیامبر (ص)، به الزام مخالفان بر ایمان در صورت بی‌اعتنایی و کفر ورزیدن آنان مجاز است.

لست علیهم بمصیطر. إلا من تولی و کفر

حرف <إلا>، ممکن است برای استثنای حقیقی از ضمیر <علیهم> باشد.

اجبار کافران به ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴ - ۱

۱ - قدرت خداوند، بر نزول نشانه‌ای انکارناپذیر از آسمان برای ناگزیر ساختن کافران به ایمان

إن نشأ نزل علیهم من السماء آیه فطلت .. خضعین

اجتناب از اذیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۷

۷ - پیامبر (ص)، موظف به ترک اذیت و آزار منافقان و کافران بود. *

و دَعُ أذیهم

برداشت بالا، بنابراین اساس است که اضافه <أذی> به <هم> اضافه مصدر به فاعل اش باشد.

اجتناب از اطاعت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ پیامبر (ص) وظیفه دار پرهیز از هرگونه اطاعت و تن دادن به خواسته های کافران

فلاتطع الکفرین

<طاعت> یعنی، عمل کردن به آنچه که از انسان خواسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱ - ۳

۳ - دعوت از پیامبر (ص) برای رعایت

تقوا و پرهیز از تبعیت از کافران ، دعوتی خطیر بود .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ

منادا، وقتی با <اَیُّهَا> آورده می شود، یا به خاطر از غفلت بیرون آوردن منادا است و یا به خاطر خطیر بودن ندا، چون درباره پیامبر(ص) غفلت، صادق نیست، به خصوص با توجه به این که از او به <النَّبِيِّ> تعبیر شده است، پس نکته دوم باعث شده است که خطاب به پیامبر، با واژه <اَیُّهَا> صورت گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۶

۶- هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر فرمان نبرد از گناه کاران و ناسپاسان کافر

و لا تطع منهم ءائماً أو کفوراً

اجتناب از اندوه بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۹

۹- توصیه خداوند به پیامبر (ص) بر اندوهگین نشدن و خودخوری نکردن برای کافران و مشرکان

لا تمدنّ عینیک .. و لا تحزن علیهم

اجتناب از تعجیل در عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۲

۲- خداوند ، پیامبر (ص) را به شتاب نداشتن برای عذاب کافران لجوج ، توصیه کرده است .

فلا تعجل علیهم

اجتناب از توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- لزوم پرهیز از هر اقدامی که مقدمه گرفتار شدن انسان در دام کافران و مشرکان گردد .

وليتلطّف و لا يشعروّن بكم أحداً . إنّهم إنّ يظهروا عليكم

جمله < إنّهم إنّ يظهروا .. > تعلیل است برای

توصیه های اصحاب کهف که در آیه قبل ذکر شد. آن ها برای پیش گیری از اسارت به دست کافران، به فرستاده خویش توصیه کردند که نرمش داشته باشد و اسرار را فاش نسازد.

اجتناب از حمایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۸،۹

۸ - پرهیز از حمایت و پشتیبانی کافران توصیه اُکید خدا به پیامبر (ص)

فلاتكوننّ ظهیرًا للكفرین

۹ - پرهیز از حمایت و پشتیبانی کافران ، امری لازم و از اصول راهبردی در مناسبات اجتماعی و بین المللی

فلاتكوننّ ظهیرًا للكفرین

اجتناب از دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۳

۳ ضرورت پرهیز از پذیرش ولایت کافران و روابط دوستانه با آنان

لاتتخذوا .. الكفار أولیاء

<هزوا> به معنای ریشخند زدن و مسخره کردن است.

اجتناب از سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به اجابت خواسته های کافران تکذیب گر و سازش و مسامحه با آنان ، به صرف

ثروت و نیروی انسانی بسیار آنان

ولاتطع کلّ حلاّف .. أن كان ذا مال و بنین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <آن کان ذا مال .. > متعلق به <لا-تطع > باشد. گفتنی است در آغاز <آن > لام تعلیل در تقدیر است.

۲- در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران حق ناپذیر، نمی تواند مجوز عدول مبلغان و رهبران جامعه اسلامی

از مواضع عقیدتی خویش و سازش و مسامحه با آنان باشد .

و لاتطع .. أن كان ذا مال و بنين

تردید نیست که اجابت خواسته های کافران و یا سازش با آنان از سوی رهبران جامعه اسلامی، به جهت طمع شخصی نیست؛ بلکه برای در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران و صرف آنها در جهت مصالح و منافع مسلمین است؛ ولی چون این کار به قیمت عدول از مواضع اعتقادی و یا سازش با کافران است، جایز نمی باشد.

اجتناب از مقابله با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۵

۵ - رهنمود الهی به مؤمنان ، برای پرهیز از درگیری با جبهه کفر پیش از استحکام قوا و اقتدار کامل *

قل للذین ءامنوا یغفروا للذین لایرجون آیام اللّٰه

با توجه به مکی بودن آیه و شرایط سخت و امکانات محدود مؤمنان در آن مقطع، از آیه شریفه استفاده می شود که فرمان شکیبایی و پرهیز از درگیری، ناظر به شرایط ویژه آن مقطع تاریخی بوده است.

اجتناب از ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۳

۳ ضرورت پرهیز از پذیرش ولایت کافران و روابط دوستانه با آنان

لا تتخذوا .. الکفار اولیاء

<هزوا> به معنای ریشخند زدن و مسخره کردن است.

اجتناب از همنشینی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۶ - ۶

۶ - هشدار الهی به اجتناب از هم نشینی با کافران و بدکاران

قال تالله إن کدت لتردین

نقل ماجرای گفتوگوی بهشتیان با هم

نشینان کافر و دوزخی خود و تأثیری که هم نشینان بد بر دیگران می گذارند، در واقع هشدار است به همه انسان ها که در انتخاب هم نشین، نهایت دقت را مبذول دارند.

احاطه آتش اخروی بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۱

۱ - کافران در آخرت ، گرفتار آتشی مسلط و فراگیرند ، که تمام راه های گریز از آن بسته خواهد بود .

علیهم نار مؤصده

<وَصِيدَه> یعنی، غرفه ای که در کوهستان برای حفاظت از اموال ساخته شود و جمله <اوصدت الباب> یعنی، درب را بسته و محکم کردم (مفردات راغب). بنابراین <مؤصده>، به معنای بسته شده و محکم است مانند محفظه ای که در دل کوه پدید آورند. حرف <علی> در <علیهم>، بر سلطه کامل آتش و فراگیر بودن آن دلالت دارد.

احاطه بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۱

۱ - خداوند ، بر کافران قدرت کامل و سیطره همه جانبه دارد .

و الله من ورائهم محیط

احاطه جهنم بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۵

۵ - جهنم ، بر کافران ، احاطه کامل دارد .

و إنّ جهنم لمحیطه بالکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - عذاب جهنم ، چنان بر کافران احاطه خواهد داشت که از بالا و پایین پا ، آنها را فرا خواهد گرفت .

يوم يغشيه العذاب من فوقهم و من تحت أرجلهم

احاطه جهنم بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۰

۱۰- جهنم، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد.

و جعلنا جهنم للكافرين حصيرًا

<الحصر> در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

احاطه عذاب بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۷

۷- عذاب موعود مورد استهزا قرار گرفته، کافران استهزا کننده را در احاطه خود گرفت.

كذلك فعل الذين من قبلهم .. و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

<حاق> در لغت به معنای <أحاط> است و مراد از <ما> در <ما كانوا به> عذاب است.

احتجاج با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۹

۹- ارجاع دادن قضاوت و داوری به خداوند، آخرین راه پیامبر (ص) در محاجه کافران و مشرکان بهانه جو

قل ربّي أعلم من جاء بالهدى و من هو فى ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۳

۳- خداوند، تعلیم دهنده پیامبر (ص) و تنظیم کننده محتوا و الفاظ گفتوگوی آن حضرت با کافران

قل

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۳

۳ پیامبر (ص)، مأمور احتجاج با کافران درباره توحید ربوبی

قل أغير الله أتخذ وليا فاطر السموت والأرض وهو يطعم ولا يطعم

احتجاج علیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۳

۳- گواهی و ایمان بنی اسرائیل و یهود به حقانیت قرآن ، حجتی علیه کافران و مشرکان

إن كان من عند الله و كفرتم به و شهد شهد من بنی إسرئیل علی مثله

خداوند، ایمان فردی از یهود را که آگاه به تورات و مفاد آن بود گواهی بر حقانیت قرآن شمرده است و به کافران تذکر داد و به آن احتجاج کرده است.

احتضار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۰، ۹

۹- کافران به هنگام مرگ ، تسلیم و منقاد می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ... فألقوا السلم

۱۰- کافران ، به هنگام مرگ دچار وحشت و ترس می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ... فألقوا السلم

تسلیم شدن کافران به هنگام مرگ به قرینه <ما کنا نعمل من سوء> که در مقام دفاع بیان شده است می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۴، ۵، ۶

۴ - روی آوری کافران به خدا ، در آستانه مرگ

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

۵ - قطع امید کافران از همه عوامل مادی و احساس بی پناهی کامل در هنگام مرگ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

۶- ندامت کافران در هنگام مرگ و تمنای آنان از خدا، برای بازگشت به دنیا

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱ - اعتراف ضمنی کافران در هنگام مرگ ، به زشتی اعمال گذشته خویش

قال ربّ ارجعون . لعلی أعمل صلحًا

۲ - کافران در هنگام مرگ ، آرزومند یافتن فرصتی دو باره ، برای تدارک فرصت های از دست رفته و جبران بدی های گذشته خود ، با انجام اعمال نیک

قال ربّ ارجعون . لعلی أعمل صلحًا فیما ترکت

۳ - آرزوی کافران در هنگام مرگ ، برای بازگشت به دنیا و استفاده از امکانات و اموال خود در راه خیر *

قال ربّ ارجعون . لعلی أعمل صلحًا فیما ترکت

برداشت فوق، بدان احتمال است که مراد از <ما ترکت> اموال و امکاناتی باشد که فرد، پس از مرگ خویش بر جای می گذارد؛ نه فرصت های از دست رفته؛ چنان که در برداشت پیشین بیان شد.

۸ - تعهد کافران در هنگام مرگ ، بر تدارک بدی های گذشته با انجام نیکی ها ، تعهدی بی پشتوانه و غیر عملی

قال ربّ ارجعون .. کلاً إنّها کلمه هو قائلها

در برداشت بالا، جمله <إنّها کلمه هو قائلها> تعلیل برای ردّ درخواست کافران گرفته شده است؛ یعنی، ردّ خواسته آنها، بدان جهت است که آنان بدان، عمل نخواهند کرد؛ چون اگر آنها اهل عمل بودند، در گذشته انجام می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ > عن أبي جعفر (ع) إذا أراد الله قبض روح الكافر ، قال : يا ملك الموت انطلق أنت و أعوانك إلى عدوی ... فاقبض روحه حتّى تکبه فی

النار... فإذا بلغت الحلقوم ضربت الملائكة وجهه و دبره... و ذلك قوله > يوم يرون الملائكة لا بشرى يومئذ للمجرمين و يقولون حجراً محجوراً <... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: زمانی که خداوند اراده قبض روح کافر را کند، به ملک الموت امر می نماید که همراه یارانت به سوی دشمن من بروید. .. پس بگیر روحش را تا آنکه او را به روی در آتش افکنی ... آن هنگام که جان او به گلو می رسد، ملائکه بر صورت و پشت او می زنند... و این سخن خداوند است: >یوم یرون الملائکه لا بشری یومئذ للمجرمین...<.

احساس امنیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۳

۳ کفرپیشگان به پندار باطل ، خویشتن را از مکر خدا و کیفر های ناگهانی وی ایمن می شمارند .

أفأمنوا مکر الله

احساس مصونیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۴

۴ - کافران در نهاد خویش ، گرفتار خودبینی و احساس امنیت دروغین *

أم لکم براءه فی الزّبر

از پرسش انکار آمیز خداوند، چنین استفاده می شود که کافران دانسته یا ندانسته امتیازی برای خویش می پنداشتند تا خود را در گرایش به کفر، محق جلوه دهند.

احسان به کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۳

۳ - ممنوعیت احسان ، به کافران دین ستیز و آواره کننده مسلمانان از سرزمینشان

لا ينهيكم الله عن الذين لم يقتلوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۶

۶ - نیکی و مسالمت با کافران معاند و همدستان آنان ، مصداق واقعی ظلم است .

أَنْ تَبْرُوهُمْ وَتَقْسُطُوا إِلَيْهِمْ .. . إِنَّمَا يَنْهِيكُمْ ... وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

از مجموع دو آیه، استفاده می شود که نیکی و قسط، اصولاً در مورد کافران معاند، مفهوم واقعی ندارد و نباید تحت عنوان عدالت و انسان دوستی، به دشمنان حق روی خوش نشان داد.

احکام دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۱،۳

۱ حرمت ایجاد پیوند دوستی با کافران و دشمنان دین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا .. . أَوْلِيَاءَ إِنْ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءَآبَاءَ كُفْرٍ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنْ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ

احکام کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۸

۸ - کافران ستیز کننده با خدا و پیامبر (ص) ، فاقد حق مالکیت نسبت به اموال و دارایی خویش *

و ما أفاء الله على رسوله منهم

واژه <أفاء> که از <فیء> به معنای رجوع گرفته شده نشانگر آن است که یهودیان محارب، حق مالکیتی نسبت به اموال و دارایی شان ندارند و در حقیقت به مالک اصلی آن، بازگردانیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ -

۱۵ - حق مالکیت کافران غیر محارب ، محترم و رعایت عدل درباره ایشان ضروری است .

و ءاتوهم ما أنفقوا

از شأن نزول آیه، استفاده می شود که حکم پرداخت مهریه و نیز احترامی که اسلام برای مالکیت کافران قائل است، مربوط به کافران غیر محارب است؛ چنان که آیه شریفه مسائل پس از صلح حدیبیه را بیان می کند. بنابراین رعایت این عدل با آنچه از مفهوم <أن تبرؤهم و تقسطوا...> که نهی از قسط درباره کافران حربی بود منافات ندارد.

احکام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۶

۶ اعتبار و رسمیت مالکیت شخصی برای کفار

لن تغنی عنهم اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۶

۶ تعرض به کفار و سلب امنیت از آنان در اماکن سکونتشان ، جایز نیست .

فأجره حتی یسمع کلم الله ثم أبلغه مأمنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۱

۲۱ - زنان مؤمن ، از آشکار کردن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر زنان غیر مسلمان منع شده اند .

ولا یبدین زینتهن إلا... .. أو نسائهن

اضافه <نساء> به ضمیر جمع <هن> که به <مؤمنات> بازمی گردد دلالت می کند که مراد از آن، عموم زنان نیست؛ بلکه مقصود زنان مؤمن می باشد. بنابراین استثنای <إلا... نسائهن> شامل زنان غیر مسلمان نمی شود.

احكام همكاري با كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ ارائه برنامه های اقتصادی به دولت ها و مردم کافر برای دور ماندنشان از گرسنگی و مصونیت در برابر قحطی ها و دشواریها ، امری جایز و پسندیده است .

قال تزرعون سبع سنين .. إلا قليلاً مما تأكلون

اختلاف باطنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - جبهه کفر و نفاق ، به ظاهر مجتمع و متحد ، اما در درون ، آکنده از تشتت و تفرقه

تحسبهم جميعاً و قلوبهم شتى

اختلاف طبقاتی در کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۹

۹ - پیدایش دو قشر مستضعف و مستکبر و حاکمیت نظام طبقاتی ، از ویژگی های جامعه کفر و شرک پیشه

تدعونى لأكفر بالله و أشرك به .. فيقول الضعفوا للذين استكبروا إنا كنا لكم

اختلاف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۱

۲۱ عالمان یهود با اعزام گروهی از منافقان و یهودیان به حضور پیامبر (ص) ، جویای حکم وی درباره قضیه مورد اختلاف در بین یهودیان شدند .

سمعون لقوم ءاخريں لم يأتوك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - جبهه کفر و نفاق، درگیر تعارضات سخت و دشوار میان خویش

بأسهم بینهم شدید تحسبهم جميعاً و قلوبهم شتى

برداشت بالا، بر پایه این احتمال است که ضمیر <هم> به کافران و منافقان بازگردد.

اختلاف کافران مکه با محمد(ص)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۹

۹ - کافران مکه ، در انتظار وقوع روزی برای حل و فصل شدن اختلاف شان با پیامبر (ص) بودند . *

و يقولون متى هذا الفتح

احتمال دارد مراد از <الفتح> فصل و قضا میان کافران و پیامبر(ص) باشد. در این صورت، <یوم الفتح>، روزی خواهد بود که چنین ایده ای، جامه عمل بپوشد.

اختلاف محمد(ص) با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰- شرک‌ورزی و انحراف از توحید ، محور و اساس اختلاف پیامبر (ص) با مشرکان و کافران

قل ربّ . . . علی ماتصفون

اختیار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۲ - ۷

۷- در جامعه اسلامی ، کافران در پذیرش اسلام ، آزاد و مختاراند و کسی حق تحمیل و اجبار آن را بر آنان ندارد .

فإن تولّیتمْ فإِنَّمَا علی رسولنا البلغ المبین

اخلاق کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۲

۲ کفرپیشگان مکه با سرمستی و خودنمایی ، از دیار مکه رهسپار منطقه بدر شدند .

و لاتكونوا كالذين خرجوا من ديرهم بطرا

ادراك كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مظفين - ۸۳ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - تمام مردم ، حتى كافران ، در اصل آفرينش خویش ، از قدرت درك حقایق و قلبی روشن و فهمیده برخورداراند .

بل ران علی قلوبهم ما كانوا یکسبون

ادعاهای

باطل کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۱

۱۱ - قرآن و تورات ، دو جادوی پشتیبان یکدیگر ، در ادعای کافران صدراسلام

قالوا سحران تظهرا

ادعاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۴ - ۲

۲ خداوند کفرپیشگان را به تفکر در ادعای ناصوابشان (مجنون پنداشتن پیامبر) فراخواند .

أو لم يتفكروا ما بصاحبهم من جنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۲

۲ - ادعای کافران در مورد زمان کوتاهی زمان توقف شان در برزخ ، ادعایی نادرست است .

و یوم تقوم الساعة يقسم المجرمون ما لبثوا غير ساعه كذلك كانوا يوفكون

<كذلك> اشاره به خلاف واقع گویی کافران درباره مدت حضورشان در عالم برزخ دارد. لازم به ذکر است که پاسخ صاحبان علم و ایمان به کافران، درباره مدت حضور آنان در برزخ، قرینه صحت برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۴،۷

۴ - کافران مستکبر ، مدعی نامفهوم بودن قیامت برای ایشان

قلتم ما ندري ما الساعة

۷- کافران ، مدعی کافی نبودن دلایل وحی برای اثبات معاد و اعتقاد به آن

و إذا قيل . . . و الساعة لاریب فیها قلتما ندری ما الساعة إن نظنّ إلا ظنّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۷، ۱۲، ۴

۴- کافران ، مدعی ارزش گرایی و خیرطلبی

لو کان خیرًا ما سبقونا إليه

۱۲- کافران ، مدعی

دروغ بودن قرآن و پیشینه داشتن آن

فسیقولون هذا إفك قديم

۱۷- انکار حقایق دین از سوی کافران ، در قالب روشن فکری و ارزش گرایی

و قال الذین کفروا .. لو کان خیراً ما سبقونا إلیه ... فسیقولون هذا إفك قديم

کافران با دعوی <لو کان خیراً> خود را ارزش خواه و با اتهام <هذا إفك قديم> خود را روشن فکر و ضد ارتجاع معرفی می کنند و با این ادعاها، بدون تأمل در حقایق قرآن (إذ لم یهدوا به) به کفر و انکار می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۴

۴ - کافران به دروغ ، مدعی قابل درک نبودن حقایق وحی *

أفسح هذه أم أنتم لاتبصرون

عبارت <أم أنتم لاتبصرون> در حقیقت تکرار همان سخن کافران است که در دنیا نسبت به حقایق دین می گفتند و مدعی بودند که ما در سخنان وحی حقیقتی نمی یابیم.

ادعاهای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۱۲

۱۲- کافران صدراسلام ، مدعی حرکت در راه اعتدال و برخورداری از هدایت بودند .

فستعلمون من أصحاب الصراط السوی و من اهتدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۷

۷- استوار ماندن بر عقیده خویش تا دستیابی به برهانی آشکار برخلاف آن ، ادعای کافران عصر بعثت ، پیش از ظهور اسلام

لم یکن .. منفکین حتی تأتیهم البینه

در صورتی که مراد از انفکاک، دست کشیدن از کفر باشد، احتمال می رود که آیه شریفه در صدد نقل ادعای

کافران و توییخ آنها باشد؛ یعنی، این کافران که می گفتند: ما تا آمدن یینه، از عقاید خویش دست بر نمی داریم، حال که یینه آمده است چرا بر آن عقیده باقی مانده اند؟!

ادعاهای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۲

۲ کافران مکه مدعی توان خویش در آوردن آیات و معارفی چون قرآن

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا

ادعای خداپرستی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۶

۶ - کافران ، خود را در اقدام به خداپرستی در صورت سازش پیامبر (ص) با آنان پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (ص) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند .

لا أعبد ما تعبدون . و لا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست؛ ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر(ص)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم؛ مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

ادعای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵ - ۴،۵

کافران ، مدعی بودند که قرآن همان افسانه های پیشینیان است که گروهی در هر صبح و شام و به صورت مخفیانه ، بر پیامبر (ص) دیکته کرده و می خوانند .

و قالوا أسطیرالأولین اکتبها فهی تملی علیه بکره و أصیلاً

مراد از صبح و شام، می تواند وقت هایی باشد که مردم در منظر و مرای نیستند و به طور معمول، کسی که می خواهد متن مقدسی را بسارد، آن را به صورت پنهانی انجام می دهد تا کسی خبردار نشود.

۵ کافران مدعی بودند که گروهی با استتخ از افسانه های پیشینیان و املائی آن بر پیامبر (ص) ، آن حضرت را در ساختن قرآن کمک می کنند .

و أعانه علیه قوم ءاخرون . . . و قالوا أسطیرالأولین اکتبها فهی تملی علیه بکره و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۱

۱ - کافران ، مدعی تحقق پیدا نکردن روز قیامت اند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۵ - ۲

۲ - مشرکان کافر به قرآن ، مدعی برتر بودن در اموال و فرزندان

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرآن . . . و قالوا نحن أكثر أموالاً و أولاداً

احتمال دارد مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>، مترفان (در آیه قبل) باشد و احتمال دارد به قرینه سیاق، <الذین کفروا> (در آیه ۳۱) باشد. برداشت یاد شده، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۸ - ۲

- ادعای استهزاآمیز کافران ، به بهشتی بودن خود بر فرض برپایی قیامت

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّہ نعیم

مفسران اظهار داشته اند: که کافران به هنگام شنیدن سخنان پیامبر(ص)، به استهزا می گفتند: اگر آنچه پیامبر می گوید درست باشد، ما زودتر از آنان به بهشت خواهیم رفت و از آنان سزاوارتریم.

ادعای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۷ - ۱

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، مدعی نبود معجزه و آیتی بر حقایق رسالت پیامبر (ص)

و یقول الذین کفروا لولا أنزل علیہ آیه من ربه

ادعای کافران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۳

۳ مستکبران کفرپیشه مدعی برخورداری خویش از رحمت های الهی در آخرت

أهؤلاء الذین أقسمتم لا ینالهم اللّٰه برحمه

زیرا سوگند مستکبران به محرومیت مؤمنان از رحمت الهی، از موضع کسی است که تنها خود را بهره مند از مواهب الهی می داند.

اذیتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۳

۳ پیامبر اکرم(ص) مورد تکذیب و زخم زبان و آزار کافران بود.

قد نعلم إنه لیحزنک الذی یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۴

۴- کافران ، پیامبر (ص) را به هنگام تلاوت آیات قرآن بر مردم ، مورد آزار و اذیت قرار می دادند و برای آن حضرت ایجاد مزاحمت می کردند .

و إذا قرأت القرآن

طبق شأن نزولهایی که وارد شده است (مجمع البیان، ذیل آیه)

و نیز ظاهر آیه <جعلنا بینک و بین الذین > جعل حجاب به خاطر این بود که کافران نشنوند تا پیامبر(ص) را اذیت نمایند و برای آن حضرت، مزاحمت ایجاد کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱

۱ - کافران ، پیامبر (ص) را با گفته های خویش ، مورد آزار و فشار روحی قرار می دادند .

فاصبر علی ما یقولون

توصیه خدا به پیامبر(ص) مبنی بر صبر در برابر گفته های کافران، حکایت از آزردهی آن حضرت در برابر گفته های آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۹

۹- اتکا و اتکال پیامبر (ص) به پروردگار بخشنده در برابر تهدید ها ، رجزخوانی ها و نسبت های ناروای مشرکان و کافران حق ستیز

و ربنا الرحمن المستعان علی ماتصفون

مقصود از توصیف در <ماتصفون>، ممکن است دو چیز باشد: ۱ تهدیدهایی که مشرکان و کافران داشته اند و خود را پیروز و مسلمانان را شکست خورده می شمردند. ۲ نسبت های ناروایی که به پیامبر(ص) و قرآن می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۳

۳ - صبر مضاعف اهل ایمان در برابر فشار های زیاد ایمان سوزان ، در پی دارنده پاداش مضاعف از سوی خدای سبحان است

أولئک یؤتون أجرهم مرتین بما صبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ - امکان آسیب پذیری روحی پیامبر (ص) در برابر تبلیغات و

اذیت های کافران

و لا یستخفّنک الذین لایوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۴،۹

۴ - کافران و منافقان ، پیامبر (ص) را مورد آزار و اذیت قرار می دادند .

و دَعُّ اذیهم

۹ - توکل بر خداوند در مقابل آزار و اذیت های کافران و منافقان ، نقشی کارساز دارد .

و دَعُّ اذیهم و توکل علی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۷ - ۵

۵ - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (ص) ، مورد لعن خدایند .

و لاتطع الکفرین و المنفقین و دَعُّ اذیهم .. . إنّ الذین یؤذون ... و رسوله لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۹ - ۴

۴ - ابرار به دلیل ایمانشان در معرض تمسخر گناه پیشگان کافر ، قرار گرفته و آزار می بینند .

إنّ الذین أجرموا کانوا من الذین ءامنوا یضحکون

مراد از <الذین آمنوا> به قرینه <إنّ الأبرار..> در آیات پیشین نیکوکاران است. تغییر عبارت به جهت اشاره به این است که آنچه برای گناه کاران خنده دار به نظر می رسد، ایمان نیکوکاران است. آیات بعد که بیانگر مقابله به مثل نیکوکاران در قیامت است اشاره دارد که انگیزه گناه کاران از این برخوردار، آزاررسانی به آنان بوده است.

اذیتهای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- مسلمانان صدر اسلام (در مکه) از سوی کافران و مشرکان گرفتار فشار

های روحی و تنگناهای روانی بودند .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ

با توجه به نزول این آیات در مکه، جمله <سَيَجْعَلُ ..> باید وعده ای نزدیک به مسلمانان صدراسلام باشد. این نوید حکایت از آن دارد که مسلمانان در زمان نزول آیات، در شرایط سختی از نظر روحی و روانی و مقبولیت اجتماعی قرار داشتند.

ارائه آیات خدا به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۴

۴- سنت خداوند بر هلاکت اقوام کافر ، پس از نمایاندن آیات گوناگون به آنان

و لقد أهلكنا .. و صرّفنا الأیت لعلّهم يرجعون

تذکر به <صرّفنا آیات>، در حقیقت بیانگر این است که خداوند تا وقتی که اتمام حجت نکند و آیات متعدد به کافران نمایاند، ایشان را هلاک نمی کند.

ارزشگذاری غلط کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۷

۷- انسان کافر ، گرفتار انحراف در ارزش گذاری اعمال

کمن زین له سوء عمله

ارزشگذاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۸

۸ بر خورداری از امکانات دنیا ، ملاک سنجش شخصیت افراد از دیدگاه کافران

زین للذین . . . و یسخرن من الذین امنوا

چون کافران فریفته دنیا هستند، لذا هر کسی که برخوردار از آن نباشد که مؤمنان صدر اسلام غالباً تهدست بودند ، به نظرشان حقیر می آید.

ارزیابی اخروی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۸

۸- اَعمال پوچ و نابود شده

کافران ، غیرقابل سنجش و اعتبار گذاری در قیامت است .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزناً

<وزن>، یا مصدر و به معنای سنجش سنگینی و سبکی است ؛ و یا به معنای مثقال است ؛ یعنی، چیزی که با آن وزن سنجیده شود< (لسان العرب). این که خداوند، در قیامت، برای برخی که اعمال شان حبط شده، وزنی برقرار نمی سازد، کنایه از آن است که به قدری اعمال آنان پوچ است که ارزش سنجیدن ندارد.

ارزیابی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۱۰

۱۰ بیان مقام والای آنانکه در راه خدا می میرند و یا کشته می شوند ، نشان دهنده بطلان ارزیابی کفرپیشگان درباره حیات و مرگ

لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا .. و لئن قتلتم او ممّم لمغفره من الله و رح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۱۱

۱۱ ارزیابی نادرست کافران و مرتدان ، در مورد ایمان و کفر

انّ الذّین اشتروا الکفر بالایمان .. لهم عذاب الیم

چون خریدار معتقد است که آنچه به دست می آورد با ارزشتر از چیزی است که می پردازد، بنابراین کافر با انتخاب کفر بر ایمان که به منزله داد و ستد است کفر را ارجمندتر از ایمان می پندارد؛ غافل از آنکه عذابی دردناک را متحمّل خواهد شد.

ازدحام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۴

۴ - ازدحام کافران و مشرکان در اطراف پیامبر (ص) ،

برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا یکنونون علیه لبدا

مفسران و اهل لغت، <لَبَّدَ> را به ازدحام معنا کرده و درباره مرجع ضمیر فاعلی <کادوا> و <یکنونون> دو نظر ارائه داده اند. برخی آن را مشرکان و کافران مکه و برخی دیگر آن را مؤمنان جن دانسته اند که برای استماع قرآن کریم در اطراف پیامبر(ص) ازدحام می کردند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظر نخست است.

ازدواج با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۹،۱۲،۲۲

۹ - زنان مؤمن و مردان کافر بر یکدیگر حرام اند .

لا هُنَّ حَلَّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ

۱۲ - ممنوعیت تن دادن زن مؤمن به همسری مرد کافر

لا هُنَّ حَلَّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ

۲۲ - ممنوعیت ازدواج مؤمن با کافر

لا هُنَّ حَلَّ لَهُمْ ... وَلَا تَمْسُكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ

گرچه صریح آیه شریفه، درباره همسرانی است که قبل از ایمان آوردن به همسری هم درآمده اند و پس از ایمان یکی از آن دو باید از هم جدا شوند؛ ولی از این حکم به طریق اولی استفاده می شود که مرد مؤمن، حق ندارد اقدام به ازدواج با زن کافر کند و زن مؤمن هم نباید با مرد کافر ازدواج نماید.

ازدیاد پلیدی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۵

۵ خداوند ، پیوسته بر پلیدی کافران و تکذیب کنندگان پیامبران خود می افزاید .

و يجعل الرجس على الذين لا يعقلون

ازدياد عذاب كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - بروج -

۱۹ - گناه کافران ، بر عذاب آنان می افزاید .

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا .. فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ الْحَرِيقُ

مصدق <الذین فتنوا> به قرینه مقابله با آیه بعد کافران اند. حرف <فاء> در <فلهم> دلالت می کند که این عقوبت، کیفر شکنجه گری آنان است. بنابراین کافران، علاوه بر این که بر کفر خویش مؤاخذه می شوند، بر کردار خویش نیز کیفر خواهند شد.

اسارت کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۶

۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانت‌هایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

امکان (مصدر امکان)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء> دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

استحاله ورود کافران به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۸ - ۱

۱ - ورود کافران به بهشت ، امری ناممکن و آرزویی بی جا

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّه نعیم

استفهام در <أیطمع> انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۹ - ۱

۱ - ورود کافران به بهشت ، امری ناممکن و آرزویی بی جا

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّہ نعیم . کلاً

استراحتگاه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۳- وضعیت کافران در قیامت ، آن چنان وخیم و تأسف بار خواهد بود که عالم قبر و برزخ را برای خود استراحت گاه خواهند دانست .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

<مرقد> اسم مکان از <رقاد> (خواب) به معنای خواب گاه است. تعبیر کافران از قبرها به خوابگاه، می تواند به این جهت باشد که آنان، وضعیت خود را در قیامت آن چنان سخت می بینند که عالم برزخ و قبر را در مقایسه با آن، خوابگاه و محل استراحت خویش می خوانند.

استغاثه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- فریاد و استغاثه کافران ، برای خروج از دوزخ به منظور تصحیح رفتار خود و انجام اعمال نیک

و هم یصطرخون فیها ربنا أخرجنا نعمل صلحًا غیر الذی کنا نعمل

<استراخ> (مصدر <یسترخون>) به معنای فریاد شدید است که غالباً در مورد کمک طلبی به کار می رود.

استغفار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ گسترده گی رحمت و آمرزش خداوند ، زمینه پذیرش توبه و استغفار کافران و مشرکان

افلا یتوبون .. و الله غفور رحیم

استفاده از ثروت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- امکان بهره گیری از ثروت چشمگیر کافران ، نباید توجه رهبران دینی را به توانگران کافر معطوف سازد .

و لا تَمُدَّنْ عَیْنِکَ اِلٰی مَا مَتَّعْنَا بِهٖ اَزْوَاجًا مِنْهُمْ

نهی خداوند از توجه پیامبر(ص) به

ثروت کافران، ممکن است برای بیان این نکته باشد که جهت بهبود زندگی مؤمنان، نباید به سرمایه های کافران چشم داشت و به این منظور نیز، مسلمان شدن آنان را آرزو کرد.

استقامت در برابر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳، ۱۲

۳- خداوند ، خواهان صلابت و استحکام جامعه اسلامی در قبال کافران و جامعه کفر

و الذین معه أشدّاء علی الکفّار

لحن آیه شریفه بیان ارزش های واقعی مؤمنان و همگامان پیامبر(ص) است و در حقیقت اخباری است که انشای مؤکد را می رساند.

۱۲- حفظ صلابت و استحکام در برابر کافران ، نیازمند حاکمیت روح رحمت و مودّت میان مؤمنان

أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

میان <أشدّاء علی الکفّار> و <رحماء بینهم>، نوعی تعامل و تأثیر متقابل وجود دارد؛ یعنی، سستی در هر زمینه، موجب خدشه دار شدن موقعیت مؤمنان در زمینه دیگر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۲

۲ - لزوم پایداری حق و حق طلبان ، در برابر هوس ها و تمایلات فساد انگیز کافران

و لو اتبع الحقّ أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۲

۲ - روی گردانی کافران و مرفهان از پیامبر (ص) ، علی رغم عدم درخواست کمترین مزد از ایشان

أم تسئلهم خرّجاً

ضمیر <هم> به کافران و رفاپیشگان که در آیات پیش از آنان یاد شده است باز می گردد. گفتنی است که استفهام در جمله فوق، استفهام انکاری

است / یعنی، <ما تسئلهم خرجاً>. بنابراین <خرجاً> نکره در سیاق نفی و مفید عموم است. در نتیجه معنا چنین می شود: تو با این که از آنان کمترین مزدی درخواست نمی کنی، از تو روی برمی گردانند.

استقامت در برابر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۲

۲ - روی گردانی کافران و مرفهان از پیامبر (ص)، علی رغم عدم درخواست کمترین مزد از ایشان

أم تسئلهم خرجاً

ضمیر <هم> به کافران و رفاپیشگان که در آیات پیش از آنان یاد شده است باز می گردد. گفتنی است که استفهام در جمله فوق، استفهام انکاری است / یعنی، <ما تسئلهم خرجاً>. بنابراین <خرجاً> نکره در سیاق نفی و مفید عموم است. در نتیجه معنا چنین می شود: تو با این که از آنان کمترین مزدی درخواست نمی کنی، از تو روی برمی گردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۲

۲ - لزوم پایداری حق و حق طلبان، در برابر هوس ها و تمایلات فساد انگیز کافران

و لو اتبع الحق أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۱۲، ۳

۳- خداوند، خواهان صلابت و استحکام جامعه اسلامی در قبال کافران و جامعه کفر

و الذین معه أشدّاء علی الکفّار

لحن آیه شریفه بیان ارزش های واقعی مؤمنان و همگامان پیامبر(ص) است و در حقیقت اخباری است که انشای مؤکد را می رساند.

۱۲- حفظ صلابت و استحکام در برابر کافران،

نیازمند حاکمیت روح رحمت و موَدّت میان مؤمنان

أَشْدَاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَاءَ بَيْنَهُمْ

میان <أَشْدَاءَ عَلَى الْكُفَّارِ> و <رَحْمَاءَ بَيْنَهُمْ>، نوعی تعامل و تأثیر متقابل وجود دارد؛ یعنی، سستی در هر زمینه، موجب خدشه دار شدن موقعیت مؤمنان در زمینه دیگر می شود.

استقلال فکری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۴

۴ - کافران مکه ، برای عقیده خود ، هویتی مستقل ، قائل بودند .

اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا

استکبار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۶

۶ - استکبار کافران و اصرارشان بر کفر ، هنگام تلاوت آیات الهی بر آنان

تتلى عليه ثم يصبر مستكبراً

بنابراین که <ثم> برای تراخی رتبی باشد نه زمانی برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۹، ۷، ۱

۱ - کافران در قیامت ، مورد ملامت و سرزنش به خاطر استکبار در برابر آیات الهی

و أما الذين كفروا أفلم تكن آيتي تتلى عليكم فاستكبرتم

۷ - روحیه استکباری کافران در برابر آیات الهی ، معلول عملکرد و جرایم گذشته خود آنان *

فاستکبرتم و کنتم قومًا مجرمین

براساس این احتمال که تعبیر <و کنتم..> در مقام تعلیل گرایش کافران به استکبار باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۹ - سرافکنندگی کافران در صحنه قیامت ، پاسخی به روحیه مستکبرانه آنان در دنیا

و تری کلّ أمّه جائیه .. أفلم تکن ءایتی تتلی علیکم فاستکبرتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۲ - ۱۰

- موضع کافران در برابر پیامبران و وعده آنان به برپایی قیامت ، موضعی مستکبرانه و استهزاآمیز

وإذا قيل .. و الساعة لاریب فیها قلتما ندری ... و ما نحن بمستیقین

از سیاق آیه، استفاده می شود که سخن کافران در <ما ندری..> لحن استهزایی نیز داشته و آیه بعد مؤید این معنا است (کانوا به یستهزءون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۹

۹- تویخ مشرکان و کافران از سوی خدا ، به خاطر استکبارشان در برابر قرآن

قل أرءیتما إن کان من عند اللّٰه و کفرتما به ... و استکبرتما

استکبار کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۷

۷- کفرپیشگان و تکذیب گران صدراسلام ، مردمانی بودند خودبزرگ بین و استکبار پیشه .

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا .. عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۳،۴

۳- کافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بل لَجُوا فِی عَتُوِّ وَ نَفُورِ

<عَتُوٌّ> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحيط) و مقصود از <نفور> (رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

۴- روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذب الذین من قبلهم .. بل لَجُوا فِی عَتُوِّ وَ نَفُورِ

استماع قرآن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۲

۲ - سرزنش خداوند

از کافران ، به سبب تجمّع شتاب آلودشان برای استماع قرآن ؛ به رغم کفرورزی آنان نسبت به آن

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مَهْطَعِينَ

<ما> در <فمال>، اسم استفهام و برای توبيخ است.

استمداد اخروی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۸،۱۵

۸- کافران پیرو از رهبران مستکبر خویش ، در قیامت درخواست می کنند که در صورت امکان ، اندکی از عذاب خدا را از آنان بکاهند .

فَقَالَ الضَّعْفُؤَا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مَغْنُونٌ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ

تنوین <شیء> تنوین تنکیر و برای کم بودن است.

۱۵- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان در قیامت ، خود را ناتوان دانسته و کمک به آنان را تعلیق به محال می کنند .

فَقَالَ الضَّعْفُؤَا .. فَهَلْ أَنْتُمْ مَغْنُونٌ عَنَّا ... قَالُوا لَوْ هَدَيْنَا اللَّهُ لَهْدَيْنُكُمْ

اینکه مستکبران در جواب استمداد پیروان خود در قیامت می گویند: اگر خداوند ما را هدایت کرده بود ما هم شما را هدایت می کردیم، در حالی که خداوند هم چنین کاری را هرگز انجام نداده است، در واقع برآوردن خواسته آنان را تعلیق به محال می کند.

استمداد از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۴

۴ جواز دوستی و یاری خواستن از منافقان و کافران پناهنده ، به همپیمانان مسلمانان *

و لا تتخذوا منهم ولياً و لا نصيراً. اَللَّذِينَ يَصِلُونَ اِلَى قَوْمِ بَيْنِكُمْ و بَيْنِهِمْ مِثَا

در برداشت فوق احتمال داده شده که <أَلَا الَّذِينَ يَصِلُونَ .. > استثنا از حکمی است که در جمله

>ولا تتخذوا منهم ولياً و لا نصيراً< بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۳ - ۲

۲ ایجاد رابطه ولایی با کافران و حمایت از ایشان و درخواست حمایت از آنان ، بارور سازنده فتنه و تباهی بزرگ در زمین

و الذین كفروا .. إلا تفعلوه تكن فتنه

ضمیر مفعولی در <لا تفعلوه> به قانونهایی که در آیه قبل مطرح شد و نیز به دستوری که از صدر همین آیه به دست می آید برمی گردد. در برداشت فوق ضمیر به قطع ولایت با کافران، که از جمله <الذین كفروا ...> استفاده شده، برگردانده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۴

۴ جواز استمداد از کافران برای رهایی از مشکلات و تنگناها *

اذکرنی عند ربک

ظاهر این است که هم بند یوسف(ع) هنگام آزاد شدن از زندان موحد نشده و اظهار ایمان نکرده بود، و گرنه قرآن از آن یاد می کرد. بنابراین وی به هنگامی که یوسف(ع) از او تقاضا کرد ، کافر بود.

استمداد کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۴

۱۴- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان برای رهایی از عذاب ، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات یافتن خود ، آنان را هم نجات خواهند داد .

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

استمرار گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۷

۷ - پایدار ماندن هدایت

مؤمنان و استمرار گمراهی کافران حق گریز، جلوه عزتمندی و مجازات الهی است .

و من یضلل الله فما له من هاد . و من یهد الله فما له من مضلّ أليس الله بعزیز ذ

یادآوری دو صفت عزت و مجازات دهی خداوند، پس از ذکر پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار یافتن گمراهی کافران حق گریز به وسیله خداوند، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

استمهال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۲

۲ - کافران در هنگام مرگ ، آرزومند یافتن فرصتی دو باره ، برای تدارک فرصت های از دست رفته و جبران بدی های گذشته خود ، با انجام اعمال نیک

قال ربّ ارجعون . لعلی أعمل صلحاً فیما ترکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۱

۱ - مهلت خواهی مجرمان کفرپیشه ، پس از مشاهده عذاب الهی

فیأتیهم بغته . . . فیقولوا هل نحن منظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۱

۱ - مهلت دادن به کافران تکذیب گر و شتاب نکردن در کیفر آنان ، سنت الهی

سنستدرجهم . . . و أملی لهم

استمهال کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۵ - ۴

۴- کافران ظالم ، پس از مشاهده عذاب الهی و قطعیت کیفر ، خواهان تخفیف و تأخیر مجازات خویشند .

فلا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون

تذکر الهی به عدم تخفیف عذاب و دادن مهلت به ظالمان، اشاره ای به تخفیف

و مهلت خواهی آنان دارد.

استهزاگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ بذله گویی منافقان و کافران و استهزای آنان به ارزش های الهی ، کار مستمرشان در طول تاریخ

کالذین من قبلکم ... و خضتم کالذی خاضوا

در < آیه ۵۶ > از قول منافقان نقل شده است: < إنما كنا نخوض و نلعب > خداوند در این آیه می فرماید < خضتم کالذی خاضوا > یعنی، روش شما در پیشینان شما نیز وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۲

۲ - کافران ، اعتقاد مؤمنان به پیروزی نهایی خویش را ، مسخره پنداشتند .

و يقولون متی هذا الفتح إن كنتم صدقین

استهزاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۰، ۳، ۲، ۱

۱ استهزای نماز و بازیچه دانستن آن ، از سوی برخی اهل کتاب و کافران صدر اسلام

و إذا نادیتم إلى الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً

در برداشت فوق ضمیر فاعلی < اتخذوها > به < الذین اوتوا الكتب > و < الكفار > در آیه قبل برگردانده شده است.

۲ بانگ نماز (اذان) ، بانگی مسخره و بازیچه در پندار کافران و گروهی از اهل کتاب

و إذا نادیتم إلى الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً

بدان احتمال که ضمیر مفعولی <اتخذوها> به مصدر (مناداه) مستفاد از <نادیتم> برگردد.

۳ مبارزه تبلیغاتی کافران و اهل کتاب علیه اسلام ، با استهزای نماز و اذان و بازیچه خواندن آن

و إذا نادیتم إلى الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً

۱۰ اهل کتاب و

دیگر کافران به دلیل استهزای دین اسلام و احکام و شعایر آن ، @مردمی نادان و بی خرد

اتخذوا دینکم هزواً .. ذلک بانهم قوم لایعقلون

برداشت فوق بر این مناسبت که <لایعقلون> فعلی لازم باشد، یعنی اهل کتاب و کافران، فاقد عقل و اندیشه کافی هستند. اسناد <لایعقلون> به <قوم> که حاکی از بافت خاص اجتماعی آنهاست، این معنی را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۴،۹

۴ کفرپیشگان ، تأخیر عذاب را نشانه بی پایه بودن تهدید های پیامبر دانسته و آنها را به استهزا می گیرند .

لئن أخرجنا .. ليقولنّ ما يحبسہ

استفهام در جمله <ما يحبسہ> به قرینه <ماکانوا به يستهزءون> به داعی استهزا و تمسخر ایراد شده است. بنابراین <ليقولنّ ...>؛ یعنی ، از سر استهزا و تمسخر می پرسند: چه چیز مانع نزول آن عذاب و تحقق تهدیدها شده است؟

۹ کفرپیشگان ، عذاب های موعود از ناحیه پیامبران را همواره به استهزا و تمسخر می گیرند .

و حاق بهم ما کانوا به يستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۶

۶ سالکان راه خدا و پیروان انبیا ، در معرض تمسخر و استهزای کافران و دشمنان دین

کلما مرّ علیہ ملأمن قومه سخروا منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۵ - ۶

۶- پیامبر (ص) نسبت به دشمنی ، آزار روحی و تمسخر مشرکان و کافران در صورت علنی و آشکارا نمودن دعوت خویش ، نگران بود .

فاصدع بما تؤمر

... إنا كفينك المستهزين

جمله <إنا كفينك المستهزين> احتمال دارد پاسخی باشد در برابر نگرانیهای پیامبر(ص) که ممکن بود پس از فرمان آشکار کردن دعوت خود و اعراض از مشرکان (فاصدع بما تؤمر... و أعرض عن المشركين) بروز کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۷ - ۳

۳- تبلیغات سوء و استهزای آزار دهنده، حربه همیشگی مشرکان و کافران علیه اسلام و پیامبر (ص)

المستهزين... و لقد نعلم أنك يضيق صدرك بما يقولون

فعل مضارع <يقولون> بر استمرار و همیشگی بودن گفتار و تبلیغات مشرکان و دشمنان دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۷،۸،۱۵

۷- عذاب موعود مورد استهزا قرار گرفته، کافران استهزا کننده را در احاطه خود گرفت.

كذلك فعل الذين من قبلهم... و حاق بهم ما كانوا به يستهزون

<حاق> در لغت به معنای <أحاط> است و مراد از <ما> در <ما كانوا به> عذاب است.

۸- کافران، وعده عذاب را به استهزا می گرفتند.

و حاق بهم ما كانوا به يستهزون

مرجع ضمیر <به>، <ما> است که مراد از آن عذاب می باشد.

۱۵- به استهزا گرفتن وعده عذاب خداوند، از زشت ترین اعمال کافران

فأصابهم سيئات ما عملوا و حاق بهم ما كانوا به يستهزون

بی شک استهزای وعده عذاب خداوند، از جمله کارهای بد (سیئات) کافران بود؛ اما ذکر خاص آن پس از عام (سیئات) نشان دهنده اهمیت ویژه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- تسلی دادن خداوند به پیامبر (ص)، در برابر استهزای کافران

و لقد استهزئ برسل من قبلک

خداوند در آیات پیشین، موضوع استهزای کافران به پیامبر(ص) را مطرح کرد و در این آیه، مسخره شدن پیامبران گذشته را یادآور شد. این یادآوری می تواند به منظور دلداری و پشت گرمی به آن حضرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۳ - ۳

۳- وعده معاد، مورد استهزا و ریشخند کافران در طول تاریخ

بل قالوا مثل ما قال الأولون .. لقد وعدنا ... هذا من قبل إن هذا إلا أسطیر

با توجه به، به کارگیری کلمه <هَذَا>، که برای اشاره به نزدیک و بیانگر نوعی تحقیر نسبت به موضوع بسیار مهمی چون معاد است، برداشت قوی به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۷،۹

۷- بندگان مؤمن خدا، همواره در معرض طعن و ریشخند کافران

و کنتم منهم تضحکون

۹- مسلمانان صدراسلام، همواره مورد ریشخند و مضحکه سران شرک و کفر

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا .. و کنتم منهم تضحکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۶

۶- واقعیت های مهم قرآنی مورد استهزای کافران، دامنگیر آنان در آینده ای نزدیک

فسیأتیهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۷

۷ - استهزا و ریشخند کردن مسأله معاد از سوی کافران ، معلول سطحی نگری آنان به مظاهر با ارزش

أَنْبِئُوا مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ . أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۱

۱ - شتابورزی استهزا آمیز کافران برای مشاهده عذاب الهی

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

سیاق آیه نشان می دهد که درخواست کافران، از روی ناباوری و استهزا بوده است، و پاسخ خداوند به آنان در آیه بعد که نظر به عذاب دنیوی دارد می رساند که مراد از <وعد> وعده الهی به مجازات آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۴

۴ - کافران ، وقوع قیامت را امری مسخره دانسته و آن را به استهزا می گرفتند .

و قال الذين كفروا لا تأتينا الساعة

تعبیر به نیامدن قیامت (لا تأتینا) یا به جهت این است که قیامت از جمله امور زمانی است و یا به جهت به سخره و استهزا گرفتن آن می باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال دوّم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۰ - ۳

۳ - تمسخر و استهزا ، از روش های مبارزاتی و حربه های تبلیغی کافران علیه رسولان الهی بود .

يحسره على العباد ما يأتيهم من رسول إلا كانوا به يستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۸

۸ - تمسخر ، از شیوه های مبارزاتی کافران و مشرکان با تعالیم آسمانی (قرآن)

يحسرتي على ما فرّطت .. و إن كنت لمن السخرين

آمدن كلمه <السخرين> به صورت صفت (در قالب اسم فاعل)

گویای این نکته است که به تمسخر گرفتن تعالیم قرآن، به صورت مقطعی و موردی نبود؛ بلکه دائمی و مکرر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷ - ۵

۵ - مواجهه استهزاآمیز کافران با پیامبران در طول تاریخ، باعث تغییر سنت الهی و سلب هدایت از امت های دیگر نمی شود.

أفضرب عنکم الذکر .. و کم أرسلنا ... إلا کانوا به یتستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - موضع کافران در برابر پیامبران و وعده آنان به برپایی قیامت، موضعی مستکبرانه و استهزاآمیز

وإذا قیل .. و الساعه لاریب فیها قلم ما ندری ... و ما نحن بمستیقنین

از سیاق آیه، استفاده می شود که سخن کافران در <ما ندری..> لحن استهزایی نیز داشته و آیه بعد مؤید این معنا است (کانوا به یتستهزءون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - استهزای آیات الهی، شیوه کافران مستکبر و دنیا محور

فاستکبرتم .. اتّخذتم آیت الله هزواً

از این که به جای <استهزأتم> و یا تعابیر مشابه دیگر، گفته شده <اتّخذتم آیات الله هزواً>، می توان به مطلب بالا راه برد.

۲ - عذاب اخروی کافران، معلول استهزای ایشان نسبت به آیات الهی و فریفتگی آنان به زندگانی دنیا

ذلکم بأنکم اتّخذتم آیت الله هزواً و غرّکم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۳

و سخنان پیامبر (ص)، در پی خارج شدن از محضر آن حضرت

حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا .. مَاذَا قَالَ ءانْفًا

پرسش <ماذا قال آنفًا> از روی توهین و استهزا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون أیام یوم الدین

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود؛ زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۷ - ۲

۲ - خبر زنده شدن دوباره انسان در روز رستاخیز، مورد استهزا و ریشخند کافران

و کانوا یقولون أنذا متنا .. ءأننا لمبعوثون

برداشت بالا، بدان احتمال است که استفهام در آیه شریفه، برای استهزا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۱

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران، از زمان برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> حقیقی نیست؛ بلکه از باب تهکم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - ادعای استهزا آمیز کافران ، به بهشتی بودن خود بر فرض برپایی قیامت

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّہ نعیم

مفسران اظهار داشته اند: که کافران به هنگام شنیدن سخنان پیامبر(ص)، به استهزا می گفتند: اگر آنچه پیامبر می گوید درست

باشد؛ ما زودتر از آنان به بهشت خواهیم رفت و از آنان سزاوارتریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۵ - ۴

۴ - پرسش استهزاآمیز کافران حق ناپذیر، از زمان تحقق وعده های الهی درباره خویش

أقرب ما توعدون أم يجعل له ربِّي أمداً

آیه شریفه درصدد پاسخ به پرسش کافران درباره تحقق وعده های الهی است که در آیه قبل مطرح شده بود. از این رو برخی از مفسران نوشته اند که این آیه، درباره <نضربن حارث> است که او و همفکرانش پیوسته می گفتند: <متی هذا الوعد إن كنتم صادقین > (۱۰/۴۸).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۱

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران، از زمان برپایی قیامت

يسئل أياَن يوم القِيَمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۹ - ۱،۴

۱ - کافران مجرم، همواره مؤمنان را تحقیر و تمسخر کرده و به باور های آنان پوزخند می زنند .

إنّ الذین أجزموا كانوا من الذین ءامنوا یضحکون

۴ - ابرار به دلیل ایمانشان در معرض تمسخر گناه پیشگان کافر، قرار گرفته و آزار می بینند .

إنّ الذین أجزموا كانوا من الذین ءامنوا یضحکون

مراد از <الذین آمنوا> به قرینه <إنّ الأبرار..> در آیات پیشین نیکوکاران است. تغییر عبارت به جهت اشاره به این است که آنچه برای گناه کاران خنده دار به نظر می رسد، ایمان نیکوکاران است. آیات بعد که بیانگر مقابله به مثل نیکوکاران در قیامت است اشاره دارد که انگیزه

گناه کاران از این برخوردار، آزاررسانی به آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۱ - ۲،۳، ۱

۱ - کافران ، از خاطره های دیدار خود با مؤمنان ، طنز ساخته و در جمع خانواده خویش به لطیفه گویی و خنداندن یکدیگر می پردازند .

و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

<فَكِهَ> (صفت مشبه) به معنای خوش دل و خندان یا به معنای کسی است که با همراهان خود سخنی گوید که آنان را بخندانند (قاموس). در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است.

۲ - کافرانی که مؤمنان را مسخره کرده اند ، هنگام مراجعت نزد خانواده خویش ، از پوزخند ها و اشاره های طعنه آمیز خود ، غرق شادمانی می شوند .

يضحكون . . . يتغامزون . و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

در این برداشت ، <فَكِهَ> به معنای <مرد خوش دل و خندان> دانسته شده است. تکرار <انقلبوا> در آیه شریفه، برای مجسم ساختن حالت بازگشت کافران به خانه خویش است.

۳ - کافران و گنه پیشگان ، حتی در غیاب مؤمنان نیز آنان را استهزا کرده و با طعنه و کنایه از ایشان یاد می کنند .

و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

استهزاهای کافران امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۳

۳ کفرپیشگان امت های گذشته پیامبران خویش را به استهزا و تمسخر می گرفتند .

و لقد استهزیء برسلك من قبلک فأملیت للذین کفروا

استهزاهای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰

۴- تهدید کافران به هلاکت و عذاب از سوی خداوند ، مورد تمسخر و استهزای کافران صدراسلام

و لو انا اهلکنهم بعذاب .. قل کلّ متربص

از آن جایی که آیات پیشین در باره نزول عذاب و علل تأخیر و نیز سنت های حاکم بر آن بود^۲ به نظر می رسد جمله <قل کلّ متربص> پاسخی به استهزاهای کافران در زمینه وعده عذاب باشد^۳ یعنی، شما آینده ای دشوار برای ما پیش بینی می کنید و از آنچه ما برای شما انتظار می کشیم، هراسی ندارید و آن را هیچ می انگارید. باشد زمان بگذرد و تا حقیقت بر همگان معلوم شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۲،۶

۲ - کفرپیشگان عصر بعثت ، وعده عذاب را دروغ پنداشته و آن را به ریشخند می گرفتند .

و يستعجلونك بالعذاب

از این که تکذیب گران، از پیامبر(ص) می خواستند وعده خود را عملی سازد و هر چه زودتر عذاب را بر آنان نازل کند، معلوم می شود که آنان تهدید پیامبر(ص) را تهدیدی تو خالی می انگاشتند و با درخواست تسریع عذاب، آن را به ریشخند می گرفتند.

۶ - ناباوری کافران عصر بعثت به عذاب الهی و به مسخره گرفتن آن ، نمودی از کوردلی ایشان

و لكن تعمى القلوب التى فى الصدور . و يستعجلونك بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۳

۳ - وعده معاد ، مورد استهزا و ریشخند کافران عصر بعثت

فسياًتهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

موضوع مورد استهزا به قرینه آیه بعد

که استدلال برای امکان معاد است مسأله رستاخیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۷ - ۱

۱ - استهزای پیامبر (ص) از سوی کافران ، به خاطر تبلیغ آن حضرت از معاد

و قال الذین کفروا

تعبیر <رجل یتبئکم إذا مزقتم کل ممزق> قرینه است بر این که استفهام در این آیه، برای استهزا و تمسخر است و حقیقی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۴

۴ - کافران صدراسلام ، منکر رازقیت خدا برای بشر بودند و عقیده به آن را به مسخره می گرفتند .

و إذا قیل لهم أنفقوا ممّا رزقکم الله قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم من لوی

برداشت یاد شده از آن جا است که کافران، جمله <من لو شاء الله أطعمه> (اگر خدا می خواست او را می خورانید) را از سر استهزا و تمسخر می گفتند و به آن باور نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۲

۲ - کافران صدراسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و عقیده به آن را مورد استهزا قرار می دادند .

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> برابر نظر بیشتر مفسران برای تهکم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۷

۷ - کافران عصر بعثت ، درخواست کننده عذاب الهی ، از سر استهزا و ناباوری

للذين ظلموا ذنوبًا .. فلا يستعجلون

نهى الهى (فلا يستعجلون) مى

رساند که کافران، ناباورانه تقاضاکننده نزول عذاب بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۴

۴ - یکی از عناصر کافر صدر اسلام (نضربین حارث) ، از سر استهزا خواست عذابی که پیامبر (ص) از آن سخن می گوید ، بر وی نازل شود .

سأل سائل بعذاب واقع

به گفته مفسران سائل در این آیه، شخصی به نام <نضربین حارث> است. (مجمع البیان و تفاسیر دیگر)

استهزاهای کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۲

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمین. الذین جعلوا القرآن عضین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

استهزاهای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۱

۱- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت

را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی

می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۱ - ۳

۳- خداوند ، تسلی بخش پیامبر (ص) در برابر برخورد های تمسخرآمیز کافران مکه

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون .. و ما یأتیهم من رسول الا کان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۸

۸- خداوند ، تسلی بخش پیامبر (ص) در برابر برخورد های تمسخرآمیز کافران مکه

و ما یأتیهم من رسول الا کانوا به یتهزون. کذلک نسلک فی قلوب المجرمین . لایؤمن

آیات قبل، درباره برخورد عنادآلود کفار مکه با نبوت پیامبر اکرم(ص) بود. اینکه در این آیه ها، برخورد مردمان پیشین با انبیای الهی را توضیح می دهد، احتمالاً به جهت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۱،۲

۱- کافران و مشرکان مکه ، به هنگام رو به رو شدن با پیامبر (ص) ، آن حضرت را مورد تمسخر و استهزا قرار می دادند .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتخذونک إلهزوا

۲- تمسخر و استهزا ، تنها شیوه برخورد مشرکان و کافران مکه با شخص پیامبر (ص) بود .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتخذونک إلهزوا

حرف نفی <إن> و حرف استثنا <إلا> پس از آن که بر قصر دلالت می کند و نیز آمدن <هزوا> به صورت مصدر، همگی بیانگر استمرار و شدت در کار استهزا و تمسخر است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۴

۴- کافران دین ستیز مکه ، وعده ها و تهدید های الهی (عذاب ، کیفراخروی و ...) را مورد استهزا و تمسخر قرار می دادند .

و يقولون متی هذا الوعد

جمله استفهامیه < و يقولون متی هذا الوعد > برای تهکم و استهزا است.

استهزای اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۱

۱ - استهزا شدن تکذیب گران در آستانه دوزخ ، به وسیله یادآوری سخنان کفرآلودشان به ایشان

أفسح هذا

استفهام در < أفسح هذا > برای تهکم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۳ - ۱

۱ - گنه پیشگان کافر ، شایسته قضاوت کردن و اظهار نظر درباره راه مؤمنان ، نیستند .

و ما أرسلوا علیهم حفظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - > روی [عن الإمام الصادق (ع)] أنه قال : یا ابن جُنْدَب . . . إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سُوْرًا مِنْ نُورٍ مَحْفُوفًا بِالزَّبْرِجَدِ وَ الْحَرِيرِ مَنْجَدًا بِالسُّنْدُسِ وَ الدِّيْبَاجِ يَضْرِبُ هَذَا السُّورَ بَيْنَ أَوْلِيَانَا وَ بَيْنَ أَعْدَائِنَا فَإِذَا غَلِيَ الدِّمَاغُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ نَضِجَتِ الْأَكْبَادُ مِنْ طَوْلِ الْمَوْقِفِ أُدْخِلَ فِي هَذَا السُّورِ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ . . . وَ أَعْدَاءَ اللَّهِ قَدْ أَلْجَمَهُمُ الْعِرْقُ وَ قَطَعَهُمُ الْفَرْقُ وَ هُمْ يَنْظُرُونَ إِلَى مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ . . . فَيَنْظُرُ إِلَيْهِمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَيَضْحَكُونَ مِنْهُمْ فَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ >

... فالیوم الذین آمنوا من الکفار یضحکون ... < ;

[از امام صادق(ع)] روایت شده که فرمود: ای پسر جُنْدَب! ... برای خداوند تبارک و تعالی دیواری است از نور که غرق در زبرجد و حریر و مزین به ابریشم های سندس و دیبا است و این دیوار بین دوستان و دشمنان ما قرار دارد. پس زمانی که مغز سرها به جوش آمد و جان ها به گلو رسید و جگرها از طولانی شدن توقفگاه قیامت کباب شد، اولیای الهی را به آن طرف دیوار می برند ... در حالی که دشمنان خدا را عرق لجام زده است (جریان عرق بر اطراف دهان، مانع سخن گفتن آنان شده است) و ترس، آنان را ساکت کرده است. [آنان] نگاه می کنند به آنچه [از عذاب] که خداوند برای آنها آماده نموده است ... پس اولیای الهی به دشمنان خدا نگاه می کنند و به آنان می خندند و این است سخن خدای عزوجل: فالیوم الذین آمنوا من الکفار یضحکون < .

استهزای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۴

۴ کافران ستم پیشه ، مورد استهزای خداوند *

و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم

به کارگیری واژه هدایت در مورد کشانیدن کافران به سوی جهنم، می تواند به منظور استهزای کافران ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۲، ۱۱، ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما كانوا به یتستهزءون

مفاد جمله < كانوا به یتستهزءون > ماضی

استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

۱۱ نوید خداوند به ظهور و پیشرفت و پیروزی قریب الوقوع اسلام و پیامبر(ص)، علم رغم استهزای کافران صدر اسلام

فسوف تأتیهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مراد از <یا تیهم أنبؤا ما كانوا>، می تواند تحقق اموری مانند پیروزی اسلام باشد که کفار آن را به مسخره گرفته و تکذیب می کردند.

۱۲ تکذیب آیات الهی با تمسخر و استهزا از شیوه های کافران

فقد کذبوا بالحق لما جاءهم فسوف تأتیهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۱

۱ بسیاری از رسولان الهی قبل از پیامبر(ص)، مورد تمسخر و استهزای کافران قرار گرفتند.

و لقد استهزیء برسول من قبلک

۳ تمسخر و استهزای پیامبران الهی، شیوه کافران در طول تاریخ بوده است.

و لقد استهزیء برسول من قبلک .. ما كانوا به يستهزءون

۴ استهزای وعیدها و تهدیدهای پیامبران الهی، از شیوه های مبارزه کافران با انبیا در طول تاریخ

و لقد استهزیء برسول من قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما كانوا به

بنابراین که مقصود از <ما كانوا به يستهزءون>، عذاب موعود الهی باشد که در محتوای پیامهای انبیا(ع) ذکر می شده است.

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملاموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا علیک کتابا فی قرطاس فلمسوه .. و لقد استهزیء برسول من قبلک

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جویبها و توقعات بیجای کافران چنین می نماید

که همین بهانه جویبها، از مصادیق استهزاگری کافران در

مورد رسولان الهی است.

۷ کافرانی که پیامبران و عذابهای موعود آنان را استهزا می کردند، به همان عذابهای مورد تمسخر خویش گرفتار شدند.

فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

بنابراین که <ما> موصوله بوده و مراد از آن، عذاب الهی باشد که در ضمن سخنان پیامبران مطرح می شده و مورد استهزای کافران قرار می گرفته است.

۸ کافرانی که به استهزای انبیای گذشته می پرداختند، به عذاب و کیفر استهزای خود گرفتار شدند.

فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

بنابراین که تقدیر آیه <جزاء ما کانوا به یستهزءون> باشد. در این صورت <ما> در (ما کانوا) مصدریه بوده و مرجع ضمیر <به>، به قرینه کلمه <رسل> در صدر آیه می تواند کلمه <رسول> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۱

۱ استهزای کافران حاضر در پیکار بدر از سوی خداوند

إِن تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَ كُمُ الْفَتْحُ وَإِن تَنْتَهُوا فهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

جمله <إِن تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَ كُمُ الْفَتْحُ> با توجه به شکست خفتبار مشرکان در پیکار بدر، بیانگر نوعی استهزا به مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۵

۵ - کافران حق ناپذیر مورد تمسخر و تحقیر

فبشّره

ذکر عذاب، تناسبی با کاربرد واژه بشارت ندارد. از این رو تعبیر به بشارت می تواند به عنوان سخریه و تحقیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آگاهی اندک و سطحی کافران از قرآن ، دستمایه آنان برای تمسخر آیات الهی

و إذا علم من ءایتنا شیئا

کلمه <شِينًا>، اندک و ناچیز بودن اطلاعات کافران را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۵

۵ - شیوه کافران در انکار معاد ، استهزاگرانه و نه منطقی

کانوا به یستهزءون

شیوه بودن استهزا از <کانوا به یستهزءون> که بر استمرار دلالت دارد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۵ - ۱

۱ - مؤمنان ، در حالی کافران حاضر در صحنه قیامت را مسخره می کنند که خود بر تخت های تزئین یافته ، لمیده و ناظر کيفر کافران اند .

علی الأرائك ينظرون

<أریکه> (مفرد <أرائك>) به تخت تزئین یافته ای گفته می شود که در خیمه یا خانه ای نهاده شده باشد. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب اطلاق می شود (قاموس). متعلق <ينظرون> به قرینه آیات قبل و بعد وضعیت کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۳

۳ - کافران در قیامت ، مورد تمسخر خداوند قرار خواهند گرفت . *

هل تَوَّب

<تَوَّب> در مورد خیر و شرّ هر دو کاربرد دارد ولی به خیر و خوبی اختصاص بیشتری دارد و در آن فراوان تر استعمال می شود (نهایه ابن اثیر). بنابراین ممکن است گفته شود: تعبیر <تَوَّب> که در قرآن تنها در مورد امر ناخوشایند استعمال شده (مفردات) بیانگر آن است که خداوند، کيفر کافران را از روی تمسخر پاداش نامیده است.

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۴ - ۳

۳ - کافران و تکذیب گران ، مورد استهزای خداوند

فبشرهم

فعل های <بَشِّرَ > و <فَرِحَ > به یک معنا است (مصباح). بنابراین واژه <بشارت > در مورد تهدید به عذاب، برای استهزا به کار می رود.

استهزای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۷

۷ - استهزا و ریشخند کفرپیشگان کینه توز صدراسلام از سوی خداوند

قل أفأنتنکم بشر من ذلکم النار

استفهام در <أفأنتنکم > برای استهزا و ریشخند و <تنبئه > (مصدر <أنبأ >) به معنای خبر دادن است. <ذلکم > نیز به حالت درهم رفتگی چهره مشرکان به هنگام شنیدن آیات توحیدی قرآن اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۲

۲ - کافران عصر بعثت ، وعده معاد را ، به تمسخر گرفته و درباره حقایق آن پرسش ها و شبهه هایی بر سر زبان ها می انداختند .

عمّ يتساءلون

تهدید پرسشگران با جمله <سيعلمون > در آیات بعد این احتمال را تقویت می کند که هدف آنان از پرسش ها، کشف حقیقت نبود؛ بلکه آنان در پی ایجاد سؤال و شبهه در ذهن دیگران و طعنه و کنایه زدن به وعده معاد بودند.

اسرافگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۹ - ۹

۹ - کفر و مخالفت با پیامبران ، اسراف است و کافران مسرف اند .

أئن ذکرتم بل أنتم قوم مسرفون

توصیف مردم بی ایمان و مخالف پیامبران الهی به اسرافگر، گویای حقیقت یاد شده

است.

اسلام ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۷

۷ آسیب رساندن به جامعه اسلامی، در رأس آرمان ها و اهداف منافقان و کافران

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً

برداشت فوق با توجه به این است که در رأس همه اهداف <ضراراً> مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۱

۱ کافران، با استفاده از مثل های باطل و ترسیم غیر واقعی چهره پیامبر (ص) به مبارزه علیه اسلام برخاسته بودند.

الذین كفروا... ولاياتونك بمثل

<مَثَل> هم به معنای <حجت> و <حدیث> (سخنانی در باره اثبات چیزی) و هم به معنای <صفت> (توصیف چیزی) آمده است (قاموس المحيط). مقصود از آن در آیه شریفه، مجموعه سخنانی است که کافران در توصیف پیامبر(ص) و به منظور خدشه دار کردن چهره منور آن حضرت می گفتند که در آیات فوق از آنها یاد شده است. گفتنی است قید باطل بودن مثل ها، از قرینه مقابله جمله <لاياتونك بمثل> و جمله <إلا جئناك بالحق> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۲

۲ - هدف کافران از اتهام سحر به پیامبر (ص)، مبارزه با اسلام و خاموش کردن نور خدا بود.

فلما جاءهم... قالوا هذا سحر... يريدون ليطفوا نور الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إِنَّهٗ كَانَ لِأَيَّتِنَا عَنِيْدًا .. إِنَّهٗ فَكَّرَ وَقَدَّرَ

اسلام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ مبارزات گذشته کافران علیه اسلام ، مانع پذیرش آنان در زمره مسلمانان نخواهد شد .

ثم يغلبون و الذين كفروا إلى جهنم يحشرون

اصحاب اعراف و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۴، ۳، ۲

۲ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

يعرفونهم بسيمهم

۳ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را مخاطب ساخته و از فاصله ای دور با آنان سخن می گویند .

و نادى اصحاب الاعراف رجالا

۴ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنى عنكم جمعكم و ما كنتم تستكبرون

اصرار بر کفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۱

۱ خداوند ، مشرکان و کفرپیشگان را به خاطر پافشاری بر کفر و ناباوری به قرآن ، ملامت و سرزنش فرمود .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار ، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری

کنند .

قل يقوم اعمالوا على مكانتكم

آهنگ آیه شریفه، آهنگی تهدیدآمیز و هشدار دهنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۴

۴ - بیان سرسختی سازش خواهان کافر و باقی ماندن آنان بر مرام خویش تا پایان عمر، از خبر های غیبی قرآن

و لا أنتم عبدون ما أعبد

اصرار بر کفر کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند، با بیان پافشاری کافران عصر بعثت بر کفر و انکار معاد، انتظار ایمان آوردن آنان را بی فایده خواند و توطئه گری آنها را به پیامبر (ص) گوشزد کرد .

إنهم یکیدون کیداً

اضطراب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۲

۲ - ناراحتی و اضطراب شدید کافران و منکران معاد، در لحظه دیدن عذاب قیامت

فلما رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

زشت و کریه شدن کافران، به هنگام مشاهده قیامت، بیانگر ناراحتی و اضطراب شدید آنان در آن هنگام است.

اضلال کافران

۱۰ جامعه ایمانی وظیفه دار هشیاری در برابر موضعگیری های گمراه کننده کافران

يا ايها الذين آمنوا عليكم انفسكم لا يضركم من ضل إذا اهتديتم

<لا> در لایضركم می تواند نافییه باشد بر این مبنا مراد از جمله <لایضركم ..> این است که چنانچه از ایمان خود مراقبت کنید از دام گمراهان می رهید و می تواند <لا> ناهییه باشد، یعنی

ای مؤمنان مبادا گمراهان شما را از راه بدر برده و ایمان شما را بر بایند برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. گفتنی است که مراد از <من ضل> به قرینه <ءامنوا> کفرپیشگان می باشد.

اطاعت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۲،۵

۲ اطاعت از کفرپیشگان ، نشانه پذیرش ولایت و سرپرستی آنان

ان تطيعوا الذين كفروا .. بل الله مولیکم

کلمه <بل> برای اضراب و نفی ولایت غیر خداوند است و چون در آیه قبل سخن از ولایت و پذیرش آن نیامده که با <بل> آن را نفی کند، معلوم می شود که همان اطاعت از کافران، در حقیقت پذیرش ولایت آنان است.

۵ اطاعت و پیروی جامعه ایمانی از کفرپیشگان ، موجب خروج از ولایت خداوند و محرومیت از یاری او

ان تطيعوا الذين كفروا .. بل الله مولیکم و هو خيرُ النَّاصرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۲ - ۲

۲ پرهیز از اطاعت کافران و بر حذر بودن از نزاع و تفرقه ، نشانه تقوای اهل ایمان

ان تطيعوا فريقاً من الذين اوتوا الكتاب .. اتقوا الله حق تقاته

پرهیز از تفرقه و نزاع، از شأن نزول آیه <ان تطيعوا ..> استفاده شده است.

اطاعت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۱

۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، اعلام می کنند که مطیع بزرگان و رؤسای گمراه سازشان بودند .

إِنَّ اللَّهَ لَعَن

الكفرين .. يوم تقلب ... و قالوا ربنا اننا اطعنا سادتنا ... فأ

اطمينان به كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۶

۶ - اطمینان بخشی منافقان به کافران ، در پیروی نکردن از پیامبر و مسلمانان بر ضد آنان

الذین نافقوا یقولون .. و لانطیع فیکم أحدًا أبدًا

اطمینان کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۳

۳ اطمینان کفار مکه به پیروزی خویش هنگام خروج برای جنگ بدر

و لاتکونوا کالذین خرجوا

اعراض از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱

۱ ضرورت پرهیز مؤمنان از همسویی با کافران در پندار و تفکر ، گفتار و کردار

یا ایها الذین امنوا لا تکونوا کالذین کفروا و قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۵

۵ - وانهادن امر کافران حق ستیز به خداوند ، رهنمودی الهی به پیامبر (ص)

و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون.. .. إن ربک یقضی بینهم بحکمہ

با توجه به این که آیات این بخش در ارتباط با هم است، تذکر خداوند به قضاوت نهایی خویش درباره کافران، می تواند در مقام توضیح و تعلیل برای آیه <و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون> باشد. آیات بعد نیز مؤید همین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۳

۳ - لزوم وانهادن امر کافران به خدا ، پس از

احراز تأثیر ناپذیری آنان در قبال حق

فتوکل علی الله إنک علی الحق المبین . إنک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

آیه یاد شده، دارای این پیام است که: چون آنها مرده اند و سخن در مرده بی تأثیر است؛ پس بیش از این تلاش مکن و نگران مباش و کار خود را با ایشان به خدا واگذار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند، به پیامبر (ص) فرمان داد تا از کافرانی که بر کفر ورزیدن مصمم بودند، اعراض کند.

فأعرض عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۶

۶ - پیامبر (ص) در انجام رسالت الهی خویش، نباید به سخنان و موضع گیری های کافران و منافقان اعتنا کند.

يَأَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا .. وَلَا تَطْعَمُ الْكُفْرِينَ وَالْمُنْفِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۴ - ۳

۳ - سرزنش نشدن پیامبر (ص)، بر روی گردانی از کافران لجوج

فتولّ عنهم فما أنت بملوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۱

۱ - رهنمود الهی به پیامبر (ص)، در وانهادن کفرپیشگان لجوج به خود و اصرار نوزیدن در هدایت آنان

فذرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۸

۸- وانهادن کافران و تحمل عداوت آنان ، تکلیفی الهی برای پیامبر (ص

فذرهم .. و اصبر لحکم ربّک

بنابراین که <و اصبر> عطف بر <فذرهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۱

۱ - روی گردانی از کافران لجوج و بها ندادن به ایشان ، رهنمود الهی به پیامبر (ص)

فتولّ عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر ، باطل گرا و بازیگر به حال خود ، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

<خوض> (مصدر <یخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است و ولی در مواردی به کار می رود که انسان، غوطهور در مسائل باطل و ناپسند می شود و مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می آوردند.

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۳

۳ - کافران ، پس از ابلاغ برهان آشکار و رسیدن پیام اسلام به آنان ، به حال خود رها خواهند شد .

لم یکن .. منفکین حتّی تأتیهم البینه

قید <حتّی تأتیهم البینه> مفهومی دارد که برداشت یاد شده، ناظر به آن است.

اعراض کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۵ - ۳

۳ کفرپیشگان ، در آیات و نشانه های توحید تأمل

نمی‌کنند و دلالت آنها را بر توحید در نمی‌یابند .

یمرون علیها و هم عنها معرضون

<اعراض> (مصدر معرضون) به معنای روی گرداندن است و روی گرداندن از نشانه‌های توحید به معنای تأمل نکردن در آنها و درک نکردن دلالتشان بر یکتایی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۱

۱- کافران حق ناپذیر ، هشدار های خداوند را نادیده گرفتند .

الكفرین .. ظالمی أنفسهم ... هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي أمر ربّ

برداشت فوق بر این نکته ذاست که مراد از ملائکه در <تأتيهم الملائكة> ملائکه قبض روح، و مراد از <يأتي أمر ربك> آمدن عذاب باشد. طبق این احتمال جمله <کافران تنها در انتظار آمدن مرگ و یا عذابشان هستند> مشعر به این معناست که: آنان به هشدارهای خداوند واقعی ننهاده و پیوسته راه انحرافی خود را پیمودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، در قبال روی گردانی کافران از دعوت آن حضرت پس از تبیین آیات الهی بر آنان ، مسؤولیتی نداشت .

فإن تولّوا فإنما عليك البلغ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۴

۴- کافران ، از ولایت خدا روی گردان و سرنهاده بر آستان شماری از بندگان اویند .

يَتَّخِذُوا عبادى من دونى أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۴۲ - ۴

۴- روی گردانی کافران از پروردگار خویش ، علی رغم برخورداری از

رحمت مداوم او

قل من يكلؤكم ... من الرحمن بل هم عن ذكر ربهم معرضون

<بل> در آیه شریفه، برای اضراب انتقالی است؛ یعنی، خداوند پس از بیان نیاز بشر به خدای رحمان و ذکر عذاب او، به علت اصلی کفر کافران (اعراض از یاد پروردگار و بی توجهی به ربوبیت الهی) پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۸

۸ - کفرپیشگان روی گردان از دلایل آشکار، همچون ناشنویان روی برتافته از راهنمای خویش

و لاتسمع الصمّ الدعاء إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۷

۷ - منکران آیات خدا و کافران به خدا، تحت تأثیر عوامل بیرونی و منفعلانه، از خدا و آیات او، روی گرداندند و نه با منطق و برهان

و لئن سألتهم من خلق ... و سخر ... ليقولنّ الله فأنّی یؤفکون

مجهول آورده شدن فعل <یؤفکون> دلالت بر این می کند که مشرکان و منکران آیات خدا و مؤمنان به باطل، تحت تأثیر القنات بیرونی، چنین روی کردی را پیدا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۳، ۱۱

۱۱ - کافران، روی گردان از اندازها و هشدارهای الهی

و الذین کفروا عمّا أنذروا معرضون

۱۳ - کافران، گریزان از هشدارهای الهی نسبت به زوال پذیری دنیا و وجود معاد

و الذین کفروا عمّا أنذروا معرضون

در این آیه، پیش از مسأله انذار، موضوع حقانیت هستی و محدود بودن حیات دنیوی مطرح شده است. با توجه به

این مطلب می توان گفت: یکی از موضوعات مورد انداز، ناپایداری حیات دنیا و وجود رستاخیز بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲ - ۱

۱ - کافران ، روی گردان از تأمل و اندیشه در آیات و نشانه های الهی

و إن یروا آیه یعرضوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۱،۲،۳

۱ - اعتراف کافران دوزخی ، به گوش نسپردن و اندیشه نکردن درباره تعالیم دین و پیامبران الهی

و قالوا لو کنا نسمع أو نعقل

۲ - گوش دل نسپردن به سخنان پیامبران و تعقل نکردن درباره آنها ، عامل دوزخی شدن کافران

و قالوا لو کنا نسمع أو نعقل ما کنا فی أصحاب السعیر

۳ - کافران دوزخی ، از شنیدن سخنان پیامبران و پیام های آسمانی امتناع می کردند .

و قالوا لو کنا نسمع

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <نسمع> امتناع از شنیدن باشد؛ چنان که این واکنش دستور سران کفر به توده های مردم است: <و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرآن و ألغوا فیه لعلکم تغلبون> (سوره فصلت (۴۱) آیه ۲۶).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطیر الأولین . کلاً بل ران علی قلوبهم

اعراض کافران از افساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۵ - لزوم ترك جنگ با كافران ، در صورت دست برداشتن آنان از فتنه انگیزی و ایجاد مزاحمت برای گسترش دین خدا

فإن انتهوا فلا عدون إلا على الظلمين

متعلق <إنتهوا . . . > - به قرینه فرازهای پیش - فتنه انگیزی و بازداري از حاکمیت یافتن دین الهی است. جواب شرط (فإن انتهوا) محذوف است و جمله <فلا عدوان...> جانشین آن می باشد یعنی، پس اگر از فتنه انگیزی دست کشیدند و مانع گسترش و حاکمیت دین خدا نشدند، آنان را نکشید زیرا تعدی تنها بر ستمکاران رواست.

۶ - در صورتی که کفرپیشگان محارب یا فتنه انگیز از کفرورزی دست بکشند ، نباید با آنان نبرد کرد .

فإن انتهوا فلا عدون إلا على الظلمين

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که متعلق <إنتهوا> کفرورزی باشد.

اعراض كافران از كفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۶

۶ - در صورتی که کفرپیشگان محارب یا فتنه انگیز از کفرورزی دست بکشند ، نباید با آنان نبرد کرد .

فإن انتهوا فلا عدون إلا على الظلمين

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که متعلق <إنتهوا> کفرورزی باشد.

اعراض كافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۱

۱ - كافران صدراسلام از تمامی آیات و نشانه های پروردگار ، اعراض کرده و آنها را نپذیرفتند .

و ما تأتیهم من آیه من آیت ربهم إلا كانوا عنها معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - کافران پندناپذیر و مخالف پیامبر)

ص) ، هیچ دلیل و عذر قابل قبولی ، برای روی گردانی از دین و پند های قرآن نداشتند .

فما لهم عن التذکره معرضین

از مفاد <فما لهم> (چيست آنان را)، استفاده می شود که مقصود، نبودن هیچ دلیل و عذری برای کفر و انکار کافران نسبت به قرآن پند آفرین است.

اعلام عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۴

۴ خداوند ، پیش از عذاب کردن اقوام کفریسته ، جریان امر را به اطلاع پیامبر آن قوم می رساند .

إنا أرسلنا إلى قوم لوط . . . و لما جاءت رسلنا لوطاً ... قالوا يلوٓط إنا رسل ربك

اغواپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۹

۹- تحریک کافران از سوی شیاطین و گمراهی فزون تر آنان ، نشانه ای روشن از سودمند نبودن معبود ها و ضدیتشان با پرستشگران خویش

و یكونون علیهم ضدًا . ألم تر أننا أرسلنا الشیطین

استفهام در <آلم تر> برای استشهاد و تأیید محتوای آیه قبل است و دلالت بر واضح بودن شاهد دارد به گونه ای که ندیدن و توجه نکردن به آن تعجب دارد.

اغواگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۵

۵ - هشدار خداوند درباره فریب خوردن از تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران و ثروت و مکنت آنان در جامعه

فلا يغرك تقلبهم في البلد

برخی از اهل لغت نوشته اند: <تَقَلَّبَ فِي الْأُمُورِ> یعنی، <تَصَرَّفَ كَيْفَ يَشَاءُ> (در هر کاری مطابق خواسته خود دخل و تصرف کرد). مقصود از <تَقَلَّبَ فِي الْأُمُورِ>

فی البلاد > تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران در شهرها از راه سفرهای تجارتي (مانند سفرهای کافران قریش از مکه به شام، یمن و ...) است.

اغواگری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، درباره تلاش شان برای اغوای مسلمانان

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اَتبعوا سیلنا. ..و لقد أرسلنا نوحًا إلی قومه ...

بیان قصه طوفان نوح (ع) پس از ذکر برخوردهای کافران مکه با مسلمانان، احتمال دارد برای هشدار به آنان باشد.

افتراهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۲، ۷، ۶، ۵، ۴، ۲

۲ کافران عصر جاهلی جعل احکامی را درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی به خداوند نسبت می دادند .

ما جعل الله .. و لكن الذین کفروا یفترون علی الله الکذب

۴ احکام ویژه بحیره (ماده شتری که پنجمین حمل مادر خویش باشد) از بدعت ها و افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل الله من بحیره .. و لكن الذین کفروا یفترون

لسان العرب معنای مذکور برای بحیره را از برخی لغویین نقل کرده است. در جاهلیت گوش چنین شتری را می شکافتند تا علامت آن باشد که نبایستی بر آن سوار شوند و از آب و چراگاهها او را منع کنند و نیز هرگز نباید به کشتن آن اقدام کنند.

۵ لزوم آزاد سازی سائبه (شتری که ده ماده شتر زاییده باشد) از اندیشه های خرافی و افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل

اللّٰه من بحيره و لاسائبه ... و لكن الذين كفروا يفترون

معنای ذکر شده برای سائبه در قاموس المحيط آمده و حکم آن از نظر مردم جاهلی همانند احکام بحیره بوده است. امام صادق(ع) در توضیح معنای <سائبه> در آیه فوق فرمود: ان اهل الجاهلیه كانوا ... اذا ولدت (الناقه) عشرًا جعلوها سائبه و لا يستحلون ظهرها و لا اکلها

معانی الاخبار، ص ۱۴۸، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۳، ح ۴۱۰.

۶ احکام ویژه وصیله (گوسفند ماده ای که همزاد با بره نر باشد) بدعت و از افتراهای کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل اللّٰه من ... و لاوصیله و لكن الذين كفروا يفترون

در دوره جاهلیت اگر گوسفندی دو قلو می زائید که یکی از آن دو نر بود، ذبح آن را تحریم می کردند و همزاد آن را <وصیله> می نامیدند یعنی ماده گوسفندی که سرنوشت همزادش را به سرنوشت خود گره زد و سبب شد که بر آستان بتها ذبح نشود. امام صادق(ع) در توضیح معنای <وصیله> در آیه فوق فرمود: <ان اهل الجاهلیه كانوا اذا ولدت الناقه ولدین فی بطن قالوا: وصلت، فلا يستحلون ذبحها و لا اکلها

معانی الاخبار، ص ۱۴۸، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۳، ح ۴۱۰.

۷ احکام ویژه حامی (شتر نری که از صلبش ده شتر به وجود آید) از بدعت ها و افتراهای مردم جاهلی بر خداوند

ما جعل اللّٰه ... و لاحام و لكن الذين كفروا يفترون

اعراب جاهلی از سوار شدن بر شتر مذکور امتناع میورزیدند و آن را از هیچ آب و چراگاهی منع نمی کردند.

بیشتر کفرپیشگان عصر بعثت احکام رایج درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حام ، را احکامی الهی می پنداشتند .

ما جعل الله من بحیره . . . یفترون علی الله الکذب و اکثرهم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۲

۲ کفرورزی کافران و اعمال ایشان (افترا بر خداوند ، بازداری از راه خدا و . . .) خارج از حاکمیت خداوند نیست .

و من أظلم ممن افتری علی الله کذبًا . . . أولئک لم یکنوا معجزین

ماضی بودن معنای جمله < أولئک لم یکنوا . . . > (آنان هیچ گاه از حاکمیت خدا خارج نبوده اند) می رساند که: گرایش کافران به کفر نیز تحت حاکمیت خدا صورت گرفته است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۷

۷ - بازخواست کافران ، در قیامت ، به خاطر تلاش همواره آنان در افترا زدن است .

و لیستلنّ یوم القیمه عمّا کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۲

۲ - دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق ، از خصوصیات کافران است .

فمن أظلم ممن کذب علی الله و کذب بالصدق

مخاطبان آیه شریفه به قرینه ذیل آیه (مثوی للكافرین) کافران می باشند .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱

۱- کافران ، مدعی منتسب نبودن قرآن به مبدأ وحی و انتساب دروغین آن از سوی پیامبر (ص) به خداوند

افتراهای کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۲

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمین. الذین جعلوا القرآن عزیزین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

افساد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۵، ۱۱، ۹

۹ - فتنه انگیزی کافران ، مجوز نبرد با ایشان است ، هر چند که با مسلمانان سر جنگ نداشته باشند .

و قتلوا فی سبیل الله یقتلونکم .. الفتنه أشد من القتل

جمله <والفتنه أشد من القتل>، به اصطلاح اصولیین حاکم بر <الذین یقاتلونکم> است و موجب توسعه در موضوع حکم مطرح شده در آیه قبل می شود؛ یعنی، آیه قبل بیان داشت که با کافران حربی نبرد کنید و جمله <الفتنه ..> بیان می کند که فتنه انگیزی به منزله جنگ است.

۱۱ - آواره ساختن مسلمانان از دیارشان از مصداق های فتنه انگیزی کافران است .

و أخرجوهم من حیث أخرجوكم و الفتنه أشد من القتل

۱۵ - فتنه انگیزی کافران ، مجوز کشتن و نبرد با آنها در مسجد الحرام و نواحی آن نیست .

و الفتنه أشد من القتل و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام حتی یقتلوکم

جمله <و الفتنه

... > بیان می دارد که کافران فتنه انگیز همانند کافران محارب هستند و لذا باید با آنان نبرد کرد. به نظر می رسد جمله > و لا تقتلوه عند المسجد الحرام ... < به منزله استثنا از این قانون باشد، یعنی، فتنه انگیزی کافران، مجوز جنگ در مسجد الحرام نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۱

۱ - نبرد با کافران ، تا برطرف شدن فتنه های آنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده مسلمانان

و قتلوه حتی لا تكون فتنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۷

۷- عذاب کافران ، به تناسب عملکرد و فساد آنان ، متفاوت است .

زدنهم عذاباً فوق العذاب بما كانوا يفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۹

۹ - کافران ، مفسدان و تبه کاران روی زمین هستند .

كالمفسدين في الأرض ... كالفجار

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام توصیف کسانی است که در آیه قبل از آنان به >الذین كفروا< (کسانی که کفر ورزیدند) یاد شده است.

افساد کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۵

۵- کافران مکه ، مردمانی مجرم و تبهکار بودند .

ربما يؤذ الذين كفروا .. كذلك نسلکہ فی قلوب المجرمین

افشای انگیزه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۴

۴- خداوند ، با افشای انگیزه های کافران در گوش فرا دادن

به سخنان پیامبر (ص)، آنان را مورد تهدید قرار داد .

نحن أعلم . . . و إذ هم نحوی

اعلام اطلاع خداوند از گوش دادن کافران به سخنان پیامبر(ص) و آگاهی از گفت و گوی آنها، برای تهدید و هشدار به آنان است.

افشای توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۱

۱- اخبار و پرده برداری خداوند از توطئه های مخفیانه کافران و مشرکان علیه حقانیت پیامبر (ص) و قرآن

و لقد نعلم أنهم يقولون إنما يعلمه بشر

افشای خطای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۷

۷- قیامت ، روز ظهور حقایق و برملا شدن خطای کافران در گمراه دانستن مؤمنان

قالوا إنَّ هؤلاء لضالُّون . . . فالیوم الذین ءامنوا من الکفَّار یضحکون

افشای عهدشکنی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۴

۴- بیان سرسختی سازش خواهان کافر و وفا نکردن آنان به وعده ایمانِ مشروط خویش ، از اخبار غیبی قرآن

و لا أتم عبدون ما أعبد

افشای کافران

۱۴ > عن رسول الله (ص) : ... وأما الكافر فيقرأ ذنوبه على رؤوس الأشهاد ، > هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنة الله على الظالمين < ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: .. اما کافر پس گناهان او در ملأ عام و در حضور گواهان خوانده

می شود: اینانند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۵

۵- افشای حرکت های مرموز کافران و منافقان ، از سوی خداوند برای پیامبر (ص)

و منهم من يستمع إليك حتى إذا خرجوا من عندك

خطاب آیه شریفه به پیامبر(ص) است و ضمیر <منهم> ممکن است به کافران بازگردد که در آیات پیشین یاد شده اند و نیز ممکن است با توجه به محتوای آیه که نوعی حرکت نفاق آمیز را بیان داشته به منافقان بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۳

۳- تصریح به آمادگی نداشتن مشرکان برای پذیرش توحید در هیچ زمان و تأکید بر واهی بودن پیشنهاد سازش از سوی آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

قل . . . و لا أنتم عبدون ما أعبد

آیات آغاز سوره که تسامح طرفین را در زمان آینده منتفی دانست با مفهوم خود، تکلیف زمان حال را نیز روشن کرده است. در این حال، وضعیت زمان حال به صراحت در این آیه، بیان شد تا موضع گیری ها شفاف باشد.

افشای لجاجت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۴

۴- بیان سرسختی سازش خواهان کافر و وفا نکردن آنان به وعده ایمانِ مشروط خویش ، از اخبار غیبی قرآن

و لا أنتم عبدون ما أعبد

اقتدار در عذابهای کافران

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۲

۲ - خداوند ، با سخت گیری و اقتدار ، کافران را گرفتار خواهد ساخت .

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

اقرار اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۹

۹ کافران جن و انس در قیامت با اعتراف به آمدن رسولان الهی، علیه خود شهادت خواهند داد.

أَلَمْ يَأْتِكُمْ رَسُلٌ مِنْكُمْ .. قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱۱

۱۱- اعتراف کافران در قیامت ، به ظلم و ستم پیشگی خویش در دنیا

بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۱،۴

۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، اعلام می کنند که مطیع بزرگان و رؤسای گمراه سازشان بودند .

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكٰفِرِينَ .. يَوْمَ تَقَلَّبُ ... وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا ... فَأَ

۴ - کافران ، در قیامت ، با مشاهده آتش جهنم ، به ربوبیت خداوند اعتراف می کنند .

يَوْمَ تَقَلَّبُ وِجْهُهُمْ فِي النَّارِ .. وَقَالُوا رَبَّنَا

ماضی آوردن عبارت <قالوا ربنا> در مقابل <يقولون ياليتنا> احتمال دارد که مربوط به زمانی باشد که هنوز در عذاب واقع

نشده اند و تنها، آن را مشاهده کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۲

۲ - کافرانِ پیرو در قیامت ، به ربوبیت خداوند اعتراف می کنند .

و قالوا .. ربّنا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۵۹

۵ - کافران در قیامت ، به درستی وعده های خداوند رحمان پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

هذا ما وعد الرحمن

۹ - کافران در قیامت ، به صراحت و راست گفتاری رسولان الهی پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

قالوا یویلنا .. و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۶،۷

۱ - اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربّنا أمّتنا اثنتین و أحييتنا اثنتین

۶ - اعتراف کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت به ربوبیت خداوند

قالوا ربّنا

۷ - اعتراف کافران حق ناپذیر در قیامت ، به گناهان خود پس از مشاهده قدرت الهی در آخرت

فاعترفنا بذنوبنا فهل إلی خروج من سبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۷،۸،۱۰

۷ - عدل الهی در کیفر کافران ، مورد اقرار خود آنان ، در قیامت

ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

<هذا> اشاره به عذاب کافران است و مصداق بارز <حقّ> در زمینه مجازات، <عدل> است.

۸ - کافران ، چشنده عذاب الهی در قیامت ، پس از اقرارشان به مجرمیت خویش

أليس هذا بالحقّ قالوا بلى و ربّنا قال فذوقوا العذاب

۱۰- اعتراف و پشیمانی کافران در قیامت ، بی تأثیر به حال ایشان

أليس هذا بالحقّ قالوا بلى و ربّنا قال فذوقوا

کافران با این که به حق اقرار می کنند، باز هم به ایشان حکم می شود که: > فذوقوا

العذاب <. بنابراین اعتراف آنان سودی نمی بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۱،۴

۱ - اعتراف کافران در دوزخ ، به آمدن پیامبران انذار کننده برای آنان

ألم یأتکم نذیر . قالوا بلی قد جاءنا نذیر

۴ - اعتراف کافران در دوزخ ، به تکذیب عمدی و آگاهانه خویش ، نسبت به پیامبران و ادیان الهی

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا و قلنا ما نزل الله من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۱

۱ - اعتراف کافران دوزخی ، به گوش نسپردن و اندیشه نکردن درباره تعالیم دین و پیامبران الهی

و قالوا لو کنا نسمع أو نعقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۱

۱ - اعتراف کافران در دوزخ به گناه و تقصیر خویش درباره دین

فاعترفوا بذنبهم

اقرار اخروی کافرانپیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۷

۷- کافران پیرو ، در قیامت با اعتراف به پیروی کورکورانه از رهبران خویش ، آنان را مسؤول بدفرجامی خود معرفی خواهند کرد .

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الل

اقرار كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۳

۳ كافران، معترف به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله

جواب خداوند به سؤال مطرح شده و منتظر جواب کافران نماندن، بدهت و مورد اعتراف بودن

جواب را می‌رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۲

۲- اعتراف و اقرار کافران به ستم کاری خویش پس از گرفتاری به اندک عذاب الهی

و لئن مشتهم نفعه من عذاب ربك ليقولنّ یویلنا إنا كنا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱

۱ - اعتراف ضمنی کافران در هنگام مرگ ، به زشتی اعمال گذشته خویش

قال ربّ ارجعون . لعلی أعمل صلحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۷

۷- اعتراف کافران به آسمانی بودن کتاب موسی (تورات) ، علی رغم انکار آن در نوبتی پیش از این

قالوا لولا أوتی مثل ما أوتی موسی أولم یکفروا بما أوتی موسی من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۲

۲ - اعتراف کافران ، در قیامت به گمراه شدن خود از سوی بزرگان شان

إنا أطعنا سادتنا .. فأضلّونا السیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۹

۹ - اعتراف کافران و گنه کاران به نقش خود در تعیین سرنوشت خویش

أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي عَلَى مَا فَزَّطْتُ .. وَ إِن كُنْتَ لَمِنَ السَّخِرِينَ ... لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةٌ ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۳، ۱۰

۱۰ - اعتراف کافران در حضور نگهبانان و دربانان دوزخ، به آمدن پیامبران تلاوت گر آیات خداوند و

انذارگران الهی برای هدایت آنان

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا

۲۳ - اعتراف کافران به کفر خویش و سزاوار عذاب بودن خود ، در آستانه ورود به دوزخ

قالوا بلی و لکن حَقَّت کلمه العذاب علی الکفرین

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <لکن حَقَّت کلمه العذاب علی الکافرین> ادامه کلام کافران دوزخی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۵

۵- اعتراف ضمنی کافران ، نسبت به اعجاز قرآن و نفوذ عمیق آن در دل ها و اندیشه ها

قال الذین کفروا للحقّ لَمَّا جاءهم هذا سحر مبین

از این که کافران، قرآن را سحر می خواندند، استفاده می شود که آنان آثار خارق العاده آن را دیده و چون درصدد ایمان نبوده اند، نام آن را سحر گذاشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۴،۵

۴- اقرار گرفتن خداوند از کافران ، هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ ، درباره حقانیت تهدید های وحی

و یوم یرض . . . ألیس هذا بالحقّ

به قرینه صدر آیه <هذا> اشاره به آتشی است که کافران در معرض آن قرار گرفته اند.

۵- اعتراف کافران به حقانیت وعده های الهی ، پس از لمس و مشاهده آن

و یوم یرض . . . ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲ - ۶

٦ - اعتراف ضمنى كافران ، به تأثير شگرف و خارق العاده قرآن و معجزات پیامبر (ص)

و إن

یروا ءایه . . . و یقولوا سحر مستمرّ

وصف <سحر مستمرّ> گرچه در مقام تنقیص بیان شده؛ اما به طور غیر مستقیم به تأثیر خارق العاده کارها و گفته های اعجازی پیامبر(ص) اشاره دارد.

اقرار کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - اذعان درونی کافران صدراسلام ، به حقانیت رسالت پیامبر (ص) و قرآن

بل جاءهم بالحقّ و أكثرهم للحقّ کرهون

عبارت <أكثرهم للحقّ کارهون>؛ یعنی، بیشتر آنان حقیقت را خوش ندارند. بنابراین انکار رسالت پیامبر(ص) و آسمانی بودن قرآن، نه از آن رو است که آنان به حقانیت آن دو یقین ندارند؛ بلکه بدان جهت بود که آن دو حق است و آنها از حق خوششان نمی آید.

اقسام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۷

۷ - وجود عناصری غیرمعاند با مسلمانان ، در میان کافران عصر پیامبر

لا ینهیکم اللّٰه عن الذین لم یقتلوکم فی الدین

اکثریت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۸،۹

۸ - حق ستیزی ، انگیزه اصلی بیشتر کافران منکر قرآن و پیامبر (ص) بود ، نه ناشناخته بودن حقانیت آن دو برای آنها .

أم یقولون به جنّه . . . و أكثرهم للحقّ کرهون

۹ - شالوده زندگی بیشتر کافران ، بر پایه باطل و منافع آنان ، ناسازگار با پذیرش حق

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ . . . وَأَكْثَرَهُمْ لِلْحَقِّ كَرْهُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ -

۲- رسوخ روحیه حق ناپذیری در بیشتر کافران ، عامل بی تأثیری آیات الهی در آنان

و ما کان اکثرهم مؤمنین

اکثریت کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ اکثر کافران عصر بعثت ، ناآگاه به ضرورت تقوا برای متولیان مسجدالحرام

إن أولیاءه إلا المتقون و لكن اکثرهم لایعلمون

مفعول <لایعلمون> حقایقی است که آیه مورد بحث بدان پرداخته است ؛ از جمله ضرورت تقوا برای والیان مسجدالحرام و نیز استحقاق عذاب برای سدکنندگان مسجدالحرام بر روی مؤمنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۸

۸- رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدراسلام

و ما کان اکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <اکثرهم> به فرعون و قوم وی (قبطیان) بازمی گردد؛ اما در عین حال تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۵

۵- رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدراسلام

و ما کان اکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <اکثرهم> به قوم ابراهیم بازمی گردد؛ اما در عین حال این آیه تعریض به مشرکان صدراسلام نیز

دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۱ - ۴

۴ - خداوند ، پیامبر (ص) و مؤمنان اندک او را در برابر مخالفت اکثریت کافران و مشرکان صدر اسلام ، تسلی خاطر و دلداری داد .

و لقد ضلّ قبلهم أكثر الأولین

مفسران برآند که یادآوری گمراهی اکثریت امت های گذشته، در شرایطی که

پیامبر(ص) و گروندگان اندک به آن حضرت در شرایط سخت مکه قرار داشتند و با مخالفت های بیشتر کافران و مشرکان رو به رو بودند، به منظور دلداری به پیامبر(ص) و گروندگان به ایشان است.

اکثریت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ اکثر کافران مکه ناآگاه به مستحق بودن عذاب الهی به سبب بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام

و ما لهم ألا يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجد الحرام . . . و لكن أكثرهم لا يعلمون

التجای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۲ - ۱

۱ - روی آوری کافران به درگاه خداوند ، به هنگام گرفتار آمدن در عذاب

رَبَّنَا اكشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۱

۱- اظهار ایمان و التجا به خداوند ، پس از مشاهده عذاب ، اقدامی دیر هنگام و بی ثمر برای کافران

أَنِّي لَهُمِ الذِّكْرَى

برداشت بالا بنابراین نکته است که تعبیر <أَنِّي لَكُمْ الذِّكْرَى>، درصدد بی ثمر خواندن ایمان کافران باشد.

القای ترس در کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۵

۵ ایجاد رعب و وحشت در دل های کافران ، وعده خداوند به فرشتگان حاضر در کارزار بدر

سألقي في قلوب الذين كفروا الرعب

القای قرآن در قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۱

۱- خداوند ، قرآن کریم را در قلب کافران هدایت ناپذیر مکه

راه داد و به آنان شناساند .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <نسلکه>، <الذکر> و الف و لام <المجرمین> عهد ذکری باشد که اشاره به <الذین کفروا> در آیات قبل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۲

۲- خداوند آیات قرآن را، علی رغم تصمیم کافران مکه بر ایمان نیاوردن، در قلب آنان رسوخ داد .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <لایؤمنون به> جمله حالیه برای <المجرمین> باشد.

اماکن امن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۶

۶ تعرض به کفار و سلب امنیت از آنان در اماکن سکونتشان، جایز نیست .

فأجره حتی یسمع کلم الله ثم أبلغه مأمنه

امتحان با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۶

۶ خداوند، مسلمانان صدراسلام را، به وسیله کارشکنی و دشمنی مشرکان و کافران در بوته آزمایش قرار داد .

و جعلنا بعضکم لبعض فتنة أتصبرون

از دیدگاه برخی از مفسران، چون آیه شریفه در مکه نازل گردیده است و مؤمنان در آن شهر بسیار مورد شکنجه و آزار قرار داشتند و نیز این آیه در صدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان است، می توان گفت که مقصود از <بعضکم> مسلمانان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۵

۲۵- کافران ، وسیله آزمایش مؤمنان

لیلوأ بعضکم ببعض

مراد

از <بعضکم ببعض> گروه مؤمنان، در برابر گروه کافران است که از صدر آیه استفاده می شود.

امتحان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۱۴

۱۴ - زندگانی شکوفای کافران ، آزمون الهی برای آنان است .

زهرة الحیوة الدنيا لفتنهم فیه

<فتنه> در اصل هنگامی گفته می شود که طلا و نقره را با آتش بگدازند تا نیکو و نامرغوب آن، تمیز داده شود(مصباح) و چون مقصود از آزمایش، تمیز خوب از بد است، به آن <فتنه> اطلاق می گردد. آزمودن کافران، به این است که فراوانی نعمت ها، تکلیف آنها را سنگین تر می کند و چون حق نعمت را ادا نمی کنند، بر عذاب آنان افزوده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۲

۲- تأخیر مجازات مشرکان و کافران ، وسیله فتنه و آزمایش آنان است .

إن أدری أقریب . . . إن أدری لعلّه فتنه لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۳ - ۲

۲ - درخت زقوم ، وسیله آزمایش کافران و ستم کاران

أم شجرة الزقوم . إنا جعلناها فتنه للظلمین

آزمایش، یکی از معانی <فتنه> است و برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است. در تأیید این مطلب گفتنی است که مفسران در شأن نزول آیه شریفه نقل کرده اند: ابوجهل هنگامی که کلمه <زقوم> را با اوصافی که قرآن برای آن نقل می کند شنید، آن را به مسخره گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - ذکر تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ (۱۹ عدد) ، به منظور آزمایش کافران است .

عليها تسعة عشر .. و ما جعلنا عدّتهم إلا فتنة للذين كفروا

امتحان کافران ثروتمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۷ - ۱

۱ - اعلام خداوند به کافرانِ برخوردار از ثروت و مکنت ، به آزمودنشان همچون آزمودن باغداران یمنی

إنا بلونهم كما بلونا أصحاب الجنة

مفسران درباره <اصحاب الجنة> (صاحبان باغ) چنین نوشته اند: این باغ در حومه <یمن> در اختیار پیرمرد مؤمنی قرار داشت. او به قدر نیاز از آن برمی گرفت و بقیه را به مستمندان می داد. اما هنگامی که چشم از دنیا پوشید، فرزندان گفتند: ما خود به محصول این باغ سزاوارتریم؛ چون عیال و فرزندان ما بسیار است و نمی توانیم مانند پدرمان عمل کنیم. آنان سوگند یاد کردند تمام مستمندان را از آن محروم سازند. سرنوشت آنان همان شد که در این آیات از آن یاد شده است. (مجمع البیان و نیز برگرفته از الکشاف زمخشری)

امتحان کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدري لعلّه فتنة لكم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

امداد به کافران

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۸

۸ کافران و مشرکان ، منکر ربوبیت مطلق خدا هستند و همواره در برابر آن ایستاده و در این راه پشتیبان یکدیگراند .

و يعبدون من دون الله .. و كان الكافر على ربه ظهيرا

<الف و لام> در کلمه <الكافر> برای استغراق است و این کلمه شامل تمامی کافران می شود. <ظهیر> (فعل به معنای فاعل) نیز به معنای معین و پشتیبان است. گفتنی است آمدن فعل <کان> در آغاز مبتدا و خبر، بیانگر استمرار خبر برای مبتدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۴

۴ - پشتیبانان جبهه مهاجم کفر ، چونان کافران محارب و شریک جرم آنان

إنما ينهيكم الله .. و ظهروا على إخراجكم

امدادهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۸

۸ کافران و مشرکان ، منکر ربوبیت مطلق خدا هستند و همواره در برابر آن ایستاده و در این راه پشتیبان یکدیگراند .

و يعبدون من دون الله .. و كان الكافر على ربه ظهيرا

<الف و لام> در کلمه <الكافر> برای استغراق است و این کلمه شامل تمامی کافران می شود. <ظهیر> (فعل به معنای فاعل) نیز به معنای معین و پشتیبان است. گفتنی است آمدن فعل <کان> در آغاز مبتدا و خبر، بیانگر استمرار خبر برای مبتدا است.

امکانات دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۵،۱۶

۱۵ - بهره مند

ساختن کافران از متاع دنیا ، از سنت های خداوند است .

و من کفر فأتعته

۱۶ - بهره مندی کافران از مواهب الهی ، موقت و گذراست .

و من کفر فأتعته قليلا ثم أضطره إلى عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۶ - ۱،۲،۳

۱ کافران صدر اسلام ، برخوردار از شوکت ظاهری و بهره های دنیوی

لا یغزینک تقلب الذین کفروا فی البلاد

۲ کافران عصر بعثت ، بهره مند از سود های فراوان تجاری و نفوذ سیاسی ، بر اثر گشت و گذار در شهرها و سرزمین های مختلف

لا یغزینک تقلب الذین کفروا فی البلاد

۳ قدرت و شکوه ظاهری کافران و برخورداری آنان از بهره های مادی ، امری فریبنده برای مسلمانان

لا یغزینک تقلب الذین کفروا فی البلاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۲،۳

۲ بهره مندی کافران از قدرت و امکانات مادی ، محدود و کوتاه است .

متاع قليل ثم ماویهم جهنم

۳ توان و امکانات مادی کافران ، دلیلی بر حقایق آنان نیست .

لا یغزینک تقلب الذین کفروا فی البلاد. متاع قليل ثم ماویهم جهنم

تصریح به اندک بودن بهره مندی کافران در دنیا و یادآوری فرجام شوم آنان، اشاره به این معنا دارد که شوکت ظاهری آنان، نه به خاطر تقریبشان در پیشگاه خداوند است و نه نشانه حقایق آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱،۵

۱ بی ارزشی بهره ها و قدرت محدود کافران در

دنیا ، نسبت به نعمت جاودانه بهشت

متاع قليل ثم ماويهم جهنم .. لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنات ... خالدین فیه

۵ فریفته نشدن در برابر شوکت ظاهری و قدرت اقتصادی کافران ، از مصادیق تقوایشگی است . *

لا یغرنک تقلب الذین کفروا .. لكن الذین اتقوا ربهم

نهی از فریفته شدن و آنگاه بشارت بهشت به تقوایشگان، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۳

۳- تأخیر عذاب و کیفر مشرکان و کافران حق ناپذیر ، به خاطر بهره بردن ناچیز و موقتی آنان از متاع های دنیوی است .

إن أدری لعلہ .. متع إلی حین

امکانات کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۰

۱۰ غرور و اعتماد نابجای کافران عصر پیامبر(ص) به اقتدار و تمکن خویش

ألم یروا کم أهلكنا .. مکنهم فی الأرض ما لم نمکن لکم

از اینکه می فرماید اقوام قدرتمندتر از شما را هلاک کردیم، معلوم می شود که اینان به قدرت و مکت خویش مغرور بودند.

امکانات مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۶

۶ امکانات مادی و داشتن نیرو های انسانی و هوادار ، هرگز موجب نجات کفریشگان از گرفتار شدن به عذاب دوزخ نخواهد

شد .

ما أغنى عنكم جمعكم و ما كنتم تستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۶،۷

۶ هر امتی ، چه

مؤمن و چه کافر و منافق ، در زندگی دنیوی ، بهره و نصیبی دارد .

وعد الله المنفقين .. کالدین من قبلکم . فاستمتعوا بخلقهم فاستمتعتم بخلقکم

۷ کثرت بهره‌وری های کافران ، به مقتضای خُلق و خو و تلاش مادی آنان و طبق جریان طبیعی است و نه نشانه رحمت و لطف الهی به آنان *

فاستمتعوا بخلقهم فاستمتعتم بخلقکم

با توجه به اینکه <خلاق>، می تواند به معنای دستاوردهای انسان به مقتضای خلق و خوی خویش باشد، این برداشت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۰ - ۲

۲ برخورداری مشرکان و کافران از رفاه و در اختیار داشتن امکانات دنیوی ، نشان رستگاری آنان نیست .

لا یفلحون . متع فی الدنيا

جمله <متع فی الدنيا> پاسخ از پرسش مقدر است ؛ یعنی، بعد از اینکه خداوند درباره مشرکان افترازننده فرمود: <آنان رستگار نخواهند بود>، این سؤال پیدا می شود که: پس آن همه رفاه و برخورداری از امکانات دنیوی در زندگی آنان چه معنایی دارد؟ خداوند پاسخ داد: <متع فی الدنيا .. > .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۸

۸ خداوند ، متع های دنیوی را از کافران دریغ نمی کند .

و أمم ستمتعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۶

۶ - امکانات رفاهی نسبی کافران ، در دنیا ، از جانب خداوند است .

نمّتعهم قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - غافر - ٤٠ - ٤ - ٦

- هشدار خداوند به پیامبر (ص) و مسلمانان، درباره تأثیرپذیری از قدرت و مکت کافران و تجدید نظر کردن در برنامه های تبلیغی و الهی خویش

فلا یغررک تقلبهم فی البلد

پیامبر(ص) و مسلمانان، در حالی به تبلیغ دین اسلام می پرداختند که کافران در اوج قدرت اقتصادی و سیاسی قرار داشتند. بنابر این هشدار خداوند در آیه شریفه می تواند گویای مطلب یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - قدرت و امکانات مادی کافران و سلطه طلبان، مایه نجات آنان از هلاکت و قهر الهی نخواهد بود.

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً .. هل من محیص

امکانات مادی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۴

۴- برخی از مردم کافر و مشرک در عصر ظهور اسلام، از ثروت و امکانات چشمگیری برخوردار بودند.

لا تمدنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزواجاً منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۱

۱ - برخی از زنان و مردان کافر عصر بعثت (در مکه) از امکانات و ثروت چشمگیری برخوردار بودند.

و لا تمدنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزواجاً منهم

ضمیر <منهم> به کافران بازمی گردد که در آیات پیشین مورد بحث قرار گرفته بودند و از آنجایی که سوره <طه> در مکه نازل شده است، مراد کفار مکه است. <ازواج> یا به معنای مردان و زنانی است که تشکیل خانواده داده اند و یا به معنای

<اصناف> است. <من> در <منهم> برای تبعیض است.

امنیت کافران پناهنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۷

۷ تضمین امنیت کفار محاربی که به منظور آشنایی با اسلام و معارف آن ، پناهنده شوند و بازگرداندن آنان به مراکز امنشان پس از دریافت معارف لازم است .

و إن أحد من المشركين استجارك .. ثم أبلغه مأمنه

اموال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۲، ۴، ۲

۲ فرجام سوء منافقان و کفرپیشگان گذشته تاریخ علی رغم برخورداری آنان از قدرت ، مال و فرزند فزونتر هشدار می‌دهد است به منافقان هر عصر .

وعد الله المنافقين .. كالذين من قبلکم كانوا أشد منكم قوه و أكثر أمولا

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

كانوا أشد منكم قوه و أكثر أمولا و أولداً

۱۲ منافقان و کافران پیشین با همه اتکایی که بر دستاورد های مادی خویش داشتند ، سرانجام همه آنها را فرو نهاده و بی توشه در گذشتند .

كالذين من قبلکم كانوا أشد منكم .. أولئك حبطت أعمالهم فی الدنيا و الآخره

آیه در مقام تحذیر منافقان، سرنوشت پیشینیان را بر آنان می‌نماید که چگونه با همه قدرت در گذشتند و تلاشهای دنیویشان بی نتیجه ماند.

اموال کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۳ - ۶

۶ - تهدید شدن کافران صدراسلام ، به نابودی اموال و درایی های شان

كذلك العذاب .

.. لو كانوا يعلمون

امیدواری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱۷

۱۷ امید کفار و دشمنان اسلام به شکست اسلام، تا پیش از نزول آیه < اليوم یئس الذین کفروا >

اليوم یئس الذین کفروا من دینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۴

۴ - چشمداشت خیر و برکت از نمود های کیفر و عذاب الهی، نشان جهل عمیق کافران *

و إن یروا کسفاً .. یقولوا سحاب مرکوم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <سحاب مرکوم>، اشاره به بُعد خیر آفرینی ابرها داشته باشد، یعنی، کورباطنی کافر به حدی است که پاره های عذاب را ابرهای رحمت می پندارد.

امیدواری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۷

۷ - امیدواری کافران مکه، به پیروزی خود بر پیامبر (ص) از طریق ایجاد هیاهو و فضای ناآرام

و قال الذین کفروا لاتسمعوا .. و الغوا فیه لعلکم تغلبون

انبیا و شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱۶

۱۶- عنایت انبیا به دادن پاسخ منطقی و بی ابهام به شبهات و اشکالات کافران و مخالفان خویش

قالوا إنا كفرنا .. إنا لفي شكِّ ممّا تدعوننا ... قالت رسلهم أفي الله شكِّ ... قا

انبیا و عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۴

۴ خداوند ، پیش از عذاب

کردن اقوام کفرپیشه ، جریان امر را به اطلاع پیامبر آن قوم می رساند .

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ . . . و لما جاءت رسلنا لوطاً ... قالوا يلوٓط إِنَّا رسل ربك

انتظار شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور به صبر و انتظار در خصوص شکست کافران معاند و عذاب شدن آنان

فتولّ عنهم . . . و أبصرهم

توصیه به نظاره کردن بر احوال کافران معاند پس از توصیه به بی اعتنایی به آنان (فتولّ عنهم . .) در حقیقت سفارش به صبر و انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۳

۳ - پیامبر اسلام (ص) ، مأمور به صبر و انتظار در خصوص شکست کافران معاند و عذاب شدن آنان

و تولّ عنهم . . . و أبصر

توصیه به نظاره کردن بر احوال کافران معاند، پس از سفارش به بی اعتنایی به آنان (و تولّ عنهم) در حقیقت، توصیه به صبر و انتظار است.

انتظار عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور به صبر و انتظار در خصوص شکست کافران معاند و عذاب شدن آنان

فتولّ عنهم . . . و أبصرهم

توصیه به نظاره کردن بر احوال کافران معاند پس از توصیه به بی اعتنایی به آنان (فتولّ عنهم . .) در حقیقت سفارش به صبر و

انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۵

۵ - پیامبر (ص) با اضطراب و نگرانی چشم به راه نزول عذاب از جانب خداوند بر مشرکان و کافران بود .

فَإِذَا نَرَيْتَكَ بِعُضِّ الدِّي نَعْدَهُمْ أَوْ نَتُوفِّيَنَّكَ فَاإِنَّا يَرْجِعُونَ

آیه شریفه، در مقام دل‌داری به پیامبر اسلام (ص) است و این، از وجود نوعی نگرانی و ناراحتی در آن حضرت حکایت می‌کند.

انتظارات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، موظف به پاسخگویی به کافران و تبیین نادرستی انتظارات نابه جای آنان بود .

و يقولون متى هذا الفتح .. قل يوم الفتح لا يفتح الذين كفروا إيمانهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳۰ - ۴،۵

۴ - همان گونه که کافران برای شکست دین منتظرند ، مؤمنان نیز برای نابودی کفر ، باید منتظر باشند .

و انتظر إناهم منتظرون

احتمال دارد متعلق انتظار کافران، به قرینه دشمنی آنان با دین، انتظار برای شکست دین خدا باشد.

۵ - کافران ، همواره در کمین شکست و اضمحلال جامعه مؤمنان اند .

إناهم منتظرون

متعلق انتظار کافران، به قرینه دشمنی آنان با مؤمنان، می‌تواند انتظار شکست مؤمنان باشد.

انتظارات کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۷

۷- کافران صدراسلام در انتظار شکست و نابودی اسلام بودند .

قل کلّ متربّص فتربّصوا فستعلمون

انتقام از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۲

۲ - انتقام

الهی از کافران ، پس از احتجاج و اتمام حجت بر آنان
و کذلک ما أرسلنا .. قل أو لو جئکم ... فانتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۱ - ۷

۷ - انتقام از مشرکان و کافران ، سنت تخلف ناپذیر الهی است .

فإننا منهم منتقمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - انتقام الهی ، گریبان گیر کافران و حق ستیزان ، در حیات و یا پس از رحلت پیامبر (ص)

و من يعيش عن ذکر الرحمن .. فإما نذهب .. أو نریئک الذی وعدنهم

۲ - حضور رهبران الهی در جوامع ، مانع از تحقق انتقام الهی نسبت به کافران و حق گریزان نخواهد بود .

أو نریئک الذی وعدنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۶

۶ - < آیام الله > ، روز های ظهور عینی حاکمیت و اقتدار خداوند و انتقام از کافران

لا یرجون آیام الله لیجزی قومًا

از اضافه < آیام > به < الله > ، استفاده می شود که روز های مورد نظر ، آیام ویژه ای است که با سایر روزها تفاوت دارد و اراده الهی در آن ظهور و بروز خاصی می یابد. با توجه به جمله < لیجزی ... > ممکن است چنین برداشت شود که < آیام الله > روز هایی است که خداوند از کافران انتقام می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۱، ۲۰

۲۰- خداوند ، قادر بر انتقام از کافران ، بدون دخالت نیرو های

و لو یشاء الله لانتصر منهم

۲۱- کافران ، مستحق انتقام الهی

و لو یشاء الله لانتصر منهم

مفاد آیه این است که تنها مانع انتقام، مشیت الهی است و گرنه کافران، مستحق انتقام و مجازاتی سخت می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۰ - ۵

۵ - کافر ، هر لحظه در معرض انتقام الهی و نیازمند بازگشت هر چه سریع تر به سوی خداوند

ففرّوا إلى الله

در آیات پیشین انتقام الهی در مورد اقوام کفرپیشه مطرح شده بود. احتمال دارد مخاطب آیه شریفه، کافران باشند که شدیداً در معرض کیفر الهی قرار دارند و نیازمند آن هستند که در اولین فرصت به سوی خداوند شتاب گیرند.

انحراف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۸

۸- کافرانی که در برابر بینات و برهان های روشن انبیا لجاجت کرده و در مقابل آنان ایستادند ، مردمانی جبار و منحرف بودند .

و قال الذین کفروا لرسلم لنخرجنکم . . . و خاب کلّ جبار عنید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۹

۹ - کافران ، گرفتار کجروی و کج اندیشی مداوم اند .

کذلک کانوا یؤفکون

۵ - عدالت خواهی و حق طلبی ، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق ، از اوصاف کافران

و أَنَا مِّنَ الْمَسْلُومِينَ وَمِنَّا الْقَاسِمُونَ

با توجه به معنای <قَشَط> (جور) و نیز تقابل <قاسطون> با <مسلمون>،

مطلب یاد شده به دست می آید.

انحطاط کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۰

۱۰ کافران با کفر خویش ، حیات و عمر خود را تباه می سازند .

انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً و لهم عذاب مهین

عمر طولانی اگر ثمری جز افزایش گناه و گرفتار شدن به عذاب الهی نداشته باشد، عمری تباه و سرمایه ای نابود شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۲

۲ کفرپیشگانی که بر پیمانشان با پیامبر (ص) وفادار نماندند از پست ترین جنبندهگان هستند .

إن شر الدواب .. الذین عهدت منهم ثم ینقضون

<الذین عهدت منهم> می تواند بدل و یا عطف بیان برای <الذین کفروا> در آیه قبل باشد، و نیز می تواند مبتدا و خبر آن <فاما تثقفنهم ..> در آیه بعد باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

اندوه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱

۱ - کافران به وقت زنده شدن و حضور به پیشگاه پروردگار ، به شدت اظهار تأسف و حسرت می کنند .

إلی ربّهم ینسلون . قالوا یویلنا

<یاویلنا> (ای وای بر ما) در جایی به کار می رود که حادثه ای مصیبت بار و تأسف آور، پدید آمده باشد و از آن اظهار تأسف شود.

اندوه بر حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۸،۱۰

۸ - پیامبر (ص)

، به خاطر حق ناپذیری کافران ، بسیار محزون و اندوهگین بود .

و لاتحزن علیهم

۱۰- دلداری و تسلی خداوند به پیامبر (ص) در غم او بر کفرورزی و حق ناپذیری کافران

و لاتحزن علیهم

اندوه بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۴

۲۴ طغیانگران و کفرپیشگان ، شایسته دلسوزی نیستند .

فلاتأس علی القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، شایسته دلسوزی نیستند .

لاتمدنّ عینیک .. و لاتحزن علیهم

حزن و اندوه پیامبر(ص) درباره کافران و مشرکان همان گونه که مفسران گفته اند به خاطر حق ناپذیری آنان بود. نهی شدن پیامبر(ص) از اندوه برای آنان، ممکن است از این جهت باشد که آنان ارزش چنین اندوهی را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۸،۹

۸- اندوهناک بودن پیامبر (ص) بر حال کافران ، در پیشگاه خداوند ، حالتی ستوده و فراتر از حدّ انتظار است .

فلعلّک بخع نفسک علی ءاثرهم إن لم یؤمنوا بهذا الحدیث أسفاً

آیه شریف، گرچه پیامبر(ص) را از این که به سبب اندوه، خود را به هلاکت و مشقت بیندازد، برحذر داشته است، ولی با عنایتی لطیف، از آن، تقدیر کرده است؛ زیرا، اصل تأسف خوردن را مذموم ندانسته، بلکه مرحله ای از آن را غیر لازم شمرده

است.

۹ تأسف خوردن بر حال کافران و سرنوشت بد آنان ، حالت قابل تحسین است .

فلعلک بخع نفسک علی

ءاثرهم .. أسفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳ - ۱

۱ - نگرانی و اندوه شدید پیامبر (ص) به خاطر عدم گرایش کافران به ایمان

لعلک باخع نفسک الایکونوا مؤمنین

واژه <لعل> در مواردی که انتظار وقوع امر ناخوشایندی می رود به معنای اشفاق و بیم داشتن است و <باخع> (مصدر <باخع>) نیز به معنای تباه ساختن و از بین بردن می باشد. بنابراین <لعلک باخع نفسک> یعنی، بیم آن می رود که تو جان خویش را تباه سازی. از این رو معلوم می شود که پیامبر(ص) از این که کافران ایمان نمی آوردند، چنان اندوهگین می شد که ترس آن می رفت که جان خویش را از دست بدهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۰ - ۱

۱ - حزن و اندوه پیامبر (ص) بر حال کافران ، علی رغم مکر و توطئه آنان علیه آن حضرت

و لاتحزن علیهم ولاتکن فی ضیق مما یمکرون

اندوه بر گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر حسرت و اندوه نداشتن بر گمراهی کافران

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت

۱۴ - حسرت و اندوه شدید و همه جانبه پیامبر (ص) ، بر انحراف و گمراهی مردم کافر

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت

آمدن <حسرات> به صورت جمع به جای <حسرت>، بر کثرت و چند جانبه بودن آن دلالت می کند.

اندوه بر هلاکت کافران

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ اندوهناک شدن بر هلاکت کفرپیشگان لجوج ، حتی در صورت خویش و هموطنی با آنان ، امری نکوهیده و ناروا

فکیف ءاسی علی قوم کفرین

اندوه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۶

۶ - شکستگی و حزن و اندوه بی پایان ، فرجام نهایی کافران و مستکبران

حتی إذا فتحنا .. إذا هم فیه مبلسون

انذار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۱

۱ - انذار های پیامبر (ص) در منکران قرآن و کافران به آن ، بی تأثیر بود .

إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم

<انذار> (مصدر انذرت) به معنای خبر دادن و مطلع ساختن از چیزی است که باید از آن ترسید و دوری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۴

۴ پیامبران ، کفرپیشگان امت خویش را به نزول عذاب های الهی هشدار می دادند .

و ظنوا أنهم قد کذبوا

ضمیرهای جمع در جمله <ظنوا ..> به <الذین> در آیه قبل برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۲

۱۲- گرفتار شدن به سرنوشت شوم ، تهدید خداوند به کافرانِ هدایت ناپذیر

ذره‌م ... فسوف يعلمون

براشت فوق، بنابراین احتمال است که مفعولٌ به و متعلق علم در <يعلمون> عاقبت امر و سرنوشت آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۹

۱۰- کافران منکر حقانیت قرآن ، به عذاب استیصال تهدید شدند .

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي أمر ربك كذلك فعل الذين من قبلهم ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰ - ۴

۴- تهدید کافران به عذاب دوزخ ، بشارتی به مؤمنان است .

و يبشر المؤمنين .. و أن الذين لا يؤمنون بالأخرة أعتدنا لهم عذاباً أليماً

جمله <و أن الذين لا يؤمنون بالأخرة> عطف بر جمله <أن لهم أجراً كبيراً> است؛ یعنی، خدا دو بشارت به مؤمنان می دهد:

۱- اجر بزرگ برای آنان، ۲- آماده کردن عذاب برای کافران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۲

۲- بیم دادن کافران از خطر هلاکت با عذابی از جانب خداوند ، از وظایف پیامبر (ص)

و لو أننا أهلكنهم بعذاب .. قل كل متربص فتربصوا فستعلمون

<تربص> به معنای <انتظار> است (مصباح). فرمان <قل> به پیامبر(ص)، بیانگر وظیفه داشتن آن حضرت در ابلاغ این نکته به کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۱، ۱۰

۱۰- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران حق ناپذیر را به عذاب الهی تهدید کرد .

إن أدری أقریب أم بعید ما توعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون>، عذاب الهی در دنیا و یا آخرت باشد.

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد

و إن أدرى أقرب أم بعيد ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی است که جمله <أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۶

۶ - همراهی مؤمنان با پیامبر (ص) در تبلیغ دین و انذار کافران

و يقولون متی هذا الوعد إن كنتم صدقین

از این که کافران، در درخواست خود مؤمنان را مورد خطاب قرار داده اند، استفاده می شود که پیروان پیامبر(ص) نیز در تبلیغ دین و دفاع از آن، شرکت گسترده داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۴

۴ - هشدار خداوند به کافران به عالم آخرت ، مبنی بر این که آنان در احاطه کامل مأموران الهی اند .

الذین لایؤمنون بالأخره . . . أفلم یروا إلی ما بین أیدیهم و ما خلفهم

<فا> در <أفلم یروا> تفریع بر <بل الذین لایؤمنون..> است. توجه دادن به این که پشت سرشان آسمان و زمین است، کنایه از احاطه مأموران الهی (آسمان زمین) بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۳ - ۱

۱ - مسؤولیت پیامبر (ص) در برابر مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر در صدراسلام ، تنها انذار و هشدار بود .

و ما أنت بمسمع من فی القبور . إن أنت إلا نذیر

حصر در این آیه با توجه به آیات پیشین

از نوع حصر اضافی و در ارتباط با کافران و مشرکان لجوج است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - آمدن نذیر و هشدار دهنده از جانب خداوند در دنیا، برای کافران محکوم به دوزخ

و جاء کم النذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۳ - ۱،۲،۳

۱ - نگرستن به فرجام کافران انداز شده از سوی رسولان پیشین، توصیه خداوند به پیامبر اسلام (ص)

فانظر کیف کان عقبه المنذرین

۲ - کافران لجوج انداز شده از سوی رسولان الهی، به سرنوشت شومی دچار شدند.

فانظر کیف کان عقبه المنذرین

توصیه خداوند به نگرستن در سرنوشت کافران لجوج انداز شده از سوی پیامبران، گویای این حقیقت است که سرنوشت آنان، چنان شوم بوده که می تواند مایه درس آموزی و شایسته دقت و مطالعه باشد.

۳ - لزوم تأمل و اندیشه در سرنوشت شوم کافران متعصب و لجوجی که از سوی پیامبران پیشین انداز شده اند.

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۳

۳ - کافران و مشرکان تهدید شده به عذاب الهی، از پیش انداز و اخطار شده و اتمام حجت شده بودند.

فساء صباح المنذرین

منظور از <منذرین> (اخطار شدگان) کافران و مشرکان اند. این تعبیر می رساند که آنان از سوی پیامبر اسلام و قرآن، انداز و اخطار شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ -

۱۵- قرآن ، پیام دار انذار و هشدار به کافران

تنزیل الکتب . .. و الذین کفروا عمّا أُنذروا معرضون

از ارتباط این آیه با آیه قبل که در آن مسأله نزول کتاب مطرح شده استفاده می شود که روی گردانی کافران، از انذارهایی است که در متن <کتاب> صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۱

۱ شگفتی بیجای کافران ، از آمدن فردی از جنس خودشان ، برای انذار ایشان

بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۵

۵ - قوت کاستی ناپذیر خداوند ، نویدی به مؤمنان و تهدیدی برای کافران است .

ذوالقوّه المتین . فَإِنَّ لِلذِّينِ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ

تأکید بر قدرت الهی (ذوالقوّه المتین) از یک سو نوید به عبادت گران و از سوی دیگر تهدید برای ظالمانی است که در کیفر الهی استعجال دارند و مهلت الهی را به معنای ضعف او می پندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۶

۶ - همراهی مؤمنان با پیامبر (ص) ، در تبلیغ دین و انذار کافران

إن كنتم صدقین

از این که در درخواست کافران، مؤمنان مورد خطاب قرار گرفته اند، استفاده می شود که پیروان پیامبر اسلام(ص) نیز در تبلیغ دین و دفاع از آن، شرکت گسترده ای داشته اند.

انذار کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۵۹ - ۶

۶- گرفتاری به عذاب هلاکت بار

، هشدار خداوند به گنه کاران و کافران و ستم پیشگان عصر بعثت بود .

و تلك القرى أهلكنهم لما ظلموا وجعلنا لمهلكهم موعداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۳

۳- خداوند ، کافران صدراسلام را به عذاب استیصال تهدید کرد .

و إذا تتلى .. قال الذين كفروا ... و کم أهلکنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۵

۵- خداوند ، کافران لجوج عصر بعثت را به عذاب دنیوی در زمانی مناسب هشدار داد .

فلا تعجل علیهم إنّما نعدّ لهم عدّاً

عبارت <إنّما نعدّ لهم عدّاً> حاوی مفهوم تعلیل است؛ یعنی، هدف بالا رفتن ارقام است و روزی، شمارش به نقطه مورد نظر خواهد رسید و پس از آن، عذاب حتمی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۵

۵- خداوند ، کافران و مشرکان متعصب و سرسخت عصر بعثت را به نابودی و عذاب استیصال ، تهدید کرد .

و تنذر به قومًا لئلا . و کم أهلکنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۱

۱ - تهدید شدن کافران و تکذیب گران عصر بعثت ، به عذاب استیصال

و إن یکذبوک .. و يستعجلونک بالعذاب

<ال> در <العذاب> برای عهد و اشاره به عذابی است که به مشرکان تکذیب گر وعده داده شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۵

- تهدید کفری‌شکان صدر اسلام به عذاب استیصال

أو يأتيهم عذاب يوم عقيم

مراد از <عذاب> در جمله فوق عذاب استیصال است. اضافه <عذاب> به <يوم>، اضافه ظرفیه و به تقدیر <عذاب فی يوم عقيم> می باشد. <عقيم> نیز صفت <يوم> و به معنای نازا است. توصیف <يوم> به <عقيم>، بدان جهت است که روزی که عذاب استیصال نازل شود، آن روز، آخرین روز زندگی کافران خواهد بود و برای آنان روز دیگری در پی نخواهد آمد.

انذار کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۳

۳- هشدار خداوند به کافران هدایت ناپذیر مکه، مبنی بر اینکه مهلت دادن به آنان به معنای تداوم بخشیدن به زندگیشان نیست؛ بلکه همواره در معرض هلاکتند.

ربما يوّد الذين كفروا لو كانوا مسلمين. ذرهم ... فسوف يعلمون. و ما اهلکنا من قریه

ذکر این آیه، پس از تهدید <فسوف يعلمون> احتمالاً برای دفع اشکال مقدر می باشد و آن اشکال این است که: کفار پس از مهلت یافتن با امر <ذرهم یا کلوا..> چنین نپندارند که زندگیشان ادامه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۳

۱۳- هشدار خداوند به کافران استهزاگر مکه

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة .. كذلك فعل الذين من قبلهم ... فأصابهم سيئات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱

۱ - هشدار خداوند به کفار مکه، مبنی بر پیروزی نزدیک مسلمانان بر آنان

سنريهم ءايتنا في الأفاق و في أنفسهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این

نکته است که مراد از ضمیر <هم> به قرینه آیه قبل (ثم کفرتم) کفار مکه بوده و مقصود از <آفاق> نواحی زمین و از <أنفس> مردم سرزمین جزیره العرب باشد. بنا بر این جمله <سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی أنفسهم> می تواند اشاره به پیروزی مسلمانان بر کافران داشته باشد.

انصاف با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - رعایت انصاف و حقوق مالی انسان ها ، حتی کافران ، در احکام شریعت

و ءاتوهم ما أنفقوا

انفاق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۷ - ۱۰، ۷، ۵، ۳، ۱

۱ آنچه اهل کفر در این دنیا انفاق می کنند ، همچون باد سرد سُوزانی است که بر زراعت قوم ستمکارِ بر خویش بوزد و آن را نابود سازد .

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا .. فاهلکته

۳ تباهی امکانات مادی ، ثمره انفاق های کافران

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا کمثل ریح فیها صرّ اصابت حرث قوم ظلموا انفسهم

۵ بی ثمر بودن انفاق های اهل کفر ، نمونه ای از کارا نبودن امکانات مادی ، در بی نیاز ساختن آنان از خدا

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم .. من الله ... مثل ما ینفقون ... کمثل ری

۷ انگیزه کافران در انفاق های خویش ، رسیدن به زندگی پست دنیاست . *

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا

تقیید انفاق به حیات دنیا، می تواند گویای انگیزه کافران به انفاق در محدوده حیات دنیا باشد.

(اعمال خیر) و دستاورد های اهل کفر ، ناشی از عملکرد آنان است و نه از جانب خداوند .

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا کمثل ریح فیها صرّ اصابت حرث قوم . . . و ما ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱،۲،۳

۱ جوامع کفرپیشه همواره مهیای صرف دارایی های خویش برای جلوگیری از گسترش اسلام

إن الذین کفروا ینفقون اموالهم لیصدوا

انفاق مال به معنای مصرف کردن دارایی و هزینه کردن آن است و مراد از <ینفقون>، به قرینه <سینفقونها>، که اخبار از تحقق سرمایه گذاری است، بیان حالت کافران می باشد. یعنی کافران برای جلوگیری از انتشار اسلام آماده سرمایه گذاری هستند و از انفاق مال دریغی ندارند.

۲ خداوند مسلمانان را از سرمایه گذاری های کلان کافران قریش برای هجوم به مسلمانان و جلوگیری از گسترش اسلام آگاه ساخت .

فسینفقونها ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

جمع مضاف <امولهم> دلالت بر عموم دارد ؛ یعنی تمامی داراییهایشان و این اشاره به پرداخت هزینه های فراوان است. گفتنی است توجه به سیاق آیه مورد بحث و آیات قبل این سخن مفسران را تأیید می کند که آیه شریفه درباره کفار قریش نازل شده است.

۳ تلاش کافران و صرف هزینه های کلان برای جلوگیری از گسترش اسلام ، بی اثر است .

ثم تکون علیهم حسره

انقیاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۹

۹- کافران به هنگام مرگ ، تسلیم و منقاد می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ... فألقوا السلم

انگیزه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۱

۱- آگاهی کامل خداوند ، به هدف ها و انگیزه های کافران در گوش فرا دادن به کلمات پیامبر (ص)

نحن أعلم بما يستمعون به

<با> در <بما> برای سببیت است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما به غرض و انگیزه ای که کافران به خاطر آن به سخنان پیامبر(ص) گوش فرامی دهند علم داریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۸

۸ - حق ستیزی ، انگیزه اصلی بیشتر کافران منکر قرآن و پیامبر (ص) بود ، نه ناشناخته بودن حقانیت آن دو برای آنها .

أم يقولون به جَنَّةٌ ... و أكثرهم للحقّ كرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۳

۳ - کافران ، با همان انگیزه و ملاکی که به دشمنی با خدا برخاسته اند ، دشمن مؤمنان و جامعه اسلامی نیز خواهند بود .

عدوی و عدوکم

تکرار <عدو> و تقدم <عدوی> بر <عدوکم>، در حقیقت مؤمنان را متوجه این موضوع می کند که خویش را از دشمنی دشمنان خدا ایمن نپندارند؛ زیرا آنان با همان انگیزه و ملاک که دشمن خدایند، دشمن مؤمنان نیز هستند.

انگیزه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱۰

۱۰- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ؛ بلکه انگیزه نفسانی روانی داشت .

وإذا ذكرت ربك في القرآن

وحده ولّوا علی أدبرهم نفورًا

<نفرت> از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

اولاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ مال و اولاد کافران، آنان را هرگز از آتش دوزخ و عذاب الهی دور نخواهد ساخت .

لن تغنی عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيئاً

<من الله>، یعنی از عذاب الهی، به قرینه <اولئک هم وقود النار>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱،۲

۱ اموال و فرزندان اهل کفر، نمی تواند آنها را از کیفر خداوند برهاند .

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيئاً

<اغنی> هنگامی که با <عن> متعدی شود، به معنای <دفع> می آید. لذا <لن تُغنی>، یعنی نمی رهاوند. (روح المعانی).

۲ اموال و اولاد، تنها تکیه گاه به هنگام ذلت و ابتلای به غضب الهی، از دیدگاه اهل کفر

ضربت عليهم الذلّة .. و باءو بغضب من الله ... انّ الذین کفروا لن تغنی

ظاهراً منظور از <الذین کفروا>، همان جناح اهل کتاب هستند که در آیات سابق وضعیت آنان بیان شد.

اهداف صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۳

۳ مسلمانان نباید در پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران هدفی جز دستیابی به زندگی مسالمت آمیز با کافران داشته باشند

*.

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با

توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید. مقصود این است که مسلمانان نباید صلح را به خاطر تجدید قوا و مانند آن بپذیرند.

اهداف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۷

۷ آسیب رساندن به جامعه اسلامی، در رأس آرمان ها و اهداف منافقان و کافران

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً

برداشت فوق با توجه به این است که در رأس همه اهداف <ضراراً> مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۵

۵- خوردن، لذت بردن و برخوردار شدن از متاع ها و لذت های دنیوی و غوطهور شدن در آرزو های واهی، هدف و مقصد اعلای کافران است.

ذره م يأكلوا و يتمتعوا و يلهم الأمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۲

۲ - کافران، تکذیب قرآن را ابزار رسیدن به اهدافی ساخته بودند که آن را اظهار نمی کردند.

بل الذین کفروا یکذبون . و اللّٰه أعلم بما یوعون

از مصادیق <مایوعون>، نیت ها و مقاصدی است که کافران، تکذیب قرآن را وسیله رسیدن به آن مقاصد کرده بودند.

اهل کتاب و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۲

۲ همسویی اهل کتاب (یهود) با کافران و تصدیق عقاید آنان ، برخاسته از حسادتشان به پیامبر (ص) و مسلمانان

يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلا .. يحسدون الناس

جمله < ام يحسدون .. >

بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۵

۵ برخی از اهل کتاب همسو با کافران ، در رویارویی با اسلام

لا تتخذوا الذین .. من الذین اوتوا الکتب من قبلکم و الکفار اولیاء

اهمیت آگاهی به روحیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ پیامبر(ص) وظیفه دار شناخت دقیق روحيات و ویژگیهای کافران و چگونگی موضعگیریهای آنها در برابر هدایت است.

و إن کان کبر .. فلا تکنن من الجهلین

بیان ویژگی هدایت ناپذیری برخی کافران و لحن توییخ گونه آیه نسبت به پیامبر(ص)، بیانگر این است که پیامبر(ص)، علی رغم میل به هدایت کردن همه مردم، باید واقعیت هدایت ناپذیری برخی از کفار را پذیرفته و آن را در برنامه های خود در نظر گیرد.

اهمیت برخورد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۷

۷ نرزش نشان ندادن به کافران و قطع طمع آنان از تعرض و سلطه بر مؤمنان ، امری لازم و ضروری است .

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

اهمیت تذکر به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - توجه دادن کافران به کمبود فرصت ، از راه کارهای مبارزه قرآن

با کفر

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا

جمله <يقول الكافر..> در ذیل آیه - گویای آن است که روی خطاب در <أندرناکم>، با کافران است.

اهمیت حقوق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - رعایت انصاف و حقوق مالی انسان ها ، حتی کافران ، در احکام شریعت

و ءاتوهم ما أنفقوا

اهمیت رد خواسته های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۱

۱ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به اجابت خواسته های کافران تکذیب گر و سازش و مسامحه با آنان ، به صرف

ثروت و نیروی انسانی بسیار آنان

و لاتطع کلّ حلاّف .. أن كان ذا مال و بنين

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <أن كان ذا مال ..> متعلق به <لا-تطع> باشد. گفتنی است در آغاز

<أن> لام تعلیل در تقدیر است.

اهمیت زمین گیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۴

۴- لزوم کشتن کافران و امان ندادن به آنان ، در میدان جنگ تا مرحله زمین گیر شدن دشمن

فضرب الرقاب حتّى إذا أشختموهم

آیه شریفه در مجموع بیانگر یکی از قوانین کارآمد و حیاتی در میدان جنگ است. خداوند، به رزمندگان مسلمان رهنمود داده است تا قبل از غلبه یافتن بر دشمن و زمین گیر ساختن او، اقدام به گرفتن اسیر نکنند؛ بلکه بی درنگ هر دشمنی که در مقابلشان قرار گرفت، بکشند.

اهمیت سختگیری بر کافران

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۷

۷ نرزش نشان ندادن به کافران و قطع طمع آنان از تعرض و سلطه بر مؤمنان ، امری لازم و ضروری است .

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

اهمیت عفو از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱۴

۱۴- گذشت و برخورد کریمانه با دشمنان و کافران در ابتدای نهضت اسلامی و تبلیغات دینی ، امری لازم و بایسته است .

فاصفح الصفح الجمیل

نزول آیه فوق که از گذشت و عفو سخن به میان آورده است (در نیمه اول بعثت) و از جانب دیگر دستور به برخورد شدید با کافران و دشمنان در مدینه (نیمه دوم بعثت) می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

اهمیت قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۴

۴- لزوم کشتن کافران و امان ندادن به آنان ، در میدان جنگ تا مرحله زمین گیر شدن دشمن

فضرب الرقاب حتی إذا أختتموهم

آیه شریفه در مجموع بیانگر یکی از قوانین کارآمد و حیاتی در میدان جنگ است. خداوند، به رزمندگان مسلمان رهنمود داده است تا قبل از غلبه یافتن بر دشمن و زمین گیر ساختن او، اقدام به گرفتن اسیر نکنند؛ بلکه بی درنگ هر دشمنی که در مقابلشان قرار گرفت، بکشند.

اهمیت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - مصلحت بقای نسل انسان ها و حیات در زمین ، مهم تر از مصلحت

عقوبت دنیایی بندگان گنه کار و کافران

و لو يؤخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك على ظهورها من دابته ولكن يؤخّرهم إلى آج

اهمیت مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۹

۱۹- امت اسلامی ، موظف به نبرد بی امان با جبهه کفر تا فرونشاندن شعله های شرارت آنان

فشدوا الوثاق ... حتى تضع الحرب أوزارها

خطاب آیه، می تواند به امت اسلامی در همه زمان ها باشد؛ یعنی، هرگاه جبهه کفر با اسلام به ستیز برخاست، مسلمانان موظف اند تا مرحله خلع سلاح جبهه کفر به مبارزه ادامه دهند. این مطلب از ملاک های که آیه به دست داده است (أثختموهم ... تضع الحرب) استفاده می شود.

اهمیت موضعگیری علیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۴ - ۹

۹ - ناخوشایندی کافران و دگراندیشان ، نباید مانع اظهار حق در اصول دین و موجب دست برداشتن از مواضع اصولی در نهضت توحیدی شود .

فادعوا الله مخلصين له الدين و لو كره الكفرون

اهمیت هدایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۲

۲- پیامبر (ص) وظیفه دار متمرکز کردن تمامی توجه خویش به کافران برای هدایت آنان بدون توجه به امکانات فراوان دنیوی آنها

لَا تَمُدَّنْ عَيْنِيَكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

برای آیه فوق احتمالاتی ذکر شده است و برداشت فوق بر این احتمال است که مراد از >لَا تَمُدَّنْ عَيْنِيَكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا< این باشد که: به ذهنت خطور نکند که

چرا کافران دشمن خدا از امکانات دنیوی زیادی برخوردار هستند؟ و با این فکر خود را به آن امکانات مشغول بکنی و از هدف اصلی باز بمانی؛ بلکه توجه خود را معطوف به خود آنان کن.

اهمیت هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۷

۷- لزوم اهتمام رزمندگان مسلمان، به نابودی سپاه کفر در مرحله نخست و نیندیشیدن به دیگر منافع و غنائم*

حتی إذا أختتموهم فشدوا الوثاق

گرایش به گرفتن اسیر، در یک احتمال ناشی از برخی تمایلات منفعت طلبانه و غنیمت جویانه بوده است. از این جهت خداوند، رزمندگان را از آن منع کرده و به هدف اصلی توجه داده است.

اهمیت یأس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۲

۲- باید کافران را از طمع در ایمان مردم مأیوس کرد و زمینه های موفقیت کافران در فریب مؤمنان را از بین برد.

فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

چنان که مفسران گفته اند: نهی <فلا یصدنک> گرچه ظاهراً متوجه کافران است، ولی در حقیقت نهی از ایجاد سبب است؛ یعنی تو ای موسی و دیگر مؤمنان نباید به گونه ای عمل کنید که کافران بتوانند شما را از ایمان بازدارند.

ایمان اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۳

۳- ایمان کافران، در قیامت، ایمانی بی حاصل و غیر سودمند به حال آنان است.

یوم الفتح لاینفع الذین کفروا إیمنهم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مراد از γ یوم

الفتح < روز قیامت است.

ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۷

۱۷ ایمان آوردن کافران ، به هنگام رویارویی با عذاب دردناک الهی ، بی ثمر بوده و مورد قبول خداوند واقع نخواهد شد .

و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۴

۴- اظهار ایمان کافران ، در تنگنای عذاب ادعایی دروغین و غیر قابل اعتماد

أَنی لهم الذکری

برداشت بالا- بنابراین نکته است که تعبیر <أَنی لهم الذکری> در صدد نفی اثر نباشد بلکه در مقام تحلیل و تفسیر ادعای ایمان کافران در شرایط عذاب باشد، به این که اینان هر چند مدعی ایمان می شوند اما آنان کجا و ایمان کجا؟ آنان راهی به سوی ایمان باز نگذاشته اند.

ایمان کافران طغیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۸

۱۸ اگر مشیت خداوند تعلق گیرد کافران لجاجت پیشه و طغیانگر نیز ایمان خواهند آورد.

ما کانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله

ایمان کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۸

۱۸ اگر مشیت خداوند تعلق گیرد کافران لجاجت پیشه و طغیانگر نیز ایمان خواهند آورد.

ما كانوا ليؤمنوا إلا أن يشاء الله

ایمان کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۴،۵،۷

۴ - ایمان ، از همگان حتی کفرپیشگان محارب پذیرفته است .

فإن انتهوا فإن الله غفور رحيم

برداشت

فوق مبتنی بر این است که متعلق <إنتهوا> کفر و شرک باشد. بنابراین <فإن انتهوا...> یعنی، اگر کافران و مشرکان دست از کفر و شرک برداشتند و ایمان آوردند. بر این مبنا جمله <فإن الله...> گویای دو معناست: ۱ پذیرش ایمان آنان، ۲ آموزش خطاهای گذشته شان.

۵- در صورتی که کافران محارب ایمان آورند، نباید بر خطاهای پیشینشان (کشتن مسلمانان، فتنه انگیزی و...) مورد مؤاخذه قرار گیرند.

فإن انتهوا فإن الله غفور رحيم

۷- آموزش گناهان کافران محارب، پس از ایمان آوردن آنان، پرتوی از مغفرت و رحمت الهی است.

فإن انتهوا فإن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- انفال - ۸ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان اگر ایمان آورند، حتی در صورتی که علیه پیامبر (ص) جنگیده باشند، مشمول رحمت و مغفرت الهی خواهند شد.

إن يعلم الله... يغفر لكم

ایمان نسل کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳۰

۳۰- وجود مؤمنانی در نسل و صلب کافران مکه، مانع نزول عذاب الهی بر آنان *

لولا رجال مؤمنون... لم تعلموهم... لو تزیلوا لعذبنا الذين كفروا منهم عذابًا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از مردان و زنان مؤمن در آیه شریفه، فرزندان باشند که از کافران مکه تولد خواهند یافت و به ایمان خواهند گروید. آنچه مؤید این احتمال است، تعبیر <لم تعلموهم> و نیز <لو تزیلوا> می باشد زیرا <لو> امتناعیه،

تفکیک ناپذیری نسل مؤمن از کافران عصر بعثت را می رساند.

ایمان و دوستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۴

۴ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن ناسازگار با گزینش کافران برای دوستی و ولایت

و لو كانوا یؤمنون بالله و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

ایمان و ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۴

۴ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن ناسازگار با گزینش کافران برای دوستی و ولایت

و لو كانوا یؤمنون بالله و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

بت پرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، دعوت برخی کافران را به ترک شرک و بت پرستی ، بی ثمر دانست و آنها را به حال خود رها ساخت .

لکم دینکم

بدترین عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۵

۵ - بدترین عمل کافران ، مبارزه با قرآن و تلاش در جهت محروم ساختن مردم از دستیابی به معارف آن است .

وقال الذين كفروا لاتسمعوا... ولنجزينهم أسوأ الذي كانوا يعملون

بدترین کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۸

۸ - بنی اسرائیل در صورت کفر به قرآن ، نکوهیده ترین و ناشایسته ترین

کافران در پیشگاه خداوند خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق مبتنی بر دو مقدمه روشن است: ۱ <أول> بودن در جمله <ولا تکونوا ..> به اعتبار رتبه و منزلت است، نه به لحاظ زمان؛ ۲ <أول> بودن قید توضیحی است، نه احترازی. بر این اساس جمله <ولا تکونوا...>؛ یعنی، و به قرآن کافر نشوید که در این صورت اولین رتبه کفر از آن شما خواهد بود.

بدخواهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۳

۳ - کافران ، در آرزوی مرگ پیامبر (ص) و مؤمنان و شکست اسلام به سر می بردند .

قل أریتم إن أهلكنی اللّٰه و من معی

مفسران (صاحب مجمع البیان، تفسیر کبیر و ..) نوشته اند: این آیه و آیات مشابه آن (مانند آیه ۳۰ سوره <طور> و آیه ۱۲ سوره <فتح>)، اشاره به این حقیقت تاریخی دارد که کافران و مشرکان، پیوسته در آرزوی مرگ پیامبر(ص) و مؤمنان و در نتیجه شکست کامل اسلام، به سر می بردند.

بدکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۵

۵ - کافران ، مردمی بدکارند .

أم حسب الذین یعملون السیئات أن یسبقونا

برادران کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۲

۲ - منافقان ، برادر کافران و دارای رمز و راز با ایشان

الذین نافقوا یقولون لإخوانهم الذین کفروا

برتری موحدان بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۵ مؤمنان و موحدان ، هرگز همسان کافران و مشرکان نخواهند بود ، همان طور که بینایان و شنوایان هم طراز کران و کوران نمی باشند .

هل یستویان مثلاً

برتری مؤمنان بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۵

۵ مؤمنان و موحدان ، هرگز همسان کافران و مشرکان نخواهند بود ، همان طور که بینایان و شنوایان هم طراز کران و کوران نمی باشند .

هل یستویان مثلاً

برخورد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۹

۹ عشق به خدا و محبوب وی شدن ، فروتنی در برابر اهل ایمان و سرفرازی در مقابل کافران ، از صفات مؤمنان واقعی

فسوف یأتی الله بقوم .. اعزه علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۴

۴ لزوم برخورد شدید و بدون ترحم ، با کافران و منافقان حق ستیز

و اغلظ علیهم

برخورد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ شکست در پیکار احد ، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و یا منافقان ، علیه اسلام ، پیامبر (ص) و مسلمانان

یا ایها الذین امنوا لا تکونوا کالذین کفروا و قالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و م

کشته شدن عدّه ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و یا منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف

بودند، ماجرای احد و کشته های فراوان

آن را حربه تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می گفتند اگر نظر ما را می پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی شدند، این حوادث ناگوار پیش نمی آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۲

۲ - کافران ، در طول تاریخ دارای فرجامی مشابه و خصلت ها و مواضعی همگون

و لقد أهلكنا أشياعكم

<أشيع> جمع <شيعه> است و در این جا معادل امثال و اشباه به کار رفته است یعنی، امثال شما در کفر و الحاد.

بشارت پیروزی بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۵

۵ - بشارت و دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در خصوص پیروزی نهایی آنان بر کافران و مشرکان

و لقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين . . . و إنّ جنودنا لهم الغلبون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیات شریفه که در شرایط دوران مکه نازل شده است در صدد دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت و نیز بشارت پیروزی به آنان است.

بشارت ذلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۳

۳- ذلت و ناکامی نهایی کافران ، نویدی به مؤمنان مجاهد

و الذين كفروا فتعسّأ لهم و أضلّ أعمالهم

با توجه به ارتباط آیات که جهت گیری اصلی آن، دعوت از مؤمنان به جهاد در راه خدا علیه کافران است از جمله <فتعسّأ..> مطلب بالا استفاده می شود.

بشارت شکست کافران

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۵

۵ - نوید خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر دگرگون ساختن وضع مکه و غلبه دادن توحید و ایمان بر شرک و کفر (به هنگام بازگرداندن مجدد وی به آن شهر)

لرَادُكْ إِلَىٰ مَعَادِ

<معاد> در آیه، نکره موصوفه است که صفت آن حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لرَادُكْ إِلَىٰ مَعَادِ غَيْرِ مَا هُوَ الْآنَ؛ ترا به شهری بازمی گرداند که وضع آن غیر از وضعی باشد که الآن دارد>. بنابراین تعبیر یاد شده به بازگشت فاتحانه پیامبر(ص) به مکه و دگرگون شدن اوضاع آن شهر با ورود آن حضرت اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵ - ۱

۱ - بشارت به پیروزی پیامبراسلام (ص) بر کافران

فستبصر

آیه شریفه، بشارت و تهدید است؛ بشارت پیروزی پیامبراسلام (فستبصر) و تهدید کافران به شکست و نابودی (و یبصرون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۲

۲ - پیشگویی قرآن و بشارت خداوند به شکست خفت بار کافران تکذیب گر

سنسمه علی الخراطوم

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که آیه شریفه درصدد پیشگویی و بشارت به شکست ذلت بار کافران در جنگ های آتی است.

بصیرت ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - کافران ، از سوی خداوند ، به خاطر بصیرت نیافتن از مشاهده آیات گسترده الهی در زمین ، سرزنش شده اند .

أولم یروا أنّا نسوق .

.. فنخرج ... تأكل منه... أفلا يبصرون

بطلان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۳

۳ توان و امکانات مادی کافران ، دلیلی بر حَقائیت آنان نیست .

لا يَغْرَنكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ. متاع قليل ثم ماويهم جهنم

تصریح به اندک بودن بهره مندی کافران در دنیا و یادآوری فرجام شوم آنان، اشاره به این معنا دارد که شوکت ظاهری آنان، نه به خاطر تقریبشان در پیشگاه خداوند است و نه نشانه حَقائیت آنان.

بغض اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۲

۲ - بغض و دشمنی شدید کافران حق ناپذیر با خویشان در قیامت

من مقتکم أنفسکم

بغض کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۳

۳ - بغض و دشمنی خداوند با کافران حق ناپذیر ، بیشتر و شدیدتر از بغض و دشمنی کافران نسبت به خویشان است .

لمقت الله أكبر من مقتکم أنفسکم

بقای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - جهان ، هیچ گاه خالی از کافران نخواهد بود .

و لو شاء الله لجعلهم أمه وحده

بنی اسرائیل و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۹

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا .. تری كثيراً منهم يتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث

یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۲،۳

۲ روابط ولایی و دوستانه بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) با کافران

ما اتخذوهم أولیاء

۳ بنی اسرائیل در صورت ایمان به خدا، پیامبر (ص) و قرآن خود را به ولایت و دوستی کافران آلوده نمی ساختند.

و لو كانوا یؤمنون بالله و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۴

۴ بنی اسرائیل، مایل نبودند در سرزمین کفر و در جوار کافران، زندگی کنند.

و نجنا برحمتك من القوم الكفرین

بنی اسرائیل و نجات از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۱

۱ درخواست مؤمنان قوم موسی از خداوند، برای نجات از گروه کفرپیشه

ربنا لا تجعلنا فتنه . . . و نجنا برحمتك من القوم الكفرین

بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۱،۲

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر(ص)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل عليه ملك و لو أنزلنا ملكا لقضى الأمر

۲ گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر(ص)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

و لو أنزلنا ملكا لقضى الأمر ثم لا ينظرون

حرف <لو> غالباً در مواردی

به کار گرفته می شود که شرط، امری غیر عملی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۰، ۳، ۲

۲ درخواست نزول فرشته به عنوان پیامبر، از بهانه های کفرپیشگان

و لو جعلنه ملکا

جمله <و لو جعلناه ملکا...> می تواند منقطع از آیه قبل بوده و جواب از درخواست دیگر کفار، که فرستادن فرشته به عنوان پیامبر است، باشد.

۳ گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر(ص)، با درخواست معجزاتی غیر عملی

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

۱۰ بقای مغالطه کاری و بهانه جوییهای کافران، حتی در صورت انتخاب پیامبر از میان فرشتگان

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا و للبسنا علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۵

۵ بهانه جویی و اتهام کافران نباید سبب نگرانی و تزلزل مؤمنان گردد.

و ليقولوا درست... اتبع ما أوحى اليك

فرمان به اتباع از وحی، پس از اشاره به شبهات کافران، تأکیدی بر لزوم استقامت مؤمنان در برابر شبهات کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۲

۲- بشر بودن رسولان الهی، تنها دستاویز عمده برای بهانه جویی های مخالفان کافر و مشرک جهت ایمان نیاوردن به آنان

و قالوا لن نؤمن لك حتى... إلا أن قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۷

۷ - تاریخ گذشتگان و تحلیل آن ، دست آویز کافران و ناباوران به معارف الهی ،

برای رد و انکار ایمان و توحید

قال فما بال القرون الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۱

۱- تدریجی نازل شدن قرآن ، بهانه و دستاویز کافران برای مخالفت با آن

و قال الذین کفروا لولا نزل علیه القرآن جمله وحده

مجموعه اشیاى به هم پیوسته و بدون فاصله از هم را <جمله> گویند. بنابراین <جمله> در آیه شریفه، به معنای <مجتمعاً> (باهم و دسته جمعی) می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۷

۷ خداوند ، همواره حامی پیامبر (ص) در برابر بهانه تراشی ها و سخنان شبهه آلود و باطل کفار و دشمنان

و لا یأتونک بمثل إلا جئناک بالحقّ و أحسن تفسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۵

۵ - تحقق نیافتن قیامت پس از گذشت زمان ها و اعصار طولانی ، دستاویز کافران برای انکار آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین

طرح پیشینه طولانی عقیده به معاد، ظاهراً تلاشی است از سوی کافران برای بیان این که اگر واقعاً وعده رستاخیز حق بود، باید تاکنون محقق می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۵۸، ۳

۳ - کفرپیشگان حق ستیز ، منکر آسمانی بودن قرآن به بهانه عدم نزول دفعی آن

قالوا لولا أوتى مثل ما أوتى موسى

مقصود از <ما أوتى موسى> تورات است که یکباره نازل شده بود، یعنی، چرا قرآن مانند تورات، یکباره نازل نشده است؟

۵ - نزول دفعی قرآن همانند

تورات ، شرط پیشنهادی کافران برای قبول رسالت پیامبر (ص)

فلما جاءهم الحق من عندنا

۸- انکار پیشین تورات از سوی کافران ، نشانه بهانه جویی و عدم صداقت آنان در پیشنهاد خویش

أولم يكفروا بما أوتى موسى من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۸

۸- کافران ، در قیامت بهانه می آورند که در دنیا ، فرصت لازم را برای ایمان آوردن نداشته اند . *

و يوم تقوم الساعة يقسم المجرمون ما لبثوا غير ساعة

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مکانی که کافران مجرم، از آن سخن می گویند، دنیا باشد و مرادشان از بیان چنین نکته ای، با ذکر قسم، به قرینه آیه پنجاه و هفت <فيومئذ لا ينفع الذين ظلموا معذرتهم > عذرخواهی و یا بهانه تراشی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۰

۱۰- پیامبر (ص) ، موظف به بیان فواید و آثار قرآن ، در پاسخ به بهانه جویی های کافران

و لو جعلناه ... ءاعجمي و عربی قل هو للذين ءامنوا هدى و شفاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۴

۴- بشر بودن پیامبران ، بهانه و دستاویز کافران برای کفر و روی گردانی از تعالیم دین

فقالوا أبشر يهدوننا فكفروا و تولوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۲،۷

۲- روشن نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران برای انکار آن

و يقولون متى هذا الوعد

- پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لَجُوا فِي عَتْوٍ وَ نَفُورٍ .. و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۱

۱ - مشروط دانستن ایمان به رسالت پیامبر (ص) ، به نازل شدن نامه های سرگشاده از سوی خداوند در تأیید آن ، بهانه ای از سوی کافران بود .

بل یرید کلّ امریء منهم .. کلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۵ - ۱

۱ - انکار و زیر سؤال بردن برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انجام هرگونه فسق و فجور

أیحسب الإنسان أنن نجتمع عظامه .. بل یرید الإنسان لیفجر أمامه

<فجور> (مصدر <یفجر>) به معنای فسق (صحاح اللغة) و لام در <لیفجر> برای تعلیل است. <أمام> اسم مکان و در این آیه مجازاً در زمان مستقبل که مفید استمرار است استعمال شده است. بنابراین مفاد آیه چنین می شود: <بلکه انسان می خواهد تا راه فسق و فجور، برای همیشه به روی او باز باشد و آن را ادامه دهد و همین سبب انکار معاد از جانب او است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۴

۴ - استبعاد و تردید در توانایی خداوند ، مشکل و بهانه کافران در پذیرش مسأله معاد و احیای مردگان

ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

طرح مسأله توانایی خداوند بر

احیای مردگان به صورت سؤال، نشان دهنده حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن، بهانه ای بیش نیست.

قال أسطیر الأولین . کلاً بل ران علی قلوبهم

بهانه جویی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۳

۳ کفرپیشگان عصر بعثت علی رغم نزول پی در پی آیات و سوره های قرآن خواستار نزول معجزه ای دیگر بودند.

و یقولون لولا أنزل علیه آیه من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۲

۲ دسته جمعی و به یکباره نازل نشدن آیات قرآن بر پیامبر (ص)، دلیل وحی نبودن آن در دیدگاه کافران صدر اسلام

وقال الذین کفروا لولا نزل علیه القرآن جمله وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۲

۲ - روزی رسان بودن خداوند برای بشر، بهانه و دستاویز کافران صدر اسلام برای خودداری از انفاق به مستمندان و گرسنگان

و إذا قیل لهم أنفقوا مما رزقکم الله قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم من لوی

استفهام در <أنطعم> استفهام انکاری است، یعنی، <لانطعم من لو شاء الله لأطعمهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - مشخص نبودن زمان برپایی قیامت

، دستاویز کافران صدراسلام برای انکار آن

و يقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۳

۳- انسان بودن پیامبر (ص) و برخاستن ایشان از میان توده های مردم ، مانع ایمان آوردن کافران صدراسلام بود .

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم و قال الكفرون هذا سحر كذاب

بهانه جویی کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۴

۴ ایمان مستضعفان قوم ثمود بهانه ای برای کفرورزی و استکبار اشراف کفرپیشه آن قوم

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

مجادله کافران با مستضعفان اقتضا می کرد که کفرپیشگان در پاسخ مؤمنان بگویند: <إنا به کفرون> و یا <إنا بما ارسل به کفرون>، ولی در پاسخ گفتند ما به آنچه شماها بدان ایمان آورده اید کافر هستیم. و این تعبیر نشان می دهد که از ریشه های استکبار آنان در برابر حق، ایمان مستضعفان بوده است. تقدیم <بالذی> بر <کفرون>، که افاده حصر می کند، این معنا را تأیید می کند.

بهانه جویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۴

۴- درخواست نزول ملائکه ، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (ص) از سوی کافران مکه ، بهانه ای بیش نبود .

لو ما تأتینا بالملئکه .. ما ننزل الملئکه إلا بالحق

قید <إلا بالحق> می تواند احترازی باشد؛ یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است،

در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی

نیست. مضافاً به اینکه <إِذَا مِنْظَرِينَ> نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر(ص) را نمی پذیرفتند.

بهره دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۶

۶ - < عن علی (ع) فی قول الله عزوجل > و قالوا ربنا عجل لنا قطننا قبل یوم الحساب < قال : نصیبهم من العذاب ;

از امام علی(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزوجل <وقالوا ربنا عجل لنا قطننا قبل یوم الحساب> فرمود: [مراد مشرکان از کلمه <قطننا>] نصیب آنها از عذاب بود [که از روی تمسخر درخواست می کردند زودتر به آنان برسد].

بی ادبی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۱

۱- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

بی ارزشی اظهار نظر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۳ - ۳

۳ - مؤمنان نباید درباره ایمان و اعتقادات خود، برای نقطه نظر های کافران، ارزشی قائل شوند.

و ما أرسلوا علیهم حفظین

بی ارزشی امکانات دنیوی کافران

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۵

۱۵- بی ارزشی لذت ها و امکانات دنیوی کافران ، در مقایسه با فرجام سخت اخروی آنان

يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ... وَالنَّارِ مَثْوًى لَّهُمْ

خداوند، با تقبیح شیوه کافران و یادآوری فرجام شوم آنان، در حقیقت به مؤمنان یادآور شده است که چشم به زندگی دنیوی کافران ندوزند و لذت جویی های آنان را ارزش نپندارند؛ زیرا زندگی کافران از نظر ماهیت، حیوانی و از نظر فرجام، دوزخی است.

بی ارزشی امکانات مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۷ - ۲

۲ - بی ارزشی بهره‌وری هر چند طولانی کافران از دنیا ، در قبال کیفر الهی

إِنَّ مَتَّعْنَهُمْ سِنِينَ... مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَمْتَعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۱

۱ - بهره‌وری کافران از منافع دنیا ، محدود و ناچیز است .

وَمَنْ كَفَرَ... نَمَتَّعْهُمْ قَلِيلًا

<قلیلاً> می تواند صفتِ مفعولِ مطلق محذوف باشد؛ یعنی، <نمَتَّعْهُمْ تَمَتِّعًا قَلِيلًا>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۰

۲۰ - اندک و ناپایدار بودن بهره‌وری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا

بی ارزشی ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۶

۶- ستیز کافران با منطق روشن رسولان الهی ، گواه بی اساس بودن ایمان اضطراری آنان

أَنِّي لَهُمِ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ

در

صورتی که <أنتی لهم الذکری> در صدد بیان پوچی ادعای ایمان کافران باشد؛ تعبیر <و قد جائهم..> بیانگر فلسفه پوچی ادعای آنان خواهد بود؛ یعنی، آنان که منطق روشن رسولان را نپذیرفتند، چگونه با مشاهده عذابی، می توانند به ایمان راستین رسیده باشند.

بی ارزشی ثروت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۱

۱ - هشدار خداوند به پیامبر (ص)، نسبت به اجابت خواسته های کافران تکذیب گر و سازش و مسامحه با آنان، به صرف ثروت و نیروی انسانی بسیار آنان

و لا تطع کلّ حلاف .. أن کان ذا مال و بنین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <أن کان ذا مال ..> متعلق به <لا-تطع> باشد. گفتنی است در آغاز <أن> لام تعلیل در تقدیر است.

بی ارزشی خشنودی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۶

۱۶ ترک وظایف الهی به خاطر خوشایند کافران، مایه خسارت و تباهی است.

فما تزیدوننی غیر تخسیر

بی ارزشی رفاه دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۲۰

۲۰ - برخورداری ها و نعمت های بی پایان بهشت، نشانگر فضل و رحمت خدا است و نه رفاه و خوشی محدود کافران در دنیا.

یرزق من یشاء .. و من کان یرید حرث الدنیا نؤته منها .. لهم ما یشاءون ... ذلک ه

بی ارزشی رفاه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- وجود نماز در خانواده مسلمان، بهترین جایگزین برای مال و رفاه در خانواده کافران

مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ .. وَأَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ

کلمات <ازواج> و <اهل> در این آیات، خانواده ها را مدّ نظر قرار داده است و بدین صورت لزوم تمایز خانواده مسلمان از خانواده کافر را بیان می کند.

بی ارزشی عمل صالح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۴

۴ نیکوترین عملکرد کافر و مشرک، فاقد کمترین ارزش در بینش الهی است .

أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ .. وَاللَّهُ لَإِيْهْدِي الْقَوْمَ

برداشت فوق به خاطر دو نکته مهم در آیه شریفه است: ۱ سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام، بهترین عمل مشرکان بود؛ ۲ خداوند، همین دسته از مشرکان به ظاهر نیکوکار را ستمکار معرفی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۱،۲

۱- عمل نیک کافران به ربوبیت خداوند، چونان خاکستری است در معرض تندباد در روز طوفانی

مِثْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَلُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ

مراد از <اعمالهم> می تواند اعمال خیر و صالحی باشد که کافران انجام می دهند. چه اینکه روشن است عمل زشت و گناه هیچ کس، کافر و مسلمان، ثمری ندارد تا اینکه حبط گردد و یا به خاکستر در معرض باد تشبیه شود.

۲- عمل نیک کافران ارزشی ندارد و حبط می شود .

مِثْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَلُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۱

۱۱- اعمال به ظاهر نیک کافران دین ستیز ، پوچ و بی ب ها در نزد خداوند

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... و سِيحِبُ أَعْمَلِهِمْ

مراد از اعمال، کردار به ظاهر نیکی است که مشرکان یا اهل کتاب، انجام داده و می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۱۵

۱۵ - اعمال نیک شخص کافر به خدا و رسول او ، در پیشگاه پروردگار فاقد ارزش می باشد .

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ و أَنفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۱۹

۱۹ - اعمال نیک کافران و منافقان ، از کمترین ارزش در پیشگاه الهی برخوردار نیست .

لَا يَسْتَوِي مِنكُمْ مَن أَنفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ و قَتَلَ

بِي أَرْزَاقِي عَمَلِ كَافِرَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۸

۸- اعمال پوچ و نابود شده کافران ، غیرقابل سنجش و اعتبار گذاری در قیامت است .

فَلَا نَقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَزْنًا

<وزن>، یا مصدر و به معنای سنجش سنگینی و سبکی است ؛ و یا به معنای مثال است ؛ یعنی، چیزی که با آن وزن سنجیده شود< (لسان العرب). این که خداوند، در قیامت، برای برخی که اعمال شان حبط شده، وزنی برقرار نمی سازد، کنایه از آن است که به قدری اعمال آنان پوچ است که ارزش سنجیدن ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۲

- ۲

عمل و رفتار کفرپیشگان ، پوچ و بی ارزش است .

و الذین کفروا أعملهم کسرآب بقیعه یحسبه الظمآن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئاً

برداشت یاد شده، از تشبیه سرآب به دست آمده است؛ زیرا سرآب، امری خیالی است که بر اثر خطای دید به ذهن انسان می آید؛ ولی در اصل وجود خارجی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۴

۴- اعمال کافران ، به دلیل نداشتن انگیزه الهی ، فاقد پاداش در نزد خداوند

کرهوا ما أنزل الله فأحبط أعملهم

از مجموع آیه استفاده می شود که خداوند، در مقام بیان فلسفه حبط اعمال نیک کافران است؛ فلسفه ای که برای بشر معقول و قابل فهم است و آن این که وقتی کافران به انگیزه های نفسانی و غیر الهی کاری را انجام داده اند، چگونه ممکن است که در قبال آن از خداوند پاداش دریافت کنند.

بی ارزشی قدرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱۱

۱۱ - اقتدار و شوکت کافران ، ناچیز در برابر اقتدار شکست ناپذیر الهی

ربّنا إنّک أنت العزیز الحکیم

جمله <إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ> که بیانگر حصر عزت و اقتدار در خداوند است تعریض به قدرت های کفر دارد که درصدد مفتون و معذب ساختن مؤمنان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۱

۱ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به اجابت خواسته های کافران تکذیب گر و سازش و مسامحه با آنان ، به

صرف ثروت و نیروی انسانی بسیار آنان

و لاتطع کلّ حلاف .. آن کان ذا مال و بنین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <آن کان ذا مال .. > متعلق به <لا-تطع > باشد. گفتنی است در آغاز <آن > لام تعلیل در تقدیر است.

بی ارزشی قضاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۶ - ۲

۲ - قضاوت کافران درباره اسلام و مسلمانان ، قضاوتی بی اساس و بدون پایه عقلانی و منطقی است .

ما لکم کیف تحکمون

بی ارزشی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۰ - ۳

۳ - کافران و حق ناپذیران ، عناصری بی ارزش نزد خداوند

و لاتحزن علیهم

این که خداوند به پیامبر(ص) توصیه می کند که بر بدبختی کافران غم و اندوه بر خود راه ندهد، نشانگر این است که آنان در پیشگاه خدا، از هیچ ارج و ارزشی برخوردار نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۹

۹ - کافر متعصب ، فاقد ارزش ها و ملاک های حیات انسانی

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى .. إِذَا وَلَّوْا مَدْبِرِينَ

تعبیر <إِذَا وَلَّوْا مَدْبِرِينَ > بیانگر تعصب است و مرده و ناشنوا خواندن آنان، نشانگر فقدان همه ارزش ها و معیارهای حیات

انسانی است.

بی ارزشی لذت‌گرایان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۵

۱۵- بی ارزشی لذت‌گرایان و امکانات دنیوی کافران ، در مقایسه با فرجام سخت‌خواری آنان

یتمتعون و یا کلون ...

خداوند، با تقبیح شیوه کافران و یادآوری فرجام شوم آنان، در حقیقت به مؤمنان یادآور شده است که چشم به زندگی دنیوی کافران ندوزند و لذت جویی های آنان را ارزش نپندارند؛ زیرا زندگی کافران از نظر ماهیت، حیوانی و از نظر فرجام، دوزخی است.

بی ارزشی مال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۹

۹ - وجود نماز در خانواده مسلمان ، بهترین جایگزین برای مال و رفاه در خانواده کافران

متّعنا به أزوجًا منهم .. . وأمر أهلك بالصلوه

کلمات <أزواج> و <أهل> در این آیات، خانواده ها را مدّ نظر قرار داده است و بدین صورت لزوم تمایز خانواده مسلمان از خانواده کافر را بیان می کند.

بی اعتباری خویشاوندی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۶

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلّا و لاذمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۶ - ۲

۲ - کفر و عصیان ، عامل بی اعتباری مسؤولیت خویشاوندی

و أنذر عشیرتک .. . فإن عصوک فقل إنی بریء مما تعملون

بی اعتباری دوستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۳،۶

۳ غیر قابل اعتماد بودن کافران و مشرکان ، در پیمان و پیوند دوستی با مسلمانان

کیف و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم

إِلَّا وِلاذمه

<إِلَّ> در لغت به معنای عهد، قسم و قرابت (خویشاوندی) آمده است (قاموس المحيط) ولی در این آیه به قرینه آمدن واژه <ذمه> که به معنای عهد است معنای قرابت و خویشاوندی مقصود است.

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن يظهروا علیکم لایرغبوا فیکم إِلَّا وِلاذمه

بی اعتباری عقیده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۱۴

۱۴ عقاید مشرکان و کافران متکی بر گمان بی اساس است.

یضلوک عن سبیل الله .. و إن هم إلا یخرصون

بی اعتباری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰- کافران ، در قیامت ، فاقد کمترین شخصیت و اعتباراند .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزناً

تعبیر <لهم> نشان این است که خود افراد، بی ارزش و بی مقدارند. تفریع جمله <فلانقیم...> بر حسب عمل، گویای این نکته است که سرچشمه بی ارزشی آنان، پوچی اعمال شان است.

بی اعتباری معاهده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۳

۳ غیر قابل اعتماد بودن کافران و مشرکان ، در پیمان و پیوند دوستی با مسلمانان

کیف و إن یظہروا علیکم لایرقبوا فیکم إلاً و لاذمه

<إلّ> در لغت به معنای عهد، قسم و قرابت (خویشاوندی) آمده است (قاموس المحيط) ولی در این آیه به قرینه آمدن واژه

<ذمه> که به معنای عهد است معنای

قربابت و خویشاوندی مقصود است.

بی اعتمادی به کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ - کافران ستم پیشه و حق ستیز ، غیر قابل اعتماداند .

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا . .. كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا

بی اعتنایی به امکانات مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۱،۲

۱- خداوند ، پیامبر (ص) را از هر گونه چشم دوختن و مجذوب شدن به امکانات دنیوی کافران برحذر داشت .

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

<مَدَّ> به معنای زیاده و طولانی کردن است و هر گاه در رابطه با چشم و نظر به کار رود، به معنای چشم دوختن، خیره شدن و مجذوب شدن است.

۲- پیامبر (ص) وظیفه دار متمرکز کردن تمامی توجه خویش به کافران برای هدایت آنان بدون توجه به امکانات فراوان دنیوی آنها

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

برای آیه فوق احتمالاتی ذکر شده است و برداشت فوق بر این احتمال است که مراد از <لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا> این باشد که: به ذهنت خطور نکند که چرا کافران دشمن خدا از امکانات دنیوی زیادی برخوردار هستند؟ و با این فکر خود را به آن امکانات مشغول بکنی و از هدف اصلی باز بمانی؛ بلکه توجه خود را معطوف به خود آنان کن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۲

چشمگیر کافران و اشتیاق بهره گیری از آن ، برحذر داشت .

و لا تَمَدَنَّ عَيْنِيكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

<مدّالعين> (چشم کشیدن)، برداشتن نگاه از چیزی و متوجه ساختن و کشاندن آن به سوی چیز دیگر است و به قرینه آیاتی دیگر (نظیر <لا تعد عيناك عنهم> كهف / ۲۸) مراد آیه، معطوف ساختن توجه از تهیدستان به سوی ثروتمندان است. برخی احتمال داده اند که مراد از کشاندن، ادامه دادن است و آیه ناظر به نگاه سیر و عمیق می باشد.

بی اعتنایی به بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۵ - ۷

۷- بی اعتنایی خداوند به بهانه تراشی ها و عذرخواهی های کافران ، برای رهایی از عذاب دوزخ

فالیوم لایخرجون منها و لا هم یستعتبون

چنانچه از <استعتاب> (طلب عذرخواهی)، لازمه آن (قبول عذر) اراده شده باشد، برداشت بالا به دست می آید.

بی اعتنایی به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۸

۸- بازخواست کافران ، در قیامت ، بازخواستی ناخواسته و همراه با بی اعتنایی است .

و لیستلنّ یوم القیمه عمّا كانوا یفترون

مجهول آورده شدن فعل <یستلنّ> که ضمیر نایب فاعلی آن، به <کافران> باز می گردد حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۵

۵- پیامبر (ص) ، دعوت برخی کافران را به ترک شرک و بت پرستی ، بی ثمر دانست و آنها را به حال خود رها

ساخت .

لکم دینکم

بی اعتنایی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۵ - ۱

۱ - کافران صدراسلام ، نسبت به هشدار های الهی مبنی بر پرهیز از گناه و رفتاری که موجب مجازات الهی در دنیا (عذاب استیصال) و در آخرت می شود ، بی اعتنایی کرده و گوش فرامی دادند .

و إذا قيل لهم اتقوا ما بين أيديكم و ما خلفكم

بیشتر مفسران بر آنند که مقصود از < ما بین ایدیکم > (آنچه در پیش روی شما است) گناہانی است که موجب مجازات های الهی در دنیا (همچون غرق شدن) می شود و مقصود از < ما خلفکم > (آنچه پشت سر شما است) گناہانی است که بعداً موجب مجازات الهی در آخرت می گردد. گفتمنی است که تعبیر به < پشت سر > از آن رو است که هنوز نیامده و گویی پشت سر انسان در حرکت است. جواب < إذا >، به قرینه ذیل آیه بعد (کانوا عنها معرضین) < أعرضوا > است.

بی ایمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۹

۹ - کافران ، به تحقق وعده نصرت خداوند ، ناباورند .

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَا يَسْتخْفَنُكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ

مراد از < الذين لا يوقنون > می تواند کافرانی باشد که در آیات پیش از آنان سخن به میان آمده است. لازم به ذکر است که متعلق < لا يوقنون > می تواند همین وعده ای باشد که در آیه آمده است.

بی ایمانی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۴

برابر ایمان و حق‌گریزی، زمینه ساز آمدن عذاب الهی است.

لقد حقّ القول علی أكثرهم فهم لایؤمنون

بی پناهی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۵

۵ - کافران و منافقان، در قیامت از یاور و پشتیبان محروم خواهند بود.

هی مولیکم

<مولی> به معنای ناصر و یاور است و قالب <هی مولاکم> قالب قصر است؛ یعنی، <لیس لکم ناصر إلا النار> (کافران و منافقان به جز آتش یآوری ندارند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۵

۵ - هیچ پناهگاه و راه‌گریزی از سختی‌ها و اندوه‌های روز محشر برای کافران نیست.

فکیف تتقون إن کفرتم یوماً یجعل الولدن شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۱ - ۲

۲ - در عرصه قیامت، هیچ ملجأ و پناهگاهی برای کافران نخواهد داشت.

لاوزر

<وزر> به معنای ملجأ و پناهگاه است.

بی پناهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۵

۵ کافران ، بی پناه و بی دفاع در برابر خواست خداوند

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم .. من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۳ - ۵

۵- بی پناهی همه جانبه کافران در برابر عذاب الهی و حتمی بودن هلاکت آنان

أم لهم ءالله تمنعهم من دوننا .. ولا هم منا یصبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - قطع امید کافران از همه عوامل مادی و احساس بی پناهی کامل در هنگام مرگ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند.

لو نشاء... فظلمتم تفكّهون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۲

۲ - کافران لجوج و حق ناپذیر، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند.

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أَرْسَلَنَا نُاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا

بی تأثیری استمداد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳ - ۵

۵ - فریاد استغاثه و کمک خواهی کافران گذشته به هنگام عذاب، بی نتیجه بود و آنان نجات نیافتند.

فنادوا و لات حین مناص

<مناص> به معنای ملجأ و راه گریز است.

بی تأثیری امکانات مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۷ - ۱

۱ - امکانات مادی کافران ، بی ثمر به حال آنان ، به هنگام فرا

رسیدن عذاب موعود

ثم جاءهم ما كانوا يوعدون . ما أغنى عنهم ما كانوا يمتعون

جمله <ما أغنى عنهم..> را می توان دو گونه معنا کرد: الف) آن چیزهایی که از آن برخوردار می شدند، به کارشان نمی آید و عذاب را از آنان دفع نمی کند. ب) برخورداری ها، لذت ها و خاطرات شیرین گذشته، در قبال عذاب الهی هیچ ارزشی نخواهد داشت.

بی تأثیری تنبه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۱۱

۱۱- وقوع رستاخیز ، مایه به خود آمدن کافران ؛ اما بی ثمر به حال آنان

فأنى لهم إذا جاءتهم ذكريهم

تعبیر <ذکری> می رساند که قیامت، مایه هشدار و بیدار شدن کافران است ؛ اما این بیداری پس از پایان مهلت است و سودی به حال آنان ندارد (فأنى لهم).

بی تأثیری توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۳

۱۳ بی تأثیر ماندن دسیسه های منافقان و کافران طول تاریخ ، در از بین بردن ارزش های الهی ، عبرتی است برای دنبال کنندگان راه آنان . *

كالذین من قبلکم .. أولئک حبطت أعمالهم فی الدنيا و الآخره

با توجه به اینکه منظور از اعمال در <اعمالهم> می تواند روشهای خائنانه آنان در قبال ادیان الهی باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۶،۷

۶- خداوند ، در برابر مخالفت ها و توطئه های کافران علیه قرآن ، به پیامبر (ص) اطمینان داد که خود

حفاظت و پاسداری از آن را عهده دار است .

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر .. لو ما تأتینا بالملئکه ... إنا نحن نزلن

۷- خداوند ، در برابر توطئه های کافران علیه قرآن ، قدرت خویش را در پاسداری از آن به نمایش گذاشت و عظمت خویش را به رخ آنان کشید .

إنا نحن نزلنا الذکر و إنا له لحفظون

از اینکه خداوند، برای بیان نزول قرآن از سوی خود، چند ضمیر جمع و اسم فاعل جمع می آورد، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۰ - ۷

۷- اطمینان بخشی خداوند به پیامبر (ص) نسبت به عدم تأثیر و کارایی توطئه های کافران علیه رسالت وی

و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون

بی تأثیری تهدیدهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۱

۱۱- شدیدترین تهدیدها از جانب کافران و مشرکان ، ناتوان از خاموش ساختن نور ایمان در قلب های مستعد

و لولا رجال مؤمنون .. لم تعلموهم

محیط مکه با آن که مسخر مشرکان بود و مؤمنان ناگزیر به هجرت شده بودند، ولی خداوند از وجود مردان و زنان مؤمن در آن خبر داده است.

بی تأثیری ثروت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۸ - ۱

۱ - کارساز نبودن ثروت کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

ما أغنی عَنّی مالیه

بی تأثیری جوسازی کافران مکه

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیر گذاری

قال الذین کفروا .. لعلکم تغلبون

واژه <لعل> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

بی تأثیری حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۵

۵ - حق ستیزی کافران ، بی تأثیر در برنامه های الهی و در سد کردن راه رسالت

و کذبوا.. و کلّ أمر مستقرّ

بی تأثیری دعای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۸

۸ - بی اثر بودن دعا ها و درخواست های کافران در دوزخ

و ما دعوا الکفرین إلا فی ضلل

<ضلال> (مرادف <ضیاع>) به معنای تباهی است و مقصود از آن در آیه شریفه، بی ثمر بودن دعای کافران می باشد.

بی تأثیری شفاعت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۹ - ۷

۷- آگاهی همه جانبه خداوند بر احوال بندگانش ، دلیل بی ثمر بودن حمایت نزدیکان و شفاعت برای کافران و مشرکان است .

ما للظلمين من حميم و لا شفيع يطاع . يعلم خائنه الأعين و ما تخفى الصدور

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <يعلم خائنه الأعين . . > تعلیل برای جمله <ما للظالمين من حميم...> باشد.

بی تأثیری عذرخواهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۳

۳ - عذرخواهی کافران و مشرکان ستیزه جو در قیامت ، پذیرفته نشده و سودی به حال آنان نخواهد داشت .

یوم لا ینفع الظلمین معذرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۵ - ۳

۳ - بی نتیجه بودن توجیه و عذر تراشی انسان ها ، نسبت به رفتار خویش در قیامت

و لو ألقى معاذیره

بی تأثیری قدرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۵

۵- جوامع کفرپیشه ، با تمامی امکانات و قوا ، بی دفاع در برابر کیفر الهی

و کأین من قریه هی أشدّ قوه من قریتک الّتی أخرجتک أهلکنهم فلاناصر لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۱

۱ - کارساز نبودن قدرت کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

هلک عتی سلطنیه

بی تأثیری معجزه بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۳، ۵، ۶، ۳

۳ اگر امور غیبی برای بهانه جویان و منکران آیات الهی محسوس شود، ایمان نمی آورند.

و لو أننا نزلنا إليهم الملائكة و كلمهم الموتى و حشرنا عليهم كل شيء قبلا ما كانوا

ملائکه، سخن گفتن مردگان، شهادت موجودات جملگی از امور غیبی هستند که حتی در فرض محسوس شدن آنها، گروهی ایمان نخواهند آورد.

۵ اگر تمامی موجودات دسته دسته برانگیخته شوند و بر حقانیت پیامبر(ص) شهادت دهند، برخی کافران ایمان نمی آورند.

و حشرنا عليهم كل شيء قبلا ما كانوا ليؤمنوا

<قبلا>

در این برداشت جمع <قبیل>، به معنی دسته و صنف گرفته شده است. <و القبیل الجماعه ... من اقوام شتی>. (قاموس اللغه).

۶ مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم .. و لو أننا نزلنا ... ما كانوا لیؤمنوا

۱۳ اغلب درخواست کنندگان نزول معجزات از تأثیر نداشتن آن بر کافران آگاهی نداشتند.

ما كانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لكن أكثرهم یجهلون

مرجع ضمیر در <أكثرهم> می تواند مؤمنانی باشد که خواهان نزول آیات و اجابت درخواست مشرکان بودند، چنانچه در آیات قبل نیز این احتمال یاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۹ - ۴

۴ علم خداوند به بی تأثیری معجزات درخواستی کفرپیشگان، دلیل اعطا نکردن آنها به پیامبر (ص)

و یقول الذین کفروا لولا أنزل علیه آیه .. الله یعلم ما تحمل ... علم الغیب و

و نهانها، پس از اشاره به این که تقاضای کافران مبنی بر ارائه معجزه را پاسخ نمی دهد، حاوی این نکته است که: خداوند می داند ارائه معجزات پیشنهادی کافران اثری در هدایت ایشان ندارد. از این روست که به درخواست آنان پاسخ نمی دهد.

تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰۵، ح ۱۳؛ نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۳۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۹

۹ بی تأثیری معجزات خاص و پیشنهادی کفرپیشگان در هدایت آنان، دلیل اهدا نشدن آنها به پیامبر (ص)

لولا أنزل علیه آیه من ربه قل إن الله یضل من یشاء و یهدی

۱ نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد، زمین را قطعه قطعه کند، مردگان را زنده سازد، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد.

و لو أن قرءنا سیرت به الجبال أو قَطَّعت به الأرض أو کَلَّم به الموتی

<تسییر> (مصدر سیرت) به معنای حرکت دادن است و <تقطیع> (مصدر قَطَّعت) به معنای شکافتن عمیق یا قطعه قطعه کردن می باشد و حرف باء در جمله های سه گانه فوق به معنای استعانت است. عبارت <بل لله الأمر> و نیز <أن لو یشاء الله لهدی الناس> گویای این است که جواب شرط <لو أن...> جمله ای نظیر <لم یهدوا إن لم یشأ الله> است.

۲ آنان که با تلاوت قرآن هدایت نشوند و به سرای آخرت ایمان نیاورند، حتی اگر مردگانی زنده شوند و حقایق آخرت را برای آنان بیان کنند، هدایت نخواهند یافت.

و لو أن قرءنا .. کَلَّم به الموتی

هر یک از جمله های <سیرت به الجبال> و <قَطَّعت به الأرض> و <کَلَّم به الموتی> حکایت از معجزات درخواستی کفرپیشگان دارد که به مناسبت می توان گفت: جمله <کَلَّم به الموتی> حاکی است که آنان برای باور به آخرت، از پیامبر(ص) می خواستند تا مردگانی را زنده کند تا از آخرت و دنیای پس از مرگ برای آنان سخن بگویند.

۳ آنان که با مشاهده و تلاوت قرآن نازل شده بر پیامبر (ص) هدایت نشوند، با مشاهده هیچ آیت و

معجزه ای هدایت نخواهند شد .

و لو أن قرءأنا سیرت به الجبال . . . بل لله الأمر جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۸

۸ معجزات انبیا بی تأثیر در کفرپیشگان و تکذیب کنندگان معارف الهی برای ایمان به آن معارف

و لقد جاءتهم رسلهم بالبینت فما كانوا لیؤمنوا بما کذبوا من قبل

بی تأثیری مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۴

۴ - خداوند ، مکر های کفرپیشگان را بی نتیجه می سازد .

و قد مکر الذین من قبلهم فله المکر جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ - همه مکر ها و توطئه های سوء کافران و دین ستیزان ، رو به کساد و نابودی است .

و الذین یمکرون السیئات . . . و مکر أولئک هو یبور

<ال> در <السیئات> برای جنس و مفید استغراق و به معنای انواع مکرهای بد است. <بوار> (مصدر <یبور> هم در معنای هلاکت به کار رفته و هم به معنای کساد و مفراط آمده است (لسان العرب). در هر صورت در این آیه، کنایه از عدم تأثیر و بی نتیجه بودن مکرهای کافران می باشد.

بی تأثیری موعظه بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۵

۵- اعراض كافران از شنیدن كلام الهی و درك مفاهيم و معارف قرآنی ، دليل بی توجهی آنان به رحمت گسترده الهی و متأثر نشدن از مواعظ پیامبر (ص)

قل من

يَكْلُؤْكُمْ... من الرحمن بل هم عن ذكر ربهم معرضون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ذکر> قرآن باشد؛ زیرا یکی از نام‌ها و اوصاف قرآن کریم ذکر است.

بی عقلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲۱

۲۱ - مؤمنان ، برخوردار از عقل سلیم و خردناب و کافران فاقد آن هستند .

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَلْبَابِ

این که خداوند فرمود: تنها صاحبان خردناب پندپذیراند، اشاره به گروه مؤمنان و کافران دارد؛ زیرا آیات یاد شده درصدد توصیف این دو گروه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۲۰

۲۰ - مؤمنان ، برخوردار از عقل و خرد و کافران فاقد آن

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

برداشت بالا- از ارتباط آیه شریفه با آیات گذشته به دست می آید؛ زیرا آیات پیش درباره اوصاف مؤمنان در مقابل کافران بود و در این آیه نیز یکی دیگر از اوصاف مؤمنان بیان شده است.

بی لیاقتی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۵

۵ کافران ، مشرکان و مسلمانان بی مبالا و ناپایبند به نماز و زکات ، فاقد صلاحیت تعمیر و رسیدگی به امور مساجدند .

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مِنْ أَمْنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ مشرکان ، کافران به خدا و ناباوران به قیامت ، فاقد صلاحیت برای ارائه برنامه

و مقررات برای انسانها

اینی ترکت مله قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۸

۸ - برخی کافران ناتوان از درک دین پیامبر (ص) و ارزش آن و نالایق برای استفاده از آن

و لی دین

بی مبالاتی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۰ - ۷

۷ - بی مبالاتی در سوگند یاد کردن و فرومایگی، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبر اسلام (ص)

فلاتطع المکذبین .. حلاف مهین

صفت <حلاف مهین> و دیگر اوصافی که در آیات بعد ذکر می شود، مربوط به کافرانی است که رسالت پیامبر اسلام (ص) را تکذیب می کردند.

بی منطقی احساس مصونیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۱

۱ - کسانی که خود را از فرجام کفر و کیفر گناه در امان می پندارند، دستاویزی برای توجیه کفر و گناه خود ندارند.

ما غرک .. کلا

حرف <کلا> مخاطب را از چیزی منع می کند که در جملات پیشین مطرح بوده است. از آن جایی که آیات قبل، توجیهاات و بهانه های نادرست کافران و گنه کاران را پوچ قلمداد کرده است، حرف <کلا> در این آیه آنان را از دلگرمی به آن دستاویزها بازمی دارد.

بی منطقی ادعاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۱

۱ - تهمت ها و ادعاهای کافران علیه پیامبر (ص)

، به دور از عقل و منطق

أم تأمرهم أحلمهم بهذا

<أم> در <أم تأمرهم> منقطعه و جمله به تقدیر استفهام استفهام انکاری است. <احلام> معادل عقول است؛ یعنی، <أم تأمرهم عقولهم>. مقصود این است که ایشان تحت تأثیر عقل علیه پیامبر(ص) موضع گیری نمی کنند؛ بلکه طغیان و سرکشی است که آنان را به این کار وامی دارد.

بی منطقی استکبار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۳

۱۳- خود بزرگ پنداری و برتری جویی کافران ، پوچ و بی اساس

تستکبرون فی الأرض بغير الحقّ

بی منطقی تهمت‌های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۱

۱ - تهمت ها و ادعاهای کافران علیه پیامبر (ص) ، به دور از عقل و منطق

أم تأمرهم أحلمهم بهذا

<أم> در <أم تأمرهم> منقطعه و جمله به تقدیر استفهام استفهام انکاری است. <احلام> معادل عقول است؛ یعنی، <أم تأمرهم عقولهم>. مقصود این است که ایشان تحت تأثیر عقل علیه پیامبر(ص) موضع گیری نمی کنند؛ بلکه طغیان و سرکشی است که آنان را به این کار وامی دارد.

بی منطقی عقیده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۱ - ۳،۵

۳ عقاید و باور های کفرپیشگان ، بافته هایی است دروغین و بی اساس .

و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

۵ کافران ، به پوچی و بی اساس بودن بافته های دروغین و عقاید واهی خویش ، پی خواهند برد .

و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۰ - ۴

۴- امکانات مادی و مال و فرزند کافران ، آنان را از فقر و تنهایی در قیامت نجات نمی دهد .

و نرثه ما یقول و یأتینا فردًا

بی منطقی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱۰

۱۰- کافران و منکران برپایی قیامت ، فاقد توجیه و تفسیر صحیح و حق مدارانه برای آفرینش جهانند و یا مردمی پوچ گرامی باشند .

و ما خلقنا السموت .. إلا بالحقّ و إن الساعه لأتیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۳

۳- گزینش اولیا و معبودان باطل از سوی کافران ، حرکتی بی پایه و متکی بر اوهام است .

أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

محتمل است <أن یتّخذوا..> جانشین دو مفعول برای <حسب> باشد. در این صورت، معنا چنین می شود: <آیا کافران گمان می کنند که غیر مرا ولیّی می گیرند؟!> یعنی، آنان، تنها، در اوهام خود غوطهورند و با حقایق فاصله بسیار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۱ - ۳

۳- همسانی کافران در طول تاریخ ، در برخورد غیر منطقی با رسولان الهی

و لقد استهزیّ برسُل من قبلک

برخورد استهزاآمیز، بیانگر نداشتن منطق در موضع گیری ها است و چون پیامبران پیشین و پیامبراسلام(ص) مورد تمسخر

کافران قرار گرفته اند؛ به دست می آید که برخورد کافران همسان بوده و مواضع مشابهی داشته اند.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۴

۴ سخنان کافران علیه پیامبر (ص) و تعالیم قرآن، متکی بر تمثیل و تشبیه بود و نه برهان و دلیل.

ولا یأتونک بمثل إلا جئناک بالحقّ و أحسن تفسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ - تکذیب بی دلیل آیات الهی، شیوه مستمر و عادت همیشگی کافران

أماذا کنتم تعملون

تعبیر <کنتم تعملون> ماضی استمراری و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۴

۴ - کفرپیشگان حق ستیز، ناتوان از برخورد منطقی با پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرآن و الغوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۶

۶ - گفتار و روش کافران، با ادراک های عقلی و فطری آنان همساز نیست.

و کم أرسلنا .. و لئن سألتهم من خلق ... ليقولنّ خلقهنّ العزیز العلیم

خداوند در این آیه می فرماید: اگر از مشرکان و دین ناباوران سؤال شود که آفریدگار هستی کیست؟ آنان به دلیل عقل یا اعتقاد خود می گویند: <آفریدگاری عزیز و دانا>. در حالی که اگر آنان به راستی لوازم این باور را می فهمیدند، جا نداشت که وحی قرآنی را مورد خدشه قرار دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - شیوه کافران در انکار معاد ، استهزاگرانہ و

کانوا به یستهزهون

شیوه بودن استهزا از <کانوا به یستهزهون> که بر استمرار دلالت دارد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۱

۱- مؤمنان ، متکی به برهان و عقل و کافران ، دلخوش به پندار و هوای نفس

أفمن كان على بينة من ربه .. و اتبعوا أهواءهم

در واژه <بینه> شناخت عقلی نهفته است. از مقابله آن با <أهواء>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۴

۴- دلیل کافران ، بر انکار رسالت پیامبر (ص) ، دلیلی از جنس گمان بود نه از مقوله برهان .

بل عجوا أن جاءهم .. فقال الكفرون هذا شيء عجيب

بنابراین که <هذا> اشاره به <منذر منهم> باشد برداشت بالا به دست می آید یعنی، تنها منطبق کافران همین بود که می گفتند: انتخاب بشر برای رسالت بعید می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۸ - ۳

۳ - کافران ، برای انکار قیامت فاقد برهان اند و جز استبعاد و شگفت آور بودن برپایی آن ، دلیلی ندارند .

أءنا لمبعوثون . أو ءاباؤنا الأولون

برداشت یاد شده از آن جا است که دو آیه مورد بحث که درصدد بیان دلایل انکار معاد از سوی کافران است مطلبی از آنان جز استبعاد و شگفتی آنان یاد نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۲

۲ - خودداری کافران از ایمان

، توجیه ناپذیر و بدون هرگونه برهان است .

فما لهم لایؤمنون

به قرینه <بل الذین کفروا> (در آیات بعد)، مرجع ضمیر در <لهم> کافران اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۱

۱ - پندار دروغ بودن قرآن ، پنداری موهوم و از اندیشه های باطل کافران است .

فی تکذیب . . . بل هو قرءان مجید

حرف <بل>، اضراب از قبل است و اندیشه تکذیب گرانه کافران را تخطئه می کند.

بی منطقی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۷

۷ - رفاه زدگان کفرپیشه عصر بعثت ، فاقد کمترین عذر قابل پذیرش در انکار رسالت پیامبر (ص)

حتّی اذا أخذنا مترفیهم . . . أفلم یدبّروا القول ... بل جاءهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۳

۳ - کافران مخالف پیامبر اسلام (ص) ، گروهی باطل گرا ، بی هدف و سرگرم به بازی های زندگی بودند .

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۲

۲ - کافران پندناپذیر و مخالف پیامبر (ص) ، هیچ دلیل و عذر قابل قبولی ، برای روی گردانی از دین و پند های قرآن

نداشتند .

فما لهم عن التذکره معرضین

از مفاد <فما لهم> (چیست آنان را)، استفاده می شود که مقصود، نبودن هیچ دلیل و عذری برای کفر و انکار کافران نسبت به قرآن پند آفرین است.

بی منطقی کافران مکه

جلد - نام سوره -

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ؛ بلکه انگیزه نفسانی روانی داشت .

و إذا ذکرت ربّک فی القرآن وحده ولّوا علی أدبرهم نفورًا

<نفرت> از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

بی منطقی گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- منکران آیات خدا و کافران به خدا ، تحت تأثیر عوامل بیرونی و منفعلانه ، از خدا و آیات او ، روی گرداندند و نه با منطق و برهان

و لئن سألتهم من خلق ... و سخر ... ليقولنّ الله فأنی یؤفکون

مجهول آورده شدن فعل <یؤفکون> دلالت بر این می کند که مشرکان و منکران آیات خدا و مؤمنان به باطل، تحت تأثیر القائنات بیرونی، چنین روی کردی را پیدا کرده اند.

بی یآوری اخروی کافران

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۶

۶ - کافران تکذیب کننده ، در عالم آخرت ، بی یار و یاورند .

و إن تکذبوا .. و ما لکم من دون اللّٰه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۲

۲ - کافران در قیامت ، از هر گونه دفاع از خود در برابر محکومیتشان به دوزخ ، ناتوان خواهند بود .

هذه جهنّم الّتی کنتم تعدون .. الیوم نختم علی أفوههم

مهر خوردن دهان کافران، به قرینه آیه قبل که سخن از محکومیت آنان به دوزخی شدن می تواند کنایه از ناتوانی آنان در دفاع از خود، در برابر دوزخی شدن خویش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۲

۲ - در قیامت هیچ عامل نجات دهنده ای برای کافران ، در برابر عذاب و قهر خداوند وجود ندارد .

یوم تولّون مدبرین ما لکم من اللّٰه من عاصم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۴

۴ - نبودن کمترین یاور و شفیع ، برای کافران در قیامت

ولا هم ینصرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <یوم لا-یعنی...> نظر به قیامت داشته باشد. در این صورت تعبیر <ولا هم ینصرون> حکایت از نفی شفیع می کند.

بی یآوری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۰ - ۳

۳ - کافران در صحنه قیامت

، بدون سازوبرگ و تنها و بی کس ، حاضر خواهند شد .

نرثه ما يقول و یأتینا فردًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۲

۲- کافران ، از یاری و نصرت دیگران به هنگام وقوع عذاب محروم خواهند بود .

و لا هم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۵

۵- بی دینان و ناامیدان از نصرت الهی ، گرفتار بن بستگی گریزناپذیر در زندگی

من کان یظنّ أن لن ینصره الله.. فلیمدد بسبب الی السماء... هل ینهبین کیده ما یغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۷ - ۱

۱ - امکانات مادی کافران ، بی ثمر به حال آنان ، به هنگام فرا رسیدن عذاب موعود

ثمّ جاءهم ما کانوا یوعدون . ما أغنی عنهم ما کانوا یمتّعون

جمله <ما أغنی عنهم..> را می توان دو گونه معنا کرد: الف) آن چیزهایی که از آن برخوردار می شدند، به کارشان نمی آید و عذاب را از آنان دفع نمی کند. ب) برخورداری ها، لذت ها و خاطرات شیرین گذشته، در قبال عذاب الهی هیچ ارزشی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۲

۲ - کافران ، در آتش جهنم ، هیچ یار و یآوری نخواهند داشت .

الکفرین .. خلدین فیها أبداً لایجدون ولیاً و لانصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - کفر و

شرک ، ظلم است و کافران و مشرکان ، از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعان محروم اند .

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیات، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره کافران و مشرکان سخن می گوید و مقصود از <ظالمین> آنان می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۵

۵- جوامع کفرپیشه ، با تمامی امکانات و قوا ، بی دفاع در برابر کیفر الهی

و کأین من قریه هی أشدّ قوّه من قریتک الّتی أخرجتک أهلکنهم فلاناصر لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۳،۵

۳ - کافران منهزم شده در جنگ با مؤمنان ، فاقد کم ترین حامی و پشتیبان

لوّلوا الأدبر ثمّ لا یجدون ولیّاً و لا نصیراً

۵ - کافران ، فاقد هرگونه حامی و یاور در تنگناها

الذین کفروا لوّلوا الأدبر ثمّ لا یجدون ولیّاً و لا نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۱

۱ - کافران لجوج ، بی بهره از تزویر های خویش و بی نصیب از یاری هر پشتیبان ، هنگام سر رسیدن وقت مجازاتشان

یوم لا یغنی عنهم کیدهم شیئاً و لا هم ینصرون

بی یآوری کافران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - پیروان عیسی (ع)، مورد تأیید و حمایت الهی در قبال دشمنانشان (کافران بنی اسرائیل)

فأيدنا الذين آمنوا

۱ - کافران در آخرت ، گرفتار آتشی مسلط و فراگیرند ، که تمام راه های گریز از آن بسته خواهد بود .

<وَصِيدَه> یعنی، غرفه ای که در کوهستان برای حفاظت از اموال ساخته شود و جمله <اوصدت الباب> یعنی، درب را بسته و محکم کردم (مفردات راغب). بنابراین <مؤصده>، به معنای بسته شده و محکم است مانند محفظه ای که در دل کوه پدید آورند. حرف <علی> در <علیهم>، بر سلطه کامل آتش و فراگیر بودن آن دلالت دارد.

۳ - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

و ما أرسلنا من قبلك من رسول .. للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم

۶- پندار و تصویر نادرست کافران ، از مسأله معاد و چگونگی آن

تعبیر <و قد خلت القرون من قبلی> که به عنوان علت برای انکار معاد از سوی کافر مطرح شده نشانگر آن است که معاد در پندار آنان، بازگشت به دنیا در زمانی است که هنوز نسل های بعد در زمین زندگی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ -

۵ - دلخوشی کافران به پندار غلط خود ، در زودگذری آثار معجزات پیامبر (ص) *

و إن یروا ءایه یعرضوا و یقولوا سحر مستمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <مستمر> از ماده <مرور> (زایل شدن و گذرا بودن)، مشتق شده باشد؛ چنان که برخی از مفسران بدان اشاره کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۱

۱ - کافران تکذیب گر ، آیات قرآن و مطالب آن را بی اساس و از افسانه های کهن می پنداشتند .

إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأولین

بینش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۱۱

۱۱ کافران، از آن رو که در ظلمت و گمراهی هستند، کردار زشت خویش را زیبا می پندارند.

کمن مثله فی الظلمت . . . کذلک زین للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۶

۶ کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

و إذا فعلوا فحشه قالوا . . . الله أمرنا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۷

۷ کفرپیشگان مستکبر و زراندوز ، ثروت ها و قدرت خویش را موجب مصون ماندن از عذاب های الهی می پندارند .

ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۱

۱ کفرپیشگان مستکبر

در دنیا سوگند یاد می کنند که خداوند مؤمنان را در آخرت مشمول هیچ رحمتی نخواهد کرد .

أهؤلاء الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمه

کلمه <رحمه> نکره است و چون پس از نفی واقع شده، معنای عموم از آن استفاده می شود. قابل ذکر است که مراد کافران از <رحمت>، رحمت‌های اخروی است. یعنی بر فرض اینکه آخرتی باشد، خداوند رحمتش را شامل حال مؤمنان نخواهد کرد. فعل مضارع <لا ينال> و نیز معقول نبودن نفی تمامی رحمتها در دنیا این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۹

۹ زیبا جلوه کردن کردار های زشت کافران ، در نظر ایشان

زین لهم سوء أعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان ، قیامت را امری گزاف و طرح آن را از سوی پیامبر (ص) چون سحر ، نیرنگی روشن قلمداد می کردند .

إن هذا إلا سحر مبين

<هذا> به گفتار پیامبر(ص) مبنی بر زنده شدن مردگان و برپایی قیامت اشاره دارد. اطلاق <سحر> بر این گفتار و ادعا، از باب تشبیه است و وجه شبه آن بطلان و نیرنگ می باشد؛ یعنی، این سخن ظاهری فریبنده و باطنی پوچ و بی اساس دارد و در بطلان و نیرنگ بازی، همانند سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۴

۴ کفرپیشگان ، تأخیر عذاب را نشانه بی پایه بودن تهدید های پیامبر دانسته و آنها را به استهزا می گیرند .

لئن أخرنا

... ليقولن ما يحبسه

استفهام در جمله <ما يحبسه> به قرینه <ماکانوا به يستهزون> به داعی استهزا و تمسخر ایراد شده است. بنابراین <ليقولن...> یعنی ، از سر استهزا و تمسخر می پرسند: چه چیز مانع نزول آن عذاب و تحقق تهدیدها شده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۶

۶ تأخیر عذاب کفرپیشگان تکذیب گر ، موجب اطمینان آنان بر دروغ بودن آن می شد .

و ظنوا أنهم قد كذبوا

<كذب> به معنای دروغ گفتن است و <كذبوا> یعنی، به آنان دروغ گفته شد. جمله <فنجی من نشاء> و <لا-یرد بأسنا> می رساند که از مصادیق آنچه کافران دروغش می پنداشتند، نزول عذاب بوده است. قابل ذکر است که حرف <قد> در <قد كذبوا> که برای تأکید و تحقیق است می رساند که <ظنوا> به معنای اطمینان پیدا کردند، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۱

۱- کافران ، زندگی دنیوی را محبوب خود دانسته و آن را به جای حیات اخروی برمی گزینند .

ویل للكفرین من عذاب شدید . الذین يستحبون الحیوه الدنيا علی الآخره

برداشت فوق بنابراین اساس است که <الذین يستحبون الحیاه...> جمله وصفی برای <للكافرین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۵، ۳

۳- کافران ، حیات دوباره انسان را پس از تبدیل شدن به خاک و استخوان پراکنده ، بعید می شمردند .

و قالوا أءذا كُنَّا عظمًا و رفثًا أءنا لمبعوثون

۵- مرگ در دیدگاه کافران ،

پایان زندگی انسان است .

و قالوا أءذا كُنَّا عِظْمًا و رَفْتًا أءنَّا لمبعوثون خلقًا جديدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۲

۲- کافران ، اولیای برگزیده خود (معبود های باطل) را به حال خویش سودمند می پندارند .

أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا عبادي من دوني أولياء

درباره معنای این آیه، توجیهاات ادبی مختلفی ابراز شده است. از جمله این که <أن يتخذوا> مفعول یکم برای <حسب> و مفعول دوم آن <نافعاً> محذوف باشد. برداشت بالا بر این وجه ادبی مبتنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰- کسانی که غیر خدا را معبود و ولی خود ساخته اند ، به خطا ، خود را کام روا و نیک کردار می پندارند .

أن يتخذوا عبادي من دوني أولياء .. و هم يحسبون أنهم يحسنون صنعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۴

۴- در دیدگاه کافران ، دین مانع پیشرفت اقتصادی و نظامی است .

كفر بأيتنا و قال لأتينا مالا و ولدا

تلاش برای فراوانی اولاد (در عصر نزول قرآن) برخاسته از نیازهای امنیتی و اقتصادی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۸ - ۳

۳- کافران مکه ، منکر قیامت و عذاب های اخروی بودند .

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۵ - ۲

۲ - تبديل دوباره خاک و استخوان

به شکل انسان و دمیده شدن حیات در آن ، امری غیر قابل قبول برای اشراف کفر پیشه

أیعدکم .. انکم مخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۷ - ۳

۳ - دنیا و صحنه آمد و شد نسل ها و آفرینش آنها ، فاقد کمترین هدف و فرجام در بینش اشراف و مرفهان کفرپیشه

نموت و نحیا

مقصود از <نموت و نحیا> (می میریم و زنده می شویم) این است که نسلی می میرد و نسلی پدید می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۳ - ۱،۵

۱ - معاد ، وعده ای بی اساس و افسانه ای کهن ، در نظر کافران و مشرکان

بل قالوا مثل ما قال الأولون .. لقد وعدنا ... إن هذا إلا أسطیر الأولین

<اسطوره> (مفرد <أساطیر>) به معنای افسانه است. بنابراین <أساطیر الأولین> یعنی، افسانه هایی که پیشینیان ساخته اند.

۵ - تحقق نیافتن وعده رستاخیز ، پس از گذشت زمانی دراز ، دلیل بی اساس بودن آن در پندار کافران

لقد وعدنا نحن .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

مقصود کافران از عبارت <لقد وعدنا.. من قبل> می تواند این باشد که اگر قیامتی هست تا کنون بایستی تحقق می یافت.

بنابراین عدم تحقق آن تاکنون، دلیل بی اساس بودن و واقعیت نداشتن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۱

۱ - زمین و هر آنچه در آن هست ، از آن خدا و متعلق به او است .

قل لمن الأرض و من فیها

۱ تناول غذا، رفت و آمد و داد و ستد در بازار، ناسازگار با شأن رسالت و پیامبری از دیدگاه مشرکان و کافران

و قال الذين كفروا.. وقالوا مال هذا الرسول يأكل الطعام و يمشى في الأسواق

۴ در پندار مشرکان، بشر بودن و همچون مردم عادی زیستن، ناسازگار با رسیدن به مقام نبوت و دریافت وحی از جانب خداوند

مال هذا الرسول يأكل الطعام و يمشى في الأسواق

برداشت فوق، از اسم استفهام <ما> که در این جا برای اظهار تعجب است استفاده می شود.

۹ انجام رسالت الهی (انذار مردمان) در دیدگاه مشرکان، تنها در خور شأن فرشتگان بود، نه در توان انسان.

و قالوا مال هذا الرسول.. لولا أنزل إليه ملك

برداشت فوق، از آن جا است که مشرکان به خاطر غذا خوردن و رفت و آمد پیامبر(ص) در بازار، او را شایسته پیامبری نمی دانستند و خواستار نزول فرشته ای برای همیاری با آن حضرت بودند.

۴ داشتن ثروتی بی نیاز کننده از هرگونه داد و ستد با مردم، و تأمین شدن نیازهای مادی از سوی خداوند و یا داشتن بوستانی پر ثمر، نشانه درستی ادعا پیامبری در دیدگاه کافران

أو يلقى إليه كنز أو تكون له جنة يأكل منها

۴ علم به ارزش ها در نظام کفر ، مقهور عادات و رسوم اجتماعی

و صدّها ما کانت تعبد من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۷ - ۳

۳ - زنده شدن دوباره نسل های گذشته تاریخ با همه قدمت آنها ، غیرقابل پذیرش در نظر کافران

أءذا کنا ترابًا وءاباؤنا أئنا لمخرجون

آمدن کلمه <آباؤنا> در ضمن استبعاد کافران، ممکن است بدین جهت باشد که به نظر آنان زنده شدن نیاکان به جهت قدمت زمانی، امری دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۴

۴ - در پندار کافران ، عقیده به معاد ، باوری ارتجاعی و افسانه ای ساخته و پرداخته پیشینیان است .

و قال الذین کفروا .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

<أسطوره> (مفرد <أساطیر>) معادل افسانه است و آن عبارت از هر حکایت و قصه بی اصل و دروغ است که به قصد اخلاقی یا سرگرم کردن ساخته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ - کافران ، سخنان مؤمنان پیرو پیامبر (ص) را نیز عاری از حقیقت می دانستند .

و لئن جئتهم بأیه ليقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلا مبطلون

جمع آورده شدن مخاطب کافران (إن أنتم ..) در خطاب به پیامبر(ص) احتمال دارد از این جهت باشد که آنان، می خواستند با این موضع گیری، مدافع فکری برای پیامبر(ص) باقی نگذارند و گفته های مؤمنان را نیز پیشاپیش، مخدوش اعلام کنند.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۳

۳ - در نظر کافران ، حقیقت انسان ، در جسم و اجزای مادی ، خلاصه شده است .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۸

۸ - کافران ، درباره لحظه وقوع قیامت ، ناباور بودند و آن را محال می دانستند . *

و یقولون متی هذا الفتح إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۱۰، ۲

۲ - کافران ، وعده تحقق روز قیامت را وعده ای نادرست می دانستند .

و قال الذین کفروا لا تأتینا الساعه

لازمه انکار قیامت از سوی کافران، این است که به آنان وعده ای مبنی بر وقوع قیامت داده شده باشد.

۱۰ - سخن گفتن همراه با ادای سوگند ، دارای تأثیری قابل توجه حتی در دیدگاه کافران

قل بلی و ربّی

این که خداوند به پیامبر(ص) دستور می دهد که آن حضرت سخن خود را همراه با سوگند به کافران بگوید، به خاطر تأثیر زیاد آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۷ - ۳، ۵، ۲

۲ - کافران ، به خاطر استبعاد معاد ، منکر آن بودند .

وقال الذين كفروا... إذا مَرَّتم كلَّ مَرَّق إنكم لفي خلق جديد

از تعبیر <رجل يتبئكم إذا مَرَّتم كلَّ مَرَّق...> استفاده می شود که آنان از طرح مسأله معاد شگفت داشتند و چنین امری آنان را به انکار معاد واداشته بود.

۳ - بازآفرینی انسان ها

پس از قطعه قطعه و پراکنده شدن اجزای بدنشان ، امری ناشدنی در دیدگاه کافران

و قال الذین کفروا .. إذا مَرَّ قَمَلٌ مَمْرًا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

<مزق> در لغت به معنای پاره پاره شدن و قطعه گردیدن است (العین).

۵ - کافران ، به دلیل امکان نداشتن بازآفرینی انسان ها ، وقوع قیامت را منکر بودند .

و قال الذین کفروا لا تأتینا الساعه .. و قال الذین کفروا ... إذا مَرَّ قَمَلٌ مَمْرًا

این آیه عطف به آیه <و قال الذین کفروا لا تأتینا الساعه ..> است و به منزله اقامه دلیل برای آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۶، ۴

۴ - کافران ، بازآفرینی انسان ها را پس از قطعه قطعه شدن از سوی خداوند ، امری ناشدنی می دانستند .

هل ندلکم علی رجل یتبئکم إذا مَرَّ قَمَلٌ مَمْرًا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ .. أفتری علی الله

کافران مدعی بودند که امر بازآفرینی انسان ها در قیامت که پیامبر(ص) مطرح می کند افترا به خداوند است. احتمال دارد از این جهت باشد که آنان این امر را حتی برای خدا ناشدنی می دانستند. از این رو می گفتند اسناد چنین امری به خدا، دروغ بستن به او است.

۶ - کافران ، امکان بازآفرینی انسان ها را پس از قطعه قطعه و پراکنده شدن ، امری عقلانی نمی دانستند .

و قال الذین کفروا .. إذا مَرَّ قَمَلٌ مَمْرًا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ . أفتری علی الله

این که کافران به خاطر اظهار امکان تجدید حیات انسان ها پس از مرگ، به آن حضرت نسبت جنون دادند؛

به دست می آید که احتمالاً آنان چنین اظهاراتی را اصلاً عاقلانه نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۸

۱۸ - قرآن کریم در نگاه کافران ، فراتر از کلام عادی است و تأثیری در حد سحر دارد .

و قال الذین کفروا للحقّ لَمَا جاءهم إن هذا إلا سحر مبین

از سحر دانستن قرآن، استفاده می شود که مشرکان، قرآن را کلامی فراتر از کلام معمولی و دارای تأثیری فوق العاده می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۸ - ۴،۵

۳ - زنده شدن انسان ها پس از تبدیل شدن به استخوان کهنه و پوسیده ، امری شگفت آور و ناممکن در دیدگاه کافران

قال من یحیی العظم و هی رمیم

<من> در آیه شریفه برای استفهام انکاری و تعجیبی است و <رمیم> به معنای کهنه و پوسیده است.

۴ - تبدیل شدن انسان ها به استخوان کهنه و پوسیده ، دلیل و شاهد مثال کافران برای دور شمردن برپایی قیامت و زنده شدن مجدد انسان ها

و ضرب لنا مثلاً .. قال من یحیی العظم و هی رمیم

برداشت یاد شده با توجه به این مطلب است که جمله <قال من یحیی> .. <استثناف بیانی است / یعنی، بیان برای جمله <ضرب لنا مثلاً> است.

۵ - کافران ، خدا را از احیای مجدد انسان ها پس از مرگ ، ناتوان می دانستند .

و ضرب لنا مثلاً .. قال من یحیی العظم و هی رمیم

مقصود از <ضرب لنا مثلاً> (برای ما مثل آورد) می تواند این معنا باشد که: کافران، قدرت

خدا را با قدرت دیگران یکی می دانستند؛ یعنی، همان گونه که همه از احیای استخوان کهنه ناتوان اند، او نیز مانند همه ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۵۳ - ۲

۲ - تبدیل خاک ها و استخوان های مردگان به انسانی کامل ، امری ناممکن در نظر کافران

يقول .. أءذا متنا و كُنَّا ترابًا و عظامًا أءنا لمدينون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۱،۲

۱ - برخاستن فردی از توده های مردم به پیامبری ، امری شگفت انگیز در نظر کافران

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <منهم> این است که پیامبر از میان توده های مردم و با ویژگی مردمی باشد. گفتنی است تعبیر <من بیننا> در آیه ۸ مؤید همین مطلب است.

۲ - انتخاب شدن انسان به پیامبری ، امری شگفت آور در نظر کافران

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که مقصود از <منهم> از جنس انسان بودن پیامبر باشد؛ زیرا کافران و مشرکان صدراسلام، انسان را شایسته رسیدن به مقام پیامبری و ارتباط با خداوند نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۱

۱ - برگزیده شدن پیامبراسلام (ص) از میان توده های عرب برای پیامبری ، امری غیرمنطقی و ناممکن در نظر کافران و مشرکان

أءنزل علیه الذکر من بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸

۸ - آفرینش جهان در نظر کافران ، باطل و بی هدف است .

و ما خلقنا السماء .. بطلاً ذلك ظنّ الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۱

۱ - تردید و شک کافران مکه ، نسبت به برپایی قیامت

ألا إنهم في مريه من لقاء ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۵ - ۷

۷ - افق دید کافران ، محدود به زندگی کوتاه دنیا است .

لجعلنا لمن يكفر بالرحمن .. لَمَّا متع الحيوه الدنيا و الآخره عند ربك للمتقين

خداوند در این آیه، توانایی خویش را بر ایجاد یک زندگی آکنده از تجمل برای کافران، بیان کرده و سپس حضور در جوار ربوبی را مطرح نموده است. از این مطلب استفاده می شود که کافران تنها در محدوده تنگ زندگی دنیا می اندیشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۱،۷

۱ - حق ناباوران کافر ، آیات الهی را سحر و جادوئی روشن قلمداد می کردند .

و إذا تتلى عليهم آیتنا بینت قال الذین كفروا .. هذا سحر

۷ - اتهام سحر ، سپر دفاعی کافران در برابر آیات روشن وحی

إذا تتلى عليهم آیتنا بینت قال الذین كفروا .. هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳- مجال زندگی دنیا و عالم برزخ ، درنگی کوتاه در نظر کافران حضور یافته در صحنه قیامت

كأنهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلّا

ساعه من نهار

با توجه به این که آنچه کافران در قیامت پشت سر خود می بینند زندگی دنیا و عالم برزخ است ﴿لم یلبثوا﴾ می تواند ناظر به هر دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲

۲- خداوند ، توصیف کننده بهشت برای متقین ، در قبال جلوه دنیا در چشم کافران

و الذین کفروا یتمتعون و یأکلون . . . زین له سوء عمله ... مثل الجنّه الّتی وعدا

در صورتی که <مثل> به معنای توصیف باشد، از ارتباط این آیه با آیات پیشین مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳ - ۱،۲،۵

۱ زنده شدن دوباره انسان ، پس از مردن و خاک شدن ، امری بعید از نظر کافران

أءذا متنا و کنا ترابا ذلک رجع بعید

۲ انکار معاد از سوی کافران ، متکی بر استبعاد و نه دلیل قطعی

أءذا متنا و کنا ترابا ذلک رجع بعید

۵ متلاشی شدن اجزای بدن در خاک ، محور اشکال کافران در مسأله معاد

و کنا ترابا ذلک رجع بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۴

۴ - ناباوری بی جای کافران نسبت به نزدیک شدن لحظه به لحظه قیامت

أزفت الأزفه . . . أفمن هذا الحدیث

در صورتی که <هذا> اشاره باشد به آنچه در آیات پیشین درباره نزدیکی قیامت و وعده ها و عیدهای الهی بیان شده است، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ -

۳ - کافران ، زنده شدن انسان را پس از تبدیل شدن وی به خاک و استخوان ، غیرقابل باور می پنداشتند .

و كانوا يقولون أئذا متنا و كُنَّا ترابًا و عظمًا أئنا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۸ - ۱،۲

۱ - احیای مجدد گذشتگان تاریخ ، موضوعی انکارآمیزتر در پندار کافران

أو اباؤنا الأوّلون

آیه بالا- تأکیدی بر آیه پیش است؛ یعنی، بر فرض بپذیریم که ما پس از مرگ زنده می شویم؛ زنده شدن نیاکان ما که روزگاری دراز از مرگ آنان گذشته است به هیچ وجه باور کردنی نیست.

۲ - گذشت زمان بر مردگان ، تأثیرگذار در غیر ممکن شدن احیای مجدد آنان در پندار کافران منکر معاد

أئنا لمبعوثون . أو اباؤنا الأوّلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۸

۸ - مرگ ، پایان همه چیز در بینش کافران

كما یئس الکفّار من أصحاب القبور

<من> در آیه شریفه می تواند برای ابتدای غایت و یا بیانیه باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۵

۵ - در بینش کافران ، بشر شایسته مقام پیامبری ، واسطه ارتباط میان خدا و خلق و هادی برای انسان ها نیست .

فقالوا أبشر یهدوننا فکفروا و تولّوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۸

۸ - کافران ، قرآن را نشانه جنون پیامبر (ص) می دانستند .

لَمَّا

سمعوا الذکر و یقولون إنه لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۶ - ۲

۲ - کافران ، هیچ دلیل قاطعی بر نفی قیامت ندارند ، بلکه تنها به گمانه زنی درباره آن می پردازند .

إنهم یرونها بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳ - ۱

۱ - انکار قیامت ، برخاسته از پندار کافران به ناتوان بودن خداوند بر گردآوری استخوان های مردگان و احیای مجدد آنها

أیحسب الإنسان أنن نجتمع عظامه

مقصود از انسان در این آیه برابر نظر مفسران و به قرینه مقام انسان کافر است نه همه انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۳ - ۴

۴ - قرآن ، حتی در دیدگاه کافران ، ظاهری زیبا و آراسته دارد .

أسطیر الأولین

در صورتی نوشته افسانه ای را <اسطوره> می گویند که زیبا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۳ - ۴

۴ - گنه پیشگان کافر ، در برخورد با مؤمنان ، چنان خود را در مقام قیم و نگهبان می نشانند که گویا هدایت آنان را مأموریت خود می دانند .

و ما أرسلوا علیهم حفظین

بینش کافران جاهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۷

۷ در بینش کافران زشتکردار عصر جاهلی، روش پدرانشان مهمتر از امر خداوند بود.

قالوا وجدنا علیها ءاباءنا و الله أمرنا بها

از اینکه زشتکاران در توجیه کردار خویش قبل از استناد به امر

خدا به روش پدرانشان تمسک جستند، برداشت فوق استفاده می شود.

بینش کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۸،۹

۸- کفرورزان عصر بعثت ، برتری وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را نشانه حقانیت عقاید خویش می دانستند .

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

پاسخ کافران به دلایل روشن و آیات الهی، صرفاً تکیه بر مظاهر مادی و نظام اجتماعی خود بوده است و این نشان دهنده تفکر آنان و ارزش هایی است که در نظر آنها، معیار ارجحیت یک مکتب است.

۹- کافران عصر بعثت ، مشکلات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی مسلمانان را ، نشانه نارو بودن عقیده و تفکر آنان می دانستند .

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۲

۲ - کفرپیشگان عصر بعثت ، وعده عذاب را دروغ پنداشته و آن را به ریشخند می گرفتند .

و يستعجلونك بالعذاب

از این که تکذیب گران، از پیامبر(ص) می خواستند وعده خود را عملی سازد و هر چه زودتر عذاب را بر آنان نازل کند، معلوم می شود که آنان تهدید پیامبر(ص) را تهدیدی تو خالی می انگاشتند و با درخواست تسریع عذاب، آن را به ریشخند می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۲

۲ دسته جمعی و به یکباره نازل نشدن آیات قرآن بر پیامبر (ص) ، دلیل وحی نبودن آن در دیدگاه کافران صدراسلام

و قال الذين كفروا لولا نزل عليه القرآن جمله وحده

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۷ - ۱

۱ - تبدیل ذرات خاک به بدن انسانی زنده ، امری شگفت و باور نکردنی در نظر کافران عصر پیامبر

و قال الذین کفروا أءذا کنا ترابًا .. أئنا لمخرجون

کافران می دیدند که پیکر مرده انسان در خاک پوسیده و پس از روزگاری تبدیل به ذرات خاک می شود. پذیرش این مطلب (تبدیل دوباره ذرات و عناصر خاکی به بدن انسانی زنده) برای آنان غیر قابل باور بود و از آن اظهار شگفتی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۲، ۱

۱ - کافران ، اظهارات پیامبر (ص) را درباره تجدید حیات انسان ها پس از مرگ ، افترای او بر خدا می دانستند .

و قال الذین کفروا هل ندلّکم علی رجل یتبئکم .. أفتری علی الله کذبًا

۲ - کافران ، در اظهار نظرشان درباره پیامبر (ص) و تبلیغ آن حضرت از معاد ، مردد بودند و نظری ثابت و قطعی نداشتند .

رجل یتبئکم إذا مرّتم کلّ ممزّق إنکم لفی خلق جدید . أفتری علی الله کذبًا أم ب

<أم> حرف عطف و برای تردید است / یعنی ، طبق نظر کافران پیامبر(ص) یا می داند که معاد، شدنی نیست و در عین حال از آن خبر می دهد که افترا به خدا است و یا از آن خبر ندارد و سخنی جنون آمیز بر زبان جاری می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ -

۸ - کافرانِ صدراسلام ، عقیده به روزی رسانی خدا برای انسان ها را باطل دانسته و مؤمنان را در گمراهی محض می پنداشتند

قال الذين كفروا للذين ءامنوا أنطعم من لو يشاء الله أطعمه إن أنتم إلا في ضلل م

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <إن أنتم إلا في ضلال مبین > دنباله گفتار کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۲

۲- از نگاه کافران عصر نزول ، مقام رسالت شایسته موجودی آسمانی و فرابشری است .

بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۱ - ۲

۲ - تکذیب و انکار معاد ، از سوی کافران صدراسلام

ثم إنكم أيها الضالون المكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۴

۴ - مشرکان و کافران صدراسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و آن را دروغ می پنداشتند .

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۴

۴ - قرآن ، کلامی پرجاذبه و اثرگذار ، حتی در نظر کافران حق ناپذیر عصر نزول

فقال إن هذا إلا سحر يؤثر

اطلاق <سحر> به قرآن، می تواند به این جهت باشد که همان گونه که سحر بسیار تأثیرگذار است، قرآن نیز چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۵ - ۲

۲ - اصرار و تأکید فراوان کافران حق ناپذیر و مستکبر

صدراسلام ، بر الهی نبودن قرآن و منشأ بشری داشتن آن
و استکبر . فقال إن هذا إلا سحر یؤثر . إن هذا إلا قول البشر

بینش کافران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۳

۳ مستکبران کفرپیشه مدعی برخورداری خویش از رحمت های الهی در آخرت

أهؤلاء الذین أقسمتم لا ینالهم الله برحمه

زیرا سوگند مستکبران به محرومیت مؤمنان از رحمت الهی، از موضع کسی است که تنها خود را بهره مند از مواهب الهی می داند.

بینش کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۴،۵

۴- کافران مکه ، نزول وحی بر پیامبر (ص) را ، ادعایی بیش نمی دانستند .

قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل <نزل> و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

۵- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر ، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بینش کافران مکه

قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر إنک لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۲،۴،۶

۲- کافران مکه ، دلیل صداقت پیامبر (ص) را در ادعای نزول وحی ، آمدن ملائکه برای تصدیق او می دانستند .

لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصادقين

۴- کافران مکہ ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد .

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصديقين

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

۶- کافران و مشرکان مکه ، ملائکه را موجوداتی قابل احساس برای همگان می دانستند .

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئكة

از تعبیر <لو ما تأتينا بالملئكة> (چرا فرشته ای نمی آوری؟) استفاده می شود که آنان، فرشتگان را موجوداتی محسوس و قابل رؤیت می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۷۸،۹

۷- کافران و مشرکان مکه ، نسبت به نام <رحمان> برای خداوند ، بسیار حساس و منکر رحمانیت او بودند .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

اختصاص به ذکر یافتن نام <رحمان> از میان دیگر نام های مقدس پروردگار و نیز تکرار <هم>، بیانگر برداشت یاد شده است.

۸- کافران مکه ، منکر خدای رحمان بودند .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

گفتنی است که کافران منکر نام رحمان بودند؛ به اولویت استفاده می شود که منکر ذات خدای رحمان نیز بوده اند.

۹- آسمانی بودن قرآن ، مورد انکار کافران و مشرکان مکه بود .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <ذکر> قرآن کریم باشد، چنان که در موارد متعدد در قرآن از جمله آیه دوم همین سوره از قرآن به <ذکر> یاد شده است.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۴

۴ - کافران مکه ، برای عقیده خود ، هویتی مستقل ، قائل بودند .

اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا

بیهودگی تلاش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۴

۴ - تلاش های گسترده و به ظاهر چشمگیر کافران در طول زندگی ، امری عبث و نافرجام

فَذَرِهِمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يوعَدُونَ

آمدن تعبیر <يلعبوا> در پی <يخوضوا>، می رساند که ژرف کاوی مشرکان در زندگی دنیایی، در حقیقت فرو رفتن در عمق پوچی و بیهودگی است و دستاوردهای آنان هرچند به ظاهر چشمگیر باشد در حقیقت جز بازی چیزی نیست.

پاسخ به شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءَنَّا لَمَبْعُوثُونَ... قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش ها و شبهه انگیزی های کافران و منکران معاد ، در باور های دینی مردم و آگاهی دادن به آنان

و يقولون متى هذا الوعد... قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ

پاسخ به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۸

۸ مستضعفان مؤمن قوم ثمود با پاسخی

قاطع به کفرپیشگان ، ایمان و باور خویش را به صالح و تمامی رسالت های وی اعلان کردند .

أتعلمون .. قالوا إنا بما أرسلنا به مؤمنون

پاسخ شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به کافران درباره وقوع حتمی قیامت

و قال الذين كفروا لاتأتينا الساعة قل بلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۲

۲ - پیامبر اسلام (ص) ، مأمور پاسخ گویی به شبهات کافران و منکران معاد با استدلال و برهان

قال من يحيى العظم و هى رميم . قل يحييها الذى أنشأها أول مرة

پاسخ گویی به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، موظف به پاسخگویی به کافران و تبیین نادرستی انتظارات نابه جای آنان بود .

و يقولون متى هذا الفتح .. قل يوم الفتح لاينفع الذين كفروا إيمانهم

پاسخ مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۷

۷ - خداوند در مکر و کیفر ، آغازگر نبوده و خدعه های او ، پاسخ کردار ناروای کافران است .

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا . وَأَكِيدُ كَيْدًا

پایان حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۱

۱ - لحظه مرگ ، لحظه پایان یافتن شرارت ها و حق ستیزی های کافران و ستمگران

حتی

إذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون

<حتی> برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

پرسش از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۹

۹ - پرسش ملامت آمیز نگهبانان و دربانان دوزخ از کافران ، درباره آمدن پیامبران تلاوت کننده آیات الهی و اندازگران

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایة ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران ، پس از توقفی چند در آستانه در های دوزخ برای پاسخ به پرسش های دربانان ، به ورود در آن فرمان خواهند یافت .

قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل .. قالوا بلی ... قیل ادخلوا أبواب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۲

۲ - طرح پرسش های تبه بخش و بیدار کننده ، شیوه ارائه شده از سوی خداوند به پیامبر (ص) در محاجه با کافران و مشرکان

قل أریتم إن أهلكنی اللّٰه و من معی أو رحمننا

پرسش درباره کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۴ - ۱

۱ - بهشتیان ، درباره سرنوشت هم نشینان کافر دنیایی خود ، از دیگر بهشتیان پرسش کرده و از وضعیت آنان کسب اطلاع

خواهند کرد .

قال هل أنتم مَطَّلعون

استفهام <هل> برای عرض و یا امر است که مفاد آن تقاضا و درخواست می باشد.

پرسش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۷

۷ - پرسش کافران از پیامبر (ص) ، درباره لحظه برپایی قیامت

قل لا یعلم .. الغیب إلاّ الله و ما یشعرون آیاں یبعثون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت <قل..> در جواب پرسش کسانی باشد که نسبت به وقوع قیامت شک داشته اند؛ زیرا ضمائر در آیه بعد به این دسته از کافران بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون آیاں یوم الدین

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود؛ زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

پرسش کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۱

۱ - کافران صدراسلام ، از مسلمانان درباره برپایی قیامت سؤال می کردند .

قال الذین کفروا .. و یقولون متی هذا الوعد

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <وعد>، برپایی قیامت است.

پرسشهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۵ - ۴

۴ - پرسش استهزاآمیز کافران حق ناپذیر ، از زمان تحقق وعده های الهی درباره خویش

أقرب ما توعدون أم يجعل له ربِّي أمداً

آیه شریفه درصدد پاسخ به پرسش کافران درباره تحقق وعده های الهی است که در آیه قبل مطرح شده بود. از این رو برخی از مفسران نوشته اند که این

آیه، درباره <نضرین حارث> است که او و همفکرانش پیوسته می گفتند: <متی هذا الوعد إن کتتم صادقین > (۱۰/۴۸).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - ذکر تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ در قرآن ، مورد پرسش انکارآمیز کافران و گروه بیمار دل و مغرض قرار گرفت .

و ليقول الذين في قلوبهم مرض و الكفرون ماذا أراد الله بهذا مثلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۱

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

يسئل أیّان يوم القیمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۰ - ۱

۱ - علاقه و دل بستگی به دنیا ، از علت های کفر به قیامت و پرسش های انکارآمیز کافران درباره معاد

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه . یسئل أیّان يوم القیمة ... کلاً بل تحبّون العاجله

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه مرتبط با آیه ۵ و ۶ همین سوره (بل یرید الإنسان لیفجر أمامه . یسئل أیّان يوم القیامه) باشد.

پشیمانی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۲

۲ کافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در زمره مؤمنان هستند.

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۸

۸ - سختی

و سوزش آتش جهنم ، کافران را از عملکرد دنیوی شان پشیمان می کند .

یوم تقلب وجوههم فی النار یقولون یتینا أطعنا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- اعتراف و پشیمانی کافران در قیامت ، بی تأثیر به حال ایشان

ألیس هذا بالحق قالوا بلی و ربنا قال فذوقوا

کافران با این که به حق اقرار می کنند باز هم به ایشان حکم می شود که: <فذوقوا العذاب>. بنابراین اعتراف آنان سودی نمی بخشد.

پشیمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۸،۱۱

۸ پشیمانی و تأسف شدید کافران در قیامت از کتمان کردن حقایق در دنیا

یومئذ یؤذ الذین کفروا و عصوا الرسول .. و لا یکتُمون الله حدیثاً

بنابر اینکه <لا یکتُمون> عطف بر جمله <تسوی> باشد.

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت ، از کتمان حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول .. و لا یکتُمون الله حدیثاً

مصدق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <کفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقانیت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۱

۱- حسرت و ندامت کافران از ستم کاری خویش ، به هنگام احساس و لمس اندکی از عذاب الهی

وَلئن مَسْتَهْم نَفْحَه مِن عَذَاب رَّبِّكَ لِيَقُولَنَّ يَوِيلنا اِنَّا كُنَّا ظَلْمِين

<نَفْحَه> در لغت به معنای وزیدنی و یا یک وزیدن است که نوعاً در امور خیر به کار می رود و گاهی هم در امور شرّ استعمال می شود.

از نظر مفسران این کلمه در آیه شریفه، به سه دلیل دلالت تقلیل را می‌رساند: ۱ ماده <نفتحه> دال بر تقلیل است؛ ۲ بر وزن و بناء <مَرّه> می‌باشد؛ ۳ به صورت نکره آمده است. گفتنی است کسی واژه <ویل> را می‌گوید که دچار بدبختی و هلاکت شده و از روی تأسف و تحسّر این لفظ را ادا کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۶

۶ - ندامت کافران در هنگام مرگ و تمنای آنان از خدا ، برای بازگشت به دنیا

حَتَّى إِذَا جَاء أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۷

۷ - ندامت و ذلت حتمی ، فرجام مجرمان کفرپیشه است .

بَلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَفَرُونَ... و لو تری إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۵

۵ - پشیمانی و بغض شدید کافران نسبت به خویشان ، بر اثر رد دعوت به ایمان و کفرورزی آنان است .

مَقْتَمِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ

تردید نیست که بغض شدید کافران نسبت به خویشان در قیامت، ناشی از رد ایمان و کفرشان است. این بغض نشانه پشیمانی شدید آنان از عمل خود می‌باشد.

پشیمانی کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۵

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

عليهم حسره ثم يغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم يغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیا است.

پلکان خانه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۳

۳ - خداوند، توانا بر مرفه ساختن زندگی کافران، تا جایی که سقف خانه های خود را از نقره بسازند و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا بروند.

لجعلنا.. لیبوتهم سقفاً من فضّه و معارج علیها یظهرون

پلیدی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۲

۲ کافران ستیزه گر با دین، پلید هستند و اهل ایمان، پاک.

لیمیز الله الخبیث من الطیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی، مردمی پلید هستند.

و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

پناهگاه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- آتش ، تنها پناهگاه و گریزگاه کافران در قیامت

و مأویکم النار

پندار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۳،۴

۳- پندار کافران در غلبه بر دین خدا ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذين يعملون

السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا

به قرینه آیات قبل که در آنها از مدعیان ایمان و پندارشان سخن گفته شده است، مراد از <يعملون السيئات> می تواند <کافران> باشد.

۴ - پندار کافران برای رهایی از کیفر الهی ، پنداری خام و باطل است .

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا

پوچی آرزوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۱

۱- آنان که کفر را وسیله و راهی برای رسیدن به مال و فرزند قرار داده اند ، هیچ تضمینی برای رسیدن به آرزوی خود ندارند

كَلَّا

<كَلَّا> حرف ردع است و بر بی پایگی پندارهایی که قبل از آن مطرح بوده، دلالت دارد.

پوچی ادعاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۸ - ۲

۲ - ادعاهای کافران ، بی اساس و فاقد دلیل متقن

فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعَهُمْ بَسُلْطَنٍ مِّمَّنْ

<سلطان>، به معنای حجت و برهان است.

پوچی پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۳

۳- تصریح به آمادگی نداشتن مشرکان برای پذیرش توحید در هیچ زمان و تأکید بر واهی بودن پیشنهاد سازش از سوی آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

قل . . . و لا أنتم عبدون ما أعبد

آیات آغاز سوره که تسامح طرفین را در زمان آینده منتفی دانست با مفهوم خود، تکلیف زمان حال را نیز روشن کرده است. در این حال، وضعیت زمان حال به صراحت در این آیه، بیان شد تا موضع گیری ها شفاف باشد.

پوچی تعهد کافران

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۸

۸- تعهد کافران در هنگام مرگ ، بر تدارک بدی های گذشته با انجام نیکی ها ، تعهدی بی پشتوانه و غیر عملی

قال رب ارجعون .. کلاً إِنَّها کلمه هو قائلها

در برداشت بالا، جمله <إِنَّها کلمه هو قائلها> تعلیل برای رد درخواست کافران گرفته شده است؛ یعنی، رد خواسته آنها، بدان جهت است که آنان بدان، عمل نخواهند کرد؛ چون اگر آنها اهل عمل بودند، در گذشته انجام می دادند.

پوچی زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۲

۲- واقعیت زندگی کافران ، چیزی جز پوچی و بی فرجامی و زیانکاری نیست .

ذلک

<ذلک> ممکن است که خبر مبتدای محذوف و تأکید بر محتوای آیات قبل باشد؛ یعنی، واقعیت این است و جز این نیست. (الأمر ذلک و لا غیر) و می تواند مبتدا باشد و <جزاؤهم> خبر آن و <جهنم> عطف بیان برای مبتدا یا خبر. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۴

۴- پوچی و بی هدفی در زندگی ، از ویژگی های کافران

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

پوچی زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۲،۳

۲- زندگی (رفتار و اعمال) کافران ، دارای فرجامی پوچ و در هاله ای از سردرگمی

و الذین کفروا أعملهم .. . أو کظلمت فی بحر لَجّی یغشیه موج من فوقه

۳- کافرانی که در مادیات و اموال دنیا غوطهوراند، به پوچی در زندگی دچار گشته و در سردرگمی شدید بسر می برند.

رجال لاتلهیهم تجربه و لایع عن ذکر الله... و الذین کفروا أعملهم... کظلمت ف

از مقایسه میان آیه ۳۷ که در باره کسانی است که مال و منال و مادیات آنان را از یاد خدا غافل نمی سازد و آیه شریفه که درباره وضعیت کافران است به دست می آید که کافران، بر خلاف مؤمنان، در مادیات و علاقه به مال و منال گرفتاراند و از این رو دچار سردرگمی و تاریکی شدید هستند.

پوچی عمل صالح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۵

۵ اعمال به ظاهر نیک کافران دین ستیز، محکوم به پوچی و بطلان در آخرت *

الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله أضلّ أعملهم

<أضلّ> ممکن است مربوط به جهان آخرت باشد و مراد از <أعمالهم>، کردار به ظاهر نیک کافران در حیات دنیا باشد که در آخرت حبط خواهد شد.

پوچی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۷،۹

۷- کافران، فریفته و مغرور اعمال و ساخته های پوچ و بی فرجام خویش اند.

و هم یحسبون أنهم یحسنون صنعاً

<صنع> به معنای مصدری و به معنای <مصنوع> آمده است و در آیه، هر دو محتمل است. مفاد <یحسنون صنعاً> این است که آنان به پندار خود کردار خود را، خوب به سامان می رسانند.

تلاش های بی فرجام و دل خوش بودن به آنها ، نشانی از زیانکاری عمیق کافران است .

الأخسرین أعملاً . الذین ضلّ سعیمهم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون أنّهم یحسنون صنع

جمله حالیه <و هم یحسبون .. > بیانِ علّت <أخسرین > بودن کافران است ؛ زیرا، این گمان که انسان، آنچه را انجام داده، از نوع بهترین ها است، سبب می شود که هرگز به فکر جبران خسارت خویش بر نیاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - کافران ، به هنگام اطلاع از پوچی اعمالشان در قیامت ، به حقانیت خداوند پی خواهند برد .

و الذین کفروا أعملهم کسرآب بقیعه یحسبه الظمآن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئاً و

۱۳ - قیامت ، روز ظهور و بروز حقایقی همانند حقانیت خداوند و پوچی اعمال کافران

و الذین کفروا أعملهم کسرآب بقیعه .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۲

۲ - زندگی (رفتار و اعمال) کافران ، دارای فرجامی پوچ و در هاله ای از سردرگمی

و الذین کفروا أعملهم .. أو کظلمت فی بحر لّجّی یغشیه موج من فوقه موج من فوقه

پیامبرشناسی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۴

۴- مشرکان و کافران عصر بعثت دارای ملاک های غلط برای شناخت رسولان الهی

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

پیروزی بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷

۹ شعیب (ع) ، مؤمنان به رسالت خویش را به داوری خداوند و پیروزی بر کافران نوید داد .

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۳،۴،۸

۳ یک گروه بیست نفری اهل ایمان باید بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشکر صد نفری مؤمنان باید بر لشکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

جمله های <یغلبوا مائتین> و <یغلبوا ألفا> خبری هستند. ولی مراد از آن به دلیل <الئن خفف الله عنکم> در آیه بعد معنایی دستوری است. زیرا تخفیف در محدوده تکالیف و دستورات مطرح است. بنابراین <یغلبوا ...> یعنی باید مقاومت کنید و پیروز شوید.

۴ اهل ایمان موظف به پایداری در برابر لشکریان کفر تا پیروزی بر آنان ؛ حتی در صورت ده برابر بودن نیروی انسانی کافران

حرض المؤمنین علی القتال إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین

تغییر نکردن نسبت در دو فراز یاد شده، یعنی بیست در مقابل دویست و صد در مقابل هزار، بیانگر این است که ضرورت مقاومت مخصوص بیست و دویست نفر نیست، بلکه تحقق نسبت (یک بر ده) ملاک حکم است.

۸ صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران

إن یکن منکم عشرون صبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۹

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر

تا تحقق پیروزی بر آنان

فإن يكن منكم مائة صابرة يغلبوا مائتين و إن يكن منكم ألف يغلبوا الفين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۲

۲ - وعده خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فاصبر إن وعد الله حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - شکست ناپذیری قرآن، در برابر معارضه ها و موضع گیری های خصمانه کافران

إن الذين يلحدون .. إن الذين كفروا ... و إنه لكتب عزيز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۳

۳ - سنت الهی در پیروز ساختن جبهه ایمان بر سپاه کفر، دارای نمود های عینی در گذشته تاریخ

سنه الله التي قد خلت من قبل

پیروزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۷

۷ غلبه مؤمنان در جنگ، فتح و پیروزی حقیقی است و پیروزی های کافران، بهره ای محدود و زودگذر است.

فإن كان لكم فتح من الله .. و إن كان للكافرين نصيب

خداوند از غلبه مؤمنان به فتح و پیروزی تعبیر فرموده و برای غلبه کافران از کلمه <نصیب> استفاده کرده تا به این معنا اشاره

کند که غلبه کافران، فتح و پیروزی نیست. بلکه بهره ای اندک و زودگذر است.

پیروی از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ واپسگرایی ، پیامد پیروی جامعه ایمانی از کفرپیشگان

ان تطيعوا الذين كفروا يردوكم على اعقابكم

۷ ارتداد و واپسگرایی جامعه ایمانی و پیروی آنان از کفرپیشگان ، حرکتی زیانبار و خسارت آفرین

ان تطيعوا الذين كفروا يردوكم على اعقابكم فتتقلبوا خاسرين

پیروی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۱

۱۱- رهبران مستکبر و پیروانشان از اجابت کنندگان دعوت شیطانند .

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعا .. و قال الشيطان لما قضي الأم

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب شیطان، به قرینه ذکر این آیه پس از ذکر ماجرای مستکبران و پیروان آنها در قیامت، مستکبران و پیروانشان باشد.

پیشگامی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله < فالسابقات سبقاً > يعني أرواح المؤمنين تسبق أرواحهم إلى الجنة ... و أرواح الكافرين إلى النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر یکدیگر] سبقت می گیرند.. و [نیز] ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند].<

پیشگویی شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّى حین . و أبصرهم فسوف يبصرون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّی حین . و أبصر فسوف یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۲

۲ - پیشگویی قرآن و بشارت خداوند به شکست خفتّ بار کافران تکذیب گر

سنسمه علی الخرطوم

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که آیه شریفه درصدد پیشگویی و بشارت به شکست ذلّت بار کافران در جنگ های آتی است.

پیشگویی عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّی حین . و أبصرهم فسوف یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّی حین . و أبصر فسوف یبصرون

پیشنهاد به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۹

۹ - پیشنهاد آوردن کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات ، به کافران حق ستیز از سوی پیامبر (ص) و به فرمان خداوند

قل فأتوا بكتب . .. هو أهدى منهما

پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ -

۹ - رد پیشنهاد کافران (نزول دفعی قرآن) از سوی خداوند ، به خاطر عدم صداقت آنان در خواسته خویش

أُولَئِكَ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتُوا مُوسَىٰ مِنْ قَبْلِ

مقصود از آیه این است که اقتراح کافران، بهانه ای بیش نیست؛ زیرا اگر راست می گویند پس چرا به تورات با این که به صورت دفعی نازل شده بود پیش از این کفر ورزیدند.

پیشنهاد کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۱،۶

۱ - برخی از کافران عصر بعثت ، مدعی آمادگی برای عبادت خداوند ، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (ص) برای عبادت معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

خبر دادن پیامبر(ص) از سر سختی کافران پس از نفی کوتاه آمدن خود بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر(ص) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

۶ - کافران ، خود را در اقدام به خداپرستی در صورت سازش پیامبر (ص) با آنان پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (ص) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند .

لا أعبد ما تعبدون . و لا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست؛ ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به

ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر(ص)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم؛ مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۱

۱ - برخی از کافران عصر بعثت، آمادگی خود را برای عبادت خداوند به صورتی مشروط، به پیامبر (ص) عرضه کردند.

و لا أتم عبدون ما أعبد

تأثیرپذیری از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۵،۶

۵ - هشدار خداوند درباره فریب خوردن از تحركات سیاسی و اقتصادی کافران و ثروت و مکت آنان در جامعه

فلا یغررک تقلبهم فی البلد

برخی از اهل لغت نوشته اند: <تَقَلَّبَ فِي الْأُمُورِ>؛ یعنی، <تَصَرَّفَ كَيْفَ يَشَاءُ> (در هر کاری مطابق خواسته خود دخل و تصرف کرد). مقصود از <تَقَلَّبَهُمْ فِي الْبِلَادِ> تحركات سیاسی و اقتصادی کافران در شهرها از راه سفرهای تجارتي (مانند سفرهای کافران قریش از مکه به شام، یمن و ...) است.

۶ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) و مسلمانان، درباره تأثیرپذیری از قدرت و مکت کافران و تجدید نظر کردن در برنامه

های تبلیغی و الهی خویش

فلا یغررک تقلبهم فی البلد

پیامبر(ص) و مسلمانان، در حالی به تبلیغ دین اسلام می پرداختند که کافران در اوج قدرت اقتصادی و سیاسی قرار داشتند. بنابر این هشدار خداوند در آیه شریفه می تواند گویای مطلب یادشده باشد.

تأخیر در عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۶ تعجیل نشدن در عذاب مشرکان و کفار، مرتبط با آگاهی مطلق خداوند بر غیب و شهود جهان و اسرار آفرینش است.

قل لو أن عندی ما تستعجلون .. و عنده مفاتح الغیب

تأخیر در مواخذه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند، زندگانی دنیا را عرصه مؤاخذه فوری همه کافران قرار نداده است .

و لولا .. أجل مسمی

سنت خداوند که <لولا کلمه..> بر آن دلالت دارد این نیست که خداوند هیچ مخالفی را هلاک نکند؛ بلکه سنت او این است که تمامی آنان را نابود نسازد؛ زیرا اگر بنا بود هر کافری نابود گردد، نسل بشر در خطر انقراض قرار می گرفت و تا <أجل مسمی> ادامه نمی یافت.

تأخیر عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۳

۳ زمان تأخیر و تعویق عذاب کافران، زمانی اندک است .

و لئن أخرنا عنهم العذاب إلى أُمَّه معدوده

کلمه <أُمَّه> در آیه شریفه، به معنای وقت و زمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۶

۶ تأخیر عذاب کفرپیشگان تکذیب گر، موجب اطمینان آنان بر دروغ بودن آن می شد .

و ظنوا أنهم قد کذبوا

<كذب> به معنای دروغ گفتن است و <كذبوا> ؛ یعنی، به آنان دروغ گفته شد. جمله <فنجی من نشاء> و <لا-یرد
بأسنا> می رساند که از مصادیق آنچه کافران دروغش می پنداشتند، نزول عذاب بوده است. قابل ذکر است

که حرف <قد> در <قد کذبوا> که برای تأکید و تحقیق است می رساند که <ظنوا> به معنای اطمینان پیدا کردند، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۲

۲ - کافران ، با مطرح ساختن تأخیر عذاب و نازل نشدن آن ، پیامبر (ص) را در فشار روحی و تبلیغاتی قرار می دادند .

فاصبر علی مایقولون

مراد از <مایقولون> به قرینه آیه قبل سخنانی است که کافران از سر استهزا در رابطه با عدم نزول عذاب و دیگر وعده های پیامبر(ص) ابراز می داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۹

۹ - عذاب تعیین شده برای کافران ، به خاطر اجل معین ، تأخیر دارد و لکن تحقق اش قطعی است .

و لولا أجل مسمی لجاهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - مهلت دادن به کافران و گنه کاران و به تأخیر انداختن مجازات آنان ، کاری عالمانه و برخاسته از آگاهی دقیق خداوند به احوال و مصالح بندگان

و لکن يؤخرهم إلى أجل مسمی فإذا جاء أجلهم فإن الله کان بعباده بصیراً

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <فإن الله کان...> در مقام تعلیل برای جمله پیش (و لکن يؤخرهم...) می باشد یعنی، چون خداوند به احوال بندگان آگاه است از این رو مجازات آنان را تا زمان معین به تأخیر انداخته است.

تأخیر کیفر دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره -

۳ - مخالفت های کافران با پیام وحی و تأخیر کیفر دنیایی آنان ، نبایستی پیامبر (ص) و مؤمنان را در تبلیغ دین سست گرداند

فَإِذَا نَذِهْبِنَّ .. فَاَسْتَمْسِكُ بِالذِّى اُوْحِى اِلَيْكَ

از تفریع این آیه بر آیات پیشین که مسأله اعراض کافران از وحی و کیفر آنان را مطرح کرده بود مطلب یاد شده استفاده می شود.

تباهی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۳، ۲، ۱

۱ کفرپیشگان ، مردمی تباه شده و زیانکار ، در عرصه دنیا و صحنه آخرت

لاجرم اَنَّهُمْ فِى الْاٰخِرَةِ هُمُ الْاٰخِسْرُونَ

۲ تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیاست .

لاجرم اَنَّهُمْ فِى الْاٰخِرَةِ هُمُ الْاٰخِسْرُونَ

<اٰخِسِرٌ> (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیاست. براین اساس جمله <لاجرم اَنَّهُمْ...> دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادت و سنگین تر است.

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من اظلم .. الذین یصدون ... لاجرم اَنَّهُمْ فِى الْاٰخِرَةِ هُمُ الْاٰخِسْرُونَ

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین

زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند و ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

تباهی دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۱،۲

۱ کفرپیشگان، مردمی تباه شده و زیانکار، در عرصه دنیا و صحنه آخرت

لاجرم انهم فی الآخره هم الأخسرون

۲ تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیاست.

لاجرم انهم فی الآخره هم الأخسرون

<أخسیر> (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیاست. براین اساس جمله <لاجرم انهم...> دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتر و سنگین تر است.

تباهی عمر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۳

۳ - مشرکان و کافران در عرصه قیامت، سرمایه عمر خود را تباه شده می بینند و خویش را از حمایت خانواده شان، محروم می یابند.

قل إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

مقصود از <أنفس> سرمایه های عمر و مراد از <أهل> خانواده می باشد. براین اساس خسارت نفس، به معنای تباه ساختن و بهره کافی نگرفتن از سرمایه عمر است. خسارت اهل نیز به معنای از کف دادن حمایت خانواده و بهره

نجستن از آنان می باشد. گفتنی است برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه شریفه کافران و مشرکان هستند.

تباهی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۲

۲- کار و تلاش کافران ، هرچند گوناگون و دارای ظاهری زیبا و فریبنده باشد ، تباه گشته و در قیامت ، برای آنان سودی نخواهد داشت .

الذین ضلّ سعیهم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون أنّهم یحسنون صنعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۶

۶- حبط أعمال کافران ، همان ضایع شدن سعی و تلاش دنیوی آنان است .

الذین ضلّ سعیهم فی الحیوه الدنیا .. فحبطت أعمالهم

تبدیل کافران به خاشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵ - تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غناء

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا، به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غناء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

تبری از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ شیطان به هنگام شروع جنگ بدر با اعلان بی‌زاری از کافران، عهد خویش (یاری سپاه کفر) را گسست.

فلما تراءت الفئتان .. قال إني بريء منكم

۱۳ مشاهده فرشتگان الهی برای امداد مسلمانان،

دلیل عقب نشینی شیطان از کارزار بدر و اعلان بیزاری وی از لشکر کفر

نکص علی عقبیه و قال إني بريء منكم إني أرى ما لاترون

تبلیغ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۲،۱۰

۲ - کافران ، با مطرح ساختن تأخیر عذاب و نازل نشدن آن ، پیامبر (ص) را در فشار روحی و تبلیغاتی قرار می دادند .

فاصبر علی ما یقولون

مراد از <ما یقولون> به قرینه آیه قبل سخنانی است که کافران از سر استهزا در رابطه با عدم نزول عذاب و دیگر وعده های پیامبر(ص) ابراز می داشتند.

۱۰ - تسبیح و حمد مداوم پروردگار ، از راه های مقابله مؤمنان با تبلیغات کافران علیه خدا و دین

فاصبر علی ما یقولون و سبح

تبلیغ کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ تلاش تبلیغاتی کفرپیشگان قوم ثمود برای ایجاد شک در رسالت صالح ، تلاشی بی ثمر بود .

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

تبیین فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۴ - ۴

۴ - مسؤولیت پیامبر (ص) ، تبیین سر انجام نیک مؤمنان و عاقبت شوم کفرپیشگان است .

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۸

۸- ترسیم فرجام کافران و مؤمنان ، از سوی خداوند با بیانی روشن و برهانی

كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَلَهُمْ

<كذلك> اشاره به فلسفه و بیانی است که

خداوند در این آیه، برای پوچی اعمال کافران و ثمربخشی اعمال مؤمنان، بیان فرموده است.

تجاوز کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۲

۲ کافران قوم ثمود با پی کردن ناقه صالح، فرمان خداوند را سرپیچی کردند و مردمی متجاوز شناخته شدند.

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتُوا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ

مراد از <أمر ربهم> همان است که در آیه ۷۳ مطرح شده بود یعنی: زیان نرساندن به ناقه و آزاد گذاری آن برای چریدن.

تجاوز گری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - تجاوز گری، گناه پیشگی و مانع خیر شدن، از خصوصیات کافران تکذیب کننده رسالت پیامبر اسلام (ص)

و لا تطع المكذِبِينَ .. مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ مَعْتَدٌ أَثِيمٌ

تجدید حیات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱

۱ - اعتراف کافران در قیامت، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأُحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۷ - ۱

۱ - کافران دوزخی در قیامت، از زنده شدن مجدد خود به شدت ناخرسند بوده و آرزوی مرگ می کنند.

مرجع ضمیر <یالیتها> امری مقدر است که از سیاق آیه شریفه به دست می آید (مانند <الموته>). <قاضیه> نیز به معنای <قاعه> است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: ای کاش مرگ نخستین پایان بخش حیاتم

می بود و دیگر بار زنده نمی شدم!

تجدید مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱

۱ - اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربنا أمتنا اثنتین و أحييتنا اثنتین

تجسم عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۲

۲ - تجسم اعمال زشت کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سيئات ما عملوا

اضافه <سيئات> به <ما عملوا> ممکن است اضافه بیانیه باشد. در آن صورت می توان گفت: آشکار گشتن اعمال به معنای تجسم آن است.

تجمع اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۸

۸- کافران و شیاطین ، در اطراف جهنم و در گروه هایی فشرده و متراکم ، احضار خواهند شد .

ثم لنحضرنهم حول جهنم جثيًا

<جثيًا> ممکن است از <جثوه> به معنای سنگ و خاک متراکم و مجتمع باشد.

تجمع کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۱،۲

۱ - تجمّع سریع و شتابزده کافران در اطراف پیامبر (ص)، به هنگام تلاوت وحی برای مردم

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مَهْطَعِينَ

<اهطاع> (مصدر <مهطعين>) به معنای گردن کشیدن و به سرعت راه رفتن و نیز به معنای گردن کشیدن برای خبر گرفتن آمده است.

۲ - سرزنش خداوند از کافران، به سبب تجمّع شتاب آلودشان برای استماع قرآن؛ به رغم کفرورزی آنان نسبت به آن

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا

<ما> در <فمال>، اسم استفهام و برای توییخ است.

تجمع کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۷ - ۱

۱ - اجتماع کافران در اطراف پیامبر (ص)، از هر سو و در قالب دسته های پراکنده بود.

مهطعین . عن اليمين و عن الشمال عزيز

<عزيز> (جمع <عزه>) به معنای گروه های پراکنده است و <يمين و شمال> در این آیه، کنایه از احاطه همه جانبه است.

تحجر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۸

۸ - دل بستگی عمیق جوامع کفرپیشه و شرکورز به اندیشه ها و سنت های دیرین خویش

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن محدث . . . معرضین

واژه <محدث> (جدید) می تواند اشاره به این داشته باشد که جدید بودن پیام های الهی، در عدم پذیرش جوامع شرک تأثیر داشته است و این می تواند ناشی از دل بستگی آنان به سنت های کهن خویش باشد.

تحجر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۱ - ۲

۲ - عدم تأثیر پیشرفت ها و تمدن بشری در رشد اندیشه کافران، دست کم تا عصر بعثت پیامبر (ص)

بل قالوا مثل ما قال الأولون

تحریرگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۲

۲ - تحریر عینی ترین حقایق از سوی کافران ، دلیل عدم ضرورت ارشاد آنان

و إن یروا .. یقولوا سحاب مرکوم . فذرهم

از ارتباط دو آیه، استفاده می شود

که چون کافران مصمم بر کفراند، تکلیف تبلیغ پس از اتمام حجت بر آنان از پیامبر(ص) ساقط است.

تحقیر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۱

۱ - فرمان تحقیر آمیز خداوند در قیامت به مجرمان و کافران برای رفتن به دوزخ

هذه جهنم .. اصلوها اليوم

امر <اصلوها> برای تحقیر و اهانت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۳ - ۱

۱ - گنه پیشگان کافر، شایسته قضاوت کردن و اظهار نظر درباره راه مؤمنان، نیستند.

و ما أرسلوا علیهم حفظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۵

۵ - جایگاه مؤمنان در آخرت، نشانه عزت و کرامت آنان و جایگاه کافران، پست و ذلت آفرین است.

هم أصحاب المشئمه

راست و چپ، کنایه از عظمت و پستی جایگاه است؛ زیرا در جوامع انسانی، مرسوم است که سمت راست، نشانه کرامت و سمت چپ رمز شوم بودن است؛ و گرنه راست و چپ حقیقی، وابسته به اعتبارات و با در نظر گرفتن مرکزیتی خاص است که در این آیات، از آن سخنی به میان نیامده است.

تحقیر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۳

۱۳ مؤمنان ، شايسته ارج نهادن و كافران ، سزاوار استخفاف و تحقير

اذله على المؤمنين اعزه على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۳

۳ - ملائكه موكل ،

با تهكّم تحقير آميز ، به كافران ، براي ورود به جهنم ، فرمان مي دهند .

يغشيهم العذاب ... و يقول ذوقوا ما كنتم تعملون

ضمير فاعلي <يقول> احتمال دارد به خداوند برگردد و احتمال دارد، منظور ملائكه باشد. برداشت بالا- بنا بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جايه - ۴۵ - ۸ - ۵

۵ - كافران حق ناپذير مورد تمسخر و تحقير

فبشّره

ذکر عذاب، تناسبی با کاربرد واژه بشارت ندارد. از این رو تعبیر به بشارت می تواند به عنوان سخریه و تحقیر باشد.

تحير كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۴۰ - ۲،۴

۲- بهت و حيرت كافران ، به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی

بل تأتیهم بغته فتهتهم

۴- بهت زدگی كافران در برابر عذاب ناگهانی ، بازدارنده آنان از هر گونه اقدام دفاعی است .

بل تأتیهم بغته فتهتهم فلايستطيعون ردها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۵

۵ - سرگردانی و رسیدن به بن بست کامل ، فرجام نهایی كافران و مستكبران

حتّی إذا فتحنا .. إذا هم فيه مبلسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۲،۳

۲ - زندگی (رفتار و اعمال) کافران ، دارای فرجامی پوچ و در هاله ای از سردرگمی

و الذین کفروا أعملهم .. . أو کظلمت فی بحر لَجّی یغشیه موج من فوقه موج من فوقه

۳ - کافرانی که در مادیات و اموال دنیا غوطهوراند ، به پوچی در زندگی دچار گشته و در سردرگمی

شدید بسر می برند .

رجال لاتلهيهم تجره ولابيع عن ذكر الله ... و الذين كفروا أعملهم ... كظلمت ف

از مقایسه میان آیه ۳۷ که در باره کسانانی است که مال و منال و مادیات آنان را از یاد خدا غافل نمی سازد و آیه شریفه که درباره وضعیت کافران است به دست می آید که کافران، بر خلاف مؤمنان، در مادیات و علاقه به مال و منال گرفتاراند و از این رو دچار سردرگمی و تاریکی شدید هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۵

۵ شک در امکان معاد ، در عین مشاهده آفرینش خداوند ، نمودی از گیجی و سردرگمی کافران

فهم فی أمر مریج .. أفعینا بالخلق الأول بل هم فی لبس من خلق جدید

بیان تناقض گویی کافران در این آیه، می تواند در مقام ارائه نمونه ای از سرگردانی کافران باشد که در آیات پیشین خداوند به آن اشاره فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۶

۶ - آشفتگی و سردرگمی کافران ، در انکار دلایل روشن پیامبران الهی

إلا قالوا ساحر أو مجنون

سحر و جنون فاصله بسیاری از یکدیگر دارد؛ زیرا سحر نوعی تبحر و جنون سراسر آشفتگی و اشمئزاز آور است و میان این دو سنخیتی نیست . از این رو سخن کافران، نشانگر اضطراب شدید آنان در موضع گیری علیه منطق روشن پیامبران است.

تخته‌های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۴ - ۲

شکوه بخشیدن به زندگی کافران تا جایی که آنان در خانه های مجلل خویش بر تخت هاتکیه زنند در حیطه قدرت و توانایی خداوند

لجعلنا لمن يكفر بالرحمن . . . و لبيوتهم أبوياً و سرراً عليها يتكئون

تداوم استهزاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۹

۹- به تمسخر گرفتن وعده عذاب از سوی کافران ، مستمر بوده است .

و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

تداوم توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۱

۱- دشمنی و کارشکنی دائمی کافران ، نسبت به رسالت پیامبراسلام

حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ

<حَتَّى> یا متعلق به <یکونون علیه لبداء> است و یا به قرینه مقام، به جمله ای مانند <لايزالون يستضعفون و يستهزئون> تعلق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۱ - ۲

۲- مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه ای مستمر و حساب شده بود .

إِنَّهٗ فِكْرٌ وَّ قَدْرٌ . . . ثُمَّ نَظَر

تداوم توطئه های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - کافران همواره و به دقت ، در حال توطئه و چاره اندیشی برای رویارویی با آیین الهی اند .

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا

فعل مضارع <یکیدون> به قرینه سیاق آیه بر استمرار دلالت دارد و <کیداً> مفعول مطلق و برای تأکید است. آیات بعد بیانگر آن است که مراد از ضمیر <إِنَّهُمْ>، کافران و مراد از <کید>

چاره سازی برای مقابله با برنامه های خداوند است.

تداوم دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۲

۲ - عداوت جبهه کفر با مسلمانان ، همیشگی و پایان ناپذیر

إن یتقفوکم یكونوا لکم أعداء

فعل مضارع <یکونوا> دلالت بر استمرار عداوت مشرکان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۱

۱ - دشمنی و کارشکنی دائمی کافران ، نسبت به رسالت پیامبر اسلام

حتّی إذا رأوا ما یوعدون

<حتّی یا متعلق به <یکونون علیه لبدأ> است و یا به قرینه مقام، به جمله ای مانند <لایزالون یتضعفون و یتهزئون> تعلق دارد.

تداوم سختیهای اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۶

۶ - سرخوشی و هواپرستی کافران در دنیا ، در پی دارنده دشواری های دیرپای قیامت

و أتبعوا أهواءهم .. یقول الکفرون هذا یوم عسر

<عسر> (صفت مشبّهه) دال بر ثبات و دوام وصف است.

تداوم عذاب برزخی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۵

۵ - وجود شکنجه های روحی ، به طور مستمر برای کافران در عالم برزخ

النار يعرضون عليها غدوًّا و عشیًّا

عرضه کافران بر آتش در هر صبح و شام، نوعی شکنجه روحی برای آنان است.

تداوم عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۶

۶ عذاب الهی پس از نزول بر کفرپیشگان ، از آنان برداشته نخواهد شد .

ألا یوم یأتیهم لیس مصروفاً عنهم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۵

۵- خداوند کسانی را که برای ازدیاد مال و فرزند به کفر رو آورده اند ، به عذابی مداوم و بیوقفه گرفتار خواهد ساخت .

و نمَدَّ له من العذاب مَدًّا

معنای اصلی <مَدَّ> کشاندن چیزی در ناحیه طول آن و متصل ساختن اشیا به یکدیگر برای طولانی ساختن آن است (تاج العروس). مصداق این معنا در آیه، استمرار عذاب است و مفاد آن چنین است: <بدون انقطاع، از عذاب برای او پیش می آوریم تا همواره در عذاب بماند.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۴،۶

۴ - از عذاب کافران دوزخی ، هرگز کاسته نشده و به آنان تخفیف داده نمی شود .

لهم نار جهنم .. لا یخفف عنهم من عذابها

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

كذلك نجزي كل كفور

<کفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

تداوم مبارزه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۱ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه ای مستمر و حساب شده بود .

إِنَّه فِکْرٌ و قَدْرٌ .. ثُمَّ نَظَرٌ

تداوم مکرهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۱۳، ۱۲

۱۲- مکر و حیلہ مداوم کافران ، در قبال دعوت و ہدایت گری پیامبر (ص)

و لاتک فی ضیق مّما یمکرون

۱۳- دلتنگی پیامبر

(ص) ، از مکر و حيله مستمر کافران

و لاتکک فی ضيق ممّا يمکرون

تدبير کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۲

۲ - مرگ ، لحظه کوتاه شدن دست کافران از تدبير های خویش و نقطه های امید

فيه يصعقون . يوم لا يغني عنهم كيدهم شيئاً

در صورتی که <يومهم الذی..> در آيه قبل، نظر به لحظه مرگ داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

تذکره به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۲

۲ - کيفر جوامع کفرپيشه ، پس از انذار های متعدد و یادآوری مکرر ارزش ها است .

و ما أهلكنا من قرية إلا لها منذرون . ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۶ - ۲

۲ - یادآوری آخرین لحظات زندگی انسان (هنگام احتضار و حالات تکان دهنده محتضر) ، از سوی خداوند به کافران و

منکران معاد ، برای بیدار کردن آنان از غفلت و مستی

کلاً إذا بلغت التراقي

تذکر شقاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲۰- ذکر فرجام شقاوت بار کافران و عاقبت سعادت آمیز تقواییشان در کنار یکدیگر ، از روش های تبلیغی قرآن

الكفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ظالمی أنفسهم ... فادخلوا أبواب جهنّم ... فلبئس

ترحم بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، شایسته

دلسوزی نیستند .

لَا تَمُدَّنْ عَيْنَيْكَ ... وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ

حزن و اندوه پیامبر(ص) درباره کافران و مشرکان همان گونه که مفسران گفته اند به خاطر حق ناپذیری آنان بود. نهی شدن پیامبر(ص) از اندوه برای آنان، ممکن است از این جهت باشد که آنان ارزش چنین اندوهی را ندارند.

ترس اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۶

۶- قیامت ، حادثه ای وحشت زا و دهشت آفرین برای کافران

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه أبصر الذین كفروا

خیره شدن دیدگان کافران و بهت زدگی آنان، ناشی از حوادث هولناک و دهشت آفرین قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۱

۱ - ظهور و بروز ذلّت و ترس ، در دیدگان کافران و مشرکان در عرصه قیامت

خشعه أبصرهم

ترس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱،۲،۴

۱ وعده الهی به القای رعب و هراس در دل های کفرپیشگان

سنلقی فی قلوب الذین كفروا الرعب

۲ ایجاد رعب و هراس در دل های کفرپیشگان ، نمونه ای از نصرت خداوند به پذیرندگان ولایت او

بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین. سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب

جمله <سنلقى .. >، پس از جمله <و الله خیر الناصرین >، بیانگر مصداقی از یاری خداوند است.

۴ خداوند با القای وحشت و دلهره در دل های کفرپیشگان تقویت کننده روحیه جامعه ایمانی در رویارویی با آنان

سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۰

۱۰- کافران ، به هنگام مرگ دچار وحشت و ترس می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ... فألقوا السلم

تسلیم شدن کافران به هنگام مرگ به قرینه < ما كنا نعمل من سوء > که در مقام دفاع بیان شده است می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۳ - ۷

۷- کافران و عناصر سست ایمان ، دارای آینده ای پر بیم و هراس

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که دو گروه در معرض بیم و هراس اند: ۱ کافران، ۲ آنان که اظهار ایمان کرده ولی در طریق ایمان استقامت نورزند.

ترس کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۳

۳- وحشت کافران مکه ، از تأثیر شگفت قرآن و پیام وحی در شنوندگان

لاتسمعوا لهذا القرآن والغوا فيه

ترسناکی عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۳

۳- عذاب شدن کافران تکذیب گر ، بسیار هراس انگیز و شگفت آور بوده است .

ثم أخذت الذين كفروا فكيف كان نكير

استفهام در جمله <فكيف كان نكير>، استفهام تعجبی و بیانگر شدت کیفر است.

ترشرویی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۴ - ۱

۱ - کافران ، دارای چهره ای گرفته و عبوس در قیامت

و

<بسر> (مصدر <باسره>) به معنای گرفتگی چهره است.

ترك احتجاج با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۲

۲ - لزوم ترك بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

ترك احتجاج با کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، به هنگام مواجهه با حق ناپذیری کافران مکه ، مأمور به رها کردن آنان به حال خود و ترك محاجه با آنها شد .

ذرهم یأكلوا و یتمتّعوا

ترك انفاق کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۲، ۱

۱ - کافرانِ برخوردار از ثروت در صدراسلام ، از انفاق به مستمندان و گرسنگان خودداری می کردند .

و إذا قیل لهم أنفقوا ممّا رزقکم الله قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته به دست می آید: ۱ همزه در <أنطعم> برای استفهام انکاری است؛ ۲ آیه شریفه در مکه نازل شده و مربوط به کافران صدراسلام است.

۲ - روزی رسان بودن خداوند برای بشر ، بهانه و دستاویز کافرانِ صدراسلام برای خودداری از انفاق به مستمندان و گرسنگان

و إذا قيل لهم أنفقوا مما رزقكم الله قال الذين كفروا للذين آمنوا أنطعم من لوى
استفهام در <أنطعم> استفهام انکاری است، یعنی، <لانطعم من لو شاء الله لأطعمهم>.

ترک جهاد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۱ - نباید با کفرپیشگانی که از جنگ و فتنه انگیزی دست کشیده اند، نبرد کرد و آنان را به قتل رساند .

فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

متعلق <إنتهوا> به قرینه آیات قبل، جنگیدن و فتنه انگیزی است. جمله <فإن الله...> جانشین جواب شرط می باشد و تقدیر کلام چنین است: فإن انتهوا عن القتال و الفتنه فلا تقاتلوهم و لا تقتلوهم إن الله غفور رحيم <.

۶ - فرمان خداوند ، مبنی بر ترک جنگ با کافرانی که دست از جنگ و فتنه برداشته اند ، پرتوی از مغفرت و رحمت اوست .

فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۵،۶

۵ - لزوم ترک جنگ با کافران ، در صورت دست برداشتن آنان از فتنه انگیزی و ایجاد مزاحمت برای گسترش دین خدا

فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدُونَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ

متعلق <إنتهوا...> - به قرینه فرازهای پیش - فتنه انگیزی و بازداري از حاکمیت یافتن دین الهی است. جواب شرط (فإن انتهوا) محذوف است و جمله <فلاعدوان...> جانشین آن می باشد یعنی، پس اگر از فتنه انگیزی دست کشیدند و مانع گسترش و حاکمیت دین خدا نشدند، آنان را نکشید زیرا تعدی تنها بر ستمکاران رواست.

۶ - در صورتی که کفرپیشگان محارب یا فتنه انگیز از کفرورزی دست بکشند ، نباید با آنان نبرد کرد .

فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدُونَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که متعلق <انتهوا> کفرورزی باشد.

ترک دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

۸ مسلمانان صدر اسلام نگران توطئه های پنهانی کافرانی که مخاصمات را ترک گفته و حاضر به صلح می شدند .

فإن انتهوا فإن الله بما يعملون بصير

جواب شرط <انتهوا> به قرینه <قتلوهم> جمله ای همانند <فلاتقاتلوهم> است ؛ یعنی اگر کافران دست از فتنه انگیزی برداشتند و راه مسالمت پیش گرفتند با آنان نبرد نکنید. با توجه به این معنا معلوم می شود هدف از بیان آگاهی خداوند به اعمال این گروه از کافران، این است که مسلمانان را از این نگرانی برهاند که شاید صلح جویی آنان دستاویزی برای توطئه و فتنه ای دیگر باشد.

ترک دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۷

۷ ضرورت پرهیز از دوستی با کافران و مشرکان

و لو كانوا يؤمنون بالله و النبي و ما أنزل إليه ما اتخذوهم أولياء

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <النبي> پیامبر بنی اسرائیل باشد نه پیامبر اسلام (ص) و در نتیجه مراد از <ما انزل إليه> دستورات دینی بنی اسرائیل خواهد بود.

ترک مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۶

۶ لزوم ترک مبارزه با کافران در صورت برداشتن از فتنه انگیزی علیه اسلام و ایجاد مزاحمت برای گسترش دین خدا

فإن انتهوا فإن الله بما يعملون بصير

متعلق <انتهوا> به قرینه فراهی پیشین، فتنه انگیزی و جلوگیری از حاکمیت یافتن دین الهی است.

ترک مناظره با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ -

۱۳- پیامبر (ص)، مأمور به ترک مناظره و محاجه با کافران، پس از اتمام حجت بر ایشان *

قل إن افتريته فلا تملكون .. كفى به شهيداً بينى و بينكم

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که تعبیر <کفى به شهيداً> به معنای ترک محاجه باشد، یعنی، پس از اتمام حجت، کار داوری درباره کافران را به خدا واگذار.

تزلزل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۳

۳- مؤمن، دارای ثبات و استقرار در عقیده، ولی کافر، اسیر در چنگال‌های شک و تردید و بی ثبات است.

ما أظنّ .. و ما أظنّ ... لكننا هو الله ربّی

سخنان سمبل کفر و دنیاپرستی، در آیه، همواره، تردید را با خود همراه دارد، لذا در نقل سخن او، دو بار واژه <ظنّ> و یک بار نیز <لئن> به کار گرفته شده، ولی مرد سمبل ایمان، با قاطعیت عقیده خود را بیان کرده و راه عملی خود را مطرح ساخته است.

تزئین عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۵۷، ۲

۲ شیطان رفتارهای ناشایست کافران مکه را در نظرشان زیبا جلوه داد.

و إذ زين لهم الشيطان أعمالهم

۵ لشکرکشی برای رویارویی با اهل ایمان، عملی پسندیده در نظر شیطان زده کفرپیشگان مکه

إذ زين لهم الشيطان أعمالهم

از مصادیق مورد نظر برای کلمه <أعمالهم>، به قرینه آیات قبل و فرازهای بعد، لشکرکشی کافران مکه برای حضور در

جنگ بدر است.

۷ سرمستی، ریاکاری و

بازداشتن مردم از راه خدا ، رفتاری نیکو در نظر شیطان زده کافران عصر بعثت *

إذ زين لهم الشيطان أعمالهم

از مصادیق <أعمالهم> به قرینه آیه قبل، سرمستی و ریاکاری .. است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۹،۱۱

۹ زیبا جلوه کردن کردار های زشت کافران ، در نظر ایشان

زين لهم سوء أعمالهم

۱۱ <نسیء> ، (جا به جا کردن ماه های حلال و حرام) ، از اعمال زشت عرب های جاهلی و کاری پسندیده و زیبا در دیدگاه آنان

إنما النسيء زیاده فی الکفر .. زين لهم سوء أعمالهم

تشابه به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۸

۸ سکوت و سازشکاری مؤمن در قبال اهانت به مقدسات و آیات الهی ، موجب همانندی وی با کافران و منافقان است .

فلا تقعدوا معهم .. إنکم إذا مثلهم إنَّ الله جامع المنفقين و الکفرین فی جهنم

تشابه فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- کیفر الهی برای کافران ، دارای گونه های بسیار با نتایجی ویرانگر و مشابه *

دمر الله عليهم و للکفرین أمثلها

جمع آمدن واژه <أمثالها> می رساند که مجازات ملت های کفر پیشه، هر چند در نابودی و ویرانگری همگون است؛ اما در شکل متفاوت است.

تشبیه اسلام ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۵

۵ - تلاش های گسترده کافران علیه اسلام ،

به مثابه پفی ناچیز در مقابل نوری عظیم و درخشان

یریدون لیطفوا نور الله بأفوههم

تشبیه به موضعگیری کافران پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۱ - ۱

۱ - موضع گیری کافران رفاه زده عصر بعثت ، در برابر رهنمود های پیامبر (ص) ، همانند موضع گیری کافران پیشین در

برابر رهنمود های پیامبرانشان

بل قالوا مثل ما قال الأولون

تشبیه عمل صالح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۱

۱- عمل نیک کافران به ربوبیت خداوند ، چونان خاکستری است در معرض تندباد در روز طوفانی

مثل الذین کفروا برّبهم أعمالهم کرماذ اشتدت به الريح فی یوم عاصف

مراد از <أعمالهم> می تواند اعمال خیر و صالحی باشد که کافران انجام می دهند. چه اینکه روشن است عمل زشت و گناه

هیچ کس ، کافر و مسلمان ، ثمری ندارد تا اینکه حبط گردد و یا به خاکستر در معرض باد تشبیه شود.

تشبیه عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱،۳

۱ - اعمال و رفتار کفرپیشگان ، همانند سرابی است در کویر که تشنه به پندار آب به سراغ آن می رود و چیزی به دست نمی

آورد .

و الذین کفروا أعمالهم کسراب بقیعه یحسبه الظمان ماء حتی إذا جاءه لم یجدہ شیئا

۳- اعمال و رفتار کفرپیشگان ، چون سراب فریبنده است .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجدہ شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اعمال کافران ، به مثابه تاریکی شدید در دریای ژرفناک با امواجی متلاطم و پوشیده از ابر است که کمترین روزنه ای در آن نیست .

و الذین کفروا أعملهم .. کظلمت فی بحر لَجّی یغشیه موج من فوقه موج من فوقه سحا

تشبیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۱

۱ - مَثَل کفرپیشگان ، مَثَل حیوانی است که از درک شنیده ها ناتوان است .

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لایسمع

<نعق> (مصدر ینعق) به معنای: نهیب چوپان بر گوسفندان و امر و نهی اوست و مراد از <ما لایسمع> گوسفند و مانند آن می باشد. به گفته مفسران در آیه شریفه، کافران لجوج به گوسفندان و دعوت کنندگان به معارف دین به چوپان تشبیه شده اند. بر این مبنا بخشی از مشبه ذکر نشده و تقدیر کلام چنین است: مثل الذین کفروا و الذی یدعوهم الی الأیمان کمثل الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۷،۸

۷ - کافران حق ناپذیر ، چونان مردگانی ناشنوا و غیرقابل تفهیم

إِنَّک لاتسمع الموتی

۸ - کفرپیشگان روی گردان از دلایل آشکار ، همچون ناشنویان روی برتافته از راهنمای خویش

و لاتسمع الصمّ الدعا إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۷

۷- کافران لجوج ، مانند مردگان در قبرها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

ما أنت بمسمع من في القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۱

۱ - مردمی که ایمان نیاورند و محکوم به عذاب الهی گردند ، مانند کسانی اند که در گردنشان تا چانه ها ، غل و زنجیر قرار داشته و سرهایشان به طرف بالا مانده باشد .

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلًا فَبِهِ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ

<ذقن> (مفرد <أذقان>) به معنای چانه و <قمح> (ریشه <مقمحون>) به معنای بلند کردن سر است. گفتنی است آیه شریفه در مقام تمثیل و تشبیه حال کافران و مشرکان لجوجی است که نمی خواستند هرگز ایمان بیاورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۱

۱ - مردمی که ایمان نیاورند و محکوم به عذاب الهی گردند ، مانند کسانی اند که سدّی بلند در پیش رو و پشت سرشان نهاده شده و بر دیدگانشان پرده ای افکنده شده که هیچ چیز نبینند .

و جعلنا من بین أیدیهم سدًّا

تنکیر <سدًّا> برای تعظیم است و به قرینه <فأغشیناهم>، مقصود از آن، سدّی بلند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، انسان های زنده دل و برخوردار از حیات واقعی و معقول ، و کافران (چونان مردگان) محروم از آن

لینذر من کان حیًّا و یحقّ القول

برداشت یاد شده از ارتباط میان صدر و ذیل آیه شریفه^۱ یعنی، به قرینه مقابله میان انسان های زنده و کافران، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۷

۷- لذت جویی و شکمبارگی حیوان گونه کافران ، تنها بهره آنان از زندگی دنیایی

الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم و النار مثوی لهم

از مقابله دو بخش آیه که برای مؤمنان پایان خوش بهشت را یادآور شده استفاده می شود که کافران، هرگز از آن نعمت های اخروی بهره نخواهند برد^۲ بلکه تنها شهوت رانی و استفاده حیوان گونه از امکانات دنیا، نصیب آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۰ - ۱

۱ - کافران لجوج و پندناپذیر ، همچون گورخران رمیده اند .

کأنهم حمر مستنفره

<حمار> (مفرد <حمر>) به معنای خر اهلی یا وحشی است (الصحاح)^۳ ولی مفسران آن را در آیه شریفه، از نوع وحشی دانسته اند که در فارسی از آن به گورخر تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۱ - ۱

۱ - روی گردانی کافران ، از شنودن کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، همچون فرار گورخران از شیر زیان ، بسیار شدید بود .

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرِه

<قسوره> اسم جامد و به معنای شیر است و گاهی اسم جمع و در معنای شکارچیان تیرانداز استعمال می شود. (الصحاح)

تشجیع کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۴۹

شیطان با توصیف کافران بدر به شکست ناپذیران ، آنان را علیه مسلمانان تشجیع کرد .

و قال لا غالب لكم اليوم من الناس

۹ شیطان با تأکید بر یاری بی دریغ خویش از لشکریان کافر بدر ، آنان را به رویارویی با مسلمانان ترغیب کرد .

إنی جار لكم

کلمه <جار> معانی متعددی دارد ؛ از جمله یاور، همساز، هم قسم، شریک و ... (لسان العرب). به نظر می رسد یاور نسبت به دیگر معانی مناسبتر باشد.

تشخیص خیانت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۴

۴ بررسی و تشخیص شواهد و نشانه های خیانتکاری کافران ، وظیفه ای بر عهده پیامبر (ص) و رهبران جامعه اسلامی

و إما تخافن من قوم خیانه

تشویق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۵

۵ ایجاد انگیزه و امید از جانب خداوند در مؤمنان خطاکار و نیز کافران ، برای توبه و بازگشت به حق

ثم یتوب الله .. و الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۶

۶ - خداوند ، کافران را به بازگشتن از کفر ، پیش از پایان یافتن مهلت شان ، تشویق کرده است .

قل یوم الفتح لاینفع الذین کفروا إیمنهم ولا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) مأمور توجه دادن کافران و مشرکان بر آفرینش انسان و جهان و

ترغیب آنان به تأمل و تفکر درباره آنها

فاستفتهم أهم أشد خلقاً أم من خلقنا

استفتا و پرسش در آیه شریفه، برای ترغیب به تفکر و تأمل است؛ نه برای پرسش و استفتای حقیقی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۵ - ۴

۴ - خداوند، تشویق کننده کافران و مشرکان به رها کردن شرک و بازگشت به توحید و یکتاپرستی

و هو الذی یقبل التوبه عن عباده

با توجه به آیات پیشین، می توان گفت که جمله <و هو الذی یقبل التوبه> دعوتی است از سوی خدا به عموم کافران و مشرکان مبنی بر دست برداشتن از عبادت غیرخدا و بازگشتن به یکتاپرستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۷

۱۷- ترغیب کافران از سوی خداوند، برای روی آوردن به توبه و بازگشت به سوی او

أم یقولون افتریه... و هو الغفور الرحیم

تذکر خداوند به غفران و رحمت بی کران خویش، در حقیقت فراخوانی و دعوت مردم و حتی کافران، به توبه و استغفار است.

تشویق کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۲ - ۵

۵ - ترغیب کافران صدر اسلام از سوی خداوند به توجه و تأمل در نشأه نخستین (جهان فعلی)، برای هموار شدن راه پذیرش مسأله معاد

و لقد علمتم النشأه الأولى فلولا تذکرون

واژه <لولا> در <لولا تذکرون>، برای تحضیض و ترغیب می باشد.

تضرع اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۶

کافران ، با مشاهده عذاب الهی ، در قیامت ، به درگاه خداوند ، اظهار تضرع می کنند .

و قالوا ربنا

اقرار به ربوبیت خداوند با واژه <ربنا> برای اظهار تضرع است. لازم به ذکر است که این گفته، به قرینه ماضی آورده شدن <قالوا> در کنار <يقولون> احتمال دارد مربوط به زمانی باشد که کافران، هنوز وارد آتش نشده اند و تنها، آن را مشاهده می کنند.

تضعیف حاکمیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۱۸

۱ خداوند پی در پی از حاکمیت کفرپیشگان بر زمین می کاست و بر سرزمین های اسلامی و حاکمیت آن می افزود .

أولم يروا أننا نأتى الأرض ننقصها من أطرافها

مفسران در تفسیر آیه فوق چند نظر ابراز کرده اند. برخی گفته اند: مراد از <الأرض> مطلق زمین است و مقصود از کاستن از نواحی آن، میراندن و هلاک کردن اهل زمین در اطراف و نواحی گوناگون آن می باشد. و برخی گفته اند: مراد از <الأرض> سرزمینهای تحت نفوذ کفر است و منظور از کاستن نواحی آن، کوتاه کردن سیطره کفرپیشگان از آن است که طبعاً به حاکمیت اسلام بر آن جا می انجامد.

۸ از میان رفتن کفرپیشگان و کوتاه شدن سیطره آنان از زمین ، از فرمان های خداوند است که نقض نخواهد شد و تحقق خواهد یافت .

أولم يروا أننا نأتى الأرض ننقصها من أطرافها والله يحكم لامعقب لحكمه

تعاون کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۳ - ۱

۱ کافران سزاوار حمایت از یکدیگر ، نه شایسته

حمایت کردن از مؤمنان و یا برخوردار شدن از حمایت ایشان

و الذین کفروا بعضهم أولیاء بعض

مقصود از ولایت کافران نسبت به یکدیگر و پشتیبانی آنان از همدیگر، به قرینه فراز بعد (إلا تفعلوه ..) نفی ولایت بین مؤمنان و کافران است. بنابراین جمله <إن الذین کفروا ...> به این معنی است که مسلمانان نباید عقد ولایی با کافران داشته باشند؛ نه آنان را حمایت کنند و نه از ایشان حمایت جویند.

تعجب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۴

۴ - کافران در قیامت، از زنده شدن و بیرون آمدن شان از قبرها، بسیار شگفت زده خواهند شد.

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام (من) در آیه شریفه، برای تعجب استعمال شده است.

تعجب کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۷ - ۱

۱ - تبدیل ذرات خاک به بدن انسانی زنده، امری شگفت و باور نکردنی در نظر کافران عصر پیامبر

و قال الذین کفروا أءذا کنا ترابًا .. أئنا لمخرجون

کافران می دیدند که پیکر مرده انسان در خاک پوسیده و پس از روزگاری تبدیل به ذرات خاک می شود. پذیرش این مطلب (تبدیل دوباره ذرات و عناصر خاکی به بدن انسانی زنده) برای آنان غیر قابل باور بود و از آن اظهار شگفتی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۳

۳ - اظهار تعجب کافران

از اظهارات پیامبر (ص) درباره تحقق قطعی معاد

يَتَّبِعُكُمْ إِذَا مَرَّكُمْ كُلٌّ مِمَّنْ لَكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ . أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ

همزه <أفتری> برای استفهام تعجیبی است و حکایت از اظهار شگفتی کافران از اظهار نظر پیامبر(ص) درباره معاد می کند.

تعجیل در ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۷

۷- رهنمود الهی به پیامبر (ص) ، برای شکیباً بودن و عجله نورزیدن در گرایش کافران به ایمان یا مجازات ایشان از سوی خداوند

فاصبر .. و لاتستعجل لهم

تعجیل در عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۱

۱- پافشاری مشرکان بر شرک خود ، پیامبر (ص) را آماده درخواست عذابی سریع برای آنان کرده بود .

فلاتعجل عليهم إنّما نعدّ لهم عدّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۷

۷- رهنمود الهی به پیامبر (ص) ، برای شکیباً بودن و عجله نورزیدن در گرایش کافران به ایمان یا مجازات ایشان از سوی خداوند

فاصبر .. و لاتستعجل لهم

تعصب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۱۱

تعقل در فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۲

۲ پیامبر (ص) وظیفه دار فراخوانی مردمان به اندیشه و مقایسه میان فرجام کافران و تقوایبندگان

قل أذلك خير أم جنة الخلد التي وعد المتقون

تغنی کافران

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۳

۳ - ترنم کافران به ترانه ها ، به جای گریستن بر فرجام شوم خویش *

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون

بنا به گفته برخی از مفسران در معنای <سامد>، تغنی و آوازه خوانی نیز نهفته است.

تغییر فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۲ - ۵

۵ - باز بودن راه توبه برای کافران و امکان تغییر سرنوشت آنان و رفع عذاب از آنها

قل عسی أن یکون ردف لکم بعض الذی تستعجلون

واژه <عسی> که برای ترجی و به معنای شاید است می رساند که عذاب تقدیر شده، قضای حتمی الهی نیست و امکان دارد که در نتیجه تحول فکری و عملی (ایمان) کافران، این برنامه تغییر کند.

تفاخر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۱

۱ - تبختر و به خودبالیدن ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

ثم ذهب إلى أهله يتمطی

مفسران واژه <یتمطی> را به معنای <تبختر> دانسته اند زیرا این واژه یا از ماده <مط> (کشیدن پاها و گام ها) است و یا از ماده <مطا> (پشت). در هر دو صورت، مقصود تبختر و فخر فروشی است.

تفاوت جرم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - همه کافران در جرم و کیفر، یکسان نیستند .

نحشر من کلُّ أُمَّه فَوْجًا مِّمَّنْ يَكْذِبُ بآئِنَا

از این که از میان تکذیب گران هر امت، تنها گروهی

در این مرحله به منظور محاکمه و مجازات، جدا و محشور می شوند^۲ می توان استفاده کرد که این گروه ها دارای گناهی سنگین تر و کیفری متناسب با آن هستند.

تفاوت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - همه کافران در جرم و کیفر، یکسان نیستند .

نحشر من کلّ أمّه فوجًا ممّن یکذبّ بایتنا

از این که از میان تکذیب گران هر امت، تنها گروهی در این مرحله به منظور محاکمه و مجازات، جدا و محشور می شوند^۲ می توان استفاده کرد که این گروه ها دارای گناهی سنگین تر و کیفری متناسب با آن هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- کیفر الهی برای کافران ، دارای گونه های بسیار با نتایجی ویرانگر و مشابه *

دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لِلْكَافِرِينَ أَمْثَلُهَا

جمع آمدن واژه <أمثالها> می رساند که مجازات ملت های کفر پیشه، هر چند در نابودی و ویرانگری همگون است^۲ اما در شکل متفاوت است.

تفاوت مؤمنان با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم..) جمله ای محذوف

می باشد. تقدیر کلام چنین

است: <أفمن شرح الله صدره للإسلام... كمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۳

۳ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خداترس و کافر خداگریز، از نظر شخصیت و سرنوشت

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر الله... أفمن یتقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

<من> در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خیر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: <أفمن یتقی بوجهه سوء العذاب... كمن آمن منه>. بنابراین می توان گفت آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف های اساسی، میان دو انسان مؤمن و کافر از نظر سرنوشت

ضرب الله مثلاً رجلاً... و رجلاً سلماً لرجل هل یستویان مثلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۳

۳ - برابر انگاشتن مؤمن و کافر در پیشگاه خداوند، پنداری مغایر با هدفمندی و حقانیت نظام جهان

أم حسب الذین اجترحوا... و خلق الله السموت و الأرض بالحق

خداوند، هدفمندی و حقانیت نظام جهان را به دنبال طرح عدم تساوی صالح و ناصالح در پیشگاه داوری حق، یاد کرده و از یک مقوله و معنا دانسته است. بر این اساس آیه شریفه را

می توان تفسیر و تعلیلی برای آنچه که در آیه قبل بیان شده، دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۵ - ۶

۶ - توجه به فرجام بسیار متفاوت مؤمنان و کافران ، زمینه ساز گرایش انسان به ایمان

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ .. إِنَّ الْمَتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ . فِي مَقْعَدٍ صَدَقَ عِنْدَ مَل

تفاوت مؤمنان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۵

۵ مؤمنان و کافران ، دارای روحيات و عملکرد متمایز و جدا از یکدیگر علی رغم زندگی مشترک آنان در یک جامعه

و هو الذی مرج البحرين هذا عذب فرات و هذا ملح أجاج .. و حجراً محجوراً

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که تشبیه و تمثیل به کار رفته در آیه شریفه، ناظر به افراد یک جامعه باشد که

برخی مؤمن اند و برخی دیگر کافر؛ ولی در عین حال این دو گروه، از نظر روحيات و رفتار، از هم جدا و متمایزاند.

تفہیم اتهام به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۵

۲۵ - تفہیم اتهام و تبیین جرایم کافران برای ایشان ، قبل از اعمال مجازات درباره آنان

فلننبئن الذين كفروا بما عملوا ولنذيقنهم من عذاب غليظ

از این که خداوند، مجازات کافران را پس از اطلاع آنان نسبت به گناهان شان ذکر فرموده، مطلب بالا قابل برداشت است.

تقدیر عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - نزول عذاب بر کافران و بازداشتن آن به تقدیر و فرمان خداوند است .

بعذاب واقع . للكفرین ... من الله

تقلید کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۷

۷- کافران پیرو ، در قیامت با اعتراف به پیروی کورکورانه از رهبران خویش ، آنان را مسؤول بدفرجامی خود معرفی خواهند کرد .

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعا فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الله

تکبر بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۳۰، ۲۷، ۱۲

۱۲ ضرورت تواضع و افتادگی در برابر مؤمنان و صلابت و سرافرازی در برابر کافران

اذله على المؤمنين اعزه على الكفرین

۲۷ تواضع در برابر اهل ایمان ، سرافرازی در قبال کافران ، جهاد در راه خدا و بی اعتنایی به ملامت دشمنان ، مایه جلب محبت الهی

یحبههم و یحبونه اذله على المؤمنین . . و لایخافون لومه لائم

به نظر می رسد صفات یاد شده پس از <یحبههم و یحبونه> در ارتباط با <یحبههم> بیانگر علت است ؛ یعنی چون دارای این صفات هستند، خداوند آنها را دوست دارد.

۳۰ حالت فروتنی در برابر مؤمنان و سرفرازی در قبال کافران ، عطیه و فضلی خدادای است .

اذله على المؤمنین اعزه على الكفرین . . ذلك فضل الله

تکبر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۲۷

۲۷ کافران ، مردمی مغرور و متکبر *

إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا

توصیف <عذاب> به <مهین> (خوار

کننده)، اشاره به غرور و تکبر کافران دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۷

۷ خداوند ، کفرپیشگان را به سبب رفتار ناپسندشان (سرمستی ها ، ریاکاری ها ، بازداری مردم از راه خدا) ، مجازات خواهد کرد .

و لاتکونوا کالذین . . . و الله بما يعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۷

۷- کافران ، فریفته و مغرور اعمال و ساخته های پوچ و بی فرجام خویش اند .

و هم یحسبون أنهم یحسنون صنعا

<صنع> به معنای مصدری و به معنای <مصنوع> آمده است و در آیه، هر دو محتمل است. مفاد <یحسنون صنعا> این است که آنان به پندار خود کردار خود را، خوب به سامان می رسانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۵

۵ - کافران ، گروهی خود بزرگ بین و متکبرانند .

حَقَّتْ کَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْکَافِرِينَ . . . فَبئسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۱

۱ - کافران ، گرفتار غفلت ، تکبر و سرمستی

و أنتم سمدون

<سَمِدون> در معانی <سهو> (غافل سازنده انسان از کارهای مهم و سرنوشت ساز) و بالا گرفتن سر از روی خودبزرگ بینی

و غرور به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۴

۴ - کافران در نهاد خویش ، گرفتار خودبینی و احساس امنیت دروغین *

أم لکم

از پرسش انکار آمیز خداوند، چنین استفاده می شود که کافران دانسته یا ندانسته امتیازی برای خویش می پنداشتند تا خود را در گرایش به کفر، محق جلوه دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۰ - ۵

۵ - کافران و مشرکان ، غوطهور در غرور و فریب خوردگی

إن الكفرون إلا فی غرور

تکبر کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۰

۱۰ غرور و اعتماد نابجای کافران عصر پیامبر(ص) به اقتدار و تمکن خویش

ألم یروا کم أهلکنا .. مکنهم فی الأرض ما لم نمکن لکم

از اینکه می فرماید اقوام قدرتمندتر از شما را هلاک کردیم، معلوم می شود که اینان به قدرت و مکت خویش مغرور بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۸

۸ - مخالفت مشرکان و کافران با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار نسبی خویش بود .

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا .. و كانوا أشدّ منهم قوه

یادآوری این نکته که اقوام نابود شده پیشین، نیرومندتر از قوم عرب بودند، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۲

۲ - سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدراسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳

۶ - کافران ، خود را در اقدام به خداپرستی در صورت سازش پیامبر (ص) با آنان پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (ص) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند .

لا أعبد ما تعبدون . و لا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست؛ ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر(ص)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم؛ مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

تکبر کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۱۲

۱۲- کافران ظالم به نفس خویش ، متکبرند .

الكفرین . الذین تتوفّفهم الملئكة ظالمی أنفسهم ... فلبئس مثنوی المتكبرین

تکبر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۲

۲ کفرپیشگان مکه با سرمستی و خودنمایی ، از دیار مکه رهسپار منطقه بدر شدند .

و لا تکونوا کالذین خرجوا من دیرهم بطرا

تکذیبگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - پیامبر اسلام ، مورد تسلی و دلداری خداوند ، در برابر تکذیب

کافران و مشرکان

و لعذاب الآخره أكبر لو كانوا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۴

۴ - انکار معاد ، عمدۀ ترین محور مخالفت کافران با پیام دین

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

از سرزنش شدن کافران، به خاطر تکذیب دوزخ و حقیقت قیامت، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲ - ۱

۱ - انکار قیامت از سوی کافران ، تنها محدود به زندگی دنیا است و نه هنگام تحقق یافتن آن .

لیس لوقعتها کاذبه

<کاذبه> صفت برای موصوف محذوف است و تقدیر آن <نفس کاذبه> می باشد. <لام> در <لوقعتها> به معنای

<عند> است ، یعنی ، وقتی قیامت واقع شود، هیچ کس نمی تواند به دروغ بگوید: <قیامت واقع شدنی نیست>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران تکذیب گر آیات الهی ، به صورت دائمی و جاودانه در دوزخ جای دارند .

و الذین کفروا .. أصحاب النار خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۴

۴ - اعتراف کافران در دوزخ ، به تکذیب عمدی و آگاهانه خویش ، نسبت به پیامبران و ادیان الهی

قالوا بلى قد جاءنا نذير فكذبنا وقلنا ما نزل الله من شيء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۱

۱ - کافران در روز قیامت ، پشیمان از مواضع انکار آمیز گذشته خویش در برابر قرآن

وإنه

لحسره علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۲

۲ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر تکذیب ها و بدگویی های کافران

و ذرنی و المکذبین

آیه شریفه ضمن آن که برای تهدید کافران تکذیب گر است؛ دلداری به پیامبر(ص) نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳ - ۱

۱ - انکار قیامت ، برخاسته از پندار کافران به ناتوان بودن خداوند بر گردآوری استخوان های مردگان و احیای مجدد آنها

أیحسب الإنسان أن نجمع عظامه

مقصود از انسان در این آیه برابر نظر مفسران و به قرینه مقام انسان کافر است؛ نه همه انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۱

۱ - کافران ، به مجرد شنیدن آیات قرآن ، آن را تکذیب کرده و معارف آن را دروغ می پنداشتند .

بل الذین کفروا یکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۵

۵ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، ظاهری بوده و به دروغ بودن آن باور نداشتند .

و الله أعلم بما یوعون

تقابل این آیه با آیه قبل، بیانگر آن است که گرچه کافران به زبان قرآن را تکذیب می کردند؛ ولی خداوند بهتر می داند که

در درون آنان از تکذیب قرآن خبری نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۲،۴

۲ - کفرپیشگان ، بر تکذیب وعده ها و

تهدید های الهی ، اصرار ورزیده و از فرجام پیشینیان عبرت نمی گیرند .

بل الذین کفروا فی تکذیب

حرف <فی>، ظرفیه و بیانگر غوطهور بودن کافران در تکذیب است. متعلق تکذیب به قرینه <بل هو قرآن مجید> در آیات بعد قرآن است که وعده ها و تهدیدهایی که در آیات قبل آمده بود، بخشی از آن است.

۴- اصرار کافران بر تکذیب تهدید های الهی ، مانع عبرت گیری آنان از فرجام هلاکت بار پیشینیان

هل أتیک . . . بل الذین کفروا فی تکذیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۳

۳- تکذیب قرآن از سوی کافران ، هر چند بر آن اصرار ورزند ، به حقیقت قرآن آسیبی نمی رساند و از مجد و عظمت آن نمی کاهد .

بل الذین کفروا فی تکذیب . . . بل هو قرآن مجید . فی لوح محفوظ

تکذیبگری کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۳

۳- اندوه پیامبر (ص) ، به خاطر تکذیب شدنش از سوی کافران و مشرکان لجوج صدراسلام

و إن یکذبوک فقد کذب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم

از آهنگ آیه شریفه، به دست می آید که پیامبر(ص) به خاطر تکذیب شدنش اندهگین بود. از این رو برخی از مفسران جواب شرط (إن یکذبوک) را محذوف دانسته اند؛ یعنی، <إن یکذبوک فلا تحزن و اصبر إذ قد کذب الذین من قبلهم>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۲

۲- تکذیب پیامبران از سوی

امت های حق ستیز ، دارای دیرینه در تاریخ ، و نه پدیده ای نو و مخصوص کافران عصر بعثت

کذبت قبلهم قوم نوح

تکذیبگری کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، با بیان پافشاری کافران عصر بعثت بر کفر و انکار معاد ، انتظار ایمان آوردن آنان را بی فایده خواند و توطئه گری آنها را به پیامبر (ص) گوشزد کرد .

إنهم یکیدون کیداً

تکذیبگری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۸ - ۱،۵

۱ - کافران مکه ، رسالت پیامبر (ص) را تکذیب می کردند .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتبعوا سبیلنا .. و إن تکذبوا فقد کذب

بنابراین که مخاطب آیه طبق سیاق کافران مکه باشند، نکته یاد شده، به دست می آید.

۵ - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، به جهت تکذیب کردن پیامبر (ص)

و إن تکذبوا فقد کذب أمم من قبلکم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که جواب شرط <إن تکذبوا> محذوف بوده و چیزی از قبیل <فاستعدوا للعذاب> باشد؛

یعنی، اگر تکذیب می کنید، آماده عذاب باشید!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۳

۳ - کافران مکه ، منکر تحقق معاد بودند .

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ

آیه بعد، قرینه است بر این که این آیه، در صدد اثبات تحقق معاد است. دعوت از کافران برای ژرف نگری در قدرت خدا، نشان از انکار معاد

از سوی آنان دارد.

تکرار عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۳ - ۴

۴ - خداوند ، عذاب کافران را در جهان آخرت ، آغاز کرده و آن را تکرار خواهد کرد . *

إِنَّهُ هُوَ بَدِئُكَ وَ يَعِيدُ

به قرینه آیه قبل، مصداق مورد نظر در این آیه، آغاز و تکرار عذاب کافران است؛ به این بیان که آنچه کافران به آن تهدید شده اند، گرچه از توان جسمی آنان فراتر است؛ ولی برای خداوند نه در آغاز و نه در تکرار مشکلی ایجاد نخواهد کرد.

تکلم خدا با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۲

۲ گفتگوی مستقیم خداوند با کافران در قیامت

قال اليس هذا بالحق قالوا بلى و ربنا

تکلیف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۸

۸ کافران ، همچون مؤمنان ، مکلف به فروع و در قبال آن مسؤول و معاقبند . *

من يعمل سوءاً یجز به

از مصادیق مورد نظر برای <من يعمل ..> اهل کتاب هستند. بنابراین اگر آنها مرتکب گناه شوند، همچون مسلمانان عقوبت خواهند شد و این معنا بیانگر مکلف بودن اهل کتاب بر احکام فرعی اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ مشرکان و کافران همچون مؤمنان ، مکلف به فروع دین اند .

يضعف له العذاب يوم القيمة

دو چندان شدن مجازات مشرکان و کافران در صورت ارتکاب بزه کاری،

می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۹ - ۴

۴ - مشرکان و کافران ، مخاطبان شریعت و مکلف به فروع دین اند . *

و ما تجزون إلا ما کنتم تعملون

تأکید خداوند بر مجازات کافران و مشرکان متناسب با رفتارشان، گویای این حقیقت است که آنان نیز همچون مؤمنان و معتقدان به اصول دین، مخاطبان شریعت و مکلف به فروع دین هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۶

۶ - مکلف بودن کافران به فروع دین و انجام فرائض (همچون نماز)

یدعون إلى السجود و هم سلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۴ - ۳

۳ - کافران ، مکلف به احکام و فروع دین اند .

و لایحض علی طعام المسکین

برداشت یاد شده، با توجه به دو نکته به دست می آید: ۱ مورد آیه شریفه درباره کافران است؛ ۲ طعام مسکین، از احکام فروع دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۴ - ۶

۶ - کافران ، به فروع دین و احکام شریعت همچون اصول دین مکلف اند .

قالوا لم نک من المصلین . و لم نک نطعم المسکین

برداشت یاد شده، به این سبب است که اگر کافران به فروع دین مکلف نبودند، ترک نماز و اطعام مساکین را در ردیف تکذیب روز قیامت، از عوامل دوزخی شدن خود بر نمی شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - کافران ، نسبت به فروع دین همچون اصول دین مکلف اند .

فلا صدق و لا صلی

برداشت یاد شده، به این سبب است که اگر کافران به فروع دین مکلف نباشند، ترک نماز به عنوان نشانه آنان شمرده نمی شد و فردی مثل ابوجهل، به جهت آن ملامت نمی گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۸

۸ - کافران ، بر ترک فروع دین نیز توبیخ می شوند .

فما لهم .. لا یسجدون

مراد از سجود در آیه ممکن است معنای اصطلاحی آن و به خاک افتادن هنگام شنیدن آیات قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۵

۵ - اهل کتاب و مشرکان ، ملزم به ترک کفر خویش ، پس از ابلاغ معارف استوار و قوام بخش قرآن به آنان

لم یکن .. منفکین حتی تأتیهم البینه ... فیها کتب قیمه

تلاش اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۲

۲ - تلاش مذبحخانه و بی ثمر کافران و مشرکان دوزخی ، در جهت دفع عذاب الهی از خود

أفمن یتقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

تلاش برای ذلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۲

۱۲ - جبهه ایمان ، وظیفه دار تلاش بی امان برای به ذلت کشاندن جبهه کفر

و من الناس من یجدل . . له فی الدنیا خزی

برداشت یاد شده بر این اساس است

که جمله <له فی الدنيا خزی> می تواند انشا در قالب اخبار باشد.

تلاش دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۹

۹- کافران ، به رغم کار و تلاش در دنیا ، در روز قیامت و ملاقات پروردگار ، تهیدست و بی توشه اند .

الذین کفروا .. فحبطت أعمالهم فلانقیم لهم یوم القیمه وزناً

تلاش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۱

۱ - اغواگران کافر ، برای مرتد ساختن مسلمانان ، در تلاش بودند .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم

برعهده گرفتن بار خطای مسلمانان، از سوی کافران، با بیان فعل امر (لنحمل خطایکم) هنگام دعوت از آنان برای تبعیت از خط و راه کافران، حکایت از نوعی برخورد اغواگرانه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۵

۵ - تلاش جبهه کفر و باطل ، برای محروم ساختن انسان ها از شنیدن کلام حق

و قال الذین کفروا لاتسمعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۲

۲ - تلاش کافران ، برای بشری جلوه دادن قرآن و نفی اعجاز از آن

أَمْ يَقُولُونَ تَقْوَلَهُ

تلاش کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۴

۴- تمامی هم و تلاش کافرانِ هدایت ناپذیر صدراسلام ، خوردن و بهره‌وری از تمتعات و لذت های مادی بود .

ذره‌م يأكلوا و يتمتعوا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۶

۶ - کافران ، برای بازداشتن مردم از توحید ، تلاش می کردند .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا

بنابراین که مراد از <سبقت از خدا>، پشت سر گذاشتن دین خدا باشد، منظور این خواهد بود که کافران، در صدد بوده اند که اجازه ندهند تا دین توحیدی، در میان مردم، رواج پیدا کند.

تلاش کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۵،۶

۵ کفرپیشگان مکه در عصر بعثت ، همواره در تلاش برای بازداشتن مردم از پیوستن به راه خدا

و يصدون عن سبيل الله

۶ خروج کافران مکه به سوی بدر ، در راستای تلاششان برای بازداری مردم از راه خدا

و لاتكونوا كالذين خرجوا من ديرهم .. و يصدون عن سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۳

۳ - کافران مکه ، به هنگام دعوت از مسلمانان به بازگشت از اسلام ، به آنان اعلام کردند که در صورت مرتد شدن ، گناهان شان را برعهده خواهند گرفت .

و قال الذين كفروا للذين آمنوا اتبعوا سبيلنا و لنحمل خطيكم

امر <لنحمل> دلالت بر تعهد کافران در قبول گناه ارتداد مسلمانان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۲

۲ - تلاش کافران مکه برای مرتد ساختن مسلمانان ، گناه سنگینی است .

و قال الذين كفروا .. اتبعوا سيلنا ... و ليحملن أثقالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا .. لعلکم تغلبون

تلاوت قرآن بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۱

۱- خداوند ، به هنگام قراءت قرآن توسط پیامبر (ص) ، میان آن حضرت و کافران ، حجابی نامرئی قرار داد .

و إذا قرأت القرآن .. حجابًا مستورًا

برداشت فوق، مبتنی بر معنای مستور به همان صیغه مفعولی یعنی پوشیده شده است و در آیه به تناسب موضوع، مراد پوشیده شدن از حواس بینندگان (کافران) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۴

۴ - تلاوت آیات قرآن بر کافران تکذیب گر و انکار عمدی آن از سوی آنان

إذا تتلى عليه آياتنا قال أسطير الأولين

تلاوت قرآن بر کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - تلاوت کنندگان قرآن در عصر بعثت ، غیر مؤمنان را نیز با آیات آن آشنا ساخته ، برای آنها قرآن می خواندند .

و إذا قرىء عليهم القرآن لا يسجدون

تناقض گویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۸ - ۱

۱ - کافران ، در انکار پیامبر و قرآن ، گرفتار آشفته گویی و تناقض بودند .

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۸

- تناقض آشکار ، در موضع گیری کافران علیه پیامبر (ص)

فما أنت بنعمت ربك بكاهن ولا مجنون

با توجه به این که <کهان> خود شیوه ای پیچیده و در اختیار تعدادی از افراد بوده و با جنون هرگز جمع نمی شود، متهم گشتن پیامبر(ص) به کهان و جنون، نشانگر سردرگمی کافران و تناقض گویی آشکار آنان است.

تناقض گویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۸ - ۳

۳ - تناقض گویی کافران مکه ، در انکار معاد و کیفر کردار

إنکم لفی قول مختلف

با توجه به این که آیات پیشین در مورد معاد و جزای کردار و آیات بعد در زمینه روز جزا است، ممکن است <قول مختلف> نظر به همین موضوع (معاد) داشته باشد.

تنبه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان در قیامت و یا پس از مرگشان - درخواهند یافت که فرجام نیک از آن پیامبران و پیروان ایشان است .

و سيعلم الکفر لمن عقبی الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۲

۱۲ - کافران ، به هنگام اطلاع از پوچی اعمالشان در قیامت ، به حقانیت خداوند پی خواهند برد .

و الذین کفروا أعمالهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتی إذا جاءه لم یجدہ شیئا و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - پی بردن کافران به دشواری شرایط و فرجام خویش ، از نخستین لحظه

های رستاخیز

يقول الكفرون هذا يوم عسر

تنبه اخروی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۴

۴- کافران پیرو به هنگام حضور در پیشگاه خداوند در قیامت پیشاپیش درمی یابند که گرفتار عذاب الهی خواهند شد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفوا للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغن

ذکر <فقال الضعفوا للذين استكبروا> برای درخواست کمک ضعفا پس از آنکه حضور همه مردم را در قیامت اعلام کرد و هنوز سخنی از عذاب گفته نشده است حکایت از این می کند که آنان گرفتار شدن خود را به عذاب از قبل خواهند فهمید.

تنبه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۴

۴ - روی آوری کافران به خدا ، در آستانه مرگ

حتى إذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون

تنفر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۵

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرفنا في هذا القرآن ليدكروا و ما يزيدهم إلا نفورًا

تنگدستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۲

۲ خداوند در پی ارسال هر یک از پیامبران در شهرها و آبادانیها، کفرپیشگان را به سختی تنگدستی و رنج و اندوه گرفتار ساخت .

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء

با توجه به دو آیه بعد

(و لو أن أهل القرى ..) معلوم می شود گرفتار ساختن امتهای گذشته به بلاها و سختیها در صورتی بوده که آنان با تبلیغ و ارشاد پیامبران خویش ایمان نمی آوردند و همچنان بر کفرورزی پافشاری داشتند. در این مرحله آنها را گرفتار می ساخت تا شاید متنبه شوند. بنابراین جمله <أخذنا أهلها ... > مقید می شود به <إذا لم يؤمنوا و لم يتقوا >

تنهای اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۰ - ۳،۴

۳- کافران در صحنه قیامت ، بدون سازوبرگ و تنها و بی کس ، حاضر خواهند شد .

نرثه ما يقول و یأتینا فردًا

۴- امکانات مادی و مال و فرزند کافران ، آنان را از فقر و تنهایی در قیامت نجات نمی دهد .

و نرثه ما يقول و یأتینا فردًا

تواضع بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۴،۱۵

۱۴ ایمان ، ناسازگار با فروتنی در برابر کافران

یأیها الذین ءامنوا من یرتد .. اعزه علی الکفرین

۱۵ دوستی با کافران (یهود ، نصارا و ...) ، موجب فروتنی در مقابل آنان و گردنفرازی در مقابل اهل ایمان

من یرتد منکم عن دینه .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

توبه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۳

۳ - توبه کافران در قیامت پذیرفته نمی شود .

لا تعذرُوا اليَوْم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که اعتذار کافران، در حقیقت برای اظهار

پشیمانی و توبه است که پذیرفتنی نیست.

توبه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۸ - ۳۸

۳ عدم پذیرش توبه (ایمان) کافر، در آستانه مرگ

و لیست التوبه للذین... و لا الذین یموتون و هم کفار

در برداشت فوق <یموتون>، به قرینه <حتی اذا حضر>، به معنای اشراف بر مرگ گرفته شده است.

۸ توبه گناهکاران و ایمان آوردن کافران تا قبل از یقین به مرگ، پذیرفته است.

انما التوبه علی الله للذین یعملون السوء بجهاله ثم یتوبون من قریب... و لیس

مفهوم جمله <حتی اذا حضر> در برداشت فوق، بیان و توضیح <من قریب> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۴ - ۶

۶ گستردگی رحمت و آمرزش خداوند، زمینه پذیرش توبه و استغفار کافران و مشرکان

افلا یتوبون... و الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۳

۳ اعلام خداوند به باز بودن راه توبه برای کافران باقی مانده از جنگ حنین

و ذلك جزاء الکفرین. ثم یتوب الله من بعد ذلك علی من یشاء

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <علی من یشاء> نظر به کافران مذکور در آیه قبل نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - باز بودن راه توبه برای کافران و امکان تغییر سرنوشت آنان و رفع عذاب از آنها

قل عسی أن یکون ردف

لكم بعض الذي تستعجلون

واژه <عسى> که برای ترجی و به معنای شاید است می رساند که عذاب تقدیر شده، قضای حتمی الهی نیست و امکان دارد که در نتیجه تحول فکری و عملی (ایمان) کافران، این برنامه تغییر کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۹

۹- وقوع ناگهانی قیامت ، مجال هر گونه بازنگری و توبه را برای کافران لجوج از میان می برد .

فقد جاء أشراطها فأتى لهم إذا جاءتهم ذكريهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - نوید خداوند به باز بودن راه توبه و بازگشت برای انسان ها ، حتی کافران

فإننا أعتدنا للكافرين سعيراً .. و كان الله غفوراً رحيمًا

بیان غفران و رحمت الهی در پی تهدید شدن کافران به شعله های برافروخته می رساند که خداوند، راه توبه را به آنان نشان داده و ایشان را به بازگشت تشویق کرده است.

توصیه به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۵ - ۲

۲ - ایمان آوردن به معاد و دست برداشتن از انکار و تکذیب آن ، توصیه اکید الهی به همه کافران و تکذیب گران

و أما إن كان من المكذبين .. إن هذا لهو حق اليقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۲

۲ - توصیه خداوند به کافران و منکران قیامت به ایمان به خدا ، پیامبر اسلام و قرآن

فامنوا بالله ورسوله والنور

الذی أنزلنا

بیشتر مفسران مقصود از <نور> در این آیه را قرآن کریم می دانند.

توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۲۴

۲۴ هشدار خداوند به مسلمانان ، با افشای نیتات و اهداف کفار نسبت به مسلمانان

و لا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۳،۴

۳ مکر و مقابله خداوند با مکر و حيله کافران توطئه گر علیه عیسی (ع)

و مکروا و مکر الله

۴ توانایی و چیرگی خداوند در مکر با کافران

و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۲

۲ بشارت خداوند به عیسی (ع) بر نجات آن حضرت از مکر کافران

فلما احس عیسی منهم الکفر . . . و مکروا و مکر الله ... اذ قال الله یا عیسی ان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۱۷،۱۸

۱۷ ضرورت بررسی گفتار و منویات درونی بیگانگان (کافران) ، برای شناسایی توطئه های آنان علیه جامعه اسلامی

لا تتخذوا بطانه من دونكم لا يألونكم خبالا ودّوا ما عنتمّ قد بدت البغضاء من افواه

۱۸ دشمنی ، توطئه گری و بدخواهی بیگانگان (کافران) ، از دلایل ضرورت پرهیز جامعه اسلامی از ایجاد روابط صمیمانه با آنان

لا تتخذوا... لا يألونكم خبالا... و ما تخفى صدورهم اكبر

جمله > لا يألونكم

... <، بیان علت برای >لا تتخذوا...< است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲

۲ غفلت اهل ایمان نسبت به توطئه های کافران ، موجب فریب خوردنشان و در نهایت محبت به آنان

یا ایها الذین امنوا ..ها انتم اولاء تحبونهم ... و اذا خلوا عضوا علیکم الانا

مستفاد از ارتباط آیه مورد بحث و آیه سابق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۲،۳

۲ تلاش کفرپیشگان برای واداشتن جامعه ایمانی به پیروی از خویش

ان تطیعوا الذین کفروا یردوکم علی اعقابکم

۳ هشدار های خداوند به جامعه ایمانی نسبت به توطئه ها و دسیسه های کفرپیشگان

یا ایها الذین امنوا ان تطیعوا الذین کفروا یردوکم علی اعقابکم فتقلبوا خاسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۹

۹ بی اعتنایی اهل ایمان به توطئه های تبلیغاتی کفرپیشگان ، ایجادکننده حسرت در دل های ایشان

لا تکونوا کالذین کفروا .. لیجعل الله ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه <لیجعل> متعلق به <لا تكونوا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۴

۴ نگرانی پیامبر (ص) از آسیب یافتن دین خدا به واسطه تلاش های کفرآمیز

و لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر

از اینکه خداوند در مقام دلداری می فرماید: انهم لن يضروا الله شيئاً (آنان با کفرشان به خدا ضرری نمی رسانند)، معلوم می شود که سبب ناراحتی پیامبر (ص)، احتمال آسیب

رسانی کافران به دین خدا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۶

۶ مسلمانان صدر اسلام ، در معرض فتنه و آسیب از سوی کافران به هنگام سفر

و إذا ضربتم فی الارض .. ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۹، ۱۶

۱۶ در کمین بودن کافران برای ضربه زدن به مسلمانان ، دلیل ضرورت آمادگی نظامی و تدارکاتی ، برای دفع هجوم آنان

و الذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

۱۹ کافران در اندیشه تهاجمی یکباره به مسلمین در شرایط مناسب

و الذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

کلمه <میل> هنگامی که به <علی> متعدی شود، به معنای هجوم بردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۴، ۷

۴ کافران همواره در حال برنامه ریزی و توطئه علیه اسلام و بنیاد های دین

إذ یمکر بک .. و یمکرون

جمله <إذ یمکر ..> گزارشی از مکرهای گذشته کافران دارد و جمله <یمکرون> خبر از توطئه گریهای آینده آنان می دهد. بیان این خبر با فعل مضارع حاکی از استمرار این توطئه گریهاست.

۷ خداوند برهم زننده برنامه ها و توطئه های کافران علیه دین

و یمکرون و یمکر الله و الله خیر المکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۸

۸ مسلمانان صدر اسلام نگران توطئه های پنهانی کافرانی که

مخاصمات را ترک گفته و حاضر به صلح می شدند .

فإن انتهوا فإن الله بما يعملون بصير

جواب شرط <انتهوا> به قرینه <قتلوهم> جمله ای همانند <فلاتقتلوههم> است ؛ یعنی اگر کافران دست از فتنه انگیزی برداشتند و راه مسالمت پیش گرفتند با آنان نبرد نکنید. با توجه به این معنا معلوم می شود هدف از بیان آگاهی خداوند به اعمال این گروه از کافران، این است که مسلمانان را از این نگرانی برهانند که شاید صلح جویی آنان دستاویزی برای توطئه و فتنه ای دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۵

۵ موفقیت پیامبر (ص) در خروج از مکه و خلاصی از توطئه کافران ، مرهون نصرت خاص خداوند بود .

نصره الله إذ أخرجهم الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۹،۱۰،۵

۵- کافران ، مخفیانه اقدام به استماع آیه های قرآن نموده و یکدیگر را بر این کار ملامت می کردند .

نحن أعلم بما يستمعون به .. و إذ هم نحوی

احتمال دارد مراد از <إذ هم نحوی> - همان گونه که در برخی شأن نزولها آمده است کافرانی باشد که مخفیانه، اقدام به استماع سخنان پیامبر(ص) می کردند و با مشاهده یکدیگر به صورت نجوا، به ملامت یکدیگر می پرداختند.

۹- کافران از طریق اعلام سحرشده گی پیامبر (ص) در صدد ایجاد بدبینی در پیروان ، نسبت به آن حضرت بودند .

إذ يقول الظلمون إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مخاطب <إن تتبعون

إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا > مؤمنین باشد و کافران با تهمت <مسحور> به پیامبر(ص) که بر شخص خارج شده از حد اعتدال بر اثر سحرزدگی اطلاق می شود می خواستند در آنان نسبت به آن حضرت، بدبینی ایجاد کنند.

۱۰- کافران، همواره در صدد ایجاد بدبینی به پیامبر (ص) در بین خود بودند تا به وسیله آن، کسی به آن حضرت تمایل پیدا نکند.

إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

نکته یاد شده بر این اساس که مخاطب فعل <تتبعون> کافران باشد که به همدیگر می گفته اند و آوردن فعل مضارع <يقول> برای بیان تلاش همواره آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۵

۵- پیامبر (ص)، در انجام رسالت خویش، با شدیدترین و سنگین ترین ترفند ها و توطئه ها از سوی کافران و مشرکان رو به رو شد.

و لولا أن ثبتنك لقد كدت تركن إليهم

از اینکه شخصیت بزرگی چون پیامبر(ص) نزدیک بود در برخی مواضع خویش، به سازش کشیده شود و نیز یادآوری این نکته که اگر خدا به کمک او نمی آمد، چنین حادثه ای رخ می نمود، حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۵

۵- هشدار خداوند درباره فریب خوردن از تحركات سیاسی و اقتصادی کافران و ثروت و مکنات آنان در جامعه

فلا یغررک تقلبهم فی البلد

برخی از اهل لغت نوشته اند: <تَقَلَّبَ فِي الْأُمُورِ>؛ یعنی، <تَصَرَّفَ كَيْفَ يَشَاءُ> (در هر کاری مطابق خواسته خود دخل

و تصرف کرد). مقصود از <تقلّبهم فی البلاد> تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران در شهرها از راه سفرهای تجارتنی (مانند سفرهای کافران قریش از مکه به شام، یمن و ...) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر پناه بردن به او ، در برابر کارشکنی ها و دشمنی های کافران و مشرکان

إِنَّ الَّذِينَ يَجْدُلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ .. فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۲

۲ جامعه مؤمنان ، برخوردار از حمایت ویژه خداوند در برابر توطئه ها و ترفند های کافران

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ

از این که خداوند، تلاش های کافران و توطئه های آنان را نسبت به مؤمنان خنثی می کند؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۷

۱۷- دلجویی و حمایت خداوند از مؤمنان ، در برابر توطئه های کافران دین ستیز

الَّذِينَ كَفَرُوا .. أَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ . وَالَّذِينَ ءَامَنُوا ... كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَال

از مجموع آیه شریفه، استفاده می شود که خداوند، در کنار تهدید و توبیخ کافران دین ستیز، در این آیه به دلجویی و حمایت از مؤمنان راستین پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۴،۵

۴- حضور کافران ، در مجلس پیامبر (ص) ، حضوری صوری با اهدافی توطئه آمیز*

منهم من يستمع .. قالوا للذين أوتوا العلم ماذا قال آنفأ

خداوند در این آیه، حالت پرسشگری کافران (ماذا قال آنفأ) را مورد سرزنش و توبیخ قرار داده است. این توبیخ، از آن جهت بوده است که در پرسش آنان، نوعی توطئه و سعی در سست کردن ایمان دیگران، نهفته بود.

۵- افشای حرکت های مرموز کافران و منافقان ، از سوی خداوند برای پیامبر (ص)

و منهم من يستمع إليك حتى إذا خرجوا من عندك

خطاب آیه شریفه به پیامبر(ص) است و ضمیر <منهم> ممکن است به کافران بازگردد که در آیات پیشین یاد شده اند و نیز ممکن است با توجه به محتوای آیه که نوعی حرکت نفاق آمیز را بیان داشته به منافقان بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۵

۵ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در قبال هجوم کافران و تکذیب گران

إن عذاب ربك لواقع

از این که پس از تأکیدهای فراوان، خداوند روی سخن را به پیامبر(ص) متوجه ساخته و به آن حضرت اطمینان می دهد که عذاب کافران قطعی است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إنه كان لأيتنا عنيداً .. إنه فكر و قدر

توطئه کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۷

۷ خداوند با

بیان نظارت خویش بر اعمال کافران دست کشیده از مبارزه علیه اسلام ، مسلمانان صدر اسلام را از غافلگیر شدن در توطئه های آنان ایمنی بخشید .

فإن انتھوا فإن اللّٰه بما یعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۵

۵- کافران لجوج و مشرکان حق ناپذیر ، دارای توطئه ها و نقشه های نهانی علیه پیامبر (ص)

فإن تولّوا .. و یعلم ماتکتمون

ذکر <ماتکتمون> (آن چه را پوشیده می دارید) می تواند اشاره به توطئه های مخفیانه کافران و مشرکان داشته باشد.

توطئه کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۴

۴ کافران قوم شعیب در تلاش مستمر برای بد جلوه دادن راه خدا

و تصدون عن سبیل اللّٰه من ءامن به و تبغونها عوجاً

توطئه کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، با بیان پافشاری کافران عصر بعثت بر کفر و انکار معاد ، انتظار ایمان آوردن آنان را بی فایده خواند و توطئه گری آنها را به پیامبر (ص) گوشزد کرد .

إنّهم یکیدون کیداً

توطئه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ توطئه گری های کافران مکه علیه پیامبر (ص) و نجات وی از آن توطئه ها با برنامه های الهی ، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ يمكر بك الذين كفروا .. و الله خير

<إذ یمکر ... > عطف بر <إذ أنتم قلیل ... > در آیه ۲۶ است.

۳ محبوس ساختن یا کشتن و یا تبعید پیامبر (ص) ، از جمله توطئه های کافران مکه علیه آن حضرت

لیثتوک او یقتلوک او یخرجوک و یمکرون

جمله <و یمکرون> بیانگر این است که کافران علاوه بر تصمیم داشتن به قتل پیامبر(ص) و ... برنامه های دیگری نیز علیه پیامبر(ص) در نظر داشته اند. لذا در برداشت فوق از آن به <از جمله> تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۲

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حیلہ های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص) (

و یمکرون ... و إذ قالوا اللهم ... فأمطر علينا حجارة من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علينا ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا افناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشان را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۹

۱۹ رهایی پیامبر (ص) از توطئه کافران مکه و اعتلای کلمه الله ، جلوه عزّت (شکست ناپذیری) و حکمت خدا

فقد نصره الله إذ أخرجه .. کلمه الله هی العلیا و الله عزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۶

۱۶ اتهام سحر و افسونگری ، از حربہ های تبلیغاتی کفرپیشگان مکہ علیہ قرآن و پیامبر (ص)

قال الکفرون إن هذا لسحر مبين

توطئه های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۱

۱- خداوند ، به گفتار آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران حق ستیز آگاه است .

إنه يعلم الجهر من القول و يعلم ما تکتُمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۳ - ۵،۳

۳ - آگاهی خداوند از تمامی توطئه های نهان و آشکار کافران

و أسروا قولکم أو اجهروا به إنه علیم

۵ - آگاهی کامل خداوند به راز دل ها و ضمیر آدمیان ، دلیل احاطه کامل او بر تمامی گفته ها و توطئه های نهان و آشکار کافران است .

و أسروا قولکم أو اجهروا به إنه علیم بذات الصدور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إنه علیم..>، در مقام تعلیل برای عبارت <و أسروا قولکم أو اجهروا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۵ - ۴،۳

۳- بی تأثیر ساختن هشدار های قرآن درباره معاد ، محور نیرنگ های کافران

إِنَّه لَقَوْلُ فَصْلٍ . . . إِنَّهْم یَکِیدُونَ کِیدًا

به قرینه آیات پیشین، مصداق بارز کید و مکر کافران، توطئه برای جدی نگرفتن هشدارهای قرآن به معاد است.

۴- جدی نگرفتن هشدار های قرآن به معاد و شوخی قلمداد کردن آن ، دسیسه

کافران در مقابله با آیین الهی

و ما هو بالهزل . إنهم یکیدون کیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، در برابر نیرنگ ها و توطئه های کافران ، ترفند ها و نقشه هایی پیچیده به کار می گیرد .

و اکید کیداً

<کید> یعنی، احتیال (چاره جستن) که دو نوع مذموم و ممدوح دارد؛ هر چند که استعمال آن در مورد مذموم بیشتر است (مفردات راغب). <کیداً> مفعول مطلق است و بر پیچیدگی نقشه های خداوند دلالت دارد.

توطئه های کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۷

۷ - وجود شرایط مساعد برای اقدام سریع پیامبر (ص) به رویارویی با توطئه های کافران ، در عصر بعثت

فمهل الکفرین

فرمان مهلت دادن، در صورتی به پیامبر(ص) داده می شود که شرایط برای انجام عملی شتابزده علیه کافران فراهم باشد.

توقعات بیجای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷ - ۵

۵ نزول فرشته ای برای همراهی با پیامبر (ص) جهت انذار مردمان ، انتظار بی جای کافران

و قالوا .. لولا أنزل إلیه ملک فیکون معه نذیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- درخواست های کافران از پیامبر اکرم (ص) ، انتظارهایی فراتر از محدوده رسالت و مأموریت آن حضرت

قل ما كنت بدعًا من الرسل و ما أدرى ما يفعل بي و لا بكم

از لحن پاسخ موجود در

آیه شریفه، می توان نوع درخواست ها و انتظارات کافران را شناخت. آنها برای پیامبر(ص) ویژگی هایی را یاد می کردند که رسولان پیشین واجد آن ویژگی نبودند. قرآن در پاسخ آنان می گوید: پیامبر اکرم(ص) فردی است چون سایر رسولان و انتظاراتی که کافران از او دارند، از دایره رسالت بیرون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۱

۱ - درخواست نزول نامه سرگشاده از سوی خداوند ، در تأیید رسالت پیامبر (ص) و بر درستی قرآن ، درخواستی نابجا و نشانه بهانه جویی کافران

بل یرید کل امریء منهم أن یوتی صحفاً منشره .. کلاً إنه تذکره

کلمه <کلاً>، تأکید مطلبی است که در آیه پیش (کلاً بل لایخافون..) بیان شده است، یعنی، قرآن کریم تذکره است و اگر بنا بود که کافران به سبب آن متذکر شوند، نزول قرآن به همین صورت برای پندآموزی آنان کافی بود. پس درخواست کافران مبنی بر نامه اختصاصی از جانب خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

تهدید به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۵

۵ ابلاغ تهدید های خداوند به کفرپیشگان و رساندن بشارت های او به مؤمنان ، وظیفه پیامبر (ص) بود .

و قل .. وانتظروا إنا منتظرون

تهدید کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵ - ۷

۷ علم فراگیر خداوند و شکست ناپذیری او ، پشتوانه تهدید کفار به عذاب شدید

انّ الذین کفروا لهم عذاب شدید

و الله عزيز .. ان الله لا يخفى عليه شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۵

۱۵ تهدید خداوند نسبت به کافران ، برای بازداری آنان از کفر

و من يكفر بايات الله فان الله سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ تهدید کافران از جانب خداوند

و ان تولّوا .. و الله بصير بالعباد

ذکر جمله <و الله بصير بالعباد>، که بیانگر آگاهی همه جانبه خداوند نسبت به بندگان است، در پی جمله <و ان تولّوا ..

>، تهدیدی است برای آنان که از حق اعراض می کنند. (کافران)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۴،۱۸

۴ تهدید کافران از سوی خداوند ، نسبت به قتل پیامبران و مردمان عدالتخواه

ان الذين يكفرون .. و يقتلون النبيين ... فبشرهم بعذاب اليم

۱۸ رضایت کفار عصر پیامبر (ص) به کشتار انبیا توسط گذشتگان ، علت تهدید آنان به عذاب الهی *

و يقتلون النبيين .. فبشرهم بعذاب اليم

تهدید بازماندگان قاتلان انبیا به عذاب در صورتی صحیح است که آنان به اعمال گذشتگان خویش راضی باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۲

۱۲ تهدید کافران به عذابی خوارکننده از سوی خداوند

و لهم عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۳ - ۶

۶ تهدید بی تقوایان

کفرپیشه به هلاکت و نابودی ، از سوی خداوند

ان اتقوا الله و إن تكفروا .. ان یشأ یدهبکم ایها الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۶

۶ کافران شکست خورده در جنگ بدر ، مورد تهدید خداوند به چشیدن دوباره طعم شکست در صورت بازگشت به جنگ

و إن تعودوا نعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۳

۳ گرفتار شدن به سرنوشت شوم پیشینیان ، تهدید الهی نسبت به کافران ستیزه گر علیه اسلام

و إن يعودوا فقد مضت سنت الأولین

جواب شرط <إن يعودوا .. > حذف شده و جمله <فقد مضت ... > جانشین آن می باشد و تقدیر کلام چنین است: <و

إن يعودوا فانتقمنا منهم كما انتقمنا من الأولین ... >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۱

۱ کافران به قرآن و پیامبر (ص) و قیامت ، مستحق عذاب دنیوی اند و به آن تهدید شده اند .

و لئن أخرجنا عنهم العذاب

جمله <ما یحبسه > (چه چیز مانع نزول آن عذاب است؟) می رساند که مراد از <العذاب > عذاب دنیوی است و نیز حکایت

از این دارد که کفرپیشگان ، به آن عذاب تهدید شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۶

۶ خداوند ، مشرکان و کافران به پیامبر (ص) را به کیفر های دنیوی و فرو ریختن سنگ های عذاب تهدید کرد .

واقع شدن جمله <و ما هی...> پس از مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) (عند ربک) می تواند قرینه بر این باشد که: از مصداقهای مورد نظر برای <الظالمین> مشرکان و کافران عصر بعثت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۴

۴ خداوند کفرپیشگان و منکران رسالت پیامبر (ص) را به هلاک ساختن آنان و از میان بردنشان تهدید کرد .

أولم یروا أننا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۴

۴- خداوند ، با افشای انگیزه های کافران در گوش فرا دادن به سخنان پیامبر (ص) ، آنان را مورد تهدید قرار داد .

نحن أعلم .. و إذ هم نحوی

اعلام اطلاع خداوند از گوش دادن کافران به سخنان پیامبر(ص) و آگاهی از گفت و گوی آنها، برای تهدید و هشدار به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل عاذتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبد إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۳

تهدید ظالمان و کفرپیشگان از سوی خدا به کیفری حتمی و نه چندان دور

و سيعلم الذين ظلموا أيّ منقلب ينقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۲

۲ - پیامبر (ص) کافران منکر آیات الهی را ، تهدید به عذاب کرده بود .

يستعجلونك بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۴

۴ - کفرپیشگان تکذیب گر ، مورد تهدید خداوند و در معرض عذاب الهی

ثم أخذت الذين كفروا فكيف كان نكير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - تهدید کافران به آتش دوزخ از سوی خداوند

فويل للذين كفروا من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۳

۳ - کافران و مشرکان ، به عذاب و شکست تهدید شدند .

ولتعلمنّ نبأه بعد حين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۸

۸- دلداری خداوند به مؤمنان و تهدید کافران و مشرکان حق گریز به انتقام و شکست

أليس الله بعزیز ذی انتقام

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ذیل آیه شریفه که از عزت و انتقام خداوند سخن گفته دارای لحن تهدیدآمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۱،۲

۱- پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری

کنند .

قل يقوم اعمالوا على مكانتكم

آهنگ آیه شریفه، آهنگی تهدیدآمیز و هشدار دهنده است.

۲ - هشدار و تهدید ، از وظایف پیامبر اسلام (ص) در برخورد با کافران لجوج و حق ناپذیر

قل يقوم اعمالوا على مكانتكم إني عمل فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۲،۴

۲ - پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به مقابله فرا خواند و به شکست ذلت بار (چون شکست روز بدر) تهدید کرد .

من يأتيه عذاب يخزيه

بیشتر مفسران بر این دیدگاه اند که مقصود از عذاب خوارکننده در دنیا، شکست کافران و مشرکان معاند در جنگ ها (همچون جنگ بدر) است.

۴ - پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به عذاب فراگیر و دائمی دوزخ تهدید کرد .

و يحلّ عليه عذاب مقيم

<علی> برای استیلا و تمکن است و می رساند که عذاب الهی دشمنان رسول خدا، فراگیر و گسترده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۴

۴ - تهدید کافران لجوج و ستیزه جو ، به عذاب الهی

الذين كذبوا بالكتب .. فسوف يعلمون

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <فسوف يعلمون> به قرینه آیه بعد (إذ الأغلال في أعناقهم ..) در مقام تهدید می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - خداوند ، مشرکان و کافران حق ستیز را کراماً به عذاب استیصال تهدید کرده است .

فإِذَا نَرَيْنَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعْدُهُمْ

فعل مضارع

<نعد> دلالت بر استمرار می کند. این کلمه مشتق از <وعد> است و <وعد> هم در خیر استعمال می شود و هم در شر. چون در این جا ضمیر به مشرکان و کافران بر می گردد، برای شر و تهدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۱

۱ - تهدید کافران مجادله گر در آیات الهی از سوی خداوند

و يعلم الذین یجدلون فی آیتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۱

۱- تهدید شدن کافران سست اندیش و بیهوده گرا ، به فرجامی سخت و جانکاه

فارتقب یوم تأتي السماء بدخان مبین

تعبیر <بدخان مبین>، می تواند حکایت از عذاب دنیوی و نیز سختی های صحنه قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۴

۴ - تهدید مستکبران کفرپیشه از سوی خداوند ، به عذابی سخت و بدفرجام

فبشره بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون کیف نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تهديد شدن كافران تكذيب گر ، به نزول عذاب الهی همچون اقوام و ملل پيشين

و لقد كذب الذين من قبلهم فكيف كان نكير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - تهديد شدن كافران لجوج و تكذيب

گر، به عذاب از سوی خداوند

فستعلمون من هو فی ضلل مبین

برداشت بالا، به سبب این نکته است که تعبیر <فستعلمون> (پس به زودی خواهید دانست)، دارای لحن تهدیدآمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵ - ۲

۲ - تهدید خداوند به شکست کافران، در جنگ با پیامبر (ص) و مسلمانان

و یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۷ - ۵

۵ - بشارت خداوند به پیروزی و سعادت‌مندی مؤمنان و تهدید او نسبت به شکست و بدبختی کافران

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

بنابر گفته مفسران، این آیه متضمن وعده و وعید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۱

۱ - کافران تکذیب‌گر، از سوی خداوند به عذاب خفت بار تهدید شدند.

سنسمه علی الخرطوم

<وَسْم> (از ریشه <نسمه>) به معنای داغ نهادن است و <خرطوم> در اصل به معنای بینی فیل می‌باشد. تعبیر <بر بینی او

داغ خواهیم زد>، کنایه از این است که او را به شدت ذلیل خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۱ - ۲

۲ - تهدید خداوند ، به هلاکت کافران حق ناپذیر

علی أن نبذل خیرًا منهم و ما نحن بمسبوقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۷

۷ - تهدید شدن کافران حق ناپذیر و باطل گرا ، به کیفر الهی در قیامت

فذرهم

... حتی یلقوا یومهم الذی یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۳

۳ - خداوند ، تهدید کننده کافران و تکذیب کنندگان قرآن به سرنوشتی همچون فرجام فرعونیان و قوم ثمود

هل أتيك ... فرعون و ثمود . بل الذین کفروا فی تکذیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۷

۷ - خداوند ، تهدید کننده کافران و تکذیب کنندگان قرآن ، به سرنوشتی همچون فرجام فرعونیان و قوم ثمود

هل أتيك حديث الجنود ... و الله من ورائهم محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای

تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر ... ألم تر كيف فعل ربك بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

تهدید کافران بهانه جو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۴

۴ - مشرکان و کافران حق ناپذیر و بهانه جو ، مورد تهدید خداوند

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً. قل كفى بالله شهيداً بيني و بينكم

تذکر خداوند به گواه و ناظر بودن میان پیامبر(ص) و مشرکان حق

ناپذیر، می تواند به منظور تهدید آنان باشد.

تهدید کافران حق ستیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۷

۷ خداوند ، کافران عصر بعثت را در صورت از سرگیری شرارت ها به سرکوبی و نابودی تهدید کرد .

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

تهدید کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۴

۴- مشرکان و کافران حق ناپذیر و بهانه جو ، مورد تهدید خداوند

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً. قل كفى بالله شهيداً بيني و بينكم

تذکر خداوند به گواه و ناظر بودن میان پیامبر(ص) و مشرکان حق ناپذیر، می تواند به منظور تهدید آنان باشد.

تهدید کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۱۳

۱۳ تهدید مشرکان کفرپیشه صدر اسلام به عذاب دردناک جهنم

بشر الذین کفروا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۵

۵ خداوند ، مشرکان و کفرپیشگان عصر بعثت را به عذاب های شدید دنیوی تهدید کرد .

و كذلك أخذ ربك إذا أخذ القرى و هي ظلمه إن أخذهم شديد

برداشت فوق، از مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) در <کذلك أخذ ربك> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ شکستو نابودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حتی یأتی وعد الله

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۱

۱ - مشرکان و کافران صدراسلام ، به نزول عذاب فراگیر و غافل گیرانه تهدید شدند .

فإذا نزل بساحتهم فساء صباح المنذرين

<ساحت> به فضای باز اطراف محله می گویند و در آیه شریفه، کنایه از شمول و فراگیری عذاب الهی بر همه افراد است. نزول عذاب در بامداد (صبح) استعاره تمثیلیه است که عذاب الهی، به دشمنی تشبیه شده است که در شب حرکت می کند و صبح گاهان غافل گیرانه یورش می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۴

۴ - تهدید شدن کافران صدراسلام به هلاکت و نابودی ، از سوی خداوند

و لقد أهلكنا أشياعكم فهل من مدكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۷ - ۲

۲ - تهدید خداوند به دچار کردن کافران تکذیب گر صدراسلام ، به سرنوشت شوم و هلاکت بار باغداران یمنی

إننا بلونهم كما بلونا أصحاب الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۳ - ۶

۶ - تهدید شدن کافران صدراسلام ، به نابودی اموال و درایی های شان

كذلك العذاب .. لو كانوا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۸ - ۳

۳- تهدید شدن گنه پیشگان و کافران دنیاگرا در صدر اسلام ، به هلاکت و جایگزین شدن مردمی دیگر ، از سوی خداوند

وإذا شئنا بدلنا أمثلهم تبديلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۳

۳ - کافران عصر بعثت ، مورد تهدید شدید خداوند به مقابله ای سریع و برخوردی سخت با آنان

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

لسان العرب از ابن سیده نقل می کند که <بطش> به معنای هجوم سریع است.

تهدید کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۳

۳- تهدید شدن کافران ظالم به مرگ از سوی خداوند ، در پی تهدید شدن انبیای الهی از سوی آنان به اخراج از سرزمین

مسکونی خویش

و قال الذين كفروا.. لنخرجنكم من أرضنا... فأوحى إليهم ربهم لنهلكن الظالمين

تهدید کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۸

۱۸ خداوند کفرپیشگانی که علی رغم مشاهده آیات خدا ، ربوبیت او را منکر شوند ، به عذاب شدید و مکرری سخت تهدید کرده است .

و هم يجعلون في الله و هو شديد المحال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۱

۱ - پیامبر اسلام (ص) ، کافران و مشرکان لجوج را به عذابی خوارکننده در دنیا هشدار داد .

فسوف تعلمون . من يأتيه عذاب يخزيه

مفسران بر این عقیده اند که مقصود از عذاب خوارکننده، به قرینه ذیل آیه که از عذاب دائمی (اخروی) سخن می گوید عذاب دنیایی است.

تهدید کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۱۳

۱۳ شعیب ، کافران قوم خویش را به گرفتار آمدن به

فرجامی همانند سرنوشت فسادگران پیشین تهدید کرد .

و أنظروا كيف كان عقبه المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۸

۸ شعيب (ع) ، کافران قوم خویش را به داوری خدا و گرفتارسازی آنان به عقوبت های الهی در دنیا تهدید کرد .

و طائفه لم يؤمنوا فاصبروا حتى يحكم الله بيننا

با توجه به ذیل آیه ۸۹ (ربنا افتح ..) معلوم می شود مقصود شعيب از داوری خداوند، تحقق امری است که نابودی کافران در دنیا و در نتیجه پیروزی اهل ایمان را در پی خواهد داشت. چنانچه مخاطب در <فاصبروا> خصوص کافران باشد، این معنا از وضوح بیشتری برخوردار خواهد بود.

تهدید کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۶

۶ - خداوند ، کافران عصر بعثت را به عذابی نزدیک تهدید کرد .

فمهّل . . . رویداً

دادن مهلت کوتاه به منزله تهدید به عذاب، پس از انقضای مهلت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۷

۷ - خداوند ، تهدیدکننده کافران عصر بعثت به سرنوشتی نظیر فرجام قوم عاد

ألم تر كيف فعل ربك بعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۹ - ۶

۶ - خداوند ، تهدید کننده کافران عصر بعثت ، به فرجامی نظیر هلاکت قوم ثمود

ألم تر كيف فعل ربك .. و ثمود الذين جابوا الصخر بالواد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹

۴ - خداوند ، تهدید کننده کافران عصر بعثت ، به گرفتار ساختن آنان در عقوبتی نظیر فرجام قوم فرعون

ألم تر... و فرعون ذی الأوتاد

تهدید کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۷

۲۷- کافران مکه ، مورد تهدید خداوند به عذابی دردناک

لو تزیلوا لعذّابنا الذین کفروا منهم عذابًا أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۱ - ۲

۲ - تهدید کافران مکه از سوی خداوند ، به وقوع حوادثی ناگوار و مرگ آفرین برای ایشان در آینده

قل تریبوا فإنی معکم من المتربّصین

تهدیدهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۳

۳- تهدید شدن کافران ظالم به مرگ از سوی خداوند ، در پی تهدید شدن انبیای الهی از سوی آنان به اخراج از سرزمین

مسکونی خویش

و قال الذین کفروا... لنخرجنکم من أرضنا... فأوحی إلیهم ربهم لنهلکنّ الظلمین

تهدیدهای کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ کافران قوم شعیب بر سر هر کوی و برزن مؤمنان به خدا را مورد تهدید قرار می دادند و آنان را از سلوک راه خدا بازمی داشتند .

و لا تقعدوا بكل صرط توعدون و تصدون عن سبيل الله من ءامن به

<ایعاد> مصدر <توعدون> به معنای تهدید کردن و به شکنجه و أمثال آن ترساندن است. <من ءامن> مربوط به فعل <توعدون> و <تصدون> است و به اصطلاح اهل ادب مفعولی

است <متنازع فیه>. گفتنی است که در برداشت فوق ضمیر در <به> به <الله> برگردانده شده است.

تهمت‌های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۳

۳ فراگیری قرآن از دیگران، اتهام کافران به پیامبر(ص)

و ليقولوا درست

لام در <ليقولوا> به معنی عاقبت است. یعنی نهایت سخن منکران در برابر تصریف آیات آن است که می گفتند پیامبر(ص) قرآن را از دیگران آموخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۵

۵ بهانه جویی و اتهام کافران نباید سبب نگرانی و تزلزل مؤمنان گردد.

و ليقولوا درست .. اتبع ما أوحى اليك

فرمان به اتباع از وحی، پس از اشاره به شبهات کافران، تأکیدی بر لزوم استقامت مؤمنان در برابر شبهات کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان، قیامت را امری گزاف و طرح آن را از سوی پیامبر (ص) چون سحر، نیرنگی روشن قلمداد می کردند.

إن هذا إلا سحر مبين

<هَذَا> به گفتار پیامبر(ص) مبنی بر زنده شدن مردگان و برپایی قیامت اشاره دارد. اطلاق <سحر> بر این گفتار و ادعا، از باب تشبیه است و وجه شبه آن بطلان و نیرنگ می باشد؛ یعنی، این سخن ظاهری فریبنده و باطنی پوچ و بی اساس دارد و در بطلان و نیرنگ بازی، همانند سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۲،۳

۲- کافران و مشرکان، قرآن را در

میان مردم خود ، آموزه های فرد عجمی به پیامبر (ص) معرفی می کردند .

و لقد نعلم أنهم يقولون إنما يعلمه بشر .. أعجمي

عجمی دانستن قرآن، از پاسخ خداوند که فرمود: <لسان الذی یلحدون إلیه أعجمی . . > به دست می آید.

۳- آموختن قرآن از بشر ، یکی از تهمت های کافران و مشرکان به پیامبراسلام (ص) بود .

و لقد نعلم أنهم يقولون إنما يعلمه بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۹،۱۱

۹- کافران از طریق اعلام سحرشدگی پیامبر (ص) در صدد ایجاد بدبینی در پیروان ، نسبت به آن حضرت بودند .

إذ يقول الظلمون إن تَّبِعُونَ إِلَّا رجلاً مسحوراً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مخاطب <إن تَّبِعُونَ إِلَّا رجلاً مسحوراً> مؤمنین باشد و کافران با تهمت <مسحور> به پیامبر(ص) که بر شخص خارج شده از حد اعتدال بر اثر سحرزدگی اطلاق می شود می خواستند در آنان نسبت به آن حضرت، بدبینی ایجاد کنند.

۱۱- استفاده از تهمت و شخصیت شکنی ، از روش های مبارزه کافران با پیامبر (ص) و تعالیم او

إن تَّبِعُونَ إِلَّا رجلاً مسحوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۸ - ۵

۵- کافران ، علی رغم به کار بردن شگرد ها و اتهام های مختلف برای جلوگیری از گسترش پیام پیامبر (ص) ، هرگز موفق به آن نشدند .

انظر كيف ضربوا لك الأمثال فضلوا فلا يستطيعون سبيلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <ناتوانی کافران از

راه یابی < نیافتن چاره و راهی برای مسدود کردن پیام آن حضرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۱،۲،۳

۱ - جنون ، یکی از نسبت های ناروای کافران و رفاه زدگان به ساحت پیامبر اکرم (ص)

أم یقولون به جنّه

> به جنّه < یعنی ، > او گرفتار نوعی جنون است و این اتهام دیگری بود که از سوی کافران و مترفان، به پیامبر (ص) زده می شد.

۲ - شخصیت ، منش و گویش خردمندانه پیامبر (ص) گواهی روشن بر مبرا بودن آن حضرت از اتهام کافران (جنون)

أم لم یعرفوا رسولهم .. أم یقولون به جنّه

۳ - توییح کافران از سوی خداوند ، به خاطر نسبت دادن جنون به پیامبر (ص) ، علی رغم آشنایی کاملشان با شخصیت خردمند آن حضرت

أم لم یعرفوا رسولهم .. أم یقولون به جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۶

۶ - افسانه خواندن قرآن از سوی کافران ، دروغی ناروا به ساحت آن

إن هذا إلاّ أسطیر الأولین .. و إنهم لکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۱،۲،۳،۶

۱ کافران ، منکر نزول وحی بر پیامبر (ص) بودند و قرآن را دروغ و ساخته و پرداخته او می دانستند .

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک افتریه

۲ کافران ، مدعی مدد رسانی جمعی از مردم غیر مسلمان به پیامبر (ص) در ساختن و پرداختن قرآن

وقال الذين كفروا إن

هذا إلا إفك افتريه و أعانه عليه قوم ءاخرون

طبق نظر مفسران، مقصود از <قوم آخرون> مردم غیر مسلمان همچون یهود است.

۳ تهمت و افترا ، ابزار و شیوه های مبارزه کافران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا إن هذا إلا إفک افتريه و أعانه عليه قوم ءاخرون

۶ تهمت و افترا زدن کافران به گناهی که تنها خود مرتکب آن بودند ، از شیوه های آنان در مبارزه ، علیه پیامبر اسلام (ص)

و قال الذین کفروا إن هذا إلا إفک افتريه .. فقد جاء و ظلماً و زوراً

برداشت یاد شده از آن جا استفاده می شود که کافران، پیامبر اسلام (ص) را متهم به دروغ گویی می کردند؛ در حالی که خود، دروغ پرداز بودند و به دروغ و به ناحق، قرآن را ساخته و پرداخته آن حضرت می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵ - ۴، ۵، ۱

۱ کافران ، مدعی بودند که قرآن ، افسانه های مکتوب پیشینیان است که پیامبر (ص) از روی آنها نسخه برداری کرده و به آنها سامان بخشیده است .

و قالوا أسطیرالأولین اکتبها

۲ کفرپیشگان بر این داعیه بودند که پیامبر (ص) برای ساختن قرآن ، از برخی از اشخاص درخواست استنساخ از اسطوره های پیشینیان را کرده است .

و قالوا أسطیرالأولین اکتبها

برداشت فوق، مبتنی بر این است که فعل <اکتبها> در معنای حقیقی خود (نوشتن و نسخه برداری پیامبر اسلام) استعمال نشده باشد؛ زیرا به گواه تاریخ پیامبر (ص) آشنا به نوشتن نبوده است. بنابراین مقصود از آن، درخواست نوشتن از دیگران

است؛ چنان که نوشته های بزرگان را دیگران می نویسند، ولی به آنان نسبت می دهند.

۴ کافران ، مدعی بودند که قرآن همان افسانه های پیشینیان است که گروهی در هر صبح و شام و به صورت مخفیانه ، بر پیامبر (ص) دیکته کرده و می خوانند .

و قالوا أسطیرالأولین اکتبها فہی تملی علیہ بکرہ و أصیلاً

مراد از صبح و شام، می تواند وقت هایی باشد که مردم در منظر و مرای نیستند و به طور معمول، کسی که می خواهد متن مقدسی را بسارد، آن را به صورت پنهانی انجام می دهد تا کسی خبردار نشود.

۵ کافران مدعی بودند که گروهی با استتخ از افسانه های پیشینیان و املائی آن بر پیامبر (ص) ، آن حضرت را در ساختن قرآن کمک می کنند .

و أعانہ علیہ قوم ءاخرون .. و قالوا أسطیرالأولین اکتبها فہی تملی علیہ بکرہ و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۶،۱۰

۶ سحر زدگی ، اتهام ظالمانه مشرکان به پیامبر (ص)

و قال الظلمون إن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

۱۰ پیروان پیامبر (ص) ، در پندار و بیان نکوهشگر و طعن آلود مشرکان ، مردمانی نادان و دنباله رو فردی سحر زده

و قالوا .. إن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

از لحن آیه شریفه، استفاده می شود که کافران، این سخن را از سر نکوهش و طعن می گفتند و چون پیروی از فردی سحرزده، امری غیر منطقی است، در حقیقت پیروان آن حضرت را، مردمانی نادان می پنداشتند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۷

۷ - کافران فرو رفته در خرافات و شرک ، متهم کننده پیام انبیا به خرافه و افسانه

و قال الذین کفروا .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

با توجه به این که وعده معاد و رستاخیز همواره از سوی پیامبران الهی مطرح می شده است، می توان گفت که واژه <أولین> اشاره به آن بزرگواران دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۱

۱۱ - اتهام یاوه سرایی ، حربه کافران علیه پیامبر (ص) و مؤمنان بود .

لیقولن الذین کفروا إن أنتم إلا مبطلون

باطل، در اصل، به معنای <بی ثبات و بی ریشه> است. گاهی، درباره کسی به کار برده می شود که مطلبی عاری از حقیقت بگوید (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶ - ۱

۱ - اتهام جنون و شاعر بودن به پیامبر (ص) ، شیوه مشرکان و کافران در برابر پیامبر (ص)

و یقولون أئنا لتارکوا ءالهننا لشاعر مجنون

آمدن فعل <یقولون> به صیغه مضارع، حکایت از استمرار این سخن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۶

۶ - کافران ، پیامبر اسلام (ص) را ساحر و بسیار دروغگو می دانستند .

و قال الکفرون هذا سحر کذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۷

۷- اتهام سحر ، سپر دفاعی کافران در برابر آیات روشن

إذا تتلى عليهم آیتنا بینت قال الذین کفروا .. هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۳

۳- نسبت افترا به پیامبر (ص) ، از شیوه های کافران در مبارزه با آن حضرت

قال الذین کفروا .. هذا سحر مبین . أم یقولون افتریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۴،۵،۳،۱

۱ - تکذیب و اتهام ، شیوه همیشگی اقوام و جوامع کفرپیشه و شرک آلود در برابر فرستادگان الهی

کذلک ما أتى الذین من قبلهم من رسول إلا قالوا ساحر أو مجنون

۳ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و اتهام های ناروای کافران

کذلک ما أتى .. إلا قالوا ساحر أو مجنون

۴ - اتهام سحر و جنون ، موضع همیشگی کافران در برابر رسولان الهی

ما أتى الذین .. إلا قالوا ساحر أو مجنون

۵ - اتهام سحر یا جنون ، از سوی کافران به پیامبر اکرم (ص)

کذلک ما أتى .. إلا قالوا ساحر أو مجنون

ضمیر <من قبلهم> به کافران عصر پیامبر (ص) بازمی گردد یعنی، اگر اینان تو را به سحر و جنون متهم می کنند، مطلب تازه

ای نیست زیرا پیشینیان نیز، همین شیوه را داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۷،۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن هشدار ها و تذکر های خویش ، بدون نگرانی از اتهام های کافران

فذكر

از ذیل آیه شریفه استفاده می

شود که پیامبر(ص)، نبایست به اتهام های مشرکان بیندیشد؛ بلکه وظیفه آن حضرت ادامه دادن به تبلیغ خویش است.

۷- اتهام کفانت و جنون به پیامبر (ص) ، از سوی کافران

فما أنت بنعمت ربك بكاهن و لامجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۱

۱- نسبت دادن پیامبر (ص) ، به شعر و شاعری از جمله اتهام های مکرر کافران

أم يقولون شاعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۱

۱- اتهام کافران به پیامبر (ص) ، در ابداع قرآن از نزد خود و نسبت دادن آن به خداوند

أم يقولون تقوله

<تقول> یعنی، به دروغ چیزی را به کسی نسبت دادن (المصباح المنیر). مقصود کافران این است که قرآن، کلام خداوند نیست و پیامبر(ص) به دروغ آن را به او نسبت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲ - ۳

۳- اتهام سحر و جادوگری به پیامبر (ص) ، از سوی کافران با مشاهده هر معجزه

و إن يروا آية يعرضوا و يقولوا سحر مستمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۶

۶- پیامبران ، متهم به گمراهی شدید از سوی کافران محکوم به دوزخ

إِن أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <إِن أَنْتُمْ..> دنباله اعتراف های کافران باشد. گفتنی است که صفت <کبیر> (برای <ضلال>) اشاره به شدت و نهایت گمراهی

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۶ - ۴

۴ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر تهمت ها و افترا های کافران مخالف

فستبصر و بیصرون . بأییکم المفتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۲،۱

۱ - کافران تکذیب گر ، آیات قرآن و مطالب آن را بی اساس و از افسانه های کهن می پنداشتند .

إذا تتلى عليه آیتنا قال أسطیر الأولین

۲ - معرفی قرآن به عنوان افسانه کهن ، از ترفند های همیشگی کافران تکذیب گر

إذا تتلى عليه آیتنا قال أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۵۸

۵ - اتهام جنون به پیامبر (ص) ، به هنگام شنیدن قرآن از سوی کافران

لما سمعوا الذکر و یقولون إنه لمجنون

۸ - کافران ، قرآن را نشانه جنون پیامبر (ص) می دانستند .

لما سمعوا الذکر و یقولون إنه لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۴

۴ - اتهام شعر به قرآن و شاعری به پیامبر (ص) ، از سوی کافران و مشرکان در آغاز رسالت

و ما هو بقول شاعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۴

۴ - اتهام کھانت به قرآن و کاهنی به پیامبر اسلام (ص) ، از سوی کافران و مشرکان

و لا بقول کاهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲۰

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطير الأولين . كلاً بل ران علی قلوبهم

تہمتہای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - موضع گیری خصمانه کافران صدراسلام علیہ پیامبر (ص) و موسی (ع) و متہم ساختن آنان به ساحری

قالوا سحران تظہرا

۱۱ - قرآن و تورات ، دو جادوی پشتیبان یکدیگر ، در ادعای کافران صدراسلام

قالوا سحران تظہرا

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۷، ۱

۱ - کافران ، اظهارات پیامبر (ص) را درباره تجدید حیات انسان ها پس از مرگ ، افترای او بر خدا می دانستند .

وقال الذین کفروا هل ندلکم علی رجل یتبئکم .. أفتری علی اللہ کذباً

۷ - دفاع خداوند از پیامبر (ص) ، به خاطر اتهامی که کافران به آن حضرت نسبت داده بودند .

أفتری علی اللہ کذباً أم به جنہ بل

<بل> برای اضراب و رد تردیدی است که کافران درباره حضرت رسول(ص) مطرح کردند؛ یعنی، آنچه کافران می گویند، هیچ کدام درست نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۵

۵ - کافران صدر اسلام ، مؤمنان را دروغگو دانسته و عقیده آنان به برپایی قیامت را بی اساس می پنداشتند .

و يقولون متی هذا الوعد إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۷

تہمت‌های کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۲

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تہمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمین . الذین جعلوا القرآن عضین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکل‌های گوناگون به هلاکت رسیدند.

تہمت‌های کافران قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۶ - ۲

۲ اشراف کفرپیشه قوم ہود ، وی را به سفاهت و دروغگویی متہم کردند .

قال الملائئ الذین کفروا .. انا لریک فی سفاهه و انا لنظنک من الکذبین

تہمت‌های کافران مکہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۶

۱۶ اتہام سحر و افسونگری ، از حربہ های تبلیغاتی کفرپیشگان مکہ علیہ قرآن و پیامبر (ص)

قال الکفرون ان هذا لسحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- کافران مکه ، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود ، فردی مجنون و دیوانه می دانستند .

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی

گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر(ص) آنان چنین تهمت‌هایی را به آن حضرت نسبت نمی‌دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۵

۵- کافران مکه ، پیامبر (ص) را متهم به سحر می کردند .

بل نحن قوم مسحورون

در آیه فوق، هر چند به <سحر کننده> تصریح نشده، ولی تناسب حکم و موضوع و نیز آیه های دیگری که به این موضوع تصریح کرده است، مقصود پیامبر اسلام(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۵

۵- کافران دین ستیز مکه ، پیامبر اسلام و مؤمنان را در باره وعده های الهی دروغگو می پنداشتند .

و يقولون متی هذا الوعد ان کنتم صدقین

ثبت عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۳

۳ - حساب و نتیجه اعمال کافران دوزخی ، در نامه اعمالشان درج شده و روشن است .

و لم أدر ما حسابه

ثروت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۴

۱۴- ثروت ، مکنت ، خوش نمایی و آراستگی زندگی کافران ، استدراج است .

هم أحسن أثثاً و رءياً .. فليمدد له الرحمن مدّاً حتّى إذا رأوا ما يوعدون

<استدراج> یعنی، کسی را آهسته آهسته و به آرامی نزدیک چیزی بردن (لسان العرب) در این آیه <مدّاً> که مفعول مطلق است بیان نوعی خاصی از امهال است که مقصود از آن به

قرینه <حَتَّى إِذَا..>، نزدیک ساختن کافران به عذاب موعود الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۵

۵ - هشدار خداوند درباره فریب خوردن از تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران و ثروت و مکنت آنان در جامعه

فلا یغررک تقلبهم فی البلد

برخی از اهل لغت نوشته اند: <تَقَلَّبَ فی الْأُمُور> یعنی، <تَصَرَّفَ کیف یشاء> (در هر کاری مطابق خواسته خود دخل و تصرف کرد). مقصود از <تَقَلَّبَ فی البلاد> تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران در شهرها از راه سفرهای تجارتنی (مانند سفرهای کافران قریش از مکه به شام، یمن و ...) است.

ثروت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۳

۳ - کافران تکذیب گر، در صدراسلام از قشر ثروتمند و پرفرزند و نفرات بودند.

أَنْ كَانُوا ذَا مَالٍ وَبَنِينَ

ثروتمندی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۰

۱۰ فقر مؤمنان صدر اسلام، و تمرکز ثروت ها در جبهه کفر *

زین للذین کفروا .. و یسخرون ... و الله یرزق

تزین دنیا نزد کافران، تمسخر مؤمنان توسط آنان، وعده الهی به برتری مؤمنان در قیامت و برخورداری آنان از نعمتهای بی حساب، دلایل استناد این برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، از قشر ثروتمند و مرفّه جامعه اند .

ما أغنی عنی مالیه

یادآوری این مطلب که ثروت و اموال، ما را

نجات نداد؛ می رساند که این گروه از قشر مرفه و ثروتمند جامعه اند. در آیه ۴۵ سوره <واقعه> از آنان به عنوان <مترفان> (نازپروردگان و برخورداران) یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۳

۳ - کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، از قشر قدرتمندان و توانگران جامعه اند .

هلک عَنی سلطنیه

ثروتمندی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۴

۴- برخی از مردم کافر و مشرک در عصر ظهور اسلام ، از ثروت و امکانات چشمگیری برخوردار بودند .

لَاتَمَدَّنْ عَیْنِکَ اِلَیْ مَا مَتَّعْنَا بِهٖ اَزْوَاجًا مِنْهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۱

۱ - کافرانِ برخوردار از ثروت در صدراسلام ، از انفاق به مستمندان و گرسنگان خودداری می کردند .

وَ اِذَا قِیلَ لَهُمْ اَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللّٰهُ قَالَ الَّذِیْنَ کَفَرُوا لِلَّذِیْنَ ءَامَنُوْا اَنْطَعْم

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته به دست می آید: ۱ همزه در <أنطعم> برای استفهام انکاری است؛ ۲ آیه شریفه در مکه نازل شده و مربوط به کافران صدراسلام است.

جامعه اسلامی و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۲

۲ تلاش کفرپیشگان برای واداشتن جامعه ایمانی به پیروی از خویش

ان تطيعوا الذين كفروا يردوكم على اعقابكم

جاودانگی عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۸

۸- خلود کافران در عذاب

اخروی

و لا هم ينظرون

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <لا هم ينظرون> نفی تعلق رحمت و عنایت خداوند به کافران باشد. لازمه چنین نفی مطلق، رهایی نیافتن کافران از عذاب و جاودانگی آنان در آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۲

۲ - عذاب کافران ، همیشگی و فناپذیر است .

عليهم نار مؤصده

بسته بودن در، کنایه از استمرار عذاب است.

جاودانگی عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۳

۳ - کفرپیشه گان مکذبان آیات الهی ، همواره در عذاب خواهند ماند .

و أما الذين كفروا .. في العذاب محضرون

<محضرون> اسم مفعول <إحضار> به چیزی گفته می شود که همواره حاضر باشد. چنین نکته ای، مستلزم این است که افراد یاد شده، هیچ گاه از عذاب غایب نباشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب کافران ، متناسب با نوع عملکرد آنان است .

لهم فيها دار الخلد جزاء بما كانوا بآيتنا يجحدون

<باء> در <بما كانوا> برای مقابله است، یعنی، جاودانگی کافران در دوزخ، در برابر شیوه مستمر آنان در عناد و لجاجت با

پیامبر(ص) و آیات الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران تکذیب گر آیات الهی ، به صورت دائمی و جاودانه در دوزخ جای دارند .

و الذین کفروا .. أصحاب النار خلدین فیها

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۶

۶ - عذاب جهنم برای کافران ، جاودانه و پایان ناپذیر است .

فی نار جهنم خلدین فیها

جاودانگی کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۸

۸ - عذاب دوزخ جاودان است و کافران در آن مخلد خواهد بود .

لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی و دنیا محوری آنان

اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا و غَرَّكُمْ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا

جرم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۵

۵ - شرک و کفر ، جرم است و مشرکان و کافران ، مجرم هستند .

و لو کره المجرمون

از مصادیق مورد نظر برای <المجرمون> مشرکان مکه هستند مکه از آنان در آیه قبل به کافران تعبیر کرد. بنابراین مجرم بر کافر و مشرک اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۵

۵ - تکذیب آیات الهی ، جرم مشترک همه کافران در طول تاریخ

و یوم نحشر من کلّ أُمَّةٍ فَوْجًا. .. حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ وَقَالَ أَكْذَبْتُمْ بآیتی

با این که گروه های حاضر در دادگاه، هر کدام از امتی خاص و متفاوت است؛ ولی همه آنها به خاطر یک جرم (تکذیب آیات الهی) محاکمه می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ -

۲ - سردمداران شرک و کفر و توده های کافر و مشرک ، در پیشگاه عدل الهی مجرم اند .

إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ

مقصود از <مجرمین> دو گروه پیشوایان شرک و توده های مشرک اند که در آیات پیشین از آنان سخن به میان آمد.

جنگ با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ جنگ با دوستان شیطان (کافران و طاغوت ها) مصداق بارز نبرد در راه خدا

الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله .. فقاتلوا اولياء الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۱، ۳، ۲

۲ برخی از مسلمانان صدر اسلام خواستار نبرد با کفار ، قبل از تشریح جهاد و مبارزه مسلحانه

الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم .. فلما كتب عليهم القتال

از جمله <فلما كتب> به دست می آید که مراد از <كفوا>، خودداری از نبرد و جنگ مسلحانه است.

۳ برخی از مسلمانان صدر اسلام خواهان نبرد با کافران ، پیش از فراهم آمدن زمینه های آن

الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم

جمله <فلما كتب ..> ، چنانچه گذشت، می تواند به معنای تشریح جهاد باشد، و می تواند به معنی فراهم آمدن زمینه جهاد

و پیش آمدن شرایط آن باشد ؛ یعنی آنگاه که پیامبر (ص) مسلمانان را به سوی جهاد فراخواند ...

۱۱ لزوم خودسازی ، پیش از نبرد با کفار

واقموا الصلوه و اتوا الزكوه فلما كتب عليهم القتال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ هشدار و تهدید خداوند به مسلمانان ، در مورد تعرض به کافران و منافقانی که پیکار با آنان ممنوع شده است .

و لو شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ رؤیای پیامبر (ص) (اندک دیدن نفرات سپاه کفر) عامل وحدت کلمه مسلمانان در ضرورت پیکار با سپاه کفر و حضور رشیدانه آنان در جنگ بدر

إذ يريكهم الله في منامك قليلا و لو أريكهم كثيرا لفشلتم و لنتزعتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۸ - ۱۰

۱۰ آمرزش گناه مجاهدانی از صدر اسلام که در ماه حرام با کفار جنگیدند . (عبدالله بن جحش و همراهان او)

ان الذين امنوا و الذين هاجروا

به دلیل شأن نزول، از مصادیق اولی آیه، عبدالله بن جحش و یاران او هستند که پس از هجرت از مدینه به سوی نخله، با دشمن درگیر شدند و آنان را کشتند و یا اسیر کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۸

۸ پیامبر (ص) و رهبران الهی نباید صلح طلبیهایی را که قرین نیرنگ است بپذیرند و به سبب آن از نبرد با کافران بازایستند .

و إن يريدوا أن يخذعوك فإن حسبك الله

برداشت فوق بر این اساس است که جمله < و ان يريدوا .. > فرض دیگری در مقابل < إن جنحوا > باشد، نه توضیح و تکمیل آن. یعنی صلح به دو

منظور پیشنهاد می شود: گاهی به سبب صلح واقعی و زندگانی مسالمت آمیز با مسلمانان و گاهی به منظور حيله گری و تجدید قوا. آیه قبل (إن جنحوا ...) بیانگر احکام و دستورات فرض اول و آیه دوم (و إن یریدوا) بیانگر احکام و دستورات فرض دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۴

۴ جنگیدن با کفار محارب ، پس از گرویدن آنان به اسلام ، ممنوع است .

فإن تابوا .. فإخونکم فی الدین

جمله <فإخونکم فی الدین> اشاره به این معنا دارد که: کفار محارب با گرویدن به اسلام، برادران دینی مسلمانان محسوب شده و از آن پس، جنگیدن با آنان حرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ نابودی عوامل اصلی کفر و شرک ، هدف عمده و اساسی پیکار اسلام با کافران و مشرکان

فقتلوا أئمه الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۶

۶ لزوم به کارگیری شدت و خشم ، در جنگ با دشمنان کفرپیشه

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

جنگ با کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۴

۴ متلاشی ساختن جبهه کافران محارب و پراکنده ساختن آنان ، تکلیفی بر عهده اهل ایمان

فإِذَا تَثَقَّفْنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْهُمْ

جَنَگْ بَا كَافِرَانَ مَعَاهِدْ

جِلْد - نَام سوره - سوره - آيه - فِيش

٧ - توبه - ٩ - ١٢ - ١٠، ٦

لغو اعتبار پیمان عدم تعرض و اعلان جنگ به معاهدان کافر، در صورت شکسته شدن پیمان از سوی آنان، بلامانع است.

و إن نکثوا أیمانهم من بعد عهدهم .. فقتلوا

۱۰ طعن و توهین به اسلام از سوی کفار معاهد، لغو اعتبار پیمان صلح و اعلان نبرد با آن را، مجاز می کند.

و إن نکثوا أیمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم فقتلوا

جنگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۳

۳ جنگ های کافران، در راه طاغوت است.

و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت

جنگهای قبیله ای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - کافران، در نبرد های قومی و قبیله ای خود جنگاور و سخت کوش و ولی در برابر جبهه حق، ضعیف و ناتوان

بأسهم بینهم شدید .. و قلوبهم شتی

برداشت یاد شده در صورتی است که واژه <بأسهم> اشاره به جنگ هایی باشد که در میان قبایل خود کافران آن روزگار متداول بوده است.

جنون کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۶ - ۲

۲ - کافران، مستحق نام جنون هستند.

و يبصرون . بأبيكم المفتون

جوسازی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۳

۳ شکست در پیکار احد ، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و یا منافقان ، علیه اسلام ، پیامبر (ص)

يا ايها الذين امنوا لا تكونوا كالذين كفروا و قالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و م

کشته شدن عدّه ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف بودند، ماجرای احد و کشته های فراوان آن را حربۀ تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می گفتند اگر نظر ما را می پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی شدند، این حوادث ناگوار پیش نمی آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۷ - ۳

۳ تبلیغات سوء کفرپیشگان و جوسازی های آنان علیه پیامبر (ص)

لولا أنزل عليه آية من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۱۰، ۹

۹- کافران از طریق اعلام سحرشدگی پیامبر (ص) در صدد ایجاد بدبینی در پیروان، نسبت به آن حضرت بودند.

إذ يقول الظالمون إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مخاطب <إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً> مؤمنین باشد و کافران با تهمت <مسحور> به پیامبر (ص) که بر شخص خارج شده از حد اعتدال بر اثر سحرزدگی اطلاق می شود می خواستند در آنان نسبت به آن حضرت، بدبینی ایجاد کنند.

۱۰- کافران، همواره در صدد ایجاد بدبینی به پیامبر (ص) در بین خود بودند تا به وسیله آن، کسی به آن حضرت تمایل پیدا نکند.

إذ يقول الظالمون إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

نکته یاد شده بر این اساس که مخاطب فعل <تتبعون> کافران باشد

که به همدیگر می گفته اند و آوردن فعل مضارع <يقول> برای بیان تلاش همواره آنان است.

جوسازی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۳

۳ تبلیغات سوء کفرپیشگان عصر بعثت و جوسازی های آنان علیه پیامبر (ص)

و يقول الذين كفروا لولا أنزل عليه آية من ربه

جوسازی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۷

۷ - امیدواری کافران مکه ، به پیروزی خود بر پیامبر (ص) از طریق ایجاد هیاهو و فضای ناآرام

و قال الذين كفروا لا تسمعوا .. و الغوا فيه لعلكم تغلبون

جهاد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۹

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر تا تحقق پیروزی بر آنان

فإن يکن منکم مائه صابره یغلبوا مائتین و إن یکن منکم ألف یغلبوا الفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل عاذتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبد إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جلد - نام سوره

۱- لزوم پیکاری بی امان با کافران ستیزه جوی در میدان های جنگ

فإذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب

۴- لزوم کشتن کافران و امان ندادن به آنان ، در میدان جنگ تا مرحله زمین گیر شدن دشمن

فضرب الرقاب حتى إذا أثختموهم

آیه شریفه در مجموع بیانگر یکی از قوانین کارآمد و حیاتی در میدان جنگ است. خداوند، به رزمندگان مسلمان رهنمود داده است تا قبل از غلبه یافتن بر دشمن و زمین گیر ساختن او، اقدام به گرفتن اسیر نکنند؛ بلکه بی درنگ هر دشمنی که در مقابلشان قرار گرفت، بکشند.

۲۲- فرمان خداوند به جهاد ، در عین قدرت او بر نابودسازی کافران ، به منظور آزمایش آدمیان

و لو يشاء الله لانتصر منهم و لكن ليلوآ بعضكم ببعض

۲۴- عدم تعلق مشیت الهی بر نابودسازی کافران ، بدون تلاش و جهاد مؤمنان

و لو يشاء الله لانتصر منهم و لكن ليلوآ

<لو> برای امتناع است؛ یعنی، اگر خداوند بخواهد که کافران بدون حضور در جبهه نبرد نابود شوند، می تواند آنان را نابود کند؛ اما او چنین نخواسته است.

۳۰- جنگ با کافران محارب ، حرکت در مسیر خداوند است .

و الذين قتلوا في سبيل الله

آنچه در صدر آیه شریفه مطرح شده است مبارزه بی امان با کافران در جبهه های نبرد است و خداوند، چنین مبارزه ای را <سبیل الله> نامیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- جهاد و مبارزه با کافران محارب ، یاری خداوند است .

فإذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب . .. إن

تنصروا الله ينصركم

باتوجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، استفاده می شود که <یاری دادن به خدا> بر <جنگ علیه کافران محارب> منطبق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۱

۱ - وجوب نبرد با کافران ، در صورتی که با مسلمانان سرجنگ داشته باشند .

و قتلوا فی سبیل الله الذین یقتلونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۹

۹ - فتنه انگیزی کافران ، مجوز نبرد با ایشان است ، هر چند که با مسلمانان سر جنگ نداشته باشند .

و قتلوا فی سبیل الله یقتلونکم .. الفتنه اشد من القتل

جمله <والفتنه اشد من القتل>، به اصطلاح اصولیین حاکم بر <الذین یقاتلونکم> است و موجب توسعه در موضوع حکم مطرح شده در آیه قبل می شود؛ یعنی، آیه قبل بیان داشت که با کافران حربی نبرد کنید و جمله <الفتنه ..> بیان می کند که فتنه انگیزی به منزله جنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۱،۳

۱ - نبرد با کافران ، تا برطرف شدن فتنه های آنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده مسلمانان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه

۳ - نبرد با کافران ، تا حاکمیت یافتن دین خدا در پهنه گیتی ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳- ۱۶۷- ۷

۷ ضرورت بسیج تمامی نیروهای مؤمن

و غیر مؤمن از سوی رهبری جامعه دینی برای رویارویی با هجوم کافران

و قيل لهم تعالوا قاتلوا في سبيل الله او ادفعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، یک دعوت موردی و خاص باشد، نه بیانگر اصل وجوب جهاد و دفاع، الزاماً مخاطبان در آیه دو گروه خواهند بود: گروهی که <لله> و <فی سبیل الله> در صحنه پیکار حاضر می شوند و گروهی که برای دفاع از کیان و ملت خود و... نبرد می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ خداوند حامی و یاور مؤمنان در رویارویی آنان با کافران

و لن تغنی عنکم ... و أن الله مع المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۷

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

يأيتها الذين ءامنوا استجبوا لله و للرسول

از مصادیق مورد نظر برای <ما یحییکم>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۴

۴ نبرد با کافران تا حاکمیت یافتن دین خدا در جهان، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی ... یکون الدین کله لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۰ - ۱

۱ اهل ایمان باید با باور به یاری خداوند و سرپرستی او ، به جهاد با

کافران فتنه انگیز پردازند .

و إن تولوا فاعلموا أن الله مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

متعلق <تولوا> دست برداشتن از فتنه انگیزی است ؛ یعنی <إن تولوا عن الانتهاء فلم یترکوا الفتنه> . و جواب شرط، به قرینه آیه قبل، جمله ای همانند <فقاتلوهم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ اهل ایمان موظف به پیکار با کفرپیشگان

يأیها النبی حرض المؤمنین علی القتال

از <من الذین کفروا> در ذیل آیه بدست می آید که مراد از <القتال> پیکار با کافران است.

۲ تشویق و تحریک اهل ایمان برای پیکار با کافران ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

يأیها النبی حرض المؤمنین علی القتال

۳ یک گروه بیست نفری اهل ایمان باید بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشکر صد نفری مؤمنان باید بر لشکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

جمله های <یغلبوا مائتین> و <یغلبوا ألفا> خبری هستند. ولی مراد از آن به دلیل <الئن خفف الله عنکم> در آیه بعد معنایی دستوری است. زیرا تخفیف در محدوده تکالیف و دستورات مطرح است. بنابراین <یغلبوا ...> یعنی باید مقاومت کنید و پیروز شوید.

۴ اهل ایمان موظف به پایداری در برابر لشکریان کفر تا پیروزی بر آنان ؛ حتی در صورت ده برابر بودن نیروی انسانی کافران

حرض المؤمنین علی القتال إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین

تغییر نکردن نسبت در دو فراز یاد شده، یعنی بیست در مقابل دویست و صد در مقابل هزار، بیانگر

این است که ضرورت مقاومت مخصوص بیست و دویت نفر نیست، بلکه تحقق نسبت (یک بر ده) ملاک حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ وجود درگیری بین مؤمنان غیر مهاجر با کافران، به خاطر دین و دینداری، تنها موردی است که مهاجران و انصار موظف به یاری غیر مهاجران هستند.

و إن استنصروكم فی الدین فعلیکم النصر

قید <فی الدین> بیانگر این است که اگر کافران به انگیزه مبارزه با اسلام و دینداری غیر مهاجران به آنان هجوم بردند، باید سایر مسلمانان از آنان حمایت کنند و اگر درگیری بدین انگیزه نباشد، حمایت از آنان ضرورت ندارد. قابل ذکر است که <ال> در <النصر> جانشین مضاف إليه است، یعنی <فعلیکم نصرهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۷، ۳، ۲، ۱

۱ نبرد بی امان با کافران و منافقان، و سخت گیری و عدم ترحم به آنان، فرمان خدا به پیامبر (ص)

يأیها النبی جهد الكفار و المنفقین و اغلظ علیهم

۲ لزوم جهاد با کافران و منافقان و عدم مماشات با آنان

جهد الكفار ... و اغلظ علیهم

۳ تصمیم به جهاد با کافران و منافقان، در محدوده مسؤولیت های رهبر جامعه اسلامی

يأیها النبی جهد الكفار

به کارگیری خطاب <یا ایها النبی> به جای <یا ایها الذین آمنوا> بیانگر این است که: تصمیم گیری درباره جنگ با کفار و منافقان، از وظایف رهبر جامعه ایمانی است.

۷ > عن ابی جعفر (ع) قال : > جاهد

الكفار و المنفقين < بالزام الفرائض ;

از امام باقر (ع) [در توضیح سخن خدا که فرمود :] <با کفار و منافقان مجاهده کن > روایت شده: مقصود الزام آنان به انجام فرایض است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۱،۱۰

۱ فرمان الهی به مؤمنان در اسلام مبنی بر مبارزه و پیکار با جوامع کفرپیشه همجوار خویش

يأيتها الذين ءامنوا قتلوا الذين يلونكم من الكفار

۱۰ جهاد با کافران و نرمش نداشتن در برابر آنان از جلوه های تقوا

قتلوا .. و ليجدوا فيكم غلظه و اعلموا أن الله مع المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، به جهاد با کافران و منافقان فرمان یافت .

يأيتها النبي جهد الكفار و المنفقين

۳ - جهاد با کافران و منافقان و هر گونه برخورد شدید و سختگیرانه با آنان ، باید زیر نظر رهبر جامعه اسلامی انجام گیرد .

يأيتها النبي جهد الكفار و المنفقين و اغلظ عليهم

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص)، در جهاد سختگیرانه با کافران و منافقان، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد. افراط و تفریطی که نوعاً در چنین موضوعی از سوی مردم سرمی زند، تأیید کننده همین مطلب است.

جهاد با کافران اشغالگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۶

۶ - ضرورت نبرد با کافرانی که سرزمین های اسلامی را به تصرف خویش در آورده اند .

و اقتلوهم .. و أخرجوهم من حيث أخرجوكم

جهان بينى كافران

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۲

۱۲ تضاد و دوگانگی بینش اهل ایمان و کفرپیشگان ، در تفسیر عوامل حیات و مرگ

و قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۲

۱۲ برخی مشرکان و کافران عنود، با نقش مشیت الهی در تأثیر اسباب آشنا بودند.

ما كانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لكن اکثرهم یجهلون

جهانبینی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۸،۱۰

۸ تحلیل سختی های بیدارکننده و هدفدار به حوادثی برخاسته از عوامل طبیعی و بدون هدف ، تحلیل نادرست منکران رسالت

پس از رسیدن به رفاه و آسایش

قالوا قد مسءاباءنا الضراء و السراء

۱۰ کفرپیشگانی که با بی هدف خواندن سختی های بیدارکننده از تمامی عوامل هدایت بی بهره ماندند ، با عذابی غافلگیرانه

از جانب خدا نابود شدند .

فأخذنهم بعتة و هم لا یشعرون

جهل اکثریت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۶

۶ - بیشتر کافران و مشرکان ستیزه جو و مجادله گر در صدر اسلام ، مردمی غافل و بی خبر از معارف الهی (چون توحید و

معاد) بودند .

و لکن أكثر الناس لا یعلمون

ممکن است مقصود از <الناس> در آیه شریفه، مردم عصر نزول قرآن (چون اهل مکه) باشد. برداشت یادشده بر این احتمال مبتنی است.

جهل کافران

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۳

۳ ناتوانی کافران از درک سود و زیان و سرنوشت شوم خویش

و لا يحسبنّ الذين كفروا أنّما نملى لهم خيرا لانفسهم أنّما نملى لهم ليزدادوا اثما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ اهل کتاب و دیگر کافران به دلیل استهزای دین اسلام و احکام و شعایر آن ، @مردمی نادان و بی خرد

اتخذوا دينكم هزواً .. ذلك بانهم قوم لا يعقلون

برداشت فوق بر این مناسبت که <لا يعقلون> فعلی لازم باشد، یعنی اهل کتاب و کافران، فاقد عقل و اندیشه کافی هستند.

اسناد <لا يعقلون> به <قوم> که حاکی از بافت خاص اجتماعی آنهاست، این معنی را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۶

۶ ناآگاهی کافران از عواقب هلاکتبار درخواست نزول آشکار ملائکه

و لو أنزلنا ملكا لقضى الأمر ثم لا ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ انکار آیات الهی نشأت گرفته از روح سرکش و ستمگر کافران است، نه جهل و ناآگاهی آنان

فإنهم لا يكذبونك و لكن الظالمين بأيت الله يجحدون

<جحد> به انکاری که بر خلاف اعتقاد قلبی باشد گفته می شود. محتمل است ستمکار شمردن منکران در آیه به جهت

مخالفت آگاهانه آنان با پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ اکثر کافران عصر بعثت ، ناآگاه به

ضرورت تقوا برای متولیان مسجدالحرام

إن أوليائهم إلا المتقون و لكن أكثرهم لا يعلمون

مفعول <لا يعلمون> حقایقی است که آیه مورد بحث بدان پرداخته است؛ از جمله ضرورت تقوا برای والیان مسجدالحرام و نیز استحقاق عذاب برای سدکنندگان مسجدالحرام بر روی مؤمنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱۰

۱۰- بی اطلاعی کافران در دنیا، از دروغ گویی خویش درباره رستاخیز

و أقسموا بالله .. لا یبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه ... و لیعلم الذین کفروا أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- خداوند، مدعیان دستیابی به مال و فرزند با کفرورزی را، در عذاب کفر و جهل خودشان نگاه می دارد.

و نمذّ له من العذاب مدًا

محتمل است مراد از <العذاب> عذاب گمراهی و کفری باشد که کافر در آن گرفتار است. جمله <فلیمد له الرحمان مدًا> در آیات پیشین نیز که تداوم ضلالت گمراهان را بیان کرده از همین مقوله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۴

۴- کافران، در دنیا هرگز به سختی و شدت آتش دوزخ و به بی یآوری خود در قیامت پی نخواهند برد.

لو یعلم الذین کفروا حین لا یکفون عن وجوههم النار .. و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حین> مفعولٌ به برای <یعلم> باشد. در این صورت پیام آیه چنین می شود: کاش آنان که کافر شدند، می دانستند و نمی دانند زمانی را

که نمی توانند آتش را از چهره ها و... باز بدارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۳

۳ - قلب های کافران ، پوشیده در حجاب غفلت و ناآگاهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - کافران حق ستیز ، فاقد بینش و درک لازم نسبت به مصالح و منافع خویش

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۱

۱ - دانش و معرفت درباره آخرت ، خارج از محدوده توان کافران

بل ادرك علمهم فی الآخره

<تدارك> (مصدر <إدارك>) عبارت است از پیوستن اجزای شیء به آن شیء به گونه ای که از آن اجزا، چیزی باقی نمانده باشد. <ادارک علمهم فی الآخره>؛ یعنی، آنها (کافران) دانششان مصروف جای دیگری شده و چیزی از آن باقی نمانده است تا بتوانند آن را درباره آخرت به کار برند. بنابراین آنان نه مجال آن را دارند که با دلایل علمی، آخرت را رد کنند و نه مجال آن را دارند که با برهان های یقینی آن را اثبات کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - کافران ، از حقیقت روز قیامت و برانگیختگی مردگان در آن ، همواره ، در جهل و بی اطلاعی اند .

يقسم المجرمون . . . فهذا يوم البعث و لكنکم کتم لتعلمون

برای حضور در آن ، آماده نیستند .

و يوم تقوم الساعة يقسم المجرمون ما لبثوا غير ساعه ... و لكنكم كنتم لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۶

۶ - کافران مجرم ، مردمانی جاهل و نادان به حقایق اند .

المجرمون.. الذين كفروا... الذين لا يعلمون

<لا يعلمون> می تواند صفت دیگری علاوه بر <المجرمون> برای <الذين كفروا> باشد که درباره آنان و موضع گیری هایشان در این آیات، بحث شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۴

۴ - کافران ، افرادی فاقد علم و دانش اند .

قال الذين كفروا لاتأتينا الساعة .. و يرى الذين أوتوا العلم الذى أنزل إليك

به قرینه مقابله با آیه <الذين سَعَوْ> که کافران بودند ذکر <أوتوا العلم> نشان می دهد که آنان فاقد چنین صفتی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۲

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

يسئل أتيان يوم القيمة

جهل کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۹

۱۹ سران شرک و کفر و پیروانشان، بی‌خبر از مضاعف بودن عذاب خویش

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

برداشت فوق‌مبتنی بر این است که سران شرک نیز، همچون پیروان آنان، مخاطب <لاتعلمون> باشند.

جهل کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱

۱ - کافران و مشرکان

صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ؛ نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

كذلك يُؤفك الذين كانوا بآيت الله يجحدون

<جحد> (مصدر <يجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۲

۲ - گروهی از کافران در عصر پیامبر (ص) ، بی خبر از موضع قاطع آن حضرت در برابر کفر و امیدوار به تنزل او در برابر شرک

قل یا ایها الکفرون

ادامه سوره، قرینه است بر این که مراد از <الکافرون>، همه کافران نیستند؛ بلکه تنها آن گروه مخاطب اند که امیدی به ایمان آنان نمی رفت. سخن گفتن با آنان در این باره که پیامبر(ص) اهل سازش نیست بیانگر آن است که آنان تسامح و تساهل را برای آن حضرت، امکان پذیر می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۷

۷ - کافران ، از معبود پیامبر (ص) ، شناخت نادرست و تصویری در حد معبود های خویش داشتند .

ما تعبدون .. ما أعبد

کلمه <ما> در معنایی اعم از عاقل و غیر عاقل به کار می رود، به کار نبردن کلمه <من> که تصریح به عاقل بودن است به جهت بیان این نکته است که مشرکان، معبود پیامبر(ص) را در سطح معبودان خویش

می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۷

۷ - کافرانِ عصر بعثت ، از خداوند شناختی ناقص و در حد شناخت خدایان خویش داشتند .

و لا أتم عبدون ما أعبد

کلمه <ما>، بیانگر برداشت یاد شده است.

جهل کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۶

۶ - جهل ، عامل رویکرد کافران مکه به خرید داستان های بی اساس بود .

و من الناس من یشتري لهُو الحدیث . . . بغير علم

<بغير علم> متعلق به فعل <یشتري> است.

چرخش صورت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱

۱ - در روز بی یار و یاورى کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لا یجدون ولیاً . . . یوم تقلّب وجوههم فی النار

بنابراین که <یوم> ظرف برای <لا یجدون> باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

چشمهای کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - کافران حق ناپذیر ، با چشمانی فروافتاده و فروتنانه در محکمه عدل الهی حاضر می شوند .

خشه أبصارهم

حبط عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۳

۳ در قیامت ، کافران از اعمال صالح خویش ، بهره ای نمی برند .

و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجرهم

چون پاداش الهی مشروط

به توأم بودن ایمان و عمل صالح است، بنابراین عمل صالح بدون ایمان، پاداش الهی را در پی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۸

۸ کفر به خدا، مایه حبط و بی ارزشی و فاسد شدن اعمال نیک کافران است .

ما كان للمشرکین أن یعمروا مسجد الله شهدین علی أنفسهم بالكفر أولئک حبطت أعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۱، ۱۳

۱۱ حبط و سقوط ارزش و بی ثمر بودن اعمال کافران و منافقان، در دنیا و آخرت

وعد الله المنقین .. أولئک حبطت أعمالهم فی الدنيا و الآخره

۱۳ بی تأثیر ماندن دسیسه های منافقان و کافران طول تاریخ، در از بین بردن ارزش های الهی، عبرتی است برای دنبال کنندگان راه آنان . *

کالذین من قبلکم .. أولئک حبطت أعمالهم فی الدنيا و الآخره

با توجه به اینکه منظور از اعمال در <اعمالهم> می تواند روشهای خائنه آنان در قبال ادیان الهی باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۲۸

۲- عمل نیک کافران ارزشی ندارد و حبط می شود .

مثل الذین کفروا برّهم أعمالهم کرماد اشتدّت به الريح فی یوم عاصف

۸- کافران، در آخرت قادر به بهره برداری از اعمال نیک خویش نخواهند بود و از آن محروم خواهند شد .

أعمالهم کرماد اشتدّت به الريح فی یوم عاصف لا یقدرون ممّا کسبوا علی شیء

جلد - نام سوره - سوره -

۱۳- آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنم .. مثل الذين كفروا برّبهم أعمالهم كرماد اشتدّت به الريح ... ألم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- حبط أعمال کافران ، همان ضایع شدن سعی و تلاش دنیوی آنان است .

الذين ضلّ سعيهم في الحيوه الدنيا .. فحبطت أعمالهم

۹- کافران ، به رغم کار و تلاش در دنیا ، در روز قیامت و ملاقات پروردگار ، تهیدست و بی توشه اند .

الذين كفروا .. فحبطت أعمالهم فلانقيم لهم يوم القيمه وزناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- استهزای آیات و پیامبران الهی ، شیوه کافران و عامل دوزخی شدن و حبط عمل آنان است .

جزأؤهم جهنم بما كفروا واتخذوا ءايتي ورسلي هزواً

<هزواً> و <هزأاً> به یک معنا است و مصدری است که حمل آن بر <آیات> و <رسل> برای مبالغه است. راغب، آن را <شوخی ناآشکار> و دیگران، آن را <تمسخر> معنا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعمال نیک کافران ، حبط شده و برای آنان ثمره اخروی نخواهد داشت .

و الذين كفروا أعمالهم كسراب بقيعه يحسبه الظمآن ماء حتّى إذا جاءه لم يجده شيئاً

اگر سراب گونه بودن اعمال کافران، در رابطه با قیامت باشد، قهراً می تواند

اشاره به حیط اعمالشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۲۵

۲۵ - حیط عمل صالح غیر مؤمنان ، بر خداوند ، آسان است .

فأحبط الله أعمالهم و كان ذلك على الله يسيراً

در صورتی که مشارالیه <ذلك> إحباط باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۲

۲- فرجام نهایی کافران ، به رو افتادن در خاکِ مذلت و از دست دادن تلاش ها است .

و الذين كفروا فتعسّأ لهم و أضلّ أعمالهم

بنابراین که جمله <فتعسّأ لهم> خیریه باشد و با توجه به این که <تعس> به معنای به رو در افتادن است که حاکی از نهایت ذلت است مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۱

۱- ناخشنودی کافران از پیام وحی ، باعث حیط اعمال آنان و گرفتار آمدنشان به نفرین الهی

فتعسّأ لهم و أضلّ أعمالهم . ذلك بأنهم كرهوا ما أنزل الله

بنابراین که <ذلك> اشاره به <فتعسّأ لهم و أضلّ أعمالهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

حتمیت انحطاط کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۸

۸- کافران تکذیب گر، ناتوان از رهانیدن خود از سقوط و مبارزه با عوامل آن

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چون عوامل و زمینه های سقوط، برای کافران ناشناخته و غافل گیرانه است؛
قهرآ رهایی از

آن نیز برای آنان ناممکن خواهد بود.

حتمیت اندوه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۵

۵ - هیچ پناهگاه و راه گریزی از سختی ها و اندوه های روز محشر برای کافران نیست .

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا

حتمیت شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۱

۱ تلاش های کافران ، در منحرف ساختن جامعه بشری از راه خدا ، محکوم به شکست حتمی و نهایی است .

الذین كفروا و صدّوا عن سبيل الله أضلّ أعمالهم

<أعمالهم> نظر به تلاش های کفرآمیز و انحراف انگیز کافران دارد که از واژه <صدّوا> استفاده می شود. شکست حتمی و نهایی از آن جهت برداشت می شود که گوینده <أضلّ> خداوند است و اگر کافران در ظاهر پیشرفت هایی هم داشته باشند، در نهایت محکوم به شکست اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۶

۶ - تأکید خداوند ، بر پیروزی پیامبر (ص) و ناکامی کافران تکذیب گر

و کذبوا .. و کلّ أمر مستقرّ

بیان کلی خداوند در تحقق و استقرار برنامه های از پیش تعیین شده، در حقیقت نویدی به مؤمنان و تهدیدی به کافران است که رسالت پیامبر(ص) سرانجام تثبیت خواهد شد و تکذیب گران کاری از پیش نخواهند برد.

حتمیت عجز کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۲

۲ - ناتوانی کافران در به شکست کشاندن جبهه حق

و نیروی الهی ، جای هیچ گونه شک و تردیدی ندارد .

لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مَعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ

تعبیر <لَا تَحْسِبَنَّ> (گمان مبر) با آن که گمان امری غیر اختیاری است و چیزی نیست که به پرهیز از آن توصیه شود می رساند که جای چنین گمانی نیست و نباید کسی به خود تردید راه دهد.

حتمیت عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۷

۷ - کافران ، اگر به خاطر اجل تعیین شده در دنیا ، گرفتار عذاب نشوند ، عذاب اخروی شان قطعی است .

و یستعجلونک بالعذاب و لولا أجل مسمی لجهاءم العذاب . . . یستعجلونک بالعذاب و إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۹

۱۹ - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی است .

و لکن حَقَّتْ کلمه العذاب علی الکفرین

<حَقَّتْ> به معنای <تَبَّتْ> و <وَجَبَتْ> (ثابت و واجب شد) است و <کلمه> در آیه شریفه به معنای وعده و یا فرمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۱

۱ - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

و کذلک حَقَّتْ کلمت ربِّک علی الذین کفروا

<حق>؛ یعنی، <تَبَّتْ> و <وَجَبَتْ> (ثابت و واجب شد) است. و مراد از کلمه در <کلمه ربِّک> وعده فرمان عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۹،۱۰

۹ - در قیامت هیچ راه و روزنه نجات

از عذاب الهی ، برای کافران نخواهد بود .

فهل إلى خروج من سبيل

تنکیر <خروج> و <سبيل> برای نوعیت است^۱ یعنی، کافران از تمامی راه های خروج و وسایل رهایی محروم اند.

۱۰ - یأس و ناامیدی شدید کافران حق ناپذیر ، از نجات خویش از عذاب الهی

فهل إلى خروج من سبيل

مفسران بر این باوراند که چنین سخنی، از زبان کسانی صادر می شود که یأس و ناامیدی بر وجود آنان چیره شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۲،۳

۲ - در قیامت هیچ عامل نجات دهنده ای برای کافران ، در برابر عذاب و قهر خداوند وجود ندارد .

یوم تولون مدبرین ما لکم من الله من عاصم

۳ - عذاب الهی کافران در قیامت ، قطعی و گریزناپذیر است .

ما لکم من الله من عاصم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۳

۲۳ - کافران ، در قیامت گرفتار عذابی حتمی و جانکاه

و لنذیقنهم من عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۷

۷ - بی اعتنایی خداوند به بهانه تراشی ها و عذرخواهی های کافران ، برای رهایی از عذاب دوزخ

فالیوم لایخرجون منها و لا هم یستعتبون

چنانچه از <استعتاب> (طلب عذرخواهی)، لازمه آن (قبول عذر) اراده شده باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۳ - ۶

۶ - کافران مهلت یافته در دنیا ، ناگزیر از چشیدن عذاب آتش ، در آخرت

اند .

و لولا أن .. لعذبهم في الدنيا و لهم في الآخرة عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲ - ۴

۴ - عذاب کافران در قیامت ، امری قطعی و غیرقابل دفع از سوی کسی

بعذاب واقع . للكفرین لیس له دافع

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مراد از عذاب در آیه شریفه، عذاب اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ - کافران در قیامت با مشاهده کردار خویش ، عذاب خود را حتمی خواهند دانست .

عذاباً قریباً یوم ینظر المرء ما قدّم یداه و یقول الکافر یلینی کنت ترّباً

از آن جایی که کافران با نگاه به اعمال خویش، آرزوی خاک بودن می کنند، می توان پی برد که آنان، گرفتاری به عذاب را بر خود قطعی دیده اند.

حتمیت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۹

۹ - در قیامت ، راه نجاتی برای کافران به قرآن وجود نخواهد داشت .

ءامنوا بما أنزلت . .. واتقوا یوماً لا تجزی نفس عن نفس

هدف از توصیف قیامت به اینکه: فدیة و عوضی گرفته نمی شود و .. ، مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه مبادا راه نجاتی برای خود - جز ایمان و ... - توهم کرده و به اعتبار آن دلخوش باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ هیچ چیز ، حتی برترین قدرت های نظامی ، اقتصادی

و نیروی انسانی ، مانع تحقق یافتن عذاب الهی برای کافران و منافقان نیست .

وعد الله المنفقين . . . و لهم عذاب مقيم. کالذین من قبلکم کانوا أشد منکم قوه و أك

نیروی نظامی از <قوه>، اقتصادی از <أموالاً> و انسانی از <أولاداً> برداشت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۵۸

۵ کفرپیشگان ، در زمانی نه چندان دور به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

إلى أمه معدوده . . . ألا يوم يأتيهم ليس مصروفاً عنهم

ضمیر فاعلی در <يأتيهم> به عذاب برمی گردد و <يوم> ظرف برای <مصروفاً> است.

۸ کفرپیشگان ، در صورت مواجه شدن با عذاب های الهی ، از نجات دادن خویش ناتوان خواهند بود .

و حاق بهم ما کانوا به يستهزون

جمله <ليس مصروفاً عنهم> بیان می دارد که عذاب از کفرپیشگان بازگردانده نمی شود و جمله <حاق بهم . . .> به این نکته اشاره می کند که آنان نیز نمی توانند از عذاب بگریزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۸

۸ کفرپیشگان نه می توانند از نزول عذاب الهی جلوگیری کنند و نه قادرند از گرفتار شدن به آن ، خود را رهایی بخشند .

إنما يأتيكم به الله . . . و ما أنتم بمعجزين

إعجاز (مصدر معجزین) به معنای فرار کردن و از دسترس خارج شدن است. بنابراین <ما أنتم بمعجزين> یعنی ، [پس از نزول عذاب] نمی توانید فرار کنید و خود را از عذاب برهانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۴،۵

مشرکان و کافران ، نمی توانند از عذاب های الهی بگریزند و خویشان را از آن مصون دارند .

أن تأتيهم غشيه من عذاب الله

توصیف عذاب الهی به فراگیرنده ، اشاره به این حقیقت دارد که نمی توان از آن فرار کرد و خویشان را از رنج آن رهانید.

۵ احساس امنیت کافران و مشرکان از عذاب های الهی در دنیا و فرا رسیدن عذاب های اخروی ، امری شگفت و نابجاست .

أفأمنوا أن تأتيهم غشيه من عذاب الله أو تأتيهم الساعة

همزه استفهام در <أفأمنوا> می تواند انکار توییخی باشد و محتمل است برای بیان تعجب ایراد شده باشد ، یعنی، جای شگفتی است که از ناحیه خداوند احساس امنیت می کنند و حال آن که علی رغم وجود برهان بر توحید و حقانیت رسالت، از پذیرش توحید و رسالت سرباز می زنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۵

۵- بی تردید کافران ، دارای فرجامی ناگوارند و به عذابی شدید و طاقت فرسا ، گرفتار خواهند شد .

و ويل للكافرين من عذاب شديد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۳

۳- گرفتاری به عذاب استیصال پیش از فرا رسیدن قیامت ، سرنوشت محتوم همه اقوام و جوامع کافر و مشرک حق ستیز است .

و إن من قرية إلا نحن مهلكوها قبل يوم القيمة

اینکه آیه می فرماید: همه جوامع بشری قبل از قیامت یا هلاک می شوند و یا دچار عذاب می شوند احتمال دارد که مراد از <مهلكوها> هلاکت انسانهای معمولی و مراد از <معدّبوها> عذاب کافران

و مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۳ - ۵

۵- بی پناهی همه جانبه کافران در برابر عذاب الهی و حتمی بودن هلاکت آنان

أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا .. و لا هُمْ مَنَّا يَصْحَبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۶ - ۱

۱ - عذاب و کیفر کافران جرم پیشه ، وعده ای حتمی و تخلف ناپذیر است ؛ هر چند پس از تأخیر و مهلتی محدود باشد .

أَفْرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ . ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۹،۱۰

۹ - عذاب تعیین شده برای کافران ، به خاطر اجل معین ، تأخیر دارد و لکن تحقق اش قطعی است .

و لولا أَجَلَ مَسْمًى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ

۱۰ - عذاب کافران در موعد مقرر ، به صورت ناگهانی ، آنان را فراخواهد گرفت .

و لِيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۶

۶ - عذاب کافران منکر آیات خدا ، در جهنم قطعی است .

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ و إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

جمله اسمیه "إِنَّ جَهَنَّمَ" و تأکید "إِنَّ" بر حتمیت عذاب، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۹

۹ - تحقق وعده خداوند مبنی بر عذاب کافران ، حتمی است .

و یحقّ القول علی الکفرین

مقصود از <قول> طبق نظر مفسران وعده خداوند به عذاب کافران است؛ مثل آیه شریفه <لکن حقت

کلمه العذاب علی الکافرین <، (زمر، آیه ۷۱).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۴ - ۳

۳ - اشتراک عذاب و کیفر رهبران شرک و کفر و توده های مشرک و کافر ، وعده حتمی خداوند

إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۸ - ۱

۱ - چشیدن عذاب دردناک ، وعده حتمی خداوند به کافران و مشرکان مستکبر

إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ .. إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳ - ۶

۶ - فرار و نجات از عذاب الهی ، برای کافران ممکن نیست .

فنادوا و لات حين مناص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۴

۴ - با قطعی شدن عذاب استیصال بر کافران ، هیچ مهلتی برای گریز آنان نخواهد بود .

ما لها من فواق

در زبان عرب به مدت زمانی که دوشنده شیر در فاصله میان دو بار دوشیدن به بچه شتر مهلت می دهد تا شیر بنوشد، <فواق> گفته می شود و مقصود از آن، مدت کوتاه و زودگذر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - تلاش مذبحانه و بی ثمر کافران و مشرکان دوزخی ، در جهت دفع عذاب الهی از خود

أفمن يتقى بوجهه سوء العذاب يوم القيامة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عذاب الهی ، سرنوشت محتوم کافران

و لكن حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۸

۸ - حکم خداوند به عذاب مشرکان و کافران حق ناپذیر ، قطعی و قابل نقض و تغییر نیست .

فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ

آمدن دو صفت <علیّی> و <کبیر> برای خداوند (پس از ذکر حکم الهی درباره کافران و مشرکان) می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۹

۹ - راه نجات از عذاب جهنم ، به روی تمامی کافران ستیزه جو بسته است .

و ما دَعَوْا الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعْدُهُمْ أَوْ نتَوْفِينَك فإِلَيْنَا يَرْجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۳

۳ - کافران متعصب و لجاجت پیشه ، هیچ گونه راه فرار و گریزی از عذاب الهی ندارند .

و يعلم الذين يجدلون في آيتنا ما لهم من محيص

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٧ - احقاف - ٤٦ - ١٨ - ١٠٣

١- كافران گستاخ در برابر خداوند و پدر و مادر ، محكوم به عذاب حتمى الهى

و الذى قال لولديه أوفّ .. ما

هذا إلا أسطير الأولين . أولئك الذين حقّ على

مشاراليه <أولئك> کسی است که به پدر و مادر <أفّ> گفته و وعده الهی را <أساطیر> خوانده است.

۳- گروه های بسیاری از کافران جن و انس ، محکوم به عذاب حتمی الهی در گذشته تاریخ

حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۶

۲۶- کافران ، مستحق عذاب حتمی الهی

لو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۸ - ۱

۱ - وجود نداشتن کمترین مانع ، برای کیفر کافران و عذاب کردن آنان از سوی خداوند

عذاب ربّک .. ما له من دافع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۶ - ۱

۱ - هیچ انسان کافری ، از نزول عذاب الهی در امان نیست .

ءأمنتّم من فی السماء أن یخسف بکم الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۱

۱ - هیچ انسان کافری ، از نزول عذاب الهی در امان نیست .

أم أمنتّم من فی السماء أن یرسل علیکم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۶

۶ - هیچ کس و هیچ نیرویی ، توانایی پناه دادن به کافران در برابر عذاب دردناک الهی را ندارد .

فمن یجیر الکفرین من عذاب أليم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که استفهام در <فمن یجیر..> انکاری

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۸ - ۱

۱ - کارساز نبودن ثروت کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

ما أغنی عَنّی مالیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۱

۱ - کارساز نبودن قدرت کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

هلک عَنّی سلطینیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۴

۴ - کافران ، هیچ راه گریزی از عذاب خداوند ندارند .

و اللّٰه من ورائهم محیط

آیه شریفه، تهدید کافران به بسته بودن راه نجات است، به گونه ای که اگر تصمیم به فرار داشته باشند، خود را در احاطه خداوند خواهند دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۲

۲ - خداوند ، در صورت درخواست پیامبر (ص) از او ، بی درنگ کافران را عذاب کرده و خواسته آن حضرت را اجابت می کرد .

فمهلّ الکفرین

چنانچه بر خواسته پیامبر(ص) اثری مترتب نمی شد، فرمان به مهلت دادن لغو می نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۵ - ۲

۲ - گریز از عذاب ، برای اعراض کنندگان کافر ، امکان پذیر نیست .

فیعذبہ اللہ . .. إِنَّ إِلینَا إیابہم

حرف <إِنَّ> نشان می دهد که آیه شریفه در مقام تعلیل برای گریزناپذیر بودن عذاب کافران است.

حتمیت عذاب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره -

۴ - خداوند ، نزول عذاب بر کفرپیشگان عصر بعثت را قطعی و تخلف ناپذیر خواند .

و يستعجلونك بالعذاب و لن يخلف الله وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - عذاب شدن کافران لجوج عصر بعثت ، امری قطعی از سوی خداوند و غیر قابل دفع از سوی کسی

للكافرين ليس له دافع

<للكافرين> خبر مقدم برای <ليس> و <دافع> اسم آن است. <لام> در <له> برای تقویت و ضمیر <له> مفعول مقدم برای <دافع> است؛ یعنی، <ليس للکافرين دافع يدفع العذاب عنهم>، (برای کافران کسی وجود ندارد که عذاب موعود را از آنان دفع کند).

حتمیت عذاب کافرانپيرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- تبعیت کورکورانه از رهبران گمراه ، عذری برای رهایی از عذاب الهی در قیامت نیست .

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعا فهل أنتم مغنون عنا .. من شيء

درخواست کمک از رهبران گمراه در قیامت برای کاستن از عذاب از سوی کسانی که تابع محض بوده اند، حکایت از آن دارد که تبعیت بی چون و چرا موجب نمی شود که عذاب برداشته شود، بلکه پیروان نیز عذاب خواهند شد.

۲۲- اعلام رهبران مستکبر در قیامت به پیروان خویش مبنی بر قطعی بودن عذاب آنها و نبودن هیچ راه گریزی از آن

قالوا .. سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محييص

حتمیت فرجام شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم

۵- بی تردید کافران، دارای فرجامی ناگوارند و به عذابی شدید و طاقت فرسا، گرفتار خواهند شد.

و ويل للكافرين من عذاب شديد

حتمیت کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۹

۹- عقوبت و مجازات کافران و گنه کاران، امری قطعی است که در عالم پس از مرگ تحقق خواهد یافت.

و لو يؤخذ الله الناس... و لكن يؤخرهم إلى أجل مسمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۵

۵- توجه به کیفر حتمی کافران در قیامت، زمینه ساز صبر و شکیبایی رهبران الهی در برابر عنادورزی های مخالفان

يعرض الذين كفروا على النار... فاصبر كما صبر أولوالعزم من الرسل

<فاء> در <فاصبر>، تفریع را افاده می کند و ارتباط این آیه با آیه قبل، صبر را فرع و نتیجه توجه به عذاب کافران قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۵

۵ - کافران، در معرض عذاب دنیوی، افزون بر کیفر سخت و حتمی آخرت

فإن للذين ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحابهم... فويل للذين كفروا من يومهم الذي يوع

در صورتی که <یومهم>.. <نظر به روز قیامت و آیه قبل (مثل ذنوب أصحابهم) نظر به کیفرهای دنیوی داشته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۴

۴ - حکم مجازات کافران در قیامت

، غیرقابل تغییر و تجدید نظر

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

حتمیت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۳

۱۳ - تهدید ظالمان و کفرپیشگان از سوی خدا به کیفری حتمی و نه چندان دور

و سيعلم الذين ظلموا أيّ منقلب ينقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۵

۵ - کافرانی که برای مرتد ساختن مسلمانان ، تلاش کرده اند ، حتماً ، کیفر خواهند شد .

قال الذين كفروا للذين ءامنوا اتبعوا سبيلنا.. و ليحملن اثقالهم

<لام قسم> و <نون تأکید> در <ليحملن> بر قطعیت، دلالت دارد. لازم به ذکر است که احتمال دارد حمل گناه، کنایه از کیفر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذيقن الذين كفروا عذابًا شديدًا

لام و نون تأکید در <لنذيقن>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - باور مؤمنان به مجازات حتمی کافران از سوی خداوند ، مانع اقدام های شتابزده آنان در مقابله با کافران

یغفروا .. لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

<لام> در <لیجزی> برای تعلیل است و فلسفه امر به خویشتن داری مؤمنان در برابر کافران را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۴

۴ - کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر

الهی در طول تاریخ

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است؛ بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۶ - ۲

۲ - بی پاسخ نماندن تمسخر های کافران و گرفتاری آنان به نتایج کردار خویش ، امری طرفه و جالب توجه است .

هل تَوْبُ الكُفَّارِ ما كانوا يفعلون

استفهام در آیه شریفه برای تقریر و تعجیب است؛ یعنی، کافران چنین حالتی را گمان نداشته و پیش بینی نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۴

۴ - هیچ چیز نمی تواند در برابر خداوند ، به هنگام کیفر رساندن کافران ، مانع ایجاد کند .

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

واژه <بَطْش>، در خود معنای زور، قهر و غلبه را دارد و تأکید آن با کلمه <لشدید>، بر شدت قهر و غلبه در آن دلالت می کند. مراد از قاهر و غالب بودن خداوند، بی تأثیر بودن موانع در برابر کیفرسانی است.

حتمیت مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۰ - ۳

۳ کافران و مشرکان ، از بازگشت به سوی خداوند مفری ندارند .

متع فی الدنيا ثم إلینا مرجعهم

حتمیت هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - قدرت و امکانات مادی کافران و سلطه طلبان ، مایه نجات آنان از هلاکت

و قهر الهی نخواهد بود .

و کم اهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً .. هل من محیص

حتیمت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۲

۲ - عذاب الهی ، سرنوشت محتوم کافران

و كذلك حَقَّتْ کلمت ربِّک علی الذین کفروا

حجاب بین محمد(ص) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۱۱،۱

۱- خداوند ، به هنگام قراءت قرآن توسط پیامبر (ص) ، میان آن حضرت و کافران ، حجابی نامرئی قرار داد .

و إذا قرأت القرآن .. حجاباً مستوراً

برداشت فوق، مبتنی بر معنای مستور به همان صیغه مفعولی یعنی پوشیده شده است و در آیه به تناسب موضوع، مراد پوشیده شدن از حواس بینندگان (کافران) است.

۱۱- > دخل ... هشام بن السائب ... علی أبی عبدالله (ع) فقال : ... أخبرنی عن قول الله > و إذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالأخره حجاباً مستوراً < ... قال : آیه فی الکهف و آیه فی النحل و آیه فی الجاثیه و هی : > أفرأیت من اتَّخذ إلهه هواه و أضلّه الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه ... < و فی النحل : > أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصارهم و أولئک هم الغافلون < و فی الکهف : > و من أظلم ممّن ذکر بآیات ربّه فأعرض عن ها و نسی ما قدّمت

یداه ... < ;

هشام بن سائب بر امام صادق(ع) وارد شد، پس به امام گفت: مرا از سخن خدا <و إذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجاباً مستوراً> خبر ده؟ حضرت فرمود: مقصود از قرآنی که پیامبر با خواندن آن از چشم کافران مستور و ناپدید می شود، آیه ای در سوره جاثیه <أفرأیت . . .> و در سوره نحل <أولئک الذین ...> و در سوره کهف <و من أظلم ممّن ...> است.

حجاب چشم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱

۱- بارزترین ویژگی کافران، محجوب بودن آنان از دیدن و درک آیات الهی است.

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکرى

مراد از دیدن ذکر خدا، مشاهده و درک آیات و نشانه هایی است که مایه یاد خداوند هستند (گفتن مسبب و اراده سبب) و مفاد آیه، این است که مشاهده آیات خداوند، کافران را به یاد او نمی افکند، گویا پوششی بر چشم های آنان است که دیدن آن آیات، بر ایشان مقدور نیست.

حجاب قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۲

۲- محجوب بودن دل از یاد خدا، از بارزترین خصلت های کافران است.

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۳

۳- قلب های کافران، پوشیده در حجاب غفلت و ناآگاهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

حرمت اطاعت از کافران

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۳

۳ اطاعت از کافران و تن دادن به خواسته های کفر آمیزشان ، حرام است .

فلاتطع الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۸ - ۴

۴ - اطاعت از کافران تکذیب گر و اجابت خواسته های آنان ، ممنوع و حرام است .

فلاتطع المکذبین

حرمت تقویت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۲

۲ حرمت انجام هر گونه عملی که مایه تأیید کفر و نفاق و تقویت کافران و منافقان محارب و زمینه زیان و تفرقه مؤمنان باشد .

و الذین اتخذوا مسجداً .. لا تقم فيه أبداً

حرمت حکومت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۳

۱۳ حرمت پذیرش ولایت و حکومت کافران

و لن يجعل الله للكفرین علی المؤمنین سییلاً

بنابر اینکه جمله <لن يجعل ..>، در مقام انشاء باشد و نه اخبار. یعنی نباید مؤمنان سلطه کافران را پذیرا باشند.

حرمت دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۵

۵ حرمت برقرار ساختن پیوند های دوستانه با کافران

الذین یتخذون الکفرین اولیاء من دون المؤمنین

در برداشت فوق، <ولی>، به معنای دوستی و موَدّت گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۱

۱ حرمت ایجاد روابط دوستی و موَدّت با کافران و پذیرش سرپرستی آنان

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین

أولياء من دون المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۱،۳

۱ حرمت ایجاد پیوند دوستی با کافران و دشمنان دین

يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا .. أولياء إن استحبوا الكفر على الإيمان

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءَآبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أولياء إن استحبوا الكفر على الإيمان

حرمت سلب امنیت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۶

۶ تعرض به کفار و سلب امنیت از آنان در اماکن سکونتشان ، جایز نیست .

فأجره حتى يسمع كلم الله ثم أبلغه مأمنه

حرمت ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۲،۳

۲ حرمت و ممنوعیت پذیرش ولایت و سرپرستی کافران ، برای مؤمنان

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أولياء

۳ حرمت برگزیدن کافران و مقدم داشتن آنان بر مؤمنان ، در دوستی و ارتباط و ولایت

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أولياء من دون المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ حرمت پذیرش ولایت و حکومت کافران

و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

بنابر اینکه جمله <لن يجعل...> در مقام انشاء باشد و نه اخبار. یعنی نباید مؤمنان سلطه کافران را پذیرا باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ حرمت ایجاد روابط

دوستی و مودت با کافران و پذیرش سرپرستی آنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

حس گرای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۱،۴

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر(ص)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل عليه ملك و لو أنزلنا ملكا لفضى الأمر

۴ کفرپیشگان حتی با نزول کتابی ملموس بر پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه بأيديهم لقال... و قالوا لو لا أنزل عليه م

بر اساس این احتمال که <قالوا> بر جواب <لو> در آیه قبل عطف شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۵

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه... و لقد استهزىء برسلى من قبلك

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جویها و توقعات بیجای کافران چنین می نماید

که همین بهانه جویها، از مصادیق استهزاگری کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۳

۳ ارائه معجزه ای محسوس و قابل رؤیت، توقع مشرکان از پیامبر (ص) جهت اثبات درستی ادعای نبوت خویش *

أو يلقى إليه كنز أو تكون له جنة يأكل منها

درخواست و انتظار فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) و یا داشتن باغ های پرثمر که امری

محسوس و مملوس است می تواند به این خاطر باشد که کافران، به دنبال معجزه ای محسوس و قابل رؤیت از پیامبر(ص) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۳

۳- در نظر کافران ، حقیقت انسان ، در جسم و اجزای مادی ، خلاصه شده است .

و قالوا أءذا ضللتنا فى الأرض

حس گرایی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۴

۴- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصادقين

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

حسابرسی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۲

۲- تمامی رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمين . الذين جعلوا القرآن عضين . فوربك لنسئلنهم أجمعين . عما كانوا يعمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه

خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثُمَّ يَرُدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۱،۱۴

۱۱ - کافران ، در روز رستاخیز به جای نیل به ثمره اعمال نیک خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و الَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلَهُمْ كَسْرَابٍ بِقِيَعِهِ .. حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ لَمْ يَجِدُوا شَيْئًا وَ وَجَدَ اللَّهُ ع

۱۴ - اعمال کافران به روز رستاخیز ، مورد حسابرسی کامل خداوند قرار خواهد گرفت و کیفر آنان بی کم و کاست داده خواهد شد .

و الَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلَهُمْ كَسْرَابٍ .. وَ وَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقَهُ حَسَابَهُ

<توفیه> (مصدر <وفی>) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۲

۲ - وجود نقطه ای مشخص ، برای محاکمه و حساب رسی کافران در قیامت

كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نَصَبٍ يَوْفُضُونَ

حسابرسی از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، کفرپیشگان را پس از اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند .

فإنما عليك البلاغ و علينا الحساب

وقوع جمله <و علينا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما عليك البلاغ> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت ، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۱

۱- سوگند مؤکد

خداوند به ربوبیت خویش بر بازپرسی تمامی کافران و تجزیه گران دین

فورَبِّكَ لَنَسْئَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

ضمیر جمع غایب <لَنَسْئَلَنَّهُمْ> هم می تواند به کافرانی برگردد که در چند آیه قبل از آن سخن به میان آمد (..أزواجاً منهم) و هم می تواند به <المقتسمین> اشاره داشته باشد. برداشت فوق بنا بر هر دو احتمال است.

حسابرسی دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ حسابرسی و مجازات کفرپیشگان و منکران رسالت در دنیا

و علینا الحساب

از آن جا که مقصود از تهدیدهای اشاره شده در این آیه عذابهای دنیوی است ، معلوم می شود مراد از حساب در جمله <علینا الحساب> نیز حسابرسی در دنیا است.

حسابرسی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۳

۳ - حساب و نتیجه اعمال کافران دوزخی ، در نامه اعمالشان درج شده و روشن است .

و لم أدر ما حسابیه

حسابرسی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۸

۸- خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إِنَّمَا نَعَدُّ لَهُمْ عَدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱

۱ - کافران پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به دوزخ رانده خواهند شد .

و وضع الکتب . .. و وقّیت کلّ نفس ما عملت ... و سیق الذین کفروا إلى جهنّم زمراً

<زمره> (مفرد <زمر>) به معنای گروه و دسته است که به دنبال

گروه و دسته ای دیگر باشند. بنابراین پیام آیه شریفه این می شود که کافران به چند دسته تقسیم شده؛ آن گاه دسته دسته به دنبال هم وارد دوزخ خواهند شد.

حسرت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۸

۸ کافران با مشاهده مقام و جایگاه مؤمنان در قیامت به آن حسرت می خورند.

یلتینا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۵

۵- حسرت کافران و ستم گران در قیامت ، به خاطر از دست دادن فرصت ها در دنیا

و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر

<إذ> در <إذ قضی الأمر> بیانگر <یوم الحسره> است و مراد این است که روز حسرت، هنگامی است که موضوع خاتمه یافته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۸

۸- اظهار حسرت کافران در قیامت ، به خاطر غفلت عمیق و پیوسته خویش از روز قیامت

یویلنا قد کنا فی غفله من هذا

برداشت یاد شده از آمدن <فی> که برای ظرفیت است استفاده می شود. بدین صورت که غفلت، ظرف و انسانِ غافل، مطروف قرار گرفته است و این حکایت از غوطهور شدن و فرورفتن در عمق غفلت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱۱، ۶

۶ - کافران ، در جهنم بر نیندوختن توشه ای برای آخرت خود ، حسرت می خورند .

الکفرین . . . یوم تقلّب وجوههم فی

النار يقولون يلبتنا أظعنا الله و أظعنا الرسو

۱۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، بر عملکرد گذشته خود در دنیا ، حسرت می خورند .

يوم تقلب وجوههم في النار يقولون يلبتنا أظعنا الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱

۱ - کافران به وقت زنده شدن و حضور به پیشگاه پروردگار ، به شدت اظهار تأسف و حسرت می کنند .

إلى ربهم ينسلون . قالوا يويلنا

<یاویلنا> (ای وای بر ما) در جایی به کار می رود که حادثه ای مصیبت بار و تأسف آور، پدید آمده باشد و از آن اظهار تأسف شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۳

۳ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران ، به حال تقوایپیشگان در قیامت

أَنَّ الله هَدِينِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۶

۶ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران به حال محسنان در قیامت

لو أَنَّ لِي كَرْهٌ فَأَكُونُ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

حسرت دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲- واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

لو نشاء .. فظلمت تفکھون . انا لمغرمون

حسرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۸

۸ اندیشه های جاهلانه درباره مرگ و حیات (حاکمیت

عوامل مادی بر اراده خداوند) ، موجب حسرت کفرپیشگان ، به هنگام قیامت

لو كانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا ليجعل الله ذلك حسره في قلوبهم

برخی از مفسران بر آنند که زمان حسرت مطرح شده در آیه، قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۱

۱- حسرت و ندامت کافران از ستم کاری خویش ، به هنگام احساس و لمس اندکی از عذاب الهی

ولئن مستهم نفعه من عذاب ربك ليقولنّ يويلنا إنا كنا ظلمين

<نفعه> در لغت به معنای وزیدنی و یا یکک وزیدن است که نوعاً در امور خیر به کار می رود و گاهی هم در امور شرّ استعمال می شود. از نظر مفسران این کلمه در آیه شریفه، به سه دلیل دلالت تقلیل را می رساند: ۱ ماده <نفعه> دال بر تقلیل است؛ ۲ بر وزن و بناء <مزه> می باشد؛ ۳ به صورت نکره آمده است. گفتنی است کسی واژه <ویل> را می گوید که دچار بدبختی و هلاکت شده و از روی تأسف و تحسّر این لفظ را ادا کرده باشد.

حسرت کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۵

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تكون عليهم حسره ثم يغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که

جمله <ثم يغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیا است.

حسی گرای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۴

۴ - اتکای کافران به حس و تجربه عذاب ، علی رغم فرا خوانده شدن به تعقل و تدبر در فرجام شوم مجرمان تاریخ

فانظروا كيف كان عقبه المجرمين .. و يقولون متى هذا الوعد ان كنتم صدقين

علی رغم این که خداوند از کافران مکه می خواهد تا با مطالعه تاریخ و تدبر در فرجام مجرمان گذشته، درس عبرت بگیرند و پینش خود را تصحیح کنند، آنان برای پی بردن به حقانیت وعده الهی، خواهان لمس و شهود عذاب می شوند و تعیین زمان آن را می طلبند.

حشر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲

۲- همه کافران به صورت دسته جمعی در پیشگاه خداوند حضور خواهند یافت .

و برزوا لله جميعًا

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <برزوا> کافرانی باشد که در آیات قبل از آنان بحث شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۸،۹

۸ - وعده الهی به گردآوری کافران هر امت ، برای محاکمه و مجازات در قیامت *

و يوم نحشر من كل أمه فوجًا ممن يكذب بايتنا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حشر> مورد بحث در آیه مربوط به قیامت باشد.

۹ - حشر گروهی از کافران هر امت در قیامت و رانده شدن آنان به سوی جایگاه محاکمه و مجازات *

من كل أمه فوجًا ممّن يكذب بايتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۱

۱ - آثار ذلت و نگرانی ، نمایان در چشم کافران ، به هنگام خروج از قبر ها در رستاخیز

خشعًا أبصرهم یخرجون من الأجداث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۴

۴ - تمامی کافران ، در روز رستاخیز برانگیخته خواهند شد .

و للكفرین عذاب مهین . یوم یبعثهم الله جمیعًا

حشر دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱

۱ - تعلق اراده الهی بر بازگرداندن دسته ای از کافران هر امت به دنیا ، قبل از قیامت

و یوم نحشر من كل أمه فوجًا

دلالت آیه بالا بر رجعت از آن جهت است که مسأله نفخ صور، در آیات بعدی مطرح شده است و این قرینه ای است بر این که مراد از این حشر، حشر روز قیامت نیست بلکه حشری است که در دنیا صورت می گیرد و با خروج <دابه الأرض> ارتباط دارد. علاوه بر این، در قیامت همه کافران بدون استثنا، محشور می شوند ولی حشر در این آیه، مربوط به دسته ای از کافران هر امت است، این نیز قرینه دیگری است بر این که مراد از حشر در این جا، <رجعت> پیش از قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۱۸

۱ - قرار گرفتن کافران در جایگاه محاکمه پس از برانگیختن آنان در روز رجعت

.. حتّی إذا جاءو

۸- قرار داشتن کافران ، تحت نظارت و کنترل شدید از لحظه برانگیخته شدن تا هنگام محاکمه

فهم یوزعون . حتّی إذا جاءو قال أكذبتم

از ارتباط دو آیه و واژه <حتّی> که نمایانگر غایت است استفاده می شود که کنترل آنان، تا لحظه قرار گرفتن آنها در جایگاه محاکمه ادامه خواهد داشت.

حشر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۹

۹- گردآوردن خفت بار کافران و شیاطین در اطراف جهنم ، مرحله ای پس از حشر است .

لنحسرنهم . . . ثمّ لنحسرنهم حول جهنم جئنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۲ - ۲

۲ - گرد آمدن انسان های مشرک و کافر در قیامت ، به وسیله مأموران الهی (فرشتگان) انجام می گیرد .

احشروا الذین ظلموا

بنابر نظر مفسران، فرشتگان، ظالمان را در قیامت احضار و جمع خواهند کرد.

حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من يستمعون إليك .. و منهم من ينظر إليك ... و لكن الناس أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۸

۸- خارج کردن حق از صحنه ، با باطل نشان دادن چهره آن ، از شیوه های تبلیغاتی کفرپیشگان است .

و یجدل الذین کفروا بالباطل لیدحضوا به الحقّ

<إدحاض> به معنای <إبطال>

و <إزالة> است. <لیدحضوا به الحق> یعنی: <کفرپیشگان، با مجادله باطل، سعی در ابطال و ازاله حق دارند.>. روشن است که حق، قابل ابطال نیست، لذا تعبیر <خروج از صحنه> و <باطل نمایی> در برداشت به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۶

۶ - بی دادگران کفرپیشه تاریخ، مردمانی حق ستیز و غیر قابل آشتی با آیات وحی و رسولان الهی

و إِنَّ الظلمین لفی شقاق بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۸

۸ - حق ستیزی، انگیزه اصلی بیشتر کافران منکر قرآن و پیامبر (ص) بود، نه ناشناخته بودن حقانیت آن دو برای آنها.

أَمْ یقولون به جنّه . . . و أكثرهم للحقّ کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ - شرارت و حق ستیزی کافران در دنیا، گواه حق گریزی آنان پس از بازگشت دوباره به دنیا

قال ربّ ارجعون . . . کلاً إنّها کلمه هو قائلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۴

۴ - دلجویی خدا از پیامبر (ص) در قبال حق ستیزی های کافران

إِنَّ رَبَّكَ یقضی بینهم بحکمه و هو العزیز العلیم

آیه فوق در عین این که تهدیدی برای کافران و حق ستیزان است، مایه دلداری پیامبر(ص) نیز هست، چه این که توجه به مقهوریت حق ستیزان در برابر عزت و اقتدار خداوند، خود آرامشی برای پیامبر(ص) و مؤمنان است که

همواره از آنان در رنج بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران و مشرکان

و ما أنت عليهم بوكيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۷

۷ - ناباوری کافران به روز های تحقق وعده ها و وعید های خداوند ، عامل حق ستیزی آنان *

يغفروا للذين لا يرجون أيام الله

از این که خداوند از مشرکان و حالت روحی شان با عنوان <لا يرجون أيام الله> یاد فرموده / استفاده می شود که ایمان نداشتن آنان به وعده ها و وعید های خداوند، عامل ستیزه گری آنان با مؤمنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی و دنیا محوری آنان

اتخذتم آيات الله هزواً و غرتكم الحيوة الدنيا فاليوم لا يخرجون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۳

۳ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و اتهام های ناروای کافران

كذلك ما أتى... إلا قالوا ساحر أو مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تلاش کافران ، برای خدشه دار ساختن قرآن ، کاری بازیگرانه و بی فرجام

الذین هم فی خوض یلعبون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از

<خوض>، نقد و انتقادهایی باشد که کافران از سر تکذیب نسبت به قرآن انجام می دهند و اطلاق لعب بر این عمل از آن جهت باشد که نتیجه ای، عاید آنان نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۰ - ۲

۲ - توبیخ کافران از سوی خداوند، به خاطر موضع گیری علیه دعوت حق و بی چشمداشت پیامبر (ص)

أم تسئلهم أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۱

۱ - جبهه کفر، متکی به جمعیت و اتحاد نیروهای خود برای مقابله با حق

أم يقولون نحن جميع منتصر

<جمع> خبر <نحن> است؛ یعنی، ما جماعتی هستیم که با حیثیت جمعی خویش پیروزمندیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۶

۶ - مشرکان صدراسلام، پیشوای کافران گذشته تاریخ در کفر و حق ستیزی *

و لقد أهلكنا أشياعكم

با توجه به این که <شیعه> به معنای پیرو است و از نظر زمانی کفار مکه دنباله رو کافران گذشته اند؛ احتمال می رود که اطلاق <أشیاع> بر کافران گذشته تاریخ از آن جهت باشد که مشرکان مکه در کفر و حق ستیزی، گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده اند، به گونه ای که باید پیشینیان را پیرو آنها به حساب آورد و آنان را پیشوای گذشتگان.

حق ستیزی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱،۲

سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ؛ نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

<جحد> (مصدر <يجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

۲ - کافران و مشرکان صدر اسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۱

۱ - تحریم گوش فرادادن به قرآن ، از سوی کافران عصر پیامبر (ص)

و قال الذين كفروا لاتسمعوا لهذا القرآن

حق ستیزی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذين كفروا لاتسمعوا .. لعلکم تغلبون

حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغينهم يعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۴

۱۴- حق گریزی کافران و منکرانِ الهی ، در حیطة قدرت خدا و وابسته به اراده او است .

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً

تأکید خداوند به وسیله <إِنَّا جَعَلْنَا..> بر حاکمیت و نقش خود، از آن جهت است که گمان

نرود کفر کافران و منکران آیات الهی، از قلمرو قدرت الهی بیرون است و آنان تبدیل به قدرتی در برابر خدا شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۵

۵- اعراض کافران از شنیدن کلام الهی و درک مفاهیم و معارف قرآنی، دلیل بی توجهی آنان به رحمت گسترده الهی و متأثر نشدن از مواعظ پیامبر (ص)

قل من یکلؤکم .. من الرحمن بل هم عن ذکر ربهم معرضون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ذکر> قرآن باشد؛ زیرا یکی از نام ها و اوصاف قرآن کریم ذکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۹

۹ - شالوده زندگی بیشتر کافران، بر پایه باطل و منافع آنان، ناسازگار با پذیرش حق

حتی اذا أخذنا مترفیهم .. و اکثرهم للحق کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان، در برابر کارشکنی ها و حق ناپذیری کافران و مشرکان

و جعلنا بعضکم لبعض فتنة أتصبرون و کان ربک بصیراً

یادآوری خداوند به بصیرت و بینایی خود، به پیامبر(ص) پس از یاد کردن از مشرکان و آزمایش شدن آنان، می تواند برای دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) از حق ناپذیری کافران، اندوهگین بود.

و من کفر فلا یحزنک کفره

توصیه خداوند به پیامبر (ص)

برای پرهیز از اندوه درباره کفر کافران، این نکته را می‌رساند که آن حضرت، در قبال کفر آنان، اندوهناک بوده است.

۳- دل‌داری خداوند، پیامبر (ص) را در برابر حق ناپذیری کافران

و من کفر فلا یحزنک کفره إلینا مرجعهم

جمله <إلینا مرجعهم..> به منزله تهدید است. چنین تهدید و هشدار، می‌تواند به منظور دل‌داری به پیامبر(ص) بیان شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰- وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق‌پذیر و نرم دل با کافر حق‌ناپذیر و سنگدل، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقسیه قلوبهم..). جمله ای محذوف می‌باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح الله صدره للإسلام... کمن قسا قلبه>. بنابراین می‌توان گفت: آیه شریفه در صدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۱

۱- تنها کافران حق‌ناپذیر به مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی می‌پردازند و از پذیرش آن سر باز می‌زنند.

ما یجدل فیء آیت الله إلا الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱

۱- اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق‌ناپذیر در قیامت

إِنَّ الذین

كفروا ينادون لمقت الله أكبر من مقتكم أنفسكم إذ تدعون إلى الإيمن فتكف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۲

۲- دلداری خداوند ، به پیامبر (ص) در برابر حق ناپذیری کافران

فارتقب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۶

۶- ستیز کافران با منطق روشن رسولان الهی ، گواه بی اساس بودن ایمان اضطراری آنان

أنتی لهم الذکری و قد جاءهم رسول مبین

در صورتی که <أنتی لهم الذکری> در صدد بیان پوچی ادعای ایمان کافران باشد؛ تعبیر <و قد جاءهم..> بیانگر فلسفه پوچی ادعای آنان خواهد بود؛ یعنی، آنان که منطق روشن رسولان را نپذیرفتند، چگونه با مشاهده عذاب، می توانند به ایمان راستین رسیده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إنّ الذین كفروا و .. من بعد ما تبین لهم الهدی ... و سیحبط أعمالهم

در صورتی که <سیحبط..> عنوان کیفر داشته باشد؛ تعبیر <من بعد ما تبین...> بیانگر اتمام حجتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۲

۲ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر تکذیب، حق ناپذیری و عناد کافران

كذَّبْت قَبْلَهُمْ قَوْم نُوْحٍ وَّ اَصْحَابِ الرَّسِّ وَّ ثَمُوْدٍ

یادآوری روحیه حق ستیز بسیاری از امت ها در طول تاریخ در

برابر پیام رسولان الهی، می تواند از آن جهت باشد که پیامبر(ص) در برابر تکذیب کافران، احساس نگرانی نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱،۵

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن یروا کسفاً .. یقولوا سحاب مرکوم

۵ - دلایل حسی نیز همانند برهان های عقلی ، بی تأثیر در روح حق ستیز کفرپیشگان

و إن یروا کسفاً من السماء ساقطاً یقولوا سحاب مرکوم

سقوط پاره های سنگ از آسمان، دلیلی حسی است و خداوند می فرماید: کافران نه تنها براهین عقلی را بی تأمل رد می کنند؛ که حتی دلایل حسی را نیز با توجیهی، وارونه جلوه می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزانند .

و قالوا لو کنا نسمع أو نعقل ما کنا فی أصحاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون کیف نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۷

۷ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن یجیر الکفرین من عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۲

۲ - در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران حق ناپذیر ، نمی تواند مجوز عدول مبلغان و رهبران جامعه اسلامی از مواضع عقیدتی خویش و سازش و مسامحه با آنان باشد .

و لاتطع . . أن کان ذا مال و بنین

تردید نیست که اجابت خواسته های کافران و یا سازش با آنان از سوی رهبران جامعه اسلامی، به جهت طمع شخصی نیست؛ بلکه برای در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران و صرف آنها در جهت مصالح و منافع مسلمین است؛ ولی چون این کار به قیمت عدول از مواضع اعتقادی و یا سازش با کافران است، جایز نمی باشد.

حق ناپذیری کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹- مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۸

۸- رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدر اسلام

و ما کان اکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <اکثرهم> به فرعون و قوم وی (قبطیان) بازمی‌گردد؛ اما در عین حال تعریض به مشرکان
صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۵

۵ - رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدراسلام

و ما کان اکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <اکثرهم> به قوم ابراهیم بازمی گردد؛ اما در عین حال این آیه تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۲

۲ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ما تأتیهم من ءایه .. . إلا کانوا عنها معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۲

۲ - سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدراسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۲

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

کذلک یؤفک الذین کانوا بآیت الله یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدراسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و اِنَّهٗ لَقَسَمٌ لِّو تَعْلَمُوْنَ عَظِيْمٌ

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۳،۴

۳ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بَل لِّجَوَافِي عَتُوٍّ وَ نَفُوْرٍ

<عَتُوٌّ> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحيط)

و مقصود از <نفور> (رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

۴- روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذب الذین من قبلهم .. بل لجوا فی عتو و نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۳

۳- کافران مخالف رسالت پیامبر (ص) ، گروهی لجوج و حق ناپذیر

سأل سائل بعذاب واقع

مفسران بر این عقیده اند که کافران، این سخن را از سر لجاجت بر زبان می آوردند؛ چنان که در آیه ۳۲ از سوره <انفال> از آنان چنین یاد شده است: <و إذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب أليم>.

حق ناپذیری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتابا .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، به هنگام مواجهه با حق ناپذیری کافران مکه ، مأمور به رها کردن آنان به حال خود و ترک محاجه با آنها شد .

ذره م یا کلوا و یتمتعوا

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظّلوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

<سكر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

۲- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظّلوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

۴- کافران مکه برای گریز از پذیرفتن حقایق الهی ، آنها را اموری موهوم جلوه می دادند .

لقالوا إنما سكرت أبصرنا بل نحن قوم مسحورون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

حق ناشنوبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۲

حق ناشنوبایی کافران و منافقان ، نشانه نبودن استعداد پذیرش معارف الهی در آنان است .

و لو علم الله فيهم خيرا لأسمعهم

مراد از خیر به قرینه آیه قبل، استعداد پذیرش معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۷

۷ - کافران لجوج ، مانند مردگان در قبرها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و ما أنت بمسمع من في القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

حقارت در برابر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۶

۱۶ تهی بودن دل از محبت خدا ، بی مهری نسبت به اهل ایمان ، احساس کوچکی در برابر کافران ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیش گویای این است که بیمار دلان (الذین فی قلوبهم مرض) از مصادیق مرتدان می باشند و چون صفات شمرده شده برای مؤمنان واقعی نقطه مقابل مرتدان قرار گرفته ، است معلوم می شود نبود این صفات در مدعیان اسلام، نشانه بیمار دلی آنان است.

حقانیت عذاب دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ - حکم خداوند به عذاب کافران در دنیا ، مطابق حق است .

فإذا

جاء أمر الله قضي بالحقّ

برداشت یاد شده بر این احتمال است که مقصود از <أمر الله> عذاب دنیوی (استیصال) باشد؛ چنان که موارد بسیاری در قرآن به همین معنا آمده است؛ مانند عذاب طوفان نوح که از آن چنین یاد شده است: <قال لا عاصم اليوم من أمر الله ..>، (هود، آیه ۴۳).

حقانیت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۴

۴ - عذاب استیصال، کیفری بر اساس حق و به دور از کمترین بی عدالتی نسبت به کافران و تکذیب گران

فأخذتهم الصيحة بالحقّ

حقوق کافر ذمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۸

۸ - کافران غیر حربی، برخوردار از حقوق اجتماعی در جامعه اسلامی

لا ینهیکم الله عن الذین لم یقتلوکم

حقوق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۵، ۲۴

۱۵ - حق مالکیت کافران غیر محارب، محترم و رعایت عدل درباره ایشان ضروری است.

و ءاتوهم ما أنفقوا

از شأن نزول آیه، استفاده می شود که حکم پرداخت مهریه و نیز احترامی که اسلام برای مالکیت کافران قائل است، مربوط به کافران غیر محارب است؛ چنان که آیه شریفه مسائل پس از صلح حدیبیه را بیان می کند. بنابراین رعایت این عدل با آنچه از

مفهوم <أن تبرّوهم و تقسطوا...> که نهی از قسط درباره کافران حربی بود منافات ندارد.

۲۴ - کافران ، دارای حق مطالبه مهریه همسر خود ، در صورت پیوستن همسر ایشان به جمع مؤمنان

و لیستلوا ما أنفقوا

حمایت

از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۳ - ۱

۱ کافران سزاوار حمایت از یکدیگر ، نه شایسته حمایت کردن از مؤمنان و یا برخوردار شدن از حمایت ایشان

و الذین کفروا بعضهم أولیاء بعض

مقصود از ولایت کافران نسبت به یکدیگر و پشتیبانی آنان از همدیگر، به قرینه فراز بعد (إلا تفعلوه ..) نفی ولایت بین مؤمنان و کافران است. بنابراین جمله <إن الذین کفروا ... > به این معنی است که مسلمانان نباید عقد ولایی با کافران داشته باشند ، نه آنان را حمایت کنند و نه از ایشان حمایت جویند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۴

۴ - پشتیبانان جبهه مهاجم کفر ، چونان کافران محارب و شریک جرم آنان

إِنَّمَا يَنْهٰیكُمْ اللَّهُ .. و ظهروا علی إخراجکم

حمد اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۷

۷- کفر و ناسپاسی ، محدود به دنیاست و در آخرت حتی کافران ، ثناگوی خداوند خواهند بود .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

بنابر اینکه مخاطب <یدعوکم > منکران قیامت باشد، استفاده می شود که آنان تنها در دنیا مجال کفر و کفران داشتند، ولی در آخرت حمد و ثنا خواهند گفت.

حیات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ مرگ برای کافران بهتر از زندگی است .

و لا يحسبنّ الذين كفروا أنّما نملى لهم خير لانفسهم

امام باقر (ع): الموت خير [ل] .. الكافر

... لَانَ اللّٰهَ يَقُولُ ... <وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نَمْلِي لَهُمْ خَيْرًا لَّأَنفُسِهِمْ أَنَّمَا نَمْلِي لَهُمْ لِيَزِدَادُوا إِثْمًا>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۵۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۴۴۵.

خانواده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۱ - ۱، ۲

۱ - کافران، از خاطره های دیدار خود با مؤمنان، طنز ساخته و در جمع خانواده خویش به لطیفه گویی و خنداندن یکدیگر می پردازند.

و إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ

<فَكِهَ> (صفت مشبّه) به معنای خوش دل و خندان یا به معنای کسی است که با همراهان خود سخنی گوید که آنان را بخندانند (قاموس). در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است.

۲ - کافرانی که مؤمنان را مسخره کرده اند، هنگام مراجعت نزد خانواده خویش، از پوزخندها و اشاره های طعنه آمیز خود، غرق شادمانی می شوند.

يَضْحَكُونَ... يَتَغَامَزُونَ. و إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ

در این برداشت، <فَكِهَ> به معنای <مرد خوش دل و خندان> دانسته شده است. تکرار <انقلبوا> در آیه شریفه، برای مجسم ساختن حالت بازگشت کافران به خانه خویش است.

خباثت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۵

۱۵ پلیدی بر کافران استیلا دارد.

يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

ختم قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۳

۳ خداوند افکننده حجابهایی متعدد بر دل، و سنگینی بر گوش گروهی از کافران است.

و

جعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی آذانهم وقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۳

۳ نزول معجزات و محدوده آن، وارونه ساختن دل و دیده کافران، و قرار دادن دشمن برای پیامبران، از سنتها و کلمات خداوند و غیر قابل تغییر است.

إنما الأیة عند الله ... و نقلب ... و كذلك جعلنا ... و تمت کلمت ربك

در آیات گذشته چند سنت و قانون الهی یاد شد، از جمله: <نقلب أفئدتهم> و <ما كانوا لیؤمنوا> و <لکل نبی عدوا>. لذا اگر مراد از <کلمت>، سنن باشد، همه موارد ذکر شده را می تواند شامل گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۶

۶ گنهکاران و کفرپیشگان ، در خطر از دست دادن نیروی فهم و درک معارف دینی

أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جمله <نطبع علی قلوبهم> عطف بر جمله <أصبئهم> است و فعل ماضی <اصبنا> به معنای مضارع می باشد. قابل ذکر است که حرف <لو> در این آیه بیانگر وقوع جزا برای شرط در آینده است، نه گذشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ خداوند قلب های کفرپیشگان و تکذیب کنندگان انبیا را از دریافت حقایق دین و معارف الهی محروم می سازد .

كذلك يطبع الله علی قلوب الكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱

۱- خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا

(مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبوا الحیوه الدنیا .. الکفرین . أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۷

۷ - کافران لجوج ، مانند مردگان در قبرها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و ما أنت بمسمع من فی القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۸

۸- عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص) ، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا .. ماذا قال ... أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم و أتبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر < طبع الله علی قلوبهم > به عنوان علت < یستمع إلیک .. قالوا ... ماذا قال آنفاً > یاد شده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

خجالت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱۱، ۳، ۲

۲ شرمساری و رسوایی بی اندازه کافران به خدا و منکران معاد در قیامت

ماذا علیهم لو امنوا .. یومئذ یؤد الذین کفروا ... لو تسوی بهم الارض

به دلیل آیات گذشته، مراد از کفر، کفر به خدا و معاد است.

۳ صحنه شهادت پیامبر (

ص) در قیامت، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنابك على هؤلاء شهيداً. يومئذ يوّد الذين كفروا ... لو تسوّى بهم الارض

<يومئذ> متعلق به <شهيداً> است. يعنى آن روز كه پيامبر (ص) بر اعمال گواهی دهد.

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت، از کتمان حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول .. و لا یکتُمون الله حدیثاً

مصدق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <کفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقانیت پیامبر (ص) است.

خدا و عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۶

۱۶- خداوند، قطعاً به اعمال کافران آگاه است .

إن الله علیم بما کتّم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۲

۲- آگاهی خداوند از اعمال زشت کافران، عامل فرمان او به آنها برای ورود به جهنم

الکفرین .. إن الله علیم بما کتّم تعملون. فادخلوا أبواب جهنم

<فا> در <فادخلوا> عاطفه است و مسبب را بر سبب (علم خدا) عطف کرده است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: حال

که خداوند چنین آگاهی از کردار شما دارد، پس وارد جهنم شوید.

خداشناسی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۶

۶ - خودشناسی و خداشناسی کافران در تنگنای عذاب جهنم

فی جهنم خلدون .. قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا... ضالین

خداشناسی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۷

۷ کفرپیشگان

عصر بعثت به خداوند اعتقاد داشته و شهادت او را پذیرا بودند .

قل كفى بالله شهيداً بينى و بينكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۷

۷ - کافران ، از معبود پیامبر (ص) ، شناخت نادرست و تصویری در حد معبود های خویش داشتند .

ما تعبدون .. ما أعبد

کلمه <ما> در معنایی اعم از عاقل و غیر عاقل به کار می رود، به کار نبردن کلمه <من> که تصریح به عاقل بودن است به جهت بیان این نکته است که مشرکان، معبود پیامبر(ص) را در سطح معبودان خویش می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۷

۷ - کافرانِ عصر بعثت ، از خداوند شناختی ناقص و در حد شناخت خدایان خویش داشتند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

کلمه <ما>، بیانگر برداشت یاد شده است.

خدانشناسی ناقص کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۴

۴ - شناخت و درک ناقص کافران و مشرکان ، از گستره علم الهی

ظننتم أنّ الله لا يعلم كثيراً ممّا تعملون

خسارت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ بازگشت ضرر کفرورزی کافران ، به خود ایشان

انّهم لن یضروا الله شیئاً یزید الله الاّ یجعل لهم حظاً فی الآخره

جمله <یرید الله .. > ، دلالت بر جمله ای محذوف دارد: یعنی آنان به خدا ضرر نمی رسانند، بلکه به خود ضرر می رسانند؛

و

آن، ضررِ محرومیت از بهره اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۶

۶ بازگشت ضرر انتخاب کفر، به خود کافران

انّ الذین اشتروا الکفر... لن یضروا الله شیئاً و لهم عذاب الیم

جمله <و لهم عذاب الیم>، دلالت دارد بر این که کافران با کفر خویش به خودشان ضرر می زنند؛ چرا که به <عذاب الیم> گرفتار می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۳

۳ ناتوانی کافران از درک سود و زیان و سرنوشت شوم خویش

و لا یحسبنّ الذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا انّما

خسونت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۶

۱۶- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران، بهتر از به کارگیری شدت و خسونت است.

و اّما ان تتخذ فیهم حسناً

جمله <تتخذ فیهم حسناً> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۸ - ۳

۳ - سرنوشت هلاکت بار فرعونیان و قوم ثمود، نمونه ای بارز از برخورد تند و قهرآمیز خداوند با کافران است.

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ .. فرعون و ثمود

خطر عذاب دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و

روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلى عليهم آیتنا... و کم أهلكنا قبلهم من قرن

خطر عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۱

۱- کافران ، در هر لحظه از شب و روز در معرض عذاب الهی اند .

قل من یکلؤکم... من الرحمن

برداشت یاد شده بنابراین است که مراد از <من الرحمن> <من بأس الرحمان و عذابه> باشد. آیه قبل که در باره عذاب الهی است شاهد و مؤید همین نکته است.

خطر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۶ - ۴

۴ رهبران الهی ، حتی پیامبران ، در معرض خطر تأثیر منفی شکوه ظاهری و قدرت اقتصادی کافران

لا یغرنک تقلب الذین کفروا فی البلاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۴،۱۵

۱۴ خطر شیخون کافران ، دلیل به همراه داشتن اسلحه به هنگام نماز در میدان جنگ

و لیاخذوا حذرهم و اسلحتهم و الذین کفروا لو تغفلون

۱۵ کافران ، در کمین و مترصد فرصت برای حمله و شیخون به مسلمانان

و الذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

جمله <وَالَّذِينَ ..>، بیان یک اصل کلی است و همراه داشتن اسلحه به هنگام نماز برای پیشگیری، تنها یک مصداق از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

- خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

خطر هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلی علیهم آیتنا .. و کم أهلكنا قبلهم من قرن

خواسته کافران کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۵،۲،۱

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فرورستد .

و إذ قالوا .. فأمطر علینا حجاره

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و یمکرون .. و إذ قالوا اللهم ... فأمطر علینا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا افساع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشان را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللهم إن کان هذا هو الحق من

عندك فأمطر علينا حجاره

خواسته های اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۱

۱ - درخواست کافرانِ پیرو در قیامت ، از خداوند برای دو برابر کردن عذاب رهبران گمراهگرشان .

يوم تقلب وجوههم .. و قالوا ربنا اننا اطعنا سادتنا ... ربنا انا اذنبنا من ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۱۸،۹

۱ - کافران در قیامت ، خواهان شناسایی عاملان گمراهی خویش به منظور انتقام جویی از آنان

و قال الذين كفروا ربنا انا الذين اضلانا .. نجعلهما تحت اقدامنا

۸ - کفرپیشگان ، در قیامت خواستار ذلت و خواری بیشتر و عذاب شدیدتر برای رهبران اغواگر خویش خواهند بود .

نجعلهما تحت اقدامنا ليكونا من الأسفلين

۹ - (في المجمع) > و قال الذين كفروا في النار انا الذين اضلانا من الجن و الإنس < يعنون إبليس الأبالسه و قابيل بن آدم

أول من أبدع المعصيه . روى ذلك عن علي (ع) ;

در مجمع البيان راجع به قول خداوند که می فرماید: > و قال الذين كفروا في النار انا الذين اضلانا .. < آمده است که: مقصود آنان رئیس ابلیس ها و قابیل فرزند آدم است که گناه و نافرمانی را پایه گذاری نمود و این مطلب از علی(ع) روایت شده است.<

خواسته های اخروی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۶

۶ - کافران پیرو ، از خداوند ، خواهان مورد لعن فراوان قرار دادن رهبران گمراه سازشان ، خواهند

بود .

و قالوا .. ربنا ... و العنهم لعنا كبيرا

<كبير> صفت مفعول مطلق <إلعن> است. در آیه، این واژه به معنای <شدت> و مراد از آن، کثرت و زیادت است.

خواسته های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۱،۴،۶

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر(ص)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل عليه ملك و لو أنزلنا ملكا لقضى الأمر

۴ کفرپیشگان حتی با نزول کتابی ملموس بر پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه بأيديهم لقال ... و قالوا لو لا أنزل عليه م

بر اساس این احتمال که <قالوا> بر جواب <لو> در آیه قبل عطف شده باشد.

۶ ناآگاهی کافران از عواقب هلاکتبار درخواست نزول آشکار ملائکه

و لو أنزلنا ملكا لقضى الأمر ثم لا ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۲

۲ درخواست نزول فرشته به عنوان پیامبر، از بهانه های کفرپیشگان

و لو جعلناه ملكا

جمله <و لو جعلناه ملكا ... >، می تواند منقطع از آیه قبل بوده و جواب از درخواست دیگر کفار، که فرستادن فرشته به عنوان پیامبر است، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم (ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا علیک کتابا فی قرطاس فلمسوه .. و لقد استهزیء برسلا من قبلک

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی

پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جویبها و توقعات بیجای کافران چنین می نماید که همین بهانه جویبها، از مصادیق استهزاگری کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۱

۱- پافشاری مشرکان بر شرک خود، پیامبر (ص) را آماده درخواست غذایی سریع برای آنان کرده بود.

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعِدُّ لَهُمْ عَذَابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱،۲،۳

۱ فرود آمدن گنجی از آسمان برای پیامبر (ص) جهت تأمین زندگی او، انتظار بی جای مشرکان و کافران

و قالوا .. أو يلقى إليه كنز

انتظار کافران و مشرکان به فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) به قرینه سخن قبلی آنان که کار و داد و ستد در بازار را خلاف شأن پیامبری می دانستند به منظور تأمین معاش آن حضرت بوده است.

۲ داشتن باغی پوشیده از درختان با ثمر برای تأمین نیازهای غذایی و معیشتی خویش، توقع بی جای مشرکان در باره پیامبر (ص)

و قالوا .. أو تكون له جنة يأكل منها

۳ ارائه معجزه ای محسوس و قابل رؤیت، توقع مشرکان از پیامبر (ص) جهت اثبات درستی ادعای نبوت خویش *

أو يلقى إليه كنز أو تكون له جنة يأكل منها

درخواست و انتظار فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) و یا داشتن باغ های پرثمر که امری محسوس و ملموس است می تواند به این خاطر باشد که کافران، به دنبال معجزه ای محسوس و قابل

رؤیت از پیامبر(ص) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۳

۳ خداوند ، تونا بر مهتیا ساختن باغ هایی با نهر های روان برای پیامبر (ص) به مراتب بهتر از آنچه که مشرکان توقع آن را برای پیامبر (ص) داشتند .

أو تكون له جنة يأكل منها .. تبارك الذي إن شاء جعل لك خيراً من ذلك جنت تجري

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۲

۲ کافران ، متوقف کردن دعوت به اسلام و محدود ساختن آن را ، از پیامبر (ص) خواستار شدند .

و لو شئنا لبعثنا في كل قرية نذيراً . فلاتطع الكافرين

با توجه به معنای لغوی <طاعت> (عمل کردن به آنچه که از انسان خواسته شده است) می توان برداشت یاد شده را به دست آورد؛ زیرا آنچه که کافران از پیامبر(ص) خواسته بودند با توجه به آیه قبل که سخن از جهانی بودن رسالت پیامبراسلام(ص) بود و آیه شریفه متفرع بر آن شده (فلاتطع الكافرين) می تواند توقف و محدود شدن رسالت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۱،۳

۱ - کافرانِ منکرِ آیاتِ الهی ، از پیامبر (ص) خواهانِ تعجیل در عذاب خود بودند .

و يستعجلونك بالعذاب

۳ - کافرانِ منکرِ آیاتِ الهی ، بر عذاب خواهی خود از پیامبر (ص) ، مصرّ بودند و بر آن پافشاری می کردند .

و يستعجلونك بالعذاب

فعل مضارع <يستعجلون> دلالت بر

استمرار و پافشاری دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۱۰۳

۱ - کافران منکر آیات الهی ، از پیامبر (ص) خواستار تعجیل در عذاب خود بودند .

یستعجلونک بالعذاب

۳ - کافران منکر آیات الهی ، بر عذاب خواهی خود از پیامبر (ص) پافشاری می کردند .

یستعجلونک بالعذاب

فعل مضارع <یستعجلون> بر استمرار و اصرار، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۴ - ۳

۳ - کافران ، از روی ناباوری خواستار تعجیل در برپایی قیامت

یستلون ائیان یوم الدین .. هذا الذی کنتم به تستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۸

۸ - تعجیل کافران در نزول عذاب ، ناشی از بی توجهی آنان به نابودی یاران گذشته خویش

فإن للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحابهم فلا یستعجلون

از <فلا یستعجلون> استفاده می شود که کافران، ناباورانه تقاضای عذاب می کردند و آنها اگر آنان به راستی در سرنوشت یاران گذشته خویش تأمل می کردند، هرگز چنین ناباورانه مجازات الهی را به استهزا نمی گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۴

۴ - کافران و منکران معاد ، خواستار تحقق سریع وعده برپایی قیامت

و يقولون متى هذا الوعد . . . و قيل هذا الذى كنتم به تدعون

<تدعون> می تواند از ماده <دعا> باشد. در این صورت به معنای <تطلبون> (درخواست می کردید) خواهد بود. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره -

۳ - سازش و دست برداشتن از مواضع عقیدتی، درخواست کافران تکذیب گر از پیامبر (ص) بود.

فلاتطع المکذبین

آیه بعد، قرینه است که مورد اطاعت، سازش بر سر مواضع عقیدتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله < بل يريد كل امرئ منهم أن يؤتى صحفاً منسّره > و ذلك أنّهم قالوا: يا محمد قد بلغنا أنّ الرجل من بني اسرائيل كان يذنب الذنب فيصبح و ذنبه مكتوب عند رأسه و كفّارته، فنزل جبرئيل على النبيّ (ص) و قال: يسألك قومك سنّه بني اسرائيل في الذنوب فإن شاؤوا فعلنا ذلك بهم و أخذناهم بما كنّا نأخذ به بني اسرائيل ... ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <بل يريد كل امرئ منهم أن يؤتى صحفاً منسّره> روایت شده که آنان [به رسول خدا] گفتند: ای محمد! به ما خبر رسیده که مردی از بنی اسرائیل، گناهی مرتکب می شد و از خواب برمی خاست، در حالی که گناهش در بالای سرش همراه با کفّاره آن نوشته شده بود. سپس جبرئیل بر رسول خدا(ص) نازل شد و فرمود: قومت از تو می خواهند، همان سنّت بنی اسرائیل در مورد گناهان درباره آنان جاری شود، اگر آنان بخواهند ما درباره آنان انجام می دهیم و آنان را گرفتار می کنیم؛ به همان عذابی که بنی اسرائیل را گرفتار می کردیم...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۲

۲ - نازل شدن نامه ای سرگشاده از سوی خداوند ، برای یکایک انسان ها در اثبات رسالت پیامبر (ص) ، درخواستی نابجا و غیرمنطقی

بل یرید کلّ امریء منهم . . . کلاً

خواسته های کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۱

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر (ص)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل علیه ملک و لو أنزلنا ملکاً لقضى الأمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۳

۳ کفرپیشگان عصر بعثت علی رغم نزول پی در پی آیات و سوره های قرآن خواستار نزول معجزه ای دیگر بودند .

و يقولون لو لا أنزل علیه آیه من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۷ - ۲،۷

۲ کافران همواره خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقایق رسالت پیامبر (ص)

يقول الذين كفروا لولا أنزل علیه آیه من ربه

به کارگیری فعل مضارع (يقول) به جای فعل ماضی (قال) برای رساندن این معناست که کافران سخن مذکور را نه تنها در گذشته مدعی شده اند که در آینده نیز خواهند گفت و بر آن اصرار خواهند ورزید.

۷ ارائه معجزه درخواستی کفرپیشگان خارج از مسؤولیت پیامبر (ص) بود .

لولا أنزل عليه آية من ربه إنما أنت منذر

جمله <إنما أنت منذر> حاکی از حصر است و حصر در آن اضافی و در قیاس با ارائه معجزه

است. بنابراین آن جمله حاوی دو معناست: ۱ تو انذار دهنده ای ؛ ۲ ارائه معجزه کار تو نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۲

۲ کافران خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقایق رسالت پیامبر (ص) و پذیرش توحید

و يقول الذین کفروا لولا أنزل علیه آیه من ربه

جمله <إن الله یضل من یشاء و یرحمی . . . > قرینه بر این است که کافران مشاهده معجزه از پیامبر(ص) را برای هدایت شدن و پذیرش رسالت پیامبر(ص) که سرلوحه آن توحید است می خواستند ؛ یعنی، می گفتند: اگر معجزه ای ارائه کنی، رسالت تو را می پذیریم و به توحید می گرویم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۳

۳- مشرکان و کفار ، معجزات متعددی را از پیامبر اکرم (ص) درخواست کردند .

و ما منعنا .. إلا أن کذب بها الأولون

از اینکه خداوند با صراحت تمام به مشرکان می گوید: <ما هر چه معجزه برای پیشینیان فرستادیم، آنها را تکذیب کردند و این مانع ارسال معجزه شد > نشان می دهد که مشرکان صدر اسلام، درخواستهای متعدد و مکرری برای معجزه داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۶ - ۱

۱ - مشرکان و کافران صدر اسلام ، خواهان مشاهده عذاب الهی بودند .

أبعذابنا یستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۷

۷ - کافران عصر بعثت ، درخواست کننده

عذاب الهی ، از سر استهزا و ناباوری

للذین ظلموا ذنوبًا .. فلا یتعجلون

نهی الهی (فلا یتعجلون) می رساند که کافران، ناباورانه تقاضاکننده نزول عذاب بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۱

۱ - گروهی از کافران عصر بعثت ، خواستار شتاب در نزول عذاب الهی در دنیا

سأل سائل بعذاب واقع

به گفته مفسران، سؤال در این آیه، به معنای طلب و دعا است؛ از این رو بهوسیله <با> متعدی شده است؛ یعنی، <دعا داع بعذاب واقع>.

خواستہ های کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۵ - ۴

۴- کافران ظالم ، پس از مشاهده عذاب الهی و قطعیت کیفر ، خواهان تخفیف و تأخیر مجازات خویشند .

فلا یخفف عنهم العذاب ولا هم ینظرون

تذکر الهی به عدم تخفیف عذاب و دادن مهلت به ظالمان، اشاره ای به تخفیف و مهلت خواهی آنان دارد.

خواستہ های کافران قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۶

۶- کافران عصر های پیش از اسلام ، در انتظار آمدن فرشتگان و یا نزول امر ویژه ای از سوی خداوند جهت تأیید حقانیت کتاب آسمانی خود بودند .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربکم قالوا أسطر الأولین .. قد مکر الذین من قبلهم ...

خواسته های کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۴

۴ کفرپیشگان قوم ثمود پس از کشتن ناقه صالح ، از وی خواستند تا تهدیدش (

نزول عذاب دردناک (را به اجرا گذارد .

قالوا يصلح ائتنا بما تعدنا إن كنت من المرسلين

مراد از <ما تعدنا> عذابی است که در آیه ۷۳ (فأخذكم عذاب أليم) بیان شده است.

خواسته های کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۶

۶ شعب (ع) در آخرین پاسخ خویش به خواسته کافران مدین ، بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک امری ناممکن دانست .

و ما یكون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء الله ربنا

جمله <ما یكون لنا .. > که حکایت از عدم امکان بازگشت به آیین شرک دارد، هم می تواند به معنای عدم امکان تکوینی باشد و هم می تواند مراد از آن عدم امکان تشریحی (ناشیست بودن و جایز نبودن) باشد. برداشت فوق براساس احتمال اول است. گفتنی است که بر مبنای اول، مشیت الهی (إلا أن یشاء الله) مشیت تکوینی است و بر اساس احتمال دوم، مشیت الهی، مشیت تشریحی است.

خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۱۳

۱- کافران مکه ، از پیامبر (ص) خواستار آوردن فرشتگان برای تصدیق نبوت آن حضرت بودند .

قالوا .. لو ما تأتینا بالملئکه إن كنت من الصدقین

<لو ما > مانند <هلا > و <لولا > برای تحضیض است.

۳- کافران مکه ، از پیامبر (ص) خواستار آوردن ملائکه به عنوان معجزه بودند .

لو ما تأتینا بالملئکه إن كنت من الصدقین

آوردن ملائکه توسط پیامبر(ص) که مورد درخواست کفار بود احتمال دارد برای

تصدیق نبوت پیامبر(ص) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۳،۴

۳- درخواست کافران مکه، برای آوردن ملائکه توسط پیامبر (ص)، درخواستی نابه جا و باطل بود.

لو ما تأتینا بالملئکه... ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ

جمله <ما ننزل الملائکه إلا بالحق> حصری و احترازی است و کنایه از این است که درخواست کفار نابه جاست.

۴- درخواست نزول ملائکه، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (ص) از سوی کافران مکه، بهانه ای بیش نبود.

لو ما تأتینا بالملئکه... ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ

قید <إلا بالحق> می تواند احترازی باشد، یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه <إذا منظرین> نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر(ص) را نمی پذیرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۲

۲- کافران حق ناپذیر مکه، در انتظار معجزه آمدن فرشتگان و یا امر ویژه ای از جانب خداوند برای تأیید حقانیت قرآن بودند

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولین... هل ينظرون إلا أن تأتیمهم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که عبارت <تأتیمهم الملائکه أو یأتی أمر ربک> (ملائکه برای آنان بیاید و یا امر پروردگارت بیاید) به قرینه آیات سابق که درباره قرآن کریم بود

بر آمدن ملائکه یا امر خداوند جهت تأیید قرآن دلالت داشته باشد.

خودشناسی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۶

۶ - خودشناسی و خداشناسی کافران در تنگنای عذاب جهنم

فی جهنم خلدون .. قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا... ضالین

خوشرفتاری با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۱۶

۱۶ - معاشرت نیکو با همگان حتی با کافران ، از وظایف اهل ایمان است .

و قولوا للناس حسناً

مراد از <الناس> می تواند افراد همان ملتی باشد که مخاطب جمله <قولوا> است و می تواند مراد از آن افراد ملت‌های دیگر باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۶

۱۶ - انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به کارگیری شدت و خشونت است .

و إِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا

جمله <تتخذ فيهم حسناً> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن‌ها مخیر بود.

خیال پردازی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - موضع گیری های کافران در قبال قرآن و پیامبر (ص)، متکی به پندار و نه دلیل یقینی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لا یوقنون

خیانت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۹

۹ خیانت ،

حتی نسبت به کافران ، امری ناروا و در پی دارنده محرومیت از محبت خدا

فانبد إليهم على سواء إن الله لا يحب الخائنين

خیانت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۵

۵ رهبران جامعه اسلامی باید به احتمال وقوع خیانت از سوی جوامع کفرپیشه ترتیب اثر داده و نباید برای تصمیمات لازم در انتظار وقوع خیانت باشند .

و إما تخافن من قوم خيانه فانبد إليهم على سواء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۳،۵

۳ کافران هرگز با نقض پیمان و خیانت به رسول اکرم (ص) نخواهند توانست بر پیامبر (ص) پیشی گیرند و وی را از ادامه رسالت ناتوان سازند .

و إما تخافن من قوم خيانه ... و لا يحسبن الذين كفروا سبقوا إنهم لا يعجزون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <سبقوا> و <لا يعجزون> پیامبر(ص) باشد.

۵ کافران با پیمان شکنی و خیانت های خود ، قادر به کسب پیروزی پایدار نخواهند بود .

و إما تخافن من قوم خيانه ... و لا يحسبن الذين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۶

۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانت‌هایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

امکان (مصدر امکان)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء>

دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا

موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

خیرگی چشم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۴

۴- خیرگی و بهت زدگی کافران هنگام برپایی قیامت

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه أبصر الذین كفروا

<شخص> به معنای دوختن چشم به یک شیء، بدون تحرک است غالباً چنین حالتی برای افراد مبهوت پیش می آید.

داود(ع) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۴

۴ داود و عیسی (ع) ، مأیوس از ایمان کفرپیشگان قوم خویش *

لعن الذین كفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

طرد و لعن کافران بنی اسرائیل از سوی داود و عیسی(ع) حکایت از یأس و نومیدیشان از هدایت یافتن آن گروه دارد.

درب خانه های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۴ - ۱

۱ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن کافران تا جایی که خانه های خود را مجلل و دارای درب ها و ورودی های متعدد بسازند .

لجعلنا لمن یکفر بالرحمن . . . و لیبوتهم أبویاً

درخواست عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ توقع نزول عذاب بر کفرپیشگان بدون مهلت دادن به آنان ، توقعی نابجاست .

و لقد استهزیء برسلا من قبلک فأملیت للذین کفروا

درخواست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۸

۸ - درخواست عاجزانه کافران و

مشركان ، از خداوند برای رهایی خود از عذاب

فهل إلی خروج من سبیل

دروغ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلتنا نرد و لا نکذب ... و إنهم لکذبون

دروغگویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۹

۱۹- کافران در قیامت ، در دفاع از خود به دروغ گویی خواهند پرداخت .

ما کنا نعمل من سوء بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۸،۹،۱۰

۸- آگاهی یافتن کافران بر دروغ گویی خویش ، از جمله دلایل احیای مجدد انسان ها در قیامت

بلی وعدًا علیه حقًا ... و لیعلم الذین کفروا أنهم کانوا کذبین

۹- دروغ پردازی دائمی کافران درباره معاد

و أقسموا بالله ... لایبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه ... و لیعلم الذین کفروا أ

۱۰- بی اطلاعی کافران در دنیا ، از دروغ گویی خویش درباره رستاخیز

و أقسموا بالله ... لایبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه ... و لیعلم الذین کفروا أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۶

۶ - افسانه خواندن قرآن از سوی کافران ، دروغی ناروا به ساحت آن

إن هذا إلا أسطير الأولین . . . و إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸

۹- رد پیشنهاد کافران (نزول دفعی قرآن) از سوی خداوند ، به خاطر عدم صداقت آنان در خواسته خویش

أُولَئِكَ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتُوا مُوسَى مِنْ قَبْلُ

مقصود از آیه این است که اقتراح کافران، بهانه ای بیش نیست؛ زیرا اگر راست می گویند پس چرا به تورات با این که به صورت دفعی نازل شده بود پیش از این کفر ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۹

۹- تمسک کافران به دروغ ، برای مرتد ساختن مسلمانان ، شیوه ای متداول در بین آنان بود .

و قال الذين كفروا للذين ءامنوا اتبعوا سبيلنا و لنحمل خطيكم .. إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۱

۱۱- کافران ، در قیامت ، دروغ پردازی می کنند .

و يوم تقوم الساعة يقسم المجرمون ما لبثوا .. كذالك كانوا يؤفكون

از جمله معنای <إفك>، انصراف از راستی در گفتار به دروغ گویی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۴

۴- اظهار ایمان کافران ، در تنگنای عذاب ادعایی دروغین و غیر قابل اعتماد

أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى

برداشت بالا- بنابراین نکته است که تعبیر <أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى> در صدد نفی اثر نباشد؛ بلکه در مقام تحلیل و تفسیر ادعای ایمان کافران در شرایط عذاب باشد، به این که اینان هر چند مدعی ایمان می شوند؛ اما آنان کجا و ایمان کجا؟ آنان راهی به سوی ایمان باز نگذاشته اند.

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۴

۴ - کافران به دروغ ، مدعی قابل درک نبودن حقایق وحی *

أفسح هذه أم أنتم لاتبصرون

عبارت <أم أنتم لاتبصرون> در حقیقت تکرار همان سخن کافران است که در دنیا نسبت به حقایق دین می گفتند و مدعی بودند که ما در سخنان وحی حقیقتی نمی یابیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۵ - ۲

۲ - کافران ، خود می دانند که عذر تراشی هایشان دورغ است .

و لو ألقى معاذيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۲

۲ - سازش خواهان کافر ، به رغم اظهار آمادگی برای پذیرش مشروط توحید ، هرگز اهل عبادت خداوند نبودند و حال و آینده آنان ، فرقی نمی کرد .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

این آیه گرچه با آیه سوم ، عبارتی یکسان دارد ولی در زمان با آن متفاوت است. در آیه سوم به قرینه آیه قبل از آن مراد زمان آینده است ولی در این آیه به قرینه آیه قبل از این مراد زمان حال است.

دروغگویی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۲

۲ - کافرانی که خود را در صورت مماشات پیامبر (ص) ، آماده عبادت خداوند می خواندند ، هرگز به آن تن نداده و معبود

پیامبر (ص) را نمی پرستیدند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

دروغگویی کافران مکه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۸،۹،۱۱

۸ - کافران مکه ، برای باز داشتن مسلمانان ، از ایمان شان به دروغ متوسل شدند .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم .. إنهم لکذبون

۹ - کافران مکه ، مردمی دروغگو بودند .

و قال الذین کفروا .. إنهم لکذبون

۱۱ - برعهده گرفتن خطا و گناه ارتداد مسلمانان ، از سوی کافران مکه ، ادعایی دروغ و خالی از واقعیت بود .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم .. إنهم لکذبون

دشمنی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - دشمنی با کفرپیشگان حق ستیز و پرهیز از تقویت آنان ، نشانه پیامبری و لازم جدایی ناپذیر آن

و ما کنت ترجوا أن یلقى إلیک الکتب .. فلا تکنوننّ ظهیرًا للکفرین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <لاتکنوننّ..> بر صدر آیه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إنّ الذین کفروا ینادون لمقت الله أكبر من مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلى الإیمن فتکف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اطمینان بخشی منافقان به کافران ، در پیروی نکردن از پیامبر و مسلمانان بر ضد آنان

الذین نافقوا يقولون .. و لانطیع فیکم أحدًا أبدًا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۸

۸ - خداوند ، دشمن کافران است .

فإن الله عدو للكافرين

دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۲۳،۲۶

۲۳ کفار ، در صورت توان ، همواره با مسلمانان خواهند جنگید .

و لا يزالون يقاتلونكم حتى يردوكم عن دينكم ان استطاعوا

بنابراینکه جواب <ان استطاعوا>، محذوف بوده و دلیل آن، <لا يزالون يقاتلونكم> باشد.

۲۶ آشتی ناپذیری کفار و عداوت عمیق آنان نسبت به مسلمانان

و لا يزالون يقاتلونكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۲۴

۲۴ مواجهه و درگیری دائمی مؤمنان با کافران

فانصرنا على القوم الكافرين

آیه مورد بحث گویای افکار و حالات دائمی مؤمنان در طول تاریخ است؛ در نتیجه آنان خود را همیشه به نحوی درگیر با کافران می بینند و از خداوند یاری می طلبند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۳،۵

۳ اندیشه در آیات الهی (افشای توطئه و دشمنی کافران) ، موجب رویگردانی اهل ایمان از محبت بیگانگان

لا یألونکم خیالاً و دّوا ما عنّتم .. قد بینا لکم الایات ان کنتم تعقلون. ها انت

۵ کینه و دشمنی کافران و بیگانگان نسبت به اهل ایمان ، علی رغم ابراز محبت مؤمنان به آنان

ها انتم اولاء تحبونهم و لا یحبونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ کافران ، دشمنانی آشکار و

همیشگی ، برای مسلمانان

ان الکفرین کانوا لکم عدواً مبیناً

فعل <کانوا> دلالت بر دیرینه بودن دشمنی کافران دارد که از آن در برداشت فوق به دشمنان همیشگی تعبیر شد.

۱۱ اتحاد و همگونی کافران ، در دشمنی با مسلمانان

ان الکفرین کانوا لکم عدواً مبیناً

خبر <کان> با اینکه طبق قواعد ادبی باید جمع آورده می شد، به صورت مفرد (عدواً) آورده شده و اشاره به این است که کافران در دشمنی با اسلام، یکپارچه و گویا فردی واحد هستند.

۱۲ بهره برداری کافران از هر فرصت ، برای ضربه زدن به مسلمانان

فلیس علیکم جناح ان تقصروا .. ان الکفرین کانوا لکم عدواً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۹

۱۹ کافران در اندیشه تهاجمی یکباره به مسلمین در شرایط مناسب

ووالذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

کلمه <میل> هنگامی که به <علی> متعدی شود، به معنای هجوم بردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۱۲

۱۲ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، پذیرای ولایت و دوستی با اهل کتاب و دیگر کافران ، علی رغم دشمنی آنان با دین

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الذین .. اولیاء و اتقوا اللّٰه ان کنتم مؤمنین

لحن مذمت گونه جمله < و اتقوا اللّٰه ان کنتم مؤمنین > می رساند که گروهی از مسلمانان با کافران روابط دوستی برقرار کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۲،۳،۴

۲- کافران ، همواره درصدد جلوگیری از راه

خدا و در پی ممانعت از گسترش تعالیم الهی هستند .

للكفرین .. الذین ... و یصدّون عن سبیل الله

۳- کافران ، همواره در پی کج جلوه دادن راه و تعالیم الهی هستند .

للكفرین .. الذین ... و یصدّون عن سبیل الله و ییغونها عوجاً

۴- کافران ، در پی یافتن عیب و نقص در تعالیم الهی و اثبات نادرستی آنها هستند .

للكفرین .. و ییغونها عوجاً

عبارت <ییغونها عوجاً> (راه خدا را کج می خواهند) می تواند به این معنا باشد که کافران، در پی این بودند که در تعالیم آسمانی اعوجاج و نقصی بیابند و آن را برملا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۵ - ۶

۶- پیامبر (ص) نسبت به دشمنی ، آزار روحی و تمسخر مشرکان و کافران در صورت علنی و آشکارا نمودن دعوت خویش ، نگران بود .

فاصدع بما تؤمر .. إنا کفینک المستهزءین

جمله <إنا کفیناک المستهزءین> احتمال دارد پاسخی باشد در برابر نگرانیهای پیامبر(ص) که ممکن بود پس از فرمان آشکار کردن دعوت خود و اعراض از مشرکان (فاصدع بما تؤمر .. و أعرض عن المشرکین) بروز کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۱۰، ۹

۹- کافران از طریق اعلام سحرشدگی پیامبر (ص) در صدد ایجاد بدبینی در پیروان ، نسبت به آن حضرت بودند .

إذ یقول الظالمون إن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رجلاً مسحوراً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مخاطب <إن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رجلاً مسحوراً> مؤمنین باشد و کافران با تهمت <مسحور> به پیامبر(ص)

که بر شخص خارج شده از حد اعتدال بر اثر سحرزدگی اطلاق می شود می خواستند در آنان نسبت به آن حضرت، بدبینی ایجاد کنند.

۱۰- کافران، همواره در صدد ایجاد بدبینی به پیامبر (ص) در بین خود بودند تا به وسیله آن، کسی به آن حضرت تمایل پیدا نکند.

إذ يقول الظالمون إن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رجلاً مسحوراً

نکته یاد شده بر این اساس که مخاطب فعل <تَتَّبِعُونَ> کافران باشد که به همدیگر می گفته اند و آوردن فعل مضارع <يقول> برای بیان تلاش همواره آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۵

۵ - کافران به آیین و برنامه های الهی، درصدد بازداشتن مردم از گرایش به دین و عمل به آن هستند. *

فاعبدنی .. فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

مرجع ضمیر <عنها> و <بها> ممکن است تمامی تعالیم و رهنمودهای آموخته شده به موسی(ع) در وادی طوی (توحید، لزوم عبادت و نماز، معاد و کیفر و پاداش الهی) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۳

۳- پیامبر (ص) مواجه با اوج عناد و روی گردانی مشرکان و کافران بود.

قل رب احکم بالحق

از این که رسول اکرم(ص) با آن که پیامبری بسیار مهربان و صبور بود متوسل به دعا علیه مشرکان و کافران شده است، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ - اگر خداوند حکم جهاد

را تشریح نمی کرد ، تمامی معابد و مراکز دینی توسط کافران و دین ستیزان تخریب و منهدم می شد .

و لولا دفع الله .. لهدمت صومع ... و مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۶

۶ - بی دادگران کفرپیشه تاریخ ، مردمانی حق ستیز و غیر قابل آشتی با آیات وحی و رسولان الهی

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۳،۴،۶،۷

۳ تهمت و افترا ، ابزار و شیوه های مبارزه کافران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا إنّ هذا إلاّ إفک افتریه و أعانه علیه قوم ءآخرون

۴ واکنش کافران در برابر قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، رفتاری بس ظالمانه و مزورانه بود .

فقد جاء و ظلماً و زوراً

۶ تهمت و افترا زدن کافران به گناهی که تنها خود مرتکب آن بودند ، از شیوه های آنان در مبارزه ، علیه پیامبر اسلام (ص)

و قال الذین کفروا إنّ هذا إلاّ إفک افتریه .. فقد جاء و ظلماً و زوراً

برداشت یاد شده از آن جا استفاده می شود که کافران ، پیامبر اسلام (ص) را متهم به دروغ گویی می کردند؛ در حالی که خود ، دروغ پرداز بودند و به دروغ و به ناحق ، قرآن را ساخته و پرداخته آن حضرت می شمردند .

۷ خداوند ، مدافع حریم شخصیت پیامبر (ص) در مقابل برخورد های ظالمانه و مزورانه کافران

و قال الذین کفروا إنّ هذا إلاّ إفک .. فقد جاء و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۶،۱۱

۶ خداوند ، مسلمانان صدراسلام را ، به وسیله کارشکنی و دشمنی مشرکان و کافران در بوته آزمایش قرار داد .

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون

از دیدگاه برخی از مفسران، چون آیه شریفه در مکه نازل گردیده است و مؤمنان در آن شهر بسیار مورد شکنجه و آزار قرار داشتند و نیز این آیه در صدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان است، می توان گفت که مقصود از <بعضکم> مسلمانان اند.

۱۱ دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در برابر کارشکنی ها و حق ناپذیری کافران و مشرکان

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون و کان ربّک بصیرًا

یادآوری خداوند به بصیرت و بینایی خود، به پیامبر(ص) پس از یاد کردن از مشرکان و آزمایش شدن آنان، می تواند برای دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۱،۲

۱ کافران ، با استفاده از مثل های باطل و ترسیم غیر واقعی چهره پیامبر (ص) به مبارزه علیه اسلام برخاسته بودند .

الذین کفروا .. و لایأتونک بمثل

<مَثَل> هم به معنای <حجت> و <حدیث> (سخنانی در باره اثبات چیزی) و هم به معنای <صفت> (توصیف چیزی) آمده است (قاموس المحيط). مقصود از آن در آیه شریفه، مجموعه سخنانی است که کافران در توصیف پیامبر(ص) و به منظور خدشه دار کردن چهره منور آن حضرت می گفتند که در آیات فوق از آنها یاد شده است. گفتنی است قید باطل بودن

مثل

ها، از قرینه مقابله جمله <لایأتونک بمثل> و جمله <إلا جنناک بالحق> استفاده شده است.

۲ خداوند در برابر هر یک از مثل های باطل و توصیف های غیر واقعی کافران علیه پیامبر (ص)، سخن حق و موضع درست را به آن حضرت می آموخت .

و لایأتونک بمثل إلا جننک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۶ - ۴

۴ دلداری خداوند به پیامبر (ص) در برابر مخالفت مشرکان و کافران و پشتیبانی آنان از یکدیگر

و ما أرسلنک إلا مبشراً و نذیراً

آیه شریفه با توجه به آیه قبل که از مخالفت مشرکان و کافران و پشتیبانی آنان از یکدیگر علیه دین الهی سخن به میان آورده است (و کان الکافر علی ربّه ظهیراً) - می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) ادا شده باشد؛ یعنی، ای پیامبر! نگران مخالفت کافران مباش؛ زیرا تو تنها مسؤول بشارت و انداز به مردم می باشی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۶

۶ - بنای کافران بر خصومت و موضع گیری علیه هر پیام جدید الهی، در طول تاریخ

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن محدث .. . معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴ - ۴

۴ - دلداری خداوند به پیامبر (ص)، در برابر مخالفت ها و دشمنی های کافران و مشرکان لجوج

و إن یکذبوک فقد کذبت رسل من قبلک

یادآوری تکذیب شدن پیامبران گذشته برای رسول اکرم(ص)، می تواند به منظور

دلداری ایشان و توصیه به صبر و پایداری به آن حضرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۸

۱۸ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) در برابر دشمنی ها و کارشکنی های کافران گمراه

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت إن الله علیم بما یصنعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۵

۵ - دلداری خداوند به پیامبر (ص)، در برابر مخالفت های کافران و مشرکان معاند

فتولّ عنهم .. و أبصرهم فسوف یبصرون

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که خداوند در صدد دلداری دادن به پیامبر اسلام (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۵

۵ - دلداری خداوند به پیامبر (ص)، در برابر مخالفت های کافران و مشرکان معاند

و تولّ عنهم .. و أبصر فسوف یبصرون

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که خداوند در صدد دلداری دادن به پیامبر اسلام (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۱

۱ - رو به رو شدن قرآن و پیامبر اسلام، با مخالفت کافران سرکش، متکبر، ستیزه جو و حق ناپذیر

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

<عزت> در اصل به معنای رفعت و سرفرازی است و ولی هر گاه احساس عزت برخاسته از عوامل ناصواب (مانند غرور و

خودپسندی) باشد، این واژه در معنای غرور و تکبر به کار می رود. در آیه شریفه نیز در همین معنا به

کار رفته است. <شقاق> به معنای مخالفت است و مقصود از آن در این آیه، مخالفت با پیامبر اسلام و قرآن است. گفتنی است تنکیر <عزت> و <شقاق> دلالت بر شدت آن دو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۱

۱ - تنها کافران حق ناپذیر به مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی می پردازند و از پذیرش آن سر باز می زنند .

مايجدل فیءایة اللہ إلا الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۲،۳

۲ - بغض و دشمنی شدید کافران حق ناپذیر با خویشان در قیامت

من مقتکم أنفسکم

۳ - بغض و دشمنی خداوند با کافران حق ناپذیر ، بیشتر و شدیدتر از بغض و دشمنی کافران نسبت به خویشان است .

لمقت اللہ اکبر من مقتکم أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۷

۷ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت در صدر اسلام ، در برابر مخالفت ها و دشمنی های کافران

إنا لنصر رسنا و الذین ءامنوا

یادآوری یاری شدن پیامبران و مؤمنان طرفدار آنان در تاریخ، برای پیامبر(ص) و مؤمنانی که در مکه (وقت نزول این آیات) در اقلیت و تحت فشار و شکنجه دشمنان بودند، بیانگر حقیقت یاد شده است. گفتنی است توصیه شدن پیامبر(ص) به صبر و شکیبایی در چهار آیه بعد، تأییدکننده همین مطلب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان اندک او، در برابر کارشکنی ها و دشمنی های کافران و مشرکان

إِنَّ الَّذِينَ يَجْدُلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ .. إِنَّ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا مَا هُمْ بِبَلِغِيهِ

از این آیه و آیات قبل و بعد آن، استفاده می شود که خداوند درصدد دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آورندگان اندک به آن حضرت در مکه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۶

۶- ستیز کافران با منطق روشن رسولان الهی، گواه بی اساس بودن ایمان اضطراری آنان

أَتَى لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ

در صورتی که <أَتَى لَهُمُ الذِّكْرَىٰ> در صدد بیان پوچی ادعای ایمان کافران باشد؛ تعبیر <وَقَدْ جَاءَهُمْ..> بیانگر فلسفه پوچی ادعای آنان خواهد بود؛ یعنی، آنان که منطق روشن رسولان را نپذیرفتند، چگونه با مشاهده عذابی، می توانند به ایمان راستین رسیده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۹

۹- پیامبر (ص)، در معرض دشمنی عمیق کافران و نیازمند دل جویی و رهنمود به صبر از سوی خداوند

فَاصْبِرْ .. وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۲

۱۲- حمایت خداوند از پیامبر (ص)، در قبال عداوتورزی کافران

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا .. وَشَاقُّوا الرَّسُولَ ... وَسَيَحْبُطُ أَعْمَالَهُمْ

تعبیر <وَسَيَحْبُطُ أَعْمَالَهُمْ>، می تواند هم به معنای عقیم ساختن توطئه های کافران و هم به معنای پوچ ساختن اعمال به ظاهر نیک

آنان باشد. در هر دو صورت، از این موضع گیری شدید، حمایت خداوند از پیامبر(ص) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۲

۲ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر تکذیب، حق ناپذیری و عناد کافران

کذبت قبلهم قوم نوح و أصحاب الرس و ثمود

یادآوری روحیه حق ستیز بسیاری از امت ها در طول تاریخ در برابر پیام رسولان الهی، می تواند از آن جهت باشد که پیامبر(ص) در برابر تکذیب کافران، احساس نگرانی نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۳

۳ - کافران، آرزومند مرگ پیامبر (ص) یا حادثه ای ناگوار که آن حضرت را زمین گیر کرده و از دعوت باز دارد.

أم یقولون .. نتربص به ریب المنون

<تربص> (مصدر <نتربص>) به معنای انتظار کشیدن و <ریب> به معنای حادثه است. <منون> در معنای روزگار و مرگ بد، به کار می رود. بنابراین <ریب المنون> یا به معنای حوادث روزگار است و یا به معنای حادثه مرگ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۴

۴ - طغیان و سرکشی، عامل اصلی رویارویی کافران علیه پیامبر (ص) و آرزوی خاموشی پیام وحی

نتربص به ریب المنون .. أم هم قوم طاغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۷، ۳، ۱

۱ - نگاه کافران به پیامبر (ص)، نگاهی خشم آلود و کینه توزانه

و إن يكاد الذين كفروا ليزلقونك بأبصرهم

<زَلَقَ> (مرادف <ذلل>) به معنای لغزیدن و سقوط کردن است و عبارت <ليزلقونك بأبصارهم> کنایه از این است که کافران، با نگاه خشم گینانه و کینه توزانه، به پیامبر(ص) می نگریستند؛ مانند آن که گفته می شود: فلان کس آن چنان به من نگاه می کند، که گویا می خواهد مرا با نگاهش بخورد و یا بکشد؛ یعنی، اگر برای او ممکن باشد که با نگاهش مرا بخورد و یا بکشد، چنین خواهد کرد.

۳ - کافران ، در آرزوی نابودی و شکست پیامبر (ص) به سر می بردند .

الذين كفروا ليزلقونك بأبصرهم لَمَّا سمعوا الذکر

۷ - ترور شخصیت (همچون پیامبر (ص)) ، از ترفند های کافران برای مبارزه با تعالیم اسلام و قرآن

لَمَّا سمعوا الذکر و يقولون إنه لمجنون

این که کافران، به جای مبارزه با تعالیم قرآن، پیامبر(ص) را متهم به جنون کردند؛ بیانگر این نکته است که آنان درصدد بودند با این کار، به هدف خود (نابودی دین) نائل شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۳

۳ - تهدید شدن کافران حق ناپذیر به عذاب الهی ، به سبب دشمنی ها و کارشکنی های آنان نسبت به رسالت پیامبراسلام

فسيعلمون من أضعف ناصراً و أقلّ عدداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۳ - ۵

۵ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر تکذیب و مخالفت های کافران

إنا نحن نزلنا عليك القرآن تنزیلاً

بنا به گفته مفسران، این آیه، درصدد دلداری به

پیامبر (ص) است؛ ضمن آن که توصیه خداوند به صبر و استقامت در آیه بعد، می تواند در تأیید همین مطلب باشد.

دشمنی کافران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ - رویارویی و دشمنی کافران بنی اسرائیل با پیروان حضرت عیسی (ع)

فأیدنا الذین ءامنوا علی عدوهم

دشمنی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۵،۶

۵ - خشمگین شدن کافران صدراسلام و ظهور آثار کینه و نفرت در چهره آنان، به هنگام شنیدن آیات قرآن و معارف توحیدی آن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بینت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر

۶ - بر افروختگی مشرکان با شنیدن آیات قرآن و خشم حاصل از آن، به حدی بود که آنان را در آستانه حمله و تهاجم به کسانی قرار می داد که آیات قرآن را بر آنها تلاوت می کردند.

یکادون یسطون بالذین یتلون علیهم ءایتنا

<سَیْطُو> (مصدر <یسطون>) به معنای تهاجم و حمله است؛ یعنی، چیزی نمانده که مشرکان با کسانی که آیات ما را بر آنان می خوانند گلاویز شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - موضع گیری خصمانه کافران صدراسلام علیه پیامبر (ص) و موسی (ع) و متهم ساختن آنان به ساحری

قالوا سحران تظھرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۱

۱ - کفرپیشگان صدراسلام، در صدد بازداشتن پیامبر (ص) از

انجام رسالت خویش بودند .

و لا یصدّٰنک عن ءایت اللّٰه بعد إذ أنزلت إلیک

<صدّ> (مصدر <لا یصدّٰنک>) به معنای بازداشتن است و ضمیر فاعل در <لا یصدّٰنک> به کافران بازمی گردد؛ یعنی، مبدا کافران تو را از ابلاغ آیات خدا به مردم بازدارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۴

۴ - دلداری خداوند به پیامبر (ص)، در برابر مخالفت ها و دشمنی های کافران و مشرکان لجوج

و إن یكذبوک فقد كذب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم

یادآوری تکذیب پیامبران گذشته برای پیامبر اسلام، می تواند به منظور دلداری به ایشان و نیز توصیه به صبر و پایداری به آن حضرت باشد.

دشمنی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتابا .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۴

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - انکار و برخورد عنادآمیز با قرآن و پیامبر (ص) ، شیوه مستمر

کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

فعل <کان> هرگاه بر مضارع داخل شود افاده استمرار می کند.

دشمنی کافران و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۶

۶- برخورد و درگیری جبهه کفر و جبهه ایمان (خداپرستان و بت پرستان) جریانی ریشه دار در تاریخ بشر

فیما کنتم فیه تختلفون

به کارگیری ماضی استمراری (کنتم تختلفون) بیانگر برداشت فوق است.

دشنام به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۴

۴ دشنام به کافران و مقدسات آنها، در صورتی که موجب عکس العمل متقابل آنان گردد، حرام است. *

و لاتسبوا .. فیسبوا الله عدوا بغیر علم

در صورتی که جمله <فیسبوا ..> علت نهی باشد، نه حکمت آن، حرمت دشنام به کافران و مقدسات آنها به مواردی محدود است که عکس العمل متقابل مشرکان را در پی داشته باشد.

دشنام به مقدسات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۴

۴ دشنام به کافران و مقدسات آنها، در صورتی که موجب عکس العمل متقابل آنان گردد، حرام است. *

و لاتسبوا .. فیسبوا الله عدوا بغير علم

در صورتی که جمله <فیسبوا ..> علت نهی باشد، نه حکمت آن، حرمت دشنام به کافران و مقدسات آنها به مواردی محدود است که عکس العمل متقابل مشرکان را در پی داشته باشد.

دشنامهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۲

۲ - دلداری خداوند به پیامبر (ص

(، در برابر تکذیب ها و بدگویی های کافران

و ذرنی و المکذبین

آیه شریفه ضمن آن که برای تهدید کافران تکذیب گر است؛ دلداری به پیامبر (ص) نیز می باشد.

دشنامهای مرفهان کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۳

۳ - بدگویی و یاوه سرایی کافران مرفه ، علیه قرآن و پیامبر (ص) در محفل های شبانه شان

سَمْرًا تهجرون

سمر < مصدر > سامر < > یعنی، گفت و گو و تشکیل محفل شبانه. < سامر > اسم جمع است مانند: < حاج >، < حاضر > و < حامل >. < سامراً > حال دیگر برای ضمیر فاعل < تنکصون > است. < تهجرون > به تقدیر تهجرون به مشتق از < هجر > (بدگویی) و یا < هجر > (هزیان و یاوه گویی) است. جمله < تهجرون > (فعل و فاعل) در محل نصب و نعت برای < سامراً > می باشد؛ یعنی، < در حالی که در محافل شبانه، درباره آن بدگویی می کردید >.

دعای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۳

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا ليعذبهم الله . . . و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله < ما كان صلاتهم . . . > عطف بر < و هم یصدون ... > باشد.

دعای نجات از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۱

۱ درخواست مؤمنان قوم موسی از خداوند ، برای

نجات از گروه کفرپیشه

ربنا لا تجعلنا فتنه .. و نجنا برحمتك من القوم الكافرين

دعوت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱

۱ فراخوانی خداوند کفرپیشگان را به پیروی از قرآن و رسول خدا (ص)

و إذا قيل لهم تعالوا إلى ما أنزل الله و إلى الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۴

۴ خداوند ، فراخوان کفار و مشرکان به توبه (ترک آیین شرک و پذیرش اسلام)

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم .. و يتوب الله على من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۲

۲ - فراخوانده شدن کافران به تدبیر و اندیشه در آیات قرآن و پرهیز از داوری های نسنجیده درباره آن

أفلم يدبروا القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۴

۴ - اتکای کافران به حس و تجربه عذاب ، علی رغم فرا خوانده شدن به تعقل و تدبیر در فرجام شوم مجرمان تاریخ

فانظروا كيف كان عقبه المجرمين .. و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

علی رغم این که خداوند از کافران مکه می خواهد تا با مطالعه تاریخ و تدبیر در فرجام مجرمان گذشته، درس عبرت بگیرند و

بینش خود را تصحیح کنند، آنان برای پی بردن به حقانیت وعده الهی، خواهان لمس و شهود عذاب می شوند و تعیین زمان آن را می طلبند.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۲

۲ - پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به مقابله فرا خواند و به شکست ذلت بار (چون شکست روز بدر) تهدید کرد.

من یأتیة عذاب یخزیه

بیشتر مفسران بر این دیدگاه اند که مقصود از عذاب خوارکننده در دنیا، شکست کافران و مشرکان معاند در جنگ ها (همچون جنگ بدر) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۶

۶ - بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران حق ناپذیر، پس از اتمام حجت و دعوت مکرر آنان به ایمان است.

لمقت الله أكبر... إذ تدعون إلى الإیمن فتكفرون

آمدن فعل های مضارع <تدعون> و <تکفرون> بر استمرار دلالت دارد، یعنی، شما همواره به ایمان فراخوانده می شدید ولی به جای ایمان آوردن، به طور مستمر کفر میورزیدید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان به ایمان از سوی خداوند

ذلکم بآئنه إذا دعی الله وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۱ - ۳

۳ - دعوت از کافران و منکران معاد به مطالعه در چوب آتش زنه، برای پی بردن به قدرت خداوند و توانایی او بر احیای مردگان

أفرءیتم النار التي تورون

با توجه به این که روی سخن در این آیات با منکران معاد است، توجه دادن

به مسأله کیفیت افروختن آتش و روشن کردن آن با عمل ساییدن، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۳

۳ - فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

و قد كانوا يدعون إلى السجود و هم سلمون

دعوت از کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا .. فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

دعوت از کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۵ - ۳

۳ - کافران صدراسلام، به بهره مند شدن از رحمت و لطف خدا در سایه پرهیز از گناهان فراخوانده شدند .

و إذا قيل لهم اتقوا ما بين أيديكم و ما خلفكم لعلكم ترحمون

دفع تبلیغ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۵

۵ - خنثی ساختن تبلیغات مکارانه کافران در برابر قرآن، وعده تسلّابخش خداوند به پیامبر (ص)

و أكید كیداً

روی سخن در این آیه به قرینه آیه بعد (فمَّهَّلَ ..) با پیامبر (ص) و به منظور اطمینان بخشیدن به آن حضرت است که در درخواست عقوبت

سریع برای کافران شتاب نوردید زیرا خداوند پاسخ مناسب توطئه آنان را خواهد داد.

دفع توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۵

۵ جنگ های اسلام در صدد دفع شر کافران ، نه تحمیل عقیده بر آنان *

إن تنتهوا فهو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۸

۸ توکل بر خدا در پذیرش صلح ، موجب عقیم ماندن اهداف پنهانی کافران از پیشنهاد صلح

فاجنح لها و توکل علی الله

دفع طمع کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۷

۷ نرمش نشان ندادن به کافران و قطع طمع آنان از تعرض و سلطه بر مؤمنان ، امری لازم و ضروری است .

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

دفع مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۳

۳ خداوند با حمایت خویش از پیامبر (ص) و جامعه ایمانی ، نیرنگ کافران را بی اثر خواهد کرد .

و إن یریدوا أن یخدوعوک فإن حسبک الله

جواب شرط <إن يريدوا .. > محذوف است و جمله <فان حسبيك الله > جانشين آن شده است / يعنى: إن يريدوا أن يخذعوك فالله يكفيك شرم.

دفع مكرهاى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - طارق - ٨٦ - ١٦ - ٥

٥ - ختى ساختن تبليغات مكارانه كافران در برابر قرآن ، وعده تسلا بخش خداوند به پيامبر ()

و أكید كیدا

روی سخن در این آیه به قرینه آیه بعد (فمَّهِلْ ..) با پیامبر(ص) و به منظور اطمینان بخشیدن به آن حضرت است که در درخواست عقوبت سریع برای کافران شتاب نورزد؛ زیرا خداوند پاسخ مناسب توطئه آنان را خواهد داد.

دفع هجوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۲

۲ - مسلمانان، قادر به دفع هجوم کافران، در صورت عدم انعقاد صلح حدیبیه و ناگزیری از جنگ *

و لو قتلکم الذین کفروا لو لّوا الأدبر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <لوقاتلکم> نظر به گذشته داشته باشد؛ یعنی، خداوند گرچه فتح مبین (صلح حدیبیه) را برای شما رقم زد و در پرتو آن ثمرات زیادی را برای شما به بار آورد؛ اما اگر این صلح هم صورت نمی گرفت و کافران به نبرد با شما برمی خاستند، شما با قدرت ایمانی و رهبری پیامبر(ص) آنان را منهزم می ساختید.

دلایل بطلان ادعای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- بعثت انبیا، دلیلی روشن بر دروغ بودن ادعای مشرکان بر اینکه هدایت و گمراهی جبری است .

قال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء .. و لقد بعثنا فی كل أم

دلایل بی لیاقتی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۷

۷ - کفر به حق و اصالت وحی، دلیل عدم شایستگی کافران برای دوستی

تلقون إلهم بالموّده وقد كفروا بما جاءكم

عبارت <وقد كفروا..> در حقیقت بیانگر علت نهی (لاتتخذوا عدوی) است.

دلایل حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ - شرارت و حق ستیزی کافران در دنیا ، گواه حق گریزی آنان پس از بازگشت دوباره به دنیا

قال ربّ ارجعون .. کلاً إنّها کلمه هو قائلها

دلایل دروغگویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- بعثت انبیا ، دلیلی روشن بر دروغ بودن ادعای مشرکان بر اینکه هدایت و گمراهی جبری است .

قال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء .. و لقد بعثنا فی کلّ أم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۸

۸ - انکار پیشین تورات از سوی کافران ، نشانه بهانه جویی و عدم صداقت آنان در پیشنهاد خویش

أولم یکفروا بما أوتی موسی من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۵

۵ - ناتوانی کافران از هموردی با قرآن ، نشانگر بی صداقتی آنان در اتهام هایشان

إن كانوا صدقین

دلایل رد دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۷

۷ - کفر به حق و اصالت وحی ، دلیل عدم شایستگی کافران برای دوستی

تلقون إلیهم بالموّده و قد کفروا بما جاء کم من الحقّ

عبارت <وقد کفروا..> در حقیقت بیانگر علت نهی (لا تتخذوا عدوی) است.

دلایل سرزنش کافران

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۹

۹- توبیخ مشرکان و کافران از سوی خدا، به خاطر استکبارشان در برابر قرآن

قل أریتم إن کان من عند اللّٰه و کفرتم به ... و استکبرتم

دنیاپرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱،۲

۱ آراستگی زندگانی دنیا، در دیدگاه کافران

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

۲ زینت زندگانی دنیا در نظر کافران، واقعیت آن را پوشانده است.

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۱،۲

۱ کافران به جای تکیه بر رحمت الهی، بر مال و اولاد خویش متکی هستند.

ربّنا .. هب لنا من لدنک رحمه ... انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اول

۲ کافران، بی نیازی را در مال و اولاد می جویند؛ در حالی که هرگز آن را نمی یابند.

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من اللّٰه شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۲

۲ فرعونیان، نمونه بارز کافرانی که امکانات مادی و انسانیشان، آنها را از عذاب نرهانید و از خدا بی نیازشان نکرد.

انّ الذّين كفروا .. كدأب ال فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۷ - ۷

۷ انگیزه کافران در انفاق های خویش ،

رسیدن به زندگی پست دنیاست . *

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا

تقید انفاق به حیات دنیا، می تواند گویای انگیزه کافران به انفاق در محدوده حیات دنیا باشد.

دنیاطلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۴

۴ کفرپیشگان ، مردمانی فریفته به زندگانی دنیا

حرمهما علی الکفرین. الذین ... غرثهم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۸

۸ غرق شدن منافقان و کافران در باتلاق بهره‌وری های مادی ، گرایش مستمر آنان در طول تاریخ

فاستمعوا بخلقهم و خضتم کالذی خاضوا

برداشت فوق‌بدان احتمال است که <خوض> (فرو رفتن) به قرینه <استمعوا> همان بهره‌وری از مادیات و فرورفتن در منجلاب آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذین .. و رضوا بالحیوه الدنیا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۱

۱- کافران ، زندگی دنیوی را محبوب خود دانسته و آن را به جای حیات اخروی برمی گزینند .

ويل للكافرين من عذاب شديد . الذين يستحبون الدنيا على الآخرة

برداشت فوق بنابراین اساس است که <الذين يستحبون الحياه ..> جمله وصفی برای <للكافرين> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ -

۵- خوردن ، لذت بردن و برخوردار شدن از متاع ها و لذت های دنیوی و غوطهور شدن در آرزو های واهی ، هدف و مقصد اعلای کافران است .

ذره‌م يأكلوا و يتمتعوا و يلهم الأمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۳

۳ - کافرانی که در مادیات و اموال دنیا غوطهوراند ، به پوچی در زندگی دچار گشته و در سردرگمی شدید بسر می برند .

رجال لاتلهيهم تجره و لابيع عن ذكر الله .. و الذين كفروا أعمالهم ... كظلمت ف

از مقایسه میان آیه ۳۷ که در باره کسانی است که مال و منال و مادیات آنان را از یاد خدا غافل نمی سازد و آیه شریفه که درباره وضعیت کافران است به دست می آید که کافران، بر خلاف مؤمنان، در مادیات و علاقه به مال و منال گرفتاراند و از این رو دچار سردرگمی و تاریکی شدید هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۵ - ۷

۷ - افق دید کافران ، محدود به زندگی کوتاه دنیا است .

لجعلنا لمن يكفر بالرحمن .. لَمَا متع الحيوه الدنيا و الآخره عند ربك للمتقين

خداوند در این آیه، توانایی خویش را بر ایجاد یک زندگی آکنده از تجمل برای کافران، بیان کرده و سپس حضور در جوار ربوبی را مطرح نموده است. از این مطلب استفاده می شود که کافران تنها در محدوده تنگ زندگی دنیا می اندیشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه

۵- محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی و دنیا محوری آنان

اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا و غَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۳

۳- توبیخ کافران در قیامت ، به خاطر هدر دادن امکانات ارزنده خویش و صرف آن در لذت های زودگذر مادی

أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۱ - ۲

۲ - دل بستگی به دنیا و رها کردن آخرت ، از نشانه های کافران است .

بَلْ تَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ . و تَذَرُونَ الْآخِرَةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱

۱ - محبت و دل بستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی ، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است .

و لَا تَطْعَمُ مِنْهُمْ عَائِمًا أَوْ كَفُورًا .. إِنَّ هَؤُلَاءِ يَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ و يَذَرُونَ وِرَاءَهُمْ يَوْمًا

دنیاطلبی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۴

۴- تمامی هم و تلاش کافران هدایت ناپذیر صدراسلام ، خوردن و بهره‌وری از تمتعات و لذت های مادی بود .

ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا و يَتَمَتَّعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۶

۶- کافران عصر بعثت ، فریفته وضعیت بهتر اقتصادی و هم نشینان به ظاهر آراسته خویش بودند .

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

افتخار به محفل، در حقیقت

افتخار به حاضران در آن است و مراد از اهل محفل به قرینه <من هو.. أضعف جنداً> در آیات بعد هم فکرا و یاوران کافران است.

دوستان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۵

۱۵- کافران ، بدعت گذاران در دین را صمیمانه دوست دارند .

لتفتري علينا غيره و إذا لا تتخذوك خلیلاً

دوستان کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۵

۵ - برقرار کنندگان روابط دوستانه و مسالمت آمیز ، با کسانی که به دین و سرزمین مسلمانان هجوم آورده اند ، ظالمان واقعی هستند .

و من يتولهم فأولئك هم الظلمون

دوستی با امدادگران کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۳

۳ - ممنوعیت دوستی و مسالمت با یاری دهندگان و پشتیبانان عناصر مهاجم به دین و سرزمین مسلمانان

إنما ينهيكم الله عن الذين .. و ظهروا علی إخراجکم

دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۱۴، ۱۲، ۳

۳ حرمت برگزیدن کافران و مقدم داشتن آنان بر مؤمنان ، در دوستی و ارتباط و ولایت

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

۱۲ پذیرش دوستی کافران ، گسستن رابطه با خداوند است .

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

بنابراینکه ولایت به معنای دوستی باشد.

۱۴ جواز برقراری ارتباط دوستانه با کافران ، در صورت تقیّه ، اضطرار و هراس

لا يَتَّخِذُ

المؤمنون الكافرين اولياء .. الا ان تتقوا منهم تقية

بنابراینکه ولایت به معنای دوستی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۴

۴ جواز دوستی و یاری خواستن از منافقان و کافران پناهنده ، به همپیمانان مسلمانان *

و لا تتخذوا منهم ولئياً و لا نصیراً. الا الذين يصلون الی قوم بینکم و بینهم میثا

در برداشت فوق احتمال داده شده که <الا الذين يصلون .. > استثنا از حکمی است که در جمله <و لا تتخذوا منهم ولئياً و لا نصیراً> بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱،۷

۱ مدعیان ایمان ، در صورت پذیرش سرپرستی و دوستی کافران ، در زمره اهل نفاقند .

بشر المنفقین بأن لهم عذاباً أليماً. الذين يتخذون الكافرين أولياء

<أولياء> جمع <ولی> می تواند به معنای دوست و یا سرپرست باشد. گفتنی است که در برداشت فوق، <الذين>، وصف برای منافقان گرفته شده است.

۷ دستیابی به عزت و شکوه ، هدف منافقان در پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان

الذين يتخذون الكافرين أولياء .. أيتغون عندهم العزّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۳

۳ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، پذیرای دوستی و ولایت کفار ، در عین نهی خداوند حتی از همنشینی با آنها

الذين يتخذون الكافرين أولياء .. يكفر بها و يستهزأ بها فلا تقعدوا معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٣٠٩٠١٠ - ١٩٩ - ٩ - ٤ - ٤

٣

ایمان به خداوند ، ناسازگار با پذیرش دوستی و سرپرستی کافران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

۹ هشدار و تهدید خداوند به پذیرندگان ولایت کافران و دوستی آنان

لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا مَبِينًا

۱۰ پذیرش سرپرستی و دوستی کافران ، جبهه گیری در مقابل خداوند است .

لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا مَبِينًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۷

۱۷ ناکامی و زیانکاری ، فرجام شوم و پذیرش محبت و ولایت کافران

حَبَطَتِ اَعْمٰلُهُمْ فَاَصْبَحُوا خٰسِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۱،۳۲

۱۱ دوستی با کافران (یهود و نصارا و ...) ، ناسازگار با عشق به خداوند

وَمَنْ يَتَّخِذْهُم مِّنكُمْ .. فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ

با توجه به ارتباط آیه مورد بحث با آیات گذشته، معلوم می شود که توصیف مؤمنان واقعی به ویژگیهای یاد شده برای اشاره به این حقیقت است که مدعیان اسلام در صورت گرایش به کافران (من يتولهم منكم) نمی توانند آن ویژگیها و از جمله محبت و عشق به خدا را دارا باشند.

۳۲ بیمار دلان سست ایمان و پذیرای ولایت و دوستی کافران ، محروم از فضل خاص خداوند

مَنْ يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ .. ذٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۱۲،۱۳

، پذیرای ولایت و دوستی با اهل کتاب و دیگر کافران ، علی رغم دشمنی آنان با دین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ .. أولياء و اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

لحن مذمت گونه جمله < و اتقوا الله ان كنتم مؤمنين > می رساند كه گروهی از مسلمانان با كافران روابط دوستی برقرار کرده بودند.

۱۳ پذیرش ولایت و دوستی كافران و تمسخر كنندگان اسلام ، ناسازگار با ایمان و تقوا

و اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۵

۵ تمسخر برخی اهل كتاب نسبت به نماز و اذان ، دليل تحريم روابط دوستی با آنان

لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ .. و إذا ناديتهم إلى الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۸۰، ۹، ۱۰، ۷، ۵

۵ حرمت دوستی با كافران و پذیرش ولایت آنان

تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا لبئس ما قدمت

۷ بنی اسرائیل همكیشان خود را از پذیرش ولایت كافران و دوستی با آنان نهی نمی كردند .

لايتناهون عن منكره فعلوه .. تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا

آیه مورد بحث بيان مصداقی است از <منكر> كه در آیه قبل مطرح شده بود.

۸ لزوم نظارت عمومی جامعه ایمانی بر صحنه روابط خارجی و بازداشتن مؤمنان از پذیرش ولایت كافران و پیوند های مودت

آمیز با آنان

كانوا لايتناهون عن منكر .. تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با كافران عامل كفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذين كفروا

... تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

۱۰ عصیان ، تجاوزگری و ترک نهی از منکر ، زمینه ساز پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان *

ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون .. كانوا لا يتناهون ... يتولون الذين كفروا

بدان احتمال که مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان، نتیجه اعمال ناپسندی باشد که در آیات قبل درباره بنی اسرائیل بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۲،۱۱

۲ روابط ولایی و دوستانه بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) با کافران

ما اتخذوهم أولیاء

۱۱ پذیرش ولایت و دوستی با کافران نشانه فسق و خروج از حدود الهی است .

ما اتخذوهم أولیاء و لکن كثيراً منهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۲،۴

۲ کفر ، مایه قطع پیوند دوستی میان مسلمانان و کافران

یأیها الذین ءامنوا لا تتخذوا .. أولیاء إن استحبوا الکفر علی الایمن

۴ ایجاد پیوند دوستی و موالات با کفار و دشمنان اسلام ، نشانه وجود روحیه ستم پیشگی است .

إن استحبوا الکفر علی الایمن و من يتولهم منکم فأولئک هم الظلمون

دوستی با کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - ممنوعیت رابطه دوستانه با کافران ، منحصر به کافران تهاجم کننده

بر ایمان و سرزمین مسلمانان

إِنَّمَا يَنْهِيكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَتَلُواكُمْ فِي الدِّينِ

۲ - ممنوعیت رفتار دوستانه و مسالمت جویانه ، با کافران معاند ، صرفاً مقابله به مثل است ؛ نه [جهاد] ابتدایی .

لَا يَنْهِيكُمُ .. إِنَّمَا يَنْهِيكُمُ اللَّهُ

تأکید خداوند در نهی از رابطه دوستی با کافران، بر اقدامات عملی آنان علیه مسلمانان، بیانگر مطلب بالا است.

۶ - نیکی و مسالمت با کافران معاند و همدستان آنان ، مصداق واقعی ظلم است .

أَنْ تَبْرُوهُمْ وَتَقْسُوا إِلَيْهِمْ .. . إِنَّمَا يَنْهِيكُمْ ... وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

از مجموع دو آیه، استفاده می شود که نیکی و قسط، اصولاً در مورد کافران معاند، مفهوم واقعی ندارد و نباید تحت عنوان عدالت و انسان دوستی، به دشمنان حق روی خوش نشان داد.

دوستی کافران با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- کافران ، در صورت عقب نشینی پیامبر (ص) از مواضع اصولی خویش (تعالیم وحی شده بر آن حضرت) قطعاً با او طرح دوستی صمیمانه ای می ریختند .

وَ إِنْ كَادُوا لِيَفْتَنُونَكَ .. . وَإِذَا لَاتَّخَذُوكَ خَلِيلًا

دین ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۵

۵ - کافران به آیین و برنامه های الهی ، درصدد بازداشتن مردم از گرایش به دین و عمل به آن هستند . *

فَاعْبُدْنِي .. . فَلَا يَصِدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا

مرجع ضمیر <عنها> و <بها> ممکن است تمامی تعالیم و رهنمودهای آموخته شده به موسی(ع) در وادی طوی (توحید،

و نماز، معاد و کيفر و پاداش الهی) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۵

۵ اعمال به ظاهر نیک کافران دین ستیز، محکوم به پوچی و بطلان در آخرت *

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّٰه أضلّ أعمالهم

<أضلّ> ممکن است مربوط به جهان آخرت باشد و مراد از <أعمالهم>، کردار به ظاهر نیک کافران در حیات دنیا باشد که در آخرت حبط خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۴

۴- اخبار خداوند از ستیز برخی کافران با دین و پیامبر (ص)، به رغم وضوح حق برای آنان

إِنَّ الذّٰیْنَ كَفَرُوا وَ صَدّٰوٓا۟ .. و شاقّوا ... من بعد ما تبین لهم الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۴

۴ - انکار معاد، عمده ترین محور مخالفت کافران با پیام دین

هذه النار الّٰتی کنتم بها تکذّبون

از سرزنش شدن کافران، به خاطر تکذیب دوزخ و حقیقت قیامت، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۲

۲ - کافران، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (ص)

أم یریدون کیدًا

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر(ص) و بررسی علل آن اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از

ابهام شخصیت پیامبر(ص) نیست؛ بلکه دقیقاً ترفندی خائنانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند.

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

دیه قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۱۸

۱۸ لزوم پرداخت خوب ها و نیز آزادسازی یک برده مؤمن در صورت کشتن کافری از کافران همپیمان *

و ان كان من قوم بينكم و بينهم ميثاق فديه مسلمة الى اهله و تحرير رقبة مؤمنه

بنابر اینکه مراد از ضمیر در <کان>، مقتول باشد؛ بدون وصف ایمان. به قرینه فرض سابق که در آنجا به قید ایمان تصریح کرد و فرمود: <فان كان... و هو مؤمن>، ولی در این فرض <و هو مؤمن> را نیاورد.

ذکر سرنوشت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۹

۹ توجه به داستان پیامبران و سرنوشت اقوام مؤمن و کافر ایشان، وادار کننده انسان به استقامت و پایداری بر توحید و پرستش خدا

فاستقم كما أمرت

برداشت فوق، بر این اساس است که جمله <فاستقم...> بر داستان اقوام گذشته که در آیات پیشین از آن سخن رفته است تفریع شده باشد.

ذکر فرجام اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱

۱- لزوم توجه انسان ، به

سرنوشت شوم کافران در قیامت

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

کلمه <یوم>، متعلق به کلمه مقدری نظیر <أذکر> است و یا عامل آن از استفهام <ألیس هذا بالحق> که به تقدیر <یقال لهم> است، به دست می آید. برداشت یاد شده ناظر به احتمال اول است.

ذکر فرجام شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - توجه دادن مردم به سرنوشت شوم کفرییشان گذشته و بیان تاریخ عبرت آموز آنان، از وظایف مبلغان الهی است.

فإن أعرضوا فقل أندر تکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

ذلت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۳

۱۳ مهلت یافتن کافران در دنیا (امهال)، زمینه ساز خواری و ذلت آنها در آخرت

انما نملی لهم لیزدادوا اثماً و لهم عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۱،۳

۱ وضعیت هول انگیز و ذلتبار کافران به هنگام روبرو شدن با آتش جهنم و مشاهده آن

و لو تری إذ وفقوا علی النار

۳ وضعیت دهشتناک و غیر قابل توصیف کافران به هنگام ورود به دوزخ و چشیدن آتش

و لو تری إذ وفقوا علی النار

<وقفوا على النار> می تواند به معنای ورود به آتش و چشیدن عذاب آن باشد. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- برخورداران از علم در روز قیامت ، ذلت کافران را در آن روز ، به

آنان اعلام خواهند نمود .

قال الذين أوتوا العلم إن الخزي اليوم و السوء على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۲

۲- کافرانی که با حالت ظلم به نفس (کفر) از دنیا بروند ، در قیامت گرفتار خواری و ذلت خواهند شد .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین . الذین تتوفهم الملائکه ظالمی أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۷،۹

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانوشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثم لنحضرنهم حول جهنم جثيًا

<جثيًا> (جمع <جاثی>) حال است و <جاثی> به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جثی> را جمع <جثوه> دانسته اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

۹- گردآوردن خفت بار کافران و شیاطین در اطراف جهنم ، مرحله ای پس از حشر است .

لنحشرنهم .. ثم لنحضرنهم حول جهنم جثيًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۲

۲ - حقارت و ذلت شدید کافران در دوزخ

قال اخسئوا فیها

>إخسأ< كلمه ای است که برای دور کردن سگ به

کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۲

۲ کافران مخالف قرآن و پیامبر (ص) در قیامت، در اوج ذلت و خواری محشور خواهند شد.

الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنم

محشور شدن کافران، در حالی که به رو افتاده و به سوی جهنم سوق داده می شوند، حاکی از برخورد تحقیرآمیز با آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ - قیامت روز ذلت کافران و پایان بخشیدن به گردن‌گشان دنیا

أکذبتُم بایتی... و کلّ أتوه دخرین

هرچند تعبیر <کلّ أتوه> شامل همه مؤمنان و کافران می شود؛ اما با توجه به اصل تناسب و ارتباط آیات، می توان گفت که نظر عمده، متوجه تکذیب کنندگان آیات الهی است. مبنی بر این که آنان گرچه در دنیا ظالمانه کفر ورزیده اند؛ اما باید بدانند که در آخرت، مجال گستاخی برای هیچ یک از آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - وضعیت کافران به قرآن در قیامت، رقت بار و شگفت آور است.

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرآن... و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

جواب <لو> محذوف است و عبارت می تواند چیزی همانند و لو تری... لرأیت أمراً عجیباً باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۹

به روحیه مستکبرانه آنان در دنیا

و تری کلّ أمّه جاثیه .. أفلم تکن ءایتی تنلی علیکم فاستکبرتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۸،۱۱

۸- قیامت ، روز مجازات کافران با عذابی خوارکننده و ذلت بار

فالیوم تجزون عذاب الهون

۱۱- عرضه کافران بر آتش ، همراه با سرزنش و توبیخ ، گوشه ای از عذاب ذلت بار آنان *

یوم یعرض .. أذهبتم طیبتکم فی الحیاتکم الدنیا و استمتعتم بها فالیوم تجزون عذا

برداشت بالا بدان احتمال است که نفس عرضه کافران بر آتش و توبیخ آنان، خود جزئی از عذاب خفت بار آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۱

۱ - آثار ذلت و نگرانی ، نمایان در چشم کافران ، به هنگام خروج از قبرها در رستاخیز

خشعاً أبصرهم یخرجون من الأجدات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۲

۲ - کافران و مستکبران ، مردمی زیبون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعة .. خافضه رافعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۱۰

۱۰ - کافران ، دچار خذلان و رسوایی در عرصه قیامت

یوم لا یخزی اللہ النبی و الذین ءامنوا معه

استثنا شدن پیامبر(ص) و مؤمنانِ همراه او از خذلان روز قیامت، بیانگر آن است که دیگران (کافران) دچار آن خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم -

۱ - ظهور و بروز ذلت و ترس ، در دیدگان کافران و مشرکان در عرصه قیامت

خشعه أبصرهم

۲ - ذلت و خواری ، تمامی وجود کافران و مشرکان را در قیامت فرا می گیرد .

ترهقههم ذله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۰ - ۴

۴ - خفت و خواری کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

خذوه فغلوه

دستگیری و به غل و زنجیر کشیدن کافران با آن که هیچ راه گریزی از عذاب الهی ندارد می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۴ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ناپذیر ، با چشمانی فروافتاده و فروتنانه در محکمه عدل الهی حاضر می شوند .

خشه أبصارهم

۲ - ذلت و خواری ، تمام وجود کافران حق ناپذیر را در قیامت فرامی گیرد .

ترهقههم ذله

<رهق> (مصدر <ترهق>) به معنای پوشاندن به اجبار است (مفردات راغب) و <ترهقههم ذله> اشاره به فراگیر بودن ذلت دارد که تمام وجود کافران را می پوشاند.

۳ - زندگی خفت بار و ذلت آفرین در آخرت ، وعده همیشگی خداوند به کافران حق ناپذیر

ذلك اليوم الذي كانوا يوعدون

آمدن فعل <کانوا> با فعل مضارع <یوعدون>، بر استمرار وعده الهی دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۵

۵ - جایگاه مؤمنان در آخرت، نشانه عزّت و کرامت آنان و جایگاه کافران، پست و ذلّت آفرین است.

هم أصحاب المشئمه

راست و چپ، کنایه از

عظمت و پستی جایگاه است زیرا در جوامع انسانی، مرسوم است که سمت راست، نشانه کرامت و سمت چپ رمز شوم بودن است و گرنه راست و چپ حقیقی، وابسته به اعتبارات و با در نظر گرفتن مرکزیتی خاص است که در این آیات، از آن سخنی به میان نیامده است.

ذلت دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲ - واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

لو نشاء .. فظلمت تفکھون . اِنَّا لمغرمون

ذلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۴

۴ کافران در دنیا ، مغلوب مؤمنان و در آخرت ، مقهور خدا هستند . *

قل للذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۲

۲ اموال و اولاد ، تنها تکیه گاه به هنگام ذلت و ابتلای به غضب الهی ، از دیدگاه اهل کفر

ضربت علیهم الذلّه .. و باءو بغضب من الله ... انّ الذین کفروا لن تغنی

ظاهراً منظور از <الذین کفروا> ، همان جناح اهل کتاب هستند که در آیات سابق وضعیت آنان بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۷ - ۲،۳،۴

۲ هلاکت و خواری بزرگان سپاه کفر در جنگ بدر *

و لقد نصرکم اللہ بیدر . . . ليقطع طرفاً من الذين كفروا

برخی از مفسرین، <طرفاً> را به معنای

اشراف و بزرگان گرفته اند، به استناد اساس اللغه که گفته است: <من اطراف العرب یعنی من اشرافهم>.

۳ خداوند ، هلاک کننده و خوارکننده کافران

ليقطع طرفاً من الذين كفروا او يکبتهم

فاعل <ليقطع>، ضمیری است که به <الله> ارجاع می شود.

۴ بازگشت ذیلان و ناامیدانه باقیمانده کافران ، از اهداف نصرت الهی به رزمندگان بدر

و لقد نصرکم الله بیدر... ليقطع... فينقلبوا خائبين

جمله <فينقلبوا...>، عطف بر <ليقطع> است بنابراین بازگشت ذیلان و ناامیدانه کافران، از اهداف پیروزی بدر خواهد بود و به مقتضای <فاء> تفریح، این بازگشت، نتیجه هلاکت و اسارت بخشی از کافران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۲

۱۲ تهدید کافران به عذابی خوارکننده از سوی خداوند

و لهم عذاب مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۱۱

۱۱ سنت الهی حاکم بر جوامع بشری ، در جهت غلبه یافتن دین خدا و عزت مؤمنان ، و شکست کفر و خواری کفرپیشگان است .

و أن الله مخزی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < و لايزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه > و هي النقمه > أوتحلّ قريباً من دارهم < فتحلّ بقوم غيرهم فيرون ذلك و يسمعون به و الذين حلّت بهم عصاه كفار مثلهم و لايتعظ بعضهم ببعض و لن يزالوا

كذلك > حتى يأتي وعد الله < الذي

وعد المؤمنین من النصر و یخزی الله الکافرین ۷

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <و لایزال ..> روایت شده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] <أو تحلّ قریباً من دارهم> [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آید و آنان می بینند و می شنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شده، مانند ایشان گناهکار و کافرند و [لیکن] برخی از برخی دیگر پند نمی گیرند و همواره چنین هستند تا وعده خدا فرا رسد و، حتی یأتی وعد الله، همان وعده ای که به مؤمنان داده است که آنان را پیروز کند و خداوند کافران را خوار می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۱۵

۱۵- ضعف و زبونی کافران و خدایان آنان در برابر اراده خداوند

أفهم الغلبون

همزه در <أفهم> برای استفهام انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۱

۱۱ - نوید عزت و پیروزی به اهل ایمان و شکست و خواری کافران و مشرکان صدراسلام

و من الناس من یجدل.. .. ثانی عطفه... له فی الدنیا خزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۷

۷- ندامت و ذلت حتمی ، فرجام مجرمان کفرپیشه است .

بلقاء ربهم کفرون .. و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۲

۲ - کافران و مشرکان ، به وقت نزول عذاب الهی بر آنان ، در

وضعیت بسیار بد و اسفباری قرار خواهند گرفت .

فإذا نزل بساحتهم فساء صباح المنذرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۲، ۱

۱- کافران ، مورد نفرین خداوند و گرفتار ذلت و خواری

و الذين كفروا فتعسّأ لهم

واژه <تعسّأ> (به معنای لغزیدن و به رو در افتادن) نشانگر ذلت و خواری است.

۲- فرجام نهایی کافران ، به رو افتادن در خاکِ مذلت و از دست دادن تلاش ها است .

و الذين كفروا فتعسّأ لهم و أضلّ أعمالهم

بنابراین که جمله <فتعسّأ لهم> خبریه باشد و با توجه به این که <تعس> به معنای به رو در افتادن است که حاکی از نهایت ذلت است مطلب بالا استفاده می شود.

رابطه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۰ - ۹

۹ لزوم پاسداری مؤمنان (جامعه ایمانی) ، از مرزهای فرهنگی ، در روابط خویش با کافران

يا ايها الذين امنوا ان تطيعوا فريقاً من الذين اوتوا الكتاب يردّوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۵

۵ وابستگی به بیگانگان کافر ، خصیصه بیماردلان سست ایمان

اقسموا بالله جهد ايمانهم لئلا يقاتلوا معكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۲

۲ روابط ولایی و دوستانه بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) با کافران

ما اتخذوهم أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۳

۳ مسلمانان نباید در پذیرش

صلح مطرح شده از سوی کافران هدفی جز دستیابی بهزندگی مسالمت آمیز با کافران داشته باشند . *

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید. مقصود این است که مسلمانان نباید صلح را به خاطر تجدید قوا و مانند آن بپذیرند.

رابطه ولایی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۳ - ۲

۲ ایجاد رابطه ولایی با کافران و حمایت از ایشان و درخواست حمایت از آنان ، بارور سازنده فتنه و تباهی بزرگ در زمین

و الذین كفروا .. إلا تفعلوه تكن فتنه

ضمیر مفعولی در <لا تفعلوه> به قانونهایی که در آیه قبل مطرح شد و نیز به دستوری که از صدر همین آیه به دست می آید برمی گردد. در برداشت فوق ضمیر به قطع ولایت با کافران، که از جمله <الذین كفروا ...> استفاده شده، برگردانده شده است.

رازهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۲

۲ - منافقان ، برادر کافران و دارای رمز و راز با ایشان

الذین نافقوا يقولون لإخوانهم الذین كفروا

رجعت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱،۴

۱ - تعلق اراده الهی بر بازگرداندن دسته ای از کافران هر امت به دنیا ، قبل از قیامت

و یوم نحشر من کلّ أُمَّه فوجًا

دلالت آیه بالا بر رجعت از آن جهت است که مسأله نفخ صور، در آیات بعدی مطرح شده است و این قرینه ای است بر این
که

مراد از این حشر، حشر روز قیامت نیست؛ بلکه حشری است که در دنیا صورت می‌گیرد و با خروج <دَابَّةِ الْأَرْضِ> ارتباط دارد. علاوه بر این، در قیامت همه کافران بدون استثنا، محشور می‌شوند؛ ولی حشر در این آیه، مربوط به دسته‌ای از کافران هر امت است، این نیز قرینه دیگری است بر این که مراد از حشر در این جا، <رجعت> پیش از قیامت است.

۴ - عدم وجود آزادی و اختیار برای کافران در صحنه <رجعت>

فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۱

۱ - قرار گرفتن کافران در جایگاه محاکمه پس از برانگیختن آنان در روز رجعت

و یوم نحشر.. حتّٰی إذا جاءو

رحمت بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۶

۶ رحمت خدا حتی کافران و گمراهان را نیز فرا می‌گیرد.

فلیمد له الرحمن مدّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - رحمت خداوند حتی کافران را نیز فرامی‌گیرد.

أم اتّخذ عند الرحمن عهداً

ذکر نام <رحمان> در نفی مدعای کافران به جهت بیان این نکته است که تفضلی خداوند به کافران نیز پرتویی از رحمانیت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- روی گردانی کافران از پروردگار خویش ، علی رغم برخورداری از رحمت مداوم او

قل من یکلؤکم .. من الرحمن بل هم عن ذکر ربهم معرضون

<بل> در آیه شریفه، برای

اضراب انتقالی است؛ یعنی، خداوند پس از بیان نیاز بشر به خدای رحمان و ذکر عذاب او، به علت اصلی کفر کافران (اعراض از یاد پروردگار و بی توجهی به ربوبیت الهی) پرداخته است.

رد آرزوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۷

۷- تمنای کافران بر بازگشت به دنیا، تمنایی مردود و غیر قابل پذیرش

قال ربّ ارجعون .. کلاً

رد استمهال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۵

۵- کافران، در طول عذاب اخروی، کمترین مهلت و آسایشی نخواهند داشت.

ولا هم ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۱

۱ - یادآوری برخورد های مستکبرانه کافران با مؤمنان در دنیا، در پی نجات خواهی آنان از دوزخ و رد آن از سوی خداوند

ربّنا أخرجنا منها .. قال احسبوا ... إنه كان فريق من عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۴

۴ - با قطعی شدن عذاب استیصال بر کافران، هیچ مهلتی برای گریز آنان نخواهد بود.

ما لها من فواق

در زبان عرب به مدت زمانی که دوشنده شیر در فاصله میان دو بار دوشیدن به بچه شتر مهلت می دهد تا شیر بنوشد، <فواق> گفته می شود و مقصود از آن، مدت کوتاه و زودگذر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ -

۶ - کافران حق ستیز ، فاقد هر گونه مجال و فرصت برای عذرخواهی و رضایت طلبی از خداوند ، در روز قیامت

و لا هم يستعتبون

<استعتاب> (مصدر <يستعتبون>) به معنای درخواست عذرخواهی است. و در این آیه می تواند کنایه از این باشد که به کافران، مجالی برای عذرخواهی و طلب رضایت خداوند، داده نمی شود.

رد استهزاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳ - ۲

۲ - اختلاف نظر کافران درباره معاد ، دلیل نابه جا بودن موضع گیری استهزاآمیز آنان است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. الذی هم فیه مختلفون

توصیف منکران معاد به کسانی که با هم اختلاف نظر دارند، اشاره به این است که نباید آنان درباره چیزی که خود درباره آن آرای گوناگون دارند، موضع انکارآمیز برگزینند؛ بلکه باید آن را محتمل دانسته و از استهزای معتقدان به آن دست بردارند.

رد بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۴

۴ - با ارائه شدن وحی و پیام های الهی ، هیچ عذر و بهانه ای برای کافران و انسان های متخلف ، در پیشگاه خداوند قابل قبول نیست .

فالمَلِئِیۡتِ ذَکَرًا . عذْرًا اَوْ نَذْرًا

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

رد پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- فرمان خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر سازش نکردن با کافران تکذیب‌گر و نپذیرفتن هرگونه پیشنهاد سازش

فلاتطع المكذبین . و دوا لوتدهن فیدهنون

رد

توبه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۱

۱ - ایمان به خداوند یکتا و توبه و بازگشت از شرک ، از سوی مشرکان و کافران محکوم به عذاب استیصال به وقت نزول آن ، مورد پذیرش خداوند قرار نگرفت .

فلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّةٌ .. فَلَئِمَّا يَنْفَعُهُمْ إِيْمَنُهُمْ لَمَّا رَأَوْا ب

رد تهمت‌های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۱

۱ پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ وحی و پاسخ گویی به دروغ پردازی ها و اتهام های واهی کافران ، علیه رسالت خویش و قرآن

و قال الذين كفروا ان هذا ... قل انزله الذی يعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۳

۳ - ردّ اتهام کافران از سوی خداوند نسبت به ساختگی بودن قرآن

و إِنَّكَ لَتَلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ

رد عذر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۴

۴ - با ارائه شدن وحی و پیام های الهی ، هیچ عذر و بهانه ای برای کافران و انسان های متخلف ، در پیشگاه خداوند قابل قبول نیست .

فَالْمَلَقِيتَ ذِكْرًا . عَذْرًا أَوْ نَذْرًا

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

رد عذر کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۹

۹- تبعیت کورکورانه از رهبران گمراه ، عذری برای رهایی از عذاب

الهی در قیامت نیست .

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعا فهل أنتم مغنون عنا .. من شيء

درخواست کمک از رهبران گمراه در قیامت برای کاستن از عذاب از سوی کسانی که تابع محض بوده اند، حکایت از آن دارد که تبعیت بی چون و چرا موجب نمی شود که عذاب برداشته شود، بلکه پیروان نیز عذاب خواهند شد.

رد فدیة کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۲

۲ - در قیامت ، از منافقان و کافران فدیة پذیرفته نمی شود .

فالیوم لایؤخذ منکم فدیة و لا من الذین کفروا

رذالت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ - کافران در قیامت ، به پستی خود و شرافت خاک بر آنان ، پی خواهند برد .

و یقول الکافر یلبیتی کنت ترابا

رذایل اخلاقی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۱

۱ - کافران مخالف پیامبر (ص) در صدراسلام ، مردمی پندناپذیر و لجوج بودند .

فما لهم عن التذکره معرضین

رذایل کافران

۲ کفرورزی کافران و اعمال ایشان (افترا بر خداوند ، بازداری از راه خدا و ...) خارج از حاکمیت خداوند نیست .

و من أظلم ممن افترى على الله كذبًا .. أولئك لم يكونوا معجزين

ماضی بودن معنای جمله < أولئك لم يكونوا .. > (آنان هیچ گاه از حاکمیت

خدا خارج نبوده اند) می رساند که: گرایش کافران به کفر نیز تحت حاکمیت خدا صورت گرفته است.

رسوایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۱۰

۱۰ - کافران ، دچار خذلان و رسوایی در عرصه قیامت

یوم لا یخزی الله النبی و الذین ءامنوا معه

استثنا شدن پیامبر(ص) و مؤمنان همراه او از خذلان روز قیامت، بیانگر آن است که دیگران (کافران) دچار آن خواهند بود.

رسوایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۲

۲ شرمساری و رسوایی بی اندازه کافران به خدا و منکران معاد در قیامت

ماذا علیهم لو امنوا .. یومئذ یؤد الذین کفروا ... لو تسوی بهم الارض

به دلیل آیات گذشته، مراد از کفر، کفر به خدا و معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۱

۱ شکست و رسوایی ، فرجام کافران ستیزه گر با خدا و رسول او

ذکم

<ذکم> خبر برای مبتدایی محذوف و اشاره به شکست خفتبار مشرکان در جنگ بدر دارد ؛ یعنی <الأمر ذکم> ؛ مطلب از این قرار است که بیان شد.

رفاه دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۲،۳،۶

۲ - رفاه دنیوی کافران ، در قبال عذاب سخت آخرت ، اندک و ناچیز است .

نمَتَّعَهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ

۳ - نعمت های کافران در دنیا ، هر چند به ظاهر زیاد باشد ، ناچیز است .

و من کفر . . .

نمَتَّعَهُمْ قَلِيلًا

<قليلًا> ممکن است نسبی بوده و در رابطه با مجموعه امکانات دنیا و نیز آخرت و همین طور زوال پذیر بودنش سنجیده شود. در این صورت، این معنا را می رساند که کافران، هر چند امکانات زیادی به دست آورند، ناچیز است.

۶ - امکانات رفاهی نسبی کافران ، در دنیا ، از جانب خداوند است .

نمَتَّعَهُمْ قَلِيلًا

رفاه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۵، ۱۶

۱۵ - بهره مند ساختن کافران از متاع دنیا ، از سنت های خداوند است .

و من كفر فأتته

۱۶ - بهره مندی کافران از مواهب الهی ، موقت و گذراست .

و من كفر فأتته قليلاً ثم أضطره إلى عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۰ - ۲

۲ برخورداری مشرکان و کافران از رفاه و در اختیار داشتن امکانات دنیوی ، نشان رستگاری آنان نیست .

لا يفلحون. متع في الدنيا

جمله <متع في الدنيا> پاسخ از پرسش مقدر است ، یعنی، بعد از اینکه خداوند درباره مشرکان افترازننده فرمود: <آنان رستگار نخواهند بود>، این سؤال پیدا می شود که: پس آن همه رفاه و برخورداری از امکانات دنیوی در زندگی آنان چه معنایی دارد؟ خداوند پاسخ داد: <متع في الدنيا .. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۳

۳ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن زندگی کافران ، تا جایی که سقف خانه های خود را از نقره بسازند و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا

بروند .

لجعلنا.. لیبوتهم سقفاً من فضّه و معارج علیها یظہرون

رفاه کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۴

۴ - مسلمانان صدراسلام ، بر اثر مشاهده رفاه کافران ، در خطر توجه به زر و زیور دنیا بودند .

و لاتمدنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزواجاً منهم

این آیه گرچه خطاب به پیامبر(ص) است ولی ممکن است مراد از آن، تربیت مسلمانان باشد و در صورتی که شخص آن حضرت مراد باشد، این خطر برای دیگر مسلمانان قوی تر خواهد بود.

رفتار ناپسند کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۷

۷ خداوند ، کفرپیشگان را به سبب رفتار ناپسندشان (سرمستی ها ، ریاکاری ها ، بازداری مردم از راه خدا) ، مجازات خواهد کرد .

و لاتکونوا کالذین .. و اللّٰه بما یعملون محیط

رفتار ناپسند کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۲

۲ شیطان رفتار های ناشایست کافران مکه را در نظرشان زیبا جلوه داد .

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

رفع شک کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۷

۷ - عذاب استیصال ، برطرف کننده هرگونه شك و ریب از دل كفرپیشگان نسبت به آیات الهی

أو یأتیهم عذاب یوم عقیم

رفع مشکلات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۶

۶ - سوء استفاده کافران ، از لطف

و رحمت الهی در برطرف کردن گرفتاری های ایشان

و لو رحمهم... للّجوا فی طغینهم یعمهون

رنجهای اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۵

۵- رنج کافران و منکران هدایت های الهی در آخرت ، سرآمد تمام رنج های دیگران در دنیا است .

الأشقی

<أشقی>، اسم تفضیل است و در این که مراد برتری شقاوت در مقایسه با چه کسی است؛ گفته های چندی ابراز شده است؛ از جمله این که <أشقی> تعبیری دیگر از <کافر> است. چه آن که تمام سختی های مردم در دنیا (از قبیل فقر و مرض و...) در برابر سختی و شقاوت حاصل از کفر، اندک است.

روابط پنهانی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۵

۵- برخی از عناصر سست ایمان صدر اسلام ، دارای روابط پنهانی با کافران

قالوا للذین کرهوا ما نزل الله سنطیعکم فی بعض الأمر

روز عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۲۱

۲۱- روز فرا رسی عذاب دنیوی مشرکان و کافران ، روزی بس شگفت و عظیم

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

مراد از <عذاب یوم عظیم> ممکن است عذاب دنیوی باشد.

روسایهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۱

۱ - کسانی در قیامت روسیاه و تیره رخسارند که کفرپیشه و منحرف بوده و بی باکانه در گناه پیش رفته اند .

أولئك هم الكفرة الفجرة

فعل <فجر>، در مورد کسی گفته می

شود که سر خود را پایین انداخته و بی مبالایت پیش می رود؛ <فجور> در اصل به معنای انحراف از حق است و در معنای تاختن به سوی کارهای غیرمجاز نیز استعمال می شود. (لسان العرب)

روش احتجاج با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۴

۴ خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (ص) در چگونه استدلال کردن بر رسالت خویش و چگونه احتجاج کردن با کافران

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - ارائه شیوه احتجاج با کافران و مشرکان ، از سوی خداوند به پیامبر (ص)

قل أراءیتم إن أهلكنی الله

۲ - طرح پرسش های تَبَّه بخش و بیدارکننده ، شیوه ارائه شده از سوی خداوند به پیامبر (ص) در محاجّه با کافران و مشرکان

قل أراءیتم إن أهلكنی الله و من معی أو رحمتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳۰ - ۱

۱ - ارائه شیوه احتجاج با کافران و مشرکان ، از سوی خداوند به پیامبر (ص)

قل أراءیتم إن أصبح ماؤکم غورًا

روش برخورد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۴

۴ دشنام به کافران و مقدسات آنها، در صورتی که موجب عکس العمل متقابل آنان گردد، حرام است. *

و لاتسبوا .. فیسبوا الله عدوا بغير علم

در صورتی که جمله <فیسبوا ..> علت نهی باشد، نه حکمت

آن، حرمت دشنام به کافران و مقدسات آنها به مواردی محدود است که عکس العمل متقابل مشرکان را در پی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۱۸

۱۸ خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (ص) در چگونه برخورد کردن با کافران و پاسخ گویی به آنان

قل هوربی ... و إليه متاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۲

۲- مؤمنان ، موظف به انتخاب بهترین شیوه ها در گفتار و برخوردشان با مشرکان و کافران

و قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

برداشت فوق، مبتنی بر شأن نزولی است که در آن آمده است: مؤمنان در برابر اهانت و آزارهای مشرکان، تصمیم به برخورد شدید گرفتند (مجمع البیان ج، ۶ ص ۵) و خداوند پیامبر(ص) را موظف فرمود که به آنان اعلام کند: بهترین گفتار را انتخاب کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۶

۱۶- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به کارگیری شدت و خشونت است .

و إِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا

جمله <تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۸

۸- شدت و قاطعیت یاوران پیامبر (ص) در برابر کافران

محمّد . . . و الذين معه أشدّاء على الكفّار

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۱

۱ - اجازه خداوند به مؤمنان ، برای رفتار نیک و عادلانه با کافران غیر معاند با دین

لاینهاکم الله عن الذین لم یقتلوکم فی الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۴

۴ - همانندی منافقان با کافران ، از نظر چگونگی برخورد حکومت اسلامی و جامعه ایمانی با آنان

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۲ - ۱

۱ - رد معبود های کافران و امتناع از عبادت آنها در تمام عمر خویش ، خط مشی ارائه شده از سوی پیامبر (ص) ، در

گفتوگو با کافران

لا أعبد ما تعبدون

روش برخورد با کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۸

۸ - رهنمود خدا به پیامبر (ص) در چگونگی پاسخ به کافران و مشرکان لجوج

قل ربی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

روش برخورد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۷

۷ تمسخر مؤمنان ، روش دنیاپرستان و کافران

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا و یسخرن من الذین امنوا

فعل مضارع <یسخرن>، دلالت بر استمرار دارد که از آن در برداشت فوق، به <روش> تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۳۵

۳۵ بزرگ جلوه دادن اعمال خلاف مسلمین توسط کفار ،

و نادیده گرفتن اعمال زشت خود

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله و كفر به .

برخی برآنند که سائلین، مشرکان مکه بودند تا به این وسیله خلاف برخی از مسلمین را به رُخ پیامبر (ص) کشند و علیه او تبلیغات کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۱

۱ محبت برخی از مؤمنان نسبت به بیگانگان و اهل کفر، و دغلبازی اینان با مؤمنان

يا ايها الذين امنوا .. ها انتم اولاء تحبونهم ... و اذا خلوا عضوا عليكم الأنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۲، ۹

۹ رویگردانی، تکذیب و تمسخر، مراحل مبارزه و رویارویی کافران با آیات الهی و قرآن*

ما تأتيهم من آية ... إلا كانوا عنها معرضين. فقد كذبوا بالحق ... ما كانوا به ي

۱۲ تکذیب آیات الهی با تمسخر و استهزا از شیوه های کافران

فقد كذبوا بالحق لما جاءهم فسوف تأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۱

۱ در صورت نزول کتابی ملاموس از سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه بأيديهم لقال الذين كفروا إن هذا إلا سحر مبني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۳

۳ تمسخر و استهزای پیامبران الهی، شیوه کافران در طول تاریخ بوده است.

و لقد استهزیء برسول من

قبلک . .. ما کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۳

۳ افسانه خواندن قرآن و کهنه دانستن مطالب آن، از ترفندهای کافران برای جلوگیری از گوش فرادادن مردم به آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین. و هم ینهون عنه

<اول> به معنای آغاز است، و مراد کافران از این اتهام کهنه بودن مطالب قرآن می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۱،۲

۱ روش کافران مکه در برخورد با آیات الهی، همانند روش فرعونیان و کافران پیش از آنان

كدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

<دأب> به معنای عادت و روش است. و چون آیه به دنبال قضایای جنگ بدر آمده، معلوم می شود مشبه کافران مکه هستند و تقدیر جمله چنین است: داب هؤلاء الکفره كدأب ءال فرعون. قابل ذکر است مراد از ضمیر در <قبلهم> آل فرعون هستند.

۲ همگونی روش کافران در طول تاریخ در برخورد با آیات الهی

كدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۱،۲

۱- اقوام کافر پیشین پس از مواجهه با برهان های روشن و دلایل منطقی انبیا و پافشاری آنان بر مواضع خویش، آنان را تهدید به تبعید و یا بازگرداندن اجباری به کفر (ارتداد) می کردند .

و ما لنا ألا نتوکل . .. لنصبرنّ علی ما ءاذیتمونا ... و قال الذین کفروا لرسلمهم

۲- تهدید و توسل به زور، از ابزار کفار به هنگام درماندگی

از پاسخ گویی به براهین منطقی انبیا

جاءتهم رسلهم بالبينت .. قالوا إنا كفرنا ... و لنصبرن ... و على الله فليتوكل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۷ - ۳

۳- تبلیغات سوء و استهزای آزار دهنده ، حربه همیشگی مشرکان و کافران علیه اسلام و پیامبر (ص)

المستهزءین .. و لقد نعلم أنك يضيق صدرك بما يقولون

فعل مضارع <يقولون> بر استمرار و همیشگی بودن گفتار و تبلیغات مشرکان و دشمنان دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۱،۳

۱- آگاهی کامل خداوند ، به هدف ها و انگیزه های کافران در گوش فرا دادن به کلمات پیامبر (ص)

نحن أعلم بما يستمعون به

<با> در <بما> برای سببیت است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما به غرض و انگیزه ای که کافران به خاطر آن به سخنان پیامبر(ص) گوش فرامی دهند علم داریم.

۳- کافران ، به منظور خنثی کردن سخنان پیامبر (ص) به نجوا و گفت و گوی سزای می پرداختند .

نحن أعلم بما يستمعون به .. و إذ هم نحوی إذ يقول

<إذ هم نحوی> و إذ يقول الظالمون <بدل >إذ يستمعون إليك> است. با توجه به این نکته، معنای آیه چنین می شود: ما آگاهترین هستیم به غرض کافران در گوش فرا دادن به سخنان پیامبر(ص) که تهمت زدن [سحرزدگی] به اوست و آگاه هستیم از نجوا و گفت و گوی آنان. چنین بیانی حکایت از آن دارد که غرض آنها از گوش دادن، تمهید و آماده شدن

برای خنثی سازی سخنان پیامبر(ص) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۴

۴- استهزای آیات و پیامبران الهی ، شیوه کافران و عامل دوزخی شدن و حبط عمل آنان است .

جزاؤهم جهنم بما کفروا واتخذوا آیتی و رسلی هزواً

<هزواً> و <هزءاً> به یک معنا است و مصدری است که حمل آن بر <آیات> و <رسل> برای مبالغه است. راغب، آن را <شوخی ناآشکار> و دیگران، آن را <تمسخر> معنا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۷

۷- پاسخ کافران عصر بعثت ، در برابر آیات روشن و دلایل کافی توحید و اسلام ، بیان وضعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی خود نسبت به مؤمنان بود .

قال الذین کفروا للذین ءامنوا .. أئی الفریقین خیر مقاماً و أحسن ندیاً

لام در <للذین آمنوا> ممکن است برای تبلیغ باشد. در این صورت مؤمنان مخاطب کافران خواهند بود. همچنین می تواند برای تعلیل بوده و مراد این باشد که کافران، به خاطر مؤمنان و در باره آنان، پرسش یادشده را مطرح کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۱ - ۳

۳- همسانی کافران در طول تاریخ ، در برخورد غیر منطقی با رسولان الهی

و لقد استهزئ برسل من قبلک

برخورد استهزاآمیز، بیانگر نداشتن منطق در موضع گیری ها است و چون پیامبران پیشین و پیامبراسلام(ص) مورد تمسخر کافران قرار گرفته اند، به دست می آید که برخورد کافران همسان بوده و مواضع مشابهی داشته اند.

جلد - نام سوره -

۱ - یادآوری برخورد های مستکبرانه کافران با مؤمنان در دنیا ، در پی نجات خواهی آنان از دوزخ و رد آن از سوی خداوند

ربّنا أخرجنا منها .. قال اخسئوا ... إنه كان فريق من عبادي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ تحقیر و سرزنش ، حربه مشرکان برای بازداشتن مردم از پیروی پیامبر (ص)

قالوا .. إن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - استفاده کافران از شعر ، در هجو ارزش های الهی و پیامبر (ص)

و ذكروا الله كثيرا و انتصروا من بعد ما ظلموا

قیدهای <ذکروا الله كثيرا> و <انتصروا من بعد ما ظلموا> می تواند نشانگر این باشد که شاعران جاهلی، ارزش های الهی و شخص پیامبر(ص) و مسلمانان را هجو می کردند و خداوند ضمن تشویق شاعران مسلمان به تبلیغ ارزش های الهی (و ذکروا الله كثيرا)، مقابله به مثل را نیز برای آنان تجویز کرده است (وانتصروا من بعد ما ظلموا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - تکذیب بی دلیل آیات الهی ، شیوه مستمر و عادت همیشگی کافران

أَمَّا ذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

تعبیر <کنتم تعملون> ماضی استمراری و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۵

۵ - نزول دفعی قرآن همانند تورات

، شرط پیشنهادی کافران برای قبول رسالت پیامبر (ص)

فلما جاءهم الحق من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۵

۵ - پیامبر اکرم (ص) در انجام دادن رسالت خویش ، با رو در رویی کافران و منافقان مواجه بود .

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ .. و دع اذيههم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶ - ۱

۱ - اتهام جنون و شاعر بودن به پیامبر (ص) ، شیوه مشرکان و کافران در برابر پیامبر (ص)

و يقولون أئنا لتاركوآءالهدتنا لشاعر مجنون

آمدن فعل <يقولون> به صیغه مضارع، حکایت از استمرار این سخن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۴

۴ - توبیخ و سرزنش به جهت اعتقادات دینی ، از روش های کافران در مبارزه با اسلام

يقول أءنك لمن المصدقين

فعل مضارع <يقول> که بر استمرار دلالت دارد گویای این حقیقت است که توبیخ و سرزنش کردن، کار همیشگی کافران در برخورد با مؤمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۹

۱۹ - باور و رفتار کافران ، براساس ظن و گمان است ، نه یقین و برهان .

و ما أظن الساعة قائمه و لئن رجعت إلى ربي

برداشت یاد شده بر این اساس است که کافران از یک سو برپایی قیامت را مورد تردید قرار می دهند و از سوی دیگر فرض وجود قیامت را مطرح می نمایند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷ - ۶

۶ - شناخت تاریخ و آگاهی از موضع گیری های همگون کافران در برابر پیامبران ، مانع نگرانی و دلسردی رهبران دینی است

و کم أرسلنا .. إلا كانوا به يستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - موضع کافران در برابر پیامبران و وعده آنان به برپایی قیامت ، موضعی مستکبرانه و استهزا آمیز

وإذا قيل .. و الساعة لاریب فیها قلتم ما ندری ... و ما نحن بمستیقین

از سیاق آیه، استفاده می شود که سخن کافران در <ما ندری..> لحن استهزایی نیز داشته و آیه بعد مؤید این معنا است (كانوا به يستهزءون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۳ - ۵

۵ - شیوه کافران در انکار معاد ، استهزاگرانه و نه منطقی

كانوا به يستهزءون

شیوه بودن استهزا از <كانوا به يستهزءون> که بر استمرار دلالت دارد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۵ - ۱

۱ - استهزای آیات الهی ، شیوه کافران مستکبر و دنیا محور

فاستکبرتم .. اتخذتم آیت الله هزواً

از این که به جای <استهزأتم> و یا تعبیر مشابه دیگر، گفته شده <اتخذتم آیات الله هزواً>، می توان به مطلب بالا راه برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۷

۷- اتهام سحر ، سپر دفاعی کافران در برابر آیات روشن وحی

إذا تتلى عليهم ءآيتنا بينت قال الذين

کفروا .. هذا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۲،۱۷

۲- برخورد تحقیرآمیز کافران ، با گرایش محرومان به دین ، نمودی از روحیه استکباری آنان است .

و استکبرتم .. و قال الذین کفروا للذین ءامنوا لو کان

۱۷- انکار حقایق دین از سوی کافران ، در قالب روشن فکری و ارزش گرایی

و قال الذین کفروا .. لو کان خیرًا ما سبقونا إليه ... فسیقولون هذا إفک قديم

کافران با دعوی <لو کان خیرًا> خود را ارزش خواه و با اتهام <هذا إفک قديم> خود را روشن فکر و ضد ارتجاع معرفی می کنند و با این ادعاها، بدون تأمل در حقایق قرآن (إذ لم یهدوا به) به کفر و انکار می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۹

۱۹- پیشینه داشتن اندیشه های دینی ، زمینه ارتجاعی شمرده شدن آن از سوی کافران *

فیقول ما هذا إلا أسطیر الأولین

تعبیر <الأولین> نشانگر پرسابقه بودن عقیده به معاد در میان جوامع است و تعبیر <أسطیر>، اشاره به ارتجاعی بودن اندیشه معاد دارد. قرین آمدن این دو تعبیر، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۳،۴

۳- استهزای کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص) ، در پی خارج شدن از محضر آن حضرت

حتی إذا خرجوا من عندک قالوا .. ماذا قال ءانفاً

پرسش <ماذا قال آنفاً> از روی توهین و استهزا بوده است.

۴- حضور کافران ،

در مجلس پیامبر (ص)، حضوری صوری با اهدافی توطئه آمیز *

و منهم من يستمع... قالوا للذين أوتوا العلم ماذا قال آنفاً

خداوند در این آیه، حالت پرسشگری کافران (ماذا قال آنفاً) را مورد سرزنش و توبیخ قرار داده است. این توبیخ، از آن جهت بوده است که در پرسش آنان، نوعی توطئه و سعی در سست کردن ایمان دیگران، نهفته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون أیام یوم اللّٰدین

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود؛ زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۱،۴

۱ - تکذیب و اتهام، شیوه همیشگی اقوام و جوامع کفرییشه و شرک آلود در برابر فرستادگان الهی

کذلک ما أتى الذین من قبلهم من رسول إلا قالوا ساحر أو مجنون

۴ - اتهام سحر و جنون، موضع همیشگی کافران در برابر رسولان الهی

ما أتى الذین... إلا قالوا ساحر أو مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۲

۲ - کافران، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (ص)

أم یریدون کیداً

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر(ص) و بررسی علل آن

اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از ابهام شخصیت پیامبر(ص) نیست؛ بلکه دقیقاً ترفندی خائنانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۲

۲ - معرفی قرآن به عنوان افسانه کهن ، از ترفند های همیشگی کافران تکذیب گر

إذا تتلى عليه آيتنا قال أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۱،۷

۱ - نگاه کافران به پیامبر (ص) ، نگاهی خشم آلود و کینه توزانه بود .

و إن يكاد الذين كفروا ليزلقونك بأبصرهم

<زَلَقَ> (مرادف <ذلل>) به معنای لغزیدن و سقوط کردن است و عبارت <ليزلقونك بأبصارهم> کنایه از این است که کافران، با نگاه خشم گینانه و کینه توزانه، به پیامبر(ص) می نگریستند؛ مانند آن که گفته می شود: فلان کس آن چنان به من نگاه می کند، که گویا می خواهد مرا با نگاهش بخورد و یا بکشد؛ یعنی، اگر برای او ممکن باشد که با نگاهش مرا بخورد و یا بکشد، چنین خواهد کرد.

۷ - ترور شخصیت (همچون پیامبر (ص)) ، از ترفند های کافران برای مبارزه با تعالیم اسلام و قرآن

لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَقَوْلُوهٖ لَمَجْنُونٍ

این که کافران، به جای مبارزه با تعالیم قرآن، پیامبر(ص) را متهم به جنون کردند؛ بیانگر این نکته است که آنان درصدد بودند با این کار، به هدف خود (نابودی دین) نائل شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین

۴ - گنه پیشگان کافر، در برخورد با مؤمنان، چنان خود را در مقام قیم و نگهبان می نشانند که گویا هدایت آنان را مأموریت خود می دانند.

و ما أُرسلوا عليهم حفظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۱

۱ - کافران، به مجرد شنیدن آیات قرآن، آن را تکذیب کرده و معارف آن را دروغ می پنداشتند.

بل الذین کفروا یکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۵، ۲

۲ - کافران، تکذیب قرآن را ابزار رسیدن به اهدافی ساخته بودند که آن را اظهار نمی کردند.

بل الذین کفروا یکذبون . و الله أعلم بما یوعون

از مصادیق <مایوعون>، نیت ها و مقاصدی است که کافران، تکذیب قرآن را وسیله رسیدن به آن مقاصد کرده بودند.

۵ - تکذیب قرآن از سوی کافران، ظاهری بوده و به دروغ بودن آن باور نداشتند.

و الله أعلم بما یوعون

تقابل این آیه با آیه قبل، بیانگر آن است که گرچه کافران به زبان قرآن را تکذیب می کردند ولی خداوند بهتر می داند که در درون آنان از تکذیب قرآن خبری نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۳

۳ - تصریح به آمادگی نداشتن مشرکان برای پذیرش توحید در هیچ زمان و تأکید بر واهی بودن پیشنهاد سازش از سوی آنان، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص) ،

قل . . . ولا أنتم عبءون ما أعبد

آيات

آغاز سوره که تسامح طرفین را در زمان آینده منتفی دانست با مفهوم خود، تکلیف زمان حال را نیز روشن کرده است. در این حال، وضعیت زمان حال به صراحت در این آیه، بیان شد تا موضع گیری ها شفاف باشد.

روش برخورد کافران دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۴

۴ - همگونی برخورد های مشرکان عصر بعثت با کافران عصر موسی ، در مورد کتاب آسمانی

و لو جعلنه قرءاناً .. و لقد ءاتینا ... فاختلف فیه

روش برخورد کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۵

۵ - خشمگین شدن کافران صدراسلام و ظهور آثار کینه و نفرت در چهره آنان ، به هنگام شنیدن آیات قرآن و معارف توحیدی آن

و إذا تتلى عليهم ءآیتنا بینت تعرف فی وجوه الذین كفروا المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۷ - ۴

۴ - رفتار کافران با شخصیت پیامبر (ص) ، برخوردی تحقیرآمیز و در حد شخصیتی فاقد شهرت و موقعیت

هل ندلکم علی رجل یتبئکم إذا مزقتم کلّ ممزق

ذکر نکردن شخصیت حقوقی پیامبر(ص) به عنوان رسول خدا و یا نگفتن نام آن حضرت و آوردن عنوانی نکره، حکایت از موضوع یاد شده دارد.

روش برخورد کافران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ اهل ایمان ، در دنیا مورد تحقیر کفرپیشگان مستکبر هستند .

أهؤلاء الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمه

روش برخورد کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مفاد جمله <کانوا به يستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۱

۱ روش کافران مکه در برخورد با آیات الهی همسان با روش فرعونیان و کافران پیش از آنها

كدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۱،۳

۱- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

۳- کافران مکه، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود، فردی مجنون و دیوانه می دانستند .

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر(ص) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۱،۲،۵

۱- کافران و مشرکان مکه ، به هنگام رو به رو شدن با پیامبر (ص) ، آن حضرت را مورد تمسخر و استهزا قرار می دادند .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتخذونک إلهزوا

۲- تمسخر و استهزا ، تنها شیوه برخورد مشرکان و کافران مکه با شخص پیامبر (ص) بود .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتخذونک إلهزوا

حرف نفی <إن> و حرف استثنا <إلا> پس از آن که بر قصر دلالت می کند و نیز آمدن <هزوا> به صورت مصدر، همگی بیانگر استمرار و شدت در کار استهزا و تمسخر است.

۵- پیامبر (ص) ، مورد تحقیر مداوم کافران مکه قرار می گرفت .

و إذا رءاک .. أهذا الذی یذکرء الهتکم

همزه استفهامیه در <أهذا..> برای تعجب است و اسم اشاره <هذا> به قرینه استهزا در تحقیر استعمال گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۱۰،۱۱

۱۰ - کافران مکه ، در صدد

تحقیر و خوار ساختن پیامبر (ص) بودند .

و لا یستخفّنک الذین لا یوقنون

دعوت از پیامبر(ص) به صبر در برابر کافران و نیز توصیه به مراقبت از خود که مبدا کافران آن حضرت را خفیف و خوار کنند، می تواند بازگو کننده وضعیت رفتاری کافران درباره پیامبر(ص) باشد.

۱۱ - کافران مکه ، در صدد بودند تا با تبلیغات خود ، در مواضع عقیدتی پیامبر (ص) سستی ایجاد کنند .

إن أنتم إلا مبطلون.. و لا یستخفّنک الذین لا یوقنون

برخی بر این عقیده اند که معنای <لا یستخفّنک> ، <لاینفز عن دینک> (بیرون نبرند تو را از دین ات) است (لسان العرب).
<و لا یستخفّنک الذین لا یوقنون> می تواند بیان نوع اثری باشد که مشرکان، با <إن أنتم إلا مبطلون> در صدد ایجاد آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۹

۹ - انکار و برخورد عنادآمیز با قرآن و پیامبر (ص) ، شیوه مستمر کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

فعل <کان> هرگاه بر مضارع داخل شود افاده استمرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱

۱- تلاش کافران مکه ، برای تحقیر مؤمنان و بی اهمیت جلوه دادن ایمان آنان

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا لو کان خیرا ما سبقونا إلیه

روش تبلیغ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۸

۸- خارج کردن حق از صحنه ، با باطل نشان دادن چهره آن ، از شیوه های تبلیغاتی کفرپیشگان است .

و یجدل الذین کفروا بالباطل لیدحضوا به الحقّ

<إدحاض> به معنای

<إبطال> و <إزالة> است. <لیدحضوا به الحق> یعنی: <کفرپیشگان، با مجادله باطل، سعی در ابطال و ازاله حق دارند.>. روشن است که حق، قابل ابطال نیست، لذا تعبیر <خروج از صحنه> و <باطل نمایی> در برداشت به کار رفته است.

روش حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۶

۶- جدال و اشکال تراشی، با به کارگیری روش های باطل و دستاویز های دروغین، از شیوه های مبارزه کافران با حق است.

و یجدل الذین کفروا بالباطل لیدحضوا به الحق

روش دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۷

۷- توهین و تحقیر مسلمانان، از ابزار کافران در اظهار دشمنی با آنان

یيسطوا إليکم أیديهم و ألسنتهم بالسوء

روش دعای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۲، ۱

۱ سوت کشیدن و کف زدن، شیوه نیایش کافران مکه در مسجدالحرام و اطراف کعبه

و ما کان صلاتهم عند البيت إلا مکاء و تصديه

۲ سوت کشیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه، دلیل عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام

إن أولیاءه إلا المتقون... مکاء و تصديه

جمله <ما کان صلاتهم...> می تواند بیان مصداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی

برای عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

روش زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف

۴- لَدَّتْ جویی گسترده از امکانات حیات ، شیوه کافران

أذهبتم طيبتكم في حياتكم الدنيا و استمتعتم بها

روش کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۵

۲۵ - تفهیم اتهام و تبیین جرایم کافران برای ایشان ، قبل از اِعمال مجازات درباره آنان

فلننبئن الذين كفروا بما عملوا و لنذيقنهم من عذاب غليظ

از این که خداوند، مجازات کافران را پس از اطلاع آنان نسبت به گناهان شان ذکر فرموده، مطلب بالا قابل برداشت است.

روش مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱۳

۱۳- اتکا و توکل بر خداوند از رهنمود های انبیا برای تقویت جبهه مؤمنان در مقابل ستیزه جویی کافران

و علی الله فليتوكل المؤمنون

اینکه رسولان الهی پس از پاسخ گویی به شبهات مخالفان، اعلام می کنند که مؤمنان باید بر خداوند اتکا داشته باشند، در واقع رهنمودی است از سوی آنان که در برابر مخالفان و دشمنان باید به خدا متکی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۰

۱۰ - تسبیح و حمد مداوم پروردگار ، از راه های مقابله مؤمنان با تبلیغات کافران علیه خدا و دین

فاصبر علی ما یقولون و سبح

روش مبارزه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۳

۳ - ممانعت از ورود مسلمانان به مساجد و تلاش برای تخریب آنها، از روش های مبارزاتی کفرپیشگان علیه اسلام و مسلمین

و من أظلم ممن

منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه و سعی فی خرابها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۴

۴ اتهام سحر، وسیله ای برای مبارزه کافران با رسالت پیامبر(ص) و آیات الهی

لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۴

۴ استهزای وعیدها و تهدیدهای پیامبران الهی، از شیوه های مبارزه کافران با انبیا در طول تاریخ

و لقد استهزیء برسل من قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به

بنابراین که مقصود از <ما کانوا به یستهزءون>، عذاب موعود الهی باشد که در محتوای پیامهای انبیا(ع) ذکر می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ افسانه خواندن قرآن، از شیوه های مبارزه کافران و مشرکان با اسلام

حتى إذا جاءوک یجدلونک یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۱۱

۱۱- استفاده از تهمت و شخصیت شکنی، از روش های مبارزه کافران با پیامبر (ص) و تعالیم او

إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۳،۶

۳ تهمت و افترا ، ابزار و شیوه های مبارزه کافران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک افتریه و أعانه علیه قوم ءآخرون

۶ تهمت و افترا زدن کافران به گناهی که تنها

خود مرتکب آن بودند ، از شیوه های آنان در مبارزه ، علیه پیامبر اسلام (ص)

و قال الذین کفروا إن هذا إلا إفک افتریه . . . فقد جاء وظلمًا و زورًا

برداشت یاد شده از آن جا استفاده می شود که کافران، پیامبر اسلام (ص) را متهم به دروغ گویی می کردند؛ در حالی که خود، دروغ پرداز بودند و به دروغ و به ناحق، قرآن را ساخته و پرداخته آن حضرت می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۲

۱۲ تهمت سحر زدگی ، آخرین توجیه و حربه سران کفر و شرک علیه پیامبر (ص)

و قال الظالمون إن تتَّبعون إلا رجلاً مسحوراً

سران کفر و شرک، به ترتیب چند تهمت و افترا را علیه پیامبر (ص) مطرح کردند که اولین آن، تهمت دروغ گویی به آن حضرت و خدشه در اصالت وحی بود. آخرین آن نیز تهمت سحرزدگی به ایشان بود. در تاریخ آمده است که گویندگان این سخن عتبه بن ربیع، ابوسفیان و ... بوده اند که از سران شرک و کفر به شمار می آمدند. بنابراین آنچه در تاریخ آمده، مؤید دیگری برای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۱

۱ کافران ، با استفاده از مثل های باطل و ترسیم غیر واقعی چهره پیامبر (ص) به مبارزه علیه اسلام برخاسته بودند .

الذین کفروا . . . و لایأتونک بمثل

<مَثَل> هم به معنای <حجت> و <حدیث> (سخنانی در باره اثبات چیزی) و هم به معنای <صفت> (توصیف چیزی)

آمده است (قاموس المحيط). مقصود از آن در آیه شریفه، مجموعه سخنانی است که کافران در توصیف پیامبر(ص) و به منظور خدشه دار کردن چهره منور آن حضرت می گفتند که در آیات فوق از آنها یاد شده است. گفتنی است قید باطل بودن مثل ها، از قرینه مقابله جمله <لایأتونک بمثل > و جمله <إلا جئناک بالحق > استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۱

۱۱ - اتهام یاهو سرایی ، حربه کافران علیه پیامبر (ص) و مؤمنان بود .

لیقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلا مبطلون

باطل، در اصل، به معنای <بی ثبات و بی ریشه > است. گاهی، درباره کسی به کار برده می شود که مطلبی عاری از حقیقت بگوید (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۰ - ۳

۳ - تمسخر و استهزا ، از روش های مبارزاتی و حربه های تبلیغی کافران علیه رسولان الهی بود .

یحسرہ علی العباد ما یأتیهم من رسول إلا کانوا به یتستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۸

۸ - ترسانیدن و به هراس افکندن پیامبر (ص) و مؤمنان از ضربات دشمنان ، از روش های مبارزاتی مشرکان و کافران

و یخوّفونک بالذین من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۸

۸ - تمسخر ، از شیوه های مبارزاتی کافران و مشرکان با تعالیم آسمانی (قرآن)

یحسرتی علی ما فرّطت . . . و إن كنت

آمدن کلمه <السخرین> به صورت صفت (در قالب اسم فاعل) گویای این نکته است که به تمسخر گرفتن تعالیم قرآن، به صورت مقطعی و موردی نبود؛ بلکه دائمی و مکرر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۳

۳- نسبت افترا به پیامبر (ص)، از شیوه های کافران در مبارزه با آن حضرت

قال الذین کفروا .. هذا سحر مبین . أم یقولون افتریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۶

۶- استفاده جبهه کفر از تمامی روش های عملی و تبلیغی، برای زیان رساندن به مسلمانان

إن یتقفوکم یکونوا لکم أعداء و یسطوا إلیکم أیدیهم و ألسنتهم بالسوء

تعبیر <أیدیهم و ألسنتهم..>، بیانگر به کارگیری تمامی امکانات از سوی کافران است.

رؤیای صادق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۵

۱۵ رؤیای کافران نیز می تواند بیانگر واقعیت ها بوده و حاوی دستورالعملهایی برای حفظ جامعه از گزند ها باشد .

قال الملک إنی أری .. قال تزرعون سبع سنین دأباً

رؤیت شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۲

۲- قابل درک و مشاهده بودن نشانه های شکست و نابودی کافران و مشرکان معاند برای پیامبر (ص)

و أبصرهم

برداشت یاد شده از آن جا است که توصیه به دقت کردن در وضعیت کافران، مربوط به زمان بعد از شکست و عذاب نیست؛ بلکه به زمان قبل از

آن ارتباط دارد. بنابراین پیش از شکست و یا نزول عذاب، آثار آن برای پیامبر(ص) قابل رؤیت و درک بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۲

۲ - قابل درک و مشاهده بودن نشانه های شکست و نابودی کافران و مشرکان معاند برای پیامبر (ص)

و أبصر

برداشت یاد شده از آن جا است که توصیه به دقت کردن در وضعیت کافران، مربوط به زمان بعد از شکست و عذاب نیست؛ بلکه به زمان قبل از آن ارتباط دارد. بنابراین پیش از شکست و یا نزول عذاب، آثار آن برای پیامبر(ص) قابل مشاهده و درک بود.

رؤیت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۵ - ۲

۲ - وعده نزول عذاب بر کافران ، در مرآی و منظر پیامبر (ص)

و إنا علی أن نریکک ما نعدهم لقدرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۲

۲ - قابل درک و مشاهده بودن نشانه های شکست و نابودی کافران و مشرکان معاند برای پیامبر (ص)

و أبصرهم

برداشت یاد شده از آن جا است که توصیه به دقت کردن در وضعیت کافران، مربوط به زمان بعد از شکست و عذاب نیست؛ بلکه به زمان قبل از آن ارتباط دارد. بنابراین پیش از شکست و یا نزول عذاب، آثار آن برای پیامبر(ص) قابل رؤیت و درک بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۲

۲ - قابل درک و مشاهده

بودن نشانه های شکست و نابودی کافران و مشرکان معاند برای پیامبر (ص)

و أبصر

برداشت یاد شده از آن جا است که توصیه به دقت کردن در وضعیت کافران، مربوط به زمان بعد از شکست و عذاب نیست؛ بلکه به زمان قبل از آن ارتباط دارد. بنابراین پیش از شکست و یا نزول عذاب، آثار آن برای پیامبر(ص) قابل مشاهده و درک بود.

ریاکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۵

۵ همانندی انفاق توأم با منت و آزار مؤمنان ، با انفاق همراه با ریای کافران

يا ايها الذين امنوا .. كالذی ینفق ماله رثاء الناس و لا یؤمن بالله

انفاق مؤمنان آنگاه که با منت و آزار توأم شود، همانند انفاق کافرانی است که با ریا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۷

۷ خداوند ، کفرپیشگان را به سبب رفتار ناپسندشان (سرمستی ها ، ریاکاری ها ، بازداری مردم از راه خدا) ، مجازات خواهد کرد .

و لا تکونوا کالذین .. و الله بما یعملون محیط

زخم زبانهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۳

۳ پیامبر اکرم(ص) مورد تکذیب و زخم زبان و آزار کافران بود.

قد نعلم إنه لیحزنک الذی یقولون

زشتی صورت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۱

۱ - زشت و کریه شدن چهره های کافران و منکران معاد ، در لحظه مشاهده عذاب قیامت

فلما

رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

واژه <سوء> مرادف <قیح> و <سیئه> مقابل <حسنه> است.

زمینه آموزش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۲

۲- امکان شمول عفو الهی ، نسبت به کافران حق ستیز ، به شرط توبه و پشیمانی قبل از مرگ

إِنَّ الذِّينَ كَفَرُوا و... ثُمَّ مَاتُوا و هُم كَفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر کافر معاند در حال کفر نمیرد و قبل از مرگ توبه کند، مشمول <لن يغفر الله> نخواهد بود.

زمینه اتمام حجت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۳

۳- وجود معارف استوار و قوام بخش در قرآن ، نشان تمام بودن حجت بر کافران با ابلاغ آن از سوی پیامبر (ص) است .

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْيَبْرَةُ . رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ ... فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ

زمینه احساس مصونیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۳

۳- چیزی جز دروغ پنداشتن کیفر های اخروی ، گنه کاران و کافران را به احساس امنیت از عذاب سوق نداده است .

بَلْ تَكْتُمُونَ بِالْذِّينِ

مراد از <ذین> به قرینه آیات بعد که در آنها قیامت با عنوان <یوم الدین> یاد شده جزای اعمال است. حرف <بل> که برای اضراب است بیانگر آن است که کافران و گناه کاران، گرچه توجیهاتی نزد خود دارند ولی محرک اصلی آنان، چیزی

جز دروغ دانستن کیفرهای آخرت نیست.

زمینه تجاوزگری کافران

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۳

۳- امکان تعدی کافران به مؤمنان ، در قبال فراخوانده شدن به دین

ادع إلى سبيل ربك . . . و إن عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به

زمینه تشخیص کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۸

۸ میدان جهاد ، صحنه تمایز مؤمنان راستین از منافقان بی ایمان

و قعد الذین کذبوا اللّٰه و رسوله

زمینه تقدیر عذاب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۳

۳ - تصمیم لجوجانه بیشتر کافران و مشرکان صدراسلام بر ایمان نیاوردن ، سبب مقرر شدن عذاب الهی بر آنان بود .

لقد حقّ القول علی أكثرهم فهم لایؤمنون

برداشت یاد شده مبتنی بر این مطلب است که <فاء> در <فهم لایؤمنون> تعلیلیه است و جمله برای بیان علتِ مضمونِ جمله <لقد حقّ القول علی أكثرهم> می باشد یعنی، چون دانسته شد آنان ایمان نمی آورند، عذاب بر آنان مقرر شد.

زمینه تنبه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۴

۴ - خداوند ، به همه اقوام کافر و تکذیب گر ، فرصت می داد تا شاید متنبه شوند و دست از مخالفت بردارند .

فَأَمَلِيتَ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ

<إِمْلاء> (مصدر <أملیت>) از <مَلُو> و به معنای فرصت دادن است؛ یعنی، آن اقوام تکذیب‌گر و کافر را فرصت دادم تا به خود بیایند و دست از مخالفت بردارند. آن‌گاه چون آنان از فرصت داده شده استفاده نکردند

و هم چنان بر کفر و تکذیب خود اصرار ورزیدند، آنان را از میان برداشتم و نابودشان ساختم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۱

۱ - عذاب قهر الهی ، نقطه پایان غفلت زدگی و بی خبری کافران

بل قلوبهم فی غمره .. . حتّٰی إذا أخذنا مترفیهم بالعذاب إذا هم یجثرون

<حتی> ابتدائیه بوده و برای بیان غایت غفلت زدگی کافران و پایان اشتغال آنها به کارهای ناپسند است. <مترفین> (جمع <مترف>) به معنای مرفهان، خوشگذرانان و ناز پروردگان است. <جوار> در اصل به زوزه وحوش (آوای سگ، شغال و گرگ وقتی که صدمه ببیند) گفته می شود و در این جا کنایه از فریاد استغاثه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۶ - ۲

۲ - یادآوری آخرین لحظات زندگی انسان (هنگام احتضار و حالات تکان دهنده محضر) ، از سوی خداوند به کافران و منکران معاد ، برای بیدار کردن آنان از غفلت و مستی

کَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ

زمینه جهاد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۳

۳- پیروی کافران از باطل ، مستلزم امان ندادن به آنان ، آن گاه که به جنگ جبهه ایمان و نبردی رویاروی آمده اند .

الذین کفروا اتّبعوا البطل .. . فإذا لقیتم الذین کفروا فضرِب الرقاب

برداشت بالا- بنا بر این نکته است که <فإذا لقیتم> تفریع بر <الذین کفروا اتّبعوا الباطل> باشد یعنی، چون کافر بر باطل است، زمانی که به جنگ تو آمد در

کشتن او تردید نداشته باش.

زمینه حبط عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۱

۱- ناکامی و پوجی اعمال کافران بازتاب طبیعی باطل گرای آنان

الذین کفروا .. أضلّ أعمالهم ... ذلك بأنّ الذین کفروا اتبعوا البطل

<ذالك> اشاره به فرجام پوچ و اعمال بی ثمر کافران است (أضلّ أعمالهم).

زمینه حمایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۴

۴ - کوتاهی در ابلاغ رسالت الهی و عقب نشینی از آرمان های دینی ، موجب تقویت جبهه کفر و نوعی پشتیبانی از مواضع کفرپیشگان است .

فلاتكوننّ ظهیرًا للكفرین . و لا یصدنّک عن آیت الله

توصیه خداوند به دست برداشتن از ابلاغ آیات الهی، پس از هشدار از هرگونه پشتیبانی از کافران، می تواند به این حقیقت اشاره داشته باشد که ترک ابلاغ رسالت الهی، نوعی تقویت و پشتیبانی از آنان به شمار می رود.

زمینه دشمنی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۶

۶ - بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و دعوت مکرر آنان به ایمان است .

لمقت الله أكبر .. إذ تدعون إلى الإیمن فتکفرون

آمدن فعل های مضارع <تدعون> و <تکفرون> بر استمرار دلالت دارد، یعنی، شما همواره به ایمان فراخوانده می شدید

ولی به جای ایمان آوردن، به طور مستمر کفر میورزیدید.

زمینه دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۲

- ۲

تلاوت آیات قرآن از سوی پیامبر (ص) ، خشم و کینه کافران را به شدت برمی انگیزت .

و إن يكاد الذين كفروا ليزلقونك بأبصرهم لَمَّا سمعوا الذکر

زمینه دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۱

۱۱ - بی توجهی به عمق عداوت کافران با اسلام و مسلمانان ، زمینه ساز برقراری روابط دوستانه با آنان

لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ .. يَخْرُجُونَ ... أَنْ تُوْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ

بیان ابعاد مختلف عداوت کافران با مسلمانان، به عنوان دلیل ممنوعیت ارتباط دوستانه با آنان، بیانگر مطلب بالا است.

زمینه دوستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۱، ۱۲

۱۱- کافران ، در صورت عقب نشینی پیامبر (ص) از مواضع اصولی خویش (تعالیم وحی شده بر آن حضرت) قطعاً با او طرح دوستی صمیمانه ای می ریختند .

و إن كادوا ليفتنونك .. و إذا لاتخذوك خلیلاً

۱۲- کافران و دشمنان اسلام ، تنها در صورت عقب نشینی مسلمانان از برخی مواضع خویش ، راضی به تسالم و دوستی با آنان می شدند .

و إن كادوا ليفتنونك عن الذی أوحینا إلیك .. و إذا لاتخذوك خلیلاً

زمینه ذلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و

دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء ..

فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ . إِنَّا لَمَغْرُومُونَ . بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

زمینه زنگار قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۱۴ - ۶

۶ - مداومت کافران بر تکذیب ، طغیان و گناه ، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است .

بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

مراد از <ما کانوا یکسبون>، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

زمینه سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - ضعف روح صبر و شکیبایی ، از موجبات عدول از مواضع دینی و تسلیم و سازش در برابر خواسته های گناه پیشگان و

بیگانگان کافر

فاصبر لحکم ربّک و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

از توصیف شدن پیامبر(ص) به صبر و شکیبایی در امر رسالت پیش از دریافت هشدار نسبت به اطاعت از گروه های گناه کار

و ناسپاس مطلب یاد شده به دست می آید.

زمینه سازش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۹ - ۲

۲ - اعلام آمادگی کافران تکذیب گر ، به سازش کردن و نرمش نشان دادن با پیامبر (ص) ، در صورت سازش و نرمش

نمودن آن حضرت با آنان

وَدَّوَا لَوْتَدَهْن فَيِدَهْنُون

زَمِيْنَه سَلْطَه كَاْفِرَان

جَلْد - نَام سُوْرَه - سُوْرَه - آيَه - فَيِش

١٨ - مَمْتَحَنَه - ٦٠ - ٥ - ٧

٧ - خَطَا هَا

و لغزش ها ، زمینه ابتلای مؤمنان به رنج ها و سلطه کافران است . *

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً .. و اغفر لنا

ارتباط <واغفر لنا> با <لا تجعلنا فتنه ..>، ممکن است از این جهت باشد که یکی از عوامل <فتنه> (مفتون و معذب شدن) گناهان است. از این رو در تکمیل دعای <لا تجعلنا...>، طلب آمرزش شده است.

زمینه شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ نقش مهم هجرت پیامبر (ص)، در فروشکستن صولت و شعار کفر و اعتلا یافتن کلمه الله

فقد نصره الله إذ أخرجه .. و جعل كلمه الذين كفروا السفلى و كلمه الله هي العلى

زمینه عجله کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۶

۶- خوی شتاب زدگی آدمی ، زمینه ساز درخواست کافران مکه برای تحقق وعده های الهی (عذاب ، برپایی قیامت و ...)

خلق الإنسن من عجل .. یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله <و یقولون متی ..> عطف بر جمله <سأوریکم...> باشد و این دو جمله، با جمله <خلق الإنسان من عجل> که بیان گر خصلت عمومی انسان ها است مرتبط باشند.

زمینه عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران تکذیب گر پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و دلایل آشکار و کتاب های روشنگر بوده است .

كذَّب الذین من

قبلهم جاءتهم رسلهم بالبينت .. ثم أخذت الذين كفروا فكيف كان نك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۶

۶- ربوبيت الهی ، مقتضى عذاب دادن و کيفر کردن کافران حق ستيز و تکذيب کننده

و كذلك حقت كلمت ربك على الذين كفروا أنهم أصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۷

۷- نزول عذاب بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان با دلایل روشن

یغشی الناس هذا عذاب أليم .. و قد جاءهم رسول مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۲

۱۲- عناد شديد کافران ، زمينه ساز گرايش پیامبر (ص) به درخواست عذاب ، برای آنان

و لاتستعجل لهم

از نهی <لاتستعجل> اگر استفاده نشود که پیامبر(ص) درخواست عذاب کرده است، می توان استفاده کرد که عناد کافران تا بدان جا شدید بوده که زمينه چنین درخواستی را فراهم می کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۷ - ۳

۳ - خطر نزول عذاب الهی بر جامعه کفرپیشه ، پس از تهی شدن آن از مؤمنان

فأخرجنا .. من المؤمنین ... و ترکنا فیها آیه للذین یخافون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - ثروت و مکنّت کافران تکذیب گر ، در معرض نابودی با عذاب الهی

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ

زمینه عذاب کافران مکّه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۸

۸- در صورت تحقق خواسته کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، آنان گرفتار عذابی مرگبار می شدند .

ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ و ما کانوا إذا منظرین

یکی از احتمالاتی که برای آیه داده شده، این است که ملائکه، در صورتی که بخواهند برای کافران نازل شوند، برایشان عذاب به ارمغان خواهند آورد؛ عذابی که هیچ کدام از آنان را زنده نخواهد گذاشت.

زمینه علم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۲

۲ - کافران لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصراً و أقلّ عدداً

زمینه عمل ناپسند کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۵

۵ - غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فی غمره من هذا .. هم لها عملون

زمینه غضب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۳

۱۳ گام نهادن مؤمنان در هر میدان و زمینه ای که خشم کافران را به دنبال داشته باشد ، عمل صالح و دارای اجر است .

و لا يطئون موطئاً يغيب الكفار .. إلا كتب لهم به عمل صالح

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۵،۴۰

۳۵- سرعت گسترش اسلام، از پیدایش تا استقرار و شکوفایی آن، مایه شگفتی دین شناسان و خشم کافران

کز ع... یعجب الزّراع لیغیظ بهم الکفار

۴۰- جامعه مقتدر و اصیل اسلامی، برانگیزاننده خشم کافران و نه دوستی ایشان

کز ع أخرج شطه... لیغیظ بهم الکفار

از تعبیر <لیغیظ> استفاده می شود که کافران، ناگزیر در قبال رشد امت اسلامی موضع خصمانه می گیرند و انتظار دوستی از آنان بی جا و بی مورد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۲

۲ - تلاوت آیات قرآن از سوی پیامبر (ص)، خشم و کینه کافران را به شدت برمی انگیخت.

و إن یکاد الذین کفروا لیزلقونک بأبصرهم لَمَا سمعوا الذکر

زمینه غضب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۵

۵ - خشمگین شدن کافران صدراسلام و ظهور آثار کینه و نفرت در چهره آنان، به هنگام شنیدن آیات قرآن و معارف توحیدی آن

و إذا تتلی علیهم آیتنا بینت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر

زمینه فسق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۵ - ۱

۱ - انکار و زیر سؤال بردن برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انجام هرگونه فسق و فجور

أیحسب الإنسان أن نجمع عظامه .. بل یرید الإنسان لیفجر أمامه

<فجور> (مصدر <یفجر>) به معنای فسق (صحاح اللغة) و لام در <لیفجر> برای تعلیل است. <أمام> اسم

مکان و در این آیه مجازاً در زمان مستقبل که مفید استمرار است استعمال شده است. بنابراین مفاد آیه چنین می شود: >بلکه انسان می خواهد تا راه فسق و فجور، برای همیشه به روی او باز باشد و آن را ادامه دهد و همین سبب انکار معاد از جانب او است.<

زمینه کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۴

۱۴ - هدایت و شفای قرآن ، مایه فزونی کوردلی کافران لجوج

و هو علیهم عمی أولئک ینادون من مکان بعید

زمینه کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۶

۶ - ربوبیت الهی ، مقتضی عذاب دادن و کیفر کردن کافران حق ستیز و تکذیب کننده

و کذلک حَقَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ عَلَی الذِّینِ کَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ - کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إِنَّ الذِّینَ کَفَرُوا وَ... مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ... وَ سَيَحْبُطُ أَعْمَلَهُمْ

در صورتی که <سیحبط...> عنوان کیفر داشته باشد، تعبیر <من بعد ما تبین...> بیانگر اتمام حجتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۴

۴ - ربوبیت الہی ، مقتضی مجازات کافران و حق ستیزان

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوْقِع

از اضافه <عذاب> به <رَبِّ>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۵

۵ - تحقق مجازات های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

و کَلَّ أمر مستقرّ . و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

در صورتی که تعبیر <و کَلَّ أمر مستقرّ> کنایه از عذاب و کیفر حتمی کافران باشد، در پی آمدن <و لقد جائهم..>، توضیحی است بر این که کیفر آنان، بدون اتمام حجت صورت نگرفته و نمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۹ - ۴

۴ - ربوبیت خداوند ، مقتضی کیفر و مجازات کافران تکذیب گر و ثروتمندان مغرور

فلاتطع المكذّبين . .. أن كان ذا مال و بنين ... فطاف عليها طائف من ربّك

زمینه مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۲

۲- توجه به نافرجامی خط کفر ، مقتضی مصمم بودن مؤمنان در نبرد با کافران بدون هیچ سستی و سازش

فلن يغفر الله لهم . فلاتهنوا و تدعوا إلى السلم

<فا> در <فلاتهنوا> ترتّب و تفریع را می رساند و از ترتّب این آیه بر مفاد آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه هدایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۳

۳ - چشاندن بخشی از کیفر دنیایی به کافران ، نمودی از رحمت الهی و وسیله ای برای هدایت آنان

ردف لكم بعض الذى تستعجلون . و إنّ ربّك لذو فضل على الناس

همان طور که در آیه پیش گفته شد، مراد از <الذى تستعجلون> می تواند

تنها عذاب دنیوی باشد. بنابراین عبارت <بعض الذی تستعجلون> به معنای گوشه ای از مجازات دنیایی است. با توجه به مطلب یاد شده می توان گفت که یادآوری بذل و رحمت الهی بر مردم، پس از بیان <ردف لکم بعض الذی تستعجلون> از آن جهت است که مشاهده گوشه ای از مجازات الهی، بیدارگر و هشدار دهنده است؛ برخلاف نزول تمامی عذاب که در آن مجالی برای توبه و انابه باقی نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۷

۷- کافران ، با وجود فراهم بودن شرایط برای رها ساختن کفر و پرداختن به تکالیف الهی ، از آن سر باز زدند .

لَمَّا يَقْضُ مَا أَمْرَهُ

ضمیر فاعلی <يقض> به <الإنسان> برمی گردد که به قرینه <ما أكفروه> تنها بر کافران منطبق است.

زمینه هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۴

۴- سنت خداوند بر هلاکت اقوام کافر ، پس از نمایاندن آیات گوناگون به آنان

و لقد أهلكنا .. و صرّفنا الآيت لعلهم يرجعون

تذکر به <صرّفنا آیات>، در حقیقت بیانگر این است که خداوند تا وقتی که اتمام حجت نکند و آیات متعدد به کافران نمایاند؛ ایشان را هلاک نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۸

۱۸- مجازات و نابودی کافران ، پس از ابلاغ پیام حق و اتمام حجت بر آنان است .

بلغ فهل يهلك إلا القوم الفسقون

با توجه به فای <فهل> که می تواند بیانگر تفریع باشد

استفاده می شود که بلاغ و اتمام حجت، همواره قبل از مجازات و کیفر کافران صورت گرفته و می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۸ - ۵

۵ - جوامع کفرپیشه و گناه کار ، در معرض نابودی از سوی خداوند

و لاتطع منهم ءائماً أو کفوراً .. إن هؤلاء یحبون العاجله و یدرون وراءهم ...

زمینه هلاکت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۵

۵- در صورت تحقق درخواست کافران برای نزول ملائکه ، تمامی آنان هلاک می شوند و مهلتی برای ایمان نخواهند داشت .

ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ و ما کانوا إذا منظرین

انظار مصدر <منظر> به معنای تأخیر انداختن است و حصر در آیه، نشان می دهد که با آمدن ملائکه، اجل هیچ کدام از کفار به تأخیر نخواهد افتاد و به هلاکت خواهند رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۸

زمینه یأس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء .. فظلمت تفکھون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

زندگی تلخ کافران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۴

۴ جامعه اسلامی ، برخوردار از زندگی گوارا و شیرین و جامعه شرک و کفر ، گرفتار ناکامی ها و تلخی ها

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح أجاج

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه، متضمن تمثیل باشد؛ به این معنا که ایمان به آب گوارا و شیرین و کفر و شرک به آب شور و تلخ تشبیه شده باشد و مؤمنان و جامعه ایمانی و کافران و جامعه کفر و الحاد به دریا تشبیه شده باشند.

زنگار قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۶

۶ - قلب های تیره کافران ، در قیامت نیز از درک حقیقت و شناخت خداوند و جلوه های ربوبیت او ، ناتوان خواهند بود . *

إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمئذٍ لَمَحْجُوبُونَ

محجوب بودن از <رب> چنانچه از ارتباط این آیه با آیه قبل برمی آید ممکن است به معنای محجوب ماندن قلب، از هرگونه ارتباط با خداوند باشد. در نتیجه کافران، در قیامت نیز خداوند را نخواهند شناخت و به او ایمان قلبی نمی آورند.

زورگویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۲

۲- تهدید و توسل به زور ، از ابزار کفار به هنگام درماندگی از پاسخ گویی به براهین منطقی انبیا

جاءتهم رسلهم بالبينت .. قالوا إنا كفرنا ... و لنصبرن ... و علی الله فلیتوک

زیان اقتصادی کافران

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲ - واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

لو نشاء .. فظلمت تفکھون . انا لمغرمون

زیان دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۷

۱۷ ناکامی و زیانکاری ، فرجام شوم و پذیرش محبت و ولایت کافران

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرين

زیان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۳

۳ آسیب ها و صدمات متقابل مجاهدان و کافران در نبرد احد

ان تکونوا تالمون فانهم یالمون

بنابر آنچه در شأن نزول آیه آمده، مراد از آسیبهای متقابل، مسائلی است که در جنگ احد پیش آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

زیانکاری اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۱،۲،۳

۱ کفرپیشگان ، مردمی تباه شده و زیانکار ، در عرصه دنیا و صحنه آخرت

لاجرم انّهم فی الآخره هم الأخسرون

۲ تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیاست .

لاجرم انّهم فی الآخره هم الأخسرون

<أخسیر> (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد.
می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران

در دنیاست. براین اساس جمله <لاجرم أنهم...> دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتر و سنگین تر است.

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران، تباه تر و زیانکارترند.

و من أظلم .. الذین یصدون ... لاجرم أنهم فی الآخره هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۹ - ۱

۱- کافران دنیاگرای غافل (مرتدان)، بی تردید در آخرت ورشکسته و زیانکارند.

استحبوا الحیوه الدنیا .. القوم الکفرین ... هم الغفلون . لاجرم أنهم فی الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۵

۵- قیامت، روز ظهور و بروز غبن و خسارت کافران

ذلك يوم التغابن

زیانکاری دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۱،۲

۱ کفرپیشگان، مردمی تباه شده و زیانکار، در عرصه دنیا و صحنه آخرت

لاجرم أنهم فی الآخره هم الأخسرون

۲ تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر

از خسارت و تباهی آنان در دنیاست .

لاجرم أنهم في الآخرة هم الأخسرون

<أخسِر> (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیاست. براین اساس جمله <لاجرم أنهم...> دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتیر و سنگین تر است.

زیانکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۰

۱۰ - کافران به قرآن و پیامبر (ص) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند .

و من یکفر به فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ کافران به معاد و رسالت پیامبر(ص)، زیانکار، تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسل .. کتب علی نفسه الرحمه ... الذین خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

با توجه به اینکه رحمت الهی فراگیر است، ممکن است زیان کافران به جهت محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۷

۷ کافران حق ستیز، زیانکاران واقعی هستند .

أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ منافقان و کافران ، زیانکاران واقعی تاریخند .

وعد الله المنفقين .. أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۲

۲- واقعیت زندگی کافران، چیزی جز پوچی و بی فرجامی و زیانکاری نیست.

ذلک

<ذلک> ممکن است که خبر مبتدای محذوف و تأکید بر محتوای آیات قبل باشد، یعنی، واقعیت این است و جز این نیست. (الأمر ذلک و لا غیر) و می تواند مبتدا باشد و <جزاؤهم> خبر آن و <جهنم> عطف بیان برای مبتدا یا خبر. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۹،۱۰

۹ - باطل باوران و کافران به خدا، قطعاً، زیان کارند.

و الذین ءامنوا بالبطل و کفروا بالله أولئک هم الخسرون

۱۰ - ایمان به باطل و کفر به خدا، خسارتبار است.

و الذین ءامنوا بالبطل .. أولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۱،۴

۱ - کفر، امری خسارت بار است و بازتاب خسارت آن، برای خود کافر است.

من کفر فعلیه کفره

<علیه> جار و مجرور و متعلق به <کفره> است. مقدم شدن آن، برای بیان این نکته است که پیامدهای ناگوار کفر، به خود کافران اختصاص دارد.

۴ - بازتاب خسارت کفر، از آن کافر، و پیامد فواید ایمان و عمل صالح، فراگیر است. *

من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحاً فلأنفسهم یمهدون

احتمال دارد این که در جواب شرط جمله نخست، ضمیر مفرد آورده شده و در جواب شرط جمله دوم، به رغم مفرد بودن اسم شرط، ضمیر جمع آورده شده است، اشاره به

نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۳ - ۴

۴ - کافران و منکران آیات الهی ، مردمی زیانکار و خسارت دیده اند .

و الذين كفروا بأيت الله أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۴

۴ - آشکار شدن خسارت و زیان کاری مشرکان و کافران قدرتمند و حق ناپذیر ، به وقت نزول عذاب الهی بر ایشان در دنیا

لما رأوا بأسنا .. و خسروا هنالك الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۳

۳ - احساس خسارت و زیانباری کافران در قیامت ، به سبب بهره نگرفتن از تعالیم قرآن در زندگی

و إنه لحسره على الكافرين

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <حسرت> به معنای اندوه برای آنچه از دست رفته است، می باشد (لسان العرب). این در جایی است که انسان از آن چیز، بهره لازم نبرده و نسبت به آن احساس خسارت کرده باشد.

زیبایی زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۴

۱۴ - ثروت ، مکنت ، خوش نمایی و آراستگی زندگی کافران ، استدراج است .

هم أحسن أثثا ورءياً .. فليمدد له الرحمن مداً حتى إذا رأوا ما يوعدون

<استدراج> یعنی، کسی را آهسته آهسته و به آرامی نزدیک چیزی بردن (لسان العرب) در این آیه <مَدًّا> که مفعول مطلق است بیان نوعی خاصی از امهال است که مقصود از آن

به قرینه <حَتَّى إِذَا..>، نزدیک ساختن کافران به عذاب موعود الهی است.

سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ نکوهش اهل کتاب (علمای یهود)، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون

جمله <الم تر ..> دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

سازش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۴

۴- سرگرمی ها و خوشی های پوچ دنیا، از مهم ترین عوامل سستی در جهاد و تمایل به سازش با کافران

فلاتهنوا .. إنما الحيوه الدنيا لعب و لهو

خداوند، پس از نهی مؤمنان نسبت به سستی در جهاد و گرایش به سازش، به آنان لعب و لهو بودن دنیا را یادآوری کرده است. از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

سختگیری بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۴، ۲، ۱

۱ نبرد بی امان با کافران و منافقان، و سخت گیری و عدم ترحم به آنان، فرمان خدا به پیامبر (ص)

يأيتها النبي جهد الكفار و المنفقين و اغلظ عليهم

۲ لزوم جهاد با کافران و منافقان و عدم مماشات با آنان

جهد الكفار .. و اغلظ عليهم

۴ لزوم برخورد شديد و بدون ترحم ، با كافران و منافقان حق ستيز

و اغلظ عليهم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۶

۲۶ لزوم برخورد شدید با مرتد و گوینده کلمات کفرآمیز

و إن يتولوا يعذبهم الله عذاباً أليماً في الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۱۰، ۶

۶ لزوم به کارگیری شدت و خشم ، در جنگ با دشمنان کفرپیشه

قتلوا الذين يلونكم من الكفار و ليجدوا فيكم غلظه

۱۰ جهاد با کافران و نرمش نداشتن در برابر آنان از جلوه های تقوا

قتلوا... و ليجدوا فيكم غلظه و اعلموا أن الله مع المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، در نیمه دوم بعثت و به هنگام استقرار نظام اسلامی در مدینه ، مأمور سختگیری و برخورد بدون مسامحه و گذشت با کافران و منافقان

جهد الكفار و المنفقين و اغلظ عليهم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نزول این دسته از آیات، در دورانی بوده است که نیمی از بعثت رسول خدا(ص) سپری شده و نظام اجتماعی اسلام در مدینه تشکیل یافته بود.

سختگیری بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۷

۷ - گرفتار ساختن کافران به عذاب جهنم و عذاب های سوزان تر از آن ، جلوه سخت گرفتن خداوند و هجوم ضربتی او است

فلهم عذاب جهنم و لهم عذاب الحريق . . . إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

حرف <إِنَّ>، برای بیان علت است و دلیل دچار کردن کافران به عذاب را بیان می

کند.

سختی استهزای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۳۴ - ۴

۴ - استهزا شدن از سوی مؤمنان در قیامت ، برای کافران دشوار و رنج آور خواهد بود .

فالیوم الذین ءامنوا من الکفار یضحکون

سختی حسابرسی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۲

۲ - حسابرسی اعمال در قیامت برای کافران ، از حضور در پیشگاه خداوند دشوارتر است .

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ

حرف <ثُمَّ>، بر تراخی رتبی دلالت دارد و بیانگر آن است که مرحله حسابرسی، سخت تر از مرحله رجوع به خداوند است؛ هر چند هر دو هم زمان باشند.

سختی عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۴

۴ - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان ، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصیبهم مصیبه

<مصیبه> به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تنکیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه <مصیبه> در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد و مقصود از آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

سختی عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذيقنّ الذين كفروا عذابًا شديدًا

لام و نون تأکید در <لنذيقنّ>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۲

۲ - خداوند ، با سخت گیری و اقتدار ، کافران را گرفتار خواهد ساخت .

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

سختی فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۵

۱۵- بی ارزشی لذت ها و امکانات دنیوی کافران ، در مقایسه با فرجام سخت اخروی آنان

يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ... وَالنَّارَ مَثْوًى لَّهُمْ

خداوند، با تقبیح شیوه کافران و یادآوری فرجام شوم آنان، در حقیقت به مؤمنان یادآور شده است که چشم به زندگی دنیوی کافران ندوزند و لذت جویی های آنان را ارزش نپندارند؛ زیرا زندگی کافران از نظر ماهیت، حیوانی و از نظر فرجام، دوزخی است.

سختی کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۳

۳- قیامت ، روزِ سختِ کیفر الهی ، برای کافران ستم پیشه

لِلَّذِينَ ظَلَمُوا... فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

مراد از <یومهمم...>، می تواند روز قیامت و یا روز نزول عذاب بر کافران در دنیا باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۷

۷- کیفر های دنیوی و برزخی کافران ، سبک تر از کیفر اخروی آنان *

و إنّ للذین ظلموا عذاباً دون ذلك

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشد و <دون ذلك> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

سختیهای اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۵

۵ قیامت ، روزی سخت و ناگوار بر کافران

و کان یومًا علی الکفرین عسیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۳،۴

۳ - قیامت ، روزی دشوار برای کافران

يقول الکفرون هذا یوم عسر

۴ - پی بردن کافران به دشواری شرایط و فرجام خویش ، از نخستین لحظه های رستاخیز

يقول الکفرون هذا یوم عسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۷ - ۲

۲ - کافران دوزخی در قیامت ، دارای وضعیت و شرایطی بسیار سخت و غیر قابل تحمل

یلیتها کانت القاضیه

تقاضای مرگ ابدی از سوی کسانی که در دنیا به شدت از آن گریزان بودند، حکایت از این حقیقت دارد که وضعیت و شرایط قیامت، آن قدر بر کافران دوزخی سخت و غیر قابل تحمل خواهد بود که مرگ ابدی را بر آن ترجیح می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - کافران ، به روز رستاخیز در شرایطی بسیار سخت و ناگوار بسر خواهند برد .

یوم عسیر . علی الکفرین

۲ - لحظه ای آسودگی و راحتی برای کافران ، در قیامت نخواهد بود .

علی الکفرین غیر یسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۱ - ۱

۱ - در عرصه قیامت ، هیچ راه فرار از نگرانی ها و سختی ها ، برای کافران وجود ندارد .

يقول الإنسان يومئذ أين المفرّ . كلاً

سخن آشکار کافران

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۱

۱- خداوند ، به گفتار آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران حق ستیز آگاه است .

إِنَّهٗ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

سخن چینی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۷

۷- عیب جویی و سخن چینی ، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبر اسلام (ص)

فَلَا تَطْعَمُ الْمَكْذِبِينَ .. هَمَّاز مَشَاءَ بِنَمِيمٍ

سخن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۶

۶- گفتار و روش کافران ، با ادراک های عقلی و فطری آنان همساز نیست .

و كَمْ أَرْسَلْنَا .. و لئن سألْتَهُمْ مِنْ خَلْقٍ ... لَيَقُولُنَّ خَلَقْنَاهُ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

خداوند در این آیه می فرماید: اگر از مشرکان و دین ناباوران سؤال شود که آفریدگار هستی کیست؟ آنان به دلیل عقل یا اعتقاد خود می گویند: <آفریدگاری عزیز و دانا>. در حالی که اگر آنان به راستی لوازم این باور را می فهمیدند، جا نداشت که وحی قرآنی را مورد خدشه قرار دهند.

سخن ناپسند کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱

۱ - خداوند ، آگاه به گفتار ناروای مشرکان و کافران علیه دین

نحن أعلم بما يقولون

سرزنش اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۴

۴ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های

دنیوی کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنى عنكم جمعكم و ما كنتم تستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران حق ستیز در قیامت از سوی خداوند

ثم قيل لهم أين ما كنتم تشركون

استفهام در <آین ما كنتم ..> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران در قیامت ، مورد ملامت و سرزنش به خاطر استکبار در برابر آیات الهی

و أما الذين كفروا أفلم تكن آيتي تتلى عليكم فاستكبرتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۱، ۲

۲- سوق داده شدن کافران به سوی دوزخ ، به تدریج و همراه با سرزنش و توبیخ

و يوم يعرض الذين كفروا على النار أذهبتم طيباتكم

از این که کافران نخست بر آتش عرضه می شوند و همراه با آن زشت کاری گذشته شان به رخ آنان کشیده می شود، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۱- عرضه کافران بر آتش ، همراه با سرزنش و توبیخ ، گوشه ای از عذاب ذلّت بار آنان *

يوم يعرض ... أذهبتم طيباتكم في الحياتكم الدنيا و استمتعتم بها فاليوم تجزون عدا

برداشت بالا بدان احتمال است که نفس عرضه کافران بر آتش و توبیخ آنان، خود جزئی از عذاب خفت بار آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۴

۴ - سرزنشِ نگهبانانِ دوزخ ، شکنجه و عذابِ روحی برای کافرانِ دوزخی

است .

سألهم خزنتها ألم يأتكم نذير

سرزنش نگهبانان دوزخ از کسانی که خود در آتش دوزخ می سوزند و شکنجه می شوند، می تواند شکنجه دیگری برای آنان از جهت روحی باشد.

سرزنش حمایت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۳ - ۲

۲ ایجاد رابطه ولایی با کافران و حمایت از ایشان و درخواست حمایت از آنان ، بارور سازنده فتنه و تباهی بزرگ در زمین

و الذین كفروا .. إلا تفعلوه تكن فتنه

ضمیر مفعولی در <لا تفعلوه> به قانونهایی که در آیه قبل مطرح شد و نیز به دستوری که از صدر همین آیه به دست می آید برمی گردد. در برداشت فوق ضمیر به قطع ولایت با کافران، که از جمله <الذین كفروا ...> استفاده شده، برگردانده شده است.

سرزنش سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴

۴- هر گونه سازش با خط کفر، بیگانه با خط و راه پیامبر اسلام (ص)

محمّد .. و الذین معه أشدّاء علی الکفّار

با استفاده از مفهوم آیه، برداشت بالا به دست می آید.

سرزنش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱

۱ توبیخ کافران به آیات الهی به جهت تدبیر نکردن در تاریخ و درس نگرفتن از سرنوشت هلاکتبار امتهای گذشته

ألم یروا کم أهلكنا من قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۳

۳ کافران مورد سرزنش خداوند به

خاطر باور نکردن حقانیت قرآن جز با آمدن قیامت

هل ينظرون إلا تأويله يوم يأتي تأويله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۶

۶ کفرپیشگان به خاطر تفکر نکردن در جنبه ملکوتی موجودات برای پی بردن به معارف الهی (توحید ، قیامت و ...) سزاوار سرزنش هستند .

أو لم ينظروا في ملكوت السموت و الأرض و ما خلق الله من شيء

استفهام در جمله <أو لم ينظروا .. > انکار توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۱،۵

۱ حالت مشرکان و کافران به قرآن ، همانند انسان کور و کر است .

مثل الفريقين كالأعمى والأصم

۵ مؤمنان و موحدان ، هرگز همسان کافران و مشرکان نخواهند بود ، همان طور که بینایان و شنوایان هم طراز کران و کوران نمی باشند .

هل يستويان مثلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۰

۱۰- کافران به خاطر باطل گرایی ، علی رغم مشاهده آثار و نعمت های الهی در تمام ابعاد زندگی خود ، مورد سرزنش خدایند .

و الله جعل لكم .. أفعال بطل يؤمنون و بنعمت الله هم يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- کافران ، مخفیانه اقدام به استماع آیه های قرآن نموده و یکدیگر را بر این کار ملامت می کردند .

نحن أعلم بما يستمعون به .. و إذ هم نحوی

احتمال دارد مراد از <إذ هم نجوی> - همان

گونه که در برخی شأن نزولها آمده است کافرانی باشد که مخفیانه، اقدام به استماع سخنان پیامبر(ص) می کردند و با مشاهده یکدیگر به صورت نجوا، به ملامت یکدیگر می پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱

۱- کافران به جهت پذیرش ولایت غیر خدا، مورد ملامت اویند .

أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا عبادي من دوني أولياء

استفهام در آیه، برای انکار و توبیخ است؛ یعنی، گزینش غیر خدا، به عنوان ولی، کاری نادرست و سزاوار توبیخ است. و مراد از <اتخاذ ولی> در آیه اطاعت معبودان و انتظار یاری از آن ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۱۰

۱۰- < قال أبو جعفر (ع) ... انّ قول الله عزّوجلّ < کانتا رتقاً > يقول : کانت السماء رتقاً لاتنزل المطر و کانت الأرض رتقاً لاتنبت الحبّ ... فتق السماء بالمطر والأرض بنبات الحبّ ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ... سخن خدای عزّوجلّ < کانتا رتقاً > بیان می کند که آسمان بسته بود و باران نمی بارید و زمین بسته بود و گیاه نمی رویانید ... پس خداوند آسمان را با باریدن باران و زمین را با رویانیدن گیاه شکافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۵

۵- کافران به خاطر انکار قرآن و حق ناشناسی آنان نسبت به آن، مورد سرزنش خداوند قرار دارند .

أفأنتم له منكرون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش کافران از سوی خداوند ، به خاطر انکار رسالت پیامبر (ص) ، علی رغم آگاهی آنان از شخصیت ارزشی و اخلاقی (صداقت ، امانت و ...) آن حضرت

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مَنكَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۳

۳ - توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر نسبت دادن جنون به پیامبر (ص) ، علی رغم آشنایی کاملشان با شخصیت خردمند آن حضرت

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ .. أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّهٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۳

۳ - سرزنش کافران از سوی خداوند ، به خاطر انکار پیامبر (ص) بدون هیچ عذر قابل قبولی

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ .. أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۱

۱ - توبیخ کافران از سوی خدا ، به خاطر بی فرجام شمردن زندگی دنیوی و انکار حیات اخروی

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ .. لَا تَرْجِعُونَ

استفهام در آیه یاد شده، برای انکار توبیخی است و مراد از ضمیرهای خطاب، کافران و منکران معاد می باشد. <حَسِبَانِ> (مصدر <حسبتم>) به معنای پنداشتن و <عبث> به معنای بی هدف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - سطحی نگری کافران در مظاهر شگفت انگیز طبیعت و نادیده گرفتن قدرت الهی در

آن ، مورد سرزنش خداوند

فقد كَذَّبُوا .. أَوْلَم يروا إلى الأرض كم أنبتنا فيها

استفهام در <أَوْلَم يروا..> برای توبيخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۲

۲ - توبيخ کافران از سوی خدا ، به خاطر تکذیب بی دلیل نشانه ها و آیات او

حَتَّى إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بآيَاتِي و لم تحيطوا بها علمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱

۱ - سرزنش کافران از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن حکمت های او در برقراری نظام شب و روز

ألم يروا أَنَّا جعلنا الليل .. و النهار مبصرًا

استفهام در این آیه، برای توبيخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۹

۹ - کافران ، در قیامت ، از سوی مؤمنان عالم ، سرزنش می شوند .

و قال الذين أوتوا العلم .. فهذا يوم البعث

<فأء> در <فهذا> فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقدر می کند که می تواند چنین باشد: <اگر شما، منکر قیامت بودید، این هم قیامت!>. <هذا> در این بیان طبق گفته مفسران برای توبيخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۶ - ۷

۷- کافران ، از سوی خدا به خاطر عبرت نگرفتن از هلاکت کافران پیشین ، توبیخ شدند .

أولم يهد لهم كم أهلكنا من قبلهم من القرون .. أفلا يسمعون

همزه <أفلا يسمعون> تقریری و همراه با توبیخ است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۹

۹ - کافران ، از سوی خداوند ، به خاطر بصیرت نیافتن از مشاهده آیات گسترده الهی در زمین ، سرزنش شده اند .

أولم يروا أنا نسوق .. فنخرج ... تأكل منه... أفلا يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۸

۸ - سرزنش شدید کافران از سوی خداوند در دوزخ ، به خاطر استفاده نکردن از فرصت مناسب عمر برای ایمان و دین داری

أولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۳

۳ - خداوند ، کافران را به جهت اندیشه نکردن در جلوه های قدرت الهی در طبیعت سرزنش کرده است .

أولم يروا أنا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه درباره کافران و درصدد سرزنش آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۱

۱ - خداوند انسان کافر را به دلیل اندیشه نکردن در چگونگی مبدأ پیدایش خود سرزنش کرده است .

أولم ير الإنسن أنا خلقنه من نطفه

برداشت یاد شده از لحن سرزنش آمیز آیه شریفه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۸ - ۲

۲ - نکوهش کافران ، بر تعقل نکردن در سرنوشت هلاکت بار قوم لوط

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخِرِينَ . وَإِنَّكُمْ لَتَمْرُون عَلَيْهِمْ ... أَفَلَا تَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - سرزنش شدن مشرکان و کافران معاند از سوی خداوند ، به جهت شتاب آنان در نزول عذاب و شکست

أفبعذابنا يستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۸،۹

۸ - کافران به هنگام رسیدن به درب های دوزخ ، مورد سرزنش نگهبانان و دربانان قرار خواهند گرفت .

و قال لهم خزنتها ألم يأتكم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که همزه در <ألم يأتكم> برای استفهام توییخی می باشد.

۹ - پرسش ملامت آمیز نگهبانان و دربانان دوزخ از کافران ، درباره آمدن پیامبران تلاوت کننده آیات الهی و اندازگران

و قال لهم خزنتها ألم يأتكم رسل منكم يتلون عليكم آيات ربكم وينذرونكم لقاء يومك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر عبرت نگرفتن از سرنوشت شوم کافران گذشته تاریخ

أفلم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند به خاطر عدم گرایش به ایمان ، مگر با فرارسیدن قیامت

فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۱

۱ نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن در عظمت ، زیبایی و اتقان نظام آسمان

أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم . . . و ما لها من فروع

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۰ - ۲

۲ - توییخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری علیه دعوت حق و بی چشمداشت پیامبر (ص)

أم تسئلهم أجراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۳

۳ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس ، از سوی خداوند به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

استفهام در <فبأئىء> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک

و آتش

خلق الإنسن من صلصل .. فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توییخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

استفهام در <فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت فراگیر الهی

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

استفهام در <فَبَأَيِّ ءَالَآءِ> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تشبیه آمدن <کما> و <تکذِّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۵

۵ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تشبیه آمدن <کما> و <تکذِّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله . . . کَلَّ يَوْمَ هُوَ فِي شَأْنٍ . فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تشبیه آمدن <کما> و

<تکذبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن

و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لكم أیه الثقلان . فبأی ءالاء ربكما تکذبان

استفهام در <فبأی ءالاء> توییخی است و تشنیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم ... لاتنفذون إلا بسلطن . فبأی ءالاء ربكما تکذبان

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، از استفهام توییخی در <فبأی..> مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تشنیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۴

۴ سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأی ءالاء ربكما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۲

۲- توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی اعتنایی به نعمت های الهی و

غفلت از قدرت قاهر او بر نظام جهان

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ .. فَبَأْتَىٰ ءِالَاءُ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانَ

عبارت <انشَقَّتِ السَّمَاءُ..> نشانگر قدرت قاهر خداوند بر جهان است و از این که پس از تذکر قدرت، تکذیب گران را به محاکمه نشانده، مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تشبیه آمدن <کما> و <تکذِّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران جن و انس به خاطر تکذیب نعمت های خداوند و نادیده گرفتن فرجام گناه کاران

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ .. فَبَأْتَىٰ ءِالَاءُ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانَ

تشبیه آمدن <کما> و <تکذِّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن فرجام فضاحت بار و ذلیلانه مجرمان

يَعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ .. فَبَأْتَىٰ ءِالَاءُ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی توجهی و نادیده انگاشتن نعمت های خداوند

فَبَأْتَىٰ ءِالَاءُ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس به خاطر نیندیشیدن به نعمت بهشت ، بیم نداشتن از مقام پروردگار و تکذیب

نعمت های او

و لمن خاف مقام ربّه جنتان . فبأیّ

ءالآء ربكما تكذبان

لحن توییخی آیه شریفه و تقابل تکذیب گران با بیم دارندگان از مقام پروردگار، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأی ءالآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فیهما عینان تجریان . فبأی ءالآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأی ءالآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

متکین علی . . . فبأی ءالآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۳

۳- سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۳

- ۳

سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های او

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی و محروم ساختن خویش از آن

و من دونهما جَنَّتَانِ . فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت الهی

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت
او

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبأَيِّ ءالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبأَيِّ ءالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۳

۳ - توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت پروردگار خویش

فَبأَيِّ ءالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبأَيِّ ءالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفرء یتیم الماء .. فلولا تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و منکران معاد ، به هنگام برپایی قیامت

و قیل هذا الذی کنتم به تدعون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته

است که عبارت <وقیل هذا الذی...> به انگیزه توبیخ به کافران گفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۲

۲ - سرزنش خداوند از کافران ، به سبب تجمّع شتاب آلودشان برای استماع قرآن ، به رغم کفرورزی آنان نسبت به آن

فمَالِ الذین کفروا قبلک مهطعین

<ما> در <فمَالِ>، اسم استفهام و برای توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۱

۱ - کافران ، مورد غضب و نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او هستند .

قتل الإنسن ما أكفرة

فعل ماضی (قتل الإنسان) برای نفرین بکار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است ، زیرا معنای حقیقی نفرین ، درباره او قابل تصور نیست. <ال> در <الإنسان> به قرینه <فلینظر الإنسان...> در آیات بعد برای ماهیت است و جمله <ما أكفرة> نشان می دهد که در نفرین <قتل الإنسان>، تنها کافران مد نظر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، با پرخاش به کافران و گنه کاران ، آنان را به خاطر دلگرمی به دستاویز های پوچ و بی باکی شکفت آورشان در برابر کفر و گناه ، سرزنش کرده است .

يَأْيها الإنسن ما غرّك

استفهام در <ما غرّك>، بر توبیخ همراه با تعجب دلالت دارد.

سرزنش کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - توبیخ و سرزنش کفرپیشگان و تکذیب کنندگان صدر اسلام

، به خاطر عبرت نگرفتن از سرنوشت اقوام هلاک شده پیشین و پند نیاموختن از آثار به جا مانده از شهرها و سرزمینهای متروک و ویران شده آنها

فكأين من قرية أهلكناها .. أفلم يسيرا في الأرض

استفهام در جمله < أفلم يسيرا في الأرض > استفهام توبيخی است و < سیر > (مصدر < یسیرون >) به معنای سیاحت و گردش می باشد. < ال > در < الأرض > عهد حضوری و < أرض > به معنای سرزمین است و ضمیر فاعل در < یسیرون > به مشرکان حق ستیز و تکذیب گرا صدراسلام باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۱ - ۲

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، به دلیل عبرت نگرفتن از سرنوشت هلاکت بار کافران پیش از خود ، مورد سرزنش خدا قرار گرفتند .

ألم یروا کم أهلكنا قبلهم من القرون

سرزنش کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱

۱ - کافران مکه ، از سوی خداوند ، به خاطر ژرف نگری نکردن درباره توانایی خدا بر خلق موجودات ، سرزنش شده اند .

أولم یروا کیف بیدئ الله الخلق

همزه < أولم یروا > استفهام توبيخی است.

سرزنش گرایش به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۴

۴ گرایش به خصلت های کفرپیشگان ، امری نکوهیده برای اهل ایمان

و لاتكونوا كالذين خرجوا من ديرهم

سرزنش ولايت كافرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۹

۹ پذيرش ولايت كافرين ، هرگز مايه عزت و

سربلندی نخواهد شد .

أَيُّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا

سرزنشهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۵

۵- کافران ، مخفیانه اقدام به استماع آیه های قرآن نموده و یکدیگر را بر این کار ملامت می کردند .

نحن أعلم بما يستمعون به .. و إذ هم نحوی

احتمال دارد مراد از <إذ هم نحوی> - همان گونه که در برخی شأن نزولها آمده است کافرانی باشد که مخفیانه، اقدام به استماع سخنان پیامبر(ص) می کردند و با مشاهده یکدیگر به صورت نجوا، به ملامت یکدیگر می پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۱، ۱۰

۱۰ پیروان پیامبر (ص) ، در پندار و بیان نکوهشگر و طعن آلود مشرکان ، مردمانی نادان و دنباله رو فردی سحر زده

و قالوا .. إن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

از لحن آیه شریفه، استفاده می شود که کافران، این سخن را از سر نکوهش و طعن می گفتند و چون پیروی از فردی سحرزده، امری غیر منطقی است، در حقیقت پیروان آن حضرت را، مردمانی نادان می پنداشتند.

۱۱ تحقیر و سرزنش ، حربه مشرکان برای بازداشتن مردم از پیروی پیامبر (ص)

قالوا .. إن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۴

۴ - توبیخ و سرزنش به جهت اعتقادات دینی ، از روش های کافران در مبارزه با اسلام

يقول أءنك لمن المصدقين

فعل مضارع <يقول> که بر استمرار دلالت دارد

گویای این حقیقت است که توبیخ و سرزنش کردن، کار همیشگی کافران در برخورد با مؤمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۱ - ۳

۳ - کافران و گنه پیشگان ، حتی در غیاب مؤمنان نیز آنان را استهزا کرده و با طعنه و کنایه از ایشان یاد می کنند .

و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۲ - ۱

۱ - گنه پیشگان کافر ، با مشاهده مؤمنان به نکوهش آشکار ایشان پرداخته ، آنان را ره گم کرده قلمداد می کنند .

و إذا رأوهم قالوا إن هؤلاء لضالون

جمله <إذا رأوهم..>، بیانگر برخورد علنی کافران با مؤمنان است.

سرعت بعث کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۱

۱ - کافران حق ستیز در قیامت ، از گور های خود با سرعت بیرون آمده ، به نقطه ای مشخص خواهند رفت .

يوم يخرجون من الأجداث سراغًا كأنهم إلى نصب يوفضون

<أجداث> (جمع <جدث>) به معنای قبرها است.

سرعت در کیفر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۳

۳ - کافران عصر بعثت ، مورد تهدید شدید خداوند به مقابله ای سریع و برخوردی سخت با آنان

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

لسان العرب از ابن سیده نقل می کند که <بطش> به معنای هجوم سریع است.

سرکوبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۳ -

۲ مخالفت و دشمنی مشرکان مکه با خدا و رسول او مایه فرمان الهی به سرکوبی و نابودی آنان

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

سرگردانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

سرگردانی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷ - لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و

رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمٰنهم .. للّٰجوا فی طغینهم یعمهون

سرگرمی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۲

۲ فراگیری عذاب بر کفرپیشگان بی تقوا به هنگام غفلت های شبانه و سرگرمی های روزانه ، از مکرها و برنامه های پنهانی

خداوند با آنان

أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بِيْتًا .. ضَحَىٰ وَ هُمْ يَلْعَبُونَ. أَفَأَمْنُوا مَكْرَ اللَّهِ

سرگرمی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۹

۹- کافرانِ هدایت ناپذیر صدراسلام ، سرگرم آرزوهای واهی بودند .

ذره‌م ... و یلههم الأمل

سرمستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۱

۱ - کافران ، گرفتار غفلت ، تکبر و سرمستی

و أنتم سمدون

<شمود> در معانی <سهو> (غافل سازنده انسان از کارهای مهم و سرنوشت ساز) و بالا گرفتن سر

از روی خودبزرگ بینی و غرور به کار می رود.

سرنوشت شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۶

۶ - فرجام و سرنوشت کافران ، فرجام و سرنوشتی بد و ناخوشایند

الذین كفروا .. مأویهم النار و لبئس المصیر

سرنوشت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۲

۲ آیات روشنگر سرنوشت دو طایفه مؤمنان و کافران ، همراه حق و به دور از شائبه بطلان و انحراف

یوم تسودّ .. تلك ايات الله نتلوها عليك بالحق

بنابراینکه <بالحق>، قید باشد برای آیات و <باء>، به معنای مصاحبت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۵،۱۰

۵ مالکیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل نداشتن حقّ تصمیمگیری رسول خدا (ص) ، در مورد سرنوشت کفار

لیس لك من الامر شیء او یتوب علیهم .. و لله ما فی السموات و ما فی الارض

۱۰ مالکیت و حاکمیت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

لیقطع طرفاً من الذین كفروا .. لیس لك من الامر شیء ... و لله ما فی السموات و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۳

۳- برابر و یکسان نبودن مؤمنان و کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۲

۲ - برابر

و یکسان نبودن مؤمنان با کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت .

و لا الظلّ و لا الحرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱

۱ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان کافر و مؤمن ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أمن هو قنت ءاناء الیل ساجداً و قائماً

<من> در آیه شریفه اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن جمله ای محذوف است. تقدیر کلام چنین می شود: <أمن هو قانت ءاناء الیل... کمن هو عاص أو کافر؛ آیا کسی که شب زنده دار (مؤمن) است، مانند کسی است که عاصی و یا کافر است.>. بر این اساس می توان گفت: آیه شریفه، درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقسيه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فويل للقاسيه قلوبهم..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح الله صدره للإسلام... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ -

۳- وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خداترس و کافر خداگریز، از نظر شخصیت و سرنوشت

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر الله .. أفمن یتقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

<من> در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: <أفمن یتقی بوجهه سوء العذاب.. کمن آمن منه>. بنابراین می توان گفت آیه شریفه در صدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۰

۱۰- وجود اختلاف های اساسی، میان دو انسان مؤمن و کافر از نظر سرنوشت

ضرب الله مثلاً رجلاً .. و رجلاً سلماً لرجل هل یتویان مثلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۹

۹- اعتراف کافران و گنه کاران به نقش خود در تعیین سرنوشت خویش

أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرطت .. و إن كنت لمن السخرین ... لو أن لی کزه ف

سرور کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۹

۹- انجام تلاش های بی فرجام و دل خوش بودن به آنها، نشانی از زیانکاری عمیق کافران است .

الأخسرین أعملاً . الذین ضلّ سعیمهم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون أنهم یحسنون صنع

جمله حالیه <و هم یحسبون ..> بیان علت <أخسرین> بودن کافران است؛ زیرا، این گمان که انسان، آنچه را انجام داده، از نوع بهترین ها است، سبب

می شود که هرگز به فکر جبران خسارت خویش برنیاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران ، از خاطره های دیدار خود با مؤمنان ، طنز ساخته و در جمع خانواده خویش به لطیفه گویی و خنداندن یکدیگر می پردازند .

و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

<فَكِه> (صفت مشبه) به معنای خوش دل و خندان یا به معنای کسی است که با همراهان خود سخنی گوید که آنان را بخندانند (قاموس). در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است.

سستی مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۴

۴ سنت الهی بر سست کردن حيله کافران است .

ذلكم و أن الله موهن كيد الكافرين

<أن الله .. > خبر برای مبتدایی محذوف است ؛ یعنی <و الأمر أن الله ... > .

سطح زندگی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۳

۳ - سطح زندگی پیامبر (ص) و مسلمانان ، با کافران مکه ، تفاوت قابل ملاحظه ای داشت .

و لا تمدن عينيك إلى ما متعنا به أزواجاً منهم

سطحی نگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - سطحی نگری و عدم به کارگیری عقل و اندیشه ، وجه مشترک همه کافران و مستکبران تاریخ

بل قالوا مثل ما قال الأولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۳

- سطحی نگری کافران در مظاهر شکفت انگیز طبیعت و نادیده گرفتن قدرت الهی در آن ، مورد سرزنش خداوند

فقد كَذَّبُوا .. أَوْلَم يروا إلى الأرض كم أنبتنا فيها

استفهام در <أَوْلَم يروا..> برای توییح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۸

۸- داوری کافران درباره دین ، براساس ملاک های سطحی و نه متکی بر اندیشه و دانش

و قال الذین كفروا .. لو كان خیرًا ما سبقونا إليه

کافران، گرایش و عدم گرایش طبقات خاصی را به ایمان، ملاک اصلی داوری خود قرار دادند؛ بی آن که در متن قرآن و پیام دین خردمندانه بیندیشند.

سفاهت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۰ - ۲

۲ - کافران لجوج و پندناپذیر ، مردمی ابله و نابخرداند .

کأنّهم حمر مستنفره

مطلب یاد شده، از تشبیه کافران به <گورخران رمیده>، استفاده می شود.

سقف نقره ای خانه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۳

۳ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن زندگی کافران ، تا جایی که سقف خانه های خود را از نقره بسازند و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا بروند .

لجعلنا .. لیوتهم سقفاً من فضّه و معارج علیها یظہرون

سلطه طلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۵

۵ - تلاش جبهه کفر برای سلطه بر مسلمانان ، از طریق روش های دقیق و آمیخته با مهارت *

إن یتقفو کم

برداشت یاد شده با

توجه به معنای <ثقف> که در آن، مهارت در انجام کار نهفته است (مفردات راغب).

سلطه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۱۲

۱۲ خداوند کمترین سلطه ای را برای کافران علیه مؤمنان، تشریح نکرده و رضایت نداده است.

و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

کلمه <سبیل> چون نکره است و پس از نفی قرار گرفته است، دلالت بر عموم دارد. یعنی هیچ راه سلطه ای را خداوند برای کافری قرار نداده است.

۱۴ انعقاد هرگونه پیمان (سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی)، که موجب سلطه کافران گردد، نامشروع و باطل است.

و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

۱۶ مؤمنان در صورت رعایت لوازم ایمان، هرگز تحت سلطه کفار قرار نخواهند گرفت.

و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

التفات از خطاب <بینکم>، به غیبت با آوردن عنوان <المؤمنین> برای اشاره به این معناست که اگر مسلمانان لوازم ایمان را رعایت کنند و مؤمن واقعی باشند، هرگز کافران بر آنان سلطه نخواهند یافت.

۱۸ خداوند، هیچگونه غلبه فکری و منطقی برای کافران بر انبیا و مؤمنان قرار نداده است.

و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

امام رضا(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: لن يجعل الله لكافر على مؤمن حجه .. لن يجعل الله لهم على انبيائه(ع) سبيلا من طريق الحجه.

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۵، ب ۴۶ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۶۳۰.

سلطه کافران بر مکه

۸ سلطه کافران بر سرزمین مکه و ضعف و قلت مسلمانان ، به هنگام هجرت پیامبر (ص)

إذ أخرجهم الذين كفروا ثاني اثنين

سنت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۴

۴ - کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فإن للذين ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحابهم

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است؛ بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۵

۵ - مجازات کافران و مجرمان ، سنت الهی در همیشه تاریخ

و لقد أهلكنا أشياعكم فهل من مدكر

تذکر و هشدار، بیانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصی از کافران در بخشی از تاریخ نمی باشد؛ بلکه سنتی فراگیر است.

سنگینی گوش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۳

۳ خداوند افکننده حجابهایی متعدد بر دل، و سنگینی بر گوش گروهی از کافران است.

وجعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی آذانهم وقرا

سوءاستفاده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۶

۶ - سوء استفاده کافران ، از لطف و رحمت الهی در برطرف کردن گرفتاری های ایشان

و لو رحمٰنهم .. للّٰجوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲

۲ - شیوایی و جاذبه محسوس پیام وحی ، مورد سوء تعبیر کافران

أم یقولون شاعر

کافران، به جای آن که موزون بودن و شیوایی سخنان وحی را، طریق هدایت خود قرار دهند، مورد سوء تعبیر قرار داده و نوعی شعر قلمداد کرده اند که ناخودآگاه در این نقص گیری به تمجید نشسته اند.

سوختن کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، بر عملکرد گذشته خود در دنیا ، حسرت می خورند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أظعنا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۱

۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، اعلام می کنند که مطیع بزرگان و رؤسای گمراه سازشان بودند .

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكُفْرِينَ . . . یوم تقلّب . . . وقالوا ربّنا إنا أظعنا سادتنا . . . فأ

سوزاندن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۷

۷ - گرفتار ساختن کافران به عذاب جهنم و عذاب های سوزان تر از آن ، جلوه سخت گرفتن خداوند و هجوم ضربتی او است .

فلهم عذاب جهنم و لهم عذاب الحریق . . . إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

حرف <إِنَّ>، برای بیان علت است و دلیل دچار کردن کافران به عذاب را بیان می کند.

سوگند کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ کافران در قیامت

برای اثبات گفته های خویش مکرر سوگند می خورند.

و الله ربنا ما كنا مشركين .. قالوا بلى و ربنا

سوگند کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۳

۳ اشراف کفرپیشه مدین با یاد کردن سوگند ، پذیرش رسالت شعیب و پیروی از دستورات او را ، امری زیان آور معرفی می کردند .

لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

سوگند کافران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۱

۱ کفرپیشگان مستکبر در دنیا سوگند یاد می کنند که خداوند مؤمنان را در آخرت مشمول هیچ رحمتی نخواهد کرد .

أهؤلاء الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمه

کلمه <رحمه> نکره است و چون پس از نفی واقع شده، معنای عموم از آن استفاده می شود. قابل ذکر است که مراد کافران از <رحمت>، رحمت های اخروی است. یعنی بر فرض اینکه آخرتی باشد، خداوند رحمتش را شامل حال مؤمنان نخواهد کرد. فعل مضارع <لا ينال> و نیز معقول نبودن نفی تمامی رحمتها در دنیا این معنا را تأیید می کند.

سهولت هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۷ - ۵

۵ - نابودی اقوام کفرپیشه تاریخ ، امری آسان برای بنیانگذار بنای شگفت و عظیم آسمان

فأخذتهم الصعقة .. و السماء بنينها بأيند و إنا لموسعون

در آیات پیشین سخن از هلاکت اقوام کفرپیشه تاریخ بود و در این آیه، سخن از قدرت مطلق و بی بدیل او است. از ارتباط این آیات، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۶

۶ - نابود ساختن امت های کفرپیشه و مجرم ، امری آسان و بی مؤونه برای خداوند

و ما أمرنا إلا وحده كلمح بالبصر

با توجه به این که در آیات پیشین، سخن از هلاکت جوامع مجرم بود و در آیه بعد نیز همین امر، دنبال شده است؛ احتمال می رود که مراد از <أمرنا>، مجازات و هلاکت کفرپیشگان و یا از مصادیق بارز آن باشد.

سیره کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ بذله گویی منافقان و کافران و استهزای آنان به ارزش های الهی ، کار مستمرشان در طول تاریخ

کالدین من قبلکم ... و خضتم کالذی خاضوا

در <آیه ۵۶> از قول منافقان نقل شده است: <إنما كنا نخوض ونلعب>؛ خداوند در این آیه می فرماید <خضتم کالذی خاضوا>؛ یعنی، روش شما در پیشینیان شما نیز وجود داشته است.

سیمای کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۹

۹ - چهره های کفرپیشگان در دوزخ ، بسیار گرفته و درهم کشیده خواهد بود .

قل أفأنتبکم بشرّ من ذلکم النار

شبهه افکنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۳

۳- لزوم حراست از دین و آیین الهی در برابر شبهه افکنی ها و فشار های کافران

فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱

۵ - تلاش کافران برای ایجاد شبهه و تردید در مؤمنان نسبت به باورهایشان

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

تعبیر <إن كنتم صادقین> به صیغه جمع، نشان می دهد که روی سخن کافران با مؤمنان بوده است نه صرفاً پیامبر(ص). بنابراین بیان این سؤالات، می تواند به منظور به بن بست کشاندن اهل ایمان طرح شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۱

۱- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، با ارائه رهنمود به آن حضرت در قبال تشکیک کافران

أم يقولون افتريه . . . قل ما كنت بدعاً من الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۲

۲ - کافران ، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین ، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (ص)

أم يريدون كيداً

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر(ص) و بررسی علل آن اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از ابهام شخصیت پیامبر(ص) نیست؛ بلکه دقیقاً ترفندی خائنانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنَّا لمبعوثون . . . قل إن الأولین و الآخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - تلاش کافران ، برای ایجاد شبهه و تردید در باور های مؤمنان

و يقولون متی هذا الوعد ان کنتم صدقین

تعبیر <ان کنتم صادقین> به صیغه جمع نشان می دهد که روی سخن کافران، با مؤمنان بوده است نه صرفاً پیامبر اسلام(ص). بنابراین طرح این پرسش ها، می تواند برای به بن بست کشاندن اهل ایمان و ایجاد تهدید در باورهای آنان صورت گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۲

۲ - کافران عصر بعثت ، وعده معاد را ، به تمسخر گرفته و درباره حقایق آن پرسش ها و شبهه هایی بر سر زبان ها می انداختند .

عمّ يتساءلون

تهدید پرسشگران با جمله <سيعلمون> در آیات بعد این احتمال را تقویت می کند که هدف آنان از پرسش ها، کشف حقیقت نبود؛ بلکه آنان در پی ایجاد سؤال و شبهه در ذهن دیگران و طعنه و کنایه زدن به وعده معاد بودند.

شخصیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۵ - ۲

۲ انسانهایی که بر اثر کفرورزی زمینه های ایمان را در خویش از میان برده اند ، در پیشگاه خداوند بدترین جنبدگان هستند .

ان شر الدواب عندالله الذین کفروا فهم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۳

۳ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان و کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت

ولا الظلمت ولا النور

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵

۲ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان با کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت .

و لا الظلّ و لا الحرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱

۱ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان کافر و مؤمن ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أَمَّنْ هُوَ قَنْتَ ءَانَاءَ أَلِيلٍ سَاجِدًا وَّ قَائِمًا

<من> در آیه شریفه اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن جمله ای محذوف است. تقدیر کلام چنین می شود: <أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ ءَانَاءَ أَلِيلٍ... کمن هو عاص أو کافر؛ آیا کسی که شب زنده دار (مؤمن) است، مانند کسی است که عاصی و یا کافر است.> بر این اساس می توان گفت: آیه شریفه، درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خداترس و کافر خداگریز، از نظر شخصیت و سرنوشت

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّٰه .. أفمن یتقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

<من> در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: <أفمن یتقی بوجهه سوء العذاب.. کمن آمن منه>. بنابراین می توان گفت آیه شریفه در صدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

شدت اعراض کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۱ - ۱

۱ - روی گردانی کافران، از شنودن کلام بیداربخش و پندآموز قرآن، همچون فرار گورخران از شیر ژیان، بسیار شدید بود

فَرّت من قسوره

<قسوره> اسم جامد و به معنای شیر است و گاهی اسم جمع و در معنای شکارچیان تیرانداز استعمال می شود. (الصحاح)

شدت اندوه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۵

۵ - ناراحتی و اندوه شدید کافران دوزخی، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول یلیتنی لم أوت کتبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۸ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی، از بهره مناسب نبردن از اموال و ثروت خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت

اخروی

ما أغنی عَنّی مالیه

لحن و سیاق این آیه، می رساند که کافران این سخن را، از روی تأسف و

حسرت به زبان می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از قدرت و توانمندی خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

هلک عنی سلطینه

شدت بغض کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۵

۵ - پشیمانی و بغض شدید کافران نسبت به خویشان ، بر اثر رد دعوت به ایمان و کفرورزی آنان است .

مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلى الإیمن فتکفرون

تردید نیست که بغض شدید کافران نسبت به خویشان در قیامت، ناشی از رد ایمان و کفرشان است. این بغض نشانه پشیمانی شدید آنان از عمل خود می باشد.

شدت حسرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از قدرت و توانمندی خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

هلک عنی سلطینه

شدت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۳

۳- کافران جبار ، دچار چنان عذاب های مرگباری در جهنمند که هر کدام از آنها به تنهایی برای مرگشان کافی است .

و یأتیه الموت من کلّ مکان

شدت عذاب کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۹

۹ - کافران ظالم ، دارای عذابی فزون تر از کافران دیگر *

و إنّ للذین ظلموا عذاباً دون ذلک

برداشت

بالا- بنابراین نکته است که <ظالم> بر همه کافران اطلاق نشده باشد؛ بلکه کافران دو گروه باشد. گروهی که فقط کفر میورزند و گروهی که علاوه بر کفر اقدام های ظالمانه و توطئه گرانه علیه دین دارند. این گروه علاوه بر کیفر کفر، عذاب دیگری در قبال ظلمشان خواهند دید.

شدت غضب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۶

۶- بر افروختگی مشرکان با شنیدن آیات قرآن و خشم حاصل از آن، به حدی بود که آنان را در آستانه حمله و تهاجم به کسانی قرار می داد که آیات قرآن را بر آنها تلاوت می کردند .

یکادون یسطون بالذین یتلون علیهم ءایتنا

<سَیَطُو> (مصدر <یسطون>) به معنای تهاجم و حمله است؛ یعنی، چیزی نمانده که مشرکان با کسانی که آیات ما را بر آنان می خوانند گلاویز شوند.

شدت قبض روح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱ - ۶

۶- < فی المجمع بعد قوله تعالی > و النازعات غرقاً < قال : اختلف فی معناها علی وجوه أحدها : انه یعنی الملائکه الذین ینزعون أرواح الکفار عن أبدانهم بالشده . . . روی ذلك عن علی (ع) و قيل هو الموت ینزع النفوس . . . و روی ذلك عن الصادق (ع) ;

در مجمع البیان بعد از نقل قول خدای تعالی <والنازعات غرقاً> گفته است: در معنای <النازعات غرقاً> اختلاف به وجود آمده و وجوهی بیان شده است؛ یکی از آنها این است که مقصود فرشتگانی اند

که ارواح کافران را از بدن هاشان بیرون می کشند . .. این معنا از امام علی(ع) روایت شده است. [و نیز] گفته شده مقصود مرگ است که جان ها را بیرون می کشد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۶

۶- [فی المجمع] فی قوله تعالی < و الناشطات نشطاً > إِنَّهَا الْمَلَائِكَةُ تَنْشِطُ أَرْوَاحَ الْكُفَّارِ بَيْنَ الْجِلْدِ وَالْأَظْفَارِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ أَجْوَافِهِمْ بِالْكَرْبِ وَالْغَمِّ عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) ;

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <الناشطات نشطاً> از امام علی(ع) نقل شده است: <ناشطات> فرشتگانی اند که جان های کافران را (از سایر اعضا) در میان پوست و ناخن هایشان جمع می کنند تا همراه با سختی و غصه از درون شان بیرون آوردند <.

شدت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶- وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلای خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۳ - ۳

۳- توانمندی خداوند بر ایجاد جهان هستی و اعاده آن ، دلیل قدرت او بر مجازات سخت کافران

إِنَّهُ هُوَ بَدِئُ عَمَلٍ وَيَعِيدُ

حرف <إِنَّ>

برای تعلیل است و مبنای آیه قبل را بیان می کند.

شدت کیفر کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۳

۳ - کافران عصر بعثت ، مورد تهدید شدید خداوند به مقابله ای سریع و برخوردی سخت با آنان

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

لسان العرب از ابن سیده نقل می کند که <بطش> به معنای هجوم سریع است.

شدت گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۵

۵ - کافران ، چنان در ظلمت و گمراهی فرو رفته اند که حتی ملموس ترین حقایق الهی را درک نمی کنند .

والذین كفروا أعمالهم .. أو كظلمت في بحر لَجَجِيٍّ يَغْشِيهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ س

ندیدن دست خویش با آن که دست از ملموس ترین چیز برای انسان است (إذا أخرج يده لم يكد يرها) حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

شدت ناخشنودی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۷ - ۱

۱ - کافران دوزخی در قیامت ، از زنده شدن مجدد خود به شدت ناخرسند بوده و آرزوی مرگ می کنند .

يليتها كانت القاضيه

مرجع ضمير <ياليتها> امری مقدر است که از سیاق آیه شریفه به دست می آید(مانند <الموته>). <قاضیه> نیز به معنای <قاطعہ> است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: ای کاش مرگ نخستین پایان بخش حیاتم می بود و دیگر بار

زنده نمی شدم!

شرارت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - شرارت و حق ستیزی کافران در دنیا ، گواه حق گریزی آنان پس از بازگشت دوباره به دنیا

قال ربّ ارجعون .. کلاً إنّها کلمه هو قائلها

شرایط ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۶

۶ کسانی که با وجود قرآن ایمان نمی آورند، جز با آمدن فرشتگان به سوی آنان و یا ظهور خداوند و یا تحقق آیات ملجئه، ایمان نخواهند آورد.

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي ربك أو يأتي بعض آيات ربك

برداشت فوق بر این اساس است که امور بیان شده (آمدن فرشتگان و ..) پیشنهاد مشرکان منکر قرآن نباشد، بلکه بیان حالتی باشد که انکار قرآن که آیتی بزرگ است آن را ایجاب می کند. یعنی اگر به قرآن ایمان نمی آورید، راهی برای ایمان شما جز تحقق این امور نیست که برخی از اینها ناشدنی و برخی از میان برنده فرصت ایمان کارساز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷ - ۶

۶ نزول فرشته ای بر پیامبر (ص) برای همراهی با او در انداز مردمان ، شرط پذیرش رسالت پیامبر (ص) و درستی آن از نظر کافران بود .

لولا أنزل إليه ملك فيكون معه نذيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۵

۵ - نزول دفعی قرآن همانند تورات ، شرط پیشنهادی کافران برای قبول رسالت پیامبر (ص)

فلما جاءهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۱

۱ - مشروط دانستن ایمان به رسالت پیامبر (ص)، به نازل شدن نامه های سرگشاده از سوی خداوند در تأیید آن، بهانه ای از سوی کافران بود.

بل یرید کل امریء منهم .. کلاً

شرایط خداپرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۱

۱ - برخی از کافران عصر بعثت، مدعی آمادگی برای عبادت خداوند، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (ص) برای عبادت معبود های آنان

و لا أتم عبدون ما أعبد

خبر دادن پیامبر(ص) از سر سختی کافران پس از نفی کوتاه آمدن خود بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر(ص) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۲

۲ - سازش خواهان کافر، به رغم اظهار آمادگی برای پذیرش مشروط توحید، هرگز اهل عبادت خداوند نبودند و حال و آینده آنان، فرقی نمی کرد.

و لا أتم عبدون ما أعبد

این آیه گرچه با آیه سوم، عبارتی یکسان دارد ولی در زمان با آن متفاوت است. در آیه سوم به قرینه آیه قبل از آن مراد زمان آینده است ولی در این آیه به قرینه آیه قبل از این مراد زمان حال است.

شرایط خداپرستی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵

۱ - برخی از کافران عصر بعثت ، آمادگی خود را برای عبادت خداوند به صورتی مشروط ، به پیامبر (ص) عرضه کردند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

شرایط صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۷

۷ توجه به خدا و اتکا به اوامری لازم به هنگام تصمیم گیری برای صلح و ترکِ مخاصمه با کافران

و إن جنحوا .. و توکل علی الله

شرایط قبول اسلام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۹

۹ اقامه نماز و پرداخت زکات ، شرط پذیرش اسلام مشرکان و کافران

فإن تابوا و أقاموا الصلوة و ءاتوا الزکوة فخلوا سبیلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۶

۶ پذیرش اسلام کفار ، مشروط به اقامه نماز و پرداخت زکات است .

فإن تابوا و أقاموا الصلوة و ءاتوا الزکوة فإخونکم فی الدین

شرایط کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۱

۱ - کافران پندناپذیر ، ایمان به پیامبر (ص) را به آمدن نامه های سرگشاده برای یکایکشان ، مشروط دانستند .

بل یرید کلّ امریء منهم أن یوتی صحفًا منّشره

شرك کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، دعوت برخی کافران را به ترک شرک و بت پرستی ، بی ثمر دانست و آنها

را به حال خود رها ساخت .

لکم دینکم

شرک کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵ - ۴

۴ - اعتقاد کافران عصر بعثت به معبود های بی شمار

أجعل الألهة إلهًا وحدًا

شعیب(ع) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۲

۲ شعیب (ع) با دلسوزی بر کافران مشرف به هلاکت ، از آنان اعراض کرد و شهر مدین را ترک گفت .

فتولی عنهم و قال يقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم نشان از تحسّر و دلسوزی شعیب به مردم خویش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۵

۵ برخورد حضرت شعیب (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

يقوم أريتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و مهربانی شعیب(ع) دارد.

شعیب(ع) و کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ شعيب (ع) در آخرين پاسخ خويش به خواسته كافرين مدين ، بازگشت خود و همگامانش را به آيين شرك امرى ناممکن دانست .

و ما يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

جمله <ما يكون لنا .. > كه حكایت از عدم امکان بازگشت به آيين شرك دارد، هم می تواند به معنای عدم امکان تكوينی باشد و هم می تواند مراد از آن عدم امکان تشريعی (ناشايست بودن و جازي نبودن)

باشد. برداشت فوق براساس احتمال اول است. گفتنی است که بر مبنای اول، مشیت الهی (إلا- أن یشاء الله) مشیت تکوینی است و بر اساس احتمال دوم، مشیت الهی، مشیت تشریحی است.

۲۵ شعب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند.

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتاحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

شقاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۱

۱۱ مهلت خداوند به کافران، زمینه ساز دوری آنان از خیر و سعادت با ارتکاب اعمال ناروا

و لا یحسبنّ الذین کفروا أنّما نملی لهم خیر لانفسهم أنّما نملی لهم لیزدادوا اثما

<اثم>، در لغت به اعمالی گفته می شود که آدمی را از خیر و سعادت باز می دارد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۵

۵ تمامی راه های سعادت به روی کافران ظالم بسته است.

إنّ الذین کفروا و ظلموا .. و لالیهدیهم طریقاً

شقاوتمندی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۷ - ۵

۵ - بشارت خداوند به پیروزی و سعادت مندی مؤمنان و تهدید او نسبت به شکست و بدبختی کافران

إنّ ربّک هو أعلم بمن ضلّ عن سبیلہ و هو أعلم بالمهتدین

بنابر گفته مفسران، این آیه متضمن وعد و وعید است.

شک کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- مؤمن ، دارای ثبات و استقرار در عقیده ، ولی کافر ، اسیر در چنگال های شک و تردید و بی ثبات است .

ما أَظَنُّ . . . و ما أَظَنُّ ... لَكُنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي

سخنان سمبل کفر و دنیاپرستی، در آیه، همواره، تردید را با خود همراه دارد، لذا در نقل سخن او، دو بار واژه <ظَنُّ > و یک بار نیز <لئن > به کار گرفته شده، ولی مرد سمبل ایمان، با قاطعیت عقیده خود را بیان کرده و راه عملی خود را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۱

۱ - اظهار تردید کافران در زنده شدن دوباره انسان ، پس از مرگ

قالوا أءذا متنا . . . أءنَّا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۴

۴ - کافران ، گرفتار شک و تردید درباره آخرت

بل هم فی شكّ منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران در حیات دوباره انسان ، پس از ناپدید شدن اجزای او در خاک ، تشکیک کردند .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض أءنَّا لفی خلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۱

۱ - اظهار تردید کردن کافران در زنده شدن انسان ها پس از مرگ ، هنگام رو به رو شدن با مؤمنان

إني كان لي قرين . . . أءذا متنا و كئنا ترابًا و عظمًا أءنا لمدينون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۱

۱- کافران و منکران وحی ، گرفتار بازی در فضای شک و تردید

بل هم فی شکّ

این آیه در حقیقت پاسخی به این پرسش است که: چرا علی رغم دلایل روشن بر حقانیت وحی و رسالت پیامبران، گروهی به کفر و انکار وحی می گرایند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۵

۵ شک در امکان معاد ، در عین مشاهده آفرینش خداوند ، نمودی از گیجی و سردرگمی کافران

فهم فی أمر مریج .. أفعینا بالخلق الأوّل بل هم فی لبس من خلق جدید

بیان تناقض گویی کافران در این آیه، می تواند در مقام ارائه نمونه ای از سرگردانی کافران باشد که در آیات پیشین خداوند به آن اشاره فرموده است.

شک کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۲

۲ - کافران ، در اظهار نظرشان درباره پیامبر (ص) و تبلیغ آن حضرت از معاد ، مردد بودند و نظری ثابت و قطعی نداشتند .

رجل یتبئکم إذا مرّتم کلّ ممزّق إنکم لفی خلق جدید . أفتری علی الله کذباً أم ب

<أم> حرف عطف و برای تردید است؛ یعنی، طبق نظر کافران پیامبر(ص) یا می داند که معاد، شدنی نیست و در عین حال از آن خبر می دهد که افترا به خدا است و یا از آن خبر ندارد و سخنی جنون آمیز بر زبان جاری می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۵

۵ - معاد ، مورد شک و تردید کافران عصر بعثت بود .

عمّ يتساءلون

شک کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیر گذاری

قال الذين كفروا .. لعلکم تغلبون

واژه <لعل> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۱

۱ - تردید و شک کافران مکه ، نسبت به برپایی قیامت

ألا إنهم في مريه من لقاء ربهم

شکایت از کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۱

۱ شکوه پیامبر (ص) به پیشگاه خداوند از مردم عصر خویش (کافران شهر مکه) ، به خاطر متروک و مهجور ساختن قرآن کریم

وقال الرسول يربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجورًا

در این که شکوائیه پیامبر(ص) در این دنیا است و یا در آخرت؟ دو نظریه میان مفسران وجود دارد. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است که مطابق نظر بیشتر مفسران می باشد. گفتنی است واژه <مهجور> به معنای متروک و رها شده است.

شکست توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - ۳۰ - ۸ - انفال - ۶

۵ شکست کافران مکه در توطئه علیه پیامبر (ص) ، عبرتی برای

همه خائنان به خدا و رسول

لاتخونوا الله و الرسول . . . و یمکرون و یمکر الله

یادآوری شکست توطئه های کافران مکه پس از اشاره به خیانت برخی از مسلمانان برای تفهیم این حقیقت است که خائنان به خدا و رسول، هر چند اظهار اسلام کنند، همان گونه که کافران موفق نشدند، آنان نیز موفق نمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۳،۴،۶

۳ تلاش کافران و صرف هزینه های کلان برای جلوگیری از گسترش اسلام، بی اثر است .

ثم تکون علیهم حسره

۴ از دست دادن دارایی ها و بر جای ماندن حسرت و ندامت، ثمره تلاش برای مبارزه با اسلام

ثم تکون علیهم حسره

۶ خداوند بی ثمر ماندن تلاش های حق ستیزانه کافران قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۴

۴- تلاش های کافران برای ترغیب پیامبر (ص) به عقب نشینی و یا عدول از مواضع اصولی خویش، ناکام ماند و شکست خورد .

و إن کادوا لیفتنونک

تعبیر <نزدیک بود تو را به فتنه اندازند> حکایت می کند که آنان، موفق به این کار نشدند و شکست خوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۵،۱۷

۱۵ - نافرجام ماندن توطئه های کافران علیه مؤمنان، از سنت های الهی است .

و ما كيد الكافرين إلا في ضلل

۱۷ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان

، در مورد نافرجام ماندن توطئه های کافران علیه جانشان

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه . . و ما كيد الكافرين إلا في ضلل

مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه با بیان تاریخ موسی(ع) و مؤمنان به او و نیز فرعونیان، در صدد دلداری به پیامبر اسلام و مؤمنان است که وضعیتی مشابه آنان در مکه داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۱

۱ تلاش های کافران ، در منحرف ساختن جامعه بشری از راه خدا ، محکوم به شکست حتمی و نهایی است .

الذين كفروا و صدّوا عن سبيل الله أضلّ أعمالهم

<أعمالهم> نظر به تلاش های کفرآمیز و انحراف انگیز کافران دارد که از واژه <صدّوا> استفاده می شود. شکست حتمی و نهایی از آن جهت برداشت می شود که گوینده <أضلّ> خداوند است و اگر کافران در ظاهر پیشرفت هایی هم داشته باشند، در نهایت محکوم به شکست اند.

شکست توطئه های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۹

۹- ترفند ها و توطئه های کافران علیه راه خدا و پیامبر (ص) ، محکوم به شکست و بی فرجامی

إنّ الذين كفروا و صدّوا . . و سيحبط أعمالهم

به قرینه صدر آیه، می توان گفت: مراد از <أعمالهم> همان حرکت های کفرآمیز، مانع تراشی در طریق حق و ستیزه جویی با پیامبر(ص) است. در این صورت <حبط>، به معنای خنثی سازی و عقیم نمودن تلاش های آنان خواهد بود.

شکست دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شکست دنیوی کافران ، پیش در آمد عذاب اخروی آنان

سیهزم الجمع . .. بل الساعه موعدهم

شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۱،۳،۴،۵

۱ شکست نهایی کافران ، از سنت های الهی

قل للذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنم

۳ پیامبر اکرم (ص) ، مأمور اعلام کردن شکست نهایی کفار به آنها و حشرشان به سوی جهنم

قل للذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنم

۴ کافران در دنیا ، مغلوب مؤمنان و در آخرت ، مقهور خدا هستند . *

قل للذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنم

۵ اعلام شکست قریب الوقوع کافران ، از روش های قرآن برای تضعیف روحیه دشمن

قل للذین کفروا ستغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۱

۱ جنگ بدر ، شاهد روشن صدق وعده های الهی در مورد شکست کافران

قد کان لکم ایه فی فئتین التقتا

بنا به گفته مفسرین ، آیه فوق مربوط به جنگ بدر است . گفتنی است که در شأن نزول آیه ، اختلافی نیست .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ شکست و پیروزی در جنگ ، وسیله ای برای نابودی تدریجی کافران

نداولها بین الناس . . . و لیمحص الله الذین امنوا و یمحق الکافرین

<محق>، به معنی نابودی تدریجی است. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

غیبی خداوند، در شکست کافران شرک پیشه

و هو خیر الناصرین. سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب بما اشركوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۲

۲ ضربه و مصیبت وارده بر کافران در جنگ بدر، دو برابر مصیبتی که بر پیکارگران مؤمن در جنگ احد وارد شد.

اولما اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلها

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از <اصبتم مثلها> (دو چندان مصیبتی که دیدید، بر کافران وارد کردید) مصیبتی است که مؤمنان در پیکار بدر بر مشرکان تحمیل کردند. این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۸

۸ بشارت الهی در مورد ناکامی یهود و کافران در مبارزه مشترک علیه مسلمانان

الم تر الی الذین اتوا الکتب . . و من یلعن الله فلن تجد له نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۵

۱۵ پیروزی نهایی مؤمنان بر کافران

و لن یجعل الله للکفرین علی المؤمنین سبیلاً

بنابر اینکه جمله <لن یجعل الله> اخبار باشد و نه انشاء. و چون این جمله پس از فرض غلبه کافران است (و ان کان للکفرین نصیب)، اشاره به این دارد که پیروزی نهایی و دایمی از آن مسلمانان خواهد بود؛ گرچه ممکن است در مقطعی غلبه با کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۴

کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنى عنكم جمعكم و ما كنتم تستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۰

۱۰ شکست کافران عصر بعثت و حاکمیت دین اسلام بر سرزمین آنان ، نوید خداوند به پیامبر (ص)

و تمت كلمت ربك

هدف از مخاطب قرار دادن پیامبر (ربك) در بیان پیروزی مستضعفان بنی اسرائیل و نابودی مستکبران، مژده پیروزی اسلام و مسلمانان و نابودی کفر و کفرپیشگان مستکبر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۱

۱ شکست و رسوایی ، فرجام کافران ستیزه گر با خدا و رسول او

ذلكم

<ذلكم> خبر برای ابتدایی محذوف و اشاره به شکست خفتبار مشرکان در جنگ بدر دارد ؛ یعنی <الأمر ذلكم> ؛ مطلب از این قرار است که بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۸

۸ شکست نهایی ، سرنوشت محتوم کفرپیشگان ستیزه گر علیه اسلام و راه خدا

ثم يغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۹، ۱۲

۱۲ شیطان در آغاز جنگ بدر با دیدن امداد های الهی به شکست جبهه کفر مطمئن شد .

نکص علی عقبیه و قال إني بريء منكم إني أرى ما لاترون

۱۹ شکست کافران جنگ بدر نمودی از عقوبت شدید خداوند برای آنان

و الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- توبه - ۹ - ۲ - ۱۱

۱۱ سنت الهی حاکم بر جوامع بشری ، در جهت غلبه یافتن دین خدا و عزت مؤمنان ، و شکست کفر و خواری کفرپیشگان است .

و أن الله مخزى الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ هزیمت و شکست ، فرجام شوم و کیفر قطعی برای تمامی کافران و دشمنان ایستاده در برابر دین الهی

و عذب الذين كفروا و ذلك جزاء الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۲، ۱۰

۱۰ غلبه ایمان بر کفر و موفقیت پیامبر (ص) در انجام رسالت ، از نوید ها و بشارت های خداوند به آن حضرت

فاصبر إن العقبه للمتقين

بیان پیروزی اهل ایمان و از میان رفتن کفرپیشگان در شرح داستان نوح(ع) می رساند که مصداق مورد نظر برای <العاقبه> (فرجام نیک) پیروزی ایمان بر کفر است و از آن جا که خطاب متوجه پیامبر(ص) است، جمله فوق ناظر به پیروزی اسلام بر کفر و موفقیت پیامبر(ص) در انجام رسالت می باشد.

۱۲ صبر و تقوا ، دو شرط اساسی برای پیروزی نهایی بر کافران و نایل شدن به فرجامی نیکوست .

فاصبر إن العقبه للمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۷

۷- هلاکت و شکست کافران و دین ستیزان و پیروزی مؤمنان ، از آیات الهی است .

سأوریکم ءایتی

برداشت یاد شده به خاطر این است که از هلاکت کافران و پیروزی مسلمانان به <آیات> تعبیر شده است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

و إن أدری أقرب أم بعید ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی است که جمله <أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۱

۱۱ - نوید عزت و پیروزی به اهل ایمان و شکست و خواری کافران و مشرکان صدراسلام

و من الناس من یجدل.. .. ثانی عطفه... له فی الدنیا خزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۳

۳ - کافران و مشرکان ، به عذاب و شکست تهدید شدند .

و لتعلمنَّ نبأه بعد حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - شکست ناپذیری قرآن ، در برابر معارضه ها و موضع گیری های خصمانه کافران

إِنَّ الَّذِينَ يَلْحَدُونَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ... و إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۳

۳ - تلاش کافران ، برای خدشه دار ساختن قرآن ، کاری بازیگرانه و بی فرجام

الذین هم فی خوض یلعبون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <خوض>، نقد و انتقادهایی باشد که کافران از سر تکذیب

نسبت به قرآن انجام می دهند و اطلاق لقب بر این عمل از آن جهت باشد که نتیجه ای، عاید آنان نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۱ - ۳

۳ - اطمینان بخشی خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به رشد دعوت آن حضرت و به خاموشی گراییدن ندای کفر

قل ترَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُرْتَبِّصِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۴

۴ - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (ص) ، شکست پذیر و گریبانگیر خود آنان

فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ - در جنگ کفر و ایمان ، کفر همواره بازنده است .

فَأَيُّدِنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَاصْبِحُوا ظَهْرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵ - ۲

۲ - تهدید خداوند به شکست کافران ، در جنگ با پیامبر (ص) و مسلمانان

و يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۷ - ۵

۵ - بشارت خداوند به پیروزی و سعادت مندی مؤمنان و تهدید او نسبت به شکست و بدبختی کافران

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

بنابر گفته مفسران، این آیه متضمن وعده و وعید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۲

۲ - کافران ، هر چند شگردد های عمیق و

دشواری به کار گیرند ، در برابر مکر های علاج ناپذیر خداوند ، شکست خواهند خورد .

یکیدون کیداً . و اُکید کیداً

بیان مکر خداوند در برابر کید کافران، در حقیقت بیان ناکامی آنان است.

شکست کافران اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لايزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه .. حتى يأتي وعد الله

شکست کافران در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۹

۹ جبهه کفر در کارزار حنین ، در پی فرود آمدن نیرو های غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداوند ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل الله سكينته .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذب الذين كفروا

شکست کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ شکست نابودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حتى يأتي وعد الله

شکست کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۶،۷،۱۰

۶ خداوند بی ثمر ماندن تلاش های حق ستیزانه کافران قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

۷ خداوند با خبری غیبی ، شکست کفار قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند ، از دوزخیان هستند .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند بود.

شکست کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۴

۴ متلاشی ساختن جبهه کافران محارب و پراکنده ساختن آنان ، تکلیفی بر عهده اهل ایمان

فإما تتقنهم فی الحرب فشردهم

شکست کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۴

۴- کافران مکه ، در آستانه شکست و عذاب دنیوی قرار گرفته بودند .

سأوریکم ءایتی

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از <آیات> شکست کفار مکه و عذاب دنیوی آنان باشد. گفتنی است مکی بودن این آیات، مؤید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه .. حتی یأتی وعد الله

شکست مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۱

۱ خداوند با برنامه های خویش ، مکر کافران علیه پیامبر (ص) را نافرجام ساخت .

إذ یمکر . . . و یمکر

اللّٰه و اللّٰه خير المكرين

شكمارگى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۷

۷- لذت جویی و شکمارگی حیوان گونه کافران ، تنها بهره آنان از زندگی دنیایی

الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم و النار مثوی لهم

از مقابله دو بخش آیه که برای مؤمنان پایان خوش بهشت را یادآور شده استفاده می شود که کافران، هرگز از آن نعمت های اخروی بهره نخواهند برد بلکه تنها شهوت رانی و استفاده حیوان گونه از امکانات دنیا، نصیب آنان است.

شکنجه های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۹

۹- پیامبر (ص) ، به خاطر شکنجه و آزار مؤمنان توسط کافران ، سخت اندوهگین و متأثر می شد . *

و لاتحزن علیهم

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر <علیهم> مؤمنان باشد که از سوی کافران و مشرکان مکه به شدت شکنجه و آزار می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن ، دلیل پاینده تر بودن عذاب کافران از شکنجه و آزاری است که آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

والله خیر و أبقى . إنه من یأت ... لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مؤمنانی که زیر شکنجه کافران جان دادند و در آتش آنان سوختند ، مالک بوستان های بهشت خواهند شد

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر برداشت یاد شده است.

شکنجه های کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - برخی از مردان و زنان مؤمن در عصر بعثت ، به جهت ایمان خود ، گرفتار شکنجه کافران شدند .

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

قید <ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا> که ترغیب به توبه است با شأن نزول هایی که درباره ارتباط آیه به مؤمنان صدراسلام نقل شده، سازگارتر است زیرا در مورد گذشتگان ترغیب به توبه وجهی ندارد؛ هر چند که اصل موضوع درباره آنان نیز صادق است.

شگفتی بینایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۱

۱- کافران در قیامت و به هنگام حضور در پیشگاه خداوند ، شنوایی و بینایی اعجاب برانگیزی برخوردار خواهند بود .

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصُرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا

<أَسْمِعْ بِهِمْ> و <أَبْصُرْ> صیغه های تعجب هستند، یعنی چقدر شنوا و بینا هستند!؟.

شگفتی تکذیبگری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۶

۶- اصرار کافران مکه بر تکذیب تهدید های الهی ، با وجود آگاهی آنان از هلاکت فرعونیان و ثمودیان ، شگفت آورتر از کفرورزی پیشینیان است .

بل الذین کفروا فی تکذیب

اضراب که از حرف <بل> استفاده می شود ممکن است نظر به این داشته باشد که تکذیب گری مردم مکه در قیاس با کفر پیشینان اعجاب آورتر است زیرا به رغم دیدن سرنوشت آنها، تهدید را

دروغ شمردند.

شگفتی حالات کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - وضعیت کافران به قرآن در قیامت ، رقت بار و شگفت آور است .

و قال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرآن .. و لو ترى إذ الظالمون موقوفون عند ربّ

جواب <لو> محذوف است و عبارت می تواند چیزی همانند و لو ترى .. لرأيت أمراً عجباً باشد.

شگفتی شنوایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۱

۱- کافران در قیامت و به هنگام حضور در پیشگاه خداوند ، شنوایی و بینایی اعجاب برانگیزی برخوردار خواهند بود .

أسمع بهم و أبصر يوم يأتوننا

<أسمع بهم> و <أبصر> صیغه های تعجب هستند، یعنی چقدر شنوا و بینا هستند!؟.

شگفتی عبرت ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۶

۶ اطلاع کافران از عاقبت شوم کفرپیشگان گذشته و عبرت نگرفتن از آنان ، مایه تعجب و شگفتی و نشانه بی خردی آنان است .

و يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه و قد خلت من قبلهم المثلث

آیه شریفه در مقام تعجب و بیان سخافت رأی و خرد کفرپیشگان است و جمله حالیه (و قد خلت ..) به منزله دلیل برای اثبات آن می باشد. از این رو باید آنان از گرفتار شدن امتهای کفرپیشه گذشته به عقوبتهای الهی مطلع باشند.

شگفتی عذاب دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۲۱

۲۱- روز فرا

رسی عذاب دنیوی مشرکان و کافران ، روزی بس شگفت و عظیم

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

مراد از <عذاب یوم عظیم> ممکن است عذاب دنیوی باشد.

شگفتی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۵

۵ - عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای کافران و مشرکان

كادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا

شگفتی لجاجت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۴

۴ - پافشاری کافران بر کفر خویش ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أُكْفَرَهُ

شیطان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۱، ۹، ۷، ۵، ۴

۴ شیطان با توصیف کافران بدر به شکست ناپذیران ، آنان را علیه مسلمانان تشجیع کرد .

وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ

۵ لشکرکشی برای رویارویی با اهل ایمان ، عملی پسندیده در نظر شیطان زده کفرپیشگان مکه

إِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَلَهُمْ

از مصادیق مورد نظر برای کلمه <أعملهم>، به قرینه آیات قبل و فراهای بعد، لشکرکشی کافران مکه برای حضور در جنگ بدر است.

۷ سرمستی، ریاکاری و بازداشتن مردم از راه خدا، رفتاری نیکو در نظر شیطان زده کافران عصر بعثت *

إذ زين لهم الشيطان أعمالهم

از مصادیق <أعملهم> به قرینه آیه قبل، سرمستی و ریاکاری .. است.

۹ شیطان با تأکید بر یاری بی دریغ خویش از لشکریان کافر بدر، آنان را به رویارویی با مسلمانان ترغیب کرد .

إني جار لكم

کلمه

<جار> معانی متعددی دارد؛ از جمله یاور، همسانه، هم قسم، شریک و .. (لسان العرب). به نظر می رسد یاور نسبت به دیگر معانی مناسبتر باشد.

۱۱ شیطان به هنگام شروع جنگ بدر با اعلان بیزاری از کافران، عهد خویش (یاری سپاه کفر) را گسست.

فلما تراءت الفئتان .. قال إني بريء منكم

۱۳ مشاهده فرشتگان الهی برای امداد مسلمانان، دلیل عقب نشینی شیطان از کارزار بدر و اعلان بیزاری وی از لشکر کفر

نکص علی عقبیه و قال إني بريء منكم إني أرى ما لاترون

شیطان و کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۸

۸ تجسم شیطان برای کافران مکه، قبل از جنگ بدر

و اذ زين لهم الشيطان أعمالهم

شیطنت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص)، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود.

إِنَّهٗ كَانَ لِأَيْتِنَا عَنِيْدًا .. إِنَّهٗ فَكَّرَ وَقَدَّرَ

شیوه برخورد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۷

۷ لزوم طرد مرتدان و کافران آگاه از اهل کتاب، و برخورد شدید با آنان *

اولئك جزاؤهم انّ عليهم لعنه الله و الملائكه و الناس اجمعين

بنابراینکه <ان عليهم لعنه .. و الناس اجمعين>، جمله انشائی به صورت خبر باشد. یعنی مردم باید آنان را طرد کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۴

۴ لزوم برخورد فکری با انحرافات اعتقادی ، پس از تبیین حقایق

قل یا اهل الکتب لم تکفرون بایات الله

با توجه به مجموع آیات قبل که نخست، خداوند حقایق مختلفی را درباره بنی اسرائیل تبیین و سپس به آنان اعتراض کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰ اهل ایمان ، موظف به جلوگیری از توسعه و رشد اقتصادی اهل کتاب (یهود) ، تا مرحله به مسکنت و درماندگی کشانیدن آنان

و ضربت علیهم المسکنه

بنابر اینکه جمله <ضربت ... >، تشریحی باشد نه اخبار از امر خارجی.

صالح(ع) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۵

۵ برخورد حضرت صالح (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

يقوم أریتم

تعبیر <یا قوم > (ای مردم من) حکایت از شفقت و ترحم صالح(ع) دارد.

صبر بر اذیت‌های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۳

۳- صبر در برابر گفته ها و فشار های تبلیغاتی و روانی کافران ، فرمان و توصیه خداوند به پیامبر (ص)

فاصبر علی ما یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۳

۳- پیامبر (ص) و یاران ایشان ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزار ها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

فتولّ عنهم حتی حین

توصیه به

اعراض و بی اعتنایی، در شرایطی که پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۳

۳ - پیامبراسلام (ص) و یاران ایشان، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزارها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

و تَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

توصیه به اعراض و بی اعتنایی در شرایطی که پیامبر(ص) و یارانش مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲

۱۲- توکل به خداوند و صبر پیشه کردن در برابر آزار و اذیت کافران، زمینه ساز برخورداری از حمایت الهی

و عَلَى اللَّهِ فليتوكل المؤمنون .. و لنصبرنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمونا ... فَأُوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُ

صبر بر اذیت های کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۹ - ۴

۴ - توصیه خداوند به مؤمنان و مهاجران صدراسلام، مبنی بر اینکه در برابر فشارها و آزارهای کافران، بردبار باشند و خویشتن داری را از دست ندهند.

و الذین هاجروا .. ثم قتلوا ... و إِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ

متعلق <علیم> در جمله <و إِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ> محذوف است و تقدیر آن به قرینه مقام چنین می باشد: <إِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ بَمَا فَعَلَ الْمُشْرِكُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ إِخْرَاجِهِمْ مِنْ دِيَارِهِمْ وَقَتْلِهِمُ الْمُهَاجِرِينَ حَلِيمٌ يَمُهَلِّهِمْ

و لا-ينتقم منهم إلى حين؛ خدا به آنچه که مشرکان علیه مؤمنان انجام دادند، آگاه است و چون حلیم و بردبار است، به آنان فرصت می دهد. گفتنی است که جمله فوق، در واقع توصیه ای است از جانب خداوند به مؤمنان صدراسلام که فشارهای کافران آنان را بی حوصله نکند؛ بلکه همان طور که خدا حلیم و بردبار است، بردباری کنند و خویشتن داری را از دست ندهند.

صبر بر استهزاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۴،۷

۴ - مقاومت روحی در برابر استهزا و مضحکه کافران و حق ستیزان و پایبندی بر ارزش های دینی و الهی ، از مصداق های بارز صبر و شکیبایی

فَاتَّخِذْهُمْ سَخِرِيًّا .. و كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ . إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا

۷ - صبر و شکیبایی در برابر آزار های روحی کافران ، توصیه خداوند به مؤمنان صدراسلام

فَاتَّخِذْهُمْ سَخِرِيًّا .. و كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ . إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا

ذکر فرجام خوش مؤمنان شکیبا در قیامت و اعلام رستگاری قطعی آنان، نشانگر تشویقی است از سوی خداوند به مؤمنان صدراسلام؛ که در برابر آزارهای کافران مقاومت کنند و بدانند که خداوند آنان را فراموش نخواهد کرد.

صبر بر دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۸

۸ - وانهادن کافران و تحمل عداوت آنان ، تکلیفی الهی برای پیامبر (ص)

فَذَرَهُمْ .. و اصبر لحکم ربِّک

بنابراین که <و اصبر> عطف بر <فذرهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

صبر بر سخنان کافران

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۱

۱ - دعوت پیامبر (ص) از سوی خداوند ، به صبر در برابر گفتار ناروای کافران

فاصبر علی ما یقولون

صبر در برابر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۲

۲ پیامبر (ص) ، مأمور به برگزیدن شیوه صبر و انتظار در برابر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان *

فإنما یسرنه .. . فارتقب

با توجه به شرایط دشوار پیامبر(ص) در مکه، چه بسا تعبیر <فارتقب> بیانگر لزوم صبر و انتظار تا لحظه تغییر شرایط است.

صفات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۴

۴ کفرپیشگان ، مردمانی فریفته به زندگانی دنیا

حرمهما علی الکفرین. الذین ... غرتهم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۴

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أكثر أمولا و أولداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ درس نگرستن از آزمون ها و ابتلائات الهی ، از ویژگی های منافقان و کافران
ماتوا و هم كفرون. أو لا یرون أنهم یفتنون فی كل عام ... ثم لا یتوبون و لا هم یدك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و

آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إِنَّ الدِّينَ ... وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا ... غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۳

۳- مؤمن، دارای ثبات و استقرار در عقیده، ولی کافر، اسیر در چنگال های شک و تردید و بی ثبات است.

مَا أَظُنُّ ... وَ مَا أَظُنُّ ... لَكُنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي

سخنان سمبل کفر و دنیاپرستی، در آیه، همواره، تردید را با خود همراه دارد، لذا در نقل سخن او، دو بار واژه <ظُنُّ > و یک بار نیز <لئن > به کار گرفته شده، ولی مرد سمبل ایمان، با قاطعیت عقیده خود را بیان کرده و راه عملی خود را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۷

۷- کافران و انسان های لجوج، از قدرت و عذاب الهی تأثیر پذیرفته و متنبه می شوند؛ نه از منطق و برهان.

وَ لئن مسَّتهم نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَٰوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۴

۴ - کافران، بیگانه با اعمال خیر و آلوده به کار های ناشایست

وَ لَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَمَلُونَ

<ذَلِكَ > اشاره دارد به کارهای نیک مؤمنان (أُولَئِكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ)؛ یعنی، برای کافران، اعمال دیگری غیر از آن اعمال (اعمال نیک) وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - دل‌بستگی کافران و مستکبران به اسباب و عوامل ظاهری تا قبل از روبه رو شدن با عذاب دوزخ

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم .. إِذَا هُمْ فِيهِ مَبْلُوسُونَ

<حَتَّىٰ> غایت برای <ما يتضرعون> و <فتح> (مصدر <فتحننا>) به معنای گشودن است. <إبلايس> (مصدر <مبلسون>) نیز برای چند معنای نزدیک به هم و متلازم مانند: انکسار، حزن، تحیر، یأس و سکوت همراه با اندوه به کار رفته است؛ یعنی، ... و به درگاه خدا زاری نمی کنند تا وقتی که دری از عذاب سخت (بسیار دردناک) بر [روی] آنان بگشاییم. به ناگاه ایشان در آن [حال، از هر سبب نجات بخشی] نوید خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ - نادرست پنداشتن وعده الهی به برپایی قیامت و دروغگو دانستن پیامبران ، کفر و از نشانه های کافران است .

الذین كفروا .. قالوا يويلنا ... هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۹

۹ - هواپرستی ، انکار روز قیامت ، باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش ، از اوصاف کافران است .

و لا تتبّع الهوى فيضلّك عن سبيل الله .. بما نسوا يوم الحساب . و ما خلقنا السما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۲

۲ - دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق ، از خصوصیات کافران است .

فمن أظلم ممّن كذب على الله و كذب

بالصدق

مخاطبان آیه شریفه به قرینه ذیل آیه (مَثْوَى لِلْكَافِرِينَ) کافران می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۵

۵ - کافران ، گروهی خود بزرگ بین و متکبرانند .

حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ .. فَبئسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۲

۲ - کافران ، در طول تاریخ دارای فرجامی مشابه و خصلت ها و مواضعی همگون

و لقد أهلكنا أشياعكم

<أشياء> جمع <شيعه> است و در این جا معادل امثال و اشباه به کار رفته است یعنی، امثال شما در کفر و الحاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۵

۵ - عدالت خواهی و حق طلبی ، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق ، از اوصاف کافران

و أَنَا مِّنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ

با توجه به معنای <قَسِطٌ> (جور) و نیز تقابل <قاسطون> با <مسلمون>، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۱ - ۲

۲ - دل بستگی به دنیا و رها کردن آخرت ، از نشانه های کافران است .

بل تحبّون العاجله . و تذرّون الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۲، ۱

۱ - تصدیق نکردن حقایق دین و ترک نماز ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فلا صدق ولا صلّی

۲ - صدقه ندادن و انفاق نکردن ،

از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فلاصدق

برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال است که <صدق> از ماده <صدقه> باشد (نظر زمخشری و ابی حیان). گفتنی است مفاد برخی از آیات، مانند مفاد همین است؛ یعنی، ترک انفاق و نماز، از نشانه های کافران دانسته شده است؛ مانند: <ماسلککم فی سقر . قالوا لم نک من المصلین . و لم نک نطعم المسکین>، (سوره مدثر، آیات ۴۲ ۴۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۲ - ۱

۱ - تکذیب حقایق دین و روی گردانی از پذیرش آنها، از نشانه های کفر و اوصاف کافران

و لکن کذب و تولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۱

۱ - تبختر و به خودبالیدن، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

ثم ذهب إلى أهله يتمطی

مفسران واژه <یتمطی> را به معنای <تبختر> دانسته اند؛ زیرا این واژه یا از ماده <مط> (کشیدن پاها و گام ها) است و یا از ماده <مطا> (پشت). در هر دو صورت، مقصود تبختر و فخر فروشی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱

۱ - محبت و دلبستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است .

و لاتطع منهم ءائماً أو کفوراً . .. إن هؤلاء یحبون العاجله و یذرون وراءهم یوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۲

کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قیامت خود و بی توجه به نشانه های خدا در خلقت خویش

کَلَّا

<کَلَّا> می تواند برای ردع و باز داشتن از توهمی باشد که آیات پیشین، زمینه ساز پیدایش آن بود و آن این که با وجود زمینه های توجه به خداوند در آفرینش انسان از نطفه تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسی در کفر بماند. <کَلَّا> دلالت دارد که نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

صفات کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۷

۷ - کفرپیشگان و تکذیب گران صدراسلام ، مردمانی بودند خودبزرگ بین و استکبار پیشه .

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا .. عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۲

۲ - سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدراسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۳

۳ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بل لَجُوا فی عتوّ و نفور

<عتوّ> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحيط) و مقصود از <نفور> (رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

صفات کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و

لو فتحنا عليهم بابًا من السماء فظلّوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۶، ۴، ۵، ۲، ۱

۱ جامعه ایمانی باید در صورت اظهار تمایل کافران به صلح ، آن را بپذیرد و از آن استقبال کند .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

۲ لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احراز نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف <الی> متعدی می شود. بنابراین آوردن <لام> پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای <قصد> تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلی المسالمة قاصدین لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حيله گری ...)

۴ جامعه ایمانی نباید به کافرانی که در پی صلح نیستند طرح صلح دهد .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق از مفهوم جمله شرطیه <إن جنحوا ..> استفاده می شود.

۵ پذیرش صلح و متارکه جنگ در حیطة قدرت و مسؤولیت پیامبر (ص) و رهبری است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به اینکه پیامبر(ص) مورد خطاب <فاجنح> قرار گرفته است، استفاده شده است.

۶ احتمال نیرنگ زدن کافران در سایه پیشنهاد صلح بدون شواهد و قرائن نباید مانع پذیرش صلح شود .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله

حرف لام در <للسلم> گویای این است که باید احراز شود که کافران

در پیشنهاد صلح در صدد حيله گرى نيستند. و هدف از لزوم توكل بر خدا پس از فرمان به پذيرش صلح اين است كه مسلمانان را از ترتيب اثر دادن به احتمال حيله گرى باز دارد. مجموع اين دو فرمان، يعنى از يك سو بايد احراز شود كه كافران در صدد فريبكارى نيستند و از سوى ديگر نبايد به احتمال نيرنگ زدن آنان ترتيب اثر داد، بيانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۱

۱ احتمال تصميم كافرين بر خدعه و نيرنگ در سايه صلح طلبى، نبايد مانعى جهت پذيرش صلح با آنان شود.

و ان يريدوا ان يخذو عوك فان حسبك الله

برداشت فوق بر اين اساس كه <ان يريدوا .. > توضيحي باشد براى <فاجنح لها>. يعنى اى پيامبر(ص) وظيفه تو اين است كه صلح پيشنهادهى را پذيرى و اگر كافرين قصد نيرنگ داشتند، خداوند تو را از شر آنان حفظ مى كند. بنا بر اين مبدا بر اثر اين احتمال كه شايد آنان در صدد اغفال مسلمين هستند پيشنهاده صلح را نپذيرى. گفتنى است با توجه به آيه ۵۸ معلوم مى شود اگر قرائن و شواهدى براى اين احتمال (خدعه و نيرنگ) وجود دارد، بايد از پذيرش صلح امتناع كرد.

صلح كافرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۸

۸ مسلمانان صدر اسلام نگران توطئه هاى پنهانى كافرانى كه مخاصمات را ترك گفته و حاضر به صلح مى شدند.

فان انتهوا فان الله بما يعملون بصير

جواب شرط <انتهوا> به قرينه <قتلوهم>

جمله ای همانند <فلاتقالتوهم> است؛ یعنی اگر کافران دست از فتنه انگیزی برداشتند و راه مسالمت پیش گرفتند با آنان نبرد نکنید. با توجه به این معنا معلوم می شود هدف از بیان آگاهی خداوند به اعمال این گروه از کافران، این است که مسلمانان را از این نگرانی برهاند که شاید صلح جویی آنان دستاویزی برای توطئه و فتنه ای دیگر باشد.

صورت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۱ - ۶

۶ - کافران و منکران معاد، در رستاخیز تغییر شکل یافته و به صورت هایی غیر از صورت انسانی محشور خواهند شد. *

علی أن نبذل أمثلکم

برخی از مفسران، احتمال داده اند که <أمثال> در آیه شریفه جمع <مَثَل> و به معنای اوصاف است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <ما مرگ را در میان شما مقدر کردیم؛ برای این که در آینده، اوصاف شما را دگرگون کرده و در شکل و صورتی که نمی دانید ایجادتان کنیم>. گفتنی است که روی سخن در این آیات، با کافران و منکران رستاخیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۶

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه... و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أولئك هم الكفرة الفجرة) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

ضربه به پشت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ -

۲ فرشتگان به هنگام فرارسیدن مرگ کافران ، با کوبیدن بر صورت و پشت آنان ، جانشان را خواهند گرفت .

و لو ترى إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم وأدبرهم

ضربه به صورت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۲

۲ فرشتگان به هنگام فرارسیدن مرگ کافران ، با کوبیدن بر صورت و پشت آنان ، جانشان را خواهند گرفت .

و لو ترى إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم وأدبرهم

ضعف علمی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۷ - ۲

۲ کافران ، ناتوان از رد علمی و یقینی معاد و تنها بعید شمارنده آن

بل ادرك علمهم في الآخرة.. .. وقال الذين كفروا... أئنا لمخرجون

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل و بسنده کردن کافران به اظهار شگفتی و ناباوری (به جای اقامه دلیل و برهان) مطلب یاد شده به دست می آید.

ضعف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ کافران پیکارگر در جبهه طاغوت ، ضعیف و ناتوان

و الذين كفروا يقاتلون في سبيل الطاغوت .. ان كيد الشيطان كان ضعيفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۸،۹

۸ بازماندن منافقان و کافران از رویارویی و نبرد با مسلمانان ، برخاسته از مشیت خداوند

و لو شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم

۹ توجه به نقش اساسی مشیت الهی در تضعیف روحیه

دشمنان (منافقان و کافران) ، زمینه پرهیز از غرور و خودبینی

و لو شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۸ - ۳

۳ کافران ، ناتوان از مقابله با کیفر های الهی

أو أمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۱۵

۱۵- ضعف و زبونی کافران و خدایان آنان در برابر اراده خداوند

أفهم الغلبون

همزه در <أفهم> برای استفهام انکاری است.

ضعف کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۴

۴ ضعف و ناتوانی سپاه کفر در جنگ بدر ، تأویل و تعبیر رؤیای پیامبر (ص) (کم دیدن نفرات دشمن)

إذ يريكم الله في منامك قليلا

از منابع تاریخی مربوط به جنگ بدر و نیز اینکه هر فرماندهی پیش از اقدام به جنگ همواره در تلاش برای آگاهی به کم و کیف لشکر مقابل است، به دست می آید که پیامبر(ص) و دیگر مسلمانان از تعداد تقریبی نفرات دشمن آگاه بودند. بنابراین رؤیای پیامبر(ص) حاکی از سستی و ضعف نیروی دشمن بوده است، نه بیانگر تعداد آنان.

ضیق صدر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ گرفتار شدن اباکنندگان از ایمان به ضیق صدر، سنت خداوندی است.

و من یرد أن یضله .. كذلك يجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون

ضیق صدر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۱۱

طعام اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۶ - ۱

۱ - < غسلین > (خونابه و چرک) ، تنها غذای کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) در قیامت

و لا طعام إلا من غسلین

< غسلین > به گفته اهل لغت و مفسران به معنای آبی که از بدن های دوزخیان خارج می شود و ممکن است مقصود خونابه و چرک باشد.

طعن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۶

۶ پیامبر(ص) موظف به دلجویی از مؤمنان فقیر و ضعیف با ابلاغ سلام و رحمت الهی به آنان در برابر طعنه های کافران

أهؤلاء منّ الله عليهم من بیننا . . و إذا جاءك الذین یؤمنون بأیتنا

در آیه قبل از طعنه های کافران به مؤمنان تهیدست اطراف پیامبر(ص) سخن به میان آمده، و در این آیه از آن مؤمنان با توصیف < الذین یؤمنون . . > یاد شده است. محور ارتباط بین این دو آیه می تواند موضوع جبران تأثر مؤمنان باشد که در برداشت فوق به آن اشاره شده است.

طغیان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

طغیان کافران مکہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷ - لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر

مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمٰنهم ... للّٰجوا فی طغینهم یعمهون

ظلم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۷ - ۹

۹ خداوند به اهل کفر ستمی روا ندارد ، بلکه آنها ، خود بر خویشان ستم روا می دارند .

و ما ظلمهم الله و لكن انفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۸

۸ گروهی از مسلمانان در صدر اسلام ، از مکه هجرت نکردند و همچنان تحت ستم کافران باقی ماندند .

انّ الذّٰین توفّٰیهم الملائکه .. قالوا کنا مستضعفین فی الارض

ابن عباس گوید: گروهی از اهل مکه ایمان آوردند، ولی به علت ترس، از هجرت سر باز زدند و این آیه درباره آنان نازل شد. (روح المعانی، ذیل آیه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ انکار آیات الهی نشأت گرفته از روح سرکش و ستمگر کافران است، نه جهل و ناآگاهی آنان

فإنهم لا یکذبکونک و لكن الظلمین بأیت الله یجحدون

<جحد> به انکاری که بر خلاف اعتقاد قلبی باشد گفته می شود. محتمل است ستمکار شمردن منکران در آیه به جهت مخالفت آگاهانه آنان با پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۷ - ۲

۲ کفرپیشگان با تکذیب آیات الهی همواره بر خویش ستم می کنند .

و أنفسهم كانوا يظلمون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۸

۸ کافران و مشرکان ، مردمانی ستم پیشه اند .

و الله لا يهدى القوم الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۸

۸ کفر ، ستمگری است و کفر پیشگان ستمگرند .

و قيل بعدا للقوم الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱۵ - ۸

۸- کافرانی که در برابر بینات و برهان های روشن انبیا لجاجت کرده و در مقابل آنان ایستادند ، مردمانی جبار و منحرف بودند .

و قال الذين كفروا لرسلمهم لنخرجنكم .. و خاب كل جبار عنيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۷ - ۹

۹- کفر ، ظلم است و کافران ، ظالمنند .

يثبت الله الذين آمنوا .. و يضل الله الظالمين

از مقابله <الظالمين> با <الذين آمنوا> استفاده می شود که ظالمان همان کافران هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱

۱- کافران ، کسانی اند که با کفر خود ، به خویش ستم می کنند .

الكفرين . الذين تتوفهم الملكة ظالمى أنفسهم

<الذين> صفت <الكافرين> و <ظالمى> حال برای آن است. مراد از <ظالمى أنفسهم> به قرینه لفظ <الكافرين> ظلم کنندگان به خود با انتخاب کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۸

۸- کافران ، با انکار حقانیت کتاب های آسمانی ، به خود ستم کردند .

و ما ظلمهم

الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۵ - ۲

۲- کافران ، ظالمند .

لا يؤذَن للذین کفروا .. و إذا رءا الذین ظلموا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۱

۱۱- کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفا بخشی قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۲

۱۲- کافران به حقایق نازل شده از سوی خداوند ، ظالم ، و سزاوار آتش اند .

الحقّ من ربّکم .. و من شاء فلیکفر إنّنا أعتدنا للظلمین نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۶

۶ سحر زدگی ، اتهام ظالمانه مشرکان به پیامبر (ص)

و قال الظلمون إن تَتَّبِعُونَ إلاّ رجلاً مسحوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۴

۴ - کافران ، مردمانی ظالم و ستم پیشه اند .

و يوم تقوم الساعه يقسم المجرمون ما لبثوا .. فيومئذ لاينفع الذين ظلموا معذرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - مستضعفان و مستكبران كافر ، هر دو ظالم اند .

و لو ترى

إذ الظلمون موقوفون عند ربهم .. يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا

خداوند، پس از آن که مشرکان را مردمانی ظالم معرفی کرد به بیان تفصیلی مشاجره آنان پرداخت. این نشان می دهد که مشرکان ظالم به دو گروه مستضعف و مستکبر تقسیم می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۲

۲ - کافران و اعراض کنندگان از عبادت خداوند ، ستمکار و ظالم اند .

و ما خلقت .. إلا ليعبدون ... فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیش که در زمینه هدف آفرینش و عبودیت بندگان به درگاه خداوند بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۵

۵ - عدالت خواهی و حق طلبی ، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق ، از اوصاف کافران

و أَنَا مِّنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ

با توجه به معنای <قَاسِطٌ> (جور) و نیز تقابل <قاسطون> با <مسلمون>، مطلب یاد شده به دست می آید.

ظلم کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۸

۸- کافران حق ناپذیر ، مردمانی ظالم و ستم پیشه اند .

الذين لا يؤمنون بالأخرة .. إذ يقول الظلمون

ظلم کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مسلمانان صدر اسلام ، مورد ستم و تهاجم مستمر و پی در پی دشمنان کافر

أُذْنٌ لِلَّذِينَ يَقْتُلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا

به کارگیری

فعل مضارع (یقاتلون) نشان می دهد که مسلمانان صدراسلام، به طور مستمر و پیایی، مورد تهاجم و تجاوز قرار می گرفتند.

ظلم کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۳

۳ کفار قریش برخوردار از روحیه زورمداری و سلطه جویی

أنتم قليل مستضعفون .. تخافون أن يتخطفكم الناس

چون آیه ناظر به حالات مسلمانان تا پیش از هجرت است، مصداق مورد نظر از <الناس>، مشرکان مکه و کفار قریش است.

ظلم کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۷

۷ - کافران محارب ، فتنه انگیزان و بازدارندگان از گسترش و حاکمیت دین الهی ، ظالم هستند .

فلا عدون إلا علی الظلمین

ظلم کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۹،۱۵

۹ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، تحت سیطره ستم کافران مکه

و ما لكم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین .. یقولون ربنا اخرجنا من هذه ا

بسیاری از مفسران برآنند که آیه مورد بحث درباره مسلمانانی است که تا قبل از فتح مکه در آنجا بودند و از مهاجرت آنان جلوگیری می شد.

۱۵ مسلمانان مستضعف صدر اسلام ، خواستار فرمانده و نیروی انسانی از جانب خداوند برای رهایی از ستم کفرپیشگان مکه

و اجعل لنا من لدنك ولياً و اجعل لنا من لدنك نصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ فرعونیان ، امت های پیش از آنان و کفرپیشگان

مکه ، از زمره ظالمان

و کل کانوا ظلمین

ظن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۹

۱۹ - باور و رفتار کافران ، براساس ظن و گمان است ؛ نه یقین و برهان .

و ما أظنّ الساعة قائمه و لئن رجعت إلی ربّی

برداشت یاد شده بر این اساس است که کافران از یک سو برپایی قیامت را مورد تردید قرار می دهند و از سوی دیگر فرض وجود قیامت را مطرح می نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۴

۴- دلیل کافران ، بر انکار رسالت پیامبر (ص) ، دلیلی از جنس گمان بود ؛ نه از مقوله برهان .

بل عجبا أن جاءهم .. فقال الكفرون هذا شیء عجیب

بنابراین که <هذا> اشاره به <منذر منهم> باشد ؛ برداشت بالا به دست می آید ؛ یعنی، تنها منطبق کافران همین بود که می گفتند: انتخاب بشر برای رسالت بعید می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۱،۲

۱ - گمان کافران ، به برانگیخته نشدن انسان ها در قیامت

زعم الذین كفروا أن لن یبعثوا

۲ - اعتقاد کافران به برانگیخته نشدن انسان ها در قیامت ، مبتنی بر گمان است ؛ نه یقین و علم .

زعم الذین كفروا أن لن یبعثوا

برداشت یاد شده، به این دلیل است که ماده <زعم>، بیشتر در معنای <ظن> (گمان) و نیز درباره چیزی که مورد تردید بوده و اثبات نشده است، به کار می رود.

ظن کافران قوم عاد

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۶ - ۴

۴ تکذیب هود از سوی کافران قومش ، مبتنی بر حدس و گمان ، و نه علم و یقین *

إنا لنظنك من الكذابين

عبادت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۲،۳

۲ سوت کشیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه ، دلیل عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام

إن أوليائهم إلا المتقون . . . مكاء و تصديه

جمله < ما كان صلاتهم . . . > می تواند بیان مصداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی برای عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا ليعذبهم الله . . . و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله < ما كان صلاتهم . . . > عطف بر < و هم يصدون . . . > باشد.

عبرت از فرجام شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر عبرت نگرفتن از سرنوشت شوم کافران گذشته تاریخ

أفلم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين من قبلهم

عبرت از فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۲

فرجام سوء منافقان و کفرپیشگان گذشته تاریخ علی رغم برخورداری آنان از قدرت ، مال و فرزند فزونتر هشدار می است به منافقان هر عصر .

وعد الله المنافقين .. کالدین من قبلکم کانوا أشد منکم قوه و أكثر أمولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۵

۵ - لزوم عبرت گرفتن از سرنوشت جوامع کفرپیشه تاریخ

ثم أخذت الذین کفروا فکیف کان نکیر

جمله <فکیف کان نکیر> به تقدیر <فانظروا کیف کان نکیر> است ، یعنی، در سرگذشت آنان بنگرید و در عاقبت کارشان مطالعه کنید که عذاب خشم الهی چه بر سرشان آورد.

عبرت ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱،۴

۱ توبیخ کافران به آیات الهی به جهت تدبیر نکردن در تاریخ و درس نگرفتن از سرنوشت هلاکتبار امتهای گذشته

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن

۴ کافران به تحلیل صحیح تاریخ نپرداخته و از آن پند نمی گیرند.

ألم یروا کم أهلکنا

استفهام توبیخی <ألم یروا> بیانگر این است که تاریخ گذشتگان قابلیت پندآموزی و عبرت گرفتن دارد، ولی کافران در پی آن نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۶ - ۸

۸ درس نگرفتن از آزمون ها و ابتلائات الهی ، از ویژگی های منافقان و کافران

ماتوا و هم كفرون. أو لا يرون أنهم يفتنون في كل عام ... ثم لا يتوبون و لا هم يدّك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٨ - رعد - ١٣ - ٣١ - ١٨

> عن أبي جعفر (ع) في قوله : < ولا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه > و هي النقمه > أو تحلّ قريباً من دارهم < فتحلّ بقوم غيرهم فيرون ذلك و يسمعون به و الذين حلّت بهم عصاه كفار مثلهم و لا يتعظ بعضهم ببعض و لن يزالوا كذلك > حتى يأتي وعد الله < الذي وعد المؤمنين من النصر و يخزي الله الكافرين ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <و لا يزال .. > روایت شده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] <أو تحلّ قريباً من دارهم > [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آید و آنان می بینند و می شنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شده، مانند ایشان گناهکار و کافرند و [لیکن] برخی از برخی دیگر پند نمی گیرند و همواره چنین هستند تا وعده خدا فرا رسد و، حتی یأتی وعد الله، همان وعده ای که به مؤمنان داده است که آنان را پیروز کند و خداوند کافران را خوار می سازد<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۱۳

۱۳- عبرت نگرفتن کافران از مشاهده مرگ و میر آدمیان و انقراض جوامع و تمدن ها

أفلا يرون أنّا نأتى الأرض ننقصها من أطرافها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۶ - ۱۳، ۷، ۳

۳ - کافران ، از فرجام امت های پیشین (هلاکت شان) ، عبرت نگرفتند .

أولم يهد لهم كم أهلكنا من قبلهم من القرون

همزه در <أولم يهد.. > انکاری است. بنابراین، معنا چنین می شود: <آنان، از

هلاکت امت های پیشین هدایت نگرفتند >.

۷ - کافران ، از سوی خدا به خاطر عبرت نگرفتن از هلاکت کافران پیشین ، توبیخ شدند .

أولم يهد لهم كم أهلكنا من قبلهم من القرون .. أفلا يسمعون

همزه <أفلا يسمعون> تقریری و همراه با توبیخ است.

۱۳ - تاریخ عبرت آموز گذشتگان ، تأثیری در کفرپیشگان ندارد .

أولم يهد لهم .. أفلا يسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۶

۶ - هوشیاری و پندآموزی مردم ستیزه جو و کافر ، از مواعظ و آیات الهی ، بسیار اندک است .

إنّ الذين يجدلون في آيات الله .. و ما يستوى الأعمى والبصير ... قليلاً ما تت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۲،۴

۲ - کفرپیشگان ، بر تکذیب وعده ها و تهدید های الهی ، اصرار ورزیده و از فرجام پیشینیان عبرت نمی گیرند .

بل الذين كفروا في تكذيب

حرف <فی> ، ظرفیه و بیانگر غوطهور بودن کافران در تکذیب است. متعلق تکذیب به قرینه <بل هو قرآن مجید> در آیات بعد قرآن است که وعده ها و تهدیدهایی که در آیات قبل آمده بود، بخشی از آن است.

۴ - اصرار کافران بر تکذیب تهدید های الهی ، مانع عبرت گیری آنان از فرجام هلاکت بار پیشینیان

هل أتیک .. بل الذين كفروا في تكذيب

عبرت ناپذیری کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - توبیخ و سرزنش کفرپیشگان و تکذیب کنندگان صدراسلام ، به خاطر عبرت نگرفتن

از سرنوشت اقوام هلاک شده پیشین و پند نیاموختن از آثار به جا مانده از شهرها و سرزمینهای متروک و ویران شده آنها

فكأين من قرية أهلكناها .. أفلم يسيرا في الأرض

استفهام در جمله < أفلم يسيرا في الأرض > استفهام توبيخی است و < سير > (مصدر < يسرون >) به معنای سیاحت و گردش می باشد. < ال > در < الأرض > عهد حضوری و < أرض > به معنای سرزمین است و ضمیر فاعل در < يسرون > به مشرکان حق ستیز و تکذیب گر صدراسلام باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۱ - ۲

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، به دلیل عبرت نگرفتن از سرنوشت هلاکت بار کافران پیش از خود ، مورد سرزنش خدا قرار گرفتند .

ألم يروا كم أهلكنا قبلهم من القرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۵ - ۲

۲ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج و پندناپذیر بودند .

و إذا قيل لهم اتقوا ما بين أيديكم و ما خلفكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۱

۱ - کافران مخالف پیامبر (ص) در صدراسلام ، مردمی پندناپذیر و لجوج بودند .

فما لهم عن التذكرة معرضين

عجب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۱۳

۱۳ رضایت از عملکرد خویش، از ویژگیهای کافران است.

كذلك زین للکفرین ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۵

۵ - تکیه

غرور آمیز کافران دین ستیز ، بر مال و منال و نیروی انسانی خویش

فسيعلمون من أضعف ناصراً و أقلّ عدداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۱

۱ - تبختر و به خودبالیدن ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

ثمّ ذهب إلى أهله يتمطى

مفسّران واژه <یتمطی> را به معنای <تبختر> دانسته اند زیرا این واژه یا از ماده <مط> (کشیدن پاها و گام ها) است و یا از ماده <مطا> (پشت). در هر دو صورت، مقصود تبختر و فخر فروشی است.

عجب کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۶

۶- کافران عصر بعثت ، فریفته وضعیت بهتر اقتصادی و هم نشینان به ظاهر آراسته خویش بودند .

أىّ الفریقین خیر مقاماً و أحسن ندیاً

افتخار به محفل، در حقیقت افتخار به حاضران در آن است و مراد از اهل محفل به قرینه <من هو.. أضعف جنداً> در آیات بعد هم فکران و یاوران کافران است.

عجز اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- آتش قیامت ، همانند سراپرده ای فراگیر ، راه گریز را بر کافران خواهد بست .

نازاً أحاط بهم سرادقها

<سرادق> معرب <سراطاق> و به معنای خیمه و پرده سرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز در احاطه آتشی فراگیر بوده و از دفع آن از چهره و قفای خود ناتوان خواهند بود .

لو

يعلم الذين كفروا حين لا يكفون عن وجوههم النار و لا عن ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۴۰ - ۳

۳- کافران دوزخی ، از دفع و برگردانیدن عذاب الهی ، کاملاً ناتوان اند .

فلا يستطيعون ردّها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - در قیامت بر دهان کافران مهر زده شده و آنان از هر گونه سخن گفتن ناتوان خواهند شد .

اليوم نختم علی أفوههم

مقصود از مهر خوردن دهان کافران، ناتوان شدن آنان از هر گونه سخن گفتن است.

۲ - کافران در قیامت ، از هر گونه دفاع از خود در برابر محکومیتشان به دوزخ ، ناتوان خواهند بود .

هذه جهنم الّتی كنتم توعدون .. اليوم نختم علی أفوههم

مهر خوردن دهان کافران، به قرینه آیه قبل که سخن از محکومیت آنان به دوزخی شدن می تواند کنایه از ناتوانی آنان در دفاع از خود، در برابر دوزخی شدن خویش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۲

۲ - تلاش مذبحخانه و بی ثمر کافران و مشرکان دوزخی ، در جهت دفع عذاب الهی از خود

أفمن یتقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۳

۳- کافران و مشرکان در عرصه قیامت به سجده فرا خوانده می شوند؛ ولی آنان از این کار ناتوان اند.

و يدعون إلى السجود فلا يستطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- قلب های تیره کافران ، در قیامت نیز از درک حقیقت و شناخت خداوند و جلوه های ربوبیت او ، ناتوان خواهند بود . *

إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ

محجوب بودن از <رب> چنانچه از ارتباط این آیه با آیه قبل برمی آید ممکن است به معنای محجوب ماندن قلب، از هرگونه ارتباط با خداوند باشد. در نتیجه کافران، در قیامت نیز خداوند را نخواهند شناخت و به او ایمان قلبی نمی آورند.

عجز از پناه به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۶

۶- هیچ کس و هیچ نیرویی ، توانایی پناه دادن به کافران در برابر عذاب دردناک الهی را ندارد .

فَمَنْ يَجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که استفهام در <فمن يجير...> انکاری است.

عجز کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۹

۹- ناتوانی کافران از آوردن همانند برای قرآن ، منشأ اعتراض ها و ایراد های آنان به مثل های قرآن

فان لم تفعلوا و لن تفعلوا .. إن الله لا يستحي أن يضرب مثلا ما ... و أما الذين

بیان اشکال تراشی کافران به برخی تمثیلهای قرآن - پس از دعوت آنان به تحدی (فأتوا بسوره) و بیان ناتوانی آنان از آوردن همانند برای قرآن (و لن تفعلوا) - اشاره به ریشه بهانه جویهای کافران دارد؛ یعنی، چون نتوانستند برای قرآن همانند بیاورند به بهانه گیری و اشکال تراشی پرداختند (ماذا أراد الله

بهدا مثلاً)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳،۴،۶

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا ... صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل الله> باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل الله.

۴ - ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها ، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن ، محروم کرده است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

مفعول <لایعقلون> معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل الله) است.

۶ - کفرپیشگان بر اثر ترک پرسش و جستجو از حقایق و معارف دین ، از درک آنها ناتوان و محرومند .

بکم ... فهم لایعقلون

تفریع جمله <فهم لایعقلون> بر لال بودن کفرپیشگان می تواند اشاره به این باشد که: از ابزار شناخت حقیقت، جستجوی آن با پرسش و تحقیق است و کفرپیشگان از این ابزار محرومند، یعنی، در پی یافتن حقیقت نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۹

۹ ناتوانی جبهه کفر در برابر جامعه ایمانی ، آنگاه که مؤمنان به دستور های الهی (امر به معروف و نهی از منکر) عمل کنند .

کنتم خیر امه .. لن یضروکم الا اذی و ان یقتلوکم یولوکم الادبار ... ضربت عل

در برداشت فوق، تقوا به معنای عمل به دستورات الهی

گرفته شده که خداوند در آیات پیش به برخی از آنها (امر به معروف، ایمان واقعی و ..) اشاره کرده است. یعنی آنگاه کید دشمنان بی اثر است که تقوا داشته باشند و به دستورات الهی عمل کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ ناتوانی کافران از مقابله با قرآن و پیامبر اکرم(ص)

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

پناه بردن مشرکان به جدل و اتهام، گویای این است که هیچ راه منطقی و صحیحی برای مقابله با قرآن و پیامبر(ص) وجود نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۸،۹

۸ نیرو های شرک و کفر هر چند فراوان باشند ، توان شکست اهل ایمان را ندارند .

و لن تغنی عنکم فتتکم شیئا و لو کثرت

۹ توان نیرو های شرک و کفر هر چند فراوان باشند ، در برابر خدا پوچ و بی اثرند .

و لن تغنی عنکم فتتکم شیئا و لو کثرت و أن الله مع المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۲،۳،۴

۲ کافران هرگز قادر نخواهند بود خداوند را ناتوان ساخته و مانع تحقق اراده وی شوند .

إنهم لا یعجزون

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول محذوف از <لا یعجزون>، الله باشد. اعجاز (مصدر یعجزون) به معنای ناتوان ساختن است.

۳ کافران هرگز با نقض پیمان و خیانت به رسول اکرم (ص) نخواهند توانست بر پیامبر (ص) پیشی

گیرند و وی را از ادامه رسالت ناتوان سازند .

و إما تخافن من قوم خيانه . . . و لا يحسبن الذين كفروا سبقوا إنهم لا يعجزون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <سبقوا> و <لا يعجزون> پیامبر(ص) باشد.

۴ کافران همواره مقهور خداوند هستند .

و لا يحسبن الذين كفروا سبقوا إنهم لا يعجزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ توان رزمی و نیروی مقاومت هر مسلمان ، حتی پس از گراییدن جامعه ایمانی به ضعف ، بیش از دو چندان هر کافر است .

و علم أن فيكم ضعفا فإن يكن منكم مائة صابره يغلبوا مائتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۸

۸ کفرپیشگان ، در صورت مواجه شدن با عذاب های الهی ، از نجات دادن خویش ناتوان خواهند بود .

و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

جمله <ليس مصروفاً عنهم> بیان می دارد که عذاب از کفرپیشگان بازگردانده نمی شود و جمله <حاق بهم . . .> به این نکته اشاره می کند که آنان نیز نمی توانند از عذاب بگریزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱

۱ کفرپیشگان در هیچ کجای زمین ، نمی توانند خود را از سیطره و حاکمیت خداوند خارج سازند .

أولئك لم يَكُونُوا معجزين في الأرض

اعجاز (مصدر معجزين) به معنای از دسترس خارج بودن است. بنابراین و با توجه به اینکه مفعول <معجزين> الله است ، جمله <أولئك لم يَكُونُوا...> چنین معنا می شود: آنان هیچ گاه از دسترس خدا (حاکمیتو سلطه

او) خارج نبوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۸

۸ کفرپیشگان نه می توانند از نزول عذاب الهی جلوگیری کنند و نه قادرند از گرفتار شدن به آن ، خود را رهایی بخشند .

إنما يأتيكم به الله . . . و ما أنتم بمعجزين

إعجاز (مصدر معجزين) به معنای فرار کردن و از دسترس خارج شدن است. بنابراین <ما أنتم بمعجزين> یعنی ، [پس از نزول عذاب] نمی توانید فرار کنید و خود را از عذاب برهانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۶

۶- متهم کردن پیامبر (ص) به سحرشده گی ، نمودی از مستوری قلب کافران و ناتوانی آنان از درک حقایق است .

و جعلنا فی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی آذانهم وقراً و .. إذ يقول الظلمون إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۴۰ - ۴

۴- بهت زدگی کافران در برابر عذاب ناگهانی ، بازدارنده آنان از هر گونه اقدام دفاعی است .

بل تأتيهم بغتة فتبهتهم فلا يستطيعون ردها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۱،۳

۱ - کافران ، از شکست دادن و به سستی کشاندن نیروی الهی و جبهه حق در هر جای دنیا ناتوانند .

لا تحسبنّ الذين كفروا معجزين في الأرض

در آیه شریفه، متعلق <معجزين> (این که کافران چه چیز را به ناتوانی می کشانند ذکر نشده است) ولی با توجه به این که کافران، همواره در صدد تضعیف جبهه حق و

دین الهی اند، مقصود از آن نیروی الهی و جیهه حق است. گفتنی است ظرف <فی الأرض> می رساند که این ناتوانی در همه جای دنیا وجود دارد.

۳ - کافران ، از جلوگیری از تحقق وعده الهی مبنی بر حاکمیت فراگیری اهل ایمان و پیروزی و امنیت آنان در هر جای دنیا ، ناتوانند .

وعد الله الذین ءامنوا .. لیستخلفنهم فی الأرض ... لاتحسبن الذین کفروا معجزین

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و دو آیه قبل، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۶

۶ - ذهن و اندیشه کافران ، ناتوان از درک مکر خدا و تدبیر الهی علیه آنان

و مکرنا مکرًا و هم لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۱

۱ - دانش و معرفت درباره آخرت ، خارج از محدوده توان کافران

بل ادرك علمهم فی الآخره

<تدارک> (مصدر <إدراك>) عبارت است از پیوستن اجزای شیء به آن شیء به گونه ای که از آن اجزا، چیزی باقی نمانده باشد. <ادارک علمهم فی الآخره>؛ یعنی، آنها (کافران) دانششان مصروف جای دیگری شده و چیزی از آن باقی نمانده است تا بتوانند آن را درباره آخرت به کار برند. بنابراین آنان نه مجال آن را دارند که با دلایل علمی، آخرت را رد کنند و نه مجال آن را دارند که با برهان های یقینی آن را اثبات کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ - ناتوانی کافران از زیان رساندن

به خدا و مقهور ساختن او با کفرورزی و حق ستیزی خویش

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

طرح عزت و قاهریت شکست ناپذیر الهی، تعریضی است به آنان که با حق ستیزی به مبارزه با خدا برخاستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۸

۸ - کافران ، هیچ گریزی از حیطة قهر و قدرت خداوند ، ندارند .

نَضَطْرَهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ غَلِيظٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۷

۷ - کافران لجوج ، مانند مردگان در قبرها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و مَا أَنْتَ بِمَسْمُوعٍ مِنَ الْقُبُورِ

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۶

۶ - کافران و مجرمان از انکار رفتار و کردار ناپسند خود ناتوان خواهند بود .

تَكَلَّمْنَا أَيْدِيَهُمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

گواهی دادن دست و پا، می تواند کنایه از این نکته باشد که کافران از هرگونه انکار رفتار زشت خویش ناتوان خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۷ - ۱

۱ - توانایی خداوند بر مسخ کردن کافران ، به گونه ای که آنان آن چنان زمین گیر شوند که از برخاستن از جای خود و حرکت به

پیش و عقب ناتوان شوند .

و لو نشاء لمسخنهم علی مکانتهم فما استطعوا مضیاً و لایرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۱

۱ - کافران و مشرکان دوزخی ، ناتوان از دفاع از خود در برابر عذاب الهی

أفمن یتقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

<إتقاء> (مصدر <یتقی>) به معنای سپر گرفتن جهت حفظ و دفاع از خود در برابر گزند است. دفاع از خود در برابر عذاب الهی به وسیله صورت در حالی که اصولاً انسان ها برای دفاع از خود از دست و پا استفاده می کنند تا گزندی به صورتشان نرسد بیانگر اوج ناتوانی دوزخیان از دفع عذاب از خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ - عجز کافران ، از درک معارف و مفاهیم بلند قرآن

و الذین لایؤمنون فی آذانهم وقر و هو علیهم عمی

جمله <فی آذانهم وقر> (در گوش های کافران سنگینی است) و نیز جمله <هو علیهم عمی> (کوری کافران نسبت به قرآن است) کنایه از ناتوانی کافران نسبت به درک مفاهیم قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۵

۵- جوامع کفرپیشه ، با تمامی امکانات و قوا ، بی دفاع در برابر کینر الهی

و کأین من قریه هی أشدّ قوه من قریتک الّتی أخرجتک أهلکنهم فلاناصر لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱

۱- کافران ، با کفر و حق ستیزی و مخالفتشان با

پیامبر (ص) ، ناتوان از رسانیدن کمترین زیان به خداوند

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... لَنْ يَضُرَّوْا اللَّهَ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۱

۱ - اطمینان بخشی خداوند به مؤمنان ، در ناتوانی کافران از غلبه بر ایشان ، پس از فتح خیبر و صلح حدیبیه

و لو قتلکم الذین کفروا لو لّوا الأذیر

برداشت بالا بر این اساس است که <لو قاتلکم..> نظر به آینده داشته باشد، یعنی، شما در آینده، همواره پیروز خواهید بود و هر که با شما بجنگد، منهزم خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۱

۱۱- شدیدترین تهدیدها از جانب کافران و مشرکان ، ناتوان از خاموش ساختن نور ایمان در قلب های مستعد

و لولا رجال مؤمنون... لم تعلموهم

محیط مکه با آن که مسخر مشرکان بود و مؤمنان ناگزیر به هجرت شده بودند، ولی خداوند از وجود مردان و زنان مؤمن در آن خبر داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۴

۴ - کافران ، مایوس و ناتوان از مقابله با پیامبر (ص) و پیشگیری از دعوت آن حضرت

نترّیص به ریب المنون

پناه بردن کافران به آرزو و دل بستن به حادثه، نشانه یأس آنان از مقابله کارساز با پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۵

۵ - ناتوانی کافران از هموردی با قرآن ، نشانگر بی صداقتی آنان در اتهام هایشان

إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۲

۲ - ناتوانی جبهه کفر با تجهیز تمامی امکانات ، برای غلبه بر اراده خداوند و جبهه ایمان

سیهزم الجمع و یولون الدبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۰، ۱

۱ - اطمینان بخشی خدا به مؤمنان درباره ناتوانی منافقان و کافران از رویارویی مستقیم با آنان

لا یقتلونکم جمیعاً إلا فی قری محصنه

ضمایر فاعل <یقاتلون> به منافقان و کافران (یهود) که در آیات قبل مورد اشاره قرار گرفته اند باز می گردد و <جمیعاً> نظر به اجتماع این دو گروه دارد.

۱۰ - کافران ، در نبرد های قومی و قبیله ای خود جنگاور و سخت کوش ؛ ولی در برابر جبهه حق ، ضعیف و ناتوان

بأسهم بینهم شدید . . . و قلوبهم شتی

برداشت یاد شده در صورتی است که واژه <بأسهم> اشاره به جنگ هایی باشد که در میان قبایل خود کافران آن روزگار متداول بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۸

۸ - کافران تکذیب گر ، ناتوان از رهانیدن خود از سقوط و مبارزه با عوامل آن

سنستدرجهم من حیث لا یعلمون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چون عوامل و زمینه های سقوط، برای کافران ناشناخته و غافل گیرانه است؛ قهراً رهایی از آن نیز برای آنان ناممکن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۶

۶ - کافران ، ناتوان از رویارویی

با قرآن و مبارزه با تعالیم آن

لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

کافران، به هنگام شنیدن آیات قرآن به جای مبارزه با آن و یا نقد و رد تعالیم آن، به متهم ساختن آورنده آن (پیامبر اسلام) روی آوردند. از این نکته می توان به مطلب یاد شده پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۲

۲ - کافران لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْأَلُونَ مَنْ أَلْغَىٰ لَهُمُ الْقَوْلَ وَ قَالُوا إِنَّا لَنَرَاهُ فِي شَكٍّ مُّبِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قَالَ اسْطِيرَ الْأَوَّلِينَ . كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۸

۸ - برخی کافران ناتوان از درک دین پیامبر (ص) و ارزش آن و نالایق برای استفاده از آن

و لی دین

عجز کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۳

۳- ناتوانی و درماندگی کافران و مشرکان مکه ، در مبارزه با اسلام و منطق پیامبر (ص)

وإذا رءاك الذين كفروا إن يتخذونك إلهزوا

از این که کافران و مشرکان، به گونه ای مستمر به استهزای پیامبر(ص) می پرداختند، برمی آید

که آنان در توسل به منطق و دلیل و برهان ناتوان بودند و هیچ راهی جز این نداشتند.

عجله کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۱

۱ - شتابورزی استهزاآمیز کافران برای مشاهده عذاب الهی

و یقولون متی هذا الوعد إن کتم صدقین

سیاق آیه نشان می دهد که درخواست کافران، از روی ناباوری و استهزا بوده است، و پاسخ خداوند به آنان در آیه بعد که نظر به عذاب دنیوی دارد می رساند که مراد از <وعد> وعده الهی به مجازات آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۶ - ۲

۲ - سرزنش شدن مشرکان و کافران معاند از سوی خداوند ، به جهت شتاب آنان در نزول عذاب و شکست

أفبعذابنا یستعجلون

عدالت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۵، ۱

۱ - اجازه خداوند به مؤمنان ، برای رفتار نیک و عادلانه با کافران غیر معاند با دین

لا ینهیکم الله عن الذین لم یقتلوکم فی الدین

۵ - رفتار نیک و عادلانه ، امری شایسته در بینش الهی ، حتی نسبت به کافران

لا ینهیکم الله .. أن تبرّوهم و تقسطوا إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - حق مالکیت کافران غیر محارب ، محترم و رعایت عدل درباره ایشان ضروری است .

و ءاتوهم ما أنفقوا

از شأن نزول آیه، استفاده می شود که حکم پرداخت مهریه و نیز احترامی که اسلام برای مالکیت کافران قائل

است، مربوط به کافران غیر محارب است؛ چنان که آیه شریفه مسائل پس از صلح حدیبیه را بیان می کند. بنابراین رعایت این عدل با آنچه از مفهوم <آن تبرّوهم و تقسطوا...> که نهی از قسط درباره کافران حربی بود منافات ندارد.

عدم تعقل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۱۰

۱۰- <قال أبو جعفر (ع) ... انّ قول الله عزّوجلّ <كانتا رتقاً > يقول : كانت السماء رتقاً لاتنزل المطر و كانت الأرض رتقاً لاتبت الحبّ ... فتق السماء بالمطر والأرض بنبات الحبّ >

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. سخن خدای عزّوجلّ <كانتا رتقاً> بیان می کند که آسمان بسته بود و باران نمی بارید و زمین بسته بود و گیاه نمی رویانید ... پس خداوند آسمان را با باریدن باران و زمین را با رویانیدن گیاه شکافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۳

۳ - خداوند ، کافران را به جهت اندیشه نکردن در جلوه های قدرت الهی در طبیعت سرزنش کرده است .

أولم يروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أيدينا أنعمًا

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه درباره کافران و درصدد سرزنش آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۱

۱ - خداوند انسان کافر را به دلیل اندیشه نکردن در چگونگی مبدأ پیدایش خود سرزنش کرده است .

أولم ير الإنسان أنّا خلقناه من نطفه

برداشت

یاد شده از لحن سرزنش آمیز آیه شریفه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۱

۱ - اعتراف کافران دوزخی ، به گوش نسپردن و اندیشه نکردن درباره تعالیم دین و پیامبران الهی

و قالوا لو کنا نسمع أو نعقل

عدم تفکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۱

۱ - نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن در عظمت ، زیبایی و اتقان نظام آسمان

أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم . . . و ما لها من فروج

عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - کفرپیشگان در قیامت با آتشی که خود برافروخته اند ، عذاب خواهند شد .

فاتقوا النار وقودها الناس و الحجاره أعدت للكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۸

۸ - در قیامت ، هیچ راه نجاتی برای کافران به قرآن و پیامبر (ص) وجود نخواهد داشت .

أولئك يؤمنون به و من یکفر به . . . و اتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس شیئاً

هدف از توصیف قیامت، به اینکه فدیة ای گرفته نمی شود و . . . مایوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه راه نجاتی -

جزایمان به قرآن و پیامبر(ص) - برای خویش توهم کرده و به اعتبار آن دل خوش کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۳،۵۸

۳ - کفرپیشگانی

که بدون توبه می میرند ، برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار می شوند .

خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

۵ - عذاب اخروی کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق ، عذابی تخفیف ناپذیر است .

لایخفف عنهم العذاب

۸ - عذاب اخروی کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، پس از مرگ آغاز شده و به تأخیر نخواهد افتاد .

و لاهم ينظرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ینظرون> فعل مجهول از باب افعال باشد یعنی، از مصدر انظار (مهلت دادن) گرفته شده باشد. مراد از مهلت ندادن به قرینه <ماتوا و هم کفار> شروع عذاب پس از مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۲

۱۲ تحریم طیبات بر تمامی یهود کافر و مؤمن و عذاب قیامت تنها از آن کافران ایشان

حرّمنا علیهم الطیبت . . . و أعتدنا للكفرین منهم عذاباً ألیماً

با توجه به جمله <اعتدنا للكفرین منهم> و جمله <حرّمنا علیهم الطیبت> که در یکی کلمه <منهم> آمده و در دیگری نیامده، معلوم می شود برای همه یهودیان چه کافر و چه مؤمن طیبات تحریم شده ولی عذاب قیامت، تنها از آن کافران ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۱

۱ کفرپیشگان ، گرفتار عذابی دردناک در قیامت

إنّ الذین کفروا . . لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۷ - ۷

۷ کافران ، گرفتار عذابی پایدار در دوزخ

و لهم عذاب مقیم

<مقیم> به معنای دائم و ثابت است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ عذاب منکران معاد (کافران) به فرمان مستقیم خداوند در قیامت صورت می گیرد.

قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۳

۱۳ عذاب دردناک و آشامیدنی داغ و جوشان ، کیفر اخروی کفرمداران

و الذین کفروا لهم شراب من حمیم و عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۶ - ۶

۶ تأخیر افتادن عذاب کافران نه به سود آنان بلکه باعث تشدید عذاب اخروی آنان خواهد شد .

ثم الله شهید علی ما یفعلون

همان گونه که تأخیر عذاب باعث نگرانی پیامبر اکرم (ص) بود، برای کافران نیز به قرینه آیه بعد (یقولون متی هذا الوعد) دستاویز قرار گرفته بود تا به استهزای مؤمنان پردازند، از این رو جمله <ثم الله شهید علی ما یفعلون> (خداوند پس از ستاندن جان تو، به دقت تمام اعمال آنان را زیر نظر دارد)، چنان که در برداشت فوق آمده، می تواند بیانگر حکمت تأخیر عذاب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۰ - ۵

۵ کافران و مشرکان ، در جهان آخرت عذاب شدیدی را خواهند چشید .

الذین یفترون علی الله الکذب .. ثم نذیقهم العذاب الشدید بما کانوا یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ عذاب های اخروی کفرپیشگان ، عذابی دایمی و همیشگی است .

و

يحلّ عليه عذاب مقيم

حلول (مصدر يحلّ) به معنای فرود آمدن است و <مقيم> از <أقام بالمكان> (درنگ کرد و ماندگار شد) می باشد. بنابراین <عذاب مقيم>؛ یعنی ، عذاب ماندگار و زوال ناپذیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۷

۷ گرفتار شدن کفرپیشگان و ستمکاران به عذاب دنیوی ، موجب رهایی آنان از عذاب اخروی نیست .

فكان من المغرقين .. و قيل بعدًا للقوم الظلمين

بیان عذاب اخروی کفرپیشگان ، پس از بیان گرفتاری آنان به عذاب دنیوی ، اشاره به این نکته دارد که: نباید گمان شود اگر کافران به کیفر دنیوی و عذاب استیصال گرفتار شدند ، از عذابهای اخروی رهایی خواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲۴

۲۴ عذاب روز قیامت ، عذابی است فراگیر همه کافران و گنه کاران .

إني أخاف عليكم عذاب يوم محيط

کلمه <محیط> (احاطه کننده و فراگیر) در ظاهر صفت برای <یوم> است و در حقیقت ، بیانگر وصفی برای عذاب می باشد؛ یعنی ، محیط عذابه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۴

۴- روبه رو شدن با حقایق و درک و لمس آن ، از جمله عذاب های کافران در روز قیامت است .

فويل للذين كفروا من مشهد يوم عظيم . أسمع بهم و أبصر يوم يأتوننا

در آیه قبل ، دشواری و سنگینی روز قیامت برای کافران مطرح گردید. دراین آیه یکی از عوامل آن دشواری ها مطرح گردیده که همان درک و فهم حقایق است.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۵

۵- کافران ، در طول عذاب اخروی ، کمترین مهلت و آسایشی نخواهند داشت .

و لا هم ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۲ - ۳

۳ - تقدیر کیفر اخروی برای کافران ، علاوه بر کیفر دنیوی آنان

ردف لکم بعض الذی تستعجلون

همان طور که گفته شد، قید <بعض الذی..> می رساند که عذاب دنیوی تنها بخشی از مجازات های الهی است که در حق کافران اعمال می شود و آنان باید در انتظار کیفرهای اخروی نیز باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۷

۷ - کافران در قیامت ، وادار می شوند که در عذابی سخت ، وارد شوند .

نَمَتَّعَهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضَّطَّرَّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۱

۲۱ - خداوند ، در قیامت بر گردن کافران غل هایی خواهد زد .

و جعلنا الأغلال في أعناق الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۱

۱ - عذاب دردناک مشرکان و کافران مستکبر در دوزخ ، تجسم اعمال خود آنان و متناسب با رفتار ایشان است .

لذائقوا العذاب الأليم . و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون

آیه شریفه، در واقع پاسخ سؤالی است که از آیه قبل برمی آید و آن این که: چرا عذاب مشرکان مستکبر، عذابی دردناک است و آیا این عذاب عادلانه است؟

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت ، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان به ایمان از سوی خداوند

ذلکم بآنه إذا دعی اللّٰه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین یجدلون .. إذ الأغلل فی أعنقهم

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه ای منظم از نظر طول است؛ یعنی، زنجیر. <سحب> (مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلل ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعنقهم> است؛ یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱،۲

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده

خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثم فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یسجرون> به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۰ - ۹

۹ - عذاب سخت و جانکاه روز قیامت ، فرجام کافران حق ناپذیر

و لهم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۵ - ۲

۲ - عذاب اخروی کافران ، معلول استهزای ایشان نسبت به آیات الهی و فریفتگی آنان به زندگانی دنیا

ذلكم بانکم اتخذتم ءایة الله هزواً و غرتکم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۱

۱۱- عرضه کافران بر آتش ، همراه با سرزنش و توبیخ ، گوشه ای از عذاب ذلت بار آنان *

یوم یرعرض ... اذهبتم طیبتکم فی الحیاتکم الدنیا و استمتعتم بها فالیوم تجزون عدا

برداشت بالا بدان احتمال است که نفس عرضه کافران بر آتش و توبیخ آنان، خود جزئی از عذاب خفت بار آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۱۱

۱۱- وجود کیفر های دنیوی برای بسیاری از کافران ، افزون بر عذاب اخروی آنان

والذین کفروا ..

و النار مثوی لهم . و کأین من قریه ... أهلکنهم

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که خداوند تمامی کیفر کافران را به آخرت وانهاد و آنان را در دنیا به کلی رها نساخته است؛ بلکه بسیاری از آنان را به کیفر کفرشان هلاک ساخته و می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۵

۵ - فرجام شوم و هلاکت بار ، در کمین کافران [در دنیا ، هنگام مرگ و یا در آخرت]

یلقوا یومهم الذی فیه یصعقون

تعبیر <الذی فیه یصعقون> (روزی که در آن بیهوش خواهند افتاد)، نشان دهنده سختی حال کافران به هنگام واقعه عذاب است. گفتنی است که مراد از روز عذاب، می تواند روز عذاب استیصال، یا روز عذاب قیامت و یا هنگام مرگ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۶ - ۱

۱ - شکست دنیوی کافران ، پیش درآمد عذاب اخروی آنان

سیهزم الجمع . . . بل الساعه موعدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۱۱

۱۱ - کافران ، مستوجب عذاب اخروی اند .

و للکفرین عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۴

۴ - سرزنش نگهبانان دوزخ ، شکنجه و عذاب روحی برای کافران دوزخی است .

سألهم خزنتها ألم یأتکم نذیر

سرزنش نگهبانان دوزخ از کسانی که خود در آتش دوزخ می سوزند و شکنجه می شوند، می تواند شکنجه دیگری برای آنان از جهت روحی باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۲

۲ - کیفر و عذاب دوزخ برای کافران ، نتیجه و پیامد کوتاهی و تقصیر کاری خود آنان است .

فاعترفوا بذنبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۷

۷ - گرفتار ساختن کافران به عذاب جهنم و عذاب های سوزان تر از آن ، جلوه سخت گرفتن خداوند و هجوم ضربتی او است .

فلهم عذاب جهنم و لهم عذاب الحریق . .. إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

حرف <إِنَّ>، برای بیان علت است و دلیل دچار کردن کافران به عذاب را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۱

۱ - کافران در آخرت ، گرفتار آتشی مسلط و فراگیرند ، که تمام راه های گریز از آن بسته خواهد بود .

عليهم نار مؤصده

<وَصِيدَهُ>، یعنی، غرفه ای که در کوهستان برای حفاظت از اموال ساخته شود و جمله <او صدت الباب>، یعنی، درب را بسته و محکم کردم (مفردات راغب). بنابراین <مؤصده>، به معنای بسته شده و محکم است مانند محفظه ای که در دل کوه پدید آورند. حرف <علی> در <عليهم>، بر سلطه کامل آتش و فراگیر بودن آن دلالت دارد.

عذاب اخروی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - عذاب کافران پیرو در قیامت به قدری شدید است که آنان را به در یوزگی می کشاند .

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغنون عنا من عذاب

عذاب استیصال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند ، به هنگام نزول عذاب استیصال بر کافران ، رسولان خود و مؤمنان را از مهلکه دور کرده و از آسیب پذیری نجات می داد .

فهل ينتظرون إلا مثل أيام الذين خلوا من قبلهم .. ثم ننجي رسلنا و الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۵

۵ - خداوند ، اقوام تکذیب گر و کفر پیشه تاریخ را پس از این که از فرصت داده شده استفاده نکردند و هم چنان بر کفر و انکار خود پای فشردند ، با عذاب استیصال نابود کرد .

فأملیت للكفرین ثم أخذتهم

<نکیر> به معنای انکار (تغییر) است. و مقصود از آن به قرینه آیه بعد، تغییر نعمت به محنت، حیات به مرگ و نابودی و آبادانی به ویرانی است. گفتنی است که استفهام در جمله <فکیف کان نکیر>، استفهام تعجیبی و بیانگر شدت کیفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۶

۶ - روز وقوع عذاب استیصال ، آخرین روز حیات کافران بوده و رهایی آنان از آن ناممکن است .

أو یأتیهم عذاب یوم عقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۴

۴ - عذاب استیصال ، کیفری بر اساس حق و به دور از کمترین بی عدالتی نسبت به کافران و تکذیب گران

فأخذتهم الصيحه بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - کفرپیشگان حق ناپذیر ، در معرض عذاب استیصال

و لولا أن تصیبهم مصیبه

واژه <مصیبه> در آیه، هم شامل عذاب استیصال می شود و هم شامل عذاب اخروی، برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۴

۴ - با قطعی شدن عذاب استیصال بر کافران ، هیچ مهلتی برای گریز آنان نخواهد بود .

ما لها من فواق

در زبان عرب به مدت زمانی که دوشنده شیر در فاصله میان دو بار دوشیدن به بچه شتر مهلت می دهد تا شیر بنوشد، <فواق> گفته می شود و مقصود از آن، مدت کوتاه و زودگذر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۴

۴ - خداوند ، مشرکان و کافران حق ستیز را کراراً به عذاب استیصال تهدید کرده است .

فإما نرینک بعض الذی نعدهم

فعل مضارع <نعد> دلالت بر استمرار می کند. این کلمه مشتق از <وعد> است و <وعد> هم در خیر استعمال می شود و هم در شر. چون در این جا ضمیر به مشرکان و کافران بر می گردد، برای شر و تهدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۹

۹ - مشرکان و کفرپیشگان ، پس از اتمام حجت بر آنان ، در معرض گرفتار آمدن به عذاب استیصال اند .

فإن أعرضوا فقل أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - کافران در آخرت ، گرفتار آتشی مسلط و فراگیرند ، که تمام راه های گریز از آن بسته خواهد بود .

علیهم نار مؤصده

<وَصِيدَه> یعنی، غرفه ای که در کوهستان برای حفاظت از اموال ساخته شود و جمله <اوصدت الباب> یعنی، درب را بسته و محکم کردم (مفردات راغب). بنابراین <مؤصده>، به معنای بسته شده و محکم است مانند محفظه ای که در دل کوه پدید آورند. حرف <علی> در <علیهم>، بر سلطه کامل آتش و فراگیر بودن آن دلالت دارد.

عذاب برزخی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۸

۸ - عذاب اخروی کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، پس از مرگ آغاز شده و به تأخیر نخواهد افتاد .

و لاهم ينظرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ينظرون> فعل مجهول از باب افعال باشد یعنی، از مصدر انظار (مهلت دادن) گرفته شده باشد. مراد از مهلت ندادن به قرینه <ماتوا و هم كفار> شروع عذاب پس از مرگ است.

عذاب جسمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۳

۳ - شکنجه روحی کافران در دوزخ ، علاوه بر شکنجه جسمی آنان

يسحبون .. ذوقوا مسّ سقر

امر در <ذوقوا> برای تهکم و استهزا است. به استهزا گرفته شدن دوزخیان از سوی مأموران الهی در مقایسه با عذاب جسمی آنان شکنجه روحی خواهد بود.

عذاب حتمی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۶

۶

امکانات مادی و داشتن نیروهای انسانی و هوادار، هرگز موجب نجات کفرپیشگان از گرفتار شدن به عذاب دوزخ نخواهد شد.

ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

عذاب دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۴،۷،۳

۳ کافران قوم شعیب شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و صبحگاهش به هلاکت رسیدند. *

فأصبحوا فی دارهم جثمین

برداشت فوق مبتنی بر این است که <اصبحوا> به معنای <ادخلوا فی الصبح> (داخل در صبح شدند) باشد، نه به معنای <صاروا>. بر این مبنا <فأصبحوا...> می رساند که هلاکت به هنگام صبح اتفاق افتاد و در نتیجه عذاب لرزش پیش از صبح، یعنی درشب، بر کافران قوم شعیب عارض شده است.

۴ کفرپیشگان قوم شعیب بر اثر عذاب الهی، همگان به رو بر زمین افتادند و هلاک شدند.

فأصبحوا فی دارهم جثمین

<جثوم> به معنای به زمین چسبیدن و حرکت نکردن است و برخی گفته اند به معنای فرو افتادن شخص است بر سینه خود.

۷ نزول عذاب بر کفرپیشگان قوم شعیب، پاسخ خداوند به درخواست او (داوری میان مؤمنان و کافران)

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق .. فأخذتهم الرجفة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۴

۴ کافران به قیامت و آنان که برای منحرف نشان دادن راه خدا تلاش می کنند، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی اند.

الذین .. یبغونها عوجًا و هم بالأخره هم کفرون. أولئک لم یکنوا معجزین فی الأ

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، در خطر گرفتار شدن به عذابهایی دردناک در دنیا

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ أَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۷

۷ گرفتار شدن کفرپیشگان و ستمکاران به عذاب دنیوی ، موجب رهایی آنان از عذاب اخروی نیست .

فَكَانَ مِنَ الْمَغْرِقِينَ .. وَقِيلَ بَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

بیان عذاب اخروی کفرپیشگان ، پس از بیان گرفتاری آنان به عذاب دنیوی ، اشاره به این نکته دارد که: نباید گمان شود اگر کافران به کیفر دنیوی و عذاب استیصال گرفتار شدند ، از عذابهای اخروی رهایی خواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۶

۶ ستمگران ، مشرکان و کفرپیشگان ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی (عذاب استیصال) هستند .

وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۵

۵ کفرپیشگان امت های گذشته به عذاب های دنیوی گرفتار شدند .

وَقَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلُت

<مثلات> (جمع مَثَلَه) به معنای عقوبتها و عذابهاست. عذابها و عقوبتها بدان اعتبار <مثلات> که از ماده مِثَل (مانند) است گفته می شود که آن را مثال قرار می دهند برای اینکه دیگران از آن عبرت گرفته و از عوامل آن بپرهیزند. از معانی <خَلَوَ> (مصدر خلت) گذشتن و سپری شدن است.

۳ نزول عذاب های دنیوی بر کفرپیشگان و متخلفان از آیین الهی حتی پس از وفات پیامبر (ص) نیز امری محتمل و ممکن است .

و إن مَّا نرینک بعض الذی نعدهم أو نتوفینک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۲ - ۱،۲،۳،۶

۱ - مأموریت پیامبر (ص) برای ابلاغ تهدید خداوند به کافران ، مبنی بر نزدیک بودن عذاب دنیایی آنان

قل عسی أن یکون ردف لکم بعض الذی تستعجلون

تعبیر <ردف لکم> (در پی شما است) کنایه از قریب الوقوع بودن مجازات کافران می باشد. گفتنی است که <الذی تستعجلون> هم شامل عذاب دنیوی می شود و هم عذاب اخروی. بنابراین عبارت <بعض الذی> نشانگر عذاب دنیایی خواهد بود.

۲ - عذاب دنیوی ، تنها بخشی از مجازات های الهی برای کافران است ، نه همه آن .

ردف لکم بعض الذی تستعجلون

قید <بعض> می رساند که همه وعیدهای الهی در حق کافران، در این دنیا اعمال نمی شود؛ بلکه آنچه در این جا اعمال می شود، تنها جزئی از مجازات ها است و بقیه برای جهان آخرت می ماند.

۳ - تقدیر کیفر اخروی برای کافران ، علاوه بر کیفر دنیوی آنان

ردف لکم بعض الذی تستعجلون

همان طور که گفته شد، قید <بعض الذی..> می رساند که عذاب دنیوی تنها بخشی از مجازات های الهی است که در حق کافران اعمال می شود و آنان باید در انتظار کیفرهای اخروی نیز باشند.

۶ - تهدید کافران به نزدیک بودن بخشی از عذاب دنیوی وعده داده شده به آنان

ردف لکم بعض الذی تستعجلون

از <الذی تستعجلون> می تواند تنها عذاب دنیایی باشد. بنابراین <بعض الذی تستعجلون> یعنی، بخشی از آن عذاب که خواستار شتاب آن هستید، در پی شما است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۶ - ۳

۳ - عذاب شدن برخی از کافران و عذاب نشدن برخی دیگر در دنیا ، به مشیت خدا بستگی دارد .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم .. فأئی یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۴

۴ - آشکار شدن خسارت و زیان کاری مشرکان و کافران قدرتمند و حق ناپذیر ، به وقت نزول عذاب الهی بر ایشان در دنیا

لما رأوا بأسنا .. و خسر هنالك الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۵

۵ - کافران ، در معرض عذاب دنیوی ، افزون بر کیفر سخت و حتمی آخرت

فإن للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحابهم .. فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوع

در صورتی که <یومهم> .. نظر به روز قیامت و آیه قبل (مثل ذنوب أصحابهم) نظر به کیفرهای دنیوی داشته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۵

۵ - فرجام شوم و هلاکت بار ، در کمین کافران [در دنیا ، هنگام مرگ و یا در آخرت]

یلقوا یومهم الذی فیه یصعقون

تعبیر <الذی فیه یصعقون> (روزی که در آن بیهوش خواهند افتاد)، نشان دهنده سختی حال کافران به هنگام واقعه عذاب

گفتنی است که مراد از روز عذاب، می تواند روز عذاب استیصال، یا روز عذاب قیامت و یا هنگام مرگ باشد.

عذاب دنیوی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۴

۴- کافران مکه ، در آستانه شکست و عذاب دنیوی قرار گرفته بودند .

سأوریکم ءایتی

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از <آیات> شکست کفار مکه و عذاب دنیوی آنان باشد. گفتنی است مکی بودن این آیات، مؤید برداشت یاد شده است.

عذاب ذلت بار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۹

۹ جامعه های کفرپیشه و تکذیب گر ، در معرض عذاب ذلتبار الهی اند .

فلولا کانت قریه ءامنت .. لها ءامنوا کشفنا عنهم عذاب الخزی

عذاب روحی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۳

۳ - شکنجه روحی کافران در دوزخ ، علاوه بر شکنجه جسمی آنان

یسحبون .. ذوقوا مسّ سقر

امر در <ذوقوا> برای تهکم و استهزا است. به استهزا گرفته شدن دوزخیان از سوی مأموران الهی در مقایسه با عذاب جسمی آنان شکنجه روحی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - سرزنشِ نگهبانانِ دوزخ ، شکنجه و عذابِ روحی برای کافرانِ دوزخی است .

سألهم خزنتها ألم یأتکم نذیر

سرزنشِ نگهبانانِ دوزخ از کسانی که خود در آتشِ دوزخ می سوزند و شکنجه می شوند، می تواند شکنجه دیگری برای آنان از جهتِ روحی

باشد.

عذاب قبر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۹

۹ عن رسول الله (ص): يكسى الكافر لوحين من نار و فى قبره فذلك قوله: <لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش>.

از رسول خدا(ص) روایت شده است: دو لوح (زیر انداز و روانداز) از آتش بر کافر در قبرش پوشانده می شود و این است سخن خداوند: <برای کافران بستری از آتش جهنم و روی آنان پوششهایی از آن است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۲

۱۲ - > عن أمير المؤمنين ين (ع) : و إنّ المعشيه الضنك التي حذر الله منها عدوّه عذاب القبر أنّه يسلّط على الكافر فى قبره تسعه و تسعين تيّناً فينهش لحمه و يكسرن عظمه و يترددن عليه كذلك إلى يوم يبعث ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده: همانا <معیشت ضنک> که خداوند دشمنان خود را از آن برحذر داشته عذاب قبر است. خدا بر کافر در قبرش ۹۹ مار بزرگ مسلط می کند که گوشت او را می گزند و استخوان وی را می شکنند و همین طور بر روی او رفت و آمد می کنند تا روزی که برانگیخته شود.<

عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۷

۷ - کفر پیشگان به عذابی گرفتار خواهند شد .

و لهم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۱

گرفتار خواهند شد .

و للكفرین عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۲۶

۲۶ خداوند ، عذابی خوارکننده برای کافران فراهم کرده است .

إِنَّ اللَّهَ اَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۲،۳

۲ کفرپیشگان ، راهی برای نجات از عذاب دوزخ ندارند .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا .. و لَهُمْ عَذَابُ الْيَمِّ

جمله <لو ان ..> کنایه از نبود راه نجات از عذاب دوزخ است.

۳ ثروت های دنیا ، هر چند دو برابر شود ، و کافران آن را در قبال رهایی از دوزخ بپردازند ، پذیرفتنی نیست .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا .. مَا تَقْبَلُ مِنْهُمْ و لَهُمْ عَذَابُ الْيَمِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ ایمنی از عذاب دردناک در گرو یکتاپرستی و پرهیز از گفتار کفرآمیز

و ما من اله الا اله وحد و إن لم ينتهوا عما يقولون .. عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۷،۸

۷ کافرانی که پیامبران و عذابهای موعود آنان را استهزا می کردند، به همان عذابهای مورد تمسخر خویش گرفتار شدند.

فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

بنابراین که <ما> موصوله بوده و مراد از آن، عذاب الهی باشد که در ضمن سخنان پیامبران مطرح می شده و مورد استهزای کافران قرار می گرفته است.

۸ کافرانی که به استهزای انبیای

گذشته می پرداختند، به عذاب و کیفر استهزای خود گرفتار شدند.

فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

بنابراین که تقدیر آیه <جزاء ما کانوا به یستهزءون> باشد. در این صورت <ما> در (ما کانوا) مصدریه بوده و مرجع ضمیر <به>، به قرینه کلمه <رسل> در صدر آیه می تواند کلمه <رسول> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۶

۶ خداوند در عین قدرت بر فرستادن انواع عذاب بر مشرکان و کافران، به آنان مهلت می دهد.

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم

چون در آیات گذشته سخن از نزول عذاب و درخواست مشرکان در این زمینه بود، این آیه با بیان قدرت خداوند بر عذاب به طور ضمنی دلالت بر مهلت دادن به مشرکان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۹

۱۹ سران شرک و کفر و پیروانشان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب خویش

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که سران شرک نیز، همچون پیروان آنان، مخاطب <لاتعلمون> باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۳

۳ پیروان شرک و کفر برای رهایی از عذاب مضاعف هیچ مزیتی بر سران خویش ندارند.

فما کان لکم علینا من فضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۲

۲ فراگیری عذاب بر کفرپیشگان بی تقوا به هنگام غفلت های شبانه و سرگرمی های روزانه ، از مکرها و برنامه های پنهانی خداوند

با آنان

أَنْ يَأْتِيَهُمْ بِأَسْنَا بِيْتَا .. ضَحَى وَ هَمْ يَلْعَبُونَ. أَفَأْمَنُوا مَكْرَ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۵

۵ گنهکاران و کفرپیشگان در خطر گرفتار شدن به عذاب های الهی

أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصْبِنَهُمْ بِذُنُوبِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۵،۸

۵ مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إِذْ يَتُوفَى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وَجُوهَهُمْ وَأَدْبِرَهُمْ

از مصادیق مورد نظر برای <الذین کفروا>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بدر، کافرانی هستند که در آن نبرد به قتل رسیدند.

۸ کافران پس از جان کندن پر مشقت به عذاب و آتشی سوزان (عذاب برزخ) گرفتار خواهند شد .

و ذوقوا عذاب الحریق

امر به چشیدن عذاب حریق (ذوقوا عذاب الحریق)، دلالت بر وجود بالفعل آن عذاب دارد. و چون این جمله به هنگام گرفتن جان کافران گفته می شود، معلوم می شود که کافران پس از مردن به عذاب گرفتار خواهند شد و این همان عذاب برزخی است. گفتنی است <ذوقوا ... > به تقدیر <يقولون لهم > سخن ملائکه با کافران به هنگام گرفتن جان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۱

۱ شکنجه و عذاب کافران به هنگام مرگ و پس از آن نتیجه اعمال خود آنان است ، نه ظلمی از جانب خداوند بر ایشان .

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدمت أیدیکم و

أن الله ليس بظلم

<ذلك> می تواند اشاره به خصوص <عذاب الحریق> باشد و می تواند اشاره به مجموع عذابی باشد که در آیه قبل بیان شد. قابل ذکر است که در برداشت فوق <أن الله...> ناظر به این حقیقت گرفته شده که عذاب کافران بیش از استحقاق آنان نیست، نه تعلیلی برای ضرورت گرفتارسازی ایشان به عذابهای الهی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۳ - ۶

۶ عذاب استیصال الهی در کمین جوامع کفرپیشه و بیدادگران مجرم

و لقد أهلکنا .. لما ظلموا و جاءتهم رسلهم ... كذلك نجزی القوم المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۲۱، ۲۰

۲۰ عذاب دردناک جهنم ، کیفر کافران است .

فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الألیم

ممکن است الف و لام <العذاب> که برای عهد ذهنی است اشاره به عذاب دنیوی (استیصال) باشد و ممکن است اشاره به عذاب برزخی و یا عذاب اخروی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۲۱ کافران در آستانه مرگ ، عذاب دردناک الهی را مشاهده خواهند کرد .

فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الألیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که الف و لام <العذاب> که برای عهد ذهنی است اشاره به عذاب برزخی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۷

۷ عذاب الهی ، کفرپیشگان را احاطه خواهد کرد .

ألا یوم یأتیهم .. و حاق بهم ما كانوا به یتسهؤن

جمله <حاق بهم> عطف بر <لیس مصروفاً> است و به

قرینه <یأتیهم> فعل ماضی <حاق> به معنای مضارع <یحیق> (احاطه خواهد کرد) می باشد. مراد از <ما کانوا...> عذابهای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۱،۲

۱ نزول عذاب بر کفرپیشگان ، به دست خدا و به مشیت اوست .

إنما یأتیکم به الله

۲ نازل کردن عذاب بر کفرپیشگان ، در اختیار پیامبران نیست .

فأتنا بما تعدنا .. قال إنما یأتیکم به الله إن شاء

کفرپیشگان با مخاطب قراردادن نوح(ع) از او خواستند تا تهدیدهای اعلام شده را تحقق بخشد. حضرت نوح(ع) با آوردن کلمه <انما> که دلالت بر حصر دارد به این معنا اشاره می کند که: آوردن عذاب از شؤون خداوند است و در اختیار بشر نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۹

۹ عذاب دردناک ، فرجام و عاقبت کفرپیشگان است .

ثم یمسهم منا عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۱۰،۱۱

۱۰ هلاکت کفرپیشگان به عذاب های الهی ، هرگز مایه زیان و ضرری برای خداوند نیست .

و یتخلف ربی قومًا غیر کم و لاتضرونه شیئًا

در برداشت فوق ، جمله <لاتضرونه> در ارتباط با <یتخلف ربی ..> معنا شده است یعنی ، در صورت نابودی شما ، ضرری متوجه خداوند نمی شود.

۱۱ نزول عذاب الهی بر کفرپیشگان ، برخاسته از استحقاق آنان است نه آنکه وجودشان موجب ضرر و زیان بر خدا باشد .

و يستخلف ربي قومًا غيركم و لاتضرونه شيئًا

برداشت فوق مبتنی براین است که جمله <لاتضرونه>

حال باشد. براین اساس جمله <یستخلف ... و لاتضرونه> چنین معنا می شود. در حالی که ضرر و زیانی را متوجه خدا نمی کنید شما را عذاب می کند و این معنا می رساند که موجب عذاب، استحقاق کفرپیشگان است نه این که وجودشان مایه ضرری بر خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ کفرپیشگان و مخالفان معارف دین ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های الهی اند .

فلما جاء أمرنا نجینا صلحًا .. و من خزی یومئذ إن ربک هو القوی العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۲،۴

۲ امت های ستم پیشه (جوامع کفرپیشه و مشرک) در خطر گرفتار شدن به عقوبت های الهی و عذاب های استیصال هستند .

و كذلك أخذ ربک إذا أخذ القرى و هی ظلمه

۴ نزول عذاب بر ستم پیشگان (کافران و مشرکان) پرتوی از ربوبیت خدا در جهت تدبیر امور انسانهاست .

و كذلك أخذ ربک إذا أخذ القرى و هی ظلمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۱

۱ عذاب های نازل شده بر امت های کفرپیشه و مشرک ، نشانه ای بزرگ بر وجود قیامت و عذاب های اخروی است .

إن فی ذلک لآیه

<آیه> به معنای نشانه است و متعلق آن به قرینه <لمن خاف عذاب الآخره> - حقانیت قیامت و عذابهای آن است. نکره

آوردن <آیه> برای رساندن بزرگی و عظمت آن می باشد. بنابراین <إن فی ذلک

لأیه > یعنی، همانا در آن عذابهای دنیوی، نشانه بزرگی است بر حقانیت قیامت و عذابهای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ وجود دلایل روشن بر توحید و حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص)، مانع هر گونه بهانه ای برای انکار آنها و موجب استحقاق کافران و مشرکان به عذاب های الهی است .

و ما أكثر الناس .. بمؤمنین ... و ما یؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون. أفأمنو

حرف <فأ> در <أفأمنوا> استحقاق عذاب را بر آیه <ذلک من أنباء الغیب ..> که حاوی برهان بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است و آیه <و کأین من آیه ...> که در بردارنده دلیل بر توحید می باشد مترتب کرده است / یعنی، چون اتمام حجت شده، عذر و بهانه ای در کار نیست و کفرپیشگان مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۴

۴ پیامبران ، کفرپیشگان امت خویش را به نزول عذاب های الهی هشدار می دادند .

و ظنوا أنهم قد کذبوا

ضمیرهای جمع در جمله <ظنوا ..> به <الذین> در آیه قبل برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۹

۹ نازل کردن عذاب بر استهزاگران انبیا و کافران به رسالت ایشان ، از سنت های خداوند است .

ثم أخذتهم فکیف کان عقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۴ - ۱

۱ کافران ، مشرکان ،

گمراهان و آنان که پیامبران را به مسخره می گیرند ، به عذاب های سخت دنیوی و اخروی گرفتار خواهند شد .

لهم عذاب فى الحيوه الدنيا و لعذاب الآخره أشق

مراد از ضمیر در <لهم> به قرینه آیه ۳۱ و ۳۲ کافران، مشرکان ، استهزاگران و گمراهان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۴

۴ تحقّق و عدم تحقّق تهدید های ابلاغ شده به کفرپیشگان ، در اختیار پیامبر (ص) نبود .

و إن ما نرىٰ نيك بعض الذى نعدهم أو نوفيتك فإنما عليك البلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۱

۱- کافران سد کننده راه خدا ، دارای عذابى بس فزون تر از دیگر کافران

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله زدّهم عذابًا فوق العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۳

۳- کفرپیشگان ، و گنه کاران ، به عذاب شدید الهی گرفتار خواهند شد .

لیندر بأسًا شدیدًا من لدنه

<بأس>، به معنای عذاب و سختی است و به قرینه <یبشّر المؤمنین..> در فراز بعد مراد، عذابى است که کافران و گنه کاران به آن تهدید شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۹

۱۹- نزول عذاب بر کفر پیشگان ، پس از اتمام حجت است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا إذ جاءهم الهدى . . . أو يأتيهم العذاب قبلاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲- اولیای پنداری کافران (معبودان باطل) از دفع عذاب الهی از آنان ناتوانند .

أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

همزه استفهام در <أفحسب> گویای آن است که گمان ولایت برای معبودان، گمانی خطا است؛ زیرا، عذاب جهنم مهیا است (إِنَّا أَعْتَدْنَا..). و از معبودان برای دفع آن کاری ساخته نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- خداوند ، مدعیان دستیابی به مال و فرزند با کفرورزی را ، در عذاب کفر و جهل خودشان نگاه می دارد .

و نَمَدَّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا

محتمل است مراد از <العذاب> عذاب گمراهی و کفری باشد که کافر در آن گرفتار است. جمله <فليمدد له الرحمان مَدًّا> در آیات پیشین نیز که تداوم ضلالت گمراهان را بیان کرده از همین مقوله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۱۷

۱۷ - ثروت انبوه برای کافران ، عذاب آور و سختی آفرین است .

لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ

از معانی <فتنه> عذاب و مشقت است (قاموس). لام در <لِنَفْتِنَهُمْ> لام عاقبه و بیانگر بازتاب پیش بینی نشده ثروت مندی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۵

۵- عذاب کافران ، از شوون ربوبیت الهی است .

و لئن مستهم نفحه من عذاب ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و

کیفر الهی تهدید شدند .

إِنَّهٗ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشدارى به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ - نزول عذاب بر کافران ، طبق برنامه و گزینش دقیق قبلی خداوند

إِلَّا مِنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۷

۷ - اقدام خداوند به اتمام حجت بر کافران ، پیش از فرستادن عذاب بر آنان

أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ

ارائه معجزه به کافران، پیش از هلاک ساختن آنان با <عذاب استیصال>، می تواند برای این باشد که حجت خدا بر آنان تمام شود و آنان هیچ عذری نداشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۵ - ۱

۱ - نزول عذاب بر کافران تکذیب گر ، پس از پایان یافتن محاکمه آنان

قَالَ أَكْذَبْتُمْ بَايْتِي . . . وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ

در تفسیر <وقع القول عليهم> چند نظر ابراز شده است که از جمله آنها <حلول عذاب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ - عذاب کافران چنان غافل گیرانه خواهد بود که آنان ، هیچ خبردار نخواهند شد .

و لجاؤهم العذاب و لیأتینهم بغتہ و ہم لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ -

۱ - کافران دروغ انگار آیات الهی و آخرت ، گرفتار عذابند .

و أمّا الذین کفروا و کذبوا بأیتنا و لقایِ الآخره فأولئک فی العذاب محضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۵

۵ - خداوند ، فراهم آورنده عذابی دردناک برای کفرپیشگان است .

و أعدّ للكفرین عذابًا ألیماً

<أعدّ> می تواند عطف بر چیزی مثل <فأتاب> باشد که <لیسئل> بر آن دلالت می کند. بنابراین، معنا، چنین می شود:
<ما از انبیا پیمان گرفتیم ... تا برای کافران عذابی دردناک مهیا شود.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۲

۲ - خداوند ، برای کافران ، آتشی شعله‌ور فراهم کرده است .

إِنَّ اللَّهَ .. و أعدّ لهم سعیرًا

<سعیر> از <سعر> و به معنای <شعله‌وری آتش> است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۴

۴ - لازم است که روزی را که در آن ، کافران با آتش جهنم ، به سختی عذاب و سوزانده می شوند ، به خاطر داشت .

یوم تقلّب وجوههم فی النار

برداشت بنابراین احتمال است که نصب <یوم> به جهت مفعول به بودن اش باشد. که باید فعل <أذکر> در تقدیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - توانایی خداوند بر عذاب کافران ، به گونه ای که آنان با از بین رفتن چشم ها و نوردیدگانشان ، راه معمول خود را پیدا نکرده و از پیمودن راه درست محروم

خواهند شد .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراط فأئی یبصرون

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معنای از بین بردن آثار و شواهد چیزی است و مقصود از <لطمسنا علی أعینهم> از بین بردن کامل عضو چشم و یا نور و بینایی آن می باشد. مراد از <الصراط> نیز راه معمول و متداولی است که افراد آن را طی می کنند.

۲ - عذاب کافران با از بین بردن چشم ها و نوردیدگانیشان (به گونه ای که راه درستی را پیدا نکنند) جزء مشیت و سنت خدا نیست .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراط فأئی یبصرون

از به کار رفتن <لو> که برای امتناع و امر محالی است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۷ - ۲

۲ - عذاب کافران با مسخ و زمین گیر شدن شان ، جزء مشیت و سنت خدا نیست .

و لو نشاء لمسخنهم علی مکانتهم فما استطعوا مضیاً و لایرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۶

۶ - بازگشت انسان به حالت طفولیت پس از دوران پیری از نظر قوای جسمی و عقلی ، نشانگر توانایی خداوند بر عذاب کافران و بازگرداندن آنان به روز رستاخیز است .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم .. و من نعمه ننکسه فی الخلق

برداشت یاد شده براین اساس استوار است که عبارت <من نعمه ..> عطف بر <و لو نشاء لطمسنا...> از باب عطف علت بر معلول باشد، یعنی، آیه

شریفه درصدد ارائه شاهدهی بر توانایی خداوند بر مسخ و زمین گیر کردن انسان و بازگرداندن وی به روز رستاخیز برای محاکمه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳ - ۵

۵ - فریاد استغاثه و کمک خواهی کافران گذشته به هنگام عذاب ، بی نتیجه بود و آنان نجات نیافتند .

فنادوا و لات حین مناص

<مناص> به معنای ملجأ و راه گریز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۳

۳ - کافران و مشرکان ، به عذاب و شکست تهدید شدند .

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۱

۱ - ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أو تقول لو أنّ الله هدیني لکنت من المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۱

۱ - آرزوی کافران و گنه کاران ، هنگام مشاهده عذاب الهی ، به بازگشت دوباره به دنیا

أو تقول حین ترى العذاب لو أنّ لی کزّه

<لو> در آیه شریفه، برای تمنّی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ - عذاب کافران ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان خواهد بود .

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءآیت ربکم .. قالوا بلی و لکن حقّ کلمه العذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶

- غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - یأس و ناامیدی شدید کافران حق ناپذیر ، از نجات خویش از عذاب الهی

فهل إلی خروج من سبیل

مفسران بر این باوراند که چنین سخنی، از زبان کسانی صادر می شود که یأس و ناامیدی بر وجود آنان چیره شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۷،۹

۷ - عذاب سخت و شدید خداوند ، در انتظار کافران است .

و الکفرون لهم عذاب شدید

۹ - محرومیت از فضل الهی ، نمودی از عذاب خداوند برای کافران

و يستجيب الذين ءامنوا . . . و يزيدهم من فضله و الکفرون لهم عذاب شدید

از ارتباط صدر و ذیل آیه، برداشت بالا صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۸

۸ - عذاب های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه آیات به ایشان

و ما نريهم من ءايه . . . و أخذنهم بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - منافقان ، در زمره کافران و گرفتار عذابی همانند آنان

و منهم من يستمع إلیک حتی إذا خرجوا من عندک قالوا . . . ماذا قال

چنانچه ضمیر <منهم> به <من هو خالد . . .> بازگردد و مراد از آن در <من يستمع . . .> به قرینه محتوای آیه منافقان باشد،

می توان گفت: منافقان فرجامی همانند کافران خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۷

۲۷ - کافران مکه ،

مورد تهدید خداوند به عذابی دردناک

لو تزیلوا لعذابنا الذین کفروا منهم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۱

۱ - کافران و ستمکاران ، دارای بهره ای عظیم از عذاب الهی ، همانند کافران و ستم پیشگان گذشته تاریخ

فإن للذین ظلموا ذنوباً مثل ذنوب أصحابهم

<ذنوب> در معانی <دلو بزرگ چاه هنگامی که از آب پر شده باشد> و نیز <نصیب و بهره> به کار می رود. در آیه شریفه مراد معنای دوم است. گفتنی است که تعبیر <نصیبی عظیم> در برداشت بالا، از نکره آمدن <ذنوباً> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۹

۹ - کافران ظالم ، دارای عذابی فزون تر از کافران دیگر *

و إن للذین ظلموا عذاباً دون ذلک

برداشت بالا بنابراین نکته است که <ظالم> بر همه کافران اطلاق نشده باشد؛ بلکه کافران دو گروه باشد. گروهی که فقط کفر میورزند و گروهی که علاوه بر کفر اقدام های ظالمانه و توطئه گرانه علیه دین دارند. این گروه علاوه بر کیفر کفر، عذاب دیگری در قبال ظلمشان خواهند دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۱

۱ - کافران هر عصر ، در معرض عذاب الهی بدون هیچ امتیاز بر پیشینیان خود

أکفّارکم خیر من أولئکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - عذاب و کیفر خداوند درباره کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه دلایل روشن بوده است

تأتيهم رسلهم بالبينت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۶ - ۲

۲ - امکان نزول عذاب الهی ، با لرزش زمین و فرو رفتن کافران در درون آن

أن یخسف بکم الأرض فإذا هی تمور

<مور> (مصدر <تمور>) به معنای تحرك سریع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۸ - ۳

۳ - تهدید شدن کافران تکذیب گر ، به نزول عذاب الهی همچون اقوام و ملل پیشین

و لقد کذب الذین من قبلهم فکیف کان نکیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۹ - ۵

۵ - پرواز پرندگان بر فراز زمین ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر عذاب و هلاکت کافران

فکیف کان نکیر . أولم یروا إلى الطیر ... ما یمسکهن إلا الرحمن

ذکر پرواز پرندگان به عنوان نشانه قدرت خدای رحمان پس از یادآوری کیفر و عذاب کافران پیشین می تواند به منظور ارائه نمونه و جلوه ای از قدرت همه جانبه خداوند در جهان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۷

۷ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن يجير الكافرين من عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - ملك - ٦٧ - ٣٠ - ٤

٤ - كافران لجوج و تكذيب گر ، در معرض عذاب الهی (همچون خشکسالی)

قل أرءيتم إن أصبح ماؤكم غورًا فمن يأتيكم بماء معين

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۰ - ۲

۲ - فرمان به غل و زنجیر کشیدن کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

فغْلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور در قیامت ، به وسیله آتش پر حرارت و شعله‌ور سوازنده خواهند شد .

ثمّ الجحیم صلّوه

<جحیم> (از ماده <جحه>) به معنای آتش شعله‌ور و پر حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۲ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور در دوزخ ، در زنجیری بلند به طول هفتاد ذراع به بند کشیده خواهند شد .

ثمّ فی سلسله ذرعها سبعون ذراعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر و اندیشه گر علیه دین ، مستحق شدیدترین عقوبت و نابودی اند .

ثمّ قتل کیف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۱

۱ - مهیا بودن زنجیر ها ، غلّ ها و آتش برافروخته برای کافران و ناسپاسان نعمت هدایت از جانب خداوند

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلْسَلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۴ - ۳

۳ - جهان آخرت ، عرصه گرفتاری کافران حق گریز به بزرگ ترین عذاب های الهی است .

العذاب الأكبر

به قرینه آیه بعد، مراد از <العذاب الأكبر> عذابی است که کافران در آخرت، به آن گرفتار خواهند شد.

عذاب کافران اقوام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۳

۳- گروه های بسیاری از کافران جن و انس ، محکوم به عذاب حتمی الهی در گذشته تاریخ

حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ

عذاب کافران به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۷

۷- کافران به قرآن و کافرانی که تصمیم به ماندن در ظلمت ها گرفته اند ، فرجامی بس ناگوار دارند و در عذابی سخت گرفتار خواهند شد .

و ويل للكافرين من عذاب شديد

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینه آیه قبل، کسانی هستند که کتاب خدا را نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

عذاب کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ کافران و مشرکان پیرو، همانند رهبرانسان، دارای عذابی مضاعف از آتش دوزخ

قال لكل ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۴

۴- کافران پیرو به هنگام حضور در پیشگاه خداوند در قیامت پیشاپیش درمی یابند که گرفتار عذاب الهی خواهند شد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغن

ذکر <فقال الضعفاء للذين استكبروا> برای درخواست کمک ضعفا پس از آنکه حضور همه مردم را در قیامت اعلام کرد و هنوز سخنی از عذاب گفته نشده است حکایت از این می کند که آنان گرفتار شدن خود را

به عذاب از قبل خواهند فهمید.

عذاب کافران در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۹

۹ جبهه کفر در کارزار حنین ، در پی فرود آمدن نیرو های غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداوند ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل الله سكينته .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذب الذين كفروا

عذاب کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۱۳

۱۳ تهدید مشرکان کفرپیشه صدر اسلام به عذاب دردناک جهنم

بشر الذين كفروا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۴

۱۴- گرفتار آمدن مشرکان و کافران حق ناپذیر صدر اسلام به عذاب ، وعده پیشین الهی به آنان

ماتوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۶ - ۳

۳ - خداوند ، به مشرکان و کافران صدر اسلام وعده عذاب داد .

أفبعذابنا يستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۲

۲ - وعده خداوند ، به عذاب شدن کافرانِ حق ناپذیر در عصر بعثت

سأل سائل بعذاب واقع

عذاب کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۷

۷- برای کافران جبار ، در جهنم ، فراتر از نوشیدن اجباری آب چرکین و عذاب های مختلف مرگبار ، عذابی خشن و غیرقابل تصور نیز وجود دارد .

و من ورائه عذاب

مرجع ضمیر <ورائه> احتمال دارد <عذاب> باشد که از عبارت قبلی به دست می آید. در این صورت، با توجه به مفهوم بودن و سخت بودن عذابهای یاد شده، <عذاب غلیظ> باید عذابی بسیار سخت و غیر قابل تصور باشد.

عذاب کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۴،۳

۳ کافران قوم ثمود بر اثر عذاب الهی به رو بر زمین افتادند و هلاک شدند .

فأصبحوا فی دارهم جثمین

<جثوم> به معنای به زمین چسبیدن و حرکت نکردن است و برخی گفته اند به معنای فروافتادن شخص به سینه خود است.

۴ کفرپیشگان قوم ثمود شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاهش به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا فی دارهم جثمین

برداشت فوق مبتنی بر این است که <اصبحوا> به معنای <دخلوا فی الصباح> (داخل در صبح شدند) باشد نه به معنای <صاروا> بر این مبنا <فأصبحوا .. > می رساند که هلاکت در اولین لحظه صبح اتفاق افتاده و در نتیجه عذاب لرزش پیش از صبح یعنی در شب، بر کافران قوم ثمود عارض شده است.

عذاب کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۸

۱۸ خداوند کفرپیشگانی که علی رغم مشاهده آیات خدا، ربوبیت او را منکر شوند، به عذاب شدید و مکرری سخت تهدید کرده است .

و هم یجدلون فی الله و هو شدید المحال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٩- نحل - ١٦ - ١٠٤ - ٤

٤- عذاب دردناك، فرجام و كيفر

کافرانی است که از سر لجاج و عناد به آیات الهی ایمان نمی آورند .

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ .. لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۳

۳ - کافران متعصب و لجاجت پیشه ، هیچ گونه راه فرار و گریزی از عذاب الهی ندارند .

و يعلم الذين يجدلون في آياتنا ما لهم من محيص

عذاب کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۴

۴- کافرانی که تا آخرین لحظه زندگی در حال عناد و ستیز با دین باشند ، محکوم به عذاب ابدی خواهند بود .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا .. فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

لازمه قطعی <لن يغفر الله> باقی ماندن همیشگی در عذاب الهی است.

عذاب کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۷

۷ نزول عذاب بر کفرپیشگان قوم شعیب ، پاسخ خداوند به درخواست او (داوری میان مؤمنان و کافران)

ربنا افتح بيننا و بين قومنا بالحق .. فأخذتهم الرجفة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۲ - ۱

۱ عذاب فرود آمده بر تکذیب کنندگان شعیب و کفرپیشگان مدین موجب نابودی آنان و تخریب آثار زندگانی در آن دیار

شد .

الذین کذبوا شعباً کأن لم یغنوا فیها

ضمیر در < فیها > به < دار > در آیه قبل برمی گردد و < غنی > مصدر < لم یغنوا > به معنای اقامت کردن و سکونت گزیدن است. بنابراین < کأن لم یغنوا > یعنی گویا

قوم شعيب در ديارشان اقامت نكرده بودند. و اين كنايه از نابودى ديار آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۲

۲ شعيب (ع) با دلسوزى بر كافران مشرف به هلاكت ، از آنان اعراض كرد و شهر مدین را ترك گفت .

فتولى عنهم و قال يقوم

لحن آيه و نیز اضافه كلمه <قوم> به ياء متكلم نشان از تحسّر و دلسوزى شعيب به مردم خویش دارد.

عذاب كافران مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۱

۱- كافران مكه با انكار آيات الهى پس از اتمام حجت بر ايشان مستحق نابودى و عذاب بودند .

و لو انا اهلكنهم .. فستعلمون من أصحاب الصراط السويّ و من اهتدى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۷ - ۵

۵- كافران مكه به عذاب و نابودى قريب الوقوع تهديد شدند .

سأوريكم آيتى فلا تستعجلون

مقصود از <آياتى> به قرينه آيات بعد (.. بل تأتيهم بغته...) عذاب و هلاكت است.

عذاب كافران يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۱

۱۱ خداوند برای كافران يهود عذاب دردناك آماده کرده است .

و أعتدنا للكافرين منهم عذاباً أليماً

عذاب مضاعف كافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ کفرپیشگانی که مردم را از پیوستن به راه خدا باز می دارند ، به عذابی دو چندان گرفتار خواهند شد .

الذین یصدون .

.. يضعف لهم العذاب

عذر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۱

۱ - اعلام پذیرفته نشدن هیچ عذری از کافران دوزخی در قیامت

يَأْتِيهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ

عذر غیرمقبول کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۵ - ۲

۲ - کافران ، خود می دانند که عذر تراشی هایشان دورغ است .

و لو ألقى معاذيره

عذرخواهی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۸

۸- رخصت نیافتن کافران برای سخن گفتن و معذرت خواهی به هنگام حضور شاهدان و گواهان امت ها ، در قیامت

و يوم نبعث من كل أمة شهيداً ثم لا يؤذن للذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۶

۶ - در روز قیامت ، حتی برای کافران ، امکان عذرخواهی هست .

فيومئذ لا ينفع الذين ظلموا معذرتهم

این که فرموده است: <عذرخواهی، سودی ندارد> حکایت می کند که عذرخواهی، ممکن است، اگرچه پذیرفته نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۳

۳ - عذرخواهی کافران و مشرکان ستیزه جو در قیامت، پذیرفته نشده و سودی به حال آنان نخواهد داشت.

یوم لا ینفع الظلمین معذرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۵ - ۱

۱ - کافران در روز قیامت، برای اعمال ناپسند خود عذر خواهند آورد.

و لو ألقى معاذیره

عذرخواهی کافران

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۲

۲ - کافران و مشرکان ، با رو به رو شدن با گواهی شاهدان علیه خود ، به عذرخواهی خواهند پرداخت .

و یوم یقوم الأشهد . یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت <یوم لاینفع ..> بدل برای <یوم یقوم الأشهاد> می باشد.

عصیان از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱ - ۴،۵،۱۱

۴ - پیامبر (ص) به تبعیت نکردن از کافران و منافقان ، موظف بود .

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ . . . وَ لَا تَطْعُ الْكٰفِرِيْنَ وَ الْمُنٰفِقِيْنَ

۵ - تبعیت نکردن از کافران و منافقان ، نمودی از تقوای الهی است .

اتَّقِ اللّٰهَ وَ لَا تَطْعُ الْكٰفِرِيْنَ وَ الْمُنٰفِقِيْنَ

بنابراین احتمال که عبارت <و لا تطع ..> ذکر خاص بعد از عام (اتق الله) باشد. نکته یاد شده به دست می آید.

۱۱ - فرمان به تبعیت نکردن از کافران و منافقان ، برخاسته از علم گسترده و حکمت خداوندی است .

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ . . . وَ لَا تَطْعُ الْكٰفِرِيْنَ وَ الْمُنٰفِقِيْنَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳ - ۲

۲ - تبعیت نکردن پیامبر (ص) از خواسته کافران و منافقان ، در پی دارنده مشکلاتی برای آن حضرت بود .

وَ لَا تَطْعُ الْكٰفِرِيْنَ وَ الْمُنٰفِقِيْنَ . . . وَ تَوَكَّلْ عَلٰى اللّٰهِ وَ كَفٰى بِاللّٰهِ وَ كِيْلًا

فرمان به توکل، پس از فرمان به تبعیت نکردن از خواسته کافران و منافقان، احتمال دارد به خاطر پیامدها و مشکلاتی باشد که

پی آن فرمان، به وجود می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷ - ۱۰

۱۰ - رعایت تقوای الهی و اطاعت نکردن از کافران و منافقان ، از جمله پیمان هایی است که خداوند از انبیای خویش گرفته است .

يَأَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَطْعُ... وَإِذَا أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَقَهُمْ

احتمال دارد که <و إذ أخذنا..> عطف جمله به جمله باشد. در این صورت، معنای آیه چنین است: <آنچه به تو ای پیامبر اسلام! فرمان داده شده، پیمانی است که از سَلَف تو نیز گرفته شده است و آن، همانا تقوا و اطاعت نکردن از کافران و منافقان است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به خودداری از اطاعت از کافران و منافقان بود .

و لاتطع الكافرين و المنفقين

عصيان كافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۳

۳ رویگردانی و تأثیرناپذیری کافران از هر گونه معجزه الهی

و ما تأتيهم من آية من آيات ربهم إلا كانوا عنها معرضين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۱۱

۱۱ دلداری خداوند به پیامبر (ص) در برابر مخالفت ها و نافرمانی های کافران

و کفی به بذنوب عباده خبیراً

یادآوری آگاهی همه جانبه خداوند بر گناهان بندگان، می تواند برای دلداری به پیامبر(ص) باشد؛ چنان که می تواند تهدیدی برای کافران ستیزه جو نیز باشد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۳

۳ - فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

و قد كانوا يدعون إلى السجود و هم سلمون

عصیان کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۲

۲ - سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدراسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

عصیان کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۲

۲ کافران قوم ثمود با پی کردن ناقه صالح ، فرمان خداوند را سرپیچی کردند و مردمی متجاوز شناخته شدند .

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَ عَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ

مراد از <أمر ربهم> همان است که در آیه ۷۳ مطرح شده بود یعنی: زیان نرساندن به ناقه و آزاد گذاری آن برای چریدن.

عظمت عذاب دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۲۱

۲۱- روز فرا رسی عذاب دنیوی مشرکان و کافران ، روزی بس شگفت و عظیم

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

مراد از <عذاب یوم عظیم> ممکن است عذاب دنیوی باشد.

عفو از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۳۱

۳۱ عفو و گذشت ، حتی نسبت به کافران ، احسان و نیکی است .

فاعف عنهم و اصفح إنَّ الله يحب المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- پیامبر (ص) وظیفه دار عفو کریمانه و گذشت شایسته از کافران و مشرکان و نادیده گرفتن اذیت و آزار آنان بود .

فاصفح الصفح الجمیل

<صفح> به معنای عفو بدون ملامت کردن و به رخ کشیدن است که از آن می توان گذشت کریمانه و بزرگووارانه برداشت کرد.

۱۵- برخورد کریمانه و عفو و اغماض از آزار و اذیت دیگران حتی کافران و دشمنان امری شایسته و پسندیده است .

فاصفح الصفح الجمیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۶ - ۶

۶- گذشت و اغماض پیامبر (ص) از دشمنان و کافران ، به خیر و صلاح آن حضرت و در راستای تربیت و کمال اوست .

فاصفح الصفح الجمیل . إن ربك هو الخلق العليم

جمله <إن ربك ..> به منزله تعلیل برای <فاصفح ...> است ؛ یعنی، ای پیامبر! گذشت کن ؛ زیرا پروردگار و مربی تو می داند که چه کاری به مصلحت و در جهت تربیت و رشد توست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۵ - ۵

۵ - عفو و گذشت از کافران به هنگام ضرورت ، امری شایسته و عمل صالح است .

یغفروا للذین لا یرجون .. من عمل صلحًا

عقاید کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۲

۲ کافران ، بی نیازی را در مال و اولاد می جویند ؛ در حالی که هرگز آن را نمی یابند .

انّ الذين كفروا لن تغنى

عنهم اموالهم و لا اولادهم من الله شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۲

۲ اموال و اولاد ، تنها تکیه گاه به هنگام ذلت و ابتلای به غضب الهی ، از دیدگاه اهل کفر

ضربت عليهم الذلّ . . . و باءو بغضب من الله ... انّ الذين كفروا لن تغني

ظاهراً منظور از <الذين كفروا>، همان جناح اهل کتاب هستند که در آیات سابق وضعیت آنان بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۷

۷ بی اعتقادی کافران (اهل کتاب) ، به برخی از کتاب های آسمانی

ها انتم اولاء . . . و تؤمنون بالكتب كلّه

ایمان مسلمانان به تمامی کتب، به قرینه مقابله، بیانگر این است که اهل کتاب، به تمامی کتب ایمان ندارند.

عقلانیت حبط عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۳

۳- گم شدن اعمال کافران در سراب < کفر > و شکوفایی اعمال مؤمنان در وادی < ایمان > ، دارای فلسفه ای معقول و برهانی

الذين كفروا .. أضلّ أعمالهم . و الذين ءامنوا... و أصلح بالهم . ذلك بأنّ الذين

<ذالك> در مقام بیان علت و فلسفه مطلبی است که در آیات پیشین بیان شده است یعنی، پوچی اعمال کافران و ثمربخشی اعمال مؤمنان، امری برهانی است زیرا کافر ره باطل پیموده و باطل فرجامی ندارد و مؤمن ره حق رفته و ثمربخشی عین حقانیت است.

عقیده باطل کافران

- فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۰

۱۰- کافران به خاطر باطل گرایی ، علی رغم مشاهده آثار و نعمت های الهی در تمام ابعاد زندگی خود ، مورد سرزنش خدایند .

و الله جعل لكم .. أفعال بطل يؤمنون و بنعمت الله هم يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۱ - ۱

۱ - کافران ، محروم از پشتوانه غیبی و گرفتار وهم در اندیشه های باطل خویش

أم يقولون شاعر نتربص به ريب المنون .. أم عندهم الغيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۱

۱ - پندار دروغ بودن قرآن ، پنداری موهوم و از اندیشه های باطل کافران است .

فی تکذیب .. بل هو قرءان مجید

حرف <بل>، اضراب از قبل است و اندیشه تکذیب گرانه کافران را تخطئه می کند.

عقیده باطل کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵ - ۴

۴ - اعتقاد کافران عصر بعثت به معبود های بی شمار

أجعل الألهة إلهًا وحدًا

عقیده پوچ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله <قد خسروا .. > و <ضل عنهم ... > به منزله تعلیلی

است برای <نرد فعمل ... > یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته‌ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می‌بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می‌یابند.

عقیده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۲،۴،۵،۱۲

۲ پندار کفرپیشگان بر این که خانه نشینی و یا پرهیز از حضور در کارزار، مانع مرگ و کشته شدن است.

یا ایها الذین امنوا لا تکونوا کالذین کفروا و قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا

۴ گمان حاکمیت عوامل مادی بر مقدرات الهی، پنداری کفرآمیز

لا تکونوا کالذین کفروا و قالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و ما قتلوا

خداوند با کفرآمیز خواندن این اندیشه که جنگ و مسافرت (عوامل مادی) تعیین کننده مرگ آدمی است، به مؤمنان تعلیم می‌دهد که آن عوامل، تعیین کننده مرگ آدمی، که از مقدرات الهی است، نخواهد بود.

۵ زنده ماندن، ولو با توجیه کوتاهی‌ها و تقصیرها در دفاع از دین، خواسته کفرپیشگان به ظاهر مسلمان

لا تکونوا کالذین کفروا و قالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و ما قتلوا

۲ در برداشت بالا <الذین کفروا> به قرینه <لاخوانهم> به مسلمانان ضعیف‌الایمانی که اندیشه کفرآمیز دارند، تفسیر شده است.

۱۲ تضاد و دوگانگی بینش اهل ایمان و کفرپیشگان، در تفسیر عوامل حیات و مرگ

و قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۹،۱۰

ارزش والاتر ماندگای در دنیا و ثروت اندوزی ، بر شهادت و رحمت و آمرزش الهی ، در پندار غلط کفرپیشگان

لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا .. لمغفره من الله و رحمه خیر ممّا یجمعون

جمله <لو کانوا .. > شیفتگی کفرپیشگان را نسبت به ماندگاری در دنیا بیان می کند، و جمله <خیر ممّا یجمعون> هدف و یا عاقبت از ماندگاری را توضیح می دهد. یعنی هدف کفرپیشگان از ماندگاری در دنیا به چنگ آوردن منافع دنیوی و ثروت اندوزی است و آنان این منافع گذرا را بالاتر از رحمت و آمرزش الهی می پندارند و لذا بر کشته های در راه خدا تأسف می خورند.

۱۰ بیان مقام والای آنانکه در راه خدا می میرند و یا کشته می شوند ، نشان دهنده بطلان ارزیابی کفرپیشگان درباره حیات و مرگ

لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا .. و لئن قتلتم او ممّم لمغفره من الله و رح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۲

۲ کافران ، مهلت یافتن در دنیا را ، خیر و نیک و به سود خویش می پندارند .

و لا یحسبنّ الذین کفروا أنّما نملی لهم خیر لانفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۱

۱ نیل به سعادت دنیا با ترک ایمان و تقوا ، پندار باطل کفرپیشگان بی تقوا

من کان یرید .. فعند الله ثواب الدنيا و الآخره

خداوند پس از سفارش به تقوا و ترک کفر (وصینا .. ان

اتقوا الله، پاره ای از زیانهای کفرپیشگی و بی تقوایی را برشمرد و با این آیه به علتی از علل گرایش به کفر و بی تقوایی، یعنی توهّم رسیدن به سعادت دنیا، اشاره می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۴

۱۴ عن أبي ابراهيم قال: ... <ثم الذين كفروا بربهم يعدلون> قال: يعدلون بين الظلمات والنور وبين الجور والعدل.

امام کاظم (ع) درباره آیه <ثم الذين كفروا بربهم يعدلون> فرمود: (کافرانی که برای خدا انباز می گیرند)، ظلمت و نور و ظلم و عدل را برابر قرار می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۴

۴ کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملکا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۳

۳ کافران، معترف به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله

جواب خداوند به سؤال مطرح شده و منتظر جواب کافران نماندن، بدهت و مورد اعتراف بودن جواب را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۸ - ۲

۲ کافران به پنداری نابجا، خود را از گرفتار شدن به عذاب الهی مصون می شمارند .

أو أمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۹۹ - ۳

۳ کفرپیشگان به پندار باطل

، خویشتن را از مکر خدا و کیفر های ناگهانی وی ایمن می شمارند .

أفأمنوا مکر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۷

۷ موضعگیری خصمانه کافران و مشرکان در قبال پیامبر ، علی رغم اعتقادشان به خدا

و إذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۲

۲ اعمال و عقاید کفرپیشگان ، موجب گرفتار شدن آنان به عذاب های الهی است .

و قل .. اعملوا علی مکانتکم ... وانتظروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۱۸

۱۸- کافران معتقد بودند که آدمیان توان نیل به مقام رسالت را ندارند .

إن أنتم إلا بشر مثلنا

کافران، در پاسخ دعوت انبیا به ایمان، می گفتند: <إن أنتم إلا بشر مثلنا>، و این جواب، حاکی از آن است که آنان به این معتقد بودند که بشر، نمی تواند پیامبر شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۳ - ۶

۶- عقیده کافران ، در اعتبار و آبرومندی خدایان دروغینشان در نزد خداوند ، پوچ و بی اساس است .

لا يستطيعون نصر أنفسهم ولا هم منا یصبحون

با توجه به این که مخاطبان آیه شریفه مشرکان هستند و آنان معبودها و خدایان خود را شفیع برای خود می پنداشتند، به دست می آید که مقصود این آیه، بیان بطلان چنین پنداری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - محاکمه شدن کافران به خاطر کردارشان علاوه بر محاکمه آنان به خاطر عقایدشان

أَكذَّبْتُمْ بآيَاتِي .. أَمْ آذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

عبارت <أَكذَّبْتُمْ بآيَاتِي> دلالت بر محاکمه عقیدتی و تعبیر <أَمْ آذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ> دلالت بر محاکمه آنان به خاطر کردارشان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱

۱ - خالق آسمان ها و زمین ، در بینش کافران نیز خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۱

۱ - کافران ، منکر قیامت و زنده شدن انسان ها هستند .

يقول أءنَّك لمن المصدِّقين

برداشت یاد شده از آن جا است که گوینده، فرد کافر بوده و استفهام او از باب انکار می باشد. گفتنی است که مقصود از تصدیق به قرینه آیه بعد که مربوط به قیامت است تصدیق به قیامت و رستاخیز انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۲

۲ - اعتقاد کافران به برانگیخته نشدن انسان ها در قیامت ، مبتنی بر گمان است ؛ نه یقین و علم .

زعم الذين كفروا أن لن يبعثوا

برداشت یاد شده، به این دلیل است که ماده <زعم>، بیشتر در معنای <ظن> (گمان) و نیز درباره چیزی که مورد تردید بوده و اثبات نشده است، به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۶ - ۱

۱ - کافران ،

برپایی قیامت و عذاب آن را ، امری بعید و به دور از حقیقت می دانند .

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا

با توجه به این که کافران، منکر معاد بودند، مقصود آنان از <بعید>، بعید زمانی نیست؛ بلکه مقصود دور بودن از دایره امکان است.

عقیده کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۳

۳ - کافران عصر بعثت نیز به حرمت و قداست ماه های حرام و ممنوعیت جنگ در آنها معتقد بودند .

الشهر الحرام بالشهر الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۷

۷ کفرپیشگان عصر بعثت به خداوند اعتقاد داشته و شهادت او را پذیرا بودند .

قل كفى بالله شهيداً بيني و بينكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷ - ۷

۷ مشرکان صدر اسلام ، معتقد بودند که تنها فرشتگان می توانند واسطه میان خدا و بشر باشند و نه انسان .

قالوا .. لولا أنزل إليه ملك فيكون معه نذيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۴۸ - ۲،۵

۲ - کافران صدر اسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و عقیده به آن را مورد استهزا قرار می دادند .

و يقولون متى هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> برابر نظر بیشتر مفسران برای تهکم و استهزا است.

۵ - کافران صدراسلام ، مؤمنان را دروغگو دانسته و عقیده آنان به برپایی قیامت را بی اساس می پنداشتند .

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۷

۷ - مشرکان و کافران در عصر بعثت علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها به آفرینش آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

عقیده کافران قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۶ - ۳

۳ اندیشه توحیدی و مبرا از شرک ، سفیهانه و نامعقول در نظر کافران قوم هود

قال الملائذین کفروا من قومه إنا لنریک فی سفاهه

عقیده کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ کافران قوم شعیب ، به خدا و داوری او و یاری رسانیش به حقپویان معتقد بودند .

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا و هو خیر الحکمین

چنانچه خطاب در <فاصبروا> متوجه کافران نیز باشد، دعوت شعیب از آنان به صبر تا داوری خدا، بیانگر این نکته است که منکران رسالت او معتقد به خداوند بوده اند. تصریح به <بالذی ارسلت به> پس از <ءامنوا> این معنا را تأیید می کند.

عقیده کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٥٠٦ - انفال - ٨ - ٣٢ - ٥٠٦

٥٠٦ كافران

مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره

۶ کافران مکه معتقد به خدا و معتقد به تأثیر او در جهان هستی

و إذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء

علاقه به هدایت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۶ - ۶

۶ - علاقہ شدید برخی از مسلمانان عصر بعثت ، به ارشاد کافران سرشناس مکه و مسلمان ساختن آنان

فأنت له تصدّی

براساس شأن نزول این آیات، افراد معروفی از قریش (نظیر ابوجهل) در مجلسی که ابن ام مکتوم وارد شد، حضور داشتند و تعبیر <من استغنی> در مورد آنان نازل شده است.

علائق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۵

۵ زنده ماندن ، ولو با توجیه کوتاهی ها و تقصیر ها در دفاع از دین ، خواسته کفرپیشگان به ظاهر مسلمان

لا تکنوا کالذین کفروا و قالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و ما قتلوا

۲ در برداشت بالا <الذین کفروا> به قرینه <لاخوانهم> به مسلمانان ضعیف الایمانی که اندیشه کفرآمیز دارند، تفسیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۱

۱- آرزو و علاقہ فراوان کافران به مسلمان بودن ، آن گاه که فرصتِ اسلام آوردن را از دست بدهند .

ربما يوّد الذين كفروا لو كانوا مسلمين

مراد از <يوّد> به قرينه فعل ماضی <كانوا> مطلق دوست داشتن نیست،

بلکه به معنای تمنا و آرزوست. و <ربما> در آیه به معنای تکثیر استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۹ - ۱

۱ - علاقه شدید کافران تکذیب گر، به سازش کردن و نرمش نشان دادن پیامبر (ص) با آنان و تلاش آنان در این راستا

وَدَّوْا لَوْ تَدَهْنُ فَيَدَهْنُونَ

<إدهان> (مصدر <تدهن و یدهنون>) به معنای مدارا و نرمش نشان دادن است. مقصود از آن در این آیه، سازش کردن پیامبر(ص) در مواضع عقیدتی خویش و سستی کردن آن حضرت در برخورد با کافران است. گفتنی است سازش کردن و سستی نمودن پیامبر(ص) در امر رسالت، تنها یک علاقه و تمایل برای کافران نبود؛ بلکه همراه با تلاش و اقدامات گسترده بوده است.

علم اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - مجازات کافران و بدکاران در قیامت، همراه با آگاه شدن از جرم شان است.

إلینا مرجعهم فنتبئهم بما عملوا

۱۳ - کافران، از تمامی اعمال دنیوی خویش، در قیامت، از سوی خداوند آگاه می شوند.

إلینا مرجعهم فنتبئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۳

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد.

فسوف يعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إِذِ الْأَغْلَالِ . . . > متعلق

به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است؛ یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۶

۱۶ - آگاهی قطعی کافران به وسیله خداوند ، از مجموعه عملکرد ناشایست خویش در قیامت

فلننبئن الذين كفروا بما عملوا

علم به توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۶ - ۷

۷ - عقیده به آگاهی خداوند از تمامی رفتارها و حرکت های توطئه آمیز کافران ، موجب دل گرمی و تسلی خاطر مبلغان اسلام و مدافعان عقیده توحیدی است .

فلا یحزنک قولهم إنا نعلم ما یسرّون و ما یعلنون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <إنا نعلم..> تعلیل برای نهی در <فلا یحزنک> است؛ یعنی، چون خداوند بر تمامی رفتارهای آدمیان از جمله کافران آگاه است، پس نباید در برابر توطئه های آنان محزون بود؛ بلکه باید با دل گرمی و پشتکار به تبلیغ دین پرداخت.

علم خدا به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۷ - ۱

۱ - آگاهی همه جانبه و برتر خداوند ، از انسان های گمراه و کافر

إن ربك هو أعلم بمن ضل عن سبيله

علم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۲

۲ - کافران دوزخی ، پس از دریافت نامه اعمال خود ،

از محتوا و حکم نهایی آن درباره خویش آگاه خواهند شد .

و لم أدر ما حساييه

علم کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۸ - ۵

۵ - کافران عصر پیامبر (ص) ، از هلاکت بسیاری از امت های گذشته آگاه بوده و با آثار باستانی به جای مانده از آنان آشنا بودند .

أفلم يهد لهم كم أهلكنا .. يمشون في مسكنهم

جمله <يمشون..> حال برای <هم> است که به قرینه سیاق آیه، مراد مشرکان صدراسلام می باشد. عبور آنان به دیار عاد، ثمود، لوط و ... که مفاد جمله <يمشون...> است زمینه ساز آگاهی آنان به حوادث مرگ بار پیشینیان بوده است. تویخ مستفاد از همزه استفهام نیز، فرع بر آگاهی آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۹

۹ - کافران عصر بعثت ، از محتوای کتاب های آسمانی پیشین آگاه بودند .

أولم تأتهم بينه ما في الصحف الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۲

۲ - کافران عصر بعثت ، مطلع از وجود مسأله ای به عنوان قیامت و معاد در میان نسل های پیشین

لقد وعدنا هذا نحن وءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۳

۳- آگاهی کافران صدراسلام، از وجود ادیان الهی در گذشته تاریخ

إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَاتِنَا قَالَ أَسْطِيرَ الْأَوَّلِينَ

از این که کافران، قرآن را اسطوره ای از اساطیر پیشینیان دانسته اند،

می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۷ - ۶

۶ - آشنایی کافران صدر اسلام ، با داستان باغداران یمنی

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا

تهدید شدن کافران، به دچار شدن به سرنوشت اصحاب الجنّه < به عنوان نمونه عینی از عملی شدن تهدید خداوند بیانگر این حقیقت است که آنان، از این داستان کم و بیش با خبر بودند و گرنه این تهدید فایده نمی بخشید.

علما و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- برخورداران از علم در روز قیامت ، ذلت کافران را در آن روز ، به آنان اعلام خواهند نمود .

قال الذين أوتوا العلم إن الخزي اليوم و السوء على الكافرين

علمای یهود و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۷، ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله

۷ همسویی اهل کتاب (علمای یهود) با کافران و مشرکان ، تلاشی برای فراهم آوردن نیرو و یاور علیه مسلمانان *

الم تر الى الذين ... و يقولون للذين كفروا ... فلن تجد له نصيراً

جمله < فلن تجد له نصيراً > پس از بیان همسویی یهود با مشرکان، می تواند بیانگر این معنا باشد که یهودیان به منظور یاری طلبی علیه مسلمانان، با مشرکان همسو شدند.

عمر کافران

جلد - نام سوره - سوره -

۱۶ مهلت یافتن و عمر طولانی کافران ، گویای عزّت و قرب آنان در نزد خدا نیست .

انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً و لهم عذاب مهین

عمل صالح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ آنچه اهل کفر در این دنیا انفاق می کنند ، همچون باد سرد سُوزانی است که بر زراعت قوم ستمکارِ بر خویش بوزد و آن را نابود سازد .

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا .. فاهلکته

۲ کفر ، موجب محرومیت آدمی از ثمره انفاقات (اعمال خیر) خویش

انّ الذین کفروا .. مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا ... فاهلکته

۵ بی ثمر بودن انفاق های اهل کفر ، نمونه ای از کارا نبودن امکانات مادی ، در بی نیاز ساختن آنان از خدا

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم .. من الله ... مثل ما ینفقون ... کمثل ری

۷ انگیزه کافران در انفاق های خویش ، رسیدن به زندگی پست دنیاست . *

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا

تقیید انفاق به حیات دنیا، می تواند گویای انگیزه کافران به انفاق در محدوده حیات دنیا باشد.

۱۰ بی ثمری انفاق (اعمال خیر) و دستاورد های اهل کفر ، ناشی از عملکرد آنان است و نه از جانب خداوند .

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا کمثل ریح فیها صرّ اصابت حرث قوم .. و ما ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ کافران ، محروم از ورود به بهشت ، هر چند دارای اعمال صالح باشند .

و من يعمل من الصلحت .. و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

قید < و هو مؤمن > می رساند که ایمان، شرط ثمربخشی اعمال نیک است؛ بنابراین اعمال نیک، بدون ایمان و در حال کفر، پاداش بهشت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنم .. مثل الذین کفروا بریهم أعمالهم کرماذ اشتدت به الريح ... ألم

عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۱،۴،۸

۱ حبط و تباهی اعمال کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، در دنیا و آخرت

انّ الذین یکفرون .. اولئک الذین حبطت اعمالهم فی الدنيا و الاخره

۴ اعمال کافران ، قاتلان انبیا و قاتلان عدالتخواهان ، فاقد اعتبار و ارزش اجتماعی *

انّ الذین یکفرون .. حبطت اعمالهم

به نظر می رسد حبط عمل در دنیا، به معنای عدم اعتبار آن اعمال و نتایجش باشد.

۸ کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، هیچگونه یاور و شفیع در برابر اراده خداوند نسبت به حبط اعمال خود ندارند .

انّ الذین یکفرون .. حبطت اعمالهم ... و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

آثار و نتایج رفتار انسان ها مؤمن و کافر در قیامت ، از آیات حق الهی

یوم تسودّ . . . تلک ایات الله نتلوها علیک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۵

۵ قدرت مطلق خداوند و آسیب ناپذیری وی از عملکرد کافران

انّ الذین اشتروا الکفر بالایمان لن یضروا الله شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۱۳

۱۳ رضایت از عملکرد خویش، از ویژگیهای کافران است.

کذلک زین للکفرین ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۷

۷ خداوند با بیان نظارت خویش بر اعمال کافران دست کشیده از مبارزه علیه اسلام ، مسلمانان صدر اسلام را از غافلگیر شدن در توطئه های آنان ایمنی بخشید .

فإن انتهوا فإن الله بما یعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۸

۸ خداوند به تمامی جوانب و زوایای اعمال کفرپیشگان آگاه است .

و الله بما یعملون محیط

احاطه خداوند به اعمال بندگان به معنای تسلط کامل او بر اعمال ایشان است و از مصادیق این سلطه و حاکمیت، علم و آگاهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۲

۲ اعمال و عقاید کفرپیشگان ، موجب گرفتار شدن آنان به عذاب های الهی است .

و قل .. اعملوا علی مکانتکم ... وانتظروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل

۹ - محاکمه شدن کافران به خاطر کردارشان علاوه بر محاکمه آنان به خاطر عقایدشان

أَكذَّبْتُمْ بآيَتِي .. أَمَا إِذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

عبارت <أَكذَّبْتُمْ بآيَتِي> دلالت بر محاکمه عقیدتی و تعبیر <أَمَا إِذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ> دلالت بر محاکمه آنان به خاطر کردارشان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۴

۴ - عذاب فراگیر دوزخ ، سزای اعمال ناروای خود کافران است .

ذوقوا ما كنتم تعملون

برداشت بالا، بنا بر تقدیر <جزا> به عنوان معنای <ما>ی موصول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۹

۱۹ - باور و رفتار کافران ، براساس ظن و گمان است ؛ نه یقین و برهان .

و ما أظن الساعة قائمة و لئن رجعت إلى ربِّي

برداشت یاد شده بر این اساس است که کافران از یک سو برپایی قیامت را مورد تردید قرار می دهند و از سوی دیگر فرض وجود قیامت را مطرح می نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۶

۶ - گفتار و روش کافران ، با ادراک های عقلی و فطری آنان همساز نیست .

و كم أرسلنا .. و لئن سألتهم من خلق ... ليقولنَّ خلقهنَّ العزيز العليم

خداوند در این آیه می فرماید: اگر از مشرکان و دین ناباوران سؤال شود که آفریدگار هستی کیست؟ آنان به دلیل عقل یا

اعتقاد خود می گویند: <آفریدگاری عزیز و دانا>. در حالی که اگر آنان به راستی لوازم این باور را می فهمیدند، جا نداشت که وحی قرآنی

را مورد خدشه قرار دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۱

۱۱- کیفر کافران در قیامت ، نتیجه عملکرد خود آنان

قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۵

۵ - خداوند ، در روز قیامت تمامی اعمال کافران را به آنان خبر خواهد داد .

فیتبئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۲

۲ - کردار و حالت های کافران ، در احاطه علمی خداوند است .

و الله من ورائهم محیط

عمل ناپسند کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۶

۶ کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

و إذا فعلوا فحشه قالوا .. الله أمرنا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۲

۲ کفرورزی کافران و اعمال ایشان (افترا بر خداوند ، بازداری از راه خدا و ...) خارج از حاکمیت خداوند نیست .

و من أظلم ممن افترى على الله كذبًا .. أولئك لم يكونوا معجزين

ماضی بودن معنای جمله <أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا ..> (آنان هیچ گاه از حاکمیت خدا خارج نبوده اند) می رساند که: گرایش کافران به کفر نیز تحت حاکمیت خدا صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۲۱، ۱۱

کافران پس از مرگ ، به کلی منکر اعمال زشت دنیوی خویش می شوند .

الکفرین . الذین تتوفهم الملائکه ... ما کنا نعمل من سوء

۲۱- کافرانی که با حالت کفر از دنیا می روند ، همواره در دنیا در مسیر نادرست بوده و مرتکب اعمال زشت می شوند .

ما کنا نعمل من سوء بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

دو عبارت < ما کنا نعمل > و < ما کنتم تعملون > دلالت بر ماضی استمراری دارد. عبارت اول سخن کافران است که با آن به کلی منکر ارتکاب عمل زشت هستند و عبارت دوم جواب به آنهاست که بر استمرار عمل زشت آنها دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۵

۱۵- به استهزا گرفتن وعده عذاب خداوند ، از زشت ترین اعمال کافران

فأصابهم سیئات ما عملوا و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

بی شک استهزای وعده عذاب خداوند، از جمله کارهای بد (سیئات) کافران بود؛ اما ذکر خاص آن پس از عام (سیئات) نشان دهنده اهمیت ویژه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱- > عن أبي عبد الله (ع) في قوله تعالى : > الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکرى و کانوا لا یستطیعون سمعاً > قال : > ... لم یعبهم بما صنع فی قلوبهم و لکن عابهم بما صنعوا > ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خداوند >الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکرى . . > روایت شده که فرمود: ... خداوند، (کافران را) به آنچه که ذات

اقدس او درباره دل ها و قلب هاشان انجام داده، نکوهش نکرده، بلکه به خاطر اعمال خودشان نکوهش کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۴

۴ - کافران ، بیگانه با اعمال خیر و آلوده به کار های ناشایست

و لهم أعمل من دون ذلك هم لها عملون

<ذلك> اشاره دارد به کارهای نیک مؤمنان (أولئك يسارعون في الخيرات) یعنی، برای کافران، اعمال دیگری غیر از آن اعمال (اعمال نیک) وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۱

۱۱ - خودپسندی و زیبا دیدن رفتار زشت خویش ، جلوه گمراهی کافران

أفمن زين له سوء عمله .. فَإِنَّ اللَّهَ يضلّ من يشاء و يهدى من يشاء

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <فإنّ الله يضلّ..> در مقام تعلیل برای <أفمن زين...> است یعنی، از آن جایی که آنان رفتار زشت خود را زیبا می دیدند و به خود پسندی گرفتار آمدند خداوند هر کسی را که بخواهد مانند این دسته گمراه خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۴

۴ - بدترین عملکرد کافران ، مبنای مؤاخذه و مجازات الهی نسبت به آنان است .

و لنجزينهم أسوأ الذی كانوا يعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <أسوء> منصوب به نزع خافض و به تقدیر <لنجزينهم على أسوء الذی كانوا يعملون> باشد یعنی، ما بی تردید در مقابل بدترین عملشان کیفر خواهیم داد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۶

۱۶ - آگاهی قطعی کافران به وسیله خداوند ، از مجموعه عملکرد ناشایست خویش در قیامت

فلننبئن الذين كفروا بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۱

۱ - آشکار گشتن زشتی های اعمال کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سيئات ما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۲ - ۱

۱ - از بین نرفتن کردار کافران ، در طول زمان

و كلّ شيء فعلوه في الزّبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - کافران در روز قیامت ، برای اعمال ناپسند خود عذر خواهند آورد .

و لو ألقى معاذيره

۳ - بی نتیجه بودن توجیه و عذر تراشی انسان ها ، نسبت به رفتار خویش در قیامت

و لو ألقى معاذيره

عوامل آوارگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اراده خداوند ، عامل شکست و آوارگی کافران اهل کتاب (یهود بنی نضیر)

هو الذی أخرج الذین کفروا من أهل الکتاب

به اتفاق مفسران، آیات این بخش، مربوط به یهود بنی نضیر و جریان شکست و آواره شدن آنان از مدینه است.

عوامل اعراض از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۲

۲ - تحریف عینی ترین حقایق از سوی کافران ، دلیل عدم ضرورت ارشاد آنان

و إن یروا .. یقولوا سحاب مرکوم

. فذرهم

از ارتباط دو آیه، استفاده می شود که چون کافران مصمم بر کفراند، تکلیف تبلیغ پس از اتمام حجت بر آنان از پیامبر(ص) ساقط است.

عوامل انحطاط کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۸

۸ منافقان و کافران ، بناکننده اعمال خویش بر لب پرتگاهی سست و بی بنیاد

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً .. أم من أسس بنینه علی شفا جرف هار

عوامل بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۵

۵ آیات گوناگون قرآن مایه تقویت بینش آگاهان و منجر به بهانه جویی کافران خواهد شد.

و ليقولوا درست و لنبینه لقوم يعلمون

عوامل بی یآوری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۴

۴ - بی پناهی کافران و ضعف ایشان در برابر مؤمنان برخاسته از کفر آنها است . *

و لو قتلکم الذین کفروا لولوا الأدبر ثم لا یجدون ولیاً و لانصیراً

بنابراین که تعبیر <کفروا> و وصف کفر، مشعر به علیت باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

عوامل پشیمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۱

۱ - کافران در روز قیامت ، پشیمان از مواضع انکارآمیز گذشته خویش در برابر قرآن

و اِنَّهٗ لَحَسْرَهٗ عَلٰی الْكٰفِرِيْنَ

عوامل تأخیر در عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۳

۳ - حاکمیت سنت های الهی بر کفرپیشگان ، مانع از

نابودی سریع آنان با عذاب الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربک لکان لزاماً

عوامل ترک انفاق کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۳

۳ - کفر کافران ثروتمند ، موجب خودداری آنان از انفاق به مستمندان مؤمن

قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم من لو یشاء الله أطعمه

آمدن اسم ظاهر (قال الذین کفروا) به جای ضمیر (قالوا) در حالی که مقام، اقتضای آمدن ضمیر دارد می تواند بیانگر این نکته باشد که آنچه سبب خودداری کافران از انفاق شد، کفر آنان بود.

عوامل تعجب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۲، ۱

۱ - برخاستن فردی از توده های مردم به پیامبری ، امری شگفت انگیز در نظر کافران

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <منهم> این است که پیامبر از میان توده های مردم و با ویژگی مردمی باشد. گفتنی است تعبیر <من بیننا> در آیه ۸ مؤید همین مطلب است.

۲ - انتخاب شدن انسان به پیامبری ، امری شگفت آور در نظر کافران

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که مقصود از <منهم> از جنس انسان بودن پیامبر باشد زیرا کافران و مشرکان صدراسلام، انسان را شایسته رسیدن به مقام پیامبری و ارتباط با خداوند نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اثبات معبود یگانه در برابر معبود های متعدد ، امری شگفت

آور در نظر کافران

أَجْعَلِ الْأَلْهَةَ إِلَهًا وَحَدًّا

همزه <أَجْعَلِ> از نوع استفهام تعجبی است و <إله> (مفرد <آلهه>) به معنای معبود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۱

۱ شگفتی بیجای کافران ، از آمدن فردی از جنس خودشان ، برای انذار ایشان

بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم

عوامل تقویت روحیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۵

۵ - منافقان ، مایه امید و تقویت روحیه کافران در نبرد با اسلام

الذین نافقوا یقولون لإخوانهم .. لئن أخرجتم

اظهار همکاری منافقان با کافران، خود نوعی تقویت روحیه کافران است.

عوامل تنبه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۷

۷- کافران و انسان های لجوج ، از قدرت و عذاب الهی تأثیر پذیرفته و متنبه می شوند ، نه از منطق و برهان .

و لئن مشتهم نفعه من عذاب ربك لیقولنّ یویلنا إنا كنا ظالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۷

۷- کافران و حق ستیزان ، تنها به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی متنبه شده و به ارزش تعالیم پیامبران پی می برند .

أَن تَصِيبَهُمْ مَّصِيبَةٌ... فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۳

۳- برخی از کافران لجوج و گنه کاران سرمست ، تنها به وقت مشاهده عذاب الهی و یقین به نزول آن ، بیدار

گشته و در برابر سخن حق (قرآن) تسلیم شده و از آن پیروی می کنند .

أو تقول حين ترى العذاب لو أن لي كره فأكون من المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۲،۱۱

۲- تنها برپایی ناگهانی قیامت ، به هوش آورنده کافران لجوج هواپرست

اتَّبِعُوا أهواءهم .. فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة

از مضمون آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، همه دلایل لازم را به کافران نمایانده و حتی نشانه های قیامت را نیز برای آنان محقق ساخته است. تنها چیزی که باقی مانده برپایی خود قیامت است. اما آنان با مشاهده همه دلایل، ایمان نیاورده و منتظراند تا آخرین مهلت نیز سپری شود.

۱۱- وقوع رستاخیز ، مایه به خود آمدن کافران ؛ اما بی ثمر به حال آنان

فَأَنى لَهُم إِذا جاءَ تَهُم ذَكَرِيَهُم

تعبیر <ذکری> می رساند که قیامت، مایه هشدار و بیدار شدن کافران است ؛ اما این بیداری پس از پایان مهلت است و سودی به حال آنان ندارد (فَأَنى لَهُم).

عوامل ثروتمندی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱۵

۱۵ - > [عن] أبى عبدالله (ع) قال : ما كان ولد آدم مؤمن إلا فقيراً و لا كافر إلا غنياً ، حتى جاء إبراهيم (ع) فقال : > رَبَّنَا لا تجعلنا فتنة للذين كفروا < فصير الله فى هؤلاء أموالاً و حاجه و فى هؤلاء أموالاً و حاجه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: هیچ مؤمنی از فرزندان آدم نبود، مگر این که فقیر بود،

و هیچ کافر نبود مگر این که غنی بود؛ تا این که زمان ابراهیم(ع) فرا رسید. آن حضرت به خداوند عرض کرد: <پروردگارا ما را مایه فتنه کافران قرار مده>. پس خداوند در کافران هم مال و هم نیاز و در مؤمنان نیز هم مال و هم نیاز قرار داد.<

عوامل حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - عامل بازداشتن کافران از رویکرد به حق ، دروغ پردازی آنان است .

کذلک کانوا یؤفکون

<کذلک> اشاره به دروغ پردازی و افترا زدن کافران مجرم است؛ یعنی، همان طور که در قیامت دروغ می گویند در دنیا نیز عمل می کردند. لازم به ذکر است که ریشه <یؤفکون> <إفک> است و به معنای <هر نوع باز داشته شدن از جهت و موقعیتی است که شایسته بوده در آن موقعیت باشد> (مفردات راغب). بنابراین، مراد از <یؤفکون>، منصرف شدن از عقیده حق و گرایش یافتن به باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۸ - ۳

۳ - ناباوری کافران نسبت به تحقق مجازات های الهی ، عاملی مهم در حق ناپذیری آنان *

و الطّور .. . إنّ عذاب ... ما له من دافع

تأکید، معمولاً در مواردی صورت می گیرد که مسأله تأکید شده، مورد انکار یا غفلت باشد.

عوامل دشمنی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۸

۸ - مخالفت مشرکان و کافران با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار

نسبی خویش بود .

أولم يسيروا في الأرض فينظروا ... و كانوا أشد مناهم قوه

یادآوری این نکته که اقوام نابود شده پیشین، نیرومندتر از قوم عرب بودند، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

عوامل ذلت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۲

۱۲- ذلت کافران در قیامت ، نتیجه استکبار و عصیان گری مداوم آنان در زمین

تجزون عذاب الهون بما كنتم تستكبرون في الأرض بغير الحقّ و بما كنتم تفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۴

۴ - کافران مغرور و خودخواه دنیا ، محکوم به ذلت و خواری در آخرت

أم يقولون نحن جميع منتصر ... يوم يسحبون في النار على وجوههم ذوقوا مسّ سقر

عوامل رنج کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ محرومیت منافقان و کافران از رحمت الهی ، مایه رنج و عذاب همیشگی آنان

و لعنهم الله و لهم عذاب مقيم

برداشت فوق بر این اساس است که <عذاب مقيم> در نتیجه نفرین الهی به دوری آنان از رحمت باشد.

عوامل زیان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنين ولايزيد الظلمين إلا خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین>

کافران باشند.

عوامل سختیهای اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۶

۶ - سرخوشی و هواپرستی کافران در دنیا، در پی دارنده دشواری های دیرپای قیامت

و اتَّبِعُوا أَهْوَاءَهُمْ... يَقُولُ الْكُفْرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسْرٍ

<عسر> (صفت مشبیه) دال بر ثبات و دوام وصف است.

عوامل سرزنش اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۳

۳- توبیخ کافران در قیامت، به خاطر هدر دادن امکانات ارزنده خویش و صرف آن در لذت های زودگذر مادی

أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا

عوامل سرزنش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱- > عن أبي عبد الله (ع) في قوله تعالى: > الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غَطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا > قال: >

... لم يعيهم بما صنع في قلوبهم و لكن عابهم بما صنعوا > ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خداوند >الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکرى...< روایت شده که فرمود: ... خداوند، (کافران را) به آنچه که ذات اقدس او درباره دل ها و قلب هاشان انجام داده، نکوهش نکرده، بلکه به خاطر اعمال خودشان نکوهش کرده است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - نکوهش کافران ، به خاطر باور نداشتن به قیامت و جدی نگرفتن تهدید های الهی

و تضحکون و لاتبکون

عوامل سرور کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۱ - ۲

۲ - کافرانی که مؤمنان را مسخره کرده اند ، هنگام مراجعت نزد خانواده خویش ، از پوزخند ها و اشاره های طعنه آمیز خود ، غرق شادمانی می شوند .

یضحکون ... یتغامزون . و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهین

در این برداشت ، <فَكِهَ> به معنای <مرد خوش دل و خندان> دانسته شده است . تکرار <انقلبوا> در آیه شریفه ، برای مجسم ساختن حالت بازگشت کافران به خانه خویش است .

عوامل شقاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۳

۳ - رفاه و برخورداری کافران ، سبب ساز هلاکت و نگون بختی آنان است ، نه نشان سعادت و نیکبختی .

أیحسبون .. نسارع لهم فی الخیرت ... حتی اذا أخذنا مترفیهم بالعذاب

عوامل شک کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۶

۶ - کور باطنی ، ریشه تردید ها و حیرت کافران در مورد قیامت و مسائل آن

بل هم فی شکّ منها بل هم منها عمون

<عمون> نظر به چشم ظاهر ندارد؛ بلکه عدم بینش و بصیرت کافران را می رساند که در نتیجه آن ، آنها گرفتار شک و تردید و حیرت و سرگردانی اند .

عوامل شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۵ شکست زبونانه کافران ، در گرو کوشش مجاهدان برای فراهم سازی تجهیزات و هوشیاری آنان در برابر هجوم غافلگیرانه دشمن

و لیاخذوا حذرهم .. و خذوا حذرکم إِنَّ اللَّهَ اعد

للكافرين عذاباً مهيناً

جمله <ان الله...> می تواند تعلیل برای فرمان خداوند به گرفتن اسلحه و حفظ هوشیاری باشد، بر این مبنا مراد از عذاب مهین، شکست زبویانه دشمنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۶

۶ رعب و وحشت کافران در جنگ بدر، از عوامل شکست آنان در آن جنگ

سألقي في قلوب الذين كفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۶

۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانت‌هایشان به خدا و دین او، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند.

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

امکان (مصدر امکن)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء> دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ نصرت های خاص الهی به پیامبر (ص)، عامل فرو شکستن شعار و صولت کافران و اعتلا یافتن کلمه الله (شعار توحید)

فقد نصره الله... و جعل كلمه الذين كفروا السفلى و كلمه الله هي العليا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱

۱ - اراده خداوند، عامل شکست و آوارگی کافران اهل کتاب (یهود بنی نضیر)

هو الذي أخرج الذين كفروا من أهل الكتب

اتفاق مفسران، آیات این بخش، مربوط به یهود بنی نضیر و جریان شکست و آواره شدن آنان از مدینه است.

عوامل ضعف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۴

۴ - بی پناهی کافران و ضعف ایشان در برابر مؤمنان برخاسته از کفر آنها است . *

و لو قتلکم الذین کفروا لو لولا الأذیر ثم لا یجدون ولیاً و لانصیراً

بنابراین که تعبیر <کفروا> و وصف کفر، مشعر به علیت باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

عوامل عجز کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ کافران بر اثر فقدان درک معارف الهی و ایمان نداشتن به حقایق دینی، مردمی ناتوان در پیکار با اهل ایمان

بأنهم قوم لایفقهون

عوامل عجله کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۳

۳- جهل کفار به سختی و شدت عذاب الهی، عامل تعجیل آنان برای تحقق عذاب است .

و یقولون متی هذا الوعد .. لویعلم الذین کفروا حین لایکفون عن وجوههم النار ...

برداشت یاد شده بر این اساس است که جواب مقدر <لو> جمله <لما استعجلوا العذاب أو قیام الساعة> (در نزول عذاب و یا در برپایی قیامت عجله نمی کردند) باشد.

عوامل عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۱

۱ - عذاب های کافران در قیامت ، کیفر مداومت آنان بر کردار زشت خویش در دنیا است .

هل ثوب الكفار ما كانوا يفعلون

<ثواب> یعنی، جزا و

<تثویب> به معنای جزا دادن است (قاموس). فعل <کانوا> که بر مضارع داخل شده است بر استمرار دلالت دارد.

عوامل عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۴

۴ گرفتاری کافران ، مشرکان و گنه کاران به عذاب های الهی ، ستم و کفری است که آنان خود برای خویشتن فراهم می کنند .

و لکن ظلموا أنفسهم

چنان چه گذشت، مقصود از <ظلم به نفس> گناهان و نیز آثار و تبعات گناهان می باشد؛ برداشت فوق ناظر به دومین لحاظ است. بنابراین <ظلموا أنفسهم...>؛ یعنی، نزول عذاب بر کافران که از آثار و تبعات گناهانشان است ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۶

۶ - هلاک و عذاب کافران ، نتیجه عملکرد خود ایشان

و ما أهلكنا من قریه . . . و ما كنا ظالمین

عوامل غفلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۵

۵ - احاطه تکذیب گری بر اندیشه کافران ، موجب احاطه غافلگیرانه عذاب الهی بر آنان است .

فی تکذیب . و الله من ورائهم محیط

تعبیر <فی تکذیب>، بر احاطه تکذیب گری بر کافران دلالت دارد و جمله <و الله . . . محیط>، کافران را به احاطه خداوند تهدید کرده است؛ که حاصل آن بسته بودن راه فرار از عذاب فراگیر است.

عوامل فرجام شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۴

ذلت و بدفرجامی کافران ، معلول برخوردار نبودن از ولایت و حمایت خداوند

دمر الله عليهم .. ذلك ... و أنّ الكافرين لا مولى لهم

عوامل فقر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱۵

۱۵ - > [عن] أبي عبدالله (ع) قال : ما كان ولد آدم مؤمن إلا فقيراً و لا كافر إلا غنياً ، حتى جاء إبراهيم (ع) فقال : > ربنا لا تجعلنا فتنه للذين كفروا < فصير الله في هؤلاء أموالاً و حاجه و في هؤلاء أموالاً و حاجه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: هیچ مؤمنی از فرزندان آدم نبود، مگر این که فقیر بود، و هیچ کافر نبود مگر این که غنی بود؛ تا این که زمان ابراهیم(ع) فرا رسید. آن حضرت به خداوند عرض کرد: >پروردگارا ما را مایه فتنه کافران قرار مده.<. پس خداوند در کافران هم مال و هم نیاز و در مؤمنان نیز هم مال و هم نیاز قرار داد.<.

عوامل گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۱

۱۱ زندگی دنیا عامل فریب خوردن کافران در نپذیرفتن آیات و پند نگرفتن از انداز انبیا

و غرتهم الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۵

۵ جا به جایی ماه های حرام ، عاملی در جهت گمراهی کافران

إنما النسئء .. يضل به الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۸

۳- مخالفت و عنادورزی کافران با پیامبر (ص)، با تمثیل و توصیف های ناروا، در پی دارنده گمراهی علاج ناپذیر برای آنان

کیف ضربوا لک الأمثال فضّلوا فلا یستطیعون سبیلاً

برداشت فوق بنابراین است که مراد از <سبیلاً> راه هدایت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۴ - ۱

۱ - بی اعتقادی به جهان آخرت، مهم ترین عامل انحراف و کجروی کافران

و إنّ الذین لایؤمنون بالأخره عن الصرط لَنکبون

<نکوب> (مصدر <ناکبون>) به معنای منحرف شدن است؛ یعنی، کسانی که به آخرت ایمان ندارند، قطعاً از راه راست، سخت منحرف اند. گفتنی است که بیان ایمان به آخرت و اختصاص به ذکر یافتن آن، از میان مسائل گوناگون اعتقادی، بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۱

۱ - کافران در قیامت، خواهان شناسایی عاملان گمراهی خویش به منظور انتقام جویی از آنان

و قال الذین کفروا ربّنا أرنا الذین أضلّنا .. نجعلهما تحت أقدامنا

عوامل گمراهی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲

۲- رهبران مستکبر و پیروانشان، سرانجام در قیامت شیطان را مسبب اصلی گمراهی خویش قلمداد می کنند.

فقال الضعفؤا للذین استکبروا .. قالوا ... و قال الشیطن لَمّا قضی الأمر إنّ الل

ذکر سخنان شیطان در قیامت خطاب به گمراهان، پس از ذکر جریان مستکبران و پیروانشان، احتمال دارد از این جهت باشد که آنان گمراهی خویش را به شیطان نسبت می دهند و او

درصدد پاسخ گویی برمی آید.

عوامل مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۴

۴ ایمان ، مستلزم عمل و مبارزه با کفرپیشگان

يَأْيِهَ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَتَلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ

عوامل محرومیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۸

۸- افتادن حجاب نامرئی بر دیدگان کافران و محروم شدن آنان از شنیدن و درک وحی ، معلول تصمیم آنها مبنی بر عدم ایمان به آخرت است .

بين الذين لا يؤمنون بالأخرة حجابًا مستورًا

تعبیر <الذين لا يؤمنون بالأخرة> - به صورت جمله وصفیه - و فعل مضارع به جای <الكافرين> می تواند به این معنا باشد که جعل حجاب از سوی خدا، به خاطر این خصلت و گزینش از سوی کافران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۳

۳- محرومیت از درک صحیح حقایق قرآن ، پیامد حق ناپذیری و کفرپیشگی کافران

الذين لا يؤمنون بالأخرة . . . و جعلنا على قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فى ءاذانهم وقْر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۱

۱- مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر ، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... فلن يغفر الله لهم

مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

عوامل مخالفت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۴

- غرور و خودخواهی کافران ، عامل مخالفت آنان با قرآن و پیامبر (ص)

بل یرید کل امریء منهم أن یوتی صحفًا منشّره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۳

۳- بی ایمانی و بی پروایی نسبت به روز جزا ، عامل مخالفت کافران با رسالت پیامبر (ص) و نپذیرفتن تعالیم قرآن

بل لایخافون الآخره

عوامل مصونیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۲

۲ - کافران و مکذبان ، در صورت ایمان آوردن و انجام دادن عمل صالح ، گرفتار عذاب نخواهند شد .

فبشّرههم .. إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

این احتمال که فعل های <آمنوا> و <عملوا>، شامل ایمان و عمل در زمان آینده نیز باشد، چندان بعید نیست زیرا از طرفی برای آینده قطعی ماضی آورده می شود و از طرف دیگر در قضیه حقیقی، زمان خاصی مورد نظر نیست.

عوامل مصونیت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۴

۲۴- حضور مؤمنان در محیط زندگی کافران مکه ، باعث نجات موقت کفار از عذاب الهی

لو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم

عوامل مهلت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - وعده خداوند بر مقابله به مثل با مکر کافران ، کافی برای شتاب نورزیدن پیامبر (ص) در مورد درخواست کیفر برای آنان

و أكید كیدًا . فمهل

برداشت یاد شده، از حرف <فاء> در <فمهل> استفاده

شده است، یعنی، حال که از مکر خداوند درباره کافران آگاه شدی، با خاطری آسوده به کافران فرصت ده زیرا آنان هر چند در هر فرصت به مکر خود ادامه دهند، ولی مکر آنان مقهور مکر خداوند است.

عوامل ناخشنودی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۹،۱۰

۹ - کافران بنی اسرائیل، ناخرسند از گسترش اسلام و در تلاش برای نابودی آن

یریدون لیطفؤا نور الله... و لو کره الکفرون

با توجه به آیات پیشین، به دست می آید که از مصادیق مورد نظر در <و لو کره الکفرون>، بنی اسرائیل می باشد.

۱۰ - رشد و شکوفایی اسلام، امری گران و ناگوار برای کافران

و الله متمّ نوره و لو کره الکفرون

عوامل هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۴

۴ - هلاکت جوامع کفرپیشه و تکذیب گر تاریخ، نتیجه عملکرد خود آنها و پس از اتمام حجت الهی بر آنان

ثم أرسلنا... بآیتنا و سلطن مبین... فکذبوهما فکانوا من المهلکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۳

۳ - رفاه و برخورداری کافران، سبب ساز هلاکت و نگون بختی آنان است، نه نشان سعادت و نیکبختی.

أیحسبون... نسارع لهم فی الخیرت... حتی اذا أخذنا مترفیهم بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۶

۶ - هلاک و عذاب کافران ، نتیجه عملکرد خود ایشان

و ما أهلکنا

من قریه . . . و ما کنا ظلمین

عوامل یأس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۲ - ۳

۳ - پیامبر (ص)، مایوس سازنده کافران از پیوستن به آنان در شرک

لا أعبد ما تعبدون

حرف <لا> گرچه برای نفی مستقبل است ولی مفهوم سخن، شامل زمان حال نیز می شود.

عوامل ذلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۴

۴- ذلت و بدفرجامی کافران، معلول برخوردار نبودن از ولایت و حمایت خداوند

دمر الله عليهم . . . ذلک . . . و أنّ الکفرین لا مولی لهم

عهد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۸،۹

۸ رهبران جامعه اسلامی مجاز در پیمان بستن با جوامع کفرپیشه

الذین عهدت منهم ثم ینقضون

۹ نقض پیمان های گذشته از سوی جوامع کفرپیشه، مانع جواز معاهده جدید نخواهد شد.

الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره

عهدشکنی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - اظهار ایمان و خداترسی منافقان ، ابزاری در دست آنان برای توجیه پیمان شکنی خود با کافران

کمثل الشیطن .. قال إني بريء منك إني أخاف الله رب العلمين

از تشبیه منافقان به شیطان با توجه به ادعای خداترسی وی مطلب بالا استفاده می شود.

عهدشکنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۲ - ۷

۷ کفرپیشگان ، مردمی

فاسق و بی اعتنا به عهد های الهی

و ما وجدنا لأكثرهم من عهد و إن وجدنا أكثرهم لفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۲،۹

۲ کفرپیشگانی که بر پیمانشان با پیامبر (ص) وفادار نماندند از پست ترین جنبندهگان هستند .

إن شر الدواب .. الذین عهدت منهم ثم ینقضون

<الذین عهدت منهم> می تواند بدل و یا عطف بیان برای <الذین کفروا> در آیه قبل باشد، و نیز می تواند مبتدا و خبر آن <فاما تثقفنهم ..> در آیه بعد باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۹ نقض پیمان های گذشته از سوی جوامع کفرپیشه ، مانع جواز معاهده جدید نخواهد شد .

الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۱

۱ مسلمانان موظفند در صورت ظهور نشانه ای حاکی از تصمیم کافران بر پیمان شکنی ، معاهدات فیما بین را الغا کنند و آن را بی اعتبار بشمارند .

و إما تخافن من قوم خیانه فانبذ إلیهم

مراد از <خیانه> به قرینه سیاق پیمان شکنی است و ترس از پیمان شکنی به معنای آشکار شدن شواهد و اماراتی است بر اینکه طرف مقابل نقض پیمان را در سر می پروراند. <نبذ> به معنای انداختن و مفعول <فانبذ> <عهدهم> است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۱،۳،۵

۱ هیچ حرکت و رفتاری ، حتی کفرورزی کافران و

پیمان شکنی آنان ، خارج از اراده خداوند نیست .

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إناهم لایعجزون

جمله <لایحسبن .. > در صدد رفع پندار ناصوابی است که کفرپیشگان آن را در خیال خویش می پروراندند که با توجه به آیات قبل می توان گفت آن پندار برخاسته از کفرورزی و ستیزه جویی علیه پیامبر(ص) و شکستن پیمانهای او بوده است. آنان بر این پندار بودند که اگر دستورات پیامبر(ص) از جانب خدا و خواست اوست، آنان با مخالفتهای خویش بر خدای محمد(ص) چیره شده اند. جمله <لایحسبن ... > بیان می دارد که این پندار ناصواب است. زیرا هیچ چیز خداوند را ناتوان نمی سازد. مفاد این جمله با توجه به آنچه گذشت این است که هیچ حرکت و رفتاری بیرون از اراده و خواست خداوند نیست.

۳ کافران هرگز با نقض پیمان و خیانت به رسول اکرم (ص) نخواهند توانست بر پیامبر (ص) پیشی گیرند و وی را از ادامه رسالت ناتوان سازند .

و إما تخافن من قوم خیانه .. و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إناهم لایعجزون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <سبقوا> و <لایعجزون> پیامبر(ص) باشد.

۵ کافران با پیمان شکنی و خیانت های خود ، قادر به کسب پیروزی پایدار نخواهند بود .

و إما تخافن من قوم خیانه .. و لایحسبن الذین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۸

۱۸ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) در برابر دشمنی ها و کارشکنی های کافران گمراه

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت إن الله علیم بما یصنعون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۲ - ۴

۴ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت در برابر دشمنان و کارشکنی های مشرکان و کافران

فانظر كيف كان عقبه المنذرین . . . و لقد نادینا نوح ... ثم أغرقنا الآخرین

برداشت یاد شده از آن جا است که ذکر داستان نوح(ع) و قومش، پس از توصیه خداوند به پیامبر(ص) مبنی بر تأمل و درس آموزی از سرنوشت مردمی است که اخطارهای پیامبران را دریافت کردند ولی به مخالفت با آنها پرداختند. این توصیه می تواند برای دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت باشد که در شرایط دشوار مکه به سر می بردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۸

۸ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان اندک او، در برابر کارشکنی ها و دشمنی های کافران و مشرکان

إِنَّ الَّذِينَ يَجِدُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ... إِنَّ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا مَا هُمْ بِبَلِغِيهِ

از این آیه و آیات قبل و بعد آن، استفاده می شود که خداوند درصدد دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آورندگان اندک به آن حضرت در مکه می باشد.

عیب جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۷

۷ - عیب جویی و سخن چینی، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبر اسلام (ص)

فلاتطع المكذبین . . . همّاز مشاء بنمیم

عیسی(ع) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۴

۴ داود و عیسی (ع) ، مأیوس از ایمان کفرپیشگان قوم خویش *

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

طرد و لعن کافران بنی اسرائیل از سوی داود و عیسی(ع) حکایت از یأس و نومیدیشان از هدایت یافتن آن گروه دارد.

غافلگیری اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز به طور ناگهانی با آتش فراگیر روبه رو خواهند شد .

لا یكفون عن وجوههم النار . . . بل تأتیهم بغته

<بغت> به معنای امر ناگهانی و به دور از محاسبه و پیش بینی است.

غافلگیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - مواجه شدن کافران با برپایی قیامت ، ناگهانی و غافل گیرانه است .

یقسم المجرمون . . . فهذا یوم البعث

<فء> در <فهذا> فصیحه است و حکایت از شرط مقدر می کند و مفید معنای مفاجات و ناگهانی بودن است.

غزوه بدر و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۷

۷ کافران در جنگ بدر ، نیرو های رزمنده مسلمان را دو برابر نیرو های خودشان می دیدند .

یرونهم مثلهم رأی العین

بنابراینکه ضمیر فاعلی در <یرون> به مشرکین برگردد و ضمیر مفعولی <هم> به مسلمین و ضمیر مجرور <هم> در <مثلهم> به مشرکین برگردانده شود.

غضب بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹

۶ لزوم به کارگیری شدت و خشم ، در جنگ با دشمنان کفرپیشه

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۱

۱ - کافران ، مورد غضب و نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او هستند .

قتل الإنسان ما أکفره

فعل ماضی (قتل الإنسان) برای نفرین بکار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است؛ زیرا معنای حقیقی نفرین، درباره او قابل تصور نیست. <ال> در <الإنسان> به قرینه <فلینظر الإنسان...> در آیات بعد برای ماهیت است و جمله <ما أکفره> نشان می دهد که در نفرین <قتل الإنسان>، تنها کافران مد نظر می باشند.

غضب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۱

۱ - نگاه کافران به پیامبر (ص) ، نگاهی خشم آلود و کینه توزانه بود .

و إن یکاد الذین کفروا لیزلقونک بأبصرهم

<زَلَقَ> (مرادف <ذلل>) به معنای لغزیدن و سقوط کردن است و عبارت <لیزلقونک بأبصارهم> کنایه از این است که کافران، با نگاه خشم گینانه و کینه توزانه، به پیامبر(ص) می نگریستند؛ مانند آن که گفته می شود: فلان کس آن چنان به من نگاه می کند، که گویا می خواهد مرا با نگاهش بخورد و یا بکشد؛ یعنی، اگر برای او ممکن باشد که با نگاهش مرا بخورد و یا بکشد، چنین خواهد کرد.

غفلت از دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۱

- بی توجهی به عمق عداوت کافران با اسلام و مسلمانان ، زمینه ساز برقراری روابط دوستانه با آنان

لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ ... يَخْرُجُونَ ... أَنْ تُوْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ

بیان ابعاد مختلف عداوت کافران با مسلمانان، به عنوان دلیل ممنوعیت ارتباط دوستانه با آنان، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۳

۳ - جامعه اسلامی ، در معرض خطر از یاد بردن عداوت جبهه کفر با ایشان

إِنْ يَتَّقُواكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءَ

تذکر و هشدار الهی در این آیه، بیانگر مطلب بالا است.

غفلت اکثریت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۶

۶ - کافران ، گرفتار کیفر های دنیوی و بیشتر آنان ، غافل از منشأ گرفتاری های خویش *

لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا ... وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

در صورتی که <عذاباً دون ذلک> نظر به کیفر دنیوی داشته باشد، احتمال می رود که <أكثرهم لا يعلمون> به این معنا باشد که کافران به رغم ابتلا به این کیفرهای الهی، معمولاً توجه ندارند که علت آن، کفر ایشان است.

غفلت اکثریت کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۶

۶ - بیشتر کافران و مشرکان ستیزه جو و مجادله گر در صدر اسلام ، مردمی غافل و بی خبر از معارف الهی (چون توحید و معاد) بودند .

و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

ممکن است مقصود از <الناس> در آیه شریفه، مردم عصر نزول قرآن (چون اهل مکه) باشد. برداشت یادشده بر این احتمال

مبتنی است.

غفلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذین .. و رضوا بالحیوه الدنیا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۷

۷- کافران دنیاگرا، غافلان واقعی اند.

استحبوا الحیوه الدنیا .. الکفرین ... و أولئک هم الغفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۸

۸- اظهار حسرت کافران در قیامت، به خاطر غفلت عمیق و پیوسته خویش از روز قیامت

یویلنا قد کنا فی غفله من هذا

برداشت یاد شده از آمدن <فی> که برای ظرفیت است استفاده می شود. بدین صورت که غفلت، ظرف و انسانِ غافل، مظروف قرار گرفته است و این حکایت از غوطهور شدن و فرورفتن در عمق غفلت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۳

۳- قلب های کافران، پوشیده در حجاب غفلت و ناآگاهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۳

۳ - سطحی نگری کافران در مظاهر شگفت انگیز طبیعت و نادیده گرفتن قدرت الهی در آن ، مورد سرزنش خداوند

فقد كَذَّبُوا .. أَوْلَم يَرَوِاإِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا

استفهام در <أَوْلَم يَرَوِاإِلَى الْأَرْضِ> برای توبيخ است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۶ - ۸

۸ - هلاکت امت های کافر پیشین ، در حال غفلت و سرگرمی آنان به دنیا ، بوده است .

أهلکنا .. یمشون فی مسکنهم

احتمال دارد که جمله < یمشون .. > حال برای مفعول < أهلکنا > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۸

۸ - مؤمنان ، برخلاف کافران ، تنها در گرفتاری به یاد خدا نیستند ؛ بلکه در همه حال (خوشی و ناخوشی) رو به خدا می آورند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه .. أمن هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا ... و یرجوا

برداشت بالا از ارتباط میان آیه شریفه با آیه پیش به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۰ - ۳

۳ - غفلت شدید کافران و مشرکان ، از مرگ و حیات پس از آن (قیامت)

إنک میّت و إنهم میّتون

ضمیر < إنهم > به مشرکان و کافران باز می گردد. طرح مسأله رحلت آنان که با تأکید همراه است (إنک و إنهم) و غیر قابل انکار بودن این حقیقت، می تواند گویای غفلت شدید مشرکان و کافران از مسأله مرگ باشد؛ گو این که آنان منکر حقیقت یاد شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۵

۵ - مؤمنان نیک کردار ، گروهی روشن بین و اهل بصیرت و کافران بد کردار ، گروهی کوردل و غافل اند .

و الذين آمنوا و عملوا الصلحت و لا المسىء

<الأعمى> و <البصير> تمثیلی برای مؤمنان نیک کردار و کافران بد کردار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۱

۱ - کفرپیشگان و گنه کاران ، غافل از آگاهی و نظارت اعضا و جوارح بر اعمالشان

و ما کنتم تستترون أن یشهد علیکم سمعکم و لا أبصرکم و لا جلودکم

<آن یشهد> به تقدیر <مخافه> (برای ترس) است. بنابراین مفاد <ما کنتم...> این است که شما برای ترس از شهادت گوش، چشم و پوستتان خود را مخفی نمی کردید؛ زیرا غافل بودید و نمی دانستید که آنها شاهد بر اعمال شما هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۵

۵- چشم پوشی کافران ، از عظمت خدشه ناپذیر قرآن و تمسک آنان به بشر بودن پیامبر (ص) ، برای انکار رسالت آن حضرت

و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم فقال الكفرون هذا شیء عجیب

از ارتباط این آیه با آیه قبل که سوگند به ارجمندی قرآن بود می توان استفاده کرد که خداوند قبل از هر چیز، عظمت خدشه ناپذیر آیات قرآن را به کافران یادآور شده و ایشان را به سبب تمسک به مسائل بی ارزش، ملامت کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۱

۱ - کافران ، گرفتار غفلت ، تکبر و سرمستی

و أنتم سمدون

<سُمود> در معانی <سهو> (غافل سازنده انسان از کارهای مهم و سرنوشت ساز) و بالا گرفتن سر از

روی خودبزرگ بینی و غرور به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۲

۲ - کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قیامت خود و بی توجه به نشانه های خدا در خلقت خویش

کَلَّا

<کَلَّا> می تواند برای ردع و باز داشتن از توهمی باشد که آیات پیشین، زمینه ساز پیدایش آن بود و آن این که با وجود زمینه های توجه به خداوند در آفرینش انسان از نطفه تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسی در کفر بماند. <کَلَّا> دلالت دارد که نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۳

۳ - کافران ، از سیطره خداوند بر آنها غافل اند .

و الله من ورائهم محیط

<من وراء> (از پشت سر)، کنایه از غافلگیرانه بودن است؛ همان گونه که دشمن برای هجوم غافلگیرانه، از پشت سر حمله می کند.

فرار اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۱

۱ - فرار بی نتیجه کافران ، از کیفر و عذاب قیامت

یوم تولون مدبرین

فرجام اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- کافران جبار، مردمی بدفرجام در دنیا و آخرتند .

و خاب کلّ جبار عنید . من ورائه جهنّم و یسقی من ماء صدید ... من ورائه عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره -

۱ - کافران و مشرکان ، دارای فرجامی شوم در جهان آخرت

قل یا أيها الناس إنا لکم نذیر

مراد از <الناس> مردم مشرک و بت پرست است. <نذیر> به معنای <منذر> می باشد. و <انذار> (مصدر <منذر>) به معنای اخطار کردن و ترسانیدن از عواقب امری، پیش از فرا رسیدن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۶- تفاوت فرجام اخروی مؤمنان و کافران ، بازتاب تمایز عملکرد دنیوی آن دو

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. و الذین کفروا یتمتعون و یأکلون ... الجنة ال

در این جا خداوند نخست به تمایزهای دنیوی اهل ایمان با کافران پرداخته و سپس تفاوت فرجام اخروی آنان را بیان داشته است. از این ارتباط موجود در آیات، پیوند تنگاتنگ میان عملکرد دنیوی هر گروه با فرجامشان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - آخرت پر شرر کافران ، دستاورد خود ایشان است .

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا .. فویل للذین کفروا من یومهم

از انتساب <یوم> به ضمیری که به کافران بازمی گردد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - منافقان و کافران ، دارای فرجامی یکسان در قیامت

فالیوم لایؤخذ منکم .. و لا من الذین کفروا

٧- دوزخ ، جاىگاه نهاىى كافران و منافقان

فالىوم لاىؤخذ منكم فدىه و لا من الذىن كفروا. .. و بئس المصىر

<مصىر> (معادل

<مرجع> و به جایگاهی گفته می شود که حرکت به آن جا منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۵

۵ - نامه عمل کافر ، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود .

و أما من أوتى كتبه وراء ظهره . . . و یصلی سعیرًا ... بل الذین كفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین كفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل باشند که با عنوان <من أوتى كتابه بيمينه> و <من أوتى كتابه وراء ظهره> از آنان یاد شد.

فرجام افساد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۶

۱۶- بهشت ، پایان رنج و تلاش مؤمنان و دوزخ فرجام لذت جویی و فساد کافران

الذین آمنوا و عملوا الصلحت جنّت . . . و الذین كفروا... النارمئوی لهم

در این آیات، میان زندگی، اهداف و فرجام مؤمنان و کافران، مقایسه صورت گرفته است. مؤمنان اهل جهاد و عمل صالح اند و در پی دشواری های آن، از بهشت برخوردار خواهند شد. اما کافران اهل رفاه و لذت جویی اند و در پی آن گرفتار آتش خواهند بود.

فرجام دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۸

۸ - اظهار محبت با جبهه کفر ، به امید جلب عطف آنان ، تلاشی بی فرجام و محکوم به شکست

تسرون إليهم بالموّده. .. إن یتقفوكم یكونوا لكم أعداء

فرجام سخت کافران

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۱

۱- تهدید شدن کافران سست اندیش و بیهوده گرا، به فرجامی سخت و جانکاه

فارتقب یوم تأتي السماء بدخان مبین

تعبیر <بدخان مبین>، می تواند حکایت از عذاب دنیوی و نیز سختی های صحنه قیامت داشته باشد.

فرجام شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۱

۱ هشدار دادن به کافران به پایان ناخوشایندشان از وظایف پیامبر(ص)

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۹

۹ عذاب دردناک، فرجام و عاقبت کفرپیشگان است .

ثم یمسهم منا عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۷

۷- کافران به قرآن و کافرانی که تصمیم به ماندن در ظلمت ها گرفته اند، فرجامی بس ناگوار دارند و در عذابی سخت گرفتار خواهند شد .

و ویل للکفرین من عذاب شدید

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینه آیه قبل، کسانی هستند که کتاب خدا را نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۹

۹- کافران جبار ، مردمی بدفرجام در دنیا و آخرتند .

و خاب کلّ جبار عنید . من ورائه جهنّم و یسقی من ماء صدید ... من ورائه عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ -

۱۲- گرفتار شدن به سرنوشت شوم ، تهدید خداوند به کافرانِ هدایت ناپذیر

ذره‌م ... فسوف يعلمون

براشت فوق، بنابراین احتمال است که مفعولٌ به و متعلق علم در <یعلمون> عاقبت امر و سرنوشت آنان باشد.

۱۴- اخطار و هشدار به سرنوشت شوم کافرانِ دنیاطلب ، روشی برای بازداشتن از کفر و دنیاطلبی

ربما یوّد الذین کفروا .. ذره‌م یا کلووا و ... فسوف يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۴

۴- پیامبر (ص) به جهت سرنوشت و پایان بد کافران ، در رنج و تأسفی عمیق بود .

فلعلک بخع نفسک علی ءاثرهم إن لم یؤمنوا بهذا الحدیث أسفاً

مراد از <آثار> می تواند عاقبت و نتیجه ای باشد که بر ایمان نیاوردن به قرآن (إن لم یؤمنوا بهذا الحدیث) مترتب می شود. بر این اساس <باخع نفسک عن اثرهم> یعنی: ای [پیامبر!] خود را به خاطر آثار ناشایستی که کفر آنان در پی دارد، در رنج و مشقتی کشنده، قرار می دهی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۹ - ۱

۱ - کافران و مشرکان ، دارای فرجامی شوم در جهان آخرت

قل یا ایها الناس إنما أنا لکم نذیر

مراد از <الناس> مردم مشرک و بت پرست است. <نذیر> به معنای <منذر> می باشد. و <انذار> (مصدر <منذر>) به معنای اخطار کردن و ترسانیدن از عواقب امری، پیش از فرا رسیدن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۱۰

١٠ - آتش دوزخ ، وعده الهی به کافران و سرانجام شوم آنان

النار

وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۶

۶ - فرجام و سرنوشت کافران ، فرجام و سرنوشتی بد و ناخوشایند

الَّذِينَ كَفَرُوا .. مَا أُوهِمُ النَّارَ وَ لِبئسَ الْمَصِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۳

۳ کافران معاند با پیامبر (ص) ، در قیامت ، دارای شوم ترین جایگاه و بی راهه ترین مسیر خواهند بود .

الَّذِينَ .. أَوْلَتْكَ شَرًّا مَكَانًا وَأَضَلَّ سَبِيلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۸ - ۲

۲ - فرجام ناگوار کافران و عاقبت نیکوی مؤمنان ، علامت برابر نبودن آنان با یکدیگر است .

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ .. فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ ... أَمْنٌ كَانَ مُؤْمِنًا كَمِ

<فاء> در <أفمن> تفریع بر آیات سابق است که در آنها از کافران و مؤمنان و فرجام و عاقبتشان سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۴ - ۴

۴ - مسؤولیت پیامبر (ص) ، تبیین سر انجام نیک مؤمنان و عاقبت شوم کفرپیشگان است .

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۳ - ۲،۳

۲ - کافران لجوج انذار شده از سوی رسولان الهی ، به سرنوشت شومی دچار شدند .

فانظر کیف کان عقبه المنذرین

توصیه خداوند به نگریستن در سرنوشت کافرانِ لجوجِ انذار شده از سوی پیامبران، گویای این حقیقت است

که سرنوشت آنان، چنان شوم بوده که می تواند مایه درس آموزی و شایسته دقت و مطالعه باشد.

۳- لزوم تأمل و اندیشه در سرنوشت شوم کافران متعصب و لجوجی که از سوی پیامبران پیشین انذار شده اند .

و لقد أرسلنا فيهم منذرين . فانظر كيف كان عقبه المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۴

۴- تهدید مستکبران کفرپیشه از سوی خداوند ، به عذابی سخت و بدفرجام

فبشره بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۶

۶- فرجام شوم کافران و ستمگران هلاک شده تاریخ ، هشدارى به کفرپیشگان و ظالمان هر عصر

فإن للذين ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحابهم

آیات پایانی این سوره، در مقام نتیجه گیری از آیات گذشته است که به تفصیل سرنوشت هلاکت بار کافران گذشته تاریخ را بیان داشته است. از این نکته استفاده می شود که تعبیر <مثل ذنوب أصحابهم>، در واقع تذکر و هشدارى نهایی به کافران هر عصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۱

۱- کفرپیشگان ، دارای سرنوشتى تأسف بار هنگام فرا رسیدن وعده های خداوند

فويل للذين كفروا من يومهم الذي يوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۶

۶- مقایسه فرجام نیک تقوایپیشگان با سرنوشت شوم کافران ، شیوه بهینه هدایت خلق

اصلوها .. إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

از این که خداوند در هدایت خلق، به ترسیم هر دو فرجام پرداخته است؛

مطلب بالا برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۵

۵ - فرجام شوم و هلاکت بار ، در کمین کافران [در دنیا ، هنگام مرگ و یا در آخرت]

يلقوا يومهم الذی فيه يصعقون

تعبیر <الذی فيه يصعقون> (روزی که در آن بیهوش خواهند افتاد)، نشان دهنده سختی حال کافران به هنگام واقعه عذاب است. گفتنی است که مراد از روز عذاب، می تواند روز عذاب استیصال، یا روز عذاب قیامت و یا هنگام مرگ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۳

۳ - ترنم کافران به ترانه ها ، به جای گریستن بر فرجام شوم خویش *

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون

بنا به گفته برخی از مفسران در معنای <سامد>، تغنی و آوازه خوانی نیز نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۴

۴ - قیامت ، روز فراخوانی کافران هواپرست به فرجامی بس ناخوشایند برای ایشان

یوم یدع الداع إلى شیء نکر

<نکر> به امر سخت ناخوشایند و مشقت بار گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۴

۴ - پی بردن کافران به دشواری شرایط و فرجام خویش ، از نخستین لحظه های رستاخیز

يقول الكفرون هذا يوم عسر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۶ - ۳

۳ - دوزخ ، جایگاهی نامیمون و سرانجامی شوم برای کافران

و بئس المصیر

<مصیر>، جایگاهی است که

حرکت بدان جا منتهی می شود.

فرجام شوم کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۰

۱۰- تبعیت بی چون و چرا از رهبران مستکبر ، در پی دارنده بدفرجامی پیروان

فَقَالَ الضَّعْفُؤا للذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُمْ مَغْنُونٌ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ

فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - کفرپیشگان در قیامت با آتشی که خود برافروخته اند ، عذاب خواهند شد .

فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ وَالْحِجَارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۵

۵ - مسؤولیت پیامبر (ص) ، راهنمایی انسان ها و تبیین سرانجام نیک مؤمنان و عاقبت شوم کفرپیشگان است .

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۹

۹ هشدار الهی به کافران در مورد عاقبت بد آنان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا .. وَاُولَئِكَ هُمُ وَقُودُ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۹

۹ سرنوشت فرعونیان ، عبرتی برای کافران در سراسر تاریخ

انّ الذین کفروا .. کذاب ال فرعون ... فاخذهم الله

ذکر فرعونیان به عنوان مثال می رساند که آنان، عبرت آیندگانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۷

۷ همسانی سرنوشت شوم کافران ، با قاتلان پیامبران و عدالتخواهان

انّ الذین یکفرون

... فیشرهم بعذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ عذاب خداوند سرنوشت کافران محارب ، در صورت عدم بازگشت و توبه

لیقطع طرفاً... .. فینقلبوا خائبین... .. او یعدّ بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۹

۹ رستگاری و عذاب ، دو فرجام متفاوت برای تقوای پیشگان و کافران

و اتّقوا الله لعلکم تفلحون. و اتّقوا النار الّتی اعدت للكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱۹،۲۱

۱۹ آتش دوزخ ، جایگاه و فرجام شوم کفرپیشگان مشرک

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرعب... .. و ماویهم النار و بس مثنوی الظالمین

۲۱ کافران ، ستم پیشگانی شوم فرجام

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرعب... .. و بس مثنوی الظالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۳

۳ ناتوانی کافران از درک سود و زیان و سرنوشت شوم خویش

و لا یحسبنّ الّذین کفروا أنّما نملی لهم خیر لانفسهم أنّما نملی لهم لیزدادوا اثماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۴

۴ جهنم، جایگاه کافران قدرتمند و بهره مند از مواهب مادی

ثم ماویهم جهنم

<ماوی> به معنای منزل است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۶

۱۶ یکسانی سرنوشت شوم کافران و منافقان و شرکت کنندگان در مجالس

کفر و گناه و استهزا به آیات الهی

انکم اذا مثلهم إنّ الله جامع المنافقین .. . جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۳

۲۳ پرهیز از اندوه و تأسف بر کفرپیشگی کافران و سرنوشت شوم آنان ، توصیه خداوند به پیامبر خویش

فلاتأس علی القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ ایمنی از عذاب دردناک در گرو یکتاپرستی و پرهیز از گفتار کفرآمیز

و ما من اله الا اله وحد و إن لم ینتهوا عما یقولون .. . عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳ بازگشت همه آدمیان چه هدایت یافتگان و چه اهل کفر تنها به سوی خداست .

إلی الله مرجعکم جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۲ - ۶

۶ بیان فرجام شوم کفرپیشگان و تکذیب کنندگان رسولان الهی ، روشی برای مبلغان دین برای شناساندن زیانکاران واقعی

الذین کذبوا شعیباً کانوا هم لخصرین

خداوند با بیان فرجام شوم کفرپیشگان، زیانکاران واقعی را به مردم معرفی کرد. بنابراین از راههای معرفی کردن زیانکاران واقعی بیان فرجام شوم آنان است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۸ - ۴

۴ بیان فرجام کفرپیشگان بی تقوا، از روش های قرآن در هدایت مردم به ایمان و تقواست .

و لكن كذبوا فأخذنهم .. أو أمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۳

۳ فرجام شوم کفرپیشگان گنهکار تاریخ، زمینه ای مناسب برای پندگیری و عبرت آموزی است .

أو لم يهد للذين يرتنون .. أن لو نشاء أصبناهم بذنوبهم

از مصادیق مورد نظر برای <ذنوب>، به قرینه آیات قبل و آیه بعد، کفر و انکار آیات الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۲

۲ خداوند، تسلی دهنده پیامبر (ص) با بیان سرگذشت شوم کفرپیشگان تکذیب کننده انبیا (ع)

نقص عليك

مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) <عليك> در بیان سرگذشت امتهای تکذیب کننده گذشته می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۶

۱۶ انذار مردم و آگاه ساختن آنان از عاقبت شوم کفرپیشگان، از وظایف اساسی پیامبر (ص)

إن أنا إنذیر

لام در <لقوم> هم می تواند <لام> تقویت باشد و هم می تواند <لام> انتفاع گرفته شود. بر اساس احتمال اول <قوم> مفعول برای <نذیر و بشیر> خواهد بود و مفاد آیه این است که پیامبر(ص) مؤمنان را انذار خواهد کرد و به آنان بشارت

خواهد داد. و بر اساس دو مین احتمال مفعول

<نذیر و بشیر> همه مردم هستند و <لقوم یؤمنون> بیان می دارد که تنها مؤمنان از اندازها و بشارتها بهره مند می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۱،۲

۱ شکست و رسوایی ، فرجام کافران ستیزه گر با خدا و رسول او

ذکم

<ذکم> خیر برای ابتدایی محذوف و اشاره به شکست خفتبار مشرکان در جنگ بدر دارد ؛ یعنی <الأمر ذکم> ؛ مطلب از این قرار است که بیان شد.

۲ ضرورت توجه اهل ایمان به فرجام شوم کافران ستیزه گر و نقش اصلی خدا در پیروزی های مؤمنان

ذکم

حرف <کم> در <ذکم> خطاب به اهل ایمان است. یعنی ای اهل ایمان سرنوشت مشرکان ستیزه جو همان است که بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۸

۸ شکست نهایی ، سرنوشت محتوم کفرپیشگان ستیزه گر علیه اسلام و راه خدا

ثم یغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ هزیمت و شکست ، فرجام شوم و کیفر قطعی برای تمامی کافران و دشمنان ایستاده در برابر دین الهی

و عذب الذین كفروا و ذلک جزاء الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۲

۱۲ منافقان و کافران پیشین با همه اتکایی که بر دستاورد های مادی خویش داشتند ، سرانجام همه آنها را فرو نهاده و بی توشه در گذشتند .

كالذین من قبلکم كانوا أشد منكم .. أولئك حبطت أعمالهم فی الدنيا و

آیه در مقام تحذیر منافقان، سرنوشت پیشینیان را بر آنان می نمایاند که چگونه با همه قدرت در گذشته و تلاشهای دنیویشان بی نتیجه ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱

۱ نکوهش خداوند از منافقان ، به جهت عبرت نگرفتن از سرنوشت شوم کافران گذشته تاریخ

وعدالله المنفقين .. ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۵

۵ جهنم ، جایگاه کافران و منافقان و فرجامی سخت و دردناک برای آنان

و مأویهم جهنم و بئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۰

۱۰ سقوط در آتش دوزخ ، فرجام منافقان کفرپیشه

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً .. فانهار به فی نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۶

۶ انسانهایی که به خدا و پیامبرانش کافر شوند و نیز جنیان کفرپیشه ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

لأملأن جهنم من الجنه والناس أجمعین

چون بحث در آیات گذشته درباره فساد و صلاح امتهای بود و مصداق بارز و مورد نظر برای صلاح و فساد به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۱۲۱ توحید، شرک، ایمان و کفر است، مقصود از <الجنه> و <الناس> کافران و مشرکان جنی و انسی است. بر

این اساس کلمه <أجمعين> تأکید بر عمومی است که از کلمه <الجنه> و <الناس> فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸- رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۹

۹ آتش دوزخ فرجام کافران است .

و عقبی الکفرین النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۳

۳- گرفتاری به عذاب استیصال پیش از فرا رسیدن قیامت ، سرنوشت محتوم همه اقوام و جوامع کافر و مشرک حق ستیز است .

و إن من قریه إلا نحن مهلكوها قبل یوم القیمه

اینکه آیه می فرماید: همه جوامع بشری قبل از قیامت یا هلاک می شوند و یا دچار عذاب می شوند احتمال دارد که مراد از <مهلكوها> هلاکت انسانهای معمولی و مراد از <معدّبوها> عذاب کافران و مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶ - ۹

۹ تأسف خوردن بر حال کافران و سرنوشت بد آنان ، حالت قابل تحسین است .

فلعلک بخع نفسک علی ءاثرهم .. أسفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- برخورداری انسان از حق انتخاب ایمان و کفر ، به معنای بی تفاوتی ایمان و کفر در فرجام اخروی او ، نیست .

فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر إنا أعتدنا للظلمین نارًا

امر در <فلیکفر> برای تهدید است و جمله <إنا أعتدنا..> گویای این معنا است که اختیار انسان در انتخاب ایمان یا کفر، بدان معنا نیست که او، بر انتخاب خویش، مؤاخذه و یا تشویق نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- کھف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۳

۳- دوزخ ، فرجام کافرانی است که طاقت شنیدن آیات

الهی را ندارند .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین .. و كانوا لا یستطیعون سمعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۶

۶ - روز وقوع عذاب استیصال ، آخرین روز حیات کافران بوده و رهایی آنان از آن ناممکن است .

أو یأتیهم عذاب یوم عقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۱۱

۱۱ - دوزخ ، بازگشتگاه و سرانجام کافران

و بئس المصیر

<مصیر> به معنای عاقبت کار و نیز به معنای مرجع و محل بازگشت می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۵،۶

۵ - سرگردانی و رسیدن به بن بست کامل ، فرجام نهایی کافران و مستکبران

حتّٰی إذا فتحنا .. إذا هم فیه مبلسون

۶ - شکستگی و حزن و اندوه بی پایان ، فرجام نهایی کافران و مستکبران

حتّٰی إذا فتحنا .. إذا هم فیه مبلسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۲

۲ - زندگی (رفتار و اعمال) کافران ، دارای فرجامی پوچ و در هاله ای از سردرگمی

و الذين كفروا أعملهم .. أو كظلمت في بحر لَجِيّ يغشيه موج من فوقه موج من فوقه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۵

۵ - جاينگاه كافران ، آتش است .

الذين كفروا .. مأويهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۶

۶ - خداوند

، توانا بر جدا ساختن سرنوشت مؤمنان واقعی از فرجام کافران محکوم به هلاکت

أنا دمرنهم و قومهم أجمعين .. و أنجينا الذين ءامنوا و كانوا يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۴

۴ - پاکسازی نهایی زمین از وجود کافران ، وعده ای حتمی و تخلف ناپذیر

و إذا وقع القول عليهم .. أن الناس كانوا بآيتنا لا يوقنون

تعبیر <أنّ الناس..> در بر گیرنده همه کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ - قیامت روز ذلت کافران و پایان بخشیدن به گردن فرازی گردنگشان دنیا

أكذبتم بايتي .. و كلّ أتوه دخرين

هرچند تعبیر <كلّ أتوه> شامل همه مؤمنان و کافران می شود؛ اما با توجه به اصل تناسب و ارتباط آیات، می توان گفت که نظر عمده، متوجه تکذیب کنندگان آیات الهی است. مبنی بر این که آنان گرچه در دنیا ظالمانه کفر ورزیده اند؛ اما باید بدانند که در آخرت، مجال گستاخی برای هیچ یک از آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - توجه به بازگشت حتمی کافران به سوی خداوند ، زداینده اندوه پیامبر (ص) است .

و من كفر فلا يحزنك كفره إلینا مرجعهم فننبتهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۷

۷ - ندامت و ذلت حتمی ، فرجام مجرمان کفرپیشه است .

بلقاء ربهم كفرون .. ولو ترى إذ المجرمون ناكسوا رؤوسهم عند ربهم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۰

۲۰ - عذاب الهی ، سرنوشت محتوم کافران

و لكن حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۲

۲ - عذاب الهی ، سرنوشت محتوم کافران

و كذلك حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۵ - ۹

۹ - هلاکت و نابودی ، فرجام ملت های ذلت پذیر و پیرو کفر و ستم

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ .. فَأَغْرَقْنَهُمْ أَجْمَعِينَ

از این که فرعونیان با ضعف و زبونی در برابر دستگاه جبار فرعونی سرانجام به هلاکت رسیدند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۷

۷ - قیامت ، پایان بازیگری و بیهوده گرایی های کافران حق ستیز

يَخْضُوا وَ يَلْعَبُوا حَتَّى يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ

بنابراین که مراد از <یومهمم..> روز قیامت باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱،۹

۱ - دوزخ ، پایانی خفت بار برای دروغ پردازى ها ، استهزاگرى ها و گناه پيشگى كافران

ويل لكل افاك ائيم .. اتخذها هزوا .. عذاب مهين . من ورائهم جهنم

۹ - عذاب سخت و جانكاه روز قيامت ، فرجام كافران حق ناپذير

و لهم عذاب عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۲

۲- فرجام نهايى كافران ، به رو افتادن

در خاکِ مذلت و از دست دادن تلاش ها است .

و الذین کفروا فتعسّأ لهم و أضلّ أعمالهم

بنابراین که جمله <فتعسّأ لهم> خبریه باشد و با توجه به این که <تعسّأ> به معنای به رو در افتادن است که حاکی از نهایت ذلت است مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۶

۶- نابودی دیار کافران و هلاکت ایشان ، نمودی از ذلت آنان و پوچی فرجامشان *

فتعسّأ لهم و أضلّ أعمالهم .. دمر الله علیهم

بدان احتمال که <دمر الله علیهم> تفسیر و بیان نمودی از <تعسّأ لهم> باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرییشه معاند حق ستیز

ألقيأ فی جهنم کلّ کفار عنید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۲

۲ - یاوران خط کفر ، دارای سرنوشتی مشترک با پیشوایان کافر خویش

فأخذنه و جنوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۲

۲ - کافران ، در طول تاریخ دارای فرجامی مشابه و خصلت ها و مواضعی همگون

و لقد أهلكنا أشياعكم

<أشياء> جمع <شيعة> است و در این جا معادل امثال و اشباه به کار رفته است / یعنی، امثال شما در کفر و الحاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۳

۳ - کافران و منافقان همراز ایشان ، دارای فرجامی همگون

در آتش دوزخ

فكان عقبتهما أنّهما في النار خلدین فیها

از تشبیه کافران و منافقان به شیطان و پیراون او در آیه قبل، برداشت یاد شده از این آیه استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۵ - ۹

۹ - تشویق و ترغیب مردم از سوی خداوند ، به مطالعه و تأمل در سرنوشت هلاکت بار جوامع کفرپیشه گذشته

ألم یأتکم نبؤا الذین کفروا من قبل .. لهم عذاب أليم

استفهام در <ألم یأتکم..>، ضمن آن که برای تقریر مسأله است، برای تشویق و ترغیب نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۹

۹ - جایگاه و سرنوشت منافقان و کافران ، در قیامت یکسان است .

و مأویهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۲ - ۴

۴ - زندگی و سرنوشت کافران و مسلمانان ، هرگز برابر و همسان نیست .

أفمن یمشی مکبًا علی وجهه أهدی أمن یمشی سویًا علی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۲

۲ - کشته شدن و مرگ ، سزاوارترین فرجام برای کفرپیشگان

قتل الإنسن ما أكفره

کفر در <ما أکفره> مطلق است و هر کفری، حتی ترک عبادت را نیز شامل است. البته به قرینه آیات بعد که به بیان تدبیر خداوند پرداخته و در مقابل منکران این حقیقت موضع گیری کرده است بارزترین مصداق مورد نظر از آن، انکار ربوبیت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۱

۱ - کافران به اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک به آتش جهنم ، گرفتار خواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ

فرجام کافران به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۷

۷- کافران به قرآن و کافرانی که تصمیم به ماندن در ظلمت ها گرفته اند ، فرجامی بس ناگوار دارند و در عذابی سخت گرفتار خواهند شد .

و ويل للكافرين من عذاب شديد

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینه آیه قبل، کسانی هستند که کتاب خدا را نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

فرجام لذت طلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۶

۱۶- بهشت ، پایان رنج و تلاش مؤمنان و دوزخ فرجام لذت جویی و فساد کافران

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جَنَّتْ . . و الذین کفروا... النارمَثْوَى لَهُمْ

در این آیات، میان زندگی، اهداف و فرجام مؤمنان و کافران، مقایسه صورت گرفته است. مؤمنان اهل جهاد و عمل صالح اند و در پی دشواری های آن، از بهشت برخوردار خواهند شد. اما کافران اهل رفاه و لذت جویی اند و در پی آن گرفتار آتش خواهند بود.

فرزندان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۲،۴

۲ فرجام سوء منافقان و کفرپیشگان گذشته تاریخ علی رغم برخورداری آنان از قدرت ، مال

و فرزند فزونتر هشداری است به منافقان هر عصر .

وعد الله المنفقين .. کالدین من قبلکم کانوا أشد منکم قوه و أكثر أمولا

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أكثر أمولا و أولداً

فرصت طلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ بهره برداری کافران از هر فرصت ، برای ضربه زدن به مسلمانان

فليس عليكم جناح ان تقصروا .. ان الكافرين كانوا لكم عدواً ميئناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۵

۱۵ کافران ، در کمین و مترصد فرصت برای حمله و شیبخون به مسلمانان

ووالذين كفروا لو تغفلون عن اسلحتكم و امتعتكم فيميلون عليكم ميله واحده

جمله <والذين ..>، بیان یک اصل کلی است و همراه داشتن اسلحه به هنگام نماز برای پیشگیری، تنها یک مصداق از آن است.

فروروی کافران در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۶ - ۲

۲ - امکان نزول عذاب الهی ، با لرزش زمین و فرو رفتن کافران در درون آن

أن يخسف بكم الأرض فإذا هي تمور

<مور> (مصدر <تمور>) به معنای تحرک سریع است.

فرومایگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۰ - ۷

۷ - بی مبالاتی در سوگند یاد کردن و فرومایگی ، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبر اسلام (ص)

فلاتطع المکذبین .. حلاّف مهین

صفت <حلاّف مهین>

و دیگر اوصافی که در آیات بعد ذکر می شود، مربوط به کافرانی است که رسالت پیامبر اسلام (ص) را تکذیب می کردند.

فریبکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲

۲ غفلت اهل ایمان نسبت به توطئه های کافران ، موجب فریب خوردنشان و در نهایت محبت به آنان

یا ایها الذین امنوا ..ها انتم اولاء تحبونهم ... و اذا خلوا عضوا علیکم الانا

مستفاد از ارتباط آیه مورد بحث و آیه سابق.

فریبندگی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۳

۳ - اعمال و رفتار کفرپیشگان ، چون سراب فریبنده است .

و الذین کفروا أعمالهم کسراب بقیعه یحسبه الظمان ماء حتی إذا جاءه لم یجده شیئا

فسق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۲ - ۷

۷ کفرپیشگان ، مردمی فاسق و بی اعتنا به عهد های الهی

و ما وجدنا لأکثرهم من عهد و إن وجدنا اکثرهم لفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۸

۸ کفر به خدا و رسول او ، فسق و کافران ، مردمانی فاسقند .

ذلك بأنهم كفروا بالله ورسوله و الله لا يهدي القوم الفسقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۸ - ۵

۵ - كافران ، مردمانی فاسق و تبه کارند .

أفمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً

به قرينه مقابله <مؤمناً> و <فاسقاً> و به قرينه آیات پیش که در آنها،

مردم به دو دسته کافر و مؤمن تقسیم شده اند، مراد از <فاسقاً> می تواند کافران باشد. بنابراین، اطلاق <فاسق> بر کافر به خاطر فسق و تبه کاری او است.

فطرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۶

۶ - گفتار و روش کافران ، با ادراک های عقلی و فطری آنان همساز نیست .

و کم أرسلنا .. و لئن سألتهم من خلق ... ليقولنّ خلقهنّ العزيز العليم

خداوند در این آیه می فرماید: اگر از مشرکان و دین ناباوران سؤال شود که آفریدگار هستی کیست؟ آنان به دلیل عقل یا اعتقاد خود می گویند: <آفریدگاری عزیز و دانا>. در حالی که اگر آنان به راستی لوازم این باور را می فهمیدند، جا نداشت که وحی قرآنی را مورد خدشه قرار دهند.

فعالیت اقتصادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۵

۵ - هشدار خداوند درباره فریب خوردن از تحركات سیاسی و اقتصادی کافران و ثروت و مکنّت آنان در جامعه

فلا یغررک تقلّبهم فی البلد

برخی از اهل لغت نوشته اند: <تَقَلَّبَ فِي الْأُمُورِ> یعنی، <تَصَرَّفَ كَيْفَ يَشَاءُ> (در هر کاری مطابق خواسته خود دخل و تصرف کرد). مقصود از <تَقَلَّبَهُمْ فِي الْبِلَادِ> تحركات سیاسی و اقتصادی کافران در شهرها از راه سفرهای تجارتي (مانند سفرهای کافران قریش از مکه به شام، یمن و ...) است.

فعلیت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۹

۹- آتش سهم گین و فراگیر ، عذاب حاضر و آماده برای

کافران ، از جانب خداوند است .

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا

نکره آوردن <ناراً> برای دلالت بر شدت و عظمت است.

فلسفه تأخیر عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۱۲

۱۲ تعجیل نکردن خداوند در نزول عذاب بر کفرپیشگان ، برخاسته از شمول مغفرت او بر آنان است .

يستعجلونك بالسيئه .. إن ربك لذو مغفرة للناس على ظلمهم

جمله <يستعجلونك ..> اشاره به این معنا دارد که خداوند در عذاب کردن کفرپیشگان تعجیل نمی کند و به آنان مهلت می دهد و جمله <إن ربك ...> به منزله دلیل و علت این معناست ؛ یعنی ، بخشاینده بودن خدا موجب تعجیل نکردن و مهلت دادن اوست.

فلسفه آسایش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۳

۳ سختی ها و آسایش ها در زندگانی جوامع کفرپیشه دارای هدف و پیامی ویژه و برخاسته از اراده خداوند است .

و ما أرسلنا في قرية من نبي إلا أخذنا .. ثم بدلنا مكان السيئه الحسنه

فلسفه ابتلائات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۳،۶

۳ روی آوردن به درگاه خدا و تسلیم خاضعانه در برابر او از اهداف گرفتار ساختن جوامع کفرپیشه به بلاها و سختیها

أخذنا أهلها بالبأساء والضراء لعلهم يضرعون

۶ گرفتار ساختن جوامع کفرپیشه و بی تقوا به سختی ها و محنت ها برای روی آوردن آنان به خداوند از سنت های الهی است

و ما أرسلنا .. أخذنا أهلها بالبأساء

و الضراء لعلهم يضرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۳

۳ سختی ها و آسایش ها در زندگانی جوامع کفرپیشه دارای هدف و پیامی ویژه و برخاسته از اراده خداوند است .

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا .. ثم بدلنا مکان السیئه الحسنه

فلسفه اسارت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۴

۴ جلوگیری از تسلط مشرکان و کافران حق ستیز بر مسلمانان ، فلسفه فرمان الهی مبنی بر کشتن ، اسارت ، محاصره و کمین زدن به آنان

فإذا انسلخ .. فاقتلوا المشرکین ... کیف و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلاّ

فلسفه اعراض از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - دنیاگرایی و آخرت گریزی گنه پیشگان و کافران ، فلسفه منع شدن پیامبر (ص) از پیروی از آنان

و لاتطع منهم اثماً أو کفوراً .. إن هؤلاء یحبون العاجله و یدرون وراءهم یوم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تعلیل برای منع از اطاعت از گنه پیشگان و کافران (و لاتطع منهم آثماً أو کفوراً) است.

فلسفه اعراض کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۴

۴ - بشر بودن پیامبران ، بهانه و دستاویز کافران برای کفر و روی گردانی از تعالیم دین

فقالوا أباشر يهدوننا فكفروا و تولّوا

فلسفه تأخیر عذاب کافران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۲،۳

۲- تأخیر مجازات مشرکان و کافران ، وسیله فتنه و آزمایش آنان است .

إِن أَدْرِي أَقْرِبُ .. . إِن أَدْرِي لَعَلَّه فِتْنَةٌ لَّكُمْ

۳- تأخیر عذاب و کیفر مشرکان و کافران حق ناپذیر ، به خاطر بهره بردن ناچیز و موقتی آنان از متاع های دنیوی است .

إِن أَدْرِي لَعَلَّه .. . مَتَّعَ إِلَىٰ حِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۵ - ۳

۳ - تأخیر عذاب کافران ، بر طبق مصلحت خدا است ؛ نه به علت ناتوانی او

وَ إِنَّا عَلٰیٰ اٰنْ نَّرِيْكُمْ مَا نَعْدَهُمْ لِقَدَرُوْنَ

فلسفه تأخیر هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۸

۸ - مصالح بشر و تدبیر امور امت ها از سوی خداوند ، دلیل ناپدید شدن فوری مخالفان در دنیا است .

كَلِمَةً سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ

کلمه <رَبِّ> گویای مطلب یاد شده است.

فلسفه تأخیر عذاب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها

است .

و إن أدرى لعلّ فتنه لكم

ضمیر <لعلّ> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

فلسفه تهدید کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن -

۳ - تهدید شدن کافران حق ناپذیر به عذاب الهی ، به سبب دشمنی ها و کارشکنی های آنان نسبت به رسالت پیامبر اسلام

فسيعلمون من أضعف ناصراً و أقلّ عدداً

فلسفه تهمت‌های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۲

۲ - هدف کافران از اتهام سحر به پیامبر (ص) ، مبارزه با اسلام و خاموش کردن نور خدا بود .

فلما جاءهم .. قالوا هذا سحر ... يريدون ليطفؤا نور الله

فلسفه جنگ با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۹

۹ هدف و فلسفه اصلی جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان ، آوردن ایشان به دامن اسلام است و نه نابودی آنان .

فاقتلوا المشركين .. و إن أحد من المشركين استجارك ... حتى يسمع كلم الله ثم أبل

فلسفه حیط عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۳

۳- گم شدن اعمال کافران در سراب < کفر > و شکوفایی اعمال مؤمنان در وادی < ایمان > ، دارای فلسفه ای معقول و

برهانی

الذين كفروا .. أضلّ أعمالهم . و الذين آمنوا... و أصلح بالهم . ذلك بأنّ الذين

<ذالك> در مقام بیان علت و فلسفه مطلبی است که در آیات پیشین بیان شده است ، یعنی، پوچی اعمال کافران و ثمربخشی

اعمال مؤمنان، امری برهانی است ، زیرا کافر ره باطل پیموده و باطل فرجامی ندارد و مؤمن ره حق رفته و ثمربخشی عین

حقانیت است.

فلسفه

دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۶

۶ - عقیده به ربوبیت خدا ، علت اصلی تهاجم و خصومت مشرکان و کافران علیه مسلمانان در عصر بعثت

إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطنی و سنجیده کاری همراه بود .

إِنَّهٗ كَانَ لِأَيْتِنَا عَنِيْدًا .. إِنَّهٗ فَكَّرَ وَقَدَّرَ

فلسفه ردّ خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۶

۶ - فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، مهلت دادن به آنان و جلو نینداختن اجلشان است .

مَا تَسْبِقُ مِنْ أَمْرِهِمْ أَجَلُهُمْ .. مَا نَنْزِلُ الْمَلٰٓئِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذًا مُنْظَرِينَ

فلسفه زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۲

۲ - خورد و خوراک و بهره ناچیز از لذت های مادی ، هدف زندگی کافران و منکران قیامت

كُلُوا وَتَمْتَعُوا قَلِيْلًا

از این که به کافران گفته می شود: بخورید و بهره گیرید، می توان به این حقیقت دست یافت که آنان جز همین کار، هدف

دیگری در زندگی ندارند و گرنه به آن فراخوانده می شدند.

فلسفه سختگیری بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۵

۵ - سخت گیری بر کافران ، مقتضای ربوبیت

خداوند و در جهت پیشبرد اهداف رسالت پیامبر (ص) است .

رَبِّكَ

فلسفه سرزنش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۱

۱ خداوند ، مشرکان و کفرپیشگان را به خاطر پافشاری بر کفر و ناباوری به قرآن ، ملامت و سرزنش فرمود .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - سرزنش کافران ، به خاطر روی گردانی آنان از قرآن

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

فلسفه فقر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ - > قال [اسحاق بن غالب] : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : في هذه الآية : > و لولا أن يكون الناس أمه واحده جعلنا لمن يكفر بالرحمن لبيوتهم سقفاً من فضّه و معارج عليها يظهرون < قال : لو فعل لكفر الناس جميعاً ;

اسحاق بن غالب می گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که درباره آیه > و لولا- أن يكون الناس أمه واحده لجعلنا لمن يكفر بالرحمن لبيوتهم سقفاً من فضّه و معارج عليها يظهرون < فرمود: اگر چنین می کرد (یعنی اگر خدا به کافران آن قدر ثروت می داد که آنان حتی سقف خانه هایشان را از نقره بسازند)، در آن صورت همه مردم به کفر روی می آوردند.<

فلسفه قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹- ۸- ۴

۴ جلوگیری از تسلط مشرکان و

کافران حق ستیز بر مسلمانان ، فلسفه فرمان الهی مبنی بر کشتن ، اسارت ، محاصره و کمین زدن به آنان

فَإِذَا انْسَلَخَ .. فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ ... كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا

فلسفه کمین به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۴

۴ جلوه‌گیری از تسلط مشرکان و کافران حق ستیز بر مسلمانان ، فلسفه فرمان الهی مبنی بر کشتن ، اسارت ، محاصره و کمین زدن به آنان

فَإِذَا انْسَلَخَ .. فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ ... كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا

فلسفه مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۰

۱۰ هدف و فلسفه اصلی جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان ، گرایش دادن آنان به سوی اسلام است نه نابود کردن آنان .

فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ .. فَإِنْ تَابُوا ... فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ

فلسفه مثالهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۸ - ۳

۳- مخالفت و عنادورزی کافران با پیامبر (ص) ، با تمثیل و توصیف های ناروا ، در پی دارنده گمراهی علاج ناپذیر برای آنان

كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا

برداشت فوق بنابرین است که مراد از <سبیلاً> راه هدایت باشد.

فلسفه محاصره کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۴

۴ جلوگیری از تسلط مشرکان و کافران حق ستیز بر مسلمانان ، فلسفه فرمان الهی مبنی بر کشتن ، اسارت ، محاصره و

کمین زدن به آنان

فَإِذَا انْسَلَخَ . . . فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ ... كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا

فلسفه مهلت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۸۸ - ۲

۲- تعجیل نکردن ذوالقرنین در کیفر ظالمان کافر، مهلتی برای گرایش آنان به ایمان بود. *

أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ . . . وَ أَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جِزَاءٌ الْحَسَنَى

مراد از <من ءامن و...> (هرکس ایمان بیاورد و...) کسانی اند که از ظلم و کفر، دست برداشته و ایمان آورند، نه آنان که هنگام ورود ذوالقرنین مؤمن بودند؛ زیرا، معنا ندارد که او، بین عذاب و یا رفتار نیک با مؤمنان مخیر باشد! بنابراین، درنگ ذوالقرنین در عذاب ظالمان (سوف نَعَذِّبُهُ) ایجاد فرصتی برای تغییر رویه آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۴

۴- نزول آیات در باره فلسفه مهلت دهی به کافران، موجب تسلی خاطر و صبر پیامبر (ص) در برابر فشارهای تبلیغاتی کافران

و لولا کلمه سبقت . . . فاصبر علی ما یقولون

<فاصبر> عطف و تفریع بر آیه قبل است؛ یعنی، حال که تأخیر عذاب از سر اهمال نیست بلکه امری قانون مند است، بنابراین تحمل کن. در این مجموعه، خداوند با بیان فلسفه امهال و سنت های حاکم بر تاریخ، زمینه تسلی خاطر پیامبر(ص) و مؤمنان را فراهم کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۴

۴ - خداوند، به همه اقوام کافر و

تکذیب گر، فرصت می داد تا شاید متنبه شوند و دست از مخالفت بردارند.

فَأَمَلِيتَ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ

<إملاء> (مصدر <أملیت>) از <ملو> و به معنای فرصت دادن است؛ یعنی، آن اقوام تکذیب گر و کافر را فرصت دادم تا به خود بیایند و دست از مخالفت بردارند. آن گاه چون آنان از فرصت داده شده استفاده نکردند و هم چنان بر کفر و تکذیب خود اصرار ورزیدند، آنان را از میان برداشتم و نابودشان ساختم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۱۱، ۶

۶ - بقای نسل انسان و تداوم حیات زندگان در کره زمین، فلسفه به تأخیر افتادن کیفر گناه کاران و کافران تا قیامت

و لو یؤاخذ الله الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخرهم إلی أّج

۱۱ - مهلت دادن به کافران و گناه کاران و به تأخیر انداختن مجازات آنان، کاری عالمانه و برخاسته از آگاهی دقیق خداوند به احوال و مصالح بندگان

و لکن یؤخرهم إلی أّجل مسّی فاذا جاء أّجلهم فإنّ الله کان بعباده بصیرا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <فإنّ الله کان...> در مقام تعلیل برای جمله پیش (و لکن یؤخرهم...) می باشد؛ یعنی، چون خداوند به احوال بندگانش آگاه است؛ از این رو مجازات آنان را تا زمان معین به تأخیر انداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۵

۵ - مهلت الهی به کافران و مشرکان، برای اتمام حجت بر آنان

بل متّعت هؤلاء و ءاباءهم حتّی جاءهم

فلسفه مهلت به کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۹ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، معلول لطف و رحمت او بود ؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربّك لهو العزيز الرحيم

یادآوری سرگذشت ثمودیان، از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) است و از سوی دیگر هشدار به اکثریت مشرکان لجوج و مصمم بر کفر است که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است ؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

فلسفه مهلت به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۳

۳- هشدار خداوند به کافران هدایت ناپذیر مکه ، مبنی بر اینکه مهلت دادن به آنان به معنای تداوم بخشیدن به زندگیشان نیست ؛ بلکه همواره در معرض هلاکتند .

ربما يوّد الذين كفروا لو كانوا مسلمين . ذرهم ... فسوف يعلمون . و ما أهلكنا من قرية

ذکر این آیه، پس از تهدید <فسوف يعلمون> احتمالاً برای دفع اشکال مقدر می باشد و آن اشکال این است که: کفار پس از مهلت یافتن با امر <ذرهم یا کلوا ..> چنین نپندارند که زندگیشان ادامه دارد.

قاطعیت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۲،۴۷

۴۲- صلابت و استقلال امت اسلامی ، در پرتو نفوذناپذیری در برابر کافران و انعطاف پذیری در برابر

اهل ایمان و برخورداری از روح عبودیت *

أشداء .. رحماء ... تریهم رگعا سجداً ... کزرع أخرج شطه

چنانچه <کزرع أخرج..> بیان دیگری از <أشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رگعا سجداً> باشد، یعنی، همان کفرستیزی، رحمت بر مؤمنان و روحیه بندگی است که زمینه صلابت و استقلال جامعه اسلامی را فراهم می کند.

۴۷- قاطعیت با کافران و رأفت با مؤمنان و رکوع و سجود در برابر خداوند، نمود های آشکار عمل صالح

أشداء علی الکفار رحماء بینهم رگعا سجداً .. وعد الله الذین ءامنوا و

قانونمندی کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۶ - ۲

۲ - کیفر کافران، به دنبال اتمام حجت های مکرر بر آنان

ثم جاءهم ما كانوا یوعدون

<كانوا یوعدون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که خداوند، حجت خویش را بر کافران بارها تمام کرده و مرتباً آنان را به فرجام شوم کفرورزی هشدار داده است.

قبض روح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۵، ۳، ۲

۲ فرشتگان به هنگام فرارسیدن مرگ کافران، با کوبیدن بر صورت و پشت آنان، جانشان را خواهند گرفت .

و لو ترى إذ یتوفی الذین کفروا الملئکه یضربون وجوههم و أدبرهم

۳ تسلی و دلجویی خداوند از پیامبر (ص) و مؤمنان با بیان چگونگی جان کندن کفرپیشگان

و لو ترى إذ یتوفی الذین کفروا الملئکه

با توجه به اینکه خطاب در آیه متوجه پیامبر(ص) و یا هر انسان مؤمنی است، می توان گفت از اهداف بیان جان کندن

اهل ایمان است. چنانچه <لو> در <لوتی ... > به معنای تمنی باشد، این معنا وضوح بیشتری خواهد داشت.

۵ مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم وأدبرهم

از مصادیق مورد نظر برای <الذین کفروا>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بدر، کافرانی هستند که در آن نبرد به قتل رسیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۱

۱ شکنجه و عذاب کافران به هنگام مرگ و پس از آن نتیجه اعمال خود آنان است، نه ظلمی از جانب خداوند بر ایشان.

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدمت أیدیکم و أن الله لیس بظلم

<ذلک> می تواند اشاره به خصوص <عذاب الحریق> باشد و می تواند اشاره به مجموع عذابی باشد که در آیه قبل بیان شد. قابل ذکر است که در برداشت فوق <أن الله ... > ناظر به این حقیقت گرفته شده که عذاب کافران بیش از استحقاق آنان نیست، نه تعلیلی برای ضرورت گرفتارسازی ایشان به عذابهای الهی.

قبول اسلام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۶

۶ پذیرش توبه مشرکان و کفار و قبول اسلام آنان از سوی خداوند، برخاسته از علم و حکمت اوست.

و یتوب الله علی من یشاء و الله علیم حکیم

قبول پناهندگی کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۲

پذیرش پناهندگی کفار محاربی که به منظور آشنایی با معارف اسلام ، درخواست پناهندگی می کنند .

و إن أحد من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلم الله

قبول توبه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۶

۶ پذیرش توبه مشرکان و کفار و قبول اسلام آنان از سوی خداوند ، برخاسته از علم و حکمت اوست .

و يتوب الله على من يشاء و الله عليم حكيم

قبول سلطه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۱۱

۱۱ کیفر الهی ، فرجام شوم دوستی با کافران و پذیرش سلطه آنهاست .

لاتتخذوا الكافرين أولياء .. ان تجعلوا الله عليكم سلطاناً مبیناً

حجت آشکار خداوند، حکایت از این دارد که مقتضی کیفر و عقاب برای چنین افرادی فراهم است.

قبول ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۱۰

۱۰ پذیرش سرپرستی و دوستی کافران ، جبهه گیری در مقابل خداوند است .

لاتتخذوا الكافرين أولياء .. أتریدون أن تجعلوا الله عليكم سلطاناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۵ - ۲

۲ مؤمنان ، در صورت پذیرش ولایت کافران ، محکوم به نفاق خواهند بود .

لاتتخذوا الكفرين أولياء .. إنَّ المنفقين في الدرك الأسفل من النار

ظاهراً جمله <إنَّ المنفقين ..> ، بیان علت برای جمله <لاتتخذوا...> است. بنابراین مراد از <المنفقين> ، همان کسانی خواهند بود که ولایت کافران را پذیرا شده اند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۷

۱۷ ناکامی و زیانکاری ، فرجام شوم و پذیرش محبت و ولایت کافران

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۳۲

۳۲ بیمار دلان سست ایمان و پذیرای ولایت و دوستی کافران ، محروم از فضل خاص خداوند

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله یقوم .. ذلک فضل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۳،۱۳

۳ ضرورت پرهیز از پذیرش ولایت کافران و روابط دوستانه با آنان

لاتتخذوا .. الکفار اولیاء

<هزوا> به معنای ریشخند زدن و مسخره کردن است.

۱۳ پذیرش ولایت و دوستی کافران و تمسخر کنندگان اسلام ، ناسازگار با ایمان و تقوا

و اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۶، ۱۷، ۱۰، ۹، ۸، ۷

۷ بنی اسرائیل همکیشان خود را از پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان نهی نمی کردند .

لایتناهون عن منکره فعلوه .. تری كثيراً منهم یتولون الذین کفروا

آیه مورد بحث بیان مصداقی است از <منکر> که در آیه قبل مطرح شده بود.

۸ لزوم نظارت عمومی جامعه ایمانی بر صحنه روابط خارجی و بازداشتن مؤمنان از پذیرش ولایت کافران و پیوند های مودت آمیز با آنان

كانوا لايتناهون عن منكر . . . ترى كثيراً منهم يتولون الذين كفروا

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذين كفروا .

.. تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

۱۰ عصیان ، تجاوزگری و ترک نهی از منکر ، زمینه ساز پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان *

ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون . .. كانوا لايتناهون ... يتولون الذين كفروا

بدان احتمال که مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان، نتیجه اعمال ناپسندی باشد که در آیات قبل درباره بنی اسرائیل بیان شد.

۱۶ جاودانگی عذاب بنی اسرائیل به خاطر عصیان گری ، تجاوزپیشگی ، ترک نهی از منکر ، و پذیرش ولایت کافران

ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون. كانوا لايتناهون ... و في العذاب هم خلدون

۱۷ غضب الهی و عذاب همیشگی ، دستاور پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان

يتولون الذين كفروا لبئس . .. ان سخط الله عليهم و في العذاب هم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ پذیرش ولایت و دوستی با کافران نشانه فسق و خروج از حدود الهی است .

ما اتخذوهم أولياء و لكن كثيراً منهم فسقون

قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱،۶

۱ ممنوعیت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که با همپیمانان مسلمین رابطه ای ویژه (همانند پیمان نظامی) دارند .

فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم .. الا الذين يصلون الى قوم بينكم و بينهم ميثاق

مراد از

رابطه ویژه ای که از <یصلون الی... > استفاده می شود، رابطه ای است که اگر هر یک از آن دو طایفه مورد تعرض قرار گیرند، طایفه دیگر موظف به حمایت از آنان شوند؛ همانند پیمان نظامی.

۶ ممنوعیت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که از نبرد با مسلمانان و اقوام کافر خویش بیزارند و بیطرفی خویش را ابراز می دارند.

الَّا الَّذِینَ... او جاءوكم حصرت صدورهم ان یقتلوکم او یقاتلوا قومهم

<حصر صدور>، به معنای دلتنگی است که از آن به بیزاری تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۲

۲ - کشته شدن و مرگ ، سزاوارترین فرجام برای کفرپیشگان

قتل الإنسن ما أکفره

کفر در <ما أکفره> مطلق است و هر کفری، حتی ترک عبادت را نیز شامل است. البته به قرینه آیات بعد که به بیان تدبیر خداوند پرداخته و در مقابل منکران این حقیقت موضع گیری کرده است بارزترین مصداق مورد نظر از آن، انکار ربوبیت خداوند است.

قتل کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۷، ۲، ۱

۱ - مسلمانان باید کافران محارب را هر کجا یافتند ، بکشند .

و اقتلوهم حیث ثقتموهم

ضمیر <هم> در جمله فوق به <الذین یقاتلوکم> بر می گردد و لذا از آنان به کافران محارب تعبیر شده است. <ثقف> (مصدر ثقفتم) به معنای یافتن و دسترسی پیدا کردن است.

۲ - ضرورت کشتن کافران محارب ، محدود به میدان جنگ نیست .

و اقتلوهم حیث ثقفتموهم

عبارت <حيث ثقفتموهم> (هر كجا آنان

را یافتید و بر آنان دسترسی داشتید) گویای برداشت فوق است.

۱۷ - سزای کفرپیشگان محارب و فتنه انگیز ، کشتن آنان است .

فاقتلوهم کذلک جزاء الکفرین

<ال> در <الکافرین> عهده است و اشاره به کافرانی دارد که سر جنگ با مسلمانان دارند و یا علیه ایشان فتنه انگیزی می کنند.

قدرت بر تهدید کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر .. ألم تر کیف فعل ربك بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

قدرت بر هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر .. ألم تر کیف فعل ربك بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند

را مطرح کرده است.

قدرت دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۲

۲ بهره مندی کافران از قدرت و امکانات مادی ، محدود و کوتاه است .

متاع قليل ثم ماويههم جهنم

قدرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۶ - ۳،۴،۵،۶

۳ قدرت و شکوه ظاهری کافران و برخورداری آنان از بهره های مادی ، امری فریبنده برای مسلمانان

لا یغزنک تقلب الذین کفروا فی البلاد

۴ رهبران الهی ، حتی پیامبران ، در معرض خطر تأثیر منفی شکوه ظاهری و قدرت اقتصادی کافران

لا یغزنک تقلب الذین کفروا فی البلاد

۵ خطر تأثیر منفی قدرت اقتصادی و شکوه ظاهری کافران ، در روحیه مسلمانان صدر اسلام

لا یغزنک تقلب الذین کفروا

۶ شوکت ظاهری و تلاش و جولان کافران در سرزمین ها ، نباید موجب فریب و خام شدن مسلمانان گردد .

لا یغزنک تقلب الذین کفروا فی البلاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۵

۵ فریفته نشدن در برابر شوکت ظاهری و قدرت اقتصادی کافران ، از مصادیق تقوایشگی است . *

لا يَغْرَنُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا.. لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ

نهی از فریفته شدن و آنگاه بشارت بهشت به تقوایپیشگان، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ اعتقاد به عزت و قدرت مطلقه الهی ، مانع گرایش به عزت و اقتدار موهوم کافران

أیتغون

عندهم العزّه فإن العزّه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۶

۶ امکانات مادی و داشتن نیروهای انسانی و هوادار، هرگز موجب نجات کفرپیشگان از گرفتار شدن به عذاب دوزخ نخواهد شد.

ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۹

۹ توان نیروهای شرک و کفر هر چند فراوان باشند، در برابر خدا پوچ و بی اثرند.

و لن تغنی عنکم فتکم شیئا و لو کثرت و أن الله مع المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۴

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أكثر أمولا و أولداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۶

۶ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) و مسلمانان، درباره تأثیرپذیری از قدرت و مکتب کافران و تجدید نظر کردن در برنامه های تبلیغی و الهی خویش

فلا یغررک تقلّبهم فی البلد

پیامبر(ص) و مسلمانان، در حالی به تبلیغ دین اسلام می پرداختند که کافران در اوج قدرت اقتصادی و سیاسی قرار داشتند. بنابراین هشدار خداوند در آیه شریفه می تواند گویای مطلب یادشده باشد.

قدرت کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۰

۱۰ غرور و اعتماد نابجای کافران عصر پیامبر (ص) به

اقتدار و تمکن خویش

ألم يروا كم أهلكننا .. مكنهم فى الأرض ما لم نمكن لكم

از اینکه می فرماید اقوام قدرتمندتر از شما را هلاک کردیم، معلوم می شود که اینان به قدرت و مکت خویش مغرور بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۲

۲- جوامع و تمدن های بسیاری در طول تاریخ ، با وجود قدرت و امکانات بسیار و موقعیت برتر نسبت به کافران عصر بعثت ، به هلاکت رسیده و نابود شدند .

و كم أهلكننا قبلهم من قرن هم أحسن أثنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۸

۸- مخالفت مشرکان و کافران با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار نسبی خویش بود .

أولم يسيروا فى الأرض فينظروا .. و كانوا أشد منهم قوه

یادآوری این نکته که اقوام نابود شده پیشین، نیرومندتر از قوم عرب بودند، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

قدرت کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۵

۵ کافران قوم مدین برخوردار از نیروی افزون بر مؤمنان آن سامان

لنجرجنك يشعيب و الذين ءامنوا معك من قريتنا

تصمیم کافران قوم مدین به اخراج شعیب و همگامانش و ابراز آن با سوگند و تأکید بسیار، حکایت از برداشت فوق دارد.

قدرتمندی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۳

۳ - کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، از قشر قدرتمندان و توانگران

جامعه اند .

هلک عنی سلطیه

قرآن و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۶

۶ بی تأثیری آیات الهی در قلب توطئه گران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و إذا تتلى عليهم آیتنا قالوا .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - شکست ناپذیری قرآن ، در برابر معارضه ها و موضع گیری های خصمانه کافران

إنّ الذین یلحدون .. إنّ الذین کفروا ... و إنه لکتب عزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۲ - ۱

۱ - آموزه های قرآن ، بی تأثیر در بیماردلان و کافران

و ليقول الذین فی قلوبهم مرض و الکفرون .. و ما هی إلا ذکرى للبشر . کلاً

<کلاً> در این آیه برای انکار است؛ انکار تذکار بودن قرآن برای بیماردلان و کافران حق ناپذیر.

قساوت قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۳

۳ - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسى القلب

و ما أرسلنا من قبلك من رسول .. للذين فى قلوبهم مرض و القاسيه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۵، ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسى انسان مؤمن حق پذير و نرم دل با كافر حق ناپذير و سنگدل ، از نظر شخصيت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام

فهو على نور من ربه فويل للقسية قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقسایه قلوبهم..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح الله صدره للإسلام... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه در صدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

۱۵ - کافران اسلام گریز، دچار سنگدلی و قساوت قلب اند .

فویل للقسية قلوبهم من ذکر الله

قساوت قلب کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - کافران صدر اسلام، مردمی سنگدل بودند که حتی بر زنان مؤمن نیز رحم نکردند .

فتنوا المؤمنین و المؤمنات

قساوت بین کافران و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۲،۶

۲ - قیامت، روز داوری میان جبهه کفر و ایمان

یحکم بینهم

۶ - ورود اهل ایمان به بهشت پس از پایان داوری خدا میان آنان و کافران

یحکم بینهم فالذین ءامنوا.. فی جنت النعیم

قساوت بین محمد(ص) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱

۱- درخواست پیامبر (ص) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قل رب احکم بالحقّ

قضاوت بین مؤمنان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۳۰

۳۰ داوری نهایی میان مؤمنان و

کافران ، شایسته خداوند آگاه بر تمامی هستی است .

وسع ربنا كل شيء علماً .. ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۷

۷ نزول عذاب بر کفرپیشگان قوم شعیب ، پاسخ خداوند به درخواست او (داوری میان مؤمنان و کافران)

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق .. فأخذتهم الرجفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۸

۸ مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها ، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیا است .

لولا کلمه سبقت من ربك لقضى بینهم

برداشت فوق ، از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است استفاده می شود؛ یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۱

۱ خداوند در قیامت ، میان مؤمنان به کتاب های آسمانی و انکار کنندگان آن قضاوت خواهد کرد .

و لولا کلمه سبقت .. و إن کلاً لما لیوفینهم ربك أعملهم

مراد از <کلاً> به قرینه <فاختلف فیه> در آیه قبل مؤمنان به کتابهای آسمانی و انکار کنندگان آن است و به قرینه <لولا ..> لقصی بینهم معلوم می شود که خداوند در صحنه قیامت، پیش از پاداش دهی و به کیفررسانی، میان انسانها داوری خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۲

۲ - داوری میان مؤمنان و کافران به قرآن ، وعده حتمی خدا به پیامبر (ص)

و إِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ . إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ

در صورتی که آیه یاد شده مرتبط با آیه قبل که درباره قرآن است باشد عبارت <يقضی بینهم> به معنای <يقضی بین من آمن بالقرآن و بین من کفر به> خواهد بود. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

قطع رابطه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۲

۲ کفر ، مایه قطع پیوند دوستی میان مسلمانان و کافران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا .. . أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۷

۷ نگرانی برخی از مسلمانان صدر اسلام ، از قطع روابط خویشاوندی ، کسادى تجارت و از دست دادن خانه های دلپسندشان بر اثر ممنوع شدن از برقراری روابط با کافران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا .. . قُلَّ إِن كَانِ ءَابَاؤُكُمْ وَءَبْنَاؤُكُمْ

قطع نسل کافران قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۱

۱ - درخواست نوح (ع) از درگاه پروردگار مبنی بر نابودی تمامی کافران و مشرکان حق ناپذیر عصر خود و قطع نسل آنان

و قَالَ نوحُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْاَرْضِ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ دَيًّا رَّآ

واژه <دیار>، همواره پس از نفی قرار می گیرد و شامل همه انسان ها می شود.

قلب کافران

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ دل های تهی از ایمان به خدا و قیامت ، جایگاه شیطان

لا يؤمنون بالله ولا باليوم الآخر و من یکن الشیطان له قریناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۵

۵ ایجاد رعب و وحشت در دل های کافران ، وعده خداوند به فرشتگان حاضر در کارزار بدر

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۶

۶ بی تأثیری آیات الهی در قلب توطئه گران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و إذا تتلی علیهم آیتنا قالوا .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

قیاس کافران با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۲ - ۴،۵

۴ - زندگی و سرنوشت کافران و مسلمانان ، هرگز برابر و همسان نیست .

أفمن یمشی مکباً علی وجهه أهدی أهدی أهدی یمشی سویاً علی صراط مستقیم

۵ - قابل مقایسه نبودن کافران و مسلمانان ، امری روشن ، بدیهی و به دور از ابهام

أفمن یمشی مکباً علی وجهه أهدی أهدی أهدی یمشی سویاً علی صراط مستقیم

برداشت یاد شده، از استفهام تقریری در (أفمن .. أهدی) استفاده می شود.

قیاس کافران با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۴

۴ - برابر و هم سنگ نبودن کافران با مؤمنان

و ما یتوی الأعمی و البصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۳

۳ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان و کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت

و لا الظلمت و لا النور

قیاس متقین با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۶

۶ - مقایسه فرجام نیک تقوایندگان با سرنوشت شوم کافران ، شیوه بهینه هدایت خلق

اصلوها .. إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

از این که خداوند در هدایت خلق، به ترسیم هر دو فرجام پرداخته است؛ مطلب بالا برداشت می شود.

قیاس مؤمنان با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۲

۲ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان با کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت .

و لا الظلّ و لا الحرور

کافران اطراف جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۷،۸،۹

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانوشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثُمَّ لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا

<جثيًا> (جمع <جاثی>) حال است و <جاثی> به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جثی> را جمع <جثوه> دانسته اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر

فرقه و گروه به صورت متراکم است.

۸- کافران و شیاطین ، در اطراف جهنم و در گروه هایی فشرده و متراکم ، احضار خواهند شد .

ثُمَّ لَنَحْضُرْنَهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا

<جِثًّا> ممکن است از <جثوه> به معنای سنگ و خاک متراکم و مجتمع باشد.

۹- گردآوردن حَقَّتْ بار کافران و شیاطین در اطراف جهنم ، مرحله ای پس از حشر است .

لَنَحْشُرْنَهُمْ ... ثُمَّ لَنَحْضُرْنَهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا

کافران اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۳

۱۳ کفرورزی امت های هلاک شده پیشین ، با وجود ارائه دلایل روشن به آنان توسط رسولان الهی

أَتَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ

کافران امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۲ - ۴

۴ گروهی از امت های گذشته پس از آگاهی به احکام و معارف ابراز شده دینی ، آنها را نپذیرفتند و بدان کافر شدند .

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۳

۳ وجود منافقان و کافرانی نیرومندتر از منافقان و کافران عصر پیامبر (ص) در میان امت های پیشین

كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۵

۵ کفرپیشگان امت های گذشته به عذاب های دنیوی گرفتار شدند .

و قد خلت من قبلهم المثلث

<مثلات> (جمع مَثَله) به معنای عقوبتها و عذابهاست. عذابها و عقوبتها بدان اعتبار <مثلات> که از

ماده مثل (مانند) است گفته می شود که آن را مثال قرار می دهند برای اینکه دیگران از آن عبرت گرفته و از عوامل آن بپرهیزند. از معانی <خلوّ> (مصدر خلت) گذاشتن و سپری شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۲

۲ گروههایی از امت های گذشته به رسالت پیامبران خویش کافر شدند .

فَأَمَلِيتَ لِلذِّينِ كَفَرُوا

کافران انعطاف ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۷

۷ برخی از کفار انعطاف ناپذیر و غیر قابل هدایتند.

فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِي... فَتَأْتِيهِمْ بِأَيِّهِ

جواب <إِنِ اسْتَطَعْتَ> محذوف است. یعنی اگر توانستی در زمین و آسمان هر معجزه ای برای آنان بیاوری، بیاور، ولی آنان ایمان نمی آورند.

کافران اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۳

۱۳ آتش جاودانه دوزخ ، فرجام کفر پیشگان اهل کتاب

إِنَّ الذِّينَ كَفَرُوا... وَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

با توجه به آیات قبل، مراد از <الذین>، کافران اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۶

۶ گروهی از اهل کتاب علی رغم ادعای ایمان ، نه به خداوند ایمان دارند و نه به کتب آسمانی خویش

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن بالله و ما انزل اليكم و ما انزل اليهم

مفهوم جمله <انّ من اهل الكتاب .. >، دلالت می کند که گروهی از اهل کتاب، علی رغم ادعای ایمان به

کتاب آسمانی خویش، نه به خدا ایمان دارند و نه به تورات و انجیل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۲

۲۲ مسخ و یا لعنت کافران به قرآن از اهل کتاب، امری حتمی و قضایی تخلف ناپذیر

یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا .. من قبل ان نظمس وجوهاً ... و کان امر الله م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۳،۴

۳ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبر (ص) و اخلالگری آنان در راه تحقق اسلام

و منهم من صدّ عنه

<صدّ> در برداشت فوق به معنای متعدی آن، یعنی بازداشتن و منع کردن گرفته شده است و لذا از آن به اخلالگری تعبیر شد.

۴ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبران آل ابراهیم و اخلالگری آنان در راه تحقق اهداف ایشان

فقد اتینا ال ابرهیم .. و منهم من صدّ عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۶،۷

۶ کفرپیشگی و ستمگری گروهی از اهل کتاب مایه محرومیت آنان از مغفرت و هدایت الهی

إِنَّ الذین کفروا و ظلموا لم یکن الله لیغفر لهم و لالیهدیهم طریقاً

مصدق مورد نظر از <الذین کفروا و ظلموا> به دلیل آیات گذشته گروهی از اهل کتاب هستند.

۷ گروهی از اهل کتاب، مردمی کفرپیشه و ستمگر

إِنَّ الذین کفروا و ظلموا لم یکن الله لیغفر لهم و لالیهدیهم طریقاً

كافران باديه نشين

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱

۱ وجود مؤمنان واقعی به خدا و قیامت در میان بادیه نشینان صدر اسلام ، علی رغم کفر و نفاق شدید عده ای دیگر از آنان

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً .. و من الأعراب من يؤمن بالله و اليوم الآخر

کافران بدعتگذار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۵

۵ کفرپیشگان بدعت گذار ، گرفتار تقلید های کورکورانه از سنت های جاهلی نیاکان خویش اند

قالوا حسبنا ما وجدنا عليه ءاباءنا

کافران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۸

۸ آلودگی کافران بنی اسرائیل و منکران عیسی و جامعه آنان

و مطهرك من الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۴، ۱۱، ۲، ۱

۱ کافران بنی اسرائیل با نفرین داود (ع) و عیسی (ع) به لعنت و دوری از رحمت خداوند گرفتار شدند .

لعن الذين كفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

فاعل محذوف از <لعن > داود(ع) و عیسی(ع) می باشد. بنابراین جمله <لعن ... علی لسان داود و عیسی > به این معناست که کافران بنی اسرائیل مورد لعنت داود(ع) و عیسی(ع) قرار گرفتند گفتنی است، آنگاه که لعنت بر زبان انسان جاری شود به معنای درخواست انقطاع از رحمت الهی از لعنت شونده است.

٢ داود و عيسى (ع) ، پیام آوران لعن و نفرين الهى بر كافران بنى اسرائيل *

لعن الذين

كفروا من بنى اسرائيل على لسان داود و عيسى ابن مريم

بدان احتمال كه فاعل محذوف <لعن>، الله باشد. گفتنى است كه لعنت خداوند نسبت به كافران بنى اسرائيل بر لسان داود(ع) و عيسى(ع) به معنای ابلاغ لعنت خداوند به واسطه آن پیامبران است.

۱۱ گرفتاری كافران بنى اسرائيل به لعنت داود و عيسى (ع) ، برخاسته از عصیان پیشگی و تجاوزگری آنان

لعن الذين كفروا .. ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

در برداشت فوق <ذلك> اشاره به <لعنت> گرفته شده است.

۱۴ مورد لعن قرار گرفتن گروهی از بنى اسرائيل از سوى حضرت عيسى (ع) ، به دليل كفر آنان پس از نزول مائده آسمانی

لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل .. عيسى ابن مريم

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و اما عيسى فلعن الذين انزلت عليهم المائده ثم كفروا بعد ذلك.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۰۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۳۹،۴۰

۳۹ كافران بنى اسرائيل معجزات حضرت مسیح (ع) را سحر و جادویی روشن قلمداد کردند .

فقال الذين كفروا منهم ان هذا الا سحر مبين

۴۰ كافران بنى اسرائيل پس از مشاهده معجزات عيسى (ع) ، وی را ساحری زبردست معرفی کردند .

فقال الذين كفروا منهم ان هذا الا سحر مبين

در برداشت فوق <هذا> اشاره به مسیح(ع) گرفته شده است، بر این مبنا اطلاق سحر به آن حضرت از باب مبالغه و حاکی از

این است كه كافران وی را ساحری زبردست

می پنداشتند به گونه ای که گویا خود آن حضرت، سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۶ - ۱۶

۱۶ گروهی از مردم عصر موسی آیات خدا را دروغ پنداشتند و به آنها بی اعتنا بودند .

ذلك بأنهم كذبوا بآياتنا و كانوا عنها غفلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل ، در پذیرش رسالت عیسی (ع) و پیروی از آن حضرت ، دو دسته شدند : دسته ای مؤمن و گروهی کافر .

فامنت طائفه من بنی إسرئیل و كفرت طائفه

کافران به آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۴

۴- اقوام هدایت ناپذیر پیشین ، علی رغم دریافت آیات الهی به آنان ، ایمان نیاوردند .

لا يؤمنون به و قد خلت سنه الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۴

۴- عذاب دردناک ، فرجام و کیفر کافرانی است که از سر لجاج و عناد به آیات الهی ایمان نمی آورند .

إن الذين لا يؤمنون بآيت الله .. لهم عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۲

۲- تنها کسانی که به آیات الهی ایمان ندارند ، به قرآن کریم دروغ و افترا می بندند .

إنما یفتری الکذب الذین لایؤمنون بأیت الله

کافران به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹

۱۳- اقوام کافر پس از ملاحظه دلایل روشن انبیا، آنها را استهزا کردند و کفر خویش را صریحاً به آنان اعلام داشتند.

جاءتهم رسلهم بالبينت فردوا أيديهم في أفوههم و قالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به

مرجع ضمیر در <أیدیهم فی أفوههم> اقوام یاد شده در آیه است و این عبارت، معنای کنایی دارد و مراد از آن، این است که اقوام کافر با دست گذاشتن بر دهان خود و یا با سوت زدن، به استهزای انبیای خود پرداختند.

۱۴- اقوام کافر در برخورد با دلایل روشن انبیا، بشدت ناراحت و غضبناک می شدند و به صراحت موضع کفرآلود خود را اعلام می کردند.

جاءتهم رسلهم بالبينت فردوا أيديهم في أفوههم و قالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به

مراد از <ردوا أيديهم فی أفوههم> کنایه از غضب و خشم آنهاست که در آیات دیگر نیز آمده است (غضوا علیکم الأنامل من الغیظ).

۱۶- اقوام کافر، نه تنها در جواب دعوت انبیا سکوت اختیار کرده و جواب مثبت ندادند بلکه به صراحت کفر خویش را به پیام آنان اعلام داشتند.

جاءتهم رسلهم بالبينت فردوا أيديهم في أفوههم و قالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به

طبق نقل روح المعانی (ج ۱۳، ص ۱۹۴)، از ابو عبیده و اخفش، عبارت <فردوا أيديهم فی أفوههم> ضرب المثل برای کسی است که جواب مثبت به درخواست نمی دهد و سکوت اختیار می کند.

کافران به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۶

۶ امتی که پیامبر (ص) به سوی آنان مبعوث شد، به خداوند رحمان کفر ورزیدند.

و هم

یکفرون بالرحمن

کافران به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۹

۹ - در قیامت ، راه نجاتی برای کافران به قرآن وجود نخواهد داشت .

ءامنوا بما أنزلت .. واتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس

هدف از توصیف قیامت به اینکه: فدیة و عوضی گرفته نمی شود و ..، مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه مبادا راه نجاتی برای خود - جز ایمان و ... - توهم کرده و به اعتبار آن دلخوش باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ آنان که به قرآن و پیام های آن ایمان نیاورند ، به هیچ سخن هدایت بخش دیگری ایمان نخواهند آورد .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: ضمیر در <بعده> به قرآن برگردد. حرف <با> در <بأی> برای الصاق باشد. یعنی اگر به قرآن ایمان نیاورند، به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ - ۱۰، ۵

۵ مردم روزی زمین همواره نسبت به قرآن دو دسته هستند: مؤمن و کافر .

و منهم من یؤمن به و منهم من لا یؤمن به

۱۰ > عن ابی جعفر (ع) فی قوله < و منهم من لا یؤمن به > فهم اعداء محمد (ص) و آل محمد (ع) من بعده ;

از امام باقر (ع) روایت شده [از جمله] کسانی که به قرآن ایمان نمی آورند < دشمنان محمد و آل محمد هستند

که پس از او می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۱

۱ کافران به قرآن و پیامبر (ص) و قیامت، مستحق عذاب دنیوی اند و به آن تهدید شده اند.

و لئن أخرجنا عنهم العذاب

جمله <ما يحبسهم> (چه چیز مانع نزول آن عذاب است؟) می رساند که مراد از <العذاب> عذاب دنیوی است و نیز حکایت از این دارد که کفرپیشگان، به آن عذاب تهدید شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۳، ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هر گروه و طایفه (مشرکان، یهودیان، نصارا و...) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد.

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت، مصداقهای بارز و موردنظر آن، گروههای نامبرده اند.

۲۳ اکثر مردم عصر بعثت، از ایمان آوردن به قرآن امتناع میورزیدند.

و لکنّ أكثر الناس لا يؤمنون

برداشت فوق، براین اساس است که <ال> در <الناس> عهد حضوری و اشاره به مردمی باشد که در زمان نزول آیات سوره هود، زندگی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۱

۱- کافران مجرم مکه، علی رغم دریافت آیات قرآن، به آن ایمان نیاوردند.

كذلك نسلک فی قلوب المجرمین . لا يؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین

است که جمله <لایؤمنون به> جمله تفسیریه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۱۲

۱۲ - کافر ماندن همسر ابولهب تا آخر عمر ، از پیشگویی های قرآن

سیصلی نارًا .. و امرأته حمّاله الحطب

کافران به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۱

۱ کافران به قرآن و پیامبر (ص) و قیامت ، مستحق عذاب دنیوی اند و به آن تهدید شده اند .

و لئن أٰخٰرنا عنهم العذاب

جمله <ما یحبسه> (چه چیز مانع نزول آن عذاب است؟) می رساند که مراد از <العذاب> عذاب دنیوی است و نیز حکایت از این دارد که کفرپیشگان ، به آن عذاب تهدید شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۵

۵ - موضع گیری ناباورانه مشرکان صدراسلام ، درباره وعده قیامت

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٍ

کافران به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۴

۴ همسر لوط ، از زمره کافران به وی بود .

فانجینه و أهله إلا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك .. إلا امرأتك إنه مصيها ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <إنه مصيها ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه

وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارده شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

کافران به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۱

۱ کافران به قرآن و پیامبر (ص) و قیامت، مستحق عذاب دنیوی اند و به آن تهدید شده اند.

و لئن أَخْرنا عنهم العذاب

جمله <ما یحبسه> (چه چیز مانع نزول آن عذاب است؟) می رساند که مراد از <العذاب> عذاب دنیوی است و نیز حکایت از این دارد که کفرپیشگان، به آن عذاب تهدید شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) في قول الله عزوجل > و من الناس من يعبد الله على حرف فإن أصابه خير إطمأن به و إن أصابته فتته إنقلب على وجهه خسر الدنيا و الآخرة > قال زراره : سألت عنها أبا جعفر (ع) فقال : هؤلاء قوم عبدوا الله و خلعوا عباده من يعبد من دون الله و شكوا في محمد (ص) و ما جاء به فتكلموا بالإسلام و شهدوا أن لا إله إلا الله و أن محمد رسول الله و أقروا بالقرآن و هم في ذلك شاكون في محمد (ص) و ما جاء به و ليسوا شككاً في الله قال الله عزوجل : > و من الناس من يعبد الله على حرف > یعنی علی شكّ فی

محمد (ص) و ما جاء به > فإن أصابه خير < یعنی عافیه فی نفسه و ماله و ولده > إطمأن به < و رضی به > و إن أصابه فتنه < یعنی بلاء فی جسده أو ماله تطیر و کره المقام علی الإقرار بالنبی (ص) فرجع إلى الوقوف و الشک فنصب العداوه لله و لرسوله و الجحود بالنبی و ما جاء به ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که در پاسخ سؤال زراره از سخن خداوند: <و من الناس من یعبد الله علی حرف.. > فرمود: آنان قومی خداپرست بودند که غیر از خدا، معبودی را پرستش نکردند؛ ولی در باره حضرت محمد(ص) و آنچه او آورده، شک کردند. پس با زبان، اقرار به اسلام کردند و شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر(ص) دادند و به قرآن اعتراف کردند؛ ولی در عین حال آنان درباره محمد(ص) و آنچه او آورده بود، در حال شک بودند؛ با آن که در باره خداوند شکی نداشتند. خداوند عزوجل فرمود: <و من الناس من یعبد الله علی حرف >؛ یعنی، در باره محمد(ص) و آنچه او آورده بود، شک داشتند: <فإن أصابه خير >؛ یعنی، عافیت در جان و مال و فرزند و <إطمأن به > [یعنی] به آن راضی می شدند. <و إن أصابته فتنه >؛ یعنی، بلایی در جان یا مال آنان [می رسید، آن بلا- را] به فال بد می گرفتند و اقرار به نبوت حضرت محمد(ص) را ناخوشایند می داشتند. پس حالت توقف و شک پیدا کردند و راه دشمنی با خدا و رسول او و انکار نبوت حضرت پیامبر(ص) و آنچه را بر

او نازل شده بود، در پیش گرفتند >.

کافران بی طرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۶

۶ ممنوعیت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که از نبرد با مسلمانان و اقوام کافر خویش بیزارند و بیطرفی خویش را ابراز می دارند .

الَّذِينَ... او جاء و کم حصرت صدورهم ان یقتلوا کم او یقاتلوا قومهم

>حصر صدور<، به معنای دلتنگی است که از آن به بیزاری تعبیر شده است.

کافران پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- کافران پس از مرگ ، به کلی منکر اعمال زشت دنیوی خویش می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ... ما کنا نعمل من سوء

کافران پناهنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۴

۴ جواز دوستی و یاری خواستن از منافقان و کافران پناهنده ، به همپیمانان مسلمانان *

و لا تتخذوا منهم ولیاً و لا نصیراً. اَلَّذِیْنَ یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثا

در برداشت فوق احتمال داده شده که >اَلَّذِیْنَ یصلون... < استثنا از حکمی است که در جمله >و لا تتخذوا منهم ولیاً و لا نصیراً< بیان شده است.

کافران پیرو با رهبران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۶

۶- درگیری لفظی عوام کفار با رهبران مستکبر خود در قیامت

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعا فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الل

کافران پیرو در جهنم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ کافران و مشرکان پیرو، همانند رهبرانشان، دارای عذابی مضاعف از آتش دوزخ

قال لكل ضعف

کافران پیرو در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۲، ۷، ۶

۶- درگیری لفظی عوام کفار با رهبران مستکبر خود در قیامت

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الل

۷- کافران پیرو، در قیامت با اعتراف به پیروی کورکورانه از رهبران خویش، آنان را مسؤول بدفرجامی خود معرفی خواهند کرد.

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الل

۸- کافران پیرو از رهبران مستکبر خویش، در قیامت درخواست می کنند که در صورت امکان، اندکی از عذاب خدا را از آنان بکاهند.

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الل

تنوین <شیء> تنوین تنکیر و برای کم بودن است.

۱۲- عذاب کافران پیرو در قیامت به قدری شدید است که آنان را به در یوزگی می کشاند.

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱، ۲

۱- پس از درگیری لفظی رهبران مستکبر با پیروان خود در قیامت، آنان با شیطان به منازعه می پردازند.

فقال الضعفاء للذين استكبروا .. قالوا ... و قال الشيطان لما قضي الأمر

ذكر قصه شیطان و سخنان وی در قیامت با جهنمیان، پس از گفت

و گوهای رهبران مستکبر و پیروانشان، نشان دهنده ادامه ماجرای مستکبران و پیروان آنها با شیطان است.

۲- رهبران مستکبر و پیروانشان ، سرانجام در قیامت شیطان را مسبب اصلی گمراهی خویش قلمداد می کنند .

فقال الضعفاء للذين استكبروا .. قالوا ... و قال الشيطان لما قضي الأمر إن الل

ذکر سخنان شیطان در قیامت خطاب به گمراهان، پس از ذکر جریان مستکبران و پیروانشان، احتمال دارد از این جهت باشد که آنان گمراهی خویش را به شیطان نسبت می دهند و او درصدد پاسخ گویی برمی آید.

کافران پیرو و رهبران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۶

۶- درگیری لفظی عوام کفار با رهبران مستکبر خود در قیامت

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغنون عنا من عذاب الل

کافران پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۴،۵

۴ خداوند بر اساس سنت خویش ، کافران حق ستیز دوران های پیشین را به سزای اعمالشان رسانیده است .

و إن يعودوا فقد مضت سنت الأولین

۵ خداوند ، کافران حق ستیز را به عبرت گرفتن از سرنوشت شوم همسانان گذشته خویش فرامی خواند .

و إن يعودوا فقد مضت سنت الأولین

کافران ثروتمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۷

۷ کفرپیشگان مستکبر و زراندوز ، ثروت ها و قدرت خویش را موجب مصون ماندن از عذاب های الهی می پندارند .

ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

کافران ثروتمند صدراسلام

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۱

۱ - برخی از زنان و مردان کافر عصر بعثت (در مکه) از امکانات و ثروت چشمگیری برخوردار بودند .

و لا تتمدنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزواجًا منهم

ضمیر <منهم> به کافران بازمی گردد که در آیات پیشین مورد بحث قرار گرفته بودند و از آنجایی که سوره <طه> در مکه نازل شده است، مراد کفار مکه است. <ازواج> یا به معنای مردان و زنانی است که تشکیل خانواده داده اند و یا به معنای <اصناف> است. <من> در <منهم> برای تبعیض است.

کافران جاهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۶

۶ کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

و إذا فعلوا فحشه قالوا .. الله أمرنا بها

کافران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۷، ۶، ۴، ۲

۲ کافران عصر جاهلی جعل احکامی را درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی به خداوند نسبت می دادند .

ما جعل الله .. و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

۴ احکام ویژه بحیره (ماده شتری که پنجمین حمل مادر خویش باشد) از بدعت ها و افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل الله من بحیره .. و لكن الذين كفروا يفترون

لسان العرب معنای مذکور برای بحیره را از برخی لغویین نقل کرده است. در جاهلیت گوش چنین شتری را می شکافتند

تا علامت آن باشد که نبایستی بر آن سوار شوند و از آب و چراگاهها او را منع کنند و نیز هرگز نباید به کشتن آن اقدام کنند.

۶ احکام ویژه وصیله (گوسفند ماده ای که همزاد با بره نر باشد) بدعت و از افتراهای کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل الله من... و لا وصیله و لكن الذین كفروا یفترون

در دوره جاهلیت اگر گوسفندی دو قلمو می زائید که یکی از آن دو نر بود، ذبح آن را تحریم می کردند و همزاد آن را <وصیله> می نامیدند یعنی ماده گوسفندی که سرنوشت همزادش را به سرنوشت خود گره زد و سبب شد که بر آستان بتها ذبح نشود. امام صادق(ع) در توضیح معنای <وصیله> در آیه فوق فرمود: <ان اهل الجاهلیه كانوا اذا ولدت الناقه ولدین فی بطن قالوا: وصلت، فلا یستحلون ذبحها و لا اکلها...>

معانی الاخبار، ص ۱۴۸، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۳، ح ۴۱۰.

۷ احکام ویژه حامی (شتر نری که از صلبش ده شتر به وجود آید) از بدعت ها و افتراهای مردم جاهلی بر خداوند

ما جعل الله... و لاحام و لكن الذین كفروا یفترون

اعراب جاهلی از سوار شدن بر شتر مذکور امتناع میورزیدند و آن را از هیچ آب و چراگاهی منع نمی کردند.

کافران حربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱۲، ۱۱

۱۱ عذاب خداوند سرنوشت کافران محارب، در صورت عدم بازگشت و توبه

لیقطع طرفاً... فینقلبوا خائبین... او یعدّ بهم

۱۲ سرنوشت کافران

محارب بدر ، تنها به دست خداوند بود ، و نه حتی رسول او

و لقد نصرکم اللہ ببدر . . . ليقطع طرفاً ... لیس لك من الامر شیء او يتوب علیهم او

کافران حق ستیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۷

۷ کافران حق ستیز ، زیانکاران واقعی هستند .

أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۱،۲،۵،۸

۱ خداوند ، کافران ستیزه گر عصر بعثت را به ترک مبارزه علیه اسلام و مسلمانان فراخواند .

قل للذین کفروا إن ینتھوا یغفر لهم

انتھاء به معنای پذیرش نهی است ؛ یعنی انجام ندادن کاری بر اثر نهی شدن از آن. بنابراین با توجه به اینکه متعلق <ینتھوا> شرارتهای کافران علیه مسلمانان است، جمله <ان ینتھوا> دلالت می کند که خداوند کافران را از تعرض به مسلمانان نهی کرده است.

۲ به کافران ستیزه گر عصر بعثت ابلاغ شد در صورت ترک مخاصمه علیه اسلام ، از خطاهای گذشته آنها چشمپوشی خواهد شد .

قل للذین کفروا إن ینتھوا یغفر لهم ما قد سلف

درباره متعلق <ان ینتھوا> دو نظر ابراز شده است: یکی کفر و دیگری اعمالی که در آیه ۳۶ مطرح شد ؛ یعنی سرمایه گذاریها و شرارتهای علیه اسلام. جمله <ان یعودوا> نظر دوم را تقویت می کند. گفتنی است بر این مبنا مراد از <یغفر لهم ... > انتقام نگرفتن از شرارتهای گذشته کافران است.

۵ خداوند ، کافران حق ستیز را به عبرت گرفتن از سرنوشت شوم همسانان گذشته خویش فرامی خواند

و إن يعودوا فقد مضت سنت الأولين

۸ پیامبر (ص) از جانب خداوند مأموریت یافت تا سنت الهی را در سرکوبی حق ستیزان به کافران عصر خویش ابلاغ کند .

قل للذین كفروا .. و إن يعودوا فقد مضت سنت الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۶

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

كيف و إن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلاً و لازمه

کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۴

۴ کافران لجاجت پیشه و حق ناپذیر از شیطانهای انسی هستند.

و لو أننا .. ما كانوا ليؤمنوا ... و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا شيطان الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۷

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

يأيتها الذين ءامنوا استجبوا لله و للرسول

از مصادیق مورد نظر برای <ما يحييكم>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - کافرانِ رویگردان از حق ، با لجاجت و تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند

یکفرون .. فإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمُوتَى ... إِذَا وُلُّوا

کافران خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - وجود فرد یا افراد کافر ، در میان خاندان نوح (ع)

فاسلک فیها .. إلا من سبق علیه القول منهم

کافران در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۴

۴ کافران در دنیا ، مغلوب مؤمنان و در آخرت ، مقهور خدا هستند . *

قل للذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۷

۷- کافران در جهان آخرت ، تهی دست از پاکیزگی ها و ارزش ها

أذهبتم طینتکم فی حیاتکم الدنیا و استمتعتم بها

واژه <طینیات> شامل ارزش های پاک و انسانی است که کافران با لذت جویی، آنها را فانی کرده و از کف داده اند.

کافران در احاطه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۵

۵ - کافران از هر سو در حیطه قدرت و سلطنت خداوند هستند .

والله محيط بالكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۹

۹ - کافرانِ حق ناپذیر ، از حیطه قدرت خدا گریزی ندارند .

و من کفر فلا یحزنک کفره إلینا مرجعهم

کافران در برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۷۸

۷ کافران کشته شده در جنگ بدر ، به عذاب سوزان برزخی گرفتار هستند .

و ذوقوا عذاب

۸ کافران پس از جان کندن پر مشقت به عذاب و آتشی سوزان (عذاب برزخ) گرفتار خواهند شد .

و ذوقوا عذاب الحریق

امر به چشیدن عذاب حریق (ذوقوا عذاب الحریق)، دلالت بر وجود بالفعل آن عذاب دارد. و چون این جمله به هنگام گرفتن جان کافران گفته می شود، معلوم می شود که کافران پس از مردن به عذاب گرفتار خواهند شد و این همان عذاب برزخی است. گفتنی است <ذوقوا ... > به تقدیر <يقولون لهم > سخن ملائکه با کافران به هنگام گرفتن جان آنان است.

کافران در تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۳

۱۳- تاریخ گذشتگان ، شاهد مردمانی روگردان از ایمان و سرتافته از استغفار بوده است .

إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأُولِينَ

<سنه الأولین > که عذاب را سستی الهی برای گذشتگان قلمداد کرده است اشاره به ظهور افراد فراوانی در امت های پیشین دارد که مانند کافران و مشرکان عصر بعثت عمل کردند و مجازات شدند.

کافران در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفر و المنفقین و اغلظ علیهم

کافران در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۴

۴ شرکت بی ایمان ها و سست باوران در جنگ و جهاد ، جز فساد و فتنه انگیزی و تأثیر منفی بر دیگران ، نتیجه ای ندارد .

لو خرجوا

فیکم ما زادوکم إلا خبالا و لأوضعوا خللکم بیغونکم الفتنه

جمله <بیغونکم الفتنه> حال برای ضمیر فاعل <أوضعوا> است؛ یعنی، اگر منافقان برای جنگ بیرون می آمدند، مطمئناً در حق شما فتنه جویی می کردند.

کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۸

۸ - آتش دوزخ، مهیا شده برای کفرپیشگان

أعدت للكفرین

اعداد (مصدر اعدت) به معنای حاضر کردن و مهیا ساختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۹

۹ - دوزخ، فرجام کافران به رسالت پیامبر و سرپیچی کنندگان از احکام اسلام

إننا أرسلنک بالحق... و لاتستل عن أصحاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت.

و من کفر... ثم أضطره إلى عذاب النار

اضطرار؛ یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۴

۴ جهنم ، جایگاه کافران قدرتمند و بهره مند از مواهب مادی

ثم ماویهم جهنم

<ماوی> به معنای منزل است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱۳

۱۳ هیچ نیرویی قادر به جلوگیری از

عذاب کافران در دوزخ نخواهد بود .

سوف نصليهم ناراً .. ان الله كان عزيزاً حكيماً

تذکر به شکست ناپذیری خداوند پس از بیان اینکه کافران را به دوزخ خواهد برد، اشاره به این معنا دارد که مبدا توهم شود آنان می توانند علی رغم خواست خداوند بر او غلبه کنند و خود را از آتش برهانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۴،۱۵

۱۴ خداوند ، گردآورنده همه منافقان و کافران ، در جهنم

إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنْفِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا

۱۵ جهنم ، جایگاه و مجمع تمامی منافقان و کافران

إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنْفِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۱،۷

۱ خداوند در قیامت کافران ظالم را جز به راه جهنم هدایت نخواهد کرد .

و لاليهديههم طريقاً. الا طريق جهنم

در برداشت فوق ظرف و زمان هدایت در جمله <و لاليهديههم ..> روز قیامت گرفته شده است ؛ یعنی خداوند در آن روز کافران را تنها به سوی جهنم رهنمون خواهد ساخت.

۷ جاودانگی در جهنم ، کیفر کافران ستمگر

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا .. خَلَدِينَ فِيهَا أبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۷ - ۴،۵

۴ نافرجمی تلاش کافران برای رهانیدن خویش از آتش دوزخ

و ما هم بخرجين منها

۵ احاطه آتش دوزخ بر تار و پود کافران ، دليل بي ثمر ماندن تلاش آنان براي رهايي از آن

يريدون ان يخرجوا من النار و ما هم بخرجين

جمله <و ما هم بخرجين منها> به این معناست که کافران با آتش عجین شده اند و هیچگاه از آتش خارج نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۱

۱ دوزخ جایگاه کفرپیشگان و تکذیب کنندگان آیات خداوند

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا أولئک اصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۱،۲،۳

۱ وضعیت هول انگیز و ذلتبار کافران به هنگام روبرو شدن با آتش جهنم و مشاهده آن

و لو تری إذ وقفوا علی النار

۲ کافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در زمره مؤمنان هستند.

فقالوا یلبتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

۳ وضعیت دهشتناک و غیر قابل توصیف کافران به هنگام ورود به دوزخ و چشیدن آتش

و لو تری إذ وقفوا علی النار

<وقفوا علی النار> می تواند به معنای ورود به آتش و چشیدن عذاب آن باشد. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ عن النبی (ص) إنه تلا- هذه الآیه ثم قال: هی طبقات من فوقه و طبقات من تحته لایدری ما فوقه اکثر او ما تحته، غیر أنه ترفعه الطبقات السفلی و تضعه الطبقات العلیا و یضیق فیما بینهما . . .

از رسول خدا(ص) روایت شده است که پس از تلاوت آیه <لهم من جهنم . . .> فرمود: جهنم کافران، دارای طبقاتی از بالا و

طبقاتی از پایین است کہ

معلوم نیست آیا طبقات بالا- بیشتر است یا طبقات زیرین، ولی طبقات پایین، کافر را بالا می برد و طبقات بالا او را پایین می آورد و او بین طبقات بالا و پایین در فشار قرار دارد ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۹،۱۲

۹ جهنم ، سزای کافران حق ستیز

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

۱۲ کفرپیشگان مکه در قیامت گردآوری و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۱

۱ خداوند در پرتو گسیل کافران به سوی دوزخ ، ناپاکان را از پاکان جدا خواهد کرد .

إلی جهنم یحشرون. لیمیز الله الخیث من الطیب

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیمیز الله> متعلق به <یحشرون> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۹،۱۰

۹ احاطه همه جانبه آتش دوزخ بر کافران

و إن جهنم لمحیطه بالکفرین

۱۰ کافران در همین دنیا ، به گونه ای در احاطه آتش دوزخند .

و إن جهنم لمحیطه بالکفرین

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <احاطه> در <محیطه> ، احاطه فعلی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد الله المنفقين و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۷

۵ جهنم ، جایگاه کافران و منافقان و فرجامی سخت و دردناک برای آنان

و مأویهم جهنم و بئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۲۰

۲۰ عذاب دردناک جهنم ، کیفر کافران است .

فلایؤمنوا حتی یروا العذاب الألیم

ممکن است الف و لام <العذاب> که برای عهد ذهنی است اشاره به عذاب دنیوی (استیصال) باشد و ممکن است اشاره به عذاب برزخی و یا عذاب اخروی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۶ - ۱

۱ کافران دنیا طلب و دل بسته به جلوه های آن ، در آخرت بهره ای جز آتش دوزخ نخواهند داشت .

من كان یرید الحیوه الدنیا و زینتها .. أولئک الذین لیس لهم فی الآخره إلا ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هر گروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و ...) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و مورد نظر آن ، گروههای نامبرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۶

و پیامبرانش کافر شوند و نیز جنیان کفرپیشه ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

لأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

چون بحث در آیات گذشته درباره فساد و صلاح امتهای بود و مصداق بارز و مورد نظر برای صلاح و فساد به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۱۲۱ توحید، شرک، ایمان و کفر است، مقصود از <الجنه> و <الناس> کافران و مشرکان جنی و انسی است. بر این اساس کلمه <أجمعین> تأکید بر عمومی است که از کلمه <الجنه> و <الناس> فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۵،۷

۵- کافران جبار گرفتار در جهنم ، با وجود ابتلا به انواع عذاب های مرگبار ، هیچ گاه نمی میرند و از عذاب رهایی نمی یابند .

يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ

۷- برای کافران جبار ، در جهنم ، فراتر از نوشیدن اجباری آب چرکین و عذاب های مختلف مرگبار ، عذابی خشن و غیرقابل تصور نیز وجود دارد .

و مِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ

مرجع ضمیر <ورائه> احتمال دارد <عذاب> باشد که از عبارت قبلی به دست می آید. در این صورت، با توجه به مفهوم بودن و سخت بودن عذابهای یاد شده، <عذاب غلیظ> باید عذابی بسیار سخت و غیر قابل تصور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۶

۶- کافران ، همواره در جهنم خواهند ماند .

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۰

۱۰- جهنم

، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد .

و جعلنا جهنم للكافرين حصيرًا

<الحصر> در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۲

۱۲- کافران به حقایق نازل شده از سوی خداوند ، ظالم ، و سزاوار آتش اند .

الحق من ربکم .. و من شاء فليکفر إنا أعتدنا للظلمين نارًا

۱۴- آتش قیامت ، همانند سراپرده ای فراگیر ، راه گریز را بر کافران خواهد بست .

نارًا أحاط بهم سرادقها

<سرادق> معرب <سراتاق> و به معنای خیمه و پرده سرا است.

۱۵- کافران در خیمه آتشین دوزخ ، با استغاثه و اظهار تشنگی ، از مأموران عذاب ، یاری می طلبند .

و إن يستغيثوا يغاثوا بماء

<غوث> یعنی: <یاری کردن> و <غیث> یعنی: <باران>. مراد از <استغاثه> می تواند طلب یاری و یا طلب باران (آب) باشد. پاسخی که به استغاثه دوزخیان داده می شود، گویای آن است که یاری خواستن دوزخیان، همان آب خواهی آنان است.

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن يستغيثوا يغاثوا بماء كالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقایس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

۱۸- آب های دوزخی ، چهره کافران را سوزانده و بریان می سازد .

یغاثوا بماء كالمهل یشوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۳

۳- دوزخ ، فرجام كافرانی است كه طاقت شنیدن آیات الهی را ندارند .

و عرضنا جهنم يومئذ للكفرین . . . و كانوا لا يستطيعون سمعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۸،۹

۸- دوزخ ، منزل گاهی مهیا شده ، برای كافران است .

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

<أَعْتَدْنَا> از ماده <عند> با <أَعْدَدْنَا> از ماده <عدد> به يك معنا است و در این كه <آیا یکی اصل دیگری است یا هر کدام لغت مستقلی است؟>، اختلاف است. كلمه <نزل> در معانی <منزل>، <وسائل پذیرایی> و <مأوی دادن> استعمال شده است. در برداشت یاد شده معنای نخست لحاظ شده است.

۹- خداوند ، از كافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می كند .

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

كلمه <نُزِّلَ> می تواند اسم باشد برای چیزی كه به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن ، <تَهَكُّم> بوده و برای استهزا به كار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن ، دلیل پاینده تر بودن عذاب كافران از شکنجه و آزاری است كه آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

والله خیر و أبقى . إنه من یأت ... لا یموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز در احاطه آتشی

فراگیر بوده و از دفع آن از چهره و قفای خود ناتوان خواهند بود .

لو يعلم الذین کفروا حین لایکفون عن وجوههم النار ولا عن ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۳

۳- کافران دوزخی ، از دفع و برگردانیدن عذاب الهی ، کاملاً ناتوان اند .

فلایستطیعون ردّها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۱،۳

۱- کافران و معبود های دروغینشان ، آتش گیره جهنم اند .

إنکم و ماتعبدون من دون الله حصب جهنم

<حصب> یعنی، هر آنچه در آتش افکنند و معنای غالبی آن هیزم است (لسان العرب).

۳- آتش جهنم ، فراگیر تمامی وجود کافران دوزخی بوده و بدنشان یک جا به آتش تبدیل خواهد شد .

إنکم و ماتعبدون من دون الله حصب جهنم

برداشت یاد شده از هیزم شدن کافران برای دوزخ استفاده می شود زیرا هر وقت آتش به هیزمی برسد، تمامی هیزم به آتش تبدیل می شود. بنابراین بدن کافران هم یک جا به آتش تبدیل شده و تمامی وجودشان خواهد سوخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۳

۱۳ - آتش سوزان ، کیفر کفرپیشگان و تمام کسانی که در راستای منحرف ساختن مردم از راه خدا و دین او تلاش می کنند .

و من الناس من یجدل . . . و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - آتش دوزخ ، وعده الهی به کافران و سرانجام

شوم آنان

النار وعدھا اللّٰه الذین کفروا

۱۱ - دوزخ ، بازگشتگاه و سرانجام کافران

و بئس المصیر

<مصیر> به معنای عاقبت کار و نیز به معنای مرجع و محل بازگشت می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۵

۵ - عذاب ابدی دوزخ دامنگیر کافران ، پس از اتمام حجت های الهی بر آنان

الم تکن ءایتی تتلی علیکم فکنتم بها تکذّبون

آیه یاد شده، بیانگر این حقیقت است که خداوند، کافران را بی دلیل محکوم به عذاب ابدی دوزخ نکرده؛ بلکه ابتدا با بیان آیات خود، حجت را بر آنان تمام نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۶

۶ - خودشناسی و خداشناسی کافران در تنگنای عذاب جهنم

فی جهنم خلدون .. قالوا ربنا غلبت علینا شقوتنا... ضالّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۲

۲ - حقارت و ذلت شدید کافران در دوزخ

قال اٰخسئوا فیها

<إخسأ> کلمه ای است که برای دور کردن سگ به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۵

۵ - جایگاه کافران ، آتش است .

الذین کفروا .. مأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۱

۱ کافران معاند با پیامبر (ص) ، در قیامت به روافقان به سوی جهنم برده شده و به آن افکنده خواهند شد .

الذین کفروا .. الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۶

۶ - عذابِ کافران منکر آیات خدا، در جهنم قطعی است .

يستعجلونک بالعذاب و إنّ جهنّم لمحیطه بالكفرین

جمله اسمیه "إنّ جهنّم" و تأکید "إنّ" بر حتمیت عذاب، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۸

۸ - کافران، جایگاه خاصی در جهنم دارند .

أليس في جهنّم مثوی للكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۲

۲ - ورود و ماندگاری کافران و تکذیب گران آیات خدا و لقاء الله، به عذاب، به صورت جبری است .

و أمّا الذین کفروا .. فی العذاب محضرون

به صورت مفعولی آورده شدن احضار افراد یاد شده به جهنم و یا حاضر بودن شان در آن، می تواند اشاره به نکته فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - کفرپیشگان، همواره در آتش جهنم باقی خواهند ماند .

الکفرین و أعدّ لهم سعیرًا . خلدین فیها

۲ - کافران، در آتش جهنم، هیچ یار و یابوری نخواهند داشت .

الكفرين .. خلدین فیها أبداً لا یجدون ولیاً و لانصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱۱، ۸، ۶، ۴، ۲، ۱

۱ - در روز بی یار و یآوری کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لا یجدون ولیاً ..

یوم تقلّب وجوههم فی النار

بنابراین که <یوم> ظرف برای <لایجدون> باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

۲- در روز قیامت، صورت های کافران، در آتش، بر اثر شدت حرارت، منقلب شده، به رنگ های گوناگون در می آید.

یوم تقلّب وجوههم

احتمال دارد که <تقلّب> به معنای <از این رو به آن رو شدن> باشد و احتمال دارد که به معنای <تحول و تغییر حالت کیفی> باشد که گاهی سیاه و گاهی زرد و... می شود. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

۴- لازم است که روزی را که در آن، کافران با آتش جهنم، به سختی عذاب و سوزانده می شوند، به خاطر داشت.

یوم تقلّب وجوههم فی النار

برداشت بنابراین احتمال است که نصب <یوم> به جهت مفعول به بودن اش باشد. که باید فعل <أذکر> در تقدیر باشد.

۶- کافران، در جهنم بر نیندوختن توشه ای برای آخرت خود، حسرت می خورند.

الکفرین .. یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلینا أطعنا الله و أطعنا الرسو

۸- سختی و سوزش آتش جهنم، کافران را از عملکرد دنیوی شان پشیمان می کند.

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلینا أطعنا الله

۱۱- کافران، در حال سوختن در آتش جهنم، بر عملکرد گذشته خود در دنیا، حسرت می خورند.

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلینا أطعنا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۳،۴،۵

۳- کافران دوزخی، برای همیشه زنده مانده و نمی میرند.

لهم

نار جهنم لایقزی علیهم فیموتوا

۴- از عذاب کافران دوزخی ، هرگز کاسته نشده و به آنان تخفیف داده نمی شود .

لهم نار جهنم .. لایخفف عنهم من عذابها

۵- محرومیت کافران از هرگونه راحتی و آسودگی در دوزخ

لهم نار جهنم لایقزی علیهم فیموتوا و لایخفف عنهم من عذابها

از این که کافران دوزخی، هرگز نمی میرند تا درد و رنج عذاب را درک نکنند و نیز از عذاب آنان کاسته نمی شود، می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۸،۹

۸- سرزنش شدید کافران از سوی خداوند در دوزخ ، به خاطر استفاده نکردن از فرصت مناسب عمر برای ایمان و دین داری

أولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر

۹- استغاثه و فریادخواهی کافران ، در دوزخ بی نتیجه است .

ربنا أخرجنا نعمل صلحا .. أولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- کافران ، در ناگوارترین وضعیت و محکوم به آتش دوزخ در روز رستاخیز

فویل للذین كفروا من النار

کلمه <ویل> دلالت بر شدت بدی احوال می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - مشرکان و کافران در دوزخ ، از هر سو در محاصره آتش قرار خواهند داشت .

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

مقصود از سایبان هایی از آتش بر فراز کافران و زیر آنان، آتش فراگیر است که از هر سو

آنها را محاصره کرده است؛ چنان که در سوره دیگری از این حقیقت به صراحت یاد شده است: <یوم یخشاهم العذاب من فوقهم و من تحت أرجلهم.. >، (سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۵۵).

۳ - شدت و فراوانی آتش جهنم ، در اطراف مشرکان و کافران

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

مقصود از آیه شریفه هر چه باشد، این نکته را نیز می رساند که آتش دوزخ بسیار شدید و زیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۹

۹ - جهنم ، جایگاه همیشگی کافران

أليس في جهنم مثوى للكافرين

<مثوى> اسم مکان از ماده <ثواء> به معنای اقامت توأم با استمرار است؛ یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۳، ۲، ۱

۱ - کافران پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به دوزخ رانده خواهند شد .

و وضع الكتب .. و وقیت کل نفس ما عملت ... و سيق الذین کفروا إلى جهنم زمراً

<زمره> (مفرد <زمر>) به معنای گروه و دسته است که به دنبال گروه و دسته ای دیگر باشند. بنابراین پیام آیه شریفه این می شود که کافران به چند دسته تقسیم شده؛ آن گاه دسته دسته به دنبال هم وارد دوزخ خواهند شد.

۲ - کفر ، دارای مراتب گوناگون است و کافران ، در درجات مختلف دوزخ جای دارند .

و سيق الذین کفروا إلى جهنم زمراً حتی إذا جاءوها فتحت أبوابها

تقسیم شدن کافران به چند دسته و گروه و نیز ورود آنان از

درب های گوناگون جهنم ، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

۳- وجود فاصله میان موقف کافران ، در محشر و دوزخ

و سيق الذین کفروا إلی جهنم زمراً

<سوق> (مصدر <سیق>) به معنای راندن و تحریک کردن به رفتن است. آمدن این واژه با حرف <إلی>، نشانگر وجود مسیری برای سوق دادن و راندن دوزخیان به سوی مقصدی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۴

۴ - کافران ، در دوزخ جاودانه خواهند بود .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسجرون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثمّ فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یسجرون> به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ -

۱ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، از درب های گوناگون وارد جهنم خواهند شد .

ادخلوا أبواب جهنم

۴ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، برای همیشه در جهنم خواهند ماند .

ادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۴ - ۶

۶ - آتش ، تنها پناهگاه و گریزگاه کافران در قیامت

و مأویکم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱

۱- قرار گرفتن کافران ، در معرض آتش دوزخ در قیامت

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۲،۳

۲- روز قیامت ، روز عرضه شدن کافران بر آتش دوزخ

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

۳- آتش جهنم ، مهیای پذیرش کافران در رستاخیز *

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

از واژه <یعرض>، نوعی تقاضا و آمادگی، از طرف مقابل استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۸

۸- آتش دوزخ ، جایگاه کافران لذت طلب و شکمبارہ

يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ... و النار مثوی لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۵

۵- نقش عوامل الهی ، در مهیّا شدن دوزخ برای کافران *

فإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

ضمیر متکلم مع الغیر، در <إِنَّا> و <أَعْتَدْنَا> را می توان بیانگر نقش عوامل و کارگزاران الهی در تحقّق اراده او دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفریشده معاند حق ستیز

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

يوم نقول لجهنم ... و أزلفت الجنة للمتقين ... هذا ما توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۱

۱ - قیامت ، روز گداخته شدن کافران در آتش دوزخ

يوم هم على النار يفتنون

<فتنه> در اصل به عمل گداختن طلا و نقره در آتش برای خالص شدن خوب از بد گفته می شود. در این جا مقصود بیان شدت عذاب کافران است و این که آنان چونان طلا و نقره در آتش دوزخ گداخته خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۳

۳ - شکنجه روحی کافران در دوزخ ، علاوه بر شکنجه جسمی آنان

يسحبون .. ذوقوا مسّ سقر

امر در <ذوقوا> برای تهکم و استهزا است. به استهزا گرفته شدن دوزخیان از سوی مأموران الهی در مقایسه با عذاب جسمی آنان شکنجه روحی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۶،۷،۳

۳- آتش دوزخ ، اقامتگاه دائمی کافران و منافقان

مأویکم النار

<مأوی> به معنای مسکن می باشد. جمله اسمیه بیانگر دوام و ثبات است.

۶- آتش دوزخ ، تنها یاور کافران و منافقان

هی مولیکم

۷- دوزخ ، جایگاه نهایی کافران و منافقان

فالیوم لایؤخذ منکم

فديه و لا من الذين كفروا.. و بس المصير

<مصير> (معادل <مرجع>) و به جایگاهی گفته می شود که حرکت به آن جا منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - کافران و تکذیب گران آیات الهی ، اهل دوزخ اند .

و الذين كفروا و كذبوا بآيتنا أولئك أصحاب الجحيم

۱۲ - دوزخ ، جایگاه ابدی کافران و تکذیب گران بوده و آنان هرگز از آن رهایی نخواهند یافت .

أولئك أصحاب الجحيم

<صاحب> (مفرد <أصحاب>) به معنای یار و ملازم است. بنابراین <أصحاب الجحيم>؛ یعنی، کسانی که با دوزخ یار و ملازم بوده و هرگز از آن جدا نخواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۱، ۳

۱ - شیطان و پیروان کافر او ، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فكان عقبتهما أنّهما في النار خلدین فیها

۳ - کافران و منافقان همراز ایشان ، دارای فرجامی همگون در آتش دوزخ

فكان عقبتهما أنّهما في النار خلدین فیها

از تشبیه کافران و منافقان به شیطان و پیروان او در آیه قبل، برداشت یاد شده از این آیه استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۱، ۴

۱ - اعلام پذیرفته نشدن هیچ عذری از کافران دوزخی در قیامت

يأيتها الذين كفروا لاتعتذروا اليوم

۴ - دوزخی شدن کافران ، جزای کردار خود آنان است .

إنما تجزون ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۸،۹

دوزخ ، جایگاه و مأوی کافران و منافقان است .

و مأویهم جهنم

۹ - جایگاه و سرنوشت منافقان و کافران ، در قیامت یکسان است .

و مأویهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - همسران نوح و لوط ، همانند کافران از دوزخیان اند .

و قيل ادخلا النار مع الداخلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۷ - ۱

۱ - کافران ، از هنگام افکنده شدنشان در دوزخ ، با ناخوشایندترین صداها روبه رو خواهد شد .

إذا ألقوا فيها سمعوا لها شهيقاً

<شهيق> ، به معنای زشت ترین و ناخوشایندترین صداها است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۴

۴ - سرزنش نگهبانان دوزخ ، شکنجه و عذاب روحی برای کافران دوزخی است .

سألهم خزنتها ألم يأتكم نذير

سرزنش نگهبانان دوزخ از کسانی که خود در آتش دوزخ می سوزند و شکنجه می شوند، می تواند شکنجه دیگری برای آنان از جهت روحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اعتراف کافران در دوزخ ، به آمدن پیامبران انذار کننده برای آنان

ألم یأتکم نذیر . قالوا بلی قد جاءنا نذیر

۴ - اعتراف کافران در دوزخ ، به تکذیب عمدی و آگاهانه خویش ، نسبت به پیامبران و ادیان الهی

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا و قلنا ما نزل الله من شیء

۶ - پیامبران ، متهم به گمراهی شدید از سوی کافران محکوم به دوزخ

إن أنتم إلاّ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <إِن أَنْتُمْ..> دنباله اعتراف های کافران باشد. گفتنی است که صفت <کبیر> (برای <ضلال>) اشاره به شدت و نهایت گمراهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۲

۲ - گوش دل نسپردن به سخنان پیامبران و تعقل نکردن درباره آنها، عامل دوزخی شدن کافران

و قالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في أصحاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۱

۱ - اعتراف کافران در دوزخ به گناه و تقصیر خویش درباره دین

فاعترفوا بذنبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۱

۱ - ظالمان و منحرفان از حق، هیزم جهنم اند.

و أما القسطون فكانوا لجهنم حطباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۳ - ۴

۴ - > عن عقيل الخزاعي، أن أمير المؤمنين (ع) ... يقول: تعاهدوا الصَّيْلَةَ و حافظوا عليها و استكثرها منها و تقرَّبوا بها فإنَّها كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً و قد علم ذلك الكفار حين سُئِلوا ما سلَّكم في سقر؟ قالوا: لم نك من المصلين؛

از عقیل خزاعی روایت شده که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: .. مواظب نماز باشید و بر آن محافظت نمایید و انجام آن را افزون کنید و با نماز به [خدا] تقرَّب جویید. چون نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است؛ این را کافران نیز می دانند؛

آن زمان که از آنان سؤال شود: <چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟> گویند: ما از نماز گزاران نبودیم...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۴

۴ - کافران ، از هر گونه راحتی و آسایش در دوزخ محروم اند .

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلْسَلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا

از کیفیت عذاب شدن کافران ناسپاس (غل و زنجیر شدن آنان در دوزخ)، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - <عن أبي جعفر (ع) في قوله <فالسابقات سبقاً> يعني أرواح المؤمنين تسبق أرواحهم إلى الجنة... و أرواح الكافرين إلى النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر یکدیگر] سبقت می گیرند... و [نیز] ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۵

۵ - نامه عمل کافر ، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود .

و أمّا من أوتى كتبه وراء ظهره .. و يصلى سعيراً ... بل الذين كفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین کفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل باشند که با عنوان <من أوتى كتابه بيمينه> و <من أوتى كتابه وراء ظهره> از آنان یاد شد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۱،۶

۱ - کافران به اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک به آتش جهنم ، گرفتار خواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ

۶ - عذاب جهنم برای کافران ، جاودانه و پایان ناپذیر است .

فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ کافران ، مُلازمان آتش دوزخ و جاودان در آن

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا .. و أولئك اصحاب النار هم فيها خالدون

کافران در حضور محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱،۲،۴

۱- حضور برخی از کافران ، در مجلس پیامبر (ص) ، برای استماع وحی و سخنان آن حضرت

و منهم من يستمع إليك

ضمیر <منهم> به کافران بازمی گردد که در آیات پیشین نامشان به میان آمده است (والذین كفروا يتمتعون).

۲- فراهم بودن زمینه های حضور آزادانه کافران در مجلس پیامبر (ص) ، برای استماع وحی

و منهم من يستمع إليك حتى إذا خرجوا من عندك

۴- حضور کافران ، در مجلس پیامبر (ص) ، حضوری صوری با اهدافی توطئه آمیز *

و منهم من يستمع .. قالوا للذین أوتوا العلم ماذا قال آنفاً

خداوند در این آیه، حالت پرسشگری کافران (ماذا قال آنفاً) را مورد سرزنش و توبیخ قرار داده است. این توبیخ، از آن جهت بوده است که در پرسش آنان، نوعی توطئه و سعی در سست کردن ایمان دیگران، نهفته بود.

کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۴

۴ - همانندی منافقان با کافران ، از نظر چگونگی برخورد حکومت اسلامی و جامعه ایمانی با آنان

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

کافران در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۴

۴- کافران ، در دنیا هرگز به سختی و شدت آتش دوزخ و به بی یآوری خود در قیامت پی نخواهند برد .

لو يعلم الذین کفروا حین لایکفون عن وجوههم النار . . . و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حین> مفعولٌ به برای <یعلم> باشد. در این صورت پیام آیه چنین می شود: کاش آنان که کافر شدند، می دانستند و نمی دانند زمانی را که نمی توانند آتش را از چهره ها و... باز بدارند.

کافران در ظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۴،۱۱

۴ کافران گمراهگر، در چنان ظلماتی اسیرند که امیدی به رهایی آنان نیست.

کمن مثله فی الظلمت لیس بخارج منها

۱۱ کافران، از آن رو که در ظلمت و گمراهی هستند، کردار زشت خویش را زیبا می پندارند.

کمن مثله فی الظلمت . . . کذلک زین للکفرین

کافران در عالم برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۲

۲ - ادعای کافران در مورد زمان کوتاهی زمان توقف شان در برزخ ، ادعایی نادرست است .

و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا

غير ساعه كذلك كانوا يؤفكون

<كذلك> اشاره به خلاف واقع گویی کافران درباره مدت حضورشان در عالم برزخ دارد. لازم به ذکر است که پاسخ صاحبان علم و ایمان به کافران، درباره مدت حضور آنان در برزخ، قرینه صحت برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱

۱ - برخورداران از علم و ایمان ، در قیامت ، در مقابل اعلام نظر کافران درباره درنگ کوتاه مدت شان در برزخ ، اظهار می دارند که درنگ شان ، از روز مرگ تا برپایی قیامت بوده است .

و يوم تقوم الساعة .. ما لبثوا غير ساعه ... و قال الذين أوتوا العلم ... لقد لبث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۳

۳ - وضعیت کافران در قیامت ، آن چنان وخیم و تأسف بار خواهد بود که عالم قبر و برزخ را برای خود استراحت گاه خواهند دانست .

قالوا يويلنا من بعثنا من مردنا

<مردد> اسم مکان از <رقاد> (خواب) به معنای خواب گاه است. تعبیر کافران از قبرها به خوابگاه، می تواند به این جهت باشد که آنان، وضعیت خود را در قیامت آن چنان سخت می بینند که عالم برزخ و قبر را در مقایسه با آن، خوابگاه و محل استراحت خویش می خوانند.

کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۲

۲ ضربه و مصیبت وارده بر کافران در جنگ بدر ، دو برابر مصیبتی که بر پیکارگران

مؤمن در جنگ احد وارد شد .

اولما اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلها

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از <اصبتم مثلها> (دو چندان مصیبتی که دیدید، بر کافران وارد کردید) مصیبتی است که مؤمنان در پیکار بدر بر مشرکان تحمیل کردند. این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۱،۶

۱ استهزای کافران حاضر در پیکار بدر از سوی خداوند

إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح و إن تنتهوا فهو خير لكم

جمله <إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح> با توجه به شکست خفتبار مشرکان در پیکار بدر، بیانگر نوعی استهزا به مشرکان است.

۶ کافران شکست خورده در جنگ بدر ، مورد تهدید خداوند به چشیدن دوباره طعم شکست در صورت بازگشت به جنگ

و إن تعودوا نعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۳،۸

۳ مسلمانان در جنگ بدر در دامنه پست و کافران در دامنه بلند مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه الدنيا و هم بالعدوه القصوى

۸ انتخاب محل استقرار سپاه کفر و ایمان در آستانه جنگ بدر ، حتی با توافق طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلقتم فی الميعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۱

۱ خداوند به هنگام رویارویی و شروع جنگ بدر ، هر یک از دو سپاه ایمان و کفر را در نظر دیگری اندک نمایان ساخت .

و إذ يريكموهم إذالتقيتم في أعينكم قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۲،۳

۲ کفرپیشگان مکه با سرمستی و خودنمایی، از دیار مکه رهسپار منطقه بدر شدند.

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم بطرا

۳ اطمینان کفار مکه به پیروزی خویش هنگام خروج برای جنگ بدر

و لاتکونوا کالذین خرجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۵

۵ نیروی نظامی مؤمنان در جنگ بدر، نیرویی بس ضعیف و ناتوان در مقایسه با جبهه کفر

يقول المنفقون ... غر هؤلاء دينهم و من يتوكل على الله

بیان حمایت خداوند از مؤمنان در کارزار بدر با جمله <و من يتوكل ... > پس از بیان نظریه منافقان و بیماردلان (ضعف قوای نظامی مسلمانان) اندیشه آنان را تأیید می کند. یعنی اظهار نظر منافقان به حسب دید ظاهری صحیح است، ولی آنچه مورد غفلت واقع شده، تأثیر بسزای حمایت الهی از مؤمنان متوکل است. یعنی اگر حمایت الهی نباشد، همان است که منافقان اظهار می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۷

۷ کافران کشته شده در جنگ بدر، به عذاب سوزان برزخی گرفتار هستند.

و ذوقوا عذاب الحریق

کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۹

۹ - در قیامت ، راه نجاتی برای کافران به قرآن وجود نخواهد داشت .

ءامنوا بما أنزلت . . . واتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس

هدف از توصیف قیامت به اینکله: فدیة و عوضی گرفته نمی شود و . . . مأیوس

کردن مستحقان عذاب است از اینکه مبادا راه نجاتی برای خود - جز ایمان و ... - توهم کرده و به اعتبار آن دلخوش باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۹

۹ - خداوند در قیامت نظر رحمتی بر کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، نخواهد داشت .

و لاهم ينظرون

در برداشت فوق فعل مجهول <ينظرون> از (نظر) به معنای رؤیت گرفته شده است. بر این مبنا <ولاهم ينظرون> یعنی، نظر رحمتی به آنان نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۳

۳ در قیامت ، کافران از اعمال صالح خویش ، بهره ای نمی برند .

و اما الذين امنوا و عملوا الصالحات فيوفيهم اجرهم

چون پاداش الهی مشروط به توأم بودن ایمان و عمل صالح است، بنابراین عمل صالح بدون ایمان، پاداش الهی را در پی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۴

۴ رسوایی و وخامت حال بخیلان ، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذين يبخلون .. فكيف اذا جئنا من كل امة بشهيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱،۲،۳،۸،۱۱

۱ نیستی و نابودی ، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (ص) ، در قیامت

يومئذ يوذ الذين كفروا و عصوا الرسول لو تسوى بهم الارض

<لو> در <لو تسوی> به معنای لیت (ای کاش) است، و جمله <لو تسوی .. > کنایه

از هیچ و پوچ شدن است.

۲ شرمساری و رسوایی بی اندازه کافران به خدا و منکران معاد در قیامت

ماذا عليهم لو امنوا .. يومئذ يودّ الذين كفروا ... لو تسوّى بهم الارض

به دلیل آیات گذشته، مراد از کفر، کفر به خدا و معاد است.

۳ صحنه شهادت پیامبر (ص) در قیامت، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنا بك على هؤلاء شهيداً. يومئذ يودّ الذين كفروا ... لو تسوّى بهم الارض

<يومئذ> متعلق به <شهيداً> است. یعنی آن روز که پیامبر (ص) بر اعمال گواهی دهد.

۸ پشیمانی و تأسف شدید کافران در قیامت از کتمان کردن حقایق در دنیا

يومئذ يودّ الذين كفروا و عصوا الرسول .. و لا يكتمون الله حديثاً

بنابر اینکه <لا يكتمون> عطف بر جمله <تسوّى> باشد.

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت، از کتمان حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول .. و لا يكتمون الله حديثاً

مصدق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <كفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقانیت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۷

۱۷ کافران، در قیامت هیچ سلطه و یا حجتی علیه مؤمنان نخواهند داشت.

فالله يحكم بينكم يوم القيمة و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

برخی از مفسران به قرینه <فالله يحكم بينكم يوم القيمة>، معتقدند که نفی هرگونه سلطه از سوی کافران بر مؤمنان، مربوط به روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

خداوند در قیامت کافران ظالم را جز به راه جهنم هدایت نخواهد کرد .

و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم

در برداشت فوق ظرف و زمان هدایت در جمله <والیهدیهم .. > روز قیامت گرفته شده است ؛ یعنی خداوند در آن روز کافران را تنها به سوی جهنم رهنمون خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۸

۸ کافران با مشاهده مقام و جایگاه مؤمنان در قیامت به آن حسرت می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷،۸

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب .. و اینهم لکذبون

۸ کافران تکذیب کننده آیات الهی حتی در صورت بازگشت به دنیا ایمان نمی آورند.

فقالوا یلیتنا نرد .. و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ کافران در قیامت برای اثبات گفته های خویش مکرر سوگند می خورند.

و الله ربنا ما كنا مشرکین .. قالوا بلی و ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۴

۴ کافران در روز قیامت در خواهند یافت که فرجام نیک از آن مؤمنان است.

فسوف تعلمون من تكون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند در روز قیامت کافران را فرمان می دهد تا در آتش در آیند و به جمع دوزخیان پیوندند.

قال ادخلوا فی أمم .. فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۴

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر از سرانشان بر دوش ندارند.

فما کان لکم علینا من فضل

چون جمله <فما کان .. > نتیجه پاسخ خداوند است که فرمود <لکل ضعف و لکن ... > معلوم می شود هر دو گروه (سران و پیروان) از آن جمله می فهمند که به گناهی همسان گرفتار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۱،۴

۱ احزاب کفرپیشه و مستکبر دارای علامت و نشانهایی مخصوص به خود در قیامت

و نادى اصحاب الاعراف رجالا يعرفونهم بسیمهم

۴ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۷

۷ خداوند در روز قیامت کافران منکر قیامت را به فراموشی خواهد سپرد و اعتنایی به آنان نخواهد کرد .

فالیوم ننسیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ کافران به قرآن ، در قیامت ، اندیشه ها و باور های خودبافته و مخالف تعالیم دین را سرابی بر

باد رفته خواهند دید .

ضل عنهم ما كانوا يفترون

۱۳ کافران در قیامت هیچ اثری از معبودان دروغین خویش نخواهند یافت .

و ضل عنهم ما كانوا يفترون

با توجه به زمان نزول قرآن که مخالفان اسلام مشرکان و بت پرستان بودند و آنان معبودان دروغین خویش را منشأ اثر در سرنوشت انسانها می پنداشتند، می توان گفت از مصادیق مورد نظر برای <ما كانوا يفترون> معبودان ساختگی و دروغین کفرپیشگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۷

۷ مشرکان و کافران ، در روز قیامت حاضرند در صورت دارا بودن حتی دو برابر ثروت زمین ، آن را برای رهیدن از عذاب فدیة دهند .

والذین لم يستجیبوا له لو أن لهم ما فی الأرض جمیعاً و مثله معه لافتدوا به

<إفتداء> (مصدر افتدوا) به معنای بخشیدن چیزی است برای رها شدن و خلاصی یافتن از اسارت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲

۲- همه کافران به صورت دسته جمعی در پیشگاه خداوند حضور خواهند یافت .

و برزوا لله جمیعاً

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <برزوا> کافرانی باشد که در آیات قبل از آنان بحث شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۷

۱۷- < عن أبي جعفر (ع) فی قوله : < لیحملوا اوزارهم کامله یوم القیامه > یعنی لیستکملوا الکفر یوم القیامه > و من اوزار

الذین یضلّونهم بغير علم < یعنی کفر الذین یتولّونهم ;

از امام باقر(ع) روایت شده

است که در باره قول خدا <ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيامة > فرمود: مقصود این است که کفر خود را در قیامت کامل کنند و درباره <و من اوزار الذين يضلونهم بغير علم > فرمود: مقصود این است که کفر پیروان خویش را [بر دوش بگیرند].<..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- برخورداران از علم در روز قیامت ، ذلت کافران را در آن روز ، به آنان اعلام خواهند نمود .

قال الذين أوتوا العلم إن الخزي اليوم و السوء على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۹

۱۹- کافران در قیامت ، در دفاع از خود به دروغ گویی خواهند پرداخت .

ما كنا نعمل من سوء بلى إن الله عليم بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱۲

۱۲- کافران در روز قیامت ، هیچ راهی برای جلب رضایت خداوند نمی یابند .

ثم لا يؤذن للذين كفروا و لا هم يستعتبون

<إستيعاب > (مصدر يستعتبون) به معنای درخواست از بدی کننده برای بازگشت از بدکاری و جلب رضایت کسی که به او بدی شده است، می باشد. بنابراین معنای جمله <و لا هم يستعتبون > چنین خواهد بود: از آنان نخواهند که عذرخواهی کنند و یا کاری کنند که خدا از ایشان راضی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند

و حساب رسی کردار آنها است .

ثُمَّ يردّ إِلَى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۰ - ۱،۲

۱- خداوند ، جهنم را در صحنه قیامت بر کافران عرضه خواهد کرد .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضاً

۲- عرضه جهنم بر کافران در قیامت ، برای آنان صحنه ای دشوار و دهشت زا است .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضاً

<عرضاً> علاوه بر تأکید سخن به دلیل نکره بودن بر عظمت کار نیز دلالت دارد و عظمت عرضه جهنم، به هول انگیز بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۹

۹- کافران ، به رغم کار و تلاش در دنیا ، در روز قیامت و ملاقات پروردگار ، تهیدست و بی توشه اند .

الذین کفروا .. فحبطت أعمالهم فلانقیم لهم یوم القیمه وزناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۱

۱- کافران در قیامت و به هنگام حضور در پیشگاه خداوند ، شنوایی و بینایی اعجاب برانگیزی برخوردار خواهند بود .

أسمع بهم و أبصر یوم یأتوننا

<أسمع بهم> و <أبصر> صیغه های تعجب هستند، یعنی چقدر شنوا و بینا هستند!؟.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- کافران ، در روز رستاخیز در احاطه آتشی فراگیر بوده و از دفع آن از چهره و قفای خود ناتوان خواهند بود .

لو يعلم الذین کفروا حین لایکفون عن وجوههم النار و لا عن ظهورهم

جلد - نام سوره -

۱- کافران ، در روز رستاخیز به طور ناگهانی با آتش فراگیر روبه رو خواهند شد .

لَا يَكْفُونَ عَن وَجْهِهِمُ النَّارَ .. بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً

<بغت> به معنای امر ناگهانی و به دور از محاسبه و پیش بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- خیرگی و بهت زدگی کافران هنگام برپایی قیامت

و اقترَبَ الوعدَ الحقِّ فَاِذَا هِيَ شَخْصَةٌ اَبْصَرَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

<شخص> به معنای دوختن چشم به یک شیء، بدون تحرک است غالباً چنین حالتی برای افراد مبهوت پیش می آید.

۶- قیامت ، حادثه ای وحشت زا و دهشت آفرین برای کافران

و اقترَبَ الوعدَ الحقِّ فَاِذَا هِيَ شَخْصَةٌ اَبْصَرَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

خیره شدن دیدگان کافران و بهت زدگی آنان، ناشی از حوادث هولناک و دهشت آفرین قیامت است.

۸- اظهار حسرت کافران در قیامت ، به خاطر غفلت عمیق و پیوسته خویش از روز قیامت

يُوَلِّنَا قَدْ كُنَّا فِيْ غَفْلَةٍ مِّنْ هٰذَا

برداشت یاد شده از آمدن <فی> که برای ظرفیت است استفاده می شود. بدین صورت که غفلت، ظرف و انسانِ غافل، مطروف قرار گرفته است و این حکایت از غوطهور شدن و فرورفتن در عمق غفلت دارد.

۱۱- اعتراف کافران در قیامت ، به ظلم و ستم پیشگی خویش در دنیا

بَلْ كُنَّا ظٰلِمِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - کافران ، در روز رستاخیز به جای نیل به ثمره اعمال نیک خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

الذین کفروا أعملهم کسرآب بقیعه . . . حتی إذا جاءه لم یجدہ شیئاً و وجد اللہ ع

۱۲ - کافران ، به هنگام اطلاع از پوچی اعمالشان در قیامت ، به حقانیت خداوند پی خواهند برد .

و الذین کفروا أعملهم کسرآب بقیعه یحسبه الظمآن ماء حتی إذا جاءه لم یجدہ شیئاً و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۵

۵ قیامت ، روزی سخت و ناگوار بر کافران

و کان یوماً علی الکفرین عسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۱،۷،۸

۱ - کافرانی که در اغوای مسلمانان فعال بودند ، علاوه بر گناه خود ، گناهان فریب خوردگان شان را نیز در قیامت ، بر دوش خواهند کشید .

و قال الذین کفروا .. اتبعوا سیلنا ... و لیحملن أثقالهم و أثقالاً مع أثقالهم

۷ - بازخواست کافران ، در قیامت ، به خاطر تلاش همواره آنان در افترا زدن است .

و لیسئلنّ یوم القیمه عما کانوا یفترون

۸ - بازخواست کافران ، در قیامت ، بازخواستی ناخواسته و همراه با بی اعتنایی است .

و لیسئلنّ یوم القیمه عما کانوا یفترون

مجهول آورده شدن فعل <یُسئلنّ> که ضمیر نایب فاعلی آن، به <کافران> باز می گردد حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۳

۳ - صفوف مؤمنان ، در روز قیامت ، از صف کافران جدا می شود .

و یوم تقوم الساعه یومئذ یتفرّقون

در صورتی که مرجع ضمیر <یتفرّقون> واژه <الخلق>

در آیه یازده باشد و به قرینه دو آیه بعد که درباره وضعیت مؤمنان و کافران است نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصدّعون

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۲۸

۲ - پیامد های ناگوار کفر کافران ، در قیامت تنها ، متوجه خود آنان است .

یومئذ یصدّعون . من کفر فعلیه کفره

۸ - در قیامت ، صفوف کافران و مؤمنان ، از هم جدا می شود .

یومئذ یصدّعون . من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحًا ... یمهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۵۸، ۱۱

۵ - کافران ، زنده شدن خود را در قیامت ، معلول فاصله زیاد نداشتن مرگ شان تا روز قیامت می دانند . *

و یوم . . . یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

احتمال دارد قسم خوردن کافران بر طولانی نبودن حضورشان در برزخ و نیز جواب صاحبان علم و ایمان به آنان، برای طولانی بودن آن مدت، به خاطر ذکر این نکته باشد که کافران، با چنین ادعایی، در پی اثبات این امر باشند که بدن شان، هنوز آمادگی حیات داشته است.

۸ - کافران ،

در قیامت بهانه می آورند که در دنیا، فرصت لازم را برای ایمان آوردن نداشته اند . *

و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مکانی که کافران مجرم، از آن سخن می گویند، دنیا باشد و مرادشان از بیان چنین نکته ای، با ذکر قسم، به قرینه آیه پنجاه و هفت <فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم> عذرخواهی و یا بهانه تراشی باشد.

۱۱ - کافران ، در قیامت ، دروغ پردازی می کنند .

و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا .. کذلک کانوا یؤفکون

از جمله معنای <إفک>، انصراف از راستی در گفتار به دروغ گویی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱،۹

۱ - برخورداران از علم و ایمان ، در قیامت ، در مقابل اعلام نظر کافران درباره درنگ کوتاه مدت شان در برزخ ، اظهار می دارند که درنگ شان ، از روز مرگ تا برپایی قیامت بوده است .

و یوم تقوم الساعة .. ما لبثوا غیر ساعه ... و قال الذین أوتوا العلم ... لقد لبث

۹ - کافران ، در قیامت ، از سوی مؤمنان عالم ، سرزنش می شوند .

و قال الذین أوتوا العلم .. فهذا یوم البعث

<فاء> در <فهذا> فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقدر می کند که می تواند چنین باشد: <اگر شما، منکر قیامت بودید، این هم قیامت!> . <هذا> در این بیان طبق گفته مفسران برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مجازات کافران و بدکاران در قیامت ، همراه با آگاه شدن از جرم شان است .

إلینا مرجعهم فنتبئهم بما عملوا

۱۳ - کافران ، از تمامی اعمال دنیوی خویش ، در قیامت ، از سوی خداوند آگاه می شوند .

إلینا مرجعهم فنتبئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۷

۷ - کافران در قیامت ، وادار می شوند که در عذابی سخت ، وارد شوند .

نمتّعهم قليلاً ثم نضطرّهم إلى عذاب غليظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۳، ۷

۳ - ایمان کافران ، در قیامت ، ایمانی بی حاصل و غیر سودمند به حال آنان است .

يوم الفتح لا ينفع الذين كفروا إيمانهم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مراد از <يوم الفتح> روز قیامت است.

۷ - کافران در قیامت ، برای انجام دادن هیچ کاری ، فرصت نخواهند داشت .

يوم الفتح .. ولا هم ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱، ۲

۱ - در روز بی یار و یآوری کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لا يجدون ولياً .. يوم تقلّب وجوههم في النار

بنابراین که <یوم> ظرف برای <لایجدون> باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

۲- در روز قیامت، صورت های کافران، در آتش، بر اثر شدت حرارت، منقلب شده، به رنگ های گوناگون

در می آید .

یوم تقلّب وجوههم

احتمال دارد که <تقلّب> به معنای <از این رو به آن رو شدن> باشد و احتمال دارد که به معنای <تحول و تغییر حالت کیفی> باشد که گاهی سیاه و گاهی زرد و .. می شود. برداشت بالا، بنا بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۶

۶ - کافران ، با مشاهده عذاب الهی ، در قیامت ، به درگاه خداوند ، اظهار تضرّع می کنند .

و قالوا ربّنا

اقرار به ربوبیت خداوند با واژه <ربّنا> برای اظهار تضرّع است. لازم به ذکر است که این گفته، به قرینه ماضی آورده شدن <قالوا> در کنار <يقولون> احتمال دارد مربوط به زمانی باشد که کافران، هنوز وارد آتش نشده اند و تنها، آن را مشاهده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۲،۳

۲ - کافرانِ پیرو در قیامت ، به ربوبیت خداوند اعتراف می کنند .

و قالوا .. ربّنا

۳ - کافران در قیامت ، در می یابند که منشأ عذاب ، خداوند است .

ربّنا ءاتهم ضعفین من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - کافران به قرآن ، در قیامت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

و قال الذين كفروا لن تؤمن بهذا القرآن .. و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ - اظهار پشیمانی مستکبران

و مستضعفان کافر در قیامت ، با مشاهده عذاب

و أسرّوا الندامه لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ

<أسرّ> از لغت هایی است که معنای متضاد دارد (مفردات راغب) و به معنای آشکار کردن و پنهان کردن است که آنان پشیمانی خود را اظهار خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۲،۳،۴

۲ - وضعیت کافران در روز رستاخیز ، بسیار تأسف بار و حسرت آور خواهد بود .

قالوا یویلنا

۳ - وضعیت کافران در قیامت ، آن چنان وخیم و تأسف بار خواهد بود که عالم قبر و برزخ را برای خود استراحت گاه خواهند دانست .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

<مرقد> اسم مکان از <رقاد> (خواب) به معنای خواب گاه است. تعبیر کافران از قبرها به خوابگاه، می تواند به این جهت باشد که آنان، وضعیت خود را در قیامت آن چنان سخت می بینند که عالم برزخ و قبر را در مقایسه با آن، خوابگاه و محل استراحت خویش می خوانند.

۴ - کافران در قیامت ، از زنده شدن و بیرون آمدن شان از قبرها ، بسیار شگفت زده خواهند شد .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام (من) در آیه شریفه، برای تعجب استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۱

۱ - جهنم ، در روز رستاخیز از نزدیک به کافران و مجرمان نشان داده خواهد شد .

هذه جهنم الّتی کنتم توعدون

<هذه> که به شیء نزدیک اشاره دارد می رساند که جهنم در نزدیکی کافران

و مجرمان قرار داشته و به آنان نشان داده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - در قیامت بر دهان کافران مهر زده شده و آنان از هر گونه سخن گفتن ناتوان خواهند شد .

اليوم نختم علی أفوههم

مقصود از مهر خوردن دهان کافران، ناتوان شدن آنان از هر گونه سخن گفتن است.

۲ - کافران در قیامت ، از هر گونه دفاع از خود در برابر محکومیتشان به دوزخ ، ناتوان خواهند بود .

هذه جهنم الّتی کنتم توعدون .. الیوم نختم علی أفوههم

مهر خوردن دهان کافران، به قرینه آیه قبل که سخن از محکومیت آنان به دوزخی شدن می تواند کنایه از ناتوانی آنان در دفاع از خود، در برابر دوزخی شدن خویش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - کافران ، در ناگوارترین وضعیت و محکوم به آتش دوزخ در روز رستاخیز

فویل للذین کفروا من النار

کلمه <ویل> دلالت بر شدت بدی احوال می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۳

۳ - مشرکان و کافران در عرصه قیامت ، سرمایه عمر خود را تباه شده می بینند و خویش را از حمایت خانواده شان ، محروم می یابند .

قل إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

مقصود از <أنفس> سرمایه های عمر و مراد از <أهل> خانواده می باشد. بر این اساس خسارت نفس، به معنای تباه ساختن

و بهره کافی نگرفتن از سرمایه عمر است. خسارت

اهل نیز به معنای از کف دادن حمایت خانواده و بهره نجستن از آنان می باشد. گفتنی است برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه شریفه کافران و مشرکان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۱،۳

۱ - ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أَوْ تَقُولُ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

۳ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران ، به حال تقوایبندگان در قیامت

أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۵،۶

۵ - ظهور ارزش احسان ، برای کافران و گنه کاران در قیامت

لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

۶ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران به حال محسنان در قیامت

لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۳،۱۹

۳ - وجود فاصله میان موقف کافران ، در محشر و دوزخ

و سِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا

<سوق> (مصدر <سِيقَ>) به معنای راندن و تحریک کردن به رفتن است. آمدن این واژه با حرف <إِلی>، نشانگر وجود مسیری برای سوق دادن و راندن دوزخیان به سوی مقصدی است.

۱۹ - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی است .

و لكن حَقَّتْ كلمه العذاب على الكافرين

<حَقَّ> به معنای <ثَبَّتَ> و <وَجَبَ> (ثابت و واجب شد) است و <كلمه> در آیه شریفه

به معنای وعده و یا فرمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۱

۱ - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

و كذلك حَقَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ عَلَی الذِّینِ کَفَرُوا

<حق> یعنی، <ثَبَّتَتْ> و <وَجَبَتْ> (ثابت و واجب شد) است. و مراد از کلمه در <کلمه رَبِّکَ> وعده فرمان عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۳

۳ - عذرخواهی کافران و مشرکان ستیزه جو در قیامت ، پذیرفته نشده و سودی به حال آنان نخواهد داشت .

یوم لا ینفع الظلمین معذرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۲،۳،۱

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین یجدلون .. إذ الأغلل فی أعنقهم

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه ای منظم از نظر طول است یعنی، زنجیر. <سحب> (مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف يعلمون . إذ الأغلل فى أعنقهم و السلسل يسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلل .. > متعلق به <يعلمون > می باشد. <يسحبون > نیز حال از ضمیر <هم > در <فى أعناقهم >

است، یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد.

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۲

۲ - کشف و ظهور ربوبیت بی همتای الهی در قیامت، برای کافران

و قال الذین کفروا ربّنا

از اقرار کافران به ربوبیت الهی (ربّنا)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۶

۱۶ - آگاهی قطعی کافران به وسیله خداوند، از مجموعه عملکرد ناشایست خویش در قیامت

فلننبئن الذین کفروا بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۴

۴ - امکانات مادی کافران مستکبر، فاقد کمترین کارایی و گره گشایی برای ایشان در روز جزا

ولا یغنی عنهم ما کسبوا شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آشکار گشتن زشتی های اعمال کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سیئات ما عملوا

۲ - تجسم اعمال زشت کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سیئات ما عملوا

اضافه <سیئات> به <ما عملوا> ممکن است اضافه بیانیه باشد. در آن صورت می توان گفت:

آشکار گشتن اعمال به معنای تجسم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۴ - ۲،۳،۶

۲ - کافران ، محروم از کمترین لطف و عنایت خداوند در قیامت

و قيل اليوم ننسيكم

۳ - محرومیت کافران در قیامت از لطف و توجه حق ، نتیجه بی توجهی آنان به معاد است .

و قيل اليوم ننسيكم كما نسيتم لقاء يومكم هذا

برداشت بالا، بر این مبنا است که <کما> در <کما نسيتم> برای تعلیل باشد.

۶ - آتش ، تنها پناهگاه و گریزگاه کافران در قیامت

و مأویکم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۲،۳،۸

۲- روز قیامت ، روز عرضه شدن کافران بر آتش دوزخ

و يوم يعرض الذين كفروا على النار

۳- آتش جهنم ، مهیای پذیرش کافران در رستاخیز *

و يوم يعرض الذين كفروا على النار

از واژه <يعرض>، نوعی تقاضا و آمادگی، از طرف مقابل استفاده می شود.

۸- کافران ، چشنده عذاب الهی در قیامت ، پس از اقرارشان به مجرمیت خویش

أليس هذا بالحقّ قالوا بلى و ربّنا قال فذوقوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳- مجال زندگی دنیا و عالم برزخ ، درنگی کوتاه در نظر کافران حضور یافته در صحنه قیامت

كأنهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلا ساعة من نهار

با توجه به این که آنچه کافران در قیامت پشت سر خود می بینند زندگی دنیا و عالم برزخ است ؛ <لم يلبثوا> می تواند ناظر به هر دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ اعمال به ظاهر نیک کافران دین ستیز ، محکوم به پوچی و بطلان در آخرت *

الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله أضلّ أعمالهم

<أضلّ> ممکن است مربوط به جهان آخرت باشد و مراد از <أعمالهم>، کردار به ظاهر نیک کافران در حیات دنیا باشد که در آخرت حبط خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدار ها و انداز های الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ شیطان مسلط بر فرد کافر ، همراه با او تا لحظه حضور در دادگاه قیامت *

و قال قرینه هذا ما لدیّ عتید

برداشت بالا بنابر این نکته است که مراد از <قرین> در این آیه <شیطان> باشد که بر منکران معاد تسلط دارد و آنان را آن گونه که می خواهد منحرف ساخته و تا دادگاه قیامت وی را همراهی می کند و در آن جا به مخاصمه با او برمی خیزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ تلاش کافران در قیامت ، برای افکندن جرم خود برعهده دیگران (شیطان)

قال قرینه ربّنا ما أظغیته

از این که قرین مشرکان و کافران (شیطان) در مقام نفی مسؤولیت از خویش بر آمده، استفاده می شود که قبلاً این اتّهام، از

سوی مشرکان بر وی وارد شده است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۱

۱ - قیامت ، روز گداخته شدن کافران در آتش دوزخ

یوم هم علی النار یفتنون

<فتنه> در اصل به عمل گداختن طلا و نقره در آتش برای خالص شدن خوب از بد گفته می شود. در این جا مقصود بیان شدت عذاب کافران است و این که آنان چونان طلا و نقره در آتش دوزخ گداخته خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۴

۴ - نبودن کمترین یاور و شفیع ، برای کافران در قیامت

ولا هم ینصرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <یوم لا-یعنی...> نظر به قیامت داشته باشد. در این صورت تعبیر <ولا هم ینصرون> حکایت از نفی شفیع می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۴

۴ - قیامت ، روز فراخوانی کافران هواپرست به فرجامی بس ناخوشایند برای ایشان

یوم یدع الداع إلی شیء نکر

<نکر> به امر سخت ناخوشایند و مشقت بار گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۱

۱ - آثار ذلت و نگرانی ، نمایان در چشم کافران ، به هنگام خروج از قبر ها در رستاخیز

خَشَّأً أَبْصَرَهُمْ یَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۳

۳ - قیامت ، روزی دشوار برای کافران

يقول الكفرون هذا يوم عسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۸

۳ - قیامت ، قرارگاه اصلی برای مؤاخذه و مجازات کافران

سیهزم الجمع . . . و الساعه أدهی و أمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۲

۲ - کافران و مستکبران ، مردمی زیون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعة . . . خافضه رافعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۵

۵ - خداوند ، در روز قیامت تمامی اعمال کافران را به آنان خبر خواهد داد .

فیتبئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۵

۵ - قیامت ، روز ظهور و بروز غبن و خسارت کافران

ذلك يوم التغابن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۳

۳ - توبه کافران در قیامت پذیرفته نمی شود .

لا تعذبوا اليوم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که اعتذار کافران، در حقیقت برای اظهار پشیمانی و توبه است که پذیرفتنی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۲،۳

۲ - ناراحتی و اضطراب شدید کافران و منکران معاد ، در لحظه دیدن عذاب قیامت

فلما رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

زشت و کریه شدن کافران، به هنگام مشاهده قیامت، بیانگر ناراحتی و اضطراب شدید آنان در آن هنگام است.

۳ - سرزنش شدن کافران و منکران معاد ، به هنگام برپایی قیامت

وقیل هذا

الذی کنتم به تدعون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که عبارت <وقیل هذا الذی..> به انگیزه توییح به کافران گفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۳

۳ - کافران و مشرکان در عرصه قیامت به سجده فرا خوانده می شوند و ولی آنان از این کار ناتوان اند .

و یدعون إلى السجود فلا يستطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۱،۲

۱ - ظهور و بروز ذلت و ترس ، در دیدگان کافران و مشرکان در عرصه قیامت

خشعه أبصرهم

۲ - ذلت و خواری ، تمامی وجود کافران و مشرکان را در قیامت فرا می گیرد .

ترهقهم ذله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۲،۴،۵

۲ - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتی کتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه

۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

۴ - کافران دوزخی ، از عرضه شدن نامه اعمالشان اظهار ناخوردگی می کنند .

فیقول یلینتی لم أوت کتبه

۵ - ناراحتی و اندوه شدید کافران دوزخی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول یلیتنی لم أوت کتبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۱،۲،۳

۱ - کافران دوزخی ،

از آگاه شدنشان نسبت به حساب و محتوای پرونده اعمال خود اظهار ناخرسندی می کنند .

فیقول یلیتنی . . . و لم أدر ما حسابیه

۲ - کافران دوزخی ، پس از دریافت نامه اعمال خود ، از محتوا و حکم نهایی آن درباره خویش آگاه خواهند شد .

و لم أدر ما حسابیه

۳ - حساب و نتیجه اعمال کافران دوزخی ، در نامه اعمالشان درج شده و روشن است .

و لم أدر ما حسابیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - کافران دوزخی در قیامت ، از زنده شدن مجدد خود به شدت ناخرسند بوده و آرزوی مرگ می کنند .

یلیتها کانت القاضیه

مرجع ضمیر <یالیتهما> امری مقدر است که از سیاق آیه شریفه به دست می آید (مانند <الموته>). <قاضیه> نیز به معنای <قاطعته> است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: ای کاش مرگ نخستین پایان بخش حیاتم می بود و دیگر بار زنده نمی شدم!

۲ - کافران دوزخی در قیامت ، دارای وضعیت و شرایطی بسیار سخت و غیر قابل تحمل

یلیتها کانت القاضیه

تقاضای مرگ ابدی از سوی کسانی که در دنیا به شدت از آن گریزان بودند، حکایت از این حقیقت دارد که وضعیت و شرایط قیامت، آن قدر بر کافران دوزخی سخت و غیر قابل تحمل خواهد بود که مرگ ابدی را بر آن ترجیح می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۸ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از اموال و ثروت خویش

و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

ما أغنی عَنّی مالیه

لحن و سیاق این آیه، می رساند که کافران این سخن را، از روی تأسف و حسرت به زبان می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از قدرت و توانمندی خویش و ذخیره نکردن آن برای

سعادت اخروی

هلک عَنّی سلطینیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۰ - ۱،۲،۴

۱ - فرمان دستگیری کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

ما أغنی عَنّی مالیه .. خذوه

۲ - فرمان به غل و زنجیر کشیدن کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

فغْلوه

۴ - خَفَّت و خواری کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

خذوه فغْلوه

دستگیری و به غل و زنجیر کشیدن کافران با آن که هیچ راه گریزی از عذاب الهی ندارد می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور در قیامت ، به وسیله آتش پرحرارت و شعله‌ور سوازنده خواهند شد .

ثمّ الجحيم صلّوه

<جحيم> (از ماده <جحه>) به معنای آتش شعلهور و پرحرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۲ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور در دوزخ ، در زنجیری بلند به طول هفتاد ذراع به بند کشیده خواهند شد .

ثمّ

فی سلسله ذرعها سبعون ذراعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) ، محروم از حمایت نزدیکان و دوستانِ دلسوز در قیامت

فلیس له الیوم ههنا حمیم

<حمیم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۱،۳

۱ - کافران در روز قیامت ، پشیمان از مواضع انکارآمیز گذشته خویش در برابر قرآن

و إِنَّه لَحَسْرَه عَلَی الْکَافِرِینَ

۳ - احساس خسارت و زیانباری کافران در قیامت ، به سبب بهره نگرفتن از تعالیم قرآن در زندگی

و إِنَّه لَحَسْرَه عَلَی الْکَافِرِینَ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <حسرت> به معنای اندوه برای آنچه از دست رفته است، می باشد (لسان العرب). این در جایی است که انسان از آن چیز، بهره لازم نبرده و نسبت به آن احساس خسارت کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۵

۵ - هیچ پناهگاه و راه گریزی از سختی ها و اندوه های روز محشر برای کافران نیست .

فَکَیْفَ تَتَّقُونَ إِنْ کَفَرْتُمْ یَوْمًا یَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِیْبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - کافران ، به روز رستاخیز در شرایطی بسیار سخت و ناگوار بسر خواهند برد .

یوم عسیر . علی الکفرین

۲ - لحظه ای آسودگی و راحتی برای

کافران ، در قیامت نخواهد بود .

علی الکفرین غیر یسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - کافران در روز قیامت ، در آرزوی گریختن از صحنه محشر خواهند بود .

يقول الإنسن يومئذ أين المفرّ

<مفرّ> (مصدر میمی از <فرّ>) به معنای گریختن و استفهام در <أین المفرّ> برای <تمنّی> است. مقصود از <الإنسان> به قرینه <أیحسب الإنسان...> کافران اند.

۲ - قیامت ، روزی بس ناگوار و هولناک برای کافران

يقول الإنسن يومئذ أين المفرّ

فرار کافران، نشانه وجود صحنه های هولناک و شرایط دشوار در عرصه قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - در عرصه قیامت ، هیچ راه فرار از نگرانی ها و سختی ها ، برای کافران وجود ندارد .

يقول الإنسن يومئذ أين المفرّ . کلاً

۲ - در عرصه قیامت ، هیچ ملجأ و پناهگاهی برای کافران نخواهد داشت .

لاوزر

<وزر> به معنای ملجأ و پناهگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - کافران در روز قیامت ، برای اعمال ناپسند خود عذر خواهند آورد .

و لو ألقى معاذيره

۳ - بی نتیجه بودن توجیه و عذر تراشی انسان ها ، نسبت به رفتار خویش در قیامت

و لو ألقى معاذيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۴ - ۱

۱ - کافران ، دارای چهره ای گرفته و عبوس در قیامت

و وجوه یومئذ باسره

<بسر> (مصدر <باسره>) به معنای گرفتگی چهره است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۵ - ۱،۲

۱ - علم و باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت ، به روبه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن يفعل بها فاقره

<فاقره> به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). <ظنّ> به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه مطابق نظر بیشتر مفسران معنای اخیر مراد است.

۲ - کافران در قیامت ، دچار مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن يفعل بها فاقره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۶

۶ - گناه پیشگان و کافران ، در قیامت با سختی ها و مشکلات سنگین و طاقت فرسا روبه رو خواهند شد .

و یذرون وراءهم یومًا ثقیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۳

۳ - با وقوع معاد در آینده ای نزدیک ، حقایق برای کافران کشف شده و اختلاف آنان درباره حوادث پس از مرگ ، برطرف خواهد شد .

الذی هم فیه مختلون .. ثم کلاً سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۷، ۱۶، ۱۳

۱۳ - کافران در قیامت با مشاهده کردار خویش ، عذاب خود را حتمی خواهند دانست .

عذاباً قریباً یوم ینظر المرء ما قدّم یداه و یقول الکافر یلینی کنت ترّباً

از آن جایی که کافران با نگاه به اعمال خویش، آرزوی خاک بودن می کنند، می توان پی برد که آنان، گرفتاری

به عذاب را بر خود قطعی دیده اند.

۱۶ - کافران در قیامت ، به پستی خود و شرافت خاک بر آنان ، پی خواهند برد .

و يقول الكافر يلبتني كنت ترابًا

۱۷ - کافران در قیامت ، حیات اخروی را سرآغاز سختی ها دیده و باقی ماندن به صورت خاک را آرزو خواهند کرد .

یلبتني كنت ترابًا

آرزوی خاک بودن، ممکن است به این معنا باشد که کاش دوباره زنده نشده بودم و به همان حالت پس از مرگ که خاک شده بودم باقی می ماندم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۶

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه ... و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أولئك هم الكفرة الفجرة) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۱

۱ - کسانی در قیامت روسیاه و تیره رخسارند که کفرپیشه و منحرف بوده و بی باکانه در گناه پیش رفته اند .

أولئك هم الكفرة الفجرة

فعل <فجر>، در مورد کسی گفته می شود که سر خود را پایین انداخته و بی مبالا پیش می رود؛ <فجور> در اصل به معنای انحراف از حق است و در معنای تاختن به سوی کارهای غیرمجاز نیز استعمال می شود. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۴ - ۲،۴،۹

در دنیا از کافران دیده اند ، با آنان رفتار خواهند کرد .

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ .. فاليوم الذين ءامنوا من الكفّار

۴ - استهزا شدن از سوی مؤمنان در قیامت ، برای کافران دشوار و رنج آور خواهد بود .

فاليوم الذين ءامنوا من الكفّار يضحكون

۹ - در قیامت ، مؤمنان و کافران از حال هم آگاه شده ، رفتار یکدیگر را مشاهده خواهند کرد .

فاليوم الذين ءامنوا من الكفّار يضحكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۵ - ۱

۱ - مؤمنان ، در حالی کافران حاضر در صحنه قیامت را مسخره می کنند که خود بر تخت های تزیین یافته ، لمیده و ناظر کیفر کافران اند .

على الأرائك ينظرون

<أریکه> (مفرد <أرائك>) به تخت تزیین یافته ای گفته می شود که در خیمه یا خانه ای نهاده شده باشد. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب اطلاق می شود (قاموس). متعلق <ینظرون> به قرینه آیات قبل و بعد وضعیت کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۶ - ۱،۲،۳

۱ - عذاب های کافران در قیامت ، کیفر مداومت آنان بر کردار زشت خویش در دنیا است .

هل ثوب الكفّار ما كانوا يفعلون

<ثواب>؛ یعنی، جزا و <ثویب> به معنای جزا دادن است (قاموس). فعل <كانوا> که بر مضارع داخل شده است بر استمرار دلالت دارد.

۲ - بی پاسخ نماندن تمسخر های کافران و گرفتاری آنان به نتایج کردار

خویش ، امری طرفه و جالب توجه است .

هل توب الكفار ما كانوا يفعلون

استفهام در آیه شریفه برای تقریر و تعجیب است؛ یعنی، کافران چنین حالتی را گمان نداشته و پیش بینی نمی کردند.

۳ - کافران در قیامت ، مورد تمسخر خداوند قرار خواهند گرفت . *

هل توب

<ثواب> در مورد خیر و شرّ هر دو کاربرد دارد؛ ولی به خیر و خوبی اختصاص بیشتری دارد و در آن فراوان تر استعمال می شود (نهایه ابن اثیر). بنابراین ممکن است گفته شود: تعبیر <توب> که در قرآن تنها در مورد امر ناخوشایند استعمال شده (مفردات) بیانگر آن است که خداوند، کیفر کافران را از روی تمسخر پاداش نامیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۲

۲ - حسابرسی اعمال در قیامت برای کافران ، از حضور در پیشگاه خداوند دشوارتر است .

ثم إنّ علينا حسابهم

حرف <ثم>، بر تراخی رتبی دلالت دارد و بیانگر آن است که مرحله حسابرسی، سخت تر از مرحله رجوع به خداوند است؛ هر چند هر دو هم زمان باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴،۵

۴ - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحاب المشئمه

<سمت چپ و راست> در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل

خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین> و <اصحاب الیمینه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمه> نام گرفته اند.

۵ - جایگاه مؤمنان در آخرت ، نشانه عزّت و کرامت آنان و جایگاه کافران ، پست و ذلّت آفرین است .

هم أصحاب المشئمه

راست و چپ، کنایه از عظمت و پستی جایگاه است؛ زیرا در جوامع انسانی، مرسوم است که سمت راست، نشانه کرامت و سمت چپ رمز شوم بودن است؛ و گرنه راست و چپ حقیقی، وابسته به اعتبارات و با در نظر گرفتن مرکزیتی خاص است که در این آیات، از آن سخنی به میان نیامده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۷، ۱۵، ۱۳، ۱۲

۱۲ جایگاه بلند مؤمنان تقوا پیشه نسبت به کافران ، در روز قیامت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

۱۳ قیامت ، روز ظهور برتری تقوای پیشگان بر کافران و روز ظهور ارزش های حقیقی

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

چون برتری مؤمنان تقوای پیشه در دنیا نیز حتمی است؛ بنابراین <یوم القیمه>، ظرف ظهور این برتری خواهد بود.

۱۵ جایگاه پست دنیاپرستان و کافران در آخرت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

۱۷ وعده الهی به مؤمنان نسبت به برتری آنان در قیامت ، عامل تسلّی و مقاومت آنان در برابر استهزای کافران

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

به نظر می رسد جمله <و الذین اتقوا...>، پس از عنوان کردن تمسخر تقوای پیشگان از سوی کافران، به منظور تسلّی آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۵،۶

۱ کسی که در حال کفر بمیرد ، اگر به اندازه تمامی زمین برای رهایی خود طلا فدیة دهد ، پذیرفته نخواهد شد .

انّ الذین کفروا .. و لو افتدی به

۵ ایمان ، ارزشی فراتر از سنجش و مقایسه با تمامی مادیات

انّ الذین کفروا .. فلن یقبل من احدهم ملء الارض ذهباً

۶ کافران ، محروم از هر گونه یار و یاور در قیامت

و ما لهم من ناصرین

کافران در محضر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲

۲- همه کافران به صورت دسته جمعی در پیشگاه خداوند حضور خواهند یافت .

و برزوا لله جمیعاً

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <برزوا> کافرانی باشد که در آیات قبل از آنان بحث شده است.

کافران در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۸

۸ - شهر مکه ، حتی برای کافران نیز باید جایگاهی امن باشد .

رب اجعل هذا بلداً آمناً و ارزق .. من ءامن منهم باللّٰه و الیوم الآخر

از اینکه ابراهیم(ع) دومین دعای خویش^۲ یعنی، اعطای ثمرات را به مؤمنان اختصاص داد، ولی امنیت شهر مکه را به طور

مطلق آورد، می توان به این نتیجه رسید که: آن حضرت امنیت مکه را برای همگان حتی برای کافران خواسته بود.

کافران دنیاطلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۶ - ۱

۱ کافران دنیاطلب و دل بسته به جلوه های

آن ، در آخرت بهره ای جز آتش دوزخ نخواهند داشت .

من كان يريد الحيوه الدنيا و زينتها .. أولئك الذين ليس لهم في الآخرة إلا ال

كافران دوران آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۳

۱۳ - وجود کافرانی غیر از ابلیس ، در زمان تمردش از فرمان خدا *

و كان من الكافرين

کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۵

۵ - برخی از مردم عصر پیامبر (ص) در مرحله ای از کفر بودند که انذار های پیامبر (ص) در آنان تأثیری نمی بخشید .

إن الذين كفروا سواء عليهم ءأندرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون

برخی برآنند که مراد از <الذين كفروا> گروهی از کفرپیشگان مکه است؛ یعنی آیه شریفه بیان یک قضیه خارجی است و حکایت از آن ندارد که در کافر زمینه ایمان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۶ - ۱،۲

۱ کافران صدر اسلام ، برخوردار از شوکت ظاهری و بهره های دنیوی

لا یغزینک تقلب الذین کفروا فی البلاد

۲ کافران عصر بعثت ، بهره مند از سود های فراوان تجاری و نفوذ سیاسی ، بر اثر گشت و گذار در شهر ها و سرزمین های مختلف

لا یغزینک تقلب الذین کفروا فی البلاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ بیشتر کفرپیشگان عصر بعثت احکام رایج درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حام

، را احکامی الهی می پنداشتند .

ما جعل الله من بحيره .. يفترون على الله الكذب و اكثرهم لا يعقلون

۱۳ تنها اندکی از کفرپیشگان عصر بعثت علی رغم طرفداری از احکام رایج درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی آگاه به بدعت بودن آن احکام و نبود آنها در ادیان الهی

و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب و اكثرهم لا يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱۹

۱۹ کافران عصر بعثت ، وارثان مردمی نادان و گمراه

قالوا حسبنا .. او لو كان ءاباؤهم لا يعلمون شيئاً و لايهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۱

۱ رویگردانی از هر آیت خداوند، شیوه کافران عصر بعثت

و ما تأتیهم من ءایه من ءایت ربهم إلا كانوا عنها معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۱

۱۱ نوید خداوند به ظهور و پیشرفت و پیروزی قریب الوقوع اسلام و پیامبر(ص)، علم رغم استهزای کافران صدر اسلام

فسوف تأتیهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مراد از <یأتیهم أنبؤا ما كانوا>، می تواند تحقق اموری مانند پیروزی اسلام باشد که کفار آن را به مسخره گرفته و تکذیب می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۲،۴

۲ گریز کفرپیشگان بهانه جواز ایمان به پیامبر(ص)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

و لو أنزلنا ملكاً لقضى الأمر ثم لا ينظرون

حرف <لو> غالباً در مواردی به کار گرفته می شود

که شرط، امری غیر عملی باشد.

۴ کفرپیشگان حتی با نزول کتابی ملموس بر پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو نزلنا علیک کتابا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال . . و قالوا لو لا أنزل علیه م

بر اساس این احتمال که <قالوا> بر جواب <لو> در آیه قبل عطف شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۳

۳ گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر(ص)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

و لو جعلناه ملکا لجعلناه رجلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۵

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا علیک کتابا فی قرطاس فلمسوه . . و لقد استهزیء برسئل من قبلک

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جویبها و توقعات بیجای کافران چنین می نماید

که همین بهانه جویبها، از مصادیق استهزاگری کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۴ - ۱

۱ کفرپیشگان عصر بعثت، پیامبر(ص) را به سبب دعوت به توحید و معاد، فردی مجنون می پنداشتند .

أو لم یفکروا ما بصاحبهم من جنه

<جنه> به معنای دیوانگی است. به دلیل آیات بعد که مسأله قیامت و توحید مطرح شده است، می توان گفت این دو مسأله

در بین معارف الهی بیشترین نقش را در متهم کردن پیامبر(ص) به جنون داشته است.

جلد - نام

۱ خداوند ، کافران ستیزه گر عصر بعثت را به ترک مبارزه علیه اسلام و مسلمانان فراخواند .

قل للذین کفروا إن ینتھوا یغفر لهم

انتھاء به معنای پذیرش نھی است ؛ یعنی انجام ندادن کاری بر اثر نھی شدن از آن. بنابراین با توجه به اینکه متعلق <ینتھوا> شرارتهای کافران علیه مسلمانان است، جمله <ان ینتھوا> دلالت می کند که خداوند کافران را از تعرض به مسلمانان نھی کرده است.

۲ به کافران ستیزه گر عصر بعثت ابلاغ شد در صورت ترک مخاصمه علیه اسلام ، از خطاهای گذشته آنها چشمپوشی خواهد شد .

قل للذین کفروا إن ینتھوا یغفر لهم ما قد سلف

درباره متعلق <ان ینتھوا> دو نظر ابراز شده است: یکی کفر و دیگری اعمالی که در آیه ۳۶ مطرح شد ؛ یعنی سرمایه گذاریها و شرارتهای علیه اسلام. جمله <ان یعودوا> نظر دوم را تقویت می کند. گفتنی است بر این مبنا مراد از <یغفر لهم ... > انتقام نگرفتن از شرارتهای گذشته کافران است.

۷ خداوند ، کافران عصر بعثت را در صورت از سرگیری شرارت ها به سرکوبی و نابودی تهدید کرد .

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

۸ پیامبر (ص) از جانب خداوند مأموریت یافت تا سنت الهی را در سرکوبی حق ستیزان به کافران عصر خویش ابلاغ کند .

قل للذین کفروا .. و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

عصر بعثت ، همواره در تلاش برای بازداشتن مردم از پیوستن به راه خدا

و یصدون عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۳

۳ وجود منافقان و کافرانی نیرومندتر از منافقان و کافران عصر پیامبر (ص) در میان امت های پیشین

کانوا أشد منکم قوه و أكثر أموالاً و أولاداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۱

۱ - تحریم گوش فرادادن به قرآن ، از سوی کافران عصر پیامبر (ص)

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۷

۷ - وجود عناصری غیر معاند با مسلمانان ، در میان کافران عصر پیامبر

لا ینهیکم الله عن الذین لم یقتلوکم فی الدین

کافران صدر اسلام و توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۲

۲ کافران خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقایق رسالت پیامبر (ص) و پذیرش توحید

و یقول الذین کفروا لولا أنزل علیہ ءایه من ربه

جمله <إن الله یضل من یشاء و یرحم من یرحم...> قرینه بر این است که کافران مشاهده معجزه از پیامبر(ص) را برای هدایت شدن و

پذیرش رسالت پیامبر(ص) که سرلوحه آن توحید است می خواستند ؛ یعنی، می گفتند: اگر معجزه ای ارائه کنی، رسالت تو را می پذیریم و به توحید می گرویم.

کافران صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۱،۲

۱ کافران صدر اسلام، مردم را از گوش فرادادن به قرآن نهی می کردند.

و هم ینهون عنه

۲ پرهیز کافران مکه در صدر اسلام از گوش فرادادن به قرآن و سخنان آسمانی پیامبر(ص)

و ینئون عنه

<نَأَى> به معنی دور شدن است و <ینئون عنه> یعنی مشرکان از قرآن و وحی دوری می گزینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۴

۴ مشرکان و کافران عصر بعثت، به والایی آیات قرآنی و محتوای بلند آن اعتراف داشتند.

و ليقولوا درست

زیرا اگر آیات در نظر مشرکان کم اهمیت بود، برای رد آیات به کم اهمیتی آن اشاره می کردند و نه به فراگیری آن از دیگران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵ - ۶

۶ کافران، در عصر بعثت منکر هر گونه نوآوری در قرآن بودند.

و قالوا أسطیرا الأولین اکتبها فهی تملی علیه بکره و أصیلاً

این که کافران، قرآن را افسانه های پیشینیان می شمردند، حاکی از آن است که آنان نه تنها منکر اصالت قرآن بودند بلکه آن را فاقد هر گونه نوآوری نیز می دانستند.

کافران صدر اسلام و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - کافران عصر بعثت ، از محتوای کتاب های آسمانی پیشین آگاه بودند .

أولم تأتهم بينه ما فى الصحف الأولى

کافران صدر اسلام و گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ کفرپیشگان عصر بعثت به خداوند اعتقاد داشته و شهادت او را پذیرا بودند .

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

کافران صدر اسلام و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۷ - ۱،۲،۳

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، مدعی نبود معجزه و آیتی بر حقایق رسالت پیامبر (ص)

و يقول الذین کفروا لولا أنزل علیه آیه من ربه

۲ کافران همواره خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقایق رسالت پیامبر (ص)

يقول الذین کفروا لولا أنزل علیه آیه من ربه

به کارگیری فعل مضارع (يقول) به جای فعل ماضی (قال) برای رساندن این معناست که کافران سخن مذکور را نه تنها در گذشته مدعی شده اند که در آینده نیز خواهند گفت و بر آن اصرار خواهند ورزید.

۳ تبلیغات سوء کفرپیشگان و جوسازی های آنان علیه پیامبر (ص)

لولا أنزل علیه آیه من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۱،۲،۳

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، مدعی نبود معجزه و آیتی بر حقایق رسالت پیامبر (ص)

و يقول الذین کفروا لولا أنزل علیه آیه من ربه

۲ کافران خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقایق رسالت پیامبر (ص) و پذیرش توحید

و يقول الذین کفروا لولا أنزل علیه آیه من ربه

جمله <إن الله يضل من يشاء و يهدى . . > قرینه بر این است که کافران مشاهده معجزه از پیامبر(ص) را برای هدایت شدن و پذیرش رسالت پیامبر(ص) که سرلوحه آن توحید است می

خواستند / یعنی، می گفتند: اگر معجزه ای ارائه کنی، رسالت تو را می پذیریم و به توحید می گرویم.

۳ تبلیغات سوء کفرپیشگان عصر بعثت و جوسازی های آنان علیه پیامبر (ص)

و يقول الذين كفروا لولا أنزل عليه آية من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۲

۲ کفرپیشگان عصر بعثت، رسالت الهی پیامبر (ص) را انکار می کردند.

و يقول الذين كفروا لست مرسلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۱

۱ - انکار رسالت پیامبر (ص) از سوی کافران و رفاه زدگان

أم لم يعرفوا رسولهم فهم له منكرون

همان طوری که در ذیل آیه قبل آمده، این بخش از آیات، در ردّ اتهاماتی است از سوی کافران نسبت به قرآن و پیامبر(ص) وارد می شد. خداوند با ارائه دلایل گوناگون، همه آنها را بی اساس خوانده و تهمت زندگان را سخت مورد سرزنش قرار داده است. آیه فوق نیز، ظاهراً مربوط به تکذیب پیامبر(ص) و نسبت دروغ گویی به ساحت آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۳

۳ - اظهار تعجب کافران از اظهارات پیامبر (ص) درباره تحقق قطعی معاد

يَبْئُكُمُ إِذَا مَرَّكُمْ كُلٌّ مِّمَّزِقَ لَكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ . أفتري على الله

همزه <أفتري> برای استفهام تعجیبی است و حکایت از اظهار شگفتی کافران از اظهار نظر پیامبر(ص) درباره معاد می کند.

کافران صدر اسلام و مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱ - کفر پیشگان عصر بعثت ، مسلمانان را از حضور در مساجد باز می داشتند و در صدد تخریب آنها بودند .

و من أظلم ممن منع مسجد الله ... و سعی فی خرابها

فعل <منع> نیازمند دو مفعول است: یک مفعول آن <مساجد الله> است و مفعول دیگر <المسلمین> می باشد که به خاطر وضوحش بیان نشده است؛ یعنی: <منع المسلمین مساجد الله> ماضی آوردن فعل <منع> حکایت از آن دارد که: ممانعت از ورود مسلمانان به مساجد تحقق یافته بوده؛ یعنی، آیه شریفه ضمن بیان ناروا بودن ممانعت از ورود به مساجد، اشاره دارد به قضایای بازداری از ورود مسلمانان صدر اسلام، به مسجد الحرام و ...

کافران صدر اسلام و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، مدعی نبود معجزه و آیتی بر حقایق رسالت پیامبر (ص)

و يقول الذین كفروا لولا أنزل عليه آیه من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ کافران خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقایق رسالت پیامبر (ص) و پذیرش توحید

و يقول الذین كفروا لولا أنزل عليه آیه من ربه

جمله <إن الله يضل من يشاء و يهدى ...> قرینه بر این است که کافران مشاهده معجزه از پیامبر(ص) را برای هدایت شدن و پذیرش رسالت پیامبر(ص) که سرلوحه آن توحید است می خواستند؛ یعنی، می گفتند: اگر معجزه ای

ارائه کنی، رسالت تو را می پذیریم و به توحید می گرویم.

کافران صدر اسلام هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۵،۶

۵ - خشمگین شدن کافران صدراسلام و ظهور آثار کینه و نفرت در چهره آنان، به هنگام شنیدن آیات قرآن و معارف توحیدی آن

و إذا تتلى عليهم آیتنا بینت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر

۶ - بر افروختگی مشرکان با شنیدن آیات قرآن و خشم حاصل از آن، به حدی بود که آنان را در آستانه حمله و تهاجم به کسانی قرار می داد که آیات قرآن را بر آنها تلاوت می کردند .

یکادون یسطون بالذین یتلون علیهم آیتنا

<سَیْطُوءَ> (مصدر <یسطون>) به معنای تهاجم و حمله است؛ یعنی، چیزی نمانده که مشرکان با کسانی که آیات ما را بر آنان می خوانند گلاویز شوند.

کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۱،۵

۱ کفرپیشگان ستمگر، محروم از آموزش و هدایت الهی

إِنَّ الذّین کفروا و ظلموا لم یکن الله لیغفر لهم و لالیهدیهم طریقاً

تکرار نشدن <الذین> در جمله <و ظلموا> دلالت می کند که مجموع دو صفت <کفر> و <ظلم> موجب محرومیت از آموزش و هدایت الهی است.

۵ تمامی راه های سعادت به روی کافران ظالم بسته است .

إِنَّ الذّین کفروا و ظلموا .. و لالیهدیهم طریقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۳،۴،۷

۳ خداوند ، راهنمای کافران ستم پیشه به کفرپیشگی و انجام اعمال

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا... و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم

۴ کافران ستم پیشه ، مورد استهزای خداوند *

و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم

به کارگیری واژه هدایت در مورد کشانیدن کافران به سوی جهنم، می تواند به منظور استهزای کافران ایراد شده باشد.

۷ جاودانگی در جهنم ، کیفر کافران ستمگر

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا... خلدین فیها ابداً

کافران غاصب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۴

۴ کفرپیشگان مکه به ناحق خویشتن را سرپرست مسجدالحرام می پنداشته و غاصبانه بر آن تسلط داشتند .

و هم یصدون عن المسجدالحرام و ما كانوا أولیاءه

کافران غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۳

۳ اعلام خداوند به باز بودن راه توبه برای کافران باقی مانده از جنگ حنین

و ذلك جزاء الكفرین. ثم یتوب الله من بعد ذلك علی من یشاء

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <علی من یشاء> نظر به کافران مذکور در آیه قبل نیز داشته باشد.

کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٥ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله > و إن كانوا ليقولون . لو أنّ عندنا ذكراً من الأولين . لكنّا عباد الله المخلصين < فهم كفّار قريش كانوا يقولون : قاتل الله اليهود و النصارى كيف كذبوا أنبياءهم ! أما و الله لو كان عندنا ذكراً من الأولين لكنّا عباد الله المخلصين يقول الله : >

فكفروا به < حين جاءهم محمد (ص) ... >

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و إن كانوا ليقولون لو أن عندنا ذكراً من الأولين لكنا عباد الله المخلصين> روایت شده که فرمود: آنان کفار قریش بودند که می گفتند: نفرین بر یهود و نصارا! چگونه پیامبران خود را تکذیب کردند. به خدا قسم! اگر یکی از کتاب های آسمانی پیشینیان نزد ما بود، به آنها ایمان می آوردیم و از بندگان خالص خدا می شدیم؛ اما هنگامی که حضرت محمد(ص) بر آنان مبعوث شد به آن حضرت کفر ورزیدند.>

کافران قریش و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۵، ۲

۲ خداوند مسلمانان را از سرمایه گذاری های کلان کافران قریش برای هجوم به مسلمانان و جلوگیری از گسترش اسلام آگاه ساخت .

فسینفقونها ثم تكون عليهم حسره ثم يغلبون

جمع مضاف <امولهم> دلالت بر عموم دارد؛ یعنی تمامی داراییهایشان و این اشاره به پرداخت هزینه های فراوان است. گفتنی است توجه به سیاق آیه مورد بحث و آیات قبل این سخن مفسران را تأیید می کند که آیه شریفه درباره کفار قریش نازل شده است.

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تكون عليهم حسره ثم يغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم يغلبون> دلالت می کند

که زمان ندامت آنان در دنیا است.

کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۹

۹ مستضعفان مؤمن قوم ثمود، در پاسخ مستکبران، کفر خویش به معبودان دروغین را اعلان کردند.

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

حصر اضافی که از تقدیم <بما ارسل> بر <مؤمنون> به دست می آید، بیانگر این است که مستضعفان، علاوه بر اعلان ایمان به صالح و رسالت‌های وی، بیزاری خویش را از معبودان دروغین نیز بیان داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۱

۱ کافران قوم ثمود ناقه صالح را پی کردند و آن را هلاک ساختند.

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتُوا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ

<عقر> به معنای مجروح ساختن است و آنگاه که گفته شود <عقر الفرس و البعیر>، یعنی پای آن را قطع کرد. (برگرفته از لسان العرب) و در مجمع البیان آمده <عَقْرٌ> به جراحی گفته می شود که مایه هلاکت گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۷

۷ اشراف کفرپیشه قوم ثمود، بیزار از خیرخواهان و نصیحت گران

نصحت لكم و لكن لاتحبون النصحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۹

۹ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله : >... فإذا هم فريقان يختصمون < يقول : مصدق و مكذب ... >;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا >..فإذا هم فريقان يختصمون< روایت شده که آن

دو گروه یکی تصدیق کننده رسالت صالح بود و دیگری تکذیب کننده آن <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۴

۴ - وجود مؤمنانی با تقوا در میان ثمودیان ، علی رغم وجود فساد و کفر فراگیر در جامعه

يقوم لم تستعجلون بالسيئه .. دمرنهم و قومهم أجمعين ... و أنجينا الذين ءامنوا

کافران قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۶ - ۱

۱ گروهی از اشراف قوم هود به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر با انکار رسالت او در برابرش جبهه گیری کردند .

قال الملائة الذين كفروا من قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۵

۵ نابودی کفرپیشگان قوم عاد و جایگزینی اقوامی دیگر به جای آنها ، هشدار هود (ع) به آنان

فإن تولّوا .. و يستخلف ربى قوماً غيركم

<استخلاف> به معنای جانشین ساختن و جایگزین کردن است و این معنا در آیه شریفه ، مستلزم نبودن قوم عاد می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۹

۹ کفر پیشگان قوم عاد ، علاوه بر عذاب دنیوی به عذاب آخرت نیز گرفتار خواهند شد .

و نَجِّنْهُمْ مِنْ عَذَابِ غَلِيظٍ

برداشت فوق ، براساس این احتمال است که مراد از <عذاب> در جمله <و نَجِّيناهم من عذاب>، عذاب اخروی باشد.

کافران قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱

۱ اشراف و

سران قوم نوح ، پیامبری آن حضرت را انکار کرده و به توحید و برپایی قیامت کافر شدند .

فقال المأذونون كفروا من قومه

متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل توحید ، نبوت نوح و برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۸

۱۸ اشراف و سران کفرپیشه قوم نوح ، ناآگاه به مقام بلند مؤمنان و پیروان آن حضرت

و لکنی أریکم قومًا تجهلون

به قرینه <إنهم ملاقوا ربهم> می توان گفت که: مفعول <تجهلون> مقام والا- و ارجمند مؤمنان به نوح(ع) است. برای این اساس <أراکم...> یعنی ، می دانم که شما به مقام والای مؤمنان (لقای آنان با خدا) آگاهی ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۱

۱ گروهی از قوم نوح ، به او ایمان آوردند و گروهی همچنان بر کفر و انکار رسالتش اصرار میورزیدند .

أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن

کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۴

۴ کافران لجاجت پیشه و حق ناپذیر از شیطانهای انسی هستند.

و لو أننا .. ما كانوا لئؤمنوا... و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا شيطان الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ اندوهناک شدن بر هلاکت کفرپیشگان لجوج ، حتی در صورت خویش و هموطنی با آنان ، امری نکوهیده و ناروا

فکیف ءاسی علی قوم کفرین

کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۴

۴ - پشتیبانان جبهه مهاجم کفر ، چونان کافران محارب و شریک جرم آنان

إِنَّمَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ . . . وَظَهَرُوا عَلَيَّ إِخْرَجَكُمْ

کافران محارب پناهنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۷

۷ تضمین امنیت کفار محاربی که به منظور آشنایی با اسلام و معارف آن ، پناهنده شوند و بازگرداندن آنان به مراکز امنشان پس از دریافت معارف لازم است .

و إن أحد من المشركين استجارك . . ثم أبلغه مأمنه

کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱

۱ گروهی از مردم مدین به رسالت شعیب (ع) ایمان آوردند و گروهی دیگر از پذیرش آن سر باز زدند .

و إن كان طائفة منكم ءامنوا بالذی أرسلت به و طائفة لم يؤمنوا فاصبروا

<إن كان طائفة .. > به دلیل آیه قبل از مواردی است که در آن <إن> شرطیه در مورد تحقق شرط به کار رفته است ؛ مانند <ان كنت ابني فلا تفعل كذا> . بنابراین <إن كان طائفة منكم ... فاصبروا> یعنی چنانچه گروهی از شما ایمان آوردید پس صبر پیشه سازید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۱

۱ گروهی از اشراف قوم شعیب (ع) از سر تکبر و خودبرتربینی به وی و رسالتش کافر شدند .

قال المأ الذين استكبروا من قومه

برداشت فوق بر این اساس است که <الذين استكبروا> قیدی احترازی باشد. بر این مبنا

اشراف به دو طایفه مستکبران و غیر مستکبران تقسیم می شوند. قابل ذکر است که مراد از استکبار، کفرورزی است که برای تبیین علت کفر به جای <کفروا>، <استکبروا> استعمال شده است.

کافران مدین و شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۹

۹ اشراف کفرپیشه مدین در تلاشی پیگیر برای تحمیل آیین خویش بر شعیب و مؤمنان به وی

او لتعودن فی ملتنا

جمله <او لتعودن> می رساند که هدف از تصمیم قوم مدین بر تبعید شعیب و همگامانش بازگرداندن آنان به آیین شرک است. بنابراین همه تهدیدات به سبب تحمیل این عقیده باطل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۲

۲ کافران قوم شعیب پس از تمام شدن حجت الهی بر آنان و اصرارشان به کفرورزی و مبارزه با شعیب و مؤمنان به وی ، به هلاکت رسیدند .

قال الملائة .. فأخذتهم الرجفة

کلمه <فا> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعیب و در آخر دعای شعیب که خواهان داوری خداوند شد.

کافران مدین و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۲

۲ کافران قوم شعیب بر سر هر کوی و برزن مؤمنان به خدا را مورد تهدید قرار می دادند و آنان را از سلوک راه خدا باز می داشتند .

ولا تقعدوا بكل صرط توعدون و تصدون عن سبيل الله من ءامن

<ایعاد> مصدر <توعدون> به معنای تهدید کردن و به شکنجه و اُمثال آن ترساندن است. <من ءامن> مربوط به فعل <توعدون> و <تصدون> است و به اصطلاح اهل ادب مفعولی است <متنازع فیه>. گفتنی است که در برداشت فوق ضمیر در <به> به <اللّه> برگردانده شده است.

کافران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۷

۷ کفرپیشگان مستکبر و زراندوز، ثروت ها و قدرت خویش را موجب مصون ماندن از عذاب های الهی می پندارند .

ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

کافران مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۳

۳ امداد غیبی خداوند، در شکست کافران شرک پیشه

و هو خیر الناصرین. سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب بما اشركوا

کافران معاهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۱۸

۱۸ لزوم پرداخت خونبها و نیز آزادسازی یک برده مؤمن در صورت کشتن کافری از کافران همپیمان *

و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیة مسلّمه الی اهله و تحریر رقبه مؤمنه

بنابر اینکه مراد از ضمیر در <کان>، مقتول باشد؛ بدون وصف ایمان. به قرینه فرض سابق که در آنجا به قید ایمان تصریح کرد و فرمود: <فان کان... و هو مؤمن>، ولی در این فرض <و هو مؤمن> را نیآورد.

کافران مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۱۶

۱۶ اقدام برخی از مسلمین

(عبدالله بن جحش و همراهان او) به جنگ با کفارِ مکه در ماه حرام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه کبیر

در شأن نزول آیه آمده که عبدالله بن جحش و همراهان او در ماه رجب به گروهی از کفار که دارای مال التجاره بودند، حمله بردند و آنان را کشته و یا اسیر کردند. (مجمع البیان و دیگر تفاسیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۷

۲۷ حاکمیت و تسلط کافران بر سرزمین مکه و مسلمانان آن دیار ، در صدر اسلام

فَالَّذِينَ... اخرجوا من ديارهم و اودوا فی سبیلی ... و قتلوا

کافران مکه در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۶

۶ خروج کافران مکه به سوی بدر ، در راستای تلاششان برای بازداري مردم از راه خدا

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم... و یصدون عن سبیل الله

کافران مکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان مکه در قیامت گردآوری و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

کافران مکه و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مفاد جمله < كانوا به يستهزءون > ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر

نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۱

۱ روش کافران مکه در برخورد با آیات الهی، همانند روش فرعونیان و کافران پیش از آنان

كدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

<دأب> به معنای عادت و روش است. و چون آیه به دنبال قضایای جنگ بدر آمده، معلوم می شود مشبه کافران مکه هستند و تقدیر جمله چنین است: داب هؤلاء الكفرة كدأب ءال فرعون. قابل ذکر است مراد از ضمیر در <قبلهم> آل فرعون هستند.

کافران مکه و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۷

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون

کافران مکه و حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مفاد جمله <كانوا به يستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

کافران مکه و خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ کافران مکہ معتقد به خدا و معتقد به تأثیر او در جهان هستی

و إذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء

کافران مکہ و دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللَّهُمَّ إِنَّكَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً

کافران مکه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱،۸

۱ کافران مکه در پی نزول قرآن به عنوان معجزه، بدون درنگ به تکذیب آن پرداختند.

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ

جمله ظرفیه <لَمَّا جَاءَهُمْ> به این نکته اشاره دارد که تکذیب کافران به مجرد آمدن حق صورت گرفته است.

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فَسَوْفَ تَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

مفاد جمله <کانوا به یستهزهون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۱،۲،۴

۱ تمسک کافران مکه به حيله برای مقابله با آنان

و يَمْكُرُونَ .. و إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا

جمله <إِذَا تَتْلَىٰ ..> می تواند بیان مصداقی از <یَمْكُرُونَ> در آیه قبل باشد.

۲ کافران مکه مدعی توان خویش در آوردن آیات و معارفی چون قرآن

قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا

۴ کافران مکه معارف قرآن را نوشتارها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند .

إن هذا إلا أسطير الأولين

<اساطير> به معنای نوشتارهای بی اساس است و <الأولین> به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که <اساطیر الأولین> می تواند به این معنا باشد که این اسطوره ها در باره انسانهای اولیه

است و می تواند به این معنا باشد که اینها اسطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۱،۲،۴

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فرورستد .

و إذ قالوا .. فأمطر علينا حجاره

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و يمكرون .. و إذ قالوا اللهم ... فأمطر علينا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علينا ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا افساع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشان را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علينا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۶،۷

۶ گرایش کافران مکه به قرآن در آینده دوران بعثت ، دلیل گرفتار نشدن آنان به عذاب استیصال ، نه حقانیت ایشان در انکار قرآن

و ما كان الله معذبهم وهم يستغفرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <وهم يستغفرون>

حال مقدر باشد. یعنی خداوند اکنون (زمان انکار قرآن) کافران مکه را عذاب نمی کند، در حالی که در آینده توبه خواهند کرد. گفتنی است که استغفار و توبه کافر به ایمان آوردن اوست.

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۲

۲- < ذکر بودن قرآن > ، وصفی که کافران مکه با آن آشنا بودند .

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۲

۲- خداوند آیات قرآن را ، علی رغم تصمیم کافران مکه بر ایمان نیاوردن ، در قلب آنان رسوخ داد .

كذلك نسلک فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <لایؤمنون به> جمله حالیه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۵،۹

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که

منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیر گذاری

قال الذین کفروا .. لعلکم تغلبون

واژه <لعل> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۶

۶ - آشکار بودن حقانیت قرآن ، برای کافران مکه

کانوا بآیتنا یجحدون

واژه <جحد> در مواردی به کار می رود که حقانیت چیزی معلوم باشد و در عین حال مورد انکار قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۷

۷ - مخالفت مستمر کافران مکه ، نسبت به آیات قرآن

إِنَّ الذین کفروا بالذکر لَمَّا جاءهم

برداشت یاد شده با توجه به معنای <لَمَّا> است که در مورد استمرار زمان به کار می رود.

کافران مکه و کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۳

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا ليعذبهم الله . . و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله < ما كان صلاتهم . . > عطف بر < و هم يصدون ... > باشد.

کافران مکه و گناه ارتداد

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۶

۶ - کافران مکه ، به رغم اعلام صریح ، هرگز اندکی از گناه ارتداد مسلمانان را ، برعهده نمی گرفتند .

و قال الذین کفروا .. و لنحمل خطیکم و ما هم بحملین من خطیهم من شیء

در <و ما هم بحاملین..> دو احتمال وجود دارد: یکی، به قرینه اعلام دروغ بودن ادعای برعهده گیری گناه ارتداد، این است که آنان، حاضر به قبول گناه نیستند. دیگر این که چنین امری، شدنی نیست. برداشت بالا، بنا بر احتمال نخست است.

کافران مکه و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۳،۵

۳ محبوس ساختن یا کشتن و یا تبعید پیامبر (ص) ، از جمله توطئه های کافران مکه علیه آن حضرت

لیشتوک او یقتلوك او یخرجوک و یمکرون

جمله <و یمکرون> بیانگر این است که کافران علاوه بر تصمیم داشتن به قتل پیامبر(ص) و .. برنامه های دیگری نیز علیه پیامبر(ص) در نظر داشته اند. لذا در برداشت فوق از آن به <از جمله> تعبیر شده است.

۵ شکست کافران مکه در توطئه علیه پیامبر (ص) ، عبرتی برای همه خائنان به خدا و رسول

لاتخونوا الله و الرسول .. و یمکرون و یمکر الله

یادآوری شکست توطئه های کافران مکه پس از اشاره به خیانت برخی از مسلمانان برای تفهیم این حقیقت است که خائنان به خدا و رسول، هر چند اظهار اسلام کنند، همان گونه که کافران موفق نشدند، آنان نیز موفق نمی شوند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۴

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ السَّمَاءِ أَوْ أَتَيْنَاهَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۳،۵

۳ خروج پیامبر (ص) از مکه و اقدام آن حضرت به هجرت، امری ناخواسته و تحت فشار کافران بود.

إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا

بدیهی است که خروج پیامبر (ص) از مکه، به اراده خود آن حضرت صورت گرفت ولی از آن جهت که تحت فشار و جوّ ارباب بود، خداوند اخراج را به کافران نسبت داده است.

۵ موفقیت پیامبر (ص) در خروج از مکه و خلاصی از توطئه کافران، مرهون نصرت خاص خداوند بود.

نَصْرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۱،۳

۱- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نَزَّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر (ص) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

۳- کافران مکه، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود، فردی مجنون و دیوانه می دانستند

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر(ص) آنان چنین تهمت را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۳

۳- کافران مکه ، از پیامبر (ص) خواستار آوردن ملائکه به عنوان معجزه بودند .

لو ما تأتینا بالملئکه ان کنت من الصدقین

آوردن ملائکه توسط پیامبر(ص) که مورد درخواست کفار بود احتمال دارد برای تصدیق نبوت پیامبر(ص) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۴

۴- درخواست نزول ملائکه ، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (ص) از سوی کافران مکه ، بهانه ای بیش نبود .

لو ما تأتینا بالملئکه . . . ما ننزل الملئکه إلا بالحقّ

قید <إلا بالحق> می تواند احترازی باشد؛ یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه <إذا منظرین> نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر(ص) را نمی پذیرفتند.

کافران مکه و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا عليك كتابا .. إن هذا إلا سحر

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

کافران مکه و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۶، ۵

۵- ملائکه ، به عنوان موجودات آسمانی شناخته شده برای کافران مکه

قالوا .. لو ما تأتینا بالملئکه ان کنت من الصدقین

۶- کافران و مشرکان مکه ، ملائکه را موجوداتی قابل احساس برای همگان می دانستند .

قالوا .. لو ما تأتینا بالملئکه

از تعبیر <لو ما تأتینا بالملئکه> (چرا فرشته ای نمی آوری؟) استفاده می شود که آنان، فرشتگان را موجوداتی محسوس و قابل رؤیت می دانستند.

کافران مکه و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۵

۵- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر ، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بینش کافران مکه

قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون

کافران مکه و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا عليك كتابا .. إن هذا إلا سحر مبين

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۴

۴ - کافران مکه ، نزول

وحی بر پیامبر (ص) را، ادعایی بیش نمی دانستند .

قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل <نزل> و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

کافران منسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۷، ۸

۷ خداوند در روز قیامت کافران منکر قیامت را به فراموشی خواهد سپرد و اعتنایی به آنان نخواهد کرد .

فالیوم نسیهم

۸ بی اعتنایی خداوند به کافران و به فراموشی سپردن آنان در آخرت ، سزای غفلت آنان از قیامت و انکار آیات الهی است .

فالیوم نسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا و ما کانوا بایتنا یجحدون

حرف <کاف> در <کما نسوا> تعلیلیه است و <ما> مصدریه ؛ یعنی <لنسیانهم> . همچنین <ما> در <ما کانوا> مصدریه است و عطف بر <ما نسوا>، یعنی: لکونهم بایاتنا یجحدون.

کافران ناقض معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۶

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلّا و لاذمه

کافران نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۷

۷ خداوند ، نوح (ع) را به پدید آمدن جامعه ها و امتهایی کفرپیشه از نسل او و همراهانش آگاه ساخت .

و أمم ستمتعهم ثم یمسهم منا عذاب أليم

کلمه <أمم> مبتدا و خبر آن محذوف می

باشد؛ یعنی: ممن معك أمم سنمتعهم. جمله <یمسهم...> حکایت از آن دارد که مقصود از <أمم> در این بخش از آیه ،
امتهای کافر هستند.

کافران و آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۱،۴

۱ - دانش و معرفت درباره آخرت ، خارج از محدوده توان کافران

بل ادرک علمهم فی الآخره

<تداریک> (مصدر <إداریک>) عبارت است از پیوستن اجزای شیء به آن شیء به گونه ای که از آن اجزا، چیزی باقی
نمانده باشد. <إداریک علمهم فی الآخره> یعنی، آنها (کافران) دانششان مصروف جای دیگری شده و چیزی از آن باقی
نمانده است تا بتوانند آن را درباره آخرت به کار برند. بنابراین آنان نه مجال آن را دارند که با دلایل علمی، آخرت را رد
کنند و نه مجال آن را دارند که با برهان های یقینی آن را اثبات کنند.

۴ - کافران ، گرفتار شک و تردید درباره آخرت

بل هم فی شکک منها

کافران و آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۷

۷ منکران رسالت انبیا با استناد به وجود سختی ها و آسایش ها در تاریخ نیاکان خویش ، دشواری های بیدارکننده زندگی
خود را پدیده ای عادی و خالی از هر گونه هدف و پیام می پنداشتند .

ثم بدلنا .. قالوا قد مسءاباءنا الضراء و السراء

کافران و آیات آفاقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۲ - ۵

۵- کافران ، از آیات آسمانی خداوند اعراض کرده و روی گردان

اند .

و هم عن آیتها معرضون

کافران و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۱،۴

۱ رویگردانی از هر آیت خداوند، شیوه کافران عصر بعثت

و ما تأتیهم من آیه من آیت ربهم إلا کانوا عنها معرضین

۴ برخی از کافران در برابر آیات و معجزات، در عین اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختی نشان داده و لجاجت میورزند.

و ما تأتیهم من آیه ... إلا کانوا عنها معرضین

آمدن آیات و معجزات متعدد، گویای قطع عذر و اتمام حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۹

۹ رویگردانی، تکذیب و تمسخر، مراحل مبارزه و رویارویی کافران با آیات الهی و قرآن*

ما تأتیهم من آیه ... إلا کانوا عنها معرضین. فقد کذبوا بالحق ... ما کانوا به ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۴

۴ اتهام سحر، وسیله ای برای مبارزه کافران با رسالت پیامبر(ص) و آیات الهی

لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۵

۵ تکذیب قرآن و آیات الهی از سوی برخی کفار، با وجود علم و آگاهی بر حقانیت آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین . . . بل بدالهم ما كانوا یخفون

چون در آیات قبل سخن از تکذیب قرآن و آیات الهی بود، مراد از <ما كانوا یخفون> می تواند موارد مذکور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ انکار آیات الهی هدف اصلی کافران از تکذیب پیامبر اکرم(ص)

فإنهم لا يكذبونك و لكن الظلمين بأيت الله يجحدون

۱۲ خداوند تسلی دهنده پیامبر(ص) با بیان اینکه هدف تکذیب کفار آیات الهی است، نه شخص پیامبر(ص)

فإنهم لا يكذبونك و لكن الظلمين بأيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۲

۲ همگونی روش کافران در طول تاریخ در برخورد با آیات الهی

كدأب ءال فرعون و الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افترى .. أولئك ... ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۷

۷- پاسخ کافران عصر بعثت ، در برابر آیات روشن و دلایل کافی توحید و اسلام ، بیان وضعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی خود نسبت به مؤمنان بود .

قال الذين كفروا للذين ءامنوا .. أي الفريقين خير مقامًا و أحسن نديًا

لام در <للذين آمنوا> ممکن است برای تبلیغ باشد. در این صورت مؤمنان مخاطب کافران خواهند بود. همچنین می تواند برای تعلیل بوده و مراد این باشد که کافران، به خاطر مؤمنان و در باره آنان، پرسش یادشده را مطرح کرده بودند.

کافران و ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ -

۲۷- > قال رسول الله (ص) : إذا جمع الله الأولين و الآخرين و قضى بينهم و فرغ من القضاء . . . الكافرون . . . يأتون إبليس فيقولون : . . . قم أنت فاشفع لنا فإنك أنت أضللتنا فيقوم إبليس . . . و يقول عند ذلك : > إن الله وعدكم وعد الحق و وعدتكم فاخلفتكم . . . < ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: آن گاه که خداوند اولین و آخرین انسانها را جمع کرد و میان آنان حکم نمود و از حکم کردن فارغ شد .. کافران ... نزد ابلیس آیند و گویند:.. تو برخیز و برای ما شفاعت کن؛ پس همانا تنها تو ما را گمراه کردی. پس ابلیس می ایستد ... و در این هنگام می گوید: >إن الله وعدكم وعد الحق و وعدتكم فاخلفتكم...<.

کافران و احسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۲

۲- احسان (نیک کرداری و نیکی کردن به دیگران) ، هدف و فلسفه درخواست کافران از بازگشت دوباره به زندگی دنیایی

لو أن لی کثره فأکون من المحسنین

>إحسان< هم شامل نیکی به خود می باشد و هم نیکی به دیگران (لسان العرب). این واژه در آیه شریفه ممکن است به هر دو معنا باشد.

کافران و احیای مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۲

۲ - تبدیل دوباره استخوان های پوسیده مردگان به انسانی کامل ، امری ناممکن در نظر کافران

قالوا أءذا

متنا .. أءنا لمبعوثون

کافران و ارزشها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۱

۱۱ - استفاده کافران از شعر ، در هجو ارزش های الهی و پیامبر (ص)

و ذکروا الله کثیراً و انتصروا من بعد ما ظلموا

قیدهای <ذکروا الله کثیراً> و <انتصروا من بعد ما ظلموا> می تواند نشانگر این باشد که شاعران جاهلی، ارزش های الهی و شخص پیامبر(ص) و مسلمانان را هجو می کردند و خداوند ضمن تشویق شاعران مسلمان به تبلیغ ارزش های الهی (و ذکروا الله کثیراً)، مقابله به مثل را نیز برای آنان تجویز کرده است (و انتصروا من بعد ما ظلموا).

کافران و استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۵

۵- کافران ، مخفیانه اقدام به استماع آیه های قرآن نموده و یکدیگر را بر این کار ملامت می کردند .

نحن أعلم بما يستمعون به .. و إذ هم نحوی

احتمال دارد مراد از <إذ هم نحوی> - همان گونه که در برخی شأن نزولها آمده است کافرانی باشد که مخفیانه، اقدام به استماع سخنان پیامبر(ص) می کردند و با مشاهده یکدیگر به صورت نجوا، به ملامت یکدیگر می پرداختند.

کافران و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱۶،۱۷

۱۶ کافران تا آخرین سال های حیات پیامبر (ص) ، از شکست دادن اسلام ناامید شده بودند .

اليوم یئس الذین کفروا من دینکم

چون تمام وقایعی که آیه شریفه، می تواند ناظر به آنها

باشد با توجه به شأن نزولها در آخرین سالهای عمر شریف پیامبر(ص) اتفاق افتاده است.

۱۷ امید کفار و دشمنان اسلام به شکست اسلام، تا پیش از نزول آیه < الیوم یئس الذین کفروا >

الیوم یئس الذین کفروا من دینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۵

۵ برخی از اهل کتاب همسو با کافران، در رویارویی با اسلام

لا تتخذوا الذین .. من الذین اتوا الکتب من قبلکم و الکفار اولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۳

۳ مبارزه تبلیغاتی کافران و اهل کتاب علیه اسلام، با استهزای نماز و اذان و بازیچه خواندن آن

و إذا نادیتم إلی الصلوه اتخذوها هزواً و لعباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۴

۴ کافران همواره در حال برنامه ریزی و توطئه علیه اسلام و بنیاد های دین

إذ یمکر بک .. و یمکرون

جمله < إذ یمکر .. > گزارشی از مکرهای گذشته کافران دارد و جمله < یمکرون > خبر از توطئه گریهای آینده آنان می دهد. بیان این خبر با فعل مضارع حاکی از استمرار این توطئه گریهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۱، ۳۸، ۱

۱ جوامع کفرپیشه همواره مهای صرف دارایی های خویش برای جلوگیری از گسترش اسلام

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا

انفاق مال به معنای مصرف کردن دارایی و هزینه کردن آن است و مراد از <ینفقون>، به قرینه <سینفقونها>،

که اخبار از تحقق سرمایه گذاری است، بیان حالت کافران می باشد. یعنی کافران برای جلوگیری از انتشار اسلام آماده سرمایه گذاری هستند و از انفاق مال دریغی ندارند.

۳ تلاش کافران و صرف هزینه های کلان برای جلوگیری از گسترش اسلام، بی اثر است.

ثم تکون علیهم حسره

۸ شکست نهایی، سرنوشت محتوم کفرپیشگان ستیزه گر علیه اسلام و راه خدا

ثم یغلبون

۱۱ مبارزات گذشته کافران علیه اسلام، مانع پذیرش آنان در زمره مسلمانان نخواهد شد.

ثم یغلبون و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۱

۱ خداوند، کافران ستیزه گر عصر بعثت را به ترک مبارزه علیه اسلام و مسلمانان فراخواند.

قل للذین کفروا إن ینتهوا یغفر لهم

انتها به معنای پذیرش نهی است؛ یعنی انجام ندادن کاری بر اثر نهی شدن از آن. بنابراین با توجه به اینکه متعلق <ینتهوا> شرارتهای کافران علیه مسلمانان است، جمله <ان ینتهوا> دلالت می کند که خداوند کافران را از تعرض به مسلمانان نهی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۶،۷

۶ لزوم ترک مبارزه با کافران در صورت دست برداشتن از فتنه انگیزی علیه اسلام و ایجاد مزاحمت برای گسترش دین خدا

فإن انتهوا فإن الله بما یعملون بصیر

متعلق <انتهوا> به قرینه فراهای پیشین، فتنه انگیزی و جلوگیری از حاکمیت یافتن دین الهی است.

۷ خداوند با بیان نظارت خویش بر اعمال کافران دست کشیده از مبارزه علیه اسلام، مسلمانان صدر اسلام را از

غافلگیر شدن در توطئه های آنان ایمنی بخشید .

فإن انتهوا فإن الله بما يعملون بصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۸

۸ مؤمنان عصر بعثت ، خواهان ظهور معجزه ای برای گرایش پیدا کردن کافران به اسلام و قرآن بودند .

أفلم يأتئس الذين ءامنوا أن لو يشاء الله لهدى الناس جميعاً

اعتراض خداوند به مؤمنان با جمله <أفلم يأتئس الذين ءامنوا> و بیان این حقیقت که امر هدایت و ضلالت به دست خداوند است نه وابسته به ارائه معجزه، می رساند که مؤمنان خواهان آن بودند که معجزات درخواستی کافران تحقق یابد، شاید که آنان هدایت شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۱،۳

۱- آرزو و علاقه فراوان کافران به مسلمان بودن ، آن گاه که فرصتِ اسلام آوردن را از دست بدهند .

ربما يوّد الذين كفروا لو كانوا مسلمين

مراد از <يوّد> به قرینه فعل ماضی <كانوا> مطلق دوست داشتن نیست، بلکه به معنای تمنا و آرزوست. و <ربما> در آیه به معنای تکثیر استعمال شده است.

۳- آرزوی کافران برای پذیرش اسلام ، بسیار کم است . *

ربما يوّد الذين كفروا لو كانوا مسلمين

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <ربما> همان گونه که رایج است در قَلت و <يوّد> در همان معنای خودش (يحبّ) استعمال شود. آیه بعد (ذرهم يأكلوا ويتمتعوا...) قرینه و تأییدی است بر برداشت فوق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۷

برابر آیات روشن و دلایل کافی توحید و اسلام، بیان وضعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی خود نسبت به مؤمنان بود.

قال الذین کفروا للذین ءامنوا .. أئی الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًا

لام در <للذین آمنوا> ممکن است برای تبلیغ باشد. در این صورت مؤمنان مخاطب کافران خواهند بود. همچنین می تواند برای تعلیل بوده و مراد این باشد که کافران، به خاطر مؤمنان و در باره آنان، پرسش یادشده را مطرح کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۶ - ۲

۲ - قضاوت کافران درباره اسلام و مسلمانان، قضاوتی بی اساس و بدون پایه عقلانی و منطقی است.

ما لکم کیف تحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۲

۲ - کافرانی که در ادعا، آماده سازش بودند، زمینه پذیرش دین پیامبر (ص) را نداشتند.

ولی دین

کافران و انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ بسیاری از رسولان الهی قبل از پیامبر(ص)، مورد تمسخر و استهزای کافران قرار گرفتند.

و لقد استهزیء برسئل من قبلک

۲ درگیری و مبارزه کافران با پیامبران الهی در طول تاریخ جریان داشته است.

و لقد استهزیء برسئل من قبلک

۳ تمسخر و استهزای پیامبران الهی، شیوه کافران در طول تاریخ بوده است.

و لقد استهزیء برسل من قبلک . . ما کانوا به یستهزءون

۴ استهزای وعیدها و تهدیدهای پیامبران الهی، از شیوه های مبارزه کافران با انبیا در طول تاریخ

و لقد

استهزیء برسل من قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به

بنابراین که مقصود از <ما کانوا به یستهزءون>، عذاب موعود الهی باشد که در محتوای پیامهای انبیا(ع) ذکر می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱ - ۴

۴ گسترده‌گی دعوت انبیا و مخالفت کافران با آنها، در پهنه زمین

قل سیروا فی الأرض ثم انظروا

<الأرض>، به معنای تمامی زمین است که به عنوان عرصه سیر و مطالعه آثار گذشتگان معرفی شده است لذا چنین برمی آید که پیامبران در تمامی زمین حضور داشته و مکذبان نیز بهمین صورت در زمین پراکنده بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۱ - ۳

۳- همسانی کافران در طول تاریخ، در برخورد غیر منطقی با رسولان الهی

و لقد استهزیء برسل من قبلک

برخورد استهزاآمیز، بیانگر نداشتن منطق در موضع گیری ها است و چون پیامبران پیشین و پیامبراسلام(ص) مورد تمسخر کافران قرار گرفته اند، به دست می آید که برخورد کافران همسان بوده و مواضع مشابهی داشته اند.

کافران و اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۶

۶ کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

و إذا فعلوا فحشه قالوا .. الله أمرنا بها

کافران و ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ نیل به سعادت دنیا با ترک ایمان و تقوا، پندار باطل

کفرپیشگان بی تقوا

من کان یرید . . . فعند الله ثواب الدنيا و الآخرة

خداوند پس از سفارش به تقوا و ترک کفر (وصینا . . ان اتقوا الله)، پاره ای از زیانهای کفرپیشگی و بی تقوایی را برشمرد و با این آیه به علتی از علل گرایش به کفر و بی تقوایی، یعنی توهم رسیدن به سعادت دنیا، اشاره می کند.

کافران و ایمان به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۲

۲ آنان که با تلاوت قرآن هدایت نشوند و به سرای آخرت ایمان نیاورند ، حتی اگر مردگانی زنده شوند و حقایق آخرت را برای آنان بیان کنند ، هدایت نخواهند یافت .

و لو أن قرءنا . . کلم به الموتی

هر یک از جمله های <سیرت به الجبال> و <قطعت به الأرض> و <کلم به الموتی> حکایت از معجزات درخواستی کفرپیشگان دارد که به مناسبت می توان گفت: جمله <کلم به الموتی> حاکی است که آنان برای باور به آخرت، از پیامبر(ص) می خواستند تا مردگانی را زنده کند تا از آخرت و دنیای پس از مرگ برای آنان سخن بگویند.

کافران و بازگشت به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷،۸

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب . . و إنهم لکذبون

۸ کافران تکذیب کننده آیات الهی حتی در صورت بازگشت به دنیا ایمان نمی آورند.

فقالوا یلیتنا نرد . . و لو ردوا

لَعَادُوا لِمَا نَهَوْا عَنْهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۹ - ۳

۳ برخی کافران، حتی در صورت بازگشت به دنیا، زندگی را منحصر به دنیا دانسته و قیامت را انکار می کنند.

و لو ردوا لَعَادُوا... و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جمله <وقالوا> می تواند عطف بر جمله <لَعَادُوا> باشد. یعنی اگر به دنیا بازگردند، به همان روش باطل خودروی آورده و باز هم معاد را انکار می کنند.

کافران و بدعتگذاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۵

۱۵- کافران ، بدعت گذاران در دین را صمیمانه دوست دارند .

لتفتري علينا غيره و إذا لا تأخذوك خليلاً

کافران و تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- تاریخ ، پیامدار درس های عبرت برای جوامع کفرپیشه

و كآئین من قریه .. أهلكنهم فلاناصر لهم

کافران و تحلیل تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۴

۴ کافران به تحلیل صحیح تاریخ پرداخته و از آن پند نمی گیرند.

ألم یروا کم أهلكنا

استفهام توییخی <ألم یروا> بیانگر این است که تاریخ گذشتگان قابلیت پندآموزی و عبرت گرفتن دارد، ولی کافران در پی آن نیستند.

کافران و ترویج غنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۵۸

۵ - کافران مکه برای بازداشتن مردم از گوش فرا دادن به آیات قرآن و سخنان پیامبر (ص) کنیزان

آوازه خوان را می خریدند و مردم را به آواز مشغول می کردند .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله

منظور از <لهو الحديث> طبق برخی از شأن نزول ها، غنا است که به وسیله کنیزانی خوانده می شد. لازم به گفتن است که طبق این معنا <اشترأ> حقیقی است.

۸ - غنا و نغمه های مفسده انگیز ، ابزار کافران برای گمراه کردن مردم از راه خدا است .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله

کافران و ترویج لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۲

۲ - برخی از کافران عصر پیامبر ، به منظور دور ساختن مردم از هدایت قرآنی ، داستان های بیهوده را فرامی گرفتند و ترویج می دادند .

و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله

درباره این که <مراد از <من الناس> در این آیه و نیز <خرید حدیث لهو> چیست؟>، مفسران گفته اند، بعضی از کافرانِ مکه، به کشورهایمانند ایران مسافرت می کردند و کتاب های افسانه می خریدند و یا می آموختند و آنها را به مکه منتقل می کردند و به منظور مبارزه با قرآن، رواج می دادند. لازم به ذکر است که مراد از <سبیل الله> در این آیه، به قرینه آیات آغاز سوره، می تواند قرآن باشد.

کافران و تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۱

۱ نیل به سعادت دنیا با ترک ایمان و تقوا ، پندار باطل کفرپیشگان بی تقوا

من کان یرید .

.. فعند الله ثواب الدنيا و الآخرة

خداوند پس از سفارش به تقوا و ترک کفر (وصینا .. ان اتقوا الله)، پاره ای از زیانهای کفرپیشگی و بی تقوایی را برشمرد و با این آیه به علتی از علل گرایش به کفر و بی تقوایی، یعنی توهم رسیدن به سعادت دنیا، اشاره می کند.

کافران و تکذیب عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- کافران پس از مرگ ، به کلی منکر اعمال زشت دنیوی خویش می شوند .

الكفرین . الذین تتوفهم الملائكة ... ما كنا نعمل من سوء

کافران و توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۷

۷- پاسخ کافران عصر بعثت ، در برابر آیات روشن و دلایل کافی توحید و اسلام ، بیان وضعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی خود نسبت به مؤمنان بود .

قال الذین كفروا للذین ءامنوا .. أئی الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًا

لام در <للذین آمنوا> ممکن است برای تبلیغ باشد. در این صورت مؤمنان مخاطب کافران خواهند بود. همچنین می تواند برای تعلیل بوده و مراد این باشد که کافران، به خاطر مؤمنان و در باره آنان، پرسش یادشده را مطرح کرده بودند.

کافران و ثروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۸ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از اموال و ثروت خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

ما أغنى عني مالیه

لحن و سیاق این آیه، می رساند

که کافران این سخن را، از روی تأسف و حسرت به زبان می آورند.

کافران و جلب رضایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱۲

۱۲- کافران در روز قیامت ، هیچ راهی برای جلب رضایت خداوند نمی یابند .

ثُمَّ لَا يُؤْذِنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يَسْتَعْتَبُونَ

<استیعاب> (مصدر يستعتبون) به معنای درخواست از بدی کننده برای بازگشت از بدکاری و جلب رضایت کسی که به او بدی شده است، می باشد. بنابراین معنای جمله <و لا هم يستعتبون> چنین خواهد بود: از آنان نخواهند که عذرخواهی کنند و یا کاری کنند که خدا از ایشان راضی شود.

کافران و حشر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۱،۲

۱ - گمان کافران ، به برانگیخته نشدن انسان ها در قیامت

زعم الذين كفروا أن لن يبعثوا

۲ - اعتقاد کافران به برانگیخته نشدن انسان ها در قیامت ، مبتنی بر گمان است ؛ نه یقین و علم .

زعم الذين كفروا أن لن يبعثوا

برداشت یاد شده، به این دلیل است که ماده <زعم>، بیشتر در معنای <ظن> (گمان) و نیز درباره چیزی که مورد تردید بوده و اثبات نشده است، به کار می رود.

کافران و حق بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا .. صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر)

و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل الله> باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل الله.

کافران و حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا ... صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل الله> باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل الله.

کافران و حق گویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا ... صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل الله> باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل الله.

کافران و حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۱

۱۱- اخبار خداوند به آشکار شدن حقانیت اسلام ، برای کافران صدراسلام در آینده

ربما یوّد الذین کفروا .. فسوف یعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول و متعلق علم در <یعلمون> حقانیت اسلام باشد که مورد انکار آنان

بود.

کافران و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند.

لو نشاء... فظلمت تفکھون. إنا لمغرمون. بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

کافران و درخواست معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۳

۳ کفرپیشگان عصر بعثت علی رغم نزول پی در پی آیات و سوره های قرآن خواستار نزول معجزه ای دیگر بودند.

و يقولون لو لا أنزل علیه آیه من ربه

کافران و دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۲

۲ - کفرپیشگان از دعوت پیامبران جز فریاد و سر و صدا، چیز دیگری در نمی یابند.

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لایسمع إلا دعاء و نداءً

بر اساس توضیح برداشت قبل، معنای جمله <مثل الذین کفروا... إلا دعاء و نداءً> چنین می شود: مثل کافران در ارتباط با دعوت کنندگان به ایمان مثل گوسفندان و چوپان آنهاست؛ همان گونه که گوسفندان از سخن و امر و نهی چوپان چیزی جز فریاد نمی فهمند، کافران نیز از دعوت پیامبران حقیقتی را درک نمی کنند.

كافران و دعوت به خدا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ - کافران مجرم ، تنها ، منکر رسالت پیامبر اسلام (ص) نبودند ، بلکه هر دعوت کننده به خدا را ، یاوه سرا می دانستند .

ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون

با این که خداوند، آورنده معجزه را، تنها پیامبر (ص) معرفی فرموده است (لئن جئتهم) اما آنان در جواب، جمعی را مخاطب قرار می دهند (إن أنتم..). این حقیقت را حکایت می کند که آنان، هر دعوت کننده ای را دارای چنان وصفی می پندارند.

کافران و دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۹

۹ - از امام باقر (ع) درباره آیه فوق روایت شده : > مثل الذين كفروا في دعائك إياهم أي مثل الداعي لهم إلى الإيمان كمثل الناعق في دعائه المنعوق به من البهائم التي لا تفهم وإنما تسمع الصوت فكما ان الأنعام لا يحصل لها من دعاء الراعي إلا السماع دون تفهم المعنى فكذلك الكفار لا يحصل لهم من دعائك إياهم إلى الإيمان إلا السماع دون تفهم المعنى ;

مثل تو ای رسول ما در دعوت این کافران، به سان چوپانی است که گوسفندان را فرا می خواند و آن گوسفندان نمی فهمند او چه می گوید و تنها صدایی می شنوند. پس همان طور که گوسفندان از فریاد چوپان غیر از صدا، معنایی نمی فهمند، کافران نیز از دعوت تو آنها را به ایمان غیر از شنیدن صدا هیچ معنایی نمی فهمند.<

کافران و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱ تبدیل دین خدا به مجموعه ای از امور واهی و بازدارنده از سعادت و کمال ، ویژگی کفرپیشگان

حرمهما علی الکفرین. الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

الف: مراد از <دینهم> دین الهی است و اضافه آن به مردم اشاره به این حقیقت دارد که منفعت برنامه های دینی و قوانین شریعتهای الهی به خود انسانها می رسد. ب: <اتخذوا> از افعال تصییر است. یعنی: بدلوا دین الله لهوا و لعبا. و تبدیل دین خدا به لهو و لعب به این است که پیرایه هایی را بر دین ببندند تا دین مجموعه ای از لهو و لعب جلوه کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ کافران ستیزه گر با دین ، پلید هستند و اهل ایمان ، پاک .

لیمیز الله الخبیث من الطیب

کافران و ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ کافران و مشرکان ، منکر ربوبیت مطلق خدا هستند و همواره در برابر آن ایستاده و در این راه پشتیبان یکدیگراند .

و یعبدون من دون الله .. و کان الکافر علی ربّه ظهیراً

<الف و لام> در کلمه <الکافر> برای استغراق است و این کلمه شامل تمامی کافران می شود. <ظهیر> (فعل به معنای فاعل) نیز به معنای معین و پشتیبان است. گفتنی است آمدن فعل <کان> در آغاز مبتدا و خبر، بیانگر استمرار خبر برای مبتدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - کشف و ظهور ربوبیت بی همتای الهی در قیامت ، برای کافران

و قال الذین کفروا ربّنا

از اقرار کافران به ربوبیت الهی (ربّنا)، مطلب بالا استفاده می شود.

کافران و رسالت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ - کافران مجرم ، تنها ، منکر رسالت پیامبر اسلام (ص) نبودند ، بلکه هر دعوت کننده به خدا را ، یاوه سرا می دانستند .

ليقولنّ الذین کفروا إنّ أنتم إنّما مبطلون

با این که خداوند، آورنده معجزه را، تنها پیامبر(ص) معرفی فرموده است (لئن جئتهم) اما آنان در جواب، جمعی را مخاطب قرار می دهند (إن أنتم..). این حقیقت را حکایت می کند که آنان، هر دعوت کننده ای را دارای چنان وصفی می پندارند.

کافران و رؤیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ > عن أبي جعفر (ع) إذا أراد الله قبض روح الكافر ، قال : يا ملك الموت انطلق أنت و أعوانك إلى عدوّی . . . فاقبض روحه حتّى تكبه في النار . . . فإذا بلغت الحلقوم ضربت الملائكة وجهه و دبره . . . و ذلك قوله > يوم يرون الملائكة لا بشرى يومئذ للمجرمين و يقولون حجراً محجوراً < . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: زمانی که خداوند اراده قبض روح کافر را کند، به ملک الموت امر می نماید که همراه یارانت به سوی دشمن من بروید. .. پس بگیر روحش را تا

آنکه او را به روی در آتش افکنی ... آن هنگام که جان او به گلو می رسد، ملائکه بر صورت و پشت او می زنند ... و این سخن خداوند است: <یوم یرون الملائکه لابیشری یومئذ للمجرمین...>.

کافران و زینتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۹

۹ جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا خالصه یوم القیمه

کلمه <خالصه> حال است برای <هی> و <یوم القیامه> متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد <الحیاه الدنیا> حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هی للذین آمنوا و لغيرهم فی الحیاه الدنیا و لهم خالصه یوم القیامه.

کافران و سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۷

۷ منکران رسالت انبیا با استناد به وجود سختی ها و آسایش ها در تاریخ نیاکان خویش ، دشواری های بیدارکننده زندگی خود را پدیده ای عادی و خالی از هر گونه هدف و پیام می پنداشتند .

ثم بدلنا .. قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

کافران و سخنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۳،۴ - ۱

۱- آگاهی کامل خداوند ، به هدف ها و انگیزه های کافران در گوش فرا دادن به کلمات پیامبر (ص)

نحن أعلم بما یستمعون به

<با> در <بما> برای سببیت است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما به غرض

و انگیزه ای که کافران به خاطر آن به سخنان پیامبر(ص) گوش فرامی دهند علم داریم.

۳- کافران ، به منظور خنثی کردن سخنان پیامبر (ص) به نجوا و گفت و گوی سَری می پرداختند .

نحن أعلم بما يستمعون به .. و إذ هم نحوی إذ يقول

<إذ هم نحوی> و <إذ يقول الظالمون> بدل <إذ يستمعون إليك> است. با توجه به این نکته، معنای آیه چنین می شود: ما آگاهترین هستیم به غرض کافران در گوش فرا دادن به سخنان پیامبر(ص) که تهمت زدن [سحرزدگی] به اوست و آگاه هستیم از نجوا و گفت و گوی آنان. چنین بیانی حکایت از آن دارد که غرض آنها از گوش دادن، تمهید و آماده شدن برای خنثی سازی سخنان پیامبر(ص) بوده است.

۴- خداوند ، با افشای انگیزه های کافران در گوش فرا دادن به سخنان پیامبر (ص) ، آنان را مورد تهدید قرار داد .

نحن أعلم .. و إذ هم نحوی

اعلام اطلاع خداوند از گوش دادن کافران به سخنان پیامبر(ص) و آگاهی از گفت و گوی آنها، برای تهدید و هشدار به آنان است.

کافران و سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۶

۶ پابندی کفرپیشگان به افکار و آراء گذشتگان خویش مانع پذیرش تعالیم قرآن و رسول خدا (ص)

و إذا قيل لهم تعالوا .. قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا

کافران و شعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۱

۱۱ - استفاده کافران از شعر ، در هجو

ارزش های الهی و پیامبر (ص)

و ذکروا الله کثیراً و انتصروا من بعد ما ظلموا

قیدهای <ذکروا الله کثیراً> و <انتصروا من بعد ما ظلموا> می تواند نشانگر این باشد که شاعران جاهلی، ارزش های الهی و شخص پیامبر(ص) و مسلمانان را هجو می کردند و خداوند ضمن تشویق شاعران مسلمان به تبلیغ ارزش های الهی (و ذکروا الله کثیراً)، مقابله به مثل را نیز برای آنان تجویز کرده است (و انتصروا من بعد ما ظلموا).

کافران و شکست مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳۰ - ۵

۵ - کافران ، همواره در کمین شکست و اضمحلال جامعه مؤمنان اند .

إنهم منتظرون

متعلق انتظار کافران، به قرینه دشمنی آنان با مؤمنان، می تواند انتظار شکست مؤمنان باشد.

کافران و شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ کافران و منکران آیات الهی تحت نفوذ و ولایت شیاطین هستند.

ذلك من آيات الله .. إنا جعلنا الشيطان أولياء للذين لا يؤمنون

جمله <ذلك من آیات الله> در آیه قبل می تواند بیانگر متعلق <لا يؤمنون> باشد.

کافران و صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۲

۲ حضور طیف خاصی از مؤمنان نزد پیامبر(ص)، برای برخی کافران ناخوشایند بود.

و لا تطرد الذين يدعون ربهم

سبب نزول نقل شده در ذیل این آیه و نیز لحن آن، گواه چگونگی ترکیب یاران پیامبر(ص) و فقر آنان و نیز نداشتن موقعیت اقتصادی و شؤون اجتماعی است. و همین امر موجب اعتراض و

واکنشهایی از سوی کافران ثروتمند و قدرتمند می گشته است.

کافران و طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۹

۹ طاغوت ها ، شیطانند و کافران ، یاوران آنها

و الَّذِينَ كَفَرُوا يقاتلون في سبيل الطَّاغُوتِ فقاتلوا اولياء الشَّيْطَانِ

بدان احتمال که مراد از شیطان همان طاغوت باشد ، در این صورت مقصود از اولیاء شیطان به دلیل فای تفریح کافران خواهد بود.

کافران و طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۹

۹ جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هي للذين ءامنوا في الحيوه الدنيا خالصه يوم القيمه

کلمه <خالصه> حال است برای <هی> و <يوم القيامه> متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد <الحياه الدنيا> حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هي للذين آمنوا و لغير هم في الحياه الدنيا و لهم خالصه يوم القيامه.

کافران و ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۴

۱۴ عن أبي ابراهيم قال: ... <ثم الذين كفروا بربهم يعدلون> قال: يعدلون بين الظلمات و النور و بين الجور و العدل.

امام کاظم (ع) درباره آیه <ثم الذين ...> فرمود: (کافرانی که برای خدا انباز می گیرند)، ظلمت و نور و ظلم و عدل را برابر

قرار می دهند.

کافران و ظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۴

۱۴

عن أبي ابراهيم قال: .. <ثم الذين كفروا بربهم يعدلون> قال: يعدلون بين الظلمات و النور و بين الجور و العدل.

امام کاظم (ع) درباره آیه <ثم الذين .. > فرمود: (کافرانی که برای خدا انباز می گیرند)، ظلمت و نور و ظلم و عدل را برابر قرار می دهند.

کافران و عبادت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۴

۴ - ازدحام کافران و مشرکان در اطراف پیامبر (ص) ، برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا یکونون علیه لبدًا

مفسران و اهل لغت، <لَبِدًا> را به ازدحام معنا کرده و درباره مرجع ضمیر فاعلی <کادوا> و <یکونون> دو نظر ارائه داده اند. برخی آن را مشرکان و کافران مکه و برخی دیگر آن را مؤمنان جن دانسته اند که برای استماع قرآن کریم در اطراف پیامبر(ص) ازدحام می کردند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظر نخست است.

کافران و عدالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۴

۱۴ عن أبي ابراهيم قال: .. <ثم الذين كفروا بربهم يعدلون> قال: يعدلون بين الظلمات و النور و بين الجور و العدل.

امام کاظم (ع) درباره آیه <ثم الذين .. > فرمود: (کافرانی که برای خدا انباز می گیرند)، ظلمت و نور و ظلم و عدل را برابر قرار می دهند.

کافران و عذاب دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ کفرپیشگان و ستمگران ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی اند

و لاتخطبني في الذين ظلموا إنهم مغرقون

کافران و عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۱ - ۵

۵ کافران ، به پوچی و بی اساس بودن بافته های دروغین و عقاید واهی خویش ، پی خواهند برد .

و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

کافران و فروع دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۶

۶ - مکلف بودن کافران به فروع دین و انجام فرائض (همچون نماز)

يدعون إلى السجود و هم سلمون

کافران و فصاحت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۹

۹- فصاحت عالی قرآن و بیان روشن آن ، مورد قبول همگان حتی کافران و مشرکان

و هذا لسان عربي مبين

استدلال خداوند در ردّ ادعای کافران، مبتنی است بر آنکه فصاحت قرآن مورد قبول آنها باشد.

کافران و فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن، محروم کرده است.

صم بکم عمی فهم لایعقلون

مفعول <لایعقلون> معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل الله) است.

۶ - کفرپیشگان بر اثر ترک پرسش و جستجو از حقایق و معارف دین، از درک آنها ناتوان و محرومند.

بکم... فهم لایعقلون

تفریع جمله <فهم لایعقلون> بر لال بودن کفرپیشگان می تواند اشاره به این باشد که: از ابزار شناخت حقیقت، جستجوی آن

با پرسش و تحقیق است و کفرپیشگان از این ابزار محرومند؛ یعنی، در پی یافتن حقیقت نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۹

۹ جوامع کفرپیشه ، جوامعی به دور از درک حقایق دین و معارف الهی

بأنهم قوم لا یفقهون

با توجه به اینکه ایمان و کفر تعیین کننده توانایی و ناتوانی دانسته شده، معلوم می شود مفعول حذف شده از <لا یفقهون> همان حقایق و معارف است که اهل ایمان بدان باور دارند.

کافران و قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از قدرت و توانمندی خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

هلک عنی سلطیه

کافران و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۶

۶ پایبندی کفرپیشگان به افکار و آراء گذشتگان خویش مانع پذیرش تعالیم قرآن و رسول خدا (ص)

و إذا قیل لهم تعالوا .. قالوا حسبنا ما وجدنا علیه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۹

۹ رویگردانی، تکذیب و تمسخر، مراحل مبارزه و رویارویی کافران با آیات الهی و قرآن*

ما تأتيهم من آية... إلا كانوا عنها معرضين. فقد كذبوا بالحق... ما كانوا به ي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۲، ۱۰

۱۰ افسانه خواندن قرآن، از شیوه های مبارزه کافران و مشرکان

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

۱۲ ناتوانی کافران از مقابله با قرآن و پیامبر اکرم(ص)

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

پناه بردن مشرکان به جدل و اتهام، گویای این است که هیچ راه منطقی و صحیحی برای مقابله با قرآن و پیامبر(ص) وجود نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۳،۴،۷

۳ افسانه خواندن قرآن و کهنه دانستن مطالب آن، از ترفندهای کافران برای جلوگیری از گوش فرادادن مردم به آن

إن هذا إلا أسطير الأولين. و هم ينهون عنه

<اول> به معنای آغاز است، و مراد کافران از این اتهام کهنه بودن مطالب قرآن می تواند باشد.

۴ کافران با پرهیز از گوش فرا دادن به قرآن و جلوگیری مردم از آن، ناخود آگاه خود را به هلاکت می افکنند.

و إن يهلكون إلا أنفسهم و ما يشعرون

۷ ترفندهای کافران برای مبارزه با قرآن و پیامبر(ص)، بی ثمر و موجب هلاکت خود آن ها می شود.

و هم ينهون عنه و ينثون عنه و إن يهلكون إلا أنفسهم

صدر آیه بیان مبارزه کافران با اسلام و قرآن است. لذا جمله <إن يهلكون> می تواند ناظر به این نکته باشد که سرانجام این مبارزه شکست و هلاکت خود آنان است، نه قرآن و اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۵

۵ تکذیب قرآن و آیات الهی از سوی برخی کفار، با وجود علم و آگاهی بر حقانیت آن

إن هذا إلا أسطير الأولين .. بل

بدالهم ما كانوا يخفون

چون در آیات قبل سخن از تکذیب قرآن و آیات الهی بود، مراد از <ما كانوا يخفون> می تواند موارد مذکور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۵

۵ آیات گوناگون قرآن مایه تقویت بینش آگاهان و منجر به بهانه جویی کافران خواهد شد.

و ليقولوا درست و لئینه لقوم يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۴،۵

۴ خداوند کافران را به گوش فرادادن به آوای قرآن فراخواند .

هذا بصائر من ربكم .. إذا قرى القرآن فاستمعوا له

برداشت فوق مبتنی بر این است که خطاب در <فاستمعوا ..> شامل کافران نیز باشد.

۵ گوش سپاری کافران به آوای قرآن ، زمینه ساز دستیابی آنان به هدایت و رحمت الهی خواهد شد .

و إذا قرى القرآن فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون

چنانچه خطاب در آیه شامل کافران باشد، مصداق مورد نظر از رحمت در <ترحمون> هدایت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۳،۵

۳ اظهار آگاهی کافران از محتوای قرآن و غیر مهم جلوه دادن آن ، از حيله های آنان علیه پیامبر (ص)

و يمكرون .. قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا إن هذا إلا أسطير

جمله <ان هذا ..> دلالت می کند بر اینکه مقصود از <مثل هذا> همانندی در محتوای قرآن بوده است.

۵ معرفی قرآن به عنوان افسانه های کهن و دروغین از ترفند های کافران برای مقابله

با قرآن

قالوا .. إن هذا إلا أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۸

۸ مؤمنان عصر بعثت ، خواهان ظهور معجزه ای برای گرایش پیدا کردن کافران به اسلام و قرآن بودند .

أفلم يأتئس الذين ءامنوا أن لو يشاء الله لهدى الناس جميعًا

اعتراض خداوند به مؤمنان با جمله <أفلم يأتئس الذين ءامنوا> و بیان این حقیقت که امر هدایت و ضلالت به دست خداوند است نه وابسته به ارائه معجزه، می رساند که مؤمنان خواهان آن بودند که معجزات درخواستی کافران تحقق یابد، شاید که آنان هدایت شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۲

۲- آرزوی عمیق کافران به تسلیم شدن در برابر قرآن ، به هنگام مواجهه با عذاب الهی یا مرگ

تلك ءآیت الکتب و قرءان مبین . ربما یوّد الذین كفروا لو كانوا مسلمین

محتمل است که متعلق <كفروا> قرآن باشد که در آیه قبل آمده است و آرزوی کفار به تسلیم بودن، بنابر قاعده، باید پس از مواجهه با حادثه ای باشد که رهایی از آن ممکن نیست و آن همانا عذاب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۱

۱ کافران ، منکر نزول وحی بر پیامبر (ص) بودند و قرآن را دروغ و ساخته و پرداخته او می دانستند .

و قال الذین كفروا إن هذا إلا إفك افتريه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۸

قرآن کریم در نگاه کافران، فراتر از کلام عادی است و تأثیری در حد سحر دارد.

و قال الذین کفروا للحقّ لما جاءهم إنّ هذا إلاّ سحر مبین

از سحر دانستن قرآن، استفاده می شود که مشرکان، قرآن را کلامی فراتر از کلام معمولی و دارای تأثیری فوق العاده می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۴

۴ - کفرپیشگان حق ستیز، ناتوان از برخورد منطقی با پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرآن و الغوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - روحیه استکباری، عامل اصلی مخالفت کافران با قرآن و نه شبهات اصولی و تردید در ارزش آن

و شهد شهد .. فامن و استکبرتم

تصریح خداوند بر استکبار کافران، علی رغم ایمان حق گرایان به قرآن، اشاره به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲ - ۶

۶ - اعتراف ضمنی کافران، به تأثیر شگرف و خارق العاده قرآن و معجزات پیامبر (ص)

و إنّ یروا ءایه .. و یقولوا سحر مستمرّ

وصف <سحر مستمرّ> گرچه در مقام تنقیص بیان شده؛ اما به طور غیر مستقیم به تأثیر خارق العاده کارها و گفته های اعجازی پیامبر(ص) اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۳

۳- قرآن و کلام الهی ، دارای جاذبه بسیار ؛ حتی برای کافران لجوج و حق ناپذیر

فَمَالِ الَّذِينَ

کفروا قبلک مهطعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطیر الأولین . کلاً بل ران علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۵

۵ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، ظاهری بوده و به دروغ بودن آن باور نداشتند .

و الله أعلم بما یوعون

تقابل این آیه با آیه قبل، بیانگر آن است که گرچه کافران به زبان قرآن را تکذیب می کردند ولی خداوند بهتر می داند که در درون آنان از تکذیب قرآن خبری نبود.

کافران و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان ، قیامت را امری گزاف و طرح آن را از سوی پیامبر (ص) چون سحر ، نیرنگی روشن قلمداد می کردند .

إن هذا إلا سحر مبین

<هذا> به گفتار پیامبر(ص) مبنی بر زنده شدن مردگان و برپایی قیامت اشاره دارد. اطلاق <سحر> بر این گفتار و ادعا، از باب تشبیه است و وجه شبه آن بطلان و نیرنگ می باشد یعنی، این سخن ظاهری فریبنده و باطنی پوچ و بی اساس دارد و در بطلان و نیرنگ بازی، همانند سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۷

۷- کافران ، در پی تحقق قابل مشاهده قیامت بودند .

و

يقولون متى هذا الفتح

<فتح> می تواند به معنای <فصل> باشد. در این صورت، به قرینه آیه بیست و پنج و آیه بعد، مراد از <هذا الفتح> می تواند قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۴

۴ - کافران مستکبر ، مدعی نامفهوم بودن قیامت برای ایشان

قلتم ما ندری ما الساعه

کافران و کتاب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۱

۱ در صورت نزول کتابی ملموس از سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا علیک کتابا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبیی

کافران و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۴

۴- کافران دوران های قبل از اسلام در برخورد با کتاب آسمانی خویش ، مثل کافران صدراسلام عمل می کردند .

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي أمر ربك كذلك فعل الذين من قبلهم

کافران و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۸،۱۱

۸ پشیمانی و تأسف شدید کافران در قیامت از کتمان کردن حقایق در دنیا

یومئذ یوّد الذین کفروا و عصوا الرسول .. و لا یکتمون اللّٰه حدیثاً

بنابر اینکه <لا یکتمون> عطف بر جمله <تسوّی> باشد.

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت ، از کتمان حقایق رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول .. و لا یکتمون اللّٰه حدیثاً

مصدق مورد نظر از کتمان

حدیث در آیه شریفه، به دلیل <كفروا و عصوا الرسول>، کتمان حَقَّائیت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۱

۱۱ کافران به رسالت پیامبر(ص)، حق پوش و مغالطه کارند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

<یلبسون>، فعل مضارع و بیانگر استمرار تلبیس کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۵

۵ خودداری کافران از اعتراف به مالکیت مطلق خداوند، علی رغم آگاهی بدان

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۵

۵ تکذیب قرآن و آیات الهی از سوی برخی کفار، با وجود علم و آگاهی بر حقایق آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین .. بل بدالهم ما كانوا یخفون

چون در آیات قبل سخن از تکذیب قرآن و آیات الهی بود، مراد از <ما كانوا یخفون> می تواند موارد مذکور باشد.

کافران و گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۲

۲ - کافران و مشرکان، با رو به رو شدن با گواهی شاهدان علیه خود، به عذرخواهی خواهند پرداخت.

و یوم یقوم الأشهد . یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت <یوم لاینفع ..> بدل برای <یوم یقوم الأشهاد> می باشد.

کافران و مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۳،۵

۳ کافران، معترف به مالکیت

مطلق خداوند بر جهان هستی

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله

جواب خداوند به سؤال مطرح شده و منتظر جواب کافران نماندن، بداهت و مورد اعتراف بودن جواب را می رساند.

۵ خودداری کافران از اعتراف به مالکیت مطلق خداوند، علی رغم آگاهی بدان

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله

کافران و ماههای حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ > عن رسول الله في قوله تعالى > يحلونه عاماً و يحرمونه عاماً < كانوا يحرمون المحرم عاماً و يستحلون صفر و يحرمون صفر عاماً و يستحلون المحرم . . . >

از رسول خدا (ص) درباره آیه فوق روایت شده است: [کافران] یک سال، محرم را ماه حرام و صفر را حلال و یک سال، صفر را ماه حرام و محرم را حلال می شمردند.

کافران و مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران ، تمثیل به پشه و مانند آن را امری ناروا ، نامعقول و به دور از شأن خداوند می پنداشتند .

و أما الذين كفروا فيقولون ماذا أراد الله بهذا مثلا

با توجه به اینکه کفرپیشگان قرآن را نپذیرفته بودند معلوم می شود: جمله >ماذا أراد الله . . . > خداوند چه هدفی را از این مثلها تعقیب می کند < بدین معنا نیست که آنان باور داشتند که این مثلها از جانب خداوند است و در توجیه آنها درمانده بودند؛ بلکه مقصود آنان این بود که چون آن گونه مثلها ناپسند، بی هدف و نامعقول

است، نمی تواند نازل شده از جانب خداوند باشد.

کافران و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۴

۴ اتهام سحر، وسیله ای برای مبارزه کافران با رسالت پیامبر(ص) و آیات الهی

لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۳

۳ گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر(ص)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۵

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا علیک کتابا فی قرطاس فلمسوه . . . و لقد استهزیء برسول من قبلک

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جویبها و توقعات بیجای کافران چنین می نماید

که همین بهانه جویبها، از مصادیق استهزاگری کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ ناتوانی کافران از مقابله با قرآن و پیامبر اکرم(ص)

حتى إذا جاءوك یجدلونك یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

پناه بردن مشرکان به جدل و اتهام، گویای این است که هیچ راه منطقی و صحیحی برای مقابله با قرآن و پیامبر(ص) وجود نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۲،۷

۲ پرهیز کافران مکه در صدر اسلام از گوش فرادادن به قرآن

و سخنان آسمانی پیامبر(ص)

و ینئون عنه

<نأی> به معنی دور شدن است و <ینئون عنه> یعنی مشرکان از قرآن و وحی دوری می گزینند.
۷ ترندهای کافران برای مبارزه با قرآن و پیامبر(ص)، بی ثمر و موجب هلاکت خود آن ها می شود.

و هم ینهون عنه و ینئون عنه و إن یهلکون إلا أنفهم

صدر آیه بیان مبارزه کافران با اسلام و قرآن است. لذا جمله <إن یهلکون> می تواند ناظر به این نکته باشد که سرانجام این مبارزه شکست و هلاکت خود آنان است، نه قرآن و اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۳،۵،۹

۳ پیامبر اکرم(ص) مورد تکذیب و زخم زبان و آزار کافران بود.

قد نعلم إنه لیحزنک الذی یقولون

۵ انکار آیات الهی هدف اصلی کافران از تکذیب پیامبر اکرم(ص)

فإنهم لا یکذبکونک و لكن الظلمین بأیت الله یجحدون

۹ لجاجت کفار و مقابله آنها به پیامبر اکرم(ص) در عین آگاهی از حقانیت آن حضرت

فإنهم لا یکذبکونک و لكن الظلمین بأیت الله یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۴ - ۱،۲

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، پیامبر (ص) را به سبب دعوت به توحید و معاد ، فردی مجنون می پنداشتند .

أو لم یتفکروا ما بصاحبهم من جنه

<جنه> به معنای دیوانگی است. به دلیل آیات بعد که مسأله قیامت و توحید مطرح شده است، می توان گفت این دو مسأله در بین معارف الهی بیشترین نقش را در متهم کردن پیامبر(ص) به جنون داشته است.

ناصوابشان (مجنون پنداشتن پیامبر) فراخواند .

أو لم يتفكروا ما بصاحبهم من جنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۱،۲

۱ خداوند با برنامه های خویش ، مکر کافران علیه پیامبر (ص) را نافرجام ساخت .

إذ يمكر .. و يمكر الله و الله خير المكرين

۲ توطئه گری های کافران مکه علیه پیامبر (ص) و نجات وی از آن توطئه ها با برنامه های الهی ، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ يمكر بك الذين كفروا .. و الله خير المكرين

>إذ يمكر .. < عطف بر >إذ أنتم قليل ... < در آیه ۲۶ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۷

۷ موضعگیری خصمانه کافران و مشرکان در قبال پیامبر ، علی رغم اعتقادشان به خدا

و إذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۳

۳ کافران هرگز با نقض پیمان و خیانت به رسول اکرم (ص) نخواهند توانست بر پیامبر (ص) پیشی گیرند و وی را از ادامه رسالت ناتوان سازند .

و إما تخافن من قوم خيانه .. و لا يحسبن الذين كفروا سبقوا إنهم لا يعجزون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <سبقوا> و <لا يعجزون> پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- ۱۱- ۸- ۴

۴ کفرپیشگان ، تأخیر عذاب

را نشانه بی پایه بودن تهدید های پیامبر دانسته و آنها را به استهزا می گیرند .

لئن أحرنا .. ليقولنّ ما يحبسه

استفهام در جمله <ما يحبسه> به قرینه <ما كانوا به يستهزون> به داعی استهزا و تمسخر ایراد شده است. بنابراین <ليقولنّ...> یعنی ، از سر استهزا و تمسخر می پرسند: چه چیز مانع نزول آن عذاب و تحقق تهدیدها شده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ کفرورزی مردم عصر بعثت و مخالفتشان با پیامبر (ص) و قرآن ، عامل روی آوردن مصیبت های سخت و کوبنده بر آنان

و لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قريبا من دارهم

برداشت فوق با توجه به حرف <باء> در <بما صنعوا> که به معنای سببیت است استفاده می شود. مراد از <ما صنعوا> به قرینه آیات گذشته ، انکار قرآن ، مخالفت با رسالت پیامبر(ص) و مانند آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۱

۱ کافران ، منکر نزول وحی بر پیامبر (ص) بودند و قرآن را دروغ و ساخته و پرداخته او می دانستند .

و قال الذين كفروا إن هذا إلا إفك افتريه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۱

۱۱ - استفاده کافران از شعر ، در هجو ارزش های الهی و پیامبر (ص)

و ذكروا الله كثيرا و انتصروا من بعد ما ظلموا

قیدهای <ذكروا الله كثيرا> و <انتصروا من بعد ما ظلموا>

می تواند نشانگر این باشد که شاعران جاهلی، ارزش های الهی و شخص پیامبر(ص) و مسلمانان را هجو می کردند و خداوند ضمن تشویق شاعران مسلمان به تبلیغ ارزش های الهی (و ذکرُوا اللهَ كثيراً)، مقابله به مثل را نیز برای آنان تجویز کرده است (وانتصروا من بعد ما ظلموا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۱۲، ۱۷،

۱ - پیامبر (ص) به صبر در برابر تبلیغات سوء کافران، موظف بود.

فاصبر إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

متعلق صبر، محذوف است که به قرینه <و لئن جئتهم بأیه ليقولنّ الذين كفروا..> می تواند بر خوردهای ایزایی و تبلیغاتی سوء کافران باشد.

۷ - خداوند، پیامبر (ص) را برای حفظ اقتدار روحی خویش و راه ندادن هیچ گونه اضطرابی به خود، در برابر تبلیغات کافران، فرمان داده است.

إن أنتم إلا مبطلون.. فاصبر... ولا يستخفّنك الذين لا يوقنون

۱۲ - امکان آسیب پذیری روحی پیامبر (ص) در برابر تبلیغات و اذیت های کافران

ولا يستخفّنك الذين لا يوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱ - ۶

۶ - کافران و منافقان، در صدد بودند تا پیامبر (ص) را از اهداف خود باز دارند و کاری کنند تا آن حضرت، خواسته هایشان را قبول کند.

ولا تطع الكفرين و المنفقين

دستور صریح به پیامبر(ص) مبنی بر اطاعت نکردن از کافران و منافقان و تأکید بر آن در آیه بعد، این نکته را می رساند که گروه های یاد شده، در صدد بودند تا

نظر آن حضرت را به سوی خود جلب کنند. لازم به ذکر است که قضیه ای که درباره سبب نزول آیه وارد شده، برداشت بالا را تقویت می کند. سبب نزول آیه، این است که سران مشرکان از پیامبر(ص) خواستند تا او شفیع بودن بت ها را بپذیرد و اعلام کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۲

۲ - دفاع خداوند ، از شخصیت پیامبر (ص) در مقابل نارواگویی های کافران

ما جعل الله لرجل من قلبين في جوفه

این آیه در سیاق آیات مربوط به پیامبر(ص) قرار دارد و می تواند با آن آیات، ربط معنوی داشته باشد. در شأن نزول آیه آورده شده است که کسی مدعی داشتن دو قلب بود و با آن، خود را از پیامبر(ص) برتر می دانست. خداوند، با نفی سخن او برتری دیگران را از پیامبر(ص) نفی و از آن حضرت دفاع کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۷ - ۱

۱ - اجتماع کافران در اطراف پیامبر (ص) ، از هر سو و در قالب دسته های پراکنده بود .

مهطعين . عن اليمين و عن الشمال عزيزين

<عزيزين> (جمع <عزه>) به معنای گروه های پراکنده است ، و <يمين و شمال> در این آیه، کنایه از احاطه همه جانبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۸

۸ - تلاش گناه پیشگان و ناسپاسان کافر ، برای نفوذ و تأثیر گذاری در پیامبر (ص)

فاصبر . . . و لاتطع

منهم ءائماً أو كفوراً

هشدار خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر اطاعت نکردن از گناه پیشگان و ناسپاسان و فرمان به صبر و شکیبایی در امر رسالت، می رساند که این گروه ها، درصدد تأثیر گذاری بر اراده پیامبر(ص) بودند.

کافران و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۵

۵- مرگ در دیدگاه کافران ، پایان زندگی انسان است .

و قالوا أءذا كُنَّا عِظْمًا و رَفْتًا أءنَّا لمبعوثون خلقًا جدیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۱ - ۸

۸- مرگ ، بر خلاف تصور کافران نابودی نیست ، بلکه رخدادی هدف دار و به منظور حضور انسان ها در پیشگاه پروردگار است .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض .. . قل یتوفیکم ملک ... ثمّ ِلی ربکم ترجعون

کافران و مسجدالحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۱۵

۱۵ تنها پیامبر (ص) و مؤمنان ، دارای صلاحیت و اهلیت برای مسجدالحرام هستند ؛ نه مشرکان و کفار *

و اخراج اهله منه اکبر عندالله

با توجه به اینکه پیامبر (ص) و مسلمانان را اهل مسجدالحرام شمرده است ؛ شاید کنایه از اهلیت آنان برای مسجدالحرام و نا اهلی کفار برای آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ کفرپیشگان مکه به ناحق خویشان را سرپرست مسجدالحرام می پنداشته و غاصبانه بر آن تسلط داشتند .

و هم یصدون عن المسجدالحرام و ما كانوا أولیاءه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۱

۱ سوت کشیدن و کف زدن ، شیوه نیایش کافران مکه در مسجدالحرام و اطراف کعبه

و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

کافران و مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۲

۲ - کفرپیشگان (یهود ، نصارا و مشرکان) ناخشنود از نزول کمترین خیر ، بر مسلمانان

ما یوّد الذین کفروا .. أن ینزل علیکم من خیر

نکره آوردن <خیر> به همراه <من> زایده در آیه، حکایت از آن دارد که: مشرکان کمترین خیری را برای مسلمانان نمی پسندیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۵

۵ اظهار ایمان دروغین و داخل شدن در صفوف مسلمانان برای متزلزل ساختن آنان ، از حيله های دشمنان دین

و قالت طائفه .. لعلّهم یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ ایمان حُییی بن اخطب و کعب اشرف به جبت و طاغوت ، و گفتار ناروای آنان نسبت به مسلمانان

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبّات و الطّاعوت و یقولون

ابن عباس می گوید: این آیه درباره حییی بن اخطب و کعب اشرف نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۹

۹ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، تحت سیطره ستم کافران مکه

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين . . . يقولون

بسیاری از مفسران برآنند که آیه مورد بحث درباره مسلمانانی است که تا قبل از فتح مکه در آنجا بودند و از مهاجرت آنان جلوگیری می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۶

۶ مسلمانان صدر اسلام ، در معرض فتنه و آسیب از سوی کافران به هنگام سفر

و إذا ضربتم فی الارض .. ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۹

۱۹ کافران در اندیشه تهاجمی یکباره به مسلمین در شرایط مناسب

و الذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

کلمه <میل> هنگامی که به <علی> متعدی شود، به معنای هجوم بردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۱

۱ خداوند ، کافران ستیزه گر عصر بعثت را به ترک مبارزه علیه اسلام و مسلمانان فراخواند .

قل للذین کفروا ان ینتهوا یغفر لهم

انتهاء به معنای پذیرش نهی است ؛ یعنی انجام ندادن کاری بر اثر نهی شدن از آن. بنابراین با توجه به اینکه متعلق <ینتهوا> شرارتهای کافران علیه مسلمانان است، جمله <ان ینتهوا> دلالت می کند که خداوند کافران را از تعرض به مسلمانان نهی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۳

۱۳- هیچ گاه میان کافران و مسلمانان ، با حفظ مواضع اصولی تسالم کامل و دوستی حقیقی برقرار نخواهد شد .

و إن کادوا لیفتنونک عن الذی

أوحينا إليك . . . و إذا لا تأخذوك خليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۶ - ۲

۲ - قضاوت کافران درباره اسلام و مسلمانان ، قضاوتی بی اساس و بدون پایه عقلانی و منطقی است .

ما لکم کیف تحکمون

کافران و مشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۲

۱۲ - برخی مشرکان و کافران عنود، با نقش مشیت الهی در تأثیر اسباب آشنا بودند.

ما کانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لکن اکثرهم یجهلون

کافران و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱۰، ۹

۹ - دروغ پردازی دائمی کافران درباره معاد

و أقسموا بالله . . . لایبعث الله من یموت بلی وعداً علیه ... و لیعلم الذین کفروا أ

۱۰ - بی اطلاعی کافران در دنیا ، از دروغ گویی خویش درباره رستاخیز

و أقسموا بالله . . . لایبعث الله من یموت بلی وعداً علیه ... و لیعلم الذین کفروا أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۷، ۶، ۵، ۹

۱ - کافران در حیات دوباره انسان ، پس از ناپدید شدن اجزای او در خاک ، تشکیک کردند .

و قالوا أءذا ضللنا فى الأرض أءنّا لفى خلق جديد

۵- از نظر کافران ، پیوستن اجزای پراکنده بدن مردگان ، در قیامت ، امری مستبعد است .

و قالوا أءذا ضللنا فى الأرض أءنّا لفى خلق جديد

<ضللنا> دو معنا دارد: یکی دفن شدن در قبر و دیگری، تبدیل به خاک شدن به گونه ای که

از دیگر اجزای خاک نتوان تمیز داد. طبق معنای دوم، اجزای بدن انسان از هم جدا شده و در میان خاک ها پراکنده خواهد شد. بازآفرینی چنین حالتی، برای کافران، مستبعد بوده است.

۶- کافران ، در انکار معاد ، تنها متکی بر استبعادند .

أءنَّا لفي خلق جديد

۷- انکار لقای پروردگار و نفی هرگونه مسؤولیت از انسان ، انگیزه اصلی کافران در محال شمردن معاد است .

و قالوا أءذا .. بل هم بلقاء ربهم كفرون

۹- کافران ، نه تنها در معاد تردید دارند بلکه منکر صریح آن اند .

و قالوا أءذا ضللنا في الأرض أءنَّا لفي خلق جديد بل هم بلقاء ربهم كفرون

احتمال دارد که <بل هم بلقاء ربهم كفرون> ترقی از <أءذا ضللنا..> به جزم در نفی معاد باشد. لازم به ذکر است که مراد از <لقاء رب> در صورتی که معادل با معاد باشد، نکته یاد شده را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۲ - ۷

۷- کافران ، مدعی کافی نبودن دلایل وحی برای اثبات معاد و اعتقاد به آن

و إذا قيل .. و الساعة لاریب فیها قلت ما ندری ما الساعة إن نظنّ إلا ظنّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۶

۶- پندار و تصویر نادرست کافران ، از مسأله معاد و چگونگی آن

أن أخرج و قد خلت القرون من قبلی

تعبیر <و قد خلت القرون من قبلی> که به عنوان علت برای انکار معاد از سوی کافر مطرح شده نشانگر آن است که

معاد در پندار آنان، بازگشت به دنیا در زمانی است که هنوز نسل های بعد در زمین زندگی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۴

۴ - انکار معاد ، عمده ترین محور مخالفت کافران با پیام دین

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

از سرزنش شدن کافران، به خاطر تکذیب دوزخ و حقیقت قیامت، مطلب بالا استفاده می شود.

کافران و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۲

۲- کافران ، اولیای برگزیده خود (معبود های باطل) را به حال خویش سودمند می پندارند .

أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

درباره معنای این آیه، توجیهاات ادبی مختلفی ابراز شده است. از جمله این که <أن یتّخذوا> مفعول یکم برای <حسب> و مفعول دوم آن <نافعاً> محذوف باشد. برداشت بالا بر این وجه ادبی مبتنی است.

کافران و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۳،۴

۳ رویگردانی و تأثیرناپذیری کافران از هر گونه معجزه الهی

و ما تأتیهم من ءایه من ءایت ربهم إلا کانوا عنها معرضین

۴ برخی از کافران در برابر آیات و معجزات، در عین اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختی نشان داده و لجاجت میورزند.

و ما تأتیهم من ءایه ... إلا کانوا عنها معرضین

آمدن آیات و معجزات متعدد، گویای قطع عذر و اتمام حجت است.

کافران و معجزه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۸

- در صورت اقامه معجزه ای هر چند عظیم ، از سوی پیامبر (ص) کافران ، آن را باطل تلقی می کردند .

و لئن جئتهم بأیه ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون

از این که در ابتدا فرموده است: <در قرآن از هرگونه مثلی زده ایم> و سپس می فرماید: <اگر آیه ای بیاوری> می تواند قرینه باشد بر این که مراد از <آیه> معجزه است و نه آیه قرآن.

کافران و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۸

۱۸ خداوند ، هیچگونه غلبه فکری و منطقی برای کافران بر انبیا و مؤمنان قرار نداده است .

و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

امام رضا(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: لن يجعل الله لكافر على مؤمن حجه .. لن يجعل الله لهم على انبيائه(ع) سبيلا من طريق الحجه.

عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۵، ب ۴۶؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۶۳۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۱،۲

۱ کفرپیشگان مستکبر در دنیا سوگند یاد می کنند که خداوند مؤمنان را در آخرت مشمول هیچ رحمتی نخواهد کرد .

أهؤلاء الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمه

کلمه <رحمه> نکره است و چون پس از نفی واقع شده، معنای عموم از آن استفاده می شود. قابل ذکر است که مراد کافران از <رحمت>، رحمت‌های اخروی است. یعنی بر فرض اینکه آخرتی باشد، خداوند رحمتش را شامل حال مؤمنان نخواهد کرد. فعل مضارع <لا ينال> و نیز معقول نبودن نفی تمامی

رحمتها در دنیا این معنا را تأیید می کند.

۲ اهل ایمان ، در دنیا مورد تحقیر کفرپیشگان مستکبر هستند .

أهؤلاء الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۳

۳ مؤمنان به رسالت انبیا در معرض مشکل آفرینی کفرپیشگان و موظف به صبر و استقامت

إن كان طائفه منكم ءامنوا بالذی أرسلت به .. فاصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۵

۵ لشکرکشی برای رویارویی با اهل ایمان ، عملی پسندیده در نظر شیطان زده کفرپیشگان مکه

إذ زين لهم الشيطان أعمالهم

از مصادیق مورد نظر برای کلمه <أعمالهم> ، به قرینه آیات قبل و فرازهای بعد، لشکرکشی کافران مکه برای حضور در جنگ بدر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۳ - ۱

۱ کافران سزاوار حمایت از یکدیگر ، نه شایسته حمایت کردن از مؤمنان و یا برخوردار شدن از حمایت ایشان

و الذين كفروا بعضهم أولياء بعض

مقصود از ولایت کافران نسبت به یکدیگر و پشتیبانی آنان از همدیگر، به قرینه فراز بعد (إلا تفعلوه ..) نفی ولایت بین مؤمنان و کافران است. بنابراین جمله <إن الذين كفروا ...> به این معنی است که مسلمانان نباید عقد ولایی با کافران داشته باشند ، نه آنان را حمایت کنند و نه از ایشان حمایت جویند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - یادآوری برخورد های مستکبرانه کافران با مؤمنان در

دنیا، در پی نجات خواهی آنان از دوزخ و رد آن از سوی خداوند

ربنا أخرجنا منها .. قال اخسثوا ... إني كان فريق من عبادي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۳

۳ - کافران، به صداقت و راستگویی مؤمنان، باور نداشتند.

و يقولون متى هذا الفتح إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۱

۱ - اظهار تردید کردن کافران در زنده شدن انسان ها پس از مرگ، هنگام رو به رو شدن با مؤمنان

إني كان لي قرين ... أءذا متنا و كنا ترابًا و عظمًا أءنا لمدينون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۱،۳

۱ - اطمینان بخشی خداوند به مؤمنان، در ناتوانی کافران از غلبه بر ایشان، پس از فتح خیبر و صلح حدیبیه

و لو قتلکم الذین کفروا لوآوا الأذیر

برداشت بالا بر این اساس است که <لو قاتلکم..> نظر به آینده داشته باشد، یعنی، شما در آینده، همواره پیروز خواهید بود و هر که با شما بجنگد، منهزم خواهد شد.

۳ - کافران منهزم شده در جنگ با مؤمنان، فاقد کمترین حامی و پشتیبان

لوآوا الأذیر ثم لا یجدون ولیًا و لانصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران ، از خاطره های دیدار خود با مؤمنان ، طنز ساخته و در جمع خانواده خویش به لطیفه گویی و خنداندن یکدیگر می پردازند

و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

<فَكِه> (صفت مشبهه) به معنای خوش دل و خندان یا به معنای کسی است که با همراهان خود سخنی گوید که آنان را بخندانند (قاموس). در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است.

کافران و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۴

۴ داشتن ثروتی بی نیاز کننده از هرگونه داد و ستد با مردم، و تأمین شدن نیازهای مادی از سوی خداوند و یا داشتن بوستانی پر ثمر، نشانه درستی ادعا پیامبری در دیدگاه کافران

أو يلقى إليه كنز أو تكون له جنة يأكل منها

کافران و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۴

۴ کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملكا

کافران و نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۱

۱۱ کافران به رسالت پیامبر(ص)، حق پوش و مغالطه کارند.

و للبسنا عليهم ما يلبسون

<يلبسون>، فعل مضارع و بیانگر استمرار تلبیس کافران است.

کافران و نبوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۴

۴ کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملکا

کافران و نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۱

۱ در صورت نزول کتابی ملموس از

سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه بأيديهم لقال الذين كفروا إن هذا إلا سحر مبني

کافران و نعمتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۶

۶ فرعونیان و کفرپیشگان قبل از آنان در ابتدای تشکلشان امتیاهی شایسته برای بهره مند شدن از نعمت های الهی بودند .

فأخذهم الله بذنوبهم .. ذلك بأن الله لم يك مغيرا ... حتى يغيروا ما بأنفسهم

از نکاتی که می توان از ارتباط این آیه و آیه قبل به دست آورد این است که فرعونیان و امتیهای پیش از آنها در ابتدای تشکلشان امتیهای کافر و منکر آیات الهی نبودند و این حالت پس از گذشت زمان بر آنان عارض شد.

کافران و نعمتهای دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۴

۴ کفر ، مانع برخورداری کافران از نعمت های فراوان الهی ، در دنیا نیست .

ربنا إنك ءاتيت فرعون و ملاءه زينه و أمولا في الحيوه الدنيا

کافران و نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۶

۶ - مکلف بودن کافران به فروع دین و انجام فرائض (همچون نماز)

يدعون إلى السجود و هم سلمون

کافران و نماز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۴

۴ - ازدحام کافران و مشرکان در اطراف پیامبر (ص) ، برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا

یکونون علیه لبداً

مفسران و اهل لغت، <لِیَدِ> را به ازدحام معنا کرده و درباره مرجع ضمیر فاعلی <کادوا> و <یکونون> دو نظر ارائه داده اند. برخی آن را مشرکان و کافران مکه و برخی دیگر آن را مؤمنان جن دانسته اند که برای استماع قرآن کریم در اطراف پیامبر(ص) ازدحام می کردند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظر نخست است.

کافران و نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۴

۱۴ عن أبي ابراهيم قال: .. <ثم الذين كفروا بربهم يعدلون> قال: يعدلون بين الظلمات والنور و بين الجور و العدل.

امام کاظم(ع) درباره آیه <ثم الذين كفروا بربهم يعدلون> فرمود: (کافرانی که برای خدا انباز می گیرند)، ظلمت و نور و ظلم و عدل را برابر قرار می دهند.

کافران و وعده اصلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب .. و إنهم لکذبون

کافران و وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا

جمله <أولم يروا...> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی

به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

کافران هدایت پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۵،۶

۵ - برخی از مردم عصر پیامبر (ص) در مرحله ای از کفر بودند که انذار های پیامبر (ص) در آنان تأثیری نمی بخشید .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

برخی برآنند که مراد از <الذین کفروا> گروهی از کفرپیشگان مکه است؛ یعنی آیه شریفه بیان یک قضیه خارجیه است و حکایت از آن ندارد که در کافر زمینه ایمان نیست.

۶ - برخی از کافران به مرحله ای از کفر می رسند که زمینه ایمان در آنان نابود می شود .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

کافران هدایت ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۷

۷ برخی از کفار انعطاف ناپذیر و غیر قابل هدایتند.

فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ... فَتَأْتِيهِمْ بِأَيِّهِ

جواب <إِنْ اسْتَطَعْتَ> محذوف است. یعنی اگر توانستی در زمین و آسمان هر معجزه ای برای آنان بیاوری، بیاور، ولی آنان ایمان نمی آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۵

۱۵ اگر تمامی موجودات دسته دسته برانگیخته شوند و بر حقانیت پیامبر(ص) شهادت دهند، برخی کافران ایمان نمی آورند.

و حشرنا عليهم كل شيء قبلا ما كانوا ليؤمنوا

<قبلا> در این برداشت جمع <قبیل>، به معنی دسته و صنف گرفته شده است. <و القبیل الجماعه ... من اقوام شتی>. (قاموس اللغه).

کافران هنگام استماع قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۵

۵ - اتهام جنون به پیامبر (ص)، به هنگام شنیدن قرآن از سوی کافران

لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

کافران هنگام تلاوت آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۶

۶ - استکبار کافران و اصرارشان بر کفر، هنگام تلاوت آیات الهی بر آنان

تتلى عليه ثم يصبر مستكبرًا

بنابراین که <ثم> برای تراخی رتبی باشد نه زمانی برداشت بالا استفاده می شود.

کافران هنگام سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۸

۸ - مؤمنان، برخلاف کافران، تنها در گرفتاری به یاد خدا نیستند؛ بلکه در همه حال (خوشی و ناخوشی) رو به خدا می آورند.

و إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ .. أَمَّنْ هُوَ قَتْلُ أَعْيُنِ السَّاجِدِينَ ... وَ يَرْجُوا

برداشت بالا از ارتباط میان آیه شریفه با آیه پیش به دست می آید.

کافران هنگام عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۸

۸ کفرپیشگان ، در صورت مواجه شدن با عذاب های الهی ، از نجات دادن خویش ناتوان خواهند بود .

و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

جمله <لیس مصروفاً عنهم> بیان می دارد که عذاب از کفرپیشگان بازگردانده نمی شود و جمله <حاق بهم ..> به این نکته اشاره می کند که آنان نیز نمی توانند از عذاب بگریزند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۲

۲- آرزوی عمیق کافران به تسلیم شدن در برابر قرآن ، به هنگام مواجهه با عذاب الهی یا مرگ

تلک ءایت الکتب و قرءان مبین . ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین

محتمل است که متعلق <کفروا> قرآن باشد که در آیه قبل آمده است و آرزوی کفار به تسلیم بودن، بنابر قاعده، باید پس از مواجهه با حادثه ای باشد که رهایی از آن ممکن نیست و آن همانا عذاب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۵ - ۴

۴- کافران ظالم ، پس از مشاهده عذاب الهی و قطعیت کیفر ، خواهان تخفیف و تأخیر مجازات خویشند .

فلا یخفف عنهم العذاب ولا هم ینظرون

تذکر الهی به عدم تخفیف عذاب و دادن مهلت به ظالمان، اشاره ای به تخفیف و مهلت خواهی آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۲

۲- کافران ، از یاری و نصرت دیگران به هنگام وقوع عذاب محروم خواهند بود .

ولا هم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۵، ۲

۲- بهت و حیرت کافران ، به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی

بل تأتیهم بغته فنبهتهم

۵- کافران ، در طول عذاب اخروی ، کمترین مهلت و آسایشی نخواهند داشت .

و لا هم ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۲، ۱

۱- حسرت و ندامت کافران از ستم کاری خویش ، به

هنگام احساس و لمس اندکی از عذاب الهی

و لئن مستهم نفعه من عذاب ربك ليقولنّ یویلنا إنا کنا ظلمین

<نفعه> در لغت به معنای وزیدنی و یا یک وزیدن است که نوعاً در امور خیر به کار می رود و گاهی هم در امور شرّ استعمال می شود. از نظر مفسران این کلمه در آیه شریفه، به سه دلیل دلالت تقلیل را می رساند: ۱ ماده <نفعه> دال بر تقلیل است؛ ۲ بر وزن و بناء <مزه> می باشد؛ ۳ به صورت نکره آمده است. گفتنی است کسی واژه <ویل> را می گوید که دچار بدبختی و هلاکت شده و از روی تأسف و تحسّر این لفظ را ادا کرده باشد.

۲- اعتراف و اقرار کافران به ستم کاری خویش پس از گرفتاری به اندک عذاب الهی

و لئن مستهم نفعه من عذاب ربك ليقولنّ یویلنا إنا کنا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۱

۱ - مهلت خواهی مجرمان کفرپیشه ، پس از مشاهده عذاب الهی

فیأتیهم بغته . . . فیقولوا هل نحن منظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۷ - ۱

۱ - امکانات مادی کافران ، بی ثمر به حال آنان ، به هنگام فرا رسیدن عذاب موعود

ثمّ جاءهم ما كانوا یوعدون . ما أغنی عنهم ما كانوا یمتّعون

جمله <ما أغنی عنهم..> را می توان دو گونه معنا کرد: الف) آن چیزهایی که از آن برخوردار می شدند، به کارشان نمی آید و عذاب را از آنان دفع نمی کند. ب) برخورداری ها، لذت ها و خاطرات شیرین

گذشته، در قبال عذاب الهی هیچ ارزشی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۸

۸ - کافران ، در لحظه نزول حتمی عذاب استیصال ، اندک مهلتی نخواهند یافت .

یوم الفتح ... و لا هم ينظرون

بنابراین احتمال که مراد از <یوم الفتح>، روز نزول عذاب استیصال بر کافران باشد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۲

۲ - کافران و مشرکان ، به وقت نزول عذاب الهی بر آنان ، در وضعیت بسیار بد و اسفباری قرار خواهند گرفت .

فإذا نزل بساحتهم فساء صباح المنذرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۳

۳ - برخی از کافران لجوج و گنه کاران سرمست ، تنها به وقت مشاهده عذاب الهی و یقین به نزول آن ، بیدار گشته و در برابر سخن حق (قرآن) تسلیم شده و از آن پیروی می کنند .

أو تقول حين ترى العذاب لو أن لي كره فأكون من المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - روی آوری کافران به درگاه خداوند ، به هنگام گرفتار آمدن در عذاب

ربنا اكشف عنا العذاب

۲- اظهار ایمان و اقرار به ربوبیت خداوند از سوی کافران ، در تنگنا های ابتلا و عذاب

رَبَّنَا اكشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۱

۱- اظہار ایمان و

التجا به خداوند ، پس از مشاهده عذاب ، اقدامی دیر هنگام و بی ثمر برای کافران

أَتَى لَهُمُ الذِّكْرَى

برداشت بالا بنابراین نکته است که تعبیر <أَتَى لَكُمْ الذِّكْرَى>، درصدد بی ثمر خواندن ایمان کافران باشد.

کافران هنگام عذاب استیصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۲

۲ کفرپیشگان و حق ستیزان ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، دست از کفر کشیده ، ایمان خواهند آورد .

أَثْمَ إِذَا مَا وَقَعَ ءَامَنْتُمْ بِهِ ءَالِثْنَ

کافران هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۲۱

۲۱ کافران در آستانه مرگ ، عذاب دردناک الهی را مشاهده خواهند کرد .

فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

برداشت فوق مبتنی بر این است که الف و لام <العذاب> که برای عهد ذهنی است اشاره به عذاب برزخی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۷

۱۷- > عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ : إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أُخْرِجَ مِنْ بَيْتِهِ شَيَّعَتْهُ الْمَلَائِكَةُ إِلَى قَبْرِهِ . . . وَ إِنَّ كَانَ كَافِرًا خَرَجَتِ الْمَلَائِكَةُ تَشْيَعُهُ إِلَى قَبْرِهِ تَلْعَنُونَهُ . . . ثُمَّ يَدْخُلُ عَلَيْهِ مَلَكَا الْقَبْرِ . . . فَيَقُولَانِ لَهُ : مَنْ رَبُّكَ ؟ فَيَتَلَجَّلَجُّ وَيَقُولُ : قَدْ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ فَيَقُولَانِ لَهُ : لَادْرِيْتُ وَيَقُولَانِ لَهُ : مَا دِينَكَ ؟ فَيَتَلَجَّلَجُّ فَيَقُولَانِ لَهُ : لَادْرِيْتُ وَيَقُولَانِ لَهُ : مَنْ نَبِيِّكَ ؟ فَيَقُولُ : قَدْ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ فَيَقُولَانِ لَهُ لَادْرِيْتُ وَيَسْأَلُ عَنْ إِمَامِ زَمَانِهِ .

.. و هو قول الله عزوجل: < ... و يضل الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که [جنازه] مؤمن را از منزلش بیرون می برند، ملائکه او را تا قبرش تشییع می کنند . . . و اگر کافر باشد فرشتگان او را تا قبرش تشییع و لعنت می کنند ... سپس دو فرشته قبر، بر او وارد می شوند ... پس به او می گویند: پروردگارت کیست؟ پس او [در پاسخ] مردد می شود و می گوید: شنیده ام مردم [این گونه] می گویند. پس به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ به او می گویند دینت چیست؟ باز مردد می شود و آنان به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ پس به او می گویند: پیامبر تو کیست؟ پس پاسخ می دهد: شنیده ام که [این گونه] مردم می گویند. پس به او می گویند [آیا] ندانستی؟ و از او درباره امام زمانش سؤال می کنند: ... و این سخن خداوند عزوجل است: ... يضل الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۲

۲- آرزوی عمیق کافران به تسلیم شدن در برابر قرآن ، به هنگام مواجهه با عذاب الهی یا مرگ

تلک ءآیت الکتب و قرءان مبین . ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین

محتمل است که متعلق <کفروا> قرآن باشد که در آیه قبل آمده است و آرزوی کفار به تسلیم بودن، بنابر قاعده، باید پس از مواجهه با حادثه ای باشد که رهایی

از آن ممکن نیست و آن همانا عذاب می باشد.

کافران هنگام ورود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۴،۵،۸،۲۳

۴ - باز شدن درب های دوزخ ، هنگام نزدیک شدن کافران به آن

حتّٰی إذا جاءوها فتحت أبوابها

۵ - درب های دوزخ ، پیش از آمدن کافران بسته است .

حتّٰی إذا جاءوها فتحت أبوابها

۸ - کافران به هنگام رسیدن به درب های دوزخ ، مورد سرزنش نگهبانان و دربانان قرار خواهند گرفت .

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که همزه در < ألم یأتکم > برای استفهام توییخی می باشد.

۲۳ - اعتراف کافران به کفر خویش و سزاوار عذاب بودن خود ، در آستانه ورود به دوزخ

قالوا بلی و لکن حقت کلمه العذاب علی الکفرین

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله < لکن حقت کلمه العذاب علی الکافرین > ادامه کلام کافران دوزخی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۱،۲

۱ - کافران ، پس از توقّفی چند در آستانه در های دوزخ برای پاسخ به پرسش های دربانان ، به ورود در آن فرمان خواهند یافت .

قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل .. قالوا بلی ... قیل ادخلوا أبواب جهنّم

۲ - ورود کافران به دوزخ ، از درب های گوناگون خواهد بود .

قیل ادخلوا أبوب جهنم

کافران هنگام ورود در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۴

۴- اقرار گرفتن خداوند از کافران ، هنگام

مواجهه آنان با آتش دوزخ، درباره حقانیت تهدید های وحی

و یوم یعرض .. ألیس هذا بالحقّ

به قرینه صدر آیه <هذا> اشاره به آتشی است که کافران در معرض آن قرار گرفته اند.

کافران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۳،۴

۳ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبر (ص) و اخلاص لگری آنان در راه تحقق اسلام

و منهم من صدّ عنه

<صدّ> در برداشت فوق به معنای متعدی آن، یعنی بازداشتن و منع کردن گرفته شده است و لذا از آن به اخلاص لگری تعبیر شد.

۴ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبران آل ابراهیم و اخلاص لگری آنان در راه تحقق اهداف ایشان

فقد اتینا ال ابرهیم .. و منهم من صدّ عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۲

۱۲ تحریم طبیات بر تمامی یهود کافر و مؤمن و عذاب قیامت تنها از آن کافران ایشان

حرّمنا علیهم الطیبیت .. و أعتدنا للكفرین منهم عذاباً ألیماً

با توجه به جمله <اعتدنا للكفرین منهم> و جمله <حرّمنا علیهم الطیبیت> که در یکی کلمه <منهم> آمده و در دیگری نیامده، معلوم می شود برای همه یهودیان چه کافر و چه مؤمن طبیات تحریم شده ولی عذاب قیامت، تنها از آن کافران ایشان است.

کثرت اموال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - مشرکان کافر به قرآن ، مدعی برتر بودن

و قال الذين كفروا لن تؤمن بهذا القرءان .. و قالوا نحن أكثر أموالاً و أولدًا

احتمال دارد مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>، مترفان (در آیه قبل) باشد و احتمال دارد به قرینه سیاق، <الذين كفروا> (در آیه ۳۱) باشد. برداشت یاد شده، بنابر احتمال دوم است.

کثرت جمعیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۱

۱ - جبهه کفر، متکی به جمعیت و اتحاد نیرو های خود برای مقابله با حق

أم يقولون نحن جميع منتصر

<جميع> خبر <نحن> است؛ یعنی، ما جماعتی هستیم که با حیثیت جمعی خویش پیروزمندیم.

کثرت فرزند کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۵ - ۲

۲ - مشرکان کافر به قرآن، مدعی برتر بودن در اموال و فرزند

و قال الذين كفروا لن تؤمن بهذا القرءان .. و قالوا نحن أكثر أموالاً و أولدًا

احتمال دارد مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>، مترفان (در آیه قبل) باشد و احتمال دارد به قرینه سیاق، <الذين كفروا> (در آیه ۳۱) باشد. برداشت یاد شده، بنابر احتمال دوم است.

کثرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۸

۸ نیرو های شرک و کفر هر چند فراوان باشند، توان شکست اهل ایمان را ندارند .

و لن تغنی عنکم فتنکم شیئا و لو کثرت

کثرت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۳

۳ - کافران تکذیب گر ، در صدراسلام از قشر ثروتمند

و پرفرزند و نفرات بودند .

أن كان ذا مال و بنين

كج انديشى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۹

۹ - كافران ، گرفتار كجروى و كج انديشى مداوم اند .

كذلك كانوا يؤفكون

كرى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۴

۴ - ناتوانى كفرپيشگان از ديدن و شنيدن حقايق دينى و بازگويى آنها ، ايشان را از درك معارف دين و حقايق قرآن ، محروم كرده است .

صم بكم عمى فهم لا يعقلون

مفعول <لا يعقلون> معارف الهى و حقايق قرآن (ما أنزل الله) است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ كفرپيشگان ، مشركان و آنان كه به خدا دروغ مى بندند ، از شنيدن و ديدن آيات الهى ناتوانند .

و من أظلم ممن افترى .. أولئك ... ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

كفر كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ کفرورزی کافران ، بیرون از اراده الهی نیست .

و لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر اَنَّهُم لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً يريد الله الا ي

جمله <یرید الله .. >، بیان دلیلی است برای <لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ>؛ یعنی شتاب کافران در کفر خویش، ضرری به خداوند نمی زند و کفر آنان، نشانه چیره شدن بر خداوند و اراده او نیست؛ زیرا خداوند با اراده خود آنان را به راهی انداخته که نتیجه آن محرومیت از بهره های آخرت

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۴

۱۴ مالکیت انحصاری خداوند بر تمامی هستی و غنای وی ، دلیل مصونیت او از هرگونه خسارت و آسیب از کفر کافران

و إن تکفروا فان لله .. و کان الله غنیاً حمیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ ناتوانی از درک معارف دین در نتیجه لجاج و کفر ، کافران را نزد خدا معذور نمی سازد .

بل طبع الله علیها بکفرهم

چنانچه مقصود از جمله <قلوبنا غلف> این معنا باشد که یهودیان واقعاً از درک تعالیم پیامبر اسلام و یا دیگر انبیا عاجز بودند و بر این اساس خود را معذور می پنداشتند، جمله <بل طبع الله> بیانگر این نکته است که ناتوانی یهود از درک سخنان پیامبر(ص) نمی تواند عذری در پیشگاه خداوند محسوب شود چون کفرورزی آنان عامل چنین وضعیتی برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۸

۸ کافران تکذیب کننده آیات الهی حتی در صورت بازگشت به دنیا ایمان نمی آورند.

فقالوا یلیتنا نرد .. و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۱

۱ هیچ حرکت و رفتاری ، حتی کفرورزی کافران و پیمان شکنی آنان ، خارج از اراده خداوند نیست .

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إناهم لایعجزون

جمله <لایحسبن ..> در صدد رفع پندار ناصوابی است که کفرپیشگان آن

را در خیال خویش می پروراندند که با توجه به آیات قبل می توان گفت آن پندار برخاسته از کفرورزی و ستیزه جویی علیه پیامبر(ص) و شکستن پیمانهای او بوده است. آنان بر این پندار بودند که اگر دستورات پیامبر(ص) از جانب خدا و خواست اوست، آنان با مخالفتهای خویش بر خدای محمد(ص) چیره شده اند. جمله <لایحسین... > بیان می دارد که این پندار ناصواب است. زیرا هیچ چیز خداوند را ناتوان نمی سازد. مفاد این جمله با توجه به آنچه گذشت این است که هیچ حرکت و رفتاری بیرون از اراده و خواست خداوند نیست.

کفر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۵

۵ - ربوبیت خداوند بر انسان ها مورد انکار کافران عصر بعثت قرار داشت .

من ربّه

چنانچه کافران به ربوبیت خداوند معترف بودند، می گفتند: <ربّنا>.

کفر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۱

۱- کافران مجرم مکه ، علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله <لایؤمنون به > جمله تفسیریه برای <المجرمین > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء

سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

<سكر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

کفران کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۵

۵- ناسپاسی و هدایت ناپذیری کافران ، حتی با رفع گرفتاری ها و نزول رحمت الهی

و لو رحمناهم ... للّجوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۸

۸- کفر ، ناسپاسی شدید است و کافران ، مردمی بس ناسپاس اند .

و الذین کفروا لهم نار جهنّم .. کذلک نجزی کلّ کفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۰ - ۴

۴- نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفرء یتیم الماء .. فلولا تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - استفاده بهینه نکردن کافران تکذیب گر از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

برداشت یاد شده با

توجه به این نکته است که شکر نکردن انسان ها در برابر نعمت ها، به معنای استفاده صحیح نکردن از آنها است.

کفران نعمت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند.

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة قليلاً ما تشكرون

کوبیدن انگشت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۸،۹

۸ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سرهای کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند.

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم كل بنان

<ال> در <الأعناق> جانشین مضاف إليه (الکافرین) است و مراد از <فوق الأعناق> سرهای کافران است. بنابراین جمله <فاضربوا...> یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

۹ خداوند، مجاهدان بدر را به در هم کوبیدن سرهای کافران و از کار انداختن پنجه های آنان، تهییج کرد.

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم كل بنان

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در جمله <فاضربوا...> متوجه مجاهدان باشد. جمله <و ما جعله الله إلا بشری> در آیه دهم، که مسؤولیت فرشتگان را تنها بشارت دهی اعلام کرد، می تواند مؤید این احتمال باشد.

کوبیدن سر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

۸ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سرهای کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

<ال> در <الأعناق> جانشین مضاف إليه (الکافرین) است و مراد از <فوق الأعناق> سرهای کافران است. بنابراین جمله <فاضربوا ...> یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

۹ خداوند ، مجاهدان بدر را به در هم کوبیدن سرهای کافران و از کار انداختن پنجه های آنان ، تهییج کرد .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در جمله <فاضربوا ..> متوجه مجاهدان باشد. جمله <و ما جعله الله إلا بشری> در آیه دهم، که مسؤلیت فرشتگان را تنها بشارت دهی اعلام کرد، می تواند مؤید این احتمال باشد.

کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۳

۳ نزول معجزات و محدوده آن، وارونه ساختن دل و دیده کافران، و قرار دادن دشمن برای پیامبران، از سنتها و کلمات خداوند و غیر قابل تغییر است.

إنما الأیت عند الله .. و نقلب ... و کذلک جعلنا ... و تمت کلمت ربک

در آیات گذشته چند سنت و قانون الهی یاد شد، از جمله: <نقلب أفئدتهم> و <ما كانوا لیؤمنوا> و <لکل نبی عدوا>. لذا اگر مراد از <کلمت>، سنن باشد، همه موارد ذکر شده را می تواند شامل گردد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱

۱- بارزترین ویژگی کافران ، محجوب بودن آنان از دیدن و درک آیات الهی است .

الذین كانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

مراد از دیدن ذکر خدا، مشاهده و درک آیات و نشانه هایی است که مایه یاد خداوند هستند (گفتن مسبب و اراده سبب) و مفاد آیه، این است که مشاهده آیات خداوند، کافران را به یاد او نمی افکند، گویا پوششی بر چشم های آنان است که دیدن آن آیات، بر ایشان مقدور نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - کافران و تکذیب کنندگان پیامبران ، ناینایان واقعی و محروم از بینایی دل

أفلم یسیروا فی الأرض .. و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۳

۳ - کافران ، مردمی کوردل و تاریک بین و مؤمنان ، انسان هایی روشن ضمیر و اهل بصیرت

و ما یتوی الأعمی و البصیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان تمثیل برای وضعیت مؤمنان و کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، انسان های زنده دل و برخوردار از حیات واقعی و معقول ، و کافران (چونان مردگان) محروم از آن

لینذر من کان حیًا و یحقّ القول علی الکفرین

برداشت یاد شده از ارتباط میان صدر و ذیل آیه شریفه، یعنی، به قرینه مقابله میان

انسان های زنده و کافران، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۵

۵ - مؤمنان نیک کردار ، گروهی روشن بین و اهل بصیرت و کافران بدکردار ، گروهی کوردل و غافل اند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

<الأعمی> و <البصیر> تمثیلی برای مؤمنان نیک کردار و کافران بد کردار است.

کوردلی کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر ، انسان هایی کوردل اند .

إذا ولّوا .. و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

کوری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۴،۲،۱

۱ - مَثَل کفرپیشگان ، مَثَل حیوانی است که از درک شنیده ها ناتوان است .

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لایسمع

<نعق> (مصدر ینعق) به معنای: نهیب چوپان بر گوسفندان و امر و نهی اوست و مراد از <ما لایسمع> گوسفند و مانند آن

می باشد. به گفته مفسران در آیه شریفه، کافران لجوج به گوسفندان و دعوت کنندگان به معارف دین به چوپان تشبیه شده

اند. بر این مبنا بخشی از مشبه ذکر نشده و تقدیر کلام چنین است: مثل الذین کفروا و الذی یدعوهم الی الأیمان کمثل الذی

....

۲ - کفرپیشگان از دعوت پیامبران جز فریاد و سر و صدا ، چیز دیگری در نمی یابند .

و مثل الذين كفروا كمثل الذي ينعق بما لا يسمع إلا دعاءً و نداءً

بر

اساس توضیح برداشت قبل، معنای جمله <مثل الذین کفروا.. إلا دعاء و نداء> چنین می شود: مثل کافران در ارتباط با دعوت کنندگان به ایمان مثل گوسفندان و چوپان آنهاست؛ همان گونه که گوسفندان از سخن و امر و نهی چوپان چیزی جز فریاد نمی فهمند، کافران نیز از دعوت پیامبران حقیقتی را درک نمی کنند.

۴- ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن، محروم کرده است.

صم بکم عمی فهم لایعقلون

مفعول <لایعقلون> معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل الله) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰ ایمان به آیات الهی بینایی و کفر به آن کوری است.

قد جاءكم بصائر من ربكم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند.

و من أظلم ممن افتری .. أولئك ... ما كانوا یستطیعون السمع و ما كانوا یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۸

۸- افتادن حجاب نامرئی بر دیدگان کافران و محروم شدن آنان از شنیدن و درک وحی، معلول تصمیم آنها مبنی بر عدم ایمان به آخرت است.

بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا

تعبیر <الذین لایؤمنون بالأخره> - به صورت جمله وصفیه - و فعل مضارع به جای

>الکافرین < می تواند به این معنا باشد که جعل حجاب از سوی خدا، به خاطر این خصلت و گزینش از سوی کافران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۹

۹ - مؤمنان ، مردمی واقع بین ، خودشناس و بصیر و کافران ، مردمی خود ناشناس و فاقد بصیرت

الذین کفروا لهم عذاب شدید و الذین ءامنوا. .. أفمن زین له سوء عمله فرءاه حسناً

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که آیه شریفه تصویر کننده چهره مؤمنان و کافران باشد که در آیه قبل از آنان سخن گفته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۶ - ۲، ۱

۱ - توانایی خداوند بر عذاب کافران ، به گونه ای که آنان با از بین رفتن چشم ها و نوردیدگانشان ، راه معمول خود را پیدا نکرده و از پیمودن راه درست محروم خواهند شد .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراط فأئی یبصرون

>طمس< (مصدر >لطمسنا<) به معنای از بین بردن آثار و شواهد چیزی است و مقصود از >لطمسنا علی أعینهم< از بین بردن کامل عضو چشم و یا نور و بینایی آن می باشد. مراد از >الصراط< نیز راه معمول و متداولی است که افراد آن را طی می کنند.

۲ - عذاب کافران با از بین بردن چشم ها و نوردیدگانشان (به گونه ای که راه درستی را پیدا نکنند) جزء مشیت و سنت خدا نیست .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراط فأئی یبصرون

از به کار رفتن >لو< که برای

امتناع و امر محالی است برداشت یاد شده به دست می آید.

کوری کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۴

۴ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله > و جعلنا من بين أيديهم سداً و من خلفهم سداً فأغشيناهم < يقول : فأعميناهم > فهم لا يبصرون < الهدى ... >;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا >..فأغشيناهم< روایت شده: که خدا می فرماید: آنان را کور کردیم، پس نور هدایت را نمی بینند...<.

کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱

۱ آتش سوزان جهنم ، کیفر کافران به آیات الهی

انّ الذین کفروا بایاتنا سوف نُصلیهم ناراً

۱۲ وارد ساختن کافران به آتش و عذاب آنان در دوزخ ، بر اساس حکمت خداوند

انّ الذین کفروا بایاتنا سوف نُصلیهم ناراً .. انّ الله کان عزیزاً حکیماً

تذکر به حکمت خداوند پس از بیان عذاب کافران، اشاره به حکیمانه بودن چنین عملی است.

۱۳ هیچ نیرویی قادر به جلوگیری از عذاب کافران در دوزخ نخواهد بود .

سوف نُصلیهم ناراً .. انّ الله کان عزیزاً حکیماً

تذکر به شکست ناپذیری خداوند پس از بیان اینکه کافران را به دوزخ خواهد برد، اشاره به این معنا دارد که مبادا توهم شود آنان می توانند علی رغم خواست خداوند بر او غلبه کنند و خود را از آتش برهانند.

۱۴ عزت و حکمت الهی ، مقتضی عذاب مستمر دوزخیان کفرپیشه *

انّ الذين كفروا .. انّ الله كان عزيزاً

حکماً

بنابر اینکه جمله <انّ الله .. >، بیان علتی برای <سوف نصليهم ناراً> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۷

۷ عذاب اخروی پیروان شرک و کفر، سزای اعمالشان در دنیاست.

فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۴

۴ همسانی منافقان و کافران ، در استحقاق کیفر شدید و مستمر خداوند در قیامت

وعد الله المنافقين و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۹

۹ کیفر دنیوی و اخروی کافران و منافقان ، از سنت های ثابت الهی

أولئك حبّطت أعمالهم فی الدنيا و الآخره .. ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۳

۱۳ عذاب دردناک و آشامیدنی داغ و جوشان ، کیفر اخروی کفرمداران

و الذین کفروا لهم شراب من حمیم و عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۲

۲- کافرانی که با حالت ظلم به نفس (کفر) از دنیا بروند ، در قیامت گرفتار خواری و ذلت خواهند شد .

إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكُفْرِينَ . الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن

، دلیل پاینده تر بودن عذاب کافران از شکنجه و آزاری است که آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

والله خیر و أبقى . إِنْه من یأت ... لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، روز مجازات و کیفر کفرپیشگان و حق ستیزان

و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ - کافران ، در روز رستاخیز به جای نیل به ثمره اعمال نیک خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و الذین کفروا أعمالهم کسراب بقیعه .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئاً و وجد الله ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۸،۹

۸ - وعده الهی به گردآوری کافران هر امت ، برای محاکمه و مجازات در قیامت *

و یوم نحشر من کلّ أمّه فوجاً ممّن یکذبّ بایتنا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حشر> مورد بحث در آیه مربوط به قیامت باشد.

۹ - حشر گروهی از کافران هر امت در قیامت و رانده شدن آنان به سوی جایگاه محاکمه و مجازات *

و یوم نحشر من کلّ أمّه فوجاً ممّن یکذبّ بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - مجازات کافران و بدکاران در قیامت ، همراه با آگاه شدن از جرم شان است .

إلینا مرجعهم فنبئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - رفاه دنیوی کافران ، در قبال عذاب سخت آخرت ، اندک و ناچیز است .

نَمَتَّعَهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ غَلِيظٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۲ - ۴

۴ - همانندی و یک سانی مجازات و کیفر زنان و مردان مشرک و کافر در قیامت

احشروا الذين ظلموا و أزوجهم

برداشت یاد شده از آن جا است که اختصاص به ذکر یافتن <ازواج> (همسران)، می تواند برای از بین بردن این توهم باشد که زنان مشرک و کافر از کیفر الهی معاف اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۱

۱ - مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در کیفر و عذاب دوزخ

فإنهم يومئذ في العذاب مشتركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - خداوند با کافران بد کردار در قیامت ، بر مبنای عدل و با مؤمنان نیک کردار براساس فضل و لطف خویش برخورد خواهد کرد .

من عمل سيئة فلا يجزي إلا مثلها و من عمل صلحا .. و هو مؤمن ... يرزقون فيها ب

برداشت یاد شده از آن جا است که مجازات گناه کاران، تنها به میزان گناه آنان است و ولی پاداش مؤمنان نیک کردار، بی شمار و افزون بر استحقاق آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۳

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه

جوبه آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۸

۸- قیامت ، روز مجازات کافران با عذابی خوارکننده و ذلّت بار

فالیوم تجزون عذاب الهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۲۲

۲۲- روز قیامت و کیفر دهی کافران ، روزی بس بزرگ و توصیف ناپذیر *

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۱

۱۱- کیفر کافران در قیامت ، نتیجه عملکرد خود آنان

قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۵

۵ کیفر های اخروی نتیجه قهری عملکرد خود کافران ، و نه ظلمی از سوی خدا بر ایشان

قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعْدِ .. و ما أنا بظلم للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - رهنمود خداوند به پیامبر (ص) ، در امید بستن به قیامت برای جزای کافران لجوج

فاصبر . . و استمع یوم یناد المناد

آیات پیشین در زمینه مواجهه ناروای کافران با پیامبر(ص) و لزوم شکیبایی آن حضرت در برابر آنان بود. اکنون در این آیه، خداوند به پیامبر(ص) می فرماید: گوش به زنگ منادی حق برای رستاخیز باش؛ کنایه

از این که آن روز کافران، مجازات واقعی خود را خواهند دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۷

۷ - کیفر های دنیوی و برزخی کافران ، سبک تر از کیفر اخروی آنان *

و إِنَّ لِلذِّينِ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشد و <دون ذلک> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۶ - ۳

۳ - قیامت ، قرارگاه اصلی برای مؤاخذه و مجازات کافران

سيهزم الجمع . . . و الساعة أدهى و أمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۲

۲ - کیفر و عذاب دوزخ برای کافران ، نتیجه و پیامد کوتاهی و تقصیر کاری خود آنان است .

فاعترفوا بذنبهم

کیفر استهزاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱

۱ - دوزخ ، پایانی خفت بار برای دروغ پردازان ، استهزاهای گناه پیشگی کافران

ويل لكل أفاك أثيم . . . اتخذها هزواً ... عذاب مهين . من ورائهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۶ - ۲

۲ - بی پاسخ نماندن تمسخرهای کافران و گرفتاری آنان به نتایج کردار خویش، امری طرفه و جالب توجه است.

هل ثوب الکفار ما کانوا یفعلون

استفهام در آیه شریفه برای تقریر و تعجیب است؛ یعنی، کافران چنین حالتی را

گمان نداشته و پیش بینی نمی کردند.

کیفر برزخی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۳

۳ - وجود کیفر برای کافران ، پیش از برپایی قیامت و در عالم برزخ

النار يعرضون عليها غدوًّا و عشیًّا

کیفر دروغگویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱

۱ - دوزخ ، پایانی خفت بار برای دروغ پردازان ها ، استهزاگری ها و گناه پیشگی کافران

ویل لكل أفاک أثیم .. اتخذها هزواً ... عذاب مهین . من ورائهم جهنم

کیفر دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۳ - ۲

۲ مخالفت و دشمنی مشرکان مکه با خدا و رسول او مایه فرمان الهی به سرکوبی و نابودی آنان

ذلک بأنهم شاقوا الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۹

۱۹ شکست کافران جنگ بدر نمودی از عقوبت شدید خداوند برای آنان

و الله شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۷،۹

۷ هلاکت امت های کفرپیشه گذشته تاریخ ، نمودی از قدرت خدا بر کیفر دنیوی منافقان و کافران هر عصر

ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح . . . و المؤمنفکت

۹ کیفر دنیوی و اخروی کافران و منافقان ، از سنت های ثابت الهی

أولئک حبطت أعمالهم فی الدنیا و الآخره . . . ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح .

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ حسابرسی و مجازات کفرپیشگان و منکران رسالت در دنیا

و علینا الحساب

از آن جا که مقصود از تهدیدهای اشاره شده در این آیه عذابهای دنیوی است ، معلوم می شود مراد از حساب در جمله <علینا الحساب> نیز حسابرسی در دنیا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۳

۳ - چشاندن بخشی از کیفر دنیایی به کافران ، نمودی از رحمت الهی و وسیله ای برای هدایت آنان

ردف لكم بعض الذی تستعجلون . و إنّ ربّك لذو فضل علی الناس

همان طور که در آیه پیش گفته شد، مراد از <الذی تستعجلون> می تواند تنها عذاب دنیوی باشد. بنابراین عبارت <بعض الذی تستعجلون> به معنای گوشه ای از مجازات دنیایی است. با توجه به مطلب یاد شده می توان گفت که یادآوری بذل و رحمت الهی بر مردم، پس از بیان <ردف لكم بعض الذی تستعجلون> از آن جهت است که مشاهده گوشه ای از مجازات الهی، بیدارگر و هشدار دهنده است؛ برخلاف نزول تمامی عذاب که در آن مجالی برای توبه و انابه باقی نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۱۱

۱۱- وجود کیفرهای دنیوی برای بسیاری از کافران ، افزون بر عذاب اخروی آنان

و الذین کفروا .. و النار مثوی لهم . و کأین من قریه ... أهلکنهم

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که خداوند تمامی کیفر کافران را به آخرت وانهاد و آنان را

در دنیا به کلی رها نساخته است؛ بلکه بسیاری از آنان را به کیفر کفرشان هلاک ساخته و می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۶،۷

۶ - کافران ، گرفتار کیفر های دنیوی و بیشتر آنان ، غافل از منشأ گرفتاری های خویش *

لذین ظلموا عذاباً... و لكنْ أكثرهم لا يعلمون

در صورتی که <عذاباً دون ذلک> نظر به کیفر دنیوی داشته باشد، احتمال می رود که <أكثرهم لا يعلمون> به این معنا باشد که کافران به رغم ابتلا به این کیفرهای الهی، معمولاً توجه ندارند که علت آن، کفر ایشان است.

۷ - کیفر های دنیوی و برزخی کافران ، سبک تر از کیفر اخروی آنان *

و إنّ للذین ظلموا عذاباً دون ذلک

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشد و <دون ذلک> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

کیفر دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۱۱

۱۱ کیفر الهی ، فرجام شوم دوستی با کافران و پذیرش سلطه آنهاست .

لا تتخذوا الکفرین أولیاء .. ان تجعلوا الله علیکم سلطاناً مبیناً

حجت آشکار خداوند، حکایت از این دارد که مقتضی کیفر و عقاب برای چنین افرادی فراهم است.

کیفر سخت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۵ - ۴

۴ - مؤاخذه سخت کافران و چشم پوشی از خطای مؤمنان ، برخاسته از سلطه خداوند بر تمام هستی است .

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ . . . وَ

هو الغفور الودود . ذوالعرش

کیفر عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۱

۱ شکنجه و عذاب کافران به هنگام مرگ و پس از آن نتیجه اعمال خود آنان است ، نه ظلمی از جانب خداوند بر ایشان .

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدمت أیدیکم و أن الله لیس بظلم

<ذلک> می تواند اشاره به خصوص <عذاب الحریق> باشد و می تواند اشاره به مجموع عذابی باشد که در آیه قبل بیان شد. قابل ذکر است که در برداشت فوق <أن الله...> ناظر به این حقیقت گرفته شده که عذاب کافران بیش از استحقاق آنان نیست، نه تعلیلی برای ضرورت گرفتارسازی ایشان به عذابهای الهی.

کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر .. ثم أضطره إلی عذاب النار

اضطرار یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۱۶، ۱۰

۱۰ عذاب شدید کافران پس از اتمام حجت بر آنان از طریق کتب آسمانی

نزل علیک الكتاب .. ان الذین کفروا بایات الله لهم عذاب شدید

۱۶ ابتلای کافران به عذاب شدید ، انتقام الهی از آنان

و نمایانگر شکست ناپذیری خداوند است .

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا .. لَهْمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ وَّ اللّٰهُ عَزِيْزٌ ذُوْا نِقَامٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۵

۵ مجازات کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، از سنت های خداوند است .

كُذِّبَ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَّ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوْا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوْبِهِمْ

خداوند همه کافران را در همه عصرها، تهدید به عذاب کرده و از این، عمومیت سنت الهی در مورد کافران، استنباط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۹

۱۹ بصیرت خداوند به بندگان ، تضمین کننده پاداش متّین و کیفر کافران

قُلْ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا .. لِّلَّذِيْنَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ ... وَّ اللّٰهُ بِصِيْرٍ بِالْعِبَادِ

اگر آگاهی همه جانبه خداوند نباشد، کیفرها و پاداشها، تضمین نمی شود. از این رو خداوند پس از بیان کیفر و پاداش، آگاهی خود را به احوال بندگان، متذکر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۴

۱۴ کفر و انکار آگاهانه آیات الهی ، کیفر سریع خداوند را در پی دارد .

و مَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ سَرِيْعُ الْحِسَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ مکر خداوند با کافران ، مجازات نمودن آنان به سبب مکرشان است .

و مکروا و مکر اللہ

امام رضا(ع) درباره آیه فوق فرمود: انّ اللّٰه تبارک و تعالیٰ . . لا یمکر ... و لکنّہ عزّ و

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۱۹، ب ۱۱؛ معانی الاخبار، ص ۱۳، ح ۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۶ - ۱،۵

۱ کافران (یهودیان) ، مشمول عذاب سخت خداوند در دنیا و آخرت

فاما الذین کفروا فاعذبهم عذاباً شديداً فی الدنيا و الاخره

۵ کافران (یهودیان) ، هیچ یار و یآوری در برابر عذاب الهی در دنیا و آخرت ندارند .

فأما الذین کفروا .. و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۳

۳ خداوند بدون مهلت و تأخیر ، مرتدان و کافران یهود و نصارا را عذاب می کند .

لا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۴

۴ کسانی که در حال کفر بمیرند ، مستحقّ عذابی دردناک هستند .

اولئک لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۵،۸

۵ عذاب سیه رویان (اهل کفر) و استغراق سفیدرویان در رحمت الهی ، از آیات بحق خداوند

فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون .. ففى رحمه الله ... تلك آيات الله

بنابراينکه مشارالیه <تلك>، مطالب مذکور در دو آیه قبل باشد.

۸ عذاب سیه رویان (کافران) ، ناشی از اعمال ناپسند (تفرقه و پراکندگی و کفر) خود آنان است و نه از ناحیه خداوند

فاما

الذین اسودّت وجوههم .. و ما اللّٰه یرید ظلماً للعالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱،۱۳

۱ اموال و فرزندان اهل کفر، نمی تواند آنها را از کیفر خداوند برهاند.

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من اللّٰه شیئاً

<اغنی> هنگامی که با <عن> متعدی شود، به معنای <دفع> می آید. لذا <لن تُغنی>، یعنی نمی رهااند. (روح المعانی).

۱۳ آتش جاودانه دوزخ، فرجام کفر پیشگان اهل کتاب

انّ الذین کفروا .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

با توجه به آیات قبل، مراد از <الذین>، کافران اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲۳

۲۳ کافران کینه توز و منافقان حيله گر شایسته نابودی

قل موتوا بغيظکم انّ اللّٰه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۳،۵،۶،۸

۳ آتش دوزخ، در انتظار کافران و رباخواران، و آماده برای آنان

لا تاکلوا الرّیوآ .. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للكافرين

۵ آتش دوزخ، هم اکنون حاضر و آماده برای کافران

و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للكافرين

کلمه <اعدّت> (مهیّا شده)، به صیغه ماضی، دلالت بر وجود بالفعل چنین آتشی دارد.

۶ آتش دوزخ ، در اصل برای کافران مهیا شده است .

و اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

بنابر اینکه <الَّتِي>، وصفِ توضیحی باشد نه احترازی.

۸ همگونی عذاب رباخواران با عذاب کافران

لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً .. و اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱۹

۱۹ آتش دوزخ ، جایگاه و فرجام شوم کفرپیشگان مشرک

سنلقى فى قلوب الذين كفروا الرعب .. و ماويهم النار و بسئى الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۶

۱۶ عذاب بزرگ اخروی در انتظار شتابگران در کفر است .

الذين يسارعون فى الكفر .. و لهم عذاب عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۸ - ۵،۶

۵ خداوند برای گناهکارانی که توبه را تا آستانه مرگ تأخیر انداخته و کسانی که کافر بمیرند ، عذاب دردناکی آماده کرده است .

و ليست التوبه للذين .. و لا الذين يموتون و هم كفار اولئك اعتدنا لهم عذابا

۶ خداوند برای کسانی که تا لحظه مرگ بر کفر خویش باقی مانده و آنگاه ایمان آورند ، عذابی دردناک آماده کرده است .

و ليست التوبه .. و لا الذين يموتون و هم كفار اولئك اعتدنا لهم عذاباً اليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۶

۶ آتش سوزان جهنم ، کيفر آتش افروزان و اخلاگران عليه پیامبران

و كفى بجهنم سعيراً

<سعير>، به معنای آتش برافروخته و سوزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، گردآورنده همه منافقان و کافران ، در جهنم

إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۱ - ۳،۴

۳ کیفر خوار کننده الهی ، در انتظار کافران به خدا و پیامبران اوست .

و أعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

۴ جهنم و عذاب الهی ، هم اکنون برای کافران آماده و مهیاست .

و أعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

چنانچه مراد از <عذاباً مهيناً> عذاب دوزخ باشد، فعل <اعتدنا>، به صیغه ماضی حکایت از وجود هم اکنون دوزخ دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۷

۷ جاودانگی در جهنم ، کیفر کافران ستمگر

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا... خلدین فیها ابدأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۱

۱ کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اصحاب دوزخ هستند .

و الذين كفروا و كذبوا... أولئك اصحاب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۳

۳ کفرپیشگان به پندار باطل ، خویشان را از مکر خدا و کیفر های ناگهانی وی ایمن می شمارند .

أفأمنوا مکر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۲

۲ ابتلای کفرپیشگان تاریخ به کیفر های الهی ، بیانگر توانایی

خداوند به گرفتارسازی گنهکاران موجود به عقوبت گناهانشان است .

أو لم يهد للذين يرثون .. أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم

فاعل <یهد> ضمیری است که به داستان و سرنوشت اقوام پیشین برمی گردد و <أن لو نشاء .. > مفعول آن می باشد. قابل ذکر است که <الذین يرثون> نیز مفعول به واسطه <یهد> است. و چون <یهد> به حرف لام متعدی شده، معنای تبیین در آن تضمین شده است. بنابراین جمله <او لم یهد ... > یعنی آیا سرگذشت پیشینیان برای وارثانشان این حقیقت را روشن نکرده است که اگر مشیت ما اقتضا کند آنان را به سبب گناهانشان عقوبت می کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۳ - ۱

۱ سنت خداوند بر امهال کفرپیشگان تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و أملی لهم إن کیدی متین

املاء (مصدر املی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۲

۲ آتش دوزخ کیفر تمامی کافران

و أن للکفرین عذاب النار

<ال> در <الکافرین> برای استغراق و شمول است. گفتنی است در وجه ترکیبی <أن للکفرین ... > نظرهای مختلفی ایراد شده است. بهترین وجه آن تقدیر گرفتن فعلی همانند <اعلموا> است. یعنی <واعلموا أن للکفرین عذاب النار>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۹

۹ جهنم ، سزای کافران حق ستیز

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۷

۷ خداوند ، کفرپیشگان را به سبب رفتار ناپسندشان (سرمستی ها ، ریاکاری ها ، بازداری مردم از راه خدا) ، مجازات خواهد کرد .

و لاتکونوا کالذین .. و الله بما یعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۱۱ ، ۱۰ ، ۶ ، ۵

۵ خداوند فرعونیان و همه کافران پیش از آنان را به سبب گناهانشان به کیفری شدید گرفتار ساخت .

فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوی شدید العقاب

۶ خداوند ، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

کفروا بایت الله فأخذهم الله بذنوبهم

۱۰ گرفتاری فرعونیان و کافران پیش از آنها به کیفر های شدید الهی ، نمودی از توانمندی خداوند است .

فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوی شدید العقاب

۱۱ توجه به سنت الهی در مجازات کافران و گناهکاران ، زمینه ساز پرهیز از کفرورزی و ارتکاب گناه

کدأب ءال فرعون .. إن الله قوی شدید العقاب

هدف از بیان مؤاخذه کافران و گنهکاران هشدار است به انسانها تا با توجه به آن در مسیر ایمان و ترک گناه قرار گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۴

۱۴ کیفر خداوند برای کافران ، متکی بر شنوایی و علم گسترده اوست .

و أن الله سمیع

علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ هزیمت و شکست ، فرجام شوم و کیفر قطعی برای تمامی کافران و دشمنان ایستاده در برابر دین الهی

و عَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ذَلِكُمْ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۷۸، ۱۲

۷ عذاب جاودان جهنم ، مجازاتی بس سنگین و کافی برای منافقان و کافران

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد الله المنافقين .. و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

۱۲ محرومیت منافقان و کافران از رحمت الهی ، مایه رنج و عذاب همیشگی آنان

و لعنهم الله و لهم عذاب مقیم

برداشت فوق بر این اساس است که <عذاب مقیم> در نتیجه نفرین الهی به دوری آنان از رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۰

۱۰ دستیابی مؤمنان به پاداش و ایمان و اعمال شایسته خویش و گرفتاری کافران به کیفر کفر و بزهکاری خود ، فلسفه اساسی معاد و برپایی رستاخیز است .

ثم یعیده لیجزی الذین ءامنوا .. و الذین کفروا لهم شراب من حمیم و عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ مجازات کفرپیشگان و منکران قیامت (از میان برداشتنشان) ناسازگار با فلسفه آفرینش انسان

و لو يعجل الله للناس الشر .. لقضى إليهم

۶ کفرمداران و شرک پیشگان ، مستحق عذاب و کیفر الهی در دنیا

و لو يعجل الله للناس الشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۲۰

۲۰ عذاب دردناک جهنم ، کیفر کافران است .

فلا يؤمنوا حتى يروا العذاب الأليم

ممکن است الف و لام <العذاب> که برای عهد ذهنی است اشاره به عذاب دنیوی (استیصال) باشد و ممکن است اشاره به عذاب برزخی و یا عذاب اخروی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۲

۲ امت های ستم پیشه (جوامع کفرپیشه و مشرک) در خطر گرفتار شدن به عقوبت های الهی و عذاب های استیصال هستند .

و كذلك أخذ ربك إذا أخذ القرى و هي ظلمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > و لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه > و هي النقمه > أو تحلّ قريباً من دارهم > فتحلّ بقوم غيرهم فيرون ذلك و يسمعون به و الذين حلّت بهم عصاه كفار مثلهم و لا يتعظ بعضهم ببعض و لن يزالوا كذلك > حتى يأتي وعد الله > الذي وعد المؤمنين من النصر و يخزي الله الكافرين ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <و لا يزال ..> روایت شده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] <أو تحلّ قريباً من دارهم> [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آید و آنان

می بینند و می شنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شده، مانند ایشان گناهکار و کافرند و [لیکن] برخی از برخی دیگر پند نمی گیرند و همواره چنین هستند تا وعده خدا فرا رسد و، حتی یأتی وعد الله، همان وعده ای که به مؤمنان داده است که آنان را پیروز کند و خداوند کافران را خوار می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۵

۵ خداوند پس از مدت ها و گذشت زمانهایی، کفرپیشگان و استهزاگران انبیا را به عقوبت های خویش گرفتار می ساخت.

فأملیت .. ثم أخذتهم فكيف كان عقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند، کفرپیشگان را پس از اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند.

فإنما عليك البليغ و علينا الحساب

وقوع جمله <و علينا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما عليك البليغ> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۹

۹- خداوند، از کافران حق ناپذیر، به وسیله شراره های دوزخ، پذیرایی می کند.

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

کلمه <نُزِّل> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تَهَكُّم> بوده و برای استهزا به کار

می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إِنَّهٗ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشدارى به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۳

۱۳ - آتش سوزان ، کیفر کفرپیشگان و تمام کسانی که در راستای منحرف ساختن مردم از راه خدا و دین او تلاش می کنند .

و من الناس من یجدل .. و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۰ - ۴

۴ - سرگذشت قوم نوح ، دارای نشانه هایی روشن بر قدرت الهی در کیفر کافران و نصرت مؤمنان

قال رب انصرنی .. إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لَآیَاتٍ

با توجه به ظهور قدرت خدا در طوفان نوح و غرق شدن کافران و مشرکان و نیز ظهور نصرت الهی نسبت به حضرت نوح(ع) و همراهان او، عبارت <إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لَآیَاتٍ>، می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۷

۷ - ربوبیت خدا ، مقتضی حسابرسی اعمال و کیفر کافران

فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۷ - ۲

۲ - بی ارزشی بهر هوری

هر چند طولانی کافران از دنیا ، در قبال کیفر الهی

إِنْ مَتَّعْنَهُمْ سِنِينَ . . . مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَمْتَعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۳

۳ - تکذیب نشانه های خدا ، اصلی ترین موضوع دادگاه کیفری کافران

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ وَقَالَ أَكْذَبْتُمْ بَايْتِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴ - ۸

۸ - کافران ، به کیفر الهی ، مجازات خواهند شد .

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَن يَسْبِقُونَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۴

۴ - عذاب فراگیر دوزخ ، سزای اعمال ناروای خود کافران است .

ذوقوا ما كنتم تعملون

برداشت بالا، بنابر تقدیر <جزا> به عنوان معنای <ما>ی موصول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۵

۵ - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمَتَّعْهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ

احتمال دارد <قليلًا> صفت برای مفعول به <نمَّعَ > باشد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان،

مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۱۰، ۶، ۱

۱ - فلسفه پیمان گرفتن خداوند از پیامبران ، پاداش دادن به مؤمنان و کیفر دادن به کافران است .

و إذا أخذنا من النبیین میثقهم .. لیستل الصدقین عن صدقهم ... و

أعدّ للكافرين

<لام> در <لیستل..> لام تعلیل یا لام غایت است. مراد از <الصادقین> به قرینه مقابله با <الکافین> مؤمنان اند. لازم به ذکر است که برداشت بالا، علاوه بر نکته یاد شده مبتنی بر این است که مرجع ضمیر در <صدقهم> واژه <الصادقین> باشد و علت پرسش از صداقت مؤمنان، پاداش دادن به آنها است.

۶ - عذاب شدن کافران ، پس از اتمام حجت با آنان است .

و إذا أخذنا من النبیین میثقهم . . . لیستل ... و أعدّ للكفرین

۱۰ - عذاب کافران ، بدون پرسش و پاسخ و مؤاخذه خواهد بود .

لیستل الصدقین . . . و أعدّ للكفرین عذابًا ألیماً

تغییر اسلوب کلام از <لیستل..> به <أعدّ...> می تواند به منظور افاده این نکته باشد که عذاب کافران، آماده شده است و جای چون و چرا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، جز کافران را مجازات نمی کند .

و هل نجزی إلاّ الکفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۱

۱ - کافران ، سزاوار عذابی سخت و طاقت فرسا

الذین کفروا لهم عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۲،۶

۲ - کافران ، محکوم به دوزخ اند .

و الذين كفروا لهم نار جهنم

۶- عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

كذلك نجزي كل كفور

< كفور > صیغه مبالغه از ماده < كفر > و یا < كفران > می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۷

۷ - مجازات الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت و دادن فرصت مناسب و عمر کافی برای شناخت و پذیرش دین و تعالیم آسمانی خواهد بود .

أولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر و جاءكم النذير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - کیفر کافران ، از شؤون مقام ربوبی است .

و لا يزيد الكفرين كفرهم عند ربهم إلا مقتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۲

۲ - گرفتاری کافران و دشمنان دین خدا ، در دام افراد وسوسه کننده و اغواگر ، کیفر الهی برای آنان است .

و قیضنا لهم قرناء فزینوا لهم

از این که خداوند تعیین هم نشین اغواگر را برای کافران به خود نسبت داده (قیضنا)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۷

۷ - مجازات و عقوبت کفرییشگان ، بازتاب و تجسم عملکرد بد خود آنان است .

و لنجزینهم أسوأ الذی كانوا يعملون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <أسوء الذی..> خود جزا و کیفر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

ما يقال لك إلا ما قد قيل للرسل . . . إن ربك لذو مغفرة

در آیات پیشین، قرآن

پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۳

۳- تهدید مشرکان حق ستیز مکه ، از سوی خداوند به عذابی دنیوی و تیره کننده زندگی

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دخان مبین>، کنایه از تیره روزی و عذاب دنیوی باشد، چه این که برخی از مفسران این آیه را پاسخی به دعای پیامبر(ص) دانسته اند که از خداوند خواست تا برای بیدار شدن مشرکان، آنان را به قحطی ای همچون دوران یوسف مبتلا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۳

۳- دود های متراکم قیامت ، شکنجه آور ، درد آفرین و در بر گیرنده تمامی کفرپیشگان

یغشی الناس هذا عذاب أليم

ممکن است این آیات در مورد عذاب اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۳

۳ - کیفر الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

تتلی علیه .. فبشره بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۱ - ۴

۴ - کیفر کافران ، پس از اتمام حجت پروردگار بر ایشان

هذا هدى و الذين كفروا بايت ربهم لهم عذاب

از اين كه خداوند پس از بيان هدايتگري قرآن،

عذاب کافران را مطرح می کند، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در حق کافران ، معلول عملکرد منفی خود آنان و به دور از شائبه ظلم

و هم لایظلمون ... تجزون عذاب الهون بما کنتم تستکبرون ... و بما کنتم تفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۷

۷- عدل الهی در کیفر کافران ، مورد اقرار خود آنان ، در قیامت

أليس هذا بالحقّ قالوا بلى و ربّنا

<هذا> اشاره به عذاب کافران است و مصداق بارز <حقّ> در زمینه مجازات، <عدل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، هم اکنون موجود و مهیا برای کافران *

فإنّا أعتدنا للكافرين سعيراً

ماضی آمدن فعل <أعتدنا>، ممکن است ناظر به معنای حقیقی آن (زمان گذشته) باشد، نه این که مضارع محقق الوقوع را بیان کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۲

۲ - حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، پشتوانه تحقق اراده او بر کیفر کافران

فإنّا أعتدنا للكافرين سعيراً . و لله ملك السموت و الأرض

تذکر به حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در پی تهدید کافران به عذاب بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۹

۹ - مجازات الهی در حق کافران ، در پی مهلت ها و دارای زمان

و برنامه ای خاص

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا... فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ

تعبیر <فلايستعجلون> می رساند که خداوند در مجازات کافران عجله ندارد؛ بلکه براساس مصلحت به ایشان مهلت داده و طبق برنامه و زمانی خاص آن را به اجرا درمی آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۶

۶ - کیفر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان با هشدار های مکرر

فويل للذين كفروا من يومهم الذي يوعدون

تعبیر <یوعدون> (با فعل مضارع) بیانگر وعیدهای مستمر و مکرر است که قبل از مجازات و کیفر کافران، به ایشان داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۴

۴ - سنت الهی ، بر عدم تعجیل ، در کیفر کافران

فذرهم حتى يلقوا يومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - کافران لجوج ، بی بهره از تزویر های خویش و بی نصیب از یاری هر پشتیبان ، هنگام سر رسیدن وقت مجازاتشان

یوم لا یغنی عنهم کیدهم شیئاً و لا هم ینصرون

۲ - مرگ ، لحظه کوتاه شدن دست کافران از تدبیر های خویش و نقطه های امید

فیه یصعقون . یوم لا یغنی عنهم کیدهم شیئاً

در صورتی که <یومهم الذی..> در آیه قبل، نظر به لحظه مرگ داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۱

۱۱ - عذاب دردناك الهی ، کیفر کافران است .

و للكفرین عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۲

۲ - عذاب و کیفر خداوند درباره کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه دلایل روشن بوده است .

تأْتِيهِمْ رِسَالُهُم بِالْبَيِّنَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۴

۴ - دوزخی شدن کافران ، جزای کردار خود آنان است .

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، کیفر زراندوزان کافر

و جمع فاعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۶،۷

۶ - کافرانی که در برابر حاکمیت قرآن و تأثیر هشدار های آن ، خدعه کنند ، به کیفری غافلگیرانه و غیر قابل پیش بینی گرفتار خواهند شد .

إِنَّه لَقَوْلُ فَصْلٍ . . . يَكِيدُونَ ... وَ أَكِيدُ كَيْدًا

<حيله> یعنی، آنچه به صورت مخفیانه، مایه رسیدن به حالت مورد نظر گردد. و <کید> نوعی احتیال است. (مفردات راغب)

۷ - خداوند در مکر و کیفر ، آغازگر نبوده و خدعه های او ، پاسخ کردار ناروای کافران است .

إِنَّهْم يَكِيدُونَ كَيْدًا . وَ أَكِيدُ كَيْدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - > روی عن علی (ع) أنه قال : معناه [أی قوله تعالى : إِنَّ رَبِّكَ لَبِالْمِرْصَادِ] إِنَّ رَبِّكَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَجْزِيَ أَهْلَ الْمَعَاصِي
جزاءهم ;

از علی(ع) روایت شده که فرمود: معنای آیه این است که پروردگارت، توانایی دارد که گنه کاران را

کیفر بدهد.

کیفر کافران امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ عقوبت های نازل شده بر کفرپیشگان و استهزاگران امت های گذشته ، دلیلی فراروی کافران بر تخلف ناپذیری تهدید ها و وعید های الهی

إن الله لا يخلف الميعاد. و لقد استهزیء برسلك من قبلك ... ثم أخذتهم

آیه مورد بحث به لحاظ <ثم أخذتهم...> دلیلی است برای <حتى يأتي وعد الله إن الله لا يخلف الميعاد>.

کیفر کافران به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۶

۶ خداوند ، مشرکان و کافران به پیامبر (ص) را به کیفر های دنیوی و فرو ریختن سنگ های عذاب تهدید کرد .

و ما هی من الظالمین ببعید

واقع شدن جمله <و ما هی...> پس از مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) (عند ربك) می تواند قرینه بر این باشد که: از مصداقهای مورد نظر برای <الظالمین> مشرکان و کافران عصر بعثت است.

کیفر کافران حق ستیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۳،۴،۶

۳ گرفتار شدن به سرنوشت شوم پیشینیان ، تهدید الهی نسبت به کافران ستیزه گر علیه اسلام

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جواب شرط <إن یعودوا...> حذف شده و جمله <فقد مضت...> جانشین آن می باشد و تقدیر کلام چنین است: <و

إن يعودوا فانتقمنا منهم كما انتقمنا من الأولين ... <

۴ خداوند بر اساس سنت خویش ، کافران حق ستیز دوران های پیشین را

به سزای اعمالشان رسانیده است .

و إن يعودوا فقد مضت سنت الأولین

۶ مجازات و سرکوبی کافران حق ستیز ، سنتی الهی

و إن يعودوا فقد مضت سنت الأولین

کیفر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- نظام کیفری خداوند برای مجازات کافران عصر بعثت ، نظامی مشخص و دارای موعِد و زمانی تخلف ناپذیر بود .

بل لهم موعِد لن یجدوا من دونه موثلاً

به قرینه آیه بعد، مراد مؤاخذه در <لو یؤاخذهم> مؤاخذه در دنیا است. و جمله <بل لهم موعِد> ظهور در فعلیت آن وعده دارد که در مورد کافران عصر بعثت صادق است.

کیفر کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند ، از دوزخیان هستند .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند بود.

کیفر کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۴

۴- عذاب دردناك ، فرجام و كیفر كافرانى است كه از سر لجاج و عناد به آیات الهى ایمان نمى آورند .

إن الذين لا يؤمنون بأيت الله .. لهم عذاب أليم

کیفر كافران متكبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- فرو رفتن آب ها و منابع آبی ، از جمله کیفر های الهی برای کافرانی است که به خود بنازند و بر دیگران تفاخر کنند .

أو یصبح ماؤها غورًا فلن تستطیع له طلبًا

< یصبح > عطف بر < فتصبح > و تفریع دیگری بر < یرسل علیها حسبًا > است. قید < من السماء > در مورد عذابی که آب ها را در زمین فرو ببرد، ناظر به الهی بودن عذاب است، نه نزول آن از آسمان.

کیفر کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۷

۱۷ - سزای کفرپیشگان محارب و فتنه انگیز ، کشتن آنان است .

فاقتلوهم کذلک جزاء الکفرین

<ال> در <الکافرین> عهدیه است و اشاره به کافرانی دارد که سر جنگ با مسلمانان دارند و یا علیه ایشان فتنه انگیزی می کنند.

کیفر گناهکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱

۱ - دوزخ ، پایانی خفت بار برای دروغ پردازی ها ، استهزای ها و گناه پیشگی کافران

ویل لکل أفاک أئیم .. اتخذها هزوا ... عذاب مهین . من ورائهم جهنم

کیفیت القای کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۱

۱ دو فرشته موکل بر کافران معاند ، مأمور افکندن آنان به دوزخ

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

دو فرشته ای که مخاطب <أَلْقِيَا> قرار می گیرند؛ یا <رَقِيبٌ> و <عَتِيدٌ>ند که در دنیا همراه انسان بودند و یا <سَائِقٌ> و <شَهِيدٌ>اند که در صحنه قیامت آدمی را همراهی

خواهند کرد.

کیفیت حشر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۷

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانو نشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثُمَّ لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا

<جثیا> (جمع <جائی>) حال است و <جائی> به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جثی> را جمع <جثوه> دانسته اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

کیفیت ورود کافران به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۲

۲ - کافران ، فوج فوج و دسته دسته به دوزخ افکنده خواهند شد .

كَلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فُجُجًا سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا

کیفیت ورود کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۱، ۲

۲- سوق داده شدن کافران به سوی دوزخ ، به تدریج و همراه با سرزنش و توبیخ

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار اذہبتم طیبکم

از این که کافران نخست بر آتش عرضه می شوند و همراه با آن زشت کاری گذشته شان به رخ آنان کشیده می شود، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۱- عرضه کافران بر آتش ، همراه با

سرزنش و توبیخ ، گوشه ای از عذاب ذلّت بار آنان *

یوم یعرض .. أذهبتم طیبکم فی الحیاتکم الدنیا و استمتعتم بها فالیوم تجزون عذا

برداشت بالا بدان احتمال است که نفس عرضه کافران بر آتش و توبیخ آنان، خود جزئی از عذاب خفت بار آنان باشد.

کینه توزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲۳

۲۳ کافران کینه توز و منافقان حيله گر شایسته نابودی

قل موتوا بغيظکم انّ الله علیم بذات الصدور

گرایش به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۱۰

۱۰- > قال الرضا (ع) : ممّا نزل بیایک أعنی و اسمعی یا جاره خاطب الله عزّوجلّ بذلک نبیه و أراد به أمته قوله : ... > و لولا أن ثبتناک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً < ... ;

امام رضا(ع) فرمود: از جمله آیاتی که بر سبک و روش [مثال معروف عرب] >إیّاک أعنی و اسمعی یا جاره< نازل گردید و آن هم بدین معنا که خداوند عزّوجلّ به پیامبر(ص) خطاب می کند ولی مقصود و مراد امت اوست؛ این آیه شریفه است: > لولا أن ثبتناک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً< ..< .

گرفتاری کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۸

۸- در قیامت ، هیچ راه نجاتی برای کافران به قرآن و پیامبر (ص) وجود نخواهد داشت .

أولئک یؤمنون به و من یکفر به ... و

اتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس شیئاً

هدف از توصیف قیامت، به اینکه فدیة ای گرفته نمی شود و ... مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه راه نجاتی - جز ایمان به قرآن و پیامبر(ص) - برای خویش توهم کرده و به اعتبار آن دل خوش کنند.

گریه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۳

۳ - ترنم کافران به ترانه ها ، به جای گریستن بر فرجام شوم خویش *

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون

بنا به گفته برخی از مفسران در معنای <سامد>، تغنی و آوازه خوانی نیز نهفته است.

گفتگوی کافران با همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۵ - ۳

۳ - همسران پیامبر ، مجاز نیستند که با زن های کافر ، بدون پوشش و حجاب به گفتوگو پردازند .

و إذا سألتموهنّ متعاً فستلوهنّ من وراء حجاب . .. لاجنّاح علیهنّ فی ءابائهنّ ...

گمراهی آشکار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۹ - ۷

۷ - کافران لجوج و تکذیب گر ، در گمراهی آشکار قرار دارند .

فستعلمون من هو فی ضلل مبین

گمراهی اخروی کافران

۱ - توانایی خداوند بر عذاب کافران ، به گونه ای که آنان با از بین رفتن چشم ها و نوردید گانشان ، راه معمول خود را پیدا نکرده و از پیمودن راه درست محروم خواهند شد .

و لو

نشاء لطمسنا على أعينهم فاستبقوا الصراط فأنى يبصرون

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معنای از بین بردن آثار و شواهد چیزی است و مقصود از <لطمسنا على أعينهم> از بین بردن کامل عضو چشم و یا نور و بینایی آن می باشد. مراد از <الصراط> نیز راه معمول و متداولی است که افراد آن را طی می کنند.

گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۱۲

۱۲ کافران ، بی بهره از هدایت الهی

و الله لا يهدى القوم الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۳

۳ لزوم اعتراض ، در برابر کجروی های کافران و اهل کتاب

قل يا اهل الكتب لم تكفرون بايات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۸

۸ کافران به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من يكفر بالله و ملتكته و كتبه و رسله و اليوم الآخر فقد ضل ضللاً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۱

۱ کافران بازدارنده از راه خدا ، منحرفانی سخت گمراه

إنّ الذين كفروا و صدوا عن سبيل الله قد ضلوا ضللاً بعيداً

عطف جمله <صدوا...> بر جمله <كفروا> بدون تکرار <الذین> دلالت بر این دارد که مجموع دو صفت کفر و بازداری از راه خدا، ضلالت بعید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵

۱۴ کافران همواره محروم از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۴،۱۱

۴ کافران گمراهگر، در چنان ظلماتی اسیرند که امیدی به رهایی آنان نیست.

كَمَنْ مِثْلَهُ فِي الظُّلْمِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا

۱۱ کافران، از آن رو که در ظلمت و گمراهی هستند، کردار زشت خویش را زیبا می پندارند.

كَمَنْ مِثْلَهُ فِي الظُّلْمِ .. كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۷

۷- کافران به قرآن و کافرانی که تصمیم به ماندن در ظلمت ها گرفته اند ، فرجامی بس ناگوار دارند و در عذابی سخت گرفتار خواهند شد .

و ويل للکفرین من عذاب شدید

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینه آیه قبل، کسانی هستند که کتاب خدا را نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۵

۵- کافران ، در نهایت گمراهی هستند .

لِّلْكَافِرِينَ .. أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- محرومان از هدايت الهی ، مردمی گمراه و گرفتار گناه اند .

إذ جاءهم الهدى و يستغفروا ربهم

این که می فرماید: <چرا مردمان، با آمدن هدايت، استغفار نمی کنند؟>، نشان می دهد که قبل از آمدن هدايت، خواه ناخواه، گرفتار انحراف و گناه بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- کسانی که با فرزند خواندن عیسی (ع) برای خدا، به تعالیم توحیدی او کفر ورزیدند، در گمراهی آشکاری قرار دارند.

لكن الظلمون اليوم فى ضلل مبين

الف و لام در <اليوم> می تواند برای عهد حضوری باشد / یعنی <امروز> در این صورت، مراد از آن، ایام زندگی در دنیا است. مراد از ظالمان به قرینه آیه قبل کسانی هستند که به سخن عیسی(ع) کفر ورزیده و در باره او، راه افراط و یا تفریط پیمودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۹

۹- تحریک کافران از سوی شیاطین و گمراهی فزون تر آنان، نشانه ای روشن از سودمند نبودن معبودها و ضدیشان با پرستشگران خویش

و یكونون عليهم ضداً . ألم تر أننا أرسلنا الشیطين

استفهام در <ألم تر> برای استشهاد و تأیید محتوای آیه قبل است و دلالت بر واضح بودن شاهد دارد به گونه ای که ندیدن و توجه نکردن به آن تعجب دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۳

۳ کافران معاند با پیامبر (ص)، در قیامت، دارای شوم ترین جایگاه و بی راهه ترین مسیر خواهند بود.

الذین .. أولئك شرّ مكاناً و أضلّ سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۴

۴ - کافران حق ناپذیر، در گمراهی و ضلالت، غوطهورند.

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۷

۱۷- کافران ، گرفتار انحراف در عقیده و عمل

تستکبرون فی الأرض .. تفسقون

بنابراین که مراد از <تستکبرون> حق ناپذیری و انکار پیام وحی باشد، تعبیر <تستکبرون> دلالت بر انحراف فکری دارد. و انحراف عملی کافران از <مما کنتم تفسقون> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۷،۸

۷- انسان کافر ، گرفتار انحراف در ارزش گذاری اعمال

کمن زین له سوء عمله

۸- بعضی از افعال ، دارای حسن و قبح ذاتی و کافران گرفتار انحراف در تشخیص آن *

زین له سوء عمله

در آیه شریفه میان بینش فرد کافر و ارزش واقعی اعمال، تفکیک شده است، یعنی، در متن واقع عمل او حقیقتاً بد است ولی کافر آن را زیبا می بیند و این می نمایاند که واقعیت هر عمل، بدون داوری انسان ها، دارای ارزشی مستقل و اصیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۷

۷ - کافران تکذیب کننده دین ، در گمراهی عمیق بسر می برند .

إن أنتم إلا فی ضلل کبیر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <إن أنتم..> از سخنان نکهبانان دوزخ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۰ - ۵

۵ - کافران و مشرکان ، غوطهور در غرور و فریب خوردگی

إن الكفرون إلا في غرور

گمراهی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶

۱ - کافران صدراسلام ، مردمی گمراه و ره نیافته

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَتَيْهَا الضَّالُّونَ الْمَكْذِبُونَ

خطاب در آیه شریفه، متوجه کافران صدراسلام است.

گمراهی نیاکان کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۱ - ۱

۱ - بیشتر پدران و اجداد کافران و مشرکان صدر اسلام ، همچون خودشان در گمراهی به سر می بردند .

و لقد ضلّ قبلهم أكثر الأولین

گناه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۵

۵ مهلت دادن خداوند به کافران ، تنها به جهت افزایش یافتن گناه آنان است .

انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۵،۷

۵ خداوند فرعونیان و همه کافران پیش از آنان را به سبب گناهانشان به کیفری شدید گرفتار ساخت .

فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوی شدید العقاب

۷ انکار آیات الهی ، بارزترین گناه فرعونیان و کافران قبل از آنها

كفروا بايت الله فأخذهم الله بذنوبهم

مراد از <ذنوبهم> گناهانی است که کفر به آیات، بخشی از آن گناهان است، و گرنه به جای <بذنوبهم> می فرمود <بکفرهم>. بنابراین ذکر بخصوص انکار آیات دلالت بر این دارد که انکار آیات از بارزترین گناهان آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۶

۶ تهمت و افترا زدن کافران به گناهی که تنها خود مرتکب آن بودند، از شیوه های آنان در مبارزه، علیه پیامبر اسلام (ص)

و قال

الذین کفروا إن هذا إلیک افتریه .. فقد جاء وظلمًا و زورًا

برداشت یاد شده از آن جا استفاده می شود که کافران، پیامبر اسلام (ص) را متهم به دروغ گویی می کردند؛ در حالی که خود، دروغ پرداز بودند و به دروغ و به ناحق، قرآن را ساخته و پرداخته آن حضرت می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۱

۱ - کافرانی که در اغوای مسلمانان فعال بودند ، علاوه بر گناه خود ، گناهان فریب خوردگان شان را نیز در قیامت ، بر دوش خواهند کشید .

و قال الذین کفروا .. اتبعوا سیلنا ... و لیحملن أثقالهم و أثقالاً مع أثقالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - مجازات کافران و بدکاران در قیامت ، همراه با آگاه شدن از جرم شان است .

إلینا مرجعهم فننبتهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - تجاوزگری ، گناه پیشگی و مانع خیر شدن ، از خصوصیات کافران تکذیب کننده رسالت پیامبر اسلام (ص)

و لاتطع المکذبین .. مناع للخیر معتد أثیم

گناه کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۴

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر از سرانشان بر دوش ندارند.

فما کان لکم علینا من فضل

چون جمله <فما كان ..> نتیجه پاسخ خداوند است که فرمود <لکل ضعف و لکن ...>

معلوم می شود هر دو گروه (سران و پیروان) از آن جمله می فهمند که به گناهی همسان گرفتار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۷

۱۷- > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيامة > يعني ليستكملوا الكفر يوم القيامة > و من أوزار الذين يضلّونهم بغير علم < يعني كفر الذين يتولّونهم ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که در باره قول خدا <ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيامة> فرمود: مقصود این است که کفر خود را در قیامت کامل کنند و درباره <و من أوزار الذين يضلّونهم بغير علم> فرمود: مقصود این است که کفر پیروان خویش را [بر دوش بگیرند]. <..>.

گناه کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۲

۲ انکار و تکذیب معاد ، بزرگ ترین جرم و گناه کافران و مشرکان صدراسلام

قال الذين كفروا إن هذا إلا إفك افتريه .. قالوا مال هذا الرسول ... بل كذبو

برداشت یاد شده، به خاطر دو نکته است: ۱ <بل> برای اضراب انتقالی است. ۲ وعده عذاب دوزخ به کافران و مشرکان به خاطر تکذیب قیامت بود؛ نه دروغ پردازی و بهانه جویی های آنان.

گناه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۲

۲ - تلاش کافران مکه برای مرتد ساختن مسلمانان ، گناه سنگینی است .

و قال الذين كفروا .. أتبعوا سيئنا ... و ليحملن أثقالهم

گناهکاری کافران

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۱ - ۷

۷ - روحیه استکباری کافران در برابر آیات الهی ، معلول عملکرد و جرایم گذشته خود آنان *

فاستکبرتم و کنتم قومًا مجرمین

براساس این احتمال که تعبیر <و کنتم..> در مقام تعلیل گرایش کافران به استکبار باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۹ - ۳

۳ - کفرورزی ، جرم (گناه) است و کافران به گناه آلوده اند . *

إِنَّ الَّذِينَ أُجِرُوا

مجرم خواندن کافران، یا به لحاظ گناه بودن کفر است و یا این که گناهان دیگری نیز در بین کافران رواج دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۹

۱۹ - گناه کافران ، بر عذاب آنان می افزاید .

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا .. فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ

مصدق <الذین فتنوا> به قرینه مقابله با آیه بعد کافران اند. حرف <فاء> در <فلهم> دلالت می کند که این عقوبت، کیفر شکنجه گری آنان است. بنابراین کافران، علاوه بر این که بر کفر خویش مؤاخذه می شوند، بر کردار خویش نیز کیفر خواهند شد.

گواه آسمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۳

۳ - هشدار خداوند به کافران ، نسبت به نداشتن گواه آسمانی بر آزادی مطلق از مسؤولیت و مؤاخذه

أم لكم براءه فى الزبر

گواهان اغواپنذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹

۲- فرستاده شدن شیاطین برای تحریک و وسوسه کافران از دید پیامبر (ص) مخفی نیست .

ألم تر أننا أرسلنا الشيطان

گواهی اخروی علیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۷

۷- صحنه های شهادت علیه کافران در قیامت ، منظره هایی دشوار و هلاکت آفرین خواهد بود .

فویل للذین كفروا من مشهد يوم عظيم

<مشهد> ممکن است اسم مکان به معنای محل شهادت باشد. حرف <مِنْ> دلالت دارد که همان مکان شهادت منشأ <ویل> برای کافران است، بنابراین باید گفت صحنه های شهادت علیه آنها، مرگ آفرین و عذاب ساز است، به گونه ای که اگر در قیامت مرگ کسی امکان پذیر بود، آنان جز هلاکت و ویل سرنوشتی نداشتند.

لالی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۱

۱ - در قیامت بر دهان کافران مهر زده شده و آنان از هر گونه سخن گفتن ناتوان خواهند شد .

اليوم نختم على أفوههم

مقصود از مهر خوردن دهان کافران، ناتوان شدن آنان از هر گونه سخن گفتن است.

لالی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۴

۴ - ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن ،

محروم کرده است .

صم بكم عمى فهم لا يعقلون

مفعول <لا يعقلون> معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل الله) است.

لجاجة كافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴

۱۶ ناتوانی از درک معارف دین در نتیجه لجاج و کفر، کافران را نزد خدا معذور نمی سازد.

بل طبع الله علیها بکفرهم

چنانچه مقصود از جمله <قلوبنا غلف> این معنا باشد که یهودیان واقعاً از درک تعالیم پیامبر اسلام و یا دیگر انبیا عاجز بودند و بر این اساس خود را معذور می پنداشتند، جمله <بل طبع الله> بیانگر این نکته است که ناتوانی یهود از درک سخنان پیامبر(ص) نمی تواند عذری در پیشگاه خداوند محسوب شود چون کفرورزی آنان عامل چنین وضعیتی برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۴

۴ برخی از کافران در برابر آیات و معجزات، در عین اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختی نشان داده و لجاجت میورزند.

و ما تأتیهم من آیه... إلا كانوا عنها معرضین

آمدن آیات و معجزات متعدد، گویای قطع عذر و اتمام حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۹

۹ لجاجت کفار و مقابله آنها به پیامبر اکرم(ص) در عین آگاهی از حقانیت آن حضرت

فإنهم لا یکذبونک و لكن الظلمین بأیت الله یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۱

۱ پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع ناصوابشان پافشاری کنند.

و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم انا عملون

<اعملوا> امری است که به داعی تهدید و هشدار ایراد شده است و <مکانه> به معنای توان

و قدرت و نیز به معنای مکان و جهت آمده است. بر اساس معنای نخست <اعملوا...> یعنی، هر اندازه توان دارید عمل کنید و کوتاهی نکنید و بر اساس دومین معنا، یعنی، بر همان جهت و موضعی که اتخاذ کرده اید عمل کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ کفرپیشگان علی رغم مشاهده نشانه های ربوبیت خدا بر سراسر جهان، با موحدان درباره خداوند و ربوبیت او به جدال و جرّ و بحث می پردازند.

هو الذی یریکم البرق . . . و هم یجدلون فی الله

جمله حالیه <و هم یجدلون فی الله> قید برای همه جمله هایی است که در آیات پیشین آمده است، یعنی، با آنکه آثار وجودی خدا و ربوبیت او نمایان است و اوست که برق، رعد، ابر و صاعقه را پدید می آورد و همه امور را تحقق می بخشد، آنان درباره وی به جرّ و بحث می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۸

۸- کافرانی که در برابر بینات و برهان های روشن انبیا لجاجت کرده و در مقابل آنان ایستادند، مردمانی جبار و منحرف بودند.

و قال الذین کفروا لرسلم لَنُخْرِجَنَّکمْ . . . و خاب کلّ جبار عنید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۰

۱۰- کافران به خاطر باطل گرایی، علی رغم مشاهده آثار و نعمت های الهی در تمام ابعاد زندگی خود، مورد سرزنش خدایند.

و الله جعل لکم .. أقبالِ بطل

يؤمنون و بنعمت الله هم يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶ - ۵

۵- خداوند ، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت کفرپیشگان ، مؤاخذه نخواهد کرد .

فلعلک بخع نفسک علی ءاثرهم إن لم يؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۵

۵ - ناسپاسی و هدایت ناپذیری کافران ، حتی با رفع گرفتاری ها و نزول رحمت الهی

و لو رحمهم .. للّجوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳ - ۵

۵ - دلداری خدا به پیامبر (ص) در مورد سرسختی کافران

لعلک بخع نفسک ألا یكونوا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۳ - ۳

۳ - لزوم تأمل و اندیشه در سرنوشت شوم کافران متعصب و لجوجی که از سوی پیامبران پیشین انداز شده اند .

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ينادون لمقت الله أكبر من مقتكم أنفسكم إذ تدعون إلى الإيمن فتكف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۵، ۱۴

۱۴ - هدایت و شفای قرآن ، مایه فزونی کوردلی کافران لجوج

و هو عليهم عمى أولئك ينادون من مكان بعيد

- پیام روشن قرآن ، دور از شنود و فهم کافران لجوج

أُولَئِكَ يَنَادُونَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۶

۶- استکبار کافران و اصرارشان بر کفر ، هنگام تلاوت آیات الهی بر آنان

تتلى عليه ثم يصرّ مستكبرًا

بنابراین که <ثم> برای تراخی رتبی باشد نه زمانی برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۲

۲- تنها برپایی ناگهانی قیامت ، به هوش آورنده کافران لجوج هواپرست

اتَّبِعُوا أَهْوَاءَهُمْ .. فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُم بَغْتَةً

از مضمون آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، همه دلایل لازم را به کافران نمایانده و حتی نشانه های قیامت را نیز برای آنان محقق ساخته است. تنها چیزی که باقی مانده برپایی خود قیامت است. اما آنان با مشاهده همه دلایل، ایمان نیاورده و منتظراند تا آخرین مهلت نیز سپری شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۴

۴- اخبار خداوند از ستیز برخی کافران با دین و پیامبر (ص) ، به رغم وضوح حق برای آنان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا .. وَشَاقُّوْا ... مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

وإن يروا كسفاً .. يقولوا سحب مركوم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۵

۵ - برخی از کافران ، مصرّ بر کفر خویش ، به رگم آگاهی کامل از نتایج شوم آن

و لکنّ اکثرهم لایعلمون

مفهوم < اکثرهم > این است که اقلیتی آگاه و معاند وجود دارند که به رگم آگاهی داشتن، گام در مسیر کفر می نهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲ - ۲

۲ - روی گردانی کافران ، از پذیرش رسالت پیامبر (ص) به رگم مشاهده معجزه < شق القمر >

و انشقّ القمر . . . و إن یروا آیه یعرضوا

از اطلاق < آیه > بر < شق القمر > ، استفاده می شود که < شق القمر > از معجزات پیامبر (ص) بوده که بر حقانیت رسالت خویش اقامه کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزانند .

و قالوا لو کنا نسمع أو نعقل ما کنا فی أصحاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون کیف نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - كافرين لجوج و دين گريز ، مردمى ناسپاس بوده و از نعمت شنوايى ، بينايى و تعقل بهره كافى نبرده اند .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۷

۷ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن یجیر الکفرین من عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۹ - ۷،۸

۷ - کافران لجوج و تکذیب گر ، در گمراهی آشکار قرار دارند .

فستعلمون من هو فی ضلل مبين

۸ - تهدید شدن کافران لجوج و تکذیب گر ، به عذاب از سوی خداوند

فستعلمون من هو فی ضلل مبين

برداشت بالا، به سبب این نکته است که تعبیر <فستعلمون> (پس به زودی خواهید دانست)، دارای لحن تهدیدآمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳۰ - ۴

۴ - کافران لجوج و تکذیب گر ، در معرض عذاب الهی (همچون خشکسالی)

قل أریتم إن أصبح ماؤکم غورًا فمن یأتیکم بماء معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۷

۷ - کافران ، با وجود فراهم بودن شرایط برای رها ساختن کفر و پرداختن به تکالیف الهی ، از آن سر باز زدند .

لَمَا یقض ما أمره

ضمیر فاعلی <یقض> به <الإنسان> برمی گردد که به قرینه <ما أکفره> تنها بر کافران منطبق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۳

۳ - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إِنَّ رَبَّهٗ

کان به بصیرًا .. فما لهم لایؤمنون

متعلق <لایؤمنون>، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۲

۲ - کفرپیشگان، بر تکذیب وعده ها و تهدید های الهی، اصرار ورزیده و از فرجام پیشینیان عبرت نمی گیرند.

بل الذین کفروا فی تکذیب

حرف <فی>، ظرفیه و بیانگر غوطهور بودن کافران در تکذیب است. متعلق تکذیب به قرینه <بل هو قرآن مجید> در آیات بعد قرآن است که وعده ها و تهدیدهایی که در آیات قبل آمده بود، بخشی از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۳

۳ - تکذیب قرآن از سوی کافران، هر چند بر آن اصرار ورزند، به حقیقت قرآن آسیبی نمی رساند و از مجد و عظمت آن نمی کاهد.

بل الذین کفروا فی تکذیب .. بل هو قرآن مجید . فی لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۸

۸ - سرسختی مخالفان توحید در مواضع خویش، نباید پایداری اهل توحید را متزلزل سازد.

و لا أنتم عبدون ما أعبد

پایداری اهل توحید، از مضارع بودن <أعبد> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۴

۴- بیان سرسختی سازش خواهان کافر و باقی ماندن آنان بر مرام خویش تا پایان

عمر ، از خبر های غیبی قرآن

و لا أنتم عبدون ما أعبد

لجاجة کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹- مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۳

۳- کافران عصر بعثت ، علی رغم روشن بودن اعجاز قرآن و هماهنگی آن با دیگر کتاب های آسمانی ، آن را نادیده گرفتند و معجزه بودن آن را انکار می کردند .

لولا یأتینا بایه من ربّه أولم تأتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴ - ۳

۳ - اندوه پیامبر (ص) ، به خاطر تکذیب شدنش از سوی کافران و مشرکان لجوج در صدر اسلام

و إن یکذبوک فقد کذبت رسل من قبلک

از آهنگ آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر(ص)، به خاطر تکذیب شدنش اندوهگین بود. ازاین رو برخی از مفسران جواب شرط <إن یکذبوک> را محذوف و چنین دانسته اند: <إن یکذبوک فلاتحزن و اصبر اذ قد کذب رسل من قبلک>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۵ - ۲

۲ - کافران صدر اسلام ، مردمی لجوج و پندناپذیر بودند .

و إذا قيل لهم اتقوا ما بين أيديكم و ما خلفكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٥ - يس - ٣٦ - ٤٦ - ٢

٢ - كافران صدر اسلام

، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ما تأتيهم من آية .. إلا كانوا عنها معرضين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱،۲

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ؛ نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

كذلك يؤفك الذين كانوا بآيت الله يجحدون

<جحد> (مصدر <يجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بآيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدراسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۳،۴

۳ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بل لجوا فی عتوّ و نفور

<عتوّ> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحيط) و مقصود از <نفور> (رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

۴- روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذب الذین

من قبلهم . . . بل لجّوا في عتوّ و نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۳

۳ - کافران مخالف رسالت پیامبر (ص)، گروهی لجوج و حق ناپذیر

سأل سائل بعداب واقع

مفسران بر این عقیده اند که کافران، این سخن را از سر لجاجت بر زبان می آوردند؛ چنان که در آیه ۳۲ از سوره <انفال> از آنان چنین یاد شده است: <و إذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحقّ من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء أو ائتنا بعداب أليم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲ - ۱

۱ - عذاب شدن کافران لجوج عصر بعثت، امری قطعی از سوی خداوند و غیر قابل دفع از سوی کسی

للكفرین لیس له دافع

<للكافرین> خبر مقدم برای <لیس> و <دافع> اسم آن است. <لام> در <له> برای تقویت و ضمیر <له> مفعول مقدم برای <دافع> است؛ یعنی، <لیس للکافرین دافع یدفع العذاب عنهم>، (برای کافران کسی وجود ندارد که عذاب موعود را از آنان دفع کند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۵ - ۲

۲ - اصرار و تأکید فراوان کافران حق ناپذیر و مستکبر صدراسلام، بر الهی نبودن قرآن و منشأ بشری داشتن آن

و استکبر . فقال إن هذا إلا سحر یؤثر . إن هذا إلا قول البشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۱

۱ - کافرانِ مخالف پیامبر (ص) در صدر اسلام،

مردمی پندناپذیر و لجوج بودند .

فما لهم عن التذکره معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۲

۲ - کافرانی که خود را در صورت مماشات پیامبر (ص) ، آماده عبادت خداوند می خواندند ، هرگز به آن تن نداده و معبود پیامبر (ص) را نمی پرستیدند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

لجاجة کافران مکة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجة شدید کافران مکة در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتابا .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکة نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکة، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۴

۴ کافران مکة مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو اثنتا بعداب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۱

۱- کافران مجرم مکة ، علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

كذلك نسلکہ فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله <لایؤمنون به> جمله تفسیریه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند

گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱،۲

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظّلوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

<سكر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

۲- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظّلوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷- لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمهم .. للّجوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران مکه اعلام کردند که به هیچ رو به قرآن و کتاب های پیشین آسمانی ایمان نمی آورند .

و قال الذین كفروا لن نؤمن بهذا القرآن ولا بالذی بین یدیہ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۶

۶ - اصرار کافران مگه بر تکذیب تهدید های الهی ، با وجود آگاهی آنان از هلاکت فرعونیان و ثمودیان ، شگفت آورتر از کفرورزی پیشینیان است .

بل الذین کفروا فی تکذیب

اضراب که از حرف <بل> استفاده می شود ممکن است نظر به این داشته باشد که تکذیب گری مردم مگه در قیاس با کفر پیشینیان اعجاب آورتر است؛ زیرا به رغم دیدن سرنوشت آنها، تهدید را دروغ شمردند.

لذایذ دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۳

۳- تویخ کافران در قیامت ، به خاطر هدر دادن امکانات ارزنده خویش و صرف آن در لذت های زودگذر مادی

أذهبتم طیبتکم فی حیاتکم الدنیا

لذایذ مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۵

۵- خوردن ، لذت بردن و برخوردار شدن از متاع ها و لذت های دنیوی و غوطهور شدن در آرزو های واهی ، هدف و مقصد اعلای کافران است .

ذرهه یأکلوا و یتمتّعوا و یلههه الأمل

لذایذ مادی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۴

۴- تمامی همّ و تلاش کافرانِ هدایت ناپذیر صدراسلام ، خوردن و بهره‌وری از تمتعات و لذت های مادی بود .

ذره‌م يأكلوا و يتمتعوا

لذت طلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۴

۴- لذت جویی گسترده از امکانات حیات ، شیوه کافران

أذهبتم طيبثکم

فی حیاتکم الدنیا و استمتعتم بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۷۸

۷- لذت جویی و شکمبارگی حیوان گونه کافران ، تنها بهره آنان از زندگی دنیایی

الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم و النار مثوی لهم

از مقابله دو بخش آیه که برای مؤمنان پایان خوش بهشت را یادآور شده استفاده می شود که کافران، هرگز از آن نعمت های اخروی بهره نخواهند برد بلکه تنها شهوت رانی و استفاده حیوان گونه از امکانات دنیا، نصیب آنان است.

۸- آتش دوزخ ، جایگاه کافران لذت طلب و شکمباره

یتمتعون و یأکلون .. و النار مثوی لهم

لذت گرایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۲

۲ - خورد و خوراک و بهره ناچیز از لذت های مادی ، هدف زندگی کافران و منکران قیامت

کلوا و تمتعوا قليلاً

از این که به کافران گفته می شود: بخورید و بهره گیرید، می توان به این حقیقت دست یافت که آنان جز همین کار، هدف دیگری در زندگی ندارند و گرنه به آن فراخوانده می شدند.

لطیفه گویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران ، از خاطره های دیدار خود با مؤمنان ، طنز ساخته و در جمع خانواده خویش به لطیفه گویی و خنداندن یکدیگر می پردازند .

و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

<فَكِهَ> (صفت مشبّه) به معنای خوش دل و خندان یا به معنای کسی است که با همراهان خود سخنی

گوید که آنان را بخنداند (قاموس). در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است.

لعن اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۳

۳ کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين يصدون عن سبيل الله

لعن بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۳

۳ - فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئك عليهم لعنه الله و الملائكة و الناس أجمعين

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۱

۱ - کسانی که کافر بمیرند ، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود .

أولئك عليهم لعنه الله .. خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر <فیها> به <لعنه الله ..> (در آیه قبل) باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۱،۲۲

۲۱ مسخ کافرانِ به قرآن و یا گرفتاری آنان به لعنت ، سنت الهی

من قبل ان نطمس وجوهاً .. او نلعنهم ... و كان امر الله مفعولاً

۲۲ مسخ و یا لعنت کافرانِ به قرآن از اهل کتاب ، امری

حتمی و قضایی تخلف ناپذیر

یا ایها الذین اتوا الکتب امنوا .. من قبل ان نطمس وجوهاً ... و کان امر اللّٰه م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۵

۵ کافران مستحق لعن و نفرین و دوری از رحمت خداوند

لعن الذین کفروا من بنی اسرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۰، ۱۱

۱۰ منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقین ... و الکفار ... لعنهم اللّٰه

۱۱ جواز لعن و نفرین بر منافقان و کافران

المنفقین ... و الکفار ... لعنهم اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ > عن رسول الله (ص) : ... وأما الکافر فیکراً ذنوبه علی رؤوس الأشهاد ، > هؤلاء الذین کذبوا علی ربّهم ألا لعنه الله علی الظالمین < ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: .. اما کافر پس گناهان او در ملاء عام و در حضور گواهان خوانده می شود: اینانند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۹

۹ - جوامع کفرپیشه و بی ایمان ، مورد لعن و نفرین خداوند

فِعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ

کلمه <بُعْدًا> منصوب است به عنوان مفعول مطلق برا فعل محذوف یعنی، <بعُدوا بُعْدًا>. گفتنی است که <بُعْدًا> از مصدرهایی است که همواره بجای فعل

می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۷ - ۵

۵ - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (ص)، مورد لعن خدایند.

و لاتطع الكفرین و المنفقین و دَعْ اذیهم . . . إِنَّ الذین یؤذون ... و رسوله لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۱،۴

۱ - همه کافران، قطعاً مورد لعن خداوندند.

إِنَّ اللّٰهَ لعن الكفرین

<ال> در <الكافرین> می تواند برای استغراق باشد. بنابراین، همه کافران را شامل می شود.

۴ - لعن بر کافر، جایز و روا است.

إِنَّ اللّٰهَ لعن الكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل کیف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثمّ قتل کیف قدر

لعن بر کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه الله على الكافرين

۱۴ - جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت ، به پیامبر (ص) و قرآن کافر می شوند .

فلعنه الله على الكافرين

لغزش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۹

محرومان از هدایت الهی، مردمی گمراه و گرفتار گناه اند.

إذ جاءهم الهدى و يستغفروا ربّهم

این که می فرماید: <چرا مردمان، با آمدن هدایت، استغفار نمی کنند؟>، نشان می دهد که قبل از آمدن هدایت، خواه ناخواه، گرفتار انحراف و گناه بوده اند.

مادیگرایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۵ - ۷

۷ - افق دید کافران، محدود به زندگی کوتاه دنیا است.

لجعلنا لمن يكفر بالرحمن .. لِمَا مَتَعَ الْحَيَوٰهَ الدُّنْيَا و الْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ

خداوند در این آیه، توانایی خویش را بر ایجاد یک زندگی آکنده از تجمل برای کافران، بیان کرده و سپس حضور در جوار ربوبی را مطرح نموده است. از این مطلب استفاده می شود که کافران تنها در محدوده تنگ زندگی دنیا می اندیشند.

مال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ مال و اولاد کافران، آنان را هرگز از آتش دوزخ و عذاب الهی دور نخواهد ساخت.

لن تغنى عنهم اموالهم و لا اولادهم من الله شيئاً

<من الله>، یعنی از عذاب الهی، به قرینه <اولئک هم وقود النار>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱،۲

۱ اموال و فرزندان اهل کفر، نمی تواند آنها را از کیفر خداوند برهاند.

انّ الذین کفروا لن تغنى عنهم اموالهم و لا اولادهم من الله شيئاً

<اغنی> هنگامی که با <عن> متعدی شود، به معنای <دفع> می آید. لذا <لن تُغنی>، یعنی نمی رهااند. (روح

المعانی).

۲ اموال و اولاد ، تنها تکیه گاه به هنگام ذلت و ابتلای به غضب الهی ، از دیدگاه اهل کفر

ضربت علیهم الذلّه . . . و باءو بغضب من الله ... انّ الذین کفروا لن تغنی

ظاهراً منظور از <الذین کفروا>، همان جناح اهل کتاب هستند که در آیات سابق وضعیت آنان بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۸ - ۱۱

۱۱- مال و اولاد کافران نیز ، عطای الهی است .

أم اتّخذ عند الرحمن عهدًا

مالکیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۸

۸ - کافران ستیزکننده با خدا و پیامبر (ص) ، فاقد حق مالکیت نسبت به اموال و دارایی خویش *

و ما أفاء الله علی رسوله منهم

واژه <أفاء> که از <فیء> به معنای رجوع گرفته شده نشانگر آن است که یهودیان محارب، حق مالکیتی نسبت به اموال و دارایی شان ندارند و در حقیقت به مالک اصلی آن، بازگردانیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ - حق مالکیت کافران غیر محارب ، محترم و رعایت عدل درباره ایشان ضروری است .

و ءاتوهم ما أنفقوا

از شأن نزول آیه، استفاده می شود که حکم پرداخت مهریه و نیز احترامی که اسلام برای مالکیت کافران قائل است، مربوط به کافران غیر محارب است؛ چنان که آیه شریفه مسائل پس از صلح حدیبیه را بیان می کند. بنابراین رعایت این عدل با آنچه از

مفهوم < أن تبرّوهم و تقسطوا... >

که نهی از قسط درباره کافران حربی بود منافات ندارد.

مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۲۵،۲۶

۲۵ اظهار نیازمندی مؤمنان به نصرت الهی در نبرد با کافران ، از ویژگی های آنان

فانصرنا علی القوم الکافرین

۲۶ نصرت و یاری مؤمنان در رویارویی با کافران ، از شؤون ولایت الهی بر مؤمنان

انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین

تفریع جمله <فانصرنا> بر <انت مولینا> بیانگر آن است که ولایت الهی بر مؤمنان، مقتضی یاری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۶

۶ وجوب نبرد با یاوران شیطان (کافران و طاغوت ها)

و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت فقاتلوا اولیاء الشّیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۱

۱۱ لزوم مبارزه منفی با استهزاگران آیات الهی و کفرورزان به آن

إذا سمعتم ءایة الله یکفر بها و یستهزأ بها فلا تقعدوا معهم حتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ پیامبر(ص) موظف به مقابله مناسب با تهاجم تبلیغاتی کافران است.

قل أندعوا .. قل إن هدى الله هو الهدى

<قل> خطاب به پیامبر(ص) است. تکرار آن در آیه بیان اهمیت این مفاهیم در برابر القائنات و اندیشه هایی است که کافران آن را مطرح می ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۲

۲ شعيب (ع) ، دعوتگر مؤمنان قوم

خویش به صبر در برابر کفرپیشگان

إن كان طائفه منكم ءامنوا بالذی أرسلت به .. فاصبروا

در اینکه مخاطب <فاصبروا> چه کسانی هستند سه احتمال وجود دارد: خصوص مؤمنان، خصوص کافران، هر دو طایفه. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. در این صورت متعلق صبر، آزارها و اذیت‌های کافران است. یعنی: فاصبروا علی ما یصیبکم من الکفار. (ای اهل ایمان در برابر آزار کافران صبر کنید و بر دینداری خویش استقامت ورزید).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۶

۶ خداوند ، برترین برنامه ریز در مقابله با مکر کافران

و الله خیر المکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۸

۸ پیامبر (ص) از جانب خداوند مأموریت یافت تا سنت الهی را در سرکوبی حق ستیزان به کافران عصر خویش ابلاغ کند .

قل للذین کفروا .. و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۱،۴

۱ نبرد با کافران تا برکنده شدن فتنه های آنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده اهل ایمان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه

۴ نبرد با کافران تا حاکمیت یافتن دین خدا در جهان ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی .. یكون الدین کله لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۷ - ۶

۶- برخورد و مبارزه پیامبر (ص) و قرآن با مخالفان دعوت الهی (کافران و مشرکان

(، متکی بر منطق و استدلال بود .

فأتوا بكتبكم إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۲

۲ - توجه به قاهر بودن خدا ، مقتضی اطمینان به غلبه حق و پایداری در برابر هجوم کافران علیه دین

فاصبر علی ما یقولون

<فاء> در <فاصبر> لزوم صبر را متفرع بر مطالب آیات پیشین کرده است. در آن آیات، از قدرت الهی بر نابودی کافران و نیز اعاده آنان در قیامت برای حساب رسی، سخن به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۱ - ۱

۱ - رهنمود خداوند به پیامبر (ص) ، در مقابله علیه تبلیغات کافران

أم یقولون .. قل ترّیصوا

مبارزه با کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۸

۸ - تنها باید با ظالمان (کافران محارب و فتنه انگیزان و مانعان از گسترش و حاکمیت دین) مبارزه کرد .

فلا عدون إلا علی الظلمین

مبارزه با هواپرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۲

۲- لزوم پایداری حق و حق طلبان ، در برابر هوس ها و تمایلات فساد انگیز کافران

و لو اتبع الحق أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

مبارزه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۹،۱۱

۹ لجاجت کفار و مقابله آنها به پیامبر اکرم(ص) در عین آگاهی از حقانیت آن حضرت

فإنهم

لا يكذبكونك و لكن الظلمين بأيت الله يجحدون

۱۱ ستیز کافران با پیامبر(ص)، مقابله با مقام الوهیت خداوند است.

قد نعلم إنه ليحزنك .. و لكن الظلمين بأيت الله يجحدون

مبارزه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۳

۳- ناتوانی و درماندگی کافران و مشرکان مکه ، در مبارزه با اسلام و منطق پیامبر (ص)

و إذا رءاك الذين كفروا إن يتخذونك إلهزوا

از این که کافران و مشرکان، به گونه ای مستمر به استهزای پیامبر(ص) می پرداختند، برمی آید که آنان در توسل به منطق و دلیل و برهان ناتوان بودند و هیچ راهی جز این نداشتند.

مبانی عقیده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۱۴

۱۴ عقاید مشرکان و کافران متکی بر گمان بی اساس است.

يضلوك عن سبيل الله .. و إن هم إلا يخرصون

مبانی قضاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴ - ۱۱

۱۱ - قضاوت کافران درباره غلبه شان بر دین خدا ، مبتنی بر وهم و خیال وقضاوت ناشایست بود .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا ساء ما يحكمون

مبدأ کيفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۶

۶ - لحظه مرگ ، لحظه آغاز مجازات کافران

فذرهم حتى يلتوا يومهم الذي فيه يصعقون

در صورتی که <یومهم..> به معنای لحظه مرگ باشد؛ معنای آیه چنین می شود: رهایی و آزادی کافران در زندگی دنیوی است و

مرگ، پایانی بر این رهایی می باشد.

مبغوضیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱،۶

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ينادون لمقت الله أكبر من مقتكم أنفسكم إذ تدعون إلى الإيمن فتكف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

۶ - بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران حق ناپذیر، پس از اتمام حجت و دعوت مکرر آنان به ایمان است.

لمقت الله أكبر .. إذ تدعون إلى الإيمن فتكفرون

آمدن فعل های مضارع <تدعون> و <تكفرون> بر استمرار دلالت دارد، یعنی، شما همواره به ایمان فراخوانده می شدید و ولی به جای ایمان آوردن، به طور مستمر کفر میورزیدید.

مثالهای باطل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۴،۳،۲،۱

۱ کافران، با استفاده از مثل های باطل و ترسیم غیر واقعی چهره پیامبر (ص) به مبارزه علیه اسلام برخاسته بودند.

الذین كفروا .. و لا يأتونك بمثل

<مَثَل> هم به معنای <حجت> و <حدیث> (سخنانی در باره اثبات چیزی) و هم به معنای <صفت> (توصیف چیزی) آمده است (قاموس المحيط). مقصود از آن در آیه شریفه، مجموعه سخنانی است که کافران در توصیف پیامبر (ص) و به منظور خدشه دار کردن چهره منور آن حضرت می گفتند که در آیات فوق از آنها یاد شده است. گفتنی است قید باطل بودن مثل ها، از قرینه مقابله جمله <لا يأتونك بمثل> و جمله <إلا جئناك بالحق> استفاده شده است.

۲ خداوند در برابر هر

یک از مثل های باطل و توصیف های غیر واقعی کافران علیه پیامبر (ص) ، سخن حق و موضع درست را به آن حضرت می آموخت .

و لا یأتونک بمثل إلا جئناک بالحقّ

۳ خداوند ، در برابر مثل های باطل و توصیف های غیر واقعی کافران علیه پیامبر (ص) ، بهترین راه کشف حقیقت و تفسیر جریان حق و باطل را به آن حضرت ارائه می کرد .

و لا یأتونک بمثل إلا جئناک بالحقّ و أحسن تفسیراً

۴ سخنان کافران علیه پیامبر (ص) و تعالیم قرآن ، متکی بر تمثیل و تشبیه بود و نه برهان و دلیل .

و لا یأتونک بمثل إلا جئناک بالحقّ و أحسن تفسیراً

مثل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۱

۱ حالت مشرکان و کافران به قرآن ، همانند انسان کور و کر است .

مثل الفریقین کالأعمی والأصمّ

مجادله اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۳

۳ - نزاع و مجادله دو گروه حق و باطل و مؤمن و کافر ، به پیشگاه پروردگار در قیامت

ثمّ إنکم یوم القیمه عند ربکم تختصمون

مجادله با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۷

۷- پیامبر (ص) ، مأمور به مجادله و مناظره با کافران و مشرکان با بهترین نوع و روش

و جدلهم بالتی هی أحسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۲

۲ - پیامبر

(ص) با مشرکان و کافران به پیشگاه خداوند در قیامت، به جدال و نزاع و دفاع از مواضع خویش خواهند پرداخت.

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ

<اختصام> (مصدر <يختصمون>) به معنای جدال و نزاع دو فرد یا دو گروه است که هر یک می کوشد، سخن دیگری را ابطال کند. گفتنی است در این که مقصود از دو گروه متخاصم کیانند، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد که بهترین آنها دو نظریه است: ۱ پیامبر(ص) با کافران و مشرکان؛ ۲ دو گروه حق و باطل از هر ملت و امتی.

مجادله کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ کفرپیشگان علی رغم مشاهده نشانه های ربوبیت خدا بر سراسر جهان، با موحدان درباره خداوند و ربوبیت او به جدال و جرّ و بحث می پردازند.

هو الذی یریکم البرق .. و هم یجدلون فی الله

جمله حالیه <و هم یجدلون فی الله> قید برای همه جمله هایی است که در آیات پیشین آمده است؛ یعنی، با آنکه آثار وجودی خدا و ربوبیت او نمایان است و اوست که برق، رعد، ابر و صاعقه را پدید می آورد و همه امور را تحقق می بخشد، آنان درباره وی به جرّ و بحث می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۶

۶- جدال و اشکال تراشی، با به کارگیری روش های باطل و دستاویز های دروغین، از شیوه های مبارزه کافران با حق است.

و یجدل الذین کفروا بالباطل لیدحضوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۱

۱ - تنها کافران حق ناپذیر به مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی می پردازند و از پذیرش آن سر باز می زنند .

مايجدل فی آیت الله إلا الذین کفروا

مجادله کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۱

۱ مجادله کفرپیشگان مستکبر قوم ثمود با مستضعفان مؤمن به صالح

استضعفوا لمن ... مؤمنون. قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامتمم به کفرون

مجازات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۶

۶ کفرمداران و شرک پیشگان ، مستحق عذاب و کیفر الهی در دنیا

و لو یعجل الله للناس الشر

مجازات کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۷، ۲، ۱

۱ - مسلمانان باید کافران محارب را هر کجا یافتند ، بکشند .

و اقتلوهم حیث ثقتموهم

ضمیر <هم> در جمله فوق به <الذین یقاتلوکم> بر می گردد و لذا از آنان به کافران محارب تعبیر شده است. <ثقف> (مصدر ثقفتم) به معنای یافتن و دسترسی پیدا کردن است.

۲- ضرورت کشتن کافران محارب ، محدود به میدان جنگ نیست .

و اقتلوهم حیث ثقفتموهم

عبارت <حیث ثقفتموهم> (هر کجا آنان را یافتید و بر آنان دسترسی داشتید) گویای برداشت فوق است.

۱۷- سزای کفرپیشگان محارب و فتنه انگیز ، کشتن آنان است .

فاقتلوهم کذلک جزاء الکفرین

<ال> در <الکافرین> عهده است و اشاره به کافرانی دارد که سر جنگ با مسلمانان دارند

و یا علیه ایشان فتنه انگیزی می کنند.

مجاهدان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۴

۴ رویارویی مجاهدان در راه خدا و کافران ، در بدر

فته تقاتل فی سبیل الله و اخری کافره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۸،۲۸

۸ خداوند نوید بخش ظهور مجاهدانی نستوه ، محبوب خدا و دوستدار وی ، متواضع در برابر مؤمنان و سرافراز بر کافران

فسوف یأتی الله بقوم .. و لایخافون لومه لائم

۲۸ دلباختگان خداوند ، فروتن در برابر مؤمنان ، سرفراز در قبال کافران و مجاهدانی بی پروا از ملامت دشمنان دین

یحیونه اذله علی المؤمنین .. یجهدون فی سبیل الله و لایخافون لومه لائم

مجرمیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۳

۳ - کافران ، مردمانی مجرم اند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

<ال> در <المجرمون> ممکن است عهد باشد و به قرینه آیه بعد که در آن، از جواب مؤمنان سخن گفته شده است و نیز آیات سابق که درباره کافران بود مراد از آن، کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۵

۵ - کافران و مشرکان ، از مجرمان اند .

یوّد المجرم

محاكمه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۸

۸ مؤاخذه کافران به توحید، نبوت

و معاد در مواقف قیامت

و یوم نحشر هم جمعياً .. و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق

<این شرکاؤکم> (در آیه ۲۲) مؤاخذه درباره توحید، <لاتکذب بآیات ربنا> (در آیه ۲۷) مؤاخذه درباره نبوت، <ألیس هذا بالحق> (در آیه ۳۰) مؤاخذه درباره قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۸،۹

۸ - وعده الهی به گردآوری کافران هر امت ، برای محاکمه و مجازات در قیامت *

و یوم نحشر من کلّ أمّه فوجاً ممّن یکذب بایتنا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حشر> مورد بحث در آیه مربوط به قیامت باشد.

۹ - حشر گروهی از کافران هر امت در قیامت و رانده شدن آنان به سوی جایگاه محاکمه و مجازات *

و یوم نحشر من کلّ أمّه فوجاً ممّن یکذب بایتنا

محاکمه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۱،۳،۴،۸،۹

۱ - قرار گرفتن کافران در جایگاه محاکمه پس از برانگیختن آنان در روز رجعت

و یوم نحشر .. حتّی إذا جاءو

۳ - تکذیب نشانه های خدا ، اصلی ترین موضوع دادگاه کیفری کافران

حتّی إذا جاءو قال اکذبتم بایتی

۴ - خدا ، حاکم و داور دادگاه کیفری کافران

قال اکذبتم بایتی

۸- قرار داشتن کافران ، تحت نظارت و کنترل شدید از لحظه برانگیخته شدن تا هنگام محاکمه

فهم یوزعون . حَتَّى إِذَا جَاءَ وَقَالَ أَكْذَبْتُمْ

از ارتباط دو آیه و واژه <حَتَّى> که نمایانگر غایت است استفاده می شود که کنترل آنان، تا لحظه قرار گرفتن آنها در جایگاه محاکمه ادامه خواهد داشت.

محاكمه شدن کافران به خاطر کردارشان علاوه بر محاکمه آنان به خاطر عقایدشان

أَكذَّبْتُمْ بآيَتِي ... أَمْ إِذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

عبارت <أَكذَّبْتُمْ بآيَتِي> دلالت بر محاکمه عقیدتی و تعبیر <أَمْ إِذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ> دلالت بر محاکمه آنان به خاطر کردارشان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۵ - ۱

۱ - نزول عذاب بر کافران تکذیب گر ، پس از پایان یافتن محاکمه آنان

قال أَكذَّبْتُمْ بآيَتِي ... و وقع القول عليهم

در تفسیر <وقع القول عليهم> چند نظر ابراز شده است که از جمله آنها <حلول عذاب> است.

محدوده مهلت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۰

۱۰- مهلت الهی به کافران ستیزه جوی ، مهلتی محدود و زودگذر

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ... سَيَحْبَطُ أَعْمَلُهُمْ

در صورتی که حبط عمل به معنای خنثی سازی توطئه ها باشد، سین در <سَيَحْبَطُ> زودرسی این وعده را افاده می کند.

محرومیت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۹

۹ - خداوند در قیامت نظر رحمتی بر کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، نخواهد داشت .

ولا هم ينظرون

در برداشت فوق فعل مجهول <ینظرون> از (نظر) به معنای رؤیت گرفته شده است. بر این مبنا <ولاهم ینظرون> یعنی، نظر رحمتی به آنان نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ کافران در قیامت از زینتهای خدادادی و روزیهای پاکیزه محروم خواهند بود.

قل هی للذین ءامنوا .. خالصه یوم القیمه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۳

۳ کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنة الله على الظالمين. الذين يصدون عن سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۸

۸- کافران ، در آخرت قادر به بهره برداری از اعمال نیک خویش نخواهند بود و از آن محروم خواهند شد .

أعملهم كرماد اشتدت به الريح في يوم عاصف لا يقدرّون ممّا كسبوا على شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۱۲

۱۲- در قیامت ، تنها مجرمانی ناکام و محروم خواهند بود که بهره ای از ایمان و عمل صالح ندارند .

من حمل ظلماً

جمله <و من يعمل من الصالحات..> در آیه بعد، می تواند قرینه براین باشد که <من حمل ظلماً> مطلق نیست؛ بلکه تنها کسانی مورد نظر هستند که نه مؤمنان د و نه نیکوکار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۶

۶- کافران دوزخی ، از هر گونه لطف و رحمت خداوند محروم اند .

ولا هم ينظرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <ينظرون> فعل مضارع مجهول از ثلاثی مجرد و از ماده <نظره> باشد که به معنای رحمت است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۷

کافران در قیامت ، محروم از رحمت خداوند

الملک . . للرحمن و کان یوماً علی الکفرین عسیراً

یادآوری سختی قیامت برای کافران، با آن که پیش از آن رحمانیت خداوند مطرح گردیده است، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۷

۷ - مشرکان و کافران ، محروم از بهشت و موهبت های آن

لکن الذین اتَّقوا ربَّهم لهم غرف

لام اختصاص در <لهم> بیانگر این حقیقت است: کافران و مشرکان که در قطب مقابل مؤمنان قرار دارند از نعمت های بهشتی محروم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۴ - ۲

۲ - کافران ، محروم از کمترین لطف و عنایت خداوند در قیامت

و قیل الیوم ننسیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۷

۷- کافران در جهان آخرت ، تهی دست از پاکیزگی ها و ارزش ها

أذهبتم طیبیتکم فی حیاتکم الدنیا و استمتعتم بها

واژه <طیبیات> شامل ارزش های پاک و انسانی است که کافران با لذت جویی، آنها را فانی کرده و از کف داده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۴

۴- نبودن کمترین یاور و شفیع ، برای کافران در قیامت

و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <یوم لا یغنی..> نظر به قیامت داشته باشد. در این صورت تعبیر <ولا هم ینصرون> حکایت از نفی شفیع می کند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۴

۴ - کافران ، از هر گونه راحتی و آسایش در دوزخ محروم اند .

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلْسَلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا

از کیفیت عذاب شدن کافران ناسپاس (غل و زنجیر شدن آنان در دوزخ)، مطلب یاد شده به دست می آید.

محرومیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۲ - ۶،۷

۶ رویگردانان از اطاعت خدا و رسول ، کافر و محروم از محبت خدایند .

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

۷ کافران ، محروم از محبت خداوند

فان تولّوا فان الله لا يحب الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۹،۱۴،۱۵

۹ اراده الهی مبنی بر محرومیت حتمی شتابگران در کفر از بهره های اخروی

يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يُجْعَلَ لَهُمْ حِزًّا فِي الْآخِرَةِ

۱۴ اراده الهی بر محروم سازی کفرپیشگان از بهره های دنیوی نیست . *

يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يُجْعَلَ لَهُمْ حِزًّا فِي الْآخِرَةِ

مفهوم کلمه <فی الآخرة>، گویای آن است که اراده الهی بر محروم ساختن کافران از مواهب آخرت است، نه بهره های دنیوی.

۱۵ مهلت دادن خداوند به شتابگران در کفر، برای محروم ساختن آنان از بهره های اخروی است (سنت استدراج) .

یرید الله الا يجعل لهم حظًا فی الاخره و لهم عذاب عظیم

جمله <یرید الله .. >، می تواند جواب این سؤال باشد که چرا با تلاش برخی از مردم در گسترش کفر، خداوند به آنان مهلت می دهد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۷

۷ کافران ، محروم از ورود به بهشت ، هر چند دارای اعمال صالح باشند .

و من يعمل من الصلحت . .. و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

قید <و هو مؤمن> می رساند که ایمان، شرط ثمربخشی اعمال نیک است؛ بنابراین اعمال نیک، بدون ایمان و در حال کفر، پاداش بهشت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۱

۱ کفرپیشگان ستمگر ، محروم از آمرزش و هدایت الهی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَ لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقاً

تکرار نشدن <الذین> در جمله <و ظلموا> دلالت می کند که مجموع دو صفت <کفر> و <ظلم> موجب محرومیت از آمرزش و هدایت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۱۳

۱۳ کافران به خدا ، قرآن و پیامبر (ص) محروم از رحمت و فضل و هدایت خاص خداوند

فاما الذین ءامنوا بالله و اعتصموا به . . . صراطاً مستقیماً

معادل <اما>ی تفصیلیه حذف شده و جمله موجود <فاما الذین ءامنوا . . .> بیانگر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ کافران به معاد و رسالت پیامبر(ص) ، زیانکار، تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسلى . . . کتب على نفسه الرحمة ... الذین خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

با توجه به اینکه رحمت الهی فراگیر است، ممکن است زیان کافران به جهت

محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ کافران ، محروم از هدایت الهی

و الله لا يهدى القوم الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۲، ۱۰

۱۰ منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقين . . . و الكفار ... لعنهم الله

۱۲ محرومیت منافقان و کافران از رحمت الهی ، مایه رنج و عذاب همیشگی آنان

و لعنهم الله و لهم عذاب مقيم

برداشت فوق بر این اساس است که <عذاب مقيم> در نتیجه نفرین الهی به دوری آنان از رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۵

۵ کافران به خدا و پیامبر (ص) ، محروم از آمرزش الهی .

فلن يغفر الله لهم ذلك بأنهم كفروا بالله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۴

۴ کفر ، مانع برخورداری کافران از نعمت های فراوان الهی ، در دنیا نیست .

ربنا إنك ءاتيت فرعون و ملأه زينه و أمولا في الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۱

۱- کسانی که بر کفر اصرار ورزیده و از سر لجاجت حق را نمی پذیرند ، محروم از هدایت الهی اند .

إن الذين لا يؤمنون بأيت الله لا يهديهم الله

فعل مضارع <لا يؤمنون> دلالت بر استمرار دارد و با توجه به اینکه قرآن

به زبان روشن و فصیح نازل گردیده است، ولی در عین حال کافران به آن ایمان نیاورده اند، می تواند لجاجت و روح حق ناپذیری آنان را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۷

۷- کافران دنیاپرست ، محروم از هدایت الهی اند .

استحبوا الحیوه الدنیا علی الآخره و أن الله لایهدی القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ - حق ناپذیری کافران ، تنها مایه محرومیت آنان از رهنمود های بیدار کننده قرآن

بل أتینهم بذکرهم ... معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۱۲

۱۲ - کافران و منکران و حدانیت خدا ، محروم از فلاح و رستگاری

إنه لایفلح الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۷،۹

۷ - کافران ، به دلیل بی بهره بودن از نور الهی ، محروم از هر گونه هدایت اند .

و الذین کفروا أعملهم ... کظلمت فی بحر لَجّیّ ... إذا أخرج یده لم یکد یرها و من

۹ - فرو رفتن کفرپیشگان در ظلال و سردرگمی گریز ناپذیر ، برخاسته از محرومیت آنان از نور هدایت الهی است .

و الذین کفروا أعملهم ... کظلمت فی بحر لَجّیّ ... من فوقه سحب ظلمت بعضها فوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۴

۴ - کافرانِ به آیاتِ خدا و معاد ، حظّی از رحمتِ خداوند ، نخواهند داشت

و الذين كفروا بأيت الله و لقاءه أولئك يثسوا من رحمتي

> يثسوا من رحمتي < می تواند جمله خبری باشد و می تواند کنایه از قضای الهی مبنی بر مشمول رحمت قرار نگرفتن افراد یاد شده باشد. برداشت بالا بنا بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۶

۶ - کافران ، از مهر و محبت خداوند ، محروم اند .

إِنَّه لايحبّ الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۱

۱ - کافران حق ناپذیر ، از حیات معنوی و امتیازات بشری ، محروم اند .

و ما أنت بهد العمى عن ضللتهم

در آیه، کسانی که پیامبر(ص) نیز توان خارج کردن آنها را، از گمراهی ندارد، به کوران تشبیه شده اند و مراد از آنها کافران اند. تشبیه کافران به کوران، استعاره مصرحه است و <هادی>، استعاره کنایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۲

۲ - کافران و مشرکان لجوج و حق ناپذیر ، محروم از فهم صحیح حقایق الهی

إِنَّا جعلنا فی أعنقهم أغللاً.. فهم مقمchon

از تشبیه کافران لجوج و حق ناپذیر به انسان هایی که چون اسیران، غل و زنجیر بر گردن دارند و سرهایشان بالا مانده و از دیدن اطراف خویش محروم اند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر ، محروم از شناخت صحیح حقایق الهی و فاقد

<إغشاء> (مصدر <أغشینا>) به معنای قرار دادن پرده بر چیزی است که آن را بپوشاند. در جمله <فأغشیناهم> نیز مضافی در تقدیر است؛ یعنی، <فأغشینا أبصارهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۷

۷ - مؤمنان، انسان های زنده دل و برخوردار از حیات واقعی و معقول، و کافران (چونان مردگان) محروم از آن

لینذر من کان حیًا و یحقّ القول علی الکفرین

برداشت یاد شده از ارتباط میان صدر و ذیل آیه شریفه؛ یعنی، به قرینه مقابله میان انسان های زنده و کافران، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - کفر و شرک، ظلم است و کافران و مشرکان، از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعان محروم اند.

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیات، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره کافران و مشرکان سخن می گوید و مقصود از <ظالمین> آنان می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۳

۳ - کافران، محروم از رحمت خداوند و رستگاری در قیامت

فیدخلهم ربهم فی رحمته .. وأما الذین کفروا أفلم تکن ءایتی تتلی علیکم

از تقابل وضع کافران با مؤمنان در این آیه و آیه پیشین، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاییه - ۴۵

۳ - محرومیت کافران در قیامت از لطف و توجه حق ، نتیجه بی توجهی آنان به معاد است .

و قيل اليوم نسيكم كما نسيتم لقاء يومكم هذا

برداشت بالا، بر این مبنا است که <کما> در <کما نسيتم> برای تعلیل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۴

۴- ذلّت و بدفرجامی کافران ، معلول برخوردار نبودن از ولایت و حمایت خداوند

دمّر الله عليهم .. ذلك .. و أنّ الكافرين لا مولی لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۱ - ۱

۱ - کافران ، محروم از پشتوانه غیبی و گرفتار وهم در اندیشه های باطل خویش

أم يقولون شاعر نتربص به ريب المنون .. أم عندهم الغيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۳

۳ - کافران دوزخی ، مورد نفرین خدا و محروم از رحمت و لطف او هستند .

فسحقاً لأصحاب السعير

<سحق> به معنای <بُعد> است و در این آیه، به جای لعن و نفرین به کار رفته است و مراد از آن، دوری از رحمت و لطف الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) ، محروم از حمایت نزدیکان و دوستانِ دلسوز در قیامت

فلیس له الیوم ههنا حمیم

<حمیم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن خویشاوندان و دوستان صمیمی و

دلسوز

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۵

۵ - کافران ، از حالت شکیبایی ، مهرورزی و عطوفت ، محروم بوده و از توصیه یکدیگر به آن خصلت ها خاموش اند .

الذین ءامنوا و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمه

این آیه تعریض به کافرانی دارد که در آیات آغاز و پایان سوره، از آنان سخن به میان آمده است.

محرومیت کافران از نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۴

۴ - ابراهیم (ع) ، کفرپیشگان مکه را شایسته بهره مند شدن از روزی های الهی نمی دانست .

و ارزق .. من ءامن منهم باللّه و الیوم الآخر

محرومیت کافران از هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ کفرپیشگانی که با بی هدف خواندن سختی های بیدارکننده از تمامی عوامل هدایت بی بهره ماندند ، با عذاب غافلگیرانه از جانب خدا نابود شدند .

فأخذنهم بغته و هم لا یشعرون

محرومیت کافران دنیاطلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۳

۳- محرومیت کافران دنیاگرا (مرتدان) از درک حقایق معنوی، همان محرومیت از هدایت الهی است.

لا یهدی القوم الکفرین . أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم

جمله <أولئک الذین طبع الله ..> بیانگر جمله <و أن الله لا یهدی القوم الکفرین> است؛ یعنی، چگونگی و راه محرومیت کافران از هدایت الهی را تفسیر و معنا می کند.

محرومیت کافران ظالم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۳۸

۳ کافران ستم پیشه و مانعان راه خدا ، موفق به ایمان و توبه نخواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ

بدیهی است که کفرپیشگان در هر مرتبه ای از کفر باشند چنانچه اهل ایمان گردند سزاوار آمرزش و هدایت الهی هستند ؛ بنابراین مراد از جمله <لم یکن ...> این است که آنان موفق به ایمان نخواهند شد و در نتیجه آنان را نخواهد آمرزید.

۸ محرومیت کافران ستمگر از مغفرت و هدایت ، از سنت های الهی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا

محرومیت کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۶

۶ - کافران معاند و لجوج ، محروم از عفو و رحمت الهی

و يعف عن كثير . و يعلم الذين يجدلون في آياتنا ما لهم من محيص

این که پس از مسأله عفو گناهان، این نکته مطرح شده که کافران معاند راه فراری از عذاب ندارند؛ می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که آنان مورد عفو و مغفرت الهی قرار نمی گیرند.

محرومیت کافران معاند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۶

۶ - کافران معاند و لجوج ، محروم از عفو و رحمت الهی

و يعف عن كثير . و يعلم الذين يجدلون في آياتنا ما لهم من محيص

این که پس از مسأله عفو گناهان، این نکته مطرح شده که کافران معاند راه فراری از عذاب

ندارند؛ می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که آنان مورد عفو و مغفرت الهی قرار نمی گیرند.

محرومیت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۵

۵ - ابراهیم (ع) از خداوند خواست تا کافران مکه را از روزی های خویش بهره مند نسازد .

و ارزق .. من ءامن منهم باللّٰه و الیوم الآخر

<من ءامن> به عنوان بدل برای <أهله> بیانگر مقصود ابراهیم(ع) از کلمه <أهله> است. آن حضرت با آوردن <من ءامن> اشاره به این معنا دارد که: خواهان اعطای ثمرات به کافران مکه نیست.

محکومیت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱۰

۱۰- محکومیت کافران در محکمه قیامت ، با شهادت شاهدان همراه است .

و یوم نبعث من کلّ أمّه شهیدًا ثمّ لایؤذن للذین کفروا

محمد(ص) و اذیتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۲۸

۲ - پیامبر (ص) ، موظف بود که به آزار و اذیت های کافران و منافقان ، اعتنایی نکند .

و دَعُّ اذیهم

۸ - پیامبر (ص) در برابر آزار و اذیت منافقان و کافران ، باید به خدا توکل کند .

و دَعُّ اذیهم و توکل علی اللّٰه

محمد(ص) و امکانات مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۱

۱- خداوند ، پیامبر (ص) را از هرگونه چشم دوختن و مجذوب شدن به امکانات دنیوی کافران برحذر داشت

لَا تَمُدَّنْ عَيْنِيكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

<مدّ> به معنای زیاده و طولانی کردن است و هر گاه در رابطه با چشم و نظر به کار رود، به معنای چشم دوختن، خیره شدن و مجذوب شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۲

۲ - خداوند، پیامبر (ص) را از توجه به سرمایه های چشمگیر کافران و اشتیاق بهره گیری از آن، برحذر داشت.

و لَا تَمُدَّنْ عَيْنِيكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

<مدّالعین> (چشم کشیدن)، برداشتن نگاه از چیزی و متوجه ساختن و کشاندن آن به سوی چیز دیگر است و به قرینه آیاتی دیگر (نظیر <لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ> كهف / ۲۸) مراد آیه، معطوف ساختن توجه از تهیدستان به سوی ثروتمندان است. برخی احتمال داده اند که مراد از کشاندن، ادامه دادن است و آیه ناظر به نگاه سیر و عمیق می باشد.

محمد(ص) و عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۵ - ۲

۲ - وعده نزول عذاب بر کافران، در مرآی و منظر پیامبر (ص)

و إِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَكَ مَا نَعْدُهُمْ لَقَدْرُونَ

محمد(ص) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ پیامبر (ص)، نگران رویگردانی کافران، از تسلیم در برابر خدا (هدایت)

و ان تولّوا فانّما عليك البلاغ

از منحصر کردن وظیفه پیامبر (ص) به تبلیغ پیام الهی چنین برمی آید که گویا پیامبر (ص) علاوه بر ابلاغ پیام، خود

را موظف می دانست که مردم را در برابر خداوند، تسلیم کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۳

۳ صحنه شهادت پیامبر (ص) در قیامت، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً. یومئذ یوّد الذین کفروا... لو تسوی بهم الارض

<یومئذ> متعلق به <شهیداً> است. یعنی آن روز که پیامبر (ص) بر اعمال گواهی دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۰ - ۷

۷ پیامبر (ص) مسؤولیتی در برابر کفرورزی کافران و رویگردانی انسان ها از وی ندارد.

و من تولیٰ فما ارسلناک علیهم حفیظاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۳

۲۳ پرهیز از اندوه و تأسف بر کفرپیشگی کافران و سرنوشت شوم آنان، توصیه خداوند به پیامبر خویش

فلاتأس علی القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۳

۳ پیامبر (ص)، مأمور احتجاج با کافران درباره توحید ربوبی

قل أغير الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۹، ۱۱

۹ لجاجت كفار و مقابله آنها به پیامبر اکرم(ص) در عین آگاهی از حقانیت آن حضرت

فإنهم لا يكذبونك و لكن الظلمين بأيت الله يجحدون

۱۱ ستیز کافران با پیامبر(ص)، مقابله با مقام الوهیت خداوند است.

قد نعلم إنه ليحزنك . . . و لكن الظلمين بأيت

اللّٰه يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ پیامبر(ص) وظیفه دار شناخت دقیق روحيات و ویژگیهای کافران و چگونگی موضعگیریهای آنها در برابر هدایت است.

و إن كان کبر .. فلا تکونن من الجهلین

بیان ویژگی هدایت ناپذیری برخی کافران و لحن توبیخ گونه آیه نسبت به پیامبر(ص)، بیانگر این است که پیامبر(ص)، علی رغم میل به هدایت کردن همه مردم، باید واقعیت هدایت ناپذیری برخی از کفار را پذیرفته و آن را در برنامه های خود در نظر گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۴ - ۷

۷ پیامبر (ص) به گونه ای صریح و آشکار خطر تکذیب آیات را برای کفرپیشگان بیان می کرد .

إن هو إلا نذیر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۸

۸ پیامبر (ص) از جانب خداوند مأموریت یافت تا سنت الهی را در سرکوبی حق ستیزان به کافران عصر خویش ابلاغ کند .

قل للذین کفروا .. و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۱

۱ نبرد بی امان با کافران و منافقان ، و سخت گیری و عدم ترحم به آنان ، فرمان خدا به پیامبر (ص)

یأیها النبی جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۸

۸ خداوند

، حاکم و داور اختلافات و نزاع های میان پیامبر (ص) و مردم کفرپیشه بود .

و اصبر حتی یحکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۱،۲،۴

۱ پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع ناصوابشان پافشاری کنند .

و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم انا عملون

<اعملوا> امری است که به داعی تهدید و هشدار ایراد شده است و <مکانه> به معنای توان و قدرت و نیز به معنای مکان و جهت آمده است. بر اساس معنای نخست <اعملوا...> یعنی، هر اندازه توان دارید عمل کنید و کوتاهی نکنید و بر اساس دومین معنا، یعنی، بر همان جهت و موضعی که اتخاذ کرده اید عمل کنید.

۲ پیامبران ، در صورت ناامیدی از ایمان آوردن کفرپیشگان ، وظیفه ای از جهت تبلیغ رسالت ، برعهده نداشتند .

و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم انا عملون

۴ پیامبر (ص) از ناحیه خداوند مأمور بود تا پایداری خود و مؤمنان و ایستادگی بر مواضعشان را به کافران تأکید کند .

و قل للذین لایؤمنون .. انا عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۵

۵ ابلاغ تهدید های خداوند به کفرپیشگان و رساندن بشارت های او به مؤمنان ، وظیفه پیامبر (ص) بود .

و قل .. وانتظروا انا منتظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۱۸

۱۸ خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (ص)

ص) در چگونه برخورد کردن با کافران و پاسخ گویی به آنان

قل هو ربی . . . و إلیه متاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۷ - ۴

۴ دلسوزی بسیار پیامبر (ص) نسبت به کافران و مشرکان و اهتمام آن حضرت برای هدایت و تربیت آنان

قل ما أسئلكم علیه من أجر إلا من شاء أن يتخذ إلی ربّه سیلاً

قرار گرفتن هدایت مردم به عنوان اجر پیامبر(ص) در حالی که هدایت شدن مردم از سنخ اجر نیست، علاوه بر این که مستثنی باید از سنخ مستثنی منه باشد می تواند گویای دو نکته باشد: ۱ دلسوزی و اهتمام بسیار پیامبر(ص) نسبت به هدایت مردم. ۲- خلوص و نداشتن هیچ چشمداشت مادی در رسالت خود. در حقیقت چنین جمله ای، مانند سخن آن پدری است که برای حفظ جان فرزندش، تلاش بسیار دارد و به فرزندش می گوید: <من در قبال تلاشم، هیچ مزدی از تو نمی خواهم.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص) از حق ناپذیری کافران ، اندوهگین بود .

و من كفر فلا یحزنك كفره

توصیه خداوند به پیامبر(ص) برای پرهیز از اندوه درباره کفر کافران، این نکته را می رساند که آن حضرت، در قبال کفر آنان، اندوهناک بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳ - ۲

۲ - تبعیت نکردن پیامبر (ص) از خواسته کافران و منافقان ، در پی دارنده مشکلاتی برای آن حضرت بود

و لاتطع الكافرين و المنفقين . . . و توكل على الله و كفى بالله و كيالاً

فرمان به توکل، پس از فرمان به تبعیت نکردن از خواسته کافران و منافقان، احتمال دارد به خاطر پیامدها و مشکلاتی باشد که در پی آن فرمان، به وجود می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۳

۱۳ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر حسرت و اندوه نداشتن بر گمراهی کافران

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۱

۱- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، با ارائه رهنمود به آن حضرت در قبال تشکیک کافران

أم یقولون افتريه . . . قل ما كنت بدعاً من الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۲ - ۶

۶- اجبار مردمان کافر به پذیرش دین و ایمان ، بر عهده پیامبر (ص) نبود .

فإن تولّيتم فإنما علی رسولنا البلغ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، هیچ اجر و پاداشی از کافران در قبال رسالت خویش درخواست نکرد .

أم تسئلهم أجراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده خداوند بر مقابله به مثل با مکر کافران ، کافی برای شتاب نورزیدن پیامبر (ص) در مورد درخواست کیفر برای آنان

و أكید كیدًا . فمهل

برداشت یاد شده،

از حرف <فاء> در <فمهل> استفاده شده است؛ یعنی، حال که از مکر خداوند درباره کافران آگاه شدی، با خاطری آسوده به کافران فرصت ده؛ زیرا آنان هر چند در هر فرصت به مکر خود ادامه دهند، ولی مکر آنان مقهور مکر خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۱،۴

۱ - پیامبر (ص)، پس از عمل به وظیفه ارشاد همگان، در خصوص تداوم بخشیدن به ارشاد اعراض کنندگان کافر، تکلیفی ندارد.

فذکر... إلا من تولی و کفر

فعل <تولی>، بیانگر این نکته است که تذکرات پیامبر(ص) به روی گردانان رسیده است و آنان پندها را نپذیرفته، از آن اعراض کرده اند. بنابراین تذکر دادن در مرحله اول، عمومی است و به همه مردم باید ابلاغ گردد؛ ولی پس از تولی و اعراض گروهی از آنان، پیامبر(ص) درباره تکرار تذکر و ارشاد آن گروه، تکلیفی ندارد.

۴ - پیامبر (ص)، به الزام مخالفان بر ایمان در صورت بی اعتنایی و کفر ورزیدن آنان مجاز است.

لست علیهم بمصیطر. إلا من تولی و کفر

حرف <إلا>، ممکن است برای استثنای حقیقی از ضمیر <علیهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۲ - ۱

۱ - رد معبود های کافران و امتناع از عبادت آنها در تمام عمر خویش، خط مشی ارائه شده از سوی پیامبر (ص)، در گفتوگو با کافران

لا أعبد ما تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون -

۶ - پیامبر (ص) پس از ناامیدی از ایمان کافران، از آنان خواست برای پابندی او به دین خود، مشکل آفرین نباشند.

ولی دین

محمد(ص) و کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۱

۱ پیامبر (ص) به کافران لجوج هشدار داد که آینده ای ناخوشایند (هلاکت در دنیا و عذاب در آخرت) در پیش خواهند داشت.

وانتظروا

با توجه به آیات گذشته که سخن از عذاب دنیوی و اخروی اقوام کفرپیشه داشت، می توان گفت: مراد از <انتظروا> هشدار کافران به عذابهای دنیوی و اخروی است.

محمد(ص) و کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۷

۷ - وجود شرایط مساعد برای اقدام سریع پیامبر (ص) به رویارویی با توطئه های کافران، در عصر بعثت

فمهل الكفرین

فرمان مهلت دادن، در صورتی به پیامبر(ص) داده می شود که شرایط برای انجام عملی شتابزده علیه کافران فراهم باشد.

محمد(ص) و لعن کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، مأمور فرصت دادن به کافران عصر بعثت و پرهیز از نفرین و درخواست عذاب سریع برای آنان

فَمَهْلُ الْكُفْرَيْنِ أَمْهَلُهُمْ رَوِيْدًا

<مَهْلٌ> و <أَمْهَلٌ> به يك معنا است؛ گرچه برخی گفته اند: <مَهْلٌ> فرمان به مهلت لحظه به لحظه و تدريجی است و <أَمْهَلٌ> فرمان به يك مهلت. تکرار فرمان با دو لفظ متفاوت

به گونه ای که دو فرمان مستقل به نظر آید تأکید بیشتری به همراه دارد. کلمه <رویداً> ممکن است، تصغیر <رؤد> (مهلت دادن) باشد، یعنی، مهلت کوتاه و نیز می تواند اسم فعل و به معنای <أمهل> باشد که برای سومین بار فرمان مهلت را تکرار کرده است.

محمد(ص) و مقابله با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، وظیفه داشت که از مقابله به مثل و درگیری با منافقان و کافران پرهیزد .

و دَعَّ اذیهم

احتمال دارد که <دَعَّ> به معنای <بی اعتنایی> باشد و احتمال دارد که به معنای <درگیر نشدن و مقابله نکردن> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

محمد(ص) و هدایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۲

۲- پیامبر (ص) برای هدایت کافران ، تلاش وسیعی داشت .

ذرهم یا کلووا و یتمتّعوا

اینکه خداوند، به پیامبر(ص) دستور می دهد که <آنان را به حال خود رها کن> حکایت از آن دارد که آن حضرت، تلاش گسترده و وسیعی برای نجات آنان از کفر انجام داده بود.

مخالفت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۸

۸ - تسلّی و دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های مشرکان و کافران

إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ . ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ

یادآوری مردن کافران و مشرکان و احضار شدن آنان به پیشگاه خداوند و نزاع و مجادله پیامبر(ص) با آنان، در واقع

نوعی دلداری و تسلی به پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۳، ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به صبر در برابر مخالفت های کافران حق ناپذیر و تداوم رسالت خویش فرا خواند .

فاصبر

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران حق ستیز و لجوج

فاصبر إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- روحیه استکباری ، عامل اصلی مخالفت کافران با قرآن و نه شبهات اصولی و تردید در ارزش آن

و شهد شهد .. فامن و استکبرتم

تصریح خداوند بر استکبار کافران، علی رغم ایمان حق گرایان به قرآن، اشاره به مطلب بالا دارد.

مدارا با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۸ - ۶

۶ - اظهار رفق و مدارات با کفران ستیزه جو ، توصیه خدا به پیامبر (ص)

و إن جدلوک فقل الله أعلم بما تعملون

جمله <الله أعلم بما تعملون>، تهدیدی است همراه با اظهار نرمی و مدارات.

مدبر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ تدبیر امور انسان های مؤمن و کافر ، تحولات جوامع بشری و سرنوشت آنها ، به دست خدا و در اختیار اوست .

اهبط بسلم منا .. و أمم سمنتمهم ثم یمسهم منا عذاب أليم

مراتب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ -

۲- وجود تفاوت درجات ، در بهشت برای مؤمنان و در دوزخ برای کافران *

و لکلّ درجت مّمّا عملوا

برداشت بالا- بنابراین است که <لکلّ> به معنای هر یک از مؤمنان و هر یک از کافران باشد که در آیات پیشین به عنوان <مسلم> و <منکر معاد> از آنان یاد شد.

مراتب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۱

۱- هر یک از مؤمنان و کافران ، دارای درجات و مراتب مختلف ، متناسب با عملکرد خود

و لکلّ درجت مّمّا عملوا

<لکلّ> ممکن است نظر به دو دسته داشته باشد: ۱ مؤمنان نیک کردار، ۲ کافران منکر معاد و ممکن است ناظر به هر مؤمن در مقایسه با دیگر مؤمنان و هر کافر در مقایسه با دیگر کافران باشد. برآشست یاد شده بر اساس احتمال نخست است.

مرتب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - کافران نیز تحت تدبیر ربوبیت خداوندند .

بل هم بلقاء ربّهم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۳ - ۶

۶ کافر ، دست پرورده شیطان *

و قال قرینه هذا ما لدیّ عتید

برداشت یاد شده در صورتی است که <قرین> به معنای شیطان باشد؛ چه این که در آیات بعد <قرین> اشاره به <شیطان> دارد. واژه <عتید> می‌رساند که منکران معاد، دست‌آموز و دست‌پرورده شیطان‌اند.

مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۷

۱۷ مرگ

برای کافران بهتر از زندگی است .

و لا يحسبنّ الذين كفروا أنّما نملي لهم خيرا لانفسهم

امام باقر (ع): الموت خیر [ل] . . . الكافر ... لأنّ الله يقول ... > و لا يحسبنّ الّذين كفروا أنّما نملي لهم خيرا لانفسهم أنّما نملي لهم ليزدادوا اثماً < .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۵۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۴۴۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۸

۸ کافران پس از جان کندن پر مشقت به عذاب و آتشی سوزان (عذاب برزخ) گرفتار خواهند شد .

و ذوقوا عذاب الحریق

امر به چشیدن عذاب حریق (ذوقوا عذاب الحریق)، دلالت بر وجود بالفعل آن عذاب دارد. و چون این جمله به هنگام گرفتن جان کافران گفته می شود، معلوم می شود که کافران پس از مردن به عذاب گرفتار خواهند شد و این همان عذاب برزخی است. گفتنی است <ذوقوا ... > به تقدیر <يقولون لهم > سخن ملائکه با کافران به هنگام گرفتن جان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۰ - ۹

۹- کافران به هنگام مرگ ، تسلیم و منقاد می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ... فألقوا السلم

۱۰- کافران ، به هنگام مرگ دچار وحشت و ترس می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ... فألقوا السلم

تسلیم شدن کافران به هنگام مرگ به قرینه <ما کنا نعمل من سوء > که در مقام دفاع بیان شده است می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

۸ - > عن الصادق (ع) ... إذا مات الكافر شيعة سبعون ألفاً من الزبانية إلى قبره و أنه ليناشد حامله بصوت يسمعه كل شيء إلا الثقلان ... و يقول: > رَبِّ ارْجِعْ عَلَيَّ أَعْمَلْ صَالِحاً فِيمَا تَرَكْتُ > فتجيبه الزبانية كلاً إنها كلمة أنت قائلها ;

از امام صادق(ع) روایت شده است : هنگامی که کافری می میرد، هفتاد هزار فرشته عذاب او را به سوی قبرش می برند و آن کافر با صدای بلند که تمام موجودات غیر از انس و جن می شنوند تشییع کنندگان را قسم می دهد .. و می گوید: >رَبِّ ارْجِعْ عَلَيَّ أَعْمَلْ صَالِحاً فِيمَا تَرَكْتُ< . پس فرشتگان عذاب به او جواب می دهند: هرگز! این کلامی است که تو گوینده آنی.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۱

۱- مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر ، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و ... فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۵،۶

۵- فرجام شوم و هلاکت بار ، در کمین کافران [در دنیا ، هنگام مرگ و یا در آخرت]

يلقوا يومهم الذي فيه يصعقون

تعبیر >الذی فيه يصعقون< (روزی که در آن بیهوش خواهند افتاد)، نشان دهنده سختی حال کافران به هنگام واقعه عذاب است. گفتمی

است که مراد از روز عذاب، می تواند روز عذاب استیصال، یا روز عذاب قیامت و یا هنگام مرگ باشد.

۶ - لحظه مرگ ، لحظه آغاز مجازات کافران

فذرهم حتی یلقوا یومهم الذی فیه یصعقون

در صورتی که <یومهم..> به معنای لحظه مرگ باشد، معنای آیه چنین می شود: رهایی و آزادی کافران در زندگی دنیوی است و مرگ، پایانی بر این رهایی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۲

۲ - مرگ ، لحظه کوتاه شدن دست کافران از تدبیرهای خویش و نقطه های امید

فیه یصعقون . یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئاً

در صورتی که <یومهم الذی..> در آیه قبل، نظر به لحظه مرگ داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۲

۲ - کشته شدن و مرگ ، سزاوارترین فرجام برای کفرپیشگان

قتل الإنسن ما أكفره

کفر در <ما أكفره> مطلق است و هر کفری، حتی ترک عبادت را نیز شامل است. البته به قرینه آیات بعد که به بیان تدبیر خداوند پرداخته و در مقابل منکران این حقیقت موضع گیری کرده است بارزترین مصداق مورد نظر از آن، انکار ربوبیت خداوند است.

مرگ کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۵

۵ مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم وأدبرهم

از مصادیق مورد نظر برای >الذین

کفروا، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بدر، کافرانی هستند که در آن نبرد به قتل رسیدند.

مستکبران و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۷

۷ زندگانی مؤمنان نیک کردار در دنیا، همراه با ایجاد ناامنی از سوی مستکبران و اندوهبار از سرزنش آنان *

أهؤلاء الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمه ادخلوا الجنة لا خوف عليكم

مطرح ساختن تحقیر مؤمنان از سوی کافران و سپس بیان دو موهبت از میان تمامی مواهب بهشتی اشاره به این دارد که اولاً زندگانی مؤمنان در دنیا آمیخته به ناامنی و حزن است و ثانیاً این حزن عمدتاً از سوی کافران مستکبر ایجاد می شده است.

مسخ قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۶

۶ مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفندتهم و أبصرهم .. و لو أننا نزلنا ... ما كانوا ليؤمنوا

مسخ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۲، ۲۱

۲۱ مسخ کافران به قرآن و یا گرفتاری آنان به لعنت، سنت الهی

من قبل ان نظمس وجوهاً .. او نلعنهم ... و كان امر الله مفعولاً

۲۲ مسخ و یا لعنت کافران به قرآن از اهل کتاب، امری حتمی و قضایی تخلف ناپذیر

یا ایها الذین اتوا الکتب امنوا .. من قبل ان نظمس وجوهاً ... و كان امر الله م

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۷ - ۲

۲ - عذاب کافران با مسخ و زمین گیر شدن شان ، جزء مشیت و سنت خدا نیست .

و لو نشاء لمسخنهم علی مکانتهم فما استطعوا مضیاً و لایرجعون

مسلمانان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۸، ۳، ۲، ۱

۱ با اعتقاد به قدرت مطلقه الهی ، مجالی برای پذیرش ولایت کافران از سوی مؤمنان نمی باشد .

قل اللهم مالک الملک .. لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه اعتقاد به مضمون آیه <قل اللهم .. > است.

۲ حرمت و ممنوعیت پذیرش ولایت و سرپرستی کافران ، برای مؤمنان

لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

۳ حرمت برگزیدن کافران و مقدم داشتن آنان بر مؤمنان ، در دوستی و ارتباط و ولایت

لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین

۸ کسی که ولایت کافران را بپذیرد ، خداوند او را به خود وامی گذارد .

و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شیء

۱۱ حاکمیت و سرپرستی کافران بر امور مؤمنان ، زمینه انحطاط و بی ارزشی مؤمنان در پیشگاه خدا

لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء .. و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شیء

خروج از ولایت خدا، مستلزم انحطاط است.

۱۲ پذیرش دوستی کافران ، گسستن رابطه با خداوند است .

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

بنابراینکه ولایت به معنای دوستی باشد.

۱۳ پذیرش سرپرستی کافران ، جز در اضطرار و تقیّه ، جایز نیست

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. . الْآنَ اتَّقُوا مِنْهُمْ تَقِيَةً

بنابراینکه ولایت به معنای سرپرستی باشد.

۱۴ جواز برقراری ارتباط دوستانه با کافران ، در صورت تقیّه ، اضطرار و هراس

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. . الْآنَ اتَّقُوا مِنْهُمْ تَقِيَةً

بنابراینکه ولایت به معنای دوستی باشد.

۱۵ تحذیر و هشدار مؤکد خداوند ، نسبت به مؤمنانی که پذیرای ولایت و سرپرستی کافران شده اند .

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. . وَيَحذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ الْمَصِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۲

۲ ضرورت حفاظت اطلاعات و اسرار جامعه اسلامی ، از بیگانگان (کافران ، منافقان و ...)

يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا بطانه من دونكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۲

۲ مجاهدان جنگ بدر ، نمونه ای از مسلمانان صبور و تقوایپیشه که خداوند با یاری خویش ، مانع زیان رسانی کافران به آنان گردید .

ان تصبروا و اتقوا لا يضرّكم كيدهم .. . و لقد نصرّكم الله بدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۲۰،۲۱،۲۳،۲۴،۲۵،۳۵

۲۰ نبرد همیشگی کفار با مسلمانان ، برای اینکه اگر بتوانند آنان را از اسلام برگردانند .

و لا يزالون يقاتلونكم حتى يردّوكم عن دينكم ان استطاعوا

بنابراینکه جواب شرط <ان استطاعوا>، محذوف و <حتى يردّوكم>، دلیل جواب باشد.

۲۱ لزوم هشیاری مسلمانان در برابر کفار

و لا يزالون يقاتلونكم حتى يردّوكم عن دينكم ان استطاعوا

کفار ، در صورت توان ، همواره با مسلمانان خواهند جنگید .

و لا يزالون يقاتلونكم حتى يردوكم عن دينكم ان استطاعوا

بنابراینکه جواب <ان استطاعوا>، محذوف بوده و دلیل آن، <لا يزالون يقاتلونكم> باشد.

۲۴ هشدار خداوند به مسلمانان ، با افشای نیت و اهداف کفار نسبت به مسلمانان

و لا يزالون يقاتلونكم حتى يردوكم عن دينكم ان استطاعوا

۲۵ کفر به خداوند و جلوگیری از راه او و مسجدالحرام و بیرون راندن اهل آن ، از مصادیق فتنه

و صدّ عن سبيل الله و کفر به و المسجدالحرام و اخراج اهله منه اکبر عندالله و الف

۳۵ بزرگ جلوه دادن اعمال خلاف مسلمین توسط کفار ، و نادیده گرفتن اعمال زشت خود

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله و کفر به .

برخی برآنند که سائین، مشرکان مکه بودند تا به این وسیله خلاف برخی از مسلمین را به رُخ پیامبر (ص) کشند و علیه او تبلیغات کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ - غلبه مسلمانان در جنگ بدر ، علی رغم توان برتر کافران

قد كان لكم ايه . . . يرونهم مثلهم

زیرا در صورتی جنگ بدر، آیه و عبرت است که بر حسب شرایط طبیعی، تحصیل پیروزی برای مسلمانان میسر نباشد و کافران، توان برتری داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱

۱ پیامبر (ص) در مکه ، مسلمانان را از درگیری مسلحانه با کافران بازمی داشت .

الم تر الى الذين قيل لهم

کَفُّوا ایدیکم

بنابر آنچه در شأن نزول آمده، نهی از مبارزه مسلحانه در مکه و قبل از هجرت رسول خدا (ص) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۸

۸ بازماندن منافقان و کافران از رویارویی و نبرد با مسلمانان، برخاسته از مشیت خداوند

و لو شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۶

۱۶ در کمین بودن کافران برای ضربه زدن به مسلمانان، دلیل ضرورت آمادگی نظامی و تدارکاتی، برای دفع هجوم آنان

والذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۳

۳ گروهی از مسلمانان صدر اسلام، پذیرای دوستی و ولایت کفار، در عین نهی خداوند حتی از همنشینی با آنها

الذین یتخذون الکفرین اولیاء .. یکفر بها و یستهزأ بها فلا تقعدوا معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۱۲

۱۲ گروهی از مسلمانان صدر اسلام، پذیرای ولایت و دوستی با اهل کتاب و دیگر کافران، علی رغم دشمنی آنان با دین

یا ایها الذین ءامنوا لاتتخذوا الذین .. اولیاء و اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

لحن مذمت گونه جمله < و اتقوا الله ان کنتم مؤمنین > می رساند که گروهی از مسلمانان با کافران روابط دوستی برقرار کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱

۳ مسلمانان نباید در پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران هدفی جز دستیابی بهزندگی مسالمت آمیز با کافران داشته باشند
* .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید. مقصود این است که مسلمانان نباید صلح را به خاطر تجدید قوا
و مانند آن بپذیرند.

مسؤول گمراهی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۷

۱۷- رهبران مستکبر، در قیامت، در پی معرفی شدن به عنوان مسؤول گمراهی پیروان، گمراهی خود و آنان را به خداوند
نسبت خواهند داد .

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعا .. قالوا لو هدينا الله لهدين

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از هدایت در آیه هدایت در برابر گمراهی است و نه احتمال دیگر که به
معنای راهنمایی برای نجات از عذاب باشد.

مسؤولیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۸

۸ کافران، همچون مؤمنان، مکلف به فروع و در قبال آن مسؤول و معاقبند . *

من يعمل سوءاً يجز به

از مصادیق مورد نظر برای <من يعمل ..> اهل کتاب هستند. بنابراین اگر آنها مرتکب گناه شوند، همچون مسلمانان عقوبت
خواهند شد و این معنا بیانگر مکلف بودن اهل کتاب بر احکام فرعی اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ خداوند کفرپیشگان را به تفکر در ادعای ناصوابشان (مجنون پنداشتن پیامبر

(فراخواند .

أو لم يتفكروا ما بصاحبهم من جنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۴

۴ خداوند کافران را به گوش فرادادن به آوای قرآن فراخواند .

هذا بصائر من ربکم .. إذا قرى القرآن فاستمعوا له

برداشت فوق مبتنی بر این است که خطاب در < فاستمعوا .. > شامل کافران نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۳

۳ - هشدار خداوند به کافران ، نسبت به نداشتن گواه آسمانی بر آزادی مطلق از مسؤولیت و مؤاخذه

أم لکم براءه فی الزّبر

مشاجره کافران پیرو و شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱

۱- پس از درگیری لفظی رهبران مستکبر با پیروان خود در قیامت ، آنان با شیطان به منازعه می پردازند .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا .. قالوا ... و قال الشیطن لَمَا قَضَى الْأَمْرَ

ذکر قصه شیطان و سخنان وی در قیامت با جهنمیان، پس از گفت و گوهای رهبران مستکبر و پیروانشان، نشان دهنده ادامه ماجرای مستکبران و پیروان آنها با شیطان است.

مشاوره کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- کاران در عصر بعثت ، برای تصمیم در باره امور خود ، مجلس مشورتی داشتند .

و أحسن ندیاً

برای <ندی> (ریشه اشتقاقی <ندی>) چندین معنا ذکر شده است، از قبیل: جود و بخشش، باران، گیاه، برآوردن آواز، مجالست و.. (لسان العرب). آنچه از این معانی متناسب با آیه

و قرائن دیگر است، آن است که <ندی> به معنای مجلس و مکان گفت و گو و از <ندی> به معنای مجالست مشتق شده باشد؛ زیرا افتخار به موارد دیگر در برابر مسلمانان که نوعاً تهیدست و بدون قدرت بودند چندان مناسب به نظر نمی رسد.

مشکلات اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۰ - ۲

۲- عرضه جهنم بر کافران در قیامت ، برای آنان صحنه ای دشوار و دهشت زا است .

و عرضنا جهنم یومئذ للکفرین عرضاً

<عرضاً> علاوه بر تأکید سخن به دلیل نکره بودن بر عظمت کار نیز دلالت دارد و عظمت عرضه جهنم، به هول انگیز بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۶

۶ - گناه پیشگان و کافران ، در قیامت با سختی ها و مشکلات سنگین و طاقت فرسا روبه رو خواهند شد .

و یذرون وراءهم یومًا ثقیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ - کافران در قیامت ، حیات اخروی را سرآغاز سختی ها دیده و باقی ماندن به صورت خاک را آرزو خواهند کرد .

یلیتنی کنت تراباً

آرزوی خاک بودن، ممکن است به این معنا باشد که کاش دوباره زنده نشده بودم و به همان حالت پس از مرگ که خاک شده بودم باقی می ماندم.

مشکلات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۹۴ - ۲

۲ خداوند در پی ارسال هر

یک از پیامبران در شهرها و آبادانیها، کفرپیشگان را به سختی تنگدستی و رنج و اندوه گرفتار ساخت.

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا أهلها بالبأساء والضراء

با توجه به دو آیه بعد (و لو أن أهل القری ..) معلوم می شود گرفتار ساختن امتهای گذشته به بلاها و سختیها در صورتی بوده که آنان با تبلیغ و ارشاد پیامبران خویش ایمان نمی آوردند و همچنان بر کفرورزی پافشاری داشتند. در این مرحله آنها را گرفتار می ساخت تا شاید متنبه شوند. بنابراین جمله <أخذنا أهلها ... > مقید می شود به <إذا لم يؤمنوا و لم يتقوا >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۵

۵ - بی دینان و ناامیدان از نصرت الهی، گرفتار بن بستی گریزناپذیر در زندگی

من كان یظنّ أن لن ینصره الله.. فلیمدد بسبب الی السماء... هل یدهبّن کیده ما یغ

مشکلات کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۴

۴ - ابتلای کافران مکه به گرفتاری و سختی، از رخداد های دوران پیش از هجرت

و لو رحمهم و کشفنا ما بهم من ضرّ

مصایب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۴

۴ - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان، کفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصیبهم مصیبه

<مصیبه> به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تنکیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه

<مصیبه> در این آیه به معنای بلائی بزرگ می باشد و مقصود از آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

مصایب کافران اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان مکه و حوالی آن در عصر بعثت به مصیبت‌هایی سخت و کوبنده گرفتار بودند .

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قریباً من دارهم

<قرع> به معنای زدن و کوبیدن چیزی به چیزی دیگر است و <قارعه> به معنای کوبنده می باشد. این کلمه صفت برای موصوفی محذوف مانند <مصیبه> است. ضمیر در <تحلّ> نیز به <قارعه> باز می گردد و سیاق جمله <لایزال...> حکایت از قضیه خارجیّه دارد. بنابراین <الذین کفروا> اشاره به کافرانی خاص دارد که بنابر گفته مفسران، مقصود کافران مکه هستند و بر این اساس مراد از <دار> مکه و مقصود از <قریباً من دارهم> حوالی آن است.

مصایب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان مکه و حوالی آن در عصر بعثت به مصیبت‌هایی سخت و کوبنده گرفتار بودند .

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قریباً من دارهم

<قرع> به معنای زدن و کوبیدن چیزی به چیزی دیگر است و <قارعه> به معنای کوبنده می باشد. این کلمه صفت برای موصوفی محذوف مانند <مصیبه> است. ضمیر در <تحلّ> نیز به <قارعه> باز می گردد و سیاق جمله <لایزال...> حکایت از قضیه خارجیّه دارد. بنابراین <الذین کفروا> اشاره به کافرانی خاص دارد که بنابر

گفته مفسران، مقصود کافران مکه هستند و بر این اساس مراد از <دار> مکه و مقصود از <قریبًا من دارهم> حوالی آن است.

مصایب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان مکه و حوالی آن در عصر بعثت به مصیبت‌هایی سخت و کوبنده گرفتار بودند .

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه او تحلّ قریبًا من دارهم

<قرع> به معنای زدن و کوبیدن چیزی به چیزی دیگر است و <قارعه> به معنای کوبنده می باشد. این کلمه صفت برای موصوفی محذوف مانند <مصیبه> است. ضمیر در <تحلّ> نیز به <قارعه> باز می گردد و سیاق جمله <لایزال...> حکایت از قضیه خارجیّه دارد. بنابراین <الذین کفروا> اشاره به کافرانی خاص دارد که بنابر گفته مفسران، مقصود کافران مکه هستند و بر این اساس مراد از <دار> مکه و مقصود از <قریبًا من دارهم> حوالی آن است.

مصونیت از اذیت‌های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱

۱ - التجای ابراهیم (ع) و همراهانش به خدا، برای قرار نگرفتن تحت سلطه و شکنجه کافران

ربّنا لاتجعلنا فتنه للذین کفروا

<فتنه> در اصل به معنای آزمایش است. از آن جا که تسلط کافران بر مؤمنان نوعی آزمایش آنان به شمار می آید، <فتنه> در آیه بالا کنایه از تحت سلطه و شکنجه قرار گرفتن خواهد بود.

مصونیت از سلطه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱

۱ - التجای ابراهیم (ع)

و همراهانش به خدا، برای قرار نگرفتن تحت سلطه و شکنجه کافران

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا

<فتنه> در اصل به معنای آزمایش است. از آن جا که تسلط کافران بر مؤمنان نوعی آزمایش آنان به شمار می آید، <فتنه> در آیه بالا کنایه از تحت سلطه و شکنجه قرار گرفتن خواهد بود.

مصونیت از سوءاستفاده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۴

۴ - التجای ابراهیم (ع) و همراهانش به خداوند، از این که وسیله ای برای سوءاستفاده کافران قرار گیرند. *

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا

در صورتی که <فتنه> به معنای <آزمون و بلا> باشد، می تواند بیانگر این معنا باشد که ابراهیم(ع)، از خداوند خواست تا مورد سوء استفاده کافران و در راستای منافع آنان قرار نگیرد.

مصیبت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۵ - ۱،۲

۱ - علم و باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت، به روبه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تَظُنُّ أَنْ يَفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ

<فاقره> به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). <ظُنُّ> به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه مطابق نظر بیشتر مفسران معنای اخیر مراد است.

۲ - کافران در قیامت، دچار مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تَظُنُّ أَنْ يَفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ

مطالعه فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۳ - ۱،۳

۱ - نگرستن به فرجام کافران

انذار شده از سوی رسولان پیشین ، توصیه خداوند به پیامبر اسلام (ص)

فانظر كيف كان عقبه المنذرین

۳- لزوم تأمل و اندیشه در سرنوشت شوم کافران متعصب و لجوجی که از سوی پیامبران پیشین انذار شده اند .

و لقد أرسلنا فيهم منذرين . فانظر كيف كان عقبه المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۱

۱- پیامبر (ص) مأمور به نظاره و دقت در سرانجام شوم و احوال مشرکان و کافران معاند

و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۱

۱- پیامبر اسلام (ص) مأمور به نظاره و دقت در سرانجام شوم و احوال مشرکان و کافران معاند

و أبصر

مفعول فعل <أبصر> به قرینه آیه مشابه (۱۷۵) ضمیر <هم> است.

معاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۵

۵- کافران ، زنده شدن خود را در قیامت ، معلول فاصله زیاد نداشتن مرگ شان تا روز قیامت می دانند . *

و یوم . . . یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

احتمال دارد قسم خوردن کافران بر طولانی نبودن حضورشان در برزخ و نیز جواب صاحبان علم و ایمان به آنان، برای طولانی بودن آن مدت، به خاطر ذکر این نکته باشد که کافران، با چنین ادعایی، در پی اثبات این امر باشند که بدن شان، هنوز آمادگی حیات داشته است.

معاشرت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۰

۱۰

جواز معاشرت و مجالست با کافران ، آنگاه که آیات الهی را استهزا نکنند و سخنانشان کفر به آیات الهی نباشد .

فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

مفهوم جمله <حتی یخوضوا ..>، جواز معاشرت با شرط ذکر شده است.

معاهدات با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۵

۵ جواز معاهده و پیمان همکاری و ترک مخاصمه با غیر مسلمانان

إلّا الذّین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

معاهده با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۴

۱۴ انعقاد هر گونه پیمان (سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی) ، که موجب سلطه کافران گردد ، نامشروع و باطل است .

و لن یجعل الله للکفرین علی المؤمنین سییلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۳

۳ تصمیم بر الغا و اعلان بی اعتباری معاهدات امضا شده با کافران ، در اختیار پیامبر (ص) و رهبران جامعه اسلامی است .

فانبد إلیهم علی سواء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴

۱۴ کافرانی که با مسلمانان پیمان عدم تعرض دارند ، هر چند به انگیزه مبارزه با اسلام به غیر مهاجران هجوم برند ، مهاجران و

انصار موظف به یاری آنان نیستند .

فعلیکم النصر إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

مراد از میثاق به قرینه مقام، پیمان عدم تعرض و متارکه جنگ است.

۱۵ مسلمانان نباید حتی به خاطر دفاع

از مؤمنانی که مورد هجوم کافران قرار گرفتند پیمان خویش را با آن کافران نادیده انگارند و آن را نقض کنند .

فعلیکم النصر إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

۱۶ مسلمانان عصر بعثت با گروههایی از کافران پیمان عدم تعرض داشته و به آن وفادار بودند .

إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

۱۷ اهمیت ویژه پایبندی به پیمان ، حتی در صورت کافر بودن طرف مقابل

فعلیکم النصر إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

هر چند مراد از <میثق> در آیه شریفه پیمان متارکه جنگ است، ولی روشن است که پیمان متارکه جنگ خصوصیتی ندارد. بنابراین می توان آیه شریفه را در همه پیمانهای مجاز، ساری و جاری دانست.

۱۸ پیمان بستن با کافران (پیمان عدم تعرض و . . .) امری جایز و پایبندی به آن واجب است .

إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

مغالطه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۱ ، ۱۰

۱۰ بقای مغالطه کاری و بهانه جویهای کافران، حتی در صورت انتخاب پیامبر از میان فرشتگان

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا و للبسنا علیهم

۱۱ کافران به رسالت پیامبر(ص)، حق پوش و مغالطه کارند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

<یلبسون>، فعل مضارع و بیانگر استمرار تلبیس کافران است.

مغضوبیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - آنان که علی رغم اطمینان به حقانیت قرآن بدان کافر شوند ، به خشم و غضب خدا گرفتار خواهند شد .

أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ .. فَبَاءَ وَبِغَضِبِ

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۸

۸ - کافران ، مردمانی ناخوشایند خداوند

قال الذین کفروا .. قل

از این که خداوند، خود به جواب مستقیم به کافران اقدام نکرده و به پیامبر(ص) دستور داده است تا آن حضرت جواب بگوید، به دست می آید که خداوند خوش ندارد با آنان سخن بگوید.

مقابله به مثل با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۲

۱۲ - تشویق شاعران مسلمان از سوی خداوند به مقابله به مثل کردن با شاعران کفرییشه هجوگو

و انتصروا من بعد ما ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۲

۲ - ممنوعیت رفتار دوستانه و مسالمت جویانه ، با کافران معاند ، صرفاً مقابله به مثل است ؛ نه [جهاد] ابتدایی .

لاینبهیکم .. إنّما ینهیکم الله

تأکید خداوند در نهی از رابطه دوستی با کافران، بر اقدامات عملی آنان علیه مسلمانان، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۴ - ۲

۲ - مؤمنان در قیامت ، همسان برخورداری که در دنیا از کافران دیده اند ، با آنان رفتار خواهند کرد .

إنّ الذین أجرموا کانوا من الذین ءامنوا یضحکون .. فالیوم الذین ءامنوا من الکفّ

مقام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۶

۱۶ مهلت یافتن و عمر طولانی کافران ، گویای عزّت و قرب آنان در نزد

خدا نیست .

أَئِمَّا نَمَلِي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ

مقایسه کافران با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۵

۲۵- مقایسه راه و فرجام مؤمنان با کافران ، زمینه ساز گرایش انسان ها به ایمان

مثل الجنة التي وعد المتقون فيها أنهر .. كمن هو خلد في النار و سقوا ماء حم

خداوند، مقایسه فرجام مؤمنان و کافران را در استخدام هدایت بشر قرار داده است.

مقهوریت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۸

۸- کافران ، با تمامی امکانات خویش ، در نهایت مغلوب قدرت قاهر خداوند

دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

واژه <دَمَّرَ> در صورت تعدی با <علی>، بیانگر شدت ویرانی و تخریب و نمایانگر نهایت قدرت و غلبه خداوند است.

مکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۰ - ۴

۴ - مکر و توطئه گسترده و مستمر کافران علیه پیامبر (ص)

و لا تکن فی ضیق ممّا یمکرون

به کارگیری فعل مضارع (یمکرون)، بیانگر استمرار مکر و حيله کافران علیه پیامبر(ص) می باشد.

مکر با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۵

۵ - مهلت دادن به کافران ، نمونه ای از مکر خداوند با آنان است .

و أكید كیدًا . فمهل الكفرین

مکر خدا با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، در برابر نیرنگ ها و توطئه های کافران ، ترفند

ها و نقشه‌هایی پیچیده به کار می‌گیرد .

و أكيد كيدا

<كيد>؛ یعنی، احتیال (چاره جستن) که دو نوع مذموم و ممدوح دارد؛ هر چند که استعمال آن در مورد مذموم بیشتر است (مفردات راغب). <کیداً> مفعول مطلق است و بر پیچیدگی نقشه‌های خداوند دلالت دارد.

مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ مکر خداوند با کافران ، مجازات نمودن آنان به سبب مکرشان است .

و مکروا و مکر الله

امام رضا(ع) درباره آیه فوق فرمود: انّ الله تبارک و تعالی ... لا یمکر ... و لکنه عزّ و جل یجازیهم ... جزاء المکر.

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۱۹، ب ۱۱؛ معانی الاخبار، ص ۱۳، ح ۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱،۱۵

۱ توفی (نجات) ، عروج ، تطهیر حضرت عیسی (ع) و غلبه پیروان آن حضرت بر دشمنان ، مکر خداوند در برابر مکر کافران

و مکروا و مکر الله ... اذ قال الله یا عیسی انی متوفیک ... فوق الذین کفروا

بنابراینکه <اذ>، متعلق به <مکر الله> باشد، یعنی مکر خداوند هنگام بوده که عیسی را بسوی خویش عروج داد و ...

۱۵ دلجویی خداوند از حضرت عیسی (ع) ، در برابر نگرانی آن حضرت از مکر کافران

فلما احسّ عیسی ... قال ... انی متوفیک و رافعک ... و جاعل الذین اتبعوک فوق ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ خداوند ، برترین برنامه ریز در مقابله با مکر کافران

و الله خیر المکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ اظهار آگاهی کافران از محتوای قرآن و غیر مهم جلوه دادن آن ، از حيله های آنان علیه پیامبر (ص)

و یمکرون .. قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا إن هذا إلا أسطیر

جمله <ان هذا .. > دلالت می کند بر اینکه مقصود از <مثل هذا> همانندی در محتوای قرآن بوده است.

۵ معرفی قرآن به عنوان افسانه های کهن و دروغین از ترفند های کافران برای مقابله با قرآن

قالوا .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ احتمال نیرنگ زدن کافران در سایه پیشنهاد صلح بدون شواهد و قرائن نباید مانع پذیرش صلح شود .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله

حرف لام در <للسلم> گویای این است که باید احراز شود که کافران در پیشنهاد صلح در صدد حيله گری نیستند. و هدف از لزوم توکل بر خدا پس از فرمان به پذیرش صلح این است که مسلمانان را از ترتیب اثر دادن به احتمال حيله گری باز دارد. مجموع این دو فرمان، یعنی از یک سو باید احراز شود که کافران در صدد فریبکاری نیستند و از سوی دیگر نباید به احتمال نیرنگ زدن آنان ترتیب اثر داد، بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره -

۱ احتمال تصمیم کافران بر خدعه و نیرنگ در سایه صلح طلبی ، نباید مانعی جهت پذیرش صلح با آنان شود .

و إن یریدوا أن یخدوعوک فإن حسبک الله

برداشت فوق بر این اساس که <إن یریدوا .. > توضیحی باشد برای <فاجنح لها> . یعنی ای پیامبر(ص) وظیفه تو این است که صلح پیشنهادی را بپذیری و اگر کافران قصد نیرنگ داشتند، خداوند تو را از شر آنان حفظ می کند. بنابراین مبادا بر اثر این احتمال که شاید آنان در صدد اغفال مسلمین هستند پیشنهاد صلح را نپذیری. گفتنی است با توجه به آیه ۵۸ معلوم می شود اگر قرائن و شواهدی برای این احتمال (خدعه و نیرنگ) وجود دارد، باید از پذیرش صلح امتناع کرد.

۲ خداوند ، پشتیبانی کافی برای یاری پیامبر (ص) از نیرنگ کافران

فإن حسبک الله

۷ خداوند با بیان پیشینه امدادهایش از پیامبر (ص) ، وی را به حمایت خویش در برابر کافران نیرنگباز مطمئن ساخت .

فإن حسبک الله هو الذی أیدک بنصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۰ - ۱

۱ - حزن و اندوه پیامبر (ص) بر حال کافران ، علی رغم مکر و توطئه آنان علیه آن حضرت

و لاتحزن علیهم و لاتکن فی ضیق مما یمکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۱

۱ - کافران لجوج ، بی بهره از تزویر های خویش و بی نصیب از یاری هر پشتیبان ،

هنگام سر رسیدن وقت مجازاتشان

یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئاً و لا هم ینصرون

مکر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۱

۱ تمسک کافران مکه به حیلہ برای مقابله با آنان

و یمکرون .. و إذا تتلی علیہم ءایتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا

جمله <إذا تتلی .. > می تواند بیان مصداقی از <یمکرون> در آیه قبل باشد.

مکرهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۱،۴

۱ - خداوند ، در برابر نیرنگ ها و توطئه های کافران ، ترفند ها و نقشه هایی پیچیده به کار می گیرد .

و اُکید کیداً

<کید> یعنی، احتیال (چاره جستن) که دو نوع مذموم و ممدوح دارد؛ هر چند که استعمال آن در مورد مذموم بیشتر است (مفردات راغب). <کیداً> مفعول مطلق است و بر پیچیدگی نقشه های خداوند دلالت دارد.

۴ - خداوند خود ، مدافع قرآن در برابر تبلیغات مکارانه کافران است .

إنه لقول فصل .. یکیدون کیداً . و اُکید کیداً

ملاک قضاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۸

۸- داوری کافران درباره دین ، براساس ملاک های سطحی و نه متکی بر اندیشه و دانش

و قال الذین کفروا .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

کافران، گرایش و عدم گرایش طبقات خاصی را به ایمان، ملاک اصلی داوری خود قرار دادند؛ بی آن که در متن قرآن و پیام دین خردمندانه بیندیشند.

ملاک قطع رابطه با کافران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۲

۲ - ملاک ممنوعیت رابطه نیک با کافران ، ستیز و جنگ آنان با دین و دینداران است ؛ نه صرف کافر بودن ایشان .

لا ینهیکم اللّٰه عن الذین لم یقتلوکم فی الدین و لم یرجوکم من دیرکم

ملاک کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ - کیفر های کافران در آخرت ، بر پایه کردار آنان در دنیا است .

ما قدّم یداه و یقول الکافر یلتنی کنت ترّبًا

ملاک کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۴

۴ - بدترین عملکرد کافران ، مبنای مؤاخذة و مجازات الهی نسبت به آنان است .

و لنجزینّهم أسوأ الذی کانوا یعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <أسوء> منصوب به نزع خافض و به تقدیر <لنجزینّهم علی أسوء الذی کانوا یعملون> باشد ؛ یعنی ، ما بی تردید در مقابل بدترین عملشان کیفر خواهیم داد.

ملاکهای غلط کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۴

۴ - مشرکان و کافران عصر بعثت دارای ملاک های غلط برای شناخت رسولان الهی

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

ملائكته و مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۶

۶ فرشتگان مرگ انسان های مؤمن و کافر را از یکدیگر تمییز می دهند و به کفر و ایمانشان آگاهند . *

و لو ترى إذ يتوفى الذين كفروا

الملئکه یضربون وجوههم و أدبرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۲

ممانعت از اذیت‌های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۱۵

۱۵ - وعده خداوند ، به پیامبر (ص) برای جلوگیری از آزار و اذیت کافران و منافقان به آن حضرت

و دَعَّ اذیهم و توکل علی الله و کفی بالله و کيلاً

ممانعت از سلطه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۴

۴ جلوگیری از تسلط مشرکان و کافران حق ستیز بر مسلمانان ، فلسفه فرمان الهی مبنی بر کشتن ، اسارت ، محاصره و کمین

زدن به آنان

فإذا انسلخ .. فاقتلوا المشركين ... كيف و إن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلاّ

ممانعت از مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۲

۲ - باید کافران را از طمع در ایمان مردم مأیوس کرد و زمینه های موفقیت کافران در فریب مؤمنان را از بین برد .

فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

چنان که مفسران گفته اند: نهی <لایصدنک> گرچه ظاهراً متوجه کافران است، ولی در حقیقت نهی از ایجاد سبب است؛

یعنی تو ای موسی و دیگر مؤمنان نباید به گونه ای عمل کنید که کافران بتوانند شما را از ایمان بازدارند.

ممنوعیت اطاعت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۷

۷ - ممنوعیت اطاعت از گناه پیشگان و

و لاتطع منهم ءائماً أو كفوراً

ممنوعیت دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۵،۹

۵ - ممنوعیت پیوند دوستانه اهل ایمان ، با کافران و منکران دین و پیامبر

تلقون إليهم بالموّده و قد كفروا بما جاءكم من الحقّ

۹ - ممنوعیت دوستی و ارتباط با کافران ، منوط به وجود درگیری و عداوت میان ایشان و مسلمانان *

لا تتخذوا عدوّی و عدوّکم أولیاء .. یخرجون الرسول و ایاکم

برداشت بالا، بدان احتمال است که تعبیر <قد كفروا .. یخرجون الرسول...> که فلسفه نهی در <لا تتخذوا عدوّی> را بیان می کند در عین حال قلمرو نهی را نیز مشخص سازد.

ممنوعیت سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۹ - ۳،۴

۳ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر سازش نکردن با کافران تکذیب گر و نپذیرفتن هرگونه پیشنهاد سازش

فلاتطع المکذّبین . وّدوا لوتدهن فیدهنون

۴ - سازش و نرمش نشان دادن با کافران ، بر سر مسائل عقیدتی و مواضع اصولی ، ممنوع است .

فلاتطع المکذّبین . وّدوا لوتدهن فیدهنون

ممنوعیت گرایش به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- کمترین تمایل و کوچک ترین اتکا به کافران ، ممنوع است .

و لولا أن ثبتنك لقد كدت تركن إليهم شيئاً قليلاً

از اینکه خداوند می فرماید: <اگر ما ثبات قدم به تو نداده بودیم، نزدیک بود که تو اندکی به آنان تمایل و اتکا بکنی >
استفاده می شود که

تمایل به کافران ممنوع است.

منازعه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۳

۳ - نزاع و مجادله دو گروه حق و باطل و مؤمن و کافر ، به پیشگاه پروردگار در قیامت

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ

منازعه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۲

۲ - پیامبر (ص) با مشرکان و کافران به پیشگاه خداوند در قیامت ، به جدال و نزاع و دفاع از مواضع خویش خواهند پرداخت

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ

<اختصام> (مصدر <یختصمون>) به معنای جدال و نزاع دو فرد یا دو گروه است که هر یک می کوشد، سخن دیگری را ابطال کند. گفتنی است در این که مقصود از دو گروه متخاصم کیانند، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد که بهترین آنها دو نظریه است: ۱ پیامبر(ص) با کافران و مشرکان ۲ دو گروه حق و باطل از هر ملت و امتی.

منازعه کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۱

۱ سران کفر و شرک و پیروانشان پس از ورود به جهنم به مجادله و کشمکش خواهند پرداخت.

قالت أخرجهم لأولیهم . . . وقالت ألیهم لأخرجهم فما كان

منافقان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۷

۷ دستیابی به عزت و شکوه ، هدف منافقان در پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان

الذین يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

.. أیتغون عندهم العزّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۸

۱ منافقان به هنگام پیروزی مسلمانان ، خود را یاور آنان و به گاه غلبه کافران ، خود را طرفدار و عامل پیروزی ایشان جلوه می دهند .

الذین یتربصون بکم .. قالوا ألم نستحوذ علیکم

<الذین یتربصون> ، بدل برای <الذین یتخذون> است و توضیح دهنده ویژگیهای منافقان.

۸ منافقان ، خائن به جبهه اسلام و مؤمنان و خوش خدمت به کافرانند .

قالوا ألم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المؤمنین

<استحوذ> به معنای غلبه و استیلا است و مراد از جمله <و ان کان للکافرین .. الم نستحوذ> با توجه به سیاق آیه این است که منافقان پس از پیروزی کافران به آنان می گویند: در هنگامه جنگ ما بر شما استیلا داشتیم ولی شما را نکشتیم، بر این اساس جمله <نمنعکم من المؤمنین> به این معنا خواهد بود که بین شما و اهل ایمان حائل شدیم و نگذاشتیم آنان نیز به شما دسترسی پیدا کنند، تا پیروزی برای شما حاصل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - اظهار ایمان و خداترسی منافقان ، ابزاری در دست آنان برای توجیه پیمان شکنی خود با کافران

کمثل الشیطن .. قال إنی بریء منک إنی أخاف الله ربّ العلمین

از تشبیه منافقان به شیطان با توجه به ادعای خداترسی وی مطلب بالا استفاده می شود.

منشأً آمرزش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸

۵- اراده و مشیت خداوند ، در غفران یا کیفر کافران بی هیچ گونه معارضی ، تحقق می پذیرد .

و لله ملك السموت و الأرض يغفر لمن يشاء و يعذب من يشاء

از ارتباط <لله ملك..> با <يغفر لمن...> استفاده می شود که مشیت الهی معارض ندارد.

منشأ استهزاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۱

۱۱ ترک اندیشه در احکام و شعایر دین اسلام ، ریشه استهزای کافران نسبت به آن

اتخذوها هزواً و لعباً ذلك بانهم قوم لا يعقلون

در برداشت فوق <لا يعقلون>، فعلی متعدی گرفته شده و مفعول آن محذوف فرض شده است. یعنی لا يعقلون الدين و الصلوه و ...

منشأ استهزای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۲ - ۶

۶- رسوخ باطل در روح کافران ، مایه به تمسخر گرفتن جدی ترین هشدارها

قالوا .. فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين

تعبیر <لأتأفكنا عن آلهتنا>، نشانگر رسوخ بت پرستی و شرک در روح قوم عاد و درخواست عذاب، در حقیقت سخنی از روی استهزا و ناباوری است.

منشأ اعراض کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۰ - ۴

۴- روی گردانی کافران از کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، ناشی از نابخردی و کوتاه فکری آنان بود .

فما لهم عن التذکره معرضین . کأنهم حمر مستنفره

منشأ امکانات مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۴ - ۱،۲

۱ - خداوند ، توانا

بر مرفه ساختن کافران تا جایی که خانه های خود را مجلل و دارای درب ها و ورودی های متعدد بسازند .

لجعلنا لمن يكفر بالرحمن . . . و لبيوتهم أبوياً

۲ - شکوه بخشیدن به زندگی کافران تا جایی که آنان در خانه های مجلل خویش بر تخت ها تکیه زنند در حیطة قدرت و توانایی خداوند

لجعلنا لمن يكفر بالرحمن . . . و لبيوتهم أبوياً و سرراً عليها يتكثون

منشأ بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۲

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

يسئل أياَن يوم القيمه

منشأ بی نیازی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۲

۲ - خداوند ، به منظور جلوگیری از گرایش عمومی انسان ها به کفر ، زندگی تمامی کافران را سرشار از امکانات رفاهی و تجملی نساخت ؛ بلکه فقر و غنا را نیز در میان ایشان تقسیم کرد .

و لولا أن يكون الناس أمه وحده لجعلنا . . . سقفاً من فضة

منشأ تأخیر عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۲

۲ - تأخیر عذاب کافران و اعطای مهلت به آنان ، ناشی از فضل و رحمت الهی

و يقولون متى هذا الوعد . . . و إن ربك لذو فضل علی الناس

این آیه در ادامه آیات قبل و بیانگر حکمت تأخیر انداخته شدن عذاب کافران و اعطای مهلت به آنان است.

منشأ ترس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۶

۱۶ - ایجاد وحشت در قلب کافران ، از ابزار الهی در حمایت از جهادگران مسلمان

هو الذی أخرج .. و قذف فی قلوبهم الرعب

از این که خداوند، پس از بیان شکست یهود به رغم برخورداری آنان از تجهیزات و استحکامات موضوع ایجاد وحشت را مطرح کرده است؛ مطلب یاد شده استفاده می شود.

منشأ تکذیبگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۲

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

یسئل أیّان یوم القیمه

منشأ تهمت‌های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۶

۶- سحر خواندن قرآن ، نتیجه تضاد و بحران درونی کافران ، در انکار حق و مشاهده نفوذ آیات وحی *

قال الذین کفروا للحقّ لَمَّا جاءهم هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۱

۱ - اتهام های کافران ، علیه دین و پیامبر (ص) ناشی از مکر و حلیه آنان

أم تریدون کیداً

منشأ تهمت‌های کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۳

۳ - اتهام بی دلیل سحر به قرآن و تورات از سوی کافران صدراسلام ، برخاسته از هواپرستی آنان بود .

قالوا سحران تظھرا .. فاعلم أنّما يتبعون أهواءهم

منشأ دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۳ - ۲

روحیه طغیان و سرکشی ، ریشه اصلی مواضع همگون کافران علیه پیامبران

أتواصوا به بل هم قوم طاغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۳

۳ - لجاجت و پافشاری بر کفر ، ریشه مبارزه کافران علیه قرآن

أم يقولون تقوله بل لا يؤمنون

منشأ دشمنی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۲ - ۱۱

۱۱ - مخالفت کافران و مشرکان صدر اسلام با پیامبراسلام ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار نسبی خویش بود .

كانوا أكثر منهم و أشد قوه و اثارًا في الأرض

نکوهش مخالفان پیامبراسلام ، بر عبرت نگرفتن آنان از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته ، می رساند که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام ، برخاسته از دلخوشی آنان به امکانات و اقتدار نسبی خود بوده است .

منشأ رنجهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۶

۶ - مصیبت ها و رنج های کافران ، پی آمد عملکرد خود آنان

و لولا أن تصيبهم مصيبه بما قدمت أيديهم

منشأ شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ شبهات کافران درباره معاد، ناشی از روحیه حق ستیزی آنان است؛ نه نامعقول بودن آن.

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <الحق>، حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد؛ یعنی، اینان در همان آغاز نشانه های حق را دیدند و به تکذیب آن پرداختند. این حق ستیزی، بسیاری از حقایق معقول را برای

آنان، ناممکن جلوه داده است.

منشأ شك كافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۴

۴ - سطحی نگری و غفلت از قدرت بی انت های خداوند ، منشأ تردید و استبعاد کافران نسبت به مسأله رستاخیز

و هو الذی ذرأکم فی الأرض و إلیه تحشرون. و هو الذی یحی و یمیت... أفلا تعقلون...قا

منشأ شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۷

۷ - خداوند ، کافران حاکم پیش از اسلام را ، شکست داد و پیامبران و مؤمنان نیکوکار را ، پیروز کرده و جایگزین آنان در سطح زمین قرار داد .

وعد الله الذین ءامنوا .. کما استخلف الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۴ - ۸

۸ - علم خداوند به توطئه های کافران ، مایه ناکامی آنان در دستیابی به اهدافشان

و لاتکن فی ضیق مّما یمکرون .. و إنّ ربّک لیعلم ما تکنّ صدورهم و ما یعلنون

طرح علم خدا به اسرار نهانی و کارهای آشکار توطئه گران علیه دین و رسالت پیامبر(ص)، اشاره به این نکته دارد که آنان در هر حال در منظر خدا هستند و نمی توانند چیزی را از او مخفی کرده و به اهداف شان برسند. این بیان، می تواند تفسیری باشد بر آنچه که قبلاً در ضمن <و لاتکن فی ضیق مّما یمکرون> آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۰

بر کافران ، به اراده و مشیت خداوند است .

و لَكِنَّ اللَّهَ يَسْلُطُ رِسْلَهُ عَلٰى مَنْ يَّشَاءُ

منشأ شكست کافران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - غلبه یافتن پیروان حضرت عیسی (ع) بر کافران بنی اسرائیل ، در نتیجه تأییدات و امداد های الهی

فَأْتِدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. فَأَصْبَحُوا ظَهْرِينَ

منشأ شكست کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۶

۶ - خداوند ، کافران و مشرکان ستیزه جوی صدر اسلام را از دست یافتن به هدف خود (ریاست و سروری بر مردم) مأیوس ساخت .

إِنَّ الَّذِينَ يَجْدُلُونَ فِي ءَايَاتِ اللَّهِ .. إِنَّ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا مَا هُمْ بِبَلِغِيهِ

این فرموده خداوند که: <در دل کافران کبر و خود برتری بینی وجود دارد؛ ولی به آن نمی رسند>; کنایه از این است که آنان نمی توانند با ریاست و سروری بر مردم، که آرزوی آنها است کبر و خود برتری بینی خود را تحقق بخشند.

منشأ ظلم به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ - ظلمی که به کافران از ناحیه ایستادگی در برابر کتاب های آسمانی شده است ، از ناحیه خداوند نبوده و از سوی خود آنان بوده است .

و مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

منشأ عذاب كافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۲

۲ یاد آور شدن قدرت اختصاصی

خداوند بر فرستادن انواع عذاب بر مشرکان و کافران، از وظایف تبلیغی پیامبر(ص)

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۴

۴ - عذاب کافران در دوزخ ، به اراده خدا و تحت فرمان او است .

حتّی إذا فتحنا علیهم بابًا ذا عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۲

۲ - تقدیر عذاب برای کافران و نیز نجات مؤمنان ، متکی به اراده الهی است .

فأنجینہ و أهله إلا امرأته قدّرتها من الغبرین

برداشت یاد شده با توجه به انتساب فعل <أنجینا> و <قدّرتنا> به خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳ - ۱

۱ - نزول عذاب بر کافران و بازداشتن آن به تقدیر و فرمان خداوند است .

بعذاب واقع . للكفرین ... من الله

منشأ عذاب کافران پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۱

۱ - انکار معجزات و دلایل روشن پیامبران و روی گردانی از تعالیم آنان ، عامل گرفتاری کافران پیشین به سرنوشت شوم و عذاب دردناک الهی

الذین کفروا .. لهم عذاب أليم . ذلك بأنه كانت تأتيهم رسلهم بالبينت ... فكفرو

<بینه> (مفرد <بینات>) به معنای دلیل و حجت است و ولی در قرآن بر معجزه پیامبران الهی نیز اطلاق شده است.

منشأ فرجام شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۴

۴ - آخرت پر شرر

کافران ، دستاورد خود ایشان است .

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا .. فویل للذین کفروا من یومهم

از انتساب <یوم> به ضمیری که به کافران بازمی گردد، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ فرجام شوم کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۷

۷- کافران پیرو ، در قیامت با اعتراف به پیروی کورکورانه از رهبران خویش ، آنان را مسؤول بدفرجامی خود معرفی خواهند کرد .

فقال الضعفاء للذین استکبروا إنّنا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عَنّا من عذاب اللّ

منشأ فرجام شوم کافران پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۱

۱ - انکار معجزات و دلایل روشن پیامبران و روی گردانی از تعالیم آنان ، عامل گرفتاری کافران پیشین به سرنوشت شوم و عذاب دردناک الهی

الذین کفروا .. لهم عذاب أليم . ذلک بآئه کانت تأتیهم رسلهم بالبینت ... فکفرو

<بینه> (مفرد <بینات>) به معنای دلیل و حجت است و ولی در قرآن بر معجزه پیامبران الهی نیز اطلاق شده است.

منشأ فقر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۲

۲ - خداوند ، به منظور جلوگیری از گرایش عمومی انسان ها به کفر ، زندگی تمامی کافران را سرشار از امکانات رفاهی و تجملی ساخت و بلکه فقر و غنا را نیز در میان ایشان تقسیم کرد .

و لولا أن يكون الناس أمه وحده لجعلنا .. سقفاً من فضّه

منشأ قبول خواسته های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اجابت درخواست های کافران از سوی پیامبران ، منوط به اذن الهی

فأسقط علينا كسفاً .. قال ربّي أعلم بما تعملون

برداشت یاد شده از آن جا است که شعیب(ع)، پاسخ گویی به درخواست مردم <ایکه> را، به خدا و علم او محول کرد.

منشأ کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۸

۱۸ - خداوند ، پاداش عمل مؤمنان را بر اساس تفضل خویش و کیفر کافران را بر پایه عدل می دهد .

رجال .. لیجزیهم الله أحسن ما عملوا و یزیدهم من فضله ... و الذین کفروا ... فوف

برداشت یاد شده، از مقایسه میان دو گونه برخورد خداوند با مؤمنان و کافران به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۳

۳ - کیفر کافران و نوع ، زمان و مقدار آن در اختیار خداوند است ؛ نه به اقتراح کافران .

فأسقط علينا كسفاً .. قال ربّي أعلم بما تعملون

تعبیر <ربّي أعلم..> در پاسخ درخواست کافران، در بر دارنده این معناست که چون خداوند از هر کس به اعمال بندگان داناتر است ؛ پس تنها او است که نوع، زمان و مقدار کیفر آنان را تعیین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۷

۷ - عزت و حکمت الهی ، مقتضی کیفر کافران و پاداش مؤمنان است .

فبشره بعذاب أليم .. لهم جنّٰت النعیم ... و هو العزيز الحكيم

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۵

۵- اراده و مشیت خداوند ، در غفران یا کیفر کافران بی هیچ گونه معارضی ، تحقق می پذیرد .

و لله ملك السموت و الأرض يغفر لمن يشاء و يعذب من يشاء

از ارتباط <لله ملك.. > با <يغفر لمن...> استفاده می شود که مشیت الهی معارض ندارد.

منشأ گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۹

۹- فرو رفتن کفرپیشگان در ظلال و سردرگمی گریز ناپذیر ، برخاسته از محرومیت آنان از نور هدایت الهی است .

و الذين كفروا أعمالهم .. كظلمت في بحر لَجِيٍّ ... من فوقه سحب ظلمت بعضها فوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۷

۷- منکران آیات خدا و کافران به خدا ، تحت تأثیر عوامل بیرونی و منفعلانه ، از خدا و آیات او ، روی گرداندند و نه با

منطق و برهان

و لئن سألتهم من خلق .. و سخر .. ليقولنَّ الله فأنى يؤفكون

مجهول آورده شدن فعل <يؤفكون> دلالت بر این می کند که مشرکان و منکران آیات خدا و مؤمنان به باطل ، تحت تأثیر

القائات بیرونی ، چنین روی کردی را پیدا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶- ازدیاد شک و تردید نسبت به حقانیت قرآن ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از گمراه شدن کافران و

بیماردلان از سوی خداوند

يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

منشأ مبارزه کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۴

۴ کبرورزی و خودبرتربینی اشراف کفرپیشه مدین ، ریشه مبارزه آنان با شعیب و رسالت های او

قال الملائكة الذين استكبروا من قومه لنخرجنك

منشأ مجادله کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۳

۳ - اساسِ جدالِ کافران درباره خدا ، برخاسته از تقلید و تعصب خویشاوندی آنان بود .

يجدل في الله .. قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه اباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۵

۵ - کبر و خودبرتربینی ، عامل جدال و ستیزه جویی کافران و مشرکان با آیات الهی و پیامبر اسلام (ص)

إن الذين يجدلون في آيات الله .. إن في صدورهم إلا كبر

منشأ مخالفت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - مخالفت برخی از کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، ناشی از بیمار دلی و غرضورزی آنان بود .

و ليقول الذين في قلوبهم مرض .. ماذا أراد الله بهذا مثلاً

منشأ مصایب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۶

۶ - مصیبت ها و رنج های کافران ، پی آمد عملکرد خود آنان

و لولا أن تصیبهم مصیبه بما قدمت أیدیهم

منشأ مهلت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۶ - مهلت یافتن کافران در دنیا ، ناشی از رحمت خدا است و نه معلول عجز او از مکافات .

فسیأتیهم أنبؤا ما كانوا به يستهزون .. و إن ربك لهو العزيز الرحيم

تأکید بر شکست ناپذیری و رحمت خدا، پس از تهدید کافران به عذاب اخروی (فسیأتیهم أنبؤا ما كانوا به يستهزون) می تواند بیانگر این حقیقت باشد که تأخیر عذاب کافران در دنیا، به خاطر ناتوانی خدا نیست؛ بلکه رحمت و مهر او سبب شده است تا آنان را مهلت دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - مهلت دادن خدا به کافران و حق ستیزان ، معلول رحمت و لطف او است؛ نه از روی ضعف و ناتوانی .

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إن ربك لهو العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت قوم عاد از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشدار می است به مشرکان مکه که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، از باب ناتوانی حق تعالی نیست؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان ، معلول رحمت او است؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إن ربك لهو العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت شعيب(ع)

و مردم ایکه، از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) می باشد و از سوی دیگر هشدارى به شرک پیشگان حق ستیز مکه است که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است، بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۲

۲ - تأخیر عذاب کافران و اعطای مهلت به آنان ، ناشی از فضل و رحمت الهی

و يقولون متى هذا الوعد . . . و إنّ ربّك لذو فضل علی الناس

این آیه در ادامه آیات قبل و بیانگر حکمت تأخیر انداخته شدن عذاب کافران و اعطای مهلت به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۳ - ۷

۷ - مهلت یافتن کافران در دنیا ، معلول حکمت و مصلحت سنجی خداوند است ، نه عجز و ناتوانی او .

و هو العزیز الحکیم . . . و لولا أن کتب الله علیهم الجلاء لعذبهم فی الدنيا

منشأ مهلت به کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدر اسلام ، به خاطر رحمت و لطف او بود ، نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما کان أكثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت موسی و فرعون تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) و نیز هشدارى است به کافران مکه که نازل نشدن عذاب بر آنان،

نه از باب ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۴ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام، ناشی از رحمت و لطف او بود؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی وی.

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

یادکرد سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) و فرجام اخروی مشرکان، هشدار است به شرک پیشگان صدراسلام که اگر بر آنان عذاب نازل نمی شود، نه از ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمت او بر مردمان است و چون زمینه آن به پایان برسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام، معلول رحمت و لطف وی بود؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی او.

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

یادکرد سرگذشت قوم نوح، از یکسو تسلی خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشدار بود به مشرکان که اگر بر آنان عذاب نازل نشده؛ نه از باب ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۴

- مهلت خدا به کافران و حق ستیزان صدر اسلام و تأخیر در مجازات آنان ، معلول رحمت او بود ؛ نه برخاسته از ناتوانی .

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربك لهُو العزيز الرحيم

یاد آوری سرگذشت قوم لوط، از يك سو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) است و از سوی دیگر هشدارى به شرک پیشگان صدر اسلام است که اگر بر آنان عذاب نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است ؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

منشأ یأس کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۵

۵ - خداوند ، مشرکان و کافران صدر اسلام را از گمراه کردن مؤمنان هدایت یافته ، مأیوس ساخت .

و من یهد الله فما له من مضلّ

یادآوری گمراه نشدن هدایت یافتگان (مؤمنان)، می تواند به منظور مأیوس ساختن کافران و مشرکان در تبلیغات و تلاش هایشان علیه اسلام و مسلمین باشد.

موانع اسلام پذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۲

۲ - کافرانی که در ادعا ، آماده سازش بودند ، زمینه پذیرش دین پیامبر (ص) را نداشتند .

و لی دین

موانع اسلام کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۳

۳ - خوی سرکشی و حق ناپذیری کافران در آغاز بعثت ، مانع پذیرش اسلام از سوی آنان گردید .

و القراءان ذى الذكر . بل الذين كفروا فى

<بل> در <بل الذین..> برای اضراب انتقالی است؛ بدین معنا که خداوند پس از آن که خاصیت بیدارگری و ذکر بودن قرآن را مطرح فرمود، به پاسخ این سؤال پرداخت که: چرا کافران چنین کتاب آگاهی بخش را نپذیرفتند؟ در جواب می فرماید: نپذیرفتن آنان به دلیل وجود روح سرکشی و حق ناپذیری در آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۳

۳ - انسان بودن پیامبر (ص) و برخاستن ایشان از میان توده های مردم، مانع ایمان آوردن کافران صدراسلام بود.

و عجبا أن جاءهم منذر منهم و قال الكفرون هذا سحر كذاب

موانع اندوه بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۷

۱۷ - توجه و ایمان به آگاهی همه جانبه خداوند بر احوال و رفتار کافران و گمراهان، بازدارنده آدمی از حسرت و اندوه شدید نسبت به آنان

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت إن الله علیم بما یصنعون

جمله <إن الله علیم..> تعلیل برای جمله <فلاتذهب نفسک علیهم حسرات> است؛ یعنی، از آن جایی که خداوند بر احوال کافران آگاه است، پس به حال آنان حسرت مخور. این معنا گویای دو مطلب است: ۱ چون خدا بر احوال کافران آگاه است و آنان تحت نظر او قرار دارند، پس باید آنها را به خدا وا گذاشت و بیش از این بر آنان اندوه نخورد. ۲ این سخن نوعی دلداری به پیامبر(ص) است.

موانع ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ -

۱۱ - پیروی از سنت های جاهلی ، عامل اصلی ایمان نیابردن کافران و موضع گیری در برابر پیامبران

إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّهٍ .. قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَفِرُونَ

موانع ایمان کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۴

۴ - ثروت و جمعیت بسیار کافران در صدر اسلام ، عامل تکذیب دین و مانع آنان از پذیرش ایمان

أَن كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <أَن كَانَ ذَا..> متعلق به فعل محذوفی (مانند <كذَّب>) باشد که جمله شرطیه <إِذَا تَتَلَىٰ...> در آیه بعد بر آن دلالت دارد. تقدیر آن چنین است: <لَكُونَهُ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ كَذَّبَ بِآيَاتِنَا...>.

موانع تعجیل در عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۸ - ۴

۴- غفران و رحمت گسترده الهی ، مانع مؤاخذه و مجازات سریع کافران هدایت ناپذیر است .

و رَبِّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبْتُمْ لَعَجَّلَ لَكُمْ الْعَذَابَ

مرجع ضمیر <هم> در <يؤاخذهم> واژه <مَنْ ذُكِّرَ..> در آیه قبل است؛ یعنی، آنان که از آیات الهی، إعراض کرده و به مهلکه هدایت ناپذیری درافتادند.

موانع تعجیل در مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - باور مؤمنان به مجازات حتمی کافران از سوی خداوند ، مانع اقدام های شتابزده آنان در مقابله با کافران

یغفروا .. لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

<لام> در <لیجزی> برای تعلیل است و فلسفه امر به

خویشتن داری مؤمنان در برابر کافران را بیان می کند.

موانع توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۶

۶ - ابّهت و هیمنه مسلمانان (پس از غزوه بنی نضیر) ، مانع از اقدام جبهه کفر و نفاق به نبردی رویاروی با آنان

لأنتم أشدّ رهبة في صدورهم .. لا يقتلونكم جميعًا إلاّ في قرّی محصّنه

موانع دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۳

۳ بنی اسرائیل در صورت ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن خود را به ولایت و دوستی کافران آلوده نمی ساختند .

و لو كانوا يؤمنون بالله و النبي و ما أنزل إليه ما اتخذوهم أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۴

۴ - توجه مسلمانان به عمق دشمنی ها و تعارض های جبهه کفر با اسلام ، مانع برقراری روابط دوستانه با آنان

تسرّون إليهم بالموّده .. إن يثقفوكم يکونوا لكم أعداء

از بیان دشمنی کافران با مؤمنان در پی خبر دادن از رابطه دوستی با کافران استفاده می شود که توجه به این امر بازدارنده مسلمانان از ارتباط با آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۲

۲ - ایمان راستین ، ناسازگار با دوستی نسبت به کافران و خداستیزان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا

از آن جا که خطاب متوجه مؤمنان است؛ استفاده می شود که وصف ایمان، در حکم (دوستی نکردن) نقش دارد.

موانع

دوستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۳

۱۳- هیچ گاه میان کافران و مسلمانان ، با حفظ مواضع اصولی تسالم کامل و دوستی حقیقی برقرار نخواهد شد .

و إن كادوا ليفتنونك عن الذي أوحينا إليك . . . و إذا لاتخذوك خليلاً

موانع رابطه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۹

۱۹ - توجه به آگاهی خدا از آشکار و نهان ، بازدارنده مؤمنان از ارتباط سرّی با کافران

تسرّون . . . و أنا أعلم بما أخفيتم

موانع سلطه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ - اقتدار الهی ، پشتوانه استجابت دعای مؤمنان در مصون ماندن از سلطه کافران

ربّنا لاتجعلنا فتنه . . . إنك أنت العزيز الحكيم

موانع عبرت پذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۴

۴ - لجاجت و عناد ، مانع درس آموزی کافران از آفرینش هستی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لا یوقنون

عبارت <بل لا یوقنون> بیانگر این نکته است که موضع گیری ناباورانه کافران درباره قرآن و پیامبر(ص) برخاسته از یقین علمی آنان نیست؛ بلکه صرفاً از روی ستیزه جویی و لجبازی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۲

۲ - سطحی نگری و توجیه گری کافران ، نسبت به آیات هشداردهنده الهی ، مانع عبرت آموزی آنان است .

و إن یروا کسفاً من السماء ساقطاً یقولوا سحاب مرکوم

از

این که کافران، با وجود مشاهده نشانه های عینی عذاب، آن را پدیده ای طبیعی و بی خطر می انگارند؛ استفاده می شود که حتی نمایاندن نمودهای اعجازی، مایه عبرت آنان نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۴

۴ - اصرار کافران بر تکذیب تهدید های الهی ، مانع عبرت گیری آنان از فرجام هلاکت بار پیشینیان

هل أتیک ... بل الذین کفروا فی تکذیب

موانع عذاب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳۰

۳۰ - وجود مؤمنانی در نسل و صلب کافران مکه ، مانع نزول عذاب الهی بر آنان *

لولا رجال مؤمنون .. لم تعلموهم ... لو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم عذاباً

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از مردان و زنان مؤمن در آیه شریفه، فرزندان باشند که از کافران مکه تولد خواهند یافت و به ایمان خواهند گروید. آنچه مؤید این احتمال است، تعبیر <لم تعلموهم> و نیز <لو تزیلوا> می باشد؛ زیرا <لو>ی امتناعیه، تفکیک ناپذیری نسل مؤمن از کافران عصر بعثت را می رساند.

موانع قبول عذر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۱

۱ - کفر و گرایش به شرک ، سبب پذیرفته نشدن عذرخواهی و درخواست کافران و مشرکان برای رهایی خویش از عذاب الهی

ذلکم بآنه إذا دعی اللّٰه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

<ذلکم> اشاره به مطلب گذشته (عذاب شدن) دارد؛ یعنی، <ذلکم الذی أنتم فیہ من العذاب>. گفتنی است که

<باء> در <بأنه> برای سبیت می باشد.

موانع کیفر دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۸

۸ - سنت امهال ، مانع از کیفر دنیوی کافران است .

و لولا کلمه سبقت من ربك لقضی بینهم

موانع هدایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - عامل بازداشتن کافران از رویکرد به حق ، دروغ پردازی آنان است .

كذلك كانوا يؤفكون

<كذلك> اشاره به دروغ پردازی و افترا زدن کافران مجرم است، یعنی، همان طور که در قیامت دروغ می گویند در دنیا نیز عمل می کردند. لازم به ذکر است که ریشه <یؤفکون> <إفك> است و به معنای <هر نوع باز داشته شدن از جهت و موقعیتی است که شایسته بوده در آن موقعیت باشد> (مفردات راغب). بنابراین، مراد از <یؤفکون>، منصرف شدن از عقیده حق و گرایش یافتن به باطل است.

موجبات عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۸

۸ - عذاب اخروی کافران ، بازتاب فسادگری مستمر خود آنان است .

زدنهم عذاباً .. بما كانوا یفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شادمانی ناحق و سر مستی گسترده در جامعه از سوی کافران و مشرکان ، سبب گرفتار شدن آنان به انواع عذاب ها در قیامت

ذلكم بما كنتم تفرحون في الأرض بغير الحقّ و بما كنتم تمرحون

<با> در <بما كنتم> برای سببیت است. <فرح> (مصدر <تفرحون>) به معنای

سرور و شادمانی است و <مرح> (مصدر <تمرحون>) به معنای سرور و شادمانی افراطی و بیش از حد است آن گونه که سبب غرور و سرمستی می گردد. گفتنی است در این برداشت ، مشار الیه <ذلکم> عذاب های یاد شده در آیات پیشین، دانسته شده است.

موجبات عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ کفرپیشگانی که با بی هدف خواندن سختی های بیدارکننده از تمامی عوامل هدایت بی بهره ماندند ، با عذابی غافلگیرانه از جانب خدا نابود شدند .

فأخذنهم بغته و هم لا يشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ جوامع کفرپیشه گذشته بر اثر تکذیب انبیا و مداومت بر اعمال ناپسند به عذاب الهی مبتلا شدند و به هلاکت رسیدند .

و لكن كذبوا فأخذنهم بما كانوا يكسبون

مراد از <ما كانوا يكسبون> گناهای است که تکذیب انبیا از جمله آنهاست، نه اینکه مراد از آن فقط تکذیب انبیا باشد و گر نه جمله به این گونه بیان می شد: و لكن كذبوا فأخذنهم بما كانوا يكذبون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - مکرها و توطئه های سوء کافران ، موجب عذاب شدید آنان است .

و الذين يمكرون السيئات لهم عذاب شديد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۸

۲۸- نبرد پیروزمندانه مؤمنان علیه کفر ، عذاب دردناک الهی برای کافران

و لولا رجال مؤمنون . . .

لو تزيّلوا لعذبنا الذين كفروا منهم

در این آیه <لعذبنا>، مقابل صلح حدیبیه قرار گرفته است. از تقابل صلح و عذاب، دانسته می شود که مصداق بارز عذاب الهی برای کافران، دردی است که از شمشیر مؤمنان در میدان نبرد خواهند چشید.

موجبات غضب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۴

۱۴ حرکت مؤمنان به سوی جنگ تبوک ، برانگیزنده خشم کافران بود .

و لا يظنون موطناً يغيب الكفار

با توجه به اینکه این بخش از آیات در مورد جنگ تبوک است، برداشت فوق استفاده می شود.

موجبات هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۳

۳ هلاکت فوری کافران و پایان مهلت آنان، در صورت نزول محسوس فرشتگان به عنوان معجزه بر پیامبر(ص)

و لو أنزلنا ملكاً لقضى الأمر ثم لا ينظرون

موحدان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۴

۴ خداوند خواهان استقلال و سلطه ناپذیری پیروان ادیان الهی در برابر کافران

تری کثیراً منهم يتولون الذين كفروا

موضعگیری ظالمانه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۴

۴ واکنش کافران در برابر قرآن و رسالت پیامبر (ص)، رفتاری بس ظالمانه و مزورانه بود.

فقد جاء وظلمًا و زورًا

موضعگیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ جامعه ایمانی وظیفه دار هشیاری در برابر موضعگیری های گمراه کننده

يايها الذين ءامنوا عليكم انفسكم لا يضركم من ضل إذا اهتديتم

<لا> در لایضركم می تواند نافیه باشد بر این مبنا مراد از جمله <لایضركم ..> این است که چنانچه از ایمان خود مراقبت کنید از دام گمراهان می رهید و می تواند <لا> ناهیه باشد، یعنی ای مؤمنان مبادا گمراهان شما را از راه بدر برده و ایمان شما را برابیند برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. گفتنی است که مراد از <من ضل> به قرینه <ءامنوا> کفرپیشگان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۷

۷ موضعگیری خصمانه کافران و مشرکان در قبال پیامبر ، علی رغم اعتقادشان به خدا

و إذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجارة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۳ - ۱

۱ - موضع گیری همگون کافران علیه پیامبران در طول تاریخ ، تداعی گرتبانی آنان بر مواضع یکسان و از شگفتی های تاریخ است .

أتواصوا به

<تواصی> (مصدر <تواصوا>) به معنای سفارش کردن برخی به بعضی دیگر است و استفهام در <أتواصوا به> برای تعجب است. در آیه شریفه، از موضع گیری یکسان کافران تاریخ در برابر رسولان الهی از آن جهت که گویا آنان همدیگر را بر این امر توصیه و سفارش کرده بودند اظهار تعجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۸

۸ - تناقض آشکار ، در موضع گیری کافران علیه پیامبر (ص)

فما أنت بنعمت

با توجه به این که <کهان> خود شیوه ای پیچیده و در اختیار تعدادی از افراد بوده و با جنون هرگز جمع نمی شود؛ متهم گشتن پیامبر(ص) به کهان و جنون، نشانگر سردرگمی کافران و تناقض گویی آشکار آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۵

۵ - موضع گیری های کافران در قبال قرآن و پیامبر (ص) ، متکی به پندار و نه دلیل یقینی

أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِلَا يَتَذَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۰ - ۲

۲ - توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری علیه دعوت حق و بی چشمداشت پیامبر (ص)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا

موضعگیریهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۶

۶ - بنای کافران بر خصومت و موضع گیری علیه هر پیام جدید الهی ، در طول تاریخ

و مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثًا... معرضین

موعظه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۹

۹ قال أبو جعفر(ع): لما نزلت <فلا تتعد بعد الذكري مع القوم الظالمين> قال المسلمون: كيف نصنع إن كان كلما استهزاء المشركون بالقرآن قمنًا و تركناهم فلاندخل إذا المسجد الحرام و لانتوف بالبيت الحرام فأنزل الله تعالى <و ما على الذين

یتقون من حسابهم من شیء < و أمرهم بتذکیرهم و تبصیرهم ما استطاعوا.

امام باقر(ع) فرمود: چون آیه <فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظالمین >

نازل شد، مسلمانان گفتند: حال که هر گاه مشرکان، قرآن را مسخره کنند، باید برخیزیم و از آنان دوری کنیم، در نتیجه هیچگاه نباید وارد مسجد الحرام شده و طواف خانه خدا را بجا آوریم، پس چه کنیم؟ در این هنگام خداوند آیه <و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری> را نازل کرد و در آن به مسلمانان دستور داد که، کافران را متذکر نموده و در حد توان، آنان را با موعظه بیدار کنند.

موقعیت اجتماعی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۷

۷- پاسخ کافران عصر بعثت، در برابر آیات روشن و دلایل کافی توحید و اسلام، بیان وضعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی خود نسبت به مؤمنان بود.

قال الذین کفروا للذین ءامنوا .. أئی الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًا

لام در <للذین آمنوا> ممکن است برای تبلیغ باشد. در این صورت مؤمنان مخاطب کافران خواهند بود. همچنین می تواند برای تعلیل بوده و مراد این باشد که کافران، به خاطر مؤمنان و در باره آنان، پرسش یادشده را مطرح کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۵

۵ - جایگاه اجتماعی منافقان در نظام اسلامی و جامعه ایمانی، همانند جایگاه کافران است.

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

موقعیت اجتماعی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۸

۸- کفرورزان عصر بعثت، برتری وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را نشانه حقانیت عقاید خویش

می دانستند .

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

پاسخ کافران به دلایل روشن و آیات الهی، صرفاً تکیه بر مظاهر مادی و نظام اجتماعی خود بوده است و این نشان دهنده تفکر آنان و ارزش هایی است که در نظر آنها، معیار ارجحیت یک مکتب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۱

۱- وجود جامعه هایی چند در تاریخ که از نظر امکانات زندگی و موقعیت اقتصادی و اجتماعی، از کافران عصر بعثت برتر بوده اند .

و کم .. من قرن هم أحسن أثناً ورئياً

<قرن> به معنای جامعه و مردمی است که اهل یک زمان و نزدیک به یکدیگر باشند و با هم زیست کنند (مفردات راغب). <أثناً> به معنای لوازم زندگی است و وصف <أحسن أثناً> نشانه پیشرفت اقتصادی و بهبود آن است. <رئياً> اسمی است که مرادف <منظر> و <مرأی> (نما و منظره) می باشد (لسان العرب). بنابراین <أحسن رءياً> یعنی، خوش نما تر. این نیز کنایه از بهینه بودن وضعیت اجتماعی و جذاب بودن آن است.

موقعیت اجتماعی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۴

۴- در آغاز بعثت، کافران مکه از وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری نسبت به مسلمانان برخوردار بودند .

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

<مقام> اسم مکان و مشتق شده از قیام است که در معنای مجازی موقعیت اجتماعی به کار رفته است و <خیر مقاماً> کنایه از بهتر بودن وضعیت اقتصادی می باشد. <ندی> به معنای جلیس و مجلس است (مفردات راغب). افتخار کافران

به بهتر بودن مجلس و هم نشینان خویش، کنایه از بهتر بودن وضعیت سیاسی و نظام اجتماعی آنان است.

موقعیت اقتصادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۷

۷- پاسخ کافران عصر بعثت، در برابر آیات روشن و دلایل کافی توحید و اسلام، بیان وضعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی خود نسبت به مؤمنان بود.

قال الذین کفروا للذین ءامنوا .. أئى الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًا

لام در <للذین آمنوا> ممکن است برای تبلیغ باشد. در این صورت مؤمنان مخاطب کافران خواهند بود. همچنین می تواند برای تعلیل بوده و مراد این باشد که کافران، به خاطر مؤمنان و در باره آنان، پرسش یادشده را مطرح کرده بودند.

موقعیت اقتصادی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۸

۸- کفرورزان عصر بعثت، برتری وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را نشانه حقانیت عقاید خویش می دانستند.

أئى الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًا

پاسخ کافران به دلایل روشن و آیات الهی، صرفاً تکیه بر مظاهر مادی و نظام اجتماعی خود بوده است و این نشان دهنده تفکر آنان و ارزش هایی است که در نظر آنها، معیار ارجحیت یک مکتب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۱،۲

۱- وجود جامعه هایی چند در تاریخ که از نظر امکانات زندگی و موقعیت اقتصادی و اجتماعی، از کافران عصر بعثت برتر بوده اند.

و کم .. من قرن هم أحسن أثنا ورءیًا

جامعه و مردمی است که اهل یک زمان و نزدیک به یکدیگر باشند و با هم زیست کنند (مفردات راغب). <أثاثاً> به معنای لوازم زندگی است و وصف <أحسن أثاثاً> نشانه پیشرفت اقتصادی و بهبود آن است. <رءیا> اسمی است که مرادف <منظر> و <مرأی> (نما و منظره) می باشد (لسان العرب). بنابراین <أحسن رءیاً> یعنی، خوش نماتر. این نیز کنایه از بهینه بودن وضعیت اجتماعی و جذاب بودن آن است.

۲- جوامع و تمدن های بسیاری در طول تاریخ ، با وجود قدرت و امکانات بسیار و موقعیت برتر نسبت به کافران عصر بعثت ، به هلاکت رسیده و نابود شدند .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أحسن أثاثا

موقعیت اقتصادی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۴

۴- در آغاز بعثت ، کافران مکه از وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری نسبت به مسلمانان برخوردار بودند .

أی الفریقین خیر مقاماً و أحسن ندیاً

<مقام> اسم مکان و مشتق شده از قیام است که در معنای مجازی موقعیت اجتماعی به کار رفته است و <خیر مقاماً> کنایه از بهتر بودن وضعیت اقتصادی می باشد. <ندی> به معنای جلیس و مجلس است (مفردات راغب). افتخار کافران به بهتر بودن مجلس و هم نشینان خویش، کنایه از بهتر بودن وضعیت سیاسی و نظام اجتماعی آنان است.

مؤاخذه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۶،۷،۸

۶ - کافران کوشا برای اغوای مسلمانان ، در قیامت ، مؤاخذه خواهند شد .

و قال الذین کفروا .. اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا ...

و لیستلنّ یوم القیمه

۷- بازخواست کافران ، در قیامت ، به خاطر تلاش همواره آنان در افترا زدن است .

و لیستلنّ یوم القیمه عمّا کانوا یفترون

۸- بازخواست کافران ، در قیامت ، بازخواستی ناخواسته و همراه با بی اعتنایی است .

و لیستلنّ یوم القیمه عمّا کانوا یفترون

مجهول آورده شدن فعل <یُسئلنّ> که ضمیر نایب فاعلی آن، به <کافران> باز می گردد حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۳، ۱۵

۱۳ - کافران به قرآن ، در قیامت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرآن .. و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

۱۵ - ربوبیت الهی ، مقتضی مؤاخذه کافران به قرآن

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرآن .. و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

مؤاخذه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۴

۴ مؤاخذه کفار به جرم مبارزه با اسلام ، پیش از ارائه معارف الهی قرآن به آنان و تمام شدن حجت بر ایشان ، ممنوع است .

و خذوهم و احصوهم .. و إن أحد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلم اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۱

۱ - مؤاخذه هلاکت بار ملت های کفرییشه و مقتدر پیشین از سوی خداوند

فأهلکنا أشدَّ منهم بطشاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳

۳ - هشدار خداوند به کافران ، نسبت به نداشتن گواه آسمانی بر آزادی مطلق از مسئولیت و مؤاخذه

أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزَّبْرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۸

۸ - کافران ، بر ترک فروع دین نیز توبیخ می شوند .

فَمَا لَهُمْ... لَا يَسْجُدُونَ

مراد از سجود در آیه ممکن است معنای اصطلاحی آن و به خاک افتادن هنگام شنیدن آیات قرآن باشد.

مؤاخذه کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۵

۵ - در صورتی که کافران محارب ایمان آورند ، نباید بر خطاهای پیشینشان (کشتن مسلمانان ، فتنه انگیزی و ...) مورد مؤاخذه قرار گیرند .

فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

مؤمنان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۲۴،۲۵،۲۶

۲۴ مواجهه و درگیری دائمی مؤمنان با کافران

فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

آیه مورد بحث گویای افکار و حالات دائمی مؤمنان در طول تاریخ است، در نتیجه آنان خود را همیشه به نحوی درگیر با کافران می بینند و از خداوند یاری می طلبند.

۲۵ اظهار نیازمندی مؤمنان به نصرت الهی در نبرد با کافران ، از ویژگی های آنان

فانصرنا علی القوم الکافرین

۲۶ نصرت و یاری مؤمنان در رویارویی با کافران ، از شؤون ولایت الهی بر مؤمنان

انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین

تفریع جمله <فانصرنا> بر <انت مولینا> بیانگر آن است که ولایت الهی بر مؤمنان، مقتضی یاری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۴

۴ کافران در دنیا ، مغلوب مؤمنان و در آخرت ، مقهور خدا هستند . *

قل للذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۵،۱۶

۱۵ پیروزی نهایی مؤمنان بر کافران

و لن یجعل الله للکفرین علی المؤمنین سییلا

بنابر اینکه جمله <لن یجعل الله> اخبار باشد و نه انشاء. و چون این جمله پس از فرض غلبه کافران است (و ان کان للکفرین نصیب)، اشاره به این دارد که پیروزی نهایی و دایمی از آن مسلمانان خواهد بود؛ گرچه ممکن است در مقطعی غلبه با کافران باشد.

۱۶ مؤمنان در صورت رعایت لوازم ایمان ، هرگز تحت سلطه کفار قرار نخواهند گرفت .

و لن یجعل الله للکفرین علی المؤمنین سییلا

التفات از خطاب <بینکم>، به غیبت با آوردن عنوان <المؤمنین> برای اشاره به این معناست که اگر مسلمانان لوازم ایمان را رعایت کنند و مؤمن واقعی باشند، هرگز کافران بر آنان سلطه نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۸

۸ مؤمنان با پذیرش ولایت کافران ، حجت روشن خداوند را علیه خویش فراهم می کنند .

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا .. اتریدون أن تجعلوا الله علیکم سلطناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۳

۱۳ برقراری پیوند های دوستی با کافران از سوی اهل ایمان ، تباه کننده اعمال نیک آنان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرين

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲۴

۲۴ مؤمنان واقعی هرگز به خاطر ملامت دشمنان ، از عشق به خدا دست بردار نیستند و از فروتنی در قبال مؤمنان و سرافرازی در برابر کافران ، باز نمی مانند .

یحبهم و یحبونه . . . و لایخافون لومه لائم

بنابر اینکه جمله <و لایخافون . . .> در ارتباط با تمامی صفاتی باشد که در فرازهای پیشین بر شمرده شده نه خصوص <یجهدون> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۳

۳ لزوم پایداری هر مؤمن در میدان نبرد با دو کافر ، نسخ کننده حکم پیشین (لزوم پایداری هر مؤمن در برابر ده کافر)

ان یکن منکم عشرون . . . الثن خفف الله عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ وجود درگیری بین مؤمنان غیر مهاجر با کافران ، به خاطر دین و دینداری ، تنها موردی است که مهاجران و انصار موظف به یاری غیر مهاجران هستند .

و إن استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر

قید <فی الدین> بیانگر این است که اگر کافران به انگیزه مبارزه با اسلام و دینداری غیر مهاجران به آنان هجوم بردند ، باید سایر مسلمانان از آنان حمایت کنند و اگر درگیری بدین انگیزه نباشد ، حمایت از آنان ضرورت ندارد . قابل ذکر است که <ال> در <النصر> جانشین مضاف إليه است ؛ یعنی <فعلیکم نصرهم> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۸

پرهیز کار ، مورد حمایت و امداد الهی در جهاد با کافران

قتلوا الذین یلونکم من الکفار .. أن الله مع المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۹

۹ - کافران ، در قیامت ، از سوی مؤمنان عالم ، سرزنش می شوند .

و قال الذین أوتوا العلم .. فهذا یوم البعث

<فاء> در <فهذا> فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقدر می کند که می تواند چنین باشد: <اگر شما، منکر قیامت بودید، این هم قیامت!>. <هذا> در این بیان طبق گفته مفسران برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۴،۵

۴ - مؤمنان ، پیروزی نهایی بر کافران را ، به آنان گفته بودند .

و یقولون متی هذا الفتح إن کنتم صدقین

۵ - وعده وقوع حتمی قیامت ، از سوی مؤمنان به کافران داده شده بود .

و یقولون متی هذا الفتح إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۲

۲ - مسلمانان ، قادر به دفع هجوم کافران ، در صورت عدم انعقاد صلح حدیبیه و ناگزیری از جنگ *

و لو قتلکم الذین کفروا لولوا الأدبر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <لوقاتلکم> نظر به گذشته داشته باشد؛ یعنی، خداوند گرچه فتح مبین (صلح حدیبیه) را برای شما رقم زد و در پرتو آن ثمرات زیادی را برای شما به بار آورد؛ اما اگر این صلح هم صورت نمی گرفت و کافران به نبرد با شما برمی

خاستند، شما با قدرت ایمانی و رهبری پیامبر(ص) آنان را منهزم می ساختید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۳ - ۳

۳ - مؤمنان نباید درباره ایمان و اعتقادات خود ، برای نقطه نظر های کافران ، ارزشی قائل شوند .

و ما أرسلوا علیهم حفطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۲

۲ - مؤمنان در قیامت ، همسان برخورداردی که در دنیا از کافران دیده اند ، با آنان رفتار خواهند کرد .

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ .. فاليوم الذين ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّاءِ

مهلت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۶، ۱۳، ۱۱، ۵، ۲، ۱

۱ هشدار خداوند به کافران ، بر اینکه مهلت یافتن آنان به سودشان نیست .

و لا يحسبنَّ الذين كفروا انما نملی لهم خیر لانفسهم

<املاء> از ماده <ملو>، به معنای مهلت دادن است و مراد از آن، تأخیر در عذاب کافران با طولانی شدن مدت عمر و بهره گیریشان از مواهب دنیاست.

۲ کافران ، مهلت یافتن در دنیا را ، خیر و نیک و به سود خویش می پندارند .

و لا يحسبنَّ الذين كفروا انما نملی لهم خیر لانفسهم

۵ مهلت دادن خداوند به کافران ، تنها به جهت افزایش یافتن گناه آنان است .

انما نملی لهم ليزدادوا اثماً

۱۱ مهلت خداوند به کافران ، زمینه ساز دوری آنان از خیر و سعادت با ارتکاب اعمال ناروا

و لا یحسبنّ الذین کفروا أنّما نملی لهم خیر لانفسهم أنّما نملی لهم

<اثم>، در لغت به اعمالی گفته می شود که آدمی را از خیر و سعادت بازمی دارد. (مفردات راغب).

۱۳ مهلت یافتن کافران در دنیا (امهال) ، زمینه ساز خواری و ذلت آنها در آخرت

اثما نملی لهم لizardاوا اثماً و لهم عذاب مهین

۱۶ مهلت یافتن و عمر طولانی کافران ، گویای عزت و قرب آنان در نزد خدا نیست .

اثما نملی لهم لizardاوا اثماً و لهم عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۳ - ۳

۳ مهلت دهی خداوند به کافران ، ناشی از مشیت وی و نه ناتوانی و عجز او

ان یثأ یذهبکم .. و کان الله علی ذلک قدیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۳،۵

۳ هلاکت فوری کافران و پایان مهلت آنان، در صورت نزول محسوس فرشتگان به عنوان معجزه بر پیامبر(ص)

و لو أنزلنا ملکاً لقصی الأمر ثم لا ینظرون

۵ پایان یافتن مهلت کافران در صورت نزول محسوس فرشتگان به عنوان معجزه بر پیامبر(ص)

و لو أنزلنا ملکاً لقصی الأمر ثم لا ینظرون

قطع مهلت کافران با نزول محسوس فرشته که مفاد جمله <لقصی الأمر> و <ثم لا ینظرون> است، بر این نکته دلالت دارد که تا قبل از نزول چنین آیاتی، کفار از مهلت الهی برخوردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۶

۶ خداوند در عین قدرت بر فرستادن انواع عذاب بر مشرکان و کافران، به آنان مهلت می دهد.

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم

چون

در آیات گذشته سخن از نزول عذاب و درخواست مشرکان در این زمینه بود، این آیه با بیان قدرت خداوند بر عذاب به طور ضمنی دلالت بر مهلت دادن به مشرکان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۱۱

۱۱ بی نیازی و رحمت خداوند موجب امهال به جوامع کفر و ستم پیشه و نابود ساختن آنان است.

و ربك الغنى ذو الرحمه إن يشأ يذهبكم و يستخلف من بعدكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۳ - ۱،۵

۱ سنت خداوند بر امهال کفرپیشگان تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و أملی لهم إن کیدی متین

املاء (مصدر املی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

۵ امهال خداوند به کفرپیشگان تکذیب کننده ، زمینه ساز افزایش عذاب آنان است .

و أملی لهم إن کیدی متین

چون امهال به عنوان <کید> مطرح شده است، معلوم می شود مهلت دادن در اینجا برای افزون شدن عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۱

۱ امهال کفرمداران و منکران قیامت (تأخیر انداختن مجازات آنان به جهان آخرت) سنتی الهی است .

و لو یعجل الله للناس الشر .. فنذر الذین لایرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس

۳ مشرکان ، کافران و دین ستیزان ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم مفرّی ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نباید نگران کننده باشد .

و إما نرینک بعض الذی نعدهم أو نتوفینک فإلینا مرجعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۴،۵،۶

۴ خداوند کفرپیشگان و استهزا کنندگان پیامبران را مهلت می داد و فوراً آنان را عذاب نمی کرد .

فأملیت للذین کفروا

املاء (مصدر أملیت) به معنای مهلت دادن ، به تأخیر انداختن و طولانی کردن عمر است.

۵ خداوند پس از مدت ها و گذشت زمانهایی ، کفرپیشگان و استهزاگران انبیا را به عقوبت های خویش گرفتار می ساخت .

فأملیت .. ثم أخذتهم فکیف کان عقاب

۶ تأخیر عذاب کفرپیشگان از سنت های خداوند است .

و لقد استهزیء برسل من قبلک فأملیت للذین کفروا

چون تأخیر عذاب برای همه کفرپیشگان بوده ، از آن <سنت الهی بودن> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۲،۴

۲- مهلت به گمراهان و کافران ، سنت خداوند است .

من کان فی الضلله فلیمدد له الرحمن مدّاً

به کارگیری فعل امر (فلیمدد) در مورد مهلت دهی به کافران، از حتمی بودن این امهال و سنت بودن آن حکایت می کند؛ چرا که خداوند آن را به صورت الزام بر خود بیان فرموده است.

۴- مهلت خداوند به کافران و گمراهان ، جلوه ای از رحمت گسترده او است .

فليمدد له الرحمن مدًا

<رحمان> یعنی، دارای رحمت گسترده و فراگیر.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۸

۸- گرفتاری کافران به وسوسه ها و تحریکات شیطانی ، نمودی از < استدراج > و رهاشدن آنان در کفر و گمراهی است .

الرحمن مدأ .. ألم تر أننا أرسلنا الشيطان

این آیه با آیه < من كان في الضلالة فليمدد له الرحمن مدأ > که بیانگر سنت < امهال > بود در ارتباط است و بیانگر نمونه و گواه دیگری بر جریان سنت < فليمدد .. مدأ > است که همان < امهال > و < استدراج > می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، زندگانی دنیا را عرصه مؤاخذه فوری همه کافران قرار نداده است .

و لولا .. أجل مسمی

سنت خداوند که < لولا کلمه .. > بر آن دلالت دارد این نیست که خداوند هیچ مخالفی را هلاک نکند؛ بلکه سنت او این است که تمامی آنان را نابود نسازد؛ زیرا اگر بنا بود هر کافری نابود گردد، نسل بشر در خطر انقراض قرار می گرفت و تا < أجل مسمی > ادامه نمی یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۸

۸ - مهلت دادن به کافران حق ستیز و سپس هلاک ساختن آنها ، سنت الهی در طول تاریخ

فقد كذبت قبلهم .. فأمليت للكافرين ثم أخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۹

۹ - ارائه معجزه ای سترگ ، اعطای فرصتی از سوی خداوند به کافران برای گرایش به

و إذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم

ارائه معجزه به یک معنا اعطای فرصت به کافران است تا آن دسته ای که زمینه ایمان آوردن دارند، از این فرصت استفاده کرده و ایمان آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۹

۹ - مشرکان ، به رغم کفران نعمت های الهی ، از آن نعمت ها ، برخوردار می شوند و مهلت زندگی می یابند .

فتمتعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۵

۵ - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمتّعهم قليلاً ثم نضطرّهم

احتمال دارد <قليلًا> صفت برای مفعول به <نمتع> باشد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان، مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإما نرينك بعض الذي نعدهم أو نتوفينك فإلينا يرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۷۸

۷- مهلت دادن به کافران در دنیا، از سنت های الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

۸- سنت امهال ، مانع

از کیفر دنیوی کافران است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - سنت امهال به کافران ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۲

۲- انتقام اصلی خداوند از کفر پیشگان ، موکول به روز قیامت

یوم نبطش البطشه الکبری انا منتقمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۵

۱۵- مهلت خداوند به کافران ، ناشی از غفران و رحمت او است ؛ نه جهل و ناتوانی او .

فلا تملکون .. هو أعلم ... و هو الغفور الرحیم

تعبیر <و هو الغفور الرحیم> در پی تهدید کافران، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد. بدین معنا که خداوند، قادر است کافران را کیفر دهد؛ اما آن را به تأخیر انداخته، تا مگر بنده ای استغفار نموده و رو به سوی حق آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۹

۹ - مجازات الهی در حق کافران ، در پی مهلت ها و دارای زمان و برنامه ای خاص

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا .. فلا یستعجلون

تعبیر <فلايستعجلون> می رساند که خداوند در مجازات کافران عجله ندارد؛ بلکه براساس مصلحت به ایشان مهلت داده و طبق برنامه و زمانی خاص آن را به اجرا درمی آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵

۴ - سنت الهی ، بر عدم تعجیل ، در کیفر کافران

فذرهم حتّی یلقوا یومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۳ - ۶

۶ - کافران مهلت یافته در دنیا ، ناگزیر از چشیدن عذاب آتش ، در آخرت اند .

و لولا أن .. لعذبهم فی الدنيا و لهم فی الآخره عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مأمور صبر و شکیبایی در مدت مهلت یافتن کافران تکذیب گر و به تأخیر افتادن نصرت و پیروزی مسلمانان بر آنان

و أُملی لهم .. فاصبر لحکم ربّک

به گفته مفسران، آیه شریفه اشاره به مسأله مهلت یافتن مشرکان است که در آیه پیش ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۴،۵

۴ - خداوند در کیفر کافران ، شتاب نمیورزد و به آنان مهلت می دهد .

و أكید کیدًا . فمهلّ الكفرین

۵ - مهلت دادن به کافران ، نمونه ای از مکر خداوند با آنان است .

و أكید کیدًا . فمهلّ الكفرین

مهلت به کافران صدراسلام

۷ - مهلت خداوند به کافران و گمراهان عصر بعثت، مرتبط با عنایت ویژه او نسبت به پیامبر (ص) بود.

رَبِّكَ

اضافه شدن نام مقدس <ربِّكَ> به ضمیری که خطاب به پیامبر(ص) است، می تواند به نقش عنایت خداوند به پیامبر(ص) در تأخیر عذاب

و مهلت به کافران اشاره داشته باشد؛ چنان که در سوره ای دیگر فرموده است: <و ما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم>.

مهلت به کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، مأمور فرصت دادن به کافران عصر بعثت و پرهیز از نفرین و درخواست عذاب سریع برای آنان

فمهل الكافرين أمهلهم رويدا

<مهّل> و <أمهل> به یک معنا است؛ گرچه برخی گفته اند: <مهّل> فرمان به مهلت لحظه به لحظه و تدریجی است و <أمهل> فرمان به یک مهلت. تکرار فرمان با دو لفظ متفاوت به گونه ای که دو فرمان مستقل به نظر آید تأکید بیشتری به همراه دارد. کلمه <رویداً> ممکن است، تصغیر <رؤد> (مهلت دادن) باشد؛ یعنی، مهلت کوتاه و نیز می تواند اسم فعل و به معنای <أمهل> باشد که برای سومین بار فرمان مهلت را تکرار کرده است.

مهلت به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۶

۶- فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه، مبنی بر نزول ملائکه، مهلت دادن به آنان و جلو نینداختن اجلشان است.

ما تسبق من أمه أجلها .. ما ننزل الملائكة إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرين

مهلت دنیوی به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۷

۷- کافران، برخوردار از مهلت الهی در دنیا و نه در آخرت

ولا هم ينظرون

تذکر خداوند به کافران نسبت به نداشتن مهلت

در آخرت، اشعار به وجود مهلت برای آنان در دنیا دارد و در واقع آنان را تشویق به بهره گیری از این مهلت دنیوی می کند.

نابودی ثروت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۷ - ۳

۳ - ثروت و مکنت کافران تکذیب گر ، در معرض نابودی با عذاب الهی

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ

نابودی مال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۴،۵

۴ از دست دادن دارایی ها و بر جای ماندن حسرت و ندامت ، ثمره تلاش برای مبارزه با اسلام

ثم تكون عليهم حسره

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تكون عليهم حسره ثم يغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم يغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیاست.

ناپاکی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۸

۳۸ پافشاری در کفر ، مانع تعلق اراده الهی به پاک نمودن قلب کافران از آلودگی و ناپاکی

الذین يسرعون في الكفر .. أولئك الذين لم يرد الله ان يطهر قلوبهم

ناپایداری امکانات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۰

۲۰ - اندک و ناپایدار بودن

بهره‌وری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمّعت بکفرک قليلاً

ناپایداری سرور دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۳

۳ - شادی های دنیایی کافران ، شایسته دل بستگی نبوده و پایدار نخواهد ماند .

إنّه كان في أهله مسروراً

ناپسندی زندگی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۵

۵ زندگی در جوار کافران ، امری نامطلوب و هجرت از بلاد کفر ، امری پسندیده است .

و نجنا برحمتك من القوم الكافرين

ناپسندی نگرانی بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳ - ۴

۴ - نگرانی برای کافران ، پس از ابلاغ آیات روشن الهی به آنان موردی ندارد .

تلك آيات الكتب المبين . لعلك تبخ نفسك ألا يكونوا مؤمنين

ناخشنودی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۲۸

۲ - کفرپیشگان (یهود ، نصارا و مشرکان) ناخشنود از نزول کمترین خیر ، بر مسلمانان

ما یودّ الذین کفروا .. أن یتزل علیکم من خیر

نکره آوردن <خیر> به همراه <من> زایده در آیه، حکایت از آن دارد که: مشرکان کمترین خیری را برای مسلمانان نمی پسندیدند.

۸ - ناخشنودی کفرپیشگان از نایل شدن مؤمنان به خیر و برکت ، بازدارنده رحمت الهی بر اهل ایمان نخواهد شد .

ما یودّ الذین کفروا .. أن یتزل علیکم من خیر و اللّٰه یختص برحمته من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۷- لزوم یکتاپرستی و دوری از شرک در عبادت و نیایش ، در عین ناخوشایندی کافران و مشرکان از این عمل

فادعوا الله مخلصین له الدین و لو کره الکفرون

۸- کافران و مشرکان از عبادت خالصانه خداوند و یکتاپرستی ، ناخوشنود بوده و آن را بر نمی تابند .

فادعوا الله مخلصین له الدین و لو کره الکفرون

۹- ناخوشایندی کافران و دگرانديشان ، نباید مانع اظهار حق در اصول دین و موجب دست برداشتن از مواضع اصولی در نهضت توحیدی شود .

فادعوا الله مخلصین له الدین و لو کره الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- ناخشنودی کافران از پیام وحی ، باعث حبط اعمال آنان و گرفتار آمدنشان به نفرین الهی

فتعسأ لهم و أضلّ أعمالهم . ذلک بأنهم کرهوا ما أنزل الله

بنابراین که <ذالک> اشاره به <فتعسأ لهم و أضلّ أعمالهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۲- کافران ، هواپرستانی ، ناخشنود از پیام های خداوند

و الذین کفروا .. بأنهم کرهوا ما أنزل الله

تعبیر <کرهوا>، می رساند که کافران نه این که حقیقت دین را نفهمیده و انکار می کنند بلکه پس از فهم پیام دین، براساس تمایلات و گرایش های درونی، پذیرش پیام وحی بر آنان دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- کافران دوزخی ، از عرضه شدن نامه اعمالشان اظهار ناخوردگی می کنند .

فيقول يلىتنى لم أوت كتيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه

۱ - کافران دوزخی ، از آگاه شدنشان نسبت به حساب و محتوای پرونده اعمال خود اظهار ناخرسندی می کنند .

فیقول یلیتنی . . . و لم أدر ما حسابیه

ناخشنودی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۲

۲ حضور طیف خاصی از مؤمنان نزد پیامبر(ص)، برای برخی کافران ناخوشایند بود.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم

سبب نزول نقل شده در ذیل این آیه و نیز لحن آن، گواه چگونگی ترکیب یاران پیامبر(ص) و فقر آنان و نیز نداشتن موقعیت اقتصادی و شؤون اجتماعی است. و همین امر موجب اعتراض و واکنشهایی از سوی کافران ثروتمند و قدرتمند می گشته است.

نافرجامی تلاش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۴

۴ - تلاش های گسترده و به ظاهر چشمگیر کافران در طول زندگی ، امری عبث و نافرجام

فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتی یلقوا یومهم الذی یوعدون

آمدن تعبیر <یلعبوا> در پی <یخوضوا>، می رساند که ژرف کاوی مشرکان در زندگی دنیایی، در حقیقت فرو رفتن در عمق پوچی و بیهودگی است و دستاوردهای آنان هرچند به ظاهر چشمگیر باشد در حقیقت جز بازی چیزی نیست.

نافهمی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٩- از امام باقر (ع) درباره آیه فوق روایت شده : > مثل الذين كفروا في دعائك إياهم أى مثل الداعى لهم إلى الإيمان
كمثل الناعق فى دعائه

المنعوق به من البهائم التي لا تفهم و إنما تسمع الصوت فكما ان الأنعام لا يحصل لها من دعاء الراعي إلا السماع دون تفهم المعنى فكذلك الكفار لا يحصل لهم من دعائك إياهم إلى الإيمان إلا السماع دون تفهم المعنى ;

مثل تو ای رسول ما در دعوت این کافران، به سان چوپانی است که گوسفندان را فرا می خواند و آن گوسفندان نمی فهمند او چه می گوید و تنها صدایی می شنوند. پس همان طور که گوسفندان از فریاد چوپان غیر از صدا، معنایی نمی فهمند، کافران نیز از دعوت تو آنها را به ایمان غیر از شنیدن صدا هیچ معنایی نمی فهمند.

ناکامی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۸ - ۵

۵- کافران ، علی رغم به کار بردن شگرد ها و اتهام های مختلف برای جلوگیری از گسترش پیام پیامبر (ص) ، هرگز موفق به آن نشدند .

انظر كيف ضربوا لك الأمثال فضلوا فلا يستطيعون سبيلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <ناتوانی کافران از راه یابی> نیافتن چاره و راهی برای مسدود کردن پیام آن حضرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۷

۷ - یأس و ناامیدی کافران از دستیابی به اهداف و آرمان های خود

و الذين كفروا أعمالهم كسراب بقيعه يحسبه الظمآن ماء حتى إذا جاءه لم يجده شيئاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <يحسبه الظمآن..لم يجده شيئاً> مربوط به دنیا باشد؛ یعنی، در همین دنیا است که کافران همچون تشنگان، به نتیجه

اعمال خود و در پی نیل به اهداف خویش اندر ولی به آن دست نخواهند یافت.

ناکامی مبارزه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۷

۷ ترندهای کافران برای مبارزه با قرآن و پیامبر(ص)، بی ثمر و موجب هلاکت خود آن ها می شود.

و هم ینهون عنه و ینثون عنه و إن یهلکون إلا أنفسم

صدر آیه بیان مبارزه کافران با اسلام و قرآن است. لذا جمله <إن یهلکون> می تواند ناظر به این نکته باشد که سرانجام این مبارزه شکست و هلاکت خود آنان است، نه قرآن و اسلام.

نامه عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۸

۸- خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إِنَّمَا نَعَدُّ لَهُمْ عُدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۲،۴،۵

۲ - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمَّا من أوتی کتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه ۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

۴ - کافران دوزخی ، از عرضه شدن نامه اعمالشان اظهار ناخوردگی می کنند .

فیقول یلینتی لم أوت کتبه

۵ - ناراحتی و اندوه شدید کافران دوزخی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول یلیتنی لم أوت کتبه

جلد - نام سوره - سوره

۱ - کافران دوزخی ، از آگاه شدنشان نسبت به حساب و محتوای پرونده اعمال خود اظهار ناخرسندی می کنند .

فیقول یلینتی . . . و لم أدر ما حسابیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۵

۵ - نامه عمل کافر ، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود .

و أمّا من أوتی کتبه وراء ظهره . . . و یصلی سعیرًا . . . بل الذین کفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین کفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل باشند که با عنوان <من أوتی کتبه بيمينه> و <من أوتی کتبه وراء ظهره> از آنان یاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴

۴ - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحاب المشئمه

<سمت چپ و راست> در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است؛ بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند؛ در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین> و <اصحاب الیمینه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمه> نام گرفته اند.

نجات از توطئه کافران مکه

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ اعتماد و اطمینان پیامبر (ص) به نصرت الهی نسبت به او و فرد همراهش (ابوبکر) در خلاصی از توطئه کافران مکه

لا تحزن إن الله معنا

نجات از مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۴

۴ - رهایی پیامبران از فریب ها و وسوسه های کافران ، در پرتو تذکرات و رهنمود های خداوند است .

فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

نجات کافران از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۳

۳ گرفتار نشدن کفرپیشگان به عذاب الهی ، ستمی است از جانب خدا بر بندگان مؤمن

ذلک بما قدمت أیدیکم و أن الله لیس بظلم للعیید

برداشت فوق مبتنی بر این است که <أن الله... > عطف بر <ما قدمت> و بیانگر علتی دیگر برای گرفتار سازی کافران به عذاب حریق باشد. بر این اساس مفهوم آیه چنین می شود: اگر خدا کفرپیشگان را عذاب نکند ستم کرده است. و چون عذاب نکردن آنان ستمی به خود آنان محسوب نمی شود، باید گفت این ستم نسبت به بندگان مؤمن است.

نجات کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۳

۳ پیروان شرک و کفر برای رهایی از عذاب مضاعف هیچ مزیتی بر سران خویش ندارند.

فما كان لكم علينا من فضل

نجوای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

۲- خداوند ، از نجوا ها و سخنان سرّی کافران علیه پیامبر (ص) آگاه است \$.

نحن أعلم . . . و إذ هم نحوی

۳- کافران ، به منظور خنثی کردن سخنان پیامبر (ص) به نجوا و گفت و گوی سرّی می پرداختند .

نحن أعلم بما يستمعون به . . . و إذ هم نحوی إذ يقول

<إذ هم نحوی> و إذ يقول الظالمون < بدل > إذ يستمعون إليك < است . با توجه به این نکته، معنای آیه چنین می شود: ما آگاهترین هستیم به غرض کافران در گوش فرا دادن به سخنان پیامبر(ص) که تهمت زدن [سحرزدگی] به اوست و آگاه هستیم از نجوا و گفت و گوی آنان. چنین بیانی حکایت از آن دارد که غرض آنها از گوش دادن، تمهید و آماده شدن برای خنثی سازی سخنان پیامبر(ص) بوده است.

نزدیکی عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۲ - ۱،۶

۱ - مأموریت پیامبر (ص) برای ابلاغ تهدید خداوند به کافران ، مبنی بر نزدیک بودن عذاب دنیایی آنان

قل عسی أن یکون ردف لکم بعض الذی تستعجلون

تعبیر <ردف لکم> (در پی شما است) کنایه از قریب الوقوع بودن مجازات کافران می باشد. گفتنی است که <الذی تستعجلون> هم شامل عذاب دنیوی می شود و هم عذاب اخروی. بنابراین عبارت <بعض الذی> نشانگر عذاب دنیایی خواهد بود.

۶ - تهدید کافران به نزدیک بودن بخشی از عذاب دنیوی وعده داده شده به آنان

ردف لکم بعض الذی تستعجلون

مراد از <الذی تستعجلون> می تواند تنها عذاب دنیایی باشد. بنابراین <بعض الذی

تستعجلون > یعنی، بخشی از آن عذاب که خواستار شتاب آن هستید، در پی شما است.

نزدیکی کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ عذاب کیفر کافران و متخلفان از جنگ ، عذابی است قریب الوقوع و نه چندان دور .

سیصیب الذین کفروا منهم عذاب أليم

به کارگیری حرف <سین> به جای <سوف> می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

نزول عذاب بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۸ - ۲

۲ نزول عذاب بر کافران و مشرکان در اختیار پیامبر(ص) نیست.

قل لو أن عندی ما تستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۸

۸ - کافران ، در لحظه نزول حتمی عذاب استیصال ، اندک مهلتی نخواهند یافت .

یوم الفتح .. و لا هم ینظرون

بنابراین احتمال که مراد از <یوم الفتح>، روز نزول عذاب استیصال بر کافران باشد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

نشانه های اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۱،۲

۱ احزاب کفرپیشه و مستکبر دارای علامت و نشانهایی مخصوص به خود در قیامت

و نادى اصحاب الاعراف رجالا يعرفونهم بسيمهم

۲ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

يعرفونهم بسيمهم

نشانه های بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۱

۱ - درخواست نزول نامه سرگشاده از سوی خداوند

، در تأیید رسالت پیامبر (ص) و بر درستی قرآن، درخواستی نابجا و نشانه بهانه جویی کافران

بل یرید کلّ امریء منهم أن یوتی صحفًا منشّره .. کلاً إنّه تذکره

کلمه <کلاً>، تأکید مطلبی است که در آیه پیش (کلاً بل لایخافون..)) بیان شده است؛ یعنی، قرآن کریم تذکره است و اگر بنا بود که کافران به سبب آن متذکر شوند، نزول قرآن به همین صورت برای پندآموزی آنان کافی بود. پس درخواست کافران مبنی بر نامه اختصاصی از جانب خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

نشانه های بی تأثیری مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۵

۵ نابودی کفرپیشگان توطئه گر در طول تاریخ، نشانه بی اثر بودن مکر آنان در برابر برنامه های الهی است.

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها .. و قد مکر الذین من قبلهم فله المکر جمیعاً

نشانه های بی عقلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۶

۶ اطلاع کافران از عاقبت شوم کفرپیشگان گذشته و عبرت نگرفتن از آنان، مایه تعجب و شگفتی و نشانه بی خردی آنان است.

و یتعجلونک بالسیئه قبل الحسنه و قد خلت من قبلهم المثلث

آیه شریفه در مقام تعجب و بیان سخافت رأی و خرد کفرپیشگان است و جمله حالیه (و قد خلت ..) به منزله دلیل برای اثبات آن می باشد. از این رو باید آنان از گرفتار شدن امتهای کفرپیشه گذشته به عقوبتهای الهی مطلع باشند.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۰ - ۴

۴ - روی گردانی کافران از کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، ناشی از نابخردی و کوتاه فکری آنان بود .

فما لهم عن التذکره معرضین . کأنهم حمر مستنفره

نشانه های بی منطقی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - اعتماد کافران به استحکامات مادی و همبستگی های صوری و ناپایدار ، نشانه بی خردی آنان است .

لا یقتلونکم جمیعاً إلا فی قرّی محصّنه . . . ذلک بأنهم قوم لا یعقلون

نشانه های بی یآوری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۶

۶ - هلاکت جوامع کفرپیشه در گذشته تاریخ ، نشانی آشکار از بی یآوری کافران در قبال کیفر خداوند

دمّر الله علیهم . . . و أنّ الکفرین لا مولی لهم

از ارتباط <دمّر الله علیهم> .. با <مولی لهم> ، مطلب بالا استفاده می شود.

نشانه های بیماری قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - مخالفت برخی از کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، ناشی از بیمار دلی و غرضورزی آنان بود .

و ليقول الذين في قلوبهم مرض . . . ماذا أراد الله بهذا مثلاً

نشانه های جهل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۴

۴ - چشمداشت خیر و برکت از نمود های کیفر و عذاب الهی ، نشان جهل عمیق کافران *

و إن یروا کسفاً ..

يقولوا سبحانه مرکوم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <سحاب مرکوم>، اشاره به بُعد خیر آفرینی ابرها داشته باشد؛ یعنی، کورباطنی کافر به حدی است که پاره های عذاب را ابرهای رحمت می پندارد.

نشانه های ختم قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۶

۶- متهم کردن پیامبر (ص) به سحرشدگی، نمودی از مستوری قلب کافران و ناتوانی آنان از درک حقایق است.

و جعلنا فی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی آذانهم وقراً و .. إذ يقول الظلمون إن

نشانه های ذلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۶

۶- نابودی دیار کافران و هلاکت ایشان، نمودی از ذلت آنان و پوچی فرجامشان *

فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم .. دمّر الله عليهم

بدان احتمال که <دمّر الله عليهم> تفسیر و بیان نمودی از <تعساً لهم> باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

نشانه های زیانکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۹

۹- انجام تلاش های بی فرجام و دل خوش بودن به آنها، نشانی از زیانکاری عمیق کافران است.

الأخسرین أعملاً . الذین ضلّ سعیمهم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون أنّهم یحسنون صنع

جمله حالیه <و هم یحسبون ..> بیان علّت <أخسرین> بودن کافران است؛ زیرا، این گمان که انسان، آنچه را انجام داده، از نوع بهترین ها است، سبب می شود که هرگز به فکر جبران خسارت خویش بر نیاید.

نشانه های سفاهت کافران

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۰ - ۴

۴ - روی گردانی کافران از کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، ناشی از نابخردی و کوتاه فکری آنان بود .

فما لهم عن التذکره معرضین . کأنهم حمر مستنفره

نشانه های شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ پیروزی نوح (ع) و یارانش بر مخالفان ، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقوایبندگان مقاوم و صبور ، بر کفرپیشگان است .

تلک من أنباء الغیب . . . فاصبر إن العقبه للمتقین

نشانه های عجز کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۸ - ۴

۴ - فرجام فرعونیان و قوم ثمود ، نشانگر حاکمیت اراده خداوند و ناتوانی سپاه کفر از رویارویی با او است .

فَعَال لَمَا یَرِید . . . فرعون و ثمود

نشانه های کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۷

۷- روی گردانی از ولایت الهی و تمسک به ولایت غیر خدایی ، نمودی از کوردلی کافران است .

کانت أعینهم فی غطاء . . . أفحسب الذین کفروا أن یتخذوا

ارتباط محتوایی این آیه با آیات قبل ، خصوصاً با توجه به <فاء> در <أفحسب> چنین می نماید که برگزیدن اولیا از سوی

کافران، از نتایج کوری و کری و فقدان شناخت آنان است.

نشانه های کوردلی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۶

۶ - ناباوری کافران عصر بعثت

به عذاب الهی و به مسخره گرفتن آن ، نمودی از کوردلی ایشان

و لكن تعمی القلوب التی فی الصدور . و يستعجلونک بالعذاب

نشانه های گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۱

۱۱ - خودپسندی و زیبا دیدن رفتار زشت خویش ، جلوه گمراهی کافران

أفمن زین له سوء عمله .. فَإِنَّ اللَّهَ يَضِلُّ من یشاء و یهدی من یشاء

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <فإنَّ الله یضلُّ..> در مقام تعلیل برای <أفمن زین...> است؛ یعنی، از آن جایی که آنان رفتار زشت خود را زیبا می دیدند و به خود پسندی گرفتار آمدند؛ خداوند هر کسی را که بخواهد مانند این دسته گمراه خواهد ساخت.

نظارت بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۸

۸ - قرار داشتن کافران ، تحت نظارت و کنترل شدید از لحظه برانگیخته شدن تا هنگام محاکمه

فهم یوزعون . حتّی إذا جاء و قال أكذبتم

از ارتباط دو آیه و واژه <حتّی> که نمایانگر غایت است استفاده می شود که کنترل آنان، تا لحظه قرار گرفتن آنها در جایگاه محاکمه ادامه خواهد داشت.

نظارت بر کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۵ - ۱

۱ - مؤمنان ، در حالی کافران حاضر در صحنه قیامت را مسخره می کنند که خود بر تخت های تزیین یافته ، لمیده و ناظر کیفر

كافران اند .

على الأرائك ينظرون

<أريكه > (مفرد <أرائك >) به تخت تزین

یافته ای گفته می شود که در خیمه یا خانه ای نهاده شده باشد. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب اطلاق می شود (قاموس). متعلق <ینظرون> به قرینه آیات قبل و بعد وضعیت کافران است.

نعمت هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۴

۴ - نابودی ملت های کافر و ستم پیشه ، خود نعمتی الهی بر سایر انسان ها *

و أنه أهلك .. فبأيء آلاء ربك تتماری

در صورتی که <آلاء> نظر به هلاکت قوم عاد، ثمود و .. داشته و بر این امور عنوان <آلاء> منطبق شده باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

نعمتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۴

۱۴ - دعای حضرت ابراهیم (ع) (محرومیت کافران مکه از نعمت های الهی) ، مستجاب نشد .

قال و من كفر فأتته قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۳

۳ - نعمت های کافران در دنیا ، هر چند به ظاهر زیاد باشد ، ناچیز است .

و من كفر .. نمّتهم قليلاً

<قلیلاً> ممکن است نسبی بوده و در رابطه با مجموعه امکانات دنیا و نیز آخرت و همین طور زوال پذیر بودنش سنجیده شود. در این صورت، این معنا را می رساند که کافران، هر چند امکانات زیادی به دست آورند، ناچیز است.

نعمتهای کافران صدراسلام

آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۵

۵ - کافران ، پیامبر (ص) را به خاطر اظهار امکان بازآفرینی انسان ها در قیامت ، متهم به جنون می کردند .

و قال الذین کفروا هل ندلّکم علی رجل . . . أم به جنة

نفاق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۵،۲

۲ - کافران ، تکذیب قرآن را ابزار رسیدن به اهدافی ساخته بودند که آن را اظهار نمی کردند .

بل الذین کفروا یکذبون . و الله أعلم بما یوعون

از مصادیق <مایوعون>، نیت ها و مقاصدی است که کافران، تکذیب قرآن را وسیله رسیدن به آن مقاصد کرده بودند.

۵ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، ظاهری بوده و به دروغ بودن آن باور نداشتند .

و الله أعلم بما یوعون

تقابل این آیه با آیه قبل، بیانگر آن است که گرچه کافران به زبان قرآن را تکذیب می کردند ولی خداوند بهتر می داند که در درون آنان از تکذیب قرآن خبری نبود.

نفرت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۶

۶ - اظهار تنفر و انزجار شدید کافران ، از عاملان گمراهی خویش در قیامت

قال الذین کفروا . . . نجعلهما تحت أقدامنا

نفرین بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۱

۱- کافران ، مورد نفرین خداوند و گرفتار ذلّت و خواری

و الذین کفروا فتعسّٰ لهم

واژه <تعسّٰ> (به معنای لغزیدن و به رو در افتادن) نشانگر ذلّت و خواری است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۱

۱- ناخشنودی کافران از پیام وحی ، باعث حبط اعمال آنان و گرفتار آمدنشان به نفرین الهی

فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم . ذلک بأنهم کرهوا ما أنزل الله

بنابراین که <ذلک> اشاره به <فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و یاوه سرا ، مورد نفرین خداوند

قتل الخرزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۴، ۳، ۱

۱ - درخواست نوح (ع) از درگاه پروردگار مبنی بر نابودی تمامی کافران و مشرکان حق ناپذیر عصر خود و قطع نسل آنان

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

واژه <ديار>، همواره پس از نفی قرار می گیرد و شامل همه انسان ها می شود.

۳ - کافران و بت پرستان حق ناپذیر ، مستحق نفرین و نابودی اند .

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ - مؤمنان نمی توانند در برابر جامعه خویش بی تفاوت باشند ؛ بلکه باید برای دوستان و همکیشان خود ، خیرخواه و نسبت به کافران و دشمنان اصلاح ناپذیر ، آرزوی

نابودی کنند .

رَبِّ اغْفِرْ لِي... و للمؤمنين و المؤمنات و لا تزد الظالمين إلا تبارًا

برداشت یاد شده، از دعای خیر نوح(ع) برای مؤمنان و نفرین علیه کافران و دشمنان دعوتش، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۱

۱ - کافران ، مورد غضب و نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او هستند .

قتل الإنسان ما أکفره

فعل ماضی (قتل الإنسان) برای نفرین بکار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است؛ زیرا معنای حقیقی نفرین، درباره او قابل تصور نیست. <ال> در <الإنسان> به قرینه <فلینظر الإنسان...> در آیات بعد برای ماهیت است و جمله <ما أکفره> نشان می دهد که در نفرین <قتل الإنسان>، تنها کافران مد نظر می باشند.

نقش استحکامات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۵

۵ - اهل کفر و نفاق ، تنها متکی بر موانع و استحکامات فیزیکی و مادی در جنگ و نبرد

لا یقتلونکم جمیعًا إلا فی قَرْیٍ محصّنه أو من وراء جدر

در صورتی که فاعل در <لا یقتلونکم..> کافران و منافقان باشند، به دست می آید که اهل کفر و نفاق، هیچ انگیزه معنوی برای حرکت های خود ندارند و تنها اطمینان از استحکامات مادی است که به آنان جرئت مبارزه می دهد.

نقش ثروت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۲

۲ - در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران حق ناپذیر ، نمی تواند مجوز عدول مبلغان و

رهبران جامعه اسلامی از مواضع عقیدتی خویش و سازش و مسامحه با آنان باشد .

و لاتطع .. أن كان ذا مال و بنين

تردید نیست که اجابت خواسته های کافران و یا سازش با آنان از سوی رهبران جامعه اسلامی، به جهت طمع شخصی نیست؛ بلکه برای در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران و صرف آنها در جهت مصالح و منافع مسلمین است؛ ولی چون این کار به قیمت عدول از مواضع اعتقادی و یا سازش با کافران است، جایز نمی باشد.

نقش فرزندان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۸ - ۱۱

۱۱- مال و اولاد کافران نیز ، عطای الهی است .

أم اتَّخِذْ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۰ - ۴

۴- امکانات مادی و مال و فرزند کافران ، آنان را از فقر و تنهایی در قیامت نجات نمی دهد .

و نرثه ما یقول و یأتینا فردًا

نقش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۳

۳ - کیفر کافران و نوع ، زمان و مقدار آن در اختیار خداوند است؛ نه به اقتراح کافران .

فأسقط علينا كسفاً .. قال ربی أعلم بما تعملون

تعبیر <ربی أعلم..> در پاسخ درخواست کافران، در بر دارنده این معناست که چون خداوند از هر کس به اعمال بندگان داناتر است؛ پس تنها او است که نوع، زمان و مقدار کیفر آنان را تعیین می کند.

۹ - کافران و دنیاطلبان ، از حزب شیطان اند .

فَلَا تَغْرَبْنَكُمْ الْحَيَوهَ الدُّنْيَا .. إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ ... إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ

برداشت یاد شده به این خاطر است که آیه پیش، از فریفته شدن به دنیا بر حذر داشته و آیه مورد بحث فریفته شدگان به دنیا را حزب شیطان خوانده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۴

۴ - آخرت پر شرر کافران ، دستاورد خود ایشان است .

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا .. فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمْ

از انتساب <یوم> به ضمیری که به کافران بازمی گردد، مطلب بالا استفاده می شود.

نقش کافران قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۸

۸ - نگرانی و احساس خطر نوح (ع) ، درباره به خطر افتادن ایمان مؤمنان و نسل های آینده جامعه ، از سوی کافران حق ناپذیر و گمراه گر قوم خود

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

نقش کثرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۲

۲ - در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران حق ناپذیر ، نمی تواند مجوز عدول مبلغان و رهبران جامعه اسلامی از مواضع عقیدتی خویش و سازش و مسامحه با آنان باشد .

و لاتطع .. أن كان ذا مال و بنين

ترديدى نيست كه اجابت خواسته هاى كافران و يا سازش با آنان از سوى رهبران جامعه اسلامى، به جهت طمع شخصى نيست؛

بلکه برای در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران و صرف آنها در جهت مصالح و منافع مسلمین است، ولی چون این کار به قیمت عدول از مواضع اعتقادی و یا سازش با کافران است، جایز نمی باشد.

نقش مخالفت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۳

۳ - مخالفت های کافران با پیام وحی و تأخیر کیفر دنیایی آنان، نبایستی پیامبر (ص) و مؤمنان را در تبلیغ دین سست گرداند.

فَإِذَا نَدَّهَبْنَ .. فَاسْتَمْسَكَ بِالذِّئْبِ آوْحَى إِلَيْكَ

از تفریع این آیه بر آیات پیشین که مسأله اعراض کافران از وحی و کیفر آنان را مطرح کرده بود مطلب یاد شده استفاده می شود.

نگاه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۱

۱ - نگاه کافران به پیامبر (ص)، نگاهی خشم آلود و کینه توزانه بود.

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ

<زَلَقَ> (مرادف <ذلل>) به معنای لغزیدن و سقوط کردن است و عبارت <لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ> کنایه از این است که کافران، با نگاه خشم گینانه و کینه توزانه، به پیامبر(ص) می نگرستند؛ مانند آن که گفته می شود: فلان کس آن چنان به من نگاه می کند، که گویا می خواهد مرا با نگاهش بخورد و یا بکشد؛ یعنی، اگر برای او ممکن باشد که با نگاهش مرا بخورد و یا بکشد، چنین خواهد کرد.

نگرانی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۳

کافران پس از مرگ ، به حقایقی دست می یابند و از اعمال گذشته خود نگران می شوند .

الكفرین . الذین تتوفهم الملائکه ظالمی أنفسهم ... ما كنا نعمل من سوء

از اینکه کافران پس از مرگ، بی آنکه حرفی زده شود، به دفاع از خود می پردازند و منکر کارهای زشت خود می شوند، به دست می آید که آنان به چیزهایی از جمله به وضعیت بد خود و اینکه کردارشان باعث گرفتار شدن آنان به عذاب می شود، دست می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۱

۱ - آثار ذلت و نگرانی ، نمایان در چشم کافران ، به هنگام خروج از قبر ها در رستاخیز

خَشَعًا أَبْصَرَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۱ - ۱

۱ - در عرصه قیامت ، هیچ راه فرار از نگرانی ها و سختی ها ، برای کافران وجود ندارد .

يقول الإنسن يومئذ أين المفرّ . كلاً

نگرانی از فرجام شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ نوح (ع) ، پیامبری دلسوز برای مردم و نگران آینده ای ناگوار برای مشرکان و کافران قوم خویش بود .

إني أخاف عليكم

نگرانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۹

۳۹- کافران ، آرزومند ضعف و وابستگی امت اسلامی و نگران از قدرت و استقلال آنان

كززع أخرج... ليغيظ بهم الكفار

نوح(ع) و نجات کافران

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، نوح (ع) را از سوار کردن کفرپیشگان خانواده اش بر کشتی نجات ، منع کرد .

احمل فیها . .. أهلك إلا من سبق عليه القول

نهی از دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۸

۸ - نهی خداوند از دوستی اهل ایمان با کافران که باعث خروج ناخواسته پیامبر (ص) و مؤمنان از سرزمینشان (مکه) شده بودند .

لا تتخذوا . .. یخرجون الرسول و ایاکم أن تؤمنوا بالله

نهی از شفاعت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ خداوند ، نوح (ع) را از شفاعت درباره کفرپیشگان و درخواست رهایی آنان از عذاب ، برحذر داشت .

و لاتخطبني في الذين ظلموا إنهم مغرقون

مراد از <لاتخطبني...> (درباره ستمگران با من سخن مگو) به دلیل جمله بعد (زیرا غرق شدن برای آنان حتمی است) درخواست برطرف شدن عذاب و نجات از طوفان آب است.

نیات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۹

۱۹ - هشدار خداوند به کافران ، درباره نیات ناشایست آنان در انتخاب و پافشاری بر کفر

قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا .. إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

<علیم بذات الصدور> در حقیقت، می تواند هشداری باشد به آنان که حقایقی را در درون دل خود مخفی می دارند، ولی در ظاهر، با تعابیری

مانند <تَّبِعْ مَا وَجَدْنَا..> آن را توجیه می کنند.

ورود کافران به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱

۱ خداوند در روز قیامت کافران را فرمان می دهد تا در آتش در آیند و به جمع دوزخیان پیوندند.

قال ادخلوا فی أمم .. فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۱،۲،۳

۱- فرمان خداوند به کافران ، برای وارد شدن به جهنم پس از مرگ آنان

الكفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ... فادخلوا أبواب جهنم

<فا> در <فادخلوا> عاطفه است و مسبب را بر سبب (توفی) عطف داده است.

۲- آگاهی خداوند از اعمال زشت کافران ، عامل فرمان او به آنها برای ورود به جهنم

الكفرین .. إن الله علیم بما كنتم تعملون. فادخلوا أبواب جهنم

<فا> در <فادخلوا> عاطفه است و مسبب را بر سبب (علم خدا) عطف کرده است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: حال

که خداوند چنین آگاهی از کردار شما دارد، پس وارد جهنم شوید.

۳- کافران ، از در های مختلفی وارد جهنم می شوند .

الكفرین .. فادخلوا أبواب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۱

۱ - فرمان تحقیر آمیز خداوند در قیامت به مجرمان و کافران برای رفتن به دوزخ

هذه جهنم .. اصلوها اليوم

امر <اصلوها> برای تحقیر و اهانت است.

ورود کافران به مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۱۶، ۱۵، ۱۴

۱۴ - کفرپیشگان ، حق حضور در مساجد

را ندارند .

أولئك ما كان لهم أن يدخلوها

۱۵ - کفرپیشگان ، در صورت حضور در مساجد ، مجرم اند و باید به دست مسلمانان عقوبت شوند .

أولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفين

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <إلا خائفين> استثنا از عدم ورود به مساجد باشد، نه از عدم جواز ورود. بر این مبنا، جمله <ما كان لهم...> بیانگر این معناست که: کافران حق ندارند به مساجد وارد شوند و در صورت تخلف، باید عقوبت شوند؛ زیرا ترس کافران از ورود به مساجد، در صورتی است که بدانند ورودشان در پی دارنده مجازات است.

۱۶ - کفرپیشگانی که در سیطره حکومت اسلامی به سر می برند ، حق ورود به مساجد دارند .

أولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفين

برداشت فوق، بر این اساس است که <إلا خائفين> استثنا از عدم جواز ورود باشد؛ یعنی، کافران نباید داخل مسجد شوند، مگر آن گاه که از مسلمانان هراسان باشند و در آن صورت ورودشان به مساجد جایز است. این معنا شامل کفرپیشگانی می شود که در سیطره حکومت اسلامی به سر می برند.

وسوسه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۱

۱- کافران ، گرفتار در دام تحریکات و وسوسه های شیاطین

أرسلنا الشيطان على الكافرين تَوَزَّهُم

<أز> به معنای تهییج و برانگیختن است و <تَوَزَّهُم> یعنی، شیاطین، کافران را به سوی گمراهی و انحراف بیشتر سوق داده و تحریک می کنند.

وعده به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۲،۳

وعدۀ الهی به مجرمان و کافران است .

هذه جهنم الّتی کنتم توعدون

۳ - به دوزخ رفتن کافران و مجرمان ، وعدۀ ای که پیوسته به آنان در دنیا ابلاغ شده است .

هذه جهنم الّتی کنتم توعدون

آمدن فعل مضارع به ویژه با فعل <کنتم> نشانگر استمرار و پیوستگی این وعدۀ الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۴

۴ - عذاب اخروی و شکست دنیوی ، وعدۀ الهی به کافران حق ناپذیر

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصراً و أقلّ عدداً

وعدۀ خدا به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۵ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، نسبت به دور و نزدیک بودن تحقق وعدۀ های الهی به کافران آگاه نبود .

قل إن أدری أقریب ما توعدون أم یجعل له ربّی أمداً

<أمداً> در اصل به معنای غایب و منتهای شیء است و در این آیه مقصود از آن به قرینه <قریب> مدت طولانی است.

وعدۀ شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۴

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت

بشر در زمین ، وعدۀ اکید خداوند

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت ليستخلفنهم فى الأرض

وعدہ شکست کافران مکہ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران

مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوریکم آیتی . . . و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

وعده عذاب به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنم .. مثل الذین کفروا بریهم أعملهم کرماذ اشتدت به الريح ... ألم

وعده عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۵

۵ - آینه بشر ، شاهد نزول عذاب قهر الهی بر کافران

و إذا وقع القول علیهم

مفسران، کلمه <القول> را کنایه از عذاب گرفته اند.

وعده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب .. و إنهم لکذبون

وعده کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلای خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

وعده مقابله به

مثل به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده خداوند بر مقابله به مثل با مکر کافران ، کافی برای شتاب نورزیدن پیامبر (ص) در مورد درخواست کیفر برای آنان

و أكید كیدًا . فمهل

برداشت یاد شده، از حرف <فاء> در <فمهل> استفاده شده است؛ یعنی، حال که از مکر خداوند درباره کافران آگاه شدی، با خاطری آسوده به کافران فرصت ده؛ زیرا آنان هر چند در هر فرصت به مکر خود ادامه دهند، ولی مکر آنان مقهور مکر خداوند است.

وعده هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۳

۳ - خداوند ، شکست و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و جایگزین آنان شدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وعده هلاکت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوریکم ءایتی . . . و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

وعید به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ عذاب های وعده داده شده به کفرپیشگان ، قانونمند و دارای حساب و کتاب تعیین شده و مشخص

و عنده أم الكتب . . و علينا الحساب

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم
یوم نقول لجهنم ... و أزلفت الجنة للمتقين ... هذا ما توعدون
وقت انتقام از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۲

۲- انتقام اصلی خداوند از کفر پیشگان ، موکول به روز قیامت
یوم نبطش البطشه الكبرى إنا منتقمون
وقت ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند به خاطر عدم گرایش به ایمان ، مگر با فرارسیدن قیامت
فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم
وقت شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتی اذا اوا ما یوعدون .. اقرب ما توعدون ... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است ؛ یعنی ، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو)

است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

وقت شکست کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام،

فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لكم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

وقت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۲، ۱۳

۱۲- پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

<إن> در <إن أدری> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۵، ۱۰

۵ - عذاب های تعیین شده از سوی خداوند برای کافران ، دارای اجل و وقت معینی است .

و لولا أجل مسمی لجاؤهم العذاب

۱۰ - عذاب کافران در موعد مقرر ، به صورت ناگهانی ، آنان را فراخواهد گرفت .

و لیأتینهم بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - کافران ، اگر به خاطر اجل تعیین شده در دنیا ، گرفتار عذاب نشوند ، عذاب اخروی شان قطعی است .

و يستعجلونك بالعذاب و لولا أجل مسمى لجاهم العذاب . . . يستعجلونك بالعذاب و إنَّ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتی اذا اوا ما یوعدون .. اقرب ما توعدون ... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است ؛ یعنی ، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است . تعریف مسند و مسندالیه ، مفید قصر می باشد ؛ یعنی ، تنها خداوند عالم به امور غیبی است . گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت ، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۳

۳ - امکان آگاهی رسولان الهی از زمان برپایی قیامت و نزول عذاب بر کافران ، به وسیله وحی و الهام خداوند

قل إن أدری أقرب ما توعدون .. إلا من ارتضى من رسول

ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۱۹، ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۹، ۱۸

۱ با اعتقاد به قدرت مطلقه الهی ، مجالی برای پذیرش ولایت کافران از سوی مؤمنان نمی باشد .

قل اللهم مالك الملك .. لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گویا آیه مورد بحث ، نتیجه اعتقاد به مضمون آیه <قل اللهم .. > است .

۸ کسی که ولایت کافران را بپذیرد ، خداوند او را به خود وامی گذارد .

و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

۹ متضاد بودن پذیرش ولایت خداوند با پذیرش ولایت کفار

من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

۱۱ حاکمیت و سرپرستی کافران بر امور مؤمنان ، زمینه انحطاط و بی ارزشی مؤمنان در پیشگاه خدا

لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء .. و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

خروج از ولایت خدا، مستلزم انحطاط است.

۱۳ پذیرش سرپرستی کافران ، جز در اضطرار و تقیه ، جایز نیست .

لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء .. الا ان تتقوا منهم تقية

بنابراینکه ولایت به معنای سرپرستی باشد.

۱۵ تحذیر و هشدار مؤکد خداوند ، نسبت به مؤمنانی که پذیرای ولایت و سرپرستی کافران شده اند .

لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء .. و يحذركم الله نفسه و الى الله المصير

۱۶ ترس از خداوند ، موجب پرهیز از پذیرش ولایت کافران

لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء .. و يحذركم الله نفسه

۱۹ توجه انسان به بازگشت به خدا و اعتقاد به آن ، عامل مقاومت در برابر ولایت کافران

لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء .. و الى الله المصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۹ - ۱۳، ۶

۶ روابط پنهانی با کافران و برگزیدن ولایت آنان ، از حیطة علم الهی خارج نیست .

لا يتخذ المؤمنون الكافرين .. قل ان تخفوا ما في صدوركم ... يعلمه الله

۱۳ تهدید خداوند نسبت به کسانی که ولایت کافران را بدون تقیه بپذیرند .

لا يتخذ .. قل ان تخفوا ... يعلمه الله ... و الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ اطاعت از کفرپیشگان ، نشانه پذیرش ولایت و سرپرستی آنان

ان تطيعوا الذین کفروا .. بل الله مولیکم

کلمه <بل> برای اضراب و نفی ولایت غیر خداوند است و چون در آیه قبل سخن از ولایت و پذیرش آن نیامده که با <بل> آن را نفی کند، معلوم می شود که همان اطاعت از کافران، در حقیقت پذیرش ولایت آنان است.

۳ ناشایستگی کافران برای ولایت و سرپرستی و یاری جامعه ایمانی

ان تطيعوا الذین کفروا .. بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

۴ ضرورت پرهیز جامعه ایمانی از پذیرش ولایت کفرپیشگان و یاری جویی از آنان

ان تطيعوا الذین کفروا .. بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

از جمله <بل الله مولیکم>، انحصار ولایت به خداوند استفاده می شود و مفهوم آن برحذر داشتن مسلمانان از پذیرش ولایت غیر خداوند است که از مصادیق مورد نظر به قرینه آیه قبل، ولایت و سرپرستی کافران است.

۷ پذیرش ولایت الهی و عقیده به خدا به عنوان بهترین یاور ، مانع اطاعت از کافران و پذیرش ولایت آنان

ان تطيعوا الذین کفروا .. بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

چون معمولاً اطاعت آدمی از کسی برای جلب یاری اوست، قرآن با بیان اینکه خداوند تنها سرپرست و بهترین یاور است به مؤمنان می فهماند که با یاری خداوند هیچ نیازی به یاری کافران نخواهید داشت تا مجبور شوید از آنان تبعیت کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۴،۷

۴ عدم جواز پذیرش ولایت و سرپرستی کفار

الذین يتخذون الکفرین أولیاء من دون المؤمنین

در برداشت فوق،

<ولئِ>، به معنای سرپرست گرفته شده است.

۷ دستیابی به عزت و شکوه، هدف منافقان در پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان

الذین يتخذون الكافرين اولياء .. أيتغون عندهم العزّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۳

۳ گروهی از مسلمانان صدر اسلام، پذیرای دوستی و ولایت کفار، در عین نهي خداوند حتی از همنشینی با آنها

الذین يتخذون الكافرين اولياء .. یکفر بها و يستهزأ بها فلاتتعدوا معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۲،۳،۸،۹

۲ کافران، فاقد صلاحیت سرپرستی و حق ولایت بر مؤمنان

يا أيها الذين ءامنوا لاتتخذوا الكافرين اولياء

۳ ایمان به خداوند، ناسازگار با پذیرش دوستی و سرپرستی کافران

يا أيها الذين ءامنوا لاتتخذوا الكافرين اولياء من دون المؤمنين

۸ مؤمنان با پذیرش ولایت کافران، حجت روشن خداوند را علیه خویش فراهم می کنند.

يا أيها الذين ءامنوا لاتتخذوا .. أتریدون أن تجعلوا الله عليكم سلطاناً مبیناً

۹ هشدار و تهدید خداوند به پذیرندگان ولایت کافران و دوستی آنان

لاتتخذوا الكافرين اولياء .. أتریدون أن تجعلوا الله عليكم سلطاناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان، نصارا و دیگر کافران

و من يتولهم منكم فانه منهم .. انما وليكم الله و رسوله و الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - مائده - ٥ - ٨٠ - ٥

٥ حرمت دوستى

با کافران و پذیرش ولایت آنان

تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا لبئس ما قدمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۵

۵ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و کتب آسمانی راه رسیدن به استقلال و رهایی از یوغ بندگی کافران

و لو كانوا يؤمنون .. ما اتخذوهم أولياء

برداشت فوق بر این مبناست که ولی به معنای سرپرست باشد.

ویژگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۵

۵ تقویت طاغوت ، از ویژگی های کافران

و الذين كفروا يقاتلون في سبيل الطاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۱۳

۱۳ رضایت از عملکرد خویش، از ویژگیهای کافران است.

كذلك زين للكافرين ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱

۱ تبدیل دین خدا به مجموعه ای از امور واهی و بازدارنده از سعادت و کمال ، ویژگی کفرپیشگان

حرمهما علی الکفرین. الذين اتخذوا دينهم لهواً و لعباً

الف: مراد از <دینهم> دین الهی است و اضافه آن به مردم اشاره به این حقیقت دارد که منفعت برنامه های دینی و قوانین شریعت های الهی به خود انسانها می رسد. ب: <اتخذوا> از افعال تصییر است. یعنی: بدلوا دین الله لهوا و لعبا. و تبدیل دین خدا به لهو و لعب به این است که پیرایه هایی را بر دین ببندند تا دین مجموعه ای از لهو و لعب جلوه کند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۶

۶ کفرپیشگان به خاطر تفکر نکردن در جنبه ملکوتی موجودات برای پی بردن به معارف الهی (توحید، قیامت و...) سزاوار سرزنش هستند.

أو لم ينظروا في ملكوت السموت و الأرض و ما خلق الله من شيء

استفهام در جمله <أو لم ينظروا...> انکار توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۲،۳

۲- کافران، همواره درصدد جلوگیری از راه خدا و در پی ممانعت از گسترش تعالیم الهی هستند.

للكفرين... الذين... و يصدون عن سبيل الله

۳- کافران، همواره در پی کج جلوه دادن راه و تعالیم الهی هستند.

للكفرين... الذين... و يصدون عن سبيل الله و يبغونها عوجًا

ویژگیهای استهزاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۰ - ۱

۱ - گناه پیشگان کافر، با چشمک زدن و اشاره به یکدیگر، هنگام عبور بر مؤمنان نیکوکار، به عیب جویی از آنان می پردازند.

و إذا مرّوا بهم يتغامزون

<غمز> یعنی، عیب جویی از دیگران با پلک زدن و اشاره دست (مفردات راغب). ضمیر <مرّوا> به مجرمان برمی گردد. برخی احتمال داده اند که ضمیر به مؤمنان برگردد و مراد این باشد که هنگام عبور مؤمنان بر کافران، آنان با چشمک زدن و علامت دادن به یکدیگر به عیب جویی از مؤمنان می پردازند.

ویژگیهای بحث کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج -

۱ - کافران حق ستیز در قیامت ، از گور های خود با سرعت بیرون آمده ، به نقطه ای مشخص خواهند رفت .

یوم یخرجون من الأجداث سراعاً كأنهم إلی نصب یوفضون

<أجداث> (جمع <جدث>) به معنای قبرها است.

ویژگیهای حشر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۲

۲ کافران مخالف قرآن و پیامبر (ص) در قیامت ، در اوج ذلت و خواری محشور خواهند شد .

الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنم

محشور شدن کافران، در حالی که به رو افتاده و به سوی جهنم سوق داده می شوند، حاکی از برخورد تحقیرآمیز با آنان است.

ویژگیهای قبض روح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۶

۶- [فی المجمع] فی قوله تعالی < و الناشطات نشطاً > إِنَّهَا الْمَلَائِكَةُ تَنْشِطُ أَرْوَاحَ الْكُفَّارِ بَيْنَ الْجِلْدِ وَالْأَظْفَارِ حَتَّى تَخْرُجَ
ها من أجوافهم بالكرب و الغم عن علی (علیه السلام) ;

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <الناشطات نشطاً> از امام علی (ع) نقل شده است: <ناشطات> فرشتگانی اند که جان های کافران را (از سایر اعضا) در میان پوست و ناخن هایشان جمع می کنند تا همراه با سختی و غصه از درون شان بیرون آوردند.

ویژگیهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - مَثَل كَفَرِيْشِغَان ، مَثَل حِيَوَانِي اِسْت كِه اَز دَرَك شَنِيدِه هَا نَاتَوَان اِسْت .

و مَثَل الَّذِيْنَ كَفَرُوْا كَمَثَل الَّذِيْ يَنْعَقُ

<نعق> (مصدر ينعق) به معنای: نهیب چوپان بر گوسفندان و امر و نهی اوست و مراد از <ما لا يسمع> گوسفند و مانند آن می باشد. به گفته مفسران در آیه شریفه، کافران لجوج به گوسفندان و دعوت کنندگان به معارف دین به چوپان تشبیه شده اند. بر این مبنا بخشی از مشبه ذکر نشده و تقدیر کلام چنین است: مثل الذين كفروا و الذي يدعوهم الى الأيمان كمثل الذي ...

۲ - کفرپیشگان از دعوت پیامبران جز فریاد و سر و صدا، چیز دیگری در نمی یابند .

و مثل الذين كفروا كمثل الذي ينعق بما لا يسمع إلا دعاء و نداءً

بر اساس توضیح برداشت قبل، معنای جمله <مثل الذين كفروا... إلا دعاء و نداءً> چنین می شود: مَثَل کافران در ارتباط با دعوت کنندگان به ایمان مَثَل گوسفندان و چوپان آنهاست؛ همان گونه که گوسفندان از سخن و امر و نهی چوپان چیزی جز فریاد نمی فهمند، کافران نیز از دعوت پیامبران حقیقتی را درک نمی کنند.

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی، حق گویی و حق بینی، ناتوانند .

و مثل الذين كفروا... صم بكم عمی

<صم> و <بكم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبكم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <كفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل الله> باشد، یعنی: مثل الذين كفروا بما أنزل الله.

۴ - ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن، محروم کرده است .

صم بكم عمی فهم لا يعقلون

مفعول <لا يعقلون> معارف

الهی و حقایق قرآن (ما أنزل الله) است.

۶ - کفرپیشگان بر اثر ترک پرسش و جستجو از حقایق و معارف دین ، از درک آنها ناتوان و محرومند .

بکم .. فهم لایعقلون

تفریع جمله <فهم لایعقلون> بر لال بودن کفرپیشگان می تواند اشاره به این باشد که: از ابزار شناخت حقیقت، جستجوی آن با پرسش و تحقیق است و کفرپیشگان از این ابزار محرومند؛ یعنی، در پی یافتن حقیقت نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۹

۹ کفرپیشگان ، عذاب های موعود از ناحیه پیامبران را همواره به استهزا و تمسخر می گیرند .

و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ تنها کفرپیشگان به یاری خدا امید ندارند و از رحمت او مأیوسند .

لایائس من روح الله إلا القوم الکفرون

مراد از <کافرون> در آیه شریفه ، منکران قدرت خدا و رحمت آفرینی او و آگاهیش به نیاز بندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۵ - ۳

۳ کفرپیشگان ، در آیات و نشانه های توحید تأمل نمی کنند و دلالت آنها را بر توحید در نمی یابند .

یمرون علیها و هم عنها معرضون

<اعراض> (مصدر معرضون) به معنای روی گرداندن است و روی گرداندن از نشانه های توحید به معنای تأمل نکردن در آنها و درک نکردن دلالتشان بر یکتایی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱

۱- کافران ، کسانى

اند که با کفر خود، به خویش ستم می کنند .

الكفرین . الذین تتوفهم الملئکه ظالمی أنفسهم

<الذین> صفت <الکافرین> و <ظالمی> حال برای آن است. مراد از <ظالمی أنفسهم> به قرینه لفظ <الکافرین> ظلم کنندگان به خود با انتخاب کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱- بارزترین ویژگی کافران، محجوب بودن آنان از دیدن و درک آیات الهی است .

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکرى

مراد از دیدن ذکر خدا، مشاهده و درک آیات و نشانه هایی است که مایه یاد خداوند هستند (گفتن مسبب و اراده سبب) و مفاد آیه، این است که مشاهده آیات خداوند، کافران را به یاد او نمی افکند، گویا پوششی بر چشم های آنان است که دیدن آن آیات، بر ایشان مقدور نیست.

۲- محجوب بودن دل از یاد خدا، از بارزترین خصلت های کافران است .

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۰ - ۷

۷- بی مبالاتی در سوگند یاد کردن و فرومایگی، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبر اسلام (ص)

فلاتطع المكذبین .. حلاف مهین

صفت <حلاف مهین> و دیگر اوصافی که در آیات بعد ذکر می شود، مربوط به کافرانی است که رسالت پیامبر اسلام(ص) را تکذیب می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۷

۷- عیب جویی و سخن چینی ، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبر اسلام (ص)

فلاتطع المكذبین

... همّاز مَشَاء بنمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - تجاوزگری ، گناه پیشگی و مانع خیر شدن ، از خصوصیات کافران تکذیب کننده رسالت پیامبراسلام (ص)

و لاتطع المکذّبین .. مَناع للخیر معتد اَئیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۴

۴ - پوچی و بی هدفی در زندگی ، از ویژگی های کافران

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

ویژگیهای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۳

۳ - کافران تکذیب گر ، در صدراسلام از قشر ثروتمند و پرفرزند و نفرات بودند .

أَن کَانَ ذَا مَالٍ وَ بَنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۱

۱ - کافرانِ مخالف پیامبر (ص) در صدراسلام ، مردمی پندناپذیر و لجوج بودند .

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ

هدایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ پیامبر (ص)، نگران رویگردانی کافران، از تسلیم در برابر خدا (هدایت)

و ان تولّوا فانّما علیک البلاغ

از منحصر کردن وظیفه پیامبر (ص) به تبلیغ پیام الهی چنین برمی آید که گویا پیامبر (ص) علاوه بر ابلاغ پیام، خود را موظف می دانست که مردم را در برابر خداوند، تسلیم کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۱۱

۱۱- دلسوزی شدید

و خودخوری پیامبر (ص) برای هدایت کافران و مشرکان

لا تَمَدَّنْ عَيْنَيْكَ ... و لاتحزن عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۵

۵- هم نشینی و مصاحبت با کافران به منظور بحث ارشادی و هدایت آنان ، بلامانع است .

قال له صاحبه وهو يحاوره أكفرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۹ - ۶

۶- محبت پروردگار به هدایت آدمیان ، حتی کافران

لو يعلم الذين كفروا ... و لا هم ينصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <لو> برای تمنی باشد و جواب <لو> به قرینه آیه قبل (و يقولون متى هذا الوعد) <فلا يقولون متى هذا الوعد> خواهد بود یعنی، ای کاش می دانستند که زمان عذاب و کیفیت آن چگونه است که در این صورت هرگز نمی گفتند چرا عذاب الهی نمی آید. گفتنی است که در هر آرزویی، علاقه مندی نهفته است و آرزوی خداوند به دانستن کافران، برای هدایت آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۳

۳ - پیامبر (ص) در هدایت کافران ، بسیار جدی بود .

و ما أنت بهد العمى عن ضللتهم

جمله اسمی <ما أنت بهد العمى> (کار تو، هدایت کافران حق ناپذیر نیست) حاکی از این است که پیامبر(ص) برای هدایت کافران، تلاش فراوانی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۴

۱۴ - پیامبر (ص) به هدایت کافران ، علاقه مند بود

و من كفر فلا يحزنك كفره إلینا مرجعهم

فراز <إلینا مرجعهم> پس از توصیه پیامبر(ص) به اجتناب از اندوه به خاطر كفر کافران، برای تسلی دادن به آن حضرت است. چنین فرمانی، گویای آن است که پیامبر(ص) علاقه شدیدی به هدایت آنان داشته و به خاطر آن اندوهگین هم می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۴ - ۱

۱ - سلب مسؤولیت از پیامبر (ص) ، در مورد تبلیغ و هدایت کافران طغیانگر

بل هم قوم طاغون . فتولّ عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۰ - ۵

۵ - تقویت ایمان مؤمنان ، دارای اهمیتی افزون تر از پافشاری بر هدایت معاندان و کافران پندناپذیر

فأنت له تصدّی .. فأنت عنه تلّهی

از مجموع این بخش از آیات، استفاده می شود که اصرار بر ارشاد کافران، گرچه کاری پسندیده است ولی هرگاه در تعارض با تقویت ایمان مسلمانی قرار گیرد، باید آن را رها کرد.

هدایت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۶ - ۵

۵ - عثمان بن عفان ، از حاضران مجلس پیامبر (ص) در ماجرای ابن ام مکتوم و ارشاد کننده کافران مکه در عصر بعثت *

أما من استغنی . فأنت له تصدّی

در شأن نزول آیه شریفه از تفسیر قمی نقل شده که فرد مورد نظر از ضمیر خطاب در <أنت له تصدّی>، عثمان بوده است. او

در صدد مسلمان ساختن حاضران مجلس که از چهره های برجسته قریش بودند برآمده بود.

هدایت ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۶

۶ مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم . . . و لو أننا نزلنا ... ما كانوا ليؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من يستمعون إليك . . . و منهم من ينظر إليك ... و لكن الناس أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱،۲،۳

۱ نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد ، زمین را قطعه قطعه کند ، مردگان را زنده سازد ، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد .

و لو أن قرءاً سیرت به الجبال أو قَطَّعت به الأرض أو کَلَّم به الموتی

<تسییر> (مصدر سیرت) به معنای حرکت دادن است و <تقطیع> (مصدر قَطَّعت) به معنای شکافتن عمیق یا قطعه قطعه کردن می باشد و حرف باء در جمله های سه گانه فوق به معنای استعانت است. عبارت <بل لله الأمر> و نیز <أن لو یشاء الله لهدی الناس> گویای این است که جواب شرط <لو أن ...> جمله ای نظیر <لم یهدوا إن لم یشأ الله> است.

۲ آنان که با تلاوت قرآن هدایت نشوند و به سرای آخرت ایمان نیاورند ، حتی اگر مردگانی زنده شوند و حقایق آخرت

را برای آنان بیان کنند ، هدایت نخواهند یافت .

و لو أن قرءاناً .. کلم به الموتی

هر یک از جمله های <سیرت به الجبال> و <قطعت به الأرض> و <کلم به الموتی> حکایت از معجزات درخواستی کفرپیشگان دارد که به مناسبت می توان گفت: جمله <کلم به الموتی> حاکی است که آنان برای باور به آخرت، از پیامبر(ص) می خواستند تا مردگانی را زنده کند تا از آخرت و دنیای پس از مرگ برای آنان سخن بگویند.

۳ آنان که با مشاهده و تلاوت قرآن نازل شده بر پیامبر (ص) هدایت نشوند ، با مشاهده هیچ آیت و معجزه ای هدایت نخواهند شد .

و لو أن قرءاناً سیرت به الجبال .. بل لله الأمر جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۵

۵ - ناسپاسی و هدایت ناپذیری کافران ، حتی با رفع گرفتاری ها و نزول رحمت الهی

و لو رحمهمم .. للّجّوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۷

۷ - کافران ، به دلیل بی بهره بودن از نور الهی ، محروم از هر گونه هدایت اند .

و الذین کفروا أعملهمم .. کظلمت فی بحر لّجّی ... إذا أخرج یده لم یکد یرها و من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۸

۸ - کفرپیشگان روی گردان از دلایل آشکار ، همچون ناشنویان روی برتافته از راهنمای خویش

و لاتسمع الصمّ الدعا إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۸

۸ - عامل هدایت ناپذیری کافران ، خود آنان اند .

یکفرون . فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى ... إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۵

۵ - بیرون آوردن کافران حق گریز به هر نحو ممکن از گمراهی ، نه کار پیامبر است و نه در توان او است .

و ما أنت بهد العمى عن ضللتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۷

۷ - پیامبر (ص) ، مسؤول هدایت ناپذیری کافران نیست .

و من كفر فلا يحزنك كفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۷

۷ - کافران لجوج ، مانند مردگان در قبرها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و ما أنت بمسمع من فى القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران و مشرکان

و ما أنت عليهم بوكيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ - یاس پیامبر (ص) از هدایت

مشرکان و کافران ، در نیمه نخست رسالت (دوره مکه)

أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیہ یختلفون

درخواست داوری خداوند که به معنای دخالت خداوند با شکست مشرکان در دنیا و یا کیفر دادن در آخرت است می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

هدایت ناپذیری کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۹

۹ بی تأثیری معجزات خاص و پیشنهادی کفرپیشگان در هدایت آنان ، دلیل اهدا نشدن آنها به پیامبر (ص)

لولا أنزل علیه آیه من ربه قل إن الله یضل من یشاء و یرحم من یرحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۳

۳- پیامبر (ص) ، از هدایت یافتن گروهی از کفرپیشگان عصر بعثت مأیوس بود .

قل کل متربص فتربصوا فستعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۸

۸ - کارساز نبودن تبلیغ و هدایت گری های پیامبر (ص) ، در برخی از کافران و مشرکان صدر اسلام

و ما أنت بمسمع من فی القبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۴

۴ - لجاجت در برابر ایمان و حق گریزی ، زمینه ساز آمدن عذاب الهی است .

لقد حقّ القول على أكثرهم فهم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۱۴

۱۴ - هدایت کردن مشرکان و کافران در صدر اسلام (نیمه نخست رسالت

(، عملی مشکل و ناامیدانه بود .

و من یضلل الله فما له من هاد

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه در مکه نازل گردیده بود و در آن زمان مشرکان دست از مواضع شرک آلود خود برنمی داشتند. از این رو آیه شریفه در صدد بیان این حقیقت است که ایمان آوردن آنان، بسیار مشکل و مایوسانه است و پیامبر(ص) نباید بیش از این، غم آنها را بخورد و خود را به زحمت بیاندازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۱

۱ - وعده ها و تهدید های الهی برای کافران عصر بعثت ، ثمربخش و کارساز نبود .

بل الذین کفروا

حرف <بل> اضراب از ما قبل است؛ یعنی، تهدیدهای پیش برای کافران بی تأثیر است. عنوان <الذین کفروا>، ممکن است عنوان مشیر و ناظر به مصادیق خارجی آن باشد که کافران مکه بودند و نیز می تواند به تمام کافران در طول تاریخ نظر داشته باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

هدایت ناپذیری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۶

۶ - عدم تنبه کافران مکه ، از بلا های هشدار دهنده الهی (مثل قحطی و خشکسالی)

و لقد أخذنهم بالعذاب فما استکانوا لربهم و ما يتضرعون

هشدار به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱

۱ هشدار خداوند به کافران ، بر اینکه مهلت یافتن آنان به سودشان نیست .

ولا يحسبن الذين كفروا أنّما

نملی لهم خیر لانفسهم

<املاء> از ماده <ملو>، به معنای مهلت دادن است و مراد از آن، تأخیر در عذاب کافران با طولانی شدن مدت عمر و بهره گیریشان از مواهب دنیا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱۳

۱۳ کافران به رسالت پیامبر (ص) مورد تهدید خداوند

و إن تکفروا فان لله ما فی السموت و الارض

جمله <فان لله...> که بیانگر سلطنت خداوند بر هستی است می تواند به منظور تهدید منکران رسالت پیامبر(ص) ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۱۲

۱۲ خطر انقراض و نابودی نسل یک جامعه، هشدار خداوند به جوامع کافر ستم پیشه

إن یشأ یدهبکم .. كما أنشأکم من ذریه قوم ءاخیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۱

۱ هشدار دادن به کافران به پایان ناخوشایندشان از وظایف پیامبر(ص)

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۳

۳ پیروزی مؤمنان در جنگ بدر حجتی بر حقانیت اهل ایمان و هشدار و عبرتی برای کافران

إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح

مراد از <الفتح> پیروزی اهل ایمان در جنگ بدر است. و جمله <فقد جاءكم الفتح> پاسخ همان تمنای مشرکان است که خواهان پیروزی حامیان دین حق بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر

الهی تهدید شدند .

إِنَّهٗ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشدار به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۶

۶ - انتقام الهی از فرعونیان ، هشدار جدی به همه کفرپیشگان حق ستیز است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

با توجه به لحن تهدید آمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از فرعونیان، این بود که بیشتر آنان از پذیرفتن ایمان امتناع ورزیدند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۶

۶ - انتقام الهی از مردم <ایکه > ، هشدار جدی به همه کفرپیشگان و حق ستیزان است .

و مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

با توجه به لحن تهدید آمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از مردم ایکه، این بود که بیشتر آنان از پذیرش حق سرباز زدند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۹

۱۹ - هشدار خداوند به کافران ، درباره نیت ناشایست آنان در انتخاب و پافشاری بر کفر

قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا .. إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

<علیم بذات الصدور> در حقیقت، می تواند هشدار باشد به آنان که حقایق را در درون دل خود مخفی می دارند،

ولی در ظاهر، با تعبیری مانند <تَّبِعْ مَا وَجَدْنَا..> آن را توجیه می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - معاد ، نویدی به مؤمنان صالح و هشدار به کافران بدکردار

من عمل صلحًا فلنفسه و من أساء فعلیها ثمَّ إلی ربِّکم ترجعون

پیام آیه شریفه، نوید به نیکوکاران و هشدار به بدکاران است. تعبیر <ثمَّ إلی ربِّکم...> نیز که اشاره به معاد دارد در راستای همین معنا آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- عدل الهی ، در محاسبه اعمال ، بشارتی به مؤمنان و هشدار به کافران

و لکلّ درجت مّمّا عملوا .. و هم لایظلمون

<لکلّ> می تواند اشاره به هر گروه از مؤمن و کافر داشته باشد. براین اساس تعبیر <هم لایظلمون> برای مؤمنان نیک کردار، نویدی است که اعمالشان ضایع نخواهد شد و برای منکران معاد، هشدار است که ستمهایشان بی پاسخ نخواهد ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۹

۹- هشدار خداوند به کافران ، نسبت به استمرار اراده او بر نابودی ملت های کفرپیشه

دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِم و لِّلْكَافِرِينَ أَمْثَلُهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۸

۸- هشدار خداوند به کافران دین ستیز ، نسبت به از دست دادن فرصت توبه

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و صَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا و هم كَفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

لحن آیه شریفه از یک سو تهدید و از

سوی دیگر دربردارنده هشدار به کافران است که کار خویش را به جایی نرسانند که راه توبه بر رویشان بسته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدارها و اندازهای الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفع فی الصور ذلک یوم الوعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۳

۳ - گنجایش و سیری ناپذیری دوزخ ، تهدیدی برای کافران با همه انبوهی و کثرت آنان

یوم نقول لجهنّم هل امتلأت و تقول هل من مزید

از این که خداوند، اشتهای سیری ناپذیر دوزخ را تذکر داده است، استفاده می شود که نباید کافران، کثرت و انبوهی خویش را مانعی در راه اجرای احکام و کیفرهای الهی بدانند؛ بلکه جهنم بیش از آنچه آنان تصور کنند، گنجایش و پذیرش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۶

۶ - فرجام شوم کافران و ستمگران هلاک شده تاریخ ، هشدار به کفرپیشگان و ظالمان هر عصر

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحابهم

آیات پایانی این سوره، در مقام نتیجه گیری از آیات گذشته است که به تفصیل سرنوشت هلاکت بار کافران گذشته تاریخ را بیان داشته است. از این نکته استفاده می شود که تعبیر <مثل ذنوب أصحابهم>، در واقع تذکر و هشدار نهایی به کافران هر عصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۶

۶ - کیفر کافران ، در پی اتمام حجت بر

ایشان با هشدار های مکرر

فویل للذین كفروا من یومهم الذی یوعدون

تعبیر <یوعدون> (با فعل مضارع) بیانگر وعیدهای مستمر و مکرر است که قبل از مجازات و کیفر کافران، به ایشان داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن هشدار ها و تذکر های خویش ، بدون نگرانی از اتهام های کافران

فذکر

از ذیل آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر(ص)، نبایست به اتهام های مشرکان بیندیشد؛ بلکه وظیفه آن حضرت ادامه دادن به تبلیغ خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۳

۳ - هشدار خداوند به کافران ، نسبت به نداشتن گواه آسمانی بر آزادی مطلق از مسؤولیت و مؤاخذه

أم لکم براءه فی الزّبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۱

۱ - نابودی کافران گذشته تاریخ ، هشدار جدی به هم اندیشان و همگنان آنها در هر عصر

و لقد أهلكنا أشیاعکم فهل من مدّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - هشدار الهی به کافران ، در دل نبستن به وعده منافقان

کمثل الشیطن إذ قال .. إني أخاف الله رب العلمين

آیه شریفه از یک سو نویدی است به مؤمنان که منافقان به همکاری با کافران وفا نخواهند کرد. و از سوی دیگر تشبیه منافقان به شیطان در بی وفایی به تعهدات خویش، هشدار است به کافران که با ریسمان منافقان به

چاه نروند.

هشدار به کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۱

۱ پیامبر (ص) به کافران لجوج هشدار داد که آینده ای ناخوشایند (هلاکت در دنیا و عذاب در آخرت) در پیش خواهند داشت.

وانتظروا

با توجه به آیات گذشته که سخن از عذاب دنیوی و اخروی اقوام کفرپیشه داشت، می توان گفت: مراد از <انتظروا> هشدار کافران به عذابهایی دنیوی و اخروی است.

هشدار به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۵

۵- کافران مکه به عذاب و نابودی قریب الوقوع تهدید شدند.

سأوریکم ءایتی فلاتستعجلون

مقصود از <آیاتی> به قرینه آیات بعد (..بل تأتیهم بغته...) عذاب و هلاکت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - هشدار خداوند، به کافران مکه، درباره تلاش شان برای اغوای مسلمانان

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اُتبعوا سیبنا. ..و لقد أرسلنا نوحًا إلی قومه ...

بیان قصه طوفان نوح(ع) پس از ذکر برخوردهای کافران مکه با مسلمانان، احتمال دارد برای هشدار به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، به جهت تکذیب کردن پیامبر (ص)

و إن تکذبوا فقد کذب أمم من قبلکم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که جواب شرط <إن تکذبوا> محذوف بوده و چیزی از قبیل <فاستعدوا للعذاب> باشد؛
یعنی، اگر تکذیب می کنید، آماده عذاب

باشید!

هلاکت دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۵،۶

۵ خداوند ، فرعونیان و کافران پیش از آنان را به سبب تکذیب آیات الهی و ارتکاب گناهان به هلاکت رساند .

فأهلکنهم بذنوبهم

۶ هلاکت کافران در جنگ بدر کیفری از سوی خداوند به سبب تکذیب آیات الهی و انکار رسالت پیامبر (ص)

کذاب ءال فرعون .. فأهلکنهم بذنوبهم

هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۷ - ۲،۳

۲ هلاکت و خواری بزرگان سپاه کفر در جنگ بدر *

و لقد نصرکم الله ببدر .. ليقطع طرفاً من الذين كفروا

برخی از مفسرین ، <طرفاً> را به معنای اشراف و بزرگان گرفته اند، به استناد اساس اللغه که گفته است: <من اطراف العرب یعنی من اشرافهم> .

۳ خداوند ، هلاک کننده و خوار کننده کافران

ليقطع طرفاً من الذين كفروا او يکبتهم

فاعل <ليقطع>، ضمیری است که به <الله> ارجاع می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۳ - ۲،۶

۲ قدرت خداوند بر نابودی کافران و گنهکاران و جایگزینی مؤمنانی تقوایشه به جای ایشان

ان اتقوا الله . .. ان یشأ یذهبکم ایها الناس و یأت باخرین

۶ تهدید بی تقوایان کفرییشه به هلاکت و نابودی ، از سوی خداوند

ان اتقوا الله و إن تکفروا . .. ان یشأ یذهبکم ایها الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۸

۱۸ اگر خداوند بخواهد مردم ستمگر و کافر را

نابود می کند و نسلهای دیگری را جانشین آنان می سازد.

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۸

۸ خداوند علاوه بر تکذیب کنندگان آیات الهی از قوم عاد ، غیر مؤمنان ایشان را نیز به هلاکت رساند .

قَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۸

۷ تعلق اراده الهی به تحقق یافتن حق و ریشه کن شدن کافران

و يريد الله أن يحق الحق بكلمته و يقطع دابر الكافرين

<دابر> به معنای آخرت است و از بین بردن آخر هر چیز به معنای نابودسازی کامل آن چیز است.

۸ پیاده شدن حق و ریشه کن شدن بنیان کافران ، هدف از فرمان خداوند به نبرد با مشرکان مکه در بدر

و يريد الله أن يحق الحق بكلمته و يقطع دابر الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۳

۳ تضمین تحقق حق و محو باطل در پرتو ریشه کن شدن کافران است .

و يقطع دابر الكافرين. ليحق الحق و يبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <ليحق الحق> متعلق به <يقطع ...> در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ هلاکت کفرپیشگان به عذاب های الهی ، هرگز مایه زیان و ضرری برای خداوند نیست .

و يستخلف ربي قومًا غيركم و لاتضرونه شيئًا

در برداشت فوق

، جمله <لاتضرونه> در ارتباط با <یستخلف ربی ..> معنا شده است، یعنی ، در صورت نابودی شما ، ضرری متوجه خداوند نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۸

۸ از میان رفتن کفرپیشگان و کوتاه شدن سیطره آنان از زمین ، از فرمان های خداوند است که نقض نخواهد شد و تحقق خواهد یافت .

أولم یروا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۵،۶

۵ نابودی کفرپیشگان توطئه گر در طول تاریخ ، نشانه بی اثر بودن مکر آنان در برابر برنامه های الهی است .

أولم یروا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا .. و قد مكر الذین من قبلهم فله المکر جمیعاً

۶ نابودی کفرپیشگان توطئه گر ، دلیل اقتدار خدا بر طرح نقشه ها و برنامه های پنهانی

أولم یروا .. و قد مكر الذین من قبلهم فله المکر جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۳

۳- تهدید شدن کافران ظالم به مرگ از سوی خداوند ، در پی تهدید شدن انبیای الهی از سوی آنان به اخراج از سرزمین مسکونی خویش

و قال الذین کفروا .. لنخرجنکم من أرضنا ... فأوحى إليهم ربهم لنهلکن الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۴

۱۴- خداوند براساس سنت خویش ، کافران دوران های پیشین را که از ایمان و استغفار روگردان بودند ، به هلاکت رساند

إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۶،۷

۶- نابودی کافران دین ستیز و پیروزی مسلمانان ، قانونمند و دارای وقت مناسب است .

خلق الإنسن من عجل سأوریکم ءایتی فلاتستعجلون

برداشت یاد شده از ارتباط میان این آیه و آیه قبل استفاده شده است. بدین ترتیب که مؤمنان با مشاهده برخورد گستاخانه مشرکان با پیامبر(ص)، بی صبرانه منتظر تحقق وعده الهی، مبنی بر هلاکت دشمنان و پیروزی مسلمانان بودند. و خداوند آنان را به صبر و شتاب نکردن فراخوانده است. گفتنی است برداشت فوق بر اساس این است که مخاطبان جمله <سأوریکم... فلاتستعجلون> مسلمانان باشند.

۷- هلاکت و شکست کافران و دین ستیزان و پیروزی مؤمنان ، از آیات الهی است .

سأوریکم ءایتی

برداشت یاد شده به خاطر این است که از هلاکت کافران و پیروزی مسلمانان به <آیات> تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۵۸

۵ - خداوند ، اقوام تکذیب گر و کفر پیشه تاریخ را پس از این که از فرصت داده شده استفاده نکردند و هم چنان بر کفر و انکار خود پای فشردند ، با عذاب استیصال نابود کرد .

فأملیت للکفرین ثم أخذتهم

<نکیر> به معنای انکار (تغییر) است. و مقصود از آن به قرینه آیه بعد، تغییر نعمت به محنت، حیات به مرگ و نابودی و آبادانی به ویرانی است. گفتنی است که استفهام در جمله <فکیف کان نکیر>، استفهام تعجیبی و بیانگر شدت کیفر است.

۸ - مهلت دادن به کافران حق ستیز و سپس هلاک ساختن آنها

، سنت الهی در طول تاریخ

فقد كذبت قبلهم .. فأملیت للكفرین ثم أخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵ - تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غناء

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا، به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غناء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - افول تمدن ها و هلاکت جوامع کفرپیشه ، نمودی است از خشم و نفرین الهی در حق آنان

فأتبعنا بعضهم بعضاً .. فبعداً لقوم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۴

۴ - پاکسازی نهایی زمین از وجود کافران ، وعده ای حتمی و تخلف ناپذیر

و إذا وقع القول عليهم .. أن الناس كانوا بآيتنا لا يوقنون

تعبیر <أن الناس> .. دربرگیرنده همه کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۱

۱ - مؤاخذه هلاکت بار ملت های کفرپیشه و مقتدر پیشین از سوی خداوند

فأهلكنا أشدّ منهم بطشاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۵ - ۹

۹ - هلاکت و نابودی ، فرجام ملت های ذلت پذیر و پیرو کفر و ستم

فاستخفّ قومه .. فأغرقنهم أجمعين

از این که فرعونیان با ضعف و زبونی در برابر دستگاه

جبار فرعونی سرانجام به هلاکت رسیدند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۹، ۶

۶- نابودی دیار کافران و هلاکت ایشان ، نمودی از ذلت آنان و پوچی فرجامشان *

فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم .. دمر الله عليهم

بدان احتمال که <دمر الله عليهم> تفسیر و بیان نمودی از <تعساً لهم> باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

۹- هشدار خداوند به کافران ، نسبت به استمرار اراده او بر نابودی ملت های کفرپیشه

دمر الله عليهم و للكفرین أمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۶

۶- هلاکت جوامع کفرپیشه در گذشته تاریخ ، نشانی آشکار از بی یابوری کافران در قبال کیفر خداوند

دمر الله عليهم .. و أنّ الكفرین لا مولی لهم

از ارتباط <دمر الله عليهم..> با <مولی لهم>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۴

۴ - آفریدگار جهان ، قادر بر نابود ساختن کافران و منکران معاد *

و کم أهلکنا .. و لقد خلقنا السموت و الأرض

بنابراین که تذکر به خالقیت خداوند، در ادامه آیات تهدیدی (کم أهلکنا قبلهم من قرن) باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۵ - ۹

۹ - تشویق و ترغیب مردم از سوی خداوند ، به مطالعه و تأمل در سرنوشت هلاکت بار جوامع کفرپیشه گذشته

ألم یأتکم نبؤا الذین کفروا من قبل . . لهم عذاب ألیم

استفهام

در <ألم يأتكم..>، ضمن آن که برای تقریر مسأله است، برای تشویق و ترغیب نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۷ - ۱

۱ - کافران ، از هنگام افکنده شدنشان در دوزخ ، با ناخوشایندترین صداها روبه رو خواهد شد .

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيْقًا

<شهیق>، به معنای زشت ترین و ناخوشایندترین صداها است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۹ - ۵

۵ - پرواز پرندگان بر فراز زمین ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر عذاب و هلاکت کافران

فکیف کان نکیر . أولم یروا إلی الطیر ... ما یمسکهنّ إلا الرحمن

ذکر پرواز پرندگان به عنوان نشانه قدرت خدای رحمان پس از یادآوری کیفر و عذاب کافران پیشین می تواند به منظور ارائه نمونه و جلوه ای از قدرت همه جانبه خداوند در جهان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۱ - ۱

۱ - توانایی خداوند بر نابودی امت ها (همچون کافران) و جایگزین کردن امت های برتر و بهتر از آنها (همچون مؤمنان)

فلا أقسم .. إنا لقدرون . علی أن نبذل خیرًا منهم

درباره زمان تبدیل و مقصود از آن در این آیه، دو احتمال وجود دارد: ۱ نابودی کافران و جایگزین کردن مردم خوب و مؤمن به جای آنان در دنیا؛ ۲ تبدیل کافران و دیگر انسان ها به انسان های برتر و مناسب حیات اخروی در قیامت. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۱،۳

۱ - درخواست نوح (ع) از درگاه پروردگار مبنی بر نابودی تمامی کافران و مشرکان حق ناپذیر عصر خود و قطع نسل آنان

و قال نوح رب لا تذر علی الأرض من الکفرین دیارًا

واژه <دیار>، همواره پس از نفی قرار می گیرد و شامل همه انسان ها می شود.

۳ - کافران و بت پرستان حق ناپذیر ، مستحق نفرین و نابودی اند .

و قال نوح رب لا تذر علی الأرض من الکفرین دیارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر و اندیشه گر علیه دین ، مستحق هلاکت و نابودی اند .

إنه فکّر و قدر . فقتل کیف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر و اندیشه گر علیه دین ، مستحق شدیدترین عقوبت و نابودی اند .

ثم قتل کیف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۸ - ۴

۴ - توانایی خداوند بر آفرینش انسان ، نشانه توانایی او بر نابود کردن امت های گنه پیشه و کافر و جایگزین کردن دیگران

نحن خلقنهم .. وإذا شئنا بدلنا أمثلهم تبدالًا

برداشت یاد شده، از یاد آوری آفرینش انسان از سوی خداوند پیش از تذکر به هلاکت امت های کافر و جایگزین کردن

دیگران استفاده می شود.

هلاکت کافران اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد -

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه .. حتى يأتي وعد الله

هلاکت کافران پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ هلاکت فرعونیان و امت های کافر پیشین ، نمودی از زوال نعمت ها در نتیجه ظلم و گناه

ذلك بأن الله لم يك مغيرا نعمه أنعمها على قوم حتى يغيروا .. و كل كانوا ظلمين

هلاکت کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۶

۶ هلاکت کافران در جنگ بدر کیفری از سوی خداوند به سبب تکذیب آیات الهی و انکار رسالت پیامبر (ص)

كدأب ءال فرعون .. فأهلكنهم بذنوبهم

هلاکت کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ شکست و نابودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حتى يأتي وعد الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۷ - ۲

۲ - هشدار خداوند به مشرکان و کافران لجوج صدراسلام ، مبنی بر به نابودی کامل آنان و جایگزین کردن مردمی دیگر به جای آنها

إِنْ يَشَاءُ يَذْهَبْكُمْ .. ما ذلک علی اللّٰه بعزیز

هلاکت کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۴، ۵، ۳، ۱

۱ کفرپیشگان

قوم ثمود با گرفتار شدن به لرزشی شدید به هلاکت رسیدند .

فأخذتهم الرجفة فأصبحوا في دارهم جثمين

<رجفه> به معنای اضطراب و لرزش است و به قرینه <فأصبحوا .. > معلوم می شود آن لرزش بسیار شدید بوده است. قابل ذکر است که <فأخذتهم الرجفه> (لرزش آنان را فراگرفت) می تواند به این معنی باشد که لرزشی شدید بر اندام آنان مستولی شد و نیز می تواند به این معنی باشد که زمین لرزه و زلزله ای شدید آنان را فراگرفت.

۳ کافران قوم ثمود بر اثر عذاب الهی به رو بر زمین افتادند و هلاک شدند .

فأصبحوا في دارهم جثمين

<جثوم> به معنای به زمین چسبیدن و حرکت نکردن است و برخی گفته اند به معنای فروافتادن شخص به سینه خود است.

۴ کفرپیشگان قوم ثمود شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاهش به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا في دارهم جثمين

برداشت فوق مبتنی بر این است که <اصبحوا> به معنای <دخلوا في الصباح> (داخل در صبح شدند) باشد نه به معنای <صاروا> بر این مبنا <فأصبحوا .. > می رساند که هلاکت در اولین لحظه صبح اتفاق افتاده و در نتیجه عذاب لرزش پیش از صبح یعنی در شب، بر کافران قوم ثمود عارض شده است.

۵ کافران قوم ثمود پس از تمام شدن حجت بر آنان و اصرارشان بر کفرورزی و از میان بردن ناقه صالح به هلاکت رسیدند .

قال الملائكة الذين استكبروا .. فأخذتهم الرجفة

کلمه <فاء> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر حقایق بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد که از آنهاست کفرورزی قوم صالح، پی کردن

هلاکت کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ کفرپیشگان قوم شعیب با گرفتار شدن به لرزشی شدید به هلاکت رسیدند .

فَأَخَذْتَهُمُ الرِّجْفَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ

<رجفه> به معنای اضطراب و لرزش است و به قرینه <فأصبحوا ..> معلوم می شود که آن لرزش بسیار شدید بوده است. قابل ذکر است که <فَأَخَذْتَهُمُ الرِّجْفَةَ>، (لرزش آنان را فراگرفت) هم می تواند به این معنی باشد که لرزشی شدید به اندام آنان مستولی شد و هم می تواند به این معنی باشد که زمین لرزه شدید آنان را فراگرفت.

۲ کافران قوم شعیب پس از تمام شدن حجت الهی بر آنان و اصرارشان به کفرورزی و مبارزه با شعیب و مؤمنان به وی ، به هلاکت رسیدند .

قال الملائكة... فَأَخَذْتَهُمُ الرِّجْفَةَ

کلمه <فا> در <فَأَخَذْتَهُمُ> نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعیب و در آخر دعای شعیب که خواهان داوری خداوند شد.

۳ کافران قوم شعیب شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و صبحگاهش به هلاکت رسیدند . *

فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ

برداشت فوق مبتنی بر این است که <أصبحوا> به معنای <ادخلوا في الصباح> (داخل در صبح شدند) باشد، نه به معنای <صاروا>. بر این مبنا <فأصبحوا ...> می رساند که هلاکت به هنگام صبح اتفاق افتاد و در نتیجه عذاب لرزش پیش از صبح، یعنی در شب، بر کافران قوم شعیب عارض شده است.

۴ کفرپیشگان قوم شعیب

بر اثر عذاب الهی ، همگان به رو بر زمین افتادند و هلاک شدند .

فأصبحوا في دارهم جثمين

<جثوم> به معنای به زمین چسبیدن و حرکت نکردن است و برخی گفته اند به معنای فرو افتادن شخص است بر سینه خود.

۶ هلاکت کافران قوم شعیب و نجات مؤمنان آن قوم ، داوری به حق خداوند در میان آنان

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق .. فأخذتهم الرجفة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۲ - ۱

۱ عذاب فرود آمده بر تکذیب کنندگان شعیب و کفرپیشگان مدین موجب نابودی آنان و تخریب آثار زندگانی در آن دیار شد .

الذین کذبوا شعیباً کأن لم یغنوا فیها

ضمیر در <فیها> به <دار> در آیه قبل برمی گردد و <غنی> مصدر <لم یغنوا> به معنای اقامت کردن و سکونت گزیدن است. بنابراین <کأن لم یغنوا> یعنی گویا قوم شعیب در دیارشان اقامت نکرده بودند. و این کنایه از نابودی دیار آنان است.

هلاکت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۱

۱- کافران مکه با انکار آیات الهی پس از اتمام حجت بر ایشان مستحق نابودی و عذاب بودند .

و لو أنا أهلکنهم .. فستعلمون من أصحاب الصرط السوی و من اهتدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۵

۵- کافران مکه به عذاب و نابودی قریب الوقوع تهدید شدند .

سأوریکم ءایتی فلاتستعجلون

مقصود از <آیاتی> به قرینه آیات بعد (..بل تأتیهم بغته..) عذاب و هلاکت است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۱ - ۲

۲ - تهدید کافران مکه از سوی خداوند ، به وقوع حوادثی ناگوار و مرگ آفرین برای ایشان در آینده

قل تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمْتَرَبِّصِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لايزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه .. حتى يأتي وعد الله

همانندی منافقان با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۴،۵،۷،۹

۴ - همانندی منافقان با کافران ، از نظر چگونگی برخورد حکومت اسلامی و جامعه ایمانی با آنان

جهد الكفّار و المنفقين و اغلظ عليهم

۵ - جایگاه اجتماعی منافقان در نظام اسلامی و جامعه ایمانی ، همانند جایگاه کافران است .

جهد الكفّار و المنفقين و اغلظ عليهم

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الكفّار و المنفقين و اغلظ عليهم

۹ - جایگاه و سرنوشت منافقان و کافران ، در قیامت یکسان است .

و مأویهم جهنم

هماهنگی برخورد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۱

۱ روش کافران مکه در برخورد با آیات الهی همسان با روش فرعونیان و کافران پیش از آنها

كدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

هماهنگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۲

۲ همگونی روش کافران در طول تاریخ

در برخورد با آیات الهی

كدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۹

۹- مشرکان و کافران طول تاریخ، دارای جبهه ای واحد و انگیزه و عملکردی همگون در برخورد با آیات الهی و معجزه های انبیا

و ما منعنا أن نرسل بالآیت إلا أن كذب بها الأولون

تعبیر <الأولون> نشان می دهد که مشرکان دوره های بعد، دنباله رو اسلاف خویشند و سرایت دادن حکم پیشینیان به نسلهای بعدی، بیانگر انگیزه و عملکرد واحد آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۱ - ۳

۳- همسانی کافران در طول تاریخ، در برخورد غیر منطقی با رسولان الهی

و لقد استهزئ برسل من قبلک

برخورد استهزاآمیز، بیانگر نداشتن منطق در موضع گیری ها است و چون پیامبران پیشین و پیامبر اسلام (ص) مورد تمسخر کافران قرار گرفته اند، به دست می آید که برخورد کافران همسان بوده و مواضع مشابهی داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۱ - ۳، ۱

۱ - موضع گیری کافران رفاه زده عصر بعثت، در برابر رهنمود های پیامبر (ص)، همانند موضع گیری کافران پیشین در برابر رهنمود های پیامبرانشان

بل قالوا مثل ما قال الأولون

۳ - سطحی نگری و عدم به کارگیری عقل و اندیشه، وجه مشترک همه کافران و مستکبران تاریخ

بل قالوا مثل ما قال الأولون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰ - ۲

۲ - همگونی خط رسولان و

نیز موضع گیری کافران علیه ایشان

لعلک بضع نفسک ألا یكونوا مؤمنین .. واذ نادى ربک موسى أن ائت القوم الظلمین

پرداختن قرآن به سرگذشت موسی و فرعونیان پس از بیان موضع گیری انکارآمیز کافران علیه پیامبر(ص)، رساننده این حقیقت است که در موضوع یاد شده حادثه ای تازه نیست؛ بلکه دارای پیشینه تاریخی است و یک نمونه آن رویارویی موسی و فرعونیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۵

۵ - تکذیب آیات الهی ، جرم مشترک همه کافران در طول تاریخ

و یوم نحشر من کلّ أمّه فوجًا. .. حتّی إذا جاء و قال أكذبتُم بایتی

با این که گروه های حاضر در دادگاه، هر کدام از امتی خاص و متفاوت است؛ ولی همه آنها به خاطر یک جرم (تکذیب آیات الهی) محاکمه می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۴

۴ - جبهه کفر ، در طول تاریخ جبهه ای همسو و متحد در برابر ادیان و پیامبران الهی

کذبت قبلهم قوم نوح و الأحزاب من بعدهم

به کار رفتن عنوان <احزاب> درباره اقوام کافر، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷ - ۶

۶ - شناخت تاریخ و آگاهی از موضع گیری های همگون کافران در برابر پیامبران ، مانع نگرانی و دلسردی رهبران دینی است

و کم أرسلنا .. إلا كانوا به يستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۴

۴ - اتهام

سحر و جنون ، موضع همیشگی کافران در برابر رسولان الهی

ما أتى الذين .. إلا قالوا ساحر أو مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۳ - ۱،۲

۱ - موضع گیری همگون کافران علیه پیامبران در طول تاریخ ، تداعی گرتبانی آنان بر مواضع یکسان و از شگفتی های تاریخ است .

أتواصوا به

<تواصی> (مصدر <تواصوا>) به معنای سفارش کردن برخی به بعضی دیگر است و استفهام در <أتواصوا به> برای تعجب است. در آیه شریفه، از موضع گیری یکسان کافران تاریخ در برابر رسولان الهی از آن جهت که گویا آنان همدیگر را بر این امر توصیه و سفارش کرده بودند اظهار تعجب شده است.

۲ - روحیه طغیان و سرکشی ، ریشه اصلی مواضع همگون کافران علیه پیامبران

أتواصوا به بل هم قوم طاغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۲

۲ - مشرکان عصر پیامبر ، در پلیدی و استحقاق عذاب ، همچون کافران هلاک شده پیشین (قوم های عاد ، ثمود ، لوط و فرعونیان)

أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلَائِكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۲

۲ - کافران ، در طول تاریخ دارای فرجامی مشابه و خصلت ها و مواضعی همگون

و لقد أهلكنا أشياعكم

<أشباع> جمع <شيعه> است و در این جا معادل امثال و اشباه به کار رفته است؛ یعنی، امثال شما در کفر و الحاد.

همدم اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰

۵ شیطان مسلط بر فرد کافر ، همراه با او تا لحظه حضور در دادگاه قیامت *

و قال قرینه هذا ما لدی عتید

برداشت بالا بنابر این نکته است که مراد از <قرین> در این آیه <شیطان> باشد که بر منکران معاد تسلط دارد و آنان را آن گونه که می خواهد منحرف ساخته و تا دادگاه قیامت وی را همراهی می کند و در آن جا به مخاصمه با او برمی خیزد.

همدم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۱

۱ هر کافر و مشرک ، دارای قرین و همراهی از شیاطین

قال قرینه

<قرین> در این آیه، به قرینه محتوای <ما أطغیته> و نیز <قدّمت إلیکم بالوعید> در آیه بعد، قرینی است شیطانی و گمراه گر.

همکاری با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۵

۵ جواز معاهده و پیمان همکاری و ترک مخاصمه با غیر مسلمانان

إلّا الذّین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

همنشینان کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۶

۶- کافران عصر بعثت ، فریفته وضعیت بهتر اقتصادی و هم نشینان به ظاهر آراسته خویش بودند .

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَ أَحْسَنُ نَدِيًّا

افتخار به محفل، در حقیقت افتخار به حاضران در آن است و مراد از اهل محفل به قرینه <من هو.. أضعف جنداً> در آیات بعد هم فکران و یاوران کافران است.

همنشینی با کافران

جلد - نام سوره - سوره -

۳ گروهی از مسلمانان صدر اسلام، پذیرای دوستی و ولایت کفار، در عین نهی خداوند حتی از همنشینی با آنها

الذین یتخذون الکفرین اولیاء... یکفر بها و یستهزأ بها فلا تقعدوا معهم

۱۰ جواز معاشرت و مجالست با کافران، آنگاه که آیات الهی را استهزا نکنند و سخنانشان کفر به آیات الهی نباشد.

فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

مفهوم جمله <حتی یخوضوا...>، جواز معاشرت با شرط ذکر شده است.

۱۲ شرکت کنندگان در مجالس کفر و استهزای به آیات الهی، همسان با کافران استهزاگر

یکفر بها... فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره إنکم إذا مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۵

۵- هم نشینی و مصاحبت با کافران به منظور بحث ارشادی و هدایت آنان، بلامانع است.

قال له صاحبه وهو یحاوره أکفرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۶

۶ - جواز ملازمت و همنشینی با کافران، با حفظ معتقدات دینی خود *

إنی کان لی قرین . یقول ... أءذا متنا ... لمدینون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۷، ۶

۶ همنشینی با کافران و مشرکانی که به استهزا و مغالطه در قرآن و اسلام نپردازند، حرام نیست. *

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

در این آیه فاعل <یتقون> کافران، و مرجع ضمیر <حسابهم> خوض کنندگان فرض شده است؛ یعنی حساب

کافرانی که از خوض پرهیز می کنند، از حساب خوض کنندگان جدا و همنشینی با آنان بی اشکال است.

۷ مسلمانان در همنشینی با کافران و مشرکان بی طرف باید با تذکر آنان را از مغلظه و استهزای در اسلام و قرآن بر حذر دارند. *

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یتقون

هوپرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۹

۹ - هوپرستی ، انکار روز قیامت ، باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش ، از اوصاف کافران است .

و لا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل اللّٰه .. بما نسوا یوم الحساب . و ما خلقنا السما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۲

۲- کافران ، هوپرستانی ، ناخشنود از پیام های خداوند

و الذین کفروا .. بأنهم کرهوا ما أنزل اللّٰه

تعبیر <کرهوا>، می رساند که کافران نه این که حقیقت دین را نفهمیده و انکار می کنند بلکه پس از فهم پیام دین، براساس تمایلات و گرایش های درونی، پذیرش پیام وحی بر آنان دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۱

۱- مؤمنان ، متکی به برهان و عقل و کافران ، دلخوش به پندار و هوای نفس

أفمن کان علی بینه من ربّه .. و اتّبعوا أهواءهم

در واژه <بینه> شناخت عقلی نهفته است. از مقابله آن با <أهواء>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- عدم درك كافرين نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص)، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا .. ماذا قال ... أولئك الذين طبع الله على قلوبهم و أتبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر <طبع الله على قلوبهم> به عنوان علت <يستمع إليك .. قالوا ... ماذا قال آنفاً> یاد شده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۲

۲- تنها برپایی ناگهانی قیامت، به هوش آورنده کافران لجوج هواپرست

أتبعوا أهواءهم .. فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة

از مضمون آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، همه دلایل لازم را به کافران نمایانده و حتی نشانه های قیامت را نیز برای آنان محقق ساخته است. تنها چیزی که باقی مانده برپایی خود قیامت است. اما آنان با مشاهده همه دلایل، ایمان نیاورده و منتظراند تا آخرین مهلت نیز سپری شود.

هواپرستی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۹

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن، اساس علمی و عقلانی نداشت؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود.

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱۰

۱۰- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ؛ بلکه انگیزه نفسانی روانی داشت .

و إذا ذکرت ربک فی القرءان وحده ولّوا علی أذبرهم نفورًا

<نفرت> از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

یأس از ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۲

۲ پیامبران ، در صورت ناامیدی از ایمان آوردن کفرپیشگان ، وظیفه ای از جهت تبلیغ رسالت ، برعهده نداشتند .

و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم انا عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۹

۹ ناامیدی پیامبران از هدایت یافتن مردم ، شرط نزول عذاب الهی بر امت های آنان بود .

حتّی إذا استیثس الرسل .. جاءهم نصرنا فنجی من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۲

۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از کفرپیشگان حق ستیز قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

حتّی تأتیهم الساعه بغته

اخبار خداوند به این که مخالفان پیامبر(ص)، هرگز به قرآن ایمان نخواهند آورد، می تواند متضمن توصیه ای باشد به پیامبر(ص) مبنی بر این که آنان را در کفر بی ایمانی شان رها کند و امیدی به گرویدن آنان به اسلام و قرآن نداشته باشد.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۳

۳ - ناامیدی و یأس پیامبراسلام (ص) از ایمان آوردن کفرپیشگان در نیمه نخست رسالت

قل يقوم اعمالوا علی مکانکم انی عمل فسوف تعلمون

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر(ص)، از ایمان آوردن مردم مکه ناامید بود. از این رو آنان را به خودشان و نهاده و به آنان فرمود: هر چه از دستتان برمی آید، انجام دهید و بر مواضع نادرست خود باقی بمانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۳،۶

۳ - پیامبر (ص) در گفتوگو با کافران، ناامیدی خود را از ایمان آنان ابراز کرد و آنها را از مشرک شدن خویش، مأیوس ساخت.

لکم دینکم و لی دین

۶ - پیامبر (ص) پس از ناامیدی از ایمان کافران، از آنان خواست برای پابندی او به دین خود، مشکل آفرین نباشند.

و لی دین

یأس از هدایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ - هجرت از سرزمین کفر، پس از ناامیدی از هدایت کافران و ناتوانی از ایفای وظایف، امری ضروری و بایسته

و إن لم تؤمنوا لی فاعتزلون .. فأسر بعبادی

تکلیف هجرت، پس از شکوه موسی(ع) از فراگیری جرم و نفوذناپذیری فرعونیان در برابر حق و ادامه تعرض های آنان نسبت به بنی اسرائیل، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح ربّ لا تذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

یأس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ تنها کفرپیشگان به یاری خدا امید ندارند و از رحمت او مأیوسند .

لا یأیئس من روح الله إلاّ القوم الکفرون

مراد از <کافرون> در آیه شریفه ، منکران قدرت خدا و رحمت آفرینی او و آگاهیش به نیاز بندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۲

۲ - یأس کافران از نجات و رهایی ، پس از قرار گرفتن در تنگنای عذاب جهنم

عذاب شدید إذا هم فیه مبلسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۵

۵ - قطع امید کافران از همه عوامل مادی و احساس بی پناهی کامل در هنگام مرگ

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۷

۷ - یأس و ناامیدی کافران از دستیابی به اهداف و آرمان های خود

و الذين كفروا أعمالهم كسراب بقيعه يحسبه الظمآن ماء حتى إذا جاءه لم يجده شيئاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <يحسبه الظمآن..لم يجده شيئاً> مربوط به دنیا باشد، یعنی، در همین دنیا است که کافران همچون تشنگان، به نتیجه اعمال خود و در پی نیل به اهداف خویش اند، ولی به آن دست

نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - یأس و ناامیدی شدید کافران حق ناپذیر ، از نجات خویش از عذاب الهی

فهل إلی خروج من سبیل

مفسران بر این باوراند که چنین سخنی، از زبان کسانی صادر می شود که یأس و ناامیدی بر وجود آنان چیره شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۴

۴ - کافران ، مأیوس و ناتوان از مقابله با پیامبر (ص) و پیشگیری از دعوت آن حضرت

نترَبِّصْ به ریب المنون

پناه بردن کافران به آرزو و دل بستن به حادثه، نشانه یأس آنان از مقابله کارساز با پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۲

۲ - مرگ ، لحظه کوتاه شدن دست کافران از تدبیر های خویش و نقطه های امید

فیه یصعقون . یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئا

در صورتی که <یومهم الذی..> در آیه قبل، نظر به لحظه مرگ داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص) در گفتوگو با کافران ، ناامیدی خود را از ایمان آنان ابراز کرد و آنها را از مشرک شدن خویش ، مأیوس ساخت .

لکم دینکم ولی دین

یاور اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۶

۶ - آتش دوزخ ، تنها یاور کافران و

هی مولیکم

یقین کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۵ - ۱

۱ - علم و باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت ، به روبه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن يفعل بها فاقره

<فاقره> به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). <ظنّ> به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه مطابق نظر بیشتر مفسران معنای اخیر مراد است.

یهود و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۲

۲ همسویی اهل کتاب (یهود) با کافران و تصدیق عقاید آنان ، برخاسته از حسادتشان به پیامبر (ص) و مسلمانان

يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلا .. يحسدون الناس

جمله <ام يحسدون ..> بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۴

۴ ایجاد پیوند دوستانه یهود با کافران برای تشکیل جبهه ای متحد و نیرومند علیه مسلمانان

تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا .. لتجدن اشد الناس عدوه للذين ءامنوا

بیان عداوت یهودیان و مشرکان با اهل ایمان پس از بیان برقراری دوستی یهود و اهل شرک می رساند که این رابطه دوستی

در جهت دشمنی با مسلمانان است.

کافران مکه

{کافران مکه}

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۱،۳،۴

۱ کفرپیشگان مکه ، مؤمنان را از ورود به مسجدالحرام بازمی داشتند .

و ما لهم ألا يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجدالحرام

در برداشت فوق مفعول <یصدون>، به مناسبت حکم و موضوع، المؤمنین گرفته شده است.

۳ کافران مکه به دلیل بازداشتن اهل ایمان از ورود به مسجدالحرام ، مستوجب عذاب (کشته شدن ، اسیر گشتن و ...) بودند .

و ما لهم ألا يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجدالحرام

با توجه به آیه قبل که عذاب استیصال را برای مردم مکه با شرایط ذکر شده منتفی دانست، معلوم می شود مراد از عذاب در این آیه به دلیل وقوع آن در بین آیات نبرد، شکست کافران و کشته و اسیر شدن آنان است.

۴ کفرپیشگان مکه به ناحق خویشتن را سرپرست مسجدالحرام می پنداشته و غاصبانه بر آن تسلط داشتند .

و هم يصدون عن المسجدالحرام و ما كانوا أولياؤه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۵

۱۵ مردم مکه در واکنش به دعوت پیامبر (ص) دو دسته بودند : مؤمن و کافر .

أن أُنذِر الناس و بشرّ الذين ءامنوا .. قال الكفرون

آثار اجابت خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۵

۵- در صورت تحقق درخواست کافران برای نزول ملائکه ، تمامی آنان هلاک می شوند و مهلتی برای ایمان نخواهند داشت .

ما ننزل الملائكة إلا بالحقّ و ما

كانوا إذا منظرين

انظار مصدر <منظر> به معنای تأخیر انداختن است و حصر در آیه، نشان می دهد که با آمدن ملائکه، اجل هیچ کدام از کفار به تأخیر نخواهد افتاد و به هلاکت خواهند رسید.

آثار شبهه افکنی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۹ - ۳

۳ - تأثیر پذیری مردمان کم عقل و ضعیف الرأی، از سخنان انکار آمیز کافران مکه علیه موضوع رستاخیز و روز جزا

إنکم لفی قول مختلف . یؤفک عنہ من أفک

ضمیر در <عنه> می تواند به <قول مختلف> باز گردد. در این صورت <عن> تعلیلیه بوده و جمله <یؤفک...> صفت برای <قول> می باشد؛ یعنی، <یؤفک بسببه...>.

ابتلای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۴

۴ - ابتلای کافران مکه به گرفتاری و سختی، از رخداد های دوران پیش از هجرت

و لو رحمناهم و کشفنا ما بهم من ضرّ

ابراهیم(ع) و کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۲۰، ۴

۴ - ابراهیم (ع)، کفر پیشگان مکه را شایسته بهره مند شدن از روزی های الهی نمی دانست .

و ارزق . . . من ءامن منهم باللّٰه و الیوم الآخر

۲۰ - دلجویی خداوند از ابراهیم (ع) به خاطر اجابت نکردن دعای او علیه کافران مکه

و ارزق . . من ءامن منهم ... قال و من كفر فأمتعه قليلا ثم أضطره إلى عذاب النار

از هدفهای بیان اندک بودن متاع دنیا و زمان بهره گیری از آن و نیز بیان

فرجام شوم کفرپیشگان پس از رد کردن تقاضای ابراهیم علیه آنان، دلجویی از ابراهیم است.

اتمام حجت بر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۱

۱- کافران مکه با انکار آیات الهی پس از اتمام حجت بر ایشان مستحق نابودی و عذاب بودند .

و لو أنا أهلکنهم .. فستعلمون من أصحاب الصراط السوی و من اهتدی

اجابت خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۸

۸- در صورت تحقق خواسته کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، آنان گرفتار عذابی مرگبار می شدند .

ما ننزل الملائکه إلا بالحق و ما كانوا إذا منظرین

یکی از احتمالاتی که برای آیه داده شده، این است که ملائکه، در صورتی که بخواهند برای کافران نازل شوند، برایشان عذاب به ارمغان خواهند آورد؛ عذابی که هیچ کدام از آنان را زنده نخواهد گذاشت.

اختلاف کافران مکه با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۹

۹ - کافران مکه ، در انتظار وقوع روزی برای حل و فصل شدن اختلاف شان با پیامبر (ص) بودند . *

و یقولون متی هذا الفتح

احتمال دارد مراد از <الفتح> فصل و قضا میان کافران و پیامبر(ص) باشد. در این صورت، <یوم الفتح>، روزی خواهد بود که چنین ایده ای، جامه عمل بپوشد.

اخلاق کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۲

۲ کفرپیشگان مکہ با

سرمستی و خودنمایی ، از دیار مکه رهسپار منطقه بدر شدند .

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم بطرا

ادعاهای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۲

۲ کافران مکه مدعی توان خویش در آوردن آیات و معارفی چون قرآن

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا

اذیتهای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۳

۳- مسلمانان صدراسلام (در مکه) از سوی کافران و مشرکان گرفتار فشار های روحی و تنگنا های روانی بودند .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ

با توجه به نزول این آیات در مکه، جمله <سَيَجْعَلُ...> باید وعده ای نزدیک به مسلمانان صدراسلام باشد. این نوید حکایت از آن دارد که مسلمانان در زمان نزول آیات، در شرایط سختی از نظر روحی و روانی و مقبولیت اجتماعی قرار داشتند.

استقلال فکری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۴

۴ - کافران مکه ، برای عقیده خود ، هویتی مستقل ، قائل بودند .

اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا

استهزاهای کافران مکه

۱- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می

زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۱ - ۳

۳- خداوند ، تسلی بخش پیامبر (ص) در برابر برخورد های تمسخرآمیز کافران مکه

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون .. و ما یأتیهم من رسول إلا کان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۸

۸- خداوند ، تسلی بخش پیامبر (ص) در برابر برخورد های تمسخرآمیز کافران مکه

و ما یأتیهم من رسول إلا کانوا به یتهزون. کذلک نسلک فی قلوب المجرمین . لایؤمن

آیات قبل، درباره برخورد عنادآلود کفار مکه با نبوت پیامبر اکرم(ص) بود. اینکه در این آیه ها، برخورد مردمان پیشین با انبیای الهی را توضیح می دهد، احتمالاً به جهت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۱،۲

۱- کافران و مشرکان مکه ، به هنگام رو به رو شدن با پیامبر (ص) ، آن حضرت را مورد تمسخر و استهزا قرار می دادند .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتخذونک إلهزواً

۲- تمسخر و استهزا ، تنها شیوه برخورد مشرکان و کافران مکه با شخص پیامبر (ص) بود .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتخذونک إلهزواً

حرف نفی <إن> و حرف استثنا <إلا> پس از آن که بر قصر دلالت می کند و نیز آمدن <هزواً> به صورت مصدر، همگی بیانگر استمرار و شدت

در کار استهزا و تمسخر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۴

۴- کافران دین ستیز مکه ، وعده ها و تهدید های الهی (عذاب ، کیفر اخروی و ...) را مورد استهزا و تمسخر قرار می دادند .

و يقولون متی هذا الوعد

جمله استفهامیه < و يقولون متی هذا الوعد > برای تهکم و استهزا است.

اطمینان کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۳

۳ اطمینان کفار مکه به پیروزی خویش هنگام خروج برای جنگ بدر

و لا تكونوا كالذين خرجوا

اغواگری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، درباره تلاش شان برای اغوای مسلمانان

و قال الذين كفروا للذين آمنوا اتبِعوا سبيلنا. .. و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه ...

بیان قصه طوفان نوح(ع) پس از ذکر برخوردهای کافران مکه با مسلمانان، احتمال دارد برای هشدار به آنان باشد.

افساد کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۵

۵- کافران مکه ، مردمانی مجرم و تبه‌کار بودند .

ربما يوّد الذين كفروا .. كذلك نسلکة في قلوب المجرمين

اکثریت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ اکثر کافران مکه ناآگاه به مستحق بودن عذاب الهی به سبب بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام

و ما لهم ألا يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجدالحرام ..

و لكن أكثرهم لا يعلمون

امیدواری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۷

۷- امیدواری کافران مکه ، به پیروزی خود بر پیامبر (ص) از طریق ایجاد هیاهو و فضای ناآرام

و قال الذين كفروا لاتسمعوا .. و الغوا فيه لعلکم تغلبون

انذار کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۳

۳- هشدار خداوند به کافران هدایت ناپذیر مکه ، مبنی بر اینکه مهلت دادن به آنان به معنای تداوم بخشیدن به زندگیشان نیست ؛ بلکه همواره در معرض هلاکتند .

ربما يوذّ الذين كفروا لو كانوا مسلمين. ذرهم ... فسوف يعلمون. و ما أهلکنا من قریه

ذکر این آیه، پس از تهدید <فسوف يعلمون> احتمالاً برای دفع اشکال مقدر می باشد و آن اشکال این است که: کفار پس از مهلت یافتن با امر <ذرهم یا کلو...> چنین نپندارند که زندگیشان ادامه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۳

۱۳- هشدار خداوند به کافران استهزاگر مکه

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة .. كذلك فعل الذين من قبلهم ... فأصابهم سيئات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱

۱ - هشدار خداوند به کفار مکه ، مبنی بر پیروزی نزدیک مسلمانان بر آنان

سنريهم ءايتنا في الأفاق و في أنفسهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مراد از ضمیر <هم> به قرینه آیه قبل (ثم كفرتم) كفار مکه بوده و

مقصود از <آفاق> نواحی زمین و از <أنفس> مردم سرزمین جزیره العرب باشد. بنابراین جمله <سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی أنفسهم> می تواند اشاره به پیروزی مسلمانان بر کافران داشته باشد.

انگیزه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱۰

۱۰- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ؛ بلکه انگیزه نفسانی روانی داشت .

و إذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولوا على أدبرهم نفورًا

<نفرت> از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

ایمان نسل کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳۰

۳۰- وجود مؤمنانی در نسل و صلب کافران مکه ، مانع نزول عذاب الهی بر آنان *

لولا رجال مؤمنون .. لم تعلموهم ... لو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم عذابًا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از مردان و زنان مؤمن در آیه شریفه، فرزندان باشند که از کافران مکه تولد خواهند یافت و به ایمان خواهند گروید. آنچه مؤید این احتمال است، تعبیر <لم تعلموهم> و نیز <لو تزیلوا> می باشد؛ زیرا <لو>ی امتناعیه، تفکیک ناپذیری نسل مؤمن از کافران عصر بعثت را می رساند.

بهانه جویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۴

۴- درخواست نزول ملائکه ، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (ص) از سوی کافران مکه ، بهانه

ای بیش نبود .

لو ما تأتینا بالملئکه . . . ما ننزل الملئکه إلا بالحقّ

قید <إلا بالحقّ> می تواند احترازی باشد؛ یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه <إذا منظرین> نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر(ص) را نمی پذیرفتند.

بی ادبی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۱

۱- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

بی تأثیری جوسازی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیر گذاری

قال الذین کفروا . . . لعلکم تغلبون

واژه <لعل> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

بی منطقی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی

نداشت؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود.

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱۰

۱۰- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن، برخاسته از منطق و عقل نبود؛ بلکه انگیزه نفسانی روانی داشت.

و إذا ذکرک ربّک فی القرآن وحده ولّوا علی أدبرهم نفورا

<نفرت> از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

بینش کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۴،۵

۴- کافران مکه، نزول وحی بر پیامبر (ص) را، ادعایی بیش نمی دانستند.

قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل <نزل> و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

۵- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بینش کافران مکه

قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر إنک لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۲،۴،۶

۲- کافران مکه، دلیل صداقت پیامبر (ص)

را در ادعای نزول وحی ، آمدن ملائکه برای تصدیق او می دانستند .

لو ما تأتینا بالملئکه إن كنت من الصدقین

۴- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا .. لو ما تأتینا بالملئکه إن كنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

۶- کافران و مشرکان مکه ، ملائکه را موجوداتی قابل احساس برای همگان می دانستند .

قالوا .. لو ما تأتینا بالملئکه

از تعبیر <لو ما تأتینا بالملئکه> (چرا فرشته ای نمی آوری؟) استفاده می شود که آنان، فرشتگان را موجوداتی محسوس و قابل رؤیت می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۷،۸،۹

۷- کافران و مشرکان مکه ، نسبت به نام <رحمان> برای خداوند ، بسیار حساس و منکر رحمانیت او بودند .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

اختصاص به ذکر یافتن نام <رحمان> از میان دیگر نام های مقدس پروردگار و نیز تکرار <هم>، بیانگر برداشت یاد شده است.

۸- کافران مکه ، منکر خدای رحمان بودند .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

گفتنی است که کافران منکر نام رحمان بودند؛ به اولویت استفاده می شود که منکر ذات خدای رحمان نیز بوده اند.

۹- آسمانی بودن قرآن ، مورد انکار

کافران و مشرکان مکه بود .

و هم بذكر الرحمن هم كفرون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <ذکر> قرآن کریم باشد، چنان که در موارد متعدد در قرآن از جمله آیه دوم همین سوره از قرآن به <ذکر> یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۴

۴ - کافران مکه ، برای عقیده خود ، هویتی مستقل ، قائل بودند .

اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا

ترس کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۳

۳ - وحشت کافران مکه ، از تأثیر شگفت قرآن و پیام وحی در شنوندگان

لا تسمعوا لهذا القرآن والغوا فيه

ترک احتجاج با کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، به هنگام مواجهه با حق ناپذیری کافران مکه ، مأمور به رها کردن آنان به حال خود و ترک محاجه با آنها شد .

ذرهم يأكلوا ويتمتعوا

تعصب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۱۱

تکبر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۲

۲ کفرپیشگان مکه با سرمستی و خودنمایی ، از دیار مکه رهسپار منطقه بدر شدند .

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم بطرا

تکذیبگری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۸ - ۱،۵

۱ - کافران

مکه ، رسالت پیامبر (ص) را تکذیب می کردند .

و قال الذين كفروا للذين آمنوا اتبعوا سبيلنا .. و إن تكذبوا فقد كذب

بنابراین که مخاطب آیه طبق سیاق کافران مکه باشند، نکته یاد شده، به دست می آید.

۵ - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، به جهت تکذیب کردن پیامبر (ص)

و إن تكذبوا فقد كذب أمم من قبلكم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که جواب شرط <إن تكذبوا> محذوف بوده و چیزی از قبیل <فاستعدوا للعذاب> باشد؛
یعنی، اگر تکذیب می کنید، آماده عذاب باشید!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۳

۳ - کافران مکه ، منکر تحقق معاد بودند .

أولم يروا كيف يبدئ الله الخلق ثم يعيده

آیه بعد، قرینه است بر این که این آیه، در صدد اثبات تحقق معاد است. دعوت از کافران برای ژرف نگری در قدرت خدا،
نشان از انکار معاد از سوی آنان دارد.

تلاش کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۵،۶

۵ کفرپیشگان مکه در عصر بعثت ، همواره در تلاش برای بازداشتن مردم از پیوستن به راه خدا

و يصدون عن سبيل الله

۶ خروج کافران مکه به سوی بدر ، در راستای تلاششان برای بازداري مردم از راه خدا

و لاتكونوا كالذين خرجوا من ديرهم .. و يصدون عن سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۳

۳ - کافران مکه ، به هنگام دعوت از مسلمانان به بازگشت

از اسلام ، به آنان اعلام کردند که در صورت مرتد شدن ، گناهان شان را برعهده خواهند گرفت .

و قال الذين كفروا للذين آمنوا اتبعوا سبيلنا و لنحمل خطيكم

امر <لنحمل> دلالت بر تعهد کافران در قبول گناه ارتداد مسلمانان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۲

۲ - تلاش کافران مکه برای مرتد ساختن مسلمانان ، گناه سنگینی است .

و قال الذين كفروا .. اتبعوا سبيلنا ... و ليحملن أثقالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذين كفروا لاتسمعوا .. لعلكم تغلبون

تناقض گویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۸ - ۳

۳ - تناقض گویی کافران مکه ، در انکار معاد و کیفر کردار

إنکم لفی قول مختلف

با توجه به این که آیات پیشین در مورد معاد و جزای کردار و آیات بعد در زمینه روز جزا است، ممکن است <قول مختلف> نظر به همین موضوع (معاد) داشته باشد.

تنفر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

توطئه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ -

۲ توطئه گری های کافران مکه علیه پیامبر (ص) و نجات وی از آن توطئه ها با برنامه های الهی ، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ يمكر بك الذين كفروا .. و الله خير المكرين

<إذ يمكر .. > عطف بر <إذ أنتم قليل ... > در آیه ۲۶ است.

۳ محبوس ساختن یا کشتن و یا تبعید پیامبر (ص) ، از جمله توطئه های کافران مکه علیه آن حضرت

ليشبتوك او يقتلوك او يخرجوك و يمكرون

جمله <و يمكرون> بیانگر این است که کافران علاوه بر تصمیم داشتن به قتل پیامبر(ص) و .. برنامه های دیگری نیز علیه پیامبر(ص) در نظر داشته اند. لذا در برداشت فوق از آن به <از جمله> تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۲

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص) (

و يمكرون .. و إذ قالوا اللهم ... فأمطر علينا حجارة من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علينا ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشان را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۱۹ رهایی پیامبر (ص) از توطئه کافران مکه و اعتلای کلمه الله، جلوه عزت (شکست ناپذیری) و حکمت خدا

فقد نصره الله إذ أخرجه .. كلمه الله هي العليا و الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۶

۱۶ اتهام سحر و افسونگری، از حربه های تبلیغاتی کفرپیشگان مکه علیه قرآن و پیامبر (ص)

قال الكفرون إن هذا لسحر مبين

تهدید کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۷

۲۷- کافران مکه، مورد تهدید خداوند به عذابی دردناک

لو تزیلوا لعذبنا الذين كفروا منهم عذابا أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۱ - ۲

۲ - تهدید کافران مکه از سوی خداوند، به وقوع حوادثی ناگوار و مرگ آفرین برای ایشان در آینده

قل تریصوا فانی معکم من المتریصین

تهمتهای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۶

۱۶ اتهام سحر و افسونگری، از حربه های تبلیغاتی کفرپیشگان مکه علیه قرآن و پیامبر (ص)

قال الكفرون إن هذا لسحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۳

۳- کافران مکہ ، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود ، فردی مجنون و دیوانه می دانستند .

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل

از ادعای نبوت پیامبر(ص) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۵

۵- کافران مکه ، پیامبر (ص) را متهم به سحر می کردند .

بل نحن قوم مسحورون

در آیه فوق، هر چند به <سحر کننده> تصریح نشده، ولی تناسب حکم و موضوع و نیز آیه های دیگری که به این موضوع تصریح کرده است، مقصود پیامبراسلام(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۵

۵- کافران دین ستیز مکه ، پیامبراسلام و مؤمنان را در باره وعده های الهی دروغگو می پنداشتند .

و يقولون متی هذا الوعد ان کنتم صدقین

جوسازی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۷

۷- امیدواری کافران مکه ، به پیروزی خود بر پیامبر (ص) از طریق ایجاد هیاهو و فضای ناآرام

و قال الذین کفروا لاتسمعوا .. و الغوا فيه لعلکم تغلبون

جهل کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۶

۶ - جهل ، عامل رویکرد کافران مکه به خرید داستان های بی اساس بود .

و من الناس من يشتري لهو الحديث .. بغير علم

<بغير علم> متعلق به فعل <يشتري> است.

حس گرایى كافران مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - حجر - ١٥ - ٧ - ٤

٤- كافران مكه ،

بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد. *

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصدقين

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

حق ستیزی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذين كفروا لاتسمعوا .. لعلکم تغلبون

حق ناپذیری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتابا .. إن هذا إلا سحر مبين

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، به هنگام مواجهه با حق ناپذیری کافران مکه ، مأمور به رها کردن آنان به حال خود و ترک محاجه با آنها شد .

ذره م یا کلوا و یتمتعوا

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱،۲،۴

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظّلوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

<سکر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

۲- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظّلوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

۴- کافران مکه برای گریز از پذیرفتن حقایق الهی ، آنها را اموری موهوم جلوه می دادند .

لقالوا إنما سكرت أبصرنا بل نحن قوم مسحورون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۵

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

خواسته کافران کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فرستد .

و إذ قالوا .. فأمطر علينا حجاره

۲ نابق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و یمکرون .. و إذ قالوا اللهم ... فأمطر علينا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا افناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشان را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره

خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۱،۳

۱- کافران مکه ، از پیامبر (ص) خواستار آوردن فرشتگان برای تصدیق نبوت آن حضرت بودند .

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصدقين

<لو ما> مانند <هلا> و <لولا> برای تحضیض است.

۳- کافران مکه ، از پیامبر (ص) خواستار آوردن ملائکه به عنوان معجزه بودند .

لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصدقين

آوردن ملائکه توسط پیامبر(ص) که مورد درخواست کفار بود احتمال دارد برای تصدیق

نبوت پیامبر(ص) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۳،۴

۳- درخواست کافران مکه ، برای آوردن ملائکه توسط پیامبر (ص) ، درخواستی نابه جا و باطل بود .

لو ما تأتینا بالملئکه . . . ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ

جمله <ما ننزل الملائکه إلا بالحق> حصری و احترازی است و کنایه از این است که درخواست کفار نابه جاست.

۴- درخواست نزول ملائکه ، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (ص) از سوی کافران مکه ، بهانه ای بیش نبود .

لو ما تأتینا بالملئکه . . . ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ

قید <إلا بالحق> می تواند احترازی باشد؛ یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه <إذا منظرین> نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر(ص) را نمی پذیرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۲

۲- کافران حق ناپذیر مکه ، در انتظار معجزه آمدن فرشتگان و یا امر ویژه ای از جانب خداوند برای تأیید حقانیت قرآن بودند

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولین . . . هل ينظرون إلا أن تأتیهم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که عبارت <تأتیهم الملائکه أو یأتی أمر ربك> (ملائکه برای آنان بیاید و یا امر پروردگارت بیاید) به قرینه آیات سابق که درباره قرآن کریم بود بر

آمدن ملائکه یا امر خداوند جهت تأیید قرآن دلالت داشته باشد.

دروغگویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۸،۹،۱۱

۸ - کافران مکه ، برای باز داشتن مسلمانان ، از ایمان شان به دروغ متوسل شدند .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اَتبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم .. اِنَّهم لکذبون

۹ - کافران مکه ، مردمی دروغگو بودند .

و قال الذین کفروا .. اِنَّهم لکذبون

۱۱ - برعهده گرفتن خطا و گناه ارتداد مسلمانان ، از سوی کافران مکه ، ادعایی دروغ و خالی از واقعیت بود .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اَتبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم .. اِنَّهم لکذبون

دشمنی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتابا .. ان هذا اِلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۴

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو اتتنا بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۹

۹ - انکار و برخورد عناد آمیز با قرآن و پیامبر (ص)

، شیوه مستمر کافران مکه

کانوا بآیتنا یجحدون

فعل <کان> هرگاه بر مضارع داخل شود افاده استمرار می کند.

دعای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۳

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا لیعذبهم الله .. و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما کان صلاتهم ... > عطف بر <و هم یصدون ... > باشد.

رفتار ناپسند کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۲

۲ شیطان رفتار های ناشایست کافران مکه را در نظرشان زیبا جلوه داد .

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

روش برخورد کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یتستهزءون

مفاد جمله <کانوا به یتستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۱

۱ روش کافران مکه در برخورد با آیات الهی همسان با روش فرعونیان و کافران پیش از آنها

كدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۱،۳

خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

۳- کافران مکه ، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود ، فردی مجنون و دیوانه می دانستند .

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر(ص) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۹

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۵، ۲، ۱

۱- کافران و مشرکان مکه ، به هنگام رو به رو شدن با پیامبر (ص) ، آن حضرت را مورد تمسخر

و استهزا قرار می دادند .

و إذا رءاك الذين كفروا إن يتخذونك إلهزواً

۲- تمسخر و استهزا، تنها شیوه برخورد مشرکان و کافران مکه با شخص پیامبر (ص) بود .

و إذا رءاك الذين كفروا إن يتخذونك إلهزواً

حرف نفی <إن> و حرف استثنا <إلا> پس از آن که بر قصر دلالت می کند و نیز آمدن <هزواً> به صورت مصدر، همگی بیانگر استمرار و شدت در کار استهزا و تمسخر است.

۵- پیامبر (ص) ، مورد تحقیر مداوم کافران مکه قرار می گرفت .

و إذا رءاك .. أهدا الذى يذكركم

همزه استفهامیه در <أهدا..> برای تعجب است و اسم اشاره <هدا> به قرینه استهزا در تحقیر استعمال گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - کافران مکه ، درصدد تحقیر و خوار ساختن پیامبر (ص) بودند .

و لا يستخفّنك الذين لا يوقنون

دعوت از پیامبر(ص) به صبر در برابر کافران و نیز توصیه به مراقبت از خود که مبادا کافران آن حضرت را خفیف و خوار کنند، می تواند بازگو کننده وضعیّت رفتاری کافران درباره پیامبر(ص) باشد.

۱۱ - کافران مکه ، درصدد بودند تا با تبلیغات خود ، در مواضع عقیدتی پیامبر (ص) سستی ایجاد کنند .

إن أنتم إلا مبطلون .. و لا يستخفّنك الذين لا يوقنون

برخی بر این عقیده اند که معنای <لا يستخفّنك> ، <لاینفز عن دینک> (بیرون نبرند تو را از دین ات) است (لسان العرب).
<و لا يستخفّنك الذين لا يوقنون> می تواند بیان نوع اثری باشد که مشرکان، با <إن أنتم إلا مبطلون> درصدد ایجاد

آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۹

۹ - انکار و برخورد عنادآمیز با قرآن و پیامبر (ص) ، شیوه مستمر کافران مکه

کانوا بآیتنا یجحدون

فعل <کان> هرگاه بر مضارع داخل شود افاده استمرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱

۱- تلاش کافران مکه ، برای تحقیر مؤمنان و بی اهمیت جلوه دادن ایمان آنان

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

زمینه عجله کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۶

۶- خوی شتاب زدگی آدمی ، زمینه ساز درخواست کافران مکه برای تحقق وعده های الهی (عذاب ، برپایی قیامت و ...)

خلق الإنسن من عجل . . . یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله <و یقولون متی . . .> عطف بر جمله <سأُوریکم...> باشد و این دو جمله، با جمله <خلق الإنسان من عجل> که بیان گر خصلت عمومی انسان ها است مرتبط باشند.

زمینه عذاب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۸

۸- در صورت تحقق خواسته کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، آنان گرفتار عذابی مرگبار می شدند .

ما ننزل الملائکه إلاّ بالحقّ و ما كانوا إذا منظرین

یکی از احتمالاتی که برای آیه داده شده، این است که ملائکه، در صورتی که بخواهند برای کافران نازل شوند،

برایشان عذاب به ارمغان خواهند آورد؛ عذابی که هیچ کدام از آنان را زنده نخواهد گذاشت.

زمینه هلاکت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۵

۵- در صورت تحقق درخواست کافران برای نزول ملائکه ، تمامی آنان هلاک می شوند و مهلتی برای ایمان نخواهند داشت .

ما ننزل الملائکه إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرین

انظار مصدر <منظر> به معنای تأخیر انداختن است و حصر در آیه، نشان می دهد که با آمدن ملائکه، اجل هیچ کدام از کفار به تأخیر نخواهد افتاد و به هلاکت خواهند رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۸

سرزنش کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱

۱ - کافران مکه ، از سوی خداوند ، به خاطر ژرف نگری نکردن درباره توانایی خدا بر خلق موجودات ، سرزنش شده اند .

أولم یروا کیف یبدئ الله الخلق

همزه <أولم یروا> استفهام توبيخی است.

سرگردانی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷- لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و

رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمٰنہم .. للّٰجوا فی طغینہم یعمہون

سطح زندگی کافران مکہ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۱ - طہ - ۲۰ - ۱۳۱ - ۳

۳ - سطح زندگی پیامبر (ص) و

مسلمانان ، با کافران مکه ، تفاوت قابل ملاحظه ای داشت .

و لا تَمَدَنَّ عَيْنِيكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

شک کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیر گذاری

قال الذين كفروا... لعلكم تغلبون

واژه <لعل> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۱

۱ - تردید و شک کافران مکه ، نسبت به برپایی قیامت

ألا إنهم في مريه من لقاء ربهم

شکایت از کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۱

۱ شکوه پیامبر (ص) به پیشگاه خداوند از مردم عصر خویش (کافران شهر مکه) ، به خاطر متروک و مهجور ساختن قرآن کریم

وقال الرسول يربِّ إنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

در این که شکوائیه پیامبر(ص) در این دنیا است و یا در آخرت؟ دو نظریه میان مفسران وجود دارد. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است که مطابق نظر بیشتر مفسران می باشد. گفتنی است واژه <مهجور> به معنای متروک و رها شده است.

شکست کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۴

۴- کافران مکه ، در آستانه شکست و عذاب دنیوی قرار گرفته بودند .

سُورِیکمِ اِیتی

برداشت یاد شده مبتنی

براین است که مراد از <آیات> شکست کفار مکه و عذاب دنیوی آنان باشد. گفتنی است مکی بودن این آیات، مؤید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه .. حتى يأتي وعد الله

شگفتی تکذیبگری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۶

۶ - اصرار کافران مکه بر تکذیب تهدید های الهی ، با وجود آگاهی آنان از هلاکت فرعونیان و ثمودیان ، شگفت آورتر از کفرورزی پیشینیان است .

بل الذين كفروا في تكذيب

اضراب که از حرف <بل> استفاده می شود ممکن است نظر به این داشته باشد که تکذیب گری مردم مکه در قیاس با کفر پیشینیان اعجاب آورتر است؛ زیرا به رغم دیدن سرنوشت آنها، تهدید را دروغ شمردند.

شیطان و کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۸

۸ تجسم شیطان برای کافران مکه ، قبل از جنگ بدر

و اذ زين لهم الشيطان أعمالهم

صفات کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- کافران مکّه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی
و لو فتحنا علیهم باباً من السماء فظلّوا فیهِ یعرجون . لقالوا إنّما سکرّت أبصرنا

ضیق صدر کافران مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

طغیان کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷ - لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمٰنهم ... للّٰجوا فی طغینهم یعمهون

ظلم کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ فرعونیان ، امت های پیش از آنان و کفرپیشگان مکه ، از زمره ظالمان

و کل کانوا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۹، ۱۵

۹ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، تحت سیطره ستم کافران مکه

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه و المستضعفین ... یقولون ربّنا اخرجنا من هذه ا

بسیاری از مفسران برآنند که آیه مورد بحث درباره مسلمانانی است که تا قبل از فتح مکه در آنجا بودند و از مهاجرت آنان جلوگیری می شد.

۱۵ مسلمانان مستضعف صدر اسلام ، خواستار فرمانده و نیروی انسانی از جانب خداوند برای رهایی از ستم کفرپیشگان مکه

و اجعل لنا من لدنک ولیّاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً

عبادت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۲،۳

۲ سوت کشیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه ، دلیل عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام

إِن أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ ..

جمله < ما کان صلاتهم ... > می تواند بیان مصداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی برای عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا ليعذبهم الله . . . و ما کان صلاتهم عند البيت إلا مکاء و تصدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله < ما کان صلاتهم ... > عطف بر < و هم یصدون ... > باشد.

عجز کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۳

۳- ناتوانی و درماندگی کافران و مشرکان مکه ، در مبارزه با اسلام و منطق پیامبر (ص)

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتخذونک إلاهزوا

از این که کافران و مشرکان، به گونه ای مستمر به استهزای پیامبر(ص) می پرداختند، برمی آید که آنان در توسل به منطق و دلیل و برهان ناتوان بودند و هیچ راهی جز این نداشتند.

عذاب دنیوی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۴

۴- کافران مکه ، در آستانه شکست و عذاب دنیوی قرار گرفته بودند .

سأوریکم ءایتی

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مراد از < آیات > شکست کفار مکه و عذاب دنیوی آنان باشد. گفتنی است مکی بودن این آیات، مؤید برداشت یاد شده است.

عذاب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ -

۱- کافران مکه با انکار آیات الهی پس از اتمام حجت بر ایشان مستحق نابودی و عذاب بودند .

و لو أَنَا أَهْلُكُمْ .. فستعلمون من أصحاب الصراط السوي و من اهتدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۵

۵- کافران مکه به عذاب و نابودی قریب الوقوع تهدید شدند .

سأوریکم ءایتی فلاتستعجلون

مقصود از <آیاتی> به قرینه آیات بعد (..بل تأتیهم بغته...) عذاب و هلاکت است.

عقیده کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۵،۶

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره

۶ کافران مکه معتقد به خدا و معتقد به تأثیر او در جهان هستی

و إذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء

علاقه به هدایت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۶ - ۶

۶ - علاقۀ شدید برخی از مسلمانان عصر بعثت ، به ارشاد کافران سرشناس مکه و مسلمان ساختن آنان

فأنت له تصدی

براساس شأن نزول این آیات، افراد معروفی از قریش (نظیر ابوجهل) در مجلسی که ابن ام مکتوم وارد شد، حضور داشتند و تعبیر <من استغنی> در مورد آنان نازل شده است.

عوامل مصونیت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۴

۲۴- حضور مؤمنان در محیط زندگی کافران مکه ،

باعث نجات موقت کفار از عذاب الهی

لو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم

فلسفه ردّ خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۶

۶- فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، مهلت دادن به آنان و جلو نینداختن اجلشان است .

ما تسبق من أمه أجلها .. ما ننزل الملائكة إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرین

فلسفه مهلت به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۳

۳- هشدار خداوند به کافران هدایت ناپذیر مکه ، مبنی بر اینکه مهلت دادن به آنان به معنای تداوم بخشیدن به زندگیشان نیست ؛ بلکه همواره در معرض هلاکتند .

ربما یودّ الذین کفروا لو كانوا مسلمین . ذرهم ... فسوف یعلمون . و ما أهلکنا من قریه

ذکر این آیه، پس از تهدید <فسوف یعلمون> احتمالاً برای دفع اشکال مقدر می باشد و آن اشکال این است که: کفار پس از مهلت یافتن با امر <ذرهم یا کلو . ..> چنین نپندارند که زندگیشان ادامه دارد .

کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۱۶

۱۶ اقدام برخی از مسلمین (عبدالله بن جحش و همراهان او) به جنگ با کفار مکه در ماه حرام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

در شأن نزول آیه آمده که عبدالله بن جحش و همراهان او در ماه رجب به گروهی از کفار که دارای مال التجاره بودند،

حمله بردند و آنان را کشته و

یا اسیر کردند. (مجمع البیان و دیگر تفاسیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۷

۲۷ حاکمیت و تسلط کافران بر سرزمین مکه و مسلمانان آن دیار، در صدر اسلام

فَالَّذِينَ... اخرجوا من ديارهم و اودوا فی سبیلی... و قتلوا

کافران مکه در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۶

۶ خروج کافران مکه به سوی بدر، در راستای تلاششان برای بازداري مردم از راه خدا

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم... و یصدون عن سبیل اللّٰه

کافران مکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان مکه در قیامت گردآوری و به سوی جهنم رانده خواهند شد.

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

کافران مکه و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما كانوا به یتستهزءون

مفاد جمله <کانوا به یستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۱

۱ روش کافران مکه در برخورد با آیات الهی ، همانند روش فرعونیان و کافران پیش از آنان

كدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

<دأب> به معنای عادت و روش است. و چون آیه به

دنبال قضایای جنگ بدر آمده، معلوم می شود مشبه کافران مکه هستند و تقدیر جمله چنین است: داب هؤلاء الكفرة كدأب
آل فرعون. قابل ذکر است مراد از ضمیر در <قبلهم> آل فرعون هستند.

کافران مکه و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۷

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما كان الله معذبهم وهم يستغفرون

کافران مکه و حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مفاد جمله <كانوا به يستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

کافران مکه و خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۶

۶ کافران مکه معتقد به خدا و معتقد به تأثیر او در جهان هستی

و إذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء

کافران مکه و دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللَّهُمَّ إِن كَان هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً

کافران مکه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۸

۱ کافران مکه در

پی نزول قرآن به عنوان معجزه، بدون درنگ به تکذیب آن پرداختند.

فقد كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ

جمله ظرفیه <لَمَّا جَاءَهُمْ> به این نکته اشاره دارد که تکذیب کافران به مجرد آمدن حق صورت گرفته است.

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مفاد جمله <كانوا به يستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۱،۲،۴

۱ تمسک کافران مکه به حيله برای مقابله با آنان

و يمكرون .. و إذا تتلى عليهم آيتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا

جمله <إذا تتلى ..> می تواند بیان مصداقی از <يمكرون> در آیه قبل باشد.

۲ کافران مکه مدعی توان خویش در آوردن آیات و معارفی چون قرآن

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا

۴ کافران مکه معارف قرآن را نوشتارها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند .

إن هذا إلا أسطير الأولين

<اساطير> به معنای نوشتارهای بی اساس است و <الأولین> به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که <اساطير الأولین> می تواند به این معنا باشد که این اسطوره ها در باره انسانهای اولیه است و می تواند به این معنا باشد که اینها اسطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۱،۲،۴

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب

دردناک دیگری بر آنان فرورستد .

و إذ قالوا .. فأمطر علينا حجاره

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)
(

و یمکرون .. و إذ قالوا اللهم ... فأمطر علينا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علينا ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشان را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علينا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۶،۷

۶ گرایش کافران مکه به قرآن در آینده دوران بعثت ، دلیل گرفتار نشدن آنان به عذاب استیصال ، نه حقانیت ایشان در انکار قرآن

و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و هم يستغفرون> حال مقدر باشد. یعنی خداوند اکنون (زمان انکار قرآن) کافران مکه را عذاب نمی کند، در حالی که در آینده توبه خواهند کرد. گفتنی است که استغفار و توبه کافر به ایمان آوردن اوست.

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۲

۲- < ذکر بودن قرآن > ، وصفی که کافران مکه با آن آشنا بودند .

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۲

۲- خداوند آیات قرآن را ، علی رغم تصمیم کافران مکه بر ایمان نیاوردن ، در قلب آنان رسوخ داد .

کذلک نسلک فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله < لایؤمنون به > جمله حالیه برای < المجرمین > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۵،۹

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القراء لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القراء لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این

تأثیر گذاری

قال الذين كفروا .

.. لعلکم تغلبون

واژه <لعل> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۶

۶ - آشکار بودن حقانیت قرآن ، برای کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

واژه <جحد> در مواردی به کار می رود که حقانیت چیزی معلوم باشد و در عین حال مورد انکار قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۷

۷ - مخالفت مستمر کافران مکه ، نسبت به آیات قرآن

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ

برداشت یاد شده با توجه به معنای <لَمَّا> است که در مورد استمرار زمان به کار می رود.

کافران مکه و کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۳

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا ليعذبهم الله .. و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما كان صلاتهم .. > عطف بر <و هم یصدون ... > باشد.

کافران مکه و گناه ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - کافران مکه ، به رغم اعلام صریح ، هرگز اندکی از گناه ارتداد مسلمانان را ، برعهده نمی گرفتند .

و قال الذین کفروا .. و لنحمل خطیکم و ما هم بحملین من خطیهم من شیء

در > و

ما هم بحاملین.. < دو احتمال وجود دارد: یکی، به قرینه اعلام دروغ بودن ادعای برعهده گیری گناه ارتداد، این است که آنان، حاضر به قبول گناه نیستند. دیگر این که چنین امری، شدنی نیست. برداشت بالا، بنا بر احتمال نخست است.

کافران مکه و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۳،۵

۳ محبوس ساختن یا کشتن و یا تبعید پیامبر (ص) ، از جمله توطئه های کافران مکه علیه آن حضرت

لیثتوک او یقتلوک او یخرجوک و یمکرون

جمله < و یمکرون > بیانگر این است که کافران علاوه بر تصمیم داشتن به قتل پیامبر(ص) و .. برنامه های دیگری نیز علیه پیامبر(ص) در نظر داشته اند. لذا در برداشت فوق از آن به < از جمله > تعبیر شده است.

۵ شکست کافران مکه در توطئه علیه پیامبر (ص) ، عبرتی برای همه خائنان به خدا و رسول

لاتخونوا الله و الرسول .. و یمکرون و یمکر الله

یادآوری شکست توطئه های کافران مکه پس از اشاره به خیانت برخی از مسلمانان برای تفهیم این حقیقت است که خائنان به خدا و رسول، هر چند اظهار اسلام کنند، همان گونه که کافران موفق نشدند، آنان نیز موفق نمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۴

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمر علینا حجاره من السماء أو اثنا بعداب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹

۳ خروج پیامبر (ص) از مکه و اقدام آن حضرت به هجرت، امری ناخواسته و تحت فشار کافران بود.

إذ أخرجهم الذين كفروا

بدیهی است که خروج پیامبر (ص) از مکه، به اراده خود آن حضرت صورت گرفت ولی از آن جهت که تحت فشار و جوّ ارباب بود، خداوند اخراج را به کافران نسبت داده است.

۵ موفقیت پیامبر (ص) در خروج از مکه و خلاصی از توطئه کافران، مرهون نصرت خاص خداوند بود.

نصره الله إذ أخرجهم الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۱،۳

۱- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر (ص) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

۳- کافران مکه، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود، فردی مجنون و دیوانه می دانستند.

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر (ص) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۳

۳- کافران مکه

، از پیامبر (ص) خواستار آوردن ملائکه به عنوان معجزه بودند .

لو ما تأتینا بالملئکه إن كنت من الصدقین

آوردن ملائکه توسط پیامبر(ص) که مورد درخواست کفار بود احتمال دارد برای تصدیق نبوت پیامبر(ص) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۴

۴- درخواست نزول ملائکه ، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (ص) از سوی کافران مکه ، بهانه ای بیش نبود .

لو ما تأتینا بالملئکه . . . ما ننزل الملئکه إلا بالحقّ

قید <إلا بالحقّ> می تواند احترازی باشد؛ یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه <إذاً منظرین> نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر(ص) را نمی پذیرفتند.

کافران مکه و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتابا . . . إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

کافران مکه و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۶ - ۵

۵- ملائکه ، به عنوان موجودات آسمانی شناخته شده برای کافران مکه

قالوا ..

لو ما تأتينا بالملئكة إن كنت من الصديقين

۶- کافران و مشرکان مکہ ، ملائکہ را موجوداتی قابل احساس برای همگان می دانستند .

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئكة

از تعبیر <لو ما تأتينا بالملئكة> (چرا فرشته ای نمی آوری؟) استفاده می شود که آنان، فرشتگان را موجوداتی محسوس و قابل رؤیت می دانستند.

کافران مکہ و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۵

۵- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر ، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بینش کافران مکہ

قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر إنک لمجنون

کافران مکہ و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکہ در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتابا .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکہ نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکہ، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۴

۴- کافران مکہ ، نزول وحی بر پیامبر (ص) را ، ادعایی بیش نمی دانستند .

قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل <نَزَّلَ> و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

کفر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر

۱- کافران مجرم مکه ، علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله <لایؤمنون به> جمله تفسیریه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظّلوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

<سكر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

گناه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۲

۲ - تلاش کافران مکه برای مرتد ساختن مسلمانان ، گناه سنگینی است .

و قال الذین كفروا .. اتبعوا سیلنا ... و لیحملنّ أثقالهم

لجاجة كافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و

عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتابا .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۴

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علينا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۱

۱- کافران مجرم مکه، علی رغم دریافت آیات قرآن، به آن ایمان نیاوردند.

كذلك نسلک فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله <لایؤمنون به> جمله تفسیریه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند، ایمان نخواهند آورد.

كذلك نسلک فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم باباً من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱،۲

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد.

و لو فتحنا عليهم بابًا من السماء فظلوا فيه يعرجون . لقالوا

إنما سكرت أبصرنا

<سكر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

۲- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم باباً من السماء فظّلوا فیہ یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷- لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمناهم .. للّجوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران مکه اعلام کردند که به هیچ رو به قرآن و کتاب های پیشین آسمانی ایمان نمی آورند .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرآن و لا بالذی بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۶

۶- اصرار کافران مکه بر تکذیب تهدید های الهی ، با وجود آگاهی آنان از هلاکت فرعونیان و ثمودیان ، شگفت آورتر از کفرورزی پیشینیان است .

بل الذین کفروا فی تکذیب

اضراب که از حرف <بل> استفاده می شود ممکن است نظر به این داشته باشد که تکذیب گری مردم مکه در قیاس با کفر پیشینیان اعجاب آورتر است زیرا به رغم دیدن سرنوشت آنها، تهدید را دروغ شمردند.

مبارزه کافران مکة

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۳

۳- ناتوانی و درماندگی کافران و مشرکان مکه ، در مبارزه با اسلام و منطق پیامبر (ص)

و إذا رءاك الذين كفروا إن يتخذونك إلهزوا

از این که کافران و مشرکان، به گونه ای مستمر به استهزای پیامبر(ص) می پرداختند، برمی آید که آنان در توسل به منطق و دلیل و برهان ناتوان بودند و هیچ راهی جز این نداشتند.

محرومیت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۵

۵- ابراهیم (ع) از خداوند خواست تا کافران مکه را از روزی های خویش بهره مند نسازد .

و ارزق . . . من ءامن منهم بالله و اليوم الآخر

<من ءامن> به عنوان بدل برای <أهله> بیانگر مقصود ابراهیم(ع) از کلمه <أهله> است. آن حضرت با آوردن <من ءامن> اشاره به این معنا دارد که: خواهان اعطای ثمرات به کافران مکه نیست.

مشکلات کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۴

۴- ابتلای کافران مکه به گرفتاری و سختی ، از رخداد های دوران پیش از هجرت

و لو رحمناهم و كشفنا ما بهم من ضرر

مصایب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان مکه و حوالی آن در عصر بعثت به مصیبت‌هایی سخت و کوبنده گرفتار بودند .

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه او تحلّ قریباً من دارهم

<قرع> به معنای زدن و کوبیدن چیزی به چیزی دیگر است

و <قارعه> به معنای کوبنده می باشد. این کلمه صفت برای موصوفی محذوف مانند <مصیبه> است. ضمیر در <تحل> نیز به <قارعه> باز می گردد و سیاق جمله <لایزال...> حکایت از قضیه خارجیه دارد. بنابراین <الذین كفروا> اشاره به کافرانی خاص دارد که بنابر گفته مفسران، مقصود کافران مکه هستند و بر این اساس مراد از <دار> مکه و مقصود از <قریبا من دارهم> حوالی آن است.

مکر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۱

۱ تمسک کافران مکه به حيله برای مقابله با آنان

و یمکرون... و إذا تتلی علیهم ءایتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا

جمله <إذا تتلی...> می تواند بیان مصداقی از <یمکرون> در آیه قبل باشد.

موانع عذاب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳۰

۳۰- وجود مؤمنانی در نسل و صلب کافران مکه ، مانع نزول عذاب الهی بر آنان *

لولا رجال مؤمنون... لم تعلموهم... لو تزیلوا لعذبنا الذین كفروا منهم عذابا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از مردان و زنان مؤمن در آیه شریفه، فرزندان باشند که از کافران مکه تولد خواهند یافت و به ایمان خواهند گروید. آنچه مؤید این احتمال است، تعبیر <لم تعلموهم> و نیز <لو تزیلوا> می باشد زیرا <لو> امتناعیه، تفکیک ناپذیری نسل مؤمن از کافران عصر بعثت را می رساند.

موقعیت اجتماعی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ -

۴- در آغاز بعثت ، کافران مکه از وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری نسبت به مسلمانان برخوردار بودند .

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

<مقام> اسم مکان و مشتق شده از قیام است که در معنای مجازی موقعیت اجتماعی به کار رفته است و <خیر مقاماً> کنایه از بهتر بودن وضعیت اقتصادی می باشد. <ندی> به معنای جلیس و مجلس است (مفردات راغب). افتخار کافران به بهتر بودن مجلس و هم نشینان خویش، کنایه از بهتر بودن وضعیت سیاسی و نظام اجتماعی آنان است.

موقعیت اقتصادی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۴

۴- در آغاز بعثت ، کافران مکه از وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری نسبت به مسلمانان برخوردار بودند .

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

<مقام> اسم مکان و مشتق شده از قیام است که در معنای مجازی موقعیت اجتماعی به کار رفته است و <خیر مقاماً> کنایه از بهتر بودن وضعیت اقتصادی می باشد. <ندی> به معنای جلیس و مجلس است (مفردات راغب). افتخار کافران به بهتر بودن مجلس و هم نشینان خویش، کنایه از بهتر بودن وضعیت سیاسی و نظام اجتماعی آنان است.

مهلت به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۶

۶- فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، مهلت دادن به آنان و جلو نینداختن اجلشان است .

ما تسبق من أمه أجلها .. ما ننزل الملائكة إلا بالحقّ و ما كانوا إذا منظرين

نجات از توطئه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ اعتماد و اطمینان پیامبر (ص) به نصرت الهی نسبت به او و فرد همراهش (ابوبکر) در خلاصی از توطئه کافران مکه

لا تحزن إن الله معنا

وعده شکست کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوریکم آیتی . . . و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

وعده هلاکت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوریکم آیتی . . . و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

هدایت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۶ - ۵

۵ - عثمان بن عفان ، از حاضران مجلس پیامبر (ص) در ماجرای ابن ام مکتوم و ارشاد کننده کافران مکه در عصر بعثت *

أَمَا مِنْ اسْتَعْنَى . فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى

در شأن نزول آیه شریفه از تفسیر قمی نقل شده که فرد مورد نظر از ضمیر خطاب در <أَنْتَ لَهُ تَصَدَّى>، عثمان بوده است. او در صدد مسلمان ساختن حاضران مجلس که از چهره های برجسته قریش بودند برآمده بود.

هدایت ناپذیری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۶

۶ - عدم تنبه کافران مکه ، از بلا های هشدار دهنده الهی (مثل قحطی و خشکسالی)

و لقد أخذنهم بالعذاب فما استکانوا لربهم و ما يتضرعون

هشدار به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۵

۵- کافران مکه به عذاب و نابودی قریب الوقوع تهدید شدند .

سأوریکم ءایتی فلا تستعجلون

مقصود از <آیاتی> به قرینه آیات بعد (..بل تأتیهم بغته...) عذاب و هلاکت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، درباره تلاش شان برای اغوای مسلمانان

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتبعوا سبیلنا ..و لقد أرسلنا نوحًا إلی قومه ...

بیان قصه طوفان نوح(ع) پس از ذکر برخوردهای کافران مکه با مسلمانان، احتمال دارد برای هشدار به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۸ - ۵

۵ - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، به جهت تکذیب کردن پیامبر (ص)

و إن تکذبوا فقد کذب أمم من قبلکم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که جواب شرط <إن تکذبوا> محذوف بوده و چیزی از قبیل <فاستعدوا للعذاب> باشد.

یعنی، اگر تکذیب می کنید، آماده عذاب باشید!

هلاکت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۱

۱- کافران مکه با انکار آیات الهی پس از اتمام حجت بر ایشان مستحق نابودی و عذاب بودند

و لو أَنَا أَهْلَكْنَهُمْ .. فستعلمون من أصحاب الصراط السويّ و من اهتدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۵

۵- کافران مکه به عذاب و نابودی قریب الوقوع تهدید شدند .

سأوریکم ءایتی فلاتستعجلون

مقصود از <آیاتی> به قرینه آیات بعد (..بل تأتیهم بغته...) عذاب و هلاکت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۱ - ۲

۲ - تهدید کافران مکه از سوی خداوند ، به وقوع حوادثی ناگوار و مرگ آفرین برای ایشان در آینده

قل ترّیصوا فإنی معکم من المتریصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لا یزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه .. حتی یأتی وعد الله

هواپرستی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۹

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ؛ بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان

بود .

و لقد صرفنا في هذا القرآن ليذكروا و ما يزيدهم إلا نفورا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱۰

۱۰- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با

قرآن، برخاسته از منطق و عقل نبود؛ بلکه انگیزه نفسانی روانی داشت.

و إذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولوا على أدبرهم نفورًا

<نفرت> از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

کتابت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کتابت

ابزار کتابت در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۹

۹ - ظرافت ابزار مورد استفاده برای کتابت (کاغذ، پوست و ...) در عهد سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

از آن جا که پیکی چون هدهد تنها می تواند حامل اشیایی سبک و کوچک باشد، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

احکام کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۵۰، ۴۷

۴۷ لزوم جبران خسارتهایی که بر کاتب و شاهد، از ناحیه کتابت و شهادت به وجود می آید .

و لا يضارَ کاتب و لا شهید

بنابراینکه <لا يضار> مجهول باشد، مقصود از ضرر، خسارتهای ناشی از شهادت و کتابت است یعنی نباید کاتب و شاهد در این میان متحمل ضرر و زیانی شوند که لازمه آن جبران خسارتهای ایشان است. مثل بیکاری، کرایه رفت و آمد و ...

۵۰ جبران نکردن خسارتهایی که بر کاتب و شاهد از ناحیه کتابت و شهادت وارد می شود، موجب فسق و انحراف از حق

و لا يضارَ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فأنه فسوق بکم

بر مبنای مجهول بودن <لا یضار>، مقصود از <ضرر>، ضررهای ناشی از

<کتابت> است. یعنی اگر ضروری متوجه کاتب و شاهد گردید و خسارتهای ایشان را جبران نمودید، از حق منحرف شده اید و فاسق گشته اید.

انسان ها و نعمت کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۱

۱ - واکنش بیشتر انسان ها در برابر نعمت دانش و هنر نویسندگی ، واکنشی نامناسب و به دور از انتظار است .

کَلَّا

حرف <کَلَّا>، برای باز داشتن از رویه ای است که یا در جملات پیش از آن، تشریح یا اشاره شده باشد و یا از سیاق آیات به دست آید و در آیه به قرینه <لیطغی> ناظر به حالتی است که نوع انسان ها در برابر نعمت علم و قلم به خود می گیرند. تعبیر <الإنسان که برای جنس به کار رفته ناظر به غالب افراد آن است که از آن به عموم عرفی تعبیر می شود.

اهتمام اسلام به کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۰

۱۰ - نویسندگی هنری مطلوب و مورد ترغیب از آغاز ظهور اسلام

الذی علم بالقلم

نزول این آیات در نخستین ساعات بعثت، گویای برداشت یاد شده است.

اهمیت کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۶

۴۶ لزوم حفظ و مصونیت نویسنده و گواهان بر مبادلات از زیان

ولا یضار کاتب ولا شهید

بنابراینکه <لا یضار> مجهول باشد و <کاتب> و <شهید> نایب فاعل.

تاریخ کتابت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء -

۵ قرآن به صورت کتاب در عصر پیامبر (ص)

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ

اطلاق <کتاب> (نوشته) بر قرآن، حاکی از این است که قرآن به صورت کتاب و نوشته بر پیامبر(ص) نازل می شد و یا در آن عصر آن را می نوشتند و به صورت کتاب در می آوردند و گرنه اطلاق کتاب بر آن صحیح نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

کتاب أنزلناه إليك

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. در هر دو فرض، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

تشویق به کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱ - ۴۸

۴ - تشویق خداوند، به نویسندگی و نوشتن مطالب

و القلم و ما یسطرون

مطلب یاد شده، از سوگند خداوند به دست می آید.

۸ - مبارزه با بی سوادی و ترغیب به دانش آموزی و نوشتن و خواندن، دارای اولویت نخست در برنامه هدایتی و تربیتی جامعه اسلامی

و القلم و ما یسطرون

برداشت یاد شده، با توجه به این حقیقت است که این آیه، در دوره نخستین بعثت در مکه نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۰

۱۰

- نویسندگی هنری مطلوب و مورد ترغیب از آغاز ظهور اسلام

الذی علم بالقلم

نزول این آیات در نخستین ساعات بعثت، گویای برداشت یاد شده است.

دانش کتابت در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۸ - ۲

۲ - خواندن و نوشتن ، در صدر اسلام ، وجود داشته است .

و ما کنت تتلوا من قبله من کتب و لاتخطه بيمينک

سوگند به کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به قلم زدن و نویسندگی

و ما یسطرون

<ما> در <ما یسطرون> یا مصدریه (یعنی <و سطرهم>) و یا موصوله (یعنی <الذی یسطرونه>) است. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

عدالت در کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۵

۵ عدالت در نویسندگی ، شرط گزینش نویسنده برای ثبت اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه <بالعدل> قیدی برای نویسنده سند باشد.

کتابت با دست راست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۸ - ۳

۳ - کتابت و نگارش با دست راست ، طبیعت اولی انسان ها است .

و لاتخطه بيمينك

قید <بيمينك>، تأکیدی است و حاکی از شکل رایج نوشتن در میان مردم است.

کتابت بدھی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۳۵

۳۵ ثبت دیون و مدت آن و ثبت حقوق کم باشد و یا زیاد ، از عادلانه ترین

اعمال نزد خداوند و استوارترین و مددکارترین چیز برای اقامه شهادت

ذَلِكُمْ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ و اقوم للشَّهاده

کتابت حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۳۵

۳۵ ثبت دیون و مدّت آن و ثبت حقوق کم باشد و یا زیاد ، از عادلانه ترین اعمال نزد خداوند و استوارترین و مددکارترین

چیز برای اقامه شهادت

ذَلِكُمْ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ و اقوم للشَّهاده

کتابت در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۵

۱۵ - وجود کتاب و صنعت کتابت در عصر بعثت

يَكْتُبُونَ الْكُتُبَ بِاَيْدِيهِمْ

کتابت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۲

۲ - کتابت آیات قرآن و تدوین آن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

ذَلِكِ الْكُتُبِ

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه

ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید و یا به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) نازل می شده است. احتمال

اول و دوم گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۴،۷

۴ نزول قرآن به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) *

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ

اطلاق <الكتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت کتاب و نوشته

درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال اوّل استفاده شده است.

۷ کتابت قرآن در عصر نزول توسط کُتاب وحی *

نزل علیک الكتاب

اطلاق <الکتاب> بر قرآن، یا باید به این اعتبار باشد که نزولش به صورت نوشته بوده و یا در آن عصر به صورت کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال دوم استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۴

۴ کتابت قرآن در عصر نزول *

هو الذی انزل علیک الكتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۷

۷ قرآن پس از نزول و در عصر پیامبر (ص)، به نگارش یافته بر اوراق و تدوین شده به شکل کتاب

و ما یتلی علیکم فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص) نوشته شده بر سطوح و تدوین یافته به صورت کتاب

یأیها الذین ءامنوا ءامنوا بالله ورسوله و الکتب الذی نزل علی رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۴

۴ قرآن، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (ص)

و انزلنا إليك الكتاب

اطلاق <کتاب> (نوشته) بر قرآن حاکی از آن است که در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۶

۶ کتابت

قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

کتابُ احکمتِ ایته

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن ، یا بدان جهت است که آیه های آن ، پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید ، به صورت کتاب درآید. در هر دو صورت ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۴

۴ کتابت قرآن در عصر پیامبر (ص)

تلک ایت الکتب

اطلاق <کتاب> (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت است که آیات آن پس از نزول نوشته می شد و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید به صورت کتاب و نوشته درآید. به هر تقدیر ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۵

۵ - نوشته شدن قرآن توسط کاتبان وحی در پی نزول هر آیه یا هر سوره آن

تلک ایت القرءان و کتاب مبین

<کتاب> ، مصدر به معنای مفعول (مکتوب) است. <کتاب مبین> یعنی ، نوشته ای روشن. بنابراین اطلاق <کتاب> بر قرآن می تواند از آن جهت باشد که پس از نزول ، نوشته می شد و یا توصیه ای است بر این که باید نوشته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۴

۴ - کتابت و تدوین آیات قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و ما کنت ترجوا أن یلقى إلیک الکتب

اطلاق کتاب (نوشته)

و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۳

۳ - کتابت و تدوین آیات قرآن، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و الذی أوحینا إلیک من الکتب

اطلاق کتابت (نوشته و نگارش) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است. و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

تنزیل الکتب من الله

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت است که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. هر دو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۴

۴ - کتابت آیات قرآن و تدوین آن، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

الله نزل أحسن الحديث کتاباً

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شد و یا توصیه ای است از جانب خداوند که

باید به صورت نوشته در آید. هر دو احتمال گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو فرض می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص) انجام گرفت.

تنزیل الکتب من الله

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) به قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو فرض، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۸

۸ انجام کتابت و جمع آوری قرآن، در عهد پیامبر اکرم (ص) *

و الکتب المبین

آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص)، به صورت مکتوب و مدون بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۳

۳ - قرآن، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر

تنزیل الکتب

اطلاق کتاب (نوشته) بر قرآن، می تواند حاکی از آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۳

۳- قرآن ، دارای عنوان < کتاب > و به صورت تدوین شده در عصر بعثت

تنزیل الکتب من الله

قرآن، خود عنوان کتاب را بر آیات نازل شده منطبق ساخته است. از این نکته و با توجه به مکی بودن آیات، استفاده می شود که آیات قرآن، از آغاز نزول دارای عنوان کتاب بوده و مدون و مکتوب می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۳ - ۴، ۳، ۱

۱ - معارف قرآن ، نوشته هایی ثبت شده در ورقه هایی متعدد

فی صحف

عبارت < فی صحف > با < اینها تذکره > ارتباط دارد؛ یعنی، آن تذکره در صحیفه هایی متعدد است. < صحیفه > (مفرد < صحف >)؛ یعنی، هر چه در آن چیزی نوشته شود. (مفردات راغب)

۳ - لزوم گرامی داشتن و ارج نهادن به ورق قرآن و آیات مکتوب آن

فی صحف مکرمه

توصیف صفحات قرآن به < مکرمه >، گرچه خبر از حقیقتی خارجی می دهد؛ ولی متضمن توصیه شدن مسلمانان به حفظ احترام قرآن نیز هست.

۴ - قرآن ، پیش از نزول در صفحه هایی متعدد مکتوب بوده است .

فی صحف مکرمه

توصیف قرآن به <فی صحف> با توجه به نزول سوره <عبس> در مکه یا پیشگویی از نوشته شدن آن در آینده است و یا از نوشته بودن آن پیش از نزول کامل خیر می دهد. در صورت دوّم، مراد این

است که ملائکه قرآن را از لوح محفوظ برگرفته و به صورت نوشته هایی در صفحات متعدد، آن را به مراحل بعدی نازل می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۲

۲ - نوشتن قرآن در صفحه های پاکیزه و با عظمت ، رسالت الهی بر عهده سفیران متعدد

بأیدی سفره

<سفره> یا به معنای نویسندگان است و یا رسولان. در کتب لغت درباره این کلمه چنین آمده است: <سفر< در تمام مشتقاتش [بر مکشوف و آشکار شدن دلالت دارد و <سَیْفُرٌ> یعنی، کتابت و <سفره> یعنی، نویسندگان آنها را از آن جهت به این نام نامیدند که کتابت، آشکار سازنده چیزی است که مورد نیاز از نوشته است (مقایس اللغه). کلمه <سفیر< بر رسول نیز اطلاق می شود زیرا او مأموریت خود را آشکار می سازد (تاج العروس). جمع <سفیر<، گرچه <سفراء< است و ولی از آنجا که در لسان العرب، کلمه <سفره> بر فرشتگانی که بین خدا و پیامبران او سفارت (رسالت) دارند، اطلاق شده است، می توان گفت: <سفره>، به معنای <سفراء< نیز استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۱

۱ - قرآن ، بر صفحه لوحی نوشته شده که حقیقت آن ناشناخته است .

فی لوح

<لوح>، به تخته یا چیز دیگری گفته می شود که بر روی آن بنویسند (مفردات راغب). نکره آمدن <لوح>، ممکن است به منظور بیان ناشناخته ماندن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن

به صورت قابل نوشتن ، وعده خداوند به پیامبر (ص) در لحظات آغازین بعثت

اقرأ .. الذی علم بالقلم

طرح اموری که مربوط به قلم است، به دنبال فرمان قرائت قرآن در نخستین لحظات آغاز وحی، بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۹

۹ - ثبت آیات قرآن ، در صحیفه ها و ورق ها ، برنامه ای پیش بینی شده از جانب خداوند و القا شده به رسول اکرم (ص)

یتلوا صحفًا مطهّره

تعبیر <صحف> (جمع <صحیفه>؛ یعنی، چیزی که در آن می نویسند)، اشاره به آینده قرآن و مکتوب شدن آن دارد. اسناد <یتلوا> به <صحفًا> با آن که پیامبر(ص) آیات الهی را از روی صحیفه های موجود تلاوت نمی کرد به اعتبار مکتوب شدن پیام ها، پس از تلاوت آن است.

کتابت قرآن در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۶

۶ کتابت قرآن در عصر پیامبر (ص)

تلک ءایت الکتب المبین

اطلاق <الکتاب> (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن ، یادان جهت است که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید به صورت کتاب درآید.

منشأ کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۶،۷

۶ - توجه به آموزگار بودن خداوند و وابستگی قرائت و کتابت به قدرت او ، برانگیزاننده انسان به تلاوت کلام او است .

اقراء .. الذي علم بالقلم

- ربوبیت خداوند بر انسان ها ، جلوه گر در توانا ساختن آنان بر خواندن و نوشتن

و رَبِّكَ الْاَكْرَم . الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَم

منشأ کتابت قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۴

۴ - تراوشات قلم نویسندگان و تأثیر آن در انتقال اطلاعات به دیگران ، وابسته به خداوند است .

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَم

نعمت کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۹

۹ توان نویسندگی ، موهبتی است الهی

ان يَكْتُبْ كَمَا عَلَّمَهُ اللّٰهُ

نقش کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۵

۵ - دانستن و توانایی بر خواندن و نوشتن ، برای باز داشتن انسان از طغیان گری کافی نیست .

عَلَّمَ بِالْقَلَم . عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم . كَلَّا اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ

نقش کتابت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۳،۵

۳ - خلقت ویژه انسان و برخورداری او از دانش و هنر نویسنده‌گی ، دور ماندن او را از هر گونه انحراف تضمین نمی کند .

خلق الإنسن . . . علم بالقلم ... کلاً

حرف <کلاً> مانع پیدایش پنداری است که ممکن است با شنیدن آیات پیشین که درباره آفرینش انسان و علم او بود، برای مخاطب به وجود آید و انسان را از خطر هر انحرافی دور بداند.

۵ - دانستن و توانایی بر خواندن و نوشتن ، برای باز داشتن انسان از طغیان گری کافی نیست .

علم بالقلم . علم الإنسن ما لم يعلم

. كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّا

کتاب آسمانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{کتاب آسمانی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۱۱، ۱۰، ۷، ۴، ۳

۳ نقش تعیین کننده کتاب آسمانی ، در تحقق رسالت و اهداف انبیا

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ . . . و انزل التوریه و الانجیل . من قبل هدی للناس

۴ نیاز مردم به هدایت الهی و کتاب آسمانی

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ . . . من قبل هدی للناس

بهره مندی مردم از هدایت الهی و کتاب آسمانی، حاکی است از نیاز مردم به آن.

۷ نزول فرقان از جانب خداوند ، برای پیگیری اهداف کتاب آسمانی پیشین

و انزل التوریه و الانجیل . من قبل ... و انزل الفرقان

۱۰ عذاب شدید کافران پس از اتمام حجت بر آنان از طریق کتاب آسمانی

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ . . . انّ الذّین کفروا بایات الله لهم عذاب شدید

۱۱ کتاب آسمانی (قرآن ، تورات و انجیل) ، از آیات الهی

انزل التوریه و الانجیل . . . و انزل الفرقان انّ الذّین کفروا بایات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ تمرّد اهل کتاب در برابر دعوت به کتاب خداوند برای داوری ، بسی شگفت آفرین است .

الم تر الى الذّین . . . و هم معروضون

۲ تمرد اهل کتاب از حاکمیت کتاب خدا، شاهد و دلیل کفر آنان

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً .. و هم معرضون

به نظر می رسد این آیه، عهده دار بیان کفر اهل کتاب باشد که در آیه قبل، به آن تصریح شده است.

۳ اطلاعات ناقص برخی اهل

کتاب (یهود) ، از کتاب آسمانی خویش

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتاب

۴ تحریف حقایق کتب آسمانی پیشین و عدم دستیابی اهل کتاب ، جز به برخی از حقایق آن *

اوتوا نصیباً من الكتاب

۵ هدایت پذیری از کتاب آسمانی ، مبتنی بر آگاهی همه جانبه نسبت به آن است .

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتاب

۷ کتاب آسمانی ، کتاب قانون و حکم

يُدعون الى كتاب الله ليحكم بينهم

۱۰ برخی از عالمان اهل کتاب ، حَکَمِيَّت و حاکمیت کتاب خدا را پذیرفتند .

ثم يتولى فريق منهم

پذیرفتن گروهی با دلالت مفهومی ، اشاره به پذیرش گروهی دیگر دارد.

۱۲ وجود موضعگیری های متضاد در میان عالمان اهل کتاب در برابر دعوت به حکمیت کتاب آسمانی

ثم يتولى فريق منهم

۱۴ داوری پیامبر (ص) در میان یهودیان بر اساس تورات ، و عدم پذیرش حکم تورات توسط برخی از آنان

يدعون الى كتاب الله ليحكم بينهم ثم يتولى فريق منهم

در شأن نزول آیه آمده است ، پیامبر (ص) درباره زن و مردی از یهود که مرتکب زنا شده بودند^۲ به استناد تورات ، حکم به رجم آنان نمود که سبب خشم یهودیان گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۵

۵ عالمان اهل کتاب که از داوری کتاب خدا رویگردان بودند ، به گناهکاری خود اذعان داشتند .

لن تمسنا النار الا اياماً معدودات

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۸ - ۳،۵

۳ تعليم و تعلم كتاب الهى و حكمة ، ارزشى والا

و

يَعْلَمُه الكتاب و الحکمه

۵ تورات و انجيل (کتب الهی) ، دربردارنده قوانین و معارف الهی *

و يَعْلَمُه الكتاب و الحکمه و التوریه و الانجيل

عطف تورات و انجيل بر کتاب و حکمت، از باب عطف فرد بر جنس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۵،۶،۹

۵ تصریح حواریون به ایمان به چیزهایی که خداوند فرءوف رستاده (کتب آسمانی) و پیروی از رسولش (عیسی)

رَبَّنَا اٰمَنَّا بِمَا اَنْزَلْتَ وَ اَتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ

۶ حُسن اظهار ایمان به کتاب الهی و پیروی از رسولان الهی ، در پیشگاه ربوبی

رَبَّنَا اٰمَنَّا بِمَا اَنْزَلْتَ وَ اَتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ

۹ ایمان به کتاب آسمانی و پیروی از پیامبر ، زمینه راهیابی به منزلت انبیا

و اشهد باَنَا مسلمون. رَبَّنَا اٰمَنَّا بِمَا اَنْزَلْتَ وَ اَتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِيْنَ

به قرینه < و اشهد .. > منظور از < الشاهدین >، همان عیسی (ع) و دیگر پیامبرانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۱

۱ کفر آگاهانه عالمان اهل کتاب به آیات خداوند (قرآن و پیامبر (ص)) و توییخ آنان از سوی خداوند

يا اهل الكتاب لم تكفرون بايات الله و انتم تشهدون

با توجه به آیات قبل و بعد که درباره محاجّه، کتمان و درآمیختن حق به باطل است، استفاده می شود که مقصود از اهل کتاب، عالمان آنان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۸ - ۷، ۶، ۵، ۳

۳ کتب الهی ، عهد خداوند در میان

انّ الذين يشترون بعهد الله .. و انّ منهم لفريقاً يلون السنّتهم بالكتاب

۵ کتب آسمانی ، دارای قالب و آهنگی مشخص و ممتاز از سایر نوشته ها و گفته ها *

یلون السنّتهم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب

از اینکه یهودیان نوشته های خویش را به آهنگ تورات می خواندند معلوم می شود تورات دارای آهنگ و قالبی خاص بوده است.

۶ برخی از اهل کتاب (عالمان آنان) ، برای فریب مردم ، دست نوشته خود را همانند کتاب خدا تلاوت می کردند .

و انّ منهم لفريقاً يلون السنّتهم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب

۷ تلاش برخی اهل کتاب (عالمان آنان) ، برای انحراف مسلمانان ، با قلمداد کردن نوشته های خود به عنوان تورات و انجیل

و انّ منهم لفريقاً .. لتحسبوه من الكتاب

از ظاهر <لتحسبوه> که باید خطاب به مؤمنان و مسلمانان باشد استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۱۹، ۱۳، ۹، ۵

۵ کتاب و حکمت ، عطیه الهی به انبیا

ان يؤتیه الله الكتاب و الحكم

بنابراینکه <الحکم>، به معنی حکمت باشد.

۹ ناسازگاری مقام نبوت و دارا بودن کتاب و حکمت ، با دعوت مردم به پرستش خویش

ما کان لبشر .. ثم یقول للناس کونوا عباداً لی من دون الله

۱۳ تعلیم و تعلم کتب آسمانی ، زمینه ربّانی شدن انسان

کونوا ربّائین بما کنتم تعلمون الكتاب و بما کنتم تدرسون

۱۹ کتب آسمانی ، قابل فهم برای مردم

بما کنتم تعلّمون الكتاب و بما کنتم تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران -

۳ کتاب و حکمت ، عطیہ الہی بہ انبیا

لما اتیتکم من کتاب و حکمہ

۸ میثاق الہی از انبیا ، قبل از دادن کتاب و حکمت بہ آنها

و اذ اخذ اللہ میثاق النبیین لما اتیتکم من کتاب و حکمہ

بنابراینکہ <لما>، شرطیہ باشد.

۱۱ پیامبر اکرم (ص) ، تصدیق کنندہ انبیا و کتب الہی گذشتہ

ثم جاء کم رسول مصدق لما معکم

بنابراینکہ مراد از <رسول>، پیامبر اکرم (ص) باشد.

۱۲ - تصدیق کتب آسمانی و انبیای گذشتہ ، شرطی برای صحت ادعای پیامبری

ثم جاء کم رسول مصدق لما معکم

۲۳ پیامبر اسلام (ص) ، تصدیق کنندہ انبیا و کتب آسمانی پیش از خود

ثم جاء کم رسول مصدق لما معکم

امام صادق (ع): .. <ثم جاء کم رسول مصدق لما معکم>، یعنی رسول اللہ (ص).

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۷، ذیل آیه ۱۷۲ اعراف؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۲۱۱.

۲۴ پیامبران الہی متعهد بہ معرفی پیامبر اسلام (ص) و بعثت و اوصاف او و فرمان بہ تصدیق آن حضرت

و اذ اخذ اللہ میثاق النبیین

امیرالمؤمنین (ع): انّ اللہ تعالی أخذ الميثاق علی الانبياء قبل نبينا ان يخبروا اممهم بمبعثه و نعمته و يبشروهم به و يأمرهم بتصديقه.

مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۸۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۹، ح ۲۱۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۴، ۵، ۷، ۹، ۱۰

۴ لزوم توأم بودن ایمان به خدا و ایمان به همه انبیای الهی و کتب آسمانی

قل امنا بالله .. و النبیون من ربهم

۵ ایمان به همه پیامبران و کتب آسمانی

، عمل به میثاق الهی است .

و اذ اخذ الله میثاق النبیین . . . قل امنا بالله و ما انزل ... و النبیون من ر

۷ ایمان به خدا و کلیه انبیا و کتب آسمانی ، از ارکان مهم اعتقادی

قل امنا بالله . . . و النبیون من ربهم

<قل امنا>، عهده دار تبیین <دین> در آیه سابق است. بنابراین ارکان مهم دین، مطالبی است که در این آیه مطرح شده است.

۹ نبوت پیامبران و نزول کتب آسمانی بر آنان ، پرتویی از ربوبیت الهی

و ما اوتی . . . و النبیون من ربهم

۱۰ ایمان نداشتن به تمامی پیامبران و کتب نازل شده بر آنان ، حاکی از تسلیم نبودن در برابر خداست .

امنا . . . لا نفرق بین احد منهم و نحن له مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۸

۸ بطلان نظریات منتسب به هر یک از ادیان الهی ، در صورت مخالفت با کتاب آسمانی آن دین

قل فأتوا بالتوریه فاتلوها ان کنتم صادقین

آیه فوق، برای رد نظریه یهود، آنان را به تورات ارجاع می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۴،۶،۷،۸

۴ مسلمانان به خاطر ایمانشان به کتب آسمانی ، دوستدار همه پیروان ادیان الهی

ها انتم اولاء تحبونهم و لا یحبونکم و تؤمنون بالکتب کله

بنابر اینکه <تؤمنون>، علت برای <تحبونهم> باشد.

۶ مسلمانان ، مؤمن به تمامی کتب آسمانی

و تؤمنون بالکتب کله

اگر چه <کتاب> به لفظ مفرد آمده، ولی به معنای جمع است؛ چون الف و لام آن برای

جنس است.

۷ بی اعتقادی کافران (اهل کتاب) ، به برخی از کتاب های آسمانی

ها انتم اولاء .. و تؤمنون بالکتاب کله

ایمان مسلمانان به تمامی کتب، به قرینه مقابله، بیانگر این است که اهل کتاب، به تمامی کتب ایمان ندارند.

۸ برخورد منافقانه برخی از اهل کتاب با مسلمانان ، در اظهار ایمان به تمامی کتب آسمانی (قرآن و ...)

و اذا لقوكم قالوا امنا و اذا خلوا عضوا علیکم الأنامل

به قرینه < و تؤمنون بالکتاب کله >، متعلق < امنا >، تمامی کتب آسمانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۴ - ۱۲

۱۲ تکذیب رسالت بسیاری از انبیا ، علی رغم برخورداری ایشان از دلایل روشن و کتب آسمانی و احکام حلال و حرام

فان کذبوک .. جاءو بالبیّنات و الزّبر و الکتب المنیر

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: < فان کذبوک فقد .. جاءو بالبیّنات >، هی الآیات < و الزّبر > و هی کتب الانبیاء بالنبوه < و الکتب المنیر >، الحلال و الحرام.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۶، ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۶، ۴، ۳

۳ مسؤولیت سنگین عالمان به کتاب های آسمانی در بیان حقایق آن برای مردم

و اذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتب لتبینته للناس

۴ کتمان حقایق کتب آسمانی گذشته (تورات و انجیل) از سوی علمای اهل کتاب

و اذ اخذ الله ميثاق الذين اوتوا الكتب لتبيننه للناس ولا تكتمونه

٦ وجود حقایقی درباره اسلام

و پیامبر (ص) در کتب آسمانی گذشته *

و اذ اخذ الله ميثاق الذين اتوا الكتب لتبينته للناس ولا تكتُمونه

از موارد مهمی که می توانست سودی را برای عالمان اهل کتاب تضمین کند (و اشترُوا به ثمنًا ..)، کتمان حقایق پیامبر (ص) و اسلام است، چرا که هستی خویش را در کتمان آن می دیدند.

۱۰ رها ساختن و پشت سر انداختن کتاب های آسمانی و ميثاق الهی از سوی عالمان اهل کتاب

و اذ اخذ الله ميثاق الذين اتوا الكتب .. فنبدوه وراء ظهورهم

ضمیر مفعولی در <فنبذوه> به کتاب برمی گردد و چون بیان کتاب، ميثاق و پیمان الهی است، مراد از آن ضمیر، پیمان الهی نیز می باشد؛ یعنی کتاب و بیان آن را ترک کردند.

۱۲ مبارزه و کارشکنی عالمان اهل کتاب با اسلام به وسیله کتمان حقایق کتب آسمانی

و اذ اخذ الله .. و لا تكتُمونه فنبدوه وراء ظهورهم

برداشت فوق، بر این مبناست که آنچه کتمان می کردند، بشارت تورات و انجیل به بعثت پیامبر، حقایق اسلام و قرآن باشد.

۱۴ سوداگری عالمان اهل کتاب با کتب آسمانی و ميثاق الهی در برابر بهره های ناچیز

و اشترُوا به ثمنًا قليلاً

۱۶ عالمان اهل کتاب، بیان محتوای کتب آسمانی را به زیان دنیای خود می انگاشتند.

و اذ اخذ الله ميثاق .. لتبينته ... و اشترُوا به ثمنًا قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۲،۴،۵

۲ شادمانی عالمان اهل کتاب از کتمان حقایق کتب آسمانی برای مردم

و اذ اخذ الله ميثاق

... و لا تکتونه ... لا تحسبنّ الذین یفرحون بما اتوا

برخی برآنند که مراد از <الذین>، اهل کتاب هستند؛ چنانچه در آیه قبل از آنان سخن رفت. و مراد از <ما اتوا> (آنچه را انجام دادند)، همان کتمان حقایق و پشت سر انداختن کتابهای آسمانی و میثاق الهی است.

۴ شادمانی عالمان اهل کتاب از بیان برخی حقایق کتاب های آسمانی (آنچه با دنیاخواهی آنان منافات نداشته)

لا تحسبنّ الذین یفرحون بما اتوا

مراد از <ما اتوا>، می تواند بیان حقایقی از کتاب باشد که به قرینه <و اشتروا به ثمناً>، با دنیاطلبی آنان برخوردی نداشته است.

۵ انتظار ستایش عالمان یهود و نصارا از پیروانشان به جهت بیان نکردن حقایقی از تورات و انجیل

لا تحسبنّ الذین .. یحبّون ان یحمدوا بما لم یفعلوا

بنابر اینکه مراد از <ما لم یفعلوا> (آنچه را انجام ندادند)، وفادار نبودنشان به پیمان الهی و کتمان حقایق باشد که در آیه قبل به آن تصریح شد. و انتظار ستایش شاید بدان جهت بوده که آنان با کتمان حقایق، دین اجدادی مردم خویش را محفوظ می داشتند و لذا فاعل محذوف در <یُحمدوا> به پیروان آنان تفسیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۸، ۲۰، ۱۰، ۳، ۱

۱ ایمان واقعی گروهی از عالمان اهل کتاب به خداوند، قرآن و کتب آسمانی خویش

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمَّا نَزَلَ إِلَيْهِمُ الْكِتَابَ .. خَاشِعِينَ لِلَّهِ

سوداگری با آیات الهی از اموری است که اغلب با عالمان و دانشمندان دینی سنخیت دارد؛ جمله <لَتَبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ>، در آیه

۱۸۷ این معنا را تأیید می کند.

۳ خشوع و فروتنی گروهی از عالمان اهل کتاب، زمینه ساز ایمان واقعی آنان به خدا و کتب آسمانی

انّ من اهل الکتاب لمن یؤمن .. خاشعین لله

توصیف اهل کتاب به خشوع و فروتنی، می تواند اشاره به علت ایمان و اقرار آنان به حقایق قرآن و ایمان واقعی به تورات و انجیل باشد.

۱۰ سوداگری نکردن با آیات الهی، ویژگی اهل کتاب مؤمن به خدا و قرآن و دیگر کتب آسمانی

لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

۲۰ آن گروه از اهل کتاب که به خدا، قرآن و کتب آسمانی خویش ایمان آورند، از پاداشی ویژه و والا بهره مند خواهند شد.

اولئک لهم اجرهم عند ربهم

کلمه <عند ربهم>، توصیف <اجرهم> است و می رساند که آن پاداش، پاداشی ویژه و ارزشمند است.

۲۸ نجاشی (پادشاه حبشه)، مؤمن به خدا، قرآن و کتب آسمانی و خاضع در برابر خداوند

انّ من اهل الکتاب لمن یؤمن بالله

رسول خدا (ص) پس از مرگ نجاشی، به یاران خود فرمود: انّ احاکم النجاشی قد مات، قوموا فصلّوا علیه، فقال رجل یا

رسول الله کیف نصلی علیه و قد مات فی کفره؟ قال (ص) الا تسمعون قول الله <وانّ من اهل الکتاب .. >

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۴۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۲

۲ کتب آسمانی، نبوت و حکومت پیامبران، از آیات خداوند

فقد اتینا ال ابرهیم الکتاب و الحکمه و اتیناهم ملکاً عظیماً.. انّ الذین کفروا با

آیه ۵۴ می توان گفت: کتاب، حکمت و ملک عظیم از مصادیق <بآیاتنا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱

۱ قرآن، کتابی است که از جانب خداوند نازل شده است .

مما أنزلنا إليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۷

۷ قرآن، کتابی است از ناحیه خداوند .

کتب ... من لدن حکیم خبیر

((من لدن ...)) می تواند هم قید برای ((فصلت)) و ((أحکمت)) باشد و هم می تواند قید برای کتاب گرفته شود. بنابراین آیه شریفه دلالت می کند که قرآن از ناحیه خداوند حکیم و خبیر است و اتقان و تبیین آیاتش نیز از جانب اوست .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۸

۸ تورات، کتابی نازل شده بر موسی (ع)

و من قبله کتب موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۲

۲ قرآن، نام کتاب نازل شده بر پیامبر (ص)

إنا أنزلناه قرءاً ناعریباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۳ - ۷

۷ قرآن ، نام کتاب آسمانی پیامبر (ص)

بما أوحينا إليك هذا القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۲

۲- قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند بر پیامبر (ص) نازل شده است .

کتاب

أنزله إليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۷ - ۳

۳- قرآن كتابی وحی شده به پیامبر (ص) از جانب خداوند است .

واتل ما أحي إليك من كتاب ربك

حرف <من> در <من كتاب ربك> برای تبیین است و گویای این که آنچه وحی شده است، همان كتاب خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰ - ۱

۱- قرآن ، كتاب آسمانی فرستاده شده از سوی خداوند

لقد أنزلنا إليكم كتابا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۴

۴- قرآن و تورات ، دو كتاب آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

فأتوا بكتب من عند الله هو أهدى منهما

ضمير <هما> در <منهما> به تورات و قرآن بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۳

۳- فرستادگان الهی ، علاوه بر داشتن كتاب آسمانی ، دارای رهنمودها و دریافت کننده الهام های خاصی از جانب خداوند بودند .

بالكتب و بما أرسلنا به رسلنا

در صورتی که مقصود از <کتاب> جنس کتاب و مجموعه کتاب های آسمانی باشد، مراد از <بما أرسلنا به رسلنا> رهنمودهای پیامبران و یا الهام های الهی به آنان جدا از کتاب آسمانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۱۵

۱۵- > عن أبي عبيدة قال : سألت أبا جعفر (ع) عن قوله تعالى > اثتوني بكتاب من قبل هذا أو

أثارة من علم إن كنتم صادقين < قال : عنى بالكتاب التوراه و الإنجيل > و أثارة من علم < فَإِنَّمَا عنى بذلك علم اوصياء الأنبياء عليهم السلام ;

ابوعبيده گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند تعالی <اثتونی بکتاب من قبل هذا أو اثاره من علم إن كنتم صادقين < سؤال کردم، حضرت فرمود: مراد از <کتاب>، تورات و انجیل است و مراد از <أثارة من علم> علم جانشینان پیامبران است.<

آثار اعراض از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۸

۱۸ - عالمان دینی در صورت بی توجهی به تعالیم کتاب های آسمانی ، سزاوار توبیخ و ملامت بوده و در قیامت بسزای کردارشان خواهند رسید .

قالت اليهود .. و هم يتلون الكتب ... فالله يحكم بينهم يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۵

۵ گرفتاری اهل کتاب در تنگنا های اقتصادی ، پیامد بی اعتنائی آنان به کتب آسمانی و فرامین الهی

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل .. لا کلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۹

۹ - اعراض از معارف و احکام کتاب های آسمانی ، مایه خسارت و تباه کردن هستی خویش

خذوا ما أتینکم بقوه .. ثم تولیتم من بعد ذلك فلولا ... لکنتم من الخسرین

آثار ایمان به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

به قرآن و التزام به حقایق دیگر کتاب های آسمانی ، مایه مصون ماندن از عذاب های الهی است .

و ایّی فاتقون

<اتقاء> (مصدر اتقوا)؛ یعنی: در اختیار گرفتن وسیله ای برای مصون ماندن از حادثه ها و مشکلاتی که آدمی از پیشامدن آنها در هراس است. بنابراین <فاتقون>؛ یعنی، برای مصون ماندن از عذابهای الهی باید وسیله ای در اختیار داشته باشید. فرازهای پیشین بیان می دارد که آن وسیله: ایمان به قرآن و التزام به حقایق کتابهای آسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۱

۱ - رسیدن به هدایت ، در گرو ایمان به خدا و ایمان به همه پیامبران و کتاب های آسمانی ، و تسلیم بودن در برابر خداوند است .

فإن ءامنوا بمثل ما ءامنتم به فقد اهتدوا

آثار تدبیر در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۳

۱۳- تدبیر و تأمل در کتاب های آسمانی ، زمینه و شرطی لازم برای برخورداری از حکمت و علم

ییحیی خذ الکتب بقوّه و ءاتینه الحکم صبیّاً

جمله و <آتیناه> نمی تواند بدون ارتباط معنایی با <خذ الکتب بقوّه> باشد. بعید به نظر نمی رسد که مفاد <خذ الکتب> زمینه ای برای <آتیناه الحکم> باشد.

آثار تکذیب کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۸

۸- کافران ، با انکار حقانیت کتاب های آسمانی ، به خود ستم کردند .

و ما ظلمهم الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

آثار جهل به كتب آسمانی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۴

۴ نازل نشدن قرآن موجب اعتراض گمراهان و مشرکان در قیامت به سبب نداشتن کتاب آسمانی و دور ماندن از هدایت‌های الهی

أو تقولوا لو أنا أنزل علينا الكتب لكانا أهدي منهم

آثار کتمان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۹

۹ - ضرورت نفرین و لعنت بر کسانی که حقایق کتاب های آسمانی را از مردم پنهان می کنند .

أولئك .. يلعنهم اللعنون

تکرار فعل <يلعن> به تفاوت لعنت خدا و لعنت دیگران اشاره دارد. لعنت خدا به معنای مطرود ساختن از رحمت است و لعنت مردم به معنای نفرین و درخواست از خدا بر قطع رحمت از لعنت شونده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۵

۵ - عالمان اهل کتاب با کتمان حقایق کتاب های آسمانی ، گمراه شدند و عذاب الهی را برای خویش کسب کردند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى والعذاب بالمغفرة

آثار نزول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۴

۴ - نزول کتاب آسمانی ، لازمه حقانیت آفرینش و عبث نبودن آن *

تنزیل الكتب .. ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلاّ بالحقّ

از ارتباط <تنزیل الكتاب ..> با <و ما خلقنا السماوات ...إلّا بالحقّ>، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

آیات خدا در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود.

و اتل علیهم نبأ نوح... فإن كنت فی شك مما أنزلنا إلیک فسل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

اتمام حجت با کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند از طریق کتاب های آسمانی، هموارکننده راه مجازات کافران *

و کتب مسطور... إن عذاب ربک لوقع

در آیات پیشین سخن از <کتاب مسطور> (تورات یا کتاب های آسمانی) به میان آمده است. ارتباط <إن عذاب...> با <کتاب مسطور>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

اختلاف در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۵

۵ اختلاف انسان ها در پذیرش و عدم پذیرش کتاب های آسمانی، مقتضی داوری خداوند میان آنان و زمینه ساز پیامد های آن داوری (پاداش و کیفر) است.

فاختلف فیه و لولا کلمه سبقت من ربک لفضی بینهم

ادعای همانندسازی برای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۶

۶ ادعای آوردن همانندی برای وحی و کتب آسمانی

از بالاترین ظلمهاست.

و من أظلم .. و من قال سأُنزل مثل ما أنزل الله

ارزش تعالیم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۲

۱۲ - حقایق و معارف کتاب های آسمانی ارزشمندتر از همه منافع دنیوی

و یشترون به ثمناً قليلاً

استفاده از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۷

۷ بهره عالمان اهل کتاب از کتاب آسمانی خویش ، برای راهیابی به هدایت کافی است .

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يشترون الضلالة

می توان گفت توصیف اهل کتاب به <اوتوا نصیباً .. > اشاره به زشتی گمراهی آنان دارد. یعنی با اینکه از کتاب آسمانی بهره مند بودند، راه ضلالت را برگزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۳

۳ بهره مندی ناقص و غیر جامع از کتب آسمانی ، زمینه انحراف و کج اندیشی

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

<نصیباً من الكتاب>، که به معنای بهره اندک است، در مقام تعلیل برای جمله <يؤمنون بالجبت و الطاغوت> می باشد.

استقلال کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۸ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی ، تابع تمایلات و خواهش های نفسانی بشر نیست .

إِنَّ لَكُمْ فِيه لِمَا تَخَيَّرُونَ

اسلام در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۶

۶ وجود حقایقی

درباره اسلام و پیامبر (ص) در کتب آسمانی گذشته *

و اذ اخذ الله ميثاق الذين اوتوا الكتب لتبيننه للناس ولا تكتمونه

از موارد مهمی که می توانست سودی را برای عالمان اهل کتاب تضمین کند (و اشترُوا به ثمنًا ..)، کتمان حقایق پیامبر (ص) و اسلام است، چرا که هستی خویش را در کتمان آن می دیدند.

اظهار ایمان به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - پیامبر (ص)، مکلف به اعلام ایمان خویش به تمامی کتاب های آسمانی

و قل ءامنت بما أنزل الله من كتب

برداشت یاد شده بر این اساس است که منظور از <کتاب> در جمله <ءامنت بما أنزل الله من کتاب> همه کتاب های نازل شده از سوی خداوند (تورات، انجیل و قرآن) باشد. گفتنی است که تنوین <کتاب> که برای تنويع است مطلب بالا را تأیید می کند.

اعتدال کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۰

۲۰ فرامین و رهنمود های کتب آسمانی، متعادل و بدور از هرگونه افراط و تفریط

و لو انهم اقاموا التوریه .. منهم امه مقتصده

اعراض از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ - بی اعتنایی به برخی از دستورات و یا معارف کتاب های آسمانی، به منزله بی اعتنایی به همه آنهاست.

نبذ فريق من الذين أوتوا الكتب كتب الله وراء ظهورهم

روشن است كه عالمان يهود،

پس از بعثت همه احکام و معارف تورات را نادیده نگرفتند؛ بلکه بخشهایی از آن را، که درباره شخصیت پیامبر اسلام بود، مورد بی‌اعتنایی قرار دادند ولی خداوند می‌فرماید: <آنان کتاب خدا را به دور افکندند> و این تعبیر بیانگر آن است که نادیده گرفتن برخی از معارف کتابهای آسمانی، به منزله نادیده گرفتن همه آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۳

۲۳ بی‌اعتنایی اهل کتاب به کتب آسمانی خویش، کرداری نکوهیده و ناپسند

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل... و کثیر منهم ساء ما یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۶

۲۶ برپا نداشتن کتب آسمانی در جامعه، کفر به آنهاست. *

حتی تَقِیْمُوا التوریه و الانجیل... فلا تَأْسُ عَلَی الْقَوْمِ الْکَافِرِیْنَ

جمله <فلا تأس...> علاوه بر ارتباط آن با جمله <و لیزیدن...> می‌تواند تفریح بر ترک اقامه تورات، انجیل و دیگر کتب آسمانی نیز باشد. بنابراین کسانی که به کتب آسمانی پایبند نیستند از مصادیق کافران خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۷

۷ بی‌توجهی به کتاب‌های آسمانی، منشأ غلو و گزافه‌گویی در دین

یا هَلِ الْکُتُبِ لَا تَغْلُوا فِی دِیْنِکُمْ غَیْرِ الْحَقِّ

مخاطب قرار دادن مسیحیان با عنوان اهل کتاب، برای اشاره به این حقیقت است که غلو در دین با پیروی از کتب آسمانی ناسازگار است. بنابراین غلو پیروان ادیان الهی ریشه در بی‌توجهی آنان به

کتاب آسمانی خویش دارد.

اعطای کتاب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۷

۷ - اعطای کتاب های آسمانی به پیامبران و نازل کردن احکام و معارف دین بر آنان ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

و ما أوتی النبیون من ربهم

برداشت فوق با توجه به کلمه <رب> استفاده شده است.

التزام به کتاب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۳

۱۳ - ضرورت پایبند بودن به همه معارف و احکام بیان شده در کتاب های آسمانی

نبذ فریق من الذین أوتوا الکتب کتب الله وراء ظهورهم

الگوگیری از کتاب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۵

۵ - کتاب آسمانی ، راهنما و سرمشق زندگی جوامع بشری (انسان) در تمامی ابعاد

کتاب موسی إمامًا و رحمه

از این که عنوان <امام> به صورت مطلق بر کتاب موسی اطلاق شده است، استفاده می شود که کتاب آسمانی، پیشوای انسان ها است و آنان باید در تمامی ابعاد پیرو و عامل به آن باشند.

انبیا در کتاب آسمانی

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود.

و اتل علیهم نبأ نوح... فإن كنت فی شك مما أنزلنا إلیک

فصل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

انتظار کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۷

۷ - اهل کتاب و مشرکان در عصر جاهلیت ، خود را در انتظار پیام های مکتوب و پیراسته از باطل قلمداد می کردند که آن را از رسولی الهی دریافت کنند .

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَاتُ . رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً

انجیل از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ انجیل ، کتاب آسمانی عیسی (ع) و عطایی از جانب خداوند به وی

و ءاتینہ الانجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱

۱ یهود و نصارا ، از کتاب آسمانی (تورات و انجیل) برخوردار بودند .

والذین ءاتینهم الکتب

در اینکه مراد از <الذین ..> چه کسانی اند چند نظر ابراز شده است: ۱ یهود و نصارا ، ۲ آنها و مجوس ، ۳ مسلمانان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۲ - ۳

۳- تورات و انجیل ، دو کتاب آسمانی

الذین ءاتینهم الکتب

مراد از <الکتاب> تورات و انجیل است؛ زیرا اهل کتاب در قرآن به یهود و نصارا اطلاق می شود.

انذارهای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲

۱۹- > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > على من يشاء من عباده أن اندرؤا أنه لا إله إلا أنا فاتقون < : يقول : بالكتاب و النبوه ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا >على من يشاء من عباده أن اندرؤا أنه لا إله إلا أنا فاتقون< روایت شده است که فرمود: به وسیله کتاب و نبوت [انذار کنید]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۶ - ۳

۳ هماهنگی کتاب های آسمانی ، در بیان انذار ها و هدایت خلق

أم لم يتبأ بما في صحف موسى . و إبراهيم ... هذا نذير من النذر الأولى

اولین کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۹ - ۵

۵ - صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی (ع) ، از نخستین کتاب های آسمانی بوده است .

لفی الصحف الأولى . صحف إبراهيم و موسى

وصف <الأولى> (در آیه قبل)، ممکن است در مقایسه با زمان نزول قرآن بوده و تنها ناظر به تقدم <صحف> بر قرآن باشد همچنین می تواند به معنای حقیقی آن بوده و به دوران آغازین نزول کتاب های آسمانی، نظر داشته باشد. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

اهداف کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۴۲، ۴۰، ۳۳، ۱۶، ۱۳

۱۳ حکومت ، داوری و حل اختلافات مردم ، از اهداف بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی

وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ

۱۶ کتاب های آسمانی ، معیار

شناخت حق از باطل و قضاوت صحیح

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

۳۳ کتاب های آسمانی ، دلایل روشن الهی است .

و انزل معهم الكتاب . . من بعد ما جاءتهم البينات

ظاهراً مراد از <بينات> (دلایل روشن) همان کتابهای آسمانی است.

۴۰ کتاب های الهی ، ارائه دهنده راه حل صحیح اختلافات جوامع انسانی

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه

۴۲ هدف از بعثت انبیا و ارسال کتاب های آسمانی ، راهنمایی انسان ها به صراط مستقیم است .

فبعث الله . . و الله يهدي من يشاء الى صراط مستقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۱۲

۱۲ نزول تورات و انجیل ، به صورت دفعی نه تدریجی و برای هدایت انسانها *

و انزل التوریه و الانجیل . من قبل هدی للناس

نزول دفعی، از <انزل> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۲

۲ هدایت انسان ها ، فلسفه اصلی نزول کتب آسمانی و ویژگی مهم آنها

نزل عليك الكتاب . . و انزل التوریه و الانجیل . من قبل هدی للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۱۶

۱۶ کتب آسمانی ، برای یاد دادن و یاد گرفتن است .

بما کنتم تعلّمون الكتاب و بما کنتم تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۸

۸ هدف و انگیزه از تلاوت آیات الهی (انزال قرآن

(و ارسال پیامبران ، هدایت انسان ها به صراط مستقیم است .

و انتم تتلى عليكم آيات الله و فيكم رسوله و من يعتصم بالله فقد هدى الى صراط مس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۹ - ۴

۴ - بنده خالص و برگزیده خدا شدن ، روح ادیان الهی و ثمره اصلی کتاب های آسمانی

لو أن عندنا ذكراً من الأولين . لكننا عباد الله المخلصين

از این که مشرکان گفته اند: اگر کتاب آسمانی برای ما نازل می شد، ما هم بنده خالص و برگزیده خدا می بودیم می توان استفاده کرد که این بندگی بر اثر تعالیم کتاب های آسمانی به وجود می آید.

اهل عذاب در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال ، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود .

و اتل عليهم نبأ نوح .. فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك فسل الذين يقرءون الكتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

اهل کتاب و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ تمرّد اهل کتاب در برابر دعوت به کتاب خداوند برای داوری

، بسی شگفت آفرین است .

الم تر الى الذين ... و هم معرضون

۲ تمرد اهل کتاب از حاکمیت کتاب خدا ، شاهد و دلیل کفر آنان

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً .. و هم معرضون

به نظر می رسد این آیه، عهده دار بیان کفر اهل کتاب باشد که در آیه قبل، به آن تصریح شده است.

۳ اطلاعات ناقص برخی اهل کتاب (یهود) ، از کتاب آسمانی خویش

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتاب

۴ تحریف حقایق کتب آسمانی پیشین و عدم دستیابی اهل کتاب ، جز به برخی از حقایق آن *

اوتوا نصيباً من الكتاب

۱۰ برخی از عالمان اهل کتاب ، حاکمیت و حاکمیت کتاب خدا را پذیرفتند .

ثم يتولى فريق منهم

پذیرفتن گروهی با دلالت مفهومی، اشاره به پذیرش گروهی دیگر دارد.

۱۲ وجود موضعگیری های متضاد در میان عالمان اهل کتاب در برابر دعوت به حکمیت کتاب آسمانی

ثم يتولى فريق منهم

۱۴ داوری پیامبر (ص) در میان یهودیان بر اساس تورات ، و عدم پذیرش حکم تورات توسط برخی از آنان

يدعون الى كتاب الله ليحكم بينهم ثم يتولى فريق منهم

در شأن نزول آیه آمده است، پیامبر (ص) درباره زن و مردی از یهود که مرتکب زنا شده بودند، به استناد تورات، حکم به رجم آنان نمود که سبب خشم یهودیان گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۵

۵ عالمان اهل کتاب که از داوری کتاب خدا رویگردان بودند ، به گناهکاری خود اذعان داشتند .

لن تمسنا النار الا اياماً معدودات

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۱

۱ کفر آگاهانه عالمان اهل کتاب به آیات خداوند (قرآن و پیامبر (ص)) و توییخ آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات الله و انتم تشهدون

با توجه به آیات قبل و بعد که درباره محاجّه، کتمان و درآمیختن حق به باطل است، استفاده می شود که مقصود از اهل کتاب، عالمان آنان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۸ - ۶۸

۶ برخی از اهل کتاب (عالمان آنان)، برای فریب مردم، دست نوشته خود را همانند کتاب خدا تلاوت می کردند.

و انّ منهم لفریقاً یلون السنّتهم بالکتاب لتحسبوه من الکتاب

۸ برخی اهل کتاب (عالمان آنان) نوشته های خود را به عنوان کتاب خدا به مردم ارائه می دادند.

و یقولون هو من عند الله و ما هو من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۷۸

۷ بی اعتقادی کافران (اهل کتاب)، به برخی از کتاب های آسمانی

ها انتم اولاء... و تؤمنون بالکتب کله

ایمان مسلمانان به تمامی کتب، به قرینه مقابله، بیانگر این است که اهل کتاب، به تمامی کتب ایمان ندارند.

۸ برخورد منافقانه برخی از اهل کتاب با مسلمانان، در اظهار ایمان به تمامی کتب آسمانی (قرآن و...)

و اذا لقوکم قالوا امنا و اذا خلوا علیکم الا نامل

به قرینه >و

تؤمنون بالكتاب كله، متعلق <امنا>، تمامی کتب آسمانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۴

۴ شرک برخی از اهل کتاب (علمای یهود)، علی رغم بهره مندی آنان از کتاب های آسمانی

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

جمله <اوتوا نصيباً .. > می تواند اشاره به علت سرزنش و اعتراضی باشد که از جمله <الم تر ... > به دست می آید. یعنی چگونه است که از کتاب خداوند بهره مند هستند، ولی کافر و مشرک می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۷، ۱۶، ۴

۴ اهل کتاب فاقد انگیزه کافی برای برپا داشتن تورات و انجیل و دیگر کتب آسمانی

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل

بیان شرط با کلمه <لو> حکایت از آن دارد که اقامه تورات و انجیل از سوی اهل کتاب، امری بعید و به دور از انتظار است.

۱۶ جمعی از اهل کتاب، مردمی متعادل و متعهد به کتب آسمانی خویش

و لو انهم اقاموا التوریه .. منهم امه مقتصده

<مقتصده> از مصدر اقتصاد به معنای اعتدال در اعمال و رفتار است و مراد از آن به دلیل <لو انهم اقاموا التوریه .. > تعهد به تورات و انجیل و عمل به احکام آنهاست.

۱۷ متعهدان به کتب آسمانی از قبایل اهل کتاب، گروهی هماهنگ و دارای هدفی مشترک

منهم امه مقتصده

<امه> به معنای گروهی است که دارای مقصد و هدفی مشترک باشند.

۲۳ بی اعتنایی اهل کتاب به کتب

آسمانی خویش ، کرداری نکوهیده و ناپسند

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل . . . و کثیر منهم ساء ما یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲،۵

۲ اهل کتاب مردمی بی اعتنا به کتب آسمانی خویش و رویگردان از اقامه احکام و معارف آن *

لستم علی شیء حتی تقیموا التوریه و الانجیل

۵ اهل کتاب به خاطر بی توجهی به کتاب آسمانی ، فاقد هر گونه پایگاه برای دفاع از عقاید و آرای دینی خویش

لستم علی شیء حتی تقیموا التوریه و الانجیل

در برداشت فوق کلمه <حتی> به معنای <کی> تعلیلیه و کلمه <شیء> با توجه به حرف <علی> به معنای پایگاه گرفته شده است و مراد از آن به قرینه حتی تقیموا التوریه و الانجیل زیر بناهای فکری قابل اعتمادی است که بتوان به وسیله آن از عقاید و آرای دینی دفاع کرد.

اهمیت احیای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ - ضرورت زنده نگه داشتن محتوا و معارف کتاب های آسمانی

خذوا ما آتینکم بقوه و اذکروا ما فیه

اهمیت ایمان به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۶

۶ - ضرورت ایمان به کتاب های آسمانی همه پیامبران و احکام و معارف نازل شده بر آنان

ءامننا باللّه . . . و ما اوتی النبیون من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۵

۵ - مؤمنان ، باید به

کتاب های آسمانی پیشین ، همچون قرآن ، ایمان بیاورند .

لن تؤمن بهذا القرآن ولا بالذی بین یدیه

از این که کافران به صراحت و قاطعیت اعلام کرده اند که به قرآن، تورات و انجیل ایمان نمی آورند، استفاده می شود که ایمان به کتاب های پیشین نیز لازم است.

اهمیت تبعیت از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۶

۶ - ضرورت تبعیت از کتاب های آسمانی

یتلونه حق تلاوته

اهمیت تعقل در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۷

۷- لزوم نگرش عقلانی و جدی در وحی الهی و کتاب های آسمانی

ما یأتیهم من ذکر . . هم یلعبون

اهمیت تفکر در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۶

۶- لزوم ژرف اندیشی عالمان و رهبران دینی در کتاب های آسمانی و استوارسازی کردار خویش بر پایه آن

ییحیی خذ الکتب بقوه

اهمیت تلاوت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۸

۸ - خواندن و تلاوت کتاب های آسمانی وظیفه ای بر عهده همگان

یتلونه حق تلاوته

اهمیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۹

۹ - ضرورت صلابت و جدیت در دینداری و اهتمام به کتاب های آسمانی

خذوا ما آتینکم بقره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ - امت ها

، بدون داشتن کتاب آسمانی و تدین به ادیان الهی ، مردمی جاهلند .

كذلك قال الذين لا يعلمون مثل قولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۹

۹ - ضرورت نفرین و لعنت بر کسانی که حقایق کتاب های آسمانی را از مردم پنهان می کنند .

أولئك .. يلعنهم اللعنون

تکرار فعل <یلعن> به تفاوت لعنت خدا و لعنت دیگران اشاره دارد. لعنت خدا به معنای مطرود ساختن از رحمت است و لعنت مردم به معنای نفرین و درخواست از خدا بر قطع رحمت از لعنت شونده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ انسانها ، باید کتاب های آسمانی را پیشوا و مقتدای خویش قرار دهند .

و من قبله كتب موسى إمامًا و رحمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱

۱ - ضرورت وجود داشتن کتابی آسمانی در اختیار مردم ، بر فرض آسمانی نبودن قرآن و تورات

قل فأتوا بكتب من عند الله هو أهدى منهما

آیه بالا تفریح بر <قالوا سحران تظاهرا> است و این تفریح در صورتی درست است که لازم باشد همواره در میان مردم کتابی آسمانی باشد و مردم از آن پیروی کنند؛ زیرا در این صورت است که اگر فرضاً تورات و قرآن آسمانی نبودند، قطعاً باید کتاب دیگری می بود و در نتیجه از کافران خواسته می شد که آن را معرفی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲ - ۴

- نقش مهم کتاب های آسمانی و قوانین الهی ، در تعالی فرهنگ بشر *

و کتب مسطور

خداوند با سوگند خوردن به تورات و یا کتاب های آسمانی در صورتی که مراد مطلق کتاب باشد در حقیقت بشر را به اهمیت این کتاب ها در فکر و فرهنگ بشر توجه داده است.

ایمان به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴ - ۲

۲ - تقوا پیشگان ، مؤمن به کتاب های آسمانی ادیان گذشته و معارف و احکام آنها

و الذین يؤمنون بما انزل إليك و ما انزل من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۳

۲۳ - ناسازگاری ایمان به کتاب های آسمانی و قتل پیامبران

قالوا تؤمن بما انزل علينا .. قل فلم تقتلون انبياء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۲۰

۲۰ - ادعای ایمان به کتاب های آسمانی و پیامبران الهی ، ناسازگار با گرایش به اعمال نارواست .

بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۷

۷ - پیروی از دستورات کتاب های آسمانی ، نشانه ایمان داشتن به آنهاست .

الذین ءاتینہم الکتب یتلونہ حق تلاوتہ اولئک یؤمنون بہ

<الذین > مبتدا و <اولئک یؤمنون بہ > خبر برای آن است و جمله <یتلونہ .. > حال برای <الذین > می باشد. بنابراین معنای جمله فوق با توجه به ارجاع ضمیر <بہ > به <الکتاب > چنین است: کسانی از اهل کتاب

- که از کتاب خویش پیروی می کنند - به آن ایمان دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۱۷، ۱۶، ۱۰، ۶

۶ - ضرورت ایمان به کتاب های آسمانی همه پیامبران و احکام و معارف نازل شده بر آنان

ءامننا بالله .. و ما أوتى النبیین من ربهم

۱۰ - مسلمانان ، باید به یهود و نصارا ابلاغ کنند که به قرآن و همه پیامبران و احکام و معارف نازل شده بر آنان و به تمامی کتاب های آسمانی ، ایمان دارند .

قولوا ءامننا بالله و ما أنزل إلینا و ما أنزل إلی إبرهیم .. و ما أوتى النبیین

برداشت فوق از کلمه <قولوا> (بگوئید) استفاده می شود. آیه قبل گویای این است که <مقول له> (کسی که باید به او ابلاغ شود) یهود و نصاراست.

۱۶ - تسلیم بودن در برابر خدا ، مستلزم ایمان به همه پیامبران و کتاب های آسمانی است .

ءامننا بالله و ما أنزل إلینا .. و نحن له مسلمون

جمله <و نحن له مسلمون> می تواند به منزله دلیل و علت برای حقایق بیان شده در آیه مورد بحث باشد.

۱۷ - ایمان به خدا ، پیامبران ، و کتاب های آسمانی و تسلیم بودن در برابر خدا ، از ارکان دین اسلام است .

قولوا ءامننا بالله .. و نحن له مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۷، ۷، ۵

۵ - ایمان به خدا ، قیامت ، فرشتگان ، کتاب های آسمانی و پیامبران و پرداخت مال (انفاق) برای رفع نیاز مستمندان

و آزادی بردگان از مسائل اساسی دین است .

ليس البر أن تولوا وجوهكم ... و لكن البر من ءامن بالله ... و ءاتى المال على حبه

۷- ضرورت ایمان به خدا، قیامت، فرشتگان، کتاب های آسمانی و تمامی پیامبران

و لكن البر من ءامن بالله و اليوم الآخر و الملائكة و الكتب و النبیین

۱۷- ایمان به خدا، قیامت، فرشتگان، کتاب های آسمانی و پیامبران مشخصه نیکان

و لكن البر من ءامن بالله .. و النبیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۵ - ۱۱، ۱۲، ۷

۱۷ ایمان پیامبر (ص) و مؤمنان، به خدا، ملائکه، کتب آسمانی و پیامبران الهی

امن الرسول ... و المؤمنون كل امن بالله و ملائکته و کتبه و رسله

کلمه <كل> علاوه بر مؤمنان، شامل پیامبر (ص) نیز می شود. یعنی پیامبر (ص) و مؤمنان، همگی ایمان به خدا و ... دارند.

۱۱ لزوم ایمان به فرد فرد انبیا و کتب آسمانی

كل امن ... و کتبه و رسله لا نفرّق بين احد من رسله

۱۲ ایمان پیامبر (ص) به همه انبیای گذشته و کتب آسمانی

كل امن ... لا نفرّق بين احد من رسله

بنابراینکه کلمه <كل> علاوه بر اینکه شامل همه مؤمنان است، شامل پیامبر (ص) نیز باشد. در نتیجه جمله <لا نفرّق ... > مقول قول پیامبر (ص) نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۶، ۹، ۵

۵ تصریح حواریون به ایمان به چیزهایی که خداوند فرءوف رستاده

(کتب آسمانی) و پیروی از رسولش (عیسی)

رَبَّنَا اٰمَنَّا بِمَا اَنْزَلْتَ وَ اَتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ

۶ حُسن اظهار ايمان به كتاب الهی و پیروی از رسولان الهی ، در پیشگاه ربوبی

رَبَّنَا اٰمَنَّا بِمَا اَنْزَلْتَ وَ اَتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ

۹ ايمان به كتاب آسمانی و پیروی از پیامبر ، زمینه راهیابی به منزلت انبیا

و اشهد بانّا مسلمون. رَبَّنَا اٰمَنَّا بِمَا اَنْزَلْتَ وَ اَتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ فَاکْتَبْنَا مَعَ الشّاهِدِیْنَ

به قرینه < و اشهد .. > ، منظور از < الشّاهِدِیْنَ > ، همان عیسی (ع) و دیگر پیامبرانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ - تصدیق کتب آسمانی و انبیای گذشته ، شرطی برای صحت ادعای پیامبری

ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۴،۵،۷

۴ لزوم توأم بودن ايمان به خدا و ايمان به همه انبیای الهی و کتب آسمانی

قل اٰمَنَّا بِاللّٰهِ .. وَ النَّبِیّٰوْنَ مِنْ رَّبِّهِمْ

۵ ايمان به همه پیامبران و کتب آسمانی ، عمل به میثاق الهی است .

وَ اِذْ اَخَذَ اللّٰهُ مِیْثَاقَ النَّبِیّیْنَ .. قُلْ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَ مَا اَنْزَلَ ... وَ النَّبِیّٰوْنَ مِنْ رَّبِّهِمْ

۷ ايمان به خدا و کلیه انبیا و کتب آسمانی ، از ارکان مهم اعتقادی

قل اٰمَنَّا بِاللّٰهِ .. وَ النَّبِیّٰوْنَ مِنْ رَّبِّهِمْ

< قل اٰمنا > ، عهده دار تبیین < دین > در آیه سابق است. بنابراین ارکان مهم دین، مطالبی است که در این آیه مطرح شده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ -

۴ مسلمانان به خاطر ایمانشان به کتب آسمانی ، دوستدار همه پیروان ادیان الهی

ها انتم اولاء تحبونهم و لا یحبونکم و تؤمنون بالکتب کلّه

بنابر اینکه <تؤمنون>، علت برای <تحبونهم> باشد.

۶ مسلمانان ، مؤمن به تمامی کتب آسمانی

و تؤمنون بالکتب کلّه

اگر چه <کتاب> به لفظ مفرد آمده، ولی به معنای جمع است؛ چون الف و لام آن برای جنس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۲، ۱

۱ تصمیم بر ارجاع داوری به طاغوت ، ناسازگار با ایمان به قرآن و دیگر کتب آسمانی است .

الم تر الى الذين یزعمون .. یریدون ان یتحاکموا الى الطّاغوت

۱ جمله <یریدون .. > دلالت می کند که حتی تصمیم بر چنین کاری نیز خطاست؛ چه رسد به انجام آن. ۲ کلمه

<طاغوت>، مصدر و به معنای اسم فاعل است؛ یعنی: هر انسان متجاوز، ظالم و جبار.

۲ ناسازگاری ایمان به قرآن و کتب آسمانی ، با ارجاع داوری به طاغوتها

الم تر الى الذين یزعمون .. یریدون ان یتحاکموا الى الطّاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۹، ۱

۱ ضرورت ایمان به خدا ، پیامبر (ص) ، قرآن و دیگر کتب آسمانی

یأیها الذين ءامنوا ءامنوا بالله و رسوله .. و الکتب الذی أنزل من قبل

۹ اعتقاد به خدا ، پیامبران ، روز قیامت ، فرشتگان و کتب آسمانی ، ارکان هدایت و شرط تحقق ایمان

يأيها الذين ءامنوا ءامنوا بالله ورسوله . . . فقد ضلّ ضللاً بعيداً

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۶، ۱۱، ۱۰، ۵، ۴، ۳، ۲

۲ عالمان ژرفنگر یهود و مؤمنان واقعی آنها، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

۳ لزوم ایمان به کتب آسمانی پیشین در کنار ایمان به قرآن

لكن الرسخون .. و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

۴ نقش ایمان واقعی به ادیان گذشته در پذیرش قرآن و دیگر کتب آسمانی

و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

۵ نقش مثبت و سازنده علم در ایمان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لكن الرسخون فى العلم .. يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

۱۰ یهودیان پیادارنده نماز و پرداخت کننده زکات، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لكن الرسخون .. و المقيمين الصلوه و المؤتون الزكوه

گفتنی است که <المقيمين> به وسیله فعلی همانند <امدح> و یا <اخص> منصوب شده و در اصل چنین بوده <و المقيمون الصلوه اخصهم و امدحهم> که بنابر قواعد ادبی المقيمون و فعل اخص و امدح حذف شده است و ضمیر در <امدحهم> به صورت اسم ظاهر در آمده است.

۱۱ یهودیان مؤمن به خدا و قیامت، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لكن الرسخون فى العلم منهم .. و المؤمنون بالله و اليوم الاخر

بنابر اینکه <المؤمنون بالله ..> عطف باشد بر <الرسخون>.

۱۶ ایمان به خدا و قیامت، مستلزم ایمان

به پیامبر (ص)، قرآن و دیگر کتب آسمانی

يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك .. و المؤمنون بالله و اليوم الآخر

کلمه <المؤمنون بالله> عطف بر <الراسخون> است و در نتیجه <يؤمنون بما أنزل ..> خبر برای <المؤمنون بالله> نیز می باشد. گفتنی است که لازمه ایمان به قرآن، ایمان به پیامبر(ص) است و لذا در برداشت فوق ایمان به پیامبر(ص) نیز آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۶، ۳، ۲

۲ نکوهش خداوند از اهل کتاب به خاطر انتقاد آنان از ایمان مؤمنان به خدا، قرآن و کتب آسمانی

قل یا اهل الکتاب هل تنقمون منا الا ان ءامننا بالله .. و ما أنزل من قبل

۳ ایمان مسلمانان به خدا، قرآن و تمامی کتب آسمانی، برانگیزنده اهل کتاب بر تمسخر نماز و دیگر شعایر اسلام

قل یا اهل الکتاب هل تنقمون منا الا ان ءامننا بالله .. و ما أنزل من قبل

برداشت فوق بر این مبناست که <ان ءامننا> به تقدیر <لام>، بیانگر کراهت و ناخرسندی اهل کتاب نسبت به مسلمانان باشد، یعنی <ما تنقمون منا دیننا و صلاتنا لشیء الا ایماننا بالله ..>.

۶ مؤمنان به خدا و قرآن، وظیفه دار ایمان به تمامی کتب آسمانی

هل تنقمون منا الا ان ءامننا بالله و ما أنزل الینا و ما أنزل من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ فرمانبری از طغیانگران، ناسازگار با ایمان به خدا و کتب آسمانی

هل تنقمون

منا الا ان ءامنا باللّٰه .. و عبد الطغوت

توصیف پیشینیان یهود و نصارا به بندگی و اطاعت طاغوت در پاسخ استهزای اهل کتاب نسبت به مؤمنان، حاکی از ناسازگاری ایمان به خدا با اطاعت طاغوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۱ - ۱

۱ گروهی از اهل کتاب در حضور پیامبر (ص) و مؤمنان، به دروغ مدعی ایمان به خدا، قرآن و دیگر کتب آسمانی

و إذا جاءوكم قالوا ءامنا .. و اللّٰه اعلم بما كانوا یکتُمون

با توجه به آیه ۵۷، ۵۸ که اهل کتاب را استهزا کننده اسلام و نماز معرفی کرده بود، معلوم می شود تنها گروهی از آنان نزد مسلمانان، خود را اهل ایمان قلمداد می کردند. گفتنی است که مراد از <ءامنا> به قرینه آیه ۵۹ ایمان به خدا، قرآن و دیگر کتب آسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۳، ۷، ۲، ۱

۱ وعده حتمی خداوند به آمرزش تمامی گناهان گذشته اهل کتاب در صورت ایمان به خدا، پیامبر (ص)، همه کتب آسمانی و پرهیز از گناهان

و لو ان أهل الكتب ءامنوا و اتقوا لكفرنا عنهم سیئاتهم

با توجه به آیه ۵۹ (هل تنقمون منا الا- ان ءامنا باللّٰه و ما انزل الینا و ما انزل من قبل) و نیز آیه ۶۱ (و اذا جاءوكم قالوا ءامنا)، معلوم می شود مراد از ایمان در <ءامنوا> ایمان به خدا، قرآن، همه کتب آسمانی و ایمان به پیامبر اکرم (ص) است.

۲ دعوت خداوند از اهل

کتاب به رعایت تقوا و ایمان به خدا، قرآن و دیگر کتب آسمانی

و لو ان أهل الكتب ءامنوا و اتقوا لكفرنا عنهم سيئاتهم

۳ ایمان به خدا، پیامبر (ص) و کتب آسمانی و دامن گرفتن از گناه، موجب آمرزش گناهان گذشته آدمی

و لو ان أهل الكتب ءامنوا و اتقوا لكفرنا عنهم سيئاتهم

متعلق <واتقوا> به قرینه <سیئاتهم> گناهان است، و مراد از <سیئاتهم> در <لكفرنا عنهم سيئاتهم> گناهان پیش از ایمان است.

۷ تأکید خداوند بر وارد ساختن اهل کتاب به بهشت پر نعمت در صورت ایمان به خدا، پیامبر (ص) و تمامی کتب آسمانی و رعایت تقوا

و لو ان أهل الكتب .. لادخلنهم جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۵

۵ ایمان به خدا، پیامبر (ص) و کتب آسمانی راه رسیدن به استقلال و رهایی از یوغ بندگی کافران

و لو كانوا يؤمنون .. ما اتخذوهم أولیاء

برداشت فوق بر این مبناست که ولی به معنای سرپرست باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۶ - ۹

۹ - مسلمان، باید به قرآن و کتاب های آسمانی، ایمان داشته باشد.

ءامنًا بالذی أنزل إلینا و أنزل إلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران مکه اعلام کردند که به هیچ رو به قرآن و کتاب های پیشین آسمانی ایمان نمی آورند.

وقال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرآن ولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ - ایمان به پیامبران پیشین و کتاب های آسمانی آنان ، بخشی از باور های دین اسلام

و قل ءامنتم بما أنزل الله من كتب

از این که پیامبر(ص) مأمور بود به کتاب های آسمانی پیشین ایمان آورد و با توجه به اسوه بودن آن حضرت، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - مریم (س) ، مؤمن به وحی و کتاب های آسمانی و تصدیق کننده آنها بود .

و صدقت بکلمت ربها و کتبه

بشارتهای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۶ - ۱

۱ - کتاب های آسمانی پیشین ، دربردارنده بشارت نزول قرآن

و إنه لفي زبر الأولين

<زبور> (مفرد <زُبُر>) به معنای کتاب است؛ یعنی، <و إنَّ خبر القرآن، أو خبر نزول القرآن عليك مذكور في كتب الماضين من الأنبياء؛ بشارت قرآن یا بشارت نزول آن بر تو، در کتاب های پیامبران پیشین مذكور بوده است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۸

۸ - وجود وعده و بشارت آمدن کتاب آسمانی به نام <قرآن> ، پیش از نزول آن در مدارک دینی اهل کتاب

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته روشن است که اهل کتاب آگاهی خود از آمدن قرآن را، تنها از راه مدارک دینی خود به دست آورده بودند.

بنی اسرائیل و

کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۹

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لاتکونوا اول کافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین جمله <ولاتکونوا...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند، یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، همسان با اسلاف گذشتگان خویش در برخورد با کتاب های آسمانی و احکام دین

ثم تولیتم

نسبت دادن رفتار پیشینیان بنی اسرائیل به موجودین عصر بعثت و عصرهای پس از آن (ثم تولیتم)، بیانگر اتحاد و اشتراک آنان در خصلتها و ویژگیهاست.

بهترین کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۷

۷ - لزوم برگزیدن برترین کتاب آسمانی ، برای پیروی از رهنمود های آن

قل فأتوا بکتب .. هو أهدى منهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۳

۳- قرآن ، بهترین کتاب آسمانی در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی

اللّٰهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ

بهترین بودن قرآن، ممکن است در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی سنجیده شده باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۵

۵ - قرآن ، کامل ترین کتاب آسمانی و اسلام جامع ترین دین الهی

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

در برداشت یاد شده، برتر بودن قرآن در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی و به لحاظ کمال و جامعیت سنجیده شد.

بی نظیری کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۶،۷

۶ ادعای آوردن همانندی برای وحی و کتب آسمانی از بالاترین ظلمهاست.

و من أظلم .. و من قال سأُنزل مثل ما أنزل الله

۷ کسی را قدرت آوردن همانندی برای وحی و کتب آسمانی نیست.

و من قال سأُنزل مثل ما أنزل الله

بیان حقایق کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۸

۸ - بیان حقایق کتاب های آسمانی ، موجب دستیابی به هدایت و مغفرت الهی است .

إن الذين يكتُمون .. أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى والعذاب بالمغفره

برداشت فوق از مفهوم آیه به دست می آید.

پاداش عمل به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ چنگ زدن به کتاب های آسمانی و برپا داشتن نماز ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

و الذین یمسکون بالکتاب .. إنا لانضیع أجر المصلحین

پاسداری از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ - ضرورت زنده نگه داشتن محتوا و معارف

کتاب های آسمانی

خذوا ما آتینکم بقوه و اذکروا ما فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۸، ۲۰، ۱۵، ۱۴

۱۴ احیای کتب آسمانی و حراست آنها از تبدیل و تحریف ، در گرو حکم و قضاوت بر اساس آنهاست .

یحکم بها النبیون . . . و الرئیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّٰه

<باء> در <بما استحفظوا> سببیه است و بیانگر این است که چون مسؤولیت حراست از کتب آسمانی بر عهده آنهاست، باید بر اساس آن حکم کنند. یعنی حراست از کتب آسمانی در گرو این است که احکام آن در جامعه پیاده شود.

۱۵ ضرورت حضور عالمان ربانی و دانشمندان دینی در هر عصر ، برای حفاظت کامل از کتب الهی

و الرئیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّٰه

۲۰ حراست و نگهداری از کتب آسمانی و شهادت بر حقانیت آن ، مسؤولیت انبیای الهی *

یحکم بها النبیون . . . بما استحفظوا من کتب اللّٰه و کانوا علیه شهداء

بنابر اینکه ضمیر در <استحفظوا> به <النبیون> نیز برگردانده شود.

۳۸ عالمان بیمناک از دشمنی مردم ، در خطر ترجیح رفاه و آسایش بر دینداری و نگهداری از کتاب خدا

فلاتخشوا الناس . . . و لاتشتروا بایتی ثمناً قليلاً

پاکی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۶

۶ - رسولان الهی در طول تاریخ ، کتاب هایی پاک و استوار بر مردم تلاوت نموده ، معارف آن را به همگان ابلاغ کرده اند .

البینه . رسول من اللّٰه یتلوا صحفًا مطهره . فیها کتب قیمه ... إلا من

مراد از <البینه> (در این آیه) جنس آن است نه مصداقی که در آیات پیشین مراد بود ولی بیان وضع گذشتگان به عنوان نمونه بارز، بیانگر تشابه کامل بین دو <بینه> است. بنابراین بینه گذشتگان نیز مانند بینه درخواستی کافران، رسولی همراه با تلاوت کتاب های مطهر و قیم بوده است.

پیروزی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۷

۷- لزوم برگزیدن برترین کتاب آسمانی ، برای پیروی از رهنمود های آن

قل فأتوا بكتب .. هو أهدى منهما

پیشگویی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۲

۲ کتب آسمانی پیشین، بیانگر اوصاف پیامبر اکرم(ص) و پیشگویی رسالت آن حضرت

قل أي شيء أكبر شهده .. الذين آتینهم الكتب يعرفونه كما يعرفون أبناءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۷

۷ نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص)، به عنوان خبری غیبی، در کتب آسمانی گذشته مطرح بوده است.

و هذا كتب أنزل نه مبارك مصدق الذي بين يديه

از معانی محتمل برای <مصدق> تصدیق خبرهای کتب گذشته مبنی بر آمدن پیامبر(ص) و قرآن است، یعنی بدان جهت که این اخبار در آن کتب معهود بوده، نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) صدق آن خبرها را معلوم ساخته است.

پیشینه کفر به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۷

۷ - توجه به سابقه دار بودن امتناع کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و

کتاب های آسمانی ، تسلّابخش پیامبر (ص)

لم يكن ... منفكين ... و ما تفرّق الذين أوتوا الكتب إلا من بعد ما جاءتهم ال

تاریخ کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۸

۸- قبل از نزول قرآن ، چندین کتاب آسمانی دیگر نازل شده بود .

الصحف الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۷

۷- نزول کتاب از سوی خدا ، دارای سابقه دیرین در تاریخ بشر

أم جاءهم ما لم يأت ءاباءهم الأولين

برداشت فوق، بر این اساس است که <ما> در <ما لم يأت> کنایه از کتاب باشد؛ یعنی <أم جاءهم من الكتاب ما لم يأت> .<..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۲

۲- نزول کتاب ، از سوی خداوند ، بر برگزیدگان خود ، دارای پیشینه است .

و كذلك أنزلنا إليك الكتب

احتمال دارد که <كذلك> اشاره به نزول کتاب های پیشین باشد. بنابراین، تقدیر جمله، چنین است: <كما أنزلنا الكتاب من قبلك، أنزلنا إليك الكتاب...> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۴ - ۴

۴- مشرکان مکّه ، پیش از قرآن ، از هیچ کتاب آسمانی برخوردار نبودند .

و ما ءاتینهم من کتب یدرسونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۵

۵- نزول کتاب و فرستادن رسولان از سوی خداوند برای بشر ، دیرینه و دارای سابقه طولانی

إِنَّا كُنَّا مَرْسَلِينَ

دیرینگی نزول کتاب

و فرستادن رسولان از عبارت <کُنا..> استفاده می شود. در این صورت پیام آیه شریفه، نفی استبعاد نسبت به نزول قرآن است؛ یعنی، این تنها قرآن نیست که از سوی ما فرود آمده است؛ بلکه از دیر زمان نظیر آن را فرو فرستاده ایم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۳

۳ - نزول قرآن، در ادامه نزول کتاب های آسمانی بر امت های پیشین

و لقد آتینا بنی اسرائیل

این آیه از نظر سیاق و محتوا، با نخستین آیات سوره که درباره نزول قرآن بود ارتباط دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۹ - ۵

۵ - صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی (ع)، از نخستین کتاب های آسمانی بوده است.

لفی الصحف الأولى . صحف ابرهیم و موسی

وصف <الأولی> (در آیه قبل)، ممکن است در مقایسه با زمان نزول قرآن بوده و تنها ناظر به تقدم <صحف> بر قرآن باشد همچنین می تواند به معنای حقیقی آن بوده و به دوران آغازین نزول کتاب های آسمانی، نظر داشته باشد. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

تبعیت از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۵،۷

۵ - کسانی از یهود و نصارا به کتاب آسمانی خویش ایمان دارند که از آن به خوبی و شایستگی پیروی می کنند .

الذین آتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

در برداشت فوق، ضمیر <به> به <الکتاب> - که مقصود از آن تورات و

انجیل است - برگردانده شده است.

۷- پیروی از دستورات کتاب های آسمانی ، نشانه ایمان داشتن به آنهاست .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

<الذین> مبتدا و <أولئک یؤمنون به> خبر برای آن است و جمله <یتلونه ..> حال برای <الذین> می باشد. بنابراین معنای جمله فوق با توجه به ارجاع ضمیر <به> به <الکتاب> چنین است: کسانی از اهل کتاب - که از کتاب خویش پیروی می کنند - به آن ایمان دارند.

تبعیض در تعالیم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۷

۷- پذیرش برخی از احکام و معارف کتاب های آسمانی و انکار برخی دیگر ، مخالفت با حق و دور شدن از آن است .

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

مفسران درباره اختلاف در کتابهای آسمانی - که مفاد جمله <اختلفوا فی الکتب> است - چند وجه گفته اند و برداشت فوق بیان یکی از آن وجوه می باشد. <شقاق> به معنای عداوت و دشمنی است و مفعول آن به قرینه جمله قبل کلمه ای همانند <الحق> می تواند باشد.

تبلیغ تعالیم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۴

۱۴ کلیه حقایق و معارف کتب آسمانی به دور از مصلحت اندیشیهای شخصی باید برای مردم تبیین شود.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

مذمت عالمان یهود بر گزینشی عمل کردن در میان حقایق تورات، گوشزد به همه حاملان کتب آسمانی است که در تبیین و تفسیر آنها نباید منافع خویش را در نظر گرفت،

بلکه باید همه آنها را برای مردم تبیین کرد.

تبلیغ کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۴

۴ - ابلاغ و تعلیم حقایق کتاب های آسمانی (احکام و معارف دین و براهین آنها) به مردم ، وظیفه ای بر عهده عالمان دینی

إن الذين يكتُمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینة للناس

تبیین کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۲،۷،۹

۲ تبیین محتوای کتب آسمانی و کتمان نکردن آن ، میثاق سنگین خداوند از علمای اهل کتاب

و اذ اخذ الله میثاق الذین اتوا الکتب لتبیینته للناس و لا تکتُمونه

ضمیر مفعولی در < لتبیینته >، به کتاب برمی گردد.

۷ ضرورت وجود مبلغان و تبیین کنندگان کتب آسمانی در جامعه

و اذ اخذ الله میثاق الذین اتوا الکتب لتبیینته للناس

گرفتن میثاق از عالمان و تأکید خداوند بر لزوم تبیین آن برای مردم، مبین مطلب فوق است.

۹ شکستن پیمان الهی (تبیین محتوای کتب آسمانی و کتمان نکردن آن) ، از سوی عالمان اهل کتاب

فبنذوه و رآء ظهورهم

تجزی در قبول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ - بی اعتنایی به برخی از دستورات و یا معارف کتاب های آسمانی ، به منزله بی اعتنایی به همه آنهاست .

نبذ فريق من الذين أوتوا الكتب كتب الله وراء ظهورهم

روشن است که عالمان یهود، پس از بعثت همه احکام و معارف تورات را نادیده نگرفتند؛ بلکه بخشهایی از آن

را، که درباره شخصیت پیامبر اسلام بود، مورد بی‌اعتنایی قرار دادند ولی خداوند می‌فرماید: <آنان کتاب خدا را به دور افکندند> و این تعبیر بیانگر آن است که نادیده گرفتن برخی از معارف کتابهای آسمانی، به منزله نادیده گرفتن همه آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۱۰، ۹، ۷۸

۷ - پذیرش برخی از احکام و معارف کتاب‌های آسمانی و انکار برخی دیگر، مخالفت با حق و دور شدن از آن است.

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

مفسران درباره اختلاف در کتابهای آسمانی - که مفاد جمله <اختلفوا فی الکتب> است - چند وجه گفته‌اند و برداشت فوق بیان یکی از آن وجوه می‌باشد. <شقاق> به معنای عداوت و دشمنی است و مفعول آن به قرینه جمله قبل کلمه ای همانند <الحق> می‌تواند باشد.

۸ - ایمان به برخی از کتب آسمانی و انکار برخی دیگر، مخالفت با حق و دور شدن از آن است.

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

برداشت فوق از جمله وجوهی است که در تفسیر <اختلفوا فی الکتب> بیان شده است.

۹ - پذیرش برخی از احکام و معارف کتاب‌های آسمانی و انکار برخی دیگر، موجب پدید آمدن مذاهب مختلف دینی و مایه دشمنی و ستیز است.

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <شقاق> دشمنی برخی با برخی دیگر باشد؛ یعنی: شقاق بعضهم بعضاً.

۱۰ - اهل کتاب به خاطر اختلاف در کتب آسمانی (پذیرش برخی و انکار و کتمان برخی

دیگر) از حق فاصله گرفته و با یکدیگر به دشمنی و ستیز پرداختند .

مفسران بر آنند که مصداق مورد نظر برای <الذین > اهل کتاب می باشد.

تحریف کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۸

۸ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، با تحریف در کتاب های آسمانی خویش ، در صدد کتمان بشارت ها و نشانه های حقانیت قرآن بودند .

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق

برخی بر آنند که مراد از <الباطل > تحریفهای لفظی و معنوی است که عالمان بنی اسرائیل در کتابهای آسمانی خویش ایجاد می کردند تا نشانه های حقانیت قرآن و اسلام از آن آشکار نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۷

۱۷ سلامت کتاب های آسمانی در سیر نزول ، از نفوذ تحریف و باطل

و انزل معهم الكتاب بالحق

بنابراینکه <بالحق >، متعلق به <انزل > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۴

۴ تحریف حقایق کتب آسمانی پیشین و عدم دستیابی اهل کتاب ، جز به برخی از حقایق آن *

اوتوا نصیباً من الكتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۲

۲ عدم تحریف تورات تا عصر حضرت عیسی (ع) *

و مصداقاً لما بین یدی من التوریه

به نظر می رسد جمله <لما بین یدی من التوریه>، اشاره باشد به تورات متداولی که در دسترس مردم بوده است. لذا تصدیق آن، دلالت بر عدم تحریف تورات موجود

در آن عصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۸ - ۴،۱۰

۴ فریبکاری گروهی از اهل کتاب با سعی در تحریف کتب آسمانی

و انّ منهم لفريقاً .. لتحسبوه من الكتاب

۱۰ نقش تحریف کتب آسمانی و عالمان تحریفگر در انحراف جوامع

و انّ منهم لفريقاً .. و يقولون على الله الكذب و هم يعلمون

از ذکر تحریف و بیان کیفیت آن و لحن تند آیه نسبت به علمای اهل کتاب برمی آید که این عمل در گمراه کردن مردم سهم بسزایی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۲

۲ نسبت ادعای معبودیت پیامبران برای خود، از بافته های تحریفگران کتب الهی

و انّ منهم لفريقاً يَلُونِ السَّنْتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ .. ما كان لبشر ان يؤ

از ارتباط این آیه با آیه قبل استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۹

۹ وجود آیاتی تحریف نشده در کتاب های آسمانی اهل کتاب، تا عصر بعثت

من اهل الكتب امّه قائمه يتلون ءآيت الله

چون آیه درباره اهل کتاب است، منظور از <آیات الله>، می تواند تورات و انجیل باشد و ارزش تلاوت آنها، بیانگر عدم تحریف آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ تفسیر غلط کتب آسمانی ، توسط بنی اسرائیل

يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ

تحریف به معنی تغییر است و همان گونه که شامل جایجایی کلمات، کاستن

و افزودن می شود، تأویل و تفسیر ناروا را نیز فرا می گیرد.

تداوم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۵

۵ - بشریت ، هرگز از کتاب آسمانی محروم نبوده است . *

لقد أرسلنا رسلنا .. و أنزلنا معهم الكتب

تذکرات کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- قرآن و کتاب های آسمانی (تورات ، زبور و انجیل) ، مایه احیای فطرت خفته و یادآور دانستنی های فراموش شده انسان ها

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

<ذکر> از نظر معنا، مانند <حفظ> است؛ با این تفاوت که حفظ شیء به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و ذکر شیء به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و دیگر کتاب های آسمانی به <ذکر>، ممکن است به این اعتبار باشد. که یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسان غافل است.

تشابه برخورد دشمنان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۷

۷- دشمنان کتاب های آسمانی ، در برخورد با آن کتاب ها شیوه واحدی داشتند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين .. قد مكر الذين من قبلهم ...

تصدیق کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۸

۸ قرآن تصدیق کننده و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی

<تصدیق> مصدر است و به معنای اسم فاعل تصدیق کننده می باشد. این کلمه به وسیله <لکن> بر <حدیثاً> عطف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۶

۶- قرآن ، دلیلی روشن بر راستی و درستی دیگر کتاب های آسمانی است .

أُولَمْ تَأْتَهُمْ بَيِّنَةٌ مَّا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى

عنوان <ما فی الصحف الأولى> قرینه است بر این که مراد از <بینه>، کتاب آسمانی پیامبر(ص) (قرآن) است که معارفی نظیر معارف دیگر کتاب های آسمانی دارد و به دلیل نزول مستقیم آن از جانب خداوند، برهان صحت معارف آن کتاب ها نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۸

۸- قرآن ، تصدیق کننده کتاب های آسمانی پیشین

كُتِبَ أَنْزَلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

تعالم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۷

۷ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، حاوی بشارت به نزول قرآن و نشانه های حقانیت آن است .

و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتّموا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۴،۶

۴ - عالمان به کتاب های آسمانی و تلاوت کنندگان آن ، دارای مسؤولیت بیشتر در عمل کردن به کردار های نیک (دستورات کتاب های آسمانی)

و تنسون أنفسکم و أنتم تتلون الکتب

روشن است که هر کس دیگران را به نیکیها فرمان دهد و خود بد آنها عمل نکند، سزاوار سرزنش است؛ چه از عالمان باشد یا

از غیر آنان، بنابراین جمله حالیه <و أنتم تتلون الكتاب> تأکیدی است در مورد عالمان کتابهای آسمانی و تلاوت کنندگان آن.

۶- کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، توییح کننده مبلغان و ارشادگران بی عمل

أتأمرون الناس . . . و أنتم تتلون الكتب

چون جمله حالیه <و أنتم تتلون الكتاب> (در حالی که شما کتاب [تورات یا انجیل] را تلاوت می کنید) به عنوان دلیل نکوهش و مذمت ارشاد کنندگان بی عمل مطرح شده، معلوم می شود: در کتابهای آسمانی بنی اسرائیل بر ناروایی چنین کرداری تأکید شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- محتوای کتاب های آسمانی و معارف آن ، عاری از خیالات خام و واهی است .

لا يعلمون الكتب إلا امانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۹

۱۹- کتاب های آسمانی و ادیان الهی ، هرگز آدمیان را به کار های ناروا فرا نمی خوانند .

بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۳

۱۳- ضرورت پایبند بودن به همه معارف و احکام بیان شده در کتاب های آسمانی

نبذ فريق من الذين أوتوا الكتب كتب الله وراء ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱،۲

۱ - کتاب های آسمانی ، حاوی احکام و معارف دینی و در بردارنده دلایلی روشن بر حقانیت آنها

ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

خداوند، احکام و معارف دینی و دلایل حقانیت آنها را نازل کرده و در کتاب های آسمانی بیان داشته است .

ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینہ للناس فی الکتب

<هدی> به معنای هدایت کننده است و مقصود از آن در آیه شریفه احکام و معارف دین می باشد. <بینات> به معنای دلایل روشن است و مراد از آن در آیه، دلایل و براهینی است که برای معارف و احکام دینی ایراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۳

۳ - محتوای کتاب های آسمانی سراسر حق و پیراسته از هر گونه باطل است .

نزل الکتب بالحق

<بالحق> متعلق به کلمه ای همانند <متلبساً> و حال برای <الکتاب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۱۴

۱۴ لزوم عمل به آموخته های برگرفته از کتب آسمانی

کونوا ربائین بما کنتم تعلمون الکتاب و بما کنتم تدرسون

چون فرمان ربانی شدن را به کسانی می دهد که کتب آسمانی را آموخته اند، معلوم می شود علم به آن کافی نبوده و عمل نیز لازم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۴ - ۹،۱۰

۹ رسولان الهی برخوردار از دلایل روشن (برهان و معجزه) و دارای <زُبُر> (کتاب های مشتمل بر حکمت و موعظه) و نیز آورنده کتاب روشن و روشنگر

رسل من قبلک جاءو بالبینات و الزبر و الکتب المنیر

<منیر>، به معنای روشنگر و نیز به معنای روشن آمده

است.

۱۰ روشنگری کتب آسمانی در همه ابعاد مورد نیاز

جاء و .. و الکتب المنیر

بر این مبنا که <منیر>، به معنای روشنگر باشد، متعلق آن حذف شده است تا دلالت بر عموم و شمول کند. یعنی هر آنچه مردم از آن کتاب توقع داشته و بدان نیازمند باشند، در آن بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۸

۸ حرمت کتمان حقایق کتب آسمانی و وجوب اظهار معارف دینی

و اذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتب لتبیننّه للنّاس و لا تکتمونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۳

۳ آگاهی بر مجموعه محتوای کتاب آسمانی، شرط هدایت

الم تر الى الذین اوتوا نصیباً من الکتب یشترون الضلاله

به نظر می رسد توصیف اهل کتاب به اینکه تنها بهره ای اندک از کتاب دارند، به منزله دلیلی برای جمله <یشترون الضلاله . .. > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۸،۲۰

۸ کتب آسمانی، مشتمل بر رهنمود های اقتصادی و راهگشای تأمین نیاز های جامعه *

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم لاکلوا

ترتیب رفاه اقتصادی بر عمل به تورات و انجیل می تواند به این معنا باشد که خداوند به عنوان پاداش، برکتهای زمین و آسمان را به روی عمل کنندگان بگشاید و می تواند به این معنا باشد که در خود تورات و انجیل رهنمودهایی است که عمل به آنها

در پی دارد. برداشت فوق بر اساس معنای دوم است.

۲۰ فرامین و رهنمود های کتب آسمانی ، متعادل و بدور از هرگونه افراط و تفریط

و لو انهم اقاموا التوریه .. منہم امه مقتصدہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۲

۲ کتب آسمانی پیشین، بیانگر اوصاف پیامبر اکرم(ص) و پیشگویی رسالت آن حضرت

قل أي شیء أكبر شهادة .. الذین ءاتینہم الکتب یعرفونہ کما یعرفون أبناءہم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۸ - ۸

۸ - کتاب های آسمانی ، روشنگر حقایق و آموزنده معرفت های درست است .

من یجدل فی اللہ بغير علم و لا ہدی و لا کتب منیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۲

۲ - وجود اطلاعاتی در کتاب های آسمانی پیشین درباره پیامبر اسلام

و قال الذین کفروا لن تؤمن بهذا القرءان و لا بالذی بین یدیه

احتمال دارد غرض کافران از اعلام عدم ایمان به کتاب های پیشین، به خاطر وجود اطلاعاتی درباره پیامبر اسلام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۷ - ۸

۸ - خالی بودن کتاب های آسمانی تحریف نشده از انتساب فرزند به خدا

فأتوا بکتبکم إن کنتم صدقین

فرمان تعجیزی خداوند به آوردن کتاب آسمانی، بر درستی نسبت فرزنددار بودن خداوند؛ گویای این حقیقت است که در هیچ یک از کتاب های آسمانی اصیل و تحریف نشده چنین نسبتی وجود ندارد؛ بلکه این نسبت، دروغ محض و ساخته و پرداخته خود مشرکان

است. از این رو خداوند در شش آیه قبل، آنان را دروغگو خوانده است (و إنهم لکاذبون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۱۱

۱۱- هماهنگی کامل کتاب های آسمانی ، در تبلیغ توحید

اثنونی بکتب من قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۷ - ۱

۱ - در هیچ کتاب آسمانی ، مسلمانان و اطاعت کنندگان از خدا ، با مجرمان و تبهکاران یکسان تلقی نشده اند .

أفجعل المسلمین کالمجرمین .. أم لکم کتب فیه تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - هیچ کتاب آسمانی ، آدمیان را در انتخاب راه درست و نادرست ، آزاد ندانسته ؛ بلکه همگان را به گزینش راه درست مکلف ساخته است .

إن لکم فیه لما تخیرون

۲ - انسان در دیدگاه کتاب های آسمانی ، موجودی مکلف و مسؤول است ؛ نه آزاد مطلق و عنان گسیخته .

إن لکم فیه لما تخیرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۹ - ۶

۶ - داوری مشرکان درباره مسائل دینی ، مخالف داوری خداوند و تعالیم کتاب های آسمانی است .

أم لکم أیمن .. إن لکم لما تحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۸ - ۱،۴

۱ - جاودانگی جهان آخرت و برتری آن بر زندگانی دنیا، در تمام کتاب های آسمانی مطرح شده است .

و الآخره خیر و ابقى . إنَّ هذا

لفی الصحف الأولى

<الصحف>، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. تصریح به بعضی از صحف در آیه بعد، تنها بر اهمیت آنها دلالت دارد و عموم را از بین نمی برد.

۴ - تعالیم کتاب های آسمانی ، همسو و هماهنگ با هم است .

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى

تعالیم کتب آسمانی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۸ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی امت های گذشته ، رستگاری را در گرو تزکیه ، یاد نام خدا و ادای نماز دانسته ، از ترجیح زندگانی دنیا بر آخرت نکوهش کرده اند .

قَدْ أَفْلَحَ .. إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى

مشارالیه <هذا> می تواند آیه قبل (و الآخرة خیر و أبقى) باشد و ممکن است آن را اشاره به مفاد آیات <قد أفلح..> به بعد بدانیم. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

تعالیم کتب آسمانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ - تلاش برای آزاد سازی اسیران بنی اسرائیل ، از فرمان های کتب آسمانی آنان

و إن یأتوكم أسرى فتدوهم .. فتؤمنون ببعض الكتب

جمله <فتؤمنون ببعض الكتب> دلالت بر این معنا دارد که: انگیزه یهودیان در آزاد سازی اسیران یهودی، عمل کردن به تورات بوده است.

تعدد کتب آسمانی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۸ - ۲

۲ - پیشینیان ، دارای کتاب های آسمانی متعدد

الصحف الأولى

صحیفه (مفرد <صحف>)؛ یعنی، چیزی که در آن کتابت شود (مفردات راغب)

و مراد از آن به قرینه استشهاد قرآن به محتوای آن کتاب های آسمانی است.

تعلیم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۳

۳ - همه مردم ، مخاطبان کتب آسمانی و موظف به فراگیری معارف و احکام آن هستند .

من بعد ما بینہ للناس

تعلیم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ - فراگیری کتاب آسمانی و تنظیم عقاید و اعمال بر محور آن ، وظیفه ای ضروری بر عهده اهل ایمان

خذوا ما آتینکم بقوه و اذکروا ما فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۴

۴ - ابلاغ و تعلیم حقایق کتاب های آسمانی (احکام و معارف دین و براهین آنها) به مردم ، وظیفه ای بر عهده عالمان دینی

إن الذین یکتُمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینہ للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۱۷

۱۷ خداوند آموزگار مسیح در فراگیری علوم ، معارف دین و کتب آسمانی

و اذ علمتک الکتب و الحکمہ و التوریه و الانجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ فراگیری کتاب آسمانی و تنظیم عقاید و اصول بر محور آن ، وظیفه ای ضروری بر عهده اهل ایمان

خذوا ما آتینکم بقوه و اذکروا ما فیه

تغییر قبله در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۸

۱۸ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حقیقتی عنوان شده در کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل و ...)

إن الذين أتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

بیان آگاهی یهود و نصارا به حقانیت تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، با عنوان <اهل کتاب> می رساند که منشأ و منبع آگاهی آنان، کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل) بود.

تفسیر کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ - ضرورت پرهیز از تفسیر کتاب های آسمانی با حدس و گمان

لا يعلمون الكتب إلا امانی و إن هم إلا یظنون

تقوا در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۹

۹ رسیدن انسان ها به تقوا و پرهیزشان از عقاید ناصواب و اعمال ناروا ، از اهداف نزول کتاب های آسمانی بر ایشان است .

خذوا ما آتینکم بقوه و اذکروا ما فیہ لعلکم تتقون

تکذیب بخشی از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۹، ۱۰، ۷۸

۷ - پذیرش برخی از احکام و معارف کتاب های آسمانی و انکار برخی دیگر ، مخالفت با حق و دور شدن از آن است .

إن الذين اختلفوا في الكتب لفي شقاق بعيد

مفسران درباره اختلاف در کتابهای آسمانی - که مفاد جمله <اختلفوا في الكتاب> است - چند وجه گفته اند و برداشت فوق بیان یکی از آن وجوه می باشد. <شقاق> به معنای

عداوت و دشمنی است و مفعول آن به قرینه جمله قبل کلمه ای همانند <الحق> می تواند باشد.

۸- ایمان به برخی از کتب آسمانی و انکار برخی دیگر، مخالفت با حق و دور شدن از آن است.

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

برداشت فوق از جمله وجوهی است که در تفسیر <اختلفوا فی الکتب> بیان شده است.

۹- پذیرش برخی از احکام و معارف کتاب های آسمانی و انکار برخی دیگر، موجب پدید آمدن مذاهب مختلف دینی و مایه دشمنی و ستیز است.

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <شقاق> دشمنی برخی با برخی دیگر باشد؛ یعنی: شقاق بعضهم بعضاً.

۱۰- اهل کتاب به خاطر اختلاف در کتب آسمانی (پذیرش برخی و انکار و کتمان برخی دیگر) از حق فاصله گرفته و با یکدیگر به دشمنی و ستیز پرداختند.

مفسران بر آنند که مصداق مورد نظر برای <الذین> اهل کتاب می باشد.

تکذیب کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۱۰

۱۰ انکار هر یک از حقایق (خدا، پیامبران، فرشتگان، کتب آسمانی و روز قیامت)، کفر و به منزله انکار تمامی آنهاست.

و من یکفر باللّه و ملئکتہ و کتبه و رسله و الیوم الآخر فقد ضل ضللاً بعیداً

با توجه به صدر آیه که ضرورت ایمان به تک تک معارف یاد شده را مطرح ساخت، معلوم می شود ضلالت بعید نتیجه انکار هر یک از معارف یاد شده است، نه نتیجه ای

برای مجموع آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۹

۹- کفر به وحی و کتاب های آسمانی ، ظلم به خویش است .

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي أمر ربك كذلك فعل الذين من قبلهم و ما

تلاوت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۴

۴ - عالمان به کتاب های آسمانی و تلاوت کنندگان آن ، دارای مسؤولیت بیشتر در عمل کردن به کردار های نیک (دستورات کتاب های آسمانی)

و تنسون أنفسکم و أنتم تتلون الکتب

روشن است که هر کس دیگران را به نیکیها فرمان دهد و خود بد آنها عمل نکند، سزاوار سرزنش است، چه از عالمان باشد یا از غیر آنان، بنابراین جمله حالیه <و أنتم تتلون الکتب> تأکیدی است در مورد عالمان کتابهای آسمانی و تلاوت کنندگان آن.

تنزیه کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - محتوای کتاب های آسمانی و معارف آن ، عاری از خیالات خام و واهی است .

لا يعلمون الکتب إلا امانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۵

۵ - کتاب های آسمانی ، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

و قالوا لو شاء الرحمن .. أم ءاتینهم کتبا من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده

است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۱۰

۱۰- کتاب های آسمانی ، مبرا از کمترین آثار و نشانه های شرک

اثتونی بکتب من قبل هذا

بارزترین مصداق برای <کتاب من قبل هذا> کتاب های آسمانی پیش از قرآن است. قرآن با قاطعیت در برابر تمامی اهل کتاب عصر نزول، اعلام کرده است که هیچ کتاب آسمانی، نظریه <شرک> را تأیید نکرده است.

توحید در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۵

۵ - کتاب های آسمانی ، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

و قالوا لو شاء الرحمن .. أم ءاتینهم کتبا من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

تورات از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۴

۴ - تورات کتابی است از جانب خداوند و عطا شده به بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم

مراد از <ما>ی موصوله در <ما آتیناکم> تورات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۶

۱۶ - قرآن ، تأیید کننده محتوای تورات و تصدیق کننده آسمانی بودن آن

و هو الحق مصدقاً لما معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ -

۴ - تورات ، کتابی از جانب خدا و عطا شده به بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم

مراد از <ما اتیناکم> (آنچه را به شما دادیم) تورات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱

۱ تورات ، کتابی آسمانی و خداوند ، نازل کننده آن

إنا انزلنا التوریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۳

۳ تورات ، کتابی از جانب خدا برای بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم

مراد از <ما اتینکم> تورات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱

۱ یهود و نصارا ، از کتاب آسمانی (تورات و انجیل) برخوردار بودند .

والذین ءاتینهم الکتب

در اینکه مراد از <الذین ..> چه کسانی اند چند نظر ابراز شده است: ۱ یهود و نصارا ، ۲ آنها و مجوس ، ۳ مسلمانان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲ - ۱

۱- خداوند به < موسی (ع) > کتاب آسمانی (تورات) اعطا کرد تا بنی اسرائیل به وسیله آن هدایت شوند .

و ءاتینا موسی الکتب و جعلنه هدی لبنی إسرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴ - ۲

۲- تورات ، کتابی آسمانی و نازل شده از سوی خداوند

و قضینا إلی بنی إسرئیل فی الکتب

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از <الکتاب> به قرینه <ال> که عهد ذکری است <تورات> باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۹ - ۲

۲ - کتاب آسمانی موسی (ع) (تورات) ، کتاب هدایت

لعلهم یهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۵ - ۱

۱ موسی (ع) ، از پیامبران دارای کتاب (تورات) و شریعت مستقل از جانب خداوند

و لقد آتینا موسی الکتب

دریافت کتاب آسمانی، حاکی از دریافت شریعت مستقل و جدا از شریعت سابق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۲ - ۳

۳ - تورات و انجیل ، دو کتاب آسمانی

الذین آتینهم الکتب

مراد از <الکتاب> تورات و انجیل است زیرا اهل کتاب در قرآن به یهود و نصارا اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۷ - ۱

۱ - موسی و هارون (علیهمالسلام) ، برخوردار از کتاب آسمانی (تورات) و شریعت مستقل و جدا از شریعت الهی پیشین

و آتینهما الکتب

دریافت کتاب آسمانی، می تواند حاکی از دریافت شریعت مستقل و جدا از شریعت سابق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - تورات ، کتاب آسمانی پیش از عیسی (ع)

لما بین یدئ من التوریه

<ما بین یدئ> یعنی، کتابی که پیش از من نازل شده است.

حاکمیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۹

۹ پیامبران و عدالتخواهانی که به دست

کافران کشته شدند ، خواهان حاکمیت کتب آسمانی بودند . *

يُدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ

بنابراینکه فاعل محذوف <یدعون>، همان کشته شدگان مذکور در آیه قبل باشند؛ یعنی: يدعوهم المقتولون الى كتاب الله

حجیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۴ - ۱۱

۱۱ قابل فهم بودن کتب آسمانی و حجیت ظواهر آن

جاءو بالبينات والزبر والكتب المنير

اگر کتب آسمانی قابل فهم نباشد، نه روشن خواهد بود و نه روشنگر، و آنگاه که قابل فهم باشد، ظاهر آن برای مکلفین حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۵۷ - ۴

۴ - حجیت کتب های آسمانی در مسائل دینی

فأتوا بكتبكم إن كنتم صدقین

جمله <فأتوا..> جواب برای شرط مقدر است و مقدر با توجه به آیه قبل (أم لكم سلطان مبين) می تواند چنین باشد: <إن كان لكم حجة فأتوا...>. بر این اساس پیام آیه چنین است: اگر بر درستی عقایدتان حجت دارید پس کتابی بیاورید؛ زیرا کتاب الهی حجت خوبی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۷ - ۵

۵ - حجیت کتب های آسمانی در مسائل دینی

أم لكم كتب فيه تدرسون

آیه شریفه، در مقام مطالبه دلیلی از کتاب آسمانی برای اثبات درستی عقاید و مسائل دینی خویش از مشرکان است. این مطالبه آن گاه درست و بجا است که کتاب های آسمانی حجت باشد؛ و گرنه رجوع به آن برای اثبات هیچ حقیقتی، مفید و منطقی نخواهد بود.

حدوث کتب آسمانی

جلد -

۱۱- > عن الرضا (ع) قال : التوراه و الإنجیل والزبور والفرقان و کلّ کتاب انزل کان کلام اللّٰه تعالیٰ أنزله للعالمین نوراً و هدی و هی کلّها محدثه و هی غیر اللّٰه . . . قال : > ما یأتیهم من ذکر من ربّهم محدث إلاّ استمعوه و هم یلعبون < و اللّٰه أحدث الکتب کلّها الذی أنزلها ;

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: تورات و انجیل و زبور و قرآن و هر کتابی که نازل شده، کلام خدای تعالی است که آن را برای روشن گری و هدایت جهانیان نازل کرده است و تمامی این کتاب ها حادث و غیر خدا هستند . . . خداوند فرمود: > ما یأتیهم من ذکر من ربّهم محدث إلاّ استمعوه و هم یلعبون <. و خدا همه کتاب هایی را که نازل فرموده ایجاد کرده است <.

حقانیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۴

۴ - قرآن تصدیق کننده حقانیت کتاب های آسمانی بنی اسرائیل (تورات ، انجیل و . . .)

ءامنوا بما أنزلت مصدقاً لما معکم

مراد از <ما> می موصوله در <لما معکم>: کتابهای آسمانی بنی اسرائیل است که تورات و انجیل از مصداقهای بارز و مورد نظر آن می باشد. تصدیق (مصدر مصدقاً) نسبت دادن صدق و درستی به کسی یا چیزی است. بنابراین <مصدقاً لما معکم> ; یعنی: قرآن کتابهای آسمانی شما را، راست و درست می داند و حقانیت آنها را تصدیق می کند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۳

۳ - محتوای کتاب های آسمانی سراسر حق و پیراسته از هر گونه باطل است .

نزل الکتب بالحق

<بالحق> متعلق به کلمه ای همانند <متلبساً> و حال برای <الکتاب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۵

۱۵ حقایق محتوای کتاب های آسمانی

و انزل معهم الکتاب بالحقّ

بنابراینکه <بالحق>، متعلق به عامل مقدر و حال از <الکتاب> باشد / یعنی کتابی که مصاحب حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۸،۲۰

۱۸ محور قرار دادن کتب آسمانی در قضاوت ها ، شهادت بر حقایق آنهاست .

یحکم بها النبیون . . . بما استحفظوا من کتب اللّٰه و کانوا علیه شهداء

۲۰ حراست و نگهبانی از کتب آسمانی و شهادت بر حقایق آن ، مسؤولیت انبیای الهی *

یحکم بها النبیون . . . بما استحفظوا من کتب اللّٰه و کانوا علیه شهداء

بنابر اینکه ضمیر در <استحفظوا> به <النبیون> نیز برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۵،۶

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا إليك الكتب بالحق مصدقاً لما بين يديه من الكتب

به دلیل آیات گذشته مراد از <ما بین یديه من الكتب>، تورات و انجیل است.

۶ وجود قرآن، گواه راستی و درستی کتب آسمانی پیشین

و انزلنا إليك الكتب بالحق مصدقاً لما بين يديه من الكتب

با در نظر گرفتن اینکه کتابهای آسمانی به

آمدن قرآن نوید داده بودند، لذا نزول قرآن دلیل حقانیت آنها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۹

۹ - کتاب های آسمانی و تعالیم الهی ، دارای حقایقی روشن و قابل فهم برای انسان ها

جاءتهم رسلهم .. بالكتب المنير

از توصیف کتاب به <منیر> (روشن و روشنگر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

الله الذی أنزل الكتب بالحقّ

الف و لام در <الکتاب> می تواند برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد بود.

دلایل حقانیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۶

۶- کافران عصر های پیش از اسلام ، در انتظار آمدن فرشتگان و یا نزول امر ویژه ای از سوی خداوند جهت تأیید حقانیت کتاب آسمانی خود بودند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولین .. قد مکر الذین من قبلهم ...

دلایل صداقت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰ قرآن ، دلیل راستی و درستی کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

تصدیق کتابهای آسمانی پیشین از سوی قرآن می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب

شد، اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. از این رو نزول قرآن خود دلیلی برای اثبات راستی و درستی آن کتابهاست.

رحمت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۲۱

۲۱- آیات الهی در قرآن و دیگر کتب آسمانی، جلوه رحمت واسعه او است.

إذا تتلى عليهم آيات الرحمن

استناد <آیات> به <رحمن> گویای برداشت یاد شده است. مضارع بودن <تتلى> دلالت دارد که وصف <النبین> و <من هدینا واجتینا> در هر زمان، چنین اقتضایی دارد؛ بنابراین <آیات الرحمن> شامل قرآن نیز می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۶

۶- کتاب های آسمانی، پیامدار رحمت برای خلق و دربردارنده منافع حقیقی آنان

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که قرآن نیز مانند تورات، امام و رحمت است و این دو بعد، مخصوص به کتاب موسی نیست؛ بلکه ویژگی تمامی کتاب های آسمانی است.

رسالت مبلغان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۸

۸ - ابلاغ گران پیام های مکتوب خداوند، رسولانی با عظمت و دارای رسالتی بزرگ

رسول من الله یتلوا صحفًا مطهره

رسول من الله یتلوا صحفًا مطهره

تعبیر <رسول من الله> با آن که <رسول الله> نیز مفادی شبیه آن داشت ممکن است برای ابقای کلمه <رسول> بر نکره بودن باشد تا عظمت رسول و رسالت را برجسته سازد.

روش فهم کتب آسمانی

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۹

۹ - حدس و گمان در شناخت محتوای کتاب های آسمانی ، طریقی است نادرست و بی اعتبار .

لا يعلمون الكتب إلا امانی و إن هم إلا یظنون

روشنگری کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۸ - ۸

۸ - کتاب های آسمانی ، روشنگر حقایق و آموزنده معرفت های درست است .

من یجدل فی الله بغير علم و لا هدی و لا کتب منیر

رهبری کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ انسانها ، باید کتاب های آسمانی را پیشوا و مقتدای خویش قرار دهند .

و من قبله کتب موسی إماماً و رحمہ

زبور از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۱۴

۱۴ حضرت داود (ع) از پیامبران پس از نوح (ع) و دارای کتابی از جانب خدا به نام زبور

و ءاتینا داود زبوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۵ - ۹

۹- خداوند ، به داوود (ع) کتاب آسمانی < زبور > را اعطا کرد .

و ءاتینا داود زبوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۳

۳- زبور ، کتاب آسمانی نازل شده بعد از تورات

و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر

زمینه استفاده از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۴ - ۳

۳ - داشتن خردناب و عقل سلیم ، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از تعالیم پیامبران و کتاب های آسمانی (تورات و ...)

هدی و ذکری لأولی الألب

زمینه ایمان به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۲۵

۲۵ - باور به ربوبیت خدای یگانه ، مقتضی ایمان به همه کتاب های آسمانی است .

و قل ءامنتم بما أنزل الله من كتب .. الله ربنا و ربکم

زمینه فراموشی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۴

۴ - گذشت زمان و انقراض نسل های پیشین ، باعث از میان رفتن خاطرات پیامبران ، کتاب های آسمانی ، شرایع الهی و محروم شدن مردم عصر بعثت از آنها شد .

و لکننا أنشأنا قرونًا فتطاول علیهم العمر

زمینه فهم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۲

۲ - بیداردلی و هوشمندی ، زمینه لازم برای فهم صحیح حقایق الهی و اثرپذیری از وحی و کتاب های آسمانی

ما یأتیهم .. لاهیة قلوبهم

زمینه نزول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۳

۳ فرمان روایی و حکومت خداوند بر آسمان ها و زمین ، خاستگاه نزول کتابی که تبیین کننده حق از باطل برای انسان ها است

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده .. الذی له ملک السموت و الأرض

سهولت فهم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۹

۹ - کتاب های آسمانی و تعالیم الهی ، دارای حقایقی روشن و قابل فهم برای انسان ها

جاءتهم رسلهم .. بالكتب المنير

از توصیف کتاب به <منیر> (روشن و روشنگر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

شرایط نزول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۷

۷- دارا شدن مقام نبوت و کتاب آسمانی ، به سن و سال خاصی مقید نیست .

كيف نكلّم من كان في المهد .. قال إنّی عبدالله ءاتینی الكتب و جعلنی نبیّاً

شرك ستیزی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۹

۹- توحید و نفی شرک ، پیام تمامی پیامبران ، موحدان و کتاب های آسمانی

هذا ذكر من معی و ذكر من قبلی

مشارالیه <هذا> به قرینه آیات قبل، توحید و نفی شرک است.

شرك و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۱

۱ - آیین شرک ، فاقد کتاب آسمانی و بی ارتباط با عالم غیب

أم عندهم الغیب فهم یکتبون

این آیه، درصدد بیان آخرین توجیهی است که مشرکان، می توانند برای درستی آیین خود ارائه دهند؛ یعنی، آنان ادعا کنند که با عالم غیب ارتباط برقرار کردند و حقایق و اسرار غیبی و اسرار غیبی را مکتوب داشتند. بر این اساس ارتباط با عالم غیب نشانه درستی هر آئینی است و ناتوانی از آن، علامت بطلان

آن است.

شک در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ - اهل کتاب زمان پیامبر (ص)، نسبت به محتوای متون دینی خویش گرفتار تردید و بدبینی بودند.

و إنّ الذين أورتوا الكتب من بعدهم لفي شك منه مريب

<مريب> به شکی گفته می شود که آمیخته با بد گمانی و سوء ظن باشد.

ظلم دشمنان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۷

۷ - دشمنان دین خدا و کتاب های آسمانی، عناصری هواپرست و ظالم

و من أضلّ ممّن اتّبع هويه .. إنّ الله لا يهدى القوم الظالمين

عذاب کتمان کنندگان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۴

۴ - کتمان کنندگان احکام و معارف دین و حقایق کتب آسمانی، برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار خواهند بود.

إن الذين كفروا و ماتوا .. خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

عصیان از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۸

۸ پیروی نکردن از کتب آسمانی در صورت دسترسی نداشتن به محتوای آنها، عذری قابل پذیرش در پیشگاه خدا

و إن كنا عن دراستهم لغفلین

عظمت مبلغان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۸

۸ - ابلاغ گران پیام های مکتوب خداوند ، رسولانی با عظمت و دارای رسالتی بزرگ

رسول من الله یتلوا صحفًا مطهره

رسول من

اللّٰهُ يَتْلُوا صَحْفًا مَطْهَرَةً

تعبیر <رسول من اللّٰه> با آن که <رسول اللّٰه> نیز مفادی شبیه آن داشت ممکن است برای ابقای کلمه <رسول> بر نکره بودن باشد تا عظمت رسول و رسالت را برجسته سازد.

عقیده به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۵

۵ اقامه نماز، زمینه ساز توانایی انسان بر تمسک به کتاب های آسمانی و پایبندی به محتوای آنهاست .

و الذین یمسکون بالکتاب و أقاموا الصلوة

در بیان تمسک به کتاب از فعل مضارع استفاده شده و در بیان اقامه نماز فعل ماضی به کار رفته است که این تفاوت تعبیر می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

علمای دین و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۵

۵ نسخه های کتاب های آسمانی پیشین در عصر نزول قرآن ، محدود و تنها در اختیار علمای ادیان بود .

فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك فسل الذين يقرءون الكتب من قبلك

عمل به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۴

۴ - عالمان به کتاب های آسمانی و تلاوت کنندگان آن ، دارای مسؤولیت بیشتر در عمل کردن به کردار های نیک (دستورات کتاب های آسمانی)

و تنسون أنفسکم و أنتم تتلون الكتب

روشن است که هر کس دیگران را به نیکیها فرمان دهد و خود بدانها عمل نکند، سزاوار سرزنش است؛ چه از عالمان باشد یا از غیر آنان، بنابراین جمله حالیه > و

أنتم تتلون الكتاب > تأكیدی است در مورد عالمان کتابهای آسمانی و تلاوت کنندگان آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۸، ۱۷، ۱۶

۱۶ - پایبندی به همه دستورات کتاب آسمانی، وظیفه مؤمنان به آن کتاب است.

أفتؤمنون ببعض الكتب و تكفرون ببعض

۱۷ - نشانه ایمان به کتاب آسمانی، عمل کردن به دستورات آن است.

أفتؤمنون ببعض الكتب

تفریع جمله <أفتؤمنون...> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <و إن یا توکم...> بیانگر برداشت فوق است؛ یعنی، از آن جا که شما به حکم تورات در صدد آزادسازی اسیران هستید، بر می آید که به این قسمت از تورات ایمان دارید؛ و از آن جا که همکیشان خود را بیرون می رانید، معلوم می شود به حرمت این کار - که در تورات آمده - کافرید. بنابراین عمل کردن به دستورات دین، نشانه ایمان و وانهادن آنها، به منزله کفر و نشانه آن است.

۱۸ - عمل نکردن به دستورات کتاب آسمانی، به منزله انکار کردن آن کتاب و نشانه کافر شدن به آن است.

أفتؤمنون... و تكفرون ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۸

۸ - پذیرش تعالیم و برنامه های کتاب های آسمانی و عمل به آنها، از پیمان های خداوند با بندگانش است.

و إذ أخذنا ميثقكم... خذوا ماء اتينكم بقوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۸، ۷، ۶

۶ پیاداشتن کتب آسمانی و فرامین الهی در جامعه،

موجب رفاه اقتصادی و بهره مند شدن از نعمت های الهی

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل ... لا کلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

۷ نقش برپایی کتب آسمانی در نزول باران و دیگر مواهب آسمانی و رویش گیاهان و دستیابی به دیگر نعمت های زمین

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل ... لا کلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

۱۸ تشکیل امت (جامعه هماهنگ) شرط لازم برای برپایی کتب آسمانی و احکام الهی

و لو انهم اقاموا التوریه ... منهم امه مقتصده

یاد کردن از متعهدان به کتب آسمانی با کلمه <امه> می تواند اشاره به این باشد که موفقیت آنان رهین هماهنگیشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۶، ۴، ۲

۲ اهل کتاب مردمی بی اعتنا به کتب آسمانی خویش و رویگردان از اقامه احکام و معارف آن *

لستم علی شیء حتی تقیموا التوریه و الانجیل

۴ پابندی به کتاب های آسمانی و ادیان الهی نه مجرد انتساب به آن ، تعیین کننده ارزشمندی جوامع

یا هل الکتب لستم علی شیء حتی تقیموا التوریه و الانجیل

مخاطب قرار دادن یهود و نصارا با عنوان اهل کتاب و سپس تعیین ملاک ارزشمندی یعنی پابندی به کتب آسمانی، اشاره به این است که صرف انتساب به دین و آیین الهی کارساز نیست، بلکه پابندی به آن موجب ارزشمندی خواهد شد.

۶ لزوم برپاداشتن همه جانبه کتب آسمانی و دیگر فرامین الهی و محور قرار دادن آنها در جوامع

لستم علی شیء حتی تقیموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیکم من ربکم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۵

۵ خداترسان با به کار بستن پیام های آسمانی ، مشمول رحمت خدا خواهند شد .

و فی نسختها هدی و رحمه للذین هم لربهم یرهبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۵

۵ اقامه نماز ، زمینه ساز توانایی انسان بر تمسک به کتاب های آسمانی و پایبندی به محتوای آنهاست .

و الذین یمسکون بالکتاب و أقاموا الصلوه

در بیان تمسک به کتاب از فعل مضارع استفاده شده و در بیان اقامه نماز فعل ماضی به کار رفته است که این تفاوت تعبیر می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

عمل ناپسند مکذبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۶

۶- کافران منکر حقانیت کتاب های آسمانی و استهزا کننده پیامبران ، دارای اعمال زشت متعددی بودند .

فأصابهم سیئات ما عملوا و حاق بهم ما كانوا به یتهزءون

عمومیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۲

۲ - خداوند ، برای تمامی انسان ها ، کتاب آسمانی فرستاده است .

الذین أوتوا الکتاب

تفاوتی که تعبیر <الذین أوتوا الكتاب> با تعبیر <أهل الكتاب> دارد، ناظر به اختلاف مصدق آنها است. <أهل الكتاب> که اصطلاح خاصی است تنها بر یهود و نصارا و یا به ضمیمه صابئان و مجوسیان اطلاق می گردد؛ ولی <الذین أوتوا الكتاب> که عنوان گروه مشخصی نیست بر همه کسانی صادق است

که رسولان الهی، پیام خداوند را به آنان رسانده اند؛ گرچه مشرک یا بی دین باشند.

عوام یهود و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۴

۴ - عوام یهود، خیالات واهی و نسبت داده شده به تورات را به عنوان کتاب آسمانی و دستورات الهی پذیرفته بودند.

لا يعلمون الكتب إلا امانی

<امانی> (جمع امنیه) به معنای خیالات واهی و دروغهای بافته شده است. استثنا در جمله فوق، استثنای منقطع است. بنابراین <لا يعلمون...> یعنی، عوام یهود به محتوای تورات آگاهی ندارند، بلکه خیالات واهی و مطالب دروغین را به عنوان کتاب می شناسند.

عوامل کتمان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۳ - ۶

۶ - گرایش انسان ها به شرک و پرستش غیر خدا، از عوامل وادار کننده آنان به کتمان حقایق دینی و معارف کتاب های آسمانی است. *

إن الذين يكتُمون ما أنزلنا .. و إلهكم إله واحد لا إله إلا هو

عوامل نزول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۵

۵ ربوبیت الهی، مقتضی فرستادن کتاب و راهنمایی مردم به وسیله آن است.

قد جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى

فاقدان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۰ - ۶

۶ - مذاهب شرک ، فاقد کتاب آسمانی و دلیل نقلی معتبر از ناحیه خداوند بر اثبات درستی خویش

قل أرءیتم .. أم ءاتینهم کتبًا

فهم علی بَیِّنَت منہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۷ - ۲

۲ - مشرکان ، فاقد دلیل و کتاب آسمانی بر درستی عقاید خویش اند .

أم لکم کتب فیه تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۱

۱ - آیین شرک ، فاقد کتاب آسمانی و بی ارتباط با عالم غیب

أم عندهم الغیب فهم یکتبون

این آیه، درصدد بیان آخرین توجیهی است که مشرکان، می توانند برای درستی آیین خود ارائه دهند؛ یعنی، آنان ادعا کنند که با عالم غیب ارتباط برقرار کردند و حقایق و اسرار غیبی و اسرار غیبی را مکتوب داشتند. بر این اساس ارتباط با عالم غیب نشانه درستی هر آئینی است و ناتوانی از آن، علامت بطلان آن است.

فضایل متقین در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۹

۹- تقوا، از ارزش های برتر است و تقوای پیشگان از فضیلت و شرافت ویژه در تمامی کتاب های آسمانی و ادیان توحیدی برخوردارند .

ضیاء و ذکرًا للمتقین

از این که متقین غایت و هدف نزول کتاب آسمانی موسی و هارون و دریافت نور و هدایت الهی قرار گرفته اند و قرآن نیز که مسأله تقوا را از محورهای آموزه های خود قرار داده است، به دست می آید که تقوا در همه ادیان توحیدی دارای جایگاه ویژه و برتر بوده است.

فلسفه تکذیب کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۰

- ۱۰

دستیابی به متاع دنیا، از هدف های یهود و نصارا در کفر به قرآن و انکار حقایق تورات و انجیل

و لاتشتروا بأیتی ثمناً قليلا

کلمه <آیاتی> علاوه بر قرآن، شامل حقایق بیان شده در تورات و انجیل نیز هست. گویا آوردن اسم ظاهر (آیاتی) به جای ضمیر <به>، برای تأمین این هدف باشد. قابل ذکر است که چون سخن درباره ایمان به قرآن بود، مصداق مورد نظر برای <آیاتی> حقایقی از تورات و انجیل است که دلیل بر حقانیت قرآن می باشد.

فلسفه نزول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۸

۸ - دستیابی انسان ها به هدایت، هدف از نزول کتاب های آسمانی است.

و اذاتینا موسی الکتب و الفرقان لعلکم تهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ - نیل انسان ها به تقوا و پرهیزشان از عقاید ناصواب و اعمال ناروا، از اهداف نزول کتاب های آسمانی است.

خذوا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه لعلکم تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۹

۹ رسیدن انسان ها به تقوا و پرهیزشان از عقاید ناصواب و اعمال ناروا، از اهداف نزول کتاب های آسمانی بر ایشان است.

خذوا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه لعلکم تتقون

فهم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۸

بر عهده همگان

منهم أُمیون لایعلمون الکتب

لحن آیه، گویای سرزنش کسانی است که از محتوای کتاب آسمانی خویش اطلاعی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۴ - ۱۱

۱۱ قابل فهم بودن کتب آسمانی و حجیت ظواهر آن

جاءو بالبینات و الزبر و الکتب المنیر

اگر کتب آسمانی قابل فهم نباشد، نه روشن خواهد بود و نه روشنگر، و آنگاه که قابل فهم باشد، ظاهر آن برای مکلفین حجت است.

قاریان کتب آسمانی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۴

۴ وجود عالمان دین و قاریان کتاب های آسمانی در عهد نزول قرآن

فإن كنت فی شك مما أنزلنا إلیك فسل الذین یقرءون الکتب من قبلك

قبول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۸

۸ - پذیرش تعالیم و برنامه های کتاب های آسمانی و عمل به آنها، از پیمان های خداوند با بندگان است.

و إذ أخذنا میثقکم . . . خذوا ما ءاتینکم بقوه

قرآن از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۴

۱۴ - آسمانی بودن قرآن حتی در نظر مخالفان رسالت ، امری روشن بود .

إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱

۱ قرآن ، کتابی فرو فرستاده شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

و انزلنا إليك الكتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵- اعراف - ۷ - ۲ - ۱

۱ قرآن، کتابی است آسمانی، با عظمت و نازل شده بر پیامبر(ص)

کتب أنزل إليك

کلمه <کتاب> نکره است و اشاره به عظمت قرآن دارد و توصیف آن به <أنزل> بیانگر آسمانی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۱۱، ۳

۳ قرآن، نام کتاب آسمانی پیامبر اسلام (ص) است .

و ما كان هذا القرآن أن يفتری من دون الله

۱۱ قرآن، کتابی است الهی .

من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۳ - ۷

۷ قرآن، نام کتاب آسمانی پیامبر (ص)

بما أوحینا إليك هذا القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۴

۴- قرآن، کتابی آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

قد كانت آیتی تتلی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی آسمانی و نازل شده از سوی خداوند

بل أتینهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۲

۲ - قرآن ، کتاب آسمانی و وحی الهی به پیامبر (ص)

و الذى أوحينا إليك من الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است نه بشری .

تنزيل الكتب من الله

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن

قرآن با آن که ادعای آورنده آن (پیامبراسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ؛ نه بشری .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ؛ نه بشری

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبراسلام) نیز همین بود می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند است ؛ نه دستاورد بشر .

تَنْزِيلَ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبراسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

قرآن در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۷۸

۷- کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، حاوی بشارت به نزول قرآن و نشانه های حقانیت آن است .

و لاتلبسوا الحق بالباطل

و تکتّموا الحق

۸- بنی اسرائیل عصر بعثت ، با تحریف در کتاب های آسمانی خویش ، در صدد کتمان بشارت ها و نشانه های حقانیت قرآن بودند .

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتّموا الحق

برخی برآنند که مراد از <الباطل> تحریفهای لفظی و معنوی است که عالمان بنی اسرائیل در کتابهای آسمانی خویش ایجاد می کردند تا نشانه های حقانیت قرآن و اسلام از آن آشکار نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۹۲ - ۷

۷ نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص)، به عنوان خبری غیبی، در کتب آسمانی گذشته مطرح بوده است.

و هذا کتب أنزل نه مبارک مصدق الذی بین یدیه

از معانی محتمل برای <مصدق> تصدیق خبرهای کتب گذشته مبنی بر آمدن پیامبر(ص) و قرآن است، یعنی بدان جهت که این اخبار در آن کتب معهود بوده، نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) صدق آن خبرها را معلوم ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخزون . . . يقولون سبحن ربنا إن كان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳- شعراء - ۲۶ - ۱۹۶ - ۲

۲- نزول قرآن بر شخص پیامبراکرم (ص) یاد شده در کتاب های آسمانی پیشین

و إنه لفی زبر الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٣ - قصص - ٢٨ - ٥٣ - ٨

٨ - وجود

وعده و بشارت آمدن کتاب آسمانی به نام <قرآن> ، پیش از نزول آن در مدارک دینی اهل کتاب

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته روشن است که اهل کتاب آگاهی خود از آمدن قرآن را، تنها از راه مدارک دینی خود به دست آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۷

۷- وجود قرینه هایی در متن تورات ، بر حقانیت قرآن *

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن

مترتب شدن ایمان به قرآن، بر ایمان به تورات و آیین موسی، ممکن است از آن جهت باشد که در تورات، قرینه هایی بر حقانیت قرآن وجود داشته است.

قرآن و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۴

۴- قرآن تصدیق کننده حقانیت کتاب های آسمانی بنی اسرائیل (تورات ، انجیل و ...)

ءامنوا بما أنزلت مصدقاً لما معکم

مراد از <ما>ی موصوله در <لما معکم>: کتابهای آسمانی بنی اسرائیل است که تورات و انجیل از مصداقهای بارز و مورد نظر آن می باشد. تصدیق (مصدر مصدقاً) نسبت دادن صدق و درستی به کسی یا چیزی است. بنابراین <مصدقاً لما معکم>; یعنی: قرآن کتابهای آسمانی شما را، راست و درست می داند و حقانیت آنها را تصدیق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۱۵، ۱۰

۱۰ قرآن ، تأیید کننده سایر کتاب های آسمانی (همانند تورات و انجیل)

و انزل التوریه و الانجیل

۱۵ قرآن، دلیلی برای حقایق کتب آسمانی گذشته (همانند تورات و انجیل) است. *

مصدقاً لما بین یدیه و انزل التوریه و الانجیل

چون در تورات و انجیل، بشارت به نزول قرآن داده شده، طبعاً نزول آن، گواه راستی و صحت آن کتب خواهد بود و این احتمالی است برای مصدق بودن قرآن نسبت به دیگر کتب آسمانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۶،۹

۶ وجود قرآن، گواه راستی و درستی کتب آسمانی پیشین

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

با در نظر گرفتن اینکه کتابهای آسمانی به آمدن قرآن نوید داده بودند، لذا نزول قرآن دلیل حقایق آنها خواهد بود.

۹ عظمت و ارزش برتر قرآن نسبت به دیگر کتاب های آسمانی

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً .. و مهیماً علیه

حفاظت و نگرانی از کتابهای آسمانی که به عهده قرآن گذارده شده است، نشانه برتری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۷

۷ شرافت و برتری قرآن، بر دیگر کتب آسمانی *

ءامننا بالله و ما أنزل الینا و ما أنزل من قبل

تقدیم <ما انزل الینا> بر <ما انزل من قبل> علی رغم تقدم زمانی کتب آسمانی گذشته می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۶۸

۶ قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ،

انجیل و ...)

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

۸ قرآن ، شرح و تفصیل کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و ...) است .

و تفصیل الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۸،۱۰

۸ قرآن تصدیق کننده و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

<تصدیق> مصدر است و به معنای اسم فاعل تصدیق کننده می باشد. این کلمه به وسیله <لکن> بر <حادثاً> عطف شده است.

۱۰ قرآن ، دلیل راستی و درستی کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

تصدیق کتابهای آسمانی پیشین از سوی قرآن می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد ، اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. از این رو نزول قرآن خود دلیلی برای اثبات راستی و درستی آن کتابهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۵

۵ - قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و ...)

مصدقاً لما بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۳

۳ - هماهنگی معارف قرآنی ، با کتاب های آسمانی پیشین

كذلك يوحى إليك و إلى الذين من قبلك

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <کذلك> اشاره به محتوای وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۴

۴ - قرآن

، حاوی معارف کتاب های آسمانی گذشته است . *

یتلوا صحفًا مطهره . فیها کتب قیمه

کافران صدر اسلام و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۹

۹ - کافران عصر بعثت ، از محتوای کتاب های آسمانی پیشین آگاه بودند .

أولم تأتهم بینه ما فی الصحف الأولى

کافران و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۴

۴- کافران دوران های قبل از اسلام در برخورد با کتاب آسمانی خویش ، مثل کافران صدراسلام عمل می کردند .

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملكة أو يأتي أمر ربك كذلك فعل الذين من قبلهم

کتب آسمانی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۷

۷- نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع) ، هیچ گاه از کتاب آسمانی محروم نبوده اند .

و جعلنا فی ذریتهما النبوه و الکتب

کتب آسمانی امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۵

۵- بروز اختلاف در میان امت های پیشین ، با وجود دستیابی آنان به کتاب آسمانی و برهان ، نمونه ای از انفکاک ناپذیری برخی کافران از مرام خویش ؛ حتی با پی بردن به تضاد آن با برهان

لم یکن ... منفکین ... حتی تأتیهم البینه ... و ما تفرق ... إلا من بعد ما جاء

کتاب آسمانی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر -

۸ - برخی از رسولان الهی ، دارای کتاب آسمانی بودند .

جاءتهم رسلهم .. بالكتب المنير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۵، ۱

۱ - خداوند ، با فرستادن رسولی که مکتوباتی منزّه و به دور از انحراف را بر مردم بخواند ، بر آنان اتمام حجت می کند .

لم یکن .. منفکین حتی تأتیهم البینه . رسول من الله یتلوا صحفاً مطهّره

۵ - اتمام حجت بر تمام مردم ، با ارسال پیامبری همراه با کتاب آسمانی ، سنت تخلف ناپذیر خداوند است .

لم یکن .. منفکین حتی تأتیهم البینه . رسول من الله یتلوا صحفاً مطهّره

کتاب آسمانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۷

۷ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، حاوی بشارت به نزول قرآن و نشانه های حقانیت آن است .

ولا تلبسوا الحق بالباطل و تکتموا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۶

۶ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، تویخ کننده مبلغان و ارشادگران بی عمل

أتأمرون الناس .. و أنتم تتلون الكتب

چون جمله حالیه < و أنتم تتلون الكتاب > (در حالی که شما کتاب [تورات یا انجیل] را تلاوت می کنید) به عنوان دلیل نکوهش و مذمت ارشاد کنندگان بی عمل مطرح شده، معلوم می شود: در کتابهای آسمانی بنی اسرائیل بر ناروایی چنین کرداری تأکید شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۴ - تورات کتابی است از جانب خداوند و عطا شده به بنی اسرائیل

خذوا ما آتینکم

مراد از <ما>ی موصوله در <ما آتیناکم> تورات است.

کتاب آسمانی پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۶

۶ اعطای کتاب آسمانی به امت های پیش از اسلام

و لقد وصینا الذین اوتوا الکتب من قبلکم

کتاب آسمانی در اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۱

۱ آگاهی ناقص دانشمندان اهل کتاب به کتاب آسمانی خویش

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب

ظاهراً <من> برای تبعیض است و <من الکتب>، وصف برای <نصیباً> است. یعنی بهره آنان تنها نسبت به بخشی از کتاب است.

کتاب آسمانی در دوران مریم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ - آمدن کتاب های آسمانی متعدد تا عصر حضرت مریم (س)

و صدقت بكلمت ربها و كتبه

كتب آسمانی قبل از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۴

۴ نزول کتاب آسمانی بر دو طایفه غیر عرب (یهود و نصارا) قبل از نزول قرآن

إنما أنزل الكتب على طائفتين من قبلنا

كتب آسمانی نسل ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۷

۷ - نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع) ، هیچ گاه از کتاب آسمانی محروم نبوده اند .

و جعلنا فی ذریتهما النبوه و

کتب آسمانی نسل نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۷

۷ - نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع) ، هیچ گاه از کتاب آسمانی محروم نبوده اند .

و جعلنا فی ذرّیتهما النبوه و الکتب

کتب آسمانی و خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۵

۵ - کتاب های آسمانی ، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

و قالوا لو شاء الرحمن .. أم ءاتینهم کتبًا من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

کتب آسمانی و عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۸ - ۶

۶ - معارف متکی بر برهان های عقلی ، الهامات ربانی و کتاب های آسمانی ، تنها معارف شایسته اعتقاد و ارزشمند در بینش قرآنی

و من الناس من یجدل فی الله بغیر علم و لا هدی و لا کتب منیر

در آیه یاد شده معرفت های قابل اعتماد و شایسته دفاع معارفی است که از یکی از سه راه ذیل به دست بیاید: <علم> <هدایت> و <کتاب>. به نظر می رسد که مراد از <علم> معرفت هایی است که از راه براهین عقلی و مقصود از

<هدایت> دریافت هایی است که از طریق رؤیت قلبی و الهامات درونی و منظور از <کتاب منیر> حقایقی است

که به وسیله شنیدن از رسولان الهی و مراجعه به کتاب های آسمانی به دست می آید.

کتاب آسمانی و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۳

۳ کتاب های آسمانی پیشین ، سند زنده ای برای اثبات حقانیت و الهی بودن آیات قرآن کریم

فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك فسئل الذين يقرءون الكتب من قبلك

تذکر این نکته لازم است که مراد از کتابهای آسمانی پیشین، کتابهایی است که دست تحریف، آنها را دگرگون نکرده است.

کتمان کتاب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۷

۷ - کتمان حقایق کتاب های آسمانی ، از گناهان بزرگ است .

إن الذين يكتُمون ما أنزلنا .. أولئك يلعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۴

۴ - کتمان حقایق دینی و معارف کتاب آسمانی ، فسادانگیز است .

إلا الذين تابوا وأصلحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۲

۲ - کتمان معارف و احکام دین و حقایق کتاب های آسمانی ، کفرپیشگی است .

إن الذين يكتُمون ما أنزلنا .. إن الذين كفروا و ماتوا وهم كفار

آوردن جمله <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا..> پس از <إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ> - بدون حرف فاصله ای همانند واو - گویای این است که: <الَّذِينَ كَفَرُوا> همان کتمان کنندگان هستند و یا کتمان کنندگان از مصادیق کفرپیشگان می باشند. به هر تقدیر این معنا که کتمان حقایق دینی

کفر است، از ارتباط دو آیه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۴

۴ - کتمان کنندگان احکام و معارف دین و حقایق کتب آسمانی، برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار خواهند بود.

إن الذين كفروا و ماتوا .. خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۴

۴ - تناول از منافع به دست آمده از دین فروشی و کتمان معارف کتاب های آسمانی، در حقیقت خوردن آتش و پرکردن شکم از آن است.

و یثرون به ثمناً قليلاً أولئك ما يأكلون فی بطونهم إلا النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۲،۴

۲ - ناسازگاری حقایق کتاب های آسمانی با منافع عالمان دنیاطلب، وادار کننده آنان به کتمان آن حقایق

إن الذين یکتُمون .. و یثرون ... ذلک بأن الله نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به <کتمان> - که از جمله <یکتُمون ..> به دست می آید - داشته باشد. بر این مبنا از یک سو حق ستیزی دلیل کتمان معارف و احکام کتب آسمانی دانسته شده است (ذلک [الکتمان] بأن الله نزل الکتب بالحق) و از سوی دیگر جمله <یثرون به ثمناً قليلاً در آیه ۱۷۴> رسیدن به منافع دنیوی را دلیل و انگیزه کتمان معارف می شمرد. نتیجه این دو دلیل این است که: حقایق کتابهای آسمانی با منافع گروهی دنیاطلب ناسازگار است و این ناسازگاری

مايه کتمان آن حقايق مي شود.

۴ - کتمان محتوای کتاب های آسمانی ، کتمان حق است و کتمان کنندگان مردمی حق ستیزند .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكُتُبَ بِالْحَقِّ

کتمان کنندگان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقايق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا .. الْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۴

۴ - کتمان محتوای کتاب های آسمانی ، کتمان حق است و کتمان کنندگان مردمی حق ستیزند .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكُتُبَ بِالْحَقِّ

کفر به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۹

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لا تكونوا أول کافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین جمله <ولا تكونوا...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند؛ یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - عمل نکردن به دستورات کتاب آسمانی ، به منزله انکار کردن آن کتاب و نشانه کافر

شدن به آن است .

أفتؤمنون . . . و تكفرون ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و . . .) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا . . . قل بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما . . .> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علينا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۷

۷ - اکثریت یهود ، حتی به پیامبران و کتاب های آسمانی خویش ایمان ندارند .

بل اکثرهم لایؤمنون

متعلق ایمان - به قرینه آیات گذشته - پیامبران و کتابهای آسمانی است. <بل> در جمله فوق برای ترقی است یعنی، و بالاتر از پیمان شکنی این است که اکثر آنها اهل ایمان نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۵

۵ شرک و کفر عالمان به کتاب های آسمانی ، دور از انتظار و مایه شگفتی

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ کافرانِ به خدا، ملائکه، کتب آسمانی

، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من یکفر بالله و ملئکته و کتبه و رسله و الیوم الآخر فقد ضل ضللاً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراک از جمله <فلا یؤمنون الا قليلاً> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ انکار حقانیت رسالت پیامبر(ص)، کفر به همه انبیا و کتب آسمانی است. *

فإن یکفر بها هؤلاء فقد و کلنا

<هؤلاء> اشاره به کفر مردم مکه است. با توجه به اینکه در این آیات سخن آنها، که دال بر کفر به انبیای گذشته باشد، نقل نشده، به نظر می رسد که کفر آنها به انبیای پیشین تابع کفر آنان به پیامبر باشد. چون همه انبیا مورد تصدیق اسلام و قرآن و پیامبرند، کفر به پیامبر کفر به همه انبیا قلمداد شده است.

کیفر اخروی مکذبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۳ انکار کنندگان کتاب های آسمانی ، به کیفر و مجازات اخروی گرفتار خواهند شد .

و إِنَّ كَلَّا لَمَا لِيُوفِيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمْ

قابل ذکر است که مفسران درباره کلمه <لما> و معنا و جایگاه آن در آیه شریفه، سخنان بسیاری دارند. علاقه مندان را به کتابهای مفصل تفسیری و ادبی ارجاع می دهیم. آنچه به نظر تکلفی ندارد این است که <لَمَّا> شرطیه است و فعل آن محذوف می باشد کلام با تقدیر آن چنین می شود: إِنَّ كَلَّا لَمَا أَتَتْهُمْ السَّاعَةُ لِيُوفِيَنَّهُمْ.

کیفر اعراض از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۸

۱۸ - عالمان دینی در صورت بی توجهی به تعالیم کتاب های آسمانی ، سزاوار توبیخ و ملامت بوده و در قیامت بسزای کردارشان خواهند رسید .

قالت اليهود .. و هم يتلون الكتب ... فالله يحكم بينهم يوم القيمة

کیفر تکذیب کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۴

۴ - ستیزه جویی و تکذیب لجوجانه کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، موجب انواع گوناگون عذاب (در غل و زنجیر شدن ، سوخته شدن به آب داغ و آتش دوزخ)

الذين يجدلون .. الذين كذبوا بالكتب ... إذ الأغلل في أعنقهم ... ثم في الن

کیفر کتمان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۲

۲ - کسانی که احکام و معارف کتاب های آسمانی را کتمان کرده اند تا بدین وسیله به متاع دنیا برسند

، در قیامت به عذاب دردناکی گرفتار خواهند شد .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب .. لهم عذاب أليم

کیفر مکذبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۳

۳- منکران حقانیت کتاب های آسمانی ، گرفتار عذاب شدند .

كذلك فعل الذين من قبلهم و ما ظلمهم الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون . فأصابهم سيئ

گمراهی کتمان کنندگان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۱

۱ - دین فروشان و کتمان کنندگان احکام و معارف کتاب های آسمانی ، ضلالت پیشه و به دور از هدایتند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى

گناه کتمان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۷

۷ - کتمان حقایق دینی و معارف کتب آسمانی از گناهان بزرگ است .

خلدين فيها لا يخفف عنهم العذاب

دوری همیشگی کتمان کنندگان حقایق از رحمت خدا و نیز ابتلای آنان به عذابی تخفیف ناپذیر، حکایت از بزرگی گناه آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - کتمان معارف و احکامی که خدا نازل کرده و در کتاب های آسمانی ثبت شده ، از گناهان بزرگ است .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب .. لهم عذاب أليم

۸ - عالمان دینی ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق کتاب های آسمانی و احکام الهی هستند .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب

گناه کتمان

کنندگان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۴

۱۴ - خداوند، کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی را از گناهان و آلودگی ها پاک نخواهد کرد.

إن الذین یکتُمون ما أنزل اللّٰه .. لایزکیهم

گواهان حقانیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۵

۵ قرآن، گواه صدق کتب آسمانی گذشته است.

مصدق الذی بین یدیه

گواهی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۳

۳ کتب آسمانی پیشین مشتمل بر گواهی خداوند بر حقانیت پیامبر(ص)

قل أی شیء أكبر شهده قل اللّٰه .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه

چون در آیه قبل شهادت خداوند مطرح شده و قرآن نیز به عنوان شاهد ذکر گردیده و در پی آن از آشنایی اهل کتاب با پیامبر(ص) سخن رفته است، می توان دریافت که اولاً منبع آگاهی آنان کتب آسمانی بوده و ثانیاً آن کتب نیز شاهی بر حقانیت پیامبر(ص) هستند.

محمد(ص) در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۳

۳- اهل کتاب در انطباق ویژگی های پیامبر موعود بر پیامبر اسلام ، هیچ تردیدی نداشتند .

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۲،۳،۴

۲ کتب آسمانی پیشین، بیانگر اوصاف پیامبر اکرم(ص) و پیشگویی رسالت آن حضرت

قل ای شیء أكبر شهده .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه

كما يعرفون أبناءهم

۳ کتب آسمانی پیشین مشتمل بر گواهی خداوند بر حقانیت پیامبر(ص)

قل أي شيء أكبر شهده قل الله .. الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه

چون در آیه قبل شهادت خداوند مطرح شده و قرآن نیز به عنوان شاهد ذکر گردیده و در پی آن از آشنایی اهل کتاب با پیامبر(ص) سخن رفته است، می توان دریافت که اولاً- منبع آگاهی آنان کتب آسمانی بوده و ثانیاً آن کتب نیز شاهدهی بر حقانیت پیامبر(ص) هستند.

۴ خداوند حجت را بر اهل کتاب در مورد رسالت پیامبر(ص) به وسیله کتب آسمانی آنان تمام کرده است.

الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه كما يعرفون أبناءهم .. فهم لا يؤمنون

با توجه به اینکه منبع و منشأ شناخت اهل کتاب به پیامبر(ص) تورات و انجیل بوده و آنها منکر رسالت آن حضرتند، پس تورات و انجیل وسیله اتمام حجت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۷

۷ نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص)، به عنوان خبری غیبی، در کتب آسمانی گذشته مطرح بوده است.

و هذا كتب أنزل نه مبارك مصدق الذي بين يديه

از معانی محتمل برای <مصدق> تصدیق خبرهای کتب گذشته مبنی بر آمدن پیامبر(ص) و قرآن است، یعنی بدان جهت که این اخبار در آن کتب معهود بوده، نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) صدق آن خبرها را معلوم ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۶ - ۲

۲ - نزول قرآن بر شخص پیامبر اکرم (ص) یاد شده در کتاب های آسمانی پیشین

و إنه لفي زبر الأولين

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۲

۲ - وجود اطلاعاتی در کتاب های آسمانی پیشین درباره پیامبر اسلام

و قال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرآن ولا بالذي بين يديه

احتمال دارد غرض کافران از اعلام عدم ایمان به کتاب های پیشین، به خاطر وجود اطلاعاتی درباره پیامبر اسلام باشد.

محمد(ص) و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ وجود نشانه های صدق پیامبر (ص) در تورات *

اگر چنین نشانه هایی در تورات نبود، دعوت به حکمیت تورات برای رفع اختلاف در مورد دعوت پیامبر اسلام (ص)، صحیح نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۲۳، ۱۱

۱۱ پیامبر اکرم (ص)، تصدیق کننده انبیا و کتب الهی گذشته

ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم

بنابراینکه مراد از <رسول>، پیامبر اکرم (ص) باشد.

۲۳ پیامبر اسلام (ص)، تصدیق کننده انبیا و کتب آسمانی پیش از خود

ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم

امام صادق (ع): ... <ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم>، یعنی رسول الله (ص).

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۷، ذیل آیه ۱۷۲ اعراف نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۲۱۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۵

۵ اطلاع پیامبر (ص) از حقایق کتب آسمانی گذشته

رسولنا یبین لکم کثیراً مما کنتم تخفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱

۳ - پیامبر (ص)، به تعالیم کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل) آگاهی داشته است .

و لا بالذی بین یدیه

تعبیر از کتاب های پیشین آسمانی به <الذی بین یدیه> حکایت از آگاهی پیامبر اسلام(ص) از آنها داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۷

۷ - پیامبر اکرم (ص)، پیش از نزول وحی با کتاب های آسمانی و مفاهیم قرآن هیچ آشنا نبود .

ما کنت تدری ما الکتب و لا الایمن

مخاطبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۳

۳ - همه مردم، مخاطبان کتب آسمانی و موظف به فراگیری معارف و احکام آن هستند .

من بعد ما بینه للناس

مردم صدر اسلام و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ - آگاهی مردم عصر بعثت، به سابقه داشتن بعثت و نزول کتاب از سوی خداوند

أم جاءهم ما لم یأت ءاباءهم الأولین

مسلمان در کتب آسمانی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - < مسلمان > ، نام امت پیامبر در کتاب های آسمانی پیشین و قرآن

هو سمّیکم المسلمین من قبل و فی هذا

مسلمانان و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۴،۶

۴ مسلمانان به خاطر ایمانشان به کتب آسمانی ، دوستدار همه پیروان ادیان الهی

ها

انتم اولاء تحبونهم و لا يحبونكم و تؤمنون بالكتب كله

بنابر اینکه <تؤمنون>، علت برای <تحبونهم> باشد.

۶ مسلمانان ، مؤمن به تمامی کتب آسمانی

و تؤمنون بالكتب كله

اگر چه <كتاب> به لفظ مفرد آمده، ولی به معنای جمع است؛ چون الف و لام آن برای جنس است.

مصونیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۸ - ۴

۴ - وحی و کتاب های آسمانی در ایام بعثت پیامبران ، مصون از تحریف و دستبرد بود .

ليعلم أن قد أبلغوا رسلت ربهم

مكذبان انبيا در كتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال ، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود .

و اتل عليهم نبأ نوح .. فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك فسل الذين يقرءون الكتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

مكذبان كتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۶

۶ خداوند ، حیات دنیا را عرصه داوری خویش میان گروندگان به کتاب های آسمانی و منکران آنها ، قرار نداده است .

لولا کلمه سبقت من ربك لقضى بينهم

مراد از <کلمه> امری است که خداوند مقدر کرده و آن بقای

انسانها و سپری کردن حیات دنیوی است. آیاتی نظیر <و لكم فی الأرض مستقر و متاع إلى حین / شما انسانها تا مدتی (تا سپری شدن حیات دنیا) در زمین مستقر خواهید بود و از اسباب معیشت بهره خواهید برد. بقره/۳۶> گویای آن تقدیر و کلمه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۱

۱ خداوند در قیامت ، میان مؤمنان به کتاب های آسمانی و انکار کنندگان آن قضاوت خواهد کرد .

و لولا کلمه سبقت . . . و إن کلاً لما لیوفینهم ربک أعملهم

مراد از <کلاً> به قرینه <فاختلف فیه> در آیه قبل مؤمنان به کتابهای آسمانی و انکار کنندگان آن است و به قرینه <لولا . . . لفضی بینهم> معلوم می شود که خداوند در صحنه قیامت، پیش از پاداش دهی و به کیفررسانی، میان انسانها داوری خواهد کرد.

ملاک بهترین کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۸

۸ - هدایت بخش تر بودن ، از معیار های الهی برای گزینش برترین کتاب آسمانی

قل فأتوا بکتب . . . هو أهدی منهما

ملاک کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۱۲

۱۲- وجود نشانه های شرک در هر متن ، دلیل آسمانی نبودن آن

اثنونی بکتب من قبل هذا

از اظهار قاطع قرآن، به این که کتاب های آسمانی به دور از تبلیغ شرک است / این نتیجه به دست می آید که هرگاه اثری از شرک در کتابی دیده شد، باید اذعان داشت که دست

تحریف گران در آن راه یافته است.

ممانعت از ایمان به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۵

۵ - بازداری مردم از درک معارف و حقایق کتاب های آسمانی و ایمان به آنها ، فسادانگیزی است .

إلا الذين تابوا و أصلحوا

ممانعت از فهم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۵

۵ - بازداری مردم از درک معارف و حقایق کتاب های آسمانی و ایمان به آنها ، فسادانگیزی است .

إلا الذين تابوا و أصلحوا

منشأ تعالیم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۸

۸ - معارف والای کتاب های آسمانی ، برخاسته از حکمت گسترده و عزت خداوندی است .

یوحی إليك .. العزيز الحكيم

ذکر صفت عزت و حکمت برای خداوند و ارتباط صدر و ذیل آیه، بیانگر برداشت یاد شده است.

منشأ تکذیب کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۱

۱ - تکذیب کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، برخاسته از روح ستیزه جویی و حق ناپذیری است .

ألم تر إلى الذين يجادلون .. الذين كذبوا بالكتب و بما أرسلنا به رسلنا

جمله <الذين كذبوا بالكتاب .. > بدل برای <الذين يجادلون...> می باشد. در واقع تکذیب کنندگان همان مجادله گران اند که از سر لجاجت به تکذیب آیات الهی می پردازند.

منشأ عذاب مکذبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- گرفتار شدن به عذاب ، در پی انکار حقانیت کتاب های آسمانی ، دستاورد خود منکران است .

كذلك فعل الذين من قبلهم و ما ظلمهم الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون . فأصابهم سيئ

منشأ کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۲

۲ خداوند ، اعطا کننده کتاب آسمانی به پیامبران خویش

و لقد ءاتينا موسى الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۶

۶- اعطای کتاب آسمانی و مقام نبوت ، به دست خداوند است .

ءاتيني الكتب و جعلني نبياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷- زخرف - ۴۳ - ۴ - ۳

۳- لوح محفوظ ، < أم الكتاب > (ریشه و اصل کتاب های آسمانی) است .

و إنه في أم الكتاب لدينا

<ال> در < أم الكتاب > ، <ال> جنس و مفید استغراق است ، یعنی ، مادر همه کتاب ها.

منشأ نزول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶- زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۶

۶- ربوبیت الهی ، مقتضی نزول وحی و کتاب آسمانی

أُنزِلُ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

موانع عمل به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۴

۲۴ هراس از مردم ، مانعی در عمل به احکام و مقررات کتب آسمانی

يُحْكَمُ بِهَا .. فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ

موانع کتمان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۳

۵ - باور به یگانگی خدا و نبود معبودی جز او ، بازدارنده آدمی از کتمان معارف الهی و حقایق کتاب های آسمانی است . *

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا .. وَ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَحْدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

برداشت فوق و نیز برداشتهای بعدی، بیانگر وجه ارتباط میان آیه مورد بحث و آیات پیشین است.

موسی(ع) در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال ، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود .

وَ اتل عليهم نبأ نوح .. فَإِنْ كُنْتَ فِي شكٍ مِمَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ فَسئَلِ الَّذِينَ يَقْرءُونَ الْكُتُبِ م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

مؤمنان به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۵

۵ - کسانی از یهود و نصارا به کتاب آسمانی خویش ایمان دارند که از آن به خوبی و شایستگی پیروی می کنند .

الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكُتُبَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ

در برداشت فوق، ضمیر <به> به <الکتاب> - که مقصود از آن تورات و انجیل است - برگردانده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۶

۶ خداوند ، حیات دنیا را عرصه

داوری خویش میان گروندگان به کتاب های آسمانی و منکران آنها ، قرار نداده است .

لولا کلمه سبقت من ربك لقضی بینهم

مراد از <کلمه> امری است که خداوند مقدر کرده و آن بقای انسانها و سپری کردن حیات دنیوی است. آیاتی نظیر <ولکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین؛ شما انسانها تا مدتی (تا سپری شدن حیات دنیا) در زمین مستقر خواهید بود و از اسباب معیشت بهره خواهید برد. بقره/۳۶> گویای آن تقدیر و کلمه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۱،۲

۱ خداوند در قیامت ، میان مؤمنان به کتاب های آسمانی و انکار کنندگان آن قضاوت خواهد کرد .

و لولا کلمه سبقت .. و إِنْ كَلَّا لَمَا لِيُوفِيْتَهُمْ رَبِّكَ أَعْمَلَهُمْ

مراد از <كَلَّا> به قرینه <فاختلف فيه> در آیه قبل مؤمنان به کتابهای آسمانی و انکار کنندگان آن است و به قرینه <لولا> .. لقضی بینهم < معلوم می شود که خداوند در صحنه قیامت، پیش از پاداش دهی و به کیفررسانی، میان انسانها داوری خواهد کرد.

۲ مؤمنان به کتاب های آسمانی ، در قیامت به پاداش کامل کردار خویش دست خواهند یافت .

و إِنْ كَلَّا لَمَا لِيُوفِيْتَهُمْ رَبِّكَ أَعْمَلَهُمْ

مراد از <أعمالهم> کیفر و پاداش اعمال می باشد. بنابراین <إِنْ كَلَّا...> یعنی ، همانا پروردگارت پاداش و کیفر اعمال همگان را به طور کامل پرداخت خواهد کرد.

نامهای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۴

۴ - ذکر ، از نام های قرآن و دیگر کتاب

های آسمانی

فالمَلَقِیت ذِکْرًا

نزول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۷

۱۷ سلامت کتاب های آسمانی در سیر نزول ، از نفوذ تحریف و باطل

و انزل معهم الكتاب بالحق

بنابراینکه <بالحق>، متعلق به <انزل> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۶

۶ نزول قرآن ، تدریجی و نزول دیگر کتب آسمانی ، دفعی و یکباره بوده است .

و الكتب الذی نزل علی رسوله و الكتب الذی أنزل من قبل

برخی از مفسران همانند زمخشری برآنند که <نزل> در مورد نزول تدریجی و <انزل> در مورد نزول دفعی به کار گرفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۵

۱۵ نزول کتب آسمانی و تعالیم الهی ، نمودی از ربوبیت خداوند نسبت به بندگان

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم

گزینش کلمه <رب>، مبین ارتباط نازل کردن کتب آسمانی با ربوبیت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ در صورت نزول کتابی ملاموس از سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا علیک کتابا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبیی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۵

۵- نزول کتاب از سوی خدا برای مردم ، نمود رحمت الهی بر آنان است .

و ما کنت ترجوا

أَنْ يَلْقَى إِلَيْكَ الْكُتُبَ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۵

۵- نزول کتاب و فرستادن رسولان از سوی خداوند برای بشر، دیرینه و دارای سابقه طولانی

إِنَّا كُنَّا مَرْسَلِينَ

دیرینگی نزول کتاب و فرستادن رسولان از عبارت <کُنَّا..> استفاده می شود. در این صورت پیام آیه شریفه، نفی استبعاد نسبت به نزول قرآن است؛ یعنی، این تنها قرآن نیست که از سوی ما فرود آمده است؛ بلکه از دیر زمان نظیر آن را فرو فرستاده ایم.

نزول کتب آسمانی بر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۲

۲ - فرشتگان، ابلاغ کننده وحی و کتاب های آسمانی به رسولان

فَالْمَلَقِيتَ ذِكْرًا

مقصود از <ذکر>، وحی و کتاب های آسمانی است و اطلاق ذکر بر این معنا، در قرآن بسیار است.

نزول کتب آسمانی در شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۶

۶- شب قدر، شب نزول کتاب های آسمانی پیشین بر پیامبران *

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكِ... إِنَّا كُنَّا مَرْسَلِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت <إِنَّا كُنَّا..> به مجموع <إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبْرَكِ> نظر داشته باشد؛ یعنی، ما قرآن را در شب قدر، نازل کردیم و این امر در مورد کتاب های آسمانی پیشین نیز تحقق یافته است.

نسخه های کتب آسمانی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۵

۵ نسخه

های کتاب های آسمانی پیشین در عصر نزول قرآن ، محدود و تنها در اختیار علمای ادیان بود .

فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك فسئل الذين يقرءون الكتب من قبلك

نعمت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۶

۶ - کتاب های آسمانی و اسباب هدایت انسان ها ، از نعمت های بزرگ خداوند برای بنی اسرائیل

و إذ آتينا موسى الكتب والفرقان لعلمك تهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۶

۶ - برخوردارى از حکومت الهی ، موهبتى والا همچون برخوردارى از کتاب آسمانى و نبوت

و لقد آتينا بنى إسرائيل الكتب والحكم والنبوه

در صورتی که <الحکم> نظر به حکومت داشته باشد؛ از این که در زمره کتاب و نبوت به عنوان موهبتی الهی برای بنی اسرائیل معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

نقش اخروی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۱،۱۲

۱۱ - داوری خداوند در قیامت ، درباره هر امت ، براساس کتاب آسمانی آنان است . *

كُلُّ أُمَّه تَدْعِي إِلَى كِتَابِهَا

در صورتی که مراد از <کتاب> در <کتابها> کتاب آسمانی ویژه هر امت باشد؛ از دعوت شدن آنان به سوی کتاب آسمانی شان برداشت بالا استفاده می شود.

۱۲ - گروه بندی امت ها در قیامت ، براساس کتاب آسمانی ویژه آنان خواهد بود . *

و تری کلّ أمّه جائیه کلّ أمّه تدعی إلی کتبها

در صورتی که مراد از <کتاب> کتاب آسمانی باشد، از فراخوانده شدن

هر امت به کتاب خویش، استفاده می شود که انسان ها براساس کتاب آسمانی خویش، در قیامت گروه گروه خواهند شد.

نقش کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۸

۸ - دستیابی انسان ها به هدایت ، هدف از نزول کتاب های آسمانی است .

و اذ آتینا موسی الکتب و الفرقان لعلکم تهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۰، ۱۳

۱۰ - نیل انسان ها به تقوا و پرهیزشان از عقاید ناصواب و اعمال ناروا ، از اهداف نزول کتاب های آسمانی است .

خذوا ما آتینکم بقوه و اذکروا ما فیه لعلکم تتقون

۱۳ - فراگیری کتاب آسمانی و تنظیم عقاید و اعمال بر محور آن ، وظیفه ای ضروری بر عهده اهل ایمان

خذوا ما آتینکم بقوه و اذکروا ما فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۷، ۱۱

۷ - کتاب آسمانی هر امت ، باید مرجع عقاید و باور های دینی آنان باشد .

و هم یتلون الکتب

۱۱ - امت ها ، بدون داشتن کتاب آسمانی و تدین به ادیان الهی ، مردمی جاهلند .

کذلک قال الذین لایعلمون مثل قولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱

۱ - کتاب های آسمانی ، حاوی احکام و معارف دینی و در بردارنده دلایلی روشن بر حقانیت آنها

ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - کتاب های آسمانی و احکام نازل شده از ناحیه خدا ، هدایت آفرین و زمینه ساز جلب مغفرت الهی اند .

إن الذين يكتُمون .. أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى و العذاب بالمغفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۶

۱۶ خداوند به وسیله < کتاب > و < حکمت > ، مردم را موعظه می کند .

و ما انزل علیکم من الكتاب و الحکمه یعظکم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۷

۷ پیام های الهی ، بیانگر راه ایجاد وحدت

من بعد ما جاءهم الیّنات

به مناسبت بحث اختلاف و تفرقه، مراد از < یّنات >، پیامهای وحدت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۶

۶ هدایت و تربیت تمامی انسان ها ، هدف از بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی

یأیها الناس قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۸، ۲۳، ۱۸، ۱۱

۱۱ قضاوت و حکومت بر مبنای کتب آسمانی ، جاری ساختن نور و هدایت در جامعه است .

فیها هدی و نور یحکم بها النبیون .. و الربنیون و الاحبار

یادآوری قضاوت پیامبران بر اساس تورات، پس از توصیف آنان به هدایتگری و نورانیت، بیانگر آن است که پیاده کردن احکام آن در جامعه، موجب هدایت و نورانیت مردمان خواهد شد.

۱۸ محور قرار دادن کتب آسمانی در قضاوت ها ،

شهادت بر حقانیت آنهاست .

یحکم بها النبیون .. بما استحفظوا من کتب اللّٰه و کانوا علیہ شهداء

۲۳ ترس از مردم در قضاوت بر اساس کتاب های آسمانی ، ناروا و مورد نهی خداوند

یحکم بها .. فلا تخشوا الناس

۲۸ خشیت از خداوند (ترس برخاسته از عظمت او) ، وادار کننده عالمان به داوری بر اساس کتاب های آسمانی و خودداری از کتمان احکام الهی

یحکم بها .. و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۱۶، ۱۷، ۱۹

۱۶ انجیل ، هدایتگر تقوایبندگان و پندآموز آنان

و ءاتینه الانجیل .. هدی و موعظه للمتقین

۱۷ انجیل ، در بردارنده هدایت های ویژه برای تقوایبندگان

فیه هدی و نور .. هدی و موعظه للمتقین

تکرار <هدی> می رساند که هدایت دوم (هدی .. للمتقین) هدایتی ویژه است.

۱۹ تنها تقوایبندگان بهره مند از هدایت ها و اندرز های انجیل هستند . *

فیه هدی و نور .. هدی و موعظه للمتقین

مقتضای جمله <فیه هدی> این است که راه هدایت برای همه انسانها تبیین شده است. بنابراین <هدی للمتقین> می تواند به این معنا باشد که تنها اهل تقوا می توانند از آن هدایتها بهره مند شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۱

۱ مسیحیان وظیفه دار حکم و داوری بر اساس انجیل

و ليحكم أهل الانجيل بما أنزل الله فيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ لزوم تلاش برای محور قرار دادن

کتب آسمانی در کلیه شئون جامعه

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم

اقامه کتب آسمانی به معنای ادای کامل حق آنها و کنایه از حضور تعالیم آنها در تمامی شئون زندگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ هدایت پیامبران و کتب آسمانی، یادآوری و بیدار ساختن فطرت آدمی است.

إن هو إلا ذکرى للعلمین

<ذکر> به معنای یادآوری است و معمولاً در مواردی به کار می رود که موضوع مورد نظر قبلاً فرا گرفته شده، ولی از یاد رفته باشد. بنابراین هدایت‌های انبیا یادآوری آموخته های فطری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۲

۲۲ کتب آسمانی دارای نقشی برجسته در رشد دانش بشر و آموخته های اوست.

و علمتم ما لم تعلموا أنتم و لاءاباؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۸

۸ محور قرار گرفتن کتاب های آسمانی در جامعه و گرایش به نماز، زمینه ساز صلاح پیشگی ملت‌هاست.

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه إنا لانضیع أجر المصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۱۱

۱۱ فراگیری کتاب آسمانی و تنظیم عقاید و اصول بر محور آن، وظیفه ای ضروری بر عهده اهل ایمان

خذوا ماءً تينكم بقوه و اذكروا ما فيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ کتاب های آسمانی ،

مایه علم و آگاهی انسان است .

حتى جاءهم العلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <العلم> تورات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۶

۶- لزوم ژرف اندیشی عالمان و رهبران دینی در کتاب های آسمانی و استوارسازی کردار خویش برپایه آن

يحيى خذ الكتب بقوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- قرآن و کتاب های آسمانی (تورات ، زبور و انجیل) ، مایه احیای فطرت خفته و یادآور دانستنی های فراموش شده انسان ها

هذا ذكر من معى و ذكر من قبلى

<ذکر> از نظر معنا، مانند <حفظ> است؛ با این تفاوت که حفظ شیء به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و ذکر شیء به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و دیگر کتاب های آسمانی به <ذکر>، ممکن است به این اعتبار باشد. که یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسان غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۳

۳ فرمان روایی و حکومت خداوند بر آسمان ها و زمین ، خاستگاه نزول کتابی که تبیین کننده حق از باطل برای انسان ها است

تبارك الذى نزل الفرقان على عبده .. الذى له ملك السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی ، متکفل هدایت و راهنمایی بشر

فأتوا بكتب من عند الله هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۲۲

۲۲ - آگاهی عقلانی و وحی و کتاب آسمانی ، سه منبع معتبر در جهان بینی است .

يجدل فی الله بغير علم ولا هدی ولا کتب منیر

ذکر <علم> در کنار <هدی> و .. می تواند به آن دسته از آگاهی هایی اشاره داشته باشد که از طریق عقل به دست می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران تکذیب گر پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و دلایل آشکار و کتاب های روشنگر بوده است .

كذب الذين من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبينت .. ثم أخذت الذين كفروا فكيف كان نك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۷ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی ، مبنای داوری درباره درستی و نادرستی عقاید دینی و معارف الهی

فأتوا بكتبكم إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۸ - ۴

۴ - کتاب های آسمانی ، مایه یادآوری و بیداری انسان ها است .

ذكرًا من الأولین

از توصیف و نام گذاری کتاب های آسمانی به <ذکر>، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۹ - ۱

۱ - مشرکان ، مدعی پذیرش آیین توحیدی و بندگی خالصانه خدای یکتا ، در صورت برخوردار بودن از کتاب آسمانی

لو أنْ عندنا ذكراً من الأولین . لكنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۳ - ۶

۶ - کتاب های آسمانی ، وسیله تداوم هدایت و رسالت پیامبران در طول تاریخ

و لقد آتینا موسی الهمدی و أورثنا بنی إسرئیل الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۵،۳،۱

۱ - اعتقاد به دختر بودن و الوهیت فرشتگان ، سخنی گزاف و غیر مستند به کتاب های آسمانی

و جعلوا له من عباده جزءاً .. أم آتینهم کتبا من قبله فهم به مستمسکون

۳ - کتاب های آسمانی ، معیاری برای سنجش باور ها و تفکیک عقاید درست از نادرست

أم آتینهم کتبا من قبله فهم به مستمسکون

خداوند برای تخطئه اعتقاد مشرکان به الوهیت فرشتگان، این نکته را متذکر می شود که این سخن در هیچ یک از کتاب های آسمانی نیامده است. از این نکته برداشت می شود که کتاب های آسمانی، محور و معیار تشخیص اعتقادات حق از باورهای باطل و نادرست است.

۵ - کتاب های آسمانی ، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

و قالوا لو شاء الرحمن .. أم آتینهم کتبا من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۵،۶

۵- کتاب آسمانی ، راهنما و سرمشق زندگی جوامع بشری (انسان) در تمامی

کتاب موسیٰ إمامًا ورحمه

از این که عنوان <امام> به صورت مطلق بر کتاب موسیٰ اطلاق شده است، استفاده می شود که کتاب آسمانی، پیشوای انسان ها است و آنان باید در تمامی ابعاد پیرو و عامل به آن باشند.

۶- کتاب های آسمانی ، پیامدار رحمت برای خلق و دربردارنده منافع حقیقی آنان

و من قبله کتاب موسیٰ إمامًا ورحمه

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که قرآن نیز مانند تورات، امام و رحمت است و این دو بعد، مخصوص به کتاب موسیٰ نیست؛ بلکه ویژگی تمامی کتاب های آسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲ - ۴

۴ - نقش مهم کتاب های آسمانی و قوانین الهی ، در تعالی فرهنگ بشر *

و کتاب مسطور

خداوند با سوگند خوردن به تورات و یا کتاب های آسمانی در صورتی که مراد مطلق کتاب باشد در حقیقت بشر را به اهمیت این کتاب ها در فکر و فرهنگ بشر توجه داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند از طریق کتاب های آسمانی ، هموارکننده راه مجازات کافران *

و کتاب مسطور .. إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوْع

در آیات پیشین سخن از <کتاب مسطور> (تورات یا کتاب های آسمانی) به میان آمده است. ارتباط <إِنَّ عَذَابَ...> با <کتاب مسطور>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - داوری درباره دین ، باید بر مبنای وحی و

کتاب آسمانی باشد .

أم لکم کتب فیه تدرسون

۴- وحی و کتاب های آسمانی ، مبنای داوری درباره درستی و نادرستی عقاید و مسائل دینی است .

أم لکم کتب فیه تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴ - ۳

۳- وحی و کتاب های آسمانی ، جداکننده حق از باطل اند .

فالفرقت فرقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۳

۳- کتاب های آسمانی و قرآن ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

فالملقیة ذکرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۲،۳

۲- وحی و کتاب های آسمانی ، وسیله اتمام حجت خداوند بر خلق و انذار و اخطار بدان ها است .

ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

۳- ارائه وحی و کتاب های آسمانی از سوی فرشتگان ، مایه عذرخواهی و اثبات بی گناهی مؤمنان در پیشگاه خداوند

فالملقیة ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <عذرًا>، اعدار (عذر خواستن) مؤمنان در پیشگاه خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - کتاب های آسمانی و برهان های روشن الهی ، فاقد هر گونه زمینه تفرقه ، و محوری شایسته برای وحدت

و ما تفرّق الذین أُوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم البیّنه

نقش مکذبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - انکار حقانیت کتاب های آسمانی ،

چیزی بود که خود منکران آن را برگزیدند و خداوند آنان را بر آن وادار نکرد .

كذلك فعل الذين من قبلهم و ما ظلمهم الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

این برداشت، مبتنی بر این احتمال است که مراد از ظلم به نفس، انحراف از مسیر حق باشد که خداوند آن را به منحرفان اسناد می دهد و نقش خود را نفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۴

۴- گرفتار شدن به عذاب ، در پی انکار حقانیت کتاب های آسمانی ، دستاورد خود منکران است .

كذلك فعل الذين من قبلهم و ما ظلمهم الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون . فأصابهم سيئ

نگهبانان جهنم در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۸

۸- تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ ، از حقایق بازگو شده در کتاب های آسمانی پیشین

ليستيقن الذين أوتوا الكتب

مفسران درباره چگونگی یقین پیدا کردن اهل کتاب از تعداد ذکر شده در قرآن برای نگهبانان دوزخ، گفته اند: چون این عدد در کتاب های آسمانی اهل کتاب نیز ذکر شده است، آنان به حقانیت و درستی قرآن پی برده اند و بر ایمانشان افزوده شده است.

نوح(ع) در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال ، آیاتی است که در کتاب های

آسمانی پیشین نیز آمده بود .

و اتل علیهم نبأ نوح . . . فإن كنت فی شك مما أنزلنا إلیک فستل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

نیاز به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱

۱ - ضرورت وجود داشتن کتابی آسمانی در اختیار مردم ، بر فرض آسمانی نبودن قرآن و تورات

قل فأتوا بکتب من عند الله هو أهدی منهما

آیه بالا تفریع بر <قالوا سحران تظاهرا> است و این تفریع در صورتی درست است که لازم باشد همواره در میان مردم کتابی آسمانی باشد و مردم از آن پیروی کنند؛ زیرا در این صورت است که اگر فرضاً تورات و قرآن آسمانی نبودند، قطعاً باید کتاب دیگری می بود و در نتیجه از کافران خواسته می شد که آن را معرفی کنند.

وارثان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۵

۵ وارثان کتاب های آسمانی باید از دل بستگی به مظاهر ناپایدار دنیا پیراسته باشند و از چنگ اندازی به مال و منال دنیا از راه های ناصواب بپرهیزند .

ورثوا الکتب یاخذون عرض هذا الأذنی

و حیانت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۱

۱ - خداوند ، نازل کننده کتاب های آسمانی (تورات ، انجیل ، قرآن و . . .)

ذلك بأن الله نزل

<ال> در <الکتاب> برای جنس است و <الکتاب> شامل همه کتابهای آسمانی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

اللّٰه الذی أنزل الکتب بالحقّ

الف و لام در <الکتاب> می تواند برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد بود.

وضوح کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۹

۹ - کتاب های آسمانی و تعالیم الهی ، دارای حقایقی روشن و قابل فهم برای انسان ها

جاءتهم رسلهم .. بالکتب المنیر

از توصیف کتاب به <منیر> (روشن و روشنگر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

وعده های کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخزون .. يقولون سبحن ربنا إن كان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- وجود وعده و بشارت آمدن کتاب آسمانی به نام < قرآن > ، پیش از نزول آن در مدارک دینی اهل کتاب

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته روشن است که اهل کتاب آگاهی خود از آمدن قرآن را،

تنها از راه مدارک دینی خود به دست آورده بودند.

ویژگی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ کتب الهی (تورات، انجیل و...)، عاری از هر گونه اختلاف

و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

چون ملاک عدم اختلافات، از جانب خدا بودن دانسته شده است، بنابراین همه کتابهای آسمانی دارای این ویژگی (پیراسته بودن از اختلاف) هستند.

ویژگیهای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

الله الذي أنزل الكتب بالحق

الف و لام در <الکتاب> می تواند برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۵

۵ - کتاب های آسمانی، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

وقالوا لو شاء الرحمن... أم آتینهم کتباً من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱- هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم

، اصیل ترین ویژگی قرآن و هر کتاب آسمانی

کتاباً أنزل من بعد موسى مصدقاً لما بين يديه يهدي إلى الحقّ و إلى طريق مستقيم

ابتدا قرآن با کتاب های آسمانی هماهنگ معرفی شده و سپس به عنوان اصیل ترین بُعد هماهنگی آن دو، هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم مورد تصریح واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۸ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی ، تابع تمایلات و خواهش های نفسانی بشر نیست .

إِنَّ لَكُمْ فِيه لِمَا تَخْتِيرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۶

۶ - رسولان الهی در طول تاریخ ، کتاب هایی پاک و استوار بر مردم تلاوت نموده ، معارف آن را به همگان ابلاغ کرده اند .

البینه . رسول من الله يتلوا صحفًا مطهّره . فيها كتب قيّمه ... إلا من بعد ما ج

مراد از <البینه> (در این آیه) جنس آن است نه مصداقی که در آیات پیشین مراد بود ولی بیان وضع گذشتگان به عنوان نمونه بارز، بیانگر تشابه کامل بین دو <بینه> است. بنابراین بینه گذشتگان نیز مانند بینه درخواستی کافران، رسولی همراه با تلاوت کتاب های مطهر و قیم بوده است.

هدایتگری کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۷

۷ - کتاب های آسمانی و احکام نازل شده از ناحیه خدا ، هدایت آفرین و زمینه ساز جلب مغفرت الهی اند .

إن الذين يكتُمون .. أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى والعذاب بالمغفره

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ هدایت پیامبران و کتب آسمانی، یادآوری و بیدار ساختن فطرت آدمی است.

إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

<ذکر> به معنای یادآوری است و معمولاً در مواردی به کار می رود که موضوع مورد نظر قبلاً فراگرفته شده، ولی از یاد رفته باشد. بنابراین هدایتهای انبیا یادآوری آموخته های فطری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۲

۲ - هدایت خلق به وسیله کتاب آسمانی، بارزترین نمود لطف و رحمت الهی بر آنان

و إِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةٍ

از این که خداوند پس از مطرح ساختن بُعد هدایتی قرآن، تنها به یک صفت دیگر (رحمت بودن آن) بسنده کرده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۶۸، ۳

۳ - کتاب های آسمانی، متکفل هدایت و راهنمایی بشر

فَأْتُوا بَكْتَبٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا

۶ - کتاب های آسمانی، راهنمای عمل انسان در زندگی

هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا

از تصریح و تأکید آیه شریفه بر پیروی کردن از کتابی که در هدایت مردم نیرومندتر باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

۸ - هدایت بخش تر بودن، از معیار های الهی برای گزینش برترین کتاب آسمانی

قُلْ فَأْتُوا بَكْتَبٍ .. هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۳ - ۶

۶ - کتاب های آسمانی ، وسیله تداوم هدایت و رسالت پیامبران در طول تاریخ

و لقد

ءاتینا موسی الهدی و أورثنا بنی إسرءیل الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۹،۱۱

۹- وحدت و هماهنگی کتاب های آسمانی در هدایت گری به سوی حق

سمعنا کتبا... مصدقا لما بین یدیه یهدی إلی الحق و إلی طریق مستقیم

واژه <مصدقا> هماهنگی و عدم تناقض را می رساند و این هماهنگی، در پیام های اصولی است که همان هدایت به حق و راه مستقیم می باشد.

۱۱- هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم ، اصیل ترین ویژگی قرآن و هر کتاب آسمانی

کتبا أنزل من بعد موسی مصدقا لما بین یدیه یهدی إلی الحق و إلی طریق مستقیم

ابتدا قرآن با کتاب های آسمانی هماهنگ معرفی شده و سپس به عنوان اصیل ترین بُعد هماهنگی آن دو، هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم مورد تصریح واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۶ - ۳

۳ هماهنگی کتاب های آسمانی ، در بیان انذارها و هدایت خلق

أم لم یتبأ بما فی صحف موسی . و إبرهیم ... هذا نذیر من النذر الأولى

هدایتهای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۷

۷- تقوا، شرط بهره مندی از هدایت الهی و کتاب های آسمانی

ذکرا للمتقین

هماهنگی قرآن با کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱۰

۱۰- هماهنگی قرآن با کتاب های آسمانی پیشین ، دلیل آسمانی بودن آن

يقومنا إنا سمعنا كُتُبًا

أنزل . . . مصدقاً لما بين يديه

جنیان با استناد به هماهنگی قرآن با کتاب آسمانی دیگر (تورات) درصدد بودند تا آسمانی بودن قرآن را به هموعانشان اثبات کنند.

هماهنگی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۱۱

۱۱ هماهنگی و همگونی کتاب های آسمانی

مصدقاً لما بين يديه و انزل التوریه و الانجیل

بنابر اینکه مصدق بودن، به معنای تصدیق محتوای دیگر کتابهای آسمانی باشد که طبعاً دلالت بر هماهنگی و همگونی آنها دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۷

۷ سازگاری محتوای کتب آسمانی و متناقض نبودن آنها با یکدیگر

ان من اهل الكتب لمن يؤمن بالله و ما انزل اليكم و ما انزل اليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ کتب الهی (تورات، انجیل و ...)، عاری از هر گونه اختلاف

و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

چون ملاک عدم اختلافات، از جانب خدا بودن دانسته شده است، بنابراین همه کتابهای آسمانی دارای این ویژگی (پیراسته بودن از اختلاف) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ گواهی و تأیید انجیل بر راستی و درستی تورات موجود در عصر عیسی (ع)

و ءاتینه الانجیل . . . مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

۱۳ وجود انجیل ، گواه بر راستی و درستی تورات

و ءاتینه الانجیل . . . و مصدقاً لما

۱۴ همسویی تورات و انجیل در تعالیم نظری و رفتاری (اصول ، آرمان و احکام)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ التَّوْرِيهَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ . . . وَءَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ

توصیف هر دو کتاب به نور و هدایت در آیاتی مرتبط به یکدیگر، می رساند که آنها دارای اصول و اهدافی مشترک هستند.

۱۵ آیین یهودیان و مسیحیان ، دارای احکام و قوانین یکسان در قصاص *

وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ نَفْسُ بِالنَّفْسِ . . . مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرِيه

توصیف تورات به نور و هدایت و سپس بیان احکام قصاص می رساند که آن احکام از مصادیق نور و هدایت است و چون انجیل بلافاصله به نور و هدایت توصیف شده، معلوم می شود آن احکام بر اهل انجیل نیز نوشته شده است. جمله > و قفینا علی ءاثرهم < و نیز کلمه >مصدقاً< این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۷

۷ کتاب های آسمانی و ادیان الهی ، همسو و هماهنگ با یکدیگر

وَءَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ . . . وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۹

۹ تورات و انجیل ، هماهنگ و مکمل یکدیگر *

وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرِيهَ وَ الْإِنْجِيلَ

عطف انجیل بر تورات با حرف >واو< می رساند که اقامه هر یک به تنهایی نمی تواند سعادت دنیوی اهل کتاب را در پی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۸

۸ تورات و انجیل ، هماهنگ و تکمیل کننده یکدیگر *

حتى تقيموا التوریه و الانجیل

عطف انجیل بر تورات با <واو> جمع ممکن است برای رساندن این معنا باشد که اقامه هر یک به تنهایی، نمی تواند برای اهل کتاب پایگاه مستحکمی ایجاد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۶

۶ کتب آسمانی دارای اصول و آرمان و اهداف مشترک هستند.

مصدق الذی بین یدیه

از لوازم تصدیق کتب آسمانی گذشته آن است که در اصول و اهداف با یکدیگر مباین نباشند؛ زیرا در غیر این صورت مصدق یکدیگر نبوده، بلکه نافی هم هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۰

۲۰ هماهنگی ادیان الهی و کتاب های آسمانی در بیان اصول عقیدتی و ارزشی

إن الله اشترى من المؤمنین أنفسهم و أموالهم .. و عداً علیه حقاً فی التوریه و الإ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۵،۷

۵ وحدت و یگانگی معارف قرآن با معارف کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و ...)

و لكن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل الكتب

۷ شباهت و همگونی قرآن با کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و ...) دستاویز مشرکان صدر اسلام برای زدن

برچسب < ساختگی بودن > به آن

و ما كان هذا القرءان أن يفترى من دون الله و لكن تصديق الذى بين يديه و تفصيل الك

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۹

۹ کتاب های آسمانی هماهنگ و هم خوان با یکدیگرند .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۶،۷

۶- قرآن ، دلیلی روشن بر راستی و درستی دیگر کتاب های آسمانی است .

أولم تأتھم بینه ما فی الصحف لأولی

عنوان <ما فی الصحف الأولى> قرینه است بر این که مراد از <بینه>، کتاب آسمانی پیامبر(ص) (قرآن) است که معارفی نظیر معارف دیگر کتاب های آسمانی دارد و به دلیل نزول مستقیم آن از جانب خداوند، برهان صحت معارف آن کتاب ها نیز می باشد.

۷- قرآن ، حاوی معارف کتاب های آسمانی پیشین

أولم تأتھم بینه ما فی الصحف الأولى

توصیف قرآن به این که <بینه دیگر کتاب های آسمانی است>، دو نکته را روشن می سازد: اول این که مطالب قرآن و آن کتاب ها شبیه یکدیگر است؛ دوم این که این کتاب، شاهد صدقی بر آن کتاب ها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۹

۹- توحید و نفی شرک ، پیام تمامی پیامبران ، موحدان و کتاب های آسمانی

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

مشارالیه <هذا> به قرینه آیات قبل، توحید و نفی شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - پیام های قرآن ، هماهنگ با پیام های آسمانی پیشین

أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأُولِينَ

برداشت فوق، بر این اساس

است که مراد از <ما> در <ما لم یأت> محتوا و پیام های قرآن باشد، یعنی <أم جاءهم من الوحي ما لم یأت..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۶ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی ، تأییدکننده یکدیگر

و إنه لفي زبر الأولین

برداشت یاد شده از آن جا است که بشارت نزول قرآن، در کتاب های آسمانی پیشین ذکر شده است؛ زیرا معنا ندارد که کتابی خبر از کتاب دیگری بدهد و با آن در تضاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۶

۶ - وحدت و هم سویی تعالیم قرآن ، با تعالیم کتاب های آسمانی پیشین

مصدقًا لما بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۳

۳ - هماهنگی معارف قرآنی ، با کتاب های آسمانی پیشین

كذلك یوحى إليك و إلى الذین من قبلك

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <كذلك> اشاره به محتوای وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۵

۵ - کتاب های آسمانی ، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

و قالوا لو شاء الرحمن .. أم ءاتینهم كتبًا من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- هماهنگی کامل کتاب های آسمانی ، در تبلیغ توحید

اثنونی بکتب من قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۵

۵- تورات [اصلی] ، کتابی همانند قرآن از نظر پیام های اصولی

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن

واژه <علی مثله>، وجود هماهنگی و مشابهت بین تورات اصلی و قرآن را می رساند؛ زیرا مراد از <مثله>، کتاب آسمانی موسی(ع) است که همانند قرآن، معرفی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۹

۹- وحدت و هماهنگی کتاب های آسمانی در هدایت گری به سوی حق

سمعنا کتباً .. مصدقاً لما بین یدیه یهدی الی الحق و الی طریق مستقیم

واژه <مصدقاً> هماهنگی و عدم تناقض را می رساند و این هماهنگی، در پیام های اصولی است که همان هدایت به حق و راه مستقیم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۷ - ۴

۴ - بیان توحید و ضرورت معاد ، از تعالیم مشترک کتاب های آسمانی

أَمْ لَمْ يَتَّبِعُوا مَا فِي صُحُفِ مُوسَى . وَإِبْرَاهِيمَ ... وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ... وَأَنَّ عَلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۶ - ۳

۳ هماهنگی کتاب های آسمانی ، در بیان انذارها و هدایت خلق

أم لم يتبأ بما في صحف موسى . و إبرهيم ... هذا نذير من النذر الأولى

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ - انجیل عیسی (ع) ، مکمل تورات موسی (ع) بوده و این دو کتاب از نظر اهداف و اصول تعالیم ، یکسان و در یک راستا قرار داشتند .

و لایکونوا کالذین أوتوا الکتب من قبل

مراد از <الکتاب> تورات و انجیل است. بنابراین کاربرد تعبیر <الکتاب> به صورت مفرد به جای <الکتابین> ، می تواند ناظر به مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۸ - ۱،۴

۱ - جاودانگی جهان آخرت و برتری آن بر زندگانی دنیا ، در تمام کتاب های آسمانی مطرح شده است .

و الآخره خیر و أبقى . إنَّ هذا لفي الصحف الأولى

<الصحف> ، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. تصریح به بعضی از صحف در آیه بعد، تنها بر اهمیت آنها دلالت دارد و عموم را از بین نمی برد.

۴ - تعالیم کتاب های آسمانی ، همسو و هماهنگ با هم است .

إنَّ هذا لفي الصحف الأولى

هماهنگی مخالفان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۴

۴ - همگونی برخورد های مشرکان عصر بعثت با کافران عصر موسی ، در مورد کتاب آسمانی

و لو جعلنه قرءاناً .. و لقد آتینا ... فاختلف فيه

هواپرستی دشمنان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۷

۷ - دشمنان دین خدا و کتاب های آسمانی ، عناصری هواپرست و ظالم

و من أضلّ ممّن اتّبع هویه

.. إنَّ الله لا يهدى القوم الظالمين

یهود و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۲

۱۲ - یهودیان ، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و ...) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علينا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

کتمان حق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{کتمان حق}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۲

۲ انکار و پوشاندن آیات الهی توسط اهل کتاب ، وسیله ای برای گمراه کردن دیگران

وَدَّت طائفة من اهل الكتاب لو یضلونکم .. لم تکفرون بایات الله

کفر، در لغت چه همراه باء باشد و یا نباشد به معنای انکار و پوشاندن است (القاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۹

۹ توصیه علمای یهود به یکدیگر ، بر مخفی

کردن ادله رسالت پیامبر اسلام *

و لا تؤمنوا .. ان يؤتى احد مثل ما اوتيتم

احتمالا مراد از <ما اوتيتم>، دلايل رسالت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۴

۴ عالمان يهود ، دارای اهداف دنیوی در کتمان و تحریف عهد خدا (حقایق مربوط به پیامبر (ص))

انّ الذین یشترون بعهد اللّٰه و ایمانهم

با توجه به شأن نزول، مقصود از <عهد اللّٰه>، حقایق مربوط به پیامبر اکرم (ص) در تورات است که به دست عالمان يهود تحریف گشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۹

۹ پنهان کردن تورات ، توسط يهودیان *

قل فاتوا بالتوریه فاتلوها

دعوت به آوردن تورات و تلاوت آن، این را گوشزد می کند که آنها تورات را از دسترس مردم خارج کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۵

۵ اهل کتاب ، منکر نشانه های روشن الهی در خانه خدا

اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۲، ۱۳

۱۲ شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حَقّانیت آنان

قل قد جاءكم رسل من قبلي بالبينات و بالذی قلتم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقین

هنگامی به یک دلیل، <بینه> گفته می شود که حقّ را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حَقّانیت آن آگاه کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای

آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می کشند.

۱۳ یهود، حتی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند، بلکه آنان را کشتند.

قل قد جاءكم رسل من قبلي .. و بالذی قتلتم فلم قتلتموهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۰، ۹، ۵، ۴، ۲

۲ تبیین محتوای کتب آسمانی و کتمان نکردن آن، میثاق سنگین خداوند از علمای اهل کتاب

و اذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتب لتبیننه للناس و لا تکتمنه

ضمیر مفعولی در <لتبیننه>، به کتاب برمی گردد.

۴ کتمان حقایق کتب آسمانی گذشته (تورات و انجیل) از سوی علمای اهل کتاب

و اذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتب لتبیننه للناس و لا تکتمنه

۵ گمراهی و ایمان نیاوردن گروهی از مردم عصر پیامبر (ص)، ناشی از کتمان حقایق از سوی عالمان اهل کتاب

و اذ اخذ الله .. و لا تکتمنه

۹ شکستن پیمان الهی (تبیین محتوای کتب آسمانی و کتمان نکردن آن)، از سوی عالمان اهل کتاب

فنبذوه و رآء ظهورهم

۱۰ رها ساختن و پشت سر انداختن کتاب های آسمانی و میثاق الهی از سوی عالمان اهل کتاب

و اذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتب .. فنبذوه و رآء ظهورهم

ضمیر مفعولی در <فنبذوه> به کتاب برمی گردد و چون بیان کتاب، میثاق و پیمان الهی است، مراد از آن ضمیر، پیمان الهی

نیز می باشد؛ یعنی کتاب و بیان آن را ترک کردند.

مبارزه و کارشکنی عالمان اهل کتاب با اسلام به وسیله کتمان حقایق کتب آسمانی

و اذ اخذ الله . . . و لا تکتُمونه فنبذوه و رآء ظهورهم

برداشت فوق، بر این مناسبت که آنچه کتمان می کردند، بشارت تورات و انجیل به بعثت پیامبر، حقانیت اسلام و قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۵، ۱۲

۲ شادمانی عالمان اهل کتاب از کتمان حقایق کتب آسمانی برای مردم

و اذ اخذ الله میثاق . . . و لا تکتُمونه ... لا تحسبنّ الذّین یفرحون بما اتوا

برخی برآنند که مراد از <الذّین>، اهل کتاب هستند؛ چنانچه در آیه قبل از آنان سخن رفت. و مراد از <ما اتوا> (آنچه را انجام دادند)، همان کتمان حقایق و پشت سر انداختن کتابهای آسمانی و میثاق الهی است.

۵ انتظار ستایش عالمان یهود و نصارا از پیروانشان به جهت بیان نکردن حقایقی از تورات و انجیل

لا تحسبنّ الذّین . . . یحِبُّون ان یحمدوا بما لم یفعلوا

بنابر اینکه مراد از <ما لم یفعلوا> (آنچه را انجام ندادند)، وفادار نبودنشان به پیمان الهی و کتمان حقایق باشد که در آیه قبل به آن تصریح شد. و انتظار ستایش شاید بدان جهت بوده که آنان با کتمان حقایق، دین اجدادی مردم خویش را محفوظ می داشتند و لذا فاعل محذوف در <یُحمدوا> به پیروان آنان تفسیر شد.

۱۲ کتمان حقایق و دیگر ترفند های عالمان اهل کتاب، آنان را از عذاب دنیا (ذلت، شکست و . . .) نجات نخواهد داد.

لا تحسبنّ الذّین . . . بمفازة من العذاب

در برداشت فوق،

عذاب اوّل، به قرینه تکرار آن، عذاب دنیوی گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۵

۱۵ نادیده گرفتن آیات بیانگر حَقّانیت قرآن و پیامبر (ص) در تورات از سوی علمای یهود، به خاطر متاع اندک دنیا

انّ من اهل الكتب لمن .. لا يشترون بايات الله ثمناً قليلاً

تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیات الهی

آثار کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۶ - ۳

۳ یهود و نصارا، محروم از هدایت، به جهت انکار آگاهانه حَقّانیت پیامبر (ص) با وجود دلایل روشن بر آن

كيف يهدى الله قوماً .. و الله لا يهدى القوم الظالمين

آیه در مورد اهل کتاب نازل شده و آنان با وجود شهادت قبلی بر حَقّانیت آن حضرت، منکر حَقّانیت وی شدند. (روح المعانی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۸،۱۰

۸ - کتمان کنندگان حقایق دینی، به لعنت خدا و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد.

إن الذين يكتُمون .. أولئك يلعنهم الله

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق

و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذين يكتُمون ما أنزلنا .. أولئك يلعنهم الله و يلعنهم اللعنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۴

۴ - کتمان حقایق دینی و معارف کتب آسمانی ، فسادانگیز است .

إلا الذين تابوا و أصلحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۵

۵ - عالمان اهل کتاب با کتمان حقایق کتاب های آسمانی ، گمراه شدند و عذاب الهی را برای خویش کسب کردند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى و العذاب بالمغفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۶

۱۶ لجاجت در برابر حق و تکذیب آن ، موجب استحقاق لعن و نفرین خدا

فمن حاجك .. فنجعل لعنت الله على الكاذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۳

۱۳ محرومیت از هدایت الهی ، نتیجه حق پوشی و مغالطه کاری خود انسان

و للبسنا عليهم ما يلبسون

تلبیس خداوند (لبسنا)، از نظر رتبه، پس از تلبیس خود آدمی (ما یلبسون) قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ سرپوش گذاشتن بر حق و مداومت بر آن ، پدید آورنده روحیه عناد و دشمنی عمیق با ارزش ها *

کَلِّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

برداشت بالا بدان احتمال است که تقدم < کفّار > بر < عنید >، اشاره به تقدم رتبی و علی داشته باشد.

اجتناب

از کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۲

۲ - کتمان نکردن حقایق ، توصیه و سفارش خداوند به بنی اسرائیل

و لاتلبسوا .. و تکتّموا الحق

کتمان (مصدر تکتّموا) به معنای مخفی کردن است. فعل <تکتّموا> عطف بر <تلبسوا> می باشد؛ یعنی: <ولاتکتّموا>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۵

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرّمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و ...)

و لاتکونوا اول کافر به .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱۰

۱۰ - ضرورت پرهیز از کتمان حقایق دینی

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

اصلاح مفسد کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۳

۳ - اصلاح مفسدیی که بر اثر کتمان حقایق دین پدیدار شده و نیز بیان آن حقایق ، از شرایط پذیرش توبه کتمان کنندگان است .

إلا الذین تابوا و أصلحوا و بینوا فأولئک أتوب علیهم

اهل کتاب و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۴۸

۴ - گروهی از اهل کتاب علی رغم شناخت حقیقت (پیامبری رسول اکرم) آن را کتمان می کردند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

۸ - گروهی از عالمان اهل کتاب

علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ، آن را کتمان می کردند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

جمله <و هم يعلمون> اشاره به این معنا دارد که کتمان کنندگان از عالمان دینی اهل کتاب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۲

۲ انکار و پوشاندن آیات الهی توسط اهل کتاب ، وسیله ای برای گمراه کردن دیگران

وَدَّت طائفة من اهل الكتاب لو يضلونكم .. لم تكفرون بايات الله

کفر، در لغت چه همراه باء باشد و یا نباشد به معنای انکار و پوشاندن است (القاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۱،۲

۱ آمیختن آگاهانه حق به باطل و کتمان آن توسط علمای یهود و نصارا، و نکوهش آنان از سوی خداوند

يا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تكتُمون الحق و انتم تعلمون

۲ علمای اهل کتاب با درآمیختن حق به باطل و کتمان حق ، مردم را گمراه می ساختند .

وَدَّت طائفة من اهل الكتاب لو يضلونكم .. يا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۹

۹ توصیه علمای یهود به یکدیگر ، بر مخفی کردن ادله رسالت پیامبر اسلام *

و لا تؤمنوا .. ان يؤتی احد مثل ما اوتیتم

احتمالاً مراد از <ما اوتیتم>، دلایل رسالت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ اهل کتاب ، منکر نشانه های روشن الهی در خانه خدا

الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۹ - ۹

۹ مبارزه عالمان اهل کتاب با اسلام ، با علم و آگاهی به حقایق آن

قل يا اهل الكتاب لم تصدّون عن سبيل الله .. و انتم شهداء

مقصود از <سبیل الله>، اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳،۷

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما كنتم تخفون من الكتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتاب> تورات و انجیل خواهد بود.

۷ چشمپوشی پیامبر (ص) ، از افشا و بیان حقایق مخفی شده توسط اهل کتاب

يبين لكم .. و يعفوا عن كثير

برداشت فوق بر این مناسبت که مراد از <کثیر>، به قرینه فراز پیشین، حقایق مخفی شده باشد. بنابراین عفو به معنای فاش
نساختن و مسکوت گذاشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۶،۷،۱۲

۶ عناد و لجاجت اهل کتاب در مخالفت با پیامبر(ص)، در عین

آگاهی کامل از حقانیت آن حضرت

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم .. فهم لا یؤمنون

۷ اهل کتاب، مورد توبیخ خداوند به جهت کتمان حقانیت پیامبر(ص) و ایمان نیاوردن به او

الذین ءاتینهم الکتب .. الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

۱۲ کتمان کنندگان حقانیت پیامبر(ص) از اهل کتاب، ایمان نخواهند آورد.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه .. فهم لا یؤمنون

بنی اسرائیل و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۶

۱۶ وجود افراد غیر مؤمن (لجوج و ناباور) ، در میان بنی اسرائیل ، علی رغم وجود نشانه روشن الهی بر زمامداری طالوت

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

تعبیر <ان کنتم مؤمنین> اشاره است به اینکه افرادی غیر مؤمن (ناباوران) در میان بنی اسرائیل وجود داشته اند.

حرمت کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۸

۸ حرمت کتمان حقایق کتب آسمانی و وجوب اظهار معارف دینی

و اذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتب لتبیننه للناس و لا تکتمونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۴

۴ - کتمان حقایق دینی و ایجاد عواملی برای ناشناخته ماندن معارف الهی ، امر نکوهیده و حرام است .

و لا تلبسوا الحق بالبطل و تكتموا الحق

سرزنش کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۴،۵

۴ - کتمان حقایق دینی و ایجاد عواملی برای ناشناخته ماندن معارف الهی ، امر نکوهیده و

حرام است .

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق

۵ - کتمان حقایق دینی از سوی عالمان دین ، بسی نکوهیده تر و ناپسندیده تر است .

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند به منزله فعل لازم لحاظ شده و مفعولی برای آن در نظر نباشد. بر این مبنا <و أنتم تعلمون>؛ یعنی، در حالی که شما اهل علم و دانش هستید - و از آنجایی که حق پوشی از سوی همگان ناپسند است - جمله حالیه، دلالت بر این معنا دارد که: کتمان حقایق دینی از سوی عالمان ناپسندیده تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ کتمان معارف و حقایق کتب آسمانی امری نکوهیده است.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

ظلم کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۷

۷ - ظالمترین مردم کسی است که حقایق دینی و معارف الهی را کتمان کرده و از ارائه آنها به دیگران خودداری کند .

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من الله

<من الله> همانند <عنده> صفت برای <شهاده> است. بنابراین <شهاده عنده من الله>؛ یعنی، شهادتی که در نزد اوست از ناحیه خدا دریافت کرده است. مقصود از شهادت که از ناحیه خدا در اختیار انسان می باشد، حقایق دینی و معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۱ - ۵

۵ کتمان حقانیت پیامبر اکرم(ص)، مصداق بارز تکذیب آیات الهی و از بزرگترین ظلمهاست.

الذین ءاتینهم الکتب

... و من أظلم ممن افترى على الله كذباً أو كذب بايته

در آیه قبل سخن از تکذیب پیامبر(ص) بود و این آیه در مقام هشدار به تکذیب کنندگان آن حضرت است. چرا که وی مصداقی روشن برای آیات الهی است.

علمای اهل کتاب و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۴

۱۴ - عالمان اهل کتاب ، مورد تهدید خداوند به خاطر کتمان حقایق آسمانی

و من أظلم ممن كتم شهاده عنده من الله و ما الله بغفل عما تعملون

هدف از بیان آگاهی خدا و غفلت نداشتن از رفتار عالمان اهل کتاب، تهدید کردن آنان به کیفر و مجازات می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۹

۱۹ - عالمان اهل کتاب ، حقانیت تغییر قبله را کتمان می کردند .

إن الذين أتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما الله بغفل عما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۸

۸ - گروهی از عالمان اهل کتاب علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ، آن را کتمان می کردند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

جمله <و هم يعلمون> اشاره به این معنا دارد که کتمان کنندگان از عالمان دینی اهل کتاب بودند.

علمای دنیا طلب و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - ناسازگاری حقایق کتاب های آسمانی با منافع عالمان دنیا طلب ، وادار کننده آنان

إن الذين يكتُمون .. و يشترُونَ ... ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به <کتمان> - که از جمله <یکتُمون ..> به دست می آید - داشته باشد. بر این مبنا از یک سو حق ستیزی دلیل کتمان معارف و احکام کتب آسمانی دانسته شده است (ذلك [الكتمان] بأن الله نزل الكتاب بالحق) و از سوی دیگر جمله <یشترُونَ به ثمناً قليلاً در آیه ۱۷۴> رسیدن به منافع دنیوی را دلیل و انگیزه کتمان معارف می شمرد. نتیجه این دو دلیل این است که: حقایق کتابهای آسمانی با منافع گروهی دنیاطلب ناسازگار است و این ناسازگاری مایه کتمان آن حقایق می شود.

علمای دین و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۵

۵ - کتمان حقایق دینی از سوی عالمان دین ، بسی نکوهیده تر و ناپسندیده تر است .

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتُموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند به منزله فعل لازم لحاظ شده و مفعولی برای آن در نظر نباشد. بر این مبنا <و أنتم تعلمون>؛ یعنی، در حالی که شما اهل علم و دانش هستید - و از آنجایی که حق پوشی از سوی همگان ناپسند است - جمله حالیه، دلالت بر این معنا دارد که: کتمان حقایق دینی از سوی عالمان ناپسندیده تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ - معتقدان به مکاتب الهی ، حتی عالمان دینی و دانایان به کتاب

های آسمانی ، در خطر انحراف و حق پوشی هستند .

بئذ فريق من الذين أوتوا الكتب كتب الله وراء ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۹،۱۱

۹ - کتمان کنندگان مسایل دینی بویژه اگر از عالمان دین باشند ، سزاوار سرزنش و ملامتند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

لحن جمله <إن فريقاً...> گویای ملامت و سرزنش کسانی است که حقیقت را فهمیده و آن را انکار می کنند.

۱۱ - عالمان ادیان ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق هستند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

علمای مسیحیت و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۶،۱۰

۶ - عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر (ص) و احکام اسلام را کتمان می کردند .

الذين يكتُمون ما أنزلنا من البیت و الهدی من بعد ما بینہ للناس فی الكتب

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذين يكتُمون ما أنزلنا .. أولئك يلعنهم الله و يلعنهم اللعنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذين يكتُمون .. ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

علمای یهود و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ - پیشوایان و عالمان یهود ، اعتراف به حقایق دینی و معارف الهی را ، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد ، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند .

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱۰، ۶

۶ - عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر (ص) و احکام اسلام را کتمان می کردند .

الذين يكتُمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینة للناس فی الکتب

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذین یکتُمون ما أنزلنا .. أولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللعنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتُمون .. ذلك بأن الله نزل الکتب بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶

۱۱ عالمان یهود برخی از حقایق تورات را برای مردم بیان می کردند و بسیاری از حقایق آن را از مردم پنهان می ساختند .

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۲ عالمان یهود مانع دسترسی مردم به حقایق کتاب آسمانی خود (تورات) بودند .

هدى للناس تجعلونه قراطيس تبدونها و تخفون كثيرا

۱۳ تورات مشتمل بر

حقایقی بوده، که بیان آن به نفع و مصلحت عالمان یهود نبوده است.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۶ عالمان یهود با پنهان کردن بسیاری از معارف تورات آن را تحریف کردند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

کتمان بسیاری از نوشته های تورات از دید و اطلاع مردم طبیعتاً منجر به فراموش شدن آن قسمتها می شود و در نتیجه کتاب آسمانی به شکل ناقص در اختیار مردم قرار می گیرد که این خود نوعی تحریف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۵

۲۵ خداوند ، بر حذر دارنده عالمان یهود از کتمان حقایق تورات

و کانوا علیه شهداء فلاتخشوا الناس

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <فلاتخشوا ..> مضمونی باشد که از <کانوا علیه شهداء> به دست می آید. یعنی در اظهار آنچه در تورات است، از مردم نترسید.

عوامل کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۳

۳ - کتمان حقیقت ، هدف یهود و نصارا از آمیختن حق و باطل

ولا تلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق

تکرار نکردن <لا-ی ناهیه در <تکتّموا> به این معنا اشاره دارد که: هدف یهود و نصارا در آمیختن حق به باطل، مخفی نگاه داشتن حق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۲ - ناسازگاری حقایق کتاب های آسمانی با منافع عالمان دنیا طلب ، وادار کننده آنان به کتمان آن حقایق

إن الذين يكتُمون .. و يشترُونَ ... ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به <کتمان> - که از جمله <یکتُمون ..> به دست می آید - داشته باشد. بر این مبنا از یک سو حق ستیزی دلیل کتمان معارف و احکام کتب آسمانی دانسته شده است (<ذلك> [الکتمان] بأن الله نزل الكتاب بالحق) و از سوی دیگر جمله <یشترُونَ به ثمناً قليلاً در آیه ۱۷۴> رسیدن به منافع دنیوی را دلیل و انگیزه کتمان معارف می شمرد. نتیجه این دو دلیل این است که: حقایق کتابهای آسمانی با منافع گروهی دنیا طلب ناسازگار است و این ناسازگاری مایه کتمان آن حقایق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۲

۴۲ ترس از مردم و مال پرستی ، عامل کفرپیشگی و کتمان حقایق آسمانی

فلاتخشوا الناس .. و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۸ - ۹

۹ اختلاف انسان ها در دین ، مایه پوشیده شدن حقیقت بر عموم آنان می شود .

و لايزالون مختلفين

چون <إلاّ من رحم> در آیه بعد استثنا از <لايزالون مختلفين> است معلوم می شود همه اختلاف کنندگان در دین جز کسی که مورد رحمت الهی قرار گیرد بر طریق ناصوابند بنابراین اختلاف در دین باعث

می شود که حق بر همه گروهها پوشیده بماند و همگان بیراهه بروند.

کافران و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۸،۱۱

۸ پشیمانی و تأسف شدید کافران در قیامت از کتمان کردن حقایق در دنیا

یومئذ یوّد الذین کفروا و عصوا الرسول . . . و لا یکتمون الله حدیثاً

بنابر اینکه <لا یکتمون> عطف بر جمله <تسوّی> باشد.

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت، از کتمان حقایق رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول . . . و لا یکتمون الله حدیثاً

مصدق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <کفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقایق رسالت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۱

۱۱ کافران به رسالت پیامبر(ص)، حق پوش و مغالطه کارند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

<یلبسون>، فعل مضارع و بیانگر استمرار تلبیس کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۵

۵ خودداری کافران از اعتراف به مالکیت مطلق خداوند، علی رغم آگاهی بدان

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ تکذیب قرآن و آیات الهی از سوی برخی کفار، با وجود علم و آگاهی بر حقانیت آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین . . . بل بدالهم ما كانوا یخفون

چون در آیات قبل سخن از تکذیب قرآن و آیات الهی بود، مراد از <ما كانوا یخفون> می تواند موارد

مذکور باشد.

کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۴

۴ - کتمان محتوای کتاب های آسمانی ، کتمان حق است و کتمان کنندگان مردمی حق ستیزند .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكُتُبَ بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۱،۲

۱ آمیختن آگاهانه حق به باطل و کتمان آن توسط علمای یهود و نصارا، و نکوهش آنان از سوی خداوند

يا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تكتُمون الحق و انتم تعلمون

۲ علمای اهل کتاب با درآمیختن حق به باطل و کتمان حق ، مردم را گمراه می ساختند .

وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ .. يا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی ، بدترین جنبندگان در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون

کلمات <الصم> و <البکم> به ترتیب جمع <الاصم = کر> و <الابکم = لال> است. <الذین لا یعقلون> خبر سوم برای <إن> می باشد. قابل ذکر است که صفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

کتمان حق مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴۰- كشف ماجرای اصحاب كهف ، عامل تقویت موضع موحدان و معتقدان به معاد بود .

إذ يتنزعون .. قال الذين غلبوا على أمرهم

در بیان

آنچه مورد نزاع و اختلاف مردم بود، دو احتمال بیان شد: اگر <إذ يتنازعون.. > نظر به اختلاف آنان در باره معاد داشته باشد، <الذین غلبوا...> آن دسته از مردم خواهند بود که معاد را پذیرا بودند و با بیداری اصحاب کهف، به دلیلی محکم و ملموس، در برابر خصم خود، دست یافته بودند.

کتمان حق مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۲

۲- حق پوشی ، کارشکنی در طریق دین و پیامبرستیزی ، ویژگی مشرکان عصر نزول

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقَّوْا الرَّسُولَ

کیفر کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۶

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. اولئک جزاؤهم ان علیهم ... و الناس اجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱۳، ۱۰

۱۰ واهی بودن پندار نجات عالمان اهل کتاب از عذاب الهی ، با وجود عملکرد ناشایست آنان (کتمان حقایق و ...)

لا تحسبنّ الذین ... بمفازه من العذاب

کلمه <مفازه>، مصدر میمی و به معنای خلاص و نجات یافتن است.

۱۳ عذابی دردناک در انتظار عالمان اهل کتاب به جهت کتمان حقایق و انتظار چاپلوسی و ستایش بیجا

لا تحسبنّ الذین ... بمفازه من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ کسانی که حقایق اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الى الذين ... يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلا. اولئك الذين لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۶

۲۶ فرجام کتمان کنندگان احکام خداوند ، فرجامی هراس انگیز

و اخشون

گناه کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱۱

۱۱ - عالمان ادیان ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق هستند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۷

۷ - کتمان حقایق دینی و معارف کتب آسمانی از گناهان بزرگ است .

خلدين فيها لا يخفف عنهم العذاب

دوری همیشگی کتمان کنندگان حقایق از رحمت خدا و نیز ابتلای آنان به عذابی تخفیف ناپذیر، حکایت از بزرگی گناه آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۸

۸- عالمان دینی ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق کتاب های آسمانی و احکام الهی هستند .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب

مسیحیان و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۳

۳- کتمان حقیقت ، هدف یهود و نصارا از آمیختن حق و باطل

و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتُموا الحق

تکرار نکردن

<لا>ی ناهیه در <تکتمو> به این معنا اشاره دارد که: هدف یهود و نصارا در آمیختن حق به باطل، مخفی نگاه داشتن حق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۰

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق درباره ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب، از ظالمترین مردم هستند.

أم تقولون إن إبراهیم... و من أظلم ممن کتم شهده عنده من الله

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من الله> به قرینه صدر آیه، حقایق است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۰ - یهود و نصارا، حقیقتی را که باید به آن شهادت می دادند، کتمان کرده و از ارائه آن خودداری نمودند.

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا)، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند.

مما کتم تخفون من الکتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۷

۷ تبیین حقایق و معارف کتمان شده به دست یهود و نصارا، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

قد جاءکم رسولنا ببین

بنابر اینکه مفعول حذف شده از <یبین>، به قرینه آیه پانزدهم، حقایقی باشد

که علمای اهل کتاب آنها را مخفی می داشتند.

مشرکان و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۳

۳ مشرکان، علی رغم گواهی ضمیرشان بر حقانیت توحید و معاد، آن را پنهان می کنند.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

مراد از <ما یخفون>، به قرینه آیات پیشین، حقایق ایمانی، از قبیل توحید و معاد، است که مشرکان آن را در ضمیر خویش پنهان می ساختند.

موانع کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۹ - ۳

۳ توجه به مالکیت و فرمانروایی مطلق خداوند، زمینه پرهیز از شکستن میثاق، کتمان حقایق، دین فروشی و خودپسندی

و اذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتب لتبیننه .. و لا تکتُمونه ... و اشترُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۳ - ۵

۵ - باور به یگانگی خدا و نبود معبودی جز او، بازدارنده آدمی از کتمان معارف الهی و حقایق کتاب های آسمانی است . *

إن الذین یکتُمون ما أنزلنا .. و إلهکم إله وحده لا إله إلا هو

برداشت فوق و نیز برداشتهای بعدی، بیانگر وجه ارتباط میان آیه مورد بحث و آیات پیشین است.

یهود صدر اسلام و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یهودیان عصر بعثت در تلاش برای کتمان حقانیت اسلام و رسالت پیامبر (ص)

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

یهود و کتمان حق

جلد -

۱۷ - از امام باقر (ع) روایت شده که : > انه قال كان قوم من اليهود ليسوا من المعاندين المتواطئين إذا لقوا المسلمين حدثوهم بما فى التوراه من صفه محمد (ص) فنهاهم كبرائهم عن ذلك ، و قالوا : لا تخبروهم بما فى التوراه ، من صفه محمد (ص) فيحاجوكم به عند ربكم فنزلت هذه الآية ؛

گروهی از یهود - که کینه ای به مسلمانان نداشتند - هنگامی که با مسلمانان روبرو می شدند از اوصاف رسول خدا(ص) که در تورات آمده بود سخن می گفتند؛ بزرگان یهود با خبر شده و آنها را نهی کردند و گفتند: از صفات محمد [ص] - که در تورات آمده - مسلمانان را مطلع نسازید که به وسیله آن با شما در نزد پروردگارتان استدلال و احتجاج خواهند نمود، پس آیه فوق نازل گشت. <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهيم .. و من أظلم ممن كتم شهاده عنده من الله

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من الله> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۰ - یهود و نصارا، حقیقتی را که باید به آن شهادت می دادند ، کتمان کرده و از ارائه

آن خودداری نمودند .

و من أظلم ممن كتم شهادته عنده من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۹

۹ توصیه علمای یهود به یکدیگر ، بر مخفی کردن ادله رسالت پیامبر اسلام *

و لا تؤمنوا .. ان يؤتى احد مثل ما اوتيتم

احتمالا مراد از <ما اوتيتم>، دلایل رسالت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۴

۴ عالمان یهود ، دارای اهداف دنیوی در کتمان و تحریف عهد خدا (حقایق مربوط به پیامبر (ص))

ان الذين يشترون بعهد الله و ايمانهم

با توجه به شأن نزول، مقصود از <عهد الله>، حقایق مربوط به پیامبر اکرم (ص) در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۹

۹ پنهان کردن تورات ، توسط یهودیان *

قل فاتوا بالتوریه فاتلوها

دعوت به آوردن تورات و تلاوت آن، این را گوشزد می کند که آنها تورات را از دسترس مردم خارج کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما کنتم تخفون من الکتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره -

۷ تبیین حقایق و معارف کتمان شده به دست یهود و نصارا، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

قد جاء کم رسولنا یبین

بنابر اینکه مفعول حذف شده از <یبین>، به قرینه آیه پانزدهم، حقایقی باشد که علمای اهل کتاب آنها را مخفی می داشتند.

کرامت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کرامت

آثار ذکر کرامت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۳

۳- توجه انسان به مقام و کرامت الهی خویش ، مستلزم پرهیز از ناسپاسی خداوند است .

فیغرقکم بما کفرتم .. و لقد کزمننا بنی ءادم

یادآوری کرامت انسانها پس از ذکر ماجرای کسانی که پس از رهایی از خطر مرگ به کفران نعمتهای الهی روی آوردند؛ می تواند مذمتی باشد برای آنان و نیز به انسانها توجه بدهد که کرامت انسانی مستلزم اجتناب از کفران است.

آثار ذکر کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۳

۳ - توجه به بزرگواری و شرافت برتر خداوند ، برانگیزاننده انسان به تلاوت کلام او است .

اقرأ وربک الأکرم

آثار کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۸

۸ - خداوند ، به دلیل رفتار مدبرانه و کریمانه با انسان ، سزاوار اطاعت و ترک گستاخی و بی پروایی در برابر او است .

ما غَزَّكَ رَبُّكَ الْكَرِيمِ

ادعای کرامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۵ - ۶

۶ - انسان ها ، هنگام

برخورداری از نعمت و رفاه ، خود را نزد خداوند ، عزت مند و با کرامت می پندارند .

فَأَمَّا الْإِنْسَنَ إِذَا .. نَعْمَه فَيَقُول رَبِّي أَكْرَمَن

اکرام در فعل های <أكرمه> و <أكرمن>، به یک معنا نیست؛ زیرا لحن آیه شریفه گوینده <رَبِّي أَكْرَمَن> را نکوهش کرده؛ با آن که اکرام را در <أكرمه> پذیرفته است. بنابراین در <أكرمه> مراد <رساندن نفع بدون خواری و ذلت> است که در <مفردات راغب> از معانی اکرام شمرده شده و در <أكرمن> مقصود <با عظمت شمردن و بی عیب دانستن> است که در <قاموس> آمده است.

اهمیت کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۱

۱ - نیاز خواهی پیوسته خلاق ، از پروردگار مقتدر و کرامت مند جهان هستی

ذو الجلال و الإكرام .. یسله من فی السموت و الأرض

ذکر کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲،۳

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و یبقی وجه ربك ذو الجلال و الإكرام . فبأی ءالء ربكما تكذبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به ناپایداری زندگی دنیایی و اقتدار و کرامت جاودان پروردگار هستی

كل من علیها فان . و یبقی وجه ربك ... فبأی ءالء ربكما تكذبان

پرسش سرزنش آمیز آیه شریفه،

در مورد نعمت های انکارناپذیر، درصدد توجه دادن انسان به نعمت هایی است که در آیات پیشین مطرح شده است (از جمله ناپایداری دنیا و بقای اقتدار خداوند).

زمینه کرامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۷ - ۱۱

۱۱- دستیابی به مقام عبودیت و کرامت ، در پرتو تسلیم محض در برابر خداوند است .

مکرمون . لایسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۷ - ۶

۶- ایمان و دفاع از دین تا مرز شهادت و ایثار ، موجب غفران الهی و رسیدن به عزت و کرامت در پیشگاه خدا است .

قال یقوم اتبعوا المرسلین . . . إنی ءامنت برّبکم فاسمعون . قبل ادخل الجنّه ... ب

عوامل کرامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۶ - ۹

۹- عبودیت ، عامل دستیابی به مقام کرامت و قرب الهی است .

بل عباد مکرمون

عوامل کرامت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۱۸

۱۸ - ملائک قرار گرفتن تقوا ، به عنوان یگانه عامل کرامت انسان ها ، متکی بر علم و کاردانی خداوند است .

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

فآفءان كرامت

آءء - نام سوره - سوره - آيه - ففش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٦٤ - ٧

٧- پيروان ابليس ، فاقد كرامت و امتياز انساني و قرار گرفته در جرگه حيوانات *

و استفزز من استطعت منهم بصوتك

<صوت> به معنای صدا و نغمه

بی معناست و معمولاً آن را در تحریک حیوانات استفاده می کنند. بنابراین تحریک شیطان با صوت، در واقع به منزله حیوان تلقی کردن پیروان خویش است.

کرامت اخروی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان موحد ، در صحنه قیامت دارای کرامت و برخوردار از اختیار

أفمن یلقى . . . أم من یأتی

تقابل فعل معلوم <یأتی> با فعل مجهول <یلقى>، افاده می کند که حرکت مؤمنان یکتاپرست در قیامت، جبری و ناخواسته نیست. برخلاف منحرفان از آیات الهی که آنان حقیر و مجبوراند.

کرامت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان موحد ، در صحنه قیامت دارای کرامت و برخوردار از اختیار

أفمن یلقى . . . أم من یأتی

تقابل فعل معلوم <یأتی> با فعل مجهول <یلقى>، افاده می کند که حرکت مؤمنان یکتاپرست در قیامت، جبری و ناخواسته نیست. برخلاف منحرفان از آیات الهی که آنان حقیر و مجبوراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۵

۵ - جایگاه مؤمنان در آخرت ، نشانه عزّت و کرامت آنان و جایگاه کافران ، پست و ذلّت آفرین است .

هم أصحاب المشئمه

راست و چپ، کنایه از عظمت و پستی جایگاه است؛ زیرا در جوامع انسانی، مرسوم است که سمت راست، نشانه کرامت و

سمت چپ رمز شوم بودن است و گرنه راست و چپ حقیقی، وابسته به اعتبارات و با در نظر گرفتن مرکزیتی خاص است که در این آیات، از آن سخنی

به میان نیامده است.

کرامت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۵

۵ خردمندان ، خواستار کرامت انسانی و گریزان از خذلان و خواری

لاولئ الالباب .. ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته

خردمندان از آن جهت خواهان دوری از آتشند که ورود در آتش را حاکی از خواری و خفت خویش در پیشگاه خداوند می دانند و این معنا کاشف از کرامتخواهی آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۳

۳ حق شنوایی و بیان حقایق و معارف دین و درک آنها ، از ملاک های ارزش و کرامت آدمی در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون

کلمه <دواب>، به معنای بهائم و یا جنبندگان، برای اشاره به این است که توصیف شدگان به منزله حیوانات هستند و ارزش نام انسان را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۱۵

۱۵- انسان ، بهره مند از لطف خاص خداوند و برخوردار از کرامت و مقام ویژه در جهان

و الله جعل لکم من بیوتکم .. و جعل لکم من الجبال ... لعلکم تسلّمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۱۶

۱۶ - آگاهی خداوند ، به میزان تقوا و کرامت انسان ها

إِنَّ أكرمكم عند الله أتقاكم إِنَّ اللهَ علیمٌ خبیر

با توجه به ارتباط <إِنَّ اللهَ.. > با <إِنَّ أكرمكم...>، برداشت بالا به دست می آید.

کرامت بندگان خدا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۵،۷

۵ بندگان خالص خدا، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند.

و إذا مَرَّوْا بِاللَّغْوِ مَرَّوْا كِرَامًا

۷ بندگان خالص خدا، مردمی بزرگوار و متین

و إذا مَرَّوْا بِاللَّغْوِ مَرَّوْا كِرَامًا

کرامت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۴

۴ - جبرئیل، دارای ویژگی ها و رفتاری پسندیده و فرستاده ای بزرگوار برای ابلاغ قرآن

رسول کریم

<کرم> واژه ای است که در مورد زیبایی های والا و کارهای پسندیده کاربرد دارد. (مفردات راغب)

کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۲،۵

۲ - فنای زمینیان، بی تأثیر در ساحت اقتدار، شکوه، کرامت و بزرگواری جاودان پروردگار

كُلٌّ مِنْ عَلَيْهَا فَانٍ . وَ يَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَ الْإِكْرَامِ

گفتنی است که قدرت، اقتدار و شکوه فرمانروایان، به وجود رعیت و فرمانبران ایشان وابسته است؛ اما این آیه چنین وابستگی را از ذات پروردگار نفی می کند.

۵ - جلال و شکوه خداوند، آمیخته با کرم و بزرگواری او

ذو الجلل و الإكرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - جلال و شکوه خداوند ، آمیخته با کرم و بزرگواری او است .

تبرک اسم ربك ذی الجلل و الإكرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ -

۷ - خداوند ، بخشنده و بخشایشگر و جامع هر گونه شرافت و فضیلت است .

برَبِّكَ الْكَرِيمِ

کریم (در اوصاف خداوند) یعنی، دارای جود و عطای بی پایان و جامع انواع خیر و شرف و فضل (نهایه ابن اثیر). برخی آن را به معنای <صفوح> (کسی که از خطای دیگران بسیار چشم پوشی می کند) می دانند. (مقایس اللغه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۲

۲ - خداوند ، شریف ترین و احسان کننده ترین موجودات است .

و رَّبِّكَ الْأَكْرَمِ

هر چیزی که در باب خود شریف باشد، به او <کریم> گفته می شود و زمانی که <کرم>، وصف خداوند قرار گیرد، نام احسان و انعام فراوان او خواهد بود. برخی از دانشمندان گفته اند: کرم تنها در مورد نیکویی های بزرگ به کار می رود. (مفردات)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۸

۸ - توانا ساختن انسان بر خواندن و نوشتن و آموختن علوم به او ، برخاسته از کرم والای خداوند است .

و رَّبِّكَ الْأَكْرَمِ . الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۴

۴ - افراط در گناه و طغیان گری ، در کنار بهره بردن از نعمت ها و کرم الهی ، دور از انتظار و امری ناشایسته است .

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ

می توان گفت: حرف <کلا> ناظر به جمله های بعد است نه آیه های قبل، زیرا زمان نزول آنها با زمان نزول این آیه و

فاصله زیادی داشته است. در این صورت مفاد <کَلَّا>، باز داشتن انسان از طغیان و سایر کارهایی است که تا <کَلَّا لئن لم تنته...> آمده است. در نتیجه حرف <کَلَّا> در آن آیه نیز، تأکید این کلمه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۶

۶ - گرفتاری به طغیان، برای کسانی که در سایه کرم خداوند و به کمک علوم خدادادی، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند، خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است.

الأكرم . الذی علم ... کَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَکَفِرٌ . أَن رءاه استغنی

کرامت کاتبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۱

۱ - نویسندگان قرآن در صفحه های پاکیزه و با عظمت، شخصیت هایی بزرگوار و دارای ارزش و احترام در پیشگاه خداوند

بأیدی سفره . کرام

کرامت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱۱

۱۱- پیامبر (ص) وظیفه دار عفو کریمانه و گذشت شایسته از کافران و مشرکان و نادیده گرفتن اذیت و آزار آنان بود.

فاصفح الصفح الجمیل

<صفح> به معنای عفو بدون ملامت کردن و به رخ کشیدن است که از آن می توان گذشت کریمانه و بزرگوارانانه برداشت کرد.

کرامت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۷ - ۲۴

۲۴ کرامت مریم (س)، و ظهور امور خارق العاده برای

وجد عندها رزقاً .. قالت هو من عند الله

کرامت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۶ - ۷

۷- فرشتگان ، بندگان مقرب و مکرم خداوند هستند .

بل عباد مکرمون

کرامت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۷ - ۵

۵- موسی (ع) ، پیامبری با کرامت و ارجمند در پیشگاه خداوند

و جاءهم رسول کریم

کرامت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۲ - ۴

۴ کسانی که به تمامی پیامبران الهی ایمان دارند ، از مقام و کرامتی والا ، برخوردارند .

و الذين ءامنوا بالله و رسله و لم يفرقوا بين أحد منهم أولئك

اشاره به مؤمنان با کلمه <أولئك>، حکایت از مقام رفیع آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۳

۳ کرامت و مقام والای مؤمنان در پیشگاه خداوند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

خطاب مستقیم خداوند، نشانه کرامت مخاطبان است.

کرامت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۵

۲۵ سیمای یوسف (ع) ، نمایانگر بزرگواری و کرامت والای او بود .

إِن هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ یوسف (ع) شخصیتی با عظمت ، بزرگوار و در اوج کرامت و آزادگی

قال الملك ائتونی به .. فسنله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

مشمولان کرامت خدا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۵

۵ - القای وحی بر پیامبر (ص) و توانمند ساختن او بر قرائت قرآن ، احسان و کرم خداوند به آن حضرت است .

اقرأ و ربك الأكرم

منشأ کرامت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۹

۹- شرافت و کرامت انسان ، به روح الهی اوست .

إني خلق بشرًا من صلصل .. فإذا ... نفخت فيه من روحي

خداوند، در توصیف مایه جسمانی انسان، آن را گلی بد بو و متغیر ذکر کرد و در القای روح به او، روح را به خود نسبت داد و چنین نسبتی، حاکی از نکته فوق است.

نشانه های کرامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۸

۸ گذر از گفتار و کردار لغو و بیهوده و پرهیز از حضور در این گونه مجالس ، نشان کرامت و بزرگواری انسان است .

و إذا مرّوا باللغو مرّوا كرامًا

نشانه های کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۵

۵ - آفرینش انسان و هماهنگ ساختن اجزای او ، جلوه کرم خداوند است .

بربّك الكريم . الذي خلقك فسوّيك فعدلك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - انفطار - ٨٢ - ٨ - ٥

٥ - هيئت و سيمای هر انسان ، جلوه گاه كرم و ربوبيت الهى است .

بربّك الكريم . . . فى أى صوره ما شاء ربّك

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۵ - ۴

۴ - رها ساختن انسان از جهل ، جلوه کرم والای خداوند است .

و رَبِّكَ الْأَكْرَمِ. الَّذِي ... عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

نعمت کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و يَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ . فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

کرامت خدا

آثار ذکر کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۳

۳ - توجه به بزرگواری و شرافت برتر خداوند ، برانگیزاننده انسان به تلاوت کلام او است .

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ

آثار کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۸

۸ - خداوند ، به دلیل رفتار مدبرانه و کریمانه با انسان ، سزاوار اطاعت و ترک گستاخی و بی پروایی در برابر او است .

ما غَزَّكَ رَبُّكَ الْكَرِيمِ

اهمیت کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۱

۱ - نیاز خواهی پیوسته خلاق ، از پروردگار مقتدر و کرامت مند جهان هستی

ذو الجلال و الإکرام . . . یسله من فی السموت و الأرض

ذکر کرامت خدا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲،۳

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و ببقی وجه ربّك ذو الجلل و الإكرام . فبأیء الآء ربكما تكذبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به ناپایداری زندگی دنیایی و اقتدار و کرامت جاودان پروردگار هستی

كل من علیها فان . و ببقی وجه ربك ... فبأیء الآء ربكما تكذبان

پرسش سرزنش آمیز آیه شریفه، در مورد نعمت های انکارناپذیر، درصدد توجه دادن انسان به نعمت هایی است که در آیات پیشین مطرح شده است (از جمله ناپایداری دنیا و بقای اقتدار خداوند).

کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۲،۵

۲ - فنای زمینیان ، بی تأثیر در ساحت اقتدار ، شکوه ، کرامت و بزرگواری جاودان پروردگار

كل من علیها فان . و ببقی وجه ربك ذو الجلل و الإكرام

گفتنی است که قدرت، اقتدار و شکوه فرمانروایان، به وجود رعیت و فرمانبران ایشان وابسته است؛ اما این آیه چنین وابستگی را از ذات پروردگار نفی می کند.

۵ - جلال و شکوه خداوند ، آمیخته با کرم و بزرگواری او

ذو الجلل و الإكرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۱۰

و بزرگواری او است .

تبرک اسم ربّك ذی الجلل و الإكرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۷

۷ - خداوند ، بخشنده و بخشایشگر و جامع هر گونه شرافت و فضیلت است .

بربّك الكريم

کريم (در اوصاف خداوند) یعنی، دارای جود و عطای بی پایان و جامع انواع خیر و شرف و فضل (نهایه ابن اثیر). برخی آن را به معنای <صفوح> (کسی که از خطای دیگران بسیار چشم پوشی می کند) می دانند. (مقایس اللغه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۲

۲ - خداوند ، شریف ترین و احسان کننده ترین موجودات است .

و ربّك الأكرم

هر چیزی که در باب خود شریف باشد، به او <کريم> گفته می شود و زمانی که <کرم>، وصف خداوند قرار گیرد، نام احسان و انعام فراوان او خواهد بود. برخی از دانشمندان گفته اند: کرم تنها در مورد نیکویی های بزرگ به کار می رود. (مفردات)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۸

۸ - توانا ساختن انسان بر خواندن و نوشتن و آموختن علوم به او ، برخاسته از کرم والای خداوند است .

و ربّك الأكرم . الذی علم بالقلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۴

۴ - افراط در گناه و طغیان گری ، در کنار بهره بردن از نعمت ها و کرم الهی ، دور از انتظار و امری ناشایسته است .

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ

می توان گفت: حرف

<کَلَّا> ناظر به جمله های بعد است؛ نه آیه های قبل، زیرا زمان نزول آنها با زمان نزول این آیه و آیات پس از آن، فاصله زیادی داشته است. در این صورت مفاد <کَلَّا>، باز داشتن انسان از طغیان و سایر کارهایی است که تا <کَلَّا لئن لم تنته ...> آمده است. در نتیجه حرف <کَلَّا> در آن آیه نیز، تأکید این کلمه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۶

۶ - گرفتاری به طغیان، برای کسانی که در سایه کرم خداوند و به کمک علوم خدادادی، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند، خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است.

الأكرم . الذی علم ... کَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّا غَافِلٌ . أن رءاه استغنی

مشمولان کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۵

۵ - القای وحی بر پیامبر (ص) و توانمند ساختن او بر قرائت قرآن، احسان و کرم خداوند به آن حضرت است.

اقراً وربك الأكرم

نشانه های کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۵

۵ - آفرینش انسان و هماهنگ ساختن اجزای او، جلوه کرم خداوند است.

بربك الکریم . الذی خلقک فسویک فعدلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۸ - ۵

۵ - هیئت و سیمای هر انسان، جلوه گاه کرم و ربوبیت الهی است

برَبِّكَ الْكَرِيمِ .. فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۵ - ۴

۴ - رها ساختن انسان از جهل ، جلوه کرم والای خداوند است .

و رَبِّكَ الْأَكْرَمِ. الَّذِي ... عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم

نعمت کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و يَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ . فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

کرامات

کرامات غیر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۷

۷- تحقق کرامات و امور خارق العاده ، اختصاص به پیامبران ندارد .

قال رَبِّكَ هُوَ عَلِيُّ هَيْتِنِ

کرامات مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۶،۷

۶- حضرت مریم (س) مورد عنایت ویژه خداوند و دارای کرامت بود .

و هزّی إلیک .. تسقط

۷- به بار نشستن فوری درخت خرما و نیرومندی مریم (س) برای تکان دادن آن ، از کرامات او بود .

و هزّی إلیک .. تسقط

کرامات یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۳،۴

۳ یعقوب (ع)

(هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر ، یافته خویش (شنیدن بوی یوسف) را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

۴ شامه معجزه آسای یعقوب (ع) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف (ع) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

کرامات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۷

۷ بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهن یوسف (ع) ، کرامتی از یوسف

فألقوه علی وجه أبي یأت بصیراً

فعل <یأت> جواب امر <فألقوه> است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: <إن تلقوه علی وجه أبي یأت بصیراً>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف(ع) در بینا شدن چشم یعقوب(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۴۸

۴ چشمان یعقوب (ع) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف (ع) بر آن ، فروغ گرفت و بینایش بازگشت .

ألقيه علی وجهه فارتد بصیراً

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد...> حاکی از دو معناست: ۱\$ ترتب و سببیت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۸ ظهور کرامت و معجزه یوسف (ع) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب (ع) به وسیله پیراهن او

ألقيه علی وجهه فارتد بصیراً

گری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

گری

گری اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۶

۶- گمراهان ، در قیامت به صورت خزندگانی فاقد هر گونه شنوایی ، بینایی و نطق محشور خواهند شد .

و من یضلل .. و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیًا و بکمًا و صمًا

گری بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۲

۲- یادآوری ابراهیم (ع) به قوم خویش مبنی بر ناتوانی بت ها حتی از شنیدن دعای آنان

قال هل یسمعونکم إذ تدعون

استفهام در <هل یسمعونکم> انکاری است. بنابراین مفاد سؤال ابراهیم(ع) چنین می شود: با این که بت ها درخواست های شما را نمی شنوند، چگونه به درگاه آنها نیایش می کنید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۳

۳- ناتوانی بت ها از شنیدن و اجابت نیایشِ مشرکان ، دلیلی واضح بر بیهودگی عبادت آنها

و من أضلّ ممّن یدعوا .. من لا یتستجیب ... و هم عن دعائهم غفلون

گری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ پندار مصونیت از امتحان و عذاب الهی ، از میان برنده حق شنوی و بصیرت دینی بنی اسرائیل

فعموا و صموا

کری بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیمار دلان گریزان از جهاد و فساد انگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین .

.. فأصمّهم و أعمى أبصرهم

کری تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذين .. فأصمّهم و أعمى أبصرهم

کری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۲

۲ - حق گریزان ، انسان هایی هستند همانند مردگان کر

فإنك لاتسمع الموتى و لاتسمع الصمّ الدعاء إذا ولّوا مدبرین

<فء> در <فإنك> فصیحه است و بر کلام مقدری دلالت می کند که می تواند چنین باشد: <حال که آنان، کفر را بر ایمان برگزیده اند، مانند مردگان اند.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۲

۲ آنان که حقایق دینی را ناشنیده گیرند ، کنند و آنان که حقایق دینی را بازگو نکنند ، لالند و آنان که معارف الهی را درک نکنند ، فاقد عقلند .

إن شر الدواب عند الله الصمّ البکم الذين لایعقلون

کری دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱،۴

۱- خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبوا الحیوه الدنیا .. الکفرین . أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

۴- مهر شدن قلب و قوای شنوایی و بینایی (محرومیت از درک حقایق) ، کیفر ترجیح دهندگان زندگی دنیا بر آخرت

استحبوا

الحيوه الدنيا .. أولئك الذين طبع الله على قلوبهم

کری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۴

۴ - ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن، محروم کرده است.

صم بکم عمی فهم لا یعقلون

مفعول <لا یعقلون> معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل الله) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند.

و من أظلم ممن افتری .. أولئك ... ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

کری مرتدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱

۱ - خداوند، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است.

استحبوا الحيوه الدنيا .. الكفرین . أولئك الذين طبع الله على قلوبهم ... و أ

کری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افترى .. أولئك ... ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۰ - ۳

۳- محرومیت

مشرکان از شنوایی در جهنم

و هم فیها لایسمعون

کری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۴ - ۱

۱ - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از شنیدن دعا و درخواست انسان ها و استجاب آن

إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم و لو سمعوا ما استجابوا لکم

کری مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۳، ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افتری .. أولئکک ... ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

۱۳ > عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله تعالی] : < ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون > . . . قال : لم یعتبهم بما صنع

قلوبهم و لکن یعاتبهم بما صنعوا . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدا < ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون > فرمود: خداوند آنان

را برای آنچه قلبهایشان انجام داده نکوهش نکرده ، بلکه برای آنچه خود، انجام داده اند نکوهش کرده است . . . < .

کری مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیمار دلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئکک الذین .. فأصمهم و أعمی أبصرهم

کری مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۱ تکذیب کنندگان آیات الهی (قرآن)، کرها و لالهایی فرو رفته در ظلمتها هستند.

و الذین کذبوا بآیتنا صم و بکم فی الظلمت

۱۳ عن أبی جعفر (ع) فی قوله: <الذین کذبوا بآیتنا صم و بکم> یقول: <صم> عن الهدی و <بکم> لایتکلمون بخیر <فی الظلمات> یعنی ظلمات الکفر . . .

از امام باقر (ع) درباره آیه <الذین کذبوا بآیتنا . . .> روایت شده است: تکذیب کنندگان آیات الهی <کرانند> از شنیدن آیات) هدایت، <لالند> از سخن خیر گفتن، <در تاریکیها قرار دارند> یعنی تاریکیهای کفر . . .

کری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۲، ۱

۱ - خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق دینی، بازداشته است .

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم

<ختم> به معنای بستن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح لاک و مهر کردن، است. بسته شدن قلب، کنایه از درک نکردن و نفهمیدن است. و <علی سمعهم> می تواند عطف بر <علی قلوبهم> باشد و نیز می تواند خبر برای <غشاوه> باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

۲ - بر گوش و چشم منکران آن، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاوه> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱

تکذیب کنندگان آیات الهی (قرآن)، کرها و لالهایی فرو رفته در ظلمتها هستند.

و الذین کذبوا بآیتنا صم و بکم فی الظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۲

۲ - تصریح منکران قرآن ، به نفوذناپذیری قلب و گوش آنان در برابر وحی

و قالوا قلوبنا فی أکنه .. و فی ءاذاننا وقر

کری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸ - ۱

۱ - منافق رها شده در ظلمت و گمراهی بسان شخص کر و لال و نابیناست .

ترکهم فی ظلمت لایبصرون. صم بکم عمی

صم، بکم و عمی به ترتیب: جمع أصم (کر)، أبکم (لال) و أعمی (کور) است. کلمات یاد شده خبر برای مبتدای محذوف، یعنی ضمیر <هم> است که به توصیف شدگان در آیه قبل (منافقان رها شده در ظلمت) بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۱۶

۱۶ - > عن أبي جعفر (ع) فی قوله : < کأنهم خشب مسنّده > یقول : لایسمعون و لایعقلون ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <کأنهم خشب مسنّده> روایت شده مقصود خداوند [از این تشبیه] این است که آنان نه گوش شنوا دارند و نه تعقل می کنند.<

کری هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - پرستشگران هوای نفس براساس سنت الهی ناسنوا، نایینا و تأثیرناپذیر در برابر حق

من اتخذ إلهه هوييه و أضله الله على

علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غ

نشانه های کری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۳

۳ گرایش های شرک آلود و انکار حقانیت قرآن ، نشانه ناشنوایی ضمیر و کوری دل است .

مثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - شرکورزی ، نشانه کری و حق ناشنوایی است .

قل أراءیتم .. أفلاتسمعون

نشانه های کری دهریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۴ - ۲

۲ - محدود شمردن زندگی به مجال دنیا ، نمودی از ناشنوایی ، نابینایی و حق ناپذیر بودن دهریون

و أضله الله علی علم و ختم علی سمعه .. و قالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا

کشاورزی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کشاورزی

آثار تولید محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۴

۴ - پیدایش محصولات کشاورزی و رویدن گیاه در زمین ، دلیل امکان معاد و حیات دوباره انسان است .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ . . أَلَمْ نَجْعَلْ ... لَنُخْرِجْ بِهِ حَبًّا وَ نَبَاتًا

ابزار کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۴

۴ - قوم موسی ، از گاو برای شخم زنی و آبیاری کشتزارها استفاده می کردند .

لَاذَلُولٍ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَ لَا تَسْقِي الْحَرْثَ

استفاده از محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۹

جواز استفاده از انواع میوه ها و محصولات کشاورزی برای انسان

كلوا من ثمره إذا أثمر

انفاق از محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۱، ۱۰

۱۰ خداوند حقی برای خود در محصولات کشاورزی قرار داده است.

و ءاتوا حقه يوم حصاده

مرجع ضمیر <حقه>، به قرینه صدر آیه، ممکن است <الله> باشد.

۱۱ لزوم پرداخت بخشی از محصولات کشاورزی به هنگام چیدن میوه ها و درو کردن غلات

و ءاتوا حقه يوم حصاده

اهمیت کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶

۵ ارزش و اهمیت کشاورزی و نیروی انسانی و نقش آن در قوام جامعه

و اذا تولى . . . و يهلك الحرث والنسل

از اینکه نابود ساختن این دو، فساد در زمین معرفی شده، اهمیت و ارزش آن به دست می آید.

۶ اصلاح جامعه و حفظ کشاورزی و نسل، از ویژگی های حکومت صالح

و اذا تولى . . . ليفسد فيها و يهلك الحرث والنسل

از اینکه خداوند، فساد و . . . را از کارهای حکومتی منافقان می داند، معلوم می شود که در حکومت صالحان، چنین اعمالی نباید باشد.

۱۱ نابود کردن کشاورزی و نسل کشی ، مبعوض خداوند

و اذا تولى .. و يهلك الحرث و النسل و الله لا يحب الفساد

۱۳ از وظایف حکومت ، حفظ کشاورزی و نیروی انسانی و اصلاح آنهاست .

و اذا تولى سعى فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۵

۵ لزوم جدیت و تلاش

بسیار برای زراعت در هفت سال نخست ، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

سبع بقرت سمان .. قال تزرعون سبع سنين دأباً

<دأب> مصدر و به معنای تلاش کردن است و <دأباً> در آیه شریفه در موضع اسم فاعل (دائین) قرار گرفته و حال برای فاعل <تزرعون> می باشد؛ از این رو دلالت بر تلاش فراوان دارد. به نظر می رسد یوسف(ع) از چاق بودن گاوها چنین استنباط کرد که: باید با تلاش فراوان و به دست آوردن محصولات، انبارها را از مواد غذایی و غلات پر کنند.

اهمیت کشاورزی در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۶ - ۳

۳- نقش مهم باغداری و کشاورزی در اقتصاد مصریان ، در عصر موسی (ع) *

کم ترکوا من جنّت و عیون . و زروع

از این که خداوند تنها <جنات> ، <عیون> و <زروع> را به خصوص از میان نعمت ها نام برده است، می توان فهمید که نقش این امور در شکوفایی و اقتدار اقتصادی مصریان در عصر موسی، بیش از سایر منابع بوده است.

اهمیت کشاورزی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۶ - ۳

۳- نقش مهم باغداری و کشاورزی در اقتصاد مصریان ، در عصر موسی (ع) *

کم ترکوا من جنّت و عیون . و زروع

از این که خداوند تنها <جنات> ، <عیون> و <زروع> را به خصوص از میان نعمت ها نام برده است، می توان فهمید که نقش این امور در شکوفایی و اقتدار اقتصادی مصریان در عصر موسی،

بیش از سایر منابع بوده است.

اهمیت محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۱

۱ - از بین رفتن محصولات کشاورزی ، خسارتی سنگین و تکان دهنده برای انسان ها

لو نشاء .. فظلمت تفكّهون . إنا لمغرمون

پیدایش محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۲،۵

۲ خداوند پدید آورنده باغستانها، درختان خرما و کشتزارهاست.

و هو الذى أنشأ جنت .. و النخل و الزرع

۵ گوناگونی میوه ها و محصولات کشاورزی از آثار قدرت الهی

و الزرع مختلفا أكله

<اكل> به معنای میوه و ثمرهای خوراکی است.

تخریب کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۴،۱۱

۴ نابود ساختن کشاورزی و نسل کشی ، از بارزترین نوع فساد در زمین است .

لیفسد فیها و یهلک الحرث و النسل

بنابراینکه جمله <و یهلک الحرث و ..>، تفسیر جمله <لیفسد فیها> باشد.

۱۱ نابود کردن کشاورزی و نسل کشی ، مبعوض خداوند

و اذا تولى . . . و يهلك الحرث و النسل و الله لا يحب الفساد

توسعه کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۶

۶ - برخورداری از توان رزمی فراوان و توسعه کشاورزی و آبادانی سرزمین ها ، برترین جلوه های تمدن در جوامع پیشین بوده است .

كانوا أشدّ منهم قوّه و أثاروا الأرض و عمروها أكثر ممّا عمروها

<إثارة> (مصدر <أثاروا>) به معنای <زیر و رو کردن> است و در این جا، منظور، زیر

و رو کردن خاک برای زراعت یا ساختمان سازی و غیر آن است.

حق الله در محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ خداوند حقی برای خود در محصولات کشاورزی قرار داده است.

و ءاتوا حقه یوم حصاده

مرجع ضمیر <حقه>، به قرینه صدر آیه، ممکن است <الله> باشد.

حقوق محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۷

۱۷ عن أبي عبد الله (ع): لا تصرف بالليل ولا تحصد بالليل .. و إن حصدت بالليل لم يأتك السؤال و هو قول الله تعالى: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> ... یعنی القبضه بعد القبضه إذا حصدته و إذا خرج فالحفنه بعد الحفنه ...

از امام صادق (ع) روایت شده است: میوه را در شب نچین و شبانه درو نکن ... زیرا اگر در شب، درو کنی فقیران نزد تو نمی آیند و این سخن خداوند متعال است که می فرماید: <حق محصول را روز درو پردازید> ... یعنی هنگام درو، دسته دسته و هنگام جدا شدن دانه، مشت مشت پردازید ...

۱۹ عبدالله بن سنان عن أبي عبد الله (ع) قال: سألته عن قوله: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> قال: اعط من حضرک من المسلمین و إن لم یحضرک إلا مشرک فاعطه.

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق (ع) درباره <و ءاتوا حقه یوم حصاده> سؤال کردم، فرمود: اگر کسی از مسلمانان هنگام برداشت محصول حضور داشت، حق الحصاد را به او بده و اگر کسی غیر از مشرک نبود، به او پرداز.

۲۰ عن أبي عبد الله (ع) فی

قوله: <وأتوا حقه يوم حصاده> قال: حقه يوم حصاده عليك واجب وليس من الزكاه . . .

از امام صادق(ع) درباره آیه <وأتوا حقه يوم حصاده> روایت شده است: پرداخت حق الحصاد در روز درو، بر تو واجب است و این حق، غیر از زکات است . . .

۲۱ عن النبي(ص) في قوله: <وأتوا حقه يوم حصاده> قال: ما سقط من السنبل.

از رسول خدا(ص) در توضیح آیه <وأتوا حقه يوم حصاده> روایت شده است: خوشه های بر زمین ریخته شده در هنگام درو، حق الحصاد است.

دانش کشاورزی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۵،۶

۵ یوسف (ع) بر نحوه کشت و برداشت و ذخیره سازی آذوقه ها و چگونگی تقسیم و توزیع آنها، آگاهی کامل داشت .

قال اجعلني على خزائن الأرض إني .. . عليم

۶ یوسف (ع) بر به کارگیری توان و دانش خویش در امر کشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأکید کرد .

اجعلني على خزائن الأرض إني حفيظ عليم

جمله <إني حفيظ عليم> علاوه بر اینکه حاکی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد که وی دانش و توانایی اش را در اموری که به او سپرده شود ، به کار می گیرد و بدان متعهد می شود.

درو محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۱

۱۱ لزوم پرداخت بخشی از محصولات کشاورزی به هنگام چیدن میوه ها و

درو کردن غلات

و ءاتوا حقه يوم حصاده

روش مبارزه با آفات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۹

۹ غلات با نگهداری در خوشه ها و غلاف های آن ، مصونیت بیشتری را در مقابل آفات خواهند یافت .

فما حصدتم فذروه فی سنبله

رویاننده محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۱

۱- خداوند ، رویاننده کشتزارها و درختان زیتون ، خرما و انگور و تمامی محصولات کشاورزی است .

ینبت لکم به الزرع و الزیتون و النخیل و الأعنب و من کل الثمرت

زکات محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ خداوند حقی برای خود در محصولات کشاورزی قرار داده است.

و ءاتوا حقه يوم حصاده

مرجع ضمیر <حقه>، به قرینه صدر آیه، ممکن است <الله> باشد.

۱۱ لزوم پرداخت بخشی از محصولات کشاورزی به هنگام چیدن میوه ها و درو کردن غلات

و ءاتوا حقه يوم حصاده

۱۲ حکم زکات در مکه شامل همه محصولات کشاورزی می شده است.*

جنت . . و النخل و الزرع ... و الزيتون و الرمان ... و ءاتوا حقه يوم حصاده

فرمان به ادای حق محصولات کشاورزی در روز چیدن اختصاص به محصولات خاصی، مانند غلات، ندارد. و چون در آیات مکی دیگر نیز فرمان زکات یاد شده، محتمل است فرمان به <ايتاء حق الحصاد> اشاره به همان حکم زکات باشد.

۱۳ حکم پرداخت حقوق مالی (زکات یا حق الحصاد) از محصولات کشاورزی در مکه نازل شده است.

ءاتوا حقه يوم حصاده

زمین کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۵ - ۸

۸ زمین مرتفع ، دارای استعداد بیشتر برای ثمردهی است .

کمثل جنه بربوه اصابها وابل فانت اُكلها ضعفين

زیان به محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۱

۱ - آسیب دیدن محصولات کشاورزی ، یأس آور برای انسان ها و باعث احساس حرمان برای آنان

لو نشاء .. فظلمتم تفكهنون ... بل نحن محرومون

فواید کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۲

۱۲ آب فراوان و رونق کشاورزی از شاخصه های توانمندی و قدرت اقوام و تمدنهای

و أرسلنا السماء عليهم مدرارا و جعلنا الأنهر تجري من تحتهم

کشاورزی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۴

۴ - قوم موسی ، از گاو برای شخم زنی و آبیاری کشتزارها استفاده می کردند .

لاذلول تثير الأرض و لاتسقى الحرث

کشاورزی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۴

۴ کشاورزی و دامداری از منابع درآمد مردم در عصر جاهلیت بوده است.

مما ذراً من الحرث و الأنعم

کشاورزی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ سرزمین مصر در زمان یوسف (ع) زمینه دار تولید غلات و محصولات بیبش از مصرف سرانه آن سامان

قال تزرعون سبع سنین

دأبًا فما حصدم فذروه في سنبله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۴

۴ طرح کاشت مداوم غلات و ذخیره سازی آنها برای سال های قحطی ، تنها در قلمرو حکومتی مصر انجام گرفت .

و جاء إخوه يوسف

کشاورزی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۸ - ۲

۲ - کشاورزی ، یکی دیگر از محور های فعالیت اقتصادی ثمودیان

و زروع

کشاورزی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۴

۴ - کشاورزی و دامداری ، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

ماءها و مرعيها .. متعًا لكم ولأنعمكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۴

۴ - کشاورزی و دامداری ، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

متعًا لكم ولأنعمكم

محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - محصولات طبیعی ، روزی خدادادی است .

جَتَّانَ عَنِ يَمِينِ وَ شَمَالِ كَلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ

منابع آب کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۳

۳ آب باران ، مناسب ترین آب برای کشاورزی و احیای زمین های مرده

و أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا لِنَحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا

از این که خداوند از میان انواع آب ها، آب باران را عامل احیای زمین برشمرده و قید <طهور> (پاک و پاک کننده) را بر آن

افزوده است، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

منشأ توسعه کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۵ - ۴

۴ - رونق کشاورزی ، نشانه لطف و رحمت الهی به انسان ها است .

لو نشاء لجعلنه حطماً . فظلمتم تفكّهون

نابودی محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۱

۱ - از بین رفتن محصولات کشاورزی ، خسارتی سنگین و تکان دهنده برای انسان ها

لو نشاء .. فظلمتم تفكّهون . إنا لمغرمون

نیاز به محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۵ - ۳

۳ - وابستگی شدید مردم ، به محصولات کشاورزی

لو نشاء لجعلنه حطماً فظلمتم تفكّهون

طرح موضوع کشاورزی و این که اگر خداوند مانع محصول دادن آن شود، کافران به وضع رقت باری گرفتار خواهند شد، نشانگر مطلب یاد شده است.

یوسف(ع) و وزارت کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق پردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار< این است که امور یاد شده را به من بسپار / یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت

کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض ... و كذلك مکنا لیوسف فی الأرض

کشاورزان

عوامل سرور کشاورزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - بارش باران و سرسبز شدن مزارع ، برانگیزاننده شگفتی کشاورزان و مایه سرور و شادمانی آنان

کمثل غیث أعجب الکفار نباته

<اعجاب> (مصدر <أعجب>) به معنای به شگفتی واداشتن است و <کافر> (مفرد <کفار>) در این جا به معنای کشاورز می باشد.

کشتزار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کشتزار

آثار سرسبزی کشتزارها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - بارش باران و سرسبز شدن مزارع ، برانگیزاننده شگفتی کشاورزان و مایه سرور و شادمانی آنان

کمثل غیث أعجب الکفار نباته

<اعجاب> (مصدر <أعجب>) به معنای به شگفتی واداشتن است و <کافر> (مفرد <كفار>) در این جا به معنای کشاورز می باشد.

اهمیت کشتزار ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۹ - ۷

۷ درخت ها و کشتزار ها ، دو نمود برکت باران و بقای رحمت آن

ماء مبرکاً فأنبتنا به جنت و حبّ الحصيد

تشبیه به کشتزار پر محصول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۳

۳۳- تشبیه پیامبر اسلام و یاران آن

حضرت در انجیل ، به زراعتی شکوفا ، پرحاصل و شکفت انگیز

و مثلهم فی الإنجیل کزرع أخرج شطه فازره

<کزرع..> خبر برای <مثلهم فی الإنجیل> است.

تمثیل به کشتزار سرسبز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱،۲

۱ زندگی دنیوی مانند کشتزار سرسبزی است که در معرض انواع رخداد ها و آفت های بنیان کن می باشد .

إنما مثل الحیوه الدنیا کماء .. حتی إذا أخذت الأرض زخرفها و ازینت ... أتیها أمر

۲ دنیامداران ، به دهقانی می مانند که مزرعه خرم و به خوشه نشسته اش وی را مست و بی خود سازد و با خاطری آسوده و غافل از تمامی حوادث و آفت های در کمین نشسته به خوابی خوش فرو رود .

إنما مثل الحیوه الدنیا .. و ظن أهلها أنهم قدرون علیها أتیها أمرنا لیلا أو نهار

رویاننده کشتزار ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۱

۱- خداوند ، رویاننده کشتزار ها و درختان زیتون ، خرما و انگور و تمامی محصولات کشاورزی است .

ینبت لكم به الزرع و الزیتون و النخیل و الأعنب و من کل الثمرت

زیان کشتزار قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۵

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث إذ نفشت

فیه غنم القوم و کنا لحکمهم شهدین

نوع مفسران بر آنند که <فَهْمَنَاهَا> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کنا لحکمهم شهدین> و <و کلاً آتینا حکماً و علماً> می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

زیان کشتزار قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۵

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم و کنا لحکمهم شهدین

نوع مفسران بر آنند که <فَهْمَنَاهَا> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کنا لحکمهم شهدین> و <و کلاً آتینا حکماً و علماً> می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۱

۱- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، با الهام خداوند بود .

فَهْمَنَاهَا سلیمان

<فا> در <فَهْمَنَاهَا> برای تعقیب است و

ضمیر <ها> به حکومت (قضاوت) بازمی گردد؛ یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان (ع) حکم واقعی را به سلیمان فهمانندیم.

زیبایی کشتزارها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۳۳ - ۲

۲- جریان نهر آب از میان باغ و کشتزارها، صحنه ای دل انگیز و تماشایی است.

كَلَّتِ الْجَنَّتِينَ ءَاتَتْ أَكْلَهَا وَلَمْ تَظْلَمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلْفَهُمَا نَهْرًا

کشتزار قصه داود (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۳، ۲

۲- داوری داوود و سلیمان (ع)، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ يحکمان فی الحرث إذ نفشت فيه غنم القوم

<نفش> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۳- داوود و سلیمان (ع)، در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان، به مشورت پرداختند.

و داود و سلیمان إذ يحکمان فی الحرث إذ نفشت فيه غنم القوم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که <یحکمان> با صیغه تشبیه، اشاره به مشورت داوود و سلیمان داشته باشد، چه این که حکم هر یک به صورت استقلالی در یک واقعه، بعید به نظر می رسد.

۹- > أحمد بن عمر الحلبي قال : سألت أبا الحسن (ع) عن قول الله عز وجل : < و داود و سلیمان إذ يحکمان فی الحرث > قال : كان حکم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذي فهم الله عز وجل سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف

احمد بن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن (ع) در باره سخن خداوند عزوجل <و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث> سؤال کردم، فرمود: حکم داوود (ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کل آن سال برای او باشد.

۱۰- > عن أبی عبدالله (ع) قال : کان فی بنی اسرائیل رجل له کرم و نفشت فیہ غنم رجل آخر باللیل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الکرّم إلی داود فاستعدی علی صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهب إلی سلیمان (ع) لیحکم بینکما فذهب إلیه فقال : سلیمان إن کانت الغنم أکلت الأصل و الفرع فعلی صاحب الغنم أن یدفع إلی صاحب الکرّم الغنم و ما فی بطنها و إن کانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنّه یدفع ولدها إلی صاحب الکرّم و کان هذا حکم داود ... ؛

از امام صادق (ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه کردند... صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند

را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...>.

۱۱- > عن أبي عبد الله (ع) (في) قول الله عزوجل: > و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث < ... قال: إنه كان أوحى الله عزوجل إلى النبيين قبل داود إلى أن بعث الله داود (ع) أي غنم نفشت في الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم ... فحكّم داود (ع) بما حكمت به الأنبياء (ع) من قبله و أوحى الله عزوجل إلى سليمان (ع) أي غنم نفشت في الزرع فليس لصاحب الزرع إلا ما خرج من بطون ها و كذلك جرت السنّه بعد سليمان < ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزوجل > و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث < روایت شده .. که فرمود: همانا خدای عزوجل به پیامبران قبل از داوود تا زمانی که او را برانگیخت وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد ... پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خود حکم داد و خدای عزوجل به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد؛ مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت...<.

کشتزار قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۲،۳

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در

شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم

<نفث> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۳- داوود و سلیمان (ع)، در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان، به مشورت پرداختند.

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که <یحکمان> با صیغه تنییه، اشاره به مشورت داوود و سلیمان داشته باشد، چه این که حکم هر یک به صورت استقلالی در یک واقعه، بعید به نظر می رسد.

منشأ پیدایش کشتزارها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۹ - ۴

۴ پیدایش بوستان ها و کشتزارها در پی نزول باران، درسی برای خداجویان

و نزلنا من السماء ماء مبرکاً فأنبثنا به جنّ و حبّ الحصيد

کشتی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کشتی

آثار حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۶ - ۱

۱- حرکت پیوسته کشتی ها و قوانین حاکم بر آن، در جهت منافع انسان و جلوه ای از ربوبیت خداوند است.

ربکم الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله

آثار سوراخ کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع)، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرف و مصادره آن شد .

فأردت أن أعيبها و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

آسیب

پذیری کشتی بادبانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۷

۷ کشتی های بادبانی مورد استفاده در عصر بعثت برای سفر های دریایی ، آسیب پذیر در برابر طوفان و امواج دریا

حتى إذا كنتم فى الفلك . . . جاءتها ريح عاصف و جاءهم الموج من كل مكان و ظنوا أنهم

استحکام کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۴

۴ کشتی نوح ، سفینه ای بسیار مقاوم و برخوردار از بهترین اصول فنی و تکنیکی

و هی تجرى بهم فى موج كالجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۶

۶ - کشتی نوح ، برخوردار از استحکام بالا و کیفیتی پیشرفته

فأنجینه و من معه فى الفلك المشحون

انباشته بودن و نیز نجات یافتن نوح(ع) و پیروانش از طوفان بزرگ، نمایان گر استحکام و کیفیت بسیار بالای ساختمان کشتی است.

استفاده از کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۱

۱ - بهره‌وری انسان از موهبت های طبیعی (کشتی و حیوانات) ، زمینه ساز توجه وی به نعمت دهنده بودن خداوند

جعل لكم من الفلك والأنعم .. لتستوا على ظهوره ثم تذكروا نعمه ربكم إذا استوى

استفاده از کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۱

۱۱- مسخر و رام بودن کشتی ها از سوی خداوند ، به منظور بهره‌وری و سود بردن انسان است .

و مسخر

لکم الفلک

امکانات کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۵

۵ - کشتی نوح ، انباشته از امکانات ضروری و مورد نیاز سرنشینان آن

فی الفلک المشحون

<شَحْن> (مصدر مجهول <مشحون>) به معنای پُر گردانیده شدن است. بنابراین <فلک مشحون> یعنی، کشتی پر شده. گفتنی است که متعلق <مشحون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <فی الفلک المشحون بما یفتقر إلیه>.

اهمیت صنعت کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۴

۴ - اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای بشر

و ءایه لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون

قرار گرفتن نعمت کشتی رانی در کنار نعمت بزرگ خورشید و ماه برای بشر، گویای اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای انسان ها است.

اهمیت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۸

۸ نجات نوح (ع) و مؤمنان به او ، در گرو ساخت کشتی بود .

واصنع الفلک . . . إنهم مغرقون

بقای کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۷۸

۷ - کشتی نوح (ع) ، اثری باقیمانده از طوفان نوح ، و آیه بزرگ الهی برای همه جهانیان است .

فأنجینه و أصحاب السفینه و جعلنها آیه للعلمین

۸ - نجات نوح (ع) و اصحاب کشتی وی و باقی ماندن کشتی ، به عنوان آیه الهی برای

مردم ، به دست خداوند بود .

فأنجينه و أصحاب السفينه و جعلنها آيه للعلمين

بقایای کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - برجای ماندن کشتی نوح برای چندی در زمین ، به عنوان نشانه الهی و به منظور عبرت آموزی خلق

و لقد تركنها آيه فهل من مدكر

واژه <آیه> در معانی <علامت> ، <معجزه> و <عبرت> به کار می رود. گفتنی است برداشت یاد شده بر این احتمال است که ضمیر <ترکناها> به <ذات ألواح> بازگردد.

۲ - برجای ماندن بقایای کشتی نوح ، تا عصر نزول قرآن *

و لقد تركنها آيه

در صورتی که <ترکنا> به معنای برجای نهادن آثار و بقایا باشد و نه صرفاً به معنای باقی گذاشتن خاطره و یاد کشتی نوح از قید <هل من مدكر> مطلب بالا استفاده می شود.

پسر نوح(ع) و کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۵،۶

۵ فرزند نوح ، به هنگام حرکت کشتی ، با فاصله ای نسبتاً دور از کشتی بسر می برد .

و نادى نوح ابنه و كان فى معزل

متعلق <معزل> آیه و یا الفلک می باشد. بنابراین <و كان ...> یعنی ، فرزند نوح در کناری و به دور از پدرش یا کشتی بسر می برد.

۶ فرزند نوح ، علی رغم مشاهده دریایی از آب خروشان ، از همراهی با نوح (ع) و سوار شدن بر کشتی نجات ، کناره گرفت

و هي تجرى بهم في موج كالجبال و نادى نوح ابنه و كان في معزل

وقوع

جمله <و نادى نوح> پس از <هى تجرى بهم...> گویای این است که گفتوگوی حضرت نوح(ع) با فرزندش، پس از بالا آمدن آب و حرکت کشتی بوده است جمله و <حال بینهما الموج> در آیه بعد مؤید این معنا می باشد. قابل ذکر است که برخی از مفسران، جمله <نادى نوح...> را عطف بر <قال اركبوا...> دانسته و گفته اند: گفتوگوی یاد شده، پیش از حادثه طوفان و بالا آمدن آب بوده است.

پیروان نوح(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۱

۱ پیروان نوح، پس از شروع طوفان و در پی فرمان او، به کشتی سوار شدند.

و قال اركبوا فيها... و هى تجرى بهم

جمله <هى تجرى...> عطف بر جمله ای مقدر است که به خاطر وضوح و اختصار در کلام ذکر نشده است، یعنی: فرکبوا فیها و هى تجرى بهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۲

۲ - نوح (ع) و جمعی از مردم مؤمن به وی، در واقعه طوفان، بر کشتی سوار شدند.

فأخذهم الطوفان... فأنجینه و أصحاب السفینه

پیشگویی کشتی های غول پیکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۸

۸ - پیش بینی قرآن، از ساخت و حرکت کشتی های کوه پیکر در اقیانوس ها *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

بنابراین که در عصر نزول، کشتی های کوه پیکر هنوز ساخته

نشده بود، آیه شریفه می تواند نظر به آینده کشتی سازی بشر داشته باشد.

تاریخ کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۵

۵ کشتی سازی ، دارای سابقه طولانی در تاریخ بشر

واصنع الفلک بأعیننا ووحینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳ - وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلى الفلک المشحون

تخته های کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳،۴

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

۴ - کشتی نوح ، دارای شکلی ابتدایی و تشکیل شده از مشتی تخته و میخ *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

از تعبیر <ذات ألواح و دسر> نوعی کوچک نمایی و ناچیزشماری کشتی حضرت نوح استفاده می شود. این گفتار درصدد

تبيين اين جهت است كه اگر نوح(ع) نجات يافت، با حمايت و لطف خداوند بود

نه در پرتو استحکام کشتی او؛ زیرا این کشتی تاب مقاومت در برابر آن طوفان سهمگین را نداشت.

تسخیر کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۳

۳ - رام بودن شتر برای بشر و مکانیسم طبیعی قرار گرفتن و حرکت کشتی بر سطح آب تدبیری الهی است .

و علیها و علی الفلک تحملون

تسخیر کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۸

۱۸- مسخر و رام کردن کشتی ها ، نهر ها و رود ها برای انسان ، دلیل و نشانه توحید خداوند

الله الذی خلق .. و سخر لكم الفلک لتجرى فى البحر بأمره و سخر لكم الأنهر

توقف کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۹

۹ > عن أبی عبدالله (ع) ... أمر الله الأرض أن تبلع مائها و هو قوله < و قيل یا أرض ابلعى مائک ... > فبلعت الأرض ماءها فأراد ماء السماء أن یدخل فى الأرض فامتنعت الأرض من قبولها و قالت : إنما أمرنى الله عز و جل أن أبلع مائى فبقى ماء السماء على وجه الأرض و استوت السفینه على جبل الجودی و هو بالموصل جبل عظیم ، فبعث الله جبرئیل فساق الماء إلى البحار حول الدنيا ... ;

[در مورد طوفان نوح] از امام صادق(ع) روایت شده است که: خداوند به زمین فرمان داد تا آب خود را فرو برد و این سخن

خداست که

فرمود: <.. یا ارض ابلعی مائک ...>... پس زمین آب خود را فرو برد. آبی که از آسمان آمده بود خواست در زمین فرو رود، زمین از قبول آن امتناع کرد و گفت: خدای عزوجل مرا فرمان داده فقط آب خود را فرو ببرم، پس آب آسمان روی زمین باقی ماند و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و آن کوه بزرگی است در موصل. پس خداوند جبرئیل را برانگیخت و او آنها را به دریاهاى اطراف دنیا سوق داد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱

۱ خداوند ، پس از استقرار کشتی نوح بر کوه جودی ، به او و همراهانش فرمان داد تا از کشتی پیاده شوند و از کوه فرود آیند .

واستوت علی الجودی ... قیل ینوح اهبط

<هبوط> به معنای فرود آمدن است. متعلق <اهبط> به قرینه <استوت علی الجودی> کشتی و نیز کوه جودی است؛ یعنی: أنزل من الفلک و من الجودی ... نیاوردن متعلق، دلیل این شمول است. فاعل محذوف <قیل> به قرینه <منا> خداوند است.

جایگاه حیوانات در کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۸

۸ - < عن أمير المؤمنين (ع) قال (فی) الفلک المشحون > : اتخذ نوح (ع) فيه تسعين بيتاً للبهائم ؛

أمیرالمؤمنین(ع) درباره <الفلک المشحون> فرمود: نوح در آن کشتی نود جایگاه برای چهارپایان قرار داده بود.<.

حرکت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ -

۲ حرکت کشتی ها بر سطح دریا ، در سایه وزش باد های ملایم و موافق ، از جلوه های ربوبیت و پروردگاری خدا

هو الذی یسیرکم فی البر و البحر حتی إذا کنتم فی الفلک و جرین بهم بريح طيبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۱۳، ۴

۴ - توجه به تسخیر طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد با کرات و سنگ های آسمانی ، زمینه روشنی برای ره یابی به توحید ربوبی خداوند

ألم تر أن الله سخر.. أن تقع على الأرض

۱۳ - رام بودن طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد کرات آسمانی با آن ، جلوه های رأفت و رحمت گسترده خدا به انسان

ألم تر أن الله سخر.. إن الله بالناس لرءوف رحيم

حرکت کشتی در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۶

۶ - حرکت کشتی ها در دریا در جهت منافع انسان ، از نشانه های توحید و رحمت گستری خداوند است .

إن فی .. الفلک تجری فی البحر بما ینفع الناس ... لأیت

کلمه <ما> در <بما ینفع> می تواند موصوله باشد که در این صورت <باء> به معنای مصاحبت است. بر این مبنا <التی تجری...> یعنی، آن کشتیهایی که در دریا حرکت می کنند و چیزهایی (از قبیل مال التجاره ها و ...) به همراه دارند که برای مردم سودبخش است ... و نیز <ما> می تواند مصدریه باشد که در این صورت

<باء> به معنای سبب است، یعنی، کشتیهایی که در دریا به خاطر نفع رسانی به مردم در حرکت هستند.

حرکت کشتی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۳

۳ کشتی نوح، او و همراهانش را در میان موج های عظیمی بسان کوهها، به پیش می برد.

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

<موج> اسم جنس است و بر یک موج و نیز موجهای متعدد و کثیر اطلاق می شود از آن جا که در آیه شریفه، کلمه <موج> به <جبال> (کوهها) تشبیه شده، معلوم می شود مراد از آن، امواج متعدد و کثیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی حضرت نوح بر امواج طوفان، در پرتو حمایت و نظارت الهی

تجری بأعیننا

حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۴،۶

۴ - آمادگی شرایط طبیعی و خصوصیات اجسام، برای ساختن کشتی و حرکت بر آب، از نشانه های خدا است.

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّٰه لیریکم من ءایته

۶ - فلسفه فراهم آوردن امکانات حرکت کشتی در آب، ارائه برخی از آیات خدا به بندگان است.

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّٰه لیریکم من ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، آیه ای

الهی و نشانی از تدبیر ، علم و قدرت خداوند است .

و من آياته الجوار فی البحر

<جوار> (جمع <جاریه>) وصف <سفن> (جمع <سفینه>) است که به دلیل اختصار حذف گشته، و وصف جریان و حرکت کشتی ها جایگزین آن شده است.

حیوانات در کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۶،۷،۲۲

۶ بردن انواع حیوانات به کشتی و نجات دادن آنها از غرق شدن ، از وظایف نوح (ع) پس از پیدایش نشانه طوفان (فوران آب از تنور)

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

۷ نوح (ع) ، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند .

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

مضاف الیه <کل> کلمه ای همانند <حیوان> است یعنی: من کل حیوان کلمه <اثنین> تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان ، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

۲۲ > عن أبی عبد الله (ع) قال : حمل نوح (ع) فی السفینه الأزواج الثمانیه التي قال الله عزوجل : > ثمانیه أزواج من الضأن اثنین و من المعز اثنین و من الإبل اثنین و من البقر اثنین > فكان من الضأن اثنین زوج داجنه یربّیها الناس و الزوج الآخر الضأن التي تكون فی الجبال الوحشیّه . . . و من المعز اثنین زوج داجنه . . . و الزوج الآخر الطبی التي تكون فی المفاوز و من الإبل اثنین البخاتی و العراب و من البقر

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح هشت زوجی را که خدا فرموده <ثمانیه أزواج من الضأن اثنین...> در کشتی قرار داد: از میش دو جفت یک جفت اهلی که مردم تربیت می کنند و جفت دیگر وحشی که در کوههاست ... و از بز دو جفت: یکی اهلی ... و دیگری آهو که در بیابانهاست و از شتر دو جفت: یکی بخاتی (شتر خراسانی که از شتر عربی و شتر فالج به وجود آید) و دیگری عربی و از گاو دو جفت: یکی اهلی و دیگری وحشی <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۸

۸ - نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا .. فأسلك فيها من كل زوجين اثنين و أهلك إلا من سبق عليه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۲

۲ - استقرار نوح (ع) و مؤمنان همراه او در کشتی ، پس از جای دادن حیوانات و خاندانش در آن

فأسلك فيها من كل زوجين اثنين و أهلك .. فإذا استويت أنت و من معك على الفلك

از تفریع عبارت <فإذا استويت> بر آیه قبل، استفاده می شود که حضرت نوح(ع) نخست حیوانات و خاندانش را در کشتی جای داد و آن گاه خود و یارانش بر آن سوار شدند.

خانواده نوح(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ نوح (ع) از ناحیه خداوند به نجات خانواده خویش و سوار کردن آنان به کشتی موظف شد .

قلنا احمل فیها .. اهلک

کلمه <اهل> در <اهلک> عطف بر <زوجین> و در حقیقت مفعول برای <احمل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۸

۸ - نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا .. فاسلک فیها من کل زوجین اثنین و اهلک إلا من سبق علیه القول

خضر(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۶، ۴، ۲

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی ، سوار کشتی شدند .

فانطلقا حتی إذا رکبا فی السفینه

۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی ، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند .

حتى إذا رکبا فی السفینه خرقتها

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی ، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است .

خرقتها قال آخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او

می شدند. از این که تنها، موسی(ع)اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است .

خطر در کشتی قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۲

۲ - وجود خطر برای کشتی حامل یونس (ع) و رفع آن ، با افکنده شدن یک نفر به دریا

إذ أبق إلى الفلك المشحون . فساهم فكان من المدحضين

خلقت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۲

۲ - آفرینش دام ها و کشتی ها ، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّٰه الذی جعل لکم الأنعم .. و علیها و علی الفلک تحملون . و یریکم ءایته

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

درخواست فرود کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۱

۱ - روی آوردن به دعا پس از استقرار یافتن در کشتی و درخواست فرود آمدن در جایی پر برکت ، رهنمود دیگر خداوند به

نوح (ع)

فإذا استویت .. فقل الحمد لله ... و قل ربّ أنزلنی ... و أنت خیر المنزلین

واژه <ربّ> مشترک لفظی میان مصدر (تربیت کردن) و وصف (مربی و تربیت کننده) است که در این جا معنای وصفی دارد. <منزل> می تواند مصدر میمی به معنای انزال باشد و نیز می تواند اسم مکان به معنای منزلگاه و مهمان سرا باشد.

زمان بارگیری کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۳

و سوار شدن بر آن را تعیین کرد .

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قَلْنَا احْمِلْ فِيهَا

زمان حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۹

۹ > عن أبي عبدالله (ع) : إن نوحاً (ع) ركب السفينه أول يوم من رجب ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: حضرت نوح اول ماه رجب بر کشتی سوار شد. <..

زوجیت حیوانات کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۱، ۹

۹ - نوح (ع) ، طبق دستور الهی می بایست از هر حیوان ، تنها یک نر و یک ماده را وارد کشتی کند .

فاسلک فیها من کل زوجین اثنين

۱۱ - کشتی نوح ، ظرفیت بیش از یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان مورد نیاز را نداشت .

فاسلک فیها من کل زوجین اثنين

تأکید خداوند بر این که از هر حیوان تنها یک نر و یک ماده و نه بیشتر را در کشتی جای دهند (من کل زوجین اثنين)، بیانگر مطلب فوق است.

سفر با کشتی بادبانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۸

۸ دریانوردی با کشتی های بادبانی ، سفری آمیخته با بیم و امید

حتى إذا كنتم فى الفلك . . . و فرحوا بها ... و ظنوا أنهم أحيط بهم

سوراح كشتى قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - كهف - ١٨

۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند.

حَتَّى إِذَا رَكَبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد.

قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرَقَ أَهْلُهَا

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است.

خَرَقَهَا قَالِ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرَقَ أَهْلُهَا

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع)اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است.

۸- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود.

لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا

<إمر> به معنای <منکر عظیم> و نیز <منکر عجیب> آمده است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۲ - ۳

۳- خضر (ع) با بیان آگاه نبودن موسی (ع) به راز معیوب ساختن کشتی، پندار وی را در مورد انگیزه آن کار، تخطئه کرد.

أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرَقَ أَهْلُهَا .. أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

شگفتی حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۷

شکافتن آب آن ، منظره ای دیدنی و شگفت آور

و تری الفلک مواخر فیه

عبارت <و تری الفلک مواخر فیه> معترضه است و بین چند جمله ای واقع شده که به همدیگر عطف شده اند. آوردن جمله معترضه در صورتی که امکان عطف وجود دارد به خاطر مخالفت با اسلوب جمله و بیان تعجب آور بودن آن است. لازم به ذکر است که <مواخر> جمع <مأخره> (از ماده مخر) بوده و به معنای شکافتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۳

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به شگفتی حرکت کشتی های عظیم بر دریا و درس آموزی از آن

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم . فبأی ءالاء ربکما تکذبان

ظرفیت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - کشتی نوح ، ظرفیت بیش از یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان مورد نیاز را نداشت .

فاسلک فیها من کل زوجین اثنین

تأکید خداوند بر این که از هر حیوان تنها یک نر و یک ماده و نه بیشتر را در کشتی جای دهند (من کل زوجین اثنین)، بیانگر مطلب فوق است.

عبرت از حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۱

۱ - حرکت کشتی ها بر پهنه دریا ، در پرتو مواهب الهی ، شایسته تأمل و درس آموزی است .

الم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّٰه

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۳

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به شگفتی حرکت کشتی های عظیم بر دریا و درس آموزی از آن

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم . فبأی ءالاء ربکما تکذبان

عبرت از کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۱

۱ - برجای ماندن کشتی نوح برای چندی در زمین ، به عنوان نشانه الهی و به منظور عبرت آموزی خلق

و لقد ترکنها ءایه فهل من مدکر

واژه <آیه> در معانی <علامت> ، <معجزه> و <عبرت> به کار می رود. گفتنی است برداشت یاد شده بر این احتمال است که ضمیر <ترکناها> به <ذات ألواح> باز گردد.

عظمت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۹

۹ کشتی نوح ، سفینه ای فوق العاده بزرگ و عظیم

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

ظرفیت کشتی برای حمل یک جفت از هر حیوان ، حکایت از بزرگی و عظمت فوق العاده آن دارد.

عوامل توقف کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۲

۲ کشتی نوح ، با نام خدا حرکت می کرد و با نام خدا از حرکت باز می ایستاد .

بسم الله مجریها و مرسیها

<مجری> و <مرسی> مصدرهای میمی هستند و در کلام مبتدا واقع شده اند و به ترتیب به معنای <جری> (حرکت کردن) و <إرساء> (از حرکت بازداشتن) می باشد. حرف <باء> برای استعانت و <بسم الله> خبر برای

<مجریها...> است. بنابراین جمله <بسم الله مجریها...> چنین معنا می شود: [نوح گفت: حرکت این کشتی و نیز بازداشتن آن از حرکت، با نام خدا تحقق می یابد.

عوامل توقف کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۱

۱ - رکود و سکون کشتی ها با جلوگیری از وزش باد، امری سهل و آسان برای خداوند است.

إن یثأ یسکن الریح فیظللن رواکد علی ظهره

عوامل حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۲

۲ کشتی نوح، با نام خدا حرکت می کرد و با نام خدا از حرکت باز می ایستاد.

بسم الله مجریها و مرسیها

<مجری> و <مرسی> مصدرهای میمی هستند و در کلام مبتدا واقع شده اند و به ترتیب به معنای <جری> (حرکت کردن) و <إرساء> (از حرکت بازداشتن) می باشد. حرف <باء> برای استعانت و <بسم الله> خبر برای <مجریها...> است. بنابراین جمله <بسم الله مجریها...> چنین معنا می شود: [نوح گفت: حرکت این کشتی و نیز بازداشتن آن از حرکت، با نام خدا تحقق می یابد.

عوامل حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۹

۹ - از جمله فواید باد ها، به حرکت در آوردن کشتی ها در دریا ها است.

أن یرسل الریاح .. و لتجری الفلک بأمره

<لام> در <لتجری> تعلیل برای فعل <یرسل> است.

عوامل غرق کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - غرق شدن کشتی ها در اثر عملکرد ناشایست انسان ها ، ناشی از اراده و مشیت خداوند است .

إن يشأ يسكن الريح . . . أو يوبقهن بما كسبوا

<إيباق> (مصدر <يوبق>) به معنای اهلاك و کنایه از غرق کردن است.

غرق کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۶

۶ - فرو نرفتن کشتی های کوه پیکر در اعماق دریا ها ، از شگفتی های جهان طبیعت و نشانه قدرت بی مانند خداوند است .

و من ءاياته الجوار في البحر كالأعلم

اشاره به کوه پیکر بودن کشتی ها، می تواند ناظر به این نکته باشد که فرونرفتن چنین اجسامی در دل دریاها، امری بس شگفت بوده و نشان از قدرتی بی مانند دارد.

غرق مسافران کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۳ - ۱

۱ - خداوند بر غرق ساختن تمامی سرنشینان کشتی ها در اعماق دریا ها توانا است .

و إن نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم ينقدون

فقر مالکان کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۲

۲- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) ، در مالکیت گروهی از محرومان بود و تنها وسیله ارتزاق آنان به شمار می آمد .

فكانت لمسكين يعملون في البحر

فلسفه تسخير كشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - مسخر و رام بودن كشتی ها از سوی

خداوند ، به منظور بهره‌وری و سود بردن انسان است .

و سَخَّر لَكُمُ الْفَلَکَ

فلسفه سوراخ کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۳، ۱

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أَمَّا السَّفِينَةُ ... فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا ... يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا

۱۳- عملکرد خضر (ع) در مورد کشتی ، مصداقی از تقدیم اهم ، به هنگام مزاحمت آن با امری مهم است .

وَأَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ ... يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا

فواید کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۱

۱ - امکان بهره‌وری بشر از شتران و کشتی ها در جهت سواری و حمل و نقل ، نمونه ای دیگر از تدبیر الهی

و علیها و علی الفلک تحملون

ضمیر در <علیها> به اُنعام بازمی گردد و مراد از آن به قرینه <تحملون> تنها شتران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۳

۳ - سفر دریایی و استفاده از کشتی ، در عصر ظهور اسلام ، رواج داشته است .

فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفَلَکِ دَعَا اللَّهُ مَخْلَصِينَ لَهُ الدِّينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - امکان بهره برداری انسان ها از دریا به وسیله کشتی در سیر و سفر و حمل و نقل ، از نعمت های الهی است .

و آیه لهم

أنا حملنا ذرّيتهم في الفلك المشحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۳

۳- آفرینش مرکب‌هایی مانند کشتی (چهارپایان و ...) از سوی خداوند، به سود بشر و از نعمت‌های او است.

و آیه لهم ... و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

گفتنی است که لام در <لهم> برای انتفاع است، یعنی، مرکب‌های مانند کشتی را به نفع انسان‌ها آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۵

۵- شتران و کشتی‌ها، از وسایل فراهم شده از سوی خداوند، برای حمل و نقل انسان‌ها در دریا و خشکی

و علیها و علی الفلک تحملون

فواید کشتی‌ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۶ - ۳

۳- دریا‌ها و کشتی‌ها، در دستیابی انسان به موهبت‌های طبیعت و نعمت‌های خداوندی، نقش بس‌مهم و مؤثر دارند.

ربکم الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۴

۴- مرکب‌قرار گرفتن کشتی‌ها و دام‌ها، از نعمت‌های الهی برای انسان است.

و جعل لکم من الفلک و الأنعم ما ترکبون

فواید کشتیرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۶

۶ - حرکت کشتی ها در دریا در جهت منافع انسان ، از نشانه

های توحید و رحمت گستری خداوند است .

إن فی .. الفلک تجری فی البحر بما ینفع الناس ... لأیت

کلمه <ما> در <بما ینفع> می تواند موصوله باشد که در این صورت <باء> به معنای مصاحبت است. بر این مبنا <التي تجری...> یعنی، آن کشتیهایی که در دریا حرکت می کنند و چیزهایی (از قبیل مال التجاره ها و ...) به همراه دارند که برای مردم سودبخش است ... و نیز <ما> می تواند مصدریه باشد که در این صورت <باء> به معنای سبب است؛ یعنی، کشتیهایی که در دریا به خاطر نفع رسانی به مردم در حرکت هستند.

قوم نوح و کشتی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۹ - ۴

۴ کفرپیشگان ، ساختن کشتی را آزار و عذابی بی جا و تحمیل شده بر نوح (ع) و پیروانش قلمداد کرده و آن را مایه شرمساری ایشان می شمردند .

یصنع الفلک .. فسوف تعلمون من یأتیة عذاب یخزیه

کشتی از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۱

۱ - سوار شدن انسان ها بر کشتی های پر بار و مجهز ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و ءایه لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون

<مشحون> به معنای <مملو> است و <فلک مشحون> یعنی، کشتی پر بار و مجهز به تجهیزات لازم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۲

۲ - آفرینش مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و .

.. در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند

و ءایه لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون . و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <و خلقنا لهم..> عطف بر جمله <حملنا ذریتهم> می باشد و درصدد بیان نشانه های تدبیر و قدرت خداوند است.

کشتی بادبانی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۷

۷ کشتی های بادبانی مورد استفاده در عصر بعثت برای سفر های دریایی ، آسیب پذیر در برابر طوفان و امواج دریا

حتى إذا کتم فی الفلک .. جاءتها ریح عاصف و جاءهم الموج من کل مکان و ظنوا أنهم

کشتی سازی پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ پیروان نوح ، همراه و همگام با او برای ساختن کشتی

إن تسخروا منا فإننا نسخر منکم

برداشت فوق ، مقتضای آوردن ضمیر جمع در <منا> و <إنا> و <نسخر> است.

کشتی سازی در دوران یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳ - وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلى الفلک المشحون

کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۴، ۳، ۱

۱ خداوند ، در پی باخبر ساختن نوح از ایمان نیاوردن قومش ، او را به

ساختن کشتی فرمان داد .

أوحى إلى نوح أنه لن يؤمن من قومك .. واصنع الفلك

۳ نوح (ع) ، در ساخت کشتی مؤید به مراقبت و محافظت همه جانبه خداوند بود .

واصنع الفلك بأعيننا

<عین> به معنای چشم و در آیه شریفه کنایه از مراقبت و محافظت می باشد. جمع آوردن آن (أعین) برای مبالغه و رساندن کمال مراقبت است و <بأعيننا> حال برای فاعل <اصنع> می باشد. بنابراین <اصنع الفلك بأعيننا> یعنی، آن کشتی را بساز در حالی که قرین محافظت و مراقبت کامل ما (خداوند) هستی.

۴ نوح (ع) ، در ساخت کشتی با دریافت وحی ، از تعالیم و راهنمایی های خداوند بهره می برد .

واصنع الفلك بأعيننا ووحينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۵، ۴، ۳، ۱

۱ نوح (ع) در پی فرمان خداوند ، به ساختن کشتی پرداخت .

واصنع الفلك .. و يصنع الفلك

در کلام عرب ، گاهی فعل مضارع به جای فعل ماضی به کار می رود و منظور از آن ترسیم حادثه های گذشته است به گونه ای که گویا پیش روی مخاطبان قرار دارد. در آیه شریفه نیز ، فعل <يصنع> به همین منظور به جای <صنع> استعمال شده است.

۳ کفرپیشگان ، به هنگام مواجه شدن با نوح (ع) او را به خاطر کشتی سازی به استهزا و مسخره می گرفتند .

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه ملاً من قومه سخروا منه

۴ کفرپیشگان ، آن گاه که دسته جمعی و گروه گروه با نوح (ع) مواجه می شدند ،

او را به خاطر کشتی سازی به تمسخر می گرفتند .

كلما مرّ عليه ملأ من قومه

برداشت فوق ، از کلمه <ملأ> که در این جا به معنای گروه و جماعت است استفاده شده است.

۵ نوح (ع) پس از دریافت فرمان الهی مبنی بر ساختن کشتی ، همه وقت و همّت خویش را مصروف اجرای آن فرمان کرد .

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه ملأ من قومه سخروا منه

بدیهی است که تمسخر کفرپیشگان، مخصوص زمانی نبوده که نوح(ع) را در کارگاه کشتی سازی مشاهده کنند. بنابراین مقید کردن زمان استهزا به وقتی که در جایگاه کشتی سازی با او مواجه می شدند، به این نکته اشاره دارد که: کافران آن حضرت را در غیر آن مکان نمی یافتند و این حاکی است که او، تمام وقت را در کارگاه مشغول به کار بوده است.

۱۲ پیروان نوح ، همراه و همگام با او برای ساختن کشتی

إن تسخروا منا فإننا نسخر منكم

برداشت فوق ، مقتضای آوردن ضمیر جمع در <منا> و <إننا> و <نسخر> است.

۱۴ > عن أبي عبد الله (ع) . . . فلما أتى عليهم تسعمأه سنه هم أن يدعو عليهم . . . فأمره الله عزوجل أن يغرس النخل . . . فلما أتى لذلك خمسون سنه و بلغ النخل و استحکم أمر بقطعه . . . فأمره الله أن ينحت السفينه و أمر جبرئيل (ع) أن ينزل عليه و يعلمه كيف يتخذها فقدر طولها في الأرض ألفاً و مأتى ذراع و عرضها ثمانمأه ذراع و طولها في السماء ثمانون ذراعاً . . .

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که نهصد سال بر قوم نوح گذشت [و دعوت او را اجابت نکردند] خواست که بر آنان نفرین کند؛ پس خداوند عزوجل به او امر فرمود که درخت خرما بکارد... پس چون پنجاه سال گذشت و درخت کامل و محکمی شد، آن حضرت را به بریدن آن فرمان داد... آن گاه امر فرمود کشتی را بسازد و جبرئیل را مأمور کرد که بر نوح نازل شود و به او یاد دهد که کشتی را چگونه بسازد. پس جبرئیل طول کشتی را هزار و دویست ذراع و عرض آن را هشتصد ذراع و ارتفاع آن را هشتاد ذراع تعیین کرد...<

۱۵ > عن أبي عبدالله (ع) [في حديث قال بعد ما قرأ قوله تعالى]: < كلما مرّ عليه ملاً من قومه سخروا منه... > : ...
 كانوا يسخرون منه و يقولون: ينحت سفينة في البرّ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که [ضمن حدیثی بعد از قرائت آیه مزبور] فرمود: ... قوم نوح او را مسخره می کردند و می گفتند: او در خشکی کشتی می سازد!<

۱۶ > عن أبي عبدالله (ع) قال: بقي نوح في قومه ثلاثمأه سنه يدعوهم إلى الله فلم يجيبوه... فأمره الله أن ينحت السفينة... فقال: يا رب من يعينني على اتخاذها؟ فأوحى الله إليه ناد في قومك من أعانني عليها و نجر منها شيئاً صار ما ينجره ذهباً و فضه فنادى نوح (ع) فيهم بذلك فأعانوه

علیها...؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح سیصد سال در بین قوم خود باقی ماند و آنها را به خدا دعوت کرد، ولی او را اجابت نکردند... پس خداوند وی را امر کرد تا کشتی بسازد... نوح گفت: پروردگارا! چه کسی مرا در ساختن کشتی کمک می کند؟ به او وحی شد در بین قوم خود ندا کن: هر کس مرا در ساختن کشتی کمک کند، تراشه های چوبی که می تراشد برای او طلا و نقره می شود. نوح این ندا را داد، پس قوم او در ساختن کشتی به او کمک کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۲

۲ - وحی الهی به نوح (ع) در ساختن کشتی

فأوحينا إليه أن اصنع الفلك

کشتی سواری یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یونس پیامبر ، با سوار شدن بر کشتی مملو از بار و مسافر ، از میان قوم خود گریخت .

إذ أبق إلى الفلك المشحون

<أَبَقَ> (مصدر <أَبَقَ>) به معنای فرار عبد از مالک است و <مشحون> به معنای مملو است.

کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۰، ۴، ۳

۳ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را به وسیله کشتی از غرق شدن رهایی بخشید .

فكذبوه فانجينه و الذين معه في الفلك و أغرقنا الذين كذبوا

۴ مؤمنان به رسالت نوح (ع) ، همراه و همسفر

۱۰ گروهی از همسفران نوح (ع) در کشتی نجات، نه از مؤمنان بودند و نه از تکذیب کنندگان آیات الهی

فانجینه و الذین معه فی الفلک و أغرقنا الذین کذبوا بآیتنا

از اینکه خداوند نجات یافتگان را توصیف نکرد که اهل ایمان بودند، مثلاً نفرمود <و الذین آمنوا>، می توان گفت گروهی از همراهان نوح(ع) در کشتی به وی ایمان نداشتند. و از جمله <و أغرقنا ... > می توان فهمی آن گروه وی را تکذیب نیز نکردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۲

۲ نوح (ع) پیش از مأموریتش برای ساختن کشتی، به چگونگی (اندازه، شکل و ...) آن آگاه بود.

واصنع الفلک

ظاهر این است که <ال> در <الفلک> عهد ذهنی است و اشاره به سفینه ای خاص دارد که نوح(ع) به آن آشنایی داشت. براین اساس خداوند، پیش از فرمان به ساختن کشتی، طرح و دورنمایی از آن را به او نشان داده بود. گفته شده که آن حضرت کشتی مورد نظر را در رؤیا دیده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۹

۱۹ - > عن أبي جعفر (ع) قال: كانت شریعه نوح أن یعبد الله بالتوحید... فلبث فیهم ألف سنه إلا خمسین عاماً یدعوهم سرّاً و علانیه... فأوحى الله عزوجلّ إلیه: أنه لن یؤمن من قومک إلا من قد آمن فلاتبتأس بماکانوا یفعلون <

فلذلك قال نوح : < و لا يلدوا إلا فاجراً كفاراً > و أوحى الله إليه < أن اصنع الفلك > ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:.. شریعت نوح آن بود که خدا به یکتایی پرستش می شد... پس نوح(ع) در بین قوم خویش ۹۵۰ سال توقف کرد و آنها را آشکار و پنهان به خدا دعوت نمود... سپس خداوند عزوجل به او وحی فرستاد: <أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا-تبئس بما كانوا يفعلون> و به همین خاطر نوح گفت: <و لا يلدوا إلا- فاجراً كفاراً> و خداوند به نوح وحی کرد: <أن اصنع الفلك>.

کشتی نوح(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۱

۱ - برجای ماندن کشتی نوح برای چندی در زمین ، به عنوان نشانه الهی و به منظور عبرت آموزی خلق

و لقد تركنها آية فهل من مدكر

واژه <آیه> در معانی <علامت>، <معجزه> و <عبرت> به کار می رود. گفتنی است برداشت یاد شده بر این احتمال است که ضمیر <ترکناها> به <ذات ألواح> بازگردد.

کشتی نوح(ع) در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۳

۳ کشتی نوح ، او و همراهانش را در میان موج های عظیمی بسان کوهها ، به پیش می برد .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

<موج> اسم جنس است و بر یک موج و نیز موجهای متعدد و کثیر اطلاق می شود از آن جا که در آیه شریفه ، کلمه <موج> به <جبال> (کوهها) تشبیه

شده ، معلوم می شود مراد از آن ، امواج متعدد و کثیر است.

کشتی نوح(ع) در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۲

۲ - برجای ماندن بقایای کشتی نوح ، تا عصر نزول قرآن *

و لقد ترکنها ءایه

در صورتی که <ترکنا> به معنای برجای نهادن آثار و بقایا باشد و نه صرفاً به معنای باقی گذاشتن خاطره و یاد کشتی نوح از قید <هل من مدکر> مطلب بالا استفاده می شود.

کشتی نوح(ع) در کوه جودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۴

۴ با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید .

و غیض الماء و قضی الأمر واستوت علی الجودی

کشتی های بادبانی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۵

۵ - آشنایی مردم عصر بعثت ، با کشتی های بزرگ بادی

و من ءایته .. إن یشأ یشکن الریح فیظللن رواکد

طرح کشتی های غول پیکر به عنوان آیات الهی، نشانگر این مطلب است که مردم عصر بعثت با این پدیده آشنا بودند.

مبدأ حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۸ - ہود - ۱۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ > عن أبي عبد الله (ع) قال : جاء رجل إلى أمير المؤمنين (ع) و هو فى مسجد الكوفه فقال (

ع) : ... صلّ في هذا المسجد ... منه سارت سفينة نوح ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: امیرالمؤمنین(ع) در مسجد کوفه بود. مردی نزد وی آمد، آن حضرت فرمود: ... در این مسجد نماز بخوان... از همین مسجد کشتی نوح سیر خود را آغاز کرد ...<

محروریت مالکان کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۲

۲- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) ، در مالکیت گروهی از محرومان بود و تنها وسیله ارتزاق آنان به شمار می آمد .

فکانت لمسکین يعملون فی البحر

مدت حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ > عن المفضل قال : قلت لأبي عبد الله (ع) ... کم لبث نوح و من معه فی السفینه حتی نضب الماء و خرجوا منها ؟ فقال : لبثوا فیها سبعة أيام و لیلها و طافت بالبيت ثم استوت علی الجودی ... ;

مفضل گوید: به امام صادق(ع) گفتم: ... چه مدتی نوح و همراهان در کشتی ماندند تا آب فرو نشست و از کشتی خارج شدند؟ فرمود: هفت شبانه روز در کشتی ماندند و کشتی بر خانه خدا طواف کرد، سپس بر کوه جودی استقرار یافت ...<

مدت کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۵

۱۵ > عن المفضل بن عمر قال : قلت (لأبي عبد الله (ع))

(جعلت فداك فى كم عمل نوح سفينه حتى فرغ منها؟ قال: فى دورين؟ قلت: و كم الدورين؟ قال: ثمانين سنه... 7

مفضل بن عمر گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: فدایت شوم! نوح در چه مدتی کشتی خود را ساخت تا از آن فارغ شد؟ فرمود: در دو دور، گفتم: دو دور چقدر است؟ فرمود: هشتادسال...<

مسافران کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۱ - ۷،۱۰

۷- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق، علت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود.

قال أخرجها لتغرق أهلها

۱۰- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) حامل مسافر بوده است.

أخرجها لتغرق أهلها

مسافرت با کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۲،۳

۲ - سفر دریایی با کشتی، خطر آفرین است و کشتی نشین، احساس خطر می کند.

فإذا ركبوا فى الفلك دعوا الله مخلصين له الدين

۳ - سفر دریایی و استفاده از کشتی، در عصر ظهور اسلام، رواج داشته است.

فإذا ركبوا فى الفلك دعوا الله مخلصين له الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۴۱ - ۱

۱ - سوار شدن انسان ها بر کشتی های پر بار و مجهز، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است.

وآياه لهم أنا حملنا ذريتهم في الفلك المشحون

<مشحون> به معنای <مملو> است و <فلك مشحون>؛

یعنی، کشتی پر بار و مجهز به تجهیزات لازم.

مکان توقف کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۴

۴ با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید .

و غیض الماء و قضی الأمر واستوت علی الجودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱۱

۱۱ > عن أبي عبدالله (ع) قال : ... فنزل نوح بالموصل من السفينه مع الثمانين ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: ... نوح با هشتاد نفر همراه در موصل از کشتی پیاده شد ... <.

مکان حیوانات در کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۳

۳ - داخل کشتی نوح ، محل استقرار حیوانات و خاندان وی و عرشه آن محل استقرار او و پیروانش بود .

فاسلك فيها ... و اهلك فاذا استويت أنت ... علی الفلك

برداشت یاد شده، با توجه به عبارت های <اسلك فيها> (در کشتی وارد کن) و <إذا استويت.. علی الفلك> (هرگاه تو... بر کشتی استقرار یافتی)، به دست آمده است.

مکان فرود کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۵

۵- فرود آمدن کشتی نوح ، در محلی غیر از محل زندگی نخستین او

و قل ربّ انزلنی منزلاً مبارکاً

همان طور که در برداشت

پیشین گفته شد، <منزل> می تواند اسم مکان باشد. بنابراین درخواست فرود آمدن در یک جای پربرکت، بیانگر تغییر مکان و مفید برداشت فوق است.

مکان کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۲،۱۷

۲ کارگاه کشتی سازی نوح ، مجاور گذرگاه عمومی و در دید و منظر همگان بود .

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه ملاً من قومه

۱۷ > عن أبي عبدالله (ع) [في حديث]: ... فعمل نوح سفينة في مسجد الكوفة بیده ...

از امام صادق(ع) روایت شده است که [ضمن حدیثی] فرمود: .. نوح به دست خود در مسجد کوفه کشتی ساخت...<

مکان نوح(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۳

۳ - داخل کشتی نوح ، محل استقرار حیوانات و خاندان وی و عرشه آن محل استقرار او و پیروانش بود .

فاسلك فيها .. و أهلک فإذا استويت أنت ... علی الفلك

برداشت یاد شده، با توجه به عبارت های <اسلك فيها> (در کشتی وارد کن) و <إذا استويت.. علی الفلك> (هرگاه تو... بر کشتی استقرار یافتی)، به دست آمده است.

مکان همسفران نوح(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۳

۳ - داخل کشتی نوح ، محل استقرار حیوانات و خاندان وی و عرشه آن محل استقرار او و پیروانش بود .

فاسلك فيها .. و أهلک فإذا استويت أنت ... علی الفلك

توجه به عبارت های <اسلک فیها> (در کشتی وارد کن) و <إذا استویت.. علی الفلک> (هرگاه تو... بر کشتی استقرار یافتی)، به دست آمده است.

منشأ پیدایش کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۱

۱ - خداوند ، مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و ...) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر آفریده است .

و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

منشأ تسخیر کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۲

۱۲- حرکت کشتی ها و رام بودن آنها برای انسان ها به فرمان خداوند است .

و سخر لكم الفلک لتجری فی البحر بأمره

منشأ توقف کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۶

۶- انسان های صبور و شاکر ، بهره مند از فهم و درک نشانه های قدرت الهی در حرکت و سکون کشتی ها

و من ءایته .. إن فی ذلک لأیت لکل صبار شکور

با توجه به این که لام در <لکل صبار شکور> لام انتفاع است، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ حرکت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۶

۶ - حرکت کشتی ها در دریا ، به اذن خدا و تحت فرمان او است .

و الفلك تجرى فى البحر بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۶

۶ - انسان های صبور

و شاکر ، بهره مند از فهم و درک نشانه های قدرت الهی در حرکت و سکون کشتی ها

و من ءایته ... إنّ فی ذلک لآیت لکلّ صَبّار شکور

با توجه به این که لام در <لکلّ صَبّار شکور> لام انتفاع است، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ حرکت کشتی بادبانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۵

۵ سفر های دریایی با کشتی های بادبانی ، در گرو وزش باد های ملایم و موافق

حتی إذا کنتم فی الفلک و جرین بهم بريح طیه

منشأ حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۲

۱۲- حرکت کشتی ها و رام بودن آنها برای انسان ها به فرمان خداوند است .

و سَخَّر لکم الفلک لتجری فی البحر بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۸

۸ - حرکت کشتی ها در دریا ها ، به امر خداوند است .

یرسل الريح ... و لتجری الفلک بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۳

۳ - خداوند ، فراهم آورنده اسباب و وسایل حرکت کشتی ها در دریا است .

ألم تر أنّ الفلك تجرى في البحر بنعمت الله

<با> در <بنعمت> می تواند برای مصاحبه و یا برای تعدیه و یا برای سبب باشد. برداشت بالا، بر اساس احتمال سوم است. لازم به ذکر است که <بنعمت الله> براساس یاد شده، احسانِ خداوند در تهیه اسباب حرکت کشتی ها است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۲ - ۳

۳ - حرکت کشتی ها بر پهنه آب های دریا ، به امر و فرمان الهی

لتجرى الفلك فيه بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، به تدبیر و اراده الهی

و له الجوار المنشات فى البحر كالأعلم

<جواری> (جمع <جاریه>) به معنای کشتی ها و <أعلام> (جمع <علم>) به معنای کوه ها است.

منشأ غرق کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۴ - ۱

۱ - غرق شدن کشتی ها در اثر عملکرد ناشایست انسان ها ، ناشی از اراده و مشیت خداوند است .

إن یشأ یسکن الريح .. أو یوبقهنّ بما کسبوا

<إیباق> (مصدر <یوبق>) به معنای اهلاک و کنایه از غرق کردن است.

منشأ غرق مسافران کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۳ - ۶

۶ - هیچ یک از سرنشینان کشتی ها در دریا ها ، امنیت کامل نداشته و امکان غرق شدن آنان به اراده الهی وجود دارد .

و إن نشأ نغرقهم فلا صریخ لهم و لا هم ینقذون

این آیه شریفه با آیه قبل، درصدد بیان نعمت و آیت الهی می باشد؛ ولی در عین حال لحن هشدار دهنده نیز دارند که مبادا این نعمت ها موجب غرور بشر شود و آنان از آنها سوء استفاده کنند؛ که در این صورت ممکن است با قهر الهی دچار غرق و نابودی شوند.

منشأ

کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۵

۵ - توان انسان در ساختن کشتی و دریانوردی و به خدمت گرفتن حیوانات ، پرتوی از علم و عزت آفریدگار هستی است .

خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزَ الْعَلِيمَ ... وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفَلَکِ وَالْأَنْعَمِ مَا تَرْکَبُونَ

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که خداوند درصدد بیان جلوه های عزت و دانایی خود در نظام هستی است.

منشأ کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۱ - ۳

۳ - ساختن کشتی و نجات یافتن عده ای از قوم نوح به وسیله آن ، با هدایت و تدبیر الهی بود .

حملنکم فی الجاریه

نسبت داده شدن فعل <حملناکم> به خداوند، گویای مطلب یاد شده است. تصریح به این مطلب در آیات دیگر مؤید آن است (فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک بأعیننا ووحینا...). (مؤمنون ۲۳) آیه ۲۷).

مواد کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۴

۴ - آمادگی شرایط طبیعی و خصوصیات اجسام ، برای ساختن کشتی و حرکت بر آب ، از نشانه های خدا است .

ألم تر أن الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّٰه لیریکم من ءایته

موانع غضب کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع)، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرف و مصادره آن شد.

فأردت أن أعيبها و كان وراءهم

ملک يأخذ کل سفینه غصبا

موسی(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۲

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی ، سوار کشتی شدند .

فانطلقا حتی إذا رکبا فی السفینه

میخهای کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳،۴

۳- نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

۴ - کشتی نوح ، دارای شکلی ابتدایی و تشکیل شده از مشتی تخته و میخ *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

از تعبیر <ذات ألواح و دسر> نوعی کوچک نمایی و ناچیزشماری کشتی حضرت نوح استفاده می شود. این گفتار درصدد تبیین این جهت است که اگر نوح(ع) نجات یافت، با حمایت و لطف خداوند بود نه در پرتو استحکام کشتی او؛ زیرا این کشتی تاب مقاومت در برابر آن طوفان سهمگین را نداشت.

ناخدای کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - ۵۸ - ۱۹ - مریم - ۱۰

-۱۰

خداوند، ناخدای کشتی نوح و هدایت کننده آن به مقصد بود.

و مَمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۷

۷ - خدا، ناخدای حقیقی کشتی نوح

و قُلْ رَبِّ أَنْزَلْنِي مِنْزَلًا مَبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ

این که نوح(ع) می خواند: <خدایا! مرا در جایی پر خیر و برکت فرود آور>، می رساند که در واقع سکاندار آن کشتی خدا بوده است.

ناظر کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۳

۳ - نوح (ع)، مأمور ساختن کشتی تحت نظارت و هدایت خداوند

أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِينَا

نعمت حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۲ - ۴

۴ - حرکت کشتی ها در دریا، نعمتی مهم و اساسی برای انسان ها

سَخَّرْ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلْكَ فِيهِ بِأَمْرِهِ

از این که در میان منافع دریا، جریان کشتی ها (کشتی رانی) اختصاص به ذکر یافته است، اهمیت استفاده می شود.

نعمت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۳

۳ - امکان بهره برداری انسان ها از دریا به وسیله کشتی در سیر و سفر و حمل و نقل ، از نعمت های الهی است .

و آیه لهم أنا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۳

۳ - آفرینش مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و

(...) از سوی خداوند، به سود بشر و از نعمت های او است.

و آیه لهم... و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

گفتنی است که لام در <لهم> برای انتفاع است؛ یعنی، مرکب های مانند کشتی را به نفع انسان ها آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۱

۱- امکان ساخت کشتی های عظیم و دریانوردی، از نعمت های انکارناپذیر الهی برای زمینیان و غیرقابل تکذیب

و له الجوار المنشآت... فبأی آلاء ربکما تکذبان

نعمت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۴

۴- مرکب قرار گرفتن کشتی ها و دام ها، از نعمت های الهی برای انسان است.

و جعل لکم من الفلک و الأنعم ما یرکبون

نقش کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳ - ۵

۵- < جمیل عن أبی عبد الله فی قوله... > فالجاریات یسراً < قال هی السفن... >

جمیل از امام صادق (ع) درباره < فالجاریات یسراً > سؤال کرد، آن حضرت فرمود: مراد کشتی ها است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۵

۵- < عن علی (ع) فی قول الله عزوجل > و له الجوار المنشآت فی البحر کالأعلام < قال: السفن >

از امام علی(ع) درباره قول خدای عزوجلّ: <..الجوار المنشئات> روایت شده که مراد کشتی ها هستند.<

نقش کشتی نوح(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۲

۲ - حمایت و لطف الهی ، عامل اصلی نجات نوح (ع) و مؤمنان به آن حضرت از مهلکه طوفان ؛ و نه صرفاً ابزار مادی (کشتی) *

تجری بأعیننا

در صورتی که <بأعیننا> کنایه از نظارت، حمایت و لطف الهی باشد، ذکر <تجری بأعیننا> پس از <حملناه علی ذات..> بیانگر این معنا است که هر چند کشتی نوح از ابزار بایسته ای ساخته شده بود؛ اما این حمایت و نظارت لحظه به لحظه ما بود که در نهایت کارساز و نجات آفرین بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۱ - ۲

۲ - نجات یافتن عده ای از قوم نوح به وسیله کشتی از هلاکت و غرق شدن

حملنکم فی الجاریه

نوح(ع) در کشتی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۱

۱ - روی آوردن به حمد و ستایش الهی ، پس از استقرار در کشتی ، رهنمود خداوند به نوح (ع)

فإذا استويت .. فقل الحمد لله

<إستواء> (مصدر <استویت>) به معنای قرار گرفتن و استقرار یافتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۲

۲ - نوح (ع) و جمعی از مردم مؤمن به وی ، در واقعه طوفان ، بر کشتی سوار شدند .

فأخذهم الطوفان .. فأنجيناه و أصحاب السفينه

ویژگیهای کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۶

۶ کشتی نوح ، دارای ویژگیهایی خاص و برخوردار از صنعتی شگرف و بی سابقه

واصنع الفلک بأعیننا و وحینا

تصریح به اینکه برنامه ساخت کشتی نوح از ناحیه خداوند بود و انجام امور آن ، تحت نظارت همه جانبه او انجام گرفت ، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۹

۹ کشتی نوح ، سفینه ای فوق العاده بزرگ و عظیم

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

ظرفیت کشتی برای حمل یک جفت از هر حیوان ، حکایت از بزرگی و عظمت فوق العاده آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۴

۴ کشتی نوح ، سفینه ای بسیار مقاوم و برخوردار از بهترین اصول فنی و تکنیکی

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۶،۷

۶ - کشتی نوح ، برخوردار از استحکام بالا و کیفیتی پیشرفته

فأنجینه و من معه فی الفلک المشحون

انباشته بودن و نیز نجات یافتن نوح(ع) و پیروانش از طوفان بزرگ، نمایان گر استحکام و کیفیت بسیار بالای ساختمان کشتی است.

۷ - > عن أبي جعفر (ع) فی قوله : < الفلک المشحون > المجهز الذی قد فرغ منه و لم یبق إلا رفعه ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: <الفلک المشحون> روایت شده است: (مراد) کشتی مجهزی است که از ساخت آن فارغ شده اند و کاری نمانده مگر بلند شدن آن.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۴

۴ - کشتی نوح ، دارای شکلی ابتدایی و تشکیل شده از مستی تخته و میخ *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

از تعبیر <ذات ألواح و دسر> نوعی کوچک نمایی و ناچیزشماری کشتی حضرت نوح استفاده می شود. این گفتار درصدد تبیین این جهت است که اگر نوح(ع) نجات یافت، با حمایت و لطف خداوند بود نه در پرتو استحکام کشتی او؛ زیرا این کشتی تاب مقاومت در برابر آن طوفان سهمگین را نداشت.

کشتی سازی

اهمیت صنعت کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۴

۴ - اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای بشر

و ءايه لهم انا حملنا ذريتهم في الفلك المشحون

قرار گرفتن نعمت کشتی رانی در کنار نعمت بزرگ خورشید و

ماه برای بشر، گویای اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای انسان ها است.

تاریخ کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۵

۵ کشتی سازی ، دارای سابقه طولانی در تاریخ بشر

واصنع الفلک بأعیننا ووحینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳- وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلى الفلک المشحون

کشتی سازی پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ پیروان نوح ، همراه و همگام با او برای ساختن کشتی

إن تسخروا منا فإننا نسخر منکم

برداشت فوق ، مقتضای آوردن ضمیر جمع در <منا> و <إنا> و <نسخر> است.

کشتی سازی در دوران یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳- وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلى الفلك المشحون

کشتی سازی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۳، ۴، ۱

۱ خداوند ، در پی باخبر ساختن نوح از ایمان نیاوردن قومش ، او را به ساختن کشتی فرمان داد .

أوحى إلى نوح أنه لن يؤمن من قومك .. واصنع الفلك

۳ نوح (ع) ، در ساخت کشتی مؤید به مراقبت و محافظت همه جانبه خداوند بود .

واصنع الفلك بأعيننا

<عین> به معنای چشم و در آیه

شریفه کنایه از مراقبت و محافظت می باشد. جمع آوردن آن (أعین) برای مبالغه و رساندن کمال مراقبت است و <بأعیننا> حال برای فاعل <اصنع> می باشد. بنابراین <اصنع الفلک بأعیننا>؛ یعنی، آن کشتی را بساز در حالی که قرین محافظت و مراقبت کامل ما (خداوند) هستی.

۴ نوح (ع) ، در ساخت کشتی با دریافت وحی ، از تعالیم و راهنمایی های خداوند بهره می برد .

واصنع الفلک بأعیننا و وحینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۵، ۴، ۳، ۱

۱ نوح (ع) در پی فرمان خداوند ، به ساختن کشتی پرداخت .

واصنع الفلک .. و یصنع الفلک

در کلام عرب ، گاهی فعل مضارع به جای فعل ماضی به کار می رود و منظور از آن ترسیم حادثه های گذشته است به گونه ای که گویا پیش روی مخاطبان قرار دارد. در آیه شریفه نیز ، فعل <یصنع> به همین منظور به جای <صنع> استعمال شده است.

۳ کفرپیشگان ، به هنگام مواجه شدن با نوح (ع) او را به خاطر کشتی سازی به استهزا و مسخره می گرفتند .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملاً من قومه سخروا منه

۴ کفرپیشگان ، آن گاه که دسته جمعی و گروه گروه با نوح (ع) مواجه می شدند ، او را به خاطر کشتی سازی به تمسخر می گرفتند .

کلما مرّ علیه ملاً من قومه

برداشت فوق ، از کلمه <ملاً> که در این جا به معنای گروه و جماعت است استفاده شده است.

۵ نوح (ع) پس از

دریافت فرمان الهی مبنی بر ساختن کشتی ، همه وقت و همّت خویش را مصروف اجرای آن فرمان کرد .

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه مألّم من قومه سخروا منه

بدیهی است که تمسخر کفرپیشگان، مخصوص زمانی نبوده که نوح(ع) را در کارگاه کشتی سازی مشاهده کنند. بنابراین مقید کردن زمان استهزا به وقتی که در جایگاه کشتی سازی با او مواجه می شدند، به این نکته اشاره دارد که: کافران آن حضرت را در غیر آن مکان نمی یافتند و این حاکی است که او، تمام وقت را در کارگاه مشغول به کار بوده است.

۱۲ پیروان نوح ، همراه و همگام با او برای ساختن کشتی

إن تسخروا منا فإننا نسخر منكم

برداشت فوق ، مقتضای آوردن ضمیر جمع در <منا> و <إنا> و <نسخر> است.

۱۴ > عن أبي عبد الله (ع) . . . فلما أتى عليهم تسعمأه سنه همّ أن يدعو عليهم . . . فأمره الله عزوجل أن يغرس النخل . . . فلما أتى لذلك خمسون سنه و بلغ النخل و استحکم أمر بقطعه . . . فأمره الله أن ينحت السفينه و أمر جبرئيل (ع) أن ينزل عليه و يعلمه كيف يتخذها فقدر طولها في الأرض ألفاً و مأتى ذراع و عرضها ثمانمأه ذراع و طولها في السماء ثمانون ذراعاً . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که نهصد سال بر قوم نوح گذشت [و دعوت او را اجابت نکردند]خواست که بر آنان نفرین کند؛ پس خداوند عزوجل به او امر فرمود که درخت خرما بکارد . . . پس چون پنجاه

سال گذشت و درخت کامل و محکمی شد، آن حضرت را به بریدن آن فرمان داد ... آن گاه امر فرمود کشتی را بسازد و جبرئیل را مأمور کرد که بر نوح نازل شود و به او یاد دهد که کشتی را چگونه بسازد. پس جبرئیل طول کشتی را هزار و دویست ذراع و عرض آن را هشتصد ذراع و ارتفاع آن را هشتاد ذراع تعیین کرد ...>

۱۵ > عن أبي عبدالله (ع) [في حديث قال بعد ما قرأ قوله تعالى]: > كلما مَرَّ عليه مَلَأ من قومه سخروا منه ... > : ...
كانوا يسخرون منه و يقولون : ينحت سفينه في البرّ ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که [ضمن حدیثی بعد از قرائت آیه مزبور] فرمود: .. قوم نوح او را مسخره می کردند و می گفتند: او در خشکی کشتی می سازد!>

۱۶ > عن أبي عبدالله (ع) قال : بقي نوح في قومه ثلاثمأه سنه يدعوهم إلى الله فلم يجيبوه ... فأمره الله أن ينحت السفينه ... فقال : يا رب من يعينني على اتخاذها ؟ فأوحى الله إليه ناد في قومك من أعانني عليها و نجر منها شيئاً صار ما ينجره ذهباً و فضه فنادی نوح (ع) فيهم بذلك فأعانوه عليها ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح سیصد سال در بین قوم خود باقی ماند و آنها را به خدا دعوت کرد، ولی او را اجابت نکردند ... پس خداوند وی را امر کرد تا

کشتی بسازد ... نوح گفت: پروردگارا! چه کسی مرا در ساختن کشتی کمک می کند؟ به او وحی شد در بین قوم خود ندا کن: هر کس مرا در ساختن کشتی کمک کند، تراشه های چوبی که می تراشد برای او طلا و نقره می شود. نوح این ندا را داد، پس قوم او در ساختن کشتی به او کمک کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۲

۲ - وحی الهی به نوح (ع) در ساختن کشتی

فأوحينا إليه أن اصنع الفلك

مدت کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۵

۱۵ > عن المفضل بن عمر قال : قلت (لأبي عبدالله (ع)) : جعلت فداك في كم عمل نوح سفينة حتى فرغ منها ؟ قال : في دورين ؟ قلت : و كم الدورين ؟ قال : ثمانين سنة . . .

مفضل بن عمر گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: فدایت شوم! نوح در چه مدتی کشتی خود را ساخت تا از آن فارغ شد؟ فرمود: در دو دور، گفتم: دو دور چقدر است؟ فرمود: هشتادسال . . .

مکان کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱۷، ۲

۲ کارگاه کشتی سازی نوح ، مجاور گذرگاه عمومی و در دید و منظر همگان بود .

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه ملاً من قومه

۱۷ > عن أبي عبدالله (ع) [في حديث] .:

.. فعمل نوح سفینه فی مسجد الکوفه بیده ... ۱

از امام صادق(ع) روایت شده است که [ضمن حدیثی] فرمود: .. نوح به دست خود در مسجد کوفه کشتی ساخت...>

منشأ کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۵

۵ - توان انسان در ساختن کشتی و دریانوردی و به خدمت گرفتن حیوانات ، پرتوی از علم و عزت آفریدگار هستی است .

خلقهنّ العزیز العلیم .. و جعل لکم من الفلک و الأنعم ما ترکبون

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که خداوند درصدد بیان جلوه های عزت و دانایی خود در نظام هستی است.

منشأ کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۱ - ۳

۳ - ساختن کشتی و نجات یافتن عده ای از قوم نوح به وسیله آن ، با هدایت و تدبیر الهی بود .

حملنکم فی الجاریه

نسبت داده شدن فعل <حملناکم> به خداوند، گویای مطلب یاد شده است. تصریح به این مطلب در آیات دیگر مؤید آن است (فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا...). (مؤمنون ۲۳) آیه ۲۷).

مواد کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۴

۴ - آمادگی شرایط طبیعی و خصوصیات اجسام ، برای ساختن کشتی و حرکت بر آب ، از نشانه های خدا است .

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّٰه لیریکم من ءایته

ناظر کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳

۳- نوح (ع) ، مأمور ساختن کشتی تحت نظارت و هدایت خداوند

أن اصنع الفلک بأعیننا ووحینا

کشتیرانی

اهمیت کشتیرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۳

۱۳- اهمیت و نقش حیاتی دریا و کشتی رانی برای انسان

و سخر لكم الفلک لتجرى فى البحر بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۵

۵- کشتیرانی ، دارای اهمیتی اساسی در حمل و نقل نیازمندی های بشر و مواهب الهی به نقاط مختلف است .

ألم تر أن الفلک تجرى فى البحر بنعمت الله ليریکم من ءایته

بنابراین که <با> در <بنعمت> برای تعدی و یا مصاحبه باشد، نکته بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۲ - ۵

۵- اهمیت کشتی رانی ، در زندگی اقتصادی جامعه عصر بعثت *

الله الذى سخر لكم البحر لتجرى الفلک فيه بأمره

تاریخ کشتیرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۴

۴ استفاده از کشتی های بادبانی برای سفر های دریایی در عصر بعثت

حتى إذا كنتم فى الفلك وجرین بهم بريح طيبة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۴

۴ - وجود کشتی های کوه پیکر و استفاده از آنها در عصر نزول قرآن

و من آياته الجوار فى البحر كالأعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ -

۴ - استفاده از کشتی های عظیم ، امری آشنا برای عرب عصر نزول

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم

تعلم کشتیرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۵

۱۵- خداوند ، مشوق آدمی به فراگیری کشتی رانی و دریانوردی و استفاده بهینه از دریا ها و رودها

و سخر لكم الفلک لتجری فی البحر بأمره و سخر لكم الأنهر

معنا و مفهوم تسخیر دریا و کشتی برای انسان، فراهم بودن استعدادها و زمینه های لازم برای بهره گیری است که انسان باید از این استعدادها و زمینه ها با تلاش و کوشش علمی و ... خود استفاده کند.

فواید کشتیرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۶

۶ - حرکت کشتی ها در دریا در جهت منافع انسان ، از نشانه های توحید و رحمت گستری خداوند است .

إن فی .. الفلک تجری فی البحر بما ینفع الناس ... لأیت

کلمه <ما> در <بما ینفع> می تواند موصوله باشد که در این صورت <باء> به معنای مصاحبت است. بر این مبنا <التي تجری...> یعنی، آن کشتیهایی که در دریا حرکت می کنند و چیزهایی (از قبیل مال التجاره ها و ...) به همراه دارند که برای مردم سودبخش است ... و نیز <ما> می تواند مصدریه باشد که در این صورت <باء> به معنای سبب است، یعنی، کشتیهایی که در دریا به خاطر نفع رسانی به مردم در حرکت هستند.

کشتیرانی در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- تغذیه با گوشت های تازه ، استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریاست .

سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيهَ تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفَلَكَ

<طری> به معنای جدید و تازه و <حلیه> به معنای زیور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۵ ، ۸ ، ۱۰

۸ - دریا ها ، بستر تحرك كشتی ها برای تجارت و سفر

و ترى الفلك فيه مواخر لتبتغوا من فضله

<ماخره> (مفرد <مواخر>) از ماده <مخر> و به معنای شکافنده آب ها است.

۱۰ - تغذیه با گوشت های تازه و استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریا ها است .

و من كلِّ تأكلون لحمًا طريًّا .. و ترى الفلك فيه مواخر

۱۵ - آثار متفاوت و مشترک آب های دریا ها و استفاده چند منظوره انسان ها از آن ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند است .

و ما يستوى البحرين هذا عذب فرات .. و من كلِّ تأكلون لحمًا طريًّا ... لتبتغوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره قدرت مطلق و یکتایی خداوند متعال سخن می گوید.

کشتیرانی در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۲ - ۵

۵ - اهمیت کشتی رانی ، در زندگی اقتصادی جامعه عصر بعثت *

اللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفَلَكَ فِيهِ بِأَمْرِهِ

کشتیرانی در دوران موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۷۹

۳- کشتی و حمل و نقل دریایی ، در زمان حضرت موسی (ع) از منابع درآمد بود .

فكانت لمسكين يعملون في البحر

کشتیرانی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۴

۴ استفاده از کشتی های بادبانی برای سفر های دریایی در عصر بعثت

حتى إذا كنتم في الفلك وجرين بهم بريح طيبة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۴

۴ - وجود کشتی های کوه پیکر و استفاده از آنها در عصر نزول قرآن

و من آياته الجوار في البحر كالأعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۴

۴ - استفاده از کشتی های عظیم ، امری آشنا برای عرب عصر نزول

وله الجوار المنشات في البحر كالأعلم

نعمت کشتیرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۸

۸- گوشت های تازه دریایی و اشیای تزئینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های خداوند است .

و هو الذى سَخَّرَ البحر لتأكلوا منه لحمًا طريًّا و تستخرجوا منه حليه تلبسونها و تر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ - گوشت های تازه دریایی و اشیای تزئینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های الهی برای بشر

من کلُّ تأکلون لحمًا طريًّا و تستخرجون حليه تلبسونها و ترى الفلک فيه مواخر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵

۴ - تکذیب نعمت های تجلی یافته الهی در حرکت کشتی ها بر دریا ، مورد نکوهش خداوند

و له الجوار المنشات .. فبأىء آلاء ربكما تكذبان

نقش کشتیرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ - به حرکت در آمدن کشتی ها در دریا ، وسیله ای مناسب برای کسب روزی است . *

و لتجرى الفلك بأمره و لتبتغوا من فضله

ممکن است تعلیل در <لتبتغوا> برای جمله قبل (ولتجرى الفلك ..) باشد. در این صورت، استفاده می شود که حرکت کشتی ها بر روی آب، وسیله مناسبی برای تحصیل فضل خداوند است.

کشتیها

اهمیت ذکر حرکت کشتیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۳

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به شگفتی حرکت کشتی های عظیم بر دریا و درس آموزی از آن

و له الجوار المنشات فى البحر كالأعلم . فبأىء آلاء ربكما تكذبان

تشبیه کشتیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، به تدبیر و اراده الهی

وله الجوار المنشات في البحر كالأعلم

<جواری> (جمع <جاریه>) به معنای کشتی ها و <أعلام> (جمع <علم>) به معنای کوه ها است.

سوگند به کشتیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به کشتی های روان بر آب های دریا به آسانی و نرمی

فالجريت يسراً

<يسر> نقطه مقابل <عسر> و به معنای سهولت

و آسانی است. مراد از <جاریات> کشتی هایی است که در دریا، به آرامی و نرمی حرکت می کنند.

غصب کشتیها در دوران خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۸

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و کان وراءهم ملک يأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از <کلّ سفینه> به قرینه <أن أعبیها> <کلّ سفینه صالحه> بوده است.

غصب کشتیها در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۸

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و کان وراءهم ملک يأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از <کلّ سفینه> به قرینه <أن أعبیها> <کلّ سفینه صالحه> بوده است.

کشیشان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کشیشان

کشیشان پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۱

۱۱ تمجید خدا از کشیشان و راهبان وارسته و مسیحیان حق پذیر و فروتن

ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً و انهم لایستکبرون

کشیشان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ گروهی از مسیحیان ، کشیشان و راهبان عصر بعثت ، پذیرای اسلام در پی شنیدن قرآن .

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول . . . يقولون ربنا ءامنا

کشیشان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره -

۳ گریه گروهی از کشیشان و راهبان عصر پیامبر بر اثر شنیدن قرآن

منهم قسيسين و رهباناً .. ما أنزل إلى الرسول ترى اعينهم تفيض من الدمع

بنابر اینکه ضمیر در <سمعوا> به <قسيسين> و <رهبان> برگردانده شود.

۱۰ گروهی از مسیحیان ، کشیشان و راهبان عصر بعثت ، پذیرای اسلام در پی شنیدن قرآن .

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول .. يقولون ربنا ءامنا

گریه کشیشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ گریه گروهی از کشیشان و راهبان عصر پیامبر بر اثر شنیدن قرآن

منهم قسيسين و رهباناً .. ما أنزل إلى الرسول ترى اعينهم تفيض من الدمع

بنابر اینکه ضمیر در <سمعوا> به <قسيسين> و <رهبان> برگردانده شود.

نقش کشیشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ حضور کشیشان و راهبان خداترس در بین مسیحیان موجب دوستی و نزدیکی آنان با مسلمانان

اقربهم موده للدين ءامنوا الذين .. ذلك بان منهم قسيسين و رهباناً

۸ نقش مؤثرتر کشیشان از راهبان در هدایتگری مردم

ذلك بان منهم قسيسين و رهباناً

تقدیم ذکری <قسیسین> بر <رهباناً> می تواند اشاره به نقش مؤثرتر قسیسین داشته باشد.

۱۸ وجود کشیشان و راهبان منتظر بعثت حضرت محمد (ص) در میان مسیحیان، موجب محبت آنان، به مسلمانان

و لتجدن اقربهم موده للذین ءامنوا .. ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً و انهم لایست

از امام صادق(ع) روایت شده که پس از خواندن آیه فوق

فرمود: أولئك كانوا قوماً بين عيسى(ع) و محمد(ص) ينتظرون مجيئ محمد(ص).

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۶۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۲، ح ۳۱۷.

کعبه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{کعبه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۱۱، ۱۰، ۷

۷ یهود، آنچه را در اول روز بر پیامبر (ص) نازل شده بود (قبله بودن بیت المقدس)، پذیرفتند و به آنچه در انت های روز نازل شده بود (قبله بودن کعبه)، کفر ورزیدند تا مؤمنان را گمراه سازند.

و قالت طائفة . . . لعلهم يرجعون

برخی از مفسران برآنند که <وجه النهار> و <آخره> متعلق به <انزل> است؛ و سیاق آیه می رساند که مراد از <الذی>، حکمی خاص است؛ برخی روایات دلالت دارد که آن حکم خاص، تغییر قبله بوده است که پیامبر (ص) در عصر گاهی مأمور شد نماز را به سوی کعبه بخواند و قبله مسلمانان را که تا صبحگاه آن روز، بیت المقدس بوده است تغییر دهد.

۱۰ دستور علمای یهود به پیروان خود مبنی بر پذیرش بیت المقدس به عنوان قبله و مخالفت با کعبه

و قالت طائفة من اهل الكتاب امنوا بالذی انزل . . . و اکفروا اخره

امام باقر (ع): . . . فقالوا صلی محمد الغداه فاستقبل قبلتنا فامنوا بالذی انزل علی محمد وجه النهار و اکفروا اخره یعنون القبلة حين استقبل رسول الله (ص) المسجد الحرام.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۲، ح ۱۱.

۱۱ امیدواری یهود به قبله قرار داده شدن مجدد بیت المقدس، به جای

کعبه برای مسلمانان

لَعَلَّهِمْ يَرْجِعُونَ

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: ... لَعَلَّهِمْ يَرْجِعُونَ الی قبلتنا.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۵؛ بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۹۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۴،۵

۴ کعبه ، عبادتگاه حضرت ابراهیم (ع) *

فیه آیات یتینات مقام ابرهیم

بنابراینکه مراد از <مقام ابراهیم>، مقام عبادت آن حضرت باشد؛ چنانچه علامه طباطبائی احتمال داده اند.

۵ اهمّیت و ارزشمندی مقام ابراهیم (ع) در کعبه

فیه آیات یتینات مقام ابرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۵

۵ اهل کتاب ، منکر نشانه های روشن الهی در خانه خدا

الله

آبادانی کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۳

۳ - آبادانی کعبه و روی آوردن خلق به آن ، در تاریخ پیش از اسلام

در صورتی که <بيت المعمور> کعبه باشد، آوردن وصف <المعمور> می تواند اشاره به آوازه بلند و آبادانی کعبه در گذشته تاریخ داشته باشد.

آثار امنیت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۰، ۳

۳ - امنیت کعبه و کوچ زمستانی و تابستانی قریش، زمینه دست یابی آنان به مواد خوراکی بود.

إيلفهم رحله الشتاء و الصيف . فليعبدوا ... الذي أطعمهم من جوع

۱۰ - امنیت قریش، مرهون وجود کعبه و امنیت آن بود.

ربّ هذا البيت . . وءامنهم من خوف

تعبیر <ربّ هذا البيت> به جای

<الله> پیش از توصیف خداوند به پدید آورنده امنیت نشانگر نقش کعبه در امنیت قریش است که قبایل عرب، آنها را اهل حرم دانسته و به آنان تعرض نمی کردند. ارتباط این سوره با سوره قبل، بیانگر نقش هلاکت اصحاب فیل، در پیدایش امنیت برای کعبه و در نتیجه برای قریش است.

آثار قبله شدن کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱۲

۱۲ - قبله شدن کعبه، زمینه ساز هدایت انسان ها به صراط مستقیم است .

ما ولیهم عن قبلتهم... یهدی من یشاء إلی صراط مستقیم

جمله <لله المشرق...> بیانگر این است که: کعبه و بیت المقدس هر دو ملک خداست و از این جهت تفاوتی ندارند و جمله <یهدی...> اشاره به این دارد که انتخاب کعبه به عنوان قبله، زمینه ساز هدایت انسانهاست و لذا آن را قبله همگان قرار داد.

آثار قداست کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳ - حرمت و قداست کعبه در نزد مردم جزیره العرب مانع از تجاوز دیگران به مکه و برهم زدن امنیت و آرامش ساکنان آن

أولم نمکن لهم حرماً آمناً

ابراهیم(ع) و بنای کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۸، ۱۶، ۱۳

۱ - ابراهیم و اسماعیل (ع)، برپا کنندگان دیوارهای کعبه و سازنده آنها

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

قواعد (جمع قاعده) به معنای پایه هاست و در آیه به مناسبت <الیت> مراد

از آن پایه های دیوار می باشد. بالا بردن پایه های دیوار (یرفع ابراهیم القواعد) به معنای ساختن دیوار بر پایه هاست.

۳- ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع ابرهیم القواعد من البیت و اسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

۱۶- از امام صادق (ع) روایت شده است : > . . . فلما أمر الله عز و جل ابراهیم ان یبنی البیت و لم یدر فی ای مکان یبنیه فبعث الله جبرئیل فخط له موضع البیت فانزل الله علیه القواعد من الجنة . . . فبنی ابراهیم البیت و نقل اسماعیل الحجر من ذی طوی فرفعه الی السماء تسعه اذرع . . . ;

. . . چون خداوند عز و جل ابراهیم(ع) را مأمور بنای کعبه کرد، او نمی دانست که کعبه را در کجا بنا کند. خداوند جبرئیل را فرستاد و او در مکان کعبه، خطی روی زمین کشید. سپس خداوند، پایه های کعبه را از بهشت فرو فرستاد ... و ابراهیم(ع) خانه را بنا کرد و اسماعیل(ع) از <ذی طوی> سنگ آورد و ابراهیم(ع) [دیوارهای] خانه را تا نه ذراع بالا آورد ...<.

۱۸- از امام صادق (ع) روایت شده که : > .

.. كان البيت دره بيضاء فرغه الله إلى السماء و بقى أساسه . . . فأمر الله إبراهيم و اسماعيل أن يبنا البيت على القواعد ;

.. خانه كعبه چون درّ سفیدی بود، پس خداوند آن را به آسمان بالا- برد و اساس آن باقی ماند ... پس خداوند ابراهیم و اسماعیل (ع) را مأمور کرد که خانه كعبه را بر همان پایه های قبلی بنا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱۵

۱۵ - از حضرت علی بن ابی طالب (ع) روایت شده است که : > لما فرغ ابراهيم من بناء البيت قال : فعلت أی رب فأرنا مناسکنا ، ابرزها لنا ، علمناها ، فبعث الله جبرئیل فحجّ به ;

چون ابراهیم(ع) از ساختن خانه كعبه فارغ گشت، عرض کرد: پروردگارا! من مأموریت خود را انجام دادم، پس شیوه انجام اعمال حج را به ما نشان بده و آن را بر ما آشکار کن و به ما بیاموز. پس خداوند جبرئیل را فرستاد تا به همراهی ابراهیم حج نماید [و به صورت عملی به ابراهیم(ع) نشان دهد]. <

ابراهیم(ع) و كعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۴،۵

۴ كعبه ، عبادتگاه حضرت ابراهیم (ع) *

فیه آیات یتینات مقام ابرهیم

بنابراینکه مراد از <مقام ابراهیم>، مقام عبادت آن حضرت باشد ; چنانچه علامه طباطبائی احتمال داده اند.

۵ اهمیّت و ارزشمندی مقام ابراهیم (ع) در كعبه

فیه آیات یتینات مقام ابرهیم

احترام به كعبه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۹

۹ کعبه ، خانه و جایگاهی مقدس و سزاوار احترام خاص

لاتحلوا... و لاءآمین البیت الحرام

احترام کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۹

۹ - کعبه ، خانه ای بسیار مقدس و دارای حرمتی بس والا در پیشگاه خداوند

و طهر بیتی

اضافه <بیت> به <یای> متکلم، اضافه تشریفیه و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۶

۶ - احترام کعبه و ساکنان مکه ، نزد مردم در مسیر کاروان های قریش ، مرهون ظهور حمایت خداوند از کعبه در > عام

< الفیل >

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

تأمین امنیت برای کاروان های قریش به وسیله نابود ساختن اصحاب فیل، می تواند از آن جهت باشد که قبیله های بین راه، پس از حادثه فیل برای کعبه و قریش که اهل حرم بودند احترام ویژه ای قائل شدند.

ارزش کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۱۱، ۶، ۵، ۲

۲ مردمی بودن ، ارزشی برای بنای کعبه *

انّ اوّل بيت وضع للناس

۵ شرافت كعبه بر بيت المقدس ، على رغم پندار يهوديان

انّ اوّل بيت وضع للناس

با توجه به شأن نزول كه يهوديان مى گفتند بيت المقدس، برتر و باارزستر از كعبه است.

۶ قدمت كعبه ، ملائك شرافت آن بر بيت المقدس

انّ اوّل بيت وضع للناس

با توجه به شأن نزول ذكر شده در

۱۱ کعبه ، وسیله هدایت جهانیان

انّ اوّل بیت . . . و هدیّ للعالمین

اسماعیل(ع) و بنای کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۸، ۱۶، ۳، ۱

۱ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برپا کنندگان دیوار های کعبه و سازنده آنها

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

قواعد (جمع قاعده) به معنای پایه هاست و در آیه به مناسبت <البیت> مراد از آن پایه های دیوار می باشد. بالا بردن پایه های دیوار (یرفع ابراهیم القواعد) به معنای ساختن دیوار بر پایه هاست.

۳ - ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

۱۶ - از امام صادق (ع) روایت شده است: > . . . فلما أمر الله عز و جل ابراهیم ان یبنی البیت و لم یدر فی ایّ مکان یبنیه فبعث الله جبرئیل فخطّ له موضع البیت فانزل الله علیه القواعد من الجنة . . . فبنی ابراهیم البیت و نقل اسماعیل الحجر من ذی طوی فرفعه الی السماء تسعه اذرع . . . ؛

. . . چون خداوند عز و جل ابراهیم(ع) را مأمور بنای

کعبه کرد، او نمی دانست که کعبه را در کجا بنا کند. خداوند جبرئیل را فرستاد و او در مکان کعبه، خطی روی زمین کشید. سپس خداوند، پایه های کعبه را از بهشت فرو فرستاد ... و ابراهیم(ع) خانه را بنا کرد و اسماعیل(ع) از <ذی طوی> سنگ آورد و ابراهیم(ع) [دیوارهای] خانه را تا نه ذراع بالا آورد ...>.

۱۸ - از امام صادق (ع) روایت شده که : > . . . كان البيت دره بيضاء فرفعه الله إلى السماء و بقى أساسه . . . فأمر الله ابراهيم و اسماعيل أن يبنا البيت على القواعد ;

.. خانه کعبه چون درّ سفیدی بود، پس خداوند آن را به آسمان بالا- برد و اساس آن باقی ماند ... پس خداوند ابراهیم و اسماعیل (ع) را مأمور کرد که خانه کعبه را بر همان پایه های قبلی بنا کنند.<

اعتکاف در کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱۸،۲۱

۱۸ - خانه خدا جایگاه طواف ، اعتکاف ، عبادت ، رکوع و سجود (نماز) است .

أن طهرا بيتي للطائفين و العكفين و الركع السجود

عكوف مصدر (عاکفین) به معنای ماندن و اقامت کردن در مکانی است و مراد از آن در آیه شریفه - به قرینه طواف، رکوع و سجود - یا مطلق عبادت و پرستش خداست و یا مقصود از آن، اعتکاف - که عبادتی خاص با شرایطی ویژه از قبیل روزه گرفتن و .. است - می باشد.

۲۱ - طواف خانه خدا و اعتکاف در آن جایگاه ، از احکام

۱ - خداوند، کعبه را ملجأ و جایگاهی برای حضور مردم و مکانی بسیار امن قرار داد.

و إذ جعلنا البیت مثابه للناس و أمناً

<مثابه>؛ یعنی، مکانی که مردم پی در پی بدان جا روی می آورند (لسان العرب). <أمن> مصدر است و در آیه به معنای اسم فاعل (آمناً = دارای امنیت) می باشد. آوردن مصدر به جای اسم فاعل، دلالت بر تأکید دارد. بنابراین <أمناً>؛ یعنی، آکنده از امنیت.

۲ - باید همگان حتی حیوانات در خانه خدا، امنیت کامل داشته و از هر گونه آزاری مصون باشند.

و إذ جعلنا البیت .. أمناً

تقیید کلمه <مثابه> به وسیله <الناس> و مقید نساختن <أمناً> به آن قید، گویای این نکته است که: امنیت مکه باید برای هر ذی روحی - چه انسان و چه غیر انسان - تأمین شود.

۷ امنیت کامل برای کسانی که وارد کعبه می شوند.

و من دخله کان آمناً

۸ لزوم حفظ و برقراری امنیت در کعبه

و من دخله کان آمناً

بنابراینکه جمله خبریه در مقام انشاء باشد.

اهمیت آبادانی کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۴

۴ - لزوم اقبال خلق به کعبه و آباد نگه داشتن آن

و البیت المعمور

توصیف کعبه به <بیت معمور>، می تواند دستوری از جانب خداوند به مردم باشد که

باید کعبه را همواره آباد نگه دارند و از آن روی نگردانند.

اهمیت توجه به کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۴

۴ - لزوم اقبال خلق به کعبه و آباد نگه داشتن آن

و البیت المعمور

توصیف کعبه به <بیت معمور>، می تواند دستوری از جانب خداوند به مردم باشد که باید کعبه را همواره آباد نگه دارند و از آن روی نگردانند.

اهمیت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱

۱ وجود نشانه های روشن برای هدایت جهانیان ، در کعبه

و هدی للعالمین. فیه آیات بینات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۳

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا لیعذبهم الله . . . و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما کان صلاتهم . . . > عطف بر <و هم یصدون ... > باشد.

بانیان کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - ابراهیم و اسماعیل (ع)، برپا کنندگان دیوارهای کعبه و سازنده آنها

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

قواعد (جمع قاعده) به معنای پایه هاست و در آیه به مناسبت <البیت> مراد از آن پایه های دیوار می باشد. بالا بردن پایه های دیوار

(یرفع ابراهیم القواعد) به معنای ساختن دیوار بر پایه هاست.

۳- ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع ابرهیم القواعد من البیت و اسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱

۱- تأسیس کعبه به دست ابراهیم (ع) ، واقعه ای بس مهم و شایان یادآوری

و إذ بوأنا لابرهیم مکان البیت

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعول برای <أذکر> محذوف است، یعنی، <به یاد بسیار آن زمانی را که ما..>.

برکت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ کعبه ، خانه ای مبارک (دارای خیر و برکت فراوان)

وضع للناس للذی بیَّکه مبارکاً

بنای کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۸، ۱۶، ۵، ۴، ۳، ۱

۱- ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برپا کنندگان دیوارهای کعبه و سازنده آنها

و إذ یرفع ابرهیم القواعد من البیت و اسمعیل

قواعد (جمع قاعده) به معنای پایه هاست و در آیه به مناسبت <البيت> مراد از آن پایه های دیوار می باشد. بالا

بردن پایه های دیوار (یرفع ابراهیم القواعد) به معنای ساختن دیوار بر پایه هاست.

۳- ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع ابرهیم القواعد من البیت و اسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

۴- ابراهیم و اسماعیل (ع) ، با دعا به درگاه خدا خواستار پذیرفته شدن عملشان (ساختن کعبه) شدند .

ربنا تقبل منا

۵- ساختن کعبه ، فرمانی از جانب خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع) و مایه تقرب آنان به درگاه خدا

و إذ یرفع ابرهیم القواعد من البیت و اسمعیل ربنا تقبل منا

تقاضای ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند مبنی بر پذیرفته شدن عملشان (ساختن کعبه)، مستلزم آن است که خداوند فرمان به ساختن کعبه داده باشد.

۸- توجه و خلوص کامل ابراهیم و اسماعیل (ع) به خداوند ، هنگام ساختن کعبه

و إذ یرفع ابرهیم القواعد من البیت و اسمعیل ربنا تقبل منا

سیاق جمله فوق مقتضی این است که <ربنا تقبل منا> با کلمه ای همانند <قالا> آورده شود. حذف این کلمه اشاره به این نکته دارد که: توجه ابراهیم و اسماعیل (ع) به خداوند هنگام بنای کعبه، چنان بود که گویا از مرحله سخن گذشته و به یک حالت

و صفت برای آنان تبدیل شده بود.

۱۶ - از امام صادق (ع) روایت شده است : > ... فلما أمر الله عز و جل ابراهيم ان يبني البيت و لم يدر في اي مكان يبنيه فبعث الله جبرئيل فخط له موضع البيت فانزل الله عليه القواعد من الجنة ... فبنى ابراهيم البيت و نقل اسماعيل الحجر من ذى طوى فرفعه الى السماء تسعه اذرع ... ;

.. چون خداوند عز و جل ابراهيم(ع) را مأمور بنای کعبه کرد، او نمی دانست که کعبه را در کجا بنا کند. خداوند جبرئیل را فرستاد و او در مکان کعبه، خطی روی زمین کشید. سپس خداوند، پایه های کعبه را از بهشت فرو فرستاد ... و ابراهيم(ع) خانه را بنا کرد و اسماعیل(ع) از <ذی طوی> سنگ آورد و ابراهيم(ع) [دیوارهای] خانه را تا نه ذراع بالا آورد ...<.

۱۸ - از امام صادق (ع) روایت شده که : > ... كان البيت دره بيضاء فرفعه الله إلى السماء و بقى أساسه ... فأمر الله ابراهيم و اسماعيل أن يبني البيت على القواعد ;

.. خانه کعبه چون درّ سفیدی بود، پس خداوند آن را به آسمان بالا- برد و اساس آن باقی ماند ... پس خداوند ابراهيم و اسماعیل(ع) را مأمور کرد که خانه کعبه را بر همان پایه های قبلی بنا کنند.<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱۵، ۱۸

۱ - تسلیم خدا شدن ، از دعا های ابراهيم و اسماعیل (ع)

به هنگام ساختن کعبه

و إذ يرفع إبراهيم القواعد .. ربنا واجعلنا مسلمين لك

۸- ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه، از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد.

ربنا .. أرنا مناسکنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنانچه برخی از اهل لغت و نیز برخی از مفسران گفته اند - به معنای اعمال حج باشد.

۱۵- از حضرت علی بن ابی طالب (ع) روایت شده است که: > لما فرغ ابراهیم من بناء البيت قال: فعلت أی رب فأرنا مناسکنا، ابرزها لنا، علمناها، فبعث الله جبرئیل فحج به ;

چون ابراهیم(ع) از ساختن خانه کعبه فارغ گشت، عرض کرد: پروردگارا! من مأموریت خود را انجام دادم، پس شیوه انجام اعمال حج را به ما نشان بده و آن را بر ما آشکار کن و به ما بیاموز. پس خداوند جبرئیل را فرستاد تا به همراهی ابراهیم حج نماید [و به صورت عملی به ابراهیم(ع) نشان دهد]. <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱

۱ - بعثت پیامبری از نسل اسماعیل، از دعاها و درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام بنای کعبه

و من ذریتنا أمة مسلمة لك .. ربنا وابعث فیهم رسولا منهم

ضمیر در <فیهم> و <منهم> محتمل است به <أمة مسلمة> در آیه قبل برگردد و نیز محتمل است به <أهله> در آیه ۱۲۶ بازگردانده شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، <ربنا وابعث فی

ذريتنا المسلمه رسولا منهم<. دعای مشترک ابراهيم و اسماعيل گویای این است که: پیامبر مورد نظر ابراهيم نیز فردی از نسل اسماعيل است نه از نسل دیگر فرزندانش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۲

۲ کفر اهل کتاب به آیات الهی (انکار حلیت خوردنی ها قبل از نزول تورات در آیین ابراهيم و انکار تقدّم تاریخی بنای کعبه)

کل الطعام .. قل يا اهل الكتب لم تكفرون بايات الله

مراد از <آیات الله>، مضامینی است که در آیه های قبل بیان شد.

بنیانگذار کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۴

۴ - حضرت ابراهيم (ع) ، بنیان گذار کعبه و معمار آن

و إذ بوأنا لإبراهيم مكان البيت

بی حرمتی به کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۱۲، ۲

۲ شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام ، موجب عقاب شدید از سوی خداوند

جعل الله الكعبة البيت الحرام .. اعلموا ان الله شديد العقاب

با توجه به آیه قبل معلوم می شود، از جمله کسانی که به عقاب شدید تهدید شده اند کسانی هستند که با مضامین و احکام مطرح شده در آیه قبل مخالفت کنند. برداشت فوق به گروهی از آنان اشاره دارد و در برداشتهای بعدی دیگر موارد منعکس خواهد شد.

۱۲ شکنندگان حرمت کعبه و ماه های حرام و اعراض کنندگان از حکم قربانی نباید از رحمت و مغفرت الهی مأیوس باشند .

جعل الله الكعبة البيت الحرام .

.. إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بینش اهالی جزیره العرب و کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳ - حرمت و قداست کعبه در نزد مردم جزیره العرب مانع از تجاوز دیگران به مکه و برهم زدن امنیت و آرامش ساکنان آن

أُولَئِكَ نَمُكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا

پاسداری از قداست کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۸

۸ پاسداری از حرمت کعبه و ماه های حرام عامل بهره مندی از مغفرت و رحمت الهی

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ .. وَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

آیه قبل نشان دهنده مصادیقی است که از مغفرت و رحمت الهی بهره مند می شوند و از جمله آنان کسانی هستند که حرمت کعبه و ماههای حرام را پاس می دارند. در برداشتهای بعدی دیگر مصادیق آن منعکس خواهد شد.

تاریخ کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۳

۲۳ - خانه خدا (کعبه) دارای قدمت تاریخی

و إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ .. و اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَّ عَاهَدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَّ إِسْمَاعِيلَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۲،۳،۱۶

۲- پایه ها و اساس کعبه پیش از آنکه ابراهیم و اسماعیل (ع)، دیوارهای آن را بنا کنند، وجود داشته است.

و إذ يرفع إبراهيم القواعد من البيت و إسماعيل

از اینکه بالا بردن و ساختن دیوارهای کعبه

به ابراهیم و اسماعیل (ع) نسبت داده شده، ولی بنای پایه و اساس آن به ایشان نسبت داده نشده، چنین بر می آید که: پایه ها و اساس کعبه از دیرباز وجود داشته است.

۳- ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع ابرهیم القواعد من البیت و اسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

۱۶- از امام صادق (ع) روایت شده است: > . . . فلما أمر الله عز و جل ابراهیم ان یبنی البیت و لم یدر فی ای مکان یبنیه فبعث الله جبرئیل فخط له موضع البیت فانزل الله علیه القواعد من الجنة . . . فبنی ابراهیم البیت و نقل اسماعیل الحجر من ذی طوی فرفعه الی السماء تسعه اذرع . . . ;

.. چون خداوند عز و جل ابراهیم(ع) را مأمور بنای کعبه کرد، او نمی دانست که کعبه را در کجا بنا کند. خداوند جبرئیل را فرستاد و او در مکان کعبه، خطی روی زمین کشید. سپس خداوند، پایه های کعبه را از بهشت فرو فرستاد ... و ابراهیم(ع) خانه را بنا کرد و اسماعیل(ع) از <ذی طوی> سنگ آورد و ابراهیم(ع) [دیوارهای] خانه را تا نه ذراع بالا آورد ...<.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱،۴

۱ - تأسیس کعبه به دست ابراهیم (ع) ، واقعه ای بس مهم و شایان یادآوری

و إذ بوأنا لإبرهیم مکان البیت

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعول برای <أذکر> محذوف است؛ یعنی، <به یاد بسپار آن زمانی را که ما...>.

۴ - حضرت ابراهیم (ع) ، بنیان گذار کعبه و معمار آن

و إذ بوأنا لإبرهیم مکان البیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۶،۱۰

۶ - کعبه ، دارای قدمت و پیشینه تاریخی

بالبیت العتیق

<عتیق> به هر چیزی گفته می شود که دارای تقدم زمانی، مکانی و یا رتبه ای باشد. و بدین جهت است که به <قدیم>، <عتیق> نیز می گویند. بنابراین <بیت عتیق>؛ یعنی، خانه ای که دارای قدمت و پیشینه تاریخی است.

۱۰ - <عن أبی عبد الله (ع) قال: إنَّ الله عزَّوجلَّ أغرق الأرض کلَّها یوم نوح إلاَّ البیت فیومئذ سمی العتیق لأنه أعتق یومئذ من الغرق...>

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: خدای عزوجل در روز طوفان نوح، همه زمین را غرق کرد، مگر <بیت [الله]>. پس در آن روز عتیق نامیده شد؛ زیرا در آن روز از غرق شدن آزاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۵

۵ - کعبه ، دارای قدمت و سابقه تاریخی در میان سایر اماکن مقدس

إلی البیت العتیق

>عتیق < به هر چیزی گفته می شود که دارای تقدم زمانی یا

مکانی و یا رتبه ای باشد. بدین جهت به قدیم، عتیق نیز گفته می شود. بنابراین <بیت عتیق> یعنی، خانه ای که دارای قدمت و پیشینه تاریخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳ - حرمت و قداست کعبه در نزد مردم جزیره العرب مانع از تجاوز دیگران به مکه و برهم زدن امنیت و آرامش ساکنان آن

أولم نمکن لهم حرماً ءامناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۳

۳ - آبادانی کعبه و روی آوردن خلق به آن ، در تاریخ پیش از اسلام

و البیت المعمور

در صورتی که <بیت المعمور> کعبه باشد، آوردن وصف <المعمور> می تواند اشاره به آوازه بلند و آبادانی کعبه در گذشته تاریخ داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۶

۶ - کعبه ، حتی در عصر جاهلیت و سلطه شرک ، دارای شرافت و عظمت در پیشگاه خداوند

ألم تر کیف فعل ربّک .. فجعلهم کعصف ما کول

تطهیر کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۹، ۱۲، ۱۱

۱۱ - تطهیر خانه خدا و مصون داشتن آن از هر ناپاکی و آلودگی ، توصیه و فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع)

و عهدنا إلی إبرهیم و إسمعیل أن طهرا بیتی

۱۲ - خانه خدا ، باید همواره پاک و از آلودگی ها پیراسته شود .

أن طهرا بیتی

۲۹ - از امام صادق (ع) روایت شده که درباره قول خدا

> طهرا بيتی للطائفین ... فرمود: یعنی نَحْيَا عَنْهُ الْمُشْرِكِينَ ...

مشركان را از خانه من دور کنید ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - تولیت کعبه ، پاکیزه و آماده سازی آن برای زائران ، از وظایف الهی حضرت ابراهیم (ع)

و طهّر بيتی للطائفین

جایگاه کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ جایگاه بنای کعبه ، اولین نقطه آفریده شده از زمین

انّ اول بيت وضع للناس

امام صادق(ع): ... لما اراد الله تعالى ان يخلق الارض ... فجمعه في موضع البيت ثم جعل جبلاً من زبد ثم دحى الارض من تحته وهو قول الله عزّ وجل: (ان اول بيت .. <

کافی، ج ۴، ص ۱۸۹، ح ۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۶۵، ح ۲۴۴ و ۲۴۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۶

۶ کعبه از آن تمامی مردم نه قشر و طایفه ای خاص

جعل الله الكعبه البيت الحرام قيماً للناس

حمایت از کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۶

۶ - احترام کعبه و ساکنان مکه ، نزد مردم در مسیر کاروان های قریش ، مرهون ظهور حمایت خداوند از کعبه در > عام الفیل <

إيلفهم رحله الشتاء و الصيف

تأمین امنیت برای کاروان های قریش به وسیله نابود ساختن اصحاب فیل، می تواند از آن جهت

باشد که قبیله های بین راه، پس از حادثه فیل برای کعبه و قریش که اهل حرم بودند احترام ویژه ای قائل شدند.

خدمتگزاران کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱۷

۱۷ - ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) ، از خدمتگزاران خانه خدا (کعبه) بودند .

عهدنا إلی إبرهیم و إسمعیل أن طهرا بیتی

ذکر بنای کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۵

۱۵ - خاطره بنای کعبه از سوی ابراهیم و اسماعیل (ع) و دعا های آنان در آن هنگام ، خاطره ای شایسته و بایسته به یادداشتن

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱

۱ - تأسیس کعبه به دست ابراهیم (ع) ، واقعه ای بس مهم و شایان یادآوری

و إذ بوأنا لإبرهیم مکان البیت

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعول برای <أذکر> محذوف است، یعنی، <به یاد بسپار آن زمانی را که ما...>.

زیارت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۳،۵

۳- مردم ، باید پیایی برای زیارت خانه خدا (حج و عمره) به سوی آن جایگاه روانه شوند .

و إذ جعلنا البيت مثابة للناس و أمناً و اتخذوا

جمله <إتخذوا .. > که جمله ای

انشایی و دستوری است می تواند قرینه بر این باشد که مقصود از <جعلنا البیت ...> نیز معنایی انشایی و دستوری است؛ یعنی، مراد از <جعل>، تشریح قانون است. بنابراین مفاد جمله چنین می شود: باید مردم به سوی خانه خدا بیایند و امنیت آن را به شایستگی پاس بدارند.

۵- حضور در خانه خدا (کعبه) حقی برای عموم مردم است .

إذ جعلنا البیت مثابه للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۳۴

۳۴ انجام عمره و زیارت خانه خدا ، امری مرسوم در نزد مشرکان عصر بعثت

و لاء آمین البیت الحرام .. و لایجرمنکم شنان قوم ان صدو کم

در شأن نزول آیه آمده است که مشرکان برای عمره و زیارت خانه خدا راهی مکه بودند و مسلمانان خواهان هجوم به آنان شدند، در آن هنگام این آیه نازل شد. (مجمع البیان) جمله <ولایجرمنکم> این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳

۳- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمم به زیارت خانه خدا و قربانی کردن هدی

و صدو کم عن المسجد الحرام و الهدی معکوفاً أن یبلغ محلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۳

۳- آبادانی کعبه و روی آوردن خلق به آن ، در تاریخ پیش از اسلام

و البیت المعمور

در صورتی که <بیت المعمور> کعبه باشد؛ آوردن وصف <المعمور> می تواند اشاره به آوازه بلند و آبادانی کعبه در گذشته تاریخ داشته باشد.

سوگند به كعبه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به کعبه

و البیت المعمور

<واو> در <و البیت..> برای قسم و مقصود از <بیت معمور> (خانه آباد) کعبه است.

شرافت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۶

۶ - کعبه ، حتی در عصر جاهلیت و سلطه شرک ، دارای شرافت و عظمت در پیشگاه خداوند

ألم تر کیف فعل ربک .. فجعلهم کعصف مأکول

طواف کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۱، ۲۰، ۱۸، ۱۴

۱۴ - مهیا کردن و آماده ساختن خانه خدا برای طواف ، عبادت ، رکوع و سجود ، فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع)

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

در برداشت فوق <تطهیر> - چنانچه بعضی از مفسران گفته اند - کنایه از مهیا ساختن و اختصاص دادن، گرفته شده است.

۱۸ - خانه خدا جایگاه طواف ، اعتکاف ، عبادت ، رکوع و سجود (نماز) است .

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

عکوف مصدر (عاکفین) به معنای ماندن و اقامت کردن در مکانی است و مراد از آن در آیه شریفه - به قرینه طواف، رکوع و سجود - یا مطلق عبادت و پرستش خداست و یا مقصود از آن، اعتکاف - که عبادتی خاص با شرایطی ویژه از قبیل روزه گرفتن و .. است - می باشد.

۲۰ - طواف کنندگان ، عبادت کنندگان و نمازگزاران در خانه خدا ، دارای مقامی

ارجمند در پیشگاه خداوند

أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

از اینکه پیامبرانی بزرگ، همچون ابراهیم و اسماعیل (ع) مأمور به تطهیر خانه خدا برای طواف کنندگان و ... بودند، ارجمندی طواف کنندگان و ... در پیشگاه خدا به دست می آید.

۲۱ - طواف خانه خدا و اعتکاف در آن جایگاه، از احکام شریعت ابراهیم

أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ

عبادت در کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۲،۳

۲ - کعبه، محل عبادت حضرت ابراهیم (ع)

و إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ

<تَبْوُّهُ> (مصدر <بَوَّأْنَا>) به معنای <مَبَّأَهُ و مرجع قرار دادن است، یعنی، > به خاطر بسپار آن زمانی را که ما محل کعبه را برای ابراهیم (ع) محل مراجعه قرار دادیم. مراجعه مکرر حضرت ابراهیم (ع) به محل کعبه یا به منظور عبادت خدا بوده است و یا برای ساختن بنای آن، برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

۳ - محل کعبه، محلی تعیین شده از جانب خدا برای عبادت

و إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱۴، ۱۸، ۲۰

۱۴ - مهیا کردن و آماده ساختن خانه خدا برای طواف، عبادت، رکوع و سجود، فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع)

أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

در برداشت فوق <تطهیر> - چنانچه بعضی از مفسران گفته اند - کنایه از مهیا ساختن و اختصاص دادن، گرفته شده است.

۱۸ - خانه خدا جایگاه طواف ، اعتکاف ، عبادت ، رکوع و سجود (نماز

(است .

أن طهرا بيتي للطائفين و العكفين و الركع السجود

عكوف مصدر (عاكفين) به معنای ماندن و اقامت کردن در مکانی است و مراد از آن در آیه شریفه - به قرینه طواف، رکوع و سجود - یا مطلق عبادت و پرستش خداست و یا مقصود از آن، اعتکاف - که عبادتی خاص با شرایطی ویژه از قبیل روزه گرفتن و ... است - می باشد.

۲۰ - طواف کنندگان ، عبادت کنندگان و نماز گزاران در خانه خدا ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

أن طهرا بيتي للطائفين و العكفين و الركع السجود

از اینکه پیامبرانی بزرگ، همچون ابراهیم و اسماعیل (ع) مأمور به تطهیر خانه خدا برای طواف کنندگان و .. بودند، ارجمندی طواف کنندگان و ... در پیشگاه خدا به دست می آید.

عظمت كعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱۹، ۱۷، ۱۲، ۱۱، ۴، ۳

۳ - مردم ، باید پیاپی برای زیارت خانه خدا (حج و عمره) به سوی آن جایگاه روانه شوند .

و إذ جعلنا البيت مثابة للناس و أمناً و اتخذوا

جمله < اتخذوا .. > که جمله ای انشایی و دستوری است می تواند قرینه بر این باشد که مقصود از < جعلنا البيت ... > نیز معنایی انشایی و دستوری است ، یعنی ، مراد از < جعل > ، تشریح قانون است. بنابراین مفاد جمله چنین می شود: باید مردم به سوی خانه خدا بیایند و امنیت آن را به شایستگی پاس بدارند.

۴ - ضرورت ایجاد امنیت برای حاضران در محیط خانه خدا و حراست آنان در برابر هرگونه آسیب و گزند .

و إذ جعلنا البيت مثابة للناس و

۱۱ - تطهیر خانه خدا و مصون داشتن آن از هر ناپاکی و آلودگی ، توصیه و فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع)

و عهدنا إلی إبرهیم و إسمعیل أن طهرا بیتی

۱۲ - خانه خدا ، باید همواره پاک و از آلودگی ها پیراسته شود .

أن طهرا بیتی

۱۷ - ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) ، از خدمتگزاران خانه خدا (کعبه) بودند .

عهدنا إلی إبرهیم و إسمعیل أن طهرا بیتی

۱۹ - کعبه ، دارای شرافت و قداستی خاص در پیشگاه خداوند

أن طهرا بیتی

نسبت دادن کعبه به خداوند، با اضافه تشریفی <بیت> به <یا> متکلم، برای رساندن عظمت و قداست خاص کعبه در پیشگاه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۶

۶ - کعبه ، حتی در عصر جاهلیت و سلطه شرک ، دارای شرافت و عظمت در پیشگاه خداوند

ألم تر کیف فعل ربّک .. فجعلهم کعصف ما کول

فضایل کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۸

۱۸ - از امام صادق (ع) روایت شده که : > ... کان البیت دره بیضاء فرغه الله إلی السماء و بقی أساسه ... فأمر الله ابراهیم

و اسماعیل أن بینا البیت علی القواعد ;

.. خانه کعبه چون درّ سفیدی بود، پس خداوند آن را به آسمان بالا- برد و اساس آن باقی ماند ... پس خداوند ابراهیم و

اسماعیل (ع) را مأمور کرد که خانه کعبه را بر همان پایه های قبلی بنا

کنند >.

فضیلت عبادت کنار کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۹

۹- عبادت و نماز در کنار خانه خدا ، برخوردار از فضیلت و ارزش بیشتری در مقایسه با سایر سرزمینها

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي .. عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که اقامه نماز در غیر مکه برای فرزندان حضرت ابراهیم(ع) ممکن بود؛ ولی حضرت ابراهیم(ع) برای فضیلت عبادت در جوار خانه خدا آن مکان را برای فرزندان برگزید.

فضیلت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۸

۱۸ از امام باقر (ع) روایت شده است : > ... ما خلق الله بقعه في الأرض أحب إليه من هاتم أوميء بيده نحو الكعبة ... لها حرم الله الأشهر الحرم في كتابه ... ثلاثة متواليه للحج : شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه و شهر مفرد للعمرة و هو رجب ؛

.. خداوند هیچ بقعه ای را خلق نفرموده که برای او محبوب تر از این باشد و با دست خویش به کعبه اشاره فرمود [و افزود] به احترام این کعبه، خداوند در قرآن ماههای حرام را محترم شمرد. سه ماه متوالی برای حج: شوال، ذی قعدة و ذی حجه و یک ماه رجب، جدا برای عمره [مفرده] >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۴

۴ - کعبه ، دارای حرمت و قداستی والا در پیشگاه

خداوند

و يصدّون عن سبيل الله و المسجد الحرام

تهدید شدن کافران به عذاب دوزخ، به خاطر ممانعت کردن مردم از زیارت مسجدالحرام، بیانگر مطلب فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۵،۹

۵ - کعبه ، جلوه گاه توحید و یکتاپرستی

و إذ بوأنا لإبرهیم مکان البیت أن لا تشرک بی شیئاً

۹ - کعبه ، خانه ای بسیار مقدس و دارای حرمتی بس والا در پیشگاه خداوند

و طهر بیتی

اضافه <بیت> به <یای> متکلم، اضافه تشریفیه و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۸

۸ - کعبه ، بیتی شرافت مند و وابسته به خداوند

ربّ هذا البیت

اسم اشاره (هذا)، به قرینه سیاق برای تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۵

۱۵ - رفع گرسنگی و ناامنی از ساکنان مکه ، در راستای اعتلا و شکوفایی کعبه و از جلوه های ربوبیت خداوند است .

ربّ هذا البیت . الذی أطعمهم من جوع و ءامنهم من خوف

<الذی>، وصف <ربّ> و بیانگر جلوه های آن است.

فضیلت نماز کنار کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۹

۹- عبادت و نماز در کنار خانه خدا ، برخوردار از فضیلت و ارزش بیشتری در مقایسه با سایر سرزمینها

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي .. عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که اقامه نماز در غیر مکه برای فرزندان حضرت ابراهیم(ع) ممکن بود

ولی حضرت ابراهیم(ع) برای فضیلت عبادت در جوار خانه خدا آن مکان را برای فرزنداناش برگزید.

فلسفه نامگذاری کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱۰، ۱۱

۱۰ - > عن أبي عبد الله (ع) قال: إنَّ الله عزَّوجلَّ أغرق الأرض كلها يوم نوح إلا البيت فيومئذ سمى العتيق لأنه أعتق يومئذ من الغرق... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای عزوجل در روز طوفان نوح، همه زمین را غرق کرد، مگر <بیت[الله]>. پس در آن روز عتیق نامیده شد؛ زیرا در آن روز از غرق شدن آزاد شد.

۱۱ - > عن أبي حمزه الثمالي قال: قلت لأبي جعفر (ع) في المسجد الحرام: لأى شيء سمّاه الله العتيق؟ فقال: إنه ليس من بيت وضعه الله على وجه الأرض إلا له ربّ و سكان يسكنونه غير هذا البيت فإنه لاربّ له إلا الله عزوجلّ و هو الحرّ... ;

ابو حمزه ثمالی گوید: به امام باقر(ع) در مسجدالحرام گفتم: چرا خدا [بیت الله] را عتیق نامیده است؟ فرمود: خداوند هیچ خانه ای را بر روی زمین ننهاده است مگر این که صاحب و ساکنانی دارد که در آن سکنی گزیده اند؛ غیر از این بیت که صاحبی به جز خدای عزوجل ندارد و آن [از مالکیت اشخاص] آزاد است.. <.

قبله بودن کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۵

۵ - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت ، قبله بودن کعبه را

پذیرا نیستند .

و لئن أتيت الذين أوتوا الكتب بكل آية ما تبعوا قبلتك

قبله شدن کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۲

۲ - قبله نخستین مسلمانان (بیت المقدس) ، به فرمان خداوند به جانب کعبه تغییر یافت .

ما وليهم عن قبلتهم التي كانوا عليها .. يهدى من يشاء

جمله <یهدی من یشاء> قرینه بر این است که: تغییر قبله به فرمان خداوند بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۸

۱۸ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حقیقتی عنوان شده در کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل و ...)

إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

بیان آگاهی یهود و نصارا به حقانیت تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، با عنوان <اهل کتاب> می رساند که منشأ و منبع آگاهی آنان، کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل) بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۶

۶ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه و حقانیت آن ، موضوعی مطرح شده در تورات و انجیل *

الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه كما يعرفون أبناءهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <يعرفونه> به تغییر قبله باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حق و پیراسته و از هر گونه بطلان و ناروایی

الحق من ربك

به دلیل آیات قبل مصداق مورد

نظر برای <الحق>، تغییر قبله می باشد.

قداست کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱۹

۱۹ - کعبه، دارای شرافت و قداستی خاص در پیشگاه خداوند

آن طهرا بیتی

نسبت دادن کعبه به خداوند، با اضافه تشریفی <بیت> به <یا> متکلم، برای رساندن عظمت و قداست خاص کعبه در پیشگاه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۹

۹ کعبه، خانه و جایگاهی مقدس و سزاوار احترام خاص

لا تحلوا... و لاء آمین البیت الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۵، ۳، ۲

۲ کعبه دارای حرمتی خاص و منزلتی بلند در پیشگاه خداوند.

جعل الله الكعبة البيت الحرام

۳ لزوم حفظ حرمت کعبه و ماه های حرام

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس و الشهر الحرام

۵ نقش کعبه و ماه های حرام در قوام و ثبات جوامع منوط به حفظ حرمت آنها از سوی انسان ها است.

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس

۱۲ دستیابی اهل ایمان به جامعه ای با قوام در پرتو حراست از حرمت کعبه و انجام مناسک حج ، موجب آگاهی آنان به علم گسترده و همه جانبه خداوند .

جعل الله .. ذلك لتعلموا إنّ الله يعلم ما فى السموت و ما فى الارض

برداشت فوق بر این مناسبت که <ذلك> اشاره به خود حقایق بیان شده باشد نه بیان آن حقایق، یعنی آنگاه که انسانها در پرتو احترام به کعبه و ماههای حرام و انجام مناسک آن

به جامعه ای با قوام رسیدند، در می یابند که خداوند دارای علمی گسترده است.

۱۴ گزینش کعبه از میان تمامی نقاط زمین برای انجام مناسک حج، نشان آگاهی خداوند به نظام آسمان ها و زمین *

جعل الله الكعبة .. ذلك لتعلموا ان الله يعلم ما في السموت و ما في الارض

ارتباط عمیق بین جعل کعبه و خصوصیات آن با آگاهی خداوند بر آسمانها و زمین این احتمال را در ذهن ترسیم می کند که آیه ناظر به ویژگیهای منطقه ای و جغرافیایی کعبه باشد.

۱۵ فرمان به انجام مناسک حج و محترم شمردن کعبه برای رسیدن به جامعه ای با قوام، فرمانی برخاسته از علم گسترده خداوند

جعل الله الكعبة .. ذلك لتعلموا ان الله يعلم ما في السموت و ما في الارض

چون توجه به نقش کعبه و ماههای حرام و قربانی در قوام جامعه آدمی را به علم خداوند رهنمون می سازد، الزاماً باید جعل آنها برای تأمین این هدف، عالمانه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۱۲، ۲

۲ شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام، موجب عقاب شدید از سوی خداوند

جعل الله الكعبة البيت الحرام .. اعلموا ان الله شديد العقاب

با توجه به آیه قبل معلوم می شود، از جمله کسانی که به عقاب شدید تهدید شده اند کسانی هستند که با مضامین و احکام مطرح شده در آیه قبل مخالفت کنند. برداشت فوق به گروهی از آنان اشاره دارد و در برداشتهای بعدی دیگر موارد منعکس خواهد شد.

۱۲ شکنندگان حرمت کعبه و ماه های حرام

و اعراض کنندگان از حکم قربانی نباید از رحمت و مغفرت الهی مأیوس باشند .

جعل الله الكعبة البيت الحرام .. إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ و إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۴

۴ - کعبه ، دارای حرمت و قداستی والا در پیشگاه خداوند

و یصدّون عن سبیل الله و المسجد الحرام

تهدید شدن کافران به عذاب دوزخ، به خاطر ممانعت کردن مردم از زیارت مسجدالحرام، بیانگر مطلب فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۹

۹ - کعبه ، خانه ای بسیار مقدس و دارای حرمتی بس والا در پیشگاه خداوند

و طهر بیّتی

اضافه <بیت> به <یای> متکلم، اضافه تشریفیه و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۲

۲ - کعبه ، مکانی مقدس و والا

و البیت المعمور

برداشت یاد شده به این دلیل است که کعبه، مورد سوگند خداوند قرار گرفته است.

قدمت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۳

۲۳ - خانه خدا (کعبه) دارای قدمت تاریخی

و إذ جعلنا البيت . . . و اتخذوا من مقام إبراهيم مصلى و عهدنا إلى إبراهيم و إسماعيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۲

۲ - پایه ها و اساس کعبه پیش از آنکه ابراهیم و اسماعیل (ع) ، دیوار های آن را بنا کنند ، وجود

داشته است .

و إذ يرفع إبراهيم القواعد من البيت و إسماعيل

از اینکه بالا- بردن و ساختن دیوارهای کعبه به ابراهیم و اسماعیل (ع) نسبت داده شده، ولی بنای پایه و اساس آن به ایشان نسبت داده نشده، چنین بر می آید که: پایه ها و اساس کعبه از دیرباز وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۶

۶ قدمت کعبه ، ملائک شرافت آن بر بیت المقدس

انّ اوّل بیت وضع للناس

با توجه به شأن نزول ذکر شده در مجمع البیان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲

۲ کعبه دارای نشانه هایی روشن بر قدمت تاریخی آن و گویای نخستین بنا مردمی *

انّ اوّل بیت .. فيه آيات بینات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۶

۶ - کعبه ، دارای قدمت و پیشینه تاریخی

بالبیت العتیق

<عتیق> به هر چیزی گفته می شود که دارای تقدم زمانی، مکانی و یا رتبه ای باشد. و بدین جهت است که به <قدیم>،

<عتیق> نیز می گویند. بنابراین <بیت عتیق> یعنی، خانه ای که دارای قدمت و پیشینه تاریخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۵

۵ - کعبه ، دارای قدمت و سابقه تاریخی در میان سایر اماکن مقدس

إلى البيت العتيق

<عتیق> به هر چیزی گفته می شود که دارای تقدم زمانی یا مکانی و یا رتبه ای باشد. بدین جهت به قدیم، عتیق نیز

گفته می شود. بنابراین <بیت عتیق> یعنی، خانه ای که دارای قدمت و پیشینه تاریخی است.

قربانی کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۸

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل ... هدیاً بلغ الکعبه

کافران مکه و کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۳

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا لیعذبهم الله .. و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما کان صلاتهم .. > عطف بر <و هم یصدون ... > باشد.

کعبه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۶

۶ - کعبه ، حتی در عصر جاهلیت و سلطه شرک ، دارای شرافت و عظمت در پیشگاه خداوند

الم تر کیف فعل ربک .. فجعلهم کعصف ما کول

کعبه در طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ > قال أبو عبد الله (ع) : ... غرق جميع الدنيا إلا موضع البيت ... ;

امام صادق(ع) فرمود: ... [در طوفان نوح] همه دنیا غرق شد مگر جایگاه

خانه خدا...>

کعبه و اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۱۰

۱۰ دستور علمای یهود به پیروان خود مبنی بر پذیرش بیت المقدس به عنوان قبله و مخالفت با کعبه

و قالت طائفه من اهل الكتاب امنوا بالذی انزل . . و اکفروا اخره

امام باقر (ع): .. فقالوا صلی محمد الغداه فاستقبل قبلتنا فامنوا بالذی انزل علی محمد وجه النهار و اکفروا اخره یعنون القبله
حين استقبل رسول الله (ص) المسجد الحرام.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۲، ح ۱۱.

کعبه هنگام طوفان نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي عبد الله (ع) قال: إن الله عزوجل أغرق الأرض كلها يوم نوح إلا البيت فيومئذ سمى العتيق لأنه أعتق يومئذ
من الغرق...;

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: خدای عزوجل در روز طوفان نوح، همه زمین را غرق کرد، مگر <بیت [الله]>. پس در آن روز عتیق نامیده شد؛ زیرا در آن روز از غرق شدن آزاد شد.

کیفر حرمت شکنی کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۷

۷ - هجوم آوردندگان به کعبه و حرمت شکنان آن، در معرض عذابی سخت از جانب خداوند

فجعلهم كعصف مأكول

نقل داستان ابرهه، با جمله <ألم تر>، دل گرمی دادن به مؤمنان و تهدید کسانی است که حرمت کعبه را پاس نمی دارند.

کیفر هجوم به

کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۷

۷ - هجوم آورندگان به کعبه و حرمت شکنان آن ، در معرض عذابی سخت از جانب خداوند

فجعلهم كعصف مأكول

نقل داستان ابرهه، با جمله <ألم تر>، دل گرمی دادن به مؤمنان و تهدید کسانی است که حرمت کعبه را پاس نمی دارند.

مالک کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۲،۳،۸

۲ - خداوند ، مالک کعبه و مدبر امور آن است .

ربّ هذا البيت

<ربّ>، در اصل به معنای <تربیت> است (مفردات) و به معنای مالک و مدبر نیز آمده است (لسان العرب).

۳ - مالکیت خداوند بر کعبه و سیطره ربوبیت و تدبیر او بر آن ، برهان الزام قریش به عبادت او است .

فلیعبدوا ربّ هذا البيت

۸ - کعبه ، بیتی شرافت مند و وابسته به خداوند

ربّ هذا البيت

اسم اشاره (هذا)، به قرینه سیاق برای تعظیم است.

مالکیت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - > عن أبي حمزه الثمالی قال : قلت لأبی جعفر (ع) فی المسجد الحرام : لأی شیء سمّاه الله العتیق ؟ فقال : إنّه لیس من بیت وضعه الله علی وجه الأرض إلاّ له ربّ و سکان یسکنونه غیر هذا البیت فإنّهُ لاربّ له إلاّ الله عزّوجلّ و هو الحرّ . . . ;

ابو حمزه ثمالی گوید: به امام باقر(ع) در مسجدالحرام گفتم: چرا خدا [بیت الله] را عتیق نامیده است؟ فرمود: خداوند هیچ خانه ای را بر روی زمین

نهاده است مگر این که صاحب و ساکنانی دارد که در آن سکنی گزیده اند؛ غیر از این بیت که صاحبی به جز خدای عزوجل ندارد و آن [از مالکیت اشخاص] آزاد است. <..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۸

۸ - کعبه ، بیتی شرافت مند و وابسته به خداوند

ربّ هذا البيت

اسم اشاره (هذا)، به قرینه سیاق برای تعظیم است.

متولیان کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - تولیت کعبه ، پاکیزه و آماده سازی آن برای زائران ، از وظایف الهی حضرت ابراهیم (ع)

و طهّر بیتی للطائفین

مدبر کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۲،۳

۲ - خداوند ، مالک کعبه و مدبر امور آن است .

ربّ هذا البيت

<ربّ>، در اصل به معنای <تربیت> است (مفردات) و به معنای مالک و مدبر نیز آمده است (لسان العرب).

۳ - مالکیت خداوند بر کعبه و سیطره ربوبیت و تدبیر او بر آن ، برهان الزام قریش به عبادت او است .

فلیعبدوا ربّ هذا البيت

۲۱ ممنوعيت ورود مشركان به خانه خدا ، سبب نامگذاري آن به بيت الله الحرام

جعل الله الكعبه البيت الحرام

از امام صادق(ع) نقل شده كه در پاسخ سؤال از سبب نامگذاري خانه خدا به بيت الله الحرام فرمود: لانه حرم على المشركين ان يدخلوه.

۱، ب ۱۳۹ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۰، ح ۴۰۱.

ممانعت از ورود مشرکان به کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۹

۲۹ - از امام صادق (ع) روایت شده که درباره قول خدا > طهرا بیتی للطائفین ... فرمود: یعنی نَحیا عنه المشرکین ...

مشرکان را از خانه من دور کنید ... <.

منشأ تعیین کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۸، ۳

۳ - محل کعبه، محلی تعیین شده از جانب خدا برای عبادت

و إذ بوأنا لإبرهیم مکان البیت

۱۸ - > عن أبي عبد الله (ع) : ... فلما أمر الله عزوجل إبراهيم أن يبني البيت و لم يدر في أي مكان يبنيه فبعث الله جبرئيل

فخط له موضع البيت ...

از امام صادق (ع) روایت شده است: .. چون خداوند عزوجل حضرت ابراهیم (ع) را مأمور بنای کعبه کرد، او نمی دانست کعبه را در کجا بنا کند؛ خداوند جبرئیل را فرستاد و او در جای کعبه، برای وی خط کشید... <.

نامگذاری کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۲۱

۲۱ ممنوعیت ورود مشرکان به خانه خدا، سبب نامگذاری آن به بیت الله الحرام

جعل الله الكعبه البيت الحرام

از امام صادق (ع) نقل شده که در پاسخ سؤال از سبب نامگذاری خانه خدا به بیت الله الحرام فرمود: لانه حرم علی المشرکین

ان يدخلوه.

علل الشرايع، ص ٣٩٨، ح ١، ب ١٣٩؛

نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۰، ح ۴۰۱.

نامهای کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۵

۵ - < بیت المعمور > نام دیگر کعبه

و البیت المعمور

تعبیر < و البیت المعمور > به جای < و الکعبه > می تواند بدان جهت باشد که در آن زمان، کعبه به این نام نیز خوانده می شده است.

نشانه های توحید عبادی در کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۵

۵ - کعبه ، جلوه گاه توحید و یکتاپرستی

و إذ بوأنا لإبرهیم مکان البیت أن لا تشرک بی شیئاً

نعمت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۶

۶ - تعیین خانه خدا برای حضور مردم و تأکید بر حفظ امنیت حاضران در آن محیط ، از نعمت های الهی و شایسته و بایسته به یادداشتن

و إذ جعلنا البیت مثابه للناس و أمناً

< إذ > مفعول برای < اذکروا > (به یاد داشته باشید) است و لام در < للناس > حکایت از آن دارد که قرار دادن کعبه برای حضور پیاپی مردم در جهت منافع آنان است، که از آن در برداشت، به نعمت تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱۸

۱۸ - خانه خدا جایگاه طواف ، اعتکاف ، عبادت ، رکوع و سجود (نماز) است .

أن طهرا بيتی للطائفین و العکفین و الركع السجود

عکوف مصدر (عاکفین) به معنای ماندن و اقامت کردن در مکانی است و مراد از آن

در آیه شریفه - به قرینه طواف، رکوع و سجود - یا مطلق عبادت و پرستش خداست و یا مقصود از آن، اعتکاف - که عبادتی خاص با شرایطی ویژه از قبیل روزه گرفتن و .. است - می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۱، ۱۲، ۱۰، ۵، ۴، ۱

۱ کعبه دارای نقشی مهم در قیام و قوام زندگی انسانها

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس

برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که در مورد آیه فوق فرمودند: جعلها الله لدينهم و معيشتهم.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۴۶، ح ۲۱۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۵، ح ۱.

۴ مرکزیت کعبه برای قوام مردمان، لطف الهی به ایشان

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس

لحن آیه حکایت از امتنان خداوند بر بندگان دارد.

۵ نقش کعبه و ماه های حرام در قوام و ثبات جوامع منوط به حفظ حرمت آنها از سوی انسان ها است .

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس

۱۰ نقش اساسی تر کعبه در قوام جامعه نسبت به ماه های حرام و قربانی حج

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس و الشهر الحرام و الهدى و القلئد

تقدیم ذکری کعبه و نیز حذف <قيماً للناس> نسبت به <الشهر الحرام ..> اشاره به این دارد که نقش ماههای حرام و قربانی حج و ... در قوام جوامع بواسطه کعبه می باشد.

۱۱ آگاهی انسان ها به علم گسترده خداوند، از اهداف بیان نقش کعبه و ماه های حرام و قربانی در قوام جامعه

جعل الله .. ذلك لتعلموا إنّ الله يعلم

<ذلک> می تواند اشاره به بیان مطالب یاد شده باشد، یعنی خداوند فلسفه ایجاد کعبه و نیز احکام مربوط به آن را بیان کرد تا انسانها بدانند افعال خداوند و احکام او عالمانه و دارای اهدافی والاست و این را نشان و علامتی از علم گسترده خداوند بشمارند.

۱۲ دستیابی اهل ایمان به جامعه ای با قوام در پرتو حراست از حرمت کعبه و انجام مناسک حج ، موجب آگاهی آنان به علم گسترده و همه جانبه خداوند .

جعل الله .. ذلک لتعلموا إنّ الله يعلم ما فی السموت و ما فی الارض

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره به خود حقایق بیان شده باشد نه بیان آن حقایق، یعنی آنگاه که انسانها در پرتو احترام به کعبه و ماههای حرام و انجام مناسک آن به جامعه ای با قوام رسیدند، در می یابند که خداوند دارای علمی گسترده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۶

۶ - محوریت کعبه در مراسم حج

و لِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ .. ثُمَّ مَحَلَّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۸

۸ - کعبه وسیله اتحاد ، امنیت ، اعتبار و تحصیل مال قریش

لَا يَلْفُ قَرِيْشٍ

اگر <ایلاف> در این آیه، عام و در آیه بعد خاص باشد، می توان گفت که در این آیه، ائتلاف قریش با یکدیگر نیز مورد نظر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۷

- < کعبه > ، مظهر ربوبیت خداوند و نشانی گویا بر لزوم عبادت او است .

فلیعبدوا ربَّ هذا البیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۰

۱۰ - امنیت قریش ، مرهون وجود کعبه و امنیت آن بود .

ربَّ هذا البیت . . . وءامنهم من خوف

تعبیر < ربَّ هذا البیت > به جای < الله > پیش از توصیف خداوند به پدید آورنده امنیت نشانگر نقش کعبه در امنیت قریش است که قبایل عرب، آنها را اهل حرم دانسته و به آنان تعرض نمی کردند. ارتباط این سوره با سوره قبل، بیانگر نقش هلاکت اصحاب فیل، در پیدایش امنیت برای کعبه و در نتیجه برای قریش است.

نماز در کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۰

۲۰ - طواف کنندگان ، عبادت کنندگان و نماز گزاران در خانه خدا ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

از اینکه پیامبرانی بزرگ، همچون ابراهیم و اسماعیل (ع) مأمور به تطهیر خانه خدا برای طواف کنندگان و . . . بودند، ارجمندی طواف کنندگان و ... در پیشگاه خدا به دست می آید.

ویژگی کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۴، ۲، ۱

۱ کعبه ، نخستین خانه و مأوای مردمی

انَّ اوَّل بیت وضع للناس

<بیت> در لغت به معنای مأوای شبانه است.

۲ مردمی بودن ، ارزشی برای بنای کعبه *

انّ اوّل بیت وضع للناس

۴ کعبه ، برای تمامی انسانهاست ؛ و نه برای

جمعیت و یا نژادی خاص

وضع للناس

ویژگیهای کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱

۱ - خداوند، کعبه را ملجأ و جایگاهی برای حضور مردم و مکانی بسیار امن قرار داد.

و إذ جعلنا البيت مثابة للناس و أمناً

<مثابه>؛ یعنی، مکانی که مردم پی در پی بدان جا روی می آورند (لسان العرب). <أمن> مصدر است و در آیه به معنای اسم فاعل (آمناً = دارای امنیت) می باشد. آوردن مصدر به جای اسم فاعل، دلالت بر تأکید دارد. بنابراین <أمناً>؛ یعنی، آکنده از امنیت.

هتک قداست کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۵

۵ بی اعتنائی به احکام صید و کفاره آن در نهان و شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام به دور از چشم مردم، پدیدار و آشکار در محضر خداوند

و الله يعلم ما تبذون و ما تكتمون

از مصادیق مورد نظر برای <ما تکتمون> با توجه به آیات قبل افعال و رفتاری است که در برداشت به آنها اشاره شد.

هشدار به دشمنان کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۹

۹ - هشدار خداوند به مخالفان و حرمت شکنان کعبه و تهدید آنان به کیفری نظیر نابودی اصحاب فیل

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل

کفاره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کفاره

احکام کفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۲۹، ۱۷، ۱۰، ۹

۹ نوع متعارف غذای خانوادگی کفاره دهنده ، کمترین حد برای نوع غذا

فكفرتہ اطعام عشرہ مسكين من اوسط ما تطعمون اھليكم

برداشت فوق را فرمایش امام باقر(ع) تأييد می کند که در پاسخ سؤال از <اوسط ما تطعمون> در آیه فوق فرمود: ما تقوتون به عيالکم من اوسط ذلک . . .

کافی، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۵، ح ۴.

۱۰ پوشاک متعارف در خانواده شکننده سوگند، پوشاکی است که وی می تواند برای كفاره قسم خویش بپردازد.

من اوسط ما تطعمون اھليكم او كسوتھم

بيان نوع خوراك در مورد اطعام می تواند قرينه ای برای نوع پوشاک نیز باشد.

۱۷ لزوم كسب و بدست آوردن امكانات مادی جهت پرداخت كفاره قسم *

فمن لم يجد فصيام ثلثه ايام

جمله <فمن لم يجد> حکایت از آن دارد که شکننده سوگند باید برای بدست آوردن امکاناتی جهت پرداخت كفاره تلاش کند زیرا فعل <لم يجد> (نیافت) در مواردی استعمال می شود که شخص پس از تلاش و پی گیری امری به آن دست نیابد.

۲۹ اطعام ده مسكين، هر نفر به مقدار يك مُدّ (ده سير)، كفاره شكستن قسم

فكفرتہ اطعام عشرہ مسكين من اوسط ما تطعمون اھليكم

امام صادق(ع) در توضیح <اوسط ما تطعمون> در آیه فوق فرمود: هو كما يكون انه يكون في البيت من يأكل اكثر من المد ومنهم من يأكل اقل من المد فيين ذلک . . .

کافی، ج ۷، ص ۴۵۳، ح ۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۳.

۳۱ بالا پوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن، روسری و پایین پوش) برای زن، پوشاکی که در

کفارہ قسم داده می شود .

فکفرته .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

۳۲ یک نوبت غذای سیر یا یک تن پوش، حداقل کفارہ قسم که به هر یک از ده مسکین داده می شود .

فکفرته اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

امام باقر(ع) در توضیح معنی <اوسط> در آیه فوق فرمود: .. تشبعهم به مره واحده. قلت: کسوتهم؟ قال: ثوب واحد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۴.

۳۳ سه روز روزه، کفارہ قسم کسی که بیش از مخارج لازم خانواده خویش را ندارد .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

امام کاظم(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: اذا لم یکن عند فضل عن قوت عیاله فهو ممن لایجد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۲، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۱۹، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۹، ۵

۵ نظر و گواهی دو مرد مسلمان عادل، مرجع تشخیص همسانی صید با جریمه و کفارہ آن

یحکم به ذوا عدل منکم

ضمیر در <به> به <مثل> بر می گردد از کلمه <ذوا> که تثنیه ذواست مرد بودن و دو نفر بودن به دست می آید و از <منکم> مسلمان بودن آنها معلوم می شود.

اطراف کعبه ، تنها مکان مجاز برای قربانی کردن کفاره صید

هدیاً بلغ الکعبه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: من وجب علیه هدی فی احرامه فله ان ینحره حیث شاء الا فداء الصید فان الله یقول <هدیاً بلغ الکعبه>.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۴، ح ۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۱۱ تهیه غذا برای مساکین ، بایستی در حد قیمت شکار صید شده باشد

او کفره طعام مسکین

برداشت فوق بر این اساس است که <کفره> خیر برای مبتدای محذوف (هی) باشد بر این مبنا جمله <هی کفاره> عطف بر محل <من النعم> می شود و در حقیقت وصف و توضیحی دیگر است برای <جزاء مثل ما قتل> یعنی بر عهده شکار کننده سزایی است همسان با شکار، که باید به عنوان کفاره و بصورت طعام به مساکین داده شود.

۱۲ تعداد روزه در کفاره صید ، بایستی به تعداد مساکین در آن کفاره باشد .

او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

در برداشت قبل روشن شد که قیمت شکار، به صورت غذا به مساکین پرداخت می شود بر این اساس معنای <او عدل ذلک صیاماً> این است که اگر مکلف روزه، را به عنوان کفاره برگزید باید حساب کند که به طور معمول چند مسکین را می توان با قیمت شکار اطعام کرد، به همان تعداد باید روزه بگیرد. امام باقر(ع) درباره آیه فوق فرمود: ... فان لم یکن عنده فلیصم بقدر ما بلغ لکل مسکین یوماً.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۲، ح ۹۷، ب ۲۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۳، ح ۳.

ارزش والاتر قربانی بر اطعام مساکین ، و اطعام مساکین بر روزه ، در کفاره صید .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . . او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

برداشت فوق از تقدیم ذکری قربانی بر اطعام و تقدیم اطعام بر روزه استفاده شده است.

۱۹ تکرار شکار در حال احرام موجب تکرار کفاره نخواهد شد .

و من عاد فینتقم الله منه

بیان انتقام الهی در جزای تکرار صید پس از بیان حکم کفاره شکار حاکی از این است که هیچ جزائی جز خشم و انتقام خداوند در خور گناه تکرار صید نیست.

۲۵ روزه کفاره شکار در حال احرام ، بیش از شصت روز نیست ، اگر چه معادل خوراکی آن ، از شصت تجاوز کند .

او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . > ثم یصوم لکل مد یوماً فاذا زادت الامداد علی شهرین فلیس علیه اکثر منه .

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

۲۶ شتر ، کفاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره .

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

۲۷ کفاره صید در حال احرام ، قربانی و در صورت ناتوانی از آن ، انفاق قیمت آن و در حال عدم تمکن از قیمت

، روزه می باشد .

فجزاء مثل ما قتل من النعم .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلك صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: من اصاب صیداً وهو محرم فاصاب جزاء مثله من النعم اهداه و ان لم يجد هدیاً کان علیه ان يتصدق بثمانه و اما قوله < او عدل ذلك صیاماً > یعنی عدل الکفارہ اذا لم يجد الفدیة ولم يجد الثمن.

دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حلّ تعارض بین آن دو موقوف به اجتهاد است.

دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۷، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۶۱، ح ۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۳،۴،۵

۳ - دو ماه روزه ای که به عنوان کفّاره ظهار گرفته می شود ، باید پی در پی باشد .

فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين

۴ - ظهارکننده ، روزه ظهار را باید پیش از تماس و آمیزش با زنش بگیرد .

فصيام شهرين متتابعين من قبل أن يتماسا

۵ - در صورتی که گرفتن روزه برای ظهارکننده مقدور نباشد ، باید شصت مسکین را اطعام کند .

فمن لم يستطع فإطعام ستين مسکیناً

ارزش روزه کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۳

۱۳ ارزش والاتر قربانی بر اطعام مساکین ، و اطعام مساکین بر روزه ، در کفاره صید .

فجزاء مثل ما قتل من النعم .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلك صیاماً

برداشت فوق از تقدیم ذکری قربانی بر اطعام و تقدیم اطعام بر روزه استفاده شده است.

ارزش قربانی کفّاره

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۳

۱۳ ارزش والاتر قربانی بر اطعام مساکین ، و اطعام مساکین بر روزه ، در کفاره صید .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . . او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

برداشت فوق از تقدیم ذکری قربانی بر اطعام و تقدیم اطعام بر روزه استفاده شده است.

اطعام در کفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۱۴، ۳۲، ۷۸

۷ تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن یک برده کفاره شکستن سوگند

فکفرتہ اطعام عشره مسکین . . اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبه

۸ شکنده قسم ، مخیر در برگزیدن هر یک از انواع سه گانه کفاره قسم (تغذیه مساکین ، تهیه پوشاک برای آنان و آزاد کردن برده)

فکفرتہ اطعام عشره مسکین . . او کسوتهم او تحریر رقبه

تفریع جمله <فمن لم یجد< بر جملات پیشین تصریح به این دارد که مکلف در انتخاب هر یک از موارد سه گانه مخیر است چنانچه فرموده بود <او صیام ثلثه ایام> احتمال لزوم مراعات ترتیب بین آن موارد وجود داشت.

۱۴ کفاره شکستن سوگند در صورت ناتوانی از اطعام ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن برده ، سه روز روزه گرفتن است .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

۳۲ یک نوبت غذای سیر یا یک تن پوش ، حداقل کفاره قسم که به هر یک از ده مسکین داده می شود .

فکفرتہ اطعام عشره مسکین

من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

امام باقر(ع) در توضیح معنی <اوسط> در آیه فوق فرمود: ... تشبعهم به مره واحده. قلت: کسوتهم؟ قال: ثوب واحد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۵، ۱۴

۵ - در صورتی که گرفتن روزه برای ظاهرکننده مقدور نباشد، باید شصت مسکین را اطعام کند.

فمن لم یستطع فإطعام ستین مسکیناً

۱۴ - <عن ابی جعفر (ع) فی قوله عزوجل... > و من لم یستطع فإطعام ستین مسکیناً > قال: من مرض أو عطاش؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزوجل... <و من لم یستطع فإطعام ستین مسکیناً> روایت شده که فرمود: [مراد، عدم استطاعت بر صوم]، ناشی از مرض یا بیماری تشنگی است.

پوشاک در کفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۳۱، ۳۲، ۳۰، ۱۴، ۱۰، ۷، ۸

۷ تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن یک برده کفاره شکستن سوگند

فکفرتہ اطعام عشره مسکین... اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبه

۸ شکننده قسم، مخیر در برگزیدن هر یک از انواع سه گانه کفاره قسم (تغذیه مساکین، تهیه پوشاک برای آنان و آزاد کردن برده)

فکفرتہ اطعام عشره مسکین... او کسوتهم او تحریر رقبه

تفریع جمله <فمن لم یجد> بر جملات پیشین تصریح به این دارد که مکلف در انتخاب هر یک از موارد سه گانه مخیر است چنانچه فرموده بود <او>

صیام ثلثه ایام < احتمال لزوم مراعات ترتیب بین آن موارد وجود داشت.

۱۰ پوشاک متعارف در خانواده شکننده سوگند ، پوشاکی است که وی می تواند برای کفاره قسم خویش بپردازد .

من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

بیان نوع خوراک در مورد اطعام می تواند قرینه ای برای نوع پوشاک نیز باشد.

۱۴ کفاره شکستن سوگند در صورت ناتوانی از اطعام ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن برده ، سه روز روزه گرفتن است .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

۳۰ لزوم رعایت تناسب کیفیت پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود با فصل سال (تابستان و زمستان) و مرد یا زن بودن فقیر

فکفرتہ . . او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . و اما کسوتهم فان وافقت به التشاء فکسوته، و ان وافقت به الصیف فکسوته، لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع . . .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

۳۱ بالا-پوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن ، روسری و پایین پوش) برای زن ، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود .

فکفرتہ . . او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع . . .

عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

۳۲ یک نوبت غذای سیر یا یک تن پوش، حداقل کفاره قسم که به هر یک از ده مسکین داده می شود.

فکفّرتَه اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

امام باقر(ع) در توضیح معنی <اوسط> در آیه فوق فرمود: ... تشبعهم به مره واحده. قلت: کسوتهم؟ قال: ثوب واحد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۴.

روزه کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۱۴،۳۳

۱۴ کفاره شکستن سوگند در صورت ناتوانی از اطعام ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن برده، سه روز روزه گرفتن است.

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

۳۳ سه روز روزه، کفاره قسم کسی که بیش از مخارج لازم خانواده خویش را ندارد.

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

امام کاظم(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: اذا لم یکن عند فضل عن قوت عیاله فهو ممن لایجد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۲، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۷، ۲۵، ۲۴، ۱۲، ۱۰

۱۰ قربانی، اطعام مساکین و روزه، کفارات تخیری در کشتن صید در حرم و نیز در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم . . او كفره طعام مسكين او عدل ذلك صياماً

مؤيد برداشت فوق فرمايش منقول از امام صادق(ع) است كه فرمود: . . و

کل شیء من القرآن > او < فصاحبه بالخيار ما یشاء ... دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حل تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۱۲ تعداد روزه در کفاره صید، بایستی به تعداد مساکین در آن کفاره باشد.

او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

در برداشت قبل روشن شد که قیمت شکار، به صورت غذا به مساکین پرداخت می شود بر این اساس معنای > او عدل ذلک صیاماً < این است که اگر مکلف روزه، را به عنوان کفاره برگزید باید حساب کند که به طور معمول چند مسکین را می توان با قیمت شکار اطعام کرد، به همان تعداد باید روزه بگیرد. امام باقر(ع) درباره آیه فوق فرمود: ... فان لم یکن عنده فلیصم بقدر ما بلغ لكل مسکین یوماً.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۲، ح ۹۷، ب ۲۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۳، ح ۳.

۲۴ ارزش حیوانی که در کفاره شکار در حال احرام باید ادا شود، تعیین کننده تعداد روزه های معادل آن با احتساب هر یک چارک طعام مقابل یک روز روزه

کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: یثمن قیمه الهدی طعاماً ثم یصوم لكل مد یوماً . . .

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

۲۵ روزه کفاره شکار در حال احرام، بیش از شصت روز نیست، اگر چه معادل خوراکی آن، از شصت تجاوز کند.

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: .. > ثم يصوم لكل مد يوماً فاذا زادت الامداد على شهرين فليس عليه اكثر منه.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

۲۷ کفاره صید در حال احرام، قربانی و در صورت ناتوانی از آن، انفاق قیمت آن و در حال عدم تمکن از قیمت، روزه می باشد.

فجزاء مثل ما قتل من النعم .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلك صيماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: من اصاب صيداً وهو محرم فاصاب جزاء مثله من النعم اهدها و ان لم يجد هدياً كان عليه ان يتصدق بثلثه واما قوله > او عدل ذلك صيماً < یعنی عدل الكفاره اذا لم يجد الفديه ولم يجد الثمن.

دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حلّ تعارض بین آن دو موقوف به اجتهاد است.

دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۷؛ بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۶۱، ح ۶۵.

شتر در کفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶، ۴۸

۴ جریمه و سزای کشتن شکار، قربانی کردن دام اهلی (شتر، گاو و گوسفند) همانند آن شکار است .

و من قتله .. فجزاء مثل ما قتل من النعم

<نعم> مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. <جزاء> مبتدائی است که خبر آن حذف شده است

یعنی علیه جزاء و کلمه <مثل> صفت <جزاء> می باشد و مراد از آن می تواند همگونی

در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. <من النعم> صفت و یا حال برای <جزاء> است. امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵.

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل .. هدیاً بلغ الکعبه

۲۶ شتر ، کفاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

صدقه کفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۱۰، ۲۹، ۴۰

۱۰ روزه یا صدقه و یا قربانی ، فدیة (کفاره) تراشیدن سر قبل از قربانی ، برای مُحْرِمِ معذور

فمن كان منكم .. ففديه من صيام او صدقه او نُسْك

۲۹ کفاره تراشیدن سر قبل از قربانی ، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسکین و یا قربانی کردن یک گوسفند است .

فمن كان منكم مريضاً .. او صدقه او نسك

امام صادق(ع): .. و جعل الصيام ثلاثة ايام و الصدقه على

سَنَّهُ مَسَاكِينَ لِكُلِّ مَسْكِينٍ مَدِينٍ وَ النَّسْكَ شَاهٍ ...

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۶۶۴ و ۶۶۶.

۴۰ در صورت مشکل بودن روزه، کفاره تراشیدن اضطراری سر در حج، صدقه است.

فقدیه من صیام او صدقه او نسک

امام رضا (ع) درباره آیه فوق فرمود: فاقام الصّدقه مقام الصیام اذا عسر علیه

عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۱۸، ح ۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۹، باب ۱۸۲.

فلسفه کفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۴

۱۴ چشیدن آزار و اذیت، هدف از تشریح کفارات صید از سوی خداوند

کفره طعام مسکین .. لیدوق و بال امره

قربانی کفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۹، ۲۷

۹ اطراف کعبه، تنها مکان مجاز برای قربانی کردن کفاره صید

هدیاً بلغ الکعبه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: من وجب علیه هدی فی احرامه فله ان ینحره حیث شاء الا فداء الصید فان الله يقول <هدیاً بالغ الکعبه>.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۴، ح ۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۲۷ کفاره صید در حال احرام، قربانی و در صورت ناتوانی از آن، انفاق قیمت آن و در حال عدم تمکن از قیمت، روزه می باشد.

فجزاء مثل ما قتل من النعم .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: من اصاب

صيداً وهو محرم فاصاب جزاء مثله من النعم اهداه و ان لم يجد هدياً كان عليه ان يتصدق بثمنه واما قوله > او عدل ذلك صياماً < يعنى عدل الكفاره اذا لم يجد الفديه ولم يجد الثمن.

دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حلّ تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۷؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۶۱، ح ۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۱۰

۱۰ روزه یا صدقه و یا قربانی ، فديه (كفاره) تراشیدن سر قبل از قربانی ، برای مُحْرِم معذور

فمن كان منكم .. ففديه من صيام او صدقه او نُسُك

كفّاره تخيیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ قربانی ، اطعام مساكين و روزه ، كفارات تخيیری در كشتن صيد در حرم و نیز در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم .. او كفره طعام مسكين او عدل ذلك صياماً

مؤید برداشت فوق فرمایش منقول از امام صادق(ع) است که فرمود: .. و كل شيء من القرآن > او < فصاحبه بالخيار ما يشاء ... دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حلّ تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

كافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

كفّاره حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۲۹، ۲۳، ۱۹، ۱۷، ۱۴، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶

موجب بخشایش آن است .

و لكن يؤاخذكم بما عقدتم الأيمن فكفرتة . . . ذلك كفره ایمنکم

مؤاخذة سوگندشکنان دلیل عصیانگری آنان است و کلمه کفاره که به معنای پوشاننده است اشاره به بخشودگی گناه در پی پرداخت کفاره دارد.

۷ تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن یک برده کفاره شکستن سوگند

فکفرتة اطعام عشرة مسکین . . . اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبه

۸ شکننده قسم ، مخیر در برگزیدن هر یک از انواع سه گانه کفاره قسم (تغذیه مساکین ، تهیه پوشاک برای آنان و آزاد کردن برده)

فکفرتة اطعام عشرة مسکین . . . او کسوتهم او تحریر رقبه

تفریع جمله <فمن لم یجد> بر جملات پیشین تصریح به این دارد که مکلف در انتخاب هر یک از موارد سه گانه مخیر است چنانچه فرموده بود <او صیام ثلثه ایام> احتمال لزوم مراعات ترتیب بین آن موارد وجود داشت.

۹ نوع متعارف غذای خانوادگی کفاره دهنده ، کمترین حد برای نوع غذا در کفاره قسم

فکفرتة اطعام عشرة مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم

برداشت فوق را فرمایش امام باقر(ع) تأیید می کند که در پاسخ سؤال از <اوسط ما تطعمون> در آیه فوق فرمود: ما تقوتون به عیالکم من اوسط ذلک . . .

کافی، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۵، ح ۴.

۱۰ پوشاک متعارف در خانواده شکننده سوگند ، پوشاکی است که وی می تواند برای کفاره قسم خویش بپردازد .

من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

بیان نوع خوراک در مورد اطعام می تواند قرینه ای برای نوع پوشاک نیز باشد.

کفاره شکستن سوگند در صورت ناتوانی از اطعام ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن برده ، سه روز روزه گرفتن است .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

۱۷ لزوم کسب و بدست آوردن امکانات مادی جهت پرداخت کفاره قسم *

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

جمله <فمن لم یجد> حکایت از آن دارد که شکننده سوگند باید برای بدست آوردن امکاناتی جهت پرداخت کفاره تلاش کند زیرا فعل <لم یجد> (نیافت) در مواردی استعمال می شود که شخص پس از تلاش و پی گیری امری به آن دست نیابد.

۱۹ تعیین کفاره برای قسم نایستی دستاویزی برای شکستن سوگند قرار گیرد .

ذلک کفره ایمنکم إذا حلفتم و احفظوا ایمنکم

فرمان وفاداری به سوگند (واحفظوا ایمنکم) پس از بیان کفارات قسم اشاره به این دارد که اگر چه پرداخت کفاره موجب بخشایش گناه آن می شود ولی مکلف نباید آن را مجوز شکستن سوگند خویش پندارد.

۲۳ احکام سوگند و کفارات آن از نعمت های الهی و مستلزم سپاسگزاری در برابر آن

ذلک کفره ایمنکم ... کذلک ببین الله لکم ءایته لعلکم تشکرون

۲۹ اطعام ده مسکین ، هر نفر به مقدار یک مُدّ (ده سیر) ، کفاره شکستن قسم

فکفرته اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم

امام صادق(ع) در توضیح <اوسط ما تطعمون> در آیه فوق فرمود: هو کما یکون انه یکون فی البیت من یأکل اکثر من المد و منهم من یأکل اقل من المد فبین ذلک . . .

کافی، ج ۷، ص ۴۵۳، ح ۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۳.

و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن، روسری و پایین پوش) برای زن، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود.

فکفرته .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

۳۲ یک نوبت غذای سیر یا یک تن پوش، حداقل کفاره قسم که به هر یک از ده مسکین داده می شود.

فکفرته اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

امام باقر(ع) در توضیح معنی <اوسط> در آیه فوق فرمود: .. تشبعهم به مره واحده. قلت: کسوتهم؟ قال: ثوب واحد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۴.

۳۳ سه روز روزه، کفاره قسم کسی که بیش از مخارج لازم خانواده خویش را ندارد.

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

امام کاظم(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: اذا لم یکن عند فضل عن قوت عیاله فهو ممن لایجد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۲، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۶.

کفاره صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۵

۵ بی اعتنایی به احکام صید و کفاره آن در نهان و شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام به دور از چشم مردم، پدیدار و

خداوند

و الله يعلم ما تبدون و ما تكتمون

از مصادیق مورد نظر برای <ماتکتمون> با توجه به آیات قبل افعال و رفتاری است که در برداشت به آنها اشاره شد.

کفاره صید آهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر، کفاره شکار شتر مرغ، گاو، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

کفاره صید الاغ وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر، کفاره شکار شتر مرغ، گاو، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

کفّاره صید در احرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۱۰، ۸

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند

(باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل .. هدياً بلغ الكعبه

۱۰ قربانی ، اطعام مساکین و روزه ، کفارات تخیری در کشتن صید در حرم و نیز در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

مؤید برداشت فوق فرمایش منقول از امام صادق(ع) است که فرمود: .. و کل شیء من القرآن <او> فصاحبه بالخیار ما یشاء ... دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حل تعارض بین آن دو موقوف به اجتهاد است.

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۲۴ ارزش حیوانی که در کفاره شکار در حال احرام باید ادا شود ، تعیین کننده تعداد روزه های معادل آن با احتساب هر یک چارک طعام مقابل یک روز روزه

کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: یثمن قیمه الهدی طعاماً ثم یصوم لکل مد یوماً

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

۲۵ روزه کفاره شکار در حال احرام ، بیش از شصت روز نیست ، اگر چه معادل خوراکی آن ، از شصت تجاوز کند .

او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: .. > ثم یصوم لکل مد یوماً فاذا زادت الامداد علی شهرین فلیس علیه اکثر منه .

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

۲۶ شتر ، کفاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار

الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

۲۷ کفاره صید در حال احرام، قربانی و در صورت ناتوانی از آن، انفاق قیمت آن و در حال عدم تمکن از قیمت، روزه می باشد.

فجزاء مثل ما قتل من النعم .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلك صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: من اصاب صیداً وهو محرم فاصاب جزاء مثله من النعم اهداه و ان لم يجد هدیاً کان علیه ان يتصدق بثمنه و اما قوله < او عدل ذلك صیاماً > یعنی عدل الكفاره اذا لم يجد الفديه ولم يجد الثمن.

دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حلّ تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۷ بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۶۱، ح ۶۵.

کفاره صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۵، ۴

۴ جریمه و سزای کشتن شکار، قربانی کردن دام اهلی (شتر، گاو و گوسفند) همانند آن شکار است .

و من قتله .. فجزاء مثل ما قتل من النعم

<نعم> مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. <جزاء> مبتدائی است که خبر آن

حذف شده است یعنی علیه جزاء و کلمه <مثل> صفت <جزاء> می باشد و مراد از آن می تواند همگونی در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. <من النعم> صفت و یا حال برای <جزاء> است. امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه و فی حمار وحش بقره و فی الطبی شاه و و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵.

۵ نظر و گواهی دو مرد مسلمان عادل، مرجع تشخیص همسانی صید با جریمه و کفاره آن

یحکم به ذوا عدل منکم

ضمیر در <به> به <مثل> بر می گردد از کلمه <ذوا> که تثنیه ذو است مرد بودن و دو نفر بودن به دست می آید و از <منکم> مسلمان بودن آنها معلوم می شود.

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل .. هدیاً بلغ الکعبه

۹ اطراف کعبه، تنها مکان مجاز برای قربانی کردن کفاره صید

هدیاً بلغ الکعبه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: من وجب علیه هدی فی احرامه فله ان ینحره حیث شاء الا فداء الصید فان الله یقول <هدیاً بلغ الکعبه>.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۴، ح ۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۱۰ قربانی، اطعام مساکین و روزه، کفارات تخیری در کشتن صید در حرم و نیز در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم .. او کفره طعام مسکین او عدل

مؤید برداشت فوق فرمایش منقول از امام صادق(ع) است که فرمود: .. و كل شيء من القرآن <او> فصاحبه بالخيار ما يشاء ... دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حل تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۱۱ تهیه غذا برای مساکین، بایستی در حد قیمت شکار صید شده باشد

او کفره طعام مسکین

برداشت فوق بر این اساس است که <کفره> خبر برای مبتدای محذوف (هی) باشد بر این مبنا جمله <هی کفره> عطف بر محل <من النعم> می شود و در حقیقت وصف و توضیحی دیگر است برای <جزاء مثل ما قتل> یعنی بر عهده شکار کننده سزایی است همسان با شکار، که باید به عنوان کفره و بصورت طعام به مساکین داده شود.

۱۲ تعداد روزه در کفره صید، بایستی به تعداد مساکین در آن کفره باشد.

او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صياماً

در برداشت قبل روشن شد که قیمت شکار، به صورت غذا به مساکین پرداخت می شود بر این اساس معنای <او عدل ذلک صياماً> این است که اگر مکلف روزه، را به عنوان کفره برگزید باید حساب کند که به طور معمول چند مسکین را می توان با قیمت شکار اطعام کرد، به همان تعداد باید روزه بگیرد. امام باقر(ع) درباره آیه فوق فرمود: ... فان لم یکن عنده فلیصم بقدر ما بلغ لکل مسکین یوماً.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۲، ح ۹۷، ب ۲۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۳، ح ۳.

والا تر قربانی بر اطعام مساکین ، و اطعام مساکین بر روزه ، در کفاره صید .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . . . او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

برداشت فوق از تقدیم ذکری قربانی بر اطعام و تقدیم اطعام بر روزه استفاده شده است.

۱۴ چشیدن آزار و اذیت ، هدف از تشریح کفّارات صید از سوی خداوند

کفره طعام مسکین . . . لیذوق و بال امره

کفّاره صید شتر مرغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر ، کفّاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

کفّاره صید گاو وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر ، کفّاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذيب شيخ طوسي، ج ٥، ص ٣٤١، ح ٩٤، ب ٢٥ نورالثقلين، ج ١، ص ٦٧٣، ح ٣٦٧.

كفّاره گناه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۴

۲۴ باز بودن راه جبران کوتاهی ها و پوشانیدن گناه ، نعمتی الهی و مستلزم سپاسگزاری

ذَلِكْ كَفَّرَهِ اِيْمَنُكُمْ .. كَذَلِكَ يَبِيْنُ اللّٰهُ لَكُمْ اَيْتَهُ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ

از مصادیق مورد نظر برای کلمه <آیات> لزوم کفاره برای زدودن گناه حث سوگند است.

کفّاره مرتبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۴، ۱۵، ۱۶

۱ -ظهارکننده ، در صورتی که آزاد کردن بنده برایش مقدور نباشد ، باید دو ماه روزه بگیرد .

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرِيْنَ

۵ - در صورتی که گرفتن روزه برایظهارکننده مقدور نباشد ، باید شصت مسکین را اطعام کند .

فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامَ سِتِّيْنَ مَسْكِيْنًا

۱۴ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله عزّوجلّ ... > و من لم يستطع فإطعام ستين مسكيناً < قال : من مرض أو عطاش ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزوجلّ .. <و من لم يستطع فإطعام ستين مسكيناً> روایت شده که فرمود: [مراد، عدم استطاعت بر صوم]، ناشی از مرض یا بیماری تشنگی است.<

گاو در کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶، ۴۸

۴ جریمه و سزای کشتن شکار ، قربانی کردن دام اهلی (شتر ، گاو و گوسفند) همانند آن شکار است .

و من قتله .. فجزاء مثل ما قتل من النعم

<نعم> مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. <جزاء> مبتدائی است که خبر آن حذف

شده است یعنی علیه جزاء و کلمه <مثل> صفت <جزاء> می باشد و مراد از آن می تواند همگونی در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. <من النعم> صفت و یا حال برای <جزاء> است. امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه و فی حمار وحش بقره و فی الطبی شاه و و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵.

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل .. هدایاً بلغ الکعبه

۲۶ شتر ، کفاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الطبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

گوسفند در کفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶، ۴۸

۴ جریمه و سزای کشتن شکار، قربانی کردن دام اهلی (شتر ، گاو و گوسفند) همانند آن شکار است .

و من قتله .. فجزاء مثل ما قتل من النعم

<نعم> مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. <جزاء> مبتدائی است که خبر آن حذف شده است یعنی علیه جزاء

و کلمه <مثل> صفت <جزاء> می باشد و مراد از آن می تواند همگونی در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. <من النعم> صفت و یا حال برای <جزاء> است. امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعمه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵.

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل .. هدیاً بلغ الکعبه

۲۶ شتر ، کفاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعمه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

مرجع تشخیص کفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۵

۵ نظر و گواهی دو مرد مسلمان عادل ، مرجع تشخیص همسانی صید با جریمه و کفاره آن

یحکم به ذوا عدل منکم

ضمیر در <به> به <مثل> بر می گردد از کلمه <ذوا> که تثنیه ذواست مرد بودن و دو نفر بودن به دست می آید و از <منکم> مسلمان بودن آنها معلوم می شود.

کفارات

{كفارات}

جلد - نام سوره - سوره -

۱۰ روزه یا صدقه و یا قربانی ، فدیة (کفاره) تراشیدن سر قبل از قربانی ، برای مُحْرِمِ معذور

فمن كان منكم .. ففدية من صيام او صدقه او نُسك

۱۴ وجوب روزه به مدّت سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت (ده روز كامل) ، برای فاقد قربانی

فمن لم يجد فصيام ثلثة ايام في الحج و سبعة .. تلك عشرة كاملة

۲۹ كفاره تراشیدن سر قبل از قربانی ، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسكين و یا قربانی کردن يك گوسفند است .

فمن كان منكم مريضاً .. او صدقه او نسك

امام صادق (ع): .. و جعل الصيام ثلاثة ايام و الصدقة على ستة مساكين لكل مسكين مدّين و النّسك شاه ...

كافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۶۶۴ و ۶۶۶.

۴۰ در صورت مشکل بودن روزه ، كفاره تراشیدن اضطراری سر در حج ، صدقه است .

ففدية من صيام او صدقه او نسك

امام رضا (ع) درباره آیه فوق فرمود: فاقام الصدقة مقام الصيام اذا عسر عليه

عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۱۸، ح ۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۹، باب ۱۸۲.

احكام كفارات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ كفّاره كشتن مؤمن از روی خطا ، آزاد کردن يك برده با ايمان است .

و من قتل مؤمناً خطأً فتحرير رقبة مؤمنة

۱۲ در قتل خطائی، اگر

مقتول ، مؤمن باشد ، ولی خانواده اش از دشمنان مسلمانان ، کفار اش تنها آزادسازی برده ای با ایمان است .

فان کان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

۱۵ در قتل خطائی ، اگر مقتول ، مؤمن و خانواده اش از کافران همپیمان با مسلمانان باشند ، کفار آن آزادسازی یک برده با ایمان است .

و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیة مسلّمه الی اهله و تحریر رقبه مؤمنه

ظاهراً مراد از ضمیر در <کان>، مقتول است، شرط ایمان در برده ای که باید آزاد شود، این معنا را تقویت می کند.

فلسفه کفارات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۰

۳۰ تشریح قانون دیه و کفار در مورد قتل خطائی ، بر اساس علم و حکمت گسترده خداوند است .

و من قتل مؤمناً خطأً .. و کان الله علیماً حکیماً

کفالت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

احکام کفالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۱

۱ هیچکس حتی خویشاوندان و اولیا ، حق جلوگیری از ازدواج زن با شوهر سابق یا دیگری را پس از انقضای عده ندارد .

و اذا طَلَّقتم النساء فبلغن اجلهنّ فلا تعضلوهنّ ان ینکحن ازواجهنّ

<فبلغن اجلهنّ> در این آیه به معنای پایان مدّت عده است، به قرینه <ان ینکحن> . چون پس از انقضای عده، زن می تواند ازدواج کند، نه قبل از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۹

و سرپرستان ، در شئون افراد تحت ولایت خود

فلیملل ولئیه بالعدل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۴

۱۴ ضمان و کفالت ، از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی است .

و أنا به زعیم

<ضمان> در اصطلاح به معنای تعهد پرداخت مال به طلبکار از جانب بدهکار است. تعهد کننده را <ضامن> ، بدهکار را <مضمون عنه> و طلبکار را <مضمون له> می نامند و <کفالت> در اصطلاح تعهد به احضار شخصی است برای کسی که حقی بر گردن آن شخص دارد و تعهد کننده را کفیل می نامند. چنان چه ضمیر غائب در <أنا به زعیم> به <حمل بعیر> باز گردد، مراد از <زعیم> (متعهد) ضامن می باشد و اگر ضمیر در <به> به گوینده <لمن جاء...> (یعنی جاعل) باز گردد، مقصود از <زعیم> کفیل خواهد بود.

تاریخ کفالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۹

۱۹ جعاله ، ضمان و کفالت ، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف (ع)

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

عدالت در کفالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۹،۲۰

۱۹ لزوم رعایت عدالت از سوی اولیا و سرپرستان ، در شئون افراد تحت ولایت خود

فلیملل ولئیه بالعدل

۲۰ نفوذ املا و اعمالِ ولایتِ ولیّ ، در صورت رعایت عدالت از سوی وی

فلیملل ولیه بالعدل

عقد کفالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۴

۱۴

ضمان و کفالت ، از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی است .

و انا به زعیم

<ضمان> در اصطلاح به معنای تعهد پرداخت مال به طلبکار از جانب بدهکار است. تعهد کننده را <ضامن> ؛ بدهکار را <مضمون عنه> و طلبکار را <مضمون له> می نامند و <کفالت> در اصطلاح تعهد به احضار شخصی است برای کسی که حقی بر گردن آن شخص دارد و تعهد کننده را کفیل می نامند. چنان چه ضمیر غائب در <اُنا به زعیم> به <حمل بعیر> باز گردد، مراد از <زعیم> (متعهد) ضامن می باشد و اگر ضمیر در <به> به گوینده <لمن جاء...> (یعنی جاعل) باز گردد، مقصود از <زعیم> کفیل خواهد بود.

کفالت بر سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۸

۱۸ سفیهان و ناتوانان ، نیازمند ولی و سرپرست در مناسبات اجتماعی خویش هستند .

فان كان الذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعيفاً .. فليملل وليه بالعدل

کفالت بر ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۸

۱۸ سفیهان و ناتوانان ، نیازمند ولی و سرپرست در مناسبات اجتماعی خویش هستند .

فان كان الذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعيفاً .. فليملل وليه بالعدل

کفالت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۱ - ۷

۷- عهد بستن با خدا و سوگند خوردن به او ، در حقیقت ضامن و کفیل گرفتن خداوند بر خویش است .

و أوفوا بعهد الله . . . وقد جعلتم الله عليكم

کفیلًا

کفالت در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۹

۱۹ جعاله ، ضمان و کفالت ، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف (ع)

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

کفالت سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۵

۵ اموال سفیه ، باید در اختیار ولی او باشد .

و لا تَوْتُوا السَّفَهَاءَ اموالکم

جمله <لا توتوا .. > (اموال را به سفیهان نپردازید)، فرض را بر این قرار داده که اموال آنان باید در اختیار دیگری باشد، و چون مخاطبان آیه در مورد یکایک سفیهان نمی تواند همه مسلمانان باشد، به نظر می رسد خطاب متوجه ولی سفیه است.

کفالت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۷ - ۱۹، ۱۵، ۱۳، ۱۱

۱۱ زکریا ، عهده دار سرپرستی مریم (س) ، از جانب خدا

و کفلها زکریا

<کفل>، دو مفولی است؛ بنابراین معنای <کفلها زکریا>، چنین می شود: جعل الله زکریا کفیلًا لمریم.

۱۳ نقش سرپرستی حضرت زکریا ، در رشد و تعالی معنوی مریم (س)

و انبتها نباتاً حسناً و كفلها زكريا

تصریح خداوند به سپردن كفالت مریم به زكريا پس از <انبتها .. >، بیانگر ارتباط میان رشد معنوی مریم و كفالت زكريا است.

۱۵ خداوند ، مریم را به رشد جسمی شایسته ای رسانید و سپس زكريا را كفیل او قرار داد .

و انبتها نباتاً حسناً و كفلها زكريا

بنابراینکه مراد از <انبات > (رشد دادن) رشد و پرورش

جسمی نیز باشد، گفتنی است که تقدیم <انبتهها> بر <کفلها>، می تواند بیانگر این نکته باشد که سپردن کفالت مریم به زکریا پس از رشد جسمانی او بوده است.

۱۹ نظارت همه جانبه و دقیق حضرت زکریا بر زندگی مریم (س)

کلما دخل علیها .. قال یا مریم انی لک هذا

زیرا حضرت زکریا حتی نسبت به غذای او که از کجا آمده است، توجه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۱۳، ۱۲، ۹، ۸، ۷

۷ نزاع میان سران کنیسه در سرپرستی مریم، و روی آوردن آنان به قرعه برای تعیین سرپرست

اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم .. اذ یختصمون

۸ شگفتی سرگذشت نزاع میان سران کنیسه، در مورد سرپرستی مریم و توسل آنان به قرعه *

و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم و ما کنت لدیهم اذ یختصمون

به نظر می رسد تکرار <ما کنت لدیهم>، اشاره به شگفتی جریان نزاع باشد.

۹ شخصیت والای معنوی مریم، مایه رقابت سران کنیسه در سرپرستی او *

و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم .. اذ یختصمون

ظاهراً نزاع افراد برای به دست آوردن سرپرستی حضرت مریم بوده است و نه به عهده دیگری گذاشتن

۱۲ انجام قرعه کشی بین شش نفر، برای تعیین سرپرست مریم (س)

وما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم

امام باقر (ع): اول من سوهم علیه مریم بنت عمران و هو قول الله عزّ و جل <و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم> و السهام سته.

یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۱، ح ۱، ب ۳۸؛ خصال صدوق، ص ۱۵۶، ح ۱۹۸، باب الثلاثه.

۱۳ قرعه کشی برای تعیین سرپرست مریم، به هنگام درگذشت پدر وی

اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم

امام باقر (ع): .. <اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم> حین أیتمت من ابیها.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۴۷؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۹۲، ح ۲.

کفالت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۲۱، ۲۰، ۷

۷ صحت تصرف کودکان یتیم در اموال، با اذن و نظارت ولی

و ابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح

چون بدون تصرف یتیم در اموال و بدون نظارت ولی بر آن تصرفات، آزمایش تحقق نمی یابد.

۲۰ جواز بهره گیری سرپرست یتیم از دارایی وی، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: المعروف هو القوت و انما عنی الوصی او القیم فی اموالهم و ما یصلحهم.

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۴۶، ح ۶۷.

۲۱ جواز برداشت سرپرست یتیم از دارایی وی به عنوان قرض، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام باقر (ع) در مورد آیه فوق فرمود: معناه من کان فقیراً فلیأخذ من مال الیتیم قدر الحاجه و الکفایه علی وجه القرض ثم یرد

عليه ما أخذ اذا وجد.

مجمع البيان، ج ٣، ص ١٧؛ تفسير برهان، ج ١، ص ٣٤٥، ح ٢٠.

مشروعية كفالت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - يوسف - ١٢ - ٧٢ - ١٤

١٤ ضمان

و کفالت ، از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی است .

و أنا به زعیم

<ضمان> در اصطلاح به معنای تعهد پرداخت مال به طلبکار از جانب بدهکار است. تعهد کننده را <ضامن> ؛ بدهکار را <مضمون عنه> و طلبکار را <مضمون له> می نامند و <کفالت> در اصطلاح تعهد به احضار شخصی است برای کسی که حقی بر گردن آن شخص دارد و تعهد کننده را کفیل می نامند. چنان چه ضمیر غائب در <أنا به زعیم> به <حمل بعیر> باز گردد، مراد از <زعیم> (متعهد) ضامن می باشد و اگر ضمیر در <به> به گوینده <لمن جاء...> (یعنی جاعل) باز گردد، مقصود از <زعیم> کفیل خواهد بود.

نظارت در کفالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۷ - ۲۰

۲۰ مطلوبیت نظارت همه جانبه بر شخص تحت تکفل ، پس از پذیرش سرپرستی و کفالت وی

و کفّلها زکریّا کما دخل علیها زکریّا .. قال یا مریم ائی لک هذا

از چگونگی برخورد زکریا با مریم (س)، مطلب فوق استفاده شده است.

کفیل

اختیارات کفیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۵

۵ اختیار ازدواج زن در صورتی که شرعاً دارای ولی باشد با ولی اوست .

الذی بیده عقده النکاح

بنابراینکه مراد از کلمه <الذی>، ولی زن باشد و این ولی، توصیف شده به اینکه نکاح به دست اوست.

کفیل سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۶

۱۶ وجوب املاى اسناد دين و

مبادلات نسیه ای با رعایت عدالت ، از سوی ولیّ مدیونِ سفیه یا ضعیف و یا ناتوان از املائی اسناد

فان كان الذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعيفاً او لا يستطيع ان یملّ هو فلیملل ولیه ب

کفیل ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۶

۱۶ وجوب املائی اسناد دین و مبادلات نسیه ای با رعایت عدالت ، از سوی ولیّ مدیونِ سفیه یا ضعیف و یا ناتوان از املائی اسناد

فان كان الذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعيفاً او لا يستطيع ان یملّ هو فلیملل ولیه ب

کفیل مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱۳

۱۳ خداوند ، پیامبر (ص) را کفیل و قیم ایمان و کفر مردم قرار نداده است .

فمن اهتدی فانما یهتدی لنفسه و من ضل فانما یضل علیها و ما أنا علیکم بوکیل

<بوکیل > به معنای قیم و کفیل است (لسان العرب).

کفایت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کفایت حمایت‌های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۷

۷- خداوند ، برای همگان کارساز و حامی کافی است و جز او به کسی نیازی نیست .

و کفی برّک و کفلاً

کفایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۱

۱ - خداوند ، کفایت کننده امور بندگان و بی نیازکننده آنان از دیگران است .

أليس الله بكاف عبده

<کافی> به کسی گفته می شود که با وجود او، از دیگران بی نیازی حاصل می شود.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱۶، ۱۵

۱۵ - خداوند ، کفایت کننده امور پیامبر (ص) و مواضع او در برابر دشمنان

قل حسبی الله

<حَسْبُ> به معنای <کفایت> است. مقصود از کفایت خداوند که به فرمان اعلام به مردم (قل) همراه شده اعلام حمایت خداوند از پیامبر(ص) و دفع شرّ و توطئه دشمنان از آن حضرت است.

۱۶ - خداوند ، شایسته ترین کفایت کننده تمامی امور بندگان و دفع کننده هر نوع شر دشمنان از آنان است .

قل حسبی الله

حذف متعلق <حسبی> یعنی، ذکر نشدن موارد کفایت، دلالت بر عموم و توسعه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۳ - ۴

۴ - خداوند ، کفایت کننده امور متوکلان و بی نیازکننده آنان است .

و من یتوکل علی الله فهو حسبه

کفایت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۱

۱- معارف قرآن ، برای هدایت و سعادت قوم عبادتگر خدا ، کافی و بسنده است .

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به قرآن و مجموعه مطالب این سوره باشد. و <بلاغ> به معنای کفایت باشد (لسان العرب).

کفایت گواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۶

۶ گواهی خداوند بر هر امری در اثبات آن کافی و تمام است .

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷

۲- خداوند ، گواه و ناظری کافی میان پیامبر (ص) و مشرکان

کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف بود که کفایت گواهی خداوند را میان او و معجزه خواهان کافر ابلاغ کند .

قل کفی بالله بینی و بینکم شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۰

۱۰- خداوند ، شاهی کافی برای داوری میان حق و باطل

قل .. کفی به شهیداً بینی و بینکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر الغای خصوصیت از مورد آیه است.

کفایت گواهی عالمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ شهادت و گواهی عالمان به قرآن ، بر حقایق رسالت پیامبر (ص) در اثبات آن کافی و تمام است .

کفی بالله .. و من عنده علم الکتب

<من عنده ... عطف بر <الله> است و در حقیقت فاعل برای <کفی> می باشد ؛ یعنی: <کفی بمن عنده علم الکتب شهیداً> .

کفایت نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۳

۳ خداوند بی مدد دیگران ، یآوری کافی برای انسان در زندگی و تأمین کننده نیاز های هدایتی او

و کفی برّبک هادیًا و نصیرًا

کفایت وکالت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳ - ۵

۵ - خداوند ، وکیل

و کارسازی کفایت کننده ، برای توکل کنندگان است .

و توکل علی الله و کفی بالله و کيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۱۴،۱۳

۱۳ - خداوند ، کارساز و وکیلی کفایت کننده است .

و کفی بالله و کيلاً

۱۴ - کفایت کنندگی و کارسازی خداوند ، دلیل وجوب توکل بر او در همه امور است .

و توکل علی الله و کفی بالله و کيلاً

کفایت هدایتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۳

۳ خداوند بی مدد دیگران ، یآوری کافی برای انسان در زندگی و تأمین کننده نیازهای هدایتی او

و کفی بر بک هادياً و نصیراً

کفر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{کفر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۱۲

۱۲ اختیار کافران در انتخاب کفر خارج از مشیت الهی نیست .

انّ الذین کفروا .. و الله عزیز ... هو الذی یصوّرکم فی الارحام کیف یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ اختلاف انگیزی در دین ، پس از درك حقیقت آن ، کفر است .

و ما اختلف .. و من یکفر بایات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۰ - ۶

۶ ناسازگاری تسلیم در برابر خدا ، با کفر (اعتقاد به ربوبیت غیر خدا)

ایأمرکم بالكفر بعد اذ انتم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل

۱۲ ترک حج ، با وجود استطاعت (توان رفتن به خانه خدا) ، کفر است .

و لله على الناس . . . و من كفر فان الله غني عن العالمين

برداشت فوق را روایت امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: و من ترک فقد کفر، و نیز فرمود: و لم لا یکفر و قد ترک شریعه من شرایع الاسلام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۱۰۸؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۱۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۸

۸ تفرقه و اختلاف در میان جامعه ایمانی پس از اتمام حجّت ، کفر و ارتداد است . *

و لا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا . . . اکفرتم بعد ایمانکم

ارتداد (اکفرتم . . .) ، به قرینه آیه قبل ، می تواند همان تفرقه و اختلاف مسلمانان پس از اتحاد آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۱، ۱۶، ۱۸، ۲۰

۱۱ کفر مستمر یهود به آیات الهی و کشتن ناروای پیامبران ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت عليهم الذّٰله . . . و باءو بغضب من الله و ضربت عليهم المسكنه ذلك بانهم كا

۱۶ کفر ، جنایت و تجاوز ، سیره دائمی اهل کتاب (یهود)

ذلك بانهم كانوا يكفرون بآيات الله و يقتلون . . . و كانوا يعتدون

فعل مضارع پس از فعل ماضی از ماده <كَوَّنُ> دلالت بر استمرار دارد.

۱۸ گناه ، عصیان ، تعدی و تجاوز مداوم ،

موجب کفر به آیات الهی

بأنهم كانوا يكفرون بآيات الله و يقتلون الانبياء بغير حق ذلك بما عصوا و كانوا
بنابر اینکه مشارالیه <ذلك> در <ذلك بما عصوا>، کفر به آیات الهی باشد.

۲۰ هشدار خداوند به پرهیز از گناه، تجاوز و کفر به آیات الهی

ذلك بأنهم كانوا يكفرون... ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

بیان علت ذلتها و گرفتاریهای یهود، هشدار است به تمام مرتکبین گناه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۲

۲ برخی از اهل کتاب، منکر آیات الهی، قاتل انبیا و اهل عصیان و تعدی و برخی دیگر پذیرای طاعت خدا، اهل تلاوت
آیات الهی و سجده کننده در پیشگاه او هستند.

ذلك بأنهم كانوا يكفرون... ليسوا سواً من اهل الكتب... و هم يسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۴

۴ رباخواران، هر چند مدعی ایمان باشند، در حقیقت از زمره کفرپیشگان هستند.

لا تاكلوا الرِّبوا... و اتقوا النار التي اعدت للكافرين

مقتضای جمع میان خطاب <يا ايها الذين آمنوا لا تاكلوا الرِّبوا...> و تهدید این گروه از رباخواران به آتش مهیا شده برای
کافران، قرار دادن رباخواران مدعی ایمان است به منزله کافران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱،۲،۱۳

۱ علاقه وافر پیامبر (ص) به هدایت یافتن مردم و اندوه و تأسف عمیق وی از شتاب برخی از مردم در کفر

لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر

۲ توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر اندوهگین نشدن از شتاب برخی مردم در کفر

و لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر

۱۳ کفرورزی کافران، بیرون از اراده الهی نیست.

و لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر انهم لن يضروا الله شيئاً يريد الله الأی

جمله <یرید الله...>، بیان دلیلی است برای <لن يضروا الله>؛ یعنی شتاب کافران در کفر خویش، ضرری به خداوند نمی زند و کفر آنان، نشانه چیره شدن بر خداوند و اراده او نیست؛ زیرا خداوند با اراده خود آنان را به راهی انداخته که نتیجه آن محرومیت از بهره های آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۱۳

۱۳ ایمان و کفر (پاکی و ناپاکی) انسان ها از امور غیبی

و ما كان الله ليطلعكم على الغيب

چنانچه مراد از <الغیب>، جنس باشد، کفر و ایمان از مصادیق مورد نظر است. البته این احتمال نیز به نظر می رسد که الف و لام <الغیب>، عهد باشد؛ یعنی خصوص کفر و ایمان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۳، ۲۱

۱۳ یهود، حتی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند، بلکه آنان را کشتند.

قل قد جاءكم رسل من قبلي... و بالذی قلتم فلم قتلتموهم

۲۱ بهانه جویی یهود برای گریز از ایمان به پیامبر (ص)

الَّذِينَ قَالُوا .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

جمله <فلم قتلتموهم .. >، می رساند که پیشنهاد آنان برای ایمان آوردن، بهانه ای بیش نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۰

۲۰ آمرزش گناهان و بهشت ، پاداش خداوند به هجرت کنندگان از شرک و کفر *

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَاخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ .. لَا كُفْرًا عَنْهُمْ سَيَاتِهِمْ وَلَا دَخَلَتْهُمْ جَنَاتُ

می توان گفت مراد از هجرت به قرینه ادامه آیه (اخراجوا من دیارهم)، هجرتی است که رانده شدن از خانه و کاشانه را در پی داشته باشد. و این هجرت همان ترک شرک و کفر است.

آثار اجتناب از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۳

۳ - ایمان به قرآن و پیامبر (ص) و پرهیز از کفر ورزی به آنها ، وسیله محافظت در برابر مخاطرات و عذاب های روز قیامت است .

أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَاَتَقُوا يَوْمًا

فرمان به گرفتن وقایه (وسیله محافظت)، پس از ترغیب به ایمان (أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ) و هشدار از کفرورزی (و من یکفر ..) می رساند که: وقایه انسان در روز قیامت، ایمان به قرآن و پیامبر(ص) و پرهیز از کفرورزی به آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲۲

۲۲ ایمان به خدا و آخرت و اعراض از کفر حاکم بر جامعه ، زمینه ساز پدید آمدن علم و بصیرتی ویژه در آدمی

ذلکما مما علمنی

ربی إنی ترکت مله قوم . . هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۳

۳ پیامبر (ص) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه

<ال> در <الحسنه> عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر(ص) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با <السيئه> دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۲

۲ آنان که از شرک پرهیزند و از استهزای پیامبران و از کفر به ایشان حذر کنند ، به بهشت خواهند رفت .

مثل الجنة التي وعد المتقون . . تلك عقبى الذين اتقوا

مقصود اولی از <متقون> و <الذین اتقوا> به قرینه آیات گذشته کسانی اند که از شرک ، استهزای پیامبران و کفر به آنان حذر کنند.

آثار اخروی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱

۱ - آنان که با کفر به پروردگار خویش ، در قیامت حاضر شوند ، بی تردید اهل دوزخ خواهند بود .

إنه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

<جرم> در این آیه به قرینه آیه بعد به معنای کفر است زیرا در آیه بعد آمده است: <و من یأته مؤمنًا> . . .<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴

۲ - پیامد های ناگوار کفر کافران ، در قیامت تنها ، متوجه خود آنان است .

یومئذ یصدعون . من کفر فعليه کفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۴

۴ - کفر و تکذیب ، موجب ابتلا به سختی و اندوه توان سوز و طاقت فرسا در روز محشر

فکیف تتقون إن کفرتم یومًا یجعل الولدن شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۲،۳

۲ - کفر پیشگی و ارتکاب گناه ، مایه تغییراتی ناخوشایند در چهره انسان ، هنگام حضور در صحنه قیامت

علیها غبره . ترهقها قتره . أولئک هم الکفره الفجره

تعبیر <علیها> و <ترهقها>، حاکی از عارض شدن تیرگی بر چهره کافران است؛ به گونه ای که اگر کفر و گناه نبود، چهره اصلی انسان نمایان می شد. این چهره در آیات پیشین، به درخشان و خندان بودن توصیف شده بود.

۳ - گرفتاری به آثار کفر و گناه در قیامت ، فرصت هرگونه یاری رسانی به دیگران حتی نزدیک ترین خویشاوندان را از کافران و گنه کاران سلب خواهد کرد .

یوم یفر المرء .. لکل امرئ منهم یومئذ شأن یغنیه ... أولئک هم الکفره الفجره

آثار استهزاهای رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۳

۳ - استهزا و تبلیغات سوء و مغرضانه سران کفر و شرک علیه اسلام ، بسیار شدید و موجب دل آزردهی پیامبر (ص) بود .

اصبر علی ما یقولون

از این که پیامبر(ص) به صبر و شکیبایی

توصیه شده است با آن که آن حضرت شخصیتی بزرگ و دارای سعه صدر بود می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

آثار اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۲

۲ اصرار بر کفر و شرک از سر حق ستیزی، موجب افکنده شدن حجاب بر دل و سنگینی بر گوش آدمی است.

و جعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی اذانهم وقرا

<اصرار> و <حق ستیزی> از جملات دیگر آیه، مانند <کل آیه .. > و <یجادلونک ... >، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۷

۷ اصرار قوم عاد بر کفر و امید نرفتن به ایمانشان، عامل نزول عذاب و هلاکت آنان

و قطعنا دابر الذین کذبوا بایتنا و ما کانوا مؤمنین

چون تکذیب آیات الهی ملازم با عدم ایمان، بلکه برخاسته از بی ایمانی است، می توان گفت جمله <ما کانوا مؤمنین> یا اشاره به این معنا دارد که تکذیب کنندگان هلاک شده اهل ایمان نبودند و توفیق گرایش به توحید به طور کلی از آنان سلب شده بود، و یا اشاره به طایفه ای دیگر غیر از تکذیب کنندگان دارد. یعنی کسانی که تکذیب نکردند، ایمان نیز نیاوردند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۵ - ۱

۱ حق ناپذیری و پافشاری بر کفر، موجب از میان رفتن توفیق آدمی برای ایمان به آیات الهی است.

الذین

کفر و فهم لایؤمنون

با توجه به فعل مضارع <لایؤمنون> که دلالت بر استمرار دارد، جمله <هم لایؤمنون> به این معناست که آنان ایمان نخواهند آورد. و چون این جمله به وسیله <فاء> بر جمله <کفروا> عطف شده، دلالت می کند که سلب توفیق ایمان از آنها بر اثر کفرورزی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۴

۴ یهودیان مدینه در عصر بعثت نمونه پست ترین جنبنندگان به سبب اصرارشان بر کفر و از میان بردن زمینه های ایمان در خویش و شکستن پیمانها

إن شر الدواب عند الله الذين كفروا .. الذين عهدت منهم ثم ينفضون عهدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۵

۲۵ روی گردانی از حق و اصرار بر کفر و ارتداد، مستلزم کیفر شدید دنیوی و اخروی است.

و إن يتولوا يعذبهم الله عذاباً أليماً في الدنيا و الآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۴

۱۴ استمرار و پافشاری بر کفر، موجب گرفتار شدن به عذاب دردناک دوزخ است.

و الذين كفروا لهم .. عذاب أليم بما كانوا يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۰ - ۶

۶ استمرار و پافشاری بر شرک و کفر، موجب گرفتار شدن به عذاب شدید در قیامت است.

ثم نذيقهم العذاب الشديد بما كانوا يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ -

۳ اصرار بر کفر و انکار پیامبران و معارف الهی ، موجب از دست دادن شایستگی برای ایمان و هدایت است .

ینوح قد جدلنا فأكثر جدلنا فأتنا بما تعدنا .. لن يؤمن من قومك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۲

۲ خداوند ، در پی اصرار قوم عاد بر کفر و شرک ، عذابی سخت و سهمگین بر آنان نازل کرد .

و لما جاء أمرنا .. و نجینهم من عذاب غلیظ

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم عاد است. <عذاب غلیظ> در ذیل آیه بنابر یک احتمال، یعنی دنیوی بودن عذاب دلالت بر سهمگینی عذاب نازل شده بر قوم عاد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۳

۳ اصرار کفرپیشگان بر تکذیب پیامبران و عناد و لجاجت آنان ، موجب یأس پیامبران از موفقیت خویش و ایمان آوردن قومشان

حتی إذا استیئس الرسل

متعلق <استیئس> ایمان آوردن مردم و موفقیت پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۷

۷- کافران به قرآن و کافرانی که تصمیم به ماندن در ظلمت ها گرفته اند ، فرجامی بس ناگوار دارند و در عذابی سخت گرفتار خواهند شد .

و ویل للكفرین من عذاب شدید

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینه آیه قبل، کسانی هستند که کتاب خدا را

نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل -

۱- کسانی که بر کفر اصرار ورزیده و از سر لجاجت حق را نمی پذیرند ، محروم از هدایت الهی اند .

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ

فعل مضارع <لا يؤمنون> دلالت بر استمرار دارد و با توجه به اینکه قرآن به زبان روشن و فصیح نازل گردیده است، ولی در عین حال کافران به آن ایمان نیاورده اند، می تواند لجاجت و روح حق ناپذیری آنان را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۴

۴ - اصرار بر کفر و تکذیب آیات الهی ، در پی دارنده عذاب ابدی دوزخ

فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ .. أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ فَاكْتُمْتُمْ بِهَا تَكَذُّبُونَ

جمله <کنتم بها تکذّبون> ماضی استمراری و بیانگر پافشاری کافران بر کفر و تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه نزول عذاب الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فَأَهْلَكْنَاهُمْ ... وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۹

۹- اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

فأخذهم العذاب . . . و

ما کان اکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۶

۶ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن به خشم و قهر الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً و ما کان اکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و فساد ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فأخذهم عذاب يوم الظلّة .. و ما کان اکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۴

۴ - کافران منکر آیات الهی ، وعده پیامبر (ص) را بر عذاب ، در صورت تداوم کفر ، باور نداشتند .

و يستعجلونك بالعذاب

شتاب کافران در گرفتار شدن به عذاب، با وجود این که هیچ کسی، حتی کافر، علاقه و تمایل به عذاب ندارد، نشان می دهد که آنان، تعجیل در عذاب را، از ناباوری و یا استهزا می خواسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۴

۴ - کافران منکر آیات الهی ، وعده پیامبر (ص) را بر عذاب ، در صورت تداوم کفر ، باور نداشتند .

يستعجلونك بالعذاب

شتاب کافران برای گرفتار شدن به عذاب، با توجه به این که هیچ کسی، حتی کافر، علاقه و تمایل به عذاب ندارد، نشان می دهد که تعجیل آنان در عذاب، از ناباوری یا تمسخر بوده است.

آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۳

۳ - کفر مستمر ، سبب دوزخی شدن است .

اصلوها الیوم بما کنتم تکفرون

<باء> در <بما> برای سببیت و فعل مضارع <تکفرون> به ویژه با آمدن فعل <کنتم> بیانگر استمرار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۸ - ۱

۱ - اصرار مستکبرانه بر کفر ، به رغم شنیدن آیات الهی ، در پی دارنده عذابی بس دردناک

یسمع ءایة الله .. فبشره بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۹

۹ - کفر مستمر ، در پی دارنده عذاب حتمی

قال فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

تعبیر <کنتم تکفرون> استمرار را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۸

۸ - اصرار و مداومت بر کفر و حق ناپذیری ، در پی دارنده عذاب آتش دوزخ

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

فعل <کنتم تعملون>، ماضی استمراری و بیانگر اصرار و مداومت شخص، بر عمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - لجاجت و پافشاری بر کفر ، ریشه مبارزه کافران علیه قرآن

أَمْ يَقُولُونَ تَقْوَلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ

آثار اقرار به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۳

۳ رسمیت یافتن کفر فرد در جامعه اسلامی ، با سخنان و اقرار های زبانی وی

يُحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ

برداشت فوق بر

این اساس است که منافقان با نفی سخنان کفرآمیز از خویش، می خواهند خود را مسلمان نشان دهند و خداوند، برای بی اساس نشان دادن اقرار آنان، بر صدور سخنان کفرآمیز از ناحیه آنان، تأکید کرده است.

آثار برتری طلبی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۳

۳- ذلت و خواری اشراف و سران کفر در آخرت ، نتیجه برتری جویی ناروای آنان در دنیا

ذق إنك أنت العزيز الكريم

مخاطب قرار گرفتن این گروه از دوزخیان به وسیله وصف <العزيز الكريم>، می نمایاند که مجازات آنان، پیامد روحیه تکبرمنشانه و برتری جویانه ایشان است. در حقیقت آنان، آثار رفتار شوم خویش در دنیا را می بینند.

آثار بهانه جویی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهی گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إن هذا إلا إفك... و قالوا مال هذا الرسول... إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

<فاء> در <فضلوا> برای سببیت و در <فلاستطيعون> تفسیریه است؛ یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

آثار تبری از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۲۴

۲۴ - رشد واقعی انسان ، در پرتو محبت دین و بیزاری از کفر و گناه

حَبِّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ... وَ كَرِهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ... أُولَئِكَ هُم

آثار تداوم بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۴

۲۴ مداومت بر کفر موجب گرفتاری به عذاب دردناک قیامت می شود.

عذاب الیم بما کانوا یکفرون

آثار دشمنی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهی گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكَ.. .. وَقَالُوا مَا لِيْهِذَا الرَّسُولِ... إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا

<فَاء> در <فَضَلُوا> برای سببیت و در <فَلَايَسْتَطِيعُونَ> تفسیریه است، یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

آثار دعوت به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۴،۶

۴ - کفرورزی و نیز دعوت به آن ، موجب خلود در آتش

قَالَ لِلْإِنْسَانِ أَكْفَرُ فَلَمَّا كَفَرَ... فَكَانَ عَقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا

۶ - کفرورزی و دعوت به آن ، از مصادیق ظلم

قَالَ لِلْإِنْسَانِ أَكْفَرُ فَلَمَّا كَفَرَ... فَكَانَ عَقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ

آثار شك رهبران كفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۵

۵ - مخالفت سران كفر و شرك با پیامبر اسلام ، به خاطر شك و تردید آنان در اصل نزول وحی و الهی بودن قرآن بود ؛ نه در شایستگی پیامبر (ص) برای

رسالت .

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي

<بل> در جمله <بل هم فی شک من ذکری> برای اضراب می باشد. بر این اساس مقصود از آیه شریفه این است که مخالفت سران کفر و شرک با رسول خدا، ناشی از شک و تردید آنان در درستی قرآن است و بحث از شایستگی آن حضرت برای رسالت، معلول چنین تردیدی می باشد.

آثار شومی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۷

۷- بیم دادن خداوند به بندگان، درباره پیامد شوم کفر و شرک و گرفتار شدن به آتش دوزخ

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ .. ذَلِكُمْ يَخَوْفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ

آثار عدم تعقل در فرجام کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- ناخشنودی از دین و پیام های الهی ، معلول نیندیشیدن به عاقبت کفر و کافران *

كُرْهُوَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ .. أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

از ارتباط <أفلم یسیروا> با <کرهوا ما أنزل الله>، می توان استفاده کرد که اگر کافران عصر بعثت به فرجام شوم پیشینیان کافر می اندیشیدند، این چنین از پیام های دین، گریزان و ناخشنود نبودند.

آثار کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۶

۶- برخی از کافران به مرحله ای از کفر می رسند که زمینه ایمان در آنان نابود می شود .

إن الذين كفروا سواء عليهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۸ - آتش دوزخ ، مهیّا شده برای کفرپیشگان

أعدّت للكفرین

اعداد (مصدر اعدت) به معنای حاضر کردن و مهیّا ساختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۵،۶

۵ - کفر ورزی یهود ، موجب محروم شدن آنان از رحمت الهی است .

لعنهم الله بكفر هم

<باء> در <بكفر> سبیه است.

۶ - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بكفر هم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم الله...> بیان می دارد حجاب قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۹

۹ - فقدان ایمان ، از علل پایبند نبودن آدمی به عهد ها و پیمان های الهی است .

أو كلما عهدوا عهداً نبذه فريق منهم بل اكثرهم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - یهودیانِ کافر به پیامبر (ص) و استهزا کننده او، مستحق عذابی دردناک هستند .

و للكفرین

عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۱

۱ - کفر پیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۳

۳ کفر ، زمینه اصیل پنداشتن زندگی دنیا و ارزش های مادی

زين للذين كفروا الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۱۷

۱۷ ایمان و کفر ، محور طبقه بندی افراد جامعه

فمنهم من امن و منهم من كفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۹،۱۴

۹ کفر ، زمینه ساز سرپرستی و حاکمیت طاغوت و انحراف از نور به ظلمتها

و الذين كفروا اولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات

۱۴ اتحاد اهل ایمان به علت ولایت واحد الهی و تشتت صفوف اهل کفر ، به لحاظ حاکمیت اولیای متعدد طاغوتی بر آنان

الله وليّ الذين امنوا .. و الذين كفروا اولياؤهم الطاغوت

چون مؤمنان از یک <ولی> برخوردارند، پس به وحدت می رسند، و در مقابل، کافران دارای اولیای متعددند و در نتیجه

متشنت خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۲۶،۲۷

۲۶ کفر همراه با عناد و ایستادگی در برابر حق ، ستمگری است .

فبهِتِ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا

۲۷ کفر و ستمگری ، مانع پذیرش حقّ و خضوع در برابر دلایل روشن آن

فبهِتِ الَّذِي كَفَرَ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱۲

۱۲ کفر ، اعمال ناشایست ، ترک نماز و نداشتن ارتباط با خدا ، امتناع از پرداخت زکات و حقوق مالی ، موجب اضطراب و سلب آرامش درونی

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا .. وَاَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ

از مفهوم آیه برداشت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ آتش دوزخ ، از درون کافران زبانه می کشد .

اولئک هم وقود النار

با توجه به معنای لغوی <وقود>: هو الحطب المجمع للوقود. یعنی وقود، هیزمی است برای روشن کردن آتش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۲،۴

۲ پیروزی ایمان بر کفر ، از وعده های الهی

قُلْ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا سَتُغْلَبُوْنَ وَتُحْشَرُوْنَ اِلَى جَهَنَّمَ

۴ کافران در دنیا ، مغلوب مؤمنان و در آخرت ، مقهور خدا هستند . *

قُلْ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا سَتُغْلَبُوْنَ وَتُحْشَرُوْنَ اِلَى جَهَنَّمَ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - آل عمران - ٣ - ٢١ - ٣

٣ كفر به آيات الهى ، منشأ قتل انبيا و عدالتخواهان

ان الذين يكفرون .. و يقتلون النبين ... و يقتلون الذين يأمرون بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - آل عمران - ٣ - ٢٢ - ١٠

١٠ كفر، و

نیز قتل انبیا و عدالتخواهان ، عامل محرومیت از یاری شفاعت کنندگان

انّ الذین یکفرون . . . و ما لهم من ناصرین

به نظر می رسد جمله < و ما لهم من ناصرین >، وجود یاری دهندگانی (شافعین) را برای جبران برخی اعمال فرض کرده است؛ و لیکن شامل اشخاص مذکور در آیه نمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۲ - ۹

۹ کفر ، عامل محرومیت از محبت الهی

فان تولّوا فانّ الله لا یحب الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۶ - ۲

۲ کفر ، موجب عذاب دنیا و آخرت

فاما الذین کفروا فاعذبهم . . . فی الدنيا و الاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱۰، ۳

۳ در قیامت ، کافران از اعمال صالح خویش ، بهره ای نمی برند .

و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجرهم

چون پاداش الهی مشروط به توأم بودن ایمان و عمل صالح است، بنابراین عمل صالح بدون ایمان، پاداش الهی را در پی نخواهد داشت.

۱۰ کافران به عیسی (ع) (یهودیان) ، ظالم و محروم از محبت خداوند هستند .

فاما الذین کفروا . . . و الله لا یحب الظالمین

از مصادیق مورد نظر از کلمه <الظالمین>، به قرینه آیات قبل، یهودیانی هستند که به حضرت عیسی (ع) ایمان نیاوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ ایمان نداشتن به تمامی پیامبران و کتب

نازل شده بر آنان ، حاکی از تسلیم نبودن در برابر خداست .

امنا .. لا نفرق بین احد منهم و نحن له مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۶ - ۳

۳ یهود و نصارا ، محروم از هدایت ، به جهت انکار آگاهانه حقایق پیامبر (ص) با وجود دلایل روشن بر آن

کیف یهدی الله قوماً .. و الله لا یهدی القوم الظالمین

آیه در مورد اهل کتاب نازل شده و آنان با وجود شهادت قبلی بر حقایق آن حضرت، منکر حقایق وی شدند. (روح المعانی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۰ - ۱،۲،۳،۴

۱ ازدیاد کفر مرتد (اصرار بر کفر) ، موجب محرومیت او از پذیرش توبه

انّ الذین کفروا من بعد ایمانهم ثمّ ازدادوا کفراً لن تقبل توبتهم

۲ ارتداد و اصرار بر کفر ، موجب محرومیت از هدایت خداوند

انّ الذین کفروا .. لن تقبل توبتهم

۳ مرتدانی که پس از توبه به کفر بازگردند ، توبه مجددشان پذیرفته نخواهد شد . *

الا الذین تابوا .. ان الذین کفروا ... لن تقبل توبتهم

به نظر می رسد منظور از <ان الذین> پس از <الا-الذین تابوا>، آن گروه مرتدانی باشند که توبه کردند و مجدداً کافر شدند.

۴ مرتدانی که بر کفر اصرار ورزند ، هرگز موفق به توبه نخواهند شد . *

انّ الذین کفروا .. لن تقبل توبتهم

بنابراینکه جمله <لن تقبل>، کنایه از عدم توبه آنها باشد، یعنی توبه نخواهند کرد تا پذیرفته شود.

سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۱

۱ کسی که در حال کفر بمیرد ، اگر به اندازه تمامی زمین برای رهایی خود طلا فدیة دهد ، پذیرفته نخواهد شد .

انّ الذین کفروا .. و لو افتدی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۰ - ۸

۸ بازگشت به کینه ها ، عداوت ها و دیگر ویژگی های جاهلیت پس از گرایش به اسلام ، نمودی از کفر

یردو کم بعد ایمانکم کافرین

اوس و خزرج پس از تحریک یهود، کینه های گذشته را اظهار کردند و آماده جنگ شدند. این کینه‌ورزی را آیه شریفه، گرایش به کفر قلمداد کرده است. (المیزان ج ۳).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۶

۶ کفر و ارتداد ، عامل روسیاهی و عذاب در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتهم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۸

۸ عذاب سیاه رویان (کافران) ، ناشی از اعمال ناپسند (تفرقه و پراکندگی و کفر) خود آنان است و نه از ناحیه خداوند

فاما الذین اسودّت وجوههم .. و ما الله یرید ظلماً للعالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۱

۱۱ کفر مستمر یهود به آیات الهی و کشتن ناروای پیامبران ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به

ضربت عليهم الذلّة .. و باءو بغضب من الله و ضربت عليهم المسكنه ذلك بانهم كا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۴،۱۱

۴ مال و اولاد (امکانات مادی و انسانی) نمی تواند خلأ ناشی از بی ایمانی به خدا را در جبهه کفر ، جبران کند .

انّ الذين كفروا لن تغني عنهم اموالهم و لا اولادهم من الله شيئاً

۱۱ کفر ، موجب جاودانگی در آتش دوزخ

انّ الذين كفروا .. و اولئک اصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۷ - ۲،۶،۱۰

۲ کفر ، موجب محرومیت آدمی از ثمره انفاقات (اعمال خیر) خویش

انّ الذين كفروا .. مثل ما ينفقون في هذه الحيوه الدنيا ... فاهلكته

۶ کفر آدمی ، ظلم به خویشتن

انّ الذين كفروا حرث قوم ظلموا انفسهم .. و ما ظلمهم الله و لكن انفسهم يظلمون

۱۰ بی ثمری انفاق (اعمال خیر) و دستاورد های اهل کفر ، ناشی از عملکرد آنان است و نه از جانب خداوند .

مثل ما ينفقون في هذه الحيوه الدنيا كمثل ریح فيها صرّ اصابت حرث قوم .. و ما ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۲،۱۴

۱۲ کفر و ارتداد و پشت کردن به خط رسالت انبیا ، حرکتی ارتجاعی و واپسگرایانه است .

و ما محمّد الا رسول .. افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

ارتداد و کفر افراد ، زبانی به خداوند نمی رساند .

و من ینقلب علی عقبیه فلن یضرّ الله شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۵۸

۵ کفر ، ارتداد و عصیان بر خداوند ، حرکتی واپسگرایانه

ان تطیعوا ... یردوکم علی اعقابکم

۸ از دست دادن ارزش های اصیل ایمانی ، از پیامد های تبعیت از کفرپیشگان

ان تطیعوا ... فتتقلبوا خاسرین

از مصادیق روشن خسارت جامعه ایمانی، از دست دادن ارزشهای اسلامی و ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۱

۱۱ بازگشت ضرر کفرورزی کافران ، به خود ایشان

انّهم لن یضرّوا الله شیئاً یرید الله الاّ یجعل لهم حظاً فی الآخرة

جمله <یرید الله .. >، دلالت بر جمله ای محذوف دارد: یعنی آنان به خدا ضرر نمی رسانند، بلکه به خود ضرر می رسانند؛ و آن، ضرر محرومیت از بهره اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۱۰، ۶

۶ بازگشت ضرر انتخاب کفر ، به خود کافران

انّ الذّین اشتروا الکفر ... لن یضرّوا الله شیئاً و لهم عذاب الیم

جمله <و لهم عذاب الیم>، دلالت دارد بر این که کافران با کفر خویش به خودشان ضرر می زنند؛ چرا که به <عذاب الیم> گرفتار می شوند.

۱۰ کفر ، موجب گرفتاری به عذاب دردناک الهی

انّ الذّین اشترّوا الکفر بالایمان .. لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران

۴ کفر، مانع انسان از شناخت نفع و ضرر حقیقی خود

و لا یحسینّ الذّین کفروا ائّما نملی لهم خیر لانفسهم

>الذّین کفروا<، اشاره به علیّت چنین پنداری است؛ یعنی چون کافرند، این گونه می پندارند.

۸ بقای بر کفر، موجب ازدیاد گناه و کیفر آن

و لا یحسینّ الذّین کفروا ائّما نملی لهم خیر لانفسهم ائّما نملی لهم لیزدادوا ائّما

ظاهراً مراد از گناه در آیه، همان کفر است؛ بنا بر این عمر کافر هر چه طولانی شود، گناه او افزون می شود. هر چند غیر از کفر، گناه دیگری مرتکب نشود.

۱۰ کافران با کفر خویش، حیات و عمر خود را تباه می سازند.

ائّما نملی لهم لیزدادوا ائّما و لهم عذاب مهین

عمر طولانی اگر ثمری جز افزایش گناه و گرفتار شدن به عذاب الهی نداشته باشد، عمری تباه و سرمایه ای نابود شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۸ - ۴،۶

۴ خداوند، کسانی را که کافر از دنیا بروند، نخواهد بخشید.

و لیست التّوبه للذّین .. و لا الذّین یموتون و هم کفّار

۶ خداوند برای کسانی که تا لحظه مرگ بر کفر خویش باقی مانده و آنگاه ایمان آورند، عذابی دردناک آماده کرده است.

و لیست التّوبه .. و لا الذّین یموتون و هم کفّار اولئک اعتدنا لهم عذاباً الیما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۳

۳ بخل و ریاکاری، نشانه کفر به خدا و قیامت است.

يَبْخُلُونَ .. و ماذا عليهم لو امنوا بالله و اليوم الاخر و انفقوا

ضمير در <عليهم> به <الذين يبخلون> برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۱

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذين هادوا .. لعنهم الله بكفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۱۰، ۱۲، ۱۷، ۱۹، ۲۳

۱۰ هشدار خداوند به اهل کتاب ، در مورد مسخ انسانیت آنان در صورت ایمان نیاوردن به قرآن

امنوا .. من قبل ان نطمس وجوهاً فرّدها علی ادبارها او نلعنهم

<طمس> به معنای نابود کردن اثر چیزی است، و <وجه> به معنای صورت می باشد. مراد از <وجوه> نیز به دلیل برگشت ضمیر <هم> به آن، افراد انسان است؛ البته به لحاظ شخصیت انسانی آنان و نه به لحاظ جسم ایشان.

۱۲ انحراف فکر و اندیشه و مسخ شخصیت ، پیامد کفر به قرآن

امنوا .. من قبل ان نطمس وجوهاً فرّدها علی ادبارها

<وجوه> به اعتبار اینکه مجمع تمامی حواس آدمی است، می تواند کنایه از درک و فهم باشد.

۱۷ کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا .. او نلعنهم كما لعنا اصحاب السَّبْت

۱۹ سرگذشت اصحاب سبت (مسخ شدن به میمون) عبرت و اندرزی برای کافران به قرآن از اهل کتاب

او نلعنهم كما لعنا اصحاب السَّبْت

۲۳ ایمان نیاوردن اهل کتاب به قرآن ، زمینه گمراهی و عدم رستگاری ابدی آنان

من قبل ان نطمس وجوهاً

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: نطمسها عن الهدی فردّها علی ادبارها فی ضلالتها ذمّاً لها بانّها لا تفلح ابداً.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۲۸۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۲

۲ ایمان به جبت و طاغوت (کفر و شرک) موجب لعن خداوند

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۱۸

۱۸ ارجاع نمودن داوری اختلافات به خدا و رسول (قرآن و سنت) ، حاکی از بی ایمانی به خدا و قیامت است .

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۵

۵ ماندن در سیطره مشرکان و کافران و ترک هجرت ، ظلم به نفس است .

انّ الذین توفّیهم الملائکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین فی ال

بنابر اینکه توییح ملائکه بر اصل هجرت نکردن باشد، نه اینکه ترک هجرت باعث عمل نکردن به تکالیف الهی می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۲۸

۲۸ کفر ، زمینه ساز خواری و ذلت انسان

إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۳، ۱۵، ۲۰

بی تقوایی و کافر شدن مردم ، هیچ ضرری را متوجه خداوند نخواهد کرد .

و إن تكفروا فان لله ما فى السموت و ما فى الأرض و كان الله غنياً حميداً

۱۵ بازگشت زیان کفر و بی تقوایی ، به خود انسان نه به خداوند

و إن تكفروا فان لله ما فى السموت و ما فى الأرض

۲۰ خداوند ، حمید و در خور ستایش است ، چه مردم ایمان آورند و یا کافر شوند .

ان اتقوا الله و إن تكفروا .. و كان الله غنياً حميداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۳ - ۵

۵ کفر و بی تقوایی ، زمینه هلاکت و انقراض ملتها

و إن تكفروا .. ان يشأ يذهبكم ايها الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۸

۸ کافران به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من يكفر بالله و ملئكته و كتبه و رسله و اليوم الآخر فقد ضل ضللاً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۵

۵ ارتداد های مکرر و اصرار بر کفر ، در پی دارنده شقاوت ابدی و محرومیت از هدایت الهی است .

إنّ الذين ءامنوا ثم كفروا .. لم يكن الله ليغفر لهم و لاليهدهم سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۸ - ۵

۵ ارتداد و ازدیاد کفر، موجب گرفتار شدن

به عذاب دردناک

ءامنوا ثم كفروا .. بشر المنفقين بانّ لهم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۴

۴ کفر به خدا ، و ناسپاسی نعمت های او ، موجب گرفتار شدن انسان به عذاب الهی

ما يفعل الله بعذابكم إن شكرتم و ءامنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۱،۱۹

۱۱ کفر یهود ، موجب مهر زدن خداوند بر دل های آنان گشت .

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله عليها بكفرهم

۱۹ کفرورزی یهود ، مایه تقدیر الهی ، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع الله عليها بكفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۷

۷ کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح (ع) ، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بكفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظيماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بکفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بکفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۷

۱۷ کفر ، موجب گرفتار شدن به عذاب دردناک قیامت

و أعتدنا للكافرين منهنم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۲

۲ اهل کتاب به دلیل کفرشان به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام

، منحرفانی سخت گمراه

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

از مصادیق مورد نظر برای <الذین کفروا ..> به قرینه آیات پیشین (۱۵۳ به بعد) آن گروه از اهل کتاب هستند که رسالت پیامبر(ص) را نپذیرفتند و قرآن را وحی الهی ندانستند؛ و مراد از <سبیل الله> به دلیل آیات گذشته دین اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۶

۶ کفرپیشگی و ستمگری گروهی از اهل کتاب مایه محرومیت آنان از مغفرت و هدایت الهی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ طَرِيقًا

مصدق مورد نظر از <الذین کفروا و ظلموا> به دلیل آیات گذشته گروهی از اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۲،۵،۶

۲ کفر، گرایش به ادیان باطل و انجام کردارهای ناروا، راهی است به سوی دوزخ.

و لایه‌دهیم طریقاً. الا طریق جهنم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ظرف و زمان هدایت در جمله <و لایه‌دهیم ..> حیات دنیا باشد؛ بر این مبنا مقصود از هدایت کافران به راه جهنم، فراهم سازی زمینه های کفرپیشگی و اعمال ناروا برای آنان است که سرانجام آن دوزخ خواهد بود.

۵ کفر و ظلم گروهی از اهل کتاب، موجب خلود آنها در جهنم

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا .. وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ طَرِيقًا. الا طریق جهنم خلدین فیها

با توجه به آیات قبل مصداق مورد نظر از آیه کافران اهل کتاب می باشند.

کفر به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام، مایه خلود در جهنم

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا .. خَلْدِينَ فِيهَا أَبَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۳۰

۳۰ کفر به احکام الهی، موجب حبط عمل و زیان اخروی است.

و من یکفر بالایمن فقد حبط عمله و هو فی الآخره من الخسرین

منظور از <ایمان> می تواند به معنای مصدری آن (باورها) باشد و نیز می تواند معارف و مسائلی باشد که ایمان به آنها لازم است، مراد از آن معارف، به قرینه فرازهای پیشین آیه، احکام دینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۹،۳۰

۲۹ کفر، پس از میثاق خداوند و بیان احکام از جانب او، انحراف از راه میانه است.

و لقد اخذ الله ميثق .. فمن كفر بعد ذلك منكم فقد ضل سواء السبيل

در برداشت فوق <ذلك> اشاره به جمله <لقد اخذ الله> و <قال الله .. لئن اقمتم الصلوه...>، گرفته شده است.

۳۰ کفر (شکستن پیمان خدا، ترک نماز و ...) پس از دریافت وعده بهشت و آمرزش گناهان، ضلالت و انحراف است.

لاکفرن عنکم سیاتکم .. فمن كفر بعد ذلك منكم فقد ضل سواء السبيل

بنابر اینکه مشارالیه <ذلك>، جمله <لاکفرن .. و لادخلنکم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲

۲ کفر و

گمراهی بنی اسرائیل به علت نقض پیمان های الهی

فمن كفر بعد ذلك منكم فقد ضل .. فيما نقضهم ميثقهم لعنهم

به مقتضای آیه قبل (و لقد اخذ الله .. فمن كفر بعد ذلك منكم فقد ضل سواء السبيل)، نقض میثاق الهی، کفر و گمراهی است. و آیه مورد بحث، بنی اسرائیل را نقض کننده پیمان الهی معرفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۳، ۴۲، ۳۸، ۳۳

۳۳ تعلق اراده الهی به عذاب و ضلالت آدمی، پیامد کفرورزی، تحریفگری، دروغپردازی علیه پیامبر (ص) و پیروی از تحریفگران دین

الذین يسرعون في الكفر .. و من یرد الله فتنته فلن تملك له من الله شيئاً

۳۸ پافشاری در کفر، مانع تعلق اراده الهی به پاک نمودن قلب کافران از آلودگی و ناپاکی

الذین يسرعون في الكفر .. أولئك الذین لم یرد الله ان يطهر قلوبهم

۴۲ خواری و رسوایی در دنیا و عذاب بزرگ آخرت، کیفر منافقان و یهودیان شتابگر در کفر

من الذین قالوا امانا بافواههم .. لهم فی الدنيا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

۴۳ پیشتازی در کفر، دروغپردازی، جاسوسی و تحریفگری، مایه خواری در دنیا و عذاب بزرگ در آخرت

الذین يسرعون في الكفر .. لهم فی الدنيا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ بی اعتنایی به حکم خداوند، پیامد بی ایمانی است.

ثم يتولون .. و ما أولئك بالمؤمنین

جمله > و

ما أولئك بالمؤمنين < می تواند بیان ریشه اعراض از احکام الهی باشد و می تواند بیان پیامد اعراض باشد. برداشت فوق بر مبنای احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۶

۳۶ مفسده جویی یهود ، برخاسته از طغیان گری و کفرورزی آنان *

طغیناً و کفراً... و یسعون فی الارض فساداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ تأثیر منفی قرآن در برخی مردمان ، برخاسته از کفرورزی و طغیانگری آنان

و لیزیدن كثيراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۵

۵ استکبار از ریشه های کفر و عامل تکذیب آیات الهی

و انهم لایستکبرون... و الذین کفروا و کذبوا بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۲، ۱۱

۱۱ کفر به یگانگی خداوند در آفرینش، زمینه پندار شرک در ربوبیت و تدبیر عالم هستی

الحمد لله الذی خلق السموت و الأرض... ثم الذین کفروا بربههم یعدلون

بنابراینکه <بربههم> متعلق به <یعدلون> باشد. در این صورت <یعدلون> از ماده <عدل> به معنای همسان دانستن است و <کفروا>، با توجه به صدر آیه، به معنی کفر به توحید در خلق است.

۱۲ کفرپیشگی، زمینه ساز سرباز زدن از ستایش انحصاری برای آفریدگار هستی است.

الحمد لله الذى خلق .. ثم الذين كفروا بربهم يعدلون

اگر جمله <الذين .. > عطف بر <الحمد لله> و

<يعدلون> به معنای <عدول> باشد، نتیجه این می شود که حمد از آن خداست، ولی کافران از این حقیقت عدول می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۹،۲۰

۹ کفر موجب هلاکت بسیاری از جوامع گذشته، در عین قدرتمندتر بودن آنها از کافران عصر پیامبر(ص)

ألم يروا كم أهلكتنا من قبلهم من قرن مكنهم فى الأرض ما لم نمكن لكم

۲۰ هلاکت امتهما و نابودی تمدنها بر اثر کفر و گناه، از سنتهای الهی است.

ألم يروا كم أهلكتنا من قبلهم من قرن .. فأهلكتهم بذنوبهم

جمله <فأهلكتناهم>، بیان قاعده و قانونی است که جمله <ألم يروا كم أهلكتنا ..> جریان آن را در طول تاریخ نشان می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۵،۶

۵ کفر و سرسختی در برابر حق، زمینه ساز انحراف در بینش و تفسیر غلط و نابجا از پدیده هاست.

و لو نزلنا .. لقال الذين كفروا إن هذا إلا سحر مبين

عنوان ساختن کفر در <الذين كفروا ..> بیان تأثیر کفر کافران در بینش غلط و منحرف آنان است. یعنی <کفر> موجب می گردد که پدیده ها بر خلاف حق و واقع تفسیر شوند.

۶ کفرورزی، موجب انکار هر گونه معجزه و آیه (گواه حقانیت پیامبر) هر چند ملموس و قابل حس باشد.

و لو نزلنا عليك .. لقال الذين كفروا إن هذا إلا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۹

۹ عذاب قیامت،

پیامد مداومت در کفر و انکار معاد در دنیا است.

فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ پیامدهای کفر و انکار معاد، باری سنگین و طاقتفرسا بر دوش انسان است.

و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۲،۴،۷

۲ قلب و ادراک انسان در نتیجه کفر و لجاجت مسخ می گردد.

لئن جاءتهم آیه... لا یؤمنون. و نقلب أفئدتهم و أبصرهم

<فؤاد> به معنی قلب است و وارونه ساختن معنی فیزیکی ندارد، بلکه منقلب شدن خصوصیات و واژگون شدن آن است. لذا می توان از آن به مسخ تعبیر کرد.

۴ کفر و عنادورزی در برابر حق دارای رابطه متقابل با عدم درک صحیح حقایق است.

و نقلب أفئدتهم... کما لم یؤمنوا به أول مره

رابطه متقابل از آن جهت که میان <عناد> و وارونگی دل و دیده پیوندی برقرار شده که هر کدام از آن دو قابلیت تأثیر در دیگری دارد. از یکسو کفر موجب وارونگی دل می شود و از سوی دیگر این حالت نیز آدمی را به کفر و طغیان بیشتر سوق می دهد.

۷ محرومیت از هدایت پذیری، پیامد کفر و لجاجت در برابر حق است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم کما لم یؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۳

۳ ایمان، حیات است و مولد نور و کفر، مرگ است و تاریکی.

أو من كان ميتا فأحيينه .. كمن مثله في الظلمت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۹

۱۹ عن أبي الحسن الرضا(ع) في قوله تعالى: <فمن يرد الله أن يهديه يشرح صدره للإسلام> قال: من يرد الله أن يهديه بإيمانه . .. يشرح صدره للتسليم لله و الثقة به و السكون إلى ما وعده من ثوابه ... و من يرد ان يضلّه ... لكفره به و عصيانه له في الدنيا يجعل صدره ضيقا حرجا حتى يشك في كفره و يضطرب من اعتقاد قلبه

امام رضا(ع) درباره آیه <فمن يرد الله . . . > فرمود: کسی که خدا بخواهد او را بخاطر ایمان اش هدایت کند ... سینه اش را برای تسلیم شدن در برابر خداوند و اعتماد به او و آرامش یافتن به وعده های پاداش الهی، باز و گشوده می سازد ... و کسی که خدا بخواهد او را به خاطر کفر و نافرمانیش در دنیا گمراه کند، سینه اش را تنگ و در فشار قرار می دهد، بدان گونه که در کفر خود شک کند و در اعتقادات قلبی خویش مضطرب و نگران باشد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۱۱،۱۲

۱۱ کفر و مخالفت با راه انبیا، ظلم و مانع رستگاری است.

اعملوا علی مکانتکم ... إنه لا یفلح الظلمون

۱۲ خداوند کسانی را که با کفرورزی، خویش را در زمره ستمکاران قرار داده اند، رستگار نمی سازد.

إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰ - ۳

۳ کفر و

شرک مانع راهیابی به عالم برتر برای کسب رحمت‌های ویژه الهی است.

إن الذین کذبوا بآیتنا و استکبروا عنها لاتفتح لهم أبواب السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۲

۲ خداوند در پی ارسال هر یک از پیامبران در شهرها و آبادانی‌ها، کفرپیشگان را به سختی تنگدستی و رنج و اندوه گرفتار ساخت.

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء

با توجه به دو آیه بعد (و لو أن أهل القری ..) معلوم می‌شود گرفتار ساختن امت‌های گذشته به بلاها و سختیها در صورتی بوده که آنان با تبلیغ و ارشاد پیامبران خویش ایمان نمی‌آوردند و همچنان بر کفرورزی پافشاری داشتند. در این مرحله آنها را گرفتار می‌ساخت تا شاید متنبه شوند. بنابراین جمله <أخذنا أهلها ... > مقید می‌شود به <إذا لم یؤمنوا و لم یتقوا >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۱

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و توان درک معارف دینی از آنان سلب شد.

أو لم یهد للذین یرثون .. أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۷،۹،۱۲

۷ محرومیت جوامع بشری از نعمت‌های الهی، پیامد گرفتار شدن آنان به کفر و گناه است.

ذلک بأن الله لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی

یغیروا

۹ خداوند به سبب کفرورزی فرعونیان و اقوام پیش از آنها، نعمت های خویش را از آنان سلب و به نقت و عذاب تبدیل کرد.

كذاب ءال فرعون .. ذلك بأن الله لم يك مغيرا ... حتى يغيروا ما بأنفسهم

۱۲ هلاکت و نابودی مشرکان مکه در کارزار بدر، پیامد گناهان و کفرشان به آیات الهی بود.

ذلك بأن الله لم يك مغيرا نعمه أنعمها على قوم حتى يغيروا ما بأنفسهم

<ذلك> علاوه بر اینکه اشاره به فرجام شوم فرعونیان و کافران پیش از آنان است، می تواند اشاره به قضایای جنگ بدر و نابودی مشرکان مکه نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۵ - ۲،۳

۲ انسانهایی که بر اثر کفرورزی زمینه های ایمان را در خویش از میان برده اند، در پیشگاه خداوند بدترین جنندگان هستند.

إن شر الدواب عندالله الذين كفروا فهم لا يؤمنون

۳ کفرورزی تا مرز از دست دادن زمینه های ایمان، عامل سقوط آدمی از مرتبه انسانیت به مرحله پست ترین حیوانات

إن شر الدواب عندالله الذين كفروا فهم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۹

۹ تهدید خداوند به مشرکان پیمان شکن صدر اسلام، به شکست خفت بار و خوارکننده در صورت تسلیم نشدن و پای فشردن بر شرک و کفر

واعلموا أنکم غیر معجزی الله و أن الله مخزی الکفرین

<اخزاء> (مصدر مخزی) به معنای خوار و خفیف کردن است. به کارگیری اسم فاعل به جای فعل در جمله <و أن الله

مخزى الكافرين < بيانگر سنت قطعى خداوند درباره شكست كفر و كفرپيشگان بوده و تهديدى براى مشركان پيمان شکن مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۲

۲ كفر ، مایه قطع پیوند دوستی میان مسلمانان و کافران

يأيتها الذين ءامنوا لا تتخذوا .. أولياء إن استحبوا الكفر على الإيمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۵

۵ كفر منافقان ، پس از ايمان ظاهریشان ، مانع پذیرفته شدن عذر آنان است .

لا تعتذروا قد كفرتم بعد إيمانكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۸

۱۸ كفورزى و انكار دلايل روشن انبيا ، ظلم انسان به خویش و پیامد آن دامنگير خود اوست .

أتتهم رسلهم بالبينت فما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۶

۶ كفر و نفاق ، عامل دوزخى شدن انسان

جهد الكفار و المنفقين .. و مأويهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۳

۱۳ نفاق و کفر و مرگ در حال فسق ، مایه محرومیت از فیض نماز و دعای اهل ایمان

و لاتصل . . . إنهم کفروا باللّٰه و رسوله و ماتوا و هم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۳

۳ کفر و نفاق ، نشان بیماری دل و پلیدی

باطن است .

الذین فی قلوبہم مرض ... رجسہم ... و ہم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۴

۴ کفر ، مانع برخورداری کافران از نعمت های فراوان الهی ، در دنیا نیست .

ربنا إنک ءاتیت فرعون و ملاء زینہ و أموالا فی الحیوہ الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۲۱

۲۱ شرک و کفر ، نشانه نادانی و بی خردی است .

و لکنی أریکم قومًا تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ رسوخ کفر در انسان و بسته شدن روزنه های ایمان ، شرط استحقاق عذاب استیصال است .

لن یؤمن من قومک إلا من قد ءامن فلا تبئس بما کانوا یفعلون

خداوند با تفریع <اصنع الفلک . . .> که گویای فرارسیدن عذاب استیصال بر کافران قوم نوح است بر ایمان نیاوردن آنان ، اشاره به این معنا دارد که چون شایستگی ایمان در آنان منتفی است عذاب ایشان را فرا می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۰ - ۵

۵ قوم عاد ، بر اثر کفر و نافرمانی خدا و پیامبران ، سزاوار هلاکت و دوری از رحمت الهی شدند .

ألا بُعدًا لعاد قوم هود

>بُعْدًا< (هلاک گشتن یا دور شدن) مفعول مطلق برای فعل محذوف (لیعد) است: أَلَا لِيُعَدَّ قَوْمٌ عَادَ بَعْدًا. و از آن جا که قوم عاد به هلاکت رسیدند و از رحمت او محروم شدند می توان گفت، مراد عذاب در

آخرت و دوری از رحمت او در آن سراسر است <ألا-بُعْدًا...> چنان چه زمخشری گفته بیانگر استحقاق دوری و هلاکت باشد، یعنی، [قوم عاد هلاک گشتند و از رحمت او محروم شدند] بدانید آنان مستحق آن کیفر و سزاور چنین عقوبتی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ کفرپیشگان و مخالفان معارف دین، در خطر گرفتار شدن به عذاب های الهی اند .

فلما جاء أمرنا نجینا صلحًا . . . و من خزی یومئذ إن ربک هو القوی العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۳

۳ عذاب های الهی آن گاه بر شهر ها و آبادی ها فرو می ریزد که عموم افرادش ستم پیشه بوده و آثار کفر و شرک در همه جا مشهود باشد .

و كذلك أخذ ربک إذا أخذ القرى و هی ظلمه

نسبت دادن ظلم به آبادیها (و هی ظالمه) نسبتی مجازی است و هدف از آن رساندن این معناست که: همه و یا اکثر قریب به اتفاق اهل آن آبادیها، ستمکار بودند؛ به گونه ای که گویا ستم کاری در هر کوی و برزن نمایان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۲

۲ اعمال و عقاید کفرپیشگان، موجب گرفتار شدن آنان به عذاب های الهی است .

و قل . . . اعملوا علی مکانتکم ... وانتظروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ -

۱۵ شرک و کفر، از موانع دستیابی به علوم موهبتی و خدادادی است .

ذَلِكَمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ .. مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَشْرَكَ بِال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ کفرورزی مردم عصر بعثت و مخالفتشان با پیامبر (ص) و قرآن، عامل روی آوردن مصیبت های سخت و کوبنده بر آنان

و لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قريبتا من دارهم

برداشت فوق با توجه به حرف <باء> در <بما صنعوا> که به معنای سببیت است استفاده می شود. مراد از <ما صنعوا> به قرینه آیات گذشته، انکار قرآن، مخالفت با رسالت پیامبر(ص) و مانند آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۱

۱- موسی (ع) در راستای رسالت خویش به بنی اسرائیل اعلام کرد که کفر آنان و تمامی ساکنان زمین \$ زیانی به خداوند نمی رساند .

و قال موسى إن تكفروا أنتم و من فی الأرض جميعًا فإن الله لغنی حمید

<إن> در <إن تكفروا> شرطیه است و جواب آن <لم يتضرر هو> می باشد که محذوف است و <فإن الله لغنی> تعلیل جزای شرط محذوف می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۸

۸- کفر و تکذیب رسولان الهی، ظلم به نفس می باشد و پیامد آن متوجه خود انسان است .

نحب دعوتك و نتبع الرسل .. و سکنتم فی مسکن الذين ظلموا

أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۶

۶- کفرپیشگی ، در پی دارنده پشیمانی و ندامت است .

ربما يوّد الذين كفروا لو كانوا مسلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۲

۲- کافرانی که با حالت ظلم به نفس (کفر) از دنیا بروند ، در قیامت گرفتار خواری و ذلت خواهند شد .

إن الخزي اليوم و السوء على الكافرين . الذين توفّهم الملائكة ظالمی أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۸

۸- کفر ، عامل گرفتار شدن به عذاب ابدی جهنّم

الكافرين . . فادخلوا أبواب جهنّم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۳

۳- کفر و حق ناپذیری ، منشأ دروغ پردازی و افترا بستن به حقایق دین است .

إنما یفتري الكذب الذين لا یؤمنون بأیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۲

۲- عملکرد خود آدمیان (کفر و دنیاگرایی) ، عامل محرومیت آنان از درک حقایق معنوی است .

من كفر بالله .. بأنهم استحبوا الحيوه الدنيا ... أولئك الذين طبع الله على قلوبهم

الذين طبع الله .. < در مقام بیان مجازات کسانی است که با اختیار خود به کفر گرویدند و دنیا را بر آخرت ترجیح دادند که در آیه قبل از آن سخن به میان آمده است. بنابراین همین گزینش و انتخاب که عملی است اختیاری موجب

مجازات <طبع قلب> می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۳

۳- محرومیت از درك صحيح حقایق قرآن ، پیامد حق ناپذیری و کفرپیشگی کافران

الذین لایؤمنون بالأخره ... و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۷

۷- کفر به خداوند ، موجب کیفر شدن به وسیله بلا های طبیعی

فیرسل علیکم قاصفاً من الريح فیغرقکم بما کفرتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۰ - ۶

۶- تبدیل شدن بوستان های زیبا و حاصل خیز ، به کویری خشک و بی حاصل ، با عذاب الهی ، در نتیجه کفر و فخر و مباهات به دیگران ، امری ممکن است .

فعسی ربّی ... یرسل علیها حسباً من السماء فتصبح صعیداً زلّفاً

<صعید> یعنی، روی زمین و <زلق> یعنی، بدون گیاه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۹ - ۲،۳

۲- ستم گری و کفر برخی از جوامع پیشین ، مایه هلاکت آنان با عذاب ویران کننده الهی است .

أهلکنهم لَمَّا ظلموا

مراد از ظلم در <ظلموا> به قرینه آیات قبل اعراض از آیات خدا است.

۳- کفر و ستم ، باعث سقوط و هلاک ملت ها است .

و تلك القرى اهلكنهم لما ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۰ - ۴

۴- کفر ، زمینه ساز گرفتاری به دوزخ است .

و عرضنا جهنم يومئذ

للكفرین عرضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۴،۵

۴- كفر و حق ناپذیری ، عامل عجز انسان از گوش فرا دادن به آیات الهی است .

عن ذكری و كانوا لا يستطيعون سمعاً

مفاد <كانوا لا يستطيعون..> ماضی استمراری است؛ یعنی، کافران، پیوسته ناتوان از شنوایی بوده اند. روشن است که نفی شنوایی، به معنای حسی نیست، بلکه بیان این است که حال کافران در برابر استماع تذکرات، همانند حال کسی است که هیچ گاه قدرت شنوایی نداشته است.

۵- كفر ، در نیروی برداشت و ادراک انسان ، تأثیر دارد .

كانت أعینهم فی غطاء عن ذكری و كانوا لا يستطيعون سمعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۴

۴- كفرپیشگی ، عامل زیان آدمی به رغم کار و تلاش بسیار است .

للكفرین نزلاً . قل هل ننبئكم بالأخسرين أعمالاً

<أعمالاً> تمیز برای <أخسرين> است. به گفته اهل ادب، اصل در تمیز، مفرد بودن است، ولی در این آیه، جمع آمده است. جمع آمدن <أعمالاً> می تواند برای اشاره به تنوع اعمال کافران باشد؛ یعنی، کافران، اگر چه عمل های متنوع و بسیار داشته باشند، ولی برخلاف تصوّرشان سودی نخواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۳

۳- دنیا ، ظرفی مناسب برای تلاش های سودمند و كفر ، مایه بهره نبردن از فرصت های موجود در آن است .

ضَلَّ سعيهم فی الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ -

۲- کفر، منشأ نپذیرفتن دلایل و آیات روشن الهی

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قال الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۲

۲- گمان دستیابی به مال و فرزند به مجرد کفرورزی، پنداری بس ناروا و شگفت انگیز است .

أفريت الذی کفر بآيتنا و قال

همزه استفهام در <أفريت> مفید تعجب و متضمن معنای امر است؛ یعنی، به قدری شگفت آور است که جا دارد حتماً چنین کسی را ببینی. حرف <فاء> در این برای ترتیب معنوی است؛ یعنی، کافرانی که گفته آنان در آیات پیشین آمد، در حال رفاه و تنعم، چنان سخنانی را گفتند؛ ولی تعجب از کسی است که ایمان را به هوای پیدا کردن مال و فرزند رها می کند و به کافران می پیوندد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۸ - ۲،۳

۲- کسی که کفرورزی را مایه فراوانی مال و اولاد می داند، مانند کسی سخن گفته است که یا به غیب آگاه شده و یا از خداوند پیمان گرفته است .

کفر بآيتنا و قال .. أطلع الغيب أم اتّخذ عندالرحمن عهدًا

۳- کفر را موجب دستیابی به مال و فرزند دانستن، سخنی بی مبنا و ادعایی پوچ است .

کفر بآيتنا .. أطلع الغيب أم اتّخذ عندالرحمن عهدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۶۸

۶- کفرورزی، زمینه ساز و هموارکننده راه نفوذ شیطان و وسوسه های او در آدمی

أرسلنا الشيطان على الكافرين توّهم

تعبير > على

الکافرین < دلالت دارد که خداوند پس از تحقق کفر کافران، شیاطین را مأمور گمراه ساختن آنان می کند و در حقیقت ارسال شیاطین پی آمد کفر است.

۸- گرفتاری کافران به وسوسه ها و تحریکات شیطانی ، نمودی از < استدراج > و رهاشدن آنان در کفر و گمراهی است .

الرحمن مدّاً .. ألم تر أننا أرسلنا الشیطين

این آیه با آیه < من كان في الضلالة فليمدد له الرحمن مدّاً > که بیانگر سنت < امهال > بود در ارتباط است و بیانگر نمونه و گواه دیگری بر جریان سنت < فليمدد .. مدّاً > است که همان < امهال > و < استدراج > می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۷

۷- کفر ، مایه محرومیت انسان از شفاعت شفیعان در قیامت است .

لو يعلم الذین کفروا .. و لا هم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۹

۹- کفر ، موجب دخول ناگهانی در آتش فراگیر و مستمر دوزخ

الذین کفروا .. و جوههم النار ... تأتیهم بغته ... و لا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱۲

۱۲- کفر و سرپیچی از عبودیت حق ، مصداق بارز ظلم است .

أبصر الذین کفروا .. بل کنا ظلمین

توصیف کردن کافران به ظالم بودن خود به جای کافر بودن، بیانگر یکی بودن این دو وصف است و هر کافری در حقیقت ظالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- کفر ورزی و پرستش غیر خدا ، سقوط از اوج هدایت ، نور و روشنایی ، به حسیض ضلالت ، ظلمت و تاریکی است .

و من یشرک باللّه .. أو تهوی به الریح فی مکان سحیق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۱

۱ - کفر و ایمان ، مبنای داوری خدا میان انسان ها در قیامت

یحکم بینهم فالذین ءامنوا .. و الذین کفروا ... عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۴

۴ - هلاکت جوامع کفرپیشه و تکذیب گر تاریخ ، نتیجه عملکرد خود آنها و پس از اتمام حجت الهی بر آنان

ثم أرسلنا .. بأیتنا و سلطن مبین ... فکذبوهما فکانوا من المهلکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۵

۲۵ - کفر و ارتداد ، پس از دیدن حاکمیت دین و دین داران و امنیت و آرامش زیر سایه آن ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم .. لیستخلفنهم ... و لیمکنن لهم دینهم ... یعبدون

در این که مقصود از <کفر> در آیه شریفه چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مقصود ارتداد است / یعنی، چنانچه هر کس پس از دیدن حاکمیت و امنیت زیر سایه دین و نیز اتمام حجت الهی، مجدداً راه کفر را بپیماید، او حقیقتاً فاسق و تبه کار است. ۲- مراد کفران نعمت است / یعنی، آن کس که نعمت حاکمیت

و امنیت تحت لوای دین را مشاهده کند و در عین حال به جای شکرگزاری، راه ناسپاسی را بییماید، او حقیقتاً فاسق و تبه کار است. برداشت یاد شده، بنابر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۷

۷ - کفر ، عامل بد فرجامی و سرنوشتی ناگوار

الذین کفروا .. و مأویهم النار و لبئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۲

۲ کفر و انکار معاد ، موجب حبط و بی ثمر شدن عمل آدمی

و قال الذین لایرجون لقاءنا و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثوراً

<هباء> به معنای ذرات بسیار ریزی است که در حال عادی دیده نمی شود و تنها به وقت تابش نور آفتاب، از روزنه ای به داخل مکان تاریک مشاهده می گردد و <منثوراً> اسم مفعول از ماده <نثر> و به معنای پراکنده شده است. این تعبیر، حاکی از بی ارزش بودن اعمال مجرمان است که چون گرد و غبار پراکنده، هیچ ارزش و خاصیتی نداشته و حبط خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۶

۶ کفر ، عامل سختی و تنگنایی در جهان آخرت

کان یوماً علی الکفرین عسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۴

۴ - ایمان نیاوردن به آیات الهی ، درپی دارنده عذابی دردناک

لایؤمنون به حتی یروا العذاب الالیم

۲ - کفر و عصیان ، عامل بی اعتباری مسؤولیت خویشاوندی

و أنذر عشیرتک .. فإن عصوک فقل إنی بریء مما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۸

۱۸ - شکرگزاری و یا کفران انسان ، نمود پیروزی و یا شکست او در آزمون الهی

لیلونى ءأشکر أم أکفر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که سلیمان فرجام و نتیجه آزمون الهی را در دو بعد کلی <شکرگزاری یا کفران> مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۲

۲ - کفر و عصیان ، در پی دارنده لعنت خدا و عامل دور شدن انسان از رحمت الهی

و أتبعنهم فی هذه الدنيا لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۷

۷ - کفر و انکار آیات الهی ، موجب نزول عذاب است .

و الذین .. کفروا باللّه ... و يستعجلونک بالعذاب و لولا أجل مسمی لجاؤهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۸

۸ - کفر ، موجب گرفتار شدن به عذاب جهنم است .

و إنّ جهنّم لمحیطه بالكفرین

آوردن اسم ظاهر <الكافرین> به جای ضمیر، با این که جای آوردن ضمیر است، اشعار به تأثیر کفر در دخول در جهنم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۱،۴،۶

۱ - کفر، امری خسارت بار است و بازتاب خسارت آن

، برای خود کافر است .

من کفر فعلیه کفره

<علیه> جار و مجرور و متعلق به <کفره> است. مقدم شدن آن، برای بیان این نکته است که پیامدهای ناگوار کفر، به خود کافران اختصاص دارد.

۴ - بازتاب خسارت کفر ، از آن کافر ، و پیامد فواید ایمان و عمل صالح ، فراگیر است . *

من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحاً فلاًنفسهم یمهدون

احتمال دارد این که در جواب شرط جمله نخست، ضمیر مفرد آورده شده و در جواب شرط جمله دوم، به رغم مفرد بودن اسم شرط، ضمیر جمع آورده شده است، اشاره به نکته یاد شده باشد.

۶ - کفر ، به تنهایی و بدون عمل کفرآلود ، برای شقاوت اخروی کافی است .

من کفر فعلیه کفره

این که درباره کفر و آثار آن، تنها، به باور کفرآلود در مقابل عمل صالح اکتفا شده و عمل، ذکر نگردیده است، حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۷

۷ - کفر ، موجب محرومیت از تفضل الهی ، در آخرت است .

لیجزی الذین . . . من فضله إنّه لایحبّ الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - کفر ، عامل گرفتار شدن انسان به عذابی سخت است .

و من کفر فلایحزنک کفره . . . ثمّ نضطرّهم إلى عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۳ - بی ایمانی ، باعث حبط عمل صالح می شود .

أُولَئِكَ لَمْ يَؤْمِنُوا فَأَحْبَط

۲۴ - رفتار های بیمارگونه منافقان مدینه ، ناشی از بی ایمانی آنان بود .

أَشْحَه عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ .. تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ ... فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِاللِّسَانِ حِدَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۲

۲ - خداوند ، مردم سبأ را به خاطر کفرشان با فرستادن سیلی بنیان کن مجازات کرد .

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرْمِ .. ذَلِكَ جَزَيْنَهُمْ بِمَا كَفَرُوا

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که <کفروا> به همان معنای مشهور (کفر ورزیدن) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۹

۹ - شرک و کفر به خدا ، مؤاخذه و کیفر اخروی در پی دارد .

و لو ترى إذ الظالمون موقوفون عند ربّهم .. و قال الذين استضعفوا للذين استكبروا .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۶

۱۶ - دل بستگی به کفر ، عامل ایستادن در مقابل تعالیم قرآن کریم

و قال الذين كفروا للحقّ لما جاءهم إن هذا إلاّ سحر مبين

آوردن فاعل ظاهر (الذين كفروا) برای <قال> به جای <قالوا> می تواند به خاطر اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۳ - ۴

۴ - کفر در دنیا ، فزع و نگرانی را در قیامت به دنبال دارد .

و لو ترى إذ فزعوا .. وقد كفروا به من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر -

۵ - کفر و انکار دین الهی ، هر چند توأم با عمل کفرآمیز نباشد ، موجب عذاب شدید و بدبختی است .

الذین کفروا لهم عذاب شدید و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، سعادت مندی مؤمنان را در گرو دو چیز (ایمان و عمل صالح) دانسته است و ولی بدبختی و عذاب شدید کافران را صرفاً به کفر آنان مربوط کرده و عمل کفرآمیز آنان سخن نگفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۲

۲ - ایمان چون نور ، مایه هدایت و روشنایی و کفر ، همچون ظلمت ، مایه گمراهی و تاریک بینی

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۱

۱ - ایمان چون سایه ، آرام بخش و فرح زا است و کفر چون بادِ داغ ، آزاردهنده و ناراحت کنند .

و لا الظلّ و لا الحرور

<ظلّ> به معنای سایه و <حرور> به معنای باد داغ است. گفتنی است در این آیه، ایمان به سایه تشبیه شده است و کفر به باد داغ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۳

۳ - ایمان ، حیات آفرین و مایه برخورداری از زندگی حقیقی است و کفر ، مرگ آفرین و سبب نابودی حیات حقیقی آدمی

و ما یستوی الأحياء و لا الأموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - کفر ، ناسازگار با خلافت الهی انسان ها و به دور از شأن آنان

هو الذی جعلکم خلیف فی الأرض فمن کفر فعليه کفره

از این که خداوند در آغاز، مسأله خلافت انسان ها را مطرح ساخته و آن گاه پی آمد کفر را به آنان یادآور شده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

۸ - کفر ، موجب خشم شدید خداوند شده و حاصلی جز آن ندارد .

و لایزید الکفرین کفرهم عند ربهم إلا مقتًا

<مقت> (در مقابل <حَبَّ>) به معنای بغض و خشم شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۵

۵ - کفر ، موجب بخل و مانع از انفاق به مستمندان و دستگیری از آنان است .

أنفقوا ممّا رزقکم الله قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم من لو یشاء الله أطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۷

۷ - کفر و انکار قیامت ، خصومت و ستیزه جویی آشکار و روشن با خداوند است .

أولم یر الإنسن أنا خلقنه من نطفه فإذا هو خصیم مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۶ - ۴

۴ - کفر و انکار معاد ، موجب نابودی و سقوط انسان

قال تالله إن کدت لتردین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۵

۵ - کفر و شرک ، ظلم به خویشتن است .

و من ذرّیتهما محسن و ظالم لنفسه

تعبیر <ظالم به نفس> درباره کافران و

مشركان، رساننده مطلب ياد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ - اعلام خداوند مبني بر شكست خوردن مشركان مخالف قرآن و گرفتار شدن آنان به پي آمد هاي سوء كفرشان در آينده نزديك

فكفروا به فسوف يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳، ۳

۳ - كفر و شرك ، كفران نعمت هاي الهی است .

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ

برداشت ياد شده به خاطر اين نکته است كه مقصود از كفر در <إِنْ تَكْفُرُوا> به قرينه مقابله با <إِنْ تَشْكُرُوا..> كفران نعمت و ناسپاسی است. بنابراین ياد كردن خداوند از كافرين و مشركان به ناسپاسان، بيانگر مطلب ياد شده است.

۱۳ - كفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشركان و كافرين

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ ... وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى

برداشت بالا- به خاطر اين نکته است كه مقصود از <وزر> در اين آيه، كفر و ناسپاسی است؛ زیرا آيه شريفه درباره همين موضوع است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۳، ۲۰

۲۰ - اندك و ناپايدار بودن بهرهوري كافرين و ناسپاسان ، در سايه كفر و ناشكری خویش

قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا

۲۳ - بهره های دنيایی تحت لوای كفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دايمي دوزخ بسی اندك و ناپايدار است .

قل تمتع بكفرک قليلاً إِنَّكَ من أصحاب النار

جمله <إِنَّكَ من أصحاب النار> برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی

شرک و ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی ، موجب عذاب ذلت بار دنیایی و عذاب فراگیر و دائمی دوزخ

من یأْتیه عذاب یخزیه و یحلّ علیه عذاب مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۳ - ۵

۵ - کفر و انکار آیات الهی ، بی تردید به زیان انسان ها است .

و الذین کفروا بأیت اللّهِ أولئک هم الخسرون

<خسارت> ضد ربح (سود) به معنای ضرر و زیان است و آمدن ضمیر فصل (هم)، دلالت بر حصر و تأکید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۱

۲۱ - کفر به خدا و انکار روز رستاخیز ، موجب دوزخی شدن انسان ها است .

و لکن حَقَّتْ کلمه العذاب علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۷

۷ - کفر و انکار مغرورانه آیات الهی ، عامل جاودانگی در دوزخ

قیل ادخلوا أبواب جهنم خالدين فيها فبئس مثوی المتکبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۲

۲ - کفر و روح حق ناپذیری ، عامل مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی

ما یجدل فی ءایت الله إلا الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۵

۵ - پشیمانی و بغض شدید کافران نسبت به خویشان ، بر اثر رد دعوت به

ایمان و کفرورزی آنان است .

مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلى الإیمن فتکفرون

تردید نیست که بغض شدید کافران نسبت به خویشان در قیامت، ناشی از رد ایمان و کفرشان است. این بغض نشانه پشیمانی شدید آنان از عمل خود می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۱

۱ - کفر و گرایش به شرک ، سبب پذیرفته نشدن عذرخواهی و درخواست کافران و مشرکان برای رهایی خویش از عذاب الهی

ذلکم بآئه إذا دعی اللّٰه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

<ذلکم> اشاره به مطلب گذشته (عذاب شدن) دارد؛ یعنی، <ذلکم الذی أنتم فیه من العذاب>. گفتنی است که <باء> در <بآئه> برای سببیت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۲ - ۳،۴

۳ - بسیاری از اقوام و ملل متمدن و نیرومند گذشته ، به خاطر کفرشان و انکار رسالت پیامبران ، به هلاکت رسیدند .

ذلک بآئهم کانت تأتیهم رسلهم بالبینت فکفروا فأخذهم اللّٰه

۴ - کفر و انکار رسالت پیامبران ، زمینه ساز فروپاشی تمدن ها و نابودی قدرت ها و آثار ملی

کانوا هم أشدّ منهم قوّه وءاثارًا فی الأرض .. فکفروا فأخذهم اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۲

۲ - کفر به خدا و شریک قرار دادن برای او ، عامل دوزخی شدن انسان

تدعوننی إلى النار . تدعوننی لأکفر باللّٰه و أشرک به

جمله <تدعونني لأكفر بالله..> بیان برای جمله <تدعونني إلى النار> در آیه پیش است.

جلد - نام سوره - سوره -

۹ - نابودی بسیاری از اقوام نیرومند و دارای تمدن و آثار ملی، در گذشته تاریخ به خاطر کفر و شرکشان

فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبون

جمله <فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبون> (ولی آنچه به دست می آورند، به حالشان سودی نبخشید)، به نزول عذاب گریز ناپذیر و سود نبخشیدن تلاش های کافران محکوم به عذاب اشاره دارد. گفتنی است چون این آیه درباره کافران و مشرکان می باشد، می توان استفاده کرد که سبب محکومیت آنان به عذاب، همان کفر و شرک آنان بود.

۱۰ - شرک و کفر، زمینه ساز عذاب الهی و نابود شدن تمدن ها، قدرت ها و آثار ملی

فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - کفر و شرک به خدا، مایه خسارت و از کف دادن سرمایه ها، توانمندی ها و تمدن ها است .

كانوا أكثر منهم و أشد قوه و ءاثارًا فی الأرض .. کنا به مشرکین ... و خسر هنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - کفر، مانع بهره مندی از نتایج دعا و موجب محرومیت از تفضل الهی است .

الذین ءامنوا .. و یزیدهم من فضله و الکفرون لهم عذاب شدید

به قرینه مقابله بین دو فراز آیه، می توان استفاده کرد که کافران از تفضل خداوند بی بهره اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ایمان و کفر ، نقشی در ایجاد رفاه و ثروت برای آدمی ندارد . *

و لولا أن يكون الناس أمه وحده لجعلنا لمن يكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۵ - ۳

۳- کفر و گناه پیشگی ، موجب عذاب پیوسته و اندوه پایان ناپذیر در قیامت

إنّ المجرمین .. و هم فیها مبلسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۶

۶- گام نهادن آدمی در وادی کفر ، شرک و گناه ، در حقیقت ظلم آدمی به خویشتن است .

إنّ المجرمین .. و ما ظلمنهم و لكن كانوا هم الظلمین

به کار رفتن واژه <ظالم> به جای <مجرم> ، حاکی از آن است که جرم و گناه بیان شده در آیات پیشین، همان ظلم و ستم آدمی به خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۴

۱۴- کفر ، هواپرستی ، استکبار و عصیان گری ، عناصری به هم پیوسته

يعرض الذین کفروا .. و استمتعتم بها... تستکبرون فی الأرض بغیر الحقّ و بما کنتم ت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۶

۶ کفر و روی گردانی از راه خدا ، مایه گرفتار آمدن به پوچی و سرگردانی

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّٰه أضلّّ أعملهم

برداشت یاد شده بنا بر این نکته است که <صدّ> به معنای اعراض و روی گردانی باشد نه ایجاد مانع بر سر راه دیگران و سد

کردن راه خدا و نیز با توجه به این که پوچی و سرگردانی نتیجه گم گشتن و بی اثر شدن اعمال است که از <أضَلَّ أعمالهم> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۴

۴- کفر ، موجب سقوط انسان و از بین رفتن اعمال نیک وی *

و الذین کفروا فتعسأ لهم و أضلَّ أعمالهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <أضَلَّ أعمالهم> نظر به حبط عمل داشته باشد؛ یعنی، اگر کافران عمل نیکی هم داشته باشند، پس از مرگ به کار آنان نخواهد آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱۰

۱۰- کفرپیشگی ، از عوامل عمده نابودی ملت ها

دمر الله علیهم و للکفرین أمثلها

وصف کفر در <للکافرین>، بیانگر این نکته است که کفر، عامل اصلی نابودی ملت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۶

۶- هلاکت برخی از جوامع نیرومند در گذشته تاریخ ، به خاطر کفرورزی

و کأین من قریه .. أهلکنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۶

۶- کفر ، مانع درک و پذیرش حق ، حتی از زبان پیامبر (ص)

یستمع إلیک حتی إذا خرجوا من عندک قالوا .. ماذا قال ءانفاً

<ماذا قال.. > ممکن است پرسش حقیقی باشد و ناتوانی کافران از فهم کلام وحی را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۱۱

۱۱- کراحت و

بیزاری از رهنمود های خداوند ، درون مایه اصلی کفر *

قالوا للذین کرهوا ما نزل اللّٰه سنطیعکم

برداشت بالا- بنابراین نکته است که مراد از <الذین کرهوا..> کافران بوده و وصف <کرهوا> به جای <کفروا> آمده باشد تا این واقعیت آشکار شود که آنچه کافران را به کفر کشانده، هواپرستی و بیزاری از دستورات دین است نه نارسایی بیان دین و شبهات فکری و فلسفی آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱،۷،۸

۱- کافران ، با کفر و حق ستیزی و مخالفتشان با پیامبر (ص) ، ناتوان از رسانیدن کمترین زیان به خداوند

إِنَّ الذّٰینَ کَفَرُوا و .. لَنْ یضُرّوا اللّٰهَ شَیْئًا

۷- ایمان و کفر و طاعت و معصیتِ خلق ، بی تأثیر در ساحت خداوندی *

إِنَّ الذّٰینَ کَفَرُوا و .. لَنْ یضُرّوا اللّٰهَ شَیْئًا

جمله <لَنْ یضُرّوا اللّٰهَ شَیْئًا> می رساند که کفر و عصیان خلق در برابر خدا و رسول او، زیانی به خداوند نمی رساند. به قرینه مقابله می توان استفاده کرد که ایمان و طاعت آنان نیز، نفعی برای خداوند ندارد.

۸- کفر و ستیزه جویی با دین و پیامبر (ص) ، از عوامل حبط عمل و نابودی اعمال نیک انسان

إِنَّ الذّٰینَ کَفَرُوا و .. و سَیَحْبُطُ أَعْمَالُهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۱

۱- مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر ، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

إِنَّ الذّٰینَ کَفَرُوا و .. فَلَنْ یَغْفِرَ اللّٰهَ لَهُمْ

مرگ کافران مخالف راه خدا در حال

کفر، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۴

۴ - بی پناهی کافران و ضعف ایشان در برابر مؤمنان برخاسته از کفر آنها است . *

و لو قتلکم الذین کفروا لولوا الأذبر ثم لایجدون ولیاً و لانصیراً

بنابراین که تعبیر <کفروا> و وصف کفر، مشعر به علیت باشد؛ برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۲

۲ - کفر، زادگاه تعصب های جاهلی و استکبار

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیة الجهلیة

تعبیر <کفروا> می رساند که <کفر> در شکل گیری و شعلهوری تعصب های جاهلی، نقش اساسی دارد و به تعبیر دیگر، وصف کفر مشعر به علیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۲۲، ۲۵

۲۲ - کفر، زمینه ساز ابتلای انسان به شکستن حریم ارزش ها و ارتکاب گناهان *

و کزّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان

برداشت بالا بدان احتمال است که تقدم لفظی کفر بر فسوق و عصیان، دال بر تقدم معنوی نیز باشد.

۲۵ - کفر، فسق و عصیان، مانع رشد اجتماعی بشر

حَبِّ إلیکم الإیمن ... و کزّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان أولئک هم المرشدون

اختصاص و تأکیدی که از تعبیر <أولئک..> استفاده می شود؛ نشانگر این معنا است که دیگران (آنان که از ایمان محروم و در کفر و فسق گرفتاراند) به رشد نخواهند رسید. جمع آمدن ضمیر و فعل، حیثیت اجتماعی را می رساند.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۳

۳ کفر و حق ستیزی ، زمینه فروافتادن انسان به ورطه شر و تجاوز و تردید در تمامی ارزش ها *

کفّار عنید . مَناع للخیر معتد مریب

برداشت بالا بدان احتمال است که ترتیب میان صفات کفّار، عنید و ..، اشاره به ترتب و تأثیر هر وصف در پیدایش وصف متأخر آن، داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱

۱ - تاریخ ، شاهد نابودی بسیاری از ملت های توان مند ، به خاطر کفر و شرک آنان

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً

<قرن> به معنای امت و گروهی از مردم است که در یک زمان قرار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۲

۲ - انسان اسیر شده در گرداب کفر و لجاجت ، گرفتار پندارگرایی و غافل از وعده های حق الهی

الخَرَصون . الذین هم فی غمره ساهون

از ارتباط <خَرَصون> با <غمره> و <سahون> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۴ - ۲

۲ - عذاب آتش دوزخ ، دستاورد خود کافران و منکران معاد

ذوقوا فتنکم

اضافه <فتنه> به <کم>، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۱ - ۳

۳ - عوامل حیات آفرین طبیعت ، مایه نابودی ملت ها در نتیجه کفر و گناه

أرسلنا عليهم الريح العقيم

تعبیر <الريح العقيم> (باد

نازا) می رساند که باد، آثار مختلفی دارد و اصولاً در نظام طبیعت، یکی از عوامل گسترش حیات به شمار می آید. اما همین نیروی طبیعی به اراده الهی و در نتیجه کفر مردم، نه تنها زاینده حیات نخواهد بود؛ بلکه زاینده آن خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۳

۳ - کفر و لجاجت ، مانع درک حقیقت نشانه های الهی

و إن یروا .. یقولوا سبحان

آنچه حقیقتاً پاره های عذاب را در چشم کافران تکه های متراکم ابر جلوه می دهد، لجاجت و حق ستیزی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۱ - ۵

۵ - مظاهر رحمت ، مایه نعمت و نابودی خلق در نتیجه کفر و تکذیب

فكذبوا عبدنا .. ففتحنا أبواب السماء بماء منهمر

با این که باران در نظام طبیعت، مایه حیات و رحمت است؛ ولی به گناه خشم الهی به عذابی بنیان برافکن تبدیل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۳۰

۳۰ - ایمان و کفر و راستی و نفاق در نگاه وحی ، از معیار های دوستی و دشمنی و از مرز های خودی و غیر خودی

لا تجد قوماً .. ألا إن حزب الله هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۴،۶

۴ - کفرورزی و نیز دعوت به آن ، موجب خلود در آتش

قال للإِنسِ اِکْفِرْ فَلَمَّا کَفَرَ .. فَكَانَ عَقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خُلِدِينَ فِيهَا

- کفرورزی و دعوت به آن ، از مصادیق ظلم

قال للإِنسِن اِکْفِر فَلَئِمَّا کُفِر . . . فَکَانَ عَقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِی النَّارِ خُلِدَیْنِ فِیْهَا وَ ذَلِکَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۰

۲۰ - مرد مؤمن ، موظف به رها ساختن همسر کافر خویش و جدا شدن از او

و لا تمسکوا بعصم الکوافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۵

۵ - کفر و ارتداد ، زمینه ساز مُهر شدن دل است .

ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا فَطَبَعَ عَلَی قُلُوبِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۵ - ۶

۶ - کفر ، از موجبات عذاب و دارای پیامدی تلخ در دنیا و آخرت

الذِیْنِ کَفَرُوا مِنْ قَبْلِ فَذَاقُوا وَ بِالْأَمْرِهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِیْمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۰ - ۱

۱ - کسانی که به کفر و تکذیب آیات الهی پردازند ، اهل دوزخ اند .

وَ الذِیْنِ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا أُولَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۶ - ۳

۳- کفر و نپذیرفتن عمدی آیین اسلام، نشانه جنون و بی خردی است و ایمان و هدایت، نشانه خردورزی است.

بأیتکم المفتون

برداشت یاد شده، از آن جا است که به کافران، جنون نسبت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۲

۲ - ایمان نیاوردن

و ترغیب نکردن دیگران به تغذیه گرسنگان و بینوایان ، سبب محرومیت از حمایت نزدیکان و دوستان صمیمی در قیامت

إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ . . . فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَهُنَا حَمِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲ - ۲

۲ - کفر و حق ناپذیری ، موجب عذاب الهی است .

بعذاب واقع . للكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۴ - ۴

۴ - کفر و باطل گرایی و پوچی در زندگی ، موجب ذلّت و خواری شدید در روز قیامت

فذرهم يخوضوا ويلعبوا . . . ترهقهم ذلّه ذلك اليوم الذی كانوا یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۳

۳ - کفر و گناه ، از عوامل خشک سالی و سلب نعمت ها است .

استغفروا ربکم . . . یرسل السماء علیکم مدرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۴

۴ - کفر و گناه ، از عوامل کم شدن اموال و تعداد فرزندان و خرابی شهرها و روستاها (نابودی باغ ها ، نهرها و . . .)

استغفروا ربکم . . . و یمددکم بأمول و بنین . . . و یجعل لکم أنهرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۴

۴ - کفر ، زمینه ساز کردار ناشایست

الكفره الفجره

تقديم <الكفره> ممكن است به منظور رساندن تأثير كفر در فجور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین

۵ - کفر ، زمینه ساز گرفتاری به کیفر های الهی در قیامت است .

هل ثوب الکفار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۶

۶ - اظهار کفر ، فراهم سازنده زمینه پافشاری بر تکذیب قرآن

بل الذین کفروا یکذبون

مراد از <الذین کفروا>، همان کسانی اند که در <فما لهم لایؤمنون> به نداشتن ایمان توصیف شدند. ایجاد تفاوت در تعبیر، نشانگر آن است که آنان علاوه بر این که بی ایمان بودند، کفر را نیز از خود بروز می دادند. فعل مضارع <یکذبون> بر استمرار و اصرار دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۳

۳ - حق گریزی و کفر ، از میان برنده زمینه های تأثیرپذیری از تعالیم دین و پند های آن است .

فذکر .. إلا من تولی و کفر

استثنای اعراض کنندگان کافر از مجموعه کسانی که پیامبر(ص) به تذکر دادن آنان مکلف شده است، نشانگر بی اثر بودن تذکرات آن حضرت، در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۲،۵

۲ - فرجام اهل کتاب ، در صورت کفر به اسلام ، هم تراز با مشرکان است .

إن الذین کفروا من أهل الکتاب و المشرکین فی نار جهنم

۵ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت خودداری از پذیرش اسلام ، از عبادت خالصانه خداوند محروم مانده و خود را از

برکات نماز و زکات دور ساخته اند .

و ما أُمروا إلاَّ ليعبدوا الله مخلصين له الدين

حنفاء و یقیموا الصلوٰه و یؤتوا الز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینہ - ۹۸ - ۸ - ۱۰

۱۰ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت کفر به اسلام ، از لذت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود .

من اهل الکتاب و المشرکین فی نار جهنم .. الذین ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۴

۴ - کفرورزی ، ترک عمل صالح و بی اعتنایی به ترویج حق و صبر ، زیان کاری است .

لفی خسر . إلا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

آثار کفر اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۳ - ۱

۱ - ایمان نیاوردن کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) به خدای بزرگ ، سبب عذاب شدن آنان در قیامت

إنه کان لایؤمن بالله العظیم

آیه شریفه، در مقام تعلیل عذاب کافران دارای زورور است که در آیات پیشین از آنان یاد شده است.

آثار کفر اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۱ - ۱

۱ - خداوند ، بسیاری از اقوام پیشین را به سبب کفر و استهزای پیامبران الهی نابود کرد .

کانوا به یستهزءون . ألم یروا کم اهلکنا قبلهم من القرون

آثار کفر اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر

کفر و حق ستیزی ، زمینه نزول عذاب الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۷

۷- اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱- اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فأهلكنهم... و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۹

۹- اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

فأخذهم العذاب... و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۶

۶- اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۷

۷- اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و فساد ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فأخذهم عذاب يوم الظلّه . . و ما كان أكثرهم مؤمنين

آثار کفر امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۹ - ۲

۲- ستم گری و کفر برخی از جوامع پیشین ، مایه هلاکت آنان با عذاب ویران کننده الهی است .

أهلکنهم لما ظلموا

مراد از ظلم در <ظلموا> به قرینه آیات قبل اعراض از آیات خدا است.

آثار کفر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - وجود ریشه های کفر در قوم موسی ، منشأ عشق ورزی آنان به پرستش گوساله شد .

و أشربوا فی قلوبهم العجل

آثار کفر به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۱،۶

۱- ایمان نداشتن به عالم آخرت ، زمینه ساز دخترکشی مشرکان عصر جاهلی

و إذا بشر أحدهم بالأُنثی ... یتوری من القوم ... أم یدسه فی التراب ... للذین ل

۶- مشرکان ، به خاطر عدم ایمان به عالم آخرت ، زشت خصلتند .

للذین لایؤمنون بالأخره مثل السوء

قرار دادن موصول <الذین> به جای اسم ظاهر، مشعر به این مطلب است که متصف شدن آنان به زشت صفتی، به خاطر کفرشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- افتادن حجاب نامرئی بر دیدگان کافران و محروم شدن آنان از شنیدن و درک وحی ، معلول تصمیم آنها مبنی بر عدم ایمان به آخرت است .

بين الذين لا يؤمنون بالأخـره حجاباً مستوراً

تعبیر <الذين لا يؤمنون بالأخـره> - به صورت جمله وصفیه - و فعل مضارع به جای <الكافرين> می تواند به این معنا باشد که جعل حجاب از

سوی خدا، به خاطر این خصلت و گزینش از سوی کافران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴ - ۲

۲ - بی اعتقادی به جهان آخرت ، منشأ انحراف ها و موجب حیرت و سرگردانی

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ... فهم يعمهون

<عَمَهُ> (مصدر <يعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است. عبارت <فهم يعمهون> متفرع بر مطلب قبل است؛ یعنی، این دسته از مردمان در نتیجه بی اعتقادی به جهان آخرت و مغرور شدن به اعمال خود، بی هدف و سرگردان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۹ - ۵

۵ - بی ایمانی به جهان آخرت ، ریشه سرکشی و بی عدالتی انسان ها است .

و استكبر هو... و ظنوا أنهم إلینا لا يرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۱۰

۱۰ - ایمان نیاوردن به آخرت ، کیفر دارد و انسان را در وادی بس بی راهه قرار می دهد .

الذین لا یؤمنون بالآخره فی العذاب و الضلل البعید

آوردن موصول به جای اسم ظاهر (الکافرون) دلالت می کند که ایمان نیاوردن، علت گرفتاری در عذاب و واقع شدن در گمراهی دور و دراز است.

آثار کفر به آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۴، ۳۳، ۳۰

۳۰ - بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلك بأنهم كانوا يكفرون بأيت الله و يقتلون النبيين

٣٣ - انكار آيات

الهی و کفر به آنها، موجب ذلت و درماندگی آدمی خواهد شد .

و ضربت علیهم الذله ... ذلك بأنهم كانوا يكفرون بأيت الله

۳۴- انکار آیات الهی و کفر به آنها، در پی دارنده خشم و غضب خداوند است .

و باء و بغضب من الله ذلك بأنهم كانوا يكفرون بأيت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۶

۶ کفرورزی و نفاق در برابر آیات عالمانه و حکیمانه خدا، دلیل بی فرهنگی و جهل انسان، هر چند در ظاهر متمدن باشد .

الأعراب أشد كفراً ونفاقاً وأجدر ألا يعلموا حدود ما أنزل الله على رسوله و الل

گرچه آیه ظاهراً بادیه نشینان را دارای خصلت کفر و نفاق شدید معرفی کرده، ولی با این بیان، نوعی تلازم میان کفر و نفاق و بی فرهنگی را اثبات کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۱

۱- عذاب های اخروی گمراهان، نتیجه عملکرد کفرآمیز خود آنان در قبال آیات الهی است .

و من يضلل ... و نحشرهم يوم القيمة ... ذلك جزاؤهم بأنهم كفروا بأيتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۷

۷- کفر به آیات خداوند، زمینه ساز زوال نعمت ها و موهبت های الهی

و إذا تتلى عليهم آيتنا ... و کم أهلکنا قبلهم من قرن

آثار کفر به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١ - بقره - ٢ - ١٣٧ - ٤

٤ - يهود

و نصارا، در صورت نپذیرفتن معارف ابلاغ شده به آنان (ایمان به قرآن، ایمان به همه پیامبران و...) از دشمنان و ستیزه جویان با اسلام و مسلمانان، تلقی خواهند شد.

فإن ءامنوا .. فقد اهتدوا و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

<شقاق> به معنای دشمنی و مخالفت کردن است. حرف <فی> می رساند که دشمنی و مخالفت یهود و نصارا با اسلام، سراسر وجود آنان را فرا گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۸

۸ - کفر و انکار رسالت پیامبران، از روی عمد و آگاهانه، نگون بختی و عذاب دردناک اخروی را در پی دارد.

فذاقوا وبال أمرهم .. ذلك بأنه كانت تأتهم رسلهم بالبینت ... فکفروا و تولّوا

آثار کفر به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ - یهودیان به خاطر کفرشان به تورات، مورد غضب و خشم خدا قرار گرفتند.

أن یکفروا بما أنزل الله .. فباء و بغضب علی غضب

تفریح جمله <باءوا ..> بر جمله های سابق، بیانگر آن است که: منشأ خشم خدا بر یهود، کافر شدن به قرآن و تورات از یکسو و حسدورزی و اعتراض آنان به خداوند از سوی دیگر است و لذا می توان گفت: <غضب> اول به خاطر کفر آنان و <غضب> دوم به خاطر حسادت و اعتراضشان می باشد.

آثار کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۱۲ - کفر به خدا ، انکار قیامت و نداشتن عمل صالح ، موجب غلبه ترس و اندوه بر آدمی است .

من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صلحاً .. و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون

مفهوم جمله <من آمن ..> گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۸

۸ کفر به خدا ، مایه حبط و بی ارزشی و فاسد شدن اعمال نیک کافران است .

ما كان للمشركين أن يعمرؤا مسجد الله شهدين على أنفسهم بالكفر أولئك حبطت أعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۵،۷،۸

۵ کافران به خدا و پیامبر (ص) ، محروم از آمرزش الهی .

فلن يغفر الله لهم ذلك بأنهم كفروا بالله و رسوله

۷ کفر منافقان به خدا و رسول او ، مانع آمرزش آنان

فلن يغفر الله لهم ذلك بأنهم كفروا بالله و رسوله

۸ کفر به خدا و رسول او ، فسق و کافران ، مردمانی فاسقند .

ذلك بأنهم كفروا بالله و رسوله و الله لا يهدى القوم الفسقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱

۱ - کفر به خدا و سرپیچی از عبادت او ، گناهی نابخشودنی و در پی دارنده عذاب دردناک دوزخ است .

إن الذين كفروا و يصدون عن سبيل الله

مراد از <الطيب من القول> همان طور که در آیه پیش گفته شد کلمه توحید و <صراط حمید> عبادت خدای یگانه است.
بنابراین

با توجه به ارتباط این آیه با آیه پیش، می توان گفت: <کفروا> در <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا> به تقدیر <كفروا بالطيب من القول> است و مراد از <سبيل الله> در <يصدون عن سبيل الله>، عبادت و پرستش خدای یگانه می باشد. قابل ذکر است که <الذین> اسم <إِنَّ> و خبر آن محذوف است و تقدیر آن به قرینه ذیل آیه چنین می شود: <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا... نذيقهم من عذاب أليم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۵

۵ ستمگری ، باطل گرایی و دروغ پردازی ، از نتایج و اثرات کفر به خدا و انکار رسالت پیامبر (ص)

و قال الذین کفروا إن هذا إلا إفکک .. فقد جاءو ظلماً و زوراً

<زور> به معنای سخن باطل و دروغ است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۳ - ۲

۲ - ایمان نیاوردن به خدای بزرگ ، از موجبات عذاب سخت الهی

إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۶ - ۲

۲ - ایمان نیاوردن به خدا و تغذیه نکردن بینوایان ، موجب عذاب شدن انسان به وسیله غذا های بسیار ناگوار و نفرت آور در قیامت

إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ .. و لا طعام إلا من غسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۷ - ۲

۲ - ایمان نیاوردن به خدای بزرگ و بی تفاوتی در برابر گرسنگی بینوایان ، خطایی بزرگ و نابخشودنی

لا يؤمن بالله العظيم . ولا يحضّ على طعام المسكين ... لا يأكله إلا الخط

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، از کسانی که ایمان نمی آوردند و...، تعبیر به <خاطئون> کرده است.

آثار کفر به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ کافران بر اثر فقدان درک معارف الهی و ایمان نداشتن به حقایق دینی، مردمی ناتوان در پیکار با اهل ایمان

بأنهم قوم لا يفقهون

آثار کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۸

۸ - بنی اسرائیل در صورت کفر به قرآن، نکوهیده ترین و ناشایسته ترین کافران در پیشگاه خداوند خواهند بود.

ولا تكونوا أول كافر به

برداشت فوق مبتنی بر دو مقدمه روشن است: ۱ <أول> بودن در جمله <ولا تكونوا...> به اعتبار رتبه و منزلت است، نه به لحاظ زمان؛ ۲ <أول> بودن قید توضیحی است، نه احترازی. بر این اساس جمله <ولا تكونوا...>، یعنی، و به قرآن کافر نشوید که در این صورت اولین رتبه کفر از آن شما خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۵

۵ - بنی اسرائیل در خطر گرفتار آمدن به عذاب های دنیوی (ذلیل گشتن، مطرود شدن و...) در صورت ایمان نیاوردن به قرآن و انجام ندادن اعمال صالح

و لقد علمتم الذين اعتدوا منكم في السبت فقلنا لهم كونوا قردة خسئين

۴۵ و نیز آیه ۶۲) خداوند بنی اسرائیل را به ایمان و تصدیق قرآن و انجام اعمال صالح دعوت کرد و در آیه مورد بحث سرگذشت شوم اسحاب سبت را یادآور شد تا هشدار می باشد به آنها که مبادا با سرپیچی از دعوت خدا و فرمانهای او، به سرنوشتی همانند اصحاب سبت گرفتار آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۴، ۱۲

۱۲ - خداوند، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است.

فلعنه الله علی الکفرین

۱۴ - جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت، به پیامبر (ص) و قرآن کافر می شوند.

فلعنه الله علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۸، ۱۶

۱۶ - یهودیان، بر اثر انکار رسالت پیامبر و کفر به قرآن، خشم خداوند را بر خویش هموار ساختند.

أن یکفروا بما أنزل الله بغياً أن ينزل الله .. فباء و بغضب علی غضب

<باءوا> به معنای <بازگشتند> است. حرف <باء> در <بغضب> بای مصاحبت یا ملابست می باشد، یعنی، یهودیان از آن مبادله (فروختن خویش به کفر) باز آمدند، در حالی که غضب الهی را به همراه داشتند.

۱۸ - آنان که علی رغم اطمینان به حقانیت قرآن بدان کافر شوند، به خشم و غضب خدا گرفتار خواهند شد.

أن یکفروا بما أنزل الله .. فباء و بغضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۰

۱۰ - کافران به قرآن و پیامبر (ص) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند .

و من یکفر به فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۴

۴ - یهود و نصارا، در صورت نپذیرفتن معارف ابلاغ شده به آنان (ایمان به قرآن، ایمان به همه پیامبران و ...) از دشمنان و ستیزه جویان با اسلام و مسلمانان، تلقی خواهند شد .

فإن ءامنوا .. فقد اهتدوا و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

<شقاق> به معنای دشمنی و مخالفت کردن است. حرف <فی> می رساند که دشمنی و مخالفت یهود و نصارا با اسلام، سراسر وجود آنان را فرا گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ آنان که به قرآن و پیام های آن ایمان نیاورند، به هیچ سخن هدایت بخش دیگری ایمان نخواهند آورد .

فبأی حدیث بعده يؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: ضمیر در <بعده> به قرآن برگردد. حرف <با> در <بأی> برای الصاق باشد. یعنی اگر به قرآن ایمان نیاورند، به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱

۱- ایمان یا بی ایمانی مردم به قرآن، تأثیری در حقانیت مفاهیم و معارف آن نخواهد داشت .

و بالحق أنزلنه .. قل ءامنوا به أو لا تؤمنوا

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۱

۱- ایمان نیاوردن و موضع گیری های نابخردانه کافران در برابر قرآن ، موجب رنجی کشنده و تأسفی عمیق برای پیامبر (ص) بود .

فلعلک بضع نفسک علی ءاثرهم إن لم یؤمنوا بهذا الحدیث أسفاً

<باخ نفسه> به کسی گفته می شود که از شدت هیجان و ناراحتی، خود را به هلاکت بیندازد در <مقایس اللغه> آمده: آنگاه گفته می شود: که <بضع الرجل نفسه> که او، خویشتن را، به خاطر خشم شدید و شدت هیجان، هلاک سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۳

۳ - کفر به قرآن و وحی ، پس از مواجهه با آن [و درک حقانیت آن] مستلزم دوزخی شدن انسان است .

إنّ الذین کفروا بالذکر لئما جاءهم

تعبیر <لئما جائهم> بیانگر این است که که اساساً کفر و انکار زمانی تحقق می یابد که انسان با کلام وحی روبه رو شده و آن را فهم کرده باشد. سپس به انکار آن پرداخته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۲

۲ - کفرورزی به قرآن ، در پی دارنده پشیمانی و حسرت شدید در قیامت

و إنّه لحسره علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۱

۱ - آنان که به قرآن ایمان نمی آورند ، به هیچ گفتار هدایت بخش دیگری ، ایمان نخواهند آورد .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

استفهام <فبأی> انکاری و تعجیبی است. بر این اساس مفاد آیه چنین است: <وقتی آنان

قرآن را که با دلایل روشن همراه است تصدیق نمی کنند، پس مسلم به هیچ سخن حقی ایمان نخواهند آورد.

آثار کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۳ - ۳

۳ باور نداشتن قیامت زمینه پذیرش القائنات و تبلیغات شیطانی است.

و لتصغی إليه أفئده الذين لا يؤمنون بالأخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۷

۷ - ناباوری به قیامت ، در دنیا ، عامل بی حاصل شدن معذرت خواهی در روز قیامت است .

و لکنکم کنتم لاتعلمون . فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم

<فاء> در <فیومئذ> عاطفه است و می تواند برای سببیت باشد. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <کسانی که به روز قیامت علم نداشتند، در آن روز معذرت خواهی شان سودی ندارد>. علم نداشتن، ملازم با ناباوری و بی ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ - ناباوری به قیامت ، عامل حق ناپذیری و تأثیر نداشتن عالی ترین پیام های ارزشی در روح انسان

فذکر بالقرءان من یخاف وعید

با توجه به این که آیات پیشین درباره معاد و رستاخیز بود؛ <من یخاف وعید> می تواند بیانگر مسأله قیامت و نظام کیفر و پاداش باشد. در این صورت مفهوم آیه چنین خواهد بود: <قرآن در ناباوران به قیامت بی تأثیر است>.

آثار کفر به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۴، ۱۲

ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه الله على الكافرين

۱۴ - جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت ، به پیامبر (ص) و قرآن کافر می شوند .

فلعنه الله على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ - یهودیان ، بر اثر انکار رسالت پیامبر و کفر به قرآن ، خشم خداوند را بر خویش هموار ساختند .

أن يكفروا بما أنزل الله بغياً أن ينزل الله .. فباء و بغضب على غضب

<باءوا> به معنای <باز گشتند> است. حرف <باء> در <بغضب> بای مصاحبت یا ملابست می باشد یعنی، یهودیان از آن مبادله (فروختن خویش به کفر) باز آمدند، در حالی که غضب الهی را به همراه داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۰

۱۰ - کافران به قرآن و پیامبر (ص) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند .

و من يكفر به فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۵،۷،۸

۵ کافران به خدا و پیامبر (ص) ، محروم از آمرزش الهی .

فلن يغفر الله لهم ذلك بأنهم كفروا بالله و رسوله

۷ کفر منافقان به خدا و رسول او ، مانع آمرزش آنان

فلن يغفر الله لهم ذلك بأنهم كفروا بالله و رسوله

۸ کفر به خدا و رسول او ، فسق و کافران ، مردمانی فاسقند .

ذکر

بأنهم كفروا بالله ورسوله والله لا يهدي القوم الفسقين

آثار کفر به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۲

۲- کفر به معاد و انکار حقانیت وعده های الهی ، در پی دارنده کیفری حتمی

فيقول ما هذا إلا أسطير الأولين . أولئك الذين حقّ عليهم القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۷ - ۴

۴- ناباوری به معاد ، زمینه ساز پیدایش و رشد عقاید خرافی و انحرافی در دین

إنّ الذين لا يؤمنون بالأخره لیسّمون الملتکه تسمیه الأئنی

از این که عدم ایمان به آخرت، موضوع برای عقاید انحرافی و خرافی مشرکان قرار داده شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

آثار کفر ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۱

۱ - صاحبان زر و زور با نیرنگ های بزرگ خود ، تعداد بسیاری از مردم را گمراه کردند .

وقد أضلّوا کثیرًا

آثار کفر ثروتمندان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۳

۳ - کفر کافران ثروتمند ، موجب خودداری آنان از انفاق به مستمندان مؤمن

قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم من لو یشاء اللّٰه أطعمه

آمدن اسم ظاهر (قال الذین کفروا) به جای ضمیر (قالوا) در حالی که مقام، اقتضای آمدن ضمیر دارد می تواند بیانگر این نکته باشد که آنچه سبب خودداری کافران از انفاق شد، کفر آنان بود.

آثار کفر جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال -

۵ کفرورزی جوامع و ستیزه جویی با پیامبران ، از عوامل از میان رفتن شایستگی آنان برای دستیابی به نعمت های الهی

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مَغِيرًا نِعْمَهُ أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

آثار کفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف يعلمون

آثار کفر فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۵

۵- کفر شدید فرزند ، مانع از استجابت دعای والدین در حق وی *

و هما يستغيثان الله .. أولئك الذين حقّ عليهم القول

برداشت بالا بدان احتمال است که <یستغیثان>، استغاثه پدر و مادر برای هدایت فرزند و ایمن گشتن وی از عذاب الهی

باشد. تعبیر <حقّ عليهم القول> نشان می دهد که این استغاثه، در مورد فرزند حق ستیز به اجابت نمی رسد.

آثار کفر قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۷، ۲

۲ - تعلق بقلیس به جامعه شرک و کفر ، مانع پیوستن رسمی وی به آیین توحیدی سلیمان (ع) با وجود اذعان قلبی

و أوتينا العلم من قبلها و كُنَّا مسلمين . و صدّها... إنّها كانت من قوم كافرين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه مذکور در مقام توضیح این نکته باشد که چرا بلقیس علی رغم علم و اذعان قلبی خود، پیش از این رسماً تسلیم سلیمان(ع) نشده و به یکتاپرستی

نگریده بود.

۷- قوم سبا، دارای پیشینه شرک و کفر

إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمِ كَفْرِينَ

آثار کفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۳

۳- نزول عذاب بر قوم عاد، نتیجه عملکرد و اصرار آنان بر کفر پس از اتمام حجت بر ایشان بوده است.

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ .. فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَهُمْ

آثار کفر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۶

۶ نوح (ع)، همواره رنجیده خاطر از رفتار ناپسند قوم خویش و اندوهناک از اصرار آنان بر کفر و انکار رسالت

فَلَاتُبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

إِبْتِئَاسٌ (مصدر تبئس) به معنای محزون و ناراحت شدن است و مراد از <ما كانوا يفعلون> شرک و ورزی و اصرار آنان بر انکار رسالت و دیگر کارهای نارواست.

آثار کفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۳ - ۱

۱- ایمان نیابردن کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) به خدای بزرگ، سبب عذاب شدن آنان در قیامت

إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

آیه شریفه، در مقام تعلیل عذاب کافران دارای زروزور است که در آیات پیشین از آنان یاد شده است.

آثار کفر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۱

۱- عذاب های اخروی گمراهان ، نتیجه عملکرد کفرآمیز خود آنان در قبال آیات الهی است .

و من یضلل . . . و نحشرهم یوم القیمه ... ذلک جزاؤهم بأنهم کفروا بآیتنا

آثار

کفر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۸

۸ ناباوری و ناامیدی مشرکان به حیات اخروی، عامل عبرت نگرفتن آنان از سرگذشت شوم اقوام پیشین چون قوم لوط

أفلم یكونوا یرونها بل كانوا لا یرجون نشورًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که <بل> برای اضراب انتقالی است، یعنی، این طور نیست که آنان به خاطر ندیدن آثار به جا مانده از قوم هلاک شده قوم لوط، از آن عبرت نگرفته اند بلکه چون آنان اعتقاد و امیدی به روز رستاخیز ندارند از چنین حادثه ای عبرت نیاموخته اند.

آثار کفر مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۹

۹- ایمان نیاوردن و حق ناپذیری مشرکان ستم پیشه، فلسفه و دلیل رد شدن پیشنهاد آنان مبنی بر ارائه معجزه از سوی پیامبر (ص)

فلیأتنا بایه .. أفهم یؤمنون

آثار کفر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۱

۱ کفر منافقان به خدا و انکار رسالت پیامبر (ص)، عامل بی ارزش گشتن انفاق های آنان و پذیرفته نشدن آن در پیشگاه خداوند

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم كفروا بالله و برسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧ كفر منافقان به خدا و رسول او ، مانع آمرزش آنان

فلن يغفر الله لهم ذلك بأنهم كفروا بالله ورسوله

جلد - نام سوره - سوره -

۱ - عملکرد بد منافقان ، ناشی از کفر و بی ایمانی آنان است .

ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

<ذالک> به جمله <إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ> در آیه قبل اشاره دارد.

۲ - دروغ گویی ، استفاده ابزاری از سوگند ها ، انحراف و بازداشتن مردم از راه خدا ، زاییده کفر و بی ایمانی منافقان

ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

<ذَلِكْ> می تواند به تمامی آنچه در دو آیه پیش در رابطه با منافقان، مطرح شده اشاره داشته باشد.

۶ - دل های منافقان ، بر اثر کفر و ارتداد مُهر شد .

ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطَبَعَ عَلَي قُلُوبِهِمْ

آثار کفر منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۵

۵ کفر درونی منافقان انگیزه ساختن مسجد ضرار

مسجداً ضراراً و کفراً

<کفراً> می تواند به معنای ترویج کفر نباشد ؛ بلکه به این معنا باشد که عمل منافقان و سازندگان مسجد ضرار، نشأت یافته از کفرشان بوده است.

آثار کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۶

۶- قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بكفرهم فقليلًا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله

<لعنهم الله...> بیان می دارد حجابِ قلبِ یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۲

۲۲ کفر و طغیان یهود، زمینه دشمنی و کینه توزی آنان با یکدیگر

و لیزیدن کثیراً منهم... طغیاناً و کفراً و القینا بینهم العدو و البغضاء

آثار مرگ با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۱،۳

۱ - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود.

إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك عليهم لعنة الله و الملكة و الناس أجمعين

۳ - فرشتگان و تمامی مردم در قیامت، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد.

أولئك عليهم لعنة الله و الملكة و الناس أجمعين

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۱

۱ - کسانی که کافر بمیرند، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود.

أولئك عليهم لعنة الله... خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر <فیها> به <لعنة الله...> (در آیه قبل) باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۸

۸- مرگ همراه با غفلت و بی ایمانی ، موجب حسرت در قیامت است .

و أنذرهم يوم الحسره إذ قضی الأمر و هم فی غفله و هم لایؤمنون

ضمیر <هم> به <الظالمون> در آیه قبل بازمی گردد و جمله <هم فی...> حالیه است و مفاد آیه این است که در حالی فرصت دنیایی ظالمان پایان یافت که آنان غافل بودند و به معاد ایمان نمی آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۱

۱- مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر ، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

إِنَّ الذین کفروا و ... فلن یغفر الله لهم

مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

آثار نفرت از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۲۴

۲۴ - رشد واقعی انسان ، در پرتو محبت دین و بیزاری از کفر و گناه

حَبِّ إِلَیْکُم الْإِیْمَنُ ... و کَرِهَ إِلَیْکُمُ الْکُفْرَ ... أولئک هم المرشدون

آرزوی کفر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۸ - ۹

۹ - قدرتمندان کافر ، به چیزی جز کافر شدن مؤمنان ، رضایت نمی دهند .

أصحاب الأعدود .. و ما نقموا منهم إلا أن يؤمنوا بالله

آگاهی از آثار کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۸ - ۱

۱- آگاهی از غیب و یا صدور

پیمانی از جانب خداوند ، از راه های وقوف بر پی امد های کفر و ایمان و آثار آنها است .

لَأْتِيَنَّ .. أَطَّلِعُ الْغَيْبَ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

همزه در <أَطَّلِعُ> که در اصل أَطَّلِعُ بوده برای استفهام انکاری است و فاعل فعل ضمیری است که به <الذی> در آیه قبل بازمی گردد. از این رو مضمون آیه چنین می شود: آیا آن کافری که مدعی شد کفر، موجب دستیابی به مال و فرزند است، بر غیب آگاهی یافته و یا عهدی از جانب خداوند دریافت کرده است؟! مراد از عهد، نوشته و یا بیانی است که از ناحیه خداوند صادر گردیده باشد.

آمزش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۵ - ۵

۵ - تمامی گناهان ، حتی گناه کفر ، تکذیب پیامبر و تهمت و افترا بر او ، قابل بخشایش خداوند است .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى .. يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ

از واژه <السيئات> که جمع محلی به الف و لام است و نیز از ارتباط این آیه با آیه قبل که سخن از تهمت افترای پیامبر(ص) بر خدا از سوی مشرکان بود مطلب بالا استفاده می شود.

آمزش گناه کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۶

۶ ارتداد (مشرک شدن پس از توحید و کفرورزی پس از ایمان) گناهی قابل بخشش است .

و الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ .. إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

ابزار مبارزه با کفر

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۴

۴ پیامبر (ص)، وظیفه دار مبارزه گسترده فرهنگی و تبلیغی با جریان کفر و شرک، با محور قرار دادن قرآن

فلا تطع الکفرین و جهدهم به جهاداً کبیراً

مرجع ضمیر <به> به قرینه مقام (یعنی، آیه قبل که از انذار رسول به مردمان سخن گفته است) قرآن کریم است و آمدن مفعول مطلق (جهاداً) و توصیف آن به <کبیراً>، بیانگر گستردگی و بزرگی این جهاد می باشد.

اتحاد رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۳

۳ - سران کفر و شرک، گروهی متشکل، همسو و متحد در برابر پیامبر اسلام (ص)

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

برداشت یاد شده، از تعبیر <جند> و <أحزاب> به دست می آید.

اجتناب از رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۱

۱ - پرهیز از عبادت و اطاعت طاغوت ها و سردمداران کفر و شرک، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خدا

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدها

<طاغوت> در اصل به هر متجاوز و رئیس گمراه گر گفته می شود. این کلمه در قرآن، هم به این معنا آمده و هم در بت و صنم به کار رفته است. چنانچه این واژه در آیه شریفه در معنای نخست به کار رفته باشد، مقصود از عبادت (أن یعبدها) اطاعت خواهد بود. گفتنی است آیه شریفه درصدد توصیف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است (که از آیات بعد نیز قابل استفاده است).

اجتناب از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۱۲

۱۲ وعده پاداش بزرگ ، و تهدید به دوزخ ، از روش های قرآن برای ترغیب مردم به ایمان و دوری از کفر و نفاق

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ .. و سوف يؤت الله المؤمنين أجراً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ سوق دادن بیمناکان از حشر و قیامت برای اجتناب از کفر و شرک از اهداف انذار است.

و أنذر به الذين يخافون أن يحشروا إلى ربهم .. لعلهم يتقون

<یتقون> در این آیه به معنای تقوای اصطلاحی نیست، بلکه با توجه به آیات این سوره که بحث از کفر و تکذیب بود مراد، اجتناب از کفر و تکذیب و گناهایی از این قبیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۶

۶ - توصیه شدن مشرکان صدراسلام به این که به خود بیایند و دست از کفر و تکذیب بردارند و خود را چونان جوامع پیشین ، گرفتار خشم و عذاب خدا ن سازند .

و إن يكذبوك فقد كذبت .. فأمليت للكافرين ثم أخذتهم

بیان سرگذشت اقوام تکذیب گر پیشین برای مردم شرک پیشه صدراسلام که با پیامبر(ص) مبارزه می کردند در واقع نصیحتی بود به آنان مبنی بر این که از سرگذشت پیشینان عبرت بگیرند و دست از مخالفت بردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۰ - ۴

خوف از مقام پروردگار و پرهیز از تکذیب و کفر، از نمود های بارز احسان و نیک کرداری

و لمن خاف مقام ربّه جتّان .. هل جزاء الإحسن إلا الإحسن

در آیات پیشین مسأله خوف از مقام پروردگار و پرهیز از تکذیب و کفر به عنوان محور برخورداری از نعمت ها مطرح شده است. احسان اول در آیه شریفه می تواند نظر به آن دو داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۵

۵ - اهل کتاب و مشرکان ، ملزم به ترک کفر خویش ، پس از ابلاغ معارف استوار و قوام بخش قرآن به آنان

لم یکن .. منفکین حتّی تأتیهم البینه ... فیها کتب قیمه

اجتناب از کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۷

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل (یهودیان و نصرانیان) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن ، بر حذر داشت .

و لاتکونوا اول کافر به

ضمیر در <به> می تواند به <ما أنزلت> و یا به <ما معکم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

احساس خطر رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۳

۳ - احساس خطر سران کفر و شرک ، از دعوت پیامبر اسلام به توحید و نفی شرک و نفوذ آن حضرت در میان توده ها

و اصبروا علی ءالیهتمکم

فراخواندن مردم به پراکنده شدن از اطراف رسول خدا(ص) و پایداری بر آیین شرک، گویای برداشت یاد شده است.

اختفای کفر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱۳

۱۳ تظاهر به دینداری (ایمان) و پنهان کردن کفر و تکذیب دین ، از اوصاف منافقان

مذبذبین بین ذلک

امام رضا(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: ... یظهرون الایمان و یسرون الکفر و التکذیب لعنهم الله.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۲، ح ۲۹۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۵، ح ۶۳۱.

اختیار در کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۱۸، ۱۳

۱۳ آزادی انسان ها در انتخاب کفر و ایمان به رسالت انبیا ، سنّت الهی

و لو شاء الله ما اقتتل ... و لكن اختلفوا فمنهم من امن و منهم من کفر

۱۸ ایمان یا کفر ، انتخاب آدمی در برابر روشنگری انبیای الهی

من بعد ما جاءتهم البینات ... و لكن اختلفوا فهمنهم من امن و منهم من کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱۷، ۱۲

۱۲ کفرورزی مردمان و اختیار کفر از سوی آنان ، خارج از خواست خداوند و سیطره او نیست .

و إن تکفروا فان لله ما فی السموت و الارض

بدیهی است که فرمانروایی خداوند بر هستی مترتب بر کفرورزی مردمان نیست ؛ بنابراین جواب شرط (ان تکفروا) محذوف است و جمله <فان لله...> جانشین و بیانگر آن می باشد ؛ بر این اساس معنای <و ان تکفروا...> چنین می شود: تمام هستی و از جمله کفرورزی کافران مملوک خداوند است و خارج از خواست و اراده او نیست.

اختیار انسان ها در انتخاب ایمان و کفر ، برخاسته از علم و حکمت خداوند

فامنوا خيراً لكم و إن تكفروا .. و كان الله عليمًا حكيمًا

یادآوری علم و حکمت خداوند در ذیل آیه اشاره به این است که تمامی معارف یاد شده در آیه و از جمله آنها اختیار آدمی، عالمانه و حکیمانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۲

۲- ایمان و کفر جن ، به اختیار و انتخاب خود آنان و نه معلول جبر

و من لایجب داعی الله

از سیاق این آیات که در آن جنیان تشویق و تهدید شده اند و اجابت و عدم اجابت به خود آنان نسبت داده شده است مطلب بالا استفاده می شود.

ادعای رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۲

۲ - سران شرک و کفر ، مدعی نبودن اثری از توحید و یکتاپرستی در آخرین دین الهی (مسیحیت)

أجعل الألهة إلهًا وحدًا .. ما سمعنا بهذا في الملة الآخرة

< ملة > در آیه شریفه، به معنای < دین > است و مقصود از قید < الآخرة > (پسین) در برابر < اولین > (پیشینان) که در آیات دیگر آمده دین مسیحیت است. گفتنی است که مسیحیت آخرین دین پیش از اسلام در جزیره العرب بود و کافران نیز از آن آگاهی داشتند.

ارتجاع رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۶

۶- سران کفر و شرک در صدر اسلام ، مردمی مرتجع و مخالف نوگرایی و پویایی

فکری و عقیدتی در جامعه

ما سمعنا بهذا في الملة الآخرة إن هذا إلا اختلق

ارزش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۹

۹ ایمان و کفر ، ملاک تقسیم بندی جوامع انسانی از نظر قرآن

فاما الذين كفروا .. و اما الذين امنوا

ازدیاد کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۸ - ۵

۵ ارتداد و ازدیاد کفر ، موجب گرفتار شدن به عذاب دردناک

ءامنوا ثم كفروا .. بشر المنفقين بانّ لهم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۵

۵ کفر ، دارای مراحل و مراتب و قابل فزونی و کاهش

الذين يسرعون في الكفر

استغاثه پیروان رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۵

۵ - فریاد استغاثه پیروان کفرییشه ، به هنگام مشاهده گرفتاری جلوداران خود به عذاب قهر الهی

حَتَّى إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْتَرُونَ

استغفار از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۴

۴ - کفر و شرک ، گناه و نیازمند توبه و طلب مغفرت از پیشگاه خداوند

ليغفر لنا خطيئنا

مصادق مورد نظر از خطیئه به قرینه آیات بعد که جرم و ایمان را در مقابل یکدیگر قرار داده است گناه کفر به خداوند و انکار رسالت موسی (ع) است.

استغفار از کفر اکراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل -

۱۲- بر زبان راندن کلمات کفرآمیز ، حتی از روی تقيه و ناگزیری ، نیازمند مغفرت الهی است .

إِلَّا مِنْ أَكْرَهٍ وَقَلْبُهُ مَطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ .. . إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

برداشت فوق، بنابراین نکته است که <إِنَّ رَبَّكَ .. > در بیان حال کسانی باشد که به اکراه، اظهار کفر کرده اند؛ که در این صورت وعده غفران توسط خدا، نشان دهنده نیاز آنان به مغفرت است.

استقامت در کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۲،۵

۲ - سران کفر و شرک در عصر بعثت ، مردم را به صبر و پایداری بر آیین شرک و مواضع عقیدتی خود فرامی خواندند .

و اصبروا علی ءالهیتم

<صبر بر آلهه > کنایه از پایداری بر پرستش معبودها و ادامه آن است.

۵ - سران کفر و شرک ، صبر و پایداری بر آیین شرک و بت پرستی را ، امری مطلوب و تکلیف دینی خود می دانستند .

و اصبروا علی ءالهیتم إِنَّ هَذَا لَشِئْءٌ یُرَادُ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <هذا > به صبر اشاره داشته و مقصود از <یراد > (خواستار شده) اقتضای اعتقاد به آیین شرک باشد.

استهزاهای رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۱

۱ - سران کفر و شرک از روی استهزا ، از خداوند خواستار شتاب در نزول عذاب ویژه اخروی خود بودند .

و قالوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قَطْنَآ قَبْلَ یَوْمِ الْحِسَابِ

<قَطَّ > به معنای نصیب و بهره معین و جدا شده است و مقصود از آن در

این آیه، بهره و نصیب کافران از عذاب قیامت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۲

۲ - استهزا، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء علیه اسلام و پیامبر (ص)، کار همیشگی و روش سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

آمدن فعل <یقولون> به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار این گفتار دارد.

اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۰ - ۴،۵

۴ مرتدانی که بر کفر اصرار ورزند، هرگز موفق به توبه نخواهند شد. *

ان الذین کفروا .. لن تقبل توبتهم

بنابراینکه جمله <لن تقبل>، کنایه از عدم توبه آنها باشد، یعنی توبه نخواهند کرد تا پذیرفته شود.

۵ مرتدانی که بر کفر اصرار ورزند، گمراهان واقعی هستند.

اولئک هم الضالون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۵

۵ ارتداد های مکرر و اصرار بر کفر، در پی دارنده شقاوت ابدی و محرومیت از هدایت الهی است.

ان الذین ءامنوا ثم کفروا .. لم یکن الله لیغفر لهم و لالیهدیهم سبیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۱ - ۳

۳ پافشاری و اصرار اهل کتاب ، بر کفر خویش

و قد دخلوا بالكفر و هم قد خرجوا به

جمله <قد دخلوا بالكفر و هم قد خرجوا به> به این معناست که هیچ نقصانی در کفر آنان حاصل نشد و با همان کفر خارج شدند که با

آن به پیشگاه پیامبر(ص) آمده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۲

۲ کافران قوم شعیب پس از تمام شدن حجت الهی بر آنان و اصرارشان به کفرورزی و مبارزه با شعیب و مؤمنان به وی ، به هلاکت رسیدند .

قال الملائه .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فا> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعیب و در آخر دعای شعیب که خواهان داوری خداوند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۱

۱ برخی از امت های گذشته حتی پس از پیدایش سختی های بیدارکننده همچنان بر کفرپیشگی و بی تقوایی خویش اصرار ورزیدند .

لعلهم یضرعون. ثم بدلنا مکان السیئه الحسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۷

۷ کافرانی که بر کفر خویش اصرار ورزند ، مستحق عذاب الهی هستند .

فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۶

۱۶- اقوام کافر ، نه تنها در جواب دعوت انبیا سکوت اختیار کرده و جواب مثبت ندادند بلکه به صراحت کفر خویش را به پیام آنان اعلام داشتند .

جاءتهم رسلهم بالبينت فردوا أيديهم في أفوههم و قالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به

طبق نقل روح المعانی (ج ۱۳، ص ۱۹۴)، از ابوعمیده و اخفش، عبارت <فردوا أيديهم في أفواههم> ضرب المثل برای کسی است که

جواب مثبت به درخواست نمی دهد و سکوت اختیار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۹

۱۹ - هشدار خداوند به کافران ، درباره نیت ناشایست آنان در انتخاب و پافشاری بر کفر

قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا .. إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

<علیم بذات الصدور> در حقیقت، می تواند هشدار می باشد به آنان که حقایقی را در درون دل خود مخفی می دارند، ولی در ظاهر، با تعابیری مانند <نتبع ما وجدنا..> آن را توجیه می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۵

۵ - برخی از کافران ، مصرّ بر کفر خویش ، به رغم آگاهی کامل از نتایج شوم آن

و لکنّ أكثرهم لا يعلمون

مفهوم <أكثرهم> این است که اقلیتی آگاه و معاند وجود دارند که به رغم آگاهی داشتن، گام در مسیر کفر می نهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۴

۴ - پافشاری کافران بر کفر خویش ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

قتل الإنسن ما أكفره

اصرار بر کفر اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۷ - ۴

۴ - پافشاری مردم ایکه ، بر کفر و انکار رسالت شعیب (ع)

فأسقط علينا كسفاً من السماء إن كنت من الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۹ - ۱

۱ - پافشاری مردم < ایکه > ، بر تکذیب

شعیب (ع) و انکار رسالت او

فکذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۴

۴ - بیشتر مردم <ایکه > ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما کان اکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم > در <اکثرهم > به <اصحاب الأیکه > برمی گردد.

اصرار بر کفر حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ - اقدام حق ستیزان صدراسلام به انکار صریح قرآن و تورات و تأکید بر کفر خویش نسبت به آن دو

و قالوا إنا بكل کفرون

اصرار بر کفر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۴

۴ - اکثریت فرعونیان (قبطیان) ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان اکثرهم مؤمنین

اصرار بر کفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۱،۲

۱ قوم عاد ، رسالت هود (ع) را نپذیرفتند و به شرک و کفر اصرار ورزیدند .

فإن تولّوا .. يستخلف ربی قومًا غیر کم ... و لما جاء أمرنا نجینا هودًا

۲ خداوند ، در پی اصرار قوم عاد بر کفر و شرک ، عذابی سخت و سهمگین بر آنان نازل کرد .

و لما جاء أمرنا .. و نجینهم من عذاب غلیظ

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم عاد است . <عذاب غلیظ> در ذیل آیه بنا بر یک احتمال، یعنی دنیوی بودن عذاب دلالت بر سهمگینی عذاب نازل شده بر قوم عاد دارد .

اصرار بر کفر قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۴

۴ - بیشتر قوم لوط ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان اکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم> در <اکثرهم> به قوم لوط بازمی گردد.

اصرار بر کفر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۴

۴ - بیشتر افراد قوم نوح ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان اکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۶

۶ - اصرار و پافشاری قوم نوح ، بر مواضع کفرآمیز خویش

و أصرّوا

اصرار بر کفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۱

۱ خداوند ، مشرکان و کفرپیشگان را به خاطر پافشاری بر کفر و ناباوری به قرآن ، ملامت و سرزنش فرمود .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری کنند.

قل يقوم اعمالوا علی مکانکم

آهنگ آیه شریفه، آهنگی تهدیدآمیز و هشدار دهنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۴

۴ - بیان سرسختی سازش خواهان کافر و باقی ماندن آنان بر مرام خویش تا پایان عمر، از خبر های غیبی قرآن

ولا أنتم عبدون

ما أعبد

اصرار بر کفر کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، با بیان پافشاری کافران عصر بعثت بر کفر و انکار معاد ، انتظار ایمان آوردن آنان را بی فایده خواند و توطئه گری آنها را به پیامبر (ص) گوشزد کرد .

إنهم یکیدون کیداً

اصرار بر کفر مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۸

۸ - اصرار و پافشاری مرفهان خوش گذران بر کفر ، در برابر پیام ملاطفت آمیز و توحیدی پیامبران

قال مترفوها .. قل أولو ... قالوا إنا بما أرسلتم به كفرون

اصرار بر کفر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۱

۱ خداوند ، مشرکان و کفرپیشگان را به خاطر پافشاری بر کفر و ناباوری به قرآن ، ملامت و سرزنش فرمود .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

اطاعت از رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۸

۸ گروهی از اهل کتاب ، مطیع و فرمانبردار سران کفر و ضلالت

و عبد الطغوت

اظهار لفظی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۳،۶،۹

۳- جواز تقیه در دین و اظهار لفظی کفر در شرایط اجبار و اکراه ، با وجود ایمان استوار قلبی

إِلَّا مِنْ أَكْرَهٍ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ

۶- بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط عادی و بدون

اجبار و اکراه ، جایز نیست .

من كفر بالله من بعد إيمنه إلا من أكره .. فعليهم غضب من الله

۹- ممنوعیت تقیه و اظهار لفظی کفر ، برای کسانی که عمل آنان راه گرایش به کفر را برای دیگران بگشاید . *

و لکن من شرح بالكفر صدراً

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که <لکن> استدراک از <من أكره> باشد؛ یعنی، در شرایط اکراه تقیه جایز است مگر برای کسی که تقیه وی موجب شود که مؤمنان دیگر در ایمان سست شوند و به کفر گرایش پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۱۶، ۱۲

۱۲- بر زبان راندن کلمات کفرآمیز ، حتی از روی تقیه و ناگزیری ، نیازمند مغفرت الهی است .

إلا من أكره و قلبه مطمئن بالإيمان .. إن ربك من بعدها لغفور رحيم

برداشت فوق، بنابراین نکته است که <إن ربك ..> در بیان حال کسانی باشد که به اکراه، اظهار کفر کرده اند؛ که در این صورت وعده غفران توسط خدا، نشان دهنده نیاز آنان به مغفرت است.

۱۶- پذیرش عذر بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط سخت و ناچاری ، مشروط به نشان دادن صداقت خویش با هجرت ، جهاد و مقاومت در راه خداست .

من كفر بالله .. إلا من أكره و قلبه مطمئن بالإيمان ... إن ربك للذین هاجروا

اظهار لفظی کفر مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۴

۴- برخی از مسلمانان صدراسلام (مانند عمار یاسر) به خاطر فشار های شدید کافران

علی رغم ایمان باطنی خود الفاظ کفرآمیز بر زبان جاری کردند .

من کفر بالله من بعد إيمنه إلا من أكره و قلبه مطمئن بالإيمان

طبق شأن نزولی که درباره آیه آمده است، قضیه مربوط به عمار یاسر است که از شدت شکنجه، سخنان کفرآمیز بر زبان جاری کرد.

اعراض از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۷

۷ هجرت در راه خدا، نشانه دست برداشتن از نفاق و کفر است .

وَدَّوَالُو تَكْفُرُونَ .. فَلَآ تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ اَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجَرُوا فِى سَبِيلِ اللّٰهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۲

۱۲ وسعت و گنجایش زمین برای هجرت و گریز از سرزمین فساد و کفر

و قالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۶

۶ - پذیرش معاد و ترک کفر، فرمان خداوند به همه انسان ها است .

ما أكفروه .. ثم إذا شاء أنشره ... ما أمره

از مصادیق بارز <ما أمره> به قرینه آیات پیشین کنار نهادن کفر و پذیرش معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۴

۱۴ - پیامبر (ص) و قرآن ، برهانی روشن بر لزوم دست کشیدن اهل کتاب و مشرکان از کفر و شرک خویش

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ . رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُوا صَحَافًا مُطَهَّرَةً

اعراض کافران از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۶

۶ - در صورتی که کفرپیشگان محارب یا فتنه انگیز از کفرورزی دست بکشند ، نباید با آنان نبرد کرد .

فإن انتهوا فلا عدون إلا على الظلمين

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که متعلق <انتهوا> کفرورزی باشد.

اغواگری رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ اغواگری سران کفر و شرک و واداشتن دیگران به ضلالت، ادعای دوزخیان پیرو علیه رهبران خویش در پیشگاه خداوند

قالت أخرجهم لأوليهم ربنا هؤلاء أضلونا

اقرار به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۴

۴ ثبوت کفر منافقان صدر اسلام ، با اظهار کردن کلمات کفرآمیز

و لقد قالوا كلمة الكفر و كفروا بعد إسلامهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۹

۹ - پی بردن و اعتراف بلقیس به گذشته نادرست و کفرآمیز خویش پس از مشاهده یکی دیگر از جلوه های قدرت خارق

العاده سليمان (ع)

فلما رأته .. قالت ربّ إنّي ظلمت نفسي

مطلب یاد شده از آن جا است که ملکه سبا بی آنکه توضیحی اضافی برای او داده شود صرفاً با مشاهده امور شگفتی چون تخت و صحن شیشه ای، بی تأمل اظهار ایمان کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۳

۲۳ - اعتراف کافران به کفر خویش و سزاوار عذاب بودن خود، در آستانه ورود به دوزخ

قالوا بلی و لکن حَقَّتْ کلمه

العذاب على الكافرين

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <لكن حقت كلمه العذاب على الكافرين> ادامه کلام کافران دوزخی باشد.

اقرار به کفر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۴

۱۴ پیروان شیطانها در قیامت به کفرورزی خویش در دنیا اعتراف می کنند.

و شهدوا على أنفسهم أنهم كانوا كافرين

اقسام کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۹

۹ - ابو عمرو زبیری از امام صادق (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: > الوجه الثالث من الكفر كفر النعم و ذلك قوله تعالى... فاذكروني اذكرکم و اشكروا لی و لاتكفرون... ;

وجه سوم از اقسام کفر، کفران نعمت است و این است سخن خداوند که می فرماید: ... فاذكروني اذكرکم و اشكروا لی و لاتكفرون... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۶

۲۶ - > عن أبي عبدالله (ع) :... و الوجه الخامس من الكفر : كفر البرائه... و قال : يذكر إبليس و تبرئته من أوليائه من الإنس يوم القيامة : > إني كفرت بما أشركتمون من قبل <... ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: .. قسم پنجم از کفر [به معنای] بیزارى جستن است ... و خداوند [داستان] ابلیس و بیزارى جستن او در قیامت ، از انسانهای پیروش را یادآور می شود [و سخن شیطان را

بیان کرده] می فرماید: <إني كفرت بما أشركتمون من قبل >...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - < عن أبي عمرو الزبيري عن أبي عبد الله قال: قلت له أخبرني عن وجوه الكفر في كتاب الله قال: الكفر في كتاب الله على خمسة أوجه: فمنها كفر الجحود على معرفه و هو أن يجحد الجاحد و هو يعلم أنه حق قد استقر عنده و قد قال الله عزوجل: < و جحدوا بها و استيقنتها أنفسهم ظلماً و علواً > ;

از ابو عمر زبیری نقل شده که گفت: به امام صادق(ع) عرض کردم: مرا از اقسام کفر که در کتاب خدا آمده است خبر ده؟ فرمود: کفر در کتاب خدا بر پنج قسم است: یکی از آنها کفر انکاری است با وجود شناخت و آن این است که انکارکننده چیزی [از آیات الهی] را منکر شود در حالی که می داند آن چیز حتماً حق است. خداوند عزوجل فرموده است: < و جحدوا بها و استيقنتها أنفسهم ظلماً و علواً >...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۸

۲۸ - < عن أبي عبد الله (ع) قال: .. الوجه الثالث من الكفر النعم و ذلك قوله تعالى يحكي قول سليمان > هذا من فضل ربّي ليلونيء أشكر أم أكفر... < ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. قسم سوم از اقسام کفر، کفران نعمت ها است و این سخن خداوند متعال است که از زبان سلیمان(ع) حکایت می کند:

<...لیلونی ءأشکر أم أكفر>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۳۳

۳۳ - < عن أبي عبدالله (ع) .. قال: .. الوجه الخامس من الكفر كفر البرائه و ذلك قوله عزوجل يحكى قول ابراهيم (ع) < كفرنا بكم ... > يعنى تبرأنا منكم ... ;

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: قسم پنجم از کفر، کفر برائت است و این سخن خداوند عزوجل است که از قول ابراهیم (ع) حکایت کرده که [به قوم مشرک خود] گفت: <کفرنا بکم...> یعنی، ما از شما بیزارى جستیم.

امکان کفر خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۷

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلا امرأته قدرنا إنها لمن الغبرين

اندوه بر کفر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۸

۸ تأسف بر کفرورزی و هدایت ناپذیری انسان های عنود و لجوج ، امری نابه جا و بی مورد

لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن فلا تبتئس بما كانوا يفعلون

انذار از فرجام کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۷

۱۷- خداوند ، مردمان را همواره از فرجام شرک ، کفر و نافرمانی بیم داده و می ترساند .

و نَحْوَهُمْ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ - کہف - ۱۸ - ۵۶ - ۱

۱- تنہا وظیفہ رسولان الہی

، بشارت و انذار مردمان و آگاه ساختن آنان از فرجام کفر و ایمان است .

و ما نرسل المرسلین إلا مبشّرين و منذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۸ - ۵

۵ - هشدار به فرجام شوم کفرپیشگی و مبارزه با توحید و یکتاپرستی ، رسالت الهی پیامبر (ص)

و إن جدلوك فقل الله أعلم بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۵

۵ - انذار مردم نسبت به فرجام کفر ، دارای اهمیتی خاص در تبلیغ دین

لتندر أم القرى

انذار از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱

۱- هشدار خداوند به منکران قرآن ، نسبت به عواقب کفرورزی آنان

قل أرأیتم إن کان من عند الله و کفرتم به

تعبیر <أرأیتم ..>، دربردارنده معنای هشدار و تذکر است.

اهمیت تبری از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۸

۸ - بیزاری جستن از مظاهر کفر و شرک ، همانند تبری جستن از اندیشه کفر ، امری بایسته

كانت لكم أسوه حسنه .. إذ قالوا لقومهم إنا برءؤا منكم و ممّا تعبدون

اهمیت مبارزه با رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۸ - ۶

۶ - لزوم هدف قرار دادن مرکز اصلی قدرت کفر ، برای اصلاح توده ها *

و فی موسی إذ أرسلنه إلی فرعون

موسی(ع) مأموریت یافته بود تا مستقیماً با فرعون روبه رو شود و

او را از کفر و حق ستیزی باز دارد و خداوند این حقیقت را برای ما بازگو کرده است از این نکته مطلب یاد شده احتمال می رود.

اهمیت مبارزه با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱۱

۱۱- مبارزه با عوامل گسترش کفر و سرکشی و جلوگیری از رشد آنها لازم است .

فخشینا أن یرهقهما طغینا و کفرًا

گرچه کار خضر(ع) عملی مستند به غیب و با اطلاع از اسرار بوده است، ولی حاکی از ضرورت جلوگیری از رشد و گسترش کفر و از بین بردن عوامل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۷

۷- لزوم کار بنیادی، در ترویج دین و تشکیل امت اسلامی و ضرورت مبارزه با عوامل اصلی کفر و فساد اجتماعی

كما أرسلنا إلی فرعون رسولاً

اهمیت نجات از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۵

۵- هجرت، حرکتی است در جهت حفظ ایمان و رهایی از محیط جبر و حاکمیت کفر .

هاجروا من بعد ما فتنوا

با توجه به ارتباطی که میان این آیه و آیه <من کفر بالله من بعد ایمانه إلا من أکره ..> وجود دارد که می نمایاند در شرایط دشوار تقیه امری جایز است، اما انسان نباید برای همیشه به اظهار ظاهری کفر تن در دهد؛ بلکه در صورت امکان باید محیط کفر را ترک نماید، برداشت فوق به دست می آید.

ایجاد اختناق رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۷ - سلب آزادی از مردم و ایجاد مانع بر سر راه آگاهی آنان از حقایق الهی ، از شیوه های مبارزه سران کفر و شرک با پیامبر اسلام (ص)

و انطلق الملائمهم أن امشوا و اصبروا علی ءالہتکم

پراکنده کردن توده های مردم از اطراف پیامبر(ص) و توصیه به پایداری بر عقیده خود از سوی سران کفر، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

ایمان و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۸

۸ رشد ایمان در جامعه ، موجب نفی حضور کفر است .

و لیمحص الله الذین امنوا و یمحق الکافرین

نیابردن <لام تعلیل> در <یمحق>، اشاره به این معنا دارد که نابودی کافران پس از خالص شدن مؤمنان صورت می گیرد. یعنی به هر اندازه که مؤمنان از عیب و نقص خالص شوند، به همان مقدار از شوکت کافران کاسته خواهد شد تا به نابودی کشانده شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ غلبه ایمان بر کفر و موفقیت پیامبر (ص) در انجام رسالت ، از نوید ها و بشارت های خداوند به آن حضرت

فاصبر إن العقبه للمتقین

بیان پیروزی اهل ایمان و از میان رفتن کفرپیشگان در شرح داستان نوح(ع) می رساند که مصداق مورد نظر برای <العاقبه> (فرجام نیک) پیروزی ایمان بر کفر است و از آن جا که خطاب متوجه پیامبر(ص) است، جمله فوق ناظر به پیروزی اسلام بر کفر و موفقیت پیامبر(ص) در انجام رسالت می باشد.

بدترین کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۳

۳ منحرف ساختن مردم از راه خدا، بارزترین و زشت ترین حرکت کفرآمیز

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّٰه

پس از طرح مسأله کفر، در آیه موضوع <صدّ عن سبیل اللّٰه> مطرح شده است، تا به اثری از آثار کفر اشاره شده باشد.

بدفرجامی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۳

۳ - راه کفر و شرک، آمیخته با ماده گرایی و سرگرمی های پوچ و بدفرجام

فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتّٰی یلقوا یومهم الذی یوعدون

بشارت شکست رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۴

۴ - بشارت و نوید خداوند به شکست سران کفر و شرک و پیروزی مسلمانان در دوران بعثت

جند ما هنالک مهزوم من الأحزاب

بشارت نابودی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۱۴

۱۴ - نوید خداوند به نابودی جوامع کفرپیشه و شرکورز و پیروزی اسلام و توسعه قلمرو سرزمین های اسلامی

أفلايرون أنا نأتى الأرض ننقصها من أطرافها

برخی از مفسران برآنند که مقصود از کاستن زمین و اهل آن به قرینه این که این آیات در باره کافران و منکران قرآن است کاستن از تعداد کافران و افزایش نفرات مسلمانان است. ضمیر غایب در <أفلايرون> و همزه استفهامی انکاری در <أفهم الغالبون> می تواند مؤید همین برداشت باشد.

بهانه جویی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ص - ۳۸ - ۷ - ۳

۳ - سران شرک و کفر ، نوپیدایی و بی سابقه بودن پیام توحیدی پیامبراسلام را در تاریخ ادیان گذشته ، بهانه ای بر مخالفت خود قرار داده بودند .

ما سمعنا بهذا فی المله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۳

۳ - سران کفر و شرک ، برگزیده شدن پیامبر (ص) را به رسالت بدون برخوردار بودن آن حضرت از امتیاز و شایستگی های لازم ، دلیل نپذیرفتن دعوت او اعلام کردند .

أءنزل علیه الذکر من بیننا

قید <من بیننا> در حقیقت در مقام بیان تعلیل برای انکار رسالت است؛ یعنی، پیامبراسلام از میان ما انتخاب شده است و مانند ما هیچ امتیاز و برتری و شایستگی برای دریافت وحی ندارد؛ پس نمی توان ادعای او را تصدیق کرد.

بی ارزشی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۵

۵ - کفر کافران ، بی ارزش تر از آن است که پیامبر (ص) خود را به آن مشغول و اندوه ناک کند .

و من کفر فلا یحزنک کفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۷

۷ - دین کافران ، خالی از هرگونه جاذبه و ارزش

لکم دینکم

بی شعوری رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰ سردمداران کفر از درک بازگشت آثار توطئه های آنان علیه خودشان ناتوانند.

و ما یمکرون إلا بأنفسهم و ما یشعرون

بی منطقی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۴

۴ - انکار خدای یکتا و کفر به او - با وجود دلیل های آشکار - امری غیر منطقی و شگفت آور است .

کیف تکفرون بالله و کنتم أموتاً فأحیکم

استفهام در جمله < کیف تکفرون بالله > استفهامی است که برای ایجاد تعجب ایراد شده است. جمله < و کنتم ... > جمله حالیه و بیانگر علت تعجب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۴، ۱۵

۱۴ کفر به خداوند بخشنده نعمت ها و برطرف کننده نیاز ها ، امر شگفت آور و غیر منطقی است .

کیف تکفرون بالله .. هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جميعاً

برداشت فوق بر این اساس است که: آیه مورد بحث با صدر آیه قبل در ارتباط باشد.

۱۵ کفر ورزیدن به خداوند دارنده قدرت بی انت ها و برخوردار از علم مطلق ، امر شگفت انگیز و نامعقول است .

کیف تکفرون بالله .. هو الذی خلق لکم ... و هو بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۳

۳ کفر به خداوند ، قرآن و رسالت پیامبر (ص) فاقد هر گونه دلیل

و ما لنا لا تؤمن بالله و ما جاءنا من الحق

استفهام در جمله < ما لنا .. > استفهام انکاری است یعنی برای ما هیچگونه عذر و دلیلی وجود ندارد که از ایمان به خداوند یکتا و پذیرش اسلام رویگردان باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - هود - ۱۱ - ۲۱ - ۳،۵

۳ عقاید و باور های کفرپیشگان ، بافته هایی است دروغین و بی اساس .

و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

۵ کافران ، به پوچی و بی اساس بودن بافته های دروغین و عقاید واهی خویش ، پی خواهند برد .

و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۲

۲ کافران هیچ عذر و بهانه ای برای ایمان نیاوردن به قرآن و پیامبر (ص) نداشتند .

و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين. و ما تستلهم عليه من أجر

آیه ۱۰۲ عهده دار اثبات حقایق قرآن در رسالت پیامبر(ص) بود و آیه ۱۰۳ اشاره به این معنا داشت که قرآن و تعالیم وحی به واسطه پیامبر(ص) به مردم ابلاغ شد. آیه مورد بحث بیانگر این است که هیچ هزینه ای از آنان مطالبه نشد ؛ یعنی، راه هر عذر و بهانه ای برای ایمان نیاوردن کافران مسدود بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۱۳

۱۳ - شرک و کفر ، بینشی غیر علمی و مخالف با مبانی عقلی

و هو الذی یحی . . . أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۴

۴- راه کفر ، دارای ریشه در هوس ها و فاقد منطق روشن

کمن زین له . . . و اتبعوا أهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۲

۲ - کافران دوزخی ، هیچ عذر موجه

و قابل قبولی برای گزینش راه کفر خویش ندارند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَدُوا الْيَوْمَ

برخی از مفسران نوشته اند: این که به کافران اعلان می شود که عذر نیاورید، به این سبب است که آنان هیچ عذر قابل قبول و منطقی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۵

۵ - خودداری از ایمان ، پس از مشاهده حالت های گوناگون طبیعت و تحولات زندگی بشر ، غیر قابل توجیه و شگفت آور است .

لَا أَقْسَمُ بِالشَّفَقِ . وَ الْيَلِّ وَ مَا وَسَقِ . وَ الْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقِ . لِتَرْكَبْنَ طَبَقًا عَنْ طَبَقِ . ف

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که حرف <فاء>، این آیه را بر محتوای قسم و مقسم به (در آیات پیشین) تفریع کرده باشد.

بینش رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۵،۱۴

۵ خودکفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی ، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت ، در دیدگاه سران کفر و شرک

أَوْ يَلْقَى إِلِيهِ كَنْزًا أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود: <کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(ص) از نظر جسمی نباید نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد> ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: <پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خودکفا باشد>.

۱۴ قرآن ، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر و شرک

و قالوا أسطيرا الأولين .

.. إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

اسطوره خواندن قرآن و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرک، گویای این نکته است که این کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۵،۶

۵ - سران کفر و شرک، صبر و پایداری بر آیین شرک و بت پرستی را، امری مطلوب و تکلیف دینی خود می دانستند.

و اصبروا علی الهتکم إن هذا لشیء یراد

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <هذا> به صبر اشاره داشته و مقصود از <یراد> (خواسته شده) اقتضای اعتقاد به آیین شرک باشد.

۶ - سران شرک و کفر، هدف و انگیزه پیامبراسلام (ص) از دعوت به یکتاپرستی را، دستیابی به ریاست و آقایی بر دینداران می دانستند.

أجعل الألهه إلهًا وحدًا .. إن هذا لشیء یراد

برداشت یاد شده، براساس این دیدگاه است که <هذا> اشاره به یکتاپرستی و نفی آیین شرک (مضمون دعوت پیامبراسلام) باشد و مقصود از <شیء یراد> سیادت و آقایی بر مردم باشد که در نگاه سران کفر، هدف و آرزوی پیامبراسلام بود؛ زیرا با یکی شدن پرستش ها، قهراً آن حضرت رهبری امت یکتاپرست را به عهده می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۱

۱ - سران کفر و شرک، پیام توحیدی پیامبراسلام را، سخنی نو ظهور و بی سابقه می دانستند.

أجعل الألهه إلهًا وحدًا .. ما سمعنا بهذا فی المله الآخره

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۲

۲ - پیامبراسلام (ص) ، در نظر سران کفر و شرک ، فاقد هرگونه ملاک برتری و شایستگی برای رسالت و دریافت وحی الهی

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا

همزه در <أَنْزَلَ> برای استفهام انکاری است و قید <مِنْ بَيْنِنَا> (از میان ما) قرینه است بر این که نفی و انکار آنان، مربوط به شایستگی پیامبر(ص) برای رسالت بود.

پاداش اجتناب از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۶

۶ - خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جَنَّتْ عَدْنُ .. خَلْدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكُمْ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى

پشیمانی از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۲،۴

۲ کافران به هنگام روپرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در زمره مؤمنان هستند.

فَقَالُوا يَلَيْتْنَا نَرُّدُّ وَلَا نَكُذِّبُ بِأَيْتِ رَبِّنَا وَ نَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

يَلَيْتْنَا نَرُّدُّ وَلَا نَكُذِّبُ بِأَيْتِ رَبِّنَا وَ نَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- کفرپیشگی ، در پی دارنده پشیمانی و ندامت است .

ربما يوّد الذين كفروا لو كانوا مسلمين

پليدی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۳۶ خداوند هرگز جان و دل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئك الذين لم يرد الله ان يطهر قلوبهم

پوچی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۱ - ۳،۵

۳ عقاید و باور های کفرپیشگان ، بافته هایی است دروغین و بی اساس .

و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

۵ کافران ، به پوچی و بی اساس بودن بافته های دروغین و عقاید واهی خویش ، پی خواهند برد .

و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۳

۳ - راه کفر و شرک ، آمیخته با ماده گرایی و سرگرمی های پوچ و بدفرجام

فذرهم يخوضوا ويلعبوا حتى يلقوا يومهم الذي يوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - زیبایی ها و جلوه های راه کفر ، غیر واقعی و زاییده و سوسه های شیطانی است .

الشیطن سؤل لهم و املی لهم

<سؤل> به معنای وارونه نمایاندن واقعیت ها است ، یعنی ، <زیبانمودن زشتی ها و متمایل ساختن نفس به جانب آن> و این تعبیر نشان می دهد که راه کفر و ضد حق و هدایت ، فاقد زیبایی واقعی است ، ولی شیطان به دروغ آن را می آراید .

پیشتازان در کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ طبقه سران و اشراف ملتها ، پیشتاز در کفر و انکار پیامبران الهی هستند .

فقال المأ

الذین کفروا

پیشگویی شکست رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۱

۱ - پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. از این رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

پیشینه کفر به رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۷

۷ - توجه به سابقه دار بودن امتناع کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و کتاب های آسمانی ، تسلابخش پیامبر (ص)

لم یکن ... منفکین ... و ما تفرق الذین أوتوا الكتب إلا من بعد ما جاءتهم ال

پیشینه کفر به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۷

۷ - توجه به سابقه دار بودن امتناع کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و کتاب های آسمانی ، تسلابخش پیامبر (ص)

لم یکن ... منفکین ... و ما تفرق الذین أوتوا الكتب إلا من بعد ما جاءتهم ال

پیوند با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ سُستی و آسیب پذیری پیوند با کفر و رهبران طغیانگر

فمن يكفر بالطّاعوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها

تاریخ کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱

۱ خط نفاق و کفر ، دارای پیشینه در میان امت های گذشته

وعد الله المنفقين و المنفقت . . كالذین من قبلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۴

۴- اندیشه کفر و شرک ، دارای سابقه طولانی در سرزمین مکه

عن ذکر ربهم معرضون . أم لهم ءالهه ... بل متعنا هؤلاء و ءاباءهم حتی طال علیهم

از این که خداوند، پدران و اجداد مردم مکه را جزء اعراض کنندگان از خدا و بهره مندان از متاع های دنیوی و عمری طولانی برشمرده، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۳

۳ - انکار معاد ، دارای دیرینه ای عمیق در طول تاریخ کفر و شرک

بل قالوا مثل ما قال الأولون . قالوا ءءذا متنا... ءءنا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۴

۴- کفر و عواقب شوم آن ، دارای پیشینه و نماد های بسیار در گذشته تاریخ

فينظروا كيف كان عقبه الذين من قبلهم

تبری از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۴

۴ - امتنان الهی بر مؤمنان ، به سبب افکندن محبت ایمان و بیزاری از کفر در قلب آنان

و لكن الله حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَنُ . . . و كَرِهَ

إلکم الکفر... فضلاً من اللّٰه و نع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۱

۱ - دین کافران برای پیامبر (ص)، غیر قابل پذیرش بود.

لکم دینکم

درباره مفاد این آیه سه بیان وجود دارد: ۱. من دین شما را نخواهم پذیرفت و شما هم دین من را نمی پذیرید؛ بنابراین، سازش من و شما امکانپذیر نیست و درگیری تبلیغاتی ادامه خواهد یافت (برداشت های یکم تا چهارم، ناظر به این معنا است)؛ ۲. شما به راه خود بروید و من هم به راه خود می روم، نه شما به من کاری داشته باشید و نه من به شما کاری دارم (برداشت های پنجم و ششم، ناظر به این مفاد است)؛ ۳. دین شما لایق خود شما است و دین من شایسته خود من است؛ نه شما زینده دین من هستید و نه دین شما زینده من است (برداشت های هفتم و هشتم، این معنا را می رساند).

تبیین کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۱

۱- پیامبر (ص) موظف به استفاده از تمثیل و ترسیم نمای کفر و ایمان در غالب گفتوگوی کشاورزی رفاه مند با هم صحبتی کم ثروت شد.

و اضرب لهم مثلاً رجلین

تحیّر در کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۶، ۱

۱ منافقان، متحیر و سرگردان میان کفر و ایمان

مذبذبین بین ذلک لا إلی هؤلاء و لا إلی هؤلاء

<ذلک> اشاره به ایمان و کفر

است. <مذبذب> به شیء معلق گفته می شود که دائم به این سو و آن سو حرکت می کند و استقراری ندارد.

۶ تحیر و سرگردانی میان کفر و ایمان ، گمراهی است .

مذبذبین . . . و من یضلل الله فلن تجد له سیلا

تداوم کفر امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۵

۵ - بروز اختلاف در میان امت های پیشین ، با وجود دستیابی آنان به کتاب آسمانی و برهان ، نمونه ای از انفکاک ناپذیری برخی کافران از مرام خویش / حتی با پی بردن به تضاد آن با برهان

لم یکن . . . منفکین ... حتی تأتیهم البینه ... و ما تفرق ... إلا من بعد ما جاء

تداوم کفر همسر ابولهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۱۲

۱۲ - کافر ماندن همسر ابولهب تا آخر عمر ، از پیشگویی های قرآن

سیصلی نارا . . . و امرأته حمالة الحطب

تسلیم و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۰ - ۶

۶ ناسازگاری تسلیم در برابر خدا ، با کفر (اعتقاد به ربوبیت غیر خدا)

ایأمرکم بالکفر بعد اذ انتم مسلمون

تشبیه کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۲

۲ - ایمان چون نور ، مایه هدایت و روشنایی و کفر ، همچون ظلمت ، مایه گمراهی و تاریک بینی

ولا الظلمت ولا النور

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۱

۱ - ایمان چون سایه ، آرام بخش و فرح زا است و کفر چون بادِ داغ ، آزاردهنده و ناراحت کنند .

و لا الظلّ و لا الحرور

<ظلّ> به معنای سایه و <حرور> به معنای باد داغ است. گفتنی است در این آیه، ایمان به سایه تشبیه شده است و کفر به باد داغ.

تشویق به اعراض از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۶

۶ - خداوند ، کافران را به بازگشتن از کفر ، پیش از پایان یافتن مهلت شان ، تشویق کرده است .

قل يوم الفتح لاينفع الذين كفروا ايمانهم ولا هم ينظرون

تشویق به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۹

۹- ممنوعیت تقیه و اظهار لفظی کفر ، برای کسانی که عمل آنان راه گرایش به کفر را برای دیگران بگشاید . *

و لكن من شرح بالكفر صدراً

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که <لكن> استدراک از <من أكره> باشد، یعنی، در شرایط اکراه تقیه جایز است مگر برای کسی که تقیه وی موجب شود که مؤمنان دیگر در ایمان سست شوند و به کفر گرایش پیدا کنند.

تعدد راه کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۳

۱۳ - راه خداوند ، واحد و یگانه و راه کفر و ضلالت ، متعدد و گوناگون است .

ليخرجكم من الظلمت إلى النور

برداشت یاد شده، از استعمال <ظلمات> به صورت

جمع و <نور> به صورت مفرد به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۸

۸ - راه خدا، واحد و یگانه و راه کفر و ضلالت، متعدد و گوناگون است.

من الظلمت إلى النور

مطلب یاد شده، با توجه به کاربرد <ظلمات> به صورت جمع و واژه <نور> به صورت مفرد به دست می آید.

تعدد راههای کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۹

۹ کفر و گمراهی دارای رشته ها و صورتهای مختلف و گوناگون است.

و جعلنا له نورا .. مثله فی الظلمت

جمع آوردن <ظلمات> ممکن است جهت عنایت به این نکته باشد که گمراهی دارای یک شعبه نیست بلکه انواع و اقسام مختلفی و متعددی دارد.

تعقل در روش مبارزه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۱،۲،۳

۱ خداوند، پیامبر (ص) را به اندیشه و تحلیل در چگونگی و شیوه های مخالفت و مبارزه سران کفر و شرک با قرآن و رسالت آن حضرت، فراخواند

انظر کیف ضربوا لك الأمثل

۲ ضرورت اندیشه در چگونگی و شیوه های مخالفت و مبارزه سران کفر و شرک با قرآن و پیامبر اسلام (ص) و تحلیل عمیق آن برای رهبران جامعه اسلامی

انظر كيف ضربوا لك الأمثل

۳ کیفیت موضع گیری و شیوه های مبارزاتی سران کفر و شرک علیه قرآن و رسالت پیامبر (ص)، امری شگفت آور و در خور تأمل و

انظر كيف ضربوا لك الأمثل

<كيف> اسم استفهام است؛ ولی در این آیه برای بیان تعجب به کار رفته است، نه استفهام حقیقی.

تفکر در فرجام رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۳

۳- خداوند ، فراخوان مردم به تأمل و تفکر در سرنوشت شوم رهبران کفر و ناسپاسی

ألم تر إلى الذين .. أحلوا قومهم دار البوار

برداشت فوق به خاطر این نکته است که به نابودی کشاندن و دچار سرنوشت شوم ساختن مردم (أحلوا قومهم دار البوار) کار سردمداران کفر و رهبران جامعه است، نه مردم عادی.

تقدیر عذاب رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۱

۱ - برای بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، عذاب الهی مقرر شده بود .

لقد حقّ القول علی أكثرهم

<حقّ> به معنای <ثبت> است و مقصود از <قول> عذاب الهی می باشد. این مطلب به قرینه دیگر آیاتی است که در آن واژه ای مشابه <قول> به کار رفته است مثل <ولكن حَقَّتْ كلمة العذاب علی الكافرين> (زمر، آیه ۷۱). گفتنی است مقصود از اکثریت در آیه شریفه به دلیل این که این آیه در نیمه نخست رسالت و در مکه نازل گشت آن دسته از مشرکان و کافرانی است که در ابتدای دعوت اسلام به مخالفت با آن برخاستند (مانند سران قریش، چون ابوجهل و ابولهب)؛ نه اکثریت توده مردم که پس از چندی مسلمان شدند.

تکبر رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - سران کفر و شرک، در اوج غرور و ناباوری نسبت به معاد و حسابرسی الهی به سر می بردند .

و قالوا ربنا عجل لنا قطنًا قبل يوم الحساب

از استهزای معاد به وسیله کافران و درخواست شتاب در نزول عذاب قیامت، برداشت یاد شده به دست می آید.

تنزیه از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۲

۲ - ساختار وجودی انسان و مراحل پیدایش او، فاقد زمینه آلودگی به کفر و گناه است .

الذی خلقک فسویک فعدلک . فی أی صورہ ما شاء ركبک . کلاً

حرف <کلاً> به قرینه آیات پیشین ممکن است برای رفع این توهم باشد که زمینه کفر و گناه، در وجود کافران و گنه کاران نهاده شده است؛ یعنی، با آن تسویه، تعدیل و ترکیب، جایی برای این توهم نمی ماند؛ بلکه علت گناه و کفر به خداوند را باید در تکذیب کیفرهای اخروی جست و جو کرد.

تنفر از رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۴

۴ - پیشوایان کفر، مورد تنفر و انزجار خلائق در روز قیامت

و يوم القيمة هم من المقبوحين

مفسران بر آنند که <مقبوح> از ریشه <قبح> (زشتی) مشتق شده است. بنابراین <مقبوح>؛ یعنی، کسی که به خاطر زشتی، مورد نفرت دیگران بوده و از جانب آنان طرد شده است.

تنوع کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۰

۱۰- راه خدا، واحد و یگانه و راه

کفر و ضلالت ، متعدد و گوناگون است .

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

برداشت فوق با توجه به استعمال <ظلمات> به صورت جمع و <نور> به صورت مفرد استفاده می شود.

توبه از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۷ - ۱

۱ - توبه از کفر و شرک و گرایش به ایمان ، توصیه خداوند به مشرکان

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ - توبه و بازگشت از گناه کفر و شرک ، مورد پذیرش خداوند

و أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفُورِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۰ - ۶

۶ - توبه و استغفار از کفر و گناه هر چند بسیار و پیوسته باشد مورد پذیرش خداوند است .

استغفروا ربکم إِنَّه کان غَفَّارًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که قوم نوح، به مدت طولانی کافر و گناه پیشه بودند؛ اما نوح(ع) آنان را پیوسته به استغفار فرامی خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - رهایی اصحاب اخدود از آتش جهنم ، تنها در صورتی امکان پذیر است که از کفر خویش توبه کرده باشند .

ثم لم يتوبوا

سیاق آیه شریفه، گرچه قرینه است بر این که متعلق <لم يتوبوا> فتنه گری و سوزاندن مؤمنان است؛ ولی آیه بعد، می تواند قرینه باشد که مراد از توبه، روی آوردن به ایمان و عمل صالح است و نیز توبه

از شکنجه مؤمنان، زمانی توبه به درگاه خداوند است که شخص منکر او نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۵ - ۴

۴- بازگشت از شرک و کفر (توبه) برای کافران و مشرکانی که هلاکتشان مقدر شده ممکن نیست .

و حرم علی قریه أهلکنها انهم لایرجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <لا> در <لایرجعون> زایده و مقصود از رجوع، بازگشت از کفر و شرک باشد.

توجیه ناپذیری کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۲

۲ - کفر کافران با وجود آسانی راه هدایت ، توجیه ناپذیر است .

ما أكفروه .. ثم السیبل یسره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۱

۱ - کفر به خداوند ، با آن که هدایت و مرگ و قیامت انسان به دست او است ، توجیه ناپذیر و مطرود است .

قتل الإنسن ما أكفروه .. کلاّ

حرف <کلاّ>، یا به معنای <حقّاً> و تأکید ما بعد است و یا برای ردع و زجر از چیزی است که در جملات قبلی، از آن سخن به میان آمده بود، در صورت دوم مفاد آن در این آیه، باز داشتن از کفرورزی است.

توصیه های رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۲

۲ - سران کفر و شرک در عصر بعثت ، مردم را به صبر و پایداری بر آیین شرک و مواضع عقیدتی خود فرامی خواندند .

و اصبروا علی ءالہتکم

> صبر

بر آلهه < کنایه از پایداری بر پرستش معبودها و ادامه آن است.

توطئه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰ سردمداران کفر از درک بازگشت آثار توطئه های آنان علیه خودشان ناتوانند.

و ما یمکرون إلا بأنفسهم و ما یشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۷

۷ سران کفر و شرک ، سازندگان تهمت و افترا بر پیامبر (ص) و تخریب گران افکار عمومی جامعه صدراسلام بودند .

و قال الظالمون إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

از جمله <إن تتبعون إلا...> پیروی نمی کنید مگر...> استفاده می شود که دو گروه در جامعه بودند: ۱ گویندگان این سخن، ۲ مخاطبان و پیروان. و به قرینه صفت <الظالمون> می توان گفت که: <گویندگان از سران کفر و شرک بودند.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۱

۱ - رفتن سران شرک و کفر از حضور پیامبر (ص) و تحریک دیگران به پراکنده شدن از اطراف آن حضرت

و انطلق الملائمهم أن امشوا

<انطلاق> به معنای انصراف و رفتن و <ملاً> به معنای سران و دانه درشتان جامعه است. <أن> در <أن امشوا> تفسیری و متضمن معنای قول است؛ یعنی، <انطلقوا و قالوا امشوا...>. مفسران گفته اند: آیه شریفه درباره کسانی نازل شده که در مجلس ابوطالب و با حضور پیامبراسلام شرکت داشتند؛ ولی پس از دعوت پیامبر(ص) به یگانه پرستی، آن مجلس را ترک کردند و دیگران را به پراکنده شدن از

اطراف آن حضرت تحریک نمودند.

تهدید رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۹

۹ - سران کفر و شرک در عصر بعثت ، مورد تهدید خداوند به عذاب استیصال

بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَاب

برداشت یاد شده از لحن تهدید آمیز آیه شریفه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۵

۵ - سران کفر و شرک در صدر اسلام ، به کیفر و عذاب استیصال تهدید شدند .

إِنْ كَلَّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَاب

این آیه و آیات گذشته که سرگذشت هلاکت بار اقوام بزرگ و مقتدر پیشین را یادآور شده در واقع در جهت تهدید کافران و مشرکان مکه است که رهبری جریان مخالف با رسول اکرم (ص) را در دست داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۱

۱ - تهدید سران کفر و شرک عصر بعثت ، به عذاب ناگهانی (بانگ سهمگین) از سوی خداوند

و مَا يَنْظُرُ هُوَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

<ینظر> (از مصدر <نظر>) به معنای <انتظار> است و مقصود از <صیحه> عذاب استیصال می باشد که ممکن است به صورت صاعقه و بانگ سهمگین باشد. آمدن کلمه <واحد> نیز برای اشاره به ناگهانی و یکباره بودن نزول عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۵

۵- تهدید شدن سران کفر و شرک در صدر اسلام ، به مؤاخذه شدن همچون مؤاخذه فرعون

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ .. فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، مورد تهدید خداوند به عذاب و شکست

ذرنی و من خلقت وحیداً

تہمتہای رہبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۷،۱۲

۷ سران کفر و شرک ، سازندگان تہمت و افترا بر پیامبر (ص) و تخریب گران افکار عمومی جامعہ صدراسلام بودند .

و قال الظالمون إن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

از جمله <إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا...> پیروی نمی کنید مگر...> استفاده می شود که دو گروه در جامعہ بودند: ۱ گویندگان این سخن، ۲ مخاطبان و پیروان. و به قرینه صفت <الظالمون> می توان گفت که: <گویندگان از سران کفر و شرک بودند.>

۱۲ تہمت سحرزدگی ، آخرین توجیہ و حربہ سران کفر و شرک علیہ پیامبر (ص)

و قال الظالمون إن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

سران کفر و شرک، به ترتیب چند تہمت و افترا را علیہ پیامبر(ص) مطرح کردند کہ اولین آن، تہمت دروغ گویی به آن حضرت و خدشہ در اصالت وحی بود. آخرین آن نیز تہمت سحرزدگی به ایشان بود. در تاریخ آمدہ است کہ گویندگان این سخن عتبہ بن ربیعہ، ابوسفیان و ... بوده اند کہ از سران شرک و کفر بہ شمار می آمدند. بنابراین آنچه در تاریخ آمدہ، مؤید دیگری برای برداشت یاد شدہ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۶

۶ - سران شرک و کفر ، هدف و

انگیزه پیامبراسلام (ص) از دعوت به یکتاپرستی را، دستیابی به ریاست و آقایی بر دینداران می دانستند .

أَجْعَلِ الْاِلَهَةَ اِلَهًا وَحَدًّا .. اِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يِرَاد

برداشت یاد شده، براساس این دیدگاه است که <هذا> اشاره به یکتاپرستی و نفی آیین شرک (مضمون دعوت پیامبراسلام) باشد و مقصود از <شئیء یراد> سیادت و آقایی بر مردم باشد که در نگاه سران کفر، هدف و آرزوی پیامبراسلام بود؛ زیرا با یکی شدن پرستش ها، قهراً آن حضرت رهبری امت یکتاپرست را به عهده می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۴

۴ - سران کفر و شرک ، کلام توحیدی و یکتاپرستی رسول خدا را، سخنی دروغ و ساختگی می پنداشتند .

اِنَّ هَذَا اِلَّا اِخْتَلَقَ

مقصود از واژه <اختلاق> هنگامی که در وصف کلامی آورده شود سخن ساختگی و دروغی است که سابقه نداشته باشد.

جادو و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۴، ۲۸، ۷

۷ - به کارگیری سحر گناهی بزرگ و به منزله کفر است .

و ما کفر سلیمان

چنانچه گذشت، مراد از جمله فوق نفی جادوگری از سلیمان است. ولی از آن جا که از جادوگری به کفرورزی، تعبیر شده، به دست می آید که: جادوگری خود نوعی کفر است و یا گناهی است به منزله کفر.

۲۸ - جدایی انداختن بین زن و شوهر به وسیله سحر ، گناهی در حد کفر است .

اِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ

۳۴ - رساندن زیان

به مردم با اعمال سحر و نیز آموختن آن به انگیزه مفسده جویی ، حرام و گناهی در حد کفر است .

فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته .. و یتعلمون مایضرهم و ل

جایگاه درک زشتی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - قلب ، جایگاه ادراک و اساس زیبایی ایمان و زشتی کفر

و زینه فی قلوبکم و کره إلیکم الکفر

جرم رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۴ - ۲

۲ - سردمداران شرک و کفر و توده های کافر و مشرک ، در پیشگاه عدل الهی مجرم اند .

إنا کذلک نفعل بالمجرمین

مقصود از <مجرمین> دو گروه پیشوایان شرک و توده های مشرک اند که در آیات پیشین از آنان سخن به میان آمد.

جرم کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۴

۴ - کفر ، جرم است و کافران مجرم اند .

و امتزوا الیوم أیها المجرمون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند کافران را که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده با لفظ

<مجرمان> خطاب کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۵ - ۶

۶ - کفر و شرک ، جرم است و کافران و مشرکان از تبهکاران اند .

أفجعل المسلمين كالمجرمين

از مقابله مجرمان با مسلمانان به دست می آید که مقصود از آن، کافران و مشرکان است.

جنگ

با رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۲

۲ تشویق و تشجیع مسلمانان به پیکار با سران شرک و کفر

فقتلوا أئمة الكفر .. ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم و همّوا بإخراج الرسول

جهاد با رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۱۱، ۱۲، ۸

۸ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به پیکار با سران و پیشوایان شرک و کفر ، در صورت نقض پیمان صلح از سوی آنان ، فراخواند .

و إن نكثوا أيمانهم .. فقتلوا أئمة الكفر

۱۱ نابودی عوامل اصلی کفر و شرک ، هدف عمده و اساسی پیکار اسلام با کافران و مشرکان

فقتلوا أئمة الكفر

۱۲ پیکار با سران شرک و کفر ، به منظور وادار کردن آنان به رعایت عهد و پیمان و بازداشتن ایشان از ضربه زدن به اسلام و مسلمانان است .

و إن نكثوا أيمانهم .. فقتلوا أئمة الكفر ... لعلهم ينتهون

جهل رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۹، ۱۸

۱۸ سران کفر و شرک و پیروان آنان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب یکدیگر

لكل ضعف و لكن لاتعلمون

مفعول <لاتعلمون> به قرینه <لکل ضعف>، ان لکل ضعفا است.

۱۹ سران شرک و کفر و پیروانشان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب خویش

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که سران شرک نیز، همچون پیروان آنان، مخاطب <لاتعلمون> باشند.

حامیان کفر در دوران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع)، در خدمت کفر و شرک و علیه دعوت توحیدی آن حضرت بود.

قال نوح ربّ إنهم عصونی و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

حتمیت عذاب رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۴ - ۳

۳ - اشتراک عذاب و کیفر رهبران شرک و کفر و توده های مشرک و کافر، وعده حتمی خداوند

إنّا کذلک نفعل بالمجرمین

حتمیت کیفر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۹

۹ کفر و تکذیب دین، دارای کیفر و پیامد قطعی و اجتناب ناپذیر است.

فقد کذبتم فسوف یكون لزامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۳

۳ - کفر و مبارزه با قرآن، دارای کیفری حتمی و غیر قابل چشم پوشی

فلندیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا و لنجزینهم

تأکید فعل های <ندیقن> و <نجزی> به لام و نون ثقیله، مفید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۲

۲- کفر به معاد و انکار حقانیت وعده های الهی ، در پی دارنده کیفری حتمی

فيقول ما هذا إلا أسطير الأولين . أولئك الذين حقّ عليهم القول

حتمیت گمراهی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهی گریز

ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكَ. .. وَقَالُوا مَا لِ هَذَا الرَّسُولِ ... إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

<فاء> در <فضلوا> برای سببیت و در <فلايستطيعون> تفسیریه است؛ یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

حرمت تأیید کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۲

۲ حرمت انجام هر گونه عملی که مایه تأیید کفر و نفاق و تقویت کافران و منافقان محارب و زمینه زیان و تفرقه مؤمنان باشد .

و الذين اتخذوا مسجداً .. لا تقم فيه أبداً

حق ستیزی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ينظر هؤلاء إلا صيحة وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشردند و به حقیقت اسلام تن در نمی دهند.

حق ناپذیری اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق

ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

حق ناپذیری رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران کفر و شرک در صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لَمَا یذوقوا عذاب

جمله <بل لَمَا یذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبراسلام(ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

حقیقت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۳

۳ ایمان، حیات است و مولد نور و کفر، مرگ است و تاریکی.

أو من كان میتا فأحیینه .. کمن مثله فی الظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۸

۸ کفر ، ستمگری است و کفر پیشگان ستمگرند .

و قيل بعدًا للقوم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱،۳

۱- کافران ، کسانی اند که با کفر خود ، به خویش ستم می

کنند .

الكفرین . الذین تتوفهم الملئکه ظالمی أنفسهم

<الذین> صفت <الکافرین> و <ظالمی> حال برای آن است. مراد از <ظالمی أنفسهم> به قرینه لفظ <الکافرین> ظلم کنندگان به خود با انتخاب کفر است.

۳- کفر ، ظلم به نفس است .

الكفرین . الذین ... ظالمی أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۹

۹- کفر به وحی و کتاب های آسمانی ، ظلم به خویش است .

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملئکه أو يأتي أمر ربك كذلك فعل الذین من قبلهم و ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۱۱

۱۱- اسلام و کفر ، تنها به زبان و گفتار نیست .

من کفر بالله من بعد إيمنه إلا من أكره و قلبه مطمئن بالإيمن و لكن من شرح با

از آن جایی که خداوند کسانی که به زبان کافر شوند ولی قلباً مؤمن باشند را، از زمره کافران نشمرده و بلکه آنان را مؤمن دانسته است، مطلب فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۸

۸ - کفر ، ناسپاسی شدید است و کافران ، مردمی بس ناسپاس اند .

و الذین کفروا لهم نار جهنم .. كذلك نجزي كل کفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۳

۳ - کفر ، ضلالت و گمراهی است .

و قال الذین کفروا .. الذین أضلّانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳

۳- راه کفر و شرک ، آمیخته با ماده گرایی و سرگرمی های پوچ و بدفرجام

فذرهم يخوضوا و يلعبوا حتّى يلقوا يومهم الذى يوعدون

حقیقت کفر به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۵

۵- کفر به آیات و رسولان الهی ، در حقیقت ، ریش خند کردن و تمسخر آنها است .

بما كفروا واتخذوا ایتی و رسلی هزوا

تمسخر آیات و رسل از سوی کافران، به دو گونه تصور می شود: ۱ تمسخر با زبان و قلم و مانند این ها B۲ تمسخری که از عمل و برخورد کَلّی با پیامبران و آیات الهی انتزاع می شود. به عبارت دیگر، ممکن است که کسی، هیچ تمسخر لفظی نسبت به آیات و رسولان ابراز نکند، ولی نحوه برخورد او با آن ها، به گونه ای باشد که گویا هیچ حقیقتی برای آنان قائل نبوده و آن ها را در بینش خود صرفاً، مسخره بیندارد.

خدا و کفر مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۲،۷

۲- بنی اسرائیل می پنداشتند خداوند از ایمان و یا کفر آنان بهره مند می شود یا زیان می بیند .

و قال موسى إن تكفروا أنتم و من فی الأرض جميعًا فإن الله لغنی حمید

۷- بی نیازی و ستودگی خداوند ، دلیل زیان ندیدن او از کفر مردم

إن تكفروا أنتم و من فی الأرض جميعًا فإن الله لغنی حمید

<فإن الله لغنی حمید> در مقام تعلیل جزای شرط محذوف است . در این صورت، معنا چنین می شود: چون خداوند بی

نیاز است، کفران شما به او ضرری نمی رساند.

خضوع رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴ - ۴

۴ - قدرت خداوند بر به خضوع کشاندن سردمداران کفر در برابر خویش

إن نشأ .. فظلت أعنقهم لها خضعين

برخی بر آنند همان گونه که به بزرگ قوم <رأس القوم> و <صدرالقوم> گفته می شود، <عنق القوم> نیز گفته می شود بنابراین <أعناقهم> / یعنی، <سادتهم>. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

خطر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۶

درخواست شغل از حکومت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

دشمنی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۳

۱۳ سران کفر و شرک، برای جلوگیری از نفوذ پیامبر (ص) و گسترش اسلام، از شیوه های گوناگون تبلیغی و سیاسی و از راهبرد های متنوع و ممکن استفاده می کردند.

و قالوا أسطير الأولين . . . مال هذا الرسول يأكل الطعام ... إن تتبعون إلا رجلا

تهمت دروغ پردازی و سحرزدگی به پیامبر(ص) و ایراد و خرده گیری از ایشان، حاکی از گوناگونی شیوه ها و راه های مبارزه کافران با پیامبر و قرآن است. گفتمنی است تعبیر <ضربوا لك الأمثال> برای تو مثل ها زده و توصیف ها کرده اند< در آیه بعد، مؤید

همین برداشت است.

دعوت به اجتناب از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۳

۳ پیامبر (ص) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه

<ال> در <الحسنه> عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر(ص) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با <السیئه> دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

دعوت به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۱

۱ - مردم مصر (قبطیان و فرعونیان) ، مؤمن آل فرعون را به کفر و شرک به خدا فراخواندند .

تدعوننی لأکفر بالله و أشرك به

دعوت به کفر ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۶

۶ - بشارت و انداز در کنار یکدیگر ، از شیوه های قرآن در دعوت به تقوا و مبارزه با کفر

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا .. إنا أنذرکم عذابًا قریبًا

دعوت رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا .. فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

دلایل اجتناب از کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۶

۶ - الهی بودن قرآن ، دلیل ضرورت پرهیز از کفر ورزی به قرآن و پست بودن هر چیزی در مقابل از دست دادن آن ، است .

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

تعبیر کردن از قرآن به <ما> و توصیف آن به <أنزل الله> بیانگر علت و دلیل حکمی است که در فراز قبل بیان شد؛ یعنی، چون قرآن کتابی است نازل شده از جانب خدا، کفر به آن موجب می شود هر چیزی که در مقابل از دست دادن آن دریافت شود، پست باشد.

دلایل کفر اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۱

۱ سرگذشت اقوام تکذیب کننده پیشین ، شاهد صدق این ادعاست که محکومان به عذاب استیصال ، توفیق ایمان آوردن را تا لحظه وقوع عذاب از دست خواهند داد .

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ .. فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمِنَةً فَنَفَعَهَا إِيْمَانُهَا

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، جمله <فلولا كانت قریه آمنت>، می تواند جواب برای شرط مقدر باشد و تقدیر آن چنین می شود: <إن كنت فی شك من هذا فلولا كانت ..> یعنی، اگر در این مطلب (کسانی که از سوی خداوند محکوم به عذاب استیصال شوند تا لحظه وقوع عذاب، ایمان نخواهند آورد) تردید دارید، پس بگویید: چرا و به چه دلیل، اقوام تکذیب کننده پیشین تا لحظه وقوع عذاب ایمان نیاوردند؟

دلایل کفر مخالفان انبیا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۲

۲- بشر بودن رسولان الهی ، تنها دستاویز عمده برای بهانه جویی های مخالفان کافر و مشرک جهت ایمان نیاوردن به آنان

و قالوا لن نؤمن لك حتى ... إلا أن قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

دلایل کفر مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۳

۳- تنها دستاویز مشرکان مکه برای ایمان نیاوردن به پیامبر اسلام (ص) ، بشر بودن آن حضرت بود .

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

دلایل کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۱

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علينا .. قل فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - گرایش یهودیان به گوساله پرستی ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل ... و لقد جاءكم موسى بالبينت ثم اتخذتم العجل

جمله <لقد جاءكم...> عطف بر <لم تقتلون...> در آیه قبل است. بنابراین مضمون این آیه نیز پاسخی به این ادعای یهود است که خود را مؤمن به پیامبران اسرائیلی و کتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علينا).

دلایل کفر یهود به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۷

۷ - نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل ، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

ذکر پیشینه کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۷

۷ - توجه به سابقه دار بودن امتناع کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و کتاب های آسمانی ، تسلابخش پیامبر (ص)

لم يكن ... منفيين ... و ما تفرق الذين أوتوا الكتب إلا من بعد ما جاءتهم ال

ذکر فرجام شوم کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۵

۵ - توجه به فرجام شوم کفر ، مانع گرایش انسان به آن و عامل دلگرمی مؤمنان

يوم لا يغنى ... ولا هم ينصرون

آیه شریفه تهدیدی برای کافران و دلجویی برای اهل ایمان در قبال حق ستیزی کفرپیشگان است.

ذلت رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴ - ۴

۴ - قدرت خداوند بر به خضوع کشاندن سردمداران کفر در برابر خویش

إن نشأ... فظلت أعنتهم لها خضعين

برخی بر آنند همان گونه که به بزرگ قوم <رأس القوم> و <صدرالقوم> گفته می شود، <عنق القوم> نیز گفته می شود بنابراین <أعناقهم> یعنی، <سادتهم>. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

راههای تنبه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ،

آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ينظر هؤلاء إلا صيحة وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشردند و به حقیقت اسلام تن در نمی دهند.

رجعت رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۵

۵ - رجعت داده شدگان هر امت ، متشکل از سردمداران کفر

و یوم نحشر من کلّ أمة فوجًا

با توجه به این که <من> در عبارت <من کلّ أمة> برای تبعیض است، به مناسبت مورد احتمال می رود که آن بعض، پیشوایان کفر باشند.

روش اضلال رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۲

۲- سران کفر و شرک ، برای منحرف کردن مردم از مسیر خدا و توحید ، به ساختن شبیه و مانند برای خداوند روی آوردند .

أحلّوا قومهم دار البوار .. و جعلوا لله أندادًا لیضلّوا عن سبيله

از سیاق این آیه و آیات قبل استفاده می شود که درباره سران کفر و شرک است . زیرا مبتلا- کردن مردم به سرنوشت و جایگاه شوم (و أحلّوا قومهم دار البوار) و نیز مانند درست کردن برای خدا و اضلال مردم از راه خدا (و جعلوا لله أندادًا لیضلّوا عن سبيله) کار رهبران و سران کفر و شرک است.

روش اغواگری رهبران کفر

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۸ - ۵

۵ - استفاده از قدرت و تظاهر به خیرخواهی ، از روش های پیشوایان کفر و شرک برای فریب و گمراهی توده ها

قالوا إنکم کنتم تأتوننا عن الیمین

روش برخورد رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۶

۶- استفاده از احساسات و عقاید دینی مردم و تحریک آنان علیه پیامبر (ص) ، از شیوه های سران شرک و کفر در برخورد با آن حضرت

أهذا الذی یذکرء الهتکم

از این که کفار مکه، مردم را مخاطب خود قرار داده و <آلهتکم> گفته اند و نه <آلهتنا> استفاده می شود که آنان از احساسات و عقاید مردم علیه پیامبر(ص) بهره می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۲

۲ - استهزا ، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء علیه اسلام و پیامبر (ص) ، کار همیشگی و روش سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

آمدن فعل <یقولون> به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار این گفتار دارد.

روش تشخیص کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۱۲

روش مبارزه با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۴

۱۴- اخطار و هشدار به سرنوشت شوم کافرانِ دنیا طلب ، روشی برای بازداشتن از کفر و دنیا طلبی

ربما یوّد الذین کفروا . .. ذرهم یأکلوا و ... فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۵ - تبلیغ دین و دفاع صریح و قاطعانه از مواضع عقیدتی خود در محیط خفقان آور و پرخطر کفر و شرک ، باید پس از طی مراحل چون دفاع غیرمستقیم و برخورد دلسوزانه با مخالفان و ... انجام گیرد .

قال يقوم أتبعوا المرسلين . . . و مالی لا أعبد الذی فطرنی ... ءأتخذ من دونه ءال

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ..> که آخرین کلام مؤمن انطاکیه با مردم است در مقام نتیجه گیری و بیان هدف نهایی او از مجموعه سخنانی است که در ضمن پنج آیه پیش بیان شده است. بدین صورت که او در ابتدا سخن خود را با لحنی خیرخواهانه و نرم آغاز کرد و در پایان با زبان صریح و قاطعانه، مواضع عقیدتی خود را اظهار داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۰ - ۴

۴- انسان بی اتکا به پروردگار ، ناتوان از مبارزه با ظلم و کفر

و إِنِّي عَدْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ

موسی(ع) با این که در سیر دعوت به توحید و رهایی بندگان برای رفع استثمار و ترویج توحید، از <سلطان مبین> برخوردار بود، با این حال خویش را در برابر هجوم دشمنان نیازمند به حمایت و امداد پروردگار می دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۳ - ۴

۴- لزوم توجه مؤمنان به ابعاد حفاظتی در مبارزه خویش علیه کفر

فَأَسْر... لِيَأْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۹

۱۹- ایجاد مصونیت و مقاومت روحی در مؤمنان ، شایسته ترین شیوه برای مقابله با هجوم کفر و جهل *

فی قلوبهم الحمیه . . . و أَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا

خداوند، در قبال خشم و تعصب جاهلی مشرکان، در مؤمنان روح آرامش و مقاومت را تقویت کرده است. از این مطلب استفاده می شود که در تعارض قوای کفر و ایمان، شایسته ترین و ممکن ترین راه، ایجاد مصونیت و مقاومت در جبهه مؤمنان است.

روش مبارزه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۳

۱۳ سران کفر و شرک ، برای جلوگیری از نفوذ پیامبر (ص) و گسترش اسلام ، از شیوه های گوناگون تبلیغی و سیاسی و از راهبرد های متنوع و ممکن استفاده می کردند .

و قالوا أسطیرا الأولین . . . مالِ هذا الرسول یا کل الطعام ... إن تَبْعُونَ إِلَّا رَجُلًا

تهمت دروغ پردازی و سحرزدگی به پیامبر(ص) و ایراد و خرده گیری از ایشان، حاکی از گوناگونی شیوه ها و راه های مبارزه کافران با پیامبر و قرآن است. گفتنی است تعبیر <ضربوا لك الأمثال> برای تو مثل ها زده و توصیف ها کرده اند< در آیه بعد، مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۷

۷- سلب آزادی از مردم و ایجاد مانع بر سر راه آگاهی آنان از حقایق الهی ، از شیوه های مبارزه سران کفر و شرک با پیامبراسلام (ص)

انطلق الملائمهم أن امشوا و اصبروا على ءالهمكم

پراکنده کردن توده های مردم از اطراف پیامبر(ص) و توصیه به پایداری بر عقیده خود از سوی سران کفر، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۹

۹ - عناصر قدرتمند و مرفّه ، سردمداران انحراف و کفر در جوامع کافر و شرک پیشه

قال مترفوها .. قالوا إنا بما أرسلتم به كفرون

از این که در جوامع شرک پیشه، تنها سخن مرفهان ذکر گردیده با آن که اندیشه شرک مختص آنان نبوده است می توان استفاده کرد که آنان، نقش اصلی را در تعیین گرایش های جامعه داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۶

۶ - مشرکان صدراسلام ، پیشوای کافران گذشته تاریخ در کفر و حق ستیزی *

و لقد أهلكنا أشياعكم

با توجه به این که <شیعه> به معنای پیرو است و از نظر زمانی کفار مکه دنباله رو کافران گذشته اند؛ احتمال می رود که اطلاق <أشیاع> بر کافران گذشته تاریخ از آن جهت باشد که مشرکان مکه در کفر و حق ستیزی، گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده اند، به گونه ای که باید پیشینیان را پیرو آنها به حساب آورد و آنان را پیشوای گذشتگان.

رهبران کفر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ دوزخیان پیرو پس از اجتماعشان در جهنم با سران کفر و شرک، علیه آنان اقامه دعوا خواهند

کرد.

حتى إذا ادركوا فيها جميعا قالت أخرجهم لأولهم ربنا هؤلاء أضلونا

<حتى إذا ادركوا...> یعنی تا آنگاه که امتهای بر یکدیگر ملحق و مجتمع گردند. <ادارکوا> در اصل تدارکوا بوده و پس از ساکن کردن تاء و ادغام آن در دال، همزه وصل به آن اضافه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۱

۱ سران کفر و شرک و پیروانشان پس از ورود به جهنم به مجادله و کشمکش خواهند پرداخت.

قالت أخرجهم لأولهم... و قالت أليهم لأخرجهم فما كان

رهبران کفر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ - جدا شدن سردمداران کفر از میان هر امت در قیامت، به صورت نظام یافته و تحت نظارت و کنترل مأموران الهی است.

*

و یوم نحشر... فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۴

۴ - پیشوایان کفر، مورد تنفر و انزجار خلائق در روز قیامت

و یوم القیمه هم من المقبوحین

مفسران بر آنند که <مقبوح> از ریشه <قبح> (زشتی) مشتق شده است. بنابراین <مقبوح> یعنی، کسی که به خاطر زشتی، مورد نفرت دیگران بوده و از جانب آنان طرد شده است.

رهبران کفر و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۴

۱۴ قرآن ، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر و شرک

و قالوا أسطیرالأولین . . . إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

اسطوره خواندن قرآن

و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرک، گویای این نکته است که این کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

رهبران کفر و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۲،۳

۲ - پیامبراسلام (ص) ، در نظر سران کفر و شرک ، فاقد هر گونه ملاک برتری و شایستگی برای رسالت و دریافت وحی الهی

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا

همزه در <أَنْزَلَ> برای استفهام انکاری است و قید <مِنْ بَيْنِنَا> (از میان ما) قرینه است بر این که نفی و انکار آنان، مربوط به شایستگی پیامبر(ص) برای رسالت بود.

۳ - سران کفر و شرک ، برگزیده شدن پیامبر (ص) را به رسالت بدون برخوردار بودن آن حضرت از امتیاز و شایستگی های لازم ، دلیل نپذیرفتن دعوت او اعلام کردند .

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا

قید <مِنْ بَيْنِنَا> در حقیقت در مقام بیان تعلیل برای انکار رسالت است؛ یعنی، پیامبراسلام از میان ما انتخاب شده است و مانند ما هیچ امتیاز و برتری و شایستگی برای دریافت وحی ندارد؛ پس نمی توان ادعای او را تصدیق کرد.

رهبران کفر و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۵

۵ خودکفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی ، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت ، در دیدگاه سران کفر و شرک

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود:

> کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(ص) از نظر جسمی نباید نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد < ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: < پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خودکفا باشد >.

زمینه اجتناب از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ هراس از قیامت، زمینه ساز اجتناب از کفر و تکذیب آیات الهی است.

و أنذر به الذین یخافون أن یحشروا .. لعلهم یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۳

۳ - مقهور بودن انسان در برابر اراده خداوند ، مقتضی پرهیز از کفر و تکذیب

یرسل علیکما شواظ .. فبأی ءالاء ربکما تکذبان

خداوند متعال در آیه قبل، قاهریت خویش را به خلق یادآوری کرده تا از تکذیب دست بردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۳

۳ - توجه به فرجام هستی و قدرت قاهر خداوند ، زمینه ساز اجتناب انسان از کفر و تکذیب حق

فإذا انشقت السماء .. فبأی ءالاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۵

۵ - اشتیاق به نعمت های موعود خداوند و ارزش های بهشت ، مستلزم پرهیز از هرگونه کفر و تکذیب

متکین علی رفرف خضر .. فبأی ءالاء ربکما تکذبان

خداوند با برشمردن نعمت های بهشت، شوق دستیابی به آن را در خلق فزونی می بخشد و در پی آن هشدار می دهد که

کفر و تکذیب، مانع ره یابی به آن نعمت‌ها است، زیرا تکذیب کنندگان، منفور خدا و شایسته توبیخ اند، نه احسان.

زمینه ازدیاد کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۵

۱۵ لعنت الهی، زمینه ساز محرومیت از معارف قرآن و ازدیاد کفر و طغیان

و لعنوا بما قالوا... ما أنزل إليك من ربك طغياناً و کفراً

زمینه اعراض از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۲

۲ - اخبار قرآن از فرارسیدن قیامت، هشدار می‌کافی برای دور شدن آدمیان از کفر و گناه است.

اقترب الساعة... و لقد جاءهم... ما فيه مزدجر

مراد از <الأنباء> به قرینه آیات پیشین، می‌تواند مسأله نزدیکی قیامت و مسائل مختلف آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۴

۴ - توجه به پاداش‌های مهم اخروی خداوند، برای بیم‌دارندگان مقام پروردگار، زمینه پرهیز از کفر و تکذیب است.

و لمن خاف مقام ربّه جنتان. فبأیء آلاء ربکما تکذبان

زمینه ترک کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۹، ۱۱

۹ باور به توانمندی خدا و شدت کیفرهای وی زمینه ساز پرهیز آدمی از کفرورزی و ارتکاب گناه

فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوی شدید العقاب

هدف از توصیف خداوند با جمله <إن الله .. > پس از بیان مؤاخذة كفرپیشگان گنهكار این است كه انسانها با باور به

نیرومندی خدا و شدید العقاب بودن وی، از مخالفت با وی پرهیزند و رو به کفر و گناه نیاورند.

۱۱ توجه به سنت الهی در مجازات کافران و گناهکاران، زمینه ساز پرهیز از کفرورزی و ارتکاب گناه

كدأب ءال فرعون .. إن الله قوي شديد العقاب

هدف از بیان مؤاخذة کافران و گناهکاران هشدار است به انسانها تا با توجه به آن در مسیر ایمان و ترک گناه قرار گیرند.

زمینه شکست کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ نقش مهم هجرت پیامبر (ص)، در فروشکستن صولت و شعار کفر و اعتلا یافتن کلمه الله

فقد نصره الله إذ أخرجه .. و جعل كلمه الذين كفروا السفلى و كلمه الله هي العلى

زمینه کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۶

۳۶ - تجاوزگری و ارتکاب گناهان، آدمی را به سوی کفر گرایش داده و بر کشتن رهبران الهی بی پروا می سازد.

يكفرون بأيت الله .. ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ - حسادت، از رذایلی است که آدمی را به گناهان بزرگ و حتی کفر می کشاند.

أن يكفروا بما أنزل الله بغياً أن ينزل الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۰

۲۰- به کارگیری سحر و سوء استفاده از آن آدمی را به ورطه کفر می

کشاند .

إنما نحن فتنه فلا تکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۹،۱۰

۹ - درخواست نسخ و تبدیل برخی از احکام ، زمینه ساز از دست دادن ایمان و گرایش به کفر است .

أم تریدون أن تسئلوا .. و من یتبدل الکفر بالایمن

۱۰ - درخواست ها و پرسش های نابه جای قوم موسی از وی ، آنان را به کفر ورزی کشانید و از ایمان به دور ساخت .

و من یتبدل الکفر بالایمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۲۴

۲۴ لزوم پرهیز از معاشرتهایی که خطر کفر و انحراف دارد و مایه درآمدن به جهنم است .

و لا تنکحوا .. و لا تنکحوا ... اولئک یدعون الی النار

با توجه به عمومیت تعلیل: اولئک یدعون الی النار، و شمول آن نسبت به موارد غیر ازدواج.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶،۷

۶ قدرتمداری نمود ، زمینه ساز غرور ، کفر و طغیانگری وی

الم تر الی .. ان اتیه الله الملك

بنابراینکه جمله <ان اتیه .. >، بیان علت محاجه باشد؛ یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

۷ قدرتمداری ، زمینه ساز غرور و کفر در برابر ربوبیت الهی

الم تر الی الذی .. ان اتیه الله الملك

چنانچه جمله <ان اتيه . . . >، بيانِ علّتِ كفر و غرور نمود باشد، می توان از آن يك نتیجه کلی به دست آورد که قدرت و سلطنت، زمینه ساز غرور، كفر

و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۲

۲ شهوت پرستی و زراندوزی ، زمینه کفر و تکذیب آیات الهی

زَيْنَ لِلنَّاسِ حَبِّ الشَّهَوَاتِ .. من الذهب و الفضة

بنابراینکه منظور از <للناس>، کافران باشد؛ به قرینه آیات پیشین که سخن از آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۱۴، ۱۵، ۱۸

۱۴ منافقان به دلیل شرکت نکردن در پیکار احد ، دور از مرز ایمان و در آستانه کفر بودند .

هم للكفر یومئذ اقرب منهم للإیمان

۱۵ سرباز زدن از پیکار در راه خدا ، موجب دوری از مرز ایمان و قرار گرفتن در آستانه کفر

هم للكفر یومئذ اقرب منهم للإیمان

۱۸ عملکرد های آدمی ، مؤثر در گرایش های درونی (ایمان و کفر) اوست .

لو نعلم قتالا لاتبعناکم هم للكفر یومئذ اقرب منهم للإیمان

با توجه به اینکه نفاق یک نوع گرایش است و عملکرد منافقان (ترک پیکار و جهاد)، آنان را به کفر نزدیکتر کرده و از ایمان دور ساخته (هم للكفر یومئذ ..)، معلوم می شود عملکردها در گرایشها مؤثر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۵

۵ شایعه پراکنانی که در صدد تضعیف روحیه مجاهدان اسلام هستند ، شتابگران در کفرند . *

و لا یحزنک الذین یسارعون فی الکفر

به مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث و آیات قبل، جمله <الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ> می تواند اشاره به کسانی باشد که با تبلیغات سوء

و شایعات ترس آفرین، در صدد بازداشتن مؤمنان از جهاد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۴

۴ تکبیر و گردن فرازی گروهی از اهل کتاب در برابر خداوند ، موجب کفر و انکار قرآن از سوی آنان

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن .. خاشعین لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ بخیلان و دعوت کنندگان مردم به بخل ، کافر هستند .

الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل .. و اعتدنا للكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۶

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی ، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

یؤمنون بالحبیب و الطاغوت .. ام یحسدون الناس علی ما اتيهم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۲

۱۲ بی تقوایی ، زمینه گرایش آدمی به کفر

ان اتقوا الله و ان تکفروا

جمله < و ان تکفروا .. > پس از امر به رعایت تقوا، می تواند اشاره به این باشد که بی تقوایی، آدمی را به کفر گرایش می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ کفر، موجب گرفتار شدن به عذاب دردناک قیامت

و أعتدنا للكافرين منهنم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

طغیانگری ، زمینه کفرورزی و انکار حق

طغیاناً و کفراً

تقدیم طغیان بر کفر می تواند بیانگر نقش طغیان در پیدایش کفر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۶

۶ ترک نهی از منکر عامل روی آوری جوامع به کفرپیشگی

لعن الذین کفروا .. ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون. كانوا لایتنهون

در آیه قبل تجاوز و تعدی موجب گرفتار شدن به کفر و لعنت الهی دانسته شد و آیه مورد بحث ترک نهی از منکر را مصداقی بارز برای تعدی و تجاوز شمرده بنابراین ترک نهی از منکر عامل گرایش مردمان به کفر و گرفتار شدن به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۶

۶ فریبندگی حیات دنیا زمینه ساز گرایش گروهی از انسان ها به کفرپیشگی و انکار مداوم آیات خدا

حرمهما علی الکفرین .. غرثهم الحیوه الدنیا ... و ما كانوا بایتنا یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۳

۱۳ عالمان دینی دنیاگرا و پیرو هوا و هوس ، در خطر تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر هستند .

فانسلخ منها .. و لکنه أخلد إلى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ مال و اولاد فراوان منافقان ، زمینه گرایش آنان به کفر در هنگام مرگ

فلا تعجبك أموالهم... و تزهد أنفسهم و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس

۹ فقر و تنگدستی ، زمینه ساز ترک ایمان و وارد شدن در جبهه کفر است .

ربنا لیضلوا عن سبیلک ربنا اطمس علی أمولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ درک نکردن معارف و حقایق دین ، ریشه گرایش به کفر و شرک است .

أولئک .. ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

جمله <ما کانوا ..> بیانگر دلیل و ریشه کفرورزی کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۶ - ۷

۷ دل خوش کردن به حیات دنیا و نشناختن مقدار ارزش آن ، مایه کفرورزی است .

و فرحوا بالحویه الدنیا و ما الحیوه الدنیا فی الآخره إلا متع

چون مراد از ضمیر در <فرحوا> کفرپیشگان و مخالفان پیامبر(ص) است ، جمله <فرحوا بالحویه الدنیا و ..> در حقیقت بیانگر ریشه و عاملی از عوامل کفرورزی آنان است ؛ یعنی ، دل خوش بودنشان به زندگی دنیا ، آنان را به کفرورزی کشانده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۹

۹- دل بستگی به دنیا و ترجیح دادن آن بر آخرت ، زمینه ساز دین ستیزی و کفر است .

الذین یستحبون الحیوه الدنیا علی الآخره و یصدون عن سبیل الله

تقدیم <یستحبون الحیاه الدنیا> بر جمله <و یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً> احتمالاً بیانگر معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۲

۱۲- ستم پیشگی

، زمینه ساز کفر و انکار آیات الهی است .

فأبى الظلمون إلا كفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۲،۳

۲- گرایش به ایمان و کفر ، متکی به اراده و تصمیم خود انسان است .

ءامنوا به أو لا تؤمنوا

۳- انتخاب راه کفر یا ایمان ، پس از ابلاغ و تبیین تعالیم دین ، با خود مردم است .

و قرءاناً فرقنه لتقرأه على الناس على مكث . . قل ءامنوا به أو لا تؤمنوا

ذکر <قل ءامنوا به أو لا تؤمنوا> پس از بیان فلسفه نزول تدریجی قرآن و تبیین حق و باطل برای مردم، می تواند بیانگر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۷

۷- تصمیم و خواست خود انسان ، محور و اساس ایمان و کفرش است .

فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۷ - ۲

۲- انکار معاد و تردید در آن و مغرور شدن به زندگی دنیا ، اندیشه و بینشی کفرآمیز است .

و ما أظن الساعة قائمه . . قال له صاحبه وهو يحاوره أكفرت بالذي خلقك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۰ - ۹،۱۲

۹- فرزند ناصالح ، زمینه ساز گرایش پدر و مادر به کفر و طغیان است .

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما طغياناً و كفرًا

۱۲- سرکشی و تجاوز از حدود الهی ، زمینه ساز گرایش انسان به کفر است . *

يرهقهما طغياناً و كفرًا

محتمل است تقدیم طغیان

بر کفر، گویای این باشد که کشانده شدن به کفر، پی آمد ابتلا به طغیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۳

۱۳- غفلت از قیامت، زمینه ساز کفرورزی و بی ایمانی است.

و أنذرهم يوم الحسره... و هم فی غفله و هم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۳

۳- دارایی ها و توان مندی ها، از عمده ترین زمینه های غفلت و کفرورزی است.

و هم فی غفله و هم لایؤمنون. إنا نحن نرث الأرض

از جمله وجوه ارتباطی این آیه با آیه قبل، بیان اسباب غفلت و سعی در ریشه کن کردن آن است. در این آیه خداوند برای متنبه ساختن آدمیان و از بین بردن عوامل غفلت آنان، بر فناپذیری ثروت های دنیا و ساکنان زمین تأکید کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۳

۳- وضعیت بهتر اقتصادی و معیشتی کافران عصر بعثت، زمینه ساز گرایش عده ای از مردم به کفر بود.

كفر بآیتنا و قال لأتینَّ مالا

بینش مطرح شده در این آیه، از اندیشه ای سرچشمه می گیرد که در آیات پیشین با جمله <قال الذین كفروا.. أئی الفریقین خیر مقاما> به آن اشاره شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۶

۶ - امکان سقوط انسان به مرحله ای از حق ناپذیری که هیچ آیت و معجزه ای در او تأثیر نکرده

و جملگی آنها را تکذیب کند .

و لقد أرينه آیتنا کلها فکذب و أبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۴

۴ - فقر ، تنگدستی ، بیچارگی و درماندگی زمینه ساز یأس و نومیدی از خدا (کفر) و پناهنده شدن به غیر او (شرک)

من کان یظنّ . . . هل یذهب کیده ما یغیظ

روی سخن در این بخش، با آن اشخاصی است که به خداپرستی گرویده بودند و همین که با برخی از ناملایمات زندگی روبه رو شدند از عبادت او روی برتافتند و به گمان آن که در هستی جز خدا، نیروهای دیگری نیز دخالت دارند، به شرک (آیین سابقشان) بازگشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۷

۷ - رها ساختن تعالیم قرآن و کناره گیری از فراخواندن مردم به سوی آنها، زمینه ساز قرار گرفتن در صف کافران است .

لا یصدّنک عن آیت الله . . . و ادع إلی ربّک و لا تکنّ من المشرکین

گفتنی است که از صدر و ذیل آیه شریفه، یعنی، ارتباط میان موضوع جدا شدن از صف مشرکان و موضوع ابلاغ رسالت الهی و دعوت به توحید، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۴

۴ - روح طغیان و حق ناپذیر ، از عوامل تأثیرپذیری از جریان کفر و شرک

بل کنتم قومًا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۱۰، ۱

- گرایش تمامی انسان ها به کفر ، در صورت برخورداری همه کافران از رفاه و نعمت

و لولا أن يكون الناس أمه وحده لجعلنا .. سقفاً من فضّه

مراد از <أمه واحده> ممکن است کافر شدن تمام انسان ها باشد.

۱۰- واگذاری مزایا ، امکانات و بهره‌وری های زندگی دنیایی به کافران ، امری نادرست و زمینه گرایش نسل ها به کفر

و لولا أن يكون الناس أمه وحده لجعلنا لمن يكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۰ - ۹

۹- خداگرایی انسان ، به هنگام سختی ها و شداید و خداگریزی وی در شرایط رفاه و آسایش

و أخذنهم بالعذاب .. ادع لنا ربك ... إننا لمهتدون . فلما كشفنا عنهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۴

۱۴- کفر ، هواپرستی ، استکبار و عصیان گری ، عناصری به هم پیوسته

يعرض الذين كفروا .. و استمتعتم بها... تستكبرون في الأرض بغير الحقّ و بما كنتم ت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۱

۱۱- شیطان ، هموارکننده راه گناه و کفر ، در نگاه انسان ها

الشیطن سوّل لهم

واژه <سوّل> ممکن است به معنای <سهّل> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۷

۷- غفلت از پیام های عبرت آموز پیامبران و تاریخ ، دور نمایه گرایش به کفر

فهل من مدّکر

از این که خداوند، کفرپیشگان را به هشیاری و بیداری فراخوانده است؛ استفاده می شود که مشکل

اصلی کافران در غفلت ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۴

۴ - غفلت از زوال پذیری زندگی دنیایی ، زمینه ساز گرایش انسان به کفر و ناسپاسی

كَلِّمْهَا فَاَنْ يَّوْمَئِذٍ يَخْلَعُ عَلَيْهَا عِلْمَ رَبِّهَا الَّذِي هُوَ عَالِمُ الْغُيُوبِ . و بقی وجه ربّك ... فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

خداوند متعال، نخست فناپذیری زندگی دنیایی را به انسان تذکر داده و در پی آن از آنان خواسته است تا دست از تکذیب نعمت های حق بردارند. از این دو استفاده می شود که یکی از عوامل تکذیب حق، دلبستگی به دنیا و غفلت از ناپایداری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۹

۹ - قدرت سیاسی و اقتصادی ، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتَّبِعُوا مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالَةً وَوَلَدًا إِلَّا خَسَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۱۴

۱۴ - > عن جابر بن عبد الله قال قال رسول الله (ص) : كل مولود يولد على الفطرة حَتَّى يَعبُرَ عَنْهُ لِسَانُهُ ، فَإِذَا عَبَرَ عَنْهُ لِسَانُهُ إِمًّا شَاكِرًا وَ إِمًّا كَافِرًا . . . ;

از جابر بن عبد الله [انصاری] روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: هر نوزادی بر فطرت [توحید] متولد می شود، تا زمانی که زبان او بتواند افکار و عقاید او را تعبیر و ابراز کند. در این هنگام یا شاکر است [و پذیرای توحید] یا ناسپاس است [و پذیرای کفر].<

زمینه کفر اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ -

۸- اهل کتاب (یهود و نصارا)، در صورت توطئه علیه اسلام و مسلمانان، در زمره کافران اند.

الذین کفروا من أهل الكتب

زمینه کفر اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۶

۶- درونمایه های فرهنگ طبقاتی و مادی مردم مکه، زمینه ساز گرایش آنان به کفر و شرک

و إنا به کفرون . و قالوا لولا نزل هذا القرآن

با توجه به این که آیه شریفه پس از بیان کفر مشرکان (إنا به کفرون) روحیه مادی گرایانه آنان را بازگو می کند، تأثیر این بینش در انحراف و کفر استفاده می شود.

زمینه کفر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۷

۳۷- شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش، زمینه ساز عصیانگری، تجاوز، کشتن پیامبران و کفرشان بود.

لن نصبر علی طعام وحد . . . اهبطوا مصراً . . . و ضربت علیهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه، یعنی، <و ضربت علیهم الذله . . .> با بخش اول آیه است.

زمینه کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۵

۵- قرآن، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است.

و إذا أنعمنا على الإنسان .. ثم كفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

زمینه کفر به قیامت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۶

۶ - پیروی از هواها و امیال نفسانی ، در پی دارنده کفر و بی ایمانی به قیامت است .

من لایؤمن بها واتبع هویه

<اتبع> ماضی است و عطف بر <لایؤمن> که مضارع است؛ بنابراین پیروی از هوس ها که در زمان قبل انجام گرفته است، سبب بی ایمان در زمان بعد خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - آسایش و سرخوشی ، زمینه ساز کفر و تردید انسان نسبت به قیامت

و لئن أذقنه رحمه .. ليقولن ... و ما أظنّ الساعة قائمه

زمینه کفر خانواده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - امکان نفوذ جریان انحراف ، کفر و نفاق ، در میان اعضای بهترین خانواده (همچون پیامبران)

امرات نوح و امرأت لوط .. فخانتاهما ... وقيل ادخلا النار مع الداخلين

زمینه کفر قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۳

۳ - توان مندی نسبی مشرکان قریش در محیط خویش ، زمینه ساز سرکشی و کفر آنان

أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً

از این که خداوند به آنان یادآوری کرده که امت های نیرومندتر از ایشان هلاک شدند، استفاده می شود که مشرکان مکه بر ثروت و قدرت محلی خویش، تکیه داشته و ایمان نمی آوردند.

زمینه کفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء -

۳- رفاه و توانمندی قوم عاد، زمینه ساز کفر و لجاجت آنان در برابر هود (ع)

و اتَّقُوا الذی أمدَّکم . . . أمدَّکم بأنعم و بنین ... قالوا سواء علينا أوعظت أم ل

زمینه کفر مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۸

۸- اهل کتاب (یهود و نصارا)، در صورت توطئه علیه اسلام و مسلمانان، در زمره کافران اند.

الذین کفروا من أهل الکتاب

زمینه کفر مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۹ - ۴

۴- ربوبیت خداوند، مقتضی کيفر و مجازات کافران تکذیب گر و ثروتمندان مغرور

فلاتطع المکذبین . . . أن کان ذا مال و بنین ... فطاف علیها طائف من ربک

زمینه کفر نسل قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۴

۴- در صورت تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح، تمامی فرزندان و نسل بعدی آنان، به کفر، نافرمانی خدا و تبه کاری

روی می آوردند.

و لایلدوا إلا فاجراً کفّاراً

<فاجر> به افراد نافرمان، معصیت کار و زناکار گفته می شود. در این آیه دو معنای اول و دوم مراد است.

زمینه کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ معارف نازل شده بر پیامبر (ص)، موجب افزایش طغیانگری و کفرورزی بسیاری از یهودیان

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك

من ربك طغيناً و كفوياً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۸

۸- اهل كتاب (يهود و نصارا) ، در صورت توطئه عليه اسلام و مسلمانان ، در زمره كافران اند .

الذين كفروا من أهل الكتب

زمينه گرايش به كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۱

۱- ترجيح زندگي دنيا بر آخرت ، ريشه اصلي ارتداد و گرايش به كفر است .

من كفر بالله من بعد إيمنه .. ذلك بأنهم استحبوا الحيوه الدنيا على الآخره

جمله <ذلك بأنهم ..> در مقام تعليل براي آيه قبل است و نيز <ذلك> اشاره دارد به ارتداد و كفر پس از ايمان.

زمينه مرگ با كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ مال و اولاد فراوان منافقان ، زمينه گرايش آنان به كفر در هنگام مرگ

فلا تعجبك أموالهم .. و تزهد أنفسهم و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۱۳

۱۳ منافقان ، على رغم اظهار ايمان ، در حال كفر مي ميرند .

و تزهد أنفسهم و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۷

۷ بیمار دلی و پلیدی باطن ، زمینه ساز مردن بر حال کفر است .

و أما الذین فی قلوبهم مرض . . . و ماتوا و هم کفرون

زمینه نابودی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ نابودی عوامل اصلی کفر و شرک ، هدف عمده و اساسی پیکار اسلام با کافران و مشرکان

فقتلوا أئمه الكفر

زمینه نجات از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۵

۱۵- ربوبیت الهی ، مقتضی بیرون آوردن بندگان خویش از گمراهی کفر ، و هدایت آنان به نور ایمان

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور یاذن ربهم

زیان اجتماعی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۹

۹ - کفر ، موجب خسارت جامعه بشری بوده و حاصلی جز آن ندارد .

ولا یزید الکفرین کفرهم إلا خسارًا

زیان رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۹

۹ - خطر ساز بودن رهبران متکبر و منکر قیامت و روز حساب برای جامعه

کلّ متکبر لا يؤمن بیوم الحساب

پناه بردن موسی(ع) از شر متکبران منکر قیامت (چون فرعونیان)، گویای مطلب یاد شده است.

زیان کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۵

۱۵ بازگشت زیان کفر و بی تقوایی ، به خود انسان نه به خداوند

و إن تکفروا فان لله ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۹

۹ بازگشت سود و زیان ایمان به خود انسان نه خداوند

فامنوا خیراً لکم و إن تکفروا فان لله ما فی السموت و الارض

جواب شرط <ان تکفروا>

به قرینه <خیراً لکم> و نیز جمله <فان لله...> می تواند به این گونه باشد <یکن شراً لکم و لایضر الله شیئاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۵

۵ - پی آمد زیان بار کفر ، متوجه خود انسان ها است .

فمن کفر فعليه کفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۷

۷ - نفع و ضرر <ایمان و کفر> و <شکر و ناسپاسی> ، دامنگیر خود انسان ها است ؛ نه خداوند .

إن تکفروا فإنّ الله غنی عنکم .. و إن تشکروا یرضه لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - هدر دادن امکانات زندگی در مسیر کفر و گمراهی ، زیان و زمینه ساز عذاب الهی است .

أولئک الذین حقّ علیهم القول .. إنهم کانوا خسرين

تعبیر <إن> در صورتی که علیت را برساند، نشان می دهد که نفس همین خسران، باعث شده تا عده ای گرفتار عذاب حتمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۲ - ۳

۳ - بی ایمانی و ترک عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر ، زیان بزرگی است .

لفی خسر

نکره آمدن کلمه <خسر>، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

سختی مبارزه با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵

۶ مبارزه با جریان کفر و شرک ، کاری است سخت که تلاش گسترده و طاقت فرسایی را می طلبد .

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

شده باشد.

سرزنش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۵

۵ نکوهش کفر آگاهانه به آیات الهی

لم تکفرون بایات الله و انتم تشهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۶

۶ - شکر و سپاس گزاری در خور شأن بندگان ، و کفر و ناسپاسی دور از شأن آنان است .

و لایرضی لعباده الکفر و إن تشکروا یرضه لکم

سرزنش کفر اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۱۰

۱۰ - کفر اهل کتاب ، نکوهیده تر از کفر مشرکان است .

الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

تقدیم اهل کتاب بر مشرکان در توییح بر کفر، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - کفر اهل کتاب ، نکوهیده تر از کفر مشرکان است .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ وَالْمُشْرِكِينَ

سرزنش کفر به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۵

۵- سرزنش اهل کتاب از سوی خداوند ، به خاطر امتناع از ایمان ، علی رغم آشکار شدن حقانیت اسلام بر ایشان *

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَّوْا عَلَىٰ أَدْبُرِهِمْ .. الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ

برداشت بالا بدان احتمال است که

مراد از <الذین ارتدّوا..> اهل کتاب باشند؛ زیرا آنان با برخورداری از کتاب آسمانی و وعده های الهی به بعثت رسول خاتم(ص) و عالمان به کتاب، نزدیک ترین گروه و سزاوارترین آنان به شناخت حقایق اسلام و قرآن بوده اند.

سرزنشهای رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا .. فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

سستی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۱۸،۱۹

۱۸ سُستی و تزلزلِ مبانیِ اعتقادی و رفتاریِ اهل کفر

فمن یکفر بالطّاعوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی

چون ایمان به خداوند، توصیف به تمسک به عروه الوثقی شده است، به قرینه مقابله فهمیده می شود که پیوند کافران با عقاید و رهبران خویش دارای بنیادی سُست و گسستی است.

۱۹ سُستی و آسیب پذیری پیوند با کفر و رهبران طغیانگر آن

فمن یکفر بالطّاعوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها

سلیمان(ع) و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۶

۶ - حضرت سلیمان (ع) منزّه از جادوگری و گرایش پیدا کردن به کفر

و ما كفر سليمان

سنگینی كفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶

۱۱ پیامدهای کفر و انکار معاد، باری سنگین و طاقتفرسا بر دوش انسان است.

و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم

سنگینی گناه کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳

۱۳ - کفر و ناسپاسی، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إن تکفروا فإنّ الله غنی عنکم .. و لاتزر وازره وزر آخری

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسی است؛ زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

شتاب در کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۱،۱۵

۱۱ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر، پذیرای سخنان نادرست و سر به فرمانِ سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <سمعون ..>، علاوه بر توصیف یهودیان، وصف منافقان نیز باشد، و <للکذب> و <لقوم> مفعول به برای <سمعون> باشد. بنابراین معنای <سمعون للکذب> که دارای لحنی مذمت آمیز است، چنین می شود: آنان پذیرای سخنان دروغ هستند، و <سمعون لقوم ءاخرین>، یعنی شنوای دستورات دیگران و مطیع آنانند.

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر، مردمی دروغ پرداز، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <للکذب> و <لقوم> مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للکذب>، یعنی

سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند و >سمعون

لقوم آخرین، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

شرایط آمرزش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۲ - ۲

۲ - توبه کنندگان از شرک، کفر و عصیان، با ایمان و عمل صالح و پی گیری هدایت، قطعاً مشمول مغفرت خداوند قرار خواهند گرفت.

و إني لغفار لمن تاب و ءامن .. ثم اهتدى

مراد از توبه به قرینه آیه قبل، توبه از گناه تعدی در مآکولات است و چون پس از <تاب>، سخن از ایمان به میان آمده است، شامل توبه از شرک و کفر نیز می شود.

شرایط مبارزه با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۴ - ۶

۶ رهبران دین، حتی پیامبران، بدون داشتن پیروانی فرمانبر، قادر به مبارزه با شرک و کفر نخواهند شد.

حسبك الله و من اتبعك من المؤمنين

چنانچه <من اتبعك> عطف بر <الله> باشد، مراد از کفایت مؤمنان برای پیامبران این نیست که آنان نیز همانند خداوند قادر به حمایت از رسول خدا هستند، بلکه آیه مورد بحث با توجه به اینکه در رابطه با مبارزه علیه مشرکان و کافران ایراد شده، در صدد بیان این است که مبدا کفایت خداوند به این معنا تفسیر شود که در مبارزه با مشرکان نیازی به مؤمنان نیست و خداوند خود ایشان را از صحنه مبارزه بیرون خواهد کرد.

شرایط نجات از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۴

۱۴ - خارج

ساختن مردم از ظلمت کفر و گمراهی و رهنمونی آنان به نور ایمان ، حتی از سوی پیامبر (ص) ، منوط به اذن و مشیت خداوند است .

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور بإذن ربهم

شعار کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۸

۱۸ > کلمه الله < (شعار توحید) ، دارای برتری مطلق بر شعار کفر

و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و کلمه الله هی العلیا

شکست توطئه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۶

۶ سران کفر و شرک علی رغم به کار بردن شگرد های گوناگون تبلیغی علیه قرآن و پیامبر (ص) ، از دستیابی به اهداف خود ناتوان و ناکام بودند .

إن هذا إلا إفک .. قالوا مال هذا الرسول ... لولا أنزل إليه ملک ... إلا رج

مقصود از ناتوانی در یافتن راه، می تواند ناتوانی از دستیابی به راه موفق و مؤثر برای پیگیری اهدافشان باشد؛ یعنی، <فلا يستطيعون سبيلاً إلى إبطال أمرک.. >.

شکست کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۹

۹ حرکت های منافقانه ، کفرآمیز و ضد خدا و دین ، حرکت هایی سست ، مذبحخانه و محکوم به شکست است .

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً .. و إرساداً لمن حارب الله ... أسس بنینه علی شف

سست بودن بنیان اعمال منافقان و کافران، می تواند کنایه از مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - پیشگویی قرآن به شکست جبهه کفر و شرک و پیروزی فراگیر و گسترده جبهه توحید و اسلام در عصر بعثت

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض و لیمكنن لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۲

۲ - جبهه کفر و باطل ، در مصاف با جبهه ایمان و حق ، محکوم به شکست است .

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

شگفتی اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۴

۴ - پافشاری کافران بر کفر خویش ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

قتل الإنسن ما أكفره

شگفتی روش مبارزه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۳

۳ کیفیت موضع گیری و شیوه های مبارزاتی سران کفر و شرک علیه قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، امری شگفت آور و در

خور تأمل و اندیشیدن

انظر کیف ضربوا لك الأمثل

<کیف> اسم استفهام است و ولی در این آیه برای بیان تعجب به کار رفته است، نه استفهام حقیقی.

شکفتی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱

۱ - کفر و شرک به خداوند ، با وجود آیات آشکار او ، امری شکفت و تعجب آور

قل ائنکم لتکفرون بالذی خلق الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۵

- خودداری از ایمان ، پس از مشاهده حالت های گوناگون طبیعت و تحولات زندگی بشر ، غیر قابل توجیه و شگفت آور است .

لا أقسم بالشفق . و الیل و ما وسق . و القمر إذا اتسق . لترکبَن طبَقًا عن طبق . ف

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که حرف <فاء>، این آیه را بر محتوای قسم و مقسم به (در آیات پیشین) تفریع کرده باشد.

شگفتی کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۶

۶ - کفر انسان ها به خداوند ، برخلاف مسیر و فلسفه خلقت انسان و جهان و شگفت انگیز است .

هو الذی خلقکم فمنکم کافر و منکم مؤمن

تفریع <فمنکم کافر> بر موضوع آفرینش انسان از سوی خداوند (هو الذی خلقکم) و یادآوری آفرینش حق مدارانه جهان در آیه بعد، می رساند که کفر انسان ها به آفریننده خود، امری شگفت انگیز و بیرون از مسیر خلقت و به دور از انتظار است؛ زیرا انتظار از مخلوق (انسان)، این است که آفریننده خود را انکار نکند.

صبر بر استهزاهای رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبر اسلام (ص) ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر استهزا ، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

ظلم کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۳

۲۳ کفر و شرک ، ستمکاری است .

انه من یشرک باللّه .

.. و ما للظلمين من انصار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۷ - ۲۲

۲۲ کفر و شرک از بزرگترین ستمهاست.

فمن أظلم ممن افتري على الله كذبا أو كذب .. أنهم كانوا كافرين

جمله <این ما کنتم ..> که بیان شرک مشرکان است، توضیح مصداقی برای <فمن أظلم ...> می باشد. بنابراین شرک از ستمهای بزرگ است و چون مشرکان در ذیل آیه کافر نامیده شده اند، کفر نیز از ستمهای بزرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۸

۱۸ کفرورزی و انکار دلایل روشن انبیا، ظلم انسان به خویش و پیامد آن دامنگیر خود اوست .

أتتهم رسلهم بالبينت فما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۹

۹- کفر، ظلم است و کافران، ظالمنند .

يُثِبَتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. و يَضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ

از مقابله <الظالمين> با <الذين آمنوا> استفاده می شود که ظالمان همان کافران هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۶

۶- کفر، شرک و استهزای پیامبران، ظلم و ستمی آشکار است .

يُولِنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

اعتراف مشرکان و کافران استهزاگر به ستم کار بودن خود، حکایت از این دارد که کفر و شرک و استهزای پیامبران، ظلم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۹ - ۵

۵ کفر و شرک ،

ظلم است .

و من یظلم منکم نذقه عذابًا کبیرًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخاطب <من یظلم منکم> کافران و مشرکان اند که خداوند آنان را ستم کار دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱۵

۱۵ - کفر و نپذیرفتن دعوت پیامبران ، ظلم است و کافران ظالم اند .

و الذین کفروا لهم نار جهنم .. فما للظلمین من نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۹

۹ - کفر و شرک ، ظلم است .

و قیل للظلمین ذوقوا ما کنتم تکسبون

مقصود از <ظالمان>، کافران و مشرکان است. توصیف آنان با صفت ظلم، بیانگر این حقیقت است که کفر و شرک ظلم است و همین ظلم، موجب دوزخی شدن آنان می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - کفر و شرک ، ظلم است و کافران و مشرکان ، از هر گونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعان محروم اند .

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیات، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره کافران و مشرکان سخن می گوید و مقصود از <ظالمین> آنان می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۵

۵ - کفر و شرک ، ستمی غیرقابل بخشش و عذرناپذیر در پیشگاه خداوند

يوم لا ينفع الظالمين معذرتهم

مقصود از <الظالمين> به

قرینه آیات گذشته کافران و مشرکان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۲

۲ - کفر به خداوند و روی گردانی از عبادت او ، ظلمی بدفرجام

لیعبدون .. . فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا ... فويل للذين كفروا من يومهم

برداشت بالا از آن جا است که در این آیه و آیه قبل، کفر و ظلم هم سنخ شناخته شده و در قبال <لیعبدون> مطرح گشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۱ - ۸

۸ - کفر و نیمودن راه خدا ، ظلم است و کافران ظالم اند .

و الظالمين أعدّ لهم عذابًا أليمًا

مقصود از <ظالمین> به قرینه آیات گذشته کافرانی هستند که راه خدا را نمی پیمایند.

ظلم کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۶

۶ - کفر به قرآن و روی گردانی از آن ، ظلم و گناهی غیرقابل بخشش است .

و من يعيش عن ذكر الرحمن .. . و لن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم أنكم في العذاب مشتركون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مراد از <ذكر الرحمان> قرآن باشد.

ظلمت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ عن أبي جعفر (ع) في قوله: <الذين كذبوا بآياتنا صم و بكم> يقول: <صم> عن الهدى و <بكم> لا يتكلمون بخير <في الظلمات> يعني ظلمات الكفر . . .

از امام باقر(ع) درباره آیه <الذين كذبوا بآياتنا ..> روایت شده است:

تکذیب کنندگان آیات الهی <کرانند> از (شنیدن آیات) هدایت، <لالند> از سخن خیر گفتن، <در تاریکیها قرار دارند> یعنی تاریکیهای کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۳

۳ ایمان، حیات است و مولد نور و کفر، مرگ است و تاریکی.

أو من كان ميتا فأحيينه .. كمن مثله في الظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱ - ۹

۹- کفر، ظلمت و راه خدا، نور است .

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

به قرینه آیات بعد، که درباره کافران و سدّ کنندگان راه خداست، مراد از <ظلمات>، کفر و مراد از <نور>، راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۵ - ۵

۵- کفر، ظلمت و راه خدا، نور است .

أخرج قومك من الظلمت إلى النور

از آن جایی که هدف پیامبران و از جمله موسی(ع) هدایت مردم بوده است، احتمالاً مراد از خارج کردن مردم از ظلمت، نجات از کفر و بردن آنان به سوی نور، هدایت آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۲

۲ - ایمان چون نور، مایه هدایت و روشنایی و کفر، همچون ظلمت، مایه گمراهی و تاریک بینی

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۷

۷ - کفر، ظلمت و راه خدا، نور است .

من الظلمت إلى النور

از این

قرینه که مقصود از نور قرآن و راه خدا است؛ استفاده می شود که مراد از ظلمات، راه های کفر است.

عبرت از فرجام رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۴

۴- سرنوشت شوم رهبران و سردمداران کفر و ناسپاسی ، درخور تأمل و شایسته پند و درس آموزی

ألم تر إلى الذين .. أحلوا قومهم دار البوار

عجز رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۶

۶ سران کفر و شرک علی رغم به کار بردن شگرد های گوناگون تبلیغی علیه قرآن و پیامبر (ص) ، از دستیابی به اهداف خود ناتوان و ناکام بودند .

إن هذا إلا إفك .. قالوا مال هذا الرسول ... لولا أنزل إليه ملك ... إلا رج

مقصود از ناتوانی در یافتن راه، می تواند ناتوانی از دستیابی به راه موفق و مؤثر برای پیگیری اهدافشان باشد؛ یعنی،
<فلا يستطيعون سبيلاً إلى إبطال أمرك..>.

عذاب اخروی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۵

۵ - مردم ، گرچه نباید بر ایمان مجبور شوند؛ ولی بر اعراض و کفر مؤاخذه شده و در آخرت عذاب خواهند دید .

لست عليهم بمصيطن . إلا من تولّى و کفر

حرف <إلا> در یک احتمال برای استثنای منقطع است. در نتیجه مفاد این آیه و آیه بعد، این است که: <تو بر هیچ کس سیطره نداری؛ لکن اعراض کنندگان کافر در آخرت به عذاب خداوند گرفتار خواهند شد.>.

رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۱۰

۱۰ - سران کفر و شرک ، مستحق چشیدن عذاب الهی استیصال اند .

بل لَمَا يذوقوا عذاب

عذاب رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ کافران و مشرکان پیرو، همانند رهبرانشان، دارای عذابی مضاعف از آتش دوزخ

قال لكل ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۲

۲ - مرفهان خوشگذران و جلوداران کفر ، نخستین چشندگان شعله های عذاب الهی

حتى إذا أخذنا مترفيهم بالعذاب إذا هم يجثرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۵

۵- مراتب شدید و هلاکت بار عذاب دوزخ ، متوجه گناه پیشگان مغرور و پیشوایان کفر و نه همه گناه کاران *

طعام الأثيم كالمهل ... ثم صبوا فوق رأسه ... ذق إنك أنت العزيز الكريم

از مبالغه نهفته در <الأثيم> و نیز وصف <العزيز الكريم>، این احتمال شکل می گیرد که عذاب های شدید مطرح شده در این آیات، برای هر گناه کاری نیست؛ بلکه مخصوص دارندگان اوصاف یاد شده است.

عذر بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۷

۷ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً ولعباً .. و

لقد جننهم بكتب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوری به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

علايم كفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۳

۳ بخل و ریاکاری، نشانه کفر به خدا و قیامت است.

الذین یبخلون... و ماذا علیهم لو امنوا باللّٰه و الیوم الآخر و انفقوا

ضمیر در <علیهم> به <الذین یبخلون> برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۲، ۲۳

۲۲ تحریفگری، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر (ص)، نمودی از کفر آنان

من الذین هادوا یحرّفون... سمعنا و عصینا... لعنهم اللّٰه بکفرهم

۲۳ تحریفگری، استهزا و طعن به اسلام و پیامبر (ص)، نمودی از کفر

یحرّفون الکلم... لعنهم اللّٰه بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۱۳، ۱۰، ۹

۹ مراجعه به غیر پیامبر (ص) برای حلّ اختلافات، نشانه بی ایمانی است.

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّٰی یحکموک فیما شجر بینهم

۱۰ ناخشنودی از حکم پیامبر (ص) در مشاجرات، نشانه بی ایمانی است.

ثم لا يجدوا في انفسهم حرجاً مما قضيت

<حرج> به معنای ضيق و تنگی، و حرج در نفس

به معنای دلتنگی و ناخشنودی است.

۱۳ تسلیم نبودن در برابر احکام قضایی پیامبر (ص)، نشانه بی ایمانی است.

فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك .. و يسلموا تسليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۴

۴ نبرد در رکاب طاغوت ها، نشانه کفر

و الذين كفروا يقاتلون في سبيل الطاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۶

۶ بریدن از جامعه ایمانی و سر باز زدن از هجرت، نشانه نفاق و بی ایمانی است.

فلا تتخذوا منهم اولياء حتى يهاجروا في سبيل الله

علم به کفر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۹ - ۱

۱ - آگاهی کامل خداوند، از ایمان یا کفر انسان ها

و انا لنعلم ان منكم مكدبين

عوامل اجتناب از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۳ - ۷

۷ - صبر و نماز دو عامل کارساز برای ایجاد روحیه سپاسگزاری به درگاه خدا و دوری از کفرورزی به او *

و اشكروا لى و لاتكفرون. يأیها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - توجه به حتمیت کیفر اخروی و بی ثمری ندامت در قیامت ، عامل پرهیز از کفر و گناه است .

و لو ترى إذ المجرمون .. لأملأن جهنم من الجنه و الناس

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۰ - ۱

۱ - توجه به آیات الهی ، عامل گریز انسان از شرک و کفر و شتاب به سوی خداوند

فَفَرُّوا إِلَى اللَّهِ

در آیات پیشین سخن از نشانه های خداوند بود و <فاء> در <ففرّوا> می رساند که نتیجه توجه به نشانه های الهی حرکت پر شتاب به سوی خداوند، برای گریز از مهلکه کفر و شرک است.

عوامل ازدیاد کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۲

۲ جا به جا کردن ماه های حرام ، مایه فزونی درجه کفر کفرمداران

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ

عوامل تقویت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۴

۴ - کوتاهی در ابلاغ رسالت الهی و عقب نشینی از آرمان های دینی ، موجب تقویت جبهه کفر و نوعی پشتیبانی از مواضع کفرپیشگان است .

فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ . وَلَا يَصِدَّنَكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ

توصیه خداوند به دست برداشتن از ابلاغ آیات الهی، پس از هشدار از هرگونه پشتیبانی از کافران، می تواند به این حقیقت اشاره داشته باشد که ترک ابلاغ رسالت الهی، نوعی تقویت و پشتیبانی از آنان به شمار می رود.

عوامل ذلت اخروی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- ذلت و خواری اشراف و سران کفر در آخرت ، نتیجه برتری جویی ناروای آنان در دنیا

ذق إنَّك أنت العزيز الكريم

مخاطب قرار گرفتن این گروه از دوزخیان به وسیله وصف <العزيز الكريم>، می نمایاند که

مجازات آنان، پیامد روحیه تکبرمنشانه و برتری جویانه ایشان است. در حقیقت آنان، آثار رفتار شوم خویش در دنیا را می بینند.

عوامل شکست کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۲

۱۲ تأثیر عمیق جنگ بدر در تحکیم پایه های توحید و آیین اسلام و شکست شرک و کفر

و یرید الله أن يحق الحق بكلمته و يقطع دابر الكفرین

عوامل کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ - سرپیچی از فرمان خدا، از روی استکبار و خود بزرگ بینی، موجب کفر است.

أبی و استکبر و کان من الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۳۹

۳۹ گسترش کفر، هدف کج اندیشان از تمسک به آیات متشابه و دنبال کردن آن

فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة

امام صادق(ع): المراد بالفتنة هاهنا الكفر.

مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۰۰؛ نورالتقلین، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۱۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱

۱ آنان که از تسلیم در برابر خدا روی گردانند ، کافرند .

و ان تولّوا .. انّ الذّین یکفرون بایات اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۰ - ۲

۲ پیروی از علما و رهبران اهل کتاب ، موجب بازگشت از ایمان به سوی کفر (ارتداد)

یا ایها الذّین امنوا

ان تطيعوا فريقاً من الذين اوتوا الكتاب يردّوكم

از آیه قبل (و انتم شهداء)، معلوم می شود که این طایفه، عالمان و دانایان اهل کتاب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۷

۷ تفرقه و اختلاف در میان جامعه ایمانی پس از اتمام حجّت ، موجب کفر و ارتداد

و لا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا .. اکفرتم بعد ایمانکم

گویا ارتداد (اکفرتم ..)، نتیجه تفرقه و اختلاف است که در آیه قبل از آن نهی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۷، ۱۸

۱۷ عصیان اهل کتاب (یهود) و تجاوز مداومشان ، باعث کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران

ذلک بانّهم کانوا یکفرون بآیت اللّٰه .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک بما عصوا>، کفر به آیات الهی و کشتن پیامبران باشد.

۱۸ گناه ، عصیان ، تعدّی و تجاوز مداوم ، موجب کفر به آیات الهی

بانّهم کانوا یکفرون بآیت اللّٰه و یقتلون الانبیاء بغير حقّ ذلک بما عصوا و کانوا

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا>، کفر به آیات الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ کسانی که به جهت ترک احسان نعمت های الهی را پنهان می سازند ، کافر هستند .

الذین یبخلون .. ما اتیهم اللّٰه ... و اعتدنا للکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ حسادت ، خطری برای ایمان و اعتقاد و عاملی برای گرایش به شرک و کفر

يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ .. ام يحسدون النَّاسِ على ما اتيهم الله من فضله

<ام يحسدون>، چنانچه گذشت، بیان علت مسائلی است که در آیه ۵۱ مطرح شد که از جمله آنها، گرایش و ایمان برخی از یهودیان به کفر و شرک است. یعنی حسادت باعث شد تا به <جبت> و <طاغوت> ایمان بیاورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۸ - ۷

۷ اعمال ناروای منافقان ، عامل برگشت آنان به کفر و ضلالت

و الله اركسهم بما كسبوا

با توجه به جمله <بما كفروا> در آیه بعد، از مصادیق <ارکاس> (وارونه شدن)، گرایش آنان به کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۳،۴،۵

۳ هشدار خداوند به مسلمانان در مورد تلاش منافقان برای گسترش کفر

وَدَّوَالُو تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سِوَاءَ

۴ ممنوعیت دوستی با منافقان تلاش کننده برای گسترش کفر

وَدَّوَالُو تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سِوَاءَ فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ اَوْلِيَاءَ

۵ ممنوعیت پذیرش ولایت و سرپرستی منافقان گسترش دهنده آیین کفر *

وَدَّوَالُو تَكْفُرُونَ .. فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ اَوْلِيَاءَ

در برداشت فوق، <ولئى> به معنی سرپرست گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۳ بازیچه قرار دادن دین، کفر است و بازیچه قراردهندگان آن کافرند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا .. بما کانوا یکفرون

۲۵ کسانی که بازی و سرگرمی دنیا را دین خود

قرار داده اند، کافرند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعباً و لهواً .. بما كانوا یکفرون

بنابراین که <اتخذوا دینهم لعباً>، به معنای <اتخذوا اللعب دیناً> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۳

۳ تکبر و خودبزرگ بینی، موجب کفر به پیامبران و پیام های آنان

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

آوردن اسم ظاهر <الذین> به جای ضمیر و نگفتن <قالوا إنا .. > و توصیف آن اسم ظاهر به <استکبروا> برای اشاره به علت کفرورزی کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۱۴

۱۴ مال و اولاد فراوان منافقان، موجب گرایش آنان به کفر در هنگام مرگ

و تزهق أنفسهم و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۲

۱۲ جهل و ناآگاهی، عامل اصلی کفر و نفاق

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً و أجدر ألا یعلموا

برداشت فوق با استفاده از ارتباط بین <أجدر ألا یعلموا> و <أشد کفراً و نفاقاً> به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۱۳

۱۳ از امام صادق (ع) [در باره بنی آدم] روایت شده که فرمود: > . . . فمنهم من أقرّ بلسانه في الذر و لم يؤمن بقلبه فقال
الله : > فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل < ;

.. برخی از آنان در عالم ذر به زبان اقرار کردند، ولی ایمان

قلبی نداشتند. این است که خداوند فرمود: ایمان نمی آوردند به آنچه که قبلاً تکذیب کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۹

۹- ستم پیشگی ، عامل اصلی دوری از حق ، گرایش به کفر و بدبختی در جهان آخرت است .

یویلنا قد کنا فی غفله من هذا بل کنا ظلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <بل> در <بل کنا..> اضراب ابطالی باشد؛ یعنی، حقیقت این نیست که در آغاز گفتیم که ما در غفلت به سر می بردیم؛ بلکه حقیقت این است که ما از ظالمان و ستم پیشگان بودیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۳۵

۳۵ - گناه ، موجب کفر و بیرون آمدن از زمره مؤمنان نیست .

توبوا إلى الله جميعاً أئنه المؤمنون

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که خداوند، مؤمنان گناه کار را با عنوان <مؤمنان> خطاب کرده است و این می رساند که انسان به صرف گناه کردن، کافر نشده و از صف مؤمنان بیرون نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی دارای مراتب ، گونه ها و عوامل مختلف

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الصَّمِّ . . . و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

از این که در این آیه و در آیه قبل، سه تعبیر مختلف درباره کافران به کار رفته است (۱) مرده، ۲ ناشنوی روی برتافته، ۳ نابینای گمراه)، احتمال می رود که هر یک اشاره

به مرتبه و گونه ای از کفر و تعریضی به عوامل متفاوت آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۷

۷ - کفر برخاسته از خود برترینی و بزرگ منشی ، عامل اصلی عذاب الهی

من قبل أن یأتیکم العذاب .. قد جاء تک ءایتی فکذبت بها و استکبرت و کنت من الکف

از آن جایی که آیه شریفه درصدد بیان احتجاج خداوند با عذاب شدگان می باشد، در واقع بیانگر دلیل ابتلای آنان به عذاب الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۶

۶ - تکبر ، ریشه اصلی کفر و دروغ بستن بر خداوند

و کنت من الکفرین .. الذین کذبوا علی الله ... ألیس فی جهنم مثوی للمتکبرین

توصیف شدن کافران و دروغ زندگان بر خدا به متکبر، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۶

۶ - کفر به خدا و انکار رستاخیز در عین شناخت آیات الهی برخاسته از تکبر و غرور است .

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربکم .. فبئس مثوی المتکبرین

توصیف شدن کافران و منکران قیامت به متکبر، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۸

۸ - شرک ، در بردارنده کفر و مستلزم انکار ربوبیت یگانه خداوند

وويل للمشركين . . . قل أئنكم لتكفرون ... و تجعلون له أندادًا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۱ - ۵

۵- استکبار و جرم پیشگی ، مهم ترین عامل گرایش کافران به کفر و انکار آیات الهی

ءایتی تتلی علیکم فاستکبرتم و کنتم قومًا مجرمین

با توجه به این که خداوند، درباره کافران تنها به دو ویژگی (استکبار و جرم پیشگی) تصریح کرده است؛ اساسی بودن عوامل یاد شده در گرایش کافران به کفر استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۷

۷- بینش طبقاتی ، عامل کفر و حق ناپذیری

و قال الذین کفروا .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

از آیه شریفه استفاده می شود که کافران، به نوعی روحیه استکباری ناشی از اشرافیت گرفتار بودند و مؤمنان را از طبقه حقیر و پایین به شمار می آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۸

۸- کفر در برابر پیام انبیا ، ناشی از جهالتورزی است .

قالوا أجبئنا لتأفکنا عن ءالہتنا .. و لکنی أریکم قومًا تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۱۱

۱۱ - مخالفت با اسلام و قرآن ، کفر است .

یریدون .. و اللہ متم نورہ و لو کرہ الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- روح لجاج ، استكبار و حق گريزي ، عامل كفر و تكذيب دين از سوى كافران در صدراسلام

و لقد كذب الذين من قبلهم .. بل لجوا في عتو

و نفور

۵- روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، از موجبات کفر و تکذیب دین

و لقد کذب الذین من قبلهم .. بل لجوا فی عتو و نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۵

۵- خوی استکبار و برتری طلبی ، عاملی مهم در کفر و دین گریزی

ثم ادبر و استکبر

عوامل کفر ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- ابلیس به خاطر خود بزرگ بینی و سرپیچی از فرمان خدا ، از زمره کافران شد .

أبی و استکبر و کان من الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۴ - ۷

۷- ابلیس ، بر اثر تمرد از فرمان سجده بر آدم ، در زمره کافران قرار گرفت .

إلا ابلیس استکبر و کان من الکفرین

عوامل کفر اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۷

۷ انحصار پیروان نوح به قشر مستضعف و تهی دست ، بهانه و دستاویز اشراف برای ایمان نیاوردن به او و انکار رسالت های

فقال المأثم .. ما نريك اتبعك إلا الذين هم أراذلنا بادي الرأي

عوامل کفر به آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۶،۷

۶ - فسق و انحراف ، مایه انکار آیات خدا و از دست دادن زمینه های ایمان است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

۷ - فسق و

انحراف یهودیان ، موجب کفرشان به قرآن و آیات الهی است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

مصدق روشن برای <الفاسقون> - به قرینه آیات قبل و بعد - یهودیان هستند. آیات پیشین برخی از بهانه های یهود را برای اعراض از ایمان یادآور شده و آیه مورد بحث بیان می دارد که ریشه اصلی اعراض یهود از ایمان انحراف و فسق پیشگی آنان است.

عوامل کفر به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۲

۲ - کفرورزی به قرآن و تورات ، علی رغم عدم وجود کتابی هدایت بخش تر از آنها ، نشان از حق ستیزی و پیروی از هوای نفس دارد .

قل فأتوا بکتاب .. أهدى منهما... فاعلم أنما يتبعون أهواءهم

عوامل کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۷

۷ - فسق و انحراف یهودیان ، موجب کفرشان به قرآن و آیات الهی است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

مصدق روشن برای <الفاسقون> - به قرینه آیات قبل و بعد - یهودیان هستند. آیات پیشین برخی از بهانه های یهود را برای اعراض از ایمان یادآور شده و آیه مورد بحث بیان می دارد که ریشه اصلی اعراض یهود از ایمان انحراف و فسق پیشگی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۲

۲ - کفرورزی به قرآن و تورات ، علی رغم عدم وجود کتابی هدایت بخش تر از آنها ، نشان از حق ستیزی و پیروی از هوای

نفس دارد .

قل فأتوا بكتب . . . أهدى منهما... فاعلم أنما يتبعون أهواءهم

عوامل کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۰ - ۱

۱ - علاقه و دلبستگی به دنیا ، از علت های کفر به قیامت و پرسش های انکارآمیز کافران درباره معاد

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیمه ... کلاً بل تجبّون العاجله

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه مرتبط با آیه ۵ و ۶ همین سوره (بل یرید الإنسان لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیامه) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۶ - ۶

۶ - پوچ انگاری خلقت انسان و بی هدف دانستن زندگی او ، تأثیرگذار در انکار کردن معاد و ایمان نیاوردن به روز قیامت

أیحسب الإنسان أن یترک سدی

آیه شریفه در سلسله آیات مربوط به تکذیب معاد از سوی کافران قرار دارد. از این رو می تواند درصدد بیان علل تکذیب روز قیامت باشد؛ هم چنان که می تواند بیانگر نشانه های تحقّق چنین روزی باشد.

عوامل کفر جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۹

۹ - تأثیر کلیدی رهبران سیاسی و نظام اجتماعی ، در ایمان یا کفر و صلاح یا فساد جامعه

كما أرسلنا إلى فرعون رسولا

عوامل کفر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۷

۷ کبرورزی و خودبزرگ بینی فرعونیان ، ریشه کفرورزی آنان به آیات الهی و رسالت

فأرسلنا عليهم .. فاستكبروا

استکبار به معنای خود بزرگ بینی است و چون <استکبروا> با حرف <فا> بر ارسال آیات تفریع شده، لازمه معنای آن (انکار کردن و نپذیرفتن) اراده شده است. به کارگیری استکبار به جای انکار و نپذیرفتن، برای رساندن علت انکار است؛ یعنی انکار فرعونیان از سر خود بزرگ بینی و تکبر بود.

عوامل کفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - کفر و استکبار قوم عاد ، نتیجه غفلت آنان از قدرت برتر الهی

أولم يروا أن الله الذي خلقهم هو أشد منهم قوة

عوامل کفر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۸

۸ - صاحبان زر و زور ، عامل اصلی گمراهی و کفر قوم نوح بودند .

و اتبعوا من لم يزدده ماله و ولده إلا خسارًا

عوامل کفر مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۶

۶ - مستضعفان در قیامت ، انتخاب کفر و بی دینی را تحمیلی از سوی مستکبران معرفی خواهند کرد .

إذ تأمرونا أن نكفر بالله و نجعل له أندادًا

کاربرد فعل <تأمرونا> (از ماده <أمر> و به معنای فرمان و دستور) دلالت می کند که مستکبران به صورت دستور آمرانه،

مستضعفان را وادار به پذیرش عقیده ای می کرده اند.

عوامل کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۴

۱۴ - قوم گرایی و نژاد پرستی یهود ، از عوامل کفر ورزی

آنان به قرآن

قالوا نؤمن بما أنزل علينا و يكفرون بما وراءه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۷

۷ - فسق و انحراف یهودیان ، موجب کفرشان به قرآن و آیات الهی است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

مصدق روشن برای <الفسقون> - به قرینه آیات قبل و بعد - یهودیان هستند. آیات پیشین برخی از بهانه های یهود را برای اعراض از ایمان یادآور شده و آیه مورد بحث بیان می دارد که ریشه اصلی اعراض یهود از ایمان انحراف و فسق پیشگی آنان است.

عوامل گرایش به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۳

۱۳- توجه به فرجام مؤمنان و کافران ، نقشی تعیین کننده در گرایش انسان به ایمان یا کفر دارد .

فمن شاء فليؤمن و من شاء فليکفر إنا أعتدنا للظلمين نارًا

عوامل گمراهی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهی گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إن هذا إلا إفكٌ... و قالوا مال هذا الرسول... إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

<فاء> در <فضلوا> برای سببیت و در <فلايستطيعون> تفسیریه است؛ یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

عوامل مصونیت از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ -

۳- لزوم استمداد از خداوند و پناه جستن به او ، برای مصون ماندن از کفر و گناه

ففرّوا إلى الله

فرجام اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۳

۱۳- سرانجام تداوم کفر و غوطه‌پوری در لذت های دنیا ، پشیمانی است .

ربما يوّد الذين كفروا لو كانوا مسلمين. ذرهم يأكلوا ... فسوف يعلمون

فرجام رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۲

۲ - یاوران خط کفر ، دارای سرنوشتی مشترک با پیشوایان کافر خویش

فأخذنه و جنوده

فرجام شوم رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۵

۵- طرد شدن از لطف و رحمت حق ، فرجام شوم فرعونیان و پیشوایان کفر در روز رستاخیز

و جعلنهم أئمه يدعون إلى النار . . . و يوم القيمة هم من المقبوحين

فرجام شوم کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - کفر به خداوند و روی گردانی از عبادت او ، ظلمی بدفرجام

لیعبدون .. فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا ... فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمْ

برداشت بالا از آن جا است که در این آیه و آیه قبل، کفر و ظلم هم سنخ شناخته شده و در قبال <لیعبدون> مطرح گشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۷

۷ - کفرورزی ، دارای فرجامی سخت و هلاکت بار

فَذَرِهِمْ حَتَّىٰ يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي

فیه يصعقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۵

۵- برخی از کافران ، مصرّ بر کفر خویش ، به رگم آگاهی کامل از نتایج شوم آن

و لکنّ اکثرهم لایعلمون

مفهوم <اکثرهم> این است که اقلیتی آگاه و معاند وجود دارند که به رگم آگاهی داشتن، گام در مسیر کفر می نهند.

فرجام کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵- حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱

۱- هشدار خداوند به منکران قرآن ، نسبت به عواقب کفرورزی آنان

قل أرأیتم إن کان من عند اللّٰه و کفرتم به

تعبیر <أرأیتم ..>، دربردارنده معنای هشدار و تذکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۴

۴- کفر و عواقب شوم آن ، دارای پیشینه و نماد های بسیار در گذشته تاریخ

فیظنّوا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۸ - ۲

۲ - کفر و حق ستیزی ، منتهی به تناقض در گفتار و اندیشه *

إِنكُم لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلَفٍ

مخاطب <إِنكُم>، کافران هستند. از آن جایی که برای آنان وصفی آورده نشده، استفاده می شود که نفس کفر آنان، منتهی به اختلاف در گفتار و پندار آنها شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار

۱ - کسانی که خود را از فرجام کفر و کیفر گناه در امان می پندارند ، دستاویزی برای توجیه کفر و گناه خود ندارند .

ما غرّك .. كلاً

حرف <كلاً> مخاطب را از چیزی منع می کند که در جملات پیشین مطرح بوده است. از آن جایی که آیات قبل، توجیحات و بهانه های نادرست کافران و گنه کاران را پوچ قلمداد کرده است، حرف <كلاً> در این آیه آنان را از دلگرمی به آن دستاویزها باز می دارد.

فطرت تبری از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۲۰

۲۰ - بیزاری از کفر ، فسق و عصیان ، دارای ریشه در سرشت انسان *

و كَرّه إلیكم الكفر و الفسوق و العصیان

برداشت بالا بدان احتمال است که انتساب <كَرّه> به خداوند، بیانگر جریان تکوینی باشد؛ یعنی، خداوند وجود انسان را با همه تمایلات و گرایش ها به گونه ای آفریده است که به طور طبیعی از کفر و .. متنفر است.

فطرت نفرت از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۲۰

۲۰ - بیزاری از کفر ، فسق و عصیان ، دارای ریشه در سرشت انسان *

و كَرّه إلیكم الكفر و الفسوق و العصیان

برداشت بالا بدان احتمال است که انتساب <كَرّه> به خداوند، بیانگر جریان تکوینی باشد؛ یعنی، خداوند وجود انسان را با همه تمایلات و گرایش ها به گونه ای آفریده است که به طور طبیعی از کفر و .. متنفر است.

فلسفه کفر به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ - رسیدن به منافع دنیوی ، از عوامل گرایش به کفر و انکار قرآن

و لاتشتروا بأیتی ثمناً قليلاً

قرآن و ازدیاد کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن كثيراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغياناً و کفراً

قساوت قلب اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۱

۱ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، به گونه ای بودند که انذار و اخطارِ پیامبر (ص) در آنان کارساز نبوده و ایمان نمی آوردند .

لقد حقّ القول علی أكثرهم .. و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

کفر آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۳

۳ آل فرعون از مظاهر بارز کافران به آیات الهی

كدأب ءال فرعون .. كفروا بايت الله

كفر ابليس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢ - ٣٤ - ١٩، ١٨، ١٣

١٣ - وجود كافرانی غير از ابليس ، در زمان تـمـردش از فرمان خدا *

و كان من الكافرين

١٨ موسى بن بكر واسطی گفت : > سألت أبا الحسن موسى (ع) عن الكفر و الشرك أيهما أقدم . . . فقال لي

: الكفر أقدم و هو الجحود قال لابلِس > أبي و استكبر و كان من الكافرين < ;

از امام کاظم (ع) سؤال کردم: کفر قدیمی تر است یا شرک؟ امام فرمود: کفر قدیمی تر است و آن به معنای انکار است. خداوند درباره ابلیس فرمود: نافرمانی و تکبر کرد و از کافران بود.<

۱۹ از امام سجاد (ع) روایت شده: > ... فأول ما عصى الله بالكبر و هي معصية إبليس حين أبى و استكبر و كان من الكافرين ... ;

.. اولین سبب نافرمانی از خدا کبر بوده و این نافرمانی ابلیس بود به هنگامی که تکبر و نافرمانی کرد و از کافران گشت ...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۶

۲۶- > عن أبي عبدالله (ع) : ... و الوجه الخامس من الكفر : كفر البرائه ... و قال : يذكر إبليس و تبرئته من أوليائه من الإنس يوم القيامة : > إني كفرت بما أشركتمون من قبل < ... ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: .. قسم پنجم از کفر [به معنای] بیزاری جستن است ... و خداوند [داستان] ابلیس و بیزاری جستن او در قیامت ، از انسانهای پیروش را یادآور می شود [و سخن شیطان را بیان کرده] می فرماید: >إني كفرت بما أشركتمون من قبل < ...<

کفر ابولهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۵

۵ - گرایش نیافتن ابولهب به اسلام تا آخر

عمر ، از پیشگویی های قرآن

سیصلی ناراً ذات لهب

کفر احزاب صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۲

۲ - احزاب متحد محاصره کننده مسلمانان در مدینه ، همگی ، کافر بودند .

و ردّ الله الذین کفروا

طبق آنچه در آغاز سوره آمد، احزاب گرد آمده برای جنگ با مسلمانان مدینه، از مشرکان و منافقان و یهودیان بودند، ولی خداوند از همه آنان، به <الذین کفروا> تعبیر کرده است و این، حکایت از کفر همگی آنان می کند.

کفر استهزاگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۶

۶ استهزا کنندگان آیات الهی ، کافرند .

إذا سمعتم ءایة الله یکفر بها و یتستها بها

ظاهراً جمله <یتستها بها> توضیح و تفسیر برای جمله <یکفر بها> است، بازگشت ضمیر مفرد در <غیره> به این دو جمله، دلالت بر وحدت کفر و استهزا دارد.

کفر اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ طبقه سران و اشراف ملتها ، پشتاز در کفر و انکار پیامبران الهی هستند .

فقال الملأ الذین کفروا

کفر اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۹

۹ فرعون و اطرافیان‌ش ، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در < لکما > ; در کلمه < مؤمنین > معنای تسلیم تضمین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۳

۳ فرعون و اشراف پیرامون او ، مردمانی کافر بودند .

علی خوف من فرعون و ملائیمهم .. و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

کفر اشراف قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱

۱ مجرمان سردمدار مکه از ایمان به رسالت پیامبر(ص) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

أكبر مجرمیها .. قالوا لن نؤمن

کفر اشراف قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۴

۴ - کفر ورزی و انکار معاد ، دو مشخصه عمده اشراف جامعه پس از نوح

وقال الملائم من قومه الذین کفروا و کذبوا بلقاء الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۷ - ۲

۲ - انکار صریح معاد ، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

إن هی إلا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما نحن بمبعوثین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۸ - ۲

۲ - اعلام صریح ایمان نداشتن به فرستاده الهی برای مردم ، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

و ما نحن له بمؤمنین

کفر اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۴

۴ - کفر ورزی و انکار معاد ، دو مشخصه عمده اشراف جامعه پس از نوح

و قال الملائم من قومه الذین کفروا و کذبوا بلقاء الأخره

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۷ - ۲

۲ - انکار صریح معاد ، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

إن هی إلاّ حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما نحن بمبعوثین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۸ - ۲

۲ - اعلام صریح ایمان نداشتن به فرستاده الهی برای مردم ، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

و ما نحن له بمؤمنین

کفر اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱

۱ اشراف و سران قوم نوح ، پیامبری آن حضرت را انکار کرده و به توحید و برپایی قیامت کافر شدند .

فقال الملأ الذین کفروا من قومه

متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل توحید ، نبوت نوح و برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۳

۳ - کفرورزی و حق ناپذیری ، بارزترین مشخصه اشراف قوم نوح

فقال الملأ الذین کفروا

کفر اشراف مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ گروهی از اشراف و بزرگان مدین رسالت شعیب را انکار کردند و گروهی از آنان به وی ایمان آوردند .

و قال المأذونون كفروا من قومه

در برداشت فوق <الذین .. > قید احترازی گرفته شده است؛ یعنی <مأذون> دو گروه بودند: گروهی کافر و گروهی مؤمن.

کفر اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ مجرمان سردمدار مکه از ایمان به رسالت پیامبر(ص) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

أكبر مجرميها .. قالوا لن نؤمن

کفر اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۲ - ۲

۲ - اصحاب الشمال ، متشکل از انسان های کافر و تکذیب گر

و أمّا إن كان من المکذّبين

کفر اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۳

۱۳- اقوام کافر پس از ملاحظه دلایل روشن انبیا ، آنها را استهزا کردند و کفر خویش را صریحاً به آنان اعلام داشتند .

جاءتهم رسلهم بالبينت فردوا أيدیهم فی أفوههم و قالوا إنا کفرنا بما أرسلتم به

مرجع ضمیر در <أیدیهیم فی أفوههم> اقوام یاد شده در آیه است و این عبارت، معنای کنایی دارد و مراد از آن، این است که اقوام کافر با دست گذاشتن بر دهان خود و یا با سوت زدن، به استهزای انبیای خود پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۴

۴- اقوام هدایت ناپذیر پیشین ، علی رغم دریافت آیات الهی به آنان ، ایمان نیاوردند .

لا یؤمنون به و قد خلت سنه الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، اقوام تکذیب گر و کفرپیشه تاریخ را که از سر لجاجت و عمد بر کفر و تکذیب خود پافشردند با عذاب استیصال نابود کرد .

فقد کذب

الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبینت . . ثم أخذت الذین كفروا

<تنکیر> به معنای انکار (تغییر) است (لسان العرب) و مقصود از آن در آیه شریفه، تغیر نعمت به نعمت و حیات به مرگ می باشد؛ که مجازات کفرپیشگی است.

کفر اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۱

۲۱ بیشتر مردم به قرآن ایمان نمی آورند .

و لکن اکثر الناس لا یؤمنون

برداشت فوق ، مبنی بر این است که <ال> در <الناس> برای استغراق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۹

۹ - بسیاری از مردم ، منکر معاد و لقاءالله اند .

و إن کثیراً من الناس بلقائ ربهم لکفرون

کفر اکثریت اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۴

۴ - بیشتر مردم <ایکه> ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما کان اکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم> در <اکثرهم> به <اصحاب الأیکه> برمی گردد.

کفر اکثریت اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۱

۲۱ بسیاری از اهل کتاب مردمانی کفرپیشه و دارای سرنوشتی شوم

ياهل الكتب لستم على شيء... فلاتأس على القوم الكافرين

کفر اکثریت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۴

۴ - اکثریت فرعونیان (قبطیان) ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما كان أكثرهم مؤمنين

کفر اکثریت قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۴

۴ - بیشتر قوم لوط ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان اکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم> در <اکثرهم> به قوم لوط بازمی گردد.

کفر اکثریت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۴

۴ - بیشتر افراد قوم نوح ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان اکثرهم مؤمنین

کفر اکثریت مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۳

۲۳ اکثر مردم عصر بعثت ، از ایمان آوردن به قرآن امتناع میورزیدند .

و لکن اکثر الناس لایؤمنون

برداشت فوق ، براین اساس است که <ال> در <الناس> عهد حضوری و اشاره به مردمی باشد که در زمان نزول آیات

سوره هود ، زندگی می کردند.

کفر اکثریت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۲

۱۲ - رسوخ روحیه کفرورزی و حق ناپذیری در بیشتر شرک پیشگان صدراسلام

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

گرچه ضمیر <هم> در <أكثرهم> به عادیان بازمی گردد؛ اما در عین حال به شرک پیشگان صدراسلام نیز اشاره ای دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۱۰

۱۰ - رسوخ روحیه کفرورزی و پندناپذیری ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

گرچه ضمیر <هم> در <أكثرهم> به تمودیان بازمی گردد؛ اما در عین حال تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۷

۷- رسوخ روحیه کفرورزی و حق ستیزی ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

گرچه ضمیر <هم> در <أكثرهم> به قوم لوط بازمی گردد؛ اما در عین حال اشاره به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۸

۸- رسوخ روحیه کفر و حق ستیزی ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

و مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

گرچه ضمیر <هم> در <أكثرهم> به مردم ایکه بازمی گردد؛ اما در عین حال تعریض به مشرکان صدر اسلام نیز دارد.

کفر اکثریت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱۱، ۱۰، ۷۸

۷- اکثریت یهود ، حتی به پیامبران و کتاب های آسمانی خویش ایمان ندارند .

بل اکثرهم لایؤمنون

متعلق ایمان - به قرینه آیات گذشته - پیامبران و کتابهای آسمانی است. <بل> در جمله فوق برای ترقی است؛ یعنی، و بالاتر از پیمان شکنی این است که اکثر آنها اهل ایمان نیستند.

۸- رواج عهدشکنی در میان یهود ، نشانه فقدان ایمان در اکثریت آنان است .

أو كلما عهدوا عهداً نبذه فريق منهم بل اكثرهم لایؤمنون

۱۰- اکثر یهودیانی که به عهد های الهی وفا نکردند ، به آن عهد و پیمان ها ، ایمان و اعتقاد نداشتند .

كلما عهدوا عهداً نبذه فريق منهم بل اكثرهم لا يؤمنون

این برداشت بدان احتمال است که متعلق <یؤمنون> عهدها و پیمانها باشد؛ یعنی، اکثر عهدشکنان، آن عهد و پیمانها را به

قلب و دل خویش نپذیرفته بودند اگر چه تظاهر به پذیرش آن می کردند. گفتنی است که در برداشت فوق ضمیر در <اکثرهم> به <فریق> برگردانده شده است.

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص)، ایمان نخواهند آورد .

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لایؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

کفر اکراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۱۶

۱۶- پذیرش عذر بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط سخت و ناچاری، مشروط به نشان دادن صداقت خویش با هجرت، جهاد و مقاومت در راه خداست .

من کفر بالله .. إلا من أكره و قلبه مطمئن بالإيمان ... إن ربك للذین هاجروا

کفر اکراهی عماریاسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۴

۴- برخی از مسلمانان صدراسلام (مانند عماریاسر) به خاطر فشارهای شدید کافران علی رغم ایمان باطنی خود الفاظ کفرآمیز بر زبان جاری کردند .

من کفر بالله من بعد إيمنه إلا من أكره و قلبه مطمئن بالإيمان

طبق شأن نزولی که درباره آیه آمده است، قضیه مربوط به عماریاسر است که از شدت شکنجه، سخنان کفرآمیز بر زبان جاری کرد.

کفر امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ فرعونیان و امت های قبل از ایشان مردمی کفرپیشه و گنهکار

کدأب ءال فرعون و

الذین من قبلهم کفروا بآیت الله فأخذهم الله بذنوبهم

ضمیر در <کفروا> به <آل فرعون> و <الذین من قبلهم> برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۹

۹ خداوند به سبب کفرورزی فرعونیان و اقوام پیش از آنها، نعمت های خویش را از آنان سلب و به نعمت و عذاب تبدیل کرد.

كدأب ءال فرعون .. ذلك بأن الله لم يك مغيرا ... حتى يغيروا ما بأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۳

۳ - امت های پیشین، با وجود برهان روشن الهی، گرفتار عبادت غیر خدا شده، خود را به آن موظف می پنداشتند.

و ما أمرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ

تعبیر <و ما أمرُوا..>، تعریض به تفرقه گران است که نباید امر خدا را بهانه قرار دهند زیرا او به شرک فرمان نداده است.

کفر انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۶

۱۶ کفرورزی انسان ها و بی تقوایی آنان، خارج از خواست و اختیار خداوند نخواهد بود.

و إن تكفروا فان لله ما فی السموت و ما فی الأرض

بیان مالکیت خداوند نسبت به تمامی هستی پس از جمله <ان تکفروا>، می تواند اشاره به این معنا باشد که، کفرورزی انسانها چون خارج از هستی نیست، در اختیار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۲۰

۲۰ خداوند ، آگاه به ایمان و کفر مردمان

فامنوا خيراً

لكم و إن تكفروا .. و كان الله عليماً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- برخورداری انسان از حق انتخاب ایمان و کفر ، به معنای بی تفاوتی ایمان و کفر در فرجام اخروی او ، نیست .

فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر إنا أعتدنا للظالمين نارا

امر در <فليكفر> برای تهدید است و جمله <إنا أعتدنا..> گویای این معنا است که اختیار انسان در انتخاب ایمان یا کفر، بدان معنا نیست که او، بر انتخاب خویش، مؤاخذه و یا تشویق نخواهد شد.

کفر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۴

۴- کفر و حق ناباوری ، دارای دیرینه در گذشته تاریخ جن و انس

حقّ عليهم القول في أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

کفر اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۲ - ۸

۸- مردم انطاکیه به علت کفر به خدا و انکار معاد ، مورد انتقاد و سرزنش مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) قرار گرفتند .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی و إلیه ترجعون

بیشتر مفسران برآنند که آیه شریفه، در مقام تعریض و سرزنش مردم کافر انطاکیه می باشد و آمدن آن در قالب <و ما لی لا أعبد> به جای <و ما لكم لاتعبدون> برای تأکید بیشتر است. گفتنی است آمدن جمله <ترجعون> به صیغه مخاطب، مؤید این حقیقت است.

کفر اهل عذاب

۱- امت های محکوم به عذاب ، علی رغم بهره مندی آنان از معجزات الهی ، ایمان نیاوردند .

ماء امننت قبلهم من قریه أهلکنها

کفر اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۱

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) و مشرکان ، مردمی کفرپیشه اند .

ما یوّد الذین کفروا من اهل الکتب و لاالمشرکین

<من> در <من اهل ...> به دلیل عطف <المشرکین> بر <اهل الکتاب> بیانیه است. بنابراین <ما یود الذین کفروا ...> یعنی، آنان که کافر شدند - مقصود از کافران، اهل کتاب و مشرکانند - دوست ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۱۱

۱۱ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: < مراد از < شقاق > در آیه < فانما هم فی شقاق > کفر است . < ۱۴۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۲

۲ تمرد اهل کتاب از حاکمیت کتاب خدا ، شاهد و دلیل کفر آنان

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً .. و هم معرضون

به نظر می رسد این آیه، عهده دار بیان کفر اهل کتاب باشد که در آیه قبل، به آن تصریح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۱

۱ تهدید اهل کتاب از سوی خداوند ، به لحاظ کفرشان به آیات الهی ، قتل پیامبران و عدالتخواهان

قالوا لن تمسنا النار .. فكيف اذا جمعناهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۱

۱ کفر آگاهانه عالمان اهل کتاب به آیات خداوند (قرآن و پیامبر (ص)) و توییخ آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تکفرون بايات الله و انتم تشهدون

با توجه به آیات قبل و بعد که درباره محاجّه، کتمان و درآمیختن حق به باطل است، استفاده می شود که مقصود از اهل کتاب، عالمان آنان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۱،۲

۱ تظاهر به پذیرش اسلام و قرآن و سپس کفر به آن دو، از راه های آمیختن حق به باطل توسط اهل کتاب

یا اهل الکتاب لم تلبسون الحقّ بالباطل .. و طائفه من اهل الکتاب

به نظر می رسد جمله <و قالت طائفه .. >، پس از <لم تلبسون>، ذکر مصداقی برای تلبیس حق به باطل باشد.

۲ توصیه گروهی از اهل کتاب به دیگران مبنی بر ایمان به قرآن در اوّل روز و کفر به آن در آخر روز، به منظور بازگشت مؤمنان از اسلام

و قالت طائفه من اهل الکتاب .. لعلمهم يرجعون

بنابراینکه <وجه النهار>، متعلّق به <امنوا> و <اخره>، متعلّق به <اکفروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۱،۲

۱ پیامبر (ص)، مأمور پرسش از انگیزه های کفر اهل کتاب

قل یا اهل الکتاب لم تکفرون بايات الله

کفر اهل کتاب به آیات الهی (انکار حلیت خوردنی ها قبل از نزول تورات در آیین ابراهیم و انکار تقدّم تاریخی بنای کعبه)

کل الطعام .. قل یا اهل الکتب لم تکفرون بایات الله

مراد از <ایات الله>، مضامینی است که در آیه های قبل بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۲۰

۲۰ ایمان آوردن عدّه کمی از اهل کتاب به اسلام ، و کفر بیشتر آنان بدان

منهم المؤمنون و اکثرهم الفاسقون

بنابر اینکه منظور از ایمان، ایمان به اسلام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ کفر ، جنایت و تجاوز ، سیره دائمی اهل کتاب (یهود)

ذلک بانّهم کانوا یکفرون بئایت الله و یقتلون ... و کانوا یعتدون

فعل مضارع پس از فعل ماضی از ماده <کَوْنُ> دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۲

۲ برخی از اهل کتاب ، منکر آیات الهی ، قاتل انبیا و اهل عصیان و تعدی و برخی دیگر پذیرای طاعت خدا ، اهل تلاوت آیات الهی و سجده کننده در پیشگاه او هستند .

ذلک بانّهم کانوا یکفرون .. لیسوا سوآء من اهل الکتب ... و هم یسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۳

۲۳ ایمان نیاوردن اهل کتاب به قرآن ، زمینه گمراهی و عدم رستگاری ابدی آنان

من قبل ان نطمس وجوهاً فنرّدها

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: نظمسه‌ها عن الهدی فردّها علی ادبارها فی ضلالتها ذمّاً لها بأنّها لا تفلح ابداً.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۲۸۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۳

۳ اهل کتاب، مردمی مشرک، به خاطر کفر به قرآن

فلا یؤمنون الاّ قليلاً .. یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا بما نزلنا ... انّ ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۲

۲ تغییر موضع، با اظهار ایمان و کفر مکرر، توطئه اهل کتاب برای تضعیف عقاید مسلمانان

انّ الذین ءامنوا ثم کفروا ثم ءامنوا ثم کفروا .. و لالیهدیهم سبیلاً

در شأن نزول آیه آمده است که گروهی از اهل کتاب، در حضور مسلمانان اظهار ایمان می کردند و برای القای شبهه در بین ایشان، دوباره کافر می شدند و کفر خویش را معلول نادرستی اسلام قلمداد می کردند تا از این طریق بذر تردید و شک را در دل مسلمانان پیاوردند و بارور کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۰ - ۵

۵ اهل کتاب با انکار رسالت پیامبر (ص)، در حقیقت به خدا و تمامی پیامبران و پیامبر خویش کافرند.

انّ الذین یکفرون .. و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض ... أولئک هم الکفرون

بنا به گفته مفسران و به دلیل آیات بعد، مراد از <الذین یکفرون ..>، اهل کتاب هستند.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۵

۵ کفر و ظلم گروهی از اهل کتاب ، موجب خلود آنها در جهنم

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا... و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم خلدین فیها

با توجه به آیات قبل مصداق مورد نظر از آیه کافران اهل کتاب می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۱ - ۳

۳ پافشاری و اصرار اهل کتاب ، بر کفر خویش

و قد دخلوا بالكفر و هم قد خرجوا به

جمله <قد دخلوا بالكفر و هم قد خرجوا به> به این معناست که هیچ نقصانی در کفر آنان حاصل نشد و با همان کفر خارج شدند که با آن به پیشگاه پیامبر(ص) آمده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۱،۱۳،۱۵،۲۲

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن كثيراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغياناً و كفراً

۱۳ اهل کتاب در کفر و طغیان روز افزون به خاطر بی اعتنایی به تعالیم تورات و انجیل

و لیزیدن كثيراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغياناً و كفراً

ازدیاد کفر و طغیان اهل کتاب بر اثر نپذیرفتن قرآن، حاکی از آن است که قبل از نزول قرآن نیز آنان در کفر و طغیان بوده اند که به قرینه صدر آیه، این کفر و طغیان بر اثر مهمل گذاشتن تورات و انجیل بوده است.

۱۵ بی اعتنایی و عدم

تعهد اهل کتاب به تورات و انجیل ، موجب کفر آنان به قرآن

قل یا اهل الکتاب لستم علی شیء حتی تقيموا التوریه و الانجیل . . . طغیناً

بیان کفرورزی اهل کتاب به قرآن پس از بیان بی اعتنایی آنان به تورات و انجیل، نمایانگر این است که بی اعتنایی آنان به تورات و انجیل، زمینه ساز کفر و انکار قرآن شده است.

۲۲ کفرورزی اهل کتاب اسفبار و حزن انگیز برای پیامبر (ص)

فلاتأس علی القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۱۲، ۷، ۵

۵ کفر اهل کتاب به پیامبر(ص) و اسلام، بهانه مشرکان صدر اسلام برای گریز از ایمان

لتشهدون أن مع الله ءالهه أخرى . . . الذین ءاتینهم الکتاب یعرفونه

روی اصلی سخن در این آیه با مشرکان و علل ایمان نیاوردن آنان است. مطرح کردن اهل کتاب می تواند برای پاسخگویی به سؤالی باشد که برای مشرکان مطرح بوده و آن اینکه اگر پیامبر(ص) حق است، چرا اهل کتاب که آنان نیز دین آسمانی دارند به او ایمان نیاورده اند.

۷ اهل کتاب، مورد توبیخ خداوند به جهت کتمان حقایق پیامبر(ص) و ایمان نیاوردن به او

الذین ءاتینهم الکتاب . . . الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

۱۲ کتمان کنندگان حقایق پیامبر(ص) از اهل کتاب، ایمان نخواهند آورد.

الذین ءاتینهم الکتاب یعرفونه . . . فهم لا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۱

۱ فرمان خدا به نبرد با اهل کتاب ، به دلیل عدم ایمان آنان به خدا و آخرت و عدم پرهیزشان

از محرمات الهی و پایبند نبودن به دین حق

قتلوا الذین لا یؤمنون .. من الذین أوتوا الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینہ - ۹۸ - ۱ - ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۶، ۵، ۴

۴ - منکران اسلام چه از اهل کتاب باشند و چه مشرک کافراند .

الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

حرف <من> برای تبیین است و مصداق <الذین کفروا> را، اهل کتاب و مشرکان معرفی کرده است.

۵ - همسویی اهل کتاب ، با مشرکان در عصر بعثت ، در امتناع از پذیرش اسلام

الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

۶ - اهل کتاب و مشرکانی که اسلام را نپذیرفتند ، کسانی بودند که از پذیرش هر برهان روشنی سرباز می زدند .

لم یکن .. منفکین حتی تأتیهم البینه

در برداشت یاد شده، <منفکین> به معنای <منفکین عن الکفر> دانسته شده است. <تأتیهم البینه> به تقدیر <أن> مصدریه با <اتیان البینه> مرادف است و عبارت <حتى اتیان البینه> را می توان به معنای <حتى وقت اتیان البینه> یا <حتى باتیان البینه> دانست. در این صورت، تقدیر کلام چنین می شود: <لم یکن ... منفکین فی وقت من الأوقات حتى وقت اتیان البینه> یا <لم یکن ... منفکین بأی طریق حتى باتیان البینه>.

۱۲ - ادعای نبودن برهانی روشن بر حقانیت اسلام ، بهانه اهل کتاب و مشرکان ، در امتناع از پذیرش آن

لم یکن الذین کفروا .. منفکین حتی تأتیهم البینه

۱۳ - برخی از اهل کتاب و مشرکان ، پس از مشاهده برهان حقانیت اسلام ، با کفرورزی به آن ، راه خویش را از دیگر هم کیشان خویش جدا کردند

لم يكن الذين كفروا من أهل الكتاب و المشركين منافكين حتى تأتيهم البينه

این برداشت، بر چهار نکته استوار است: ۱. مراد از <الذین کفروا> کسانی اند که پس از ظهور اسلام، به آن کافر شدند؛ ۲. حرف <من> در <من أهل الكتاب و المشركين> برای تبعیض است؛ ۳. تعبیر <منافكين> ناظر به جدا شدن کافران، از دیگر اهل کتاب و مشرکانی است که به اسلام گرویده اند؛ ۴. آیه شریفه در مقام توییح کسانی است که به رغم پیدایش <بینه>، خود را از صف عموم گروندگان به اسلام جدا کرده اند.

۱۴ - سرپیچی کافرانِ اهل کتاب و مشرکان، از پذیرش اسلام و انشعاب از مجموعه گروندگان به آن پس از ظهور <بینه> ، رفتاری نکوهیده و شگفت

لم يكن الذين كفروا.. منافكين حتى تأتيهم البينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۴،۵

۴ - منکران اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک کافراند .

إن الذين كفروا من أهل الكتاب و المشركين

۵ - اهل کتاب و مشرکان، در صورت خودداری از پذیرش اسلام، از عبادت خالصانه خداوند محروم مانده و خود را از برکات نماز و زکات دور ساخته اند .

و ما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۰

۱۰ - اهل کتاب و مشرکان، در صورت کفر به اسلام، از لذت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود .

من أهل

الكتب و المشركين في نار جهنم .. الذين آمنوا و عملوا الصلحت ... جزا

كفر اهل كتاب به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۱

۱۱ ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبر(ص) و مخالفت آنان با حضرت، امری شبهه افکن در دلهای مردم بوده است.

و الذين ءاتينهم الكتب يعلمون انه منزل من ربك بالحق فلا تكونن من الممترين

ظاهراً آیه شریفه در مقام رفع تردیدی است که از ناحیه ایمان نیاوردن اهل کتاب در دلهای برخی ایجاد می گشت. با این بیان که آنان حقانیت قرآن را می دانند، ولی به جهت دیگری آن را انکار می کنند، پس مسلمانان نباید به سبب ایمان نیاوردن آنان به خود شک راه دهند.

كفر اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۵

۲۵ شعيب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ شعيب (ع) با توجه به کفرورزی مردم خویش ، دریغ و تأسف بر هلاکت آنان را ناروا خواند .

فکیف ءاسی علی قوم کفرین

لحن جمله <یقوم ... > حکایت از دریغ و تأسف شعيب دارد و جمله <کیف ءاسی ... > دلالت می کند که تأسف

بر هلاکت کفرپیشگان نارواست. گویا شعیب هنگامی که قومش را مشرف به هلاکت یافت بر آنان افسوس خورد و سپس کفرورزی آنان را ملاحظه کرد و آنان را مستحق این هلاکت دانست و لذا نتیجه گرفت که نباید بر هلاکت ایشان افسوس خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۹

۹ قوم شعیب ، مردمی مشرک و روی گردان از پرستش خداوند

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

کفر اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲

۲- تن دادن مکیان به صلح ، با همه کفر و عناد خویش نسبت به مؤمنان ، نمودی از اراده و تدبیر نافذ خداوند

و هو الذی کفّ ... هم الذین کفروا

علی رغم کفر و ستیز مشرکان با اسلام، به تدبیر الهی زمینه ای پدید آمد که آنان به صلح تن دادند و شرشان از سر مسلمانان دفع گردید.

کفر بادیه نشینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۳

۳ افراد بدوی و به دور از تمدن و فرهنگ ، دارای کفر و نفاقى سخت تر در مقایسه با مردم متمدن و دارای فرهنگ

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

کفر بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد کفراً و

کفر باغدار متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۱

۱- مرد مؤمن (سمبل ایمان) از بینش و منش کفرآلود ثروت مند دنیاگرا ، اظهار بی زاری کرد .

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي

کفر بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۵

۵ - بت پرستی ، کفر به خداوند است و بت پرستان از کافران اند .

لا تذر على الأرض من الكافرين دياراً

برادشت بالا، به سبب این است که از بت پرستان، به کافران یاد شده است.

کفر بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ بخلورزی و دعوت دیگران به بخل و پنهان نمودن نعمت های خدادادی ، زمینه کفرورزی

الذين يبخلون .. اعتدنا للكافرين

اطلاق کافر بر بخیل و ... یا بدین جهت است که بخیل در حقیقت کافر است، و یا هشدار به این است که سرانجام بخلورزی کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ آگاهی کامل خداوند به مؤمنان انفاق کننده ، ریاکاران و بخیلان کفرپیشه

و كان الله بهم عليماً

کفر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۹

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لا تكونوا أول کافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> بر گردد. بنابراین

جمله <ولا تكفونوا...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند؛ یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱،۵

۱ - قوم موسی از تصدیق رسالت او سرباز زدند و بر ایمان نداشتن به او تأکید ورزیدند .

و إذ قلتم يموسى لن نؤمن لك

<لن نؤمن لك> یعنی، تو را هرگز تصدیق نمی کنیم. <آمن> چه با لام آورده شود (آمن له) و چه با حرف باء <آمن به> به یک معناست. (مجمع البيان)

۵ - قوم موسی در پی کفر به او و تقاضای ناروایشان (دیدن خداوند) ، به هلاکت رسیدند .

لن نؤمن لك .. فأخذتكم الصعقه

<اخذ> (مصدر اخذت) به معنای گرفتن است و به قرینه آیه بعد کنایه از کشتن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۸، ۳۰، ۲۵

۲۵ - بنی اسرائیل ، آیات خدا را انکار کردند و به آنها کفر ورزیدند .

كانوا يكفرون بأيت الله

۳۰ - بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلك بأنهم كانوا يكفرون بأيت الله و يقتلون النبيين

۳۸ - داستان ناسپاسی بنی اسرائیل بر < من > و < سلوی > و انتخاب شهرنشینی و گرایش آنان به کفر و تجاوز ، داستانی آموزنده و شایسته به یاد آوردن است .

قلتم يموسى لن نصبر . . . و ضربت عليهم الذله ... و كانوا يعتدون

<اذ قلتم .. > مفعول برائ <أذكروا> (به ياد آوردن) مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۱۰

۱۰ - درخواست ها و پرسش های نابه جای قوم موسى از وی ، آنان را به کفر ورزی کشانید و از ایمان به دور ساخت .

و من يتبدل الكفر بالأيمن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۴، ۲۶، ۳، ۲، ۱

۱ کفر و انکار بنی اسرائیل به رسالت عیسی (ع) ، علی رغم مشاهده معجزات او

اَني قد جئتکم بايه من ربکم . . . فلما احسّ عيسى منهم الكفر

۲ یقین عیسی (ع) به ایمان نیاوردن بنی اسرائیل و اصرار آنان بر کفر

فلما احسّ عيسى منهم الكفر

با وجود اینکه کفر، امری قلبی است و قابل حسّ نیست، کلمه احساس به کار برده شده تا اشاره به شدت کفر آنان باشد. یعنی

گویا می توان کفرشان را احساس کرد؛ لذا در برداشت فوق از احساس، تعبیر به یقین شده است.

۳ کفر آشکار بنی اسرائیل به رسالت عیسی (ع)

فلما احسّ عيسى منهم الكفر

۴ عیسی (ع) با مشاهده کفر بنی اسرائیل ، در صدد اتمام حجّت و متمایز کردن جبهه حق از جبهه کفر شد .

فلما احسّ عيسى منهم الكفر قال من انصاري الى الله

۲۶ شنیدن و دیدن حضرت عیسی (ع) سخنان و اعمال کفرآمیز از بنی اسرائیل

فلما احسّ منهم الكفر

امام صادق (ع) درباره آیه فوق

فرمود: ای لما سمع و رأی انهم یكفرون.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۳؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۷۲، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲

۲ کفر و گمراهی بنی اسرائیل به علت نقض پیمان های الهی

فمن كفر بعد ذلك منكم فقد ضل... فيما نقضهم ميثقهم لعنهم

به مقتضای آیه قبل (و لقد اخذ الله... فمن كفر بعد ذلك منكم فقد ضل سواء السبيل)، نقض میثاق الهی، کفر و گمراهی است. و آیه مورد بحث، بنی اسرائیل را نقض کننده پیمان الهی معرفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۶

۶ کفر گروهی از بنی اسرائیل پیامد غلو آنان در دین

لاتغلو فی دینکم... لعن الذین کفروا من بنی اسرئیل

بیان گرایش گروهی از بنی اسرائیل به کفر پس از اشاره به غلو و گزافه گویی اهل کتاب در دین، می تواند بیانگر این باشد که کفرورزی آنان پیامد غلوشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۹

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا... تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

۱ بسیاری از بنی اسرائیل به پیامبر (ص) و قرآن ایمان نیاوردند و اعتقاد راسخی به خداوند نداشتند .

و لو كانوا يؤمنون بالله و النبي و ما أنزل إليه

برداشت فوق بنابر این احتمال است که مراد از <النبي> پیامبر اسلام(ص) باشد، در این صورت <ما انزل الیه> قرآن خواهد بود قابل ذکر است که بر این مبنا عدم ایمان نسبت به خداوند ایمان واقعی و نسبت به پیامبر و قرآن ایمان واقعی و ظاهری است. زیرا بنی اسرائیل ایمان به خداوند را اظهار می داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳۷ گروهی از بنی اسرائیل عصر عیسی (ع) ، رسالت وی را منکر و در زمره کافران بودند .

فقال الذين كفروا منهم ان هذا الا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- موسی (ع) در راستای رسالت خویش به بنی اسرائیل اعلام کرد که کفر آنان و تمامی ساکنان زمین \$ زیانی به خداوند نمی رساند .

و قال موسی إن تكفروا أنتم و من فی الأرض جميعًا فإن الله لغنی حمید

<إن> در <إن تكفروا> شرطیه است و جواب آن <لم يتضرر هو> می باشد که محذوف است و <فإن الله لغنی> تعلیل جزای شرط محذوف می باشد.

کفر بنی اسرائیل به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ملاقات خدا پیش از نزول تورات

ثم ءاتينا موسى الكتب .. لعلمهم بقاء ربهم يؤمنون

كفر بنى اسرائيل به لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۱۳

۱۳ ناباوری بنی اسرائیل به قیامت و ملاقات خدا پیش از نزول تورات

ثم ءاتينا موسى الكتب .. لعلمهم بقاء ربهم يؤمنون

كفر به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۱

۱ فرمان خدا به نبرد با اهل کتاب ، به دلیل عدم ایمان آنان به خدا و آخرت و عدم پرهیزشان از محرمات الهی و پایبند نبودن به دین حق

قتلوا الذين لا يؤمنون .. من الذين أوتوا الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۷ - ۳

۳ - بی اعتقادی مشرکان صدر اسلام ، نسبت به جهان واپسین

إن الذين لا يؤمنون بالأخرة لیسئمون الملائكة

كفر به آل ابراهيم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۴

۴ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبران آل ابراهیم و اخلاص لگري آنان در راه تحقق اهداف ایشان

فقد اتينا ال ابرهيم . . . و منهم من صدّ عنه

كفر به آيات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۵

۲۵ - بني اسرائيل ، آيات خدا را انكار كردند و به آنها كفر ورزیدند .

كانوا يكفرون بأيت الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل

۳ گمراه کردن مؤمنان ، کفر به آیات الهی است . *

وَدَّت طَائِفَهُ . . . يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بآيَاتِ اللَّهِ

به نظر می رسد مراد از جمله <لم تکفرون . . . >، تعبیر دیگر و یا بیان مصداقی از جمله <لو یضلونکم > باشد.

۵ نکوهش کفر آگاهانه به آیات الهی

لم تکفرون بآیات الله و انتم تشهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱،۳

۱ آتش سوزان جهنم ، کیفر کافران به آیات الهی

انّ الذین کفروا بآیاتنا سوف نُصلیهم ناراً

۳ اخلاص لگری در برنامه انبیا ، انکار آیات الهی و کفر به آنهاست .

و منهم من صدّ عنه . . . انّ الذین کفروا بآیاتنا سوف نُصلیهم ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۲

۲ حرمت نشست در مجالس استهزای به آیات الهی و کفر به آنها ، حکمی که قبلاً نیز در قرآن بیان شده بود .

و قد نزل علیکم فی الکتب انّ إذا سمعتم . . . و یستهزأ بها فلا تقعدوا معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۲

۲ کفر و تکذیب آیات الهی ، موجب گرفتاری به آتش برافروخته دوزخ

و الذین کفروا و کذبوا بآیاتنا أولئک اصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱

۱ توبیخ کافران به آیات الهی به جهت تدبیر نکردن در تاریخ و درس نگرفتن از سرنوشت هلاکتبار امتهای گذشته

الم

یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰ ایمان به آیات الهی بینایی و کفر به آن کوری است.

قد جاءکم بصائر من ربکم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فاعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۷

۷ کبرورزی و خودبزرگ بینی فرعونیان ، ریشه کفرورزی آنان به آیات الهی و رسالت موسی

فأرسلنا علیهم .. فاستکبروا

استکبار به معنای خود بزرگ بینی است و چون <استکبروا> با حرف <فا> بر ارسال آیات تفریع شده، لازمه معنای آن (انکار کردن و نپذیرفتن) اراده شده است. به کارگیری استکبار به جای انکار و نپذیرفتن، برای رساندن علت انکار است ؛ یعنی انکار فرعونیان از سر خود بزرگ بینی و تکبر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۳

۳ آل فرعون از مظاهر بارز کافران به آیات الهی

کذاب ءال فرعون .. کفروا بایت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ هلاکت و نابودی مشرکان مکه در کارزار بدر ، پیامد گناهان و کفرشان به آیات الهی بود .

ذلک بأن الله لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

<ذلک> علاوه بر اینکه اشاره به فرجام شوم فرعونیان و کافران پیش از آنان است، می تواند اشاره به قضایای جنگ بدر و

نابودی مشرکان مکه نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲ - کفر به آیات الهی ، پس از شنود و شهود آن ، دروغ پردازی و گناهی نابخشودنی است .

فَبَأَىٰ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَءَايَتِهِ يُؤْمِنُونَ . وَيَلْ لَكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ

برداشت یاد شده با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل و این نکته است که <أفَّاكٍ أَثِيمٍ> به کسانی اطلاق شده که آیات الهی را تصدیق نکرده و بدان کفر ورزیده اند. بر این اساس عدم ایمان به آیات روشن الهی، خود دروغ و گناهی عظیم و نابخشودنی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۱۳، ۹

۹ کفر به آیات خدا ، موجب عذاب سخت الهی بر کافران

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

۱۳ تهدید شدن اهل کتاب (یهود و نصارا) به عذاب سخت الهی ، در صورت کفر به آیات خداوند ، قرآن ، تورات و انجیل

نَزَّلَ عَلَيْكَ... إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا... لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

از شأن نزول به دست می آید که مورد آیه، اهل کتابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۶، ۳

۳ کفر به آیات الهی ، منشأ قتل انبیا و عدالتخواهان

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ... وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ... وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ

۶ همسانی گناه کفر به آیات الهی ، با قتل انبیا و مردمان عدالتخواه

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ... وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ... وَيَقْتُلُونَ

همسانی گناه، از همگون بودن کیفر، استفاده شده است.

- آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۱

۱ تهدید اهل کتاب از سوی خداوند ، به لحاظ کفرشان به آیات الهی ، قتل پیامبران و عدالتخواهان و افترایشان در دین

قالوا لن تمسنا النار . . . فكيف اذا جمعناهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۸

۸ توجه به نظارت و آگاهی خداوند بر اعمال انسان ، عامل بازدارنده از کفر به آیات خداوند

و الله شهيد على ما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۱،۱۸،۲۰

۱۱ کفر مستمر یهود به آیات الهی و کشتن ناروای پیامبران ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت عليهم الذلّة . . . و باءو بغضب من الله و ضربت عليهم المسكنه ذلك بانهم كا

۱۸ گناه ، عصیان ، تعدی و تجاوز مداوم ، موجب کفر به آیات الهی

بانهم كانوا يكفرون بآيات الله و يقتلون الانبياء بغير حق ذلك بما عصوا و كانوا

بنابر اینکه مشارالیه <ذلك> در <ذلك بما عصوا>، کفر به آیات الهی باشد.

۲۰ هشدار خداوند به پرهیز از گناه ، تجاوز و کفر به آیات الهی

ذلك بانهم كانوا يكفرون . . . ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

بیان علت ذلتها و گرفتاریهای یهود، هشدار است به تمام مرتکبین گناه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۲

۲ برخی از اهل کتاب ، منکر آیات الهی ، قاتل انبیا و اهل عصیان و تعدی و برخی

دیگر پذیرای طاعت خدا، اهل تلاوت آیات الهی و سجده کننده در پیشگاه او هستند.

ذلك بائهم كانوا يكفرون... ليسوا سواءً من اهل الكتب... و هم يسجدون

کفر به احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۳۰

۳۰ کفر به احکام الهی، موجب حبط عمل و زیان اخروی است.

و من يكفر بالايمن فقد حبط عمله و هو في الآخرة من الخسرین

منظور از <ایمان> می تواند به معنای مصدری آن (باورها) باشد و نیز می تواند معارف و مسائلی باشد که ایمان به آنها لازم است، مراد از آن معارف، به قرینه فرازهای پیشین آیه، احکام دینی است.

کفر به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۳،۷

۳ - پذیرفتن معارف اسلام، پس از آگاهی به آنها، نشانه حق ناپذیری و ستیزه جویی است.

قولوا ءامنا بالله... فإن ءامنوا... و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

۷ - ایمان نیاوردن یهود و نصارا به قرآن و معارف اسلام، از سر ستیزه جویی و دشمنی است.

و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۵

۵ کفر اهل کتاب به پیامبر(ص) و اسلام، بهانه مشرکان صدر اسلام برای گریز از ایمان

لتشهدون أن مع الله ءاللهه أخرى... الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه

روی اصلی سخن در این آیه با مشرکان و علل ایمان نیاوردن آنان است. مطرح کردن اهل کتاب می تواند

برای پاسخگویی به سؤالی باشد که برای مشرکان مطرح بوده و آن اینکه اگر پیامبر(ص) حق است، چرا اهل کتاب که آنان نیز دین آسمانی دارند به او ایمان نیاورده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۶ - ۳

۳ - کفر و نپذیرفتن عمدی آیین اسلام، نشانه جنون و بی خردی است و ایمان و هدایت، نشانه خردورزی است.

بأیّکم المفتون

برداشت یاد شده، از آن جا است که به کافران، جنون نسبت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۱۳

۱۳ - برخی از اهل کتاب و مشرکان، پس از مشاهده برهان حقانیت اسلام، با کفرورزی به آن، راه خویش را از دیگر هم کیشان خویش جدا کردند.

لم یکن الذین کفروا من أهل الکتاب و المشرکین منفکین حتی تأتیهم البینه

این برداشت، بر چهار نکته استوار است: ۱. مراد از <الذین کفروا> کسانی اند که پس از ظهور اسلام، به آن کافر شدند؛ ۲. حرف <من> در <من أهل الکتاب و المشرکین> برای تبعیض است؛ ۳. تعبیر <منفکین> ناظر به جدا شدن کافران، از دیگر اهل کتاب و مشرکانی است که به اسلام گرویده اند؛ ۴. آیه شریفه در مقام توییح کسانی است که به رغم پیدایش <بینه>، خود را از صف عموم گروندگان به اسلام جدا کرده اند.

کفر به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن

پیامبران ، گوساله پرستی و ...) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل
علینا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می
شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۷

۷- اکثریت یهود ، حتی به پیامبران و کتاب های آسمانی خویش ایمان ندارند .

بل اکثرهم لایؤمنون

متعلق ایمان - به قرینه آیات گذشته - پیامبران و کتابهای آسمانی است. <بل> در جمله فوق برای ترقی است؛ یعنی، و بالاتر
از پیمان شکنی این است که اکثر آنها اهل ایمان نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۹

۹- ایمان داشتن به برخی از پیامبران و کافر شدن به برخی دیگر ، مایه هدایت نبوده و ناروا می باشد .

قالوا کونوا هوداً أو نصری تهتدوا .. لانفرق بین أحد منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۲ - ۱،۲

۱ ایمان نیاوردن به پیامبران و یاری نکردن آنان ، فسق است .

لتؤمننّ به و لتنصرنّه .. فمن تولّی بعد ذلك فاولئک هم الفاسقون

۲ کسانی که به پیامبر (ص) ایمان نیاورند و یا حضرتش

را یاری نکنند ، فاسق هستند .

لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرَنَّهُ .. فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

در صورتی که مراد از <رسول> در آیه قبل، پیامبر اکرم (ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ ایمان نداشتن به تمامی پیامبران و کتب نازل شده بر آنان ، حاکی از تسلیم نبودن در برابر خداست .

امنا .. لا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۴

۴ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبران آل ابراهیم و اخلاص لگری آنان در راه تحقق اهداف ایشان

فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ .. وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّقَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۸

۸ کافران به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

وَ مِنْ يَكْفُرُ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كِتَابِهِ وَ رِسَالِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۰ - ۱،۲،۵

۱ کفر نسبت به برخی از پیامبران الهی ، در حقیقت کفر به خدا و تمامی پیامبران اوست .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ رِسَالِهِ .. وَ يَقُولُونَ نؤمن ببعض وَ نكفر ببعض

مضاف الیه کلمه <بعض>، در هر دو مورد، <رسول> است، یعنی ایمان به برخی از پیامبران و کفر به برخی دیگر. و نیز

<يقولون>، در حقیقت تفسیر <یکفرون بالله و رسله>، می باشد.

۲ پذیرش برخی از احکام دین و انکار برخی دیگر، کفر به خدا و رسول و به منزله انکار تمامی آن دین است. *

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرُونَ

با توجه به واژه رسول می توان گفت: آیه شامل تبعیض در اعتقاد به احکام و رسالت یک دین نیز می شود؛ یعنی همانگونه که انکار برخی از رسولان به منزله انکار همه پیامبران است، انکار برخی از تعالیم انبیا نیز انکار تمامی آن دین است.

۵ اهل کتاب با انکار رسالت پیامبر (ص)، در حقیقت به خدا و تمامی پیامبران و پیامبر خویش کافرند.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ... وَيَقُولُونَ نَحْنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ... أُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرُونَ

بنا به گفته مفسران و به دلیل آیات بعد، مراد از <الذین یکفرون...>، اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۱ - ۳

۳ کیفر خوار کننده الهی، در انتظار کافران به خدا و پیامبران اوست.

وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۱۰، ۹

۹ مشرکان مکه به پیامبر(ص) و انبیای پیشین کفر میورزیدند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمْ... فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هُوَ ءَآءٌ

<هؤلاء> اشاره به مشرکان مکه است.

۱۰ انکار حقانیت رسالت پیامبر(ص)، کفر به همه انبیا و کتب آسمانی است. *

فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هُوَ ءَآءٌ فَقَدْ وُكِّلْنَا

<هؤلاء> اشاره به کفر مردم مکه است. با توجه

به اینکه در این آیات سخن آنها، که دال بر کفر به انبیای گذشته باشد، نقل نشده، به نظر می رسد که کفر آنها به انبیای پیشین تابع کفر آنان به پیامبر باشد. چون همه انبیا مورد تصدیق اسلام و قرآن و پیامبرند، کفر به پیامبر کفر به همه انبیا قلمداد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۳

۳ تکبر و خودبزرگ بینی ، موجب کفر به پیامبران و پیام های آنان

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

آوردن اسم ظاهر <الذین> به جای ضمیر و نگفتن <قالوا إنا ..> و توصیف آن اسم ظاهر به <استکبروا> برای اشاره به علت کفرورزی کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۱۱

۱۱- کفر به تعالیم انبیا و ستیزه جویی با آنان ، ظلم است .

و قال الذین کفروا لرسلم لخرجنکم .. فأوحی إلیهم ربهم لنهلکن الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۸

۸- کفر در برابر پیام انبیا ، ناشی از جهالتورزی است .

قالوا أجنننا لتأفکنا عن ءالهننا .. و لکنی أریکم قومًا تجهلون

کفر به بخشی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۳۳

۳۳ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده اند : <... الکفر فی کتاب اللّٰه علی خمسہ اوجه ... و الوجه الرابع من

أمر الله عز و جل به و هو قول الله عز و جل < ... أفتؤمنون ببعض الكتاب و تكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم > فكفر هم بترك ما أمر الله عز و جل به و نسبهم إلى الايمان و لم يقبله منهم و لم ينفعهم عنده ... ;

كفر در كتاب خدا بر پنج قسم است . . . و قسم چهارم از كفر، ترك اوامر خداست و این سخن خدای عز و جل است كه می فرماید: <أفتؤمنون ببعض الكتاب و تكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم > پس خداوند آنان را به خاطر ترك نمودن اوامر الهی كافر دانسته و به آنان نسبت ايمان داده است، اگر چه ايمان مورد قبول نیست و برای آنان نزد خداوند سودی ندارد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۱،۵

۱- يهود و نصارا، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام، به التقاط گراییده و به برخی از آیات قرآن ايمان آوردند و به برخی دیگر كفر ورزیدند .

الذين جعلوا القرآن عضين

<عضين> جمع <عضه> است و <عضه> به معنای جزء می باشد و تجزیه در پذیرش معارف دین در شأن اهل كتاب است؛ چون كافران و مشركان اصل دیانت الهی را قبول نداشتند؛ چنان كه خداوند اهل كتاب را به همین وصف توصیف فرمود: <.. و يقولون نؤمن ببعض و نكفر ببعض...> (سوره نساء، آیه ۱۵۰).

۵- > عن ابن عباس قال : سأل رجل رسول الله (ص) < ..الذين جعلوا القرآن عضين > قال :

آمنوا ببعض و كفروا ببعض ؛

از ابن عباس روایت شده است که مردی از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <الذین جعلوا القرآن عضین> سؤال کرد، حضرت فرمود: به بعضی از [قرآن] ایمان می آورند و نسبت به بعض دیگر آن کافر می شوند.<

کفر به تعالیم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۵

۵- باور نداشتن رهنمود های الهی و استغفار نکردن از لغزش ها ، در پی دارنده عذاب الهی است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا .. و يستغفروا ربهم إلا أن تأتيهم سنه الأولین

کفر به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۸

۸ مؤاخذه کافران به توحید، نبوت و معاد در مواقف قیامت

و یوم نحشهم جمعياً .. و لو ترى إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق

<این شرکاؤکم> (در آیه ۲۲) مؤاخذه درباره توحید، <لاتکذب بآیات ربنا> (در آیه ۲۷) مؤاخذه درباره نبوت، <ألیس هذا بالحق> (در آیه ۳۰) مؤاخذه درباره قیامت است.

کفر به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۲، ۲، ۱

۱ - یهودیان ، به قرآن و کتاب آسمانی خویش (تورات) کفر ورزیدند .

أن یکفروا بما أنزل الله

مراد از <ما أنزل الله> قرآن است و بعید نیست که علاوه بر آن، تورات نیز منظور باشد. قابل ذکر است که مراد از کافر شدن

یهود به تورات، انکار یا تحریف آن بخش از تورات است که ویژگیهای پیامبر اکرم (ص) را بیان کرده است.

۲- یهودیان

، با کفرشان به قرآن و تورات ، خود را به بد بهایی فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل الله

<اشترء> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما>ی موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أن يكفروا...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما...> یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أن يكفروا بما أنزل الله بغياً أن ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده

<بغى> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است؛ برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغياً> مفعولٌ به برای <أن يكفروا> می باشد.

کفر به حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ ایمان نداشتن به عزت و حکمت خدا و توکل نکردن بر وی از ریشه های نفاق است .

إذ يقول المنافقون والذين.. فإن الله عزيز حكيم

از اینکه خداوند منافقان و بیماردلان را قسیم متوکلان قرار داد و با جمله <إن الله عزيز حكيم> منشأ توکل متوکلان را ایمان به عزت و حکمت مطلق خداوند دانست، معلوم می شود از ریشه های نفاق و ضعف ایمان، باور نداشتن به اقتدار خدا و حکیم بودن اوست.

کفر به حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ -

۱۱ ناباوری به حمایت خدا از متوکلان ، نشانه بیماردلی و ضعف ایمان است .

إذ يقول المنفقون و الذين فى قلوبهم مرض . . . فإن الله عزيز حكيم

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۲

۲ - منکران قرآن ، به خدا و قیامت ایمان نخواهند آورد .

إن الذين كفروا . . . لا يؤمنون

متعلق <لا يؤمنون> به دلیل آیه هشت و نیز آیات قبل، خدا و قیامت است؛ یعنی: لا يؤمنون بالله و لا باليوم الآخر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۴

۴ - انکار خدای یکتا و کفر به او - با وجود دلیل های آشکار - امری غیر منطقی و شگفت آور است .

كيف تكفرون بالله و كنتم أموتاً فأحيكم

استفهام در جمله <كيف تكفرون بالله> استفهامی است که برای ایجاد تعجب ایراد شده است. جمله <و كنتم...> جمله

حالیه و بیانگر علت تعجب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۴، ۱۵

۱۴ کفر به خداوند بخشنده نعمت ها و برطرف کننده نیاز ها ، امر شگفت آور و غیر منطقی است .

كيف تكفرون بالله . . . هو الذى خلق لكم ما فى الأرض جميعاً

برداشت فوق بر این اساس است که: آیه مورد بحث با صدر آیه قبل در ارتباط باشد.

۱۵ کفر ورزیدن به خداوند دارنده قدرت بی انت ها و برخوردار از علم مطلق ، امر شگفت انگیز

و نامعقول است .

کیف تکفرون باللّه . . . هو الذی خلق لکم ... و هو بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۹،۱۸،۲۵

۹ در نظر خداوند ، جلوگیری از راه خدا و کفر به او ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله و کفر به . . اکبر

بنابراینکه <صد عن سبيل الله>، مبتدا و <اکبر>، خبر آن باشد.

۱۸ جنگ در ماه های حرام ، موجب بازداشتن مردمان از راه خداوند و بازداری آنان از مسجدالحرام و کفر به خداست .

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله و کفر به و

بنابراینکه <و صدّ عن سبيل الله>، عطف بر <کبير> باشد: یعنی قتال فيه، صدّ عن سبيل الله و کفر به.

۲۵ کفر به خداوند و جلوگیری از راه او و مسجدالحرام و بیرون راندن اهل آن ، از مصادیق فتنه

و صدّ عن سبيل الله و کفر به و المسجدالحرام و اخراج اهله منه اکبر عندالله و الف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۶،۷،۸

۶ عدم ایمان انفاق کنندگان ریاکار به خداوند و روز رستاخیز

كالذی ينفق ماله رياء الناس و لا يؤمن بالله و اليوم الاخر

بنابراینکه جمله <و لا يؤمن بالله> ، توضیح و تفسیری برای جمله <ينفق ماله رياء> باشد.

۷ ریا ، اثر و نشانه عدم ایمان به خداوند و قیامت

كالذی ينفق ماله رياء

النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ

بنابراینکه جمله <و لا يؤمن...>، تفسیری برای جمله قبل باشد.

۸ ریا و کفر به خدا و قیامت، موجب بطلان صدقات و اعمال خیر

لا تبطلوا... کالذی ینفق ماله رثاء الناس و لا يؤمن بالله و الیوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۶

۶ ایمان نیاوردن به ربوبیت خداوند، پس از شنیدن ندای قرآن و دعوت پیامبر به آن، نشانه بی خردی است.

رَبَّنَا اٰنَّا سَمِعْنَا .. فَاٰمَنَّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۳، ۸، ۷

۷ ریاکاران، ایمان واقعی به خدا و قیامت ندارند.

و الذین ینفقون اموالهم رثاء الناس و لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر

جمله <و لا یؤمنون...> می تواند تفسیر و توضیح جمله <ینفقون...> باشد؛ تکرار نشدن <الذین...> می تواند این معنا را تأیید کند.

۸ عذاب خوارکننده، کیفر ایمان نداشتن به خدا و قیامت

اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً. و الذین... لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر

۱۳ دل های تهی از ایمان به خدا و قیامت، جایگاه شیطان

لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر و من یکن الشیطان له قریناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۳

۳ بخل و ریاکاری ، نشانه کفر به خدا و قیامت است .

الذین یبخلون . . . و ماذا علیهم لو امنوا باللّٰه و الیوم الآخر و انفقوا

ضمیر

در <عليهم> به <الذين يبخلون> برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۴

۴ رسوایی و وخامت حال بخیلان ، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذين يبخلون .. فكيف اذا جئنا من كل امة بشهيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۲

۲ شرمساری و رسوایی بی اندازه کافران به خدا و منکران معاد در قیامت

ماذا عليهم لو امنوا .. يومئذ يوّد الذين كفروا ... لو تسوّى بهم الارض

به دلیل آیات گذشته، مراد از کفر، کفر به خدا و معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۱۸

۱۸ ارجاع نمودن داوری اختلافات به خدا و رسول (قرآن و سنت) ، حاکی از بی ایمانی به خدا و قیامت است .

فان تنازعتم فى شىء فردّوه الى الله و الرسول ان كنتم تؤمنون بالله و اليوم الاخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۸

۸ کافران به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من يكفر بالله و ملتكته و كتبه و رسله و اليوم الآخر فقد ضلّ ضللاً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۳،۴

۳ منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا ، مستحق عذاب دوزخند .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ . . . مَا

يفعل الله بعدابكم إن شكرتم وءامنتم

بنابر اینکه خطاب، متوجه منافقان باشد، آیه شریفه اشاره به ناسپاسی و بی ایمانی آنان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

۴ کفر به خدا، و ناسپاسی نعمت های او، موجب گرفتار شدن انسان به عذاب الهی

ما يفعل الله بعدابكم إن شكرتم وءامنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۰ - ۱،۲،۵

۱ کفر نسبت به برخی از پیامبران الهی، در حقیقت کفر به خدا و تمامی پیامبران اوست.

إنّ الذین یکفرون باللّه و رسله .. و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض

مضاف الیه کلمه <بعض>، در هر دو مورد، <رسل> است، یعنی ایمان به برخی از پیامبران و کفر به برخی دیگر. و نیز جمله <یقولون>، در حقیقت تفسیر <یکفرون باللّه و رسله>، می باشد.

۲ پذیرش برخی از احکام دین و انکار برخی دیگر، کفر به خدا و رسول و به منزله انکار تمامی آن دین است. *

إنّ الذین یکفرون باللّه و رسله و یریدون أن یفرقوا .. أولئک هم الکفرون

با توجه به واژه رسول می توان گفت: آیه شامل تبعیض در اعتقاد به احکام و رسالت یک دین نیز می شود؛ یعنی همانگونه که انکار برخی از رسولان به منزله انکار همه پیامبران است، انکار برخی از تعالیم انبیا نیز انکار تمامی آن دین است.

۵ اهل کتاب با انکار رسالت پیامبر (ص)، در حقیقت به خدا و تمامی پیامبران و پیامبر خویش کافرند.

إنّ الذین یکفرون .. و یقولون نؤمن

ببعض و نكفر ببعض ... أولئك هم الكفرون

بنا به گفته مفسران و به دليل آيات بعد، مراد از <الذين يكفرون ..>، اهل كتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۱ - ۳

۳ كيفر خوار كننده الهی، در انتظار كافران به خدا و پيامبران اوست .

و أعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۱۳

۱۳ كافران به خدا، قرآن و پيامبر (ص) محروم از رحمت و فضل و هدايت خاص خداوند

فاما الذين ءامنوا بالله و اعتصموا به .. صراطاً مستقيماً

معادل <اما>ی تفصيليه حذف شده و جمله موجود <فاما الذين ءامنوا ..> بيانگر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ كفر به خدا و قيامت و نداشتن عمل صالح، موجب غلبه ترس و اندوه بر آدمی

من ءامن بالله و اليوم الاخر و عمل صلحاً فلاخوف عليهم و لا هم يحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ فسق بنی اسرائيل عامل ايمان نياوردن به خدا، پيامبر (ص) و وحی الهی

و لو كانوا يؤمنون .. و لكن كثيراً منهم فسقون

جمله <و لكن ..> بيانگر علت عدم ايمان بنی اسرائيل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۲،۳

۲ انکار قرآن و رسالت پیامبر (ص) با وجود

آگاهی به حقانیت آن ، کفر به خداوند است .

و ما لنا لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق

چنانچه ایمان واقعی به خداوند در گرو ایمان به قرآن و رسالت پیامبر(ص) نباشد معنا ندارد که مسیحیان و دانشمندان آنان با آنانکه به ایمان خداوند داشتند پس از اختیار اسلام بگویند: <ما لنا لا نؤمن بالله>.

۳ کفر به خداوند ، قرآن و رسالت پیامبر (ص) فاقد هرگونه دلیل

و ما لنا لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق

استفهام در جمله <ما لنا ..> استفهام انکاری است یعنی برای ما هیچگونه عذر و دلیلی وجود ندارد که از ایمان به خداوند یکتا و پذیرش اسلام رویگردان باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۱

۱ فرمان خدا به نبرد با اهل کتاب ، به دلیل عدم ایمان آنان به خدا و آخرت و عدم پرهیزشان از محرمات الهی و پایبند نبودن به دین حق

قتلوا الذین لا یؤمنون .. من الذین أوتوا الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک ، به ظاهر مسلمان ولی در باطن کافر به خدا و رسول او بودند .

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم كفروا بالله و برسوله

روی سخن در این بخش از آیات با کسانی است که از شرکت در جنگ تبوک سرباز زده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۶

۶ منافقان ، کافر به خدا و پیامبر (ص)

ذلک بأنهم کفروا باللّٰه ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۲

۱۲ نفاق و تخلف از فرمان پیامبر (ص)، کفر به خدا و رسول خداست.

فرح المخلفون .. إنهم کفروا باللّٰه ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۸

۱۸ نپذیرفتن آیین و شریعت الهی، کفر به خداوند است.

حش لله.. اینی ترکت مله قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

آیه ۳۸ و ۳۹ و نیز جمله هایی نظیر <حاش لله> (در آیه ۳۱ و ۵۱) دلالت بر آن دارد که: مصریان عصر یوسف (ع) به وجود خداوند معتقد بودند؛ ولی یوسف (ع) از آنان به کافران به خدا یاد می کند (لایؤمنون بالله). این تعبیر به قرینه <ترکت مله قوم...> می تواند بدان سبب باشد که شریعت و آیین آنان، شریعتی غیر الهی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۷

۷ نپذیرفتن قرآن و وحی نازل شده بر پیامبر (ص) کفر به خدا و رحمانیت اوست.

لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک و هم یکفرون بالرحمن

چون مردم عصر بعثت به ویژه اهل مکه و اطراف آن، به خداوند معتقد بودند، معلوم می شود مراد از <یکفرون بالرحمن> به قرینه عبارت <لتتلوا علیهم...> انکار قرآن است. تعبیر کردن از انکار قرآن به کافر شدن به خدا، گویای این نکته است که نپذیرفتن قرآن و کافر شدن به آن به منزله

کفر ورزیدن به خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۸

۱۸- شیطان در قیامت اظهار می دارد که وی قبل از شرک پیروانش ، به خداوند کافر شده بود . *

ینی کفرت بما أشرکتون من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <بما أشرکتون> موصول و به معنای <من> باشد و ضمیر صله هم محذوف و <من قبل> نیز متعلق به <کفرت> باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من پیش از آنکه شما مرا شریک خدا قرار دهید (در عهد آدم) به او کافر شدم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۷

۷- شرک ، کفر به خداوند است .

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً .. عَلَى الْكُفْرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۶

۶ - کفر به یگانگی خدا در عین برخورداری از امکانات دنیوی بارزترین نوع ناسپاسی در برابر نعمت های او است .

و قال المأء من قومه الذين كفروا .. و أترفهم فى الحيوة الدنيا

عبارت <و أترفناهم> حال است برای فاعل <كفروا>؛ یعنی، با این که خدا آنان را از امکانات دنیوی برخوردار ساخت، آنها به یگانگی او کفر ورزیدند و به پرستش غیر او رو آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۱۰

۱۰ - شرک ، در حقیقت کفر به خدا و انکار صفات کمالی او است .

و من يدع مع الله ..

إنه لا يفلح الكفرون

<كافرون> می تواند در مقابل <مؤمنون> باشد و یا در مقابل <شاکرون>. برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۸

۸ - شرک ، در واقع کفر به خدا و انکار او است .

تدعوننی لأکفر بالله و أشرك به

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که پیش از طرح مسأله شرک به خدا، مسأله کفر به خدا مطرح گشته و دعوت به شرک، دعوت به کفر به خدا دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۶

۶ کفر و روی گردانی از راه خدا ، مایه گرفتار آمدن به پوچی و سرگردانی

الذین كفروا و صدوا عن سبيل الله أضلّ أعمالهم

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که <صدّ> به معنای اعراض و روی گردانی باشد نه ایجاد مانع بر سر راه دیگران و سد کردن راه خدا و نیز با توجه به این که پوچی و سرگردانی نتیجه گم گشتن و بی اثر شدن اعمال است که از <أضلّ أعمالهم> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۲

۲ - تخلف از دعوت پیامبر (ص) به بهانه های واهی ، در حکم کفر به خدا و رسول او *

سيقول لك المخلفون .. و من لم يؤمن ... فإننا أعتدنا للكافرين سعيراً

روی سخن آیه شریفه، می تواند متوجه به باده نشینانی باشد که از دعوت پیامبر(ص) تخلف کردند و اشتغال به اموال

و خانواده را بهانه قرار دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۲

۲ - کفر به خداوند و روی گردانی از عبادت او ، ظلمی بدفرجام

لیعبدون . . . فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا ... فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمْ

برداشت بالا از آن جا است که در این آیه و آیه قبل، کفر و ظلم هم سنخ شناخته شده و در قبال <لیعبدون> مطرح گشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۳ - ۱

۱ - ایمان نیاوردن کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) به خدای بزرگ ، سبب عذاب شدن آنان در قیامت

إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

آیه شریفه، در مقام تعلیل عذاب کافران دارای زورور است که در آیات پیشین از آنان یاد شده است.

کفر به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ اختلاف انگیزی در دین ، پس از درك حقیقت آن ، کفر است .

و ما اختلف . . . و من يكفر بايات الله

کفر به دین لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۶

۶ جدایی دیرینه زن لوط از آیین و روش همسرش ، عامل جدا ماندن وی از خانواده لوط و نجات نیافتن از عذاب الهی

إلا امرأته كانت من الغبرین

کفر به ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - کفر به ربوبیت خداوند ،

گمراهی است و از صراط مستقیم فاصله بسیاری دارد .

الذین كفروا برّهم .. ذلك هو الضلل البعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۹

۹\$ - فرعون ، به ربوبیت خداوند ، بی اعتقاد و در برابر خواسته های او گستاخ بود .

و أهدیک إلی ربّک فتخشی

- فرعون، به ربوبیت خداوند، بی اعتقاد و در برابر خواسته های او گستاخ بود.

کفر به رحمانیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۷،۹

۷ پذیرفتن قرآن و وحی نازل شده بر پیامبر (ص) کفر به خدا و رحمانیت اوست .

لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک و هم یکفرون بالرحمن

چون مردم عصر بعثت به ویژه اهل مکه و اطراف آن، به خداوند معتقد بودند، معلوم می شود مراد از <یکفرون بالرحمن> به قرینه عبارت <لتتلوا علیهم ..> انکار قرآن است. تعبیر کردن از انکار قرآن به کافر شدن به خدا، گویای این نکته است که پذیرفتن قرآن و کافر شدن به آن به منزله کفر ورزیدن به خداوند است.

۹ مردم عصر بعثت خداوند را به اسم و وصف <الرحمان> نمی شناختند و بدان کفر میورزیدند .

و هم یکفرون بالرحمن

بسیاری از مفسران برآنند که مراد از کفر مردم عصر بعثت به <الرحمان> عدم آشنایی آنان با این اسم برای خداوند است ؛ یعنی، خداوند را با این اسم و وصف نمی شناختند و آن گاه که قرآن خداوند را به اسم <الرحمان> توصیف کرد، انکار کردند و گفتند <رحمان> دیگر کیست و چه

خدایی است؟

کفر به رسالت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۴

۴ عذاب سهمگین و بی نظیر الهی سزای آنانکه پس از مشاهده مائده آسمانی به قدرت خداوند، رسالت عیسی (ع) و معجزه بودن آن مائده کافر شوند.

فمن يكفر بعد منكم فاني اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً من العلمين

متعلق <یکفر> می تواند، رسالت عیسی (ع)، قدرت خداوند و معجزه بودن مائده آسمانی باشد. ضمیر در <لااعذبه> مفعول مطلق نوعی است و مرجع آن کلمه <عذاباً> می باشد یعنی لااعذب قبل هذا العذاب احداً

کفر به طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۶،۷،۱۱

۶ لزوم کفر به طاغوت و موضعگیری در مقابل آن

و قد امروا ان يكفروا به

۷ لزوم کفر به طاغوت و موضعگیری در مقابل آن، فرمان مشترک همه ادیان الهی

يزعمون انهم امنوا بما انزل اليك و ما انزل من قبلك يريدون ان يتحاكموا الى الطاغ

چون خداوند مراجعه به طاغوت را با ایمان به کتب آسمانی گذشته ناسازگار دانسته، معلوم می شود که در آن کتابها نیز چنین کرداری محکوم و ناپسند شمرده شده است.

۱۱ خودداری از مراجعه به طاغوت برای قضاوت، مصداقی از کفر به طاغوت

يريدون ان يتحاكموا الى الطاغوت و قد امروا ان يكفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، راهی استوار ، محکم و مطمئن

فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد

۱۰ کفر مستمرّ به طاغوت و ایمان مداوم به خداوند ، چنگ زدن به ریسمان محکم الهی است .

فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّٰه فقد استمسک بالعروه الوثقی

۱۱ کفر به طاغوت (نفی همه اغیار و تخلیه وجود از غیر حق) ، شرط تحقّق ایمان

فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّٰه

از تقدم مسأله < کفر به طاغوت > بر < ایمان > استفاده شده است.

۱۳ ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، رُشد است .

قد تبین الرّشد من الغیّ فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّٰه

۱۴ لزوم اعلان کفر به طاغوت و ایمان به خداوند با زبان ، علاوه بر تصدیق قلبی

فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّٰه . . . و اللّٰه سمیع علیم

ذکر < سمیع علیم > بیانگر این است که ایمان به خداوند و کفر به طاغوت، به زبان و قلب است.

۱۷ تشویق خداوند نسبت به مؤمنان به او و کافران به طاغوت

فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّٰه . . . و اللّٰه سمیع علیم

۲۱ تعلق قلبی به خداوند و کفر به طاغوت (نفی اغیار) ، دو بُعد ایمان با صلابت

فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّٰه فقد استمسک بالعروه الوثقی

امام صادق (ع) درباره آیه < فقد استمسک . . . > فرمود: هی الايمان باللّٰه وحده لا شریک له

کافی، ج ۲، ص ۱۴، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۱۰۵۲ و ۱۰۵۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ شمول ولایت خاص الہی ، بر مؤمنانی کہ بہ طاغوت کفر ورزند .

فمن یکفر بالطّٰغوت .. اللّٰه ولیّ الذّٰین امنوا

ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، موجب جلب سرپرستی ، یآوری و دوستی خداوند

فمن يكفر بالطّٰغوت .. الله وليّ الذين امنوا

برای <ولیی>، معانی متعدّدی گفته شده است ؛ از آن جمله که با آیه شریفه تناسب دارد، سرپرست، یاور و دوست است.

کفر به عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ ایمان نداشتن به عزت و حکمت خدا و توکل نکردن بر وی از ریشه های نفاق است .

إذ يقول المنفقون و الذین .. فإن الله عزیز حکیم

از اینکه خداوند منافقان و بیماردلان را قسیم متوکلان قرار داد و با جمله <إن الله عزیز حکیم> منشأ توکل متوکلان را ایمان به عزت و حکمت مطلق خداوند دانست، معلوم می شود از ریشه های نفاق و ضعف ایمان، باور نداشتن به اقتدار خدا و حکیم بودن اوست.

کفر به عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ کافران به عیسی (ع) (یهودیان) ، ظالم و محروم از محبت خداوند هستند .

فاما الذین کفروا .. و الله لا یحبّ الظالمین

از مصادیق مورد نظر از کلمه <الظالمین>، به قرینه آیات قبل، یهودیانی هستند که به حضرت عیسی (ع) ایمان نیاوردند.

کفر به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۴

۴ عذاب سهمگین و بی نظیر الهی سزای آنانکه پس از مشاهده مائده آسمانی به قدرت خداوند ، رسالت عیسی (ع)

(و معجزه بودن آن مائده کافر شوند .

فمن يكفر بعد منكم فاني اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً من العلمين

متعلق <يكفر> می تواند، رسالت عیسی(ع)، قدرت خداوند و معجزه بودن مائده آسمانی باشد. ضمیر در <لااعذبه> مفعول مطلق نوعی است و مرجع آن کلمه <عذاباً> می باشد یعنی لااعذب قبل هذا العذاب احداً

کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۹

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لاتکونوا اول کافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین جمله <ولاتکونوا...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند، یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۵

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و ...)

و لاتکونوا اول کافر به .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۱

۱۱ - یهودیان علی رغم مطابق یافتن ویژگی های کتاب و پیامبر موعود ، بر قرآن و رسول اکرم (ص) ، به آن کافر

شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۲، ۴، ۲، ۱

۱ - یهودیان ، به قرآن و کتاب آسمانی خویش (تورات) کفر ورزیدند .

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

مراد از <ما أنزل الله> قرآن است و بعید نیست که علاوه بر آن، تورات نیز منظور باشد. قابل ذکر است که مراد از کافر شدن یهود به تورات، انکار یا تحریف آن بخش از تورات است که ویژگیهای پیامبر اکرم(ص) را بیان کرده است.

۲ - یهودیان ، با کفرشان به قرآن و تورات ، خود را به بد بهایی فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

<اشترء> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما>ی موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أَنْ يَكْفُرُوا...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما...> یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

۴ - هر آنچه آدمی در برابر کفر به قرآن و از دست دادن دین الهی به چنگ آورد ، پست و ناچیز است .

بئسما اشتروا به أنفسهم أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

برداشت فوق مبتنی بر این است که مخصوص به ذم، مال و منال، ریاستهای دنیوی و مانند آن باشد که در کلام ذکر نشده تا شامل هر چیزی بشود. بر این مبنا <أَنْ يَكْفُرُوا...> بیان معامله و داد و ستد است و معنای جمله <بئسما اشتروا...> چنین می شود: یهودیان آنچه از مال

و منال دنیا در برابر فروختن خویش به دست آوردند، بهای پستی بود و این معامله با کفر به قرآن صورت گرفت.

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغِيًّا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است، برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغیاً> مفعول به برای <أَنْ يَكْفُرُوا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۹، ۷

۷ - نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تَوَّابُونَ

۹ - یهودیان، علی رغم اطمینانشان به الهی بودن قرآن، به آن ایمان نیاوردند.

إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تَوَّابُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۱۱، ۵

۵ - تنها فاسقان (منحرفان)، قرآن و دلایل روشن آن را نپذیرفته و بدان کافر می شوند.

وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ

۱۱ - انکار قرآن، نشانه خروج از بینش صحیح در شناخت وحی و رسالت است.

وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ

برداشت فوق با توجه به معنای فسق (خروج از حد اعتدال) استفاده شده است. خروج از اعتدال در مقوله ایمان - که یک مقوله معرفتی و شناختی است - به نداشتن اندیشه و بینش صحیح باز می گردد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص)، ایمان نخواهند آورد.

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لایؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۷

۷ - ایمان نیاوردن یهود و نصارا به قرآن و معارف اسلام، از سر ستیزه جویی و دشمنی است.

و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۱

۱ کفر آگاهانه عالمان اهل کتاب به آیات خداوند (قرآن و پیامبر (ص)) و تویخ آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات الله و انتم تشهدون

با توجه به آیات قبل و بعد که درباره محاجه، کتمان و درآمیختن حق به باطل است، استفاده می شود که مقصود از اهل کتاب، عالمان آنان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۴

۴ تکبر و گردن فرازی گروهی از اهل کتاب در برابر خداوند، موجب کفر و انکار قرآن از سوی آنان

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن .. خاشعين لله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ هشدار خداوند به اهل کتاب ، در مورد مسخ انسانیت آنان در صورت ایمان نیاوردن به قرآن

امنوا .. من قبل ان نطمس وجوهاً فرّدها علی ادبارها او نلعنهم

<طمس> به معنای نابود کردن اثر چیزی است، و <وجه> به معنای صورت می باشد. مراد از <وجوه> نیز به دلیل برگشت ضمیر <هم> به آن، افراد انسان است؛ البته به لحاظ شخصیت انسانی آنان و نه به لحاظ جسم ایشان.

۱۲ انحراف فکر و اندیشه و مسخ شخصیت ، پیامد کفر به قرآن

امنوا .. من قبل ان نطمس وجوهاً فرّدها علی ادبارها

<وجوه> به اعتبار اینکه مجمع تمامی حواس آدمی است، می تواند کنایه از درک و فهم باشد.

۱۵ هشدار خداوند به اهل کتاب در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

یا ایها الذین اتوا الکتب .. او نلعنهم کما لعنا اصحاب السّبت

۱۷ کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا .. او نلعنهم کما لعنا اصحاب السّبت

۱۹ سرگذشت اصحاب سبت (مسخ شدن به میمون) عبرت و اندرزی برای کافران به قرآن از اهل کتاب

او نلعنهم کما لعنا اصحاب السّبت

۲۱ مسخ کافران به قرآن و یا گرفتاری آنان به لعنت ، سنت الهی

من قبل ان نطمس وجوهاً .. او نلعنهم ... و کان امر الله مفعولاً

۲۲ مسخ و یا لعنت کافران به قرآن از اهل کتاب ، امری حتمی و قضایی تخلف ناپذیر

یا ایها الذین اتوا الکتب امنوا .. من قبل

ان نظمس وجوهاً ... و كان امر الله م

۲۳ ایمان نیابوردن اهل کتاب به قرآن ، زمینه گمراهی و عدم رستگاری ابدی آنان

من قبل ان نظمس وجوهاً فتردها علی ادبارها

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: نظمسها عن الهدی فتردها علی ادبارها فی ضلالتها ذمّاً لها بانّها لا تفلح ابداً.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۸۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۲۸۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۲،۳

۲ کفر به قرآن به مثابه شرک به خداوند است .

امنوا بما نزلنا .. ان الله لا يغفر ان يشرك به

جمله <ان الله .. > تهدیدی برای کافران به قرآن است. بنابراین کفر به قرآن باید مصداقی از شرک به خدا باشد و یا به منزله شرک به او.

۳ اهل کتاب ، مردمی مشرک ، به خاطر کفر به قرآن

فلا يؤمنون الا قليلا .. يا ايها الذين اتوا الكتب امنوا بما نزلنا ... ان ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لكن الرسخون في العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

در برداشت فوق کلمه <لكن> استدراک از جمله <فلا يؤمنون الا قليلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لكن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لكن ... >

می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۲،۳

۲ اهل کتاب به دلیل کفرشان به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداري مردمان از پیوستن به اسلام، منحرفانی سخت گمراه

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

از مصادیق مورد نظر برای <الذین کفروا ..> به قرینه آیات پیشین (۱۵۳ به بعد) آن گروه از اهل کتاب هستند که رسالت پیامبر(ص) را نپذیرفتند و قرآن را وحی الهی ندانستند؛ و مراد از <سبیل الله> به دلیل آیات گذشته دین اسلام است.

۳ انکار رسالت پیامبر (ص) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا، گمراهی عمیق است.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

متعلق <کفروا> به قرینه آیات قبل قرآن و پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۲

۲ انکار رسالت پیامبر (ص) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا، موجب محرومیت از هدایت و آمرزش الهی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَ لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا

با توجه به آیات قبل مراد از <کفر>، کفر به پیامبر(ص) و قرآن است و مراد از ظلم، بازداشتن دیگران از راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۶

کفر به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام ، مایه خلود در جهنم

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا .. خَلَدِينَ فِيهَا أَبَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۱۳

۱۳ کافران به خدا ، قرآن و پیامبر (ص) محروم از رحمت و فضل و هدایت خاص خداوند

فاما الذين ءامنوا بالله و اعتصموا به .. صراطاً مستقيماً

معادل <اما>ی تفصیلیه حذف شده و جمله موجود <فاما الذين ءامنوا ..> بیانگر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۵

۱۵ بی اعتنایی و عدم تعهد اهل کتاب به تورات و انجیل ، موجب کفر آنان به قرآن

قل يا اهل الكتب لستم على شيء حتى تقيموا التوريه و الانجيل .. طغيناً

بیان کفرورزی اهل کتاب به قرآن پس از بیان بی اعتنایی آنان به تورات و انجیل ، نمایانگر این است که بی اعتنایی آنان به تورات و انجیل ، زمینه ساز کفر و انکار قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۳

۳ کفر به خداوند ، قرآن و رسالت پیامبر (ص) فاقد هرگونه دلیل

و ما لنا لا نؤمن بالله و ما جاءنا من الحق

استفهام در جمله <ما لنا ..> استفهام انکاری است یعنی برای ما هیچگونه عذر و دلیلی وجود ندارد که از ایمان به خداوند یکتا و پذیرش اسلام رویگردان باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف

۱۱ کافران به قرآن ، در قیامت ، اندیشه ها و باور های خودبافته و مخالف تعالیم دین را سرابی بر باد رفته خواهند دید .

ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۵،۷

۵ کفر به قرآن و انکار معارف آن طغیانگری است .

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

ضمیر <هم> در <یذرهم> و <طغیانهم> به منکران قرآن، که از جمله <فبأئ حدیث> استفاده می شود، برمی گردد. بنابراین مراد از <طغیان> انکار قرآن است.

۷ کفرپیشگان منکر قرآن ، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهُ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۱

۲۱ بیشتر مردم به قرآن ایمان نمی آورند .

و لکن اکثر الناس لایؤمنون

برداشت فوق ، مبنی بر این است که <ال> در <الناس> برای استغراق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ کفرورزی مردم عصر بعثت و مخالفتشان با پیامبر (ص) و قرآن ، عامل روی آوردن مصیبت های سخت و کوبنده بر آنان

و لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قريبتاً من دارهم

برداشت فوق با توجه به حرف <باء> در <بما صنعوا> که به معنای سببیت است استفاده می شود. مراد از <ما صنعوا> به قرینه آیات گذشته ، انکار قرآن،

مخالفت با رسالت پیامبر(ص) و مانند آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۷

۷- دلداداری خداوند به پیامبر (ص) در قبال کفر مشرکان مکه به معجزه آن حضرت (قرآن)

و قالوا لن نؤمن لك .. و لقد آتينا موسى تسع آيات بينت ... فقال له فرعون إني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱۳

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لا تؤمنوا إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو ..> یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱

۱ - کفر و انکار قرآن از دید خداوند ، پنهان نمی ماند .

لا يخفون علينا .. إن الذين كفروا بالذکر

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که خبر <إن> در <إن الذين كفروا> به قرینه آیه قبل جمله <لا يخفون> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۴

۴ - کفر به قرآن ، بدترین درجه ضلالت و گمراهی است .

قل أرى يتم إن كان من عند الله ثم كفرتم به من أضل ممن هو في

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن و استکبرتم

این احتمال در آیه وجود دارد که تذکر قرآن به ایمان فردی از بنی اسرائیل از آن جهت برای مشرکان عرب سرزنش بار باشد که بنی اسرائیل در اصل عرب نبودند و عوامل نژادی و زبانی، مقتضی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشوند. با این وصف برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند؛ در حالی که مشرکان عرب که قرآن به لغت آنان نازل شده از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۲

۲ - منکران قرآن ، به خدا و قیامت ایمان نخواهند آورد .

إن الذین کفروا .. لا یؤمنون

متعلق <لا یؤمنون> به دلیل آیه هشت و نیز آیات قبل، خدا و قیامت است؛ یعنی: لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۶،۷،۸

۶ عدم ایمان انفاق کنندگان ریاکار به خداوند و روز رستاخیز

کالذی ینفق ماله رءاء الناس و لا یؤمن بالله و الیوم الاخر

بنابراینکه جمله <و لا یؤمن .. >، توضیح و تفسیری برای جمله <ینفق ماله رءاء > باشد.

۷ ریا ، اثر و نشانه عدم ایمان به خداوند و قیامت

كألذی ینفق ماله رثاء الناس و لا یؤمن

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

بنابراینکه جمله <و لا یؤمن ... >، تفسیری برای جمله قبل باشد.

۸ ریا و کفر به خدا و قیامت، موجب بطلان صدقات و اعمال خیر

لا تبطلوا .. کالذی ینفق ماله رءاء النَّاسِ و لا یؤمن بالله و الیوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۳، ۹، ۷۸

۷ ریاکاران، ایمان واقعی به خدا و قیامت ندارند.

و الذین ینفقون اموالهم رءاء النَّاسِ و لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر

جمله <و لا یؤمنون> می تواند تفسیر و توضیح جمله <ینفقون ... > باشد؛ تکرار نشدن <الذین> می تواند این معنا را تأیید کند.

۸ عذاب خوارکننده، کیفر ایمان نداشتن به خدا و قیامت

اعتدنا للكافرين عذاباً مهیناً. و الذین ... لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر

۹ ایمان نداشتن به وعده های الهی و قیامت، منشأ ریاکاری

رءاء النَّاسِ و لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر

بدان احتمال که جمله <الذین لا یؤمنون> بیانگر علت و ریشه انفاقهای ریایی باشد.

۱۳ دل های تهی از ایمان به خدا و قیامت، جایگاه شیطان

لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر و من یکن الشیطان له قریناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۳

۳ بخل و ریاکاری، نشانه کفر به خدا و قیامت است.

الذین یبخلون . . . و ماذا علیهم لو امنوا باللّٰه و الیوم الآخر و انفقوا

ضمیر در <علیهم> به <الذین یبخلون> برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- نساء - ۴ - ۴۱ - ۴

۴ رسوایی و وخامت حال بخیلان، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذین یبخلون .. فکیف اذا جئنا من کل امة بشهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۸

۸ کافران به خدا، ملائکه، کتب آسمانی، پیامبران الهی و روز قیامت، در گمراهی ژرف

و من یکفر بالله و ملئکنه و کتبه و رسله و الیوم الآخر فقد ضل ضللاً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ کفر به خدا و قیامت و نداشتن عمل صالح، موجب غلبه ترس و اندوه بر آدمی

من ءامن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۶

۱۶ بی اعتقادی منافقان به قیامت و عدم درک آن نسبت به حوادث و حقایق آن، مایه تخلف آنان از جهاد

لو كانوا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ طغیان و سرکشی، نشانه بی ایمانی به روز رستاخیز

فندر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

کفر به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۹

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

ولاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق

بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین جمله <ولا تکنوا...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند؛ یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۸

۱۸ - عمل نکردن به دستورات کتاب آسمانی، به منزله انکار کردن آن کتاب و نشانه کافر شدن به آن است.

أفتؤمنون... و تکفرون ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران، گوساله پرستی و...) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است.

قالوا نؤمن بما أنزل علينا.. قل بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علينا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۷

۷ - اکثریت یهود، حتی به پیامبران و کتاب های آسمانی خویش ایمان ندارند.

بل اکثرهم لایؤمنون

متعلق ایمان - به قرینه آیات گذشته - پیامبران و

کتابهای آسمانی است. <بل> در جمله فوق برای ترقی است، یعنی، و بالاتر از پیمان شکنی این است که اکثر آنها اهل ایمان نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۵

۵ شرک و کفر عالمان به کتاب های آسمانی ، دور از انتظار و مایه شگفتی

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۸

۸ کافران به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من یکفر بالله و ملئکتہ و کتبه و رسله و الیوم الآخر فقد ضل ضللاً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لكن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلک

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراک از جمله <فلا يؤمنون الا قليلاً> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ انکار حقانیت رسالت پیامبر(ص)، کفر

به همه انبیا و کتب آسمانی است. *

فإن يكفر بها هؤلاء فقد و كلنا

<هؤلاء> اشاره به کفر مردم مکه است. با توجه به اینکه در این آیات سخن آنها، که دال بر کفر به انبیای گذشته باشد، نقل نشده، به نظر می رسد که کفر آنها به انبیای پیشین تابع کفر آنان به پیامبر باشد. چون همه انبیا مورد تصدیق اسلام و قرآن و پیامبرند، کفر به پیامبر کفر به همه انبیا قلمداد شده است.

کفر به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۵، ۱۱

۱۱ - یهودیان علی رغم مطابق یافتن ویژگی های کتاب و پیامبر موعود، بر قرآن و رسول اکرم (ص)، به آن کافر شدند.

فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به

۱۵ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عز و جل (و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا) روایت شده که فرموده اند: > كانت اليهود تجد في كتابها ان مهاجر محمد (ص) ما بين عير و أحد فخرجوا يطلبون الموضوع... فاتخذوا بأرض المدينة الأموال فلما كثرت أموالهم بلغ تبع فغزاهم... فخلف حيين الأوس و الخزرج... و كانت اليهود تقول لهم: أما لو قد بعث محمد ليخرجنكم من ديارنا و اموالنا فلما بعث الله عز و جل محمداً آمناً به الأنصار و كفرت به اليهود و هو قول الله عز و جل: و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به فلعن الله على

یهود در کتابهای آسمانی خود خوانده بودند که محل هجرت محمد(ص) بین کوه عیر و کوه احد است لذا برای یافتن آن محل از جایگاه خود خارج گردیدند . . . پس در مدینه ساکن شدند و اموالی فراوان به دست آوردند. چون این خبر به <تَّبِعَ > رسید با آنان جنگ کرد ... پس دو طایفه اوس و خزرج را به جا گذاشت ... و یهود به آنان (اوس و خزرج) می گفتند: اگر محمد(ص) مبعوث شود، شما را از خانه های ما و اموالمان بیرون می کند. پس چون خداوند پیامبر را مبعوث کرد، انصار (اوس و خزرج) ایمان آوردند و یهود به آن حضرت کافر گشتند و این سخن خداوند است که: آنان (یهودیان) قبل از بعثت محمد(ص) وعده پیروز شدن بر کافران را می دادند پس وقتی کتابی که آن را (از قبل) می شناختند نزد آنان آمد به آن کافر شدند پس لعنت خدا بر کافران باد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص) ، ایمان نخواهند آورد .

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لا-یؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لا یؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱۲

۱۲ کفر (انکار پیامبر) ، ظلم است و کافران ، ظالم هستند .

فاما الذین کفروا .. و الله لا یحب الظالمین

بنابراینکه

جمله <و الله لا يحب الظالمين>، تعلیل برای کیفر کافران باشد؛ یعنی چون کافران ظالم هستند، مستحق کیفرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۱

۱ کفر آگاهانه عالمان اهل کتاب به آیات خداوند (قرآن و پیامبر (ص)) و توییخ آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات الله و انتم تشهدون

با توجه به آیات قبل و بعد که درباره محاسبه، کتمان و درآمیختن حق به باطل است، استفاده می شود که مقصود از اهل کتاب، عالمان آنان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۲ - ۲

۲ کسانی که به پیامبر (ص) ایمان نیاورند و یا حضرتش را یاری نکنند، فاسق هستند .

لثؤمنن به و لتنصرته .. فمن تولی بعد ذلك فاولئك هم الفاسقون

در صورتی که مراد از <رسول> در آیه قبل، پیامبر اکرم (ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۶

۶ عصیان از فرمان های پیامبر (ص) ، کفر به آن حضرت است .

یومئذ یؤد الذین کفروا و عصوا الرسول

چنانچه <الرسول>، مفعول <کفروا> گرفته شود، به نظر می رسد جمله <عصوا>، بیان و تفسیر انکار رسالت باشد؛ یعنی انکار پیامبر (ص) در عمل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۳

۳ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبر (ص) و اخلاصگری آنان در

راه تحقق اسلام

و منهم من صدّ عنه

<صدّ> در برداشت فوق به معنای متعدی آن، یعنی بازداشتن و منع کردن گرفته شده است و لذا از آن به اخلاص لگری تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۰ - ۵

۵ اهل کتاب با انکار رسالت پیامبر (ص)، در حقیقت به خدا و تمامی پیامبران و پیامبر خویش کافرند.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ... و يقولون نؤمن ببعض و نكفر ببعض... أولئك هم الكفرون

بنا به گفته مفسران و به دلیل آیات بعد، مراد از <الذین یکفرون...>، اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۲۱

۲۱ بسیاری از یهود، هرگز به پیامبر اسلام (ص) ایمان نخواهند آورد.

فلا يؤمنون إلا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱۳

۱۳ کافران به رسالت پیامبر (ص) مورد تهدید خداوند

و إن تكفروا فان لله ما فى السموت و الارض

جمله <فان لله...> که بیانگر سلطنت خداوند بر هستی است می تواند به منظور تهدید منکران رسالت پیامبر (ص) ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۱۳

۱۳ کافران به خدا، قرآن و پیامبر (ص) محروم از رحمت و فضل و هدایت خاص خداوند

فاما الذين ءامنوا بالله و اعتصموا به .. صراطاً مستقيماً

معادل <اما>ی تفصیلیه حذف شده و جمله موجود <فاما الذين ءامنوا ..>

بیانگر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ فسق بنی اسرائیل عامل ایمان نیاوردن به خدا، پیامبر (ص) و وحی الهی

و لو كانوا يؤمنون... و لكن كثيراً منهم فسقون

جمله <و لكن...> بیانگر علت عدم ایمان بنی اسرائیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۳

۳ کفر به خداوند، قرآن و رسالت پیامبر (ص) فاقد هرگونه دلیل

و ما لنا لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق

استفهام در جمله <ما لنا...> استفهام انکاری است یعنی برای ما هیچگونه عذر و دلیلی وجود ندارد که از ایمان به خداوند

یکتا و پذیرش اسلام رویگردان باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۳

۳ گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر(ص)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

و لو جعلناه ملکا لجعلناه رجلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۵

۵ کفر اهل کتاب به پیامبر(ص) و اسلام، بهانه مشرکان صدر اسلام برای گریز از ایمان

لتشهدون أن مع الله ءاللهه أخرى... الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه

روی اصلی سخن در این آیه با مشرکان و علل ایمان نیاوردن آنان است. مطرح کردن اهل کتاب می تواند برای پاسخگویی به سؤالی باشد که برای مشرکان مطرح بوده و آن اینکه اگر پیامبر(ص) حق است، چرا اهل کتاب که آنان نیز دین آسمانی دارند به او

ایمان نیاورده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۷ - ۲

۲ نازل نشدن معجزه ویژه و دلخواه مشرکان، بهانه کفرورزی آنان به رسالت پیامبر(ص)

و قالوا لو لا نزل علیه آیه من ربه

درخواست معجزه از پیامبر(ص)، علی رغم ارائه معجزات از سوی آن حضرت، حاکی است که آنان خواهان معجزه ویژه و دلخواه خود بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۹

۹ مشرکان مکه به پیامبر(ص) و انبیای پیشین کفر میورزیدند.

أولئك الذين ءاتينهم .. فإن يكفر بها هؤلاء

<هؤلاء> اشاره به مشرکان مکه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۶

۶ مشرکان مکه با وجود ایمان نیاوردن به پیامبر(ص) با معجزات ارائه شده، مجدداً خواهان معجزات دیگری از پیامبر(ص) بودند.

و أقسموا .. لئن جاءتهم آیه ... إذا جاءت لا يؤمنون ... كما لم يؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک، به ظاهر مسلمان ولی در باطن کافر به خدا و رسول او بودند.

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم كفروا بالله و برسوله

روی سخن در این بخش از آیات با کسانی است که از شرکت در جنگ تبوک سرباز زده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۶

۶ منافقان ، کافر به خدا و پیامبر (ص)

ذلک بأنهم کفروا

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۲

۱۲ نفاق و تخلف از فرمان پیامبر (ص)، کفر به خدا و رسول خداست.

فرح المخلفون... إنهم كفروا بالله ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۷

۷ گرایش نداشتن آدمی به خدا، زمینه ساز مشیت الهی به گمراه ساختن او و هدایت نکردنش به توحید و رسالت پیامبر (ص)

إن الله يضل من يشاء و يهدي إليه من أناب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ کفرورزی مردم عصر بعثت و مخالفتشان با پیامبر (ص) و قرآن، عامل روی آوردن مصیبت های سخت و کوبنده بر آنان

و لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قریبًا من دارهم

برداشت فوق با توجه به حرف <باء> در <بما صنعوا> که به معنای سببیت است استفاده می شود. مراد از <ما صنعوا> به قرینه آیات گذشته، انکار قرآن، مخالفت با رسالت پیامبر(ص) و مانند آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۲

۲ - تخلف از دعوت پیامبر (ص) به بهانه های واهی، در حکم کفر به خدا و رسول او *

سيقول لك المخلفون... و من لم يؤمن... فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

روی سخن آیه شریفه، می تواند متوجه به بادیه نشینانی باشد که از دعوت پیامبر(ص) تخلف

کردند و اشتغال به اموال و خانواده را بهانه قرار دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۶

۶ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله <إلا من تولّى و كفر> يريد من لم يتعظ و لم يصدّقك و جحد ربوبيتى و كفر نعمتى ..
;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <إلا من تولّى و كفر> روایت شده است: مقصود کسی است که موعظه نمی پذیرد و تو را [ای محمد] تصدیق نمی کند و پروردگاری مرا منکر است و نعمت من را کفران می کند..<

کفر به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ کافران به معاد و رسالت پیامبر(ص)، زیانکار، تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسلى .. کتب على نفسه الرحمه ... الذين خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

با توجه به اینکه رحمت الهی فراگیر است، ممکن است زیان کافران به جهت محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۸

۸ مؤاخذه کافران به توحید، نبوت و معاد در مواقع قیامت

و یوم نحشرهم جمعياً .. و لو ترى إذ وقفوا على ربهم قال ألیس هذا بالحق

>أین شرکاؤکم< (در آیه ۲۲) مؤاخذه درباره توحید، <لاتکذب بآیات ربنا> (در آیه ۲۷) مؤاخذه درباره نبوت، >ألیس هذا بالحق< (در آیه ۳۰) مؤاخذه درباره قیامت است.

کفر به معبودان باطل

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۹

۹ مستضعفان مؤمن قوم ثمود ، در پاسخ مستکبران ، کفر خویش به معبودان دروغین را اعلان کردند .

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

حصر اضافی که از تقدیم <بما ارسل> بر <مؤمنون> به دست می آید، بیانگر این است که مستضعفان، علاوه بر اعلان ایمان به صالح و رسالت‌های وی، بیزاری خویش را از معبودان دروغین نیز بیان داشتند.

کفر به معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۴

۴ عذاب سهمگین و بی نظیر الهی سزای آنانکه پس از مشاهده مائده آسمانی به قدرت خداوند ، رسالت عیسی (ع) و معجزه بودن آن مائده کافر شوند .

فمن يكفر بعد منكم فاني اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً من العلمين

متعلق <يكفر> می تواند، رسالت عیسی(ع)، قدرت خداوند و معجزه بودن مائده آسمانی باشد. ضمیر در <لااعذبه> مفعول مطلق نوعی است و مرجع آن کلمه <عذاباً> می باشد یعنی لااعذب قبل هذا العذاب احداً

کفر به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۸

۸ کافران به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من يكفر بالله و ملئكته و كتبه و رسله و اليوم الآخر فقد ضل ضللاً بعيداً

کفر به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قوم موسی از تصدیق رسالت او سرباز زدند و بر ایمان نداشتن

به او تأکید ورزیدند .

و إذ قلتُم یموسیٰ لَن نُّؤمِن لَکَ

<لَن نُّؤمِن لَکَ> یعنی، تو را هرگز تصدیق نمی کنیم. <آمن> چه با لام آورده شود (آمن له) و چه با حرف باء <آمن به> به یک معناست. (مجمع البیان)

۵- قوم موسیٰ در پی کفر به او و تقاضای ناروایشان (دیدن خداوند) ، به هلاکت رسیدند .

لَن نُّؤمِن لَکَ .. فَأخذتکم الصعقه

<اخذ> (مصدر اخذت) به معنای گرفتن است و به قرینه آیه بعد کنایه از کشتن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۳۲ - ۱

۱ فرعونیان با سحر خواندن تمامی معجزات موسیٰ ، به وی گفتند که هرگز رسالتش را تصدیق نخواهند کرد .

مهما تأتانا به من ءایه لتسحرنا بها فما نحن لک بمؤمنین

<مهما> از أسماء شرط و به معنای <ای شیء> است. و <من> در <من آیه> بیان <مهما> است. بنابراین جمله <مهما تأتانا ...> یعنی <هر چیزی را که به عنوان معجزه بیاوری ...> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۱،۶،۷

۱ خداوند فرعونیان را پس از اعلام صریحشان بر ایمان نیاوردن به موسیٰ (ع) ، به عذاب های متعدد گرفتار ساخت .

فما نحن لک بمؤمنین. فأرسلنا علیهم ... آیت مفصلت

۶ فرعونیان علی رغم مشاهده آیاتی متعدد بر حقانیت رسالت موسیٰ ، از پذیرش آن سرباز زدند .

فأرسلنا علیهم .. فاستکبروا

۷ کبرورزی و خودبزرگ بینی فرعونیان ، ریشه کفرورزی آنان به آیات الهی و رسالت موسیٰ

فأرسلنا علیهم .. فاستکبروا

معنای خود بزرگ بینی است و چون <استکبروا> با حرف <فا> بر ارسال آیات تفریع شده، لازمه معنای آن (انکار کردن و نپذیرفتن) اراده شده است. به کارگیری استکبار به جای انکار و نپذیرفتن، برای رساندن علت انکار است؛ یعنی انکار فرعونیان از سر خود بزرگ بینی و تکبر بود.

کفر به نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۸

۸ مؤاخذه کافران به توحید، نبوت و معاد در مواقف قیامت

و یوم نحشرهم جمعياً .. و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق

<این شرکاؤکم> (در آیه ۲۲) مؤاخذه درباره توحید، <لاتکذب بآیات ربنا> (در آیه ۲۷) مؤاخذه درباره نبوت، <ألیس هذا بالحق> (در آیه ۳۰) مؤاخذه درباره قیامت است.

کفر به نبوت صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۵

۵ قوم ثمود، ناباور به رسالت حضرت صالح (ع)

إن كنت من المرسلین

کفر به نبوت محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ کافران به معاد و رسالت پیامبر (ص)، زیانکار، تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسلاً .. کتب علی نفسه الرحمه ... الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

با توجه به اینکه رحمت الهی فراگیر است، ممکن است زیان کافران به جهت محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

كفر به نوبت صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - اعراف - ٧ - ٧٦ -

۲ مستکبران قوم ثمود ، در پاسخ مستضعفان ، مخالف صریح خویش را با رسالت صالح و کفرشان را به پیام های او ابراز داشتند .

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

کفر به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ فسق بنی اسرائیل عامل ایمان نیاوردن به خدا ، پیامبر (ص) و وحی الهی

و لو کانوا یؤمنون . . . و لکن کثیراً منهم فسقون

جمله < و لکن . . . > بیانگر علت عدم ایمان بنی اسرائیل است.

کفر به وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۹

۹ ایمان نداشتن به وعده های الهی و قیامت ، منشأ ریاکاری

رئاء الناس و لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الاخر

بدان احتمال که جمله < الذین لا یؤمنون > بیانگر علت و ریشه انفاقهای ریایی باشد.

کفر پسر نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ برخی از افراد خانواده نوح (همسر و فرزندش) در زمره کافران و تکذیب کنندگان رسالت او بودند . *

و أهلك إلا من سبق عليه القول

<ال> در <القول> عهد ذکری و یا ذهنی است و اشاره به جمله <لاتخاطبني في الذين ظلموا إنهم مغرقون/٣٧> دارد. بنابراین <إلا من...> یعنی، مگر آن کس که از پیش به خاطر کفر و ظلمش، حکم غرق شدن را برای او مقدر ساخته ایم. مفسران برآند که مراد از <من سبق> همسرنوح به نام <واعله> و فرزندش به نام <یام> و

یا <کنعان> است.

کفر تحریفگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۶

۶ - تحریف گران آیات الهی ، کافراند .

إِنَّ الَّذِينَ يَلْحَدُونَ فِي ءَايَاتِنَا .. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ

کفر تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ انکار معاد کفرورزی است.

أليس هذا بالحق قالوا بلى و ربنا قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون

کفر توطئه گران علیه آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵ - ۲

۲ - کافران ، تلاش گران بر ضد آیات الهی اند .

الَّذِينَ ءَامَنُوا .. أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ ... وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا ... أُولَئِكَ لَهُ

به قرینه مقابله <الَّذِينَ سَعَوْا> با <الَّذِينَ ءَامَنُوا>، به دست می آید که مراد از آنان همان کافران اند.

کفر جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۵

۵ جالوت و سپاهیان وی از زُمره کافران

و لَمَّا بَرَزَا الْجَالُوتَ وَ جُنُودَهُ ... وَ انصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

کفر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۴

۴- کفر و حق ناباوری ، دارای دیرینه در گذشته تاریخ جن و انس

حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ

کفر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۵

۵ انحراف و کفر انسان های دوزخی ، ناشی

از سوء اختیار خود آنان است؛ نه معلول عوامل جبری.

و قد قَدِّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ

تعبیر <قد قَدِّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ> بدان معنا است که بر گمراهان، قبلاً اتمام حجت شده است و دیگر مجالی برای جدال و تخاصم نیست. لازمه اتمام حجت و مجرم بودن فرد، این است که او مجبور نبوده و به سوء اختیار خود، علیه حجت الهی اقدام کرده است.

کفر حییی بن اخطب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ ایمان حییی بن اخطب و کعب اشرف به جبت و طاغوت، و گفتار ناروای آنان نسبت به مسلمانان

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبث و الطاغوت و يقولون

ابن عباس می گوید: این آیه درباره حییی بن اخطب و کعب اشرف نازل شده است.

کفر خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۵

۵ - ایمان نیابردن برخی از اعضای خاندان نوح (ع)

و لمن دخل بيتي مؤمناً

مطلب یاد شده، از قید <مؤمناً> استفاده می شود.

کفر در عالم ذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۱۳

۱۳ از امام صادق (ع) [درباره بنی آدم] روایت شده که فرمود: >... فمنهم من أقرّ بلسانه في الذر و لم يؤمن بقلبه فقال

اللّٰه : > فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل < ;

.. برخی از آنان در عالم ذر به زبان اقرار کردند، ولی ایمان قلبی

نداشتند. این است که خداوند فرمود: ایمان نمی آوردند به آنچه که قبلاً تکذیب کردند.

کفر دشمنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۶

۶ - دشمنان خدا و پیامبران و فرشتگان ، کافرند .

من كان عدواً لله .. فإن الله عدو للكافرين

مقتضای کلام آن بود که به جای <الکافین> ضمیر <هم> آورده شود. این جا به جایی حاوی دونکته است: ۱ تصریح به اینکه توصیف شدگان کافرند. ۲ علت دشمنی خدا با آنان، کفر ایشان است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: کسانی که با خدا و ... دشمنند خدا دشمن آنهاست زیرا آنان کافرند.

کفر دشمنان جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۷،۹

۷ - دشمنان جبرئیل و میکائیل کافرند .

من كان عدواً لله .. و جبريل و ميكل فإن الله عدو للكافرين

۹ - یهودیان ، به دلیل عداوتشان با جبرئیل کافرند و خداوند دشمن آنان است .

من كان عدواً لله .. و جبريل و ميكل فإن الله عدو للكافرين

از مصداقهای <الکافین> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

کفر دشمنان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۶

۶ - دشمنان خدا و پیامبران و فرشتگان ، کافرند .

من كان عدواً لله .. فإن الله عدو للكافرين

مقتضای کلام آن بود که به جای <الكافرين> ضمیر <هم> آورده شود. این جا به جایی حاوی دونگته است: ۱ تصریح به اینکه توصیف شدگان کافرنند. ۲ علت دشمنی خدا با آنان،

کفر ایشان است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: کسانی که با خدا و ... دشمنند خدا دشمن آنهاست؛ زیرا آنان کافرند.

کفر دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۶

۱۶- مشرکانی که آیات قرآن را اسطوره می خوانند ، و نیز کسانی که علیه دین خدا توطئه می کنند ، در زمره کافراند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين .. قد مكر الذين من قبلهم ...

کفر دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۳

۳- دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در قبال کفر و حق ستیزی دشمنان

کذبت قبلهم قوم نوح

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ضمیر <قبلهم> به کافران عصر پیامبر بازمی گردد و در آیات پیشین نیز افعال <إن یروا..> و <کذبوا> و <اتبعوا> نظر به ایشان دارد.

کفر دشمنان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۶

۶- دشمنان خدا و پیامبران و فرشتگان ، کافرند .

من کان عدواً لله .. فإن الله عدو للكفرین

مقتضای کلام آن بود که به جای <الکافرین> ضمیر <هم> آورده شود. این جا به جایی حاوی دونکته است: ۱ تصریح به اینکه توصیف شدگان کافرند. ۲ علت دشمنی خدا با آنان، کفر ایشان است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: کسانی که با خدا و ... دشمنند خدا دشمن آنهاست؛ زیرا آنان کافرند.

كفر دشمنان ميكائيل

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۷

۷ - دشمنان جبرئیل و میکائیل کافرند .

من کان عدواً لله ... و جبریل و میکل فإن الله عدو للكفرین

کفر رباخواران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۴

۴ رباخواران ، هر چند مدعی ایمان باشند ، در حقیقت از زمره کفرپیشگان هستند .

لا تاكلوا الرِّبوا ... و اتقوا النار التي اعدت للكافرين

مقتضای جمع میان خطاب <یا ایها المؤمنین آمنوا لا تاكلوا الرِّبوا ... > و تهدید این گروه از رباخواران به آتش مهیا شده برای کافران، قرار دادن رباخواران مدعی ایمان است به منزله کافران.

کفر ریاکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۷

۷ ریاکاران ، ایمان واقعی به خدا و قیامت ندارند .

و الذین ینفقون اموالهم رءاء الناس و لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الاخر

جمله <و لا یؤمنون> می تواند تفسیر و توضیح جمله <ینفقون ... > باشد ؛ تکرار نشدن <الذین> می تواند این معنا را تأیید کند.

کفر زبانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۴،۶

۴ ثبوت کفر منافقان صدر اسلام ، با اظهار کردن کلمات کفرآمیز

و لقد قالوا كلمه الكفر و كفروا بعد إسلامهم

۶ بر زبان جاری ساختن کلمات کفرآمیز ، موجب کفر می شود .

يحلِفون بالله ما قالوا و لقد قالوا كلمه الكفر و كفروا

كفر شرك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام

۱۶ شرک، کفرورزی و مشرک، کافر است.

و الله ربنا ما كنا مشركين .. يقول الذين كفروا

مرجع ضمیر <منهم من يستمع> در صدر آیه، مشرکان مطرح شده در آیات قبل است. و از آنجا که در پایان آیه از همان گروه با توصیف <الذین كفروا> یاد شده، که در حقیقت اظهار در مورد اضممار است برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۳

۳ - شرک ، کفر است و مشرکان ، کافران .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا .. ذَلِكُمْ بَأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تُؤْمِنُوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در این آیات، مشرکان با عنوان کافران معرفی شده اند.

کفر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۹

۹ - کفرورزی شیاطین با تعلیم سحر به مردم

و لكن الشيطان كفروا يعلمون الناس السحر

کفر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۸

۱۸- شیطان در قیامت اظهار می دارد که وی قبل از شرک پیروانش ، به خداوند کافر شده بود . *

إني كفرت بما أشرکتون من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <بما أشرکتون> موصول و به معنای <من> باشد و ضمیر صله هم محذوف و <من قبل> نیز متعلق به <کفرت> باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من پیش از آنکه شما مرا شریک خدا قرار دهید (در

عهد آدم) به او کافر شدم.

کفر عبادت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۷

۷ پرستش غیر خدا، کفر است و مشرکان کافراند .

و يعبدون من دون الله .. و كان الكافر على ربه ظهيرا

برداشت فوق، از به کار بردن واژه <کافر> بر عبادت کنندگان غیر خدا که همان مشرکان اند استفاده شده است.

کفر عقیده به تثلیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۲

۲ معتقدان به تثلیث بدون هیچ تردید، مردمی کافرند .

لقد كفر الذين قالوا إنّ الله ثالث ثلثة

کفر علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۵

۵ شرک و کفر عالمان به کتاب های آسمانی، دور از انتظار و مایه شگفتی

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

کفر علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۵

۵ رشوه خواری عالمان کفرپیشه یهود برای پذیرش و تأیید دروغپردازی های رشوه دهندگان

لقوم ءاخیرین . . . سمعون للکذب اکلون للسحت

ذکر رشوه خواری عالمان یهود پس از توصیف آنان به دروغ پذیری، بیانگر آن است که آنان برای پذیرش و تأیید دروغهای بافته شده توسط گروهی از یهودیان رشوه می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۵۱

۵۱ کفرپیشگی برخی از عالمان و سران یهود عصر پیامبر (

ص) ، به دلیل خودداری آنان از قضاوت بر اساس تورات

ثم يتولون من بعد ذلك .. و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

کفر عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۹

۹ بدکاران ، گرفتار کیفرِ کردار ناپسند خویش خواهند شد .

من يعمل سوءاً یجز به

کفر عملی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۴ - ۱۱

۱۱ سوگند صادقانه به خدا ، گناه است و دروغ آن ، کفر عملی .

و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم

ان الله عز و جل یقول: <و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم>

کافی، ج ۷، ص ۴۳۴، ح ۴ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۸۳۴.

کفر غیر متمدنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱،۳

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پایرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

۳ افراد بدوی و به دور از تمدن و فرهنگ ، دارای کفر و نفاقى سخت تر در مقایسه با مردم متمدن و دارای فرهنگ

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً

كفر فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۵

۵ - تنها فاسقان (منحرفان) ، قرآن و دلایل روشن آن را نپذیرفته و بدان کافر می شوند .

و ما يكفر بها إلا الفسقون

كفر فرزندان قوم نوح

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۵

۵ - به وجود آمدن فرزندان کافر و تبه کار در جامعه ، فلسفه نفرین نوح (ع) علیه قوم کافر و گمراه گر خویش

و لا یلدوا إلا فاجراً کفّاراً

کفر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۹

۹ فرعون و اطرافیانش ، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در <لکما> ; در کلمه <مؤمنین> معنای تسلیم تضمین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۳

۳ فرعون و اشراف پیرامون او ، مردمانی کافر بودند .

علی خوف من فرعون و ملائیمهم . . . و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۲،۳،۴

۲ - فرعون ، معجزات ارائه شده از جانب موسی (ع) را تکذیب کرد و منکر دلالت آنها بر رسالت او شد .

و لقد أرینه ءآیتنا کلّها فکذّب

۳ - فرعون ، علی رغم مشاهده تمامی معجزات و آیات موسی (ع) ، از پذیرفتن رسالت او امتناع کرد .

و لقد أرینه ءآیتنا کلّها فکذّب و أبی

۴- فرعون ، اسیر لجاجت و کفر شدید در برابر آیات الهی بود .

و لقد أرينه آياتنا كلها فكذب و أباى

امتناع و تکذیب فرعون در عین ارائه آیات بسیار بر او، نشان از

شدت لجاجت و کفرپیشگی او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۹ - ۶

۶ - فرعون و سپاهیان سرکش وی ، عناصری بی ایمان و بی اعتقاد به آخرت بودند .

و ظَنُّوا أَنَّهُم بِإِلٰهِنَا لَا يَرْجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ - فرعون ، هامان و قارون ، از کافران بودند .

إِلٰى فِرْعَوْنَ وَ هَمَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سِحْرٌ كَذَّابٌ . . . و مَا كَيْدُ الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا فِى ضَلٰلٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۸

۸ - فرعون ، منکر ربوبیت خداوند

و لِيَدْعَ رَبَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۸ - ۴

۴ - < فرعون > ، محور حاکمیت کفر در عصر موسی

و فِى مُوسَى اِذْ اَرْسَلْنٰهُ اِلٰى فِرْعَوْنَ

از این که موسی(ع) قبل از تبلیغ تودهای مردم، مأموریت یافته بود تا به سوی فرعون حرکت کند، به دست می آید که فرعون بر مجموعه نظام اجتماعی آن عصر حاکمیت داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۹

\$۹ - فرعون ، به ربوبیت خداوند ، بی اعتقاد و در برابر خواسته های او گستاخ بود .

و أهدیک إلی ربک فتحشی

- فرعون، به ربوبیت خداوند، بی اعتقاد و در برابر خواسته های او گستاخ بود.

کفر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۶

۶ موسی (ع)

(از ایمان آوردن فرعونیان به خدا و پذیرش تعالیم وی ناامید شد .

عسی ربکم أن یهلك عدوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۱،۶

۱ خداوند فرعونیان را پس از اعلام صریحشان بر ایمان نیاوردن به موسی (ع) ، به عذاب های متعدد گرفتار ساخت .

فما نحن لك بمؤمنين. فأرسلنا عليهم ... آیت مفصلت

۶ فرعونیان علی رغم مشاهده آیاتی متعدد بر حقانیت رسالت موسی ، از پذیرش آن سرباز زدند .

فأرسلنا عليهم .. فاستكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۵ - ۸

۸ فرعونیان ، علی رغم پیمان مؤکدشان با موسی (ع) (تصدیق رسالت او و آزادسازی بنی اسرائیل پس از برطرف شدن عذاب) ، حتی لحظه ای به وی ایمان نیاوردند و بنی اسرائیل را آزاد نکردند .

فلما كشفنا عنهم الرجز .. إذا هم ينكثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۶ - ۳

۳ فرعونیان به دلیل شکستن پیمانشان با موسی (ع) (ایمان به وی و آزادسازی بنی اسرائیل) سزاوار انتقام الهی و غرق شدن در دریا گشتند .

إذا هم ينكثون. فانتقمنا منهم

تفریع جمله <فانتقمنا> بر جمله <إذا هم ينكثون> به وسیله حرف <فاء> می رساند که پیمان شکنی فرعونیان در انتقام الهی از آنان دخیل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- انفال - ۸ - ۵۲ - ۴

۴ فرعونیان و امت های قبل از

ایشان مردمی کفرپیشه و گنهکار

كدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم كفروا بآیت اللہ فأخذهم اللہ بذنوبهم
ضمیر در <كفروا> به <آل فرعون> و <الذین من قبلهم> برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۹

۹ خداوند به سبب کفرورزی فرعونیان و اقوام پیش از آنها ، نعمت های خویش را از آنان سلب و به نقت و عذاب تبدیل کرد .

كدأب ءال فرعون .. ذلك بأن اللہ لم یک مغیرا ... حتی یغیروا ما بأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۹ - ۶

۶ - فرعون و سپاهیان سرکش وی ، عناصری بی ایمان و بی اعتقاد به آخرت بودند .

و ظنّوا أنّهم إلینا لایرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۹

۹ - مردم مصر (فرعونیان و قبطیان) ، منکر یکتایی خدا و مشرک بودند .

تدعوننی لأکفر باللّہ و أشرک به

کفر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ - فرعون ، هامان و قارون ، از کافران بودند .

إلى فرعون و هممن و قرون فقالوا سحر كذاب . . . و ما كيد الكافرين إلا في ضلل

كفر قبطيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۸۳ - ۱

۱ قوم فرعون ، على رغم مشاهده معجزه بزرگ موسى (ع) و غلبه او بر ساحران ، بر ناباوری خود پای فشرده و کسی

از آنان به او ایمان نیاورد .

فما آمن لموسی إلا ذریه من قومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <من قومه> راجع به <موسی> و مراد از <قوم موسی>، بنی اسرائیل باشد.

کفر قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۲

۲ قوم و قبیله پیامبر، تهدید به عذاب از جانب خداوند را باور نکرده و آن را تکذیب کردند.

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذابا .. و کذب به قومک

در آیه <قل هو القادر> وعیدهایی از جانب خداوند مطرح گردید. محتمل است مرجع ضمیر <کذب به> همان وعیدهای مطرح شده در آیه قبل باشد برداشت فوق بر این اساس استوار است.

کفر قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۳ - ۱۷

۱۷ کتمان شهادت ، حاکی از کفر قلب کتمان کننده است .

و لا تکتُموا الشَّهاده و من یکتُمها فأنه اثم قلبه

امام باقر (ع) درباره <فانه اثم قلبه> فرمود: کافر قلبه

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵، ح ۵ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۰۱، ح ۱۲۰۷.

کفر قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۳

۳ - اکثریت قوم ابراهیم ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان اکثرهم مؤمنین

کفر قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۲۶ - ۱

۱ - قوم الیاس ، منکر ربوبیت خداوند نسبت به انسان ها

أَدْعُونَ بَعْلًا .. اللَّهُ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبَائِكُمْ

یادآوری ربوبیت خداوند نسبت به انسان ها، گویای این مطلب است که قوم الیاس، منکر این حقیقت بودند.

کفر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۵

۵ قوم ثمود ، ناباور به رسالت حضرت صالح (ع)

إن كنت من المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۸ - ۲

۲ قوم ثمود ، ربوبیت خداوند را انکار کردند و از فرمانش سرپیچی نمودند .

ألا إن ثمودا كفروا ربهم

چون <ربهم> بدون واسطه حرف <باء> مفعول برای <كفروا> قرار گرفته است، می توان گفت در <كفروا> معنای عصیان و نافرمانی اشراب شده است، یعنی: عصوا ربهم کافرین به.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۲۰

۲۰- اقوام کفرپیشه نوح ، عاد و ثمود برای انکار تعالیم انبیای خویش در برابر دلایل روشن آنان ، دلیل و برهان روشنی نداشتند .

قوم نوح و عاد و ثمود و الذین من بعدهم . . . جاءتهم رسلهم بالبینت ... قالوا إنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۰ - ۱،۳

۱- اصحاب حجر (قوم ثمود) رسالت رسولان الهی را تکذیب کردند .

و لقد كذب أصحاب الحجر المرسلين

۳- اصحاب حجر (قوم ثمود) رسالت حضرت صالح (ع) را مورد تکذیب قرار دادند .

و لقد كذب أصحاب الحجر المرسلين

برداشت فوق بنابرین احتمال است که مراد از <المرسلین> حضرت صالح(ع) باشد که پیامبر قوم ثمود بود و جمع آورده شدن <المرسلین> می تواند

به این دلیل باشد که آن قوم با تکذیب صالح(ع) در حقیقت همه انبیای الهی را مورد تکذیب قرار می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۱ - ۲

۲- اصحاب حجر (قوم ثمود) ، از معجزات و آیات الهی روی برتافته و بر کفر خویش اصرار ورزیدند .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنها معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۱

۱ - ناباوری قوم ثمود نسبت به انتخاب فردی چون < صالح (ع) > ، از میان همه قوم ، برای دریافت وحی

ألقى الذکر علیه من بیننا

کفر قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۲

۲ - خداوند ، مردم سبأ را به خاطر کفرشان با فرستادن سیلی بنیان کن مجازات کرد .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم .. ذلک جزینهم بما کفروا

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که < کفروا > به همان معنای مشهور (کفر ورزیدن) باشد.

کفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۳ - ۷

۷ تأکید قوم عاد ، بر ایمان نیاوردن به هود (ع) و تصدیق نکردن پیام ها و رسالت های او

و ما نحن لک بمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۲

۲ اکثریت قاطع قوم عاد ، آیات الهی و نشانه های ربوبیت خداوند را انکار کردند .

و تلك عاد جحدوا بأيت ربهم

با اینکه عده

ای از مردم عاد ایمان آوردند، خداوند انکار آیات و مخالفت با پیامبران را به همه قوم نسبت می دهد تا به این نکته اشاره کند که: اکثریت قریب به اتفاق آنان، به کفرورزی اصرار داشتند و مؤمنان در قیاس با آنها، چیزی به شمار نمی آمدند. قابل ذکر است که چون فعل <جحد> به وسیله حرف <با> متعدی شده، معنای <کفر> در آن اشراب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۰ - ۵

۵ قوم عاد ، بر اثر کفر و نافرمانی خدا و پیامبران ، سزاوار هلاکت و دوری از رحمت الهی شدند .

أَلَا بُعْدًا لِعَادِ قَوْمِ هُودٍ

<بُعْدًا> (هلاک گشتن یا دور شدن) مفعول مطلق برای فعل محذوف (لیبعد) است: أَلَا لِيُعَدَّ قَوْمِ عَادٍ بَعْدًا. و از آن جا که قوم عاد به هلاکت رسیدند و از رحمت او محروم شدند می توان گفت، مراد عذاب در آخرت و دوری از رحمت او در آن سراسر است و نیز محتمل است <أَلَا بُعْدًا...> چنان چه زمخشری گفته بیانگر استحقاق دوری و هلاکت باشد، یعنی، [قوم عاد هلاک گشتند و از رحمت او محروم شدند] بدانید آنان مستحق آن کیفر و سزاوار چنین عقوبتی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۲۰

۲۰- اقوام کفرپیشه نوح ، عاد و ثمود برای انکار تعالیم انبیای خویش در برابر دلایل روشن آنان ، دلیل و برهان روشنی نداشتند .

قوم نوح و عاد و ثمود و الذین من بعدهم . . . جاءتهم رسلهم بالبینت ... قالوا إنا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۸

۸ - بیشتر عادیان ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان اکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۱ - ۲

۲ - کفر و حق ستیزی قوم عاد ، منتهی به عذاب الهی با بادی ویرانگر

و فی عاد إذ أرسلنا علیهم الريح العقیم

کفر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۲ - ۵

۵ کفرپیشگان قوم نوح ، ناباور به آمدن عذاب و تحقق یافتن وعیدها و تهدیدهای حضرت نوح (ع)

فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۲۰

۲۰ - اقوام کفرپیشه نوح ، عاد و ثمود برای انکار تعالیم انبیای خویش در برابر دلایل روشن آنان ، دلیل و برهان روشنی نداشتند .

قوم نوح و عاد و ثمود و الذین من بعدهم . . . جاءتهم رسلهم بالبینت ... قالوا إنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۸

۸- قوم بی ایمان نوح ، مایه غم شدید و اندوه بزرگ برای حضرت نوح و خاندانش بودند .

فَنَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۹

۱۹ - > عن أبي جعفر (ع) قال : كانت شريعته نوح أن يعبد الله بالتوحيد . . . فلبث فيهم ألف

سنه إلاّ- خمسين عاماً يدعوهم سرّاً و علانيه . . . فأوحى الله عزّوجلّ إليه : أنّه لن يؤمن من قومك إلاّ من قد آمن فلاتبتأس بما كانوا يفعلون < فلذلك قال نوح : > و لا يلدوا إلاّ فاجراً كفاراً < و أوحى الله إليه > أن اصنع الفلك < ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:.. شریعت نوح آن بود که خدا به یکتایی پرستش می شد... پس نوح(ع) در بین قوم خویش ۹۵۰ سال توقف کرد و آنها را آشکار و پنهان به خدا دعوت نمود... سپس خداوند عزّوجلّ به او وحی فرستاد: < أنّه لن يؤمن من قومك إلاّ- من قد آمن فلا-تبتئس بما كانوا يفعلون > و به همین خاطر نوح گفت: < و لا يلدوا إلاّ- فاجراً كفاراً > و خداوند به نوح وحی کرد: < أن اصنع الفلك >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۷ - ۲

۲ قوم نوح ، رسالت و پیامبری نوح (ع) و دیگر پیامبران الهی پیش از او را تکذیب کردند .

كذبوا الرسل

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمع آمدن <رسل > به لحاظ مجموعه پیامبران الهی پیش از نوح(ع) باشد؛ که در این صورت الف و لام <الرسل > برای عهد خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۱

۱ - شکوه نوح (ع) به درگاه خدا ، از لجاجت و تکذیب گری قومش نسبت به او

قال ربّ إنّ قومی کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳

۴ - قوم نوح ، پیش از رسالت آن حضرت ، به عبادت خدا و تقوای الهی اعتقاد نداشته و پایبند نبودند .

أَنْعَبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونَ

توصیه و انداز حضرت نوح(ع) به موارد یاد شده و مخالفت طولانی قومش با آنها، بیانگر حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - قوم نوح ، مردمی بی پروا در برابر خداوند ولی بی اعتقاد به عظمت او

ما لکم لاترجون لله وقارًا

<رجاء> در مقابل <یأس> قرار دارد و هرگاه با حرف نفی استعمال شود مانند آیه شریفه به معنای <خوف> به کار می رود (لسان العرب). برخی مراد از <رجاء> در این آیه را، <اعتقاد> دانسته اند زیرا کسی که به چیزی امیدوار است، به آن چیز اعتقاد خواهد داشت. و <وقار> به معنای عظمت و بزرگی است.

۲ - قوم نوح ، مردمی بی اعتقاد به شکوه و عظمت ربوبی خداوند

ما لکم لاترجون لله وقارًا

مشركان، خداوند را به عنوان خالق جهان قبول داشتند ولی ربوبیت او را انکار می کردند. با توجه به این نکته، می توان استفاده کرد که مقصود از <وقار> عظمت ربوبی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۶

۶ - قوم نوح ، مردمی کافر و تبه کار بودند

و لایلدوا إلا فاجرًا کفارًا

تداوم حیات قوم نوح، موجب تولد فرزندان کافر و تبه کاری می شد. از این نکته استفاده می شود که خود آنان نیز چنین بودند.

کفر قوم یونس

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۶

۶ قوم یونس ، پیامبر خویش را در آغاز تکذیب کرده و از ایمان آوردن به دعوت های او سرباز زدند .

إلا قوم یونس لما ءامنوا كشفنا عنهم عذاب

كفر كافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۳

۱۳ کفرورزی کافران ، بیرون از اراده الهی نیست .

ولا يحزنك الذين يسارعون في الكفر اَنَّهُم لن يضرّوا الله شيئاً يريد الله الّا

جمله <یرید الله...> ، بیان دلیلی است برای <لن یضرّوا الله> ؛ یعنی شتاب کافران در کفر خویش، ضرری به خداوند نمی زند و کفر آنان، نشانه چیره شدن بر خداوند و اراده او نیست ؛ زیرا خداوند با اراده خود آنان را به راهی انداخته که نتیجه آن محرومیت از بهره های آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۴

۱۴ مالکیت انحصاری خداوند بر تمامی هستی و غنای وی ، دلیل مصونیت او از هرگونه خسارت و آسیب از کفر کافران

و إن تکفروا فان لله .. و كان الله غنياً حميداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ ناتوانی از درک معارف دین در نتیجه لجاج و کفر ، کافران را نزد خدا معذور نمی سازد .

بل طبع الله علیها بکفرهم

چنانچه مقصود از جمله <قلوبنا غلف> این معنا باشد که یهودیان واقعاً از درک تعالیم پیامبر اسلام و یا دیگر انبیا عاجز بودند

بر این اساس خود را معذور می پنداشتند، جمله <بل طبع الله> بیانگر این نکته است که ناتوانی یهود از درک سخنان پیامبر(ص) نمی تواند عذری در پیشگاه خداوند محسوب شود چون کفرورزی آنان عامل چنین وضعیتی برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۸

۸ کافران تکذیب کننده آیات الهی حتی در صورت بازگشت به دنیا ایمان نمی آورند.

فقالوا یلیتنا نرد... و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۱

۱ هیچ حرکت و رفتاری ، حتی کفرورزی کافران و پیمان شکنی آنان ، خارج از اراده خداوند نیست .

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إناهم لایعجزون

جمله <لایحسبن...> در صدد رفع پندار ناصوابی است که کفرپیشگان آن را در خیال خویش می پروراندند که با توجه به آیات قبل می توان گفت آن پندار برخاسته از کفرورزی و ستیزه جویی علیه پیامبر(ص) و شکستن پیمانهای او بوده است. آنان بر این پندار بودند که اگر دستورات پیامبر(ص) از جانب خدا و خواست اوست، آنان با مخالفتهای خویش بر خدای محمد(ص) چیره شده اند. جمله <لایحسبن...> بیان می دارد که این پندار ناصواب است. زیرا هیچ چیز خداوند را ناتوان نمی سازد. مفاد این جمله با توجه به آنچه گذشت این است که هیچ حرکت و رفتاری بیرون از اراده و خواست خداوند نیست.

کفر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ -

۵- ربوبیت خداوند بر انسان ها مورد انکار کافران عصر بعثت قرار داشت .

من ربّه

چنانچه کافران به ربوبیت خداوند معترف بودند، می گفتند: <ربّنا>.

کفر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۱

۱- کافران مجرم مکه ، علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

كذلك نسلکة فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله <لایؤمنون به> جمله تفسیریه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

كذلك نسلکة فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظّلوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

<سكر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را

گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

کفر کعب ابن اشرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ ایمان حُیی بن اخطب و

کعب اشرف به جبت و طاغوت ، و گفتار ناروای آنان نسبت به مسلمانان

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت و الطاغوت و يقولون

ابن عباس می گوید: این آیه درباره حبیبی بن اخطب و کعب اشرف نازل شده است.

کفر متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک ، به ظاهر مسلمان ولی در باطن کافر به خدا و رسول او بودند .

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم كفروا بالله و برسوله

روی سخن در این بخش از آیات با کسانی است که از شرکت در جنگ تبوک سرباز زده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۱

۱۱ حکم صریح خداوند به کفر منافقان متخلف از جنگ تبوک

إنهم كفروا بالله و رسوله

کفر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۲

۲ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کافر یهود و نصارا ، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً كفروا بعد ايمانهم .. خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوماً كفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

کفر مخالفت با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۹ - ۹

۹ - کفر و مخالفت با پیامبران ، اسراف است و کافران مسرف اند .

أئن ذکرتم بل أنتم قوم مسرفون

توصیف مردم بی ایمان و مخالف پیامبران الهی به

اسرافگر، گویای حقیقت یاد شده است.

کفر مرتد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۰ - ۵

۵ مرتدانی که بر کفر اصرار ورزند ، گمراهان واقعی هستند .

اولئك هم الضّالّون

کفر مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۷، ۱۲، ۱

۱ علاقه وافر پیامبر (ص) به هدایت یافتن مردم و اندوه و تأسف عمیق وی از شتاب برخی از مردم در کفر

و لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر

۲ توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر اندوهگین نشدن از شتاب برخی مردم در کفر

و لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر

۱۷ تسلیت و دلداری خداوند به پیامبر (ص) در مورد شتاب برخی از مردم در کفر

و لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر .. و لهم عذاب عظیم

کفر مردم دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ - اعتقاد به ربوبیت خداوند ، در آیین مردم عصر فرعون مردود بود .

و لیدع ربّه .. أن یبدّل دینکم

دین حضرت موسی بر ربوبیت خداوند استوار بود. بنابراین دین مردم مصر که مطابق اعتقادات موسی (ع) در حال تغییر بود در تضاد با اعتقاد به ربوبیت خداوند قرار داشت.

کفر مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۶،۹

۶ امتی که پیامبر (ص) به سوی آنان مبعوث شد، به خداوند رحمان کفر ورزیدند.

و

هم یکفرون بالرحمن

۹ مردم عصر بعثت خداوند را به اسم و وصف <الرحمان> نمی شناختند و بدان کفر میورزیدند .

و هم یکفرون بالرحمن

بسیاری از مفسران برآنند که مراد از کفر مردم عصر بعثت به <الرحمان> عدم آشنایی آنان با این اسم برای خداوند است ؛ یعنی، خداوند را با این اسم و وصف نمی شناختند و آن گاه که قرآن خداوند را به اسم <الرحمان> توصیف کرد، انکار کردند و گفتند <رحمان> دیگر کیست و چه خدایی است؟

کفر مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۷

۷- ساحل نشینان غرب سرزمین ذی القرنین ، مردمی کفرپیشه و ستم کار بودند .

قلنا یذا القرنین إما أن تعذب

تعبیر <تعذب> نشانگر آن است که آنان مستحق کیفر بوده اند و دلیل آن به قرینه آیات بعد ستم گری و کفر آنان بوده است.

کفر مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۶

۶ - کفر به یگانگی خدا در عین برخورداری از امکانات دنیوی بارزترین نوع ناسپاسی در برابر نعمت های او است .

و قال الملائمة من قومه الذین کفروا .. و أترفنهم فی الحیوه الدنیا

عبارت <و أترفنهم> حال است برای فاعل <کفروا> ؛ یعنی، با این که خدا آنان را از امکانات دنیوی برخوردار ساخت، آنها به یگانگی او کفر ورزیدند و به پرستش غیر او رو آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٥ - سبأ - ٣٤ - ٣٤ - ٢

٢ - مترفان ، به

هر پیامبری که از جانب خداوند به سوی مردم مبعوث می شد، اعلام می کردند که تعالیم او را نمی پذیرند .

و ما أرسلنا فی قریه من نذیر إلا قال مترفوها إنا بما أرسلتم به كفرون

کفر مستکبران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۲

۲ مستکبران قوم ثمود، در پاسخ مستضعفان، مخالف صریح خویش را با رسالت صالح و کفرشان را به پیام های او ابراز داشتند .

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به كفرون

کفر مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۱

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) و مشرکان ، مردمی کفرپیشه اند .

ما یودّ الذین کفروا من اهل الکتب و لالمشکین

<من> در <من أهل...> به دلیل عطف <المشکین> بر <اهل الکتب> بیانیه است. بنابراین <ما یودّ الذین کفروا...> یعنی، آنان که کافر شدند - مقصود از کافران، اهل کتاب و مشرکانند - دوست ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۷

۷ - ایمان نیاوردن یهود و نصارا به قرآن و معارف اسلام، از سر ستیزه جویی و دشمنی است .

و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۲

۲ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر، کیفر یهود و نصارا، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً کفروا بعد ایمانهم

... خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوما کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۸

۸ یهود و نصارا به دلیل فرزند خدا خواندن < عزیز > و < مسیح > کافرند .

یضهئون قول الذین کفروا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، مردمانی کفرپیشه

یریدون أن یطفئوا نور الله .. و یأبی الله ... و لو کره الکفرون

کفر مسیحیان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۸

۸ - گروهی از یهود و نصارا و مشرکان در عصر بعثت ، اسلام را نپذیرفته و خود را همچنان در انتظار دستیابی به برهان آشکار قلمداد می کردند .

لم یکن الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین منفکین حتی تأتیهم البینه

حرف <من> ، ممکن است برای تبعیض باشد.

کفر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۱

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) و مشرکان ، مردمی کفرپیشه اند .

ما یودّ الذین کفروا من اهل الکتب و لالمشرکین

<من> در <من أهل ..> به دلیل عطف <المشرکین> بر <اهل الکتب> بیانیه است. بنابراین <ما یود الذین کفروا ...> یعنی، آنان که کافر شدند - مقصود از کافران، اهل کتاب و مشرکانند - دوست ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ -

۱۷ مشرکان مکه ، مردمانی کفرپیشه و بازدارندگان از راه خداوند و مسجدالحرام

و صدّ عن سبيل الله و كفر به و المسجد الحرام و اخراج اهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۲

۲ مشرکان و یهودیان ، مردمانی کفر پیشه و تکذیب کننده آیات الهی

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود مصداق بارز از <الذین کفروا و کذبوا ..> مشرکان و یهودیان منکر قرآن و رسالت پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۷

۷ آنان که برای خداوند همتایی بیندارند، کافرند.

ثم الذین کفروا بر بهم يعدلون

در این برداشت <بر بهم> متعلق به يعدلون و <يعدلون> نیز از عدل، به معنی برابر و همسان، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۷ - ۲

۲ نازل نشدن معجزه ویژه و دلخواه مشرکان، بهانه کفرورزی آنان به رسالت پیامبر(ص)

و قالوا لو لا نزل علیه آیه من ربه

درخواست معجزه از پیامبر(ص)، علی رغم ارائه معجزات از سوی آن حضرت، حاکی است که آنان خواهان معجزه ویژه و دلخواه خود بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۱۷ - ۵

۵ مشرکان ، مردمانی ناپاک و آلوده به کفر

شهدین علی أنفسهم بالكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ مشرکان از زمره کافران و موحدان از زمره تقوایندگانند .

تلک عقبی الذین اتقوا

و عقبی الکفرین النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۶

۱۶- مشرکانی که آیات قرآن را اسطوره می خوانند ، و نیز کسانی که علیه دین خدا توطئه می کنند ، در زمره کافرانند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين .. قد مكر الذين من قبلهم ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۹ - ۵

۵- مشرکان ، معاد جسمانی را امری مستبعد و غیر ممکن می دانستند .

و قالوا أءذا كنا عظامًا و رقتنا أءنا لمبعوثون خلقًا جديدًا

از اینکه برای مشرکان، بازسازی استخوانهای خرد شده انسان امری مستبعد و ناممکن می نمود، به دست می آید که آنان، معاد جسمانی را غیر ممکن می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۴

۴ - مشرکان ، مردمانی کفرپیشه اند .

قل أروني الذين ألحقتم به شركاء .. و قال الذين كفروا

مراد از <الذين كفروا> چنان که مفسران نیز اذعان کرده اند مشرکانی اند که در آیات پیش از آنان سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۷

۱۷ - مشرکان ، مردمانی کافرانند .

إذ تأمروننا أن نكفر بالله و نجعل له أندادًا .. و إذا تتلى عليهم آيتنا ... و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۱

۱ - مشرکان ، به رغم ادعای آمادگی برای ایمان آوردن

به کتاب آسمانی ، به قرآن کفر ورزیدند .

لو أنّ عندنا ذكراً من الأولين . لكنا عباد الله المخلصين . فكفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵ - ۲

۲ - منکران یگانگی خدا و معتقدان به تعدد معبود ، کافراند .

وقال الكفرون .. أجعل الألهة إلهاً وحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۳

۳ - شرک ، کفر است و مشرکان ، کافراند .

إنّ الذين كفروا .. ذلكم بالله إذا دعى الله وحده كفرتم و إن يشرك به تؤمنوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در این آیات، مشرکان با عنوان کافران معرفی شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۷

۷- کفرورزی و نسبت های ناروای مشرکان به ساحت وحی و پیامبر (ص) ، مورد علم و آگاهی خداوند

قل .. هو أعلم بما تفيضون فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱

۱- مذمت خداوند از کفر مشرکان ، و جلوگیری آنان از ورود مؤمنان به مسجدالحرام و قربانی کردن

هم الذين كفروا و صدّوكم عن المسجدالحرام و الهدى معكوفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - منكران اسلام چه از اهل كتاب باشند و چه مشرك كافرانند .

الذین كفروا من أهل الكتب و المشركين

حرف <من> برای تبیین است و مصداق <الذین كفروا> را،

اهل کتاب و مشرکان معرفی کرده است.

۶- اهل کتاب و مشرکانی که اسلام را نپذیرفتند، کسانی بودند که از پذیرش هر برهان روشنی سرباز می زدند .

لم یکن .. منفکین حتی تأتیههم البینه

در برداشت یاد شده، <منفکین> به معنای <منفکین عن الکفر> دانسته شده است. <تأتیههم البینه> به تقدیر <أن> مصدریه با <اتیان البینه> مرادف است و عبارت <حتى اتیان البینه> را می توان به معنای <حتى وقت اتیان البینه> یا <حتى باتیان البینه> دانست. در این صورت، تقدیر کلام چنین می شود: <لم یکن ... منفکین فی وقت من الأوقات حتى وقت اتیان البینه> یا <لم یکن ... منفکین بأی طریق حتى باتیان البینه>.

۱۰- کفر اهل کتاب ، نکوهیده تر از کفر مشرکان است .

الذین کفروا من أهل الكتب و المشرکین

تقدیم اهل کتاب بر مشرکان در توییح بر کفر، بیانگر برداشت یاد شده است.

۱۲- ادعای نبودن برهانی روشن بر حقانیت اسلام ، بهانه اهل کتاب و مشرکان ، در امتناع از پذیرش آن

لم یکن الذین کفروا.. منفکین حتى تأتیههم البینه

۱۳- برخی از اهل کتاب و مشرکان ، پس از مشاهده برهان حقانیت اسلام ، با کفرورزی به آن ، راه خویش را از دیگر هم کیشان خویش جدا کردند .

لم یکن الذین کفروا من أهل الكتب و المشرکین حتى تأتیههم البینه

این برداشت، بر چهار نکته استوار است: ۱. مراد از <الذین کفروا> کسانی اند که پس از ظهور اسلام، به آن کافر شدند؛ ۲. حرف <من> در <من أهل الكتاب و المشرکین> برای تبعیض است؛ ۳. تعبیر <منفکین> ناظر به جدا شدن کافران، از

دیگر اهل کتاب و مشرکانی است که به اسلام گرویده اند؛ آیه شریفه در مقام توییح کسانی است که به رغم پیدایش <بینه>، خود را از صف عموم گروندگان به اسلام جدا کرده اند.

۱۴ - سرپیچی کافرانِ اهل کتاب و مشرکان، از پذیرش اسلام و انشعاب از مجموعه گروندگان به آن پس از ظهور <بینه> ، رفتاری نکوهیده و شگفت

لم یکن الذین کفروا.. منفکین حتی تأتیهم البینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۴، ۵، ۳

۳ - کفر اهل کتاب، نکوهیده تر از کفر مشرکان است .

إِنَّ الذین کفروا من أهل الکتاب و المشرکین

۴ - منکران اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک کافراند .

إِنَّ الذین کفروا من أهل الکتاب و المشرکین

۵ - اهل کتاب و مشرکان، در صورت خودداری از پذیرش اسلام، از عبادت خالصانه خداوند محروم مانده و خود را از برکات نماز و زکات دور ساخته اند .

و ما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۰

۱۰ - اهل کتاب و مشرکان، در صورت کفر به اسلام، از لذت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود .

من أهل الکتاب و المشرکین فی نار جهنم .. الذین ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

کفر مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲

شرك پيشگان عصر بعثت ، منكر ربويت خدا بودند .

قال الكفرون إن هذا لسحر مبين. إن ربكم الله

به کارگیری حرف تأکید (إن) و اسمیه بودن جمله <إن ربكم الله> بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۷ - ۲

۲ شرک پيشگان عصر بعثت ، منكر روز بازپسين بودند .

إن الذين لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۴،۸،۹،۱۲

۴ شرک پيشگان عصر بعثت با وجود اعتقادشان به رازقیت و روزی بخشی خدا ، ربويت بی شريك او را باور نداشتند .

قل من يرزقكم من السماء و الأرض . . . فسيقولون الله

ضمير فاعلی در <سيقولون> به مشرکان بر می گردد.

۸ شرک پيشگان عصر بعثت ، در عين اینکه به مالکیت و حاکمیت خدا بر قوا و حواس آدمی اعتقاد داشتند ، منكر ربويت او بودند .

أمن يملك السمع و الأبصر . . . فسيقولون الله

۹ شرک پيشگان عرب جاهلی با وجود اینکه خدا را پدید آورنده جانداران از موجودات بی جان و موجودات بی جان را از جانداران می دانستند ، منكر ربويت و پروردگاری او بودند .

و من يخرج الحي من الميت و يخرج الميت من الحي . . . فسيقولون الله

۱۲ مشرکان عرب جاهلی با وجود اعتقادشان به اینکه تدبیر امور جهان در دست خداست ، منكر ربويت و پروردگاری بی همتای او بودند .

و من يدبر الأمر فسيقولون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۴

۴ امتناع مشرکان عصر

بعثت از اقرار به ربوبیت خدا بر تمام هستی علی رغم مشاهده نقش او در جهان آفرینش

قل من رب السموت و الأرض قل الله

از اینکه خداوند خود به پریشی که از مشرکان کرده (من رب السموت) پاسخ می دهد (قل الله) معلوم می شود آنان از اعتراف و اقرار به ربوبیت خداوند خودداری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۳ - ۲،۳

۲- بیشتر مشرکان صدراسلام ، با وجود آگاهی از نعمت های الهی ، راه ناسپاسی پیمودند و کافر شدند .

يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها و أكثرهم الكفرون

۳- بیشتر مشرکان صدراسلام ، علاوه بر انکار عملی نعمت های الهی ، به زبان نیز کفر میورزیدند .

يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها و أكثرهم الكفرون

انکار و ناسپاسی نعمتهای الهی یا با زبان است و یا با عمل. جمله <ثم ينكرونها> می تواند گویای کفران عملی و جمله <و أكثرهم الكافرون> بیانگر ناسپاسی با زبان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۵

۵- پیشگویی قرآن ، مبنی بر ایمان نیاوردن برخی از مشرکان صدراسلام ، حتی پس از نزول معجزات درخواستی آنان

ماءامنت قبلهم .. أفهم يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۸

۸- رسوخ روحیه کفرورزی و حق ناپذیری ، در بیشتر مشرکان صدراسلام

إنّ في ذلك لآيه و ما كان أكثرهم مؤمنين

گرچه ضمیر <هم> در <أكثرهم> به قوم نوح بازمی گردد؛ اما در عین حال تعریض به مشرکان صدر اسلام نیز دارد.

سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۵

۵ - موضع گیری ناباورانه مشرکان صدراسلام ، درباره وعده قیامت

إنما توعدون لصادق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۷ - ۳

۳ - بی اعتقادی مشرکان صدراسلام ، نسبت به جهان واپسین

إن الذين لا يؤمنون بالآخرة ليسمّون الملثّكه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۶

۶ - مشرکان صدراسلام ، پیشوای کافران گذشته تاریخ در کفر و حق ستیزی *

و لقد أهلكنا أشیاعكم

با توجه به این که <شیعه> به معنای پیرو است و از نظر زمانی کفار مکه دنباله رو کافران گذشته اند؛ احتمال می رود که اطلاق <أشیاع> بر کافران گذشته تاریخ از آن جهت باشد که مشرکان مکه در کفر و حق ستیزی، گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده اند، به گونه ای که باید پیشینیان را پیرو آنها به حساب آورد و آنان را پیشوای گذشتگان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۸ - ۲،۳

۲ - سرپیچی مشرکان صدراسلام ، از پذیرش دعوت پیامبر (ص) و ایمان آوردن به یگانگی خداوند

و ما لكم لا تؤمنون بالله و الرسول يدعوكم لتؤمنوا برّبكم

خطاب در آیه شریفه، متوجه کافران شرک پیشه صدراسلام است.

۳ - نكوهش مشرکان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری مخالفت آمیزشان در برابر دعوت پیامبر (ص) و

سرباز زدن از پذیرش ایمان به خدا

و ما لكم لاتؤمنون بالله و الرسول يدعوكم لتؤمنوا ببركم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - بینہ - ۹۸ - ۱ - ۵۸

۵ - همسویی اهل کتاب ، با مشرکان در عصر بعثت ، در امتناع از پذیرش اسلام

الذین کفروا من أهل الكتب و المشرکین

۸ - گروهی از یهود و نصارا و مشرکان در عصر بعثت ، اسلام را نپذیرفته و خود را همچنان در انتظار دستیابی به برهان آشکار قلمداد می کردند .

لم یکن الذین کفروا من أهل الكتب و المشرکین منفکین حتی تأتیهم البینه

حرف <من>، ممکن است برای تبعیض باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور افشای سرسختی مشرکان در ترک پرستش خداوند / حتی در فرض محال تن دادن پیامبر (ص) به پرستش معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

کفر مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۹،۱۱

۹ مشرکان مکه به پیامبر(ص) و انبیای پیشین کفر میورزیدند.

أولئک الذین ءاتینهم .. فإن یکفر بها هؤلاء

<هؤلاء> اشاره به مشرکان مکه است.

۱۱ خداوند تسلی دهنده پیامبر(ص) با بشارت به پدیدار شدن مؤمنانی پایدار، علی رغم کفر مشرکان مکه

فإن یکفر بها هؤلاء فقد و کلنا بها قوما لیسوا بها بکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ هلاکت و نابودی مشرکان مکه در کارزار بدر ، پیامد گناهان و کفرشان به آیات الهی بود .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مَغِيرًا نَعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلٰى قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

<ذَٰلِكَ> علاوه بر اینکه

اشاره به فرجام شوم فرعونیان و کافران پیش از آنان است، می تواند اشاره به قضایای جنگ بدر و نابودی مشرکان مکه نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۹ - ۱

۱- مشرکان مکه ، ناباوری و بی اعتقادی خود را به امکان حیات مجدد پس از تبدیل شدن به استخوان خرد و ریز ریز شده ، اعلام داشتند .

و قالوا أءذا كُنَّا عِظْمًا و رَفْتًا أءنَّا لمبعوثون خلقًا جدیدًا

<رفات> از ریشه <رَفَت> به معنای شکستن و خرد و ریز ریز شدن است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۷

۷- دلداری خداوند به پیامبر (ص) در قبال کفر مشرکان مکه به معجزه آن حضرت (قرآن)

و قالوا لن نؤمن لك .. و لقد آتینا موسی تسع آیت بینت ... فقال له فرعون إنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهد شهد من بنی إسرائیل علی مثله فامن و استکبرتم

این احتمال در آیه وجود دارد که تذکر قرآن به ایمان فردی از بنی اسرائیل از آن جهت برای مشرکان عرب سرزنش بار باشد که بنی اسرائیل در اصل عرب نبودند و عوامل نژادی و زبانی، مقتضی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشوند. با این وصف برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند در حالی

که مشرکان عرب که قرآن به لغت آنان نازل شده از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

کفر مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۷

۱۷ مصریان عصر یوسف (ع) ، به خداوند ایمان نداشتند و سرای آخرت را انکار می کردند .

إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - حق ناپذیری و ایمان نیاوردن مردم مصر در عصر موسی (ع) ، دارای پیشینه در تاریخ گذشته آنان و به ارث رسیده از اجدادشان

لَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلِ... فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قَلْتُمْ لَنْ يُبْعَ

کفر مفتریان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۹

۹ - افترازنندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق ، کافرند و جایشان در جهنم است .

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ... أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ... أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِ

<ال> در <الکافرین> برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث قرار گرفته اند.

کفر مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۶

۱۶- مشرکانی که آیات قرآن را اسطوره می خوانند ، و نیز کسانی که علیه دین خدا توطئه می کنند ، در زمره کافرانند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين .

.. قد مكر الذين من قبلهم ...

كفر مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۲

۱۲ - فسادانگیزان سرکش ، کافرند .

لتفسدنّ فی الأرض ... و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للكفرین حصیرًا

كفر مكذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۹

۹ - آیات خداوند را ، جز کافران ، کسی انکار نمی کند .

و ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون

كفر مكذبان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۴

۴ - منکران اسلام چه از اهل کتاب باشند و چه مشرک کافراند .

الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

حرف <من> برای تبیین است و مصداق <الذین کفروا> را، اهل کتاب و مشرکان معرفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۴

۴ - منکران اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک کافراند .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ وَالْمُشْرِكِينَ

كُفْرًا مَكْذُوبًا أَنْبِيَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۲۸

۲ هیچ قومی از اقوام تکذیب کننده سابق به جز قوم یونس پیش از نزول عذاب استیصال ، به دست کشیدن از تکذیب پیامبر خود و اظهار ایمان به او موفق نشدند .

فلولا كانت قرية ءامنت فنفعتها إيمانها إلا قوم يونس

۸ از تمام اقوام تکذیب کننده پیشین ، تنها قوم یونس پیش از وقوع

عذاب استیصال ، از تکذیب دست برداشته و ایمان آوردند .

فلولا كانت قرية ءامنت فنفعها إيمانها إلا قوم يونس لما ءامنوا كشفنا عنهم عذاب الخز

كفر مكذبان توحيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵ - ۲

۲ - منکران یگانگی خدا و معتقدان به تعدد معبود ، کافراند .

و قال الكفرون .. أجعل الألهه إلهًا وحدًا

كفر مكذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۹

۹ - افترازندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق ، کافرند و جایشان در جهنم است .

و من أظلم ممّن افتری علی الله .. أو کذب بالحقّ... أليس فی جهنّم مثوی للكفر

<ال> در <الکافرین> برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث قرار گرفته اند.

كفر مكذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۲

۲ - منکران قرآن ، به خدا و قیامت ایمان نخواهند آورد .

إن الذین کفروا .. لا یؤمنون

متعلق <لا یؤمنون> به دلیل آیه هشت و نیز آیات قبل، خدا و قیامت است، یعنی: لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ کفرپیشگان منکر قرآن ، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغیانهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهُ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

۸ کفرپیشگان منکر قرآن راهی برای نجات از تحیر

و سرگردانی ندارند .

و یذرهم فی طغیانهم یعمهون

معنای جمله < یذرهم .. > بنابراینکه < فی طغیانهم > متعلق به < یعمهون > باشد، چنین می شود: خداوند منکران قرآن را رها نمی سازد تا همچنان در وادی طغیان، سرگردان بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۱

۱ - منکران قرآن ، کافراند .

ثم أورثنا الکتب .. و الذین کفروا

مقصود از کفر در این آیه به قرینه آیات پیشین که درباره قرآن کریم بود انکار قرآن است.

کفر مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲۰

۲۰ - یهودیان منکر رسالت پیامبر (ص) ، از زمره کافراند و به عذابی خفت آور گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

کفر مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۳

۳ - منکران معاد ، فرو رفته در کفر و در اوج پافشاری بر پندار باطل خویش

ما اکفره

از آیات بعد که توجه به مبدأ خلقت انسان را مقدمه توجه به معاد در < ثم إذا شاء أنشره > قرار داده است استفاده می شود که آیه شریفه بر منکران معاد نیز قابل تطبیق است. مفاد جمله < ما اکفره >، تعجب از رسوخ کفر در کافران است تا آن حد که به

هیچ نحو زایل نمی شود. این تعبیر ممکن است، صیغه تعجب و یا استفهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۲

۲ - منکران معاد ، کافراند .

لترکبن

طبقاً عن طبق . . . بل الذين كفروا يكذبون

کفر مکذبان نعمتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۳ - ۴

۴- اکثر انکار کنندگان نعمت های الهی ، مصداق و مجسمه کامل کفرند .

يعرفون نعمت الله . . . و أكثرهم الكفرون

برداشت فوق، بنابراین نکته است که ضمیر <هم> به فاعل <يعرفون> باز گردد و الف و لام در <الكافرون> برای استغراق باشد.

کفر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹ - ۴

۴ - منافقان علم گسترده و همه جانبه خدا و آگاهی او را به اسرار و نهران انسان ها ، باور نداشته و بدان معتقد نیستند .

يخدعون الله

از اینکه منافقان با نفاق خویش در صدد نیرنگ زدن به خدا برآمده اند، معلوم می شود که آنان می پنداشتند، اگر امری را مخفی کنند، خداوند از آن آگاه نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴ - ۵

۵ - منافقان صدر اسلام ، به هنگام حضور در محفل سردمداران شان ، بر همگامی و هم مسلکی خویش با آنان (کفر به اسلام) تأکید می کردند .

و إذا خلوا إلى شيطانهم قالوا إنا معكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۶

۶ - منافقان در زمره کفرپیشگانند .

والله محیط بالكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۱۴

۱۴ منافقان به دلیل شرکت نکردن در پیکار احد ، دور از

مرز ایمان و در آستانه کفر بودند .

هم للكفر يومئذ اقرب منهم للإيمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۶

۶ منافقان در زمره کافرانند *

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ .. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِينَ

با توجه به آیات قبل و بعد که درباره منافقان است، می توان گفت مراد از <الكفرین> همان منافقان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۳

۳ منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا، مستحق عذاب دوزخند .

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْاَسْفَلِ .. مَا يَفْعَلُ اللّٰهُ بِعٰذٰبِكُمْ اِنْ شَكَرْتُمْ و ءَامَنْتُمْ

بنابر اینکه خطاب، متوجه منافقان باشد، آیه شریفه اشاره به ناسپاسی و بی ایمانی آنان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۵، ۳۵، ۱۸، ۱۷، ۱۴، ۱۱

۱۱ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر، پذیرای سخنان نادرست و سر به فرمانِ سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخرين لم يأتوك يحرفون الكلم

برداشت فوق بر این مبناست که <سمعون ..>، علاوه بر توصیف یهودیان، وصف منافقان نیز باشد، و <للکذب> و <لقوم> مفعول به برای <سمعون> باشد. بنابراین معنای <سمعون للكذب> که دارای لحنی مذمت آمیز است، چنین می شود: آنان پذیرای سخنان دروغ هستند، و <سمعون لقوم ءاخرين>، یعنی شنوای دستورات دیگران و مطیع آنانند.

۱۴ دروغ پذیری برخی منافقان و یهودیان و پیروی آنان از عالمان تحریفگر، فلسفه نهی خداوند از تأسف پیامبر (ص) بر

لا یحزنک الذین یسرعون .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین

<سمعون> خبر برای ضمیر محذوفی است که به <الذین قالوا> و <الذین هادوا> بر می گردد (هم سماعون) و این جمله، بیانگر علت نهی خداوند از تأسف بر کفر منافقان و یهودیان است.

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود، فلسفه بازداشتن پیامبر (ص) از اندوه بر کفرورزی آنان

لا یحزنک الذین یسرعون .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس، دروغ پرداز و حق ناپذیر، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لا یحزنک الذین یسرعون فی الکفر .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین

۳۵ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر، دارای جان و دلی آلوده و ناپاک

قالوا ءامنا بافواهم و لم تؤمن قلوبهم و من الذین هادوا .. أولئک الذین

۴۵ پیشتازی در کفر، تحریفگری، دروغپردازی و جاسوسی، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۱۲

۱۲ منافقان، گروهی کفرپیشه اند.

و منهم من یقول ائذن لی .. ألا فی الفتنه سقطوا و إن جهنم لمحیطه بالکفرین

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۲

۲ منافقان ، گروهی کفرپیشه و منکر رسالت پیامبر (ص)

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم كفروا بالله و برسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۱۶، ۱۵، ۱۴

۱۴ منافقان ، علی رغم ادعای ایمان ، در حال کفر می میرند .

و ترهق أنفسهم و هم كفرون

۱۵ مال و اولاد فراوان منافقان ، زمینه گرایش آنان به کفر در هنگام مرگ

فلا تعجبك أمولهم ... و ترهق أنفسهم و هم كفرون

۱۶ جان کندن دشوار و حسرت بار منافقان و کفر نهایی آنان ، پیامد کثرت مال و اولاد و نمودی از عذاب الهی

فلا تعجبك أمولهم ... یريد الله ليعذبهم بها ... و ترهق أنفسهم و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۶ - ۳

۳ نفی صریح ایمان منافقان ، از سوی خداوند

و ما هم منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۵، ۴، ۳

۳ برملا شدن کفر منافقان صدر اسلام ، در پی توطئه آنان علیه اسلام و پیامبر (ص)

لا تعتذروا قد كفرتم بعد إيمانكم

۴ منافقان صدر اسلام ، گروهی بودند که در آغاز به اسلام ایمان آوردند ولی بعداً به کفر گرویده و مرتد شدند .

لا تعذروا قد كفرتم بعد ایمنکم

۵ کفر منافقان ، پس از ایمان ظاهریشان ، مانع پذیرفته شدن عذر آنان است .

لا تعذروا قد

کفرتم بعد ایمنکم

۶ عذر منافقان ، عذر بدتر از گناه و مایه برملا شدن کفر باطنی آنان بود .

إنما كنا نخوض و نلعب .. لا تعتذروا قد كفرتم بعد ایمنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱

۱ روی آوردن منافقان به سوگند دروغ ، برای انکار سخنان کفرآمیزی که در نهان گفته بودند .

يحلِفون بالله ما قالوا و لقد قالوا كلمة الكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۶

۱۶ بی اعتقادی منافقان به قیامت و عدم درک آن نسبت به حوادث و حقایق آن ، مایه تخلف آنان از جهاد

لو كانوا يفتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۱۵، ۱۳

۱۳ منافقان ، علی رغم اظهار ایمان ، در حال کفر می میرند .

و تزهق أنفسهم و هم كفرون

۱۵ کثرت مال و اولاد منافقان نمودی از عذاب الهی و زمینه ساز جان کندن دشوار و حسرت بار آنان

أن يعذبهم ... و تزهق أنفسهم و هم كفرون

با توجه به اینکه <تزهق أنفسهم> می تواند عطف تفسیری برای <أن يعذبهم> باشد، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۱۴

۱۴ منافقان ، در خدمت کفر و دشمنان خدا و رسول و هموارکننده راه آنان هستند .

اتخذوا مسجداً .. کفراً ... و إرساداً لمن حارب الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- منافقان ، در زمره کافران و گرفتار عذابی همانند آنان

و منهم من يستمع إليك حتى إذا خرجوا من عندك قالوا .. ماذا قال

چنانچه ضمیر <منهم> به <من هو خالد ..> بازگردد و مراد از آن در <من يستمع ...> به قرینه محتوای آیه منافقان باشد، می توان گفت: منافقان فرجامی همانند کافران خواهند داشت.

کفر منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۶

۶ گروهی از منافقان و یهودیان عصر پیامبر (ص) ، کافرانی شتابگر در جهت کفر

لايحنك الذين يسرعون في الكفر من الذين .. و من الذين هادوا

<من الذين هادوا> عطف بر <من الذين قالوا> گرفته شده است و <من> در هر دو مورد برای تبعیض می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۶ - ۲

۲ مؤمنان ، شاهد برخی نشانه های کفر و نفاق در زندگی منافقان صدر اسلام

و يحلفون بالله إنهم لمنكم

بدیهی است که مؤمنان راستین چون در مظان اتهام نیستند، نیازمند سوگند نمی باشند و آنچه منافقان را به سوگند واداشته، نشانه هایی است که سبب متهم شدن آنان می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۴

۴ ثبوت کفر منافقان صدر اسلام ، با اظهار کردن کلمات کفرآمیز

و لقد قالوا كلمة الكفر و كفروا بعد إسلامهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۱

حکم صریح خداوند به کفر منافقان متخلف از جنگ تبوک

إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

کفر منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۴ - ۶

۶ - تزلزل منافقان مدینه در غزوه احزاب ، ناشی از بی ایمانی آنان بود .

و یستثذون فریق منهم ... یقولون إِنَّ بیوتنا عوره ... إِنْ یریدون إِلَّا فرارًا ... ثُمَّ

> ثُمَّ سئلوا الفتنة < دلالت می کند که آنان، با درخواست شرک، آن را قبول می کردند. چنین امری اشعار دارد که استیذان در ترک جهاد و بهانه جویی برای فرار، ناشی از بی ایمانی و تزلزل در عقیده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۲۱، ۲۴

۲۱ - منافقان مدینه ، به اسلام ، ایمان نیاوردند .

أُولَئِكَ لَمْ يَأْمَنُوا

۲۴ - رفتار های بیمارگونه منافقان مدینه ، ناشی از بی ایمانی آنان بود .

أَشْحَه عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ .. تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ ... فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِاللِّسَانِ حِدَا

کفر نسل قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - > عَنْ صَالِحِ بْنِ مِيثِمٍ قَالَ : قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) : مَا كَانَ عِلْمُ نُوْحٍ (ع) حِينَ دَعَا قَوْمَهُ إِنَّهُمْ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَارًا فَقَالَ : أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ لِنُوْحٍ : > إِنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدِ آمَنَ < ;

صالح بن میثم گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: نوح(ع) هنگامی که قوم خود را دعوت می کرد از کجا آگاه بود

که اولاد آن قوم، غیر از بدکار و کافر به دنیا نمی آیند؛ امام فرمود: آیا سخن خداوند را به نوح نشنیده ای که فرمود: (إِنَّه لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ) <.>

کفر نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶،۷،۲۵

۶ قدرتمداری نمرود، زمینه ساز غرور، کفر و طغیانگری وی

الم تر الی . . ان اتیه الله الملك

بنابراینکه جمله <ان اتیه . . >، بیان علت محاجه باشد؛ یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

۷ قدرتمداری، زمینه ساز غرور و کفر در برابر ربوبیت الهی

الم تر الی الذی . . ان اتیه الله الملك

چنانچه جمله <ان اتیه . . >، بیان علت کفر و غرور نمرود باشد، می توان از آن یک نتیجه کلی به دست آورد که قدرت و سلطنت، زمینه ساز غرور، کفر و ... است.

۲۵ پادشاه عصر ابراهیم (ع) (نمرود)، حاکمی کافر و ستمگر

فبهت الذی کفر و الله لا یهدی القوم الظالمین

کفر نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۳

۳- نوجوانی که خضر (ع) او را کشت، کافر بود.

و أمّا الغلم فكان أبواه مؤمنین

اختصاص وصف <مؤمن> به پدر و مادر نوجوان، گویای کافر بودن وی است و مؤثر بودن او در گرایش والدین خویش به کفر نیز، کافر بودن او را تأیید می کند.

كفر و فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه -

۱۶ پیوند تنگاتنگ میان کفر ، نفاق و فسق

إنهم كفروا .. فسقون

کفر و نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۶

۱۶ پیوند تنگاتنگ میان کفر ، نفاق و فسق

إنهم كفروا .. فسقون

کفر ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱۱

۱۱- پذیرش ولایت غیر خدا ، کفر و در پی دارنده عذاب دوزخ است .

أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

کفر هامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ - فرعون ، هامان و قارون ، از کافران بودند .

إلى فرعون و همن و قرون فقالوا سحر كذاب .. و ما كيد الكافرين إلا في ضلل

کفر همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۴

۴ همسر لوط ، از زمره کافران به وی بود .

فانجینه و أهله إلا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك .. إلا امرأتك إنه مصيها ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <إنه مصيها ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی

به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارد شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۲

۲ - همسر لوط ، مخالف راه او و در زمره محکومان به عذاب

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَبْرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - همسر لوط ، از زمره کافران بود و به او ایمان نیاورد .

لِنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ - همسر لوط (ع) از زمره کافران بود و به او ایمان نیاورد .

إِنَّا مَنجُوكَ . . . إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۳

۳ - تمامی اعضای خاندان لوط ، به جز همسر او ، مؤمن بودند .

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ . . . إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که عذاب به جهت کفر است، پس نجات خاندان لوط دلیل ایمان شان و عذاب همسر لوط به نشانه کفر او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفار و المنفقین . .. ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند؛ مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و ...

کفر همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ برخی از افراد خانواده نوح (همسر و فرزندش) در زمره کافران و تکذیب کنندگان رسالت او بودند . *

و أهلك إلا من سبق عليه القول

<ال> در <القول> عهد ذکری و یا ذهنی است و اشاره به جمله <لاتخاطبني في الذين ظلموا إنهم مغرقون/۳۷> دارد. بنابراین <إلا من ...> یعنی، مگر آن کس که از پیش به خاطر کفر و ظلمش، حکم غرق شدن را برای او مقدر ساخته ایم. مفسران بر آنند که مراد از <من سبق> همسر نوح به نام <واعله> و فرزندش به نام <یام> و یا <کنعان> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۲،۸

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفار و المنفقين . .. ضرب الله مثلاً للذين كفروا امرأت نوح و امرأت لوط

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته

اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند، مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و... .

کفر یأس از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۲

۲ - مایوس بودن از رحمت خدا ، روحیه ای ناپسند و کافرانه است .

و الذین کفروا .. یسوا من رحمتی

کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۵

۵ - کفر ورزی یهود ، موجب محروم شدن آنان از رحمت الهی است .

لعنهم الله بکفرهم

<باء> در <بکفر> سببیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۵، ۱۱

۱۱ - یهودیان علی رغم مطابق یافتن ویژگی های کتاب و پیامبر موعود ، بر قرآن و رسول اکرم (ص) ، به آن کافر شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به

۱۵ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عز و جل (و كانوا من قبل يستفتحون علی الذین كفروا) روایت شده که فرموده اند : < کانت اليهود تجد فی کتابها ان مهاجر محمد (ص) مابین عیر و أحد فخرجوا يطلبون الموضوع ... فاتخذوا بأرض المدینه الأموال فلما كثرت أموالهم بلغ تبع فغزاهم ... فخلف حیین الأوس و الخزرج ... و کانت اليهود تقول لهم : أما لو قد بعث محمد لیخرجنکم من دیارنا و أموالنا فلما بعث الله

عز و جل محمداً آمنت به الأنصار و كفرت به اليهود و هو قول الله عز و جل : و كانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به فلعنه الله على الكافرين ;

یهود در کتابهای آسمانی خود خوانده بودند که محل هجرت محمد(ص) بین کوه عیر و کوه احد است لذا برای یافتن آن محل از جایگاه خود خارج گردیدند . . پس در مدینه ساکن شدند و اموالی فراوان به دست آوردند. چون این خبر به <تَبِعَ > رسید با آنان جنگ کرد ... پس دو طایفه اوس و خزرج را به جا گذاشت ... و یهود به آنان (اوس و خزرج) می گفتند: اگر محمد(ص) مبعوث شود، شما را از خانه های ما و اموالمان بیرون می کند. پس چون خداوند پیامبر را مبعوث کرد، انصار (اوس و خزرج) ایمان آوردند و یهود به آن حضرت کافر گشتند و این سخن خداوند است که: آنان (یهودیان) قبل از بعثت محمد(ص) وعده پیروز شدن بر کافران را می دادند؛ پس وقتی کتابی که آن را (از قبل) می شناختند نزد آنان آمد به آن کافر شدند؛ پس لعنت خدا بر کافران باد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - یهودیان ، به قرآن و کتاب آسمانی خویش (تورات) کفر ورزیدند .

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

مراد از <ما أنزل الله> قرآن است و بعید نیست که علاوه بر آن، تورات نیز منظور باشد. قابل ذکر است که مراد از کافر شدن یهود به تورات، انکار یا تحریف آن

بخش از تورات است که ویژگیهای پیامبر اکرم(ص) را بیان کرده است.

۲- یهودیان ، با کفرشان به قرآن و تورات ، خود را به بد بهایی فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل الله

<اشترء> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما<ی موصوله در <بئسما< فاعل <بئس< و <أن يكفروا...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما...> یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۱، ۲۰، ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۹

۹- یهودیان ، علی رغم اطمینانشان به الهی بودن قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

۱۱- یهودیان ، به هر پیامبری که از نژاد اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و يكفرون بما وراءه

۱۲- یهودیان ، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و يكفرون بما وراءه

۱۴- قوم گرایی و نژاد پرستی یهود ، از عوامل کفر ورزی آنان به قرآن

قالوا نؤمن بما أنزل علينا و يكفرون بما وراءه

۲۰- یهود ، بر خلاف اظهاراتشان حتی به پیامبران بنی اسرائیل نیز ایمان نداشتند .

نؤمن بما أنزل علينا .. قل فلم تقتلون أنبياء الله من قبل إن كنتم مؤمنين

۲۱- کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علينا

.. قل فلم تقتلون أنبياء الله من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - گرایش یهودیان به گوساله پرستی ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل ... و لقد جاءكم موسى بالبينت ثم اتخذتم العجل

جمله <لقد جاءكم .. > عطف بر <لم تقتلون ... > در آیه قبل است. بنابراین مضمون این آیه نیز پاسخی به این ادعای یهود است که خود را مؤمن به پیامبران اسرائیلی و کتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علينا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و ...) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علينا .. قل بئسما يأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما .. > (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علينا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۷،۱۱

۷ - اکثریت یهود ، حتی به پیامبران و کتاب های آسمانی خویش ایمان ندارند .

بل اکثرهم لایؤمنون

متعلق ایمان - به قرینه آیات گذشته - پیامبران

و کتابهای آسمانی است. <بل> در جمله فوق برای ترقی است، یعنی، و بالا-تر از پیمان شکنی این است که اکثر آنها اهل ایمان نیستند.

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص)، ایمان نخواهند آورد.

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لایؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۱

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) و مشرکان، مردمی کفرپیشه اند.

ما یوّد الذین کفروا من اهل الکتب و لالمشکین

<من> در <من اهل...> به دلیل عطف <المشکین> بر <اهل کتاب> بیانیه است. بنابراین <ما یوّد الذین کفروا...> یعنی، آنان که کافر شدند - مقصود از کافران، اهل کتاب و مشرکانند - دوست ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۷

۷ - ایمان نیاوردن یهود و نصارا به قرآن و معارف اسلام، از سر ستیزه جویی و دشمنی است.

و إن تولوا فإِنما هم فی شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۲

۲ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر، کیفر یهود و نصارا، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً کفروا بعد ایمانهم... خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوماً کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۱،۱۶

۱۱ کفر مستمر یهود به آیات الهی و کشتن ناروای پیامبران ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت عليهم الذلّة .. و باءو بغضب من الله و ضربت عليهم المسكنه ذلك بانهم كا

۱۶ کفر ، جنایت و تجاوز ، سیره دائمی اهل کتاب (یهود)

ذلك بانهم كانوا يكفرون بآيات الله و يقتلون .. و كانوا يعتدون

فعل مضارع پس از فعل ماضی از ماده <كَوْنٌ> دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۳،۲۱

۱۳ یهود ، حتّی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جاءكم رسل من قبلي .. و بالذی قلم فلم قتلتموهم

۲۱ بهانه جویی یهود برای گریز از ایمان به پیامبر (ص)

الذین قالوا .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقین

جمله <فلم قتلتموهم .. > ، می رساند که پیشنهاد آنان برای ایمان آوردن ، بهانه ای بیش نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۱،۲۲

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذین هادوا .. لعنهم الله بكفرهم

۲۲ تحریفگری ، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر (ص) ، نمودی از کفر آنان

من الذين هادوا يحرفون .. سمعنا و عصينا ... لعنهم

اللّٰه بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۱۵، ۱۴، ۵، ۴

۴ یهودیان عصر پیامبر (ص) علی رغم ادعایشان هرگز منزه نبودند و نزد خدا منزلتی نداشتند .

الم تر الى الذين يزكون انفسهم بل الله يزكى من يشاء

۵ خداوند نخواسته است که یهودیان کفرپیشه ، از آلودگی ها پیراسته گردند و تزکیه شوند .

يزكون انفسهم بل الله يزكى من يشاء

۱۴ شهادت خدا بر ناپاکی یهودیان کفرپیشه ، هرگز ستمی به آنها نیست .

الم تر . . . بل الله يزكى من يشاء و لا يظلمون فتیلا

۱۵ خداوند در اعطا نکردن کمال و پاک نمودن یهودیان کفرپیشه ، هرگز ستمی به آنها نکرده است .

الم تر . . . بل الله يزكى من يشاء و لا يظلمون فتیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۶

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی ، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

يؤمنون بالجبث والطاغوت . . ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۳

۳ یهود ، مرتدانی که با انکار عیسی (ع) کافر شدند و با انکار حضرت محمد (ص) ، بر کفر خویش افزودند .

لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم سبيلا

در شأن نزول آمده که مقصود آیه، یهودیان هستند که به حضرت موسی(ع) ایمان آوردند و سپس با گوساله پرستی کافر

مراجعه ی آن حضرت(ع) از طور، دوباره مؤمن شدند. تا آنگاه که به حضرت عیسی(ع) کفر ورزیدند و با انکار رسول الله(ص)، بر کفر خویش افزودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۵

۱۵ کفر و گوساله پرستی یهود ، علی رغم مشاهده بینات و دلایل آشکار بر توحید و ضرورت خداپرستی

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۹، ۱۱، ۳

۳ آیات الهی (معجزات پیامبران و ...) مورد انکار یهودیان

و کفرهم بایت الله

۱۱ کفر یهود ، موجب مهر زدن خداوند بر دل های آنان گشت .

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها بکفرهم

۱۹ کفرورزی یهود ، مایه تقدیر الهی ، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع الله علیها بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۷، ۲، ۱

۱ یهود ، مردمی کفرپیشه

و بکفرهم

۲ بهتان یهودیان به مریم (ع) ، نمونه ای از کفرپیشگی آنهاست .

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

بدان احتمال که <قولهم> تفسیر و تبیین کفر در <بکفرهم> باشد.

۷ کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح (ع)، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بکفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بکفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

جلد - نام

۲ یهود ، مردمی کفرپیشه و طغیانگر علیه عیسی (ع) ، علی رغم اذعان به رسالت الهی وی

و قولهم إنا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله

بر این مبنا که <رسول الله> دنباله سخن یهودیان <انا قتلنا ..> باشد می توان گفت اعتراف آنان به رسالت عیسی اعترافی واقعی و حقیقی بوده ولی در عین حال اقرار به کشتن وی داشته و این حکایت از شدت خباثت آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لكن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراک از جمله <فلا یؤمنون الا قليلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن ...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر ، پذیرای سخنان نادرست و سر به فرمانِ سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخیرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <سمعون ..>، علاوه بر توصیف

یهودیان، وصف منافقان نیز باشد، و <للكذب> و <لقوم> مفعول به برای <سمعون> باشد. بنابراین معنای <سمعون> للكذب> که دارای لحنی مذمت آمیز است، چنین می شود: آنان پذیرای سخنان دروغ هستند، و <سمعون لقوم آخرین>، یعنی شنوای دستورات دیگران و مطیع آنانند.

۱۴ دروغ پذیری برخی منافقان و یهودیان و پیروی آنان از عالمان تحریفگر، فلسفه نهی خداوند از تأسف پیامبر (ص) بر کفرورزی آنان

لا یحزنک الذین یسرعون .. سمعون للکذب سمعون لقوم آخرین

<سمعون> خبر برای ضمیر محذوفی است که به <الذین قالوا> و <الذین هادوا> بر می گردد (هم سماعون) و این جمله، بیانگر علت نهی خداوند از تأسف بر کفر منافقان و یهودیان است.

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود، فلسفه بازداشتن پیامبر (ص) از اندوه بر کفرورزی آنان

لا یحزنک الذین یسرعون .. سمعون للکذب سمعون لقوم آخرین

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس، دروغ پرداز و حق ناپذیر، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لا یحزنک الذین یسرعون فی الکفر .. سمعون للکذب سمعون لقوم آخرین

۳۵ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر، دارای جان و دلی آلوده و ناپاک

قالوا ءامنا بافواهم و لم تؤمن قلوبهم و من الذین هادوا .. أولئک الذین

۴۵ پشتتازی در کفر، تحریفگری، دروغپردازی و جاسوسی، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر .. لهم فی دنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی دنیا خزی> بیانگر آن است، می

تواند همان ردایی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این ردایی یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۴، ۱۴، ۳۶

۱۳ یهودیان عصر پیامبر (ص)، دارای پیشینه طغیانگری و کفرورزی

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و کفراً

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا .. ما أنزل إليك من ربك طغيناً و کفراً

واقع شدن جمله <و لیزیدن ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

۳۶ مفسده جویی یهود، برخاسته از طغیان گری و کفرورزی آنان *

طغيناً و کفراً .. و يسعون في الارض فساداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۲

۲ مشرکان و یهودیان، مردمانی کفر پیشه و تکذیب کننده آیات الهی

و الذين كفروا و كذبوا بآياتنا

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود مصداق بارز از <الذين كفروا و كذبوا ..> مشرکان و یهودیان منکر قرآن و رسالت پیامبر (ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۸

۸ یهود و نصارا به دلیل فرزند خدا خواندن <عزیر >

و < مسیح > کافرند .

يضهئون قول الذين كفروا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، مردمانی کفرپیشه

یریدون أن يطفئوا نور الله .. و يأبى الله ... و لو كره الكفرون

کفر یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۶

۶ گروهی از منافقان و یهودیان عصر پیامبر (ص) ، کافرانی شتابگر در جهت کفر

لا يحزنك الذين يسرعون في الكفر من الذين .. و من الذين هادوا

<من الذين هادوا> عطف بر <من الذين قالوا> گرفته شده است و <من> در هر دو مورد برای تبعیض می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۸

۸ - گروهی از یهود و نصارا و مشرکان در عصر بعثت ، اسلام را نپذیرفته و خود را همچنان در انتظار دستیابی به برهان آشکار قلمداد می کردند .

لم يكن الذين كفروا من أهل الكتب و المشركين منفكين حتى تأتيمهم البينه

حرف <من> ، ممکن است برای تبعیض باشد.

کفر یهود مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ یهودیان مدینه در عصر بعثت نمونه پست ترین جنبنندگان به سبب اصرارشان بر کفر و از میان بردن زمینه های ایمان در خویش و شکستن پیمانها

إن شر الدواب عند الله الذين كفروا .. الذين عهدت منهم ثم ينفضون عهدهم

کفران رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً وأحلوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الذين بدلوا .. و أحلوا قومهم > سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

کیفر اخروی اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۳

۲۳ تهدید اکید خداوند بر کیفر سخت دنیوی و اخروی منافقان صدر اسلام ، در صورت امتناع آنان از توبه و پافشاری بر مواضع کفرآمیز توطئه گرانه خود

فإن يتوبوا .. و إن يتولوا يعذبهم الله عذاباً أليماً في الدنيا و الآخرة

کیفر اخروی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۱

۱ - مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در کیفر و عذاب دوزخ

فإنهم يومئذ في العذاب مشتركون

کیفر اخروی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۸

۸ - کفر و شرک ، جرمی بزرگ و کیفرآور در قیامت

يعرف المجرمون بسيمهم فيؤخذ بالنوصي و الأقدام

توصیف کافران و مشرکان، به <جرم پیشه> می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

کیفر اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ -

۵ کافران قوم ثمود پس از تمام شدن حجت بر آنان و اصرارشان بر کفرورزی و از میان بردن ناقه صالح به هلاکت رسیدند .

قال الملائه الذین استکبروا .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فأخذتهم> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر حقایق بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد که از آنهاست کفرورزی قوم صالح، پی کردن ناقه و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ فرعونیان پس از مشاهده آیات پنجگانه (طوفان و ...) و اصرارشان بر انکار رسالت موسی ، به عذابی شدیدتر مبتلا شدند .

و لما وقع علیهم الرجز قالوا یموسی ادع لنا ربک

<رجز> به معنای عذاب است و <ال> در آن هم می تواند عهد ذکری بوده و اشاره به عذابهای پنجگانه مطرح شده در آیه قبل باشد، و هم می تواند <ال> در آن عهد ذهنی باشد. در این صورت اشاره به عذابی غیر از عذابهای ذکر شده دارد که به دلیل روی آوری آنها به موسی و تقاضای برطرف شدن آن، عذابی بسیار شدیدتر از عذابهای پنجگانه بوده است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند ، از دوزخیان هستند .

والذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به

کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۲

۲ - کافران دوزخی ، از کسانی اند که پس از اتمام حجت و از روی عمد ، راه کفر و انکار را در پیش گرفته و به تکذیب دین پرداختند .

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا

کیفر دنیوی اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۳

۲۳ تهدید آکید خداوند بر کیفر سخت دنیوی و اخروی منافقان صدر اسلام ، در صورت امتناع آنان از توبه و پافشاری بر مواضع کفر آمیز توطئه گرانه خود

فإن يتوبوا .. و إن يتولوا يعذبهم الله عذاباً أليماً في الدنيا و الآخره

کیفر دنیوی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۱

۱ خداوند فرعونیان را پس از اعلام صریحشان بر ایمان نیاوردن به موسی (ع) ، به عذاب های متعدد گرفتار ساخت .

فما نحن لك بمؤمنين. فأرسلنا عليهم ... آیت مفصلت

کیفر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۳۳

۳۳ کفر و ارتداد ، موجب خلود در جهنم و حبس عمل در دنیا و آخرت

و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم .. و اولئک اصحاب ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ -

۱۵ کافران ، اهل آتش و ماندگار در آن برای همیشه

اولئک اصحاب النار هم فيها خالدون

۱۶ توجّه به عاقبت و عقوبت اهل کفر ، زمینه ساز پرهیز از انحراف به کفر و پذیرش حاکمیت طاغوت

اولئک اصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۱۳، ۹

۹ کفر به آیات خدا ، موجب عذاب سخت الهی بر کافران

انّ الذین کفروا بایات الله لهم عذاب شدید

۱۳ تهدید شدن اهل کتاب (یهود و نصارا) به عذاب سخت الهی ، در صورت کفر به آیات خداوند ، قرآن ، تورات و انجیل

نزل علیک .. انّ الذین کفروا ... لهم عذاب شدید

از شأن نزول به دست می آید که مورد آیه، اهل کتابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۱۰، ۹

۹ هشدار الهی به کافران در مورد عاقبت بد آنان

انّ الذین کفروا .. و اولئک هم وقود النار

۱۰ آتش دوزخ ، از درون کافران زبانه می کشد .

اولئک هم وقود النار

با توجه به معنای لغوی <وقود>: هو الحطب المجمع للوقود. یعنی وقود، هیزمی است برای روشن کردن آتش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲

۲ کافران به آیات الهی ، مستحق عذابی دردناک

انّ الذین یکفرون بآیات اللّٰه .. فبشّرهم بعذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۸،۹

۸ کافران و قاتلان

پیامبران و عدالتخواهان ، هیچگونه یاور و شفיעی در برابر اراده خداوند نسبت به حبط اعمال خود ندارند .

انّ الذین یکفرون ... حبطت اعمالهم ... و ما لهم من ناصرین

۹ کافران و قاتلان انبیا و عدالتخواهان ، راه نجاتی ندارند .

انّ الذین یکفرون ... و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۶

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و الناس اجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۲

۲ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر یهود و نصارا ، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. خالدین فیها لا ینخف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوماً کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۴

۱۴ عذاب اخروی آدمی ، نتیجه کفر و اعمال بد او

فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

<تکفرون ... > ، می تواند هم شامل کفر عملی و هم اعتقادی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۹

۹ رستگاری و عذاب ، دو فرجام متفاوت برای تقوایپیشگان و کافران

و اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. و اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۹،۱۶

۹ اراده الهی مبنی بر محرومیت حتمی شتابگران در کفر از بهره های اخروی

یرید الله الا يجعل لهم حظا في الآخرة

۱۶ عذاب بزرگ اخروی در انتظار شتابگران در کفر است .

الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ ... وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۹

۹ عذاب دردناک الهی ، کیفر انتخاب کنندگان کفر به بهای از دست دادن ایمان (مرتدان)

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ ... لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۸

۸ بقای بر کفر ، موجب ازدیاد گناه و کیفر آن

و لا يحسبن الذين كفروا انما نملي لهم خيرا لانفسهم انما نملي لهم ليزدادوا اثما

ظاهراً مراد از گناه در آیه، همان کفر است ؛ بنابراین عمر کافر هر چه طولانی شود، گناه او افزون می شود. هر چند غیر از کفر، گناه دیگری مرتکب نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۸

۸ عذاب خوارکننده ، کیفر ایمان نداشتن به خدا و قیامت

اعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً. و الذين ... لا يؤمنون بالله و لا باليوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۳

۳ منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا ، مستحق عذاب دوزخند .

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ . . . مَا

يفعل الله بعدابكم إن شكرتم وءامنتم

بنابر اینکه خطاب، متوجه منافقان باشد، آیه شریفه اشاره به ناسپاسی و بی ایمانی آنان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۷

۱۷ کفر، موجب گرفتار شدن به عذاب دردناک قیامت

و أعتدنا للكافرين منهنم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۲

۲ کفر و تکذیب آیات الهی، موجب گرفتاری به آتش برافروخته دوزخ

و الذين كفروا و كذبوا بايتنا أولئك اصحب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۴

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۱

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و توان درک معارف دینی از آنان سلب شد.

أو لم یهد للذین یرثون .. أن لو نشاء أصبهنم بذنوبهنم و نطبع علی قلوبهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ خداوند ، کفر و ایمان و اعمال نیک و بد انسان ها را به صورت پاداش و کیفر متبلور خواهد ساخت .

و إِنَّ كَلَّآ لِمَا لِيُوفِيَنَّهُم رِبْكَ أَعْمَلِهِم

گفتن

<اعمال> و اراده کردن پاداش و کیفر آنها، گویای این نکته است که: پاداش و کیفر، بازتاب اعمال و تبلور یافته آن است؛
به گونه ای که گویا پاداش و کیفر اعمال، همان اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲ - ۵

۵- خداوند، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت برخی مردم، مؤاخذه نخواهد کرد.

ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۲

۲ - عذاب دوزخ، عقوبت کفر به خدا و تکذیب آیات او (قرآن)

و الذين كفروا و كذبوا بآيتنا فأولئك لهم عذاب مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - کفر، عامل گرفتار شدن انسان به عذابی سخت است.

و من كفر فلا يحزنك كفره .. ثم نضطرهم إلى عذاب غليظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۰

۲۰ - پذیرفتن عقیده کفرآلود ولو با فریب و دستور دیگران کفر تلقی شده و کیفر دارد.

و قال الذين استضعفوا للذين استكبروا .. تأمرونا أن نكفر بالله و نجعل له أنداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - جنیان ، مکلف به تکالیف الهی و مستحق کیفر در صورت کفر و حق ستیزی

و حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۱ - ۲

۲ - کفر به تنهایی من های ضمیمه شدن به اعمال زشت خود جرمی مستحق عذاب است . *

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

در آیه پیشین، از لزوم همراهی ایمان با عمل صالح، جهت بهره مندی از پاداش اخروی سخن به میان آمد؛ لیکن در این آیه، در کنار <الذین کفروا> اشاره به اعمال بد نشده است. بنابراین می توان گفت کفر، انسان را مصداق <مجرم> کرده و مستحق عذاب می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۳

۳ - تفتیدن بر آتش دوزخ ، جزای کفر ، دروغ پردازی و یاوه سرایی علیه دین

قتل الخرزّصون .. یوم هم علی النار یفتنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۷ - ۶

۶ - سرگذشت قوم لوط ، عبرتی برای بیمناکان از عذاب دردناک کفر و گناه

و ترکنا فیها ءایه للذین یخافون العذاب الالیم

کیفر کفر به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۱۰

۱۰ - ایمان نیاوردن به آخرت ، کیفر دارد و انسان را در وادی بس بی راهه قرار می دهد .

الذین لایؤمنون بالأخره فی العذاب و الضلل البعید

آوردن موصول به جای اسم ظاهر (الکافرون) دلالت می کند که ایمان نیاوردن، علت گرفتاری در عذاب و واقع شدن در

گمراهی دور و دراز است.

کیفر کفر به آیات خدا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۲

۲- آتش همواره شعلهور ههّم ، کيفر کفر به آیات الهی و انکار روز رستاخيز

کَلَّمَا خَبَتْ زِدْنَهُمْ سَعِيرًا . ذَلِكْ جَزَاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَءِذَا كُنَّا عِظْمًا

کيفر کفر به حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۲

۱۲- کافران به حقایق نازل شده از سوی خداوند ، ظالم ، و سزاوار آتش اند .

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ . . . و مَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا

کيفر کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و مَنْ كَفَرَ . . . ثُمَّ اضْطَرَّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ

اضطرار یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۷

۱۷- کيفر دادن به سبب کفر به خدا و پیروی نکردن از رسولان او از سنت های الهی است .

و أَنْذَرَ النَّاسَ . . . نَجَبَ دَعْوَتِكَ وَ تَتَّبِعَ الرَّسُلَ ... كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَ ضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۱

۱ - شعله های گدازنده آتش ، مهیا برای کافران به خدا

و رسول او

و من لم يؤمن .. فَأَنَا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

کیفر کفر به صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۶

۶ عذاب نازل شده بر قوم ثمود ، پاسخی بود به ناباوری آنان نسبت به تحقق تهدید های صالح (ع)

ائتنا بما تعدنا .. فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ

از حقایقی که در آیه قبل مطرح شده و می تواند <أَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ> بر آن مترتب باشد، ناباوری قوم ثمود به تهدیدهای حضرت صالح(ع) است، که از جمله <ائتنا بما تعدنا> به دست می آید.

کیفر کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هر گروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و ...) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

کیفر کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر .. ثم أضطره إلى عذاب النار

اضطرار یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره...> چنین معنا می شود: آن گاه

که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می‌کنم.

کیفر کفر به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۶

۶ - کفر به پیامبر (ص) و اسلام، موجب گرفتار شدن آدمی به آتش دوزخ و خلود در آن خواهد شد.

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم... من كسب سيئه... هم فيها خالدون

آیه مورد بحث (من کسب ..) قضیه کلی و کبرای آیات گذشته است و آیات پیشین تعیین کننده صغرای این قضیه کلی است. بنابراین کفر به پیامبر(ص) و اسلام - که از جمله <أفتطمعون أن يؤمنوا لكم> (آیه ۷۵) به دست می‌آید - از مصداقهای <سیئه> است و اصرار بر آن، مصداق <احاطه خطیئه> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ - یهودیان کافر به پیامبر (ص) و استهزا کننده او، مستحق عذابی دردناک هستند.

و للکفرین عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۱

۱ - شعله های گدازنده آتش، مهیا برای کافران به خدا و رسول او

و من لم يؤمن... فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

گرایش به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۷

۱۷ گرایش نصارا به کفر و شرک، نشانه بی‌ثمری و کارساز نبودن انتساب ظاهری به ادیان الهی

إِنَّ الَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبِّونَ وَالنَّصْرَى .

.. لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح

در آیه ۶۹ بیان شد که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نیست و این آیه به منزله دلیل و برهانی بر آن حقیقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۹

۹ گرایش انسان ها به کفر و شرک ، نه دلالت بر خروج آنان از سیطره خدا دارد و نه بیانگر ولایت غیر خدا بر آنان است .

أولئك لم يكونوا معجزين في الأرض .. ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

خداوند، با بیان ریشه کفرورزی کافران (ماکانوا ..)، پس از اعلام ولایت خدا بر آنان، به این حقیقت اشاره می کند که: مخالفت کافران با برنامه های الهی به خاطر خروج آنان از حاکمیت خدا و سلطه غیر او بر ایشان نیست بلکه به دلیل ناتوانی آنان از درک معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۳

۳ گرایش های شرک آلود و انکار حقانیت قرآن ، نشانه ناشنوایی ضمیر و کوری دل است .

مثل الفريقين كالأعمى والأصمّ والبصير والسميع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۱

۱- میل و گرایش به کفر پس از پذیرش ایمان (ارتداد) ، موجب خشم شدید الهی است

من كفر بالله من بعد إيمنه .. فعليهم غضب من الله

گمراهی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۵

ستیزه جویی با پیامبر (ص) و تعالیم قرآن، بی راهه ترین راه ها است.

الذین کفروا .. أولئک شرّ مکائناً و أضلّ سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۲ - ۱

۱ - کفر و بی ایمانی، راهی است لغزنده، پرپیچ و خم و بی مقصدی روشن

أفمن یمشی مکباً علی وجهه أهدی

آیه شریفه، ضرب المثلی برای انسان های کافر و مؤمن است. عبارت <مکباً علی وجهه> (پی در پی به رو افتاده)، اشاره به لغزنده بودن راه کفر است و به قرینه <سویاً> فهمیده می شود که کافر، راه درست و مقصد خود را نمی شناسد و به قرینه <صراط مستقیم>، استفاده می شود که راه کفر، پرپیچ و خم و ناهموار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۹

۹ - کفر، ظلمت و راه خدا، نور است.

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

به قرینه آیات بعد، که درباره کافران و سدّ کنندگان راه خداست، مراد از <ظلمات>، کفر و مراد از <نور>، راه خداست.

گناه دعوت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعوت مردم به کفر و شرک، گناهی همسان با کفرپیشگی و شرکورزی

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذاباً ضعفاً من النار قال لكل ضعف

گناه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر

از سرانشان بر دوش ندارند.

فما كان لكم علينا من فضل

چون جمله <فما كان...> نتیجه پاسخ خداوند است که فرمود <لکل ضعف و لکن...> معلوم می شود هر دو گروه (سران و پیروان) از آن جمله می فهمند که به گناهی همسان گرفتار هستند.

گناه کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعوت مردم به کفر و شرک، گناهی همسان با کفرپیشگی و شرکوری

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذابا ضعفا من النار قال لکل ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۵

۵ شرک و کفر، جرم است و مشرکان و کافران، مجرم هستند.

و لو کره المجرمون

از مصادیق مورد نظر برای <المجرمون> مشرکان مکه هستند مکه از آنان در آیه قبل به کافران تعبیر کرد. بنابراین مجرم بر کافر و مشرک اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۸

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد الله المنافقين... و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۴

۴ - کفر و شرک ، گناه و نیازمند توبه و طلب مغفرت از پیشگاه خداوند

ليغفر لنا خطينا

مصدق مورد نظر از خطیئه به قرینه آیات بعد که جرم و ایمان را در مقابل یکدیگر قرار داده است گناه کفر

به خداوند و انکار رسالت موسی (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۲

۲ - کفر ، جرم و گناه است و کافران مجرم و دوزخی اند .

إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ

لام در <له جهنم> بر استحقاق دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۶

۶ - سد کردن راه ایمان و معرفت دیگران به قرآن ، گناهی بزرگ تر و بدتر از کفر و گناهان شخصی کافران

و قال الذين كفروا لاتسمعوا .. و لنجزينهم أسوأ الذي كانوا يعملون

برداشت بالا بدان احتمال است که <أسوء> در مقام مقایسه میان کفر و حق ناباوری کافران، با تلاش های آنان در جلوگیری از گرایش دیگران به ایمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۳

۳ - کفر و شرک ، جرمی نابخشودنی

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَلِدُونَ

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در مورد مشرکان بود بیانگر آن است که مشرکان، مجرمانی اند که قابل بخشش نیستند و در جهنم برای همیشه ماندگاراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۲

۲ - کفر به تنهایی من های ضمیمه شدن به اعمال زشت خود جرمی مستحق عذاب است . *

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

در آیه پیشین، از لزوم همراهی ایمان با عمل صالح، جهت بهره مندی از پاداش اخروی سخن به میان آمد؛

لیکن در این آیه، در کنار <الذین كفرو> اشاره به اعمال بد نشده است. بنابراین می توان گفت کفر، انسان را مصداق <مجرم> کرده و مستحق عذاب می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۸

۸ - کفر و شرک ، جرمی بزرگ و کیفر آور در قیامت

يعرف المجرمون بسيمهم فيؤخذ بالنوصى و الأقدام

توصیف کافران و مشرکان، به <جرم پیشه>، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۷

۷ - کفر ، گناهی نابخشودنی

يأتها الذين كفروا لاتعتذروا اليوم

پذیرفته نشدن عذر کافران، نشانگر نابخشودنی بودن عمل آنان (کفر) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۶

۶ - کفر و شرک ، جرمی نابخشودنی

يودّ المجرم لويفتدى من عذاب يومئذ ببنيه

مقرر شدن عذابی که فدیة بردار نیست، بیانگر این حقیقت است که جرم کفر و شرک، جرمی نابخشودنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۹ - ۳

۳ - کفرورزی ، جرم (گناه) است و کافران به گناه آلوده اند . *

إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا

مجرم خواندن کافران، یا به لحاظ گناه بودن کفر است و یا این که گناهان دیگری نیز در بین کافران رواج دارد.

گناه کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱

۱ - کفر به خدا و سرپیچی از عبادت او ، گناهی نابخشودنی و در پی دارنده عذاب دردناک

دوزخ است .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ

مراد از <الطيب من القول> همان طور که در آیه پیش گفته شد کلمه توحید و <صراط حمید> عبادت خدای یگانه است. بنابراین با توجه به ارتباط این آیه با آیه پیش، می توان گفت: <کفروا> در <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا> به تقدیر <کفروا بالطیب من القول> است و مراد از <سبیل الله> در <یصدون عن سبیل الله>، عبادت و پرستش خدای یگانه می باشد. قابل ذکر است که <الذین> اسم <إِنَّ> و خبر آن محذوف است و تقدیر آن به قرینه ذیل آیه چنین می شود: <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا... نذیقهم من عذاب أليم>.

گناه کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۶

۶ - کفر به قرآن و روی گردانی از آن ، ظلم و گناهی غیرقابل بخشش است .

و من یعش عن ذکر الرحمن . . . و لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم أنکم فی العذاب مشترکون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مراد از <ذکر الرحمان> قرآن باشد.

لجاجة اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجة و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجة و حق ناپذیری بودند .

و سواء عليهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون

لجاجت رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران کفر و شرک در صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لَمَا يذوقوا عذاب

جمله <بل لَمَا يذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبر اسلام (ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ينظر هؤلاء إِلَّا صيحة وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن در نمی دهند.

لغزش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۲ - ۱

۱ - کفر و بی ایمانی ، راهی است لغزنده ، پرپیچ و خم و بی مقصدی روشن

أفمن يمشى مكبًا على وجهه أهدى

آیه شریفه، ضرب المثلی برای انسان های کافر و مؤمن است. عبارت <مکبًا علی وجهه> (پی در پی به رو

افتاده)، اشاره به لغزنده بودن راه کفر است و به قرینه <سویاً> فهمیده می شود که کافر، راه درست و مقصد خود را نمی شناسد و به قرینه <صراط مستقیم>، استفاده می شود که راه کفر، پرپیچ و خم و ناهموار است.

مادیگری کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۳

۳ - راه کفر و شرک ، آمیخته با ماده گرایی و سرگرمی های پوچ و بدفرجام

فذرهم يخوضوا و يلعبوا حتى يلقوا يومهم الذی يوعدون

مبارزه اجتماعی با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - لزوم حرکت دسته جمعی برای تقویت جبهه حق و دین الهی و صف آرایی در برابر جبهه باطل و کفر ، به هنگام ضرورت و نیاز

فكذبوهما فعزّزنا بثالث فقالوا إنا إليكم مرسلون

مبارزه با رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۵

۵ - مبارزه با عوامل و سردمداران کفر و فساد و اصلاح نظام اجتماعی حاکم ، سرلوحه رسالت موسی (ع) و مرحله نخستین نهضت او

لقد أرسلنا موسی . . . إلى فرعون و همین و قرون

مبارزه با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ خویشاوندی و پیوندهای اجتماعی نباید مانعی برای تبلیغ و مخالفت با الحاد گردد.

و إذ قال إبراهيم لأبيه آزر . . . و قومك

یاد آور شدن گفتگوی ابراهیم(ع) با خویشاوندانش بدان جهت می تواند باشد که ضرورت ملاحظه نکردن روابط

خویشاوندی و قومی در مسائل اساسی عقیدتی را یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۹

۹ فرمان خداوند به مبارزه با کفر و شرک و به وجود آوردن صحنه مبارزه ، از اسباب تحقق اراده خداوند برای اظهار حق و نابودی کفر

و یرید الله أن يحق الحق بكلمته

خداوند در برابر مؤمنان که خواهان هجوم به کاروان تجاری قریش بودند، خواست تا آنان با لشکریان کفر درآویزند و به جهاد با آنان پردازند و همان را نیز مقدر ساخت و بیان داشت که احقاق حق در پرتو آن حاصل می شود. بنابراین مراد از <بکلمته> همان فرمان به جهاد و تحقق یافتن صحنه مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۴ - ۵،۹

۵ پیامبر (ص) و رهبران الهی در مبارزه با شرک و کفر تنها باید بر خدا و مؤمنان پیر و تکیه کنند .

حسبك الله و من اتبعك من المؤمنین

۹ اتکا بر مؤمنان راستین برای مبارزه با شرک و کفر ، منافاتی با توحید و اتکا بر خدا ندارد .

حسبك الله و من اتبعك من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۷،۸

۷ تلاش در راه احیای معارف دین و مبارزه فرهنگی با جریان کفر و شرک ، جهادی بزرگ و با عظمت

فلاتطع الكفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

۸ مبارزه و جهاد فرهنگی با کفر و شرک ، هدف کلی قرآن و محور اصلی دعوت پیامبر اسلام (ص)

جهدهم به جهاداً كبيراً

مبلغان كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۳

۱۳ منافقان ، زيان زننده به جامعه اسلامي ، مروج كفر ، تفرقه افكن بين مؤمنان ، ظالم و دوزخي اند .

اتخذوا مسجداً ضراراً و كفراً و تفریقاً .. و إِرصاداً ... فانهار به في نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۶۸ - ۳

۳- شيطان ، ترويچ کننده كفر و انكار معاد

و يقول الإنس(ن ... لنحشرنهم والشيطان

يادکردن از شيطان در اين آيه به عنوان همراه و هم دوش كافرين در صحنه قيامت، گويای نقش شيطان در كفوروزی ها و سردمداری او در اين صحنه ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲

۲ - افشاگری مستضعفان در قيامت عليه مستكبران ، درباره تلاش شبانه روزی آنان در ترويچ كفر

و قال الذين استضعفوا ... بل مكر الیل و النهار إذ تأمروننا أن نكفر بالله

اضافه <مكر الیل> مفيد معنای <فی> است و سياق آيه، دلالت می کند که مضاف اليه <مكر> چیز محذوفی مثل <كم> است. بنابراین معنا چنین می شود: بلکه مكر شما در طول شب و روز درباره ما، اين بود که به خدا كافر شويم.

مبلغان و كفر مردم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۸

۸ ایمان نیاوردن گروهی از مردم حتی اکثریت آنان در یک زمان ، نباید مبلغان دینی را دلسرد کرده و مأیوس کند .

ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين .. إن هو إلا ذكر للعلمين

جمله <إن هو إلا ذكر للعلمين> که دلالت بر جهانی بودن قرآن و اسلام دارد و اختصاص آن را به مردم مکه و عصر بعثت نفی می کند اشاره به این نکته دارد که: ای پیامبر! از ایمان نیاوردن اکثریت مردم مکه ناراحت مباش و مأیوس نشو / چرا که قرآن مخصوص این مردم نیست و از آن همه عالم است. اینها ایمان نیاوردند، سراغ دیگران باید رفت.

محرومیت اخروی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۷

۷ - پیشوایان کفر ، محروم از هرگونه نصرت و امداد الهی در روز رستاخیز

و يوم القيامة لا ينصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۵

۵ - طرد شدن از لطف و رحمت حق ، فرجام شوم فرعونیان و پیشوایان کفر در روز رستاخیز

و جعلنهم أئمة يدعون إلى النار .. و يوم القيامة هم من المقبوحين

محمد(ص) و کفر مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱،۲

۱ گرایش سریع و تلاش مستمر برخی از مردم به سوی کفر ، دغدغه آفرین برای پیامبر (ص)

يأبها الرسول لا يحزنك الذين يسرعون في الكفر

۲ خداوند ، بر حذر دارنده پیامبر خویش (ص) از تأسف و اندوه بر کفرورزی مردمان

يأبها الرسول لا يحزنك الذين يسرعون في الكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ خداوند ، پیامبر (ص) را کفیل و قیم ایمان و کفر مردم قرار نداده است .

فمن اهتدی فانما يهتدى لنفسه و من ضل فانما يضل عليها و ما أنا عليكم بوكيل

<وکیل> به معنای قیم و کفیل است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۶

۶- پیامبر (ص) موظف به رساندن پیام حق الهی به مردم است و نه مسئول ایمان و کفر آنان .

و قل الحق من ربکم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليکفر

مخالفت رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۵

۵ - مخالفت سران کفر و شرک با پیامبر اسلام ، به خاطر شک و تردید آنان در اصل نزول وحی و الهی بودن قرآن بود / نه در

شایستگی پیامبر (ص) برای رسالت .

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي

<بل> در جمله <بل هم فی شک من ذکری> برای اضراب می باشد. بر این اساس مقصود از آیه شریفه این است که

مخالفت سران کفر و شرک با رسول خدا، ناشی از شک و تردید آنان در درستی قرآن است و بحث از شایستگی آن حضرت

برای رسالت، معلول چنین تردیدی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۳

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت ها و کارشکنی های سران کفر و شرک (همچون ولیدبن مغیره)

ذرنی و من خلقت

وحيداً

مراتب کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۵،۶

۵ - برخی از مردم عصر پیامبر (ص) در مرحله ای از کفر بودند که انذارهای پیامبر (ص) در آنان تأثیری نمی بخشید .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

برخی برآنند که مراد از <الذین کفروا> گروهی از کفرپیشگان مکه است؛ یعنی آیه شریفه بیان یک قضیه خارجیه است و حکایت از آن ندارد که در کافر زمینه ایمان نیست.

۶ - برخی از کافران به مرحله ای از کفر می رسند که زمینه ایمان در آنان نابود می شود .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۲

۲ کفر و کشتن پیامبران و عدالتخواهان ، گناه بزرگی است که همه اعمال نیک را می زداید و تباه می کند .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ... أَوْلَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۴

۴ کفر ، دارای مراتب متزاید

ثم ازدادوا كفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۵،۸

۵ کفر ، دارای مراحل و مراتب و قابل فزونی و کاهش

الذین یسرعون فی الکفر

۸ ایمان زبانی در کنار کفر باطنی ، ناپسند و مایه افزایش کفر

يأیها الرسول لا یحزنک . . من الذین قالوا ءامنا بافوههم و لم تؤمن قلوبهم

بنابر اینکه <من الذین قالوا> بیان برای <الذین

یسرعون < باشد، معلوم می شود نفاق مایه افزایش کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۸

۱۸ کفر و طغیان ، دارای مراتب

و لیزیدن کثیراً منهم .. طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۸

۱۸ کفر و طغیان ، دارای مراتب

لیزیدن .. طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۲،۳

۲ جا به جا کردن ماه های حرام ، مایه فزونی درجه کفر کفرمداران

إنما النسيء زیاده فی الکفر

۳ کفر ، دارای مراتب

زیاده فی الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۳،۴

۳ افراد بدوی و به دور از تمدن و فرهنگ ، دارای کفر و نفاقی سخت تر در مقایسه با مردم متمدن و دارای فرهنگ

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

۴ کفر و نفاق ، دارای مراتب و شدت و ضعف

الأعراب أشد كفراً و نفاقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱

۱ وجود مؤمنان واقعی به خدا و قیامت در میان بادیه نشینان صدر اسلام ، علی رغم کفر و نفاق شدید عده ای دیگر از آنان

الأعراب أشد كفراً و نفاقاً .. و من الأعراب من يؤمن بالله و اليوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۵

۵ کفر و نفاق ، دارای

شدت و ضعف و مراتب گوناگون

و أما الذين في قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلى رجسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۴

۴ کفر و پیامد های آن ، دارای مراتبی متفاوت

لاجرم أنهم في الآخرة هم الأخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی دارای مراتب ، گونه ها و عوامل مختلف

إنك لاتسمع الموتى و لاتسمع الصمّ .. و ما أنت بهدى العمى عن ضللتهم

از این که در این آیه و در آیه قبل، سه تعبیر مختلف درباره کافران به کار رفته است (۱ مرده، ۲ ناشنوی روی برتافته، ۳ نابینای گمراه)، احتمال می رود که هر یک اشاره به مرتبه و گونه ای از کفر و تعریضی به عوامل متفاوت آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲

۲ - کفر ، دارای مراتب گوناگون است و کافران ، در درکات مختلف دوزخ جای دارند .

و سيق الذين كفروا إلى جهنم زمراً حتى إذا جاءوها فتحت أبوابها

تقسیم شدن کافران به چند دسته و گروه و نیز ورود آنان از درب های گوناگون جهنم ، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۳

۳ منحرف ساختن مردم از راه خدا ، بارزترین و زشت ترین حرکت کفرآمیز

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّٰه

پس از طرح مسأله کفر، در آیه موضوع > صدّ عن سبیل

الله > مطرح شده است، تا به اثری از آثار کفر اشاره شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ - تخلف از جنگ و جهاد، دارای کیفری بس بزرگ و دردناک

و إن تتولّوا كما تولّيتم من قبل يعذبكم عذابًا أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - > محمد بن مسلم، قال: قلت لأبي عبد الله (ع) > عتّل بعد ذلك زنيماً > قال: العتّل العظيم الكفر و > الزنيماً > المستهتر بكفره ;

محمد بن مسلم گوید: از امام صادق (ع) [معنای سخن خداوند:] > عتّل بعد ذلك زنيماً > پرسیدم؟ فرمود: > عتّل > [یعنی
[دارای کفر بزرگ است و > زنيماً > [یعنی] در کفر خود دارای ولع است > .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - گناه، هرچه بزرگ تر باشد، کیفر آن سنگین تر خواهد بود .

فدمدم عليهم ربّهم بذنبيهم

حرف >باء > در >بذنبهم > بیانگر علت عقوبت سنگین ثمودیان و نشانگر آن است که اگر کیفر آنان شدید بود، به جهت
گناهی بود که از آنان سرزد. بنابراین ویژگی های کیفر، براساس خصوصیات گناه تعیین می شود.

مراد از کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۶

۲۶ > عن أمير المؤمنين (ع) في قوله تعالى: > و من يكفر به من الأحزاب فالنار موعده > يعني الجحود به والعصيان له ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که مقصود از

کفر در آیه شریفه ، انکار و نافرمانی است < .

مرکز کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ قلب ، کانون کفر و ایمان است .

فما کانوا لیؤمنوا .. کذلک نطیع علی قلوب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ دل ، مرکز ایمان و کفر است .

و اشد علی قلوبهم فلا یؤمنوا

مرگ با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۳

۳ - کفر پیشگانی که بدون توبه می میرند ، برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار می شوند .

خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۸ - ۴،۵

۴ خداوند ، کسانی را که کافر از دنیا بروند ، نخواهد بخشید .

و لیست التوبه للذین .. و لا الذین یموتون و هم کفار

۵ خداوند برای گناهکارانی که توبه را تا آستانه مرگ تأخیر انداخته و کسانی که کافر بمیرند ، عذاب دردناکی آماده کرده

است .

و ليست التوبه للذین . . . و لا الذین یموتون و هم کفار اولئک اعتدنا لهم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۱۴

۱۴ منافقان ، علی رغم ادعای ایمان ، در حال کفر می میرند .

و تزهد أنفسهم و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۱۴

۱۴ مال

و اولاد فراوان منافقان ، موجب گرایش آنان به کفر در هنگام مرگ

و تزهق أنفسهم و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۶

۶ مردن بر حال کفر ، فرجام شوم منافقان استهزاکننده آیات قرآن

و أما الذين في قلوبهم مرض . . . و ماتوا و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۲،۲۱

۲- کافرانی که با حالت ظلم به نفس (کفر) از دنیا بروند ، در قیامت گرفتار خواری و ذلت خواهند شد .

إن الخزي اليوم و السوء على الكافرين . الذين تتوفهم الملكة ظالمی أنفسهم

۲۱- کافرانی که با حالت کفر از دنیا می روند ، همواره در دنیا در مسیر نادرست بوده و مرتکب اعمال زشت می شوند .

ما كنا نعمل من سوء بلى إن الله عليم بما كنتم تعملون

دو عبارت <ما كنا نعمل> و <ما كنتم تعملون> دلالت بر ماضی استمراری دارد. عبارت اول سخن کافران است که با آن به

کلی منکر ارتکاب عمل زشت هستند و عبارت دوم جواب به آنهاست که بر استمرار عمل زشت آنها دلالت می کند.

مرگ رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۴ - ۵

۵- پیشگویی قرآن از پیروزی اسلام و مرگ سران شرک و کفر ، قبل از وفات پیامبر (ص)

أفاین مت فهم الخلدون

همزه در <أفاین> استفهام انکاری و متضمن معنای نفی است. بنابراین پیام اصلی آیه چنین می شود: نه چنین است که او

(پیامبر(ص)) >بمیرد و

شما زنده باشید و به مدت طولانی بمانید؛ بلکه حقیقت عکس این است، او می ماند و شما ای سران کفر پیش از او خواهید مرد.

مسئولیت پذیری در حکومت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷۸

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

۸ تصدی مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک ، امری جایز و رواست .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

مشرکان و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۷ - ۲۱

۲۱ شرک در پندار مشرکان، ایمان و باوری راستین؛ و توحید و یکتا پرستی، کفرورزی و انکار حقیقت است.

و شهدوا علی أنفسهم أنهم كانوا کفرین

مفهوم کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۷

۷- از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: > الکفر فی کتاب الله علی خمسة أوجه... فمنها کفر الجحود و الجحود علی وجهین... فأما کفر الجحود فهو الجحود بالربوبیه و هو قول من یقول لا رب و لا إله و لا نار... قال الله عز و جل: ... إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لا یؤمنون...؛

کفر در کتاب خدایه پنج معنا آمده است... یکی از آنها کفر جحود است که دو وجه دارد: یک وجه آن، انکار ربوبیت است

و آن قول کسی است که می

گوید: نه خدایى هست نه بهشتى و نه جهنمى ... خداوند فرمود: إن الذین کفروا سواء علیهم ...<

مکان کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۷

۷- کفر و ناسپاسی ، محدود به دنیاست و در آخرت حتی کافران ، ثناگوی خداوند خواهند بود .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمدہ

بنابر اینکه مخاطب <یدعوکم> منکران قیامت باشد، استفاده می شود که آنان تنها در دنیا مجال کفر و کفران داشتند، ولی در آخرت حمد و ثنا خواهند گفت.

ملائک کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۵

۵- باور های قلبی انسان ، ملائک واقعی ایمان و کفر اوست .

إِلَّا مِنْ أُوکْرِه و قلبه مطمئنٌ بالإیمان

ممانعت از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱

۱- وظیفه پیامبر (ص) ، تنها ابلاغ رسالت الهی است ؛ نه ممانعت قاهرانه از کفر و حق گریزی مردم

فإن أعرضوا فما أرسلنک علیهم حفیظًا إن علیک إلا البلیغ

ممانعت از گسترش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - پیشگیری خداوند از گسترش فضای کفر و بی اختیار شدن انسان ها و برهم خوردن زمینه های انتخاب

و لولا أن يكون الناس أمّة واحدة

مراد از <أمّة واحدة> شدن مردم، ممکن است تمایل یافتن آنان به کفر باشد.

ممنوعیت کفر زبانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۵

۵ ممنوعیت بر

زبان راندن کلمات کفرآمیز

و لقد قالوا كلمه الكفر و كفروا

منازعه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۱

۱ سران کفر و شرک و پیروانشان پس از ورود به جهنم به مجادله و کشمکش خواهند پرداخت.

قالت أخرجهم لأولیهم... و قالت ألیهم لأخرجهم فما كان

منشأ تزیین کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- زیبایی ها و جلوه های راه کفر ، غیر واقعی و زاییده وسوسه های شیطانی است .

الشیطن سؤل لهم و أملی لهم

<سؤل> به معنای وارونه نمایاندن واقعیت ها است؛ یعنی، <زیبانمودن زشتی ها و متمایل ساختن نفس به جانب آن> و این تعبیر نشان می دهد که راه کفر و ضد حق و هدایت، فاقد زیبایی واقعی است؛ ولی شیطان به دروغ آن را می آراید.

منشأ شکست کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۴

۴- در صورت یاری خداوند ، پیروزی سپاه دین و جریان حق بر کفر و باطل ، قطعی است .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - علم و آگاهی گسترده خداوند ، پشتوانه پیروزی دین حق و شکست جبهه کفر و باطل

و یمح الله البطل .. . إنه علیم بذات الصدور

جمله <إنه علیم بذات الصدور> می تواند علت برای جمله <و یمح الله الباطل > باشد.

منشأ کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۲

۲ ترغیب آدمیان به تأمل کردن در ریشه بی ایمانی و بخلورزی خویش *

ماذا عليهم لو امنوا بالله و اليوم الاخر و انفقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۷

۷ گرایش نداشتن آدمی به خدا، زمینه ساز مشیت الهی به گمراه ساختن او و هدایت نکردنش به توحید و رسالت پیامبر (ص)
(

إن الله يضل من يشاء و يهدى إليه من أناب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۹

۹- جهل و ناآگاهی، ریشه اصلی گرایش به کفر، شرک و تکذیب پیامبر (ص)

قالوا إنما أنت مفر بل أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۲۰

۲۰ - شرک و کفر، مولود جهل و ناآگاهی است .

بل أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۶

۶ - خود برترینی و بزرگ منشی، منشأ کفر و حق ناپذیری و سبب تکذیب آیات الهی

قد جاءتك آيتي فكذب بها و استكبرت و كنت من الكافرين

<استكبار> (مصدر <استكبرت>) به معنای خود را برتر از آنچه هست، دیدن و نشان دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۴

۴- راه کفر ، دارای ریشه در هوس ها و فاقد منطق روشن

کمن زین له .. و اتبعوا أهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۵ انحراف و کفر انسان های دوزخی ، ناشی از سوء اختیار خود آنان است ؛ نه معلول عوامل جبری .

و قد قَدِّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ

تعبیر <قد قَدِّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ> بدان معنا است که بر گمراهان، قبلاً اتمام حجت شده است و دیگر مجالی برای جدال و تخاصم نیست. لازمه اتمام حجت و مجرم بودن فرد، این است که او مجبور نبوده و به سوء اختیار خود، علیه حجت الهی اقدام کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - کفر ورزیدن به خداوند و انکار ربوبیت یگانه او ، خروج از فطرت و شکستن میثاق است .

و ما لکم لا تؤمنون بالله .. و قد أخذ میثقمکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - شیطان ، محرک و مشوق اصلی انسان ها به کفر

کمثل الشیطن إذ قال للإِنسَنَ اکفِر

با توجه به این که <شیطان> مشبه به است ؛ نقش محوری او در تحریک به کفر استفاده می شود.

۱۲ - > عن علی بن أبی طالب (ع) انّ رجلاً کان یتعبّد فی صومعتہ و انّ امرأه کان لها إخوانه فعرض لها شیء ، فأتوه بها ، فزینت له نفسه فوق علیها فجاءه الشیطان فقال : أقتلها فإنّهم إن ظهروا علیک إفتضح فقتلها و دفنها فجأوه فأخذوه فذهبوا به فبینما هم یمشون إذ جاءه الشیطان فقال : إنی أنا الذی زینت لک فاسجد لی سجده أنجیک ، فسجد له ، فذلک قوله ، > کمثل

الشيطان إذ قال للإنسان اكفر ... < ;

از امام علی(ع) روایت شده است: مردی در دیر و صومعه خود مشغول عبادت بود، و زنی بود که چند برادر داشت. برای زن چیزی (بیماری) پدید آمد و آن برادران خواهر خود را نزد آن عابد بردند. پس خواهش زشت نفسانی در نظر عابد جلوه کرد و عمل زشت را با زن انجام داد. شیطان نزد عابد آمده و گفت: زن را بکش زیرا اگر آنان بر تو دست یابند، رسوا خواهی شد. پس آن عابد زن را کشته و دفن کرد. خویشاوندان زن نزد عابد آمدند و او را دستگیر کردند و بردند و در این حال شیطان نزد عابد آمد و گفت: من این عمل را نزد تو خوب جلوه دادم، حال بر من سجده ای نما تا تو را نجات دهم. پس عابد برای شیطان سجده کرد و این سخن خدا است که فرموده: کمثل الشيطان إذ قال للإنسان اكفر...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۹

۹ - رفتار و کردار آدمی، نشانگر کفر و ایمان و نیز اندیشه و باور او است .

فمنکم کافر و منکم مؤمن و اللّٰه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۹ - ۸

۸ - کفر و تکذیب دین، برخاسته از تأمل نکردن و نیندیشیدن در آیات الهی در طبیعت است .

و لقد کذب الذین من قبلهم .. أولم یروا إلی الطیر ... إنه بکل شیء بصیر

از سرزنش شدن کافران تکذیب گر، به

خاطر تأمل نکردن در پدیده های طبیعت (مانند پرندگان) می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۴

۴ - محبت و دلبستگی به دنیا ، سرچشمه گناه ، کفر و ناسپاسی است .

و لاتطع منهم ءائماً أو كفوراً .. إن هؤلاء یحبون العاجله

منشأ کفر اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۹

۱۹ - شک توأم با بدینی اقوام کفرپیشه نسبت به تعالیم انبیا ، منشأ کفر آنان بود .

قالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به و إنا لفی شكّ ممّا تدعوننا إليه مریب

منشأ کفر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۲

۳۲ - عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر کشتن پیامبران بود .

یکفرون بأیت الله .. ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون

مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا> کفر به آیات خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذلک در <ذلک بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت <ذلت و ...> شمرده اند.

منشأ کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۵

۵ - کفر به خدا و تکذیب آیات او (قرآن) ، برخاسته از خوی استکبار و خود بزرگ بینی

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا

... عذاب مهین

توصیف <عذاب> به <مهین> (ذلیل کننده)، گویای این حقیقت است که کفر به خدا و تکذیب آیات او، کرداری برخاسته از روح استکباری و خودبزرگ بینی است و خداوند، متناسب با آن، کیفری را تعیین فرموده است تا آن روح را درهم بشکند و به خواری و ذلتشان بکشاند.

منشأ کفر به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۶

۶ حسادت مردم مکه بر پیامبر (ص) از ریشه های ایمان نیاوردن ایشان به آن حضرت *

و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

برداشت فوق با توجه به توضیحی که در شماره قبل آورده شد معلوم می شود.

منشأ کفر در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۸ - ۴

۴ - < فرعون > ، محور حاکمیت کفر در عصر موسی

و فی موسی إذ أرسلناه إلی فرعون

از این که موسی(ع) قبل از تبلیغ تودهای مردم، مأموریت یافته بود تا به سوی فرعون حرکت کند، به دست می آید که فرعون بر مجموعه نظام اجتماعی آن عصر حاکمیت داشت.

منشأ کفر مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۹

۹ - کفر مخالفان پیامبر (ص) در مکه ، براساس لجاجت و عناد بوده است ، نه منطق و برهان

و لئن جئتهم بأيه ليقولن الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون

منشأ كفر يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢ - ٩٠ - ١٢

- ١٢

حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغِيًّا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است؛ برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغیاً> مفعول^۳ به برای <أَنْ يَكْفُرُوا> می باشد.

منشأ نفرت از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، پدید آورنده زمینه بیزاری مؤمنان از کفر ، فسوق و عصیان

و لَكِنَّ اللَّهَ .. و كَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ

موارد کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵۰

۵۰ - علم و ایمان به سرای آخرت ، بدون عمل به مقتضای آن ، به منزله جهل و بی ایمانی است .

لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ .. لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <لو كانوا يعلمون> در ارتباط با <لقد علموا ..> مطرح باشد. بر این مبنا مفعول <يعلمون> محرومیت ساحر از سرای آخرت است. بر اساس این معنا، خداوند از یکسو آنان را عالم می داند (لقد علموا) و از سوی دیگر آنها را جاهل می شمرد (لو كانوا يعلمون) تا به این حقیقت اشاره کند که: علم و ایمان بدون عمل به مقتضای آن، به منزله جهل و بی ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۲

کتمان معارف و احکام دین و حقایق کتاب های آسمانی ، کفرپیشگی است .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا .. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ماتوا و هم كفار

آوردن جمله <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ..> پس از <إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ> - بدون حرف فاصله ای همانند واو - گویای این است که: <الذین کفروا> همان کتمان کنندگان هستند و یا کتمان کنندگان از مصادیق کفرپیشگان می باشند. به هر تقدیر این معنا که کتمان حقایق دینی کفر است، از ارتباط دو آیه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۶

۶ تحریف آیات و تبدیل نعمت های الهی ، کفر است .

و من یبدل نعمه الله .. زین للذین کفروا

جمله <زین ..>، تعلیل برای جمله <و من یبدل ..> است. بنابراین تبدیل کنندگان و تحریفگران، از مصادیق کافران (الذین کفروا) خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۱۸

۱۸ جنگ در ماه های حرام ، موجب بازداشتن مردمان از راه خداوند و بازداری آنان از مسجدالحرام و کفر به خداست .

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه کبیر و صدّ عن سبیل الله و کفر به و

بنابراینکه <و صدّ عن سبیل الله>، عطف بر <کبیر> باشد: یعنی قتال فيه، صدّ عن سبیل الله و کفر به.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۱۳، ۱۵، ۱۶

۱۳ خودداری از انفاق ، کفران نعمت و ستمگری است .

انفقوا ممّا رزقناکم ..

و الكافرون هم الظالمون

۱۵ ترك کنندگان انفاق، در واقع منکر خدادادی بودن امکانات و داراییهایشان هستند.

انفقوا ممّا رزقناکم .. و الكافرون هم الظالمون

متعلق کفر در <الكافرون> می تواند معارفی باشد که در آیه به آنها اشاره رفته است. از جمله باور داشتن این حقیقت که داراییهای آدمی، داده خداوند است؛ و انکار این معنا خود از موانع انفاق خواهد شد.

۱۶ ترك کنندگان انفاق، در واقع منکر قیامتند.

انفقوا .. و الكافرون هم الظالمون

مراد از <کفر> به قرینه طرح مسأله قیامت در آیه، می تواند کفر به قیامت و یا ویژگیهای آن همانند <لا یبع .. > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۱۱

۱۱ انفاق های آمیخته با ریا و همراه با منت و اذیت، نوعی کفر است.

یا ایها الذین امنوا .. و الله لا یهدی القوم الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۵،۶

۵ انکار دین پس از اتمام حجت و درک حقیقت، کفر است.

انی قد جئتکم .. فلما احس عیسی منهم الکفر

زیرا عیسی (ع) پس از ارائه آیات و معجزات، منکران را کافر نامید.

۶ عدم رعایت تقوای الهی، ترك اطاعت انبیا و بندگی خداوند، کفر است.

فاتقوا الله و اطیعون .. فاعبدوه ... فلما احس عیسی منهم الکفر

آیات قبل نشان دهنده مصادیق کفر بنی اسرائیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳

۴ اعتقاد به ربوبیت انبیا و فرشتگان (غیر خدا) ، کفر است .

و لا یأمرکم .. ایأمرکم بالكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۶

۶ عصیان از فرمان های پیامبر (ص) ، کفر به آن حضرت است .

یومئذ یوّد الذین کفروا و عصوا الرسول

چنانچه <الرسول>، مفعول <کفروا> گرفته شود، به نظر می رسد جمله <عصوا>، بیان و تفسیر انکار رسالت باشد؛ یعنی انکار پیامبر (ص) در عمل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۱

۱۱ عدم رعایت تقوا، نوعی کفر است .

ان اتقوا الله و إن تکفروا

خداوند، بی تقوایی را کفر نامیده است. چون مراد از <ان تکفروا>، <ان لاتتقوا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۱۰

۱۰ انکار هر یک از حقایق (خدا ، پیامبران ، فرشتگان ، کتب آسمانی و روز قیامت) ، کفر و به منزله انکار تمامی آنهاست .

و من یکفر بالله و ملئکتہ و کتبه و رسله و الیوم الآخر فقد ضل ضللاً بعيداً

با توجه به صدر آیه که ضرورت ایمان به تک تک معارف یاد شده را مطرح ساخت، معلوم می شود ضلالت بعید نتیجه انکار هر یک از معارف یاد شده است، نه نتیجه ای برای مجموع آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ ارتکاب گناهانی همچون شرابخواری ، زنا و

نپرداختن زکات، با اعتقاد به گناه بودن آنها، کفر است.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

ابو بصیر از معصوم (ع) روایت کرده است که پس از تلاوت <ان الذین ءامنوا ثم کفروا ثم ءامنوا ثم ازدادوا کفراً> امام فرمود: من زعم ان الخمر حرام ثم شربها، و من زعم ان الزنا حرام ثم زنی، و من زعم ان الزکوه حق و لم یؤدها.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۲۸۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۳، ح ۶۲۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۰ - ۱،۲،۵

۱ کفر نسبت به برخی از پیامبران الهی، در حقیقت کفر به خدا و تمامی پیامبران اوست.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ .. وَ يَقُولُونَ نُوْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ

مضاف الیه کلمه <بعض>، در هر دو مورد، <رسل> است، یعنی ایمان به برخی از پیامبران و کفر به برخی دیگر. و نیز جمله <يقولون>، در حقیقت تفسیر <يكفرون بالله و رسوله>، می باشد.

۲ پذیرش برخی از احکام دین و انکار برخی دیگر، کفر به خدا و رسول و به منزله انکار تمامی آن دین است. *

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ .. أَوْلَئِكَ هُمُ الْكٰفِرُونَ

با توجه به واژه رسول می توان گفت: آیه شامل تبعیض در اعتقاد به احکام و رسالت یک دین نیز می شود؛ یعنی همانگونه که انکار برخی از رسولان به منزله انکار همه پیامبران است، انکار برخی از تعالیم انبیا نیز انکار تمامی آن دین است.

۵ اهل کتاب با انکار رسالت پیامبر (ص)

(، در حقیقت به خدا و تمامی پیامبران و پیامبر خویش کافرند .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ ... و يقولون نؤمن ببعض و نكفر ببعض ... أولئك هم الكفرون

بنا به گفته مفسران و به دلیل آیات بعد، مراد از <الذین یکفرون ..>، اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۱ - ۱،۲

۱ ایمان به خدا و انکار هر یک از رسولان الهی ، ایمانی دروغین و کفری حتمی است .

و یریدون أن یفرقوا بین الله و رسله .. أولئك هم الكفرون حقاً

۲ انکار برخی از رسولان و ایمان به برخی دیگر ، کفری قطعی و ریشه دار است .

يقولون نؤمن ببعض و نكفر ببعض .. أولئك هم الكفرون حقاً

کلمه <حقاً> در آیه، مقابل باطل نیست، بلکه به معنای عمق کفر و تحقق حتمی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۳۱،۳۲،۳۶

۳۱ انکار جواز مبادله با اهل کتاب و انکار حلیت طعام آنان ، کفر و موجب حبط عمل است .

و طعام الذین اتوا الکتب حل لکم .. و من یکفر بالایمن فقد حبط عمله

از مصادیق مورد نظر برای ایمان، معارف و احکامی است که در آیه مورد بحث، مطرح شده است، همانند حلیت طعام اهل کتاب و ...

۳۲ انکار جواز ازدواج با زنان اهل کتاب ، کفر و موجب حبط عمل است .

و المحصنت من الذین اتوا الکتب .. و من یکفر بالایمن فقد حبط عمله

۳۶ التزام به احکام الهی ، ایمان

و تخلف از آن ، کفر است .

و من یکفر بالایمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۳

۳ انکار لزوم برپایی عدالت و عدم اجرای آن ، حتی نسبت به دشمنان ، از مصادیق کفر و تکذیب آیات الهی است . *

و لایجر منکم شئان .. و الذین کفروا و کذبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۳۱،۳۲

۳۱ انکار هر یک از رسولان الهی و ترک یاری آنان ، برپا نداشتن نماز ، پرداختن زکات و خودداری از انفاق ، کفر و ضلالت است .

لئن اقمتم الصلوه .. فمن کفر

۳۲ شکستن پیمان های الهی ، کفر و گمراهی است .

و لقد اخذ الله ميثق .. فمن کفر بعد ذلك منکم فقد ضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲،۴

۲ ادعای الوهیت برای مسیح (ع) ، کفر است و مدعیان آن کافرند .

لقد کفر الذین قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مریم

۴ ادعای الوهیت برای غیر خدا ، کفر است .

لقد کفر الذین قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴۴ قانونگذاری ، جز بر پایه مقررات و مفاهیم الهی ، حرام و کفر است .

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

جمله <و من لم يحكم...> علاوه بر مسأله قضاوت می تواند شامل

هر نوع دستور و قانونی بشود.

۴۹ خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی، کفر است.

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

جمله <و من لم يحکم...> دارای دو مصداق است: یکی حکم کردن بر اساس احکام غیر الهی و دوم خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی در عین وجود شرایط آن، برداشت فوق ناظر به مصداق دوم است.

۵۰ خودداری از قانونگذاری بر پایه مقررات الهی، کفر است.*

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

۵۳ داوری بر پایه جور اگر چه در مورد مالی اندک و اجبار دیگران به پذیرش آن، کفر است.

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

از رسول خدا(ص) روایت شده: من حکم فی درهمین بحکم جور ثم جبر علیه کان من اهل هذه الایه <و من لم يحکم بما انزل الله فأولئك هم الكفرون> ...

کافی، ج ۷، ص ۴۰۸، ح ۳، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱۲۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۶، ۲۵

۲۵ انکار تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (قرآن)، کفر است.

لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك .. فلا تأس علی القوم الکفرین

۲۶ برپا نداشتن کتب آسمانی در جامعه، کفر به آنهاست.*

حتى تقيموا التوریه و الانجیل .. فلا تأس علی القوم الکفرین

جمله <فلا تأس...> علاوه بر ارتباط آن با جمله <و لیزیدن...> می تواند تفریع بر ترک اقامه تورات، انجیل

و دیگر کتب آسمانی نیز باشد. بنابراین کسانی که به کتب آسمانی پایبند نیستند از مصادیق کافران خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۶

۱۶ شرک به خدا، کفر به اوست .

لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح .. من يشرك بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۲

۲ انکار قرآن و رسالت پیامبر (ص) با وجود آگاهی به حقایق آن، کفر به خداوند است .

و ما لنا لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق

چنانچه ایمان واقعی به خداوند در گرو ایمان به قرآن و رسالت پیامبر(ص) نباشد معنا ندارد که مسیحیان و دانشمندان آنان با آنانکه به ایمان خداوند داشتند پس از اختیار اسلام بگویند: <ما لنا لا نؤمن بالله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۳۸

۳۸ انکار رسالت عیسی (ع) کفر است .

فقال الذين كفروا منهم ان هذا الا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۳، ۷

۷ آنان که برای خداوند همتایی بیندارند، کافرند.

ثم الذين كفروا بربهم يعدلون

در این برداشت <بربهم> متعلق به يعدلون و <يعدلون> نیز از عدل، به معنی برابر و همسان، گرفته شده است.

۱۳ ستایش غیر خداوند، کفرپیشگی است.

الحمد لله الذى خلق .. ثم الذين كفروا بربهم يعدلون

چون در صدر آیه اختصاص حمد به خداوند مطرح شده، ممکن است مراد از <الذین کفروا> کسانی باشند که

با بستن چشم خود از حقیقت (کفرورزی) در ستایش برای خداوند، همسان قرار می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۲

۲ رویگردانی از آیات خداوند و بی توجهی به آن کفر است.

ثم الذین کفروا .. و ما تأتیهم من آیه من آیت ربهم إلا کانوا عنها معرضین

این آیه بیانگر ویژگیهای فکری و روحی کافران است که در آیه اول مطرح شد. از این رو می تواند بیان ویژگیهایی باشد که در مجموع موجب اطلاق <کافر> بر آنان شده است، نه بیان حالات آنان پس از کفر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۶، ۱۵

۱۵ اسطوره خواندن قرآن و جدال و سرسختی در برابر آن، کفرورزی است.

يقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

۱۶ شرک، کفرورزی و مشرک، کافر است.

و الله ربنا ما کنا مشرکین .. يقول الذین کفروا

مرجع ضمیر <منهم من یستمع> در صدر آیه، مشرکان مطرح شده در آیات قبل است. و از آنجا که در پایان آیه از همان گروه با توصیف <الذین کفروا> یاد شده، که در حقیقت اظهار در مورد اضممار است برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ انکار معاد کفرورزی است.

ألیس هذا بالحق قالوا بلی و ربنا قال فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۳

کفر است و بازیچه قرار دهندگان آن کافرند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا .. بما كانوا یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ انکار حقانیت رسالت پیامبر(ص)، کفر به همه انبیا و کتب آسمانی است. *

فإن یکفر بها هؤلاء فقد و کلنا

<هؤلاء> اشاره به کفر مردم مکه است. با توجه به اینکه در این آیات سخن آنها، که دال بر کفر به انبیای گذشته باشد، نقل نشده، به نظر می رسد که کفر آنها به انبیای پیشین تابع کفر آنان به پیامبر باشد. چون همه انبیا مورد تصدیق اسلام و قرآن و پیامبرند، کفر به پیامبر کفر به همه انبیا قلمداد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۳

۱۳ انکار رسالت انبیا و باور نداشتن اندازهای آنان، کفر است.

ألم یأتکم رسل .. ینذورنکم ... أنهم كانوا کفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱۳، ۱۲

۱۲ انکار قیامت و به فراموشی سپردن آن، کفرپیشگی است.

إن الله حرمهما علی الکفرین .. فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا

۱۳ انکار آیات الهی، کفرپیشگی است.

فالیوم ننسیهم کما نسوا .. و ما كانوا بایتنا یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ مخالفت با قرآن و اسلام ، کفر است .

یریدون أن یطفئوا نور اللّٰه . . . و یأبى اللّٰه إلا أن یتم نوره و

لو کره الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۶

۶ از امام هادی (ع) روایت شده است: > ... من زعم ان الله عزوجل أجبر العباد على المعاصي و عاقبهم على ها ... فقد ظلم الله في حكمه و كذبه و رد عليه قوله: ... > إن الله لا يظلم الناس شيئاً < ... ;

... هر کس گمان کند که خدای عزوجل، بندگان را بر ارتکاب گناهان مجبور ساخته و در عین حال آنان را کیفر می کند، به خدا در حکمش اسناد ظلم داده و قول او را که فرموده: >خدا به مردم هیچ ظمی نمی کند< رد نموده و خدا را تکذیب کرده است ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۰ - ۷

۷ انتساب فرزند به خدا، بدعت در دین و افترا و دروغ بستن به او، کفر و موجب عذاب شدید اخروی است.

الذين يفترون على الله الكذب .. إلينا مرجعهم ثم نذيقهم العذاب الشديد بما كانوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۸

۱۸ نپذیرفتن آیین و شریعت الهی، کفر به خداوند است.

حش لله.. .. إني تركت مله قوم لا يؤمنون بالله و هم بالأخره هم كفرون

آیه ۳۸ و ۳۹ و نیز جمله هایی نظیر >حاش لله< (در آیه ۳۱ و ۵۱) دلالت بر آن دارد که: مصریان عصر یوسف (ع) به وجود خداوند معتقد

بودند ۷ ولی یوسف (ع) از آنان به کافران به خدا یاد می کند (لا یؤمنون بالله). این تعبیر به قرینه <ترکت مله قوم ...>، می تواند بدان سبب باشد که شریعت و آیین آنان، شریعتی غیر الهی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۸

۸ خواندن غیر خدا و درخواست حاجت کردن از غیر او کفر است .

له دعوه الحق .. و ما دعاء الکفرین إلا فی ضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۷

۷ نپذیرفتن قرآن و وحی نازل شده بر پیامبر (ص) کفر به خدا و رحمانیت اوست .

لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک و هم یکفرون بالرحمن

چون مردم عصر بعثت به ویژه اهل مکه و اطراف آن، به خداوند معتقد بودند، معلوم می شود مراد از <یکفرون بالرحمن> به قرینه عبارت <لتتلوا علیهم ..> انکار قرآن است. تعبیر کردن از انکار قرآن به کافر شدن به خدا، گویای این نکته است که نپذیرفتن قرآن و کافر شدن به آن به منزله کفر ورزیدن به خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۳

۳ انکار رسالت پیامبر (ص) کفر است .

و یقول الذین کفروا لست مرسلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۷

۷- شرک ، کفر به خداوند است .

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً .. عَلَى الْکَفْرِ

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۵

۵- پرستش غیر خدا ، کفر و مستوجب جهنم است .

الذین کفروا .. إئتکم و ماتعدون من دون اللّٰه حسب جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۳

۳- شرک ، کفر است و مشرکان ، کافراند .

إِنَّ الذّٰین کفروا .. ذلکم بآنّٰه إذا دعی اللّٰه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در این آیات، مشرکان با عنوان کافران معرفی شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۶

۶- شریک پنداشتن برای خدا ، به منزله کفر و انکار خدا است .

کنّا به مشرکین .. خسر هنالک الکفرون

برداشت یاد شده به این خاطر است که در آیه شریفه از مشرکان، به کافران تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۸

۸- قرار دادن مخلوق خداوند در کنار او و جزء وی به شمار آوردن آن ، کفری آشکار و سرپوشی رسوا بر خرد آدمی و واقعیت هستی است .

و جعلوا له من عباده جزءًا إنّ الإنسن لکفور مبین

واژه <کفور> و <مبین> با توجه به ریشه آنها که یکی پوشیدن و مخفی داشتن حق و دیگری آشکار بودن و پوشش ناپذیری است می تواند اشاره به خردناپذیر بودن و متناقض بودن مطلب مورد ادعای مشرکان داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷

۳- عداوت و مبارزه با پیامبر اکرم (ص)، مصداق کفر و پیشگیری از راه خداوند

كفروا و صدّوا عن سبيل الله و شاقّوا الرسول

عطف <شاقّوا الرسول> بر <الذين كفروا و صدّوا..> ممکن است عطف تفسیری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۰

۱۰- انکار حکم ظاهر و تجاوز به حدود آن، در حکم کفر است.

و تلك حدود الله و للكافرين عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۱۰

۱۰- رد و انکار آیات قرآن، کفر است.

و قد أنزلنا آيات بينت و للكافرين عذاب مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۵

۵- بت پرستی، کفر به خداوند است و بت پرستان از کافران اند.

لا تذر على الأرض من الكافرين ديارًا

برادشت بالا، به سبب این است که از بت پرستان، به کافران یاد شده است.

موانع کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - پرستش خداوند، آدمی را از گرفتار شدن در ورطه کفر و نفاق و پیامد های آن دو، مصون می دارد.

اعبدوا ربکم .. لعلکم تتقون

از اهداف دعوت به پرستش خداوند - پس از بیان کفر و نفاق و عواقب شوم آنها - ارائه رهنمونی است به انسانها برای پاسداری خویش از گرایش به کفر و نفاق. بر این اساس <تتقون> به معنای لغوی آن و متعلقش

کفر و نفاق خواهد بود؛ یعنی: اعبدوا ربکم لعلکم تتقون الکفر و النفاق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۵

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرّمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و ...)

و لاتکونوا اول کافر به .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۸

۸ رشد ایمان در جامعه ، موجب نفی حضور کفر است .

و لیمحص الله الذین امنوا و یمحق الکافرین

نیابردن <لام تعلیل> در <یمحق>، اشاره به این معنا دارد که نابودی کافران پس از خالص شدن مؤمنان صورت می گیرد. یعنی به هر اندازه که مؤمنان از عیب و نقص خالص شوند، به همان مقدار از شوکت کافران کاسته خواهد شد تا به نابودی کشانده شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۹

۹ وعد و وعید از روش های قرآن برای برانگیختن مردم به ایمان ، عمل صالح و پرهیز از کفر

انّ الذین کفروا بایاتنا سوف .. و الذین امنوا و عملوا الصّالحات سندخلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۴

۴ انذار و تهدید ، از روش های قرآن برای بازداشتن انسان ها از کفر و انکار حقایق و تکذیب آیات الهی

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا اولئک اصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره

۹ برخی از معتقدان به تثلیث به خاطر ناآگاهی از شرک آمیز بودن آن ، نه کافرند و نه مشرک .

لیمسن الذین کفروا منهم عذاب الیم

ظاهراً ضمیر در <منهم> به معتقدان به تثلیث بازگشت می کند. بر این مبنا قائلان به تثلیث به دلیل کلمه <منهم> به دو دسته تقسیم می شوند: کافر و غیر کافر و می توان گفت منشأ این تفاوت علم و آگاهی آنان نسبت به معنای تثلیث و جهل به آن است ؛ یعنی آنانکه نمی دانند اعتقاد به تثلیث با توحید در الوهیت ناسازگار است، محکوم به کفر نیستند و به عذاب دردناک گرفتار نمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۱۱، ۲

۲ - خداوند ، به منظور جلوگیری از گرایش عمومی انسان ها به کفر ، زندگی تمامی کافران را سرشار از امکانات رفاهی و تجملی ساخت ؛ بلکه فقر و غنا را نیز در میان ایشان تقسیم کرد .

و لولا أن یكون الناس أمه وحده لجعلنا .. سقفاً من فضّه

۱۱ - > قال [اسحاق بن غالب] : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : فی هذه الآية : > و لولا أن یكون الناس أمه واحده جعلنا لمن یكفر بالرحمن لیبوتهم سقفاً من فضّه و معارج علیها یظهرون < قال : لو فعل لكفر الناس جميعاً ؛

اسحاق بن غالب می گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که درباره آیه > و لولا- أن یكون الناس أمه واحده لجعلنا لمن یكفر بالرحمن لیبوتهم سقفاً من فضّه

و معارج علیها یظهرون > فرمود: اگر چنین می کرد (یعنی اگر خدا به کافران آن قدر ثروت می داد که آنان حتی سقف خانه هایشان را از نقره بسازند)، در آن صورت همه مردم به کفر روی می آوردند >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۴

۴- اندیشه و تدبیر انسان ، در قرآن ، مانع کفر است .

فَأَصْمَهُمْ وَأَعْمَى أَبْصَرَهُمْ . أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْءَانَ

از لحن <أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ>، استفاده می شود که اگر آنان به راستی در قرآن تدبیر می کردند، در برابر دستورات حق کر و کور نبوده و موضع نمی گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۵

۵ - توجه به فرجام شوم کفر ، مانع گرایش انسان به آن و عامل دلگرمی مؤمنان

یوم لا یغنی . . . و لا هم ینصرون

آیه شریفه تهدیدی برای کافران و دلجویی برای اهل ایمان در قبال حق ستیزی کفرپیشگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۲ - ۳

۳ - توجه به ضبط کردار آدمیان در نظام جهان ، بازدارنده آنان از کفر و گناه

فهل من مدّکر . و کلّ شیء فعلوه فی الزّبر

با توجه به این که آیه شریفه در جهت تذکار، بیان شده است، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۳

۳ - توجه به نیاز و فقر ذاتی ممکنات ، زمینه خداشناسی و پرهیز از کفر و تکذیب

يسله من فى السموت و .

.. فَبَأَيِّ ءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای دور ساختن آدمیان و جن از کفر و تکذیب حق، نیاز و فقر ذاتی عالم ممکنات را به آنان یاد آور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۳

۳ - توجه به حتمی بودن حسابرسی اعمال ، زمینه ساز شناخت پروردگار و بازدارنده خلق از کفر و تکذیب

سنفرغ لکم .. فَبَأَيِّ ءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، برای دور ساختن خلق از کفر و تکذیب حق، حتمی بودن حسابرسی اعمال را یاد آور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۵

۵ - توجه به قدرت برتر خداوند و عجز و ناتوانی خلق ، بازدارنده آنان از کفر و تکذیب

لَاتَنْفِذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنٍ . فَبَأَيِّ ءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که غفلت جن و آدمیان از قدرت خداوند، زمینه ساز تکذیب گری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۵

۵ - توجه به کیفر بی چون و چرای گناه کاران در قیامت ، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب نعمت های خداوند

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ .. فَبَأَيِّ ءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

برداشت یاد شده بر این اساس است که خداوند پس از بیان راه نداشتن چون و چرا در برنامه های قیامت برای گناهکاران، خلق را به پرهیز از تکذیب نعمت ها توجه داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۳

۳ - توجه به فصاحت و ذلت مجرمان در قیامت ، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب

فیؤخذ بالنوصی و الأقدام . فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۳

۳ - توجه به سختی های دوزخ و حیرت و ناآرامی مداوم دوزخیان ، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب

یطوفون بینها و بین حمیم ءان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در آیه قبل ، سختی های دوزخ را به خلق یادآور شده و در این آیه ، حیثیت ربوبیت و رشد دهی خویش را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۹

۹\$ - تزکیه و خودسازی ، از راه های پیشگیری از طغیان و کفر

إنه طعی . فقل هل لك إلی أن تزکی

این آیه از طرفی ناظر به آیه قبل است و راه دفع طغیان را ارائه می دهد و از سویی دیگر ، ناظر به آیه بعد است و زمینه هدایت به خداوند و دوری از کفر را بیان کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۲

۲ - توجه به ماده اولیه خلقت انسان و سیر پیدایش وی ، مانع کفر به خداوند و قدرت او و زمینه ساز باور به معاد

قتل الإنسن ماأكفره . من أئی شیء خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- عیس - ۸۰- ۱۹- ۴

- ۴

توجه انسان به پیدایش او از نطفه ای ناچیز، بازدارنده وی از کفرورزی به خداوند و قدرت او و مایه باور به معاد است .

ما أكفره .. من نطفه خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۷

۷ - توجه به آسانی سلوک راه هدایت ، مانع کفرورزی به خداوند است .

ما أكفره .. ثم السبیل یسره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۱ - ۴،۱۱

۴ - توجه به وابستگی مرگ انسان ها به خداوند ، مانع کفر به او است .

ما أكفره .. ثم أماته

۱۱ - توجه به پایان زندگی و مدفون شدن انسان ها در قبر ، مانع کفرورزی به خداوند است .

ما أكفره .. فأقبره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۴ - ۲

۲ - اندیشیدن در زمینه پیدایش مواد غذایی و تأمل در مراحل تولید و مصرف آن ، از میان برنده کفر به خداوند است .

فلینظر الإنسن إلی طعامه

فرمان به دقت در طعام (به قرینه <قتل الإنسان ما أكفره> در آیات پیشین ارائه رهنمودی برای ایمان به خدا و کنار نهادن کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۸ - ۴

۴ - توجّه به رویش گیاهان و سبزیجات ، زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است .

ما أكفّره .. فأنبئنا فيها ... عبًا و قصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس

۳- توجه به رویدن درختان زیتون و خرما و تأثیر آنها در تغذیه انسان، زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است.

ما أكفّره... و زیتوناً و نخلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۳

۳- توجه به جنگل های انبوه و درختان تناور، مایه شناخت خداوند و قدرت او و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است.

ما أكفّره... فلینظر الإنسن... حدائق غلباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۱ - ۳

۳- توجه به باغ های میوه و مرغزارها، مایه شناخت خدای قادر و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است.

ما أكفّره... و فكهه و أّباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۹

۹- توجه انسان به وابستگی اش در رشد، تربیت و نعمت ها به خداوند، مانع کفر او و زمینه ساز فریفته نشدن به آنچه مایه بی پروایی، در برابر گناه می گردد.

ما غرّك برّك الكریم

موانع کفر به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۶

۶ اعتقاد به حاکمیت خداوند بر هستی، از میان برنده هر گونه ناباوری نسبت به بعثت پیامبران

إني رسول الله .. الذى له ملك السموت و الأرض

موانع گرایش به كفر

جلد - نام سوره - سوره -

۵- توجه به آخرت و ارزش دادن به آن ، مانع روی گردانی از ایمان و گرایش به کفر و ارتداد

ذَلِكْ بَأْنَهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا عَلٰى الْآخِرَةِ

جمله <ذَلِكْ بَأْنَهُمْ ..> در صدد معرفی مرتد و انگیزه ارتداد اوست و او کسی است که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده، در حالی که اگر آخرت را در نظر می داشت و برای آن ارزش لازم قائل بود، دست از ایمان برنداشته و مرتد نمی شد.

موجبات ازدیاد کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۸

۸ ایمان زبانی در کنار کفر باطنی ، ناپسند و مایه افزایش کفر

يٰۤاَيُّهَا الرَّسُوْلُ لَا يَحْزَنْكَ .. مِنَ الَّذِيْنَ قَالُوْا ءَاْمَنَّا بِاَفْوَاهِهِمْ و لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوْبُهُمْ

بنابر اینکه <من الذين قالوا> بیان برای <الذين يسرعون> باشد، معلوم می شود نفاق مایه افزایش کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و ليزيدن كثيراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغياناً و كفراً

موجبات کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۳۳

۳۳ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده اند : <... الكفر في كتاب الله على خمسة اوجه... و الوجه الرابع من

الكفر ترك ما أمر الله عز

و جل به و هو قول الله عز و جل <... أفتؤمنون ببعض الكتاب و تكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم > فكفرهم بترك ما أمر الله عز و جل به و نسبهم إلى الايمان و لم يقبله منهم و لم ينفعهم عنده... ۱

کفر در کتاب خدا بر پنج قسم است... و قسم چهارم از کفر، ترک اوامر خداست و این سخن خدای عز و جل است که می فرماید: <أفتؤمنون ببعض الكتاب و تكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم > پس خداوند آنان را به خاطر ترک نمودن اوامر الهی کافر دانسته و به آنان نسبت ایمان داده است، اگر چه ایمان مورد قبول نیست و برای آنان نزد خداوند سودی ندارد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۹، ۷، ۶

۶ - دشمنان خدا و پیامبران و فرشتگان ، کافرند .

من كان عدواً لله .. فإن الله عدو للكافرين

مقتضای کلام آن بود که به جای <الکافین> ضمیر <هم> آورده شود. این جا به جایی حاوی دونکته است: ۱ تصریح به اینکه توصیف شدگان کافرند. ۲ علت دشمنی خدا با آنان، کفر ایشان است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: کسانی که با خدا و ... دشمنند خدا دشمن آنهاست زیرا آنان کافرند.

۷ - دشمنان جبرئیل و میکائیل کافرند .

من كان عدواً لله .. و جبريل و ميكل فإن الله عدو للكافرين

۹ - یهودیان ، به دلیل عداوتشان با جبرئیل کافرند و خداوند دشمن آنان است .

من كان عدواً لله .. و

جبریل و میکئل فإن الله عدو للكافرين

از مصداقهای <الكافرين> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۲

۱۲ - اهانت به پیامبر (ص) و استهزای او موجب کفر است .

لا تقولوا رعنا .. و للكافرين عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

در برداشت فوق کلمه <لكن> استدراک از جمله <فلا يؤمنون الا قليلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لكن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لكن...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۳

۳ خداوند ، راهنمای کافران ستم پیشه به کفرپیشگی و انجام اعمال ناروا

إن الذين كفروا و ظلموا .. و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۳، ۴۲

۴۲ ترس از مردم و مال پرستی ، عامل کفرپیشگی و کتمان حقایق آسمانی

فلاتخشوا الناس .. و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئك هم الكفرون

که حکم و داوری خویش را بر پایه مقررات و قوانین الهی بنا نکنند ، کافرند .

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الکفرون

با توجه به آیات گذشته که درباره قضاوت بود، معلوم می شود که جمله <و من لم يحکم .. > ناظر به مسأله قضاوت و داوری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۵، ۱۳

۱۳ اهل کتاب در کفر و طغیان روز افزون به خاطر بی اعتنایی به تعالیم تورات و انجیل

و ليزیدن كثيراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغياناً و کفراً

ازدیاد کفر و طغیان اهل کتاب بر اثر نپذیرفتن قرآن، حاکی از آن است که قبل از نزول قرآن نیز آنان در کفر و طغیان بوده اند که به قرینه صدر آیه، این کفر و طغیان بر اثر مهمل گذاشتن تورات و انجیل بوده است.

۱۵ بی اعتنایی و عدم تعهد اهل کتاب به تورات و انجیل ، موجب کفر آنان به قرآن

قل يا اهل الکتاب لستم علی شیء حتی تقيموا التوریه و الانجیل .. طغياناً

بیان کفرورزی اهل کتاب به قرآن پس از بیان بی اعتنایی آنان به تورات و انجیل، نمایانگر این است که بی اعتنایی آنان به تورات و انجیل، زمینه ساز کفر و انکار قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۲، ۷

۷ غلو در دین موجب کفر است .

لا تغلوا فی دینکم .. لعن الذین کفروا

۱۲ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب

کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۹،۱۰

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

۱۰ عصیان ، تجاوزگری و ترک نهی از منکر ، زمینه ساز پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان *

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون .. کانوا لایتناھون ... یتولون الذین کفروا

بدان احتمال که مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان، نتیجه اعمال ناپسندی باشد که در آیات قبل درباره بنی اسرائیل بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ انکار حقانیت رسالت پیامبر(ص)، کفر به همه انبیا و کتب آسمانی است. *

فإن یکفر بها هؤلاء فقد و کلنا

<هؤلاء> اشاره به کفر مردم مکه است. با توجه به اینکه در این آیات سخن آنها، که دال بر کفر به انبیای گذشته باشد، نقل نشده، به نظر می رسد که کفر آنها به انبیای پیشین تابع کفر آنان به پیامبر باشد. چون همه انبیا مورد تصدیق اسلام و قرآن و پیامبرند، کفر به

پیامبر کفر به همه انبیا قلمداد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۳

۱۳ انکار رسالت انبیا و باور نداشتن انذارهای آنان، کفر است.

ألم یأتکم رسل .. ینذورنکم ... أنهم کانوا کفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۷۸

۷ اندیشه < فرزند داشتن خدا > اندیشه ایست کفرآمیز و معتقدان به آن، کافرند.

یضهئون قول الذین کفروا من قبل

۸ یهود و نصارا به دلیل فرزند خدا خواندن < عزیز > و < مسیح > کافرند.

یضهئون قول الذین کفروا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۶

۶ بر زبان جاری ساختن کلمات کفرآمیز، موجب کفر می شود.

یحلفون بالله ما قالوا و لقد قالوا کلمه الکفر و کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۲

۱۲ نفاق و تخلف از فرمان پیامبر (ص)، کفر به خدا و رسول خداست.

فرح المخلفون .. إنهم کفروا بالله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱۲

۱۲- انکار معاد ، کفر است .

و ليعلم الذين كفروا أنهم كانوا كذابين

مراد از <الذين كفروا> کسانی اند که رستاخیز را مورد انکار قرار می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۴،۵

۴- آنان که عیسی (ع)

را فرزند مریم (س)، بنده خدا و پیامبر او نمی دانند، کافراند.

فاختلف الأحزاب من بينهم فويل للذين كفروا

۵- اعتقاد به فرزندى عيسى (ع) برای خداوند کفر است.

ما كان لله أن يتخذ من ولد .. فويل للذين كفروا من مشهد يوم عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۴

۴ - > عن أمير المؤمنين (ع) ... ان من شبه ربنا الجليل ... لم يعقد غيب ضميره على معرفته و لم يشاهد قلبه اليقين بأنه لاند له و كأنه لم يسمع بتبري التابعين من المتبوعين و هم يقولون > تالله إن كنا لفي ضلال مبين . إذ نسويكم رب العالمين < فمن ساوى ربنا بشيء فقد عدل به و العادل به كافر بما تنزلت به محكمات آياته ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: .. همانا کسی که پروردگار بزرگ ما را به [چیزی] تشبیه کند ... ضمیر باطن خود را بر شناخت او معتقد نساخته و قلب او به این که خدا نظیر ندارد به یقین نرسیده است و گویا نشنیده که پیروی کنندگان، از پیشوایان (معبودهای) خود تبری می جویند و می گویند: به خدا سوگند! حقا ما در گمراهی آشکار بودیم؛ زیرا شما را با پروردگار عالمیان برابر می دانستیم. پس کسی که خدا را با چیزی مساوی بداند، برای او نظیر قرار داده است و کسی که برای خدا نظیر قرار دهد، به مفاد آیات محکمت خدا، کافر شده است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - نادرست پنداشتن وعده الهی به برپایی قیامت و دروغگو دانستن پیامبران ، کفر و از نشانه های کافران است .

الذین کفروا .. قالوا یویلنا ... هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۴

۴ - انکار برپایی قیامت و دروغ پنداشتن آن ، سبب کفر است .

هذه جهنم الّتی کنتم توعدون . اصلوها الیوم بما کنتم تکفرون

در این آیه مفعول <تکفرون> ذکر نشده است؛ ولی به قرینه آیه قبل که درباره وعده به عذاب دوزخ است مفعول آن برپایی قیامت و وجود دوزخ خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵ - ۲

۲ - منکران یگانگی خدا و معتقدان به تعدد معبود ، کافرانند .

و قال الکفرون .. أجعل الألهة إلهًا وحدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۳

۳ - بدگمانی به خدا و نصرت های او نسبت به مؤمنان ، منتهی به کفر و بی ایمانی *

و ظننتم ظنّ السوء .. و من لم یؤمن بالله و رسوله

برداشت بالا بدان احتمال است که مراد از <من لم یؤمن>، همان مخاطبان <ظننتم..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۴

۴- باز داشتن مؤمنان از ورود به مسجدالحرام ، گناهی بزرگ و کفرآمیز

هم الذين كفروا و صدّوكم عن المسجدالحرام

از این که خداوند، ممانعت از ورود مؤمنان به مسجدالحرام

را به عنوان دومین جرم مهم مشرکان یاد کرده و آن را در کنار کفر آنان متذکر شده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۲

۲ - انکار هر یک از پیامبران الهی ، موجب بیرون شدن انسان از دایره اسلام است .

و الذین ءامنوا باللّٰه و رسله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - انکار هر یک از پیامبران الهی ، موجب خروج انسان از دایره اسلام است .

للذین ءامنوا باللّٰه و رسله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۶ - ۲

۲ - انکار صفت ربوبیت خداوند ، مساوی با کفر و موجب دوزخی شدن است .

و للذین کفروا برّهم عذاب جهنّم

موجبات کفر عملی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۶

۶- ضایع کردن نماز و پیروی از شهوات ، کفر عملی است .

أضاعوا الصلوه و اتبعوا الشهوت .. إلا من تاب و ءامن

مؤمنان و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۰ - ۷

۷- مؤمنان ، برخوردار از حمايت هاى غيبى الهى در دور ماندن از كفر و معصيت اند .

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما

نابودى كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۳، ۹

۹ فرمان خداوند به مبارزه با كفر و شرك و به وجود آوردن صحنه مبارزه

، از اسباب تحقق اراده خداوند برای اظهار حق و نابودی کفر

و یرید الله أن یحق الحق بکلمته

خداوند در برابر مؤمنان که خواهان هجوم به کاروان تجاری قریش بودند، خواست تا آنان با لشکریان کفر در آویزند و به جهاد با آنان پردازند و همان را نیز مقدر ساخت و بیان داشت که احقاق حق در پرتو آن حاصل می شود. بنابراین مراد از <بکلمته> همان فرمان به جهاد و تحقق یافتن صحنه مبارزه است.

۱۳ برکنده شدن ریشه های کفر از زمین ، هدفی متعالی در بینش الهی

و یرید الله أن یحق الحق بکلمته و یقطع دابر الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۴

۴ خداوند خواهان نابودی کفر و گسترش توحید و معارف اسلام ، علی رغم ناخشنودی مشرکان مجرم و تلاش های پیگیر آنان

لیحق الحق . . . و لو کره المجرمون

کراهت مجرمان کنایه از تلاشهای پیگیر آنان برای مقابله با حق است. زیرا مجرد کراهت نفسانی مجرمان، بدون مبارزه عملی و تلاش پیگیر، مسأله ای نیست که در آیه به آن پرداخته شود. گفتنی است با توجه به مورد آیه، توحید و معارف اسلام از مصادیق مورد نظر کلمه <الحق> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۹ - ۱

۱ - به جا آوردن سپاس و ستایش خدا ، به خاطر بقای خط رسالت و اضمحلال جبهه کفر و فرستادن سلام و درود بر رسولان او ، رهنمود الهی به پیامبر اسلام (ص)

قل الحمد لله و سلم علی عباده الذین اصطفی

با توجه به

این که در آیات پیشین نام چند تن از پیامبران (موسی، داوود، سلیمان، صالح و لوط) و یاد تلاش ها و مبارزات آنان و پیروزی نهایی حق و اضمحلال کافران به میان آمده است، آیه یاد شده می تواند ختامی بر آن مجموعه یادها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳۰ - ۴

۴ - همان گونه که کافران برای شکست دین منتظرند، مؤمنان نیز برای نابودی کفر، باید منتظر باشند.

و انتظر إِنْهُمْ منتظرون

احتمال دارد متعلق انتظار کافران، به قرینه دشمنی آنان با دین، انتظار برای شکست دین خدا باشد.

ناپسندی اظهار کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱۱

۱۱ شعيب (ع) اظهار کفر و شرک را امری نامشروع و ناروا برای خویش و همگامانش دانست.

و ما يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از عدم امکان که از جمله <ما يكون لنا .. > به دست می آید، عدم امکان تشریحی باشد.

ناپسندی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۵

۱۵- اسطوره خواندن قرآن، توطئه علیه دین الهی و انتخاب کفر، اعمالی زشت و ناپسند

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين .. قد مكر الذين من قبلهم ...

ناپسندی کفر به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۵

۵- ایمان نیاوردن به

عالم آخرت زشت است ، نه دختر داشتن

للذين لا يؤمنون بالأخرة مثل السوء

احتمال دارد که آیه تعریض به مشرکانی باشد که <مثل السوء> را دختر داشتن می دانستند و خداوند جواب می دهد که عدم ایمان به آخرت <مثل السوء> است.

ناپسندی کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۵

۵ - کفر به خدا ، به اندازه ای ناروا است که آفرینش تاب تحمل آن را ندارد .

السماء منفطر به

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که ضمیر <به> به <کفر> بازگردد و جمله <السماء منفطر به> معترضه باشد. در این صورت مفاد آن مانند آیه ۹۰ از سوره <مریم> خواهد بود: <تكاد السماوات يتفطرن منه و تنشق الأرض و تخز الجبال هداً>.

ناخشنودی از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۴

۴ - خداوند ، کفر و ناسپاسی بندگان را نمی پسندد و به آن رضایت نمی دهد .

و لا يرضى لعباده الكفر

نجات از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۸

۸ اعتقاد به وجود خداوند برای خروج آدمی از زمره کافران کافی نیست .

أقسمت لاينالهم الله برحمه . . إن الله حرمهما على الكافرين

سياق آیات این بخش نشان می دهد که گویندگان جمله <أقسمتم . . > از دوزخیانند. بنابراین عنوان <الكافرين> در این آیه شامل آنان نیز می شود؛ در حالی که به شهادت جمله نقل شده از آنها (أقسمتم لا- ينالهم الله برحمه)، این گروه به خداوند

اعتقاد داشته اند.

نجات رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۳

۳ پیروان شرک و کفر برای رهایی از عذاب مضاعف هیچ مزیتی بر سران خویش ندارند.

فما كان لكم علينا من فضل

نشانه های کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۴

۴ بازداشتن مردم از پیوستن به راه خدا نشانه کفر است . *

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

در برداشت فوق جمله <و صدوا> به منزله تفسیر و تبیین جمله <کفروا> گرفته شده است ؛ یعنی بازداری از راه خدا کفرپیشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۳

۳ افترا بر خداوند از نشانه های کفر

و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

چنانچه عنوان <الذين كفروا> عنوان مشیر نباشد، جمله <لكن الذين كفروا> عهده دار بیان یکی از ویژگیهای کفرپیشگان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۴

۴ بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام و انجام کارهای بیهوده به عنوان نیایش و پرستش ، جلوه هایی از کفرپیشگی

و هم یصدون عن المسجدالحرام .. إلا مکاء و تصدیه ... بما کتتم تکفرون

از مصادیق مورد نظر برای <کتتم تکفرون> رفتارهای ناپسندی است که در این آیه و آیه قبل بیان شده است ؛ یعنی بازداری از مسجدالحرام و کف زدن و سوک کشیدن به عنوان عبادت و نیایش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه

۴ دخل و تصرف در احکام ثابت الهی ، نشانه کفر

منها أربعه حرم .. إنما النسيء زياده في الكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ طغیان و سرکشی ، نشانه بی ایمانی به روز رستاخیز

فندر الذين لا يرجون لقاءنا في طغينهم يعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۱۰

۱۰- ترجیح دادن همواره دنیا بر آخرت ، سد مدام راه خدا و کج جلوه دادن تعالیم الهی ، از نشانه های کفرپیشگی است .

ويل للكافرين .. الذين يستحبون الحيوه الدنيا على الآخرة و يصدون عن سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۶

۶- روی برتافتن از یاد خدا در پی نجات از مشکلات ، نمودی از کفر به حق و کفران نعمت است .

أعرضتم .. فيغرقكم بما كفرتم

از اینکه خدا از اعراض یاد خود به کفر (کفرتم) یاد کرده است، استفاده می شود که اعراض از خدا، کفر به اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۷ - ۳

۳- دل بستگی شدید به دنیا و غفلت از نقش خداوند در آفرینش و اعطای نعمت ها ، نشانه کفر است .

و كان له ثمر فقال .. أنا أكثر منك مالاً ... ما أظن أن تبید هذه ... قال له صاح

در پی گفته های مرد ثروت مند و فخرفروشی های او و انکار فناپذیری نعمت ها، مرد مؤمن،

با سؤال <أكفرت> با وی به گفتوگو پرداخت و این نشان دهنده کفرورزی مرد ثروت مند در اندیشه ها و گفته هایش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۴

۴ - ظلم به خویشان ، نشانه کفر و مصداق بارز بی دینی است .

و من ذرّیتهما محسن و ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۲

۲۲ - شک و تردید نسبت به قیامت نشانه کفر است .

و ما أظنّ الساعة قائمه .. الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۹،۱۰،۷

۷ - پرستش مخلوقات خدا (فرشتگان) و فرزند او انگاشتن آنان ، اقدامی ناسپاسانه و کفرآمیز

و جعلوا له .. إنّ الإنسان لکفور مبین

با توجه به فضای آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان مکه فرشتگان را فرزند خدا می دانستند و آنان را مورد پرستش قرار می دادند. خداوند، پس از یاد کردن نعمت های خویش، این پندار را نمونه بارز ناسپاسی می شمارد.

۹ - بی توجهی به نعمت های الهی ، و تدبیر او در همسازی طبیعت با نیاز های آدمی ، نمودی آشکار از کفر و ناسپاسی انسان

جعل لكم من الفلك و الأنعام .. إنّ الإنسان لکفور مبین

۱۰ - شرک ، نمودی از کفر و ناسپاسی انسان ، در برابر خالق یگانه هستی است .

و جعلوا له من عباده جزءاً إنّ الإنسان لکفور مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۳ - اطاعت محض از رسول خدا (ص) ، نمود ایمان و موضع گیری در برابر آن حضرت نمود کفر است . *

لو یطیعکم .. لعنتم و لکن الله حبیب الیکم الایمن ... و کثره الیکم الکفر

صدر آیه در باره اطاعت از رسول خدا و تحمیل نکردن رأی بر آن حضرت است ولی ادامه آن درباره ایمان و کفر است از این بیان انطباق ایمان بر اطاعت و تطبیق کفر بر تحمیل رأی بر پیامبر (ص) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۱

۱۱ - اتکای مطلق به امکانات و وسایل مادی و مسلط ندانستن خداوند بر آنها ، نمودی از کفر

أخرج الذین کفروا .. ما ظننتم أن یخرجوا و ظنوا أنهم مانعتهم حصونهم من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۲، ۱

۱ - تصدیق نکردن حقایق دین و ترک نماز ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فلا صدق و لا صلی

۲ - صدقه ندادن و انفاق نکردن ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فلا صدق

برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال است که <صدق> از ماده <صدقه> باشد (نظر زمخشری و ابی حیان). گفتنی است مفاد برخی از آیات، مانند مفاد همین است که یعنی، ترک انفاق و نماز، از نشانه های کافران دانسته شده است که مانند: <ماسلککم فی سقر . قالوا لم نک من المصلین . و لم نک نطعم المسکین>، (سوره مدثر، آیات ۴۲ ۴۴).

جلد - نام سوره - سوره -

۱ - تکذیب حقایق دین و روی گردانی از پذیرش آنها، از نشانه های کفر و اوصاف کافران

و لکن کذب و تولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تبختر و به خودبالیدن، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است.

ثم ذهب إلى أهله يتمطى

مفسران واژه <یتمطی> را به معنای <تبختر> دانسته اند زیرا این واژه یا از ماده <مط> (کشیدن پاها و گام ها) است و یا از ماده <مطا> (پشت). در هر دو صورت، مقصود تبختر و فخرفروشی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - ترک نماز (رکوع و فروتنی در برابر خداوند)، نشانه کفر و تکذیب روز جزا

و إذا قيل لهم ارکعوا لایرکعون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه، درصدد بیان ویژگی های تکذیب گران است و در این راستا، نماز نگزاردن آنان را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - پوزخند به مؤمنان، گناه و از نشانه های کفر است.

إنّ الذین أجرموا کانوا من الذین ءامنوا یضحکون

مراد از <الذین أجرموا> به قرینه <من الکفار> در آیات بعد کافران اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۴ - ۸

۸ - تمسخر مؤمنان ، با ریشخند ، چشمک ، لطیفه سازی و گمراه دانستن

آنان ، گناه و از نشانه های کفر است .

إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا... يَضْحَكُونَ... يَتَغَامَزُونَ... فَكِهِينَ... مِنَ الْكُفَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۴

۴ - گردن فرازی در برابر تعالیم قرآن ، نشانه کفر است .

لايسجدون . بل الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۵

۵ - پافشاری بر تکذیب تهدید های خداوند ، نشانه کفر است .

بل الذين كفروا في تكذيب

نکره بودن <تکذیب>، دلالت بر شدت آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۸

۸ - جدی نگرفتن آیات قرآن و شوخی پنداشتن آن ، از نشانه های کفر است .

و ما هو بالهزل .. فمهل الكفرين

نشانه های کفر به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۹

۹ دروغ بستن به خدا ، موجب بازداري مردم از پیوستن به راه او و منحرف ساختن دین الهی و نشانه کفر به آخرت است .

و من أظلم ممن افترى .. و هم بالأخره هم كفرون

نشانه های کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۶

۶ - ایمان به قرآن ، ایمان به خدا و انکار آن ، کفر به او است .

وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِن بِرَبِّهِ

برداشت یاد شده، از تبدیل و تغییر ایمان به قرآن (آمنّا به)، به ایمان به

خداوند (یؤمن برّبه) استفاده می شود.

نشانه های کفر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ سوارشدن بر کشتی نوح ، نشانه ایمان و تخلف از آن ، نشانه و دلیل کفر بود .

ارکب معنا و لاتکن مع الکفرین

نشانه های کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۸

۸ - رواج عهدشکنی در میان یهود ، نشانه فقدان ایمان در اکثریت آنان است .

أو كلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لا یؤمنون

نعمت تبری از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۱

۱ - محبت به ایمان و بیزاری از کفر و گناه ، جلوه ای از فضل و نعمت الهی

و لكنّ الله حبیب إلیکم الایمن . . . و کرّه إلیکم الکفر ... فضلاً من الله و نع

نعمت نفرت از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۱

۱ - محبت به ایمان و بیزاری از کفر و گناه ، جلوه ای از فضل و نعمت الهی

و لكنَّ الله حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَنُ . . . و كَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ ... فضلاً من الله و نع

نفرت از كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۱۸

۱۸ - نفرت درونی مؤمنان ، از كفر ، فسق و عصيان

و كَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ و الْفُسُوقَ و الْعِصْيَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷

۴ - امتنان الهی بر مؤمنان ، به سبب افکندن محبت ایمان و بیزاری از کفر در قلب آنان

و لکنّ الله حبیب إلیکم ایمن . . . و کزّه إلیکم الکفر ... فضلاً من الله و نع

نقش اجتماعی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۴

۴ - نقش مهم رهبری کفر ، در گمراهی و انحراف ارکان جامعه

فتوئی برکنه

در صورتی که مراد از <رکن>، ارکان جامعه بوده و <باء> برای تعدیه باشد، از منتسب شدن انحراف ارکان جامعه، به شخص فرعون، مطلب یاد شده استفاده می شود.

نقش رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الذین بدّلوا .. و أحلّوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۹ - ۳

۳- سردمداران کفر و شرک عامل اصلی دوزخی کردن قوم خویشند .

أحلّوا قومهم دار البوار . جهنّم يصلونها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <جهنم یصلونها> بدل از <دار البوار> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ -

۵- نقش سردمداران کفر و فساد در هلاکت و بدبختی تمامی جامعه

أنا دمرنهم و قومهم

ضمیر <هم> به گروه های نه گانه بازمی گردد که طرح ترور شبانه صالح و خانواده اش را ریخته بودند. و از این که نام آنان به صورت مجزا و مقدم بر نام قومشان یاد شده است، مطلب فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۴

۴ - سران و رهبران جامعه شرک ، رهبری مردم را بر ضد رسول اکرم (ص) در دست داشتند .

وانطلق الملائمهم أن امشوا واصبروا على آلهتكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۵

۵ - سران شرک و کفر در عصر بعثت ، رهبری فکری و عقیدتی مردم را در دست داشتند .

وانطلق الملائمهم .. ما سمعنا بهذا في الملة الآخرة إن هذا إلا اختلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۹

۹ - تأثیرپذیری قوم نوح ، از سران کفر و شرک و صاحبان زر و زور جامعه

و اتبعوا من لم يزدده ماله و ولده إلا خساراً .. يضلوا عبادك و لا يلدوا إلا فآ

نوح(ع) و کفر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۶

۶ نوح (ع) ، همواره رنجیده خاطر از رفتار ناپسند قوم خویش و اندوهناک از اصرار آنان بر کفر و انکار رسالت

فلاتبتئس بما کانوا یفعلون

إبتئاس (مصدر تبتئس) به معنای

محزون و ناراحت شدن است و مراد از <ما كانوا يفعلون> شرک ورزی و اصرار آنان بر انکار رسالت و دیگر کارهای نارواست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱

۱ خداوند ، در پی باخبر ساختن نوح از ایمان نیاوردن قومش ، او را به ساختن کشتی فرمان داد .

أوحى إلى نوح أنه لن يؤمن من قومك . . . واصنع الفلك

نهی از اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۵

۵ خداوند ، مشرکان را از پافشاری بر کفر بر حذر داشته و به آنان هشدار داد که تا پیش از نزول عذاب استیصال ، متنبه شده و ایمان بیاورند .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

وضوح زیان کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۶

۶ - ضرر و زیان کفر و شرک ، امری روشن و شناخته شده

و ظالم لنفسه مبین

هجرت از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۰

۲۰ آمرزش گناهان و بهشت ، پاداش خداوند به هجرت کنندگان از شرک و کفر *

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَآخَرُوا مِن دِيَارِهِمْ . . . لَا كُفْرًا عَنْهُمْ سِيَّاتِهِمْ وَلَا دُخْلًا لَهُمْ جَنَّاتٍ

می توان گفت مراد از هجرت به قرینه ادامه آیه (اخراجوا من دیارهم)، هجرتی است که رانده شدن از خانه و کاشانه را در پی داشته باشد. و این هجرت همان ترک شرک و کفر است.

هماهنگی کفر با حق ستیزی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مَناع للخیر معتد مریب

هماهنگی کفر با شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مَناع للخیر معتد مریب

هماهنگی کفر با عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۲۱

۲۱ - کفر ، فسق و عصیان ، سه حلقه پیوسته به یکدیگر

و کرّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان

هماهنگی کفر با فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۲۱

۲۱ - کفر ، فسق و عصیان ، سه حلقه پیوسته به یکدیگر

و کرّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان

هماهنگی ممانعت از خیر با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مناع للخیر معتد مریب

کفران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کفران

آثار اجتماعی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲

۶- مبتلا شدن جامعه به فقر، گرسنگی و ناامنی، در نتیجه کفران نعمت های الهی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

۹- ابداع روش های جدید برای گناه و استمرار آن و نیز ناسپاسی در برابر خدا، عامل پیدایش فقر، گرسنگی و ناامنی اجتماعی

فکفرت بأنعم الله .. بما كانوا يصنعون

برداشت فوق، با توجه به واژه <يصنعون> که در بردارنده معنای ابداع و ایجاد مسبوق به عدم است، استفاده گردید.

۱۲- گناهان و ناسپاسی های اجتماعی، دارای آثار شوم برای کل جامعه

قریه کانت ءامنه .. فکفرت ... فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

۱۴- روی آوری فقر، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ك

برداشت فوق چنان چه عده ای از مفسران گفته اند بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۸

۸ - کفران نعمت های الهی، در پی دارنده گسیختگی زمام جامعه و از هم فروپاشی آن

و اشکروا له .. فأعرضوا ... و مزقنهم کل ممزق

آثار اجتناب از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۸

۸- تداوم رفاه و آسایش و حیات اقتصادی جوامع، در پرتو بهره گیری از روزی های حلال و استفاده بهینه از آنها و اجتناب از کفران

است .

و ضرب الله مثلاً قريه .. فكفرت بأنعم الله ... فكلوا مما رزقكم الله حلالاً طيباً

<فاء> در <فكلوا..> برای تفریع این جمله به آیات پیشین است؛ یعنی، از روزیهای حلال و دلپذیر استفاده کنید و شکر نعمت خدا را به جا آورید تا گرفتار سرنوشت مردمی نشوید که آنان در اوج رفاه و آسایش بودند؛ ولی در اثر کفران نعمت، دچار عذاب شدند.

آثار روحیه کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۳

۱۳ - روحیه ناسپاسی و دغلكاری ، مایه انكار آیات الهی است .

و ما یجحد بأیتنا إلا كل ختار کفور

<ختر> به معنای <غدر> و دغلكاری شدید است (مفردات راغب).

آثار کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۶

۶ از رسول خدا (ص) روایت شده است : < من هداه الله للاسلام و علمه القرآن ، ثم شكاه الفاقه كتب الله الفقر بين عينيه إلى يوم یلقاه ثم تلا النبي (ص) : < قل بفضل الله و برحمته فبذلك فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون > من عرض الدنيا من الأموال ;

کسی را که خداوند به اسلام هدایت کرده و قرآن را به او آموخته و پس از آن [آن شخص] از تنگ دستی شکوه کند، خداوند فقر را تا قیامت در پیشانی او می نویسد. سپس رسول خدا (ص) این آیه را تلاوت فرمود: <بگو به فضل و رحمت خدا باید خوشحال باشند که این از تمام آنچه جمع می کنند، بهتر است> و مراد از

<آنچه جمع می کنند> اموال و بهره زیباست >.

آثار کفران انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۱۰

۱۰- غفلت از یاد خدا در پی نجات از خطرات ، برخاسته از خصلت حق ناشناسی شدید انسان است .

فلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا

جمله <و كان الإنسان كفوراً> که بیانگر یک خصلت عام همه انسانهاست به منزله تعلیل برای مطالب قبل است.

آثار کفران انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۲

۲ - کفر و ناسپاسی انسان ها و روی گردانی آنان از پیام وحی ، بی تأثیر برای یگانه مالک آسمان ها و زمین

فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ . لِّلَّهِ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ

آثار کفران اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۴

۱۴- روی آوری فقر ، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنه .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق چنان چه عده ای از مفسران گفته اند بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

آثار کفران قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فخسفنا به و بداره الأرض . . . ویکائه لایفلح الکفرون

آثار کفران قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - قصه مردم سبأ و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، در بردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکر گزار است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

آثار کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۸

۸ - غفلت از یاد خدا و ناسپاسی نعمتهایش ، به منزله انکار اوست .

فاذكرونی . . . واشكروالی و لاتكفرون

نهی از کفرورزی و انکار خدا (لا-تکفرون) - پس از فرمان دادن به ذکر و سپاس او - می رساند که: غفلت از یاد خدا و ناسپاسی در برابر او، آدمی را به کفرورزی و انکار خدا می کشاند و یا خود به منزله کفر و انکار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۴

۴ کفر به خدا ، و ناسپاسی نعمت های او ، موجب گرفتار شدن انسان به عذاب الهی

ما يفعل الله بعذابكم إن شكرتم وءامنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۸

۱۸ ناسپاسی در برابر نعمت های خدا با گرایش به معبودانی دروغین ، نشانه جهل آدمی است .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . . . قال إنكم قوم تجهلون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۲۲

۲۲ > عن علی بن الحسین (ع) يقول: الذنوب التي تغير

النعم ، البغى على الناس و الزوال عن العاده فى الخير ، و اصطناع المعروف ، و كفران النعم ، و ترك الشكر . قال الله عزوجل :
> إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم < . . . ;

از امام زين العابدين(ع) روایت شده است که می فرمود: گناهای که موجب تغییر نعمتها می شوند عبارتند از: ستمگری بر مردم، دوری از عادت به کار خیر و از انتخاب کردار نیک، کفران نعمتها و ترک شکرگزاری. خداوند عزوجل فرموده: إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۵، ۳، ۲، ۱

۱- پیامبر (ص) موظف به یادآوری اعلام الهی به مردم به اینکه: هر کس سپاسگزار باشد، قطعاً نعمتش فزونی می یابد و هر کس کفران نماید، دچار عذاب شدید می گردد .

و إذ تأذن ربكم لئن شكرتم لأزيدنكم و لئن كفرتم إن عذابي لشديد

>و إذ تأذن< عطف بر <إذ قال< است که در آن <اذکر< در تقدیر است و مخاطب پیامبر اکرم(ص) می باشد.

۲- موسی (ع) از قوم خود خواست تا به یاد فرمان و توصیه خداوند باشند که هر کس شکرگزاری نماید خداوند نعمتش را افزون می کند و هر کس کفران نماید دچار عذاب شدید خواهد شد .

اذكروا نعمه الله عليكم . . . و إذ تأذن ربكم لئن شكرتم لأزيدنكم و لئن كفرتم إن

این برداشت مبتنی بر این نکته است که <إذ تأذن< مقول قول موسی(ع) و عطف به <اذكروا نعمه الله< باشد.

۳- افزایش نعمت در صورت شکرگزاری و

تهدید به عذاب در صورت کفران نعمت ، مقتضای ربوبیت الهی

و إِذْ تَأْتِيَنَّكُمْ لَنَا عَذَابٌ أَلِيمٌ

۵- شکر نعمت رهایی از نظام ظالمانه ، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن ، مایه از دست رفتنش می شود .

إِذْ أَنْجَمْنَاكَ مِنَ الْإِنْسَانِ أَنْتَ أَكْثَرُ عَلَمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۳

۳- کفران نعمت های خداوند هیچگونه زبانی به او نمی رساند .

إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

مراد از <إِنْ تَكْفُرُوا> به قرینه <و لئن كفرتم> که به معنای کفران بود، می تواند ناسپاسی در برابر نعمتهای خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۷

۷- ناسپاسی نعمت ها موجب هلاکت و سرنوشت شوم است .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ... وَأَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۷، ۱۲

۱۲- روحیه ستم پیشگی و ناسپاسی انسان ، فلسفه دریغ نمودن خداوند از برآوردن تمامی درخواست ها و تقاضا های او

وَأَتَيْكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ... إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <من کل> برای تبعیض و مقصود از سؤال درخواست زبانی باشد و نیز جمله

<إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ> تعلیل برای جملات پیشین باشد.

۱۷- کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، ظلم به خویشتن است .

وإن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسان

لظلم كفار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۳

۱۳- ناسپاسی نعمت ها ، موجب سلب آنها و شکرگزاری ، عامل بقای آنهاست .

قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

از مفهوم آیه استفاده می شود که اگر آنان ناسپاسی انجام نمی گرفت، نعمتها سلب نمی شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۷

۱۷ - طغیان گری در استفاده از نعمت ها (ناسپاسی ، اسراف و ...) ، زمینه ساز فرا رسیدن غضب الهی و سیطره یافتن آن بر انسان است .

كلوا ... و لاتطغوا فيه فيحلّ عليكم غضبي

<يحلّ> یعنی ، <ینزل> و نزول و اقامت غضب، کنایه از استقرار کامل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۶

۲۶ - کفران و ناسپاسی نعمت حاکمیت دین داران و امنیت در پناه دین ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد الله الذين ءامنوا منكم .. ليستخلفنهم ... و ليمكننّ لهم دينهم ... يعبدون

<فسق> به معنای عصیان و ترك فرمان های الهی و خروج از راه حق است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۳

۳ - کفران نعمت های الهی ، در پی دارنده عذاب و کیفری سخت

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ .. إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۰

۲۰ - بازتاب سپاسگزاری و کفران انسان در برابر نعمت های خدا ، تنها متوجه خود او است .

و من شکر فائما يشكر لنفسه و من كفر فإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ - بنای خداوند بر فضل و رحمت نسبت به خلق و ناسپاسی های مردم زمینه ساز عذاب

و إِنَّ رَبَّكَ لَدُوٌّ فَضْلٌ .. و لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ

مقدم شدن <فضل و رحمت> بر <شکر و ناسپاسی> می رساند که فضل الهی، دارای اصالت و خواست خدا است و ولی این ناسپاسی ها است که مردم را از آن محروم می سازد و سبب نزول عذاب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۴،۱۵

۱۴ - آگاهی یافتن آرزومندان مال و ثروت به پی آمد شوم ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، با مشاهده نگون بختی قارون

و يَكَاَنَّهُ لَا يَفْلِحُ الْكَافِرُونَ

<کفر> (مصدر <کافرون>) در این جا مقابل <شکر> و به معنای ناسپاسی است. جمله <و يَكَاَنَّهُ لَا يَفْلِحُ الْكَافِرُونَ> اعتراف دنیاطلبان به ناسپاسی خود در مقابل خدا است و اشاره به علت هلاکت قارون دارد.

۱۵ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، در پی دارنده هلاکت انسان و نابودی ثروت وی

فخسفنا به و بداره الأرض .. و يَكَاَنَّهُ لَا يَفْلِحُ الْكَافِرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱،۵

۱ - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ،

کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلّٰنهم بجنتيهم .. ذلك جزينهم بما كفروا
به قرينه بحث شکر در دو آيه پيش، احتمال دارد مراد از <کفروا> کفران باشد.

۵ - کفران نعمت های خداوند ، کیفر در پی دارد .

و اشکروا له .. فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم... ذلك جزينهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۲ ، ۱۰ ، ۴

۴ - برنتابیدن و فور نعمت و امنیت و آسایش ، ستم بر خویش است .

و جعلنا بينهم و بين القرى التي برکنا فيها قرى ظهرة .. سيروا فيها ... ءامنين

۱۰ - تارومار شدن کامل قوم سبأ در پی کفران آنان ، به دست خداوند بود .

لقد كان لسيا في مسکنهم آيه جنتان .. بلده طيبه ... فقالوا ربنا بعد بين أسفا

۱۲ - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، دربردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکر گزار است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۱

۲۱ - دروغ پردازی و ناسپاسی ، باعث محرومیت از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَذِبٌ كَفَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳

۱۳ - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ .. و لا تزر وازره وزر أُخْرَى

برداشت بالا به خاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسی

است زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۳، ۲۱، ۲۰

۲۰ - اندک و ناپایدار بودن بهره‌وری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتع بکفرک قليلاً

۲۱ - شرک و ناسپاسی خدا ، موجب گرفتاری به آتش جهنم

قل تمتع بکفرک قليلاً إنيك من أصحاب النار

۲۳ - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دایمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تمتع بکفرک قليلاً إنيك من أصحاب النار

جمله <إنيك من أصحاب النار> برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی شرک و ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۸

۸ - قشر مرفه و برخوردار ناسپاس ، در معرض عذاب و پیامد های هلاکت بار ناشکری خود

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، علاوه بر آن که درصدد موعظه و درس آموزی است، در مقام تهدید

و بازدارندگی نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۲

۲ - رفاه مندی و برخورداری از نعمت ها در سایه تلاش و دانش اقتصادی ، در صورت همراه بودن آن با ناسپاسی و غفلت از

منشأ خدایی آنها ، هلاکت و بدبختی در دنیا را در پی خواهد داشت .

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون فأصابهم سيئات ما كسبوا

۵- قرآن ، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است .

و إذا أنعمنا علی الإنسان .. ثم کفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۷

۱۷ - دلخوشی به مظاهر دنیا و کفران و ناسپاسی انسان ، موجب روی گردانی وی از پیام وحی است .

فإن أعرضوا .. فإن الإنسان کفور

جمله <و إنّا إذا .. کفور> می تواند اشاره به وجه اعراض و روی گردانی کافران از پیام وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۲

۲ - کفران نعمت هدایت ، موجب عذاب سخت الهی (همچون زنجیر ، غل و آتش) در قیامت

إنّا أعتدنا للکفرین سلسلاً و أغللاً و سعيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - کفران نعمت های خداوند ، سرپیچی از فرمان او است .

ما أكفره .. لَمَا یقض ما أمره

چنانچه مراد از کفر در <ما أكفره> کفران نعمت باشد، شکرگزاری نعمت مصداق مورد نظر از <ما أمره> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۴

۴ - ناسپاسی دشمنان اسلام در برابر ربوبیت خداوند ، دلیل هجوم مجاهدان به صفوف آنان است .

و العدیت .. إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۴

۴ - انکار آگاهانه نعمت های خداوند ، از سوی دشمنان اسلام ، دلیل رویارویی سپاه مجاهدان با صفوف آنان است .

و العدیت .. . إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . و إِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكُمْ لَشَهِيدٌ

آثار کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۳۱

۳۱ ارتکاب فحشا و ناسپاسی در برابر نعمت های خداوند ، مانع رستگاری است .

إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ

آسایش طلبی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۴

۴- حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أَفَأَمْتُمْ أَن يَخْسِفَ بِكُمْ .. . أَمْ أَمْتُمْ أَن يَعِيدَ كُمْ فِيهِ

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسپاسان به صِرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

اجتناب از کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۵

۵ آدمی پس از نجات از شدايد، علی رغم پيمان عدم شرک و سپاسگزاری از خداوند، پيمان شکنی می کند و مجدداً شرک میورزد.

لئن أنجنا .. قل الله ينجيكم ... ثم أنتم تشركون

اجتناب از كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۷

۷ - ضرورت پرهیز از كفران نعمت های خداوند

و لا تکفرون

برداشت فوق بر این اساس است که <لا تکفرون> به تقدیر <نعمه> در اصل <و لا تکفروا نعمتی> بوده باشد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۳

۳- توجه انسان به مقام و کرامت الهی خویش ، مستلزم پرهیز از ناسپاسی خداوند است .

فیغرقکم بما کفرتم .. و لقد کزّنا بنی ءادم

یادآوری کرامت انسانها پس از ذکر ماجرای کسانی که پس از رهایی از خطر مرگ به کفران نعمتهای الهی روی آوردند؛ می تواند مذمتی باشد برای آنان و نیز به انسانها توجه بدهد که کرامت انسانی مستلزم اجتناب از کفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۲ - ۱،۲

۱ - تأکید هود (ع) بر تقوای الهی و پرهیز از ناسپاسی در برابر خدای نعمت بخش

و اتقوا الذی امدکم بما تعلمون

<إمداد> (مصدر <أمدکم>) به معنای کمک کردن و <ما> در <بما تعلمون> کنایه از نعمت هایی است که تفصیل آن در آیات بعد آمده است. متعلق <تعلمون> به خاطر رعایت فاصله آیات حذف شده و تقدیر آن چنین است: <أمدکم بما تعلمون آنها من إمداده>.

۲ - لزوم پرهیز از مخالفت و ناسپاسی در برابر خدای نعمت دهنده

و اتقوا الذی امدکم

اقرار به کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ آدمی به هنگام شدايد بر ناسپاسی خویش در برابر خداوند اعتراف می کند.

لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشکرین

اقرار به کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۱

۱ - انسان های ناسپاس ، خود معترف و گواه بر خصلت ناروای خویش اند

و إِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكُمْ لَشَهِيدٌ

اقرار کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۱

۱ - انسان های ناسپاس ، خود معترف و گواه بر خصلت ناروای خویش اند .

و إِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكُمْ لَشَهِيدٌ

امکانات مادی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۵

۵ - مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامدهای هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَالُهُمْ وَمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها به قرینه صدر آیه بعد (فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

انذار از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۱

۱۱ - هشدار خداوند به ملت های متنعم و مرفه دارای امنیت ، نسبت به کفران نعمت های او

قریه کانت ءامنه ... فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما كانوا ی

انذار کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۱

۱- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطرات و مشکلات ، به دچار شدن به خطرات و مهلکه های دیگر

فلما نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أَمْأَنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۱

۱- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطر ، به دچار آمدن در همان مهلکه

أَمْأَنْتُمْ أَنْ

یعدکم فیه تاره آخری

اهمیت اجتناب از کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۳

۱۳ - لزوم حفظ تعادل و حد و مرز در استفاده از نعمت های الهی و پرهیز از ناسپاسی و اسراف و تبذیر در آن

کلوا من طئیت ما رزقنکم و لاتطغوا فیه

از مصادیق مهم و بارز طغیان گری در مورد نعمت ها، کفران، ناسپاسی، اسراف و تبذیر است.

بی ارزشی امکانات مادی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۰

۲۰ - اندک و ناپایدار بودن بهره‌وری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمّع بکفرک قليلاً

تداوم عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۷

۷ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر ناسپاسان نعمت های الهی

کذلک نجزی کلّ کفور

تشخیص کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۶

۱۶ - آسودگی ها و نعمت ها ، عرصه شناخت سپاس گزاران و ناسپاسان

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْبٌ... ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً... بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که هر نعمتی، اقتضای شکر و سپاس گزاری دارد. بنابراین آزمایش بودن نعمت های الهی، می تواند در ارتباط با همین مسأله باشد.

تفکر در فرجام کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۱،۳

۱- خداوند ، فراخوان مردم به تأمل و

تفکر در سرنوشت شوم ناسپاسان نعمتهایش

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرة

۳- خداوند ، فراخوان مردم به تأمل و تفکر در سرنوشت شوم رهبران کفر و ناسپاسی

ألم تر إلى الذين .. أحلوا قومهم دار البوار

برداشت فوق به خاطر این نکته است که به نابودی کشاندن و دچار سرنوشت شوم ساختن مردم (أحلوا قومهم دار البوار) کار سردمداران کفر و رهبران جامعه است، نه مردم عادی.

تهدید کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۷

۷- شرک پیشگان ناسپاس ، مورد تهدید خداوندند .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۴

۴ - معاد ، تهدیدی برای مال دوستان و ناسپاسان

لکنود .. لحبّ الخیر لشدید . أفلا یعلم إذا بعث ما فی القبور

حرمت کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ حرمت پنهان سازی نعمت های الهی به جهت ترک احسان

و یکتمون ما اتیهم الله من فضله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

خطر عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۸

۸ - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذين ظلموا من هؤلاء سيصيبهم سيئات ما كسبوا

خطر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۹

۹ - خطر نفوذ و تأثیر گذاری گروه های گناه پیشه

و ناسپاس ، در رهبران جامعه ایمانی

و لاتطع منهم ءائماً أو كفوراً

ذکر آثار کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۹

۹- توجه به تأثیر کفران در نابودی نعمت ها ، باعث قناعت و بسنده کردن انسان به روزی های حلال و دلپذیر و استفاده بهینه از آنهاست .

فكفرت بأنعم الله .. فكلوا ممّا رزقكم الله حللاً طيباً و اشكروا

رذایل کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۶

۶ - کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

زشتی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۸

۸ - مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم یشر کون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف يعلمون

زلیخا و کفران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ زلیخا، تسلیم نشدن یوسف (ع) در برابر خواسته اش را، ناسپاسی و قدرناشناسی می شمرد .

رودته التی هو فی بیتها .. إنه ربی أحسن مثوای

در برداشت فوق، <إنه ربی .. > ناظر به مفهومی گرفته شده که از عبارت <التی هو فی بیتها> استفاده می شود ؛ یعنی، زلیخا با اظهار اینکه مربی یوسف(ع) بوده و او را در خانه خویش سر و سامان بخشیده است، توقع داشت که یوسف(ع) در برابر تقاضایش تسلیم شود ؛ ولی یوسف(ع) با

جمله <إنه ربی ...> بیان می دارد که خداوند، مربی و مدبر امور او بوده و هست، و سزاوار آن است که وی مطیع او باشد.

زمینه کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگی، زمینه ساز سرباز زدن از ستایش انحصاری برای آفریدگار هستی است.

الحمد لله الذی خلق .. ثم الذین کفروا بریهم یعدلون

اگر جمله <الذین ..> عطف بر <الحمد لله> و <یعدلون> به معنای <عدول> باشد، نتیجه این می شود که حمد از آن خداست، ولی کافران از این حقیقت عدول می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۴

۴ - غفلت از زوال پذیری زندگی دنیایی، زمینه ساز گرایش انسان به کفر و ناسپاسی

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک ... فبأیّ الآء ربّکما تکذّبان

خداوند متعال، نخست فناپذیری زندگی دنیایی را به انسان تذکر داده و در پی آن از آنان خواسته است تا دست از تکذیب نعمت های حق بردارند. از این دو استفاده می شود که یکی از عوامل تکذیب حق، دلبستگی به دنیا و غفلت از ناپایداری آن است.

زمینه کفران انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۸

۱۸ - انسان، بدون تأثیرپذیری از مکتب وحی، گرفتار کفران و ناسپاسی است.

فإن أعرضوا .. فإنّ الإنسن کفور

زمینه کفران دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ - غرور

دنیاگرایان ، موجب ناسپاسی آنان نسبت به خداوند

ليقولن هذا لى . . . و لئن رجعت إلى ربى إن لى عنده للحسنى

بنابراین که لام در <هذا لى> و <إن لى> افاده استحقاق کند، روشن می شود که دنیاگرایان خود را مستحق برخورداری از نعمت های دنیوی و اخروی می دانند و بدین جهت خویشتن را موظف به سپاس گزاری در برابر خداوند نمی بینند.

زمینه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۶

۶ رفاه و آسایش بسیار ، زمینه ساز روحیه ناسپاسی و کفران

و إذا أذقنا الناس رحمة من بعد ضراء مستهم إذا لهم مكر فى آياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۱۱

۱۱- انسان ، در معرض کفران نعمت های خداوند قرار دارد .

لعلکم تشکرون

تعبیر <لعلکم> می تواند اشاره به غفلت انسانها از شکرگزاری خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۸

۸- آسایش و احساس امنیت ، زمینه گرایش انسان به کفران نعمت

فلما نجکم إلى البرّ أعرضتم و كان الإنسن کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۱

۱- انسان ، به هنگام برخورداری از رفاه و نعمت های الهی ، به ناسپاسی و خداگریزی می گراید .

و إذا أنعمنا علی الإنسان أعرض و نثا بجانبه

<نثا> به معنای <بُعْد> (دوری می شود) است و <أعرض و نثا بجانبه> (اعراض کرد و کناره گرفت) کنایه از حق ناسپاسی و گریز از خداست.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۱

۱ - کفران نعمت های خداوند و بهره گیری از امکانات دنیوی ، حاصل و عاقبت شرک مشرکان است .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم و لیتمتعوا

<لام> در <لیکفروا> احتمال دارد برای تعلیل و به معنای <کی> و احتمال دارد برای امر باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است. گفتنی است که مراد از <یکفرون> در آیه، به قرینه <بما آتیناهم> کفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۱

۱ - پیدایش روحیه کفران و ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، پیامد شرک است .

یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

لام در <لیکفروا> لام عاقبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۳

۱۳ - انسان ها هنگام رهایی از مشکلات و دستیابی به آسودگی ، موقعیت گذشته خود را فراموش کرده و ناسپاس می شوند .

و إذا مسّ الإنسان ضرّاً .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۳

۱۳ - کفران و ناسپاسی انسان ، به هنگام برخورد با کوچک ترین دشواری در زندگی

و إن تصبهم سیّئه بما قدّمت أیدیهم فإنّ الإنسان کفور

از نکره آمدن <سیّئه> که برای تحقیر است <کوچک ترین دشواری> استفاده شده است.

زیادی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۱۱

۱۱ - انسان

های شاکر ، اندک اند و انسان های ناسپاس بسیار .

إِذَا شَاكَرًا وَإِذَا كَفُورًا

طبق باور برخی از مفسران، آمدن <شاکر> به صورت اسم فاعل و <کفوراً> به صورت صیغه مبالغه، می تواند گویای این حقیقت باشد که انسان هایی که به صورت کامل سپاس گزار نعمت هدایت باشند، در اقلیت بوده و افراد ناسپاس بسیاراند.

زیان کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۵

۵- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد .

لئن شكرتم لأزيدنکم و .. إن تكفروا أنتم و من فی الأرض جميعاً فإن الله لغنی حمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ - ۵

۵- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً ... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - خسارت کفران نعمت الهی ، به خود کفران کننده بازمی گردد .

و من كفر فإنّ الله غنی

به قرینه مقابله، <و من یشکر..> جواب شرط <من کفر> حذف شده است و <إنّ الله...> تعلیل برای جواب مقدر است؛ یعنی، هرکس کفران نعمت کند ضررش به خودش برمی گردد؛ چون خداوند نیازی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۷

۷- نفع و ضرر > ایمان و کفر < و > شکر

و ناسپاسی ، دامنگیر خود انسان ها است ، نه خداوند .

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ .. و إِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ

سرزنش تداوم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۲

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . و إِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكُمْ لَشَهِيدٌ

سرزنش کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۴

۴ مردمان ناسپاس مورد سرزنش خداوند

و إِذَا أذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً .. إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - سرزنش خداوند از ناسپاسانِ نعمت هایش در روی زمین

و آیه لهم الأرض الميته أحيينها. .. أفلايشكرون

استفهام در جمله < أفلايشكرون > انکاری است و این جمله در صدد تقبیح و توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۵

۵ - ناسپاسان نعمت های الهی ، مورد سرزنش خداوند

و لهم فيها منفع و مشارب أفلايشكرون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در مقام سرزنش ناسپاسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۴

۴ - نکوهش خداوند از قشر مرفه و ناسپاس ، به خاطر ناآگاهی آنان از مشیت و تقدیر الهی در رزق و روزی انسان ها

أولم يعلموا أن الله ييسط الرزق لمن يشاء

و یقدر

استفهام در <أولم يعلموا..> از نوع استفهام انکاری توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۶

۶ - کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

سرزنش کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۶

۱۶ - ناسپاسی در برابر نعمت و احسان ، امری بس نکوهیده و ناپسند است .

و إِنْ تَعَدَّوْا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۸ - ۶

۶ - ادا نکردن حق نعمت های فراوان خداوند ، نوعی نقصان و کاستی و سزاوار توییخ و سرزنش است .

و إِنْ تَعَدَّوْا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

ذکر <إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ> پس از بیان نعمتهای فراوان خداوند، احتمال دارد از این جهت باشد که ادا نشدن شایسته حق نعمتهای خداوند، نوعی نقصان تلقی می شود و از این جهت، مایه توییخ است. عبارت <إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ> بیان کننده ضمنی آن نقصان و کاستی است که خداوند آن را مورد بخشایش خویش قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۶

۶ - تپذیر و کفران نعمت های پروردگار ، عملی بس نکوهیده و ناشایسته است .

إِن الْمُبَدِّرِينَ .. لِرَبِّهِ كَفُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۶

۶ - شکر و سپاس گزاری در خور شأن بندگان ، و

کفر و ناسپاسی دور از شأن آنان است .

و لا یرضی لعباده الکفر و إن تشکروا یرضه لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۱۲

۱۲ - کفران نعمت ، از کسی که از کرم (جود و عفو) خداوند برخوردار است ، دور از انتظار و سرزنش بار است .

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ

سنگینی گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳

۱۳ - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ .. و لا تزر وازره وزر أُخْرَى

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسی است زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

شگفتی تداوم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۲

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . و إِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكٍ لَّشَهِيدٌ

شگفتی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- ناسپاسی انسان ها در برابر نعمت های الهی ، امری شگفت آور و به دور از منزلت آدمیان

أفلايشكرون

برداشت یاد شده از همزه استفهام <أفلايشكرون> که برای تعجب است استفاده می شود.

صفات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

۴- حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أفأنتم أن يخسف بكم .. أم أمتم أن يعيدكم فيه

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسپاسان به صِرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

ضعف کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۷

۷- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض و ثنا بجانبه و إذا مسه الشرّ كان يوسّاً

ظلم کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۵

۵ - مرفهان و برخورداران ناسپاس جامعه ، از ستمگران اند .

و الذين ظلموا من هؤلاء

>و الذين ظلموا من هؤلاء<، هر چند اشاره به مرفهان ناسپاس در آغاز، بعثت دارد ولی آیه شریفه بیانگر حکمی عامی و فراتر از مورد خاص نزول می باشد.

ظلم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۳۰

۳۰ نادیده گرفتن نعمت های الهی و ناسپاسی خدا ، با ارتکاب گناه ، ظلم است .

إنه ربی أحسن مثوای إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۶

۶ - ناسپاسی و نادیده گرفتن نقش خداوند در برخورداری از نعمت ها ، ظلم است .

و الذین ظلموا من هؤلاء

توصیف مرفهان ناسپاس به ستمگران، حاکی از مطلب یاد شده است.

عبرت از فرجام کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۲،۴

۲- سرنوشت شوم ناسپاسان و قدرناشناسان نعمت های الهی ، شایسته تأمل و تفکر و درخور پند و درس آموزی

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً وأحلوا قومهم دار البوار

۴- سرنوشت شوم رهبران و سردمداران کفر و ناسپاسی ، درخور تأمل و شایسته پند و درس آموزی

ألم تر إلى الذين .. . أحلوا قومهم دار البوار

عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلما نجحکم إلى البرِّ أعرضتم .. . أم أمتم أن یعیدکم فیه تاره أخرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۸

۸- قشر مرفه و برخوردار ناسپاس ، در معرض عذاب و پیامد های هلاکت بار ناشکری خود

فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، علاوه بر آن که درصدد موعظه و درس آموزی است، در مقام تهدید و بازدارندگی نیز می باشد.

علم به کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إِنَّ الْإِنْسَانَ

لربّہ لکنود . و إنّہ علی ذلک لشہید

۳ - خداوند ، در تأکید بر آگاهی دشمنان اسلام از خوی ناسپاسی خویش ، به اسبان تیزیای مجاهدان ، سوگند یاد کرده است

و العدیت .. و إنّہ علی ذلک لشہید

علم کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۸

۸ - مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینہم ... فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۲

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إنّ الإنسن لربّہ لکنود . و إنّہ علی ذلک لشہید

عمل کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۸

۸ - مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینہم ... فسوف یعلمون

عوامل تہدید کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۵

۵ - صحنه برملا شدن رازها و نیت های پنهان ، هول انگیز و تهدیدی برای ناسپاسان و مال دوستان

أفلا يعلم إذا .. و حصّل ما فی الصدور

عوامل کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۹

۹ - شرک ، مستلزم ناسپاسی انسان در برابر خالق و یگانه روزی دهنده خویش

أمن يبدؤا الخلق

... و من یرزقکم ... أءله مع الله

لحن آمیخته با توبیخ <أءله مع الله> نشان دهنده آن است که مشرکان با شرک خویش، کفران خدایی کرده اند که خالق و یگانه روزی دهنده آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۰ - ۹

۹ - ابلیس، عامل کفران مردم سبأ و برانگیزنده آنان به ظلم به نفس

و لقد صدق عليهم إبليس ظنه فاتبعوه إلا فريقاً من المؤمنين

در عبارت <صدق عليهم.. ظنه> ایجاز به حذف وجود دارد؛ برای این که صدق ظن، فرع بر دعوت و جواب مثبت دادن مردم است. بنابراین، معلوم می شود که ابلیس از آنان خواسته و آنان نیز او را اجابت نموده و نعمت های خدا را کفران کرده اند.

غفلت کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۴

۴ - انسان ناسپاس و خودخواه، غافل از گشایش های خداوند برای او در شداید و مشکلات

و لئن أذقنه ... ليقولن هذا لي

فرجام شوم کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۲

۲ - سرنوشت شوم ناسپاسان و قدرناشناسان نعمت های الهی، شایسته تأمل و تفکر و درخور پند و درس آموزی

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً وأحلوا قومهم دار البوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ثروت اندوزان قارون صفت و ناسپاس ، در معرض گرفتار شدن به فرجام شوم قارون

فخسفنا به

و بداره الأرض . . . ويكأنه لايفلح الكفرون

فرجام کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۷۸

۷ - همسانی سرنوشت هلاکت بارِ مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذين من قبلهم . . . فأصابهم سيئات ماكسبوا و الذين ظلموا من هؤلاء سيصي

۸ - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذين ظلموا من هؤلاء سيصيبهم سيئات ماكسبوا

فرجام کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱

۱ - مثل و مانند آوردن خداوند ، برای ترسیم فرجام شوم کفران نعمت های خویش

ضرب الله مثلاً قريه . . . فكفرت بأنعم الله فأذقها . . . بما كانوا يصنعون

کفران آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۵

۵ آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند .

لنكونن من الشكرين . فلما ءاتيهما صلحاً جعلاه شركاء

کفران ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ ابلیس عنصری ناسپاس و گستاخ در برابر خداوند

قال فما اغويتني

استجابت درخواست ابلیس از سوی خداوند اقتضا می کرد که وی در برابر این نعمت الهی سپاسگزار باشد. ولی او تمردی دیگر کرد و مصمم شد تا راه مستقیم الهی را بر بندگان خدا سد کند و این حکایت از گستاخی و ناسپاسی وی دارد.

کفران

اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۶

۶ - بیشتر مردم گرفتار ناسپاسی نسبت به خدا ، علی رغم فضل و رحمت او بر آنان

و إِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۸

۸ - ناسپاسی بسیار انسان ها ، در برابر نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة

کفران اکثریت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۷

۷ بیشتر آدمیان ، گرفتار دامها و تزویرهای ابلیس و ناسپاس در برابر خداوند هستند.

و لا تجد أكثرهم شکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۶

۶ بیشتر مردم ، علی رغم برخورداری از نعمت های خداوند ، دچار ناسپاسی و قدرناشناسی اند .

فأبى أكثر الناس إلا كفورًا

کفران اکثریت مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ همواره اکثریت مردم در برابر رزق و فضل خدا ، ناسپاسند .

إن الله لذو فضل على الناس و لكن أكثرهم لايشكرون

کفران انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ آدمی به هنگام شداید بر ناسپاسی خویش در برابر خداوند اعتراف می کند.

لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ انسان در برابر نعمت های خدا و لطف و مهربانی های او ، موجودی ناسپاس است .

و إذا مسّ الإنسان الضرّ دعانا .. فلما كشفنا عنه ضرّه مرّ كأن لم يدعنا إلى ضرّ م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۳،۸

۳ انسان ، موجودی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

و إذا أذقنا الناس رحمه .. إذا لهم مكر في آياتنا

مفهوم آیه این است که: انسانها به جای شکر و سپاسگزاری در برابر نعمتهایی که به ایشان عطا کرده ایم، با آیات و نشانه های ما به نیرنگورزی و توطئه برخاستند.

۸ انسان ، موجودی ناسپاس در برابر نعمت بعثت پیامبران و تعلیمات الهی آنان

و إذا أذقنا الناس رحمه .. إذا لهم مكر في آياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۲،۳

۲ مردم پس از رهایی از اضطرار و خطر مرگ ، پیمان خود را با خدا می شکنند و به ناسپاسی و تجاوز از حق می پردازند .

لئن أنجيتنا من هذه لנקوننّ من الشكرين. فلما أنجيتهم إذا هم يبغون في الأرض بغير ال

۳ انسان ، موجودی ناسپاس در برابر دستگیری های خداوند

فلما أنجيتهم إذا هم يبغون في الأرض بغير الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۹

۹- انسان ، موجودی بس ناسپاس و حق ناشناس

و كان الإنسان كفورًا

<كفور> صیغه مبالغه و برای مبالغه در کفران نعمت (نادیده گرفتن نعمت) است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۶ - ۵،۶

۵ - انسان ، آفریده ای بسیار ناسپاس در برابر خداوند

و هو الذی أحياكم .. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ

<کفور> صیغه مبالغه و مشتق از ریشه <کفر> است. <کفر> گاهی در مقابل ایمان به کار می رود و گاهی در مقابل شکر. بنابراین <کفور> در جمله یاد شده، می تواند در مقابل <شکور> (بسیار سپاس گزار) و به معنای بسیار ناسپاس باشد. هم چنین می تواند به معنای بسیار بی ایمان باشد. برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

۶ - شرک و بت پرستی و سرباز زدن از توحید ، اوج ناسپاسی انسان در برابر خدا

و هو الذی أحياكم .. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۱ - ۱۰،۹،۵،۱

۱ - انسان ها ، به هنگام مشاهده وزش باد های مضر و نابودکننده مزارع ، به ناسپاسی می گریند .

و لئن أرسلنا ريحًا .. يكفرون

<ریح> در مقابل <ریاح> در آیه چهل و نه است. معمولاً، بادهای سودمند، به صیغه جمع آورده می شوند و در صورتی که سخن از باد سوزان و مخرب باشد به صیغه مفرد می آید. قرینه مقابله و نیز واژه <مصفرّاً> که حال برای ضمیر مفعولی <رأوه> است مؤید این نکته اند که مراد از <ریح> بادهای سوزان و مخرب اند.

۵ - انسان ها ، به محض مشاهده باد های نوید بخش باران ، بدون توجه به خدایی بودن آنها ، خوش حال می شوند ، ولی در برخورد با باد های مخرب ، ناسپاس می گردند

فإذا أصاب به من يشاء من عباده .. يستبشرون ... و لئن أرسلنا ريحًا ... يكفرون

<يكفرون> به قرینه این که سخن از نعمت و قطع شدن آن است، کفر و ناسپاسی است.

۹ - انسان ها ، با مشاهده خالی بودن ابر ها از باران ، ناسپاس می شوند .

و لئن أرسلنا ريحًا فرأوه مصفرًا لظلوا من بعده يكفرون

طبق آنچه که راغب، در مفردات اظهار داشته، ممکن است: <مصفرًا> از ریشه <صفر> بر وزن سفر به معنای <خالی بودن> باشد.

۱۰ - شادمانی ، در شرایط رفاه ، و کفر و ناسپاسی به هنگام سختی و حسرت ، حالات و صفات انسان ها است .

فإذا أصاب .. إذا هم يستبشرون ... و لئن أرسلنا ريحًا ... من بعده يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - انسان ، در معرض ناسپاسی نسبت به نعمت های الهی و حقوق والدین و نیازمند به تذکر است .

و وصّينا الإنسن بولديه .. أن اشكرلى و لولديك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ - گروهی از مردم ، در برابر نعمت نجات از بلاها و خطر های مرگ آفرین ، ناسپاس اند .

فلما نجّهم إلى البرّ فمّنهم مقتصد و ما يجحد بآيتنا إلا .. كفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۷

۱۷ - انسان ها ، شکر گزار نعمت های خداوند نیستند .

قلیلاً ما تشکرون

به قرینه آیه بعد که در آن آمده است > و

قالوا أءذا ضللنا.. < قليلاً > می تواند به معنای نفی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۳، ۹

۹ - انسان در برابر نعمت ها و لطف های خداوند ، موجودی ناسپاس است .

و إذا مسّ الإنسان ضرّاً دعا ربّه .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسي ما كان يدعوا إليه

۱۳ - انسان ها هنگام رهایی از مشکلات و دستیابی به آسودگی ، موقعیت گذشته خود را فراموش کرده و ناسپاس می شوند .

و إذا مسّ الإنسان ضرّاً .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسي ما كان يدعوا إليه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۳

۱۳ - ناسپاسی ، رفتاری ریشه دار در انسان ها و خصلتی مشترک میان آنان

إنّ الله لذو فضل على الناس و لكنّ أكثر الناس لا يشكرون

تصریح به لفظ < ناس > در جمله < و لكن أكثر الناس لا يشكرون > به جای ضمیر < هم > که به < الناس > قبل بازمی گردد می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۱۰، ۷، ۱

۱ - انسان ، دارای طبیعتی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

إنّ الإنسان لربّه لکنود

< ال > در < الإنسان > برای جنس است و بر استغراق افراد دلالت دارد. < کنود >، به معنای کفور است. برخی از قبایل عرب، آن را در معنای < عاصی > به کار می برند. اسناد این خصلت به عموم مردم، به معنای گرفتار بودن نوع انسان ها به آن است.

۷ - خداوند ، در تأکید بر

ناسپاس بودن نوع انسان ها ، به اسبان تیزپای مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت .. إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

۱۰ - > قال رسول الله (ص) : > إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ < قال : لكفور الذی يأكل وحده ، و يضرب عبده و يمنع رفده ؛

رسول خدا(ص) [آیه] > إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ < را تلاوت کرده فرمود: [>لكنود< یعنی] ناسپاس، همان که به تنهایی غذا می خورد و غلام خود را می زند و از بخشش امتناع میورزد<.

کفران انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۶

۶ ناسپاسی آدمیان در برابر خدا آرزوی ابلیس در اغواگریهای خویش

ثم لا تینهمم .. و لاتجد أكثرهم شکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۱

۱- انسان ، به هنگام برخورداری از رفاه و نعمت های الهی ، به ناسپاسی و خداگریزی می گراید .

و إذا أنعمنا علی الإنسان أعرض و نثا بجانبه

>نثا< به معنای >بُعِد< (دوری می شود) است و >أعرض و نثا بجانبه< (اعراض کرد و کناره گرفت) کنایه از حق ناسپاسی و گریز از خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ - انسان ها در برابر نعمت ها و الطاف خداوند ، موجوداتی ناسپاس اند .

ثم إذا خولنه نعمه منّا قال إنّما أوتيته علی علم

عنوان عامل اصلی برخورداری، نوعی ناسپاسی در برابر صاحب اصلی نعمت ها (خداوند کریم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۱

۱ - اعراض و روی گردانی انسان از خداوند ، پس از دستیابی به نعمت

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض و نا بجانبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۳،۱۵

۱۳ - کفران و ناسپاسی انسان ، به هنگام برخورد با کوچک ترین دشواری در زندگی

و إن تصبهم سيئه بما قدمت أيدهم فإن الإنسان كفور

از نکره آمدن <سيئه> که برای تحقیر است <کوچک ترین دشواری> استفاده شده است.

۱۵ - انسان ، موجودی کم ظرفیت ، کوتاه بین و ناسپاس است .

و إنا إذا أذقنا .. و إن تصبهم ... الإنسان كفور

این که انسان در برخورد با اندک نعمت و یا سختی، تغییر روحیه می دهد، نشانه کم ظرفیتی او است و این که به امکان تغییر و تحول شرایط رفاه نمی اندیشد و به آن دلخوش است، نشانگر کوتاه نظری او است.

کفران بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ - تحریم حلال خدا ، ناسپاسی در برابر فضل اوست .

فجعلتم منه حراماً و حلالاً .. إن الله لذو فضل على الناس و لكن أكثرهم لا يشكرون

کفران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ - بنی اسرائیل ، مردمی بسیار ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

فأنجينكم و أغرقنا

ءال فرعون .. ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

هدف از بیان گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا، پس از بیان نعمتهای بزرگ الهی به آنان، نشان دادن روحیه ناسپاسی در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۷

۷ - بنی اسرائیل مردمی ناسپاس بودند .

ثم عفونا عنکم من بعد ذلك لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، مردمانی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۶، ۱۷، ۱۳

۱۳ - قوم موسی در برابر نعمت های الهی ، مردمی ناسپاس بودند .

ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما ظلمونا و لکن ..> در ارتباط با فرازهایی که بیانگر نعمتهای الهی است، لحاظ شود.

۱۶ - ناسپاسی قوم موسی و تمردشان از دستورات خداوند ، هیچ زیانی را متوجه ساحت قدس خدا نکرد .

و ما ظلمونا

۱۷ - ناسپاسی قوم موسی و تمردشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خودشان روا داشتند .

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۸، ۱۹

۱۹ - بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی (منّ و سلوی)

لن نصبر علی طعام وحد . . . قال أتستبدلون الذی هو أدنی

۳۸ - داستان ناسپاسی بنی اسرائیل بر

> مَن < و > سلوی < و انتخاب شهرنشینی و گرایش آنان به کفر و تجاوز ، داستانی آموزنده و شایسته به یاد آوردن است .

إذ قلتُم یموسیٰ لَن نَّصبر . . . و ضربت علیہم الذلہ ... و كانوا یعتدون

>إذ قلتُم .. < مفعول برای >أذکروا< (به یاد آوردن) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۷

۷ قوم موسی (ع) ، مردمی لجوج ، نصیحت ناپذیر و ناسپاس در برابر نعمت های الهی

اذکروا نعمه الله علیکم .. قالوا یموسیٰ إنا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۵، ۱۲

۱۲ بنی اسرائیل مردمی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

و جوزنا ببنی إسرائیل البحر .. قالوا یموسیٰ اجعل لنا إلهاً

بیان این حقیقت که گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا فاصله چندانی با نجات آنان از دست فرعونیان و عبور معجزه آسای ایشان در دریای سرخ نداشت، اشاره به این دارد که بنی اسرائیل مردمی ناسپاس بودند.

۱۵ بی توجهی قوم موسی به نعمت های خدا و گرایش آنان به پرستش غیر او ، برخاسته از جهالت دامنه دار آنان بود .

و جوزنا ببنی إسرائیل البحر .. قالوا یموسیٰ ... قال إنکم قوم تجهلون

چنانچه از آیه استفاده می شود، گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا پس از عبورشان از دریا و تحقق این نعمت بزرگ الهی بوده است. بنابراین می توان گفت موسی این جهت را نیز در نظر داشته و آنان را

جاهل خوانده است. یعنی این بی خردی است که انسان نعمتهای الهی را ببیند و در عین حال به غیر او گرایش پیدا کند. فعل مضارع <تجهلون> بر دامنه داری این بی خردی دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۸، ۲۹، ۳۰

۲۸ قوم موسی ناسپاس در برابر نعمت های عطا شده به آنان (جوشیدن چشمه های آب برای آنان و ...)

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و ما ظلمونا و لکن ... > در ارتباط با تمامی قسمتهایی که بیانگر نعمتهای الهی است، ایراد شده باشد.

۲۹ قوم موسی با ناسپاسی و تخلف از دستورات خداوند هیچ زیانی را متوجه ساحت قدس او نکردند .

و ما ظلمونا

۳۰ ناسپاسی قوم موسی و تمرد ایشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند .

و قَطَعْنَهُمْ .. و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۵، ۶، ۹، ۱۲

۵ بنی اسرائیل در عین برخورداری از زندگی مناسب ، به جای اتحاد و حفظ حقوق یکدیگر ، آگاهانه به اختلافات داخلی دامن زده و به حقوق یکدیگر تجاوز می کردند .

و لقد بؤأنا بنی إسرئیل مَبْؤاً صدق .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

۶ بنی اسرائیل ، با وجود در اختیار داشتن تورات و برخورداری از زندگی مناسب ، کفران نعمت کرده و به اختلاف و تجاوز به حقوق یکدیگر پرداختند

و لقد بؤأنا بنی إسرئیل مَبوّأ صدق .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <العلم> کتاب آسمانی تورات باشد.

۹ اختلاف بنی اسرائیل ، پس از رهایی از حکومت فرعون و برخورداری از مسکن و روزی مناسب ، ناسپاسی نعمت های الهی بود .

و لقد بؤأنا بنی إسرئیل .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

۱۲ خداوند ، بنی اسرائیل را به خاطر ناسپاسی ها و ایجاد اختلاف ، سرزنش کرده و به کیفر اخروی تهدید فرمود .

و لقد بؤأنا بنی إسرئیل مَبوّأ صدق .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم إن ربك یقضی ب

کفران ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۶

۶ - گرفتاری به طغیان ، برای کسانی که در سایه کرم خداوند و به کمک علوم خدادادی ، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند ، خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است .

الأكرم . الذی علم ... کلاً إنَّ الإنسان لیطغی . أن رءاه استغنی

کفران حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۵

۵ آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند .

لنکونن من الشکرین . فلما ءاتیهما صلحاً جعلاه شراً

کفران خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - خیانت کاران ناسپاس ، محروم از حمایت و

محبت خداونداند .

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

کفران در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - شادمانی ، در شرایط رفاه ، و کفر و ناسپاسی به هنگام سختی و حسرت ، حالات و صفات انسان ها است .

فَإِذَا أَصَابَ ... إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ... وَ لئن أُرْسِلْنَا رِيحًا ... من بعده يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ آدمی به هنگام شداید بر ناسپاسی خویش در برابر خداوند اعتراف می کند.

لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشكرين

کفران دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۴،۳

۳ - دشمنان اسلام ، ناسپاس در برابر نعمت اسلام و مظاهر ربوبیت خداوند

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

۴ - ناسپاسی دشمنان اسلام در برابر ربوبیت خداوند ، دلیل هجوم مجاهدان به صفوف آنان است .

و العديت .. إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۴

۴- انکار آگاهانه نعمت های خداوند ، از سوی دشمنان اسلام ، دلیل رویارویی سپاه مجاهدان با صفوف آنان است .

و العدیت .. إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . و إِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكُمْ لَشَهِيدٌ

کفران دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۶

۶- ناسپاسی دشمنان دین ، در برابر نعمت های خداوند و دل بستگی شدید آنها به دارایی خویش ، نشان بی

توجهی آنان به معاد

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ .. أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ مَا فِي الْقُبُورِ

کفران دشمنان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۸

۸ - خصومت کنندگان با اهل ایمان ، مردمی خیانتکار و ناسپاس اند .

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ .. إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

کفران دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۸

۸ انسان ، موجودی ناسپاس در برابر نعمت بعثت پیامبران و تعلیمات الهی آنان

و إِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً .. إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا

کفران رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كَفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الَّذِينَ بَدَّلُوا .. و أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

کفران رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كُفْرًا و أَحْلَوْا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد

که مصداق مورد نظر آیه <الذین بدّلوا .. و أحلّوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

کفران سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ - سامری، فردی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند و بی توجه به الطاف و کمک های ویژه او

فنسی

چنانچه ضمیر فاعلی <نسی> به سامری برگردد، مراد از فراموشی سامری، بی توجهی او به عنایات الهی در نجات از فرعونیان و نزول <منّ و سلوی> و نظایر آن خواهد بود.

کفران شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۳

۳- شیطان، کفران کننده نعمت های خداوند است.

و كان الشیطن لربّه کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۶

۶- شیطان، موجودی بسیار نافرمان در برابر خداوند و ناسپاس و قدرناشناس در برابر نعمت ها و رحمت واسعة او است.

إِنَّ الشیطن کان للرحمن عصیًا

<عصی> برای مبالغه به کار می رود (مصباح).

کفران قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - سبایان ، نعمت امنیت راه ها و نزدیکی منزل گاه های سفر را کفران نموده و به خویش ستم روا داشتند .

فقالوا ربّنا بعد بین أسفارنا و ظلموا أنفسهم

۷ - مردم سبأ ، به دنبال کفران نعمت های خدا و جاری شدن سیل سد مأرب ، به طور کلی متلاشی و پراکنده شدند .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم . . . و مزّقنهم كلّ

<مَزَق> در لغت به معنای پاره کردن و از بین بردن اثر آمده و در آیه پراکندن در اطراف و اکناف بلاد است (مجمع البحرین).

۱۰ - تارومار شدن کامل قوم سبأ در پی کفران آنان ، به دست خداوند بود .

لقد كان لسيا في مسكنهم آية جئتان .. بلده طيبه ... فقالوا ربنا بعد بين أسفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۰ - ۹

۹ - ابلیس ، عامل کفران مردم سبأ و برانگیزنده آنان به ظلم به نفس

و لقد صدق عليهم إبليس ظنه فاتبعوه إلا فریقاً من المؤمنین

در عبارت <صدق عليهم .. ظنه> ایجاز به حذف وجود دارد؛ برای این که صدق ظن، فرع بر دعوت و جواب مثبت دادن مردم است. بنابراین، معلوم می شود که ابلیس از آنان خواسته و آنان نیز او را اجابت نموده و نعمت های خدا را کفران کرده اند.

کفران قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۱

۱ - تأکید هود (ع) بر بیمناک بودن درباره سرنوشت قومش ، به خاطر بی تقوایی و ناسپاسی آنان

فاتقوا الله .. الذی أمدکم ... إني أخاف عليكم عذاب یوم عظیم

کفران قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعیننا جزاء لمن کان کفر

مراد از <لمن کان کفر> نوح است که مورد کفران مستمر قومش

قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

کفران کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۵

۵ - ناسپاسی و هدایت ناپذیری کافران ، حتی با رفع گرفتاری ها و نزول رحمت الهی

و لو رحمٰنهم .. للّٰجوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۸

۸ - کفر ، ناسپاسی شدید است و کافران ، مردمی بس ناسپاس اند .

و الذین کفروا لهم نار جهنّم .. کذلک نجزی کلّ کفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۰ - ۴

۴ - نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفرء یتّم الماء .. فلولاً تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۷

۷ - استفاده بهینه نکردن کافران تکذیب گر از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشکرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکر نکردن انسان ها در برابر نعمت ها، به معنای استفاده صحیح نکردن از آنها است.

کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كُفْرًا وَّ أَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الذین بدلوا .. و أحلوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

کفران کنندگان در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۷

۷- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض و ثنا بجانبه و إذا مسه الشرّ كان يوسّا

کفران کنندگان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۷

۱۷ واپسگرایی و ارتداد ، کفران نعمت رسالت انبیا و هدایت الهی است .

و من ينقلب على عقبيه .. و سيجزى الله الشاکرين

مفهوم جمله <و سيجزى الله الشاکرين> این است که مرتدان، ناسپاس هستند، و به مناسبت حکم و موضوع، این ناسپاسی در ارتباط با رسالت انبیا و هدایت الهی است.

کفران مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۲

۲۲ مردم در برابر نعمت وجود پیامبران و معلمان توحید ، ناسپاسند .

ذلك من فضل الله علينا و على الناس و لكنّ أكثر الناس لايشكرون

شکر، در برابر نعمت است و نعمتهایی که آیه مورد بحث گویای آن است عبارت است از: اتوحید (ما كان لنا أن نشرك .

..)، ۲ وجود پیامبران به عنوان معلمان توحید و بیانگران شریعت و آیین الهی (ملّه آبائی ابراهیم ...). برداشت فوق، ناظر به دومین نعمت یاد شده در آیه است.

کفران مردم مقارن بعثت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۹

۹ اکثر مردم در نیمه نخست بعثت ، نعمت قرآن را قدر نشناخته و بدان بی اعتنایی کردند .

و لقد صرّفنه بینهم لیذکروا فأبی أكثر الناس إلا کفورًا

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است که نیمه نخست دوران بعثت در همین شهر سپری شد.

کفران مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۱،۴،۵

۱- شرک ربوبی رهیدگان از ناگواری ها ، کفران نعمت های خداوند است .

بربهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

<لام> در <لیکفروا> احتمال دارد لام عاقبت باشد. بنابراین معنا چنین می شود: عاقبت شرک آنان، کفران نعمتها شد. لازم به ذکر است به تناسب <ما ءاتیناهم> مراد از <یکفروا> کفران است.

۴- مشرکان ناسپاس ، مورد تهدید شدید خداوند

بربهم یشرکون . لیکفروا ... فتمتعوا فسوف تعلمون

۵- مشرکان ناسپاس ، علی رغم کفران نعمت های الهی ، از آنها برخوردار بوده و به آنان مهلت حیات داده می شود .

بربهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم فتمتعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۳ - ۱

۱- مشرکان ، علی رغم شناخت نعمت های الهی ، آن را عملاً انکار می کنند و راه ناسپاسی می پیمایند .

يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها

در این آیه انکار در مقابل عرفان و شناخت قرار گرفته است و این می رساند که مراد از انکار نعمت، انکار عملی است نه ذهنی و اعتقادی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- روم - ۳۰ - ۳۴ - ۹،۱۰

۹ - مشرکان ، به رغم کفران نعمت های الهی ، از آن نعمت ها ، برخوردار می شوند و مهلت زندگی می یابند .

فتمتّعوا فسوف تعلمون

۱۰ - مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان ، مطلع خواهند شد .

بربهم یشرکون .. فسوف تعلمون

کفران مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۳ - ۲،۳

۲- بیشتر مشرکان صدراسلام ، با وجود آگاهی از نعمت های الهی ، راه ناسپاسی پیمودند و کافر شدند .

يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها و أكثرهم الكفرون

۳- بیشتر مشرکان صدراسلام ، علاوه بر انکار عملی نعمت های الهی ، به زبان نیز کفر میورزیدند .

يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها و أكثرهم الكفرون

انکار و ناسپاسی نعمتهای الهی یا با زبان است و یا با عمل. جمله <ثم ينكرونها> می تواند گویای کفران عملی و جمله <و أكثرهم الكفرون> بیانگر ناسپاسی با زبان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۹

۹ - شرک پیشگان حق ستیز عصر بعثت ، مردمانی خیانت کار و ناسپاس بودند .

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

کفران مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بهره مندی مشرکان مکه از موهبت های الهی ، به رغم بی اعتنائی آنان به آیین توحیدی ابراهیم (ع)

و إذ قال إبراهيم .. لعلهم يرجعون . بل متعت هؤلاء و ءاباءهم

از آن جا که در

آیات پیشین سخن از ابراهیم(ع) و نسل آن حضرت بود و با توجه به این که مشرکان مکه از نسل او به شمار می آمدند، می توان گفت که <هؤلاء> اشاره به مشرکان مکه دارد.

کفران منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۳

۳ منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا، مستحق عذاب دوزخند .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ . . . مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَءَامَنْتُمْ

بنابر اینکه خطاب، متوجه منافقان باشد، آیه شریفه اشاره به ناسپاسی و بی ایمانی آنان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

کفران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۳،۴

۳- قتل مرد قبطی توسط موسی (ع) ، نشانه ناسپاسی و کفران نعمتی بزرگ در نظر فرعون

و فعلت فعلتک . . . و أنت من الکفرین

مراد فرعون از <و أنت من الکافرین> ناسپاسی موسی(ع) در قبال خدمات گذشته وی به او می باشد.

۴ - تلاش فرعون برای تکذیب موسی (ع) با یادآوری ارتکاب قتل و ناسپاسی وی

و فعلت فعلتک التی فعلت و أنت من الکفرین

کفران نسبت به مربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۶

۶- ناسپاسی به پرورش دهنده خویش ، ناشایست و ناپسند است . *

الذین کفروا برّیهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح

اضافه <رب> به ضمیر <هم>، که مرجع آن <الذین کفروا> است، احتمالاً اشاره به این دارد که آنان به پروردگار خود کافر شدند

و از این رو اعمالشان حبط شد. چنین اضافه ای می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۷

۷- ناسپاسی در برابر لطف مربی ، شیوه ای شیطانی است .

و كان الشیطن لربّه كفورًا

كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ - بنی اسرائیل ، مردمی بسیار ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

فأنجینکم و أغرقنا ءال فرعون .. ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

هدف از بیان گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا، پس از بیان نعمتهای بزرگ الهی به آنان، نشان دادن روحیه ناسپاسی در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، مردمانی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۹

۱۹ - بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی (منّ و سلوی)

لن نصبر علی طعام وحد .. قال أتستبدلون الذی هو أدنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۹

۹ - ابو عمرو زبیری از امام صادق (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: > الوجه الثالث من الکفر کفر النعم و ذلك قوله تعالى... فاذکرونی اذکرکم و اشکروا لی و لاتکفرون... ;

وجه سوم از اقسام

کفر، کفران نعمت است و این است سخن خداوند که می فرماید: .. فاذکرونی أذکرکم واشکروالی و لاتکفرون ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۵،۶

۵ موسی (ع) تمایل قوم خویش را به بت پرستی ، ناسپاسی به نعمت های خداوند دانست .

أغیر الله أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

۶ گرایش به شرک ، ناسپاسی به نعمت های خداوند است .

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۳۱

۳۱ تخلف از فرمان خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او ، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن

و لکن کانوا أنفسم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۲

۲۲ مردم در برابر نعمت وجود پیامبران و معلمان توحید ، ناسپاسند .

ذلک من فضل الله علینا و علی الناس و لکن أكثر الناس لایشکرون

شکر، در برابر نعمت است و نعمتهایی که آیه مورد بحث گویای آن است عبارت است از: اتوحید (ما کان لنا أن نشرک . ..)، ۲ وجود پیامبران به عنوان معلمان توحید و بیانگران شریعت و آیین الهی (ملّه آبائی ابراهیم ...). برداشت فوق، ناظر به دومین نعمت یاد شده در آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- > قال هارون لأبی الحسن موسی (ع) نحن کفار؟ قال : لا و

لكنّ كما قال الله : < ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً و أحلّوا قومهم دار البوار > . . . ;

هارون به امام کاظم (ع) گفت [آیا] ما کافریم؟ آن حضرت فرمود: خیر بلکه آن گونه [هستید] که خدا می فرماید: < ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً . . . > .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۸

۱۸- سرشت انسان با نوعی از ظلم به خویشان و ناسپاسی عجین است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۱،۵

۱- شرک ربوبی رهیدگان از ناگواری ها ، کفران نعمت های خداوند است .

بربّهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

<لام> در <لیکفروا> احتمال دارد لام عاقبت باشد. بنابراین معنا چنین می شود: عاقبت شرک آنان، کفران نعمتها شد. لازم به ذکر است به تناسب <ما ءاتیناهم> مراد از <یکفروا> کفران است.

۵- مشرکان ناسپاس ، علی رغم کفران نعمت های الهی ، از آنها برخوردار بوده و به آنان مهلت حیات داده می شود .

بربّهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم فتمتّعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۱ - ۱۰

۱۰- شرک به خدا ، کفران نعمت های اوست .

أفنبعمه الله یجحدون

برداشت فوق با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه مشرکان مکه می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲- نادیده گرفتن آثار وجود خداوند در مظاهر هستی ، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست

و الله جعل لكم .. بنعمت الله هم يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۳ - ۵

۵- پرستش غیر خدا، ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی است .

أفبالبطل يؤمنون و بنعمت الله هم يكفرون . و يعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۳

۳- تکذیب رسولان و رهبران الهی ، ناسپاسی نعمت های خداوندی است .

فكفرت بأنعم الله .. و لقد جاءهم رسول منهم فكذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۶،۷

۶- استفاده از چیز های حرام ، کفران نعمت های الهی است .

يأتيها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله .. فكلوا مما رزقكم الله حلالا

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که <كلوا مما .. حلالاً طيباً> اشاره داشته باشد به اینکه کفران یاد شده در آیه قبل، استفاده از حرام بوده است.

۷- تحریم روزی های حلال و دلپذیر و بهره نگرفتن از آنها ، کفران نعمت های الهی است .

فكفرت بأنعم الله .. فكلوا مما رزقكم الله حلالاً طيباً

با توجه به اینکه آیه بعد، خوردنیهای حرام را در چند چیز محدود کرده است، معلوم می شود که مراد از <کفران> حرام کردن حلالها و استفاده نکردن از آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۳،۵،۷

۳- شیطان ، کفران کننده نعمت های خداوند است .

و كان الشیطن لربّه کفورًا

۵- تبذیر (ریخت و پاش

و به هدر دادن امکانات) ، کفران نعمت های الهی است .

إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا

۷- ناسپاسی در برابر لطف مربی ، شیوه ای شیطانی است .

و كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۸

۸- انکار قرآن با وجود دلایل حقانیت و بی ماندی آن ، ناسپاسی بس بزرگ و غیر قابل توجیه است .

و لَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <کفور> به معنای کفران نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۶،۸،۹

۶- شیطان ، موجودی بسیار نافرمان در برابر خداوند و ناسپاس و قدرناشناس در برابر نعمت ها و رحمت واسعه او است .

إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

<عصی> برای مبالغه به کار می رود (مصباح).

۸- اطاعت از شیطان ، ناسپاسی و قدرناشناسی رحمت واسعه الهی است .

لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

<رحمن> صیغه مبالغه و از نام های خداوند است. تکیه بر این نام در جمله <كان للرحمن...> به منزله تعلیلی بر زشتی کار

شیطان است، زیرا عصیان کردن او در برابر دارنده رحمت واسعه و اصرار بر آن نشانه ناسپاس بودن او است. و جمله

<لا تعبد...> دلالت دارد که هر کس از شیطان تبعیت نماید، او نیز چنان خواهد بود.

۹- اطاعت و پیروی از گنه پیشگان و سرپیچی کنندگان از فرمان خداوند ، امری ناروا و ناسپاسی نعمت های او است .

لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۵

۵ - دشمنی با دین خدا، خیانت در امانت او و ناسپاسی در برابر نعمت هدایت او است.

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ... إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۶

۶ - کفر به یگانگی خدا در عین برخورداری از امکانات دنیوی بارزترین نوع ناسپاسی در برابر نعمت های او است.

و قال الملائكة من قومه الذين كفروا... و أترفنهم في الحياه الدنيا

عبارت <و أترفنهم> حال است برای فاعل <كفروا>؛ یعنی، با این که خدا آنان را از امکانات دنیوی برخوردار ساخت، آنها به یگانگی او کفر ورزیدند و به پرستش غیر او رو آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۸

۸ - ناسپاسی در برابر لطف و رحمت الهی و سوء استفاده از آن، نمودی از انحراف و گمراهی منکران قیامت

و إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ... و لو رحمناهم... في طغينهم يعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۱۱

۱۱ - شرک و بت پرستی، کفران نعمت های خدا و ناسپاسی در برابر ربوبیت او است.

و من يدع مع الله... إنه لا يفلح الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۹

۹ اکثر مردم در نیمه نخست بعثت ، نعمت قرآن را قدر نشناخته و بدان بی اعتنایی کردند .

و

لقد صرفنه بينهم ليذكروا فآبى أكثر الناس إلا كفورًا

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است که نیمه نخست دوران بعثت در همین شهر سپری شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۸

۲۸ - > عن أبى عبد الله (ع) قال: .. الوجه الثالث من الكفر النعم و ذلك قوله تعالى يحكى قول سليمان > هذا من فضل ربى ليلونى ءأشكر أم أكفر... <;

از امام صادق(ع) روایت شده است: ..قسم سوم از اقسام کفر، کفران نعمت ها است و این سخن خداوند متعال است که از زبان سلیمان(ع) حکایت می کند: >...لیلونی ءأشكر أم أكفر<».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۵

۵ - بازگشت رهیدگان از ناملايمات ، به شرك ، كفران نعمت های خدا است .

فلما نجّهم إلى البرّ إذا هم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ - مشركان مکه ، به خاطر ناسپاسی نعمت های الهی ، از سوی خداوند سرزنش شدند .

أولم يروا أنّا جعلنا حرمًا ءامنًا .. أفيالبطل يؤمنون و بنعمه الله يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۲

۲ - بازگشت رهیدگان از ناملايمات به شرك ربوبى ، كفران نعمت های خداوند است .

بربهم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم

به قرينه <ما آتيناهم> مراد از <ليكفروا> كفران نعمت است.

- آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۱۸

۱۸ - انسان ها ، به رغم بهره مند بودن از نعمت و فواید باد ، ممکن است از شکر آن نعمت ، سرباز زنند .

و لعلکم تشکرون

<لعلّ > از حروف شبیه به فعل و برای انشا و رجا است استعمال آن در آیه، می تواند به منظور اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ - کفران نعمت های الهی ، هیچ تأثیری بر خداوند ندارد .

و من کفر فإنّ الله غنی حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - انسان ، در معرض ناسپاسی نسبت به نعمت های الهی و حقوق والدین و نیازمند به تذکر است .

و وصّینا الإنسن بولدیه .. أن اشکرلی و لولدیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۱۹

۱۹ - چشم بستن بر مظاهر وجود خدا و پرداختن به جدال های جاهلانه درباره او ، کفرانِ نعمت است .

ألم تروا أنّ الله .. و أسبغ علیکم نعمه ... و من الناس من یجدل فی الله بغیر

ذکر <و من الناس .. > پس از بیان آیات خداوند که از جمله آنها وُفُورِ نعمت بود می تواند اشاره به نکته مذکور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۴ - ۲

۲ - شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های الهی است .

أفلايشكرون . و

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً

از ارتباط میان آیه قبل که از ناسپاسی انسان سخن به میان آورده است و آیه شریفه، برداشت یاد شده به دست می آید، یعنی، شرک و بت پرستی در واقع نوعی ناسپاسی به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۲

۲۲ - شرک به خدا و اطاعت از غیر او ، کفران نعمت خدا و ناسپاسی او است .

و الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ .. إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَذِبٌ كَفَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۳

۳ - کفر و شرک ، کفران نعمت های الهی است .

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مقصود از کفر در <إِنْ تَكْفُرُوا> به قرینه مقابله با <إِنْ تَشْكُرُوا..> کفران نعمت و ناسپاسی است. بنابراین یاد کردن خداوند از کافران و مشرکان به ناسپاسان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۹، ۱۵

۹ - انسان در برابر نعمت ها و لطف های خداوند ، موجودی ناسپاس است .

وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرٌّ دَعَا رَبَّهُ .. ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ

۱۵ - شرک به خداوند ، کفران نعمت های الهی است .

ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ .. وَ جَعَلَ لِلَّهِ أُنْدَادًا

<نَدَّ> (مفرد <انداد>) به معنای مثل و نظیر است و مقصود از آن شریک در کار خداوند

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ - برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها به همراه غفلت از یاد خدا و ناشکری ، محنت زا و بلاآفرین است .

ثُمَّ إِذَا خَوْلَنهُ نِعْمَةً مَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلٰی عِلْمٍ بَلِ هِيَ فَتْنَةٌ

یکی از موارد کاربرد <فتنه>، محنت و بلا- است و برداشت بالا- مبتنی بر این معنا است. بر این اساس می توان گفت: برخورداری از آسودگی و نعمت ها، به همراه این تصور که آنها ناشی از دانش بشری است نه لطف الهی، نه تنها برای بشر نعمت نیست؛ بلکه در دنیا و آخرت نِقمت و بلا خواهد بود. گفتنی است آیه بعد که از روبه رو شدن مرفهان بی خبر از خدا با عذاب و بدبختی و کارساز نبودن برخورداری های آنان، سخن می گوید مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۳، ۱۵

۱۳ - ناسپاسی ، رفتاری ریشه دار در انسان ها و خصلتی مشترک میان آنان

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلٰی النَّاسِ وَلٰكِنَّا أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

تصریح به لفظ <ناس> در جمله <و لکن اکثر الناس لایشکرون> به جای ضمیر <هم> که به <الناس> قبل بازمی گردد می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۱۵ - عبادت غیر خدا و حاجت خواهی از غیر او ، کفران نعمت های الهی است .

قَالَ رَبِّكُمْ ادْعُونِيْ أَسْتَجِبْ لَكُمْ .. اللَّهُ الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمْ آلِيلًا ... وَ لَكِنَّا أَكْثَرُ النَّاسِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ - غرور دنیاگرایان ، موجب ناسپاسی آنان نسبت به خداوند

لیقولنّ هذا لی . . . و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنى

بنابراین که لام در <هذا لی> و <إنّ لی> افاده استحقاق کند، روشن می شود که دنیاگرایان خود را مستحق برخورداری از نعمت های دنیوی و اخروی می دانند و بدین جهت خویشان را موظف به سپاس گزاری در برابر خداوند نمی بینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۲۰

۲۰ - نسبت دادن ناگواری ها و سختی های زندگی به خداوند ، کفران و ناسپاسی است .

بما قدّمت أیدیهم فإنّ الإنسن کفور

خداوند باتصریح به <بما قدّمت أیدیهم>، درصدد رفع این اندیشه باطل است که معمولاً انسان های سطحی، مشکلات زندگی خود را به او نسبت می دهند و احتمال نمی دهند که نتیجه کارهای خودشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۸

۸ - ناخرسندی از داشتن فرزند دختر یا پسر ، کفران نعمت الهی و ناخرسندی از مشیت و موهبت او است .

فإنّ الإنسن کفور . . . یهب لمن یشاء إنثا و یهب لمن یشاء الذکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زحرف - ۴۳ - ۱۵ - ۷

۷ - پرستش مخلوقات خدا (فرشتگان) و فرزند او انگاشتن آنان ، اقدامی ناسپاسانه و کفرآمیز

و جعلوا له . . . إنّ الإنسن لکفور مبین

با توجه به فضای آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان مکه فرشتگان را فرزند خدا

می دانستند و آنان را مورد پرستش قرار می دادند. خداوند، پس از یاد کردن نعمت های خویش، این پندار را نمونه بارز ناسپاسی می شمارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعيننا جزاء لمن كان كفر

مراد از <لمن كان كفر> نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۰ - ۴

۴ - نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفرء یتیم الماء .. فلولا تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۶

۶ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله <إلا من تولّى و كفر > يريد من لم يتعظ و لم يصدّقك و جحد ربوبیتی و كفر نعمتی .. ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <إلا من تولّى و كفر> روایت شده است: مقصود کسی است که موعظه نمی پذیرد و تو را [ای محمد] تصدیق نمی کند و پروردگاری مرا منکر است و نعمت من را کفران می کند. <..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۶

۶ - گرفتاری به طغیان ، برای کسانی که در سایه کرم خداوند

و به کمک علوم خدادادی ، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند ، خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است .

الأكرم . الذی علم ... کلاً إنّ الإنسان لیطغی . أن رءاه استغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۱،۷

۱ - انسان ، دارای طبیعتی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

إنّ الإنسان لربّه لکنود

<ال> در <الإنسان> برای جنس است و بر استغراق افراد دلالت دارد. <کنود>، به معنای کفور است. برخی از قبایل عرب، آن را در معنای <عاصی> به کار می برند. اسناد این خصیلت به عموم مردم، به معنای گرفتار بودن نوع انسان ها به آن است.

۷ - خداوند ، در تأکید بر ناسپاس بودن نوع انسان ها ، به اسباب تیزیای مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت .. إنّ الإنسان لربّه لکنود

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۱۳

۱۳ خودداری از انفاق ، کفران نعمت و ستمگری است .

انفقوا ممّا رزقناکم .. و الکافرون هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۶ - ۵،۶،۹

۵ ناسپاسان از نعمت ها و گنهکاران ، محروم از محبت الهی

و الله لا یحبّ کل کفّار اثم

۶ رباخواران ، ناسپاسانی گنهکار و محروم از محبت الهی

يَمْحَقُ اللَّهُ الرَّبَّوَا . . . وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ

کلمه <کفار> (بسیار ناسپاس) و کلمه <اثیم> (فرو رفته در گناه و آلودگی) پس از بیان ربا و رباخواری، اشاره به این معنا دارد که رباخواران از جمله مصادیق انسانهای ناسپاس و آلوده به گناهند.

۹ رباخواری ، ناسپاسی شدید نعمت و گنهکاری است .

يُمَحِّقُ اللَّهُ الرَّبُّوَا .. وَ اللَّهُ لَا يَحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ اِثِمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۰

۱۰ کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، موجب روسیاهی در قیامت *

وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ .. فَمَا الَّذِيْنَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ اَكْفَرْتُمْ بَعْدَ اِيْمَانِكُمْ

بنابراینکه <اکفرتم> به معنای کفران نعمت باشد. و به مقتضای ارتباط با آیات قبل مراد از نعمتهای کفران شده همان نعمتهایی است که در آیات قبل آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۷، ۱۲، ۱۱، ۵، ۴

۴ خداوند کسانی را که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند ، دوست ندارد .

وَ بِالْوَالِدِيْنَ اِحْسَانًا .. وَ يَكْتُمُوْنَ مَا اَتَيْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

۵ فقرنمایی و پنهان سازی نعمت های الهی ، دستاویز بخیلان برای ترک احسان

الَّذِيْنَ يَبْخُلُوْنَ .. وَ يَكْتُمُوْنَ مَا اَتَيْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

۱۱ کسانی که به جهت ترک احسان نعمت های الهی را پنهان می سازند ، کافر هستند .

الَّذِيْنَ يَبْخُلُوْنَ .. مَا اَتَيْهِمُ اللَّهُ ... وَ اَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِيْنَ

۱۲ بخیلان و دعوت کنندگان مردم به بخل ، کافر هستند .

الَّذِيْنَ يَبْخُلُوْنَ وَ يَأْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ .. وَ اَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِيْنَ

های الهی است .

الذین یبخلون .. و اعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

با توجه به معنای لغوی کافر (ناسپاس)، می توان گفت مراد از کافران، ناسپاسان هستند که مصداق آن در آیه، همان بخیلانند.

کفران نعمت اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۱

۱۱ - بیشتر مردم ، نسبت به نعمت ها و احسان های خداوند ، شاکر و سپاس گزار نیستند .

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

کفران نعمت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۳، ۱۴

۱۳ - انسان در برابر نعمت های بیکران الهی ، بسیار ستم پیشه و ناسپاس است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

<ظلوم> و <کفّار> صیغه مبالغه است و بر کثرت و فراوانی معنای خود دلالت دارد.

۱۴ - انسان به خویشتن ستمکار و در برابر نعمت و احسان ، بسیار ناسپاس است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

مقصود از <ظلوم> بودن انسان، به قرینه بیان نعمتها و داده های الهی به وی، ظلم به خویشتن است.

کفران نعمت در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۵

۵- قرار گرفتن جامعه در معرض کفران نعمت های الهی پس از آسایش و رفاه مادی

قریه کانت ءامنه مطمئنه یأتیها رزقها رغداً . . فكفرت بأنعم الله

کفران نعمت قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱

۱ - راه افتادن سیل بنیان

کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلّناهم بجنّتهم .. ذلك جزينهم بما كفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش، احتمال دارد مراد از <کفروا> کفران باشد.

کفران نعمت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة قليلاً ما تشكرون

کفران نعمت مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۴

۳ - ناسپاسی انسان ها در برابر آسودگی ها و نعمت های الهی ، دارای پیشینه طولانی در تاریخ قشر مرفه و متنعم جامعه

قال إنّما أوتيته على علم .. قد قالها الذين من قبلهم

۴ - همسانی طرز تلقی مرفهان ناسپاس از دنیا و نعمت های آن ، و یگانگی موضع آنان در برابر اندیشه توحیدی پیامبران

قال إنّما أوتيته على علم .. قد قالها الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۷

۷ - همسانی سرنوشت هلاکت بار مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذين من قبلهم .. فأصابهم سيئات ما كسبوا و الذين ظلموا من هؤلاء سيصي

کفران نعمت مشرکان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۴

- مشرکان ، به رغم کفران نعمت های خداوند ، از امکانات و وسایل آسایش در دنیا ، بهره مندند .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم و لیتمتّعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۰

۲۰ - مشرکان ، مردمی دروغ پرداز و ناسپاس

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء .. إنّ الله لایهدی من هو کذب کفّار

کفران نعمت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۸

۸ - مشرکان مکه ، به نعمت های خداوند ، کفر ورزیدند .

هم یشرکون .. و بنعمه الله یکفرون

کیفر دنیوی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلما نجّکم إلى البرّ أعرضتم .. أم أمتم أن یعیدکم فیه تاره أخرى

کیفر کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۳

۳ منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا، مستحق عذاب دوزخند .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ . .. مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَءَامَنْتُمْ

بنابر اینکه خطاب، متوجه منافقان باشد، آیه شریفه اشاره به ناسپاسی و بی ایمانی آنان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

کیفر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- کفران کنندگان نعمت های الهی و حق ناسپاسان ، در معرض عذاب های دنیوی چون بلعیده شدن به وسیله زمین و گرفتار شدن به طوفان شن

و كان الإنسن كفورًا. أفأنتم أن یخسف بكم ... أو یرسل علیكم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۸

۸- خداوند ، جز کفران کنندگان را مجازات نمی کند .

و هل نجزی إلا الكفور

استفهام در این آیه، انکاری به معنای نفی بوده و مفید برداشت یاد شده است.

کیفر کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۶

۶- مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان مطلع خواهند شد .

بربهم یشركون .. فتمتعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۷، ۷

۷- کمترین کیفر الهی برای جامعه ناسپاس ، پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی فراگیر است . *

فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <اذاق> اشاره به چشاندن و ظاهر ساختن گوشه ای از کیفر باشد و <لباس> اشاره به اثرات و فراگیری آن کیفر داشته باشد.

۱۷- > عن أبي عبدالله (ع) قال : ... ان أهل قرية ممن كان قبلكم كان الله قد أوسع عليهم حتى طغوا فقال بعضهم لبعض : لو

عمدنا إلى شيء من هذا النقي فجعلناه نستنجي به كان ألين علينا من الحجارة فلما فعلوا ذلك بعث الله على أرضهم دواباً أصغر
من الجراد فلم يدع

لهم شيئاً خلقه الله . . . إلا أكله من شجر أو غيره فبلغ بهم الجحد إلى أن أقبلوا على الذی كانوا يستنجون به فأكلوه و هی القرية التي قال الله : > ضرب الله مثلاً قرية كانت آمنة مطمئنة يأتيها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون < ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود:.. قبل از شما اهل قریه ای بودند که خداوند در زندگی به آنان کشایش داده بود تا اینکه طغیان کردند و بعضی به بعض دیگر گفتند: اگر به چیزی از این نانها روی آوریم و آن را وسیله استنجا قرار دهیم، برای ما از سنگ نرم تر خواهد بود و چون چنین کردند، خداوند جنبنده های کوچک تر از ملخ را بر سرزمینهای آنان فرستاد و آنها همه چیزهایی که خداوند آفریده بود از درخت و غیر آن خوردند. در نتیجه سختی به جایی رسید که آنان به همان نانهایی که با آن استنجا کرده بودند، روی آوردند و آنها را خوردند و آن همان قریه ای است که خداوند فرموده است: ضرب الله مثلاً قرية كانت آمنة مطمئنة ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان ، مطلع خواهند شد .

بربهم یشرکون . . فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۷

۷ - مردم سبأ ، به دنبال کفران نعمت های خدا و جاری

شدن سیل سد مأرب ، به طور کلی متلاشی و پراکنده شدند .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم . . . و مَزَقْنَهُمْ كُلَّ مَمَزَقٍ

<مزق> در لغت به معنای پاره کردن و از بین بردن اثر آمده و در آیه پراکندن در اطراف و اکناف بلاد است (مجمع البحرین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۵

۵ - مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامد های هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها به قرینه صدر آیه بعد (فأصابهم سيئات ما كسبوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۶

۶ - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها است .

قتل الإنسان ما أكفره

مراد از <کفر> در <ما أكفره> ممکن است کفران نعمت های خداوند باشد که آیات بعد به بعضی از آنها اشاره دارد. نفرین <قتل الإنسان> در معنای عرفی آن که بیان استحقاق شدیدترین عقوبت ها می باشد استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۹

۹ عذاب خوارکننده ، کیفر کسانی که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند .

و يَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا

گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ -

۱۹ - طغیان در مورد نعمت های خداوند و خروج از مرز تعادل ، گناهی است بس بزرگ .

و لاتطغوا .. و من يحلل عليه غضبي فقد هوى

غضب خداوند بر طغیان گران در مورد نعمت ها، نشانه بزرگی گناه آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۹

۹ - کفران نعمت های الهی ، گناهی بس بزرگ و غیرقابل بخشش در پیشگاه خداوند

و هل نجزي إلا الكفور

تأکید خداوند بر این که تنها کفران کنندگان نعمت ها، مورد مجازات قرار می گیرند، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۶

۶ - سپاس نعمت های الهی و اعتراف به آن ، تکلیفی بس مهم و انکار و ناسپاسی آن ، گناهی بس عظیم

فبأىء آلاء ربكما تكذبان

از ده ها بار تکرار <فبأىء آلاء..> در این سوره، می توان برداشت بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۳

۳ - هدایت ، نعمتی است بزرگ و کفران آن ، گناهی عظیم و نابخشودنی است .

إننا هدینه السبیل .. إننا أعتدنا للكفرین ... سعیرا

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا به دست می آید.

مراتب کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۸

۸ - کفر، ناسپاسی شدید است و کافران، مردمی بس ناسپاس اند.

و الذین کفروا لهم نار جهنم .. . كذلك نجزي

کلّ کفور

مرفهان کفران کننده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۵

۵ - مرفهان و برخورداران ناسپاس جامعه ، از ستمگران اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء

>و الذین ظلموا من هؤلاء<، هر چند اشاره به مرفهان ناسپاس در آغاز، بعثت دارد ولی آیه شریفه بیانگر حکمی عامی و فراتر از مورد خاص نزول می باشد.

مشکلات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۴

۴ - انسان ناسپاس و خودخواه ، غافل از گشایش های خداوند برای او در شدايد و مشکلات

و لئن أذقنه ... ليقولنّ هذا لی

مکر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ - منکران آیات الهی ، جز دغلكاران ناسپاس نیستند .

و ما یجحد بأیتنا إلاّ کلّ ختار کفور

ممنوعیت اطاعت از کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - ممنوعیت اطاعت از گناه پیشگان و ناسپاسان کافر

و لاتطع منهم ءائمًا أو كفورًا

منشأ کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - محبت و دل بستگی به دنیا ، سرچشمه گناه ، کفر و ناسپاسی است .

و لاتطع منهم ءائمًا أو كفورًا .. إن هؤلاء یحبون العاجله

موارد کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ شرک، مصداق کامل ناسپاسی به درگاه خداوند

است.

لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشكرين. قل الله ينجيكم ... ثم أنتم تشركون

روشن است که مصداق ناسپاسی آدمی فراوان است. کاربرد جمله <ثم أنتم تشركون> به جای <تكفرون> و یا <ما تشكرون> به این نکته اشعار دارد که شرك بارزترین مصداق ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۸

۸ پیروی از ابلیس، ناسپاسی در برابر خداوند است.

ثم لأتینهم من بین أیدیهم .. و لاتجد أكثرهم شکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۵

۱۵ - رویکرد به خدا در بلاها و اعراض از او پس از نجات، دغلکاری و ناسپاسی است.

فلما نجیهم إلى البرّ .. و ما یجحد بأیتنا إلا کلّ ختار کفور

موارد کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۸

۸ تبعیت از ولایتهای غیر الهی و تکذیب آیات خداوند، ناسپاسی نعمتهای اوست.

و لاتتبعوا من دونه أولیاء .. قلیلا ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۸

۸ بهره جویی های ظالمانه از دنیا، ناسپاسی در برابر خداست.

لئن أنجيتنا من هذه لنكوننَّ من الشكرين. فلما أنجيتهم إذا هم ييغون في الأرض بغير ال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس - ١٠ - ٦٠ - ١٠

١٠ تحريم حلال خدا ، ناسپاسی در برابر فضل اوست .

فجعلتم منه حراماً و حللاً . .. إن الله لذو فضل

على الناس و لكن أكثرهم لا يشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ ایجاد اختلاف و برهم زدن وحدت جامعه ، در عین برخورداری از رفاه و آسایش ، کفران و ناسپاسی نعمت های خداوند است .

و لقد بؤأنا بنی اسرائیل مَبُوءاً صدق .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۴

۲۴ ارتکاب گناه ، ناسپاسی و کفران نعمت های الهی است .

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۵

۲۵ شرک ورزی ، ناسپاسی در برابر خداست .

و لكنّ أكثر الناس لا يشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱۴

۱۴- < عن الصادق (ع) : ... إن الكبائر ... کفران النعمه > و لئن کفرتم إن عذابی لشدید < ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که در بیان گناهان کبیره فرمود: .. همانا از گناهان کبیره ... کفران نعمت است [خداوند می فرماید]: و لئن کفرتم إن عذابی لشدید...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۱

۱- شرک به خدا ، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست .

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كُفْرًا .. و جعلوا لله أندادًا

جمله <و جعلوا لله أندادًا> عطف بر جمله <بدلوا نعمت الله

... است و می تواند بیان و تفسیر برای چگونگی تبدیل نعمت الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۷

۷ - به کار نگرفتن عقل در جهت شناخت حق و صراط مستقیم ، مصداق بارز ناسپاسی

و إِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ .. أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ ... قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۶ - ۶

۶ - شرک و عبادت غیر خدا ، ناسپاسی پروردگار است .

بَلِ اللّٰهِ فَاعْبُدْ وَ كُنْ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۹

۹ - پیمودن راه دین ، شکر نعمت خداوند و انحراف از آن ، ناسپاسی او است .

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکوین - ۱۰۲ - ۸ - ۵

۵ - افتخار بر دیگران در امتیازات مادی ، کفران نعمت و زمینه ساز گرفتاری به دوزخ پس از حسابرسی است .

أَلْهَيْكُمْ التَّكَاثُرَ .. ثُمَّ لَتَسْئَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

موانع کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۴

۴ - توجّه به برملا شدن خصلت ها و علاقه ها در قیامت ، بازدارنده انسان از خوی ناسپاسی ، بخل و دل بستگی به ثروت

لکنود ... أفلا يعلم إذا ... و حصّل ما فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۴

۴ - توجّه

به آگاهی دقیق خداوند از اسرار درونی انسان ، بازدارنده او از خوی ناسپاسی ، بخل و دل بستگی به مال

لکنود ... لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٍ . أَفَلَا يَعْلَمُ ... إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ

موانع کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۵

۵ - توجه انسان به مراحل آفرینش خویش به دست خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت های الهی

ما أَكْفَرَهُ . مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ

در برداشت یاد شده، مراد از کفر در آیه قبل کفران نعمت دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۴ - ۴

۴ - توجه به تأمین مواد غذایی انسان از سوی خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت و وادارسازنده او به شکرگزاری است .

ما أَكْفَرَهُ .. فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانَ إِلَى طَعَامِهِ

چنانچه <کفر> در <ما أَكْفَرَهُ> به معنای کفران نعمت باشد، ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۳

۳ - توجه به جنگل های انبوه و درختان تناور ، مایه شناخت خداوند و قدرت او و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أَكْفَرَهُ .. فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانَ ... حِدَائِقَ غَلْبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۱ - ۳

۳- توجه به باغ های میوه و مرغزارها ، مایه شناخت خدای قادر و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما

أَكْفَرَهُ ... وَفَكَهَهُ وَ أَبَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۵

۵ - توجه به ربوبیت و مدبر بودن خداوند ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ها است .

لرَبِّهِ لَكُنُودٌ

تقدیم <لرَبِّهِ>، بیانگر اهتمام به آن است، یعنی، شگفتا که انسان با آن که خداوند <رَبِّ> و <مدبر> او است، به کفران نعمت او رو آورده است!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۳

۳ - لحظه خروج مردگان از قبر ها در قیامت ، وحشت انگیز و توجه به آن ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ، بخلورزی و دل بستگی شدید به ثروت است .

لَكُنُودٌ ... أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ مَا فِي الْقُبُورِ

موجبات عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۱

۱ - گرفتار شدن قشر مرفه و ناسپاس ملت های گذشته به عذاب و پیامد های ناگوار رفتار بد خود

إِذَا حُوِّلَتْ نِعْمَةٌ مِّنَّا .. فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا

مؤاخذه بر کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۵

۵ - انسان ها در قیامت ، بر کفران نعمت ، بخلورزی و علاقه شدید به ثروت ، مؤاخذه خواهند شد .

لکنود .. لبّ الخیر لشدید . أفلا یعلم ... إن ربهم بهم یومئذ لخبیر

هشدار به آگاهیِ خداوند از افکار، اسرار و نیت ها، اشاره به مؤاخذه و حسابرسی است.

ناپایداری امکانات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اندک و ناپایدار بودن بهره‌وری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمّعت بکفرک قليلاً

ناپسندی کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۶

۶- ناسپاسی به پرورش دهنده خویش ، ناشایست و ناپسند است . *

الذین کفروا برّهم أعملهم کرماً اشتدّت به الريح

اضافه <رب> به ضمیر <هم>، که مرجع آن <الذین کفروا> است، احتمالاً اشاره به این دارد که آنان به پروردگار خود کافر شدند و از این رو اعمالشان حبط شد. چنین اضافه ای می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۱ - ۸

۸ - ناسپاسی کردن و کفر ورزیدن ، به هنگام مواجه شدن با امور ناخوشایند ، امری ناپسند و مذموم است .

و لئن أرسلنا .. یکفرون

آیه، در صدد سرزنش کسانی است که با مشاهده بادهای مخرب ناسپاسی می کنند. از توبیخ و سرزنش، به دست می آید که چنین حالتی، شایسته نیست.

ناپسندی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۶

۱۶- ناسپاسی در برابر نعمت و احسان ، امری بس نکوهیده و ناپسند است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۱۲

۱۲ - ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی ، اموری نکوهیده اند .

أفبالبطل يؤمنون و بنعمه الله يكفرون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۶

۶ - کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

نبوت و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۵

۵ - قتل نفس و ناسپاسی نعمت ، دو رفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

و فعلت فعلتك التي فعلت و أنت من الكافرين

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی(ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد که در آن حضرت موسی(ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد مؤید برداشت یاد شده است.

نشانه های کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۶

۶- روی برتافتن از یاد خدا در پی نجات از مشکلات ، نمودی از کفر به حق و کفران نعمت است .

أعرضتم .. فيغرقكم بما كفرتم

از اینکه خدا از اعراض یاد خود به کفر (کفرتم) یاد کرده است، استفاده می شود که اعراض از خدا، کفر به اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۹،۱۰

۹ - بی توجهی به نعمت های الهی ، و تدبیر او در همسازی طبیعت با نیاز های آدمی ، نمودی آشکار از کفر و ناسپاسی انسان

جعل لكم من الفلك و الأنعام

... إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ

۱۰ - شرک ، نمودی از کفر و ناسپاسی انسان ، در برابر خالق یگانه هستی است .

و جعلوا له من عباده جزءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۲

۲ - رویارویی با سپاه اسلام ، نشانه ناسپاسی انسان در برابر نعمت های خداوند است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

بیان خصلت های ناروایی که در نوع انسان ها وجود دارد پس از تمجید از سپاهیان اسلام در آغاز سوره تعریض به دشمنان دین است و رسوخ آن خصلت ها را در آنان بیان می کند.

نهی از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۴

۴- موسی (ع) ، بنی اسرائیل را از کفران نعمت های الهی برحذر داشت .

و إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ .. و قَالَ مُوسَى إِنَّ تَكْفُرًا أَنتُمْ وَمَنْ ف

وضوح کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۶

۶ - کفران و ناسپاسی انسان در برابر خداوند ، امری علنی و پوشش ناپذیر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ

هلاکت کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۷۸

۷ - همسانی سرنوشت هلاکت بارِ مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذين من قبلهم .. فأصابهم سيئات ما كسبوا و الذين ظلموا من هؤلاء سيصي

۸ - مرفهان ناسپاس ، در

معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذين ظلموا من هؤلاء سيصيبهم سيئات ما كسبوا

یوسف(ع) و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۲

۲۲ یوسف (ع) ، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) را ، کفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إنه ربی أحسن مثوای

کفران کنندگان

{کفران کنندگان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۳

۳- شیطان ، کفران کننده نعمت های خداوند است .

و كان الشیطن لربّه كفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ - انسان ها در برابر نعمت ها و الطاف خداوند ، موجوداتی ناسپاس اند .

ثمّ إذا حوّله نعمه منّا قال إنّما أوتيته على علم

مؤثر دانستن دانش و تلاش خود به عنوان عامل اصلی برخورداری، نوعی ناسپاسی در برابر صاحب اصلی نعمت ها (خداوند کریم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - انسان ها در برابر هدایت الهی دو دسته اند: سپاس گزار و هدایت یافته و یا ناسپاس و هدایت ناپذیر .

إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا

۱۴ - > عن جابر بن عبد الله قال قال رسول الله (ص) : كل مولود يولد على الفطرة حتى يعبر عنه لسانه ، فإذا عبر عنه لسانه إمّا شاكراً و إمّا كفوراً . . . ;

از جابر بن عبدالله [انصاری] روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: هر نوزادی بر فطرت [توحید] متولد

می شود، تا زمانی که زبان او بتواند افکار و عقاید او را تعبیر و ابراز کند. در این هنگام یا شاکر است [و پذیرای توحید] یا ناسپاس است [و پذیرای کفر].<

آسایش طلبی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۴

۴- حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أفأنتم أن یخسف بکم . . أم أمتم أن یعیدکم فیه

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسپاسان به صِرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

اقرار کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۱

۱ - انسان های ناسپاس ، خود معترف و گواه بر خصلت ناروای خویش اند .

و إنه علی ذلک لشهید

امکانات مادی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۵

۵ - مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامدهای هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبون

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها به قرینه صدر آیه بعد (فأصابهم سیئات ما کسبوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

انذار کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۱

۱- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطرات و مشکلات ، به دچار شدن به خطرات و مهلکه های

دیگر

فلما نجّکم إلى البرّ أعرضتم .. أفأنتم أن یخسف بکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۱

۱- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطر ، به دچار آمدن در همان مهلکه

أم أنتم أن یعیدکم فیه تاره آخری

بی ارزشی امکانات مادی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۰

۲۰- اندک و ناپایدار بودن بهره‌وری کفران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتع بکفرک قليلاً

تداوم عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۷

۷- عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر ناسپاسان نعمت های الهی

کذلک نجزی کلّ کفور

تشخیص کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۶

۱۶- آسودگی ها و نعمت ها ، عرصه شناخت سپاس گزاران و ناسپاسان

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْبٌ... ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً... بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که هر نعمتی، اقتضای شکر و سپاس‌گزاری دارد. بنابراین آزمایش بودن نعمت‌های الهی، می‌تواند در ارتباط با همین مسأله باشد.

تفکر در فرجام کفران‌کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۱،۳

۱- خداوند، فراخوان مردم به تأمل و تفکر در سرنوشت شوم ناسپاسان نعمتهایش

أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا

۳- خداوند، فراخوان مردم به تأمل و تفکر در سرنوشت

شوم رهبران کفر و ناسپاسی

ألم تر إلى الذين .. أحلوا قومهم دار البوار

برداشت فوق به خاطر این نکته است که به نابودی کشاندن و دچار سرنوشت شوم ساختن مردم (أحلوا قومهم دار البوار) کار سردمداران کفر و رهبران جامعه است، نه مردم عادی.

تهدید کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۷

۷ - شرک پیشگان ناسپاس ، مورد تهدید خداوندند .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۴

۴ - معاد ، تهدیدی برای مال دوستان و ناسپاسان

لکنود .. لحبّ الخیر لشدید . أفلا یعلم إذا بعث ما فی القبور

خطر عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۸

۸ - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیئات ما کسبوا

خطر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - خطر نفوذ و تأثیر گذاری گروه های گناه پیشه و ناسپاس ، در رهبران جامعه ایمانی

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

رذایل کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۶

۶ - کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

زیادی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انسان های شاکر ، اندک اند و انسان های ناسپاس بسیار .

إِذَا شَاكِرًا وَإِذَا كَفُورًا

طبق باور برخی از مفسران، آمدن <شاکر> به صورت اسم فاعل و <کفوراً> به صورت صیغه مبالغه، می تواند گویای این حقیقت باشد که انسان هایی که به صورت کامل سپاس گزار نعمت هدایت باشند، در اقلیت بوده و افراد ناسپاس بسیاراند.

سرزنش کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - سرزنش خداوند از ناسپاسانِ نعمت هایش در روی زمین

و آیه لهم الأرض الميته أحينها.. أفلايشكرون

استفهام در جمله <أفلايشكرون> انکاری است و این جمله در صدد تقبیح و توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۵

۵ - ناسپاسان نعمت های الهی ، مورد سرزنش خداوند

و لهم فيها منفع و مشارب أفلايشكرون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در مقام سرزنش ناسپاسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۴

۴ - نکوهش خداوند از قشر مرفه و ناسپاس ، به خاطر ناآگاهی آنان از مشیت و تقدیر الهی در رزق و روزی انسان ها

أولم يعلموا أن الله ييسط الرزق لمن يشاء و يقدر

استفهام در <أولم يعلموا..> از نوع استفهام انکاری توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۶

۶ - کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۴

۴ مردمان ناسپاس مورد سرزنش خداوند

و إذا أذقنا الناس رحمته .. إذا لهم مكر في آياتنا

صفات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۴

۴- حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أفأنتم أن يخسف بكم .. أم أمتم أن يعيدكم فيه

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسپاسان به صِرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

ضعف کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۷

۷- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض و ثنا بجانبه و إذا مسه الشرّ كان يوسّوا

ظلم کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۵

۵ - مرفهان و برخورداران ناسپاس جامعه ، از ستمگران اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء

>والذین ظلموا من هؤلاء>، هر چند اشاره به مرفهان ناسپاس در آغاز، بعثت دارد؛ ولی آیه شریفه بیانگر حکمی عامی و فراتر از مورد خاص نزول می باشد.

عبرت از فرجام کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۲،۴

۲- سرنوشت شوم ناسپاسان و قدرناشناسان نعمت های الهی ، شایسته تأمل و تفکر و درخور پند و درس آموزی

ألم تر إلی

الذین بدلوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

۴- سرنوشت شوم رهبران و سردمداران کفر و ناسپاسی ، درخور تأمل و شایسته پند و درس آموزی

الم تر إلی الذین .. أحلّوا قومهم دار البوار

عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلَمَّا نَجَّكُم إلی البرّ أعرضتم .. أم أمتهم أن یعیدکم فیه تاره أخرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۸

۸- قشر مرفه و برخوردار ناسپاس ، در معرض عذاب و پیامد های هلاکت بار ناشکری خود

فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، علاوه بر آن که درصدد موعظه و درس آموزی است، در مقام تهدید و بازدارندگی نیز می باشد.

علم کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۸

۸- مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . وَ إِنَّهُ عَلِيٌّ

ذلك لشهيد

عمل كفران كنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۸

۸ - مشركان ناسپاس ، از زشتی كار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم ... فسوف يعلمون

عوامل تهديد كفران كنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عاديات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۵

۵ - صحنه برملا شدن رازها و نیت های پنهان ، هول انگیز و تهديدی برای ناسپاسان و مال دوستان

أفلا يعلم إذا .. و حصل ما فى الصدور

غفلت كفران كنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۴

۴ - انسان ناسپاس و خودخواه ، غافل از گشایش های خداوند برای او در شدايد و مشكلات

و لئن أذقنه .. ليقولنّ هذا لى

فرجام شوم كفران كنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۷

۱۷ - ثروت اندوزان قارون صفت و ناسپاس ، در معرض گرفتار شدن به فرجام شوم قارون

فخسفنا به و بداره الأرض . . . ويكأنه لا يفلح الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۸ - ۲

۲- سرنوشت شوم ناسپاسان و قدرناشناسان نعمت های الهی ، شایسته تأمل و تفکر و درخور پند و درس آموزی

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً و أحلّوا قومهم دار البوار

فرجام کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۷۸

۷- همسانی سرنوشت هلاکت بار

مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذين من قبلهم .. فأصابهم سيئات ما كسبوا و الذين ظلموا من هؤلاء سيصي

۸- مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذين ظلموا من هؤلاء سيصيبهم سيئات ما كسبوا

كفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا و أحلوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الذين بدلوا .. و أحلوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

كفران کنندگان در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۷

۷- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض و ثنا بجانبه و إذا مسه الشرّ كان يوسّ

كفران کنندگان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۷

۱۷ واپسگرایی و ارتداد ، کفران نعمت رسالت انبیا و هدایت الهی است .

و من ینقلب علی عقبیه . . . و سيجزى الله الشاکرين

مفهوم جمله <و سيجزى الله الشاکرين> این است که مرتدان، ناسپاس هستند، و به مناسبت حکم و موضوع، این ناسپاسی در ارتباط با رسالت انبیا و هدایت الهی است.

کیفر

دنیوی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أَمْ أَمْتُمْ أَنْ يَعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى

کیفر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۴

۴- کفران کنندگان نعمت های الهی و حق ناسپاسان ، در معرض عذاب های دنیوی چون بلعیده شدن به وسیله زمین و گرفتار شدن به طوفان شن

و كان الإنسن كفورًا. أفأمتتم أن يخسف بكم ... أو يرسل عليكم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۸

۸ - خداوند ، جز کفران کنندگان را مجازات نمی کند .

و هل نجزي إلا الكفور

استفهام در این آیه، انکاری به معنای نفی بوده و مفید برداشت یاد شده است.

مشکلات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۴

۴ - انسان ناسپاس و خودخواه ، غافل از گشایش های خداوند برای او در شاداید و مشکلات

و لئن أذقنه .. ليقولنّ هذا لي

مکر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ - منکران آیات الهی ، جز دغلكاران ناسپاس نیستند .

و ما يجحد بآيتنا إلا كل ختار كفور

ممنوعیت اطاعت از کفران کنندگان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۷

۷ - ممنوعیت اطاعت از گناه پیشگان و ناسپاسان کافر

و لا تطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

موجبات عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۱

۱ - گرفتار شدن قشر مرفه و ناسپاس ملت های گذشته به عذاب و پیامد های ناگوار رفتار بد خود

إذا خوّله نعمه منّا .. فأصابهم سيئات ما كسبوا

ناپایداری امکانات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۰

۲۰ - اندک و ناپایدار بودن بهره‌وری کفران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتع بكفرک قليلاً

هلاکت کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۷۸

۷ - همسانی سرنوشت هلاکت بارِ مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذين من قبلهم .. فأصابهم سيئات ما كسبوا و الذين ظلموا من هؤلاء سيصي

۸ - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذين ظلموا من هؤلاء سيصيهم سيئات ما كسبوا

كفران نعمت

آثار اجتماعی كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۴، ۱۲، ۹، ۶

۶- مبتلا شدن جامعه به فقر، گرسنگی و ناامنی، در نتیجه كفران نعمت های الهی

قریه كانت ءامنه مطمئنه .. فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع والخوف

۹- ابداع روش های جدید برای گناه و استمرار آن و نیز ناسپاسی

در برابر خدا، عامل پیدایش فقر، گرسنگی و ناامنی اجتماعی

فكفرت بأنعم الله .. بما كانوا يصنعون

برداشت فوق، با توجه به واژه <يصنعون> که در بردارنده معنای ابداع و ایجاد مسبوق به عدم است، استفاده گردید.

۱۲- گناهان و ناسپاسی های اجتماعی، دارای آثار شوم برای کل جامعه

قریه کانت ءامنه .. فکفرت ... فأذقها الله لباس الجوع والخوف

۱۴- روی آوری فقر، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنه .. فأذقها الله لباس الجوع والخوف بما ک

برداشت فوق چنان چه عده ای از مفسران گفته اند بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۸

۸- کفران نعمت های الهی، در پی دارنده گسیختگی زمام جامعه و از هم فروپاشی آن

و اشکروا له .. فأعرضوا ... و مزقنهم کل ممزق

آثار اجتناب از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۸

۸- تداوم رفاه و آسایش و حیات اقتصادی جوامع، در پرتو بهره گیری از روزی های حلال و استفاده بهینه از آنها و اجتناب از کفران است.

و ضرب الله مثلاً قریه .. فکفرت بأنعم الله ... فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیب

<فاء> در <فکلوا..> برای تفریع این جمله به آیات پیشین است؛ یعنی، از روزیهای حلال و دلپذیر استفاده کنید و شکر نعمت خدا را به جا

آوردید تا گرفتار سرنوشت مردمی نشوید که آنان در اوج رفاه و آسایش بودند ولی در اثر کفران نعمت، دچار عذاب شدند.

آثار کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۸

۸ - غفلت از یاد خدا و ناسپاسی نعمتهایش ، به منزله انکار اوست .

فاذکرونی ... واشکروالی ولاتکفرون

نهی از کفرورزی و انکار خدا (لا-تکفرون) - پس از فرمان دادن به ذکر و سپاس او - می رساند که: غفلت از یاد خدا و ناسپاسی در برابر او، آدمی را به کفرورزی و انکار خدا می کشاند و یا خود به منزله کفر و انکار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۴

۴ کفر به خدا ، و ناسپاسی نعمت های او ، موجب گرفتار شدن انسان به عذاب الهی

ما يفعل الله بعذابكم إن شكرتم وءامنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۸

۱۸ ناسپاسی در برابر نعمت های خدا با گرایش به معبودانی دروغین ، نشانه جهل آدمی است .

و جوزنا ببني إسرائيل البحر .. قال إنكم قوم تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۲۲

۲۲ > عن علی بن الحسین (ع) يقول: الذنوب التي تغير النعم، البغی علی الناس و الزوال عن العاده فی الخیر ، و اصطناع المعروف ، و کفران النعم ، و ترک الشکر . قال الله عزوجل :

> إن الله لا يغيّر ما بقوم حتى يغيّروا ما بأنفسهم < . . . ;

از امام زین العابدین(ع) روایت شده است که می فرمود: گناھانی که موجب تغییر نعمتها می شوند عبارتند از: ستمگری بر مردم، دوری از عادت به کار خیر و از انتخاب کردار نیک، کفران نعمتها و ترک شکرگزاری. خداوند عزوجل فرموده: إن الله لا یغیّر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۵، ۳، ۲، ۱

۱- پیامبر (ص) موظف به یادآوری اعلام الهی به مردم به اینکه: هر کس سپاسگزار باشد، قطعاً نعمتش فزونی می یابد و هر کس کفران نماید، دچار عذاب شدید می گردد.

و إذ تأذن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

> و إذ تأذن < عطف بر < إذ قال > است که در آن < اذکر > در تقدیر است و مخاطب پیامبر اکرم(ص) می باشد.

۲- موسی (ع) از قوم خود خواست تا به یاد فرمان و توصیه خداوند باشند که هر کس شکرگزاری نماید خداوند نعمتش را افزون می کند و هر کس کفران نماید دچار عذاب شدید خواهد شد.

اذکروا نعمه الله علیکم . . . و إذ تأذن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن

این برداشت مبتنی بر این نکته است که < إذ تأذن > مقول قول موسی(ع) و عطف به < اذکروا نعمه الله > باشد.

۳- افزایش نعمت در صورت شکرگزاری و تهدید به عذاب در صورت کفران نعمت، مقتضای ربوبیت الهی

و إذ تأذن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

۵- شکر نعمت رهایی از نظام

ظالمانه ، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن ، مایه از دست رفتنش می شود .

إذ أنجكم من آل فرعون .. و إذ تأذن ربكم لئن شكرتم لأزيدنكم و لئن كفرتم إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۳

۳- کفران نعمت های خداوند هیچگونه زیانی به او نمی رساند .

إن تكفروا أنتم و من فی الأرض جميعًا

مراد از <إن تكفروا> به قرینه <و لئن كفرتم> که به معنای کفران بود، می تواند ناسپاسی در برابر نعمتهای خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۷

۷- ناسپاسی نعمت ها موجب هلاکت و سرنوشت شوم است .

ألم تر إلی الذین .. و أحلوا قومهم دار البوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۷، ۱۲

۱۲- روحیه ستم پیشگی و ناسپاسی انسان ، فلسفه دریغ نمودن خداوند از برآوردن تمامی درخواست ها و تقاضا های او

و ءاتیکم من کلّ ما سألتموه .. إنّ الإنسان لظلوم کفّار

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <من کلّ> برای تبعیض و مقصود از سؤال درخواست زبانی باشد و نیز جمله <إنّ الإنسان لظلوم کفّار> تعلیل برای جملات پیشین باشد.

۱۷- کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، ظلم به خویشان است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسان لظلوم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳- ناسپاسی نعمت ها ، موجب سلب آنها و شکرگزاری

، عامل بقای آنهاست .

قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

از مفهوم آیه استفاده می شود که اگر آنان ناسپاسی انجام نمی گرفت، نعمتها سلب نمی شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۷

۱۷ - طغیان گری در استفاده از نعمت ها (ناسپاسی ، اسراف و ...) ، زمینه ساز فرارسیدن غضب الهی و سیطره یافتن آن بر انسان است .

كلوا .. و لاتطغوا فيه فيحلّ عليكم غضبي

<يحلّ> یعنی، <ینزل> و نزول و اقامت غضب، کنایه از استقرار کامل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۶

۲۶ - کفران و ناسپاسی نعمت حاکمیت دین داران و امنیت در پناه دین ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد الله الذين ءامنوا منكم .. ليستخلفنهم ... و ليمکنن لهم دينهم ... يعبدون

<فسق> به معنای عصیان و ترک فرمان های الهی و خروج از راه حق است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۳

۳ - کفران نعمت های الهی ، در پی دارنده عذاب و کیفری سخت

و اتقوا الذي امدکم .. ائنی أخاف عليكم عذاب يوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۰

۲۰- بازتاب سپاسگزاری و کفران انسان در برابر نعمت های خدا ، تنها متوجه خود او است .

و

من شکر فإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مِنْ كَفَرٍ فَإِنَّ رَبِّيَ غَنِيٌّ كَرِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ - بنای خداوند بر فضل و رحمت نسبت به خلق و ناسپاسی های مردم زمینه ساز عذاب

و إِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ... وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ

مقدم شدن <فضل و رحمت> بر <شکر و ناسپاسی> می رساند که فضل الهی، دارای اصالت و خواست خدا است؛ ولی این ناسپاسی ها است که مردم را از آن محروم می سازد و سبب نزول عذاب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۴،۱۵

۱۴ - آگاهی یافتن آرزومندان مال و ثروت به پی آمد شوم ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، با مشاهده نگون بختی قارون

و يَكَاَنَّهُ لَا يَفْلِحُ الْكَافِرُونَ

<کفر> (مصدر <کافرون>) در این جا مقابل <شکر> و به معنای ناسپاسی است. جمله <و يَكَاَنَّهُ لَا يَفْلِحُ الْكَافِرُونَ> اعتراف دنیاطلبان به ناسپاسی خود در مقابل خدا است و اشاره به علت هلاکت قارون دارد.

۱۵ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، در پی دارنده هلاکت انسان و نابودی ثروت وی

فَخَسَفْنَا بِهِ وَ بَدَارَهُ الْأَرْضَ... وَ يَكَاَنَّهُ لَا يَفْلِحُ الْكَافِرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱،۵

۱ - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرْمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ... ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش، احتمال

دارد مراد از <کفروا> کفران باشد.

۵ - کفران نعمت های خداوند ، کیفر در پی دارد .

و اشکروا له .. فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم... ذلك جزينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۲ ، ۱۰ ، ۴

۴ - برنتابیدن وفور نعمت و امنیت و آسایش ، ستم بر خویش است .

و جعلنا بينهم و بين القرى التي برکنا فيها قرى ظهره .. سيروا فيها ... ءامنين

۱۰ - تارومار شدن کامل قوم سبأ در پی کفران آنان ، به دست خداوند بود .

لقد كان لسيا في مسكنهم ءايه جنتان .. بلده طيبه ... فقالوا ربنا بعد بين أسفا

۱۲ - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، دربردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکر گزار است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۱

۲۱ - دروغ پردازی و ناسپاسی ، باعث محرومیت از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَذِبٌ كَفَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳

۱۳ - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ .. و لاتزر وازره وزر أُخرى

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسی است، زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۳، ۲۱، ۲۰

۲۰ - اندک و

ناپایدار بودن بهرهوری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتع بکفرک قليلاً

۲۱ - شرک و ناسپاسی خدا ، موجب گرفتاری به آتش جهنم

قل تمتع بکفرک قليلاً إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

۲۲ - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دایمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تمتع بکفرک قليلاً إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

جمله >إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ< برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی شرک و ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۸

۸ - قشر مرفه و برخوردار ناسپاس ، در معرض عذاب و پیامد های هلاکت بار ناشکری خود

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، علاوه بر آن که درصدد موعظه و درس آموزی است، در مقام تهدید و بازدارندگی نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۲

۲ - رفاه مندی و برخورداری از نعمت ها در سایه تلاش و دانش اقتصادی ، در صورت همراه بودن آن با ناسپاسی و غفلت از منشأ خدایی آنها ، هلاکت و بدبختی در دنیا را در پی خواهد داشت .

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون فأصابهم سيئات ما كسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۵

۵ - قرآن ، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است .

وإذا أنعمنا على الإنسان

... ثم کفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۷

۱۷ - دلخوشی به مظاهر دنیا و کفران و ناسپاسی انسان ، موجب روی گردانی وی از پیام وحی است .

فَإِنْ أَعْرَضُوا .. فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

جمله <و إنا إذا .. کفور> می تواند اشاره به وجه اعراض و روی گردانی کافران از پیام وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۲

۲ - کفران نعمت هدایت ، موجب عذاب سخت الهی (همچون زنجیر ، غل و آتش) در قیامت

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلْسَلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - کفران نعمت های خداوند ، سرپیچی از فرمان او است .

ما أكفروه .. لَمَّا يَقْضِ مَا أَمْرُهُ

چنانچه مراد از کفر در <ما أكفروه> کفران نعمت باشد، شکرگزاری نعمت مصداق مورد نظر از <ما أمره> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۴

۴ - ناسپاسی دشمنان اسلام در برابر ربوبیت خداوند ، دلیل هجوم مجاهدان به صفوف آنان است .

و العدیت .. إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۴

۴ - انکار آگاهانه نعمت های خداوند ، از سوی دشمنان اسلام ، دلیل رویارویی سپاه مجاهدان

با صفوف آنان است .

و العديت .. إنَّ الإنسان لربَّه لکنود . و إنَّه علی ذلک لشهید

اجتناب از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۷

۷- ضرورت پرهیز از کفران نعمت های خداوند

و لاتکفرون

برداشت فوق بر این اساس است که <لاتکفرون> به تقدیر <نعمه> در اصل <ولاتکفروا نعمتی> بوده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۳

۳- توجه انسان به مقام و کرامت الهی خویش ، مستلزم پرهیز از ناسپاسی خداوند است .

فیغرقکم بما کفرتم .. و لقد کرّمنا بنی ءادم

یادآوری کرامت انسانها پس از ذکر ماجرای کسانی که پس از رهایی از خطر مرگ به کفران نعمتهای الهی روی آوردند؛ می تواند مذمتی باشد برای آنان و نیز به انسانها توجه بدهد که کرامت انسانی مستلزم اجتناب از کفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۲ - ۱،۲

۱ - تأکید هود (ع) بر تقوای الهی و پرهیز از ناسپاسی در برابر خدای نعمت بخش

و اتّقوا الذی أمّدکم بما تعلمون

<إمداد> (مصدر <أمّدکم>) به معنای کمک کردن و <ما> در <بما تعلمون> کنایه از نعمت هایی است که تفصیل آن در آیات بعد آمده است. متعلق <تعلمون> به خاطر رعایت فاصله آیات حذف شده و تقدیر آن چنین است: <أمّدکم بما تعلمون أنّها من إمداده>.

۲ - لزوم پرهیز از مخالفت و ناسپاسی در برابر خدای نعمت دهنده

و اتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ

اقرار به کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۱

۱ - انسان های ناسپاس ، خود معترف و گواه بر خصلت ناروای خویش اند .

و إِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكُمْ لَشَهِيدٌ

انذار از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۱

۱۱ - هشدار خداوند به ملت های متنعم و مرفه دارای امنیت ، نسبت به کفران نعمت های او

قریه کانت ءامنه .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما كانوا ی

حرمت کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ حرمت پنهان سازی نعمت های الهی به جهت ترک احسان

و یکتمون ما اتیهم الله من فضله و اعتدنا للكافرين عذاباً مهیناً

ذکر آثار کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۹

۹ - توجه به تأثیر کفران در نابودی نعمت ها ، باعث قناعت و بسنده کردن انسان به روزی های حلال و دلپذیر و استفاده بهینه از آنهاست .

فکفرت بأنعم الله .. فکلوا ممّا رزقکم الله حلالاً طیباً و اشکروا

زشتی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۸

۸ - مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

زمینه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۶

۶ رفاه و آسایش بسیار ، زمینه

ساز روحیه ناسپاسی و کفران

و إذا أذقنا الناس رحمه من بعد ضراء مستهم إذا لهم مكر في آياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۱۱

۱۱- انسان ، در معرض کفران نعمت های خداوند قرار دارد .

لعلکم تشکرون

تعبیر <لعلکم> می تواند اشاره به غفلت انسانها از شکرگزاری خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۸

۸- آسایش و احساس امنیت ، زمینه گرایش انسان به کفران نعمت

فلما نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۱

۱- انسان ، به هنگام برخورداری از رفاه و نعمت های الهی ، به ناسپاسی و خداگریزی می گراید .

و إذا أنعمنا علی الإنسان أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ

<نأى> به معنای <بَعُدَ> (دوری می شود) است و <أعرض و نأى بجانبه> (اعراض کرد و کناره گرفت) کنایه از حق ناسپاسی و گریز از خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۱

۱ - کفران نعمت های خداوند و بهره گیری از امکانات دنیوی ، حاصل و عاقبت شرک مشرکان است .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم و لیتمتّعوا

<لام> در <لیفکروا> احتمال دارد برای تعلیل و به معنای <کی> و احتمال دارد برای امر باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است. گفتنی است که مراد از <یکفرون> در آیه، به قرینه <بما آتیناهم> کفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰

۱ - پیدایش روحیه کفران و ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، پیامد شرک است .

یشرکون . لیکفروا بما آتینهم

لام در < لیکفروا > لام عاقبت است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۳

۱۳ - انسان ها هنگام رهایی از مشکلات و دستیابی به آسودگی ، موقعیت گذشته خود را فراموش کرده و ناسپاس می شوند .

و إذا مسّ الإنسان ضرّاً .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۳

۱۳ - کفران و ناسپاسی انسان ، به هنگام برخورد با کوچک ترین دشواری در زندگی

و إن تصبهم سیّئه بما قدّمت أیدیهم فإنّ الإنسان کفور

از نکره آمدن < سیّئه > که برای تحقیر است < کوچک ترین دشواری > استفاده شده است .

زیان کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۵

۵- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد .

لئن شکرتم لأزیدنکم و .. إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعاً فإنّ الله لغنی حمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ - ۵

۵- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً ... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان -

۱۴ - خسارت کفران نعمت الهی ، به خود کفران کننده بازمی گردد .

و من کفر فإن الله غنی

به قرینه مقابله، < و من یشکر .. > جواب شرط < من کفر > حذف شده است و < إن الله... > تعلیل برای جواب مقدر است؛ یعنی، هرکس کفران نعمت کند ضررش به خودش برمی گردد؛ چون خداوند نیازی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۷

۷ - نفع و ضرر < ایمان و کفر > و < شکر و ناسپاسی > ، دامنگیر خود انسان ها است ؛ نه خداوند .

إن تكفروا فإن الله غنی عنكم .. و إن تشكروا یرضه لكم

سرزنش تداوم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۲

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إنّ الإنسن لربّه لکنود . و إنّه علی ذلک لشهید

سرزنش کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۶

۱۶ - ناسپاسی در برابر نعمت و احسان ، امری بس نکوهیده و ناپسند است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- ادا نکردن حق نعمت های فراوان خداوند ، نوعی نقصان و کاستی و سزاوار توبیخ و سرزنش است .

و إن تعدّوا نعمه الله لا تحصوها إن الله لغفور رحيم

ذکر <إن الله لغفور>

پس از بیان نعمتهای فراوان خداوند، احتمال دارد از این جهت باشد که ادا نشدن شایسته حق نعمتهای خداوند، نوعی نقصان تلقی می شود و از این جهت، مایه توییخ است. عبارت <إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ> بیان کننده ضمنی آن نقصان و کاستی است که خداوند آن را مورد بخشایش خویش قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۶

۶- تبتذیر و کفران نعمت های پروردگار ، عملی بس نکوهیده و ناشایسته است .

إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ... لِرَبِّهِ كَفُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۶

۶ - شکر و سپاس گزاری در خور شأن بندگان ، و کفر و ناسپاسی دور از شأن آنان است .

و لا يرضى لعباده الكفر و إن تشكروا يرضه لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۱۲

۱۲ - کفران نعمت ، از کسی که از کرم (جود و عفو) خداوند برخوردار است ، دور از انتظار و سرزنش بار است .

يَأْتِيهَا الْإِنْسَنُ مَا عَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ

سنگینی گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳

۱۳ - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إِنَّ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ... و لا تزر وازره وزر أُخْرَى

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسی است زیرا آیه شریفه درباره همین

موضوع است.

شگفتی تداوم کفران

نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۲

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكُمْ لَشَهِيدٌ

شگفتی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۶

۶ - ناسپاسی انسان ها در برابر نعمت های الهی ، امری شگفت آور و به دور از منزلت آدمیان

أفلايشكرون

برداشت یاد شده از همزه استفهام <أفلايشكرون> که برای تعجب است استفاده می شود.

ظلم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۳۰

۳۰ نادیده گرفتن نعمت های الهی و ناسپاسی خدا ، با ارتکاب گناه ، ظلم است .

إِنَّ رَبِّي أَحْسَنُ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۶

۶ - ناسپاسی و نادیده گرفتن نقش خداوند در برخورداری از نعمت ها ، ظلم است .

و الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ

توصیف مرفهان ناسپاس به ستمگران، حاکی از مطلب یاد شده است.

علم به کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۳، ۲

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكٍ لَّشَهِيدٌ

۳ - خداوند، در تأکید بر آگاهی دشمنان اسلام از خوی

ناسپاسی خویش ، به اسبان تیزپای مجاهدان ، سوگند یاد کرده است .

و العدیت . . . و إنه علی ذلک لشهید

عوامل کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۹

۹ - شرک ، مستلزم ناسپاسی انسان در برابر خالق و یگانه روزی دهنده خویش

أمن یدؤوا الخلق . . . و من یرزقکم ... أءله مع الله

لحن آمیخته با تویخ <أءله مع الله> نشان دهنده آن است که مشرکان با شرک خویش، کفران خدایی کرده اند که خالق و یگانه روزی دهنده آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۰ - ۹

۹ - ابلیس ، عامل کفران مردم سبأ و برانگیزنده آنان به ظلم به نفس

و لقد صدق علیهم إبلیس ظنه فاتبعوه إلا فریقاً من المؤمنین

در عبارت <صدق علیهم.. .. ظنه> ایجاز به حذف وجود دارد؛ برای این که صدق ظن، فرع بر دعوت و جواب مثبت دادن مردم است. بنابراین، معلوم می شود که ابلیس از آنان خواسته و آنان نیز او را اجابت نموده و نعمت های خدا را کفران کرده اند.

فرجام کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱

۱- مثل و مانند آوردن خداوند ، برای ترسیم فرجام شوم کفران نعمت های خویش

ضرب الله مثلاً قریه . . . فكفرت بأنعم الله فأذقها ... بما كانوا یصنعون

كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢ - ٥١ - ١٢

١٢ - بني اسرائيل ، مردمی بسیار ناسپاس

در برابر نعمت های خداوند

فأنجينكم و أغرقنا ءال فرعون . . ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

هدف از بیان گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا، پس از بیان نعمتهای بزرگ الهی به آنان، نشان دادن روحیه ناسپاسی در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، مردمانی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۹

۱۹ - بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی (منّ و سلوی)

لن نصبر علی طعام وحد . . قال أتستبدلون الذی هو أدنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۹

۹ - ابو عمرو زبیری از امام صادق (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود : > الوجه الثالث من الکفر کفر النعم و ذلک قوله تعالی . . . فاذکرونی أذکرکم و اشکروالی و لاتکفرون . . . ;

وجه سوم از اقسام کفر، کفران نعمت است و این است سخن خداوند که می فرماید: . . . فاذکرونی أذکرکم و اشکروالی و لاتکفرون ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۵،۶

۵ موسی (ع) تمایل قوم خویش را به بت پرستی ، ناسپاسی به نعمت های خداوند دانست .

أغير الله أبغىكم إلهاً و هو فضلكم على العلمين

۶ گرایش به شرک ، ناسپاسی به نعمت های

خداوند است .

قال أغير الله أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۳۱

۳۱ تخلف از فرمان خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او ، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن

و لكن كانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۲

۲۲ مردم در برابر نعمت وجود پیامبران و معلمان توحید ، ناسپاسند .

ذلك من فضل الله علينا و علی الناس و لكنّ أكثر الناس لا یشکرون

شکر، در برابر نعمت است و نعمتهایی که آیه مورد بحث گویای آن است عبارت است از: ا توحید (ما کان لنا أن نشرک .
..)، ۲ وجود پیامبران به عنوان معلمان توحید و بیانگران شریعت و آیین الهی (ملّه آبائی ابراهیم ...). برداشت فوق، ناظر به
دومین نعمت یاد شده در آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- > قال هارون لأبی الحسن موسی (ع) نحن کفار؟ قال : لا و لكنّ كما قال الله : > ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفراً
و أحلّوا قومهم دار البوار < ... ;

هارون به امام کاظم (ع) گفت [آیا] ما کافریم؟ آن حضرت فرمود: خیر بلکه آن گونه [هستید] که خدا می فرماید: > ألم تر إلی
الذین بدّلوا نعمت الله کفراً .. < ... < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۸

خویشتن و ناسپاسی عجین است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكْفَارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۱،۵

۱- شرک ربوبی رهیدگان از ناگواری ها ، کفران نعمت های خداوند است .

بربهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

<لام> در <لیکفروا> احتمال دارد لام عاقبت باشد. بنابراین معنا چنین می شود: عاقبت شرک آنان، کفران نعمتها شد. لازم به ذکر است به تناسب <ما ءاتیناهم> مراد از <یکفروا> کفران است.

۵- مشرکان ناسپاس ، علی رغم کفران نعمت های الهی ، از آنها برخوردار بوده و به آنان مهلت حیات داده می شود .

بربهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم فتمتعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۱ - ۱۰

۱۰- شرک به خدا ، کفران نعمت های اوست .

أفبئعنا الله یجحدون

برداشت فوق با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه مشرکان مکه می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۲

۱۲- نادیده گرفتن آثار وجود خداوند در مظاهر هستی ، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست .

و الله جعل لکم .. بنعمت الله هم یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- پرستش غیر خدا ، ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی است .

أفبالبطل يؤمنون و بنعمت الله هم يكفرون . و يعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- تکذیب رسولان و رهبران الهی ،

ناسپاسی نعمت های خداوندی است .

فكفرت بأنعم الله .. و لقد جاءهم رسول منهم فكذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۶،۷

۶- استفاده از چیز های حرام ، کفران نعمت های الهی است .

يأتيها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله .. فكلوا مما رزقكم الله حلالا

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که <كلوا مما .. حلالاً طيباً> اشاره داشته باشد به اینکه کفران یاد شده در آیه قبل، استفاده از حرام بوده است.

۷- تحریم روزی های حلال و دلپذیر و بهره نگرستن از آنها ، کفران نعمت های الهی است .

فكفرت بأنعم الله .. فكلوا مما رزقكم الله حلالاً طيباً

با توجه به اینکه آیه بعد، خوردنیهای حرام را در چند چیز محدود کرده است، معلوم می شود که مراد از <کفران> حرام کردن حلالها و استفاده نکردن از آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۳،۵،۷

۳- شیطان ، کفران کننده نعمت های خداوند است .

و كان الشيطان لربّه كفوراً

۵- تبذیر (ریخت و پاش و به هدر دادن امکانات) ، کفران نعمت های الهی است .

إن المبذرين كانوا إخوان الشيطان و كان الشيطان لربّه كفوراً

۷- ناسپاسی در برابر لطف مربی ، شیوه ای شیطانی است .

و كان الشيطان لربّه كفوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- انکار قرآن با وجود دلایل حقانیت و بی مانندی آن ، ناسپاسی بس بزرگ و غیر قابل توجیه است .

و لقد صرّفنا

للناس في هذا القرآن من كل مثل

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <کفور> به معنای کفران نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۶،۸،۹

۶- شیطان، موجودی بسیار نافرمان در برابر خداوند و ناسپاس و قدرناشناس در برابر نعمت‌ها و رحمت‌های او است.

إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانُ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

<عصی> برای مبالغه به کار می‌رود (مصباح).

۸- اطاعت از شیطان، ناسپاسی و قدرناشناسی رحمت‌های او است.

لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانُ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

<رحمن> صیغه مبالغه و از نام‌های خداوند است. تکیه بر این نام در جمله <کان للرحمن...> به منزله تعلیلی بر زشتی کار شیطان است، زیرا عصیان کردن او در برابر دارنده رحمت‌های او و اصرار بر آن نشانه ناسپاس بودن او است. و جمله <لا تعبد...> دلالت دارد که هر کس از شیطان تبعیت نماید، او نیز چنان خواهد بود.

۹- اطاعت و پیروی از گنه‌پیشگان و سرپیچی کنندگان از فرمان خداوند، امری ناروا و ناسپاسی نعمت‌های او است.

لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانُ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۵

۵ - دشمنی با دین خدا، خیانت در امانت او و ناسپاسی در برابر نعمت‌های او است.

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ .. إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۶

۶ - کفر به یگانگی خدا در عین برخورداری از امکانات دنیوی بارزترین نوع ناسپاسی در برابر نعمت‌های

او است .

و قال الملائمة من قومه الذين كفروا . . . و أترفنهم في الحيوه الدنيا

عبارت < و أترفناهم > حال است برای فاعل < كفروا > یعنی، با این که خدا آنان را از امکانات دنیوی برخوردار ساخت، آنها به یگانگی او کفر ورزیدند و به پرستش غیر او رو آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۸

۸ - ناسپاسی در برابر لطف و رحمت الهی و سوء استفاده از آن ، نمودی از انحراف و گمراهی منکران قیامت

و إنّ الذين لا يؤمنون بالآخرة . . . و لو رحمهم ... فی طغينهم يعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۱۱

۱۱ - شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های خدا و ناسپاسی در برابر ربوبیت او است .

و من يدع مع الله . . . إنه لا يفلح الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۹

۹ اکثر مردم در نیمه نخست بعثت ، نعمت قرآن را قدر نشناخته و بدان بی اعتنایی کردند .

و لقد صرّفنه بينهم ليدّكروا فآبى أكثر الناس إلا كفورا

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است که نیمه نخست دوران بعثت در همین شهر سپری شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۸

۲۸ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : . . . الوجه الثالث من الكفر النعم و ذلك قوله تعالى يحكى قول سليمان > هذا من فضل

ربى ليلونى

ءأشكر أم أكفر ... < ;

از امام صادق(ع) روایت شده است:..قسم سوم از اقسام کفر، کفران نعمت ها است و این سخن خداوند متعال است که از زبان سلیمان(ع) حکایت می کند: <...لیلونی ءأشكر أم أكفر>».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۵

۵ - بازگشت رهیدگان از ناملایمات ، به شرک ، کفران نعمت های خدا است .

فلما نجيهم إلى البرِّ إذا هم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ - مشرکان مکه ، به خاطر ناسپاسی نعمت های الهی ، از سوی خداوند سرزنش شدند .

أولم يروا أننا جعلنا حرمًا ءامنا .. أفتالبطل يؤمنون و بنعمه الله يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۲

۲ - بازگشت رهیدگان از ناملایمات به شرک ربوبی ، کفران نعمت های خداوند است .

بربهم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم

به قرینه <ما آتیناهم> مراد از <لیکفروا> کفران نعمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۱۸

۱۸ - انسان ها ، به رغم بهره مند بودن از نعمت و فواید باد ، ممکن است از شکر آن نعمت ، سرباز زنند .

و لعلکم تشکرون

<لعلّ> از حروف شبیه به فعل و برای انشا و رجا است استعمال آن در آیه، می تواند به منظور اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان -

۱۳ - کفران نعمت های الهی ، هیچ تأثیری بر خداوند ندارد .

و من كفر فإنَّ الله غني حميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - انسان ، در معرض ناسپاسی نسبت به نعمت های الهی و حقوق والدین و نیازمند به تذکر است .

و وصينا الإنسن بولديه .. أن اشكرلى و لولديك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۱۹

۱۹ - چشم بستن بر مظاهر وجود خدا و پرداختن به جدال های جاهلانه درباره او ، کفرانِ نعمت است .

ألم تروا أن الله .. و أسبغ عليكم نعمه ... و من الناس من يجدل فى الله بغير

ذکر <و من الناس.. > پس از بیان آیات خداوند که از جمله آنها وُفُورِ نعمت بود می تواند اشاره به نکته مذکور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۴ - ۲

۲ - شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های الهی است .

أفلايشكرون . و اتخذوا من دون الله ءالهه

از ارتباط میان آیه قبل که از ناسپاسی انسان سخن به میان آورده است و آیه شریفه، برداشت یاد شده به دست می آید، یعنی،

شرک و بت پرستی در واقع نوعی ناسپاسی به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۲

۲۲ - شرک به خدا و اطاعت از غیر او ، کفران نعمت خدا و ناسپاسی او

است .

و الذین اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ .. إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَذِبٌ كَفَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۳

۳ - کفر و شرک ، کفران نعمت های الهی است .

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مقصود از کفر در <إِنْ تَكْفُرُوا> به قرینه مقابله با <إِنْ تَشْكُرُوا..> کفران نعمت و ناسپاسی است. بنابراین یاد کردن خداوند از کافران و مشرکان به ناسپاسان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۵، ۹

۹ - انسان در برابر نعمت ها و لطف های خداوند ، موجودی ناسپاس است .

وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْبٌ دَعَا رَبَّهُ .. ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ

۱۵ - شرک به خداوند ، کفران نعمت های الهی است .

ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ .. وَ جَعَلَ لِلَّهِ أُنْدَادًا

<نَدَّ> (مفرد <انداد>) به معنای مثل و نظیر است و مقصود از آن شریک در کار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ - برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها به همراه غفلت از یاد خدا و ناشکری ، محنت زا و بلاآفرین است .

ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِمَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ

یکی از موارد کاربرد <فتنه>، محنت و بلا-است و برداشت بالا- مبتنی بر این معنا است. بر این اساس می توان گفت:

برخورداری

از آسودگی و نعمت‌ها، به همراه این تصور که آنها ناشی از دانش بشری است نه لطف الهی، نه تنها برای بشر نعمت نیست بلکه در دنیا و آخرت نعمت و بلا خواهد بود. گفتنی است آیه بعد که از روبه رو شدن مرفهان بی خبر از خدا با عذاب و بدبختی و کارساز نبودن برخوردار می‌گردد، سخن می‌گوید مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۳، ۱۵

۱۳ - ناسپاسی، رفتاری ریشه دار در انسان‌ها و خصیلتی مشترک میان آنان

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

تصریح به لفظ <ناس> در جمله <و لكن أكثر الناس لا يشكرون> به جای ضمیر <هم> که به <الناس> قبل بازمی‌گردد می‌تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۱۵ - عبادت غیر خدا و حاجت خواهی از غیر او، کفران نعمت‌های الهی است.

قال ربِّكم ادعوني أستجب لكم .. الله الذي جعل لكم آيلا ... و لكن أكثر الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ - غرور دنیاگرایان، موجب ناسپاسی آنان نسبت به خداوند

ليقولن هذا لي .. و لئن رجعت إلى ربِّي إن لي عنده للحسنى

بنابراین که لام در <هذا لي> و <إن لي> افاده استحقاق کند، روشن می‌شود که دنیاگرایان خود را مستحق برخورداری از نعمت‌های دنیوی و اخروی می‌دانند و بدین جهت خویشتن را موظف به سپاس‌گزاری در برابر خداوند نمی‌بینند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۲۰

۲۰ - نسبت دادن ناگواری ها و سختی های زندگی به خداوند ، کفران و ناسپاسی است .

بما قدّمت أیدیهم فإنّ الإنسان کفور

خداوند باتصریح به <بما قدّمت أیدیهم>، درصدد رفع این اندیشه باطل است که معمولاً انسان های سطحی، مشکلات زندگی خود را به او نسبت می دهند و احتمال نمی دهند که نتیجه کارهای خودشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۸

۸ - ناخرسندی از داشتن فرزند دختر یا پسر ، کفران نعمت الهی و ناخرسندی از مشیت و موهبت او است .

فإنّ الإنسان کفور .. یهب لمن یشاء إنثاً و یهب لمن یشاء الذکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۷

۷ - پرستش مخلوقات خدا (فرشتگان) و فرزند او انگاشتن آنان ، اقدامی ناسپاسانه و کفرآمیز

و جعلوا له .. إنّ الإنسان لکفور مبین

با توجه به فضای آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان مکه فرشتگان را فرزند خدا می دانستند و آنان را مورد پرستش قرار می دادند. خداوند، پس از یاد کردن نعمت های خویش، این پندار را نمونه بارز ناسپاسی می شمارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعیننا جزاء لمن کان کفر

مراد از <لمن کان کفر> نوح است که

مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۰ - ۴

۴ - نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفرء یتیم الماء .. فلولا تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۶

۶ - > عن أبي جعفر (ع) فی قوله < إلاً من تولی و کفر > یرید من لم یتعظ و لم یصدّقک و جحد ربوبیتی و کفر نعمتی ..
;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <إلاً من تولی و کفر> روایت شده است: مقصود کسی است که موعظه نمی پذیرد و تو را [ای محمد] تصدیق نمی کند و پروردگاری مرا منکر است و نعمت من را کفران می کند. <..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۶

۶ - گرفتاری به طغیان ، برای کسانی که در سایه کرم خداوند و به کمک علوم خدادادی ، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند ، خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است .

الأکرم . الذی علّم ... کلاً إنّ الإنسن لیطغی . أن رءاء استغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۱،۷

۱ - انسان ، دارای طبیعتی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

إنّ الإنسن لرّبّه لکنود

<ال> در <الإنسان> برای جنس

است و بر استغراق افراد دلالت دارد. <کنود>، به معنای کفور است. برخی از قبایل عرب، آن را در معنای <عاصی> به کار می‌برند. اسناد این خصلت به عموم مردم، به معنای گرفتار بودن نوع انسان‌ها به آن است.

۷- خداوند، در تأکید بر ناسپاس بودن نوع انسان‌ها، به اسبان تیزپای مجاهدان سوگند یاد کرده است.

و العدیت .. إنَّ الإنسانَ لِرَبِّهٖ لَکَنُودٌ

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۱۳

۱۳ خودداری از انفاق، کفران نعمت و ستمگری است.

انفقوا ممَّا رزقناکم .. و الکافرون هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۶ - ۵،۶،۹

۵ ناسپاسان از نعمت‌ها و گنهکاران، محروم از محبت الهی

و الله لا یحبّ کلّ کفّار اثم

۶ رباخواران، ناسپاسانی گنهکار و محروم از محبت الهی

یمحقّ الله الرّیوا .. و الله لا یحبّ کلّ کفّار اثم

کلمه <کفّار> (بسیار ناسپاس) و کلمه <اثم> (فرو رفته در گناه و آلودگی) پس از بیان ربا و رباخواری، اشاره به این معنا دارد که رباخواران از جمله مصادیق انسانهای ناسپاس و آلوده به گناهند.

۹ رباخواری، ناسپاسی شدید نعمت و گنهکاری است.

یمحقّ الله الرّیوا .. و الله لا یحبّ کلّ کفّار اثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۰

و ناسپاسی نعمت های الهی ، موجب روسیاهی در قیامت *

و اذکروا نعمت الله .. فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتهم بعد ایمانکم

بنابراینکه <اکفرتهم> به معنای کفران نعمت باشد. و به مقتضای ارتباط با آیات قبل مراد از نعمتهای کفران شده همان نعمتهایی است که در آیات قبل آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۷، ۱۲، ۱۱، ۵، ۴

۴ خداوند کسانی را که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند ، دوست ندارد .

و بالوالدین احساناً .. و یکتمون ما اتیهم الله من فضله

۵ فقرنمایی و پنهان سازی نعمت های الهی ، دستاویز بخیلان برای ترک احسان

الذین یبخلون .. و یکتمون ما اتیهم الله من فضله

۱۱ کسانی که به جهت ترک احسان نعمت های الهی را پنهان می سازند ، کافر هستند .

الذین یبخلون .. ما اتیهم الله ... و اعتدنا للکافرین

۱۲ بخیلان و دعوت کنندگان مردم به بخل ، کافر هستند .

الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل .. و اعتدنا للکافرین

۱۷ بخلورزی ، کفران نعمت های الهی است .

الذین یبخلون .. و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

با توجه به معنای لغوی کافر (ناسپاس)، می توان گفت مراد از کافران، ناسپاسان هستند که مصداق آن در آیه، همان بخیلانند.

کفران نعمت اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۱

۱۱ - بیشتر مردم ، نسبت به نعمت ها و احسان های خداوند ، شاکر و سپاس گزار نیستند .

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلٰی

الناس و لكنْ أكثر الناس لا يشكرون

کفران نعمت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۳، ۱۴

۱۳- انسان در برابر نعمت های بیکران الهی ، بسیار ستم پیشه و ناسپاس است .

و إن تعدّوا نعمت الله لا تحصوها إنّ الإنسان لظّولم کفّار

<ظلولم> و <کفّار> صیغه مبالغه است و بر کثرت و فراوانی معنای خود دلالت دارد.

۱۴- انسان به خویشتن ستمکار و در برابر نعمت و احسان ، بسیار ناسپاس است .

و إن تعدّوا نعمت الله لا تحصوها إنّ الإنسان لظّولم کفّار

مقصود از <ظلولم> بودن انسان، به قرینه بیان نعمتها و داده های الهی به وی، ظلم به خویشتن است.

کفران نعمت در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۵

۵- قرار گرفتن جامعه در معرض کفران نعمت های الهی پس از آسایش و رفاه مادی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه یأتیها رزقها رغداً . . . فكفرت بأنعم الله

کفران نعمت قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱

۱ - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلّناهم بجنّتهم . . . ذلك جزينهم بما كفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش، احتمال دارد مراد از <کفروا> کفران باشد.

کفران نعمت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز، مردمی ناسپاس بوده

و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة قليلاً ما تشكرون

کفران نعمت مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۴۰

۳ - ناسپاسی انسان ها در برابر آسودگی ها و نعمت های الهی ، دارای پیشینه طولانی در تاریخ قشر مرفه و متنعم جامعه

قال إنما أوتيته على علم .. قد قالها الذين من قبلهم

۴ - همسانی طرز تلقی مرفهان ناسپاس از دنیا و نعمت های آن ، و یگانگی موضع آنان در برابر اندیشه توحیدی پیامبران

قال إنما أوتيته على علم .. قد قالها الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۷

۷ - همسانی سرنوشت هلاکت بار مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذين من قبلهم .. فأصابهم سيئات ما كسبوا و الذين ظلموا من هؤلاء سيصي

کفران نعمت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۴

۴ - مشرکان ، به رغم کفران نعمت های خداوند ، از امکانات و وسایل آسایش در دنیا ، بهره مندند .

هم یشرکون . لیکفروا بما آتینهم و لیتمتعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۰

۲۰ - مشرکان ، مردمی دروغ پرداز و ناسپاس

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء . . . إنّ اللّٰه لا یهدی من هو کذب کفّار

کفران نعمت مشرکان مکّه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۸

۸ - مشرکان مکه ، به نعمت های خداوند ، کفر ورزیدند .

هم یشرکون ... و بنعمه الله یکفرون

کیفر کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۶

۶- مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان مطلع خواهند شد .

بربهم یشرکون ... فتمتعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۷، ۷

۷- کمترین کیفر الهی برای جامعه ناسپاس ، پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی فراگیر است . *

فأذفها الله لباس الجوع و الخوف

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <اذاق> اشاره به چشاندن و ظاهر ساختن گوشه ای از کیفر باشد و <لباس> اشاره به اثرات و فراگیری آن کیفر داشته باشد.

۱۷- > عن أبي عبد الله (ع) قال : ... ان أهل قرية ممن كان قبلكم كان الله قد أوسع عليهم حتى طغوا فقال بعضهم لبعض : لو عمدنا إلى شيء من هذا النقي فجعلناه نستنجي به كان ألين علينا من الحجارة فلما فعلوا ذلك بعث الله على أرضهم دواباً أصغر من الجراد فلم يدع لهم شيئاً خلقه الله ... إلا أكله من شجر أو غيره فبلغ بهم الجحد إلى أن أقبلوا على الذي كانوا يستنجون به فأكلوه و هي القرية التي قال الله : > ضرب الله مثلاً قرية كانت آمنه مطمئننه يأتيها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع و الخوف بما كانوا يصنعون

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود:.. قبل از شما اهل قریه ای بودند که خداوند در زندگی به آنان کشایش داده بود تا اینکه طغیان کردند و بعضی به بعض دیگر گفتند: اگر به چیزی از این نانها روی آوریم و آن را وسیله استنجا قرار دهیم، برای ما از سنگ نرم تر خواهد بود و چون چنین کردند، خداوند جنبنده های کوچک تر از ملخ را بر سرزمینهای آنان فرستاد و آنها همه چیزهایی که خداوند آفریده بود از درخت و غیر آن خوردند. در نتیجه سختی به جایی رسید که آنان به همان نانهایی که با آن استنجا کرده بودند، روی آوردند و آنها را خوردند و آن همان قریه ای است که خداوند فرموده است: ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه ...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان ، مطلع خواهند شد .

بربهم یشرکون . . فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۱۹ - ۳۴ - ۷

۷ - مردم سبأ ، به دنبال کفران نعمت های خدا و جاری شدن سیل سد مأرب ، به طور کلی متلاشی و پراکنده شدند .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم . . و مرفنهم کل ممزق

<مزق> در لغت به معنای پاره کردن و از بین بردن اثر آمده و در آیه پراکندن در اطراف و اکناف بلاد است (مجمع البحرین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ -

۵ - مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامدهای هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها به قرینه صدر آیه بعد (فأصابهم سيئات ما كسبوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۶

۶ - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها است .

قتل الإنسان ما أكفره

مراد از <کفر> در <ما أكفره> ممکن است کفران نعمت های خداوند باشد که آیات بعد به بعضی از آنها اشاره دارد. نفرین <قتل الإنسان> در معنای عرفی آن که بیان استحقاق شدیدترین عقوبت ها می باشد استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۹

۹ عذاب خوارکننده ، کیفر کسانی که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند .

و يكتُمون ما اتىهم الله من فضله و اعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ - طغیان در مورد نعمت های خداوند و خروج از مرز تعادل ، گناهی است بس بزرگ .

و لاتطغوا... و من يحلل عليه غضبي فقد هوى

غضب خداوند بر طغیان گران در مورد نعمت ها، نشانه بزرگی گناه آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۹

۹ - کفران

نعمت های الهی ، گناهی بس بزرگ و غیرقابل بخشش در پیشگاه خداوند

و هل نجزی إلا الكفور

تأکید خداوند بر این که تنها کفران کنندگان نعمت ها، مورد مجازات قرار می گیرند، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۶

۶ - سپاس نعمت های الهی و اعتراف به آن ، تکلیفی بس مهم و انکار و ناسپاسی آن ، گناهی بس عظیم

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

از ده ها بار تکرار <فبأئىء الآء..> در این سوره، می توان برداشت بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۳

۳ - هدایت ، نعمتی است بزرگ و کفران آن ، گناهی عظیم و نابخشودنی است .

إنّا هدینه السبیل . .. إنّنا أعتدنا للكفرین ... سعیراً

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا به دست می آید.

مراتب کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۸

۸ - کفر ، ناسپاسی شدید است و کفران ، مردمی بس ناسپاس اند .

والذین کفروا لهم نار جهنّم .. کذلک نجزی کلّ کفور

منشأ کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - محبت و دل‌بستگی به دنیا ، سرچشمه گناه ، کفر و ناسپاسی است .

و لا تطع منهم ءاثمًا أو کفورًا .. إنّ هؤلاء یحبون العاجله

موارد کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ تبعیت از ولایتهای غیر الهی و تکذیب آیات خداوند، ناسپاسی نعمتهای اوست.

و لا تتبعوا من دونه أولياء .. قلیلا ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۸

۸ بهره جویی های ظالمانه از دنیا ، ناسپاسی در برابر خداست .

لئن أنجیتنا من هذه لنكوننَّ من الشکرین. فلما أنجیهم إذا هم یبغون فی الأرض بغیر ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ تحریم حلال خدا ، ناسپاسی در برابر فضل اوست .

فجعلتم منه حراماً و حلالاً .. إن الله لذو فضل علی الناس و لکن اکثرهم لایشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ ایجاد اختلاف و برهم زدن وحدت جامعه ، در عین برخورداری از رفاه و آسایش ، کفران و ناسپاسی نعمت های خداوند است .

و لقد بوأنا بنی اسرائیل مبعواً صدق .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۴

۲۴ ارتکاب گناه ، ناسپاسی و کفران نعمت های الهی است .

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۵

۲۵ شرک ورزی ، ناسپاسی در برابر خداست .

و لکن أكثر الناس لا يشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷

۱۴- < عن الصادق (ع) : ... إن الكبائر ... كفران النعمه > و لئن كفرتم إن عذابی لشدید < ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که در بیان گناهان کبیره فرمود: .. همانا از گناهان کبیره ... کفران نعمت است [خداوند می فرماید]: و لئن كفرتم إن عذابی لشدید...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۱

۱- شرک به خدا ، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست .

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً .. و جعلوا لله أنداداً

جمله < و جعلوا لله أنداداً > عطف بر جمله < بدلوا نعمت الله .. > است و می تواند بیان و تفسیر برای چگونگی تبدیل نعمت الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۷

۷- به کار نگرفتن عقل در جهت شناخت حق و صراط مستقیم ، مصداق بارز ناسپاسی

و إنك لتدعوهم إلى صراط مستقیم .. أنشأ لكم السمع ... قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۶ - ۶

۶- شرک و عبادت غیر خدا ، ناسپاسی پروردگار است .

بل الله فاعبد و کن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۹

۹- پیمودن راه دین ، شکر نعمت خداوند و انحراف از آن ، ناسپاسی او است .

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ

- فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۵

۵ - افتخار بر دیگران در امتیازات مادی ، کفران نعمت و زمینه ساز گرفتاری به دوزخ پس از حسابرسی است .

أَلْهِكُمْ التَّكَاثُرَ .. ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

موانع کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۵

۵ - توجه انسان به مراحل آفرینش خویش به دست خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت های الهی

ما أَكْفَرَهُ . مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ

در برداشت یاد شده، مراد از کفر در آیه قبل کفران نعمت دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۴ - ۴

۴ - توجه به تأمین مواد غذایی انسان از سوی خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت و وادارسازنده او به شکرگزاری است .

ما أَكْفَرَهُ .. فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ

چنانچه <کفر> در <ما أكفراه> به معنای کفران نعمت باشد، ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۳

۳ - توجه به جنگل های انبوه و درختان تناور ، مایه شناخت خداوند و قدرت او و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أَكْفَرَهُ .. فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانَ ... حَدَائِقَ غُلْبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۱ - ۳

۳ - توجه به باغ های میوه و مرغزارها ، مایه شناخت خدای قادر و بازدارنده انسان از ناسپاسی و

کفرورزی به او است .

ما أکفره . . . و فکّهه و أباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۵

۵ - توجّه به ربوبیت و مدبّر بودن خداوند ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ها است .

لربّه لکنود

تقدیم <لربّه>، بیانگر اهتمام به آن است؛ یعنی، شگفتا که انسان با آن که خداوند <ربّ> و <مدبّر> او است، به کفران نعمت او رو آورده است!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۳

۳ - لحظه خروج مردگان از قبرها در قیامت ، وحشت انگیز و توجّه به آن ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ، بخلورزی و دل بستگی شدید به ثروت است .

لکنود . . . أفلا یعلم إذا بعث ما فی القبور

مؤاخذه بر کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۵

۵ - انسان ها در قیامت ، بر کفران نعمت ، بخلورزی و علاقه شدید به ثروت ، مؤاخذه خواهند شد .

لکنود . . . لحبّ الخیر لشدید . أفلا یعلم ... إنّ ربّهم بهم یومئذ لخبیر

هشدار به آگاهی خداوند از افکار، اسرار و نیت ها، اشاره به مؤاخذه و حسابرسی است.

ناپسندی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۶

۱۶- ناسپاسی در برابر نعمت و احسان ، امری بس نکوهیده و ناپسند است .

و إن تعدّوا نعمت الله لا تحصوها إنّ الإنسان لظّولم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹

۱۲ - ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی ، اموری نکوهیده اند .

أفبالبطل يؤمنون و بنعمه الله يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۶

۶ - کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

نبوت و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۵

۵ - قتل نفس و ناسپاسی نعمت ، دو رفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

و فعلت فعلتك التي فعلت و أنت من الكافرين

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی(ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد که در آن حضرت موسی(ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد مؤید برداشت یاد شده است.

نشانه های کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۶

۶- روی برتافتن از یاد خدا در پی نجات از مشکلات ، نمودی از کفر به حق و کفران نعمت است .

أعرضتم .. فيغرقكم بما كفرتم

از اینکه خدا از اعراض یاد خود به کفر (کفرتم) یاد کرده است، استفاده می شود که اعراض از خدا، کفر به اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۹،۱۰

۹ - بی توجهی به نعمت های

الهی ، و تدبیر او در همسازی طبیعت با نیاز های آدمی ، نمودی آشکار از کفر و ناسپاسی انسان

جعل لكم من الفلك و الأنعام . .. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ

۱۰ - شرک ، نمودی از کفر و ناسپاسی انسان ، در برابر خالق یگانه هستی است .

و جعلوا له من عباده جزءاً إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۲

۲ - رویارویی با سپاه اسلام ، نشانه ناسپاسی انسان در برابر نعمت های خداوند است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

بیان خصلت های ناروایی که در نوع انسان ها وجود دارد پس از تمجید از سپاهیان اسلام در آغاز سوره تعریض به دشمنان دین است و رسوخ آن خصلت ها را در آنان بیان می کند.

نهی از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۴

۴- موسی (ع) ، بنی اسرائیل را از کفران نعمت های الهی برحذر داشت .

و إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ . .. وَقَالَ مُوسَى إِنَّ تَكْفُرًا أَنتُمْ وَمَنْ ف

وضوح کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۶

۶ - کفران و ناسپاسی انسان در برابر خداوند ، امری علنی و پوشش ناپذیر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ

یوسف (ع) و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۲

۲۲ یوسف (ع) ، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال

و آمیزش) را ، کفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إنه ربی أحسن مثوای

کلاغ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{کلاغ}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲۷

۲۷ طاووس ، خروس ، کبوتر و کلاغ ، چهار پرندۀ ای که ابراهیم (ع) برگزید .

فخذ اربعة من الطير

امام صادق (ع): .. فاخذ ابراهيم الطاووس و الديك و الحمام و الغراب ...

تفسیر قمی، ص ۹۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۱۰۹۸.

تاریخ خلقت کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ وجود کلاغ در زمان حضرت آدم (ع)

فبعث الله غراباً

تعلم از کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۸، ۶، ۵، ۲، ۱

۱ خداوند کلاغی را برای آموزش دفن هاییل به سوی قابیل گسیل داشت .

فبعث الله غراباً .. ليريه كيف يورى سوءه اخيه

۲ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن ، قابیل را به کیفیت دفن جثه هاییل رهنمون ساخت .

فبعث الله غراباً يبعث في الارض ليريه كيف يورى سوءه اخيه

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قابیل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هاییل

فبعث الله غراباً يبعث في الارض ليريه كيف يورى سوءه اخيه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در < لیریه > به < غراب > برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قابیل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نمان می ساخت.

۶ فاصله

زمانی اندک میان مرگ هابیل و گسیل کلاغی برای آموزش قایل

فقتله ... فبعث الله غراباً

عطف <بعث> بر <قتله> به وسیله <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

۲۸ حفر زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر پس از زد و خورد میان آنها، راهنمای قایل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاد(ع) روایت شده: ... فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقی الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

شعور کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۸، ۶، ۵، ۲

۲ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن، قایل را به کیفیت دفن جثه هابیل رهنمون ساخت.

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قایل، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هابیل

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در <لیریه> به <غراب> برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قایل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نمان می ساخت.

۶ فاصله زمانی اندک میان مرگ هابیل و گسیل کلاغی برای آموزش قایل

فقتله ... فبعث الله غراباً

عطف <بعث> بر <قتله> به وسیله <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

۲۸ حفر زمین و دفن کلاغ کشته

شده توسط کلاغ دیگر پس از زد و خورد میان آنها، راهنمای قبیله در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث الله غراباً يبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاده (ع) روایت شده: .. فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقی الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

علم کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ آگاهی غریزی کلاغ بر شیوه پنهان سازی اشیا

فبعث الله غراباً يبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

قدرت کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۰

۲۰ تأسف قبیله بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

کلمه الله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

اعتلای کلمه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۸، ۱۹

۱۸ > کلمه الله < (شعار توحید) ، دارای برتری مطلق بر شعار کفر

و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و کلمه الله هی العلیا

۱۹ رهایی پیامبر (ص) از توطئه کافران مکه و اعتلای کلمه الله ، جلوه عزت (شکست ناپذیری) و حکمت خدا

فقد نصره الله إذ أخرجہ .. کلمه الله هی العلیا و الله عزیز حکیم

زمینه اعتلای کلمه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰

۱۷ نقش مهم هجرت پیامبر (ص)، در فروشکستن صولت و شعار کفر و اعتلا یافتن کلمه الله

فقد نصره الله إذ أخرجه .. و جعل كلمه الذين كفروا السفلى و كلمه الله هي العلى

عوامل اعتلای کلمه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ نصرت های خاص الهی به پیامبر (ص)، عامل فرو شکستن شعار و صولت کافران و اعتلا یافتن کلمه الله (شعار توحید)

فقد نصره الله .. و جعل كلمه الذين كفروا السفلى و كلمه الله هي العليا

کلمات الله

{کلمات الله}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۶، ۱۳

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذى أنزل إليكم الكتب .. و تمت كلمت ربك صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

۳ نزول معجزات و محدوده آن، وارونه ساختن دل و دیده کافران، و قرار دادن دشمن برای پیامبران، از سنتها و کلمات خداوند و غیر قابل تغییر است.

إنما الأيت عند الله .. و نقلب ... و كذلك جعلنا ... و تمت كلمت ربك

در آیات گذشته چند سنت و قانون الهی یاد شد، از جمله: <نقلب أفئدتهم> و <ما كانوا ليؤمنوا> و <لكل نبي عدوا>. لذا اگر مراد از <کلمت>، سنن باشد، همه موارد ذکر شده را می تواند شامل گردد.

۱۶ ارائه کلمه تامه پروردگار (قرآن) با در نظر گرفتن همه

شبهات و بهانه های مخالفان انجام پذیرفته است.

و تمت کلمت ربك صدقا و عدلا .. و هو السميع العليم

از وجوه محتمل در بیان تناسب <السمیع> با مضمون آیه آن است که ذکر این وصف برای اشاره به شبهات و القائاتی است که درباره قرآن مطرح می شود. یعنی کلام خداوند تمام است و او شبهات را نیز در نظر داشته و با عنایت به آنها قرآن را نازل فرموده است.

بی شماری کلمات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۷ - ۱،۲،۶

۱ - کلمات الهی (مخلوقات) بی نهایت و غیر قابل شمارش اند .

و لو أنما .. ما نفدت کلمت الله

۲ - در صورت تبدیل شدن همه درختان زمین به قلم و مرکب شدن دریا های متعدد (بیش از هفت دریا) جهت کتابت کلمات الهی ، کلمات خداوند تمام نخواهد شد .

لو أنما فی الأرض من شجرة أقلم و البحر یمدّه من بعده سبعة أبحر ما نفدت کلمت ال

<من> بیان برای <ما>ی موصول است و آوردن <شجره> با تای وحدت به جای <شجر> برای این است که افاده استغراق کند به گونه ای که یکایک درختان را در برگیرد. گفتنی است که <سبعة أبحر> دلالت بر کثرت می کند و <من بعده> به معنای <بعد از اتمام آن دریا> و یا غیر از آن است.

۶ - عزت و حکمت خداوندی ، دلیل بی شماری کلمات و مقدرات او است .

ما نفدت کلمت الله إنّ الله عزیز حکیم

جمله <إنّ الله عزیز حکیم> به منزله تعلیل برای <مانفدت..> است. بنابراین، معنا

چنین می شود: < کلمات خداوند، پایان ناپذیر است / چون او حکیم و عزیز است >.

تبدیل کلمات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۳

۱۳ هیچ تبدیل کننده ای برای کلمات و سنتهای الهی وجود ندارد.

و لا مبدل لکلمت الله

تغییر ناپذیری کلمات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۴

۱۴ کمال دین و تبدیل ناپذیری کلمات خدا بر اساس شنوایی و علم گسترده اوست.

و تمت کلمت .. و هو السميع العليم

مراد از کلمات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۷

۱۷ عن النبي (ع) فی قوله < و تمت کلمه ربک صدقا و عدلا > قال: لا إله إلا الله.

از رسول خدا (ص) روایت شده است: مراد از < کلمه ربک در آیه > و تمت کلمه ربک .. < > لا إله إلا الله < است.

کلمه توحید

اظهار کلمه توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۱ - ۱۶

۱۶ - > عن الباقر (ع) في قول الله تبارك و تعالی > قل هو الله أحد > قال > قل < أي أظهر ما أوحينا إليك و نبأناك به بتأليف الحروف التي قرأناها لك . . . و > هو < اسم مكّنى مشار إلى غائب فالهاء تنبيه على معنى ثابت و الواو اشاره إلى الغائب عن الحواس ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند تبارك و تعالی >قل هو الله أحد< روایت شده که فرمود: >قل< یعنی، آشکار

کن آنچه را به تو وحی کردیم و تو را از آن به وسیله ترکیب حروفی که برایت خواندیم، آگاه ساختیم. <هو> اسمی است که با آن به غایب به صورت غیر صریح اشاره می شود. <هاء> یاد آور یک حقیقت ثابت و <واو> اشاره به وجودی است که از حواس پنهان می باشد (با حواس ظاهری قابل درک نیست).

پاکی کلمه توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۴ - ۴

۴ - کلمه توحید (لا اله الا الله) ، سخنی پاک و پسندیده است .

و هدوا إلى الطيب من القول

با توجه به عبارت پیشین که سخن از اهل توحید و اهل شرک و فرجام کار موحدان و مشرکان بود می توان گفت که مراد از <الطيب من القول> کلمه توحید (لا اله الا الله) و مراد از <صراط الحمید> عبادت خدای یگانه است.

جذابیت کلمه توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶ - ۷

۷ - کلمه توحید و شعار <لا إله إلا الله> سخنی جذاب و گیرا برای مردم عصر بعثت

و إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون . و يقولون ... لشاعر

کلمه توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۷

۱۷ عن النبي (ع) في قوله <و تمت كلمه ربك صدقا و عدلا> قال: لا إله إلا الله.

از رسول خدا(ص) روایت شده است: مراد از <کلمه ربك در آیه <و تمت كلمه ربك .. > <لا إله إلا الله>

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۵ - ۲

۲ - < لا إله إلا الله > شعار پیامبر اسلام (ص)

إذا قيل لهم لا إله إلا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۱ - ۳

۳ - کلمات توحید ، باید بر زبان جاری گردد .

قل

کلمه توحید در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۶ - ۷

۷ - کلمه توحید و شعار < لا إله إلا الله > سخنی جذاب و گیرا برای مردم عصر بعثت

و إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون . و يقولون... لشاعر

کم فروشی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کم فروشی

آثار کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۵ - ۳

۳ شرکوری ، ستمگری ، کم فروشی و بی عدالتی در مبادلات ، عامل های دوری از رحمت خدا و زمینه ساز هلاکت است .

و إلی مدین آخاهم شعیبًا .. ألا بُعدًا لمدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۳ - ۴

۴ - کم فروشی ، تقلب در معامله و بی ارزش شمردن متاع مردم ، از نمود های فسادگری است .

أوفوا الکیل .. و لاتبخسواالناس أشیاءهم و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۷ - ۵

۵ - کم فروشی ، از بین برنده دیانت انسان و نمونه ای از فسق و سرکشی در برابر خداوند است

ویل للمطفّفين . . . کلاً إنّ کتب الفجّار لفي سجّين

<فجور> یعنی، دریدن پرده دیانت (مفردات راغب) و به معنای فسق و عصیان نیز آمده است (قاموس). ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر این است که از <فجّار>، همان <مطفّفين> اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفّفين - ۸۳ - ۱۰ - ۳

۳ - کم فروشی و خیانت در معامله ، تکذیب عملی روز قیامت است .

ویل للمطفّفين . . . ویل یومئذ للمکذّبين

آیات مورد بحث درباره <مطفّفين> است و آنان را با عناوین <فجّار> و <مکذّبين> تهدید به عذاب الهی می کند. مراد از <یومئذ> همان <یوم یقوم الناس...> است که در آیات پیشین گذشت. تکذیب می تواند، شامل تکذیب عملی و قولی باشد؛ بنابراین آیه اختصاص به کافران ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفّفين - ۸۳ - ۱۱ - ۳،۴

۳ - کم فروشی و گناه پیشگی ، تکذیب عملی کیفر های اخروی است .

ویل للمطفّفين . . . کلاً إنّ کتب الفجّار ... الذین یکذّبون بیوم الدین

۴ - کم فروشی ، زمینه ساز آلودگی به گناه و گناه زمینه ساز تکذیب قیامت است .

ویل للمطفّفين . . . کلاً إنّ کتب الفجّار ... الذین یکذّبون بیوم الدین

ترتیب آیات، ممکن است برخاسته از ترتیب پیدایش اوصاف ذکر شده در آن باشد.

آثار کم فروشی تاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفّفين - ۸۳ - ۳ - ۱

۱ - تاجرانی که در سنجش کالا خیانت ورزیده و هنگام فروش آن از پیمانہ و وزن می کاهند ، به عذاب الہی گرفتار خواهند

شد .

و إذا كالوهم أو وزنوهم يخسرون

اجتناب از کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۱

۱- وجوب کامل کردن پیمانہ و کم نگذاشتن از آن ، در معاملات کیلی

و أوفوا الكيل إذا كلتم

احکام کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۹ - ۲

۲- حرمت کم فروشی ، مغبون ساختن دیگران و کم نهادن سهم طرف مقابل در مبادلات اقتصادی

و أقيموا الوزن بالقسط ولا تخسروا الميزان

اهمیت اجتناب از کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۳

۳- خیر و مصلحت واقعی انسان و جامعه ، در اجتناب کردن از کم فروشی و خیانت اقتصادی است .

و أوفوا الكيل ... وزنوا بالقسطاس المستقيم ذلك خير

حرمت کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۹

۱۹ حرمت تصرف در اموال به دست آمده از راه ربا، قمار، کم فروشی و ظلم

لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل

امام باقر(ع) در مورد <بالباطل> در آیه فوق فرمود: بالزبا و القمار و البخس و الظلم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۷۸؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۵۹؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۰؛ نورالتقلین، ج ۱، ص ۴۷۲، ح ۱۹۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۶۸

۶ پرکردن پیمانها و مطابق بودن کالا با وزنه های ترازو، امری واجب

<کیل> به معنای پیمانۀ کردن و نیز به چیزی که با آن کیل می کنند (پیمانۀ) گفته می شود و در اینجا مراد معنای دوم است. ایفاء (مصدر اوفوا) به معنای اكمال و اتمام است. اتمام و اكمال پیمانۀ به این است که پیمانۀ مورد استفاده تا حد معمول آن پر شود و ایفاء و اكمال ترازو به این است که کالای توزین شده مطابق با وزنه های ترازو بوده و کمتر از آن نباشد.

۸ بی عدالتی و کمفروشی در معاملات از محرمات الهی است.

أتل ما حرم ربکم ... و أوفوا الكيل و الميزان بالقسط

جمله <أوفوا...> به دلیل <ما حرم ربکم>، بیانگر مصداقی از محرمات الهی است، بنابراین علاوه بر وجوب عدالت در مبادلات، حکایت از حرمت بی عدالتی و کمفروشی نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۵

۲۵ کمفروشی و کم مقدار و کم ارزش جلوه دادن اجناس مردم، حرام و از مصادیق فسادانگیزی در زمین است.

فأوفوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس أشياءهم و لا تفسدوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۵ - ۸

۸ کم فروشی و بی مقدار و کم ارزش جلوه دادن اجناس مردم، حرام و از مصادیق های فسادانگیزی در زمین است.

أوفوا المکیال و الميزان ... و لا تعثوا فی الأرض مفسدین

زیان کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۵

کم فروشی و خیانت اقتصادی ، به گمان جلب منافع بیشتر ، بد فرجام و عملی زیان آور و نامیمون است .

و أوفوا الكيل .. و زنوا بالقسطاس المستقیم ذلك خیر و أحسن تأویلاً

شگفتی کم فروشی مؤمنان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۴ - ۵

۵ - کم فروشی ، گناهی در خور منکران معاد است و صدور آن از باورداران آخرت مایه شگفتی است .

ألا یظنُّ أولئک أنهم مبعوثون

کم فروشی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۱ - ۲

۲ - تمام دادن پیمانانه و پرهیز از کم فروشی ، توصیه شعیب (ع) به مردم < ایکه >

أوفوا الكیل و لاتكونوا من المخرسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۲ - ۲

۲ - استفاده از ترازو های ناسالم ، از مشکلات اخلاقی مردم < ایکه > بود .

وزنوا بالقسطاس المستقیم

کم فروشی اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۱، ۲۰، ۱۹

۱۹ شعیب (ع) از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس پیمانانه ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نگاهند .

کلمه <کَیْل> مصدر است و در آیه مورد بحث به معنای چیزی است که به وسیله آن کیل می کنند ؛ یعنی پیمانہ. <ایفاء> (مصدر اوفوا) به معنای اتمام می باشد و <اتمام کیل> به این است که گنجایش پیمانہ مورد استفاده کمتر از حد

متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود. و ایفای میزان به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

۲۰ شعب از قوم خویش خواست تا به هنگام خرید ، اجناس مردم را کم تعدادتر و کم ارزشتر از آنچه هست جلوه ندهند .

و لا تبخسوا الناس اشیاءهم

<بخس> به این معناست که چیزی را کمتر از واقع و حقیقتش نشان دهند. در مفردات آمده است: <بخس> یعنی چیزی را ظالمانه ناقص شمردن.

۲۱ ابتلای قوم شعبیه به کمفروشی و بی عدالتی در امور اقتصادی ، بارزترین انحراف اجتماعی اقتصادی آنان بود .

فأوفوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس اشیاءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۷، ۱۹

۱۷ کم فروشی و بی عدالتی در امور اقتصادی ، رفتاری شایع در میان قوم شعبیه

و لاتنقصوا المکیال و المیزان

۱۹ قوم شعبیه ، علی رغم برخورداری از مکتب و دارایی و بی نیازی در گذران زندگی ، به کلاه برداری و کم فروشی روی آورده بودند .

لاتنقصوا .. اینی اریکم بخیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۵ - ۱، ۳

۱ شعبیه (ع) ، از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس ، پیمانانه ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نگاهند .

و یقوم أوفوا المکیال و المیزان بالقسط

<مکیال> یعنی <پیمانانه> و ایفای آن به این است که گنجایش پیمانانه مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا

حد معمول آن پر شود. و ایفای میزان به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده، کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

۳ کم فروشی و بی عدالتی در امور اقتصادی، بارزترین انحراف اقتصادی قوم شعیب

و یقوم أوفوا المکیال و المیزان بالقسط

کم فروشی اهل مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱ - ۵

۵ - > عن أبی جعفر (ع) [فی قوله تعالی <ویل للمطففین >] قال: نزلت علی نبیّ الله (ص) حین قدم المدینه و هم یومئذ اسوأ الناس کیلاً فأحسنوا الکیل ;

از امام باقر(ع) [درباره قول خدای تعالی <ویل للمطففین>] روایت شده است که فرمود: هنگامی که پیامبر خدا(ص) وارد مدینه شد، این آیه بر آن حضرت نازل گشت؛ در حالی که در آن زمان مردم مدینه در پیمانہ کردن از همه بدتر بودند (یعنی در وزن اجناس خیانت می نمودند) و پس از نزول این آیه، پیمانہ کردن را نیکو انجام دادند<

کم فروشی تاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲ - ۱

۱ - برخورد دوگانه تاجران، هنگام فروش کالا و خرید آن و به کار بردن سنجش دقیق با پیمانہ کامل تنها به هنگام خرید، مایه زیان جامعه و زمینہ ساز عذاب الهی است .

ویل للمطففین . الذین إذا اکتالوا علی الناس یتوفون

>اكتالوا<؛ یعنی، با پیمانہ کالا- را دریافت کردند. حرف <علی> در آیه شریفه جایگزین حرف <من> شده است تا نشانگر متضرر

شدن مردم از این گونه تجارت باشد.

کم فروشی صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱ - ۴

۴ - رواج کم فروشی در میان عصر بعثت

ویل للمطففین

کم فروشی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۴ - ۵

۵ - کم فروشی ، گناهی در خور منکران معاد است و صدور آن از باورداران آخرت مایه شگفتی است .

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

گناه کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱ - ۱

۱ - کم فروشی ، گناهی بزرگ است و کم فروشان به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل للمطففین

<طفیف> و <قلیل>، به یک معنا است. تطفیف کاستنی است که انجام دهنده آن در پیمانہ کردن و وزن کردن خیانت کند و <ویل> در اصل به معنای عذاب و هلاکت است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۴ - ۵

۵ - کم فروشی ، گناهی در خور منکران معاد است و صدور آن از باورداران آخرت مایه شکفتی است .

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

موانع کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۶۸

۶ - توجه به لحظه حضور در پیشگاه خداوند و در انتظار صدور حکم او بودن ، بازدارنده انسان از کم فروشی و خیانت به

اموال مردم

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ . . . يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

۸ - کم فروشی ، ناسازگار با اعتقاد به

ربوبیت خداوند بر جهان هستی

ویل للمطفّفين . . . یوم یقوم الناس لربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفّفين - ۸۳ - ۱۸ - ۷

۷ - توجّه به فرجام ارجمند نیکوکاران ، بازدارنده انسان از کم فروشی و بی توجهی به حضور یافتن در نزد خداوند

ویل للمطفّفين . . . یوم یقوم الناس لربّ العلمین ... کلاً إنّ کتب الأبرار لفی عل

نهی از کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۶

۱۶ شعب (ع) ، از مردم خویش خواست تا از مقدار پیمانۀ ها و وزنه ها ، نگاهند و از کم فروشی بپرهیزند .

و لاتنقصوا المکیال و المیزان

<مکیال> به معنای پیمانۀ است. ناقص گذاردن پیمانۀ ، یا به این است که آن را کم حجم تر از حد متعارف بسازند یا پیمانۀ متعارف را پر نکنند. <میزان> هم به معنای ترازوست. ناقص گذاردن ترازو، یا به این است که وزنه های مورد استفاده در آن کمتر از حد معمول باشد یا جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه های آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۵ - ۱

۱ شعب (ع) ، از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس ، پیمانۀ ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نگاهند .

و یقوم أوفوا المکیال و المیزان بالقسط

<مکیال> یعنی <پیمانۀ> و ایفای آن به این است که گنجایش پیمانۀ مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود. و ایفای میزان

به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده، کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۱ - ۲

۲ - تمام دادن پیمانانه و پرهیز از کم فروشی ، توصیه شعیب (ع) به مردم <ایکه >

أوفوا الكيل ولا تكونوا من المخسرین

کم فروشان

آثار تکذیب عذاب کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۵

۵ - کسانی که عذاب کم فروشان را تکذیب کنند ، در قیامت به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

ویل للمطففین . . . ویل یومئذ للمکذبین

مراد از <مکذبین> به قرینه آیه بعد تکذیب گران روز قیامت و رخدادهای آن اند و از مصادیق بارز رخدادهای قیامت، عذابی است که آیه <ویل للمطففین> بیان داشته است.

حتمیت احضار کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۲

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ویل للمطففین . . . ألا یظنُّ أولئک ... کلاً

حسابرسی اخروی کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ویل للمطففین . . . ألا یظنُّ أولئک ... کلاً

زمینه کیفر کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات حرام خواران و کم فروشان

ویل للمطفّفين .. يوم يقوم الناس لربّ العلمين

عذاب کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۹۴ - ۱۰

۱۰- ستمگران ، مشرکان و آنان که در مبادلات کم فروشی کرده و عدل و انصاف را رعایت نکنند ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی (عذاب استیصال) هستند .

و أخذت الذين ظلموا الصيحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- مطففين - ۸۳ - ۱ - ۱

۱- کم فروشی ، گناهی بزرگ است و کم فروشان به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل للمطفّفين

<طفيّف> و <قليل>، به يك معنا است. تطفيّف كاستنى است كه انجام دهنده آن در پيمانه كردن و وزن كردن خيانت كند و <ويل> در اصل به معنای عذاب و هلاكت است. (لسان العرب)

کم فروشان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- مطففين - ۸۳ - ۱ - ۲

۲- جهنم ، جایگاه کم فروشان است .

ویل للمطفّفين

<ويل> را برخی به معنای دره ای خاص در جهنم، یا یکی از درهای آن دانسته اند. (لسان العرب).

کم فروشان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۲

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ویل للمطففین . . . ألا یظنُّ أولئک ... کلا

کیفر اخروی کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین

۲ - قیامت ، روز کیفر دیدن کم فروشان

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

کیفر مکذبان عذاب کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۵

۵ - کسانی که عذاب کم فروشان را تکذیب کنند ، در قیامت به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ . . . وَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

مراد از <مکذبین> به قرینه آیه بعد تکذیب گران روز قیامت و رخدادهای آن اند و از مصادیق بارز رخدادهای قیامت، عذابی است که آیه <وویل للمطففین> بیان داشته است.

محافظت از نامه عمل کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۶

۶ - نامه عمل کم فروشان ، در جایگاهی پست نگه داری خواهد شد .

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ . . . إِنَّ كِتَابَ الْفَجَّارِ لَفِي سَجِينٍ

محرومیت کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۴ - ۶

۶ - کم فروشان ، از رحمت خداوند دور و محروم اند .

أُولَئِكَ

اسم اشاره <أولئك>، برای مشارالیه بعید به کار می رود که در آیه شریفه، گویای دوری کم فروشان از خداوند است.

مکان نامه عمل کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۶

۶ - نامه عمل کم فروشان ، در جایگاهی پست نگه داری خواهد شد .

ویل للمطففین . .. إِنَّ كُتُبَ الْفَجَّارِ لَفِي سَجِينٍ

مکذبان عذاب کم فروشان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین -

۵ - کسانی که عذاب کم فروشان را تکذیب کنند ، در قیامت به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

ویل للمطفّفين . . . ویل یومئذ للمکذّبین

مراد از <مکذّبین> به قرینه آیه بعد تکذیب گران روز قیامت و رخدادهای آن اند و از مصادیق بارز رخدادهای قیامت، عذابی است که آیه <ویل للمطفّفين> بیان داشته است.

کمال از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کمال

آثار کمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۴ - ۶

۶ - بی نیازی و واجد بودن همه کمالات ، شرط شایستگی برای ربوبیت و تدبیر امور عالم و آدم

و إِنَّ اللّٰهَ لَهوَ الغنّٰی الحمید

آثار کمال انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱۷

۱۷ زمینه های کمال و ارزش های انسان ، جبران کننده فسادگری های اوست .

أتجعل فیها من یفسد فیها . . . قال إنی أعلم ما لاتعلمون

چون خداوند پیش بینی فرشتگان مبنی بر فسادگری انسان را رد نکرد ولی با گوشزد کردن وجود استعدادی ویژه در او، خلقت و خلافت وی را موجه دانست^۲ معلوم می شود: وجود آن استعداد در بشر جبران کننده جهات منفی اوست.

آثار کمال عقل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مشاهده کمال عقلانی پیامبر (ص) از سوی معاشران آن حضرت ، دلیلی کافی بر مردود بودن ادعای جنون درباره او است .

و ما صاحبکم بمجنون

عنوان <صاحبکم> گویای مردود بودن اتهام جنون است؛ زیرا مصاحبت روز مرّه کسانی که به پیامبر(ص)

تهمت جنون می زدند، با آن حضرت، مایه شناخت وضعیت فکری آن بزرگوار بوده و دستاویزی برای نسبت جنون باقی نمی گذارد.

آثار کمال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۱۰

۱۰- کمال و عظمت قرآن و نبود کمترین کجی و انحراف در آن ، مقتضی حمد و ستایش در برابر پدیدآورنده آن است .

الحمد لله الذی .. لم يجعل له عوجًا

ایمان به کمال بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۲ - ۵

۵ - باور به خالقیت خداوند و کمال بخشی او ، زمینه ساز تسبیح نام او و پرهیز از همراه ساختن آن با هرگونه وصف نامناسب است .

سَبِّحْ اسْمَ .. الذی خلق فسوٰی

دلایل کمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۲

۲- آسمان ها و زمین و موجودات مستقر در آنها ، خود گویاترین دلیل بر کمال آفریدگار و تنزیه او از شریک و هرگونه نقص و کاستی است .

تَسْبِیحْ لِه السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ فِيهِنَّ

<تسبیح> در لغت به معنای <تنزیه> است (مفردات راغب) و <تنزیه> یعنی، دور دانستن خداوند از چیزهایی که بر او سزاوار نیست (مجمع البحرین). گفتنی است، تنزیه به دو صورت ممکن است: تنزیه به زبان گفتار و تنزیه به زبان حال. برداشت فوق مبتنی بر صورت دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۵

۵ - حاکمیت قانونِ زوجیت بر پدیده های

شناخته شده و ناشناخته جان دار جهان ، دلیل کمال خدا و میرا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزوج کلها . . . و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دار جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

زمینه کمال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۸

۸ - تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . . . بشریکم الیوم جنّت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

زمینه کمال مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۸

۸ - تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . . . بشریکم الیوم جنّت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

عوامل کمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۵

۵- تمامی انسان ها ، حتی پیامبران به عنایت خداوند در رشد و کمال نیازمنداند .

و لقد ءاتینا ابرهیم رشدہ من قبل

فقدان استعداد کمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۵

۵ فاقدان خیر و استعداد کمال ، ناشایست برای شمول هدایت های ویژه خداوند و توفیق یافتن به پذیرش معارف دین

و لو علم الله فيهم خيرا لاسمعهم

فطريت كمال طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۸ - ۷

۷ - رشد و طهارت ، اموری فطری و مطلوب همه انسان ها است .

و إن قيل لكم ارجعوا فارجعوا هو أزكى لكم

جمله <هو أزكى لكم> به منزله تعلیل است و تعلیل آن گاه صحیح است که شیء تعلیل شده (رشد یافته تر و پاکیزه تر بودن) مورد پذیرش مخاطبان باشد. بنابراین می توان گفت: رشد، بالندگی، طهارت و پاکی، امری مورد پذیرش و مطلوب همگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - رشد و طهارت ، مطلوب و فطری همه انسان ها است .

ذلک أزكى لهم

جمله <ذلک أزكى لهم> به منزله تعلیل است و تعلیل آن گاه صحیح است که شیء تعلیل شده (رشد و پاکی) مورد پذیرش مخاطبان باشد. بنابراین می توان گفت که پاکی و رشد، مورد پذیرش و مطلوب همگان است و این به سبب امری فطری خواهد بود.

کمال آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ جهان هستی خالی از هر نقص و کاستی است.

ما فرطنا فی الکتب من شیء

با توجه به صدر آیه، که بحث از موجودات هستی است، می توان گفت مراد از <الکتاب> کتاب تکوینی و جهان

هستی است و مراد از تفریط نکردن در آن نفی هرگونه نقص و کاستی می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۳ - ۵

۵ - جهان هستی ، به سوی کمال در حرکت است .

رَبِّ الْعَالَمِينَ

<رَبِّ>، به معنای تربیت کردن است و <تربیت> ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است تا آن گاه که به حد تمام و کمال برسد (مفردات راغب). این معنا حکایت از حرکت تکاملی دارد. گفتنی است که کلمه <رَبِّ> مشترک لفظی میان وصف و مصدر است و در آیه مورد بحث معنای وصفی دارد.

کمال ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۱،۴،۱

۱- ابراهیم (ع) از رشد و کمال والا در پرتو عنایت الهی برخوردار بود .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشد

۱- ابراهیم (ع) از رشد و کمال والا در پرتو عنایت الهی برخوردار بود .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشد

۴- ابراهیم (ع) در پرتو عنایت الهی ، از رشد و کمالات خاص از دوران کودکی و قبل از نبوت بهره مند بود .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشد من قبل

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از <من قبل> پیش از بلوغ و یا قبل از نبوت باشد.

کمال اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۳۲

۳۲ دین اسلام ، شریعتی کامل و مورد رضایت خداوند

الیوم اکملت لکم دینکم و رضیت لکم الاسلام دیناً

کمال انسان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱۹

۱۹ فرشتگان ، ناآگاه به زمینه های کمال و ارزش های والای انسان

إني أعلم ما لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۷

۷ - انسان ، دارای استعداد ها و کمالات برین

و صورکم فأحسن صورکم

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که مقصود از صورت ، شامل صورت ظاهری (شکل و شمایل) و باطنی (استعدادهای زاینده صنایع و کمالات) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۸

۸ - زیبایی و کمال ، از ویژگی های انسان و از نعمت های الهی برای او است .

خلق السموت .. فأحسن صورکم

برداشت یاد شده از آنجا که آیه شریفه در مقام امتنان و برشمردن نعمت های اعطایی به انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۶

۱۶ - از تبار نیکان و خداپرستان بودن ، از فضایل و کمالات آدمی

و کانت من القتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - انسان ، کامل ترین موجودات و ارجمندترین آفریده ها است .

لقد خلقنا الإنسان في أحسن تقويم

مراد از <أحسن تقويم> به قرینه آیه بعد نقطه مقابل <أسفل سافلین> است ، یعنی، هر انسانی در اصل خلقت خویش، از برترین نوع آفرینش برخوردار است و سقوط برخی از انسان ها به پست ترین حالت ها، عارضی و غیر اصیل است.

کمال ایمان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۲ - ۷

۷ کمال ایمان و درجات آن، وابسته به میزان پلایش آن از شرک و ظلم است.

الذین ءامنوا و لم یلبسوا إیمنهم بظلم

کمال جسمانی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۵،۷،۹،۱۲،۱۵

۵ - بیرون آورنده انسان ها از ناتوانی دوران جنینی و نوزادی و رساننده آنها به کمال جسمانی ، خداوند است .

اللّٰه الذی خلقکم من ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوّه

۷ - از ضعف به کمال جسمانی رسیدن انسان ها و سپس فرتوت و ناتوان شدن آنان ، از آیه های خداوند است .

اللّٰه الذی خلقکم من ضعف .. و شبیه

۹ - رسیدن انسان از مرحله ضعف و ناتوانی به توان مندی ، نشانه علم و قدرت خداوند است .

اللّٰه الذی خلقکم من ضعف .. و هو العلیم القدیر

۱۲ - رساندن انسان ها از دوران ناتوانی جنینی و نوزادی به توان مندی دوران جوانی و سپس فرتوت ساختن آنان ، نشانه توان

مندی خداوند بر باز آفرینی انسان ها در قیامت است . *

اللّٰه الذی خلقکم .. یخلق ما یشاء

عبارت <یخلق ما یشاء> به قرینه آیه پنجاه که در آن، بر توان مندی خداوند بر معاد انسان ها، برهان اقامه شده بود و نیز آیه

پنجاه و پنج که درباره برپایی قیامت است می تواند درباره معاد و باز آفرینی انسان ها، در قیامت باشد.

۱۵ - رساننده انسان از دوران قوت و توان مندی به دوران ضعف و ناتوانی ، خداوند است .

اللّٰه

الذی . . جعل من بعد قوّه ضعیفاً و شیه

کمال حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۱

۱ - حوران بهشتی ، در اوج زیبایی و کمال

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً

نسبت دادن <إنشاء> به ضمیر متکلم مع الغیر که برای بیان عظمت است و نیز نکره آوردن <إنشاء> که آن نیز دلالت بر عظمت دارد حاکی از آن است که خداوند، با قدرت بی مانند خود در زیبایی و کمال حوران بهشتی از چیزی فروگذاری نکرده است.

کمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۶

۲۶ پی بردن خردمندان و اعتراف آنان به کمال مطلق پروردگارا ، پس از اندیشه در آفرینش

الَّذِينَ ... يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا ... سُبْحَانَكَ

تسبیح به معنای پاک دانستن از هر عیب و نقصی است و لازمه نبود عیب و نقص برای خداوند، وجود تمام کمالات برای اوست و خردمندان با تفکر در آفرینش به چنین اعتقادی رسیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ توجه به الوهیت و کمال مطلق بودن خداوند ، موجب پذیرش خبر های او و اعتقاد به راستی آنها

و من اصدق من الله حدیثا

تکیه بر اسم جلاله <الله> با وجود اینکه می توانست با ضمیر از آن یاد شود، اشاره به این معناست که الوهیت، ملازم

حقیقت تمامی اخبار اوست. یعنی چون <الله> است و کمال مطلق، اخبار او با واقع مطابقت دایمی دارد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ خداوند کمال مطلق است.

و الحمد لله رب العلمین

ستایش همواره در برابر کمال صورت می پذیرد و مفاد <الحمد لله> اختصاص همه ستایشها به خداوند است، بنابراین هیچ کمالی نیست که خداوند فاقد آن و یا فاقد مرحله ای از آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۲،۴،۶،۸

۲ تنها خداوند دارای همه کمالات و منزله از هر نقص و کاستی است .

و لله الأسماء الحسنى

تقدیم <الله> بر <الأسماء الحسنى> مفید حصر است. وصف و اسمی که دلالت بر کمال مطلق نکند و حاکی از نقص و کاستی باشد، بهترین اسم و وصف نخواهد بود و جمله <و لله الأسماء الحسنى> چنین نامی را از آن خدا نمی داند.

۴ ضرورت نیایش به درگاه خدا با توصیف وی به کمالات مطلق و تنزیه او از هر نقص و عیب

و لله الأسماء الحسنى فادعوه بها

۶ باور به خداوندِ دارنده تمام کمالات و منزله از هر نقص و عیب، وادارکننده انسان به ستایش و پرستش اوست .

و لله الأسماء الحسنى فادعوه بها

حرف <فاء> در <فادعوه> سببیه است و دلالت می کند که لزوم پرستش و خواندن خدا به این سبب است که او همه کمالات را دارد و از هر عیب منزله است.

۸ در نامیدن خدا و توصیف او باید نام ها و وصفهایی را عنوان کرد که گویای کمال مطلق است .

و لله الأسماء الحسنى فادعوه بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۴

۴ خدا ، کمال مطلق و منزّه از هر عیب و نقص

دعویهم فیها سبحنک اللهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ خدا ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۲ - ۱۳

۱۳- استقلال همه جانبه خداوند و کمال ذاتی او ، مستلزم اختصاص توکل بر او

و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدینا سبیلنا .. و علی الله فلیتوکل المتوکل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۶

۱۶- غیر از خداوند ، هیچ موجودی در کمال و جمال ، کامل و مستقل نیست .

الحمد لله

بی شک همه موجودات جهان از نوعی کمال و جمال برخوردارند. بنابراین انحصار تمامی ستایشها به خداوند، می تواند گویای این حقیقت باشد که کمال و جمال آنها کامل و مستقل نیست، بلکه ناقص و وابسته به خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۰

۱۰- همه موجودات ، علاوه بر تنزیه خداوند از هر گونه شریک و نقص ، بر اثبات تمامی شایستگی ها برای خداوند دلالت دارند .

بنابر اینکه <با> در <بحمدہ> مصاحبت باشد، استفادہ می شود کہ علاوہ بر <تنزیہ> او را حمد می کنند و چون حمد، در برابر کمال و شایستگی صورت می گیرد، موجودات با حمدشان، بہ وجود شایستگی و کمال خداوند اعتراف می کنند.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۴

۴ - خداوند ، دارای همه کمالات و منزّه از هر نقص و کاستی است .

له الأسماء الحسنی

اسمی که حاکی از نقص و عیب باشد، مصداق <أسماء حسنی> نبوده و بر خداوند تطبیق نمی کند؛ بنابراین او از هر عیبی مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱

۱ - خداوند ، در اوج کمال و حقیقتی بلندمرتبه و بی نظیر

فتعلی الله

<تعالی> به معنای، والا مرتبه است و مراد، برتر بودن صفات خداوند از صفات مخلوقات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۹

۹ - خدا ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، دارنده کمال ها و زیبایی است .

الحمد لله

حمد، در برابر کمال و زیبایی صورت می گیرد. جمله <الحمد لله> دلالت می کند که خداوند، واجد صفات یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۷

۷ - خداوند ، کمال مطلق است .

الحمد لله

چون همواره، حمد در برابر کمال صورت می گیرد، اختصاص یافتن حمد به خداوند، مفید این است که او واجد همه کمال ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۷

۷ - خداوند ، واجد کمال ها و زیبایی

ها است .

بحمد ربّهم

حمد در برابر کمال و زیبایی است و این نشان دهنده این است که خداوند کمال و زیبایی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱ - ۲

۲ - خداوند ، واجد همه کمال ها است .

الحمد لله

حمد، در برابر کمال است و اختصاص دادن همه حمدها به خداوند، حکایت از آن دارد که او دارای همه کمال ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص است .

سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱ - ۳

۳ - کمال ذات خدای یگانه هستی ، پیام یکایک موجودات جهان

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - خداوند ، دارای برترین مقام ها و کامل ترین ویژگی ها است .

رَبِّكَ الْأَعْلَى

وصف <الأعلى> به قرینه آیه بعد به <ربك> ارتباط دارد نه <اسم ربك>.

۱۲ - اختصاص والاترین مقام ها به خداوند ، دلیل لزوم تنزیه نام او از هر عیب و نقص است .

سبح اسم ربك الأعلى

وصف <الأعلى>، در مقام تعلیل برای <سبح> است.

کمال رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۳

۳ - فرستاده خداوند برای ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، واجد تمام کمالاتی است که برای پیام رسان

ضروری است .

رسول کریم

هر چیز که در زمینه مربوط به خود، والا مرتبه باشد با وصف <کرم> توصیف می شود. (مفردات راغب)

کمال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ توانایی زن برای نیل به درجات والای کمال و ارزش های معنوی

و امه صدیقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۳

۳- عفت و پاک دامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان است .

والتی أحصنت فرجها

برداشت یاد شده به خاطر این است که خداوند در مقام توصیف و تمجید مریم(س) که در این آیات نام او در ردیف پیامبران قرار گرفته صفت عفت و پاک دامنی او را یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۸

۸ - چشم پاکی و دوشیزگی ، از کمالات زن است .

فیهنّ قصرت الطرف لم یطمثهنّ إانس قبلهم ولا جانّ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <قاصرات الطرف> اشاره به چشم پاکی زنان و <لم یطمثهنّ...> اشاره به دوشیزگی آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۲

۲ - زیبایی و جذابیت ، از کمالات زن

کأنهنّ الياقوت و المرجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۳

۳ نیک سیرتی و نیک رویی ، از اوصاف پسندیده و کمالات زن

فیهنّ خیرت حسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۴

۴ - زیبایی و جذابیت چشم ، از کمالات زن

حور مقصورت فی الخیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۲

۲ - دوشیزگی ، از اوصاف پسندیده و از کمالات زن

فجعلنهنّ أبكارًا

کمال زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۵

۵ - عفت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الّتی أحصنت فرجها

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

کمال شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۱۴

۱۴ شهادت ، وسیله رشد و تکامل شهید

بل احياء عند ربهم يرزقون

با توجه به معنای <ربهم> که خداوند مربی و تربیت کننده شهیدان است، معلوم می شود که شهادت زمینه ای برای بهره مندی از ربوبیت خاص الهی است.

کمال طلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ انسان ، شیفته ابدیت و دوستدار زندگی جاوید است .

خالدین فیها

و عده به جاودانگی، آنگاه نوید به حساب می آید که انسان خواهان آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۸

۸ انسان ، موجودی خیر طلب و کمال جو

يَا أَيُّهَا النَّاسُ

... فامنوا خيراً لکم

جمله <خيراً لکم> خیرجویی و سعادت طلبی را برای انسان مفروض و طبیعی دانسته و تنها وی را به مصداق واقعی خیر و سعادت که ایمان به قرآن و پیامبر(ص) باشد، رهنمون ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۴

۴ سوء استفاده شیطان از خصیصه کمال طلبی و منفعت جویی انسان برای گمراه سازی ایشان

و قاسمهما إني لکما لمن النصحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - رشد و طهارت ، مطلوب و فطری همه انسان ها است .

ذلک أزرکی لهم

جمله <ذلک أزرکی لهم> به منزله تعلیل است و تعلیل آن گاه صحیح است که شیء تعلیل شده (رشد و پاکی) مورد پذیرش مخاطبان باشد. بنابراین می توان گفت که پاکی و رشد، مورد پذیرش و مطلوب همگان است و این به سبب امری فطری خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - انسان ، موجودی خیر طلب و کمال جو

أنفقوا خیراً لأنفسکم

جمله <خیراً لأنفسکم>، خیرجویی و کمال طلبی را برای انسان مفروض و طبیعی دانسته و تنها وی را به مصداق های واقعی خیر و سعادت (انفاق و ..) رهنمون ساخته است.

کمال علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۵

۵ - علم و قدرت خدا ، کامل و بی نقص است .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهْرِ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

کمال قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۵

۵ - علم و قدرت خدا، کامل و بی نقص است .

ذلک بأنّ الله یولج الیل .. و أنّ الله سمیع بصیر

کمال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۱

۱ - قرآن کتابی کامل و با عظمت

ذلک الکتب

<ذلک> مبتدا و <الکتاب> خبر آن است. بر این مبنا <ال> در الکتاب برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۶

۶ قرآن خالی از هرگونه نقص و کاستی برای اثبات رسالت پیامبر(ص)

لولا نزل علیه آیه .. ما فرطنا فی الکتب من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إلیکم الکتب .. و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۴

۱۴- پیامبر (ص) ، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است .

و جنابک شهیداً علی هؤلاء و نزلنا علیک الکتب تبییناً لكل شیء و هدای

با توجه به ارتباط دو بخش آیه یعنی، <و جنابک شهیداً...> با <و نزلنا علیک

...> و نیز بنا بر اینکه <شهیداً> را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۲

۲- قرآن، کامل ترین کتاب هدایت

إن هذا القرآن یهدی للتی هی أقوم

برداشت فوق بنا بر این است که مفضل علیه <أقوم> صرفاً هدایت تورات نباشد؛ بلکه مفضل علیه محذوف، عام بوده و شامل همه کتابهای هدایتی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱ - ۵

۵- قرآن، کتابی با عظمت و در اوج زیبایی و کمال است .

الحمد لله الذی أنزل علی عبده الکتب

<ال> در <الکتاب> برای استغراق صفات است؛ یعنی، تمام اوصافی که یک کتاب، در حد کامل می تواند داشته باشد، در این کتاب متبلور است و این، حاکی از عظمت قرآن است. و چون حمد در برابر زیبایی و کمال است و در آیه بالا خداوند، به سبب نزول قرآن، تمام حمدها و ستایش ها را از آن خویش دانسته، استفاده می شود که قرآن، در نهایت کمال و زیبایی است.

کمال محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۴، ۱۱

۱۱- پیامبر اسلام (ص) کامل ترین و متعالی ترین انسان در طول تاریخ بشر

و جنابك شهیداً علی هؤلاء

برداشت فوق، بر این اساس است که <هؤلاء> اشاره به <شهیداً>؛ یعنی، گواهان هر امت داشته باشد که در این صورت پیامبر اسلام(ص) تنها انسانی است که بر همه انسانهای طول تاریخ و گواهان آنان

شرافت و برتری دارد.

۱۴- پیامبر (ص)، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است .

و جئنا بک شهیداً علی هؤلاء و نزلنا علیک الکتب تبیناً لکل شیء و هدی

با توجه به ارتباط دو بخش آیه / یعنی، <و جئنا بک شهیداً ..> با <و نزلنا علیک ...> و نیز بنابر اینکه <شهیداً> را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

کمال مطلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ خداوند کمال مطلق است.

و الحمد لله رب العلمین

ستایش همواره در برابر کمال صورت می پذیرد و مفاد <الحمد لله> اختصاص همه ستایشها به خداوند است، بنابراین هیچ کمالی نیست که خداوند فاقد آن و یا فاقد مرحله ای از آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۳

۳ همگان، بجز خداوند، دارای نقص و کاستی و فاقد کمال مطلق هستند .

و لله الأسماء الحسنی

برداشت فوق با توجه به حصری که از تقدیم <الله> به دست آمده، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۷

۷ - خداوند، کمال مطلق است .

الحمد لله

چون همواره، حمد در برابر کمال صورت می گیرد، اختصاص یافتن حمد به خداوند، مفید این است که او واجد همه کمال ها است.

کمال معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه

۶ - معبودی جز دارنده بهترین اوصاف کمال ، سزاوار پرستش نیست .

اللّٰه لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ له الأسماء الحسنی

کمال موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ - ارزش ها و کمالات موجودات جهان ، نمایانگر اقتدار و حکمت الهی

یسَّبِحُ له .. العزیز الحکیم

در صورتی که تسبیح وجودی و به زبان حال باشد، نمایانگر کمال وجودی موجودات است که خود حکایت از عزت و حکمت آفریدگار آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۲ - ۴

۴ - نبودن افراط و تفریط در ساختار مخلوقات ، دلیل لزوم تسبیح خداوند و اعتراف به دور بودن او از هر عیب و نقص

سَبِّحْ اسم رَبِّک .. الذی خلق فسوّی

وصف <الذی ..>، بیانگر علت تسبیح است و حرف <فاء> در <فسوّی> دلالت دارد که غرض اصلی از توصیف خداوند با جمله <خلق فسوّی>، بیان تسویه است و ذکر خلقت، به عنوان مقدمه برای بیان تسویه می باشد.

کمال موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۳

۳- موسی و هارون (ع) دو پیامبر رشد یافته و بهره مند از کمال ، بعد از ابراهیم (ع) بودند .

ءاتینا موسی و هرون الفرقان .. و لقد ءاتینا ابرهیم رشد من قبل

برداشت یاد شده بر این مبنا استوار است که مراد از <من قبل> زمان پیش از موسی و هارون(ع) باشد. از این مطلب به دست می آید که

آن دو پیامبر نیز از چنین رشدی بهره مند بودند.

کمال مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۶ - ۱

۱ - مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می دهند ، کمال های برتر خویش را از دست نداده ، از پستی ها دور مانده اند .

أحسن تقویم .. أسفل سفلین . إلا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

کمال هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۳

۳- موسی و هارون (ع) دو پیامبر رشد یافته و بهره مند از کمال ، بعد از ابراهیم (ع) بودند .

ءاتینا موسی و هرون الفرقان .. و لقد ءاتینا إبرهیم رشد من قبل

برداشت یاد شده بر این مبنا استوار است که مراد از <من قبل> زمان پیش از موسی و هارون(ع) باشد. از این مطلب به دست می آید که آن دو پیامبر نیز از چنین رشدی بهره مند بودند.

کمال همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۴ - ۳

۳ - همخوابگان اصحاب الیمین در بهشت ، زنانی در اوج شکوه و جلال مادی و معنوی (عقل ، کمال و جمال)

و فرش مرفوعه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <فرش> در آیه شریفه به قرینه آیه بعد (إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً) همسران و همخوابگان می باشد. بر این اساس وصف <مرفوعه> اشاره به مطلبی دارد که در برداشت بالا آمده است.

مراتب کمال انسان ها

آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۲

۲- استعداد ها و ظرفیت های وجودی آدمیان برای رشد و کمال ، متفاوت است .

و لقد ءاتینا ابرهیم رشد

از این که خداوند به ابراهیم(ع) رشد متناسب و مخصوص به او اعطا فرموده؛ به دست می آید که هر انسانی دارای قابلیت و استعداد مخصوص به خود و متفاوت با دیگران است.

مراتب کمال موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۳

۳- تفاوت و گوناگونی درجه ها و منزلت های موجودات (انسان ها ، فرشتگان و ...)

رفیع الدرجت

منشأ کمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۲ - ۲

۲ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیباییهاست .

الحمد لله

حمد در برابر زیباییها و کمالهاست و به مقتضای جمله <الحمد لله>، هر ستایشی از آن خداست. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ خداوند سرچشمه همه کمالها و زیباییهاست.

و الحمد لله رب العلمين

چون تمامی ستایشها مخصوص خداوند است و ستایش همواره در برابر کمال و زیبایی است، پس همه کمالها و زیباییها از آن خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۲

۲- خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون -

۹ - خدا ، سرچشمه همه کمال ها و زیبایی ها است .

فقل الحمد لله

ستایش در برابر کمال ها و زیبایی ها انجام می گیرد و به مقتضای <الحمد لله> (همه ستایش ها از آن خدا است)، نتیجه می گیریم که خدا، منشأ همه کمالات و زیبایی ها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۹ - ۴

۴ - خدا ، سرچشمه کمالات و زیبایی ها است .

الحمد لله

ستایش در برابر کمال و زیبایی انجام می شود و به مقتضای <الحمد لله> هر ستایشی در حقیقت، ستایش خدا است. بنابراین تمام کمال ها و زیبایی ها از او نشأت گرفته و او منشأ و سرچشمه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۲

۲ - خدا ، سرچشمه هر کمال و زیبایی است .

و قل الحمد لله

ستایش، در برابر کمال و زیبایی است و مقتضای <الحمد لله> که در آن هر ستایشی از آن خداوند شمرده شده این است که هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۴

۴ - خداوند ، سرچشمه همه کمال ها و زیبایی ها است .

له الحمد

حمد و ستایش همواره در برابر کمال و زیبایی صورت می گیرد و به مقتضای جمله <له الحمد> که همه ستایش ها از آن خداوند شمرده شده است به دست می آید که همه کمال ها و زیبایی ها از آن ذات

مقدس سرچشمه می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۲

۲ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

حمد در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <الحمد لله> هر ستایشی از آن خدا است. بنابراین هر کمالی و زیبایی، از او نشأت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۴ - ۶

۶ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

حمد در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <الحمد لله> هر ستایشی از آن خدا است. بنابراین هر کمال و زیبایی، از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸۲ - ۲

۲ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

<حمد> در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <الحمد لله>، هر ستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی، از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

حمد، در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <الحمد لله>، هرستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

و قالوا الحمد لله .. و قيل الحمد لله

حمد در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <الحمد لله>، هر ستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند بالا برنده درجات و منزلت های موجودات مستعد کمال

رفیع الدرجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

<حمد> در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <الحمد لله> ثابت می شود که هر ستایشی از آن خداوند است. بنابراین کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۹

۹ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

له الحمد

<حمد> در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <له الحمد> هر ستایشی، به خداوند اختصاص دارد.

بنابراین هر زیبایی و کمالی، از او نشأت گرفته است.

منشأ کمال ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۶،۷

۶- خداوند از پیش بر شایستگی ها و استعداد های ابراهیم (ع)

آگاه بود .

و لقد ءاتینا إبرهیم رُشدہ من قبل و کُنَّا بہ علمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <و کُنَّا بہ عالمین> حالیه باشد و ضمیر <به> به ابراهیم برگردد. بر این اساس پیام آیه شریفه مانند آیه (...اللّٰهُ اَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ...) (انعام (۶) ۱۲۴) خواهد بود.

۷- برخوردار شدن ابراهیم (ع) از رشد و کمال ویژه در پرتو عنایت الهی، بر اساس لیاقت ها و شایستگی های خود آن حضرت بوده است .

و لقد ءاتینا إبرهیم رُشدہ من قبل

اضافه <رشد> به ضمیر، اضافه مصدر به مفعول خود است و نیز از نوع اضافه لامیه و افاده کننده اختصاص می باشد، یعنی، ما به ابراهیم (ع) رشد شایسته او و مخصوص شأن و منزلت والای او داده ایم.

منشأ کمال انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۸ - ۳

۳ - خداوند، وجود انسان را کامل و به دور از هر گونه کاستی و فزونی قرار داده است .

فسوی

<تسویه> و <تعدیل> به یک معنا است (مصباح اللغه) و اعتدال هر چیزی، به دور ماندن آن از افراط و تفریط است. <رجل سوی> یعنی، مردی که اخلاق و خلقتش متعادل و از افراط و تفریط به دور است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۲

۲ - خداوند، انسان را آفریده ای کامل و به دور از هر گونه کاستی و اضافات قرار داده است .

فسویک

عبارت <سَوَاك> یعنی، تو را <سَیَوِی> قرار داد. <سَیَوِی> به چیزی گفته می شود که اندازه و کیفیت آن، از افراط و تفریط

به دور باشد.(مفردات راغب)

منشأ کمال دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۴

۱۴ کمال دین و تبدیل ناپذیری کلمات خدا بر اساس شنوایی و علم گسترده اوست.

و تمت کلمت .. و هو السميع العليم

موانع کمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴ - ۸

۸ - فرزند گزینی خدا ، برابر با ضعف و نقص ذات او و ناسازگار با کمال مطلق او

لو أراد الله أن يتخذ ولدًا .. سبحانه

نشانه های کمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۵ - ۳

۳ - برخورد شایسته و نیکو در برابر رفتار ناپسند دیگران ، نشانه بهره مندی فرد از کمالات و ارزش های والای انسانی است .

ادفع بالتی هی أحسن .. و ما یلقیها إلاّ ذوحظّ عظیم

نشانه های کمال ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۲ - ۵

۵- مبارزه با اندیشه های خرافی و شرک آلود ، تبلور رشد و کمال ابراهیم (ع) بود .

و لقد ءاتينا إبراهيم رسده . . . إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل

؛ یعنی، اعطای رشد به ابراهیم (ع) هنگامی بود که او به پدر و قومش گفت. ...

نشانه های کمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱ - ۸

۸ - مالکیت مطلق خدا بر موجودات و حکمت و آگاهی او ، جلوه ای از کمال های

او است .

الحمد لله الذي له ما في السموت و ما في الأرض. .. و هو الحكيم الخبير

از آن جایی که حمد در برابر کمال است، آوردن صفت های مالکیت، حکمت و آگاهی پس از بیان اختصاص داشتن همه حمدها به خداوند، می تواند به منظور القای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۶ - ۲

۲ - برپا ساختن قیامت برای کیفر و پاداش ، نمودی از کمال خداوند و مبرّا بودن ساحت او از هر نقص و کاستی

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

تفریع <فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ> بر مطالب پیشین (فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ..) حاکی از مطلب یاد شده است.

کمبود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کمبود

آثار ابتلا به کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۲ - ۵۸

۵ نقش سختیها و کاستیها در سازندگی و تربیت انسان

فَأَخَذْنَهُم بِالْبَاسِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ

۸ سختیها و کاستیها، زمینه شکوفایی فطرت توحیدی انسانها

بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ .. فَأَخَذْنَهُم بِالْبَاسِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ

ابتلا به کمبود باران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ قوم عاد ، بر اثر شرک‌ورزی و ارتکاب گناه ، به کمبود باران مبتلا شده بودند .

ثم توبوا إليه يرسل السماء عليكم مدرارًا

نوید به نزول باران و فراوانی آن ، آن گاه می توانست مؤثر باشد و مردمان را به پذیرش تعالیم و دستورهای هود(ع) گرایش دهد که آنان از کمبود باران در زحمت باشند.

ابتلا به کمبود محصول

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۴

۴ - مبتلا شدن به پیکار با دشمنان و پیامد های آن (ترس ، گرسنگی ، زیان های مالی و جانی و کم محصولی) از مشکلات راه ایمان است .

لا تقولوا لمن يقتل ... و لنبلونکم بشيء من الخوف

بیان کردن آزمون با ترس، گرسنگی و ... پس از مطرح کردن جهاد و کشته شدن در راه خدا، گویای این است که: مقصود از <الخوف و ...> ترسها و گرسنگیهایی است که از مبتلا شدن به دشمنان دین به وجود می آید، یعنی، ایمان به رسالت مستلزم پیکار با دشمنان دین است و پیامد پیکار ترس، گرسنگی و ... می باشد.

ابتلاى بنى اسرائيل به کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱

۱ - قوم موسی ، پس از نجات از سیطره فرعون و گذر از دریا ، در سرزمینی به دور از آب حرکت می کردند و کمبود شدید آب مبتلا بودند .

و إذا استسقى موسى لقومه

امتحان با کمبود محصول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۳

۳ - خداوند با گرفتار ساختن مؤمنان به چیزهایی که زیان مالی و جانی و کمبود محصول را در پی داشته باشد ، آنان را می آزمايد .

و لنبلونکم بشيء من ... نقص من الأموال و الأنفس و الثمرت

برادران یوسف و کمبود غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱۷

۱۷ فرزندان یعقوب غله دریافتی در

سفر اول را برای قحطی پیش آمده کافی نمی دانستند و سفر به مصر را برای دریافت سهمیه ای دیگر ضروری می شمردند .

ذلک کیل یسیر

<ذلک> اشاره به متاع و آذوقه ای است که فرزندان یعقوب در سفر نخست دریافت کرده بودند. <یسیر> به معنای اندک است و روشن است که اندک بودن به لحاظ دوره قحطی می باشد.

دعای کمبود آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱۴

۱۴ - دعا و مناجات به درگاه خدا برای رفع کمبود آب (استسقا) امری نیکو و شایسته ، و وظیفه ای بر عهده رهبران دین

و إذ استسقی موسی لقومه

سوء استفاده از کمبود ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۵

۵ سوء استفاده از کمبود ها ، کاستی ها و ناهماهنگی های جنگ ، شیوه منافقان بی ایمان سست باور

و لأوضعوا خللكم یبغونکم الفتنة

عوامل ابتلا به کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۲ - ۳

۳ گرفتاری امتهای گذشته به سختیها و کاستیها بر اثر مخالفت با انبیای الهی

و لقد أرسلنا إلی أمم من قبلک فأخذنهم بالبأساء و الضراء

با توجه به آیات قبل، که درباره تکذیب آیات الهی و انبیا بود، می توان گفت جمله <فأخذناهم> نتیجه تکذیب آنان است ؛ یعنی: <فکذبوا فأخذناهم>.

عوامل کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۱۱

۱۱ جوامع تکذیب کننده پیامبران الهی در خطر گرفتار شدن به کمبود

ها و مشکلات زندگی

و لو أن أهل القرى آمنوا .. و لكن كذبوا فأخذنهم بما كانوا يكسبون

از مصادیق مورد نظر برای <فأخذنهم .. > به دلیل آیه ۹۴، گرفتار شدن تکذیب کنندگان انبیا به کمبودها و مشکلات است.

عوامل کمبود امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ شرکوری، ارتکاب گناهان و مخالفت با پیامبران الهی، از عوامل کمبود موهبت های دنیوی است.

استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه یرسل السماء علیکم مدرارًا و یزدکم قوه

فلسفه ابتلا به کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۲ - ۴

۴ تضرع، هدف خداوند از گرفتار ساختن مردم به سختیها و کاستیها

فأخذنهم بالبأساء و الضراء لعلهم یتضرعون

<تضرع> به معنای تذلل و خضوع است. (لسان العرب).

قوم عاد و کمبود باران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۹

۹ قوم عاد، بر اثر شرکوری و ارتکاب گناه، به کمبود باران مبتلا شده بودند.

ثم توبوا إلیه یرسل السماء علیکم مدرارًا

نوید به نزول باران و فراوانی آن ، آن گاه می توانست مؤثر باشد و مردمان را به پذیرش تعالیم و دستوره‌های هود(ع) گرایش دهد که آنان از کمبود باران در زحمت باشند.

کمبود آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱

۱ - قوم موسی ، پس از نجات از سیطره فرعون و گذر از دریا ، در سرزمینی به دور از آب حرکت می

کردند و کمبود شدید آب مبتلا بودند .

و إذاستسقی موسی لقومه

کمبود آب در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱

۱ - قوم موسی ، پس از نجات از سیطره فرعون و گذر از دریا ، در سرزمینی به دور از آب حرکت می کردند و کمبود شدید آب مبتلا بودند .

و إذاستسقی موسی لقومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۶،۷،۹

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه .. و أنزلنا عليهم المن والسلوی

۷ بنی اسرائیل با توسل به موسی (ع) خواستار برطرف شدن مشکل کمبود آب شدند .

إذ استسقه قومه

۹ موسی (ع) از جانب خداوند فرمان یافت تا برای دستیابی به آب عصای خویش را به سنگ زند .

و أوحینا إلی موسی .. أن اضرب بعصاک الحجر

<ال> در <الحجر> هم می تواند تعریف جنس باشد، که در این صورت مراد از <الحجر>، سنگ در مقابل اشیای دیگر است، و هم می تواند <ال> برای عهد حضوری و یا ذهنی باشد، که در این صورت مراد از <الحجر> سنگی مخصوص بوده است.

کمبود روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٣ - > [قال الرضا (ع)] ... قول الله عزوجل > و أمّا إذا ما ابتلاه ربّه فقدر عليه رزقه < أى ضيق عليه رزقه ;

[امام

رضا(ع) [درباره سخن خداوند عزوجل] > ..فقد ر عليه رزقه < فرمود: یعنی روزیش را بر او تنگ سازد <.

کمبود غذا در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۶

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه .. و أنزلنا عليهم المن والسلوی

مصلحت در کمبود روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۲ - ۷

۷ - فراخی و تنگی روزی بندگان ، برای رعایت مصلحت آنان است .

اللّٰه یسّط الرزق لمن یشاء .. و یقدر له إنّ اللّٰه بکلّ شیء علیم

<لام> در <لمن> و <له> هر دو، برای منفعت است. نیز به دنبال فراخی و تنگی روزی بندگان، یادآوری علم همه جانبه خدا، مفید این حقیقت است که قبض و بسط روزی انسان ها، تابع مصالحی است و آنها را، خدا می داند.

منشأ کمبود روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۲ - ۲،۳،۶

۲ - مشیت خداوند ، تعیین کننده فراوانی و کمی روزی است .

اللّٰه یسّط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر له

۳ - خداوند ، به هر کسی که خود بخواهد ، روزی کم عطا می کند .

اللّٰه یسّط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر له

<قدر> و <تقدیر> تبیین کمیت چیزی است (مفردات راغب)، به قرینه مقابله با <ییسط>، <یقدر> در آیه، به معنای <کم و ضیق> است.

۶- فراخی و ضیق روزی بندگان، ناشی از علم خدا به همه

چیز است .

اللّٰهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ .. و يَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

نجات از کمبود آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱۴، ۴، ۲

۲ - موسی (ع) از خداوند خواست ، تا قومش را از کمبود آب رهایی بخشد .

و إِذْ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ

<استسقاء> در لغت به معنای طلب کردن آب است و در اصطلاح شرعی دعا به درگاه خداوند است به نحوی خاص برای نزول باران.

۴ - خداوند ، دعا و درخواست موسی (ع) (دستیابی به آب) را سریعاً اجابت کرد .

فَقَلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ

حرف <فاء> در <فقلنا> اشاره به این دارد که میان دعای موسی و اجابت آن فاصله زمانی نبوده است.

۱۴ - دعا و مناجات به درگاه خدا برای رفع کمبود آب (استسقا) امری نیکو و شایسته ، و وظیفه ای بر عهده رهبران دین

و إِذْ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ

کمبود ها

سوء استفاده از کمبود ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۵

۵ سوء استفاده از کمبود ها ، کاستی ها و ناهماهنگی های جنگ ، شیوه منافقان بی ایمان سست باور

و لِأَوْضَعُوا خُلُوكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ

کنترل اجتماعی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{کنترل اجتماعی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۸

۱۸ مبارزه با فساد و فسادانگیزی ، از اهداف مهم انبیا

و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۴

۱۴ فرمان به کارهای

شایسته و برحذر داشتن از کار های ناروا (امر به معروف و نهی از منکر) از وظایف اساسی پیامبر (ص) و از اهداف رسالت او

يأمرهم بالمعروف و ينهيهن عن المنكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۵، ۱۳، ۱۰

۱۰ باور مصلحان یهود به ربوبیت خداوند بر بندگان ، وادارکننده ایشان به تلاش برای اصلاح جامعه و بازسازی منحرفان از گناه و تجاوز

قالوا معذره إلی ربکم

برداشت فوق از آوردن اسم <رب> استفاده شده است.

۱۳ تلاش برای اصلاح جامعه و نهی از منکر ، امری لازم بر عهده همگان

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم يتقون

۱۵ پرهیزکنندگان از فساد در صورتی که برای بازسازی جامعه از گناه تلاش نکنند ، در پیشگاه خداوند مسؤولند .

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۱۰

۱۰ مؤمنان وظیفه دارند برای از میان بردن کدورت ها ، درگیری ها و اختلافات خویشان تلاش کنند .

و أصلحوا ذات بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۳، ۵

۳ اهل ایمان موظف به مبارزه با فتنه هایی که شعله های آن دامنگیر کل جامعه است .

و اتقوا فتنه لاتصیبین الذین

عامل فتنه در مورد بحث چنانچه گذشت گناه و ستمکاری است و مرتکب این گناه به دلیل <ظلموا منکم> تنها برخی از افراد جامعه هستند. بنابراین امر به اتقا (اتقوا فتنه) نسبت به مخاطبان متفاوت خواهد بود. یعنی نسبت به گنهکاران و ستم

پیشگان، پرهیز از خود گناه است و نسبت به آنان که مرتکب نمی شوند، جلوگیری از ارتکاب آن است.

۵ تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول ، مایه بروز فتنه هایی فراگیر و نزول عذابی شدید بر تمامی جامعه ایمانی

إذا دعاکم لما یحییکم .. و اتقوا فتنه لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصه

از مصادیق مورد نظر برای ستمکاری (ظلموا)، به قرینه آیه قبل، تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول است.

ابزار کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۲

۲ - قصاص ، عاملی مهم و اساسی در بازداری مردم از ارتکاب قتل

و لکم فی القصاص حیوه .. لعلکم تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۲

۱۲ نهی از منکر وسیله ای برای بازداری مردم از گناهان

و لعلهم یتقون

اهمیت کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۹ - ۲،۴

۲ دعوت مردم به کارهای پسندیده ، از وظایف پیامبر (ص)

و أمر بالعرف

<عرف> به معنای (شناخته شده) است و مراد از آن کارهایی است که در شرع و عقل به پسندیده بودن شناخته شده است.

۴ گذشت از لغزش ها ، دعوت مردم به کار های نیک و مدارا کردن با جاهلان و سفیهان ، از وظایف اساسی مبلغان دین

خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجهلین

روش کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ -

۳ برخی از مؤمنان به سبب مخالفتشان با حرکت به سوی جنگ بدر، مورد سرزنش و توبیخ خداوند قرار گرفتند .

يجدلونك في الحق بعد ما تبين

روشهای کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۱۸، ۱۰

۱۰ مبارزه منفی و تحریم روابط با خطاکاران، از روش های مؤثر و سازنده در برخورد با آنان

ضاقَت عليهم الأرض .. و ظنوا أن لا ملجأ من الله إلا إليه

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آیه شریفه است که مسلمانان، با متخلفان از جنگ تبوک، قطع رابطه کردند.

۱۸ فراهم آوردن زمینه و شرایط مناسب توبه برای خطاکاران پس از یک دوره مبارزه منفی از روش های مؤثر و سازنده در اصلاح آنان

و على الثلثة الذين خلفوا حتى إذا ضاقت عليهم الأرض .. ثم تاب عليهم ليتوبوا إن

زمینه کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۹

۱۹ توجه به خدادادی بودن نعمت ها و به یاد داشتن همواره آن، زمینه ساز پرهیز آدمی از فسادانگیزی است .

فاذكروا ءالاء الله و لاتعشوا في الأرض مفسدين

نهی از فسادانگیزی (لا- تعشوا) در پی توجه دادن به نعمتهای الهی، اشاره به این نکته دارد که توجه به نعمتهای الهی می تواند آدمی را از فسادانگیزی بر حذر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۷ - ۵

۵ توجه جوامع بشری به فرجام شوم تکذیب کنندگان انبیا ، زمینه ساز نگرانی ایشان

در ابتلا به عذاب الهی و مایه گرایش آنان به ایمان و تقواست .

و لو أن أهل القرى . . . أفأمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا

جمله <أفأمن . . . > عطف بر جمله <فاخذنهم بما كانوا يكسبون> است. یعنی آیا اقوام و ملت‌های کفرپیشه پس از آگاهی به سرنوشت شوم تکذیب کنندگان انبیا، باز هم عذاب الهی را انکار می کنند و خویشتن را از گرفتار آمدن به آن مصون می پندارند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۳

۳ فرجام شوم کفرپیشگان گنهکار تاریخ ، زمینه ای مناسب برای پندگیری و عبرت آموزی است .

أو لم يهد للذين يرثون . . . أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم

از مصادیق مورد نظر برای <ذنوب>، به قرینه آیات قبل و آیه بعد، کفر و انکار آیات الهی است.

شیوه کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۱

۱۱ لزوم یادآوری حقایق آموزنده تاریخ

إذ يعدكم الله إحدى الطائفتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۰ - ۳

۳ مؤمنان در معرض تخلف از دستورات خدا و رسول و نیازمند هشدار

يأيها الذين ءامنوا . . . ولا تولوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۱،۶

۱ پیامبر (ص) از جانب خدا فرمان یافت تا در صورت تسلط بر یهودیان پیمان شکن و جنگ آفرین ، آنان را به گونه ای مجازات کند که زمینه پراکنده شدن دیگر دشمنان

فراهم آید .

فإما تتفنههم فى الحرب فشردههم من خلفهم

تشرید به معنای پراکنده ساختن و کوچ دادن است. <باء> در <بهم> سببیه است که به دلیل <فى الحرب> کلمه ای همانند قتل و یا مجازات در تقدیر می باشد. و مراد از <من خلفهم> یهود و یا دیگر دشمنانی است که از مدینه و یا اطراف آن به فتنه گری می پرداختند. بنابراین جمله <فشردههم> چنین معنا می شود: ای پیامبر با مجازات سنگین که بر یهودیان پیمان شکن تحمیل می کنی، دیگر دشمنان را متفرق ساز و پراکنده کن.

۶ عبرت گرفتن از سرنوشت پیمان شکنان جنگ آفرین علیه پیامبر (ص) و جامعه اسلامی ، از اهداف فرمان خداوند بر شدت مجازات آنان

فشردههم من خلفهم لعلهم یذکرون

<تذکر> (مصدر یذکرون) به معنای دریافتن و همواره به خاطر داشتن است. جمله <لعلهم یذکرون> تعلیل برای <فشردههم> است. یعنی هدف از شدت مجازات این است که کفرپیشگان، توان مسلمین را دریابند و همواره به خاطر بسپارند تا در آینده علیه جامعه اسلامی توطئه نکنند.

عوامل کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۴ - ۵

۵ توجه به محدود بودن زندگی و مجالهای آن، مایه پرهیز از محرمات الهی است.

حرم ربی الفوحش .. و لكل أمه أجل فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۲

۲ ضرورت توجه اهل ایمان به فرجام شوم کافران ستیزه گر و نقش اصلی خدا در پیروزی های مؤمنان

ذلکم

حرف <کم> در <ذلکم> خطاب به اهل ایمان

است. یعنی ای اهل ایمان سرنوشت مشرکان ستیزه جو همان است که بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۶

۶ توجه به شدت عقاب الهی ، زمینه ساز پرهیز از گناهان و ستمگریها

و اتقوا فتنه .. و اعلموا أن الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ توجه به احاطه علمی خداوند بر کردار آدمی ، عامل اجتناب وی از سرمستی و ریاکاری و جلوگیری از راه خدا

و لاتکونوا .. و الله بما يعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۹،۱۱

۹ باور به توانمندی خدا و شدت کیفر های وی زمینه ساز پرهیز آدمی از کفرورزی و ارتکاب گناه

فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوي شديد العقاب

هدف از توصیف خداوند با جمله <إن الله .. > پس از بیان مؤاخذه کفرپیشگان گنهکار این است که انسانها با باور به نیرومندی خدا و شدید العقاب بودن وی، از مخالفت با وی پرهیزند و رو به کفر و گناه نیاورند.

۱۱ توجه به سنت الهی در مجازات کافران و گناهکاران ، زمینه ساز پرهیز از کفرورزی و ارتکاب گناه

كدأب ءال فرعون .. إن الله قوي شديد العقاب

هدف از بیان مؤاخذه کافران و گنهکاران هشدار است که انسانها تا با توجه به آن در مسیر ایمان و ترک گناه قرار گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۳

توجه انسان به نظارت شدن اعمالش از سوی خدا و رسول خدا (ص)، بازدارنده او از تخلف و کجروی

و سیری الله عملکم و رسوله

تذکر به نظارت خدا و رسول او، ظاهراً در راستای دور نمودن متخلفان از انحراف و کجروی است.

لوط(ع) و کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۴

۴ بازداشتن مردم از فحشا و لواط، مهمترین و مقدمترین وظیفه لوط در رسالت های خویش

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

مسؤول کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۱

۱۱ لزوم توجه و نظارت خاص رهبر نظام اسلامی، نسبت به عملکرد منافقان و عناصر متخلف از وظایف اجتماعی

و سیری الله عملکم و رسوله

اختصاص یافتن رؤیت به خدا و پیامبر(ص) با اینکه همه مردم عملکرد متخلفان را شاهد خواهند بود شاید از آن جهت باشد که نظارت آن دو، نقش اساسی در برخورد با آنان دارد. گفتنی است که برداشت فوق با الغای خصوصیت از <رسوله> و تعمیم آن به جایگاه اجتماعی پیامبر (ص) است.

کنز از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کنز

کیفر اخروی کنز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۱

۱ دفينه های زراندوزان در قیامت وبال گردن و ایزاری برای شکنجه و عذاب آنان ، خواهد گشت .

و الذین یکنزون الذهب و الفضة .. یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم

کیفر کنز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه

۱۰ آنان که طلا و نقره می اندوزند و از انفاق آن در راه خدا ، امتناع میورزند ، مستحق عذابی دردناکند .

و الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل اللّٰه فبشرهم بعذاب ألیم

مراد از کنز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۷

۱۷ از رسول خدا (ص) روایت شده است : > . . . من رفع دیناراً أو درهماً أو تبراً أو فضه لا یعده لغریمه و لا ینفقه فی سبیل اللّٰه فهو کنز یکوی به یوم القیامه ؛

کسی که درهم و دینار (پول رایج) یا طلا و نقره ای را ذخیره کند، بدون اینکه برای طلبکار کنار بگذارد و آن را در راه خدا انفاق نکند این مال کنز است و در قیامت، به وسیله آن داغ زده می شود.

مقدار کنز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۵

۱۵ > لما نزلت هذه الآیه > و الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل اللّٰه . . . > قال رسول اللّٰه (ص) : . . . کل مال لا تؤدی زکاته فهو کنز و ان کان فوق الأرض ؛

هنگامی که آیه >کنز< نازل شد رسول خدا (ص) فرمود: . . . هر مالی که زکات آن داده نشود، کنز است اگر چه روی زمین باشد.

کنیز از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کنیز

آثار تملک کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ -

۲ - ازدواج یا تملک کنیزان ، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

و الذین هم لفروجهم حفظون . إلی علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۰ - ۳

۳ - ارضای غرایز جنسی ، به گونه ای مشروع (اختیار همسر یا تملک کنیز) ، امری مقبول و مورد پذیرش اسلام

إلی علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

آمزش کنیز گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۳۲

۳۲ - کنیزان وادار شده به فحشا از سوی مالکان ، مورد آمزش و مشمول رحمت خدا هستند .

و من یکرههنّ فإنّ الله من بعد إکرههنّ غفور رحیم

آمزش با کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶ - ۱

۱ - لزوم حفظ و نگه داری دامن از همگان ، جز از همسر و کنیز خویش

و الذین هم لفروجهم حفظون . إلی علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

استثنا در آیه فوق، استثنای مفرغ (خالی از مستثنی منه) است. با توجه به این که حذف <مستثنی منه> در کلام موجب، جایز نیست، حذف آن در آیه بالا، بدان جهت است که <حافظون> متضمن معنای نفی است؛ یعنی، <لایرسلونها علی أحد إلا علی أزوجهم أو ما ملکت أیمانهم> مؤمنان در آمزش با احدی، خود را آزاد و رها نمی سازند؛ مگر با همسران خود یا کنیزانی که در تملک آنان قرار دارند.

اباحه كنيز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳

۳۰ - داشتن کنیز ، امری جایز و مباح است .

قد علمنا ما فرضنا علیهم فی . . . و ما ملکت أیمنهم

احسان به کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۱۴

۱۴ لزوم احسان به در راه ماندگان ، غلامان ، کنیزان و زیردستان

احساناً . . . و ابن السبیل و ما ملکت ایمانکم

ابن سبیل (پسر راه)، در اصطلاح به مسافری گفته می شود که زاد و توشه خویش را از دست داده و درمانده شده است.

احکام کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۴

۴ - کنیزان ، در پوشش و حجاب ، حکم زنان آزاده را ندارند .

قل لأزواجک . . . نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلیبهنّ

<نساء المؤمنین> انصراف به زنان آزاده مؤمن دارد. شأن نزول نقل شده درباره این آیه و این که زنان آزاده و کنیزان، دارای پوشش یک نواختی بودند و از این رو، مورد تعرض مزاحمان قرار می گرفتند، گویای این است که حکم مزبور، مربوط به زنان آزاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۰ - ۲

۲ - ازدواج با تملک کنیزان ، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

إلا علی أزواجهم أو ما ملکت أیمنهم

ازدواج با کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۹، ۱۰، ۱۱

۹ جواز تملک کنیزان متعدد و بهره گیری جنسی از آنان

فواحدہ او ما ملکت ایمانکم

تعیین نکردن عدد در کنیزان در مقابل

تعیین عدد در غیر آنان دلیل جواز بهره گیری جنسی از کنیزان متعدد است.

۱۰ مشروعیت ازدواج با کنیزان متعدد

فواحدہ او ما ملکت ایمانکم

<فواحدہ>، به قرینه صدر آیه، مفعول برای <انکحوا> است. یعنی <فانکحوا واحدہ>، و به مقتضای عطف، <ما ملکت> نیز مفعول آن خواهد بود. گفتنی است که بنابراین مبنا مخاطب در <ایمانکم>، شخصی که تصمیم به ازدواج دارد، نمی باشد.

۱۱ اکتفا به یک همسر یا بهره گیری از کنیزان، بهترین و نزدیکترین راه برای منحرف نشدن از عدالت در مورد زنان

فواحدہ او ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی الّا تعولوا

<ذلک>، اشاره به <واحدہ او ما ملکت ایمانکم> است. و <الّا تعولوا>، از ماده <عول> به معنی کجروی و ستم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۱۴

۱۴ حرمت ازدواج با کنیزان مسلمان و کنیزان اهل کتاب *

احل . . و المحصنت و المحصنت من الذین اوتوا الکتب من قبلکم

بنابر اینکه مراد از <المحصنت> در آیه مورد بحث، زنان آزاده باشند. گفتنی است که ازدواج با کنیزانی که مسلمان هستند، با شرایطی که در آیه ۲۵ سوره نساء گذشت، تجویز شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۱،۲،۳،۶،۱۱،۱۲،۱۸،۱۹،۲۰،۲۲،۲۵،۲۶،۳۱،۳۵

۱ جواز ازدواج با کنیزان مسلمان

فمن ما ملکت ایمانکم من فتیاتکم المؤمنات

۲ جواز ازدواج با کنیزان، مشروط به نداشتن تمکن مالی برای ازدواج با زنان آزاده مؤمن

و من لم يستطع منكم طولا ان ينكح المحصنات المؤمنات فمن ما ملكت ايمانكم

مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر (ع) است که درباره معنای

<طولاً> فرمود: من لم يجد منكم غنى.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۵۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۶۹، ح ۱۸۳.

۳ ازدواج با کنیزان غیر مؤمن جایز نیست .

فمن ما ملکت ایمانکم من فتياتکم المؤمنات

۶ اظهار ایمان از سوی کنیزان ، مجوز ازدواج با آنان

من فتياتکم المؤمنات و اللّٰه اعلم بایمانکم

تذکر به علم کامل الهی به ایمان انسانها، پس از مشروط دانستن ازدواج با کنیزان به ایمان، اشاره به این است که برای ازدواج با کنیزان ایمان ظاهری کافی است.

۱۱ مبارزه اسلام با تحقیر کنیزان و ننگ دانستن ازدواج با آنان

من فتياتکم المؤمنات . . . بعضکم من بعض

۱۲ ازدواج با کنیز ، مشروط به اذن مالک اوست .

فانکحوهنّ باذن اهلهنّ

<اهل کنیز>، همان مالک اوست.

۱۸ جواز ازدواج با کنیز ، مشروط به پاکدامنی او

فمن ما ملکت ایمانکم . . . محصنات غیر مسافحات

ظاهراً کلمه <محصنات>، حال است برای <ما ملکت ایمانکم>. بنابراین جواز ازدواج را مشروط می کند به احصان و پاکدامنی کنیز.

۱۹ ازدواج با کنیزان زناکار جایز نیست .

فانکحوهنّ . . . غیر مسافحات

۲۰ ازدواج با کنیز رفیق‌باز جایز نیست .

فانکوهنّ . . . غیر مسافحات و لا متّخذات اخدان

<اخذان>، جمع <خذن> و به معنی دوست و رفیق است.

۲۲ پاکدامنی کنیز پس از ازدواج، شرط لزوم پرداخت اجرت (مهریه) متعارف به وی *

اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف محصنات غیر مسافحات و لا متّخذات اخدان

بنابر اینکه <محصنات غیر مسافحات>، حال برای مفعول اوّل <اتوهنّ> باشد که در این صورت <محصنات> قید برای <اتوا> می شود.

۲۵ ترس از گرفتار شدن در تنگناهای مشقّبار جنسی، مجوّز ازدواج با کنیزان

فانکوهنّ .

.. ذلك لمن خشى العنت منكم

<عنت> بمعنی مشقت است و مراد از آن به مناسبت مورد، مشقت‌هایی است که از ناحیه جنسی به آدمی وارد می‌شود.
<ذلك> اشاره به ازدواج با کنیزان است.

۲۶ ترس از ابتلا به زنا و فحشا، مجوز ازدواج با کنیزان *

ذلك لمن خشى العنت منكم

بسیاری از مفسران برآنند که مراد از <عنت> در آیه شریفه، زناست.

۳۱ خویشتن داری در غریزه جنسی، بهتر از ازدواج با کنیزان

فمن ما ملكت ايمانكم .. ذلك لمن خشى العنت منكم

در برداشت فوق متعلق صبر، <عنت> به معنای مشقت گرفته شده است و مفضّل علیه کلمه <خیر>، ازدواج با کنیز فرض شده است. یعنی <ان تصبروا علی العنت خیر لکم من نکاحهن>.

۳۵ تجویز ازدواج با کنیزان، مظهري از غفران و رحمت الهی

و من لم يستطع منكم .. فمن منا ملكت ايمانكم ... و الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۰ - ۲

۲ - ازدواج با تملک کنیزان، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

إلا علی أزوجهم أو ما ملكت أيمانهم

استمتاع از کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۲

۲ جواز بهره گیری جنسی از کنیز شوهردار برای مالک وی

حرمت .. و المحصنات من النساء إلا ما ملكت ايمانكم

لازم به تذکر است که حکم مذکور دارای شرایطی است که در فقه بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۰ - ۲

۲ - ازدواج با تملک

کنیزان ، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۱ - ۱

۱ - ارضای غرایز جنسی ، جز از طریق همسر یا کنیز مملوک ، تجاوز به حدود الهی و به دور از حق و اعتدال است .

فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون

<عادوان> (مصدر <عادون>)، به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

استیذان کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۲۵

۲۵ - > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل : يا أيها الذين آمنوا ليستئذنكم الذين ملكت أيمانكم والذين لم يبلغوا الحلم منكم ثلاث مرات < قيل : من هم ؟ فقال : هم المملوكون من الرجال و النساء و الصبيان الذين لم يبلغوا الحلم ؛

امام صادق(ع) در پاسخ این سؤال که مراد از <الذين ملكت أيمانكم و الذين لم يبلغوا الحلم منكم> چه کسانی اند؟ فرمود: آنان بردگان اند؛ چه غلامان [باشند] و چه کنیزان و کودکانی که به سن بلوغ نرسیده اند. <..>

اکراه کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۲، ۲۱

۲۱ - واداشتن کنیزان عقیف ، بر فحشا و فساد جنسی ، حرام است .

ولا تکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصناً

۲۲ - سود و درآمد به دست آمده از راه واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی ، حرام است .

ولا تکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصناً لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

نهی از واداشتن کنیزان به

فحشا برای به دست آوردن سود و متاع دنیوی، دلیل حرمت چنین سودی است.

۳۹ > عن علی ابن ابی طالب (ع) فی قوله : < و لا تکرهوا فتیاتکم علی البغاء > قال : کان أهل الجاهلیه بیغین إمامهم فنهوا عن ذلك فی الإسلام ;

حضرت علی بن ابی طالب (ع) درباره سخن خدا < و لا تکرهوا فتیاتکم علی البغاء > فرمود: اهل جاهلیت کنیزان خود را به زنا و ادار می کردند. سپس در اسلام از این کار نهی شدند.

انفاق به کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۰ - ۱۹

۱۹ - > عن محمّد بن علی (ع) أنّه قال : < أنفقوا من مّا رزقناکم > قال : ممّا رزقکم الله علی ما فرض الله علیکم فیما ملکتم أیمانکم ... ;

از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند < أنفقوا من ما رزقناکم > روایت شده که فرمود: از آنچه خداوند به شما روزی داده، انفاق کنید بر کسانی که غلام یا کنیز شما هستند؛ همان گونه و همان مقدار که خداوند بر شما واجب کرده است. .. <

تملک کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۰ - ۲

۲ - ازدواج با تملک کنیزان ، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

إلا علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

حجاب کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۴، ۱۲

۴ - کنیزان ، در پوشش و حجاب ، حکم زنان آزاده را ندارند .

قل لأزواجك .. نساء المؤمنين يدين عليهن من جليبيهن

>نساء

المؤمنين > انصراف به زنان آزاده مؤمن دارد. شأن نزول نقل شده درباره این آیه و این که زنان آزاده و کنیزان، دارای پوشش یک نواختی بودند و از این رو، مورد تعرض مزاحمان قرار می گرفتند، گویای این است که حکم مزبور، مربوط به زنان آزاده است.

۱۲ - بر زنان مؤمن آزاده، لازم است با پوشش مناسب، خود را از بردگان کنیز متمایز سازند.

یدنین علیهنّ من جلیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین

متعلق < یعرفن > می تواند < من الإماء > باشد و می تواند چیزی شبیه < إنهنّ حرائر > باشد. برداشت بالا، بنا بر احتمال نخست است.

حد زناى کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۴، ۲۳

۲۳ حدّ زناى کنیزان مسلمان، نیمی از حدّ زناى آزاده است.

فاذا احصنّ فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات من العذاب

چون فعل < احصنّ > مجهول است، مراد از آن شوهردار بودن است، و چون ضمیر آن به < مؤمنات > برمی گردد، هر دو قید، یعنی مسلمان و شوهردار بودن، از آن استفاده می شود. مؤید معنای مذکور برای < احصنّ > در برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آن فرمود: یعنی نکاحهنّ ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۹۶ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۰، ح ۱۹۰.

۲۴ کنیز شوهردار، در صورت ارتکاب هر نوع فحشا، مستحق نیمی از کیفر زن آزاد *

فاذا احصنّ فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات

در برداشت فوق، < فاحشه > به معنای مطلق کار زشت گرفته شده، نه به معنای < زنا >.

حقوق کنیز

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۱۴، ۱۱

۱۱ مبارزه اسلام با تحقیر کنیزان و ننگ دانستن ازدواج با آنان

من فتیاتکم المؤمنات . . . بعضکم من بعض

۱۴ وجوب پرداخت اجرت (مهریه) به کنیزان بر طبق معیار های متعارف جامعه

و اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف

حلیت کنیز برای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - بر پیامبر (ص) غیر از همسران تعیین شده ، تنها کنیز ، حلال و مباح بود .

لایحلّ لك النساء من بعد . . . إلا ما ملکت یمنك

حمایت از کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۹

۲۹ - کنیزان پاکدامن و شخصیت انسانی آنان ، مورد حمایت اسلام است .

ولا تکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصنًا لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

زمینه ازدواج کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۴، ۵

۴ - اولیای بردگان و کنیزان صالح و نیکو کردار ، موظف به فراهم آوردن تسهیلات ازدواج برای آنان .

و أنکحوا .. و الصلحین من عبادکم و إمائکم

۵- فراهم آوردن تسهیلات ازدواج برای بردگان و کنیزان شایسته اداره زندگی مشترک ، تکلیفی است بر عهده اولیای آنان .

و أنکحوا.. و الصلحین من عبادکم و إمائکم

برداشت یاد شده، براین اساس است که مقصود از صلاح در <الصالحین> به قرینه این که سخن از ازدواج افراد غیر متأهل است و آنان نوعاً از قشر جوان و نوجوانان اند صلاحیت برای

امر ازدواج باشد^۲ یعنی، به حدی از رشد و بلوغ رسیده باشند که شایستگی اداره زندگی مشترک را داشته باشند.

شخصیت کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۶

۲۶ - شخصیت و کرامت انسانی کنیزان ، به منزله شخصیت و کرامت دختران آزاد است .

و لا تکرهوا فیتکم علی البغاء .. . إن أردن تحصنًا

<فتیات> (جمع <فتیه>) به معنای دختران جوان است (لسان العرب). برداشت یاد شده از تعبیر <فتیاتکم> (دختران جوانان) به جای <إمائکم> (کنیزان) با آن که مقصود از دختران جوان، همان کنیزان است استفاده شده است.

عفت کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۲

۲۲ پاكدامنی کنیز پس از ازدواج ، شرط لزوم پرداخت اجرت (مهریه) متعارف به وی *

اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف محصنات غیر مسافحات و لا متخذات اخدان

بنابر اینکه <محصنات غیر مسافحات>، حال برای مفعول اول <اتوهنّ> باشد که در این صورت <محصنات> قید برای <اتوا> می شود.

کنیز صالحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۴،۵

۴ - اولیای بردگان و کنیزان صالح و نیکو کردار ، موظف به فراهم آوردن تسهیلات ازدواج برای آنان .

و أنکحوا .. . و الصلحین من عبادکم و إمائکم

۵ - فراهم آوردن تسهیلات ازدواج برای بردگان و کنیزان شایسته اداره زندگی مشترک ، تکلیفی است بر عهده اولیای آنان .

و أنکحوا. .. و الصالحین من عبادکم و إیمانکم

برداشت یاد شده، براین اساس است که مقصود از صلاح در <الصالحین> به قرینه این

که سخن از ازدواج افراد غیر متأهل است و آنان نوعاً از قشر جوان و نوجوانان اند صلاحیت برای امر ازدواج باشد، یعنی، به حدی از رشد و بلوغ رسیده باشند که شایستگی اداره زندگی مشترک را داشته باشند.

کنیز مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۳

۳ کنیز مؤمن برای همسری شایسته تر است از آزاد زن مشرک، هر چند زیبا و دلربا باشد.

و لآمه مؤمنه خیر من مشرکه و لو اعجبتکم

مالکیت کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ کنیز، مالک مهریه خویش

فمن ما ملکت ایمانکم ... و اتوهنّ اجورهنّ

از اینکه خداوند تصریح می کند که مهریه کنیز را به خود او بدهید (اتوهنّ اجورهنّ) و نفرمود که: اتوا اجورهنّ، معلوم می شود مالک مهریه، خود کنیز است نه مالک او.

محرومیت مالک کنیز گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۳۳

۳۳ - برده داران و ادار کننده کنیزان خویش به فحشا و فساد جنسی، محروم از آمرزش و رحمت خدا هستند.

و من یکرههنّ فإنّ الله من بعد إکرههنّ غفور رحیم

در آیه یاد شده متعلق <غفور> و <رحیم> ذکر نشده است. با توجه به این که بعید است خداوند به برده داران، به خاطر گناه اکراهشان و نیز مورد هشدار قرار گرفتن آنان وعده غفران و رحمت بدهد، به نظر می رسد مقصود کنیزانی خواهد بود

که مجبور به فحشا شده اند. بر این

اساس اختصاص یافتن این وعده به کنیزان، حاکی از محرومیت برده داران از این موهبت است.

مشروعیت تملک کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶ - ۳

۳ - ارضای غرایز جنسی به گونه ای مشروع (اختیار همسر یا تملک کنیز) ، امری مقبول و مورد پذیرش اسلام

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ... فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ

معاشرت با کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۱۲

۱۲ عدم لزوم رعایت مساوات بین کنیزان ، برای مالکان آنان

فَانْخَفِتْ لَهُنَّ جُنُودَ اللَّهِ تَعْلَمُونَ

مراد از مساوات، عدالت و قسطی است که شوهر ملزم به رعایت آن در بین زنان متعدد خویش می باشد.

مهریه کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۲، ۱۵، ۱۴

۱۴ وجوب پرداخت اجرت (مهریه) به کنیزان بر طبق معیار های متعارف جامعه

وَاتُوهُنَّ اجْرَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ

۱۵ کنیز ، مالک مهریه خویش

فَمَنْ مَلَكَتْ إِيْمَانَكُمْ... وَآتُوهُنَّ اجْرَهُنَّ

از اینکه خداوند تصریح می کند که مهریه کنیز را به خود او بدهید (اتوهنّ اجورهنّ) و نفرمود که: اتوا اجورهنّ، معلوم می

شود مالک مهریه، خود کنیز است نه مالک او.

۲۲ پاکدامنی کنیز پس از ازدواج، شرط لزوم پرداخت اجرت (مهریه) متعارف به وی *

اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف محصنات غیر مسافحات و لا متّخذات اخدان

بنابر اینکه <محصنات غیر مسافحات>، حال برای مفعول اوّل <اتوهنّ> باشد که در این صورت <محصنات> قید برای <اتوا> می

شود.

کودک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کودک

احکام کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۷

۱۷ قرآن حاوی احکامی خاص ، درباره اطفال ناتوان و مستضعف

یفتیکم فیهنّ و ما یتلی علیکم فی الکتب . . . و المستضعفین من الولدن

استماع سخن کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۷

۷ لزوم گوش سپاری به سخنان کودکان و اجازه نقل رخدادها و دریافتها به آنان

إذ قال یوسف لأبیه یأبت إنی رأیت

اهمیت حقوق کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۹

۹ - توجه به مصالح و منافع نوزادان و نیز رعایت موازین شرعی و عقلی ، باید اساس و مبنای مشاوره و هم فکری مردان و زنان مطلقه باشد .

و أتمروا بینکم بمعروف

<معروف> اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

تصرفات کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۵،۷

۵ کودکان (نابالغان) و کسانی که رشد اقتصادی ندارند ، از تصرف در اموال خود محجورند . *

و ابتلوا الیتامی .. فان انستم منهم رشداً فادفعوا

۷ صحت تصرف کودکان یتیم در اموال ، با اذن و نظارت ولی

و ابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح

چون بدون تصرف یتیم در اموال و بدون نظارت ولی بر آن تصرفات، آزمایش تحقق نمی یابد.

تغذیه کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره

۱ وجوب شیر دادن مادران به فرزندان خویش

و الوالدات يُرضعن اولادهنّ

جمله <یرضعن .. >، جمله ای است خبری در مقام انشا.

۲ اولویّت شیر مادر برای تغذیه فرزند نسبت به شیر دیگر زنان و تغذیه های دیگر

و الوالدات یرضعن اولادهنّ

۳ دوره کامل شیرخوارگی کودک، دو سال کامل است.

و الوالدات یرضعن اولادهنّ حولین کاملین

۴ عدم وجوب شیر دادن به نوزاد به مدّت دو سال بر مادر *

لمن اراد ان یتّم الرضاعه

چون حکم (ارضاع به مدّت دو سال) را تعلیق به اراده مادر کرده است، به نظر می رسد ارضاع به مدّت دو سال واجب نباشد؛ اگر چه اصل ارضاع واجب باشد.

۶ مادر در صورت تصمیم پدر به تکمیل شیرخوارگی فرزند، باید دو سال کامل به نوزاد شیر دهد. *

و الوالدات یرضعن .. لمن اراد ان یتّم الرضاعه

برخی از مفسّرین بر آنند که مراد از <من اراد> پدر فرزند است؛ یعنی آنگاه بر مادر دو سال شیر دادن لازم است که پدر از او بخواهد. در تأیید این برداشت نیز گفته شده که صیغه <اراد> و <یتّم> به صورت مذکر، مؤید آن است.

۸ زنان مطلقه نباید از شیر دادن به نوزاد خود امتناع نمایند.

و الوالدات یرضعن

آیات قبل و بعد در مورد زنان مطلقه است.

۱۵ توجه اسلام به نقش سازنده مادر در تغذیه و پرورش کودک *

و الوالدات یرضعن اولادهنّ

۱۸ نباید مادر حتی پس از طلاق با امتناع از شیر دادن به فرزند ، موجب ضرر او شود .

لا تضارّ والده بولدها

۱۹ خودداری مادر از شیر دادن

به کودک خویش ، از مصادیق بارز اضرار به فرزند

و الوالدات یرضعن . . . لا تضارّ والده بولدها

نهی از زیان رسانی به کودک پس از الزام مادر به شیر دادن، اشاره به این معناست که از مصادیق بارز ضرر به کودک، خودداری از شیر دادن به اوست.

۲۶ جواز گرفتن فرزند از شیر قبل از دو سال ، به شرط رضایت ، مشورت و توافق پدر و مادر

فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

چون حدّ کمال شیر دادن دو سال است، بنابراین <فصال> پس از دو سال طبیعی است و نیاز به مشورت و توافق ندارد؛ لذا مراد از <فصال> در آیه شریفه، <فصال> قبل از دو سال است.

۲۷ جدا کردن طفل از شیر مادر ، باید پس از مشورت با صاحب نظران و توافق والدین صورت گیرد .

فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

در برداشت فوق، <فصال> حمل شده بر <فصال> از شیر مادر، نه از هر شیری؛ یعنی توافق می کنند که مادر دیگر شیر ندهد و برای تکمیل مدّت شیر، کودک را به دایه ای بسپارند.

۳۶ لزوم رعایت تقوا در حقوق نوزادان و آنچه مربوط به شیردهی آنان است .

و الوالدات یرضعن . . . و اتقوا الله

محور اصلی آیه، تأمین حیات و رشد نوزادان است. بنابراین مصادیق بارز تقوا در آیه شریفه، رعایت حقوق آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۸

۸ - مردان و زنان مطلقه ، باید درباره شیر دادن و کیفیت نگه داری نوزادانشان ، به مشاوره و هم

فکری پردازند .

و أتمروا بینکم

حقوق کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱

۱ کسانی که خواهان رعایت حقوق کودکان یتیم خویش از طرف جامعه هستند ، باید حقوق کودکان یتیم دیگران را رعایت کنند .

ولیکش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم فلیتقوا الله

جمله <فلیتقوا الله>، به قرینه جمله قبل (لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً) چنین معنا می شود: فلیتقوا الله فی امر الذریه الضعاف؛ یعنی کسانی که نگران رعایت حقوق فرزندان خویش پس از مرگ خود هستند، باید تقوای الهی را در مورد فرزندان ضعیف (یتیمان) دیگر مردمان رعایت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۷

۱۷ قرآن حاوی احکامی خاص ، درباره اطفال ناتوان و مستضعف

یفیتکم فیهنّ و ما یتلی علیکم فی الکتب . . . و المستضعفین من الولدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۶

۶ - دوران شیرخوارگی کودک ، تا دو سال است .

و فصله فی عامین

<فصال> در لغت، به معنای <جدا کردن کودک از شیر> است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <فی> (حرف ظرف) دلالت می کند بر این که مدّت شیرخوارگی، دو سال است و جدا کردن کودک از شیر، می تواند در خلال آن دو سال باشد.

روانشناسی کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۵

۵- اهمیت نام و نام گذارنده و نقش آن در شخصیت کودک

اسمه یحیی لم نجعل

تعبیر <اسمه یحیی> از آن جهت مورد تصریح قرار گرفته است که تعیین آن از سوی خدا، خود شرافتی برجسته و قابل تأمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۷

۷ لزوم گوش سپاری به سخنان کودکان و اجازه نقل رخدادها و دریافتها به آنان

إذ قال يوسف لأبيه يأتني رأيت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۷

۷ حضور در مراتع و بازی و گردش، از نیازهای طبیعی کودکان

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غداً يرتع ويلعب

روش برخورد با کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۷

۷ لزوم گوش سپاری به سخنان کودکان و اجازه نقل رخدادها و دریافتها به آنان

إذ قال يوسف لأبيه يأتني رأيت

عوامل مؤثر در رشد کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۳

۱۳- نقش اساسی دوران جنینی و شیرخوارگی، در رشد و بلوغ فرزند *

و حمله و فصله ثلثون شهرًا حتّى إذا بلغ أشده

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آمدن <بلغ أشده> در پی <و حمله و فصاله> بیانگر ارتباط میان این دو مقطع باشد.

کودک مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۵

۵ مردان، زنان و کودکان مانده در ستم، از مصادیق مستضعفان

و المستضعفين من الرجال والنساء والولدان

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْ

مَالِكِيَّتِ كُودِكِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۸

۸ مالکیت شخصی کودکان

و ابتلوا الیتامی . . فادفعوا الیهم اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۵

۵- ثبوت حق مالکیت برای افراد نابالغ

و لاتقربوا مال الیتیم . . حتی یبلغ أشده

<یتیم> در لغت، به طفلی گفته می شود که قبل از بلوغ، از پدرش جدا شده و او را از دست بدهد (مفردات راغب).

محجوریت کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۵

۵ کودکان (نابالغان) و کسانی که رشد اقتصادی ندارند ، از تصرف در اموال خود محجورند . *

و ابتلوا الیتامی . . فان انستم منهم رشداً فادفعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۴

۱۴- صغیر بودن و رشد و درک اقتصادی نداشتن ، دو عامل حجر و مانع حق تصرف فرد در مال خویش است .

حتی یبلغ أشده

بیان غایت زمان ممنوعیت حق تصرف یتیم، در واقع بیان کننده ملاک حق تصرف در مال است و آن، بلوغ و رشد اقتصادی است. بنابراین یتیم بودن، خصوصیت و موضوعیت ندارد.

محرمیت کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۲، ۲۵

۲۲ - پوشاندن زینت ها و مواضع آنها (بدن) از خدمت کاران بی نیاز به زن و بی رغبت به زناشویی و کودکان بی خبر

از مسائل جنسی ، بر زنان مؤمن لازم نیست .

و لا یبدین زینتھنَّ إلاّ.. أو التبیین غیر اُولی الإربہ من الرجال أو الطفل الذی

واژه <الإربہ> به معنای حاجت است و در آیه شریفه به مناسبت این که در بیان مسائل محرم و نامحرم است مقصود، نیاز به زن و تمایل جنسی به زنان است.

۲۵ - پدر شوهر ، پسرهمسر ، پسر برادر ، پسر خواهر ، زنان مؤمن ، بردگان ، خدمت کاران بی میل به زن و زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

و لا یبدین زینتھنَّ إلاّ لبعولتھنَّ .. أو الطفل الذین لم یظھروا علی عورت النساء

نجات کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۶

۶ نجات کودکان از محیط کفر و شرک ، از وظایف مؤمنان

و الولدان .. الظالم اهلها

نقش کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۸

۸ - حضور کودک در کنار مادر ، مایه سرور و روشنی دیدگان و فراق او ، موجب اندوه و نگرانی مادر

فرددنه إلى أمّه کی تقرّ عینها و لاتحزن

نیازهای کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۷

۷ حضور در مراتع و بازی و گردش ، از نیازهای طبیعی کودکان

و إنا له لنصحنون. أرسله معنا غداً يرتع و يلعب

كودكان

استيدان كودكان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٢ - نور - ٢٤ - ٥٨ - ٣

٣ - فرزندان نابالغ ،

باید برای ورود به اتاق و محل استراحت پدر و مادرشان به وقت برهنگی و خلوت آنان، اجازه بگیرند.

لیستندنکم .. الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مَرّت ... ثلاث عورت لکم

اهمیت تربیت کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ - هرگونه رفتاری که موجب تحریک جنسی فرزندان نابالغ و ممیز (بلوغ زودرس) شود، ممنوع است.

لیستندنکم .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوه العشاء ... لیس علیکم

با توجه به فلسفه و حکمت اذن گرفتن فرزندان نابالغ، برای ورود به محل خواب و خلوت پدر و مادرشان و نیز لزوم پرهیز والدین از ظاهر شدن با چنین وضعیتی در انظار فرزندان خویش، می توان گفت که هرگونه تحریک جنسی فرزندان (بلوغ زودرس) ممنوع است و مورد آیه خصوصیتی ندارد.

سختی استیذان کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۴

۱۴ - ضرورت معاشرت نزدیک و تنگاتنگ فرزندان نابالغ با پدر و مادر خود و مشقت اجازه خواستن، فلسفه و دلیل عدم لزوم اذن خواستن از والدین، برای رفت و آمد نزدیک با آنان در غیر از سه وقت مقرر است.

لیستندنکم .. ثلاث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طَوْفون علیکم بعضکم

جمله <طَوْفون علیکم> .. جمله ای است تعلیلیه که بیانگر علت و فلسفه جواز رفت و آمد نزدیک فرزندان با پدر و مادرشان در اتاق ها و محل استراحت آنان است؛ یعنی، چون فرزندان باید با پدر و

مادرشان رفت و آمد نزدیک داشته باشند و اجازه خواستن برای این کار، برای فرزندان مشقت بار است، پس اذن طلبیدن لازم نیست.

مسئولیت کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۳

۳ - فرزندان نابالغ، باید برای ورود به اتاق و محل استراحت پدر و مادرشان به وقت برهنگی و خلوت آنان، اجازه بگیرند.

لیستئذنکم... الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مرّات... ثلاث عورت لکم

ممنوعیت تحریک جنسی کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ - هرگونه رفتاری که موجب تحریک جنسی فرزندان نابالغ و ممیز (بلوغ زودرس) شود، ممنوع است.

لیستئذنکم... و الذین لم یبلغوا الحلم منکم... من قبل صلوه العشاء... لیس علیکم

با توجه به فلسفه و حکمت اذن گرفتن فرزندان نابالغ، برای ورود به محل خواب و خلوت پدر و مادرشان و نیز لزوم پرهیز والدین از ظاهر شدن با چنین وضعیتی در انظار فرزندان خویش، می توان گفت که هرگونه تحریک جنسی فرزندان (بلوغ زودرس) ممنوع است و مورد آیه خصوصیتی ندارد.

کودکی

امامت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - > علی بن اسباط قال: رأیت أبا جعفر (ع)... فقال یا علیّ إنّ الله إحتج فی الإمامه بمثل ما احتج به فی النبوه فقال: > و آتیناه الحکم صبیاً <... فقد یجوز أن یؤتی الحکمه و هو صبی

علی بن اسباط گفت: امام جواد(ع) را دیدم . .. به من فرمود ای علی همان خداوند احتجاج نموده در مورد امامت به حجتی نظیر آنچه در مورد نبوت احتجاج نموده است، پس فرمود: <و آتیناه الحکم صبیّاً> ... پس روا است که حکمت به کودک هم داده شود...>.

بازگشت به کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۱،۶

۱ - بازگشت انسان به حالت طفولیت پس از عمر طولانی و دوران پیری از نظر قوای جسمی و عقلی

و من نعمره ننکسه فی الخلق

<تعمیر> (مصدر <نعمر> و از ماده <عمر>) به معنای طولانی کردن عمر و <تنکیس> (مصدر <ننکسه>) به معنای واژگون ساختن است. مقصود از جمله <و من نعمره ننکسه فی الخلق> واژگون شدن و بازگشت انسان از نظر قوای جسمی و عقلی در دوران پیری، به دوران ضعف و سستی طفولیت خویش است.

۶ - بازگشت انسان به حالت طفولیت پس از دوران پیری از نظر قوای جسمی و عقلی، نشانگر توانایی خداوند بر عذاب کافران و بازگرداندن آنان به روز رستاخیز است .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم . . . و من نعمره ننکسه فی الخلق

برداشت یاد شده براین اساس استوار است که عبارت <من نعمره . . .> عطف بر <و لو نشاء لطمسنا...> از باب عطف علت بر معلول باشد؛ یعنی، آیه شریفه درصدد ارئه شاهدهی بر توانایی خداوند بر مسخ و زمین گیر کردن انسان و بازگرداندن وی به روز رستاخیز برای محاکمه است.

بازی در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۵

۵ - اقتضای دوران کودکی انسان بازی است .

أَنا الحیوه الدنیا لعب

حکمت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- > علی بن اسباط قال : رأیت أبا جعفر (ع) . . . فقال یا علی إنَّ الله إحتج فی الإمامه بمثل ما إحتج به فی النبوه فقال : >
و آتیناه الحکم صبیاً < . . . فقد یجوز أن یؤتی الحکمه و هو صبی . . . ;

علی بن اسباط گفت: امام جواد(ع) را دیدم . . به من فرمود ای علی همان خداوند احتجاج نموده در مورد امامت به حجتی نظیر آنچه در مورد نبوت احتجاج نموده است، پس فرمود: <و آتیناه الحکم صبیاً> . . پس روا است که حکمت به کودک هم داده شود...>.

دوران کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۷

۱۷- منحنی صعود انسان در زندگی دنیوی ، از طفولیت آغاز می شود و در اوج جوانی ، به پایان می رسد .

فإننا خلقناکم من تراب . . ثم نخرجکم طفلاً ثم لتبلغوا أشدکم

ذکر نیازهای کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۸

۸- توجه انسان به ضعف ها و نیاز های دوران کودکی و خدمات و زحمات پدر و مادر ، برانگیزنده عواطف وی نسبت به

آنان است .

و قل ربّ ارحمهما كما ربّیانی صغیراً

قضاوت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- حضرت یحیی ، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتینه الحکم صبیئاً

<حکم> بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

کودکی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۴

۴- ابراهیم (ع) در پرتو عنایت الهی ، از رشد و کمالات خاص از دوران کودکی و قبل از نبوت بهره مند بود .

و لقد ءاتینا ابرهیم رشنه من قبل

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از <من قبل> پیش از بلوغ و یا قبل از نبوت باشد.

کودکی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حسیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإننا خلقناکم من تراب .. لکیلا یعلم من بعد علم شیئاً ... ذلک بأنّ الله هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۲،۴

۲ - مراحل مختلف حیات انسان ، از کودکی تا پیری ، به دست خداوند است .

الله الذی خلقکم من ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوه ثم جعل من بعد قوه ضعفاً و شبیهه

از کودکی تا پیری، تخلف ناپذیر و غیر قابل تغییر است.

خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشِبْهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۷

۷ - منحنی صعود انسان در حیات دنیوی، از طفولیت آغاز می شود و در نقطه اوج جوانی پایان می پذیرد.

ثُمَّ يَخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لَتَبَلِّغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شِوْخًا

کودکی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۶،۷،۱

۱ - پیامبر (ص)، از آغاز تولد یتیم بود.

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى

استفهام <أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا> مطلق است و به زمان خاصی اختصاص نیافته است و کسی که خداوند او را به طور مطلق یتیم می یابد، باید از آغاز تولد با فوت پدر مواجه باشد. فعل <آوی> نیز قرینه است بر این که یتیمی پیامبر(ص)، در دورانی بود که شخص به سرپرست نیازمند است. بنابراین آن حضرت، از آغاز تولد یتیم بوده است.

۶ - خداوند، با یادآوری الطاف خود در دوران کودکی پیامبر (ص)، آن حضرت را به عطا های آینده خویش اطمینان بخشید.

و لَسَوْفَ يَعْطِيكَ .. أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى

۷ - پیامبر (ص) از خردسالی، در پناه خداوند و برخوردار از مراقبت مخصوص او بود.

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى

فعل <آوی> که مطلق است ممکن است به معنای <آواک إلى نفسه> و بیانگر مراقبت مستقیم خداوند، از پیامبر(ص) باشد.

کودکی موسیٰ (ع)

جلد - نام سورہ -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۸ - ۲

۲ - موسی (ع) از طفولیت ، مورد عنایت ویژه خداوند قرار داشت .

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ - موسی (ع) ، در خردسالی تحت تکفل مادر خود بود .

علی من یکفله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸ - ۱،۲

۱ - موضع گیری فرعون ، در قبال دعوت موسی (ع) با به رخ کشیدن دوران سرپرستی خویش بر او

قال ألم نربّک فینا ولیدًا

<ترتیب> (مصدر <نربّی>) به معنای پروریدن است. <ولید> به نوزاد و نیز به کودکی گفته می شود که از وقت ولادتش زمانی زیادی نگذشته باشد؛ وگرنه طفل گفته می شود. <لبث> (مصدر <لبثت>) به معنای ماندن و درنگ کردن است؛ یعنی، فرعون گفت: آیا تو را از کودکی در میان خود نپروریدم [مگر] سالیانی چند از عمرت را پیش ما نماندی.

۲ - کودکی و بخشی از دوران عمر موسی (ع) و نیز رشد و پرورش جسمی او در خاندان فرعون گذشت .

قال ألم نربّک فینا ولیدًا و لبث فینا من عمرک سنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲ - ۶

۶ - ناخشنودی موسی (ع) ، از زندگی گذشته خویش در دربار فرعون

قال ألم نربّک فینا ولیدًا .. و تلک نعمه تمنّھا علیّ أن عبّدتّ بنی إسرئیل

۱۲ - خداوند ، پناه و پشتیبان موسی (ع) از مرحله شیرخوارگی تا رسیدن به مقام رسالت

إِنَّ فِرْعَوْنَ... يَذَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ... وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ... إِنَّنَا رَادُّو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۱

۱ - سپری شدن دوران کودکی و نوجوانی موسی (ع) و رسیدن او به مرحله جوانی ، بی هیچ حادثه درخور بیان

فرددنه إلى أمه... و لما بلغ أشده و استوی

تعبیر <بلغ أشده> کنایه از رسیدن شخص به دوره جوانی است؛ زیرا نوعاً بلوغ فکری انسان هم زمان با رسیدن وی به مرحله جوانی است. بنابراین پرداختن قرآن به حوادث روزگار جوانی موسی(ع) و بعد از آن و مسکوت گذاشتن دوران پیش از جوانی (کودکی و نوجوانی)، نشانگر آن است که کودکی و نوجوانی او در کمال آرامش سپری شده بود و در این مدت حادثه ای درخور بیان برای وی روی نداده بود.

کودکی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۵، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸

۸- اعطای قدرت درست اندیشی و شناخت حق از سوی خدا ، به یحیی (ع) در کودکی او بود .

و ءاتینہ الحکم صبیئاً

برای <حکم> معانی مختلفی ذکر شده است ؛ یکی از آن معانی که مبنای برداشت یاد شده است <علم و فهم> می باشد (لسان العرب).

۹- خداوند ، یحیی (ع) را در کودکی به اجرای احکام الهی توان مند ساخت .

و ءاتینہ الحکم صبیئاً

در برداشت

یاد شده <حکم> به معنای حاکمیت و اجرای قضاوت گرفته شده است. در (قاموس) آمده است: حاکم به کسی گفته می شود که حکم را به مرحله اجرا در آورد.

۱۰- حضرت یحیی، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتینه الحکم صبیئاً

<حکم> بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

۱۱- یحیی برخوردار از استعدادی فوق العاده در کودکی

و ءاتینه الحکم صبیئاً

۱۵- > عن النبی (ص) فی قوله < و آتیناه الحکم صبیئاً > قال : أعطی الفهم و العباده و هو ابن سبع سنین ;

۱. الدرالمنثور، ج ۵، ص ۴۸۴.

۱۶- > قال رسول الله (ص) : ... قال الله تعالی : < و آتیناه الحکم صبیئاً > یعنی الزهد فی الدنيا ... ;

از رسول خدا(ص) روایت شده: .. خدای تعالی فرموده است: < و آتیناه الحکم صبیئاً > ; یعنی زهد در دنیا را (به او دادیم) ... <.

کودکی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۳

۱۳ رؤیای شگفت یوسف (ع) (سجده ستارگان ، ماه و خورشید) در سنین کودکی یا نوجوانی او بوده است .

قال یبنی

کلمه <بنی> تصغیر کلمه <ابن> می باشد و به ضمیر متکلم اضافه شده است. <یبنی> ; یعنی، ای پسر کوچک من.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۶

۶ یوسف (ع) به هنگام اجرای توطئه برادرانش علیه او ، در سنین کودکی یا نوجوانی بوده است

أرسله معنا غداً يرتع و يلعب

برداشت فوق ، از فعل <يلعب> (بازی کند) به دست می آید ؛ زیرا معمولاً بازی کردن را در مورد کودکان و نوجوانان به کار می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۰، ۱۲

۱۰ یوسف (ع) در سنین کودکی ، شایستگی دریافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به .. و أوحينا إليه

۱۲ یوسف (ع) در سنین کودکی به نبوت رسید . *

و أوحينا إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱

۱ یوسف (ع) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أكرمي مثويه .. و لما بلغ أشده

کلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شده (توان و قدرت) است. بنابراین <أشدّ> یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۴

۴ یوسف (ع) در دوران کودکی اش به ناحق متهم به دزدی شده بود .

فقد سرق أخ له من قبل .. قال ... الله أعلم بما تصفون

گرایشها در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۴

۴ - انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی (کودکی ، نوجوانی ، جوانی

، میان سالی و پیری) ، دارای روحیه و گرایش متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب . . . و تکاثر فی الأموال و الأولاد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصصت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

نبوت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- > علی بن اسباط قال : رأیت أبا جعفر (ع) . . . فقال یا علی إنّ الله إحتج فی الإمامه بمثل ما إحتج به فی النبوه فقال : > و آتیناه الحکم صبیاً < . . . فقد یجوز أن یؤتی الحکمه و هو صبی . . . ;

علی بن اسباط گفت: امام جواد(ع) را دیدم . . . به من فرمود ای علی همان خداوند احتجاج نموده در مورد امامت به حجتی نظیر آنچه در مورد نبوت احتجاج نموده است، پس فرمود: <و آتیناه الحکم صبیاً> . . . پس روا است که حکمت به کودک هم داده شود...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۱۱، ۱۰، ۴

۴- حضرت عیسی (ع) در خردسالی ، خود را بنده خدا ، صاحب کتاب آسمانی و پیامبری الهی معرفی کرد .

قال إتی عبد الله ءاتینی الکتب و جعلنی نبیاً

۱۰- > عن یزید الكناسی قال : سألت أبا جعفر (ع) أکان عیسی بن مریم حین تکلم فی المهد حجه الله علی أهل زمانه ؟ فقال : کان یومئذ

نبيّاً حجه الله غير مرسل ، أما تسمع لقوله حين قال : < إني عبد الله آتاني الكتاب و جعلني نبياً > . . . فلما بلغ عيسى سبع سنين تكلم بالنبوه والرساله حين أوحى الله تعالى إليه ;

از يزيد کناسی نقل شده که گفت: از امام باقر(ع) سؤال کردم آیا عیسی بن مریم(ع) آن گاه که در گهواره بود حجت خدا بر اهل زمانش بود؟ فرمود: (عیسی(ع)) در آن زمان پیامبر و حجت خدا بود، اما مأموریت رسالت نداشت، آیا سخن او را نمی شنوی آن گاه که گفت: < . . . و جعلني نبياً > . . . پس آن گاه که به هفت سالگی رسید، ابراز نبوت و رسالت کرد، همان هنگام که خدا به او وحی کرد.<.

۱۱- < عن رسول الله (ص) : . . . و هذا عيسى بن مریم (ع) . . . حين أشارت إليه . . . قال : إني عبد الله آتاني الكتاب > . . . أعطى كتاب النبوه و أوصى بالصلاه والزكاه في ثلاثه أيام من مولده و كلمهم في اليوم الثاني من مولده . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: . . . و این عیسی بن مریم(ع) است که وقتی مریم به او اشاره کرد گفت: <إني عبد الله آتاني الكتاب > . . . کتاب نبوت به او داده شد و به نماز و زکات سفارش گردید (و این همه) ظرف سه روز پس از ولادت او بود و در روز دوم ولادت با مردم سخن گفت...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ یوسف

(ع) در سنین کودکی به نبوت رسید . *

و أوحينا إليه

وحی در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۱، ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در سنین کودکی ، شایستگی دریافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به .. و أوحينا إليه

۱۱ در تلقی وحی الهی و دریافت آن ، رسیدن به سن خاصی شرط نیست .

و أوحينا إليه

ویژگیهای کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۵

۵ - اقتضای دوران کودکی انسان بازی است .

أنما الحيوة الدنيا لعب

کور از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کور

تشبیه به کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸ - ۱

۱ - منافق رها شده در ظلمت و گمراهی بسان شخص کر و لال و نابیناست .

ترکهم فی ظلمت لایبصرون. صم بکم عمی

صم، بکم و عمی به ترتیب: جمع أصم (کر)، أبکم (لال) و أعمی (کور) است. کلمات یاد شده خبر برای مبتدای محذوف، یعنی ضمیر <هم> است که به توصیف شدگان در آیه قبل (منافقان رها شده در ظلمت) بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۱

۱ - مردمی که ایمان نیاورند و محکوم به عذاب الهی گردند، مانند کسانی اند که سدّی بلند در پیش رو و پشت سرشان نهاده شده و بر دیدگانشان پرده ای افکنده شده که هیچ چیز نبینند.

و جعلنا من بین أیدیهم سدّاً

تنکیر <سدّاً> برای تعظیم است و به قرینه <فأغشیناهم>، مقصود

از آن، سدّی بلند است.

تمثیل به کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۱

۱ حالت مشرکان و کافران به قرآن ، همانند انسان کور و کر است .

مثل الفریقین کالأعمی والأصمّ

شخصیت کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۵

۵ - شخصیت افراد نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، برابر شخصیت دیگر انسان ها است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

از این که افراد ناقص العضو (مانند نابینایان و ..) در استفاده از خوراکی های منازل خویشان خود همانند دیگر افراد جامعه شمرده شدند، حاکی از حقیقت یاد شده است. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان، مریضان و... خودداری می کردند تأیید کننده همین برداشت است زیرا اسلام خواسته است با چنین سنّت نادرستی مبارزه کند.

محدوده اختیارات کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲،۳،۴

۲ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج ولا علی الأعرج حرج ولا علی المریض حرج .. أن تأكلوا من بیو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و لا- علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم > عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از <بیوتکم > (خانه های

خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

۳- نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۴- نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

معدوریت کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۱

۱- افراد نابینا ، لنگ و مریض ، معاف از شرکت در جنگ

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

کوران

احترام کوران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲ - ۵

۵- روشندان مسلمان هرچند فقیر باشند شایسته احترام اند و اهانت یا اظهار کدورت از همنشینی با آنان ، مجاز نیست .

عبس و تولی . أن جاءه الأعمی

توصیف ابن ام مکتوم به <الأعمی> با آن که اگر ثروتمند بود کوری او مایه خشم و قهر دیگران نمی شد بیانگر این است که در نظام حاکم بر مردم آن زمان، افراد کور به رفاه و ثروت نمی رسیدند^۲ به گونه

ای که توصیف آنان به <کور>، برای بیان فقر آنها کافی بود. تقابل <الأعمی> با <من استغنی> در آیات بعد، گفته یاد شده را تأیید می کند. سرزنش کسی که دیگران را بر شخص کور ترجیح داده بود، گویای لزوم احترام نابینایان است.

تشبیه به کوران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ تنها وحی الهی تعیین کننده وظایف و شأن پیامبر (ص) است.

قل لا أقول لكم .. إني ملك إن أتبع إلا ما يوحى إلي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۳ - ۲

۲ مردمی که از نزدیک ، اعمال و رفتار پیامبر (ص) را نظاره کرده و از او تبعیت نمی کردند ، همانند آن نابینایی اند که از نعمت بصیرت دل نیز محروم است .

و منهم من ينظر إليك أفأنت تهدي العمى و لو كانوا لا يبصرون

همسفرگی با کوران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۹،۳۸

۱۹ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز با خویشاوندان و دوستان خویش باهم (بر سر یک سفره) و یا جداگانه ، غذا میل کنند .

ليس على الأعمى حرج .. و لا على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت ءابائكم ... أ

۳۸ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله > ليس على الأعمى حرج و لا على الأعرج حرج و لا على المريض حرج < وذاك أن

أهل المدينة

قبل أن يسلّموا كانوا يعزلون الأعمى و الأعرج و المريض و كانوا لا يأكلون معهم و كان الأعمى و المريض يقولون : لعلنا نؤذيهم إذا أكلنا معهم فاعتزلوا مواكلتهم فلمّا قدم النبي (ص) سألوه عن ذلك فأنزل الله > ليس عليكم جناح أن تأكلوا جميعاً أو أشتاتاً ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند >ليس على الأعمى حرج. <.. فرمود: اهل مدینه قبل از آنکه مسلمان شوند، نابینایان، لنگان و بیماران را از خود جدا می کردند و با آنان هم غذا نمی شدند... و کوران و بیماران می گفتند: شاید اگر ما با دیگران هم غذا شویم، موجب اذیت آنان باشیم. از این رو از هم غذا شدن با دیگران کناره می گرفتند. پس هنگامی که پیامبر(ص) وارد مدینه شد، از آن حضرت سؤال کردند. خداوند این آیه را نازل فرمود: ليس عليكم جناح أن تأكلوا جميعاً أو أشتاتاً.<

کوردلان

{کوردلان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ تکذیب کنندگان قوم نوح (ع) ، مردمی کوردل بودند .

إنهم كانوا قوماً عمين

کلمه <عمين> جمع <عمى> به معنای فاقدان بصیرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ آنان که ولایت خدا و ربوبیت او را بر هستی پذیرفته اند بینایند و کسانی که برای غیر خدا ولایت و تدبیری در جهان معتقدند ، کوردلانند .

قل هل يستوى الأعمى والبصير أم هل تستوى الظلمت والنور

کلمات <أعمى> (کور)، <بصير> (بینا) و نیز <ظلمات> (تاریکیها) و <نور> (روشنی) محتمل است مثالها و نظیرهایی برای مشرکان

و موحدان باشد و محتمل است صفات و ویژگیهای معبودهای اهل شرک و خداوند متعال باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۵

۵ آنان که الهی بودن قرآن و حقایق آن را باور ندارند ، کوردل و جاهلند .

أفمن يعلم أنما أنزل إليك من ربك الحق كمن هو أعمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۱

۱ - برخی از گمراهان ، گرفتار کوردلی و فاقد زمینه هدایت

و ما أنت بهدى العمى عن ضللتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر ، انسان هایی کوردل اند .

إذا ولّوا... و ما أنت بهد العمى عن ضللتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۳

۳ - کافران ، مردمی کوردل و تاریک بین و مؤمنان ، انسان هایی روشن ضمیر و اهل بصیرت

و ما يستوى الأعمى و البصير

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان تمثیل برای وضعیت مؤمنان و کافران است.

بینایی اخروی کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۸

۸- چشم های نابینا در برابر حق ، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضاً . الذین كانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و

رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را درخواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

سرنوشت کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین، از نظر شخصیت و سرنوشت، برابر و هم سنگ نیستند.

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

شخصیت کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین، از نظر شخصیت و سرنوشت، برابر و هم سنگ نیستند.

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

کوردلان در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۷۸، ۱

۱- کوردلان در دنیا، در آخرت نیز نابینا و راه گم کردگانند.

و من کان فی هذه أعمی فهو فی الآخره أعمی و أضلّ سبیلاً

۷- > عن أبی جعفر (ع) فی قول الله عزّوجلّ : > و من کان فی هذه أعمی فهو فی الآخره أعمی و أضلّ سبیلاً > قال : من لم یدلّه خلق السماوات و الأرض و اختلاف اللیل و النهار و دوران الفلک و الشمس و القمر و الآیات العجیبات علی أن وراء ذلك

أمرأ أعظم منه فهو في الأخره أعمى و أضلّ سبيلاً قال : فهو عمّا لم يعين أعمى و أضلّ ؛

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزوجلّ <و من كان في هذه أعمى فهو في الأخره أعمى و أضلّ سبيلاً> روایت شده است که فرمود: کسی که آفرینش آسمانها و زمین و پی در پی در آمدن شب و روز و گردش فلک و خورشید و ماه و نشانه های عجیب، او را به این حقیقت راهنمایی نکند که در پس این آفرینش، حقیقتی بزرگ تر از آن وجود دارد؛ چنین شخص نابینا و گمراه، در آخرت نابیناتر و گمراه تر خواهد بود. [امام] فرمود: پس این شخص نسبت به چیزی که ندیده و تجربه نکرده است، نابیناتر و گمراه تر است <.

۸- < عن أبي محمد (ع) . . . يا إسحاق ! انه من خرج من هذه الدنيا أعمى فهو في الأخره أعمى و أضلّ سبيلاً يا إسحاق ليس تعمى الأبصار و لكن تعمى القلوب التي في الصدور . . . ؛

از امام هادی(ع) روایت شده است که آن حضرت به اسحاق نوشت: ای اسحاق! [مراد از] کسی که از این دنیا نابینا بیرون رود، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است، یا اسحاق! نابینایی چشم نیست؛ بلکه کوری قلبهایی است که در سینه ها جای دارد <.

کوردلان در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۱،۷،۸

۱- کوردلان در دنیا، در آخرت نیز نابینا و راه گم کردگانند .

و من كان في هذه أعمى فهو في الأخره أعمى و أضلّ سبيلاً

> عن أبي جعفر (ع) في قول الله عزوجل: < و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً > قال: من لم يدلّه خلق السماوات و الأرض و اختلاف الليل و النهار و دوران الفلك و الشمس و القمر و الآيات العجيبات على أن وراء ذلك أمراً أعظم منه فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً قال: فهو عمّا لم يعين أعمى و أضلّ ;

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزوجل <و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً> روایت شده است که فرمود: کسی که آفرینش آسمانها و زمین و پی در پی در آمدن شب و روز و گردش فلک و خورشید و ماه و نشانه های عجیب، او را به این حقیقت راهنمایی نکند که در پس این آفرینش، حقیقتی بزرگ تر از آن وجود دارد؛ چنین شخص نابینا و گمراه، در آخرت نابینا تر و گمراه تر خواهد بود. [امام] فرمود: پس این شخص نسبت به چیزی که ندیده و تجربه نکرده است، نابینا تر و گمراه تر است <.

۸- > عن أبي محمد (ع) . . . يا إسحاق! انه من خرج من هذه الدنيا أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً يا إسحاق ليس تعمى الأبصار و لكن تعمى القلوب التي في الصدور . . . ;

از امام هادی(ع) روایت شده است که آن حضرت به اسحاق نوشت: ای اسحاق! [مراد از] کسی که از این دنیا نابینا بیرون رود، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است، یا اسحاق! نابینایی چشم نیست؛

بلکه کوری قلبهایی است که در سینه ها جای دارد < .

گمراهی اخروی کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۱

۱- کوردلان در دنیا ، در آخرت نیز نابینا و راه گم کردگانند .

و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً

هدایت ناپذیری کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۲

۲- بی تأثیر بودن قوی ترین هدایتگران و نیرومندترین هدایت ها ، در گمراهان کوردل

و ما أنت بهدى العمى عن ضللتهم

از آن جایی که فردی چون پیامبر(ص) که قوی ترین هدایتگر و کتابی چون قرآن که دربردارنده نیرومندترین پیام هدایت است در کوردلانی که زمینه بینش را از دست داده اند، بی تأثیرند، برداشت یاد شده به دست می آید.

کوردلی

آثار کوردلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۹

۹ نپذیرفتن آیات الهی، نتیجه کوردلی است، نه معلول خفای آیات.

قد جاءكم بصائر من ربكم فمن أبصر فلنفسه و من عمى فعليها

کاربرد فعل <عمی> (کور شد) در مورد کسانی است که آیات روشن خداوند را درک نمی کنند، بیانگر این است که آنان چشم خود را به روی حقایق می بندند، نه اینکه حقایق پنهان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۳، ۱۲

۱۲ کوردلی قوم نوح (ع)، ریشه انکار و تکذیب آیات خداوند از سوی آنان

کذبوا بآیتنا إناهم كانوا قوماً عمین

۱۳ انکار

آیات الهی برخاسته از کوردلی منکران ، و نه ابهام و خفای نشانه های خداوند

كذبوا بايتنا إنيهم كانوا قوماً عمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۸

۸- تأثیر نکردن انذار های پیامبر (ص) در برخی از مردم ، برخاسته از حرف ناشنوایی آنان بود ؛ نه ناشی از ضعف در منطق وحی و بیان آن حضرت .

قل إِنَّمَا أَنذَرَكُم بِالوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءُ إِذَا مَا يَنْذِرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۸

۸ - کوردلی ، موجب محرومیت از فهم حقایق و پندپذیری

أفلم يسيروا .. فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَرَ وَ لَكِن تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ

آثار کوردلی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۶

۶- سرمستی ، تحییر و بصیرت نداشتن قوم لوط ، مانع هدایت پذیری از رهنمود های حضرت لوط (ع) بود .

و اتقوا الله و لاتخزون .. لعمر ك إنيهم لفي سكرتهم يعمهون

<سکره> به معنای از بین رفتن و از کار افتادن عقل است و <عمه> به معنای تردد ناشی از تحییر در امور است. بنابراین مقصود از جمله <لفی سكرتهم يعمهون> سرمستی و متحیر بودن و از دست دادن بصیرت در امور است.

آثار کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۶

۶- کور باطنی ، ریشه تردید ها و حیرت کافران در مورد قیامت و مسائل آن

بل هم فی شکّ منها بل هم

<عمون> نظر به چشم ظاهر ندارد؛ بلکه عدم بینش و بصیرت کافران را می‌رساند که در نتیجه آن، آنها گرفتار شک و تردید و حیرت و سرگردانی اند.

زمینه کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۴

۱۴ - هدایت و شفای قرآن، مایه فزونی کوردلی کافران لجوج

و هو علیهم عمیُّ أولئک ینادون من مکان بعید

عوامل کوردلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۹

۹ اشرافیت، استکبار و خودبرتربینی سران قوم نوح، مایه کوردلی و ناتوانی آنان از درک دلایل نبوت و فهم معارف الهی بود

أرءیتم إن .. ءاتنی رحمه من عنده فعمیت علیکم

<عُمیت> فعل مجهول است و فاعل آن؛ یعنی، چیزی که موجب کوردلی و خفای دلیلهای نبوت نوح به کافران باشد، ذکر نشده است. به قرینه صفاتی که برای کافران قوم نوح بیان شده، می‌توان گفت: همان صفات (از طبقه اشراف و مستکبران بودن و خود را برتر دانستن و ...) موجب کوردلی و ناتوانی آنان از درک معارف شده بود.

کوردلی اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۸،۹

۸ سران و اشراف قوم نوح، کوردلانی ناتوان از درک دلایل نبوت و فهم و معارف الهی

أرءيتم إن . . . ءاتنى رحمه من عنده فعمّيت عليكم

تعميه (مصدر عمّيت) به معنای کور ساختن است و آن گاه که به <على> متعدى شود، به معنای مخفی کردن می باشد.
بنابراین <فعميت عليكم>؛ یعنی،

آن بی‌ینه و رحمتی که خداوند به من عطا کرده است ، بر شما مخفی مانده و از درکش ناتوانید.

۹ اشرافیت ، استکبار و خودبرتربینی سران قوم نوح ، مایه کوردلی و ناتوانی آنان از درک دلایل نبوت و فهم معارف الهی بود

أرءیتم إن . . . ءاتنی رحمه من عنده فعمیت علیکم

<عُمیت> فعل مجهول است و فاعل آن / یعنی، چیزی که موجب کوردلی و خفای دلیلهای نبوت نوح به کافران باشد، ذکر نشده است. به قرینه صفاتی که برای کافران قوم نوح بیان شده، می توان گفت: همان صفات (از طبقه اشراف و مستکبران بودن و خود را برتر دانستن و ...) موجب کوردلی و ناتوانی آنان از درک معارف شده بود.

کوردلی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۱

۱- سوگند مؤکد خداوند به جان پیامبر (ص) مبنی بر اینکه قوم لوط مردمانی سرمست و متحیر و به دور از هرگونه بصیرت و روشن بینی بودند .

لعمرك إنهم لفی سكرتهم یعمهون

برداشت فوق بنا براین مبناست که مخاطب جمله <لعمرك> به قرینه آیات ۴۹ و B۵۱ پیش از شروع داستان ابراهیم(ع) و لوط(ع) (نبیء عبادی . . . و تبئهم ...) پیامبر اکرم(ص) باشد.

کوردلی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۱، ۱۲

۱۱ تکذیب کنندگان قوم نوح (ع) ، مردمی کوردل بودند .

إنهم كانوا قوماً عمین

کلمه <عمین> جمع <عمی> به معنای فاقدان بصیرت است.

۱۲ کوردلی قوم نوح (ع) ، ریشه انکار و تکذیب آیات خداوند از

كذبوا بايتنا انهم كانوا قوماً عمين

کورددلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۳

۳ نزول معجزات و محدوده آن، وارونه ساختن دل و دیده کافران، و قرار دادن دشمن برای پیامبران، از سنتها و کلمات خداوند و غیر قابل تغییر است.

إنما الأیت عند الله .. و نقلب ... و کذلک جعلنا ... و تمت کلمت ربک

در آیات گذشته چند سنت و قانون الهی یاد شد، از جمله: <نقلب أفئدتهم> و <ما كانوا ليؤمنوا> و <لكل نبي عدوا>. لذا اگر مراد از <کلمت>، سنن باشد، همه موارد ذکر شده را می تواند شامل گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱

۱- بارزترین ویژگی کافران، محجوب بودن آنان از دیدن و درک آیات الهی است .

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکرى

مراد از دیدن ذکر خدا، مشاهده و درک آیات و نشانه هایی است که مایه یاد خداوند هستند (گفتن مسبب و اراده سبب) و مفاد آیه، این است که مشاهده آیات خداوند، کافران را به یاد او نمی افکند، گویا پوششی بر چشم های آنان است که دیدن آن آیات، بر ایشان مقدور نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - کافران و تکذیب کنندگان پیامبران، نابینایان واقعی و محروم از بینایی دل

أفلم یسیروا فی الأرض .. و لکن تعمی القلوب التي فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ -

۳ - کافران ، مردمی کوردل و تاریک بین و مؤمنان ، انسان هایی روشن ضمیر و اهل بصیرت

و ما یتوی الأعمی و البصیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان تمثیل برای وضعیت مؤمنان و کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، انسان های زنده دل و برخوردار از حیات واقعی و معقول ، و کافران (چونان مردگان) محروم از آن

لیندر من کان حیًا و یحقّ القول علی الکفرین

برداشت یاد شده از ارتباط میان صدر و ذیل آیه شریفه^۲ یعنی، به قرینه مقابله میان انسان های زنده و کافران، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۵

۵ - مؤمنان نیک کردار ، گروهی روشن بین و اهل بصیرت و کافران بد کردار ، گروهی کوردل و غافل اند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

<الأعمی> و <البصیر> تمثیلی برای مؤمنان نیک کردار و کافران بد کردار است.

کوردلی کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر ، انسان هایی کوردل اند .

إذا ولّوا .. و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

کوردلی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۱

۱ - برخی از گمراهان ، گرفتار کوردلی و فاقد زمینه هدایت

و ما أنت

بهدي العمى عن ضللتهم

كوردلى مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٥ - انعام - ٦ - ٥٠ - ١٧

١٧ پيامبر(ص)، بينا و راه يافته، و مشركان، كور و گمراه هستند. *

فمن ءامن . . . والذين كذبوا ... قل هل يستوى الأعمى و البصير

ظاهراً مراد از <البصير>، پيامبر(ص)، مراد از <الأعمى>، مشركان هستند. و چون موضوع آيه، ايمان به پيامبر است، گويا آيه در صدد بيان فلسفه لزوم ايمان به آن حضرت است. يعنى از آنجا كه پيامبر(ص) بصير است، ديگران بايد از او تبعيت كنند.

كوردلى مشركان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١١ - حج - ٢٢ - ٤٦ - ٦

٦ - مشركان تكذيب گر و حق ستيز عصر بعثت ، مردمى پندناپذير و كوردل

و إن يكذبوك .. أفلم يسيرا في الأرض ... القلوب التي في الصدور

كوردلى معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - رعد - ١٣ - ١٦ - ١٧

١٧ خداوند ، حقيقتى بصير و پرفروغ است و معبود هاى اهل شرك كور و تاريخند .

قل هل يستوى الأعمى والبصير أم هل تستوى الظلمت والنور

برداشت فوق بر اين مبناست كه <أعمى> و <ظلمات> اوصاف معبودهاى اهل شرك و <بصير> و <نور> وصف خداوند باشد.

کوردلی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۵

۵ - منکران آخرت ، مردمی کور باطن و فاقد بصیرت

بل هم منها عمون

<عمی> (مفرد <عمون>) یعنی کور، و مقصود از کوری در آیه، کوری دل است و نه کوری سر.

کوردلی مکذبان آیات خدا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ تکذیب کنندگان قوم نوح (ع)، مردمی کوردل بودند.

إنهم كانوا قوماً عمین

کلمه <عمین> جمع <عمی> به معنای فاقدان بصیرت است.

کوردلی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - کافران و تکذیب کنندگان پیامبران، نابینایان واقعی و محروم از بینایی دل

أفلم یسیروا فی الأرض .. و لكن تعمی القلوب التي فی الصدور

کوردلی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۵

۵ آنان که الهی بودن قرآن و حقایق آن را باور ندارند، کوردل و جاهلند.

أفمن یعلم أنما أنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

کوردلی مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۶

۱۶ مؤمنان به پیامبر(ص)، بیباک و راه یافته و تکذیب کنندگان او کور و گمراه هستند.

فمن ءامن .. والذین کذبوا ... قل هل یتوی الأعمی و البصیر

چون موضوع آیات اثبات رسالت پیامبر(ص) است، می توان گفت مراد از <البصیر> مؤمنان به آن حضرت و مراد از <الأعمی> تکذیب کنندگان آن حضرت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۳ - ۲

۲ مردمی که از نزدیک ، اعمال و رفتار پیامبر (ص) را نظاره کرده و از او تبعیت نمی کردند ، همانند آن ناینایی اند که از نعمت بصیرت دل

نیز محروم است .

و منهم من ينظر إليك أفأنت تهدي العمى و لو كانوا لا يبصرون

کوردلی منکران آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۳

۱۳ انکار آیات الهی برخاسته از کوردلی منکران ، و نه ابهام و خفای نشانه های خداوند

كذبوا بايتنا إنهم كانوا قوماً عمين

نشانه های کوردلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۳

۳ گرایش های شرک آلود و انکار حقانیت قرآن ، نشانه ناشنوايي ضمير و كورى دل است .

مثل الفريقين كالأعمى والأصم والبصير والسميع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۴

۴ - تکذیب پیامبران الهی و مبارزه با آنان ، نشانه پندناپذیری و کوردلی است .

و إن يكذبوك.. فتكون لهم قلوب يعقلون... القلوب التي في الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۱۶

۱۶ - شرکورزی ، نشانه بی بصیرتی است .

أفلاتبصرون

نشانه های کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۷

۷- روی گردانی از ولایت الهی و تمسک به ولایت غیر خدایی ، نمودی از کوردلی کافران است .

كانت أعينهم في غطاء .. أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا

ارتباط محتوایی این آیه با آیات قبل، خصوصاً با توجه به <فاء> در <أفحسب> چنین می نماید که برگزیدن اولیا از سوی کافران، از نتایج کوری و کری و فقدان شناخت آنان است.

نشانه های کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۶

۶ - ناباوری کافران عصر بعثت به عذاب الهی و به مسخره گرفتن آن ، نمودی از کوردلی ایشان

و لكن تعمی القلوب التي فی الصدور . و يستعجلونك بالعذاب

کوری

آثار کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲۰، ۱

۱ - نابینایی ، لنگی و مرض ، سه عامل معاف شدن از تکالیفی است که در آنها ، بینایی ، حرکت و راه رفتن و سلامت لازم است .

ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <ولا على أنفسكم أن تأكلوا..> استینافیه و جدا از جمله <ليس على الأعمى حرج...> باشد. بر این اساس جمله <ليس على الأعمى...> درصدد بیان قانون و اصلی کلی است و آمدن آن به تناسب بیان احکام افرادی است که به شکلی از برخی از تکالیف معاف اند؛ مانند زنان سالخورده که از حجاب معاف اند و نیز معاف بودن فرزندان و برادر زادگان و... از اجازه خواستن جهت ورود به خانه دیگران که در دنبال همین آیه ذکر شده است.

۲۰ - نقص عضو مانند نابینایی ، لنگی و بیماری را ، نباید مانع از هم غذا شدن با افراد سالم دانست .

ليس على الأعمى حرج . و لا على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت ءابائكم ... أ

توصیه خداوند به این که افراد ناقص العضو، نابینایان و .. حق دارند با افراد سالم هم غذا شوند، می

تواند به این دلیل باشد که کسی گمان نکند که نقص عضو، مانع از هم غذا شدن است و باید از افراد ناقص العضو، اجتناب کرد. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده است که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان و... خودداری می کردند، مؤید همین برداشت است.

زمان کوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۶

۶ افول بینایی یعقوب (ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً .. وایبضت عیناه من الحزن

شفا کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ بینایی بخشیدن به کور مادرزاد و شفای پیسی ، معجزه عیسی (ع)

و أبریء الاکمه و الابرص

شفای کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۲۷، ۳۱ - ۲۴

۲۴ حضرت مسیح توانا بر بیناسازی کور های مادرزاد و شفابخشی مبتلایان به پیسی

و تبری الاکمه و الابرص باذنی

۲۷ عیسی (ع) ، ارائه کننده معجزات خویش (حیات بخشی به اجسام بی جان ، درمان کوری و پیسی و زنده کردن مردگان

، در بسیاری از مواقع

اذ تخلق .. و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج

برداشت فوق از فعل مضارع <تخلق> و <تبری> و <تخرج> که حاکی از استمرار انجام کار می باشد، استفاده شده است.

۳۱ توانایی عیسی (ع) بر ارائه معجزاتی همانند

روح بخشی به مجسمه ها ، درمان کوری و پیسی و احیای مردگان ، از نعمت های ویژه خداوند به آن حضرت

اذکر نعمتی ... و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

عوامل کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۱

۱۱ حزن شدید و گریه فراوان ، باعث سفید گشتن سیاهی چشم و نابینایی می شود .

وابيضت عیناه من الحزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - نور شدید ، از عوامل زدایش بینایی چشم *

یکاد سنا برقه یذهب بالأبصر

<سنا> به معنای <ضیاء> (روشنایی) و <برق> به معنای لمعان و نوری است که بر اثر برخورد ابرها به وجود می آید.

عوامل کوری اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۲

۲ - به فراموشی سپردن آیات و هدایت های الهی و غفلت از آن ، موجب کور محشور شدن در قیامت است .

لم حشرتنی أعمی .. قال کذلک أتکک ءایتنا فنسیتها

عوامل کوری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰- زندگانی دشوار، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نایبایی در قیامت، مجازات و کیفر الهی آن است.

فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى

تفاوت در تعبیر <فَإِنَّ لَهُ..> و <نَحْشُرَهُ...> که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفسِ عمل متفرع گردیده
ممکن است

به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

عوامل کوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۵

۵ حزن و اندوه شدید یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) ، موجب نابینایی هر دو چشم او شد .

وابيضت عيناه من الحزن

<ابيضاض> مصدر باب افعال از ماده <بيض> و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۳

۳ یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) نابینا شده بود .

يَأْت بَصِيرًا

کوری اخروی تارکان حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۳

۱۳ - > معاویه بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سألته عن رجل لم يحج قطّ و له مال قال : هو ممّن قال الله : > و نحشره يوم القيامة أعمى < قلت : سبحان الله أعمى ؟ قال : أعماه الله عن طريق الجنّه ;

معاویه بن عمار گوید: از امام صادق(ع) در باره کسی که مالی داشته و به حج نرفته است سؤال کردم؟ فرمود: او در زمره کسانی است که خداوند فرموده: <و نحشره يوم القيامة أعمى>. گفتم سبحان الله نابینا؟ فرمود: خداوند او را از [دیدن] راه بهشت نابینا کرده است.<

کوری اخروی غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - روی گردانان از هدایت الهی و یاد او ،

در صحنه قیامت ، نابینا محشور خواهند شد .

و من أعرض عن ذکری .. و نحشره یوم القیمه أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۱،۲

۱ - روی گردانان از هدایت و یاد خدا ، در قیامت نابینا برانگیخته خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

۲ - غافلان از یاد خدا ، در قیامت شگفت زده و با پرسشی شکوه آمیز از خداوند ، جویای علت کوری خود خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

کوری اخروی غافلان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ - زندگانی دشوار ، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نابینایی در قیامت ، مجازات و کیفر الهی آن است .

فإنّ له معیشه ضنکاً و نحشره یوم القیمه أعمی

تفاوت در تعبیر <فإنّ له..> و <نحشره...> که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفس عمل متفرع گردیده ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

کوری اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۶

۶- گمراهان ، در قیامت به صورت خزندگانی فاقد هر گونه شنوایی ، بینایی و نطق محشور خواهند شد .

و من یضلل .. و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیاً و بکمّاً و صمّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۵

۵ - روی گردانان از هدایت الهی و یاد او ، در صحنه قیامت

، نابینا محشور خواهند شد .

و من أعرض عن ذکری . . . و نحشره یوم القیمه أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۱

۱ - روی گردانان از هدایت و یاد خدا ، در قیامت نابینا برانگیخته خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

کوری اخروی مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۷ - ۱

۱ - زندگانی سخت و تنگ در دنیا و کوری و گرفتار بی مهری خداوند شدن در قیامت ، کیفر اسرافکاران است .

معیشه ضنکاً و نحشر یوم القیمه أعمی . . . و کذلک نجزی من أسرف

اسراف یعنی، از حد اعتدال فراتر رفتن (مصباح). در این آیه، مراد از آن به قرینه <من اتبع هدای> تجاوز از رهنمودهای الهی است. <ذلک> در <کذلک> اشاره به کیفرهایی است که در آیات پیشین برای اعراض کنندگان از یاد، خدا بیان شده است.

کوری اخروی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۰، ۵

۵ - روی گردانان از هدایت الهی و یاد او ، در صحنه قیامت ، نابینا محشور خواهند شد .

و من أعرض عن ذکری . . . و نحشره یوم القیمه أعمی

۱۰ - زندگانی دشوار ، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نابینایی در قیامت ، مجازات و کیفر الهی آن است .

فإنّ له معیشه ضنکاً و نحشره یوم القیمه أعمی

تفاوت در تعبیر <فَإِنَّ لَهُ..> و <نحشره...> که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر

نفسِ عمل متفرع گردیده ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

کوری اخروی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۱

۱ - روی گردانان از هدایت و یاد خدا ، در قیامت نابینا برانگیخته خواهند شد .

قال ربِّ لم حشرتني أعمى

کوری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۸

۸ پندار مصونیت از امتحان و عذاب الهی ، از میان برنده حق شنوی و بصیرت دینی بنی اسرائیل

فعموا و صموا

کوری بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذين .. فأصمهم و أعمى أبصرهم

کوری تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذين .. فأصمّهم و أعمى أبصرهم

کوری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۱

۱۱ - زندگانی پر دردسر در دنیا و محسور شدن با چشمانی نابینا در قیامت ، از جلوه های گمراهی و شقاوت آدمی است .

فمن اتبع هدای فلا یضلّ و لایشقی . و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنکاً و نحشره ی

برداشت یاد شده، لازمه تقابل بین گروه هدایت یافتگان و غافلان است

که مجموع دو آیه، بیانگر آن است.

کوری دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۴

۴- مهر شدن قلب و قوای شنوایی و بینایی (محرومیت از درک حقایق) ، کیفر ترجیح دهندگان زندگی دنیا بر آخرت

استحبوا الحیوه الدنیا .. أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم

کوری عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۸ - ۱

۱ - ابن ام مکتوم ، با آن که از دیدن عاجز بود ، برای رساندن خویش به مجلس وعظ و ارشاد پیامبر (ص) ، راه را با شتاب می پیمود .

من جاءک یسعی

کوری غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۱۴

۱۴ - ژرف اندیشی های همراه با غفلت از یاد خدا ، در حقیقت کوری و بی بصیرتی است .

لم حشرتنی أعمی و قد کنت بصیرًا

کوری در قیامت، نمای واقعیت شخص در دنیا است؛ یعنی، هر چند او خود را دارای بصیرت می داند، اما در حقیقت فاقد بصیرت است.

کوری قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - مردان مصمم به تجاوز نسبت به میهمانان لوط ، مورد انتقام الهی با کور شدن چشم هایشان

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معنای محو کردن و از بین بردن است. بنابراین <طمسنا أعینهم> یعنی، چشمانشان را از آنان گرفتیم و نابینایشان کردیم.

۸ - کور شدن چشم های متجاوزان قوم

لوط ، پیش در آمد عذاب الهی برای آنان

فذوقوا عذابی و نذر

به کار رفتن واژه <ذوقوا>، ظاهراً کنایه از این است که این عذاب را بچشید تا عذاب اصلی بر سرتان فرود آید.

کوری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۴، ۲، ۱

۱ - مثل کفرپیشگان ، مثل حیوانی است که از درک شنیده ها ناتوان است .

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لایسمع

<نعق> (مصدر ینعق) به معنای: نهیب چوپان بر گوسفندان و امر و نهی اوست و مراد از <ما لایسمع> گوسفند و مانند آن می باشد. به گفته مفسران در آیه شریفه، کافران لجوج به گوسفندان و دعوت کنندگان به معارف دین به چوپان تشبیه شده اند. بر این مبنا بخشی از مشبه ذکر نشده و تقدیر کلام چنین است: مثل الذین کفروا و الذی یدعوهم الی الایمان کمثل الذی ...

۲ - کفرپیشگان از دعوت پیامبران جز فریاد و سر و صدا ، چیز دیگری در نمی یابند .

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لایسمع إلا دعاء و نداء

بر اساس توضیح برداشت قبل، معنای جمله <مثل الذین کفروا .. إلا دعاء و نداء> چنین می شود: مثل کافران در ارتباط با دعوت کنندگان به ایمان مثل گوسفندان و چوپان آنهاست؛ همان گونه که گوسفندان از سخن و امر و نهی چوپان چیزی جز فریاد نمی فهمند، کافران نیز از دعوت پیامبران حقیقتی را درک نمی کنند.

۴ - ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها ، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن ،

محروم کرده است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

مفعول <لایعقلون> معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل الله) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰ ایمان به آیات الهی بینایی و کفر به آن کوری است.

قد جاءكم بصائر من ربكم فمن أبصر فلنفسه و من عمى فعليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افترى .. أولئك ... ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۸

۸- افتادن حجاب نامرئی بر دیدگان کافران و محروم شدن آنان از شنیدن و درک وحی ، معلول تصمیم آنها مبنی بر عدم ایمان به آخرت است .

بين الذين لا يؤمنون بالأخرة حجابًا مستورًا

تعبیر <الذين لا يؤمنون بالأخرة> - به صورت جمله وصفیه - و فعل مضارع به جای <الكافرين> می تواند به این معنا باشد که جعل حجاب از سوی خدا، به خاطر این خصلت و گزینش از سوی کافران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۹

۹ - مؤمنان ، مردمی واقع بین ، خودشناس و بصیر و کافران ، مردمی خود ناشناس و فاقد بصیرت

الذین کفروا لهم عذاب شدید و الذین ءامنوا. .. أفمن زین له سوء عمله فرءاه حسناً

برداشت یاد شده براساس این احتمال است

که آیه شریفه تصویر کننده چهره مؤمنان و کافران باشد که در آیه قبل از آنان سخن گفته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۶ - ۱،۲

۱ - توانایی خداوند بر عذاب کافران ، به گونه ای که آنان با از بین رفتن چشم ها و نوردیدگانشان ، راه معمول خود را پیدا نکرده و از پیمودن راه درست محروم خواهند شد .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراط فأنی يبصرون

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معنای از بین بردن آثار و شواهد چیزی است و مقصود از <لطمسنا علی أعینهم> از بین بردن کامل عضو چشم و یا نور و بینایی آن می باشد. مراد از <الصراط> نیز راه معمول و متداولی است که افراد آن را طی می کنند.

۲ - عذاب کافران با از بین بردن چشم ها و نوردیدگانشان (به گونه ای که راه درستی را پیدا نکنند) جزء مشیت و سنت خدا نیست .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراط فأنی يبصرون

از به کار رفتن <لو> که برای امتناع و امر محالی است برداشت یاد شده به دست می آید.

کوری کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۴

۴ - < عن أبي جعفر (ع) فی قوله > و جعلنا من بین أیدیهم سدّاً و من خلفهم سدّاً فأغشیناهم < یقول : فأعمیناهم > فهم لا یبصرون < الهدی ... ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <..فأغشیناهم> روایت شده: که خدا می

فرماید: آنان را کور کردیم، پس نور هدایت را نمی بینند...<

کوری متجاوزان به مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۹

۹ - > عن أبي يزيد الحمار عن أبي عبدالله... فلما دخلوا (أى دخلوا قوم لوط) أهوى جبرئيل بإصبعه نحوهم فذهبت أعينهم و هو قوله > فطمسنا أعينهم... < ;

ابی یزیدحمار از امام صادق(ع) روایت نموده است:.. پس چون قوم لوط وارد خانه لوط(ع) شدند، جبرئیل با انگشت خود به سوی آنها نشانه گرفت که در اثر آن، چشم هایشان کور شد و این سخن خداوند است که فرمود: فطمسنا أعینهم...<

کوری مرتدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱

۱- خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبوا الحیوه الدنیا .. الکفرین . أولئك الذين طبع الله على قلوبهم ... و أ

کوری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افتری .. أولئك ... ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۵

۵ - شرکورزی و پرستش غیر خدا ، گمراهی و کوری است .

مصدق بارز برای ضلالت و کوردلی قوم ثمود به قرینه <أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ> در آیه ۱۴ شرک و پرستش غیر خداوند است.

کوری مشرکان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۴

۴ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله > و جعلنا من بين أيديهم سداً و من خلفهم سداً فأغشيناهم < يقول : فأعميناهم > فهم لا يبصرون < الهدى ... >

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <.. فأغشيناهم> روایت شده: که خدا می فرماید: آنان را کور کردیم، پس نور هدایت را نمی بینند...>.

کوری مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۳، ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افترى .. أولئك ... ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

۱۳ > عن أبي عبدالله (ع) [في قوله تعالى] : < ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون > ... قال : لم يعتبهم بما صنع قلوبهم و لكن يعاتبهم بما صنعوا ... >

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون> فرمود: خداوند آنان را برای آنچه قلبهایشان انجام داده نکوهش نکرده، بلکه برای آنچه خود، انجام داده اند نکوهش کرده است . >.

کوری مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- بیمار دلان گریزان از جهاد و فساد انگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذين .. فأصمهم و أعمى أبصرهم

کوری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۲

۲- بر گوش و چشم منکران آن ، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین ، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاوه> گرفته شده است.

کوری هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - پرستشگران هوای نفس بر اساس سنت الهی ناشنوا ، نابینا و تأثیر ناپذیر در برابر حق

من اتخذ إلهه هويه و أضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غ

مرض کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ شیوع بیماری کوری مادرزاد و پیسی ، در زمان حضرت عیسی (ع) *

و أبريء الاکمه و الابرص

شفای کوری و پیسی از میان تمام بیماریهایی که در آن زمان قابل علاج نبود، حکایت از شیوع این دو بیماری در آن زمان

دارد.

منشأ کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۷

۷ - اعطای بصیرت و بینایی و سلب آن ، از جلوه های ربوبیت خداوند است .

قال

رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى

منشأ کوری اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۸

۸ - نابینایی و بسته بودن راه درک انسان در قیامت ، تبلور محرومیت او از توجه و عنایت خداوند

لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى .. كَذَلِكَ الْيَوْمَ تَنْسَى

نشانه های کوری دهریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۴ - ۲

۲ - محدود شمردن زندگی به مجال دنیا ، نمودی از ناشنوایی ، نابینایی و حق ناپذیر بودن دهریون

و أضلّه الله على علم و ختم على سمعه .. و قالوا ما هي إلا حياتنا الدنيا

یوسف(ع) و کوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۵

۵ یوسف (ع) از نابینا شدن پدرش آگاه شده بود .

يَأْتِ بِصِيرًا

کوه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کوه

آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - حضرت موسی (ع) هنگام سرگردانی در بیابان، آتشی را دید و به خانواده اش بشارت داد.

إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ .. إِنَّي ءَانَسْتُ نَارًا

<ایناس> (مصدر <ءانست>) در معانی <احساس کردن>، <دیدن>، <دانستن> و <شنیدن> استعمال می شود (لسان العرب). به مناسبت مورد آیه، مراد <دیدن> است.

۴ - خانواده و همراهان موسی (ع) در بیابان، آتشی را که موسی (ع) مشاهده کرد، ندیدند. *

فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا أَنِّي ءَانَسْتُ نَارًا

از گفته موسی (ع) که فرمود: <من آتشی را دیدم> می توان احتمال داد که

دیگر همراهان موسی(ع) آن آتش را ندیده بودند. و گرنه دیدن را به خود اختصاص نمی داد.

۵- موسی (ع) تصمیم گرفت برای آوردن پاره آتشی جهت روشن کردن آتش و یا پیدا کردن راهنما، خود را به محل آتش برساند.

لَعَلِّيْ ءَاتِيْكُمْ مِنْهُ بِقَبْسٍ اَوْ اُجْدَ عَلٰى النَّارِ هُدًى

<قبس>، یعنی اخگر و آن، چوب آتش گرفته ای است که برای برافروختن آتش دیگر، از آتش آماده اقتباس کرده باشند (لسان العرب). <هدی> مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. حرف <أو> در آیه برای تعیین یکی از دو کار است، یعنی موسی(ع) در نظر داشت اگر با راهنمایی برخورد کرد، به راه ادامه دهند و گرنه با فراهم کردن آتش، خود را گرم نگه دارند.

۶- موسی (ع) از خانواده اش خواست که در جای خود منتظر وی بمانند و با او به مکان آتش نیایند.

فَقَالَ لِاَهْلِهِ امْكُثُوا اِنِّيْ ءَانَسْتُ نَارًا

<مکث> به معنای درنگ کردن و انتظار کشیدن است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱ - ۱

۱- موسی (ع) در پی مشاهده آتش، از خانواده خویش جدا شده و به طرف آتش حرکت کرد.

رءَا نَارًا .. فَلَمَّا اَتٰهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۷ - ۱

۱- موسی (ع) هنگام جدا شدن از خانواده اش برای آوردن آتش، چوب دستی خود را نیز به همراه داشت.

و مَا تَلٰكُ بِيْمِيْنِكَ يٰمُوسٰى

<تلك> برای اشاره به مؤنث به کار می رود و دلالت دارد

که اطلاق نام خشبه یا عوده (چوب) بر آنچه در دست موسی (ع) است، مسلم گرفته شده است؛ بنابراین از موسی (ع) خواسته شده بود که در جواب، خصوصیات آن چوب را بیان کند تا متوجه باشد که چه چیزی تبدیل به مار خواهد شد. گفتنی است که از جمله <أهش بها علی غمی> (در آیه بعد)، استفاده می شود که موسی (ع) پیش از آمدن به کوه طور، آن عصا را به همراه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۴،۵

۴ - موسی (ع) آتشی را در سمت وادی طور مشاهده کرد .

ءانس من جانب الطور نازًا

<ایناس> (مصدر <انس>) مرادف <إبصار> (دیدن) است. بنابراین <انس> یعنی، <بصر و رأی>.

۵ - موسی (ع) خانواده اش را از وجود آتش در وادی طور آگاه کرد .

قال لأهله امكثوا إنني ءانست نازًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۱

۱ - موسی (ع) برای بردن آتش ، خود را به وادی طور رساند .

لعلی ءاتیکم منها .. أو جذوه من النار ... فلما أتيتها

آثار آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۷

۷ - تصمیم موسی (ع) به آوردن آتش از وادی طور ، برای گرم کردن خانواده اش

قال لأهله امكثوا .. أو جذوه من النار لعلکم تصطلون

<إصطلاء> (مصدر <تصطلون>) به معنای خود را گرم کردن است.

آثار استحکام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۲

۲ - عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

آثار عظمت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۲

۲ - عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

اتقان کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۲

۲ وجود کوه های استوار بر بستر زمین ، از آیات الهی است .

و ألقینا فیها روسی

اجزای کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵ - ۴

۴ - اجزای تشکیل دهنده کوه ها ، دارای رنگ های گوناگون است .

و تكون الجبال کالعهن المنفوش

ارزش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۲ - ۲

۲ - < طور > ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و طور سینین

استبعاد تلاشی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۲

۲ - عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

استحکام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ -

۱ - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

۷ - وجود کوه های استوار و بلند و آب های گوارا برای شرب انسان ها ، از نشانه های قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

و جعلنا فیها روسی شمخت و أسقینکم ماء فرأتا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۱،۲،۴،۵

۱ - کوه ها مانند میخ های مستحکم ، با رسوخ در زمین مانع لرزش آن شده و اجزای \$ آن را به هم پیوند داده است .

و الجبال أوتادًا

<أوتاد> (جمع <وتد>) یعنی، میخ ها. تشبیه کوه ها به <میخ>، به این لحاظ است که آرامش و استحکام زمین و از هم نپاشیدن آن، وابسته به وجود کوه ها است؛ زیرا بدون وجود کوه ها، حرکت لایه های زمین به روی یکدیگر و پیدایش زلزله های فراگیر، آرامش و استقرار آن را به هم می زد.

۲ - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل .. و الجبال أوتادًا

۴ - میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عمّ یتساءلون .. ألم نجعل ... و الجبال أوتادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند؛ گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

۵ - وجود کوه های استوار در زمین ،

از نعمت های خداوند به انسان ها است .

ألم نجعل .. و الجبال أوتادًا

بیان وصف کوه ها، بین مجموعه آیاتی که بیانگر بعضی از نعمت های خداوند به انسان ها است، نشان می دهد که استواری کوه ها نیز از جمله آن نعمت ها است.

استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۶

۶ زمین و گسترش آن ، کوه های ثابت و استوار ، رودخانه ها ، گیاهان مزدوج و تداوم شب و روز ، از نشانه های خدا و از دلایل یکتایی او در تدبیر هستی است .

إن فی ذلک لأیت لِقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۳

۳- خداوند ، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد .

و ألقینا فیها روسی

<رواسی> (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

استقرار کوه ها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند ، قرار دهنده کوه ها در زمین است .

و ألقى فی الأرض روسی

اسکان در کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۵

۵- امکان مأوی گرفتن انسان در دل صخره ها و سنگر گرفتن در شکاف کوه ها ، از نعمت های الهی

و جعل لكم من الجبال أكنفاً

اطرافیان آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل

۳ - تبریک خداوند به موسی و فرشتگان حاضر در اطراف آتش طور

نودی أن بورک من فی النار و من حولها

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <بورک من فی النار> انشای تبریک باشد.

امتناع کوه ها از تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إنا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها

لام در <لِعَذَّبَ..> در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل <لِعَذَّبَ> قرینه است که مراد از <الأمانة> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

امتناع کوه ها از قبول امانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۴،۵

۴ - آسمان ها و زمین و کوه ها ، از قبول امانت الهی ، می ترسیدند .

إنا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها

۵ - خودداری آسمان ها و زمین و کوه

ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها

انقياد كوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقياد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أن الله يسجد له من في السموات ومن في الأرض . . . والشجر والدواب

<سجود> (مصدر <يسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقياد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۱

۱ - کوه ها ، تحت تسخیر خدا و رام او هستند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ

انهدام كوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۱۷، ۲۲، ۱۶، ۱۳

۱۳ کوه طور بر اثر تجلی خداوند بر آن متلاشی شد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دكا

ضمیر فاعلی در <جعله> هم می تواند به <رب> برگردانده شود ؛ یعنی: <جعل الرب بتجلیه الجبل دكا>، و هم می تواند

ضمیر فاعلی آن به مصدری که از جمله <تجلی ربه> به دست می آید، برگردد ؛ یعنی: <جعل تجلیه الجبل دكا>.

<دك> مصدر و به معنای متلاشی شدن و در آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مدكوك، یعنی متلاشی شده) است.

۱۶ موسی (ع) بر اثر تجلی خداوند بر کوه و انهدام آن ، بی هوش بر زمین افتاد .

فلما تجلى ربه للجبل

جعله دكا و خزّ موسى صعقا

<خروور> (مصدر <خزّ>) به معنای افتادن و ساقط شدن و <صَيَعَقَ> به معنای بی هوش شدن است. قرار گرفتن جمله <خزّ موسى صعقا> پس از دو جمله <تجلی ربه> و <جعله دكا>، بیانگر این است که تجلی خدا بر کوه و انهدام آن در بی هوش شدن موسى (ع) دخیل بوده است.

۱۷ موسى (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور، بی هوش شد و بر زمین افتاد.

جعله دكاً و خزّ موسى صعقا

<صَيَعَقَ> به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

۲۲ موسى (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد.

فلما أفاق قال سبحنك تبت إليك

انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۰ - ۲

۲- شکافته شدن آسمان ها، قطعه قطعه شدن زمین و انهدام کوه ها، امری بسزا، در برابر ادعای باطل فرزند گزینی خداوند

تكاد السموت يتفطرن منه و تنشق الأرض و تخزّ الجبال هدّاً

فعل <تكاد> که بر <وقوع نزدیک> دلالت دارد در معنای مجازی <سزاواربودن> به کار رفته و ممکن است مراد این باشد که برخورد این سخن با مقام قدس الهی، مانند برخورد چیزی با ارکان جهان هستی است؛ که همه چیز را متلاشی کند و از میان ببرد. و یا این که خشم خداوند از این سخن به حدی است که جای آن دارد، آسمان و زمینی

باقی نگذارد و همه چیز را نابود کند و کوه ها را درهم بریزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۳

۳- رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

و بَسَّتِ الْجِبَالَ بَسًّا

ذکر <بَسًّا> به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶ - ۱

۱- پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها ، به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا

<هَبَاءً> به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و <منبث> به معنای پراکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۱،۳

۱- زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جایگاه و مدار خود خارج خواهند شد .

و حَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ

۳- نظم کنونی کره زمین و شکل استقرار کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت از هم پاشیده می شود .

و حَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدَكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۱

۱- به هنگام دمیده شدن در صور و متلاشی شدن نظم کنونی زمین و کوه ها ، واقعه قیامت رخ می دهد .

فإذا نفخ في الصور .. و حملت الأرض ... فيومئذ وقعت الواقعة

به گفته مفسران، واژه <واقعه> همانند واژه های <حاقه>، <قارعه>، <غاشیه> و .. در قرآن که

بدون موصوف و یا به تقدیر آن آمده است عَلم برای قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۹ - ۱

۱ - متلاشی و ذره ذره شدن کوه ها ، همچون پشم رنگین و پراکنده شده ، در آستانه برپایی قیامت

و تکون الجبال کالعهن

<عهن> به معنای پشم رنگ شده است. در آیه پنجم از سوره <قارعه> چنین آمده است: <و تکون الجبال کالعهن المنفوش>؛ (و کوه ها مانند پشم رنگین زده شده خواهند شد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۰ - ۱

۱ - کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جا کنده و متلاشی خواهد شد .

و إذا الجبال نسفت

<نسف>، به معنای کندن از ریشه و بن است (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۳

۳ - کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فکانت سراباً

<سراب> درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق <سراب> گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی مانده از آن به صورت شبحی از کوه نمایان می شود.

اهمیت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - نمایان شدن آتش و فراهم آمدن خلوت گاهی برای اعطای رسالت به موسی (ع) ، حادثه

ای با اهمیت و درخور توجه برای پیامبر (ص) بود .

هل اتیک حدیث موسی . إذ رءا نارًا

کلمه <إذ> ظرف است برای <حدیث> (در آیه قبل) و استفهام در آن آیه برای ترغیب پیامبر(ص) به توجه به آن ماجرا است.

اهمیت امانت عرضه شده به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۲

۲ - امانت عرضه شده الهی بر آسمان ها ، زمین و کوه ها و انسان ها ، بس عظیم و سنگین است .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها وح

تعبیر <أبين أن يحملنها و أشفقن منها> و تعلیل قبول امانت از سوی انسان به <إنه كان ظلوماً جهولاً> حکایت می کند که آن امانت، بس عظیم و سنگین است.

اهمیت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۳

۳- زمین بدون وجود کوه ها ، دارای جنبش و لرزش بوده و برای زندگی انسان مناسب نیست .

و ألقى في الأرض روصي أن تميدبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۱ - ۴

۴- اهمیت و نقش حیاتی کوه ها و راه های طبیعی برای زندگی انسان ها

و جعلنا في الأرض روصي أن تميد بهم . . . سبلاً لعلهم يهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - نقش مهم کوه ها ، در نظام زمین و طبیعت

و الطّور

در صورتی که <طور> به معنای

مطلق کوه باشد، از مورد قسم قرار گرفتن آن، اهمیت آن در نظام زمین، استفاده می شود.

بالا بردن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۱،۴۸

۱ خداوند کوه طور را به لرزه درآورد، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد .

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

<نتق> (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکنیدن است. <ال> در <الجبل>، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. <ظله> به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

۴ خداوند با برافراشتن کوه طور بر سر قوم موسی، از آنان خواست تا با جدیت تمام تورات بپذیرند و رفتار و اندیشه های خویش را بر اساس آن استوار سازند .

خذوا ما آتینکم بقوه

<خذوا> یعنی بگیرید. <گرفتن> تورات و دیگر کتابهای آسمانی به این است که مورد پذیرش قرار گیرد و به احکام آن عمل شود.

۸ قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

<إذ> متعلق به فعل مقدر <اذکروا> است.

بالا رفتن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۲،۳،۹

۲ - خداوند، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعا فوقكم الطور

<الطور> نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه

از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی (ع) بر آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که طور به مطلق کوه نیز گفته می شود.

۳ - هدف از برافراشتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل ، پذیرش میثاق الهی بود .

و إذ أخذنا ميثقكم و رفعنا فوقكم الطور

۹ - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا ميثقكم و رفعنا فوقكم الطور

<إذ> مفعول برای فعل <اذکروا> در آیه ۴۷ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۲

۲ - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعنا فوقكم الطور

<الطور> نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی (ع) در آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که <طور> به مطلق کوه نیز گفته می شود.

برکت کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۲

۲ - کوه طور ، مکانی مبارک و محلی که خداوند از آن ناحیه با موسی (ع) سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأيمن

<الأيمن> که در این برداشت به معنای مبارک گرفته شده است ممکن است وصف برای <الطور> باشد و ممکن است وصف برای <جانب> گرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٣ - قصص - ٢٨ - ٣٠ - ٤

٤ - وادی طور ، جایگاهی مقدس و مبارک

فی البقعه المبارکه

<بقعه > به

نقطه ای گفته می شود که هیئت آن متمایز از پیرامونش باشد. بنابراین اطلاق بقعه بر وادی طور، بدان جهت است که آن وادی وضعیتی متفاوت با اطرافش دارد.

بلندی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۱

۱ - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

بنی اسرائیل و کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۱،۲،۸

۱ خداوند کوه طور را به لرزه درآورد ، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد .

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

<نتق> (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکنیدن است. <ال> در <الجبل>، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. <ظله> به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

۲ قوم موسی هراسان از سقوط کوه برافراشته شده بر سر آنان

و ظنوا أنه واقع بهم

۸ قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

<إذ> متعلق به فعل مقدر <اذکروا> است.

پرسش از فرجام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۳

- تعدادی از مردم صدراسلام در باره سرنوشت کوه ها در هنگامه رستاخیز ، از پیامبر (ص) توضیح می خواستند .

و یسلونک عن الجبال

پیدایش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۴ - ۴

۴ - پیدایش آسمان ، زمین ، شب ، روز ، آب ، گیاه و کوه ، حوادثی نابرابر با حادثه بزرگ قیامت

الطامه الكبرى

<کبری> اسم تفضیل است و قیامت را در برابر آنچه در آیات پیشین ذکر شد برترین و بزرگ ترین حادثه معرفی می کند.

تاریخ پیدایش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۴

۴- کوه ها ، پس از پیدایش زمین به وجود آمدند .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۸

۸ - کوه ها ، پس از پیدایش زمین به وجود آمده اند .

و ألقى فی الأرض روسی

تاریخ خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۲

۲- پیدایش کوه ها ، پس از آفرینش زمین بوده است . *

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم

ظاهر آن است که قرار دادن شیء در ظرفی فرع وجود ظرف است؛ بنابراین قرار دادن کوه ها در زمین بیانگر تأخر پیدایش کوه ها از پیدایش خود زمین است.

تبدیل کوه ها به ریگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ -

۲ - کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت به صورت انبوهی از ریگ های روان درخواهد آمد .

و كانت الجبال کثیباً مهیلاً

<کثیب> به معنای ریگ انباشته شده و <مهیل> (اسم مفعول از ماده <هیل>) به معنای شیء روان است (صحاح اللغه).

تبدیل کوه ها به غبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶ - ۱،۲

۱ - پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها ، به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فکانت هباء منبثاً

<هباء> به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و <منبث> به معنای پراکنده است.

۲ - انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا ، امری قطعی و تردیدناپذیر

فکانت هباء منبثاً

به کارگیری فعل ماضی <فکانت> در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

تجلی خدا بر کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۱۱،۱۲،۱۳،۱۶،۱۷،۲۲

۱۱ خداوند در پاسخ به درخواست موسی (ع) (رؤیت خدا) از وی خواست تا به کوه مقابل خویش نظر افکند و اثر تجلی خداوند را بر آن مشاهده کند .

قال لن ترنی و لکن انظر إلی الجبل

<ال> در <الجبل> عهد حضوری است ؛ یعنی: انظر إلی هذا الجبل.

۱۲ خداوند به موسی (ع) اعلام کرد در صورتی وی را مشاهده خواهد کرد که کوه بر اثر تجلی او پایدار بماند .

و لكن انظر إلى الجبل فإن استقر مكانه فسوف ترني

۱۳ کوه طور بر اثر تجلی خداوند بر

آن متلاشی شد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دكا

ضمیر فاعلی در <جعله> هم می تواند به <رب> برگردانده شود ؛ یعنی: <جعل الرب بتجلیه الجبل دكا>، و هم می تواند ضمیر فاعلی آن به مصدری که از جمله <تجلی ربه> به دست می آید، برگردد ؛ یعنی: <جعل تجلیه الجبل دكا>. <دك> مصدر و به معنای متلاشی شدن و در آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مدكوك، یعنی متلاشی شده) است.

۱۶ موسی (ع) بر اثر تجلی خداوند بر کوه و انهدام آن ، بی هوش بر زمین افتاد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دكا و خرّ موسی صعقا

<خرور> (مصدر <خرّ>) به معنای افتادن و ساقط شدن و <صیعق> به معنای بی هوش شدن است. قرار گرفتن جمله <خرّ موسی صعقا> پس از دو جمله <تجلی ربه> و <جعله دكا>، بیانگر این است که تجلی خدا بر کوه و انهدام آن در بی هوش شدن موسی (ع) دخیل بوده است.

۱۷ موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور ، بی هوش شد و بر زمین افتاد .

جعله دكا و خرّ موسی صعقا

<صیعق> به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

۲۲ موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد .

فلما أفاق قال سبحنك تبت إلیك

ترس کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۴،۵

۴ - آسمان ها و زمین و

کوه ها ، از قبول امانت الهی ، می ترسیدند .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت و الأرض و الجبال فأبين أن يحملنها و أشفقن منها

۵- خودداری آسمان ها و زمین و کوه ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت و الأرض و الجبال فأبين أن يحملنها و أشفقن منها

تسبیح کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۶،۹

۶- کوه ها و پرندگان ، به تسخیر الهی همراه با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

و سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ

۹- هم آوایی موجودات طبیعت (کوه ها ، پرندگان و ...) با پیامبران در تسبیح خداوند

و سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَ كُنَّا فَاعِلِينَ

تعبیر <كُنَّا فَاعِلِينَ> (ما در گذشته این کار را انجام می دادیم) برای بیان این حقیقت است که کوه ها و پرندگان تنها با داوود و سلیمان هم آوا نشدند؛ بلکه پیش از این نیز با پیامبران الهی هم آوا بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۴،۵،۱۰

۴- فرمان خداوند به کوه ها ، جهت هم صدا شدن با داوود (ع) در تسبیح خداوند

يَجِبَالٌ أَوْبِي مَعَهُ

<أَوْبِي> (از مصدر <اوب>) در اصل به معنای نوعی از بازگشت است (مفردات راغب) و مراد از آن چنان که مفسران نیز گفته اند تکرار و رجوع در تسبیح گویی است.

۵- هم صدایی کوه ها با داوود (ع)

در تسبیح گویی ، از جمله فضیلت های اعطا شده از جانب خداوند به آن حضرت

و لقد ءاتینا داود مِّنَّا فَضْلًا یَجِبَالٌ اَوْبٰی مَعَه

جمله <یا جبال اُوبی معه>، بدل اشتمال و یا بدل کل از کل برای <فضلاً> است. بنابراین معنا چنین می شود: ما به داوود(ع) فضیلتی دادیم و گفتیم ای کوه ها با او در تکرار تسبیح هم صدا باشید.

۱۰ - هم آوایی کوه ها به همراهی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند

و لقد ءاتینا داود مِّنَّا فَضْلًا یَجِبَالٌ اَوْبٰی مَعَه و الطیر

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <الطیر> عطف به ضمیر مجرور <معه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۲،۵

۲ - کوه ها ، در هر صبح و شام با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ یَسْبَحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

۵ - همراهی کوه ها در تسبیح الهی با داوود (ع) ، نمود قدرت و مقام معنوی آن حضرت

ذَٰلَآلَیْدٍ إِنَّهُ أَوْابٌ . إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ یَسْبَحْنَ

جمله <إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ..> می تواند تعلیل برای <ذالاید...> باشد؛ یعنی، داوود(ع) شخصیتی نیرومند در عبادت بود، زیرا ما کوه ها را با او همراه کردیم تا در صبح و شام با وی به تسبیح پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۴

۴ - تمامی کوه ها و پرندگان به خاطر تسبیح داوود (ع) همراه او به تسبیح می پرداختند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ یَسْبَحْنَ . . . و الطیر

محشوره کلّ له أوّاب

برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است که واژه <کلّ> شامل <جبال> (کوه ها) هم بشود.

تسخیر کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۶

۶- کوه ها و پرندگان ، به تسخیر الهی همراه با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

و سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ یَسْبُحْنَ وَ الطَّیْرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۱

۱ - کوه ها ، تحت تسخیر خدا و رام او هستند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ

تسطیح کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۶ - ۱

۱ - کوه ها در قیامت ، به زمین هموار و مسطح تبدیل خواهند شد .

عَنِ الْجِبَالِ .. فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا

<قاع> به معنای زمین صاف و مسطحی است که در آن درخت نروید و <صفصف> به معنای زمین همواری است که امکان رویدن هیچ گیاهی در آن نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۳

۳ - کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فکانت سراباً

<سراب> درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق <سراب> گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی مانده از آن به صورت شبحی از کوه نمایان می شود.

تشبیه به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۳ - ۶،۷

۶ - خداوند ، از بالا و از ابر یخ زده که به کوه می ماند تگرگ فرو می ریزد .

و ينزل من السماء من جبال فيها من برد

<من جبال> بدل از <من السماء> و برای تشبیه کردن ابرها، به کوه ها است؛ همان گونه که تشبیه اشیا بزرگ و با عظمت به کوه، بسیار معمول است؛ مانند کوه علم و... <بَرْد> نیز به معنای تگرگ است.

۷ - در فضا ، انبوهی از ابر های یخ زده همچون کوه ، وجود دارد .

و ينزل من السماء من جبال فيها من برد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۷

۷ - شکافته شدن دریا با عصای موسی و تقسیم شدن آب های آن به دو دیوار ؛ چون دو کوه بزرگ

فانفلق فکان کلّ فرق کالطود العظیم

فعل <کان> در این جا به معنای <صار> است. <فرق> نیز معادل قطعه (پاره) و <طود> مرادف <جبل> (کوه) است. بنابراین <کان کلّ فرق...>؛ یعنی، هر پاره ای از آب دریا، مانند کوهی بزرگ شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، به تدبیر و اراده الهی

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم

<جوارى> (جمع <جاریه>) به معنای کشتی ها و <أعلام> (جمع <علم>) به معنای کوه ها است.

تشبیه به کوه صعب العبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - انجام دادن بعضی از کار های نیک ، دشوار و بسان افکندن خویش در یک راه کوهستانی و گردنه های صعب العبور است .

فلاقتحم العقبه

<اقتحام> یعنی، بین کاری سخت و هولناک قرار گرفتن (مفردات). زمانی که شخص بدون فحص و بررسی خود را در ماجرای بزرگ بیفکند، گفته می شود: <إِقْتَحَمَ> (نهایه ابن اثیر). راه دشواری که در کوه قرار دارد، <عقبه> نامیده می شود (مفردات) و نیز <عقبه> به مسیر صعب العبوری گفته می شود که از آن بر کوه بالا روند (قاموس). این راه از آن جهت <عقبه> نامیده می شود که راه پیمایان، باید در آن پشت سر هم و به یک ستون حرکت کنند.

تقدس کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۵

۵ - کوه طور ، مکانی مبارک و مورد عنایت خداوند

و وعدنکم جانب الطور الایمن

در برداشت یاد شده <الایمن> از ماده <یمن> گرفته شده و به معنای مبارک است. این کلمه گرچه وصف برای <جانب> است، ولی وصفِ جز هر چیز، وصف کل آن نیز شمرده می شود. انتخاب کوه طور برای مواعده، نشان از ویژگی خاص آن دارد.

تلاشی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۴،۵

۴ - تمامی کوه های زمین ، در آستانه قیامت ریشه کن و متلاشی خواهند شد .

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفاً

<نسف> به معنای ریشه کن کردن و از هم پاشیدن است (مصباح).

، جلوه ای از ربوبیت خداوند و به فرمان او است .

فقل ینسفها ربّی نسفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۱

۱ - با متلاشی شدن کوه ها و مسطح شدن زمین در قیامت ، دعوت کننده ای ، آدمیان را به بیرون آمدن از قبرها دعوت خواهد کرد .

یومئذ یتبعون الداعی لاعوج له

ظاهراً مقصود از <داعی> که تمامی مردم از او تبعیت خواهند کرد و به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد کسی است که آدمیان را از قبرها برای حشر فرا می خواند.

تنوع رگه های کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - وجود راه ها و رگه های رنگارنگ و گوناگون در کوه ها ، از نمود های تدبیر خداوند برای انسان ها

و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غرایب سود

تنوع رنگ کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - وجود راه ها و رگه های رنگارنگ و گوناگون در کوه ها ، از نمود های تدبیر خداوند برای انسان ها

و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غرایب سود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵ - ۴

۴- اجزای تشکیل دهنده کوه ها ، دارای رنگ های گوناگون است .

و تكون الجبال كالعهن المنفوش

ثبات كوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان

۷ - خداوند ، کوه ها را ثابت و استوار قرار داده است .

و ألقى في الأرض روصي

<رواسی> جمع <راسیه> از ماده <رسو> به معنای <ثبوت و استواری> است. مراد از آن کوه هایند که بر اساس وصف غالب شان نام گذاری شده اند. گفتنی است که <ألقى> وقتی همراه <فی> باشد معنای استقرار را می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۷

۷ - کوه های استوار ، برکت سرشار زمین ، تغییر فصل ها و تأمین نیار های غذایی موجودات ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خدا

ذلك ربّ العلمين . و جعل فيها روصي من فوقها و برک فيها و قدر فيها أفوتها في أرب

حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۲

۲- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطح می شود .

و يوم نسير الجبال و تری الأرض بارزه

<نسیّر> (از ماده سیر) یعنی <حرکت می دهیم> و <بارزه> به معنای <ظاهر و آشکار> است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱

۱ - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۲

۲ - به حرکت در آمدن کوه ها ، در آستانه رستاخیز

و تسیر الجبال سیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۱،۳

۱ - حرکت و رانش کوه ها ، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

إذا رَجَّتْ الْأَرْضُ رَجًّا . وَ بَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا

<بَسَّ> در دو معنا به کار می رود: ۱ به حرکت واداشتن (القاموس المحيط)؛ ۲ خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۳ - رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

و بَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا

ذکر <بَسًّا> به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - کوه ها در آغاز برپایی قیامت ، از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و سیرت الجبال

۲ - حرکت کوه ها در قیامت ، آنها را به توده غباری شبیه کوه ، تبدیل خواهد کرد .

و سیرت الجبال فکانت سراباً

تشبیه کوه به سراب، بیانگر آن است که پس از حرکت کوه ها در قیامت، آنچه دیده می شود کوه نیست؛ ولی بیننده آن را کوه خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۳ - ۱

۱ - در آستانه قیامت ، کوه ها از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و إذا الجبال سیّرت

حرکت

کوه های یخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۲

۲ - حرکت کوه های یخ ، با تمامی عظمت و بزرگی در اقیانوس ها ، نشانی از قدرت خدای یگانه *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

حقیقت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱ - ۲

۲ - آتشی که موسی (ع) مشاهده کرد ، امری واقعی بود و موسی (ع) خود را به آن رسانید .

فلما أتیها

خالق کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، پدید آورنده کوه های استوار در زمین

و جعل فیها روسی

<رواسی> (جمع <راسیه>) به معنای کوه های استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۱

۱ - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۲

۲ - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل ... و الجبال أوتادًا

خانواده موسی(ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور ، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ به برای فعل محذوف است؛ یعنی، <اذکر إذ قال موسی لأهله...> زمانی را که موسی به کسانش گفت... به یاد آور.>

خانه سازی در کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۹

۹ قوم ثمود در دشت های متعدد، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند.

تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بیوتاً

<سهول> جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتهای و صحراها تعبیر می شود. <الجبال> من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به نزع خافض است. بنابراین جمله <إذ... تحتون الجبال بیوتاً>، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

خداشناسی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۷

۷ - کوه ها، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبجن بالعشی و الإشراق

خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۳

۳- خداوند، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد.

و ألقینا فیها روسی

<رواسی> (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۴

۴- آفرینش کوه ها به گونه ای که قابل پناه گرفتن برای انسان باشد ، به قدرت خداست .

و الله .

.. جعل لكم من الجبال أكنفاً

دعوت به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

بینی اسرئیل قد أنجینکم . . . و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

ذکر معجزه کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <أذکروا> می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

رگه های سرخ کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۹

۹ - آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء . . . و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غر

<جُدَدٌ> (جمع <جُدّه>) در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. <غریب> (مفرد <غرایب>) به معنای سیاه پر رنگ و <أسود> (مفرد <سود>) به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

رگه های سیاه کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۹

۹ - آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء .. و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف ألونها و غر

<جُدَد> (جمع <جُدَه>) در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. <غریب> (مفرد <غرایب>) به معنای سیاه پر رنگ و <أسود> (مفرد <سود>) به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

رویش درختان زیتون در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - رویش درختان زیتون در ارتفاعات کوه سینا به وسیله باران ، کاری خدایی است .

و شجره تخرج من طور سیناء

<شجره> عطف بر <جَبَّات> است. <طور> به معنای کوه و <سیناء> شبه جزیره ای در مصر است. اضافه <طور> به <سیناء> اضافه ظرفیه و به تقدیر <طور فی سیناء> می باشد؛ یعنی: [با آن آب باران] درختی که از طور سینا برمی آید [پدید آوردیم].

۲ - طور سینا ، مرکز رویش درختان زیتون

و شجره تخرج من طور سیناء

رؤیت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۲

۲ - پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن

کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور . . . ثم تولیتم من بعد ذلک

<ثم> در جمله <ثم تولیتم> حاکی از ترتیب رتبی است؛ زیرا <من بعد ذلک> رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که <ثم> برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و . . . مضمون جمله بعد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۶

۶ - تنها موسی (ع) نظاره گر آتش وادی طور بود .

إِنِّي ءانست نَارًا

نسبت داده شدن مشاهده آتش به موسی(ع) و نیز نکره آمدن <ناراً>، نشان دهنده آن است که آتش مزبور، تنها به وسیله موسی(ع) قابل مشاهده بوده است.

سجده کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله يسجد له من في السموت و من في الأرض . . . و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <يسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سرعت انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۲

۲ - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدکتا دگه و حده

<دكّ> به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

سکون کوه ها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱

۱ - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

سمت راست کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۱

۱- خداوند از سمت راست کوه طور ، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأيمن

<ایمن> یا از <یمن> به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از <یمین> که به معنای <سمت راست> است. در این برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت <الایمن> وصف کلمه <جانب> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۴

۴ - سمت راست کوه طور ، میقات و وعده گاه شرفیابی بنی اسرائیل برای پاسخ گویی به دعوت خداوند بود .

و وعدنکم جانب الطور الأيمن

<ایمن> به معنای <یمین> (طرف راست) است و مراد از <جانب راست طور> دامنه و یا فضای سمت راست آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۳

۳ - آمدن ندای الهی به موسی (ع) از درختی واقع در جانب راست وادی طور ، هم زمان بانزدیک شدن وی به آتش

فلما أتیها نودی من شطی الواد . . . من الشجره

<شاطئ> به معنای <جانب> است و <الأيمن> مقابل <الأيسر> (چپ) صفت برای شاطئ < می باشد. بنابراین <شاطئ

الواد الأيمن > یعنی، طرف راست وادی.

سوگند به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۱

۱ - سوگندِ خداوند ، به کوه طور

و الطور

<طور> در لغت به مطلق کوه گفته می شود و در آیه شریفه ممکن است همین معنا مراد باشد. و نیز می تواند خصوص طور واقع در شبه جزیره سینا اراده شده باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۲ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به کوه طور در سرزمین سینا

و طور سینین

<سینین>، در اصل نام نوعی درخت است که به آن <سَیناء> نیز گفته می شود (صحاح). رویش فراوان آن درخت، در منطقه ای که بین مصر و فلسطین است، سبب شده که به آن منطقه، <سَیناء> یا <سینین> گفته شود و کوه طور که در آن سرزمین است به <طور سینین> یا <طور سَیناء> مشهور گردد.

۲ - <طور> ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و طور سینین

شدت انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۲

۲ - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدکتا دگه و حده

<دک> به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

شعور کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۷

۷- طبیعت (کوه ها

، پرندگان و ...) دارای نوعی شعور و آگاهی به خداوند

الجبال یسبّحن و الطیر

هم آوا شدن کوه ها و پرندگان با داوود(ع) در تسیح خداوند، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۶

۶ - آسمان ها و زمین و کوه ها دارای نوعی شعورند .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

خودداری از پذیرش امانت الهی، حکایت از نوعی شعور و ادراک می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۷

۷ - کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبّحن بالعشّی و الإشراق

شگفتی حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۳

۳ - حرکت کوه های زمین در آستانه رستاخیز ، حرکتی عجیب و نامعهود

و تسیر الجبال سیرًا

مفعول مطلق <سیرًا>، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

عرضه امانت به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها

لام در <ليعذب..> در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل

<ليعذب> قرینه

است که مراد از <الأمانه> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

عرضه تکلیف به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها

لام در <ليعذب..> در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل <ليعذب> قرینه است که مراد از <الأمانه> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

عظمت کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۲ - ۲

۲ - <طور> ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند

خداوند

و طور سینین

عوامل انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۲،۷

۲- از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن . . . و تلك الأمثل نضربها

<تصدّع> (مصدر <متصدّعاً>) به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

۷- فروتنی و < فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها > ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل . . . و تلك الأمثل نضربها للناس لعلهم يتفكرون

عوامل خشوع کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۱،۲،۷

۱- صخره های ستبر کوه ، خاشع و فروتن از بیم خدا ، در صورت نزول وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خشعاً متصدّعاً من خشية الله

۲- از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن . . . و تلك الأمثل نضربها

<تصدّع> (مصدر <متصدّعاً>) به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

۷- فروتنی و < فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها > ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل . . . و تلك الأمثل نضربها للناس لعلهم يتفكرون

غرش كوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۱۷

۱۷ موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور، بی هوش شد و بر زمین افتاد.

جعله دكاً و خزّ موسی صعقا

<صَعِقَ> به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

فرجام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۲

۲ - عظمت کوه ها و استحکام آن، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶ - ۲

۲ - انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا، امری قطعی و تردیدناپذیر

فكانت هباءً منبثاً

به کارگیری فعل ماضی <فكانت> در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

فلسفه بالارفتن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۳

۳ - پذیرش میثاق الهی، هدف از برافراشتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل بود.

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

وقوع جمله <رفعنا ..> در میان جمله های <أخذنا میثاقکم> و <خذوا ما اتیناکم> و بیان نکردن هدف و غایتی برای برافراشتن کوه می نمایاند که: همان پذیرش میثاق و اطاعت از فرمان الهی (خذوا ...) هدف و غایت برافراشتن کوه باشد. (اقتباس از المیزان)

فلسفه خلقت کوه ها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۹

۹- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۷

۷- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

و ألقى فی الأرض روسی . . . و أنهرًا و سبلاً لعلکم تهتدون

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از <تهتدون> هدایت معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۴

۴ - میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عمّ یتساءلون . . . ألم نجعل ... و الجبال أوتادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند؛ گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

فلسفه سوگند به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۴

۴ - برخوردارى انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

والتين . .. لقد خلقنا الإنسان في أحسن تقويم

فوايد كوه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۵

۵- قوم درگیر با یاجوج و ماجوج از کوه های مرتفع به عنوان سدّ دفاعی در برابر هجوم آنان بهره می بردند .

حتّى إذا بلغ بين السّدين .. إنّ یاجوج و ماجوج مفسدون

فواید کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۸

۸- کوه ها ، محل پیدایش معادن

و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <فیها>، <رواسی> باشد. در این صورت مراد آیه، پیدایش معدنها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۱،۲،۳

۱- خداوند ، کوه ها را ثابت و استوار در زمین قرار داده است تا آن را چونان بستری آرام برای انسان مهیا سازد .

و ألقى فی الأرض روسی أن تمیدبکم

<رواسی> (جمع راسیه) از ماده <رسو> بوده و به معنای ثبوت و استواری است و مراد از آن کوههاست که به خاطر وصف غالبشان به این نام، نام گذاری شده اند و <اللقاء> وقتی با <فی> همراه باشد به معنای قرار دادن است.

۲- کوه ها ، از جنبش ها و لرزش های زمین جلوگیری می کند .

و ألقى فی الأرض روسی أن تمیدبکم

<مید> در لغت اضطراب و لغزش چیزهای بزرگ را گویند و چون این آیه در مقام بیان نعمتهای خداست و اضطراب و لرزش زمین نعمت نیست، معلوم می شود که <أن تمیدبکم> در اصل <لأن لا تمیدبکم> یا <کراهیه أن تمیدبکم> بوده

است، یعنی، کوهها را در زمین

قرار داد تا زمین شما را نلرزاند.

۳- زمین بدون وجود کوه ها ، دارای جنبش و لرزش بوده و برای زندگی انسان مناسب نیست .

و ألقى في الأرض روصي أن تميد بكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۱ - ۱

۱- آفرینش کوه های استوار برای جلوگیری زمین از لرزاندن و جنباندن انسان ها است .

و جعلنا في الأرض روصي أن تميد بهم

<رسا> به معنای <ثَبَّت> و <رَسَّيْخ> است و به کوه ها از آن جهت که خود راسخ و استواراند و مانع اضطراب و لرزش زمین می شوند، <رواسی> گفته می شود. <مید> (مصدر <تمید>) به معنای اضطراب و حرکت به سمت های گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۵،۶

۵- زمین ، بدون وجود کوه ها ، در معرض لرزش های مداوم بوده و مناسب زندگی نیست .

و ألقى في الأرض روصي أن تميد بكم

۶ - کوه ها ، از جنبش و لرزش زمین جلوگیری می کنند و برای آماده کردن آن برای زیستن بشر ، نقش دارند .

و ألقى في الأرض روصي أن تميد بكم

<مید> در لغت، <اضطراب و لرزش چیزهای بزرگ> را گویند. چون آیه درصدد بیان نعمت های خداوند است و لرزش، نمی تواند نعمت باشد، معلوم می شود که <أن تمید>، <أن لاتمید> و یا <کراهیه تمید بکم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۳

۳ سطح زمین ، بدون وجود کوه ها فاقد ثبات و استقرار *

خداوند، پس از مسأله امتداد و گسترش سطح زمین، از وجود کوه ها به عنوان عناصری استوار (رواسی) یاد کرده است. از این مطلب استفاده می شود که ثبات و استقرار سطح روئین زمین، مدیون استواری کوه ها است و بدون وجود کوه ها، فاقد ثبات و استواری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۲،۴،۵

۲ - وجود کوه های استوار و بلند، از نعمت های الهی برای بشر و تأثیر گذار در زندگی انسان ها

و جعلنا فیها روسی شمخت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات، ضمن آن که در بیان نشانه های قدرت عظیم خداوند است؛ می تواند در صدد بیان نعمت های الهی برای بشر نیز باشد.

۴ - کوه ها، از منابع تأمین آب برای بشر

و جعلنا فیها روسی شمخت و أسقینکم ماء

یادآوری سیراب شدن بشر از آب های گوارا پس از بیان آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین می تواند بیانگر مطلب یاده شده باشد.

۵ - آب ساری و جوشیده از کوه ها، آبی گوارا و مناسب برای نوشیدن انسان ها

و أسقینکم ماء فراتاً

<فرات>، به معنای گوارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۱

۱ - کوه ها مانند میخ های مستحکم، با رسوخ در زمین مانع لرزش آن شده و اجزای \$ آن را به هم پیوند داده است.

و الجبال أوتاداً

<أوتاد> (جمع <وتد>)، یعنی، میخ‌ها. تشبیه کوه‌ها به <میخ>، به این لحاظ است که آرامش و

استحکام زمین و از هم نپاشیدن آن، وابسته به وجود کوه ها است زیرا بدون وجود کوه ها، حرکت لایه های زمین به روی یکدیگر و پیدایش زلزله های فراگیر، آرامش و استقرار آن را به هم می زد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۱

۱ - سودمندی آسمان ، شب ، روز ، زمین ، آب ، گیاه و کوه ها برای انسان و دام ، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است .

متعاً لكم ولأنعمکم

<متعاً> مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب) ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است یعنی، <تمتعاً لكم>.

قانونمندی خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۳

۳ - آفرینش کوه ها ، دارای غایت و هدف است .

و الجبال أوتادًا

قداست کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۴

۴ - وادی طور ، جایگاهی مقدس و مبارک

فی البقعه المبارکه

<بقعه> به نقطه ای گفته می شود که هیئت آن متمایز از پیرامونش باشد. بنابراین اطلاق بقعه بر وادی طور، بدان جهت است که آن وادی وضعیتی متفاوت با اطرافش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۲

۲ - کوه طور، مکانی مقدس

و الطّور

از این که طور سینا، مورد سوگند خداوند قرار گرفته است، تقدس آن استفاده می شود.

کشتی نوح(ع) در کوه جودی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۴

۴ با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید .

و غیض الماء و قضی الأمر واستوت علی الجودی

کوه پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ > صفوان بن مهران الجَمَّال عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : سار و أنا معه فی القادسیه حتی أشرف علی النجف فقال : هو الجبل الذی اعتصم به ابن جدی نوح علیه السلام فقال : < ساوی إلی جبل یعصمنی من الماء > . . . فغار فی الأرض . . . ;

صفوان بن مهران جَمَّال از امام صادق(ع) نقل می کند و می گوید: من با امام صادق(ع) در سرزمین قادسیه همراه بودم تا به نجف نزدیک شدیم پس فرمود: نجف جای کوهی است که فرزند جَدَم نوح به آن پناهنده شد و گفت: <ساوی إلی جبل یعصمنی من الماء> . . . پس آن کوه در زمین فرو رفت...<.

کوه طور و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۲،۱۰

۲ - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعا فوقکم الطور

<الطور> نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی(ع) در آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل

ذکر است که <طور> به مطلق کوه نیز گفته می شود.

۱۰ - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا ميثقكم و رفعنا فوقكم الطور

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <أذکروا> می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

کوه نشینی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۳،۴

۳ - سرخوشی و سرمستی ثمودیان در خانه های کوهستانی خویش

و تنحتون من الجبال بیوتاً فرهین

<فارهین> می تواند از مصدر <فره> (نشاط و سرخوشی) مشتق شده باشد. گفتنی است که <فارهین> بنابراین احتمال، صفت برای <بیوتاً> و به تقدیر <فارهین فیها> است؛ یعنی، خانه هایی که در آن مست و سرخوشید.

۴ - سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به خاطر ساختن خانه ها در دل کوه ها و خوش گذرانی در آن

و تنحتون من الجبال بیوتاً فرهین

برداشت یادشده بدان احتمال است که این آیه به قرینه واقع شدن در حیز استفهام (استفهام در <أترکون فی ما ههنا>) جمله استفهامی بوده و به تقدیر <أو تنحتون..> باشد.

لرزش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۱

۱ خداوند کوه طور را به لرزه درآورد ، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد .

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

<نتق> (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکنیدن است. <ال> در <الجبل>، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور

دارد. <ظله> به

معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

مراحل خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۴

۴ - آفرینش کوه های استوار ، ایجاد نعمت ها و تقدیر معیشت موجودات زمین در چهار روز (مرحله)

و جعل فیها روسی من فوقها .. فی أربعه أيام

برداشت یاد شده براین اساس است که <فی أربعه أيام> ظرف برای مجموع عبارت های آیه باشد.

مطالعه استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - خداوند ، ترغیب کننده مردم به بررسی و دقت در کیفیت استوار ماندن کوه ها در زمین

و إلى الجبال کیف نصبت

<نصب> به معنای برپاداشتن و راست نگه داشتن چیزی در حالت اعتدال است. (مقایس اللغة)

۲ - تحقیق و تدبیر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلى الجبال کیف نصبت

معجزه حرکت کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱

۱ نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد ، زمین را قطعه قطعه کند ، مردگان را زنده سازد ، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد .

و لو أن قرءاناً سیرت به الجبال أو قَطَّعت به الأرض أو کَلَّمَ به الموتی

<تسییر> (مصدر سیرت) به معنای حرکت دادن است و <تقطیع> (مصدر قَطَّعت) به

معنای شکافتن عمیق یا قطعه قطعه کردن می باشد و حرف باء در جمله های سه گانه فوق به معنای استعانت است. عبارت <بل لله الأمر> و نیز <أن لو یشاء الله لهدی الناس> گویای این است که جواب شرط <لو أن...> جمله ای نظیر <لم یهدوا إن لم یشأ الله> است.

معجزه کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۹

۹ - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقمم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل <اذکروا> در آیه ۴۷ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۲

۲ - پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا میثقمم و رفعنا فوقکم الطور . . . ثم تولیتم من بعد ذلک

<ثم> در جمله <ثم تولیتم> حاکی از ترتیب رتبی است زیرا <من بعد ذلک> رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که <ثم> برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و ... مضمون جمله بعد دارد.

مناجات در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

یبنی اسرئیل

قد أنجينكم . . . و نزلنا عليكم المن والسلوى

منافع استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۰ - ۳

۳ - آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافی درخور توجه برای انسان ها است .

أفلا ينظرون إلی . . . و إلی الأرض کیف سطحت

آیه شریفه، گرچه توجه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است و ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه سودمند بودن آنها به حال آنان است.

منشأ استقامت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۲ - ۲

۲ - آفرینش کوه های پایدار و تزلزل ناپذیر ، نشان قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان ها است .

ءأنتم . . . و الجبال أرسیها

منشأ استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۱

۱ خداوند ، گسترده زمین و قرار دهنده کوه ها و رود ها در دل آن

و هو الذی مدّ الأرض و جعل فیها روسی و أنهرًا

<مدّ> به معنای گسترانیدن و پهن کردن است. <رواسی> (جمع راسیه) به معنای کوههای استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۲ - ۱

۱ - خداوند ، کوه ها را استوار و پابرجا قرار داد .

و الجبال أرسیها

فعل <أرسی> یعنی، ثابت و استوار ساخت (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - خداوند

، ترغیب کننده مردم به بررسی و دقت در کیفیت استوار ماندن کوه ها در زمین

و إلى الجبال كيف نصبت

<نصب> به معنای برپاداشتن و راست نگه داشتن چیزی در حالت اعتدال است. (مقایس اللغة)

۲ - تحقیق و تدبر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلى الجبال كيف نصبت

منشأ انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - متلاشی شدن و به حرکت درآمدن کوه ها در فضا ، بر اثر نفخ صور

و یوم ینفخ فی الصور .. و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

ذکر <تری الجبال..> در ادامه <یوم ینفخ فی الصور...> می تواند به منظور بیان رخدادهایی باشد که در پی دمیده شدن در صور، در نظام طبیعت ظاهر می گردد. بنابراین معنای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنداری که ایستا و غیرقابل حرکت اند؛ در حالی که آنها روزی که در صور دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

منشأ حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - متلاشی شدن و به حرکت درآمدن کوه ها در فضا ، بر اثر نفخ صور

و یوم ینفخ فی الصور .. و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

ذکر <تری الجبال..> در ادامه <یوم ینفخ فی الصور...> می تواند به منظور بیان رخدادهایی باشد که در پی دمیده شدن

در صورت، در نظام طبیعت ظاهر می گردد. بنابراین معنای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنداری که ایستا و غیرقابل حرکت اند؛ در حالی که آنها روزی که در صورت دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

موسی(ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۱

۱- خداوند از سمت راست کوه طور، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأيمن

<أيمن> یا از <یمن> به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از <یمین> که به معنای <سمت راست> است. در این برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت <الأيمن> وصف کلمه <جانب> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۵

۵- موسی (ع) تصمیم گرفت برای آوردن پاره آتشی جهت روشن کردن آتش و یا پیدا کردن راهنما، خود را به محل آتش برساند .

لعلی ءاتیکم منه بقبس أو أجد علی النار هدی

<قبس>، یعنی اخگر و آن، چوب آتش گرفته ای است که برای برافروختن آتش دیگر، از آتش آماده اقتباس کرده باشند (لسان العرب). <هدی> مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. حرف <أو> در آیه برای تعیین یکی از دو کار است، یعنی موسی(ع) در نظر داشت اگر با راهنمایی برخورد کرد، به راه ادامه دهند و گرنه با فراهم کردن آتش، خود را گرم نگه دارند.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱ - ۲،۳،۴

۲ - آتشی که موسی (ع) مشاهده کرد ، امری واقعی بود و موسی (ع) خود را به آن رسانید .

فلما أتيتها

۳ - موسی (ع) با نزدیک شدن به آتش ، با ندایی مواجه شد که او را با نام صدا می زد .

فلما أتيتها نودی یموسی

۴ - ندای < یاموسی > ناگهانی و بدون گذشت زمانی از لحظه رسیدن موسی (ع) به آتش ، به او خطاب شد .

فلما أتيتها نودی یموسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۳،۵

۳ - خداوند در وادی طوی (در کوه طور) موسی (ع) را بر اجابت خواسته هایش آگاه ساخت .

قد أتیت سؤلک

۵ - وادی طوی در کوه طور ، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) و نصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود .

قال رب اشرح .. قال قد أتیت سؤلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۷ - ۴

۴ - نعمت عطا شده به موسی (ع) در کوه طور ، هم سان نعمت گران قدری بود که در گذشته موسی (ع) به او عطا شده بود .

و لقد مننا علیک مرّه آخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۳۵،۳۸،۴۱

۳۵ - موسی (ع) زمانی توفیق مناجات با

خداوند در کوه طور و دریافت حکم رسالت را یافت که از مرحله آزمون الهی و چشیدن سختی ها ، عبور کرد و شایستگی لازم را به دست آورده بود .

و فتَنَكَ فتوناً .. ثم جئت على قدر يموسى

۳۸ - بازگشت موسی (ع) از مدین و آمدن به وادی طوی در کوه طور ، براساس تقدیر و برنامه تنظیم شده از جانب خداوند بود .

فلبث سنين فى اهل مدین ثم جئت على قدر يموسى

از معانی <قدر> قضای الهی و تقدیر او است. گفته شده است: این کلمه، اسم مصدر برای <قدر> به معنای مقدر ساختن است (لسان العرب). راغب نیز می گوید: <قدر> زمان و مکان مقدر شده برای هر چیز است.

۴۱ - خداوند در کوه طور ، با ملاطفت و مهربانی با موسی (ع) سخن گفت .

یموسى

تصریح مکرر نام موسی(ع) در مقاطع مختلف خطاب الهی، گویای عنایت خداوند به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۶

۶ - اعطای معجزاتی در کنار معجزه عصا و یدیبضا به موسی (ع) ، وعده خداوند به او در کوه طور *

بایتی

جمع آوردن <آیات> با آن که تا آن زمان، تنها دو معجزه به موسی(ع) عطا شده بود، می تواند وعده ضمنی خداوند به عطای معجزاتی دیگر به موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور ، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال موسی لأهله

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ

به برای فعل محذوف است، یعنی، <اذکر إذ قال موسى لأهله.. زمانی را که موسی به کسانش گفت... به یاد آور.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۷

۷ - مکالمه خدا با موسی در وادی طور

نودی أن بورك من فی الثَّار و من حولها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹ - ۳

۳ - سخن گفتن بیواسطه خدا با موسی در وادی طور

فلما جاءها نودی .. إنه أنا الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۰ - ۱۸

۱ - فرمان خدا به موسی (ع) در وادی طور، مبنی بر افکندن عصای خویش

و ألق عصاك

۸ - اعطای مقام رسالت از جانب خداوند به موسی (ع) در وادی طور

يموسى لاتخف إني لا يخاف لدي المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۲ - ۲

۲ - <ید بیضا >، دومین معجزه عطا شده به موسی (ع) از جانب خدا در وادی طور

و ألق عصاك .. و أدخل يدك في جيبك تخرج بيضاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - موسی (ع) آتشی را در سمت وادی طور مشاهده کرد .

ءانس من جانب الطور نَارًا

<ایناس> (مصدر <آنس>) مرادف <إبصار> (دیدن) است. بنابراین <آنس> یعنی، <بصر و رأی>.

۶ - تنها موسی (ع) نظاره گر آتش وادی طور بود .

إِنِّي

نسبت داده شدن مشاهده آتش به موسی(ع) و نیز نکره آمدن <ناراً>، نشان دهنده آن است که آتش مزبور، تنها به وسیله موسی(ع) قابل مشاهده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۱

۱ - موسی (ع) برای بردن آتش ، خود را به وادی طور رساند .

لعلی ءاتیکم منها .. أو جذوه من النار ... فلما أتيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۱ - ۱

۱ - فرمان الهی به موسی ، در وادی طور مبنی بر افکندن عصای خویش

و أن ألق عصاک

<إلقاء> (مصدر <ألق>) به معنای انداختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۲ - ۱

۱ - فرمان دیگر خداوند به موسی (ع) در وادی طور مبنی بر بردن دست خویش به گریبان

اسلک یدک فی جیبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۳ - ۵

۵ - موسی (ع) در وادی طور ، نگرانی خویش نسبت به موانع راه رسالت را با خدا در میان گذاشت .

قال ربّ إنی قتل منهنم نفسًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۱

۱ - مکالمه خداوند با موسی (ع) در وادی طور

و ما کنت بجانب الطور إذ نادینا

موسی(ع) و آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱۱، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸

۸ - مشاهده موسی

، آتشی را از دور در وادی طور

إِنِّي ءانست نَارًا

<ایناس> (مصدر <آنست>) معادل <إبصار> (دیدن) است؛ یعنی، آتشی به نظرم رسید.

۹ - تنها موسی (ع) ، نظاره گر آتش وادی طور و همراهانش محروم از مشاهده آن

إِنِّي ءانست نَارًا

۱۰ - تصمیم موسی (ع) به حرکت به سمت آتش طور

ساتیکم منها بخر أو ءاتیکم

۱۱ - امید موسی (ع) ، به یافتن اطلاعاتی از محل برافروخته شدن آتش ، برای یافتن راه و ادامه مسیر سفر

ساتیکم منها بخر

جمله <ساتیکم منها بخر> به تقدیر <ساتیکم من عندها بخر نهتدی به> است؛ یعنی، به زودی از آن جا اطلاعی خواهم آورد که با کمک آن راهمان را پیدا کنیم.

۱۲ - موسی (ع) ، درصدد آوردن پاره ای آتش برای گرم کردن خانواده اش

أو ءاتیکم بشهاب قبس لعلکم تصطلون

<شهاب> به شعله آتش و <قبس> به شعله برگرفته از آتش گفته می شود. <اصطلاء> (مصدر <تصطلون>) نیز به معنای گرم شدن است؛ یعنی، یا شعله ای از آتش بگیرم و بیاورم تا با آن، آتش برافروزم، باشد که گرم شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۱،۴

۱ - ندای خداوند به موسی (ع) در پی رسیدن وی به آتش طور

فلما جاءها نودی

۴ - قرار گرفتن موسی (ع) در احاطه آتش طور

نودی أن بورك من فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹ - ۱،۲

۱ - تأکید خداوند ، بر الهی بودن ندای برخاسته از دل آتش وادی طور

نودی أن بورک

من فی النار .. یموسی إنّه أنا الله

۲ - موسی ، در شگفتی و حیرت از ندای برآمده از آتش وادی طور

نودی أن بورک من فی النار .. یموسی إنّه أنا الله

تصریح خداوند به <إنّه أنا الله> می تواند از آن جهت باشد که موسی با شنیدن ندا از درون آتش، در شگفتی فرو رفت و حیران ماند؛ به گونه ای که سخت نیازمند راهنمایی روشن و صریح بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۸،۱۱

۸ - موسی (ع) از خانواده اش خواست که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ نکنند .

قال لأهله امکتوا .. لعلی ءاتیکم منها بخیر أو جدوه من النار

۱۱ - <عن أبي جعفر (ع) قال : لما قضی موسى الأجل و سار بأهله نحو بیت المقدس أخطأ الطريق لیلاً > فقال لأهله امکتوا
إنی آنست ناراً < ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که قرارداد موسی [با شعیب] پایان یافت و همراه با اهلش به سوی بیت المقدس رهسپار گردید، شب هنگام راه را گم کرد. پس به اهلش گفت: <امکتوا إنی آنست ناراً>...<.

نقش آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۲

۲ - تجلی خدا در آتش طور برای موسی (ع)

نودی أن بورک من فی النار و من حولها

در این که مراد از <من فی النار> (آن که در آتش است) و <من حولها> (آن که پیرامون آتش است) چیست، میان مفسران

اختلاف است. برخی گفته اند: مراد از <من فی النار> موسی است زیرا وی چنان به آتش نزدیک گشته بود که گویا در میان آن است، و مراد از <من حولها> فرشتگانند. برخی عکس آن را گفته اند یعنی، <من فی النار> فرشتگان و <من حولها> موسی است. دسته ای نیز بر آنند که مراد از <من فی النار> خداوند و <من حولها> موسی است بدین معنا که: <مبارک است آن که در آتش تجلی کرده و آن که پیرامون آن است>. برداشت یاد شده برپایه احتمال اخیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۲

۲ - آتش طور، وسیله ای برای کشاندن موسی (ع) به وادی طور، جهت سخن گفتن خدا با وی و دریافت رسالت الهی

فلما أتيتها نودی... یموسی إنی أنا الله رب العلمین

نقش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۵،۶

۵ - وادی طوی در کوه طور، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) و نصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود.

قال رب اشرح... قال قد أتیت سؤلک

۶ - هارون (ع) در وادی طوی به مقام نبوت و رسالت برگزیده شد.

هرون أخی... و أشرکه فی امری... قد أتیت سؤلک

چنانچه مراد از <أشرکه فی امری> درخواست نبوت و رسالت برای هارون(ع) باشد، اجابت آن در وادی طوی انجام پذیرفت.

نقش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۴

۴- اهمیت و نقش حیاتی کوه ها و راه های طبیعی برای زندگی انسان ها

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم . . . سبلاً لعلهم یهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۲

۲ - رود ها و نهر های جاری بر بستر شکاف های زمین و کوه های استوار بر پهنه آن ، نمودی دیگر از تدبیر خدای یگانه

و جعل خللها أنهراً و جعل لها روسی

<خلال> (جمع <خلل>) به معنای شکاف ها است. <نهر> (مفرد <أنهار>) مشترک لفظی است میان آب جاری و مکانی که در آن آب روان باشد. بنابراین، عبارت <جعل خللها أنهاراً> را می توان به دو صورت زیر معنا کرد: ۱ شکاف های زمین را مکانی برای جریان آب قرار داده است. ۲ در بستر شکاف های زمین آب های روان قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۱

۱ - آسمان ها و کوه ها و جنبندگان و . . . ، تبلور آفرینندگی خداوند است .

هذا خلق الله فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۲

۲ وجود کوه های استوار بر بستر زمین ، از آیات الهی است .

و ألقینا فیها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۶

۶- نقش مهم کوه ها ، در نظام زمین و طبیعت

و الطُّور

در

صورتی که <طور> به معنای مطلق کوه باشد، از مورد قسم قرار گرفتن آن، اهمیت آن در نظام زمین، استفاده می شود.

یهود و کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱،۳،۴

۱ خداوند، با برافراشتن کوه طور بر سر یهود به منظور تهدید آنان، از ایشان پیمان گرفت.

و رفعنا فوقهم الطور بميثقهم

<طور> علم است برای کوهی مخصوص و گفته شده <طور> به معنای مطلق کوه است (مفردات)، بآء در <بمیتقهم> سببیه است و بدیهی است که خود میثاق نمی تواند دلیل و سبب باشد بر اینکه خداوند کوه طور را بر سر آنان برافرازد. بنابراین می توان گفت گرفتن میثاق علت برای برافراشتن کوه طور بوده است.

۳ نقض میثاق از سوی یهود، سبب شد تا خداوند بر آنان خشم گیرد و کوه طور را بر سر آنان بالا برد.

و رفعنا فوقهم الطور بميثقهم

برداشت فوق بر این اساس است که نقض میثاق و تصمیم بر ادامه نقض میثاق علت برافراشتن کوه طور باشد؛ بنابراین جمله <و رفعنا...> یعنی بدان سبب که پیمان الهی را شکستند و تصمیم بر ادامه پیمان شکنی داشتند، به عنوان تهدید، کوه طور را بر سر آنان بالا برده و مسلط ساختیم.

۴ قرار دادن کوه طور بر سر یهود، از معجزات حضرت موسی (ع)

و ءاتینا موسی سلطاناً مبیناً. و رفعنا فوقهم الطور

برافراشتن کوه طور، می تواند بیان مصداقی برای جمله <و ءاتینا موسی سلطاناً مبیناً> باشد.

کوه جودی

{کوه جودی}

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ > عن الصادق (ع) انه قال : يوم النيروز هو اليوم الذي استوت فيه سفينه نوح (ع) على الجودی ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: روز نوروز روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی استقرار یافت >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱

۱ خداوند ، پس از استقرار کشتی نوح بر کوه جودی ، به او و همراهانش فرمان داد تا از کشتی پیاده شوند و از کوه فرود آیند .

واستوت علی الجودی .. قیل ینوح اهبط

>هبوط< به معنای فرود آمدن است. متعلق >اهبط< به قرینه >استوت علی الجودی< کشتی و نیز کوه جودی است / یعنی: أنزل من الفلک و من الجودی ... نیاوردن متعلق، دلیل این شمول است. فاعل محذوف >قیل< به قرینه >منا< خداوند است.

کشتی نوح(ع) در کوه جودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۴

۴ با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید .

و غیض الماء و قضی الأمر واستوت علی الجودی

کوه سینا

{کوه سینا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ سخن خداوند با موسی (ع) در طور سینا بصورت ایجاد صدا در درخت و قابل شنیدن برای همراهِ آن حضرت از هر

طرف

و کلم

امام رضا(ع) درباره سخن گفتن خداوند با موسی(ع) فرمود: .. فخرج بهم الى طور سيناء ... فكلّمه اللّٰه تعالى ذكره و سمعوا كلامه ... لان اللّٰه عزوجل احدثه في الشجره ثم جعله منبعثاً منها حتى سمعوه من جميع الوجوه ...

توحيد صدوق، ص ۱۲۱، ح ۲۴، ب ۸ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۴، ح ۶۷۶.

کوه صفا

{کوه صفا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۳

۲۳ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: > فأوحى اللّٰه تعالى إلى جبرئيل ان اهبطهما إلى البلد المبارك مکه فهبط بهما جبرئيل فألقى آدم على الصفا و ألقى حواء على المروه ... >

خداوند به جبرئیل وحی کرد که آدم و حوا را به شهر مبارک مکه فرود آور. پس جبرئیل آدم(ع) را بر کوه صفا و حوا را بر کوه مروه فرود آورد ...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۱

۱ - کوه صفا و مروه ، دو علامتی که خداوند آنها را نشانه جایگاه عبادت قرار داده است .

إن الصفا و المروه من شعائر اللّٰه

بنابراین توصیف <صفا و مروه> به <شعائر اللّٰه> می رساند که: خداوند آن دو مکان را علامتی قرار داده تا بندگانش در آن جا، او را عبادت کنند.

کوه طور

آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۳،۴،۵،۶

۳ - حضرت موسی (ع) هنگام سرگردانی در بیابان، آتشی را دید و

به خانواده اش بشارت داد .

إذ رءا نارًا فقال .. إني ءانست نارًا

<ایناس> (مصدر <ءانست>) در معانی <احساس کردن>، <دیدن>، <دانستن> و <شنیدن> استعمال می شود (لسان العرب). به مناسبت مورد آیه، مراد <دیدن> است.

۴ - خانواده و همراهان موسی (ع) در بیابان، آتشی را که موسی (ع) مشاهده کرد، ندیدند . *

فقال لأهله امكثوا إني ءانست نارًا

از گفته موسی (ع) که فرمود: <من آتشی را دیدم> می توان احتمال داد که دیگر همراهان موسی (ع) آن آتش را ندیده بودند. و گرنه دیدن را به خود اختصاص نمی داد.

۵ - موسی (ع) تصمیم گرفت برای آوردن پاره آتشی جهت روشن کردن آتش و یا پیدا کردن راهنما، خود را به محل آتش برساند .

لعلی ءاتیکم منه بقبس أو أجد علی النار هدی

<قبس>، یعنی اخگر و آن، چوب آتش گرفته ای است که برای برافروختن آتش دیگر، از آتش آماده اقتباس کرده باشند (لسان العرب). <هدی> مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. حرف <أو> در آیه برای تعیین یکی از دو کار است، یعنی موسی (ع) در نظر داشت اگر با راهنمایی برخورد کرد، به راه ادامه دهند و گرنه با فراهم کردن آتش، خود را گرم نگه دارند.

۶ - موسی (ع) از خانواده اش خواست که در جای خود منتظر وی بمانند و با او به مکان آتش نیایند .

فقال لأهله امكثوا إني ءانست نارًا

<مكث> به معنای درنگ کردن و انتظار کشیدن است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱ - ۱

۱ - موسی (ع)

(در پی مشاهده آتش ، از خانواده خویش جدا شده و به طرف آتش حرکت کرد .

رءا نارًا .. فلما أتيتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۷ - ۱

۱ - موسی (ع) هنگام جدا شدن از خانواده اش برای آوردن آتش ، چوب دستی خود رانیز به همراه داشت .

و ما تلک بیمینک یموسی

<تلک> برای اشاره به مؤنث به کار می رود و دلالت دارد که اطلاق نام خشبه یا عوده (چوب) بر آنچه در دست موسی(ع) است، مسلم گرفته شده است؛ بنابراین از موسی(ع) خواسته شده بود که در جواب، خصوصیات آن چوب را بیان کند تا متوجه باشد که چه چیزی تبدیل به مار خواهد شد. گفتنی است که از جمله <أهش بها علی غنمی> (در آیه بعد)، استفاده می شود که موسی(ع) پیش از آمدن به کوه طور، آن عصا را به همراه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۴،۵

۴ - موسی (ع) آتشی را در سمت وادی طور مشاهده کرد .

ءانس من جانب الطور نارًا

<ایناس> (مصدر <آنس>) مرادف <إبصار> (دیدن) است. بنابراین <آنس> یعنی، <بصر و رأی>.

۵ - موسی (ع) خانواده اش را از وجود آتش در وادی طور آگاه کرد .

قال لأهله امكثوا إنني ءانست نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۱

۱ - موسی (ع) برای بردن آتش ، خود را به وادی طور رساند .

لعلی ءاتیکم منها ..

أو جذوه من النار... فلما أتيتها

آثار آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۷

۷ - تصمیم موسی (ع) به آوردن آتش از وادی طور، برای گرم کردن خانواده اش

قال لأهله امكثوا... أو جذوه من النار لعلكم تصطلون

<إصطلاء> (مصدر <تصطلون>) به معنای خود را گرم کردن است.

ارزش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۲ - ۲

۲ - <طور>، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و طور سینین

اطرافیان آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۳

۳ - تبریک خداوند به موسی و فرشتگان حاضر در اطراف آتش طور

نودی أن بورک من فی النار و من حولها

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <بورک من فی النار> انشای تبریک باشد.

انهدام کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ کوه طور بر اثر تجلی خداوند بر آن متلاشی شد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دكا

ضمیر فاعلی در <جعله> هم می تواند به <رب> برگردانده شود ؛ یعنی: <جعل الرب بتجلیه الجبل دكا>، و هم می تواند ضمیر فاعلی آن به مصدری که از جمله <تجلی ربه> به دست می آید، برگردد ؛ یعنی: <جعل تجلیه الجبل دكا>. <دك> مصدر و به معنای متلاشی شدن و در آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مدكوك، یعنی متلاشی شده) است.

موسی (ع) بر اثر تجلی خداوند بر کوه و انهدام آن ، بی هوش بر زمین افتاد .

فلما تجلی ربه للجبیل جعله دکا و خزّ موسی صعقا

<خروور> (مصدر <خزّ>) به معنای افتادن و ساقط شدن و <صیعق> به معنای بی هوش شدن است. قرار گرفتن جمله <خزّ موسی صعقا> پس از دو جمله <تجلی ربه> و <جعله دکا>، بیانگر این است که تجلی خدا بر کوه و انهدام آن در بی هوش شدن موسی (ع) دخیل بوده است.

۱۷ موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور ، بی هوش شد و بر زمین افتاد .

جعله دکا و خزّ موسی صعقا

<صیعق> به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

۲۲ موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد .

فلما أفاق قال سبحنک تبت إلیک

اهمیت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۸

۸ - نمایان شدن آتش و فراهم آمدن خلوت گاهی برای اعطای رسالت به موسی (ع) ، حادثه ای با اهمیت و درخور توجه برای پیامبر (ص) بود .

هل اتیک حدیث موسی . إذ رءا نارًا

کلمه <إذ> ظرف است برای <حدیث> (در آیه قبل) و استفهام در آن آیه برای ترغیب پیامبر(ص) به توجه به آن ماجرا است.

بالا بردن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف -

۱ خداوند کوه طور را به لرزه درآورد، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد.

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

<نتق> (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکنیدن است. <ال> در <الجبل>، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. <ظله> به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

۴ خداوند با برافراشتن کوه طور بر سر قوم موسی، از آنان خواست تا با جدیت تمام تورات بپذیرند و رفتار و اندیشه های خویش را بر اساس آن استوار سازند.

خذوا ماء تینکم بقوه

<خذوا> یعنی بگیرید. <گرفتن> تورات و دیگر کتابهای آسمانی به این است که مورد پذیرش قرار گیرد و به احکام آن عمل شود.

۸ قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

<إذ> متعلق به فعل مقدر <اذکروا> است.

بالا رفتن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۲،۳،۹

۲ - خداوند، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد.

و رفعا فوقکم الطور

<الطور> نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی (ع) بر آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که طور به مطلق کوه نیز گفته می شود.

۳ - هدف

از برافراشتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل ، پذیرش میثاق الهی بود .

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

۹- قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل <اذکروا> در آیه ۴۷ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۲

۲ - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعنا فوقکم الطور

<الطور> نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی(ع) در آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که <طور> به مطلق کوه نیز گفته می شود.

برکت کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۲

۲- کوه طور ، مکانی مبارک و محلی که خداوند از آن ناحیه با موسی (ع) سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأيمن

<الأيمن> که در این برداشت به معنای مبارک گرفته شده است ممکن است وصف برای <الطور> باشد و ممکن است وصف برای <جانب> گرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۴

۴ - وادی طور ، جایگاهی مقدس و مبارک

فی البقعه المبرکه

<بقعه> به نقطه ای گفته می شود که هیئت آن متمایز از پیرامونش باشد. بنابراین اطلاق بقعه بر وادی طور، بدان جهت است که آن وادی وضعیتی متفاوت با اطرافش دارد.

بنی اسرائیل و کوه

طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۱،۲،۸

۱ خداوند کوه طور را به لرزه درآورد، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد.

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

<نتق> (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکنیدن است. <ال> در <الجبل>، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. <ظله> به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

۲ قوم موسی هراسان از سقوط کوه برافراشته شده بر سر آنان

و ظنوا أنه واقع بهم

۸ قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

<إذ> متعلق به فعل مقدر <اذكروا> است.

تجلی خدا بر کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۱۱،۱۲،۱۳،۱۶،۱۷،۲۲

۱۱ خداوند در پاسخ به درخواست موسی (ع) (رؤیت خدا) از وی خواست تا به کوه مقابل خویش نظر افکند و اثر تجلی خداوند را بر آن مشاهده کند.

قال لن ترني و لكن انظر إلى الجبل

<ال> در <الجبل> عهد حضوری است؛ یعنی: انظر إلى هذا الجبل.

۱۲ خداوند به موسی (ع) اعلام کرد در صورتی وی را مشاهده خواهد کرد که کوه بر اثر تجلی او پایدار بماند.

و لكن انظر إلى الجبل فإن استقر مكانه فسوف ترني

کوه طور بر اثر تجلی خداوند بر آن متلاشی شد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دكا

ضمیر فاعلی در <جعله> هم می تواند به <رب> برگردانده شود ؛ یعنی: <جعل الرب بتجلیه الجبل دكا>، و هم می تواند ضمیر فاعلی آن به مصدری که از جمله <تجلی ربه> به دست می آید، برگردد ؛ یعنی: <جعل تجلیه الجبل دكا>. <دك> مصدر و به معنای متلاشی شدن و در آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مدكوك، یعنی متلاشی شده) است.

۱۶ موسی (ع) بر اثر تجلی خداوند بر کوه و انهدام آن ، بی هوش بر زمین افتاد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دكا و خرّ موسی صعقا

<خرور> (مصدر <خرّ>) به معنای افتادن و ساقط شدن و <صیعق> به معنای بی هوش شدن است. قرار گرفتن جمله <خرّ موسی صعقا> پس از دو جمله <تجلی ربه> و <جعله دكا>، بیانگر این است که تجلی خدا بر کوه و انهدام آن در بی هوش شدن موسی (ع) دخیل بوده است.

۱۷ موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور ، بی هوش شد و بر زمین افتاد .

جعله دكاً و خرّ موسی صعقا

<صیعق> به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

۲۲ موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد .

فلما أفاق قال سبحنك تبت إليك

تقدس کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - کوه طور ، مکانی مبارک و مورد عنایت خداوند

و وعدنکم جانب الطور الأيمن

در برداشت یاد شده <الأیمن> از ماده <یمن> گرفته شده و به معنای مبارک است. این کلمه گرچه وصف برای <جانب> است، ولی وصفِ جز هر چیز، وصف کل آن نیز شمرده می شود. انتخاب کوه طور برای مواعده، نشان از ویژگی خاص آن دارد.

حقیقت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱ - ۲

۲ - آتشی که موسی (ع) مشاهده کرد ، امری واقعی بود و موسی (ع) خود را به آن رسانید .

فلما أتيتها

خانواده موسی(ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور ، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال موسى لأهله

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ به برای فعل محذوف است؛ یعنی، <اذکر إذ قال موسی لأهله... زمانی را که موسی به کسانش گفت... به یاد آور.>

دعوت به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

یبنی اسرئیل قد أنجینکم . . . و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

ذکر معجزه کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۱۰ - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا ميثقكم و رفعنا فوقكم الطور

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <أذکروا> می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

رویش درختان زیتون در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۰ - ۲، ۱

۱ - رویش درختان زیتون در ارتفاعات کوه سینا به وسیله باران ، کاری خدایی است .

و شجرة تخرج من طور سيناء

<شجره> عطف بر <جئات> است. <طور> به معنای کوه و <سیناء> شبهه جزیره ای در مصر است. اضافه <طور> به <سیناء> اضافه ظرفیه و به تقدیر <طور فی سیناء> می باشد؛ یعنی: [با آن آب باران] درختی که از طور سینا برمی آید [پدید آوردیم].

۲ - طور سینا ، مرکز رویش درختان زیتون

و شجرة تخرج من طور سيناء

رؤیت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۲

۲ - پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا ميثقكم و رفعنا فوقكم الطور . . . ثم توليتم من بعد ذلك

<ثم> در جمله <ثم توليتم> حاکی از ترتیب رتبی است؛ زیرا <من بعد ذلك> رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که <ثم> برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و . . . مضمون جمله بعد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸

۶- تنها موسی (ع) نظاره گر آتش وادی طور بود .

إِنِّي ءَانَسْتُ نَارًا

نسبت داده شدن مشاهده آتش به موسی (ع) و نیز نکره آمدن <ناراً>، نشان دهنده آن است که آتش مزبور، تنها به وسیله موسی (ع) قابل مشاهده بوده است.

سمت راست کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۱

۱- خداوند از سمت راست کوه طور، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأيمن

<ایمن> یا از <یمن> به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از <یمین> که به معنای <سمت راست> است. در این برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت <الایمن> وصف کلمه <جانب> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۴

۴ - سمت راست کوه طور، میقات و وعده گاه شرفیابی بنی اسرائیل برای پاسخ گویی به دعوت خداوند بود .

و وعدنکم جانب الطور الأيمن

<ایمن> به معنای <یمین> (طرف راست) است و مراد از <جانب راست طور> دامنه و یا فضای سمت راست آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۳

۳ - آمدن ندای الهی به موسی (ع) از درختی واقع در جانب راست وادی طور، هم زمان بانزدیک شدن وی به آتش

فلما أتيتها نودي من شطى الواد . . من الشجره

<شاطئ> به معنای <جانب> است و <الأيمن> مقابل <الأيسر> (چپ)

صفت برای شاطی < می باشد. بنابراین <شاطئ الواد الأيمن>؛ یعنی، طرف راست وادی.

سوگند به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۱

۱ - سوگندِ خداوند ، به کوه طور

و الطور

<طور> در لغت به مطلق کوه گفته می شود و در آیه شریفه ممکن است همین معنا مراد باشد. و نیز می تواند خصوص طور واقع در شبه جزیره سینا اراده شده باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۲ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به کوه طور در سرزمین سینا

و طور سینین

<سینین>، در اصل نام نوعی درخت است که به آن <سَیناء> نیز گفته می شود (صحاح). رویش فراوان آن درخت، در منطقه ای که بین مصر و فلسطین است، سبب شده که به آن منطقه، <سَیناء> یا <سینین> گفته شود و کوه طور که در آن سرزمین است به <طور سینین> یا <طور سَیناء> مشهور گردد.

۲ - <طور> ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و طور سینین

عظمت کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۲ - ۲

۲ - <طور> ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و طور سینین

غرش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۱۷

۱۷ موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور، بی

هوش شد و بر زمین افتاد .

جعله دكاً و خرّ موسى صعقا

<صَعِقَ> به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

فلسفه بالارفتن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۳

۳ - پذیرش میثاق الهی ، هدف از برافراشتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل بود .

و إذ أخذنا ميثقكم و رفعنا فوقكم الطور

وقوع جمله <رفعنا ..> در میان جمله های <أخذنا ميثاقكم> و <خذوا ما اتيناكم> و بیان نکردن هدف و غایتی برای برافراشتن کوه می نمایاند که: همان پذیرش میثاق و اطاعت از فرمان الهی (خذوا ...) هدف و غایت برافراشتن کوه باشد. (اقتباس از المیزان)

فلسفه سوگند به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۴

۴ - برخورداری انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

و التين .. لقد خلقنا الإنسن في أحسن تقويم

قداست کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۴

۴ - وادی طور ، جایگاهی مقدس و مبارک

<بقعه> به نقطه ای گفته می شود که هیئت آن متمایز از پیرامونش باشد. بنابراین اطلاق بقعه بر وادی طور، بدان جهت است که آن وادی وضعیتی متفاوت با اطرافش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۲

۲ - کوه طور ، مکانی مقدس

و الطور

از این که طور سینا، مورد سوگند خداوند قرار گرفته است، تقدس آن استفاده می شود.

کوه طور و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۲،۱۰

۲ - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعنا فوقکم الطور

<الطور> نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی (ع) در آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که <طور> به مطلق کوه نیز گفته می شود.

۱۰ - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <أذکروا> می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

لرزش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۱

۱ خداوند کوه طور را به لرزه درآورد ، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد .

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

<نتق> (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکندن است. <ال> در <الجبل>، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. <ظله> به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

معجزه کوه طور

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۹

۹ - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا ميثقكم و رفعنا فوقكم الطور

<إذ> مفعول برای فعل <اذکروا> در آیه ۴۷ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۲

۲ - پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا ميثقكم و رفعنا فوقكم الطور . . . ثم توليتم من بعد ذلك

<ثم> در جمله <ثم توليتم> حاکی از ترتیب رتبی است؛ زیرا <من بعد ذلك> رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که <ثم> برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و . . . مضمون جمله بعد دارد.

مناجات در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

بینی اسرئیل قد أنجینکم . . . و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

موسی(ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۱

۱- خداوند از سمت راست کوه طور ، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت .

<أيمن> یا از <یمن> به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از <یمین> که به معنای <سمت راست> است. در این برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت <الأيمن> وصف کلمه <جانب> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۵

۵ - موسی (ع) تصمیم گرفت برای آوردن پاره آتشی جهت روشن کردن آتش و یا پیدا کردن راهنما، خود را به محل آتش برساند.

لعلی ءاتیکم منه بقبس أو أجد علی النار هدی

<قبس>، یعنی اخگر و آن، چوب آتش گرفته ای است که برای برافروختن آتش دیگر، از آتش آماده اقتباس کرده باشند (لسان العرب). <هدی> مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. حرف <أو> در آیه برای تعیین یکی از دو کار است، یعنی موسی(ع) در نظر داشت اگر با راهنمایی برخورد کرد، به راه ادامه دهند و گرنه با فراهم کردن آتش، خود را گرم نگه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱ - ۲،۳،۴

۲ - آتشی که موسی (ع) مشاهده کرد، امری واقعی بود و موسی (ع) خود را به آن رسانید.

فلما أتیها

۳ - موسی (ع) با نزدیک شدن به آتش، با ندایی مواجه شد که او را با نام صدا می زد.

فلما أتیها نودی یموسی

۴ - ندای <یاموسی> ناگهانی و بدون گذشت زمانی از لحظه رسیدن موسی (ع) به آتش، به او خطاب شد.

فلما أتیها نودی یموسی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۳۵

۳ - خداوند در وادی طوی (در کوه طور) موسی (ع) را بر اجابت خواسته هایش آگاه ساخت .

قد أُتیت سؤلک

۵ - وادی طوی در کوه طور ، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) و نصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود .

قال ربّ اشرح .. قال قد أُتیت سؤلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۷ - ۴

۴ - نعمت عطا شده به موسی (ع) در کوه طور ، هم سان نعمت گران قدری بود که در گذشته موسی (ع) به او عطا شده بود .

و لقد منّنا علیک مرّه آخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۳۵، ۳۸، ۴۱

۳۵ - موسی (ع) زمانی توفیق مناجات با خداوند در کوه طور و دریافت حکم رسالت را یافت که از مرحله آزمون الهی و چشیدن سختی ها ، عبور کرد و شایستگی لازم را به دست آورده بود .

و فتّک فتوناً .. ثمّ جئت علی قدر یموسی

۳۸ - بازگشت موسی (ع) از مدین و آمدن به وادی طوی در کوه طور ، براساس تقدیر و برنامه تنظیم شده از جانب خداوند بود .

فلبث سنین فی أهل مدین ثمّ جئت علی قدر یموسی

از معانی <قدر> قضای الهی و تقدیر او است. گفته شده است: این کلمه، اسم مصدر برای <قدر> به معنای مقدر ساختن

است (لسان العرب). راغب نیز می گوید: <قدر> زمان و مکان مقدر شده برای هر چیز است.

۴۱ - خداوند در کوه طور، با ملاحظت و مهربانی با موسی (ع) سخن گفت.

یموسی

تصریح مکرر نام موسی(ع) در مقاطع مختلف خطاب الهی، گویای عنایت خداوند به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۶

۶ - اعطای معجزاتی در کنار معجزه عصا و ید بیضا به موسی (ع)، وعده خداوند به او در کوه طور *

بایتی

جمع آوردن <آیات> با آن که تا آن زمان، تنها دو معجزه به موسی(ع) عطا شده بود، می تواند وعده ضمنی خداوند به عطای معجزاتی دیگر به موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال موسى لأهله

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ به برای فعل محذوف است، یعنی، <اذکر إذ قال موسی لأهله... زمانه را که موسی به کسانش گفت... به یاد آور>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۷

۷ - مکالمه خدا با موسی در وادی طور

نودی أن بورك من في النار و من حولها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - سخن گفتن بیواسطه خدا با موسی در وادی طور

فلما جاءها نودی .. إنه أنا الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۰ - ۱۸

۱ - فرمان خدا به موسی (ع) در وادی طور ، مبنی بر افکندن عصای خویش

و ألق عصاك

۸ - اعطای مقام رسالت از جانب خداوند به موسی (ع) در وادی طور

يموسى لاتخف إني لا يخاف لدي المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۲ - ۲

۲ - <يد بيضا> ، دومین معجزه عطا شده به موسی (ع) از جانب خدا در وادی طور

و ألق عصاك ... و أدخل يدك في جيبك تخرج بيضاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۴،۶

۴ - موسی (ع) آتشی را در سمت وادی طور مشاهده کرد .

ءانس من جانب الطور نارًا

<إيناس> (مصدر <آنس>) مرادف <إبصار> (دیدن) است. بنابراین <آنس> یعنی، <بصر و رأی>.

۶ - تنها موسی (ع) نظاره گر آتش وادی طور بود .

إني ءانست نارًا

نسبت داده شدن مشاهده آتش به موسی(ع) و نیز نکره آمدن <نارًا>، نشان دهنده آن است که آتش مزبور، تنها به وسیله موسی(ع) قابل مشاهده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۱

۱ - موسی (ع) برای بردن آتش ، خود را به وادی طور رساند .

لعلی ءاتیکم منها .. أو جذوه من النار ... فلما أتيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۱ - ۱

۱ - فرمان الهی به موسی ، در وادی

طور مبنی بر افکندن عصای خویش

و أن ألق عصاك

<إلقاء> (مصدر <ألق>) به معنای انداختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۲ - ۱

۱ - فرمان دیگر خداوند به موسی (ع) در وادی طور مبنی بر بردن دست خویش به گریبان

اسلك يدك في جيبك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۳ - ۵

۵ - موسی (ع) در وادی طور، نگرانی خویش نسبت به موانع راه رسالت را با خدا در میان گذاشت.

قال ربّ إنّي قتلّت منهم نفسًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۱

۱ - مکالمه خداوند با موسی (ع) در وادی طور

و ما كنت بجانب الطور إذ نادينا

موسی(ع) و آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲

۸ - مشاهده موسی، آتشی را از دور در وادی طور

إنّي ءانست نارًا

<إيناس> (مصدر <آنت>) معادل <إبصار> (دیدن) است، یعنی، آتشی به نظرم رسید.

۹- تنها موسی (ع)، نظاره گر آتش وادی طور و همراهانش محروم از مشاهده آن

إِنِّي ءَانَسْتُ نَارًا

۱۰- تصمیم موسی (ع) به حرکت به سمت آتش طور

سَاتِيكُمْ مِنْهَا بَخِيرًا أَوْ ءَاتِيكُمْ

۱۱- امید موسی (ع)، به یافتن اطلاعاتی از محل برافروخته شدن آتش، برای یافتن راه و ادامه مسیر سفر

سَاتِيكُمْ مِنْهَا بَخِيرًا

جمله <سَاتِيكُمْ مِنْهَا بَخِيرًا> به تقدیر <سَاتِيكُمْ مِنْ عِنْدِهَا بَخِيرًا نَهْتَدِي بِهِ> است، یعنی، به زودی

از آن جا اطلاعی خواهم آورد که با کمک آن راهمان را پیدا کنیم.

۱۲ - موسی (ع) ، درصدد آوردن پاره ای آتش برای گرم کردن خانواده اش

أوءاتیکم بشهاب قبس لعلکم تصطلون

<شهاب> به شعله آتش و <قبس> به شعله برگرفته از آتش گفته می شود. <اصطلاء> (مصدر <تصطلون>) نیز به معنای گرم شدن است، یعنی، یا شعله ای از آتش بگیرم و بیاورم تا با آن، آتش برافروزم، باشد که گرم شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۱،۴

۱ - ندای خداوند به موسی (ع) در پی رسیدن وی به آتش طور

فلما جاءها نودی

۴ - قرار گرفتن موسی (ع) در احاطه آتش طور

نودی أن بورک من فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹ - ۱،۲

۱ - تأکید خداوند ، بر الهی بودن ندای برخاسته از دل آتش وادی طور

نودی أن بورک من فی النار . . . یموسی إنه أنا الله

۲ - موسی ، در شگفتی و حیرت از ندای برآمده از آتش وادی طور

نودی أن بورک من فی النار . . . یموسی إنه أنا الله

تصریح خداوند به <إنه أنا الله> می تواند از آن جهت باشد که موسی با شنیدن ندا از درون آتش، در شگفتی فرو رفت و حیران ماند، به گونه ای که سخت نیازمند راهنمایی روشن و صریح بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۸،۱۱

که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ کنند .

قال لأهله امكثوا .. لعلی ءاتیکم منها بخبر أو جذوه من النار

۱۱ - > عن أبي جعفر (ع) قال : لما قضى موسى الأجل و سار بأهله نحو بيت المقدس أخطأ الطريق ليلاً > فقال لأهله امكثوا
إني آنست ناراً < ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که قرارداد موسی [با شعیب] پایان یافت و همراه با اهلش به سوی بیت المقدس
رهسپار گردید، شب هنگام راه را گم کرد. پس به اهلش گفت: <امکثوا إني آنست ناراً>...>.

نقش آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۲

۲ - تجلی خدا در آتش طور برای موسی (ع)

نودی أن بورك من في النار و من حولها

در این که مراد از <من في النار> (آن که در آتش است) و <من حولها> (آن که پیرامون آتش است) چیست، میان
مفسران اختلاف است. برخی گفته اند: مراد از <من في النار> موسی است؛ زیرا وی چنان به آتش نزدیک گشته بود که
گویا در میان آن است، و مراد از <من حولها> فرشتگانند. برخی عکس آن را گفته اند؛ یعنی، <من في النار> فرشتگان و
<من حولها> موسی است. دسته ای نیز بر آنند که مراد از <من في النار> خداوند و <من حولها> موسی است؛ بدین معنا
که: <مبارک است آن که در آتش تجلی کرده و آن که پیرامون آن است>. برداشت یاد شده برپایه احتمال اخیر است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۲

۲ - آتش طور ، وسیله ای برای کشاندن موسی (ع) به وادی طور ، جهت سخن گفتن خدا با وی و دریافت رسالت الهی

فلما أتيتها نودی .. یموسی إنی أنا الله ربّ العلمین

نقش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۵،۶

۵ - وادی طوی در کوه طور ، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) و نصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود .

قال ربّ اشرح .. قال قد أُتیت سؤلک

۶ - هارون (ع) در وادی طوی به مقام نبوت و رسالت برگزیده شد .

هرون أخی .. و أشرکه فی امری ... قد أُتیت سؤلک

چنانچه مراد از <أشرکه فی امری> درخواست نبوت و رسالت برای هارون(ع) باشد، اجابت آن در وادی طوی انجام پذیرفت.

یهود و کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱،۳،۴

۱ خداوند ، با برافراشتن کوه طور بر سر یهود به منظور تهدید آنان ، از ایشان پیمان گرفت .

و رفعنا فوقهم الطور بمیثقهم

<طور> علم است برای کوهی مخصوص و گفته شده <طور> به معنای مطلق کوه است (مفردات)، بآء در <بمیثقهم> سببیه است و بدیهی است که خود میثاق نمی تواند دلیل و سبب باشد بر اینکه خداوند کوه طور را بر سر آنان برافرازد.

بنابراین می توان گفت گرفتن میثاق علت برای برافراشتن کوه طور بوده است.

۳ نقض میثاق از سوی

یهود، سبب شد تا خداوند بر آنان خشم گیرد و کوه طور را بر سر آنان بالا برد.

و رفعنا فوقهم الطور بميثقهم

برداشت فوق بر این اساس است که نقض میثاق و تصمیم بر ادامه نقض میثاق علت برافراشتن کوه طور باشد؛ بنابراین جمله <و رفعنا..> یعنی بدان سبب که پیمان الهی را شکستند و تصمیم بر ادامه پیمان شکنی داشتند، به عنوان تهدید، کوه طور را بر سر آنان بالا برده و مسلط ساختیم.

۴ قرار دادن کوه طور بر سر یهود، از معجزات حضرت موسی (ع)

و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً. و رفعنا فوقهم الطور

برافراشتن کوه طور، می تواند بیان مصداقی برای جمله <و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً> باشد.

کوه قاسیون

{کوه قاسیون}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۲۰

۲۰ کوه قاسیون در دمشق، مکان کشته شدن هابیل توسط برادرش

فطوحت له نفسه قتل اخیه فقتله

از رسول خدا(ص) روایت شده: بدمشق. جبل یقال له قاسیون فیه قتل ابن آدم اخاه.

الدرالمنثور، ج ۳، ص ۶۱.

کوه مروه

{کوه مروه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۳

۲۳ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : > فأوحى الله تعالى إلى جبرئيل ان اهبطهما إلى البلده المباركه مكه فهبط
بهما جبرئيل فألقى آدم على الصفا و ألقى حواء على المروه . . . ;

خداوند به جبرئیل وحی کرد که آدم و حوا را به شهر مبارک مکه فرود آور. پس جبرئیل آدم(ع) را بر

کوه صفا و حوا را بر کوه مروه فرود آورد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۱

۱ - کوه صفا و مروه ، دو علامتی که خداوند آنها را نشانه جایگاه عبادت قرار داده است .

إن الصفا و المروه من شعائر الله

بنابراین توصیف <صفا و مروه> به <شعائر الله> می رساند که: خداوند آن دو مکان را علامتی قرار داده تا بندگانش در آن جا، او را عبادت کنند.

کوه ها

آثار استحکام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۲

۲ - عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی

آثار عظمت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۲

۲ - عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی

اتقان کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ وجود کوه های استوار بر بستر زمین ، از آیات الهی است .

و ألقینا فیها روسی

اجزای کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵ - ۴

۴ - اجزای تشکیل دهنده کوه ها ، دارای رنگ های گوناگون است .

و تكون الجبال کالعهن المنفوش

استبعاد تلاشی کوه ها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۲

۲ - عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی

استحکام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۱،۷

۱ - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

۷ - وجود کوه های استوار و بلند و آب های گوارا برای شرب انسان ها ، از نشانه های قدرت خداوند بر برپایی قیامت و

احیای مردگان

و جعلنا فیها روسی شمخت و أسقینکم ماء فرأتا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۴،۵،۲،۱

۱ - کوه ها مانند میخ های مستحکم ، با رسوخ در زمین مانع لرزش آن شده و اجزای \$ آن را به هم پیوند داده است .

و الجبال أوتادًا

<أوتاد> (جمع <وتد>) یعنی، میخ ها. تشبیه کوه ها به <میخ>، به این لحاظ است که آرامش و استحکام زمین و از هم

نیاشیدن آن، وابسته به وجود کوه ها است زیرا بدون وجود کوه ها، حرکت لایه های زمین به روی یکدیگر و پیدایش زلزله

های فراگیر، آرامش و استقرار آن را به هم می زد.

۲ - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل .. و الجبال أوتادًا

٤ - ميخكوب شدن كوه ها در زمين ، نشان

قدرت خداوند و ضرورت معاد

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلْ ... وَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند؛ گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

۵- وجود کوه های استوار در زمین ، از نعمت های خداوند به انسان ها است .

أَلَمْ نَجْعَلْ ... وَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا

بیان وصف کوه ها، بین مجموعه آیاتی که بیانگر بعضی از نعمت های خداوند به انسان ها است؛ نشان می دهد که استواری کوه ها نیز از جمله آن نعمت ها است.

استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۶

۶ زمین و گسترش آن ، کوه های ثابت و استوار ، رودخانه ها ، گیاهان مزدوج و تداوم شب و روز ، از نشانه های خدا و از دلایل یکتایی او در تدبیر هستی است .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۳

۳- خداوند ، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد .

و أَلْقَيْنَا فِيهَا رُوسًا

<رواسی> (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

استقرار کوه ها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - خداوند ، قرار دهنده کوه ها در زمین است .

و ألقى في الأرض روصي

اسكان در کوه ها

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۵

۵- امکان مأوی گرفتن انسان در دل صخره ها و سنگر گرفتن در شکاف کوه ها ، از نعمت های الهی

و جعل لكم من الجبال أكنفاً

امتناع کوه ها از تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إنا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها

لام در <لِيعَذَّب..> در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل <لِيعَذَّب> قرینه است که مراد از <الأمانة> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

امتناع کوه ها از قبول امانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۴،۵

۴ - آسمان ها و زمین و کوه ها ، از قبول امانت الهی ، می ترسیدند .

إنا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها

۵ - خودداری آسمان ها و

زمین و کوه ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها

انقياد کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقياد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله يسجد له من فى السموات ومن فى الأرض . . . والشجر والدواب

<سجود> (مصدر <يسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقياد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۱

۱ - کوه ها ، تحت تسخیر خدا و رام او هستند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ

انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۰ - ۲

۲- شکافته شدن آسمان ها ، قطعه قطعه شدن زمین و انهدام کوه ها ، امری بسزا ، در برابر ادعای باطل فرزند گزینی خداوند

تكاد السموات يتفطرن منه و تنشق الأرض و تخزّ الجبال هدّاً

فعل <تكاد> که بر <وقوع نزدیک> دلالت دارد در معنای مجازی <سزاواربودن> به کار رفته و ممکن است مراد این باشد که برخورد این سخن با مقام قدس الهی، مانند برخورد چیزی با ارکان جهان هستی است؛ که همه چیز را متلاشی کند و از میان ببرد. و یا این که خشم خداوند از این سخن به حدی است که جای آن دارد، آسمان و

زمینی باقی نگذارد و همه چیز را نابود کند و کوه ها را درهم بریزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۳

۳ - رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

و بَسَّتِ الْجِبَالَ بَسًّا

ذکر <بَسًّا> به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶ - ۱

۱ - پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها ، به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا

<هَبَاءً> به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و <منبث> به معنای پراکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۱،۳

۱ - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جایگاه و مدار خود خارج خواهند شد .

و حَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ

۳ - نظم کنونی کره زمین و شکل استقرار کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت از هم پاشیده می شود .

و حَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدَكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۱

۱ - به هنگام دمیده شدن در صور و متلاشی شدن نظم کنونی زمین و کوه ها ، واقعه قیامت رخ می دهد .

فإذا نفخ في الصور .. و حملت الأرض ... فيومئذ وقعت الواقعة

به گفته مفسران، واژه <واقعه> همانند واژه های <حاقه>، <قارعه>، <غاشیه> و .. در قرآن

که بدون موصوف و یا به تقدیر آن آمده است عَلم برای قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۹ - ۱

۱ - متلاشی و ذره ذره شدن کوه ها ، همچون پشم رنگین و پراکنده شده ، در آستانه برپایی قیامت

و تکون الجبال کالعهن

<عهن> به معنای پشم رنگ شده است. در آیه پنجم از سوره <قارعه> چنین آمده است: <و تکون الجبال کالعهن المنفوش>؛ (و کوه ها مانند پشم رنگین زده شده خواهند شد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۰ - ۱

۱ - کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جا کنده و متلاشی خواهد شد .

و إذا الجبال نسفت

<نسف>، به معنای کندن از ریشه و بن است (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۳

۳ - کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فکانت سراباً

<سراب> درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق <سراب> گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی مانده از آن به صورت شبحی از کوه نمایان می شود.

اهمیت امانت عرضه شده به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - امانت عرضه شده الهی بر آسمان ها ، زمین و کوه ها و انسان

ها ، بس عظیم و سنگین است .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها وح

تعبیر <أبين أن يحملنها و أشفقن منها> و تعلیل قبول امانت از سوی انسان به <إنه كان ظلوماً جهولاً> حکایت می کند که آن امانت، بس عظیم و سنگین است.

اهمیت پناهگاههای کوهستانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۹

۹- اهمیت مسکن ، سایه ، پناهگاه های کوهستانی و پوشش های مقاوم و متنوع در زندگی انسان

و الله جعل لكم من بيوتكم سكناً .. ظللاً ... أكنناً ... سربیل تقيكم الحرّ ...

اهمیت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۳

۳- زمین بدون وجود کوه ها ، دارای جنبش و لرزش بوده و برای زندگی انسان مناسب نیست .

و ألقى في الأرض روصي أن تميدبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۱ - ۴

۴- اهمیت و نقش حیاتی کوه ها و راه های طبیعی برای زندگی انسان ها

و جعلنا في الأرض روصي أن تميد بهم .. سبلاً لعلهم يهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۶

۶ - نقش مهم کوه ها ، در نظام زمین و طبیعت

و الطّور

در صورتی که <طور> به معنای مطلق کوه باشد، از مورد قسم قرار گرفتن آن، اهمیت آن در نظام زمین، استفاده می شود.

بلندی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۱

۱ - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

پرسش از فرجام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۳

۳ - تعدادی از مردم صدراسلام در باره سرنوشت کوه ها در هنگامه رستاخیز ، از پیامبر (ص) توضیح می خواستند .

و یسلونک عن الجبال

پیدایش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۴ - ۴

۴ - پیدایش آسمان ، زمین ، شب ، روز ، آب ، گیاه و کوه ، حوادثی نابرابر با حادثه بزرگ قیامت

الطامه الكبرى

<کبری> اسم تفضیل است و قیامت را در برابر آنچه در آیات پیشین ذکر شد برترین و بزرگ ترین حادثه معرفی می کند.

تاریخ پیدایش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۴

۴ - کوه ها ، پس از پیدایش زمین به وجود آمدند .

و الأرض مددنها و ألقينا فيها روسي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٤ - لقمان - ٣١ - ١٠ - ٨

٨ - كوه ها ، پس از پيدائش زمين به وجود آمده اند .

و ألقى في الأرض روسي

تاريخ خلقت كوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١١ - انبياء - ٢١ - ٣١ - ٢

٢ - پيدائش كوه ها ، پس

از آفرینش زمین بوده است . *

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم

ظاهر آن است که قرار دادن شیء در ظرفی فرع وجود ظرف است؛ بنابراین قرار دادن کوه ها در زمین بیانگر تأخر پیدایش کوه ها از پیدایش خود زمین است.

تبدیل کوه ها به ریگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۲

۲ - کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت به صورت انبوهی از ریگ های روان درخواهد آمد .

و کانت الجبال کثیباً مهیلاً

<کثیب> به معنای ریگ انباشته شده و <مهیل> (اسم مفعول از ماده <هیل>) به معنای شیء روان است (صحاح اللغه).

تبدیل کوه ها به غبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶ - ۱،۲

۱ - پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها ، به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فکانت هباء منبثاً

<هباء> به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و <منبث> به معنای پراکنده است.

۲ - انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا ، امری قطعی و تردیدناپذیر

فکانت هباء منبثاً

به کارگیری فعل ماضی <فکانت> در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

ترس کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۴،۵

۴ - آسمان ها و زمین و کوه ها ، از قبول امانت الهی ، می ترسیدند .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت و الأرض و الجبال فأبين أن يحملنها و أشفقن منها

- ۵

خودداری آسمان ها و زمین و کوه ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

تسبیح کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۹، ۶

۶- کوه ها و پرندگان ، به تسخیر الهی همراه با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

و سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يَسْبِغْنَ وَالطَّيْرَ

۹- هم آوایی موجودات طبیعت (کوه ها ، پرندگان و . . .) با پیامبران در تسبیح خداوند

و سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يَسْبِغْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ

تعبیر <كُنَّا فَاعِلِينَ> (ما در گذشته این کار را انجام می دادیم) برای بیان این حقیقت است که کوه ها و پرندگان تنها با داوود و سلیمان هم آوا نشدند؛ بلکه پیش از این نیز با پیامبران الهی هم آوا بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۱۰، ۵، ۴

۴ - فرمان خداوند به کوه ها ، جهت هم صدا شدن با داوود (ع) در تسبیح خداوند

يَجِبَالٌ أَوْبِي مَعَهُ

<أَوْبِي> (از مصدر <اوب>) در اصل به معنای نوعی از بازگشت است (مفردات راغب) و مراد از آن چنان که مفسران نیز گفته اند تکرار و رجوع در تسبیح گویی است.

۵ - هم صدایی کوه ها با داوود (ع) در تسبیح گویی ، از جمله فضیلت های اعطا شده از جانب خداوند به آن حضرت

و لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِّنَّا فَضْلًا يَجِبَالٌ أَوْبِي مَعَهُ

جمله <یا جبال

أَوَّيِّ مَعَهُ، بَدَلَ اشْتِمَالٍ وَ يَأْ بَدَلَ كَلٍّ مِنْ كَلٍّ لِأَجْلِ <فَضْلًا> أَسْت. بِنَابِرَائِنِ مَعْنَى چِنِينِ مِي شُود: مَا بَه دَاوُودِ (ع) فَضِيلَتِي دَادِيمِ وَ كَفْتِيمِ أَيْ كُوهِ هَا بَا أُو دَر تَكَرَّرِ تَسْبِيحِ هَم صَدَا بَاشِيد.

۱۰ - هَم آوَابِي كُوهِ هَا بَه هَمْرَاهِي پَرِنْدِ گَانِ بَا دَاوُودِ (ع) دَر تَسْبِيحِ گُويِي خَدَاوَنَدِ

وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ مَنَّا فَضْلًا يَجِبَالًا أَوَّيِّ مَعَهُ وَ الطَّيْرِ

بِرَدَاشْتِ يَادِ شُدِهٖ بِنَابِرَائِنِ اِحْتِمَالِ أَسْتِ كِه <الطَّيْرِ> عَطْفٌ بَه ضَمِيرِ مَجْرُورِ <مَعَهُ> بَاشَد.

جَلْد - نَامِ سُورِه - سُورِه - آيَه - فِيشِ

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۲،۵

۲ - كُوهِ هَا، دَر هَر صَبْحِ وَ شَامِ بَا دَاوُودِ (ع) بَه تَسْبِيحِ خَدَا مِي پَرِدَاخْتَنَدِ.

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحُنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

۵ - هَمْرَاهِي كُوهِ هَا دَر تَسْبِيحِ الهِي بَا دَاوُودِ (ع)، نَمُودِ قَدْرَتِ وَ مَقَامِ مَعْنُويِ آنِ حَضْرَتِ

ذَالْأَيْدِ إِنَّهُ أَوْأَبٌ . إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحُنَ

جَمَلِهٖ <إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ..> مِي تَوَانَدِ تَعْلِيلِ بَرَأِي <ذَالْأَيْدِ...> بَاشَد؛ يَعْنِي، دَاوُودِ (ع) شَخْصِيَّتِي نِيرومَنَدِ دَر عِبَادَتِ بُوَد، زِيْرَا مَا كُوهِ هَا رَا بَا أُو هَمْرَاهِ كَرْدِيمِ تَا دَر صَبْحِ وَ شَامِ بَا وَيِ بَه تَسْبِيحِ بِيْرِدَازَنَدِ.

جَلْد - نَامِ سُورِه - سُورِه - آيَه - فِيشِ

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۴

۴ - تَمَامِي كُوهِ هَا وَ پَرِنْدِ گَانِ بَه خَاطِرِ تَسْبِيحِ دَاوُودِ (ع) هَمْرَاهِ أُو بَه تَسْبِيحِ مِي پَرِدَاخْتَنَدِ.

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحُنَ .. وَ الطَّيْرِ مَحْشُورِهِ كَلٌّ لَهٗ أَوْأَبٌ

بِرَدَاشْتِ يَادِ شُدِهٖ بَرِ پَايَهٗ اِيْنِ اِحْتِمَالِ أَسْتِ كِهِ وَاژِهٖ <كَلٌّ> شَامِلِ <جِبَالِ> (كُوهِ هَا) هَمِ بَشُودِ.

تَسْخِيرِ كُوهِ هَا

جَلْد - نَامِ سُورِه

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۶

۶- کوه ها و پرندگان ، به تسخیر الهی همراه با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

و سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ یَسْبَحْنَ وَ الطَّیْرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۱

۱ - کوه ها ، تحت تسخیر خدا و رام او هستند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ

تسطیح کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۶ - ۱

۱ - کوه ها در قیامت ، به زمین هموار و مسطح تبدیل خواهند شد .

عَنِ الْجِبَالِ . . . فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا

<قاع> به معنای زمین صاف و مسطحی است که در آن درخت نروید و <صفصف> به معنای زمین همواری است که امکان رویدن هیچ گیاهی در آن نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۳

۳ - کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فَكَانَتْ سُرَابًا

<سراب> درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق <سراب> گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی

مانده از آن به صورت شبی از کوه نمایان می شود.

تلاشی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۴،۵

۴ - تمامی کوه های زمین ، در آستانه

قیامت ریشه کن و متلاشی خواهند شد .

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفاً

<نسف> به معنای ریشه کن کردن و از هم پاشیدن است (مصباح).

۵ - متلاشی شدن کوه ها در قیامت ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و به فرمان او است .

فقل ینسفها ربی نسفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۱

۱ - با متلاشی شدن کوه ها و مسطح شدن زمین در قیامت ، دعوت کننده ای ، آدمیان را به بیرون آمدن از قبر ها دعوت خواهد کرد .

یومئذ یتبعون الداعی لاعوج له

ظاهراً مقصود از <داعی> که تمامی مردم از او تبعیت خواهند کرد و به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد کسی است که آدمیان را از قبرها برای حشر فرا می خواند.

تنوع رگه های کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - وجود راه ها و رگه های رنگارنگ و گوناگون در کوه ها ، از نمود های تدبیر خداوند برای انسان ها

و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غرابیب سود

تنوع رنگ کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - وجود راه ها و رگه های رنگارنگ و گوناگون در کوه ها ، از نمود های تدبیر خداوند برای انسان ها

و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف ألونها و غرايب سود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - قارعه - ١٠١ - ٥

۴ - اجزای تشکیل دهنده کوه ها ، دارای رنگ های گوناگون است .

و تكون الجبال كالعهن المنفوش

ثبات کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۷

۷ - خداوند ، کوه ها را ثابت و استوار قرار داده است .

و ألقى في الأرض روسی

<رواسی> جمع <راسیه> از ماده <رسو> به معنای <ثبوت و استواری> است. مراد از آن کوه هایند که بر اساس وصف غالب شان نام گذاری شده اند. گفتنی است که <ألقى> وقتی همراه <فی> باشد معنای استقرار را می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۷

۷ - کوه های استوار ، برکت سرشار زمین ، تغییر فصل ها و تأمین نیار های غذایی موجودات ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خدا

ذلك ربّ العلمین . و جعل فیها روسی من فوقها و برک فیها و قدر فیها أفوتها فی أرب

حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۲

۲- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطح می شود .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه

<نسیّر> (از ماده سیر) یعنی <حرکت می دهیم> و <بارزه> به معنای <ظاهر و آشکار> است. چون در قیامت، کوه ها،

از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۲

۲ - به حرکت در آمدن کوه ها ، در آستانه رستاخیز

و تسیر الجبال سیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۱،۳

۱ - حرکت و رانش کوه ها ، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

إذا رجّت الأرض رجًّا . و بسّ الجبال بسًّا

<بسّ> در دو معنا به کار می رود: ۱ به حرکت واداشتن (القاموس المحيط)؛ ۲ خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۳ - رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

و بسّ الجبال بسًّا

ذکر <بسًّا> به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - کوه ها در آغاز برپایی قیامت ، از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و سیرت الجبال

۲ - حرکت کوه ها در قیامت ، آنها را به توده غباری شبیه کوه ، تبدیل خواهد کرد .

و سیرت الجبال فکانت سرابًا

تشبیه کوه به سراب، بیانگر آن است که پس از حرکت کوه ها در قیامت، آنچه دیده می شود کوه نیست؛ ولی بیننده آن را کوه خواهد دید.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۳ - ۱

۱ - در آستانه قیامت ، کوه ها از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و إذا الجبال سیّرت

حرکت کوه های یخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۲

۲ - حرکت کوه های یخ ، با تمامی عظمت و بزرگی در اقیانوس ها ، نشانی از قدرت خدای یگانه *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

خالق کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، پدید آورنده کوه های استوار در زمین

و جعل فیها روسی

<رواسی> (جمع <راسیه>) به معنای کوه های استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۱

۱ - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۲

۲ - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل .. و الجبال أوتادًا

خداشناسی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۷

۷ - کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

يسبِّحن بالعشيّ و الاِشراق

خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر -

۳- خداوند ، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد .

و ألقينا فيها روسی

<رواسی> (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۴

۴- آفرینش کوه ها به گونه ای که قابل پناه گرفتن برای انسان باشد ، به قدرت خداست .

و الله .. جعل لكم من الجبال أكنناً

رگه های سرخ کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۹

۹- آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء .. و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف ألونها و غر

<جُدَد> (جمع <جُدّه>) در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. <غریب> (مفرد <غرایب>) به معنای سیاه پر رنگ و <أسود> (مفرد <سود>) به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

رگه های سفید کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۹

۹- آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء .

.. و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غر

<جُدَد> (جمع <جُدَه>) در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. <غریب> (مفرد <غرایب>) به معنای سیاه پر رنگ و <أسود> (مفرد <سود>) به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

رگه های سیاه کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۹

۹ - آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء .. و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غر

<جُدَد> (جمع <جُدَه>) در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. <غریب> (مفرد <غرایب>) به معنای سیاه پر رنگ و <أسود> (مفرد <سود>) به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

سجده کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله يسجد له من فى السموت و من فى الأرض ... و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <يسجد>)

به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سرعت انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۲

۲ - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدگتا دگه وحده

<دگك> به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

سکون کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱

۱ - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

شدت انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۲

۲ - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدگتا دگه وحده

<دگك> به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

شعور کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- طبیعت (کوه ها ، پرندگان و ...) دارای نوعی شعور و آگاهی به خداوند

الجبال یسبحن و الطیر

هم آوا شدن کوه ها و پرندگان با داوود(ع) در تسبیح خداوند، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۶

۶- آسمان ها و زمین و کوه ها دارای نوعی شعورند .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

و الجبال فأبين أن يحملنها و أشفقن منها

خودداری از پذیرش امانت الهی، حکایت از نوعی شعور و ادراک می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۷

۷ - کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

يسْبِحُن بِالْعَشِيِّ وَالْإشْرَاقِ

شگفتی حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۳

۳ - حرکت کوه های زمین در آستانه رستاخیز ، حرکتی عجیب و نامعهد

و تسير الجبال سيرًا

مفعول مطلق <سيرًا>، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

عرضه امانت به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها

لام در <ليعذب..> در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل <ليعذب> قرینه است که مراد از <الأمانة> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها

لام در <لِعَذِّبُ..> در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل <لِعَذِّبُ> قرینه است که مراد از <الأمانة> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

عوامل انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۲،۷

۲ - از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن .. و تلك الأمثل نضربها

<تصدع> (مصدر <متصدعاً>) به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

۷ - فروتنی و < فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها > ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل .. و تلك الأمثل نضربها للناس لعلهم

عوامل خشوع کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۱،۲،۷

۱ - صخره های ستبر کوه ، خاشع و فروتن از بیم خدا ، در صورت نزول وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خشعاً متصدعاً من خشیه الله

۲ - از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن . . . و تلك الأمثل نضربها

<تصدع> (مصدر <متصدعاً>) به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

۷ - فروتنی و <فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها > ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرآن علی جبل . . . و تلك الأمثل نضربها للناس لعلهم یتفکرون

فرجام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۲

۲ - عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶ - ۲

۲ - انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا ، امری قطعی و تردیدناپذیر

فكانت هباءً منبثاً

به کارگیری فعل ماضی <فكانت> در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

فلسفه خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر

۹- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۷

۷- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

و ألقى فی الأرض روسی . . . و أنهرًا و سبلاً لعلکم تهتدون

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از <تهتدون> هدایت معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۴

۴ - میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عمّ یتساءلون . . . ألم نجعل ... و الجبال أوتادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند؛ گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

فواید کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۸

۸- کوه ها ، محل پیدایش معادن

و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <فیها>، <رواسی> باشد. در این صورت مراد آیه، پیدایش معدنها خواهد

بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۱،۲،۳

۱- خداوند ، کوه ها را ثابت و استوار در

زمین قرار داده است تا آن را چونان بستری آرام برای انسان مهیا سازد .

و ألقى في الأرض روصي أن تميدبكم

<رواسی> (جمع راسیه) از ماده <رسو> بوده و به معنای ثبوت و استواری است و مراد از آن کوههاست که به خاطر وصف غالبشان به این نام، نام گذاری شده اند و <القاء> وقتی با <فی> همراه باشد به معنای قرار دادن است.

۲- کوه ها ، از جنبش ها و لرزش های زمین جلوگیری می کند .

و ألقى في الأرض روصي أن تميدبكم

<مید> در لغت اضطراب و لغزش چیزهای بزرگ را گویند و چون این آیه در مقام بیان نعمتهای خداست و اضطراب و لرزش زمین نعمت نیست، معلوم می شود که <أن تمیدبکم> در اصل <لأن لا تمیدبکم> یا <کراهیه أن تمیدبکم> بوده است ، یعنی، کوهها را در زمین قرار داد تا زمین شما را نلرزاند.

۳- زمین بدون وجود کوه ها ، دارای جنبش و لرزش بوده و برای زندگی انسان مناسب نیست .

و ألقى في الأرض روصي أن تميدبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۱

۱- آفرینش کوه های استوار برای جلوگیری زمین از لرزاندن و جنباندن انسان ها است .

و جعلنا في الأرض روصي أن تميد بهم

<رسا> به معنای <ثَبَّت> و <رَسَّيْخ> است و به کوه ها از آن جهت که خود راسخ و استواراند و مانع اضطراب و لرزش زمین می شوند، <رواسی> گفته می شود. <مید> (مصدر <تمید>) به معنای اضطراب و حرکت به سمت های گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱

۵- زمین ، بدون وجود کوه ها ، در معرض لرزش های مداوم بوده و مناسب زندگی نیست .

و ألقى في الأرض روصي أن تميد بكم

۶- کوه ها ، از جنبش و لرزش زمین جلوگیری می کنند و برای آماده کردن آن برای زیستن بشر ، نقش دارند .

و ألقى في الأرض روصي أن تميد بكم

<مید> در لغت، <اضطراب و لرزش چیزهای بزرگ> را گویند. چون آیه درصدد بیان نعمت های خداوند است و لرزش، نمی تواند نعمت باشد، معلوم می شود که <آن تمید>، <آن لایتمید> و یا <کراهیه تمید بکم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۳

۳ سطح زمین ، بدون وجود کوه ها فاقد ثبات و استقرار *

و ألقينا فيها روصي

خداوند، پس از مسأله امتداد و گسترش سطح زمین، از وجود کوه ها به عنوان عناصری استوار (رواسی) یاد کرده است. از این مطلب استفاده می شود که ثبات و استقرار سطح رویین زمین، مدیون استواری کوه ها است و بدون وجود کوه ها، فاقد ثبات و استواری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۲،۴،۵

۲- وجود کوه های استوار و بلند ، از نعمت های الهی برای بشر و تأثیرگذار در زندگی انسان ها

و جعلنا فيها روصي شمخت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات، ضمن آن که در بیان نشانه های قدرت عظیم خداوند است؛ می تواند درصدد بیان نعمت های الهی برای بشر نیز باشد.

کوه ها ، از منابع تأمین آب برای بشر

و جعلنا فیها روسی شمخت و أسقینکم ماء

یادآوری سیراب شدن بشر از آب های گوارا پس از بیان آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین می تواند بیانگر مطلب یاده شده باشد.

۵- آب ساری و جوشیده از کوه ها ، آبی گوارا و مناسب برای نوشیدن انسان ها

و أسقینکم ماء فراتاً

<فرات>، به معنای گوارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۱

۱- کوه ها مانند میخ های مستحکم ، با رسوخ در زمین مانع لرزش آن شده و اجزای \$ آن را به هم پیوند داده است .

و الجبال أوتاداً

<أوتاد> (جمع <وتد>) یعنی، میخ ها. تشبیه کوه ها به <میخ>، به این لحاظ است که آرامش و استحکام زمین و از هم نپاشیدن آن، وابسته به وجود کوه ها است زیرا بدون وجود کوه ها، حرکت لایه های زمین به روی یکدیگر و پیدایش زلزله های فراگیر، آرامش و استقرار آن را به هم می زد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۱

۱- سودمندی آسمان ، شب ، روز ، زمین ، آب ، گیاه و کوه ها برای انسان و دام ، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است .

متعاً لکم ولأنعمکم

<متعاً> مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب) ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است یعنی، <تمتعاً لکم>.

قانونمندی خلقت کوه ها

- آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۳

۳ - آفرینش کوه ها ، دارای غایت و هدف است .

و الجبال أوتادًا

مراحل خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۴

۴ - آفرینش کوه های استوار ، ایجاد نعمت ها و تقدیر معیشت موجودات زمین در چهار روز (مرحله)

و جعل فیها روسی من فوقها .. فی أربعه أيام

برداشت یاد شده براین اساس است که <فی أربعه أيام> ظرف برای مجموع عبارت های آیه باشد.

مطالعه استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - خداوند ، ترغیب کننده مردم به بررسی و دقت در کیفیت استوار ماندن کوه ها در زمین

و إلى الجبال کیف نصبت

<نصب> به معنای برپاداشتن و راست نگه داشتن چیزی در حالت اعتدال است. (مقایس اللغه)

۲ - تحقیق و تدبر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلى الجبال کیف نصبت

منافع استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافع درخور توجه برای انسان ها است .

أفلا ينظرون إلی . . . و إلی الأرض کیف سطح

آیه شریفه، گرچه توجه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است و ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه سودمند بودن آنها به حال آنان است.

منشأ

استقامت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۲ - ۲

۲ - آفرینش کوه های پایدار و تزلزل ناپذیر ، نشان قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان ها است .

ءأنتم .. و الجبال أرسیها

منشأ استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۱

۱ خداوند ، گسترنده زمین و قرار دهنده کوه ها و رود ها در دل آن

و هو الذى مدّ الأرض و جعل فيها روسى و أنهرًا

<مدّ> به معنای گسترانیدن و پهن کردن است. <رواسی> (جمع راسیه) به معنای کوههای استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۲ - ۱

۱ - خداوند ، کوه ها را استوار و پابرجا قرار داد .

و الجبال أرسیها

فعل <أرسی> یعنی، ثابت و استوار ساخت (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - خداوند ، ترغیب کننده مردم به بررسی و دقت در کیفیت استوار ماندن کوه ها در زمین

و إلى الجبال كيف نصبت

<نصب> به معنای برپاداشتن و راست نگه داشتن چیزی در حالت اعتدال است. (مقایس اللغة)

۲ - تحقیق و تدبر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلى الجبال كيف نصبت

منشأ انهدام كوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - متلاشی شدن و به حرکت درآمدن کوه ها در فضا ، بر اثر

و یوم ینفخ فی الصور . . . و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

ذکر <تری الجبال..> در ادامه <یوم ینفخ فی الصور...> می تواند به منظور بیان رخدادهایی باشد که در پی دمیده شدن در صور، در نظام طبیعت ظاهر می گردد. بنابراین معنای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنداری که ایستا و غیرقابل حرکت اند؛ در حالی که آنها روزی که در صور دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

منشأ حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - متلاشی شدن و به حرکت در آمدن کوه ها در فضا، بر اثر نفخ صور

و یوم ینفخ فی الصور . . . و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

ذکر <تری الجبال..> در ادامه <یوم ینفخ فی الصور...> می تواند به منظور بیان رخدادهایی باشد که در پی دمیده شدن در صور، در نظام طبیعت ظاهر می گردد. بنابراین معنای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنداری که ایستا و غیرقابل حرکت اند؛ در حالی که آنها روزی که در صور دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

نقش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۴

۴- اهمیت و نقش حیاتی کوه ها و راه های طبیعی برای زندگی انسان ها

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم .

.. سبلاً لعلهم يهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۲

۲ - رود ها و نهر های جاری بر بستر شکاف های زمین و کوه های استوار بر پهنه آن ، نمودی دیگر از تدبیر خدای یگانه

و جعل خللها أنهرًا و جعل لها روسی

<خلال> (جمع <خلل>) به معنای شکاف ها است. <نهر> (مفرد <أنهار>) مشترک لفظی است میان آب جاری و مکانی که در آن آب روان باشد. بنابراین، عبارت <جعل خللها أنهارًا> را می توان به دو صورت زیر معنا کرد: ۱ شکاف های زمین را مکانی برای جریان آب قرار داده است. ۲ در بستر شکاف های زمین آب های روان قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۱

۱ - آسمان ها و کوه ها و جنبندگان و ... ، تبلور آفرینندگی خداوند است .

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۲

۲ وجود کوه های استوار بر بستر زمین ، از آیات الهی است .

و ألقينا فيها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۶

۶ - نقش مهم کوه ها ، در نظام زمین و طبیعت

و الطُّور

در صورتی که <طور> به معنای مطلق کوه باشد، از مورد قسم قرار گرفتن آن، اهمیت آن در نظام زمین، استفاده می شود.

کهانت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کهانت

تهمت کهانت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۴

۴ - اتهام کهنات به قرآن و کاهنی به پیامبر اسلام (ص) ، از سوی کافران و مشرکان

و لا بقول کاهن

تهمت کهنات به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۷

۷ - اتهام کهنات و جنون به پیامبر (ص) ، از سوی کافران

فما أنت بنعمت ربك بكاهن ولا مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۴

۴ - اتهام کهنات به قرآن و کاهنی به پیامبر اسلام (ص) ، از سوی کافران و مشرکان

و لا بقول کاهن

قرآن و کهنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۲

۲ - قرآن ، به تحقیق از سنخ کهنات و کلامی کاهنانه نیست .

و لا بقول کاهن

محمد(ص) و کهنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۵

۵ - پیامبر (ص)، مصون از هر گونه کفالت و جنون، در پرتو عنایت پروردگار خویش

فما أنت بنعمت ربك بكاهن ولا مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۱

۱ - پیامبر اسلام (ص)، به تحقیق کاهن نبود.

ولا بقول کاهن

نایسندی کفالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۹

۹ - < کفالت >، امری مذموم و نکوهیده *

فما أنت بنعمت ربك بكاهن

از

این که وجود نعمت الهی، عامل مصونیت از کفالت شمرده شده است؛ نوعی تنافر میان آن دو، استفاده می شود؛ یعنی، کاهن به دور از رحمت الهی است.

نقش کفالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۱۰

۱۰ - > و سئل أبو عبدالله (ع) عن قوله : < يعلمون ظاهراً من الحياه الدنيا > ؟ فقال : منه الزجر و النجوم ؛

در مجمع البیان آمده است که از امام صادق (ع) درباره معنای این سخن خداوند < يعلمون ظاهراً من الحياه الدنيا > سؤال شد. فرمود: از جمله آنها (یعنی از جمله دانش های ظاهری حیات دنیا) نوعی کفالت و استفاده از علم نجوم است. <.

کیفر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{کیفر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۲،۴

۲ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر یهود و نصارا ، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوماً کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

۴ تأثیر علم و آگاهی گناهکاران ، در مقدار و کیفیت عذاب آنان

کفروا بعد ایمانهم و شهدوا انّ الرسول حق و جاءهم البينات .. لا یخفف عنهم الع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۴،۱۱،۵

۵ روسیاهی و عذاب مرتدان در قیامت

فاما الذین اسودت وجوههم اکفرتهم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب

۱۱ مرتدّانِ روسیاه ، مورد بازخواست و سرزنش در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتهم بعد ایمانکم

۱۴ عذاب

اُخروی آدمی ، نتیجه کفر و اعمال بد او

فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون

<تکفرون .. >، می تواند هم شامل کفر عملی و هم اعتقادی باشد.

۱۶ در قیامت عمل کنندگان به سنت رسول الله (ص) ، روسفید و بدعتگزاران روسیاهند .

يوم تبيضّ وجوه و تسودّ وجوه

رسول خدا (ص) درباره آیه <يوم تبيضّ وجوه .. >، فرمود: تبيضّ وجوه اهل السنه و تسودّ وجوه اهل البدع

الدّر المثور، ج ۲، ص ۲۹۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۷۸،۱۴

۷ توبه مشرکان و پذیرش آن از سوی خداوند و یا عذاب و مجازات آنان ، هدفی برای نصرت الهی به رزمندگان بدر

ولقد نصرکم الله ببدر .. ليقطع طرفاً ... او يتوب عليهم

جمله <یتوب علیهم> و نیز <یعذبهم>، عطف است بر <يقطع طرفاً>؛ و این جمله متعلق به <نصرکم الله ببدر> است. و لذا عذاب مشرکان و پذیرش توبه آنان نیز از اهداف پیروزی جنگ بدر خواهد بود.

۸ کیفر و مجازات و یا پذیرش توبه مشرکان ، در اختیار خداوند است ، نه پیامبر (ص)

ليس لك من الامر شيء او يتوب عليهم او يعذبهم

پذیرش توبه و عذاب مشرکان، می تواند از مصادیق جمله <ليس لك من الامر شيء> باشد.

۱۴ دشمنان محارب با اهل ایمان ، مستحقّ عذاب الهی

او يعذبهم فانهم ظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ اصل ، در مشیت الهی ، آمرزش بندگان است ، نه عذاب آنان

يَغْفِر لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن

یشاء و الله غفور رحيم

تقديم ذكرى آمرزش بر عذاب، دلالت بر تقديم واقعي و اصالت مغفرت الهي است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۱۳

۱۳ برخی از گناهان آدمی ، در پی دارنده عذاب های دنیوی

كيف كان عاقبه المكذبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱۹،۲۰

۱۹ آتش دوزخ ، جایگاه و فرجام شوم کفرپیشگان مشرک

سنلقى في قلوب الذين كفروا الرعب .. و ماويهم النار و بس مئوى الظالمين

۲۰ آتش دوزخ ، جایگاه و فرجام شوم ستم پیشگان

و ماويهم النار و بس مئوى الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۶

۲۶ سستی در نبرد با دشمن ، نزاع و پراکندگی و تخلف از دستورات فرماندهی ، گناه و موجب استحقاق عقاب

حتى اذا فشتم .. و لقد عفا عنكم

ظاهر کلمه عفو این است که گناهی صورت گرفته باشد و گناه در این مورد همان سستی و نزاع و سرپیچی از دستورات فرماندهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۸

۸ رسوایی و مجازات خیانتکاران در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

۱۱ خیانتکاران ، دریافت کنندگان کامل (بدون کم و زیاد) جزای رفتار ناپسند خویش ، در روز رستاخیز

و من یغلل . . . ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لایظلمون

۱۳ پاداش و جزای

کردار آدمی در قیامت بر اساس عدل

ثم توفى كل نفس ما كسبت و هم لا يظلمون

۱۴ ضرورت برپایی قیامت و معاد برای دریافت تمامی جزاها و پاداش های اعمال *

و من يغلل يأت بما غلّ يوم القيامة ثم توفى كل نفس ما كسبت و هم لا يظلمون

جمله <و هم لا- يظلمون> (عدالت الهی)، پس از جمله <توفى كل نفس ما كسبت>، بیانگر این است که ستم نشدن بر انسانها در گرو دریافت کامل جزا و پاداش اعمال آنان می باشد؛ و این معنا تنها در قیامت تحقق می یابد.

۱۵ هر کس در چیزی خیانت کند، در قیامت آنرا در جهنم دیده و باید در آتش جهنم رفته و آن را بیرون آورد.

و من يغلل يأت بما غلّ يوم القيامة

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: ... و من غلّ شيئاً رآه يوم القيامة فى النار ثم يكلف ان يدخل اليه فيخرجه من النار.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۴۱۷.

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من يغلل يأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول كل شيء غلّ عن الامام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۱۲

۱۲ دوزخ، جایگاه شوم ترک کنندگان جهاد، خیانتکاران و آنانکه پیامبر (ص) را متهم به خیانتکاری می کنند.

انّ الذين تولّوا منكم ... و ما كان لنبی ان يغلل ...

کمن بآء بسخط من الله و م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۹،۱۶

۹ اراده الهی مبنی بر محرومیت حتمی شتابگران در کفر از بهره های اخروی

یرید الله الا يجعل لهم حظا في الآخرة

۱۶ عذاب بزرگ اخروی در انتظار شتابگران در کفر است .

الذین یسارعون فی الکفر .. و لهم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۹

۹ عذاب دردناک الهی ، کیفر انتخاب کنندگان کفر به بهای از دست دادن ایمان (مرتدان)

ان الذین اشتروا الکفر بالایمان .. لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۳۰

۳۰ عذاب سخت الهی در قیامت ، فرجام بخلورزی و عدم انفاق از دارایی های فزون بر نیاز

و لا یحسبن الذین ینخلون بما اتیهم الله من فضله

رسول الله (ص): ما من ذی رحم یأتی ذا رحمه فیسأله من فضل ما اعطاه الله اياه فیبخل علیه الا یرج له یوم القیامه من جهنم
شجاع یتلمظ حتی یطوقه. ثم قرأ <و لا یحسبن ... >.

الدر المثور، ج ۲، ص ۳۹۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ نسبت ناروا به خداوند و کشتن پیامبران ، گناهی بزرگ و موجب عذاب سوزان دوزخ

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیاء بغیر حقّ و نقول ذوقوا عذاب الحریق

<حریق>، به معنای محرق (سوزاننده) است. گفتمی است عذاب سوزان برای کشتن پیامبران

و نسبت ناروا به خدا دادن، حاکی از بزرگی چنین گناہانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱۴، ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۳، ۲

۲ عذاب و کیفر اخروی انسان ها ، نتیجه عملکرد خود آنان

ذلک بما قدّمت ایدیکم

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر (ص) در گناه پدران خویش (کشتار انبیا)

و قتلهم الانبیاء بغیر حقّ .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در <ایدیکم> به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله <ذلک بما قدّمت ..> می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

۷ عدالت خداوند و دوری ساحت وی از ظلم ، مقتضی مجازات بخیلان و قاتلان انبیا

و لا یحسبنّ الذین ینخلون .. ذوقوا عذاب الحریق ... و انّ الله لیس بظلام للعب

جمله <و انّ الله ..> عطف بر <ما قدّمت> می باشد. بنابراین دلیل دیگری برای گرفتار شدن بخیلان و قاتلان انبیا به دوزخ است. یعنی عدالت خداوند اقتضا می کند که ستمگران را عذاب کند، ورنه به ستمدیده ظلم شده است.

۸ عذاب دوزخیان ، هرگز ستمی از سوی خداوند بر آنها نیست .

ذوقوا عذاب الحریق .. و انّ الله لیس بظلام للعیب

بنابر اینکه <انّ الله ..>، خبر برای مبتدایی محذوف باشد (الأمر و الشأن انّ الله لیس ...)، بر این مبنا، مراد از ستم نکردن خداوند به قرینه <ذلک بما قدّمت ایدیکم> این است که خداوند در کیفر دادن ستم نمی کند.

۹ عذاب دوزخیان ، هرگز فروتر از اقتضای

عملکرد آنان نخواهد بود .

ذوقوا عذاب الحریق . ذلک بما قدّمت ایدیکم و انّ اللّٰه لیس بظلام للعبید

۱۲ مجازات نکردن ستمگران ، ظلم بر ستمدیدگان است .

ذوقوا عذاب الحریق . .. ذلک بما قدّمت ایدیکم و انّ اللّٰه لیس بظلام للعبید

برداشت فوق مبتنی است بر احتمال اوّل (عطف <انّ اللّٰه .. > بر <ما قدّمت >)، است.

۱۴ مجازات افزون بر گناه ، ظلمی بزرگ است .

و انّ اللّٰه لیس بظلام للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۹

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود ، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۰، ۵

۵ دریافت برخی از پاداش ها و جزای اعمال در غیر قیامت (دنیا و برزخ) *

و انّما توفون اجورکم یوم القیمه

کلمه <انّما>، دریافت کامل پاداش و جزا را منحصر به روز قیامت می کند، لذا مفهوم آن، دریافت برخی از جزا و پاداش در غیر روز قیامت است و مراد از غیر قیامت، می تواند دنیا و یا برزخ و یا هر دو باشد.

۱۰ دوزخ ، جزایی کامل برای اعمال ناپسند انسانها

و انّما توفون .. فمّن زحزح عن النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ واهی بودن پندار نجات عالمان اهل کتاب از عذاب الهی ، با وجود عملکرد ناشایست آنان (کتمان حقایق و .

(..)

لا تحسبنّ الذين ... بمفازة من العذاب

کلمه <مفازة>، مصدر میمی و به معنای خلاص و نجات یافتن است.

۱۱ عذاب دردناک الهی در انتظار خودپسندان و علاقه مندان به ستایش بیجا و چاپلوسی

لا تحسبنّ الذين يفرحون ... و يحبون ... بمفازة ... و لهم عذاب الیم

۱۳ عذابی دردناک در انتظار عالمان اهل کتاب به جهت کتمان حقایق و انتظار چاپلوسی و ستایش بیجا

لا تحسبنّ الذين ... بمفازة من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۵

۳۵ آتش، وسیله ای برای عذاب دوزخیان

فقنا عذاب النار

آثار اجرای قوانین کیفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۷

۱۷ - اجرای قوانین و مقررات کیفری ادیان الهی - هر چند کیفری همانند کشته شدن باشد - تضمین کننده خیر و سعادت
خطاکاران است .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

آثار احساس مصونیت از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱ - ۳

۳ - غفلت از یاد خدا و احساس ایمنی از کیفر او ، عامل رواج یافتن ظلم و ستم بر مردم در خاندان فرعون

أَنْتَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ . قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ

از مجموع دو آیه استفاده می شود که تقوا (بیم داشتن از خشم خدا و کیفر کردار) مانع ظلم و تباهی است و خاندان فرعون به دلیل بی بهره بودن از عنصر تقوا، گرفتار ظلم و تباهی گشته بودند.

آثار ایمان به کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۸

۸- ایمان به قیامت و پاداش و کیفر آن روز ، عامل رهایی انسان از دلبستگی به متاع های مادی و دنیوی و سبب رویکرد او به آرمان های بلند معنوی و اخروی

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

آثار ترس از کیفر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۸ - ۴

۴- بیم از خدا و کیفر او ، زمینه ساز ایمان آوردن به آیات او است .

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ رَبِّهِمْ... وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

تقدیم <خشیت> بر <ایمان> می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

آثار تکذیب کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۲ - ۸

۸- انکار مستمر وجود کیفر و عذاب در قیامت ، عذاب آور است .

ذوقوا عذاب النار الّتی کنتم بها تکذّبون

آثار تکذیب کیفر های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۳

۳- چیزی جز دروغ پنداشتن کیفر های اخروی ، گنه کاران و کافران را به احساس امنیت از عذاب سوق نداده است .

مراد از <دین> به قرینه آیات بعد که در آنها قیامت با عنوان <یوم الدین> یاد شده جزای اعمال است. حرف <بل> که برای اضراب است بیانگر آن است که کافران و گناه کاران، گرچه توجیهاتی نزد خود دارند ولی محرّک اصلی آنان، چیزی جز دروغ دانستن کیفرهای آخرت

نیست.

آثار ذکر کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۹

۹ - اعتقاد به قیامت و توجه داشتن به کیفر و پاداش الهی در آن ، موجب تقویت روح تقوای پیشگی در انسان

و اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

یادآوری حشر انسان ها در قیامت پس از توصیه به تقوا می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۸

۸ - توجه به کیفر اخروی ، مانع برترنمایی و تفاخر است .

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۶

۶ - توجه به کیفر اخروی ، مانع برتری نمایی و تفاخر است .

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

آثار ذکر کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۵

۵- توجه به کیفر حتمی کافران در قیامت ، زمینه ساز صبر و شکیبایی رهبران الهی در برابر عنادورزی های مخالفان

يعرض الذين كفروا على النار .. فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل

<فاء> در <فاصبر>، تفریع را افاده می کند و ارتباط این آیه با آیه قبل، صبر را فرع و نتیجه توجه به عذاب کافران قرار داده است.

آثار سرعت در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود، مایه آرامش و تسلای خاطر پیامبر

(ص) و مؤمنان

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

آثار غفلت از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۳

۳- بزرگ ترین ظلم ها و جنایت ها در تاریخ بشر ، دارای ریشه در انکار آیات الهی و غفلت از کیفر اعمال است . *

و من أظلم ممّن ذكّر بأيت ربّه فأعرض عنها و نسي ما قدّمت يدها

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که منظور از ظلم در <من أظلم> صرفاً، ظلم به نفس نباشد، بلکه علاوه بر آن، شامل ظلم به غیر نیز بشود و جمله <نسی ما قدمت يدها> کنایه از عدم اعتقاد به کیفر کردار و بقای عمل باشد.

آثار غفلت از کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۵

۵ - غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فی غمره من هذا .. هم لها عملون

آثار کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۶

۶ - کیفر و پاداش و تشویق و تهدید ، دو عامل بهم پیوسته و ضروری ، برای هدایت و تربیت انسان

ذوقوا فتنکم .. إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّتِ

خداوند، در کنار تهدید و کیفر کافران، به تشویق و پاداش مؤمنان تقوایپیشه پرداخته است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۴ - ۶

۶ - مقرر کردن < کیفر و پاداش > و < تنبیه و تشویق > ، دو روش هدایتی و تربیتی قرآن

كذلك العذاب و لعذاب الآخرة أكبر . .. إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ

آثار کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۵ - ۲

۲ - تماشای کیفر های کافران در قیامت ، برای مؤمنان لذت بخش است .

على الأرائك ينظرون

آثار کیفر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱۲

۱۲- روی کرد عمومی بنی اسرائیل به صلاح و شایستگی ، پس از تحمل مجازات افساد خویش و قبول شکست از مردانی جنگاور

لتفسدنَّ في الأرض . . . بعثنا عليكم عبادًا لنا أولي بأس شديد ... ثمَّ رددنا لكم ال

قرینه دو آیه بعد < إن عدتم عدنا > دلالت می کند بر اینکه بنی اسرائیل پس از شکست خود، متنبه شده اند و برای همین جهت، خداوند هم آنان را امداد کرده است.

آثار کیفر دنیوی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۷

۷- در صورت تصمیم خداوند بر عقوبت و مؤاخذه دنیوی ظالمان ، همه انسان ها به هلاکت می رسیدند و نسلشان منقرض می

شد . *

و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترك عليها من دابة

احتمال دارد به قرینه <الناس> و <بظلمهم> و نیز تناسب کیفر با گناه گناهکار، مراد از <دابه> انسانها باشد.

آثار کیفر کافران

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۲

۲ مجازات کفار و منکران قیامت (از میان برداشتن ایشان) منجر به انقراض نسل بشر خواهد شد .

و لو يعجل الله للناس الشر .. لقضى إليهم أجلهم

<ال> در <الناس> ال جنسیه و مفید استغراق است؛ یعنی، اگر سنت الهی درباره جوامع بشری این بود که هر انسان کفرپیشه را در دنیا بی درنگ مجازات کند، هر آینه تا کنون زمین از وجود انسان تهی شده و نسل بشر منقرض گشته بود. در حالی که این با فلسفه آفرینش انسان (و لكم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین. بقره / ۳۶) ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلائی خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إِنْ بَطَشَ رَبُّكَ لَشَدِيدٍ

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

آثار کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۲

۲ - کیفر دردناک الهی ، زداینده غفلت و سرمستی مجرمان

فِيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ . فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ

آثار کیفر های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۲ - ۱۰

۱۰- کیف‌های دنیوی ، بیدارباشی برای غافلان است .

و أُحیط بثمره .. یقول یلتنی

لم أشرك برّبي أحدًا

آخرت محل کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ دنیا، سرای تلاش است و جهان پس از مرگ، برای کیفر و پاداش می باشد.

إذا هم یبغون .. متع الحیوه الدنیا ثم إلینا مرجعکم فننبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۱

۱ دنیا سرای تلاش و آخرت سرای کیفر و پاداش است.

للذین أحسنوا الحسنی .. و الذین کسبوا السیئات جزاء سیئه بمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰- دنیا، میدان عمل و آخرت صحنه دریافت پاداش و کیفر است.

یوم تأتي .. و توفی کلّ نفس ما عملت

آسانی تشدید کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴- احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۶

۶- تشدید و دو چندان کردن کیفر گناه، بر خداوند، کاری آسان است.

من یأت منکنّ بفحشه مبینه یضعف لها العذاب ضعفین و کان ذلک علی الله یسیرًا

ابزار کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۹

۹- جعل برخی از محرّمات الهی ، ممکن است به خاطر مجازات باشد نه به دلیل وجود مفسده و ضرر در آنها .

و علی الذین هادوا حرّما .. و ما ظلمنهم و لکن کانوا أنفسم یظلمون

محرّمات خاص یهود، کیفر عملکرد خود آنان بود و اگر آنان ظلم نمی کردند، هیچ

مفسده ای در آن امور نبود که بر آنان حرام شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۵،۷

۵- باد های کوبنده و درهم شکننده ، از عوامل خداوند در کیفر اعراض کنندگان از او

یَعِدْكُمْ .. فیرسل علیکم قاصفاً من الريح فیغرقکم بما کفرتم

<قاصف> از مصدر <قصف> به معنای شکننده است (مفردات راغب).

۷- کفر به خداوند ، موجب کیفر شدن به وسیله بلا های طبیعی

فیرسل علیکم قاصفاً من الريح فیغرقکم بما کفرتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۴،۶

۴ - کیفر های دنیوی خداوند ، ممکن است با ایجاد رخداد های طبیعی (همانند سیلی بنیان کن) تحقق پیدا کند .

فأرسلنا علیهم سیل العرم .. ذلک جزینهم

۶ - از دست دادن نعمت و امکانات ، نوعی کیفر و مجازات است .

و اشکروا له .. فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم و بدلنهم بجنتیهم جنتین ذوات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۶

۶ - صاعقه از کیفر های دنیوی خداوند ، برای برخی از امت های مشرک پیشین

أندرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۲

۲ - گرفتاری کافران و دشمنان دین خدا، در دام افراد وسوسه کننده و اغواگر، کیفر الهی برای آنان است .

و قَيْضَنَا لَهُمْ قِرْنَاءَ فَرِيضِنَا لَهُمْ

از این که خداوند تعیین هم نشین اغواگر را برای کافران به خود نسبت داده (قَيْضَنَا)، مطلب

یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۱ - ۵

۵ - مظاهر رحمت ، مایه نعمت و نابودی خلق در نتیجه کفر و تکذیب

فكذبوا عبدنا .. ففتحنا أبواب السماء بماء منهمر

با این که باران در نظام طبیعت، مایه حیات و رحمت است، ولی به گناه خشم الهی به عذابی بنیان برافکن تبدیل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۹ - ۲

۲ - عوامل طبیعی ، در خدمت اراده الهی ، برای کیفر اقوام حق ستیز

فكيف كان عذابي .. إنا أرسلنا عليهم ريحا صرصرا

اجتناب از کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۴

۴ لزوم پرهیز حاکمان از مجازات بی گناهان به جای گناه کاران

قال معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

استهزای کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۴

۴- کافران دین ستیز مکه ، وعده ها و تهدید های الهی (عذاب ، کیفر اخروی و ...) را مورد استهزا و تمسخر قرار می دادند .

و يقولون متى هذا الوعد

جمله استفهامیه <و يقولون متى هذا الوعد> برای تهکم و استهزا است.

اصلاح در کيفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۱۷

۱۷ - در مجازات مجرمان ، باید به جهت های اصلاحی و تربیتی ، توجه شود .

ليذيقهم .. لعلهم يرجعون

اعلام شخصی

بودن کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) مأمور ابلاغ پیام خداوند به مشرکان ، درباره بازخواست نشدن هر کسی از عمل دیگری

قل لاتستلون عَمَّا أجرنا و لانسئل عَمَّا تعملون

اقرار به استحقاق کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۴

۱۴- مجرمان ، در قیامت ، خود به بدکاری و استحقاق عقوبت خویش ، معترف خواهند بود .

یویلتنا مال هذا الكتب ... و وجدوا ما عملوا حاضرًا و لا یظلم ربك أحدًا

اقسام کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۰

۱۰ کیفر الهی دارای انواع گوناگون

فیعذبهم عذاباً ألیماً

انبیا و کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۳

۳ همگان ، حتی پیامبران الهی ، در صورت طرد مؤمنان و ارتکاب گناه ، مستحق کیفر و مجازات الهی اند .

من ینصرنی من الله إن طردتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۱

۱۱- تمرد کنندگان از فرمان خدا هر چند از پیامبران باشند در خطر گرفتار شدن به کیفر و مجازات الهی اند .

فمن ینصرنی من الله إن عصيته

<من الله> به معنای <من عذاب الله> است.

انذار از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۸

۸- نوید اعطای پاداش برای عمل پسندیده و تهدید به کیفر برای اعمال ناپسند

، از شیوه های تربیتی قرآن

لئن شكرتم لأزيدنكم و لئن كفرتم إن عذابی لشدید

اهل مدین و کیفر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۰

۱۰ عزت و احترام قبیله شعیب در نزد مردم مدین ، مانع آنان از کیفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطك لرجمنك

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعیب(ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از <لولا رهطك> این معنا نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند؛ بلکه به قرینه <ما أنت علينا بعزیز> و <أرهطی أعز> .. در آیه بعد مراد از <لولا رهطك>، <لولا عزه قومك و کرامتهم عندنا...> است.

اهمیت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۷

۷- مصلحت بقای نسل انسان ها و حیات در زمین ، مهم تر از مصلحت عقوبت دنیایی بندگان گنه کار و کافران

و لو یؤاخذ الله الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخّروهم إلی أّج

اهمیت کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۵

۱۵- سیر در زمین و به کیفر رساندن اقوام ناصالح ، امری پسندیده است .

حتّی إذا بلغ .. إّما أن تعذب

گزارش سفر ذی القرنین پس از بیان موهبت های الهی به او، نشانه شایسته بودن اقدامات او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۷

- مصلحت بقای نسل انسان ها و حیات در زمین ، مهم تر از مصلحت عقوبت دنیایی بندگان گنه کار و کافران

و لو يؤخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك علی ظهرها من دابة و لكن يؤخرهم إلى آج

ایمان به کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰ توجه به قضاوت و داوری خداوند در قیامت و باور به پاداش و مجازات در آن سرا ، آدمی را به استقامت در راه دین وامی دارد .

لقضى بينهم .. . إن کلاً لما لیوفیتهم أعمالهم ... فاستقم كما أمرت

برادران یوسف و کیفر دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱،۴

۱ فرزندان یعقوب ، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

۴ فرزندان یعقوب ، ضمن تعیین مجازات سارق تصریح کردند که خصوص سارق (کسی که جام شاهی در اثاثیه اش یافت شود) مسؤول شناخته می شود نه همه افراد کاروان

قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

فرزندان یعقوب در مقام پاسخ به این پرسش که <فما جزؤه> کافی بود که بگویند: <هو جزؤه> ولی از آن جا که همه کاروان به سرقت متهم شدند (أیتها العیر إنکم لسرقون) لازم دانستند که

با جواب تفصیلی (جزوه من وجد فی رحله فهو جزوه) بیان کنند که همه کاروان مسؤول نیستند؛ بلکه تنها آن کس که جام شاهی در اثاثیه اش یافت شود، مسؤول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۹،۱۰

۹ فرزندان یعقوب در صورت آگاهی به وجود جام شاهی در اثاثیه بنیامین، کیفر سارق در آیین خویش را بیان نمی کردند.

ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغيب حافظين

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که مراد از شهادت در <ما شهدنا> بیان حکم سارق که آیه ۷۵ (جزاؤه من وجد فی رحله) رساننده آن است باشد. بر این اساس مفاد <ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغيب حافظين> چنین می شود: ما به آنچه می دانستیم (کیفر سارق بردگی است) شهادت دادیم؛ ولی نمی دانستیم که جام شاهی نزد بنیامین است تا از بیان آن حکم خودداری کنیم. قابل ذکر است که بر این مبنا <حافظين> به معنای <عالمين> خواهد بود.

۱۰ بی اطلاعی برادران از امور نهانی، اعتذار آنان در نزد یعقوب برای بیان کیفر سارق

ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغيب حافظين

تأخیر در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۸

۸ - تأخیر در داوری و کیفر و پاداش، کاری ظالمانه و به دور از عدالت است.

لا ظلم اليوم إن الله سريع الحساب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إن الله سريع الحساب> در مقام تعلیل برای

<لاظلم اليوم> می باشد؛ یعنی، در محکمه عدل الهی به کسی ستم نمی شود؛ چون خداوند با سرعت به حساب بندگانش رسیدگی خواهد کرد.

تأخیر کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - تأخیر کیفر حق ستیزان، براساس مصالح و نه معلول غفلت خداوند از کردار آنان

سیریکم آیته... و ما ربك بغفل عما تعملون

با توجه به این که بیشتر آیات این سوره، متوجه منکران رسالت پیامبر(ص) و توحید ربوبی خداوند است، خاتمه یافتن سوره با تعبیر <سیریکم آیته> و <ما ربك بغافل..> می رساند که خداوند، از نشان دادن آیات انکار ناپذیر خود، عاجز نیست و از کردار بندگان نیز غافل نمی باشد و به موقع جزای آنان را خواهد داد.

تأخیر کیفر دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۳

۳ - مخالفت های کافران با پیام وحی و تأخیر کیفر دنیایی آنان، نبایستی پیامبر (ص) و مؤمنان را در تبلیغ دین سست گرداند

فإما نذهبنّ .. فاستمسك بالذی أوحی إليك

از تفریع این آیه بر آیات پیشین که مسأله اعراض کافران از وحی و کیفر آنان را مطرح کرده بود مطلب یاد شده استفاده می شود.

تأخیر کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۹،۱۳

۹- عفو موقت و تأخیر در مؤاخذه و عقوبت ظالمان، به معنای رها کردن همیشگی آنان نیست.

و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما

ترک علیها من دابّه و لکن يؤخّرهم إلى أجل مسمّی

۱۳- تعیین اجل مقرر برای انسان ها و تصمیم به مؤاخذة و عقوبت کردن ظالمان و یا تأخیر آن ، به دست خداوند است .

و لو يؤاخذ الله الناس .. و لکن يؤخّرهم إلى أجل مسمّی

تأخیر کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۸ - ۶

۶- مهلت یافتن گناه کاران و تأخیر مجازات ایشان ، به معنای ایمنی ابدی آنان از کیفر نیست .

لو يؤاخذهم .. بل لهم موعد لن يجدوا من دونه مؤثلاً

تبدیل کیفر بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۳ - ۳

۳- بنی نضیر ، به خاطر توطئه و خیانت ، مستحق کیفر و مجازاتی سخت بودند و اجرای حکم تبعید علیه آنان ، تقدیری همراه با تخفیف برای ایشان بود .

و لولا أن .. لعذبهم فی الدنيا

تبدیل کیفر به پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۰ - ۵،۶

۵ کسانی که مرتکب گناه شرک ، آدم کشی و زنا شده اند ، در صورتی که به توبه ، ایمان و عمل صالح روی آورند ، خداوند آثار بدی های آنان (عقاب) را محو و به جای آنها ، آثار خوبی ها (ثواب) قرار می دهد .

و من يفعل ذلك .. يضعف له العذاب ... إلا من تاب ... فأولئك يبذل الله سيئ

۶ توبه ، ایمان و عمل صالح ، موجب محو شدن

گناهان و آثار آنها (عقاب) و جایگزین شدن نیکی ها و آثار آنها (ثواب) به جای آن گناهان

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ

تبعیض در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۱۱

۱۱ ضرورت پرهیز از هرگونه تبعیض ، در اجرای مقررات و قوانین جزایی

من يعمل سوءاً یجز به

جمله <من يعمل ..> دارای مضمونی عام و کلی است و شامل کیفرهای دنیوی نیز می شود.

ترجیح کیفر بر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱۰

۱۰- اصحاب کهف ، در صورت گرفتاری به دست کافران ، سنگ سار شدن را بر پذیرش آیین شرک ترجیح می دادند .

یرجموکم أو یعیدوکم فی ملتهم و لن تفلحوا إذا أبداً

ارتباط جمله <و لن تفلحوا ..> با <یعیدوکم> گویای این است که اصحاب کهف، تنها، شرک و بازگشت به آیین قوم خویش را مانع رستگاری می دانستند و درباره سنگ سار شدن چنین دیدگاهی نداشتند.

ترس از کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام هراس داشتن خود از پیامد های ناگوار اخروی عصیان و نافرمانی خدا به مردم

قل إننی أخاف إن عصیت ربی عذاب یوم عظیم

تساوی در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۳

۳ همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و

کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۲

۲ زنان و مردان منافق در استحقاق کیفر های الهی ، مساویند .

وعد الله المنفقين و المنفقت .. نار جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۸

۱۸ هیچ کس ، حتی پیامبران ، در صورت سرپیچی از فرمان های خدا از عذاب اخروی در امان نیستند .

إنی أخاف إن عصیت ربی عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۴

۴- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ و حد منهما مائه جلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۵ - ۴

۴ - تساوی انسان ها ، در برابر قانون کیفر و پاداش الهی

من عمل صلحًا .. و من أساء

از عموم و شمول واژه <من>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - نبود هیچ گونه استثنا و تبعیض ، در نظام کیفری و پاداش دهی خداوند به خلق

و لتجزی کلّ نفس بما کسبت و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - تساوی مردان و زنان در عرصه قیامت ، از نظر کیفر و عذاب

و محرومیت از ثواب ها و بهره های اخروی

يوم يقول المنفقون و المنفقت للذين ءامنوا انظرونا نقتبس من نوركم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۷ - ۳

۳ - همه انسان ها ، حتی پیامبران ، در برابر قوانین الهی برابر و مساوی اند .

فما منکم من أحد عنه حجزین

مجازات شدن پیامبر(ص) در برابر گناه و مخالفت با قوانین الهی، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۲ - ۳

۳ - همه انسان ها در برابر قوانین الهی برابرند و هیچ کس در جامعه اسلامی مصونیت قانونی ندارد .

قل إني لن يجيرني من الله أحد

تشدید کیفر رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۳

۳- کمترین لغزش رهبران الهی از مواضع تعیین شده به وسیله وحی ، دارای کیفری دو چندان در دنیا و آخرت

ترکن إلیهم شیئاً قليلاً. إذا لأذقنک ضعف الحیوه و ضعف الممات

تشدید کیفر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۱

۱- هشدار خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر اینکه در صورت لغزش از مواضع اصولی خویش ، دچار کیفر دو چندان دنیوی و

اخروی خواهد شد .

إِذَا لَأَذِقَنَّكَ ضَعْفَ الْحَيَوِهِ وَ ضَعْفَ الْمَمَاتِ

تفاوت در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ تفاوت کیفر های الهی ، نشاندهنده میزان پلیدی گناهان

قل هل انبئکم بشرّ

من ذلک مثوبه عند الله

تفاوت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - همه کافران در جرم و کیفر، یکسان نیستند .

نحشر من کلّ أمّه فوجًا ممّن یکذبّ بایتنا

از این که از میان تکذیب گران هر امت، تنها گروهی در این مرحله به منظور محاکمه و مجازات، جدا و محشور می شوند؛ می توان استفاده کرد که این گروه ها دارای گناهی سنگین تر و کیفری متناسب با آن هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - کیفر الهی برای کافران ، دارای گونه های بسیار با نتایجی ویرانگر و مشابه *

دَمَرُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ وَ لِلْكَافِرِينَ اَمْثَلُهَا

جمع آمدن واژه <أمثالها> می رساند که مجازات ملت های کفر پیشه، هر چند در نابودی و ویرانگری همگون است؛ اما در شکل متفاوت است.

تکذیب کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۷ - ۳

۳ - ادعای در کار نبودن پاداش و کیفر پس از مرگ ، ادعایی دروغین و بی اساس است .

فلولا إن کنتم غیر مدینین . ترجعونها إن کنتم صدقین

خطاب در <إن کنتم صادقین>، متوجه کسانی است که منکر پاداش و کیفر در سرای دیگر بودند.

تکذیب کیفر عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۸ - ۳

۳ - تناقض گویی کافران مکه ، در انکار معاد و کیفر کردار

إِنكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ

با توجه به این که آیات پیشین در مورد معاد و جزای کردار

و آیات بعد در زمینه روز جزا است، ممکن است <قول مختلف> نظر به همین موضوع (معاد) داشته باشد.

تکذیب کیفر های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۲

۲ - ناباوری کافران نسبت به کیفر الهی ، علی رغم یادآوری آنان به فرجام هلاکت بار مجرمان گذشته تاریخ

فانظروا کیف كان عقبه المجرمين .. و يقولون متى هذا الوعد

با توجه به ارتباط آیه مورد بحث با آیات قبل، برداشت یاد شده را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۴

۴ - گناه ، تکذیب عملی کیفر های اخروی است .

ما غرّك .. بل تكذبون بالدين

<تکذّبون> مضارع و بیانگر این است که آنچه هم اکنون و از این پس انجام می دهید، تکذیب عذاب الهی است.

تناسب کیفر با عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۲۷

۲۷ جزای اعمال در آخرت، متناسب با نوع عمل و روحیات عمل کننده است.

اليوم تجزون عذاب الهون .. كنتم عن ءايته تسكتبرون

خداوند در برابر روحیه استکباری و خودبرتربینی ظالمان، آنان را به عذاب خوارکننده (الهون) وعده می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۶

۶ کیف‌های الهی هم‌تراز و متعادل با اعمال و رفتار انسانهاست .

هل یجزون إلا ما كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۴۸

۴ پاداش‌ها و

کیفر های خداوند ، با اعمال و رفتار آدمیان مطابقت داشته و کاستی ندارد .

لیوفینهم ربک أعملهم

<توفیه > (مصدر یوفی) به معنای به طور کامل و تمام پرداختن است.

۸ رساندن انسان ها به سزایی کامل و مطابق با اعمال و رفتار آنان ، تنها درخور کسی است که به تمام اعمال و جزئیات رفتار ایشان آگاه باشد .

لیوفینهم ربک أعملهم إنه بما يعملون خبیر

بیان آگاهی خداوند به تمامی اعمال و جزئیات آن ، پس از مطرح ساختن ادای کامل پاداش و کیفر اعمال ، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۴

۴- کیفر و پاداش الهی به انسان ها در قیامت ، کاملاً مطابق و متناسب با کم و کیف رفتار آدمی است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۶

۶ - کیفر های اخروی ، متناسب با کردار های آدمیان در دنیا

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا .. عذاب مهین

تناسب کیفر با گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۶

۶ - همسانی کیفر های الهی با گناه گنهکاران

إنما نحن مستهزءون. الله یستهزئ بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱۱

۱۱ میان گناه و کیفر آن در نظام مجازات الهی نوعی تقابل و تناسب برقرار است.

و إذا جاءتهم آية قالوا لن نؤمن . . . سيصيب الذين أجرموا صغار عند الله

خداوند ذلت و خواری را کیفر متکبران

در برابر آیات الهی قرار داده است که با یکدیگر تقابل تضاد دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۲،۶

۲ عمل ناشایست دارای کیفی مانند آن و نه بیشتر

من جاء بالسيئه فلا يجزي إلا مثلها

۶ کیفر دادن گنهکاران به اندازه گناهشان ستم بر آنان نیست.

و من جاء بالسيئه فلا يجزي إلا مثلها و هم لا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴ - ۶

۶ عذابهای الهی متناسب با گناه متخلفان است.

قلیلا ما تذکرون. و کم من قریه أهلکنها فجاءها بأسنا بیتا أو هم قائلون

بیان زمان عذاب، یعنی شبانگاه و خواب نیمروز، که هنگام غفلت مردم است، پس از بیان غفلت مردم از تذکارات الهی (قلیلا ما تذکرون) اشاره به تناسب عذاب با گناه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱۸

۱۸ تناسب کیفرها و مجازاتهای الهی با عملکرد انسان

نسوا الله فسنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۸

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد الله المنفقين .. و الكفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۵

۱۵ کیفر الهی برای گناهکاران ، متناسب با گناه آنان است .

فیسخرون منهم سخر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ کیفر هر کار بد در قیامت ، کیفری متناسب با همان کار بد خواهد بود .

جزاء سیئه بمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۲ - ۷

۷ بین کردار انسان و مجازات او در آخرت ، تناسب کامل وجود دارد .

ذوقوا عذاب الخلد هل تجزون إلا بما كنتم تكسبون

<باء> در جمله <هل تجزون إلا بما كنتم تكسبون> برای مقابله است و این جمله می تواند پاسخ این سؤال باشد که: چرا کافران به عذاب ابدی دچار خواهند شد؟ (ذوقوا العذاب الخلد) خداوند پاسخ می فرماید: این حکم در مقابل رفتار و متناسب با گناهان خود آنان است. بنابراین بین کیفر (عذاب ابدی) و عمل آدمی، ارتباط و تناسب وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۶

۶- هر گناهی ، کیفر و عذاب متناسب خود را دارد .

و إن جهنم لموعدهم أجمعین . لها سبعة أبواب لكل باب منهم جزء مقسوم

از اینکه گفته شده است: <برای هر گروهی از گمراهان در و یا طبقه ای مخصوص در جهنم وجود دارد> به دست می آید که گناهان متفاوتند و کیفر متناسب خود را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- گناهان ، دارای رتبه های مختلف بوده و عذاب های متناسب با خود را دارند .

فادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها فلبئس مثوی المتكبرین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أبواب> اصناف باشد و این

معنا نشان دهنده تناسب عذاب با گناه است. مؤید برداشت فوق، تخصیص به ذکر متکبران از میان جهنمیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۴

۱۴- برخی از گناهان، عذابی فراگیر و سخت تر از برخی دیگر دارند.

فأصابهم سيئات ما عملوا و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

از اینکه برای <سيئه> واژه <أصاب> و برای استهزا <حاق> به کار رفته است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۷

۷- عذاب کافران، به تناسب عملکرد و فساد آنان، متفاوت است.

زدنهم عذاباً فوق العذاب بما كانوا يفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۶

۶- سرکشان و عصیان گران در قیامت، هر یک برای چشیدن عذاب، گرفتار مرحله ای مناسب با کردار خویش خواهند بود.

ثم لننزعن من كل شيعة ايهم اشد

جمله <لننزعن..> دلالت دارد که بیرون کشیدن فردی که از دیگران گناه کارتر است، تا آنجا ادامه خواهد یافت که هر یک از عصیان گران در جایگاه مناسب خویش قرار گیرند و کیفر ببینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۳

۳- هر کس به اندازه استحقاق و اولویت خود، طعم عذاب دوزخ را خواهد چشید.

ثم لنحن أعلم بالذین هم أولى بها صلياً

درجه بندی مستحقان آتش دوزخ و تعیین اولویت های آنان، نشان از آن دارد که همه یکسان عذاب نخواهند دیدند؛ بلکه
برخوردی متفاوت

و متناسب با هر یک صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۹

۹ - کیفیت برانگیختن انسان و جزای اعمال او در قیامت ، متناسب با عملکرد دنیایی او است .

فنیستها .. تنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۹

۹ - وجود تناسب میان گناه و کیفر آن در نظام کیفری الهی

ثانی عطفه .. له فی الدنيا خزی

برداشت فوق از مقابله <ثانی عطفه> (تکبر) با <خزی> (ذلت) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۹، ۱۸، ۱۳

۱۳ - تهدید شدن توطئه گران <افک> ، به انتقام و کیفر به میزان نقش آنان در این گناه از سوی خداوند .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ

۱۸ - در گناه گروهی و دسته جمعی ، هر کس به قدر دخالتش در انجام آن ، مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت .

لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

۱۹ - طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه ، سزاوار کیفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۴

۴ - کیفر های الهی ، متناسب با اعمال آدمیان

فأسقط علينا كسفاً .. قال ربّي أعلم بما

تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۵،۶

۵ - هر عمل نیک در جهان آخرت ، دارای پاداش افزون و هر عمل بد دارای کیفر متناسب با آن خواهد بود .

من جاء بالحسنة .. و من جاء بالسيئة

<ال> در <الحسنة> و <السيئة> برای جنس و مفید استغراق است. بنابراین <من جاء بالحسنة> یعنی، <هر کس هر عمل نیک بیاورد> و <من جاء بالسيئة> یعنی، هر کس هر عمل بد بیاورد.

۶ - تبدیل شدن اعمال ناپسند بدکاران به صورت کیفر در جهان آخرت

فلا يجزي الذين عملوا السيئات إلا ما كانوا يعملون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که اعمال بدکاران در این آیه به عنوان خود جزا مطرح شده است نه <معجزی به> یعنی، چیزی که در مقابل آن جزا داده شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱،۲

۱ - هر یک از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان کیفر شدند .

فكلاً أخذنا بذنبه

۲ - قوم عاد و ثمود ، مناسب گناهشان ، کیفر و عذاب شدند .

و عاداً و ثموداً .. و قرون ... فكلاً أخذنا بذنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - عمل ها و موضع گیری ها هر کدام ، متناسب با خود ، عذاب و کیفر دارند .

فذوقوا بما نسيتم .. ذوقوا ... بما كنتم تعملون

تکرار <ذوقوا> با ذکر سبب هر کدام از آنها، می تواند بیان کننده این نکته باشد که هر کدام از

عمل ها و نیز برخوردهای منفی با اعتقادات دینی، عذاب خاص خود را دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۴، ۲۳

۲۳ - عذاب های خداوند ، متناسب با بد کرداری کیفرشدگان است .

هل يجزون إلا ما كانوا يعملون

۲۴ - کیفر مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، متناسب با کردار بد آنان است .

وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا .. و جعلنا الأغلل فى أعناق الذين كفروا هل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۴ - ۴، ۳

۳ - مقدار مجازات الهی در قیامت ، بسته به میزان اعمال انسان ها و متناسب با کم و کیف آنها است .

و لاتجزون إلا ما كنتم تعملون

در برداشت یاد شده <ما> در <ما كنتم> مجرور به مضاف محذوف دانسته شده و تقدیر آن می تواند چنین باشد: <و لاتجزون إلا علی وفاق ما كنتم تعملون و علی مقدره>.

۴ - مجازات به میزان رفتار و کردار و متناسب با کم و کیف آن ، جزایی است عادلانه .

فاليوم لاتظلم نفس شيئاً و لاتجزون إلا ما كنتم تعملون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <و لاتجزون...> عطف بر جمله پیش (لاتظلم...) است و بیانگر چرایی و چگونگی ستم نشدن به انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۲، ۱

۱ - عذاب دردناک مشرکان و کافران مستکبر در دوزخ ، تجسم اعمال خود آنان و متناسب با رفتار ایشان است .

لذائقوا العذاب الأليم . و ما تجزون

إلا ما كنتم تعملون

آیه شریفه، در واقع پاسخ سؤالی است که از آیه قبل برمی آید و آن این که: چرا عذاب مشرکان مستکبر، عذابی دردناک است و آیا این عذاب عادلانه است؟

۲ - عذاب دردناک دوزخ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الیم . و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون

۳ - مجازات های الهی در قیامت، عادلانه و متناسب با اعمال و رفتار خود انسان ها است .

و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۲،۳

۲ - تناسب و مطابقت کامل کیفر و پاداش الهی، با رفتار و کردار بندگان

و وقیت کل نفس ما عملت

حذف مضاف در <ماعملت> که در اصل <جزاء ماعملت> است می تواند گویای این نکته باشد که جزای الهی، آن چنان با رفتار بندگان تناسب و مطابقت دارد که گویا، آنچه داده می شود خود عمل است نه جزای آن.

۳ - پاداش و کیفر مطابق و متناسب با رفتار، پاداش و کیفری است عادلانه و به حق .

و هم لایظلمون . و وقیت کل نفس ما عملت

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، به منزله بیان برای جمله <و هم لایظلمون> می باشد، یعنی، ظلم نشدن در حق بندگان به این خاطر است که هر کسی مطابق آنچه انجام داده، جزا خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱

۱ - جزا و کیفر الهی در قیامت، عادلانه

و متناسب با رفتار زشت انسان است .

من عمل سیئه فلا یجزی إلا مثلها

مقصود از مجازات به مثل، عادلانه بودن جزای الهی و متناسب بودن آن با رفتار انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۷

۷ - مجازات پروردگار، عادلانه و متناسب با نوع رفتار و کردار آدمی است .

إن الذین یتکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین

مجازات شدن متکبران خود برترین به خواری و ذلت، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ - تناسب کیفر های الهی با رفتار و عملکرد آدمی

فاستکبروا .. عذاب الخزی ... و لعذاب الآخره أنحزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - تناسب عذاب های الهی، با گناهان و عملکرد آدمیان

لهم فیها دار الخلد جزاء بما کانوا بآیتنا یجحدون

گفتنی است که در آیه شریفه در برابر انکار مستمر آیات الهی، عذاب مستمر و همیشگی قرار داده شده است. با الغای خصوصیت از مورد، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۵

۱۵- کیفر های الهی برای مجرمان ، متناسب با جرم و گناه ایشان *

تجزون عذاب الهون بما کتتم تستکبرون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <استکبار> در قبال <هون> اشاره به این تناسب داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۹ - ۴،۵

۴ - تناسب کامل

میان کیفر و کردار مجرمان ، در نظام کیفری خداوند

یوم یسحبون فی النار .. إنا کلّ شیء خلقناه بقدر

خداوند، پس از بیان مجازات مجرمان، در حقیقت این قانون کلی را تذکر داده است که تمامی برنامه های ما از روی عدل و حساب است. از آن جمله کیفر مجرمان است که هر یک به تناسب عمل و استحقاقشان، کیفر خواهند دید.

۵ - > عن علی بن ابی طالب (ع) إنه سئل عن قوله الله : > إنا کلّ شیء خلقناه بقدر < فقال : يقول الله عزوجل إنا کلّ شیء خلقناه لأهل النار بقدر أعمالهم ;

روایت شده که از امام علی بن ابی طالب (ع) [درباره] آیه > إنا کلّ شیء خلقناه بقدر < سؤال شد، آن حضرت فرمود: خداوند می فرماید: ما هر چیز را برای اهل دوزخ به اندازه اعمالشان خلق نمودیم <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۷

۷ - مؤاخذه و کیفر خلاق (جن و انس) ، در قیامت براساس جرم آنان است .

يعرف المجرمون بسيمهم فيؤخذ بالنوصی و الأقدام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۶

۶ - وجود تناسب کامل ، بین کردار انسان و مجازات او در قیامت

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جمله > إِنَّمَا تَجْزُونَ .. < می تواند پاسخ این سؤال باشد که چرا عذر کافران پذیرفته نمی شود و چرا نگهبانان دوزخ این گونه با آنان برخوردی خشن و سختگیرانه دارند؟ خداوند در پاسخ می فرماید: این حکم در مقابل رفتار و متناسب با گناهان خود آنان است.

بنابراین بین کیفر و عمل آدمی، ارتباط و تناسب وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۴

۴ - وجود تناسب، میان نوع گناه و کیفر الهی

و لا یحِضُّ علی طعام المسکین . فلیس له الیوم ههنا حمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۶ - ۴

۴ - وجود تناسب، میان گناه و کیفر الهی

و لا یحِضُّ علی طعام المسکین . .. و لا طعام إلا من غسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ - ۷

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۶ - ۴، ۲، ۱

۱ - جهنمیان به میزان کردار خویش، کیفر خواهند شد.

جزاء وفاقاً

<جزاء> مصدر است و نصب آن، یا براساس مفعول مطلق بودن آن است؛ یعنی، <یجزون جزاء> و یا با تأویل به مشتق رفتن، حال برای <حمیم> و <غسّاق> است. در صورت اول، مراد این است که کیفر آنان، کیفری مناسب و به میزان گناه آنان خواهد بود و در صورت دوم، همان <حمیم> و <غسّاق> کیفر مناسب آنان است. هر یک از دو احتمال، می تواند مبنای برداشت یاد شده باشد. <وفاقاً> گرچه مصدر است؛ ولی چون صفت می باشد، به معنای <موافقاً> خواهد بود.

۲ - نوشاندن آب جوشان و خونابه زخم به دوزخیان طغیان گر، کیفری هم طراز با طغیان گری آنان است.

إلا حمیمًا و غسّاقًا . جزاء وفاقاً

چنانچه کلمه <جزاء> حال برای <حمیمًا و غساقًا> باشد، نکته بالا قابل استفاده

است.

۴ - تناسب عذاب و گناه ، در نظام کیفری خداوند

جزاء وفاقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۴

۴ - محرومیت دوزخیان از هوای مطبوع و آب ، عقوبتی مناسب با انکار معاد

لا یدوقون فیها برداً و لا شراباً .. إثمهم کانوا لایرجون حساباً

کیفر دوزخیان در آیات پیشین، به دو صورت نفی و اثبات بیان شده است؛ آنان از هوای سرد و نوشیدنی، محروم اند (نفی) و به نوشیدن <حمیم> و <غساق> مجبور خواهند بود (اثبات). <جزاء وفاقاً> آن را کیفری مناسب با کردار آنان که آن هم به صورت نفی و اثبات بوده بیان کرده است؛ آنها معاد را باور نداشتند (نفی) و آیات خدا را تکذیب می کردند (اثبات). آیه <جزاء وفاقاً> دلالت دارد که محرومیت، کیفری مناسب با بی اعتقادی است و نوشیدن مایع داغ و چرکین، کیفر مناسب تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۷

۷ - نوشیدن آب جوشان و خونابه چرکین و بدبو در جهنم ، عقوبتی مناسب با گناه تکذیب آیات الهی

إلا حمیمًا و غساقًا .. و کذبوا بایتنا کذباً

ترتیب پنج آیه مورد بحث، به گونه ای است که آیه <جزاء وفاقاً>، دو عقوبت قبل از خود را کیفری مناسب، برای دو گناه بعد از خود قلمداد کرده است. عقوبت ها یکی منفی (لا یدوقون) و دیگری مثبت (إلا حمیمًا و غساقًا) بود و گناهان نیز یکی منفی (لا یرجون) و دیگری مثبت (کذبوا) است. آیه <جزاء وفاقاً> در میان آنها، گویای تناسب عقوبت منفی با گناه منفی و تناسب

عقوبت مثبت با گناه مثبت است. برداشت یاد شده بیانگر تناسب دو مثبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۲

۲ - عذاب جهنم و افزایش آن ، نتیجه انکار معاد و تکذیب آیات الهی و عقوبتی متناسب با آن گناهان است .

فذوقوا فلن نزيدكم

<فاء> در <فذوقوا> و <فلن نزيدكم> دلالت می کند که چشیدن عذاب فراینده پیامدی مناسب برای گناهان بیان شده در آیات پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۳۴ - ۶

۶ - تناسب عذاب و گناه ، در نظام کیفری خداوند

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ .. فاليوم الذين ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّاءِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۶،۹

۶ - تناسب گناه و عذاب ، در نظام کیفری خداوند

الذين فتنوا .. فلهم عذاب جهنم

۹ - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذين فتنوا المؤمنين و المؤمنات .. فلهم عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۶

۶ - تناسب مجازات با گناه ، در نظام کیفری خداوند

فی تکذیب ... محیط

ر. ک. توضیح ۵

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۳

۳ - کیفرهای الهی ، متناسب با گناه مجرمان است .

یکیدون ... اکید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس

۱۰ - گناه ، هرچه بزرگ تر باشد ، کیفر آن سنگین تر خواهد بود .

فدمدم علیهم ربهم بذنبهم

حرف <باء> در <بذنبهم> بیانگر علت عقوبت سنگین ثمودیان و نشانگر آن است که اگر کیفر آنان شدید بود، به جهت گناهی بود که از آنان سرزد. بنابراین ویژگی های کیفر، براساس خصوصیات گناه تعیین می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۱۰، ۹

۹ - تناسب کیفر های اخروی ، با گناهان انسان

همزه لمزه .. لینبذن فی الحطمه

برگزیدن نام <حطمه> که نشانگر درهم شکسته شدن جهنمیان در آتش است ممکن است در ارتباط با گناه <همز> و <لمز> باشد که باعث شکسته شدن شخصیت و اعتبار کسی نزد دیگران است. ماده <نبذ> نیز که بر افکندن تحقیرآمیز دلالت دارد، چه بسا ناظر به تناسب آن با استهزاها و متلک انداختن های فرد دوزخی باشد.

۱۰ - درهم شکسته شدن در آتش جهنم ، کیفری مناسب برای درهم شکستن شخصیت مردم

همزه لمزه .. لینبذن فی الحطمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۴

۴ - احاطه آتش دوزخ بر قلب عیب جوینان ، کیفری مناسب برای گناه افکار ناروای آنان درباره مردم

لمزه .. الّتی تطّلع علی الأفتده

تهدید به حتمیت کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۴

۴ - خداوند ، تهدید کننده افزون نمایان عصر بعثت به کیفری گریزناپذیر

ألهيكم التكاثر . . . كلاً سوف تعلمون

تهدید به کیفر

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۱۳

۱۳ خداوند ، مشرکان عصر بعثت و منکران رسالت پیامبر (ص) را به عذاب و کیفر تهدید کرد .

فما أغنت عنهم آلهتهم .. لما جاء أمر ربك

خطاب کردن به پیامبر(ص) (لما جاء أمر ربك) و (ذلك من أنباء القرى نقصه عليك) در بیان نتیجه گیری از سرگذشت اقوام پیشین، حاوی این نکته است که: مشرکان عصر پیامبر نیز در خطر گرفتار شدن به آن گونه عذابها بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ خداوند پیامبر (ص) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به عقوبتهایی از جانب خویش تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم .. مالک من الله من ولیّ ولاواق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <من الله> متعلق به <ولیّ> و <واق> باشد. بر این مبنا <ولیّ و واق> متضمن معنای <منع> است و جمله <مالک...> چنین معنا می شود: برای تو یاور و نگه دارنده ای که تو را از [عذاب] خدا باز دارد، وجود نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۹ - ۵

۵ - افرادی که بخواهند از قانون جواز و ورود به خانه های غیر مسکونی سوء استفاده کنند و نیتی جز بهره برداری از آنها داشته باشند ، به کیفر الهی تهدید شده اند .

لیس علیکم أن تدخلوا بیوتاً غیر مسکونه .. و الله یعلم ما تبدون و ما تکتمون

جمله <و الله یعلم ما

تبدون و ما تکتمون > که علم همه جانبه و فراگیر الهی به نهان و آشکار انسان را به وی یادآوری می شود هشدار است به کسانی که احکام یاد شده را رعایت نکنند و یا از آنها سوء استفاده کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۱۶

۱۶ - تهدید بدکاران ، به کیفر اعمال از سوی خداوند

و الله بما تعملون بصیر

یادآوری این حقیقت که خداوند، بر اعمال مردم آگاهی کامل دارد، دربردارنده تهدید بدکاران و نیز متضمن تشویق نیکوکاران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۹

۹ - هشدار خداوند به مخالفان و حرمت شکنان کعبه و تهدید آنان به کیفری نظیر نابودی اصحاب فیل

ألم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل

تهدید به کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۱۱

۱۱ - تهدید شرک پیشگان هدایت ناپذیر صدر اسلام از سوی خداوند ، به مؤاخذه و کیفر اخروی

ثم هو يوم القيمة من المحضرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۷

۷ - تهدید شدن کافران حق ناپذیر و باطل گرا ، به کیفر الهی در قیامت

فذرهم .. حتى يلقوا يومهم الذي يوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با تهدید رقابت کنندگان در امتیازات مادی ، بر ظهور حقیقت و مواجه شدن آنان با کیفر اخروی تأکید کرده است

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

تهدید به کیفر سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند ، مخالفان پیامبر (ص) را در صورت تداوم بر مخالفت با نماز ، هدایت و تقوا ، به مؤاخذه ای سخت تهدید کرد

لئن لم ينته لنسفعا بالناصيه

تهدید به کیفر های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۶

۶ خداوند ، مشرکان و کافران به پیامبر (ص) را به کیفر های دنیوی و فرو ریختن سنگ های عذاب تهدید کرد .

و ما هي من الظالمين ببعيد

واقع شدن جمله < و ما هي . . > پس از مخاطب قرار دادن پیامبر (ص) (عند ربك) می تواند قرینه بر این باشد که: از مصداقهای مورد نظر برای <الظالمين> مشرکان و کافران عصر بعثت است.

حتمیت کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۹ - ۷

۷ - بازگشت به خداوند و دریافت کیفر یا پاداش او در سرای آخرت ، فرجام قطعی انسان ها است .

و ظنوا أنهم إلینا لایرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - توجه به حتمیت کیفر اخروی و بی ثمری ندامت در قیامت ، عامل پرهیز از کفر و گناه است .

و لو ترى إذ المجرمون .. لأملأن جهنم من الجنة و الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۲

۲۲ - پشیمانی

در قیامت ، مانع کیفر نشده و از آن نمی کاهد .

و أَسْرُوا النِّدَامَةَ .. و جعلنا الأغلل في أعناق الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۲

۲ - ربوبیت الهی در حق خلق ، مستلزم مسدود ساختن راه هرگونه فرار از کیفر کردارشان در قیامت

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس .. فبأیء الآء ربکمما تکذبان

از به کار رفتن وصف <ربکمما> و ارتباط آن با مفاد آیه قبل که بیانگر ناتوانی فرار از صحنه قیامت بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۳

۳ - کیفر و پاداش اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إن کنتم غیر مدینین

با این که مسأله کیفر و پاداش اخروی، امری است که در آینده باید تحقق یابد، به کار گیری قالب ماضی (کنتم) برای بیان مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۵

۵ - دانستن زمان وقوع قیامت ، خطر گرفتاری به کیفرهای موجود در آن را کاهش نمی دهد .

یسئلونک .. من یخشیها

جمله <إنما أنت منذر ..> در مقام بیان این نکته است که آنچه درباره قیامت دارای اهمیت است، توجه به گرفتاری های آن و نگرانی و ترس از خطرات آن است و زمان آن چه معلوم باشد و چه مجهول تأثیری در آن جهت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- روز مجازات و حسابرسی ، حقیقتی است انکارناپذیر و دروغ پنداشتن آن ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

أرءیت الذی یکذب بالذین

حتمیت کیفر اخروی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۷

۷- صحنه های هول انگیز قیامت و مجازات دین ستیزان ، امری حتمی و تخلف ناپذیر

اقتربت الساعة .. و کذبوا ... و کلّ أمر مستقرّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <و کلّ أمر مستقرّ> در ارتباط با <اقتربت الساعة> باشد و نظر به تکذیب گران پیامبر(ص) داشته باشد که قیامت نزدیک شده و تهدیدهای الهی در مورد آنان محقق خواهد شد.

حتمیت کیفر اخروی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۶

۶- سامری علاوه بر کیفر دنیوی ، مجازاتی حتمی و تخلف ناپذیر نیز در آخرت خواهد داشت .

لک فی الحیوه .. و إنّ لک موعداً لن تخلفه

<موعد> در معانی <وعده> ، <زمان وعده> و <مکان وعده> استعمال می شود و مقصود از آن برحسب ظاهر، عذاب موعود در قیامت است.

حتمیت کیفر اخروی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

۲- اظهار خداترسی و نیز تبّری شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات او از کیفر اخروی

قال إنني بريء منك إنني أخاف الله .. فكان عقبتهما أنهما في النار

حتميت كيفر اخروي كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۹

۹ - عقوبت و مجازات کافران و گنه کاران ، امری قطعی است که در عالم پس از مرگ تحقق خواهد یافت .

و لو يؤاخذ الله الناس . . . و لكن يؤخرهم إلى أجل مسمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۵

۵- توجه به کیفر حتمی کافران در قیامت ، زمینه ساز صبر و شکیبایی رهبران الهی در برابر عنادورزی های مخالفان

يعرض الذين كفروا على النار . . . فاصبر كما صبر أولوالعزم من الرسل

<فاء> در <فاصبر>، تفریع را افاده می کند و ارتباط این آیه با آیه قبل، صبر را فرع و نتیجه توجه به عذاب کافران قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۵

۵ - کافران ، در معرض عذاب دنیوی ، افزون بر کیفر سخت و حتمی آخرت

فإن للذين ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحابهم . . . فویل للذين كفروا من يومهم الذی یوع

در صورتی که <یومهم>.. < نظر به روز قیامت و آیه قبل (مثل ذنوب أصحابهم) نظر به کیفرهای دنیوی داشته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۴

۴ - حکم مجازات کافران در قیامت ، غیرقابل تغییر و تجدید نظر

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

حتمیت کیفر اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۹

۹ - عقوبت و مجازات کافران و گنه کاران ، امری قطعی

است که در عالم پس از مرگ تحقق خواهد یافت .

و لو يؤخذ الله الناس . . . و لكن يؤخرهم إلى أجل مسمى

حتمیت کیفر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۶ - ۲

۲ - انسان ها در قیامت ، مقهور نظام کیفری خداوند و ناتوان از هرگونه استتار و مقاومت

و ما هم عنها بغائبین

حتمیت کیفر تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۹

۹ کفر و تکذیب دین ، دارای کیفر و پیامد قطعی و اجتناب ناپذیر است .

فقد کذبتم فسوف یکون لزاماً

حتمیت کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإما نريئك بعض الذى نعدهم أو نتوفيتك فإلينا يرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذيقنّ الذين كفروا عذابًا شديدًا

لام و نون تأکید در <لنذيقنّ>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۷ - ۶

۶- امکانات گسترده دنیوی ، مانع از مجازات الهی نسبت به حق ستیزان نخواهد بود .

إنّهم جند مغرقون . . . و نعمه كانوا فيها

حتمیت کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۵

۱۵- کیفر دادن حق ناپذیران ، سنت دیرپای الہی است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا .. إلا أن تأتيهم سنّہ الأولین

اضافہ <سنہ> بہ <الأولین> اضافہ مصدر بہ مفعول است و مراد، سنت خداوند دربارہ انسان های گذشتہ است.

حتمیت کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۱۱

۱۱- عقوبت و مؤاخذہ انسان های ظالم ، در وقت و موعد مقرر انجام می شود .

و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم .. و لكن يؤخّرهم إلى أجل مسمّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۵۹ - ۸

۸- نظام کیفری خدا برای مجازات دنیوی امت های ستم پیشہ ، نظامی زمان بندی شده و دارای موعدی تخلف ناپذیر است .

و جعلنا لمهلكم موعداً

<مهلك> مصدر میمی و <موعد> اسم زمان است / یعنی، برای ہلاکت ظالمان، زمانی معین در نظر گرفته شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۹ - ۴

۴ چشیدن عذاب بزرگ الہی ، کیفر حتمی ستم کاران

و من یظلم منکم نذقه عذابًا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۳

۱۳ - تهدید ظالمان و کفرپیشگان از سوی خدا به کیفری حتمی و نه چندان دور

و سيعلم الذین ظلموا أیّ منقلب ینقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ -

۴ - کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است؛ بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

حتمیت کیفر عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - مجازات شدن هر کسی در قبال عمل خودش ، امری حتمی و تخلف ناپذیر است .

يَوْمًا لَا يُجْزَى وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ الْوَالِدِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

این برداشت، بنابراین احتمال است که متعلق <وعد>، عبارت <لا یجزی..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۴

۴ - تمامی آدمیان ، بی کمترین ظلم و کاستی به نتایج اعمال خویش خواهند رسید .

و خلق الله... و لتجزى كل نفس بما كسبت و هم لا يظلمون

مجهول آمدن فعل <تجزی> می نمایاند که هر چند آدمیان رغبت به دریافت جزای اعمال خود نداشته باشند، به ایشان جزا داده خواهد شد.

حتمیت کیفر فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۶ - ۱

۱ - پنهان داشتن خویش از آتش جهنم ، برای فاسقان امکان پذیر نیست .

و ما هم عنها بغائبين

<غاب عنه > یعنی، از او مخفی شد. (لسان العرب)

حتمیت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۳

۱۳ - تهدید ظالمان و کفرپیشگان از

سوی خدا به کیفری حتمی و نه چندان دور

و سيعلم الذين ظلموا أيّ منقلب ينقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۵

۵ - کافرانی که برای مرتد ساختن مسلمانان ، تلاش کرده اند ، حتماً ، کیفر خواهند شد .

قال الذين كفروا للذين ءامنوا اتبعوا سبيلنا.. و ليحملن اثقالهم

<لام قسم> و <نون تأکید> در <ليحملن> بر قطعیت، دلالت دارد. لازم به ذکر است که احتمال دارد حمل گناه، کنایه از کیفر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذيقن الذين كفروا عذابًا شديدًا

لام و نون تأکید در <لنذيقن>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - باور مؤمنان به مجازات حتمی کافران از سوی خداوند ، مانع اقدام های شتابزده آنان در مقابله با کافران

یغفروا .. لیجزی قومًا بما كانوا یکسبون

<لام> در <لیجزی> برای تعلیل است و فلسفه امر به خویشتن داری مؤمنان در برابر کافران را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۴

۴ - کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحابهم

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است؛ بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان

می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۲

۲ - بی پاسخ نماندن تمسخرهای کافران و گرفتاری آنان به نتایج کردار خویش، امری طرفه و جالب توجه است.

هل ثوب الکفار ما كانوا يفعلون

استفهام در آیه شریفه برای تقریر و تعجیب است، یعنی، کافران چنین حالتی را گمان نداشته و پیش بینی نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۴

۴ - هیچ چیز نمی تواند در برابر خداوند، به هنگام کیفر رساندن کافران، مانع ایجاد کند.

إن بطش ربك لشديد

واژه <بطش>، در خود معنای زور، قهر و غلبه را دارد و تأکید آن با کلمه <لشديد>، بر شدت قهر و غلبه در آن دلالت می کند. مراد از قاهر و غالب بودن خداوند، بی تأثیر بودن موانع در برابر کیفررسانی است.

حتمیت کیفر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۹

۹ کفر و تکذیب دین، دارای کیفر و پیامد قطعی و اجتناب ناپذیر است.

فقد کذبتم فسوف یکون لزاماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۳

۳ - کفر و مبارزه با قرآن، دارای کیفری حتمی و غیر قابل چشم پوشی

فلنذيقنّ الذين كفروا عذاباً شديداً و لنجزينهم

تأکید فعل های <نذیق> و <نجزی> به لام و نون ثقیله، مفید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ -

۲- کفر به معاد و انکار حقانیت وعده های الهی ، در پی دارنده کیفری حتمی

فيقول ما هذا إلا أسطير الأولين . أولئك الذين حقّ عليهم القول

حتمیت کیفر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۲

۲ - محیط ناسالم و نظام اجتماعی فاسد ، موجب تبرئه انسان گمراه و مردم فاسد از مجازات الهی نمی شود .

فإنهم يومئذ في العذاب مشتركون

اشتراک مردم گمراه با رهبران گمراه کننده که معمولاً نظام اجتماعی مردم را نیز در دست دارند در مجازات الهی، می تواند گویای حقیقت بالا باشد.

حتمیت کیفر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۴

۴ تداوم بر گناه، مجازات حتمی خداوند را در پی دارد.

إن الذين يكسبون الإثم سيجزون بما كانوا يقترفون

<تداوم> از فعل <یکسبون> و <کانوا یقترفون>، که ماضی استمراری است، استفاده شده است. ضمناً <إن> و سین در <سیجزون> بر تأکید دلالت دارند.

حتمیت کیفر مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۳

۳ - کفر و مبارزه با قرآن ، دارای کیفری حتمی و غیر قابل چشم پوشی

فلنذيقن الذين كفروا عذاباً شديداً ولنجزينهم

تأکید فعل های <نذیق> و <نجزی> به لام و نون ثقیله، مفید برداشت یاد شده است.

حتمیت کیفر مخالفان تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۶

۶ - سوگند خداوند در تأکید بر مؤاخذه حتمی تکذیب گران دین و مخالفان نماز، هدایت و

تقوا

لئن لم ينته لنسفعا بالناصيه

<لام> در <لئن...> لام قسم است.

حتمیت کیفر مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۶

۶ - سوگند خداوند در تأکید بر مؤاخذه حتمی تکذیب گران دین و مخالفان نماز ، هدایت و تقوا

لئن لم ينته لنسفعا بالناصيه

<لام> در <لئن...> لام قسم است.

حتمیت کیفر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۵

۵ - اعمال و باور های مشرکان ، دارای کیفر و حسابی معلوم و قطعی در نزد پروردگار

و من يدع مع الله .. فإئما حسابه عند ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۷ - ۳

۳ - حاکمیت خداوند بر قوای هستی ، نشانگر قدرت او بر پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان

ليدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت ... و يعذب المنفقيين ... و المشركين ... و لله

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان بود مطلب بالا استفاده می شود.

حتمیت کیفر مفتریان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۴،۵

۴- افترازنندگان به خداوند ، در معرض کیفر حتمی او

إِنِ افتریته فلا تملکون لی من اللّٰه شیئاً

تعبیر <فلا تملکون..>، بیانگر این نکته است که اگر پیامبر(ص) به خدا افترا بسته باشد، مشرکان در دفاع از او ناتوان اند. این مطلب می رساند که افترا بر خداوند، مستلزم عذاب و عقابی است که هیچ دفاع

و حمایتی در برابر آن، اثربخش نیست.

۵- اعتقاد به کیفر حتمی افترازنندگان به خداوند ، مایه اجتناب از هر گونه نسبت دروغ به ساحت حق

قل إن افتريته فلا تملكون لي من الله شيئاً

حتمیت کیفر مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۲

۲ - مظاهر قدرت خداوند ، در نظام تشریح و تکوین ، گواه حتمی بودن مجازات کافران تکذیب گر

و الطّور . و ... إنّ عذاب ربّك لواقع

در آیات پیشین، تعبیر <و کتاب...>، اشاره به نظام تشریح و تعبیر <والسقف...> اشاره به قدرت خداوند در نظام تکوین دارد. از ارتباط این دو با <إنّ عذاب ربّك لواقع> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۲

۲ - قرار و بی فراری تکذیب گران در آتش دوزخ ، بی تأثیر در تغییر کیفر آنان

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

حتمیت کیفر مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۵ - ۲،۶

۲ - حتمیت یافتن مجازات الهی درباره تکذیب کنندگان آیات او ، پس از متقاعد شدن آنان نسبت به مجرم بودن خویش

أکذبتهم بایتی . . . و وقع القول علیهم

برخی از مفسران کلمه <وقع> را به معنای <حَقَّ> (قطعیت یافت) گرفته اند. گفتنی است که واژه <القول> چنان که پیش از این نیز گفته شد کنایه از عذاب است.

۶- فروماندن ظالمان تکذیب کننده آیات خدا، از عذرآوری و بهانه تراشی در محکمه الهی، پس از قطعی شدن عذاب

بر آنان

وقع القول عليهم .. فهم لا ينطقون

در برداشت یاد شده قید <پس از قطعی شدن..>، بر این اساس است که <وقع القول...> به معنای <حقّ القول...> باشد.

حتمیت کیفر مکذبان دعوتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۸

۸ پیامد و کیفر تکذیب دعوت خدا و رسول او ، همواره با تکذیب کنندگان بوده و آنان حتماً گرفتار آن خواهند شد .

فقد کذبتم فسوف یکون لزاماً

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ واژه <لزام> مصدر و به معنای لازم و پیوسته است. ۲ فاعل <یکون> ضمیری است که به مصدر فعل <کذبتم> بازمی گردد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <فسوف یکون جزاء التکذیب لازماً لکم>.

حتمیت کیفر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۶

۶ - سوگند خداوند در تأکید بر مؤاخذه حتمی تکذیب گران دین و مخالفان نماز ، هدایت و تقوا

لئن لم ينته لنسفعا بالناصیه

<لام> در <لئن..> لام قسم است.

حتمیت کیفر مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۸

۸ پیامد و کیفر تکذیب دعوت خدا و رسول او ، همواره با تکذیب کنندگان بوده و آنان حتماً گرفتار آن خواهند شد .

فقد کذبتم فسوف یكون لزامًا

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ واژه <لزام> مصدر و به معنای لازم و پیوسته است. ۲ فاعل <یکون> ضمیری است که به مصدر فعل <کذبتم> بازمی گردد. بر این اساس

معنای آیه چنین می شود: <فسوف يكون جزاء التکذیب لازماً لکم>.

حتمیت کیفر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۲

۳۲ اراده حتمی خداوند بر مجازات یهودیان و منافقان شتابنده در کفر

قالوا ءامنا بافواهمم و لم تؤمن قلوبهم و من الذین هادوا .. و من یرد الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۷ - ۳

۳ - حاکمیت خداوند بر قوای هستی ، نشانگر قدرت او بر پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنت .. و یعدّب المنفقین ... و المشرکین ... و لله

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان بود مطلب بالا استفاده می شود.

حتمیت کیفر هدایت ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۶

۶ - سوگند خداوند در تأکید بر مؤاخذه حتمی تکذیب گران دین و مخالفان نماز ، هدایت و تقوا

لئن لم ینته لسنفعا بالناصیه

<لام> در <لئن..> لام قسم است.

حتمیت کیفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۲

۳۲ اراده حتمی خداوند بر مجازات یهودیان و منافقان شتابنده در کفر

قالوا ءامننا بافواههم و لم تؤمن قلوبهم و من الذين هادوا .. و من یرد اللّٰه

حقانیت کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۳

۳ - کیفر های الهی در روز رستاخیز

، بر پایه حق و عدل و به دور از هر شایبه ظلم و بی دادگری

یومئذ یوفیهم الله دینهم الحقّ

<الحقّ> در جمله <دینهم الحقّ> صفت برای <دین> است؛ یعنی، جزای عادلانه و به حق.

حقیقت کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۴

۴ - عقوبت های اخروی ، تجسم اعمال دنیایی است .

فإنه یحمل یوم القیمه وزراً . خلدین فیه ... حملاً

خلود گنه کاران در وزر و گناه، بیانگر آن است که عقوبت ها و گرفتاری های قیامت، تجسم همان اعمال دنیایی است؛ چرا که آنان در گناه خویش مخلدند.

خویشاوندی و کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ لزوم پرهیز از ملاحظه نسب و حسب انسان ها در اجرای کیفر ها و مجازات های مطرح شده در دین

و أهلك إلا من سبق علیه القول

بیان این بخش از داستان نوح(ع) (احمل فیها.. .. أهلك إلا من سبق علیه القول) رساننده این پیام است که: نباید به خاطر خویشی خطاکاران حتی با افراد برجسته ای چون پیامبران ، از کیفر آنان چشم پوشید.

دقت در کیفر اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۷

۷ - علم خداوند ، پشتوانه دقت در حسابرسی و مجازات انسان ها در قیامت است .

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ

ذکر کیفراخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۵

۵ - توجه به کیفربی چون و چرای

گناه کاران در قیامت ، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب نعمت های خداوند

فیومئذ لایسل عن ذنبه .. فبأی ءالاء ربکما تکذبان

برداشت یاد شده بر این اساس است که خداوند پس از بیان راه نداشتن چون و چرا در برنامه های قیامت برای گناهکاران، خلق را به پرهیز از تکذیب نعمت ها توجه داده است.

ذوالقرنین و کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۱،۴

۱- ذوالقرنین ، از کیفر ساحل نشینان غرب ، چشم پوشی کرد و تنها کسانی را که بر ستم کاری خود باقی بمانند ، به مجازات تهدید کرد .

قال أمّا من ظلم فسوف نعدّبه

۴- ذوالقرنین ، به ایمان آوردن ظالمان ساحل دریا و دست برداشتن آنان از ظلم و فساد ، امیدوار بود و در مجازات آنان شتابی نداشت .

قال أمّا من ظلم فسوف نعدّبه

حرف <سوف> برای آینده است و فعل های شرط (<آمن> و <عمل>) در آیه بعد، قرینه این است که ذی القرنین، به احتمال ایمان آوردن ظالمان، در مجازات آنان تعجیل نکرده است.

روش کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۸

۸ زندانی کردن ، از راه های مجازات بزهکاران

و الّتی یأتین الفاحشه .. فامسکوهنّ فی البیوت

روش کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۳

۳ - انتقام جویی ، کینه توزی و تجاوز از حد در مسیر مجازات ستمگر ، ممنوع و نامشروع است .

و جزؤا سیئه سیئه مثلها

روش کیفر کافران

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۵

۲۵ - تفهیم اتهام و تبیین جرایم کافران برای ایشان ، قبل از اعمال مجازات درباره آنان

فلننتبئن الذین کفروا بما عملوا و لنذیقنهم من عذاب غلیظ

از این که خداوند، مجازات کافران را پس از اطلاع آنان نسبت به گناهان شان ذکر فرموده، مطلب بالا قابل برداشت است.

زمان کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۹

۹ - قیامت ، مکان اصلی مجازات عصیانگران و گناه کاران است .

إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتَ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

پیامبر(ص) ترس و هراس خود را تنها در پیامدهای اخروی عصیان و نافرمانی اظهار کرده اند. این نکته می توان بیانگر برداشت یاد شده باشد.

زمینه تکذیب کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۳

۳ - کم فروشی و گناه پیشگی ، تکذیب عملی کیفر های اخروی است .

و یل للمطففین . . . کَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ ... الذین یکذبون بیوم الدین

زمینه عدالت در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۵

۵ - هدفمندی و حقانیت نظام جهان ، مستلزم برپایی نظام عادلانه کیفر و پاداش

خلق .. بالحقّ و لتجزی ... و هم لایظلمون

در آیه شریفه پس از طرح حقانیت نظام هستی، به عدل الهی در نظام کیفر و پاداش اشاره شده است. از این نکته استفاده می شود که عدل در مجازات، لازمه حقانیت آفرینش است.

زمینه کیفر

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۴

۱۴- الوهیت خداوند مقتضی کیفر و پاداش به بندگان است .

ليجزي الله . .. إن الله سريع الحساب

از آمدن لفظ جلاله <الله> و تکرار آن در یک آیه، بدون اینکه نیازی به تصریح آن باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۴

۴- ربوبیت الهی ، مقتضی بازپرسی و کیفر و پاداش دادن در برابر اعمال و رفتار آدمی است .

فوربک لنسئلنهم أجمعين . عما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۴ - ۷

۷- ربوبیت الهی ، مقتضی دادن پاداش و یا کیفر به انسانهاست .

ربکم . .. إن يشأ يرحمکم أو إن يشأ يعذبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۸

۸ - آگاه نبودن انسان ها به زمان برپایی قیامت ، زمینه ساز مداومت آنان بر کار های خویش و به وجود آمدن استحقاق پاداش و کیفر است .

أکاد أخفيها لتجزي کل نفس بما تسعی

لام در <لتجزي> در برداشت فوق تعلیل برای <أکاد أخفيها> گرفته شده است؛ در این معنا، ترکیب جمله در اصل <لتسعی کل نفس فتجزي بما تسعی> خواهد بود و حاصل معنی این که اراده کردم قیامت را مخفی بدارم تا همه به تلاش خود ادامه دهند و نتایج کردار خود را ببینند؛ این سخن ناظر به حالت روانی انسان ها است که اگر زمان مرگ خود و نابودی جهان را

تلاش های خود را رها خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۲۰

۲۰- نقش خود انسان ، در ابتلا به کیفر الهی و مشکلات زندگی

إذ ذهب مغضبًا .. سبحنك إني كنت من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۸

۱۸ - عذاب و کیفر الهی ، ره آورد عملکرد خود انسان ها

ولا تخطبني في الذين ظلموا إنهم مغرقون

تعبیر <الذين ظلموا> اشعار به علیت دارد؛ یعنی، آنان (قوم نوح) به جهت ستمشان محکوم به عذاب طوفان شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۷ - ۹

۹ - مجازات های الهی ، پس از اتمام حجت و ارائه دلیل و برهان است .

فجاءوهم بالبينت فانتقمنا من الذين أجزموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۵

۵ - بحث و جدل بیهوده و انکار آمیز درباره آیات الهی ، دارای کیفر و عذاب

و يعلم الذين يجدلون في آياتنا ما لهم من محيص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۳ - ۲

۲ - بخل و محروم ساختن بینوایان از اموال خویش ، زمینه ساز کیفر و عذاب الهی در دنیا و آخرت

أن لا یدخلنَّها الیوم علیکم مسکین . . . كذلك العذاب و لعذاب الآخره أكبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۸ - ۲

۲ - هیچ انسانی از خطا مصون نبوده و بر کیفر نشدن خویش

اطمینان ندارد .

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرَ مَأْمُونٍ

زمینه کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۱۶

۱۶ نپذیرفتن نصیحت های پیامبران ، زمینه گرفتار شدن به کیفر های اخروی است .

و لا يَنْفَعُكُمْ نَصْحِي إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ .. هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

از هدفهای بیان این حقیقت که نصیحت ناپذیران به خدا بازمی گردند ، هشدار دادن آنان به عذابهای اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۴،۷

۴ - وارد شدن به جهان آخرت همراه با اعمال بد ، مایه گرفتار شدن به کیفر الهی است .

و من جاء بالسيئة فلا يجزي .. إلا ما كانوا يعملون

۷ - اصرار و استمرار بر عمل بد تا لحظه مرگ ، در پی دارنده کیفر اخروی است .

فلا يجزي .. إلا ما كانوا يعملون

<کانوا يعملون> ماضی استمراری و بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۱

۱ - تقدیر مرگ از سوی خداوند ، به منظور کیفر و پاداش دادن به آدمیان در سرای دیگر (جهان آخرت)

نحن قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ .. فلولاً إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <فلولاً إِنْ كُنْتُمْ> بر <نحن قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ> است. کلمه <مدینین> می تواند مشتق

از <دین> (جزا) باشد، یعنی، <إن كنتم غير مجزيين>. و نیز می تواند مشتق از <دان السلطان الرعيه إذا ساسهم و تعبدهم> باشد، چنان که برخی از مفسران این را گفته اند. برداشت بالا با

توجه به معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۶ - ۲

۲ - برپا ساختن قیامت برای کیفر و پاداش ، نمودی از کمال خداوند و مبرّا بودن ساحت او از هر نقص و کاستی

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

تفریح <فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ> بر مطالب پیشین (فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ..) حاکی از مطلب یاد شده است.

زمینه کیفر اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۵

۵ کیفر امت های حق ستیز در طول تاریخ ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ .. كَلَّ كَذَّبَ الرِّسْلَ فَحَقَّ وَعِيدُ

تعبیر <فَحَقَّ وَعِيدُ> می رساند که اقوام هلاک شده، قبلاً مورد هشدار، تهدید، تذکر و اتمام حجت قرار گرفته بودند.

زمینه کیفر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۱۱

۱۱ - معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ .. وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

ذکر معاد انسان ها پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

زمینه کیفر ثروتمندان متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٤ - ربوبیت خداوند ، مقتضی کیفر و مجازات کافران تکذیب گر و ثروتمندان مغرور

فلا تطع المكذبین . . أن كان ذا مال و بنين ... فطاف عليها طائف من ربك

زمینه کیفر جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۲

۱۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات جوامع فاسد و عصیانگر بر اساس علم و آگاهی است .

و کم أهلکنا .. و کفی برئک بذنوب عباده خبیراً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۳

۳- جوامع عصیانگر و متمرّد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت و بال أمرها و کان عقبه أمرها خسراً

زمینه کیفر جوامع فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۲

۱۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات جوامع فاسد و عصیانگر بر اساس علم و آگاهی است .

و کم أهلکنا .. و کفی برئک بذنوب عباده خبیراً بصیراً

زمینه کیفر حرام خواران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۷

۷- ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات حرام خواران و کم فروشان

ویل للمطففین .. یوم یقوم الناس لربّ العلمین

زمینه کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۴

۴ - ربوبیت الهی ، مقتضی مجازات کافران و حق ستیزان

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوْعٌ

از اضافه <عذاب> به <رَبِّ>، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه کیفر دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۷ - ۷

۷- جرم پیشگی

مردمان و حق ناپذیری ایشان ، زمینه ساز عقوبت آنان در دنیا

أهلکنهم إنهم كانوا مجرمین

زمینه کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۶

۶- ربوبیت الهی ، مقتضی عذاب دادن و کیفر کردن کافران حق ستیز و تکذیب کننده

و كذلك حَقَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ عَلَی الذِّینِ کَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إِنَّ الذِّینَ کَفَرُوا وَ... مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ... وَ سَيَحْبُطُ أَعْمَلَهُمْ

در صورتی که <سیحبط...> عنوان کیفر داشته باشد، تعبیر <من بعد ما تبیین...> بیانگر اتمام حجتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۴

۴- ربوبیت الهی ، مقتضی مجازات کافران و حق ستیزان

إِنَّ عَذَابَ رَبِّکَ لَوَاقِعٌ

از اضافه <عذاب> به <رب>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۵

۵ - تحقق مجازات های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

و کَلَّ أَمْرٌ مُسْتَقَرًّا . و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

در صورتی که تعبیر <و کَلَّ أَمْرٌ مُسْتَقَرًّا> کنایه از عذاب و کیفر حتمی کافران باشد، در پی آمدن <و لقد جاءهم...>، توضیحی است بر این که کیفر آنان، بدون اتمام حجت صورت نگرفته و نمی گیرد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۹ - ۴

۴ - ربوبیت خداوند ، مقتضی کیفر و مجازات کافران تکذیب گر و ثروتمندان مغرور

فلاتطع المکذّبین . .. أن کان ذا مال و بنین ... فطاف علیها طائف من ربّک

زمینه کیفر کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفّین - ۸۳ - ۶ - ۷

۷ - ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات حرام خواران و کم فروشان

ویل للمطفّین . .. یوم یقوم الناس لربّ العلمین

زمینه کیفر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۸ - ۴

۴ - نظارت الهی بر موضع گیری مشرکان علیه پیامبر (ص) ، پشتوانه مجازات و محاکمه آنان

و عنده علم الساعه و إلیه ترجعون . .. و قیله یربّ إنّ هؤلاء قوم لا یؤمنون

عطف <قیله> بر <الساعه> در دو آیه قبل گویای ارتباط این آیه با <إلیه ترجعون> در آن آیه است و از مجموع دو آیه، برآشت یاد شده استفاده می شود.

سختی کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۴

۱۴ - یک عمر لذت جویی و هوس رانی ، پوچ و بی ارزش در قبال لحظه پاسخ گویی و مجازات

كأنهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلا ساعة من نهار

<يوم يرون ما يوعدون> همان قیامت و روز کیفر است که با دیدنش روزگار دراز کامروایی کافران، لحظه ای از روز می نماید.

سختی کیفر اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۳

- قیامت ، روزِ سختِ کیفر الهی ، برای کافران ستم پیشه

لِلَّذِينَ ظَلَمُوا .. فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

مراد از <یومهمم..>، می تواند روز قیامت و یا روز نزول عذاب بر کافران در دنیا باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال اول است.

سختی کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۳

۳- قیامت ، روزِ سختِ کیفر الهی ، برای کافران ستم پیشه

لِلَّذِينَ ظَلَمُوا .. فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

مراد از <یومهمم..>، می تواند روز قیامت و یا روز نزول عذاب بر کافران در دنیا باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۷

۷- کیفر های دنیوی و برزخی کافران ، سبک تر از کیفر اخروی آنان *

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشد و <دون ذلك> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

سختی کیفر اخروی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۳

۳- وزر و عقوبت روی گردانی از قرآن در روز قیامت ، باری ناگوار و مشقت بار بر دوش اعراض کنندگان ، خواهد بود .

وَزَرًا .. وَ سَاءَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْقِيَمَةَ حَمَلًا

سختی کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو ...) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

سختی کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو ...) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

سختی کیفر در معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳ - ۱۰

۱۰ - عزت ، علم ، گناه آمرزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب ... لا إله إلا هو

سختی کیفر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۲

۲ - مؤاخذه سخت و سنگین فرعون در دنیا از سوی خداوند

فأخذنه أخذًا وبيلاً

<وَبِيلَ > به معنای وخیم و سنگین است (مصباح المنیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، فرعون را به سختی کیفر داد .

ألم تر كيف فعل ربك . . . و فرعون

سختی کیفر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۹ - ۱

۱ - خداوند ، قوم ثمود را

به سختی کیفر داد .

کیف فعل رَبَّكَ بعاد ... و ثمود

قوم ثمود، امت حضرت صالح (ع) بودند که بر اثر مخالفت با تعالیم او عقوبت شدند.

سختی کیفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۱

۱ - خداوند ، قوم عاد را به سختی کیفر داد .

ألم تر کیف فعل رَبَّكَ بعاد

قوم عاد، امت هود (ع) بودند که بر اثر نافرمانی خداوند عقوبت شدند. عبارت <کیف فعل>، حاکی از شدت عقوبت آنان است.

سرعت در کیفر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۳

۳ - کافران عصر بعثت ، مورد تهدید شدید خداوند به مقابله ای سریع و برخوردی سخت با آنان

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

لسان العرب از ابن سیده نقل می کند که <بَطْش> به معنای هجوم سریع است.

سنت کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و كذلك نجزي المحسنين

فعل مضارع <نجزي> در عبارت <كذلك نجزي المحسنين> حاکی از استمرار است ، و در برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۷

۱۷- كيف دادن به سبب كفر به خدا و پیروی نکردن از رسولان او از سنت های الهی است .

و أنذر الناس .. نجب دعوتك و نتبع الرسل ... كيف فعلنا بهم و ضربنا لكم الأمثال

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۹

۹- مجازات و کیفر فسادانگیزان ، از سنت های تخلف ناپذیر الهی است .

و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنم للكفرین حصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۵

۱۵- کیفر دادن حق ناپذیران ، سنت دیرپای الهی است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا .. إلا أن تأتيهم سنّه الأولین

اضافه <سنه> به <الأولین> اضافه مصدر به مفعول است و مراد، سنت خداوند درباره انسان های گذشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۱

۱ - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

و كذلك حَقَّتْ کلمت ربّک علی الذین کفروا

<حق> یعنی، <حَقَّیْتُ> و <وَجَبَ> (ثابت و واجب شد) است. و مراد از کلمه در <کلمه ربّیک> وعده فرمان عذاب است.

سنت کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۴

۴ - کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحابهم

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است؛ بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

سنت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۴

۴ - کیفر کافران و ستم پیشگان، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است؛ بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۵

۵ - مجازات کافران و مجرمان ، سنت الهی در همیشه تاریخ

و لقد أهلكنا أشياعكم فهل من مدكر

تذکر و هشدار، بیانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصی از کافران در بخشی از تاریخ نمی باشد؛ بلکه سنتی فراگیر است.

سنت کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۸

۸- هلاکت قوم عاد ، نمودی از سنت الهی در مجازات جوامع جرم پیشه

كذلك نجزي القوم المجرمين

از تعبیر <كذلك نجزي> با توجه به فعل مضارع که مفید استمرار است سنت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۵

۵ - مجازات کافران و مجرمان ، سنت الهی در همیشه تاریخ

و لقد أهلكنا أشياعكم فهل من مدكر

تذکر و هشدار، بیانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصی از کافران در بخشی از تاریخ نمی باشد؛ بلکه سنتی فراگیر است.

سنت کیفر مکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۷

۷ - کیفر شدن مکاران تاریخ ، سنت الهی است .

فهل ينظرون إلاَّ سنَّت الأولین

شخصی بودن کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۸

۸ - انسان ها مسؤول اعمال گذشتگان

خویش نبوده و به سبب آنها مؤاخذه نخواهند شد .

و لاتستلون عما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۸

۸ در نظام کیفری خداوند ، هیچکس به گناه دیگری مؤاخذه نخواهد شد .

أتهلكنا بما فعل المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶ - ۵

۵- خداوند ، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت کفرپیشگان ، مؤاخذه نخواهد کرد .

فلعلک بخرع نفسک علی ءاثرهم إن لم يؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲ - ۵

۵- خداوند ، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت برخی مردم ، مؤاخذه نخواهد کرد .

ما أنزلنا علیک القرآن لتشقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - هیچ پدر و فرزندی ، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند .

لا یجزی والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شیئاً

۱۱ - در قیامت ، بار عمل هر کس ، تنها بر دوش خود او است .

لا یجزی والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۲،۳،۴

۲ - مشرکان ، هیچ گاه درباره کردار پیامبر و مؤمنان ، مورد مؤاخذه قرار نمی گیرند .

قل لاتسئلون عَمَّا أجرنا

۳ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، از کردار مشرکان بازخواست نمی شوند .

و لانسئل عَمَّا تعملون

۴ - هر کسی در قیامت پاسخگوی

کردار و عمل خویش است .

لاتسئلون عَمَّا أجرنا و لانسئل عَمَّا تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۹

۹ - سنت و حکم خداوند درباره یک گروه ، بر گروهی دیگری جاری و برگردانده نمی شود .

و لن تجد لسنت الله تحویلاً

<تحویل> به معنای گرداندن چیزی در غیر مکانی که بوده است (مجمع البیان) و مقصود از آن در آیه شریفه این است که حکم الهی درباره عقوبت مکاران، به دیگران منتقل نمی شود و تنها در مورد همین گروه جاری می شود. پس هیچ راه نجاتی برای حیلۀ گران عالم وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۷

۱۷ - انسان ، در برابر اعمال خود مسؤول است و مورد بازخواست الهی قرار خواهد گرفت .

فیتبئکم بما کنتم تعملون

مقصود از آگاه ساختن مردم نسبت به اعمالشان، حسابرسی اعمال آنان و کیفر و پاداش به ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۶

۶ - در قیامت ، هیچ کس بار کیفر دیگران را بر دوش نخواهد کشید .

فیقول الضعفوا .. فهل أنتم مغنون عَنَّا نصیبًا من النار . قال الذین استکبروا إنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۵

۵- هر فرد ، دریافت کننده تمامی اعمال خویش و پاداش و کیفر آن به شکلی کامل ، در جهان آخرت

و ليوفّيهم أعمالهم و هم لا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - > و رووا أته أتی بحامل قد زنت فأمر برجمها فقال له أميرالمؤمنین (ع) : هب لك سبیل علیها ، أئی سبیل لك علی ما فی بطنها ؟ ! و اللّٰه تعالیٰ یقول : < و لاتزروا وازره و زر أخری > .

روایت شده: زنی حامله را که زنا داده بود [نزد خلیفه] آوردند. وی فرمان رجم او را صادر کرد. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: گیرم تو حق رجم او را داشته باشی، چه حقی بر بچه اش داری که در شکم او است؟ در حالی که خداوند می فرماید: < و لاتزروا وازره و زر أخری >.

شدت کیفر اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۱

۱ - لشکری فیل سوار پیش از عصر بعثت ، گرفتار کیفر خداوند شده ، به شدت مجازات شدند .

ألم تر کیف فعل ربك بأصحاب الفیل

شدت کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۷

۷- تأخیر کیفر ستمگران از سوی خداوند تا روز قیامت ، جهت تشدید مجازات آنان است .

و لاتحسبن الله غفلاً عما یعمل الظلمون إنما یؤخرهم لیوم تشخص فیہ الأبصر

از اینکه خداوند متعال کیفر ستمگران را تا روزی سخت و هولناک به تأخیر انداخت، حکایت از شدت مجازات آنان دارد؛ چون اگر آن مجازات در دنیا اتفاق می افتاد به این مقدار سخت نبود. بنابراین، تأخیر کیفر ظالمان به نفع آنان نیست.

شدت کیفر عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال -

۶ عبرت گرفتن از سرنوشت پیمان شکنان جنگ آفرین علیه پیامبر (ص) و جامعه اسلامی، از اهداف فرمان خداوند بر شدت مجازات آنان

فشردهم من خلفهم لعلهم یذکرون

<تذکر> (مصدر یذکرون) به معنای دریافتن و همواره به خاطر داشتن است. جمله <لعلهم یذکرون> تعلیل برای <فشردهم> است. یعنی هدف از شدت مجازات این است که کفرپیشگان، توان مسلمین را دریابند و همواره به خاطر بپارند تا در آینده علیه جامعه اسلامی توطئه نکنند.

شدت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود، مایه آرامش و تسلای خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۳ - ۳

۳ - توانمندی خداوند بر ایجاد جهان هستی و اعاده آن، دلیل قدرت او بر مجازات سخت کافران

إِنَّهُ هُوَ بَدِئُكَ وَبَعِيدٌ

حرف <إِنَّ> برای تعلیل است و مبنای آیه قبل را بیان می کند.

شدت کیفر کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - کافران عصر بعثت ، مورد تهدید شدید خداوند به مقابله ای سریع و برخوردی سخت با آنان

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

لسان العرب از ابن سیده نقل می کند که <بطش> به

معنای هجوم سریع است.

شدت کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۹

۹- مجازات الهی برای جوامع مجرم ، مجازاتی سخت ویرانگر و هلاکت بار

كذلك نجزي القوم المجرمين

<كذلك> اشاره به عذاب سخت و ویرانگری دارد که قوم عاد را نابود ساخت. خداوند امت ها را به مجازاتی چنین سخت، هشدار داده است.

شرایط کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۶

۱۶ متخلفان از قوانین الهی تنها پس از بیان احکام و اتمام حجت سزاوار گرفتاری به عذاب الهی

فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب اليم

شرایط کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۸

۸ کیفر اخروی گناه در صورتی است که گنهکار تا حضور در صحنه قیامت مورد عفو الهی قرار نگیرد.

و من جاء بالسيئه فلا يجزي إلا مثلها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل معلوم می شود.

شرایط کیفر عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۱۳

۱۳- کیفر و مجازات متمردان باید پس از ارشاد و اتمام حجت به آنان صورت گیرد .

جاءتهم رسلهم بالبینت . . . و قال الذین کفروا لرسلم لئخرجکم ... فأوحى إلیهم ر

شرایط کیفر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۹ - ۵

۵- کسانی که به خدایی برگرفته شده ، ولی خود مدعی آن نیستند ، گنه کار نبوده و کیفر نمی شوند .

و من

يقل منهم إني إله .. نجزيه جهنم

برداشت بالا از مفهوم شرط استفاده شده است، یعنی، خداوند تنها کسانی را که مدعی خدایی هستند عذاب می کند، نه کسانی که خود هیچ ادعایی در باره خدا بودن خویش ندارند.

شعیب(ع) و کيفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۶

۶ شعیب (ع) ، در دیدگاه مردم مدین مستحق کيفر و مجازات و سنگسار شدن بود .

و لولا رهطك لرجمنك

شگفتی کيفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو ...) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کيف> استفاده می شود.

شگفتی کيفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو ...) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

صبر در کيفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۷ - ۴

۴- ذوالقرنین ، به ایمان آوردن ظالمان ساحل دریا و دست برداشتن آنان از ظلم و فساد ، امیدوار بود و در مجازات آنان شتابی نداشت .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

حرف <سوف> برای آینده است

و فعل های شرط (<آمن> و <عمل>) در آیه بعد، قرینه این است که ذی القرنین، به احتمال ایمان آوردن ظالمان، در مجازات آنان تعجیل نکرده است.

صفات مکذبان کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۱

۱ - پرخاش به یتیمان و راندن آنان از نزد خود، از کسی سر می زند که جزای آخرت را دروغ می پندارد.

فذلک الذی یدع الیتیم

<ذلک>، اشاره به کسی است که آیه قبل او را تکذیب کننده روز جزا معرفی کرد. <دع> (مصدر <یدع>)، به معنای دور ساختن با خشونت است (قاموس). تعبیر <ذلک الذی...> که مبتدای معرفه در کنار خبر معرفه ای قرار گرفته که بر جنس دلالت دارد بیانگر حصر است.

ظلم تخفیف کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۷

۷- تغییر حکم و تخفیف کیفر بایسته ظالمان، ظلمی به دیگران و دور از ساحت خدا *

ما یدل القول لدی و ما أنا بظلم للعبید

برداشت بالا- بدان احتمال است که <و ما أنا بظلام..> تعلیل <ما یدل...> باشد؛ یعنی، چون تبدیل حکم و تخفیف مجازات به حق مجرمان، موجب ظلم به بندگان صالح و ستمدیده می شود، در نظام الهی چون ظلمی نیست تبدیل قول هم نخواهد بود.

ظلم کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۷

۱۷ کیفر انسان ها، قبل از تبیین حق و باطل برای آنان، ظلم و دور از ساحت

قدس خداست .

أَتْتَهُمْ رَسُولَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ

نفی ظلم از خدا و متفرع شدن آن بر وجود بینات، بیانگر این نکته است که: در صورت ارائه نشدن دلایل روشن، به هلاکت رساندن انسانها ظلم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۷

۷ - مؤاخذه بندگان ، قبل از بیان و اتمام حجت بر ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند است .

و ما أهلكنا من قرية .. ذكري و ما كنا ظلمين

مفاد مطلب یاد شده، همان <قبیح عقاب بلا بیان> است که از آیه مورد بحث استفاده می شود.

ظلم کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۲

۱۲ مجازات بی گناهان به جای مجرمان ، گناه و از مصادیق ظلم است .

قال معاذ الله .. إنا إذا لظلمون

عبرت از کیفر دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو ...) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یاد شده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

عبرت از کیفر زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۵

۱۵- پیشگیری از ارتکاب فحشا و عبرت آموزی ، فلسفه تشریح کیفر زنا و اجرای آن در ملأ عام

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. و ليشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

برداشت یاد

شده، به خاطر این است که مشاهده کیفر زنا، بی تردید باعث عبرت گیری و موجب پیشگیری از ارتکاب به آن خواهد شد.

عبرت از کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱

۱- سرزنش خداوند از ستمگرانی که از کیفر ستم پیشگان پیش از خود و مثل های الهی ، پند نگرفتند و درس نیاموختند .

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم و تبین لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثال

عبرت از کیفر های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۲ - ۱۰

۱۰- کیفر های دنیوی ، بیدارباشی برای غافلان است .

و أُحِيطَ بِشُمْرِهِ .. يَقُولُ يَلِيتَنِي لِمَ أَشْرَكَ بِرَبِّي أَحَدًا

عدالت در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۳،۵

۳ آگاهی کامل خداوند به ناچیزترین اعمال ، تضمین کننده عدالت در مجازات ها و پاداش های الهی

كَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا. إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

ظاهراً جمله <ان الله .. >، نتیجه ای است مترتب بر آگاهی خداوند. یعنی چون خداوند آگاه به تمامی جهات است، ظلم نمی کند. زیرا از ریشه های ظلم، جهل است.

۵ مجازات های الهی ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَ إِنَّ تَكَّ حَسَنَةً يَضَاعِفُهَا

جمله <وان تک حسنه > عطف بر جمله ای مقدر است ؛ یعنی <ان تک سیئه فلا یجزی الا مثلها و ان تک حسنه .. >.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۶،۱۱

۶ نظام کیفر و جزای الهی ، دور از هرگونه تبعیض و بی عدالتی است .

من يعمل سوءاً یجز به

۱۱ ضرورت پرهیز از هرگونه تبعیض ، در اجرای مقررات و قوانین جزایی

من يعمل سوءاً یجز به

جمله <من يعمل...> دارای مضمونی عام و کلی است و شامل کیفرهای دنیوی نیز می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۸

۸ در نظام جزا و پاداش الهی کمترین ستمی راه ندارد .

من يعمل سوءاً یجز به .. فأولئك یدخلون الجنة و لا یظلمون نقیراً

<نقیر> به فرو رفته گی در هسته خرما گفته می شود و کنایه از چیز اندک و حقیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۳،۶

۳ عقوبتهای خدا عادلانه و پاداشهای وی جلوه ای از فضل اوست.

من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها

۶ کیفر دادن گنهکاران به اندازه گناهشان ستم بر آنان نیست.

و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۲

۲ کیفر الهی در مورد گنهکاران ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

ذلك بما قدمت ايديكم و ان الله ليس بظلم للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۵۴ - ۱۳

۱۳ در نظام جزايي خداوند ، حتى

به ستمگران هم ظلم نخواهد شد .

و لو أن لكل نفس ظلمت .. قضی بینهم بالقسط و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ لزوم پرهیز از ملاحظه نسب و حسب انسان ها در اجرای کیفرها و مجازات های مطرح شده در دین

و أهلك إلا من سبق عليه القول

بیان این بخش از داستان نوح(ع) (احمل فیها.. أهلك إلا من سبق علیه القول) رساننده این پیام است که: نباید به خاطر خویشی خطاکاران حتی با افراد برجسته ای چون پیامبران ، از کیفر آنان چشم پوشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۱

۲۱ در اجرای کیفرها و مجازات تعیین شده برای گنه کاران ، نباید حسب و نسب آنان را ملاحظه کرد .

إلا امرأتک إنه مصیبا ما أصابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۵

۱۵- توجه به حاکمیت عدل بر نظام کیفر و پاداش اخروی ، گرایش دهنده انسان ها به انجام اعمال و رفتار خوب و دارای پاداش

فمن أوتی کتبه بیمینه .. و لایظلمون فتیلاً

از اینکه خداوند، نظام پاداش دهی خود را در قیامت، برای مردم تشریح می کند، می تواند به منظور تشویق انسانها به انجام اعمالی باشد که پاداش الهی را در پی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۲ - ۵

۵- پاداش اعمال در قیامت ، عادلانه و به دور از هرگونه نقص و کاستی

است .

و من يعمل .. فلا يخاف ظلماً ولا هضماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الأليم . و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۲،۳

۲ - تناسب و مطابقت کامل کیفر و پاداش الهی ، با رفتار و کردار بندگان

و وقیت کل نفس ما عملت

حذف مضاف در <ماعملت> که در اصل <جزاء ماعملت> است می تواند گویای این نکته باشد که جزای الهی، آن چنان با رفتار بندگان تناسب و مطابقت دارد که گویا، آنچه داده می شود خود عمل است نه جزای آن.

۳ - پاداش و کیفر مطابق و متناسب با رفتار ، پاداش و کیفری است عادلانه و به حق .

و هم لایظلمون . و وقیت کل نفس ما عملت

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، به منزله بیان برای جمله <و هم لایظلمون> می باشد، یعنی، ظلم نشدن در حق بندگان به این خاطر است که هر کسی مطابق آنچه انجام داده، جزا خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - خداوند با کافران بد کردار در قیامت ، بر مبنای عدل و با مؤمنان نیک کردار بر اساس فضل و لطف خویش برخورد خواهد کرد .

من عمل سیئه فلا یجزی إلا مثلها و من عمل صلحاً .. و هو مؤمن

... یرزقون فیها ب

برداشت یاد شده از آن جا است که مجازات گناه کاران، تنها به میزان گناه آنان است و ولی پاداش مؤمنان نیک کردار، بی شمار و افزون بر استحقاق آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۶ - ۵

۵ - عدالت در نظام مجازات و پاداش ، از شؤون ربوبیت الهی است .

و ما رَبِّكَ بظَلَمٍ للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۵

۵ - قصاص و مجازات بدی و خطا ، باید مطابق و مماثل با خطا باشد و نه متفاوت با آن

و جزؤا سیئه سیئه مثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۷

۷- عدل الهی در کیفر کافران ، مورد اقرار خود آنان ، در قیامت

ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

<هذا> اشاره به عذاب کافران است و مصداق بارز <حقّ> در زمینه مجازات، <عدل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۹

۹ - جزای عادلانه به بدکرداران و پاداش برتر و افزون بر استحقاق به نیکوکاران ، عملی ارزشمند و خداپسندانه

لیجزی الذین أسوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۹ - ۳

۳ - مجازات های سخت مجرمان در قیامت ، براساس محاسبه و سنجشی عادلانه و به دور از گزاف و ظلم است .

یوم یسحبون .. إنا کلّ شیء خلقنه بقدر

با توجه به ارتباط

این آیه با آیه قبل که در زمینه مجازات سخت مجرمان در قیامت است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۴

۴ - در دیدگاه مؤمنان جن ، ایمان آورندگان به ربوبیت خدای یکتا ، از نقصان حق خویش و یا ستم شدن در مجازات ، بیم نداشته و در امان اند .

فمن يؤمن برّبه فلا يخاف بخسًا ولا رهقًا

<رَهَقَ> در معانی <سفاهت> ، <گناه> ، <کذب> و <ظلم> به کار می رود؛ ولی در این آیه معنای اخیر مراد است.

عدالت در کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۲

۱۲ کیفر و پاداش الهی در قیامت ، بر پایه قسط و عدل است

ثم يعيده ليجزى . . . بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۲

۲ خداوند در قیامت ، در کیفر دادن بدکاران به عدل و در پاداش دادن به نیکوکاران به فضل ، رفتار خواهد کرد .

لذین أحسنوا الحسنی و زیاده . . . و الذین کسبوا السيئات جزاء سيئه بمثلها

تعبیر <الحسنی> و <زیاده> در مورد پاداش نیکوکاران بیانگر فضل و عبارت <جزاء سيئه بمثلها> در مورد کیفر بدکاران بیانگر عدالت و نفی ظلم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۳

۳ - کیفر های الهی در روز رستاخیز ، بر پایه حق و عدل و به دور از هر شایبه ظلم

و بی دادگری

یومئذ یوفیهم الله دینهم الحقّ

<الحقّ> در جمله <دینهم الحقّ> صفت برای <دین> است؛ یعنی، جزای عادلانه و به حق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۵

۵ - هر عمل نیک در جهان آخرت، دارای پاداش افزون و هر عمل بد دارای کیفر متناسب با آن خواهد بود.

من جاء بالحسنة... و من جاء بالسيئة

<ال> در <الحسنة> و <السيئة> برای جنس و مفید استغراق است. بنابراین <من جاء بالحسنة>؛ یعنی، <هر کس هر عمل نیک بیاورد> و <من جاء بالسيئة>؛ یعنی، هر کس هر عمل بد بیاورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۱

۱ - هر کس جزای اعمال خویش را در قیامت به طور کامل و بی کم و کاست، دریافت خواهد کرد.

و وقّیت کلّ نفس ما عملت

<توفیه> (مصدر <وقّیت>) به معنای دادن کامل و بی کم و کاست چیزی است.

عظمت کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۳ - ۴

۴ - کیفر و عذاب خداوند در آخرت، بزرگ تر و با عظمت تر از عذاب و کیفر دنیوی او است.

و لعذاب الآخره أكبر

عفو از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۹ - ۷

۷ عفو خداوند ، در عین قدرت او بر انتقام و کیفردهی

فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا

عقیده یهود به کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۵ - یهودیان ، معتقد به قیامت و گرفتار شدن گنهکاران به آتش دوزخ

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده

علم و کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۴ - ۲

۲ افترا و دروغ بستن آگاهانه به خداوند (بدعت) ، ظلمی است بزرگ .

فمن افترى . . . فاولئك هم الظالمون

ضمیر فصل، دلالت بر بزرگی ظلم می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۹ - ۹

۹ مقتضای حکمت الهی ، عقابِ خطاکاران پس از بیان احکام و ارائه ادله روشن است .

فان زللتم من بعد ما جاء تکم الیئینات . . ان الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۸

۸ انحراف ، پس از آمدن آیات الهی ، موجب کیفر سخت خداوند

و من یبدل نعمه الله . . فان الله شدید العقاب

عمومیت کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۱

۱ - نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

اليوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت>؛ یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

عوامل ازدیاد کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۴ -

۸- ارتکاب فحشا از روی آگاهی ، دارای زشتی و جرم بیشتر

أتأتون الفحشه و أنتم تبصرون

عوامل تشدید کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۳،۴،۵

۳ - موقعیت افراد ، در برخورداری شان از پاداش و کیفر الهی ، نقش دارد .

و إن كنتن تردن الله .. فإن الله أعد... أجرًا عظیمًا... من یأت منکن بفحشه

۴ - تظاهر به کارهای ناشایست ، موجب تشدید عذاب می شود .

من یأت منکن بفحشه مبینة یضعف لها العذاب ضعفین

۵ - انتساب به پیامبر (ص) ، نه تنها موجب تخفیف کیفر گناهکار نمی شود ، بلکه باعث تشدید آن هم می گردد .

من یأت منکن بفحشه مبینة یضعف لها العذاب ضعفین و کان ذلک علی الله یسیرا

احتمال دارد ذکر <و کان ذلک علی الله یسیرا> برای دفع یک توهم باشد. آن توهم این است: <موقعیت همسران پیامبر، به دلیل انتساب شان به آن حضرت، مانع از چنین عذابی می شود>. خداوند برای دفع این توهم پاسخ داده است که <چنین نیست و آن عذاب برای خداوند سهل و آسان است>.

عوامل رفع کیفر قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۳

۳ - توبه نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن در صورت اصلاح رفتار خویش و جبران ضرر و زیان وارده بر متهمان موجب رفع مجازات فسق و عدم پذیرش شهادت از آنان می شود .

والذین یرمون المحصنت .. أولئک هم الفسقون . إلا الذین تابوا من بعد ذلک و أ

فوق، مبتنی بر این نکته است که پذیرش توبه، شامل تمامی مجازات های مطرح شده در آیه قبل برای تهمت زندگان شود؛ ولی حدّ قذف (صد تازیانه) را به خاطر وجود دلیل خاص قطعی شامل نخواهد شد.

عوامل کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۰

۱۰- کیفر و پاداش الهی تنها در برابر مکتسبات و اعمال ارادی انسان است، نه در مقابل امور ذاتی و فطری

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

تصریح به اینکه کیفر و پاداش الهی در برابر کسب و تلاش خود انسان است (ما کسبت)، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۷

۷- کفر به خداوند، موجب کیفر شدن به وسیله بلا های طبیعی

فیرسل علیکم قاصفاً من الريح فیغرقکم بما کفرتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۷ - ۲

۲- تبعید رسولان الهی، دارای عقوبت سخت دنیوی

إذا لایلبثون خلفک إلاّ قلیلاً سنّه من قد أرسلنا قبلك من رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - پاداش دیدن و به کیفر رسیدن انسان ها، محصول کردار و تلاش خود آنها است.

لتجزی کلّ نفس بما تسعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ کیفر و عذاب الهی برای انسان ها ، بازتاب و نتیجه عمل خود آنان است .

و لقد استهزئ .. فحاق بالذین سخروا منهم

ما كانوا به يستهزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۹ - ۴

۴ - کیفر های الهی ، بازتاب عملکرد خود انسان ها است .

فكذبوه فأخذهم عذاب يوم الظلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۵

۵ - ارتکاب گناه ، ظلم و درپی دارنده کیفر الهی

لا يخاف لدي المرسلون . إلا من ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۲

۲ - برخورد مستکبرانه با آیات الهی ، عذاب آور است .

و إذا تتلى عليه آيتنا ولى .. فبشره بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۹

۹ - حفظ و نکوداشت امانت الهی پاداش دارد و تضييع آن عذاب آور است .

إنّا عرضنا الأمانة .. ليعذب الله المنافقين ... و يتوب الله على المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۵، ۳

۳ - روی گردانی از آیه خدا ، مجازات الهی را درپی دارد .

لقد كان لسيا في مسكنهم آيه .. فأعرضوا ... ذلك جزينهم

۵ - كفران نعمت های خداوند ، کیفر در پی دارد .

و اشکروا له .. فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم... ذلك جزينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۰

۲۰ - پذیرفتن عقیده کفرآلود ولو با فریب و دستور دیگران کفر تلقی شده و کیفر دارد .

و قال الذين استضعفوا للذين

استکبروا .. تأمروننا أن نكفر بالله و نجعل له أنداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۵ - ۷

۷ - > عن أبي عبدالله (ع) قال : معناه إتقوا ما بين أيديكم من الذنوب و ما خلفكم من العقوبه ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: معنای <و إذا قيل لهم اتقوا ما بين أيديكم و ما خلفكم> این است که بپرهیزید از گناهانی که در پیش رو دارید و از کیفرهایی که به دنبال شما است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۲

۲ - روح طغیان و حق ناپذیری ، عامل دوزخی شدن و استحقاق کیفر الهی

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علينا قول ربّنا إنّنا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۵

۵ - انتساب به خوبان (چونان پیامبران) ، هیچ تأثیری در سرنوشت اخروی و کیفر و پاداش الهی ندارد .

إذ نجّينه و أهله أجمعین . إلاّ عجزوا فی الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۷

۷ - نسبت ها ، نزدیکی ها و پیوند های خویشاوندی ، هیچ تأثیری در سرنوشت بندگان و مجازات آنان ندارد .

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا و لقد علمت الجنّه إنّهم لمحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۷

۷- مبتنی بودن جزای الهی بر عملکرد خود انسان ، پیام مشترک

أم لم يتبأ بما في صحف موسى . و إبراهيم ... و أن ليس للإنسن إلا ما سعى ... ثم
از ارتباط آیات شریفه، مطلب بالا استفاده می شود.

عوامل کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۸

۱۸ - عالمان دینی در صورت بی توجهی به تعالیم کتاب های آسمانی ، سزاوار توبیخ و ملامت بوده و در قیامت بسزای
کردارشان خواهند رسید .

قالت اليهود .. و هم يتلون الكتب ... فالله يحكم بينهم يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۲ - ۶

۶ مجازات انسان در قیامت ، محصول دستاورد های دنیوی خود اوست .

هل تجزون إلا بما كنتم تكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۶

۶- رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت است .

ليجزي الله كل نفس ما كسبت

از اینکه خداوند در پاداش و کیفر مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخت (ما کسبت)، استفاده می شود که همین اساس
پاداش و کیفر آدمیان است نه چیز دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۳

۱۳- فسادانگیزی ، گناهی بزرگ و در پی دارنده مجازات دنیوی و اخروی خداوند است .

و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنم للكافرين حصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۱۰

۱۰ - پاداش و کیفر

انسان در قیامت ، برخاسته از کردار دنیوی او است .

فنیستها .. الیوم تنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۵

۵ - کیفر های اخروی و آتش دوزخ ، ظهور و بروز کردار بد خود آدمی

هل تجزون إلا ما کنتم تعملون

جزا دیدن انسان با نفس عمل خود (ما کنتم تعملون) بیانگر این معنا است که ماهیت عمل زشت، خود آتش است که در قیامت برای انسان آشکار می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ - تخلف از دستورات خداوند ، در پی دارنده کیفر الهی در جهان آخرت

و له الحکم و إلیه ترجعون

قید <إلیه ترجعون> پس از <له الحکم> تهدید به کسانی است که از اجرای دستورات و قوانین الهی سرپیچی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۹

۹ - شرک و کفر به خدا ، مؤاخذه و کیفر اخروی در پی دارد .

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربهم .. و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۸

۸ - کیفر و عذاب الهی در قیامت ، نتیجه و بازتاب رفتار و کردار زشت خود انسان ها است .

و قيل للظلمين ذوقوا ما كنتم تكسبون

خداوند متعال در این جا چشیدن عذاب را به خود رفتار و کردار نسبت داده است. این مطلب گویای این حقیقت است که عذاب، نتیجه و حاصل خود رفتار آدمی است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۲،۳

۲ - کیفر و پاداش الهی در قیامت ، معلول چگونگی رفتار خوب و بد انسان ها است .

اليوم تجزى كل نفس بما كسبت

<باء> در <بما كسبت> برای سببیت است؛ یعنی، <تجزی بسبب ما كسبت و جزاء مناسباً لما كسبت>.

۳ - رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت

اليوم تجزى كل نفس بما كسبت

از این که خداوند در پاداش و کیفر، مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخته است (بما كسبت) استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است؛ نه چیز دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۱

۱۱- کیفر کافران در قیامت ، نتیجه عملکرد خود آنان

قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۵

۵ کیفر های اخروی نتیجه قهری عملکرد خود کافران ، و نه ظلمی از سوی خدا بر ایشان

قدّمت إلیکم بالوعید .. و ما أنا بظلم للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۶

۶ - پاداش ها و کیفر های آخرت ، چیزی جز کردار انسان نیست .

يصدر الناس أشتاتاً ليروا أعمالهم

عوامل كيفر اخروي بنى نضير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۴ - ۲

۲ - مجازات اخروي بنى نضير ، معلول ستيزه جويى آنان با خدا و

و لهم في الآخرة عذاب النار . ذلك بأنهم شاقوا الله ورسوله

عوامل کیفر اقوام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - استمرار و اصرار ملت ها بر انحراف و حق ستیزی ، عامل مجازات آنان از سوی خداوند

لیجزی قومًا بما كانوا یکسبون

تعبیر <كانوا یکسبون> استمرار را می رساند و برداشت بالا در صورتی استفاده می شود که <قومًا> نظر به کافران و منکران <ایام الله> داشته باشد.

عوامل کیفر دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت و کیفر الهی قرار گرفتند .

كذبت قبلهم قوم نوح .. لیدحضوا به الحق فأخذتهم

۱۱ - مجادله و ستیزه جویی با حق ، عقوبت الهی در دنیا را در پی دارد .

و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحق فأخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۷

۷ - استکبار و عناد در برابر آیات الهی ، موجب استحقاق کیفر دنیوی

فاستکبروا .. و كانوا بآیتنا یجحدون . فأرسلنا علیهم ریحا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۳

۳ - روی گردانی از یاد خدا ، موجب استحقاق کیفر دنیوی است .

و من يعيش عن ذكر الرحمن .. فإنا منهم منتقمون . أو نريئك الذي وعدنهم

عوامل کیفر قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِم سِيلَ الْعَرَمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ .. ذَلِكُمْ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش، احتمال دارد مراد از <کفروا> کفران باشد.

۲ - خداوند ، مردم سبأ را به خاطر کفرشان با فرستادن سیلی بنیان کن مجازات کرد .

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِم سِيلَ الْعَرَمِ .. ذَلِكُمْ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که <کفروا> به همان معنای مشهور (کفر ورزیدن) باشد.

عوامل کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۴ - ۳

۳ - انسان های گنه کار ، مستحق کیفر الهی و در معرض هلاکت و نابودی به واسطه اعمال ناشایست خویش

أَوْ يُوْبَقِهِنَّ بِمَا كَسَبُوا

عوامل کیفر های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۳

۱۳ - فسادانگیزی ، گناهی بزرگ و در پی دارنده مجازات دنیوی و اخروی خداوند است .

وَ إِنِ عَدْتُمْ عَدْنَا وَ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا

عوامل کیفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- تکالیف فزون تر یهود در مقایسه با دیگر امت ها ، برای کیفر و مجازات آنان بود نه به خاطر دفع ضرر و مفسده از آنان .

و علی الذین هادوا حرّما

تحریم هر چیزی در دین برای دفع مفسده و ضرر است و تحریم اختصاصی

برای یهودیان، این مطلب را می‌رساند که این تحریم به خاطر امر دیگری است و گرنه برای همه مکلفان حرام می‌شد و جمله <لکن کانوا أنفُسهم یظلمون> نشان می‌دهد که فلسفه این تحریم، کیفر ظلم آنان بود. گفتنی است که در جمله <جزیناهم بیغیهم> (در آیه ۱۴۶ سوره انعام) به این مطلب تصریح شده است.

عوامل مصونیت از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۰ - ۲

۲ توبه، ایمان و عمل صالح، موجب مصونیت انسان گناه کار از عذاب و کیفر الهی است.

یضعف له العذاب .. إلا من تاب و ءامن و عمل عملاً صلحاً

عوامل مصونیت از کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۸ - ۴

۴ - عبودیت خالصانه برای خدا، موجب نجات از بازخواست و عذاب الهی در قیامت

فإنهم لمحضرون . إلا عباد الله المخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۰ - ۴

۴ - عبودیت خالصانه برای خدا، موجب رهایی و معافیت از احضار شدن برای کیفر و مجازات در قیامت

إنهم لمحضرون .. إلا عباد الله المخلصین

عوامل مؤثر در کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۳

۳ عقیده و جهان بینی درست و نادرست انسان ها، تأثیرگذار در مقدار مجازات گناهانشان در قیامت

يضعف له العذاب يوم القيمة

وضع مجازات دو چندان و دائمی برای مشرکانی که مرتکب آدم کشی و زنا شوند

و دایمی و دوچندان نبودن مجازات همین گناهان در صورتی که گناه کار مؤمن باشد، گویای این حقیقت است که ایمان و کفر و عقیده حق و باطل، در میزان مجازات بزه کاران مؤثر است.

عوامل نجات از کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۹

۹ - رهایی از عذاب و کیفر الهی در روز قیامت، جز با در دست داشتن دلیل و حجت شرعی برای هیچ کس میسر نیست.

فانفذوا لاتنفذون إلاّ بسطن

یکی از کاربردهای <سلطان>، حجت و برهان است (لسان العرب). برداشت یاد شده مبتنی بر این کار برد و نیز مرتبط بودن آیه شریفه با مسأله قیامت است.

غفلت از کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لكم أیه الثقلان . فبأی ءالاء ربکما تکذبان

استفهام در <فبأی ءالاء> توییحی است و تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

فرجام غفلت از کیفر عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۹

۹ - تباهی و هلاکت، فرجام بی توجهی به آخرت و بی اعتنایی به جزای اعمال است.

فلایصدنک عنها .. فتردی

<تردی> از <ردی> به معنای هلاکت مشتق است و پی آمد شبهه افکنی های منکران معاد

را بیان می کند.

فلسفه تأخیر کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۶

۶ - بقای نسل انسان و تداوم حیات زندگان در کره زمین ، فلسفه به تأخیر افتادن کیفر گناه کاران و کافران تا قیامت

و لو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك على ظهورها من دابّه و لكن يؤخّرهم إلى آج

فلسفه تأخیر کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۷

۷- تأخیر کیفر ستمگران از سوی خداوند تا روز قیامت ، جهت تشدید مجازات آنان است .

و لا تحسبن الله غفلاً عمّا يعمل الظلمون إنما يؤخّرهم ليوم تشخص فيه الأبصر

از اینکه خداوند متعال کیفر ستمگران را تا روزی سخت و هولناک به تأخیر انداخت، حکایت از شدت مجازات آنان دارد

چون اگر آن مجازات در دنیا اتفاق می افتاد به این مقدار سخت نبود. بنابراین، تأخیر کیفر ظالمان به نفع آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۱۲

۱۲- اجل مقرر داشتن انسان های ظالم ، دلیل به تعویق افتادن مؤاخذة و عقوبت آنان

و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم .. و لكن يؤخّرهم إلى أجل مسمّى

فلسفه قوانین کیفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۷

۱۷ - اجرای قوانین و مقررات کیفری ادیان الهی - هر چند کیفری همانند کشته شدن باشد - تضمین کننده خیر و سعادت
خطاکاران است .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

فلسفه کیفر

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱۲

۱۲ مجازات نکردن ستمگران ، ظلم بر ستمدیدگان است .

ذوقوا عذاب الحریق . . . ذلک بما قدّمت ایدیکم و انّ الله لیس بظلام للعبید

برداشت فوق مبتنی است بر احتمال اوّل (عطف <انّ الله... > بر <ما قدّمت >)، است.

فلسفه کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۶

۶ گذر از موقف های قیامت (حسابرسی ، کیفر ، پاداش و ...) غرض از گردآوری همگان در صحنه قیامت است .

ذلک یوم مجموع له الناس

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که <لام > در <له > برای بیان غایت و غرض باشد. بر این اساس مفاد جمله <ذلک

یوم... > چنین می شود: روز قیامت روزی است که خداوند ، همگان را برای گذر از موقفهای آن روز گردآوری می کند.

فلسفه کیفر قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۶

۶ جلوگیری از پیامد سنگدلی های افسار گسیخته ، فلسفه وضع مجازات سنگین برای قتل و آدمکشی

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل . . . فکانما قتل الناس جمیعاً

فلسفه کیفر متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۴ - ۵

۵ - کیفر تجاوزگران ، در راستای ربوبیت الهی و هموار ساختن راه رشد برای بندگان است .

مسوّمه عند ربّك للمسرفين

تعبیر <عند ربّك>، ممکن است اشاره به این جهت داشته باشد که مقام پروردگاری

و تربیت خلق و رشد انسان ها، مقتضی آن است که موانع تکامل و رشد از میان برداشته شود.

فلسفه کیفر های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۱۵

۱۵ - کیفر های دنیوی الهی ، برای اصلاح انسان ها است .

ليذيقهم بعض الذي عملوا لعلهم يرجعون

قاعده قبح کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۴

۴ مؤاخذه کفار به جرم مبارزه با اسلام ، پیش از ارائه معارف الهی قرآن به آنان و تمام شدن حجت بر ایشان ، ممنوع است .

و خذوهم و احصروهم .. و إن أحد من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلم الله

قاعده کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۱۰

۱۰- عقاب و کیفر دادن بر هر عملی بدون بیان زشتی و خلاف بودن آن عمل ، زشت و ناپسند است .

و ما كنا معذبين حتى نبعث رسولا

اینکه خداوند فرمود: <ما بدون اینکه رسولی برای تبیین حقایق برای مردم بفرستیم، عذاب و کیفرشان نمی کنیم> احتمال دارد به جهت این داوری عقل باشد که: <عقاب بدون بیان زشت و قبیح است>.

قانونمندی کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کیفر شدن در قیامت ، پس از اتمام حجت و ارائه راه درست و حق به بندگان در دنیا است .

و نقول للذین ظلموا ذوقوا عذاب النار . . . و إذا

تتلی علیهم ءایتنا بیئت ... و ق

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند پس از نقل عذاب شدن ظالمان، مسأله ارائه حق و تلاوت آیات الهی بر آنان را مطرح ساخته است.

قانونمندی کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۶ - ۲

۲ - کیفر کافران ، به دنبال اتمام حجت های مکرر بر آنان

ثمّ جاءهم ما كانوا یوعدون

<کانوا یوعدون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که خداوند، حجت خویش را بر کافران بارها تمام کرده و مرتباً آنان را به فرجام شوم کفرورزی هشدار داده است.

قانونمندی کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۶

۶- مجازات اقوام مجرم ، پس از اتمام حجت و اعطای ابزار لازم شناخت ، به ایشان است .

كذلك نجزي القوم المجرمين . . . و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده

تذکر به اعطای چشم، گوش و قلب به قوم هلاک شده عاد، در حقیقت اشاره به این است که هلاکت آنان، پس از قرار گرفتن امکانات معرفت در اختیار ایشان و اتمام حجت بر آنان، صورت گرفته است.

قانونمندی کیفر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۳

۳- کیفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نهران کاری های خائنانه آنان

وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اِسْرَارَهُمْ . فَكَيْفَ اِذَا تَوَقَّعْتَهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ

از ارتباط عبارت <فكيف إذا..> که بیانگر کیفر سخت منافقان است با ذیل آیه قبل (وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اِسْرَارَهُمْ) استفاده می شود که علم

و آگاهی خداوند، پشتوانه کیفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

قوانین کیفری در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۸

۸ حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

کیفر آخرت فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۳

۳ - برگزیدن دنیا در قبال از دست دادن آخرت ، در پی دارنده عذابی تخفیف ناپذیر است .

أولئك .. فلا يخفف عنهم العذاب

کیفر آخرت فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۳

۳ - برگزیدن دنیا در قبال از دست دادن آخرت ، در پی دارنده عذابی تخفیف ناپذیر است .

أولئك .. فلا يخفف عنهم العذاب

کیفر ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۵

۵- اغوای ابلیس از سوی خداوند ، کیفر تمرد وی از فرمان الهی بود .

رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي

بی تردید، گمراه شدن ابلیس از جانب خداوند، پس از سرپیچی او از سجده بر آدم(ع) بود و این می رساند که این گمراهی، جنبه کیفری داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۵

۵- دوزخ ، کیفر قطعی ابلیس و پیروان وی

فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ

کیفر اختلاف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۹

۱ تهدید الهی نسبت به کسانی که پس از اتمام حجّت ، اقدام به تفرقه در جامعه اسلامی می کنند .

یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان .. فان زللت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۲۴

۲۴ آتش دوزخ ، سرانجام تفرقه و دشمنی انسان ها نسبت به یکدیگر *

و کنتم علی شفا حفره من النار فانقذکم منها

محتمل است منظور از <النار>، آتش دوزخ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱،۱۳

۱ کیفر سخت پویندگان راه اختلاف و تفرقه ، در روزی خواهد بود که چهره هایی سفید و چهره هایی سیاه می شود .

و اولئک لهم عذاب عظیم. یوم تبيضّ وجوه و تسودّ وجوه

<یوم تبيضّ>، متعلق به <لهم عذاب عظیم> است.

۱۳ بازخواست و سرزنش مؤمنانی که پس از اتحاد در پرتو دین ، به پراکندگی و تفرقه گراییدند .

و لا تکنونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات .. اکفرتم بعد ایم

ارتداد (اکفرتم ..)، به قرینه آیه قبل، همان تفرقه و اختلاف مسلمانان پس از اتحاد آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۵

۵ جنگ های داخلی میان مسلمین ، ظلم و تجاوز و موجب استحقاق عذاب اخروی است .

و لا تقتلوا انفسکم .. و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

۱۱ خداوند ، مخالفان پیامبر (ص) و تفرقه افکنان در جامعه ایمانی را از ولایت خویش خارج و به حال خودشان رها می سازد .

و من یشاقق الرسول . . . و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولى

۱۶ تفرقه افکنی در صفوف جامعه ایمانی ، موجب عذاب جهنم

و من . . . یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولى و نصله جهنم

کیفر اختلاف افکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۸

۸ خداوند تعیین کننده کیفر و سرنوشت شوم خلافکاران و تفرقه افکنان

إنما أمرهم إلى الله

کیفر اختلاف دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۱۶

۱۶ - عذاب حتمی و گریزناپذیر در آخرت ، سرنوشت تفرقه آفرینان و اختلاف افکنان در دین

لولا کلمه . . . إلى أجل مسمى لقضى بينهم

برداشت فوق از مفهوم غایت استفاده شده است.

کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ قیامت ، روز دریافت کامل نتیجه اعمال (کیفر و پاداش)

ثُمَّ تَوْفَىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ

<توفی> به معنای دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۰

۱۰ رستخیز برای انسان ، عرصه دریافت کامل سزای کردار خویش

ثُمَّ تَوْفَىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ

۱ <توفی> از مصدر <توفیه> به معنای پرداخت و دریافت کامل است. ۲ در برداشت بالا، بنابر گفته

برخی از مفسران، کلمه <جزاء> قبل از <ما کسبت> مقدر گرفته شده است؛ یعنی <توفی جزاء ما کسبت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۵

۱۵ تناسب عذاب و عقوبت اخروی، با گناه و عصیان

سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

طوق شدن اموال بخیلان بر گردن آنان به دلیل دلدادگی و وابستگی شدید آنان به اموال می باشد، و این حاکی از تناسب عذاب آخرت با گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱

۱ عذاب سخت یهود در آخرت، دستاورد اعمال ناروای آنان (نسبت دادن فقر به خدا و کشتن انبیا)

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۹

۹ <یوم القیمه>، از اسامی روز جزای اعمال

و انما توفون اجورکم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۹

۲۹ اعتقاد به قیامت و کیفر و پاداش در آن، پیامد اعتقاد به باطل نبودن و هدفدار بودن آفرینش

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک فقنا عذاب النار

کلمه <فا> در <فقنا ..>، بیانگر این معناست که خردمندان با نفی بطلان در آفرینش و اعتقاد به هدفداری جهان به این نتیجه رسیده اند که باید قیامت و روز جزا و پاداشی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹

۹ عقوبت دنیوی و اخروی در کمین پایمال کنندگان حقوق یتیمان

ولیکش الذین لو ترکوا من خلفهم .. فلیتقوا الله

جمله <ولیکش .. >، اشاره به کیفر دنیوی است و جمله <فلیتقوا الله> (از خدا بترسید)، دلالت بر استحقاق عقوبت اخروی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ اجرای حدود و مجازات های دنیوی ، مستلزم رهایی از عذاب اخروی نیست .

لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۴

۴ آتش دوزخ کیفری بس سهمگینتر از عقوبت های الهی در دنیا

ذلکم فذوقوه و أن للکفرین عذاب النار

استفاده از کلمه ذوق (چشیدن) درباره عذاب دنیا، در مقابل عذاب دوزخ، بیانگر این است که عقوبتهای دنیوی تنها مضمضه ای از عقوبت و مقدمه ای برای عذاب اصلی و کامل که همان عذاب دوزخ است، می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۷

۷ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

أنهم إلى ربهم رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۶،۷

۶ - سازندگان و طراحان < افک > ، مورد خشم شدید خدا و گرفتار کیفر سخت او در جهان آخرت

یومئذ یوفیهم الله دینهم الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه ۲۳ تا ۲۵ نیز از جمله آیات مربوط به قضیه < افک > باشد.

۷ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش است

یومئذ یوفیهم اللّٰه دینهم الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۱

۱ - جهان آخرت ، سرای کیفر و پاداش است .

من جاء بالحسنه فله خیر منها و من جاء بالسیئه فلا یجزی . . . إلا ما كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۱ - ۳

۳ - عالم آخرت ، عالم کیفر و رحمت است .

ثمّ اللّٰه ینشی النشأه الآخره . . . یعذب من یشاء و یرحم من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

یوم الدین

<دین> در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۷

۱۷ - آخرت ، صحنه اعمال دقیق مجازات ها است ، نه دنیا .

إنّ الذین یمارون فی الساعه لفی ضلل بعید . . . من کان یرید حرث الدنیا نؤته منها و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش الهی

و فی الآخره عذاب شدید و مغفره من الله و رضون

کیفر اخروی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۳

۳- کیفر اصلی ابلیس ، در روز قیامت داده خواهد شد .

و إن علیک اللعنه إلى یوم الدین

فراز <إلى یوم الدین> به معنای تعیین غایت حقیقی

برای لعن ابلیس نیست بلکه به قرینه اینکه یقیناً برای عذاب ابلیس، به لعن بسنده نمی شود، به این معناست که تا قیامت مورد لعن است و با رسیدن قیامت، گرفتار آن چنان عذاب سختی می شود که لعن در مقابل آن ناچیز است و به حساب نمی آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۳

۳ - کیفر اصلی ابلیس ، در روز قیامت به او داده خواهد شد .

و إِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

آمدن قید <إلى يوم الدين> برای لعن ابلیس، به این معنا نیست که او در قیامت مشمول آن نخواهد بود بلکه بدین معنا است که او در قیامت، آن چنان عذابی خواهد دید که لعن شدنش فراموش گشته و چیزی به حساب نمی آید.

کیفر اخروی اختلاف افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۶

۱۶ ایجاد اختلاف و بر هم زدن وحدت جامعه از روی عمد ، دارای کیفر اخروی است .

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

کیفر اخروی استهزاگران وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۵

۵ - تهدید استهزاگران وحی از سوی خداوند به کیفر های اخروی

فَسَيَأْتِيَهُمْ أَنْبَؤُنَا مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

کیفر اخروی اشاعه فحشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۷

۷- حکم خداوند مبنی بر کیفر دنیوی و اخروی اشاعه دهندگان فحشا و سخت گیری نسبت به آنان ، ناشی

از علم و آگاهی او به حکمت و پیامد کارها و رفتارها است .

إِنَّ الَّذِينَ يَجْبُونَ أَنْ تُشْفَعَهُمْ فِي ذُنُوبِهِمْ لَنْ يَكُونُوا فِي سَعْيِهِمْ لَشَاكِرِينَ .. لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ ي

برداشت یاد شده بر اساس این نکته است که مفعول <يعلم> و <تعلمون> حکمت و پیامد همین حکم باشد؛ یعنی، شما نمی دانید که چرا خداوند تا این اندازه نسبت به اشاعه فحشا، واکنش سخت نشان می دهد و حکمت این سخت گیری چیست؟ تنها خداوند به آن آگاهی دارد.

کیفر اخروی اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۳

۲۳ تهدید اکید خداوند بر کیفر سخت دنیوی و اخروی منافقان صدر اسلام ، در صورت امتناع آنان از توبه و پافشاری بر مواضع کفرآمیز توطئه گرانه خود

فَإِنْ يَتُوبُوا .. وَإِنْ يَتُوبُوا يَعِزُّهُمْ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

کیفر اخروی اعراض از تأمین مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۳

۳ - انکار آیات الهی ، آزاد نکردن بردگان و غذا ندادن به گرسنگان یتیم و مسکین و توصیه نکردن به صبر و ترحم ، مایه گرفتاری به آتش فراگیر و گریزناپذیر

فَكَرَّ رِقَبَهُ .. وَالَّذِينَ كَفَرُوا ... عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ

کیفر اخروی اعراض از تأمین یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۳

۳ - انکار آیات الهی ، آزاد نکردن بردگان و غذا ندادن به گرسنگان یتیم و مسکین و توصیه نکردن به صبر و ترحم ،

مايه گرفتاری به آتش فراگیر و گریزناپذیر

فَكَ رَقَبَهُ .. و الذین كفروا ... علیهم نار مؤصده

کیفر اخروی اعراض از توصیه به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۳

۳ - انکار آیات الهی ، آزاد نکردن بردگان و غذا ندادن به گرسنگان یتیم و مسکین و توصیه نکردن به صبر و ترحم ، مايه

گرفتاری به آتش فراگیر و گریزناپذیر

فَكَ رَقَبَهُ .. و الذین كفروا ... علیهم نار مؤصده

کیفر اخروی اعراض از عتق برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۳

۳ - انکار آیات الهی ، آزاد نکردن بردگان و غذا ندادن به گرسنگان یتیم و مسکین و توصیه نکردن به صبر و ترحم ، مايه

گرفتاری به آتش فراگیر و گریزناپذیر

فَكَ رَقَبَهُ .. و الذین كفروا ... علیهم نار مؤصده

کیفر اخروی افترا به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۱

۱ افترا و دروغ بستن به خداوند ، مجازاتی بسیار سخت و فوق تصور را در قیامت ، در پی خواهد داشت .

و ما ظن الذین یفترون علی الله الكذب یوم القیمه

کیفر اخروی امت های هلاک شده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- حتمی بودن بازگشت امت های هلاک شده به سوی خدا برای مجازات در قیامت

كُلُّ إِنَّا رَاجِعُونَ .. و حرم علی قریه أهلکنها أَنَّهُمْ لَا یَرْجِعُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حرام> خبر

مقدم و مصدر مؤول (رجوع) در <أنهم لا يرجعون> مبتدای مؤخر باشد و هم چنین <لا> در <لا يرجعون> برای نفی و مقصود از رجوع به قرینه (كُلُّ إلینا راجعون) بازگشت به آخرت باشد، یعنی، بازنگشتن اقوام هلاک شده به آخرت، ممکن نیست؛ بلکه حتماً بازمی گردند.

کیفر اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنهم ظنوا كما ظننتم أن لن يبعث الله أحداً

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ - ۱

۱ - مشاهده نامه اعمال در قیامت ، مایه آگاهی به کردارها و پیش بینی کیفرها است .

و أمّا من أوتى .. فسوف يدعوا ثبوراً

کیفر اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱

۱- تغییر و تبدیل نظام کنونی آسمان ها و زمین به نظام دیگر در آستانه برپایی قیامت ، به منظور کیفر و پاداش انسانهاست .

يوم تبدل الأرض غير الأرض .. و برزوا لله ... لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیجزی> متعلق به <برزوا> در آیه ۴۸ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱

جهان ، مقتضی برپایی قیامت به منظور کیفر بندگان و یا پاداش به آنان

و ما خلقنا السماء .. بطلاً... أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

یادآوری برابر نبودن سرنوشت مؤمنان با مفسدان، پس از طرح مسأله بی هدف نبودن آفرینش جهان، می رساند که اگر مؤمنان و مفسدان یکسان باشند، لازم می آید که جهان آفرینش بی هدف باشد و چون جهان آفرینش هدفمند است، پس باید سرنوشت این دو گروه یکسان نباشد. و از آن جایی که در دنیا یکسان زندگی می کنند، پس باید جهان دیگری (رستاخیز) باشد که با آنان برخورد متفاوت و متناسب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم آیه الثقلان . فبأی ءالآء ربکمآ تکذبان

کیفر اخروی اهانت به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۸ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، به علت در پیش بودن عذاب اخروی ، منافقان را به خاطر اهانت هایشان به پیامبر اکرم (ص) عذاب نمی کرد .

و یقولون فی أنفسهم لولا یعدبنا .. حسبهم جهنم

کیفر اخروی بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۸

۸ - بدعتگذاری و دین سازی از سیئاتی است که در صورت توبه نکردن از آن ، عذاب همیشگی دوزخ را در پی خواهد داشت .

فویل للذین یکتبون الکتب .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

<سیئه> به دلیل <فویل للذین ..> بدعتگذاری است که اصرار بر آن موجب احاطه خطیئه بر بدعتگذار خواهد شد.

کیفر اخروی بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱،۴

۱ - سرنگون شدن و به روی افتادن در آتش دوزخ ، کیفر و فرجام بدکاران

و من جاء بالسیئه فکبت وجوههم فی النار

<کَبَّ> (مصدر مجهول <کَبَّت>) به معنای سرنگون شدن است. بنابراین <فکبت وجوههم فی النار> یعنی، آنان با صورت [توسط مأموران الهی] در آتش سرنگون خواهند شد.

۴ - سوختن چهره بدکاران به وسیله آتش دوزخ ، جزای روی گردانی آنان از آیات الهی

فکبت وجوههم فی النار هل تجزون إلا ما کنتم تعملون

از تعبیر <هل تجزون..> تناسب کیفر با گناه استفاده می شود و این تناسب، در مورد آنان که با صورت در آتش افکنده می شوند، می تواند بدان جهت باشد که آنان روی از حق برمی تافتند (ولوا مدبرین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۱

۱ - بدکاران در قیامت ، کیفر دیده و با کردار ناروای خود ، روبه رو خواهند شد .

و من يعمل مثقال ذره شراً یره

کیفر اخروی تباهی عمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ - کسانی که در دنیا عمر خود را به بطالت (بازی ، سرگرمی ، آرایش ، تفاخر ، فزون خواهی و ...) می گذرانند ، در آخرت محکوم به عذاب الهی اند .

أنما الحيوه الدنيا لعب و لهو

... و فی الآخره عذاب شدید

کیفر اخروی تکذیب آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۳

۳ - انکار آیات الهی ، آزاد نکردن بردگان و غذا ندادن به گرسنگان یتیم و مسکین و توصیه نکردن به صبر و ترحم ، مایه گرفتاری به آتش فراگیر و گریزناپذیر

فک رقبه ... و الذین کفروا ... علیهم نار مؤصده

کیفر اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم أنه الثقلان . فبأیء آلاء ربکمما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنهم ظنوا کما ظننتم أن لن یبعث الله أحدا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۸

۸ - جن ، موجودی مکلف و مسؤول و مورد مجازات الهی در آخرت

و أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدْيَ ءَامِنًا بِهِ .. فَلَا يَخَافُ بَخْسًا

ولا رهقاً

کیفر اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، روز مجازات و کیفر کفرپیشگان و حق ستیزان

و نذيقه يوم القيمة عذاب الحريق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۳

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثم فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثم> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

کیفر اخروی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم .. ثم إلی ربهم یحشرون

کیفر اخروی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ستیز در قیامت ، با غذای گلوگیر کیفر می شوند .

و المكذبين . . . و طعامًا ذا غصه

کیفر اخروی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۱

۱ - مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در کیفر و عذاب دوزخ

فإنهم يومئذ في العذاب مشتركون

کیفر اخروی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۱

مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در کیفر و عذاب دوزخ

فإنهم يومئذ في العذاب مشتركون

کیفر اخروی رهبران گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۱

۱ - مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در کیفر و عذاب دوزخ

فإنهم يومئذ في العذاب مشتركون

کیفر اخروی رهبران گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۷

۷ - پیشوایان گمراهی ، با مجازات دنیوی از مجازات اخروی معاف نخواهند شد .

في الحيوة .. لامساس وإن لك موعدا لن تخلفه

کیفر اخروی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذين لا يدعون مع الله إلهاً .. ولا يزنون و من يفعل ذلك يلق أثاماً

<ذلك> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ گناه شرک ، آدم کشی و زنا در پی دارنده اشد مجازات در قیامت

يضعف له العذاب يوم القيمة

۷ گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و يخلد فيه مهاناً

کیفر اخروی زناکار مشرک

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۱،۲

۱ کسانی که رو به سوی شرک آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند، در قیامت دو چندان عذاب و کیفر خواهند شد.

يضعف له العذاب يوم القيمة

در این که چرا افراد یاد شده، دو چندان مجازات خواهند شد، میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مقصود از <يضعف>.. دو چندان شدن مجازات کسانی است که هر سه گناه شرک، آدم کشی و زنا را با هم مرتکب شوند؛ زیرا شرک موجب دو چندان شدن مجازات بزه کاری می شود. برداشت یاد شده و برداشت بعدی مبتنی بر این نظریه است. ۲- مقصود، تشدید مجازات افراد یاد شده است نه دو چندان شدن آن.

۲ شرک، موجب دو چندان شدن کیفر بزه کاری (آدمکشی، زنا و...) در قیامت

يضعف له العذاب يوم القيمة

کیفر اخروی زیانکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۵

۵- آتش، وسیله اصلی عذاب و کیفر زیانکاران در قیامت

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

کیفر اخروی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۵

۵- توحید و شرک (خدا پرستی و بت پرستی)، مبنای داوری خدا و تعیین کیفر و پاداش در روز رستاخیز

الله يحكم .. فيما كنتم فيه تختلفون

با توجه به عبارت پیشین <ما> در <فما كنتم> به معنای <الذی> است که به مسأله توحید

و شرک که محور اختلاف میان موحدان و مشرکان تاریخ بوده است اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لا یدعون مع الله إلهاً .. ولا یزنون و من یفعل ذلک یلق أثاماً

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۴،۷

۴ گناه شرک ، آدم کشی و زنا در پی دارنده اشد مجازات در قیامت

یضعف له العذاب یوم القیمه

۷ گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فیہ مهاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۸

۸ - کفر و شرک ، جرمی بزرگ و کیفرآور در قیامت

یعرف المجرمون بسیمهم فیؤخذ بالنوصی و الأقدام

توصیف کافران و مشرکان، به <جرم پیشه>، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

کیفر اخروی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۳

۱۳ - آتشِ فروزان ، کیفِ شیاطین در قیامت

و أعتدنا لهم عذاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۹

۹ - شیاطین ، مورد مؤاخذه و مجازات در روز قیامت *

نقیض

له شیطناً .. أنكم في العذاب مشتركون

عذاب شدن شیاطین، می تواند دال بر تکلیف آنان باشد.

کیفر اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۷ - ۱

۱ - طغیان گران با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکر ... و بززت الجحیم لمن یری . فأما من طعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۳،۷

۳ - خداوند ، کیفر دهنده طغیان گران و تهدید کننده آنان به کیفر های اخروی است .

لیطغی .. إنَّ إلی ربِّک الرجعی

مراد از بیان بازگشت انسان ها به خداوند، توجّه دادن طغیان گران که در آیات پیشین مطرح بودند به کیفرهای الهی است.

۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را به تدبیر امور آن حضرت و مجازات اخروی مخالفان طغیان گراو ، وعده داد .

لیطغی .. ربِّک

خطاب در <ربِّک> چه ویژه پیامبر(ص) باشد و چه هر مخاطبی را شامل گردد که در نتیجه پیامبر(ص) بارزترین مصداق مورد نظر خواهد بود برداشت یاد شده استفاده می شود.

کیفر اخروی طغیانگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۶ - ۲

۲ - نوشاندن آب جوشان و خونابه زخم به دوزخیان طغیان گر ، کیفری هم طراز با طغیان گری آنان است .

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَاقًا . جزاء وفاقاً

چنانچه کلمه <جزاء> حال برای <حمیماً و غساقاً> باشد، نکته بالا قابل استفاده است.

کیفر اخروی ظالمان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۱۲

۱۲ مجازات اخروی ستمکاران بزرگ از نخستین لحظات احتضار و مرگ آغاز خواهد شد.

و لو ترى إذ الظلمون فی غمرت الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۸

۸- کیفر ستمگران در قیامت بسیار شدید و هولناک است .

ولا تحسبن الله غفلاً عما يعمل الظلمون إنما يؤخّره لهم لیوم تشخص فیهِ الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۱۱، ۷

۷- ذوالقرنین ، به معاد و وجود کیفر سخت اخروی برای ظالمان ، معتقد بود .

قال أما من ظلم فسوف نعذبه ثم یردّ إلى ربّه فیعذّبه عذاباً نكراً

۱۱- کیفر اخروی ستم کاران ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

یردّ إلى ربّه فیعذّبه عذاباً نكراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۴

۴ - بیشتر ظالمان ، بی خبر از کیفر های دنیوی و اخروی خویش

و لكنّ أكثرهم لا یعلمون

کیفر اخروی ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ ظلم، جلوگیری از راه خدا، به ناحق خوردن مال مردم، موجب عقوبت های دنیوی و عذاب اخروی

فبظلم من الذين هادوا حرمنا .. و أعتدنا للكافرين منهم عذاباً أليماً

کیفر اخروی عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ امتناع از عبادت خداوند به دلیل گردن فرازی و خودبرتربینی

، موجب عذاب دردناک در قیامت

و اما الذین استکفوا و استکبروا فیعذبهم عذاباً ألیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص)، مأمور اعلام هراس داشتن خود از پیامد های ناگوار اخروی عصیان و نافرمانی خدا به مردم

قل إني أخاف إن عصيت ربي عذاب يوم عظيم

۲ - پیامبر (ص) در خوف و هراس از عذاب قیامت، در صورت عصیان و نافرمانی کردن

إني أخاف إن عصيت ربي عذاب يوم عظيم

کیفر اخروی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۶

۶- سرکشان و عصیان گران در قیامت، هر یک برای چشیدن عذاب، گرفتار مرحله ای مناسب با کردار خویش خواهند بود.

ثم لنزعنّ من كلّ شيعه أیهم أشدّ

جمله <لنزعنّ..> دلالت دارد که بیرون کشیدن فردی که از دیگران گنه کارتر است، تا آنجا ادامه خواهد یافت که هر یک از عصیان گران در جایگاه مناسب خویش قرار گیرند و کیفر ببینند.

کیفر اخروی علما دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۸

۱۸ - عالمان دینی در صورت بی توجهی به تعالیم کتاب های آسمانی، سزاوار توبیخ و ملامت بوده و در قیامت بسزای کردارشان خواهند رسید.

قالت اليهود... و هم يتلون الكتب... فالله يحكم بينهم يوم القيمة

کیفر اخروی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۸

۸ ترک عمل به

وظیفه و ادعای انجام آن و انتظار ستایش در برابر عملی که انجام نشده، ناپسند و موجب عذاب دنیا و آخرت است.

و یحبون ان یحمدوا .. فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب و لهم عذاب الیم

تکرار کلمه عذاب دلالت بر این دارد که آنها به دو عذاب گرفتار می شوند، و به نظر می رسد یکی از آن دو، عذاب دنیوی و دیگری عذاب اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۲

۲ عذاب و کیفر اخروی انسان ها، نتیجه عملکرد خود آنان

ذلك بما قدّمت ایدیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۸

۱۸ اعمال و رفتار هر یک از گمراهان و هدایت یافتگان دارای بازتاب و سزایی مناسب در قیامت

فینبئکم بما کنتم تعملون

هدف از جمله <فینبئکم بما ..> ترغیب مردمان به هدایت و پذیرش تعالیم قرآن و تهدید کفرپیشگان و منحرفان به عذاب است و چون مجرد آگاه سازی به اعمال و کردار برای تهدید و ترغیب کافی نیست بنابراین جمله <فینبئکم> کنایه از پاداش دهی و به کیفرسانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۲۷

۲۷ جزای اعمال در آخرت، متناسب با نوع عمل و روحيات عمل کننده است.

الیوم تجزون عذاب الهون .. کنتم عن ءایته تسکترون

خداوند در برابر روحیه استکباری و خودبرتربینی ظالمان، آنان را به عذاب خوارکننده (الهون) وعده می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ قیامت روز پاداش و کیفر اعمال است.

و كذلك زينا لكل امة عملهم .. فينبئهم بما كانوا يعملون

مطلع ساختن آدمیان بر اعمالشان در قیامت، کنایه از مجازات و یا پاداش آنان می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۴،۵

۴ حضور در صحنه قیامت و برخورد با سزای اعمال دنیوی، فرجام همه انسانهاست .

لقاء الآخره

کلمه <لقاء> (رسیدن و برخورد کردن) مصدری است که به مفعولش اضافه شده و فاعل آن محذوف است / یعنی: <و لقاءهم الآخره>.

۵ کیفر انسان ها در قیامت، بازتاب اعمال خود آنان است .

هل يجزون إلا ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۴

۴ کیفر هر کار بد در قیامت، کیفری متناسب با همان کار بد خواهد بود .

جزاء سيئه بمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۵۱ - ۴

۴- کیفر و پاداش الهی به انسان ها در قیامت، کاملاً مطابق و متناسب با کم و کیف رفتار آدمی است .

ليجزي الله كل نفس ما كسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۷،۱۰

۷- همه انسان ها ، سزای اعمال خویش را در قیامت ، به طور کامل دریافت خواهند کرد .

یوم . . . و توفی کلّ نفس ما عملت

<توفی> (از ماده توفیه) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

۱۰- دنیا ، میدان عمل و آخرت صحنه

دریافت پاداش و کیفر است .

یوم تأتی . . . و توفی کلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۵

۱۵- کیفر های الهی ، در آخرت ، بازتاب اعمال انسان است .

و وجدوا ما عملوا حاضرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۲ - ۵

۵ - پاداش اعمال در قیامت ، عادلانه و به دور از هر گونه نقص و کاستی است .

و من يعمل .. فلا یخاف ظلماً و لاهضماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفر لی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۴ - ۵

۵ - تجسم اعمال آدمیان ، به صورت کیفر و پاداش در آخرت

فالیوم لاتظلم نفس شیئاً و لاتجزون إلا ما کنتم تعملون

آمدن تعبیر <لا-تجزون إلا- ما> به جای <لا-تجزون إلا- بما کنتم تعملون> (با ذکر <باء> مقابله)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که خود اعمال آدمی در روز رستاخیز، به صورت کیفر و پاداش به او برگردانده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال و پاداش و جزا

هذا ما توعدون لیوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ - علم گسترده

الهی به عملکرد انسان ها ، پشتوانه کيفر و پاداش اخروی آنان

اعملوا ما شئتم إینه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۵ - ۷

۷- اعمال نیک و بد آدمی ، دارای بازتاب در دنیا و در پی دارنده کيفر و پاداش در حیات اخروی

من عمل صلحاً .. ثم إلی ربکم ترجعون

تعبیر <ثم إلی ربکم> در پی <من عمل صالحاً..> می رساند که آنچه در صدر آیه شریفه نسبت به بازتاب عمل گفته شده، مربوط به دنیا است و اعمال آدمی پس از آن نیز کيفر و پاداشی در نزد پروردگار خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۳

۳ - تجسم اعمال انسان ، مجازات و پاداش الهی در آخرت برای او

و أن سعيه سوف یری . ثم یجزیه الجزاء الأوفی

برداشت یاد شده با توجه به تعبیر <یجزاه> به جای <یجزی به> استفاده می شود زیرا مفاد آن چنین است: <خداوند انسان را به همان عملش جزا می دهد [و نه در برابر عملش]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۵ - ۲

۲ - قیامت ، روز مواجه شدن با سزای اعمال است .

یوم الدین

<دین> یعنی، جزا و به معنای طاعت نیز آمده است (مفردات راغب) و چون معنای اول با قیامت تناسب دارد، در آیه شریفه به معنای جزا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ - انفطار - ٨٢ - ١٨ - ٤

- ٤

قیامت ، روز کیفر دادن اعمال است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جزای اعمال است .

الذین یکذبون بیوم الدین

<دین> در معانی <طاعت> و <جزاء> استعمال می شود و معنای مجازی آن <شریعت> است (مفردات راغب). تناسب معنای <جزاء> با قیامت، دلیل برگزیدن این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۵،۷

۵ - مشاهده کردار و مواجه شدن با پاداش و کیفر آن ، از اهداف حشر انسان ها در قیامت

یصدر الناس أشتاتاً لیروا أعملهم

حرف <لام> در <لیروا>، بیانگر برداشت یاد شده است. مشاهده اعمال، یا به معنای مشاهده پاداش و کیفر آنها است و یا ناظر به تجسم اعمال و مشهود بودن آن در قیامت است.

۷ - مواجه شدن انسان ها با کردار خود و پاداش یا کیفر آن ، پس از بازگشت آنان از حسابرسی است .

یصدر الناس أشتاتاً لیروا أعملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۹

۹ - کیفیت برانگیختن انسان و جزای اعمال او در قیامت ، متناسب با عملکرد دنیایی او است .

فنیستها .. تنسی

کیفر اخروی عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۱۲

۱۲ عذاب اخروی بازتاب اعمال ناشایست و مداوم آدمی است.

ثم ینبئهم بما کانوا یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۲ - ۷

۷ بین کردار انسان

و مجازات او در آخرت ، تناسب کامل وجود دارد .

ذوقوا عذاب الخلد هل تجزون إلا بما كنتم تكسبون

<باء> در جمله <هل تجزون إلا بما كنتم تكسبون> برای مقابله است و این جمله می تواند پاسخ این سؤال باشد که: چرا کافران به عذاب ابدی دچار خواهند شد؟ (ذوقوا العذاب الخلد) خداوند پاسخ می فرماید: این حکم در مقابل رفتار و متناسب با گناهان خود آنان است. بنابراین بین کیفر (عذاب ابدی) و عمل آدمی، ارتباط و تناسب وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۶

۶ - تبدیل شدن اعمال ناپسند بدکاران به صورت کیفر در جهان آخرت

فلا یجزی الذین عملوا السیئات إلا ما كانوا یعملون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که اعمال بدکاران در این آیه به عنوان خود جزا مطرح شده است؛ نه <مجزی به>؛ یعنی، چیزی که در مقابل آن جزا داده شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۳

۳ - قیامت ، صحنه ظهور عواقب گناه و بدکاری

و بدا لهم سیئات ما عملوا

چنانچه قبل از <سیئات> مضاف حذف شده و تقدیر آن <جزاء یا عقوبه سیئات..> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

کیفر اخروی فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۱ - ۶۸

۶ - کیفر واقعی فاسقان تبّه ناپذیر از بلاهای دنیا ، به جهان آخرت موکول شده است .

و لنذیقنهم من العذاب الأذنی دون العذاب الأكبر لعلهم یرجعون

از تعبیر <لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ> استفاده می شود که

<عذاب أدنی> همان بلاهای دنیوی است که می تواند در بازگشت انسان به سوی خدا مؤثر باشد. در این صورت به قرینه تقابل، مراد از <العذاب الأكبر> عذاب قیامت خواهد بود.

۸ - عذاب شدن فاسقان در قیامت ، پس از اتمام حجت با آنان ، در دنیا است .

و لنذیقنهم من العذاب الأدنی دون العذاب الأكبر لعلهم يرجعون

بلاهای هشداردهنده دنیا، نوعی اتمام حجت برای فاسقان است. <لعلهم يرجعون> نیز نکته بالا را تأیید می کند.

کیفر اخروی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۴

۴ جزایی که در دنیا نصیب فرعونیان شد ، عطیه ای شوم و نیز سزایی که در آخرت بدان خواهند رسید ، سزایی نامیمون است .

و أتبعوا فی هذه لعنه و یوم القیمه بئس الرفد المرفود

در آیه شریفه ، سزا و کیفر تحکماً و از روی استهزا به <رفد> (عطیه و بخشش) تشبیه شده است.

کیفر اخروی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۴

۴ گناه شرک ، آدم کشی و زنا در پی دارنده اشد مجازات در قیامت

یضعف له العذاب یوم القیمه

کیفر اخروی قاتل مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۱،۲

۱ کسانی که رو به سوی شرک آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند ، در قیامت دو چندان عذاب و کیفر خواهند شد .

يضعف له العذاب يوم القيمة

در این که چرا افراد یاد شده، دو چندان مجازات خواهند شد، میان مفسران دو دیدگاه

وجود دارد: ۱ مقصود از <يضاعف..> دو چندان شدن مجازات کسانی است که هر سه گناه شرک، آدم کشی و زنا را با هم مرتکب شوند؛ زیرا شرک موجب دو چندان شدن مجازات بزه کاری می شود. برداشت یاد شده و برداشت بعدی مبتنی بر این نظریه است. ۲- مقصود، تشدید مجازات افراد یاد شده است نه دو چندان شدن آن.

۲ شرک ، موجب دو چندان شدن کیفر بزه کاری (آدمکشی ، زنا و ...) در قیامت

يضعف له العذاب يوم القيمة

کیفر اخروی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱

۱ - کسانی که به زنان پاکدامن و مؤمن تهمت زنا می زنند ، در قیامت بی هیچ تخفیف و ترحمی و به صورت کامل ، کیفر کارشان را دریافت خواهند کرد .

الذين يرمون المحصنت .. يومئذ يوفّيهم الله دينهم

ضمیر <هم> در <يوفّيهم> و <دينهم> به <قذف کنندگان> (الذين يرمون المحصنات) بازمی گردد و <توفیه> (مصدر <يوفّی>) به معنای پرداخت به صورت تام و کامل است و مقصود از <دين> به قرینه این که آیه شریفه در باره قیامت است جزا می باشد.

کیفر اخروی قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۶

۶ هشدار هابیل به قابیل درباره بزرگی گناه آدمکشی و سنگینی عقوبت آن در قیامت

ان تبوا بائمی و اثمک فتکون من اصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ مشرکان ،

آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لا یدعون مع الله إلهاً .. ولا یزنون و من یفعل ذلک یلق أثاماً

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۷

۷ گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فیہ مهاناً

کیفر اخروی قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۲

۲ - قوم تکذیب کننده الیاس ، در روز قیامت برای حسابرسی و کیفر احضار خواهند شد .

فإنهم لمحضرون

کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱

۱ آتش سوزان جهنم ، کیفر کافران به آیات الهی

ان الذین کفروا بایاتنا سوف نُصلیهم ناراً

۱۲ وارد ساختن کافران به آتش و عذاب آنان در دوزخ ، بر اساس حکمت خداوند

ان الذین کفروا بایاتنا سوف نُصلیهم ناراً .. ان الله کان عزیزاً حکیماً

تذکر به حکمت خداوند پس از بیان عذاب کافران، اشاره به حکیمانه بودن چنین عملی است.

۱۳ هیچ نیرویی قادر به جلوگیری از عذاب کافران در دوزخ نخواهد بود .

سوف نصليهم ناراً .. انّ الله كان عزيزاً حكيماً

تذکر به شکست ناپذیری خداوند پس از بیان اینکه کافران را به دوزخ خواهد برد، اشاره به این معنا دارد که

مبادا توهم شود آنان می توانند علی رغم خواست خداوند بر او غلبه کنند و خود را از آتش برهانند.

۱۴ عزت و حکمت الهی ، مقتضی عذاب مستمر دوزخیان کفرپیشه *

انّ الذین کفروا .. انّ الله کان عزیزاً حکیماً

بنابر اینکه جمله <انّ الله .. >، بیان علتی برای <سوف نصلیهم ناراً> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۷

۷ عذاب اخروی پیروان شرک و کفر، سزای اعمالشان در دنیاست.

فذوقوا العذاب بما کنتم تکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۴

۴ همسانی منافقان و کافران ، در استحقاق کیفر شدید و مستمر خداوند در قیامت

وعد الله المنافقین و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۹

۹ کیفر دنیوی و اخروی کافران و منافقان ، از سنت های ثابت الهی

أولئک حبطت أعمالهم فی الدنيا والأخره .. ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۳

۱۳ عذاب دردناک و آشامیدنی داغ و جوشان ، کیفر اخروی کفرمداران

و الذین کفروا لهم شراب من حمیم و عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۲

۲- کافرانی که با حالت ظلم به نفس (کفر) از دنیا بروند ، در قیامت گرفتار خواری و ذلت خواهند

شد .

إن الخزي اليوم و السوء على الكفرين . الذين تتوفهم الملائكة ظالمى أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن ، دلیل پاینده تر بودن عذاب کافران از شکنجه و آزاری است که آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

والله خیر و أبقى . إنه من یأت ... لا یموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، روز مجازات و کیفر کفرپیشگان و حق ستیزان

و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ - کافران ، در روز رستاخیز به جای نیل به ثمره اعمال نیک خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و الذین کفروا أعمالهم کسراب بقیعه . . حتی إذا جاءهم لم یجده شیئاً و وجد الله ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۸،۹

۸ - وعده الهی به گردآوری کافران هر امت ، برای محاکمه و مجازات در قیامت *

و یوم نحشر من کل أمه فوجاً ممن یکذب بایتنا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حشر> مورد بحث در آیه مربوط به قیامت باشد.

۹ - حشر گروهی از کافران هر امت در قیامت و رانده شدن آنان به سوی جایگاه محاکمه و مجازات *

و یوم نحشر من کلّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ یُکَذِّبُ بَایْتِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - مجازات کافران و بدکاران در قیامت ، همراه با آگاه شدن از جرم شان است .

إلینا مرجعهم فننبتهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۲

۲ - رفاه دنیوی کافران ، در قبال عذاب سخت آخرت ، اندک و ناچیز است .

نمتّعمهم قليلاً ثمّ نضطرّهم إلى عذاب غليظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۲ - ۴

۴ - همانندی و یک سانی مجازات و کیفر زنان و مردان مشرک و کافر در قیامت

احشروا الذين ظلموا و أزوجهم

برداشت یاد شده از آن جا است که اختصاص به ذکر یافتن <ازواج> (همسران)، می تواند برای از بین بردن این توهم باشد که زنان مشرک و کافر از کیفر الهی معاف اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۱

۱ - مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در کیفر و عذاب دوزخ

فإنهم يومئذ في العذاب مشتركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - خداوند با کافران بدکردار در قیامت ، بر مبنای عدل و با مؤمنان نیک کردار براساس فضل و لطف خویش برخورد خواهد کرد .

من عمل سیئه فلا یجزی إلا مثلها و من عمل صلحًا . . . و هو مؤمن ... یرزقون فیها ب

برداشت یاد شده از آن جا است که مجازات گناه کاران، تنها به میزان گناه آنان

است و ولی پاداش مؤمنان نیک کردار، بی شمار و افزون بر استحقاق آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۳

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود.

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۸

۸- قیامت، روز مجازات کافران با عذابی خوارکننده و ذلت بار

فالیوم تجزون عذاب الهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۲۲

۲۲- روز قیامت و کیفر دهی کافران، روزی بس بزرگ و توصیف ناپذیر *

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۱

۱۱- کیفر کافران در قیامت، نتیجه عملکرد خود آنان

قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۵

۵ کیفر های اخروی نتیجه قهری عملکرد خود کافران ، و نه ظلمی از سوی خدا بر ایشان

قَدِّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعْدِ .. و ما أنا بظلم للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۱

۱ - رهنمود خداوند به پیامبر (ص) ، در امید بستن به قیامت برای جزای کافران لجوج

فاصبر ..

و استمع يوم يناد المناد

آیات پیشین در زمینه مواجهه ناروای کافران با پیامبر(ص) و لزوم شکیبایی آن حضرت در برابر آنان بود. اکنون در این آیه، خداوند به پیامبر(ص) می فرماید: گوش به زنگ منادی حق برای رستاخیز باش؛ کنایه از این که آن روز کافران، مجازات واقعی خود را خواهند دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۷

۷ - کیفر های دنیوی و برزخی کافران ، سبک تر از کیفر اخروی آنان *

و إِنَّ لِلذِّينِ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشد و <دون ذلك> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۶ - ۳

۳ - قیامت ، قرارگاه اصلی برای مؤاخذه و مجازات کافران

سيهزم الجمع . . . و الساعة أدهى و أمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۲

۲ - کیفر و عذاب دوزخ برای کافران ، نتیجه و پیامد کوتاهی و تقصیرکاری خود آنان است .

فاعترفوا بذنبهم

کیفر اخروی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۸

۸ - کفر و شرک ، جرمی بزرگ و کیفر آور در قیامت

يعرف المجرمون بسيمهم فيؤخذ بالنوصى و الأقدام

توصيف كافران و مشركان، به <جرم پيشه>، می تواند بيانگر برداشت یاد شده باشد.

کیفر اخروی کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففين - ۸۳ -

۲- قیامت ، روز کیفر دیدن کم فروشان

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

کیفر اخروی کنز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۱

۱ دینه های زراندوزان در قیامت وبال گردن و ابزاری برای شکنجه و عذاب آنان ، خواهد گشت .

و الذین یکتزون الذهب و الفضة .. یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم

کیفر اخروی گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۵

۵- کمترین تمایل به کافران از سوی رهبران دینی ، گناهی نابخشودنی و دارای کیفری مضاعف در دنیا و آخرت

لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً. إِذَا لَأَذِقَنَّكَ ضِعْفَ الْحَيَوةِ وَ ضِعْفَ الْمَمَاتِ

کیفر اخروی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۸

۸ کیفر اخروی گناه در صورتی است که گنهکار تا حضور در صحنه قیامت مورد عفو الهی قرار نگیرد.

و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل معلوم می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - قیامت ، صحنه ظهور عواقب گناه و بدکاری

و بدا لهم سیئات ما عملوا

چنانچه قبل از <سیئات> مضاف حذف شده و تقدیر آن <جزاء یا عقوبه سیئات..> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

کیفر اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۳

۳ بدکاران در قیامت

، گرفتار کیفر اعمال بد خویش خواهند شد .

و الذین کسبوا السيئات جزاء سيئه بمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۵

۵ - قیامت ، روز مجازات و کیفر گنه پیشگان

و ساء لهم يوم القیمه حملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۵

۵ - دنیا ، سرایی نیست که در آن بتوان گنه کاران را به کیفر گناهانشان رساند .

یومئذ یوفیهم الله دینهم الحق

<یومئذ> ظرف و متعلق به <یوفیهم> است. بنابراین تقدیم آن بر <یوفیهم> یا به خاطر اهتمام به ذکر <قیامت> و یا برای بیان حصر می باشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است؛ زیرا در این صورت معنای آیه چنین می شود: تنها در آن روز (قیامت) است نه روزی دیگر (دنیا) که خداوند، جزای آنان را به صورت تام و کامل خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۴

۴- عذاب های دنیوی مجرمان ، پیش در آمد کیفر نهایی آنان در آخرت

أهلکنهم إنهم كانوا مجرمین .. . إن یوم الفصل میقتهم أجمعین

از ارتباط این آیه با آیات پیشین، مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۹ - ۳

۳ - مجازات های سخت مجرمان در قیامت ، براساس محاسبه و سنجشی عادلانه و به دور از گراف و ظلم است .

يوم يسحبون .. إنا كلّ شيء خلقناه بقدر

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل

که در زمینه مجازات سخت مجرمان در قیامت است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۵

۵ - توجه به کیفر بی چون و چرای گناه کاران در قیامت ، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب نعمت های خداوند

فیومئذ لایسل عن ذنبه .. فبأیء آلاء ربکما تکذبان

برداشت یاد شده بر این اساس است که خداوند پس از بیان راه نداشتن چون و چرا در برنامه های قیامت برای گناهکاران، خلق را به پرهیز از تکذیب نعمت ها توجه داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۴

۴ - گناه کاران و تکذیب کنندگان کیفر های اخروی ، در قیامت به کیفر گناه و تکذیب خود گرفتار خواهند شد .

بل تکذّبون بالدین .. یعلمون ما تفعلون

مطرح ساختن کتابت و علم کاتبان به قرینه <بل تکذّبون بالدین> هشدار می دهد به تکذیب گران است که عمل آنان بی کیفر نخواهد ماند.

کیفر اخروی مانع از مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۲۰

۲۰ - عذاب بزرگ قیامت ، فرجام بازدارندگان مردم از ورود به مساجد برای یاد خدا

و من أظلم ممن منع مسجد الله .. و لهم فی الآخرة عذاب عظیم

کیفر اخروی متکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۹

٩ - > عن الصادق (ع) قال : إنّ في جهنّم لوادياً للمتكبرين يقال له

سقر ، شکی إلى الله شدة حره [و] سأله أن يتنفس فأذن له فتنفس فأحرق جهنم ؛

از امام صادق(ع) روایت شده در جهنم وادی است برای متکبران به نام <سقر> که از شدت حرارتش به خدا شکایت کرد و از او خواست تا نفسی بکشد، و خدا به او اجازه تنفس داده، پس نفس کشید که در پی آن جهنم سوزان گردید.

کیفر اخروی محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۶، ۱۵

۱۵ عذاب بزرگ اخروی پیامد و کیفر ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) و فسادگری در زمین

و لهم فی الاخره عذاب عظیم

۱۶ مجازات دنیوی محاربان و فسادانگیزان در مقایسه با مجازات اخروی آنان ، بسی اندک و ناچیز است .

ذلك لهم خزی فی الدنيا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

تصریح به بزرگی عذاب محاربان در آخرت در مقابل کیفر دنیوی آنان، گویای برداشت فوق است.

کیفر اخروی مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۷

۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را به تدبیر امور آن حضرت و مجازات اخروی مخالفان طغیان گراو ، وعده داد .

لیطغی ... ربك

خطاب در <ربك> ؛ چه ویژه پیامبر(ص) باشد و چه هر مخاطبی را شامل گردد که در نتیجه پیامبر(ص) بارزترین مصداق مورد نظر خواهد بود برداشت یاد شده استفاده می شود.

کیفر اخروی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۴

و مستضعفان کافر در قیامت ، متناسب با کردار بد آنان است .

و قال الذين استضعفوا للذين استكبروا .. و جعلنا الأغلال في أعناق الذين كفروا هل

کیفر اخروی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۴

۲۴ - کیفر مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، متناسب با کردار بد آنان است .

و قال الذين استضعفوا للذين استكبروا .. و جعلنا الأغلال في أعناق الذين كفروا هل

کیفر اخروی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست؛ زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم...> به کیفر رساندن متخلفان است.

کیفر اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِىمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست؛ زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث

نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم...> به کیفر رساندن متخلفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۷

۷ عذاب اخروی پیروان شرک و کفر، سزای اعمالشان در دنیا است.

فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۲

۲ - شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا، سزاوار گرزهای آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حديد

<مقمعه> (مفرد <مقماع>) به معنای گرز است. پس <مقماع من حديد>؛ یعنی، گرزهای آهنین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۲ - ۴

۴ - همانندی و یک سانی مجازات و کیفر زنان و مردان مشرک و کافر در قیامت

احشروا الذين ظلموا و أزوجهم

برداشت یاد شده از آن جا است که اختصاص به ذکر یافتن <ازواج> (همسران)، می تواند برای از بین بردن این توهم باشد

که زنان مشرک و کافر از کیفر الهی معاف اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۱

۱ - مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در کیفر و عذاب دوزخ

فإنهم يومئذ في العذاب مشتركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۹

۹ - قیامت ، روز کیفر مشرکان به خاطر ستیزه گری های آنان با پیام حق

حَتَّىٰ يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي ي وَعَدُونَ

کیفر اخروی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۴

۴ خداوند ، مشرکان صدر اسلام رابه خاطر افترا بستن و تحریم حلال ها ، به کیفر سخت قیامت تهدید کرد .

فجعلتم منه حراماً و حلالاً .. و ما ظن الذين يفترون على الله الكذب يوم القيمة

کیفر اخروی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱ - کیفر روی گردانی از قرآن ، در قیامت همانند باری سنگین بر دوش اعراض کنندگان خواهد بود .

من أعرض عنه .. وزراً . خلدین فیه ... حملاً

<حمل> به محمولی گفته می شود که نظیر باری که بر سر یا پشت نهند، آشکار باشد (لسان العرب). نکره بودن آن، گویای گران باری آن است.

۲ - عقوبت و پی آمد های اخروی روی گردانان از قرآن ، ابدی و جدایی ناپذیر است .

وزراً . خلدین فیه و ساء لهم

مرجع ضمیر <فیه>، <وزراً> در آیه قبل است. خلود در <وزر>، به معنای جاودانگی در آثار و تبعات آن است.

کیفر اخروی مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۲

۲- کیفر کسانی که قرآن را اسطوره می خوانند ، در قیامت بدون هیچ کاستی داده خواهد شد .

قالوا أسطر الأولین . ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيمة

کیفر اخروی مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ مجازات دنیوی محاربان و فسادانگیزان در مقایسه با مجازات اخروی آنان ، بسی اندک و

ناچیز است .

ذلك لهم خزی فی الدنيا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

تصریح به بزرگی عذاب محاربان در آخرت در مقابل کیفر دنیوی آنان، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۱

۱۱- ذلّت و شکست ، مجازات دنیوی فسادانگیزان و عذاب جهنّم ، کیفر اخروی آنان است .

لتفسدنّ فی الأرض .. و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للكفرین حصیرًا

کیفر اخروی مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ستیز در قیامت ، با غذای گلوگیر کیفر می شوند .

و المكذبین .. و طعامًا ذا غصّه

کیفر اخروی مکذبان الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۲

۲ - قوم تکذیب کننده الیاس ، در روز قیامت برای حسابرسی و کیفر احضار خواهند شد .

فإنهم لمحضرون

کیفر اخروی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۳

۳- تکذیب کنندگان پیامبران و ادیان الهی ، برای حسابرسی و کیفر در روز قیامت احضار خواهند شد .

فإنهم لمحضرون

کیفر اخروی مکذبان ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۱

۱۱ منکران معاد و ربوبیت خدا در روز قیامت به غل ها و زنجیرهایی که بر گردنشان آویخته می شود ، گرفتار خواهند شد .

أولئك الأغلال في أعناقهم

کیفر اخروی مکذبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۳

۳ انکار کنندگان کتاب های آسمانی ، به کیفر و مجازات اخروی گرفتار خواهند شد .

و إِنَّ كَلًّا لِمَا لِيُوفِيْتَهُمْ رَبِّكَ أَعْمَلَهُمْ

قابل ذکر است که مفسران درباره کلمه <لما> و معنا و جایگاه آن در آیه شریفه، سخنان بسیاری دارند. علاقه مندان را به کتابهای مفصل تفسیری و ادبی ارجاع می دهیم. آنچه به نظر تکلفی ندارد این است که <لَمَّا> شرطیه است و فعل آن محذوف می باشد کلام با تقدیر آن چنین می شود: إِنَّ كَلًّا لِمَا أْتَتْهُمْ السَّاعَةُ لِيُوفِيْتَهُمْ.

کیفر اخروی مکذبان کیفر های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۴

۴ - گنه کاران و تکذیب کنندگان کیفر های اخروی ، در قیامت به کیفر گناه و تکذیب خود گرفتار خواهند شد .

بَلْ تَكْذِبُونَ بِالْدِينِ ... يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ

مطرح ساختن کتابت و علم کاتبان به قرینه <بَلْ تَكْذِبُونَ بِالْدِينِ> هشدار می دهد که عمل آنان بی کیفر نخواهد ماند.

کیفر اخروی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۲

۴۲ خواری و رسوایی در دنیا و عذاب بزرگ آخرت ، کیفر منافقان و یهودیان شتابگر در کفر

مَنْ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ ... لَهُمْ فِي الدُّنْيَا حِزْبٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۴

۴ همسانی منافقان و کافران ، در استحقاق کیفر شدید و مستمر خداوند در قیامت

وعد الله

المنفقين و المنفقت و الكفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۹

۹ کیفر دنیوی و اخروی کافران و منافقان ، از سنت های ثابت الهی

أولئك حببت أعمالهم فی الدنيا و الآخره .. ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح .

کیفر اخروی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۱

۲۱ - شدیدترین عذاب های اخروی ، کیفر یهودیانی است که پیمان های الهی را شکستند .

إذ أخذنا میثقکم .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

اضافه <أشد> (سخت ترین) به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است یعنی، <العذاب الأشد> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فالله یحکم بینهم یوم القیمه فیما كانوا فیہ یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم...> به کیفر رساندن متخلفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۲

۴۲ خواری و رسوایی در دنیا و عذاب بزرگ آخرت ، کیفر منافقان و یهودیان شتابگر در کفر

من الذین قالوا ءامنا بافواههم . . لهم

فی الدنيا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

کیفر اخلاالگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۶

۶ آتش سوزان جهنم ، کیفر آتش افروزان و اخلاالگران علیه پیامبران

و کفی بجهنم سعیراً

<سعیر>، به معنای آتش برافروخته و سوزان است.

کیفر ادعا های بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۴

۴- گفته ها و ادعا های بی اساس در مورد کفر و ایمان و آثار آنها ، دارای عقوبت و عذاب

سنکتب ما یقول و نمده من العذاب

کیفر ادعای الوهیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۹ - ۱

۱- اگر فرشتگان ادعای الوهیت کنند ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یقل منهم ائی إله من دونه فذلک نجزیه جهنم

کیفر ادعای دروغین نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۷ - ۲

۲ - مرگ و نابودی ، کیفر قطعی و رهایی ناپذیر گناه دروغ بستن بر خدا و ادعای دروغین نبوت

فما منکم من أحد عنہ حجین

کیفر ادعای ربوبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۵ - ۱،۶

۱ - خداوند فرعون را در پی ادعای ربوبیت ، به عذاب سخت دنیا و آخرت گرفتار ساخت .

فأخذہ اللہ نکال الآخرہ و الأولى

فاء در <فأخذہ..>، آن را بر آیه قبل (فقال أنا ربکم الأعلى) تفریع کرده است.

۶ - خداوند ، فرعون را به دلیل تکذیب رسالت و معجزه

موسی (ع) و عصیانگری و ادعای ربوبیت ، هلاک ساخت .

فكذَّب و عصى .. فقال أنا ربكم الأعلى . فأخذه الله نكال الآخرة و الأولى

می توان گفت: فاء در <فأخذه الله>، کیفر را بر تمام کارهای فرعون که در آیات قبل آمده بود، تفریع کرده است.

کیفر اذیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۳ - ۹

۹ بی نیازی خداوند از انفاق آدمیان و بردباری او در کیفر دادن به انفاق کنندگان آزاررسان

قول .. و الله غنی حلیم

کیفر اذیت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ - آزار و اذیت زنان مؤمنان ، کیفری سخت دارد .

لئن لم ينته المنافقون .. لنغرینک بهم

کیفر اذیت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۴

۴ - تهدید ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به عذاب و کیفر سخت الهی در صورت رساندن هرگونه گزندى به ناقه

و لاتمسوها بسوء فیاخذکم عذاب یوم عظیم

کیفر اذیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - خداوند ، برای آزاردهندگان خود و پیامبرش ، عذابی خوارکننده تدارک دیده است .

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ .. وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا

کیفر ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۳۳

۳۳ کفر و ارتداد ، موجب خلود در جهنم و حبط

عمل در دنیا و آخرت

و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم .. و اولئک اصحاب ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱۶

۱۶ - گمراهی پس از هدایت و شرک‌ورزی پس از توحید ، زمینه ساز گرفتاری به خشم سنگین و پایدار خداوند و عذابی سخت و طولانی از جانب او

أضلّهم السامرئ .. أم أردتم أن یحلّ علیکم غضب من ربکم

<حلول غضب> بر رسوخ و دوام آن و نکره بودن <غضب> بر عظمت آن دلالت دارد. فرود آمدن غضب الهی، کنایه از نزول عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۸

۸ - ارتداد از دین ، گناهی نابخشودنی و درپی دارنده عذاب جاودان اخروی است .

و من الناس من یعبد الله علی حرف .. خسر الدنیا و الآخره

کیفر استراق سمع شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹ - ۲

۲ - شیاطینی که با صعود به آسمان ، آهنگ استراق سمع کنند ، به عذاب دائم الهی دچار خواهند شد .

و لهم عذاب واصلب

<واصلب> به معنای دائم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰ - ۴،۵

۴ - شیاطینی که دزدانه به آسمان نزدیک صعود کنند و به جمع آوری اطلاعات و اخبار پردازند، با گلوله آتشین، مؤثر و سوراخ کننده، مورد تعقیب و اصابت قرار خواهند گرفت.

إِلَّا مِنْ خَطْفِ الْخَطْفَةِ فَأَتْبِعَهُ شَهَابٌ ثَاقِبٌ

<شهاب>

به شعله ای از آتش افروخته (گلوله آتشین) گفته می شود. <ثاقب> نیز به معنای نافذ و سوراخ کننده است.

۵ - شیاطین ، پیش از استفاده از اطلاعات و اخبار غیبی از آسمان ، نابود می شوند .

إِلَّا مِنْ خَطْفِ الْخَطْفَةِ فَأَتْبَعَهُ شَهَابٌ ثَاقِبٌ

کیفر استکبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۸

۸ امتناع از عبادت خداوند به دلیل گردن فرازی و خودبرتربینی ، موجب عذاب دردناک در قیامت

و اما الذین استنكفوا و استكبروا فيعذبهم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ ذلت و خواری، کیفر استکبار سردمداران مجرم است.

أكبر مجرميها .. و إذا جاءتهم آية ... سيصيب الذين أجرموا صغار عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۵ - ۱

۱ - عذاب دوزخ ، کیفر شرک و استکبار ، در مقابل کلمه توحید

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا..> تعلیل برای جملات پیشین است که در آنها از دوزخی بودن کافران و مشرکان سخن به میان آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الأليم . و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷

۷- استکبار و به استضعاف کشیدن جامعه ، موجب گرفتاری در آتش دوزخ است .

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا

کیفر استکبار با آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۲۱

۲۱ استکبار در برابر آیات الهی، عذاب خوارکننده پس از مرگ را (در برزخ) به دنبال دارد.

اليوم تجزون عذاب الهون .. كنتم عن آيته تستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۸

۸- استکبار در برابر خدا و آیات او ، در پی دارنده عذاب ذلت بخش و خوار کننده دوزخ

و الذين كفروا و كذبوا بآيتنا .. عذاب مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۲

۲- برخورد مستکبران با آیات الهی ، عذاب آور است .

و إذا تتلى عليه آيتنا ولى .. فبشره بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۷

۷- استکبار و عناد در برابر آیات الهی ، موجب استحقاق کیفر دنیوی

فاستكبروا .. و كانوا بايتنا يجحدون . فأرسلنا عليهم ريحًا

کیفر استکبار با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۵

۵- گردن فرازی (استکبار) در برابر خداوند رحمان (گسترده مهر) ، کاری بس ناروا و درپی دارنده عقوبتی سنگین است .

أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

مطرح ساختن نام <رحمان> که بیان کننده

رحمت عام و گسترده خداوند است در کنار عصیان و استکبار برخی از مردمان، می تواند بیانگر شدت پستی و ناروایی استکبار در برابر او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۸

۸ - استکبار در برابر خدا و آیات او ، در پی دارنده عذاب ذلت بخش و خوار کننده دوزخ

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا .. عذاب مهین

کیفر استهزا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - استهزا و به تمسخر گرفتن آن گاه که با سزای تمسخر و استهزا باشد ، ناپسند نیست .

إنما نحن مستهزءون. الله يستهزئ بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۳

۱۳ خرده گیری و مسخره کردن مؤمن گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب سخت الهی است .

فیسخرون منهم سخر الله منهم و لهم عذاب أليم

کیفر استهزاگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۷۸

۷ کافرانی که پیامبران و عذابهای موعود آنان را استهزا می کردند، به همان عذابهای مورد تمسخر خویش گرفتار شدند.

فحاق بالذین سخروا منهم ما كانوا به يستهزءون

بنابراین که <ما> موصوله بوده و مراد از آن، عذاب الهی باشد که در ضمن سخنان پیامبران مطرح می شده و مورد استهزای کافران قرار می گرفته است.

۸ کافرانی که به استهزای انبیای گذشته می پرداختند، به عذاب و کیفر استهزای خود گرفتار شدند.

فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

بنابراین که

تقدیر آیه <جزاء ما كانوا به يستهزون> باشد. در این صورت <ما> در (ما كانوا) مصدریه بوده و مرجع ضمیر <به>، به قرینه کلمه <رسل> در صدر آیه می تواند کلمه <رسول> باشد.

کیفر استهزاگران آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد كذبوا بالحق لما جاءهم فسوف يأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزون

کیفر استهزاگران امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ عقوبت های نازل شده بر کفرپیشگان و استهزاگران امت های گذشته ، دلیلی فراروی کافران بر تخلف ناپذیری تهدید ها و وعید های الهی

إن الله لا يخلف الميعاد. و لقد استهزىء برسول من قبلك ... ثم أخذتهم

آیه مورد بحث به لحاظ <ثم أخذتهم...> دلیلی است برای <حتى يأتي وعد الله إن الله لا يخلف الميعاد>.

کیفر استهزاگران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۵

۵ خداوند پس از مدت ها و گذشت زمانهایی ، کفرپیشگان و استهزاگران انبیا را به عقوبت های خویش گرفتار می ساخت .

فأملیت ... ثم أخذتهم فكيف كان عقاب

کیفر استهزاگران حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد كذبوا بالحق لما جاءهم فسوف يأتيهم أنبؤا ما

کانوا به یستهزءون

کیفر استهزاگران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۶

۱۶ > عن الرضا (ع) [فی قوله تعالى :] > سخر الله منهم < قال : إن الله تعالى لا یسخر ... و لكنه تعالى یجازیهم جزاء السخریه ... ;

از امام رضا (ع) درباره سخن خدا که فرموده: <خدا آنها را مسخره می کند> روایت شده: خداوند متعال کسی را مسخره نمی کند ... ولی در برابر استهزای منافقان، آنان را مجازات می کند ... <.

کیفر استهزاگران سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۴

۱۴ - کیفر مسخره کنندگان راه خدا ، عذابی ذلت بار است .

يَتَّخِذُهَا هُزُوًا أَوْلَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

کیفر استهزاگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

کیفر استهزاگران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۶ - ۳

۳- مشرکان استهزاگر پیامبر (ص) ، به کیفر شدیدی تهدید شدند .

المستهزئين. الذين يجعلون مع الله إلهًا آخر فسوف يعلمون

جمله <فسوف يعلمون> (به زودی خواهند دانست) در مقام تهدید است.

کیفر استهزاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱

- دوزخ ، پایانی خفت بار برای دروغ پردازی ها ، استهزاگری ها و گناه پیشگی کافران

ویل لكل أفاك أئيم .. اتخذها هزوا .. عذاب مهين . من ورائهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۳۶ - ۲

۲ - بی پاسخ نماندن تمسخر های کافران و گرفتاری آنان به نتایج کردار خویش ، امری طرفه و جالب توجه است .

هل ثوب الکفار ما کانوا یفعلون

استفهام در آیه شریفه برای تقریر و تعجب است؛ یعنی، کافران چنین حالتی را گمان نداشته و پیش بینی نمی کردند.

کیفر استهزای آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۰ - ۴

۴ - تکذیب و استهزای مدام آیات الهی ، فرجامی شوم (عذاب) در پی دارد .

ثم کان عقبه الذین أسأوا السوای

برداشت فوق بنابر اسم بودن <السوای> برای <کان> و تعلیل بودن <أن کذبوا> برای <السوای> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۹

۹ - استهزا و تمسخر آیات الهی ، در پی دارنده عذاب ها و گرفتاری های دنیایی

إذا هم منها یضحکون .. و أخذنهم بالعذاب

کیفر استهزای اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۲

۲ - استهزای منافقان از سوی خدا، کیفر تمسخر آنان نسبت به اسلام و جامعه ایمانی است.

إنما نحن مستهزءون. الله يستهزئ

آیه مورد بحث، بیانگر سزا و کیفر منافقان استهزا کننده است.

کیفر استهزای انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۸

۸ کافرانی که به استهزای انبیای گذشته می پرداختند، به عذاب و کیفر استهزای خود گرفتار شدند.

فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

بنابراین که تقدیر آیه <جزاء ما کانوا به یستهزءون> باشد. در این صورت <ما> در (ما کانوا) مصدریه بوده و مرجع ضمیر <به>، به قرینه کلمه <رسل> در صدر آیه می تواند کلمه <رسول> باشد.

کیفر استهزای جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۲

۲ - استهزای منافقان از سوی خدا، کیفر تمسخر آنان نسبت به اسلام و جامعه ایمانی است.

إنما نحن مستهزءون. الله یستهزئ

آیه مورد بحث، بیانگر سزا و کیفر منافقان استهزا کننده است.

کیفر استهزای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۷

۷ - تمسخر تعالیم آسمانی قرآن، در پی دارنده عذاب الهی

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلُ .. من قبل أن یأتیکم العذاب... أن تقول ... و إن كنت لمن

کیفر استهزای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ - یهودیان کافر به پیامبر (ص) و استهزا کننده او، مستحق عذابی دردناک هستند.

و للكفرین عذاب أليم

کیفر استهزای منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۱۱، ۲

۲ - استهزای منافقان از سوی خدا، کیفر تمسخر آنان نسبت به اسلام و جامعه ایمانی است.

إنما نحن مستهزءون. الله يستهزئ

آیه مورد بحث، بیانگر

سزا و کیفر منافقان استهزا کننده است.

۱۱- از امام رضا (ع) روایت شده که: ... > إن الله تبارك و تعالی ... لایسخر و لایستهزئ ... و لکنه عز و جل یجازیهم جزاء السخریه و جزاء الإستهزاء ... ;

.. خدای تبارك و تعالی کسی را مسخره و استهزا نمی کند ... بلکه او سزای مسخره و استهزای منافقان را می دهد ...<.

کیفر اسناد نجات بخشی به غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۱۱

۱۱- نسبت دادن نجات از گرفتاری که کار خداست به غیر او ، مورد مؤاخذه شدید قرار خواهد گرفت .

ثم إذا كشف الضّر عنکم إذا فریق منکم برّبهم یشرکون .. و یجعلون لما لایعلمون نص

کیفر اشاعه فحشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۱

۱ - اشاعه فحشا در میان مردم ، گناهی بزرگ و در پی دارنده عذابی دردناک در دنیا و آخرت

إنّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه فی الذین ءامنوا لهم عذاب ألیم فی الدنیا و الآخر

<فاحشه> به هر عمل و سخن بسیار زشت گفته می شود و این واژه کنایه از گناه زنا و فساد جنسی است. عبارت <أن تشیع الفاحشه> نیز به دو گونه قابل معنا و تفسیر کردن است: ۱ اشاعه فحشا و رواج گناهان جنسی. ۲- رواج و پخش اخبار مربوط به فحشا و روابط جنسی دیگران، که در این صورت کلمه ای در تقدیر است؛ یعنی، <أن تشیع

خبر الفاحشه >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۴،۵

۴ - فضل ، رحمت ، رأفت و مهربانی خداوند ، موجب شتاب نکردن او در عذاب اشاعه دهندگان فحشا

و لولا فضل الله عليكم و رحمته و ان الله رءوف رحيم

جواب <لولا> محذوف است و آنچه می تواند مقدر باشد به قرینه آیه ۱۴ (لمسيكم فيما أفضتم فيه عذاب عظيم) و نیز آیه قبلی که در آن اشاعه دهندگان فحشا تهدید به عذاب شده اند جمله ای مانند <لعاجلكم بالعقوبه> و یا <لهلكتم> می باشد.

۵ - وضع کیفر سخت برای اشاعه دهندگان فحشا و افشای چهره توطئه گران <افك> ، از جلوه های فضل و رحمت خدا بر مسلمانان صدراسلام

و لولا فضل الله عليكم و رحمته

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه شریفه، دهمین و آخرین آیه ای است که درباره ماجرای <افك> نازل گردید و قهراً ارتباط نزدیکی با این ماجرا دارد.

کیفر اشاعه فساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۴

۴- رواج دادن فساد در جامعه ، دارای کیفری فزون تر از آلودگی به فساد است .

الذین كفروا و صدوا عن سبيل الله زدنيهم عذاباً فوق العذاب بما كانوا يفسدون

کیفر اشاعه قصه افك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۶

۶- فضل و رحمت خدا، مردم صدراسلام را که ندانسته در گسترش توطئه < افک > دخالت داشتند، از گرفتار شدن به عذاب دنیوی و اخروی

نجات بخشید .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته

به قرینه آیه پیش و نیز آیه ۱۴، جمله <و لولا فضل الله>، به تقدیر <و لولا فضل الله عليكم و رحمته مسکم عذاب فی الدنيا و الآخره> می باشد.

کیفر اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۳ - ۱

۱ - نابود شدن بوستان باغداران یمنی ، کیفر و عذاب الهی بر آنان بود .

كما بلونا أصحاب الجنه . . . بل نحن محرومون ... كذلك العذاب

کیفر اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۳

۳ - نزول کیفر و عذاب الهی بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) به جرم تکذیب پیامبران

إن كل إلا کذب الرسل فحق عقاب

<حق> به معنای <ثبّت> (ثابت و محقق است) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و

اصحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح . . . و الذین من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذین من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ایکه است ؛ چنان که در سوره <ص>

آیه ۱۳، به آن تصریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب أیکه> همان مردم مدین است که از قوم

حضرت شعیب بودند.

کیفر اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۶ - ۲،۳

۲ - مسخ شدن ، مجازات اصحاب سبت و دیگر امت های متخلف از احکام خدا

فجعلنها نکلا لما بین یدیها و ما خلفها

۳ - کیفر اصحاب سبت ، موعظه و پندی برای اهل تقواست .

فجعلنها .. موعظه للمتقین

کیفر اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۴،۷،۹

۴ - برخورد شدید خداوند با فیل داران مهاجم ، جلوه ربوبیت او و فراهم آوردن زمینه رشد برای آیین اسلام بود .

رَبِّكَ

اضافه <رَبِّكَ> به ضمیر در خطاب به رسول اکرم(ص)، بیانگر این است که نابودی اصحاب فیل، آن حضرت را در مسیر رسالت الهی اش، از تربیت و تدبیر الهی برخوردار کرده است.

۷ - داستان اصحاب فیل و کیفر دیدن آنان ، حادثه ای عبرت آموز و شایسته تدبیر

ألم تر کیف

۹ - هشدار خداوند به مخالفان و حرمت شکنان کعبه و تهدید آنان به کیفری نظیر نابودی اصحاب فیل

ألم تر کیف فعل رَبِّكَ بأصحاب الفیل

کیفر اصرار بر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۱

۱ خداوند ، قوم عاد را پس از اصرارشان به شرک و انکار رسالت هود ، به عذابی فراگیر گرفتار ساخت .

فَأَنجِنِهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمِهِ مَنَّا وَقَطَّعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا

کیفر اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۵

۵ کافران قوم ثمود پس

از تمام شدن حجت بر آنان و اصرارشان بر کفرورزی و از میان بردن ناقه صالح به هلاکت رسیدند .

قال المأذون استكبروا .. فأخذتهم الرجفة

کلمه <فاء> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر حقایق بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد که از آنهاست کفرورزی قوم صالح، پی کردن ناقه و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ فرعونیان پس از مشاهده آیات پنجگانه (طوفان و ...) و اصرارشان بر انکار رسالت موسی ، به عذابی شدیدتر مبتلا شدند .

و لما وقع عليهم الرجز قالوا يموسی ادع لنا ربک

<رجز> به معنای عذاب است و <ال> در آن هم می تواند عهد ذکری بوده و اشاره به عذابهای پنجگانه مطرح شده در آیه قبل باشد، و هم می تواند <ال> در آن عهد ذهنی باشد. در این صورت اشاره به عذابی غیر از عذابهای ذکر شده دارد که به دلیل روی آوری آنها به موسی و تقاضای برطرف شدن آن، عذابی بسیار شدیدتر از عذابهای پنجگانه بوده است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند ، از دوزخیان هستند .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان

جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۲

۲ - کافران دوزخی ، از کسانی اند که پس از اتمام حجت و از روی عمد ، راه کفر و انکار را در پیش گرفته و به تکذیب دین پرداختند .

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا

کیفر اضرار به شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۲

۲۲ صالح (ع) قوم خویش را به گرفتار آمدن به عذابی دردناک ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداری آن از چریدن ، هشدار داد .

فذروها تأکل فی أرض الله ولا تمسوها بسوء فیاخذکم عذاب أليم

کیفر اضلالگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۳

۱۳ - آتش سوزان ، کیفر کفرپیشگان و تمام کسانی که در راستای منحرف ساختن مردم از راه خدا و دین او تلاش می کنند .

و من الناس من یجدل .. و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۶، ۱۳

۱۳ - رواج دهندگان باطل ، مستحق عذابی خوارکننده اند .

من یشتری لهو الحدیث .. أولئک لهم عذاب مهین

۱۶ - جهل و ناآگاهی گمراه سازان مردم ، مانع عذاب آنان نیست .

ليضلّ عن سبيل الله بغير علم .. لهم عذاب مهين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب

۴ - گمراه سازان به خاطر گمراه ساز بودن شان ، عذاب دیگری هم دارند .

رَبَّنَا ءَاتِهِمْ ضَعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ

دو عذابِ مورد نظر در آیه چنان که مفسران نیز گفته اند برای دو چیز است: یکی گمراهی کافران و دیگری گمراه سازی آنان. گفتنی است که چون درخواست کافران پیرو برای عذاب رهبران رو نشده است، می توان نکته فوق را به دست آورد.

کیفر اطاعت از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۶

۱۶ - سرانجام رویگردانی از آن چه که خداوند نازل کرده و گردن نهادن به راه شیطان ، آتش شعلهور است .

و إِذَا قِيلَ لَهُم اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ .. أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعَةِ

کیفر اطاعت از قوانین ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱۵

۱۵ پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هوا های نفسانی ، با وجود احکام و قوانین قرآن ، موجب گرفتار شدن به عقوبتهایی از ناحیه خداوند است .

و لئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءك من العلم مالک من الله من ولی و لاواق

کیفر اعراض از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۲

۲ اعراض و امتناع از پذیرش آیات الهی بر اثر کبرورزی و خودبرتربینی، در پی دارنده آتش دوزخ است.

و الذین کذبوا بآیتنا و استکبروا عنها أولئک أصحاب النار

استکبار به معنای کبرورزی و خودبرتربینی است، و چون این کلمه با

حرف <عن> متعدی شده، متضمن معنای اعراض و امتناع است. بنابراین <استکبروا عنها> یعنی عرضوا عنها متکبرین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۲

۲ تکذیب کنندگان و اعراض کنندگان از آیات الهی در بستری از آتش جهنم و توده‌هایی آتشین بر فراز خویش، گرفتار خواهند شد.

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۳ - ۱

۱- اصحاب حجر (قوم ثمود) پس از تکذیب رسولان و اعراض از معجزات و آیات الهی، صبحگاهان گرفتار صدای وحشتناک و غرش سهمگین شدند.

و لقد کذب أصحاب الحجر المرسلین . و ءاتینهم ءایتنا ... معرضین ... فأخذتهم الصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۲

۱۲- محروم شدن از درک پیام‌های قرآن، کیفر بی‌اعتنایی به آیات خدا و فرو رفتن در غفلت از گناهان است.

ذکر بآیت ربّه فأعرض عنها . .. إنا جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۸ - ۹

۹- جدال در برابر آیات حق و اعراض از آنها و غفلت از گناهان، دارای کیفر قطعی است.

ذکر بآیت ربّه فأعرض عنها . .. بل لهم موعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۴

۴ - سوختن چهره بدکاران به وسیله آتش دوزخ ، جزای روی گردانی آنان از آیات الهی

فکبت وجوههم

فی النار هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

از تعبیر <هل تجزون..> تناسب کیفر با گناه استفاده می شود و این تناسب، در مورد آنان که با صورت در آتش افکنده می شوند، می تواند بدان جهت باشد که آنان روی از حق برمی تافتند (ولوا مدبرین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۲ - ۵

۵ - گرفتار شدن تکذیب کنندگان آیات الهی به عذاب عظیم در قیامت ، حاصل و پی آمد اعراض آنان از آیات خدا ، پس از توجه به آنها است .

و لنذیقنهم من العذاب .. دون العذاب الأكبر ... و من أظلم ممن ذكر بآيت ربّه

<و من أظلم..> به منزله تعلیل آیه قبل است و درصدد تبیین چرایی گرفتار آمدن مجرمان به عذاب سخت قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۳

۳ - روی گردانی از آیه خدا پس از تبیین آن ، درپی دارنده عذاب استیصال از جانب خداوند

لقد كان لسبأ في مسكنهم آية جنتان .. فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم

احتمال دارد متعلق <أعرضوا> <آیه> باشد که در آیه قبل از آن سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۳

۳ - صاعقه آسمانی ، کیفر روی گردانی از آیات روشن الهی است .

قل أئنكم لتكفرون بالذي .. فإن أعرضوا فقل أندرتمكم صعقه

کیفر اعراض از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۵

- صاعقه آسمانی ، کیفر تخلف قوم عاد و ثمود از دعوت پیامبران خویش

انذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

کیفر اعراض از توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۹

۹ هود (ع) مردمش را در صورت مقامت بر شرک و پرستش نکردن خدای یگانه به عذاب الهی تهدید کرد .

فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين

کیفر اعراض از تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۶

۱۶ - عبیدالله حلبی می گوید : > قال > اذکروا ما فيه < و اذکروا ما فی ترکه من العقوبه ;

ایشان (امام صادق(ع)) درباره > اذکروا ما فيه < فرمودند: یاد بیاورید عقوبتی را که در ترک آن [تورات] هست >.

کیفر اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما آتیهم .. بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا الله ... و بما كانوا یکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و

خشکی در امان نیستند .

فلما نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أم أمتم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

کیفر اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴ - ۴

۴ به هلاکت رساندن امتهای بی اعتنا به تعالیم دین، از سنتهای خداوند است. *

و کم من قریه أهلکنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۵

۵ - مردم ، گرچه نباید بر ایمان مجبور شوند ؛ ولی بر اعراض و کفر مؤاخذه شده و در آخرت عذاب خواهند دید .

لست علیهم بمصیطر . إلا من تولی و کفر

حرف <إلا> در یک احتمال برای استثنای منقطع است. در نتیجه مفاد این آیه و آیه بعد، این است که: <تو بر هیچ کس سیطره نداری ؛ لکن اعراض کنندگان کافر در آخرت به عذاب خداوند گرفتار خواهند شد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۸

۸ - تکذیب دین و روی گردانی از آن ، در پی دارنده کیفری تحقیر آمیز و گریزناپذیر

أرءیت إن کذب و تولی . . . کلاً لئن لم ینته لفسفعا بالناصیه

گرفتن موهای جلو سر علاوه بر تحقیر شخص را به طور کامل تسلیم گیرنده آن می سازد ؛ به گونه ای که مقاومت سودی نمی بخشد. کیفر یاد شده به قرینه <سندع الزبانیه> (در آیات بعد) مربوط به قیامت است ؛ ولی دلالت آیه شریفه بر کیفر دنیوی نیز بعید نیست.

کیفر اعراض از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۷۸،۱۰

۷ - توصیه خداوند به عمل کردن به قرآن ، پیش از دچار شدن به پیامدهای هلاکت بار رها کردن

قرآن (عذاب)

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ .. من قبل أن يأتيكم العذاب

۸ - عمل نکردن به تعالیم قرآن ، در پی دارنده عذاب ناگهانی در دنیا

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ .. من قبل أن يأتيكم العذاب بغته

<بغته> به معنای ناگهانی است.

۱۰ - عذاب عمل نکردن به تعالیم قرآن ، ناگهانی و غیرقابل پیش بینی است .

و أنتم لاتشعرون

کیفر اعراض از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۸

۱۸ - عالمان دینی در صورت بی توجهی به تعالیم کتاب های آسمانی ، سزاوار توبیخ و ملامت بوده و در قیامت بسزای کردارشان خواهند رسید .

قالت اليهود .. و هم يتلون الكتب ... فالله يحكم بينهم يوم القيمة

کیفر اعراض از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ - زندگانی دشوار ، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و ناینایی در قیامت ، مجازات و کیفر الهی آن است .

فإن له معيشة ضنكاً و نحشره يوم القيمة أعمى

تفاوت در تعبیر <فإن له..> و <نحشره...> که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفس عمل متفرع گردیده ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

کیفر افترا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۱۲

۱۲ دوزخ، جایگاه شوم ترک کنندگان جهاد، خیانتکاران و آنانکه پیامبر (ص) را متهم به خیانتکاری می کنند.

انّ الذین تولّوا منکم . . . و

ما كان لنبی ان یغلّ ... کمن بآء بسخط من اللّٰه و م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱

۱ عذاب سخت یهود در آخرت ، دستاورد اعمال ناروای آنان (نسبت دادن فقر به خدا و کشتن انبیا)

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم

کیفر افترا به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۲۰، ۲۳

۲۰ عذاب خوارکننده در برزخ، جزای گفتار نادرست درباره خداوند و افترای به اوست.

الیوم تجزون عذاب الهون بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق

۲۳ گفتن سخن ناحق درباره خداوند، عقوبت سنگین در پی دارد.

بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۷، ۸

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

۸ افترا بر خداوند از گناهان بزرگ و موجب کیفر اوست.

سیجزیهم بما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ کیفر الهی در انتظار مشرکانی است که توصیفهای ناروا و احکام ساخته خود را به خدا نسبت می دادند.

سیجزیههم بما کانوا یفترون. و قالوا ما فی بطون ... سیجزیههم و صفهم

۷ افترا به خداوند و انتساب احکام ساختگی به او، کیفر او را در پی دارد.

و قالوا ما فی بطون ..

۱۱- کیفر کسانی که احکام خود ساخته را به خداوند منتسب می‌سازند، مجازاتی حکیمانه و عالمانه است.

سیجزیه‌م و صفهم إنه حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۴

۴- عقوبت افترا به خدا و شرک، به قدری شدید و سنگین است که در صورت وقوع، همه جنبندهگان را فرا می‌گیرد.

بربهم یشرکون... کنتم تفترون. و يجعلون لله البنت... و لو یؤاخذ الله الناس ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۱۲

۱۲- افترا زدن به خداوند و دادن نسبت های ناروا به او، در پی دارنده آتش جهنم است.

عما کنتم تفترون. و يجعلون لله البنت... و يجعلون لله ما یکرهون... لاجرم آن ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۵ - ۶

۶- نسبت ناروای فرزندگزینی به خداوند، در پی دارنده عذاب الهی در قیامت

و کلهم ءاتیه یوم القیمه

خبر از حضور در عرصه قیامت، هشدار به عذاب آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۸ - ۹

۹- تنها ماندن مشرکان در طوفان عذاب، بازتاب دروغ ها و افتراهایشان به خداوند

بل ضلوا عنهم و ذلک إفکهم

چنانچه <ذلك> اشاره به عدم نصرت مشركان از سوى آلهه باشد كه از مضمون صدر آيه استفاده مى شود و بعد از <ذلك> كلمه اى در تقدير باشد، يعنى، <ذلك اثر إفكهم> مى توان به نكته ياد شده

پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۶ - ۲، ۱

۱ - مرگ و هلاکت ، مجازات الهی برای پیامبر (ص) در صورت دروغ بستن بر خداوند

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ

<وتین> نام رگی است در قلب که اگر بریده شود انسان بی درنگ می میرد. (قاموس المحيط)

۲ - دروغ بستن بر خداوند ، دارای مجازات مرگ و هلاکت

و لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا .. لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۷ - ۲

۲ - مرگ و نابودی ، کیفر قطعی و رهایی ناپذیر گناه دروغ بستن بر خدا و ادعای دروغین نبوت

فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - نسبت ناروا به خداوند موجب استحقاق هلاکت و عذاب الهی است .

لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ

<الویل> در اصل به معنای عذاب و هلاکت است و در جایی استعمال می شود که کسی و یا کسانی در معرض هلاکتی باشند که مستحق آن هستند (لسان العرب).

کیفر افترا به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۸

۸- افترا بستن بر پیامبر (ص) و قرآن ، موجب عذاب دردناک اخروی است .

لهم عذاب أليم . إنما يفتري الكذب الذين لا يؤمنون

کیفر افترا به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۸

۸- افترا بستن بر پیامبر (ص) و قرآن ، موجب عذاب

دردناک اخروی است .

لهم عذاب أليم . إنما يفتري الكذب الذين لا يؤمنون

کیفر افساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ - ۹

۹ - فسادگری و اصلاح ناپذیری منافقان ، موجب گرفتار آمدن آنان به عذابی دردناک خواهد شد .

و لهم عذاب الیم بما كانوا .. إذا قیل لهم لا تفسدوا فی الأرض

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <إذا قیل > عطف بر <یکذبون > در آیه قبل باشد. بر این مبنا، مفاد جمله <إذا قیل ... > نیز همانند <یکذبون > بیانگر سبب گرفتاری منافقان به عذاب الیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ فسادانگیزی در زمین ، موجب مجازات اعدام

من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۹،۱۵

۹ محاربان با خدا و رسول (ص) به دلیل فسادگری در زمین محکوم به کیفری سنگین

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا

بنابر اینکه <یسعون فی الارض > عطف تفسیری برای <الذین یحاربون > باشد، می توان گفت داعی بر تفسیر محاربان به فسادگران در زمین، بیان علت کیفری است که برای آنان ذکر شده است.

۱۵ عذاب بزرگ اخروی پیامد و کیفر ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) و فسادگری در زمین

و لهم فی الاخره عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۹،۱۲

۹ فسادگران در زمین به لعنت خداوند

و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

و الذین ... یفسدون فی الأرض أولئک لهم اللعنه

۱۲ آنان که در زمین فساد می کنند ، به سرایی شوم (دوزخ) گرفتار خواهند شد .

و الذین ... یفسدون فی الأرض ... لهم سوء الدار

کیفر افساد بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۷

۷- تهدید شدن بنی اسرائیل به کیفر مجدد در صورت بازگشت به فتنه گری ، از سوی خداوند

و إن عدتم عدنا

کیفر اقامت در دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۹ - ۳

۳ مستضعفان ناتوان از هجرت ، به جهت ماندن در بلاد کفر ، سزاوار کیفرند . *

فاولئک عسی الله ان یعفو عنهم

کیفر اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰- گروه ها و اقوامی که در طول تاریخ ، انبیای الهی را تکذیب کردند ، گرفتار عذاب شدند .

فسیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عقبه المکذبین

دعوت از مردم برای جهانگردی جهت مطالعه در عاقبت تکذیب کنندگان انبیا، دلالت بر این دارد که آنان دچار عذاب شده

اند و مطالعه آن عبرت آموز است و اگر چنان چه به مرگ طبیعی مرده بودند، با انسانهای دیگر تفاوتی نداشتند و در نتیجه مزیتی برای مطالعه نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - گرفتار شدن امت های متمدن و نیرومند گذشته به عقوبت الهی

، در حال گناه و معصیت

فأخذهم الله بذنوبهم

برداشت یاد شده بر این احتمال استوار است که <با> در <بذنبهم> برای ملابست باشد؛ یعنی، خداوند آنان را در حال گناه کاری شان به کیفر رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۲ - ۸

۸ - نابودی و عقوبت امت های نیرومند و متمدن گذشته ، جلوه قدرتمندی و سخت کیفری خداوند

كانوا هم أشد منهم قوه و اثارا .. فأخذهم الله إنه قوی شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و اصحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح .. و الذین من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذین من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ایکه است؛ چنان که در سوره <ص> آیه ۱۳، به آن تصریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب ایکه> همان مردم مدین است که از قوم حضرت شعیب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۶

۶ - صاعقه از کیفر های دنیوی خداوند ، برای برخی از امت های مشرک پیشین

أندرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

کیفر امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۳ - ۴

۴ - خداوند

، تهدیدکننده مخالفان پیامبر (ص) به عذابی نظیر کیفر امت های پیشین (عاد ، ثمود و فرعون)

رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۲

۲- کیفر هلاکت بار عمومی و فراگیر ، برای انسان های قبل از نوح (ع) به وقوع نپیوسته بود .

و کم أهلکنا من القرون من بعد نوح

خداوند در آیه پیش از سنت خویش مبنی بر هلاکت اقوام کافر و فاسد، خبر داد و آن گاه برای اثبات این حقیقت، هلاکت قوم نوح و پس از او را یادآور شد. از ذکر داستان نوح و اقوام پس از او، می توان استفاده کرد که اقوامی که به صورت جمعی قبل از نوح(ع) دچار عذاب شده باشند، وجود نداشته است.

کیفر امداد به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۷

۷- کیفر الهی به هنگام نزول ، فراگیر همه ظالمان و همراهان و یاوران آنان است .

فأغرقه و من معه جمیعاً

کیفر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۱

۱۱ کفر مستمر یهود به آیات الهی و کشتن ناروای پیامبران ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت علیهم الذلّه . . . و باءو بغضب من الله و ضربت علیهم المسکنه ذلک بانهم کا

کیفر انتساب فرزند به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۹۴ - ۷

۷- نسبت دهندگان فرزند به خداوند ، از

احاطه کامل او بیرون نستند و مجازات الهی در انتظار آنان است .

لقد أحصیهم وعدّهم عدًّا

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در <أحصاهم>، فاعل <قالوا> (در آیات پیشین) گرفته شده است. در این صورت آیه در مقام تهدید کسانی است که به فرزند گزینی خداوند قائل می باشند و مراد از <مشخص بودن تعداد> این است که احدی از آنان نمی تواند از عقوبت این کار بگریزد.

کیفر انحراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفر هر نوع انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام

و من یرد فیه بالحدّ بظلم ندقه من عذاب الیم

کیفر انحراف جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۶

۱۶ فساد های جنسی ، در پی دارنده عقوبت های الهی است .

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم فاتقوا الله

کیفر انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ - همه انسان ها ، برای کیفر و پاداش به سوی خدا بازمی گردند .

فإلینا یرجعون

کیفر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۵ - ۴

۴ - رسیدگی نهایی به کار مردمان و تعیین کیفر و پاداش برای آنان ، از شؤن خداوند

و إلى الله ترجع الأمور

در صورتی که مراد از <الأُمور> کارهای مربوط به انسان ها باشد؛ آیه شریفه به فلسفه قیامت و حضور مردم در پیشگاه خداوند، جهت محاسبه اعمال و مشخص شدن

فرجام نهایی شان اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۳

۳ - حساب رسی و کیفر و پاداش بندگان ، مهم ترین خصوصیت معاد و فلسفه برپایی قیامت

و الذین یصدّقون بیوم الدین

مطلب یاد شده، از تعبیر <یوم الدین> درباره قیامت، به دست می آید.

کیفر انکار توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۱۸

۱۸ هود در انتظار نزول عذاب الهی بر قوم عاد ، پس از ابلاغ رسالت های الهی و اصرار آنان بر انکار توحید و رسالت وی

فانتظروا إنی معکم من المنتظرین

کیفر انکار رسالت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۶

۶ هلاکت کافران در جنگ بدر کیفری از سوی خداوند به سبب تکذیب آیات الهی و انکار رسالت پیامبر (ص)

کذاب ءال فرعون .. فأهلکنهم بذنوبهم

کیفر انکار رسالت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۱۸

۱۸ هود در انتظار نزول عذاب الهی بر قوم عاد ، پس از ابلاغ رسالت های الهی و اصرار آنان بر انکار توحید و رسالت وی

فانتظروا إني معكم من المنتظرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۱

۱ خداوند ، قوم عاد را پس از اصرارشان به شرک و انکار رسالت هود ، به عذابی فراگیر گرفتار ساخت .

فأنجينه و الذين معه برحمه منا و قطعنا دابر الذين كذبوا

کیفر

اهانت به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۷،۹

۷ اعدام ، کیفر طعن و توهین به اسلام

و طعنوا فی دینکم فقتلوا

۹ مسلمانان صدر اسلام ، موظف بودند در صورت مشاهده طعن و توهین به دین الهی از سوی معاهدان مشرک ، با ایشان به پیکار برخیزند .

و إن نکثوا أیمنهم ... و طعنوا فی دینکم فقتلوا أئمه الکفر

کیفر اهانت به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۸ - ۱۰

۱۰ - منافقان ، نازل نشدن عذاب الهی به خاطر اهانت های آنان به رسول اکرم (ص) را دلیل عدم رسالت آن حضرت می پنداشتند .

و یقولون فی أنفسهم لولا یعدبنا الله بما نقول

کیفر اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۹

۹ گرفتاری اهل کتاب به لعنت و غضب خداوند ، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به میمون و خوک ، سزای رفتار های زشت آنان

هل انبئکم بشرّ من ذلك مثوبه عند الله من لعنه .. و عبد الطغوت

کلمه <مثوبه> (سزا و جزا) می رساند که غضب و ... به عنوان پیامدهای شومی است که اعمال ناروای اهل کتاب آنها را

اقتضا می کرده است.

کیفر اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۶

۶ عذاب های نازل شده بر اقوام گذشته (فرعونیان ، عادیان و ...) کیفرهایی بود که آنان خود

برای خویشتن فراهم آوردند .

و ما ظلمنهم و لكن ظلموا أنفسهم

کیفر ایمان در اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۳

۳ - در دیدگاه اصحاب اخدود ، ایمان مردم ، جرمی سنگین و موجب کیفر سوزاندن بود .

ما يفعلون بالمؤمنين

کیفر با بلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۷

۷ - کفر به خداوند ، موجب کیفر شدن به وسیله بلا های طبیعی

فيرسل عليكم قاصفاً من الريح فيغرقكم بما كفرتم

کیفر با پوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۹

۹ رویش مجدد پوست ، وسیله تداوم چشاندن عذاب به دوزخیان

كلما نضجت جلودهم بدلناهم جلوداً غيرها ليذقوا العذاب

کیفر با تحریم مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۶

۶ جعل احکام سخت و محدود کردن بهره برداری از مواهب، از انواع مجازاتهای خداوند برای برخی اقوام بوده است.

و علی الذین هادوا حرمنا کل ذی ظفر .. ذلک جزینهم ببغیهم

کیفر با رستنگاه مو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۷

۷ - گرفتن موهای بالای پیشانی تکذیب گران دین و کشاندن ذلیلانه آنان به سوی آتش، کیفر مخالفت آنها با نماز، هدایت و تقوا

ینهی . عبدًا إذا صلّی ... لئن لم ینته لسنفعا بالناصیه

<ناصیه> به معنای انتهای رستنگاه مو از قسمت جلو سر است، ریشه این کلمه بر <علو> دلالت

دارد و چون رستنگاه ناصیه در قسمت بالای سر است، این نام را بر آن نهاده اند (مقایس اللغه). قسمت جلو سر را نیز <ناصیه> گویند (تاج العروس). <نسفعن> که <نون تأکید> آن به صورت تنوین نوشته می شود یعنی، چنگ می زنیم و می کشانیم و ممکن است به معنای <سیاه می کنیم>، <نشانه می گذاریم> یا <به خواری می کشانیم> باشد. (برگرفته از قاموس)

کیفر با سیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱

۱ - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلنهم بجنّتهم . . . ذلك جزينهم بما كفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش، احتمال دارد مراد از <کفروا> کفران باشد.

کیفر با صاعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۷

۱۷ گرفتاری یهود به صاعقه ، از بینات الهی برای آنان

فأخذتهم الصعقة بظلمهم ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۳،۵،۶

۳ - صاعقه آسمانی ، کیفر روی گردانی از آیات روشن الهی است .

قل أئنکم لتکفرون بالذی . . . فإن أعرضوا فقل أندر تکم صعقه

۵ - صاعقه آسمانی ، کیفر تخلف قوم عاد و ثمود از دعوت پیامبران خویش

أندر تکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

۶ - صاعقه از کیفر های دنیوی خداوند ، برای برخی از امت های مشرک پیشین

أذرتکم

صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

کیفر با غذای گلوگیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۱

۱ - تکذیب گران دین ستیز در قیامت ، با غذای گلوگیر کیفر می شوند .

و المكذبین ... و طعامًا ذا غصه

کیفر با مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، به دلیل اعتقاد شرک آمیزشان (فرزند خدا خواندن عزیر و مسیح) مستحق کیفر مرگ

و قالت اليهود عزیر ابن الله .. قتلهم الله أنى یؤفکون

کیفر با مکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۲ - ۱۷

۱۷ خدعه خداوند با منافقان نیرنگ باز ، به مجازات کردن آنان است .

إنّ المنفقین یخدعون الله و هو خدعهم

امام رضا(ع) در پاسخ سؤال از معنای خدعه خداوند در آیه فوق فرمود: ان الله تعالى . . . لا یخادع و لکنه تعالى یجازیهم ...

جزاء ... الخدیعه

کیفر با مواد مذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۶ - ۲

۲- مواد مذاب و گداخته ، مجازات الهی برای گناه پیشگان

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقْوَمِ ... كغلى الحميم

کیفر بازی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۲، ۲۰، ۱۹، ۳

۳ پیامبر(ص) وظیفه دار بی اعتنایی به کسانی که آیین آنها بازی و سرگرمی

است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

۱۹ هیچ فدیة ای از بازیچه قرار دهندگان دین، برای رهایی آنان از عذاب پذیرفته نمی شود.

اتخذوا دینهم لعبا .. و إن تعدل کل عدل لا یؤخذ منها

۲۰ گرفتاری به عذاب و محرومیت از شفاعت، نتیجه بازیچه قرار دادن دین است.

الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا .. أولئک الذین أبلوا بما کسبوا

۲۲ نوشیدنی سوزان و عذاب دردناک قیامت در انتظار بازیچه قرار دهندگان دین است.

أولئک الذین أبلوا .. لهم شراب من حمیم و عذاب ألیم

کیفر بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۵

۵ گرفتار شدن به غضب الهی و عجز شدن زندگانی دنیا به ذلت و خواری، فرجام پرستشگران غیر خدا

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم و ذله فی الحیوه الدنیا

کیفر بت شکنی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۱ - ۳

۳- بت پرستان، حضرت ابراهیم (ع) را به منظور نشان دادن کیفر بت شکنی او به عموم مردم، احضار کردند.

فأتوا به .. لعلم یشهدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <یشهدون> به معنای <یحضرون> (حضور پیدا کنند) باشد. بر اساس این احتمال، مقصود از حضور مردم به تناسب مورد آیه حضور برای دیدن کیفر و عقوبت ابراهیم(ع) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۸ - ۱

۱- ابراهیم (ع)، از سوی بت پرستان محکوم به

سوزانده شدن در آتش شد .

قالوا حَرَّقوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۷ - ۱،۲

۱ - توصیه دسته جمعی مشرکان به یکدیگر ، مبنی بر ساختن بنایی برای سوزاندن ابراهیم (ع)

قالوا ابنوا له بنیناً فألقوه فی الجحیم

۲ - تصمیم دسته جمعی مشرکان بر سوزاندن ابراهیم (ع) در آتشی پر حرارت و پر شعله

فألقوه فی الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

کیفر بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۳۰

۳۰ عذاب سخت الهی در قیامت ، فرجام بخلورزی و عدم انفاق از دارایی های فزون بر نیاز

ولا یحسبنّ الذین ینخلون بما اتیهم الله من فضله

رسول الله (ص): ما من ذی رحم یأتی ذا رحمه فیسأله من فضل ما اعطاه الله اياه فیینخل علیه الا یرج له یوم القیامه من جهنّم
شجاع یتلمّظ حتی یطوّقه. ثم قرأ <ولا یحسبنّ ... >.

الدر المثور، ج ۲، ص ۳۹۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما آتاهم .. بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا الله ... و بما كانوا يكذبون

کیفر بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۷

۷ عدالت خداوند و دوری ساحت وی از ظلم ، مقتضی مجازات بخیلان و قاتلان انبیا

و لا يحسبنّ الذين يبخلون

.. ذوقوا عذاب الحریق ... و انّ الله لیس بظلام للعب

جمله <و انّ الله .. > عطف بر <ما قدّمت > می باشد. بنابراین دلیل دیگری برای گرفتار شدن بخیلان و قاتلان انبیا به دوزخ است. یعنی عدالت خداوند اقتضا می کند که ستمگران را عذاب کند، ورنه به ستمدیده ظلم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۸

۸ عذاب خوارکننده ، کیفر بخیلان و دعوت کنندگان به بخل

الذین یبخلون .. و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

مراد از کافران در آیه، یا خصوص بخیلان و آمران به بخل است و یا مصداق مورد نظر از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۹

۹ خداوند ، کیفردهنده بخیلان و ریاکاران و پاداش دهنده انفاق کنندگان مخلص

الذین یبخلون .. و انفقوا ... و کان الله بهم علیماً

هدف از بیان علم و آگاهی خداوند پس از بیان ایمان و بخل، تهدید بخیلان و ریاکاران به کیفر، و پاداش دهی به مؤمنان انفاق کننده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۴

۴ کیفر بخیلان و ریاکاران (عذاب ، محرومیت از محبت خداوند ، همراهی با شیطان) ، بازتاب عمل خود آنان است ، نه ستمی از جانب خداوند .

انّ الله لا یحبّ .. الذین یبخلون ... و الذین ینفقون اموالهم رثاء الناس ... و

جمله <انّ الله .. > می تواند پاسخی باشد برای این سؤال که چرا خداوند مردم

را به عذاب و ... مبتلا می کند. خداوند می فرماید این عذابها ناشی از ستم او نیست، بلکه دستاورد خود بخیلان است.

کیفر بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۶،۷

۶ کیفر الهی در انتظار مشرکانی است که توصیفهای ناروا و احکام ساخته خود را به خدا نسبت می دادند.

سیجزیههم بما کانوا یفترون. و قالوا ما فی بطون ... سیجزیههم وصفهم

۷ افترا به خداوند و انتساب احکام ساختگی به او، کیفر او را در پی دارد.

و قالوا ما فی بطون . . . سیجزیههم وصفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۷ - ۳

۳- بدعت گذاری ، و در پی دارنده عذاب دردناک اخروی است .

و لاتقولوا . . . هذا حلل و هذا حرام ... متع قليل و لهم عذاب أليم

کیفر بدعت گذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۵،۱۶

۱۵ هواپرستان و بدعتگزاران در جامعه اسلامی ، روسپاهان در قیامت

فأما الذين أسودت وجوههم

امیرالمؤمنین (ع): <فأما الذين أسودت وجوههم . . . >، انهم اهل البدع و الاهواء من هذه الامه.

۱۶ در قیامت عمل کنندگان به سنت رسول الله (ص)، روسفید و بدعتگذاران روسیاهند .

یوم تبيضّ وجوه و تسودّ وجوه

رسول خدا (ص) درباره آیه <یوم تبيضّ وجوه .. >، فرمود: تبيضّ وجوه اهل السنه و تسودّ وجوه اهل البدع

الدر المثور، ج ۲، ص ۲۹۱.

کیفر بدعتگذاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۹

۹ - عالمان بدعتگذار و دین ساز یهود ، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

فویل للذین یکتبون الکتب .. فویل لهم مما کتبت أیدیهم

کیفر بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۷

۷ - بدکاران ، مجازات خواهند شد .

أم حسب الذین یعملون السیئات أن یسبقونا

در صورتی که مراد از <سبقت از خدا>، گریز از کیفر خدا باشد، آیه، دلالت می کند که آنان، کیفر دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۹

۹ - جزای عادلانه به بدکرداران و پاداش برتر و افزون بر استحقاق به نیکوکاران ، عملی ارزشمند و خداپسندانه

لیجزی الذین أسوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى

کیفر بدون بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۲

۲ هلاک جوامع بشری، بدون فرستادن هدایت برای ایشان، کاری ظالمانه و به دور از ساحت قدس الهی است.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم

<بظلم> می تواند حال برای <ربك> باشد. در این صورت معنای جمله چنین می شود: خداوند از روی ظلم جامعه ناآگاه را هلاک نمی کند. بنابراین هلاکت در صورت عدم ابلاغ کاری ظالمانه است.

کیفر بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۱

۱ - جزای بدی و کیفر خطاها در حد مقابله به مثل ، مجاز و مشروع است

و الذين إذا أصابهم البغي . . . و جزؤا سيئه سيئه مثلها

کیفر برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۷

۷ رفتار برادران یوسف علیه وی ، گناه بود و بدون آمرزش خداوند عقوبت او را در پی داشت .

یغفر الله لکم

کیفر برزخی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۳

۳ - وجود کیفر برای کافران ، پیش از برپایی قیامت و در عالم برزخ

النار يعرضون عليها غدوًّا وعشيًّا

کیفر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱

۱ - قوم موسی با گوساله پرستی ، بر خویشتن ستم کرده و مستحق کیفر شدند .

يقوم إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۷

۷ - عذاب آسمانی نازل شده بر گنهکاران بنی اسرائیل ، سزای فسق دیرینه آنان و گناه تغییر و تبدیل فرمان خدا بوده است .

فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

<با>ی سببیه در <بما کانوا یفسقون> می رساند که: نزول عذاب آسمانی به سبب فسق دیرینه بنی اسرائیل بوده و توصیف آنان به ستمکاری (الذین ظلموا) دلالت می کند که عذاب به خاطر ظلم آنان، یعنی تبدیل فرمان خدا بوده است. بنابراین باید گفت: ستمکاری بنی اسرائیل به ضمیمه فسق دیرینه آنان، موجب عذاب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۶

بنی اسرائیل ، مصداق بارز تفرقه افکنان و تحریفگران دین خداوند و مشمول عذاب شدید الهی

ادخلوا فی السلم کافه . . فان زلتم من بعد ما ... سل بنی اسرائیل کم اتیناهم م

پس از امر به دخول در <سلم> (تسلیم در برابر خداوند و اتحاد جامعه ایمانی)، و عدم تبعیت از شیطان، بنی اسرائیل را به عنوان نمونه ذکر می کند.

کیفر بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۴

۴ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

کذلک کدنا لیوسف

کیفر بی ارزشی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۳

۳ - گرفتاری به جهنم ، کیفر کردار های بی ارزش است .

و أمّا من خفت موزینه . فأُمّه هاویه

کیفر بی اعتنائی به هشدارهای انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۲ - ۴

۴ بسیاری از اقوام پیشین به دلیل فقدان زمینه ایمان و تکذیب آیات الهی و نپذیرفتن هشدار های پیامبرانشان ، با عذاب استیصال نابود شدند .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لایؤمنون. فهل ینتظرون إلا مثل آیام الذین خلوا من

کیفر بی ایمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۲ - ۴

۴ بسیاری از اقوام پیشین به دلیل فقدان زمینه ایمان و تکذیب آیات الهی و نپذیرفتن هشدار های پیامبرانشان ، با عذاب
استیصال

نابود شدند .

و ما تغنى الأيت و النذر عن قوم لا يؤمنون. فهل ينتظرون إلا مثل الأيام الذين خلوا من

کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۵ - ۸

۸ خداوند کسی را بدون اتمام حجت عقاب نمی کند .

رسلا .. لئلا يكون للناس على الله حجه بعد الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۳

۳ سنت خداوند بر عقوبت نکردن انسان ها پیش از بیان دستورات خویش است .

لو لا كتب من الله سبق لمسكم فيما أخذتم

در اینکه مراد از <کتب .. > چیست، چندین نظر ایراد شده است ؛ از جمله سنت الهی بر اینکه تا دستوری را به روشنی برای مردم بیان نکند، آنان را به عذاب گرفتار نمی سازد. و اسیر گرفتن در جنگ بدر هر چند کاری بسیار ناصواب بوده، ولی حکم آن به روشنی بیان نشده بود و لذا خداوند مرتکبان این عمل ناصواب را به عذاب گرفتار نساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۷ - ۹

۹ نزول عذاب استیصال ، همواره پس از تمام شدن حجت خدا بر مردم است .

فإذا جاء رسولهم قضی بينهم بالقسط

کیفر بی تقویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۷ - ۵۹ - ۱۷

۱۷ - بی تقوایان و مخالفت کنندگان با پیامبر (ص) ، دارای کیفری شدید

و ما اتيكم الرسول فخذوه .. و اتقوا الله ان الله شديد العقاب

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۴

۴ اضلال ، از کیفر های الهی برای بی تقوایان

ما كان الله ليضل . . . حتى يبين لهم ما يتقون

کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ بی گناهان جامعه ، در خطر گرفتار آمدن به کیفر گناهکاران

قال فانها محرمة عليهم اربعين سنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۲،۳

۲ داوطلب شدن بی گناهان برای مجازات شدن به جای مجرمان ، مجوز کیفر دادن آنان نیست .

فخذ أحدنا مكانه . . . معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

۳ قوانین جزایی مصر در زمان یوسف ، کیفر بی گناهان را به جای مجرمان هر چند داوطلبانه باشد ، مجاز نمی شمرد . *

معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

برداشت فوق را می توان از به کارگیری ضمیرهای متکلم مع الغیر به جای ضمیر متکلم وحده استفاده کرد ؛ یعنی، یوسف(ع) با جمله <بازداشت نمی کنیم> به جای <بازداشت نمی کنم> اشاره به این معنا می کند که قوانین مصر چنین اجازه ای به من نمی دهد که بی گناه را به جای گنهکار بازداشت کنم، هر چند او خود داوطلب باشد.

کیفر پدر به جای فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۰،۱۲

۱۰ - هیچ پدر و فرزندی ، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند .

لا یجزی والد عن

ولده و لامولود هو جاز عن والده شيئاً

۱۲ - در قیامت ، برعهده گرفتن بخشی از کیفر پدر از ناحیه فرزند ، به خاطر سنگین بودن حق وی بر فرزند ، امری متوقع است .*

و لامولود هو جاز عن والده

درباره مجازات نشدن پدر به جای فرزند، از فعل <یجزی> استفاده شده است و درباره نفی مجازات فرزند به جای پدر از <جاز> که حالت صفتی و تأکید بیشتری دارد. چنین تأکیدی، می تواند به خاطر توقعی باشد که از ناحیه پدران هست. و نیز می تواند به خاطر این باشد که او، از حیث عاطفه و مهر، به مراتب کم تر از پدر است. برداشت بالا بر اساس احتمال نخست است.

کیفر پیروان ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۵

۵- دوزخ ، کیفر قطعی ابلیس و پیروان وی

فمن تبعك منهم فإن جهنم جزاؤكم

کیفر پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۹

۹- دوزخ ، کیفری کامل و بی کم و کاست برای شیطان و پیروان او

فإن جهنم جزاؤكم جزاءً موفورًا

<موفور> از ریشه <وفر> به معنای تام و بی نقص است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۰

۱۰ - گرفتار شدن به آتش برافروخته و پراشتهای دوزخ ، سرنوشت و کیفر پیروان حزب شیطان

إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

<سعیر> به معنای آتش افروخته و ملتهب است.

کیفر پیروی از مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ خداوند پیامبر (ص) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به عقوبتهایی از جانب خویش تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم .. مالک من الله من ولیّ ولاواق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <من الله> متعلق به <ولیّ> و <واق> باشد. بر این مبنا <ولیّ و واق> متضمن معنای <منع> است و جمله <مالک...> چنین معنا می شود: برای تو یاور و نگه دارنده ای که تو را از [عذاب] خدا باز دارد، وجود نخواهد داشت.

کیفر پیروی از مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۳

۳ - شرک و هم نشینی و هم فکری با مشرکان ستم پیشه ، عامل دخول در دوزخ

احشروا الذین .. یعبدون . من دون الله فاهدوهم إلى صراط الجحیم

کیفر پیروی از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ خداوند پیامبر (ص) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به عقوبتهایی از جانب خویش تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم .. مالک من الله من ولیّ ولاواق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <من الله> متعلق به <ولیّ> و <واق> باشد. بر این مبنا <ولیّ و واق> متضمن معنای <منع> است و جمله <مالک...> چنین معنا می شود: برای تو یاور و نگه دارنده ای که تو را از [عذاب] خدا باز دارد، وجود نخواهد داشت.

کیفر تبعیت از مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را در صورت پیروی کردن از آیین یهود و نصارا ، به عقوبتهایی از جانب خود تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم .. مالک من الله من ولی و لانصیر

برداشت فوق مبتنی بر این است که <من الله> متعلق به <ولیی> و <نصیر> باشد. بر این مبنا <ولیی> و <نصیر> متضمن معنای <منع> است و جمله <مالک ...> چنین معنا می شود: برای تو پشتیبان و یآوری که تو را از خدا (از عذاب خدا) باز دارد وجود نخواهد داشت.

کیفر تبعیت از یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را در صورت پیروی کردن از آیین یهود و نصارا ، به عقوبتهایی از جانب خود تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم .. مالک من الله من ولی و لانصیر

برداشت فوق مبتنی بر این است که <من الله> متعلق به <ولیی> و <نصیر> باشد. بر این مبنا <ولیی> و <نصیر> متضمن معنای <منع> است و جمله <مالک ...> چنین معنا می شود: برای تو پشتیبان و یآوری که تو را از خدا (از عذاب خدا) باز دارد وجود نخواهد داشت.

کیفر تبعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۸ - معتقدان به مکتب الهی ، در صورت کشتن یا آواره ساختن همکیشان خود ، به خواری در دنیا و شدیدترین عذاب در آخرت گرفتار خواهند شد .

فما جزاء من یفعل

... و يوم القيمة يردون إلى أشد العذاب

کیفر تبعید انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۷ - ۱

۱- سنت خداوند ، بر هلاک ساختن امتیابی که اقدام به اخراج و تبعید رسولان الهی از سرزمین خود نمودند .

ليخرجوك منها و إذا لا يلبثون خلفك إلا قليلاً. سنه من قد أرسلنا قبلك من رسلنا

کیفر تبعید محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۶ - ۴

۴- تهدید خداوند به هلاکت حتمی و قریب الوقوع مشرکان ، در صورت اخراج پیامبر (ص) از مکه

و إذا لا يلبثون خلفك إلا قليلاً

کیفر تبعید گری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۲، ۲۰

۲۰ - گرفتار شدن به خواری و ذلت در دنیا ، سزای یهودیانی است که همدیگر را کشتند و همکیشان خو را از دیارشان بیرون راندند .

تقتلون أنفسکم .. فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزی فی الحیوه الدنیا

۲۲ - یهودیانی که همکیشان خود را کشتند یا آنان را آواره ساختند ، به شدیدترین عذاب های قیامت ، کیفر خواهند شد .

تقتلون أنفسکم .. و يوم القيمة يردون إلى أشد العذاب

کیفر تجاوز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۵

۲۵ - کسانی که از احکام خدا تعدی کنند ، به عذابی دردناک گرفتار خواهند شد .

فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۴ آغازگر درگیری و تهاجم ناروا، مسؤول خسارت های عملکرد خویش و طرف مقابل

ان تبوا بائمی و اثمک

۵ گناهان به وجود آمده در درگیری های ناروا، بر عهده آغازگر آن است، هر چند به دست طرف مقابل صورت گیرد.

انی ارید ان تبوا بائمی و اثمک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۶

۱۶ جاودانگی عذاب بنی اسرائیل به خاطر عصیان گری، تجاوزپیشگی، ترک نهی از منکر، و پذیرش ولایت کافران

ذلك بما عصوا و كانوا یعتدون. كانوا لا یتناهون ... و فی العذاب هم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵ - ۵

۵- کیفر الهی برای انسان ها، پس از اقدام آنان به تجاوز و سرکشی است.

و قضینا إلی بنی إسرءیل فی الکتب لتفسدنّ فی الأرض مرّتین .. فإذا جاء وعدُ أول

کیفر تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - عذاب دردناک الهی، گریبانگیر کسانی خواهد شد که حدود الهی را رعایت نکرده و به آن تعدی می کنند.

و تلك حدود الله و للكفرین عذاب أليم

۱۳ - رعایت نکردن حدود الهی در ظاهر، در پی دارنده عذاب دردناک الهی است.

و تلك حدود الله و للكفرین عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ انسان ، ناتوان از تحمل عواقب انحراف از حدود الهی در

و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً .. خلق الانسان ضعیفاً

جمله <خلق الانسان ضعیفاً> می تواند بیانگر علت لزوم پیروی از احکام الهی در ازدواج و اجتناب از پیروی هواپرستان باشد. یعنی قوانین الهی، جوامع را سبکبار خواهد کرد و انحراف از آن موجب مشقت خواهد شد و انسان توان تحمل آن مشقتها را ندارد.

کیفر تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - عذاب دردناک دوزخ، کیفر هر نوع انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام

و من یرد فیه بالحاد بظلم ندقه من عذاب الیم

کیفر تجاوز به حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۹

۹ عقوبت دنیوی و اخروی در کمین پایمال کنندگان حقوق یتیمان

ولیشخ الذین لو ترکوا من خلفهم .. فلیتقوا الله

جمله <ولیشخ ..>، اشاره به کیفر دنیوی است و جمله <فلیتقوا الله> (از خدا بترسید)، دلالت بر استحقاق عقوبت اخروی دارد.

کیفر تجاوز به همسران اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۹

۱۹ قصد تجاوز به همسران اشراف در مصر باستان، موجب مجازات و کیفر بود.

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

کیفر تجاوزگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۵،۱۲

۵ - تحریم کامل برخی از حیوانات و تحریم بخشهایی از گاو و گوسفند

بر یهود، سزای تجاوزگری آنان بود.

و علی الذین هادوا حرمننا .. ذلک جزینهم ببغیهم

<بغی> به معنای تجاوز و تعدی است. (لسان العرب).

۱۲ حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب خداوند است.

علی الذین هادوا .. ذلک جزینهم ببغیهم و إنا لصدقون

کیفر تحریف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۶،۷

۶ - تغییر و تبدیل اوامر خداوند ، ظلم و در پی دارنده عذاب الهی است .

فأنزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء

مراد از <الذین ظلموا> در جمله فوق، کسانی هستند که به جای گفتن <حطه> (خدایا! آمرزش گناهان را از تو خواهیم) سخنی دیگر بر زبان جاری ساختند.

۷ - عذاب آسمانی نازل شده بر گنهکاران بنی اسرائیل ، سزای فسق دیرینه آنان و گناه تغییر و تبدیل فرمان خدا بوده است .

فأنزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء بما كانوا یفسقون

<با>ی سبیه در <بما كانوا یفسقون> می رساند که: نزول عذاب آسمانی به سبب فسق دیرینه بنی اسرائیل بوده و توصیف آنان به ستمکاری (الذین ظلموا) دلالت می کند که عذاب به خاطر ظلم آنان، یعنی تبدیل فرمان خدا بوده است. بنابراین باید گفت: ستمکاری بنی اسرائیل به ضمیمه فسق دیرینه آنان، موجب عذاب شده است.

کیفر تحریف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۱۴

۱۴ از سنت های الهی ، عذاب شدید تحریفگران و تبدیل کنندگان دین است .

و من یبدل نعمه الله .. فان الله شدید

<و من یبدل نعمه الله > عام است و دربرگیرنده کلیه کسانی است که آیات الهی را تحریف می کنند؛ خصوصاً با توجه به ضرورت پندگیری دیگران از بنی اسرائیل تحریفگر.

کیفر تحریفگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۱۴، ۱۰

۱۰ تحریفگران و تبدیل کنندگان دین و آیات روشن الهی، مستحق عذابی شدید

و من یبدل نعمه الله .. فان الله شدید العقاب

از مصادیق روشن و مورد نظر نعمتهای الهی، دین و آیات خداوندی است. و مراد از تبدیل، تحریف است.

۱۴ از سنت های الهی، عذاب شدید تحریفگران و تبدیل کنندگان دین است.

و من یبدل نعمه الله .. فان الله شدید العقاب

<و من یبدل نعمه الله > عام است و دربرگیرنده کلیه کسانی است که آیات الهی را تحریف می کنند؛ خصوصاً با توجه به ضرورت پندگیری دیگران از بنی اسرائیل تحریفگر.

کیفر تحقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۱۰

۱۰ - درهم شکسته شدن در آتش جهنم، کیفری مناسب برای درهم شکستن شخصیت مردم

همزه لمزه .. لینبذن فی الحطمه

کیفر تخلف از اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۶، ۱۵

۱۵ - انحراف از روش ترسیم شده از سوی خدا برای زندگی ، در پی دارنده مجازات الهی

إِنِّي بَمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

۱۶ - همه مردم حتی پیامبران در معرض کیفر های الهی در صورت تخلف از دستورات او

يَأْتِيهَا الرِّسَالُ .. إِنِّي بَمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

کیفر تخلف از جهاد

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ پیامد هلاکت بار سرباز زدن از فریضه جهاد در راه خدا، دامنگیر خود متخلفان است.

لو استطعنا لخرجنا معكم يهلكون أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱

۱ گناه و کیفر تخلف از جهاد، تنها متوجه کسانی است که علی رغم توانمندی، از آن روی برگردانند.

إنما السبيل على الذين يستندونك و هم أغنياء

کیفر تداوم عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۳۶ - ۱

۱ - عذاب های کافران در قیامت، کیفر مداومت آنان بر کردار زشت خویش در دنیا است.

هل توب الكفار ما كانوا يفعلون

<ثواب> یعنی، جزا و <تثویب> به معنای جزا دادن است (قاموس). فعل <كانوا> که بر مضارع داخل شده است بر استمرار دلالت دارد.

کیفر تداوم گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۴

۴ تداوم بر گناه، مجازات حتمی خداوند را در پی دارد.

إن الذين يكسبون الإثم سيجزون بما كانوا يقترفون

<تداوم> از فعل <یکسبون> و <کانوا یقترفون>، که ماضی استمراری است، استفاده شده است. ضمناً <إن> و سین در <سیجزون> بر تأکید دلالت دارند.

کیفر ترک احسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۹

۹ عذاب خوارکننده ، کیفر کسانی که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند

و یکتمون ما اتیهم الله من فضله و اعتدنا للكافرين عذاباً مهیناً

کیفر ترک انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۳۰

۳۰ عذاب سخت الهی در قیامت ، فرجام بخلورزی و عدم انفاق از دارایی های فزون بر نیاز

و لا یحسبنّ الذین یبخلون بما اتیهم الله من فضله

رسول الله (ص): ما من ذی رحم یأتی ذا رحمه فیسأله من فضل ما اعطاه الله اياه فیبخل علیه الا یرج له یوم القیامه من جهنم شجاع یتلمّظ حتی یطوّقه. ثم قرأ <و لا یحسبنّ ... > .

الدر المثور، ج ۲، ص ۳۹۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ انفاق دارایی ها در راه جنگ و جهاد ، واجب و امتناع ورزیدن از آن ، در پی دارنده عذاب دردناک دوزخ است .

و الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب ألیم

برداشت فوق با توجه به این حقیقت است که آیه شریفه به دنبال آیات مربوط به جنگ و قرار گرفته است.

کیفر ترک اولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۴

۴ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، از گرفتار شدن به مجازات ترک اولی ، همچون یونس (ع)

و لاتکن کصاحب الحوت . . لبذ بالعراء و هو مذموم

این که خداوند به پیامبر(ص) هشدار داد که مانند یونس مباش؛ اشاره به ترک اولی و مجازات آن دارد که یونس(ع) گرفتار آن شده بود.

کیفر ترک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۳

۲۳ تهدید اکید خداوند بر کیفر سخت دنیوی و اخروی منافقان صدر اسلام، در صورت امتناع آنان از توبه و پافشاری بر مواضع کفرآمیز توطئه گرانه خود

فإن يتوبوا .. و إن يتولوا يعذبهم الله عذاباً أليماً في الدنيا و الآخرة

کیفر ترک توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۱۳

۱۳ هود برحذر دارنده قوم خویش از گرفتار شدن به عذاب های الهی به سبب پرستش نکردن خدای یکتا و پرهیز نکردن از گرایش های شرک آلود

أفلاتتقون

<اتقاء> مصدر <تقون> به معنای گرفتن حفاظ برای دوری از مکروه و مانع شدن از رسیدن مکروه است. در اینجا به مناسبت مورد و تأیید آیات بعد (همانند آیه ۷۰)، مراد از مکروه، عذابهای الهی است، یعنی: أفلا تتقون عذاب الله.

کیفر ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۹

۹ مرگ زودرس، جزا و فرجام گریزندگان از پیکار در راه خداوند

الم تر الى الذين .. فقال لهم الله موتوا ... و قاتلوا في سبيل الله

با توجه به ارتباط این آیه و آیه بعد می توان گفت، ترک شهر و دیار از سوی یادشدگان، به خاطر گریز از میدان نبرد بوده است و خداوند با یادآوری آن واقعه، به مسلمانان هشدار می دهد که مبادا همانند آن فراریان، نبرد را ترک کنند و به مرگ زودرس <موتوا> گرفتار شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۶

۶ بازدارندگان مردم از جهاد در راه خدا، سهیم در کیفر ترک آن

و اذا جاءهم امر... اذاعوا به... من يشفع شفاعة حسنه يکن له نصيب منها

به مقتضای ارتباط این آیه با آیات قبل، مصداق مورد نظر از <شفاعة سيئه>، می تواند همان کارهایی باشد که موجب بازماندن مردم از جهاد در راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ - تخلف از جنگ و جهاد، دارای کیفری بس بزرگ و دردناک

و إن تتولوا كما توليتم من قبل يعذبكم عذاباً أليماً

کیفر ترک دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۹

۹ - < في الصحيفة السجادية: و قلت: > ادعوني أستجب لكم إن الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين < فسميت دعاءك عبادة و ترکه استکباراً و توعدت علی ترکه دخول جهنم داخرين... >

در صحیفه سجاده آمده است: [خدایا] تو فرمودی مرا بخوانید تا شما اجابت کنم [و فرمودی] کسانی که از روی کبر از عبادت من روی برمی گردانند، به زودی با ذلت وارد دوزخ خواهند شد. پس خواندن خودت را عبادت نامیدی و ترک آن را استکبار خواندی و بر ترک آن وعده دخول ذلیلانه به جهنم را دادی.

کیفر ترک عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۸

۱۸ نوح ، نگران مبتلا شدن قومش به کیفر دنیوی (طوفان) بر

اثر شرک‌ورزی و ترک پرستش خداوند

إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

بر اساس این احتمال که مراد از <یوم عظیم> زمان طوفان نوح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۱۳

۱۳ هود برحذر دارنده قوم خویش از گرفتار شدن به عذاب های الهی به سبب پرستش نکردن خدای یکتا و پرهیز نکردن از گرایش های شرک آلود

أفلاتتقون

<اتقاء> مصدر <تقون> به معنای گرفتن حفاظ برای دوری از مکروه و مانع شدن از رسیدن مکروه است. در اینجا به مناسبت مورد و تأیید آیات بعد (همانند آیه ۷۰)، مراد از مکروه، عذابهای الهی است، یعنی: أفلاتتقون عذاب الله.

کیفر ترک نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۹

۹ ترک نهی از منکر و سکوت در برابر منحرفان و فسق و ستمگری، دارای کیفری شدید است.

أنجيننا الذين ينهون عن السوء و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس

کیفر ترک هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۹

۱۹ جهنم، جایگاه گنهکارانی که به سبب ماندن در سلطه مشرکان و ترک عمدی هجرت، قادر بر ادای تکالیف الهی نباشند

الم تكن ارض الله واسعة فتهاجروا فيها فاولئك مأويهم جهنم و ساءت مصيراً

بنابر اینکه توبیخ، به جهت عمل نکردن به تکالیف باشد، نه خصوص ترک هجرت.

کیفر تظاهر به عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۴

۴ - تظاهر به کارهای ناشایست

، موجب تشدید عذاب می شود .

من يأت منكنّ بفحشه مبينه يضاعف لها العذاب ضعفين

کیفر تفاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۱ - ۶

۶- فرو رفتن آب ها و منابع آبی ، از جمله کیفر های الهی برای کافرانی است که به خود بنازند و بر دیگران تفاخر کنند .

أو يصبح ماؤها غورًا فلن تستطيع له طلبًا

<يصبح> عطف بر <فتصبح> و تفریع دیگری بر <يرسل عليها حسابًا> است. قید <من السماء> در مورد عذابی که آب ها را در زمین فرو ببرد، ناظر به الهی بودن عذاب است، نه نزول آن از آسمان.

کیفر تکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۱

۱۱ هیچ کیفری جز عذاب جهنّم ، نمی تواند حاکمان مفسد ، سرسخت ، متکبر و مغرور را رام کند .

و اذا تولى سعى .. فحسبه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۲ - ۱۲

۱۲ سرپیچی از بندگی خدا از سر تکبر و خودبرتربینی ، در پی دارنده مجازات های الهی

و من يستكف عن عبادته ويستكبر فسيحشرهم إليه جميعاً

در برداشت فوق <واو> در <ويستكبر> واو جمع گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ ذلت و خواری، کیفر تکبر و خود بزرگ بینی است.

فما يكون لك أن تتكبر فيها فاخرج إنك من الصغرين

کیفر تکبر در عبادت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۴

۴ - آنان که از سر کبر و خودخواهی به عبادت خدا نمی پردازند ، محکوم به دوزخ اند .

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

کیفر تکذیب آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۴

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۸

۸ بی اعتنائی خداوند به کافران و به فراموشی سپردن آنان در آخرت ، سزای غفلت آنان از قیامت و انکار آیات الهی است .

فَالْيَوْمَ نَنْسِيهِمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

حرف <کاف> در <کما نسوا> تعلیلیه است و <ما> مصدریه ؛ یعنی <لنسیانهم> . همچنین <ما> در <ما کانوا> مصدریه است و عطف بر <ما نسوا> ، یعنی: لکونهم بایاتنا یجحدون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۵

۵ خداوند ، قوم نوح (ع) را به خاطر تکذیب آیاتش ، با غرق کردن در آب به هلاکت رساند .

وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۶

۶ تمامی تکذیب کنندگان آیات الهی از قوم عاد ، با عذاب نازل شده از جانب خداوند به هلاکت رسیدند .

و قطعنا دابر الذین کذبوا

دابر

هر چیز به معنای آخر آن است. <قطع دابر> یعنی نابودسازی آخرین نفر ۷ و این کنایه از نابودی همگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۶ - ۷

۷ تکذیب آیات الهی و بی‌اعتنایی به آنها سبب هلاکت و غرق شدن فرعونیان در دریا شد .

فأغرقنهم فی الیم بأنهم کذبوا بآیتنا و كانوا عنها غفلین

حرف <باء> در <بأنهم کذبوا> سببیه است و می‌رساند که تکذیب آیات و بی‌اعتنایی به آنها سبب انتقام الهی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۷

۷ تباه شدن اعمال نیک ، جزایی مناسب برای تکذیب آیات الهی و روز قیامت است .

حبطت أعمالهم هل یجزون إلا ما كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۰

۱۰ عالمان دینی دنیادوست و هواپرست و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اهل دوزخند .

لکنه أدخل إلى الأرض و اتبع هوه .. و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً

برداشت فوق مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۵،۶

۵ خداوند ، فرعونیان و کافران پیش از آنان را به سبب تکذیب آیات الهی و ارتکاب گناهان به هلاکت رساند .

فأهلکنهم بذنوبهم

۶ هلاکت کافران در جنگ بدر کیفری از سوی خداوند به سبب تکذیب آیات الهی و انکار رسالت پیامبر (ص)

كدأب ءال فرعون .. فأهلكنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۲ - ۴

۴ بسیاری از اقوام پیشین به دلیل فقدان زمینه ایمان و تکذیب آیات الهی و نپذیرفتن هشدار های پیامبرانشان ، با عذاب استیصال نابود شدند .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لایؤمنون. فهل ینتظرون إلا مثل آیام الذین خلوا من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۵

۵- خداوند ، تمامی افراد قوم نوح را به خاطر تکذیب آیات الهی ، زشت کاری و سوء پیشینه غرق کرد .

الذین کذبوا بآیتنا إنهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله <إنهم کانوا..> ضمن این که تعلیل برای جمله پیشین است، مقدمه ای برای جمله <فأغرقناهم...> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۲

۲ - عذاب دوزخ ، عقوبت کفر به خدا و تکذیب آیات او (قرآن)

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا فأولئک لهم عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۵

۵ خداوند ، فرعون و قومش را به خاطر تکذیب آیات الهی ، دچار هلاکتی سخت و شگفت آور کرد .

الذین کذبوا بآیتنا فدمرناهم تدمیراً

<تدمیر> (مصدر <دمرنا>) به معنای هلاک و نابودی کردن است و <تدمیراً> که مفعول مطلق برای <دمرنا> است برای تأکید معنای هلاکت و نوع شگفت آور آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۸ - ۱

خداوند، قوم عاد، ثمود و اصحاب رس را به خاطر تکذیب آیات و رسولان الهی درهم شکست و نابود ساخت .

و عادًا و ثمودا و أصحاب الرّسّ و قرونًا بین ذلك كثيرًا

نصب کلمه های <عادًا>، <ثمودا> و <أصحاب الرّسّ> به وسیله فعلی محذوف <دمرنا> و <أهلکنا> می باشد. گفتنی است علت هلاکت اقوام یاد شده، همان تکذیب است که در آیات قبل در باره فرعونیان و قوم نوح آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۴

۴ - ایمان نیاوردن به آیات الهی، در پی دارنده عذابی دردناک

لا يؤمنون به حتّى يروا العذاب الأليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۶

۶ - تکذیب آیات و نشانه های الهی بدون تحقیق و دلیل علمی، جرمی بزرگ و دارای کیفر

قال أكذبتُم بايتي و لم تحيطوا بها علمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۰ - ۴

۴ - تکذیب و استهزای مدام آیات الهی، فرجامی شوم (عذاب) در پی دارد .

ثمّ كان عقبه الذين أسّوا السوای

برداشت فوق بنابر اسم بودن <السوای> برای <كان> و تعلیل بودن <أن كذبوا> برای <السوای> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۵

۵ - انکار آیات الهی، از سر عناد و حق ستیزی، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فيها دار الخلد بما كانوا بأيتنا يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - شوري

۵ - بحث و جدل بیهوده و انکار آمیز درباره آیات الهی ، دارای کیفر و عذاب

و يعلم الذین یجدلون فی آیتنا ما لهم من محیص

کیفر تکذیب انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - تصدیق نکردن رسالت های پیامبران ، گناه و درپی دارنده کیفر الهی است .

لن تؤمن لك .. فأخذتكم الصعقه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <فأخذتكم ..> علاوه بر ارتباطش با <نرى الله جهره> مرتبط با <لن تؤمن لك> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۷

۷ پندار رهایی از مجازات نقض میثاق و تکذیب و کشتن انبیا ، از باور های بی اساس بنی اسرائیل

لقد اخذنا میثق بنی اسرئیل .. و حسبوا الا تكون فتنه

در برداشت فوق <فتنه> به معنای عذاب گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۲ - ۲

۲ تکذیب کنندگان انبیای الهی و رسالت های آنان در خطر نابودی با نزول عذابی سخت و ویرانگر

الذین کذبوا شعیباً کأن لم یغنوا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ جوامع کفرپیشه گذشته بر اثر تکذیب انبیا و مداومت بر اعمال ناپسند به عذاب الهی مبتلا شدند و به هلاکت رسیدند .

و لکن کذبوا فأخذنهم بما كانوا يكسبون

مراد از <ما كانوا يكسبون> گناهای است که تکذیب انبیا از جمله آنهاست، نه اینکه مراد از آن

فقط تکذیب انبیا باشد و گر نه جمله به این گونه بیان می شد: و لكن کذبوا فأخذنهم بما كانوا يكذبون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۴

۴ کسانی که علی رغم تکذیب انبیا ، خویشان را از عذاب الهی مصون می پندراند ، زیانکار هستند .

و لكن کذبوا .. فلا يأمن مکر الله إلا القوم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۷

۷ عذاب استیصال ، کیفر تکذیب پیامبران الهی و رویارویی با ایشان

بل کذبوا .. فانظر کیف کان عقبه الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۳ - ۱

۱- اصحاب حجر (قوم ثمود) پس از تکذیب رسولان و اعراض از معجزات و آیات الهی ، صبحگاهان گرفتار صدای وحشتناک و غرش سهمگین شدند .

و لقد کذب أصحاب الحجر المرسلین . و ءاتینهم ءایتنا ... معرضین ... فأخذتهم الصبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۶

۶ - جوامع گذشته تاریخ ، یکی پس از دیگری ، با عذاب قهر الهی و در پی تکذیب انبیا و مبارزه با آنان ، مضمحل شدند .

فأتبعنا بعضهم بعضاً

<إتباع> (مصدر <أتبعنا>) به معنای یکی را در پی دیگری روانه کردن است؛ یعنی، <پس ما امت های تکذیب گر را پی در پی هلاک کردیم و هر یکی را به دنبال دیگری، به دیار نیستی روانه ساختیم.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۲،۳

۲ - هلاکت و نابودی فرعون و اشراف حکومت او ، در نتیجه تکذیب رسولان الهی (موسی و هارون)

فكذبوهما فكانوا من المهلكين

۳ - تکذیب پیامبران الهی ، عامل هلاکت و زوال جوامع بشری

فكذبوهما فكانوا من المهلكين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۸ - ۱

۱ خداوند ، قوم عاد ، ثمود و اصحاب رسّ را به خاطر تکذیب آیات و رسولان الهی درهم شکست و نابود ساخت .

و عَادًا و ثَمُودًا و اصْحَابِ الرَّسِّ و قُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا

نصب کلمه های <عادًا> ، <ثمودا> و <اصحاب الرسّ> به وسیله فعلی محذوف <دمرنا> و <أهلکنا> می باشد. گفتنی است علت هلاکت اقوام یاد شده، همان تکذیب است که در آیات قبل در باره فرعونیان و قوم نوح آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۲۰

۲۰ - تکذیب انبیا ، در پی دارنده عذاب الهی است .

و جاءتهم رسلهم بالبينت فما كان الله ليظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۳،۴

۳ - نزول کیفر و عذاب الهی بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) به جرم تکذیب پیامبران

إن كلَّ إلاكذب الرسل فحقَّ عقاب

<حَقٌّ> به معنای <ثَبَّتَ> (ثابت و محقق است) می باشد.

۴ - تکذیب پیامبران الهی ، در پی دارنده کیفر و عذاب استیصال

إِنَّ كُلَّ الْكَاذِبِ الرِّسْلِ فَحَقَّ عِقَابُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۶

۶ - شرک‌ورزی و تکذیب پیامبران الهی ، در پی دارنده آتش دوزخ است .

و يوم يحشر أعداء الله إلى النار

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که در مورد تکذیب پیامبران بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۹

۹ - امت هایی از جن و انس در گذشته تاریخ بر اثر دشمنی با خداوند (شرک‌ورزی ، انکار رسالت پیامبران و . . .) به عذاب الهی گرفتار شدند .

و حقّ عليهم القول في أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

کیفر تکذیب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - تکذیب همواره قیامت و جهنم ، موجب عذابی سخت است .

ذوقوا عذاب النار الذي كنتم به تكذبون

کیفر تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۳

۳ - تفتیدن بر آتش دوزخ ، جزای کفر ، دروغ پردازی و یاوه سرایی علیه دین

قتل الخرزون . . . يوم هم على النار يفتنون

کیفر تکذیب رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۴

۴ - ستیزه جویی و تکذیب لجوجانه کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، موجب انواع گوناگون عذاب (در غل و زنجیر شدن ، سوخته شدن به آب داغ و آتش دوزخ)

الذین یجدلون .. الذین کذبوا بالکتب ... إذ الأغلل فی

أعنتهم ... ثم في الن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - تکذیب کنندگان رسولان الهی و معجزات آنان ، در معرض گرفتاری به عذاب استیصال

فدمدم علیهم ربهم بذنبهم

تعبیر <بذنبهم> ضمن بیان علت هلاکت ثمودیان تهدید تمام کسانی است که، به گناه آلوده اند.

کیفر تکذیب علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۳ - ۱

۱ - بی اعتقادی به علم مطلق و فراگیر پروردگار ، پنداری نادرست و هلاکت بار

و ذلکم ظنکم الذی ظننتم بریکم اوردیکم

کیفر تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۲ - ۴

۴ تکذیب و انکار قرآن ، ظلم و موجب مخلد شدن مکذبان و منکران در عذاب اخروی است .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به .. ثم قيل للذين ظلموا ذوقوا عذاب الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۲

۲ - عذاب دوزخ ، عقوبت کفر به خدا و تکذیب آیات او (قرآن)

و الذين كفروا و كذبوا بايتنا فأولئك لهم عذاب مهين

کیفر تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۸

۸ بی اعتنائی خداوند به کافران و به فراموشی سپردن آنان در آخرت ، سزای غفلت آنان از قیامت و انکار آیات الهی است .

فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا و ما کانوا بایتنا یجحدون

حرف < کاف > در < کما نسوا > تعلیلیه است

و <ما> مصدریه ؛ یعنی <لنسیانهم>. همچنین <ما> در <ما کانوا> مصدریه است و عطف بر <ما نسوا>، یعنی: لکونهم بایاتنا یجحدون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۷

۷ تباه شدن اعمال نیک ، جزایی مناسب برای تکذیب آیات الهی و روز قیامت است .

حبطت أعمالهم هل یجزون إلا ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۲

۲- آتش همواره شعلهور جهنم ، کیفر کفر به آیات الهی و انکار روز رستاخیز

کَلَّمَا خَبِتْ زِدْنَهُمْ سَعِيرًا . ذَلِكْ جَزَاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظْمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - تکذیب همواره قیامت و جهنم ، موجب عذابی سخت است .

ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۴

۴ - تکذیب قیامت و کیفر آن ، از عوامل دوزخی شدن

هذه جهنم الّتی یکذب بها المجرمون

از این که دوزخ به تکذیب گران آن معرفی می شود، مطلب یاد شده به دست می آید.

کیفر تکذیب کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۴

۴ - ستیزه جویی و تکذیب لجوجانه کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، موجب انواع گوناگون عذاب (در غل و زنجیر شدن ، سوخته شدن به آب داغ و آتش دوزخ)

الذین یجدلون .. الذین کذبوا بالکتب ... إذ

الأغلل فی أعنقهم ... ثم فی الن

کیفر تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۷ - ۸

۸- انکار معاد ، جرمی مستحق هلاکت

إن هی إلاّ موتتنا .. إنهم كانوا مجرمین

این آیه، همگونی مشرکان با اقوام هلاک شده پیشین در مجرم بودن را اثبات می کند و آنچه در آیات پیشین به عنوان نقطه منفی یاد شده، انکار معاد است.

کیفر تکذیب معجزات موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۶

۶- ابتلای فرعونیان ، به عذابی سخت و دردناک ، در پی انکار لجاجت آمیز دلایل و معجزات موسی (ع) از سوی آنان

و أخذنهم بالعذاب

کیفر تکذیب معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۸

۸ارائه معجزات و عذاب منکران آن ، تنها در اختیار خداوند

قال الله انی منزلها علیکم .. فانی اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۳ - ۱

۱- اصحاب حجر (قوم ثمود) پس از تکذیب رسولان و اعراض از معجزات و آیات الهی ، صبحگاهان گرفتار صدای وحشتناک و غرش سهمگین شدند .

و لقد كذب أصحاب الحجر المرسلين . و ءاتينهم ءايتنا ... معرضين ... فأخذتهم الصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۲

۲- عذاب و هلاکت اقوام پیشین ، به خاطر ایمان نیاوردن به معجزات الهی بود .

فلیأتنا بایه .. ماءامنت

قبلهم من قريه أهلكنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - تکذیب کنندگان رسولان الهی و معجزات آنان ، در معرض گرفتاری به عذاب استیصال

فدمدم علیهم ربهم بذنبهم

تعبیر <بذنبهم> ضمن بیان علت هلاکت ثمودیان تهدید تمام کسانی است که، به گناه آلوده اند.

کیفر تکذیب موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۲

۲ - هلاکت و نابودی فرعون و اشراف حکومت او ، در نتیجه تکذیب رسولان الهی (موسی و هارون)

فكذبوهما فكانوا من المهلكين

کیفر تکذیب هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۲

۲ - هلاکت و نابودی فرعون و اشراف حکومت او ، در نتیجه تکذیب رسولان الهی (موسی و هارون)

فكذبوهما فكانوا من المهلكين

کیفر تکذیب هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱

۱ - هلاکت قوم عاد ، به اراده الهی و در پی تکذیب رسالت هود (ع) از سوی آنان بود .

فكذبوه فأهلكنهم

کیفر تنقیص خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۱۰

۱۰ نامیدن خداوند به اوصافی که حکایتگر نقص و کاستی است ، مستلزم کیفری از جانب او خواهد شد .

و ذروا الذین یلحدون فی أسمئه سیجزون ما کانوا یعملون

کیفر توبه شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۵

بازگشت به گناه ، پس از اظهار توبه ، دارای عقوبتی سنگین *

و إن تتولّوا كما تولّيتم من قبل يعذبكم عذاباً أليماً

برداشت یاد شده بدان احتمال است که سنگینی کیفر متخلفان از آن جهت باشد که اینان پس از تخلف نخست، اظهار پشیمانی کردند و این بار بر آنان اتمام حجت شده است.

کیفر توطئه علیه اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۳ - ۸

۸ - تبعید ، حکمی الهی در مورد توطئه گران علیه دین و حاکمیت اسلام

هو الذی أخرج ... كتب الله عليهم الجلاء

کیفر توطئه علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۹

۹ فریبکاری و توطئه مداوم علیه دین، عامل گرفتاری توطئه گران به ذلت و عذاب شدید است.

سیصیب الذین ... بما كانوا یمکرون

کیفر توطئه علیه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۴

۴ - کیفر الهی برای توطئه گران علیه صالح ، دامنگیر تمامی کافران ثمود

أنا دمرنهم و قومهم أجمعین

کیفر توطئه گران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۹

۱۹ - طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه ، سزاوار کیفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم والذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم

کیفر توطئه گران علیه آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ -

۱ - فلسفه وقوع قیامت ، کیفر دادن به کسانی است که بر ضد آیات خدا تلاش می کنند .

لتَأْتِيَنَّكُمْ .. لیجزی الذین ... و الذین سَعَوْا فِی ءَايَاتِنَا مَعْجِزِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۸ - ۱

۱ - کسانی که همواره بر ضد آیات الهی تلاش می کنند ، کیفر خواهند دید .

و الذین یسعون فِی ءَايَاتِنَا .. أُولَئِكَ فِی الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ

کیفر توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - تهدید شدن توطئه گران < افک > ، به انتقام و کیفر به میزان نقش آنان در این گناه از سوی خداوند .

إِنَّ الذِّينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۵

۵ - وضع کیفر سخت برای اشاعه دهندگان فحشا و افشای چهره توطئه گران < افک > ، از جلوه های فضل و رحمت خدا بر

مسلمانان صدر اسلام

و لولا فضل الله عليكم و رحمته

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه شریفه، دهمین و آخرین آیه ای است که درباره ماجرای < افک > نازل گردید و

قهرماً ارتباط نزدیکی با این ماجرا دارد.

کیفر توطئه منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- کيفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نهان کاری های خائنه آنان

و الله يعلم اسرارهم . فكيف إذا

از ارتباط عبارت <فکیف إذا..> که بیانگر کیفر سخت منافقان است با ذیل آیه قبل (والله يعلم إسرارهم) استفاده می شود که علم و آگاهی خداوند، پشتوانه کیفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

کیفر ثروت اندوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، کیفر زراندوزان کافر

و جمع فاعلی

کیفر ثروت اندوزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ انباشتن و نهان کردن ثروت و محروم ساختن جامعه از منافع آن ، حرام و دارای عقوبتی است دردناک .

و الذين یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۴

۴ - زراندوزی ، از موجبات دوزخی شدن

و جمع فاعلی

کیفر ثروتمندان متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۲ - ۶

۶- کیفر الهی ، در کمین لحظه های خوش ثروت مندان به خود بالنده و سرمست است .

و أُحِيطَ بِشْمَرِهِ فَأُصْبِحَ يَقْلِبُ كَفَّيْهِ عَلَيَّ مَا أَنْفَقَ فِيهَا

تعبیر <أُحِيطَ بِشْمَرِهِ> نشان دهنده نزدیکی فصل ثمرگیری و دستیابی به نتایج است که برای فرد سرمایهگذار، حساس ترین و شیرین ترین لحظات است.

کیفر جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵۳

۵۳ - عمرو بن عبید وارد بر امام صادق (ع) شد . . . و گفت :

دوست دارم گناهان کبیره را از روی قرآن بشناسم ، امام فرمود : > . . . والسحر لان الله عز و جل يقول : و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق . . . ؛

.. از جمله گناهان کبیره <سحر> است چون خداوند می فرماید: مسلماً آنان (ساحران) می دانستند هر کس خریدار این متاع (سحر) باشد در آخرت هیچ نصیبی برای وی نخواهد بود ...<.

کیفر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۱،۲

۱ فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد .

لأقطعن . . . ثم لأصلبنکم

حرف <لام> در <لأقطعن> در <لأصلبن> لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

۲ قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر ، از کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأقطعن أیدیکم و أرجلکم من خلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۲،۱۱

۲ ایمان ساحران به آیات الهی تنها انگیزه فرعون بر شکنجه و مجازات آنان

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه لتخرجوا . . . و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

نقمت <مصدر تنقم> به معنای عقوبت کردن و کراهت داشتن است و <أن ءامنا> مفعول له برای <تنقم> می باشد. تقدیر جمله چنین است: و ما تنقم منا لشیء إلا لایماننا. یعنی ای فرعون تنها چیزی که تو را بر عقوبت ما واداشته ایمان

ماست، نه اینکه ما را توطئه گر و امثال آن بدانی. به عبارت دیگر یعنی تو خود می دانی که اتهام‌هایت واقعیت ندارد.

۱۱ کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن ، شکنجه هایی طاقتفرسا و تحمل آن نیازمند صبری وافر بود .

ربنا أفرغ علينا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فَلأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَلأَصْلَبَنَّكُمْ

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

کیفر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - جنیان ، در صورت تخلف از انجام تکلیف ، کیفر خواهند شد .

و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - جنیان ، مکلف به تکالیف الهی و مستحق کیفر در صورت کفر و حق ستیزی

و حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

کیفر جنیان کافر

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

کیفر جنیان مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲،۴

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

کیفر جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۱

۱ - بسیاری از جوامع انسانی، به خاطر سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران، به سزای سنگین و پیامد زیان بار کردار خویش دچار شدند.

و کأین من قریه عتت عن أمر ربّها.. فذاقت وبال أمرها

<وبال> به معنای شدت و سنگینی است و مقصود از آن در آیه شریفه شدت مجازات و سنگینی پیامدهای کردارها است.

کیفر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۸،۹

۸ عذاب دوزخیان

، هرگز ستمی از سوی خداوند بر آنها نیست .

ذوقوا عذاب الحریق . . . و انّ الله لیس بظلام للعبید

بنابر اینکه <انّ الله . . . >، خبر برای مبتدایی محذوف باشد (الأمر و الشّان انّ الله لیس ...)، بر این مبنا، مراد از ستم نکردن خداوند به قربینه <ذلک بما قدّمت ایدیکم > این است که خداوند در کیفر دادن ستم نمی کند.

۹ عذاب دوزخیان ، هرگز فروتر از اقتضای عملکرد آنان نخواهد بود .

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم و انّ الله لیس بظلام للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۵

۳۵ آتش ، وسیله ای برای عذاب دوزخیان

فقنا عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱۴، ۹، ۵، ۴

۴ رویش پوست جدید بر بدن ، پس از بریان شدن و سوختن آن در آتش جهنّم

کلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غیرها

۵ پوست ، واسطه عذاب آدمی در جهنّم

کلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غیرها لیدقوا العذاب

با توجه به اینکه <لیدقوا > متعلق به <بدلناهم > است، برداشت فوق استفاده شده است.

۸ رنج و عذاب دائمی دوزخیان

کلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غیرها لیدقوا العذاب

۹ رویش مجدد پوست ، وسیله تداوم چشاندن عذاب به دوزخیان

كَلَّمَا نَضَجَتْ جُلُودَهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ

۱۴ عزت و حکمت الهی ، مقتضی عذاب مستمر دوزخیان کفرپیشه *

انّ الذین کفروا .. انّ الله کان عزیزاً حکیماً

بنابر اینکه جمله <انّ الله .. >، بیان علتی برای <سوف نصلیهم ناراً> باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ آتش همواره دوزخ ، جزای ستمگران و کیفری مناسب برای آنان

فتكون من اصحاب النار و ذلك جزؤا الظلمين

<جزاء> در لغت به معنی کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۴

۴ - دوزخیان ، خواستار مجازات خویش در صورت بازگشت دوباره به گناه و عصیان ، بعد از فرصت داده شده

ربنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنا ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۶ - ۱

۱- جوشش زقوم ، در درون دوزخیان ، چونان جوشش آب های داغ

كغلى الحميم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۶ - ۱

۱ - جهنمیان به میزان کردار خویش ، کیفر خواهند شد .

جزاء وفاقاً

<جزاء> مصدر است و نصب آن، یا براساس مفعول مطلق بودن آن است؛ یعنی، <يجزون جزاءً> و یا با تأویل به مشتق رفتن، حال برای <حمیم> و <غسّیاق> است. در صورت اول، مراد این است که کیفر آنان، کیفری مناسب و به میزان گناه آنان خواهد بود و در صورت دوم، همان <حمیم> و <غسّیاق> کیفر مناسب آنان است. هر یک از دو احتمال، می تواند مبنای برداشت یاد شده باشد. <وفاقاً> گرچه مصدر است؛ ولی چون صفت می باشد، به معنای <موافقاً> خواهد بود.

کیفر چشم چرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۵

۱۵ - کسانی که از نگاه

کردن به نامحرمان و شرمگاه دیگران ابایی ندارند ، به مجازات الهی تهدید شده اند .

قل للمؤمنین یغضوا .. إنَّ اللهَ خبیر بما یصنعون

جمله <إنَّ اللهَ خبیر بما یصنعون> که آگاهی همه جانبه الهی به بشر را یادآوری می کند هشدار است به کسانی که احکام یادشده را رعایت نکنند.

کیفر حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۲۱

۲۱ ظلم ، جلوگیری از راه خدا ، به ناحق خوردن مال مردم ، موجب عقوبت های دنیوی و عذاب اخروی

فبظلم من الذین هادوا حرمنا .. و أعتدنا للكفرین منهم عذاباً ألیماً

کیفر حرمت شکنی کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۵ - ۱۰۵ - ۷

۷ - هجوم آوردگان به کعبه و حرمت شکنان آن ، در معرض عذابی سخت از جانب خداوند

فجعلهم کعصف ما کول

نقل داستان ابرهه، با جمله <ألم تر>، دل گرمی دادن به مؤمنان و تهدید کسانی است که حرمت کعبه را پاس نمی دارند.

کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ - تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت و کیفر الهی قرار گرفتند .

كذَّبْت قِبَلَهُمْ قَوْمَ نوحٍ .. لیدحضوا به الحقِّ فأخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۶

۶ - ربوبیت الهی ، مقتضی عذاب دادن و کیفر کردن کافران حق

ستیز و تکذیب کننده

و كذلك حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۹ - ۲

۲ - عوامل طبیعی ، در خدمت اراده الهی ، برای کیفر اقوام حق ستیز

فكيف كان عذابى .. إنا أرسلنا عليهم ريحا صرصرا

کیفر حق ستیزان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و يوم نحشر من كل أمة فوجا ممن يكذب بايتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

کیفر حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۴

۴ - ستیزه جویی و تکذیب لجوجانه کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، موجب انواع گوناگون عذاب (در غل و زنجیر شدن ، سوخته شدن به آب داغ و آتش دوزخ)

الذين يجدلون .. الذين كذبوا بالكتب ... إذ الأغلل فى أعنقهم ... ثم فى الن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۵

۵- انکار آیات الهی، از سر عناد و حق ستیزی، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فیها دار الخلد بما كانوا بأیتنا یجحدون

کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش و مجازات آنهاست.

إنما یتجیب

الذین یسمعون و الموتی یبعثهم الله ثم إليه یرجعون

جمله <ثم إليه یرجعون> ظاهراً تذلیلی برای تمامی آیه است. یعنی هم پاسخ دهندگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۷

۷ ضیق صدر و سختی دل در پذیرش حق، کیفری از جانب خداوند برای حق ناپذیران است.

یجعل صدره ضیقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۹

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزُلًا

کلمه <نُزُلٌ> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تَهْکَمٌ> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۳

۳ - تگذیب گران حق ستیز ، سزاوار عذاب مرگ بار استیصال

فأخذتهم الصيحة بالحقّ

کلمه <بالحقّ> را به دو صورت می توان تفسیر کرد: الف) جامعه پس از نوح، به خاطر

کفر و تکذیب گری شان، مستحق عذاب بودند. ب) نزول عذاب صیحه بر آن قوم، حکمی بر پایه حق و عدل بود. برداشت فوق، براساس تفسیر اول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۷

۷ - مجازات الهی ، در انتظار فرقه گرایان حق ناپذیر

فذرهم فی غمرتهم حتّی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۵

۵ - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمّتعهم قليلاً ثمّ نضطرّهم

احتمال دارد <قلیلاً> صفت برای مفعول به <نمّتع > باشد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان، مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۶

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

كذلك نجزي كلّ كفور

<كفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

ما يقال لك إلا ما قد قيل للرسل . .. إن ربك لذو مغفرة

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار

دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - مجازات حق ناپذیران ، پیمان خداوند با پیامبران خویش

ادع لنا ربّك بما عهد عندك إنّنا لمهتدون

با توجه به سیاق آیات که راجع به عذاب است استفاده می شود که عهد الهی همان عذاب هدایت ناپذیران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، کیفر حق گریزان

تدعوا من أدبر و تولّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۴

۴ کیفر حق ناپذیران ، در راستای ربوبیت الهی بر جامعه انسانی است .

قد وقع علیکم من ربکم رجس

کیفر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۶

۶ - درک نکردن معارف الهی ، کیفری است از جانب خدا ، بر ناشنیده گرفتن و نادیده انگاشتن حقایق دینی

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جمله <و علی سمعهم ..> جمله حالیه و بیانگر علت مسدود شدن قلبهاست؛ یعنی، بدان جهت خداوند آنان را از درک کردن محروم ساخت که ایشان حقایق را ناشنیده انگاشتند و بر واقعیتها چشم فرو بستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق

ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ینوح قد جدلنا .. فأتنا بما تعدنا ... إن کان الله یرید أن یغویکم

وقوع جمله <إن کان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جادلنا ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الالیم . و ما تجزون إلا ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۴

۴ - حق گریزی ، از موجبات دوزخی شدن

تدعوا من أدبر و تولی

کیفر حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۳

۳ سوگندشکنان در صورتی که سوگندشان با توجه و از روی قصد باشد ، مورد مؤاخذه خداوند قرار خواهند گرفت

و لكن يؤاخذكم بما عقدتم الأيمن

امت اسلام بر این اتفاق نظر دارند که مؤاخذة بر سوگند و لزوم كفارة تنها در صورتی است که یاد کننده سوگند به آن وفادار نماند (مجمع البيان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۵

۱۵ يعقوب (ع) فرزندان

را به مجازات های الهی در صورت شکستن سوگند و پیمانشان ، هشدار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

سیاق آیه دلالت دارد که غرض یعقوب(ع) از وکیل قرار دادن خداوند و توجه دادن فرزندانش به وکالت او ، هشدار دادن آنان به مجازات الهی است.

کیفر خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۸

۸ رسوایی و مجازات خیانتکاران در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۶

۶ در قیامت ، مانعی در برابر اجرای حکم الهی در مورد خائنان نخواهد بود .

فمن یجدل الله عنهم یوم القیمه ام من یكون علیهم وکیلا

کیفر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۴ - ۹

۹ خداوند پس از محاسبه اعمال و نیات انسان ، وی را یا عفو خواهد کرد و یا عذاب .

و ان تبدوا .. فیغفر لمن یشاء و یعذب من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۹

۹ خداوند ، کیفردهنده بخیلان و ریاکاران و پاداش دهنده انفاق کنندگان مخلص

الذین یبخلون . . . و انفقوا . . . و کان الله بهم علیماً

هدف از بیان علم و آگاهی خداوند پس از بیان ایمان و بخل، تهدید بخیلان و ریاکاران به کیفر، و پاداش دهی به مؤمنان انفاق کننده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ مجازات های الهی ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

انّ الله لا يظلم مثقال ذره و ان تک حسنه يضاعفها

جمله <و ان تک حسنه> عطف بر جمله ای مقدر است ؛ یعنی <ان تک سيئه فلا يجزى الا مثلها و ان تک حسنه ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۳

۳ سبقت پاداش های الهی بر کیفر او

انّ الذين كفروا باياتنا سوف نصليهم .. و الذين امنوا و عملوا الصّالحات سندخله

زیرا نسبت به وعید و کیفر، حرف <سوف> و در مورد پاداش، حرف <س> به کار رفته است.

کیفر خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ حضور جاودانه در آتش دوزخ ، پیامد و مجازات خودکشی

فسوف نُصليهِ ناراً

امام صادق (ع): من قتل نفسه متعمداً فهو في نار جهنم خالداً فيها قال الله تعالى: <و لا تقتلوا انفسكم .. فسوف نصليه ناراً>.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۷۴، ح ۲۳، ب ۱۷۹؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۴، ح ۱۲.

کیفر خویشاوندان رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۴

۴- رهبران دینی ، نباید به خاطر خویشاوندی و روابط نسبی از مؤاخذه مقصران چشم پوشی کنند .

قال يهرون ما منعك

کیفر خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۶، ۱۵، ۱۱

۱۱ خیانتکاران ، دریافت

کنندگان کامل (بدون کم و زیاد) جزای رفتار ناپسند خویش ، در روز رستاخیز

و من یغلل ... ثم توفی کل نفس ما کسبت و هم لایظلمون

۱۵ هر کس در چیزی خیانت کند ، در قیامت آنرا در جهنم دیده و باید در آتش جهنم رفته و آن را بیرون آورد .

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. و من غلّ شیئا رآه یوم القیمه فی النار ثم یکلف ان یدخل الیه فیخرجه من النار.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۲ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۴۱۷.

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

کیفر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۵

۵ - روز قیامت ، روز کیفر و پاداش است .

ملک یوم الدین

<دین> در اینجا به معنای جزا (کیفر و پاداش) و یا حساب است، و هر دو بازگشت به یک معنا دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۵

۵- قیامت ، روز کیفر و جزا و < یوم الدین > از نام های آن است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۷

۷- جزا دیدن یکایک آدمیان ، فلسفه برپایی قیامت

ءاتیہ . . . لتجزی

<لتجزى> یا تعلیل است برای <آیه> و جمله <أكاد أخفيها> معترضه است و یا تعلیل است برای هر دو موضوع مطرح شده در آیه که آمدن قیامت و وجود زمینه برای مخفی ماندن اخبار آن از سوی خداوند است و یا تنها بیانگر علت <أخفيها> است، برداشت مذکور، مبتنی بر دو احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنه يحمل يوم القيمة وزراً

<وزر>، به معنای بار سنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گناه کار است، <وزر> اطلاق می گردد (مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۸

۸ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

الملك يومئذ لله يحكم بينهم .. في جنت النعيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۴

۴ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

الله يحكم بينكم يوم القيمة

جمله <الله يحكم بينكم يوم القيمة>، متضمن نوید پاداش به مؤمنان و وعده مجازات و کیفر به مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲- قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، صحنه پاداش و کیفر

من جاء بالحسنة فله خير منها.. و من جاء بالسيئة فكبت وجوههم في النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۰، ۱۱، ۱۲

۱۰ - هیچ پدر و فرزندی ، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند .

لايجزى والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شيئاً

۱۱ - در قیامت ، بار عمل هر کس ، تنها بر دوش خود او است .

لايجزى والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شيئاً

۱۲ - در قیامت ، برعهده گرفتن بخشی از کیفر پدر از ناحیه فرزند ، به خاطر سنگین بودن حق وی بر فرزند ، امری متوقع است

* .

و لامولود هو جاز عن والده

درباره مجازات نشدن پدر به جای فرزند، از فعل <يجزى> استفاده شده است و درباره نفی مجازات فرزند به جای پدر از <جاز> که حالت صفتی و تأکید بیشتری دارد. چنین تأکیدی، می تواند به خاطر توقعی باشد که از ناحیه پدران هست. و نیز می تواند به خاطر این باشد که او، از حیث عاطفه و مهر، به مراتب کم تر از پدر است. برداشت بالا بر اساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۸

۸ - قیامت ، عرصه مجازات و کیفر و پاداش

و لو يؤاخذ الله الناس... و لكن يؤخرهم إلى أجل مسَمّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات

۳ - قیامت ، روز مجازات و کیفر و پاداش

هذا یوم الدین

<دین> در آیه شریفه، به معنای <جزا> و <حساب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۴

۴ - جزا و کیفر و پاداش ، فلسفه برپا شدن قیامت و رستخیز انسان ها است .

أءنَّا لمدینون

آمدن عبارت <مدینون> (جزا داده شدگان) به جای <مبعوثون> (مبعوث شدگان) و <محبوبون> (زنده شدگان)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که اساس رستخیز انسان ها، مسأله جزا است؛ نه صرف زنده شدن دوباره انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز روبه رو شدن بندگان با کیفر و پاداش الهی

یوم التلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۱،۵

۱ - نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

الیوم تجزی کل نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت>؛ یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

۵ - در نظام کیفر و پاداش الهی در قیامت ، به کسی کمترین ستمی نخواهد شد .

لا ظلم اليوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۲

۲ - < قیامت > روز کیفر و پاداش

یوم الدین

< دین > به معنای جزا است و < جزا > معادل سزا می باشد که

هم شامل کیفر می شود و هم پاداش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم الله جميعًا فیبتئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۲

۲ - قیامت و گرد آمدن انسان ها در آن روز ، برای محاکمه و مجازات ، شایان یاد و یادآوری

یوم یجمعکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یوم> متعلق به فعل مقدر <اذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۲

۲ - قیامت ، روز جزا و حسابرسی است .

بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۳

۳ - پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۷ - ۴

۴- قیامت، روز جزا و رسیدگی به اعمال است.

یوم الدین

<دین> به معنای شریعت، طاعت و جزا است و از آن جا که دین به معنای <شریعت>، در قیامت مورد ندارد، <یوم الدین>، به معنای روز جزا خواهد بود و لازمه جزا دادن به بندگان، رسیدگی و محاسبه اعمال آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۴

۴- قیامت، روز کیفر دادن اعمال

است .

يوم الدين

کیفر درخواست رؤیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۹

۹ - درخواست مشاهده خداوند در پی درانده کیفر الهی است .

حتى نرى الله جهرة فأخذتكم الصعقة

کیفر دردناک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۹

۹ - پروردگار ، هم دارای بخشایش و هم دارای عقابی دردناک است .

إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ

کیفر دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما آتاهم... بخلوا به و تولوا... بما أخلفوا الله... و بما كانوا يكذبون

کیفر دروغگو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۱۱

۱۱ - > قال الصادق (ع) : إذا سأل عن صدقه على أي وجه قاله ، فيجأزي بحسبه فكيف يكون حال الكاذب . . . ;

امام صادق(ع) فرمود: در صورتی که راستگو، از راستگویی اش سؤال شود که به چه انگیزه ای بوده است؟ و بر حسب آن جزا داده شود، حال دروغگو چگونه خواهد بود. <؟>.

کیفر دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۸

۸ کیفر دمسازان با دروغ ، عذابی است دردناک

و لهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون

<باء> در <بما کانوا> سببیه است و <ما> مصدریه می باشد؛ یعنی: و لهم

عذاب الیم بسبب کذبهم المستمر.

کیفر دروغگویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱

۱ - دوزخ ، پایانی خفت بار برای دروغ پردازی ها ، استهزاگری ها و گناه پیشگی کافران

ویل لكل أفاک أثیم .. اتخذها هزواً ... عذاب مهین . من ورائهم جهنم

کیفر دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ عقوبت سارقان و آمرزش آنان به صورت توبه و اصلاح خویش ، از جمله مشیت های الهی

يعذب من يشاء و يغفر لمن يشاء

مصدق مورد نظر برای <من يشاء> ، با توجه به آیات پیشین، زن و یا مردی است که مرتکب سرقت شود.

کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱،۲

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق ، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱،۶

۱ فرزندان یعقوب ، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این

است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) : كانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه . . .

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد . . . پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود].

کیفر دزد در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۲

۲ > استرقاق < کیفر سارقان در شریعت یعقوب

فهو جزؤه كذلك نجزی الظلمین

جمله <کذلك نجزی الظلمین> اشاره به این مطلب دارد که آنچه درباره کیفر سارق گفتیم ، مقتضای آیین ماست.

کیفر دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۳

۲۳ اعدام و بدار آویختن ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل و غارت

انما جزؤا الذین یحاربون الله .. او یصلبوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب الله و رسوله و سعی فی الارض فساداً .. و ان قتل و اخذ المال قتل و صلب

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۶،۱۵

۶ بریدن دست ، کیفری مناسب برای دزدان

فاقطعوا ایدیهما جزاء بما کسبا

<جزاء> به معنی مقابله کافی در برابر عمل است. (مفردات راغب)

۱۵ قطع انگشتان دست از انت ها ، بجز انگشت شست ، مجازات سرقت

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما

از امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از اینکه دست دزد از کجا باید قطع شود روایت شده: تقطع الاربع اصابع و تترك الابهام . . .

کافی، ج ۷، ص ۲۲۵، ح ۱۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۸، ح ۱۸۸.

کیفر دزدی در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۶،۷

۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) : كانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما

جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه . . .

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن

به بردگی گرفته می شد . . . پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند:

خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود].<

٧ > عن أبي عبدالله (ع) [في قوله تعالى]: > جزاؤه من وجد في رحله فهو جزاؤه

<: يعنون السنه التي تجرى فيهم أن يحبسہ . . . >

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که فرموده: <جزاؤه من وجد في رحله فهو جزاؤه> روایت شده است: مقصود آنان ، سنت جاری بین آنان بوده که او را حبس کند . . .>.

کیفر دشمنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۰ - ۷

۷- ربوبیت خداوند ، مقتضی بعثت پیامبران و عقوبت دشمنان ایشان است .

فعصوا رسول ربهم فأخذهم أخذهم رایبه

کیفر دشمنان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۳ - ۴

۴ عذاب شدید الهی ، کیفر ستیزه جویان با خدا و رسول

و من يشاقق الله و رسوله فإن الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۱۶

۱۶- < عن أبي عبدالله (ع) سئل عن قول الله : < أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض > قال : هم أعداء

الله و هم يمسخون و يقدفون و يسيخون في الأرض >

از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند <أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض> سؤال شد، حضرت در پاسخ فرمود: آنان دشمنان خداوندند. آنان مسخ شده و هدف قرار می گیرند و در زمین فرو می روند.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، کیفر و سزای دشمنان خدا است .

ذلك جزاء أعداء الله النار

جلد - نام سوره - سوره -

۳ - کیفر های دنیوی ، ناکافی برای مجازات ستیزکنندگان با خدا و رسول او
و لولا أن كتب الله عليهم الجلاء... و لهم في الآخرة عذاب النار . ذلك بأنهم ش

کیفر دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ هزیمت و شکست ، فرجام شوم و کیفر قطعی برای تمامی کافران و دشمنان ایستاده در برابر دین الهی

و عذب الذين كفروا و ذلك جزاء الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲- > عن أبي جعفر (ع) في قول الله : > فأتى الله بنيانهم من القواعد < قال : كان بيت غدر يجتمعون فيه ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا >فأتى الله بنيانهم من القواعد< فرمود: [آن بنیان] خانه خیانتی بود که در آن اجتماع می کردند.<

۱۳- > عن ابی جعفر (ع) فی قوله : > قد مکر الذين من قبلهم فأتى الله بنيانهم من القواعد < فخر عليهم السقف من فوقهم و أتاهم العذاب من حيث لا يشعرون قال : بيت مكرهم أي ماتوا فألقاهم الله في النار... ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا >.. فأتى الله بنيانهم من القواعد...< فرمود: مقصود این است که خدا خانه مکرشان را ویران کرد؛ یعنی، مردند و خدا آنان را در آتش افکند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - آتش سوزان ، کیفر کفری‌شگانه و تمام کسانی که در راستای منحرف ساختن مردم از راه خدا و دین او تلاش می کنند .

و من الناس من یجدل . . . و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۲

۲ - گرفتاری کافران و دشمنان دین خدا ، در دام افراد وسوسه کننده و اغواگر ، کیفر الهی برای آنان است .

و قتیضنا لهم قرناء فزیّنوا لهم

از این که خداوند تعیین هم نشین اغواگر را برای کافران به خود نسبت داده (قتیضنا)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

کیفر دشمنان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۶،۹

۶ - میخکوب کردن به زمین هنگام مجازات ، شیوه فرعون در سرکوب مخالفان

و فرعون ذی الأوتاد

ممکن است فرعون از آن جهت به <ذی الأوتاد> توصیف شده باشد که مخالفان خود را، به چهار میخ می کشید و شکنجه می داد.

۹ - > عن أبان الأحمر قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزّوجلّ < و فرعون ذی الأوتاد > لأی شیء سمّی ذالْأوتاد ؟ قال : لأنّه کان إذا عذّب رجلاً بسطه علی الأرض علی وجهه و مدّ یدیه و رجليه فأوتدها بأربعة أوتاد فی الأرض و ربّما بسطه علی خشب منبسط فوّتد رجليه و یدیه بأربعة أوتاد ثمّ ترکه علی حاله حتّی یموت فسمّاه الله عزّوجلّ < فرعون ذی الأوتاد > لذلك ;

از ابان احمر روایت شده که گفت: از امام صادق(ع) درباره این سخن

خداوند عَزَّوَجَلَّ > و فرعون ذی الأوتاد < پرسیدم: برای چه چیز ذی الاوتاد نامیده شد؟ فرمود: برای این که وقتی مردی را شکنجه می داد، او را بر صورت بر زمین می خواباند و دست ها و پاهایش را می کشید و با چهار میخ در زمین می کوبید و چه بسا او را روی چوب پهنی می خواباند و چهار دست و پای او را با چهار میخ می کوبید آن گاه او را به همان حال رها می کرد تا بمیرد. پس خداوند عَزَّوَجَلَّ از این جهت او را فرعون ذی الاوتاد نامید.<

کیفر دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۳ - ۴

۴ عذاب شدید الهی ، کیفر ستیزه جویان با خدا و رسول

و من یشاقق الله و رسوله فإن الله شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۴ - ۵۹ - ۳

۳ - کیفر های دنیوی ، ناکافی برای مجازات ستیزکنندگان با خدا و رسول او

و لولا أن كتب الله عليهم الجلاء .. و لهم في الآخرة عذاب النار . ذلك بأنهم ش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۹،۶

۶ - خداوند ، مراقب کردار مخالفان پیامبر (ص) و در کمین آنان است .

ألم تر .. إن ربك لبالمرصاد

۹ - تهدید مخالفان پیامبر (ص) و سرکوب آنان از سوی خداوند ، جلوه ربوبیت او بر پیامبر (ص) و در راستای تدبیر امور رسالت آن حضرت است .

رَبِّكَ

فعل

<رَبِّ>، زمانی به کار می رود که شخص اداره کاری را به دست گیرد و به تدبیر آن برخیزد (مصباح). بر این اساس کلمه <رَبِّ>، به معنای مدبّر است و اضافه آن به ضمیری که خطاب به رسول اکرم (ص) می باشد، بیانگر تأثیر کار خداوند در شئون پیامبری آن حضرت است.

کیفر دشمنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۲۴

۲۴ آتش دوزخ، سرانجام تفرقه و دشمنی انسان ها نسبت به یکدیگر *

و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها

محتمل است منظور از <النار>، آتش دوزخ باشد.

کیفر دشمنی با آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۱

۱ - کیفر مخالفت های لجوجانه و عنادآمیز با آیات الهی، از دست دادن استعداد هدایت است.

ليقولن الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون . كذلك يطبع الله على قلوب الذين لا يعلمون

<طبع> همانند <ختم>، در لغت، به معنای <اثر پدید آمده از نقش (مهر دارای خطوط برجسته)> است و مجازاً، در بستن و مهر و موم کردن چیزی استعمال می شود (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۷

۷ - استکبار و عناد در برابر آیات الهی، موجب استحقاق کیفر دنیوی

فاستکبروا .. و كانوا بآيتنا يجحدون . فأرسلنا عليهم ريحا

کیفر دشمنی با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۵

۵ - مخالفت عمدی و ستیزه جویانه کافران با پیامبران

، موجب دوزخی شدن و محرومیت آنان از تخفیف در عذاب الهی

قالوا أَوْ لَمْ تَكْ تَأْتِيكُمْ رَسَلِكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دَعْوَا الْكُفْرِ

اعتراف کافران دوزخی به این که به پیامبران و دلایل روشن آنان دست یافته بودند، نشان می دهد که مخالفت آنان با تعالیم آسمانی، از روی عمد و ستیزه جویانه بوده است و همین موجب دوزخی شدن و محرومیت آنان از تخفیف در عذاب گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۷

۷ عذاب استیصال ، کیفر تکذیب پیامبران الهی و رویارویی با ایشان

بل کذبوا .. فانظر كيف كان عقبه الظالمين

کیفر دشمنی با توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۸

۸ - مخالفت با دعوت توحیدی پیامبر (ص) ، موجب استحقاق کیفر دنیوی

فإن أعرضوا فقل أندر تكم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

کیفر دشمنی با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۹

۹ - امت هایی از جن و انس در گذشته تاریخ بر اثر دشمنی با خداوند (شرکورزی ، انکار رسالت پیامبران و ...) به عذاب الهی گرفتار شدند .

و حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۴ - ۹

۹ - معارضه و ستیز با خداوند ، دارای کیفری سخت و سهمگین

و من یشاقّ اللهَ فَإِنَّ اللهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

کیفر دشمنی با

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱

۱ دشمنی و مخالفت با رسول خدا (ص) ، موجب عذاب جهنم

و من یشاقق الرسول .. نوله ما تولى و نصله جهنم و ساءت مصيراً

<یشاقق> از ماده <شقق>، به معنای مخالفت کردن و دشمنی نمودن است. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۹

۹ مشرکان ، به دلیل مقاومت و خیره سری در برابر دعوت پیامبر (ص) ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

و سوف یعلمون حین یرون العذاب من أضلّ سبیلاً

جمله <و سوف یعلمون حین یرون العذاب..> برای تهدید مشرکان لجوج به عذاب، بیان شده است و این عذاب هم می تواند در دنیا باشد (مانند شکست سخت آنان به دست مسلمانان در جنگ بدر) و هم می تواند عذاب اخروی باشد.

کیفر دشمنی با معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۵

۵ - مبارزه خصمانه با معجزات الهی ، در پی دارنده کیفری سخت

و لا تمسوها بسوء فیاخذکم عذاب یوم عظیم

کیفر دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۳

۳- برگزیدن دنیا در قبال از دست دادن آخرت ، در پی دارنده عذابی تخفیف ناپذیر است .

أولئك .. فلا يخفف عنهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۴

۴- مهر شدن قلب و قوای شنوایی

و بینایی (محرومیت از درک حقایق) ، کیفر ترجیح دهندگان زندگی دنیا بر آخرت

استحبوا الحیوه الدنیا .. أولئك الذین طبع الله علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۵

۲۵- غفلت از یاد خدا ، کیفر الهی برای دنیاگرایان دل بسته به جلوه های مادی است .

ترید زینه الحیوه الدنیا و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

توصیف دنیازدگان به کسانی که قلب شان از یاد خدا غافل است، گویای ارتباط غفلت قلب با نیازدگی است و اسناد اغفال به خداوند (اغفلنا) کیفر بودن آن را می رساند.

کیفر دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۰

۱۰ عالمان دینی دنیا دوست و هواپرست و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اهل دوزخند .

لکنه أخلد إلى الأرض و اتبع هوه ... و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً

برداشت فوق مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین است.

کیفر دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۲۳

۲۳ - گنهکاران علاوه بر عذاب اخروی ، در خطر گرفتار شدن به عقوبت های دنیوی نیز هستند .

لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الآخره عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ عقوبت دنیوی و اخروی در کمین پایمال کنندگان حقوق یتیمان

ولیکش الذین لو ترکوا من خلفهم .. فلیتقوا الله

جمله <ولیکش .. >، اشاره به کیفر دنیوی است و جمله <فلیتقوا الله > (از خدا

بترسید)، دلالت بر استحقاق عقوبت اخروی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ اجرای حدود و مجازات های دنیوی ، مستلزم رهایی از عذاب اخروی نیست .

لهم خزی فی الدنيا و لهم فی الآخره عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۵ - ۳

۳ ستمگری امتهای پیشین، عامل نابودی آنان با کیفرهای دنیوی (عذاب استیصال) شد.

کم من قریه أهلکنها .. قالوا إنا کنا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۴

۴ آتش دوزخ کیفری بس سهمگینتر از عقوبت های الهی در دنیا

ذلکم فذوقوه و أن للکفرین عذاب النار

استفاده از کلمه ذوق (چشیدن) درباره عذاب دنیا، در مقابل عذاب دوزخ، بیانگر این است که عقوبتهای دنیوی تنها مضمضه ای از عقوبت و مقدمه ای برای عذاب اصلی و کامل که همان عذاب دوزخ است، می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۳ - ۴

۴ - کیفر و عذاب خداوند در آخرت ، بزرگ تر و با عظمت تر از عذاب و کیفر دنیوی او است .

و لعذاب الآخره أكبر

کیفر دنیوی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۲

۲- طرد از درگاه الهی و گرفتار شدن به لعن و نفرین ابدی ، کیفر دنیوی ابلیس

فإنك رجيم . و إن عليك اللعنه إلى يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - طرد از درگاه خداوند و گرفتار شدن به لعن و نفرین ابدی ، کیفر دنیوی ابلیس

فإنك رجيم . و إنَّ عليك لعنتی إلى یوم الدین

خداوند در هشت آیه بعد، ابلیس را به عذاب جهنم تهدید و محکوم کرد. این نکته می رساند که طرد و نفرین ابلیس آن هم با آمدن قید <إلی یوم الدین> مربوط به کیفر دنیایی او است.

کیفر دنیوی اشاعه فحشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۷

۷ - حکم خداوند مبنی بر کیفر دنیوی و اخروی اشاعه دهندگان فحشا و سخت گیری نسبت به آنان ، ناشی از علم و آگاهی او به حکمت و پیامد کارها و رفتارها است .

إنَّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه .. لهم عذاب أليم فی الدنیا و الآخره و الله ی

برداشت یاد شده بر اساس این نکته است که مفعول <یعلم> و <تعلمون> حکمت و پیامد همین حکم باشد؛ یعنی، شما نمی دانید که چرا خداوند تا این اندازه نسبت به اشاعه فحشا، واکنش سخت نشان می دهد و حکمت این سخت گیری چیست؟ تنها خداوند به آن آگاهی دارد.

کیفر دنیوی اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۳

۲۳ تهدید اکید خداوند بر کیفر سخت دنیوی و اخروی منافقان صدر اسلام ، در صورت امتناع آنان از توبه و پافشاری بر مواضع کفرآمیز توطئه گرانه خود

فإن یتوبوا .. و إن یتولوا یعذبهم الله عذاباً أليماً

فی الدنيا و الآخره

کیفر دنیوی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰

۱۰- تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت و کیفر الهی قرار گرفتند .

كذبت قبلهم قوم نوح... ليدحضوا به الحق فأخذتهم

کیفر دنیوی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۲

۲ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم... ذله في الحيوه الدنيا

کیفر دنیوی تبعید انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۷ - ۲

۲- تبعید رسولان الهی ، دارای عقوبت سخت دنیوی

إذا لا يلبثون خلفك إلا قليلاً سنّه من قد أرسلنا قبلك من رسلنا

کیفر دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أم أمتم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

کیفر دنیوی رهبران گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۷

۷- پیشوایان گمراهی ، با مجازات دنیوی از مجازات اخروی معاف نخواهند شد .

فی الحیوه

.. لا مَسَّاس و اِنَّ لَكَ موعِدًا لَنْ تَخْلَفه

کیفر دنیوی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۶

۶ - سامری علاوه بر کیفر دنیوی ، مجازاتی حتمی و تخلف ناپذیر نیز در آخرت خواهد داشت .

لَكَ فِي الْحَيَوةِ .. و اِنَّ لَكَ موعِدًا لَنْ تَخْلَفه

<موعِد> در معانی <وعده> ، <زمان وعده> و <مکان وعده> استعمال می شود و مقصود از آن برحسب ظاهر، عذاب موعود در قیامت است.

کیفر دنیوی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۷

۷ جوامع ستمگر ، در معرض گرفتار شدن به کیفر های دنیوی و در خطر هدف قرار گرفتن سنگ های عذاب

و ما هی من الظالمین ببعید

<هی> می تواند به قریه یا قریه هایی که از سیاق کلام برمی آید، باز گردد و می تواند به <حجاره> در آیه قبل ارجاع شود. معنای جمله <و ما هی ...> بنابر احتمال دوم چنین است: آن سنگهای کذایی دور از ستمگران نیست؛ یعنی، ستمگران در معرض چنین عذابهایی اند و آن گونه سنگها برای آنان مهیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۱۴

۱۴- مصلحت بقای حیات در زمین ، مهمتر از مصلحت عقوبت دنیوی ظالمان

و لو یؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترك علیها من دابّه و لكن یؤخرهم اِلی أجل مسّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد

الحرام ، گناهی است بس بزرگ و کج روان و ستم کاران باید در انتظار کیفر سخت دنیوی باشند .

و من یرد فیه بالحد بظلم نذقه من عذاب الیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مقصود از <عذاب الیم> کیفر دنیوی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۴

۴ - بیشتر ظالمان ، بی خیر از کیفر های دنیوی و اخروی خویش

و لکن اکثرهم لایعلمون

کیفر دنیوی ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۰ - ۶

۶ - ظلم و بیدادگری ، پی آمدی شوم و سرنوشتی هلاکت بار در دنیا

فأخذنه و جنوده فنبذنهم فی الیم فانظر کیف کان عقبه الظلمین

کیفر دنیوی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۶ - ۴

۴ - امت های گنهکار و متمرّد از فرمان خدا ، در خطر گرفتار شدن به کیفر های دنیوی و سرنوشتی شوم

فجعلنها نکلا لما بین یدیها و ما خلفها

کیفر دنیوی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۸

۸ ترک عمل به وظیفه و ادعای انجام آن و انتظار ستایش در برابر عملی که انجام نشده ، ناپسند و موجب عذاب دنیا و آخرت است .

و یحبون ان یحمدوا .. فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب و لهم عذاب الیم

تکرار کلمه عذاب دلالت بر این دارد که آنها به دو عذاب گرفتار می شوند، و به نظر می رسد یکی از آن دو،

عذاب دنیوی و دیگری عذاب اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۵

۵ دریافت برخی از پاداش ها و جزای اعمال در غیر قیامت (دنیا و برزخ) *

و اِنَّمَا تَوْفُونُ اجورکم یوم القیمه

کلمه <اِنَّمَا>، دریافت کامل پاداش و جزا را منحصر به روز قیامت می کند، لذا مفهوم آن، دریافت برخی از جزا و پاداش در غیر روز قیامت است و مراد از غیر قیامت، می تواند دنیا و یا برزخ و یا هر دو باشد.

کیفر دنیوی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۲

۲ - مؤاخذه سخت و سنگین فرعون در دنیا از سوی خداوند

فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً

<وبیل> به معنای وخیم و سنگین است (مصباح المنیر).

کیفر دنیوی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۴

۴ جزایی که در دنیا نصیب فرعونیان شد ، عطیه ای شوم و نیز سزایی که در آخرت بدان خواهند رسید ، سزایی نامیمون است .

و أَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَهُ وَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ بئس الرفد المرفود

در آیه شریفه ، سزا و کیفر تحکماً و از روی استهزا به <رفد> (عطیه و بخشش) تشبیه شده است.

کیفر دنیوی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ - تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت و کیفر الهی قرار گرفتند

كذبت قبلهم قوم نوح .. ليدحضوا به الحق فأخذتهم

کیفر دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۳ - ۲

۲ مخالفت و دشمنی مشرکان مکه با خدا و رسول او مایه فرمان الهی به سرکوبی و نابودی آنان

ذلك بأنهم شاقوا الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۹

۱۹ شکست کافران جنگ بدر نمودی از عقوبت شدید خداوند برای آنان

و الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۷،۹

۷ هلاکت امت های کفرپیشه گذشته تاریخ ، نمودی از قدرت خدا بر کیفر دنیوی منافقان و کافران هر عصر

ألم يأتيهم نبا الذين من قبلهم قوم نوح .. و المؤتفكت

۹ کیفر دنیوی و اخروی کافران و منافقان ، از سنت های ثابت الهی

أولئك حبطت أعمالهم في الدنيا و الآخره .. ألم يأتيهم نبا الذين من قبلهم قوم نوح .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ حسابرسی و مجازات کفرپیشگان و منکران رسالت در دنیا

از آن جا که مقصود از تهدیدهای اشاره شده در این آیه عذابهای دنیوی است ، معلوم می شود مراد از حساب در جمله <علینا الحساب> نیز حسابرسی در دنیا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۳

۳ - چشاندن بخشی از کیفر دنیایی به کافران ، نمودی از رحمت الهی و وسیله ای

ردف لكم بعض الذی تستعجلون . و إِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ

همان طور که در آیه پیش گفته شد، مراد از <الذی تستعجلون> می تواند تنها عذاب دنیوی باشد. بنابراین عبارت <بعض الذی تستعجلون> به معنای گوشه ای از مجازات دنیایی است. با توجه به مطلب یاد شده می توان گفت که یادآوری بذل و رحمت الهی بر مردم، پس از بیان <ردف لكم بعض الذی تستعجلون> از آن جهت است که مشاهده گوشه ای از مجازات الهی، بیدارگر و هشدار دهنده است؛ برخلاف نزول تمامی عذاب که در آن مجالی برای توبه و انابه باقی نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۱۱

۱۱- وجود کیفر های دنیوی برای بسیاری از کافران ، افزون بر عذاب اخروی آنان

و الذین کفروا .. و النار مثوی لهم . و کأین من قریه ... أهلکنهم

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که خداوند تمامی کیفر کافران را به آخرت وانهاد و آنان را در دنیا به کلی رها نساخته است؛ بلکه بسیاری از آنان را به کیفر کفرشان هلاک ساخته و می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۶،۷

۶ - کافران ، گرفتار کیفر های دنیوی و بیشتر آنان ، غافل از منشأ گرفتاری های خویش *

للذین ظلموا عذاباً .. و لکنّ اکثرهم لا یعلمون

در صورتی که <عذاباً دون ذلک> نظر به کیفر دنیوی داشته باشد، احتمال می رود که <اکثرهم لا یعلمون> به این معنا باشد که کافران به

رغم ابتلا به این کیفرهای الهی، معمولاً توجه ندارند که علت آن، کفر ایشان است.

۷- کیفر های دنیوی و برزخی کافران ، سبک تر از کیفر اخروی آنان *

و إِنَّ لِلذِّينِ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشد و <دون ذلك> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

کیفر دنیوی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۱

۱ خداوند فرعونیان را پس از اعلام صریحشان بر ایمان نیاوردن به موسی (ع) ، به عذاب های متعدد گرفتار ساخت .

فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ . فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ ... آیت مفصلت

کیفر دنیوی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فَلَمَّا نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أَمْ أَمْتُمْ أَنْ يَعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى

کیفر دنیوی گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۵

۵- کمترین تمایل به کافران از سوی رهبران دینی ، گناهی نابخشودنی و دارای کیفری مضاعف در دنیا و آخرت

لَقَدْ كَدَّتْ تَرْكُنَ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا . إِذَا لَأَذِقَنَّكَ ضَعْفَ الْحَيَوهِ وَ ضَعْفَ الْمَمَاتِ

کیفر دنیوی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - احتمال تحقق

عقوبت و عذاب گناه در دنیا

فأخذتكم الصعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۶

۱۶ انحطاط و نابودی بسیاری از تمدنها پیش از اسلام به سبب گناه و ستیز با حق

ألم يروا كم أهلكتنا من قبلهم . . . فأهلكنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۱۰

۱۰- ارتکاب برخی از گناهان ، عذاب دنیوی در پی دارد .

أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض أو يأتيهم العذاب

کیفر دنیوی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۲

۱۲ - گنهکاران ، از گرفتار شدن به عقوبت های دنیوی در امان نبوده و نباید احساس مصونیت کنند .

فأخذتكم الصعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۶ - ۴

۴ - امت های گنهکار و متمرّد از فرمان خدا ، در خطر گرفتار شدن به کیفر های دنیوی و سرنوشتی شوم

فجعلنا نكالا لما بين يديها و ما خلفها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۳۰

۳۰ - گنهکاران علاوه بر عذاب اخروی در خطر گرفتار شدن به کیفر های دنیوی نیز هستند .

فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزي في الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۲۳

۲۳ - گنهکاران علاوه بر عذاب اخروی ، در خطر گرفتار شدن به عقوبت های دنیوی نیز هستند .

لهم في الدنيا

خزى و لهم فى الآخره عذاب عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ امکان گرفتاری گناهکاران به عقوبت گناهشان در دنیا

فانها محرمه عليهم اربعين سنه يتيهون فى الارض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۵

۵ - دنیا، سرایی نیست که در آن بتوان گنه کاران را به کیفر گناهانشان رساند .

يومئذ يوفّيهم الله دينهم الحقّ

<يومئذ> ظرف و متعلق به <يوفّيهم> است. بنابراین تقدیم آن بر <يوفّيهم> یا به خاطر اهتمام به ذکر <قیامت> و یا برای بیان حصر می باشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است؛ زیرا در این صورت معنای آیه چنین می شود: تنها در آن روز (قیامت) است نه روزی دیگر (دنیا) که خداوند، جزای آنان را به صورت تام و کامل خواهد داد.

کیفر دنیوی محارب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ مجازات دنیوی محاربان و فسادانگیزان در مقایسه با مجازات اخروی آنان، بسی اندک و ناچیز است .

ذلك لهم خزى فى الدنيا و لهم فى الآخره عذاب عظيم

تصریح به بزرگی عذاب محاربان در آخرت در مقابل کیفر دنیوی آنان، گویای برداشت فوق است.

کیفر دنیوی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۵

۵ - کیفر دنیوی خداوند درباره مشرکان ، پس از اتمام حجت بر آنان است .

أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ

از این که خداوند تحقق کیفر خویش را پس از ابلاغ وعده

عذاب به مشرکان (وعدناهم) مطرح می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

کیفر دنیوی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۱

۱ سرکوبی و شکست مشرکان در بدر ، عقوبت دنیوی آنان

ذلکم فذوقوه و أن للکفرین عذاب النار

<کم> در <ذلکم> خطاب به مشرکان و <ذا> اشاره به شکست و سرکوبی آنان دارد. و <ذلکم> مبتدا و خبر آن به قرینه فراز بعد <و أن للکافرین ...> <عقابکم فی الدنيا> است.

کیفر دنیوی مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ مجازات دنیوی محاربان و فسادانگیزان در مقایسه با مجازات اخروی آنان ، بسی اندک و ناچیز است .

ذلک لهم خزی فی الدنيا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

تصریح به بزرگی عذاب محاربان در آخرت در مقابل کیفر دنیوی آنان، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۱

۱۱- ذلّت و شکست ، مجازات دنیوی فسادانگیزان و عذاب جهنّم ، کیفر اخروی آنان است .

لتفسدنّ فی الأرض .. و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للکفرین حصیرًا

کیفر دنیوی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۵

۵ خداوند ، قوم نوح (ع) را به خاطر تکذیب آیاتش ، با غرق کردن در آب به هلاکت رساند .

و أغرقنا الذين كذبوا بآيتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد -

۱۱ حسابرسی و مجازات کفرپیشگان و منکران رسالت در دنیا

و علینا الحساب

از آن جا که مقصود از تهدیدهای اشاره شده در این آیه عذابهای دنیوی است ، معلوم می شود مراد از حساب در جمله <علینا الحساب> نیز حسابرسی در دنیا است.

کیفر دنیوی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ منافقان توطئه گر ، مستحق کیفر و مجازات دنیوی اند و عدم اعمال آن نسبت به برخی از آنان از جانب خداوند ، به اقتضای مصلحت است . *

إن نفع عن طائفه منکم نعدب طائفه بانهم کانوا مجرمین

مراد از عفو و عذاب، می تواند بخشش و کیفر دنیوی باشد نه اخروی ؛ در این صورت به حکم عقل، عفو از یک گروه به خاطر مصلحتی صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۷،۹

۷ هلاکت امت های کفرپیشه گذشته تاریخ ، نمودی از قدرت خدا بر کیفر دنیوی منافقان و کافران هر عصر

ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح . . . و المؤمنتکت

۹ کیفر دنیوی و اخروی کافران و منافقان ، از سنت های ثابت الهی

أولئک حبطت أعمالهم فی الدنیا و الآخره . . . ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۲

۲ شادی اندک و رنج طولانی منافقان در دنیا ، بازتاب عملکرد آنان و کیفر الهی برای ایشان

فلیضحکوا قليلا و ليکوا كثيراً جزاء بما کانوا

برداشت فوق بدین احتمال است که خنده و گریه در <فلیضحکوا قليلا و لیبکوا کثیراً> هر دو مربوط به دنیا باشد.

کیفر دنیوی منحرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام ، گناهی است بس بزرگ و کج روان و ستم کاران باید در انتظار کیفر سخت دنیوی باشند .

و من یرد فیه بالحد بظلم نذقه من عذاب أليم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مقصود از <عذاب أليم> کیفر دنیوی نیز باشد.

کیفر دنیوی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۱

۲۱ دشمنی و کینه یهود با یکدیگر ، کیفر و عقوبت دنیوی آنان

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۴

۴- تحریم برخی از حلال ها بر یهود ، کیفر و بازتاب عملکرد ظالمانه خود آنان بود نه برخاسته از ستم الهی .

و علی الذین هادوا حرمنا ... و ما ظلمنهم و لکن کانوا أنفسم یظلمون

کیفر دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ کیفر الهی ، فرجام شوم دوستی با کافران و پذیرش سلطه آنهاست .

لا تتخذوا الكافرين أولياء .. ان تجعلوا الله عليكم سلطاناً مبيناً

حجت آشکار خداوند، حکایت از این دارد که مقتضی کیفر و عقاب برای چنین افرادی فراهم است.

کیفر دین ستیزان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۲

۲ - تکذیب گران دین ستیز ، به آتش برافروخته در قیامت گرفتار خواهند بود .

و جحیمًا

کیفر دین فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئك الذين اشتروا .. العذاب بالمغفرة

کیفر دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۱۸

۱۸ علمای اهل کتاب به خاطر سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مستحق عذاب دردناک خداوند در قیامت

و من اهل الكتاب .. ان الذين يشترون ... و لهم عذاب الیم

کیفر ذلت بار ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۱۷

۱۷ ظالمان نمی توانند خود را از مهلکه مردن و عذاب خوارکننده پس از آن رهایی بخشند.

و الملئکه باسطوا أيديهم أخرجوا أنفسكم اليوم تجزون عذاب الهون

جمله <أخرجوا أنفسكم> خطاب ملائکه به ظالمان است، که اگر می توانید خود را از این مهلکه نجات بخشید. این سخن

ملائکه از سر استهزا و بیان عجز ظالمان است.

کیفر ربا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۱۷، ۱۶

۱۶ بازگشت به رباخواری پس از آگاهی از حرمت آن ، موجب جاودانگی در آتش

فمن جاءه موعظه .. و من عاد فاولئك

اصحاب النار هم فيها خالدون

جمله <فمن جاءه موعظه> به این معناست که حکم الهی به او ابلاغ شود^۲ یعنی پس از بیان حکم، به آن آگاهی یابد. گفتنی است جمله <و من عاد> در برداشت فوق، بازگشت به رباخواری تفسیر شده است.

۱۷ اعتقاد به همگونی بیع و ربا پس از بیان ربا و حکم آن، موجب جاودانگی در آتش

قالوا إنما البيع .. و من عاد فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون

در برداشت فوق متعلق <عاد>، پندار غلط همسانی بیع و ربا گرفته شده است، بنابراین جمله <و من عاد ..> به این معناست: اگر کسی پس از بیان حکم الهی درباره ربا، همچنان بر این پندار باشد که بیع همانند رباست در آتش مخلد خواهد بود. چون وی در حقیقت کافر است.

کیفر رباخواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۳۸

۳ آتش دوزخ، در انتظار کافران و رباخواران، و آماده برای آنان

لا تاكلوا الربوا .. و اتقوا النار التي اعدت للكافرين

۸ همگونی عذاب رباخواران با عذاب کافران

لا تاكلوا الربوا .. و اتقوا النار التي اعدت للكافرين

کیفر رضایت به گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن نُبّاته قال : سمعت أمير المؤمنين (ع) على منبر الكوفة يقول : .. أئبها الناس إنما عقر ناقة صالح واحد فأصابهم الله بعدابه بالرضا و آیه ذلك قوله عزوجل > .. فعقروها فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسویبها ..

أَصْبَحَ بَنُ بَاتَةَ گوید: شنیدم از امیرالمؤمنین (ع) که بر منبر کوفه می فرمود: >.. ای مردم! همانا ناقه صالح را یک نفر [از قوم ثمود] پستی کرد و ولی خداوند همه آن قوم را به عذاب خود دچار کرد چون به کار آن شخص راضی بودند و دلیل این مطلب سخن خداوند عزوجل است >... فعقروها فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسواها...<.

کیفر رهبران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ ذلت و خواری، کیفر استکبار سردمداران مجرم است.

أكبر مجرمیها .. و إذا جاءتهم آیه ... سیصیب الذین أجرموا صغار عندالله

کیفر رهبران ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۱، ۱۲

۱۱ هیچ کیفری جز عذاب جهنم، نمی تواند حاکمان مفسد، سرسخت، متکبر و مغرور را رام کند.

و اذا تولى سعى .. فحسبه جهنم

۱۲ جهنم، کیفر حاکمان مفسد، سرسخت و حق ناپذیر

و اذا تولى سعى .. فحسبه جهنم

کیفر رهبران فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۶

۶- رهبران و سردمداران فاسد و اغواگر درخور سرزنش و کیفرند.

ألم تر إلى الذين .. و أحلوا قومهم دار البوار

از اینکه خداوند در بیان سرنوشت شوم اقوام و ملت‌های ناسپاس و کافر، رهبران آنها را مورد بحث قرار داد (أحلّوا قومهم ..)، استفاده می‌شود که جرم آنان بیش از دیگر مردم بوده و سزاوار سرزنش و کیفری افزون‌ترند.

کیفر رهبران منافقان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۸

۸ امکان عفو عناصر غیر اصلی و خط گیرنده نفاق و غیر قابل بخشش بودن جرم عناصر اصلی و خط دهنده *

إن نفع عن طائفه . . . نعتب طائفه ... بعضهم من بعض

<بعضهم من بعض> تحت تأثیر بودن برخی از منافقان از برخی دیگر را افاده می کند و نیز این آیه تفسیر آیه قبل می باشد و علت عفو گروهی و کیفر گروهی دیگر را بیان می نماید.

کیفر رهبران نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۸

۸ سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم و تبهکاری در جامعه ، غیر قابل بخشش و مستحق مجازات

إن نفع عن طائفه منكم نعتب طائفه بأنهم كانوا مجرمين

تعلیل عذاب دسته ای از منافقان، به اینکه اینان گروه مجرم و تبهکارند در برابر عفو گروهی دیگر می تواند گویای این حقیقت باشد که: سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم، شایسته بخشش نبوده و باید مجازات شوند.

کیفر ریاکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۳

۳ عذاب خوارکننده الهی ، کیفر انفاق کنندگان ریاکار

و اعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً. و الذين ينفقون اموالهم رياء الناس

بنابر اینکه <الذين> عطف بر <الكافرين> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۹

۹ خداوند ، کیفردهنده بخیلان و ریاکاران و پاداش دهنده انفاق کنندگان مخلص

الذین یبخلون . . . و انفقوا . . . و

كان الله بهم عليماً

هدف از بیان علم و آگاهی خداوند پس از بیان ایمان و بخل، تهدید بخیلان و ریاکاران به کیفر، و پاداش دهی به مؤمنان انفاق کننده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۴

۴ کیفر بخیلان و ریاکاران (عذاب ، محرومیت از محبت خداوند ، همراهی با شیطان) ، بازتاب عمل خود آنان است ، نه ستمی از جانب خداوند .

انَّ الله لا يحبّ .. الذين يبخلون ... و الذين ينفقون اموالهم رياء الناس ... و

جمله < انَّ الله .. > می تواند پاسخی باشد برای این سؤال که چرا خداوند مردم را به عذاب و ... مبتلا می کند. خداوند می فرماید این عذابها ناشی از ستم او نیست، بلکه دستاورد خود بخیلان است.

کیفر زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۱، ۷، ۶

۶ کیفر فحشا (زنا ، مساحقه) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و التي يأتين الفاحشه من نسائكم

۷ حبس ابد ، کیفر فحشای زنان شوهرداری که شوهرشان مسلمان باشد .

و التي يأتين الفاحشه من نسائكم .. فامسكوهنَّ في البيوت حتى يتوفيهنَّ الموت

چنانچه مراد از < کم > ، مردان مسلمان باشند ؛ ظاهراً مقصود از < نساء > همسران آنان خواهد بود. بنابراین، حکم مذکور، شامل زنان بی شوهر نخواهد شد.

۱۱ کیفر حبس ابد برای زنا و همجنس بازی زنان ، مشروط به شهادت چهار مرد مسلمان است .

و التي يأتين الفاحشه .. فاستشهدوا عليهنَّ اربعة منكم فان شهدوا

<منکم> مسلمان هستند، معلوم می شود که شاهد در مورد فحشا، باید مسلمان باشد و چون ضمیر مذکر به کار رفته، معلوم می شود که گواهان بر زنا و همجنس بازی باید مرد باشند.

۱۴ نوید خداوند به نسخ کیفر زنا (حبس ابد)

وَأَلَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ .. فَمَسْكُوهِنَّ ... او يجعل الله لهنَّ سبيلاً

۱۵ وعده خداوند به جعل کیفری خفیفتر از حبس ابد برای زنانی که مرتکب زنا و یا مساحقه شوند .

حَتَّى يَتُوفِّيَهُنَّ الْمَوْتَ او يجعل الله لهنَّ سبيلاً

جمله <او يجعل الله ..>، حاکی است که کیفر دیگر برای زن زناکار جعل خواهد شد؛ و لام در <لهنَّ>، مشعر به این است که آن کیفر خفیفتر از حبس ابد می باشد.

۱۷ حکم خدا (شلاق) در مورد فحشای زنان، ناسخ حکم حبس ابد در مورد آنان

وَأَلَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ .. فَمَسْكُوهِنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتُوفِّيَهُنَّ الْمَوْتَ او يج

امام صادق (ع) درباره <سبیل> در آیه فوق فرمود: منسوخه و السبيل هو الحدود.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۰؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۲.

۱۸ حبس ابد و محرومیت از گفتگو و همنشینی، کیفر منسوخ شده فحشای زنان

فامسكوهنَّ فی البيوت

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هذه منسوخه .. كانت المرأة ... ادخلت بيتاً و لم تحدث و لم تكلم و لم تجالس و اوتيت فيه بطعامها و شرابها حتى تموت ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ تفاوتِ کیفر فحشای زنان شوهردار و بی شوهر

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم .. فامسکوهنّ فی البیوت ... و الذّان یأتیانها

با توجه به برداشت قبل و توضیح آن.

۴ کیفر فحشا (لواط و زنا) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الذّان یأتیانها منکم فاذوهما

کیفر زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱،۳

۱ کیفر زن در صورت ارتکاب زنا ، حبس ابد است .

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم .. فامسکوهنّ فی البیوت

<الفاحشه> به معنای کار زشت است و الف و لام آن اشاره به عمل خاصی است که به مناسبت مورد، مراد از آن زناست و می تواند مساحقه را نیز شامل شود.

۳ زن زناکار و همجنس باز در صورتی که مسلمان باشد ، به حبس ابد محکوم می شود .

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم

چنانچه <کم> خطاب به جامعه اسلامی باشد، مراد از <نساء> زنان مسلمان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۵

۵ لزوم تداوم ایدای مرتکبین فحشا (لواط و زنا) تا احراز توبه و اصلاح آنان *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

در برداشت فوق، جمله <فان تابا . . فاعرضوا> عطف بر <فاذوهما> و متفرع بر آن شده است و می رساند که پایان آزار، توبه آنان است. بنابراین آزار آنان باید همچنان ادامه داشته باشد تا توبه کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱- صد ضربه شلاق با تازیانه چرمی ، کیفر هر یک از زن و مرد زناکار

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مائه جلده

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت یاد شده براساس کاربرد اول است.

۲- صد ضربه تازیانه بر پوست بدن هر کدام از زن و مرد زناکار ، کیفر کردار ناپسند آنان

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مائه جلده

۴- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مائه جلده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- ممنوعیت ازدواج زناکاران با مؤمنان ، یکی دیگر از کیفر های الهی درباره آنان

الزانی لاینکح إلا زانیه أو مشرکه و الزانیه لاینکحها إلا زان أو مشرک

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه فوق و آیه پیشین، در مقام بیان کیفر گناه زنا است و در واقع بیانگر این نکته است که گناه زنا، دارای دو کیفر دنیوی است: ۱ صد ضربه شلاق، ۲ محرومیت از ازدواج با مؤمنان.

کیفر زنان منافق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

کیفر زنای باکره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵

۱۹ صد تازیانه و یک سال تبعید ، کیفر فحشای زنان باکره و صد تازیانه و رجم ، کیفر فحشای زنان غیر باکره

او يجعل الله لهن سبيلا

رسول خدا (ص) فرمود: قد جعل الله لهن السبيل البكر بالبكر جلد مأه و تغريب عام و الثيب بالثيب جلد مأه و الرجم.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۳۴؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۲.

کیفر زناى محصنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۳

۳ تفاوتِ کیفر فحشای زنان شوهردار و بی شوهر

و التي يأتين الفاحشه من نسائكم .. فامسكوهن في البيوت ... و الذان يأتينها

با توجه به برداشت قبل و توضیح آن.

کیفر سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۴

۴ - قطع رابطه با مردم و منزوی و مطرود جامعه شدن ، کیفری سزاوار برای سامری

قال فاذهب فإن لك .. لامساس

لام در <لك> بر استحقاق سامری دلالت دارد و با توجه به <نبدتها> (در آیه قبل) می توان گفت: رانده شدن از جامعه،

کیفری مناسب برای گناه دور انداختن آثار رسالت از سوی سامری است.

کیفر سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۳

۳- کیفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نهران کاری های خائنانه آنان

و الله يعلم اسرارهم . فكيف إذا توفّتهم الملائكة

از ارتباط عبارت <فكيف إذا..> که بیانگر کیفر سخت منافقان است با ذیل آیه قبل (والله يعلم اسرارهم) استفاده می شود

که علم و آگاهی خداوند، پشتوانه کیفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۵

۱۵ - بازگشت به گناه ، پس از اظهار توبه ، دارای عقوبتی سنگین *

و إن تولّوا كما تولّيتم من قبل يعذبكم عذاباً أليماً

برداشت یاد شده بدان احتمال است که سنگینی کیفر متخلفان از آن جهت باشد که اینان پس از تخلف نخست، اظهار پشیمانی کردند و این بار بر آنان اتمام حجت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۲،۴

۲ - مؤاخذه سخت و سنگین فرعون در دنیا از سوی خداوند

فأخذنه أخذاً وبيلاً

<وبيل> به معنای وخیم و سنگین است (مصباح المنیر).

۴ - عصیان و سرپیچی در برابر دعوت پیامبران ، موجب مؤاخذه سخت الهی است .

فعصى فرعون الرسول فأخذنه أخذاً وبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۷

۷ - کسانی که خود را از رهنمود های خداوند و تذکرات قرآن بی نیاز می پندارند ، کافر و سزاوار سخت ترین کیفرهایند .

قتل الإنسان ما أكفره

این آیه و آیات بعد را می توان با آیات پیشین، مرتبط دانست؛ در این صورت حرف <ال> در <الإنسان> عهد ذکرى بوده و اشاره به <من استغنى> در آیات قبل خواهد بود.

کیفر سخت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۵ - ۴

۴ - مؤاخذه سخت کافران و چشم پوشی از خطای مؤمنان ، برخاسته از سلطه خداوند بر

تمام هستی است .

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ .. و هو الغفور الودود . ذوالعرش

کیفر سخن بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۴

۴- گفته ها و ادعا های بی اساس در مورد کفر و ایمان و آثار آنها ، دارای عقوبت و عذاب

سنکتب ما يقول و نمده له من العذاب

کیفر سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴ - ۵

۵ - > قال رسول الله (ص) الصلاة عماد الدين . . . من ترك أوقاتها يدخل الويل و الويل واد في جهنم كما قال الله تعالى . .
> فويل للمصلين . الذين هم عن صلاتهم ساهون . . . < ;

رسول خدا(ص) فرمود: نماز ستون دین است .. هر کس وقت های نماز را [اعتنا نکرده و نماز را در آنها] ترک کند، داخل ویل می گردد و <ویل> درّه ای است در جهنم. همان طوری که خداوند تعالی فرموده: فویل للمصلین . الذین هم عن صلاتهم ساهون.<

کیفر سوءاستفاده از اماکن غیرمسکونی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۹ - ۵

۵ - افرادی که بخواهند از قانون جواز و ورود به خانه های غیر مسکونی سوء استفاده کنند و نیتی جز بهره برداری از آنها داشته باشند ، به کیفر الهی تهدید شده اند .

لیس علیکم أن تدخلوا بیوتاً غیر مسکونه . . . و الله يعلم ما تبدون و ما تکتُمون

جمله <والله يعلم ما تبدون و ما تكتمون>

که علم همه جانبه و فراگیر الهی به نهان و آشکار انسان را به وی یادآوری می شود هشدار است به کسانی که احکام یاد شده را رعایت نکنند و یا از آنها سوء استفاده کنند.

کیفر سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۲۴

۲۴ کسانی که قسم دروغ می خورند ، در آخرت نصیبی نداشته و عذابی دردناک در انتظار آنان است .

انّ الذین . . . و ایمانهم ثمناً قليلاً

امام صادق (ع)، در ضمن شمارش گناهان کبیره فرمود: و اليمين الغموس ؛ لأنّ الله عز و جلّ يقول > انّ الذین یشترون بعهد الله و ایمانهم ثمناً قليلاً اولئك لا خلاق لهم فی الاخره . . . <.

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۳۳ ؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۵، ح ۱۹۵.

کیفر شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ - شایعه پراکنی و برهم زدن آرامش روانی مردم ، کیفری سخت دارد .

و المرجفون فی المدینه لنغرینک بهم ثم لا یجاورونک فیها الاّ قليلاً

کیفر شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۱۶

۱۶ - کیفر و مجازات الهی ، سخت و سهمگین است .

إنّ الله شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۶

۶ - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها است .

قتل الإنسان ما أکفره

مراد از <کفر> در <ما أکفره> ممکن است کفران نعمت های

خداوند باشد که آیات بعد به بعضی از آنها اشاره دارد. نفرین <قتل الإنسان> در معنای عرفی آن که بیان استحقاق شدیدترین عقوبت ها می باشد استعمال شده است.

کیفر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱۷

۱۷ سرانجامِ شرک ، جهنم است .

اولئك يدعون الى النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۱۴

۱۴ شرک ، از گناهان کبیره و موجب گرفتاری به آتش دوزخ

انّ الله لا يغفر ان يشرك به

امام صادق (ع) در معرّفی و شمارش گناهان کبیره فرمود: .. و هنّ ممّا اوجب الله عزّ و جلّ عليهنّ النار قال الله عزّ و جلّ: <انّ الله لا يغفر ان يشرك به ... >.

عقاب الاعمال "مترجم" ، ص ۵۲۵، ح ۱، باب عقاب من اتى الكبائر؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۸، ح ۲۹۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۳

۳ کسانی که حقانیت اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الى الذين ... يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلا. اولئك الذين لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۱

۱ شرک ، انحراف و لغزش غیر قابل آمرزش

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۴

۴ بازخواست

و محاکمه مشرکان در قیامت به سبب شریک پنداشتن برای خداوند

أین شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۴

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۸

۱۸ نوح، نگران مبتلا شدن قومش به کیفر دنیوی (طوفان) بر اثر شرک‌ورزی و ترک پرستش خداوند

إنی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

بر اساس این احتمال که مراد از <یوم عظیم> زمان طوفان نوح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۱۳

۱۳ هود برحذر دارنده قوم خویش از گرفتار شدن به عذاب های الهی به سبب پرستش نکردن خدای یکتا و پرهیز نکردن از

گرایش های شرک آلود

أفلا تتقون

<اتقاء> مصدر <تقون> به معنای گرفتن حفاظ برای دوری از مکروه و مانع شدن از رسیدن مکروه است. در اینجا به

مناسبت مورد و تأیید آیات بعد (همانند آیه ۷۰)، مراد از مکروه، عذابهای الهی است، یعنی: أفلا تتقون عذاب الله.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۱

۱ خداوند، در پی اصرار مردم مدین بر شرک‌ورزی و نپذیرفتن تعالیم شعیب (ع)، آنان را به عذابی سخت گرفتار ساخت.

و لما جاء أمرنا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم

شعیب است. اضافه آن به ضمیر <نا> حکایت از بزرگی آن عذاب دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ طغیان و سرکشی در برابر خدا و گرایش به شرک و پرستش غیر خدا، عقوبت و کیفر الهی را در پی دارد.

و لاتطغوا إنه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۴

۴- عقوبت افترا به خدا و شرک، به قدری شدید و سنگین است که در صورت وقوع، همه جنبندگان را فرا می گیرد.

بربهم یشرکون... کنتم تفترون. و يجعلون لله البنت... و لو یؤاخذ الله الناس ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۵

۵- شرک و انکار ربوبیت خدا، گناهی نابخشودنی و گرفتار کننده به آتش دوزخ است.

فالذین کفروا قطع لهم ثیاب من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۸

۸- شرک، گناهی بزرگ و دارای کیفری ویژه در نزد پروردگار

و من یدع مع الله... فإئما حسابه عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۳

۳- شرک و هم نشینی و هم فکری با مشرکان ستم پیشه، عامل دخول در دوزخ

احشروا الذين .. يعبدون . من دون الله فاهدوهم إلى صراط الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٥ - صفات - ٣٧

۱ - عذاب دوزخ ، کیفر شرک و استکبار ، در مقابل کلمه توحید

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا..> تعلیل برای جملات پیشین است که در آنها از دوزخی بودن کافران و مشرکان سخن به میان آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الأليم . و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۸

۸ - شرک و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابی سخت و فوق تصور بشر

و بدا لهم من الله ما لم يكونوا يحتسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۶

۶ - شرکورزی و تکذیب پیامبران الهی ، در پی دارنده آتش دوزخ است .

و يوم يحشر أعداء الله إلى النار

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که در مورد تکذیب پیامبران بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۹

۹ - امت هایی از جن و انس در گذشته تاریخ بر اثر دشمنی با خداوند (شرکورزی ، انکار رسالت پیامبران و ...) به عذاب الهی گرفتار شدند .

و حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ

من الجنّ و الإنس

کیفر شرک ستیزی در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۲

۲- کیفر روی گردانی از آیین شرک در عصر اصحاب کهف ، سنگ سار شدن بود .

إنّهم إن يظهروا عليكم يرجموكم

از جمله معانی ذکر شده برای <رجم> سنگ سار کردن است.

کیفر شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۱۵

۱۵ - شرک و عبادت ناخالص خداوند ، امری محکوم و مورد مؤاخذه الهی

أولياء ما نعبدهم إلا ليقربونا إلى الله زلفى إن الله يحكم بينهم فى ما هم فيه

کیفر شرک مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، به دلیل اعتقاد شرک آمیزشان (فرزند خدا خواندن عزیز و مسیح) مستحق کیفر مرگ

و قالت اليهود عزير ابن الله .. قتلهم الله أنى يؤفكون

کیفر شرک یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا، به دلیل اعتقاد شرک آمیزشان (فرزند خدا خواندن عزیر و مسیح) مستحق کیفر مرگ

و قالت اليهود عزیر ابن الله .. قتلهم الله أنى یؤفکون

کیفر شعر باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۴

۱۴ - ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است .

و الشعراء یتبعهم الغاون .. و

سيعلم الذين ظلموا أئى منقلب ينقلبون

کیفر شک در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ شک و شبهه در راستی و درستی قرآن ، مایه گرفتار شدن به آتش دوزخ است .

فالنار موعده فلاتک فی مریه منه

کیفر شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۸،۱۹

۱۸ زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، امری معمول و متداول بود .

إلا أن یسجن أو عذاب أليم

۱۹ قصد تجاوز به همسران اشراف در مصر باستان ، موجب مجازات و کیفر بود .

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً إلا أن یسجن أو عذاب أليم

کیفر شهوترانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ انسان ، ناتوان از تحمل عواقب انحراف از حدود الهی در روابط جنسی

و یرید اللذین یتبعون الشّهوات ان تمیلوا میلا عظیماً . .. خلق الانسان ضعیفاً

جمله <خلق الانسان ضعیفاً> می تواند بیانگر علت لزوم پیروی از احکام الهی در ازدواج و اجتناب از پیروی هواپرستان باشد .
یعنی قوانین الهی، جوامع را سبکبار خواهد کرد و انحراف از آن موجب مشقت خواهد شد و انسان توان تحمل آن مشقتها را ندارد.

کیفر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۹ - ۳

۳ - شیاطین ، موجوداتی مکلف و مسؤول و مورد کیفر و بازخواست الهی

و لهم عذاب واصب

برداشت یاد شده از مبتلا شدن به عذاب

و کیفر الهی به دست می آید؛ زیرا کیفر و عذاب بدون تکلیف و مسؤولیت، معقول نیست.

کیفر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۹

۹- دوزخ، کیفری کامل و بی کم و کاست برای شیطان و پیروان او

فإن جهنم جزاؤکم جزاءً موفوراً

<موفور> از ریشه <وفر> به معنای تام و بی نقص است (مفردات راغب).

کیفر صدّ از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۲۱

۲۱ ظلم، جلوگیری از راه خدا، به ناحق خوردن مال مردم، موجب عقوبت های دنیوی و عذاب اخروی

فبظلم من الذین هادوا حرمننا .. و أعتدنا للكفرین منهم عذاباً ألیماً

کیفر صید در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۱

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شب با صید ماهی، به بوزینگانی مطرود مبدل ساخت.

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خستین

<عتوّ> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شب است.

کیفر طراحان توطئه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه ، سزاوار کیفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم والذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم

کیفر طراحان گناه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۹

۱۹ - طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه ، سزاوار کیفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لکل امری منهم ما اكتسب من الإثم والذي تولّى كبره منهم له عذاب عظيم

کیفر طرد مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۳،۶

۳ همگان ، حتی پیامبران الهی ، در صورت طرد مؤمنان و ارتکاب گناه ، مستحق کیفر و مجازات الهی اند .

من ينصرني من الله إن طردتهم

۶ استحقاق عذاب الهی به خاطر طرد مؤمنان ، حقیقتی که همگان به دریافت و فهم آن توانایند .

من ينصرني من الله إن طردتهم أفلاتدكرون

کیفر طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ طغیان و سرکشی در برابر خدا و گرایش به شرک و پرستش غیر خدا ، عقوبت و کیفر الهی را در پی دارد .

ولا تطغوا إنه بما تعملون بصير

کیفر طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۵

۵ - بازگشت انسان ها به خداوند و به کیفر رسیدن طغیان گران ، جلوه های ربوبیت خداوند و در راستای تدبیر امور انسان ها

است .

رَبِّكَ

ضمیر خطاب در <ربِّكَ>، ممکن است خطاب به هر کس باشد که سخن را می شنود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۵

۵ - گناهان زبانی و عملی طغیان گران ، گرفتار سازنده

آنان به کیفری ذلت آفرین

لیطغی . . . ناصیه کذبہ خاطئه

<کذب> از مصداق های گناه زبانی می باشد و <خطا>، گناه عملی و یا شامل زبانی و عملی است.

کیفر طلائندوزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ آنان که طلا و نقره می اندوزند و از انفاق آن در راه خدا، امتناع میورزند، مستحق عذابی دردناکند.

و الذین یکتزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل اللّٰه فبشرهم بعذاب أليم

کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۱۱

۱۱ - خداوند، ستمکاران را به سزای اعمالشان خواهد رساند.

و اللّٰه علیم بالظالمین

هدف از بیان آگاهی خداوند به ستمکاران، تهدید آنان به عذاب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۲۰

۲۰ آتش دوزخ، جایگاه و فرجام شوم ستم پیشگان

و ماویهم النار و بئس مثوی الظالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱۲

۱۲ مجازات نکردن ستمگران ، ظلم بر ستمدیدگان است .

ذوقوا عذاب الحریق . . . ذلك بما قدّمت ایدیکم و انّ الله لیس بظلام للعبید

برداشت فوق مبتنی است بر احتمال اوّل (عطف <انّ الله . . . > بر <ما قدّمت >)، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۷

۷ آتشی سوزان و برافروخته ، فرجام پایمال کنندگان اموال یتیمان

انّ الذین یا کلون اموال الیتامی ظلماً .

.. و سیصلون سعيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ آتش همواره دوزخ، جزای ستمگران و کیفری مناسب برای آنان

فتکون من اصحاب النار و ذلک جزؤا الظلمین

<جزاء> در لغت به معنی کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۴ - ۲

۲ احضار ظالمان در قیامت و بازخواست و کیفر ایشان از وعده های تخلف ناپذیر خداوند

و ینذرونکم لقاء یومکم هذا .. ان ما توعدون لآت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۴

۴ گرفتار شدن ستمکاران به آتش دوزخ، سنت خداوند در کیفر آنان

و کذلک نجزی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۱۳

۱۳ در نظام جزایی خداوند، حتی به ستمگران هم ظلم نخواهد شد.

و لو أن لكل نفس ظلمت .. قضی بینهم بالقسط و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۶

۶ کیفر و مجازات ستمگران ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

أولئك يعرضون على ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۳

۳ کیفر ستم کاران و گنه پیشگان ، مقتضای ربوبیت خداوند و در جهت تدبیر امور انسانهاست .

مسومه عند ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۲

۲ امت

های ستم پیشه (جوامع کفرپیشه و مشرک) در خطر گرفتار شدن به عقوبت های الهی و عذاب های استیصال هستند .

و كذلك أخذ ربك إذا أخذ القرى و هي ظلمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۸

۸ عقوبت و سرزنش کسانی که در حق آدمی ستم کرده اند پس از اعترافشان به گناه و توبه از آن ، به دور از شأن نیکوکاران است .

لا تثریب علیکم الیوم

<الیوم> ظرف و متعلق به <تثریب> است و مراد از آن زمانی است که برادران یوسف به خطای خویش اعتراف نموده و از گناه خود توبه کردند (و إن کنا لخطئین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۵

۵- تأخیر کیفر اصلی ظالمان به روز قیامت ، از سنت های خداوند است .

و لا تحسبن الله غفلاً عما يعمل الظلمون إنما يؤخّره لهم لیوم تشخص فیهِ الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۲

۲- مورد عقوبت قرار گرفتن انسان های ظالم ، نتیجه عمل خود آنان است .

و لو یؤاخذ الله الناس بظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۷،۸

۷- کیفر الهی به هنگام نزول ، فراگیر همه ظالمان و همراهان و یاوران آنان است .

فأغرقه و من معه جمیعاً

۸- خداوند ، ستمگران و شریکان آنان را در ستم ، همسان کیفر می دهد .

فأغرقه و من معه جميعًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مراد از <و من معه>

یاران و شریکان فرعون در ستم باشند نه صرفاً همراهان وی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۹ - ۷

۷- جهنم ، کیفر تمامی ستمگران است .

نجزیه جهنم كذلك نجزی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۱

۱ - تنها ظالمان و گنه کاران در معرض خطر کیفر و عقاب الهی

إِنِّي لَإِيخَافُ لَدَى الْمَرْسُلُونَ . إِيَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حَسَنًا

از مفهوم <لایخاف لدی المرسلون> استفاده می شود که غیر از رسولان، هیچ شخص دیگری از عقاب الهی در امان نیست. عبارت <إیّا من ظلم...> استثنا از این مفاد است؛ یعنی، همه ظالمان در معرض خطر قرار دارند، مگر کسانی که ستم کردند ولی آن را با انجام خوبی ها جبران نمودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۲ - ۱

۱ - ستم پیشگان و تجاوزگران به حقوق مردم ، سزاوار پیگرد ، مؤاخذه و مجازات می باشند .

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۵

۵ - خلود در آتش ، جزای ستمکاران و ظالمان

أُنْهَمَا فِي النَّارِ خُلْدَيْنِ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَا الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - رحمت و لطف خداوند به مؤمنان و کیفر و عذاب ظالمان از سوی او ، براساس علم و حکمت او است .

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا . يَدْخُلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ

أعدّ لهم عذاباً أ

برداشت یاد شده، بر این فرض مبتنی است که جمله <یدخل من یشاء..>، خبر برای <إِنَّ> در <إِنَّ اللَّهَ> و جمله <كان اللهَ عليمًا حكيمًا>، معترضه و یا حال باشد. بر این اساس توصیف خداوند به علم و حکمت، اشاره به این دارد که کار خدا (رحمت یا عذاب)، مبتنی بر علم و حکمت است.

کیفر ظالمان دوران ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۴

۴- ذوالقرنین، به ایمان آوردن ظالمان ساحل دریا و دست برداشتن آنان از ظلم و فساد، امیدوار بود و در مجازات آنان شتابی نداشت.

قال أمّا من ظلم فسوف نعذبه

حرف <سوف> برای آینده است و فعل های شرط (<آمن> و <عمل>) در آیه بعد، قرینه این است که ذی القرنین، به احتمال ایمان آوردن ظالمان، در مجازات آنان تعجیل نکرده است.

کیفر ظالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۲

۲ هلاک جوامع بشری، بدون فرستادن هدایت برای ایشان، کاری ظالمانه و به دور از ساحت قدس الهی است.

ذلك أن لم یکن ربک مهلك القرى بظلم

<بظلم> می تواند حال برای <ربک> باشد. در این صورت معنای جمله چنین می شود: خداوند از روی ظلم جامعه ناآگاه را هلاک نمی کند. بنابراین هلاکت در صورت عدم ابلاغ کاری ظالمانه است.

کیفر ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، ستمکاران را به سزای اعمالشان خواهد رساند .

و الله عليم بالظلمين

هدف از بیان

آگاهی خداوند به ستمکاران، تهدید آنان به عذاب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۱،۲

۱ قتل و آدمکشی از سر ظلم و تجاوز، موجب گرفتاری به عذاب دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم ... و من يفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

در برداشت فوق <ذلک> اشاره به <قتل نفس> گرفته شده است.

۲ تصرف به ناحق در اموال دیگران از سر ظلم و تجاوز، موجب گرفتاری به آتش دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم ... و من يفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

بنابر اینکه <ذلک> اشاره به <لا تاکلوا> و یا مجموع <لا تاکلوا... و لا تقتلوا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۱

۲۱ حاکم اسلامی، وظیفه دار برگزیدن یکی از مجازات های چهارگانه محارب، با رعایت تناسب بین مجازات و جنایت وی

انما جزؤا الذین يحاربون الله .. او ینفوا من الارض

از امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق روایت شده: ذلک الی الامام یفعل به ما یشاء، قلت: فمفوض ذلک الیه؟ قال: لا، و لکن نحو الجنایه.

کافی، ج ۷، ص ۲۴۶، ح ۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۲، ح ۱۶۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۶

۶ ستمگران و اعراض کنندگان از قوانین دین، علاوه بر عذابهای دنیوی به عذابهای آخرت نیز گرفتار خواهند شد.

وكم من قريه أهلكتها .. إنا كنا ظلمين. فلنستلن الذين أرسل

هدف از بیان بازجویی در قیامت، تهدید ظالمان به عذابهای اخروی است، \$ و کلمه <فاء> در <فلنسئلن> بیانگر آن است که عذابهای دنیا پایان مجازات آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۹

۹ ترک نهی از منکر و سکوت در برابر منحرفان و فسق و ستمگری، دارای کیفری شدید است .

أنجینا الذین ینھون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۳

۲۳- ستمگری در پی دارنده عذابی بس دردناک

إن الظلمین لهم عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۸

۸- افزایش گمراهی، کیفر و پیامد ستم پیشگی است .

و یضللّ الله الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۴

۴- ظلم، گناهی بزرگ و نابخشودنی و موجب کیفر سخت الهی در قیامت است .

یعمل الظلمون .. لیوم تشخص فیہ الأبصر . مهطعین مقنعی رءوسهم لایرتدّ إلیهم طرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۸

۸ - شرک و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابی سخت و فوق تصور بشر

و بدا لهم من الله ما لم يكونوا يحتسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۹

۹ - ناتوانی انسان ها در دنیا ، از دفع عذاب الهی و پیامد های هلاکت بار ستم خویش

و الذین

ظلموا من هؤلاء سيصيبهم سيئات ما كسبوا و ما هم بمعجزين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۲ - ۳

۳ - ظلم و تجاوز به حقوق مردم حتی انسان های غیر مؤمن امری ناشایست و سزاوار پیگرد و انتقام است .

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲۲

۲۲ - ظلم و ستمگری ، موجب جاودانگی انسان در آتش دوزخ است .

أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ

کیفر ظلم جاهلانه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۹

۹ خداوند، ستم و گناهی را که از سر غفلت و ناآگاهی باشد، کیفر نمی دهد.

أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكًا الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَفْلُونَ

کیفر عجب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱۱

۱۱ عذاب دردناک الهی در انتظار خودپسندان و علاقه مندان به ستایش بیجا و چاپلوسی

لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِ... وَيَحْبُونَ ... بِمَفَازَةٍ ... وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

کیفر عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۲۴، ۲۱

۲۱ سرپیچی از انجام کامل اعمال حج ، موجب گرفتار شدن به مجازات سخت الهی

و اتمّوا الحج . .. و اعلموا انّ الله شديد العقاب

۲۴ عدم رعایت تقوا و سرپیچی از تکالیف الهی ، موجب عقاب شدید خداوند

و اتمّوا الحج . .. و اتقوا الله و اعلموا انّ الله شديد العقاب

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۰ - ۱۱، ۴، ۳، ۱

۱ تسلیم نشدن در برابر اوامر خداوند و پیروی از شیطان ، موجب عذاب الهی

ادخلوا فی السلم کافه ... هل ينظرون الا ان یأتیهم اللّٰه فی ظلل

<ان یأتیهم اللّٰه>، کنایه از عذاب الهی است ؛ به قرینه <فان اللّٰه عزیز حکیم> در آیه سابق.

۳ ابرها ، از ابزار نزول عذاب الهی برای متمردان

ان یأتیهم اللّٰه فی ظلل من الغمام

۴ عذاب الهی بر متمردان ، با پوشش رحمت

هل ينظرون الا ان یأتیهم اللّٰه فی ظلل من الغمام

با توجه به اینکه ابر، مظهر رحمت خداوند است ؛ اما در آیه مزبور، به عنوان وسیله ای برای عذاب الهی معرفی شده است.

۱۱ تهدید خداوند ، نسبت به کسانی که تسلیم فرمان های الهی نیستند و از شیطان پیروی می کنند .

ولا تتبعوا خطوات ... هل ينظرون الا ان یأتیهم ... و الی اللّٰه ترجع الأمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۲

۲ قیامت ، هنگامه ای عظیم و دهشتناک برای نابکاران

و اتّقوا یوماً ترجعون فیہ الی اللّٰه

آوردن <یوماً> به صورت نکره، اشاره به عظمت آن روز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۲۷، ۸

۸ مؤمنان در صورت انجام ندادن تکالیف الهی ، بر اثر فراموشی یا خطا و اشتباه ، خود را مستحق مؤاخذه می دانند .

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا

درخواست گذشت از مؤاخذه، اعترافی ضمنی به استحقاق مؤاخذه است.

امت های گذشته به علت خطا و نسیان نسبت به تکالیف الهی ، مورد مؤاخذه و عقوبت قرار می گرفتند .

لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا و لا تحمل علينا اصراً كما حملته على الذين من قبلنا

امیرالمؤمنین (ع): ... و كانت الامم السالفه اذا نسوا ما ذكروا به فتحت عليهم ابواب العذاب ... و اذا اخطأوا اخذوا بالخطأ و عوقبوا عليه ...

احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۳۲۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۱۲۲۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۶

۲۶ سستی در نبرد با دشمن ، نزاع و پراکندگی و تخلف از دستورات فرماندهی ، گناه و موجب استحقاق عقاب

حتی اذا فشلتم . . . و لقد عفا عنکم

ظاهر کلمه عفو این است که گناهی صورت گرفته باشد و گناه در این مورد همان سستی و نزاع و سرپیچی از دستورات فرماندهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۵

۱۵ تناسب عذاب و عقوبت اخروی ، با گناه و عصیان

سیطوقون ما بخلوا به يوم القيمة

طوق شدن اموال بخیلان بر گردن آنان به دلیل دلدادگی و وابستگی شدید آنان به اموال می باشد، و این حاکی از تناسب عذاب آخرت با گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۹،۱۰

۹ عذاب همیشگی و خوارکننده ، کیفر سرکشی از فرامین خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی

و من يعص الله و رسوله . . . و

۱۰ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود، آنگاه که از روی سرکشی باشد، موجب خلود در آتش است. *

و من يعص الله و رسوله .. و له عذاب مهين

کلمه <مهين> به معنای خوارکننده است و چون عذابهای الهی متناسب با گناه آدمی است، بنابراین مراد از عصیان، نافرمانی از سر طغیان و سرکشی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۹

۱۹ جهنم، جایگاه گنهکارانی که به سبب ماندن در سلطه مشرکان و ترک عمدی هجرت، قادر بر ادای تکالیف الهی نباشند.

الم تكن ارض الله واسعة فتهاجروا فيها فاولئك مأويهم جهنم و ساءت مصيراً

بنابر اینکه توبیخ، به جهت عمل نکردن به تکالیف باشد، نه خصوص ترک هجرت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۲ - ۱۲

۱۲ سرپیچی از بندگی خدا از سر تکبر و خودبرتربینی، در پی دارنده مجازات های الهی

و من يستكف عن عبادته و يستكبر فسيحشرهم إليه جميعاً

در برداشت فوق <واو> در <ويستكبر> واو جمع گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۲،۴

۲ محرومیت قوم موسی (ع) از تسلط بر سرزمین مقدس و سکونت در آن، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آنان از فرمان موسی

(ع)

إنا لن ندخل ابداً .. فانها محرمة عليهم

جمله <فانها محرمة . . .>، تفریح بر نافرمانی آنان از دستور موسی (ع) است، نه

اینکه متفرع بر نفرین او (فایده بیننا...) باشد.

۴ سرگردانی قوم موسی (ع) در بیابان، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آن از فرمان موسی (ع)

إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا .. يَتِيهونَ فِي الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۶

۱۶ جاودانگی عذاب بنی اسرائیل به خاطر عصیان گری، تجاوزپیشگی، ترک نهی از منکر، و پذیرش ولایت کافران

ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ. كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ ... وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۸

۸ تخلف از احکام الهی و مداومت بر آن، فسق و ظلم و در پی دارنده کیفر شدید الهی است.

وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعِزِّهِمْ كَمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۱

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی، به بوزینگانی مطرود مبدل ساخت.

فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نَهَاوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قَرَدَةً حَشِيشٍ

<عتو> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ طغیان و سرکشی در برابر خدا و گرایش به شرک و پرستش غیر خدا، عقوبت و کیفر الهی را در پی دارد.

وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۱۴- کیفر امتهایی که به دعوت انبیا جواب مساعد ندادند ، عذاب دردناک است .

و لهم عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵ - ۵

۵- کیفر الهی برای انسان ها ، پس از اقدام آنان به تجاوز و سرکشی است .

و قضینا إلی بنی إسرءیل فی الکتب لتفسدن فی الأرض مرّتين . . فإذا جاء وعد أول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۱۰

۱۰- > عن ابن عباس أن النبی (ص) قال : معنی الآیه من كان یرید ثواب الدنیا بعمله الذی افترضه الله علیه لایرید به وجه الله و الدار الآخره عجل له فیها ما یشاء الله من عرض الدنیا و لیس له ثواب فی الآخره و ذلک ان الله سبحانه و تعالی یؤتیه ذلک لیستعین به علی الطاعه فیستعمله فی معصیه الله فیعاقبه الله علیه ;

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمود: معنای آیه <من كان یرید العاجله عجلنا له فیها ما یشاء> این است که با انجام اعمالی که خداوند بر او واجب گردانیده، تقرب به سوی خدا و روز آخرت را اراده نمی کند؛ بلکه پاداش دنیوی را اراده می کند، در دنیا آنچه را که خداوند بخواهد از نعمتهای دنیوی به او داده می شود و برای او در آخرت پاداشی نیست؛ چون خداوند سبحانه و تعالی آن را به او داده است تا در طریق طاعت کمکش کند؛ ولی او در معصیت

خداوند آن را به کار می بندد. پس خداوند او را به خاطر این کار عذاب می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۵ - ۶

۶ - خداوند، فرعون را به دلیل تکذیب رسالت و معجزه موسی (ع) و عصیانگری و ادعای ربوبیت، هلاک ساخت.

فكذَّب و عصى .. فقال أنا ربكم الأعلى . فأخذہ اللہ نکال الآخره و الأولى

می توان گفت: فاء در <فأخذہ اللہ>، کیفر را بر تمام کارهای فرعون که در آیات قبل آمده بود، تفریح کرده است.

کیفر عصیان آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۴

۴ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدليهما بغرور .. قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو

کیفر عصیان از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۷

۱۷ - کیفر دادن به سبب کفر به خدا و پیروی نکردن از رسولان او از سنت های الهی است .

و أنذر الناس .. نجب دعوتك و نثب الرسل ... كيف فعلنا بهم و ضربنا لكم الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۷

۷ - عمل نکردن به تعالیم و دستور انبیا، در پی دارنده عذابی دردناک است .

و إذا أخذنا من النبيين ميثقهم .. ليسئل ... و أعد للكافرين عذاباً أليماً

مراد از <الكافرين> به قرینه اخذِ میثاق از پیامبران که همانا، آن میثاق، ابلاغِ پیام الهی

بوده است کسانی اند که آن تعالیم و پیام ها را نادیده گرفته اند و در نتیجه، گرفتار عذاب می شوند.

کیفر عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۵

۵- اغوای ابلیس از سوی خداوند ، کیفر تمرد وی از فرمان الهی بود .

ربّ بما أغويتنی

بی تردید، گمراه شدن ابلیس از جانب خداوند، پس از سرپیچی او از سجده بر آدم(ع) بود و این می رساند که این گمراهی، جنبه کیفری داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۲

۲- هیچ انسانی حتی پیامبر (ص) ، از کیفر الهی در صورت تخلف و انحراف از مدار وحی ، مصون و ایمن نیست .

إِذَا لَأَذِقَنَّكَ ضَعْفَ الْحَيَوَةِ وَ ضَعْفَ الْمَمَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۱

۱- گردن فرازان و عصیان گران در برابر خداوند رحمان ، سزاوار سوختن در آتش دوزخ اند .

حول جهنّم .. ثمّ لنحن أعلم ... بها صليّاً

<صليّاً> (از صِلَى يَصِلَى) تمیز برای <أولى> و به معنای سوختن و چشیدن حرارت آتش است (لسان العرب). بنابراین مفاد عبارت <أعلم... صليّاً> این است که: ما بهتر می دانیم چه کسی برای جهنم سزاوارتر است، از نظر چشیدن آتش و بریان شدن در آن. <أولویت> برای برخی نشانه آن است که بقیه نیز استحقاق دارند؛ گرچه ممکن است اولویت نداشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۳ - ۱۲

- خداوند ، مردم را از پیامد ناگوار و هلاکت بار سرپیچی از فرمان های الهی ، برحذر داشت .

فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيبهم فتنة أو يصيبهم عذاب أليم

برداشت فوق، براساس این احتمال است که ضمیر <أمره> به خدا بازگردد و مقصود از <أمر> همان چیزی است که جمله <لاتجعلوا دعاء الرسول> بازگو کننده آن است؛ زیرا نهی از چیزی مستلزم امر به ضد آن (امر) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۴ - ۱

۱ - نزول عذاب بر قوم ثمود ، در پی سرکشی از فرمان پروردگار

فعتوا... فأخذتهم الصعقة

کیفر عصیان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۹

۹ - دوزخ ، فرجام کافران به رسالت پیامبر و سرپیچی کنندگان از احکام اسلام

إنا أرسلناك بالحق... ولاتستل عن أصحاب الجحيم

کیفر عصیان از سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ - تهدید شدن جنیان در خدمت سلیمان (ع) به عذاب با آتش از سوی خداوند ، در صورت سرپیچی از فرمان آن حضرت

و من الجنّ من يعمل بين يديه... و من يزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعير

کیفر عصیان از قوانین نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - شکنجه یا مرگ (بریدن سر) ، مجازات تخلف بی دلیل از مقررات سپاه سلیمان

أَمْ كَانِ مِنَ الْغَائِبِينَ . لِأَعَذَّبَهُ

عذابًا شديدًا أو لأذبحنه

۴- لزوم تعیین کیفر های سخت تا مرز مرگ ، برای متخلفان از مقررات ارتش

أم كان من الغائبين لأعذبنه عذابًا شديدًا أو لأذبحنه

کیفر عصیان از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۳ - ۹

۹- خداوند ، مردم را از پیامد ناگوار و هلاکت بار سرپیچی از فرمان های پیامبر (ص) بر حذر می دارد .

فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيبهم فتنة أو يصيبهم عذاب أليم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیر <أمره> به پیامبر(ص) بازگردد و با توجه به آیه قبل که سخن از فراخوانی پیامبر(ص) برای امر جامع به میان آورده و نیز مسأله فراخوانی ایشان را مطرح کرده است ظاهر آیه شریفه نیز مطابق همین مبنا می باشد.

کیفر عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- اعراف - ۷ - ۲۴ - ۴

۴ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدليهما بغرور .. قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو

کیفر عصیان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- اعراف - ۷ - ۲۴ - ۴

۴ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدليهما بغرور .. قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو

کیفر عصیان قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۴ - ۱

۱ - نزول عذاب بر قوم ثمود ، در پی سرکشی از فرمان پروردگار

فَعْتُوا... فَأَخَذْتَهُمُ الصَّعْقَةَ

کیفر عصیانگران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۶

۶ مسلط ساختن مردمی شکنجه گر بر یهود ، نمودی از کیفر سریع خداوند برای متمردان و فاسقان ستم پیشه

لیعثن علیهم ... إن ربك لسريع العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ تمرد کنندگان از فرمان خدا هر چند از پیامبران باشند در خطر گرفتار شدن به کیفر و مجازات الهی اند .

فمن ی نصرنی من الله إن عصيته

<من الله> به معنای <من عذاب الله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۳ - ۱۰

۱۰ - تخلف کنندگان از کفار ظهار ، مورد تهدید خداوند به کیفر و مجازات

فتحریر رقبه . . و الله بما تعملون خبیر

جمله <و الله بما تعملون..> پیامدار این حقیقت است که ظهارکننده، باید بداند که در صورت تخلف و فرار از دادن کفاره ظهار، خداوند به عمل او آگاهی داشته و سزای وی را خواهد داد.

کیفر عصیانگران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۵

۵ - متمردان و ستمکاران قوم موسی ، به عذاب آسمانی گرفتار شدند .

فأنزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء

كيفر عقر شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - شمس - ٩١ - ١٤ - ١٧

١٧ - > عن ابن نُبّاته قال : سمعت أميرالمؤمنين (ع) على منبر الكوفه يقول : . . . أيّها الناس إنّما عَقَرَ ناقةَ صالح واحد فأصابهم

اللّٰه بعذابه بالرضا و آيه ذلك قوله عزّوجلّ > .. فعقروها فدمدم عليهم ربّهم بذنبيهم فسوّيها ... < ;

أصيّب بن نباته گوید: شنیدم از امیرالمؤمنین (ع) که بر منبر کوفه می فرمود: > .. ای مردم! همانا ناقه صالح را یک نفر [از قوم ثمود] پی کرد و ولی خداوند همه آن قوم را به عذاب خود دچار کرد چون به کار آن شخص راضی بودند و دلیل این مطلب سخن خداوند عزّوجلّ است > .. فعقروها فدمدم عليهم ربّهم بذنبيهم فسوّيها... < .

کیفر عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۹

۹ - اعتقاد شیطان به جزا و کیفر خلق ، در برابر اعتقاد و عمل *

كمثل الشيطان إذ قال .. إني أخاف الله ربّ العلمين

در صورتی که > إني أخاف .. < سخنی از روی واقعیت باشد و نه توجیه و استهزا تعبیر > أخاف ... < نشانگر بیم شیطان از بازتاب کفر و اعتقاد او به کیفر و مجازات است.

کیفر عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۱

۲۱ معتقدان به الوهیت مسیح (ع) محروم از بهشت و گرفتار به آتش دوزخ

قالوا إنّ الله هو المسيح .. فقد حرم الله عليه الجنة مأويه النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۸ - ۱

۱ معتقدان و مدعیان الوهیت عیسی (ع) و مادرش مریم ، مستحق عذاب الهی

ان تعذبهم فانهم عبادك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ یهود و نصارا ، به دلیل اعتقاد شرک آمیزشان (فرزند خدا خواندن عزیر و مسیح) مستحق کیفر مرگ

و قالت اليهود عزیر ابن الله .. قتلهم الله أنى یؤفکون

کیفر عقیده به تثلیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۷

۷ عذاب دردناک در انتظار معتقدان به تثلیث

لیمن الذین کفروا منهم عذاب الیم

کیفر علمای اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱۳

۱۳ عذابی دردناک در انتظار عالمان اهل کتاب به جهت کتمان حقایق و انتظار چاپلوسی و ستایش بیجا

لا تحسبنّ الذین .. بمفازة من العذاب

کیفر عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۴ - ۱۲

۱۲ کیفر انسان ها ، بازتاب و نتیجه اعمال آنهاست .

و ان تبدوا ما فی انفسکم .. یحاسبکم به الله ... و یعذب من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۵

۵ هدف از گردآوردن انسان ها در دنیا ، حضور آنان در قیامت و دادن جزای اعمال است . *

رَبَّنَا اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ

بنابراینکه <لام> در <لیوم>، غایت باشد نه به معنای <فی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۸

۸ بازتاب کردار آدمی مشابه و همسان با عملکرد وی

و مکروا و مکر الله

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۴، ۱۳

۱۳ پاداش و جزای کردار آدمی در قیامت بر اساس عدل

ثم توفى كل نفس ما كسبت و هم لا يظلمون

۱۴ ضرورت برپایی قیامت و معاد برای دریافت تمامی جزاها و پاداش های اعمال *

و من يغلل يأت بما غلّ يوم القيمة ثم توفى كل نفس ما كسبت و هم لا يظلمون

جمله <و هم لا يظلمون> (عدالت الهی)، پس از جمله <توفى كل نفس ما كسبت>، بیانگر این است که ستم نشدن بر انسانها در گرو دریافت کامل جزا و پاداش اعمال آنان می باشد و این معنا تنها در قیامت تحقق می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۹

۹ عذاب دوزخیان ، هرگز فرونتر از اقتضای عملکرد آنان نخواهد بود .

ذوقوا عذاب الحریق. ذلك بما قدمت ايديكم و ان الله ليس بظلام للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ دوزخ ، جزایی کامل برای اعمال ناپسند انسانها

و انما توفون... فمن زحزح عن النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۳

۳ آگاهی کامل خداوند به ناچیزترین اعمال ، تضمین کننده عدالت در مجازات ها و پاداش های الهی

كان الله بهم عليماً. ان الله لا يظلم مثقال ذره

ظاهراً جمله <ان الله .. >، نتیجه ای است مترتب بر آگاهی خداوند. یعنی چون خداوند آگاه به تمامی جهات است، ظلم

نمی کند. زیرا از ریشه های ظلم، جهل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۶ - ۴

۴ مالکیت و احاطه خداوند بر هستی، ضامن کیفر و پاداش دهی عادلانه و دقیق وی به اعمال مردم

من يعمل سوءاً یجز به... و لله ما فی السموت و ما فی الأرض... محیطاً

برخی بر آنند که جمله <و لله ما فی السموت>، به منزله تعلیل برای جمله های <من يعمل سوءاً یجز به> و <فأولئک...> است، یعنی چون خداوند مالک تمام هستی است، قادر بر کیفر و پاداش بدون کم و کاست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ مسیحیان پیمان شکن، مورد تهدید خداوند به عذاب و کیفر اعمال خویش

و سوف ینبئهم الله بما كانوا یصنعون

جمله <ینبئهم الله...>، کنایه از کیفر دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ هابیل، معتقد به معاد و معارف دین و دارای یقین به بهشت و دوزخ و آگاه به کیفر و پاداش اعمال

انی اخاف الله رب العلمین... تبوا باثمی و اثمک فتکون من اصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۴

۴ اعمال و نیت پنهان و آشکار آدمی مورد محاسبه و جزاء و پاداش الهی

و الله یعلم ما تبدون و ما تکتُمون

بیان آگاهی خداوند بر آشکار و نهان انسان هشدار است به بندگان

که اعمال و رفتار و نیز نیت و حالات آنان محاسبه خواهد شد. و به مقتضای آن به پاداش و یا سزای لازم خواهند رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۷

۷ عذاب اخروی پیروان شرک و کفر، سزای اعمالشان در دنیا است.

فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۷

۷ کیفر های سخت اخروی ، بازتاب عملکرد و موضع گیری های خود انسان

من يحادد الله و رسوله فان له نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۵

۵- گرفتار شدن به کیفر عمل خویش ، نمود و مظهر ظلم به نفس است .

و لكن كانوا أنفسهم يظلمون . فأصابهم سيئات ما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۶

۶ - جزای اعمال ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

إنه من يأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۱۰

۱۰- تمامی اعمال آدمیان حتی خردترین و سبک ترین آنها مورد حسابرسی ، بازخواست و جزای الهی قرار خواهد گرفت .

و إن كان مثقال حَبّه من خردل أتينا بها و كفى بنا حسين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - گواهی اعضا و جوارح بر گفتار و رفتار انسان ها و جزای کامل و عادلانه

خدا به آنان ، موجب آگاهی آنان به حقانیت خداوند است .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... یومئذ یوفیهم الله دینهم الحقّ و یعلمون أنّ الله ه

جمله <و یعلمون...> عطف بر <یوفیهم> است و مقصود از <یومئذ> به قرینه آیه قبل (یوم تشهد ...) - همان روزی است که اعضای بدن علیه انسان گواهی می دهند. بنابراین معنای آیه چنین می شود: روزی که اعضای بدن انسان، بر رفتار وی گواهی می دهند و مردم به جزای کامل و عادلانه خود می رسند، در چنین روزی است که مردم خواهند فهمید که خدا حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ - در قیامت ، بار عمل هر کس ، تنها بر دوش خود او است .

لایجزی والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - انسان در برابر رفتار و آثار برجای مانده از خود ، مسؤول بوده و با کیفر و پاداش دقیق آن ، رو به رو خواهد شد .

و نکتب ما قدّموا .. أحصینه فی إمام مبین

برداشت یاد شده به سبب این حقیقت است که ذکر إحیای مردگان و شمارش و ثبت تمامی اعمال و آثار انسان، از مسؤولیت او در برابر رفتار و کردارش حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۴

۴ - تمامی رفتار و کردار انسان ، دارای کیفر و پاداش بوده و

او در برابر آن مسؤول است .

و وقیت کلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - > عن زیدبن وهب إنّ علیاً (ع) قال : ... و لکنّه جعل الدنیا دار الأعمال و جعل الآخره دار الجزاء و القرار > لیجزی
الذین أساءوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى < ... ;

زیدبنوهب گوید: امام علی(ع) فرمود: .. خداوند دنیا را خانه عمل و آخرت را منزل جزا و آرامش قرار داده است تا بدکاران
را به کیفر بدی هایشان برساند و نیکوکاران را پاداش نیک دهد <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۹

۹ - اعتقاد شیطان به جزا و کیفر خلق ، در برابر اعتقاد و عمل *

کمثل الشیطن إذ قال .. إني أخاف الله ربّ العلمین

در صورتی که >إني أخاف .. < سخنی از روی واقعیت باشد و نه توجیه و استهزا تعبیر >أخاف ... < نشانگر بیم شیطان از
بازتاب کفر و اعتقاد او به کیفر و مجازات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۷ - ۴

۴ - قیامت ، روز جزا و رسیدگی به اعمال است .

یوم الدین

>دین < به معنای شریعت، طاعت و جزا است و از آن جا که دین به معنای >شریعت<، در قیامت مورد ندارد، >یوم
الدین<، به معنای روز جزا خواهد بود و لازمه جزا دادن به بندگان، رسیدگی و محاسبه اعمال آنان است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۵

۵ - حسابرسی نهران کاری های انسان و چشیدن کیفر آن ، از اهداف معاد است .

إِنَّهٗ عَلِيٌّ رَّجِعَهُ لِقَادِرٍ . يَوْمَ تَبْلَى السَّرَائِرَ

<یوم> ظرف برای <رجعه> و بیانگر آن است که ارجاع دوباره انسان، روزی به وقوع خواهد پیوست که از مشخصات آن، محاسبه اعمال پنهانی و نیت های انسان برای تشخیص میزان کیفر او است.

کیفر عمل بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۳۶ - ۴

۴ - کردار بدکاران در قیامت ، به صورت کیفر برای آنان ظاهر خواهد شد . *

هَلْ تَوَّابُ الْكُفَّارِ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

<ما> در <ما كانوا..> مفعول دوم برای <تَوَّابُ> است؛ یعنی، کافران با همان کردار خود، کیفر داده شدند.

کیفر عمل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۳

۱۳- وجود کیفر کردار برای جن ، همانند آدمیان

قَالُوا يَقَوْمَنَا .. ءَامِنُوا بِهِ يَغْفِر لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيَجْرِمُكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

از تعبیر <یجرکم..>، استفاده می شود که اگر غفران و پناه الهی نباشد، گناه آنان نیز همانند آدمیان دارای کیفری سخت خواهد بود.

کیفر عمل دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - مجازات انسان ها در قیامت ، بازتاب و محصول کردار دنیایی خود آنان است .

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

کیفر عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۱

شکنجه و عذاب کافران به هنگام مرگ و پس از آن نتیجه اعمال خود آنان است، نه ظمی از جانب خداوند بر ایشان .

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدمت ایدیکم و أن الله لیس بظلم

<ذلک> می تواند اشاره به خصوص <عذاب الحریق> باشد و می تواند اشاره به مجموع عذابی باشد که در آیه قبل بیان شد. قابل ذکر است که در برداشت فوق <أن الله...> ناظر به این حقیقت گرفته شده که عذاب کافران بیش از استحقاق آنان نیست، نه تعلیلی برای ضرورت گرفتارسازی ایشان به عذابهای الهی.

کیفر عمل منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۷

۷ تحیر منافقان، کیفر شوم عملکرد (خدعه ها و...) آنان است .

مذبذبین بین ذلک .. فلن تجد له سییلا

چون اضلال خداوند همواره جنبه کیفری دارد و کیفر نیز به اقتضای رفتار نارواست، معلوم می شود گمراهی منافقان و از آن جمله تحیر آنان کیفری الهی است و این کیفر برخاسته از اعمال ناروای آنان (خدعه، کسالت در نماز و...) است.

کیفر عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۲۰

۲۰ - انسان های گنهکار و دارای رفتار و کردار ناروا، در خطر گرفتار شدن به کیفر و مجازات الهی هستند .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ دوزخ، جزایی کامل برای

اعمال ناپسند انسانها

وَأَمَّا تَوْفُون .. فَمِنْ زَحْزَحِ عَنِ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۸ - ۱۰

۱۰ اضلال آدمیان از سوی خداوند ، پیامد و کیفر اعمال ناروای خود آنان است .

وَاللّٰهُ اَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوْا اَتْرِيْدُوْنَ اَنْ تَهْتَدُوْا مِنْ اَضَلَّ اللّٰهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۱۵

۱۵ بلاها و مشکلات دنیوی (مالی و جانی) ، کفاره گناهان آدمی و از جمله عوامل نابود کننده اعمال زشت اوست .

لَيْسَ بِاَمَانِيْكُمْ وَاِلا اَمَانِيْ اَهْلِ الْكُتُبِ مَنْ يَعْمَلْ سَوْءًا يَّجْزَ بِهِ

رسول خدا(ص) درباره < مَنْ يَعْمَلْ سَوْءًا يَّجْزَ بِهِ > در آیه فوق فرمود: اما تبتلون في اموالكم و انفسكم و ذراريكم؟ قالوا: بلى قال: هذا مما .. يمحو به السيئات.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۲۷۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۳، ح ۵۷۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۱

۱۱ اعمال ناروای آدمی هر یک دارای کیفری مناسب ، در پیشگاه خداوند

قُلْ هَلْ اَنْبِئُكُمْ بِشَرِّ مِّنْ ذٰلِكَ مَثُوْبَةٌ عِنْدَ اللّٰهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ عذاب قیامت و محرومیت از شفاعت، بازتاب اعمال انسان است.

لیس لها من دون الله .. أولئك الذين أبسلوا بما كسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۲

۲ عمل ناشایست دارای کیفری مانند آن و نه بیشتر

من

جاء بالسيئه فلا يجزى إلا مثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۱۴، ۱۰

۱۰ جوامع کفر پیشه گذشته بر اثر تکذیب انبیا و مداومت بر اعمال ناپسند به عذاب الهی مبتلا شدند و به هلاکت رسیدند .

و لكن كذبوا فأخذنهم بما كانوا يكسبون

مراد از <ما كانوا يكسبون> گناهانی است که تکذیب انبیا از جمله آنهاست، نه اینکه مراد از آن فقط تکذیب انبیا باشد و گر نه جمله به این گونه بیان می شد: و لكن كذبوا فأخذنهم بما كانوا يكذبون.

۱۴ گرفتاری های جوامع انسانی ، کیفر اعمال ناشایست خود آنان است .

فأخذنهم بما كانوا يكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۱۲

۱۲ کیفر های الهی بازتاب اعمال ناروای گناهکاران است .

سيجزون ما كانوا يعملون

<ما> در <ما كانوا يعملون> مصدریه است و مفاد آیه این می شود که <سيجزون عملهم> . مطرح شدن عمل به عنوان جزا حاکی از این است که کیفر ملحدان چیزی جز چهره دیگر همان عمل ناروای آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۵

۵ خداوند ، کفر و ایمان و اعمال نیک و بد انسان ها را به صورت پاداش و کیفر متبلور خواهد ساخت .

و إن كلاً لما ليوفيّتهم ربك أعملهم

گفتن <اعمال> و اراده کردن پاداش و کیفر آنها ، گویای این نکته است که: پاداش و کیفر ، بازتاب اعمال و تبلور یافته آن است؛ به گونه ای که گویا پاداش و کیفر اعمال ، همان اعمال

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۸

۸- نوید اعطای پاداش برای عمل پسندیده و تهدید به کیفر برای اعمال ناپسند ، از شیوه های تربیتی قرآن

لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۵

۵- خداوند ، تمامی افراد قوم نوح را به خاطر تکذیب آیات الهی ، زشت کاری و سوء پیشینه غرق کرد .

الذین کذبوا بآیتنا إنهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله <إنهم کانوا..> ضمن این که تعلیل برای جمله پیشین است، مقدمه ای برای جمله <فأغرقناهم...> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۵

۲۵ - گرفتار شدن به غل ها در قیامت ، نتیجه اعمال بدکاران است .

و جعلنا الأغلل فی أعناق الذین کفروا هل یجزون إلا ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۲

۲ - عذاب دائمی دوزخ ، کیفر رفتار ناشایست انسان ها است .

نعمل صلحاً غیر الذی کنا نعمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - بسیاری از اقوام کافر پیش از بعثت پیامبر اسلام ، ثمره تلخ کردار خویش را چشیده و نابود شده اند .

فذاقوا و بال أمرهم

کیفر عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۱۰

۱۰ ضرورت

تعقیب و کشتن کسانی که علی رغم امضای پیمان ترک تعرض ، بدان وفا نکنند .

فان لم یعتزلو کم .. فخذوهم و اقتلوهم

کیفر عهدشکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴،۵

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

۵ لعن الهی (دوری از رحمت خداوند) و قساوت دل ، کیفر شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۹،۱۴

۹ کینه و دشمنی دائمی مسیحیان با یکدیگر ، کیفر نقض پیمان و فراموشی تذکار های خداوند

و من الذین قالوا إنا نصری اخذنا میثقهم ففسوا حظاً .. فاغرینا بینهم العداوه

۱۴ هشدار خداوند به مسلمانان با بیان مجازات یهود و نصارا به خاطر نقض پیمان الهی

فبما نقضهم میثقهم .. و من الذین قالوا إنا نصری اخذنا میثقهم ففسوا

بیان مجازات مسیحیان و یهودیان به خاطر پیمان شکنی آنان پس از <اذکروا .. میثقه > (ای مسلمین پیمان الهی را به یاد داشته باشید)، هشدار است به مسلمانان که مبادا همانند اهل کتاب پیمان الهی را نقض کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۷

۷ پندار رهایی از مجازات نقض میثاق و تکذیب و کشتن انبیا ، از باور های بی اساس بنی اسرائیل

لقد اخذنا ميثق بني اسرائيل . . . و حسبوا الا تكون فتنه

در برداشت فوق <فتنه> به معنای

عذاب گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما ءاتیهم ... بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا الله ... و بما كانوا یکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) فرزنداناش را به مجازات های الهی در صورت شکستن سوگند و پیمانشان ، هشدار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

سیاق آیه دلالت دارد که غرض یعقوب(ع) از وکیل قرار دادن خداوند و توجه دادن فرزنداناش به وکالت او ، هشدار دادن آنان به مجازات الهی است.

کیفر عهدشکنی با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۱، ۱۹

۱۹ - سزای یهودیانی که پیمان های الهی را نقض کردند ، خواری و خفت در دنیاست .

إذ أخذنا میثقکم ... فما جزاء من یفعل ذلک منکم إلا خزی فی الحیوه الدنیا

<ذلک> اشاره به همه کارهایی است که آیه شریفه از یهودیان نقل کرد و آنها را ناپسند شمرد؛ از جمله: پاییند بودن به پیمانهای الهی، کشتن همکیشان و ...

۲۱ - شدیدترین عذاب های اخروی ، کیفر یهودیانی است که پیمان های الهی را شکستند .

إذ أخذنا میثقکم ... و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

اضافه <أشد> (سخت ترین) به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است؛ یعنی، <العذاب الأشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۴ - نقض کنندگان پیمان های الهی ، از سرای آخرت و نعمت های آن نصیبی نخواهند داشت .

إذ أخذنا ميثقكم .. أولئك الذين اشتروا الحيوة الدنيا بالآخره

<أولئك> اشاره به همه گروههایی است که در آیه قبل، اعمال و رفتار ناپسندشان بیان شد، از جمله: نقض کنندگان پیمان الهی، قاتلان همکیشان و ...

کیفر عیب جویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۲

۲ - جهنم ، جایگاه عیب جویان و غیبت کنندگان است .

ویل لکلّ ... لمزه

<لَمْزٌ> (مصدر <لمزه>)، به معنای غیبت کردن و تلاش برای کشف عیوب دیگران است (مفردات). <ویل> کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. و نیز نام وادی یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن می باشد. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۴

۴ - احاطه آتش دوزخ بر قلب عیب جویان ، کیفری مناسب برای گناه افکار ناروای آنان درباره مردم

لمزه .. التي تطلع على الأفئدة

کیفر عیب جویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۳

۱۳ خرده گیری و مسخره کردن مؤمن گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب سخت الهی است .

فيسخرون منهم سخر الله منهم و لهم عذاب أليم

کیفر غارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۴،۲۷

۲۴ قطع یک دست و یک پا از

جهت مخالف ، مجازات محارب فسادگر در زمین ، در صورت غارت نمودن اموال بدون ارتکاب قتل

انما جزؤا الذین یحاربون الله . .. او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلف

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب الله و رسوله و سعی فی الارض فساداً . .. و ان اخذ المال و لم یقتل قطعت یده و رجله من خلاف

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۷ بریدن یک دست و یک پا از جهت مخالف و سپس به دار آویختن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها به همراه قتل و غارت اموال

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله . .. و ارجلهم من خلف

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . .. و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس و اخذوا المال امر بقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف و صلبهم بعد ذلك

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

کیفر غافلگیرانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۶

۶ - کافرانی که در برابر حاکمیت قرآن و تأثیر هشدارهای آن ، خدعه کنند ، به کیفری غافلگیرانه و غیر قابل پیش بینی گرفتار خواهند شد .

إنه لقول فصل . .. یکیدون ... و أكید کیداً

<حیله>؛ یعنی، آنچه به صورت مخفیانه، مایه رسیدن به حالت مورد نظر گردد. و <کید> نوعی احتیال است. (مفردات راغب)

کیفر غضب

سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۲

۲ تصرف به ناحق در اموال دیگران از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم . . . و من يفعل ذلك عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

بنابر اینکه <ذلك> اشاره به <لا تاكلوا> و یا مجموع <لا تاكلوا . . . و لا تقتلوا> باشد.

کیفر غضب مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ مبعوث شدن خورندگان مال یتیمان به ناروا در قیامت در حالی که آتش از دهانشان شعله می کشد .

انّ الذین یا کلون اموال الیتامی

رسول الله (ص): یبعث اناس من قبورهم یوم القیامه تأجیح افواههم ناراً. از آن حضرت سؤال شد اینان چه کسانی هستند؟
فرمود: انّ الذین یا کلون اموال الیتامی ظلماً . . .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۴۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۷۶.

کیفر غضب یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۲

۱۲- گرفتار آمدن یونس (ع) در دریا و شکم ماهی ، کیفر ترک چشمگینانه او از میان قومش

ذالنون إذ ذهب مغضباً . . فنادی فی الظلمت

مقصود از <ظلمات> در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

کیفر غفلت از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۵۸ - ۹

۹- جدال در برابر آیاتِ حق و اعراض از آنها و غفلت از گناهان ،

دارای کیفر قطعی است .

ذکر بآیت ربّه فأعرض عنها .. بل لهم موعد

کیفر غنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۷

۱۷ - > عن محمد بن مسلم ، عن أبي جعفر (ع) قال : سمعته يقول : الغناء ممّا وعد الله عزّوجلّ عليه النار و تلى هذه الآية : >
و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله بغير علم و يتّخذها هزواً أولئك لهم عذاب مهين < ;

محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که می گفت: غنا از جمله گناهانی است که خداوند عزّوجلّ برای آن، وعده آتش داده است. و این آیه را تلاوت کرد: و من الناس من يشتري لهو الحديث...<.

کیفر غیبت کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۲

۲ - جهنم ، جایگاه عیب جویمان و غیبت کنندگان است .

ویل لكلّ .. لمزه

<لَمْزٌ> (مصدر <لمزه>)، به معنای غیبت کردن و تلاش برای کشف عیوب دیگران است (مفردات). <ویل> کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. و نیز نام وادی یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن می باشد. (قاموس)

کیفر فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۸ - ۱

۱ - برابر نبودن مؤمن و فاسق ، در نظام پاداش الهی ، امری بدیهی و خدشه ناپذیر است .

أفمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا يستون

همزه <أفمن.. > استفهام انكاري است و <لا يستون > نیز

بر آن تأکید بیشتری می کند. گفتنی است: <کاف> در <کمن> تشبیه در جزا است و به قرینه آیات سابق و آیات بعدی (۱۹ و ۲۰)، مراد از نفی تساوی، می تواند عدم تساوی در پاداش و جزا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۶۸

۶ - عذاب فاسقان ، پایان ناپذیر و غیرقابل گریز است .

كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا

عبارت <كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا> می تواند کنایه از پایان ناپذیری و خلود در آتش باشد.

۸ - فاسقان ، عذابی را که همواره تکذیب می کردند ، می چشند .

ذوقوا عذاب النار الذي كنتم به تكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۱ - ۲

۲ - بلاهای دنیوی فاسقان ، هشداری به آنان است و نه کیفر واقعی شان .

و لنذيقنهم من العذاب الأدنى .. لعلهم يرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، جایگاه فاسقان و گنه پیشگان و کیفر کردار آنان است .

و إِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ

<فجور>؛ یعنی، دریدن پرده دیانت (مفردات راغب). از معانی دیگر <فجور>، فسق و عصیان است. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۵ - ۴

۴ - گرفتاری فاسقان به آتش جهنم ، کیفر فسق آنان است .

یصلونها یوم الدین

تصریح به <روز جزا> بودن قیامت، در بیان عذاب فاسقان، بیانگر آن است که عذاب قیامت جزای فسق آنان است.

کیفر فاسقان ظالم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۶

۶ مسلط ساختن مردمی شکنجه گر بر یهود ، نمودی از کیفر سریع خداوند برای متمردان و فاسقان ستم پیشه

لیعثن علیهم ... إن ربك لسريع العقاب

کیفر فحشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ حبس ، کیفر فحشای دوشیزگان

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: یعنی البکر اذا اتت الفاحشه التي اتتها هذه الثیب، و درباره <اذوهما> فرمود: تحبس.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۴.

کیفر فرار از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۲،۴

۲ روی گردانان از جبهه نبرد جز برای اتخاذ تاکتیک های جدید مورد غضب الهی و مستحق جهنم

و من یولهم .. فقد باء بغضب من الله و مأویة جهنم و بس المصیر

کلمه <بوء> چنانچه با حرف <باء> متعدی شود می تواند به معنای متحمل شدن باشد. بنابراین <باء بغضب من الله> یعنی خشم خداوند را بر خود هموار ساخت.

۴ جهنم ، جایگاه فراریان از جبهه نبرد

و من یولهم .. مأویہ جهنم

کیفر فرار از مسؤولیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ - شانہ خالی کردن از بار مسؤولیت اجتماعی و حل و فصل امور مسلمین ، پیامدار فتنه و بلا و یا عذاب دردناک الہی است .

و إذا كانوا معہ علی

أمر جامع لم يذهبوا... فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيب

کیفر فراموشکاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۹ - ۵

۵ - خود فراموشی ، کیفر الهی برای خدا فراموشان

و لا تكونوا كالذين نسوا الله فأنسيهم أنفسهم

کیفر فراموشکاران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۲

۲ - کیفر حتمی فراموش کاران روز قیامت ، چشیدن عذاب است .

فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا

کیفر فراموشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۲۳

۲۳ عبدالعزیز بن مسلم گوید : از امام رضا (ع) درباره سخن خدا که می فرماید : < نسوا الله فنسيهم > سؤال کردم فرمود :

> ان الله تعالى لا ينسى ولا يسهو... و انما يجازي من نسيه و نسي لقاء يومه بان ينسيهم أنفسهم... ;

خدای تعالی نه فراموشی دارد و نه اشتباه .. همانا خداوند کسانی را که او و دیدار قیامت را فراموش کرده اند به این صورت مجازات می کند که خودشان را از یادشان ببرد ... < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ برخی از امتهای گذشته پس از فراموش کردن خدا و هشدارهای او گرفتار عذاب ناگهانی خداوند شدند.

و لقد أرسلنا إلى أمم من قبلك . . فلما نسوا ... أخذناهم بغتة فإذا هم مبلسون

کیفر فراموشی قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

۲۳ عبدالعزیز بن مسلم گوید: از امام رضا (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: < نسوا الله فَنَسِيَهُمْ > سؤال کردم فرمود: < ان الله تعالى لا ينسى ولا يسهو... و انما يجازى من نسيه و نسي لقاء يومه بان ينسيهم أنفسهم... >

خدای تعالی نه فراموشی دارد و نه اشتباه... همانا خداوند کسانی را که او و دیدار قیامت را فراموش کرده اند به این صورت مجازات می کند که خودشان را از یادشان ببرد... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۳،۵

۳ - فراموش کردن قیامت، گرفتاری به عذاب را در پی دارد.

فدوقوا بما نسيتم

<باء> در <بما> سببیه و <ما> مصدریه است. بنابراین، معنا چنین می شود: <به خاطر فراموشی تان روز قیامت را بچشید...!>

۵ - وانهاده شدن انسان به حال خود، در قیامت، کیفر فراموش کردن قیامت در عالم دنیا است.

فدوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا إنا نسينكم

<إنا نسيناكم> برای مقابله با <بما نسيتم> است، یعنی، شما قیامت را فراموش کردید و ما هم، در مقابل، شما را به حال خود وانهادیم.

کیفر فراموشی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۲

۱۲ - محروم شدن از درک پیام های قرآن، کیفر بی اعتنائی به آیات خدا و فرو رفتن در غفلت از گناهان است.

ذکر بآیت ربّه فأعرض عنها... ..

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ

کیفر فرزند به جای پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - هیچ پدر و فرزندی، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند.

لايجزى والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شيئاً

۱۲ - در قیامت، برعهده گرفتن بخشی از کیفر پدر از ناحیه فرزند، به خاطر سنگین بودن حق وی بر فرزند، امری متوقع است

.*

و لامولود هو جاز عن والده

درباره مجازات نشدن پدر به جای فرزند، از فعل <يجزى> استفاده شده است و درباره نفی مجازات فرزند به جای پدر از <جاز> که حالت صفتی و تأکید بیشتری دارد. چنین تأکیدی، می تواند به خاطر توقعی باشد که از ناحیه پدران هست. و نیز می تواند به خاطر این باشد که او، از حیث عاطفه و مهر، به مراتب کم تر از پدر است. برداشت بالا بر اساس احتمال نخست است.

کیفر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۵

۵- کیفر سخت و هلاکت بار فرعون و فرعونیان از سوی خداوند، پس از اتمام حجت با آنان بود.

و لقد آتینا موسی تسع آیت .. فأراد أن يستفزهم ... فأغرقه و من معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱

۱ - هر یک از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان کیفر شدند.

فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۱

۱ - اقدام الهی ، به کیفر دادن فرعون و لشکریان او ، پس از اتمام حجت بر ایشان

أرسلنه إلی فرعون بسلطن مبین . فتولّی برکنه ... فأخذنه و جنوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۳ - ۴

۴ - خداوند ، تهدید کننده مخالفان پیامبر (ص) به عذابی نظیر کیفر امت های پیشین (عاد ، ثمود و فرعون)

رَبِّكَ

کیفر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۵،۱۰

۵ - خداوند فرعونیان و همه کافران پیش از آنان را به سبب گناهانشان به کیفری شدید گرفتار ساخت .

فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوی شدید العقاب

۱۰ - گرفتاری فرعونیان و کافران پیش از آنها به کیفر های شدید الهی ، نمودی از توانمندی خداوند است .

فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوی شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۶

۶ - عذاب های نازل شده بر اقوام گذشته (فرعونیان ، عادیان و ...) کیفرهایی بود که آنان خود برای خویشتن فراهم آوردند .

و ما ظلمنهم و لكن ظلموا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- کیفر سخت و هلاکت بار فرعون و فرعونیان از سوی خداوند ، پس از اتمام حجت با آنان بود .

و لقد آتینا موسی تسع آیت .. فأراد أن يستفزهم ... فأغرقناه و من معه

جلد - نام سوره -

۳ - نزول کیفر و عذاب الهی بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) به جرم تکذیب پیامبران

إِنْ كَلَّ الْإِكْذِبَ الرِّسْلَ فَحَقَّ عِقَابُ

<حَقَّ> به معنای <ثَبَّتَ> (ثابت و محقق است) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- اجابت دعای موسی (ع) ، از سوی خداوند در مورد مجازات فرعونیان

فَدَعَا رَبَّهُ . . . فَأَسْرَبَعَادِي لَيْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اقدام الهی ، به کیفر دادن فرعون و لشکریان او ، پس از اتمام حجت بر ایشان

أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطٰنٍ مِّبِينٍ . فَتَوَلَّىٰ بِرَكْنِهِ ... فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مجازات فرعونیان از سوی خداوند ، از موضع عزت و اقتدار کامل بود .

فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ

۵ - مجازات سریع فرعونیان از سوی خداوند ، پس از تمام شدن حجت بر ایشان

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ

عطف <فَأَخَذْنَاهُمْ> بر <كَذَّبُوا>، نشانگر آن است که خداوند، پس از این که فرعونیان تمام معجزات را تکذیب کردند، به

آنان مهلت نداد؛ بلکه بلافاصله اقدام به نابودی آنها نمود.

کیفر فرقه گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۷

۷ - مجازات الهی ، در انتظار فرقه گرایان حق ناپذیر

فذرهم فی غمرتهم

حتی حین

کیفر فساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۴

۴- رواج دادن فساد در جامعه ، دارای کیفری فزون تر از آلودگی به فساد است .

الذین كفروا و صدّوا عن سبيل الله زدّهم عذاباً فوق العذاب بما كانوا يفسدون

کیفر فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۷

۷- عذاب آسمانی نازل شده بر گنهکاران بنی اسرائیل ، سزای فسق دیرینه آنان و گناه تغییر و تبدیل فرمان خدا بوده است .

فأنزلنا على الذين ظلموا رجزاً من السماء بما كانوا يفسقون

<با>ی سببیه در <بما كانوا يفسقون> می رساند که: نزول عذاب آسمانی به سبب فسق دیرینه بنی اسرائیل بوده و توصیف آنان به ستمکاری (الذین ظلموا) دلالت می کند که عذاب به خاطر ظلم آنان، یعنی تبدیل فرمان خدا بوده است. بنابراین باید گفت: ستمکاری بنی اسرائیل به ضمیمه فسق دیرینه آنان، موجب عذاب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۲،۴

۲ محرومیت قوم موسی (ع) از تسلط بر سرزمین مقدس و سکونت در آن ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع)

إنّا لن ندخل ابداً .. فانها محرمة عليهم

جمله <فانها محرمة ..>، تفریع بر نافرمانی آنان از دستور موسی (ع) است، نه اینکه متفرع بر نفرین او (فافرق بیننا ...) باشد.

۴ سرگردانی قوم موسی (ع) در بیابان ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آن از فرمان موسی (ع)

إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا .. يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۹

۹ ترک نهی از منکر و سکوت در برابر منحرفان و فسق و ستمگری ، دارای کیفری شدید است .

أَنْجِنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعِقَابٍ

کیفر قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳۱

۳۱ جایگاه قاتل یک انسان در جهنم ، همان جایگاه قاتل همه انسانهاست ، اگر چه عذابشان متفاوت است .

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: یوضع فی موضع من جهنم .. لو قتل الناس جميعا انما كان يدخل ذلك المكان قلت: فانه قتل آخر؟ قال: یضاعف علیه.

کافی، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۰.

کیفر قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۱،۲

۱ - کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهار گواه ناظر ، هشتاد ضربه شلاق با تازیانه چرمی است

والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلده

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت فوق، بر مبنای کار برد اول است. گفتنی است که <رمی> (مصدر <یرمون>) به معنای تیر انداختن است و در این جا استعاره از نسبت دادن

امری ناخوشایند به مردم است که در اصطلاح فقه از آن تعبیر به <قذف> می شود.

۲- هشتاد ضربه تازیانه بر پوست بدن ، کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهار گواه ناظر

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدہ

کیفر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱

۱- هر یک از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان کیفر شدند .

فکلاً أخذنا بذنبه

کیفر قبول ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱۱

۱۱- پذیرش ولایت غیر خدا ، کفر و در پی دارنده عذاب دوزخ است .

أن یتخذوا عبادی من دونی أولیاء إنا أعتدنا جهنم للكفرین نزلاً

کیفر قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۸

۲۸- معتقدان به مکتب الهی ، در صورت کشتن یا آواره ساختن همکیشان خود ، به خواری در دنیا و شدیدترین عذاب در

آخرت گرفتار خواهند شد .

فما جزاء من یفعل . . . و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ قتل و آدمکشی از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به عذاب دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم .. و من يفعل ذلك عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

در برداشت فوق <ذکک> اشاره به <قتل نفس> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ جنایت و برادرکشی قایل ، موجب سختگیری خداوند در مجازات قتل بر بنی اسرائیل

فقتله .. من اجل ذلك كتبنا على بني اسرائيل انه من قتل نفساً بغير نفس

<ذلك> اشاره است به داستان هابیل و قایل.

۷ کیفر سنگین برای قتل و آدمکشی ، زمینه پرهیز انسان ها از ارتکاب آن

و من اجل ذلك كتبنا على بني اسرائيل انه من قتل .. فكانما قتل الناس جميعاً

<من اجل ذلك ..> به این معناست که خداوند با توجه به آدمکشی قایل و پیامدهای شوم آن، بنی اسرائیل را به مجازاتی سنگین تهدید کرد تا از تکرار چنین جنایتهایی باز دارد.

۳۰ شدیدترین عذاب جهنم ، کیفر قتل به ناحق انسان

انه من قتل نفساً بغير نفس .. فكانما قتل الناس جميعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: يوضع في موضع من جهنم اليه ينتهي شده عذاب اهلها ..

کافی، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۲،۲۳

۲۲ اعدام ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل

انما جزوا الذين يحاربون الله .. ان يقتلوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب الله و رسوله و سعی في الارض فساداً فقتل قتل به ..

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۳ اعدام و بدار آویختن ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل و غارت

انما جزؤا الذین

یحاربون الله .. او یصلبوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب الله و رسوله و سعی فی الارض فساداً .. و ان قتل و اخذ المال قتل و صلب ...

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

کیفر قتل انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۲، ۲۳، ۲۱، ۱۶، ۷

۷ همسانی سرنوشت شوم کافران، با قاتلان پیامبران و عدالتخواهان

انّ الذین یکفرون .. فبشرهم بعذاب الیم

۱۶ کشتن انبیای الهی و عدالتخواهان، موجب گرفتاری جامعه به مشکلات توانفرساست.

و یقتلون النّبیین بغیر حق .. فبشرهم بعذاب الیم

بنابراینکه <فبشرهم بعذاب الیم>، نظر به مشکلات دنیوی و اخروی داشته باشد، به قرینه آیه بعد که می فرماید: <حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخره>.

۲۱ قاتلان پیامبران و قاتلان امر کنندگان به معروف، گرفتار سخت ترین عذاب های الهی

و یقتلون النّبیین بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط.

از رسول الله (ص) سؤال شد: ایّ الناس اشدّ عذاباً یوم القیامه؟ آن حضرت فرمود: رجل قتل نبیاً او رجلاً امر بمعروف او نهی عن منکر، سپس آن حضرت، این آیه را تلاوت کرد: <انّ الذین یکفرون .. >.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰؛ تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۲ وعده عذاب دردناک به بنی اسرائیل، به جهت قتل چهل و سه پیامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهی از منکر

و يقتلون النّبين بغير حقّ و يقتلون الذين يأمرون بالقسط من النّاس

رسول الله (ص) به عنوان بیان مصداق برای آیه فوق فرمود: قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیاً اول النهار فی ساعه واحده فقام مائه رجل و اثنی عشر رجلا من عباد بنی اسرائیل فامروا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جميعاً من آخر النهار فی ذلك الیوم.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰؛ تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریا و یحیی پیامبر (ع)

و یقتلون النّبیّن بغیر حق .. فبشّرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. انّ نبی الله زکریا قد نشر بالمناشیر و یحیی ابن زکریا قتله قومه و هو یدعوهم الی الله.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۱۸،۹

۱ حبط و تباهی اعمال کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، در دنیا و آخرت

انّ الذین یکفرون .. اولئک الذین حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخره

۸ کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، هیچگونه یاور و شفیع در برابر اراده خداوند نسبت به حبط اعمال خود ندارند .

انّ الذین یکفرون .. حبطت اعمالهم ... و ما لهم من ناصرین

۹ کافران و قاتلان انبیا و عدالتخواهان ، راه نجاتی ندارند .

انّ الذین یکفرون .. و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ عذاب سخت یهود در آخرت ، دستاورد اعمال ناروای آنان

(نسبت دادن فقر به خدا و کشتن انبیا)

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر (ص) در گناه پدران خویش (کشتار انبیا)

و قتلهم الانبیاء بغير حقّ .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در < ایدیکم > به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله < ذلک بما قدّمت .. > می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

۷ عدالت خداوند و دوری ساحت وی از ظلم، مقتضی مجازات بخیلان و قاتلان انبیا

و لا یحسبنّ الذین یبخلون .. ذوقوا عذاب الحریق ... و انّ الله لیس بظلام للعب

جمله < و انّ الله .. > عطف بر < ما قدّمت > می باشد. بنابراین دلیل دیگری برای گرفتار شدن بخیلان و قاتلان انبیا به دوزخ است. یعنی عدالت خداوند اقتضا می کند که ستمگران را عذاب کند، ورنه به ستمدیده ظلم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۷

۷ پندار رهایی از مجازات نقض میثاق و تکذیب و کشتن انبیا، از باور های بی اساس بنی اسرائیل

لقد اخذنا میثاق بنی اسرائیل .. و حسبوا الا تکون فتنه

دربرداشت فوق < فتنه > به معنای عذاب گرفته شده است.

کیفر قتل زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۳

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریا و یحیای پیامبر (ع)

و یقتلون النّبین بغير حقّ .. فبشّرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: .

.. انّ نبی اللّٰه زکریّا قد نشر بالمناشیر و یحیی ابن زکریا قتله قومه و هو یدعوهم الی اللّٰه.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

کیفر قتل شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۱

۱ - نزول عذاب فراگیر الهی بر ثمودیان ، در پی کشتن ناقه صالح

ففقروها .. فأخذهم العذاب

کیفر قتل عدالتخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۸،۹

۸ کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، هیچگونه یاور و شفیع در برابر اراده خداوند نسبت به حبط اعمال خود ندارند .

انّ الذین یکفرون ... حبطت اعمالهم ... و ما لهم من ناصرین

۹ کافران و قاتلان انبیا و عدالتخواهان ، راه نجاتی ندارند .

انّ الذین یکفرون ... و ما لهم من ناصرین

کیفر قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و

اصحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح . . و الذین من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذین من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ایکه است؛ چنان که در سوره <ص> آیه ۱۳، به آن تصریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب ایکه> همان مردم مدین است که از قوم حضرت

شعیب

بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خویش ، از دچار شدن به عذاب الهی در روز قیامت در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

و یقوم إتی أخاف علیکم یوم التناد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۴

۴ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از دچار شدن آنان به عذاب گریزناپذیر الهی در قیامت در صورت کشتن موسی (ع)

(ع)

یقوم إتی أخاف علیکم ... یوم تولون مدبرین ما لکم من الله من عاصم

کیفر قتل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۱،۲،۷

۱ خلود در جهنم ، غضب و لعنت الهی ، کیفر کشتن مؤمن از روی عمد

و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه

۲ عذاب بزرگ الهی در انتظار کسی که مؤمنی را از روی عمد به قتل برساند .

و من یقتل مؤمناً .. و اعد له عذاباً عظیماً

۷ توبه کشتن مؤمن ، از روی خشم و غضب و یا به انگیزه های دنیایی ، قصاص است .

و من یقتل مؤمناً متعمداً

امام صادق (ع) درباره توبه در قتل عمدی مؤمن از روی غضب یا به انگیزه های دنیایی فرمود: .. و ان کان قتله لغضب او

لسبب شیء من امر الدنيا فان توبته ان یقاد منه ...

كافى، ج ٧، ص ٢٧٦، ح ٢ / نورالثقلين، ج ١،

ص ۵۳۳، ح ۴۹۰.

کیفر قتل ناحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱

۱ کشتن نابحق یک انسان، گناهی بزرگ و دارای کیفر و مجازاتی بسیار سنگین

انه من قتل نفساً .. فکانما قتل الناس جميعاً

همسنگی کشتن یک انسان با کشتن تمامی مردم، می تواند کنایه از شدت مجازات باشد.

کیفر قتل نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۱

۲۱ قاتلان پیامبران و قاتلان امر کنندگان به معروف، گرفتار سخت ترین عذاب های الهی

و یقتلون النبیین بغير حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط.

از رسول الله (ص) سؤال شد: ایّ الناس اشدّ عذاباً یوم القیامه؟ آن حضرت فرمود: رجل قتل نبیاً او رجلاً امر بمعروف او نهی عن منکر، سپس آن حضرت، این آیه را تلاوت کرد: <انّ الذین یکفرون .. >.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰؛ تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

کیفر قتل یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۳

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریا و یحیی پیامبر (ع)

و يقتلون النّبين بغير حق . . . فبشّرهم بعذاب اليم

اميرالمؤمنين (ع) در باره آيه فوق فرمود: . . . انّ نبى الله زكريّا قد نشر بالمناشير و يحيى ابن زكريا قتله قومه و هو يدعوهم الى الله.

تفسير برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

كيفر قذف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور -

۵ - عذاب بزرگ خداوند ، پیامد و کیفر قذف کردن زنان عقیف و مؤمن است .

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

کیفر قذف عقیفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱

۱ - کسانی که به زنان پاکدامن و مؤمن تهمت زنا می زنند ، در قیامت بی هیچ تخفیف و ترحمی و به صورت کامل ، کیفر کارشان را دریافت خواهند کرد .

الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُم

ضمیر <هم> در <يُوفِّيهِمُ> و <دِينَهُمُ> به <قذف کنندگان> (الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ) بازمی گردد و <توفیه> (مصدر <يُوفَى>) به معنای پرداخت به صورت تام و کامل است و مقصود از <دین> به قرینه این که آیه شریفه در باره قیامت است جزا می باشد.

کیفر قذف مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱

۱ - کسانی که به زنان پاکدامن و مؤمن تهمت زنا می زنند ، در قیامت بی هیچ تخفیف و ترحمی و به صورت کامل ، کیفر کارشان را دریافت خواهند کرد .

الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .. يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُم

ضمیر <هم> در <يُوفِّيهِمُ> و <دِينَهُمُ> به <قذف کنندگان> (الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ) بازمی گردد و <توفیه> (مصدر <يُوفَى>) به معنای پرداخت به صورت تام و کامل است و مقصود از <دین> به قرینه این که آیه شریفه در باره قیامت است جزا می باشد.

کیفر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱

۶ عذاب های نازل شده بر اقوام گذشته (فرعونیان ، عادیان و ...) کیفرهایی بود که آنان خود برای خویشتن فراهم آوردند .

و ما ظلمنهم و لکن ظلموا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۶

۶ - مصایب و مشکلات ثمودیان ، کیفر الهی و معلول گناهان خود آنان

يقوم لم تستعجلون بالسيئه .. بل أنتم قوم تفتنون

برداشت فوق باتوجه به این نکته است که صالح پیامبر(ع) در رد پندار ثمودیان که بدبختی های خود را ناشی از بد یمنی وجود صالح و پیروان آن حضرت قلمداد می کردند، فرمود: بدبختی های شما کیفری است الهی و معلول گناهان خودتان. گفتنی است در فرض فوق واژه <تفتنون> از فتنه به معنای عذاب مشتق می باشد؛ یعنی، <بل أنتم قوم تعدّون؛ بلکه شما مردمی هستید که به کیفر گناه خود عذاب می شوید.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۴

۴ - کیفر الهی برای توطئه گران علیه صالح ، دامنگیر تمامی کافران ثمود

أنا دمرنهم و قومهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۳

۳ - نزول کیفر و عذاب الهی بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) به جرم تکذیب پیامبران

إن كلّ إلّا كذب الرسل فحقّ عقاب

<حقّ> به معنای <ثبّت> (ثابت و محقق است) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و اصحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح .. و الذین من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذین من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ایکه است؛ چنان که در سوره <ص> آیه ۱۳، به آن تصریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب ایکه> همان مردم مدین است که از قوم حضرت شعیب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۵

۵ - صاعقه آسمانی ، کیفر تخلف قوم عاد و ثمود از دعوت پیامبران خویش

أندرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۳

۳ - مجازات الهی برای قوم ثمود ، از پی اعطای فرصت به ایشان

سيعلمون غداً

مراد از <غداً>، آینده و فرصتی است که به ثمودیان داده شده است؛ نه روزی که از پس امروز می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۳ - ۴

۴ - خداوند ، تهدیدکننده مخالفان پیامبر (ص) به عذابی نظیر کیفر امت های پیشین (عاد ، ثمود و فرعون)

رَبِّكَ

کیفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۷

۷ اصرار قوم عاد بر کفر و امید نرفتن به

ایمانشان ، عامل نزول عذاب و هلاکت آنان

و قطعنا دابر الذین کذبوا بایتنا و ما کانوا مؤمنین

چون تکذیب آیات الهی ملازم با عدم ایمان، بلکه برخاسته از بی ایمانی است، می توان گفت جمله <ما کانوا مؤمنین> یا اشاره به این معنا دارد که تکذیب کنندگان هلاک شده اهل ایمان نبودند و توفیق گرایش به توحید به طور کلی از آنان سلب شده بود، و یا اشاره به طایفه ای دیگر غیر از تکذیب کنندگان دارد. یعنی کسانی که تکذیب نکردند، ایمان نیز نیاوردند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۱۴

۱۴ کردار کفر پیشگان قوم عاد و کيفر آنان ، تحت حسابرسی دقیق خداوند بود .

إن ربی علی کل شیء حفیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۶

۶ عذاب های نازل شده بر اقوام گذشته (فرعونیان ، عادیان و ...) کيفرهایی بود که آنان خود برای خویشان فراهم آوردند .

و ما ظلمنهم و لکن ظلموا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۳

۳ - نزول کيفر و عذاب الهی بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) به جرم تکذیب پیامبران

إن کلّ الّا کذب الرسل فحقّ عقاب

<حقّ> به معنای <ثبّت> (ثابت و محقق است) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱

مؤمن آل فرعون به قوم خود، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح، عاد، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و اصحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح... و الذین من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذین من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ایکه است؛ چنان که در سوره <ص> آیه ۱۳، به آن تصریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب ایکه> همان مردم مدین است که از قوم حضرت شعیب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۵

۵ - صاعقه آسمانی، کیفر تخلف قوم عاد و ثمود از دعوت پیامبران خویش

آنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۳ - ۴

۴ - خداوند، تهدیدکننده مخالفان پیامبر (ص) به عذابی نظیر کیفر امت های پیشین (عاد، ثمود و فرعون)

رَبِّک

کیفر قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۶

۶ عذاب های نازل شده بر اقوام گذشته (فرعونیان، عادیان و...) کیفرهایی بود که آنان خود برای خویشان فراهم آوردند.

و ما ظلمنهم و لکن ظلموا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۳

٣- نزول كييفر و عذاب الهى بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ،

لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) به جرم تکذیب پیامبران

إِنَّ كَلَّ الْإِكْذَابِ الرَّسْلِ فَحَقَّ عَقَابُ

<حَقَّ> به معنای <ثَبَّتَ> (ثابت و محقق است) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و اصحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح .. و الذین من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذین من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ایکه است؛ چنان که در سوره <ص> آیه ۱۳، به آن تصریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب ایکه> همان مردم مدین است که از قوم حضرت شعیب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۲ - ۳

۳ - قوم لوط ، مردمی مجرم و مستحق کیفر

قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمین

مراد از <قوم مجرمین> که فرشتگان مأمور شدند تا کیفرشان دهند قوم لوط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۱

۱ - مجازات قوم حق ستیز لوط ، به وسیله طوفانی از شن و سنگریزه

إنا أرسلنا علیهم حاصبًا

<حاصب> به باد شدیدی که با خود سنگریزه حمل کند، گفته می شود (مختار الصحاح).

کیفر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۵

۵ خداوند ،

آن دسته از قوم نوح را که آیات الهی را تکذیب کردند، در آب غرق نمود.

و أغرقنا الذين كذبوا بآيتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۶

۶ عذاب های نازل شده بر اقوام گذشته (فرعونیان ، عادیان و ...) کیفرهایی بود که آنان خود برای خویشان فراهم آوردند .

و ما ظلمنهم و لكن ظلموا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۳

۳ - نزول کیفر و عذاب الهی بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) به جرم تکذیب پیامبران

إن كلِّ الّاكذب الرسل فحقّ عقاب

<حقّ> به معنای <ثَبَّتَ> (ثابت و محقق است) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و

اصحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح ... و الذين من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذين من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ایکه است؛ چنان که در سوره <ص>

آیه ۱۳، به آن تصریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب ایکه> همان مردم مدین است که از قوم حضرت شعیب بودند.

کیفر کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ کاروان یابنده یوسف (ع) به خاطر کالا قرار دادن او ، گنه کار و مستحق کیفر الهی شدند .

و أسزوه بضعه والله علیم بما یعملون

یادآوری علم خدا به اعمال بندگان ، می تواند کنایه از کیفردهی او باشد.

کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر .. ثم أضطره إلی عذاب النار

اضطرار؛ یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۱۶، ۱۰

۱۰ عذاب شدید کافران پس از اتمام حجت بر آنان از طریق کتب آسمانی

نزل علیک الكتاب .. ان الذین کفروا بایات الله لهم عذاب شدید

۱۶ ابتلای کافران به عذاب شدید ، انتقام الهی از آنان و نمایانگر شکست ناپذیری خداوند است .

ان الذین کفروا .. لهم عذاب شدید و الله عزیز ذوانتقام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۵

۵ مجازات کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، از سنت های خداوند است .

كذاب ال فرعون و الذين من قبلهم كذبوا باياتنا فاخذهم الله بذنوبهم

خداوند همه كافران را در همه عصرها، تهديد به

عذاب کرده و از این، عمومیت سنت الهی در مورد کافران، استنباط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۹

۱۹ بصیرت خداوند به بندگان، تضمین کننده پاداش متّین و کیفر کافران

قل للّٰذین کفروا .. للّٰذین اتقوا عند ربّهم ... و اللّٰه بصیر بالعباد

اگر آگاهی همه جانبه خداوند نباشد، کیفرها و پاداشها، تضمین نمی شود. از این رو خداوند پس از بیان کیفر و پاداش، آگاهی خود را به احوال بندگان، متذکّر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۴

۱۴ کفر و انکار آگاهانه آیات الهی، کیفر سریع خداوند را در پی دارد.

و من یکفر بایات اللّٰه فانّ اللّٰه سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ مکر خداوند با کافران، مجازات نمودن آنان به سبب مکرشان است.

و مکروا و مکر اللّٰه

امام رضا(ع) درباره آیه فوق فرمود: انّ اللّٰه تبارک و تعالی .. لا یمکر ... و لکنّه عزّ و جلّ یجازیهم ... جزاء المکر.

عیون اخبارالرضا(ع)، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۱۹، ب ۱۱ / معانی الاخبار، ص ۱۳، ح ۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۶ - ۱،۵

۱ کافران (یهودیان) ، مشمول عذاب سخت خداوند در دنیا و آخرت

فاما الذين كفروا فاعذبهم عذاباً شديداً في الدنيا و الاخره

۵ کافران (یهودیان) ، هیچ

یار و یآوری در برابر عذاب الهی در دنیا و آخرت ندارند .

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا .. و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۳

۳ خداوند بدون مهلت و تأخیر ، مرتدّان و کافران یهود و نصارا را عذاب می کند .

لا یخفّف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۴

۴ کسانی که در حال کفر بمیرند ، مستحقّ عذابی دردناک هستند .

اولئک لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۵،۸

۵ عذاب سیه رویان (اهل کفر) و استغراق سفیدرویان در رحمت الهی ، از آیات بحق خداوند

فذوقوا العذاب بما کتتم تکفرون .. ففی رحمه الله ... تلک ایات الله

بنابراینکه مشارالیه <تلک> ، مطالب مذکور در دو آیه قبل باشد.

۸ عذاب سیه رویان (کافران) ، ناشی از اعمال ناپسند (تفرقه و پراکندگی و کفر) خود آنان است و نه از ناحیه خداوند

فاما الذین اسودّت وجوههم .. و ما الله یرید ظلماً للعالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱،۱۳

۱ اموال و فرزندان اهل کفر ، نمی تواند آنها را از کیفر خداوند برهاند .

انّ الذين كفروا لن تغني عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيئاً

<اغنى> هنگامی که با <عن> متعدی شود، به معنای <دفع> می آید. لذا <لن

تُغْنِي >، یعنی نمی رهااند. (روح المعانی).

۱۳ آتش جاودانه دوزخ ، فرجام کفر پیشگانِ اهل کتاب

انّ الذّین کفروا .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

با توجه به آیات قبل، مراد از <الذین>، کافران اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲۳

۲۳ کافران کینه توز و منافقان حيله گر شایسته نابودی

قل موتوا بغيظکم انّ الله علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۳،۵،۶،۸

۳ آتش دوزخ ، در انتظار کافران و رباخواران ، و آماده برای آنان

لا تاكلوا الرّیوآ .. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للكافرين

۵ آتش دوزخ ، هم اکنون حاضر و آماده برای کافران

و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للكافرين

کلمه <اعدت> (مهیا شده)، به صیغه ماضی، دلالت بر وجود بالفعل چنین آتشی دارد.

۶ آتش دوزخ ، در اصل برای کافران مهیا شده است .

و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للكافرين

بنابر اینکه <الّتی>، وصف توضیحی باشد نه احترازی.

۸ همگونی عذاب رباخواران با عذاب کافران

لا تاكلوا الرّیوآ .. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱۹

۱۹ آتشِ دوزخ ، جایگاه و فرجام شوم کفرپیشگان مشرک

سنلقى فى قلوب الذين كفروا الرعب . . . و ماويهم النار و بسى مئوى الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۶

۱۶ عذاب بزرگ اخروی در انتظار شتابگران در کفر است

الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ... وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۸ - ۵،۶

۵ خداوند برای گناهکارانی که توبه را تا آستانه مرگ تأخیر انداخته و کسانی که کافر بمیرند ، عذاب دردناکی آماده کرده است .

و لَيْسَ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ... وَ لَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَ هُمْ كَفَّارٌ أَوْلَئِكَ اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا

۶ خداوند برای کسانی که تا لحظه مرگ بر کفر خویش باقی مانده و آنگاه ایمان آورند ، عذابی دردناک آماده کرده است .

و لَيْسَ التَّوْبَةُ... وَ لَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَ هُمْ كَفَّارٌ أَوْلَئِكَ اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۶

۶ آتش سوزان جهنم ، کيفر آتش افروزان و اخلاالگران عليه پيامبران

و كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا

<سعير>، به معنای آتش برافروخته و سوزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، گردآورنده همه منافقان و کافران ، در جهنم

إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنْفِقِينَ وَ الْكٰفِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۱ - ۳،۴

۳ کیفر خوار کننده الهی ، در انتظار کافران به خدا و پیامبران اوست .

و أعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

۴ جهنم و عذاب الهی ، هم اکنون برای کافران آماده و مهیاست .

و أعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

چنانچه مراد از <عذاباً مهيناً> عذاب دوزخ باشد، فعل <اعتدنا>، به صیغه ماضی حکایت از وجود هم اکنون دوزخ دارد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۷

۷ جاودانگی در جهنم ، کیفر کافران ستمگر

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا .. خَلْدِينَ فِيهَا أَبَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۱

۱ کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اصحاب دوزخ هستند .

و الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا .. أُولَئِكَ اصْحَابُ الْجَحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است .

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۳

۳ کفرپیشگان به پندار باطل ، خویشان را از مکر خدا و کیفر های ناگهانی وی ایمن می شمارند .

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۲

۲ ابتلای کفرپیشگان تاریخ به کیفر های الهی ، بیانگر توانایی خداوند به گرفتار سازی گنهکاران موجود به عقوبت گناهانشان است .

أولم يهد للذين يرثون .. أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم

فاعل <يهد> ضمیری است که به داستان و سرنوشت اقوام پیشین برمی گردد و <أن لو نشاء .. > مفعول آن می باشد. قابل ذکر است که <الذین يرثون> نیز مفعول به واسطه <يهد> است. و چون <يهد> به حرف لام متعدی شده، معنای تبیین در آن تضمین شده

است. بنابراین جمله <اولم یهد... > یعنی آیا سرگذشت پیشینیان برای وارثانشان این حقیقت را روشن نکرده است که اگر مشیت ما اقتضا کند آنان را به سبب گناهانشان عقوبت می کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۳ - ۱

۱ سنت خداوند بر امهال کفرپیشگان تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و أملی لهم إن کیدی متین

املاء (مصدر املی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۲

۲ آتش دوزخ کیفر تمامی کافران

و أن للكفرین عذاب النار

<ال> در <الكفرین> برای استغراق و شمول است. گفتنی است در وجه ترکیبی <أن للكفرین... > نظرهای مختلفی ایراد شده است. بهترین وجه آن تقدیر گرفتن فعلی همانند <اعلموا> است. یعنی <واعلموا أن للكفرین عذاب النار>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۹

۹ جهنم ، سزای کافران حق ستیز

و الذین کفروا إلى جهنم یحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۷

۷ خداوند ، کفرپیشگان را به سبب رفتار ناپسندشان (سرمستی ها ، ریاکاری ها ، بازداري مردم از راه خدا) ، مجازات خواهد

کرد .

ولاتكونوا كالذين . . . و

اللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۱۱، ۱۰، ۶، ۵

۵ خداوند فرعونیان و همه کافران پیش از آنان را به سبب گناهانشان به کیفری شدید گرفتار ساخت .

فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

۶ خداوند ، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

كُفِرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ

۱۰ گرفتاری فرعونیان و کافران پیش از آنها به کیفر های شدید الهی ، نمودی از توانمندی خداوند است .

فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

۱۱ توجه به سنت الهی در مجازات کافران و گناهکاران ، زمینه ساز پرهیز از کفرورزی و ارتکاب گناه

كُذِّبَ آلُ فِرْعَوْنَ .. إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

هدف از بیان مؤاخذه کافران و گنهکاران هشدار است به انسانها تا با توجه به آن در مسیر ایمان و ترک گناه قرار گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۴

۱۴ کیفر خداوند برای کافران ، متکی بر شنوایی و علم گسترده اوست .

وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ هزیمت و شکست ، فرجام شوم و کیفر قطعی برای تمامی کافران و دشمنان ایستاده در برابر دین الهی

وَعَذَابُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۷۸،۱۲

۷ عذاب جاودان جهنم ، مجازاتی بس سنگین

و کافی برای منافقان و کافران

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد الله المنافقین .. و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

۱۲ محرومیت منافقان و کافران از رحمت الهی ، مایه رنج و عذاب همیشگی آنان

و لعنهم الله و لهم عذاب مقیم

برداشت فوق بر این اساس است که <عذاب مقیم> در نتیجه نفرین الهی به دوری آنان از رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۰

۱۰ دستیابی مؤمنان به پاداش و ایمان و اعمال شایسته خویش و گرفتاری کافران به کیفر کفر و بزهکاری خود ، فلسفه اساسی معاد و برپایی رستاخیز است .

ثم یعیده لیجزی الذین ءامنوا .. و الذین کفروا لهم شراب من حمیم و عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۳،۶

۳ مجازات کفرپیشگان و منکران قیامت (از میان برداشتنشان) ناسازگار با فلسفه آفرینش انسان

و لو یعجل الله للناس الشر .. لفضی إلیهم أجلهم

۶ کفرمداران و شرک پیشگان ، مستحق عذاب و کیفر الهی در دنیا

و لو یعجل الله للناس الشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۲۰

۲۰ عذاب دردناک جهنم ، کیفر کافران است .

فلا يؤمنوا حتى يروا العذاب الأليم

ممکن است الف و لام <العذاب> که برای عهد ذهنی است اشاره به عذاب دنیوی (استیصال) باشد و ممکن است

اشاره به عذاب برزخی و یا عذاب اخروی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۲

۲ امت های ستم پیشه (جوامع کفرپیشه و مشرک) در خطر گرفتار شدن به عقوبت های الهی و عذاب های استیصال هستند .

و كذلك أخذ ربك إذا أخذ القرى وهي ظلمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > و لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه < و هي النقمه > أو تحلّ قريباً من دارهم < فتحلّ بقوم غيرهم فيرون ذلك و يسمعون به و الذين حلّت بهم عصاه كفار مثلهم و لا يتعظ بعضهم ببعض و لن يزالوا كذلك > حتى يأتي وعد الله < الذي وعد المؤمنين من النصر و يخزي الله الكافرين ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: > و لا يزال .. < روایت شده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] > أو تحلّ قريباً من دارهم < [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آید و آنان می بینند و می شنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شده، مانند ایشان گناهکار و کافرند و [لیکن] برخی از برخی دیگر پند نمی گیرند و همواره چنین هستند تا وعده خدا فرا رسد و، حتی یأتی وعد الله، همان وعده ای که به مؤمنان داده است که آنان را پیروز کند و خداوند کافران را خوار می سازد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ خداوند پس از مدت ها و گذشت زمانهایی ، کفرپیشگان و استهزاگران انبیا را به عقوبت های خویش گرفتار می ساخت .

فأملیت .. ثم أخذتهم فكيف كان عقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، کفرپیشگان را پس از اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند .

فإنما عليك البلق و علينا الحساب

وقوع جمله <و علينا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما عليك البلق> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت ، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۹

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إننا أعتدنا جهنم للكافرين نزلاً

کلمه <نُزِّل> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن ، <تَهَكُّم> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إنه يعلم الجهر من القول و يعلم ماتكتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر و عذاب شدن آنان است.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۳

۱۳ - آتش سوزان ، کیفر کفرپیشگان و تمام کسانی که در راستای منحرف ساختن مردم از راه خدا و دین او تلاش می کنند .

و من الناس من یجدل .. و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۰ - ۴

۴ - سرگذشت قوم نوح ، دارای نشانه هایی روشن بر قدرت الهی در کیفر کافران و نصرت مؤمنان

قال رب انصرنی .. ان فی ذلک لآیت

با توجه به ظهور قدرت خدا در طوفان نوح و غرق شدن کافران و مشرکان و نیز ظهور نصرت الهی نسبت به حضرت نوح(ع) و همراهان او، عبارت <ان فی ذلک لآیات>، می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۷

۷ - ربوبیت خدا ، مقتضی حسابرسی اعمال و کیفر کافران

فإنما حسابہ عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۷ - ۲

۲ - بی ارزشی بهره‌وری هر چند طولانی کافران از دنیا ، در قبال کیفر الهی

إن متّعنهم سنین .. ما أغنی عنهم ما كانوا یمتّعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۳

۳ - تکذیب نشانه های خدا ، اصلی ترین موضوع دادگاه کیفری کافران

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ وَقَالَ أَكْذَبْتُمْ بَايْتِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴

۸ - کافران ، به کیفر الهی ، مجازات خواهند شد .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۴

۴ - عذاب فراگیر دوزخ ، سزای اعمال ناروای خود کافران است .

ذوقوا ما كنتم تعملون

برداشت بالا، بنابر تقدیر <جزا> به عنوان معنای <ما>ی موصول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۵

۵ - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمّتعهم قليلاً ثمّ نضطرّهم

احتمال دارد <قلیلاً> صفت برای مفعول به <نمّتع> باشد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان،

مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۱۰، ۱۶

۱ - فلسفه پیمان گرفتن خداوند از پیامبران ، پاداش دادن به مؤمنان و کیفر دادن به کافران است .

و إذا أخذنا من النبيّن ميثقهم .. ليسئل الصادقین عن صدقهم ... و أعدّ للكفرین

<لام> در <لیسئل..> لام تعلیل یا لام غایت است. مراد از <الصادقین> به قرینه مقابله با <الکافرین> مؤمنان اند. لازم به

ذکر است که برداشت بالا، علاوه بر نکته یاد شده مبتنی بر این است که مرجع ضمیر در <صدقهم> واژه <الصادقین> باشد

و علت پرسش از صداقت مؤمنان، پاداش دادن به آنها است.

۶- عذاب شدن کافران ، پس از اتمام حجت با آنان است

و إذا أخذنا من النبيين ميثقهم .. ليستل ... و أعدّ للكافرين

۱۰ - عذاب کافران ، بدون پرسش و پاسخ و مؤاخذه خواهد بود .

ليستل الصدقين .. و أعدّ للكافرين عذابًا أليماً

تغییر اسلوب کلام از <ليستل..> به <أعدّ...> می تواند به منظور افاده این نکته باشد که عذاب کافران، آماده شده است و جای چون و چرا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، جز کافران را مجازات نمی کند .

و هل نجزي إلا الكفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۱

۱ - کافران ، سزاوار عذابی سخت و طاقت فرسا

الذين كفروا لهم عذاب شديد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۲،۶

۲ - کافران ، محکوم به دوزخ اند .

و الذين كفروا لهم نار جهنم

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

كذلك نجزي كل كفور

< کفور > صیغه مبالغه از ماده < کفر > و یا < کفران > می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۷

۷ - مجازات الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت و دادن فرصت مناسب و عمر کافی برای شناخت و پذیرش دین و تعالیم آسمانی خواهد بود .

أولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر و جاءكم النذير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ -

۱۰ - کیفر کافران ، از شؤون مقام ربوبی است .

و لایزید الکفرین کفرهم عند ربهم إلا مقتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۲

۲ - گرفتاری کافران و دشمنان دین خدا ، در دام افراد وسوسه کننده و اغواگر ، کیفر الهی برای آنان است .

و قیضنا لهم قرناء فزینوا لهم

از این که خداوند تعیین هم نشین اغواگر را برای کافران به خود نسبت داده (قیضنا)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۷

۷ - مجازات و عقوبت کفرپیشگان ، بازتاب و تجسم عملکرد بد خود آنان است .

و لنجزینهم أسوأ الذی کانوا يعملون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <أسوء الذی..> خود جزا و کیفر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

ما یقال لک إلا ما قد قیل للرسل . .. إن ربک لذو مغفره

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- تهدید مشرکان حق ستیز مکه ، از سوی خداوند

به عذابی دنیوی و تیره کننده زندگی

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دخان مبین>، کنایه از تیره روزی و عذاب دنیوی باشد، چه این که برخی از مفسران این آیه را پاسخی به دعای پیامبر(ص) دانسته اند که از خداوند خواست تا برای بیدار شدن مشرکان، آنان را به قحطی ای همچون دوران یوسف مبتلا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۳

۳- دود های متراکم قیامت ، شکنجه آور ، درد آفرین و در بر گیرنده تمامی کفرپیشگان

یغشی الناس هذا عذاب أليم

ممکن است این آیات در مورد عذاب اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۸ - ۳

۳ - کیفر الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

تتلی علیه .. فبشره بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۱ - ۴

۴ - کیفر کافران ، پس از اتمام حجت پروردگار بر ایشان

هذا هدی و الذین کفروا بایت ربهم لهم عذاب

از این که خداوند پس از بیان هدایتگری قرآن، عذاب کافران را مطرح می کند، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در حق کافران ، معلول عملکرد منفی خود آنان و به دور از شائبه ظلم

و هم لایظلمون .. تجزون عذاب الهون بما کنتم تستکبرون ... و بما کنتم تفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- عدل الهی در کیفر کافران ، مورد اقرار خود آنان ، در قیامت

أليس هذا بالحقّ قالوا بلى و ربّنا

<هذا> اشاره به عذاب کافران است و مصداق بارز <حقّ> در زمینه مجازات، <عدل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، هم اکنون موجود و مهیا برای کافران *

فإنّا أعتدنا للكافرين سعيراً

ماضی آمدن فعل <أعتدنا>، ممکن است ناظر به معنای حقیقی آن (زمان گذشته) باشد، نه این که مضارع محقق الوقوع را بیان کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۲

۲ - حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، پشتوانه تحقق اراده او بر کیفر کافران

فإنّا أعتدنا للكافرين سعيراً . و لله ملك السموت و الأرض

تذکر به حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در پی تهدید کافران به عذاب بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۹

۹ - مجازات الهی در حق کافران ، در پی مهلت ها و دارای زمان و برنامه ای خاص

فإنّ للذين ظلموا ذنوباً... فلا يستعجلون

تعبیر <فلا يستعجلون> می رساند که خداوند در مجازات کافران عجله ندارد، بلکه براساس مصلحت به ایشان مهلت داده و طبق برنامه و زمانی خاص آن را به اجرا درمی آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۶

۶ - کیفر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان با هشدار های مکرر

فویل

لذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

تعبیر <یوعدون> (با فعل مضارع) بیانگر وعیدهای مستمر و مکرر است که قبل از مجازات و کیفر کافران، به ایشان داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۴

۴ - سنت الهی ، بر عدم تعجیل ، در کیفر کافران

فذرهم حتی یلقوا یومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - کافران لجوج ، بی بهره از تزویر های خویش و بی نصیب از یاری هر پشتیبان ، هنگام سر رسیدن وقت مجازاتشان

یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئاً و لا هم ینصرون

۲ - مرگ ، لحظه کوتاه شدن دست کافران از تدبیر های خویش و نقطه های امید

فیه یصعقون . یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئاً

در صورتی که <یومهم الذی..> در آیه قبل، نظر به لحظه مرگ داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۱

۱۱ - عذاب دردناک الهی ، کیفر کافران است .

و للکفرین عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۲

۲ - عذاب و کیفر خداوند درباره کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه دلایل روشن بوده است .

تأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۴

۴ - دوزخی شدن کافران ، جزای کردار خود آنان است .

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، کیفر زراندوزان کافر

و جمع فاعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۶،۷

۶ - کافرانی که در برابر حاکمیت قرآن و تأثیر هشدار های آن ، خدعه کنند ، به کیفری غافلگیرانه و غیر قابل پیش بینی گرفتار خواهند شد .

إنه لقول فصل . . . یکیدون ... و اُکید کیداً

<حیله>؛ یعنی، آنچه به صورت مخفیانه، مایه رسیدن به حالت مورد نظر گردد. و <کید> نوعی احتیال است. (مفردات راغب)

۷ - خداوند در مکر و کیفر ، آغاز گر نبوده و خدعه های او ، پاسخ کردار ناروای کافران است .

إنهم یکیدون کیداً . و اُکید کیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - > روی عن علی (ع) انه قال : معناه [اى قوله تعالى : إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ] إِنَّ رَبَّكَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَجْزِيَ أَهْلَ الْمَعَاصِي جِزَاءَهُمْ ؛

از علی(ع) روایت شده که فرمود: معنای آیه این است که پروردگارت، توانایی دارد که گنه کاران را کیفر بدهد.<

کیفر کافران امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ عقوبت های نازل شده بر کفرپیشگان و استهزاگران امت های گذشته ، دلیلی فراروی کافران بر تخلف ناپذیری تهدید ها و وعید های الهی

إن الله لا يخلف الميعاد. و لقد استهزیء برسلك من قبلک ... ثم أخذتهم

آیه مورد بحث به لحاظ <ثم أخذتهم . . . > دلیلی است

برای <حتى يأتي وعد الله إن الله لا يخلف الميعاد>.

کیفر کافران به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۶

۶ خداوند ، مشرکان و کافران به پیامبر (ص) را به کیفر های دنیوی و فرو ریختن سنگ های عذاب تهدید کرد .

و ما هی من الظلمین ببعید

واقع شدن جمله <و ما هی ...> پس از مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) (عند ربك) می تواند قرینه بر این باشد که: از مصداقهای مورد نظر برای <الظالمین> مشرکان و کافران عصر بعثت است.

کیفر کافران حق ستیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۳،۴،۶

۳ گرفتار شدن به سرنوشت شوم پیشینیان ، تهدید الهی نسبت به کافران ستیزه گر علیه اسلام

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جواب شرط <إن یعودوا ...> حذف شده و جمله <فقد مضت ...> جانشین آن می باشد و تقدیر کلام چنین است: <و إن یعودوا فانتقمنا منهم كما انتقمنا من الأولین ...>

۴ خداوند بر اساس سنت خویش ، کافران حق ستیز دوران های پیشین را به سزای اعمالشان رسانیده است .

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

۶ مجازات و سرکوبی کافران حق ستیز ، سنتی الهی

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

کیفر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- نظام كیفری خداوند برای مجازات کافرانِ عصر بعثت ، نظامی مشخص و دارای موعِد و زمانی تخلف ناپذیر بود .

بل لهم موعِد

لن يجدوا من دونه مؤثلاً

به قرینه آیه بعد، مراد مؤاخذه در <لو يؤاخذهم> مؤاخذه در دنیا است. و جمله <بل لهم موعد> ظهور در فعلیت آن وعده دارد که در مورد کافران عصر بعثت صادق است.

کیفر کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند، از دوزخیان هستند.

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند بود.

کیفر کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۴

۴- عذاب دردناک، فرجام و کیفر کافرانی است که از سر لجاج و عناد به آیات الهی ایمان نمی آورند.

إن الذین لایؤمنون بأیت الله... لهم عذاب أليم

کیفر کافران متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۱ - ۶

۶- فرو رفتن آب ها و منابع آبی، از جمله کیفر های الهی برای کافرانی است که به خود بنازند و بر دیگران تفاخر کنند.

أو یصبح ماؤها غورًا فلن تستطیع له طلبًا

<یصبح> عطف بر <فتصبح> و تفریح دیگری بر <یرسل علیها حسباً> است. قید <من السماء> در مورد عذابی که آب

ها را در زمین فرو ببرد، ناظر به الهی بودن

عذاب است، نه نزول آن از آسمان.

کیفر کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۷

۱۷ - سزای کفرپیشگان محارب و فتنه انگیز، کشتن آنان است .

فاقتلوهم کذلک جزاء الکفرین

<ال> در <الکافرین> عهده است و اشاره به کافرانی دارد که سر جنگ با مسلمانان دارند و یا علیه ایشان فتنه انگیزی می کنند.

کیفر کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۶

۲۶ فرجام کتمان کنندگان احکام خداوند، فرجامی هراس انگیز

و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۶

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و الناس اجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱۰، ۱۳

۱۰ واهی بودن پندار نجات عالمان اهل کتاب از عذاب الهی، با وجود عملکرد ناشایست آنان (کتمان حقایق و ...)

لا تحسبنّ الذين .. بمفازة من العذاب

کلمه <مفازة>، مصدر میمی و به معنای خلاص و نجات یافتن است.

۱۳ عذابی دردناک در انتظار عالمان اهل کتاب به جهت کتمان حقایق و انتظار چاپلوسی و ستایش بیجا

لا تحسبنّ الذين .. بمفازة من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ -

۳ کسانی که حقایق اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الى الذين .. يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلا. اولئك الذين لعنه

کیفر کتمان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۲

۲ - کسانی که احکام و معارف کتاب های آسمانی را کتمان کرده اند تا بدین وسیله به متاع دنیا برسند ، در قیامت به عذاب دردناکی گرفتار خواهند شد .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب .. لهم عذاب أليم

کیفر کتمان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۲

۲ - کسانی که احکام و معارف کتاب های آسمانی را کتمان کرده اند تا بدین وسیله به متاع دنیا برسند ، در قیامت به عذاب دردناکی گرفتار خواهند شد .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب .. لهم عذاب أليم

کیفر کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

اولئك الذين اشتروا .. العذاب بالمغفرة

کیفر کسب نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۹

۱۹ - کسب در آمد از راه های نامشروع ، حرام و موجب عذاب الهی است .

و یشترون به ثمناً قليلاً أولئک

... لا يكلمهم الله ... و لهم عذاب اليم

کیفر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۳۳

۳۳ کفر و ارتداد ، موجب خلود در جهنم و حبط عمل در دنیا و آخرت

و من یرتد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم .. و اولئک اصحاب ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۵،۱۶

۱۵ کافران ، اهل آتش و ماندگار در آن برای همیشه

اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

۱۶ توجه به عاقبت و عقوبت اهل کفر ، زمینه ساز پرهیز از انحراف به کفر و پذیرش حاکمیت طاغوت

اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۱۳،۹

۹ کفر به آیات خدا ، موجب عذاب سخت الهی بر کافران

ان الذین کفروا بایات الله لهم عذاب شدید

۱۳ تهدید شدن اهل کتاب (یهود و نصارا) به عذاب سخت الهی ، در صورت کفر به آیات خداوند ، قرآن ، تورات و انجیل

نزّل علیک .. ان الذین کفروا ... لهم عذاب شدید

از شأن نزول به دست می آید که مورد آیه، اهل کتابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۹،۱۰

۹ هشدار الهی به کافران در مورد عاقبت بد آنان

انّ الذین کفروا .. و اولئک هم وقود النار

۱۰ آتش دوزخ ، از درون کافران زبانه می کشد .

اولئک هم وقود

با توجه به معنای لغوی <وقود>: هو الحطب المجعول للوقود. یعنی وقود، هیزمی است برای روشن کردن آتش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲

۲ کافران به آیات الهی ، مستحق عذابی دردناک

انّ الذين يكفرون بايات الله .. فبشرهم بعذاب اليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۸،۹

۸ کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، هیچگونه یاور و شفيعی در برابر اراده خداوند نسبت به حبط اعمال خود ندارند .

انّ الذين يكفرون ... حبطت اعمالهم ... و ما لهم من ناصرين

۹ کافران و قاتلان انبیا و عدالتخواهان ، راه نجاتی ندارند .

انّ الذين يكفرون ... و ما لهم من ناصرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۶

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً كفروا بعد ايمانهم .. اولئك جزاؤهم انّ عليهم ... و الناس اجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۲

۲ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کيفر یهود و نصارا ، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً كفروا بعد ايمانهم .. خالدین فیها لا يخفف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوما کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل

۱۴ عذاب اخروی آدمی ، نتیجه کفر و اعمال بد او

فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون

<تکفرون .. >، می تواند هم شامل کفر عملی و هم اعتقادی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۹

۹ رستگاری و عذاب ، دو فرجام متفاوت برای تقوایپیشگان و کافران

و اتَّقوا اللهَ لعلَّكم تفلحون. و اتَّقوا النارَ الَّتِي اعدَّت للكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۹،۱۶

۹ اراده الهی مبنی بر محرومیت حتمی شتابگران در کفر از بهره های اخروی

یرید اللهَ الا يجعل لهم حظًا فی الآخرة

۱۶ عذاب بزرگ اخروی در انتظار شتابگران در کفر است .

الَّذین یسارعون فی الکفر .. و لهم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۹

۹ عذاب دردناک الهی ، کیفر انتخاب کنندگان کفر به بهای از دست دادن ایمان (مرتدان)

انَّ الَّذین اشترُوا الکفر بالایمان .. لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۸

۸ بقای بر کفر، موجب ازدیاد گناه و کیفر آن

و لا یحسبنّ الذین کفروا أنّما نملی لهم خیر لانفسهم أنّما نملی لهم لیزدادوا اثماً

ظاهراً مراد از گناه در آیه، همان کفر است؛ بنابراین عمر کافر هر چه طولانی شود، گناه او افزون می شود. هر چند غیر از کفر، گناه دیگری مرتکب نشود.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۸

۸ عذاب خوارکننده ، کیفر ایمان نداشتن به خدا و قیامت

اعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً. و الذين ... لا يؤمنون بالله و لا باليوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۳

۳ منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا ، مستحق عذاب دوزخند .

إنّ المنافقين فى الدرك الاسفل . .. ما يفعل الله بعذابكم إن شكرتم و ءامنتم

بنابر اینکه خطاب، متوجه منافقان باشد، آیه شریفه اشاره به ناسپاسی و بی ایمانی آنان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۷

۱۷ کفر ، موجب گرفتار شدن به عذاب دردناک قیامت

و أعتدنا للكافرين منهم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۲

۲ کفر و تکذیب آیات الهی ، موجب گرفتاری به آتش برافروخته دوزخ

و الذين كفروا و كذبوا بايتنا أولئك اصحاب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۴

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۱

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب

گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و توان درک معارف دینی از آنان سلب شد .

أو لم یهد للذین یرثون .. أن لو نشاء أصبٰنهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۵

۵ خداوند ، کفر و ایمان و اعمال نیک و بد انسان ها را به صورت پاداش و کیفر متبلور خواهد ساخت .

و إن کلاً لما لیوفینهم ربک أعملهم

گفتن <اعمال> و اراده کردن پاداش و کیفر آنها ، گویای این نکته است که: پاداش و کیفر ، بازتاب اعمال و تبلور یافته آن است. به گونه ای که گویا پاداش و کیفر اعمال ، همان اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲ - ۵

۵- خداوند ، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت برخی مردم ، مؤاخذه نخواهد کرد .

ما أنزلنا علیک القرآن لتشقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۲

۲ - عذاب دوزخ ، عقوبت کفر به خدا و تکذیب آیات او (قرآن)

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا فأولئک لهم عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - کفر ، عامل گرفتار شدن انسان به عذابی سخت است .

و من کفر فلا یحزنک کفره .. ثم نضطرهم إلی عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۰

۲۰ - پذیرفتن عقیده کفرآلود ولو

با فریب و دستور دیگران کفر تلقی شده و کیفر دارد .

و قال الذين استضعفوا للذين استكبروا .. تأمرونا أن نكفر بالله و نجعل له أنداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - جنیان ، مکلف به تکالیف الهی و مستحق کیفر در صورت کفر و حق ستیزی

و حقّ عليهم القول في أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۱ - ۲

۲ - کفر به تنهایی من های ضمیمه شدن به اعمال زشت خود جرمی مستحق عذاب است . *

فأما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت .. و أمّا الذين كفروا

در آیه پیشین، از لزوم همراهی ایمان با عمل صالح، جهت بهره مندی از پاداش اخروی سخن به میان آمد؛ لیکن در این آیه، در کنار <الذین كفروا> اشاره به اعمال بد نشده است. بنابراین می توان گفت کفر، انسان را مصداق <مجرم> کرده و مستحق عذاب می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۳

۳ - تفتیدن بر آتش دوزخ ، جزای کفر ، دروغ پردازی و یاوه سرایی علیه دین

قتل الخرزّصون ... یوم هم علی النار یفتنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۷ - ۶

۶ - سرگذشت قوم لوط ، عبرتی برای بیمناکان از عذاب دردناک کفر و گناه

و ترکنا فیها ءایه للذین یخافون العذاب الالیم

کیفر کفر به آخرت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۱۰

۱۰ - ایمان نیاوردن به آخرت ، کیفر دارد و انسان را در وادی بس بی راهه قرار می دهد .

الذین لایؤمنون بالأخره فی العذاب و الضلل البعید

آوردن موصول به جای اسم ظاهر (الکافرون) دلالت می کند که ایمان نیاوردن، علت گرفتاری در عذاب و واقع شدن در گمراهی دور و دراز است.

کیفر کفر به آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۲

۲- آتش همواره شعلهور هبتم ، کیفر کفر به آیات الهی و انکار روز رستاخیز

كلما خبت زدنهم سعیرا . ذلك جزاؤهم بأنهم كفروا بآيتنا و قالوا أءذا كنا عظم

کیفر کفر به حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۲

۱۲- کافران به حقایق نازل شده از سوی خداوند ، ظالم ، و سزاوار آتش اند .

الحق من ربکم . . . و من شاء فليکفر إنا أعتدنا للظلمين نارًا

کیفر کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من كفر... ثم أضطره إلى عذاب النار

اضطرار یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۷

۱۷- کیفر دادن به سبب کفر به خدا و پیروی نکردن از رسولان او از سنت های الهی است .

و أنذر الناس . . . نجب دعوتك و تتبّع الرسل ... كيف فعلنا بهم و ضربنا لكم الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۱

۱ - شعله های گدازنده آتش ، مهیا برای کافران به خدا و رسول او

و من لم يؤمن . . . فَأِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

کیفر کفر به صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۶

۶ عذاب نازل شده بر قوم ثمود ، پاسخی بود به ناباوری آنان نسبت به تحقق تهدید های صالح (ع)

ائتنا بما تعدنا . . . فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ

از حقایقی که در آیه قبل مطرح شده و می تواند <أَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ> بر آن مترتب باشد، ناباوری قوم ثمود به تهدیدهای حضرت صالح(ع) است، که از جمله <ائتنا بما تعدنا> به دست می آید.

کیفر کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هر گروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و ...) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من يكفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصارااست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ،

مصدقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

کیفر کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر ... ثم اضطره إلی عذاب النار

اضطرار یعنی ، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره ...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

کیفر کفر به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۶

۶ - کفر به پیامبر (ص) و اسلام ، موجب گرفتار شدن آدمی به آتش دوزخ و خلود در آن خواهد شد .

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم ... من كسب سيئه ... هم فيها خالدون

آیه مورد بحث (من کسب ..) قضیه کلی و کبرای آیات گذشته است و آیات پیشین تعیین کننده صغرای این قضیه کلی است. بنابراین کفر به پیامبر(ص) و اسلام - که از جمله <أفتطمعون أن يؤمنوا لكم> (آیه ۷۵) به دست می آید - از مصداقهای <سیئه> است و اصرار بر آن، مصداق <احاطه خطیئه> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ - یهودیان کافر به پیامبر (ص) و استهزا کننده او ، مستحق عذابی دردناک هستند .

و للكفرین عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شعله های گدازنده آتش ، مهیا برای کافران به خدا و رسول او

و من لم يؤمن .. فإنا أعتدنا للكافرين سعيراً

کیفر کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۳

۳ منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا ، مستحق عذاب دوزخند .

إنّ المنافقين فى الدرك الاسفل .. ما يفعل الله بعذابكم إن شكرتم وءامنتم

بنابر اینکه خطاب، متوجه منافقان باشد، آیه شریفه اشاره به ناسپاسی و بی ایمانی آنان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

کیفر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۴

۴- کفران کنندگان نعمت های الهی و حق ناسپاسان ، در معرض عذاب های دنیوی چون بلعیده شدن به وسیله زمین و گرفتار شدن به طوفان شن

و كان الإنسن كفورًا. أفأنتم أن یخسف بكم ... أو یرسل علیكم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۸

۸ - خداوند ، جز کفران کنندگان را مجازات نمی کند .

و هل نجزی إلا الكفور

استفهام در این آیه، انکاری به معنای نفی بوده و مفید برداشت یاد شده است.

کیفر کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۶

۶- مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان مطلع خواهند شد .

بربهم یشر کون .. فتمتّوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶

۷- کمترین کیفر الهی برای جامعه ناسپاس ، پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی فراگیر است . *

فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <اذاق> اشاره به چشاندن و ظاهر ساختن گوشه ای از کیفر باشد و <لباس> اشاره به اثرات و فراگیری آن کیفر داشته باشد.

۱۷- > عن أبي عبد الله (ع) قال : ... ان أهل قرية ممن كان قبلكم كان الله قد أوسع عليهم حتى طغوا فقال بعضهم لبعض : لو عمدنا إلى شيء من هذا النقي فجعلناه نستنجي به كان ألين علينا من الحجارة فلما فعلوا ذلك بعث الله على أرضهم دواباً أصغر من الجراد فلم يدع لهم شيئاً خلقه الله ... إلا أكله من شجر أو غيره فبلغ بهم الجحد إلى أن أقبلوا على الذی كانوا يستنجون به فأكلوه و هي القرية التي قال الله : > ضرب الله مثلاً قرية كانت آمنة مطمئنة يأتيها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع و الخوف بما كانوا يصنعون > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. قبل از شما اهل قریه ای بودند که خداوند در زندگی به آنان کشایش داده بود تا اینکه طغیان کردند و بعضی به بعض دیگر گفتند: اگر به چیزی از این نانها روی آوریم و آن را وسیله استنجا قرار دهیم، برای ما از سنگ نرم تر خواهد بود و چون چنین کردند، خداوند جنبنده های کوچک تر از ملخ را بر سرزمینهای آنان فرستاد و آنها همه چیزهایی که خداوند

آفریده بود از درخت و غیر آن خوردند. در نتیجه سختی به جایی رسید که آنان به همان نانهایی که با آن استنجا کرده بودند، روی آوردند و آنها را خوردند و آن همان قریه ای است که خداوند فرموده است: ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه <...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان ، مطلع خواهند شد .

بربهم یشر کون .. فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۱۹ - ۳۴ - ۷

۷ - مردم سبأ ، به دنبال کفران نعمت های خدا و جاری شدن سیل سد مأرب ، به طور کلی متلاشی و پراکنده شدند .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم .. و مرفنهم کل ممزق

<مزق> در لغت به معنای پاره کردن و از بین بردن اثر آمده و در آیه پراکندن در اطراف و اکناف بلاد است (مجمع البحرین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۵

۵ - مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامد های هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها به قرینه صدر آیه بعد (فأصابهم سيئات ما كسبوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۶

۶ - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها

است .

قتل الإنسان ما أکفره

مراد از <کفر> در <ما أکفره> ممکن است کفران نعمت های خداوند باشد که آیات بعد به بعضی از آنها اشاره دارد. نفرین <قتل الإنسان> در معنای عرفی آن که بیان استحقاق شدیدترین عقوبت ها می باشد استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۹

۹ عذاب خوارکننده ، کیفر کسانی که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند .

و یکتمون ما اتیهم الله من فضله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

کیفر کنز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ آنان که طلا و نقره می اندوزند و از انفاق آن در راه خدا ، امتناع میورزند ، مستحق عذابی دردناکند .

و الذین یکتزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب أليم

کیفر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۹

۹ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و منکران رستاخیز و لطف او به خلق مانع از سلب روزی آنان در دنیا است .

لفی ضلل بعید . الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز

با توجه به معنای <لطیف> که حکایت از رحمت و لطف دارد برداشت یاد شده به دست می آید.

کیفر گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ عقوبت سنگینتر ، بازتاب ضلالت افزونتر

قل هل انبئکم بشرّ

من ذلك مثوبه .. اضل عن سواء السبيل

کیفر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۲، ۱۰

۱۰ نفاق ، فساد در زمین و نصیحت ناپذیری در برابر دعوت به تقوا ، گناه و موجب عذاب جهنم

و من الناس من يعجبك .. فحسبه جهنم

۱۲ جهنم ، کیفر حاکمان مفسد ، سرسخت و حق ناپذیر

و اذا تولى سعى .. فحسبه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۵

۲۵ عزت و قدرت شکست ناپذیر الهی ، پشتوانه مجازات متخلفان از احکام و قوانین الهی

و المطلقات يتربصن .. و لا يحل لهن ... و الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۴ - ۱۰

۱۰ بخشش گناهان انسان و یا عقاب وی ، به مشیت الهی است .

فيغفر لمن يشاء و يعذب من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۷، ۱۱

۷ گرفتاری به عذاب الهی ، نتیجه گناهان

فاخذهم الله بذنوبهم

بنابراینکه <باء> در <بذنوبهم> سببیه باشد.

۱۱ گناهان ، خود ، مایه و وسیله عذاب و کافران است .

فاخذهم الله بذنوبهم

بنابراینکه <باء> در <بذنوبهم> برای استعانت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۶

۶ بخشایش و آمرزش توبه کنندگان و عذاب گناهکاران ، برخاسته از مشیت خداوند

او يتوب عليهم او يعذبهم .. يغفر لمن يشاء و يعذب من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۱۳

۱۳ برخی از گناهان آدمی ، در پی دارنده عذاب های دنیوی

کیف کان عاقبه المکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۶

۱۶ نسبت ناروا به خداوند و کشتن پیامبران ، گناهی بزرگ و موجب عذاب سوزان دوزخ

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیاء بغیر حقّ و نقول ذوقوا عذاب الحریق

<حریق>، به معنای محرق (سوزاننده) است. گفتنی است عذاب سوزان برای کشتن پیامبران و نسبت ناروا به خدا دادن، حاکی از بزرگی چنین گناهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱۴

۱۴ مجازات افزون بر گناه ، ظلمی بزرگ است .

و انّ الله لیس بظلام للعیید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۶

۱۶ عذاب گناهکاران ، متناسب با گناه آنان

لا یحبّ من کان مختالاً فخوراً .. و اعتدنا للكافرين عذاباً مهیناً

توصیف عذاب به خوارکننده و قرار دادن آن برای متکبران و فخر فروشان، حاکی از تناسب عذاب الهی با گناه گناهکاران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۵

۱۵ گناه و تخلف گروهی از یک جامعه ، می تواند مایه گرفتاری همه افراد آن جامعه به عقوبت های دنیوی باشد .

فبظلم من الذین هادوا حرمننا .. و أعتدنا للكفرین منهم عذاباً ألیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ قساوت قلب و نفهمیدن حق ، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد ، عذر نیست .

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

بنی اسرائیل گر چه به سبب ناتوانی از درک حقایق مرتکب تحریف شدند، ولی چون این ناتوانی ناشی از گناه خود آنان بوده است، مورد مذمت خداوند قرار گرفتند. بنابراین عجز از فهمیدن حق، اگر پیامد گناه باشد، نمی تواند عذر شمرده شود.

۱۸ فراموشی ، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد ، عذر نیست .

و نسوا حظاً مما ذكروا به

از اینکه خداوند بنی اسرائیل را به خاطر فراموشی دستورات الهی مذمت کرده، معلوم می شود فراموشی آنان عذر نبوده است. چرا که این فراموشی، کیفر پیمان شکنی آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۷

۷ عذاب الهی ، پیامد آلودگی به گناه

فلم يعذبكم بذنوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ تفاوت کیفر های الهی ، نشاندهنده میزان پلیدی گناهان

قل هل انبئکم بشرّ من ذلك مثوبه عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۵

۱۵ اندازه کیفر ها و مجازات های تعیین شده از سوی خداوند ، بسته به میزان گناه نه کم و نه بیش

فجزاء مثل ما قتل... ليدوق وبال امره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۷

۷ کیفیت و نوع عذاب

الهی ، متناسب با چگونگی و نوع گناه

فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذاباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۱،۲

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و توان درک معارف دینی از آنان سلب شد .

أو لم یهد للذین یرثون .. أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

۲ ابتلای کفرپیشگان تاریخ به کیفرهای الهی ، بیانگر توانایی خداوند به گرفتارسازی گنهکاران موجود به عقوبت گناهانشان است .

أو لم یهد للذین یرثون .. أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم

فاعل <یهد> ضمیری است که به داستان و سرنوشت اقوام پیشین برمی گردد و <أن لو نشاء .. > مفعول آن می باشد. قابل ذکر است که <الذین یرثون> نیز مفعول به واسطه <یهد> است. و چون <یهد> به حرف لام متعدی شده، معنای تبیین در آن تضمین شده است. بنابراین جمله <او لم یهد ... > یعنی آیا سرگذشت پیشینیان برای وارثانشان این حقیقت را روشن نکرده است که اگر مشیت ما اقتضا کند آنان را به سبب گناهانشان عقوبت می کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۸

۸ خداوند انسان ها را تنها بر گناهان مستمرشان مجازات می کند .

هل یجزون إلا ما كانوا یعملون

استمرار از تقارن <كانوا> و فعل مضارع <یعملون> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۷

۷ گناه ، دارای آثار سوء

اجتماعی و روحی ، علاوه بر کیفر الهی

یکفر عنکم سیئاتکم و یغفر لکم

از آنجا که تکفیر و غفران سیئات به یک معناست، می توان تکرار آن را اشاره به آثار دنیوی گناهان (آثار سوء اجتماعی، روحی و ...) و آثار اخروی آنها دانست. که در صورت تقوایشگی خداوند گناهان را می آمرزد و هر دو نوع اثر را می زداید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۵

۵ خداوند فرعونیان و همه کافران پیش از آنان را به سبب گناهانشان به کیفری شدید گرفتار ساخت .

فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوی شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۵

۵ خداوند ، فرعونیان و کافران پیش از آنان را به سبب تکذیب آیات الهی و ارتکاب گناهان به هلاکت رساند .

فأهلکنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۳

۳ همگان ، حتی پیامبران الهی ، در صورت طرد مؤمنان و ارتکاب گناه ، مستحق کیفر و مجازات الهی اند .

من ینصرنی من الله إن طردتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۵

۵ هر کس مسؤول عملکرد خویش است و تنها خودش به خاطر گناهش مؤاخذه می شود .

إن افتريته فعلی إجرامی

<إِجْرَام> به معنای ارتکاب و کسب گناه است. تقدیم <علیّ> بر <إِجْرَامِی> حکایت از حصر دارد؛ یعنی ، گناه افترا (اگر افترایی باشد) تنها متوجه من است نه دیگری.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۱۱

۱۱- برخی از گناهان ، کیفر فرو رفتن در زمین را در پی دارد .

أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۴

۴ - دوزخیان ، خواستار مجازات خویش در صورت بازگشت دوباره به گناه و عصیان ، بعد از فرصت داده شده

ربنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنا ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ هر گناهی از هر کسی ، مجازات الهی را در پی دارد .

و كفى به بذنوب عباده خبيراً

یادآوری آگاهی همه جانبه خداوند، حاکی است که گناه از هر کس که باشد، در پی دارنده مجازات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۸

۸- ابتلائات و مصائب فراوان ، تنها کیفر بخشی از گناهان انسان ها است .

ظهر الفساد .. ليديقهم بعض الذي عملوا

۱۰ - خداوند ، به منظور تبه انسان ها ، تنها بخشی از گناهان را کیفر می هد .

ظهر الفساد في البرّ .. ليديقهم بعض الذي عملوا لعلهم يرجعون

۱۲ - در تنبیهی که برای تبه است ، شایسته است که تنها ، به مجازات بخشی از خطاها اکتفا شود .

ظهر الفساد في البرّ .. ليذيقهم بعض الذي عملوا لعلّهم يرجعون

۱۳ - فلسفه از دست رفتن امکانات دنیوی ، در پی گناه ، تنبیه گناهکاران جهت بازگشت از خطا به صراط مستقیم

است .

ظهر الفساد في البرّ . . . ليذيقهم بعض الذي عملوا

<لام> در <ليذيقهم> لام عاقبت است و <لعلّ> معنای تعلیل دارد و مراد از <فساد> براساس ریشه لغوی آن، یعنی خروج شیء از اعتدال (تباه شدن)، قابل بهره برداری نبودن امکانات و یا از دست دادن آنها است. بنابراین، خداوند، در پی آلوده شدن انسان ها، به گناه، آنان را مبتلا می کند تا به این صورت، بیدارشان سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۵

۵ - آزار و اذیت مردان و زنان مؤمن ، در قبال گناه شان ، منعی ندارد .

و الذين يؤذون المؤمنين . . . بغیر ما اکتسبوا

قید <بغیر ما اکتسبوا> احترازی است و مفهوم اش این است که در صورت ارتکاب جرم و گناه، آزار و اذیت با رعایت شرایط جایز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۴

۴ - سنت خداوند ، بر کیفر گناهان ، فراگیر و شامل همه جوامع ، در پهنه زمین

و ما أصبکم . . . و ما أنتم بمعجزین فی الأرض

با توجه به آیه قبل، می توان گفت که قید <فی الأرض> اشاره به این نکته دارد که گرفتار شدن انسان ها به نتایج عملکرد خویش، سنت الهی در سراسر زمین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۷ - ۶

۶ - سرگذشت قوم لوط ، عبرتی برای بیمناکان از عذاب دردناک کفر و گناه

و ترکنا فیها آیه للذین یخافون العذاب الألیم

کیفر گناه جاهلانہ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۹

۹ خداوند، ستم و گناهی را که از سر غفلت و ناآگاهی باشد، کیفر نمی دهد.

أَن لَّمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكًا الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَفْلُونَ

کیفر گناه کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۴

۴ گناهی که وعده عذاب دوزخ در پی داشته باشد، کبیره است . *

سوف نصليهم ناراً .. ان تجتنبوا كبائر

مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آیه فوق فرمود: الكبائر، التي اوجب الله عزّ و جل عليها النار.

کافی، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۳، ح ۲۰۷.

کیفر گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۶

۶ - اعدام، کیفری پذیرفته شده برای بعضی از گناهان

بأیّ ذنب قتلت

استفهام در این آیه (به کدامین گناه؟) حاکی از پذیرش این نکته است که هر چند برخی گناهان ممکن است مجوز اعدام باشد؛ ولی زنده به گور شدگان، از آن گناهان پاک بودند.

کیفر گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۳

۱۳- ارتکاب گناه کبیره هر چند جاهلانه ، تقلیدی و تحت تأثیر تبلیغات باشد ، کیفر دارد .

ليحملوا أوزارهم . . . و من أوزار الذين يضلّونهم بغير علم

این برداشت، مبتنی بر این اساس است که <من> برای تبعیض و <بغیر> حال برای ضمیر مفعولی باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: آنان به دوش می

کشند گناهان خود و بخشی از گناه گمراه شدگان به دست خود را، هر چند اینها عالم نبوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - گناه ، هرچه بزرگ تر باشد ، کیفر آن سنگین تر خواهد بود .

فدمدم علیهم ربهم بذنبهم

حرف <باء> در <بذنبهم> بیانگر علت عقوبت سنگین ثمودیان و نشانگر آن است که اگر کیفر آنان شدید بود، به جهت گناهی بود که از آنان سرزد. بنابراین ویژگی های کیفر، براساس خصوصیات گناه تعیین می شود.

کیفر گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۸ - ۵

۵ خداوند برای گناهکارانی که توبه را تا آستانه مرگ تأخیر انداخته و کسانی که کافر بمیرند ، عذاب دردناکی آماده کرده است .

و لیست التوبه للذین . . . و لا الذین یموتون و هم کفار اولئک اعتدنا لهم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۶

۱۶ عذاب گناهکاران ، متناسب با گناه آنان

لا یحب من کان مختالاً فخوراً . . . و اعتدنا للكافرين عذاباً مهیناً

توصیف عذاب به خوارکننده و قرار دادن آن برای متکبران و فخر فروشان، حاکی از تناسب عذاب الهی با گناه گناهکاران است.

کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - بنی اسرائیلیان گنهکار و دارای اعمال ناشایست ، مورد تهدید خداوند به کیفر و مجازات

و ما اللّٰه بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان آگاهی و توجه خداوند به اعمال گنهکاران،

تهدید ایشان به کیفر است.

۲۰- انسان های گنهکار و دارای رفتار و کردار ناروا، در خطر گرفتار شدن به کیفر و مجازات الهی هستند .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۲

۲- طوایف و نژاد های مختلف انسانی ، در برابر کیفر گناهانشان ، هیچ امتیازی بر یکدیگر ندارند .

لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة . . . بلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۲

۱۲- یهودیان گنهکار به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

بما قدمت أیدیهم . . . و ما هو بمزحزحه من العذاب

<مزحزحه> (مصدر مزحزح) به معنای دور ساختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۹ - ۹

۹ مقتضای حکمت الهی ، عقابِ خطاکاران پس از بیان احکام و ارائه ادله روشن است .

فان زللتن من بعد ما جاء تکم الیّنات . . ان الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۴

۴ سرزنش خلافکاران و مؤاخذه آنان باید همواره پس از اتمام حجّت باشد .

و کیف تکفرون و انتم تتلی علیکم آیات الله و فیکم رسوله

بنابراینکه استفهام برای توییح بوده و مراد از تلاوت آیات و وجود رسول، اتمام حجت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۸

۸ مشرکان و گناهکارانی که آمرزیده نشوند ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد

نصله جهنم .. إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لِمَنْ يَشْرِكُ بِهِ

بنابر اینکه جمله <ان الله ..> بیانگر علت <نصله جهنم> باشد، معلوم می شود که نجات از جهنم یا سقوط در آن، در گرو آمرزش و عدم آمرزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۹،۱۴

۹ بدکاران ، گرفتار کیفرِ کردار ناپسند خویش خواهند شد .

من يعمل سوءاً یجز به

۱۴ حرمت جلوگیری از اعمال مجازات های الهی ، بر خطاکاران

و لایجد له من دون الله ولیاً و لانصیراً

چنانچه <یُجَز> شامل کیفرهای دنیوی باشد، جمله <لایجد ..> چه نافی باشد و عطف بر جمله <یجز به> و چه ناهیه باشد و جمله ای مستقل ، دلالت می کند که نباید هیچ کس مانع کیفر دیدن خطاکاران شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ عذاب گنهکاران ، مظهر عزت و حکمت خداوند و آمرزش توبه کاران ، جلوه غفران و رحمت او

یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء

چنانچه <یعذب ..> و یغفر اشاره به آیات پیشین داشته باشد. بیان عزت و حکمت خداوند پس از <فاقطعوا> و ذکر غفران و رحمت او پس از <فان الله یتوب علیه> در آن آیات، حاکی از برداشت مذکور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۵

۵ مجازات گناهکاران نتیجه عمل خود ایشان است.

إن الذين يكسبون الإثم سيجزون بما كانوا يقتربون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۸

۸ خداوند تعیین کننده کیفر و سرنوشت شوم خلافکاران و تفرقه افکنان

إنما أمرهم إلى الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۶

۶ کیفر دادن گنهکاران به اندازه گناهشان ستم بر آنان نیست.

و من جاء بالسيئه فلا يجزى إلا مثلها و هم لا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۱۲

۱۲ کیفر های الهی بازتاب اعمال ناروای گناهکاران است .

سيجزون ما كانوا يعملون

<ما> در <ما كانوا يعملون> مصدریه است و مفاد آیه این می شود که <سيجزون عملهم>. مطرح شدن عمل به عنوان جزا حاکی از این است که کیفر ملحدان چیزی جز چهره دیگر همان عمل ناروای آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۲

۲ کیفر الهی در مورد گنهکاران ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

ذلك بما قدمت أيديكم و أن الله ليس بظلم للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۱۱، ۶

۶ خداوند ، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

كفروا بايت الله فأخذهم الله بذنوبهم

۱۱ توجه به سنت الهی در مجازات کافران و گناهکاران ، زمینه ساز پرهیز از کفرورزی و ارتکاب گناه

كدأب ءال فرعون . . . إن الله قوی شدید العقاب

هدف از بیان مؤاخذة کافران و گناهکاران هشدار است به انسانها تا با توجه

به آن در مسیر ایمان و ترک گناه قرار گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۳

۳ تعلق مشیت خداوند به کیفر و یا بخشودن خطاکاران ، بر اساس علم و حکمت گسترده او و دارای فلسفه ای عالمانه و حکیمانه است .

إِذَا يَعْزِبُهُمْ وَإِذَا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۳

۳ کیفر ستم کاران و گنه پیشگان ، مقتضای ربوبیت خداوند و در جهت تدبیر امور انسانهاست .

مَسْؤْمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۳

۳- خداوند ، خصلت تمسخر و استهزا کردن را به منظور کیفر مجرمان تبهکار ، در قلبشان رسوخ داده است .

كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمَجْرِمِينَ

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <نسلکه> استهزا (مصدر یستهزءون) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۹

۱۹ - طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه ، سزاوار کیفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - حق ناپذیری دل های مجرمان ، کیفری تعیین شده از جانب خداوند در قبال جرم هایشان

كذلك سلكنه في قلوب المجرمين

ذکر مشرکان با وصف <المجرمین>، اشعار به علیت حکم دارد؛ یعنی،

>سلکنا القرآن و هو بلسان عربی مبین فی قلوب هؤلاء المشرکین مثل ذلك السلوک جزاء لأجرامهم؛ ما قرآن را با این که به زبان عربی روشن است در دل های مشرکان هم چون زبان عجمی غیر قابل فهم راه دادیم، تاکیفری باشد در برابر جرم هایشان.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۱

۱ - تنها ظالمان و گنه کاران در معرض خطر کیفر و عقاب الهی

إِنِّي لَأِيخَافُ لَدَى الْمَرْسَلُونَ . إِيَّاكَ ظَلَمْتُ ثُمَّ بَدَّلْتُ حَسَنًا

از مفهوم <لایخاف لدی المرسلون> استفاده می شود که غیر از رسولان، هیچ شخص دیگری از عقاب الهی در امان نیست. عبارت <إيّا من ظلم...> استثنا از این مفاد است؛ یعنی، همه ظالمان در معرض خطر قرار دارند، مگر کسانی که ستم کردند ولی آن را با انجام خوبی ها جبران نمودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۱۶، ۱۷

۱۶ - بازگشت انسان های گناهکار ، به صراط مستقیم ، حتی پس از تبتّه دادن شان قطعی نیست .

ليذيقهم بعض الذي عملوا لعلهم يرجعون

<لعلّ> از حروف شبیه به فعل و برای انشا و توقع است؛ یعنی می خواهد بگوید: <امید است که باز گردند.>

۱۷ - در مجازات مجرمان ، باید به جهت های اصلاحی و تربیتی ، توجه شود .

ليذيقهم .. لعلهم يرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۶ - ۲

۲- مواد مذاب و گداخته ، مجازات الهی برای گناه پیشگان

إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقْوِمِ .. كَغُلَى الْحَمِيمِ

- آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، جایگاه فاسقان و گنه پیشگان و کیفر کردار آنان است .

و إِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ

<فجور> یعنی، دریدن پرده دیانت (مفردات راغب). از معانی دیگر <فجور>، فسق و عصیان است. (قاموس)

کیفر گناهکاران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۳،۱

۱ - گنهکاران یهود همانند دیگر گنهکاران ، به اندازه استحقاقشان ، در آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة . . . بلی

<بلی> (چنین نیست) حرف جواب است و برای رد سخن و ادعای مطرح شده به کار می رود. این کلمه در آیه شریفه رد ادعای یهود (لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة) است.

۳ - خداوند ، نه تنها اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده ؛ بلکه در صورت احاطه داشتن گناه بر آنان ، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد .

أَتُخَذَتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا . . . بلی من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

کیفر گناهکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱

۱ - دوزخ ، پایانی خفت بار برای دروغ پردازی ها ، استهزاگری ها و گناه پیشگی کافران

وِيلَ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ . . . اتَّخَذَهَا هَزْوًا ... عذاب مهین . من ورائهم جهنم

کیفر گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۲۶

۲۶ شهادت دهندگان به دروغ و ترک کنندگان شهادت حق ، مورد تهدید خدایند .

وإن

تلوا او تعرضوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بما تعملون خبيراً

بیان آگاهی خداوند به شهادتهای دروغ و ترک شهادت حق، کنایه از تهدید و عذاب الهی است.

کیفر گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۵

۱۵ - موسی (ع) با توجه دادن مرتدان به خالقیت خدا، کیفر قتل را برای آنان امری سازنده دانست.

ذلکم خیر لکم عند بارئکم

انتخاب <بارء> در بیان ضرورت اجرای حکم قتل، به این معنا اشاره دارد که: هر چند کشته شدن به ظاهر از میان رفتن و نابود شدن است، ولی در حقیقت زندگی یافتن و دوباره آفریده شدن است. گفتنی است که تکرار <بارئکم> در دو جمله <توبوا إلی بارئکم> و <ذلکم خیر لکم عند بارئکم> رسای به این است که هر کدام به هدفی خاص آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۱

۱ موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آمزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست.

و لما سکت عن موسی الغضب

وقوع جمله <و لما سکت .. >، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی (ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

کیفر لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا، سزا و کیفر

لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ینوح قد جدلتنا .. فأتنا بما تعدنا ... إن كان الله يريد أن يغويكم

و وقوع جمله <إن كان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جدلتنا ..)، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

کیفر لغزش رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۳

۳- کمترین لغزش رهبران الهی از مواضع تعیین شده به وسیله وحی، دارای کیفری دو چندان در دنیا و آخرت

ترکن إلیهم شیئاً قليلاً. إِذَا لَأَذْنُكَ ضَعْفَ الْحَيَوه و ضَعْفَ الْمَمَات

کیفر لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱،۴،۵

۱ تعزیر و ایذا، کیفر دو مردی که مرتکب فحشا (لواط) شوند .

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

چون در آیه قبل حکم زن زناکار بیان شده، بنابراین آیه مورد بحث در مورد غیر زنان است. پس مراد از <الذان>، دو مردی هستند که مرتکب فاحشه گردند.

۴ کیفر فحشا (لواط و زنا)، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

۵ لزوم تداوم ایذای مرتکبین فحشا (لواط و زنا) تا احراز توبه و اصلاح آنان *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

در برداشت فوق، جمله <فان تابا .. فاعرضوا> عطف بر <فاذوهما> و متفرع بر آن شده است و می رساند که پایان آزار،

توبه آنان است. بنابراین آزار آنان باید همچنان ادامه داشته باشد تا توبه کنند.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۱

۱ خداوند قوم لوط را به سبب مخالفتشان با لوط و استمرارشان بر عمل شنیع لواط به هلاکت رساند .

فانجینه و أهله إلا امرأته كانت من الغبرین

کیفر مانعان از مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۱۷

۱۷ - خواری و ذلت در دنیا ، سزای بازدارندگان مردم از ورود به مساجد

و من أظلم ممن منع مسجد الله .. لهم فی الدنيا خزی

کیفر مانعان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱۸

۱۸ مشرکان ، مانعان زکات و منکران آیات الهی ، در خطر گرفتار شدن به عذاب خدا هستند .

قال عذابی أصیب به من أشاء و رحمتی .. فسأکتبها للذین ... بایتنا یؤمنون

کیفر مبارزه با آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۵

۵ - خلود در جهنم ، کیفر مقابله کنندگان با آیات الهی (قرآن)

و الذین سعوا فی ءایتنا معجزین أولئک أصحاب الجحیم

کیفر مبارزه با انبیا

۶ - جوامع گذشته تاریخ ، یکی پس از دیگری ، با عذاب قهر الهی و در پی تکذیب انبیا و مبارزه با آنان ، مضمحل شدند .

فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا

<إِتْبَاع> (مصدر <أَتْبَعْنَا>) به معنای یکی را در پی دیگری روانه کردن است؛ یعنی، <پس ما امت های

تکذیب گر را پی در پی هلاک کردیم و هر یکی را به دنبال دیگری، به دیار نیستی روانه ساختیم.<

کیفر مبارزه با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۹

۹ جهنم ، سزای کافران حق ستیز

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

کیفر مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۵

۵ - خلود در جهنم ، کیفر مقابله کنندگان با آیات الهی (قرآن)

و الذین سعوا فی ءایتنا معجزین أولئک أصحاب الجحیم

کیفر متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۹

۹ - متجاوزان از مقررات جنگ ، باید مجازات شوند . *

فلا عدون إلا علی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ ربوبیت الهی ، مقتضی کیفر متجاوزان

انی اخاف الله رب العلمین

ترس هاییل، به قرینه آیه بعد، از مجازات خداوند و عذاب دوزخ بوده است. بنابراین توصیف خداوند به <رب العلمین>، می رساند که چون او رب العالمین است، متجاوزان را کیفر می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۲ - ۱

۱ - ستم پیشگان و تجاوزگران به حقوق مردم ، سزاوار پیگرد ، مؤاخذه و مجازات می باشند .

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۴ - ۲،۴

۲ - اسرافگران متجاوز از قانون الهی ، دارای

مجازات هایی از پیش تعیین شده در نزد خداوند

حجاره من طین . مسومه عند ربك للمسرفین

۴ - برنامه الهی در کیفر مجرمان و متجاوزان ، کاملاً دقیق و حساب شده است .

مسومه عند ربك

تعبیر <مسومه عند ربك> و علامت دار بودن سنگ ها، حاکی از وجود دقت و حسابگری در نظام کیفری خداوند برای متجاوزان است.

کیفر متخلفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۱۱

۱۱ خداوند ، قادر بر کیفر تخلف کنندگان از احکام الهی

و الله عزیز حکیم

آوردن صفت <عزیز> (به معنای قادری پیروز و شکست ناپذیر) پس از بیان احکام، تهدیدی است نسبت به متخلفان از احکام الهی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۶

۱۶ متخلفان از قوانین الهی تنها پس از بیان احکام و اتمام حجت سزاوار گرفتاری به عذاب الهی

فمن اعتدی بعد ذلك فله عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۷ - ۴

۴ - وجود کیفر ، برای انسان های متخلف ، در نظام ربوبی خداوند

إن الذین هم من خشیه ربهم مشفقون

کیفر متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۸

۸ منافقان متخلف از جنگ ، مستحق و سزاوار مرگ

نحن نتربص بکم . . بعذاب من عنده أو بأیدینا

کیفر متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۹

۹ عذاب دردناک ، کیفر سخت

متخلفان جنگ

سیصیب الذین . . . عذاب أليم

کیفر مجادله با آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۸ - ۹

۹- جدال در برابر آیاتِ حق و اعراض از آنها و غفلت از گناهان ، دارای کیفر قطعی است .

ذکر بآیت رَبِّه فَأَعْرَضَ عَنْهَا . . . بل لهم موعد

کیفر مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۷

۷ حدود تعیین شده برای مجرمان ، کیفرهایی کافی و مناسب

جزاء بما کسبا

<جزاء> مفعول له برای <فأقطعوا> است و بیانگر آن است که خداوند از آن رو بریدن دست دزد را واجب کرده که کیفر مناسب برای دزدان است و از این تعلیل به دست می آید که تمامی حدود الهی کیفرهایی مناسب با جرم مجرمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۳

۳ وضع قوانین و مقررات و جعل کیفر برای متخلفان ، از شئون خداوند و برخاسته از حاکمیت وی بر جهان هستی

فأقطعوا ایدیہما جزاء بما کسبا . . . الم تعلم إنَّ اللّٰهَ له ملک السموت و الارض

آیه مورد بحث، ناظر به مطالبی است که در آیه قبل بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۹

۹ گسترده‌گی رحمت خدا، مانع کیفر مجرمان نخواهد بود.

ذو رحمة وسعة و لا یرد بأسه عن القوم المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- اعراف - ۷ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ محرومیت ابدی از

رحمت، سنت خداوند در کیفر مجرمان

و كذلك نجزي المجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۱

۱ مجرمان در احاطه آتش دوزخ، از زیر پا و فراز سر

لهم من جهنم مهاده و من فوقهم غواش

<مهاده> به معنای بستر گسترده است و <غواش> (جمع غاشیه) به معنی ساتر و روانداز، عطف بر <مهاده> است و <من فوقهم> حال برای آن. یعنی: لهم من جهنم غواش من فوقهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۸

۸ سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم و تبهکاری در جامعه، غیر قابل بخشش و مستحق مجازات

إن نعت عن طائفه منكم نعتب طائفه بأنهم كانوا مجرمين

تعلیل عذاب دسته ای از منافقان، به اینکه اینان گروه مجرم و تبهکارند در برابر عفو گروهی دیگر می تواند گویای این حقیقت باشد که: سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم، شایسته بخشش نبوده و باید مجازات شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ - بریدن دست و پای مجرمان و بستن آنان به چوبه های دار، از جمله سخت ترین مجازات ها در زمان فرعون بود.

فلاقطّعنّ... ولأصلبّنکم فی جذوع النخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۶، ۱۹

۱۶ - مجرمان و تبه کاران، سزاوار کیفر مرگ در پیشگاه عدل الهی

أولم يعلم أنّ الله قد أهلك من قبله من القرون.. ولا يسئل عن ذنوبهم المجرمون

کیفر دادن تبه کاران ، بدون بازجویی ، محاکمه و اخذ اقرار در بینش الهی جایز است .

و لایسئل عن ذنوبهم المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۴ - ۴

۴ - برنامه الهی در کیفر مجرمان و متجاوزان ، کاملاً دقیق و حساب شده است .

مسومه عند ربك

تعبیر <مسومه عند ربك> و علامت دار بودن سنگ ها، حاکی از وجود دقت و حسابگری در نظام کیفری خداوند برای متجاوزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۵ - ۳

۳ - جدا شدن مؤمنان از صف مجرمان و مسرفان پیش از نزول عذاب ، نمودی از قانون مندی نظام کیفری حق

مسومه عند ربك .. فأخرجنا ... من المؤمنین

ممکن است <أخرجنا..>، نمودی از <مسومه> و مصداقی برای آن باشد.

کیفر محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱۴

۱۴ دشمنان محارب با اهل ایمان ، مستحق عذاب الهی

او یعدّبهم فانّهم ظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۴، ۱۲، ۹، ۷، ۳، ۲، ۱

۱ محاربین و ستیزه جویان با خدا و رسول یا باید کشته شوند و یا به دار آویخته گردند و یا دست و پایشان از جهت مخالف بریده شود و یا تبعید گردند .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّٰه و رسوله .. او ینفوا فی الارض

۲ محاربین در صورت فسادانگیزی در جامعه ایمانی ، محکوم به یکی از حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع

دست و پا و تبعید)

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله . . . او ینفوا فی الارض

برداشت فوق بر این مبناست که او عاطفه در <و یسعون> و او جمع باشد. یعنی حد ذکر شده از آن محاربی است که فسادگر باشد. تکرار نشدن <الذین> در <یسعون> مؤید این معناست.

۳ حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید) ، کیفری مناسب برای محاربان فسادگر

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

<جزاء> در لغت به معنای کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

۷ ضرورت اعمال حتمی کیفر محاربان و مفسدان و پرهیز از کوتاهی در اجرای حدود الهی بر ایشان

انما جزؤا الذین . . . ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم

فعل <یقتلوا> و <یصلبوا> و <تقطع> از باب تفعیل است و دلالت بر تأکید اجرای حدود یاد شده دارد.

۹ محاربان با خدا و رسول (ص) به دلیل فسادگری در زمین محکوم به کیفری سنگین

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا

بنابر اینکه <یسعون فی الارض> عطف تفسیری برای <الذین یحاربون> باشد، می توان گفت داعی بر تفسیر محاربان به فسادگران در زمین، بیان علت کیفری است که برای آنان ذکر شده است.

۱۲ کیفرهای ویژه محاربان مفسد ، کیفرهایی خوار کننده و ذلت آور

ذلك لهم خزی فی الدنيا

۱۴ ضرورت برگزیدن شیوه ای ذلت آفرین و اهانت آمیز در اجرای حد بر محارب مفسد

ذلك لهم خزی فی الدنيا

<لهم خزی> می تواند ارشاد به چگونگی اجرای حد محاربان باشد. یعنی به

گونه ای حدود الهی را بر آنان جاری کنید که به خواری آنان منجر گردد.

۲۰ سلاح بر گرفتن و ایجاد ناامنی در راه ها همراه با قتل ، محاربه با خدا و رسول و کیفر آن اعدام است .

انما جزؤا الذین یحاربون الله .. ان یقتلوا

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ از سؤال حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: .. و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس امر بقتلهم

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

۲۱ حاکم اسلامی ، وظیفه دار برگزیدن یکی از مجازات های چهارگانه محارب ، با رعایت تناسب بین مجازات و جنایت وی

انما جزؤا الذین یحاربون الله .. او ینفوا من الارض

از امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق روایت شده: ذلك الى الامام يفعل به ما يشاء، قلت: فمفوض ذلك اليه؟ قال: لا، و لكن نحو الجنایه.

کافی، ج ۷، ص ۲۴۶، ح ۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۲، ح ۱۶۴.

۲۲ اعدام ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل

انما جزؤا الذین یحاربون الله .. ان یقتلوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب الله و رسوله و سعی فی الارض فساداً فقتل قتل به ...

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۳ اعدام و بدار آویختن ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل و غارت

انما جزؤا الذین یحاربون الله .. او یصلبوا

از امام رضا(ع) درباره آیه

فوق روایت شده: اذا حارب الله و رسوله و سعى فى الارض فساداً .. و ان قتل و اخذ المال قتل و صلب ...

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۴ قطع یک دست و یک پا از جهت مخالف، مجازات محارب فسادگر در زمین، در صورت غارت نمودن اموال بدون ارتکاب قتل

انما جزؤا الذين يحاربون الله .. او تقطع ايديهم و ارجلهم من خلف

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب الله و رسوله و سعى فى الارض فساداً .. و ان اخذ المال و لم يقتل قطعت يده و رجله من خلاف ...

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۵ تبعید محارب (از محل ارتکاب جرم به شهری دیگر) و قطع معاشرت وی با مردم، کیفر سلاح بر کشیدن بدون قتل و غارت

انما جزؤا الذين يحاربون الله .. او ينفوا من الارض

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: .. و ان شهر السيف فحارب الله و رسوله و سعى فى الارض فساداً و لم يقتل و لم يأخذ المال ... ينفى من المصر الذى فعل فيه ما فعل الى مصر غيره و يكتب الى اهل ذلك المصر انه منفى فلا تجالسوه و لا تبايعوه و لا تناكحوه و لا تواكلوه و لا تشاربوه ...

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۶ زندانی کردن، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها، بدون قتل و غارت

انما جزؤا

الذین یحاربون الله .. او ینفوا من الارض

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: .. فان كانوا اخافوا السبیل فقط و لم یقتلوا احداً و لم يأخذوا مالا امر بایداعهم الحبس فان ذلك معنی نفیهم من الارض ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

۲۷ بریدن یک دست و یک پا از جهت مخالف و سپس به دار آویختن، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها به همراه قتل و غارت اموال

انما جزوا الذین یحاربون الله و رسوله .. و ارجلهم من خلف

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: .. و ان كانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس و اخذوا المال امر بقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف و صلبهم بعد ذلك ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۴ - ۴

۴ مردم، فاقد هرگونه حقی در ثبوت و یا سقوط حد محاربان و مفسدان

الا الذین تابوا

خداوند حد محارب مفسد را در صورت توبه او ساقط کرده است و سقوط آن را مشروط به چیزی، مانند اعلام رضایت صاحبان حق، قرار نداده است. بنابراین در اثبات و نفی این حد، برای مردم حقی وجود ندارد.

کیفر محرومان از توشه اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف

۳- دوزخ ، جزای آنانی است که در صحنه قیامت ، بی توشه و تهیدست اند .

فلانقیم لهم يوم القیمه وزناً . ذلک جزاؤهم جهنم

کیفر مخالفان تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۷

۷- گرفتن مو های بالای پیشانی تکذیب گران دین و کشاندن ذلیلانه آنان به سوی آتش ، کیفر مخالفت آنها با نماز ، هدایت و تقوا

ینهی . عبداً إذا صلی ... لئن لم ینته لנסفعا بالناصیه

<ناصیه> به معنای انتهای رستنگاه مو از قسمت جلو سر است، ریشه این کلمه بر <علو> دلالت دارد و چون رستنگاه ناصیه در قسمت بالای سر است، این نام را بر آن نهاده اند (مقایس اللغه). قسمت جلو سر را نیز <ناصیه> گویند (تاج العروس). <نسفن> که <نون تأکید> آن به صورت تنوین نوشته می شود یعنی، چنگ می زنیم و می کشانیم و ممکن است به معنای <سیاه می کنیم>، <نشانه می گذاریم> یا <به خواری می کشانیم> باشد. (بر گرفته از قاموس)

کیفر مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۱۷

۱۷- بی تقوایان و مخالفت کنندگان با پیامبر (ص) ، دارای کیفری شدید

و ما ءاتیکم الرسول فخذوه .. و اتقوا الله إن الله شدید العقاب

کیفر مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۷

۷- گرفتن موهای بالای پیشانی تکذیب گران دین و کشاندن ذلیلانه آنان به سوی آتش،

کیفر مخالفت آنها با نماز، هدایت و تقوا

ینهی . عبداً إذا صلی ... لئن لم ینته لفسفعا بالناصیه

<ناصیه> به معنای انتهای رستنگاه مو از قسمت جلو سر است، ریشه این کلمه بر <علو> دلالت دارد و چون رستنگاه ناصیه در قسمت بالای سر است، این نام را بر آن نهاده اند (مقایس اللغة). قسمت جلو سر را نیز <ناصیه> گویند (تاج العروس). <نسفن> که <نون تأکید> آن به صورت تنوین نوشته می شود یعنی، چنگ می زنیم و می کشانیم و ممکن است به معنای <سیاه می کنیم>، <نشانه می گذاریم> یا <به خواری می کشانیم> باشد. (برگرفته از قاموس)

کیفر مخالفت با تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۹

۹ - سیه رویی و ثبت نشانه دروغ گویی و گناه کاری بر پیشانی تکذیب گران دین، کیفر مخالفت آنان با نماز، هدایت و تقوا

لنسفعا بالناصیه

برداشت یاد شده، ناظر به معانی گوناگونی است که برای <سفع> در توضیح برداشت هفتم ذکر شد. وصف های <کاذبه> و <خاطئه> (در آیه بعد)، مشخصات نشانه را بیان کرده است.

کیفر مخالفت با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۷

۷ - کیفر خدا در انتظار کسانی است که با احکام او (نظیر قبله قرار دادن مسجدالحرام) مخالفت کنند.

و ما الله بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان نظارت خدا بر اعمال بندگان، تهدید کسانی است که با احکام او مخالفت می کنند.

کیفر مخالفت با رهبری

جلد - نام سوره - سوره -

۲۰ مخالفت با رهبری کسی که با انتخاب مشروع برگزیده شده باشد، موجب عذاب جهنم است.

و من یشاقق الرسول... و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولى

امیرالمومنین (ع) فرمود: ... فان اجتمعوا علی رجل و سموه اماماً كان ذلك لله رضی فان خرج عن امرهم خارج بطعن او بدعه ردوه الی ما خرج منه فان ابی قاتلوه علی اتباعه غیر سبیل المؤمنین و ولاء الله ما تولى ...

نهج البلاغه، نامه ۶ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۱، ح ۵۶۶.

کیفر مخالفت با نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۹

۹ - سیه رویی و ثبت نشانه دروغ گویی و گناه کاری بر پیشانی تکذیب گران دین، کیفر مخالفت آنان با نماز، هدایت و تقوا

لنسفعا بالناصیه

برداشت یاد شده، ناظر به معانی گوناگونی است که برای <سفع> در توضیح برداشت هفتم ذکر شد. وصف های <کاذبه> و <خاطئه> (در آیه بعد)، مشخصات نشانه را بیان کرده است.

کیفر مخالفت با هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۹

۹ - سیه رویی و ثبت نشانه دروغ گویی و گناه کاری بر پیشانی تکذیب گران دین، کیفر مخالفت آنان با نماز، هدایت و تقوا

لَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ

برداشت یاد شده، ناظر به معانی گوناگونی است که برای <سفع> در توضیح برداشت هفتم ذکر شد. وصف های <کاذبه> و <خاطئه> (در آیه بعد)، مشخصات نشانه را بیان کرده است.

کیفر مدعیان الوهیت

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۹ - ۴

۴- جهنم ، کیفر مدعیان دروغین الوهیت است .

و من یقل منهم إنی إله من دونه فذلک نجزیه جهنم

کیفر مرتد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۳۲

۳۲ کسی که مُرتدّ بمیرد ، همیشه در عذاب دوزخ است .

و من یرتدد منکم عن دینه فیمت . . . و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۱،۳

۱ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر مرتدّان

قوماً کفروا بعد ایمانهم . . . خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب

۳ خداوند بدون مهلت و تأخیر ، مرتدّان و کافران یهود و نصارا را عذاب می کند .

لا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۵،۱۱

۵ روسیاهی و عذاب مرتدّان در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتهم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب

۱۱ مرتدّانِ روسیاه ، مورد بازخواست و سرزنش در قیامت

فاما الذين اسودت وجوههم اكفرتهم بعد ايمانكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۹

۹ عذاب دردناك الهی ، كيفر انتخاب کنندگان كفر به بهای از دست دادن ايمان (مرتدان)

انّ الذين اشتروا الكفر بالايمان .. لهم عذاب اليم

كيفر مردم مغرب سرزمين ذوالقرنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ -

۸ ذوالقرنین ، از سوی خداوند ، در مجازات یا بخشش ساحل نشینان غربی ، مخیر شد .

قلنا یدالقرنین إِمَّا أَنْ تَعُدَّ و اما ان تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا

کیفر مروجان لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۳

۱۳ - رواج دهندگان باطل ، مستحق عذابی خوارکننده اند .

من یشتری لهو الحدیث .. أولئك لهم عذاب مهین

کیفر مساحقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۵، ۶، ۳، ۲

۲ کیفر زن در صورت مساحقه (همجنس بازی) حبس ابد است . *

و الّتی یأتین الفاحشه من نساءکم .. فامسکوهنّ فی البیوت

۳ زن زناکار و همجنس باز در صورتی که مسلمان باشد ، به حبس ابد محکوم می شود .

و الّتی یأتین الفاحشه من نساءکم

چنانچه <کم> خطاب به جامعه اسلامی باشد، مراد از <نساء> زنان مسلمان خواهد بود.

۶ کیفر فحشا (زنا ، مساحقه) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الّتی یأتین الفاحشه من نساءکم

۱۵ وعده خداوند به جعل کیفری خفیفتر از حبس ابد برای زنانی که مرتکب زنا و یا مساحقه شوند .

حتّی یتوفّیهنّ الموت او یجعل الله لهنّ سیلا

جمله <او يجعل الله .. >، حاکی است که کیفر دیگر برای زن زناکار جعل خواهد شد؛ و لام در <لهنَّ>، مشعر به این است که آن کیفر خفیفتر از حبس ابد می باشد.

کیفر مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۹ - ۳

مستضعفان ناتوان از هجرت ، به جهت ماندن در بلاد کفر ، سزاوار کیفرند . *

فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۱

۱ - اعتراف مستکبران به مشترک بودنشان با مستضعفان پیرو خود ، در کیفر و عذاب الهی

قال الذين استكبروا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا

کیفر مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۲ - ۱۰

۱۰ تهدید مستکبران و امتناع کنندگان از بندگی خداوند به احضار در پیشگاه خداوند برای حسابرسی و مجازات

و من يستكف عن عبادته ويستكبر فسيحشرهم إليه جميعاً

جمله <فسيحشرهم> کنایه از حسابرسی و مجازات مستکبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۹،۱۶

۹ بی پناهی مستکبران رویگردان از بندگی خدا در برابر کیفر الهی در قیامت

اما الذين استكفوا و استكبروا فيعذبهم عذاباً أليماً و لا يجدون لهم من دون الله و

۱۶ کیفر مستکبران بیش از استحقاق آنان نخواهد بود .

فاما الذين ءامنوا... و اما الذين استكفوا و استكبروا فيعذبهم عذاباً أليماً

خداوند در پاداش مؤمنان جمله <و یزیدهم من فضله> را آورد ولی در کیفر مستکبران چیزی بر آنچه استحقاق دارند (عذاب الیم) نیفزود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۱،۲

۱- گردن فرازان و عصیان گران در برابر خداوند رحمان ، سزاوار سوختن در آتش دوزخ اند .

حول جهنم . . . ثم لنحن أعلم ... بها صلياً

<صلياً> (از صلي يَصلي) تمیز برای <أولى> و به معنای

سوختن و چشیدن حرارت آتش است (لسان العرب). بنابراین مفاد عبارت <أعلم... صلياً> این است که: ما بهتر می دانیم چه کسی برای جهنم سزاوارتر است، از نظر چشیدن آتش و بریان شدن در آن. <أولویت> برای برخی نشانه آن است که بقیه نیز استحقاق دارند؛ گرچه ممکن است اولویت نداشته باشند.

۲- تفاوت مراتب مستکبران و عصیان گران در استحقاق آتش دوزخ

علی الرحمن عتياً . ثم لنحن أعلم بالذین هم أولى بها صلياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۱

۱ - اعتراف مستکبران به مشترک بودنشان با مستضعفان پیرو خود ، در کیفر و عذاب الهی

قال الذین استکبروا إنا کلّ فیها

کیفر مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۷ - ۱،۷

۱ - زندگانی سخت و تنگ در دنیا و کوری و گرفتار بی مهری خداوند شدن در قیامت ، کیفر اسرافکاران است .

معیشه ضنگاً و نحشر یوم القیمه أعمی . . . و کذلک نجزی من أسرف

اسراف؛ یعنی، از حد اعتدال فراتر رفتن (مصباح). در این آیه، مراد از آن به قرینه <من اتبع هدای> تجاوز از رهنمودهای الهی است. <ذلک> در <کذلک> اشاره به کیفرهایی است که در آیات پیشین برای اعراض کنندگان از یاد، خدا بیان شده است.

۷ - مسرفان و ترک کنندگان ایمان به آیات خداوند ، علاوه بر کیفر شدن در دنیا و کور بودن در روز قیامت ، آخرتی همراه با عذاب سخت تر و مداوم تر خواهند داشت .

و لعذاب الآخره أشدّ و أبقى

<کذلک> می رساند که زندگی سخت در دنیا

و کوری قیامت، علاوه بر غافلان، مسرفان بی ایمان را نیز تهدید می کند و جمله <لعذاب الآخره..> حاکی از عذابی اضافه بر آن است که پس از پایان روز قیامت، آغاز شده و شدیدتر و طولانی تر از عذاب، دنیا و قیامت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۴ - ۲

۲ - اسرافگران متجاوز از قانون الهی ، دارای مجازات هایی از پیش تعیین شده در نزد خداوند

حجاره من طین . مسومه عند ربك للمسرفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۵ - ۳

۳ - جدا شدن مؤمنان از صف مجرمان و مسرفان پیش از نزول عذاب ، نمودی از قانون مندی نظام کیفری حق

مسومه عند ربك .. فأخرجنا ... من المؤمنین

ممکن است <أخرجنا..>، نمودی از <مسومه> و مصداقی برای آن باشد.

کیفر مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۳

۳ خداوند بدون مهلت و تأخیر ، مرتدّان و کافران یهود و نصارا را عذاب می کند .

لا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۱۶

۱۶ عذاب سخت اهل کتاب (یهود و نصارا) ، به خاطر تفرقه و اختلاف

و لا تكونوا کالذین تفرّقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات و اولئک لهم عذاب ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ -

۱۴ هشدار خداوند به مسلمانان با بیان مجازات یهود و نصارا به خاطر نقض پیمان الهی

فَمَا نَقْضَهُمْ مِيثَقَهُمْ .. و من الذين قالوا إنا نصرى اخذنا ميثقهم فنسوا

بیان مجازات مسیحیان و یهودیان به خاطر پیمان شکنی آنان پس از <اذکروا .. ميثقه> (ای مسلمین پیمان الهی را به یاد داشته باشید)، هشداری است به مسلمانان که مبادا همانند اهل کتاب پیمان الهی را نقض کنند.

۱۹ مسیحیان پیمان شکن ، مورد تهدید خداوند به عذاب و کیفر اعمال خویش

و سوف ينبئهم الله بما كانوا يصنعون

جمله <ينبئهم الله ..>، کنایه از کیفر دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۲

۲۲ اراده خداوند به عذاب بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (ص)

فان تولوا .. ان يصيبهم ببعض ذنوبهم و إن كثيراً من الناس لفسقون

کیفر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۷۸

۷ توبه مشرکان و پذیرش آن از سوی خداوند و یا عذاب و مجازات آنان ، هدفی برای نصرت الهی به رزمندگان بدر

ولقد نصرکم الله ببدر .. ليقطع طرفاً ... او يتوب عليهم

جمله <يتوب عليهم> و نیز <يعذبهم>، عطف است بر <يقطع طرفاً> و این جمله متعلق به <نصرکم الله ببدر> است. و لذا عذاب مشرکان و پذیرش توبه آنان نیز از اهداف پیروزی جنگ بدر خواهد بود.

۸ کیفر و مجازات و یا پذیرش توبه مشرکان ، در اختیار خداوند است ، نه پیامبر (ص)

ليس لك من الامر شيء

او يتوب عليهم او يعذبهم

پذیرش توبه و عذاب مشرکان، می تواند از مصادیق جمله <ليس لك من الامر شيء > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۸

۸ مشرکان و گناهکارانی که آمرزیده نشوند، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد.

نصله جهنم .. إن الله لا يغفر ان يشرك به

بنابر اینکه جمله <ان الله .. > بیانگر علت <نصله جهنم > باشد، معلوم می شود که نجات از جهنم یا سقوط در آن، در گرو آمرزش و عدم آمرزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۶

۶ مشرکان به سبب شریک پنداشتن برای خداوند مستحق آسیب و کیفر هستند.

فأى الفريقين أحق بالأمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۶

۶ کیفر الهی در انتظار مشرکانی است که توصیفهای ناروا و احکام ساخته خود را به خدا نسبت می دادند.

سیجزيهم بما كانوا يفترون. و قالوا ما فى بطون ... سيجزيهم وصفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فى أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فى النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱۸

۱۸ مشرکان ، مانعان زکات و منکران آیات الهی ، در خطر گرفتار شدن به عذاب خدا هستند .

قال عذابی

أصيب به من أشاء و رحمتى .. فسأكتبها للذين ... بايتنا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - اعراف - ٧ - ١٧٣ - ٦

٦ خداوند مشركان را در قيامت مؤاخذه مى كند و كيفر مى دهد .

أفهلكننا بما فعل المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس - ١٠ - ٨ - ١

١ دوزخ ، جايگاه ابدى مشركان و منكران رستاخيز

إن الذين لا يرجون لقاءنا .. و الذين هم عن ءايتنا غفلون. أولئك مأويهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس - ١٠ - ١١ - ٦

٦ كفرمداران و شرك پيشگان ، مستحق عذاب و كيفر الهى در دنيا

و لو يعجل الله للناس الشر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - هود - ١١ - ١٠٢ - ٢

٢ امت هاى ستم پيشه (جوامع كفرپيشه و مشرك) در خطر گرفتار شدن به عقوبت هاى الهى و عذاب هاى استيصال هستند .

و كذلك أخذ ربك إذا أخذ القرى و هى ظلمه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - هود - ١١ - ١٠٩ - ٨

٨ خداوند ، سزا و كيفر مشركان را بى هيچ كم و كاستى به آنان خواهد رساند .

و إنا لموفونهم نصيبهم غير منقوص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۶ - ۳

۳- مشرکان استهزاگر پیامبر (ص)، به کیفر شدیدی تهدید شدند.

المستهزئين. الذين يجعلون مع الله إلهًا آخر فسوف يعلمون

جمله <فسوف يعلمون> (به زودی خواهند دانست)

در مقام تهدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۱۱

۱۱- بی شک کیفر مشرکان افترا زننده بر خدا، آتش است .

لاجرم أن لهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إنه يعلم الجهر من القول و يعلم ماتکتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشدار به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۶ - ۴

۴ - صبر در برابر بدرفتاری های مشرکان و وانهادن کیفر آنان به خدا، توصیه ای الهی به پیامبر (ص) در مقطع پیش از هجرت

ادفع بالتي هي أحسن السيئة نحن أعلم بما يصفون

برداشت فوق، با توجه به مکی بودن سوره مؤمنون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ - هلاکت و نابودی اقوام مشرک، در اثر عذاب الهی، بخشی از کیفر عمل آنان بوده است .

ليذيقهم بعض الذي عملوا .. فانظروا كيف كان عقبه الذين من قبل

چون این آیه، در مقام استشهاد برای مفاد آیه پیش است، این نکته به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۱۸

۱۸ - تهدید شدن مشرکان ، به عذاب و

کیفر از جانب خداوند

و الذین اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ .. . إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

ما يقال لك إلا ما قد قيل للرسل .. . إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱

۱ - عذاب و کیفر الهی ، متوجه مردان و زنان منافق و مشرک

و يعذب المنافقين و المنفقت و المشركين و المشركت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۲۱

۲۱ - تأکید ابراهیم (ع) ، بر عدم امکان دخالت او در حکم و قانون خدا علیه مشرکان

و ما أملك لك من الله من شيء

تعبیر <من شيء> در بردارنده تأکید، نسبت به عدم امکان مداخله در حکم خداوند است.

کیفر مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵ - ۲

۲ - مشرکان صدر اسلام ، مورد تهدید خداوند به کیفر های سخت دنیایی

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ

قید <فِي الْأُخْرَى> در ذیل آیه، نشانگر آن است که مراد

از <سوء العذاب> عذاب دنیوی و تقدیر آن چنین است: <أولئك الذين لهم في الدنيا سوء العذاب>.

کیفر مشرکان مفتری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۷

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

کیفر مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۳ - ۵

۵ سرکوبی و شکست مشرکان در جنگ بدر ، عقاب شدید الهی برای آنان

فاضربوا فوق الأعناق .. . فإن الله شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۳

۳ مشرکان حاضر در کارزار بدر ، مردمی کفرپیشه و مستحق عذاب با آتش دوزخ

و أن للكفرین عذاب النار

از مصادیق مورد نظر برای <للكفرین> مشرکان حاضر در کارزار بدر می باشد.

کیفر مضاعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۱

۱ کسانی که رو به سوی شرک آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند ، در قیامت دو چندان عذاب و کیفر خواهند شد .

يضعف له العذاب يوم القيمة

در این که چرا افراد یاد شده، دو چندان مجازات خواهند شد، میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مقصود از >یضعف< ..> دو چندان شدن مجازات کسانی است که هر سه گناه شرک، آدم کشی و زنا را با هم مرتکب شوند؛ زیرا شرک

موجب دو چندان شدن مجازات بزه کاری می شود. برداشت یاد شده و برداشت بعدی مبتنی بر این نظریه است. ۲- مقصود، تشدید مجازات افراد یاد شده است نه دو چندان شدن آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۱،۷

۱ - در صورتی که همسران پیامبر، آشکارا کار زشتی انجام دهند، کیفرشان دوچندان خواهد بود.

ینساء النبى من یأت منکن بفحشه مبینة یضعف لها العذاب ضعفین

۷ - > عن أبی جعفر (ع) قال : أجزها مرتین و العذاب ضعفین کلّ هذا فی الآخره حیث یکون الأجر یکون العذاب . . .

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: پاداش دو برابر برای زنان پیغمبر، و عذاب دو برابر، هر دو در آخرت است. عذاب، در همان جا است که پاداش هست.

کیفر معرضان از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۷ - ۷

۷ - مسرفان و ترک کنندگان ایمان به آیات خداوند، علاوه بر کیفر شدن در دنیا و کور بودن در روز قیامت، آخرتی همراه با عذاب سخت تر و مداوم تر خواهند داشت.

و لعذاب الآخره أشدّ و أبقى

<کذلک> می رساند که زندگی سخت در دنیا و کوری قیامت، علاوه بر غافلان، مسرفان بی ایمان را نیز تهدید می کند و جمله <لعذاب الآخره..> حاکی از عذابی اضافه بر آن است که پس از پایان روز قیامت، آغاز شده و شدیدتر و طولانی تر از عذاب، دنیا و قیامت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۳

۳ - وعده خداوند به پاداش مؤمنان و کیفر معرضان از آیات خدا، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است.

فبشّره بعذاب أليم .. لهم جنّٰت النعيم ... وعد الله حقًا

<وعد> مفعول مطلق و <حقًا> تأکید آن است و دلالت بر حقانیت و تخلف ناپذیری آن می کند.

کیفر معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۷

۷ - کسانی که خود را از رهنمود های خداوند و تذکرات قرآن بی نیاز می پندارند، کافر و سزاوار سخت ترین کیفرهایند.

قتل الإنسان ما أکفره

این آیه و آیات بعد را می توان با آیات پیشین، مرتبط دانست؛ در این صورت حرف <ال> در <الإنسان> عهد ذکر می بوده و اشاره به <من استغنی> در آیات قبل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۵

۵ - باد های کوبنده و درهم شکننده، از عوامل خداوند در کیفر اعراض کنندگان از او

یعيدکم .. فیرسل علیکم قاصفًا من الريح فیغرقکم بما کفرتم

<قاصف> از مصدر <قصف> به معنای شکننده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۲

۲ - همدمی با شیطان، کیفر الهی برای اعراض کنندگان از یاد او

و من يعش عن ذكر الرحمن نقيض له شيطناً

كيفر معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۷

۷ - کسانی که

خود را از رهنمود های خداوند و تذکرات قرآن بی نیاز می پندارند ، کافر و سزاوار سخت ترین کیفرهایند .

قتل الإنسان ما أكفره

این آیه و آیات بعد را می توان با آیات پیشین، مرتبط دانست؛ در این صورت حرف <ال> در <الإنسان> عهد ذکر می بوده و اشاره به <من استغنی> در آیات قبل خواهد بود.

کیفر مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۵

۵ جهنم ، جایگاه مغضوبین در گاه خداوند

فقد بآء بغضب من الله و مأویه جهنم

کیفر مفتریان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۱۱

۱۱- بی شك کیفر مشرکان افترا زننده بر خدا ، آتش است .

لاجرم أن لهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۴ - ۷

۷- نسبت دهندگان فرزند به خداوند ، از احاطه کامل او بیرون نستند و مجازات الهی در انتظار آنان است .

لقد أحصیهم وعدّهم عدًّا

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در <أحصاهم>، فاعل <قالوا> (در آیات پیشین) گرفته شده است. در این صورت آیه در مقام تهدید کسانی است که به فرزندگزینی خداوند قائل می باشند و مراد از <مشخص بودن تعداد> این است که احدی از آنان نمی تواند از عقوبت این کار بگریزد.

کیفر مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۶

۱۶- اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، نیازمند به هشدار الهی ، به خاطر بی خبری از پیامد گناه

و کیفر عمل زشت خویش

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم ... ألا ساء ما یزرون

کیفر مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۴، ۲۳، ۱۴، ۱۲، ۷، ۵

۵ تبهکاران و فسادانگیزان جامعه ایمانی ، محکوم به یکی از حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید)

*

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی . . او ینفوا من الارض

کلمه <فی الارض> بیانگر این است که مراد از <فساد>، فساد در جامعه است، نه فسادهای فردی. گفتنی است که در برداشت فوق <فسادگری> عنوانی مستقل از محارب گرفته شده است.

۷ ضرورت اعمال حتمی کیفر محاربان و مفسدان و پرهیز از کوتاهی در اجرای حدود الهی بر ایشان

انما جزؤا الذین . . ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم

فعل <یقتلوا> و <یصلبوا> و <تقطع> از باب تفعیل است و دلالت بر تأکید اجرای حدود یاد شده دارد.

۱۲ کیفرهای ویژه محاربان مفسد ، کیفرهایی خوارکننده و ذلت آور

ذلک لهم خزی فی الدنیا

۱۴ ضرورت برگزیدن شیوه ای ذلت آفرین و اهانت آمیز در اجرای حد بر محارب مفسد

ذلک لهم خزی فی الدنیا

<لهم خزی> می تواند ارشاد به چگونگی اجرای حد محاربان باشد. یعنی به گونه ای حدود الهی را بر آنان جاری کنید که به خواری آنان منجر گردد.

۲۳ اعدام و بدار آویختن ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل و غارت

انما جزؤا الذین یحاربون الله . . او یصلبوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب الله

و رسوله و سعی فی الارض فساداً .. و ان قتل و اخذ المال قتل و صلب ...

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۴ قطع یک دست و یک پا از جهت مخالف، مجازات محارب فسادگر در زمین، در صورت غارت نمودن اموال بدون ارتکاب قتل

انما جزؤا الذین یحاربون الله .. او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلف

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب الله و رسوله و سعی فی الارض فساداً .. و ان اخذ المال و لم یقتل قطعت یده و رجله من خلاف ...

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۴ - ۴

۴ مردم، فاقد هرگونه حقی در ثبوت و یا سقوط حد محاربان و مفسدان

الا الذین تابوا

خداوند حد محارب مفسد را در صورت توبه او ساقط کرده است و سقوط آن را مشروط به چیزی، مانند اعلام رضایت صاحبان حق، قرار نداده است. بنابراین در اثبات و نفی این حد، برای مردم حقی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۹

۹- مجازات و کیفر فسادانگیزان، از سنت های تخلف ناپذیر الهی است.

و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنم للكفرین حصیرًا

کیفر مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۵۸

۵ مجازات کافران و تکذیب کنندگان آیات

الهی ، از سنت های خداوند است .

كذّاب ال فرعون و الذین من قبلهم كذّبوا بآیاتنا فاخذهم اللّٰه بذنوبهم

خداوند همه کافران را در همه عصرها، تهدید به عذاب کرده و از این، عمومیت سنت الهی در مورد کافران، استنباط می شود.

۸ فرعونیان و پیشینیانسان که تکذیب کنندگان آیات الهی بودند ، گرفتار عقوبت شدید خدا شدند .

كذّبوا بآیاتنا فاخذهم اللّٰه بذنوبهم و اللّٰه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۲

۲ - تکذیب گران دین ستیز ، به آتش برافروخته در قیامت گرفتار خواهند بود .

و جحیمًا

کیفر مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴ - ۳

۳ - بینش غلط منکران آخرت در تشخیص زشتی کردار خویش ، کیفری الهی برای آنان

إِنَّ الذّٰینَ لَا یؤمنون بِالْآخِرَةِ زینّا لهم أعملهم

تعبیر <زینّا> (ما آراستیم) اشاره به این حقیقت دارد که بینش نادرست کافران در عرصه ارزش گذاری، نتیجه ای است که خداوند در ازای حق ناپذیری آنان مقرر فرموده است.

کیفر مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، کیفر و سزای انکار کنندگان و تکذیب کنندگان آیات الهی است .

و الذين كفروا و كذبوا بأيتنا أولئك أصحاب النار

<تكذيب> (مصدر كذبوا) به معنای: نسبت دروغ دادن است. <آیاتنا> علاوه بر تعلقش به <كذبوا> متعلق به <كفروا> نیز می باشد. جمله <الذين كفروا...> عطف بر جمله <من تبع...> است و بیانگر گروهی است که هدایتها و رهنمودهای الهی را

پذیرا نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَا تُبٰهُمُ اَنْبِیَا مَا كَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِءُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۱،۳

۱ گرفتاری به آتش دوزخ فرجام منکران رسالت انبیا و تکذیب کنندگان آیات الهی (احکام و معارف نازل شده بر پیامبران)

و الذین کذبوا .. هم فیها خلدون

۳ آتش دوزخ ابدی است و تکذیب کنندگان آیات الهی در آن جاودان هستند.

أولئک أصحاب النار هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۲

۲ تکذیب کنندگان و اعراض کنندگان از آیات الهی در بستری از آتش جهنم و توده هایی آتشین بر فراز خویش، گرفتار خواهند شد.

لهم من جهنم مهّاد و من فوقهم غواش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۸

۸ بی اعتنایی خداوند به کافران و به فراموشی سپردن آنان در آخرت، سزای غفلت آنان از قیامت و انکار آیات الهی است.

فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا و ما کانوا بایتنا یجحدون

حرف <کاف> در <کما نسوا> تعلیلیه است و <ما> مصدریه ; یعنی <لنسیانهم>. همچنین <ما> در <ما کانوا> مصدریه است و عطف بر <ما نسوا>، یعنی: لکونهم بایاتنا یجحدون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ -

۱ خداوند تکذیب کنندگان آیاتش را بتدریج به ورطه های سقوط می کشاند تا شایسته دوزخ شوند .

و الذین کذبوا بآیتنا سنستدرجهم من حیث لایعلمون

<استدرجه إلی کذا> یعنی او را بتدریج و گام به گام به چیزی نزدیک کرد. متعلق <سنستدرجهم>، به دلیل آیه ۱۷۹، جهنم است / یعنی تکذیب کنندگان را بتدریج به جهنم نزدیک می کنیم.

۲ خداوند با عواملی خام کننده و خالی از هشدار (رفاه ها و آسایش ها ...) تکذیب کنندگان آیات را به سیر در راه سقوط وامی دارد .

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۳ - ۱،۲،۴

۱ سنت خداوند بر امهال کفرپیشگان تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و أملی لهم إن کیدی متین

املاء (مصدر املی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

۲ تکذیب کنندگان آیات الهی سزاوار عذاب از جانب خداوند هستند .

و أملی لهم

آنگاه مهلت دادن و تأخیر انداختن عذاب موضوع پیدا می کند که استحقاق عذاب بالفعل وجود داشته باشد.

۴ تأخیر در عذاب تکذیب کنندگان و کشاندن تدریجی آنان به ورطه های سقوط با عواملی خوشایند و خام کننده ، مکر خدا با ایشان است .

سنستدرجهم .. و أملی لهم إن کیدی متین

مراد از <کید> همان استدراج و امهالی است که در آیه قبل مطرح شد.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۵

۵ خداوند ، آن دسته از قوم نوح را که آیات الهی را تکذیب کردند ، در آب غرق نمود .

و أغرقنا الذين كذبوا بآيتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۱

۱- دوزخ ، جزای کافران به آیات الهی و منکران معاد است .

ذلك جزاؤهم جهنم بما كفروا

مراد از کفر، به قرینه آیه قبل، کفر به آیات خدا و معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۶

۶ - کافران به آیات خدا و معاد ، عذابی دردناک خواهند داشت .

و الذين كفروا بآيت الله و لقاءه .. و أولئك لهم عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۲ - ۵

۵ - گرفتار شدن تکذیب کنندگان آیات الهی به عذاب عظیم در قیامت ، حاصل و پی آمد اعراض آنان از آیات خدا ، پس از توجه به آنها است .

و لنذيقنهم من العذاب .. دون العذاب الأكبر ... و من أظلم ممن ذكر بآيت ربّه

<و من أظلم..> به منزله تعلیل آیه قبل است و درصدد تبیین چرایی گرفتار آمدن مجرمان به عذاب سخت قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - مجازات الهی ، در انتظار منکران معاد و تکذیب کنندگان آیات او است .

إِنَّهُمْ كَانُوا .. و كَلَّ شَيْءَ أَحْصِيْنِه كِتَابًا

جمله > و كَلَّ

شیء... پس از بیان انکار معاد و تکذیب آیات از سوی طغیانگران تهدید آنان به مجازات در آخرت است.

کیفر مکذبان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۱

۱ - کافران به اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک به آتش جهنم ، گرفتار خواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ

کیفر مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۱

۱ گرفتاری به آتش دوزخ فرجام منکران رسالت انبیا و تکذیب کنندگان آیات الهی (احکام و معارف نازل شده بر پیامبران)

و الَّذِينَ كَذَبُوا .. هم فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۱

۱ تکذیب کنندگان انبیا ، در معرض مکر خداوند و برنامه های پنهانی و ناشناخته وی برای مجازات آنان

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰- گروه ها و اقوامی که در طول تاریخ ، انبیای الهی را تکذیب کردند ، گرفتار عذاب شدند .

فسيروا في الأرض فانظروا كيف كان عقبة المكذبين

دعوت از مردم برای جهانگردی جهت مطالعه در عاقبت تکذیب کنندگان انبیا، دلالت بر این دارد که آنان دچار عذاب شده

اند و مطالعه آن عبرت آموز است و اگر چنان چه به مرگ طبیعی مرده بودند، با انسانهای دیگر تفاوتی نداشتند و در نتیجه مزیتی برای مطالعه نخواهند داشت.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۷

۷ - منکران رسالت پیامبران پس از دریافت آیات الهی ، سزاوار کیفری سخت و نابودی با عذاب استیصال

و لو أنا أهلکنهم بعذاب من قبله لقالوا .. فتتبع آیتک

<عذاب> نکره است و ناشناخته بودن عذاب، حاکی از شدت سختی آن است؛ به گونه ای که حقیقت آن را نمی توان برای مخاطب ترسیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۷ - ۱

۱ خداوند ، قوم نوح را به خاطر تکذیب رسولان الهی ، در میان امواج آب و توفان ، غرق ساخت .

و قوم نوح لما کذبوا الرسل أغرقنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ - تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت و کیفر الهی قرار گرفتند .

کذبت قبلهم قوم نوح .. لیدحضوا به الحق فأخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۶

۶ - ربوبیت الهی ، مقتضی عذاب دادن و کیفر کردن کافران حق ستیز و تکذیب کننده

و كذلك حقت کلمت ربک علی الذین کفروا أنهم أصحاب النار

کیفر مکذبان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - عذاب جهنم ، کیفر تکذیب کنندگان آن

ثمّ یقال هذا الذی کنتم به تکذّبون

کیفر مکذّبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد كذبوا بالحق لما جاءهم فسوف يأتهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

کیفر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۶

۶ - منکران دین بدون اتمام حجت با آنان ، به آتش دوزخ گرفتار نخواهند شد .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

جواب شرط <فان لم تفعلوا> محذوف است و جمله <فاتقوا ..> جانشین آن شده است. جمله با تقدیر آن چنین است: فان لم تفعلوا تمت عليكم الحجة و ثبت لديكم ان القرآن منزل من عندالله فاتقوا ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۵ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۹ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

>ویل<، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۴ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

>ویل<، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۴ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۷ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۰ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۵ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۷ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۷۸

۷ - گرفتن موهای بالای پیشانی تکذیب گران دین و کشاندن ذلیلانه آنان به سوی آتش ، کیفر مخالفت آنها با نماز ، هدایت و تقوا

ینهی . عبداً إذا صلی ... لئن لم ینته لفسفعا بالناصیه

<ناصیه> به معنای انتهای رستنگاه مو از قسمت جلو سر است، ریشه این کلمه بر <علو> دلالت دارد و چون رستنگاه ناصیه در قسمت بالای سر است، این نام را بر آن نهاده اند (مقایس اللغه). قسمت جلو سر را نیز <ناصیه> گویند (تاج العروس). <نسفعن> که <نون تأکید> آن به صورت تنوین نوشته می شود یعنی، چنگ می زنیم و می کشانیم و ممکن است به معنای <سیاه می کنیم>، <نشانه می گذاریم> یا <به خواری می کشانیم> باشد. (برگرفته از قاموس)

۸ - تکذیب دین و روی گردانی از آن ، در پی دارنده کیفری تحقیر آمیز و گریزناپذیر

أرءیت إن کذب و تولی . . . کلاً لئن لم ینته لفسفعا بالناصیه

گرفتن موهای جلو سر علاوه بر تحقیر شخص را به طور کامل تسلیم گیرنده آن می سازد؛ به گونه ای که مقاومت سودی نمی بخشد. کیفر یاد شده به قرینه <سندع الزبانیه> (در آیات بعد) مربوط به قیامت است؛ ولی دلالت آیه شریفه بر کیفر دنیوی نیز بعید نیست.

کیفر مکذبان ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۴

۱۴ منکران ربوبیت خداوند در قیامت مجازات خواهند شد.

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

برداشت فوق بر این اساس است که <خبر دادن> (فینبئکم)، کنایه از کیفر دهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۲

۲ - شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا، سزاوار گرزهای آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حدید

<مقمعه> (مفرد <مقاع>) به معنای گرز است. پس <مقاع من حدید>؛ یعنی، گرزهای آهنین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۶ - ۱

۱ - آتش جهنم، کیفر منکران ربوبیت خداوند

و للذین کفروا بریهم عذاب جهنم

کیفر مکذبان عذاب کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۵

۵ - کسانی که عذاب کم فروشان را تکذیب کنند، در قیامت به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد.

ویل للمطففین .. ویل یومئذ للمکذبین

مراد از <مکذبین> به قرینه آیه بعد تکذیب گران روز قیامت و رخدادهای آن اند و از مصادیق بارز رخدادهای قیامت،

عذابی است که آیه <ویل للمطففین> بیان داشته است.

کیفر مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد کذبوا بالحق لما جاءهم فسوف یأتیهم أنبؤا ما كانوا به یتهزءون

کیفر مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ دوزخ ، جایگاه ابدی مشرکان و منکران رستاخیز

إن الذین لایرجون لقاءنا .. و الذین هم عن ءایتنا غفلون. أولئک ماویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۷، ۳، ۲

۲ مجازات کفار و منکران قیامت (از میان برداشتن ایشان) منجر به انقراض نسل بشر خواهد شد .

و لو یعجل الله للناس الشر .. لقضى إلیهم أجلهم

<ال> در <الناس> ال جنسیه و مفید استغراق است یعنی، اگر سنت الهی درباره جوامع بشری این بود که هر انسان کفرپیشه را در دنیا بی درنگ مجازات کند، هر آینه تا کنون زمین از وجود انسان تهی شده و نسل بشر منقرض گشته بود. در حالی که این با فلسفه آفرینش انسان (و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین. بقره / ۳۶) ناسازگار است.

۳ مجازات کفرپیشگان و منکران قیامت (از میان برداشتنشان) ناسازگار با فلسفه آفرینش انسان

و لو یعجل الله للناس الشر .. لقضى إلیهم أجلهم

۷ منکران قیامت ، مستحق کیفر و عذاب الهی در دنیا هستند .

و لو یعجل الله .. لقضى إلیهم فنذر الذین لایرجون لقاءنا

از آیه شریفه استفاده می شود که: اگر مجازات منکران قیامت منجر به مرگ آنان نمی شد، خدا بدون مهلت آنان را سرکوب می کرد؛ یعنی، آنان استحقاق کیفر را دارند لکن مانع وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۶، ۳

۳ آتش بر افروخته و پراشتهای دوزخ ، کیفر

تکذیب قیامت

و أعتدنا لمن كذب بالساعة سعيراً

<سعیر>، به معنای آتش پراشتهاب و برافروخته است.

۶ آتش جهنم ، هم اکنون (پیش از برپایی قیامت) برای تکذیب کنندگان قیامت ، آماده و مهیا است .

و أعتدنا لمن كذب بالساعة سعيراً

آمدن فعل <أعتدنا> (آماده کردیم) به صورت فعل ماضی، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۴

۴ کیفر و عذاب تکذیب کنندگان قیامت ، بسیار شدید و هولناک خواهد بود .

سمعوا لها تغيظاً و زفيراً

صدای خشمگینانه و پرخروش آتش جهنم، با دیدن منکران معاد از راه دور، حاکی از شدت و هولناکی عذاب و کیفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۳

۳ - منکران قیامت ، در وسط دوزخ جای خواهند داشت .

فرءاه فی سواء الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۱ - ۵

۵ - تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند دید .

کتب مرقوم . ویل یومئذ للمکذبین . الذین یکذبون بیوم الدین

کیفر مکذبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۳

۳- منکران حقانیت کتاب های آسمانی ، گرفتار عذاب شدند .

كذلك فعل الذين من قبلهم و ما ظلمهم الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون . فأصابهم سيئ

کیفر مکذبان کیفرهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴

۳ - نمازخواندن تکذیب کنندگان کیفر های الهی ، بی ثمر بوده و مایه استحقاق عذاب جهنم است .

أرءیت الذی یکذّب بالدّین .. فویل للمصلّین

کیفر مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۹ - ۵

۵ تعیین زمان کیفر تکذیب کنندگان ، تنها در اختیار خداوند است .

و یقولون متی هذا الوعد .. قل لأملک ... إلا ما شاء الله

کیفر مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۷

۷ محاکمه و مجازات منکران معاد، جلوه ای از ربوبیت خداوند است.

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم .. قالوا بلی و ربنا قال فذوقوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۲

۱۲ منکران قیامت ، به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئک أصحاب النار هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۱

۱- دوزخ ، جزای کافران به آیات الهی و منکران معاد است .

ذلك جزاؤهم جهنم بما كفروا

مراد از کفر، به قرینه آیه قبل، کفر به آیات خدا و معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۵

۵- برانگیختن منکران معاد و مجازات آنها ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

فوربک لنحشرنهم .. حول جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۹ - ۴

۴ - کیفر منکران معاد و

ختم فرجام ایشان با عذابی مرگبار ، از سنت های خداوند است .

فانظروا كيف كان عقبه المجرمين

تعبیر <فانظروا> دربردارنده معنای عبرت گیری و درس آموزی است و عبرت گرفتن در صورتی معنا دارد که حکم جاری بر مجرمان پیشین، درباره نسل های بعد نیز استمرار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۶

۶ - کافران به آیات خدا و معاد ، عذابی دردناک خواهند داشت .

و الذين كفروا بأيت الله و لقاءه .. و أولئك لهم عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۹

۹ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و منکران رستاخیز و لطف او به خلق مانع از سلب روزی آنان در دنیا است .

لفی ضلل بعيد . الله لطيف بعباده يرزق من يشاء و هو القوی العزيز

با توجه به معنای <لطیف> که حکایت از رحمت و لطف دارد برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۴

۴ - محرومیت دوزخیان از هوای مطبوع و آب ، عقوبتی مناسب با انکار معاد

لا یندوقون فیها بردًا و لا شرابًا .. إنَّهم كانوا لایرجون حسابًا

کیفر دوزخیان در آیات پیشین، به دو صورت نفی و اثبات بیان شده است؛ آنان از هوای سرد و نوشیدنی، محروم اند(نفی) و به نوشیدن <حمیم> و <غساق> مجبور خواهند بود(اثبات). <جزاء وفاقاً> آن را کیفری مناسب با کردار آنان که آن هم به صورت نفی و اثبات بوده

بیان کرده است؛ آنها معاد را باور نداشتند (نفی) و آیات خدا را تکذیب می کردند (اثبات). آیه <جزاء وفاقاً> دلالت دارد که محرومیت، کیفری مناسب با بی اعتقادی است و نوشیدن مایع داغ و چرکین، کیفر مناسب تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۹ - ۸

۸ - مجازات الهی ، در انتظار منکران معاد و تکذیب کنندگان آیات او است .

إِنَّهُمْ كَانُوا... و كَلَّ شَيْءٍ أَحْصِيْنَهُ كِتَابًا

جمله <وكلّ شيء...>، پس از بیان انکار معاد و تکذیب آیات از سوی طغیانگران تهدید آنان به مجازات در آخرت است.

کیفر ممانعت از ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۱۴

۱۴ خداوند، مانعان راه ایمان را به کیفری سخت مبتلا خواهد ساخت.

سنجزی الذین یصدفون عن ءایتنا سوء العذاب

کیفر ممانعت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۲

۲ - ممانعت از دسترسی انسان ها به پیام قرآن ، در پی دارنده عذاب سخت الهی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا... فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا

کیفر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۵

۵- افزایش تحیر و طغیان اهل نفاق ، کیفی است از جانب خدا برای آنان

یَمْدَهُمْ فِی طَغْنِهِمْ یَعْمَهُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲۳

۲۳ کافران کینه توز و منافقان حیلہ گر شایسته نابودی

قل

موتوا بغیظکم انّ الله علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، گردآورنده همه منافقان و کافران ، در جهنم

إنّ الله جامع المنفقین و الکفرین فی جهنم جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۲ - ۱۷، ۷

۷ خداوند ، خود کیفر دهنده خدعه و نیرنگ منافقان خیانت پیشه است .

إنّ المنفقین یخدعون الله و هو خدعهم

بدان احتمال که خدعه خداوند، همان کیفر و مجازاتهای وی باشد.

۱۷ خدعه خداوند با منافقان نیرنگ باز ، به مجازات کردن آنان است .

إنّ المنفقین یخدعون الله و هو خدعهم

امام رضا(ع) در پاسخ سؤال از معنای خدعه خداوند در آیه فوق فرمود: ان الله تعالی .. لا یخادع و لکنه تعالی یجازیهم ...
جزاء ... الخدیعه

توحید صدوق، ص ۱۶۳، ح ۱، ب ۲۱ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۵، ح ۶۳۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۱۷، ۹

۹ غیر قابل بخشش بودن کیفر برخی از منافقان ، به دلیل مداومت و استمرار آنان بر انجام جرم و خطا

إن نفع عن طائفه منکم نعدب طائفه بأنهم کانوا مجرمین

برداشت فوق با توجه به این است که <بأنهم .. > تعلیل <نعذب > می باشد و <هم كانوا مجرمين > افاده استمرار می کند.

۱۷ نقش پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی در عفو گروهی از منافقان بر اساس مصالح و کیفر گروهی دیگر

إن نَعَفُ . . . نَعَذِبُ

با توجه به اینکه مراد از عفو و

عذاب، می تواند بخشش و کیفر دنیوی باشد، و نیز با الغای خصوصیت و تعمیم دادن صدور حکم عفو و مجازات به رهبر جامعه اسلامی مطلب فوق را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۳

۳ همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۲، ۸، ۷، ۲

۲ زنان و مردان منافق در استحقاق کیفر های الهی ، مساویند .

وعد الله المنافقين و المنفقت . . . نار جهنم خلدین فیها

۷ عذاب جاودان جهنم ، مجازاتی بس سنگین و کافی برای منافقان و کافران

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد الله المنافقين . . . و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

۱۲ محرومیت منافقان و کافران از رحمت الهی ، مایه رنج و عذاب همیشگی آنان

و لعنهم الله و لهم عذاب مقيم

برداشت فوق بر این اساس است که <عذاب مقيم> در نتیجه نفرین الهی به دوری آنان از رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۸

۸ علم نامحدود خداوند ، پشتوانه رسوایی و کیفر به حق منافقان

نحن نعلمهم سنعذبهم مرتين ثم يردون إلى عذاب عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ١٢٧ - ٩

حق ناپذیری قلب منافقان ، کیفر الهی برای آنان

ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۱ - ۶

۶ - وعده خداوند ، به برخورداری مؤمنان از پاداش و کیفر شدن منافقان

و ليعلمن الله الذين ءامنوا و ليعلمن المنفقين

مراد از علم خداوند به مؤمنان و منافقان، پاداش و کیفر دادن به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۴ - ۹،۶

۶ - در صورت تعلق مشیت الهی ، منافقان ، عذاب خواهند شد .

و يعذب المنفقين إن شاء

۹ - در صورت اقدام نکردن منافقان به توبه ، خداوند آنان را کیفر خواهد داد .

و يعذب المنفقين إن شاء أو يتوب عليهم

آوردن عبارت <إن شاء> به خاطر قطعی نبودن عذاب آنان به احتمال توبه شان است، اما در صورتی که آنان توبه نکنند، عذاب شان قطعی خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۹ - ۷

۷- منحصر نبودن کیفر بیماردلان منافق ، به لحظه مرگ و امکان رسوایی آنان در دنیا *

فكيف إذا توفتهم ... أم حسب الذين في قلوبهم مرض أن لن يخرج الله أضغنهم

در صورتی که تهدید به افشای کینه ها، مربوط به دنیا باشد و این رسوایی نوعی کیفر به شمار آید از ارتباط این آیه با <فكيف إذا توفتهم الملائكة ..> می توان به مطلب بالا دست یافت.

کیفر منافقان استهزاگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۹

عذاب دردناک الهی ، کیفر منافقان استهزاگر

و لهم عذاب أليم

کیفر منافقان بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۲

۲ ابتلای قلب منافقان عهدشکن و بخیل به نفاقی مزمن ، کیفر خداوند برای آنان

فأعقبهم نفاقاً فی قلوبهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <أعقب> به <الله> در فراز پیشین باز گردد؛ یعنی، خداوند منافقان را در پی شکستن عهدشان با او و امتناع ورزیدن از پرداخت زکات، به نفاق مزمنی گرفتار کرد که تا روز قیامت از آن رهایی نخواهند یافت.

کیفر منافقان توطئه گر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ منافقان توطئه گر ، مستحق کیفر و مجازات دنیوی اند و عدم اعمال آن نسبت به برخی از آنان از جانب خداوند ، به اقتضای مصلحت است . *

إن نفع عن طائفه منكم نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين

مراد از عفو و عذاب، می تواند بخشش و کیفر دنیوی باشد نه اخروی؛ در این صورت به حکم عقل، عفو از یک گروه به خاطر مصلحتی صورت گرفته است.

کیفر منافقان عهد شکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۲

۲ ابتلای قلب منافقان عهدشکن و بخیل به نفاقی مزمن ، کیفر خداوند برای آنان

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <أَعْقَبَ> به <اللَّهِ> در فراز پیشین باز گردد؛ یعنی، خداوند منافقان را در پی شکستن عهدشان با او و امتناع ورزیدن از پرداخت زکات، به نفاق

مزمونی گرفتار کرد که تا روز قیامت از آن رهایی نخواهند یافت.

کیفر منافقان متخلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۸

۸ منافقان متخلف از جنگ ، مستحق و سزاوار مرگ

نحن نتربص بکم . . . بعذاب من عنده أو بأیدینا

کیفر منکران آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱۸

۱۸ مشرکان ، مانعان زکات و منکران آیات الهی ، در خطر گرفتار شدن به عذاب خدا هستند .

قال عذابی أصیب به من أشاء و رحمتی . . . فسأکتبها للذین ... بایتنا یؤمنون

کیفر منکران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۵

۵ منکران رسالت انبیا ، پس از مشاهده معجزات درخواستی ، سزاوار عذابی سهمگین

فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً

کیفر موحدان در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۲

۲- کیفر روی گردانی از آیین شرک در عصر اصحاب کهف ، سنگ سار شدن بود .

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ

از جمله معانی ذکر شده برای <رجم> سنگ سار کردن است.

کیفر ناامنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۰

۲۰ سلاح بر گرفتن و ایجاد ناامنی در راه ها همراه با قتل ، محاربه با خدا و رسول و کیفر آن اعدام است .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّٰه .. ان یقتلوا

از

امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ از سؤال حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: .. و ان كانوا اخافوا السبيل و قتلوا النفس امر بقتلهم

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

۲۵ تبعید محارب (از محل ارتکاب جرم به شهری دیگر) و قطع معاشرت وی با مردم، کیفر سلاح بر کشیدن بدون قتل و غارت

انما جزوا الذين يحاربون الله .. او ينفوا من الارض

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: .. و ان شهر السيف فحارب الله و رسوله و سعى فى الارض فساداً و لم يقتل و لم يأخذ المال ... ينفى من المصر الذى فعل فيه ما فعل الى مصر غيره و يكتب الى اهل ذلك المصر انه منفى فلا تجالسوه و لا تباعوه و لا تناكحوه و لا تواكلوه و لا تشاربوه ...

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۶ زندانی کردن، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها، بدون قتل و غارت

انما جزوا الذين يحاربون الله .. او ينفوا من الارض

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: .. فان كانوا اخافوا السبيل فقط و لم يقتلوا احداً و لم يأخذوا مالا امر بايداعهم الحبس فان ذلك معنى نفيتهم من الارض

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

۲۷ بریدن یک دست و یک پا از جهت

مخالف و سپس به دار آویختن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها به همراه قتل و غارت اموال

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله . . . و ارجلهم من خلف

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . . . و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس و اخذوا المال امر بقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف و صلبهم بعد ذلک . . .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

کیفر ناگهانی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۳

۳ کفرپیشگان به پندار باطل ، خویشتن را از مکر خدا و کیفر های ناگهانی وی ایمن می شمارند .

أفأمنوا مکر الله

کیفر نقره اندوزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ آنان که طلا و نقره می اندوزند و از انفاق آن در راه خدا ، امتناع میورزند ، مستحق عذابی دردناکند .

و الذین یکتزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب أليم

کیفر نقض عهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۱۷

۱۷ سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان ، مستحق عذاب دردناک خداوند در قیامت

انّ الذّين يشترّون . . . و لهم عذاب اليم

كيفر نگاه به عورت ديگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۵

کسانی که از نگاه کردن به نامحرمان و شرمگاه دیگران ابایی ندارند ، به مجازات الهی تهدید شده اند .

قل للمؤمنين يغضوا... إن الله خبير بما يصنعون

جمله <إن الله خبير بما يصنعون> که آگاهی همه جانبه الهی به بشر را یادآوری می کند هشدار است به کسانی که احکام یادشده را رعایت نکنند.

کیفر نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۵

۱۵ - کسانی که از نگاه کردن به نامحرمان و شرمگاه دیگران ابایی ندارند ، به مجازات الهی تهدید شده اند .

قل للمؤمنين يغضوا... إن الله خبير بما يصنعون

جمله <إن الله خبير بما يصنعون> که آگاهی همه جانبه الهی به بشر را یادآوری می کند هشدار است به کسانی که احکام یادشده را رعایت نکنند.

کیفر نیاکان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۳

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر (ص) در گناه پدران خویش (کشتار انبیا)

و قتلهم الانبياء بغير حق... ذلك بما قدمت ايديكم

بنابر اینکه خطاب در <ایدیکم> به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله <ذلك بما قدمت...> می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

کیفر نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۴

۴ اعمال و نيات پنهان و آشكار آدمى مورد محاسبه و جزاء و پاداش الهى

و الله يعلم ما تبءون

و ما تکتمون

بیان آگاهی خداوند بر آشکار و نهان انسان هشدار می‌دهد که اعمال و رفتار و نیز نیات و حالات آنان محاسبه خواهد شد. و به مقتضای آن به پاداش و یا سزای لازم خواهند رسید.

کیفر نیت سوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۵ - ۱۸

۱۸ نیت سوء انسان ، مقتضی بازخواست الهی است .

و اعلموا ان الله يعلم ما فی انفسکم فاحذروه

کیفر و اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۳

۳ کیفر های الهی ، همواره پس از اتمام حجت است .

ما کان الله لیضل قوماً بعد إذ هدیهم حتی بین لهم ما یتقون

کیفر هامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱

۱ - هر یک از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان کیفر شدند .

فکلاً أخذنا بذنبه

کیفر هتک آبروی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - هتک حرمت پیامبر (ص)، در پی دارنده عذابی بزرگ

لمسکم فی ما أفضتم فیہ عذاب عظیم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که موضوع آیه شریفه، ماجرای <افک> است و با حرمت پیامبر(ص) ارتباط دارد که ناخواسته از سوی مسلمانان، در معرض هتک حرمت قرار گرفته بود.

کیفر هجوم به کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۷

۷ - هجوم آورندگان به

کعبه و حرمت شکنان آن ، در معرض عذابی سخت از جانب خداوند

فجعلهم كعصف مأكول

نقل داستان ابرهه، با جمله <ألم تر>، دل گرمی دادن به مؤمنان و تهدید کسانی است که حرمت کعبه را پاس نمی دارند.

کیفر هدایت ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۷

۷ - گرفتن موهای بالای پیشانی تکذیب گران دین و کشاندن ذلیلانه آنان به سوی آتش ، کیفر مخالفت آنها با نماز ، هدایت و تقوا

ینهی . عبداً إذا صَلَّى ... لئن لم ینته لנסفَعًا بالناصیه

<ناصیه> به معنای انتهای رستنگاه مو از قسمت جلو سر است، ریشه این کلمه بر <علو> دلالت دارد و چون رستنگاه ناصیه در قسمت بالای سر است، این نام را بر آن نهاده اند (مقایس اللغه). قسمت جلو سر را نیز <ناصیه> گویند (تاج العروس). <نسفن> که <نون تأکید> آن به صورت تنوین نوشته می شود یعنی، چنگ می زنیم و می کشانیم و ممکن است به معنای <سیاه می کنیم>، <نشانه می گذاریم> یا <به خواری می کشانیم> باشد. (برگرفته از قاموس)

کیفر هدهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۱

۱ - تصمیم سلیمان (ع) به مجازات سخت هدهد در صورت عدم ارائه دلیلی قابل قبول بر غیبت خویش

لأعذبَّنه عذابًا شدیدًا .. أو لیأتیننی بسلطن مبین

<سلطان> به معنای حجت و برهان است و <سلطان مبین> یعنی، دلیل روشن و قانع کننده.

کیفر هلاکت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - خداوند ، بر قوم ثمود به جهت کشتن ناقه ، عذابی فراگیر نازل کرده ، اعضای بدن آنان را از هم متلاشی ساخت .

فدمدم علیهم ربهم بذنبهم

اطلاق <دمدمه> که بر پوشاندن و فراگیری دلالت دارد بر هلاکت ثمودیان، به جهت آن بود که خداوند، آنان را با عذاب و هلاکت پوشاند (مقایس). جمله <دمدمت الشیء> که گاهی با حرف <علی> و گاهی بدون آن استعمال می شود (قاموس) زمانی کار برد دارد که چیزی را به زمین کوبیده و آن را شکسته و قطعه های آن را پراکنده سازند. (صحاح اللغه)

کیفر همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۱،۷

۱ - در صورتی که همسران پیامبر ، آشکارا کار زشتی انجام دهند ، کیفرشان دوچندان خواهد بود .

ینساء النبئی من یأت منکن بفحشه مبینه یضعف لها العذاب ضعفین

۷ - > عن أبی جعفر (ع) قال : أجرها مرّتين و العذاب ضعفین کلّ هذا فی الآخره حیث یكون الأجر یكون العذاب . . .

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: پاداش دو برابر برای زنان پیغمبر، و عذاب دو برابر، هر دو در آخرت است. عذاب، در همان جا است که پاداش هست.

کیفر همکاران ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۸

۸ - خداوند ، ستمگران و شریکان آنان را در ستم ، همسان کیفر می دهد .

فأغرقه و من معه جمیعاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مراد از > و من

معه < یاران و شریکان فرعون در ستم باشند نه صرفاً همراهان وی.

کیفر همکاری با ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۷،۹

۷- کیفر الهی به هنگام نزول، فراگیر همه ظالمان و همراهان و یاوران آنان است.

فأغرقنه و من معه جميعًا

۹- تأیید، همراهی و تقویت عناصر فاسد و حاکمیت های ظالم، دارای فرجامی هلاکت بار و مشترک با آنها

فأغرقنه و من معه جميعًا

کیفر همکاری با مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۹

۹- تأیید، همراهی و تقویت عناصر فاسد و حاکمیت های ظالم، دارای فرجامی هلاکت بار و مشترک با آنها

فأغرقنه و من معه جميعًا

کیفر هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۵

۱۵ هواپرستان و بدعتگزاران در جامعه اسلامی، روسیاهان در قیامت

فأما الذين أسودت وجوههم

امیرالمؤمنین (ع): <فأما الذين أسودت وجوههم ... >، انهم اهل البدع و الاهواء من هذه الامه.

مجمع البيان، ج ۲، ص ۸۰۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۸۲، ح ۳۲۵.

کیفر هواپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۰

۱۰ عالمان دینی دنیادوست و هواپرست و تکذیب کنندگان آیات الهی، اهل دوزخند.

لكنه أخلد إلى الأرض و اتبع هوه... و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً

برداشت فوق مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳

۱۵ پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هوا های نفسانی ، با وجود احکام و قوانین قرآن ، موجب گرفتار شدن به عقوبتهایی از ناحیه خداوند است .

و لئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءك من العلم مالک من الله من ولی و لاواق

کیفر یاوه گویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۳

۳ - تفتیدن بر آتش دوزخ ، جزای کفر ، دروغ پردازی و یاوه سرایی علیه دین

قتل الخرزصون .. یوم هم علی النار یفتنون

کیفر یاوه گویی علیه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ - عذاب دردناک و شدید ، کیفر یاوه سرایی علیه رسولان الهی است .

ما قد قیل للرسل .. ذو عقاب ألیم

کیفر یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۶

۶- گمان یونس (ع) به مجازات نشدن او از جانب خداوند ، در زمینه بیرون آمدنش از میان قوم خود و هجرت به سرزمینی دیگر

فظنّ أن لن نقدر علیه

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <قدر> به معنای <قضا> و <حکم> باشد. گفتنی است که ذیل آیه (إِنِّي كُنْتُ مِنَ

الظالمين) مؤيد همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۴

۴ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، از گرفتار شدن به مجازات ترک اولی ، همچون یونس (ع)

و لاتکن کصاحب الحوت . . . لنبذ

بالعراء و هو مذموم

این که خداوند به پیامبر (ص) هشدار داد که مانند یونس مباش؛ اشاره به ترک اولی و مجازات آن دارد که یونس (ع) گرفتار آن شده بود.

کیفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۶ - ۴، ۵، ۳، ۱

۱ کافران (یهودیان) ، مشمول عذاب سخت خداوند در دنیا و آخرت

فاما الذین كفروا فاعذبهم عذاباً شديداً فى الدنيا و الاخره

۳ عدم تبعیت یهود از حضرت عیسی (ع) ، موجب عذاب سخت آنان در دنیا و آخرت

فاما الذین كفروا فاعذبهم عذاباً شديداً فى الدنيا و الاخره

مصدق مورد نظر از جمله <فاما الذین كفروا>، کافران به حضرت عیسی (ع) است.

۴ برتری پیروان عیسی (ع) بر یهودیان ، موجب عذاب سخن دنیوی یهودیان

و جاعل الذین اتبعوک .. فاما الذین كفروا

بنابراینکه جمله <فاما الذین .. >، به قرینه ذکر عذاب دنیوی، نتیجه جمله <جاعل الذین ... > باشد؛ یعنی عذاب دنیوی یهود نتیجه تفوق نصارا بر ایشان است.

۵ کافران (یهودیان) ، هیچ یار و یاورى در برابر عذاب الهی در دنیا و آخرت ندارند .

فاما الذین كفروا .. و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۳

۳ خداوند بدون مهلت و تأخیر ، مرتدان و کافران یهود و نصارا را عذاب می کند .

لا يخفف عنهم العذاب و لا هم ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۱۶

۱۶ عذاب

سخت اهل کتاب (یهود و نصارا) ، به خاطر تفرقه و اختلاف

و لا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البينات و اولئك لهم عذاب ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱،۳

۱ عذاب سخت یهود در آخرت ، دستاورد اعمال ناروای آنان (نسبت دادن فقر به خدا و کشتن انبیا)

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر (ص) در گناه پدران خویش (کشتار انبیا)

و قتلهم الانبیاء بغير حقّ .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در < ایدیکم > به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله < ذلک بما قدّمت .. > می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۹

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود ، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۷

۱۷ گرفتاری یهود به صاعقه ، از بینات الهی برای آنان

فأخذتهم الصعقه بظلمهم ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ هشدار خداوند به مسلمانان با بیان مجازات یهود و نصارا به خاطر نقض پیمان الهی

فبما نقضهم ميثقهم ... و من الذين

قالوا إنا نصرى اخذنا ميثقهم فنسوا

بیان مجازات مسیحیان و یهودیان به خاطر پیمان شکنی آنان پس از <اذکروا .. ميثقه > (ای مسلمین پیمان الهی را به یاد داشته باشید)، هشدارى است به مسلمانان که مبادا همانند اهل کتاب پیمان الهی را نقض کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۲

۲۲ اراده خداوند به عذاب بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (ص)

فان تولوا .. ان يصيبهم ببعض ذنوبهم و إن كثيراً من الناس لفسقون

کیفر یهود عهدشکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۱، ۱۹

۱۹ - سزای یهودیانی که پیمان های الهی را نقض کردند ، خواری و خفت در دنیاست .

إذ أخذنا ميثقكم .. فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزي فى الحيوه الدنيا

<ذلك> اشاره به همه کارهایی است که آیه شریفه از یهودیان نقل کرد و آنها را ناپسند شمرد از جمله: پایبند نبودن به پیمانهای الهی، کشتن همکیشان و ..

۲۱ - شدیدترین عذاب های اخروی ، کیفر یهودیانی است که پیمان های الهی را شکستند .

إذ أخذنا ميثقكم .. و يوم القيمه يردون إلى أشد العذاب

اضافه <أشد> (سخت ترین) به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است یعنی، <العذاب الأشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۱

۱ پیامبر (ص) از جانب خدا فرمان یافت تا در صورت تسلط بر یهودیان پیمان شکن و جنگ آفرین ، آنان را به گونه ای مجازات

کند که زمینه پراکنده شدن دیگر دشمنان فراهم آید .

فإما تتقنهم فى الحرب فشردهم من خلفهم

تشرید به معنای پراکنده ساختن و کوچ دادن است. <باء> در <بهم> سببیه است که به دلیل <فى الحرب> کلمه ای همانند قتل و یا مجازات در تقدیر می باشد. و مراد از <من خلفهم> یهود و یا دیگر دشمنانی است که از مدینه و یا اطراف آن به فتنه گری می پرداختند. بنابراین جمله <فشردهم> چنین معنا می شود: ای پیامبر با مجازات سنگین که بر یهودیان پیمان شکن تحمیل می کنی، دیگر دشمنان را متفرق ساز و پراکنده کن.

کیفر یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۷

۷- یهودیان ، در صورت انکار رسالت پیامبر (ص) ، برای همیشه به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم .. من كسب سيئه ... هم فيها خالدون

گناه کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۲

۱۲ مجازات بی گناهان به جای مجرمان ، گناه و از مصادیق ظلم است .

قال معاذ الله .. إنا إذا لظلمون

مبدأ کیفر اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۷

۷- لحظه مرگ ، سرآغاز کیفر اخروی مجرمان

لأذقنك ضعف الحيوه و ضعف الممات

برداشت فوق، از تعبیر <مَمَات> به جای <آخِرْت> و <قِيَامَت> استفاده شده است، یعنی، عذاب دو چندان در ایام مرگ خواهد بود چه در قیامت و چه پیش از آن.

مبدأ کیفر

کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۶

۶ - لحظه مرگ ، لحظه آغاز مجازات کافران

فذرهم حتّی یلقوا یومهم الذی فیہ یصعقون

در صورتی که <یومهم..> به معنای لحظه مرگ باشد؛ معنای آیه چنین می شود: رهایی و آزادی کافران در زندگی دنیوی است و مرگ، پایانی بر این رهایی می باشد.

مجارى کيفر حق ستيزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۷

۷ - عوامل طبیعی ، تحقق بخش اراده الهی در کيفر حق ستيزان

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ

مجریان کيفر اخروى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۳

۳ - روح و فرشتگان ، کارگزاران رسیدگی به کيفر و پاداش بندگان در قیامت

یوم یقوم الروح و الملائکة صفاً

صفاً بستن <روح> و <ملائکه>، حاکی از آمادگی آنان برای اجرای دستورات است. به قرینه آیات پیشین که سخن از کيفر و پاداش بندگان بود محدوده مأموریت آنان، رسیدگی به امور بهشتیان و دوزخیان است.

محدودیت کيفر در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - دنیا ، فاقد گنجایش و امکانات لازم برای جزای اعمال آدمیان است .

الساعه آتیه .. لتجزی کلّ نفس بما تسعى

ضرورت برپایی قیامت برای تحقق جزا، اشاره به این نکته دارد که ظرف دنیا گنجایش جزا دادن به تلاش های خوب و بد را ندارد، لذا روز دیگر و شرایط دیگری باید فراهم گردد تا <جزا>

بتواند تحقق یابد.

محمد(ص) و کيفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۷ - ۱

۱ - ناتوانی همگان از نجات پیامبر (ص) از کيفر الهی ، در صورت دروغ بستن آن حضرت بر خداوند

فما منکم من أحد عنه حجزين

مراتب کيفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۱ - ۳

۳ کيفر خوار کننده الهی ، در انتظار کافران به خدا و پیامبران اوست .

و أعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۴۵،۴۷

۴۵ کيفر و مجازات خداوند ، شديد است .

إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

۴۷ همکاری در گناه و تجاوز ، گناهی بزرگ و موجب کيفر و مجازاتی سخت

و لا تعاونوا على الاثم و العدوان .. إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

تهدید به عذاب شديد، نشانه بزرگی گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱،۷

۱ کشتن نابحق یک انسان ، گناهی بزرگ و دارای کیفر و مجازاتی بسیار سنگین

انه من قتل نفساً .. فکانما قتل الناس جميعاً

همسنگی کشتن یک انسان با کشتن تمامی مردم، می تواند کنایه از شدت مجازات باشد.

۷ کیفر سنگین برای قتل و آدمکشی ، زمینه پرهیز انسان ها از ارتکاب آن

و من اجل ذلك كتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل .. فکانما قتل الناس جميعاً

<من اجل ذلك .. > به این معناست که خداوند با توجه به آدمکشی قاییل و پیامدهای شوم آن، بنی اسرائیل را

به مجازاتی سنگین تهدید کرد تا از تکرار چنین جنایتهایی باز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۶، ۱۲

۱۲ کیفر های ویژه محاربان مفسد ، کیفرهایی خوار کننده و ذلت آور

ذلك لهم خزی فی الدنيا

۱۶ مجازات دنیوی محاربان و فسادانگیزان در مقایسه با مجازات اخروی آنان ، بسی اندک و ناچیز است .

ذلك لهم خزی فی الدنيا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

تصریح به بزرگی عذاب محاربان در آخرت در مقابل کیفر دنیوی آنان، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۲

۴۲ خواری و رسوایی در دنیاو عذاب بزرگ آخرت ، کیفر منافقان و یهودیان شتابگر در کفر

من الذین قالوا ءامنا بافواههم .. لهم فی الدنيا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ عقوبت سنگینتر ، بازتاب ضلالت افزونتر

قل هل انبئکم بشرّ من ذلك مثوبه .. اضل عن سواء السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۲۳

۲۳ گفتن سخن ناحق درباره خداوند، عقوبت سنگین در پی دارد.

بما كنتم تقولون علی الله غیر الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۱۴

۱۴ خداوند، مانعان راه ایمان را به کیفری سخت مبتلا خواهد ساخت.

سنجی الذین یصدفون عن آیتنا سوء العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۶

۴ آتش دوزخ کیفری بس سهمگینتر از عقوبت های الهی در دنیا

ذَلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ

استفاده از کلمه ذوق (چشیدن) درباره عذاب دنیا، در مقابل عذاب دوزخ، بیانگر این است که عقوبت‌های دنیوی تنها مضمضه ای از عقوبت و مقدمه ای برای عذاب اصلی و کامل که همان عذاب دوزخ است، می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۸،۲۰

۱۸ عقوبت های خداوند همواره شدید و سهمگین است .

و الله شديد العقاب

۲۰ شیطان معتقد به خداوند و آگاه به شدت عقوبت های وی

و الله شديد العقاب

مقتضای سیاق این است که گفته شود جمله <و الله شديد العقاب> سخن شیطان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۵۸،۱۰

۵ خداوند فرعونیان و همه کافران پیش از آنان را به سبب گناهانشان به کیفری شدید گرفتار ساخت .

فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

۸ خداوند ، نیرومند و دارای عقاب شدید است .

إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

۱۰ گرفتاری فرعونیان و کافران پیش از آنها به کیفر های شدید الهی ، نمودی از توانمندی خداوند است .

فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۴

۴ همسانی منافقان و کافران ، در استحقاق کیفر شدید و مستمر خداوند در قیامت

وعد الله المنفقين و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۵، ۲۳

۲۳ تهدید اکید خداوند بر کیفر سخت دنیوی و اخروی منافقان صدر اسلام، در صورت امتناع آنان از توبه و پافشاری بر مواضع کفرآمیز توطئه گرانه خود

فإن يتوبوا .. و إن يتولوا يعذبهم الله عذاباً أليماً في الدنيا و الآخره

۲۵ روی گردانی از حق و اصرار بر کفر و ارتداد، مستلزم کیفر شدید دنیوی و اخروی است.

و إن يتولوا يعذبهم الله عذاباً أليماً في الدنيا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۹

۹ خداوند، مشرکان بهانه جوی عصر بعثت را به کیفری سخت و قریب الوقوع تهدید کرد.

و يقولون لو لا أنزل عليه آية من ربه .. فانظروا

امر در <انتظروا> می تواند برای تهدید (تهدید به عذاب) و به کارگیری ماده <انتظار> بیانگر قریب الوقوع بودن عذاب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۲۵

۲۵ > فی مجمع البیان فی قوله : < شدید المحال > أي شدید الأخذ، عن علی (ع) ;

در مجمع البیان درباره سخن خدا: <شدید المحال> از علی(ع) روایت شده: مراد سخت عقوبت کردن اوست.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۸

۸ عقوبت های الهی سخت و سهمگین است.

فکیف کان عقاب

استفهام در جمله فوق برای تعجب و حاکی از شدت عقوبت است. کسره <باء> در عقابِ گویای حذف <یاء> متکلم است
; یعنی <عقابی>.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۶ - ۳

۳- مشرکان استهزاگر پیامبر (ص) ، به کیفر شدیدی تهدید شدند .

المستهزءین. الذین يجعلون مع الله إلهًا اخر فسوف يعلمون

جمله <فسوف يعلمون> (به زودی خواهند دانست) در مقام تهدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۴

۴- عقوبت افترا به خدا و شرک ، به قدری شدید و سنگین است که در صورت وقوع ، همه جنبندگان را فرا می گیرد .

بربهم یشرکون .. کنتم تفترون . و يجعلون لله البنت ... و لو یؤاخذ الله الناس ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۴

۴- رواج دادن فساد در جامعه ، دارای کیفری فزون تر از آلودگی به فساد است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله زدّهم عذابًا فوق العذاب بما کانوا یفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۵

۵- گردن فرازی (استکبار) در برابر خداوند رحمان (گسترده مهر) ، کاری بس ناروا و درپی دارنده عقوبتی سنگین است .

أیهم أشدّ علی الرحمن عتیا

مطرح ساختن نام <رحمان> که بیان کننده رحمت عام و گسترده خداوند است در کنار عصیان و استکبار برخی از مردمان، می تواند بیانگر شدت پستی و ناروایی استکبار در برابر او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۲

۲- تفاوت مراتب مستکبران و عصیان گران در استحقاق آتش

على الرحمن عتياً . ثم لنحن أعلم بالذین هم أولى بها صلیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۵

۵ - وضع کیفر سخت برای اشاعه دهندگان فحشا و افشای چهره توطئه گران < افک > ، از جلوه های فضل و رحمت خدا بر مسلمانان صدر اسلام

و لولا فضل الله علیکم و رحمته

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه شریفه، دهمین و آخرین آیه ای است که درباره ماجرای < افک > نازل گردید و قهراً ارتباط نزدیکی با این ماجرا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۴،۵

۴ - تهدید ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به عذاب و کیفر سخت الهی در صورت رساندن هرگونه گزندى به ناقه

و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب یوم عظیم

۵ - مبارزه خصمانه با معجزات الهی ، در پی دارنده کیفری سخت

و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۲

۲ - کیفر دردناک الهی ، زداینده غفلت و سرمستی مجرمان

فیأتیهم بخته و هم لایشعرون . فیقولوا هل نحن منظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۴

۱۴ - ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر ، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است .

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. و سيعلم الذين ظلموا أيّ منقلب ينقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۳

- رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت

اليوم تجزي كل نفس بما كسبت

از این که خداوند در پاداش و کیفر، مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخته است (بما کسبت) استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است؛ نه چیز دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۹،۱۱،۱۶

۹ - پروردگار ، هم دارای بخشایش و هم دارای عقابی دردناک است .

إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

ما يقال لك إلا ما قد قيل للرسل . . . إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

۱۶ - توجه به رحمت گسترده و عقاب شدید خداوند ، زمینه ساز بازگشت انسان از مخالفت با حق

إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ

چنانچه جمله <إِنَّ رَبَّكَ...> مربوط به مخالفان پیامبران باشد، از توجه دادن خداوند به مغفرت و عقاب خویش، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۳

۳- کیفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نمان کاری های خائنانه آنان

و الله يعلم اسرارهم .

فکیف إذا توفتهم الملائكة

از ارتباط عبارت <فکیف إذا..> که بیانگر کیفر سخت منافقان است با ذیل آیه قبل (والله يعلم إسرارهم) استفاده می شود که علم و آگاهی خداوند، پشتوانه کیفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۵

۱۵ - بازگشت به گناه ، پس از اظهار توبه ، دارای عقوبتی سنگین *

و إن تتولوا كما توليتم من قبل يعذبكم عذاباً أليماً

برداشت یاد شده بدان احتمال است که سنگینی کیفر متخلفان از آن جهت باشد که اینان پس از تخلف نخست، اظهار پشیمانی کردند و این بار بر آنان اتمام حجت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۳،۵

۳ - قیامت ، روزِ سختِ کیفر الهی ، برای کافران ستم پیشه

لِلَّذِينَ ظَلَمُوا .. فويل للذين كفروا من يومهم الذي يوعدون

مراد از <یومهم..> می تواند روز قیامت و یا روز نزول عذاب بر کافران در دنیا باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال اول است.

۵ - کافران ، در معرض عذاب دنیوی ، افزون بر کیفر سخت و حتمی آخرت

فإن للذين ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحابهم .. فويل للذين كفروا من يومهم الذي يوع

در صورتی که <یومهم..> نظر به روز قیامت و آیه قبل (مثل ذنوب أصحابهم) نظر به کیفرهای دنیوی داشته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۷

۷ - کیفر های دنیوی و برزخی کافران ،

سبک تر از کیفر اخروی آنان *

وَ إِنَّ لِلذِّينِ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشد و <دون ذلك> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۴ - ۹

۹ - معارضه و ستیز با خداوند ، دارای کیفری سخت و سهمگین

و من يشاقَّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۱۶، ۱۷، ۱۸

۱۶ - کیفر و مجازات الهی ، سخت و سهمگین است .

إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

۱۷ - بی تقوایان و مخالفت کنندگان با پیامبر (ص) ، دارای کیفری شدید

و ما ءاتیکم الرسول فخذوه .. و اتقوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

۱۸ - توجه به کیفر های شدید الهی ، زمینه ساز گرایش به تقوا و عدم مخالفت با خدا و رسول او

و ما ءاتیکم الرسول .. و اتقوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

از این که خداوند پس از <اتقوا اللَّه> شدت عقاب خویش را یادآور شده است؛ نکته بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۶، ۷

۶ - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها است .

مراد از <کفر> در <ما أكفره> ممکن است کفران نعمت های خداوند باشد که آیات بعد به بعضی از آنها اشاره دارد. نفرین <قتل الإنسان> در معنای عرفی آن که بیان استحقاق شدیدترین عقوبت ها می باشد استعمال شده

است.

۷ - کسانی که خود را از رهنمود های خداوند و تذکرات قرآن بی نیاز می پندارند ، کافر و سزاوار سخت ترین کیفرهایند .

قتل الإنسان ما أكفره

این آیه و آیات بعد را می توان با آیات پیشین، مرتبط دانست؛ در این صورت حرف <ال> در <الإنسان> عهد ذکرى بوده و اشاره به <من استغنى> در آیات قبل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، فرعون را به سختی کیفر داد .

ألم تر كيف فعل ربك .. و فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند ، مخالفان پیامبر (ص) را در صورت تداوم بر مخالفت با نماز ، هدایت و تقوا ، به مؤاخذه ای سخت تهدید کرد .

لئن لم ينته لنسفعا بالناصيه

مراتب کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۱،۴

۱ افترا و دروغ بستن به خداوند ، مجازاتی بسیار سخت و فوق تصور را در قیامت ، در پی خواهد داشت .

و ما ظن الذين يفترون على الله الكذب يوم القيمة

۴ خداوند ، مشرکان صدر اسلام را به خاطر افترا بستن و تحریم حلال ها ، به کیفر سخت قیامت تهدید کرد .

فجعلتم منه حراماً و حلالاً .. و ما ظن الذين يفترون على الله الكذب يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۴

۴ - ظلم ، گناهی بزرگ

و نابخشودنی و موجب کیفر سخت الهی در قیامت است .

يعمل الظلمون . . . لیوم تشخص فيه الأبصر . مهطعين مقنعي رءوسهم لا یرتد إلیهم طرف

مراتب کیفر های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۸

۸- کیفر ستمگران در قیامت بسیار شدید و هولناک است .

ولا تحسبن الله غفلاً عما يعمل الظلمون إنما يؤخرهم لیوم تشخص فيه الأبصر

مستحقان کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۶

۶ مشرکان به سبب شریک پنداشتن برای خداوند مستحق آسیب و کیفر هستند.

فأی الفرقین أحق بالأمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۵ - ۹،۱۰

۹ عقوبتهای الهی سریع و بدون تأخیر دامنگیر مستحقان کیفر می شود.

إن ربك سریع العقاب

۱۰ عقوبتهای الهی در انتظار کسانی است که در آزمون الهی ناموفق باشند.

لیلوکم فی ما ءاتیکم إن ربك سریع العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، به دلیل اعتقاد شرک آمیزشان (فرزند خدا خواندن عزیر و مسیح) مستحق کیفر مرگ

و قالت اليهود عزیر ابن الله .. قتلهم الله انی یؤفکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۸

۸ سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم و تبهکاری در جامعه ، غیر قابل بخشش و مستحق مجازات

إن نعت عن طائفه منکم نعتب طائفه بأنهم كانوا مجرمین

تعلیل عذاب دسته ای از منافقان، به

اینکه اینان گروه مجرم و تبهکارند در برابر عفو گروهی دیگر می تواند گویای این حقیقت باشد که: سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم، شایسته بخشش نبوده و باید مجازات شوند.

مستحقان کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۴

۴ همسانی منافقان و کافران ، در استحقاق کیفر شدید و مستمر خداوند در قیامت

وعد الله المنفقين و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدين فيها هي حسبهم

مستحقان کیفر دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ منافقان توطئه گر ، مستحق کیفر و مجازات دنیوی اند و عدم اعمال آن نسبت به برخی از آنان از جانب خداوند ، به اقتضای مصلحت است . *

إن نفع عن طائفه منكم نعتب طائفه بأنهم كانوا مجرمين

مراد از عفو و عذاب، می تواند بخشش و کیفر دنیوی باشد نه اخروی ؛ در این صورت به حکم عقل، عفو از یک گروه به خاطر مصلحتی صورت گرفته است.

مصونیت از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۸ - ۶

۶- مهلت یافتن گنه کاران و تأخیر مجازات ایشان ، به معنای ایمنی ابدی آنان از کیفر نیست .

لو يؤاخذهم .. بل لهم موعد لن يجدوا من دونه مؤثلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - پندار کافران برای رهایی از کیفر الهی ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذين يعملون السيئات

أن يسبقونا

۹ - پندار امکان گریز از مجازات الهی ، پنداری ناشایست است .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا سوء ما يحكمون

معافیت از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰ برخی از مسلمانان و گروهی از اهل کتاب ، به گزاف آرزومند معاف بودن از جزای اعمال زشت خویش

ليس بامانيكم .. من يعمل سوءاً يجز به

مکان کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - دنیا ، محل تلاش و آخرت جای کیفر و پاداش و مواجه شدن با نتیجه تلاش است .

إنّ الساعة آتیه .. لتجزی کلّ نفس بما تسعى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۷

۷ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش است .

یومئذ یوفّیهم الله دینهم الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش الهی

و فی الآخره عذاب شدید و مغفره من اللّٰه و رضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۵ - ۳

۳ - دنیا ، محل تلاش و آخرت ، جای بهره مندی از تلاش ها است .

فإذا جاءت الطامة الكبرى . يوم يتذكر الإنسن ما سعى

بیان < یادآوری اعمال در قیامت > ، صرفاً به منظور خبر از آینده نیست ، بلکه بشارت دادن و انذار انسان ها نسبت به فرجام اعمالشان است .

مکان کیفر عمل

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰- دنیا، میدان عمل و آخرت صحنه دریافت پاداش و کیفر است .

یوم تأتی . . . و توفی کل نفس ما عملت

مکذبان کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۷

۷ مشرکان ، هیچ اعتقادی به روز رستاخیز و انتظار کیفر و پاداش الهی در آن روز را نداشته اند .

بل کانوا لایرجون نشورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۲ - ۶،۷

۶ - مشرکان ، منکر کیفر و عذاب در قیامت

ذوقوا عذاب النار الّتی کنتم بها تکذّبون

۷ - تکذیب وجود عذاب و کیفر در قیامت از سوی مشرکان ، امری همیشگی است .

ذوقوا عذاب النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۲

۲ - شرک پیشگان صدراسلام ، منکر هر گونه کیفر و پاداش پس از مرگ

فلولا إن کنتم غیر مدینین

خطاب در آیه شریفه متوجه کسانی است که مرگ را پایان زندگی دانسته و درباره کیفر و پاداش پس از مرگ، موضع

انکار آمیز داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۱

۱ - گروهی از مدعیان اسلام در عصر بعثت ، جزای اخروی را دروغ دانسته ، آن را تکذیب می کردند .

الذی یکذب بالدين

<دين>، به معنای جزا است و در معانی <عادت>، <عبادت>، <حساب>، <طاعت>، <سیرت> و <ملت> نیز به کار می رود (قاموس). آیات بعد

که درباره نمازگزاران و ریاکاران سخن می گوید قرینه بر اراده معنای <جزا> و <حساب> است. از کلمات <مصلین> و نظایر آن که جمع آمده است استفاده می شود که مراد از <الذی> در این آیه، جنس است؛ هرچند در شأن نزول ها بر افرادی نظیر ولید و ابوسفیان، تطبیق داده شده است.

مکذبان کیفر طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۵

۵ - قوم ثمود ، کیفر های طغیان را دروغ انگاشته ، تهدید های الهی را تکذیب کردند .

کذبت ثمود بطغویها

کلمه <طغواها>، می تواند قرینه بر مراد از <کذبت> باشد؛ یعنی، ثمودیان هشدارهای رسول الهی درباره عواقب طغیان را تکذیب می کردند.

مکذبان کیفر های اخروی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۴

۴ - گنه کاران و تکذیب کنندگان کیفر های اخروی ، در قیامت به کیفر گناه و تکذیب خود گرفتار خواهند شد .

بل تکذّبون بالدین .. یعلمون ما تفعلون

مطرح ساختن کتابت و علم کاتبان به قرینه <بل تکذّبون بالدین> هشدار می دهد که عمل آنان بی کیفر نخواهد ماند.

مکذبان معاد و کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۵

۵ - منکران معاد ، پیش از برپایی قیامت و روبه رو شدن با مجازات الهی ، درباره آن آگاهی و سابقه ذهنی دارند .

و قالوا يويلنا هذا يوم الدين

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که جمله > هذا

یوم الدین < ادامه سخنان منکران معاد باشد. در این صورت سخن گفتن از روز جزا با اسم اشاره <هَذَا>، می تواند حاکی از مطلب بالا باشد.

ملائک کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۶

۶ نیت ، ملائک ثواب و عقاب عمل

لا یؤخذکم اللہ باللغو فی ایمانکم و لکن یؤخذکم بما کسبت قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۵

۵ عملکرد مردم ، تعیین کننده کیفر و جزای الهی است ، نه صرف انتساب به مکتب و یا دینی خاص !

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من یعمل سوءاً یجز به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۸ - ۳

۳ - ایمان و فسق دنیوی ، ملائک پاداش و کیفر اخروی است .

أفمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لایستون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۲۰

۲۰ - تأثیر انگیزه ها و نیت های انسان ها در اعمالشان و نیز در چگونگی و میزان کیفر و پاداش آنان

فیتبتکم بما کنتم تعملون إنّه علیم بذات الصدور

خداوند به جای آن که بفرماید: من به اعمال پنهانی آنان آگاهم، فرمود: به باطن و ضمیر آنان آگاه هستم. این تعبیر می تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۴

۴ - پاداش و کیفر الهی ، بر محور عملکرد نیک و بد آدمی قرار

دارد .

ليجزى الذين أسوا بما عملوا و يجزى الذين أحسنوا بالحسنى

ملاك كيفر اخروى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۴

۴ - كيفر و پاداش اشخاص در قيامت و داورى درباره آنان ، بر پايه شهادت و گواهي اعضا و جوارح (زبان ، دست و پاى) خود آنها خواهد بود .

يوم تشهد عليهم ألسنتهم ... يومئذ يوفيهم الله دينهم الحق

جمله <يومئذ يوفيهم الله> استئناف بيانى است و پاسخ به اين سؤال است كه گواهي زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، براى چه منظورى است؟ پاسخ آيه شريفه اين است كه اين گواهي، به منظور اعطاي جزاي كامل و عادلانه مى باشد و اين جزا بر پايه همين گواهي استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۵۴ - ۳

۳ - مقدار مجازات الهى در قيامت ، بسته به ميزان اعمال انسان ها و متناسب با كم و كيف آنها است .

و لا تجزون إلا ما كنتم تعملون

در برداشت ياد شده <ما> در <ما كنتم> مجرور به مضاف محذوف دانسته شده و تقدير آن مى تواند چنين باشد: <و لا تجزون إلا على وفاق ما كنتم تعملون و على مقداره>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۵

۵ - عمل و رفتار انسان ، مبنای داوری خداوند و ملاك جزای او در قيامت است .

و وقيت كل نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ -

۲- عمل و نوع رفتار آدمی ، معیار کیفر و جزای اخروی او است .

من عمل سیئه فلا یجزی إلا مثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۱۱

۱۱- کیفر و پاداش انسان ها در قیامت ، مستند به گواهی شاهدان است .

یوم یقوم الأشهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۲

۲- مجازات و پاداش اخروی ، بر محور عملکرد خود انسان است .

و أن سعیه سوف یری . ثم ینجزیه الجزاء الأوفی

ضمیر <ه> در <ینجزاه> به <سعی> بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۳

۳- درجات آتش جهنم در قیامت ، براساس باور ها و نیت های انسان شکل می یابد .

الَّتِی تَطَّلِعُ عَلَى الْآفْتِنَةِ

<إِطَّلِعْ عَلَى الشَّيْءِ>؛ یعنی، آن را دانست (لسان العرب). مفاد آیه شریفه براساس این معنا آگاهی آتش جهنم از محتوای قلب ها است. این آگاهی، ممکن است کنایه از تفاوت وضع دوزخیان با یکدیگر باشد که آتش جهنم با هر کس، متناسب با محتوای قلب او رفتار خواهد کرد.

ملائک کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ - کیفرهای کافران در آخرت ، بر پایه کردار آنان در دنیا است .

ما قدّمت یداه و یقول الکافر یلبتینی کنت ترّبًا

ملاک کیفر عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۳

۳ - پاداش

و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

ملاک کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۴

۴ - بدترین عملکرد کافران ، مبنای مؤاخذه و مجازات الهی نسبت به آنان است .

و لنجزینهم أسوأ الذی کانوا یعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <أسوء> منصوب به نزع خافض و به تقدیر <لنجزینهم علی أسوء الذی کانوا یعملون> باشد؛ یعنی، ما بی تردید در مقابل بدترین عملشان کیفر خواهیم داد.

منشأ تأخیر کیفر مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۴ - ۲

۲ - تأخیر کیفر مجرمان و اعطای مهلت به آنان ، ناشی از فضل و رحمت الهی است نه معلول نا آگاهی او به اسرار و اعمال زشت آنها .

و یقولون متی هذا الوعد. .. و إنّ ربّک لذو فضل... و إنّ ربّک لیعلم

از ارتباط این آیه با دو آیه پیشین، استفاده می شود که نازل نشدن عذاب بر کافران، نتیجه فضل خدا است؛ نه این که او از سخنان گستاخانه و تعجیل آنان در عذاب بی اطلاع بوده است.

منشأ تعیین کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۸

۸ خداوند تعیین کننده کیفر و سرنوشت شوم خلافکاران و تفرقه افکنان

إنما أمرهم إلى الله

منشأ كيفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۷،۱۰

۷- جزا دادن به بندگان (کیفر و پاداش)

، حق اختصاصی و دائمی خداوند است .

و له الدین واصبًا

<دین> دارای چند معناست و از جمله آنها جزاست. برداشت فوق بر اساس این معنا می باشد.

۱۰- در انحصار خداوند بودن جزا (کیفر و پاداش) ، مقتضی اختصاص دادن ترس ، به ترس از او

و له الدین واصبًا أفعیر الله تتقون

به تناسب موضوع (توییح ترس از غیر خدا)، احتمال دارد مراد از <الدین> جزا باشد. اینکه ترس از غیر خدا مورد سرزنش قرار گرفته ممکن است به خاطر این باشد که جزا منحصرأ در اختیار خداوند است و در این صورت، جایی برای ترس از غیر خدا نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، تنها تصمیم گیرنده صحنه های آخرت و کیفر و پاداش مردم

لا یملکون منه خطابًا

منشأ کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۸

۸ - کیفر و پاداش در سرای آخرت در اختیار خداوند است .

یومئذ یوفّیهم الله دینهم الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۲

۲ - پاداش الهی در جهان آخرت ، براساس فضل و احسان و کیفر او ، برپایه عدل و انصاف خواهد بود .

من جاء بالحسنة فله خیر منها و من جاء بالسیئة فلا یجزی . . . إلا ما کانوا یعملون

منشأ كیفر اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۵

۵ - مجازات انسان ها در قیامت ، بازتاب

و محصول کردار دنیایی خود آنان است .

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

منشأ کیفر بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۶ - ۲

۲ - بدکاران ، گرفتار پیامد اعمال ناشایست خویش اند .

من أَسَاءَ فَعَلِيَهَا

منشأ کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۱۳

۱۳- تعیین اجل مقرر برای انسان ها و تصمیم به مؤاخذه و عقوبت کردن ظالمان و یا تأخیر آن ، به دست خداوند است .

و لَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ .. . وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۳

۳ - نقش خود ظالمان در ابتلا به کیفر و نقت ، به جای بهره‌وری از روزی و نعمت خداوند

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ .. . فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا

از این که <ظلم> به خود افراد نسبت داده شده و کیفر به عنوان پیامد کار خودشان، مطرح گشته است، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - خداوند ، پاداش عمل مؤمنان را بر اساس تفضل خویش و کیفر کافران را بر پایه عدل می دهد .

رجال .. لیجزیهم الله أحسن ما عملوا و یزیدهم من فضله ... و الذین کفروا ... فوف

برداشت یاد شده، از مقایسه میان دو گونه برخورد خداوند با مؤمنان و کافران به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء

۳ - کیفر کافران و نوع، زمان و مقدار آن در اختیار خداوند است؛ نه به اقتراح کافران.

فأسقط علينا كسفاً .. قال ربّي أعلم بما تعملون

تعبیر <ربّي أعلم..> در پاسخ درخواست کافران، در بر دارنده این معناست که چون خداوند از هر کس به اعمال بندگان داناتر است؛ پس تنها او است که نوع، زمان و مقدار کیفر آنان را تعیین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۷

۷ - عزت و حکمت الهی، مقتضی کیفر کافران و پاداش مؤمنان است.

فبشره بعذاب أليم .. لهم جنّٰت النعيم ... و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۵

۵ - اراده و مشیت خداوند، در غفران یا کیفر کافران بی هیچ گونه معارضی، تحقق می پذیرد.

و لله ملك السموت و الأرض يغفر لمن يشاء و يعذب من يشاء

از ارتباط <لله ملك..> با <يغفر لمن...> استفاده می شود که مشیت الهی معارض ندارد.

منشأ کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۲

۲ کیفر گناهکاران یا بخشودن خطای آنان، مبتنی بر مشیت الهی

و اء اخرون مرجون لأمر الله إما يعذبهم و إما يتوب عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - ربوبیت الہی ، مقتضی کیفر دادن گناہ کاران است .

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ

منشأً کیفر مشرکان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۵

۵ - پیامبر (ص)، فقط تبلیغ کننده پیام وحی بود؛ نه مجازات کننده مشرکان و تحقق بخشنده به انذارها.

وقالوا... فاعمل إننا عملون. قل إنما أنا بشر مثلكم يوحى إليّ

یکی از احتمالها در تفسیر <فاعمل>، این است که مشرکان، به پیامبر(ص) اعلام کردند که او می تواند به وعیدهای خود جامه عمل بپوشاند؛ ولی خداوند در مقابل آنان اعلام می دارد که کار پیامبر، تبلیغ رسالت است؛ نه مجازات مشرکان.

موانع کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۸

۸- ایمان و استغفار، مانع نزول عذاب و کیفر الهی است.

وما منع الناس أن يؤمنوا إذ جاءهم الهدى و يستغفروا ربهم إلا أن تأتيهم سنه الأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - خویشاوندی با پیامبران، نمی تواند مایه مصونیت از کیفر الهی گردد.

فاسلك فيها... إلا من سبق عليه القول منهم

موانع کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۴

۴ - توجه به آفرینش نیکوی انسانها و سقوط و انحراف برخی از آنان، دستاویزی برای تکذیب دین و کیفرهای اخروی، باقی نمی گذارد.

فما يكذبك بعد بالدين

حرف <فاء> در <فما يكذبك> و نیز کلمه <بعد>، این آیه را بر آیات پیشین، تفریع کرده است؛ یعنی، آیا وجود کسانی که

در <أحسن تقويم> بوده و خود را به <أسفل سافلین> سقوط داده اند؛ دلیل ضرورت دین برای پیشگیری از آن سقوط و ضرورت روز جزا، برای کیفر آن منحرفان نیست؟!

موانع کیفر دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۸

۸ - سنت امهال ، مانع از کیفر دنیوی کافران است .

و لولا کلمه سبقت من ربك لقضی بینهم

موانع کیفر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۰

۱۰ عزت و احترام قبیله شعیب در نزد مردم مدین ، مانع آنان از کیفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطک لرجمنک

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعیب(ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از <لولا رهطک> این معنا نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند؛ بلکه به قرینه <ما أنت علينا بعزیز> و <أرھطی أعز> .. در آیه بعد مراد از <لولا رهطک> ، <لولا عزه قومک و کرامتهم عندنا...> است.

موانع کیفر ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۲

۲ - توبه و انجام عمل صالح ، از میان برنده آثار سوء ظلم و گناه

إلّا من ظلم ثمّ بدّل حسناً بعد سوء

<تبدیل> (مصدر <بدّل>) به معنای جایگزین کردن است. جایگزینی وقتی تحقق می یابد که یکی برود و دیگری جای آن

را بگیرد. گفتنی است که مراد از <ظلم> در آیه شریفه، مطلق معصیت است و مراد از <حُسن> هم می

تواند توبه باشد و هم عمل صالح؛ یعنی، <لکن آنان که با ارتکاب گناه مرتکب ظلم شدند ولی بعداً توبه [یا عمل صالح] را جایگزین آن نمودند بدانند که من غفور و رحیم هستم و آنان را می بخشم و مورد رحمت خویش قرار می دهم. بنابراین آنان نیز بعد از این از چیزی نترسند.

موانع کیفر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند، قادر به مجازات گمراهان و سلب بهره‌وری‌های دنیوی ایشان است؛ ولی ریزنگری‌ها و مشیت او در تدبیر جهان مانع از این اقدام است.

لفی ضلل بعید... لطیف... یرزق من یشاء و هو القوی

ارتباط این آیه با آیه قبل، نشان می‌دهد که آیه شریفه درصدد پاسخ‌گویی به یک پرسش نهفته است و آن این‌که: اگر منکران معاد و گمراهان، بر باطل اند پس چرا خداوند روزی خود را از آنان دریغ نمی‌دارد؟! خداوند در پاسخ سه موضوع مهم را مطرح فرموده است: <لطیف بودن>، <مشیت> و <قدرت شکست‌ناپذیر او>.

موانع کیفر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۲

۲ - توبه و انجام عمل صالح، از میان برنده آثار سوء ظلم و گناه

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حَسَنًا بَعْدَ سَوْءٍ

<تبدیل> (مصدر <بَدَّلَ>) به معنای جایگزین کردن است. جایگزینی وقتی تحقق می‌یابد که یکی برود و دیگری جای آن را بگیرد. گفتنی است که مراد از <ظلم> در آیه شریفه، مطلق معصیت است و مراد از <حَسَنٌ> هم می‌تواند

توبه باشد و هم عمل صالح؛ یعنی، <لکن آنان که با ارتکاب گناه مرتکب ظلم شدند ولی بعداً توبه [یا عمل صالح] را جایگزین آن نمودند بدانند که من غفور و رحیم هستم و آنان را می بخشم و مورد رحمت خویش قرار می دهم. بنابراین آنان نیز بعد از این از چیزی نترسند.

موجبات کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۶

۶ - درک نکردن معارف الهی، کیفری است از جانب خدا، بر ناشنیده گرفتن و نادیده انگاشتن حقایق دینی

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جمله <و علی سمعهم ..> جمله حالیه و بیانگر علت مسدود شدن قلبهاست؛ یعنی، بدان جهت خداوند آنان را از درک کردن محروم ساخت که ایشان حقایق را ناشنیده انگاشتند و بر واقعیتها چشم فرو بستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱

۱ - قوم موسی با گوساله پرستی، بر خویشان ستم کرده و مستحق کیفر شدند.

يقوم إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۰، ۹

۹ - درخواست مشاهده خداوند در پی درانده کیفر الهی است.

حتى نرى الله جهره فأخذتکم الصعقه

۱۰ - تصدیق نکردن رسالت های پیامبران، گناه و درپی دارنده کیفر الهی است.

لن تؤمن لک .. فأخذتکم الصعقه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <فأخذتکم ..> علاوه بر ارتباطش با <نرى الله جهره> مرتبط با <لن تؤمن

لك < نيز باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۲۰

۲۰ - انسان های گنهکار و دارای رفتار و کردار ناروا، در خطر گرفتار شدن به کیفر و مجازات الهی هستند .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۱۵

۱۵ - کفرپیشگان، در صورت حضور در مساجد، مجرم اند و باید به دست مسلمانان عقوبت شوند .

أولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفين

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <إلا- خائفین> استثنا از عدم ورود به مساجد باشد، نه از عدم جواز ورود. بر این مبنا، جمله <ما كان لهم...> بیانگر این معناست که: کافران حق ندارند به مساجد وارد شوند و در صورت تخلف، باید عقوبت شوند؛ زیرا ترس کافران از ورود به مساجد، در صورتی است که بدانند ورودشان در پی دارنده مجازات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۲۰

۲۰ - پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هوا های نفسانی، با وجود قوانین الهی، موجب گرفتار شدن به عقوبتهایی از جانب خداست .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءك من العلم مالک من الله من ولی و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۷

۷ - کیفر خدا در انتظار کسانی است که با احکام او (نظیر قبله قرار دادن مسجدالحرام) مخالفت کنند .

و ما الله بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان نظارت خدا

بر اعمال بندگان، تهدید کسانی است که با احکام او مخالفت می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۲

۲ - کسانی که احکام و معارف کتاب های آسمانی را کتمان کرده اند تا بدین وسیله به متاع دنیا برسند ، در قیامت به عذاب دردناکی گرفتار خواهند شد .

إن الذين يكتُمون ما أنزل الله من الكتب .. لهم عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۵،۶

۵ وساطت در انجام کار های ناپسند ، موجب سهیم شدن در پیامد های ناگوار آن

من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها

<کفل> به معنای نصیب و بهره است.

۶ بازدارندگان مردم از جهاد در راه خدا ، سهیم در کیفر ترک آن

و اذا جاءهم امر .. اذاعوا به ... من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها

به مقتضای ارتباط این آیه با آیات قبل، مصداق مورد نظر از <شفاعه سیئه>، می تواند همان کارهایی باشد که موجب بازماندن مردم از جهاد در راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۴۷

۴۷ همکاری در گناه و تجاوز ، گناهی بزرگ و موجب کیفر و مجازاتی سخت

ولا تعاونوا علی الاثم و العدوان .. إن الله شدید العقاب

تهدید به عذاب شدید، نشانه بزرگی گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ ضرورت پرهیز از تأسف و اندوه بر گناهکاران گرفتار به کیفر الهی

فلاتأس

علی القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ فساد انگیزی در زمین ، موجب مجازات اعدام

من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۶

۶ مشرکان به سبب شریک پنداشتن برای خداوند مستحق آسیب و کیفر هستند.

فأی الفریقین أحق بالأمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۲۳

۲۳ گفتن سخن ناحق درباره خداوند، عقوبت سنگین در پی دارد.

بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۹،۱۰

۹ فریبکاری و توطئه مداوم علیه دین، عامل گرفتاری توطئه گران به ذلت و عذاب شدید است.

سیصیب الذین .. بما کانوا یمکرون

۱۰ ذلت و خواری، کیفر استکبار سردمداران مجرم است.

أكبر مجرمیها .. و إذا جاءتهم آیه .. سیصیب الذین أجرموا صغار عندالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۷

۷ ضیق صدر و سختی دل در پذیرش حق، کیفری از جانب خداوند برای حق ناپذیران است.

يجعل صدره ضيقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۸

۸ افترا بر خداوند از گناهان بزرگ و موجب کیفر اوست.

سيجزيهم بما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۶،۷

۶ کیفر الهی در انتظار مشرکانی

است که توصیفهای ناروا و احکام ساخته خود را به خدا نسبت می دادند.

سیجزیهم بما كانوا یفترون. و قالوا ما فی بطون ... سیجزیهم و صفهم

۷ افترا به خداوند و انتساب احکام ساختگی به او، کیفر او را در پی دارد.

و قالوا ما فی بطون ... سیجزیهم و صفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۱۰

۱۰ نامیدن خداوند به اوصافی که حکایتگر نقص و کاستی است ، مستلزم کیفری از جانب او خواهد شد .

و ذروا الذین یلحدون فی أسمئہم سیجزون ما كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۳

۲۳ تهدید آکید خداوند بر کیفر سخت دنیوی و اخروی منافقان صدر اسلام ، در صورت امتناع آنان از توبه و پافشاری بر مواضع کفرآمیز توطئه گرانه خود

فإن یتوبوا .. و إن یتولوا یعذبهم الله عذاباً ألیماً فی الدنیا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۳

۳ همگان ، حتی پیامبران الهی ، در صورت طرد مؤمنان و ارتکاب گناه ، مستحق کیفر و مجازات الهی اند .

من ینصرنی من الله إن طردتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۶

۱۶ فساد های جنسی ، در پی دارنده عقوبت های الهی است .

هؤلاء بناتى هنّ أطهر لكم فاتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ طغيان و سرکشی در برابر خدا و

گرایش به شرک و پرستش غیر خدا، عقوبت و کیفر الهی را در پی دارد.

و لاتظنوا إنه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۶

۱۶ شکستن سوگند و وفا نکردن به پیمان های الهی، گناه و موجب عقوبت از ناحیه خداوند است.

الله علی ما نقول وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱۵

۱۵ پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هوا های نفسانی، با وجود احکام و قوانین قرآن، موجب گرفتار شدن به عقوبتهایی از ناحیه خداوند است.

و لئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءك من العلم مالک من الله من ولی و لاواق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۸ - ۹

۹- جدال در برابر آیات حق و اعراض از آنها و غفلت از گناهان، دارای کیفر قطعی است.

ذکر بآیت ربّه فأعرض عنها... بل لهم موعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۱۰

۱۰- سرسختی و لجاجت در برابر دعوت قرآن، موجب گرفتاری به عقوبت و عذاب الهی

و تنذر به قومًا لداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - کیفر های الهی ، برخاسته از عملکرد ظالمانه خود انسان ها است .

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ .. فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر ، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است .

و الشعراء يتبعهم الغاوان .. و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۳

۳- جدی نگرفتن پیام های وحی و بازی انگاشتن حقایق ، در پی دارنده کیفری سخت و حتمی

بل هم فی شكّ يلعبون .. یوم نبطش البطشه الكبرى إنا منتقمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۵ - ۶

۶- مجازات و کیفر الهی پی آمد آلودگی به گناه است ؛ نه صرف هر لغزش *

بما كانوا یکسبون .. و من أساء فعلیها

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در مورد عمل صالح، تعبیر <عمل صالحاً> با تنوین تقلیل ذکر شده است که کم ترین اعمال ارزشی را نیز شامل می شود ولی در مورد اعمال زشت، تعبیر <أساء> به کار رفته است و نه <عمل سیئاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در حق کافران ، معلول عملکرد منفی خود آنان و به دور از شائبه ظلم

و هم لایظلمون .. تجزون عذاب الهون بما كنتم تستكبرون ... و بما كنتم تفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۲ - ۱۳

۱۳ مترتب شدن کیفر بر بعضی از اعمال ناروا ، حتی با عدم توجه و علم انسان *

أن تحيط أعمالكم و

أنتم لاتشعرون

برداشت بالا بدان احتمال است که مراد از <أنتم لاتشعرون> این باشد که هر چند شما از روی غفلت مرتکب بی احترامی به پیامبر(ص) می شوید؛ اما غفلت، آثار شوم این عمل را نمی زداید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۴

۴ - تکذیب دین و بدگویی از آن ، از موجبات کیفر و عذاب الهی

و اصبر علی ما یقولون .. و المکذبین ... إِنَّ لَدینَا أَنْکَالَآ ... و عذابًا أَلیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۴

۴ - عصیان و سرپیچی در برابر دعوت پیامبران ، موجب مؤاخذه سخت الهی است .

فعضی فرعون الرسول فأخذنه أخذًا و بیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۶

۶ - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها است .

قتل الإنسان ما أکفره

مراد از <کفر> در <ما أکفره> ممکن است کفران نعمت های خداوند باشد که آیات بعد به بعضی از آنها اشاره دارد. نفرین <قتل الإنسان> در معنای عرفی آن که بیان استحقاق شدیدترین عقوبت ها می باشد استعمال شده است.

موجبات کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۴

۴۴ آلودگی دل و جان آدمی به ناپاکی ها ، موجب ذلت دنیا و عذاب آخرت

أولئك الذين لم يرد الله ان يطهر قلوبهم . . . و لهم فى الآخرة عذاب عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩

۷ کیفر های سخت اخروی ، بازتاب عملکرد و موضع گیری های خود انسان

من يحادد الله و رسوله فان له نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۵

۲۵ روی گردانی از حق و اصرار بر کفر و ارتداد ، مستلزم کیفر شدید دنیوی و اخروی است .

و إن يتولوا يعذبهم الله عذاباً أليماً في الدنيا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۹

۹ کیفر های الهی در قیامت بازتاب کردار ناشایست خود انسانهاست .

و ليكوا كثيراً جزاء بما كانوا يكسبون

با توجه به اینکه خداوند، گریه و رنج طولانی را کیفر گناهان طولانی و مستمر کافران و منافقان قرار داده است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - ظلم ، در پی دارنده مؤاخذه در قیامت

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربهم

وضع اسم ظاهر <الظالمون> به جای ضمیر، می تواند بیانگر این نکته باشد که ظلم باعث مؤاخذه شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۹ - ۶

۶- انکار و استهزا نسبت به آیات الهی ، پس از علم به آنها ، در پی دارنده کیفر اخروی

و إذا علم .. لهم عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۷ - ۲

۲ - طغیان گری ، سرکشی در برابر دستورات خداوند و زیاده روی

در هواپرستی ، در پی دارنده مجازات در آخرت

فَأَمَّا مَنْ طَغَى

<طغیان> یعنی، از حد گذراندن (لسان العرب). متعلق <طغی> به قرینه <من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی> (در آیات بعد) بی اعتنایی به پروردگار و پیروی از هوای نفس است. جمله <فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى> در آیات بعد که جزای <فَأَمَّا> است بر مجازات اخروی دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۲

۲ - انسان در قیامت ، به جهت باور ها و نیت هایش ، مؤاخذه شده و کیفر خواهد دید .

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ

موجبات کیفر دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۰

۱۰ ظلم ، موجب گرفتار شدن به کیفر الهی در دنیا است .

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّعْقَةَ بظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۲

۲ گناه و تخلف از فرامین خدا می تواند در پی دارنده کیفر و عقوبت های دنیوی باشد .

فبظلم من الذين هادوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طيبات أحلت لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۱

۱ سرکوبی و شکست مشرکان در بدر ، عقوبت دنیوی آنان

ذلكم فذوقوه و أن للكافرين عذاب النار

<كم> در <ذلكم> خطاب به مشركان و <ذا> اشاره به شكست و سرکوبی آنان دارد. و <ذلكم> مبتدا و خبر آن به قرینه فراز بعد <و أن للكافرين ... > <عقابكم فی الدنيا> است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۵

۲۵ روی گردانی از حق و اصرار بر کفر و ارتداد ، مستلزم کیفر شدید دنیوی و اخروی است .

و إن يتولوا يعذبهم الله عذاباً أليماً في الدنيا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۶،۷

۶- ستم پیشگی موجب هلاکت و کیفر الهی در دنیا است .

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم .. و ضربنا لكم الأمثال

۷- ظلم به نفس در پی دارنده هلاکت و کیفر الهی در دنیا

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم ... و ضربنا لكم الأمثال

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: مقصود از <ظلموا أنفسهم> ظلم به نفس باشد نه ظلم به دیگران چنان که از ظاهر آن به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۸

۸ - مخالفت با دعوت توحیدی پیامبر (ص) ، موجب استحقاق کیفر دنیوی

فإن أعرضوا فقل أنذرتكم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

موجبات کیفر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۳

۳ - عصیان و سرپیچی فرعون ، موجب مؤاخذه شدن او از جانب خداوند شد .

فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً

موجبات نجات از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۸

۱۸ رهایی از کیفر گناهان ، در گرو پذیرش احکام الهی و قضاوت های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما

یریدالله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ ایمان ، عمل صالح ، تقوا و ایمان عامل رهایی از مؤاخذه بر کردار های ناروای گذشته

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . . و ءامنوا ثم اتقوا و احسنوا

مهلت در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۴

۴ سنت خدا در رساندن خیر به مردم < تسریع > و در مجازات کردن آنان < امهال > است .

و لو یعجل الله للناس الشر استعجالهم بالخير

برداشت فوق بر این اساس است که < هم > مفعول استعجال و فاعلش ضمیر عاید به < الله > و به تقدیر < مثل استعجاله لهم بالخیر > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱۲

۱۲- تسریع در پاداش و تأخیر در مجازات ، امری لازم است . *

من ظلم فسوف نعذبه . . من ءامن ... فله جزاء الحسنی

ذکر < سوف نعذبه > با أدوات استقبال، در قبال < فله جزاء الحسنی > به صورت قطعی و بدون أدوات استقبال، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

ناپسندی کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۳

۳ - کیفردادن قبل از بیان و اتمام حجت ، کاری ناروا است .

و لو أنا .. لولا أرسلت إلینا رسولاً

گرچه <لولا أرسلت> در این آیه، اعتراضی است که از زبان کافران نقل شده؛ ولی از آن جهت که بر این اعتراض فرضی، ترتیب اثر

داده شده است، برمی آید که این اعتراض، قابل قبول بوده و فرستادن رسولان برای اتمام حجت، ضرورت داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۳

۳ - مجازات خطاکاران پیش از تبیین راه صواب و خطا برای ایشان ، امری نادرست و نکوهیده در بینش الهی

و لولا أن تصيبهم مصيبة . . . و نکون من المؤمنین

نجات از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۳

۳ پندار رهایی از کیفر ، به صرف انتساب به دین و آیین الهی ، تلقینی شیطانی است .

یعدهم و یمتیهم . . . لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من یعمل سوءاً

با توجه به آیات گذشته (لامتیهم . . . یعدهم و یمتیهم) ، می توان نتیجه گرفت که پندار رهایی از کیفر اعمال بد، از همان خیالپردازیهای موهومی است که شیطان برای فریب مردم به آنان تلقین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۱

۱ - پندار بدکاران در گریز از مجازات الهی ، پنداری باطل است .

أم حسب الذین یعملون السیئات أن یسبقونا

<أم> در <أم حسب> منقطعه و به معنای <بل اضراب> است و معنای انتقال را می هد. انتقال، از <انکار پندار آزموده نشدن، به مجرد ایمان> به <انکار عدم مجازات>، است. مراد از <سبقت از خدا> یا کنایه از <مغلوب ساختن دین خدا> است و یا <گریز از خدا>. به قرینه این که در آیه، سخن از گناه است، <گریز از عذاب خدا>

مراد است و برداشت بالا، مبتنی بر همین احتمال است.

نجات از کیفر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۶

۶ - خداوند ، تنها یار و یاور انسان در حفاظت وی از عواقب ناگوار گناهان

و ما أصبکم . . . و ما لکم من دون اللّٰه من ولیّ و لا نصیر

نزدیکی کیفر دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۵

۵ - زمان کیفر دیدن مخالفان نماز ، تکذیب گران دین و دروغ گویان خطاکار ، نزدیک است .

سندع الزبانیه

حرف <سین>، برای آینده نزدیک به کار می رود.

نزدیکی کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ عذاب کیفر کافران و متخلفان از جنگ ، عذابی است قریب الوقوع و نه چندان دور .

سیصیب الذین کفروا منهم عذاب أليم

به کارگیری حرف <سین> به جای <سوف> می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

نزدیکی کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- زمان کیفر دیدن مخالفان نماز، تکذیب گران دین و دروغ گوینان خطاکار، نزدیک است.

سندع الزبانیه

حرف <سین>، برای آینده نزدیک به کار می رود.

نزدیکی کیفر متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ عذاب کیفر کافران و متخلفان از جنگ، عذابی است قریب الوقوع و نه چندان دور.

سیصیب الذین کفروا منهم عذاب الیم

به

کارگیری حرف <سین> به جای <سوف> می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

نزدیکی کیفر مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۵

۵ - زمان کیفر دیدن مخالفان نماز، تکذیب گران دین و دروغ گویان خطاکار، نزدیک است.

سندع الزبانیه

حرف <سین>، برای آینده نزدیک به کار می رود.

نزدیکی کیفر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۵

۵ - زمان کیفر دیدن مخالفان نماز، تکذیب گران دین و دروغ گویان خطاکار، نزدیک است.

سندع الزبانیه

حرف <سین>، برای آینده نزدیک به کار می رود.

نشانه های کیفر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۲ - ۱

۱ - خانه های ویران و خالی از سکنه ثمودیان، نشانه ای گویا از فرود آمدن کیفر الهی بر آنان

أنا دمرنهم و قومهم أجمعین . فتلك بیوتهم خاویه

<خواء> (مصدر <خاویه>) به معنای ویرانی و نیز خالی از سکنه شدن است. در برداشت فوق هر دو معنا لحاظ شده است.

نظارت بر کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳۵ - ۱

۱ - مؤمنان ، در حالی کافران حاضر در صحنه قیامت را مسخره می کنند که خود بر تخت های تزیین یافته ، لمیده و ناظر کیفر کافران اند .

علی الأرائك ينظرون

<أریکه> (مفرد <أرائك>) به تخت تزیین یافته ای گفته می شود که در خیمه یا خانه ای نهاده شده باشد. هم چنین به جایگاه آرمیدن

و لمییدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب اطلاق می شود (قاموس). متعلق <ینظرون> به قرینه آیات قبل و بعد وضعیت کافران است.

نظام آفرینش و کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۲

۲- جهان (آسمان و زمین) با نظم کنونیش، برای کیفر و پاداش کامل انسان، ممکن و مناسب نیست.

یوم تبدل الأرض غیر الأرض... و برزوا لله... لیجزی الله کل نفس ما کسبت

از اینکه خداوند پیش از طرح مسأله کیفر و پاداش انسانها در قیامت موضوع دگرگونی نظام کنونی جهان (دنیا) را مطرح فرمود، برداشت فوق به دست می آید.

نظام کیفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۶

۶ - همسانی کیفرهای الهی با گناه گنهکاران

إنما نحن مستهزءون. الله یستهزئ بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۶

۶ - منکران دین بدون اتمام حجت با آنان، به آتش دوزخ گرفتار نخواهند شد.

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

جواب شرط <فان لم تفعلوا> محذوف است و جمله <فاتقوا...> جانشین آن شده است. جمله با تقدیر آن چنین است: فان لم تفعلوا تمت علیکم الحجه و ثبت لدیکم ان القرآن منزل من عندالله فاتقوا...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۵،۷،۸

۵ - هیچ کس در روز قیامت ، ذره ای از عذاب دیگری

را بر عهده نمی گیرد و متحمل نمی شود .

واتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس شیئاً

۷- در روز قیامت از هیچ کس عدل و عوضی - که خویشان را با آن باز خرد - گرفته نخواهد شد .

و لایؤخذ منها عدل

کلمه <عَدْلٌ> به معنای: فدیة و عوض است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد، تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۸- در روز قیامت هیچ کس به دفاع از دیگری برنخواهد خواست و او را یاری نخواهد کرد .

و لاهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۲۷

۲۷ جزای اعمال در آخرت، متناسب با نوع عمل و روحیات عمل کننده است.

الیوم تجزون عذاب الهون .. کنتم عن ءایته تسکتیرون

خداوند در برابر روحیه استکباری و خودبرتربینی ظالمان، آنان را به عذاب خوارکننده (الهون) وعده می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۵

۵ مجازات گناهکاران نتیجه عمل خود ایشان است.

إن الذین یکسبون الإثم سیجزون بما کانوا یقترفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۱،۲،۴،۷،۸،۹

۱ خداوند هیچگاه از سر ظلم جامعه ای را نابود و مردمی را مجازات نکرده و نخواهد کرد.

ذلك أن لم يكن ربك مهلك القرى بظلم و أهلها غفلون

۲ هلاک جوامع بشری، بدون فرستادن هدایت برای ایشان، کاری ظالمانه و به دور از ساحت قدس الهی است.

ذلك أن لم يكن ربك مهلك القرى بظلم

<بظلم> می تواند حال برای <ربک> باشد. در این صورت

معنای جمله چنین می شود: خداوند از روی ظلم جامعه ناآگاه را هلاک نمی کند. بنابراین هلاکت در صورت عدم ابلاغ کاری ظالمانه است.

۴ خداوند مردم جامعه ای را که از روی غفلت و ناآگاهی ستم کنند، به عذاب دنیوی ناپود نمی کند.

ذَلِكْ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبِّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَفْلُونَ

برای جار و مجرور <بظلم> متعلقهای مختلفی می توان در نظر گرفت، از آن جمله اینکه متعلق به <مهلك> باشد. یعنی: <مهلك القری بسبب ظلم>. برداشت فوق بر این اساس است.

۷ مشیت الهی به شقاوت و ضلالت امتهای ستمگر پس از اتمام حجت بر ایشان تعلق می گیرد.

و من یرد أن یضله .. یجعل الله الرجس ... ذَلِكْ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبِّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ

مراد از هلاکت در آیه، شقاوت و ضلالتی است که در آیات قبل از آن سخن به میان آمده بود.

۸ سنت خداوند، ناپود ساختن جوامع ظالم قبل از فرستادن پیامبران و اتمام حجت نیست.

أَلَمْ يَأْتِكُمْ رَسُلٌ مِنْكُمْ .. ذَلِكْ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبِّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَفْلُونَ

۹ خداوند، ستم و گناهی را که از سر غفلت و ناآگاهی باشد، کیفر نمی دهد.

أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبِّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَفْلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ کیفر کسانی که احکام خود ساخته را به خداوند منتسب می سازند، مجازاتی حکیمانه و عالمانه است.

سیجزیهم وصفهم إنه حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۲،۳،۵،۶،۸

۲ عمل ناشایست دارای

کیفری مانند آن و نه بیشتر

من جاء بالسيئه فلا يجزي إلا مثلها

۳ عقوبتهای خدا عادلانه و پادشاهی وی جلوه ای از فضل اوست.

من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها و من جاء بالسيئه فلا يجزي إلا مثلها

۵ در قیامت به گنهکاران ستم نخواهد شد.

و هم لا يظلمون

ذیل آیه قبل (ثم ینبئهم ..) بیانگر این است که ظرف پاداش و جزای مطرح شده در این آیه روز قیامت است.

۶ کیفر دادن گنهکاران به اندازه گناهشان ستم بر آنان نیست.

و من جاء بالسيئه فلا يجزي إلا مثلها و هم لا يظلمون

۸ کیفر اخروی گناه در صورتی است که گنهکار تا حضور در صحنه قیامت مورد عفو الهی قرار نگیرد.

و من جاء بالسيئه فلا يجزي إلا مثلها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل معلوم می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۶

۶ هیچکس بار گناه دیگران را بر دوش نخواهد گرفت و به گناهان دیگران مؤاخذه نخواهد شد.

و لا تزر وازره وزر آخری

<وزر> به معنای حمل کردن و نیز به معنای گناه است. <تزر> و <وازره>، از <وزر> به معنای حمل کردن است و

<وزر> و <وزر آخری> به معنای گناه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ خداوند بدون اتمام حجت، بندگان متخلف را توبیخ نخواهد کرد.

ألم أنهكما عن تلكما الشجره و أقل لكما إن الشيطان لكما عدو مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۷

کیفر های سخت اخروی ، بازتاب عملکرد و موضع گیری های خود انسان

من يحادد الله و رسوله فان له نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۳،۱۸

۳ همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

۱۸ تناسب کیفر ها و مجازات های الهی با عملکرد انسان

نسوا الله فَنسيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۲

۲ زنان و مردان منافق در استحقاق کیفر های الهی ، مساویند .

وعد الله المنفقين و المنفقت .. نار جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۷،۲۰،۱۲

۱۲ هلاکت اقوام کافر پیشین ، پس از اتمام حجت رسولان الهی بر آنان بود .

ألم يأتيهم نبأ الذين من قبلهم .. أتتهم رسلهم بالبينت

۱۷ کیفر انسان ها ، قبل از تبیین حق و باطل برای آنان ، ظلم و دور از ساحت قدس خداست .

أتتهم رسلهم بالبينت فما كان الله ليظلمهم

نفی ظلم از خدا و متفرع شدن آن بر وجود بینات، بیانگر این نکته است که: در صورت ارائه نشدن دلایل روشن، به هلاکت رساندن انسانها ظلم می باشد.

۲۰ ظلم در نظام کیفری خداوند راه ندارد .

فما كان الله ليظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۵

۱۵ کیفر الهی برای گناهکاران ، متناسب با گناه آنان است .

فیسخرون منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۸

۱۸ هیچ کس ، حتی پیامبران ، در صورت سرپیچی از فرمان های خدا از عذاب اخروی در امان نیستند .

إني أخاف إن عصيت ربي عذاب يوم عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۴

۴ کیفر هر کار بد در قیامت ، کیفری متناسب با همان کار بد خواهد بود .

جزاء سيئه بمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۲ - ۷

۷ بین کردار انسان و مجازات او در آخرت ، تناسب کامل وجود دارد .

ذوقوا عذاب الخلد هل تجزون إلا بما كنتم تكسبون

<باء> در جمله <هل تجزون إلا بما كنتم تكسبون> برای مقابله است و این جمله می تواند پاسخ این سؤال باشد که: چرا کافران به عذاب ابدی دچار خواهند شد؟ (ذوقوا العذاب الخلد) خداوند پاسخ می فرماید: این حکم در مقابل رفتار و متناسب با گناهان خود آنان است. بنابراین بین کیفر (عذاب ابدی) و عمل آدمی، ارتباط و تناسب وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- گناهان ، دارای رتبه های مختلف بوده و عذاب های متناسب با خود را دارند .

فادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها فلبئس مثوی المتكبرین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أبواب> اصناف باشد و این معنا نشان دهنده تناسب عذاب با گناه است.

مؤید برداشت فوق، تخصیص به ذکر متکبران از میان

جهنمیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۷

۷- عذاب کافران ، به تناسب عملکرد و فساد آنان ، متفاوت است .

زدنهم عذاباً فوق العذاب بما كانوا یفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵ - ۵

۵- کیفر الهی برای انسان ها ، پس از اقدام آنان به تجاوز و سرکشی است .

و قضینا إلی بنی اسرائیل فی الکتب لتفسدن فی الأرض مرّتين . . . فإذا جاء وعد أول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۸

۸- خداوند ، ستمگران و شریکان آنان را در ستم ، همسان کیفر می دهد .

فأغرقنه و من معه جميعاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مراد از <و من معه> یاران و شریکان فرعون در ستم باشند نه صرفاً همراهان وی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۵

۵- خداوند ، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت کفرپیشگان ، مؤاخذه نخواهد کرد .

فلعلّک بخع نفسک علی ءاثرهم إن لم یؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۰ - ۳

۳ - کیفر های الهی در آخرت ، برپایه عدل و بدون کمترین ظلمی در حق کیفر شوندگان

أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۸، ۱۹

۱۸ - در گناه گروهی و دسته جمعی ، هر کس به قدر دخالتش در انجام آن

، مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت .

لکل امری منهم ما اکتسب من الإثم والذی تولی کبره منهم له عذاب عظیم

۱۹ - طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه ، سزاوار کیفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لکل امری منهم ما اکتسب من الإثم والذی تولی کبره منهم له عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۲

۲ - کیفر های الهی در جهان آخرت ، به صورت کامل و بی کم و کاست خواهد بود .

یومئذ یوفیهم الله دینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ هر گناهی از هر کسی ، مجازات الهی را در پی دارد .

و کفی به بذنوب عباده خبیراً

یادآوری آگاهی همه جانبه خداوند، حاکی است که گناه از هر کس که باشد، در پی دارنده مجازات است.

نظام کیفری در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- نظام کیفری خداوند برای مجازات کافران عصر بعثت ، نظامی مشخص و دارای موعِد و زمانی تخلف ناپذیر بود .

بل لهم موعِد لن یجدوا من دونه مؤثلاً

به قرینه آیه بعد، مراد مؤاخذه در <لو یؤاخذهم> مؤاخذه در دنیا است. و جمله <بل لهم موعِد> ظهور در فعلیت آن وعده دارد که در مورد کافران عصر بعثت صادق است.

وعدہ کیفیر اخروی

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و کیفیر

و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حَتَّى يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ

وعده کیفر دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۲

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و يقولون متى هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

وعده کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶- وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلای خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

وقت کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۵

۵- قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

يوم الدين

<دین> در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۵

۵ - آخرت ، تنها زمان کیفر کامل و مجازات مناسب

ثم یجزیه الجزاء الأوفی

به کار رفتن عبارت <الجزاء الأوفی> برای جزای اخروی، نشانگر آن است که گرچه در دنیا امکان مجازات وجود دارد؛ اما جزای کامل

تنها در آخرت تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸- قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

وقت کیفر عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۹

۹- برخورداری هر فرد ، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل ، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لِكُلِّ دَرَجَةٍ مِمَّا عَمِلُوا و لِيُؤْفِقَهُمْ أَعْمَلَهُمْ و هُمْ لَا يُظْلَمُونَ

لام در <لِيُؤْفِقَهُمْ>، بیانگر غایت و هدف است و این که با <واو> آمده است (و لِيُؤْفِقَهُمْ) نشان می دهد که اهداف چندی برای وجود معاد در کار است که به ذکر یکی از آنها اکتفا شده است و آن نفی ظلم در نظام پاداش و کیفر و برخورداری انسان ها از نتایج اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱- قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

يَوْمَ يُبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا

ویژگی کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ در نظام کیفری خداوند ، هیچکس به گناه دیگری مؤاخذه نخواهد شد .

أفتهلكنا بما فعل المبطلون

ویژگیهای کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - کیفر های الهی در جهان آخرت ، به صورت کامل و بی کم و کاست خواهد بود .

یومئذ یوفّیهم الله دینهم

۳ - کیفر های الهی در روز رستاخیز ، بر پایه حق و عدل و به دور از هر شایبه ظلم و بی دادگری

یومئذ یوفّیهم الله دینهم الحقّ

<الحقّ> در جمله <دینهم الحقّ> صفت برای <دین> است یعنی، جزای عادلانه و به حق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۵

۵ - آخرت ، تنها زمان کیفر کامل و مجازات مناسب

ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

به کار رفتن عبارت <الجزاء الأوفی> برای جزای اخروی، نشانگر آن است که گرچه در دنیا امکان مجازات وجود دارد؛ اما جزای کامل تنها در آخرت تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۹

۹ - تناسب کیفر های اخروی ، با گناهان انسان

همزه لمزه ... لینبذن فی الحطمه

برگزیدن نام <حطمه> که نشانگر درهم شکسته شدن جهنمیان در آتش است ممکن است در ارتباط با گناه <هَمْز> و <لَمْز> باشد که باعث شکسته شدن شخصیت و اعتبار کسی نزد دیگران است. ماده <نبذ> نیز که بر افکندن تحقیر آمیز دلالت دارد، چه بسا ناظر به تناسب آن با استهزاها و متلک انداختن های فرد دوزخی باشد.

هشدار به کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ نوح ، مشرکان قوم خویش را به کیفرهای سخت اخروی تهدید کرد .

انی

أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

۱۵ تهدید مشرکان به کیفر های اخروی ، زمینه ساز گرایش آنان به پرستش خدای یگانه و پرهیز از شرک و دوگانه پرستی

إني أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

هماهنگی کیفر با عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب کافران ، متناسب با نوع عملکرد آنان است .

لهم فيها دار الخلد جزاء بما كانوا بأيتنا يجحدون

<باء> در <بما كانوا> برای مقابله است ، یعنی ، جاودانگی کافران در دوزخ ، در برابر شیوه مستمر آنان در عناد و لجاجت با پیامبر(ص) و آیات الهی است .

هماهنگی کیفر با گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۹

۹ - خداوند ، پاداش دهنده و مجازات کننده ملت ها ، براساس عملکرد خود آنان

ليجزى قومًا بما كانوا يكسبون

<قومًا> ممکن است به تمامی ملت ها (اعم از مؤمن و کافر) نظر داشته باشد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۴ - ۴

۴ - تشابه کیفر اخروی با عملکرد دنیوی انسان

ننسیکم كما نسیتم

بنابراین که <کما> برای تشبیه باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

کیفر و پاداش

{کیفر و پاداش}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۷۸

۷ اهل کتاب ، معتقد به رستاخیز و کیفر اعمال

لن تمسنا النار الا اياماً

۸ گروهی از اهل کتاب ، قائل به وجود تبعیض در رستاخیز و کیفر های الهی بودند . *

لن تمسنا النار الا اياماً

زیرا نسبت به خودشان

عذاب اندکی را باور داشتند، ولی نسبت به دیگران چنین پنداری را نداشتند؛ یعنی تبعیض در رستاخیز و کیفرهای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۲۸

۲ باور های خودساخته انسان در زمینه تخفیف عذاب ، کیفر عادلانه خداوند را تغییر نمی دهد .

قالوا لن تمسنا النار الا اياماً .. فكيف اذا جمعناهم

گر چه اهل کتاب می گفتند که: لن تمسنا النار .. ، ولی خداوند می فرماید این باور نادرست، مجازات آنان را تغییر نخواهد داد.

۸ قیامت ، روزی که هر کس اندوخته های خود را به تمام و کمال دریافت می کند .

و وقیت کل نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۳،۶

۳ قیامت ، روز تحقق عقاب و قهر الهی و یافتن اعمال خیر و شر

و يحذركم الله نفسه .. يوم تجد كل نفس ما عملت من خير ... من سوء

۶ قیامت ، روز دریافت کیفر و پاداش اعمال نیک و بد *

يوم تجد كل نفس ما عملت من خير .. من سوء

بنابراینکه <ما عملت>، به معنای <جزاء ما عملت> باشد.

کینه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کینه

آثار کینه با ائمه (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٨- > عن أبي عبدالله (ع) ... [في قوله] > و شاركهم في الأموال و الأولاد < ... قال : إن الشيطان ليحيى حتى يقعد من
المرأه كما يقعد الرجل

منها و يحدث كما يحدث و ينكح كما ينكح قلت : بأى شىء يعرف ذلكك ؟ قال : بحبنا و بغضنا ، من أحبنا كان من نطفه العبد و من أبغضنا كان نطفه الشيطان ؛

از امام صادق(ع) در باره [سخن خداوند] <و شاركهم فى الأموال و الأولاد> روایت شده است که فرمود: همانا شیطان می آید و بر زنان می نشیند، همان گونه که مردان بر آنان می نشینند و همان می کنند که آنان انجام می دهند . . . [راوی می گوید] گفتم: به چه چیزی این مسأله شناخته می شود؟ حضرت فرمود: به حبّ و بغض نسبت به ما. هر کس ما را دوست بدارد، از نطفه پدرش می باشد و هر کس بر ما بغض بورزد، از نطفه شیطان می باشد.<

آرزوی رفع کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، آرزومند پاک بودن قلب هایشان از کینه و عداوت نسبت به اهل ایمان

يقولون ربنا .. و لاتجعل فى قلوبنا غلا للذین ءامنوا

ارزش رفع کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۴

۴ زدودن کینه و عداوت از سینه ها ، ارزش الهی است .

و نزعنا ما فى صدورهم من غل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۸

۸ - تلاش در راه رفع کدورت های پیشین ، به دنبال عفو و گذشت از خطای دیگران ، دارای ارزشی والا و پاداش فراوان الهی است .

فمن عفا و أصلح فأجره على الله

ذکر

<اصلح> پس از عفو، نشان می دهد که صرف عفو و اغماض در دستیابی به پاداش والای الهی کفایت نمی کند، بلکه می بایست پس از گذشت، در راه رفع اختلافات گام برداشت و طرح صمیمیت و آشتی افکند.

اظهار کینه برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۶

۶ اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنك سرق

لحن جمله <إن ابنك سرق> (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

افشای کینه منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۹ - ۱

۱ هشدار الهی به منافقان ، نسبت به افشای کینه های نهانی آنان

أم حسب .. أن لن يخرج الله أضغثهم

اهمیت رفع کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۴

۴ زدودن کینه و عداوت از سینه ها ، ارزش الهی است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۱۰

۱۰ مؤمنان وظیفه دارند برای از میان بردن کدورت ها ، درگیری ها و اختلافات خویشان تلاش کنند .

و أصلحوا ذات بینکم

بهشتیان و کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱

۱ خداوند دل ها و سینه های اهل بهشت را از هر کینه و دشمنی پاک خواهد کرد .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

<غل> به معنای کینه

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷ - ۱

۱- خداوند ، هر گونه دشمنی و کینه ای را از دل متقین در بهشت بیرون می کند .

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

<غلّ> در لغت به معنای دشمنی و کینه است.

پاداش رفع کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۸

۸ - تلاش در راه رفع کدورت های پیشین ، به دنبال عفو و گذشت از خطای دیگران ، دارای ارزشی والا و پاداش فراوان الهی است .

فمن عفا و أصلح فأجره علی الله

ذکر <أصلح> پس از عفو، نشان می دهد که صرف عفو و اغماض در دستیابی به پاداش والای الهی کفایت نمی کند، بلکه می بایست پس از گذشت، در راه رفع اختلافات گام برداشت و طرح صمیمیت و آشتی افکند.

جایگاه کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷ - ۳

۳- محل کینه و دشمنی انسان ، سینه و دل اوست .

و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

ذکر کینه شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۴- آدمیان همواره نسبت به کنیه و عداوت شیاطین با آنان توجه داشته باشند و از اطاعت آنان به پرهیزند .

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

رفع کنیه در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷ - ۱

۱- خداوند ، هرگونه دشمنی

و کینه ای را از دل متقین در بهشت بیرون می کند .

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

<غلّ> در لغت به معنای دشمنی و کینه است.

زمینه رفع کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷ - ۵

۵- تقوا، زمینه زدوده شدن کینه و دشمنی از دل ها و موجب ایجاد روح برادری در میان انسانها

إن المتقین . . . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ إخوناً

زمینه رفع کینه مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۱،۲

۱ - صلح حدیبیه ، مایه شوکت اسلام و فروختن کینه ها و خصومت های مشرکان نسبت به پیامبر (ص)

لیغفر لک الله ما تقدّم من ذنبک و ما تأخّر

با توجه به این که در این آیات، غفران مترتب بر فتح شده است، می توان پی برد که مراد از <غفران> و <ذنب> معنای رایج آن نیست؛ زیرا ربطی میان صلح حدیبیه و بخشش گناهان دیده نمی شود. بر این اساس معنای دیگری این جا مراد است و آن این که بعثت پیامبر(ص)، آن حضرت را در نظر دشمنانش گنه کار و متهم می نمود؛ ولی در پرتو صلح حدیبیه، زمینه نشر دعوت پیامبر(ص) و بازساخت شخصیت، اوصاف و خصال کریمانه آن حضرت فراهم آمد.

۲ - صلح حدیبیه ، کاهش دهنده کینه مشرکان نسبت به پیامبر (ص) ، در زمینه های مورد اختلاف آنان ، قبل از هجرت و پس از آن *

إنا فتحنا لک فتحًا مبینًا . لیغفر لک الله

ما تقدّم من ذنبك و ما تأخّر

منظور از <ما تقدّم> و <ما تأخّر>، امور قبل از هجرت و پس از آن است.

زمینه کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ از یاد بردن نعمت های خداوند ، زمینه ساز کینه توزی با پیامبران و سالکان راه خداست .

و لاتتعدوا... و اذکروا اذکنتم قليلا فکثرکم

عوامل رفع کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۱۱

۱۱ رعایت تقوا با عمل به احکام خداوند عاملی نیرومند برای حفظ وحدت جامعه ایمانی و زدودن کدورت ها و اختلافات آن

فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم

امر به تقوا پیش از الزام اهل ایمان به زدودن کدورتها، رهنمودی است به راهی اساسی برای دستیابی به این تکلیف اجتماعی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - دعا و نیایش به درگاه خداوند ، دارای تأثیر در ترکیه قلب ها از کینه و بدخواهی

يقولون ربّنا... و لاتجعل فی قلوبنا غلاّ

تمجید خداوند از دعای مؤمنان، نشانگر تأثیر آن است؛ زیرا در صورتی که دعا و تمنا لغو و بی تأثیر باشد، مجالی برای تمجید نخواهد بود.

عوامل کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۲

۲۲ شیطان از عوامل ایجاد عداوت و کینه

من بعد أن نزع الشیطن بینی و بین إخوتی

کینه ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ -

۳ ابلیس دشمن انسانها و دارای ضمیری پرکینه از آنان

لأفعدن لهم صرطك المستقيم

کینه با سالکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ از یاد بردن نعمت های خداوند ، زمینه ساز کینه توزی با پیامبران و سالکان راه خداست .

و لاتقعدوا .. و اذکروا إذ کنتم قليلا فکثرکم

کینه به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ از یاد بردن نعمت های خداوند ، زمینه ساز کینه توزی با پیامبران و سالکان راه خداست .

و لاتقعدوا .. و اذکروا إذ کنتم قليلا فکثرکم

کینه توزی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۴

۱۴ اهل کتاب (یهود) ، با علم به ناحق بودن قتل انبیا ، آنان را می کشتند . *

و یقتلون الانبياء بغير حقّ

چون تصوّر حق بودن قتل انبیا نمی رود، لذا می توان گفت که قید <بغير حق>، اشاره باشد به اینکه قاتلین می دانستند که قتل انبیا، حق نیست.

کینه توزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲۳

۲۳ کافران کینه توز و منافقان حيله گر شايسته نابودی

قل موتوا بغيظكم انّ الله عليم بذات الصدور

کینه توزی يهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۴

۱۴ اهل کتاب (يهود) ، با علم به

ناحق بودن قتل انبیاء، آنان را می کشتند . *

و یقتلون الانبیاء بغير حق

چون تصوّر حق بودن قتل انبیا نمی رود، لذا می توان گفت که قید <بغير حق>، اشاره باشد به اینکه قاتلین می دانستند که قتل انبیا، حق نیست.

کینه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۵

۵ کینه توزی و دشمنی دوزخیان نسبت به یکدیگر

فأتهم عذابا ضعفا من النار . . . فما كان لكم علينا من فضل

کینه در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۵

۵ وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

کینه علیه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۹ - ۵

۵ - توطئه ها و کینه‌ورزی های پنهان و آشکار مشرکان علیه پیامبر (ص)

و ربك يعلم ما تكن صدورهم و ما يعلنون

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره انواع بهانه جویی های کافران می باشد می توان گفت که مراد آیه بیان مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۴

۴ - بغض و کینه عمیق منافقان ، نسبت به شخص پیامبر (ص)

ليُخْرِجَنَّ الْأَعَزَّ مِنْهَا الْأَذْلَّ

تعبیر <أذلّ> در مورد رسول خدا(ص)، حکایت از دشمنی شدید منافقان نسبت به آن حضرت دارد.

کینه فرعون

جلد -

۱۱ - > سفیان بن سعید قال : سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد الصادق (ع) . . . يقول : يا سفیان ، عليك بالتقيه . . . ان الله عزوجل قال لموسى و هارون : > فقولا له قولاً لئناً لعله يتذكر أو يخشى < يقول الله عزوجل : كنياه و قولاً له : يا أبا مصعب ;

سفیان بن سعید گوید: از امام صادق(ع) شنیدم . . . که می فرمود: ای سفیان! تقیه را مراعات کن ... خداوند عزوجل به موسی و هارون فرمود: >فقولا له قولاً لئناً لعله يتذكر أو يخشى < مراد خداوند عزوجل این است که با کنیه به او خطاب کنید و به او بگویید: یا ابا مصعب <. (خطاب کردن به اشخاص با کنیه، نشانه احترام به آنان است).

کینه فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۰ - ۱

۱- موسی (ع) ، مورد هجوم کینه ها و تهمت های فرعونیان در پی ابلاغ پیام الهی

و إني عدت برّبي و ربكم أن ترجمون

برداشت بالا بر این اساس است که <رجم> (مصدر <ترجمون>)، در این آیه به معنای تهمت زدن باشد.

کینه مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۹ - ۵

۵ - توطئه ها و کینه‌ورزی های پنهان و آشکار مشرکان علیه پیامبر (ص)

و ربك يعلم ما تكن صدورهم و ما يعلنون

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین

که درباره انواع بهانه جویی های کافران می باشد می توان گفت که مراد آیه بیان مطلب یاد شده است.

کینه مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۳

۱۳ افشای رفتار های فریبکارانه و کینه قلبی مشرکان صدر اسلام نسبت به مسلمانان از سوی خداوند

و إن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلّا و لازمه .. و تأبی قلوبهم

آمدن فعلهای < يظهروا >، < يرقبوا > و < تأبی > به صورت فعل مضارع که دلالت بر حال و آینده می کند، می تواند حاکی از این حقیقت باشد که آیه در صدد افشای رازهای منافقان علیه مسلمانان است.

کینه منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۹ - ۳

۳ بیمار دلان منافق، دارای کینه های عمیق نسبت به دین و مؤمنان

أم حسب الذين في قلوبهم مرض أن لن يخرج الله أضغثهم

<أضغان>، (جمع <ضغن>) به معنای کینه های شدید و عمیق است.

کینه منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۴

۴ - بغض و کینه عمیق منافقان، نسبت به شخص پیامبر (ص)

ليخرجن الأعزّ منها الأذلّ

تعبیر <أذلّ> در مورد رسول خدا(ص)، حکایت از دشمنی شدید منافقان نسبت به آن حضرت دارد.

متقین و کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷ - ۱۸

۱- خداوند ، هرگونه دشمنی و کینه ای را از دل متقین در بهشت بیرون می کند .

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم

من غلّ

<غلّ> در لغت به معنای دشمنی و کینه است.

۸- امکان راه یابی کینه و دشمنی در دل متقین

و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

از اینکه خداوند فرمود: <از دل متقین کینه و دشمنی را برداشتیم> حکایت از این نکته می کند که کینه، می تواند در دل متقین راه پیدا کند.

منشأ کینه منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱۴

۱۴ رفاه و امکانات مادی مسلمانان ، غیر قابل تحمل برای منافقان صدر اسلام و برانگیزنده آنان به ستیزه جویی و کینه‌ورزی

و ما نقموا إلا أن أغنیهم الله و رسوله من فضله

موجبات کینه اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۶

۶ همیاریهای ضد دینی در دنیا، در پی دارنده دشمنی و کینه توزی در آخرت خواهد شد.

کلما دخلت أمه لعنت أختها

یوسف(ع) و کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۹

۹ گذشت ، بزرگواری و منزّه بودن از کینه توزی و حسّ انتقام جویی به هنگام قدرت ، از خصلت های نیکوی حضرت

یوسف (ع)

فلاتبتئس بما كانوا يعملون

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

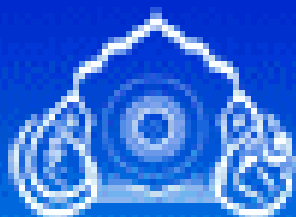
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

